کلیات

مفاتیح نوین

آیت الله العظمی مکارم شیرازی

مشخصات کتاب

سرشناسه : مکارم شیرازی، ناصر، 1305 -

عنوان قراردادی : مفاتیح نوین. برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : زمزمه رمضان: برگرفته از کتاب مفاتیح نوین / اثر مکارم شیرازی؛ با همکاری احمد قدسی... [و دیگران].

وضعیت ویراست : [ویراست ؟].

مشخصات نشر : قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، 1387.

مشخصات ظاهری : 103ص.؛ 5/11 × 5/16 س م.

شابک : 5000 ریال : 9789645330239

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : با همکاری احمد قدسی، سعید داودی، محمدرضا حامدی، مسعود مکارم.

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: Whisper of Ramazan.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : دعاهای ماه رمضان

موضوع : اعمال الشهور

شناسه افزوده : قدسی، احمد

رده بندی کنگره : BP270 /ر8 م7 1387

رده بندی دیویی : 297/774

شماره کتابشناسی ملی : 1577912

اشاره

ص :13

پیشگفتار

اشاره

بسم الله الرحمن الرحیم

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی جَعَلَ الدُّعَاءَ ذَرِیعَهً إِلَی رَحْمَتِهِ، وَ سَبَباً لِإِجَابَتِهِ، وَ قَالَ:

«أُدْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ» وَ جَعَلَ زَیَارَهَ أَوْلِیَائِهِ وَسِیلَهً إِلَی رِضْوَانِهِ، وَ سَبِیلاً إِلَی مَرْضَاتِهِ، وَ نَیْلِ الشَّفَاعَهِ عِنْدَهُ.

ثُمَّ جَعَلَ جَمِیعَ ذلِکَ سَبَباً لِتَرْبِیَهِ النُّفُوسِ، وَ تَهْذِیبِ الْقُلُوبِ، وَ تَطْهِیرِ الْأَرْوَاحِ عَنْ دَنَسِ الذُّنُوبِ. وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی نَبِیِّهِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ الطَّاهِرِینَ النُّجَباءِ، أَلَّذِینَ عَلَّمُونا طُرُقَ الزِّیَارَهِ وَ الدُّعَاءِ، لَاسِیَّمَا بَقِیَّهَ اللَّهِ الْمُنْتَظَرَ أَرْوَاحُنَا فِدَاهُ، وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً کَثِیراً.

***

قبل از ورود در مباحث این کتاب ذکر چند نکته ضروری به نظر می رسد:

1- کتب دعا و زیارت و کتاب مفاتیح الجنان

در طول تاریخ شیعه جمعی از بزرگان به گردآوری دعاها و زیاراتی که از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمّه هدی علیهم السلام صادر شده، پرداخته اند تا همه عاشقان راز و نیاز با خدا و شیفتگان زیارت اولیاءاللَّه را از این چشمه جوشان معنویّت، سیراب سازند که از میان آنها می توان به این افراد اشاره کرد:

1- مرحوم کلینی (مولّف کتاب شریف کافی و «کتاب الدعاء»، متوفّای سال 329 هجری قمری).

2- ابن قولویه (مؤلّف کتاب «کامل الزیارات»، متوفّای سال 368).

3- شیخ صدوق (مؤلّف کتاب «الدعاء والمزار»، متوفّای سال 381).

4- شیخ الطائفه شیخ طوسی (مؤلّف کتاب «مصباح المتهجّد»، متوفّای سال 460).

5- سیّدبن طاووس (نویسنده کتابهای «مُهج الدّعوات، فلاح السائل، زهرهالربیع، جمال الاسبوع، اقبال و ...» متوفّای سال 664).

6- ابن فهد حلّی (نویسنده کتاب «عدّهالداعی» و «المزار» متوفّای سال 841).

ص: 15

7- کفعمی (نویسنده کتاب «المصباح» و «البلدالامین» متوفّای سال 905).

8- شیخ بهایی (نویسنده کتاب «مفتاح الفلاح» متوفّای سال 1031).

9- علّامه مجلسی (نویسنده کتاب های «زاد المعاد، ربیع الاسابیع، تحفه الزائر، مفاتیح الغیب و مقباس المصابیح»، متوفّای سال 1110).

هر یک از این بزرگان در عصر خود رسالت خویش را در زمینه دعا به نحو احسن انجام دادند تا این که نوبت به مرحوم ثقهالمحدثین حاج شیخ عبّاس قمی- رضوان اللّه تعالی علیه- (متوفای 1359 ق) رسید؛ ایشان با ذوق سرشار و سلیقه بسیار خوب و احاطه وسیعی که بر آثار اهل بیت علیهم السلام و کتب دعا و زیارات سابقین داشت، به تألیف کتاب جامع «مفاتیح الجنان» پرداخت و روی خلوص نیّتی که این محدّث عالیقدر از آن برخوردار بود، در مدّت کوتاهی، کتابش جهانگیر شد و به همه مساجد و خانه ها، راه یافت وهمگان از رشحات قلم این عالم با اخلاص سیراب شدند.

قابل توجه اینکه، قبل از کتاب «مفاتیح الجنان» کتاب دعایی به نام «مفتاح الجنان» چاپ و در بسیاری از خانه ها منتشر شده بود، که کتاب دعای بسیاری از مردم را تشکیل می داد و متأسّفانه این کتاب آلوده به روایات مجعول و نادرستی بود که مرحوم حاج شیخ عباس قمی و استادش حاجی نوری را سخت عصبانی کرده بود (که در مفاتیح الجنان، ذیل زیارت مطلقه وارث، این ناراحتی به طور مشروح منعکس است) و همین امر سبب شد که مرحوم حاج شیخ، به نوشتن اثر پر ارزش «مفاتیح الجنان» (به جای «مفتاح الجنان») اقدام نماید، که در مقدمه مفاتیح الجنان به این مطلب اشاره شده است.

ولی از آن جا که این کتاب مانند بسیاری از کتاب ها برای شرایط زمانی و مکانی خاصّی نوشته شده بود و مخاطبان ویژه ای داشت، لازم بود در عصر و زمان ما مورد تجدید نظر وسیع قرار گیرد؛ کاستی ها برطرف گردد، و از پاره ای از مطالب اضافی که مایه ایراد بدخواهان است صرف نظر شود؛ مدارک و منابع دعاها و زیارات و ... افزوده گردد؛ رمز و راز، فلسفه، آثار و برکات دعاها و زیارات یادآوری شود؛ سپس نظم نوینی به آن داده شود و در مجموع کتاب دعا و زیارتی که از هرنظر جامع ومتناسب عصر و زمان ما- مخصوصاً برای نسل جوان خداجو- باشد، فراهم گردد.

***

سال ها بود که این فکر را در سر می پروراندم و از خدا توفیق آن را می خواستم؛ پس از مطالعه کافی در این زمینه لازم دیدم که از دو نفر از فضلای گرانقدر، باذوق، مخلص و پرکار حوزه علمیّه، یعنی: استادان ارجمند، حجج اسلام آقایان سعید داودی و احمد قدسی برای کمک و همکاری دعوت کنم؛ بحمداللّٰه آنها استقبال کردند و با پشتکار تمام به آن پرداختند و زحمات فراوان در تنقیح و تحقیق مباحث کشیدند، و اینجانب در تمام مراحل بر کار آنان نظارت داشتم و آنچه لازم بود بر آن افزودم. بعد از

ص: 16

اتمام کتاب، یک بار دیگر از آغاز تا پایان با حضور این آقایان مورد بررسی مجدّد قرار گرفت و در نتیجه، مجموعه حاضر که تصوّر می کنم اهداف فوق را کاملاً تأمین می کند، فراهم شد. خداوندازهمه قبول فرماید.

2- آثار روح پرور دعا

یکی از مزایای مهمّ مکتب اهل بیت علیهم السلام دعاهای بسیار عالی، روح پرور، پرمحتوا و آموزنده ای است که از آن امامان بزرگوار به یادگار مانده، بعضی از آنها شبیه اعجاز است؛ دعاهایی همچون دعای کمیل، صباح، ندبه، ابوحمزه و دعای عرفه. راستی چنین است؛ مانند این دعاها را در هیچ جا و نزد هیچ گروهی نمی توان یافت.

این دعاها که منبع الهام بخش معارف غنیّ اسلام است، راه و رسم خودسازی و «سیر و سلوک الی اللَّه» را به ما می آموزد و چون روی سخن در آنها با خدا است، چنان اوج می گیرد که از قلّه افکار آدمیان فراتر می رود.

شکّی نیست که دعا نقش بسیار مؤثّری در تربیت نفوس انسانی و سوق آنها به مراتب کمال دارد که شاید بسیاری از دعاکنندگان از آن غافل باشند.

با این که خداوند به انسان بسیار نزدیک است، ولی آدمی با غفلت و بی توجّهی، از او فاصله گرفته و دور می شود؛ در این میان، دعا و ذکر است که حجاب میان دعاکننده و خداوند متعال را برطرف می سازد و انسان، قرب و نزدیکی را کاملاً احساس می کند.

«دعا» همچون باران بهاری است که سرزمین دلها را سیراب و شکوفه های ایمان و اخلاص و عشق و عبودیّت را بر شاخسار روح آدمی ظاهر می سازد !

«دعا» نسیم روح بخش قدسی است که همچون دَم مسیح، «عظم رمیم» را «باذن اللَّه» حیات می بخشد !

«دعا» دریای موّاجی است که گوهرهای فضایل اخلاق را در درون خود پرورش می دهد !

هر نَفَسی که با دعا همراه است مُمدّ حیات است و مُفرّح ذات، و هر دلی که با نور دعا قرین است، با تقوای الهی همنشین است.

دعاکننده، وصول به مقاصد شخصی خود را از خدا می طلبد و خداوند تربیت و پرورش روحانی او را از طریق دعا می خواهد، و بقیّه بهانه است!

و از این جا می توان گفت: دعا اکسیر اعظم، کیمیای سعادت، آب حیات و روح عبادت است؛ همان گونه که در حدیث وارد شده

«الدُّعاءُ مُخُّ الْعِبادَهِ».(1)

و جالب این که طبق گواهی قرآن، ارزش انسانها در پیشگاه پروردگار به خاطر دعاهای آنهاست!

«قُلْ مَا یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْلَا دُعَاؤُکُمْ».(2)

ص: 17

1- [1]بحارالانوار، جلد 90، صفحه 302، حدیث 39.
2- [2]سوره فرقان، آیه 77.

کوتاه سخن این که:

دعا عامل مهمّی برای تربیت و پرورش روح انسان است.

دعا از نومیدی و یأس جلوگیری کرده و نور امید بر دل می پاشد.

دعا در مشکلات به انسان نیرو می بخشد و در برابر حوادث سخت درس مقاومت می دهد.

دعا نشاط و شادابی روح و دل را تضمین می کند و انسان را از افسردگی رهایی می بخشد.

دعا در برابر مصائب زندگی به انسان پایداری و تحمّل می دهد.

3- مزایای «مفاتیح نوین» و روش ما در این کتاب

1- نخستین مزیّت آن این است که به قلم روز نگاشته شده و برای همگان، به ویژه نسل جوان، به سهولت قابل درک است.

2- برای هر بخش از دعاها و زیارات، مقدّمات فشرده و پرمعنایی نوشته شده که به تحصیل آثار معنوی و حالات عرفانی دعا کمک می کند.

3- منابع و مدارک دعاها و زیارات با دقّت تمام در پاورقی آمده است و در همه جا بر منابع قابل قبول تکیه شده است.

4- با توجّه به این که وقت مردم در عصر ما فشرده و محدود است در مواردی که اعمالی مشابه یکدیگر بوده، از میان آنها بهترین ها گزینش شده است.

5- نظم و ترتیب منطقی روشن، به مطالب کتاب داده شده تا پیداکردن دعاها و زیارات آسانتر و راحت تر باشد.

6- مطالب ضعیف یا اموری که بهانه به دست ناآگاهان می دهد، کنار گذاشته شده است.

7- سعی شده است از ترجمه خوب و روان برای همه دعاها استفاده شود. (در این چاپ از کتاب، قسمت عمده ترجمه ها توسط دو تن از فضلای

حوزه حجج اسلام آقای محمدرضا حامدی و آقای مسعود مکارم، که زیر نظر اینجانب تهیه شده بهره گرفتیم).

8- در آن جا که نسخه ها متعدّد بوده، در دعاها و زیارات معروف، تنها به نسخه متداول اکتفا شده است تا مایه سردرگمی نشود، (مگر آن که اختلاف نسخه، مهم و قابل توجّه باشد) و در دیگر موارد، دقیقاً مطابق منبع و مصدر نقل شده، آمده است.

9- در برخی موارد، برای پرهیز از حجیم شدن کتاب، روایاتی که در فضیلت دعا و زیارت و غیر آن نقل شده، تلخیص و نقل به معنا گردیده و با ترجمه ای روان و احیاناً کمی آزاد، بیان شده است، بی آن که لطمه ای به محتوای آن وارد گردد.

ص: 18

10- از آن جا که یکی از نشانه های اعتبار سند روایات، محتوای روایت است، در گزینش دعاها و زیارات علاوه بر دقّت در اسناد، به محتوای آن نیز توجّه شده است.

4- راه تحصیل حضور قلب در دعا و نماز

بی شک روح دعا و نماز، به حضور قلب است و بدون آن، آثار مهمّ تربیتی و خودسازی و نورانیّت و صفای روح، کمتر بدست می آید و این جای تردید نیست؛ آنچه مهمّ است و باید به آن توجّه جدّی شود پیداکردن راههای تحصیل این امر مهم است؛ چون بسیارند کسانی که اشتیاق فراوان برای کسب حضور قلب و خضوع در نماز و دعا دارند؛ امّا هر چه می کوشند توفیق آن را نمی یابند.

برای تحصیل خشوع و حضور قلب در دعا و نماز و سایر عبادات، به امور ذیل توصیه می شود:

1- به دست آوردن شناخت و معرفتی که دنیا را در نظر انسان کوچک و خدا را در نظر انسان بزرگ کند، تا هیچ کار دنیوی نتواند به هنگام راز و نیاز با معبود، نظر او را به خود جلب و از خدا منصرف سازد.

2- توجّه به کارهای پراکنده و مختلف، معمولاً مانع تمرکز حواس است و هر قدر انسان، توفیق پیدا کند که مشغله های تشویش آور و پراکنده را کم کند، به حضور قلب در عبادات خود، کمک کرده است.

3- انتخاب محل و مکان نماز و دعا و سایر عبادات نیز در این امر، اثر بسیار دارد؛ به همین دلیل، نماز خواندن در برابر اشیا و چیزهایی که ذهن انسان را به خود مشغول می دارد مکروه است و همچنین در برابر درهای باز و محلّ عبور و مرور مردم و در مقابل آینه و عکس و مانند آن. به همین دلیل، مساجد و معابد مسلمین هر قدر ساده تر و خالی از زرق و برق و تشریفات باشد، بهتر است؛ چرا که به حضور قلب کمک می کند.

4- پرهیز از گناه عامل مؤثّر دیگری است؛ زیرا گناه آینه قلب را مکدّر ساخته، مانع آن می شود که جمال محبوب حقیقی در آن منعکس گردد، و با حجابی که به وجود می آید انسانِ دعاکننده، یا نمازگزار، خویشتن را در محضر او نمی بیند، به همین دلیل، قبل از هر نماز و دعا باید از گناهان توبه

کرد و خود را به خدا سپرد. توجّه به اذکاری که در مقدّمه نماز آمده است بسیار مؤثّر است.

5- آشنایی با معنای نماز و دعا و فلسفه افعال و اذکار آن، عامل بسیار مهمّ دیگری برای حضور قلب است؛ چرا که وقتی انسان معانی و فلسفه های عبادات را بداند و به آن توجّه کند، راه حضور قلب برای او هموار می شود.

6- انجام مستحبّات نماز و آداب مخصوص عبادت و دعا، چه در مقدّمات و چه در اصل نماز نیز، کمک مؤثّری به این امر می کند.

7- از همه اینها گذشته، این کار، مانند هر کار دیگر، نیاز به مراقبت، تمرین، استمرار و پی گیری زیاد

ص: 19

دارد؛ بسیار می شود انسان در آغاز کار تنها در یک، یا چند لحظه کوتاه، قدرت تمرکز فکر و حضور قلب پیدا می کند، امّا با ادامه این کار و پی گیری و تداوم، چنان قدرتی در نفس او پیدا می شود که می تواند به هنگام نماز و دعا، دریچه های فکر خود را بر غیر معبود، مطلقاً ببندد و خود را در حضور او ببیند و با او به راز و نیاز بپردازد.

بنابراین، به همه- مخصوصاً جوانان- توصیه می کنیم که از پرت شدن حواس و عدم حضور قلب در عبادات خود، رنجیده و مأیوس نشوند، راه را ادامه دهند، ان شاءاللّٰه پیروز خواهند شد.

8- در عباداتی که جنبه تکراری دارد، مانند نماز، تغییر شکل ظاهری آن نیز در حضور قلب بسیار مؤثّر است. مثلاً سوره هایی را که در نماز بعد از حمد می خواند، تغییر دهد؛ در بعضی از رکوع و سجودها ذکر «

سبحان اللّٰه

» و در بعضی ذکر کبیر «

سبحان ربّی العظیم و بحمده

» و «

سبحان ربّی الأعلی و بحمده

» بخواند، دعاهای قنوت را عوض کند، یا مثلاً دعای کمیل را گاه به صورت عادی، گاه ترتیل، گاه با صوت بخواند؛ یا در دل، به هنگام خواندن نماز و دعا خود را در مناطق و حرمهای مکّه و مدینه و غیر آن ببیند.

تجربه نشان داده این تغییر صورت، کمک زیادی به تمرکز فکر و حضور قلب می کند.

9- پرهیز از غذاهای شبهه ناک نیز در این امر بسیار مؤثّر است.

10- از همه اینها گذشته، باید با تمام وجود، نعمت بزرگ حضور قلب را در دعا و نماز و زیارت از خدا خواست؛ او کریم و رحیم است و جوینده را ناامید بر نمی گرداند.

چنین شنیدم که لطف ایزدبه روی جوینده در نبندد !

دری که بگشاید از حقیقت بر اهل عرفان، دگر نبندد !

5- آداب دعا کردن و شرایط استجابت دعا

برای دعا کردن و باریافتن به محضر دوست، و بهره مندی بیشتر از فیض و رحمت الهی، آدابی ذکر شده است، که یقیناً برای استجابت دعا، مؤثّر خواهد بود. در این جا به اهمّ آنها (با استفاده از روایات) اشاره می شود.

الف) معرفت الهی

دعاکننده باید خدا را به درستی بشناسد و به مالکیّت، قدرت، عظمت، توانایی، علم و آگاهی و کرم و لطف خداوند ایمان داشته باشد.

ب) حسن ظنّ به خدا

در روایات آمده است که هنگام دعا، به خداوند و اجابت دعا توسّط او، اطمینان داشته باشید و باور

ص: 20

شما این باشد که خداوند، دعایتان را به اجابت می رساند.(1) (و اگر طبق مصالحی به اجابت نرسد بهتر از آن را به شما خواهد داد).

ج) دعا همراه با احساس نیاز

دعا باید، همراه با احساس نیاز شدید و درماندگی باشد به گونه ای که انسان باور کند، جز خداوند پناهگاهی ندارد.(2) د) دعا همراه با توجه تامّ

به هنگام دعا، باید همه توجّه و حواسّ دعاکننده به جانب حق باشد و قلبش را از هرچه غیر خداست تهی سازد.(3) ه) دعا همراه با خضوع و دل شکستگی

دعاکننده باید با نهایت خضوع، رقّت قلب و فروتنی به درگاه خدا روی آورد(4)؛ در این هنگام دستانش را به سمت آسمان (به علامت تسلیم و تعظیم) بلند می کند(5) و با چشمان اشکبار و قلبی ترسان، حاجت می طلبد.(6) و) دعا همراه با استغفار و صلوات

در ابتدای دعا، حمد الهی، ثنای پروردگار، استغفار و توبه و صلوات بر محمّد و آلش برای استجابت دعا بسیار مؤثّر است.(7) ز) اصرار و پافشاری در دعا

اصرار و پافشاری در دعا، مورد سفارش معصومین علیهم السلام است؛(8) دعاکننده نباید ناامید شود، و از دعا کردن دست بردارد.

علاوه بر نکات فوق، به یقین، دعا در برخی از زمان ها، مثل شب و روز جمعه، دعا در نیمه های شب و سحرگاهان، مخصوصاً ماه مبارک رمضان، شب های قدر و مانند آن و همچنین در برخی از مکان ها، مانند مسجدالحرام، مسجد پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله، مشاهد مشرّفه و مانند آن، تأثیر بسزایی دارد.(9) این بخش را با سخنی از عارف کامل، عالم ربّانی و مرد میدان علم و عمل، مرحوم «سیّدبن طاووس» به پایان می بریم؛ ایشان می گوید: «هرگاه از خداوند حاجتی می طلبی، حال تو در برابر او- لااقلّ- مانند عرض نیاز، به نزد فرمانروایان دنیا باشد. همان گونه که برای جلب نظر آنان، از هیچ کوششی دریغ نمی ورزی و به هر طریق ممکن، خشنودی آنان را تحصیل می کنی، باید در برابر خداوند و

1- [3]کافی، جلد 2، صفحه 473، حدیث 1.
2- [4]وسائل الشیعه، جلد 4، صفحه 1174، حدیث 1.
3- [5]کافی، جلد 2، صفحه 473، حدیث 2.
4- [6]همان مدرک، صفحه 481، حدیث 6.
5- [7]همان مدرک، صفحه 479 و 480، حدیث 1 و 2.
6- [8]وسائل الشیعه، جلد 4، صفحه 1120، حدیث 1.
7- [9]همان مدرک، صفحه 1126 و 1127 و 1135.
8- [10]بحارالانوار، جلد 90، صفحه 300 و 374
9- [11]برای آگاهی بیشتر از روایات، به بحارالانوار، جلد 90، صفحه 348، حدیث 15 و صفحه 351، حدیث 16 مراجعه فرمایید.

به هنگام خواستن حاجتی از او نیز، در تحصیل رضایتش کوشش فراوان نمایی! مبادا که توجّه ات به خداوند، از اقبال و توجّه ات به قدرتمندان دنیا کمتر باشد! اگر چنین باشی و منزلت خدا، در نزد تو، از منزلت آنها کمتر باشد- در حالی که همه آنها مملوک و بندگان خدایند- به یقین خداوند بزرگ را کوچک شمرده ای و عظمت و جلالش را به حساب نیاورده ای!.

دیگر آن که: نماز و روزه ای که برای طلب حاجت به جا می آوری، هرگز از روی امتحان و آزمایش خداوند نباشد! زیرا انسان کسی را می آزماید که نسبت به او بدگمان باشد و خداوند از کسانی که در حقّ او گمان بد دارند، مذمّت کرده و فرموده: «

«أَلظَّانِّینَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَیْهِمْ دَائِرَهُ السَّوْءِ»؛

آنان که به خداوند، گمان بد می برند، حوادث ناگوار به آنان می رسد».(1) بلکه باید به خداوند کمال اعتماد و اطمینان را داشته باشی و به وعده های او امیدوارتر از وعده یک انسانِ توانگرِ سخاوتمند باشی!

سزاوار است به هنگام نماز و یا روزه حاجت، نخست حاجت های دینی را به ترتیب اهمیّت در نظر بگیری و البتّه مهمترین خواسته ها، حاجت آن مولایی است که تو در پناه هدایت و حمایت او به سر می بری! یعنی نخست باید برای حاجت های امام زمان (عجّل اللَّه تعالی فرجه الشریف) دعا کنی وآنگاه حاجت های دینی خود را بخواهی و در نهایت، حاجت و نیاز دنیوی خود را که در دل داری با خدای خویش مطرح نمایی ...».(2)

6- عوامل عدم استجابت دعا

بعضی از مردم از تأخیر اجابت دعا یا عدم اجابت آن گله دارند، و توجّه ندارند که اجابت دعا مانند همه کارها شرایطی دارد:

لازم است بدانیم، دعا کردن به درگاه خدا، از دو سو، مقرون به رحمت الهی است: از یک سو، توفیق الهی برای دعا کردن، و از سوی دیگر استجابت دعا از جانب خداوند.

همین که انسان به دعا و راز و نیاز با خداوند می پردازد، یقیناً به سبب توفیق الهی است (چه دعایش به اجابت برسد، یا نرسد)؛ زیرا هر کسی توفیق شرفیابی به بارگاه الهی و گفتگو با حضرت حقّ را ندارد و این خود

برای هر دعاکننده ای بسیار با ارزش است؛ امّا با این حال، در روایات عواملی برای عدم استجابت دعا ذکر شده است که از مهمترین آنهاست:

الف) دست کشیدن از تلاش و اکتفا به دعا

این نکته را باید بدانیم، که دعاکردن به معنای دست از تلاش کشیدن نیست، زیرا در این صورت دعای دعاکننده به اجابت نمی رسد؛ چرا که هیچ دعایی برای جبران تنبلی و تن پروری وارد نشده است.

ص: 22

1- [12]سوره فتح، آیه 6.
2- [13]جمال الاسبوع، صفحه 326(با تلخیص).

درباره برخی از افراد که دعایشان به اجابت نمی رسد، امام صادق علیه السلام فرمود: «

... وَ رَجُلٌ جَلَسَ فِی بَیْتِهِ وَ قالَ: یا رَبِّ ارْزُقْنِی، فَیُقالُ لَهُ: أَ لَمْ أَجْعَلْ لَکَ السَّبیلَ إِلی طَلَبِ الرِّزْقِ ...

؛ و آن کس که در خانه اش بنشیند و بگوید: پروردگارا! روزی مرا برسان! به او گفته می شود: آیا برای طلب روزی و کسب درآمد، راه و مسیری (که همان تلاش و کوشش است) قرار نداده ام؟!».(1) ب) گناهان از موانع مهم است

بسیاری از گناهان، سبب عدم استجابت دعا می شود. در روایتی امام علی علیه السلام در پاسخ به مردی که گفت دعای ما به اجابت نمی رسد، فرمود: «چگونه دعایتان به اجابت برسد، در حالی که راه های آن را مسدود ساخته اید! اعمالتان را اصلاح کنید، درونتان را خالص گردانید، امر به معروف و نهی از منکر کنید، آنگاه خداوند دعایتان را به اجابت می رساند».(2) (و به این ترتیب دعا وسیله ای برای تربیت و خودسازی می شود).

در روایات دیگری، عقوق والدین،(3) ناپاکی های درونی، نفاق، تأخیر نماز از وقتش، ترک نیکی و صدقه، بدزبانی و ... از عوامل عدم استجابت دعا ذکر شده است.(4) ج) دعا بر ضدّ مؤمنان و دوستان

اگر کسی برضدّ مؤمنی و دوستی دعا کند (نفرین نماید) و بدون جهت و ظالمانه، از خداوند بدِ او را بخواهد، دعایش به اجابت نمی رسد.(5) د) دعا فقط در دشواریها

اگر کسی در حالت خوشی و آسودگی به درگاه خدا نرود و دعا نکند و فقط در مشکلات و شدّت و گرفتاری به سوی خدا برود، ممکن است دعایش به اجابت نرسد. در روایات آمده است: اگر بخواهی در مشکلات و دشواریها خداوند دعایت را به اجابت برساند، در آسودگی و خوشی، خدا را فراموش مکن و فراوان دعا کن!.(6) ه) غذاهای حرام و ناپاک

در روایت آمده است: «آن کسی که می خواهد، دعایش به اجابت برسد، باید از راه حلال کسب درآمد کند»(7) و در روایت دیگر رسول خدا صلی

الله علیه و آله به کسی که گفت دوست دارم، دعایم مستجاب شود، فرمود:

«وجودت را از لقمه حرام پاک کن».(8)

ص: 23

1- [14]وسائل الشیعه، جلد 4، کتاب الصلاه، ابواب الدعاء، باب 50، صفحه 1159، حدیث 3.
2- [15]بحارالانوار، جلد 90، صفحه 377، حدیث 17.
3- [16]کافی، جلد 2، صفحه 447، حدیث 1.
4- [17]معانی الاخبار، صفحه 271، حدیث 2 و بحارالانوار، جلد 70، صفحه 376، حدیث 12.
5- [18]بحارالانوار، جلد 90، صفحه 378، حدیث 21.
6- [19]وسائل الشیعه، جلد 4، صفحه 1096، باب 9 از ابواب الدعاء.
7- [20]بحارالانوار، جلد 90، صفحه 358 و 373.
8- [21]همان مدرک، صفحه 373.

7- فلسفه پاداش های فراوان دعاها، زیارات و نمازها

گاه در روایات برای دعاها و زیارات و نمازها و اذکار پاداش های عظیمی ذکر شده است که ممکن است این دو سؤال را برای خوانندگان مطرح کند:

1- آیا هر فرد مسلمانی که چنین اعمال ساده ای را انجام دهد از چنان پاداش های عظیم بهره مند می شود و اصولاً چه رابطه ای میان این اعمال و آن همه ثواب و پاداش است؟

2- گرچه رحمت الهی بی پایان است و هر قدر پاداش به افراد بدهد، کاستی در آن ایجاد نمی شود (

وَلا تَزیدُهُ کَثْرَةُ الْعَطاءِ إِلّا جُوداً وَ کَرَماً

).(1) ولی گاه این پاداش ها از حدّ نیاز در زندگی آخرت نیز افزون است و گاه می شود که رسیدن به یک پاداش معنوی و فوق العاده برای آرامش و لذّات مؤمن کافی است.

در پاسخ سؤال اول باید به این نکته توجّه کرد که اوّلاً: دریافت این پاداش های عظیم مطابق صریح آیات قرآن و روایات، متوقّف بر ایمان و اخلاص و تقواست، چنانکه در قرآن کریم می خوانیم:

«إِنَّمَا یَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِینَ».(2)

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «

مَنْ قالَ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصاً، دَخَلَ الْجَنَّهَ، وَ اخْلاصُهُ انْ یُحْجِزَهُ لا الهَ الَّا اللَّهُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ

؛ کسی که «لا اله الا اللّه» را با اخلاص بگوید، داخل بهشت می شود و اخلاصش این است که «لا الهَ الَّا اللَّهُ» او را از تمام آنچه خداوند متعال حرام کرده، باز دارد».(3) قابل توجّه اینکه مرحوم علّامه مجلسی در بحارالانوار چندین حدیث به این مضمون نقل کرده است.(4) و نیز در پاره ای از روایاتی که در مورد پاداش عظیم زیارت ها آمده، جمله «

عارِفاً بِحَقِّهِ

» دیده می شود که مفهومش آن است: آن امام را واجب الاطاعه بداند و دستوراتش را بکار گیرد؛ در یکی از این روایات امام کاظم علیه السلام می فرماید: «

اذا عَرَفَ حَقَّهُ وَ حُرْمَتَهُ وَ وَلایَتَهُ

...». (5) ثانیاً: حفظ این دستاوردها و پاداش ها نیز مهمّ است؛ زیرا ممکن است کسی با اعمال صالحی پاداش های عظیمی برای خود فراهم سازد، ولی بعداً با اعمال زشت و گناهان عظیم آنها را از نامه اعمال خود بشوید؛ در حدیث معروفی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم که: هر کس لا اله الا اللّه بگوید، خداوند درختی در بهشت برای او غرس می کند (حضرت همین سخن را درباره اذکار دیگری نیز فرمود).

مردی از قریش در آنجا حاضر بود، عرض کرد: ای رسول خدا! بنابراین درختان ما در بهشت بسیار زیاد است! حضرت فرمود: «

نَعَمْ! وَ لکِنْ ایَّاکُمْ انْ تُرْسِلُوا عَلَیْها نِیراناً فَتُحْرِقُوها

؛ آری! ولی برحذر باشید

1- [22]دعای افتتاح.
2- [23]سوره مائده، آیه 27.
3- [24]بحارالانوار، جلد 90، صفحه 197، حدیث 21.
4- [25]همان مدرک.
5- [26]کافی، جلد 4، صفحه 582، حدیث 9.(مرحوم کلینی در همان باب روایات دیگری نزدیک به همین مضمون آورده است).

که آتشی نفرستید که آن درختان را بسوزاند». سپس پیامبر به آیه 33 سوره محمد:

«وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ

...» استدلال فرمود.(1) در مورد سؤال دوم به این نکته باید توجه داشت که پاداش های عظیم قیامت متناسب با آن عالم عظیم است؛ تمام دنیایی که ما در آن زندگی می کنیم در برابر جهان آخرت به منزله خانه کوچکی در مقابل تمام منظومه شمسی است و یا از آن کوچکتر؛ بنابراین، نباید از عظمت آن پاداش ها تعجب کرد.

به علاوه، پاداش های الهی متناسب لطف و کرم اوست نه متناسب اعمال ما و اضافه بر اینها گاه اعداد و ارقامی که در این روایات وارد شده، کنایه از یک سلسله پاداش های مهم معنوی است که در لباس پاداش های مادی به تناسب جهانی که در آن زندگی می کنیم، بیان شده است.

8- تبدیل خواسته ها

از برخی روایات استفاده می شود که گاهی اوقات، خداوند دعای مؤمنان را اجابت نمی کند و در عوض، گناهانی را از آنها می آمرزد و یا آن را ذخیره برای آخرت می سازد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر مسلمانی که دعا کند، دعایش به اجابت می رسد: یا به زودی در دنیا خداوند حاجتش را برآورده می سازد و یا برای آخرتش ذخیره می کند و یا گناهانش را می آمرزد».(2) در روایتی دیگری آمده است: «گاه در قیامت، خداوند پاداش دعاهایی را که در دنیا به اجابت نرسیده، به مؤمن می دهد؛ در آن زمان مؤمن آرزو می کند، ای کاش در دنیا هیچ دعایی به اجابت نمی رسید و همه آنها امروز به پاداش الهی تبدیل می شد».(3) این را نیز باید کاملاً توجّه داشت که گاه انسان بر اثر بی اطّلاعی، حاجتی را با تمام وجودش از خدا می خواهد که به ضرر اوست و اگر به آن رسد دنیا و آخرت او تباه می شود، خداوند به لطفش آن چیز را دریغ می دارد و به جای آن، نعمت دیگری به او می بخشد؛ زیرا معلومات ما محدود و ناقص است و علم بی پایان، نزد خداست.

9- توصیه ما به شما عزیزان

در این جا توجه شما خوانندگان عزیز را به توصیه های زیر جلب می کنیم:

1- آنچه در این کتاب آمده است به کتب معتبری چون «مصباح المتهجّد» شیخ طوسی (ره) و «کامل الزیارات» ابن قولویه و کتابهای مرحوم سیّد بن طاووس و مرحوم کفعمی برمی گردد. کتب بزرگانی که اهتمام فراوانی داشتند تا بدون مدرک چیزی را نقل نکنند و اگر دعا یا زیارتی از انشای نفس ربّانی و

1- [27]بحارالانوار، جلد 90، صفحه 168، حدیث 3.
2- [28]همان مدرک، صفحه 378، حدیث 22.
3- [29]همان مدرک.

ملکوتی خودشان است به آن تصریح نمایند. آنان به هنگام نوشتن ادعیه، کتب فراوانی را در اختیار داشته اند که با اقتباس از آن، چنین آثاری از خویش به یادگار گذاشته اند:

مرحوم سیّد بن طاووس، به هنگام نوشتن کتاب «اقبال» هزار و پانصد جلد کتاب در اختیار داشت 30] و به تصریح خودش در کتاب «کشف المحجّه»: «بیش از شصت جلد از آن، کتاب دعا بود».(1) محقّق متتبّع، دانشمند بزرگوار، مرحوم آقا بزرگ طهرانی نیز در کتاب وزین «الذریعه» درباره سیّد بن طاووس می نویسد: «هنگامی که او کتاب «مُهج الدّعوات» را می نوشت بیش از هفتاد کتاب از کتب ادعیه قدمای امامیّه (کسانی که تمامی آنها مقدّم بر شیخ طوسی بوده اند) را در اختیار داشت. بلکه با مراجعه به کلمات و تعبیراتی که سیّد بن طاووس در لابه لای کتابهایش در ارتباط با اسناد و مدارک محتویات آن دارد، انسان مطمئن می شود که جمیع آنچه را که این بزرگوار از ادعیه و زیارات نقل کرده، مورد اعتمادش بوده است؛ خصوصاً وقتی ملاحظه می شود که این بزرگ مرد، هرگاه می خواست دعایی را از جانب ذهن لطیف و روح پاکش انشا کند، تصریح می کند که: «چون برای این مورد دعایی را از روایات نیافتم دعایی را مناسب با این مقام، انشا نمودم» با این بیان معلوم می شود که در سایر موارد که چنین نکته ای را متذکّر نشده است، به مدرک روایی خاصّ، اعتماد کرده است». (2) با این بیان و با توجّه به این که آنچه را «سیّد بن طاووس» در قسمت دعا تألیف کرده 33] در واقع تتمّه و تکمیلی برای کتاب «مصباح المتهجّد» جدّ مادری ایشان مرحوم شیخ طوسی رحمه الله می باشد،(3) روشن می شود که اگر کسی مجموع این یازده جلد (مربوط به این دو بزرگوار) را تهیّه نماید، گویا تقریباً مجموعه کاملی از ادعیه و اعمال و زیارات را در اختیار گرفته است (و ما از تمام این آثار در کتاب حاضر استفاده کرده ایم).

درباره کتاب «مصباح کفعمی» می گوید: «او، در مقدّمه کتاب «جنّه الامان الواقیه» (معروف به مصباح کفعمی) تصریح کرده است که این کتاب را از کتابهای معتبر و مورد اعتماد جمع آوری نموده است».(4) مرحوم علّامه مجلسی نیز در مقدّمه «زادالمعاد» می گوید: در این کتاب منتخبی از اعمال سال و فضایل ایّام و لیالی و اعمال آنها را- که به سندهای صحیح و معتبر وارد شده است- آورده ام.

اصولاَ اصحاب ائمّه علیهم السلام، برای ضبط و انتقال صحیح احادیث، دعاها و عباراتی که از آن بزرگواران نقل می شد، اهتمام فراوانی داشتند.

1- [31]کشف المحجّه، صفحه 131.
2- [32]الذریعه، جلد 8، صفحه 176 و 177.
3- [34]الذریعه، جلد 8، صفحات 177 و 178.
4- [35]همان مدرک، صفحه 179.

«عبداللَّه بن زید» که از اصحاب امام کاظم علیه السلام است، می گوید: «جمعی از یاران ویژه اهل بیت آن حضرت، به محضرش شرفیاب می شدند و هنگامی که امام علیه السلام کلمه ای می فرمود و درباره حادثه ای فتوا می داد، آنان با دقّت می نوشتند (و همه جملات، آداب و نکته ها را کاملاً یادداشت می کردند)».(1) خواننده عزیز! با توجه به آنچه گذشت جایی برای تردید در اعتبار منابعی که محتوای این کتاب از آنها گرفته شده، باقی نمی ماند، پس می توان با دلی روشن و ضمیری پاک به ادعیه و زیارات و اعمال وارده در این کتاب، عمل کرد.

خصوصاً وقتی به دو امر دیگر نیز در این رابطه توجّه شود:

نخست این که: همان گونه که اشاره شد محتوای برجسته و اوج معانی بسیاری از این دعاها و زیارات، بهترین گواه صدور آنها از جانب معصوم علیه السلام است، چرا که چنین الفاظ و مفاهیمی جز از روح بلند معصومین علیهم السلام نمی تواند صادر شود.

دیگر این که: در تمام دعاها و اعمال مستحب، می توان از «قصد رجا» یعنی به امید مطلوبیّت نزد پروردگار، استفاده کرد؛ زیرا در روایات از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که «هرگاه کسی از سوی من ثوابی بر عملی به او برسد و به امید رسیدن به آن ثواب و یا به احترام من آن را بجا آورد، به اجر و پاداش مذکور برای آن عمل، خواهد رسید و تلاش او بی نتیجه نخواهد ماند».(2)

***

2- توصیه دیگر ما به خوانندگان عزیز- مخصوصاً به قشر جوان با ایمان و پاکدل- این است که بیش از آنچه به «کمّیت» و مقدار دعا اهمیّت می دهند به «کیفیّت» و حال و هوای معنوی آن اهمیّت دهند و بدانند که چه بسا خواندن یک دعای کمیل یا ندبه و یا ابوحمزه و یا خواندن دعای عرفه امام حسین علیه السلام با حضور قلب، چنان انقلاب و دگرگونی در انسان ایجاد می کند که فصل نوینی در زندگی او آغاز می شود؛ روحش را به اوج آسمانها برده، با فرشتگان دمساز می کند و از این جا روشن می شود که ثوابهای عظیمی که برای بعضی از دعاها ذکر شده، فلسفه اش چیست و برای کیست؟

عزیزان! همه ما سعی کنیم با مرور در مطالبی که در بحث حضور قلب و آداب دعا آمد و با اندیشه در محتوای دعاها، چنان حال و هوایی به هنگام خواندن دعا و نماز و زیارت پیدا کنیم که لذّت بخش ترین لحظات زندگی ما باشد و ما را روز به روز به خدا نزدیک تر کند.

سعی ما بر این باشد که با تدبّر در محتوا و توجّه به این که در چه محضری قرار گرفته ایم و با التفات

1- [36]الذریعه، جلد 8، صفحه 173 و مستدرک الوسائل، جلد 17، صفحه 292، حدیث 27.
2- [37]وسائل الشیعه، جلد 1، صفحه 59، ابواب مقدّمات العبادات، باب 18(در این باب چندین روایت به همین مضمون آمده است).

به قصورها و تقصیرها، و کوچکی نفسِ خویش از یک طرف و عظمت و بزرگی کسی که در حضورش واقع شده ایم از طرف دیگر، روح ما با عالم بالا تماس برقرار کند و با محبوب حقیقی راز و نیاز نماید.

اگر دعایی از ادعیه را می خوانیم که مخاطب در آن، خداست، به لطفها و محبّت هایی که در طول عمرمان در حقّ ما روا داشت و گناهانی را که پوشاند و لغزشهایی را که دفن کرد و نعمتهایی را که ارزانی داشت، یکی پس از دیگری اشاره کنیم و بر زبان جاری سازیم تا محبّتی که او به خوب شدن و هدایت ما دارد را لمس کنیم و قُرب و انسش را احساس نماییم.

و اگر زیارتی از زیارات ائمّه طاهرین (صلوات اللّه علیهم اجمعین) است، باز هم قرب و لطف و رحمت و کرامت آنها را در نظر بیاوریم و این که آنها شفیعان درگاه و مقرّبان خدایند؛ کلام ما را می شنوند و سلام ما را جواب می گویند و بر جایگاه و مقامی که هم اکنون در آن قرار داریم شاهد و ناظرند (

وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَکَ وَ خُلَفاءَکَ أَحْیاءٌ عِنْدَکَ یُرْزَقُونَ، یَرَوْنَ مَقامِی، وَیَسْمَعُونَ کَلامِی، وَ یَرُدُّونَ سَلامِی)(1)

تا آن که لذّت و شیرینی نجوا و مناجات با آنان را احساس کنیم (

وَ فَتَحْتَ بابَ فَهْمِی بِلَذِیذِ مُناجاتِهِمْ

)(2). اگر آن گونه دعا بخوانیم و این گونه زیارت کنیم، می توانیم مطمئن باشیم با هر دعا و زیارت، گویا به محضر خداوند و معصومین علیهم السلام شرفیاب شده ایم و روح و جانمان را صفا و صیقل تازه ای داده ایم و زنگارها و تیرگی های گناه را از خود زدوده ایم و این جاست که دعا و زیارت، جایگاه واقعی خود را پیدا می کند و هدف اصلی آن تحقّق می یابد.

در پایان لازم می دانم از تمام کسانی که برای تهیه این مجموعه ما را یاری دادند و در تطبیق دقیق مدارک، و تصحیح، و چاپ و نشر آن تلاش و کوشش کردند، از جمله فضلای محترم حجج اسلام آقایان محمد رضا حامدی، مسعود مکارم و سید عبدالمهدی توکّل (دامت تأییداتهم) تشکر و سپاسگزاری کنم و برای توفیق هر چه بیشتر همه عزیزان دعا نمایم. همچنین از همگان التماس دعا دارم که این جانب وتمام کسانی را که برای فراهم آوردن این مجموعه زحمت کشیده اند، فراموش نکنند.

ذکر این نکته لازم است که برای تهیّه این مجموعه، چند سال زحمت کشیده شده؛ با این حال، اگر صاحب نظران تذکّرات تکمیلی داشته باشند، از آن استقبال می شود.

قم- ناصر مکارم شیرازی

فروردین 1384- صفر 1426

ص: 28

1- [38]وسائل الشیعه، جلد 1، صفحه 59، ابواب مقدمات عبادات، باب 18. لازم به ذکر است که این جملات، در اصل بخشی از اذن دخول زیارت رسول گرامی صلی الله علیه و آله در مدینه، در مسجد النبی می باشد و از آن جا به بعضی از مشاهد مشرّفه دیگر منتقل شده است.
2- [39]همان مدرک.

بخش اول: سوره هایی از قرآن

مقدّمه

با توجّه به این که بسیاری از سوره ها و آیات قرآنی در نمازهای مختلفی چون نوافل یومیّه، نافله شب، نمازهای ائمّه اطهار علیهم السلام، نمازهای زیارت، نمازهای ایّام هفته و نمازهای حاجت و نیز در مکان ها و زمان های مختلفی چون شبهای احیا، ایّام البیض، شبهای ماه رجب، شعبان و رمضان و در تعقیبات نمازهای یومیّه و نیز برای تحصیل بعضی از آثار و برکات چون آمرزش گناهان و نجات از مشکلات خوانده می شود، شایسته است بخشی از این سوره ها و آیات که بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد (و این خود، دلیل بر اهمیّت و ویژگی و امتیاز آنهاست) در ابتدای این کتاب دعا- پس از اشاره به بعضی از فضیلت های آنها- آورده شود:

1- سوره یس

سوره «یس» به گواهی احادیث متعدّدی که در این زمینه وارد شده، یکی از مهمترین سوره های قرآنی است، به گونه ای که در احادیث «قلب قرآن» نامیده شده است 40] و این به جهت محتوای مهمّ توحیدی آن است که محور همه مسائل اعتقادی است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز آمده است:

«هر کس آن را در روز بخواند، در طول روز محفوظ و پرروزی خواهد بود و هر کس آن را شبانگاه پیش از آن که بخوابد تلاوت کند، خداوند هزار فرشته بر او مأمور می کند که او را از هر شیطان رجیم و هر آفتی حفظ کنند ...» و به دنبال آن فضایل مهمّ دیگری نیز بیان می فرماید.(1) یادآوری لازم:

ناگفته پیداست پاداش های عظیمی که درباره این سوره و سایر سوره های قرآن در روایات آمده است،

1- [41]همان مدرک.

به معنای خواندن سطحی و بدون تدبّر و خالی از عمل نیست؛ شواهد فراوانی داریم که این برکات و پاداش ها مربوط به کسانی است که برنامه زندگی خود را با محتوای این سوره ها هماهنگ می سازند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

یس 1 وَالْقُرْءَانِ الْحَکِیمِ 2 إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ 3 عَلَی صِرطٍ مُّسْتَقِیمٍ

یس. (1) سوگند به قرآن حکیم (و استوار). (2) که تو قطعاً از فرستادگان (خداوند) هستی، (3) بر راهی راست (قرارداری)؛ 4

تَنزِیلَ الْعَزِیزِ الرَّحِیمِ 5 لِتُنذِرَ قَوْماً مَّا أُنذِرَ ءَابَآؤُهُمْ فَهُمْ غفِلُونَ

(4) (این قرآنی است که) از سوی خداوند توانا و مهربان نازل شده است؛ (5) تا قومی را انذار کنی که پدرانشان (هرگز) انذار نشدند، از این رو آنان غافلند.

6 لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَی أَکْثَرِهِمْ فَهُمْ لَایُؤْمِنُونَ 7 إِنَّا جَعَلْنَا فِی أَعْنقِهِمْ

(6) فرمان (الهی) درباره بیشتر آنها (به کیفر اعمالشان) تحقق یافته، به همین جهت ایمان نمی آورند. (7) ما در گردنهای آنان غلهایی

أَغْللاً فَهِیَ إِلَی الْأَذْقَانِ فَهُم مُّقْمَحُونَ 8 وَجَعَلْنَا مِن بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدّاً

[/ طوقهایی قرار دادیم که تا چانه ها ادامه دارد و سرهای آنان را به بالا نگاه داشته است. (8) و در پیش روی آنان سدّی قرار دادیم،

وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً فَأَغْشَیْنهُمْ فَهُمْ لَایُبْصِرُونَ 9 وَسَوَآءٌ عَلَیْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ

و در پشت سرشان سدّی؛ و چشمانشان را پوشانده ایم، لذا نمی بینند. (9) برای آنان یکسان است: چه انذارشان کنی

أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَایُؤْمِنُونَ 10 إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّکْرَ وَخَشِیَ الرَّحْمنَ

یا نکنی، ایمان نمی آورند. (10) تو فقط کسی را می توانی انذار کنی که ازاین یادآوری (الهی) پیروی کند و از خداوند رحمان

بِالْغَیْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَهٍ وَأَجْرٍ كَرِیمٍ 11 إِنَّا نَحْنُ نُحْیِ الْمَوْتَی وَنَكْتُبُ مَا

در نهان بترسد؛ سپس او را به آمرزش و پاداشی پرارزش بشارت ده. (11) به یقین مامردگان را زنده می کنیم و آنچه را از

قَدَّمُوا وَءَاثرَهُمْ وَكُلَّ شَیْ ءٍ أَحْصَیْنهُ فِی إِمَامٍ مُّبِینٍ 12 وَاضْرِبْ لَهُم

پیش فرستاده اند و آنچه را از خود باقی گذاشته اند؛ و همه چیز را در کتاب روشنگری احصا کرده ایم. (12) و برای آنها، اصحاب شهر (انطاکیه)

مَّثَلًا أَصْحبَ الْقَرْیَهِ إِذْ جَآءَهَا الْمُرْسَلُونَ 13 إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَیْهِمُ اثْنَیْنِ

را مثال بزن هنگامی که فرستادگان خدا به سوی آنان آمدند؛ (13) در آن زمان که دو نفر (از رسولان خود) را به سوی آنها فرستادیم، امّا آنان فرستادگان (ما) را

فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُواْ إِنَّآ إِلَیْكُم مُّرْسَلُونَ 14 قَالُوا مَآ أَنتُمْ

تکذیب کردند؛ پس برای تقویت آن دو، شخص سوّمی را فرستادیم؛ و آنها گفتند: «ما فرستادگان (خدا) به سوی شما هستیم.» (14) امّا آنان (در جواب) گفتند:

ص :32

إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنزَلَ الرَّحْمنُ مِن شَىْ ءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ 15 قَالُوا

«شما جز بشری همانند ما نیستید، و خداوند رحمان چیزی نازل نکرده، شما فقط دروغ می گویید.» (15) (فرستادگان ما) گفتند:

رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّآ إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ 16 وَمَا عَلَيْنَآ إِلَّا الْبَلغُ الْمُبِينُ 17 قَالُواْ إِنَّآ

«پروردگار ما می داند که ما قطعاً فرستادگان (او) به سوی شما هستیم، (16) و بر عهده ما چیزی جز ابلاغ آشکار نیست.» (17) آنان گفتند: «ما شما را به فال بد گرفته ایم

تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنتَهُواْ لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ 18 قَالُواْ

(وشما را شوم می دانیم)، واگر (از این سخنان) دست برندارید شما را سنگسار خواهیم کرد و عذاب دردناکی از ما به شما خواهد رسید! (18) (فرستادگان) گفتند:

طئِرُكُم مَّعَكُمْ أَئِن ذُكِّرْتُم بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ 19 وَجَآءَ مِنْ أَقْصَا

«اگر درست بیندیشید فال بد شما با خود شماست، بلکه شما گروهی اسرافکارید.» (19) و مردی (با ایمان) از دورترین نقطه شهر

الْمَدِينَهِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يقَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ 20 اتَّبِعُوا مَن لَّا

با شتاب آمد، گفت: «ای قوم من! از فرستادگان (خدا) پیروی کنید. (20) از کسانی پیروی کنید

يَسْئَلُكُمْ أَجْراً وَهُم مُّهْتَدُونَ 21 وَمَا لِىَ لَآ أَعْبُدُ الَّذِى فَطَرَنِى وَإِلَيْهِ

که از شما اجر و پاداشی نمی خواهند و خود هدایت یافته اند. (21) چرا کسی را پرستش نکنم که مرا آفریده، و همگی به سوی او بازگشت

تُرْجَعُونَ 22 ءَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِ ءَالِهَةً إِن يُرِدْنِ الرَّحْمنُ بِضُرٍّ لَّاتُغْنِ عَنِّى

داده می شوید؟! (22) آیا غیر از او معبودانی را انتخاب کنم که اگر خداوند رحمان بخواهد زیانی به من برساند، شفاعت آنها کمترین فایده ای برای من ندارد

شَفعَتُهُمْ شَيْئاَ وَلَا يُنقِذُونِ 23 إِنِّی إِذاَ لَّفِی ضَلَلٍ مُّبِینٍ 24 إِنِّی ءَامَنتُ

و مرا (از مجازات او) نجات نخواهند داد؟! (23) اگر چنین کنم، در گمراهی آشکاری خواهم بود. (24) (به همین دلیل) من به پروردگارتان ایمان آوردم؛

بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ 25 قِیلَ ادْخُلِ الْجَنَّهَ قَالَ یلَیْتَ قَوْمِی یَعْلَمُونَ 26 بِمَا

پس به سخنان من گوش فرا دهید.» (25) (سرانجام او را شهید کردند و) به او گفته شد: «وارد بهشت شو.» گفت: «ای کاش قوم من می دانستند (26) که ...

غَفَرَ لِی رَبِّی وَجَعَلَنِی مِنَ الْمُكْرَمِینَ 27 وَمَآ أَنزَلْنَا عَلَی قَوْمِهِ مِن بَعْدِهِ

پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامی داشتگان قرار داده است!» (27) و ما بعد از او بر قومش

مِن جُندٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلینَ 28 إِن كَانَتْ إِلَّا صَیْحَهً وحِدَهً فَإِذَا

هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم، و هرگز سنّت ما براین نبود؛ (28) (بلکه) فقط یک صیحه آسمانی بود و ناگهان همگی

هُمْ خمِدُونَ 29 یحَسْرَهً عَلَی الْعِبَادِ مَا یَأْتِیهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ

خاموش شدند. (29) افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری به سراغ آنان نیامد مگر این که او را

یَسْتَهْزِءُونَ 30 أَلَمْ یَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَیْهِمْ

استهزا می کردند! (30) آیا ندیدند چه قدر از اقوام پیش از آنان را (بخاطر گناهانشان) هلاک کردیم که آنها هرگز به سوی ایشان

ص: 33

لَایَرْجِعُونَ 31 وَإِن کُلٌّ لَّمَّا جَمِیعٌ لَّدَیْنَا مُحْضَرُونَ 32 وَءَایَهٌ لَّهُمُ الْأَرْضُ

باز نمی گردند (و زنده نمی شوند)؟! (31) و همه آنان (روز قیامت) نزد ما احضار می شوند. (32) و زمین مرده برای

الْمَیْتَهُ أَحْیَیْنهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبّاً فَمِنْهُ یَأْکُلُونَ 33 وَجَعَلْنَا فِیهَا جَنتٍ

آنها نشانه ای (از عظمت خدا) است که ما آن را زنده کردیم و دانه (های غذایی) از آن خارج ساختیم که از آن می خورند؛ (33) و در آن باغهایی از

مِّن نَّخِیلٍ وَأَعْنبٍ وَفَجَّرْنَا فِیهَا مِنَ الْعُیُونِ 34 لِیَأْکُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا

نخلها و انگورها قرار دادیم و چشمه هایی در آن جاری ساختیم، (34) تا از میوه آن بخورند در حالی که با

عَمِلَتْهُ أَیْدِیهِمْ أَفَلَا یَشْکُرُونَ 35 سُبْحنَ الَّذِی خَلَقَ الْأَزْوجَ کُلَّهَا مِمَّا

دست خود آن را به عمل نیاورده اند. آیا شکر (خدا را) به جا نمی آورند؟! (35) منزّه است کسی که تمام زوجها را آفرید، از

تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ مِمَّا لَایَعْلَمُونَ 36 وَءَایَهٌ لَّهُمُ الَّیْلُ نَسْلَخُ

آنچه زمین می رویاند، و از خودشان، و از آنچه نمی دانند. (36) شب (نیز) برای آنها نشانه ای است (از عظمت خدا)؛ ما روز را از آن

مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ 37 وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذلِکَ تَقْدِیرُ

برمی گیریم، در این هنگام آنان در تاریکی فرو می روند. (37) و خورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته به سوی قرارگاهش در حرکت است؛ این تقدیر خداوند

الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ 38 وَالْقَمَرَ قَدَّرْنهُ مَنَازِلَ حَتَّی عَادَ کَالْعُرْجُونِ الْقَدِیمِ 39

توانا و داناست. (38) و برای ماه منزلگاههایی قرار دادیم، (و هنگامی که این منازل را طی کرد) سرانجام بصورت شاخه کهنه (قوسی شکل و زرد رنگ) خرما درمی آید. (39)

لَاالشَّمْسُ یَنبَغِی لَهَا أن تُدْرِکَ الْقَمَرَ وَلَا الّیْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَکُلّ فِی فَلَکٍ

نه خورشید را سزاست که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می گیرد؛ و هر یک در مسیر خود

یَسْبَحُونَ 40 وَءَایَهٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّیَّتَهُمْ فِی الْفُلْکِ الْمَشْحُونِ 41 وَخَلَقْنَا

شناورند. (40) نشانه ای (دیگر از عظمت پروردگار) برای آنان این است که ما فرزندانشان را در کشتیهایی پر (از وسایل و بارها) حمل کردیم. (41) و برای

لَهُم مِّن مِّثْلِهِ مَا یَرْکَبُونَ 42 وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِیخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ

آنها مرکبهای (دیگری) همانند آن آفریدیم. (42) و اگر بخواهیم آنها را غرق می کنیم بطوری که نه فریادرسی داشته باشند

یُنقَذُونَ 43 إِلَّا رَحْمَهً مِّنَّا وَمَتعاً إِلَی حِینٍ 44 وَإِذَا قِیلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَیْنَ

و نه نجات داده شوند. (43) مگر این که رحمت ما (شامل حالشان شود)، و تا زمان معیّنی (از این زندگی) بهره گیرند. (44) و هر گاه به آنها گفته شود: «از آنچه

أَیْدِیکُمْ وَمَا خَلْفَکُمْ لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ 45 وَمَاتَأْتِیهِم مِّنْ ءَایَهٍ مِّنْ ءَایتِ

پیش رو و پشت سر شماست (از عذاب دنیا و آخرت) بپرهیزید تا مشمول رحمت الهی شوید.» (اعتنا نمی کنند). (45) و هیچ آیه ای از آیات پروردگارشان برای آنها نمی آید

رَبِّهِمْ إِلَّا کَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِینَ 46 وَإِذَا قِیلَ لَهُمْ أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقَکُمُ اللَّهُ قَالَ

مگر این که از آن روی گردان می شوند. (46) و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید.»، کافران

ص :34

الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنُطْعِمُ مَن لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِى

به مؤمنان می گویند: «آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می خواست او را اطعام می کرد؟! (پس خدا خواسته است او گرسنه باشد و) شما فقط در

ضَللٍ مُّبِينٍ 47 وَيَقُولُونَ مَتَى هذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صدِقِينَ 48 مَا يَنظُرُونَ

گمراهی آشکارید.» (47) آنها می گویند: «اگر راست می گویید، این وعده (قیامت) کی خواهد بود؟!» (48) (امّا) جز این

إِلَّا صَيْحَةً وحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ 49 فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً

انتظار نمی کشند که یک صیحه عظیم (آسمانی) آنها را فرا گیرد، در حالی که مشغول جدال (در امور دنیا) هستند. (49) و (چنان غافلگیر می شوند که حتّی) نمی توانند وصیّتی کنند

وَلَآ إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ 50 وَنُفِخَ فِى الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى

و نه به سوی خانواده خود باز گردند. (50) (بار دیگر) در «صور» دمیده می شود، ناگهان آنها از قبرها، شتابان به سوی (دادگاه)

رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ 51 قَالُوا يوَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمنُ

پروردگارشان می روند. (51) می گویند: «ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! (آری) این همان (روز جزا) است که خداوند رحمان و عده داده،

وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ 52 إن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا

و فرستادگان (او) راست گفتند.» (52) صیحه واحدی بیش نیست، (فریادی عظیم بر می خیزد) ناگهان همگی نزد ما

مُحْضَرُونَ 53 فَالْيَوْمَ لَاتُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

احضار می شوند. (53) (و به آنها گفته می شود:) امروز به هیچ کس کمترین ستمی نخواهد شد، و جز آنچه انجام می دادید، کیفر داده نمی

شوید.

54 إِنَّ أَصْحبَ الْجَنَّهِ الْیَوْمَ فِی شُغُلٍ فکِهُونَ 55 هُمْ وَأَزْوجُهُمْ فِی

(54) بهشتیان، امروز (به نعمتهای خدا) مشغول و مسرورند. (55) آنها و همسرانشان در

ظِللٍ عَلَی الْأَرَآئِکِ مُتَّکِئُونَ 56 لَهُمْ فِیهَا فکِهَهٌ وَلَهُم مَّا یَدَّعُونَ 57

سایه هایی (از قصرها و درختان بهشتی) بر تختها تکیه زده اند. (56) برای آنها در بهشت میوه بسیار لذّت بخشی است، و هرچه بخواهند در اختیارشان خواهد بود. (57)

سَلمٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِیمٍ 58 وَامْتزُوا الْیَوْمَ أَیُّهَا الْمُجْرِمُونَ 59 أَلَمْ

سلام (و درود الهی بر آنها)، سخنی است از سوی پروردگاری مهربان. (58) (و به گروهی دیگر گفته می شود:) جدا شوید امروز ای گنهکاران! (59) ای فرزندان آدم!

أَعْهَدْ إِلَیْکُمْ یبَنِی ءَادَمَ أَن لَّاتَعْبُدُوا الشَّیْطنَ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُّبِینٌ 60

آیا با شما عهد نکردم که شیطان را نپرستید، که او برای شما دشمن آشکاری است؟! (60)

وَأَنِ اعْبُدُونِی هذَا صِرطٌ مُّسْتَقِیمٌ 61 وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنکُمْ جِبِلّاً کَثِیراً أَفَلَمْ

و این که مرا بپرستید که راه مستقیم این است؟! (61) او گروه زیادی از شما را گمراه کرد؛

تَکُونُوا تَعْقِلُونَ 62 هذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِی کُنتُمْ تُوعَدُونَ 63 اصْلَوْهَا الْیَوْمَ بِمَا

آیا اندیشه نکردید؟! (62) این همان دوزخی است که به شما وعده داده می شد. (63) امروز بخاطر

كُنتُمْ تَكْفُرُونَ 64 الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ

کفری که داشتید به آتش آن بسوزید! (64) امروز بر دهانشان مُهر می نهیم، و دستهایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان به کارهایی

أَرْجُلُهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ 65 وَلَوْ نَشَآءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا

که انجام می دادند گواهی می دهند. (65) و اگر بخواهیم (در همین جهان) چشمانشان رامحو می کنیم؛ سپس برای عبور از راه،

الصِّرطَ فَأَ نَّى يُبْصِرُونَ 66 وَلَوْ نَشَآءُ لَمَسَخْنهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا

می خواهند بر یکدیگر پیشی بگیرند، امّا چگونه می توانند ببینند؟! (66) و اگر بخواهیم آنها رادر جای خود مسخ می کنیم (و به مجسّمه هایی بی روح مبدّل می سازیم)

اسْتَطعُوا مُضِيّاً وَلَا يَرْجِعُونَ 67 وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِى الْخَلْقِ أَفَلَا

تا نتوانند راه خود را ادامه دهند و نه به عقب بازگردند. (67) هر کس را عمر طولانی دهیم، در آفرینش واژگونه اش می کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می گردانیم)؛

يَعْقِلُونَ 68 وَمَا عَلَّمْنهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنبَغِى لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْءَانٌ مُّبِينٌ

آیا نمی اندیشند؟! (68) ما شعر به او [/ پیامبر] نیاموختیم، و شایسته او نیست؛ (شاعر باشد) این (کتاب آسمانی) فقط مایه یادآوری و قرآن مبین است.

69

لِّيُنذِرَ مَن كَانَ حَيّاً وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكفِرِينَ 70 أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا

(69) تا هرکس را که زنده است (و حیات انسانی دارد) انذار کند (و بر کافران اتمام حجّت شود) و فرمان عذاب بر آنان مسلّم گردد. (70) آیا ندیدند که از آنچه با قدرت

لَهُم مِّمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَآ أَنْعماً فَهُمْ لَهَا ملِكُونَ 71 وَ ذَلَّلْنهَا لَهُمْ فَمِنْهَا

خود به عمل آورده ایم چهارپایانی برای آنان آفریدیم که آنان مالک آن هستند؟! (71) و آنها را رام ایشان ساختیم، هم مرکب آنان

رَکُوبُهُمْ وَمِنْهَا یَأْکُلُونَ 72 وَ لَهُمْ فِیهَا مَنفِعُ وَ مَشَارِبُ أَفَلَا یَشْکُرُونَ 73

از آن است و هم از آن تغذیه می کنند؛ (72) و برای آنان بهره های دیگری در آن (حیوانات) است و نوشیدنیهایی گوارا؛ آیا با این حال شکرگزاری نمی کنند؟! (73) وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لَّعَلَّهُمْ یُنصَرُونَ 74 لَایَسْتَطِیعُونَ نَصْرَهُمْ

آنان غیر از خدا معبودانی (برای خویش) برگزیدند به این امید که یاری شوند. (74) (ولی) آنها قادر به یاری ایشان نیستند، و این

وَهُمْ لَهُمْ جُندٌ مُّحْضَرُونَ 75 فَلَا یَحْزُنکَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا یُسِرُّونَ وَمَا

(عبادت کنندگان در قیامت) لشکری برای آنها خواهند بود که (در آتش دوزخ) احضار می شوند. (75) پس سخنانشان تو را غمگین نسازد؛ ما آنچه را پنهان می دارند وآنچه را آشکار می کنند

یُعْلِنُونَ 76 أَوَ لَمْ یَرَ الْإِنسنُ أَنَّا خَلَقْنهُ مِن نُّطْفَهٍ فَإِذَا هُوَ خَصِیمٌ مُّبِینٌ 77

می دانیم. (76) آیا انسان نمی داند که ما او را از نطفه ای بی ارزش آفریدیم؟! و او (چنان صاحب قدرت و شعور و نطق شد که) به مخاصمه آشکار (با ما) برخاست. (77)

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًاوَنَسِیَ خَلْقَهُ قَالَ مَن یُحْیِ الْعِظمَ وَهِیَ رَمِیمٌ 78 قُلْ

و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: «چه کسی این استخوانها را زنده می کند در حالی که پوسیده است؟!» (78) بگو:

یُحْیِیهَا الَّذِی أَنشَأَهَآ أَوَّلَ مَرَّهٍ وَهُوَ بِکُلِّ خَلْقٍ عَلِیمٌ 79 الَّذِی جَعَلَ لَکُم

«همان کسی آن را زنده می کند که نخستین بار آن را آفرید؛ و او نسبت به هر مخلوقی داناست. (79) همان کسی

مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَاراً فَإِذَا أَنتُم مِّنْهُ تُوقِدُونَ 80 أَوَلَيْسَ الَّذِی خَلَقَ

که برای شما از درخت سبز، آتش آفرید و شما بوسیله آن، آتش می افروزید.» (80) آیا کسی که

السَّمواتِ وَالْأَرْضَ بِقدِرٍ عَلَی أَن یَخْلُقَ مِثْلَهُم بَلَی وَهُوَ الْخَلقُ الْعَلِیمُ

آسمانها و زمین را آفریده، قادر نیست همانند آنان را بیافریند؟! آری (می تواند)، و او آفریدگار آگاه است.

81 إِنَّمَآ أَمْرُهُ إِذَآ أَرَادَ شَیْئاً أَن یَقُولَ لَهُ کُن فَیَکُونُ 82 فَسُبْحنَ الَّذِی بِیَدِهِ

(81) فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی درنگ موجود می شود. (82) پس منزّه است خداوندی

مَلَکُوتُ کُلِّ شَیْ ءٍ وَإِلَیْهِ تُرْجَعُونَ 83

که مالکیّت همه چیز در دست اوست؛ و به سوی او بازگردانده می شوید. (83)

2- سوره الرّحمن

از آن جا که این سوره، حسّ شکرگزاری را در انسانها به عالی ترین وجهی بر می انگیزد، و بیان نعمتهای مادّی و معنوی دنیا و آخرت، شوق طاعت و بندگی را در دل او افزایش می دهد، فضیلت های فراوانی برای تلاوت آن در روایات آمده است؛ البتّه تلاوتی که در اعماق روح انسان نفوذ کند و مبدأ حرکت گردد.

از جمله در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم: «هر کس سوره الرّحمن را بخواند خداوند به ناتوانی او (در ادای شکر نعمت ها) رحم می کند، و حقّ شکر نعمت هایی را که به او ارزانی داشته، ادا می کند».(1) در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام می خوانیم: «هر کس سوره الرّحمن را بخواند و هنگامی که به آیه «

فَبِأَیِّ آلاءِ رَبِّکُما تُکَذِّبانِ

» می رسد بگوید: «

لا بِشَئ ءٍ مِنْ آلائِکَ رَبِّ اکَذِّبُ

؛ خداوندا! هیچ یک از نعمت های تو را انکار نمی کنم» اگر این تلاوت در شب باشد و در همان شب بمیرد، ثواب شهیدان را خواهد داشت، و همچنین اگر در روز باشد».(2) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الرَّحْمنُ 1 عَلَّمَ الْقُرْءَانَ 2 خَلَقَ الإنسنَ 3 عَلَّمَهُ الْبَیَانَ 4 الشَّمْسُ

خداوند رحمان، (1) قرآن را تعلیم فرمود، (2) انسان را آفرید، (3) و به او سخن گفتن آموخت. (4) خورشید

ص: 37

1- [42]نورالثقلین، جلد 5، صفحه 187، حدیث 3.
2- [43]بحارالانوار، جلد 89، صفحه 306، حدیث 2.

وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ 5 وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ 6 وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ

و ماه با حساب دقیقی در گردشند، (5) و گیاهان و درختان برای خدا سجده می کنند. (6) و آسمان را برافراشت، و میزان

الْمِيزَانَ 7 أَلَّا تَطْغَوْا فِی الْمِيزَانِ 8 وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا

و قانون نهاد، (7) تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید)، (8) و وزن را براساس عدل برپا دارید و در سنجش

تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ 9 وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ 10 فِيهَا فكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ

کاستی نکنید. (9) و زمین را برای مردم آفرید، (10) که در آن میوه ها و نخلهای

الْأَكْمَامِ 11 وَالْحَبُّ ذُوالْعَصْفِ وَ الرَّيْحَانُ 12 فَبِأَیِّ ءَالآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ

پرشکوفه است، (11) و دانه هایی که همراه با ساقه و برگی است که بصورت کاه (و خوراک حیوانات) در می آید، و گیاهان خوشبو. (12) پس (ای گروه جن و انس) کدامین نعمتهای 13

خَلَقَ الإنسنَ مِن صَلْصلٍ كَالْفَخَّارِ 14 وَ خَلَقَ الْجَآنَّ مِن مَّارِجٍ مِّن

پروردگارتان را انکار می کنید؟! (13) انسان را از گلِ خشکیده ای همچون سفال آفرید، (14) و جنّ را از شعله های

نَّارٍ 15 فَبِأَیِّ ءَالآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ 16 رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ 17

آتش خلق کرد. (15) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (16) او پروردگارِ دومشرق و دو مغرب است. (17)

فَبِأَیِّ ءَالآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ 18 مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ 19 بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (18) دو دریای مختلف (شور و شیرین، گرم و سرد) را در کنار هم قرار داد، در حالی که با هم تماس دارند؛ (19) در میان آن دو

لّا یَبْغِیَانِ 20 فَبِأیِّ ءَالآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ 21 یَخْرُجُ مِنْهُمَا اللّؤْلَؤُ

مانعی است که یکی بر دیگری غلبه نمی کند (و به هم نمی آمیزند). (20) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (21) از آن دو، لؤلؤ و مرجان

وَالْمَرْجَانُ 22 فَبِأَیِّ ءَالآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ 23 وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَئَاتُ فِی

خارج می شود. (22) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (23) و برای او (و از ناحیه او) است کشتیهای کوه پیکر ساخته شده که در دریا

الْبَحْرِ کَالْأَعْلمِ 24 فَبِأَیِّ ءَالآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ 25 کُلُّ مَنْ عَلَیْهَا فَانٍ 26

به حرکت در می آیند! (24) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (25) همه کسانی که روی آن [/ زمین هستند فانی می شوند، (26)

وَیَبْقَی وَجْهُ رَبِّکَ ذُو الْجَللِ وَالإِکْرَامِ 27 فَبِأَیِّ ءَالآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ 28

و تنها ذات صاحب جلال و گرامی پروردگارت باقی می ماند. (27) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (28)

یَسْئَلُهُ مَن فِی السَّمواتِ وَالْأَرْضِ کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ 29 فَبِأَیِّ ءَالآءِ

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از او تقاضا می کنند، و او هر روز در شأن و کاری است. (29) پس کدامین نعمتهای

رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ 30 سَنَفْرُغُ لَکُمْ أَیُّهَ الثَّقَلَانِ 31 فَبِأَیِّ ءَالآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ

پروردگارتان را انکار می کنید؟! (30) ای دو گروه انس و جن! بزودی به (حساب) شما می پردازیم! (31) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! 32

يمَعْشَرَ الْجِنِّ وَالإنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَن تَنفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمواتِ

(32) ای گروه جنّ و انس! اگر می توانید از مرزهای آسمانها و زمین
بگذرید، پس بگذرید،

وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَاتَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطنٍ 33 فَبِأَيِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

ولی هرگز نمی توانید، مگر با نیرویی (فوق العاده). (33) پس کدامین
نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! 34

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنتَصِرَانِ 35 فَبِأَيِّ ءَالآءِ

(34) (در قیامت) شعله هایی از آتش، و دودهایی متراکم بر شما فرستاده
می شود؛ و نمی توانید از کسی یاری بطلبید. (35) پس کدامین نعمتهای
پروردگارتان

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 36 فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ 37 فَبِأَيِ

را انکار می کنید؟! (36) در آن هنگام که آسمان شکافته شود و همچون
روغن مذاب گلگون گردد (حوادث هولناکی رخ می دهد که تاب تحمّل آن را
نخواهید داشت). (37) پس

ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 38 فَيَوْمَئِذٍ لَّايُسْئَلُ عَن ذَنبِهِ إِنسٌ وَلَا جَانٌّ 39

کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (38) در آن روز هیچ کس
از انس و جن از گناهش سؤال نمی شود (و همه چیز روشن است). (39)

فَبِأَيِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 40 يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمهُمْ فَيُؤخَذُ

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (40) مجرمان از
چهره هایشان شناخته می شوند؛ و موهای پیش سر،

بِالنَّوصِی وَالْأَقْدَامِ 41 فَبِأَيِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 42 هذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِی

و پاهایشان را می گیرند (و به دوزخ می افکنند). (41) پس کدامین
نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (42) این همان دوزخی است

يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ 43 يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَانٍ 44 فَبِأَىِّ ءَالآءِ

که مجرمان آن را انکار می کردند. (43) اکنون در میان آن و آب سوزان در رفت و آمدند. (44) پس کدامین نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 45 وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ 46 فَبأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا

پروردگارتان را انکار می کنید؟! (45) و برای کسی که از مقام پروردگارش خائف است، دو باغ بهشتی است. (46) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان

تُكَذِّبَانِ 47 ذَوَاتَآ أَفْنَانٍ 48 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 49 فِيهِمَا عَيْنَانِ

را انکار می کنید؟! (47) (آن دو باغ بهشتی) دارای انواع نعمتها (و درختان پرطراوت) است. (48) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (49) در آنها دو چشمه

تَجْرِيَانِ 50 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 51 فِيهِمَا مِن كُلِّ فكِهَةٍ زَوْجَانِ

همیشه جاری است. (50) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (51) در آن دو، از هر میوه ای دو نوع وجود دارد (هر یک از دیگری بهتر).

52

فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 53 مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرُشٍ م بَطَآئِنُهَا مِنْ

(52) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (53) این در حالی است که آنها برفرشهایی تکیه کرده اند با آسترهایی از دیبا و ابریشم،

إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ 54 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 55 فِيهِنَ

و میوه های رسیده آن دو باغ بهشتی نزدیک (و در دسترس) است. (54) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان راانکار می کنید؟! (55) در آن

قصِرَ ٰتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ 56 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا

باغهای بهشتی زنانی هستند که جز به همسران خود عشق نمی ورزند؛ و هیچ انس و جنّی پیش از ایشان با آنان تماس نداشته است. (56) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان

تُكَذِّبَانِ 57 كَأَ نَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ 58 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

را انکار می کنید؟! (57) آنها همچون یاقوت و مرجانند. (58) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! 59

هَلْ جَزَاءُ الإِحْسنِ إِلَّا الإِحْسنُ 60 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 61 وَمِن

(59) آیا جزای نیکی جز نیکی است؟! (60) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (61) و پایین تر

دُونِهِمَا جَنَّتَانِ 62 فَبأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 63 مُدْهَامَّتَانِ 64 فَبأَىِ

از آنها، دو باغ بهشتی (دیگر) است. (62) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (63) هر دو خرّم و سرسبزند. (64) پس کدامین

ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 65 فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ 66 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا

نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (65) در آنها دو چشمه جوشنده است. (66) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان

تُكَذِّبَانِ 67 فِيهِمَا فكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ 68 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 69

را انکار می کنید؟! (67) در آنها میوه های فراوان و درخت خرما و انار است. (68) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (69)

فِيهِنَّ خَيْرَ ٰتٌ حِسَانٌ 70 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 71 حُورٌ مَّقْصُورَ ٰتٌ

و در آن باغهای بهشتی زنانی نیکوخلق وزیبایند. (70) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (71) حوریانی که در

فِی الْخِیَامِ 72 فَبِأیِّ ءَالآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ 73 لَمْ یَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا

خیمه های بهشتی مستورند. (72) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (73) هیچ انس و جنّی پیش از ایشان با آنها تماس

جَآنٌّ 74 فَبِأَیِّ ءَالآءِ رَبِّکُمَاتُکَذِّبَانِ 75 مُتَّکِئِینَ عَلَی رَفْرَفٍ خُضْرٍ

نداشته است (74) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (75) این در حالی است که بهشتیان بر تختهایی سبز رنگ

وَعَبْقَرِیٍّ حِسَانٍ 76 فَبِأَیِّ ءَالآءِ رَبِّکُمَاتُکَذِّبَانِ 77 تَبَارَکَ اسْمُ رَبِّکَ ذِی

ممتاز و زیبا تکیه زده اند. (76) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (77) پربرکت و زوال ناپذیر است نام پروردگار

الْجَللِ وَ الْإِکْرَامِ 78

صاحب جلال و بزرگوار تو. (78)

3- سوره واقعه

درباره تلاوت این سوره روایات زیادی در منابع اسلامی ذکر شده است، از جمله در حدیثی از

ص: 40

رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم: «کسی که سوره واقعه را بخواند نوشته می شود که این فرد از غافلان نیست».(1) چرا که آیات سوره آن قدر تکان دهنده و بیدارکننده است که جایی برای غفلت انسان باقی نمی گذارد.

در حدیث دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «

مَنْ قَرأَ سورهَ الواقعه کلّ لیله لَم تُصِبهُ فاقه أبداً؛

هر کس سوره واقعه را هر شب بخواند هرگز فقیر نخواهد شد».(2) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَهُ 1 لَیْسَ لِوَقْعَتِهَا کَاذِبَهٌ 2 خَافِضَهٌ رَّافِعَهٌ 3 إِذَا

هنگامی که واقعه عظیم (قیامت) واقع شود، (1) هیچ کس نمی تواند آن را انکار کند. (2) (این واقعه) گروهی را پایین می آورد و گروهی را بالا می برد. (3) در

رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجّاً 4 وَ بُسَّتِ الْجِبَالُ بَسّاً 5 فَکَانَتْ هَبَآءً مُّنبَثّاً 6

آن هنگام که زمین به شدّت به لرزه درمی آید، (4) و کوهها درهم کوبیده می شود، (5) و بصورت غبار پراکنده درمی آید، (6)

وَکُنتُمْ أَزْوجاً ثَلثَهً 7 فَأَصْحبُ الْمَیْمَنَهِ مَآ أَصْحبُ الْمَیْمَنَهِ 8 وَأَصْحبُ

و شما (در آن زمان) سه گروه خواهید بود. (7) (نخست) سعادتمندان و خجستگان (هستند)؛ چه سعادتمندان و خجستگانی! (8) و (گروه دیگر)

الْمَشْئَمَهِ مَآ أَصْحبُ الْمَشْئَمَهِ 9 وَالسبِقُونَ السبِقُونَ 10 أُوْلئِکَ الْمُقَرَّبُونَ

شقاوتمندان و شومانند، چه شقاوتمندان و شومانی! (9) و (سوّمین گروه) پیشگامان پیشگامند، (10) آنها مقربانند. 11

فِی جَنتِ النَّعِیمِ 12 ثُلَّهٌ مِّنَ الْأَوَّلِینَ 13 وَ قَلِیلٌ مِّنَ الْأَخِرِینَ 14

(11) در باغهای پرنعمت بهشت (جای دارند). (12) گروه زیادی (از آنها) از امّتهای نخستین اند، (13) و اندکی از امّتهای آخرین. (14) عَلَی سُرُرٍ مَّوْضُونَهٍ 15 مُتَّکِئِینَ عَلَیْهَا مُتَقبِلِینَ 16 یَطُوفُ عَلَیْهِمْ وِلْدَانٌ

(مقرّبان) بر تختهایی که که در صفوف مختلف در کنار هم چیده شده قرار دارند، (15) در حالی که بر آنها تکیه زده و رو به روی یکدیگرند. (16) نوجوانانی جاودان

مُّخَلَّدُونَ 17 بِأَکْوَابٍ وَأَبَارِیقَ وَکَأْسٍ مِّن مَّعِینٍ 18 لَّا یُصَدَّعُونَ عَنْهَا

(در شکوه و طراوت) پیوسته برگرد آنان می گردند، (17) با قدحها و کوزه ها و جامهایی لبریز از شراب طهور. (18) شرابی که نه آن درد سر می گیرند

وَلَایُنزِفُونَ 19 وَفکِهَهٍ مِّمَّا یَتَخَیَّرُونَ 20 وَلَحْمِ طَیْرٍ مِّمَّا یَشْتَهُونَ 21 وَحُورٌ

ونه مست می شوند. (19) و میوه هایی از هر نوع که انتخاب کنند، (20) و گوشت پرنده از هرگونه که مایل باشند. (21) و همسرانی از

ص: 41

1- [44]مجمع البیان، جلد 9، صفحه 354 و مستدرک الوسائل، جلد 4، صفحه 351، حدیث 89.
2- [45]مجمع البیان، جلد 9، صفحه 354.

عِينٌ 22 كَأَمْثلِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ 23 جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ 24 لَايَسْمَعُونَ

حورالعین دارند، (22) همچون مروارید (در صدف) پنهان. (23) اینها پاداشی است مطابق اعمالی که انجام می دادند. (24) در آنجا نه لغو و بیهوده ای

فِيهَا لَغْواً وَلَا تَأْثِيماً 25 إِلَّاقِيلاً سَلماً سَلماً 26 وَأَصْحبُ الْيَمِينِ مَا

می شنوند نه سخنان گناه آلود؛ (25) تنها سخنی که می شنوند «سلام» است «سلام». (26) و اصحاب یمین و خجستگان، چه اصحاب

أَصْحبُ الْيَمِينِ 27 فِى سِدْرٍ مَّخْضُودٍ 28 وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ 29 وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ

یمین و خجستگانی ! (27) آنها در سایه درختان «سدر» بی خار قرار دارند، (28) و در سایه درخت (خوش رنگ و پر برگ) «طلح»، (29) و سایه ای گسترده، 30

وَمَآءٍ مَّسْكُوبٍ 31 وَفكِهَةٍ كَثِيرَةٍ 32 لَّامَقْطُوعَةٍ وَلَامَمْنُوعَةٍ 33

(30) و در کنار آبشارها، (31) و میوه های فراوان، (32) که هرگز پایان نمی گیرد و ممنوع نمی شود، (33) وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ 34 إِنَّآ أَنشَأْنهُنَّ إِنشَآءً 35 فَجَعَلْنهُنَّ أَبْكَاراً 36 عُرُباً

و همسرانی والا مقام. (34) ما آنها را آفرینش نوینی بخشیدیم، (35) و همه را دوشیزه قراردادیم، (36) زنانی که تنها به همسرشان

أَتْرَاباً 37 لِّأَصْحبِ الْيَمِينِ 38 ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ 39 وَثُلَّةٌ مِّنَ الْأَخِرِينَ 40

عشق می ورزند (وخوش زبان و فصیح) و همسن و سالند. (37) اینها همه برای اصحاب یمین است، (38) که گروهی از امّتهای نخستینند، (39) و گروهی از امّتهای آخرین. (40)

وَأَصْحبُ الشِّمَالِ مَاأَصْحبُ الشِّمَالِ 41 فِى سَمُومٍ وَحَمِيمٍ 42 وَظِلٍّ

واصحاب شمال، چه اصحاب شمالی (که نامه اعمالشان به نشانه جرمشان به دست چپ آنها داده شده) (41) آنها در میان بادهای کُشنده و آب سوزان قرار دارند، (42) و در سایه

مِّن يَحْمُومٍ 43 لّابَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ 44 إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذلِکَ مُتْرَفِينَ 45 وَكَانُوا
دودهای متراکم و آتش زا! (43) سایه ای که نه خنک است و نه آرام
بخش. (44) آنها پیش از این (در عالَم دنیا) مست و مغرور نعمت بودند،
(45) و همواره يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ 46 وَ كَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا
وَكُنَّا تُراباً

بر گناهان بزرگ اصرار می ورزیدند، (46) و می گفتند: «هنگامی که ما مُردیم و خاک و استخوان شدیم،

وَعِظماً أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ 47 أَوَ ءَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ 48 قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ

آیا برانگیخته خواهیم شد؟! (47) و آیا پدران نخستین ما (برانگیخته می شوند)؟!» (48) بگو: «اوّلین

وَالْأَخِرِينَ 49 لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ 50 ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا

و آخرین، (49) همگی در موعد روزی معین گردآوری می شوند، (50) سپس شما ای

الضَّآلُّونَ الْمُكَذِّبُونَ 51 لَأَكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ 52 فَمَالِئُونَ مِنْهَا

گمراهان تکذیب کننده! (51) به یقین از درخت (نفرت انگیز) زقّوم می خورید، (52) و شکمها را از آن

الْبُطُونَ 53 فَشرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ 54 فَشرِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ 55 هذَا

پر می کنید، (53) و روی آن از آب سوزان می نوشید، (54) و همچون شتران تشنه، از آن می آشامید. (55) این است

نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ 56 نَحْنُ خَلَقْنكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ 57 أَفَرَءَيْتُم مَّا تُمْنُونَ

وسیله پذیرایی از آنها در روز جزا!» (56) ما شما را آفریدیم؛ پس چرا (آفرینش مجدّد را) تصدیق نمی کنید؟! (57) آیا از نطفه ای که (در رحم) می ریزید آگاهید؟! 58

ءَأَنتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخلِقُونَ 59 نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ

(58) آیا شما آن را (در دوران جنینی) آفرینش (پی در پی) می دهید یا ما آفریدگاریم؟! (59) ما در میان شما مرگ را مقدّر ساختیم؛ و هرگز کسی بر ما

بِمَسْبُوقِينَ 60 عَلَى أَن نُّبَدِّلَ أَمْثَلَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِى مَا لَاتَعْلَمُونَ 61 وَلَقَدْ

پیشی نمی گیرد. (60) تا شما را به صورت دیگری تبدیل کرده و در جهانی که نمی دانید آفرینشی (تازه) بخشیم! (61) شما عالَم

عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ 62 أَفَرَءَيْتُم مَّا تَحْرُثُونَ 63 ءَأَنتُمْ

نخستین را دانستید؛ پس چرا متذکّر نمی شوید (که جهانی بعد از آن است)؟! (62) آیا درباره آنچه کشت می کنید اندیشیده اید؟! (63) آیا شما

تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ 64 لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنهُ حُطماً فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ

آن را می رویانید یا ما می رویانیم؟! (64) اگر می خواستیم آن را مبدّل به کاه در هم کوبیده می کردیم تا در تعجب فرو روید! 65

إِنَّا لَمُغْرَمُونَ 66 بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ 67 أَفَرَءَيْتُمُ الْمَآءَ الَّذِى تَشْرَبُونَ

(65) (بگونه ای که می گفتید:) براستی ما زیان کرده ایم، (66) بلکه ما بکلی محروم شده ایم! (67) آیا به آبی که می نوشید اندیشیده اید؟! (68)
68 ءَأَنتُمْ أَنزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ 69 لَوْ نَشَآءُ جَعَلْنهُ أُجَاجاً

آیا شما آن را از ابر نازل کرده اید یا ما نازل می کنیم؟! (69) اگر می خواستیم، این آب گوارا را تلخ و شور قرار می دادیم؛

فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ 70 أَفَرَءَيْتُمُ النَّارَ الَّتِى تُورُونَ 71 ءَأَنتُمْ أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَآ

پس چرا شُکر نمی کنید؟! (70) آیا درباره آتشی که می افروزید فکر کرده اید؟! (71) آیا شما درخت آن را آفریده اید

أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ 72 نَحْنُ جَعَلْنهَا تَذْکِرَهً وَمَتعاً لِّلْمُقْوِینَ 73 فَسَبِّحْ

یا ما آفریده ایم؟! (72) ما آن را وسیله یادآوری (برای همگان) و وسیله زندگی برای مسافران قرار داده ایم. (73) حال که چنین است به نام

بِاسْمِ رَبِّکَ الْعَظِیمِ 74 فَلَآ أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ 75 وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ

پروردگار بزرگت تسبیح گوی (و او را پاک و منزّه بشمار). (74) سوگند به جایگاه ستارگان (و محل طلوع و غروب آنها)! (75) و این سوگندی است بسیار بزرگ،

عَظِیمٌ 76 إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ کَرِیمٌ 77 فِی کِتبٍ مَّکْنُونٍ 78 لَّا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

اگر بدانید! (76) که آن، قرآن پر ارزشی است، (77) که در کتاب محفوظی جای دارد، (78) و جز پاکان نمی توانند به آن دست زنند (و دست یابند). 79

تَنزِیلٌ مِّن رَّبِّ الْعلَمِینَ 80 أَفَبِهذَا الْحَدِیثِ أَنتُم مُّدْهِنُونَ 81

(79) آن از سوی پروردگار جهانیان نازل شده؛ (80) آیا این سخن را [/ این قرآن را با اوصافی که گفته شد] سست و کوچک می شمرید، (81)

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَکُمْ أَنَّکُمْ تُکَذِّبُونَ 82 فَلَوْلَآ إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ 83 وَ أَنتُمْ

و به جای شکر روزیهایی که به شما داده شده (آن را) تکذیب می کنید؟! (82) پس چرا هنگامی که جان به گلوگاه می رسد (توانایی بازگرداندن آن را ندارید)؟! (83) و شما

حِينَئِذٍ تَنظُرُونَ 84 وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنكُمْ وَلكِن لَّاتُبْصِرُونَ 85 فَلَوْلَآ در اين حال نظاره مى كنيد (و كارى از دستتان ساخته نيست)؛ (84) و ما از شما به او نزديكتريم ولى نمى بينيد. (85) اگر (با انتقال به سراى ديگر، إِن كُنتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ 86 تَرْجِعُونَهَآ إِن كُنتُمْ صدِقِينَ 87 فَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ

هرگز در برابر اعمالتان) جزا داده نمى شويد، (86) پس آن (روح) را بازگردانيد اگر راست مى گوييد! (87) (ولى) هرگاه

الْمُقَرَّبِينَ 88 فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ 89 وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنْ أَصْحبِ

او از مقرّبان باشد، (88) در رَوْح و ريحان و بهشت پرنعمت است. (89) امّا اگر از اصحاب يمين باشد، (90) (به او گفته مى شود:) سلام بر تو از سوى اصحاب

الْيَمِينِ 90 فَسَلمٌ لَّكَ مِنْ أَصْحبِ الْيَمِينِ 91 وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ

يمين (كه از ياران تواند). (91) امّا اگر او از تكذيب كنندگان

الضَّالِّينَ 92 فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ 93 وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ 94 إِنَّ هذَا لَهُوَ حَقُ

گمراه باشد، (92) با آب سوزان دوزخ پذيرايى مى شود (93) و سرنوشت او ورود در آتش جهنم است؛ (94) به يقين حق

الْيَقِينِ 95 فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ 96

و يقين اين است. (95) پس به نام پروردگار بزرگت تسبيح كن (و او را منزّه بشمار). (96)

4- سوره جمعه

در حديثى از پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله مى خوانيم: «هركس سوره جمعه رابخواند، خداوندبه تعداد كسانى كه دربلاد مسلمين در نماز جمعه شركت مى كنند و كسانى كه شركت نمى كنند، به او ده حسنه مى بخشد».(1) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يُسَبِّحُ لِلّهِ مَا فِى السَّمواتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ

آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است همواره تسبيح خدا مى گويند، خداوندى كه مالک و حاكم است و از هر عيب و نقصى مبرّا، و توانا

الْحَكِيمِ 1 هُوَ الَّذِى بَعَثَ فِى الْأُمِّيِّينَ رَسُولاً مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايتِهِ

و حكيم است. (1) او كسى است كه در ميان جمعيّت درس نخوانده پيامبرى از خودشان برانگيخت كه آياتش را بر آنها بخواند

وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتبَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِى ضَللٍ مُّبِينٍ

و آنها را تزكيه كند و به آنان كتاب (قرآن) و حكمت بياموزد، هرچند پيش از آن در گمراهى آشكارى بودند. 2

ص: 44

1- [46]مجمع البيان، جلد 10، صفحه 5 و نورالثقلين، جلد 5، صفحه 320، حديث 2.

وَءَاخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ 3 ذَلِکَ فَضْلُ اللَّهِ

(2) و (همچنین) پیامبر است بر گروه دیگری که هنوز به آنها ملحق نشده اند؛ و او توانا و حکیم است. (3) این فضل خداست

يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ 4 مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَ

که به هرکس بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد؛ و خداوند دارای فضل عظیم است. (4) داستان کسانی که مکلّف به تورات شدند ولی

لَمْ يَحْمِلُوهَا کَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَاراً بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ کَذَّبُوا

حق آن را ادا نکردند، مانند داستان درازگوشی است که کتابهایی حمل می کند، (امّا چیزی از آن نمی فهمد). چه بد است مثل گروهی که

بَايتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَايَهْدِى الْقَوْمَ الظلِمِينَ 5 قُلْ يأَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن

آیات خدا را انکار کردند، و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی کند. (5) بگو: «ای یهودیان! اگر گمان می کنید که (فقط) شما

زَعَمْتُمْ أَنَّکُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِن کُنتُمْ صدِقِينَ

دوستان خدایید نه سایر مردم، پس اگر راست می گویید آرزوی مرگ کنید (تا به لقای محبوبتان برسید)!» 6

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَداً بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظلِمِينَ 7 قُلْ

(6) ولی آنان بخاطر اعمالی که از پیش فرستاده اند، هرگز آرزوی مرگ نمی کنند؛ و خداوند ستمگران را بخوبی می شناسد. (7) بگو:

إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِى تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلقِيکُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى علِمِ الْغَيْبِ

«مرگی که از آن فرار می کنید سرانجام با شما ملاقات خواهد کرد؛ سپس به سوی کسی که دانای پنهان

وَالشَّهدَةِ فَيُنَبِّئُکُم بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ 8 يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِىَ

و آشکار است باز گردانده می شوید؛ آنگاه شما را از آنچه انجام می دادید خبر می دهد.» (8) ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز

لِلصَّلَوهِ مِن یَوْمِ الْجُمُعَهِ فَاسْعَوْا إِلَی ذِکْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَیْعَ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَّکُمْ

روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا (و نماز) بشتابید و خرید و فروش را رها کنیدکه این برای شما بهتر است

إِن کُنتُمْ تَعْلَمُونَ 9 فَإِذَا قُضِیَتِ الصَّلَوهُ فَانتَشِرُوا فِی الْأَرْضِ وَابْتَغُوا

اگر می دانستید! (9) و هنگامی که نماز پایان گرفت (می توانید) در زمین پراکنده شوید (و به سراغ کسب و کار رفته)

مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْکُرُوا اللَّهَ کَثِیراً لَّعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ 10 وَإِذَا رَأَوْا تِجرَهً أَوْ

و از فضل خدا بطلبید، و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید. (10) هنگامی که آنها تجارت یا

لَهْوًا انفَضُّوا إِلَیْهَا وَتَرَکُوکَ قَائِماً قُلْ مَا عِندَ اللَّهِ خَیْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ

سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می شوند و به سوی آن می روند و تو را ایستاده به حال خود رها می کنند؛ بگو: «آنچه نزد خداست بهتر از لهو

التِّجرَهِ وَاللَّهُ خَیْرُ الرَّازِقِینَ 11

و تجارت است، و خداوند بهترین روزی دهندگان است.» (11)

ص: 45

5- سوره منافقون

در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است: «کسی که سوره منافقون را بخواند از هرگونه نفاق پاک می شود».(1) و در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

«بر هر مؤمنی از شیعیان ما لازم است که در شب جمعه، سوره «جمعه» و «سبّح اسم ربِّکَ الأعلی» را بخواند، و در نماز ظهر جمعه، سوره «جمعه» و «منافقون» را بخواند؛ سپس افزود: «هنگامی که چنین کند گویی عملی همانند عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله را انجام داده و جزا و پاداشش بر خدا، بهشت است».(2) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا جَاءَکَ الْمُنفِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّکَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ یَعْلَمُ إِنَّکَ لَرَسُولُهُ

هنگامی که منافقان نزد تو آیند می گویند: «ما شهادت می دهیم که به یقین تو پیامبر خدا هستی !» خداوند می داند که تو پیامبر او هستی،

وَاللَّهُ یَشْهَدُ إِنَّ الْمُنفِقِینَ لَکذِبُونَ 1 اتَّخَذُوا أَیْمنَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن

ولی خداوند شهادت می دهد که منافقان دروغگو هستند (زیرا گفته خود ایمان ندارند). (1) آنها سوگندهایشان را پوششی قرار دادند تا (مردم را) از

سَبِیلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا کَانُوا یَعْمَلُونَ 2 ذلِکَ بِأَ نَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا فَطُبِعَ

راه خدا باز دارند، و چه بد است آنچه انجام می دادند. (2) این بخاطر آن است که (نخست) ایمان آوردند سپس کافر شدند؛ از این رو

عَلَی قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَایَفْقَهُونَ 3 و إِذَا رَأَیْتَهُمْ تُعْجِبُکَ أَجْسَامُهُمْ وَإِن

بر دلهای آنان مُهر نهاده شده، و (حقیقت را) درک نمی کنند. (3) هنگامی که آنها را می بینی، ظاهر (آراسته) آنان تو را درشگفتی فرو می برد؛ و اگر سخن بگویند،

یَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ کَأَ نَّهُمْ خُشُبٌ مُّسَنَّدَةٌ یَحْسَبُونَ کُلَّ صَیْحَةٍ عَلَیْهِمْ

به سخنانشان گوش فرا می دهی؛ امّا گویی چوبهای خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده است! هر فریادی (از هر جا) بلند شود بر ضد خود می پندارند؛

هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّی یُؤْفَکُونَ 4 وَإِذَا قِیلَ لَهُمْ تَعَالَوْا

آنها دشمنان واقعی (تو) هستند، از آنان بر حذر باش! خدا آنها را بکشد، چگونه (از حق) منحرف می شوند؟! (4) هنگامی که به آنان گفته شود: «بیایید تا پیامبر خدا

یَسْتَغْفِرْ لَکُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ وَرَأَیْتَهُمْ یَصُدُّونَ وَهُم مُّسْتَکْبِرُونَ

برای شما طلب آمرزش کند.»، سرهای خود را (از روی استهزاء و غرور) تکان می دهند؛ و آنها را می بینی که از سخنان تو اعراض کرده وتکبّر می ورزند. 5

ص: 46

1- [47]مجمع البیان، جلد 10، صفحه 16، آغاز سوره منافقون.
2- [48]ثواب الاعمال، صفحه 118 و نورالثقلین، جلد 5، صفحه 331، حدیث 1.

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ

(5) برای آنها آمرزش بخواهی یا نخواهی بر ایشان تفاوت نمی کند، هرگز خداوند آنان را نمی بخشد؛ زیرا خداوند گروه

لَا يَهْدِی الْقَوْمَ الْفسِقِينَ 6 هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَاتُنفِقُوا عَلَی مَنْ عِندَ

فاسقان (لجوج و منافق) را هدايت نمی کند. (6) آنها کسانی هستند که می گويند: «به افرادی که نزد

رَسُولِ اللَّهِ حَتَّی يَنفَضُّوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّموَ تِ وَالْأَرْضِ وَلكِنَ

پيامبر خدا هستند انفاق نکنيد تا پراکنده شوند.» (غافل از اين که) خزاين آسمانها و زمين از آنِ خداست،

الْمُنفِقِينَ لَايَفْقَهُونَ 7 يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعْنَا إِلَی الْمَدِينَهِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ

ولی منافقان نمی فهمند. (7) آنها می گويند: «اگر به مدينه باز گرديم، عزيزان، ذليلان را بيرون می کنند!»

مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّهُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلكِنَّ الْمُنفِقِينَ لَايَعْلَمُونَ

در حالی که عزّت مخصوص خدا و پيامبر او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی دانند. 8

يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَاتُلْهِكُمْ أَمْولُكُمْ وَلَا أَوْلدُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَمَن

(8) ای کسانی که ايمان آورده ايد! اموال و فرزندانتان شما را از ياد خدا غافل نکند!

يَفْعَلْ ذلِکَ فَأُوْلئِکَ هُمُ الْخسِرُونَ 9 وَأَنفِقُوا مِن مَّا رَ زَقْنكُم مِّن قَبْلِ

وکسانی که چنين کنند، زيانکارانند. (9) و از آنچه به شما روزی داده ايم انفاق کنيد،

أَن يَأْتِیَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِی إِلَی أَجَلٍ قَرِيبٍ

پیش از آن که مرگ یکی از شما فرا رسد و بگوید: «پروردگارا! چرا مرگِ مرا مدّت کمی به تأخیر نینداختی

فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصلِحِينَ 10 وَلَن يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْساً إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا

تا (در راه تو) صدقه دهم و از صالحان باشم؟!» (10) خداوند هرگز مرگ کسی را هنگامی که اجل او فرا رسد به تأخیر نمی اندازد،

وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ 11

و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (11)

6- سوره نبأ

(عمّ یتسائلون)

در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است: «کسی که سوره «عمّ یتسائلون» را بخواند، خداوند از شراب طهور گوارای بهشتی در قیامت سیرابش می کند».(1)

1- [49]مجمع البیان، جلد 10، صفحه 237، آغاز سوره نبأ.

و در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: «کسی که هر روز، سوره عمّ یتسائلون را ادامه دهد توفیق زیارت خانه خدا را پیدا می کند».
(1) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

عَمَّ یَتَسَآءَلُونَ 1 عَنِ النَّبَإِ الْعَظِیمِ 2 الَّذِی هُمْ فِیهِ مُخْتَلِفُونَ 3 کَلَّا

آنها از چه چیز از یکدیگر سؤال می کنند؟! (1) از خبر بزرگ و پر اهمیّت (رستاخیز)! (2) که پیوسته در آن اختلاف دارند. (3) چنین نیست (که آنها فکر می کنند)،

سَیَعْلَمُونَ 4 ثُمَّ کَلَّا سَیَعْلَمُونَ 5 أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهداً 6 وَالْجِبَالَ

بزودی خواهند دانست. (4) باز هم چنین نیست (که آنها می پندارند)، بزودی می دانند (که قیامت حق است)! (5) آیا زمین را محل آرامش (شما) قرار ندادیم؟! (6) و کوهها را

أَوْتَاداً 7 وَخَلَقْنکُمْ أَزْوَاجاً 8 وَجَعَلْنَا نَوْمَکُمْ سُبَاتاً 9 وَجَعَلْنَا الَّیْلَ

میخهایی (برای زمین)؟! (7) و شما را بصورت زوجها آفریدیم! (8) و خواب شما رامایه آرامشتان قرار دادیم، (9) و شب را

لِبَاساً 10 وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشاً 11 وَ بَنَیْنَا فَوْقَکُمْ سَبْعاً شِدَاداً 12

پوششی (برای شما)، (10) و روز را وسیله ای برای زندگی و معاش. (11) و بر فراز شما هفت (آسمان) محکم بنا کردیم. (12)

وَجَعَلْنَا سِرَاجاً وَهَّاجاً 13 وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَ تِ مَآءً ثَجَّاجاً 14 لِّنُخْرِجَ

و چراغی روشن و حرارت بخش آفریدیم! (13) و از ابرهای باران زا آبی فراوان نازل کردیم. (14) تا بوسیله آن

بِهِ حَبّاً وَنَبَاتاً 15 وَجَنتٍ أَلْفَافاً 16 إِنَّ یَوْمَ الْفَصْلِ کَانَ مِیقتَاً 17 یَوْمَ

دانه و گیاه بسیار برویانیم، (15) و باغهایی پر درخت. (16) (آری) روز جدایی (حق از باطل)، میعاد همگان است! (17) روزی که

يُنْفَخُ فِى الّصُّورِ فَتَأْتُونَ أفْوَاجاَ 18 وَفُتِحَتِ الّسَّمَاءُ فَكَانَتْ أبْوَاباَ 19

در «صور» دمیده می شود و شما فوج فوج (به محشر) می آیید. (18) و آسمان گشوده می شود و بصورت درهای متعددی در می آید. (19) و

وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَاباً 20 إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَاداً 21 لِّلطغِينَ

کوهها به حرکت درمی آید (و متلاشی می شود) و بصورت سرابی خواهد شد. (20) به یقین (در آن روز) جهنم کمینگاهی است بزرگ، (21) و محل بازگشتی

مَأَباً 22 لبِثِينَ فِيهَآ أَحْقَاباً 23 لَّايَذُوقُونَ فِيهَا بَرْداً وَلَاشَرَاباً 24 إِلَّا

برای طغیانگران. (22) مدتهای طولانی در آن می مانند. (23) در آن جا نه چیز خنکی می چشند و نه نوشیدنی گوارایی، (24) جز آبی

ص: 48

1- [50]مجمع البیان، جلد 10، صفحه 237، آغاز سوره نبأ.

حَمِیماً وَغَسَّاقاً 25 جَزَآءً وِفَاقاً 26 إِنَّهُمْ کَانُوا لَایَرْجُونَ حِسَاباً 27

سوزان و مایعی از چرک و خون. (25) این مجازاتی است موافق و مناسب (اعمالشان). (26) چرا که آنها هیچ امیدی به حساب نداشتند، (27)

وَکَذَّبُواْ بِأَیتِنَا کِذَّاباً 28 وَکُلَّ شَیْ ءٍ أَحْصَیْنهُ کِتباً 29 فَذُوقُواْ فَلَن

و آیات ما را به طور کامل تکذیب کردند. (28) و ما همه چیز را در کتابی شمارش و ثبت کرده ایم. (29) پس (به آنان گفته می شود:) بچشید که چیزی جز

نَّزِیدَکُمْ إِلَّاعَذَاباً 30 إِنَّ لِلْمُتَّقِینَ مَفَازاً 31 حَدَآئِقَ وَأَعْنباً 32 وَکَوَاعِبَ

عذاب بر شما نمی افزاییم! (30) به یقین برای پرهیزگاران نجات و رستگاری بزرگی است: (31) باغهایی سرسبز، و انواع انگورها، (32) و حوریانی بسیار جوان

أَتْرَاباً 33 وَکَأْساً دِهَاقاً 34 لَّایَسْمَعُونَ فِیهَا لَغْوَاً ولَا کِذَّاباً 35 جَزَآءً مِّن

و همسن و سال، (33) و جامهایی لبریز و پیاپی (از شراب طهور). (34) در آن جا نه سخن لغو و بیهوده ای می شنوند و نه دروغی. (35) این پاداشی است از

رَبِّکَ عَطَآءً حِسَاباً 36 رَّبِّ السَّموَ تِ وَالأَرْضِ وَمَا بَیْنَهُمَا الرَّحْمنِ لَا

سوی پروردگارت و عطیه ای است مطابق (اعمالشان). (36) همان پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آن دو است، همان پروردگار رحمان؛ و (در آن روز)

یَمْلِکُونَ مِنْهُ خِطَاباً 37 یَوْمَ یَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلئِکَهُ صَفًّا لَّایَتَکَلَّمُونَ إِلَّا

هیچ کس حق ندارد بی اجازه او سخنی بگوید (یا شفاعتی کند). (37) روزی که «روح» و «ملائکه» به صف می ایستند و هیچ یک، جز

مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَقَالَ صَوَاباً 38 ذَ لِکَ الْیَومُ الْحَقُّ فَمَن شَآءَ اتَّخَذَ

به اذن خداوند رحمان، سخن نمی گویند، و (آنگاه که می گویند) درست می گویند. (38) آن روز حق است؛ هر کس بخواهد (اکنون) راه

إِلَی رَبِّهِ مَآباً 39 إِنَّآ أَنْذَرْنکُمْ عَذَاباً قَرِیباً یَوْمَ یَنظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ

بازگشتی به سوی پروردگارش برمی گزیند. (39) و ما شما را از عذاب نزدیکی بیم دادیم؛ در روزی که انسان آنچه را از قبل با دستهای خود

یَدَاهُ وَیَقُولُ الْکَافِرُ یلَیْتَنِی کُنْتُ تُرَاباً 40

فرستاده می بیند، و کافر می گوید: «ای کاش خاک بودم (و گرفتار عذاب نمی شدم) !» (40)

7- سوره أعلی

در فضیلت تلاوت این سوره همین بس که در روایتی آمده که یکی از یاران علی علیه السلام می گوید: «بیست شب پشت سر آن حضرت نماز خواندم، جز سوره أعلی را در نماز نمی خواند و می فرمود اگر می دانستید چه برکاتی در آن است، هر یک از شما در هر روز بیست بار آن را تلاوت می کردید، و هر کس آن را بخواند گویی کتب و صحف موسی و ابراهیم را تلاوت کرده است». (1)

ص: 49

1- [51]نورالثقلین، جلد 5، صفحه 554، حدیث 7.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الأَعْلَی 1 الَّذِی خَلَقَ فَسَوَّی 2 وَالَّذِی قَدَّرَ فَهَدَی 3

منزّه شمار نام پروردگار بلند مرتبه ات را! (1) همان خداوندی که آفرید و موزون ساخت، (2) و همان کس که اندازه گیری کرد و هدایت نمود، (3)

وَالَّذِی أَخْرَجَ الْمَرْعَی 4 فَجَعَلَهُ غُثَآءً أَحْوَی 5 سَنُقْرِئُکَ فَلَا تَنسَی 6

و آن کس که چراگاه را به وجود آورد، (4) سپس آن را تیره و خشکیده ساخت. (5) ما بزودی (قرآن را) بر تو می خوانیم و هرگز فراموش نخواهی کرد، (6)

إِلَّا مَا شَآءَ اللَّهُ إِنَّهُ یَعْلَمُ الجَهْرَ وَمَا یَخْفَی 7 وَ نُیَسِّرُکَ لِلْیُسْرَی 8 فَذَکِّرْ

مگر آنچه را خدا بخواهد، که او آشکار و نهان را می داند. (7) و ما انجام کار خیر را برای تو آسان می سازیم. (8) پس تذکر ده

إِن نَّفَعَتِ الذِّکْرَی 9 سَیَذَّکَّرُ مَن یَخْشَی 10 وَ یَتَجَنَّبُهَا الأَشْقَی 11 الَّذِی

به یقین تذکّر مفید خواهد بود. (9) بزودی آن که از خدا می ترسد متذکّر می شود. (10) امّا بدبخت ترین افراد از آن دوری می گزینند، (11) همان کسی

یَصْلَی النَّارَ الکُبْرَی 12 ثُمَّ لَایَمُوتُ فِیهَا وَلَا یَحْیَی 13 قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَکَّی

که در آتش عظیم (دوزخ) وارد می شود، (12) سپس در آن آتش نه می میرد و نه زنده می شود. (13) به یقین کسی که خود را پاکیزه ساخت، رستگار شد. 14

وَ ذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّی 15 بَلْ تُؤْثِرُونَ الحَیَوةَ الدُّنْیَاا 16 وَالأَخِرَةُ خَیْرٌ

(14) و (آن کس که) نام پروردگارش را یاد کرد و نماز خواند. (15) ولی شما زندگی دنیا را مقدّم می دارید، (16) در حالی که آخرت بهتر

وَأبْقَی 17 إِنَّ هذا لَفِی الصُّحُفِ الْأولی 18 صُحُفِ إِبْرهِیمَ وَمُوسَی 19

و پایدارتر است. (17) این (دستورها) در کتب آسمانی پیشین (نیز) آمده است، (18) در کتب ابراهیم و موسی. (19)

8- سوره شمس

در فضیلت تلاوت این سوره، همین بس که در حدیثی از پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده است: «هر کس آن را بخواند گویی به عدد چیزهایی که خورشید و ماه بر آنها می تابد در راه خدا صدقه داده است!». (1) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَالشَّمْسِ وَضُحهَا 1 وَالْقَمَرِ إِذَا تَلهَا 2 وَالنَّهَارِ إِذَا جَلهَا 3 وَاللَّیْلِ

به خورشید و گسترش نور آن در صبحگاهان سوگند، (1) و به ماه هنگامی که از پی آن در آید، (2) و به روز هنگامی که خورشید را آشکار سازد، (3) و به شب آن

1- [52]مجمع البیان، جلد 10، صفحه 367، آغاز سوره شمس.

إِذَا يَغْشهَا 4 وَالْسَّمَآءِ وَمَا بَنهَا 5 وَالْأَرْضِ وَمَا طَحهَاا 6 وَنَفْسٍ وَمَا

هنگام كه آن را بپوشاند، (4) و سوگند به آسمان و كسى كه آن را بنا كرده، (5) و به زمين و كسى كه آن را گسترانيده، (6) و سوگند به روح آدمى و آن كس

سَوَّاهَاا 7 فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا 8 قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكهَا 9 وَ قَدْ

كه آن را (آفريده و) موزون ساخته، (7) سپس فجور و تقوايش [/ شر و خيرش را به او الهام كرده است، (8) كه هر كس نفس خود را پاک و تزكيه كرده، رستگار شده؛ (9) و

خَابَ مَن دَسهَا 10 كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَآ 11 إِذِ انْبَعَثَ أَشْقهَا 12

آن كه نفس خويش را با معصيت و گناه آلوده ساخته، نوميد و محروم گشته است! (10) قوم «ثمود» بر اثر طغيانشان، (پيامبر خود را) تكذيب كردند، (11) آنگاه كه شقى ترين آنها

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيهَا 13 فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ

به پا خاست؛ (12) و پيامبر خدا به آنان گفت: «ناقه (و معجزه خداوند) را با آبشخورش واگذاريد.» (13) ولى آنها او را تكذيب و ناقه را پى كردند (و به هلاكت رساندند)؛ از

عَلَيهِم رَبُّهُم بِذَنْبِهِم فَسَوَّاهَا 14 وَ لَايَخَافُ عُقْبهَا 15

اين رو پروردگارشان آنها را بخاطر گناهشان درهم كوبيد و با خاک يكسان كرد. (14) و او هرگز از فرجام مجازات ستمگران، باک ندارد. (15)

9- سوره شرح

(الم نشرح)

در فضيلت تلاوت اين سوره در حديثى از پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله مى خوانيم كه فرمود: «هر كس اين سوره را بخواند، پاداش كسى را دارد كه محمّد صلى اللهِ عليه و آله را غمگين ديده و اندوه را از قلب او زدوده است».(1) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَلَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ 1 وَوَضَعْنَا عَنکَ وِزْرَکَ 2 الَّذِی أَنقَضَ ظَهْرَکَ 3

آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم، (1) و بار سنگینت را از (دوش) تو برنداشتیم؟! (2) همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می کرد. (3)

وَرَفَعْنَا لَکَ ذِکْرَکَ 4 فَإِنَّ مَعَ العُسْرِ یُسْراً 5 إِنَّ مَعَ العُسْرِ یُسْراً 6 فَإِذَا

و آوازه تو را بلند ساختیم. (4) (آری) به یقین با سختی آسانی است. (5) مسلّماً با سختی آسانی است، (6) پس هنگامی

فَرَغْتَ فَانصَبْ 7 وَ إِلَی رَبِّکَ فَارْغَب 8

که از مهمّی فارغ می شوی به مهمّ دیگری پرداز، (7) و به سوی پروردگارت توجّه کن. (8)

10- سوره قدر

در فضیلت تلاوت این سوره همین بس که از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: «هر کس آن را تلاوت کند، مانند کسی است که ماه رمضان را روزه گرفته، و شب قدر را احیا داشته است».(2)

ص: 51

1- [53]مجمع البیان، جلد 10، صفحه 387، آغاز سوره شرح.
2- [54]همان مدرک، صفحه 403، آغاز سوره قدر.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِنَّآ أَنزَلنهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ 1 وَمَآ أَدْرَاکَ مَا لَیْلَهُ الْقَدْرِ 2 لَیْلَهُ الْقَدْرِ

به یقین ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم. (1) و تو چه می دانی شب قدر چیست؟! (2) شب قدر

خَیْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ 3 تَنَزَّلُ الْمَلئِکَهُ وَالرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن کُلِّ أَمْرٍ

بهتر از هزار ماه است. (3) فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر امری نازل می شوند.

4 سَلمٌ هِیَ حَتَّی مَطْلَعِ الْفَجْرِ 5

(4) شبی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده. (5)

11- سوره زلزله

در فضیلت این سوره تعبیرات مهمّی در روایات اسلامی آمده، از جمله در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم: «هر کس آن را تلاوت کند گویی سوره بقره را قرائت کرده، و پاداش او به اندازه کسی است که یک چهارم قرآن را تلاوت کرده باشد».(1) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا زُلْزِلَتِ الأَرْضُ زِلْزَالَهَا 1 وَأَخْرَجَتِ الأَرْضُ أَثْقَالَهَا 2 وَقَالَ

هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید، (1) و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد. (2) و انسان می گوید:

الأِنْسنُ مَا لَهَا 3 یَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا 4 بِأَنَّ رَبَّکَ أَوْحَی لَهَا 5

«زمین را چه می شود (که این گونه می لرزد)»؟! (3) در آن روز زمین تمام خبرهایش را بازگو می کند؛ (4) چرا که پروردگارت به آن وحی کرده

است. (5)

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتاً لِّيُرَوْاأَعْملَهُمْ 6 فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ

در آن روز مردم بصورت گروههای پراکنده (از قبرها) خارج می شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود. (6) پس هر کس هموزن ذرّه ای کار

خَيْرَاً يَرَهُ 7 وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ شَرَّاً يَرَهُ 8

خیر انجام دهد آن را می بیند. (7) و هر کس هموزن ذرّه ای کار بد کرده آن را (نیز) می بیند. (8)

1- [55]مجمع البیان، جلد 10، صفحه 416، آغاز سوره زلزله.

12- سوره عادیات

در فضیلت تلاوت این سوره از امام صادق علیه السلام می خوانیم: «هر کس سوره «والعادیات» را بخواند و بر آن مداومت کند، خداوند روز قیامت او را با امیرمؤمنان علیه السلام مبعوث می کند و در جمع او و دوستان او خواهد بود».(1) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَالْعدِیتِ ضَبْحاً 1 فَالْمُورِیتِ قَدْحاً 2 فَالْمُغِیرَاتِ صُبْحاً 3 فَأَثَرْنَ

سوگند به اسبان دونده (مجاهدان) در حالی که نفس زنان به پیش می تاختند، (1) و سوگند به افروزندگان جرقه آتش در برخورد سمهایشان (با سنگهای بیابان)، (2) و سوگند به

بِهِ نَقْعَاً 4 فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعاً 5 إِنَّ الْإِنسنَ لِرَبِّهِ لَکَنُودٌ 6 وَإِنَّهُ عَلَی

هجوم آوران در سپیده دم، (3) که گرد و غباربه هر سو پراکندند، (4) و (ناگهان) در میان جمع (دشمن) ظاهر شدند، (5) که انسان در برابر نعمتهای پروردگارش بسیار ناسپاس

ذلِکَ لَشَهِیدٌ 7 وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَیْرِ لَشَدِیْدٌ 8 أَفَلَا یَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِی الْقُبُورِ

و بخیل است؛ (6) و او خود (نیز) بر این گواه است؛ (7) و به یقین او علاقه شدید به مال دارد. (8) آیا نمی داند در آن زمان که تمام کسانی که در قبرها هستند برانگیخته 9

وَحُصِّلَ مَا فِی الصُّدُورِ 10 إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ یَوْمَئِذٍ لَّخَبِیرٌ 11

می شوند، (9) و آنچه در درون سینه هاست آشکار می گردد، (10) در آن روز پروردگارشان از آنها کاملاً آگاه است؟! (11)

13- سوره تکاثر

در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود:

«کسی که این سوره را بخواند، خداوند در برابر نعمت هایی که در دنیا به او داده او را مورد حساب قرار نمی دهد».(2) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمن الرَّحیم

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَلْهكُمُ التَّكَاثُرُ 1 حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ 2 كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ 3 ثُمَ

افزون طلبی (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته است. (1) تا آن جا که به دیدار قبرها رفتید (و به فزونی قبور مردگانتان افتخار کردید). (2) چنین نیست بزودی خواهید

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ 4 كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ 5 لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ 6

دانست! (3) باز چنان نیست؛ بزودی خواهید دانست! (4) هرگز چنان نیست (که شما خیال می کنید)؛ اگر شما علم الیقین (به آخرت) داشتید (5) به یقین شما جهنم را خواهید

ص: 53

1- [56]مجمع البیان، جلد 10، صفحه 421، آغاز سوره عادیات.
2- [57]همان مدرک، صفحه 430، آغاز سوره تکاثر.

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ 7 ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ 8

دید. (6) سپس (با ورود در آن) آن را به عین الیقین مشاهده خواهید کرد. (7) سپس در آن روز (همه شما) از نعمتها (ی الهی) بازپرسی خواهید شد. (8)

14- سوره کوثر

در فضیلت تلاوت این سوره در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «هر کس آن را تلاوت کند خداوند او را از نهرهای بهشتی سیراب خواهد کرد ...».(1) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِنَّآ أَعْطَیْنکَ الکَوْثَرَ 1 فَصَلِّ لِرَبِّکَ وانْحَرْ 2 إِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الأَبْتَرُ 3

به یقین ما به تو کوثر (و خیر و برکت فراوان) عطا کردیم. (1) پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن. (2) (و بدان) دشمن تو به یقین ابتر و بریده نسل است. (3)

15- سوره کافرون

درباره فضیلت این سوره روایات فراوانی نقل شده که حاکی از اهمّیّت محتوای آن است، از جمله:

در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «کسی که سوره «قُل یا أیّها الکافرون» را بخواند، گویی ربع قرآن را خوانده و شیاطین طغیانگر از او دور می شوند و از شرک پاک می گردد و از وحشت (روز قیامت) در امان خواهد بود».(2) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ یأَیُّهاالْکفِرُونَ 1 لآَ أَعْبُدُمَاتَعْبُدُونَ 2 وَلآَ أَنْتُمْ عبِدُونَ مَآأَعْبُدُ 3 وَلآَ

بگو: ای کافران! (1) آنچه را شما می پرستید من نمی پرستم. (2) و نه شما آنچه را من می پرستم می پرستید، (3) و نه من آنچه

أنَا عَابِدٌ مَّاعَبَدتَّمْ 4 ولَآ أنْتُمْ عبِدُونَ مَآ أعْبُدُ 5 لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِىَ دِينِ 6

را شما پرستش کرده اید می پرستم، (4) و نه شما آنچه را که من می پرستم پرستش می کنید؛ (5) (حال که چنین است) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم! (6)

ص: 54

1- [58]مجمع البیان، جلد 10، صفحه 458، آغاز سوره کوثر.
2- [59]همان مدرک، صفحه 462، آغاز سوره کافرون.

16- سوره نصر

در فضیلت تلاوت این سوره در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «کسی که آن را تلاوت کند همانند این است که در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله در فتح مکّه بوده است».(1) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا جَآءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ 1 وَرَأَیْتَ النَّاسَ یَدْخُلُونَ فِی دِینِ اللَّهِ

هنگامی که یاری خدا و پیروزی (بر مشرکان مکه) فرا رسد، (1) و ببینی مردم گروه گروه وارد دین خدا

أَفْوَاجاً 2 فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ واسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ کَانَ تَوَّاباً 3

می شوند، (2) پروردگارت را تسبیح و حمد گوی و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه پذیر است. (3)

17- سوره اخلاص (قل هو اللَّه)

در فضیلت تلاوت این سوره، روایات زیادی در منابع معروف اسلامی آمده است که حاکی از عظمت فوق العاده آن می باشد، از جمله: در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «آیا کسی از شما توانایی دارد یک سوم قرآن را در یک شب بخواند؟ !». یکی از حاضران عرض کرد: ای رسول خدا ! آیا این کار ممکن است؟ فرمود: «قل هو اللّه احد را بخوانید».(2) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ 1 اللَّهُ الصَّمَدُ 2 لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ 3 وَلَمْ یَکُن لَّهُ

بگو: «او خداوند، یکتا و یگانه است؛ (1) خداوندی بی نیاز است که همه نیازمندان قصد او می کنند؛ (2) (هرگز) نزاد، و زاده نشد؛ (3) و برای او هیچ گاه شبیه

کُفُواً أَحَدٌ 4

و ماننده نبوده است.» (4)

1- [60]مجمع البیان، جلد 10، صفحه 466، آغاز سوره نصر.
2- [61]همان مدرک، صفحه 479، آغاز سوره اخلاص.

18- سوره فلق

در فضیلت این سوره از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «آیاتی بر من نازل شده که همانند آنها نازل نشده است و آن دو سوره «فلق» و «ناس» است».(1) و در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام می خوانیم: «کسی که در سه رکعت نماز «شفع» و «وتر» سوره «فلق» و «ناس» و «قل هو اللّه أحد» را بخواند به او گفته می شود: بشارت باد بر تو، خداوند نماز تو را قبول کرد».(2) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ 1 مِن شَرِّ مَا خَلَقَ 2 وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ 3

بگو: «پناه می برم به پروردگار سپیده صبح، (1) از شرّ آنچه آفریده است؛ (2) و از شرّ هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می شود؛ (3)

وَ مِن شَرِّ النَّفثتِ فِی الْعُقَدِ 4 وَ مِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ 5

و از شرّ آنها که (با افسون و سحر) در گره ها می دمند؛ (4) و از شرّ حسود هنگامی که حسد می ورزد.» (5)

19- سوره ناس

در فضیلت تلاوت این سوره (غیر از روایتی که در بیان فضیلت سوره فلق گذشت) روایات متعدّدی وارد شده است.(3) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ 1 مَلِکِ النَّاسِ 2 إِلهِ النَّاسِ 3 مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ

بگو: «پناه می برم به پروردگار مردم، (1) مالک و حاکم مردم، (2) معبود مردم، (3) از شرّ وسوسه گر

الْخَنَّاسِ 4 الَّذِی یُوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ 5 مِن الْجِنَّهِ وَالنَّاسِ 6

پنهانکار. (4) که در درون سینه مردمان وسوسه می کند، (5) خواه از جنّ باشد یا از انسان» (6)

1- [62]نورالثقلین، جلد 5، صفحه 716، حدیث 3 و مجمع البیان، جلد 10، صفحه 491، آغاز سوره فلق.
2- [63]نورالثقلین، جلد 5، صفحه 716، حدیث 1 و مجمع البیان، جلد 10، صفحه 491، آغاز سوره فلق.
3- [64]رجوع شود به: نورالثقلین، جلد 5، صفحه 724 و مجمع البیان، جلد 10، صفحه 495، آغاز سوره ناس.

20- «آیهالکرسی» یکی از مهمترین آیات قرآن

در اهمّیّت و فضیلت این آیه همین بس که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که از یکی از یاران خود سؤال کرد «کدام آیه برترین آیه کتاب اللّه است؟» عرض کرد:

اللَّهُ لا إلهَ إلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ ...

پیامبر صلی الله علیه و آله دست بر سینه او زد و فرمود: «دانش بر تو گوارا باد ...».(1) در حدیث دیگری از حضرت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «برگزیده قرآن، سوره بقره و برگزیده بقره، آیهالکرسی است، در آن، پنجاه کلمه و در هر کلمه برکتی است».(2) در حدیث دیگری آمده است که هر کس به بستر می رود، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگوید، سپس آیهالکرسی را بخواند تا صبح از همه چیز در امان خواهد بود.(3) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُ لَآ إِلهَ إِلَّاهُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لَاتَأْخُذُهُ سِنَهٌ وَلَا نَوْمٌ لَّهُ مَا فِی

هیچ معبودی جز خداوندِ یگانه زنده و پاینده نیست، (خداوندی که قائم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قائم به او). هیچ گاه خواب سبک و سنگینی او را فرا نمی گیرد؛

السَّموتِ وَ مَا فِی الْأَرْضِ مَن ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِندَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ

(و لحظه ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی ماند؛) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست که در نزد او، جز به فرمانش شفاعت کند؟ ! آینده و گذشته بندگان را

أَیْدِیهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَ لَایُحِیطُونَ بِشَیْ ءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَآءَ وَسِعَ

می داند؛ و کسی از علم او آگاه نمی گردد؛ جز به مقداری که او بخواهد. (اوست که به همه چیز آگاه است؛ و علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علمِ بی پایان و نامحدود اوست).

کُرْسِیُّهُ السَّموتِ وَالْأَرْضَ وَلَایَودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ 255 لَآ

تخت (حکومت) او، آسمانها و زمین را دربرگرفته؛ و نگاهداری آن دو [/ آسمان و زمین ، او را خسته نمی کند. و اوست بلند مرتبه و با عظمت. (255) اکراهی

إِکْرَاهَ فِی الدِّینِ قَد تَّبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَیِّ فَمَن یَکْفُرْ بِالطغُوتِ وَ یُؤْمِن

در قبول دین، نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابراین، کسی که به طاغوت [/ بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد،

بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقَی لَاانفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ 256 اللَّهُ

به محکم ترین دستگیره چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست. و خداوند، شنوا و داناست. (256) خداوند،

ص: 57

1- [65]درّ المنثور، جلد 1، صفحه 322، ذیل آیه الکرسی.
2- [66]مستدرک الوسائل، جلد 4، صفحه 336، حدیث 27.
3- [67]بحارالانوار، جلد 89، صفحه 266، حدیث 11(با تلخیص).

وَلِیُّ الَّذِینَ ءَامَنُواْ یُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمتِ إِلَی النُّورِ وَالَّذِینَ کَفَرُواْ

ولیّ و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند؛ آنها را از ظلمتها خارج ساخته، به سوی نور می برد. ولی کسانی که کافر

أَوْلِیَآؤُهُمُ الطغُوتُ یُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَی الظُّلُمتِ أُوْلئِکَ أَصْحبُ

شدند، اولیای آنها طاغوتها هستند؛ که آنها را از نور خارج ساخته، به سوی ظلمتها می برند؛ آنها اهل

النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ 257

دوزخند و جاودانه در آن خواهند بود. (257)

نکته:

همان گونه که در آغاز این سوره ها گفتیم شواهد و قرائن فراوانی در دست است که نشان می دهد این آثار، برکات و پاداش ها از آن کسی است که در محتوای این آیات بیندیشد و آن را در زندگی خود پیاده کند.

***

ص :58

بخش دوم: مناجات ها و دعاهای معروف

اشاره

ص: 59

اهميّت و آثار دعا و مناجات

ص: 60

همان گونه که در آغاز کتاب گذشت، دعا و مناجات یکی از بهترین وسیله های ارتباط معنوی با خداوند و کسب صفای باطن و تهذیب نفس است.

اگر دعا کننده بداند چه کسی را می خواند و در برابر چه بزرگی به راز و نیاز مشغول است و چه مفاهیم بلندی در دعاهای معروف آمده است، چنان سرمست از باده مناجات می شود که هیچ لذّتی را در عالم با آن برابر نمی یابد.

دعا و مناجات، روح را صفا، جان را پاکی و دل را نورانیّت می بخشد.

تضرّع و زاری در پیشگاه حضرت حق و راز و نیاز در محضر معبود متعال و غلتیدن مروارید اشکی بر چهره بنده و زدودن غبار غفلت و گناه به وسیله سرشک پشیمانی، همه و همه نمودهای بندگی و امتیاز انسان از سایر موجودات و وسیله ای برای کسب بالاترین افتخارِ عالم خلقت است.

وقتی که دل شکسته می شود و اشکی بر گونه ها روان می گردد و زبان به تسبیح و تقدیس الهی باز می شود و در پی آن کلماتی در استغفار و عذرخواهی ادا می گردد، پیوند و ارتباط با حضرت احدیّت تحقّق می یابد و آن زمان بهترین لحظه عرض حاجات و بیان خواسته هاست.

***

با هر زبانی و با هر کلمه ای که بتوان بندگی را رساند و استغفار و توبه کرد و نیازها را برشمرد با ارزش است؛ ولی بدون تردید، دعاها و مناجاتی که از طریق والاترین مخلوقات عالم امکان و برترین بندگان شایسته الهی رسیده است، جامع، بدون نقص و انسان ساز است، و هر دعایی خود مجموعه ای از درسهاست.

ص: 61

مناجات ها و دعاهایی که از جانب معصومین علیهم السلام رسیده است، چون از بینش عمیق خداشناسانه ای برخوردار است و از انسانهای کامل و راسخان در علم و دانش صادر شده است، از هر نظر قابل اعتماد است و در آن هیچ یک از عوارض جاری در میان اوراد نشأت گرفته از افکار بشری وجود ندارد.

آنان چون خدا را به خوبی شناخته اند و اوصاف او را به خوبی می دانند، آنچه بر زبانشان در دعا و مناجات جاری شده است، پیراسته از خرافات و تعبیرات ناموزون است.

***

دعاهایی که از طریق خاندان عصمت علیهم السلام رسیده است به قدری از نظر محتوا و مضمون، عالی و بلند است که خود دلیل بر صحّت سند آنهاست و انسان به وضوح درمی یابد که چنین کلمات و ذکرهایی، جز از وجود مقدّس آنان نمی تواند صادر شود و دیگران را یارای ادای این مضامین بلند نیست.

ما در این بخش، دعاها و مناجاتی را ذکر می کنیم که علاوه بر بلندی محتوا و مضمون، از شهرت و یا اسناد قابل قبولی برخوردار باشد.

بار دیگر تأکید می کنیم آنگاه می توانیم از دعا و مناجات بهره عمیق و وافر بگیریم که در معانی آنها دقّت کنیم و آن را در وجود خود پیاده نماییم و به صورت درس های انسان سازی پیام آنها را بشنویم.

***

مناجات پانزده گانه امام سجّاد علیه السلام

اشاره

مرحوم «علّامه مجلسی» در «بحارالانوار» می گوید: من این مناجات را در کتب برخی از اصحاب یافتم که از امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده اند.(1)

1- مناجات التائبین

(توبه کنندگان)

مناجات و راز و نیاز بنده ای است که قصد توبه و بازگشت به خداوند را دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الهی الْبَسَتْنِی الْخَطایا ثَوْبَ مَذَلَّتی وَجَلَّلَنِی التَّباعُدُ مِنْکَ لِباسَ

ای معبود من، گناهان لباس خواری بر تنم کرده و دوری از تو لباس بیچارگی

مَسْکَنَتی وَاماتَ قَلْبی عَظِیمُ جِنایَتی فَاحْیِهِ بِتَوْبَهٍ مِنْکَ یا امَلی وَبُغْیَتی

بر من پوشانده و گناهان بزرگم، دلم را میرانده، پس با پذیرش توبه ام آن را زنده کن ای آرزو و مطلوب من

وَیا سُؤْلی وَمُنْیَتی فَوَعِزَّتِکَ ما اجِدُ لِذُنوُبی سِواکَ غافِراً، وَلا اری

و ای خواسته و آرزوی قلبی من، پس به عزتت سوگند، جز تو آمرزنده ای برای گناهانم نمی یابم، و برای دل شکستگیم

لِکَسْری غَیْرَکَ جابِراً، وَقَدْ خَضَعْتُ بِالْإِنابَهِ الَیْکَ، وَعَنَوْتُ بِالْاسْتِکانَهِ

مرهمی جز تو ندارم، و به وسیله بازگشت به سوی تو و با تسلیم در برابرت فروتنی نموده ام،

لَدَیْکَ، فَانْ طَرَدْتَنی مِنْ بابِکَ فَبِمَنْ الَوذُ، وَانْ رَدَدْتَنی عَنْ جَنابِکَ فَبِمَنْ

پس اگر مرا از درگاهت برانی به که پناه برم و اگر از حضورت بازگردانی به که پناهنده شوم

اعُوذُ، فَوا اسَفاهُ مِنْ خَجْلَتی وَافْتِضاحی وَوالَهْفاهُ مِنْ سُوءِ عَمَلی

پس افسوس از شرمندگی و رسواییم، و دریغ از بدی کردار و دست آوردم،

وَاجْتِراحی اسْئَلُکَ یا غافِرَ الذَّنْبِ الْکَبیرِ، وَیا جابِرَ الْعَظْمِ الْکَسیرِ، انْ

ای آمرزنده گناه بزرگ و ای پیوند دهنده استخوان شکسته، از تو می خواهم که

ص: 63

1- [68]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 142.

تَهَبَ لى مُوبِقاتِ الْجَرآئِرِ، وَتَسْتُرَ عَلَىَّ فاضِحاتِ السَّرآئِرِ، وَلا تُخْلِنى

جنايات آزاردهنده ام را ببخشى، و اسرار رسوا كننده ام را بپوشانى، و در روز قيامت

فى مَشْهَدِ الْقِيامَهِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِكَ وَغَفْرِكَ، وَ لاتُعْرِنى مِنْ جَميلِ صَفْحِكَ

مرا از لذّت گذشت وآمرزشت محروم نگردانى، و از چشم پوشى و پرده پوشى زيباييت بى نصيب

وَسَتْرِكَ، الهى ظَلِّلْ عَلى ذُنُوبى غَمامَ رَحْمَتِكَ، وَارْسِلْ عَلى عُيُوبى

نكنى، اى معبود من، سايه ابر رحمتت را بر گناهانم بينداز و ابر مهربانيت را

سَحابَ رَاْفَتِكَ، الهى هَلْ يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْابِقُ الَّا الى مَوْلاهُ، امْ هَلْ يُجيرُهُ

براى شستن عيبهايم بفرست، اى معبود من، آيا بنده فرارى جز به سوى مولايش باز مى گردد؟ و آيا جز مولايش

مِنْ سَخَطِهِ احَدٌ سِواهُ، الهى انْ كانَ النَّدَمُ عَلَى الذَّنْبِ تَوْبَهً فَانّى وَعِزَّتِكَ

كسى او را از خشم مولا پناه مى دهد؟ اى معبود من، اگر پشيمانى از گناه توبه است، پس به عزتت سوگند من به يقين

مِنَ النَّادِمينَ، وَانْ كانَ الْإِسْتِغْفارُمِنَ الْخَطيئَهِ حِطَّهً فَانّى لَكَ مِنَ

از پشيمانانم، و اگر طلب آمرزش از گناه، تخفيف گناه است، پس به يقين من از آمرزش خواهان

الْمُسْتَغْفِرينَ، لَكَ الْعُتْبى حَتّى تَرْضى الهى بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ تُبْ عَلَيَّ،

درگاه توام، از آن توست بازخواست تا خشنود شوى، اى معبود من، به حق قدرتت بر من توبه ام را بپذير

وَبِحِلْمِكَ عَنّي اعْفُ عَنّى وَبِعِلْمِكَ بى ارْفَقْ بى الهى انْتَ الَّذى فَتَحْتَ

و به حق شکیبابیت از من درگذر، و به حق آگاهیت به من مهربانی کن، ای معبود من، تویی که دری به سوی

لِعِبادِکَ باباً الی عَفْوِکَ، سَمَّیْتَهُ التَّوْبَهَ، فَقُلْتَ: تُوبُوا اَلی اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحاً.

گذشت به روی بندگانت گشوده و آن را توبه نامیده و فرمودی: به سوی خدا توبه کنید، توبه ای خالص

فَما عُذْرُ مَنْ اغْفَلَ دُخُولَ الْبابِ بَعْدَ فَتْحِهِ، الهی انْ کانَ قَبُحَ الذَّنْبُ مِنْ

پس چیست عذر کسی که بعد از گشودن در از داخل شدن غفلت کند؟! ای معبود من، اگر گناه از جانب بنده ات

عَبْدِکَ فَلْیَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِکَ، الهی ما ا نَا بِاوَّلِ مَنْ عَصاکَ فَتُبْتَ

زشت است پس به یقین گذشت از جانب تو نیکو می باشد، ای معبود من، من اولین کسی نیستم که نافرمانیت کرده و تو او را

عَلَیْهِ، وَتَعَرَّضَ لِمَعْرُوفِکَ فَجُدْتَ عَلَیْهِ، یا مُجیبَ الْمُضْطَرِّ، یا کاشِفَ

آمرزیده ای، و یا به نیکیهایت روی آورده و بر او بخشیده ای، ای اجابت کننده درماندگان، ای برطرف کننده

الضُّرِّ، یا عَظیمَ الْبِرِّ، یا عَلیماً بِما فِی السِّرِّ، یاجَمیلَ السِّتْرِ، اسْتَشْفَعْتُ

ضرر و زیان، ای بزرگ احسان، ای دانای نهان، ای زیبا پرده پوش، با بخشش و کرمت

ص :64

بِجُودِکَ وَکَرَمِکَ اَلَیْکَ، وَ تَوَسَّلْتُ بِجَنابِکَ [بِحَنانِکَ وَتَرَحُّمِکَ لَدَیْکَ،

از درگاهت شفاعت می طلبم، و به تو [به دوستیت و مهربانی که نزد توست متوسّل می شوم

فَاسْتَجِبْ دُعآئی وَ لا تُخَیِّبْ فیکَ رَجآئی وَ تَقَبَّلْ تَوْبَتی وَکَفِّرْ

دعایم را بپذیر و امیدم را به درگاهت ناامید مکن، و توبه ام را پذیرا باش

خَطیئَتی بِمَنِّکَ وَ رَحْمَتِکَ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

و به لطف و رحمتت از خطاهایم درگذر، ای مهربانترین مهربانان.

2- مناجات الشاکین

(شکایت کنندگان)

مناجات کسانی است که به درگاه خداوند شکایت می برند؛ شکایت از نفس امّاره و تمایلات نفس سرکش و شکایت از سختی دل و قساوت قلب و وسوسه های شیطان و از او برای غلبه بر اینها کمک می طلبند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الهی اَلَیْکَ اشْکُو نَفْساً بِالسُّوءِ امَّارَةً، وَالیَ الْخَطیئَهِ مُبادِرَةً،

ای معبود من، به تو شکایت می کنم از نفسی که مرا به بدی فرمان می دهد، و به سوی گناه می کشاند،

وَبِمَعاصیکَ مُولَعَةً، وَ بِسَخَطِکَ مُتَعَرِّضَةً، تَسْلُکُ بی مَسالِکَ الْمَهالِکِ،

و به نافرمانیهایت حریص است، و موجبات خشم و غضبت را فراهم ساخته است، مرا به راه های نابودی می کشاند،

وَتَجْعَلُنی عِنْدَکَ اهْوَنَ هالِکٍ، کَثیرَةَ الْعِلَلِ، طَویلَةَ الْأَمَلِ، انْ مَسَّهَا الشَّرُّ

و مرا در نزد تو پست ترین هلاک شوندگانی که عیب هایش بسیار و آرزویش طولانی است قرار می دهد، اگر آزاری به او رسد

تَجْزَعُ، وَانْ مَسَّهَا الْخَیْرُ تَمْنَعُ، مَیّالَهً الَی اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ، مَمْلُوَّهً بِالْغَفْلَهِ

بی تابی کند و اگر نیکی به آن رسد دریغ ورزد، به لهو و لعب گرایش داشته و غرق در بی خبری

وَالسَّهْوِ، تُسْرِعُ بی الیَ الْحَوْبَهِ، وَتُسَوِّفُنی بِالتَّوْبَهِ، الهی اشْکُو الَیْکَ عَدُوّاً

و اشتباه است، مرا به سرعت به سوی گناه می کشاند و توبه ام را به تأخیر می اندازد، ای معبود من، از دشمنی که مرا

یُضِلُّنی وَشَیْطاناً یُغْوینی قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْواسِ صَدْری وَاحاطَتْ

گمراه کرده و شیطانی که مرا فریب می دهد به تو شکایت می کنم، سینه ام را پر از وسوسه نموده و آرزوهای

1- [69]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 142.

هَواجِسُهُ بِقَلْبی یُعاضِدُ لِیَ الْهَوی وَیُزَیِّنُ لی حُبَّ الدُّنْیا، وَیَحُولُ بَیْنی

نفسانی دلم را احاطه کرده و هوای نفس (به بیچارگی من) کمک می کند، و دوستی دنیا را در نظرم زینت می دهد و میان من

وَبَیْنَ الطَّاعَهِ وَالزُّلْفی الهی الَیْکَ اشْکُو قَلْباً قاسِیاً مَعَ الْوَسْواسِ مُتَقَلِّباً،

و بندگی و نزدیکی به تو فاصله می اندازد، ای معبود من به تو شکایت می کنم از دل بی رحمی که با وسوسه دگرگون گردیده

وَبِالرَّیْنِ وَالطَّبْعِ مُتَلَبِّساً، وَعَیْناً عَنِ الْبُکآءِ مِنْ خَوْفِکَ جامِدَهً، وِالی ما

و با زنگار و خوی زشت پوشیده شده و چشمی که برای گریه از ترست خشک شده و به آنچه که

یَسُرُّها طامِحَهً، الهی لا حَوْلَ لی وَلا قُوَّهَ الَّا بِقُدْرَتِکَ، وَلا نَجاهَ لی مِنْ

او را خشنود می کند طمع دارد، ای معبود من پناهگاه و نیرویی جز قدرت تو نیست، و جز محافظت تو راه نجاتی از

مَکارِهِ الدُّنْیاإِلَّا بِعِصْمَتِکَ، فَاسْئَلُکَ بِبَلاغَهِ حِکْمَتِکَ، وَنَفاذِ مَشِیَّتِکَ، انْ

گرفتاریهای دنیا ندارم، پس به حق حکمت رسا و خواست نافذت از تو می خواهم که مرا

لا تَجْعَلَنی لِغَیْرِ جُودِکَ مُتَعَرِّضاً، وَلاتُصَیِّرَنی لِلْفِتَنِ غَرَضاً، وَکُنْ لی

روی آورنده به غیر بخششت قرار ندهی و هدف فتنه ها نگردانی و در برابر

عَلَی الْأَعْدآءِ ناصِراً، وَعَلَی الْمَخازی وَالْعُیُوبِ ساتِراً، وَمِنَ الْبَلاءِ

دشمنان یاورم باشی، و رسوایی ها و عیب هایم را بپوشانی، و از بلاها

واقِیاً، وَعَنِ الْمَعاصی عاصِماً، بِرَأْفَتِکَ وَرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

محافظتم کنی، و از گناهان بازم داری، به مهربانی و رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

3- مناجات الخائفین

(خائفان)

مناجات کسانی است که از خدا ترسانند و با زبان خوف و ترس، سخن می گویند و از حضرتش کمک می جویند، ولی در حقیقت ترس آنها از گناهان خویش و برخورد عادلانه خدا با آنهاست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الهی اتَراکَ بَعْدَ الْإیمانِ بِکَ تُعَذِّبُنی امْ بَعْدَ حُبّی ایَّاکَ تُبَعِّدُنی امْ مَعَ

ای معبود من، آیا می پسندی که بعد از ایمانم به تو مرا عذاب کنی یا بعد از محبتم به تو مرا دور کنی، یا با وجود

1- [70]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 143.

رَجآئى لِرَحْمَتِکَ وَصَفْحِکَ تَحْرِمُنى امْ مَعَ اسْتِجارَتى بِعَفْوِکَ

امیدم به رحمت و گذشتت مرا محروم سازى، یا با وجود پناهندگیم به گذشتت مرا

تُسْلِمُنى حاشا لِوَجْهِکَ الْکَریمِ انْ تُخَیِّبَنى لَیْتَ شِعْرى الِلشَّقآءِ

رها کنى، از کرمت دور است که مرا محروم کنى، اى کاش مى دانستم که آیا مادرم مرا براى

وَلَدَتْنى امّى امْ لِلْعَنآءِ رَبَّتْنى فَلَیْتَها لَمْ تَلِدْنى وَ لَمْ تُرَبِّنى وَلَیْتَنى

بدبختى زاییده یا براى رنج و سختى تربیت نموده؟ پس اى کاش مرا نزاییده و پرورش نداده بود، و اى کاش

عَلِمْتُ امِنْ اهْلِ السَّعادَهِ جَعَلْتَنى وَبِقُرْبِکَ وَجِوارِکَ خَصَصْتَنى فَتَقِرَّ

مى دانستم که آیا مرا از سعادتمندان قرار داده و به نزدیکى و جوارت مخصوص گردانده اى تا چشمم

بِذلِکَ عَیْنى وَتَطْمَئِنَّ لَهُ نَفْسى الهى هَلْ تُسَوِّدُ وُجُوهاً خَرَّتْ ساجِدَهً

روشن شده و دلم آرام گیرد؟ اى معبود من آیا چهره هایى را که در برابر عظمتت به خاک افتاده اند

لِعَظَمَتِکَ، اوْ تُخْرِسُ الْسِنَهً نَطَقَتْ بِالثَّنآءِ عَلى مَجْدِکَ وَجَلالَتِکَ، اوْ تَطْبَعُ

سیاه مى کنى؟ یا زبانهایى که به ستایش بزرگى و شکوهت گویایند لال مى کنى؟ یا بر دلهایى که محبتت

عَلى قُلُوبٍ انْطَوَتْ عَلى مَحَبَّتِکَ، اوْ تُصِمُّ اسْماعاً تَلَذَّذَتْ بِسَماعِ ذِکْرِکَ

آنها را فرا گرفته مُهر مى زنى؟ یا گوشهایى را که از شنیدن ذکر مورد پسند تو لذّت مى برند،

فى ارادَتِکَ، اوْ تَغُلُّ اکُفّاً رَفَعَتْهَا الْآمالُ الَیْکَ رَجآءَ رَاْفَتِکَ، اوْ تُعاقِبُ

کر می کنی؟ یا دستهایی را که آرزوها به امید مهربانیت آنها را به درگاهت بلند کرده، به زنجیر می کشی؟ یا بدنهایی

ابْداناً عَمِلَتْ بِطاعَتِکَ حَتّی نَحِلَتْ فی مُجاهَدَتِکَ، اوْ تُعَذِّبُ ارْجُلًا

را که به بندگیت عمل نموده تا جایی که برای کوشش در راهت ضعیف شده کیفر می دهی؟ یا پاهایی را که

سَعَتْ فی عِبادَتِکَ، الهی لاتُغْلِقْ عَلی مُوَحِّدیکَ ابْوابَ رَحْمَتِکَ، وَلا

در مسیر بندگیت تلاش کرده عذاب می کنی؟ ای معبود من درهای رحمتت را بر یکتاپرستانت مبند،

تَحْجُبْ مُشْتاقیکَ عَنِ النَّظَرِ الی جَمیلِ رُؤْیَتِکَ، الهی نَفْسٌ اعْزَزْتَها

و مشتاقانت را از دیدن جمال زیبایت محروم مگردان، ای معبود من، نفسی را که با یگانگیت

بِتَوْحیدِکَ، کَیْفَ تُذِلُّها بِمَهانَهِ هِجْرانِکَ، وَضَمیرٌ انْعَقَدَ عَلی مَوَدَّتِکَ، کَیْفَ

گرامی داشتی، چگونه آن را با خواری دوریت پست می کنی؟ و دلی را که با دوستیت پیوند خورده چگونه

تُحْرِقُهُ بِحَرارَهِ نیرانِکَ، الهی اجِرْنی مِنْ الیمِ غَضَبِکَ وَعَظیمِ سَخَطِکَ،

با حرارت آتشت می سوزانی؟ ای معبود من، مرا از خشم دردناک و بزرگی کیفرت پناه ده

ص: 67

یاحَنَّانُ یا مَنَّانُ، یا رَحیمُ یا رَحْمنُ، یا جَبَّارُ یا قَهَّارُ، یا غَفَّارُ یا سَتَّارُ،

ای غمخوار، ای سخاوتمند، ای مهربان، ای بخشنده، ای توانا، ای پیروز، ای آمرزنده، ای عیب پوش

نَجِّنی بِرَحْمَتِکَ مِنْ عَذابِ النَّارِ، وَفَضیحَهِ الْعارِ، اذَا امْتازَ الْأَخْیارُ مِنَ

به رحمتت مرا از عذاب دوزخ و رسوایی ننگ نجات ده، در آن هنگام که نیکان از بدان

الْأَشْرارِ، وَحالَتِ الْأَحْوالُ، وَهالَتِ الْأَهْوالُ [71]، وَقَرُبَ الْمُحْسِنُونَ، وَبَعُدَ

جدا شوند و حالها دگرگون شود و وحشت ها به هراس اندازند و نیکوکاران نزدیک و بدکاران

الْمُسیئُونَ، وَ وُفِّیَتْ کُلُّ نَفْسٍ ما کَسَبَتْ وَهُمْ لا یُظْلَمُونَ.(1)

دور شوند، و به هر کس آنچه بدست آورده داده شود در حالی که بر ایشان ستم نشود.

4- مناجات الراجین

(امیدواران)

مناجات کسانی است که با زبان رجا و امید با خدا سخن می گویند؛ امیدوار به لطف الهی و پرده پوشی های او و احسان و فضل پروردگارند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

یا مَنْ اذا سَئَلَهُ عَبْدٌ اعْطاهُ، وَاذا امَّلَ ما عِنْدَهُ بَلَّغَهُ مُناهُ، وَاذا اقْبَلَ عَلَیْهِ

ای کسی که هر بنده از تو درخواست کند عطایش کنی، و هرگاه آنچه نزد توست آرزو کند به آرزویش برسانی، و هرگاه به تو رو کند

قَرَّبَهُ وَادْناهُ، وَاذا جاهَرَهُ بِالْعِصْیانِ سَتَرَ عَلی ذَنْبِهِ وَغَطَّاهُ، وَاذا تَوَکَّلَ

مقرّب و نزدیک درگاهت گردانی، و هر گاه که آشکارا نافرمانیت کند بر گناهش پرده کشیده و آن را بپوشانی، و هر گاه بر تو توکّل کند

عَلَیْهِ احْسَبَهُ وَکَفاهُ، الهی مَنِ الَّذی نَزَلَ بِکَ مُلْتَمِساً قِراکَ فَما قَرَیْتَهُ،

او را به حساب آوری و کفایت کنی، ای معبود من، کیست که با درخواست میهمان نوازی به درگاهت آید و تو او را نپذیری؟

وَمَنِ الَّذی اناخَ بِبابِکَ مُرْتَجِیاً نَداکَ فَمااوْلَیْتَهُ، ایَحْسُنُ انْ ارْجِعَ عَنْ بابِکَ

و کیست که به امید بخششت به درگاهت فرود آید و احسانش نکنی؟ آیا نیکوست که با ناامیدی از درگاهت منصرف

بِالْخَیْبَهِ مَصْرُوفاً، وَلَسْتُ اعْرِفُ سِواکَ مَوْلیً بِالْأِحْسانِ مَوْصُوفاً، کَیْفَ

شده و بازگردد؟ در حالی که من مولایی جز تو صاحب احسان نمی شناسم، چگونه

1- [72]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 143 و 144.

ارْجُو غَيْرَکَ وَالْخَيْرُ کُلُّهُ بِيَدِکَ، وَکَيْفَ اؤَمِّلُ سِواکَ وَالْخَلْقُ وَالْأَمْرُ لَکَ،

امید به غیر تو بندم در حالی که همه نیکی ها به دست توست؟ و چگونه به غیر تو دل بندم در حالی که آفرینش و امور از آن توست

أَاقْطَعُ رَجآئى مِنْکَ وَقَدْ اوْلَيْتَنى ما لَمْ اسْئَلْهُ مِنْ فَضْلِکَ، امْ تُفْقِرُنى الى

آیا امیدم را از تو قطع کنم در حالی که آنچه را نخواسته بودم از فضل و احسانت به من عطا نمودی، یا مرا به همانند

مِثْلى وَانَا اعْتَصِمُ بِحَبْلِکَ، يا مَنْ سَعَدَ بِرَحْمَتِهِ الْقاصِدُونَ، وَلَمْ يَشْقَ

خودم محتاج می کنی در حالی که من به رشته محبتت چنگ زده ام، ای کسی که قصد کنندگانت به واسطه رحمتت خوشبخت شدند، و آمرزش خواهانت

بِنِقْمَتِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ، کَيْفَ انْسيکَ وَلَمْ تَزَلْ ذاکِرى وَکَيْفَ الْهُو عَنْکَ

به واسطه کیفرت بدبخت نشدند، چگونه فراموشت کنم در حالی که تو پیوسته به یاد منی؟ و چگونه از تو غافل شوم

وَانْتَ مُراقِبى الهى بِذَيْلِ کَرَمِکَ اعْلَقْتُ يَدى وَلِنَيْلِ عَطاياکَ بَسَطْتُ

در حالی که تو مراقب منی؟ ای معبود من، دستم را به دامان کرمت آویخته ام و برای رسیدن به بخششت، آرزویم را

امَلى فَاخْلِصْنى بِخالِصَهِ تَوْحيدِکَ، وَاجْعَلْنى مِنْ صَفْوَهِ عَبيدِکَ، يا مَنْ

گسترده ام، پس با یکتاپرستی خالصت مرا خالص کن، و مرا از بندگان برگزیده ات قرار ده، ای که

کُلُّ هارِبٍ الَيْهِ يَلْتَجِئُ، وَکُلُّ طالِبٍ ايَّاهُ يَرْتَجى يا خَيْرَ مَرْجُوٍّ، وَيا اکْرَمَ

هر فراری به تو پناهنده شود، و هر درخواست کننده ای به تو امید بندد، ای بهترین مایه امید، و ای گرامی ترین

مَدْعُوٍّ، وَ يا مَنْ لا يَرُدُّ سآئِلَهُ، وَلا يُخَيِّبُ امِلَهُ، يا مَنْ بابُهُ مَفْتُوحٌ لِداعيهِ،

خوانده شده، و ای کسی که درخواست کننده ات را بر نگردانی، و امیدوارت را ناامید نکنی، ای کسی که درگاهت به روی خواننده ات باز

وَ حِجابُهُ مَرْفُوعٌ لِراجیهِ، اسْئَلُکَ بِکَرَمِکَ انْ تَمُنَّ عَلَیَّ مِنْ عَطآئِکَ بِما

و پرده میان تو و امیدوارت کنار زده شده، به حق لطف و کرمت از تو می خواهم که بر من منت گذاری از بخششت به اندازه ای که

تَقِرُّ بِهِ عَیْنی وَمِنْ رَجآئِکَ بِما تَطْمَئِنُّ بِهِ نَفْسی وَمِنَ الْیَقینِ بِما تُهَوِّنُ بِهِ

مایه چشم روشنی من گردد و از امیدت به اندازه ای که دلم به آن اطمینان یابد و از یقین به اندازه ای که سختی های دنیا

عَلَیَّ مُصیباتِ الدُّنْیا، وَتَجْلُو بِهِ عَنْ بَصیرَتی غَشَواتِ الْعَمی بِرَحْمَتِکَ

در نظرم آسان گردد و به وسیله آن پرده های کوردلی از دیده ام کنار رود، به رحمتت

یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

ای مهربان ترین مهربانان.

ص: 69

1- [73]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 144.

5- مناجات الراغبین

(مشتاقان)

گفتگوی کسانی است که مشتاق الطاف الهی و بهره گیری از انوار قدس ربّانی اند؛ به عطوفت و برّ و احسان او و نعمت های فراوانش دلخوش اند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الهی انْ کانَ قَلَّ زادی فِی الْمَسیرِ الَیْکَ، فَلَقَدْ حَسُنَ ظَنّی بِالتَّوَکُّلِ

ای معبود من، اگر توشه ام در راه رسیدن به تو کم است، ولی به یقین به توکّل بر تو حسن ظن

عَلَیْکَ، وَانْ کانَ جُرْمی قَدْاخافَنی مِنْ عُقُوبَتِکَ، فَانَّ رَجآئی قَدْ اشْعَرَنی

دارم و اگر گناهم مرا از مجازاتت بترساند، پس به یقین امیدم مرا به ایمنی

بِالْأَمْنِ مِنْ نِقْمَتِکَ، وَانْ کانَ ذَنْبی قَدْ عَرَضَنی لِعِقابِکَ، فَقَدْ اذَنَنی حُسْنُ

از انتقامت متوجّه می سازد، و اگر گناهم مرا در معرض عذابت قرار دهد، پس حسن اعتمادم به پاداشت

ثِقَتی بِثَوابِکَ، وَانْ انامَتْنِی الْغَفْلَهُ عَنِ الْإِسْتِعْدادِ لِلِقآئِکَ، فَقَدْ نَبَّهَتْنِی

مرا آگاه می کند، و اگر بی توجهی مرا از آمادگی دیدارت به خواب غفلت برد، ولی شناخت و آگاهی

الْمَعْرِفَهُ بِکَرَمِکَ وَ الائِکَ، وَانْ اوْحَشَ ما بَیْنی وَبَیْنَکَ فَرْطُ الْعِصْیانِ

از کرم و بخششهایت مرا بیدار می کند، و اگر زیاده روی در نافرمانی و گردنکشی میان من و تو فاصله اندازد

وَ الطُّغْیانِ، فَقَدْ انَسَنی بُشْرَی الْغُفْرانِ وَ الرِّضْوانِ، اسْئَلُکَ بِسُبُحاتِ وَجْهِکَ،

ولی مژده آمرزش و خشنودیت مرا (به تو) مأنوس کند، به حق شکوه و عظمت

وَبِانْوارِ قُدْسِکَ، وَابْتَهِلُ الَیْکَ بِعَواطِفِ رَحْمَتِکَ وَلَطآئِفِ بِرِّکَ، انْ تُحَقِّقَ

و انوار قدسیت از تو می خواهم و به حق عواطف رحمت و لطائف احسانت به درگاهت استغاثه می کنم که گمانم را تحقق

ظَنّی بِما اؤَمِّلُهُ مِنْ جَزیلِ اکْرامِکَ، وَجَمیلِ انْعامِکَ فِی الْقُرْبی مِنْکَ،

بخشی در آنچه آرزو دارم از فراوانی بخششت و نعمت های زیبای در جوارت

وَالزُّلْفی لَدَیْکَ، وَالتَّمَتُّعِ بِالنَّظَرِ الَیْکَ، وَها ا نَا مُتَعَرِّضٌ لِنَفَحاتِ رَوْحِکَ

و جایگاه و منزلت در نزدت، و بهره مندی از توجّه به درگاهت (را آرزو دارم)، و اکنون من خود را در معرض نسیم جانبخش

وَعَطْفِکَ، وَمُنْتَجِعٌ غَیْثَ جُودِکَ وَلُطْفِکَ، فآرٌّ مِنْ سَخَطِکَ الی رِضاکَ،

و مهربانانه ات قرار داده و در طلب باران بخشش و لطفت هستم، از خشمت به خشنودیت

ص :70

هارِبٌ مِنْکَ اَلَیْکَ، راجٍ احْسَنَ ما لَدَیْکَ، مُعَوِّلٌ عَلی مَواهِبِکَ، مُفْتَقِرٌ الی

و از (عذاب) تو، به (بخشش) تو گریزانم، به بهترین آنچه نزد توست امید دارم، و بر بخشش های تو تکیه کرده ام، و نیازمند

رِعایَتِکَ، الهی ما بَدَاْتَ بِهِ مِنْ فَضْلِکَ فَتَمِّمْهُ، وَما وَهَبْتَ لی مِنْ کَرَمِکَ

سرپرستی توام، ای معبود من فضل و احسانی که (در حق من) آغاز نمودی به پایانش رسان، و بخششی که به من ارزانی داشتی

فَلا تَسْلُبْهُ، وَما سَتَرْتَهُ عَلَیَّ بِحِلْمِکَ فَلا تَهْتِکْهُ، وَما عَلِمْتَهُ مِنْ قَبیحِ

از من مگیر، و آنچه که با شکیبابیت از من پوشاندی آشکار مکن، و آنچه از کردار زشتم

فِعْلی فَاغْفِرْهُ، الهی اسْتَشْفَعْتُ بِکَ اَلَیْکَ، وَاسْتَجَرْتُ بِکَ مِنْکَ، اتَیْتُکَ

می دانی بیامرز، ای معبود من، تو را به درگاهت شفیع قرار داده ام و از (عذاب) تو، به (بخشش) تو پناه می برم، به درگاهت آمده ام

طامِعاً فی احْسانِکَ، راغِباً فِی امْتِنانِکَ، مُسْتَسْقِیاً وابِلَ طَوْلِکَ،

در حالی که احسانت را آرزومندم، سخاوتت را مشتاقم، باران رحمتت را طالبم،

مُسْتَمْطِراً غَمامَ فَضْلِکَ، طالِباً مَرْضاتَکَ، قاصِداً جَنابَکَ، وارِداً شَریعَةَ

از ابر فضل و کرمت، رحمت می طلبم، خشنودیت را خواهانم، آستانت را قصد کرده ام، در دریای کرمت

رِفْدِکَ، مُلْتَمِساً سَنِیَّ الْخَیْراتِ مِنْ عِنْدِکَ، وافِداً الی حَضْرَهِ جَمالِکَ،

وارد شده ام، بهترین نیکی های نزد تو را خواهانم، به حضور جمالت رسیده ام،

مُریداً وَجْهَکَ، طارِقاً بابَکَ، مُسْتَکیناً لِعَظَمَتِکَ وَجَلالِکَ، فَافْعَلْ بی ما

تو را اراده کرده ام، درگاه (رحمتت) را کوبنده ام، به عظمت و شکوهت پناهنده ام، پس آنچه از آمرزش

انْتَ اهْلُهُ مِنَ الْمَغْفِرَهِ وَالرَّحْمَهِ، وَلا تَفْعَلْ بی ما ا نَا اهْلُهُ مِنْ الْعَذابِ

و رحمت که تو شایسته آنی در حق من انجام ده، و آنچه از عذاب و انتقام که من سزاوار آنم در حق من

وَالنِّقْمَهِ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1).

انجام مده، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

6- مناجات الشاکرین

(شکرگزاران)

مناجات و راز و نیاز کسانی است که با زبان شکر و سپاس، آهنگ او نمایند و به ناتوانی خویش برای شکرگزاری در برابر نعمت های بی پایان خداوند اعتراف کرده و از قصور و تقصیر خود به درگاهش عذر می خواهند.

ص: 71

1- [74]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 145.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الهى اذْهَلَنى عَنْ اقامَهِ شُكْرِكَ تَتابُعُ طَوْلِكَ، وَاعْجَزَنى عَنْ احْصآءِثَنآئِكَ

اى معبود من، بخشش پى در پى تو، مرا از انجام شكرت بازداشته، و فراوانى لطف و كرمت، مرا از شمارش ثنايت

فَيْضُ فَضْلِكَ، وَشَغَلَنى عَنْ ذِكْرِ مَحامِدِكَ تَرادُفُ عَوآئِدِكَ، وَاعْيانى عَنْ

عاجز ساخته، و روزى پيوسته ات، مرا از ياد نيكى هايت بازداشته، و نعمت هاى متواليت، مرا از

نَشْرِ عَوارِفِكَ تَوالى اياديكَ، وَ هذا مَقامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النَّعْمآءِ،

گسترش نيكيهايت ناتوان كرده است و اين جايگاه كسى است كه به فراوانى نعمتهايت معترف

وَقابَلَها بِالتَّقْصيرِ، وَشَهِدَ عَلى نَفْسِهِ بِالْإِهْمالِ وَالتَّضْييعِ، وَ انْتَ الرَّؤُفُ

و در برابر آنها كوتاهى كرده است، و به سستى و كوتاهى خويش گواهى مى دهد، و تويى با محبّت،

الرَّحيمُ الْبَّرُ الْكَريمُ، الَّذى لا يُخَيِّبُ قاصِديهِ، وَلا يَطْرُدُ عَنْ فِنآئِهِ امِليهِ،

مهربان، نيكوكار و بخشنده اى كه قصد كنندگانت را محروم نگردانى و آرزومندانت را از درگاهت نرانى،

بِساحَتِكَ تَحُطُّ رِحالُ الرَّاجينَ، وَ بِعَرْصَتِكَ تَقِفُ امالُ الْمُسْتَرْفِدينَ، فَلا

بار اميد اميدواران به آستان تو فرود آيد، و آرزوهاى عطاجويان به درگاه تو توقف كند، پس

تُقابِلْ امالَنا بِالتَّخْييبِ وَالْإِياسِ، وَ لا تُلْبِسْنا سِرْبالَ الْقُنُوطِ وَالْإِبْلاسِ،

آرزوهای ما را با ناامیدی و یأس روبه رو مگردان، و لباس ناامیدی و یأس را بر ما مپوشان

الهی تَصاغَرَ عِنْدَ تَعاظُمِ آلائِکَ شُکْری وَ تَضآئَلَ فی جَنْبِ اکْرامِکَ

ای معبود من، در برابر بزرگی نعمتهایت سپاسگزاری من کم است، و در کنار گرامیداشت تو

ایَّایَ ثَنآئی وَنَشْری جَلَّلَتْنی نِعَمُکَ مِنْ انْوارِ الْایمانِ حُلَلاً، وَضَرَبَتْ

نسبت به من، گسترش ثنایت از سوی من ناچیز است، نعمتهایت لباس های زیبایی از پرتوهای ایمان بر من پوشانده، و لطایف

عَلَیَّ لَطآئِفُ بِرِّکَ مِنَ الْعِزِّ کِلَلاً، وَقَلَّدَتْنی مِنَنُکَ قَلائِدَ لا تُحَلُّ،

احسانت پوششی از بزرگواری بر سرم زده، و نعمتهایت گردن آویزی به گردنم آویخته که باز نگردد،

وَطَوَّقَتْنی اطْواقاً لاتُفَلُّ، فَآلائُکَ جَمَّهٌ ضَعُفَ لِسانی عَنْ احْصآئِها،

و گردنبندهایی که باز نشود، پس نعمتهای باطنیت چنان زیاد است که زبانم از شمارش آن ناتوان شده،

وَنَعْمآئُکَ کَثیرَهٌ قَصُرَ فَهْمی عَنْ ادْراکِها فَضْلاً عَنِ اسْتِقْصآئِها، فَکَیْفَ لی

و نعمتهای ظاهریت چنان فراوان است که فهمم از درک آن کوتاه شده تا چه رسد به این که همه آنها را بشمارم، چگونه شکرت را

ص :72

بِتَحْصیلِ الشُّکْرِ، وَشُکْری ایَّاکَ یَفْتَقِرُ الی شُکْرٍ، فَکُلَّما قُلْتُ لَکَ الْحَمْدُ،

به جای آورم در حالی که شکر تو خود نیازمند شکر دیگری است، پس هر زمان که بگویم: حمد و سپاس از آنِ توست

وَجَبَ عَلَیَّ لِذلِکَ انْ اقُولَ لَکَ الْحَمْدُ، الهی فَکَما غَذَّیْتَنا بِلُطْفِکَ،

بر من واجب است که برای آن دوباره بگویم: حمد و سپاس از آنِ توست، ای معبود من، پس همان گونه که ما را غذا دادی

وَرَبَّیْتَنا بِصُنْعِکَ، فَتَمِّمْ عَلَیْنا سَوابِغَ النِّعَمِ، وَادْفَعْ عَنَّا مَکارِهَ النِّقَمِ، وَآتِنا

و با آموزشت تربیت نمودی، پس نعمت های فراوانت را بر ما تمام کن، و بلاهای ناگوار را از ما دور گردان، و از

مِنْ حُظُوظِ الدَّارَیْنِ ارْفَعَها وَاجَلَّها، عاجِلاً وَآجِلًا، وَلَکَ الْحَمْدُ عَلی

بهره های هر دو جهان، بالاترین و گرامی ترین آن، هم اکنون و در آینده ما را بهره مند ساز، حمد و سپاس از آنِ توست بر

حُسْنِ بَلائِکَ، وَسُبُوغِ نَعْمآئِکَ، حَمْداً یُوافِقُ رِضاکَ، وَیَمْتَرِی الْعَظیمَ

آزمایش نیک و نعمت های فراوانت، ستایشی که موافق خوشنودی توست، و از نیکویی و احسان عظیم تو

مِنْ بِرِّکَ وَ نَداکَ، یا عَظیمُ یا کَریمُ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

سرچشمه می گیرد ای باعظمت و ای بخشنده، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

7- مناجات المطیعین للّه

(مطیعان خدا)

مناجات کسانی است که در پی اطاعت فرمان او تلاش فراوان دارند و از او می خواهند پرده های شک و تردید را از دیدگانشان کنار زند تا با یقینی استوار، تلاششان را در راه او و همّتشان را در اطاعتِ او قرار دهد.

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ الْهِمْنا طاعَتَکَ، وَجَنِّبْنا مَعْصِیَتَکَ، وَیَسِّرْ لَنا بُلُوغَ ما نَتَمَنّی مِنِ

خدایا ما را به اطاعتت وادار، و از نافرمانیت دور کن، و برای ما راه رسیدن به آنچه که از

ابْتِغآءِ رِضْوانِکَ، وَاحْلِلْنا بُحْبُوحَهَ جِنانِکَ، وَاقْشَعْ عَنْ بَصآئِرِنا سَحابَ

تحصیل خشنودیت آرزو داریم فراهم ساز، و ما را در میان بهشتت جای ده، و از دیدگان ما، ابرهای شک و تردید را

الْإِرْتِیابِ، وَاکْشِفْ عَنْ قُلُوبِنا اغْشِیَهَ الْمِرْیَهِ وَالْحِجابِ، وَازْهِقِ الْباطِلَ

متفرّق ساز، و از دل های ما پرده های تردید و کوردلی را کنار زن، و باطل را در نهاد

ص: 73

1- [75]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 146.

عَنْ ضَمآئِرِنا، وَاثْبِتِ الْحَقَّ فى سَرآئِرِنا، فَانَّ الشُّكوُکَ وَالظُّنُونَ لَواقِحُ

و درون ما نابود کن، و حق را در باطن و ضمیر ما ثابت گردان، چرا که تردیدها و گمانها منشأ

الْفِتَنِ، وَمُکَدِّرَةٌ لِصَفْوِ الْمَنايِحِ وَالْمِنَنِ، اللَّهُمَّ احْمِلْنا فى سُفُنِ نَجاتِکَ،

فتنه ها و تیره کننده بخشش ها و نیکی های پاکند، خدایا ما را به کشتی نجاتت درآور

وَمَتِّعْنا بِلَذيذِ مُناجاتِکَ، وَ اوْرِدْنا حِياضَ حُبِّکَ، وَاذِقْنا حَلاوَةَ وُدِّکَ

و از لذّت مناجاتت بهره مند ساز، و در دریای محبّتت وارد کن، و شیرینی محبّت و نزدیکیت را به

وَقُرْبِکَ، وَاجْعَلْ جِهادَنا فيکَ، و هَمَّنا فى طاعَتِکَ، وَاخْلِصْ نِيَّاتِنا فى

ما بچشان، و کوشش و تلاشمان را در راه خودت و همتمان را در بندگیت قرار ده، و نیّت های ما را در تعامل با خودت

مُعامَلَتِکَ، فَانَّا بِکَ وَلَکَ، وَ لاوَسيلَةَ لَنا الَيْکَ الَّا انْتَ، الهى اجْعَلْنى مِنَ

خالص گردان، چرا که ما با تو و از آنِ توییم، و برای رسیدن به درگاهت وسیله ای جز تو نداریم، ای معبود من، مرا از

الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيارِ، وَالْحِقْنى بِالصَّالِحينَ الْأَبْرارِ، السَّابِقينَ الىَ

برگزیدگان از نیکان قرار ده، و به شایستگان از نیکوکاران ملحق کن، همانانی که به برترین خصلت ها

الْمَکْرُماتِ، الْمُسارِعينَ الىَ الْخَيْراتِ، الْعامِلينَ لِلْباقِياتِ الصَّالِحاتِ،

سبقت گیرنده، و به نیکی ها شتابنده و به کارهای نیک ماندگار عمل کننده

السَّاعينَ الى رَفيعِ الدَّرَجاتِ، انَّکَ عَلى کُلِّ شَىْ ءٍ قَديرٌ، وَبِالْإِجابَهِ

و به سوی بالاترین درجات، تلاش کننده اند، که به یقین تو بر هر کار توانا و به اجابت (خواست بندگان)

جَدیرٌ، بِرَحْمَتِکَ یاارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

شایسته ای، به مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان.

8- مناجات المریدین

(خداجویان)

راز و نیاز کسانی است که فقط آهنگ او دارند و دلبسته او می باشند؛ جز از آبشخور زلال لطف او سیراب نشوند و جز از مناجات با او لذّت نبرند؛ همه شوقشان به جانب حق، و همه دلدادگیشان به حضرت احدیّت است.

1- [76]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 147.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

سُبْحانَکَ ما اضْیَقَ الطُّرُقَ عَلی مَنْ لَمْ تَکُنْ دَلیلَهُ، وَما اوْضَحَ الْحَقَّ عِنْدَ

تسبیح می گویم تو را ای خدا، چقدر راه ها باریک است، برای کسی که تو راهنمایش نباشی، و چقدر راه حق آشکار است بر

مَنْ هَدَیْتَهُ سَبیلَهُ، الهی فَاسْلُکْ بِنا سُبُلَ الْوُصُولِ الَیْکَ، وَسَیِّرْنا فی اقْرَبِ

کسی که تو راهش را به او نشان دهی، ای معبود من، پس ما را در طریق رسیدن به درگاهت راهنمایی کن، و به نزدیکترین

الطُّرُقِ لِلْوُفُودِ عَلَیْکَ، قَرِّبْ عَلَیْنَا الْبَعیدَ، وَسَهِّلْ عَلَیْنَا الْعَسیرَ الشَّدیدَ،

راه ها برای ورود به درگاهت رهسپار کن، دور را بر ما نزدیک و دشواری سختی را آسان گردان،

وَالْحِقْنا بِعِبادِکَ الَّذینَ هُمْ بِالْبِدارِ الَیْکَ یُسارِعوُنَ، وَبابَکَ عَلَی الدَّوامِ

و ما را ملحق کن به بندگانی که در پیشی گرفتن به سویت شتابانند و درگاهت را پیوسته

یَطْرُقُونَ، وَایَّاکَ فِی اللَّیْلِ یَعْبُدُونَ، وَهُمْ مِنْ هَیْبَتِکَ مُشْفِقُونَ، الَّذینَ

می کوبند و تو را در دل شب عبادت می کنند و از هیبتت هراسانند، بندگانی که

صَفَّیْتَ لَهُمُ الْمَشارِبَ، وَ بَلَّغْتَهُمُ الرَّغآئِبَ، وَانْجَحْتَ لَهُمُ الْمَطالِبَ،

گرایشهایشان را خالص گرداندی، و به آرزوهایشان رساندی و خواسته هایشان را برآورده ساختی

وَقَضَیْتَ لَهُمْ مِنْ فَضْلِکَ الْمَأرِبَ، وَ مَلَأْتَ لَهُمْ ضَمآئِرَهُمْ مِنْ حُبِّکَ،

و از فضل و کرمت حاجتهایشان را برآوردی، و دلهایشان را از محبّتت پر ساختی

وَرَوَّیْتَهُمْ مِنْ صافی شِرْبِکَ، فَبِکَ الی لَذیذِ مُناجاتِکَ وَصَلُوا، وَمِنْکَ

و از شراب زلال وصالت سیرابشان کردی، پس به واسطه تو به لذّت مناجاتت رسیدند و از جانب تو

اقْصی مَقاصِدِهِمْ حَصَّلُوا، فَیا مَنْ هُوَ عَلَی الْمُقْبِلینَ عَلَیْهِ مُقْبِلٌ،

دورترین اهدافشان را بدست آوردند، پس ای کسی که به روی کنندگانت رو کنی،

وَبِالْعَطْفِ عَلَیْهِمْ عآئِدٌ مُفْضِلٌ، وَبِالْغافِلینَ عَنْ ذِکْرِهِ رَحیمٌ رَؤُفٌ،

و پیوسته به آنان توجّه کرده و بخشنده ای و بر غفلت کنندگان از یادت مهربان و پرمحبّتی

وَبِجَذْبِهِمْ الی بابِهِ وَدُودٌ عَطُوفٌ، اسْئَلُکَ انْ تَجْعَلَنی مِنْ اوْفَرِهِمْ مِنْکَ

و برای جذب آنان به درگاهت، با محبّت و مهربانی، از تو می خواهم که مرا از بهره مندترین آنان

حَظّاً، وَاعْلاهُمْ عِنْدَکَ مَنْزِلاً، وَاجْزَلِهِمْ مِنْ وُدِّکَ قِسْماً، وَافْضَلِهِمْ فی

و بالاترین شان از نظر جایگاه در نزدت، و بیشترین آنان از سهم دوستی و محبتت، و برترین آنان از

ص :75

مَعْرِفَتِکَ نَصِیباً، فَقَدِ انْقَطَعَتْ الَیْکَ هِمَّتی وَانْصَرَفَتْ نَحْوَکَ رَغْبَتی فَانْتَ

بهره شناختت قرار دهی، چرا که همّتم به تو منتهی شده و اشتیاقم به سوی تو متمایل گشته، پس تنها

لا غَیْرُکَ مُرادی وَلَکَ لا لِسِواکَ سَهَری وَسُهادی وَلِقآؤُکَ قُرَّهُ عَیْنی

تویی مقصود من، و تنها به خاطر توست شب زنده داری و بی خوابیم، دیدار تو مایه چشم روشنیم

وَوَصْلُکَ مُنی نَفْسی وَالَیْکَ شَوْقی وَ فی مَحَبَّتِکَ وَلَهی وَ الی هَواکَ

و وصال تو آرزوی قلبیم و به جانبت اشتیاقم و در محبتت شیفتگیم و در هوایت

صَبابَتی وَ رِضاکَ بُغْیَتی وَ رُؤْیَتُکَ حاجَتی وَ جِوارُکَ طَلَبی وَقُرْبُکَ

عشق سوزانم، و خشنودیت آرزویم و دیدارت نیازم و جوار قربت خواسته ام و نزدیکیت

غایَهُ سُؤْلی وَ فی مُناجاتِکَ رَوْحی وَراحَتی وَ عِنْدَکَ دَوآءُ عِلَّتی

نهایت مقصودم، و در مناجاتت آسایش و راحتیم و در نزدت داروی بیماریم

وَشِفآءُ غُلَّتی وَبَرْدُ لَوْعَتی وَکَشْفُ کُرْبَتی فَکُنْ انیسی فی وَحْشَتی

و شفای سوز دلم، و آرامش آتش عشقم، و برطرف شدن گرفتاری من است، پس باش همدم و مونسم در تنهاییم

وَ مُقیلَ عَثْرَتی وَغافِرَ زَلَّتی وَقابِلَ تَوْبَتی وَمُجیبَ دَعْوَتی وَ وَلِیَ

و درگذرنده خطایم، و آمرزنده لغزشم، و پذیرنده توبه ام، و اجابت کننده درخواستم، و عهده دار

عِصْمَتی وَ مُغْنِیَ فاقَتی وَ لا تَقْطَعْنی عَنْکَ، وَلا تُبْعِدْنی مِنْکَ، یا نَعیمی

پاکیم، و بی نیاز کننده نیازم، مرا از خودت جدا نکن و دور نساز، ای خوشبختی

وَجَنَّتی وَ یا دُنْیایَ وَ آخِرَتی [یا ارْحَمَ الرَّاحِمِینَ .(1) و بهشت من، و ای دنیا و آخرتم، [ای مهربان ترین مهربانان .

9- مناجات المحبّین

(دوستداران خدا)

مناجات کسانی است که خدا را دوست دارند و به او عشق می ورزند؛ کسانی که محبّت خداوند را می طلبند و از او می خواهند به بنده اش نظر افکند و مهربانانه به وی بنگرد.

1- [77]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 147.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الهی مَنْ ذَا الَّذی ذاقَ حَلاوَهَ مَحَبَّتِکَ فَرامَ مِنْکَ بَدَلًا، وَمَنْ ذَا الَّذی

ای معبود من، کیست که شیرینی محبتت را چشید و غیر از تو را برگزید، و کیست که

آنَسَ بِقُرْبِکَ فَابْتَغی عَنْکَ حِوَلًا، الهی فَاجْعَلْنا مِمَّنِ اصْطَفَیْتَهُ لِقُرْبِکَ

به جوار قربت انس گرفت و روی گردانی از تو را طلبید، ای معبود من، ما را از کسانی قرار ده که برای نزدیکی و دوستیت

وَوِلایَتِکَ، وَاخْلَصْتَهُ لِوُدِّکَ وَمَحَبَّتِکَ، وَشَوَّقْتَهُ الی لِقآئِکَ، وَرَضَّیْتَهُ

برگزیده اش کردی و برای مودّت و محبتت خالصش گرداندی، و برای دیدارت مشتاقش نمودی، و به تقدیرت

بِقَضآئِکَ، وَمَنَحْتَهُ بِالنَّظَرِ الی وَجْهِکَ، وَحَبَوْتَهُ بِرِضاکَ، وَاعَذْتَهُ مِنْ

راضیش ساختی، و توجّه به جمالت را عطایش کردی، و خشنودیت را هدیه اش نمودی، و از هجران

هَجْرِکَ وَقِلاکَ، وَبَوَّاْتَهُ مَقْعَدَ الصّدْقِ فی جِوارِکَ، وَخَصَصْتَهُ بِمَعْرِفَتِکَ،

و دوریت پناهش دادی، و در جایگاه صدق در جوارت جایش دادی، و به شناختت مخصوصش گرداندی،

وَاهَّلْتَهُ لِعِبادَتِکَ، وَهَیَّمْتَ قَلْبَهُ لِإِرادَتِکَ، وَاجْتَبَیْتَهُ لِمُشاهَدَتِکَ، وَاخْلَیْتَ

و برای بندگیت لایقش ساختی، و دلش را شیفته خواسته ات نمودی و برای دیدارت برگزیده اش کردی، و رویش را

وَجْهَهُ لَکَ، وَفَرَّغْتَ فُؤادَهُ لِحُبِّکَ، وَرَغَّبْتَهُ فیما عِنْدَکَ، وَالْهَمْتَهُ ذِکْرَکَ،

متوجّه خود ساختی و دلش را برای محبتت خالی کردی، و برای آنچه نزد توست مشتاقش نمودی، و به یادت مشغولش ساختی

وَاوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ، وَشَغَلْتَهُ بِطاعَتِکَ، وَصَيَّرْتَهُ مِنْ صالِحی بَرِيَّتِکَ،

و شکرت را نصیبش کردی، و به بندگیت مشغولش نمودی، و او را از شایسته ترین آفریدگانت قرار دادی

وَاخْتَرْتَهُ لِمُناجاتِکَ، وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّ شَیْ ءٍ يَقْطَعُهُ عَنْکَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنا

و برای مناجاتت برگزیدی، و هر چه که او را از تو جدا می کند از او بریدی، خدایا ما را

مِمَّنْ دَأْبُهُمُ الْإِرْتِياحُ الَيْکَ وَالْحَنينُ، وَ دَهْرُهُمُ الزَّفْرَةُ وَالْأَنينُ، جِباهُهُمْ

از کسانی قرار ده که عادتشان، شادی و زاری به درگاه توست، و روزگارشان آه و ناله است، آنان که پیشانیشان

ساجِدَةٌ لِعَظَمَتِکَ، وَعُيُونُهُمْ ساهِرَةٌ فی خِدْمَتِکَ، وَدُمُوعُهُمْ سآئِلَةٌ مِنْ

در برابر عظمتت بر خاک قرار گرفته، و چشمهایشان در خدمت تو بیدار است، و اشکهایشان از ترس تو

خَشْيَتِکَ، وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِکَ، وَافْئِدَتُهُمْ مُنْخَلِعَةٌ مِنْ مَهابَتِکَ، يا

جاری است، و دلهایشان شیفته و دلداده توست، و قلبهایشان از هیبت تو فرو ریخته، ای

مَنْ انْوارُ قُدْسِهِ لِأَبْصارِ مُحِبّيهِ رآئِقَهٌ، وَسُبُحاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ عارِفيهِ

کسی که نورهای قدسیت برای دیده های دوستدارانت درخشان است، و انوار جمالت برای دلهای عارفانت

شآئِفَهٌ، یا مُنى قُلُوبِ الْمُشْتاقینَ، وَیا غایَهَ امالِ الْمُحِبّینَ، اسْئَلُکَ حُبَّکَ

آشکار است ای امید دل مشتاقان، ای نهایت آرزوی دوستداران، از تو می خواهم دوستیت را،

وَحُبَّ مَنْ یُحِبُّکَ، وَحُبَّ کُلِّ عَمَلٍ یُوصِلُنى الى قُرْبِکَ، وَانْ تَجْعَلَکَ

و دوستی آن که تو را دوست دارد، و دوستی هر عملی که مرا به نزدیکیت می رساند، و (از تو می خواهم که) خود را

احَبَّ الَیَّ مِمَّا سِواکَ، وَانْ تَجْعَلَ حُبّى ایَّاکَ قآئِداً الى رِضْوانِکَ، وَشَوْقى

نزد من محبوب تر از هر چیز قرار دهی، و محبتم به خودت را وسیله ای برای رسیدن به بهشتت، و اشتیاقم

الَیْکَ ذائِداً عَنْ عِصْیانِکَ، وَامْنُنْ بِالنَّظَرِ الَیْکَ عَلَیَّ، وَانْظُرْ بِعَیْنِ الْوُدِّ

به خودت را مانع از نافرمانیت قرار دهی، با توجهم به خودت بر من منت گذار، و با دیده محبت

وَالْعَطْفِ الَیَّ، وَ لاتَصْرِفْ عَنّى وَجْهَکَ، وَاجْعَلْنى مِنْ اهْلِ الْإِسْعادِ

و عطوفت به من نظر کن، و رویت را از من بر مگردان، و مرا در زمره سعادتمندان

وَالْحِظْوَهِ عِنْدَکَ، یا مُجیبُ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

و بهره مندان درگاهت قرار ده، ای اجابت کننده، ای مهربانترین مهربانان.

10- مناجات المتوسّلین

(متوسّلان)

راز و نیاز آنهاست که به عطوفت و رأفت الهی توسّل می جویند و به شفاعت پیامبرش دل خوش می دارند و این دو را وسیله نیل به غفران الهی و رسیدن به رضوان حق قرار می دهند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الهی لَیْسَ لی وَسیلَهٌ الَیْکَ الَّا عَواطِفُ رَاْفَتِکَ، وَلا لی ذَریعَهٌ الَیْکَ الَّا

ای معبود من، جز عواطف رأفتت وسیله ای برای رسیدن به درگاهت ندارم و جز رحمت های شناخته شده ات

عَوارِفُ 79] رَحْمَتِکَ، وَشَفاعَهُ نَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ، وَمُنْقِذِ الْأُمَّهِ مِنَ الْغُمَّهِ،

و شفاعت پیامبرت، پیامبر رحمت و نجات دهنده امت از غم و اندوه، راهی برای رسیدن به درگاهت ندارم،

1- [78]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 148.

فَاجْعَلْهُما لی سَبَباً الی نَیْلِ غُفْرانِکَ، وَصَیِّرْهُما لی وُصْلَةً الیَ الْفَوْزِ

پس آن دو را وسیله رسیدنم به آمرزشت و سبب رسیدنم به خوشنودیت قرار ده،

بِرِضْوانِکَ، وَقَدْ حَلَّ رَجآئی بِحَرَمِ کَرَمِکَ، وَحَطَّ طَمَعی بِفِنآءِ جُودِکَ،

چرا که امیدم در حریم بخششت جای گرفته و طمعم به آستانه سخاوتت فرود آمده،

فَحَقِّقْ فیکَ امَلی وَاخْتِمْ بِالْخَیْرِ عَمَلی وَاجْعَلْنی مِنْ صَفْوَتِکَ الَّذینَ

پس آرزویم را در مورد خودت محقق ساز، و کارم را به خیر ختم کن، و قرار ده مرا از برگزیدگانت که

احْلَلْتَهُمْ بُحْبُوحَهَ جَنَّتِکَ، وَ بوَّأْتَهُمْ دارَ کَرامَتِکَ، وَاقْرَرْتَ اعْیُنَهُمْ بِالنَّظَرِ

آنها را در میان بهشتت جای داده و در خانه کرامتت ساکن کرده ای و دیدگانشان را به تماشای جمالت

الَیْکَ یَوْمَ لِقآئِکَ، وَاوْرَثْتَهُمْ مَنازِلَ الصِّدْقِ فی جِوارِکَ، یا مَنْ لا یَفِدُ

در روز دیدارت (در قیامت) روشن نموده ای، و منزلگاه های صداقت را در جوار خودت به آنان بخشیده ای، ای که میهمانان،

الْوافِدُونَ عَلی اکْرَمَ مِنْهُ، وَلا یَجِدُ الْقاصِدُونَ ارْحَمَ مِنْهُ، یاخَیْرَ مَنْ خَلا

بر کریم تر از تو وارد نشوند، و قصدکنندگان، مهربان تر از تو را نیابند، ای بهترین کسی که تنهاماندگان

بِهِ وَحیدٌ، وَیا اعْطَفَ مَنْ اوی الَیْهِ طَریدٌ، الی سَعَهِ عَفْوِکَ مَدَدْتُ یَدی

با تو خلوت کنند، ای مهربانترین کسی که فراریان به تو پناهنده شوند، به سوی وسعت گذشتت، دست دراز کرده

وَبِذَیْلِ کَرَمِکَ اعْلَقْتُ کَفّی فَلا تُولِنِی الْحِرْمانَ، وَلا تُبْلِنی بِالْخَیْبَهِ

و به دامان کرمت متوسّل شده ام پس محرومیت را بر من مسلط مکن، و مرا به ناامیدی

وَالْخُسْرانِ، یا سَمیعَ الدُّعآءِ [یا ارْحَمَ الرَّاحِمِینَ . (1) و زیانکاری گرفتار مکن، ای شنونده دعا [ای مهربانترین مهربانان .

11- مناجات المفتقرین

(نیازمندان)

راز و نیاز آنان که سرتاپای وجود خود را نیازمند او می دانند و از غنای او طلب می کنند و دوام و پیوستگی نعمتش را می خواهند؛ رفع همه رنجها، شکستگی ها و اندوه ها را از خداوند می طلبند.

1- [80]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 149.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الهی کَسْری لا یَجْبُرُهُ الَّا لُطْفُکَ وَحَنانُکَ، وَفَقْری لا یُغْنیهِ الَّا عَطْفُکَ

ای معبود من، کمبودم را جز لطف و مهربانیت جبران نکند، و نیازم را جز محبت و احسانت

وَاحْسانُکَ، وَرَوْعَتی لایُسَکِّنُها الَّا امانُکَ، وَذِلَّتی لا یُعِزُّها الَّا سُلْطانُکَ،

بی نیاز نکند، و هراسم را جز امان تو آرامش ندهد، و خواریم را جز قدرت و سلطه ات عزیز نگرداند

وَامْنِیَّتی لا یُبَلِّغُنیها الَّا فَضْلُکَ، وَخَلَّتی لایَسُدُّها الَّا طَوْلُکَ، وَحاجَتی لا

و چیزی جز فضلت مرا به آرزویم نرساند و نیازم را جز بخششت جبران نکند، و احتیاجم را

یَقْضیها غَیْرُکَ، وَکَرْبی لا یُفَرِّجُهُ سِوی رَحْمَتِکَ، وَضُرّی لا یَکْشِفُهُ غَیْرُ

جز تو برآورده نکند، و گرفتاریم را جز رحمتت نگشاید، زیانم را جز مهربانیت

رَاْفَتِکَ، وَغُلَّتی لا یُبَرِّدُها الَّا وَصْلُکَ، وَلَوْعَتی لا یُطْفیها الَّا لِقآؤُکَ،

برطرف نکند، و سوز عطشم را جز وصالت آرام نکند، و آتش دلم را جز دیدارت خاموش نکند

وَشَوْقی الَیْکَ لا یَبُلُّهُ الَّا النَّظَرُ الی وَجْهِکَ، وَقَراری لا یَقِرُّ دُونَ دُنُوّی

واشتیاقم به دیدارت را جز توجّه به جلوه ات سیراب نکند، و آرامشم جز در نزدیکیت قرار نگیرد

مِنْکَ، وَلَهْفَتی لا یَرُدُّها الَّا رَوْحُکَ، وَسُقْمی لایَشْفیهِ الَّا طِبُّکَ، وَغَمّی لا

اندوه و غمم را جز نسیم جانبخشت برطرف نکند، و بیماریم جز با درمانت شفا نیابد، و غم را

یُزیلُهُ الَّا قُرْبُکَ، وَجُرْحی لا یُبْرِئُهُ الَّا صَفْحُکَ، وَرَیْنُ قَلْبی لا یَجْلُوهُ الَّا

جز جوار قربت زائل نکند، و زخمم را جز گذشتت التیام نبخشد، و زنگار دلم را جز عفوت

عَفْوُکَ، وَوَسْواسُ صَدْری لایُزیحُهُ الَّا امْرُکَ، فَیا مُنْتَهی امَلِ الْامِلینَ،

جلا ندهد، و وسوسه درونم را جز فرمانت برطرف نکند، ای نهایت آرزوی آرزومندان

وَیا غایَهَ سُؤْلِ السَّآئِلینَ، وَ یا اقْصی طَلِبَهِ الطَّالِبینَ، وَیا اعْلی رَغْبَهِ

و ای منتهای خواسته خواستاران، و ای آخرین مطلوب جویندگان، و ای برترین میل

الرَّاغِبینَ، وَ یا وَلِیَّ الصَّالِحینَ، وَ یا امانَ الْخآئِفینَ، وَیا مُجیبَ دَعْوَهِ

مشتاقان، و ای سرپرست صالحان، و ای ایمنی بخش ترسیدگان، و ای اجابت کننده درخواست

الْمُضْطَرّینَ، وَیا ذُخْرَالْمُعْدِمینَ، وَیا کَنْزَالْبآئِسینَ، وَیا غِیاثَ الْمُسْتَغیثینَ،

درماندگان، و ای ذخیره نیازمندان، و ای گنج بینوایان، و ای فریادرس فریادرس خواهان

ص :80

وَ یا قاضِیَ حَوآئِجِ الْفُقَرآءِ وَالْمَساکینِ، وَ یا اکْرَمَ الْأَکْرَمینَ، وَ یا ارْحَمَ

و ای برآورنده نیازهای فقیران و تهیدستان، و ای گرامی ترین گرامیان، و ای مهربان ترین

الرَّاحِمینَ، لَکَ تَخَضُّعی وَسُؤالی وَ اَلَیْکَ تَضَرُّعی وَابْتِهالی اسْئَلُکَ انْ

مهربانان، فروتنی و درخواستم، و گریه و زاری و ناله ام به درگاه توست، از تو می خواهم که

تُنیلَنی مِنْ رَوْحِ رِضْوانِکَ، وَتُدیمَ عَلَیَّ نِعَمَ امْتِنانِکَ، وَهاا نَا بِبابِ

از نسیم جانبخش خوشنودیت به من برسانی، و نعمت های بزرگت را بر من ادامه دهی، و اینک من به درگاه

کَرَمِکَ واقِفٌ، وَلِنَفَحاتِ بِرِّکَ مُتَعَرِّضٌ، وَبِحَبْلِکَ الشَّدیدِ مُعْتَصِمٌ،

کرمت ایستاده ونسیم نیکیت را طالبم، و به ریسمان محکمت چنگ زده ام

وَبِعُرْوَتِکَ الْوُثْقی مُتَمَسِّکٌ، الهی ارْحَمْ عَبْدَکَ الذَّلیلَ، ذَاااللِّسانِ الْکَلیلِ،

و دستگیره محکمت را گرفته ام، ای معبود من بر بنده فروتنت که زبانش گنگ

وَالْعَمَلِ الْقَلیلِ، وَامْنُنْ عَلَیْهِ بِطَوْلِکَ الْجَزیلِ، وَاکْنُفْهُ تَحْتَ ظِلِّکَ الظَّلیلِ،

و عملش کم است رحم کن، با بخشش فراوانت بر او منت گذار، و او را در زیر سایه گسترده ات پناه ده.

یا کَریمُ یا جَمیلُ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

ای بخشنده، ای زیبا، ای مهربان ترین مهربانان.

12- مناجات العارفین

(عارفان)

مناجات کسانی است که عارفانه با خدا سخن می گویند، آنان که پس از قبول ناتوانی از درک کنه ذات او و راهیابی به شناخت کامل صفاتش در پی معرفتی بهتر از گذشته و دریدن حجابها از دیدگان دل و جانند و تشنه کام در جستجوی چشمه های الهی و نوشیدن از جام عشق وی می باشند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الهی قَصُرَتِ الْأَلْسُنُ عَنْ بُلُوغِ ثَنآئِکَ کَما یَلیقُ بِجَلالِکَ، وَعَجَزَتِ

ای معبود من، زبانها از بیان ثنایت آن چنان که شایسته بزرگی توست کوتاه است، و عقلها

ص: 81

1- [81]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 149.

الْعُقُولُ عَنْ ادْراكِ كُنْهِ جَمالِکَ، وَانْحَسَرَتِ الْأَبْصارُدُونَ النَّظَرِ الی

از درک کنه ذاتت عاجز است، و دیده ها در تماشای شکوه و عظمتت

سُبُحاتِ وَجْهِکَ، وَلَمْ تَجْعَلْ لِلْخَلْقِ طَریقاً الی مَعْرِفَتِکَ، الَّا بِالْعَجْزِ عَنْ

وامانده است، راهی برای مخلوقات در شناختت جز اقرار به ناتوانی از شناختت قرار

مَعْرِفَتِکَ، الهی فَاجْعَلْنا مِنَ الَّذینَ تَرَسَّخَتْ اشْجارُ الشَّوْقِ الَیْکَ فی

نداده ای، ای معبود من، ما را از کسانی قرار ده که نهال امیدت در باغ دلهایشان

حَدآئِقِ صُدُورِهِمْ، وَاخَذَتْ لَوْعَهُ مَحَبَّتِکَ بِمَجامِعِ قُلُوبِهِمْ، فَهُمْ الی

ریشه دوانده و سوز محبّتت سراسر دلشان را فرا گرفته است، پس آنان در

اوْکارِ الْأَفْکارِ یَأْوُونَ، وَ فی رِیاضِ الْقُرْبِ وَالْمُکاشَفَهِ یَرْتَعُونَ، وَمِنْ

آشیانه افکار جای گرفته و در باغ های قرب و مکاشفه می خرامند، و با

حِیاضِ الْمَحَبَّهِ بِکَأْسِ الْمُلاطَفَهِ یَکْرَعُونَ، وَشَرایِعَ الْمُصافاتِ یَرِدُونَ،

جام مهربانیت از دریای محبتت می نوشند و به سرچشمه های زلال و صاف وارد می شوند

قَدْ کُشِفَ الْغِطآءُ عَنْ ابْصارِهِمْ، وَانْجَلَتْ ظُلْمَهُ الرَّیْبِ عَنْ عَقآئِدِهِمْ

در حالی که پرده ها از دیده هایشان کنار رفته و تاریکی شک و تردید از اعتقادات

وَضَمآئِرِهِمْ، وَانْتَفَتْ مُخالَجَهُ الشَّکِّ عَنْ قُلُوبِهِمْ وَسَرآئِرِهِمْ، وَانْشَرَحَتْ

و باطنشان برطرف شده و اضطراب و تردید از دلها و باطنهایشان منتفی شده و با

بِتَحْقيقِ الْمَعْرِفَهِ صُدُورُهُمْ، وَعَلَتْ لِسَبْقِ السَّعادَهِ فِی الزَّهادَهِ هِمَمُهُمْ،

حصول معرفت، سینه هایشان گشاده شده و همتهایشان برای ربودن گوی سبقت در پارسایی عالی شده

وَعَذُبَ فی مَعینِ الْمُعامَلَهِ شِرْبُهُمْ، وَطابَ فی مَجْلِسِ الْأُنْسِ سِرُّهُمْ،

و در چشمه رفتار (نیک)، نوشیدنیهاشان گوارا شده و باطنشان در محفل انس پاکیزه گشته

وَامِنَ فی مَوْطِنِ الْمَخافَهِ سِرْبُهُمْ، وَاطْمَانَّتْ بِالرُّجُوعِ الی رَبِّ الْأَرْبابِ

و در محل های ترسناک، راهشان ایمن گشته و با بازگشت به سوی پروردگار یکتا، نفسشان

انْفُسُهُمْ، وَ تَیَقَّنَتْ بِالْفَوْزِ وَ الْفَلاحِ ارْواحُهُمْ، وَ قَرَّتْ بِالنَّظَرِ الی مَحْبُوبِهِمْ

آرام گشته و روح و روانشان به پیروزی و رستگاری یقین پیدا کرده و دیده هایشان به دیدار محبوبشان

اعْیُنُهُمْ، وَاسْتَقَرَّ بِادْراکِ السُّؤْلِ وَنَیْلِ الْمَأْمُولِ قَرارُهُمْ، وَرَبِحَتْ فی بَیْعِ

روشن گشته، و با رسیدن به خواسته ها و آرزوها، آرامششان برقرار گشته، و تجارتشان در فروختن

ص: 82

الدُّنْیا بِالْاخِرَهِ تِجارَتُهُمْ، الهی مَاالَذَّ خَواطِرَ الْإِلْهامِ بِذِکْرِکَ عَلَی الْقُلُوبِ،

دنیا به آخرت، سودمند شده است، ای معبود من، چه لذّت بخش است خاطره های الهام یاد تو بر دلها

وَما احْلَی الْمَسیرَ الَیْکَ بِالْأَوْهامِ فی مَسالِکِ الْغُیُوبِ، وَما اطْیَبَ طَعْمَ

و چه شیرین است حرکت به سوی تو در راه های نامرئی، با باورها، وچه خوش است طعم

حُبِّکَ، وَما اعْذَبَ شِرْبَ قُرْبِکَ، فَاعِذْنا مِنْ طَرْدِکَ وَ ابْعادِکَ، وَاجْعَلْنا مِنْ

محبّتت، وچه گواراست مقام قربت، پس ما را از راندن و دور کردنت پناه ده، و از مخصوص ترین

اخَصِّ عارِفیکَ، وَاصْلَحِ عِبادِکَ، وَاصْدَقِ طآئِعیکَ، وَاخْلَصِ عُبَّادِکَ، یا

عارفان، و شایسته ترین بندگان، و راستگوترین مطیعان و خالص ترین عبادت کنندگانت قرار ده، ای

عَظیمُ یا جَلیلُ، یا کَریمُ یا مُنیلُ، بِرَحْمَتِکَ وَمَنِّکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

با عظمت، ای باشکوه، ای بخشنده، ای عطا کننده، به رحمت و منّتت ای مهربان ترین مهربانان.

13- مناجات الذاکرین

(ذاکران)

راز و نیاز کسانی است که یاد خدا را می طلبند و از او می خواهند، که ذکر و یادش را در همه جا و همه حال بر قلب و جانشان فرود آرد و آن را انیس و مونسشان گرداند؛ آنان که می دانند جز با یاد او دلها آرام نمی گیرد و جز با رؤیت معنوی جمال حق، جانها آرامش نمی یابد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الهی لَوْلَا الْواجِبُ مِنْ قَبُولِ امْرِکَ، لَنَزَّهْتُکَ مِنْ ذِکْری ایَّاکَ، عَلی انَ

ای معبود من، اگر نبود پذیرفتن فرمان واجبت، به یقین تو را پاک تر از آن می دانستم که یادت کنم، علاوه بر اینکه

ذِکْری لَکَ بِقَدْری لا بِقَدْرِکَ، وَما عَسی انْ یَبْلُغَ مِقْداری حَتّی اجْعَلَ

یاد کردن تو به اندازه (توان) من است نه به اندازه (شایستگی) تو، و امید ندارم که ارزشم به اندازه ای بالا رود که مورد

مَحَلّاً لِتَقْدیسِکَ، وَمِنْ اعْظَمِ النِّعَمِ عَلَیْنا جَرَیانُ ذِکْرِکَ عَلی الْسِنَتِنا،

تکریم تو واقع شوم، و از بزرگترین نعمت های تو بر ما جاری شدن نام تو بر زبان ماست،

1- [82]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 150.

وَاذْنُکَ لَنا بِدُعآئِکَ وَتَنْزیهِکَ وَتَسْبیحِکَ، الهی فَالْهِمْنا ذِکْرَکَ فِی

و اجازه ات برای دعا و منزّه داشتن و به پاکی یاد کردن توست، ای معبود من، در خلوت و آشکار،

الْخَلاءِ وَالْمَلاءِ، وَاللَّیْلِ وَالنَّهارِ، وَالْإِعْلانِ وَالْإِسْرارِ، وَفِی السَّرَّآءِ

و شب و روز، و پیدا و نهان و خوشی و ناخوشی ما را به

وَالضَّرَّآءِ، وَآنِسْنا بِالذِّکْرِ الْخَفِیِّ، وَاسْتَعْمِلْنا بِالْعَمَلِ الزَّکِیِّ، وَالسَّعْیِ

یادت وادار، و به یاد پنهانیت مأنوسمان کن، و به کار پاکیزه و تلاش

الْمَرْضِیِّ، وَجازِنا بِالْمیزانِ الْوَفِیِّ، الهی بِکَ هامَتِ الْقُلُوبُ الْوالِهَهُ،

پسندیده وادار و با پیمانه پر پاداشمان ده، ای معبود من، دلهای شیفته، عاشقت شده

وَعَلی مَعْرِفَتِکَ جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَبایِنَهُ، فَلا تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ الَّا بِذِکْراکَ،

و عقلهای پراکنده برای شناختت گرد آمده، پس دلها جز به یادت آرام نگیرد

وَلا تَسْکُنُ النُّفُوسُ الَّا عِنْدَ رُؤْیاکَ، انْتَ الْمُسَبَّحُ فی کُلِّ مَکانٍ،

و دلها جز به هنگام دیدارت آرامش نیابد، تویی که در هر مکان به پاکی یاد گردی

وَالْمَعْبُودُ فی کُلِّ زَمانٍ، وَالْمَوْجُودُ فی کُلِّ اوانٍ، وَالْمَدْعُوُّ بِکُلِّ لِسانٍ،

و در هر زمان عبادت شوی و در هر لحظه موجودی، و به هر زبان خوانده شوی

وَالْمُعَظَّمُ فی کُلِّ جَنانٍ، وَاسْتَغْفِرُکَ مِنْ کُلِّ لَذَّهٍبِغَیْرِ ذِکْرِکَ، وَمِنْ کُلِّ راحَهٍ

و در هر دلی به بزرگی یاد شوی، از هر خوشی جز یادت و از هر آسایشی

بِغَیْرِ انْسِکَ، وَمِنْ کُلِّ سُرُورٍ بِغَیْرِ قُرْبِکَ، وَمِنْ کُلِّ شُغْلٍ بِغَیْرِ طاعَتِکَ،

جز انست، و از هر شادی جز نزدیکیت و از هر اشتغالی جز بندگیت از تو آمرزش می طلبم

الهی انْتَ قُلْتَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ: یا ایُّها الَّذینَ امَنُوا اذْکُرُوا اللَّهَ ذِکْراً کَثیراً،

ای معبود من، تو فرمودی و فرمایشت حق است: ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را بسیار یاد کنید،

وَسَبِّحُوهُ بُکْرَةً وَاصیلاً. وَقُلْتَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ: فَاذْکُرُونی اذْکُرْکُمْ. فَامَرْتَنا

و صبح و شام او را تسبیح گویید: و فرمودی و فرمایشت حق است: پس به یاد من باشید تا به یاد شما باشم، پس ما را به یادت

بِذِکْرِکَ، وَ وَعَدْتَنا عَلَیْهِ انْ تَذْکُرَنا تَشْریفاً لَنا وَ تَفْخیماً وَ اعْظاماً، وَ ها

فرمان داده و به ما وعده فرمودی که در قبال آن برای گرامیداشت و ارج نهادن و بزرگداشت ما را یاد خواهی نمود و اینک

نَحْنُ ذاکِرُوکَ کَما امَرْتَنا، فَانْجِزْ لَنا ما وَعَدْتَنا، یا ذاکِرَ الذَّاکِرینَ، وَیا

ما یادکنندگان توییم، آن گونه که تو فرمان داده ای، پس به آنچه به ما وعده فرمودی وفا کن، ای یادکننده یادکنندگان، و ای

ص: 84

ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.(1)

مهربان ترین مهربانان.

14- مناجات المعتصمین

(پناهندگان)

مناجات کسانی است که در برابر انبوه آفات سعادت، به قدرت و توانایی او پناه می برند و به ریسمان الهی چنگ می زنند و حمایت و پشتیبانی خدا را می طلبند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ یا مَلاذَ اللّائِذینَ، وَیا مَعاذَ الْعآئِذینَ، وَیا مُنْجِیَ الْهالِکینَ، وَیا

ای خدا، ای حامی پناهندگان، و ای پناه پناه جویان، و ای نجات بخش هلاک شدگان، و ای

عاصِمَ الْبآئِسینَ، وَ یا راحِمَ الْمَساکینِ، وَیا مُجیبَ الْمُضْطَرّینَ، وَیا کَنْزَ

نگهدار بیچارگان، و ای رحم کننده بینوایان، و ای اجابت کننده گرفتاران، و ای گنج

الْمُفْتَقِرینَ، وَ یا جابِرَ الْمُنْکَسِرینَ، وَیا مَأْوَی الْمُنْقَطِعینَ، وَیا ناصِرَ

نیازمندان، و ای التیام بخش دل شکستگان، و ای پناهگاه آوارگان، و ای یاور

الْمُسْتَضْعَفینَ، وَیا مُجیرَ الْخآئِفینَ، وَیا مُغیثَ الْمَکْرُوبینَ، وَ یا حِصْنَ

مستضعفان، و ای پناه دهنده ترسیدگان، ای فریادرس غمزدگان، ای پناه

اللّاجینَ، انْ لَمْ اعُذْ بِعِزَّتِکَ فَبِمَنْ اعُوذُ، وَانْ لَمْ ا لُذْ بِقُدْرَتِکَ فَبِمَنْ الُوذُ،

پناهندگان، اگر به عزتت پناه نبرم پس به که پناهنده شوم، و اگر به قدرتت متوسّل نشوم پس به که متوسّل شوم،

وَقَدْ الْجَاتْنِی الذُّنُوبُ الیَ التَّشَبُّثِ بِاذْیالِ عَفْوِکَ، وَاحْوَجَتْنِی الْخَطایا

در حالی که گناهانم مرا به چنگ زدن به دامان گذشتت وادار کرده و خطاهایم مرا به کوبیدن

الیَ اسْتِفْتاحِ ابْوابِ صَفْحِکَ، وَدَعَتْنِی الْإِساَئَهُ الَی الْإِناخَهِ بِفِناَءِ عِزِّکَ،

درهای چشم پوشیت محتاج ساخته، و بدیهایم مرا به اقامت در آستان عزّتت فرا خوانده

وَحَمَلَتْنِی الْمَخافَهُ مِنْ نِقْمَتِکَ عَلَی الْتَّمَسُّکِ بِعُرْوَهِ عَطْفِکَ، وَما حَقُّ مَنِ

و ترس از عذابت مرا به متوسّل شدن به ریسمان گذشتت وادار کرده است، و سزای کسی که

ص: 85

1- [83]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 151.

اعْتَصَمَ بِحَبْلِکَ انْ یُخْذَلَ، وَلا یَلیقُ بِمَنِ اسْتَجارَ بِعِزِّکَ انْ یُسْلَمَ اوْ یُهْمَلَ،

به ریسمانت چنگ زده، خواری نیست، و آن که به عزّتت پناهنده شود شایسته نیست که رها شده یا نادیده گرفته شود،

الهی فَلا تُخْلِنا مِنْ حِمایَتِکَ، وَلا تُعْرِنا مِنْ رِعایَتِکَ، وَذُدْنا عَنْ مَوارِدِ

ای معبود من، ما را از حمایتت محروم مکن، و از توجهت بی بهره مساز، و ما را از پرتگاه های

الْهَلَکَهِ، فَانَّا بِعَیْنِکَ وَفی کَنَفِکَ وَلَکَ، اسْئَلُکَ بِاهْلِ خآصَّتِکَ مِنْ مَلائِکَتِکَ

هلاکت دور نما، چرا که ما در برابر دیدگانت و در پناه تو و از آن توییم، از تو می خواهم به حقّ فرشتگان خاصّت

وَالصَّالِحینَ مِنْ بَرِیَّتِکَ، انْ تَجْعَلَ عَلَیْنا واقِیَهً تُنْجینا مِنَ الْهَلَکاتِ،

و صالحان از آفریدگانت، که برای ما سپری قرار دهی تا از مصیبت ها نجاتمان دهد،

وَتُجَنِّبُنا مِنَ الْافاتِ، وَتُکِنُّنا مِنْ دَواهِی الْمُصیباتِ، وَانْ تُنْزِلَ عَلَیْنا مِنْ

و از آفات دورمان سازد، و از مصیبت های فجیع ما را حفظ کند و اینکه از آرامشت بر ما

سَکینَتِکَ، وَ انْ تُغَشِّیَ وُجُوهَنا بِانْوارِ مَحَبَّتِکَ، وَ انْ تُؤْوِیَنا الی شَدیدِ رُکْنِکَ،

فرو فرستی، و با انوار محبّتت چهره ما را بپوشانی، و در رکن محکمت جای داده

وَانْ تَحْوِیَنا فی اکْنافِ عِصْمَتِکَ، بِرَأفَتِکَ وَرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرّاحِمینَ.(1)

و در کنف حمایتت قرار دهی، به مهربانی و رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

15- مناجات الزاهدین

(زاهدان)

مناجات کسانی است که از خطر دنیاپرستی و زخارف آن آگاهند؛ آنان که می دانند گردابهای خطرناکِ دنیاپرستی چگونه جویندگانش را در کام خود فرو می برد و به نیستی و تباهی می کشاند. از این رو، زهد در دنیا و بی اعتنایی به زرق و برق آن را از خدا می طلبند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الهی اسْکَنْتَنا داراً حَفَرَتْ لَنا حُفَرَ مَکْرِها، وَعَلَّقَتْنا بِایْدِی الْمَنایا فی

ای معبود من، ما را در خانه ای جای داده ای که گودال های نیرنگش را برای ما حفر کرده، و با دست آرزوها، ما را در

حَبآئِلِ غَدْرِها، فَالَیْکَ نَلْتَجِئُ مِنْ مَکآئِدِ خُدَعِها، وَ بِکَ نَعْتَصِمُ مِنَ الْإِغْتِرارِ

ریسمانهای نیرنگ آویخته، پس از نقشه های فریبکارانه اش به تو پناه می بریم، و از مغرور شدن به زینت های رنگارنگش

ص: 86

1- [84]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 152.

بِزَخارِفِ زينَتِها، فَانَّهَا الْمُهْلِكَةُ طُلَّابَها، الْمُتْلِفَةُ حُلّالَها، الْمَحْشُوَّةُ

به تو متوسّل می شویم زیرا که جویندگانش را نابود کند، و واردان به خویش را هلاک نماید، از بلاها

بِالْافاتِ، الْمَشْحُونَهُ بِالنَّكَباتِ، الهی فَزَهِّدْنا فیها، وَسَلِّمْنا مِنْها

پر شده، و از مصیبت ها آکنده شده، ای معبود من، ما را در آن زاهد گردان، و به وسیله توفیق

بِتَوْفیقِکَ وَعِصْمَتِکَ، وَانْزَعْ عَنَّا جَلابیبَ مُخالَفَتِکَ، وَتَوَلَّ امُورَنا بِحُسْنِ

و بازدارندگیت ما را در آن محفوظ بدار، و جامه نافرمانیت را از ما بر کن، و با تدبیر نیکت، امور ما را

کِفایَتِکَ، وَاوْفِرْ مَزیدَنا مِنْ سَعَهِ رَحْمَتِکَ، وَاجْمِلْ صِلاتِنا مِنْ فَیْضِ

سرپرستی کن، و سهم ما را از وسعت رحمتت فراوان گردان، و هدایای ما را از بخشش های فراوانت

مَواهِبِکَ، وَاغْرِسْ فی افْئِدَتِنا اشْجارَ مَحَبَّتِکَ، وَاتْمِمْ لَنا انْوارَ مَعْرِفَتِکَ،

نیکو گردان، و درخت محبّتت را در دلهای ما بنشان، و انوار شناختت را بر ما کامل کن

وَاذِقْنا حَلاوَهَ عَفْوِکَ وَلَذَّهَ مَغْفِرَتِکَ، وَ اقْرِرْ اعْیُنَنا یَوْمَ لِقآئِکَ بِرُؤْیَتِکَ،

و شیرینی گذشت و لذّت آمرزشت را به ما بچشان و چشم های ما را در روز دیدارت به ملاقاتت روشن کن، و

وَاخْرِجْ حُبَّ الدُّنْیا مِنْ قُلُوبِنا، کَما فَعَلْتَ بِالصَّالِحینَ مِنْ صَفْوَتِکَ،

محبّت دنیا را از دلهای ما بیرون کن، همان گونه که با صالحان از برگزیدگانت

وَالْأَبْرارِ مِنْ خآصَّتِکَ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، وَیا اکْرَمَ الْأَکْرَمینَ.(1)

و نیکان از خواصت رفتار نموده ای، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان و ای گرامی ترین گرامیان.

مناجاتی منظوم از امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام:

این مناجات از «صحیفه علویّه» نقل شده است.(2)

لَکَ الْحَمْدُ یا ذَاالْجُودِ وَ الْمَجْدِ وَالْعُلی تَبارَکْتَ تُعْطی مَنْ تَشاءُ وَتَمْنَعُ

حمد و سپاس از آنِ توست ای صاحب بخشش و بزرگواری و برتری بلند مرتبه ای و به هر که خواهی عطا کنی و بازداری

الهی وَ خَلّاقی وَحِرْزی وَمَوْئِلی الَیْکَ لَدَی الْإِعْسارِ وَالْیُسْرِ افْزَعُ

ای معبود و آفریدگار و پناهگاه و پناه من هنگام تنگدستی و توانگری به درگاه تو متوسّل می شوم

ص: 87

1- [85]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 152.
2- [86]صحیفه علویّه، صفحه 152.

الهی لَئِنْ جَلَّتْ وَجَمَّتْ خَطیئَتی فَعَفْوُکَ عَنْ ذَ نْبی اجَلُّ وَاوْسَعُ

ای معبود من، اگر گناهانم بزرگ و فراوان است پس عفو تو از گناهم بزرگ تر و وسیع تر است

الهی لَئِنْ اعْطَیْتُ نَفْسِیَ سُؤْلَهافَها ا نَا فی رَوْضِ النَّدامَهِ ارْتَعُ

ای معبود من، اگر از هوای نفسم پیروی کنم پس اینک من در وادی پشیمانی سرگردانم

الهی تَری حالی وَفَقْری وَ فاقَتی وَانْتَ مُناجاتِی الخَفِیَّهَ تَسْمَعُ

ای معبود من، حال و نیاز و نداریم را می بینی و راز و نیاز پنهانیم را می شنوی

الهی فَلا تَقْطَعْ رَجآئی وَلا تُزِغْ فُؤادی فَلی فی سَیْبِ جُودِکَ مَطْمَعٌ

ای معبود من، امیدم را قطع و دلم را منحرف مکن چرا که من چشم طمع به باران رحمتت دارم

الهی لَئِنْ خَیَّبْتَنی اوْ طَرَدْتَنی فَمَنْ ذَاالَّذی ارْجُو وَ مَنْ ذا اشَفِّعُ

ای معبود من، اگر مرا ناامید کرده یا برانی پس به که امید بسته و که را شفیع گیرم

الهی اجِرْنی مِنْ عَذابِکَ انَّنی اسیرٌ ذَلیلٌ خائِفٌ لَکَ اخْضَعُ

ای معبود من، مرا از عذاب خود پناه ده، چرا که به یقین من گرفتار و خوار و ترسان و فروتنِ درگاه توام

الهی فَآنِسْنی بِتَلْقِینِ حُجَّتی اذا کانَ لی فِی الْقَبْرِ مَثْوَیً وَمَضْجَعٌ

ای معبود من، پس با تلقین دلیلم، همدمم باش آن گاه که در قبر جا و مأوی گیرم

الهی لَئِنْ عَذَّبْتَنی الْفَ حِجَّهٍفَحَبْلُ رَجآئی مِنْکَ لا یَتَقَطَّعُ

ای معبود من، اگر مرا هزار سال عذاب کنی باز هم رشته امیدم از تو قطع نشود

الهی اذِقْنی طَعْمَ عَفْوِکَ یَوْمَ لابَنُونَ وَلا مالٌ هُنالِکَ یَنْفَعُ

ای معبود من، طعم عفوت را به من بچشان در روزی که فرزندان و مال در آن سودی نبخشد

الهی لَئِنْ لَمْ تَرْعَنی کُنْتُ ضائِعاًوَانْ کُنْتَ تَرْعانی فَلَسْتُ اضَیَّعُ

ای معبود من، اگر به من توجّه نکنی، نابود شوم پس اگر به من توجّه کنی نابود نشوم

الهی اذا لَمْ تَعْفُ عَنْ غَیْرِ مُحْسِنٍ فَمَنْ لِمُسی ءٍ بِالْهَوی یَتَمَتَّعُ

ای معبود من، اگر فقط از نیکوکاران درگذری پس کیست آمرزنده گناهکاری که از هوای نفس پیروی کرده است

الهی لَئِنْ فَرَّطْتُ فی طَلَبِ التُّقی فَها ا نَا اثْرَ الْعَفْوِ اقْفُو وَ اتْبَعُ

ای معبود من، اگر در بدست آوردن پرهیزکاری کوتاهی نمودم پس اینک من به دنبال عفو و گذشت رفته و جستجو می کنم

الهی لَئِنْ اخْطَاْتُ جَهْلاً فَطالَمارَجَوْتُکَ حَتّی قیلَ ما هُوَ یَجْزَعُ

ای معبود من، اگر از روی نادانی خطا کرده ام ولی از دیربازبه تو امید بسته ام به گونه ای که درباره من گفته شد که بی خیال است

الهی ذُنُوبی بَذَّتِ الطَّوْدَ وَاْعتَلَتْ وَصَفْحُکَ عَنْ ذَنْبی اجَلُّ وَارْفَعُ

ای معبود من، گناهانم از کوه افزونتر شده و بالاتر رفته ولی چشم پوشی تو از گناه من بزرگتر و بالاتر است

الهی یُنَحّی ذِکْرُ طَوْلِکَ لَوْعَتی وَذِکْرُ الْخَطایَا الْعَیْنَ مِنّی یُدَمِّعُ

ای معبود من، یاد نعمت بخشیت، سوز دلم را فرو نهدو یاد اشتباهاتم، چشمم را اشکبار کند

الهی اقِلْنی عَثْرَتی وَامْحُ حَوْبَتی فَانّی مُقِرٌّ خائِفٌ مُتَضَرِّعٌ

ای معبود من، لغزشم را نادیده گیر و گناهم را محو کن چرا که من معترف (به گناهم) و ترسان و نالانم

الهی انِلْنی مِنْک رَوْحاً وَراحَهًفَلَسْتُ سِوی ابْوابِ فَضْلِکَ اقْرَعُ

ای معبود من، مرا از جانب خود به شادمانی و آسایش رسان که من جز درِ لطف تو را نمی کوبم

الهی لَئِنْ اقْصَیْتَنی اوْ اهَنْتَنی فَما حیلَتی یا رَبِّ امْ کَیْفَ اصْنَعُ

ای معبود من، اگر مرا دور کرده و بی اعتنایی کنی پس چیست چاره ام ای پروردگار من یا چه کنم؟

الهی حَلیفُ الْحُبِّ فی اللَّیْلِ ساهِرٌیُناجی وَیَدْعُو وَالْمُغَفَّلُ یَهْجَعُ

ای معبود من، هم پیمان محبتت، در شب بیدار است در حالی که راز و نیاز کرده و دعا می کند ولی غافل در خواب است

الهی وَهذَا الْخَلْقُ ما بَیْنَ نائِمٍ وَمُنْتَبهٍ فی لَیْلِهِ یَتَضَرَّعُ

ای معبود من، این مخلوقات بعضی در خوابندو بعضی بیدار و در شب ناله می کنند

وکُلُّهُمْ یَرجُو نَوالَکَ راجِیاًلِرَحْمَتِکَ الْعُظْمی وَفِی الْخُلْدِ یَطْمَعُ

و همه آنان به بخششت امید داشته و امیدواررحمت گسترده تواند و به بهشت جاویدان طمع دارند

الهی یُمَنّینی رَجآئی سَلامَهًوَقُبْحُ خَطیئاتِی عَلَیَّ یُشَنِّعُ

ای معبود من، امیدم مرا به سلامتی امیدوار می کندولی زشتی اشتباهاتم مرا رسوا می کند

الهی فَانْ تَعْفُو فَعَفْوُکَ مُنْقِذی وَالَّا فَبِالذَّنْبِ الْمُدَمِّرِ اصْرَعُ

ای معبود من، اگر درگذری، پس عفو تو مایه نجات من است و گرنه گناهان هلاک کننده مرا از پای درآورد

الهی بِحَقِّ الْهاشِمیِّ مُحَمَّدٍوَحُرْمَهِ اطْهارٍ هُمُ لَکَ خُضَّعٌ

ای معبود من، به حق پیامبر، محمّد هاشمی و به حق حرمت پاکانی که در برابرت فروتنند

الهی بِحَقِّ الْمُصْطَفی وَابْنِ عَمِّهِ وَحُرْمَهِ ابْرارٍ هُمُ لَکَ خُشَّعٌ

ای معبود من، به حق برگزیده ات (محمّد) و پسر عمویش علی و به حرمت نیکانی که در برابرت متواضعند

الهی فَانْشِرْنی عَلی دینِ احْمَدَمُنیباً تَقِیّاً قانِتاً لَکَ اخْضَعُ

ای معبود من، مرا بر دین احمد برانگیزتوبه کنان و پرهیزکار و فرمانبردار، در حالی که در برابرت فروتنم

وَلا تَحْرِمَنّی یا الهی وَسَیِّدی شَفاعَتَهُ الْکُبْری فَذاکَ الْمُشَفَّعُ

ای معبود و آقا و سرورم، مرا محروم مکن از شفاعت بزرگ او، که او شفاعتش پذیرفته شده است

وَصَلِّ عَلَیْهِمْ ما دَعاکَ مُوَحِّدٌوَناجاکَ اخْیارٌ بِبابِکَ رُکَّعٌ

و بر آنان درود فرست، مادامی که یکتاپرستان تو را بخوانندو خوبان با تو راز و نیاز کنند در حالی که به درگاهت راکعند

ص :89

سه جمله بسیار عالی از امیر مؤمنان علیه السلام در مناجات:

الهی کَفی بی عِزّاً انْ اکُونَ لَکَ عَبْداً** وَ کَفی بی فَخْراً انْ تَکُونَ لی رَبّاً

ای معبود من، برای عزّت و شرافتم همین بس که بنده تو باشم،*** و برای افتخارم همین بس که تو پروردگارم باشی

انْتَ کَما احِبُّ، فَاجْعَلْنی کَما تُحِبُّ.(1)

تو آنچنانی که من دوست دارم، پس مرا چنان کن که خود می پسندی.

دعاهای قرآنی:

در قرآن مجید، علاوه بر آیاتی که اهمّیّت دعا را به طور کلّی بیان می کند، نمونه هایی از دعا نیز آمده است که بسیار پرمعنا و پرمحتواست و سزاوار است در قنوت نمازها و در سجده آخر و تعقیبات و به طور کلّی در مواقع دعا از آنها استفاده شود که امید اجابت در آن فراوان است.

بخشی از این دعاها بر زبان انبیای بزرگ جاری شده و بخش دیگری را خداوند به بندگان می آموزد.

قسمت مهمّی از این دعاها (به ترتیب سوره های قرآن) چنین است:

1- رَبَّنَا آتِنا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النَّارِ.(2)

پروردگارا، به ما در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب دوزخ نگهدار.

2- رَبَّنا أَفْرِغْ عَلَیْنا صَبْراً وَثَبِّتْ أَقْدامَنا وَانْصُرْنا عَلَی الْقَوْمِ الْکافِرِینَ.(3)

پروردگارا، شکیبایی و استقامت را بر ما فرو ریز و قدم های ما را ثابت بدار و ما را بر جمعیّت کافران پیروز گردان.

3- رَبَّنا لا تُؤاخِذْنا إِنْ نَسینا أَوْ أَخْطَأْنا رَبَّنا وَ لا تَحْمِلْ عَلَیْنا إِصْراً

پروردگارا اگر ما فراموش یا خطا کردیم ما را مؤاخذه مکن، پروردگارا، تکلیف سنگینی بر ما قرار مده.

كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَاطَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ

آنچنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر کسانی که پیش از ما بودند قرار دادی، پروردگارا، آنچه طاقت تحمّل آن را نداریم بر ما مقرر مدار. و ما را عفو کن

عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَآ أَنتَ مَوْلینا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.(4)

و بیامرز و مورد رحمت خود قرار ده، تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیّت کافران پیروز گردان.

ص: 90

1- [87]خصال، جلد 2، صفحه 420، حدیث 14.
2- [88]سوره بقره، آیه 201.
3- [89]سوره بقره، آیه 250.
4- [90]سوره بقره، آیه 286.

4- رَبَّنَا لَاتُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنکَ رَحْمَهً إِنَّکَ

پروردگارا، دلهایمان را، بعد از آن که ما را هدایت کردی (از راه حق) منحرف مگردان؛ و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش

أَنتَ الْوَهَّابُ.(1)

زیرا تویی بخشنده.

5- رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.(2)

پروردگارا، ما ایمان آوردیم پس گناهان ما را بر ما ببخش و ما را از عذاب دوزخ نگهدار.

6- رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِی أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا

پروردگارا، گناهان و تندروی های ما در کارها را بر ما ببخش، قدم های ما را استوار بدار و ما را بر

عَلَی الْقَوْمِ الْکَافِرِینَ.(3)

جمعیّت کافران پیروز گردان.

7- رَبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِیاً یُنَادِی لِلْإِیمنِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّکُمْ فَأَمَنَّا رَبَّنَا

پروردگارا، ما صدای منادی (تو) را شنیدیم که به ایمان دعوت می کرد که: به پروردگار خود ایمان بیاورید و ما ایمان آوردیم

فَاغْفِرْلَنَا ذُنُوبَنَا وَکَفِّرْ عَنَّا سَیِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ.(4)

پروردگارا، گناهان ما راببخش و بدیهای ما را بپوشان و ما را با نیکان (و در مسیر آنها) بمیران.

8- رَبَّنَا وَ ءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَی رُسُلِکَ وَ لَاتُخْزِنَا یَوْمَ الْقِیمَهِ إِنَّکَ لَا

پروردگارا، آنچه را به وسیله پیامبرانت به ما وعده فرمودی به ما عطا کن وما را در روز رستاخیز رسوا مگردان زیرا تو

تُخْلِفُ الّمِيعَادَ.(5)

هیچگاه از وعده خود تخلّف نمی کنی.

9- رَبَّنَا ظَلَمْنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْلَنَاوَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخسِرِينَ.(6)

پروردگارا، ما به خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی به یقین از زیانکاران خواهیم بود.

10- رَبِّ اجْعَلْنِی مُقِیمَ الصَّلاهِ وَ مِن ذُرِّيَّتِی رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَآءِ.(7)

پروردگارا، مرا بر پا دارنده نماز قرار ده و از فرزندانم (نیز چنین فرما) پروردگارا، دعای مرا بپذیر.

ص: 91

1- [91]سوره آل عمران، آیه 8.
2- [92]سوره آل عمران، آیه 16.
3- [93]سوره آل عمران، آیه 147.
4- [94]سوره آل عمران، آیه 193.
5- [95]سوره آل عمران، آیه 194.
6- [96]سوره اعراف، آیه 23.
7- [97]سوره ابراهیم، آیه 40.

11- رَبَّنَا اغْفِرْ لِی وَلِولِدَیَّ وَلِلْمُؤْمِنِینَ یَوْمَ یَقُومُ الْحِسَابُ.(1)

پروردگارا، من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را در آن روزی که حساب بر پا می شود، بیامرز.

12- رَبِّ أَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ

پروردگارا، مرا (در هر کار) با صداقت وارد کن و با صداقت خارج ساز و از سوی خود

لِّی مِن لَّدُنْکَ سُلْطناً نَّصِیراً.(2)

حجّتی یاری کننده برایم قرار ده.

13- رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنکَ رَحْمَهً وَهَیِّئ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَداً.(3)

پروردگارا، از سوی خودت رحمتی به ما عطا کن و از کار (فرو بسته) ما راه نجاتی برایمان فراهم ساز.

14- رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی وَیَسِّرْلِی أَمْرِی وَاحْلُلْ عُقْدَهً مِّن لِّسَانِی

پروردگارا، سینه ام را گشاده کن و کارم را برایم آسان گردان و گره از زبانم بگشای

یَفْقَهُوا قَوْلِی.(4)

تا سخنم را بفهمند.

15- رَبِّ إِنِّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمینَ.(5)

پروردگارا، ناراحتی (و مشکلات شدید) به من روی آورده و تو مهربان ترین مهربانانی.

16- لا الهَ الَّا انْتَ سُبْحانَکَ انّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمینَ.(6)

جز تو معبودی نیست، تو را تسبیح می گویم، من از ستمکاران بودم.

17- رَبِّ أعُوذُ بِکَ مِنْ هَمَزاتِ الشَّیطِینِ وَأعُوذُ بِکَ رَبِّ أن یَحْضُرُونِ.(7)

پروردگارا، از وسوسه های شیاطین به تو پناه می برم و پروردگارا، از این که آنان نزد من حاضر شوند به تو پناه می برم.

18- رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَیْرُ الرَّاحِمینَ.(8)

پروردگارا، مرا بیامرز و رحمت کن و تو بهترین رحم کنندگانی.

19- رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا کَانَ غَرَاماً.(9)

پروردگارا، عذاب جهنم را از ما برطرف گردان که عذابش سخت و پر دوام است.

1- [98]سوره ابراهیم، آیه 41.
2- [99]سوره اسراء، آیه 80.
3- [100]سوره کهف، آیه 10.
4- [101]سوره طه آیه 25- 28.
5- [102]اقتباس سوره انبیاء، آیه 83.
6- [103]سوره انبیاء، آیه 87.
7- [104]سوره مؤمنون، آیه 97 و 98.
8- [105]سوره مؤمنون، آیه 118.
9- [106]سوره فرقان، آیه 65.

20- رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوجِنَا وَذُرِّیتِنَا قُرَّهَ أَعْیُنٍ وَاجْعَلْنَا

پروردگارا، همسران و فرزندانمان را مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را پیشوایی

لِلْمُتَّقِینَ إِمَاماً.(1)

برای پرهیزگاران گردان.

21- رَبِّ أَوْزِعْنِی أَنْ أَشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتِی أَنْعَمْتَ عَلَیَّ وَعَلی ولِدَیَ

پروردگارا، شکر نعمتهایت را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته ای به من الهام کن (و توفیق ده)

وَأَنْ أَعْمَلَ صلِحاً تَرْضهُ وَأَدْخِلْنِی بِرَحْمَتِکَ فِی عِبَادِکَ الصلِحِینَ.(2)

تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم و مرا به رحمت خود در زمره بندگان صالحت وارد کن.

22- رَبِّ إِنِّی لِمَآ أَنْزَلْتَ إِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقِیرٌ.(3)

پروردگارا، به هر خیر و نیکی که تو بر من فرو فرستی نیازمندم.

23- رَبَّنَا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْ ءٍ رَّحْمَهً وَعِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِینَ تَابُواْ وَ اتَّبَعُوا

پروردگارا، رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته است، پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی می کنند

سَبِیلَکَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِیمِ.(4)

بیامرز و آنان را از عذاب دوزخ نگاهدار.

24- رَبِّ انِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ.(5)

پروردگارا، من مغلوب (این قوم طغیانگر) شده ام پس (مرا) یاری کن.

25- رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلإِخْونِنَا الَّذِینَ سَبَقُونَا بِالإیمنِ وَلَا تَجْعَلْ فِی

پروردگارا، ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز و در دلهایمان

قُلُوبِنَا غِلّاً لِّلَّذِینَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّکَ رَءُوفٌ رَّحِیمٌ.(6)

حسد و کینه ای نسبت به مؤمنان قرار مده پروردگارا، تو رئوف و مهربانی.

26- رَبِّ اغْفِرْ لِی وَلِوالِدَیَّ وَلِمَن دَخَلَ بَیْتِیَ مُؤْمِناً وَلِلْمُؤْمِنِینَ

پروردگارا، مرا و پدر و مادرم و همه کسانی را که با ایمان وارد خانه من شدند و جمیع مردان

وَالْمُؤْمِنَاتِ.(7)

و زنان با ایمان را بیامرز.

1- [107]سوره فرقان، آیه 74.
2- [108]سوره نمل، آیه 19.
3- [109]سوره قصص، آیه 24.
4- [110]سوره غافر، آیه 7.
5- [111]اقتباس از: سوره قمر، آیه 10.
6- [112]سوره حشر، آیه 10.
7- [113]سوره نوح، آیه 28.

دعای صباح:

این دعا از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است و بسیار پرمحتوا و لذّت بخش و زیباست. مرحوم «علّامه مجلسی» این دعا را در کتاب «بحارالانوار»- هم در کتاب الدعا و هم در کتاب الصلاه- آورده است و فرموده: این دعا از دعاهای مشهور است، ولی من آن را جز در کتاب «مصباح سیّد بن باقی» رضوان اللّه علیه، در دیگر کتاب های معتبر نیافتم و مشهور آن است که این دعا را بعد از نماز صبح بخوانند.(1) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللهُمَّ یا مَنْ دَلَعَ لِسانَ الصَّباحِ بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ، وَسَرَّحَ قِطَعَ اللَّیْلِ الْمُظْلِمِ

ای که زبان صبح را با دمیدن سپیده بیرون آوردی، و پاره های شب تاریک را به صورت سیاهی های

بِغَیاهِبِ تَلَجْلُجِهِ، وَاتْقَنَ صُنْعَ الْفَلَکِ الدَّوَّارِ فی مَقادیرِ تَبَرُّجِهِ، وَشَعْشَعَ

پراکنده روانه کردی، و آفرینش چرخ گردون را در اندازه های زیبایش محکم ساختی، و روشنایی

ضِیآءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَاجُّجِهِ، یا مَنْ دَلَّ عَلی ذاتِهِ بِذاتِهِ، وَتَنَزَّهَ عَنْ

خورشید را با نور گرمش پرتوافکن ساختی، ای که ذاتت گواه ذات توست و از مشابهت

مُجانَسَهِ مَخْلُوقاتِهِ، وَجَلَّ عَنْ مُلائَمَهِ کَیْفِیَّاتِهِ، یا مَنْ قَرُبَ مِنْ خَطَراتِ

با آفریدگانت مبرّایی، و از مناسبت و سنخیت با مخلوقات برتری، ای که از گمانهایی که بر دل جاری شود

الظُّنُونِ، وَبَعُدَ عَنْ لَحَظاتِ الْعُیُونِ، وَ عَلِمَ بِما کانَ قَبْلَ انْ یَکُونَ، یا مَنْ

نزدیکتری و از منظر دیدگان دوری، و به آنچه هست پیش از آن که باشد آگاهی، ای که

ارْقَدَنی فی مِهادِ امْنِهِ وَامانِهِ، وَایْقَظَنی الی ما مَنَحَنی بِهِ مِنْ مِنَنِهِ

مرا در بستر امنیت و آسایشت خوابانیدی، و مرا برای (استفاده از) نعمت ها و احسانت

وَاحْسانِهِ، وَکَفَّ اکُفَّ السُّوءِ عَنّی بِیَدِهِ وَسُلْطانِهِ، صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَی الدَّلیلِ

بیدار کردی، و دست بدخواهان را با قدرت و فرمانروایی‌ات از من بازداشتی، خدایا درود فرست بر

الَیْکَ فِی اللَّیْلِ الْأَلْیَلِ، وَالْماسِکِ مِنْ اسْبَابِکَ بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ،

راهنمایت در شب تاریک (جهل)، و گیرنده ریسمان آبرومند پایدار

1- [114]بحارالانوار، جلد 84، صفحه 339، حدیث 19 و جلد 91، صفحه 243، حدیث 11.

وَالنَّاصِعِ الْحَسَبِ فی ذِرْوَهِ الْکاهِلِ الْأَعْبَلِ، وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلی

و آن پاک نسبی که بر شانه پاکترین و بلندمرتبه ترین مرد عالم قرار گرفت، و آن ثابت قدم بر

زَحالیفِها فِی الزَّمَنِ الْأَوَّلِ، وَعَلی الِهِ الْأَخْیارِ الْمُصْطَفَیْنَ الْأَبْرارِ، وَافْتَحِ

لغزشگاه های زمان نخست (جاهلیّت) و بر خاندان نیک برگزیده نیکوکار، خدایا درهای

اللهُمَّ لَنا مَصاریعَ الصَّباحِ بِمَفاتیحِ الرَّحْمَهِ وَالْفَلاحِ، وَالْبِسْنِی اللهُمَ

صبح را با کلیدهای رحمت و رستگاریت بر ما بگشای، و خدایا از بهترین جامه های

مِنْ افْضَلِ خِلَعِ الْهِدایَهِ وَالصَّلاحِ، وَاغْرِسِ اللهُمَّ بِعَظَمَتِکَ فی شِرْبِ

هدایت و رستگاری بر من بپوشان، و خدایا به حقّ بزرگی و عظمتت در آبگاه

جَنانی یَنابیعَ الخُشُوعِ، وَاجْرِ اللهُمَّ لِهَیْبَتِکَ مِنْ اماقی زَفَراتِ الدُّمُوعِ،

دلم چشمه های فروتنی را قرار ده، و خدایا برای ترس از شکوهت قطرات اشک را از چشمم جاری ساز

وَادِّبِ اللهُمَّ نَزَقَ الْخُرْقِ مِنّی بِازِمَّهِ الْقُنُوعِ، الهی انْ لَمْ تَبْتَدِئْنِی

و خدایا کوتاه فکریم را با مهارهای قناعت تربیت کن، ای معبود من، اگر به واسطه حسن توفیق،

الرَّحْمَهُ مِنْکَ بِحُسْنِ التَّوْفیقِ، فَمَنِ السَّالِکُ بی الَیْکَ فی واضِحِ الطَّریقِ،

رحمت از ناحیه تو بر من آغاز نشده بود، پس چه کسی مرا در راه روشن و آشکار به سوی تو می کشاند؟

وَانْ اسْلَمَتْنی اناتُکَ لِقآئِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنی فَمَنِ الْمُقیلُ عَثَراتی مِنْ کَبَواتِ

و اگر شکیبایی مرا به دست میل سرکش بسپارد، پس چه کسی لغزش های مرا در کنار پرتگاه های هوای نفس

الْهَوی وَانْ خَذَلَنی نَصْرُکَ عِنْدَ مُحارَبَهِ النَّفْسِ وَالشَّیْطانِ، فَقَدْ وَکَلَنی

می بخشد؟ و اگر در هنگام نبرد با نفس و شیطان، مرا از یاریت ناامید کنی، به یقین

خِذْلانُکَ الی حَیْثُ النَّصَبِ وَالْحِرْمانِ، الهی اتَرانی مآ اتَیْتُکَ الَّا مِنْ

ناامید کردنت مرا به دست رنج و ناکامی سپارد، ای معبود من، تو می دانی آمدنم به درگاهت

حَیْثُ الْامالِ، امْ عَلِقْتُ بِاطْرافِ حِبالِکَ الَّا حینَ باعَدَتْنی ذُنُوبی عَنْ

فقط به خاطر آرزوهایم است یا چنگ زدنم به ریسمانت فقط در زمانی است که گناهان مرا از ارتباط

دارِ الْوِصالِ، فَبِئْسَ الْمَطِیَّهُ الَّتِی امْتَطَتْ نَفْسی مِنْ هَواها، فَواهاً لَها لِما

با تو دور سازد، پس چه بد مرکبی است مرکب هوای نفس، پس وای بر این نفس

سَوَّلَتْ لَها ظُنُونُها وَمُناها، وَتَبّاً لَها لِجُرْاتِها عَلی سَیِّدِها وَمَوْلیها، الهی

که گمانها و آرزوها آن را وسوسه کرده و مرده باد این نفس به خاطر گستاخیش بر آقا و مولایش، ای معبود من،

ص: 95

قَرَعْتُ بابَ رَحْمَتِکَ بِيَدِ رَجآئى وَهَرَبْتُ اَلَيْکَ لاجِئاً مِنْ فَرْطِ اهْوآئى

با دست امید، درگاه رحمتت را کوبیده ام، و از زیاده روی خواسته های نفسم به سوی تو گریخته و پناهنده ام

وَعَلَّقْتُ بِاطْرافِ حِبالِکَ انامِلَ وَلائى فَاْصْفَحِ اللهُمَّ عَمَّا کُنْتُ اجْرَمْتُهُ

و دست دوستیم را به ریسمانهای محبتت آویختم، ای خدا، از لغزش و خطایی که

مِنْ زَلَلى وَخَطآئى وَاقِلْنى مِنْ صَرْعَهِ رِدآئى فَاَنَّکَ سَيِّدى وَمَوْلاىَ

مرتکب شده ام درگذر، و کم عقلیم را نادیده گیر، چرا که تو آقا و سرپرست

وَمُعْتَمَدى وَرَجائى وَانْتَ غايَهُ مَطْلُوبى وَمُناىَ فى مُنْقَلَبى وَ مَثْواىَ،

و تکیه گاه و امید منی، و تویی نهایت خواسته ام و آرزویم در بازگشت و جایگاهم،

الهى کَيْفَ تَطْرُدُ مِسْکيناً الْتَجَأَ اَلَيْکَ مِنَ الذُّنُوبِ هارِباً، امْ کَيْفَ تُخَيِّبُ

ای معبود من، چگونه دور می کنی بیچاره ای را که برای فرار از گناه به تو پناه آورده است، یا چگونه ناامید می کنی

مُسْتَرْشِداً قَصَدَ الى جَنابِکَ ساعِياً، امْ کَيْفَ تَرُدُّ ظَمْئانَ وَرَدَ الى حِياضِکَ

جوینده راهی را که با سعی و کوشش تو را قصد کرده است، یا چگونه باز می گردانی تشنه ای را که برای نوشیدن (آب حیات) به چشمه (وصالت)

شارِباً، کَلّا وَحِياضُکَ مُتْرَعَهٌ فى ضَنْکِ الْمُحُولِ، وَبابُکَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ

وارد شده است، نه هرگز چنین نیست، در حالی که چشمه وصالت در خشکسالی شدید هم پر آب است، و درگاهت برای درخواست

وَالْوُغُولِ، وَانْتَ غايَهُ الْمَسْئُولِ، وَنِهايَهُ الْمَاْمُولِ، الهى هذِهِ ازِمَّهُ نَفْسى

و رفت و آمد باز است، و تویی درخواست شده نهایی و کمال مطلوب، ای معبود من، این افسار نفس (سرکش) من است

عَقَلْتُها بِعِقالِ مَشِیَّتِکَ، وَ هذِهِ اعْبآءُ ذُنُوبی دَرَاْتُها بِعَفْوِکَ وَرَحْمَتِکَ،

که آن را به ریسمان مشیّتت بسته ام، و این بارهای گناهان من است که با عفو و رحمتت آنها را از خود دور کرده ام

وَهذِهِ اهْوآئِیَ الْمُضِلَّهُ وَکَلْتُها الی جَنابِ لُطْفِکَ وَ رَاْفَتِکَ، فَاجْعَلِ اللهُمَ

و این خواسته های گمراه کننده نفس من است که آنها را به درگاه لطف و مهربانیت واگذار نموده ام، خدایا صبح

صَباحی هذا نازلاً عَلَیَّ بِضِیآءِ الْهُدی وَبِالسَّلامَهِ فِی الدّینِ وَالدُّنْیا،

امروزم را چنین مقدّر کن که نور هدایت همراه با سلامتی دین و دنیا بر من فرود آید؛

وَمَسآئی جُنَّهً مِنْ کَیْدِ الْعِدی وَ وِقایَهً مِنْ مُرْدِیاتِ الْهَوی انَّکَ قادِرٌ

وشبم را سپری در مقابل مکر دشمنان و پناهگاهی در مقابل هواهای نفس قرار ده، زیرا تو

عَلی ما تَشآءُ، تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشآءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشآءُ، وَتُعِزُّ

بر هر چه خواهی توانایی، به هر کس بخواهی حکومت می بخشی و از هر کس بخواهی حکومت را می گیری، و هر کس را

مَنْ تَشآءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشآءُ، بِيَدِکَ الْخَيْرُ، انَّکَ عَلى كُلّ شَىْ ءٍ قَديرٌ، تُولِجُ

بخواهى عزّت مى بخشى و هر كه را بخواهى خوار مى كنى تمام خوبيها بدست توست، تو بر هر چيز قادرى، شب را

اللَّيْلَ فى النَّهارِ، وَتُولِجُ النَّهارَ فِى اللَّيْلِ، وَتُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ،

در روز داخل مى كنى و روز را در شب، و زنده را از مرده بيرون مى آورى

وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَىِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشآءُ بِغَيْرِ حِسابٍ، لا الهَ الَّا

و مرده را از زنده و به هر كس بخواهى بدون حساب روزى مى بخشى، معبودى جز

انْتَ، سُبْحانَکَ اللهُمَّ وَبِحَمْدِکَ، مَنْ ذا يَعْرِفُ قَدْرَکَ فَلا يَخافُکَ، وَمَن ذا

تو نيست، خدايا تو را تسبيح مى گويم و به ستايشت مشغولم، كيست كه مقام و منزلتت را شناخته و از تو نترسد، و كيست كه

يَعْلَمُ ما انْتَ فَلا يَهابُکَ، الَّفْتَ بِقُدْرَتِکَ الْفِرَقَ، وَفَلَقْتَ بِلُطْفِکَ الْفَلَقَ،

تو را شناسد و از تو نهراسد، و گروه هاى مختلف را با قدرتت جمع نمودى، و به لطف و مهربانيت سپيده دم را شكافتى

وَانَرْتَ بِكَرَمِکَ دَياجِىَ الْغَسَقِ، وَانْهَرْتَ الْمِياهَ مِنَ الصُّمِّ الصَّياخيدِ

و به لطف و كرمت تاريكيهاى شب را روشن ساختى، و از دل سنگ هاى سخت، آبهاى گوارا و شور را

عَذْباً وَاجاجاً، وَانْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِراتِ ماءً ثَجَّاجاً، وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ

جارى ساختى، و از ابرهاى باران زا آبى فراوان نازل كردى، و خورشيد

وَالْقَمَرَ لِلْبَرِيَّهِ سِراجاً وَهَّاجاً، مِنْ غَيْرِ انْ تُمارِسَ فيمَا ابْتَدَاْتَ بِهِ لُغُوباً

و ماه را براى آفريدگان چراغى روشن و حرارت بخش آفريدى، بى آن كه در آنچه (از خلقت) آغاز نمودى دچار خستگى

وَلا عِلاجاً، فَیا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَالْبَقاءِ، وَقَهَرَ عِبادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَناءِ،

و درماندگی شوی، ای که در عزّت و جاودانگی یگانه ای، و بر بندگانت با مرگ و نیستی مسلّطی،

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَتْقِیآءِ، وَاسْمَعْ نِدآئی وَاسْتَجِبْ دُعآئی وَحَقِّقْ

بر محمّد و خاندان پرهیزکارش درود فرست، صدایم را بشنو و دعایم را اجابت کن، و آرزو

بِفَضْلِکَ اَمَلی وَرَجآئی یا خَیْرَ مَنْ دُعِیَ لِکَشْفِ الضُّرِّ، وَ الْمَاْمُولِ لِکُلِ

و امیدم را به فضل و کرمت محقق ساز، ای بهترین خوانده شده برای رفع ضرر و زیان، و بهترین آرزو شده برای هر

عُسْرٍ وَیُسْرٍ، بِکَ اَنْزَلْتُ حاجَتی فَلا تَرُدَّنی مِنْ سَنِیِّ مَواهِبِکَ خآئِباً، یا

سختی و آسانی، به درگاه تو حاجتم را آورده ام، پس مرا از عالی ترین بخششهایت ناامید بر مگردان، ای

کَریمُ یا کَریمُ یا کَریمُ، بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی خَیْرِ

بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان، و خدا بر بهترین

ص: 97

خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اجْمَعینَ* آنگاه به سجده برود و بگوید: الهی قَلْبی مَحْجُوبٌ،

مخلوقاتش محمّد و تمامی خاندان پاکش درود فرستد،**** ای معبود من، دلم (با غبار غفلت) پوشیده شده

وَنَفْسی مَعْیُوبٌ، وَعَقْلی مَغْلُوبٌ، وَهَوآئی (هَوایَ) غالِبٌ، وَطاعَتی

و روحم معیوب گشته، و عقلم شکست خورده و هوای نفسم بر من چیره و بندگیم

قَلیلٌ، وَمَعْصِیَتی کَثیرٌ(1)، وَلِسانی مُقِرٌّ بِالذُّنُوبِ، فَکَیْفَ حیلَتی یا سَتّارَ

کم، و گناهم فراوان و زبانم به گناهان معترف است، پس چاره ام چیست؟ ای پوشاننده

الْعُیُوبِ، وَیا عَلّامَ الْغُیُوبِ، وَیا کاشِفَ الْکُرُوبِ، اغْفِرْ ذُنُوبی کُلَّها بِحُرْمَةِ

عیبها و ای دانای نهانها و ای برطرف کننده اندوه ها، به حقّ محمّد و خاندان پاکش

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، یا غَفّارُ یاغَفّارُ یا غَفّارُ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرّاحِمینَ.

همه گناهانم را بیامرز، ای آمرزنده، ای آمرزنده، ای آمرزنده، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

دعای کمیل 116]:

این دعا از دعاهای معروف و مشهور و پربرکت است و دارای محتوا ومضامین عالی و انسان ساز می باشد، و راه بندگی و عبودیّت، توبه و انابه و کسب نورانیّت دل را به انسان می آموزد. اگر انسان با توجّه به معانی بلندش، آن را بخواند و در تک تک جملاتش تأمّل کند، بی تردید در روح و جانش اثر می کند و انقلابی در او ایجاد می نماید. مطابق روایتی که «سیّد بن طاووس» نقل می کند، حضرت امیر مؤمنان علیه السلام به کمیل بن زیاد فرمود: این دعای حضرت خضر است، اگر آن را یاد گرفتی، در هر شب جمعه و یا ماهی یک بار و یا لااقل در هر سال یک مرتبه و حتّی در تمام عمرت یک بار آن را بخوان که برای کفایت از شرّ دشمنان و

کسب روزی و آمرزش گناهان مفید خواهد بود.(2) مرحوم «کفعمی» در «مصباح» از کمیل بن زیاد نقل می کند که دیدم حضرت امیر مؤمنان علیه السلام این دعا را در شب نیمه شعبان در سجده خواند.(3)

1- [115]در بحارالانوار« طاعتی قلیله و معصیتی کثیره» آمده است.
2- [117]اقبال سیّد بن طاووس، صفحه 706.
3- [118]مصباح کفعمی، صفحه 555.

این دعای شریف، علاوه بر کتاب های فوق، در کتاب «مصباح المتهجّد»،(1) نیز آمده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِرَحْمَتِکَ الَّتی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ، وَبِقُوَّتِکَ الَّتی

خدایا از تو می خواهم به آن رحمتت که همه موجودات را فرا گرفته و به آن قدرتت که

قَهَرْتَ بِها کُلَّ شَیْ ءٍ، وَخَضَعَ لَها کُلُّ شَیْ ءٍ، وَذَلَّ لَها کُلُّ شَیْ ءٍ،

به وسیله آن بر همه چیز تسلّط یافتی و (آن قدرتی که) همه در برابر آن تسلیم و مطیع گردیدند،

وَبِجَبَرُوتِکَ الَّتی غَلَبْتَ بِها کُلَّ شَیْ ءٍ، وَ بِعِزَّتِکَ الَّتی لا یَقُومُ لَها شَیْ ءٌ،

و به بزرگیت که به وسیله آن همه چیز را مغلوب خود ساختی و به شکوه و قدرتت که کسی توانایی ایستادن در برابر آن را ندارد،

وَبِعَظَمَتِکَ الَّتی مَلَأَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ، وَ بِسُلْطانِکَ الَّذی عَلا کُلَّ شَیْ ءٍ،

و به عظمتت که همه چیز را فرا گرفته، و به فرمانروایيت که همه چیز را زیر پر گرفته

وَبِوَجْهِکَ الْباقی بَعْدَ فَنآءِ کُلِّ شَیْ ءٍ، وَبِأَسْمائِکَ الَّتی مَلَأَتْ [120] ارْکانَ کُلِ

و به ذاتت که بعد از نابودی همه موجودات ماندنی است و به نامهایت که اساس هر چیزی را پر

شَیْ ءٍ، وَبِعِلْمِکَ الَّذی احاطَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِکَ الَّذی اضآءَ لَهُ کُلُ

کرده است، و به دانشت که بر همه چیز احاطه دارد، و به نور ذاتت که همه عالم در پرتوش روشن

شیْ ءٍ، یا نُورُ یا قُدَّوسُ، یا اوَّلَ الْأوَّلِینَ، وَیا اخِرَ الْأخِرینَ، اللهُمَّ اغْفِرْ

شده، ای نور، ای پاک از هر عیب، ای آغاز همه آغازها و ای نهایت همه پایانها، بارخدایا، گناهانی

لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَهْتِکُ الْعِصَمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُنْزِلُ النِّقَمَ،

را که پرده های عصمت (و موانع گناه) را می درد بر من ببخش، خدایا گناهانی را که رنج و عذاب را فرود می آورد بر من ببخش،

اللهُمَّ اغْفِرْلِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُغَیِّرُ النِّعَمَ، اللهُمَّ اغْفِرْ لیَ الذُّنُوبَ الَّتی

خدایا گناهانی را که موجب تغییر نعمتها می شود بر من ببخش، خدایا گناهانی را که از (برآورده شدن) دعا جلوگیری

تَحْبِسُ الدُّعآءَ، اللهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُنْزِلُ الْبَلاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْلی

ص :99

1- [119]مصباح المتهجّد، صفحه 844. ما این دعا را مطابق نسخه متداول نقل می کنیم و موارد اختلاف آن را با مصباح المتهجّد در پاورقی متذکّر می شویم.

می کند بر من ببخش، خدایا گناهانی را که بلا (و مصیبت) را فرود می آورد، بر من ببخش، خدایا هر گناهی کرده ام

كُلَّ ذَنْبٍ اذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ خَطيئَةٍ اخْطَاْتُها، اللهُمَّ انّی اتَقَرَّبُ الَیْکَ بِذِكْرِکَ،

و هر خطایی از من سر زده بر من ببخش خدایا من با یادت، به تو نزدیک می شوم،

وَاسْتَشْفِعُ بِکَ الی نَفْسِکَ، وَاسْئَلُکَ بِجُودِکَ انْ تُدْنِيَنی مِنْ قُرْبِکَ، وَانْ

و تو را به درگاهت شفیع می آورم، و از تو می خواهم که به کرم و بخششت، مرا به جوار قربت نزدیک کنی و

تُوزِعَنی شُكْرَکَ، وَانْ تُلْهِمَنی ذِكْرَکَ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ سُؤالَ خاضِعٍ

سپاسگزاریت را نصیبم گردانی، و یادت را به من الهام کنی (و در دلم افکنی)، خدایا همانند شخص فروتنِ فرمانبردارِ

مُتَذَلِّلٍ خاشِعٍ، انْ تُسامِحَنی وَتَرْحَمَنی وَتَجْعَلَنی بِقَسْمِکَ راضِیاً قانِعاً،

ترسان، از تو درخواست می کنم که (کار را) بر من آسان گیری و به من رحم کنی، و به آنچه که قسمتم کرده ای راضی و خرسندم سازی

وَفی جَمیعِ الْأَحْوالِ مُتَواضِعاً، اللهُمَّ وَاسْئَلُکَ سُؤالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ،

و در همه حال فروتنم گردانی، خدایا، و از تو درخواست می کنم همانند درخواست کسی که در شدّت فقر و درماندگی است

وَانْزَلَ بِکَ عِنْدَ الشَّدآئِدِ حاجَتَهُ، وَ عَظُمَ فیما عِنْدَکَ رَغْبَتُهُ، اللهُمَّ عَظُمَ

و در هنگام سختیها نیازش را نزد تو آورده و به آنچه که نزد توست بسیار امیدوار است، خدایا فرمانرواییت

سُلْطانُکَ، وَعَلا مَكانُکَ، وَ خَفِیَ مَكْرُکَ، وَظَهَرَ امْرُکَ، وَغَلَبَ قَهْرُکَ،

بزرگ و مقامت بلند است و تدبیرت پنهان و فرمانت آشکار است و برتریت چیره

وَجَرَتْ قُدْرَتُکَ، وَلا یُمْکِنُ الْفِرارُ مِنْ حُکُومَتِکَ، اللّهُمَّ لا اجِدُ لِذُنُوبی

و قدرتت (در همه امور) نافذ است، و فرار از قلمرو فرمانروایيت محال است، خدایا جز تو کسی را برای

غافِراً، وَلا لِقَبائِحی ساتِراً، وَ لا لِشَیْ ءٍ مِنْ عَمَلِیَ الْقَبیحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا

(آمرزش) گناهانم و پرده پوشی برای زشتیهایم و تبدیل کننده اعمال زشتم به نیکی ها نمی یابم،

غَیْرَکَ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ وَبِحَمْدِکَ، ظَلَمْتُ نَفْسی وَتَجَرَّأْتُ

معبودی جز تو نیست، پاک و منزّهی تو و ستایشت می کنم، به خود ستم کرده و به خاطر نادانیم (در انجام گناه)

بِجَهْلی وَسَکَنْتُ الی قَدیمِ ذِکْرِکَ لی وَمَنِّکَ عَلَیَّ، اللهُمَّ مَوْلایَ کَمْ مِنْ

گستاخی کردم و به این که همیشه مرا یاد کرده و به من لطف و بخشش نمودی آسوده خاطر بودم. ای خدا، ای مولای من بسیاری از

قَبیحٍ سَتَرْتَهُ، وَکَمْ مِنْ فادِحٍ مِنَ الْبَلاءِ اقَلْتَهُ، وَ کَمْ مِنْ عِثارٍ وَقَیْتَهُ، وَ کَمْ

کارهای زشتم را پوشاندی، و بسیاری از گرفتاریهای سخت و کمرشکن را از من بازگرداندی، و از بسیاری از لغزشها حفظم کردی

مِنْ مَکْرُوهٍ دَفَعْتَهُ، وَکَمْ مِنْ ثَنآءٍ جَمیلٍ لَسْتُ اهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ، اللهُمَّ عَظُمَ

و بسیاری از حوادث ناگوار را از من دور کردی و تعریف و تمجید بسیاری که شایسته آن نبودم (بر زبانها) منتشر ساختی، خدایا گرفتاریم

ص :100

بَلائی وَافْرَطَ بی سُوءُ حالی وَقَصُرَتْ بی اعْمالی وَقَعَدَتْ بی اغْلالی

بزرگ است و بدی حالم از حد گذشته و اعمالم، دستم را کوتاه کرده و زنجیرهای (علایق) مرا زمین گیر کرده

وَحَبَسَنی عَنْ نَفْعی بُعْدُ امَلی وَخَدَعَتْنِی الدُّنْیا بِغُرُورِها، وَنَفْسی

و آروزهای دور و دراز مرا از مصالحم باز داشته و دنیا با ظواهر فریبنده اش و نَفْسم

بِجِنایَتِها وَ مِطالی یا سَیِّدی فَاسْئَلُکَ بِعِزَّتِکَ انْ لا یَحْجُبَ عَنْکَ دُعآئی

با تبهکاری و سستی اش مرا گمراه کرده است، ای خدای من، به عزّت و جلالت از تو می خواهم که بدی رفتار و کردارم

سُوءُ عَمَلی وَفِعالی وَلا تَفْضَحْنی بِخَفِیِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنْ سِرّی وَلا

مانع از اجابت درخواستم نشود و به (افشایِ) آنچه که از اسرار پنهانی من آگاه هستی رسوایم نکنی، و در

تُعاجِلْنی بِالْعُقُوبَهِ عَلی ما عَمِلْتُهُ فی خَلَواتی مِنْ سُوءِ فِعْلی وَاسآئَتی

مجازات رفتار و کردار زشتی که در تنهایی مرتکب آن شده ام

وَدَوامِ تَفْریطی وَجَهالَتی وَکَثْرَهِ شَهَواتی وَغَفْلَتی وَ کُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِکَ

و استمرارِ کوتاهی و نادانیم و زیادی شهوت رانی و بی خبری ام، شتاب نکنی و خدایا به عزّت و جلالت

لی فی کُلِّ الْأَحْوالِ رَءُوفاً، وَعَلَیَّ فی جَمیعِ الْأُمُورِ عَطُوفاً، الهی وَرَبّی

در تمامی حالات نسبت به من مهربان و در همه کارها نسبت به من پر محبّت باش، ای معبود و پروردگار من،

مَنْ لی غَیْرُکَ، اسْئَلُهُ کَشْفَ ضُرّی وَالنَّظَرَ فی امْری الهی وَمَوْلایَ

جز تو چه کسی را دارم که رفع گرفتاری و توجّه در کارم را از او بخواهم، ای خدا و مولای من،

اجْرَیْتَ عَلَیَّ حُکْماً اتَّبَعْتُ فیهِ هَوی نَفْسی وَلَمْ احْتَرِسْ فیهِ مِنْ تَزْیینِ

تو بر من حکمی کردی و من در آن پیروی هوای نفس کردم، و از فریبکاری دشمنم (شیطان)

عَدُوّی فَغَرَّنی بِما اهْوی وَاسْعَدَهُ عَلی ذلِکَ الْقَضآءُ، فَتَجاوَزْتُ بِما

پرهیز نکردم، پس مرا به آنچه دلخواهش بود فریب داد و تقدیر هم او را بر این کار یاری کرد و به خاطر آنچه که

جَری عَلَیَّ مِنْ ذلِکَ بَعْضَ [121] حُدُودِکَ، وَخالَفْتُ بَعْضَ اوامِرِکَ، فَلَکَ

بر سرم آمد نسبت به بعضی از احکامت بی اعتنایی کرده و بعضی از فرمان هایت را مخالفت کردم، پس در تمام

الْحَمْدُ عَلَیَّ فی جَمیعِ ذلِکَ [122]، وَلا حُجَّهَ لی فیما جَری عَلَیَّ فیهِ قَضآؤُکَ،

این امور (که بر سرم آمده) حمد تو بر من واجب است و در آنچه که به تقدیر تو بر من واقع شده و قضا و آزمایش

ص: 101

وَالْزَمَنی حُکْمُکَ وَبَلاَؤُکَ، وَقَدْ اتَیْتُکَ یا الهی بَعْدَ تَقْصیری وَاسْرافی

تو مرا بدان ملزم ساخته، حجّت و برهانی ندارم، و ای معبود من در حالی که (در انجام وظیفه) کوتاهی و بر خود زیاده روی

عَلی نَفْسی مُعْتَذِراً نادِماً، مُنْکَسِراً مُسْتَقیلاً، مُسْتَغْفِراً مُنیباً، مُقِرّاً مُذْعِناً

(و ستم) کرده ام، با عذر خواهی، پشیمانی، دل شکستگی، پوزش خواهی، آمرزش طلبی و بازگشت کننده، اقرار کننده، فرمانبردار

مُعْتَرِفاً، لااجِدُ مَفَرّاً مِمَّا کانَ مِنّی وَلا مَفْزَعاً اتَوَجَّهُ الَیْهِ فی امْری غَیْرَ

و اعتراف کننده به درگاهت آمده ام، نه از آنچه که از من سرزده راه گریزی دارم و نه پناهگاهی که برای (اصلاحِ) کارم به آنجا روی آورم،

قَبُولِکَ عُذْری وَادْخالِکَ ایَّایَ فی سَعَهِ رَحْمَتِکَ، اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْری

جز این که عذرم را بپذیری و مرا در رحمت بی انتهایت داخل کنی، خدایا عذرم را بپذیر

وَارْحَمْ شِدَّهَ ضُرّی وَفُکَّنی مِنْ شَدِّ وَثاقی یا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنی

و بر شدّت گرفتاری ام رحم کن و از قید و بند (گناهان) رهاییم ده، ای پروردگار من، بر بدن ضعیف و ناتوان

وَرِقَّهَ جِلْدی وَدِقَّهَ عَظْمی یا مَنْ بَدَءَ خَلْقی وَذِکْری وَتَرْبِیَتی وَبِرّی

و نازکی پوست و استخوان ضعیفم رحم کن، ای (خدایی) که مرا آفریدی، در نظر گرفته و پروراندی، نیکی کرده

وَتَغْذِیَتی هَبْنی لِابْتِدآءِ کَرَمِکَ، وَسالِفِ بِرِّکَ بی یا الهی وَسَیِّدی

و غذایم دادی، اکنون به خاطر بخشش نخست، و نیکی پیشینت بر من، مرا ببخش. ای معبود من و ای سرور

وَرَبّی اتُراکَ مُعَذِّبی بِنارِکَ بَعْدَ تَوْحیدِکَ، وَبَعْدَ مَا انْطَوی عَلَیْهِ قَلْبی مِنْ

و پروردگار من، آیا باور کنم که مرا به آتشِ (غضبت) عذاب می کنی، بعد از یکتا پرستیم و بعد از آن که نور معرفتت قلب مرا

مَعْرِفَتِکَ، وَلَهِجَ بِهِ لِسانی مِنْ ذِکْرِکَ، وَاعْتَقَدَهُ ضَمیری مِنْ حُبِّکَ، وَبَعْدَ

فرا گرفته و زبانم به ذکر تو گویا شده و دلم به محبّتت پیوند خورده (آیا باور کنم که مرا عذاب می کنی) و بعد از

صِدْقِ اعْتِرافی وَدُعآئی خاضِعاً لِرُبُوبِیَّتِکَ، هَیْهاتَ انْتَ اکْرَمُ مِنْ انْ

اعتراف صادقانه و دعای خاضعانه ام به مقام پروردگاریت، هرگز (باور نمی کنم)، تو بزرگوارتر از آنی که

تُضَیِّعَ مَنْ رَبَّیْتَهُ، اوْ تُبْعِدَ مَنْ ادْنَیْتَهُ، اوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَیْتَهُ، اوْ تُسَلِّمَ الَی الْبَلآءِ

تباه کنی کسی را که پرورانده ای، یا دور کنی کسی را که (به خود) نزدیک کرده ای، یا آواره کنی کسی را که پناه داده ای، یا گرفتار سازی

مَنْ کَفَیْتَهُ وَرَحِمْتَهُ، وَلَیْتَ شِعْری یا سَیِّدی وَالهی وَمَوْلایَ، اتُسَلِّطُ

کسی را که سرپرستی و مهربانی کرده ای، کاش می دانستم ای سرور من و ای معبود و سرپرست من، آیا آتشِ (غضبت) را

النَّارَ عَلی وُجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِکَ ساجِدَةً، وَ عَلی الْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحیدِکَ

مسلّط می کنی بر چهره هایی که در برابر عظمتت به سجده افتاده و بر زبانهایی که صادقانه به یگانگیت

صادِقَةً، وَبِشُكْرِکَ مادِحَةً، وَعَلی قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِالهِیَّتِکَ مُحَقِّقَةً، وَعَلی

گویا شده و ثناگوی شکر توست، و بر دلهایی که از روی یقین به خداییت اقرار دارد و بر

ضَمآئِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِکَ حَتّی صارَتْ خاشِعَةً، وَعَلی جَوارِحَ سَعَتْ

دلهایی که علم و معرفت تو آنها را فرا گرفته به گونه ای که (در برابرت) فروتن گردیده، و بر اعضا و جوارحی که

الی اوْطانِ تَعَبُّدِکَ طآئِعَةً، وَاشارَتْ بِاسْتِغْفارِکَ مُذْعِنَةً، ما هکَذَا الظَّنُ

از سر تسلیم به سوی محلّ عبادتت شتابان است، و با آمرزش خواهی از تو فرمانبرداریش را اظهار می کند، چنین گمانی به تو

بِکَ، وَلا اخْبِرْنا بِفَضْلِکَ عَنْکَ، یا کَریمُ یا رَبِّ، وَانْتَ تَعْلَمُ ضَعْفی عَنْ

نیست و چنین خبری از لطف و بزرگواریت به ما نرسیده است، ای پروردگار بخشنده من، تو ناتوانی مرا در برابر

قَلیلٍ مِنْ بَلاءِ الدُّنْیا وَ عُقُوباتِها، وَما یَجْری فیها مِنَ الْمَکارِهِ عَلی اهْلِها،

اندک رنج و عذاب دنیا و کیفرهای ناچیز آن و ناملایماتی که بر اهل آن می رسد می دانی،

عَلی انَّ ذلِکَ بَلاءٌ وَمَکْرُوهٌ، قَلیلٌ مَکْثُهُ، یَسیرٌ بَقآئُهُ، قَصیرٌ مُدَّتُهُ، فَکَیْفَ

با آن که رنج و عذاب و ناملایمات دنیا ماندگاریش اندک، دوامش کم و زمانش کوتاه است، پس چگونه

احْتمالی لِبَلاءِ الْاخِرَهِ، وَجَلیلِ وُقُوعِ الْمَکارِهِ فیها، وَهُوَ بَلاءٌ تَطُولُ

رنج و عذاب آخرت و سنگینی و بزرگی ناملایمات آن را تحمّل کنم، در حالی که رنج و عذاب آخرت

مُدَّتُهُ، وَیَدُومُ مَقامُهُ، وَلا یُخَفَّفُ عَنْ اهْلِهِ، لِأَنَّهُ لا یَکُونُ الّا عَنْ غَضَبِکَ

زمانش طولانی و جایگاهی همیشگی است و بر اهل عذاب تخفیفی نیست، زیرا که آن عذاب از خشم

وَاْنتِقامِکَ وَسَخَطِکَ، وَهذا ما لاتَقُومُ لَهُ السَّمواتُ وَالْاَرْضُ، یا سَیِّدِی

و انتقام و نارضایتی تو سرچشمه گرفته که آسمان و زمین طاقت آن را ندارد، ای سرور من،

فَکَیْفَ لی وَانَا عَبْدُکَ الضَّعیفُ الذَّلیلُ الْحَقیرُ الْمِسْکینُ الْمُسْتَکینُ،

چگونه آن را تحمّل کنم در حالی که بنده ای ناتوان، مطیع، کوچک و بینوای درمانده ام،

یا الهی وَرَبّی وَسَیِّدِی وَمَوْلایَ، لِأَیِّ الْأُمُورِ اَلَیْکَ اشْکُو، وَلِما مِنْها

ای معبود و پروردگار من و ای سرور و مولای من، از کدام گرفتاریم به تو شکایت کنم و برای کدامیک از آنها

اضِجُّ وَابْکی لِأَلیمِ الْعَذابِ وَشِدَّتِهِ، امْ لِطُولِ الْبَلاءِ وَمُدَّتِهِ، فَلَئِنْ

شیون و گریه کنم، آیا برای عذاب دردناک و سخت یا برای گرفتاری طولانی؟ پس اگر

صَیَّرْتَنی لِلْعُقُوباتِ مَعَ اعْدآئِکَ، وَجَمَعْتَ بَیْنی وَبَیْنَ اهْلِ بَلائِکَ،

برای کیفرِ (گناهانم) مرا در زمره دشمنانت شمرده و با گرفتاران (در عذابت) در یک جا قرار دهی،

ص: 103

وَفَرَّقْتَ بَیْنی وَبَیْنَ احِبّآئِکَ وَاوْلیآئِکَ، فَهَبْنی یا الهی وَسَیِّدی وَمَوْلایَ

و میان من و دوستان و مقرّبانت جدایی اندازی، پس ای معبود و سرورم و ای مولا

وَرَبّی صَبَرْتُ عَلی عَذابِکَ، فَکَیْفَ اصْبِرُ عَلی فِراقِکَ، وَ هَبْنی صَبَرْتُ

و پروردگارم، گیرم که بر عذاب تو صبر کنم، امّا چگونه فراق تو را تحمّل کنم؟ و گیرم که

عَلی حَرِّ نارِکَ، فَکَیْفَ اصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ الی کَرامَتِکَ، امْ کَیْفَ اسْکُنُ فِی

بر حرارت آتشِ (غضبت) صبر کنم، امّا چگونه از لطف و کرمت چشم پوشی کنم؟ یا چگونه در آتش مسکن گزینم

النَّارِ وَ رَجآئی عَفْوُکَ، فَبِعِزَّتِکَ یا سَیِّدی وَمَوْلایَ اقْسِمُ صادِقاً، لَئِنْ

در حالی که به عفو تو امیدوارم، پس ای سرور و مولای من، به شکوه و قدرت صادقانه ات سوگند می خورم که اگر

تَرَکْتَنی ناطِقاً، لَأَضِجَّنَّ الَیْکَ بَیْنَ اهْلِها ضَجیجَ الْامِلینَ، وَ لَأَصْرُخَنَ

مرا در حالی که زبانم گویاست (در دوزخ) رها کنی، هر آینه در بین دوزخیان همانند آرزومندان، به درگاهت شیون کرده و همانند

الَیْکَ صُراخَ الْمَسْتَصْرِخینَ، وَلَابْکِیَنَّ عَلَیْکَ بُکآءَ الْفاقِدینَ، وَ لَأُنادِیَنَّکَ

دادخواهان، تو را به فریادرسی خواهم و مانند عزیز گم کرده گان، بر (فراقِ) تو گریسته و تو را به صدای بلند می خوانم،

ایْنَ کُنْتَ یا وَلِیَّ الْمُؤْمِنینَ، یا غایَهَ امالِ الْعارِفینَ، یا غِیاثَ الْمُسْتَغیثینَ،

که کجایی ای یاور مؤمنان، ای منتهای آرزویِ خداشناسان، ای فریادرس درمانده گان،

یا حَبیبَ قُلُوبِ الصَّادِقینَ، وَیا الهَ الْعالَمینَ، افَتُراکَ سُبْحانَکَ یا الهی

ای محبوب دل راستگویان و ای معبود جهانیان، ای معبود من- که منزّهی و به ستایش تو مشغولم-

وَ بِحَمْدِکَ، تَسْمَعُ فيها صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فيها بِمُخالَفَتِهِ، وَذاقَ

چگونه باور کنم که می شنوی صدای بنده مسلمانی را که به سبب نافرمانیش در دوزخ زندانی شده و سختی

طَعْمَ عَذابِها بِمَعْصِيَتِهِ، وَحُبِسَ بَيْنَ اطْباقِها بِجُرْمِهِ وَجَريرَتِهِ، وَهُوَ يَضِجُّ

عذاب دوزخ را به خاطر گناهش می چشد و در میان طبقات دوزخ به سبب جرم و جنایتش گرفتار شده در حالی که همانند

الَيْکَ ضَجيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِکَ، وَ يُناديکَ بِلِسانِ اهْلِ تَوْحيدِکَ، وَيَتَوَسَّلُ

آرزومندِ رحمتت به درگاهت شیون کرده و با صدای بلند، به زبان یگانه پرستان تو را می خواند و به بنده پروریت

الَيْکَ بِرُبُوبِيَّتِکَ، يا مَوْلایَ فَکَيْفَ يَبْقی فِی الْعَذابِ وَهُوَ يَرْجُو ما سَلَفَ

متوسّل می شود، ای مولای من، چگونه در عذاب بماند با این که به سابقه حلم تو

مِنْ حِلْمِکَ، امْ کَيْفَ تُؤْلِمُهُ النّارُ وَ هُوَ يَأْمَلُ فَضْلَکَ وَرَحْمَتَکَ، امْ کَيْفَ

امیدوار است، یا چگونه آتشِ (غضبت) او را بیازارد در حالی که به لطف و رحمتت امید دارد، یا چگونه

ص: 104

يُحْرِقُهُ لَهيبُها وَانْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرى مَكانَهُ، امْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ

زبانه های آتش (غضبت) او را بسوزاند در حالی که تو ناله اش را می شنوی و جایگاهش را (در آتش) می بینی، یا چگونه زبانه های آتشِ (غضبت)

زَفيرُها وَانْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، امْ كَيْفَ يَتَقَلْقَلُ بَيْنَ اطْباقِها وَانْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ،

او را بسوزاند، در حالی که تو ناتوانی او را می دانی، یا چگونه در میان طبقات دوزخ به خود بپیچد با این که تو صداقت و راستگوییش را می دانی

امْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبانِيَتُها، وَهُوَ يُناديكَ يا رَبَّهُ، امْ كَيْفَ [123] يَرْجُو فَضْلَكَ فى

یا چگونه مأموران او را بیازارند در حالی که به ندای «یا رب» تو را می خواند، یا چگونه در آزادی خویش از آتش،

عِتْقِهِ مِنْها فَتَتْرُكُهُ فيها، هَيْهاتَ ما ذلِكَ الظَّنُ بِكَ، وَلَاالْمَعْرُوفُ مِنْ

به لطف تو امیدوار باشد ولی تو او را در آتش رها کنی؟! هرگز (باور نمی کنم)، چنین گمانی به تو نیست و چنین چیزی از لطف تو

فَضْلِكَ، وَلا مُشْبِهٌ لِما عامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدينَ مِنْ بِرِّكَ وَاحْسانِكَ، فَبِالْيَقينِ

پسندیده نیست، و با نیکی و دستگیری تو نسبت به یکتاپرستان شباهت و تناسبی ندارد، من به یقین

اقْطَعُ لَوْلا ما حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذيبِ جاحِديكَ، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ اخْلادِ

می دانم که اگر فرمان تو بر مجازاتِ منکرانت و باقی ماندن دشمنانت (در عذاب) نبود،

مُعانِديكَ، لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّها بَرْداً وَسَلاماً، وَما كانَ لِأَحَدٍ فيها مَقَرّاً وَلا

هر آینه آتش دوزخ را سرد و امن قرار می دادی و هیچ کس در آن منزل و مأوا

مُقاماً، لكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ اسْمآؤُكَ، اقْسَمْتَ انْ تَمْلَأَها مِنَ الْكافِرينَ، مِنَ

نداشت، ولی ای خدایی که نامهایت مقدّس است، قسم یاد کرده ای که دوزخ را از کافران جنّ و انس

الْجِنَّهِ وَالنَّاسِ اجْمَعینَ، وَانْ تُخَلِّدَ فیهَا الْمُعانِدینَ، وَانْتَ جَلَّ ثَناؤُکَ

پر کنی و برای همیشه دشمنانت را در آن جای دهی، و تویی که ستایشت بزرگ است

قُلْتَ مُبْتَدِئاً، وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعامِ مُتَکَرِّماً، افَمَنْ کانَ مُؤْمِناً کَمَنْ کانَ فاسِقاً

(در کتاب خود) ابتدءاً فرموده ای و با انعام و کرامت گفته ای: «آیا کسی که با ایمان باشد، همچون کسی است که فاسق است؟!

لا یَسْتَوُونَ، الهی وَسَیِّدی فَاسْئَلُکَ بِالْقُدْرَهِ الَّتی قَدَّرْتَها، وَبِالْقَضِیَّهِ الَّتی

نه هرگز این دو برابر نیستند»، ای مبعود و سرور من، به حقّ آن قدرتی که مقدّر کرده ای و به آن حکمی که

حَتَمْتَها وَحَکَمْتَها، وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَیْهِ اجْرَیْتَها، انْ تَهَبَ لی فی هذِهِ اللَّیْلَهِ

لازم کرده و صادر فرموده ای و بر هر کس که آن را بر او جاری کردی، چیره شدی، از تو می خواهم که در این شب

ص: 105

وَفى هذِهِ السَّاعَهِ، كُلَّ جُرْمٍ اجْرَمْتُهُ، وَكُلَّ ذَنْبٍ اذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ قَبِيحٍ اسْرَرْتُهُ،

و در این ساعت بر من ببخشی هر خلافی که مرتکب شده ام و هر گناهی که از من سرزده و هر کار زشتی که پنهان کرده ام

وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ، كَتَمْتُهُ اوْ اعْلَنْتُهُ، اخْفَيْتُهُ اوْ اظْهَرْتُهُ، وَكُلَّ سَيِّئَهٍ امَرْتَ

و هر کار جاهلانه ای که در نهان یا آشکارا و مخفیانه یا نمایان انجام داده ام و هر کار بدی را که

بِاثْباتِهَا الْكِرامَ الْكاتِبينَ، الَّذينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ ما يَكُونُ مِنّى وَجَعَلْتَهُمْ

مأموران ثبت اعمال را به ثبت آن فرمان دادی، همان مأمورانی که بر ثبت و ضبط اعمال من گماشتی و آنها را

شُهُوداً عَلَىَّ مَعَ جَوارِحى وَكُنْتَ انْتَ الرَّقيبَ عَلَىَّ مِنْ وَرآئِهِمْ، وَالشَّاهِدَ

به همراه اعضای بدنم، گواهِ بر من قرار دادی و تو نیز مافوق آنها مراقبم بودی و گواه بودی

لِما خَفِىَ عَنْهُمْ، وَبِرَحْمَتِكَ اخْفَيْتَهُ، وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ، وَانْ تُوَفِّرَ حَظّى

بر آنچه از آنها پوشیده مانده، و به واسطه رحمت و لطفت آن را مخفی کرده و پوشاندی، و (از تو می خواهم) بهره ام را افزون کنی

مِنْ كُلّ خَيْرٍ انْزَلْتَهُ، اوْ احْسانٍ فَضَّلْتَهُ، اوْ بِرٍّ نَشَرْتَهُ، اوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ، اوْ

از هر خوبی که فرو فرستاده ای، یا هر احسانی که مرحمت فرموده ای، یا هر نیکی که گسترش داده ای، و یا هر روزیی که گسترانده ای، یا

ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، اوْ خَطَأٍ تَسْتُرُهُ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ، يا الهى وَسَيِّدى

هر گناهی که بخشیده ای، یا هر خطایی که پوشانده ای، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من! ای معبود و سرور من،

وَمَوْلاىَ وَمالِكَ رِقّى يا مَنْ بِيَدِهِ ناصِيَتى يا عَليماً بِضُرّى 124] وَمَسْكَنَتى

و ای مولا و صاحب اختیار من، ای کسی که اختیارم به دست اوست، ای آگاه بر بدحالی و بینوایی ام،

یا خَبیراً بِفَقْری وَفاقَتی یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ، اسْئَلُکَ بِحَقِّکَ وَقُدْسِکَ،

ای دانای بر تهیدستی و نیازمندی ام، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من! به حق خودت و ذات مقدّس

وَاعْظَمِ صِفاتِکَ وَاسْمآئِکَ، انْ تَجْعَلَ اوْقاتی مِنَ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ بِذِکْرِکَ

و صفات و نامهای بزرگت، از تو می خواهم که اوقات شب و روزم را به یادت آباد

مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِکَ مَوْصُولَةً، وَاعْمالی عِنْدَکَ مَقْبُولَةً، حَتّی تَکُونَ

ساخته و در خدمتت ثابت قدم گردانی و اعمالم را در درگاهت بپذیری، تا همه

اعْمالی وَاوْرادی کُلُّها وِرْداً واحِداً، وَحالی فی خِدْمَتِکَ سَرْمَداً، یا

کردار و گفتارم یکسان (و برای تو) باشد و همیشه در حال خدمت به تو باشم، ای

سَیِّدی یا مَنْ عَلَیْهِ مُعَوَّلی یا مَنْ اَلَیْهِ شَکَوْتُ احْوالی یا رَبِّ یا رَبِ

سرور من، ای کسی که تکیه گاه منی، ای کسی که شکایت احوالِ (پریشان) خویش را به درگاه او برم، ای پروردگار من، ای پروردگار من،

یا رَبِّ، قَوِّ عَلی خِدْمَتِکَ جَوارِحی وَاشْدُدْ عَلَی الْعَزیمَهِ جَوانِحی

ای پروردگار من! اعضایم را در انجام خدمتت نیرو بخش و دلم را برای آمدن به سویت قوی دار،

وَهَبْ لِیَ الْجِدَّ فی خَشْیَتِکَ، وَالدَّوامَ فِی الْإِتِّصالِ بِخِدْمَتِکَ، حَتّی اسْرَحَ

و جدیّت در خشیت و مداومت در خدمتت را عطا فرما، تا این که در میدان

اَلَیْکَ فی مَیادینِ السَّابِقینَ، وَ اسْرِعَ اَلَیْکَ فِی الْبارِزینَ، وَاشْتاقَ الی

مسابقه (در اطاعت) به سوی تو روانه شوم و در میان پیش تازان، به سوی تو سرعت گیرم و در صف علاقه مندان،

قُرْبِکَ فِی الْمُشْتاقینَ، وَادْنُوَ مِنْکَ دُنُوَّ الْمُخْلِصینَ، وَاخافَکَ مَخافَهَ

به سوی مقام قربت اشتیاق پیدا کنم، و مانند پاکدلان به تو نزدیک گردم و مانند اهل یقین

الْمُوقِنینَ، وَاجْتَمِعَ فی جِوارِکَ مَعَ الْمُؤْمِنینَ، اللهُمَّ وَمَنْ ارادَنی بِسُوءٍ

از تو بترسم و در جوار رحمتت با مؤمنان گرد هم آییم، خدایا، هر کس بدِ مرا خواهد

فَارِدْهُ، وَ مَنْ کادَنی فَکِدْهُ، وَاجْعَلْنی مِنْ احْسَنِ عَبیدِکَ نَصیباً عِنْدَکَ،

به خودش باز گردان، و هر کس با من حلیه کند، به خویش دچارش کن و بهره مندی بهترین بندگانت

وَاقْرَبِهِمْ مَنْزِلَهً مِنْکَ، وَاخَصِّهِمْ زُلْفَهً لَدَیْکَ، فَانَّهُ لا یُنالُ ذلِکَ الَّا بِفَضْلِکَ،

و مقرّب ترین آنان و مخصوص ترین خاصّانت را به من عطا فرما که به راستی جز با لطف تو کسی به این مقام نرسد،

وَ جُدْ لی بِجُودِکَ، وَاعْطِفْ عَلَیَّ بِمَجْدِکَ، وَاحْفَظْنی بِرَحْمَتِکَ، وَاجْعَلْ

و به بخشندگیت ببخش بر من، و به بزرگواریت به من توجّه فرما و به رحمتت مرا حفظ کن، و زبانم را

لِسانی بِذِکْرِکَ لَهِجاً، وَقَلْبی بِحُبِّکَ مُتَیَّماً، وَمُنَّ عَلَیَّ بِحُسْنِ اجابَتِکَ،

به یادت گویا و دلم را به دوستیت بی تاب قرار ده، و با پذیرش خواسته ام بر من منّت گذار،

وَاقِلْنی عَثْرَتی وَاغْفِرْ زَلَّتی فَانَّکَ قَضَیْتَ عَلی عِبادِکَ بِعِبادَتِکَ، وَامَرْتَهُمْ

و از لغزشم بگذر و گناهم را بیامرز، زیرا که تو بندگانت را به پرستش خویش فرمان داده و به دعا کردن

بِدُعآئِکَ، وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجابَهَ، فَالَیْکَ یارَبِّ نَصَبْتُ وَجْهی وَالَیْکَ یا

امر فرمودی و اجابت دعایشان را ضمانت کردی، پس ای پروردگار من اینک رو به تو و به سویت

رَبِّ مَدَدْتُ یَدی فَبِعِزَّتِکَ اسْتَجِبْ لی دُعآئی وَبَلِّغْنی مُنایَ، وَلاتَقْطَعْ

دست نیاز دراز کرده ام، پس به شکوه و عزّتت قسم، دعایم را اجابت فرما و به آرزویم برسان وامیدم را

ص: 107

مِنْ فَضْلِکَ رَجآئی وَاکْفِنی شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ اعْدآئی یا سَریعَ

به لطف و کرمت نا امید مگردان، و از شرّ دشمنانم، از جنّ و انس حفظ فرما، ای (خدایی) که زود

الرِّضا، اغْفِرْ لِمَنْ لا یَمْلِکُ الَّا الدُّعآءَ، فَانَّکَ فَعَّالٌ لِما تَشآءُ، یا مَنِ اسْمُهُ

راضی می شوی، کسی را که جز دعا به درگاهت چیز دیگری ندارد ببخش، که به راستی هر آنچه را بخواهی انجام می دهی. ای که نامت

دَوآءٌ، وَذِکْرُهُ شِفآءٌ، وَطاعَتُهُ غِنیً، ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مالِهِ الرَّجآءُ،

دارو و یادت درمان و بندگیت توانگری است، بر کسی که سرمایه اش امید

وَسِلاحُهُ الْبُکآءُ، یا سابِغَ النِّعَمِ، یا دافِعَ النِّقَمِ، یا نُورَ الْمُسْتَوْحِشینَ فِی

و اسلحه اش گریه است، رحم کن، ای فراوان دهنده نعمتها، ای برطرف کننده گرفتاریها، ای روشنی دلهای وحشت زده در

الظُّلَمِ، یا عالِماً لا یُعَلَّمُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بی ما انْتَ

تاریکیها، ای دانای بی تعلیم، بر محمّد و آلش درود فرست و آنچه را که تو لایق آنی درباره من

اهْلُهُ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی رَسُولِهِ وَ الْأَئِمَّهِ الْمَیامینِ مِنْ الِهِ، وَ سَلَّمَ تَسْلیماً کَثیراً.

انجام ده و درود و رحمت خدا بر پیامبر و امامان با برکت از خاندانش، و سلام و تحیّت فراوان بر آنان باد.

دعای عشرات 125]:

این دعا از دعاهای بسیار معتبر است که مستحب است- اگر کسی بتواند- هر صبح و شام آن را بخواند؛ ولی بهترین زمان خواندنش، عصر جمعه می باشد. مرحوم «کفعمی» در «مصباح» آن را از امام حسین علیه السلام نقل کرده است.(1) و دعا طبق نقل «شیخ طوسی» در «مصباح المتهجّد»(2) چنین است:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ للَّهِ، وَلا الهَ الَّا اللَّهُ وَاللَّهُ اكبَرُ، وَلا حَوْلَ ولا قُوَّهَ إلَّا

پاک و منزّه است خداوند و ستایش مخصوص اوست، و معبودی جز خدای یکتا نیست و او بزرگتر (از هر چیز) است و پناهگاه و نیرویی جز

بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ، سُبْحانَ اللَّهِ آناءَ اللَّیْلِ وَاطْرافَ النَّهارِ، سُبْحانَ اللَّهِ

از سوی خداوند بلند مرتبه و با عظمت نیست، تسبیح می گویم خدا را در تمام لحظه های شب و طول روز،

ص: 108

1- [126]مصباح کفعمی، صفحه 87.
2- [127]مصباح المتهجّد، صفحه 84 و جمال الاسبوع، صفحه 456 و بحارالانوار، جلد 87، صفحه 74.

بِالْغُدُوِّ وَالْاصالِ، سُبْحانَ اللَّهِ بِالْعَشِىِّ وَالْإِبْكارِ، سُبْحانَ اللَّهِ حينَ تُمْسُونَ

و در سپیده دم و شامگاهان و ابتدای شب و روز، تسبیح می گویم خدا را هنگامی که در شب

وَ حينَ تُصْبِحُونَ، وَلَهُ الْحَمْدُ فِى السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، وَعَشِيّاً وَ حينَ

و صبح داخل می شوید، و ستایش در آسمان ها و زمین، شبانگاه و هنگام ظهر مخصوص خداوندی است که

تُظْهِرُونَ، يُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَىِّ، وَيُحْيِى

زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می آورد، و زمین را

الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها، وَكَذلِكَ تُخْرَجُونَ، سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا

پس از مردنش زنده می کند و شما نیز این چنین (در قیامت) برانگیخته می شوید، پروردگار تو، آن خدای صاحب شکوه

يَصِفُونَ، وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلينَ، وَالْحَمْدُللَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، سُبْحانَ ذِى

از آنچه توصیف می کنند منزّه است. و درود و سلام بر فرستادگان او، و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. تسبیح می گویم خداوندی را که صاحب

الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، سُبْحانَ ذِى الْعِزَّهِ وَالْجَبَرُوتِ، سُبْحَانَ ذِى الْكِبْرِيآءِ

فرمانروایی و سلطه آسمانی است، تسبیح می گویم خداوند صاحب عزّت و بزرگی را، تسبیح می گویم خداوند صاحب جلال

وَالْعَظَمَهِ، الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبينِ الْمُهَيْمِنِ الْقُدُّوسِ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَىِ

و عظمت را، آن فرمانروای حقیقی روشنگر و نگهبان و پاکیزه از هر عیب، تسبیح می گویم خداوند را، آن فرمانروای زنده ای

الَّذِى لايَمُوتُ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَىِّ الْقُدُّوسِ، سُبْحانَ الْقآئِمِ الدَّآئِمِ،

که (هرگز) نمی میرد، تسبیح می گویم خداوندِ فرمانروای زنده پاکیزه از هر عیب، تسبیح می گویم (خدای) پایدار پاینده،

سُبْحانَ الدَّآئِمِ الْقآئِمِ، سُبحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیمِ، سُبْحانَ رَبِّیَ الْأَعْلی سُبْحانَ

پاک و منزّه است پاینده پایدار، تسبیح می گویم پروردگار با عظمتم را، تسبیح می گویم پروردگار بلند مرتبه ام را، تسبیح می گویم

الْحَیِّ القَیُّومِ، سُبْحانَ الْعَلِیِّ الْأَعْلی سُبْحانَهُ وَتَعالی سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ،

(خدای) زنده جاودان را، تسبیح می گویم (خدای) برتر بلند مرتبه را، او پاک و منزّه و برتر است، بسیار منزّه و پاکیزه از هر عیب است

رَبُّنا وَ رَبُّ الْمَلائِکَهِ وَالرُّوحِ،(1) سُبْحانَ الدَّآئِمِ غَیْرِ الْغافِلِ، سُبْحانَ الْعالِمِ

پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و «روح» تسبیح می گویم (خدای) پاینده آگاه را، تسبیح می گویم (خدای) دانای

بِغَیْرِ تَعْلِیمٍ، سُبْحانَ خالِقِ ما یُری ومَا لایُری سُبْحانَ الَّذی یُدْرِکُ

بدون نیاز به آموختن را، تسبیح می گویم آفریننده آنچه دیدنی و آنچه نادیدنی است، تسبیح می گویم (خدایی) که بینندگان را

ص: 109

1- [128]در مصباح المتهجّد:« و ربّ کلُّ شی ء» نیز آمده است.

الْأَبْصارَ، وَلا تُدْرِکُهُ الْأَبْصارُ، وَهُوَ اللَّطیفُ الْخَبِیرُ، اللهُمَّ إنّی اصْبَحْتُ

می بیند ولی آنها او را نمی بینند، و او مهربان و آگاه است، خدایا من از (لطف و محبّت) تو صبح

وَ امْسَیْتُ مِنْکَ فی نِعْمَهٍ وَخَیْرٍ وَبَرَکَهٍ وَعافِیَهٍ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،

و شام در نعمت و خیر و برکت و عافیتم، پس بر محمّد و آل (پاکش) درود فرست

وَاتْمِمْ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ وَخَیْرَکَ، وَبَرَکاتِکَ وَعافِیَتَکَ بِنَجاهٍ مِنَ النَّارِ،

و با نجات از آتش (غضبت) نعمت و خیر و برکت و عافیت را (از جانب خویش) بر من تمام کن.

وَارْزُقْنِی شُکْرَکَ وَعافِیَتَکَ وَفَضْلَکَ وَکَرامَتَکَ ابَداً ما ابْقَیْتَنِی اللهُمَ

و مادامی که مرا زنده نگه داشته ای توفیق سپاسگذاری (از نعمت هایت) و عافیت و لطف و بخشش همیشگی ات را روزیم گردان، خدایا

بِنُورِکَ اهْتَدَیْتُ، وَبِفَضْلِکَ اسْتَغْنَیْتُ، وَبِنِعْمَتِکَ اصْبَحْتُ وَامْسَیْتُ،

به نور تو هدایت شده و به لطف تو بی نیاز شدم و به نعمت تو صبح و شب (را سپری) کردم،

اللهُمَّ انّی اشْهِدُکَ وَکَفی بِکَ شَهِیداً، وَاشْهِدُ مَلائِکَتَکَ وانْبِیآئَکَ

خدایا تو را گواه می گیرم و گواهی تو کافی است و (همچنین) فرشتگان، و پیامبران

وَرُسُلَکَ، وَحَمَلَهَ عَرْشِکَ، وَسُکَّانَ سَمَاوَاتِکَ وَارْضِکَ، وَجَمیعَ خَلْقِکَ،

و فرستادگان و حاملان عرش و ساکنان آسمان ها و زمین و همه مخلوقاتت را گواه می گیرم

بِانَّکَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، وَحْدَکَ لا شَرِیکَ لَکَ، وانَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ

بر این که به یقین تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، یگانه ای که شریکی برای تو نیست و این که محمّد- که درود خدا

عَلَیْهِ وَآلِهِ عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ، وَانَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ، تُحْیی وَتُمیتُ،

بر او و خاندان (پاکش) باد- بنده و فرستاده توست و این که تو بر هر کاری توانایی، زنده کرده و می میرانی

وَتُمیتُ وَتُحْیی وَاشْهَدُ انَّ الْجَنَّهَ حَقٌّ، وَ انَّ النَّارَ حَقٌّ، وَ النُّشُورَ حَقٌّ،

و می میرانی و زنده می کنی و گواهی می دهم به یقین بهشت و دوزخ و قیامت حق است

وَالسَّاعَهَ اتِیَهٌ لا رَیْبَ فیهَا، وَانَّ اللَّهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ، وَاشْهَدُ انَّ عَلِیَ

و زمان آن بی شک فرا خواهد رسید و خداوند کسانی را که در گورها خفته اند بر می انگیزد، و گواهی می دهم به یقین

بْنَ ابیطالِبٍ امیرُ الْمُؤْمِنینَ حَقّاً حَقّاً، وَانَّ الْأَئِمَّهَ مِنْ وُلْدِهِ هُمُ الْأَئمَّهُ

علی بن ابی طالب حقیقتاً و به حق، امیرمؤمنان است و امامان از فرزندانش همان امامان

الهُداهُ الْمَهْدِیُّونَ، غَیْرُ الضَّآلّینَ وَلَا الْمُضِلِّینَ، وَانَّهُمْ اوْلِیآئُکَ الْمُصْطَفَوْنَ،

هدایت کننده هدایت شده ای هستند که نه گمراهند و نه گمراه کننده و (گواهی می دهم) به یقین آنها دوستان برگزیده تو

ص: 110

وَحِزْبُکَ الْغالِبُونَ، وَ صِفْوَتُکَ وَخِیَرَتُکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَنُجَبآئُکَ الَّذِینَ

و حزب پیروز و فاتح تو، و برگزیده و بهترین مخلوقات تواند بزرگ زادگانی که آنها را

انْتَجَبْتَهُمْ لِدینِکَ، وَاخْتَصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِکَ، واصْطَفَیْتَهُمْ عَلی عِبادِکَ،

برای دین خود انتخاب کرده و از میان مخلوقاتت مخصوصشان ساخته و بر بندگانت برگزیدی

وَجَعَلْتَهُمْ حُجَّةً عَلَی الْعالَمینَ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِمْ والسَّلامُ وَرَحْمةُ اللَّهِ

و آنها را بر جهانیان حجّت و دلیل قرار دادی درود و سلام و رحمت خدا بر آنها باد،

وَبَرَکاتُهُ، اللهُمَّ اکْتُبْ لی هذِهِ الشَّهادَةَ عِنْدَکَ، حَتّی تُلَقِّنیها یَوْمَ الْقِیمَهِ

خدایا این شهادت و گواهی را برای من در نزد خود ثبت فرما تا این که در روز قیامت در حالی که از من

وَانْتَ عَنّی راضٍ، انَّکَ عَلی ما تَشآءُ قَدیرٌ، اللهُمَّ لَکَ الْحَمدُ حَمْداً

خشنود هستی آن را بر زبانم جاری سازی زیرا که تو بر هر چه خواهی توانایی خدایا ستایش مخصوص توست ستایشی که

یَصْعَدُ اوَّلُهُ، وَلا یَنْفَدُ آخِرُهُ، اللهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً تَضَعُ لَکَ السَّمآءُ

آغازش (به آسمان) بالا رود و پایانی نداشته باشد، خدایا ستایش مخصوص توست ستایشی که آسمان برای تو بالهایش را بر زمین نهد

کَنَفَیْها، وَتُسَبِّحُ لَکَ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَیْها، اللهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً سَرْمَداً

(و تواضع کند) و زمین و آنچه بر آن است تو را تسبیح گوید، خدایا ستایش مخصوص توست ستایشی پیوسته

ابَداً، لَا انْقِطاعَ لَهُ وَلا نَفادَ، وَلَکَ یَنْبَغی وَالَیْکَ یَنْتَهی فِیَّ وَعَلَیَ

و ابدی که انقطاعی برای آن نباشد و نه فنایی، (ستایش) شایسته توست و به تو منتهی می شود. (که اثر آن) در وجود من و بر من

وَ لَدَیَّ وَ مَعی وَقَبْلی وَبَعْدی وَامامِی وَفَوْقی وَتَحْتی وَ اذا مِتُّ وَبَقیتُ

و نزد من و همراه من و پیش از من و پس از من و مقابلم و بالای سرم و زیر پایم و هنگامی که از دنیا رفتم و تک و تنها

فَرْداً وَحیداً ثُمَّ فَنیتُ، وَلَکَ الْحَمْدُ اذا نُشِرْتُ وَبُعِثْتُ یا مَوْلایَ، اللَّهُمَ

باقی ماندم و سپس فانی شدم (و در تمام حالات ظاهر شود) و ستایش مخصوص توست زمانی که دوباره زنده شوم و برانگیخته گردم، ای مولای من، خدایا

وَلَکَ الْحَمْدُ وَلَکَ الشُّکْرُ بِجَمیعِ مَحامِدِکَ کُلِّها، عَلی جَمیعِ نَعْمآئِکَ کُلِّها،

ستایش و شکر مخصوص توست به جمیع انواع آن بر تمامی نعمتهایت،

حَتّی یَنْتَهِیَ الْحَمْدُ الی ما تُحِبُّ رَبَّنا وَتَرْضی اللهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلی کُلِ

تا جایی که ای پروردگار من حمد من به خشنودی و رضایت تو منتهی گردد، خدایا ستایش مخصوص توست بر هر

اکْلَهٍ وَ شَرْبَهٍ، وَبَطْشَهٍ وَقَبْضَهٍ وَبَسْطَهٍ، وَ فی کُلِّ مَوْضِعِ شَعْرَهٍ، اللهُمَ

خوردن و آشامیدنی و هر حرکت، بستن و گشایشی، و در محلّ روییدن هر مویی، خدایا

لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً خالِداً مَعَ خُلُودِکَ، ولَکَ الْحَمْدُ حَمْداً لا مُنْتَهی لَهُ دُونَ

ستایش مخصوص توست ستایشی که جاودان است به جاودانگیت. و ستایش مخصوص توست ستایشی که نهایتی جز علم تو

عِلْمِکَ، وَلَکَ الْحَمْدُ حَمْداً لا امَدَ لَهُ دُونَ مَشِیَّتِکَ، وَلَکَ الْحَمْدُ حَمْداً لا

برای آن نباشد. و ستایش مخصوص توست ستایشی که پایانی جز اراده و خواست تو برای آن نباشد. و ستایش مخصوص توست ستایشی که پاداشی

اجْرَ لِقآئِلِهِ الَّا رِضاکَ، وَلَکَ الْحَمْدُ عَلی حِلْمِکَ بَعْدَ عِلْمِکَ، وَلَکَ الْحَمْدُ

جز رضای تو برای گوینده آن نباشد و ستایش مخصوص توست به خاطر حلمِ بعد از آگاهیت، و ستایش مخصوص توست

عَلی عَفْوِکَ بَعْدَ قُدْرَتِکَ، وَلَکَ الْحَمْدُ باعِثَ الْحَمْدِ، وَلَکَ الْحَمْدُ وارِثَ

به خاطر گذشت بعد از تواناییت، و ستایش مخصوص توست که انگیزه هر ستایشی و ستایش مخصوص توست که وارث

الْحَمْدِ، ولَکَ الْحَمْدُ بَدیعَ الْحَمْدِ، وَلَکَ الْحَمْدُ مُنْتَهَی الْحَمْدِ، وَلَکَ الحَمْدُ

ستایشی و ستایش مخصوص توست که ایجادکننده آنی و ستایش مخصوص توست که نهایت ستایشی و ستایش مخصوص توست

مُبتَدِعَ الْحَمْدِ، وَ لَکَ الْحَمْدُ مُشْتَرِیَ الْحَمْدِ، وَلَکَ الْحَمْدُ وَلِیَّ الْحَمْدِ،

که به وجود آورنده آنی، و ستایش مخصوص توست که خریدار ستایشی، و ستایش مخصوص توست که صاحب ستایشی

وَلَکَ الْحَمْدُ قَدیمَ الْحَمْدِ، وَلَکَ الْحَمْدُ صادِقَ الْوَعْدِ، وَفِیَّ الْعَهْدِ، عَزیزَ

و ستایش مخصوص توست که از ازل مورد ستایشی و ستایش مخصوص توست که وعده ات راست، پیمانت پایدار، سپاهت

الجُنْدِ، قآئِمَ الْمَجْدِ، وَلَکَ الْحَمْدُ رَفیعَ الدَّرَجاتِ، مُجیبَ الدَّعَواتِ، مُنزِلَ

بزرگ و بزرگواریت جاودان است، و ستایش مخصوص توست که بلندمرتبه، برآورنده حاجات، فرو فرستنده

الْایاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمواتٍ، عَظیمَ الْبَرَکاتِ، مُخْرِجَ النُّورِ مِنَ الظُّلُماتِ،

آیات از بالای هفت آسمانی، صاحب رحمت گسترده، خارج کننده نور از تاریکی ها

وَمُخْرِجَ مَنْ فِی الظُّلُماتِ الیَ النُّورِ، مُبَدِّلَ السَّیِّئاتِ حَسَناتٍ، وَجاعِلَ

و خارج کننده هر کسی از تاریکی به روشنایی، تبدیل کننده بدی ها به خوبی ها و قرار دهنده

الْحَسَناتِ دَرَجاتٍ، اللهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ غافِرَ الذَّنْبِ، وَقابِلَ التَّوْبِ، شَدیدَ

درجات برای حسناتی، خدایا ستایش مخصوص توست که آمرزنده گناه و پذیرنده توبه و سخت

الْعِقابِ ذَاالطَّوْلِ، لا الهَ الَّا انْتَ، الَیْکَ الْمَصیرُ، اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ فِی اللَّیْلِ

کیفر دهنده توانایی، معبودی جز تو نیست و بازگشت (همه) به سوی توست، خدایا ستایش مخصوص توست در شب

اذایَغْشی وَلَکَ الْحَمْدُ فِی النَّهارِاذاتَجَلّی وَلَکَ الْحَمْدُ فِی الْاخِرَهِوَالْأُولی

هنگامی که (جهان را) بپوشاند. و ستایش مخصوص توست در روز هنگامی که (جهان را) روشن سازد. و ستایش مخصوص توست در آخرت و دنیا،

ص :112

وَلَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ کُلِّ نَجْمٍ وَمَلَکٍ فِی السَّمآءِ، وَلَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ الثَّری

و ستایش مخصوص توست به تعداد ستارگان و فرشتگان آسمان و ستایش مخصوص توست به تعداد ذرات خاک ها

وَالْحَصی وَالنَّوی وَلَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ ما فی جَوْفِ الأَرْضِ، وَلَکَ الْحَمْدُ

و ریگ ها و دانه ها، و ستایش مخصوص توست به تعداد آنچه در دل زمین است، و ستایش مخصوص توست

عَدَدَ اوْزانِ مِیاهِ الْبِحارِ، وَلَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ اوْراقِ الْأَشْجارِ، وَلَکَ الْحَمْدُ

به اندازه آب دریاها، و ستایش مخصوص توست به تعداد برگ درختان، و ستایش مخصوص توست

عَدَدَ ما عَلی وَجْهِ الْأَرْضِ، وَلَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ ما احْصی کِتابُکَ، وَ لَکَ

به تعداد آنچه که روی زمین است و ستایش مخصوص توست به تعداد آنچه که در کتاب تو شمارش شده و ستایش

الْحَمْدُ عَدَدَ ما احاطَ بِهِ عِلْمُکَ، وَلَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ، وَالْهَوامِ

مخصوص توست به مقدار آنچه که علم تو به آن احاطه دارد و ستایش مخصوص توست به عدد انس و جنّ و حشرات

وَالطَّیْرِ، وَالْبَهآئِمِ وَالسِّباعِ، حَمْداً کَثیراً طَیِّباً مُبارَکاً فِیهِ، کَما تُحِبُّ رَبَّنا

و پرندگان و چهارپایان و درندگان، ستایشی فراوان، پاکیزه و با برکت آن گونه که تو ای پروردگار ما، دوست داری

وَتَرْضی وَ کَما یَنْبَغی لِکَرَمِ وَجْهِکَ وَعِزِّ جَلالِکَ. آنگاه ده مرتبه می گویی: لا الهَ

و خشنود می شوی و آن گونه که سزاوار ذات بزرگوار و عزت جلال توست************ معبودی جز

الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ اللَّطیفُ الْخَبیرُ.

خدا نیست، یگانه ای که شریکی برای او نیست، فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست و او مهربان و آگاه است.

و ده مرتبه: لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لاشَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی

******* معبودی جز خدا نیست، یگانه ای که شریکی برای او نیست، فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست، زنده می کند

وَیُمیتُ، و یُمیتُ وَیُحْیی وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلِ

و می میراند و می میراند و و زنده می کند، و او زنده ای است که (هرگز) نمی میرد، نیکی و خوبی بدست اوست و او بر هر

شَیْ ءٍ قَدیرٌ. و ده مرتبه: اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِی لا الهَ الَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَاتُوبُ

چیز تواناست،****** آمرزش می طلبم از خدایی که معبودی جز او زنده و جاودان، نیست و به سوی او

الَیْهِ. و ده مرتبه: یااللَّهُ یااللَّهُ. و ده مرتبه: یا رَحْمنُ یا رَحْمنُ. و ده مرتبه: یا رَحیمُ

باز می گردم،******* ای خدا، ای خدا.******* ای بخشنده، ای بخشنده،********* ای مهربان،

یا رَحیمُ. و ده مرتبه: یا بَدیعَ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ. وده مرتبه: یا ذَاالْجَلالِ

ای مهربان******** ای به وجود آورنده آسمان و زمین،******** ای صاحب جلال

وَالْاِکْرام. و ده مرتبه: یاحَنَّانُ یا مَنَّانُ. و ده مرتبه: یا حیُّ یا قَیُّومُ. و ده مرتبه: یا حَیُ

و بزرگواری****** ای بسیار مهربان و ای بسیار سخاوتمند،******** ای زنده، ای جاودان،******** ای زنده ای که

لا الهَ الَّا انْتَ. و ده مرتبه: یا اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ. و ده مرتبه: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ

معبودی جز تو نیست،****** ای خدایی که معبودی جز تو نیست،****** به نام خداوند بخشنده

الرَّحِیمِ. و ده مرتبه: اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. و ده مرتبه: اللهُمَّ افْعَلْ

مهربان********** خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست******** خدایا آنچه را که

بی ما انْتَ اهْلُهُ. و ده مرتبه: آمینَ آمینَ. و ده مرتبه سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ احَدٌ. سپس ده تو شایسته آنی در مورد من انجام بده******** (دعایم را) اجابت فرما ...************ بگو خداوند یکتا و یگانه است،******

مرتبه می گویی: اللَّهُمَّ اصْنَعْ بی ما انْتَ اهْلُهُ، وَلا تَصْنَعْ بی ما ا نَا اهْلُهُ، فَانَّکَ

******** خدایا آنچه را که تو شایسته آنی در مورد من انجام بده نه آنچه که من شایسته آنم، به یقین تو

اهْلُ التَّقْوی وَاهْلُ الْمَغْفِرَهِ، وَانَا اهْلُ الذُّنُوبِ وَالْخَطایا، فَارْحَمْنی یا

شایسته پرهیزگاری و آمرزشی و من اهل گناه و اشتباهم، به من رحم کن ای

مَوْلایَ وَانْتَ ارْحَمُ الرَّاحِمینَ. و نیز ده مرتبه می گویی: لا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ الَّا بِاللَّهِ،

مولای من، که تویی مهربان ترین مهربانان********** پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند نیست،

تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذی لا یَمُوتُ، وَالْحَمْدُللَّهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً،

به (خدای) زنده ای که (هرگز) نمی میرد توکل کردم و ستایش مخصوص خدایی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده

وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فی الْمُلْکِ، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَکَبِّرْهُ تَکْبیراً.

و نه شریکی در حکومت دارد و ضعف و ذلتی ندارد که حامی و سرپرستی برای او باشد و (به خدا می گویم) او را بسیار بزرگ بشمار.

دعای سمات 129]:

از دعاهای مشهور است که اکثر علمای بزرگ به آن عنایت داشته اند. مستحب است این دعا را در ساعت های آخرِ روز جمعه بخوانند. این دعا از جناب محمّد بن عثمان عَمْری رحمه الله که یکی از نوّاب چهارگانه امام زمان علیه السلام است به سندش از حضرت امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده است.

همان گونه که در روایت آمده، این دعا برای رفع شرّ و ستم دشمنان و اجابت سریع دعاها و پاداش فراوان

ص: 114

الهی، مؤثّر است.(1) این دعا طبق نقل «مصباح المتهجّد»(2) چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظیمِ الْأَعْظَمِ 132]، الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَکْرَمِ، الَّذی

خدایا به حق نام بزرگ و بسیار با عظمت و محبوب و عالی و گرامیت از تو می خواهم به حق نامی

اذا دُعیتَ بِهِ عَلی مَغالِقِ ابْوابِ السَّماۤءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَهِ انْفَتَحَتْ، وَ اذا

که اگر خوانده شوی به آن نام برای گشایش درهای بسته آسمان، به رحمت و بخشش باز می شود و اگر

دُعیتَ بِهِ عَلی مَضاۤئِقِ ابْوابِ الْأَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ، وَاذا دُعیتَ بِهِ

خوانده شوی به آن نام برای گشایش تنگناها و سختی های زمین، گشوده می شود، و اگر خوانده شوی به آن نام

عَلَی العُسْرِ لِلْیُسْرِ تَیَسَّرَتْ، وَ اذا دُعیتَ بِهِ عَلَی الْأَمْواتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ،

برای آسان شدن دشواری ها، آسان شود و اگر خوانده شوی به آن نام برای زنده شدن مردگان، زنده شوند،

وَاذا دُعیتَ بِهِ عَلی کَشْفِ الْبَاْساۤءِ وَالضَّرَّاۤءِ انْکَشَفَتْ، وَبِجَلالِ وَجْهِکَ

و اگر خوانده شوی به آن نام برای برطرف شدن سختی ها و ناگواری ها، برطرف شود (و از تو می خواهم) به حق ذات ارجمند

الْکَریمِ، اکْرَمِ الْوُجُوهِ وَاعَزِّ الْوُجُوهِ، الَّذی عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ، وَخَضَعَتْ

و گرامیت، گرامی ترین و محبوب ترین ذواتی که در برابرت فروتنی کرده اند و گردنکشان در مقابلت

لَهُ الرِّقابُ، وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْواتُ، وَوَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخافَتِکَ،

تسلیم و مطیع گردیده اند، و هر صدایی در حضورت خاموش گشته و هر دلی از ترس تو بیمناک گردیده،

وَبِقُوَّتِکَ الَّتی بِها تُمْسِکُ السَّمآءَ انْ تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ الَّا بِاذْنِکَ، وَتُمْسِکُ

و (از تو می خواهم) به حق آن قدرتت که بوسیله آن آسمان را از فرو ریختن بر زمین جز به اذنت نگه می دارد، و آسمان

السَّمواتِ وَالْأَرْضَ انْ تَزُولا، وَبِمَشِیَّتِکَ الَّتی دانَ لَهَا الْعالَمُونَ،

و زمین را از جابجا شدن حفظ می کند و (از تو می خواهم) به حق اراده و خواستت که جهانیان در مقابل آن مطیعند،

1- [130]بحارالانوار، جلد 87، صفحه 96.
2- [131]این دعا در مصباح المتهجّد، صفحه 416 و جمال الاسبوع، صفحه 533 و دیگر کتب دعا نقل شده است. مرحوم علّامه مجلسی نیز آن را در بحارالانوار، با شرح و توضیح آورده است(بحارالانوار، جلد 87، صفحه 96 به بعد).

وَبِکَلِمَتِکَ الَّتی خَلَقْتَ بِهَا السَّمواتِ وَالْأَرْضَ، وَبِحِکْمَتِکَ الَّتی صَنَعْتَ

و (از تو می خواهم) به حقّ آن کلمه ای که به واسطه آن آسمان و زمین راآفریدی و به حق آن دانایی و حکمتت که به واسطه آن

بِهَا الْعَجآئِبَ، وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَها لَیْلاً، وَجَعَلْتَ اللَّیْلَ سَکَناً،

شگفتی ها را آفریدی و با آن تاریکی را آفریدی و آن را شب و مایه آرامش قرار دادی،

وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهاراً، وَجَعَلْتَ النَّهارَ نُشُوراً مُبْصِراً، وَخَلَقْتَ

و با آن روشنایی را آفریدی و آن را روز و زمان پراکندگی (برای کار و تلاش) و مایه بینایی قرار دادی

بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِیآءً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ

و با آن خورشید را آفریدی و آن را درخشان ساختی و با آن ماه را آفریدی و آن را روشنایی (درشب)

نُوراً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْکَواکِبَ وَجَعَلْتَها نُجُوماً وَبُرُوجاً، وَمَصابیحَ وَزینَةً

قرار دادی، و با آن ستارگان را آفریدی و آنها را بصورت اختران تابناک و صور فلکی وچراغ های هدایت (در شب) و زینت

وَرُجُوماً، وَجَعَلْتَ لَها مَشارِقَ وَمَغارِبَ، وَجَعَلْتَ لَها مَطالِعَ وَمَجارِیَ،

و آرایش (آسمان) و سنگ های متحرک قرار دادی و برای آنها محل طلوع و غروب و محلّ جریان و حرکت

وَجَعَلْتَ لَها فَلَکاً وَمَسابِحَ، وَقَدَّرْتَها فِی السَّمآءِ مَنازِلَ فَاحْسَنْتَ

و مدارها و جایگاهی که بر آن شناورند قرار دادی و برای آنها منزلگاه هایی در آسمان معیّن کرده و به خوبی

تَقْدیرَها، وَصَوَّرْتَها فَاحْسَنْتَ تَصْویرَها، وَاحْصَیْتَها بِاسْمآئِکَ احْصآءً،

اندازه گیری نمودی و به بهترین وجه شکل دادی و به نام های مبارکت آنها را شمارش کردی

وَدَبَّرْتَها بِحِکْمَتِکَ تَدْبیراً فَاحْسَنْتَ تَدْبیرَها، وَسَخَّرْتَها بِسُلْطانِ اللَّیْلِ

و با دانایی و حکمتت به خوبی تدبیر کردی و به وسیله قدرت و سلطه شب

وَسُلْطانِ النَّهارِ، وَالسَّاعاتِ وَعَدَدِ السِّنینَ وَالْحِسابِ، وَجَعَلْتَ رُؤْیَتَها

و روز و ساعت ها و شمارش سال ها و برقراری نظم، آنها را مطیع ساختی و دیدنشان را

لِجَمیعِ النَّاسِ مَرْئً واحِداً، وَاسْئَلُکَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِکَ الَّذی کَلَّمْتَ بِهِ

برای همه مردم یکسان قرار دادی، خدایا از تو می خواهم به حقّ بزرگواریت که به واسطه آن با

عَبْدَکَ وَ رَسُولَکَ، مُوسَی بْنَ عِمْرانَ عَلَیْهِ السَّلامُ فِی الْمُقَدَّسینَ، فَوْقَ

بنده و فرستاده ات موسی بن عمران- که بر او درود و سلام باد- در میان فرشتگان پاک سخن گفتی، (در مکانی) فراتر از

احْساسِ الْکَرُّوبینَ، فَوْقَ غَمآئِمِ النُّورِ، فَوْقَ تابُوتِ الشَّهادَهِ فی عَمُودِ

درک فرشتگان مقرّب، بر فراز ابرهای نورانی، بالای صندوق شهادت (که فرشتگان، تورات را با آن حمل می کنند) و در میان ستونی

النّارِ، وَفی طُورِ سَیْناۤءَ، وَفی جَبَلِ حُوریثَ فِی الْوادِ الْمُقَدَّسِ فِی الْبُقْعَهِ

از آتش در طور سینا و در کوه حوریث، در سرزمینی پاکیزه، و در مکانی

الْمُبارَکَهِ، مِنْ جانِبِ الطُّورِ الْأَیْمَنِ مِنَ الشَّجَرَهِ، وَفی ارْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ

مبارک، از طرف راست کوه طور از درختی (با موسی سخن گفتی) و در سرزمین مصر، با نُه معجزه آشکار

ایاتٍ بَیِّناتٍ، وَیَوْمَ فَرَقْتَ لِبَنی اسْرآئیلَ الْبَحْرَ، وَفِی الْمُنْبَجِساتِ الَّتی

(او را تأیید کردی)، و (به مجد و بزرگواریت) در روزی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافتی و در چشمه های جوشان

صَنَعْتَ بِهَا الْعَجآئِبَ فی بَحْرِ سُوفٍ، وَعَقَدْتَ مآءَ الْبَحْرِ فی قَلْبِ الْغَمْرِ

از سنگ که به واسطه آن شگفتی ها را در دریای سوف آفریدی و آب را در دل آن دریا همانند سنگ

کَالْحِجارَهِ، وَجاوَزْتَ بِبَنی اسْرآئیلَ الْبَحْرَ، وَتَمَّتْ کَلِمَتُکَ الْحُسْنی

محکم ساختی، و بنی اسرائیل را از آن گذراندی و به واسطه صبر آنها کلمه نیکویت [/ حسن قضا] عَلَیْهِمْ بِما صَبَرُوا، وَ اوْرَثْتَهُمْ مَشارِقَ الْأَرْضِ وَمَغارِبَهَا الَّتی بارَکْتَ

را برایشان به پایان رساندی، و آنها را بر سراسر آن سرزمین که بر جهانیان مبارک گردانده بودی

فیها لِلْعالَمینَ، وَاغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ وَ مَراکِبَهُ فِی الْیَمِّ، و بِاسْمِکَ

مالک کردی و فرعون و لشکریانش و آنچه بر آن سوار بودند را در دریا غرق نمودی، و (از تو می خواهم)

الْعَظیمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَکْرَمِ، وَبِمَجْدِکَ الَّذی تَجَلَّیْتَ بِهِ

به حق نام بزرگِ با عظمتِ بسیار با عظمت و محبوب و عالی و گرامیت و به بزرگواریت که به واسطه آن

لِمُوسی کَلیمِکَ عَلَیْهِ السَّلامُ فی طَورِ سَیْنآَءَ، وَ لِإِبْراهیمَ عَلَیْهِ السَّلامُ

بر موسی کلیم- که بر او درود و سلام باد- در طور سینا جلوه گر شدی و قبل از آن بر ابراهیم خلیل- که بر او درود

خَلیلِکَ مِنْ قَبْلُ فی مَسْجِدِ الْخَیْفِ، وَلِإِسْحقَ صَفِیِّکَ عَلَیْهِ السَّلامُ فی

و سلام باد- در مسجد خیف، و بر برگزیده ات اسحاق- که بر او درود و سلام باد- در

بِئْرِ شِیَعٍ، وَلِیَعْقُوبَ نَبِیِّکَ عَلَیْهِ السَّلامُ فی بَیْتِ ایلٍ، وَاوْفَیْتَ لِإِبْراهیمَ

چاه شیع، و بر پیامبرت یعقوب- که بر او درود و سلام باد- در خانه ایل (جلوه گر شدی) و به عهد و پیمانت با ابراهیم

عَلَیْهِ السَّلامُ بِمیثاقِکَ، وَ لِإِسْحقَ عَلَیْهِ السَّلامُ بِحَلْفِکَ، وَلِیَعْقُوبَ عَلَیْهِ

- که بر او درود و سلام باد- وفا کردی، و به سوگندت در مورد اسحاق- که بر او درود و سلام باد- و به گواهیت برای یعقوب

السَّلامُ بِشَهادَتِکَ، وَلِلْمُؤْمِنینَ بِوَعْدِکَ، وَلِلدَّاعینَ بِاسْمآئِکَ فَاجَبْتَ،

- که بر او درود و سلام باد- و به وعده ات برای مؤمنین و درخواست کنندگان به نامهایت که (وفا کرده و) اجابت نمودی،

ص: 117

وَبِمَجْدِکَ الَّذی ظَهَرَ لِمُوسَی بْنِ عِمْرانَ عَلَیْهِ السَّلامُ عَلی قُبَّهِ الرُّمَّانِ،

و (از تو می خواهم) به حقّ بزرگواریت که در قُبّه الرمان [/ عبادتگاه موسی بر موسی بن عمران- که بر او درود و سلام باد- آشکار شد

وَبایاتِکَ الَّتی وَقَعَتْ عَلی ارْضِ مِصْرَ بِمَجْدِالْعِزَّهِ وَالْغَلَبَهِ، بایاتٍ عَزیزَهٍ،

و به معجزه هایت که در سرزمین مصر با بزرگواری با شکوه و غالب و نشانه های باشکوه

وَ بِسُلْطانِ الْقُوَّهِ، وَبِعِزَّهِ الْقُدْرَهِ وَبِشَأْنِ الْکَلِمَهِ التَّآمَّهِ، وَبِکَلِماتِکَ الَّتی

و سلطه قوی و قدرت عظیم واقع شد و (از تو می خواهم) به حق مقام کلمه کامل و کلماتت که

تَفَضَّلْتَ بِها عَلی اهْلِ السَّمواتِ وَ الْأَرْضِ، وَاهْلِ الدُّنْیا وَ الْاخِرَهِ،

به واسطه آن بر اهل آسمان و زمین و دنیا و آخرت احسان نمودی

وَبِرَحْمَتِکَ الَّتی مَنَنْتَ بِها عَلی جَمیعِ خَلْقِکَ، وَبِاسْتِطاعَتِکَ الَّتی اقَمْتَ

و به حقّ بخششت که به واسطه آن بر تمامی مخلوقاتت منّت نهادی و به حقّ قدرتت که به واسطه آن

بِها عَلَی الْعالَمینَ، وَبِنُورِکَ الَّذی قَدْ خَرَّمِنْ فَزَعِهِ طُورُ سَیْناَءَ، وَ بِعِلْمِکَ

جهان را بر پا داشتی، و به حقّ نورت که از وحشت آن طور سینا فرو افتاد و به حق دانش

وَجَلالِکَ وَکِبْرِیآئِکَ، وَ عِزَّتِکَ وَجَبَرُوتِکَ الَّتی لَمْ تَسْتَقِلَّهَا الْأَرْضُ،

و عظمت و اقتدار و شکوه و بزرگیت که زمین توان تحمّل آن را نداشت

وَانْخَفَضَتْ لَهَا السَّمواتُ، وَانْزَجَرَ لَهَا الْعُمْقُ الْأَکْبَرُ، وَرَکَدَتْ لَهَا الْبِحارُ

و آسمان ها در برابرش فرود آمدند و عمیق ترین قسمت های زمین باز ایستاد، و دریاها و رودها

وَالْأنْهارُ، وَ خَضَعَتْ لَهَا الْجِبالُ، وَسَكَنَتْ لَهَا الْأرْضُ بِمَناكِبِها،

راكد شدند، و کوه ها سر فرود آوردند، و زمین با پستی و بلندیهایش آرام گرفت،

وَاسْتَسْلَمَتْ لَهَا الْخَلائِقُ کُلُّها، وَ خَفَقَتْ لَهَا الرِّیاحُ فی جَرَیانِها،

و همه خلایق مطیع گردیدند، و بادها در جریان خود مضطرب شدند،

وَخَمَدَتْ لَهَا النّیرانُ فی اوْطانِها، وَبِسُلْطانِکَ الَّذی عُرِفَتْ لَکَ بِهِ الْغَلَبَهُ

و آتش ها در آتشکده ها خاموش گشتند، و به حقّ سلطنت و فرمانروایی که به واسطه آن تا ابد

دَهْرَ الدُّهُورِ، وَحُمِدْتَ بِهِ فِی السَّمواتِ وَالْأَرَضینَ، وَبِکَلِمَتِکَ کَلِمَهِ

پیروز و غالب شناخته شده ای و به واسطه آن در آسمان ها و زمین ها ستایش شده ای، و به حقّ کلمه

الصِّدْقِ الَّتی سَبَقَتْ لِأَبینا ادَمَ عَلَیْهِ السَّلامُ وَ ذُرِّیَّتِهِ بِالرَّحْمَهِ، وَاسْئَلُکَ

صدق و راستت که به رحمتت بر پدر ما آدم- که بر او درود و سلام باد- و نسلش پیشی گرفت، و از تو می خواهم

ص: 118

بِكَلِمَتِكَ الَّتى غَلَبَتْ كُلَّ شَىْ ءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذى تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ،

به حق آن كلمه ات كه بر هر چيز چيره گشت و به حقّ نور ذاتت كه به واسطه آن بر كوه جلوه كردى

فَجَعَلْتَهُ دَكّاً وَخَرَّ مُوسى صَعِقاً، وَ بِمَجْدِكَ الَّذى ظَهَرَ عَلى طُورِ سَيْناَّءَ،

و آن را متلاشى ساختى و موسى بيهوش افتاد، و به حق بزرگواريت كه بر طور سينا آشكار شد،

فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرانَ، وَ بِطَلْعَتِكَ فى ساعيرَ،

و به واسطه آن با بنده و فرستاده ات موسى بن عمران سخن گفتى، و به آشكار شدنت در ساعير [/ محلّ عبادت عيسى

وَظُهُورِكَ فى جَبَلِ فارانَ بِرَبَواتِ الْمُقَدَّسينَ، وَجُنُودِ الْمَلائِكَهِ الصَّآفّينَ،

و در كوه فاران [/ محل عبادت رسول خدا] در جايگاه رفيع فرشتگان مقدس و لشكريان صف كشيده آنها

وَخُشُوعِ الْمَلائِكَهِ الْمُسَبِّحينَ، وَبِبَرَكاتِكَ الَّتى بارَكْتَ فيها عَلى ابْراهيمَ

و در ميان فروتنى فرشتگان تسبيح كننده، و به حق بخشش و احسانت كه بركت دادى در آن بر ابراهيم

خَليلِكَ عَلَيْهِ السَّلامُ فى امَّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمْ، وَبارَكْتَ

خليل- كه بر او درود و سلام باد- در ميان امّت محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- و بركت دادى

لِإِسْحقَ صَفِيِّكَ فى امَّهِ عيسى عَلَيْهِمَا السَّلامُ، وَبارَكْتَ لِيَعْقُوبَ

براى برگزيده ات اسحاق در ميان امّت عيسى- كه بر هر دوى آنها درود و سلام باد-، و بركت دادى براى بنده برگزيده ات يعقوب

اسْرآئيلِكَ فى امَّهِ مُوسى عَلَيْهِمَا السَّلامُ، وَ بارَكْتَ لِحَبيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى

در میان امّت موسی- که بر هر دوی آنها درود و سلام باد- و برکت دادی برای محبوبت محمّد- که درود

اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ فی عِتْرَتِهِ وَذُرِّیَّتِهِ وَامَّتِهِ، اللهُمَّ وَ کَما غِبْنا عَنْ ذلِکَ وَلَمْ

و سلام خدا بر او و خاندان پاکش باد- در خاندان و نسل و امّتش، خدایا با این که ما در آن زمان نبودیم

نَشْهَدْهُ وَآمَنَّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقاً وَعَدْلًا، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و این امور را مشاهده نکردیم، ولی از روی راستی و درستی به آن ایمان آوردیم (و از تو می خواهیم) که درود فرستی بر محمّد و خاندان پاکش،

وَ انْ تُبارِکَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرَحَّمَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و برکت دهی بر محمّد و خاندان پاکش و رحمت فرستی بر محمّد و خاندان پاکش

کَافْضَلِ ما صَلَّیْتَ وَبارَکْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلی ابْراهیمَ وَآلِ ابْراهیمَ، انَّکَ

همانند بهترین درودها و برکات و رحمت هایت که بر ابراهیم و خاندانش فرستادی که تو

حَمیدٌ مَجیدٌ، فَعَّالٌ لِما تُریدُ، وَانْتَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ شَهیدٌ* سپس سزاوار ستایش و بزرگواری و هر چه اراده کنی انجام دهی و تو بر هر کاری توانا و گواهی،***

حاجات خود را ذکر می کنی و می گویی: اللَّهُمَّ بِحَقِّ هذَا الدُّعآءِ، وَبِحَقِّ هذِهِ الْأَسْمآءِ

************** خدایا به حق این دعا و به حق این نام هایی

الَّتی لا یَعْلَمُ تَفْسیرَها وَلا یَعْلَمُ باطِنَها غَیْرُکَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ

که کسی جز تو تفسیر و باطن آن را نمی داند بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بی ما انْتَ اهْلُهُ، وَلا تَفْعَلْ بی ما انَا اهْلُهُ، وَاغْفِرْ لی مِنْ

و آنچه را که تو شایسته آنی در حق من انجام ده نه آنچه را که من سزاوار آنم، و گناهان گذشته

ذُنُوبی ما تَقَدَّمَ مِنْها وَما تَأَخَّرَ، وَوَسِّعْ عَلَیَّ مِنْ حَلالِ رِزْقِکَ، وَاکْفِنی

و آنچه از من سر خواهد زد را بر من ببخش، و روزی حلالت را بر من افزون کن و مرا

مَؤُنَهَ انْسانِ سَوْءٍ وَجارِ سَوْءٍ، وَقَرینِ سَوْءٍ وَسُلْطانِ سَوْءٍ، انَّکَ عَلی ما

از شرّ انسان بد و همسایه و همنشین و فرمانروای شرور حفظ کن، که تو بر آنچه

تَشآء قَدیرٌ، وَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلیمٌ، آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ.

خواهی توانایی و بر هر چیز دانایی، ای پروردگار جهانیان (دعایم را) اجابت کن.

دعای مشلول:

این دعا به نام «دعاءالشّاب المأخوذ بذنبه؛ دعای جوانی که بواسطه گناهش گرفتار گردیده» نیز نامیده شده است.(1) این دعا را حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام به جوانی که به سبب ستم در حقّ پدرش فلج شده بود، آموخت. آن جوان این دعا را خواند، آنگاه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را در خواب دید که دست بر اندام او کشید و به

او فرمود: بر اسم اعظم خدا، مراقبت کن که کار تو به نیکی و خیر خواهد بود.(2) جوان از خواب بیدار شد و خود را تندرست یافت. آن دعا مطابق نقل «بلدالامین» چنین است:(3) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، یا ذَاالْجَلالِ وَالْإِکرامِ،

خدایا از تو می خواهم به حقّ نامت «بسم اللَّه الرحمن الرحیم»، ای صاحب شکوه و بزرگواری،

ص: 120

1- [133]این دعا، در مهج الدعوات، صفحه 151 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 394 به نقل از امام حسین علیه السلام از پدر بزرگوارش امیرمؤمنان علیه السلام طیّ یک داستان جالبی نقل شده است.
2- [134]این تعبیر ممکن است اشاره به این باشد که اسم اعظم خدا در این دعاست.
3- [135]بلدالامین، صفحه 337.

يا حَیٌّ يا قَيُّومُ، يا حَیُ لا الهَ الَّا انْتَ، ياهُوَ يا مَنْ لا يَعْلَمُ ما هُوَ، وَ لا

ای زنده، ای پاينده، ای زنده ای كه معبودی جز تو نيست، ای خدا، ای كسی كه جز تو نداند كه چيستی؟ و

كَيْفَ هُوَ، وَ لا ايْنَ هُوَ، وَلا حَيْثُ هُوَ الَّا هُوَ، يا ذَاالْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، يا

چگونه ای؟ و در كدام سو و كجايی؟ ای صاحب فرمانروايی و سلطنت، ای

ذَاالْعِزَّهِ وَالْجَبَرُوتِ، يامَلِكُ يا قُدُّوسُ، يا سَلامُ يا مُؤْمِنُ، يا مُهَيْمِنُ يا

صاحب شكوه و بزرگی، ای فرمانروا، ای پاكيزه، ای مايه سلامتی، ای امان دهنده، ای مقتدر، ای

عَزيزُ، يا جَبَّارُ يا مُتَكَبِّرُ، يا خالِقُ يا بارِئُ، يا مُصَوِّرُ يا مُفيدُ، يا مُدَبِّرُ يا

قدرتمند، ای قادر، ای بزرگ منش، ای آفريننده، ای پديدآورنده، ای شكل دهنده، ای سوددهنده، ای تدبيركننده، ای

شَديدُ، يا مُبْدِئُ يا مُعيدُ، يا مُبيدُ يا وَدُودُ، يا مَحْمُودُ يا مَعْبُودُ، يا بَعيدُ يا

سختگير (بر ظالمان)، ای آغاز كننده، ای بازگرداننده، ای نابودكننده، ای با محبت، ای ستوده، ای ستايش شده، ای دور، ای

قَريبُ، يا مُجيبُ يا رَقيبُ، يا حَسيبُ يا بَديعُ، يا رَفيعُ يا مَنيعُ، يا سَميعُ

نزديک، ای پاسخگو، ای مراقب، ای حسابگر، ای پديدآورنده، ای بلندمرتبه، ای دست نيافتنی، ای شنوا،

يا عَليمُ، يا حَليمُ يا كَريمُ، يا حَكيمُ يا قَديمُ، يا عَلِیُّ يا عَظيمُ، يا حَنَّانُ يا

ای دانا، ای شكيبا، ای بخشنده، ای خردمند، ای ديرينه، ای بلندمرتبه، ای با عظمت، ای با محبّت، ای

مَنَّانُ، يا دَيَّانُ يا مُسْتَعانُ، يا جَليلُ يا جَميلُ، يا وَكيلُ يا كَفيلُ، يا مُقيلُ

گشاده دست، ای داور روز جزا، ای یاور، ای بزرگوار، ای زیبا، ای وکیل، ای عهده دار، ای درگذرنده،

یا مُنیلُ، یا نَبیلُ یا دَلیلُ، یا هادی یا بادی یا اوَّلُ یا اخِرُ، یا ظاهِرُ یا

ای احسان کننده، ای شریف، ای راهنما، ای هدایت کننده، ای آشکار کننده، ای آغاز، ای پایان، ای آشکار، ای

باطِنُ، یا قآئِمُ یا دآئِمُ، یا عالِمُ یا حاکِمُ، یا قاضی یا عادِلُ، یا فاصِلُ یا

پنهان، ای استوار، ای جاویدان، ای دانا، ای حکمران، ای حکم کننده، ای دادگر، ای جداکننده، ای

واصِلُ، یا طاهِرُ یا مُطَهِّرُ، یا قادِرُ یا مُقْتَدِرُ، یا کَبیرُ یا مُتَکَبِّرُ، یا واحِدُ یا

پیونددهنده، ای پاک، ای پاک کننده، ای توانا، ای مقتدر، ای بزرگ، ای بزرگمنش، ای یکتا، ای

احَدُ یا صَمَدُ، یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً احَدٌ، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ

یگانه، ای بی نیاز، ای که هرگز نزاده و زاده نشده ای و برای تو هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است، و همدمی

صاحِبَهٌ وَلا کانَ مَعَهُ وَزیرٌ، وَلَا اتَّخَذَ مَعَهُ مُشیراً، وَلَا احْتاجَ الی ظَهیرٍ،

برایت نیست و مددکاری نداری، و مشاوری برای خود برنگزیده ای، و نیازی به پشتیبان نداری،

ص :121

وَلاکانَ مَعَهُ الهٌ، لا الهَ الَّا انْتَ، فَتَعالَیْتَ عَمَّا یَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوّاً

و معبودی به همراهت نیست، معبودی جز تو نیست، و از آنچه ستمکاران می گویند بسیار

کَبیراً، یا عَلِیُّ یا شامِخُ یا باذِخُ، یا فَتَّاحُ یا نَفَّاحُ، یا مُرْتاحُ یا مُفَرِّجُ، یا

برتری، ای برتر، ای سربلند، ای والا مقام، ای کارگشا، ای نعمت ده، ای فرح بخش، ای گشاینده (اندوه)،

ناصِرُ یا مُنْتَصِرُ، یا مُدْرِکُ یا مُهْلِکُ، یا مُنْتَقِمُ یا باعِثُ، یا وارِثُ یا طالِبُ،

ای یاور، ای پیروزمند، ای دریابنده، ای هلاک کننده، ای انتقام گیرنده، ای برانگیزنده (مردگان)، ای وارث، ای طلب کننده،

یا غالِبُ یا مَنْ لا یَفُوتُهُ هارِبٌ، یا تَوَّابُ یا اوَّابُ، یا وَهَّابُ یا مُسَبِّبَ

ای غلبه کننده، ای که فراریان را از تو گریزی نیست، ای توبه پذیر ای دادرس، ای بخشنده، ای سبب ساز

الْأَسْبابِ، یا مُفَتِّحَ الْأَبْوابِ، یا مَنْ حَیْثُ ما دُعِیَ اجابَ، یا طَهُورُ یا

سبب ها، ای گشاینده درها، ای که هر زمان خوانده شوی، پاسخ گویی، ای پاک کننده، ای

شَکُورُ، یا عَفُوُّ یا غَفُورُ، یا نُورَ النُّورِ، یا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، یا لَطیفُ یا خَبیرُ،

شکرپذیر، ای عفوکننده، ای آمرزنده، ای روشنایی نور، ای تدبیرکننده کارها، ای مهربان، ای آگاه،

یا مُجیرُ یا مُنیرُ، یا بَصیرُ یا ظَهیرُ، یا کَبیرُ یا وِتْرُ، یا فَرْدُ یا ابَدُ، یا سَنَدُ یا

ای پناه ده، ای تابناک، ای بینا، ای پشتیبان، ای بزرگ، ای یگانه، ای یکتا، ای جاوید، ای تکیه گاه،

صَمَدُ، یا کافی یا شافی یا وافی یا مُعافی یا مُحْسِنُ یا مُجْمِلُ، یا مُنْعِمُ

ای بی نیاز، ای کفایت کننده ای شفا دهنده، ای وفاکننده، ای درگذرنده، ای نیکوکار، ای زیبایی بخش، ای نعمت دهنده،

یا مُفْضِلُ، یا مُتَکَرِّمُ یا مُتَفَرِّدُ، یا مَنْ عَلا فَقَهَرَ، وَ یا مَنْ مَلَکَ فَقَدَرَ، یا مَنْ

ای فضیلت دهنده، ای بخشنده، ای تنها، ای که برتری و مغلوب سازی، و ای که مالکی و توانایی، و ای که

بَطَنَ فَخَبَرَ، وَ یا مَنْ عُبِدَ فَشَکَرَ، وَ یا مَنْ عُصِیَ فَغَفَرَ وَ سَتَرَ، وَ یا مَنْ لا

پنهانی و آگاهی، و ای که در برابر عبادت سپاسگزاری کنی، و ای که نافرمانی شوی و بیامرزی و بپوشانی، و ای که

تَحْویهِ الْفِکَرُ، وَ لا یُدْرِکُهُ بَصَرٌ، وَلا یَخْفی عَلَیْهِ اثَرٌ، یا رازِقَ الْبَشَرِ، یا

فکرها تو را در بر نگیرد، و چشمی تو را نبیند، و نشانه ای بر تو پوشیده نماند، ای روزی دهنده انسان، ای

مُقَدِّرَ کُلِّ قَدَرٍ، یا عالِیَ الْمَکانِ، یا شَدیدَ الْأَرْکانِ، یا مُبَدِّلَ الزَّمانِ، یا

مقدّر کننده هر تقدیر، ای بلند جایگاه، ای صاحب ارکان استوار، ای تغییر دهنده زمان، ای

قابِلَ الْقُرْبانِ، یا ذَاالْمَنِّ وَالْإِحْسانِ، یا ذَا الْعِزِّ وَالسُّلْطانِ، یا رَحیمُ یا

پذیرنده قربانی، ای صاحب نعمت و نیکی، ای صاحب عزت و فرمانروایی، ای مهربان،

ص :122

رَحمنُ، یا مَنْ هُوَ کُلَّ یَوْمٍ فی شَاْنٍ، یا مَنْ لا یَشْغَلُهُ شَاْنٌ عَنْ شَاْنٍ، یا

ای بخشنده، ای کسی که هر روز در کاری هستی، ای کسی که کاری تو را از کار دیگر باز ندارد،

عَظیمَ الشَّاْنِ، یا مَنْ هُوَ بِکُلِّ مَکانٍ، یا سامِعَ الْأَصْواتِ، یا مُجیبَ

ای صاحب مقام بزرگ، ای کسی که در هر مکان حاضری، ای شنونده صداها، ای اجابت کننده

الدَّعَواتِ، یا مُنْجِحَ الطَّلِباتِ، یا قاضِیَ الْحاجاتِ، یا مُنْزِلَ الْبَرَکاتِ، یا

دعاها، ای برآورنده خواسته ها، ای رواکننده حاجتها، ای نازل کننده برکتها، ای

راحِمَ الْعَبَراتِ، یامُقیلَ الْعَثَراتِ، یا کاشِفَ الْکُرُباتِ، یا وَلِیَّ الْحَسَناتِ،

رحم کننده بر اشکها، ای درگذرنده از لغزش ها، ای برطرف کننده گرفتاری ها، ای صاحب نیکیها،

یا رافِعَ الدَّرَجاتِ، یا مُؤْتِیَ السُّؤُلاتِ، یا مُحْیِیَ الْأَمْواتِ، یا جامِعَ

ای بالابرنده رتبه ها، ای عطاکننده خواسته ها، ای زنده کننده مردگان، ای گردآورنده

الشَّتاتِ، یا مُطَّلِعَ عَلَی النِّیّاتِ، یا رادَّ ما قَدْ فاتَ، یا مَنْ لاتَشْتَبِهُ عَلَیْهِ

پراکندگی ها، ای آگاه بر قصدها، ای بازگرداننده از دست رفته ها، ای کسی که صداها بر تو

الْأَصْواتُ، یا مَنْ لاتُضْجِرُهُ الْمَسْئَلاتُ، وَلا تَغْشاهُ الظُّلُماتُ، یا نُورَ

مشتبه نشود، ای کسی که درخواست ها تو را نیازارد، و تاریکی ها تو را نپوشاند، ای روشنی

الْأَرْضِ والسَّمواتِ، یا سابِغَ النِّعَمِ، یا دافِعَ النِّقَمِ، یا بارِئَ النَّسَمِ، یا

زمین و آسمانها، ای سرازیر کننده نعمتها، ای برطرف کننده رنج ها، ای پدیدآورنده آدمیان، ای

جامِعَ الْأُمَمِ، یا شافِیَ السَّقَمِ، یاخالِقَ النُّورِ وَالظُّلَمِ، یا ذَاالْجُودِ وَالْکَرَمِ،

جمع کننده امتها، ای شفابخش بیماریها، ای آفریننده روشنایی و تاریکی ها، ای صاحب بخشش و کرم،

یا مَنْ لا یَطَأُ عَرْشَهُ قَدَمٌ، یا اجْوَدَ الْأَجْوَدینَ، یا اکْرَمَ الْأَکْرَمینَ، یا اسْمَعَ

ای کسی که احدی پایش به عرش او نرسد، ای بخشنده ترین بخشندگان، ای گرامی ترین گرامیان، ای شنواترین

السَّامِعینَ، یا ابْصَرَ النَّاظِرینَ، یا جارَ الْمُسْتَجیرینَ، یا امانَ الْخائِفینَ،

شنوایان، ای بیناترین بینایان، ای پناه پناه جویان، ای امان خائفان،

یاظَهْرَ اللّاجینَ، یا وَلِیَّ الْمُؤْمِنینَ، یا غِیاثَ الْمُسْتَغیثینَ، یا غایَهَ

ای پشتیبان پناهندگان، ای سرپرست مؤمنان، ای فریادرس فریادرس خواهان، ای هدف نهایی

الطَّالِبینَ، یا صاحِبَ کُلِّ غَریبٍ، یا مُونِسَ کُلِّ وَحیدٍ، یا مَلْجَا کُلِّ طَریدٍ،

طلب کنندگان، ای همراه غریبان، ای همدم هر تنها، ای پناه هر رانده شده،

ص: 123

یا مَاْوی کُلِّ شَریدٍ، یا حافِظَ کُلِّ ضآلَّهٍ، یاراحِمَ الشَّیْخِ الْکَبیرِ، یا رازِقَ

ای پناهگاه گریختگان، ای نگهدار هر گمشده، ای ترحّم کننده پیر کهنسال، ای روزی ده

الطِّفْلِ الصَّغیرِ، یا جابِرَ الْعَظْمِ الْکَسیرِ، یا فاکَّ کُلِّ اسیرٍ، یا مُغْنِیَ الْبآئِسِ

کودک خردسال، ای پیونددهنده استخوان شکسته، ای رهایی بخش اسیران، ای بی نیاز کننده فقیر

الْفَقیرِ، یا عِصْمَهَ الْخائِفِ الْمُسْتَجیرِ، یا مَنْ لَهُ التَّدْبیرُ وَالتَّقْدیرُ، یا مَنِ

بینوا، ای نگهدار ترسان پناه جو، ای که تدبیر و سرنوشت بندگان بدست توست، ای که

الْعَسیرُ عَلَیْهِ یَسیرٌ، یا مَنْ لا یَحْتاجُ الی تَفْسیرٍ، یا مَنْ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ

سختی ها بر تو آسان است، ای که به شرح و بیان نیاز نداری، ای که بر هر چیز

قَدیرٌ، یا مَنْ هُوَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ خَبیرٌ، یا مَنْ هُوَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ بَصیرٌ، یا مُرْسِلَ

توانایی، ای که از هر چیز آگاهی، ای که بر هر چیز بینایی، ای فرستنده

الرِّیاحِ، یا فالِقَ الْإِصْباحِ، یا باعِثَ الْأَرْواحِ، یا ذَاالْجُودِ وَالسَّماحِ، یا مَنْ

بادها، ای شکافنده صبح، ای برانگیزنده روح ها، ای صاحب بخشش و گذشت، ای که

بِیَدِهِ کُلُّ مِفْتاحٍ، یا سامِعَ کُلِّ صَوْتٍ، یا سابِقَ کُلِّ فَوْتٍ، یا مُحْیِیَ کُلِ

کلید (تمام مشکلات) به دست توست، ای شنونده هر صدا، ای پیشی گیرنده بر اسباب فوت، ای زنده کننده

نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ، یا عُدَّتی فی شِدَّتی یا حافِظی فی غُرْبَتی یا مُونِسی

جان ها پس از مرگ، ای ذخیره ام در سختی ها، ای نگهدارم در غربت، ای همدمم

فی وَحْدَتی یا وَلِیّی فی نِعْمَتی یا کَهْفی حینَ تُعْیینِی الْمَذاهِبُ،

در تنهایی ها، ای سرپرستم در نعمت ها، ای پناهم در وقتی که تعدّد راه ها مرا خسته می کند،

وَتُسَلِّمُنِی الْأَقارِبُ، وَیَخْذُلُنی کُلُّ صاحِبٍ، یا عِمادَ مَنْ لا عِمادَ لَهُ، یا

و نزدیکانم رهایم کنند، و دوستان یاریم نکنند، ای تکیه گاه کسی که تکیه گاهی ندارد، ای

سَنَدَ مَنْ لا سَنَدَ لَهُ، یا ذُخْرَ مَنْ لا ذُخْرَ لَهُ، یا حِرْزَ مَنْ لا حِرْزَ لَهُ، یا کَهْفَ

پشتیبان کسی که پشتیبانی ندارد، ای ذخیره کسی که ذخیره ای ندارد، ای پناه کسی که پناهی ندارد، ای پناه گاه

مَنْ لا کَهْفَ لَهُ، یا کَنْزَ مَنْ لا کَنْزَ لَهُ، یا رُکْنَ مَنْ لا رُکْنَ لَهُ، یا غِیاثَ مَنْ لا

کسی که پناهگاهی ندارد، ای گنجینه کسی که گنجی ندارد، ای تکیه گاه کسی که تکیه گاهی ندارد، ای فریادرس کسی که

غِیاثَ لَهُ، یا جارَ مَنْ لا جارَ لَهُ، یا جارِیَ اللَّصیقَ، یا رُکْنِیَ الْوَثیقَ، یا

فریادرسی ندارد ای پناه کسی که پناهی ندارد، ای پناهی که از من جدا نیستی، ای تکیه گاه مطمئنّم، ای

ص :124

الهى بِالتَّحْقيقِ، يا رَبَّ الْبَيْتِ الْعَتيقِ، يا شَفيقُ يا رَفيقُ، فُكَّنى مِنْ حَلَقِ

معبود حقیقیم، ای پروردگار کعبه، ای مهربان و ای همراه، از تنگناها

الْمَضيقِ، وَاصْرِفْ عَنّى كُلَّ هَمٍّ وَغَمٍّ وَ ضيقٍ، وَاكْفِنى شَرَّ ما لا اطيقُ،

خلاصم کن، و هر اندوه و غم و سختی را از من برطرف کن، و شر آنچه را که تحمل آن را ندارم از من برطرف کن،

وَاعِنّى عَلى ما اطيقُ، يا رآدَّ يُوسُفَ عَلى يَعْقُوبَ، يا كاشِفَ ضُرِّ ايُّوبَ،

و بر آنچه طاقت دارم کمکم کن، ای بازگرداننده یوسف به یعقوب، ای برطرف کننده گرفتاری ایّوب،

يا غافِرَ ذَنْبِ داوُدَ، يا رافِعَ عيسَى بْنِ مَرْيَمَ، وَ مُنَجِّيهِ مِنْ ايْدِى الْيَهُودِ، يا

ای آمرزنده گناه داود، ای بالابرنده عیسی بن مریم و نجات بخشش از دست یهود، ای

مُجيبَ نِدآءِ يُونُسَ فِى الظُّلُماتِ، يا مُصْطَفِىَ مُوسى بِالْكَلِماتِ، يا مَنْ

پاسخ دهنده صدای یونس در تاریکی ها، ای برگزیننده موسی برای سخن گفتن ای که

غَفَرَ لِأدَمَ خَطيئَتَهُ، وَ رَفَعَ ادْريسَ مَكاناً عَلِيّاً بِرَحْمَتِهِ، يا مَنْ نَجّى

خطای آدم را بخشیدی، و ادریس را با رحمتت به مکان برتری بالا بردی، ای که نوح را از

نُوحاً مِنَ الْغَرَقِ، يا مَنْ اهْلَكَ عاداً الْأُولى وَ ثَمُودَ فَما ابْقى وَ قَوْمَ نُوحٍ

غرق شدن نجات دادی، ای که قوم عاد نخستین را هلاک نمودی، و از قوم ثمود چیزی باقی نگذاشتی و قوم نوح

مِنْ قَبْلُ، انَّهُمْ كانُوا هُمْ اظْلَمَ وَاطْغى وَ الْمُؤْتَفِكَةَ اهْوى يا مَنْ دَمَّرَ عَلى

را پیش از آنها هلاک نمودی، زیرا آنان ستمکارتر و متجاوزتر بودند، وشهرهای زیر و رو شده قوم لوط را فرو کوبیدی

قَوْمِ لُوطٍ، وَ دَمْدَمَ عَلی قَوْمِ شُعَیْبٍ، یا مَنِ اتَّخَذَ ابْراهیمَ خَلیلاً، یا مَنِ

و آنها را نابود کردی، و قوم شعیب را هلاک گرداندی ای که ابراهیم را به دوستی خود برگزیدی، ای که

اتَّخَذَ مُوسی کَلیماً، وَاتَّخَذَ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَعَلَیْهِمْ اجْمَعینَ

موسی را هم صحبت خود ساختی، و محمّد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش و تمامی آنان باد- را

حَبیباً، یا مُؤْتِیَ لُقْمانَ الْحِکْمَهَ، وَالْواهِبُ لِسُلَیْمانَ مُلْکاً لا یَنْبَغی لِأَحَدٍ

حبیب خود قرار دادی، ای که به لقمان حکمت عطا کردی و به سلیمان فرمانروایی دادی که کسی بعد از او

مِنْ بَعْدِهِ، یا مَنْ نَصَرَ ذَا الْقَرْنَیْنِ عَلَی الْمُلُوکِ الْجَبابِرَهِ، یا مَنْ اعْطَی

شایسته آن نبود، ای کسی که ذوالقرنین را در مقابل پادشاهان ظالم یاری کردی، ای که

الْخِضْرَ الْحَیوهَ، وَرَدَّ لِیُوشَعَ بْنِ نُونٍ الشَّمْسَ بَعْدَ غُرُوبِها، یا مَنْ رَبَطَ

به خضر زندگانی جاویدان بخشیدی، و خورشید را بعد از غروبش برای یوشع بن نون بازگرداندی، ای که

عَلی قَلْبِ امِّ مُوسی وَ احْصَنَ فَرْجَ مَرْیَمَ ابْنَتِ عِمْرانَ، یا مَنْ حَصَّنَ

بر دل مادر موسی آرامش بخشیدی، و دامن مریم دختر عمران را از آلودگی حفظ نمودی، ای که

یَحْیَی بْنَ زَکَرِیَّا مِنَ الذَّنْبِ، وَسَکَّنَ عَنْ مُوسَی الْغَضَبَ، یا مَنْ بَشَّرَ

یحیی بن زکریا را از گناه حفظ کردی و خشم موسی را فرو نشاندی، ای که ولادت یحیی را به

زَکَرِیَّا بِیَحْیی یا مَنْ فَدا اسْماعیلَ مِنَ الذَّبْحِ بِذِبْحٍ عَظیمٍ، یا مَنْ قَبِلَ

زکریا مژده دادی، ای که ذبح عظیمی را فدای ذبح اسماعیل نمودی، ای که

قُرْبانَ هابیلَ، وَجَعَلَ اللَّعْنَةَ عَلی قابیلَ، یا هازِمَ الْأَحْزابِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّی

قربانی هابیل را پذیرفتی و قابیل را از رحمت خود دور ساختی، ای که گروه های مخالف محمّد- که درود

اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَلی جَمیعِ الْمُرْسَلینَ،

خدا بر او و خاندانش باد- را شکست دادی، بر محمّد و خاندان پاکش و بر تمامی فرستادگان

وَمَلائِکَتِکَ الْمُقَرَّبینَ، وَاهْلِ طاعَتِکَ اجْمَعینَ، وَاسْئَلُکَ بِکُلِّ مَسْئَلَهٍ

و فرشتگان مقرب و تمامی بندگانت درود فرست، و از تو می خواهم تمامی خواسته های

سَئَلَکَ بِها احَدٌ مِمَّنْ رَضیتَ عَنْهُ، فَحَتَمْتَ لَهُ عَلَی الْإِجابَهِ، یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا

اشخاصی را که تو از آنان خشنود هستی، و به طور حتم خواسته های آنها را پاسخ می دهی، ای خدا، ای خدا، ای

اللَّهُ، یا رَحْمنُ یا رَحْمنُ یارَحْمنُ، یا رَحیمُ یا رَحیمُ یا رَحیمُ،

خدا، ای بخشنده، ای بخشنده، ای بخشنده، ای مهربان، ای مهربان، ای مهربان،

یاذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، یا ذَاالْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ، یا ذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، بِهِ بِهِ

ای صاحب شکوه و بزرگواری، ای صاحب شکوه و بزرگواری، ای صاحب شکوه و بزرگواری، به آن، به آن،

بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ اسْئَلُکَ بِکُلِّ اسْمٍ سَمَّیْتَ بِهِ نَفْسَکَ، اوْ انْزَلْتَهُ فی شَیْ ءٍ مِنْ

به آن، به آن، به آن، به آن، به آن (جلالت تو را سوگند می دهم و)، از تو می خواهم به حق تمامی نام هایی که خودت را به آن نامیده ای یا در بعضی از

کُتُبِکَ، اوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ، وَبِمَعاقِدِ الْعِزِّمِنْ عَرْشِکَ،

کتاب هایت فرو فرستاده ای، یا در علم غیبت برای خویش برگزیده ای و محلّ عزت از عرشت

وَبِمُنْتَهَی الرَّحْمَهِ مِنْ کِتابِکَ، وَبِما لَوْ انَّ ما فِی الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَهٍ اقْلامٌ،

و به حقّ نهایت رحمتت از کتابت، و به حق این که اگر همه درختان روی زمین قلم شود

وَالْبَحْرُ یَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَهُ ابْحُرٍ، ما نَفِدَتْ کَلِماتُ اللَّهِ، انَّ اللَّهَ عَزیزٌ

و دریاها برای آن مرکّب گردد و هفت دریاچه به آن افزوده شود (اینها همه تمام می شود ولی) کلمات خدا پایان نمی گیرد، به یقین خداوند عزیز

ص :126

حَكيمٌ، وَ اسْئَلُکَ بِاسْمآئِکَ الْحُسْنَى الَّتى نَعَتَّها فى كِتابِکَ، فَقُلْتَ: وَللَّهِ

و حکیم است، و از تو می خواهم به حق نام های نیکویی که در کتابت توصیف نموده ای، پس فرموده ای: و برای خدا

الْأَسْمآءُ الْحُسْنى فَادْعُوهُ بِها. وَقُلْتَ: ادْعُونى اسْتَجِبْ لَكُمْ. وَقُلْتَ: وَاذا

نام های نیک است خدا را به آن (نام ها) بخوانید، و فرمودی مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، و فرمودی: و هنگامی که

سَئَلَکَ عِبادى عَنّى فَانّى قَريبٌ اجيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اذا دَعانِ. وَقُلْتَ: يا

بندگان من از تو درباره من سؤال کنند (بگو:) من نزدیکم، دعای دعاکننده را هنگامی که می خواند پاسخ می گویم. و فرمودی: ای

عِبادِىَ الَّذينَ اسْرَفُوا عَلى انْفُسِهِمْ، لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ، انَ اللَّهَ يَغْفِرُ

بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه

الذُّنُوبَ جَميعاً، انَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ. وَانَا اسْئَلُکَ يا الهى وَادْعُوکَ يا

گناهان را می آمرزد زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است، و من از تو می خواهم ای معبود من، و تو را می خوانم

رَبِّ، وَارْجُوکَ يا سَيِّدى وَاطْمَعُ فى اجابَتى يا مَوْلاىَ كَما وَعَدْتَنى

ای پروردگار من و به تو امیدوارم ای آقا و سرورم و آن گونه که وعده فرموده ای آرزوی اجابت خواسته ام را دارم

وَقَدْ دَعَوْتُکَ كَما امَرْتَنى فَافْعَلْ بى ما انْتَ اهْلُهُ يا كَريمُ، وَالْحَمْدُللَّهِ رَبِ

ای مولا و سرورم تو را آن گونه که فرمان داده ای خواندم پس آنچه که تو شایسته آنی در مورد من انجام ده ای بزرگوار و حمد و سپاس از آن

الْعالَمينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اجْمَعينَ.

خداوندی است که پروردگار جهانیان است و درود خدا بر محمّد و تمامی خاندانش باد.

دعای یستشیر[136]:

دعای یستشیر(1):

«سیّد بن طاووس» در «مهج الدّعوات» از امام امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را به من آموخت و فرمانم داد که در دشواری و آسودگی این دعا را بخوانم و به جانشین خود نیز بیاموزم و تا زمانی که زنده ام آن را ترک نکنم و آن را هر صبح و شام بخوانم، زیرا این دعا گنجی از گنج های عرش الهی است. در پی اصرار فراوان ابیّ بن کعب انصاری برای بیان پاداش این دعا، رسول خدا صلی الله علیه و آله برخی از پاداش های مادّی و معنوی آن را ذکر کرد، از جمله آن که: هر کس این دعا را بخواند خداوند گناهانش را می آمرزد، سکینه و آرامش بر او فرو می فرستد و رحمت الهی، وی را فرا می گیرد. همچنین آثار و خواصّ جالبی را درباره این دعا، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای جناب سلمان

ص: 127

1- [136]نام این دعا، از کلمه« یستشیر» در عبارت« و لا خلق من عباده یستشیر» در آغاز همین دعا گرفته شده است.

فارسی بیان کرده است.(1) این دعا برابر نقل «کفعمی» در «بلد الامین»(2) چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی لا الهَ الَّا هُوَ الحَیُّ القَیُّومُ، الدَّائِمُ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبینُ،

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که معبودی جز او نیست، زنده، جاودان، پاینده، فرمانروای بر حق و آشکار است،

الْمُدَبِّرُ بِلا وَزیرٍ، وَ لا خَلْقٍ مِنْ عِبادِهِ یَسْتَشیرُ، الْأَوَّلُ غَیْرُ مَوْصُوفٍ،

تدبیر کننده ای که مددکاری ندارد و با آفریده ای از بندگانش مشورت نمی کند، همان آغازی که توصیف نشود،

الْباقی بَعْدَ فَنآءِ الْخَلْقِ، الْعَظیمُ الرُّبُوبِیَّهِ، نُورُ السَّمواتِ وَالْأَرَضینَ،

و بعد از نابودی مخلوقات پایدار ماند، آن که پروردگاریش با عظمت است، و روشنایی آسمان ها و زمین ها

وَفاطِرُهُما وَمُبْتَدِعُهُما، خَلَقَهُما بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهُ، وَفَتَقَهُما فَتْقاً، فَقامَتِ

و آفریننده و بوجود آورنده آنهاست، آنها را بدون ستون آفرید و به نحو خاصّی گشود، پس

السَّمواتُ طآئِعاتٍ بِامْرِهِ، وَاسْتَقَرَّتِ الْأَرَضُ بِاوْتادِها فَوْقَ الْمآءِ، ثُمَ

آسمان ها به فرمان او مطیعانه در جای خود قرار گرفتند و زمین با کوه هایش بر روی آب استقرار یافت، پس

عَلا رَبُّنا فِی السَّمواتِ الْعُلی الرَّحْمنُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوی لَهُ ما فِی

پروردگار ما همان بخشنده ای است که بر آسمان ها و عرش مسلّط است، آنچه در

السَّمواتِ وَما فِی الْأَرْضِ وَما بَیْنَهُما وَما تَحْتَ الثّری فَانَا اشْهَدُ بِانَّکَ

آسمان ها و زمین و بین آنها و زیر خاک است از آنِ اوست، و گواهی می دهم

انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، لا رافِعَ لِما وَضَعْتَ، وَلا واضِعَ لِما رَفَعْتَ، وَلا مُعِزَّ

تو خدایی که معبودی جز تو نیست، کسی را که پستش کنی بالایش نتوان برد و کسی را که بالایش بری پستش نتوان کرد و کسی را که

لِمَنْ اذْلَلْتَ، وَلا مُذِلَّ لِمَنْ اعْزَزْتَ، وَلا مانِعَ لِما اعْطَیْتَ، وَلا مُعْطِیَ لِما

خوارش کنی عزّتش نتوان بخشید و کسی را که عزّتش بخشی خوارش نتوان کرد آنچه را که عطا کنی منعش نتوان کرد و آنچه را که منع کنی

مَنَعْتَ، وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، کُنْتَ اذْ لَمْ تَکُنْ سَمآءٌ مَبْنِیَّهٌ، وَلا ارْضٌ

عطایش نتوان نمود، و تویی خدایی که معبودی جز تو نیست، تو بودی در زمانی که نبود آسمانِ برافراشته، و زمینِ

ص :128

1- [137]برای آگاهی بیشتر از خواص و پاداش های این دعا به مهج الدّعوات، صفحه 122 و یا به بحارالانوار، جلد 83، صفحه 330 مراجعه فرمایید.
2- [138]بلدالامین، صفحه 380.

مَدْحِيَّهٌ، وَلا شَمْسٌ مُضيئَهٌ، وَلا لَيْلٌ مُظْلِمٌ، وَلا نَهارٌ مُضيئٌ، وَلا بَحْرٌ

گسترده، و خورشیدِ تابناک، و شبِ تاریک، و روزِ روشن، و دریایِ

لُجِّیٌّ، وَلا جَبَلٌ راسٍ، وَلا نَجْمٌ سارٍ، وَلا قَمَرٌ مُنیرٌ، وَلا ریحٌ تَهُبُّ، وَلا

موّاج، و کوهِ استوار، و ستارگانِ در حرکت، و ماهِ تابان، و بادهای وزان

سَحابٌ یَسْکُبُ، وَلا بَرْقٌ یَلْمَعُ، وَلا رَعْدٌ یُسَبِّحُ، وَلا رُوحٌ یَتَنَفَّسُ، وَلا

و ابرهای بارنده، و برقِ درخشنده، و رعد به تسبیح غرّنده، و موجود زنده، و

طآئِرٌ یَطیرُ، وَلا نارٌ تَتَوَقَّدُ، وَ لاماۤءٌ یَطَّرِدُ، کُنْتَ قَبْلَ کُلِّ شَیْ ءٍ، وَکَوَّنْتَ

مرغ پرنده، و آتشِ فروزنده، و آبِ روان، تو قبل از هر چیز بودی، و همه چیز را

کُلَّ شَیْ ءٍ، وَقَدَرْتَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ، وَابْتَدَعْتَ کُلَّ شَیْ ءٍ، وَافْقَرْتَ

تو پدید آوردی، و تو بر هر چیز توانایی، و همه چیز را تو بوجود آوردی، و محتاج

وَاغْنَیْتَ، وَ امَتَّ وَاحْیَیْتَ، وَاضْحَکْتَ وَابْکَیْتَ، وَ عَلَی الْعَرشِ

و توانگر گرداندی، مرده و زنده کنی، خندان و گریان کنی و بر عرش

اسْتَوَیْتَ، تَبارَکْتَ یااللَّهُ وَ تَعالَیْتَ، انْتَ اللَّهُ الَّذی لا الهَ الَّا انْتَ الْخَلَّاقُ

مسلّطی، پس بلند مرتبه و برتری ای خدا، تویی خدایی که معبودی جز تو نیست که آفریننده

الْعَلیمُ، امْرُکَ غالِبٌ، وَعِلْمُکَ نافِذٌ، وَکَیْدُکَ غَریبٌ، وَ وَعْدُکَ صادِقٌ،

و دانایی، فرمانت نافذ، و دانشت مؤثّر، و تدبیرت بی نظیر، و وعده ات راست،

وَقَوْلُکَ حَقٌّ، وَحُکْمُکَ عَدْلٌ، وَکَلامُکَ هُدیً، وَوَحْیُکَ نُورٌ، وَرَحْمَتُکَ

و گفتارت درست، و داوريت از روى عدالت، و كلامت مايه هدايت، و پيام آسمانيت مايه روشنى، و بخشش

واسِعَهٌ، وَعَفْوُکَ عَظيمٌ، وَفَضْلُکَ كَبيرٌ، وَعَطاؤُكَ جَزيلٌ، وَحَبْلُکَ مَتينٌ،

و احسانت گسترده، و عفوت بزرگ و لطف و كرمت بسيار، و بخششت بى شمار و پيمانت استوار،

وَامْكانُکَ عَتيدٌ، وَجارُکَ عَزيزٌ، وَ بَأْسُکَ شَديدٌ، وَمَكْرُکَ مَكيدٌ، انْتَ يا

و قدرت و توانت مهيّا و آماده، و پناهنده ات گرامى، و كيفرت سخت و تدبيرت نافذ است، تويى اى

رَبِّ مَوْضِعُ كُلِّ شَكْوى وَشاهِدُ كُلِّ نَجْوى و حاضِرُ كُلِّ مَلَإٍ، وَمُنْتَهى

پروردگار من مرجع هر شكايت، و گواه هر صحبت محرمانه، و حاضر در هر جمع، و نهايت

كُلِّ حاجَهٍ، وَ فَرَجُ كُلِّ حَزينٍ، وَ غِنى كُلِّ فقيرٍ مِسْكينٍ، وَ حِصْنُ كُلِ

هر خواسته، تسكين دهنده غم و اندوه، توانگرىِ هر فقير درمانده، پناهگاه هر

ص: 129

هارِبٍ، وَ امانُ کُلِّ خآئِفٍ، حِرْزُ الضُّعَفآءِ، کَنْزُ الْفُقَرآءِ، مُفَرِّجُ الْغَمَّآءِ،

پناهنده، پناه هر ترسان، حافظ ضعیفان، گنج فقیران، تسکین دهنده غمزدگان،

مُعینُ الصَّالِحینَ، ذلِکَ اللَّهُ رَبُّنا، لا الهَ الَّا هُوَ، تَکْفی مِنْ عِبادِکَ مَنْ تَوَکَّلَ

یاور پارسایان، چنین خدایی پروردگار ماست که معبودی جز او نیست، هر بنده ای که خود را به تو بسپارد

عَلَیْکَ، وَانْتَ جارُ مَنْ لاذَ بِکَ وَتَضَرَّعَ الَیْکَ، عِصْمَهُ مَنِ اعْتَصَمَ بِکَ مِنْ

یاریش کنی، و پناه دهنده هر کسی هستی که به تو پناهنده، و دست به دامن تو شود، نگهدار هر بنده ای که به تو متوسّل

عِبادِک، ناصِرُ مَنِ انْتَصَرَ بِکَ، تَغْفِرُ الذُّنُوبَ لِمَنِ اسْتَغْفَرَکَ، جَبَّارُ الْجَبابِرَهِ،

شود، یاور هر کس که از تو یاری جوید، گناهان کسی را که از تو آمرزش طلبد می آمرزی، (و تویی) مسلّط بر گردنکشان،

عَظیمُ الْعُظَمآءِ، کَبیرُ الْکُبَرآءِ، سَیِّدُ السَّاداتِ، مَوْلَی الْمَوالی صَریخُ

برترِ برتران، بزرگِ بزرگان، سرورِ سروران، مولایِ مولایان فریادرس

الْمُسْتَصْرِخینَ، مُنَفِّسٌ عَنِ الْمَکْرُوبینَ، مُجیبُ دَعْوَهِ الْمُضْطَرِّینَ، اسْمَعُ

دادخواهان، غم زدای غمزدگان، اجابت کننده خواسته گرفتاران، شنواترین

السَّامِعینَ، ابْصَرُ النَّاظِرینَ، احْکَمُ الْحاکِمینَ، اسْرَعُ الْحاسِبینَ، ارْحَمُ

شنوندگان، بیناترین بینایان، دادرس ترین حاکمان، سریع ترین حسابرسان، مهربان ترین

الرَّاحِمینَ، خَیْرُ الْغافِرینَ، قاضی حَوآئِجِ الْمُؤْمِنینَ، مُغیثُ الصَّالِحینَ، انْتَ

مهربانان، بهترین آمرزندگان، برآورنده نیازهای مؤمنان، فریادرس صالحان، تویی

اللّهُ لا الهَ الّا انْتَ، رَبُّ الّعالَمینَ، انْتَ الّخالِقُ وَا نَا الّمَخْلَوقُ، وَ انْتَ الّمالِکُ

خدایی که معبودی جز تو نیست که پروردگار جهانیانی، تویی آفریننده و منم مخلوق، و تویی صاحب اختیار

وَ ا نَا الْمَمْلُوکُ، وَانْتَ الرَّبُّ وَ ا نَا الْعَبْدُ، وَ انْتَ الرَّازِقُ وَ ا نَا الْمَرْزُوقُ،

و منم مملوک، و تویی پروردگار و منم بنده، و تویی روزی ده و منم روزی خوار،

وَانْتَ الْمُعْطی وَا نَا السَّآئِلُ، وَانْتَ الْجَوادُ وَ ا نَا الْبَخیلُ، وَانْتَ الْقَوِیُّ وَا نَا

و تویی بخشنده و منم گدا، و تویی سخاوتمند و منم بخیل، و تویی توانا و منم

الضَّعیفُ، وَانْتَ الْعَزیزُ وَا نَا الذَّلیلُ، وَانْتَ الْغَنِیُّ وَا نَا الْفَقیرُ، وَانْتَ السَّیِّدُ

ناتوان، و تویی گرامی و منم تسلیم تو و تویی بی نیاز و منم نیازمند و تویی سرور

وَا نَا الْعَبْدُ، وَانْتَ الْغافِرُ وَا نَا الْمُسیئُ، وَانْتَ الْعالِمُ وَا نَا الْجاهِلُ، وَانْتَ

و منم عبد، و تویی آمرزنده و منم گناهکار، و تویی دانا و منم نادان، و تویی

ص: 130

الْحَلیمُ وَا نَا الْعَجُولُ، وَانْتَ الرَّاحِمُ وَانَا الْمَرْحُومُ، وَانْتَ الْمُعافی وَا نَا

شکیبا و منم عجول، و تویی رحم کننده و منم مورد رحمت، و تویی شفا بخش و منم

الْمُبْتَلی وَانْتَ الْمُجیبُ وَانَا الْمُضْطَرُّ، وَانَا اشْهَدُ بِانَّکَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ

دردمند، و تویی اجابت کننده و منم گرفتار، و گواهی می دهم که تویی خدایی که معبودی

الَّا انْتَ، الْواحِدُ الْفَرْدُ، وَالَیْکَ الْمَصیرُ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَیْتِهِ

جز تو نیست، (خداوند) یگانه و تنهایی که بازگشت همه به سوی توست، و درود خدا بر محمّد و خاندان

الطَّیِّبینَ الطَّاهِرینَ، وَاغْفِرْ لی ذُنُوبی وَاسْتُرْ عَلَیَّ عُیُوبی وَافْتَحْ لی مِنْ

پاک و پاکیزه اش باد، (خدایا) گناهانم را ببخش و عیوبم را بپوشان، و از نزد خود

لَدُنْکَ رَحْمَةً، وَرِزْقاً واسِعاً، یاارْحَمَ الرَّاحِمینَ، وَالْحَمْدُلِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ،

درِ بخشش و روزی فراوان را به رویم بگشا، ای مهربان ترین مهربانان، و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است،

وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنْعِمَ الْوَکیلُ، وَلا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ.

خداوند (به عنوان پشتیبان) ما را بس و بهترین سرپرست است و پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند بلندمرتبه و با عظمت نیست.

دعای مجیر[139]:

دعای مجیر(1):

این دعا را مرحوم «کفعمی» در «بلدالامین» و «مصباح» آورده است 140] و بسیار ارزشمند و گران قیمت است و جبرئیل آن را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله- در حالی که آن حضرت در مقام ابراهیم مشغول نماز

بود- نازل کرد و در پاداش آن آمده است: هر کس این دعا را در روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم (ایّام البیض) ماه رمضان بخواند، گناهان فراوانی از او آمرزیده شود؛ همچنین این دعا برای شفای مریض، ادای قرض، به دست آوردن غنا و توانگری، رفع اندوه و غم، مؤثّر است.(2)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

سُبْحانَکَ یا اللَّهُ، تَعالَیْتَ یا رَحْمنُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ

پاک و منزّهی ای خدا، بلند مرتبه ای ای بخشنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی

ص: 131

1- [139]نام این دعا از کلمه« مجیر» که در این دعا تکرار گردیده گرفته شده که از اوصاف خدا و به معنای« پناه دهنده» است.

2- [141]حاشیه مصباح کفعمی، مطابق نقل مرحوم محدّث قمی در مفاتیح الجنان.

يا رَحيمُ، تَعالَيْتَ يا كَريمُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا مَلِكُ،

ای مهربان، بلندمرتبه ای ای بزرگوار، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای فرمانروا،

تَعالَيْتَ يا مالِكُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا قُدُّوسُ، تَعالَيْتَ يا

بلند مرتبه ای ای صاحب اختیار، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای پاکیزه، بلند مرتبه ای ای

سَلامُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا مُؤْمِنُ، تَعالَيْتَ يا مُهَيْمِنُ،

مایه سلامتی، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای ایمنی بخش، بلند مرتبه ای ای مقتدر،

اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا عَزيزُ، تَعالَيْتَ يا جَبَّارُ، اجِرْنا مِنَ

ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای گرامی، بلند مرتبه ای ای توانا، ما را از

النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا مُتَكَبِّرُ، تَعالَيْتَ يا مُتَجَبِّرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا

آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای ای بزرگ منش، بلندمرتبه ای ای قدرتمند، ما را از آتش دوزخ پناه ده،

مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا خالِقُ، تَعالَيْتَ يا بارِئُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ،

ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای آفریننده، بلند مرتبه ای ای پدیدآورنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده،

سُبْحانَكَ يا مُصَوِّرُ، تَعالَيْتَ يا مُقَدِّرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ

پاک و منزّهی ای شکل دهنده، بلند مرتبه ای ای تقدیرکننده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی

يا هادی تَعالَيْتَ يا باقی اجِرْنا مِنَ النَّارِ يامُجيرُ، سُبْحانَكَ يا وَهَّابُ،

ای هدایتگر، بلندمرتبه ای ای پاینده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای بخشنده،

تَعالَیْتَ یا تَوّابُ، اجِرْنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا فَتّاحُ، تَعالَیْتَ یا

بلند مرتبه ای ای توبه پذیر، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای گشاینده (گره ها)، بلند مرتبه ای ای

مُرْتاحُ، اجِرْنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا سَیِّدی تَعالَیْتَ یا مَوْلایَ،

فرح بخش، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای آقا و سرورم، بلند مرتبه ای ای مولا و سرورم،

اجِرْنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا قَریبُ، تَعالَیْتَ یا رَقیبُ، اجِرْنا مِنَ

ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای نزدیک، بلند مرتبه ای ای مراقب، ما را از

النّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا مُبْدِئُ، تَعالَیْتَ یا مُعیدُ، اجِرْنا مِنَ النّارِ یا

آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای آغاز کننده، بلند مرتبه ای ای بازگرداننده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای

مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا حَمیدُ، تَعالَیْتَ یا مَجیدُ، اجِرْنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ،

پناه دهنده، پاک و منزّهی ای ستوده، بلندمرتبه ای ای بزرگوار، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده،

ص :132

سُبْحانَکَ یا قَدیمُ، تَعالَیْتَ یا عَظیمُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یامُجیرُ، سُبْحانَکَ یا

پاک و منزّهی ای دیرینه، بلند مرتبه ای با عظمت، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای

غَفُورُ، تَعالَیْتَ یا شَکُورُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا شاهِدُ،

آمرزنده، بلند مرتبه ای شکرپذیر، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای گواه،

تَعالَیْتَ یا شَهیدُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا حَنَّانُ، تَعالَیْتَ یا

بلند مرتبه ای ای شاهد، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای با محبّت، بلندمرتبه ای ای

مَنَّانُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا باعِثُ، تَعالَیْتَ یا وارِثُ،

گشاده دست، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای برانگیزنده، بلندمرتبه ای ای وارث،

اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا مُحْیی تَعالَیْتَ یامُمیتُ، اجِرْنا مِنَ

ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای زنده کننده، بلندمرتبه ای ای میراننده، ما را از

النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا شَفیقُ، تَعالَیْتَ یا رَفیقُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا

آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای دلسوز، بلند مرتبه ای ای رفیق، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای

مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا انیسُ، تَعالَیْتَ یا مُونِسُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ،

پناه دهنده، پاک و منزّهی ای همدم، بلند مرتبه ای ای انس گیرنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده،

سُبْحانَکَ یا جَلیلُ، تَعالَیْتَ یا جَمیلُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ

پاک و منزّهی ای بزرگوار، بلند مرتبه ای ای زیبا، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی

یا خَبیرُ، تَعالَیْتَ یا بَصیرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا حَفِیُّ،

ای آگاه، بلندمرتبه ای ای بینا، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای پذیرنده،

تَعالَیْتَ یا مَلِیُّ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا مَعْبُودُ، تَعالَیْتَ یا

بلند مرتبه ای ای توانگر، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای معبود، بلند مرتبه ای ای

مَوْجُودُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا غَفَّارُ، تَعالَیْتَ یا قَهَّارُ،

موجود، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای آمرزنده، بلند مرتبه ای ای قادر مطلق،

اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا مَذْکُورُ، تَعالَیْتَ یا مَشْکُورُ، اجِرْنا

ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای یادشده، بلند مرتبه ای ای سپاس شده، ما را

مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا جَوادُ، تَعالَیْتَ یا مَعاذُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا

از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای بخشنده، بلند مرتبه ای ای پناهگاه، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای

ص: 133

مُجيرُ، سُبْحانَکَ یا جَمالُ، تَعالَیْتَ یا جَلالُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ،

پناه دهنده، پاک و منزّهی ای زیبا، بلند مرتبه ای ای باشکوه، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده،

سُبْحانَکَ یا سابِقُ، تَعالَیْتَ یا رازِقُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا

پاک و منزّهی ای پیشین، بلند مرتبه ای ای روزی ده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای

صادِقُ، تَعالَیْتَ یا فالِقُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا سَمیعُ،

راست گفتار، بلندمرتبه ای ای شکافنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای شنوا،

تَعالَیْتَ یا سَریعُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا رَفیعُ، تَعالَیْتَ یا

بلند مرتبه ای ای سریع (در اجابت)، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای، والا بلندمرتبه ای ای

بدیعُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا فَعَّالُ، تَعالَیْتَ یا مُتَعالُ، اجِرْنا

پدیدآورنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای تأثیرگذار، بلند مرتبه ای ای والامقام، ما را

مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا قاضی تَعالَیْتَ یا راضی اجِرْنا مِنَ النَّارِ

از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای حکم کننده، بلند مرتبه ای ای خوشنود، ما را از آتش دوزخ پناه ده،

یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا قاهِرُ، تَعالَیْتَ یا ظاهِرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ،

ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای غالب، بلند مرتبه ای ای آشکار، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده،

سُبْحانَکَ یا عالِمُ، تَعالَیْتَ یا حاکِمُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا

پاک و منزّهی ای دانا، بلند مرتبه ای ای حکم کننده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای

دآئِمُ، تَعالَیْتَ یا قآئِمُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا عاصِمُ،

جاودان، بلندمرتبه ای ای استوار، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای بازدارنده،

تَعالَیْتَ یا قاسِمُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا غَنِیُّ، تَعالَیْتَ یا

بلند مرتبه ای ای قسمت کننده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای بی نیاز بلندمرتبه ای ای

مُغْنی اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا وَفِیُّ، تَعالَیْتَ یا قَوِیُّ، اجِرْنا

بی نیاز کننده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای وفادار، بلند مرتبه ای ای توانا، ما را

مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا کافی تَعالَیْتَ یا شافی اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا

از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای کفایت کننده، بلند مرتبه ای شفا دهنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای

مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا مُقَدِّمُ، تَعالَیْتَ یا مُؤَخِّرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یامُجیرُ،

پناه دهنده، پاک و منزّهی ای پیشی گیرنده، بلند مرتبه ای ای تأخیراندازنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده،

سُبْحانَکَ یا اوَّلُ، تَعالَیْتَ یا آخِرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا

پاک و منزّهی ای آغاز، بلند مرتبه ای ای پایان ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای

ظاهِرُ، تَعالَیْتَ یا باطِنُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا رَجآءُ،

آشکار، بلندمرتبه ای ای پنهان، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای امید،

تَعالَیْتَ یا مُرْتَجی اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا ذَا الْمَنِّ، تَعالَیْتَ

بلندمرتبه ای ای مورد امید، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای صاحب منّت، بلند مرتبه ای

یا ذَا الطَّوْلِ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یاحَیُّ، تَعالَیْتَ یا قَیُّومُ،

ای صاحب احسان، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای زنده، بلند مرتبه ای ای پاینده،

اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا واحِدُ، تَعالَیْتَ یا احَدُ، اجِرْنا مِنَ

ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای یکتا، بلند مرتبه ای ای یگانه، ما را از

النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا سَیِّدُ، تَعالَیْتَ یا صَمَدُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا

آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای آقا و سرور، بلند مرتبه ای ای بی نیاز، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای

مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا قَدیرُ، تَعالَیْتَ یا کَبیرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ،

پناه دهنده، پاک و منزّهی ای توانا، بلند مرتبه ای ای بزرگ، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده،

سُبْحانَکَ یا والی تَعالَیْتَ یا عالی اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا

پاک و منزّهی ای سرپرست، بلند مرتبه ای ای والامقام، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی

عَلِیُّ، تَعالَیْتَ یا اعْلی اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا وَلِیُّ، تَعالَیْتَ

ای بلندمرتبه، بلند مرتبه ای ای برتر، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای صاحب اختیار، بلند مرتبه ای

یا مَوْلی اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا ذارِئُ، تَعالَیْتَ یا بارِئُ،

ای سرور، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای پدیدآورنده، بلند مرتبه ای ای آفریننده،

اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا خافِضُ، تَعالَیْتَ یا رافِعُ، اجِرْنا مِنَ

ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای پایین آورنده، بلند مرتبه ای ای بالابرنده، ما را از

النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا مُقْسِطُ، تَعالَیْتَ یا جامِعُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا

آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای عدالت پیشه، بلند مرتبه ای ای گردآورنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای

مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا مُعِزُّ، تَعالَیْتَ یا مُذِلُّ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ،

پناه دهنده، پاک و منزّهی ای عزّت بخش، بلند مرتبه ای ای خوارکننده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده،

ص: 135

سُبْحانَکَ یا حافِظُ، تَعالَیْتَ یا حَفیظُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ

پاک و منزّهی ای حفاظت کننده، بلند مرتبه ای ای نگهدارنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی

یا قادِرُ، تَعالَیْتَ یا مُقْتَدِرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا عَلیمُ،

ای توانا، بلند مرتبه ای ای با اقتدار، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای دانا،

تَعالَیْتَ یا حَلیمُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا حَکَمُ، تَعالَیْتَ یا

بلند مرتبه ای ای شکیبا، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای داور، بلند مرتبه ای

حَکیمُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا مُعْطی تَعالَیْتَ یا مانِعُ،

ای دانا، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای عطاکننده، بلند مرتبه ای ای بازدارنده،

اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا ضآرُّ، تَعالَیْتَ یا نافِعُ، اجِرْنا مِنَ

ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای زیان رسان، بلند مرتبه ای ای سودرسان، ما را از

النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا مُجیبُ، تَعالَیْتَ یا حَسیبُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ

آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای اجابت کننده، بلند مرتبه ای ای حسابگر، ما را از آتش دوزخ

یامُجیرُ، سُبْحانَکَ یا عادِلُ، تَعالَیْتَ یا فاضِلُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ،

پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای عادل، بلند مرتبه ای ای با فضیلت، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده،

سُبْحانَکَ یا لَطیفُ، تَعالَیْتَ یا شَریفُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ

پاک و منزّهی ای مهربان، بلندمرتبه ای ای بزرگوار، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی

یا رَبُّ، تَعالَیْتَ یا حَقُّ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا ماجِدُ،

ای پروردگار، بلند مرتبه ای ای حق، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای بزرگوار،

تَعالَیْتَ یا واحِدُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا عَفُوُّ، تَعالَیْتَ یا

بلند مرتبه ای ای یگانه، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای عفوکننده، بلند مرتبه ای ای

مُنْتَقِمُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا واسِعُ، تَعالَیْتَ یا مُوَسِّعُ،

انتقام گیرنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای گسترده، بلند مرتبه ای ای وسعت ده،

اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا رَءُوفُ، تَعالَیْتَ یا عَطُوفُ، اجِرْنا

ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای مهربان، بلند مرتبه ای باعطوفت، ما را

مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا فَرْدُ، تَعالَیْتَ یا وِتْرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا

از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای تنها، بلند مرتبه ای ای یگانه، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای

ص: 136

مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا مُقیتُ، تَعالَیْتَ یا مُحیطُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ،

پناه دهنده، پاک و منزّهی ای نیروبخش، بلند مرتبه ای ای دربرگیرنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده،

سُبْحانَکَ یا وَکیلُ، تَعالَیْتَ یا عَدْلُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا

پاک و منزّهی ای وکیل، بلند مرتبه ای ای عادل، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای

مُبینُ، تَعالَیْتَ یا مَتینُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا بَرُّ، تَعالَیْتَ

آشکارکننده، بلند مرتبه ای ای استوار، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای نیکوکار، بلند مرتبه ای

یا وَدُودُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا رَشیدُ، تَعالَیْتَ یا مُرْشِدُ،

ای با محبت، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای راهنما، بلند مرتبه ای ای ارشادکننده،

اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا نُورُ، تَعالَیْتَ یا مُنَوِّرُ، اجِرْنا مِنَ

ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای نور، بلند مرتبه ای ای روشنی بخش، ما را از

النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا نَصیرُ، تَعالَیْتَ یا ناصِرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا

آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای یاور، بلند مرتبه ای ای یاری کننده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای

مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا صَبُورُ، تَعالَیْتَ یا صابِرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ،

پناه دهنده، پاک و منزّهی ای شکیبا، بلندمرتبه ای ای صابر، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده،

سُبْحانَکَ یا مُحْصی تَعالَیْتَ یا مُنْشِئُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ

پاک و منزّهی ای احصا کننده، بلند مرتبه ای ای پدیدآورنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی

یا سُبْحانُ، تَعالَیْتَ یا دَیَّانُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا مُغیثُ،

ای تسبیح شده بلند مرتبه ای ای داور روز جزا، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای دادرس،

تَعالَیْتَ یا غِیاثُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا فاطِرُ، تَعالَیْتَ یا

بلند مرتبه ای ای فریادرس، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای آفریننده، بلند مرتبه ای ای

حاضِرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ یا مُجیرُ، سُبْحانَکَ یا ذَا الْعِزِّ والْجَمالِ، تَبارَکْتَ یا

حاضر، ما را از آتش دوزخ پناه ده، ای پناه دهنده، پاک و منزّهی ای صاحب عزّت و زیبایی، بلند مرتبه ای

ذَاالْجَبَرُوتِ وَالْجَلالِ، سُبْحانَکَ لا الهِ الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ انّی کُنْتُ مِنَ

ای صاحب قدرت و شکوه، پاک و منزّهی تو که معبودی جز تو نیست پاک و منزّهی تو، و من از

الظَّالِمینَ، فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّیْناهُ مِنَ الْغَمِّ، وَکَذلِکَ نُنْجیِ الْمُؤْمِنینَ،

ستمکاران بودم. (ای که فرمودی) ما دعای او (یونس) را به اجابت رساندیم و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم و این گونه مؤمنان را نجات می دهیم

ص: 137

وَصَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اجْمَعینَ، وَالْحَمْدُللَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، وَحَسْبُنَا

(ما را ببخش و اندوه و غم را از ما دور کن) و خدا بر محمّد و تمامی خاندانش درود فرستد و حمد و سپاس از آنِ خداوندی است که پروردگار جهانیان است

اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَکیلُ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلیِّ العَظیمِ.

و خداوند ما را کافی و بهترین وکیل است و پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند بلندمرتبه و با عظمت نیست.

دعای جوشن کبیر[142]:

دعای جوشن کبیر(1):

این دعا را امام زین العابدین علیه السلام از پدر بزرگوارش از جدّش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است. درباره شأن ورود این دعا آمده است: در یکی از جنگ ها، رسول خدا صلی الله علیه و آله زره و جوشن سنگینی بر تن داشت که سبب آزار آن حضرت می شد، پیامبر صلی الله علیه و آله به درگاه خدا دعا کرد تا آن که جبرئیل نازل شد و گفت: خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید: این زره سنگین را از تن خارج ساز و در عوض، این دعا را بخوان که برای تو و امّت تو، امان و حرزی خواهد بود. آنگاه فضیلت های فراوانی را در عظمت این دعا نقل کرده است، از جمله اینکه:

هر کس آن را بخواند و از منزل خارج شود و یا آن را همراه خویش داشته باشد (و در روح خود پیاده کند) اهل بهشت است و خداوند توفیق انجام اعمال صالح را به وی عنایت می کند. این دعا برای درمان بیماری های سخت و کسب پاداش های فراوان معنوی مفید است. امام حسین علیه السلام فرمود: پدرم مرا به حفظ و بزرگداشت این دعا سفارش کرد و به من فرمود: این دعا را بر کفنش بنویسم و آن را به خانواده ام تعلیم دهم و آنان را نسبت به خواندن این دعا ترغیب نمایم.(2) چند نکته:

1- نوشتن این دعا بر روی کفن- همان گونه که از روایت برمی آید- مستحب است؛ مرحوم «علّامه بحرالعلوم» نیز در شعر خود بدان اشاره کرده است:

و سُنَّ ان یُکْتب بالأکفان شهاده الاسلام و الایمان

و هکذا کتابه القرآن و الجوشن المنعوت بالأمان

یعنی: «نوشتن این امور بر روی کفن سنّت است: شهادت به اسلام و ایمان (ولایت) و همچنین نوشتن آیات قرآن و دعای جوشن که امانی است از عذاب».

ص: 138

1- [142]سبب نامگذاری این دعا به جوشن کبیر، آن است که این دعا در برابر بلاها و آسیب های دنیوی و اخروی زره و محافظ خوبی است(جوشن به معنای زره است)، این دعا در مصباح کفعمی، صفحه 247 و بلدالامین، صفحه 402 آمده است.
2- [143]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 382.

2- مرحوم «علاّمه مجلسی» در کتاب «زاد المعاد» این دعا را از اعمال شبهای قدر دانسته است 144] و از روایات استفاده می شود، سه بار یا حدّاقل یک بار در ماه مبارک رمضان آن را بخوانند.(1) 3- گرچه معروف است که این دعا، صد فصل دارد و هر فصل آن، شامل ده اسم از اسمای الهی است که مجموعاً یک هزار اسم از اسمای پرمعنای خداوند است؛ ولی با دقت روشن می شود که یک هزار و یک اسم می باشد، زیرا بند 55 مشتمل بر 11 اسم الهی است.

به هر حال، در پایان هر فصل به خداوند متعال از عذاب دوزخ پناه می بریم و می گوییم: «

سُبْحانَکَ یا لا الهَ الَّا انْتَ، الْغَوْثَ، الْغَوْثَ، خَلِّصْنا مِنَ النَّارِ یا رَبِ

». بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

(1) اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ یا اللَّهُ یا رَحْمنُ، یا رَحیمُ یا کَریمُ، یا

(1) خدایا از تو می خواهم به حقّ نامت، ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای بزرگوار، ای

مُقیمُ یا عَظیمُ، یا قَدیمُ یا عَلیمُ، یا حَلیمُ یا حَکیمُ، سُبْحانَکَ یا لا الهَ الَّا

پایدار، ای بزرگ، ای دیرینه، ای دانا، ای شکیبا، ای خردمند، تسبیح می گویم تو را ای کسی که جز تو معبودی

انْتَ، الْغَوْثَ، الْغَوْثَ، خَلِّصْنا مِنَ النَّارِ یا رَبِ (2) یا سَیِّدَ السَّاداتِ، یا

نیست، یاریمان کن، یاریمان کن، ما را از آتش دوزخ برهان، ای پرودگار من (2) ای آقا و سرور بزرگان، ای

مُجیبَ الدَّعَواتِ، یا رافِعَ الدَّرَجاتِ، یا وَلِیَّ الْحَسَناتِ، یا غافِرَ

اجابت کننده دعاها، ای بالا برنده رتبه ها، ای صاحب نیکی ها، ای آمرزنده

الْخَطیئآتِ، یا مُعْطِیَ الْمَسْئَلاتِ، یا قابِلَ التَّوْباتِ، یا سامِعَ الْأَصْواتِ، یا

خطاها، ای عطاکننده خواسته ها، ای پذیرنده توبه ها، ای شنونده صداها، ای

عالِمَ الْخَفِیّاتِ، یا دافِعَ الْبَلِیّاتِ (3) یا خَیْرَ الْغافِرینَ، یا خَیْرَ الْفاتِحینَ، یا

دانای نهانها، ای برطرف کننده بلاها (3) ای بهترین آمرزندگان، ای بهترین کارگشایان، ای

خَیْرَ النّاصِرینَ، یا خَیْرَ الْحاکِمینَ، یا خَیْرَ الرّازِقینَ، یا خَیْرَ الْوارِثینَ، یا

بهترین یاوران، ای بهترین داوران، ای بهترین روزی دهندگان، ای بهترین وارثان، ای

1- [145]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 384.

خَيْرَ الْحامِدينَ، يا خَيْرَ الذَّاكِرينَ، يا خَيْرَ الْمُنْزِلينَ، يا خَيْرَ الْمُحْسِنينَ (4)

بهترين سپاسگزاران، اى بهترين يادكنندگان، اى بهترين نازل كنندگان، اى بهترين احسان كنندگان، (4)

يا مَنْ لَهُ الْعِزَّةُ وَالْجَمالُ، يا مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَالْكَمالُ، يا مَنْ لَهُ الْمُلْكُ

اى كه عزت و زيبايى از آنِ توست، اى كه توانايى و كمال از آنِ توست، اى كه فرمانروايى

وَالْجَلالُ، يا مَنْ هُوَ الْكَبيرُ الْمُتَعالُ، يا مُنْشِى ءَ السَّحابِ الثِّقالِ، يا مَنْ هُوَ

و شكوه از آنِ توست، اى كه بزرگى و بلندمرتبگى از آنِ توست، اى پديدآورنده ابرهاى سنگين، اى كه

شَديدُ الْمِحالِ، يا مَنْ هُوَ سَريعُ الْحِسابِ، يا مَنْ هُوَ شَديدُ الْعِقابِ، يا مَنْ

انتقام گيرى سخت از آنِ توست، اى كه حسابرسى سريع از آنِ توست، اى كه سخت كيفرى، اى كه

عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوابِ، يا مَنْ عِنْدَهُ امُّ الْكِتابِ (5) اللهُمَّ انّى اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

پاداش نيكو نزد توست، اى كه اصل كتاب نزد توست (5) خدايا از تو مى خواهم به حق نامت

يا حَنَّانُ يا مَنَّانُ، يا دَيَّانُ يا بُرْهانُ، يا سُلْطانُ يا رِضْوانُ، يا غُفْرانُ يا

اى با محبت اى گشاده دست، اى داور روز جزا، اى راهنما، اى فرمانروا، اى مايه خشنودى، اى آمرزنده، اى

سُبْحانُ، يا مُسْتَعانُ يا ذَاالْمَنِّ وَالْبَيانِ (6) يا مَنْ تَواضَعَ كُلُّ شَىْ ءٍ لِعَظَمَتِهِ،

تسبيح شده، اى ياور، اى صاحب منّت و بيان (6) اى كه همه چيز در برابر عظمتت سر فرود آورده،

يا مَنِ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَىْ ءٍ لِقُدْرَتِهِ، يا مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَىْ ءٍ لِعِزَّتِهِ، يا مَنْ خَضَعَ

ای که همه چیز در برابر قدرتت تسلیم گشته، ای که همه چیز در برابر عزّتت خوار گردیده، ای که همه چیز

کُلُّ شَیْ ءٍ لِهَیْبَتِهِ، یا مَنِ انْقادَ کُلُّ شَیْ ءٍ مِنْ خَشْیَتِهِ، یا مَنْ تَشَقَّقَتِ الْجِبالُ

از هیبتت فروتن گشته، ای که همه چیز از ترست فرمانبردار گردیده، ای که کوه ها

مِنْ مَخافَتِهِ، یا مَنْ قامَتِ السَّمواتُ بِامْرِهِ، یا مَنِ اسْتَقَرَّتِ الْأَرَضُونَ

از خوفت شکاف برداشته، ای که آسمانها به فرمانت برافراشته شده، ای که زمین ها به اجازه ات

بِاذْنِهِ، یا مَنْ یُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ، یا مَنْ لا یَعْتَدی عَلی اهْلِ مَمْلَکَتِهِ (7) استقرار یافته، ای که غرّش رعد، حمد و تسبیح تو گوید، ای که به زیر دستانت ستم نکنی (7)

یا غافِرَ الْخَطایا، یا کاشِفَ الْبَلایا، یا مُنْتَهَی الرَّجایا، یا مُجْزِلَ الْعَطایا، یا

ای آمرزنده خطاها، ای برطرف کننده بلاها، ای نهایت امیدها، ای فراوان بخشنده عطاها، ای

واهِبَ الْهَدایا، یا رازِقَ الْبَرایا، یا قاضِیَ الْمَنایا، یا سامِعَ الشَّکایا، یا

دهنده هدایا، ای روزی دهنده مخلوقات، ای برآورنده آرزوها، ای شنونده شکایت ها، ای

ص: 140

باعِثَ الْبَرايا، يا مُطْلِقَ الْأُسارى (8) ياذَا الْحَمْدِوَالثَّناۤءِ، يا ذَاالْفَخْرِ

برانگيزنده مخلوقات، اى آزادكننده اسيران (8) اى صاحب حمد و سپاس، اى صاحب فخر

وَالْبَهاۤءِ، يا ذَا الْمَجْدِ وَالسَّناۤءِ، يا ذَا الْعَهْدِ وَالْوَفاۤءِ، يا ذَا الْعَفْوِ وَالرِّضاۤءِ، يا

و درخشش، اى صاحب بزرگوارى و عظمت، اى صاحب پيمان و وفادارى، اى صاحب عفو و خشنودى، اى

ذَا الْمَنِّ وَالْعَطاۤءِ، يا ذَا الْفَصْلِ وَالْقَضاۤءِ، يا ذَا الْعِزِّ وَالْبَقاۤءِ، يا ذَا الْجُودِ

صاحب نعمت و عطا، اى جدا كننده (حق از باطل) و داور، اى صاحب عزّت و پايدارى، اى صاحب بخشش

وَالسَّخاۤءِ، يا ذَا الْأَلاءِ وَالنَّعْماۤءِ (9) اللهُمَّ انّى اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا مانِعُ يا

و سخاوت، اى صاحب احسانها و نعمت ها (9) خدايا از تو مى خواهم به حقّ نامت اى بازدارنده،

دافِعُ، يا رافِعُ يا صانِعُ، يا نافِعُ يا سامِعُ، يا جامِعُ يا شافِعُ، يا واسِعُ

اى دفع كننده، اى بالا برنده، اى سازنده، اى سود رساننده، اى شنونده، اى گردآورنده، اى شفاعت كننده، اى گسترده،

يا مُوسِعُ (10) يا صانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، يا خالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ، يا رازِقَ كُلِ

اى توانگر (10) اى سازنده هر ساخته شده، اى آفريننده هر آفريده، اى روزى ده هر

مَرْزُوقٍ، يا مالِكَ كُلِّ مَمْلُوكٍ، يا كاشِفَ كُلِّ مَكْرُوبٍ، يا فارِجَ كُلِ

روزى خوار، اى مالک هر دارايى، اى غمزداى غمزدگان، اى شادكننده

مَهْمُومٍ، يا راحِمَ كُلِّ مَرْحُومٍ، يا ناصِرَ كُلِّ مَخْذُولٍ، يا ساتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ،

اندوهگینان، ای رحم کننده هر مرحوم، ای یاور هر بی یاور، ای پوشاننده هر معیوب،

یا مَلْجَأَ کُلِّ مَطْرُودٍ (11) یا عُدَّتی عِنْدَ شِدَّتی یا رَجآئی عِنْدَ مُصیبَتی یا

ای پناه هر رانده شده (11) ای ذخیره ام در سختی ها، ای امیدم در مصیبت ها، ای

مُونِسی عِنْدَ وَحْشَتی یا صاحِبی عِنْدَ غُرْبَتی یا وَلِیّی عِنْدَ نِعْمَتی یا

همدمم در وحشت ها، ای همصحبتم در غربت ها، ای سرپرستم در نعمتها، ای

غِیاثی عِنْدَ کُرْبَتی یا دَلیلی عِنْدَ حَیْرَتی یا غَنآئی عِنْدَ افْتِقاری یا

فریادرسم در گرفتاریها، ای راهنمایم در سرگردانی ها، ای بی نیازیم در نیازمندیها، ای

مَلْجَأی عِنْدَ اضْطِراری یا مُعینی عِنْدَ مَفْزَعی (12) یا عَلَّامَ الْغُیُوبِ، یا

پناهم در ناچاریها، ای کمکم در پریشانی ها (12) ای دانای نهانها، ای

غَفَّارَ الذُّنُوبِ، یا سَتَّارَ الْعُیُوبِ، یا کاشِفَ الْکُرُوبِ، یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، یا

آمرزنده گناهان، ای پرده پوش عیبها، ای برطرف کننده غمها، ای گرداننده دلها، ای

ص: 141

طَبيبَ الْقُلُوبِ، يا مُنَوِّرَ الْقُلُوبِ، يا انيسَ الْقُلُوبِ، يا مُفَرِّجَ الْهُمُومِ، يا

شفابخش دلها، ای روشنی بخش دلها، ای همدم دلها، ای گشاینده اندوه ها، ای

مُنَفِّسَ الْغُمُومِ، (13) اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاْسمِکَ یا جَلیلُ یا جَمیلُ، یا وَکیلُ

پاک کننده غمها (13) خدایا از تو می خواهم به حقّ نامت ای بزرگوار، ای زیبا، ای نماینده،

یا کَفیلُ، یا دَلیلُ یا قَبیلُ، یا مُدیلُ یا مُنیلُ، یا مُقیلُ یا مُحیلُ (14) یا دَلیلَ

ای عهده دار، ای راهنما، ای پذیرنده، ای دولت بخش، ای احسان کننده، ای درگذرنده، ای چاره ساز (14) ای راهنمای

الْمُتَحَیِّرینَ، یا غِیاثَ الْمُسْتَغیثینَ، یا صَریخَ الْمُسْتَصْرِخینَ، یا جارَ

سرگردانان، ای فریادرس فریادرس خواهان، ای دادرس دادخواهان، ای پناه

الْمُسْتَجیرینَ، یا امانَ الْخآئِفینَ، یا عَوْنَ الْمُؤْمِنینَ، یا راحِمَ الْمَساکینَ،

پناه جویان، ای امان خائفان، ای یاور مؤمنان، ای رحم کننده بیچارگان،

یا مَلْجَأَ الْعاصینَ، یا غافِرَ الْمُذْنِبینَ، یا مُجیبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرّینَ (15) یا ذَا

ای پناه خطاکاران، ای آمرزنده گناهکاران، ای اجابت کننده دعای بیچارگان (15) ای صاحب

الْجُودِ وَالْإِحْسانِ، یا ذَا الْفَضْلِ وَالْإِمْتِنانِ، یا ذَا الْأَمْنِ وَالْأَمانِ، یا

سخاوت و نیکی، ای صاحب کرم و نعمت، ای مایه امنیّت و آرامش، ای

ذَاالْقُدْسِ وَالسُّبْحانِ، یا ذَاالْحِکْمَهِ وَالْبَیانِ، یا ذَا الرَّحْمَهِ وَالرِّضْوانِ، یاذَا

صاحب قداست و پاکی، ای صاحب حکمت و بیان، ای مایه رحمت و خشنودی، ای صاحب

الْحُجَّةِ وَالْبُرْهانِ، یا ذَا الْعَظَمَهِ وَالسُّلْطانِ، یا ذَا الرَّأفَهِ وَالْمُسْتَعانِ، یا ذَا

دلیل و برهان (قاطع)، ای صاحب بزرگی و فرمانروایی، ای صاحب رحمت و پشتیبان، ای صاحب

العَفْوِ وَالْغُفْرانِ (16) یا مَنْ هُوَ رَبُّ کُلِّ شَیْ ءٍ، یا مَنْ هُوَ الهُ کُلِّ شَیْ ءٍ، یا

عفو و آمرزش (16) ای که تویی پروردگار هر چیز، ای که تویی معبود هر چیز، ای

مَنْ هُوَ صانِعُ کُلِّ شَیْ ءٍ، یا مَنْ هُوَ خالِقُ کُلِّ شَیْ ءٍ، یا مَنْ هُوَ قَبْلَ کُلِ

که تویی سازنده هر چیز، ای که تویی آفریننده هر چیز، ای که تویی قبل از هر

شَیْ ءٍ، یا مَنْ هُوَ بَعْدَ کُلِّ شَیْ ءٍ، یا مَنْ هُوَ فَوْقَ کُلِّ شَیْ ءٍ، یا مَنْ هُوَ عالِمٌ

چیز، ای که تویی بعد از هر چیز، ای که تویی برتر از هر چیز، ای که تویی دانای

بِکُلِّ شَیْ ءٍ، یا مَنْ هُوَ قادِرٌ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ، یا مَنْ هُوَ یَبْقی وَیَفْنی کُلُ

به هر چیز، ای که تویی توانای بر هر چیز، ای که تویی باقی، و هر چیز دیگر

شَىْ ءٍ (17) اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ یا مُؤْمِنُ یا مُهَیْمِنُ، یا مُکَوِّنُ یا مُلَقِّنُ،

فانى (17) خدایا از تو مى خواهم به حقّ نامت اى امان دهنده، اى مقتدر، اى پدیدآورنده، اى آمرزنده،

یا مُبَیِّنُ یا مُهَوِّنُ، یا مُمَکِّنُ یا مُزَیِّنُ، یامُعْلِنُ یا مُقَسِّمُ (18) یا مَنْ هُوَ فى

اى روشنگر، اى آسان کننده، اى نیروبخش، اى زینت بخش، اى آشکار کننده، اى تقسیم کننده (18) اى که در

مُلْکِهِ مُقیمٌ، یا مَنْ هُوَ فى سُلْطانِهِ قَدیمٌ، یا مَنْ هُو فى جَلالِهِ عَظیمٌ، یا

فرمانروایى پایدارى، اى که در سلطنت دیرینه اى، اى که در شکوه بس بزرگى، اى

مَنْ هُوَ عَلى عِبادِهِ رَحیمٌ، یا مَنْ هُوَ بِکُلِّ شَىْ ءٍ عَلیمٌ، یا مَنْ هُوَ بِمَنْ

که بر بندگان مهربانى، اى که بر همه چیز دانایى، اى که بر

عَصاهُ حَلیمٌ، یا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجاهُ کَریمٌ، یا مَنْ هُوَ فى صُنْعِهِ حَکیمٌ، یا

گنهکاران شکیبایى، اى که بر امیدواران بخشنده اى، اى که در آفرینش عالم دانایى، اى

مَنْ هُوَ فى حِکْمَتِهِ لَطیفٌ، یامَنْ هُوَ فى لُطْفِهِ قَدیمٌ (19) یا مَنْ لایُرْجى الَّا

که دانائیت دقیق، اى که در مهربانى دیرینه اى (19) اى که جز به فضل و کرمت

فَضْلُهُ، یا مَنْ لا یُسْئَلُ الَّا عَفْوُهُ، یا مَنْ لایُنْظَرُ الَّا بِرُّهُ، یا مَنْ لا یُخافُ الَّا

امیدى نیست، اى که جز عفوت درخواستى نیست، اى که جز نیکیت انتظارى نیست، اى که جز از عدلت

عَدْلُهُ، یا مَنْ لا یَدُومُ الَّا مُلْکُهُ، یا مَنْ لا سُلْطانَ الَّا سُلْطانُهُ، یا مَنْ

ترسی نیست، ای که جز فرمانرواییت جاودان نماند، ای که جز فرمانرواییت فرمانروایی نیست، ای که

وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ رَحْمَتُهُ، یا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ، یا مَنْ احاطَ بِکُلِ

رحمتت همه چیز را فرا گرفته، ای که رحمتت بر غضبت پیشی گرفته، ای که علمت بر همه چیز

شَیْ ءٍ عِلْمُهُ، یا مَنْ لَیْسَ احَدٌ مِثْلَهُ (20) یا فارِجَ الْهَمِّ، یا کاشِفَ الْغَمِّ، یا

احاطه دارد، ای که هیچ کس مانندت نیست (20) ای گشاینده اندوه، ای برطرف کننده غم، ای

غافِرَ الذَّنْبِ، یا قابِلَ التَّوْبِ، یا خالِقَ الْخَلْقِ، یا صادِقَ الْوَعْدِ، یا مُوفِیَ

آمرزنده گناه، ای توبه پذیر، ای آفریننده خلق، ای خوش قول، ای وفا کننده

الْعَهْدِ، یا عالِمَ السِّرِّ، یا فالِقَ الْحَبِّ، یارازِقَ الْأَنامِ (21) اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ

پیمان، ای دانای راز، ای شکافنده دانه، ای روزی دهنده مردم (21) خدایا از تو می خواهم

بِاسْمِکَ یا عَلِیُّ یا وَفِیُّ، یا غَنِیُّ یا مَلِیُّ، یا حَفِیُّ یا رَضِیُّ، یا زَکِیُّ یا

به حقّ نامت، ای بلندمرتبه، ای وفادار، ای بی نیاز، ای توانگر، ای پذیرنده، ای خشنود، ای پاکیزه، ای

ص: 143

بَدِیٌّ، یا قَوِیٌّ یا وَلِیُ (22) یا مَنْ اظْهَرَ الْجَمیلَ، یا مَنْ سَتَرَ الْقَبیحَ، یا مَنْ لَمْ

آفریننده، ای توانا، ای سرپرست (22) ای که زیبایی ها را آشکار ساختی، ای که زشتی ها را پوشاندی، ای که بر

یُؤاخِذْ بِالْجَریرَهِ، یا مَنْ لَمْ یَهْتِکِ السِّتْرَ، یا عَظیمَ الْعَفْوِ، یا حَسَنَ

بدی مؤاخذه نکردی، ای که پرده دری ننمودی، ای صاحب عفو بزرگ، ای صاحب

التَّجاوُزِ، یا واسِعَ الْمَغْفِرَهِ، یا باسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَهِ، یا صاحِبَ کُلِ

گذشت نیکو، ای گسترده آمرزش، ای گشاینده دست به رحمت، ای آگاه از هر

نَجْوی یا مُنْتَهی کُلِّ شَکْوی (23) یا ذَا النِّعْمَهِ السَّابِغَهِ، یا ذَا الرَّحْمَهِ

راز، ای نهایت هر شکایت (23) ای صاحب نعمت بی حساب، ای صاحب رحمت

الْواسِعَهِ، یا ذَاالْمِنَّهِ السَّابِقَهِ، یا ذَا الْحِکْمَهِ الْبالِغَهِ، یا ذَا الْقُدْرَهِ الْکامِلَهِ، یا

بی پایان، ای صاحب نعمت پیشین، ای صاحب حکمت بی انتها، ای صاحب قدرت بی کران، ای

ذَا الْحُجَّهِ الْقاطِعَهِ، یا ذَا الْکَرامَهِ الظَّاهِرَهِ، یا ذَا الْعِزَّهِ الدَّآئِمَهِ، یا ذَا الْقُوَّهِ

صاحب دلیل روشن، ای صاحب بزرگواری آشکار، ای صاحب عزّت جاودان، ای صاحب نیروی

الْمَتینَهِ، یا ذَاالْعَظَمَهِ الْمَنیعَهِ (24) یا بَدیعَ السَّمواتِ، یا جاعِلَ الظُّلُماتِ، یا

استوار، ای صاحب بزرگی دست نیافتنی (24) ای پدیدآورنده آسمانها، ای آفریننده تاریکی ها، ای

راحِمَ الْعَبَراتِ، یا مُقیلَ الْعَثَراتِ، یا ساتِرَ الْعَوْراتِ، یا مُحْیِیَ الْأَمْواتِ،

رحم کننده بر اشکها، ای درگذرنده از لغزشها، ای پوشاننده زشتی ها، ای زنده کننده مردگان،

یا مُنْزِلَ الْایاتِ، یا مُضَعِّفَ الْحَسَناتِ، یا ماحِیَ السَّیِّئاتِ، یا شَدیدَ

ای نازل کننده آیات، ای فزون کننده نیکیها، ای محو کننده بدیها، ای سخت

النَّقِماتِ (25) اللّٰهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ یا مُصَوِّرُ یا مُقَدِّرُ، یا مُدَبِّرُ یا

انتقام گیر (25) خدایا از تو می خواهم به حق نامت، ای شکل دهنده، ای تقدیر کننده، ای تدبیر کننده، ای

مُطَهِّرُ، یا مُنَوِّرُ یا مُیَسِّرُ، یا مُبَشِّرُ یا مُنْذِرُ، یا مُقَدِّمُ یا مُؤَخِّرُ (26) یا رَبَ

پاک کننده، ای روشن کننده، ای آسان کننده، ای بشارت دهنده، ای ترساننده، ای پیشی گیرنده، ای تأخیراندازنده (26) ای پروردگار

الْبَیْتِ الْحَرامِ، یا رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرامِ، یا رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ، یا رَبَّ الرُّکْنِ وَ

کعبه، ای پروردگار ماه حرام، ای پروردگار بلد حرام، ای پروردگار رکن و

الْمَقامِ، یا رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ، یا رَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ، یا رَبَّ الْحِلِ

مقامِ (ابراهیم)، ای پروردگار مشعر الحرام، ای پروردگار مسجد الحرام، ای پروردگار حلال

وَالْحَرامِ، یا رَبَّ النُّورِ وَالظَّلامِ، یا رَبَّ التَّحِیَّهِ وَالسَّلامِ، یارَبَّ الْقُدْرَهِ فِی

و حرام، ای پروردگار نور و ظلمت، ای پروردگار درود و سلام، ای پروردگار توانای در

الْأَنامِ (27) یا احْکَمَ الْحاکِمینَ، یا اعْدَلَ الْعادِلینَ، یا اصْدَقَ الصَّادِقینَ، یا

میان مخلوقات (27) ای حکمرانترین حاکمان، ای عادلترین عادلان، ای راستگوترین راستگویان، ای

اطْهَرَ الطَّاهِرینَ، یا احْسَنَ الْخالِقینَ، یا اسْرَعَ الْحاسِبینَ، یا اسْمَعَ

پاکترین پاکان، ای بهترین آفرینندگان، ای سریعترین حسابگران، ای شنواترین

السَّامِعینَ، یا ابْصَرَ النَّاظِرینَ، یا اشْفَعَ الشَّافِعینَ، یا اکْرَمَ الْأَکْرَمینَ (28) یا

شنوایان، ای بیناترین بینایان، ای بهترین شافعان، ای گرامی ترین گرامیان (28) ای

عِمادَ مَنْ لاعِمادَ لَهُ، یا سَنَدَ مَنْ لا سَنَدَ لَهُ، یاذُخْرَ مَنْ لا ذُخْرَ لَهُ، یا حِرْزَ

تکیه گاه کسی که تکیه گاهی ندارد، ای پشتیبان کسی که پشتیبانی ندارد، ای ذخیره کسی که ذخیره ای ندارد، ای پناه

مَنْ لا حِرْزَ لَهُ، یا غِیاثَ مَنْ لا غِیاثَ لَهُ، یا فَخْرَ مَنْ لا فَخْرَ لَهُ، یا عِزَّ مَنْ

کسی که پناهی ندارد، ای فریادرس کسی که فریادرسی ندارد، ای افتخار کسی که افتخاری ندارد، ای عزّت کسی که

لا عِزَّ لَهُ، یا مُعینَ مَنْ لا مُعینَ لَهُ، یا انیسَ مَنْ لا انیسَ لَهُ، یا امانَ مَنْ لا

عزّتی ندارد، ای یاور کسی که یاوری ندارد، ای همدم کسی که همدمی ندارد، ای امان کسی که

امانَ لَهُ (29) اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ یا عاصِمُ یا قائِمُ، یا دآئِمُ یا راحِمُ،

امانی ندارد (29) خدایا از تو می خواهم به حقّ نامت، ای بازدارنده، ای استوار، ای جاویدان، ای رحم کننده،

یا سالِمُ یا حاکِمُ، یا عالِمُ یا قاسِمُ، یا قابِضُ یا باسِطُ (30) یا عاصِمَ مَنِ

ای بی نقص، ای حکمران، ای دانا، ای قسمت کننده، ای قبض کننده ای گشاینده (30) ای بازدارنده کسی که

اسْتَعْصَمَهُ، یا راحِمَ مَنِ اسْتَرْحَمَهُ، یا غافِرَ مَنِ اسْتَغْفَرَهُ، یا ناصِرَ مَنِ

از تو مصونیّت (از گناه) طلبد، ای رحم کننده کسی که از تو رحمت طلبد، ای آمرزنده کسی که از تو آمرزش طلبد، ای یاور کسی که

اسْتَنْصَرَهُ، یا حافِظَ مَنِ اسْتَحْفَظَهُ، یا مُکْرِمَ مَنِ اسْتَکْرَمَهُ، یا مُرْشِدَ مَنِ

از تو یاری طلبد، ای نگهدار کسی که از تو محافظت طلبد، ای گرامی دار کسی که از تو کرامت طلبد، ای راهنمای کسی که

اسْتَرْشَدَهُ، یا صَریخَ مَنِ اسْتَصْرَخَهُ، یا مُعینَ مَنِ اسْتَعانَهُ، یا مُغیثَ مَنِ

از تو هدایت طلبد، ای فریادرس کسی که از تو فریادرسی طلبد، ای یاور کسی که از تو کمک طلبد، ای دادرس کسی که از تو

اسْتَغاثَهُ (31) یا عَزیزاً لا یُضامُ، یا لَطیفاً لا یُرامُ، یا قَیُّوماً لا یَنامُ، یا دائِماً

دادرسی طلبد (31) ای عزیزی که ذلّت نپذیری، ای مهربانی که نفوذناپذیری، ای پاینده ای که خواب نداری، ای جاودانی که

ص :145

لا يَفُوتُ، يا حَيّاً لايَمُوتُ، يا مَلِكاً لا يَزُولُ، يا باقِياً لا يَفْنى يا عالِماً لا

از بین نروی، ای زنده ای که مرگ نداری، ای پادشهی که ملکت از بین نرود، ای پایداری که فانی نشوی، ای دانایی که

يَجْهَلُ، يا صَمَداً لا يُطْعَمُ، يا قَوِيّاً لايَضْعُفُ (32) اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

نادان نگردی، ای بی نیازی که روزی نخواهی، ای توانایی که ضعیف نگردی (32) خدایا از تو می خواهم به حقّ نامت،

يا احَدُ يا واحِدُ، يا شاهِدُ يا ماجِدُ، يا حامِدُ يا راشِدُ، يا باعِثُ يا وارِثُ،

ای یکتا، ای یگانه، ای گواه، ای بزرگوار، ای ستاینده، ای راهنما، ای برانگیزنده (مردگان) ای وارث،

يا ضآرُّ يا نافِعُ (33) يا اعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظيمٍ، يا اكْرَمَ مِنْ كُلِّ كَريمٍ، يا ارْحَمَ

ای زیان رسان، ای سود رسان (33) ای بزرگتر از هر بزرگ، ای گرامی تر از هر گرامی، ای مهربان تر

مِنْ كُلِّ رَحيمٍ، يا اعْلَمَ مِنْ كُلِّ عَليمٍ، يا احْكَمَ مِنْ كُلِّ حَكيمٍ، يا اقْدَمَ مِنْ

از هر مهربان، ای داناتر از هر دانا، ای دانشمندتر از هر دانشمند، ای دیرینه تر از

كُلِّ قَديمٍ، يا اكْبَرَ مِنْ كُلِّ كَبيرٍ، يا الْطَفَ مِنْ كُلِّ لَطيفٍ، يا اجَلَّ مِن كُلِ

هر دیرینه، ای بزرگتر از هر بزرگ، ای مهربان تر از هر مهربان، ای والاتر از هر

جَليلٍ، يا اعَزَّ مِنْ كُلِّ عَزيزٍ (34) يا كَريمَ الصَّفْحِ، يا عَظيمَ الْمَنِّ، يا كَثيرَ

والا، ای محبوب تر از هر محبوب (34) ای بخشنده با گذشت، ای نعمت بخش بزرگ، ای پُر

الْخَيْرِ، يا قَديمَ الْفَضْلِ، يا دآئِمَ اللُّطْفِ، يا لَطيفَ الصُّنْعِ، يا مُنَفِّسَ الْكَرْبِ،

خیر، ای دیرینه بخشش، ای پیوسته مهربان، ای با سلیقه در خلقت، ای زداینده اندوه،

یا کاشِفَ الضُّرِّ، یا مالِکَ الْمُلْکِ، یا قاضِیَ الْحَقِ (35) یا مَنْ هُوَ فی عَهْدِهِ

ای برطرف کننده زیان، ای مالک هستی، ای حاکم به حق (35) ای که در پیمان

وَفِیٌّ، یا مَنْ هُوَ فی وَفآئِهِ قَوِیٌّ، یا مَنْ هُوَ فی قُوَّتِهِ عَلِیٌّ، یا مَنْ هُوَ فی

وفاداری، ای که در وفاداری توانایی، ای که در توانایی برتری، ای که در

عُلُوِّهِ قَریبٌ، یا مَنْ هُوَ فی قُرْبِهِ لَطیفٌ، یا مَنْ هُوَ فی لُطْفِهِ شَریفٌ، یا

(عین) برتری نزدیکی، ای که در (عین) نزدیکی پنهانی، ای که در (عین) مهربانی بزرگواری، ای

مَنْ هُوَ فی شَرَفِهِ عَزیزٌ، یا مَنْ هُوَ فی عِزِّهِ عَظیمٌ، یا مَنْ هُوَ فی عَظَمَتِهِ

که در (عین) بزرگواری عزیزی، ای که در عزّت با عظمتی، ای که در (عین) عظمت

مَجیدٌ، یا مَنْ هُوَ فی مَجْدِهِ حَمیدٌ (36) اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ یا کافی

بزرگواری، ای که در بزرگواری ستوده ای (36) خدایا از تو می خواهم به حقّ نامت ای کفایت کننده،

یا شافی یا وافی یا مُعافی یا هادی یا داعی یا قاضی یا راضی یا

ای شفا دهنده، ای وفا کننده، ای درگذرنده، ای هدایت کننده، ای دعوت کننده، ای حکم کننده، ای خشنود، ای

عالی یا باقی (37) یا مَنْ کُلُّ شَئ ٍْ خاضِعٌ لَهُ، یا مَنْ کُلُّ شَئ ٍْ خاشِعٌ لَهُ، یا

بلندمرتبه، ای ماندگار (37) ای که هر چیز در برابرت فروتن است، ای که هر چیز در برابرت سر فرود آورده، ای

مَنْ کُلُّ شَئ ٍْ کآئِنٌ لَهُ، یا مَنْ کُلُّ شَئ ٍْ مَوْجُودٌ بِهِ، یا مَنْ کُلُّ شَئ ٍْ مُنیبٌ

که هستی هر چیز با توست، ای که وجود هر چیز به واسطه توست، ای که بازگشت هر چیز به سوی

اَلَیْهِ، یا مَنْ کُلُّ شَئ ٍْ خآئِفٌ مِنْهُ، یا مَنْ کُلُّ شَئ ٍْ قآئِمٌ بِهِ، یا مَنْ کُلُّ شَئ ٍْ

توست، ای که هر چیز از تو ترسان است، ای که قیام هر چیز به توست، ای که بازگشت هر چیز

صآئِرٌ اَلَیْهِ، یا مَنْ کُلُّ شَئ ٍْ یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ، یا مَنْ کُلُّ شَئ ٍْ هالِکٌ اِلَّا

به سوی توست، ای که هر چیز به ستایش، تو را تسبیح گوید، ای که هر چیز جز ذات پاکت

وَجْهَهُ (38) یا مَنْ لا مَفَرَّ اِلَّا اَلَیْهِ، یا مَنْ لا مَفْزَعَ اِلَّا اَلَیْهِ، یا مَنْ لا مَقْصَدَ اِلَّا

نابودشدنی است (38) ای که جز به سوی تو راه فراری نیست، ای که جز به سوی تو پناهی نیست، ای که جز به سوی تو مقصدی

اَلَیْهِ، یا مَنْ لا مَنْجا مِنْهُ اِلَّا اَلَیْهِ، یا مَنْ لا یُرْغَبُ اِلَّا اَلَیْهِ، یا مَنْ لا حَوْلَ

نیست، ای که راه نجاتی از (عذابِ) تو جز به سوی تو نیست، ای که جز به سوی تو میل و اشتیاقی نیست، ای که جز به واسطه تو پناهگاه

وَلا قُوَّةَ اِلَّا بِهِ، یا مَنْ لا یُسْتَعانُ اِلَّا بِهِ، یا مَنْ لا یُتَوَکَّلُ اِلَّا عَلَیْهِ، یا مَنْ لا

و نیرویی نیست، ای که جز از تو کمک گرفته نشود، ای که جز بر تو توکّل نشود، ای که جز تو

يُرْجى الَّا هُوَ، يا مَنْ لا يُعْبَدُ الَّا هُوَ (39) يا خَيْرَ الْمَرْهُوبينَ، يا خَيْرَ

مایه امیدی نباشد، ای که جز تو پرستش نشود (39) ای بهترین کسی که از تو می ترسند، ای بهترین

الْمَرْغُوبينَ، يا خَيْرَ الْمَطْلُوبينَ، يا خَيْرَ الْمَسْئُولينَ، يا خَيْرَ الْمَقْصُودينَ،

رغبت شدگان، ای بهترین طلب شدگان، ای بهترین سؤال شدگان، ای بهترین قصد شدگان،

يا خَيْرَ الْمَذْكُورينَ، يا خَيْرَ الْمَشْكُورينَ، يا خَيْرَ الْمَحْبُوبينَ، يا خَيْرَ

ای بهترین یادشدگان، ای بهترین سپاس شدگان، ای بهترین دوست داشته شدگان، ای بهترین

الْمَدْعُوّينَ، يا خَيْرَ الْمُسْتَأْنِسينَ (40) اللهُمَّ انّى اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا غافِرُ يا

خوانده شدگان، ای بهترین انس گرفته شدگان (40) خدایا از تو می خواهم به حقّ نامت، ای آمرزنده، ای

ساتِرُ، يا قادِرُ يا قاهِرُ، يا فاطِرُ يا كاسِرُ، يا جابِرُ يا ذاكِرُ، يا ناظِرُ يا ناصِرُ

پوشاننده، ای توانا، ای غلبه کننده، ای آفریننده، ای شکننده، ای جبران کننده ای یاد کننده، ای بیننده، ای یاری کننده

(41) يا مَنْ خَلَقَ فَسَوّى يا مَنْ قَدَّرَ فَهَدى يا مَنْ يَكْشِفُ الْبَلْوى يا مَنْ

(41) اى كه آفريده و بياراستى، اى كه مقدّر فرموده و هدايت نمودى، اى كه گرفتارى را برطرف نمايى، اى كه

يَسْمَعُ النَّجْوى يا مَنْ يُنْقِذُ الْغَرْقى يا مَنْ يُنْجِى الْهَلْكى يا مَنْ يَشْفِى

سخن پنهانى را بشنوى، اى كه غرق شدگان را نجات دهى، اى كه هلاک شدگان را برهانى، اى كه بيماران را

الْمَرْضى يا مَنْ اضْحَکَ وَابْکى يا مَنْ اماتَ وَاحْيى يا مَنْ خَلَقَ

شفا دهى، اى كه بخندانى و بگريانى، اى كه بميرانى و زنده كنى، اى كه

الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْانْثى (42) يا مَنْ فىِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ سَبيلُهُ، يا مَنْ فِى

نر و ماده را جفت آفريدى (42) اى كه در خشكى و دريا راه رسيدن به توست، اى كه در

الْافاقِ اياتُهُ، يا مَنْ فِى الْاياتِ بُرْهانُهُ، يا مَنْ فِى الْمَماتِ قُدْرَتُهُ، يا مَنْ

تمام هستى نشانه هاى توست، اى در نشانه ها دليل وجود توست، اى كه در مرگ نشانه قدرت توست، اى كه

فِى الْقُبُورِ عِبْرَتُهُ، يا مَنْ فِى الْقِيمَهِ مُلْكُهُ، يا مَنْ فِى الْحِسابِ هَيْبَتُهُ، يا

در گورها نشانه پند توست، اى كه در قيامت فرمانروايى توست، اى كه در حساب رسى نشانه عظمت توست، اى

مَنْ فِى الْميزانِ قَضآئُهُ، يا مَنْ فِى الْجَنَّهِ ثَوابُهُ، يا مَنْ فِى النَّارِ عِقابُهُ (43) يا

كه در سنجش اعمال حكم توست، اى كه در بهشت پاداش نيک توست، اى كه در دوزخ كيفر توست (43) اى

مَنْ الَيْهِ يَهْرَبُ الْخآئِفُونَ، يا مَنْ الَيْهِ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ، يا مَنْ الَيْهِ يَقْصِدُ

که ترسیدگان به درگاه تو گریزند، ای که گناهکاران به درگاه تو زاری کنند، ای که توبه کنندگان تو را

الْمُنیبُونَ، یا مَنْ الَیْهِ یَرْغَبُ الزّاهِدُونَ، یا مَنْ الَیْهِ یَلْجَأُ الْمُتَحَیِّرُونَ، یا

قصد کنند، ای که پرهیزکاران به تو مشتاقند، ای که سرگردانان به تو پناه آورند، ای

مَنْ بِهِ یَسْتَأْنِسُ الْمُریدُونَ، یا مَنْ بِه یَفْتَخِرُ الْمُحِبُّونَ، یا مَنْ فی عَفْوِهِ

که علاقمندان به تو انس گیرند، ای که دوستداران به تو افتخار کنند، ای که خطاکاران به عفو

یَطْمَعُ الْخاطِئُونَ، یا مَنْ الَیْهِ یَسْکُنُ الْمُوقِنُونَ، یا مَنْ عَلَیْهِ یَتَوَکَّلُ

تو طمع دارند، ای که اهل یقین نزد تو آرام گیرند، ای که متوکّلان بر تو

الْمُتَوَکِّلُونَ (44) اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ یا حَبیبُ یا طَبیبُ، یا قَریبُ یا

توکّل کنند (44) خدایا از تو می خواهم به حقّ نامت، ای دوست، ای طبیب، ای نزدیک، ای

رَقیبُ، یا حَسیبُ یا مُهیبُ، یا مُثیبُ یا مُجیبُ، یا خَبیرُ یا بَصیرُ (45) یا

مراقب، ای حسابگر، ای با عظمت، ای پاداش دهنده، ای اجابت کننده، ای آگاه، ای بینا (45) ای

اقَرَبَ مِنْ کُلِّ قَریبٍ، یا احَبَّ مِنْ کُلِّ حَبیبٍ، یا ابْصَرَ مِنْ کُلِّ بَصیرٍ، یا

نزدیکتر از هر نزدیک، ای محبوبتر از هر محبوب، ای بیناتر از هر بینا، ای

اخْبَرَ مِنْ کُلِّ خَبیرٍ، یا اشْرَفَ مِنْ کُلِّ شَریفٍ، یا ارْفَعَ مِنْ کُلِّ رَفیعٍ، یا

آگاهتر از هر آگاه، ای شریف تر از هر شریف، ای والاتر از هر والا، ای

اقْوی مِنْ کُلِّ قَوِیٍّ، یا اغْنی مِنْ کُلِّ غَنِیٍّ، یا اجْوَدَ مِنْ کُلِّ جَوادٍ، یا ارْاَفَ

قوی تر از هر قوی، ای بی نیازتر از هر بی نیاز، ای بخشنده تر از هر بخشنده، ای مهربانتر

مِنْ کُلِّ رَؤُوفٍ، (46) یا غالِباً غَیْرَ مَغْلُوبٍ، یا صانِعاً غَیْرَ مَصْنُوعٍ، یا خالِقاً

از هر مهربان (46) ای پیروزمند شکست ناپذیر، ای پدید آورنده ای که ساخته کسی نیستی، ای آفریننده

غَیْرَ مَخْلُوقٍ، یا مالِکاً غَیْرَ مَمْلُوکٍ، یا قاهِراً غَیْرَ مَقْهُورٍ، یا رافِعاً غَیْرَ

آفریده نشده، ای مالکی که مملوک کسی نیستی، ای قدرتمند شکست ناپذیر، ای برتری بخش بی نیازِ

مَرْفُوعٍ، یا حافِظاًغَیْرَ مَحْفُوظٍ، یا ناصِراً غَیْرَ مَنْصُورٍ، یا شاهِداً غَیْرَ

برتری بخش، ای حفاظت کننده بی محافظ، ای یاری کننده بی یاور، ای گواه همیشه

غآئِبٍ، یا قَریباً غَیْرَ بَعیدٍ (47) یا نُورَالنُّورِ، یا مُنَوِّرَ النُّورِ، یا خالِقَ النُّورِ،

حاضر، ای نزدیک بی فاصله (47) ای روشنایی نور، ای روشنایی بخش نور، ای آفریننده نور،

یا مُدَبِّرَ النُّورِ، یا مُقَدِّرَ النُّورِ، یا نُورَ کُلِّ نُورٍ، یا نُوراً قَبْلَ کُلِّ نُورٍ، یا نُوراً

ای تدبیرکننده نور، ای نظام بخش نور، ای روشنایی هر نور، ای نور پیش از هر نور، ای نور

بَعْدَ کُلِّ نُورٍ، یا نُوراً فَوْقَ کُلِّ نُورٍ، یا نُوراً لَیْسَ کَمِثْلِهِ نُورٌ (48) یامَنْ

بعد از هر نور، ای نور بالاتر از هر نور، ای نوری که مانندت نوری نیست (48) ای که

عَطآئُهُ شَریفٌ، یامَنْ فِعْلُهُ لَطیفٌ، یا مَنْ لُطْفُهُ مُقیمٌ، یا مَنْ احْسانُهُ قَدیمٌ،

بخششت شرافتمندانه است، ای که کارت مهربانانه است، ای که لطفت جاودانه است، ای که احسانت دیرینه است،

یا مَنْ قَوْلُهُ حَقٌّ، یا مَنْ وَعْدُهُ صِدْقٌ، یا مَنْ عَفْوُهُ فَضْلٌ، یا مَنْ عَذابُهُ

ای که گفتارت حقّ است، ای که وعده ات صادق است، ای که عفوت لطف است، ای که عذابت

عَدْلٌ، یا مَنْ ذِکْرُهُ حُلْوٌ، یا مَنْ فَضْلُهُ عَمیمٌ (49) اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

عادلانه است، ای که یادت شیرین است، ای که لطفت همگانی است (49) خدایا از تو می خواهم به حقّ نامت،

یا مُسَهِّلُ یا مُفَصِّلُ، یا مُبَدِّلُ یا مُذَلِّلُ، یا مُنَزِّلُ یا مُنَوِّلُ، یا مُفْضِلُ یا

ای آسان کننده ای جدا کننده، ای تبدیل کننده، ای خوار کننده، ای فرود آورنده، ای عطا کننده، ای فضیلت دهنده، ای

مُجْزِلُ، یا مُمْهِلُ یا مُجْمِلُ (50) یا مَنْ یَری وَلا یُری یا مَنْ یَخْلُقُ وَ لا

بخشنده نعمت بزرگ، ای مهلت دهنده، ای زیبایی بخش (50) ای که می بینی و دیده نمی شوی، ای که می آفرینی و آفریده

یُخْلَقُ، یا مَنْ یَهْدی وَلا یُهْدی یا مَنْ یُحْیی وَلا یُحْیی یا مَنْ یَسْئَلُ وَلا

نمی شوی، ای که راهنمایی می کنی و راهنمایی نمی شوی، ای که حیات می بخشی و حیات بخشیده نمی شوی، ای که بازخواست می کنی و

یُسْئَلُ، یا مَنْ یُطْعِمُ وَ لا یُطْعَمُ، یا مَنْ یُجیرُ وَلا یُجارُ عَلَیْهِ، یا مَنْ یَقْضی

بازخواست نمی شوی، ای که روزی می دهی و روزی داده نمی شوی، ای که پناه می دهی و پناه داده نمی شوی، ای که قضاوت می کنی

وَلا یُقْضی عَلَیْهِ، یا مَنْ یَحْکُمُ وَلا یُحْکَمُ عَلَیْهِ، یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ،

و مورد قضاوت واقع نمی شوی، ای که حکم می کنی و حکم رانده نمی شوی، ای که نزاده و زاییده نشدی،

وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً احَدٌ (51) یا نِعْمَ الْحَسیبُ، یا نِعْمَ الطَّبیبُ، یا نِعْمَ الرَّقیبُ،

و برای تو هیچ گاه شبیه و مانندی نباشد (51) ای نیکو حسابرس، ای نیکو طبیب، ای نیکو مراقب،

یا نِعْمَ الْقَریبُ، یا نِعْمَ الْمُجیبُ، یا نِعْمَ الْحَبیبُ، یا نِعْمَ الْکَفیلُ، یا نِعْمَ

ای نیکو قریب، ای نیکو اجابت کننده، ای نیکو محبوب، ای نیکو پشتیبان، ای نیکو

الْوَکیلُ، یا نِعْمَ الْمَوْلی یا نِعْمَ النَّصیرُ (52) یا سُرُورَ الْعارِفینَ، یا مُنَی

وکیل، ای نیکو سرور، ای نیکو یاور (52) ای شادی بخش عارفان، ای آرزوی

الْمُحِبّینَ، یا انیسَ الْمُریدینَ، یا حَبیبَ التَّوّابینَ، یا رازِقَ الْمُقِلّینَ، یا

دوستداران، ای همدم مریدان، ای دوست توبه کنندگان، ای روزی ده فقیران، ای

رَجآءَ الْمُذْنِبینَ، یا قُرَّهَ عَیْنِ الْعابِدینَ، یا مُنَفِّسَ عَنِ الْمَکْرُوبینَ، یا

امید گناهکاران، ای نور چشم عابدان، ای رهایی بخش گرفتاران، ای

مُفَرِّجَ عَنِ الْمَغْمُومینَ، یا الهَ الْأَوَّلینَ وَالْأخِرینَ (53) اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ

گشایش بخش غمزدگان ای خدای پیشینیان و پسینیان (53) خدایا از تو می خواهم

بِاسْمِکَ یا رَبَّنا یا الهَنا، یا سَیِّدَنا یا مَوْلینا، یا ناصِرَنا یا حافِظَنا، یا دَلیلَنا

به حقّ نامت ای پروردگار ما، ای معبود ما، ای آقای ما، ای سرور ما، ای یاور ما، ای نگهدار ما، ای راهنمای ما،

یا مُعینَنا، یا حَبیبَنا یا طَبیبَنا (54) یا رَبَّ النَّبیّینَ وَالْأَبْرارِ، یا رَبَ

ای یاری ده ما، ای دوست ما، ای طبیب ما (54) ای پروردگار پیامبران و نیکان، ای پروردگار

الصِّدّیقینَ وَالْأَخْیارِ، یا رَبَّ الْجَنَّهِ وَالنَّارِ، یا رَبَّ الصِّغارِ وَالْکِبارِ، یا

راستگویان و برگزیدگان، ای پروردگار بهشت و دوزخ، ای پروردگار خردسالان و بزرگان، ای

ص: 150

رَبَّ الْحُبُوبِ وَالثِّمارِ، یا رَبَّ الْأَنْهارِ وَالْأَشْجارِ، یا رَبَّ الصَّحاری

پروردگار دانه ها و میوه ها، ای پروردگار رودها و درختان، ای پروردگار صحراها

وَالْقِفارِ، یا رَبَّ الْبَراری وَالْبِحارِ، یا رَبَّ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ، یا رَبَّ الْأَعْلانِ

و کویرها، ای پروردگار خشکی ها و دریاها، ای پروردگار شب و روز، ای پروردگار آشکارها

وَالْأَسْرارِ (55) یا مَنْ نَفَذَ فی کُلِّ شَیْ ءٍ امْرُهُ، یا مَنْ لَحِقَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عِلْمُهُ،

و نهانها (55) ای که فرمانت در همه چیز نفوذ کرده، ای که دانشت همه چیز را در برگرفته،

یا مَنْ بَلَغَتْ الی کُلِّ شَیْ ءٍ قُدْرَتُهُ، یا مَنْ لا تُحْصِی الْعِبادُ نِعَمَهُ، یا مَنْ لا

ای که قدرتت همه چیز را فرا گرفته، ای که بندگان توان شمارش نعمتهایت را ندارند، ای که

تَبْلُغُ الْخَلائِقُ شُکْرَهُ، یا مَنْ لاتُدْرِکُ الْأَفْهامُ جَلالَهُ، یا مَنْ لا تَنالُ

مخلوقات از عهده شکرت بر نیایند، ای که عقلها شکوهت را درک نکنند، ای که پندارها

الْأَوْهامُ کُنْهَهُ، یا مَنِ الْعَظَمَهُ وَالْکِبْرِیآءُ رِدآئُهُ، یا مَنْ لاتَرُدُّ الْعِبادُ قَضآئَهُ،

به عمق حقیقتت نرسند، ای که عظمت و بزرگی ردای توست، ای که بندگان حُکمت را سرپیچی نکنند،

یا مَنْ لا مُلْکَ الَّا مُلْکُهُ، یا مَنْ لا عَطآءَ الَّا عَطآئُهُ (56) یا مَنْ لَهُ الْمَثَلُ

ای که فرمانروایی جز فرمانرواییت نیست، ای که بخششی جز بخششت نیست (56) ای که برترین مثالها

الْأَعْلی یا مَنْ لَهُ الصِّفاتُ الْعُلْیا، یا مَنْ لَهُ الْاخِرَهُ وَالْاولی یا مَنْ لَهُ

برای توست، ای که برترین صفات برای توست، ای که پایان و آغاز (آفرینش) برای توست، ای که

الْجَنَّهُ الْمَاْوی یا مَنْ لَهُ الْایاتُ الْکُبْری یا مَنْ لَهُ الْأَسْمآءُ الْحُسْنی یا

بهشت جاویدان از آنِ توست، ای که نشانه های بزرگ برای توست، ای که نامهای زیبا برای توست، ای

مَنْ لَهُ الْحُکْمُ وَالْقَضآءُ، یا مَنْ لَهُ الْهَوآءُ وَ الْفَضآءُ، یا مَنْ لَهُ الْعَرْشُ

که داوری و قضا برای توست، ای که هوا و فضا برای توست، ای که عرش و فرش

وَالثَّری یا مَنْ لَهُ السَّمواتُ الْعُلی (57) اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ یا عَفُوُّ

برای توست، ای که آسمانهای بلند برای توست (57) خدایا از تو می خواهم به حقّ نامت، ای عفو کننده،

یاغَفُورُ، یا صَبُورُ یا شَکُورُ، یا رَءُوفُ یاعَطُوفُ، یا مَسْئُولُ یا وَدُودُ، یا

ای آمرزنده، ای شکیبا، ای شکرپذیر، ای مهربان، ای با عطوفت، ای درخواست شده، ای با محبّت، ای

سُبُّوحُ یا قُدُّوسُ (58) یا مَنْ فِی السَّمآءِ عَظَمَتُهُ، یا مَنْ فِی الْأَرْضِ آیاتُهُ،

منزّه، ای پاکیزه (58) ای که در آسمانها بزرگیت پیداست، ای که در زمین نشانه های (قدرت) تو هویداست،

یا مَنْ فی کُلِّ شَیْ ءٍ دَلائِلُهُ، یا مَنْ فِی الْبِحارِ عَجائِبُهُ، یا مَنْ فِی الْجِبالِ

ای که در هر چیز علامتهای (وجود) تو پیداست، ای که در دریاها شگفتی های (خلقت) توست، ای که در کوه ها

خَزآئِنُهُ، یا مَنْ یَبْدَءُ الْخَلْقَ ثُمَّ یُعیدُهُ، یا مَنْ اِلَیْهِ یَرْجِعُ الْأَمْرُ کُلُّهُ، یا مَنْ

گنج های توست، ای که خلقت را آغاز کرده سپس باز می گردانی، ای که بازگشت تمام کارها به سوی توست، ای که

اظْهَرَ فی کُلِّ شَیْ ءٍ لُطْفَهُ، یا مَنْ احْسَنَ کُلَّ شَیْ ءٍ خَلْقَهُ، یا مَنْ تَصَرَّفَ

نشانه های لطفت در هر چیز نمایان است، ای که همه چیز را نیکو آفریدی، ای که قدرتت

فِی الْخَلائِقِ قُدْرَتُهُ (59) یا حَبیبَ مَنْ لا حَبیبَ لَهُ، یا طَبیبَ مَنْ لاطَبیبَ

مخلوقات را در برگرفت (59) ای دوست کسی که دوستی ندارد، ای طبیب کسی که طبیبی ندارد

لَهُ، یا مُجیبَ مَنْ لا مُجیبَ لَهُ، یا شَفیقَ مَنْ لا شَفیقَ لَهُ، یا رَفیقَ مَنْ لا

ای پاسخگوی کسی که پاسخگویی ندارد، ای دلسوز کسی که دلسوزی ندارد، ای رفیق کسی که

رَفیقَ لَهُ، یا مُغیثَ مَن لا مُغیثَ لَهُ، یا دَلیلَ مَنْ لا دَلیلَ لَهُ، یا انیسَ مَنْ لا

رفیقی ندارد، ای فریادرس کسی که فریادرسی ندارد، ای راهنمای کسی که راهنمایی ندارد، ای همدم کسی که

انیسَ لَهُ، یا راحِمَ مَنْ لاراحِمَ لَهُ، یا صاحِبَ مَنْ لا صاحِبَ لَهُ (60) یا

همدمی ندارد، ای رحم کننده بر کسی که رحم کننده ای ندارد، ای یار کسی که یاری ندارد (60) ای

کافِیَ مَنِ اسْتَکْفاهُ، یا هادِیَ مَنِ اسْتَهْداهُ، یا کالِئَ مَنِ اسْتَکْلاهُ، یا راعِیَ

کفایت کننده کسی که از تو کفایت طلبد، ای هدایت کننده کسی که از تو هدایت طلبد، ای محافظ کسی که از تو حفاظت طلبد، ای نگهبان

مَنِ اسْتَرْعاهُ، یا شافِیَ مَنِ اسْتَشْفاهُ، یا قاضِیَ مَنِ اسْتَقْضاهُ، یا مُغْنِیَ مَنِ

کسی که از تو نگهداری طلبد، ای شفا بخش کسی که از تو شفا طلبد، ای داور کسی که از تو داوری طلبد، ای بی نیاز کننده کسی که

اسْتَغْناهُ، یا مُوفِیَ مَنِ اسْتَوْفاهُ، یا مُقَوِّیَ مَنِ اسْتَقْواهُ، یا وَلِیَّ مَنِ اسْتَوْلاهُ

از تو بی نیازی طلبد، ای وفادار کسی که از تو وفاداری طلبد، ای نیروبخش کسی که از تو نیرو طلبد، ای سرپرست کسی که از تو سرپرستی طلبد

(61) اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ یا خالِقُ یا رازِقُ، یا ناطِقُ یا صادِقُ، یا

(61) خدایا از تو می خواهم به حقّ نامت، ای آفریننده، ای روزی دهنده، ای گوینده، ای راستگو، ای

فالِقُ یا فارِقُ، یا فاتِقُ یاراتِقُ، یا سابِقُ یا سامِقُ (62) یا مَنْ یُقَلِّبُ اللَّیْلَ

شکافنده، ای جدا کننده، ای گشاینده، ای اصلاح کننده، ای پیشی گیرنده، ای بلندمرتبه (62) ای که شب و روز را

وَالنَّهارَ، یا مَنْ جَعَلَ الظُّلُماتِ وَالْأَنْوارَ، یا مَنْ خَلَقَ الظِّلَّ وَالْحَرُورَ، یا

جابجا می کنی، ای که تاریکی ها و روشنایی ها را آفریدی، ای که سایه و گرما را آفریدی، ای

ص: 152

مَنْ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ، یا مَنْ قَدَّرَ الْخَیْرَ وَالشَّرَّ، یا مَنْ خَلَقَ الْمَوْتَ

که خورشید و ماه را به خدمت گرفتی، ای که خیر و شر را مقدّر نمودی، ای که مرگ

وَالْحَیوهَ، یا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، یا مَنْ لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَهً وَلا وَلَداً، یا مَنْ

و زندگی را آفریدی، ای که آفرینش و فرمان دادن برای توست، ای که همسر و فرزندی برای خود نگرفتی، ای که

لَیْسَ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ، یا مَنْ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِ (63) یا مَنْ یَعْلَمُ

شریکی در فرمانروایی نداری، ای که ضعف و ذلّتی نداری که یاور و سرپرستی بخواهی (63) ای که خواسته

مُرادَ الْمُریدینَ، یا مَنْ یَعْلَمُ ضَمیرَ الصَّامِتینَ، یا مَنْ یَسْمَعُ انینَ الْواهِنینَ،

مریدان را می دانی، ای که راز دل خاموشان را می دانی، ای که ناله ناتوانان را می شنوی،

یا مَنْ یَری بُکآءَ الْخآئِفینَ، یا مَنْ یَمْلِکُ حَوائِجَ السَّآئِلینَ، یا مَنْ یَقْبَلُ

ای که گریه ترسیدگان را می بینی، ای که حاجت های درخواست کنندگان در اختیار توست، ای که عذر

عُذْرَ التَّآئِبینَ، یا مَنْ لا یُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدینَ، یا مَنْ لا یُضیعُ اجْرَ

توبه کنندگان را می پذیری، ای که کار مفسدان را اصلاح نکنی، ای که اجر نیکوکاران را

الْمُحْسِنینَ، یا مَنْ لا یَبْعُدُ عَنْ قُلُوبِ الْعارِفینَ، یا اجْوَدَ الْأَجْودینَ (64) از بین نبری، ای که از دلهای عارفان دور نباشی، ای بخشنده ترین بخشندگان (64)

یا دآئِمَ الْبَقآءِ، یا سامِعَ الدُّعآءِ، یا واسِعَ الْعَطآءِ، یا غافِرَ الْخَطآءِ، یا بَدیعَ

ای همیشه ماندگار، ای شنونده دعا، ای گسترده بخشش، ای آمرزنده خطا، ای پدیدآورنده

السَّمآءِ، یا حَسَنَ الْبَلاءِ، یا جَمیلَ الثَّنآءِ، یا قَدیمَ السَّنآءِ، یا کَثیرَ الْوَفآءِ،

آسمان، ای صاحب آزمایشهای نیکو، ای زیبا ستایش، ای دیرینه شکوه، ای بسیار با وفا،

یا شَریفَ الْجَزآءِ (65) اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ یا سَتّارُ یا غَفّارُ، یا قَهّارُ

ای بزرگوار در پاداش (65) خدایا از تو می خواهم به حقّ نامت ای پرده پوش ای آمرزنده، ای قادر مطلق،

یا جَبّارُ، یا صَبّارُ یا بآرُّ، یا مُخْتارُ یا فَتّاحُ، یا نَفّاحُ یا مُرْتاحُ (66) یا مَنْ

ای تونا، ای شکیبا، ای نیکوکار، ای صاحب اختیار، ای کارگشا، ای نعمت ده، ای فرح بخش (66) ای که

خَلَقَنی وَسَوّانی یا مَنْ رَزَقَنی وَ رَبّانی یا مَنْ اطْعَمَنی وَسَقانی یا مَنْ

مرا آفریده و بیاراستی، ای که مرا روزی داده و پروریدی، ای که مرا خوراک داده و نوشاندی، ای که

قَرَّبَنی وَادْنانی یا مَنْ عَصَمَنی وَکَفانی یا مَنْ حَفَظَنی وَکَلانی یا مَنْ

مرا نزد خود برده و مقرّب ساختی، ای که مرا از گناه بازداشته و کفایت نمودی، ای که مرا محافظت کرده و مواظبت نمودی، ای که

ص: 153

اعَزَّنی وَاغْنانی یا مَنْ وَفَّقَنی وَهَدانی یا مَنْ انَسَنی وَآوانی یا مَنْ

مرا عزّت بخشیده و توانگر ساختی، ای که مرا توفیق داده و هدایت نمودی، ای که با من انس گرفته و پناه دادی، ای که

اماتَنی وَاحْیانی (67) یا مَنْ یُحِقُّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ، یا مَنْ یَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ

مرا میرانده و زنده کنی (67) ای که حق را با کلماتت استوار کنی، ای که توبه بندگانت را

عِبادِهِ، یا مَنْ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، یا مَنْ لا تَنْفَعُ الشَّفاعَهُ الَّا بِاذْنِهِ، یا

بپذیری، ای که میان شخص و دلش فاصله شوی، ای که شفاعت جز با اجازه ات سودی ندارد، ای

مَنْ هُوَ اعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبیلِهِ، یا مَنْ لا مُعَقِّبَ لِحُکْمِهِ، یا مَنْ لا رآدَّ

که به حال ره گم کردگان داناتری، ای که در داوریت تجدید نظری نیست، ای که حکمت را

لِقَضآئِهِ، یا مَنِ انْقادَ کُلُّ شَیْ ءٍ لِأَمْرِهِ، یا مَنِ السَّمواتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمینِهِ، یا

بازگشتی نیست ای که همه چیز مطیع فرمان توست، ای که آسمانها به دست تو در هم پیچیده شود، ای

مَنْ یُرْسِلُ الرِّیاحَ بُشْراً بَیْنَ یَدَیْ رَحْمَتِهِ (68) یا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ مِهاداً،

که بادها را برای بشارت رحمتت از پیش فرستی (68) ای که زمین را مهد آسایش قرار دادی،

یا مَنْ جَعَلَ الْجِبالَ اوْتاداً، یا مَنْ جَعَلَ الشَّمْسَ سِراجاً، یا مَنْ جَعَلَ

ای که کوهها را میخ های (زمین) قرار دادی، ای که خورشید را چراغ قراردادی، ای که ماه را

الْقَمَرَ نُوراً، یا مَنْ جَعَلَ اللَّیْلَ لِباساً، یا مَنْ جَعَلَ النَّهارَ مَعاشاً، یا مَنْ

روشنایی (شب) قرار دادی، ای که شب را پوشش قرار دادی، ای که روز را برای کسب و کار قرار دادی، ای که

جَعَلَ النَّوْمَ سُباتاً، یا مَنْ جَعَلَ السَّمآءَ بِنآءً، یا مَنْ جَعَلَ الْأَشْیآءَ ازْواجاً،

خواب را برای آرامش قرار دادی، ای که آسمان را برافراشته قرار دادی، ای که همه چیز را جفت قرار دادی،

یا مَنْ جَعَلَ النّارَ مِرْصاداً (69) اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ یا سَمیعُ یا

ای که دوزخ را کمینگاه قرار دادی (69) خدایا از تو می خواهم به حقّ نامت، ای شنوا، ای

شَفیعُ، یا رَفیعُ یا مَنیعُ، یا سَریعُ یا بَدیعُ، یا کَبیرُ یا قَدیرُ، یا خَبیرُ یا مُجیرُ

شفاعت کننده، ای بلندمرتبه، ای ارجمند، ای سریع (در اجابت)، ای پدیدآورنده، ای بزرگ، ای توانا، ای آگاه، ای پناه ده

(70) یا حَیّاً قَبْلَ کُلِّ حَیٍّ، یا حَیّاً بَعْدَ کُلِّ حَیٍّ، یا حَیُّ الَّذی لَیْسَ کَمِثْلِهِ

(70) ای زنده پیش از هر زنده، ای زنده پس از هر زنده، ای زنده ای که هیچ زنده ای مانندت

حَیٌّ، یا حَیُّ الَّذی لا یُشارِکُهُ حَیٌّ، یا حَیُّ الَّذی لا یَحْتاجُ الی حَیٍّ، یا

نیست ای زنده ای که هیچ زنده ای شریکت نیست، ای زنده ای که به هیچ زنده ای محتاج نیستی، ای

ص: 154

حَیُّ الَّذی یُمیتُ کُلَّ حَیٍّ، یا حَیُّ الَّذی یَرْزُقُ کُلَّ حَیٍّ، یا حَیّاً لَمْ یَرِثِ

زنده ای که هر زنده ای را بمیرانی، ای زنده ای که هر زنده ای را روزی دهی، ای زنده ای که زندگی را

الْحَیوهَ مِنْ حَیٍّ، یا حَیُّ الَّذی یُحْیِی الْمَوْتی یا حَیُّ یا قَیُّومُ لا تَأْخُذُهُ

از هیچ زنده ای ارث نبرده ای، ای زنده ای که مردگان را زنده کنی، ای زنده، ای پاینده، ای که چرت و خواب

سِنَهٌ وَلا نَوْمٌ (71) یا مَنْ لَهُ ذِکْرٌ لا یُنْسی یا مَنْ لَهُ نُورٌ لا یُطْفی یا مَنْ لَهُ

تو را فرا نگیرد (71) ای که یادت فراموش نشود، ای که نورت خاموش نشود، ای که

نِعَمٌ لا تُعَدُّ، یا مَنْ لَهُ مُلْکٌ لا یَزُولُ، یا مَنْ لَهُ ثَنآءٌ لا یُحْصی یا مَنْ لَهُ

نعمتهایت شمارش نشود، ای که فرمانرواییت زوال نپذیرد، ای که ستایشت قابل شمارش نباشد، ای که

جَلالٌ لا یُکَیَّفُ، یا مَنْ لَهُ کَمالٌ لا یُدْرَکُ، یا مَنْ لَهُ قَضآءٌ لا یُرَدُّ، یا مَنْ لَهُ

بزرگیت تغییر نپذیرد، ای که کمالت درک نشود، ای که حُکمت رد نشود، ای که

صِفاتٌ لا تُبَدَّلُ، یا مَنْ لَهُ نُعُوتٌ لا تُغَیَّرُ (72) یا رَبَّ الْعالَمینَ، یا مالِکَ یَوْمِ

صفاتت تغییر نکند، ای که ویژگیهایت تغییر نیابد (72) ای پروردگار جهان، ای فرمانروای روز

الدّینِ، یا غایَهَ الطَّالِبینَ، یا ظَهْرَ اللَّاجینَ، یا مُدْرِکَ الْهارِبینَ، یا مَنْ

جزا، ای هدف نهایی طلب کنندگان، ای پشتیبان پناهندگان، ای دریابنده فراریان، ای که

یُحِبُّ الصَّابِرینَ، یا مَنْ یُحِبُّ التَّوَّابینَ، یا مَنْ یُحِبُّ الْمُتَطَهِّرینَ، یا مَنْ

صابران را دوست داری، ای که توبه کنندگان را دوست داری، ای که پاکیزگان را دوست داری، ای که

یُحِبُّ الْمُحْسِنینَ، یا مَنْ هُوَ اعْلَمُ بِالْمُهْتَدینَ (73) اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ

نیکوکاران را دوست داری، ای که به هدایت شدگان داناتری (73) خدایا از تو می خواهم

بِاسْمِکَ یا شَفیقُ یا رَفیقُ، یا حَفیظُ یا مُحیطُ، یا مُقیتُ یا مُغیثُ، یا مُعِزُّ

به حقّ نامت، ای مهربان، ای رفیق، ای نگهدار، ای در برگیرنده، ای نیروبخش، ای فریادرس، ای عزّت بخش،

یا مُذِلُّ، یا مُبْدِئُ یا مُعیدُ (74) یا مَنْ هُوَ احَدٌ بِلا ضِدٍّ، یا مَنْ هُوَ فَرْدٌ بِلا نِدٍّ،

ای خوار کننده، ای آغاز کننده، ای بازگرداننده (74) ای که تویی یکتای بی مخالف، ای که تویی تنهای بی همتا،

یا مَنْ هُوَ صَمَدٌ بِلا عَیْبٍ، یا مَنْ هُوَ وِتْرٌ بِلا کَیْفٍ، یا مَنْ هُوَ قاضٍ بِلا

ای که تویی بی نیاز بی عیب، ای که تویی یگانه غیر قابل توصیف، ای که تویی حاکم

حَیْفٍ، یا مَنْ هُوَ رَبٌّ بِلا وَزیرٍ، یا مَنْ هُوَ عَزیزٌ بِلا ذُلٍّ، یا مَنْ هُوَ غَنِیٌ

بی زیان، ای که تویی پروردگار بی مشاور، ای که تویی گرامی بی ذلّت، ای که تویی توانگر

بِلافَقْرٍ، یا مَنْ هُوَ مَلِکٌ بِلا عَزْلٍ، یا مَنْ هُوَ مَوْصُوفٌ بِلا شَبیهٍ (75) یا مَنْ

بی نیاز، ای که تویی فرمانروای غیر قابل عزل، ای که تویی وصف شده بی مانند (75) ای که

ذِکْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاکِرینَ، یا مَنْ شُکْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاکِرینَ، یا مَنْ حَمْدُهُ عِزٌّ

یادت برای یادکنندگان شرافت است، ای که شکرت برای سپاسگزاران رستگاری است، ای که حمدت برای

لِلْحامِدینَ، یا مَنْ طاعَتُهُ نَجاهٌ لِلْمُطیعینَ، یا مَنْ بابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبینَ، یا

حمدکنندگان عزّت است، ای که اطاعتت برای اطاعت کنندگان نجات است، ای که درگاهت برای طلب کنندگان گشوده است، ای

مَنْ سَبیلُهُ واضِحٌ لِلْمُنیبینَ، یا مَنْ ایاتُهُ بُرْهانٌ لِلنَّاظِرینَ، یا مَنْ کِتابُهُ

که راهت برای توبه کنندگان آشکار است، ای که نشانه هایت برای بینندگان دلیل است، ای که کتابت

تَذْکِرَهٌ لِلْمُتَّقینَ، یا مَنْ رِزْقُهُ عُمُومٌ لِلطَّآئِعینَ وَالْعاصینَ، یا مَنْ رَحْمَتُهُ

برای پرهیزکاران یادآوری است، ای که روزیت برای اطاعت کنندگان و گنهکاران عمومی است، ای که رحمتت

قَریبٌ مِنَ الْمُحْسِنینَ (76) یا مَنْ تَبارَکَ اسْمُهُ، یا مَنْ تَعالی جَدُّهُ، یا مَنْ لا

به نیکوکاران نزدیک است (76) ای که نامت مبارک است، ای که شأنت بلند است، ای که معبودی

الهَ غَیْرُهُ، یا مَنْ جَلَّ ثَنآئُهُ، یا مَنْ تَقَدَّسَتْ اسْمآئُهُ، یا مَنْ یَدُومُ بَقآئُهُ، یا

جز تو نیست، ای که ثنایت بزرگ است، ای که نامهایت مقدّس است، ای که بقایت جاودان است، ای

مَنِ الْعَظَمَهُ بَهآئُهُ، یا مَنِ الْکِبْرِیآءُ رِدآئُهُ، یا مَنْ لا تُحْصی الائُهُ، یا مَنْ لا

که بزرگی شکوه توست، ای که بزرگ منشی ردای توست، ای که نعمتهایت شمارش نشود، ای که بخشندگیت

تُعَدُّ نَعْمآئُهُ (77) اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ یا مُعینُ یا امینُ، یا مُبینُ یا

شمارش نشود (77) خدایا از تو می خواهم به حقّ نامت، ای یاری کننده، ای امانتدار، ای آشکار کننده، ای

مَتینُ، یا مَکینُ یا رَشیدُ، یا حَمیدُ یا مَجیدُ، یا شَدیدُ یاشَهیدُ (78) یا

استوار، ای مقتدر، ای راهنما، ای ستوده، ای بزرگوار، ای نیرومند، ای گواه (78) ای

ذَاالْعَرْشِ الْمَجیدِ، یا ذَا الْقَوْلِ السَّدیدِ، یا ذَا الْفِعْلِ الرَّشیدِ، یا ذَا الْبَطْشِ

صاحب عرش بزرگ، ای صاحب گفتار محکم، ای صاحب کردار صحیح، ای صاحب انتقام

الشَّدیدِ، یاذَا الْوَعْدِ وَالْوَعیدِ، یا مَنْ هُوَ الْوَلِیُّ الْحَمیدُ، یا مَنْ هُوَ فَعَّالٌ لِما

سخت، ای صاحب وعده و وعید، ای که تویی سرپرست ستوده، ای که تویی انجام دهنده هر چه

یُریدُ، یا مَنْ هُوَ قَریبٌ غَیْرُ بَعیدٍ، یا مَنْ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ شَهیدٌ، یا مَنْ

خواهی، ای که تویی نزدیک نزدیک، ای که تویی بر هر چیز گواه، ای که

هُوَ لَيْسَ بِظَلّامٍ لِلْعَبيدِ (79) يا مَنْ لا شَريکَ لَهُ وَلا وَزيرَ، يا مَنْ لا شَبيهَ لَهُ

بر بندگان ستم نکنى (79) اى که شريک و مشاورى ندارى، اى که مثل

وَلا نَظيرَ، يا خالِقَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ الْمُنيرِ، يا مُغْنِىَ الْبآئِسِ الْفَقيرِ، يا

و مانندى ندارى، اى آفريننده خورشيد و ماه تابان، اى بى نياز کننده بينواى فقير، اى

رازِقَ الْطِّفْلِ الصَّغيرِ، يا راحِمَ الشَّيْخِ الْکَبيرِ، يا جابِرَ الْعَظْمِ الْکَسيرِ، يا

روزى ده کودک خردسال، اى ترحّم کننده پير کهنسال، اى پيوند دهنده استخوان شکسته، اى

عِصْمَةَ الْخآئِفِ الْمُسْتَجيرِ، يا مَنْ هُوَ بِعِبادِهِ خَبيرٌ بَصيرٌ، يا مَنْ هُوَ عَلى

نگهدار ترسان پناهجو، اى که به بندگان آگاه و بينايى، اى که بر

کُلِّ شَىْ ءٍ قَديرٌ (80) يا ذَا الْجُودِ وَالنِّعَمِ، يا ذَا الْفَضْلِ وَالْکَرَمِ، يا خالِقَ

هر چيز توانايى (80) اى صاحب بخشش و نعمتها، اى صاحب لطف و بخشش، اى آفريننده

اللَّوْحِ وَالْقَلَمِ، يا بارِئَ الذَّرِّ وَالنَّسَمِ، يا ذَا الْبَأْسِ وَالنِّقَمِ، يا مُلْهِمَ الْعَرَبِ

لوح و قلم، اى پديدآورنده ذرّات و آدميان، اى صاحب سختى و انتقام، اى الهام کننده عرب

وَالْعَجَمِ، يا کاشِفَ الضُّرِّ وَالْأَلَمِ، يا عالِمَ السِّرِّ وَالْهِمَمِ، يارَبَّ الْبَيْتِ

و عجم، اى برطرف کننده رنج و درد، اى داناى رازها و نيّت ها، اى پروردگار کعبه

وَالْحَرَمِ، يا مَنْ خَلَقَ الْأَشيآءَ مِنَ الْعَدَمِ (81) اللهُمَّ انّى اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ يا

و حرم، اى آفريننده اشيا از عدم (81) خدايا از تو مى خواهم به حقّ نامت، اى

فاعِلُ یا جاعِلُ، یا قابِلُ یا کامِلُ، یا فاصِلُ یا واصِلُ، یا عادِلُ یا غالِبُ،

انجام دهنده، ای قرار دهنده، ای پذیرنده، ای کامل، ای جدا کننده، ای پیوند دهنده، ای دادگر، ای غلبه کننده،

یا طالِبُ یا واهِبُ (82) یا مَنْ انْعَمَ بِطَوْلِهِ، یا مَنْ اکْرَمَ بِجُودِهِ، یا مَنْ جادَ

ای طلب کننده، ای بخشنده (82) ای که با توانایی نعمت دهی، ای که با بخششت احسان کنی، ای که با لطفت

بِلُطْفِهِ، یا مَنْ تَعَزَّزَ بِقُدْرَتِهِ، یا مَنْ قَدَّرَ بِحِکْمَتِهِ، یا مَنْ حَکَمَ بِتَدْبیرِهِ، یا

بخشش کنی، ای که با قدرتت عزیز گردانی، ای که با حکمتت تقدیر نمایی، ای که با تدبیرت حکم کنی، ای

مَنْ دَبَّرَ بِعِلْمِهِ، یا مَنْ تَجاوَزَ بِحِلْمِهِ، یا مَنْ دَنی فی عُلُوِّهِ، یا مَنْ عَلا فی

که با دانشت تدبیر نمایی، ای که با حلمت درگذری، ای که در عین بلندمرتبگی نزدیکی، ای که در عین نزدیکی

دُنُوِّهِ (83) یا مَنْ یَخْلُقُ ما یَشآءُ، یا مَنْ یَفْعَلُ ما یَشآءُ، یا مَنْ یَهْدی مَنْ

بلندمرتبه ای (83) ای که هر چه بخواهی بیافرینی، ای که هر چه بخواهی انجام دهی، ای که هر کس را بخواهی

يَشآءُ، يا مَنْ يُضِلُّ مَنْ يَشآءُ، يا مَنْ يُعَذِّبُ مَنْ يَشآءُ، يا مَنْ يَغْفِرُ لِمَنْ

هدايت كنى، اى كه هر كس را بخواهى گمراه كنى، اى كه هر كس را بخواهى عذاب كنى، اى كه هر كس را بخواهى

يَشآءُ، يا مَنْ يُعِزُّ مَنْ يَشآءُ، يا مَنْ يُذِلُّ مَنْ يَشآءُ، يا مَنْ يُصَوِّرُ فِى

بيامرزى، اى كه هر كس را بخواهى عزيز كنى، اى كه هر كس را بخواهى ذليل كنى، اى كه هر چه را بخواهى

الْأَرْحامِ ما يَشآءُ، يا مَنْ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشآءُ (84) يا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ

در رحمها صورت بخشى، اى كه هر كس را بخواهى به رحمتت اختصاص دهى (84) اى كه همسر و فرزندى

صاحِبَةً وَلا وَلَداً، يا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَىْ ءٍ قَدْراً، يا مَنْ لا يُشْرِكُ فى

براى خود بر نگزيدى، اى كه براى هر چيز اندازه اى قرار دادى، اى كه كسى را در فرمانت

حُكْمِهِ احَداً، يا مَنْ جَعَلَ الْمَلائِكَةَ رُسُلاً، يا مَنْ جَعَلَ فِى السَّمآءِ بُرُوجاً،

شريک نگرفتى، اى كه فرشتگان را پيام آور قرار دادى، اى كه در آسمانها برجهايى قرار دادى،

يا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَراراً، يا مَنْ خَلَقَ مِنَ الْماۤءِ بَشَراً، يا مَنْ جَعَلَ لِكُلِ

اى كه زمين را جايگاه آسايش قرار دادى، اى كه انسان را از آب آفريدى، اى كه براى هر چيز

شَىْ ءٍ امَداً، يا مَنْ احاطَ بِكُلِّ شَىْ ءٍ عِلْماً، يا مَنْ احْصى كُلَّ شَىْ ءٍ عَدَداً

مدّت قرار دادى، اى كه علمت بر همه چيز احاطه دارد، اى كه تعداد همه چيز را شمرده اى

(85) اللهُمَّ انّى اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا اوَّلُ يا اخِرُ، يا ظاهِرُ يا باطِنُ، يا بَرُّ يا

(85) خدایا از تو می خواهم به حقّ نامت، ای آغاز، ای پایان، ای آشکار، ای پنهان، ای نیکوکار، ای

حَقُّ، یا فَرْدُ یا وِتْرُ، یا صَمَدُ یا سَرْمَدُ (86) یا خَیْرَ مَعْرُوفٍ عُرِفَ، یا افْضَلَ

حق، ای یگانه، ای تنها، ای بی نیاز، ای جاوید (86) ای بهترین نیکی شناخته شده، ای برترین

مَعْبُودٍ عُبِدَ، یا اجَلَّ مَشْكُورٍ شُكِرَ، یا اعَزَّ مَذْكُورٍ ذُكِرَ، یا اعْلی مَحْمُودٍ

معبود پرستش شده، ای بزرگترین سپاس شونده سپاه شده، ای عزیزترین یادشونده یاد شده، ای برترین ستایش شونده

حُمِدَ، یا اقْدَمَ مَوْجُودٍ طُلِبَ، یا ارْفَعَ مَوْصُوفٍ وُصِفَ، یا اكْبَرَ مَقْصُودٍ

ستایش شده، ای قدیمی ترین موجود طلب شده، ای برترین توصیف شونده توصیف شده، ای بزرگترین قصد شونده

قُصِدَ، یا اكْرَمَ مَسْئُولٍ سُئِلَ، یا اشْرَفَ مَحْبُوبٍ عُلِمَ (87) یا حَبیبَ

قصد شده، ای گرامی ترین درخواست شونده درخواست شده، ای شریف ترین محبوب شناخته شده (87) ای دوست

الْباكینَ، یا سَیِّدَ الْمُتَوَكِّلینَ، یا هادِیَ الْمُضِلّینَ، یا وَلِیَّ الْمُؤْمِنینَ، یا

گریه کنندگان، ای سرور توکّل کنندگان، ای هدایت کننده گمراهان، ای سرپرست مؤمنان، ای

انیسَ الذّاکِرینَ، یا مَفْزَعَ الْمَلْهُوفینَ، یا مُنْجِیَ الصّادِقینَ، یا اقْدَرَ

همدم ذاکران، ای پناهگاه دلسوختگان، ای نجات دهنده راستگویان، ای تواناترین

الْقادِرینَ، یا اعْلَمَ الْعالِمینَ، یا الهَ الْخَلْقِ اجْمَعینَ (88) یا مَنْ عَلا فَقَهَرَ، یا

توانایان، ای داناترین دانایان، ای معبود همه آفریدگان (88) ای که برتری و مغلوب سازی، ای

مَنْ مَلَکَ فَقَدَرَ، یا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ، یا مَنْ عُبِدَ فَشَکَرَ، یا مَنْ عُصِیَ فَغَفَرَ، یا

که مالکی و توانایی، ای که پنهانی و آگاهی، ای که در برابر عبادت سپاسگزاری می کنی، ای که نافرمانی شوی و بیامرزی، ای

مَنْ لا تَحْویهِ الْفِکَرُ، یا مَنْ لا یُدْرِکُهُ بَصَرٌ، یا مَنْ لا یَخْفی عَلَیْهِ اثَرٌ، یا

که فکرها تو را در بر نگیرد، ای که چشمی تو را نبیند، ای که نشانه ای بر تو پوشیده نماند، ای

رازِقَ الْبَشَرِ، یا مُقَدِّرَ کُلِّ قَدَرٍ (89) اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ یا حافِظُ یا

روزه ده انسان، ای مقدّر کننده هر تقدیر (89) خدایا از تو می خواهم به حقّ نامت، ای نگهدارنده، ای

بارِئُ، یا ذارِئُ یا باذِخُ، یا فارِجُ یا فاتِحُ، یا کاشِفُ یا ضامِنُ، یا امِرُ یا

آفریننده، ای پدیدآورنده، ای والامقام، ای گشایش دهنده ای پیروز، ای آشکار کننده، ای عهده دار، ای دستور دهنده، ای

ناهی (90) یامَنْ لا یَعْلَمُ الْغَیْبَ الّا هُوَ، یا مَنْ لا یَصْرِفُ السُّوءَ الّا هُوَ، یا

نهی کننده (90) ای که کسی جز تو نهان را نداند، ای که کسی جز تو بدی را بر نگرداند، ای

مَنْ لایَخْلُقُ الْخَلْقَ الّا هُوَ، یا مَنْ لایَغْفِرُ الذَّنْبَ الّا هُوَ، یا مَنْ لا یُتِمُ

که کسی جز تو مخلوقات را نیافریند، ای که کسی جز تو گناه را نیامرزد، ای که کسی جز تو

النِّعْمَةَ الَّا هُوَ، یا مَنْ لا یُقَلِّبُ الْقُلُوبَ الَّا هُوَ، یا مَنْ لا یُدَبِّرُ الْأَمْرَ الَّا هُوَ،

نعمت را تمام نکند، ای که کسی جز تو دلها را دگرگون نکند، ای که کسی جز تو کار را تدبیر نکند،

یا مَنْ لایُنَزِّلُ الْغَیْثَ الَّا هُوَ، یا مَنْ لا یَبْسُطُ الرِّزْقَ الَّا هُوَ، یا مَنْ لایُحْیِی

ای که کسی جز تو باران را فرو نفرستد، ای که کسی جز تو روزی را نگستراند، ای که کسی جز تو

الْمَوْتی الَّا هُوَ (91) یا مُعینَ الضُّعَفآءِ، یا صاحِبَ الْغُرَبآءِ، یا ناصِرَ الْأَوْلِیآءِ،

مردگان را زنده نکند (91) ای یاور ناتوانان، ای همراه غریبان، ای یاری دهنده دوستان،

یا قاهِرَ الْأَعْدآءِ، یا رافِعَ السَّمآءِ، یا انیسَ الْأَصْفِیآءِ، یا حَبیبَ الْأَتْقِیآءِ،

ای غلبه کننده بر دشمنان، ای برافرازنده آسمان، ای همدم برگزیدگان، ای دوست پرهیزکاران،

یا کَنْزَ الْفُقَرآءِ، یا الهَ الْأَغْنِیآءِ، یا اکْرَمَ الْکُرَمآءِ (92) یا کافِیاً مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ،

ای گنج نیازمندان، ای معبود توانگران، ای گرامی ترین گرامیان (92) ای کفایت کننده از هر چیز،

ص: 159

يا قآئِماً عَلى كُلِّ شَىْ ءٍ، يا مَنْ لا يُشْبِهُهُ شَىْ ءٌ، يا مَنْ لا يَزيدُ فى مُلْكِهِ

اى عهده دار هر چيز، اى كه چيزى همانندت نيست، اى كه چيزى به فرمانروايیت

شَىْ ءٌ، يا مَنْ لا يَخْفى عَلَيْهِ شَىْ ءٌ، يا مَنْ لا يَنْقُصُ مِنْ خَزآئِنِهِ شَىْ ءٌ، يا

نيافزايد، اى كه چيزى بر تو پوشيده نماند، اى كه چيزى از خزائنت نكاهد، اى

مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَىْ ءٌ، يا مَنْ لا يَعْزُبُ عَنْ عِلْمِهِ شَىْ ءٌ، يا مَنْ هُوَ خَبيرٌ

كه چيزى مانندت نيست، اى كه چيزى از دايره دانشت بيرون نيست، اى كه بر همه چيز

بِكُلِّ شَىْ ءٍ، يا مَنْ وَسِعَتْ رَحْمَتُهُ كُلَّ شَىْ ءٍ (93) اللهُمَّ انّى اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

آگاهى، اى كه رحمتت همه چيز را فرا گرفته است (93) خدايا از تو مى خواهم به حقّ نامت،

يا مُكْرِمُ يا مُطْعِمُ، يا مُنْعِمُ يا مُعْطى يا مُغْنى يا مُقْنى يا مُفْنى يا مُحْيى

اى گرامى دارنده، اى اطعام كننده، اى نعمت دهنده، اى عطا كننده، اى بى نياز كننده، اى سرمايه بخش، اى نابود كننده، اى زنده كننده،

يا مُرْضى يامُنْجى (94) يا اوَّلَ كُلِّ شَىْ ءٍ وَآخِرَهُ، يا الهَ كُلِّ شَىْ ءٍ وَمَليكَهُ،

اى خشنود كننده، اى نجات دهنده (94) اى آغاز و پايان هر چيز، اى معبود و مالک هر چيز،

يا رَبَّ كُلِّ شَىْ ءٍ وَصانِعَهُ، يا بارِئَ كُلِّ شَىْ ءٍ وَخالِقَهُ، يا قابِضَ كُلِّ شَىْ ءٍ

اى پروردگار و سازنده هر چيز، اى پديدآورنده و آفريننده هر چيز، اى تنگ گيرنده و گشاينده

وَباسِطَهُ، يا مُبْدِئَ كُلِ شَىْ ءٍ وَمُعيدَهُ، يا مُنْشِئَ كُلِّ شَىْ ءٍ وَمُقَدِّرَهُ، يا

هر چیز، ای آغاز کننده و بازگرداننده هر چیز، ای ایجاد کننده و تقدیر کننده هر چیز، ای

مُکَوِّنَ کُلِّ شَیْ ءٍ وَمُحَوِّلَهُ، یا مُحْیِیَ کُلِّ شَیْ ءٍ وَمُمیتَهُ، یا خالِقَ کُلِّ شَیْ ءٍ

هستی بخش و دگرگون کننده هر چیز، ای زنده کننده و نابود کننده هر چیز، ای آفریننده و وارث

وَوارِثَهُ (95) یا خَیْرَ ذاکِرٍ وَمَذْکُورٍ، یا خَیْرَ شاکِرٍ وَمَشْکُورٍ، یا خَیْرَ حامِدٍ

هر چیز (95) ای بهترین یادکننده و یاد شده، ای بهترین شکر کننده و شکر شده، ای بهترین ستایش کننده

وَمَحْمُودٍ، یا خَیْرَ شاهِدٍ وَمَشْهُودٍ، یا خَیْرَ داعٍ وَمَدْعُوٍّ، یا خَیْرَ مُجیبٍ

و ستایش شده، ای بهترین گواهی دهنده و گواهی شده، ای بهترین دعوت کننده و دعوت شده، ای بهترین اجابت کننده

وَمُجابٍ، یا خَیْرَ مُونِسٍ وَانیسٍ، یا خَیْرَ صاحِبٍ وَ جَلیسٍ، یا خَیْرَ

واجابت شده، ای بهترین انس گیرنده و مأنوس شده، ای بهترین همراهی کننده و همراهی شده، ای بهترین

مَقْصُودٍ وَمَطْلُوبٍ، یا خَیْرَ حَبیبٍ وَمَحْبُوبٍ (96) یا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعاهُ

قصد شده و طلب شده، ای بهترین دوست و محبوب (96) ای که هر کس تو را بخواند

مُجیبٌ، یا مَنْ هُوَ لِمَنْ اطاعَهُ حَبیبٌ، یا مَنْ هُوَ الی مَنْ احَبَّهُ قَریبٌ، یا

اجابتش کنی، ای که هر کس تو را اطاعت کند دوستش داری، ای که به هر کس که تو را دوست دارد نزدیکی، ای

مَنْ هُوَ بِمَنِ اسْتَحْفَظَهُ رَقیبٌ، یا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجاهُ کَریمٌ، یا مَنْ هُوَ بِمَنْ

که بر هرکس که حفاظتت طلبد نگهبانی، ای که به هر کس که به تو امید بندد بخشنده ای، ای که بر هر کس که

عَصاهُ حَلیمٌ، یا مَنْ هُوَ فی عَظَمَتِهِ رَحیمٌ، یا مَنْ هُوَ فی حِکْمَتِهِ عَظیمٌ، یا

نافرمانیت کند بردباری، ای که در عین بزرگیت مهربانی، ای که در عین داناییت بزرگی، ای

مَنْ هُوَ فی احْسانِهِ قَدیمٌ، یا مَنْ هُوَ بِمَنْ ارادَهُ عَلیمٌ (97) اللهُمَّ انّی

که در نیکیت دیرینه ای، ای که به هر کس که تو را اراده کند دانایی (97) خدایا از تو

اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ یا مُسَبِّبُ یا مُرَغِّبُ، یا مُقَلِّبُ یا مُعَقِّبُ، یا مُرَتِّبُ یا

می خواهم به حقّ نامت، ای چاره ساز، ای ترغیب کننده، ای دگرگون کننده، ای تعقیب کننده، ای نظم دهنده، ای

مُخَوِّفُ، یا مُحَذِّرُ یا مُذَکِّرُ، یا مُسَخِّرُ یا مُغَیِّرُ (98) یا مَنْ عِلْمُهُ سابِقٌ، یا

ترساننده، ای بیم دهنده، ای یادآورنده، ای تسخیر کننده، ای تغییر دهنده (98) ای که دانشت پیشین است، ای

مَنْ وَعْدُهُ صادِقٌ، یا مَنْ لُطْفُهُ ظاهِرٌ، یا مَنْ امْرُهُ غالِبٌ، یا مَنْ کِتابُهُ

که وعده ات راست است، ای که لطفت آشکار است، ای که فرمانت غالب است، ای که کتابت

مُحْکَمٌ، یا مَنْ قَضآئُهُ کائِنٌ، یا مَنْ قُرْآنُهُ مَجیدٌ، یا مَنْ مُلْکُهُ قَدیمٌ، یا مَنْ

دقیق است، ای که داوریت حتمی است، ای که قرآنت با عظمت است، ای که فرمانروایيت دیرینه است، ای که

فَضْلُهُ عَميمٌ، يا مَنْ عَرْشُهُ عَظيمٌ (99) يا مَنْ لايَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، يا

فضلت عمومی است، ای که عرشت بزرگ است (99) ای که شنیدنی از شنیدن دیگر تو را باز ندارد، ای

مَنْ لا يَمْنَعُهُ فِعْلٌ عَنْ فِعْلٍ، يا مَنْ لا يُلْهيهِ قَوْلٌ عَنْ قَوْلٍ، يا مَنْ لا يُغَلِّطُهُ

که انجام کاری تو را از کار دیگر منع نکند، ای که سخنی از سخن دیگر تو را سرگرم نکند، ای که درخواست کسی تو را

سُؤالٌ عَنْ سُؤالٍ، يا مَنْ لا يَحْجُبُهُ شَىْ ءٌ عَنْ شَىْ ءٍ، يا مَنْ لا يُبْرِمُهُ الْحاحُ

از درخواست دیگری به اشتباه نیندازد، ای که چیزی از چیز دیگر تو را حجاب نشود، ای که پافشاری اصرار کنندگان تو را

الْمُلِحّينَ، يا مَنْ هُوَ غايَةُ مُرادِ الْمُريدينَ، يا مَنْ هُوَ مُنْتَهى هِمَمِ

به ستوه نیاورد، ای که تویی نهایت آرزوی جویندگان، ای که تویی نهایت همت

الْعارِفينَ، يا مَنْ هُوَ مُنْتَهى طَلَبِ الطّالِبينَ، يا مَنْ لا يَخْفى عَلَيْهِ ذَرَّةٌ

عارفان، ای که تویی نهایت خواسته طلب کنندگان، ای که ذرّه ای در عالم بر تو

فِی الْعالَمینَ (100) یا حَلیماً لا یَعْجَلُ، یا جَواداً لا یَبْخَلُ، یا صادِقاً لا

پوشیده نماند (100) ای بردباری که عجله نکنی، ای بخشنده ای که بخل نورزی، ای راستگویی

یُخْلِفُ، یا وَهَّاباً لا یَمَلُّ، یا قاهِراً لا یُغْلَبُ، یا عَظیماً لا یُوصَفُ، یا عَدْلاً

که خُلف وعده نکنی، ای بخشنده ای که خسته نشوی، ای پیروزی که شکست نخوری، ای بزرگی که توصیف نشوی، ای عادلی که

لایَحیفُ، یا غَنِیّاً لا یَفْتَقِرُ، یا کَبیراً لا یَصْغُرُ، یا حافِظاً لا یَغْفُلُ، سُبْحانَکَ

ستم نکنی، ای بی نیازی که محتاج نگردی، ای بزرگی که کوچک نشوی، ای نگهداری که غفلت نکنی، تسبیح می کنم تو را

یا لا الهَ الَّا انْتَ، الْغَوْثَ، الْغَوْثَ، خَلِّصْنا مِنَ النَّارِ یا رَبّ.

ای کسی که جز تو معبودی نیست، یاریمان کن، یاریمان کن، ما را از آتش دوزخ برهان، ای پروردگار من.

دعای جوشن صغیر[146]:

دعای جوشن صغیر(1):

این دعا در کتب مختلف نقل شده است 147] و دارای عظمت و منزلت والایی است و در برابر بلاها و رفع و دفع ظالم نافع است. در «مهج الدعوات» آمده است: هنگامی که موسی بن مهدی عبّاسی قصد کشتن امام کاظم علیه السلام را نمود، و این خبر به خانواده و شیعیان آن حضرت رسید، همگی اندوهگین شدند؛ امام علیه السلام فرمود: ناراحت نباشید؛ چرا که اوّلین نامه ای که از عراق برسد، مربوط به خبر مرگ موسی بن مهدی است.

یاران پرسیدند: از کجا می فرمایید؟ امام علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم و شکایت موسی بن مهدی را نزد او نمودم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرا مطمئن ساخت و فرمود: خداوند لحظاتی پیش دشمن تو راهلاک کرد؛ بنابراین، شکر الهی را بجا آور.

امام کاظم علیه السلام آنگاه رو به قبله نمود و دست ها را رو به آسمان بلند کرد و این دعا را خواند. این دعا مطابق نقل «بلدالامین» چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الهی کَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضی عَلَیَّ سَیفَ عَداوَتِهِ، وَشَحَذَ لی ظُبَةَ مِدْیَتِهِ،

ای معبود من، چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنیش را به رویم کشید و لبه کاردش را برایم تیز کرد

ص: 162

1- [146]چون این دعا برای دفع دشمن، زره و حرز خوبی است، لذا جوشن نامیده شده و چون از دعای سابق کوتاه تر است، جوشن صغیر نامیده شده است.

وَارْهَفَ لی شَباحَدِّهِ، وَدافَ لی قَواتِلَ سُمُومِهِ، وَسَدَّدَالَیَ صَوائِبَ سِهامِهِ،

و نوک برنده اش را به سوی من گرفت و زهرهای کشنده اش را برایم درهم آمیخت و مرا با تیرهای دقیقش نشانه گرفت

وَلَمْ تَنَمْ عَنّی عَیْنُ حِراسَتِهِ، وَاضْمَرَ انْ یَسُومَنِی الْمَکْرُوهَ، وَیُجَرِّعَنی

و چشم نگهبانش را از من فرو نبست، و در فکر آزار رساندن به من بود، تا تلخی

ذُعافَ مَرارَتِهِ، نَظَرْتَ الی ضَعْفی عَنِ احْتِمالِ الْفَوادِحِ، وَعَجْزی عَنِ

زهر کشنده اش را به من بچشاند، ولی تو توجّه نمودی به ناتوانیم از تحمّل بلاها، و درماندگیم از

الْإِنْتِصارِ مِمَّنْ قَصَدَنی بِمُحارَبَتِهِ، وَ وَحْدَتی فی کَثیرٍ مِمَّنْ ناوانی

پیروزی بر کسی که به جنگم برخواسته، و تنهاییم در برابر افراد بسیاری که با من دشمنی ورزیده اند

وَارْصادِهِمْ لی فیما لَمْ اعْمِلْ فیهِ فِکْری فی الْإِرْصادِ لَهُمْ بِمِثْلِهِ، فَایَّدْتَنی

و به کوتاهی تدبیرم در مقابله به مثل، با آنان که بر من کمین کرده اند، پس مرا

بِقُوَّتِکَ، وَشَدَدْتَ ازْری بِنُصْرَتِکَ، وفَلَلْتَ لی شَباحَدِّهِ، وَخَذَلْتَهُ بَعْدَ

با نیرویت تأیید نمودی، و نیرویم را به یاریت تقویت کرده، و تیزی شمشیرش را بر من کند ساختی، و پس از

جَمْعِ عَدیدِهِ وَحَشْدِهِ، واعْلَیْتَ کَعْبی عَلَیْهِ، وَوَجَّهْتَ ما سَدَّدَ الَیَّ مِنْ

فراهم ساختن سپاه و تجهیزات، خوارش نمودی، و مقام مرا بر او برتری دادی، و نقشه های شومی که برایم کشیده بود،

مَکائِدِهِ الَیْهِ، وَ رَدَدْتَهُ عَلَیْهِ، وَ لَمْ تَشْفِ غَلیلَهُ، وَلَمْ تَبْرُدْ حَزازاتُ غَیْظِهِ،

متوجّه خودش ساختی، و به او برگرداندی، و عطش انتقامش را فرو ننشاندی، و حرارت خشمش سرد نشد

وَقَدْ عَضَّ عَلَیَّ انامِلَهُ، وَادْبَرَ مُوَلِّیاً قَدْ اخْفَقَتْ سَرایاهُ، فَلَکَ الْحَمْدُ یا

در حالی که از کینه من انگشت به دندان می گزید، پشت کرد و گریخت و سپاهش درهم شکست، پس ای پروردگار من حمد و سپاس

رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لایُغْلَبُ، وَذی اناهٍ لایَعْجَلُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

از آنِ توست به خاطر نیروی شکست ناپذیرت، و شکیبایی بی شتابت، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

وَاجْعَلْنی لِنَعْمآئِکَ مِنَ الشَّاکِرینَ، وَلِالائِکَ مِنَ الذَّاکِرینَ، الهی وَکَمْ مِنْ

و مرا از سپاسگزاران نعمتها و یادکنندگان احسانت قرار ده، ای معبود من، چه بسیار

باغٍ بَغانی بِمَکایِدِهِ، وَنَصَبَ لی اشْراکَ مَصایِدِهِ، وَ وَکَّلَ بی تَفَقُّدَ رِعایَتِهِ،

ستمگری که با حیله های خود بر من ستم کرد و برای شکار من دامها گسترانید و در جستجوی من مأمور گمارد

وَضَبَأَ الَیَّ ضَبْ ءِ السَّبُعِ لِطَریدَتِهِ، انْتِظاراً لِانْتِهازِ فُرْصَتِهِ، وَهُوَ یُظْهِرُ

و مانند درنده ای که برای شکار گریخته اش کمین کند به انتظار فرصتی مناسب به کمینم نشست، در حالی که متملّقانه

بَشاشَةَ الْمَلَقِ، وَيَبْسُطُ لى وَجْهاً غَيْرَ طَلِقٍ، فَلَمَّا رَايْتَ دَغَلَ سَريرَتِهِ،

(برای فریبم) خود را خوشرو نشان می داد، و به دروغ خود را گشاده رو نشان می داد، پس زمانی که خیانت باطنش را دیدی

وَقُبْحَ مَا انْطَوى عَلَيْهِ لِشَريكِهِ فى مِلَّتِهِ، واصْبَحَ مُجْلِباً لى فى بَغْيِهِ،

و زشتی نیّتش را نسبت به هم کیشش دانستی، در حالی که مرا به سوی ظلم خویش می کشد،

ارْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَاْسِهِ، واتَيْتَ بُنْيانَهُ مِنْ اساسِهِ، فَصَرَعْتَهُ فى زُبْيَتِهِ، وَارْدَيْتَهُ

او را با فرق سر به زمین کوفتی، و ریشه اش را از بیخ و بن کندی، پس او را در دامش گرفتار ساختی، و در چاهی که

فى مَهْوى حُفْرَتِهِ، وَجَعَلْتَ خَدَّهُ طَبَقاً لِتُرابِ رِجْلِهِ، وَشَغَلْتَهُ فى بَدَنِهِ

حفر کرده بود افکندی، و صورتش را با خاک پایش برابر کردی، و او را سرگرم رسیدگی به بدن

وَرِزْقِهِ، وَرَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ، وَخَنَقْتَهُ بِوَتَرِهِ، وَذَكَّيْتَهُ بِمَشاقِصِهِ، وَ كَبَبْتَهُ

و روزیش نمودی، و با سنگ خودش او را زدی، و با زه کمانش خفه اش نمودی و با سرنیزه اش سرش را بریدی، و بینیش را

لِمَنْخَرِهِ، وَرَدَدْتَ كَيْدَهُ فى نَحْرِهِ، وَ وَثَّقْتَهُ بِنَدامَتِهِ، وَفَثَأتَهُ بِحَسْرَتِهِ،

به خاک مالیدی و مکرش را به خودش بازگرداندی، و در بند پشیمانی اسیرش کردی و با حسرتش او را رام نمودی

فَاسْتَخْذَأَ وَاسْتَخْذَلَ وَتَضآئَلَ بَعْدَ نَخْوَتِهِ، وانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطالَتِهِ، ذَليلاً

پس خوار و حقیر و ضعیف گردید بعد از غرور و نخوتش، و پس از سرکشی ریشه کن گردید، در حالی که

مَاْسُوراً فى رِبْقِ حِبائِلِهِ، الَّتى كانَ يُؤَمِّلُ انْ يَرانى فيها يَوْمَ سَطْوَتِهِ، وَقَدْ

در چنگ بندهای دامش خوار و اسیر گردید، دامی که آرزو داشت در روز قدرتش مرا در آن ببیند، و ای

کِدْتُ یا رَبِّ لَوْلا رَحْمَتُکَ انْ یَحُلَّ بی ما حَلَّ بِساحَتِهِ، فَلَکَ الْحَمْدُ یا

پروردگار من اگر رحمتت نبود نزدیک بود بلایی که بر سر او آمد بر سر من آید، پس ای پروردگار من

رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا یُغْلَبُ، وَذی اناهٍ لا یَعْجَلُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ

حمد و سپاس از آنِ توست به خاطر نیروی شکست ناپذیرت و شکیبایی بی شتابت، بر محمّد و خاندان پاکش درود

مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلنی لِنَعْمآئِکَ مِنَ الشَّاکِرینَ، ولِالائِکَ مِنَ الذَّاکِرینَ، الهی

فرست و مرا از سپاسگزاران نعمتها و یادکنندگان احسانت قرار ده، ای معبود من

وَکَمْ مِنْ حاسِدٍ شَرِقَ بِحَسَدِهِ، وَ عَدُوٍّ شَجِیَ بِغَیْظِهِ، وَسَلَقَنی بِحَدِّ لِسانِهِ،

و چه بسیار حسودی که حسادت گلویش را گرفت و دشمنی که غیظ گلویش را گرفت، و با زخم زبانش مرا آزرد،

وَ وَخَزَنی بِمُوقِ عَیْنِهِ، وَ جَعَلَ عِرْضی غَرَضاً لِمرامیهِ، وَ قَلَّدَنی خِلالاً

و با گوشه چشمش رنجاند، و آبرویم را هدف تیرهای تهمتش قرار داد، عیوبی را به گردنم انداخت

ص: 164

لَمْ تَزَلْ فِیهِ، فَنادَیْتُکَ یا رَبِّ مُسْتَجیراً بِکَ، واثِقاً بِسُرْعَهِ اجابَتِکَ، مُتَوَکِّلًا

که پیوسته گرفتار آنم، پس ای پروردگار من، پناه جویان، تو را خواندم، در حالی که به سرعتِ اجابتت مطمئن بوده و بر

عَلی ما لَمْ ازَلْ اتَعَرَّفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفاعِکَ، عالِماً انَّهُ لا یُضْطَهَدُ مَنْ آوی

دفاع نیکی که پیوسته از تو می شناختم توکّل نمودم، و می دانستم کسی که در سایه

الی ظِلِّ کَنَفِکَ وَکِفائَتِکَ، واعْتَضَدَ بِوِلایَتِکَ، وَلَنْ تَقْرَعَ الْحَوادِثُ مَنْ لَجَأَ

حمایت و کفایت تو پناه گیرد و تحت سرپرستی تو نیرومند گردد خوار و ذلیل نشود، و هر کس به دژ محکم یاری تو

الی مَعْقِلِ الْإِنْتِصارِ بِکَ، فَحَصَّنْتَنی مِنْ بأْسِهِ بِقُدْرَتِکَ، فَلَکَ الْحْمدُ یا

پناهنده شود هرگز حوادث روزگار او را سرکوب نکند، پس مرا به قدرت خود از شر محافظت نمودی، پس ای پروردگار من

رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا یُغْلَبُ، وَذی اناهٍ لا یَعْجَلُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ

حمد و سپاس از آن توست به خاطر نیروی شکست ناپذیرت و شکیبایی بی شتابت، بر محمّد و خاندان پاکش درود

مُحَمَّدٍ، واجْعَلْنی لِنَعْمآئِکَ مِنَ الشَّاکِرینَ، وَ لِألائِکَ مِنَ الذَّاکِرینَ، الهی

فرست و مرا از سپاسگزاران نعمتها و یادکنندگان احسانت قرار داده، ای معبود من

وَکَمْ مِنْ سَحائِبِ مَکْرُوهٍ جَلَّیْتَها، وَسَمآءِ نِعْمَهٍ امْطَرْتَها، وَ جَداوِلِ کَرامَهٍ

و چه بسیار ابرهای ناخوشایند که پراکنده نمودی و آسمانی از نعمت بر من فرو باریدی و جویبارهای کرامتی که

اجْرَیْتَها، واعْیُنِ احْداثٍ طَمَسْتَها، وَناشِئَهِ رَحْمَهٍ نَشَرْتَهَا، وَجُنَّهِ عافِیَهٍ

جاری ساختی و چشمه های حوادثی که خشکاندی، و رحمت تازه ای که گستراندی، و زره عافیتی که

الْبَسْتَها، وَغَوامِرِ کُرُباتٍ کَشَفْتَها، وَامُورٍ جارِیَهٍ قَدَّرْتَها، لَمْ تُعْجِزْکَ

بر بدنم پوشاندی، و گردابهای گرفتاری که برطرف ساختی، و کارهای روزمره که مقدّر ساختی، (پس) ناتوانت نکرد

اذْ طَلَبْتَها، وَلَمْ تَمْتَنِعْ عَلَیْکَ اذْ ارَدْتَهَا، فَلَکَ الْحَمْدُ یا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ

هنگامی که آنها را طلب نمودی، و هرگاه آنها را اراده نمودی قدرت سرپیچی نداشتند پس ای پروردگار من حمد و سپاس از آنِ توست

لا یُغْلَبُ، وَذی اناهٍ لا یَعْجَلُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاْجَعْلنی

به خاطر نیروی شکست ناپذیرت، و شکیبایی بی شتابت، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا از

لِنَعْمآئِکَ مِنَ الشَّاکِرینَ، وَلِألائِکَ مِنَ الذَّاکِرینَ، الهی وکَمْ مِنْ ظَنٍ

سپاسگزاران نعمتها و یادکنندگان احسانت قرار ده، ای معبود من، و چه بسیار خوش بینی ها

حَسَنٍ حَقَّقْتَ، وَمِنْ کَسْرِ امْلاقٍ جَبَرْتَ، وَمِنْ مَسْکَنَهٍ فادِحَهٍ حَوَّلْتَ،

که محقق ساختی، و شکستهای فقر که جبران کردی، و بینوایی کمرشکن که تغییر دادی

وَمِنْ صَرْعَةٍ مُهْلِکَةٍ نَعَشْتَ، وَمِنْ مَشَقَّةٍ ارَحْتَ، لاتُسْئَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَهُمْ

و زمین خوردن هلاک کننده ای که بلندم نمودی، و سختی هایی که آسان نمودی، از آنچه انجام دهی، بازخواست نگردی ولی دیگران

یُسْئَلُونَ، وَلا یَنْقُصُکَ یا سَیِّدی ما انْفَقْتَ، وَلَقَدْ سُئِلْتَ فَاعْطَیْتَ، وَلَمْ

بازخواست شوند، ای آقا و سرورم هر چه انفاق کنی از تو کاسته نشود، و هر چه از تو خواسته شد عطا نمودی، و آنگاه که از تو

تُسْئَلْ فابْتَدَاْتَ، وَاسْتُمیحَ بابُ فَضْلِکَ فَما اکْدَیْتَ، ابَیْتَ الَّا انْعاماً

درخواست نشد خود ابتدا به احسان نمودی، و هرچه از درگاه فضل و احسان تو طلب شد دریغ نکردی، ای پروردگار من، خودداری کردی

وَامْتِناناً، و الَّا تَطَوُّلًا یا رَبِّ وَاحْساناً، وابَیْتُ الَّا انْتِهاکاً لِحُرُماتِکَ،

جز از نعمت بخشی و امتنان و جز از عطا کردن و احسان ولی من خودداری کردم جز از پرده دری حرمتهایت

وَاجْتِرآءً عَلی مَعاصِیکَ، وَ تَعَدِّیاً لِحُدُودِکَ، وَغَفْلَةً عَنْ وَعیدِکَ، وَطاعَةً

و بی باکی بر نافرمانیهایت و تجاوز از حدودت و غفلت از تهدیدت و پیروی از

لِعَدُوّی وَعَدُوِّکَ، لَمْ یَمْنَعْکَ یا الهی وناصِری اخْلالی بِالشُّکْرِ عَنْ اتْمامِ

دشمنم و دشمنت، ای معبود و یاورم ناسپاسیم تو را از اتمام احسانت باز نداشت

احْسانِکَ، وَلَا حَجَزَنی ذلِکَ عَنِ ارْتِکابِ مَساخِطِکَ، اللهُمَّ وَ هذا مَقامُ

و مرا از ارتکاب اعمالی که موجب خشم توست بازنداشت، خدایا و اینک در جایگاه

عَبْدٍ ذَلیلٍ اعْتَرَفَ لَکَ بِالتَّوْحیدِ، وَاقَرَّ عَلی نَفْسِهِ بِالتَّقْصیرِ فی ادآءِ

بنده فروتنی قرار گرفته ام که به یگانگیت معترف است و به کوتاهی در ادای حقّت

حَقِّکَ، وَشَهِدَ لَکَ بِسُبُوغِ نِعْمَتِکَ عَلَیْهِ، وَجَمیلِ عادَتِکَ عِنْدَهُ، وَاِحْسانِکَ

اقرار دارد و به فراوانی نعمتت بر او و زیبایی رفتارت با او و احسانت نسبت به او

اِلَیْهِ، فَهَبْ لی یا الهی وَسَیِّدِی مِنْ فَضْلِکَ ما اریدُهُ سَبَباً الی رَحْمَتِکَ،

گواهی می دهد، پس ای معبود من و ای آقا و سرورم از فضل و احسانت به من ببخش به اندازه ای که بتوانم خود را به رحمتت رسانم

واتَّخِذُهُ سُلَّماً اعْرُجُ فیهِ الی مَرْضاتِکَ، وَ امَنُ بِهِ مِنْ سَخَطِکَ، بِعِزَّتِکَ

و آن را نردبانی برای رسیدن به رضایتت قرار دهم، و از خشمت ایمن گردم، به عزّت

وَطَوْلِکَ، وَبِحَقِّ نَبِیِّکَ مَحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَالْأَئِمَّهِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ،

و کرمت و به حقّ پیامبرت محمّد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- و به حقّ امامان- که درود بر ایشان باد-

فَلَکَ الْحَمْدُ یا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لایُغْلَبُ، وَذی اناهٍ لا یَعْجَلُ، صَلِّ عَلی

پس ای پروردگار من حمد و سپاس از آن توست به خاطر نیروی شکست ناپذیرت، و شکیبایی بی شتابت

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنى لِنَعْمآئِکَ مِنَ الشّاکِرینَ، وَلِألائِکَ مِنَ

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا از سپاسگزاران نعمتها و یادکنندگان

الذّاکِرینَ، الهی وَکَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسی وَاصْبَحَ فی کَرْبِ الْمَوْتِ،

احسانت قرار ده، ای معبود من، و چه بسیار بنده ای که شب و روزش در سختی جان دادن

وَحَشْرَجَهِ الصَّدْرِ، وَالنَّظَرِ الی ما تَقْشَعِرُّ مِنْهُ الْجُلُودُ، وَ تَفْزَعُ لَهُ الْقُلُوبُ،

و رسیدن جان به سینه و مشاهده آنچه پوستها از آن به لرزه در آید و دلها به تپش افتد، بگذرد

وانَا فی عافِیَهٍ مِنْ ذلِکَ کُلِّهِ، فَلَکَ الْحَمْدُ یا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا یُغْلَبُ،

در حالی که من از تمامی اینها در سلامت به سر می برم، پس ای پروردگار من حمد و سپاس از آنِ توست به خاطر نیروی شکست ناپذیرت

وَذی اناهٍ لایَعْجَلُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنی لِنَعمآئِکَ مِنَ

و شکیبایی بی شتابت، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا از سپاسگزاران

الشّاکِرینَ، وَ لِألائِکَ مِنَ الذّاکِرینَ، الهی وَکَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسی وَاصْبَحَ

نعمتها و یادکنندگان احسانت قرار ده، ای معبود من و چه بسیار بنده ای که شب و روزش

سَقِیماً مُوجِعاً مُدْنَفاً، فی انینٍ وَعَویلٍ، یَتَقَلَّبُ فی غَمِّهِ لا یَجِدُ مَحیصاً،

به بیماری دردناک و ناله و فریاد سپری گردد، در حالی که از اندوه به خود می پیچد، نه راه چاره ای دارد

وَلا یُسیغُ طَعاماً وَ لا شَراباً، وَا نَا فی صِحَّهٍ مِنَ الْبَدَنِ، وَسَلامَهٍ فِی

و نه غذا و آبی بر او گواراست، و من در تندرستی و سلامت روح، زندگی

النَّفْسِ مِنَ الْعَیْشِ، کُلُّ ذلِکَ مِنْکَ، فَلَکَ الْحَمْدُ یا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لایُغْلَبُ،

می کنم که همه اینها از جانب توست، پس ای پروردگار من حمد و سپاس از آنِ توست به خاطر نیروی شکست ناپذیرت

وَذی اناهٍ لا یَعْجَلُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، واجْعَلْنی لِنَعْمآئِکَ مِنَ

و شکیبایی بی شتابت، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا از سپاسگزاران

الشَّاکِرینَ، وَلِألائِکَ مِنَ الذَّاکِرینَ، الهی وَکَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسی وَاصْبَحَ

نعمتها و یادکنندگان احسانت قرار ده، ای معبود من، و چه بسیار بنده ای که شب و روزش را

خآئِفاً مَرْعُوباً، مُسَهَّداً مُشْفِقاً، وَحیداً وَجِلًا، هارِباً طَریداً، مُنْحَجِزاً فی

در ترس و بیم و تشویش و اضطراب سپری کند، تنها و ترسان از خانه گریخته و آواره شده، در حالی که در

مَضیقٍ، اوْ مَخْبَاهٍ مِنَ الْمَخابِئِ، قَدْ ضاقَتْ عَلَیْهِ الْأرْضُ بِرُحْبِها، لایَجِدُ

تنگنا قرار گرفته یا در مخفیگاهی خود را مخفی کرده، و زمین با تمامی وسعتش بر او تنگ شده است، نه راه

ص: 167

حيلَةً وَلا مَنْجى وَلا مَأْوى وَانَا فى امْنٍ وَ طُمَاْنينَهٍ، وَ عافِيَهٍ مِنْ ذلِکَ

چاره ای دارد و نه امید نجاتی و نه سرپناهی، و من در امنیت و آسایش و دور از همه این گرفتاریها

کُلِّهِ، فَلَکَ الْحَمْدُ یا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا یُغْلَبُ، وَذی اناهٍ لایَعْجَلُ، صَلِ

بسر می برم. پس ای پروردگار من، حمد و سپاس از آن توست به خاطر نیروی شکست ناپذیرت و شکیبایی بی شتابت،

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاْجعَلْنی لِنَعْمآئِکَ مِنَ الشَّاکِرینَ، وَلِألائِکَ

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا از سپاسگزاران نعمتها و یادکنندگان احسانت

مِنَ الذَّاکِرینَ، الهی وَسَیِّدی وَکَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسی وَاصْبَحَ مَغْلُولاً مُکَبَّلاً

قرار ده، ای معبود من و ای آقا و سرورم و چه بسیار بنده ای که شب و روزش را در غل و زنجیر

فِی الْحَدیدِ بِایْدِی الْعُداهِ لا یَرْحَمُونَهُ، فَقیداً مِنْ اهْلِهِ وَوَلَدِهِ، مُنْقَطِعاً عَنْ

آهنین در اسارت دشمنان بی رحم، دور از زن و فرزند و جدای از

اخْوانِهِ وَبَلَدهِ، یَتَوَقَّعُ کُلَّ ساعَهٍ بِایِّ قِتْلَهٍ یُقْتَلُ وَبِایِّ مُثْلَهٍ یُمَثَّلُ بِهِ، وَانَا

برادران و شهرش سپری کند، در حالی که هر ساعت انتظار می کشد که چگونه کشته خواهد شد و چگونه اعضای بدنش قطعه قطعه می گردد و من

فی عافِیَهٍ مِنْ ذلِکَ کُلِّهِ، فَلَکَ الْحَمْدُ یا رَبِّ مِنْ مُقْتَدرٍ لا یُغْلَبُ، وَذی اناهٍ

در سلامتی از همه این گرفتاریها به سر می برم، پس ای پروردگار من، حمد و سپاس از آنِ توست به خاطر نیروی شکست ناپذیرت و شکیبایی

لا یَعْجَلُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنی لِنَعْمآئِکَ مِنَ

بی شتابت، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا از سپاسگزاران نعمتها

الشَّاکِرینَ، وَلِألائِکَ مِنَ الذَّاکِرینَ، الهی وَسَیِّدی وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍامْسی

و یادکنندگان احسانت قرار ده، ای معبود من، و ای آقا و سرورم، و چه بسیار بنده ای که شب

وَاصْبَحَ یُقاسِی الْحَرْبَ، وَ مُباشَرَهَ الْقِتالِ بِنَفْسِهِ، قَدْ غَشِیَتْهُ الْأعْدآءُ مِنْ

و روز، سختی جنگ و حضورش در پیکار را تحمّل کرد، در حالی که دشمنان از هر سو

کُلِّ جانِبٍ بِالسُّیُوفِ وَالرِّماحِ وَآلَهِ الْحَرْبِ، یَتَقَعْقَعُ فِی الْحَدیدِ قَدْ بَلَغَ

با شمشیر و نیزه و آلات جنگی او را در میان گرفته اند، به گونه ای که در میان صدای شمشیرها تلاشش

مَجْهُودَهُ، لایَعْرِفُ حیلَهً وَلا یَجِدُ مَهْرَباً، قَدْ ادْنِفَ بِالْجِراحاتِ، اوْ

به آخر رسیده و راه چاره و فراری ندارد، از کثرت جراحات از پا افتاده یا

مُتَشَحِّطاً بِدَمِهِ تَحْتَ السَّنابِکِ وَالْأَرْجُلِ، یَتَمَنّی شَرْبَهً مِنْ مآءٍ، اوْ نَظْرَهً

زیر سم اسبان و پاها به خونش غلطیده و آرزوی جرعه ای از آب، یا نگاهی

الی اهْلِهِ وَ وَلَدِهِ، وَلا یَقْدِرُ عَلَیْها، قَدْ شَرَبَتِ الْأرْضُ مِنْ دَمِهِ، وَ اکَلَتِ

به زن و فرزندش را دارد ولی توانایی آن را ندارد و زمین از خونش سیراب شده و درندگان

السِّباعُ وَالطَّیْرُ مِنْ لَحْمِهِ، وَانَا فی عافِیَهٍ مِنْ ذلِکَ کُلِّهِ، فَلَکَ الْحَمْدُ یا رَبِ

و پرندگان از گوشتش خورده اند و من در سلامتی از شر این گرفتاریها به سر می برم، پس ای پروردگار من

مِنْ مُقْتَدِرٍ لایُغْلَبُ، وَذی اناهٍ لا یَعْجَلُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

حمد و سپاس از آنِ توست به خاطر نیروی شکست ناپذیرت و شکیبایی بی شتابت بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

وَاْجَعَلْنی لِنَعْمآئِکَ مِنَ الشّاکِرینَ، وَلِألائِکَ مِنَ الذّاکِرینَ، الهی وَکَمْ

و مرا از سپاسگزاران نعمتها و یادکنندگان احسانت قرار ده، ای معبود من، و چه بسیار

مِنْ عَبْدٍ امْسی وَاصْبَحَ فی ظُلُماتِ الْبِحارِ، وَعَواصِفِ الرِّیاحِ وَ الْأَهْوالِ

بنده ای که شب و روزش در تاریکی دریاها، تندبادها و هراسها و در میان امواجی که

وَالْأمْواجِ، یَتَوقَّعُ الْغَرَقَ وَالْهَلاکَ، لا یَقْدِرُ عَلی حیلَهٍ، اوْ مُبْتَلیً بِصاعِقَهٍ

هر لحظه از آن انتظار غرق و نابودی می رود بگذرد و راه چاره ای هم نداشته باشد یا بنده ای که گرفتار صاعقه

اوْ هَدْمٍ اوْ حَرْقٍ، اوْ شَرْقٍ اوْ خَسْفٍ، اوْ مَسْخٍ اوْ قَذْفٍ، وَانَا فی عافِیَهٍ

یا ویرانی یا آتش سوزی یا آفتاب زدگی یا فرو رفتن در دل زمین یا مسخ شدن یا پرتاب شدن گردد و من در سلامتی

مِنْ ذلِکَ کُلِّهِ، فَلَکَ الْحَمْدُ یا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا یُغْلَبُ، وَذی اناهٍ لا یَعْجَلُ،

از همه این گرفتاری ها به سر می برم، پس ای پروردگار من حمد و سپاس از آنِ توست به خاطر نیروی شکست ناپذیرت و شکیبایی بی شتابت،

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنی لِنَعْمآئِکَ مِنَ الشَّاکِرینَ،

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و مرا از سپاسگزاران نعمتها

وَلِألائِکَ مِنَ الذَّاکِرینَ، الهی وکَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسی واصْبَحَ مُسافِراً

و یادکنندگان احسانت قرار ده، ای معبود من، و چه بسیار بنده ای که شب و روزش را در سفر

شاخِصاً عَنْ اهْلِهِ وَوَطِنِهِ وَوَلَدِهِ، مُتَحَیِّراً فِی الْمَفاوِزِ، تائِهاً مَعَ الْوُحُوشِ

و دور از زن و وطن و فرزند، حیران در بیابانها، در میان حیوانات وحشی

وَ الْبَهآئِمِ وَالْهَوآمِّ، وَحِیداً فَریداً لا یَعْرِفُ حیلَةً وَلا یَهْتَدی سَبیلاً، اوْ

و چهارپایان و حشرات سپری کرده است، در حالی که تک و تنهاست نه چاره ای می بیند و نه راهی می یابد یا

مُتَاذِّیاً بِبَرْدٍ اوْ حَرٍّ اوْ جُوعٍ اوْ عَطَشٍ اوْ عُرْيٍ، اوْ غَیْرِهِ مِنَ الشَّدآئِدِ مِمَّا

آزرده از سرما یا گرما یا گرسنگی یا تشنگی یا برهنگی یا سایر سختی ها که

ا نَا مِنْهُ خِلْوٌ، فی عافِیَهٍ مِنْ ذلِکَ کُلِّهِ، فَلَکَ الْحَمْدُ یا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا

من از آنها بدورم و در سلامتی از همه این گرفتاریها بسر می برم، پس ای پروردگار من حمد و سپاس از آنِ توست به خاطر نیروی

یُغْلَبُ، وَذی اناهٍ لا یَعْجَلُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، واجْعَلْنی

شکست ناپذیرت و شکیبایی بی شتابت، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا

لِنَعْمآئِکَ مِنَ الشَّاکِرینَ، ولِألائِکَ مِنَ الذَّاکِرینَ، الهی وَسَیِّدی و کَمْ

از سپاسگزاران نعمتها و یادکنندگان احسانت قرار ده ای معبود من و ای آقا و سرورم و چه بسیار

مِنْ عَبْدٍ امْسی وَاصْبَحَ فَقیراً عآئِلًا، عارِیاً مُمْلِقاً، مُخْفِقاً مَهْجُوراً، خائِفاً

بنده ای که شب و روزش در حالی بگذرد که تهیدست عیالوار، برهنه بینوا، ناکام وامانده، در ترس

جائِعاً ظَمْئاناً، یَنْتَظِرُ مَنْ یَعُودُ عَلَیْهِ بِفَضْلٍ، اوْ عَبْدٍ وَجیهٍ عِنْدَکَ هُوَ

گرسنگی و تشنگی است، چشم به راه کسی است که به او چیزی ببخشد یا چه بسیار بنده آبرومندی که از من

اوْجَهُ مِنّی عِنْدَکَ، وَاشدُّ عِبادَهً لَکَ، مَغْلُولاً مَقْهُوراً، قَدْ حُمِّلَ ثِقْلًا مِنْ

نزد تو آبرومندتر است و بیش از من تو را عبادت می کند در حالی که در غل و زنجیر و اسارت، بار گران

تَعَبِ الْعَنآءِ، وَشِدَّهِ الْعُبُودِیَّهِ، وَکُلْفَهِ الرِّقِّ، وَثِقْلِ الضَّریبَهِ، اوْ مُبْتَلیً بِبَلآءٍ

رنج و مشقت و سختی بندگی و دشواری بردگی و سنگینی پرداخت مالیات را به دوش می کشد یا به بلای

شَدیدٍ لا قِبَلَ لَهُ بِهِ الّا بِمَنِّکَ عَلَیْهِ، وانَا الْمَخْدُومُ الْمُنَعَّمُ الْمُعافَی

شدیدی مبتلا شده که تاب تحمّل آن را جز با فضل تو ندارد ولی دیگران در خدمت من و من در ناز و نعمت و تندرستی

الْمَکَرَّمُ، فی عافِیَهٍ مِمَّا هُوَ فیهِ، فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی ذلِکَ کُلِّهِ، مِنْ مُقْتَدرٍ لا

و گرامی در سلامتی از گرفتاری هایی که او در آن است به سر می برم، پس ای پروردگار من حمد و سپاس از آن توست به خاطر نیروی

یُغْلَبُ، وَذی اناهٍ لا یَعْجَلُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاْجَعْلنی

شکست ناپذیرت و شکیبایی بی شتابت، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا از

لِنَعْمآئِکَ مِنَ الشَّاکِرینَ، وَ لِألائِکَ مِنَ الذَّاکِرینَ، [الهی وَ مَوْلایَ

سپاسگزاران نعمتها و یادکنندگان احسانت قرار ده [ای معبود من و آقا

وَسَیِّدی وَکَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسی واصْبَحَ شَریداً طَریداً حَیرانَ، مُتَحَیِّراً

و سرورم و چه بسیار بنده ای که شب و روزش را در آوارگی و فرار و حیرانی و سرگردانی

جآئِعاً خائِفاً، خاسِراً فِی الصَّحاری وَالْبَراری قَدْ احْرَقَهُ الْحَرُّ وَالْبَرْدُ،

و گرسنگی و ترسان و زیانکار در صحراها و بیابانها به سر برده در حالی که سرما و گرما او را بی تاب کرده

وَهُوَ فی ضَرٍّ مِنَ الْعَیْشِ وَضَنْکٍ مِنَ الْحَیوهِ، وَذُلٍّ مِنَ المَقامِ، یَنْظُرُ الی

و در وضع فلاکت بار و زندگی سخت و توأم با خواری بسر می برد، با حسرت

نَفْسِهِ حَسْرَهً، لا یَقْدِرُ لَها عَلی ضَرٍّ وَلا نَفْعٍ، وَانَا خِلْوٌ مِنْ ذلِکَ کُلِّهِ

به خود می نگرد و بر سود و زیان خود قدرتی ندارد، در حالی که من به لطف و کرمت

بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ، فَلا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ مِنْ مُقْتَدرٍ لا یُغْلَبُ، وَذی

از همه آنها بدورم، پس معبودی جز تو نیست، تسبیح می کنم تو را به خاطر نیروی شکست ناپذیرت و

اناهٍ لا یَعْجَلُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، واجْعَلْنی لأَنْعُمِکَ مِنَ

شکیبایی بی شتابت، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا از سپاسگزاران نعمتها

الشّاکِرینَ، و لِألائِکَ مِنَ الذَّاکِرینَ، وَ ارْحَمْنی بِرَحْمَتِکَ، یا ارْحَمَ

و یادکنندگان احسانت قرار ده و به رحمتت بر من رحم کن ای مهربانترین

الرَّاحِمینِ (1) الهی وَسَیِّدی وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسی وَاصْبَحَ عَلیلاً مَریضاً،

مهربانان ، ای معبود من و ای آقا و سرورم، و چه بسیار بنده ای که شب و روزش را در ناتوانی، بیماری،

سَقیماً مُدْنِفاً، عَلی فُرُشِ العِلَّهِ وَفی لِباسِها، یَتَقَلَّبُ یَمیناً وشِمالًا، لا

ناخوشی و بی حالی، در بستر و لباس بیماری بسر آورد و (از درد) از این پهلو به آن پهلو بغلطد،

یَعْرِفُ شَیْئاً مِنْ لَذَّهِ الطَّعامِ، وَلا مِنْ لَذَّهِ الشَّرابِ، یَنْظُرُ الی نَفْسِهِ حَسْرَهً،

و چیزی از لذّت غذا و نوشیدنی نفهمد، و با حسرت به خود بنگرد

لا يَسْتَطيعُ لَها ضَرّاً وَلا نَفْعاً، وَانَا خِلْوٌ مِنْ ذلِکَ کُلِّهِ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ، فَلا

و بر سود و زیان خود قدرتی ندارد، در حالی که من به لطف و کرمت از همه آنها بدورم، پس

الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ مِنْ مُقْتَدرٍ لا یُغْلَبُ، وَذی اناهٍ لا یَعْجَلُ، صَلِّ عَلی

معبودی جز تو نیست، تسبیح می کنم تو را به خاطر نیروی شکست ناپذیرت و شکیبایی بی شتابت، بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاْجعَلْنی لَکَ مِنَ الْعابِدینَ، وَلِنعَمآئِکَ مِنَ الشّاکِرینَ،

محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا از عبادت کنندگان و از سپاسگزاران نعمتها

وَلِألائِکَ مِنَ الذّاکِرینَ، وَارْحَمْنی بِرحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرّاحِمینَ، مَوْلایَ

و یادکنندگان احسانت قرار ده و به رحمتت بر من رحم کن ای مهربان ترین مهربانان، ای مولای من

ص: 171

1- [148]عبارت داخل پرانتز در بحارالانوار، جلد 91، صفحه 324 آمده است.

وَسَيِّدی وَکَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسی وَاصْبَحَ، وَقَدْ دَنا یَوْمُهُ مِنْ حَتْفِهِ، واحْدَقَ

و ای آقا و سرورم چه بسیار بنده ای که شب و روزش را سپری کند در حالی که عمرش بسر آمده و فرشته مرگ

بِهِ مَلَکُ الْمَوْتِ فی اعْوانِهِ، یُعالِجُ سَکَراتِ الْمَوْتِ وَحِیاضَهُ، تَدُورُ عَیْناهُ

با یاورانش دور بسترش را گرفته و علاجی برای سختی های جان کندن و گرداب مرگ می طلبد، چشمانش

یَميناً وَ شِمالاً، یَنْظُرُ الی احِبَّآئِهِ وَ اوِدَّآئِهِ واخِلّائِهِ، قَدْ مُنِعَ مِنَ الکَلامِ،

به چپ و راست می گردد، و به دوستان و یاران و رفقای خود می نگرد، زبانش از گفتن بند آمده،

وَحُجِبَ عَنِ الْخِطابِ، یَنْظُرُ الی نَفْسِهِ حَسْرَةً، فَلا یَسْتَطیعُ لَها ضَرّاً وَلا

و از گفتار باز ایستاده است، با حسرت به خود می نگرد که هیچ قدرتی بر سود و زیان ندارد،

نَفْعاً، وَا نَا خِلْوٌ مِنْ ذلِکَ کُلِّهِ بِجُودِکَ وَکَرمِکَ، فَلا الهَ الّا انْتَ، سُبْحانَکَ

در حالی که من به لطف و کرمت از همه آنها به دورم، پس معبودی جز تو نیست، تسبیح می کنم تو را

مِنْ مُقْتَدِرٍ لا یُغْلَبُ، وَ ذی اناةٍ لا یَعْجَلُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

به خاطر نیروی شکست ناپذیرت و شکیبایی بی شتابت، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

واجْعَلْنی لِنَعْمآئِکَ مِنَ الشّاکِرینَ، وَلِألائِکَ مِنَ الذّاکِرینَ، وَارْحَمْنی

و مرا از سپاسگزاران نعمتها و یادکنندگان احسانت قرار ده و به رحمتت بر من

بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرّاحِمینَ، مَوْلایَ وَسَیِّدی وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسی

رحم کن ای مهربان ترین مهربانان، ای مولای من و ای آقا و سرورم، و چه بسیار بنده ای که شب

وَاصْبَحَ فی مَضائِقِ الْحُبُوسِ وَالسُّجُونِ، وَکُرَبِها وَذُلِّها وَحَدیدِها،

و روزش در تنگناهای زندانها و بندها با انواع گرفتاریها و خواری و در بند زنجیر آهنین بگذرد

یَتَداوَلُهُ اعْوانُها وَزَبانِیَتُها، فَلا یَدْری ایُّ حالٍ یُفْعَلُ بِهِ، وَ ایُّ مُثْلَهٍ یُمَثَّلُ

در حالی که به دست زندانبانان و نگهبانانش دست به دست بگردد و نمی داند که با او چه خواهد شد و کدام عضو از اعضایش را

بِهِ، فَهُوَ فی ضَرٍّ مِنَ الْعَیْشِ، وَضَنْکٍ مِنَ الْحَیوهِ، یَنْظُرُ الی نَفْسِهِ حَسْرَهً،

قطع خواهند کرد، پس او در وضع فلاکت بار و زندگی سخت و توأم با خواری بسر می برد، با حسرت به خود می نگرد

لایَسْتَطیعُ لَها ضَرّاً وَلا نَفْعاً، وَانَا خِلْوٌ مِنْ ذلِکَ کُلِّهِ بِجُودِکَ وَکَرَمِکَ، فَلا

و بر سود و زیان خود قدرتی ندارد، در حالی که من به لطف و کرمت از همه آنها بدورم، پس

الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لایُغْلَبُ، وَذی اناهٍ لا یَعْجَلُ، صَلِّ عَلی

معبودی جز تو نیست، تسبیح می کنم تو را به خاطر نیروی شکست ناپذیرت و شکیبایی بی شتابت، بر

ص: 172

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنى لَکَ مِنَ الْعابِدينَ، وِلِنَعْمآئِکَ مِنَ الشَّاکِرينَ،

محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا از عبادت کنندگان و سپاسگزاران نعمتها

وَلِألائِکَ مِنَ الذَّاکِرينَ، وَارْحَمْنى بِرَحْمَتِکَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، سَيِّدى

و يادکنندگان احسانت قرار ده، و به رحمتت بر من رحم کن، ای مهربان ترين مهربانان، ای آقا و سرورم

وَ مَوْلاىَ، وَکَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسى وَ اصْبَحَ قَدِ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ القَضآءُ، وَاحْدَقَ

و ای مولای من، و چه بسيار بنده ای که شب و روزش در حالی بگذرد که پی در پی گرفتار سرنوشت ناگوار گشته و بلا

بِهِ الْبَلاءُ، وَفارَقَ اوِدَّآئَهُ وَ احِبَّآئَهُ وَ اخِلّائَهُ، وَامْسى اسيراً حَقيراً ذَليلاً

و گرفتاری او را احاطه کرده و از دوستان و ياران و رفقای خود دور شده و شب را در حال اسارت و حقارت و ذلّت

فى ايْدِى الْکُفَّارِ وَالْأعْدآءِ، يَتَداوَلُونَهُ يَميناً وَشِمالاً، قَدْ حُصِرَ فِى

در دست کفّار و دشمنان بسر آورد، او را دست به دست به راست و چپ بکشانند و در سياه چال

الْمَطاميرِ، وَثُقِّلَ بِالْحَديدِ، لا يَرى شَيْئاً مِنْ ضِيآءِ الدُّنْيا وَلا مِنْ رَوْحِها،

زندانی شده و به زنجير آهنين بسته شده، نه چيزی از روشنايی دنيا را می بيند و نه نسيمش بر او می وزد،

يَنْظُرُ الَى نَفْسِهِ حَسْرَةً، لا يَسْتَطيعُ لَها ضَرّاً وَلا نَفْعاً، وَانَا خِلْوٌ مِنْ ذلِکَ

با حسرت به خود می نگرد و بر سود و زيان خود قدرتی ندارد، در حالی که من

کُلِّهِ بِجُودِکَ وَکَرَمِکَ، فَلا الهَ إلَّاانْتَ، سُبْحانَکَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا يُغْلَبُ،

به لطف و کرمت از همه آنها بدورم، پس معبودی جز تو نیست، تسبیح می کنم تو را به خاطر نیروی شکست ناپذیرت

وَذی اناهٍ لا یَعْجَلُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنی لَکَ مِنَ

و شکیبایی بی شتابت، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و مرا از

الْعابِدینَ، وَلِنَعْمآئِکَ مِنَ الشّاکِرینَ، وَلِألائِکَ مِنَ الذّاکِرینَ، وَارْحَمْنی

عبادت کنندگان و سپاسگزاران نعمتها و یادکنندگان احسانت قرار ده، و به رحمتت

بِرَحْمَتِکَ، یا ارْحَمَ الرّاحِمینَ، مَولایَ وَ سَیِّدی وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسی

بر من رحم کن، ای مهربان ترین مهربانان، ای مولای من و ای آقا و سرورم، و چه بسیار بنده ای که شب

وَاصْبَحَ قَدِ اشتاقَ الَی الدُّنْیا لِلرَّغْبَهِ فیها، الی انْ خاطَرَ بِنَفْسِهِ وَمالِهِ

و روزش بگذرد و از روی میلی که به دنیا دارد مشتاقانه بسویش رود تا آنجا که از حرصی که

حِرْصاً مِنْهُ عَلَیْها، قَدْ رَکِبَ الْفُلْکَ وَکُسِرَتْ بِهِ، وَ هُوَ فی آفاقِ الْبِحارِ

بر آن دارد، خود و مالش را به خطر انداخته، سوار بر کشتی شده و کشتی او شکسته و او در کرانها و تاریکی های

ص: 173

وَظُلَمِها، يَنْظُرُ الى نَفْسِهِ حَسْرَةً، لا يَقْدِرُ لَها على ضَرٍّ وَلا نَفْعٍ، وَ انَا خِلْوٌ

درياست و از روى حسرت به خود مى نگرد و بر سود و زيان خودش قدرتى ندارد در حالى كه من

مِنْ ذلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَلا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا

به لطف و كرمت از همه آنها بدورم پس معبودى جز تو نيست تسبيح مى كنم تو را به خاطر نيروى

يُغْلَبُ، وَذى اناهٍ لايَعْجَلُ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنى لَكَ مِنَ

شكست ناپذيرت و شكيبايى بى شتابت بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا از

الْعابِدينَ، وَلِنَعْمآئِكَ مِنَ الشَّاكِرينَ، وَلِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، وَارْحَمْنى

عبادت كنندگان و سپاسگزاران نعمتها و يادكنندگان احسانت قرار ده

بِرَحْمَتِكَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، مَولاىَ وَ سَيِّدى وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسى

و به رحمتت بر من رحم كن اى مهربان ترين مهربانان. اى مولاى من و اى آقا و سرورم و چه بسيار بنده اى كه شب

وَاصْبَحَ قَدِ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ الْقَضآءُ، وَاحْدَقَ بِهِ الْبَلاءُ، والْكُفّارُ والْأَعْداءُ،

و روزش در حالى بگذرد كه پى در پى گرفتار سرنوشت ناگوار گشته و بلا و گرفتارى و كفّار و دشمنان

وَاخَذَتْهُ الرِّماحُ وَالسُّيُوفُ وَالسِّهامُ، وَجُدِّلَ صَريعاً، وَقَدْ شَرِبَتِ

او را احاطه كرده و نيزه ها و شمشيرها و تيرها او را فرا گرفته، و به رو درافتاده

الْأَرْضُ مِنْ دَمِهِ، وَاكَلَتِ السِّباعُ وَالطَّيْرُ مِنْ لَحْمِهِ، وَانَا خِلْوٌ مِنْ ذلِكَ

و زمین از خونش سیراب شده و درندگان و پرندگان گوشتش را خورده اند، در حالی که من

كُلِّهِ بِجُودِکَ وَكَرَمِکَ، لا بِاسْتِحْقاقٍ مِنّی لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ مِنْ

به لطف و کرمت از همه آنها بدورم، بی آنکه سزاوار آن باشم، معبودی جز تو نیست، تسبیح می کنم تو را

مُقْتَدِرٍ لا يُغْلَبُ، وَذی اناةٍ لا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

به خاطر نیروی شکست ناپذیرت و شکیبایی بی شتابت، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست،

وَاجْعَلْنی لِنَعْمآئِکَ مِنَ الشَّاكِرينَ، وَلِألائِکَ مِنَ الذَّاكِرينَ، وَارْحَمْنی

و مرا از سپاسگزاران نعمتها و یادکنندگان احسانت قرار ده و به رحمتت بر من

بِرَحْمَتِکَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، وَعِزَّتِکَ يا كَريمُ لَاطْلُبَنَّ مِمَّا لَدَيْکَ،

رحم کن، ای مهربان ترین مهربانان، به عزّتت سوگند ای بزرگوار، من از آنچه نزد توست می خواهم

وَلَأُلِحَّنَّ عَلَيْکَ، وَلَأَلْجَأَنَّ الَيْکَ، وَلَأَمُدَّنَّ يَدی نَحْوَکَ مَعَ جُرْمِها الَيْکَ، يا

و بر آن پافشاری دارم و به تو پناهنده ام و دست گنهکارم را به سویت دراز می کنم، ای

ص :174

رَبِّ فَبِمَنْ اعُوذُ، وَبِمَنْ الُوذُ، لا احَدَ لی الَّا انْتَ، افَتَرُدُّنی وَانْتَ مُعَوَّلی

پروردگار من، به که پناه برم و به که رو کنم، در حالی که جز تو کسی را ندارم، آیا با وجود اینکه پشتیبان منی

وَعَلَیْکَ مُتَّکَلی اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی وَضَعْتَهُ عَلَی السَّمآءِ فَاْستَقَلَّتْ،

و من برتو توکّل می کنم مرا از درگاهت برانی؟ به حقّ آن نامت که بر آسمانها نهادی و پا برجا ماند

وَعَلَی الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَعَلَی الْجِبالِ فَرَسَتْ، وَعَلَی اللَّیْلِ فَاظْلَمَ،

و بر زمین نهادی و آرام گرفت و بر کوه ها نهادی و استوار گردید و بر شب نهادی و تاریک شد

وَعَلَی النَّهارِ فَاسْتَنارَ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمِّدٍ، وَانْ تَقْضِیَ لی

و بر روز نهادی روشن گردید، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و تمامی

جَمیعَ حَوآئِجی کُلِّها، وَتَغْفِرَ لی ذُنُوبی کُلَّها، صَغیرَها وَ کَبیرَها، وَتُوَسِّعَ

حاجتهایم را بر آوری، و از تمامی گناهان کوچک و بزرگم در گذری، و روزیم را

عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ ما تُبَلِّغُنی بِهِ شَرَفَ الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ،

چنان وسعت بخشی که با آن به عزّت دنیا و آخرت برسم، ای مهربان ترین مهربانان،

مَوْلایَ بِکَ اسْتَعَنْتُ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ واعِنّی وَ بِکَ

ای مولای من از تو کمک می گیرم، پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و یاریم کن، و به تو

اسْتَجَرْتُ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَجِرْنی واغْنِنی بِطاعَتِکَ

پناه می برم، پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و پناهم ده، و به واسطه بندگیت

عَنْ طاعَهِ عِبادِکَ، وَ بِمَسْئَلَتِکَ عَنْ مَسْئَلَهِ خَلْقِکَ، وَانْقُلْنی مِنْ ذُلِّ الْفَقْرِ

از اطاعت بندگانت بی نیازم کن و به وسیله درخواست از خود، از درخواست مخلوقاتت بی نیازم فرما، و مرا از ذلّت فقر

الی عِزِّ الْغِنی وَمِنْ ذُلِّ الْمَعاصی الی عِزِّ الطّاعَهِ، فَقَدْ فَضَّلْتَنی عَلی کَثیرٍ

به عزّت بی نیازی و از خواری گناهان به عزّت بندگیت منتقل کن، که تو مرا به واسطه

مِنْ خَلْقِکَ جُوداً مِنْکَ وَکَرَماً، لا بِاسْتِحْقاقٍ مِنّی الهی فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی

جود و کرمت بر بسیاری از مخلوقاتت برتری دادی نه به خاطر شایستگی من، ای معبود من، پس برای همه اینها سپاس

ذلِکَ کُلِّهِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنی لِنَعْمآئِکَ مِنَ

مخصوص توست، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا از سپاسگزاران

الشّاکِرینَ، وَلِألائِکَ مِنَ الذّاکِرینَ، وَارْحَمْنی بِرَحْمَتِکَ، یا ارْحَمَ

نعمتها و یادکنندگان احسانت قرار ده و به رحمتت بر من رحم کن، ای مهربان ترین

ص :175

الرَّاحِمينَ* آنگاه به سجده برو و بگو: سَجَدَ وَجْهِیَ الذَّلیلُ، لِوَجْهِکَ الْعَزیزِ

مهربانان********** رخسار خوارم در پیشگاه وجه عزیز و بزرگوارت

الْجَلیلِ، سَجَدَ وَجْهِیَ الْبالِی اْلفانی لِوَجْهِکَ الدَّآئِمِ الْباقی سَجَدَ وَجْهِیَ

به خاک افتاده، چهره کهنه فانیم در پیشگاه روی دائمی و همیشگیت به خاک افتاده، رخسار نیازمندم

الْفَقیرُ، لِوَجْهِکَ الْغَنِیِّ الْکَبیرِ، سَجَدَ وَجْهی وَسَمْعی وَ بَصَری وَلَحْمی

در پیشگاه روی بی نیاز و بزرگت به خاک افتاده، چهره و گوش و چشم و گوشت

وَدَمی وَجِلْدی وَعَظْمی وَ ما اقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنّی للَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ،

و خون و پوست و استخوان و آنچه از اعضایم بر زمین است در پیشگاه پروردگار جهانیان به خاک افتاده است،

اللَّهُمَّ عُدْ عَلی جَهْلی بِحِلْمِکَ، وَعَلی فَقْری بِغِناکَ، وَعَلی ذُلّی بِعِزِّکَ

خدایا بر نادانیم به شکیباییت و بر نیازمندیم به بی نیازیت و بر فرومایگیم به قدرت

وَسُلْطانِکَ، وَ عَلی ضَعْفی بِقُوَّتِکَ، وَعَلی خَوْفی بِامْنِکَ، وَعَلی ذُنُوبی

و سلطنتت و بر ناتوانیم به تواناییت و بر ترسم به امنیتت و بر گناهان

وَخطایایَ بِعَفْوِکَ وَرَحْمَتِکَ، یا رَحْمنُ یا رَحیمُ، اللهُمَّ انّی ادْرَءُ بِکَ فی

و خطاهایم به عفو و رحمتت باز گرد، ای بخشنده، ای مهربان، خدایا در مقابل سرسختی (دشمنم)

نَحْرِ فُلانِ بْنِ فُلانٍ (به جای فُلان بن فُلان، نام دشمن را بگوید)، واعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّهِ،

فلانی پسر فلانی از تو حمایت می طلبم****** و از شرّش به تو پناه می برم،

فَاکْفِنیهِ بِما کَفَیْتَ بِهِ انْبِیآئَکَ وَاوْلِیآئَکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَصالِحی عِبادِکَ مِنْ

پس مرا از شرّش کفایت کن آن گونه که پیامبران و اولیایت را از مخلوقاتت و بندگان شایسته ات را از

فَراعِنَهِ خَلْقِکَ، وَ طُغاهِ عُداتِکَ، وَشَرِّ جَمیعِ خَلْقِکَ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ

شرّ فرعونیان مخلوقاتت و سرکشان از دشمنانت و شرّ همه مخلوقاتت کفایت نمودی، به رحمتت ای مهربان ترین

الرَّاحِمینَ، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَکیلُ.

مهربانان، که تو بر هر چیز توانایی و خداوند ما را کافی و نیکو وکیلی است.

دعای توسّل به چهارده معصوم علیهم السلام:

مقصود از «توسّل» در این جا، وسیله قرار دادن انسانهای شایسته و صالح، در پیشگاه خدا و طلب چیزی از خدا به خاطر آنان است که مورد سفارش قرآن و روایات اسلامی قرار گرفته است (بخشنده

ص: 176

نعمتها خداست و آن بزرگواران در پیشگاه او شفاعت می کنند). قرآن کریم می فرماید: «

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسیلَهَ»؛

ای کسانی که ایمان آورده اید، پرهیزکاری پیشه کنید و وسیله ای برای تقرّب به خدا انتخاب نمایید».(1) البتّه وسیله تقرّب به خدا، امور گوناگونی است- همان گونه که در روایات تصریح شده است- که از جمله آنها، شفاعت پیامبران و امامان و بندگان صالح نزد خداوند می باشد. قرآن کریم به طور روشن به رسول خدا صلی الله علیه و آله می گوید: «اگر گنه کاران به محضرت آیند و از خدا طلب آمرزش نمایند و تو نیز برای آنها طلب عفو کنی، مشمول رحمت و عفو خدا خواهند شد».(2) در روایات فراوانی از طریق شیعه و سنّی، مسأله توسّل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام مطرح شده و مورد سفارش قرار گرفته است و آنها که منکر توسّل هستند به خاطر کمی اطّلاعات و یا بی اطّلاعی آنها از آیات قرآن و روایات اسلامی است.(3) مرحوم «علّامه مجلسی» فرموده است که در برخی از کتابهای معتبر آمده است که جناب «شیخ صدوق» این دعای توسّل را از ائمّه علیهم السلام روایت کرده و گفته است: «این دعا را برای هر حاجتی که خواندم به زودی به اجابت رسید».(4) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ وَاتَوَجَّهُ الَیْکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ، مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ

خدایا از تو می خواهم و به تو رو می کنم به واسطه پیامبرت، پیامبر رحمت، حضرت محمّد- که درود خدا

عَلَیْهِ وَآلِهِ، یا ابَا الْقاسِمِ یا رَسُولَ اللَّهِ، یا امامَ الرَّحْمَهِ، یا سَیِّدَنا وَمَوْلینا،

بر او و خاندان پاکش باد، ای ابوالقاسم، ای فرستاده خدا، ای پیشوای رحمت، ای آقا و مولای ما،

انَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ الَی اللَّهِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ

ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده ایم و به وسیله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پیش روی

حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَ اللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ، یا ابَا الْحَسَنِ یا

خواسته هایمان (واسطه) قرار داده ایم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد او شفاعت کن، ای ابالحسن ای

امیرَالْمُؤْمِنینَ، یا عَلِیَّ بْنَ ابیطالِبٍ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، یا سَیِّدَنا

امیرمؤمنان، ای علی بن ابی طالب، ای حجّت خدا بر مخلوقاتش، ای آقا

ص: 177

1- [149]سوره مائده، آیه 35.
2- [150]سوره نساء، آیه 64.
3- [151]برای آگاهی بیشتر در این زمینه، به تفسیر نمونه، جلد 4، ذیل آیه 35 سوره مائده و جلد 12، ذیل آیه 57 سوره اسراء و دیگر کتب مراجعه شود.
4- [152]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 247.

وَمَوْلينا، انَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ الَی اللَّهِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ

و مولای ما، ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده ایم و به وسیله تو، به درگاه خدا متوسّل شده ایم و تو را پیش روی خواسته هایمان

حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَاللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، یا فاطِمَهُ الزَّهْرآءُ یا بِنْتَ

(واسطه) قرار داده ایم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد او شفاعت کن، ای فاطمه زهرا، ای دختر

مُحَمَّدٍ، یا قُرَّهَ عَیْنِ الرَّسُولِ، یا سَیِّدَتَنا وَمَوْلاتَنا، انَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا

محمّد صلی الله علیه و آله، ای روشنی چشم رسول خدا، ای بانو و سرور ما، ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده ایم

وَتَوَسَّلْنا بِکِ الَی اللَّهِ، وَقَدَّمْناکِ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهَهً عِنْدَاللَّهِ،

و به وسیله تو به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پیش روی خواسته هایمان (واسطه) قرار داده ایم، ای آبرومند نزد خدا،

اشْفَعی لَنا عِنْدَاللَّهِ، یا ابا مُحَمَّدٍ یا حَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ، ایُّهَا الْمُجْتَبی یَا بْنَ

برای ما نزد او شفاعت کن، ای ابا محمّد، ای حسن بن علی، ای برگزیده، ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، یا سَیِّدَنا وَمَوْلینا، انَّا تَوَجَّهْنا

رسول خدا، ای حجّت خدا بر مخلوقاتش، ای آقا و مولای ما، ما به تو رو نموده

وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ الَی اللَّهِ، وَ قَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهاً

و تو را شفیع قرار داده ایم و به وسیله تو، به درگاه خدا متوسّل شده ایم و تو را پیش روی خواسته هایمان (واسطه) قرار داده ایم، ای آبرومند

عِنْدَاللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، یا اباعَبْدِاللَّهِ یاحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ، ایُّهَا الشَّهیدُ یَا

نزد خدا، برای ما نزد او شفاعت کن، ای اباعبداللّه، ای حسین بن علی، ای شهید، ای

بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، یا سَیِّدَنا وَمَوْلینا، انَّا تَوَجَّهْنا

فرزند رسول خدا، ای حجّت خدا بر مخلوقاتش، ای آقا و مولای ما، ما به تو رو نموده

وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ الَی اللَّهِ، وَ قَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهاً

و تو را شفیع قرار داده ایم و به وسیله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پیش روی خواسته هایمان (واسطه) قرار داده ایم، ای آبرومند

عِنْدَاللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، یا ابَاالْحَسَنِ یا عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ، یا زَیْنَ

نزد خدا، برای ما نزد او شفاعت کن، ای ابوالحسن، ای علی بن حسین، ای زینت

الْعابِدینَ یَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، یا سَیِّدَنا وَمَوْلینا، انَّا

عبادت کنندگان، ای فرزند رسول خدا، ای حجّت خدا بر مخلوقاتش، ای آقا و مولای ما، ما

تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ الَی اللَّهِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا،

به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده ایم و به وسیله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پیش روی خواسته هایمان (واسطه) قرار داده ایم،

ص: 178

يا وَجيهاً عِنْدَاللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، يا ابا جَعْفَرٍ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، ايُّهَا

ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد او شفاعت کن، ای اباجعفر، ای محمّد بن علی، ای

الْباقِرُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلينا، انَّا

شکافنده علوم، ای فرزند رسول خدا، ای حجّت خدا بر مخلوقاتش، ای آقا و مولای ما،

تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ الَی اللَّهِ، وَقَدَّمْناکَ بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا،

ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده ايم و به وسيله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پيش روی خواسته هايمان (واسطه) قرار داده ايم،

يا وَجيهاً عِنْدَاللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، يا ابا عَبْدِ اللَّهِ يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، ايُّهَا

ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد او شفاعت کن، ای اباعبداللَّه، ای جعفر بن محمّد، ای

الصَّادِقُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلينا، انَّا

راستگو، ای فرزند رسول خدا، ای حجّت خدا بر مخلوقاتش، ای آقا و مولای ما،

تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ الَی اللَّهِ، وَ قَدَّمْناکَ بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا،

ما به تو رو نموده و تو را شفيع قرار داده ايم و به وسيله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پيش روی خواسته هايمان (واسطه) قرار داده ايم،

يا وَجيهاً عِنْدَ اللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، يا ابَا الْحَسَنِ يا مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ،

ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد او شفاعت کن، ای ابالحسن، ای موسی بن جعفر،

ايُّهَا الْکاظِمُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلينا،

ای فروبرنده خشم، ای فرزند رسول خدا، ای حجّت خدا بر مخلوقاتش، ای آقا و مولای ما،

انَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ الَی اللَّهِ، وَ قَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ

ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده ایم و به وسیله تو به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پیش روی خواسته هایمان

حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَاللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، یا ابَاالْحَسَنِ یا عَلِیَّ بْنَ

(واسطه) قرار داده ایم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد او شفاعت کن، ای اباالحسن، ای علی بن

مُوسی ایُّهَا الرِّضا یَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، یا سَیِّدَنا

موسی، ای خشنود به رضای حق، ای فرزند رسول خدا، ای حجّت خدا بر مخلوقاتش، ای آقا

وَمَوْلینا، انَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ الَی اللَّهِ، وَ قَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ

و مولای ما، ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده ایم و به وسیله تو به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پیش روی خواسته هایمان

حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَ اللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ، یا ابا جَعْفَرٍ یا مُحَمَّدَ بْنَ

(واسطه) قرار داده ایم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد او شفاعت کن، ای اباجعفر، ای محمّد بن

عَلِیٍّ، ایُّهَا التَّقِیُّ الْجَوادُ یَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، یا

علی، ای پرهیزکارِ بخشنده، ای فرزند رسول خدا، ای حجّت خدا بر مخلوقاتش، ای

سَیِّدَنا وَمَوْلینا، انَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ الَی اللَّهِ، وَ قَدَّمْناکَ

آقا و مولای ما، ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده ایم و به وسیله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پیش روی

بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَاللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، یا ابَا الْحَسَنِ یا

خواسته هایمان (واسطه) قرار داده ایم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد او شفاعت کن، ای ابالحسن، ای

عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، ایُّهَا الْهادِی النَّقِیُّ یَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلی

علی بن محمّد، ای هدایت کننده پاک، ای فرزند رسول خدا، ای حجّت خدا بر

خَلْقِهِ، یا سَیِّدَنا وَمَوْلینا، انَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ الَی اللَّهِ،

مخلوقاتش، ای آقا و مولای ما، ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده ایم و به وسیله تو، به درگاه خدا متوسّل شده،

وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَاللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، یا ابا

و تو را پیش روی خواسته هایمان (واسطه) قرار داده ایم، ای آبرومند نزد خدا برای ما نزد او شفاعت کن، ای ابا

مُحَمَّدٍ یا حَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ، ایُّهَا الزَّکِیُّ الْعَسْکَرِیُّ یَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّهَ

محمّد، ای حسن بن علی، ای پاک و پاکیزه، امام عسکری، ای فرزند رسول خدا، ای حجّت

اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، یا سَیِّدَنا وَمَوْلینا، انَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ

خدا بر مخلوقاتش، ای آقا و مولای ما، ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده ایم و به وسیله تو،

الَی اللَّهِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَ اللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَ

به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پیش روی خواسته هایمان (واسطه) قرار داده ایم، ای آبرومند نزد خدا برای ما نزد او شفاعت کن،

اللَّهِ، یا وَصِیَّ الْحَسَنِ وَالْخَلَفَ الْحُجَّهَ، ایُّهَا الْقآئِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِیُّ، یَا بْنَ

ای جانشین حسن، جانشین (امام) و حجّت (بر مردم) ای قیام کننده انتظار کشیده شده هدایت یافته، ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، یا سَیِّدَنا وَمَوْلینا، انَّا تَوَجَّهْنا

رسول خدا، ای حجّت خدا بر مخلوقاتش، ای آقا و مولای ما، ما به تو رو نموده

وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ الَی اللَّهِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهاً

و تو را شفیع قرار داده ایم و به وسیله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پیش روی خواسته هایمان (واسطه) قرار داده ایم، ای آبرومند

عِنْدَ اللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ* سپس حاجت خود را بخواهد که ان شاءاللَّه تعالی برآورده می شود.

نزد خدا برای ما نزد او شفاعت کن.****************************

ص: 180

در روایت دیگری [153] آمده است که بعد از این بگوید:

یا سادَتی وَ مَوالِیَّ، انّی تَوَجَّهْتُ بِکُمْ ائِمَّتی وَ عُدَّتی لِیَوْمِ فَقْری

ای سروران و پیشوایان من، به وسیله شما پیشوایانم و ذخیره ام برای روز فقر

وَحاجَتی الَی اللَّهِ، وَ تَوَسَّلْتُ بِکُمْ الَی اللَّهِ، وَ اسْتَشْفَعْتُ بِکُمْ الَی اللَّهِ،

و نیازم به خدا رو نموده ام و به واسطه شما به خدا متوسّل شده و شما را نزد او شفیع قرار داده ام

فَاشْفَعُوا لی عِنْدَاللَّهِ، وَاسْتَنْقِذُونی مِنْ ذُنُوبی عِنْدَاللَّهِ، فَانَّکُمْ وَسیلَتی الَی

پس شفیع من نزد خدا باشید، و مرا از (شرّ) گناهانم در نزد خدا نجات دهید، به یقین شما وسیله (ارتباط) من با

اللَّهِ، وَبِحُبِّکُمْ وَبِقُرْبِکُمْ ارْجُو نَجاةً مِنَ اللَّهِ، فَکُونُوا عِنْدَاللَّهِ رَجآئی یا

خدا هستید، و با محبّت و دوستی شما از خدا امید نجات دارم، پس شما ای سرورانم و ای اولیای خداوند

سادَتی یا اوْلِیآءَ اللَّهِ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمْ اجْمَعینَ، وَلَعَنَ اللَّهُ اعْدآءَ اللَّهِ

مایه امیدم در نزد خدا باشید، درود خدا بر همه آنان باد و خداوند دشمنانش را که در حقّ آنها

ظالِمیهِمْ مِنَ الْأَوَّلینَ وَ الْاخِرینَ، امینَ رَبَّ الْعالَمینَ.

ظلم نموده اند از پیشینیان و پسینیان لعنت کند، دعایم را اجابت کن ای پروردگار جهانیان.

دعای مکارم الاخلاق:

این دعا همان گونه که از نامش پیداست، درخواستی است از خداوند، برای رفع صفات ناپسند و مذموم و کسب فضایل اخلاقی و حرکت در راه و روشی که مورد رضایت خداوند است. امام سجّاد علیه السلام با زبان

دعا، بسیاری از رذایل اخلاقی و گناهان را برمی شمرد تا از آنها اجتناب شود و فهرستی از فضایل اخلاقی را نیز بازگو می کند و آراستگی بدان صفات را از خداوند می طلبد تا مؤمنان برای کسب این صفات، به او اقتدا کنند. این دعا در «صحیفه سجّادیّه» که از کتب گرانبهاست (دعای بیستم) آمده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بِایمانی اکْمَلَ الْإیمانِ، وَاجْعَلْ

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و ایمانم را به کاملترین مرتبه آن برسان، و یقینم

ص :181

يَقينى افْضَلَ الْيَقينِ، وَانْتَهِ بِنِيَّتى الى احْسَنِ النِّيّاتِ، وَبِعَمَلى الى احْسَنِ

را برترين يقين قرار ده، و نيّتم را به نيكوترين آن و عملم را به نيكوترين اعمال

الْأَعْمالِ، اللهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نِيَّتى وَ صَحِّحْ بِما عِنْدَكَ يَقينى وَاسْتَصْلِحْ

منتهى گردان، خدايا به لطف و كرمت، نيّتم را (براى كارهاى خير) فراوان كن، و ايمانم را به واسطه آنچه نزد توست تصديق كن، و با قدرتت

بِقُدْرَتِكَ ما فَسَدَ مِنّى اللهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنى ما يَشْغَلُنِى

آنچه از من تباه شده اصلاح گردان، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و امورى كه پرداختن به آن مرا

الْإِهْتِمامُ بِهِ، وَاسْتَعْمِلْنى بِما تَسْئَلُنى غَداً عَنْهُ، وَاسْتَفْرِغْ ايّامى فيما

مشغول مى دارد كفايت نما، و مرا به كارى گمار كه فرداى قيامت از آن بازخواست مى كنى، و روزگارم را تنها براى آن هدفى كه

خَلَقْتَنى لَهُ، وَاغْنِنى وَاوْسِعْ عَلَيَّ فى رِزْقِكَ، وَلا تَفْتِنّى بِالنَّظَرِ، وَاعِزَّنى

مرا براى آن آفريدى فارغ ساز، و مرا بى نياز كن و روزيم را وسعت ده، و مرا با نگاه (بيهوده) گرفتار فتنه مساز، و مرا عزّت بخش

وَلا تَبْتَلِيَنّى بِالْكِبْرِ، وَعَبِّدْنى لَكَ، وَلاتُفْسِدْ عِبادَتى بِالْعُجْبِ، وَاجْرِ

و مبتلا به كبر و غرور نساز، و بنده خود گردان، و عبادتم را با خودبينى فاسد مگردان، و با دستان من

لِلنّاسِ عَلى يَدَيَّ الْخَيْرَ، وَلا تَمْحَقْهُ بِالْمَنِّ، وَهَبْ لى مَعالِىَ الْأَخْلاقِ،

خير و نيكى را بر مردم جارى گردان، و آن را با منّت نهادنم نابود مكن، و مراتب عالى اخلاق را به من ببخش،

وَاعْصِمْنى مِنَ الْفَخْرِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلا تَرْفَعْنى فِى

و مرا از فخرفروشی نگهدار، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و اگر مرتبه مرا نزد

النَّاسِ دَرَجَهً الَّا حَطَطْتَنی عِنْدَ نَفْسی مِثْلَها، وَلا تُحْدِثْ لی عِزّاً ظاهِراً

مردم بالا می بری به همان اندازه مرا نزد خودم پایین آور، و هر قدر عزّت آشکار

الَّا احَدَثْتَ لی ذِلَّهً باطِنَهً عِنْدَ نَفْسی بِقَدَرِها، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

به من عنایت می کنی به همان مقدار فروتنی در درونم ایجاد کن، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَتِّعْنی بِهُدیً صالِحٍ لا اسْتَبْدِلُ بِهِ، وَطَریقَهِ حَقٍّ لا ازیغُ

درود فرست و مرا بهره مند نما به هدایت شایسته ای که آن را به چیز دیگری تبدیل نسازم، و راه حقّی که از آن

عَنْها، وَنِیَّهِ رُشْدٍ لا اشُکُّ فیها، وَعَمِّرْنی ما کانَ عُمْری بِذْلَهً فی طاعَتِکَ،

منحرف نشوم و نیّت صحیحی که در آن شک نکنم، و تا زمانی که زندگیم در مسیر طاعت توست به من عمر ده،

فَاذا کانَ عُمْری مَرْتَعاً لِلشَّیْطانِ، فَاقْبِضْنی الَیْکَ قَبْلَ انْ یَسْبِقَ مَقْتُکَ

پس زمانی که زندگیم چراگاه شیطان گردد جانم را بگیر، پیش از آن که خشمت به من رسد

ص: 182

اَلَیَّ، اوْ یَسْتَحْکِمَ غَضَبُکَ عَلَیَّ، اللَّهُمَّ لا تَدَعْ خَصْلَةً تُعابُ مِنّی الَّا

یا غضبت بر من حتمی گردد، خدایا هیچ خصلتی از من که مایه نکوهش است باقی مگذار جز آن که

اصْلَحْتَها، وَلا عآئِبَةً اؤَنَّبُ بِها الَّا حَسَّنْتَها، وَلا اکْرُومَةً فِیَّ ناقِصَةً الَّا

اصلاحش کنی و هیچ عیبی را که به آن سرزنش می شوم جز آن که نیکویش گردانی و هیچ خصلت نیکوی ناتمام را، جز آن که

اتْمَمْتَها، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْدِلْنی مِنْ بِغْضَهِ اهْلِ

کامل گردانی، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و دشمنی کینه توزان را با من

الشَّنانِ الْمَحَبَّهَ، وَمِنْ حَسَدِ اهْلِ الْبَغْیِ الْمَوَدَّهَ، وَمِنْ ظِنَّهِ اهْلِ الصَّلاحِ

به مهر و محبّت، و حسادت ستمکاران را به دوستی و مودّت، و بدگمانی صالحان را

الثِّقَهَ، وَ مِنْ عَداوَهِ الْأَدْنَیْنَ الْوَلایَهَ، وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِی الْأَرْحامِ الْمَبَرَّهَ،

به اعتماد و وثاقت، و دشمنی نزدیکان را به سرپرستی و ولایت، و نافرمانی و مخالفت خویشاوندان را به نیکی و محبّت،

وَمِنْ خِذْلانِ الْأَقْرَبینَ النُّصْرَهَ، وَمِنْ حُبِّ الْمُدارینَ تَصْحیحَ الْمِقَهِ، وَمِنْ

و خوار کردن نزدیکان را به یاری و نصرت، و محبّت ظاهری مدارا کنندگان را به دوستی همراه با حقیقت،

رَدِّ الْمُلابِسینَ کَرَمَ الْعِشْرَهِ، وَمِنْ مَرارَهِ خَوْفِ الظَّالِمینَ حَلاوَهَ الْأَمَنَهِ،

و دور ساختن معاشران را به نیکی معاشرت، و تلخی ترس از ستمکاران را به شیرینی امنیت، تبدیل فرما.

اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لی یَداً عَلی مَنْ ظَلَمَنی وَلِساناً

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و برایم قرار ده دست قدرتمندی در برابر آن که بر من ستم کند و زبان گویایی

عَلی مَنْ خاصَمَنی وَظَفَراً بِمَنْ عانَدَنی وَهَبْ لی مَکْراً عَلی مَنْ کایَدَنی

در برابر آنکه با من ستیز کند، و پیروزی بر کسی که با من دشمنی ورزد، و ببخش به من راهکاری در برابر آن که با من حیله کند

وَقُدْرَةً عَلی مَنِ اضْطَهَدَنی وَتَکْذیباً لِمَنْ قَصَبَنی وَسَلامَةً مِمَّنْ

و توانی در برابر آن که مرا در تنگنا قرار دهد، و تکذیب آن کس که از من عیب جویی کند، و در امان بودن از گزند کسی که

تَوَعَّدَنی وَ وَفِّقْنی لِطاعَةِ مَنْ سَدَّدَنی وَمُتابَعَةِ مَنْ ارْشَدَنی اللهُمَ

مرا تهدید کند، و مرا به پیروی از کسی که راهنماییم می کند و متابعت از کسی که ارشادم می کند توفیق ده، خدایا

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَسَدِّدْنی لِأَنْ اعارِضَ مَنْ غَشَّنی بِالنُّصْحِ،

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و کمکم کن تا با کسی که به من خیانت کرده به خیر خواهی پاسخ دهم

وَاجْزِیَ مَنْ هَجَرَنی بِالْبِرِّ، وَاثیبَ مَنْ حَرَمَنی بِالْبَذْلِ، وَاکافِیَ مَنْ

و کسی که مرا رها کرده به نیکی پاداش دهم، و کسی که مرا محروم ساخته با بخشش عوض دهم و کسی که از من بریده

ص: 183

قَطَعَنى بِالصِّلَهِ، وَاخالِفَ مَنِ اغْتابَنى الى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَانْ اشْكُرَ

با محبّت سزايش دهم، و با كسى كه از من بدگويى نموده با ياد نيک مقابله كنم، و از نيكى و احسان

الْحَسَنَهَ، وَاغْضِىَ عَنِ السَّيِّئَهِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَلِّنى

سپاسگزارى نموده و از بدى چشم پوشى كنم، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا به

بِحِلْيَهِ الصَّالِحينَ، وَالْبِسْنى زينَهَ الْمُتَّقينَ فى بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكَظْمِ الْغَيْظِ،

زيور صالحان بياراى و زيور پرهيزكاران را به من بپوشان، در گسترش عدالت، و فرو بردن خشم

وَاطْفآءِ النَّآئِرَهِ، وَضَمِّ اهْلِ الْفُرْقَهِ، وَاصْلاحِ ذاتِ الْبَيْنِ، وَافْشآءِ الْعارِفَهِ،

و خاموش ساختن آتش فتنه، و گردآوردن آنان كه از هم جدا شده اند و اصلاح ميان مردم و آشكار نمودن نيكيها

وَسَتْرِ الْعآئِبَهِ، وَلينِ الْعَريكَهِ، وَ خَفْضِ الْجَناحِ، وَحُسْنِ السّيرَهِ،

و پوشاندن عيوب، و نرم خويى، و تواضع و فروتنى، و رفتار نيكو

وَسُكُونِ الرّيحِ، وَطيبِ الْمُخالَقَهِ، وَالسَّبْقِ الىَ الْفَضيلَهِ، وَايثارِ التَّفَضُّلِ،

و سنگينى و وقار، و خوش خلقى، و سبقت گرفتن در فضايل، و از خود گذشتگى در احسان

وَتَرْكِ التَّعْييرِ، وَالْإِفْضالِ عَلى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ، وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَانْ عَزَّ،

و ترک سرزنش ديگران و بخشش بر آن كه سزاوار آن نيست، سخن گفتن به حق هر چند گران و دشوار باشد

وَاسْتِقْلالِ الْخَيْرِ وَانْ كَثُرَ مِنْ قَوْلى وَفِعْلى وَ اسْتِكْثارِ الشَّرِّ وَ انْ قَلَ

و کم شمردن کارهای نیک خود هر چند گفتار و رفتار خیرم زیاد باشد و زیاد شمردن کارهای بد خود هر چند

مِنْ قَوْلی وَفِعْلی وَ اکْمِلْ ذلِکَ لی بِدَوامِ الطَّاعَهِ، وَلُزُومِ الْجَماعَهِ،

در گفتار و کردارم اندک باشد، (خدایا) این صفات را با اطاعت پیوسته و همراهی با جماعت (مؤمنان)

وَرَفْضِ اهْلِ الْبِدَعِ، وَمُسْتَعْمِلِ الرَّاْیِ الْمُخْتَرَعِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

و طرد بدعت گذاران، و آنان که از رأی و نظر ساختگی پیروی می کنند، در من به کمال رسان، خدایا بر محمّد

وَآلِهِ، وَاجْعَلْ اوْسَعَ رِزْقِکَ عَلَیَّ اذا کَبِرْتُ، وَاقْوی قُوَّتِکَ فِیَّ اذا نَصِبْتُ،

و خاندان پاکش درود فرست، و به هنگام پیری، گسترده ترین روزی و به هنگام درماندگی، قوی ترین نیرویت را به من ارزانی دار

وَلا تَبْتَلِیَنّی بِالْکَسَلِ عَنْ عِبادَتِکَ، وَلَا الْعَمی عَنْ سَبیلِکَ، وَلا بِالتَّعَرُّضِ

و مرا به هنگام عبادت به کسالت و گمراهی از راهت و گام نهادن در مسیر

لِخِلافِ مَحَبَّتِکَ، وَلا مُجامَعَهِ مَنْ تَفَرَّقَ عَنْکَ، وَلامُفارَقَهِ مَنِ اجْتَمَعَ

خلاف محبّتت و پیوند و همراهی با آنان که از تو جدا شده اند، و جدایی از آنان که با تو پیوند خورده اند،

ص :184

الَیْکَ، اللهُمَّ اجْعَلْنی اصُولُ بِکَ عِنْدَ الْضَّرُورَهِ، وَاسْئَلُکَ عِنْدَ الْحاجَهِ،

دچار مکن. خدایا مرا چنان قرار ده که به هنگام سختی به تو رو کنم، و به هنگام نیاز از تو بخواهم

وَ اتَضَرَّعُ الَیْکَ عِنْدَ الْمَسْکَنَهِ، وَلا تَفْتِنّی بِالْإِسْتِعانَهِ بِغَیْرِکَ اذَا

و به هنگام بیچارگی به درگاهت تضرّع کنم، و مرا به هنگام گرفتاری و درماندگی به یاری جستن

اضْطُرِرْتُ، وَلا بِالْخُضُوعِ لِسُؤالِ غَیْرِکَ اذَا افْتَقَرْتُ، وَلا بِالتَّضَرُّعِ الی

از غیر خودت و به هنگام نیاز به فروتنی برای درخواست از غیر خودت و به هنگام ترس به خواهش

مَنْ دُونَکَ اذا رَهِبْتُ، فَاسْتَحِقَّ بِذلِکَ خِذْلانَکَ، وَمَنْعَکَ وَاعْراضَکَ،

و التماس از غیر خودت، امتحان مکن، که (اگر چنان کنم) مستحقّ خواری و منع لطف و دوری از تو گردم

یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ ما یُلْقِی الشَّیْطانُ فی رُوعی مِنَ التَّمَنّی

ای مهربان ترین مهربانان، خدایا در مقابل آنچه که شیطان در خاطرم از آرزوی باطل

وَالتَّظَنّی وَالْحَسَدِ، ذِکْراً لِعَظَمَتِکَ، وَتَفَکُّراً فی قُدْرَتِکَ، وَتَدْبیراً عَلی

و بدگمانی و حسادت می افکند، در قلبم یادآوری عظمت و اندیشیدن در قدرت و تدبیر در برابر

عَدُوِّکَ، وَما اجْری عَلی لِسانی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ اوْ هَجْرٍ، اوْ شَتْمِ عِرْضٍ،

دشمنت را قرار ده، و در مقابل آنچه از کلمه رکیک یا ناسزا یا پرده دری

اوْ شَهادَهِ باطِلٍ، اوِ اغْتِیابِ مُؤْمِنٍ غآئِبٍ، اوْ سَبِّ حاضِرٍ، وَما اشْبَهَ ذلِکَ

یا شهادت به ناحق یا غیبت مؤمن غایب، یا دشنام شخص حاضر و مانند آن که

نُطْقاً بِالْحَمْدِ لَکَ، وَاغْراقاً فِی الثَّنآءِ عَلَیْکَ، وَذَهاباً فی تَمْجیدِکَ،

بر زبانم جاری می سازد به حمد و ستایش و مدح و ثنای فراوان و حرکت برای بزرگداشت

وَشُکْراً لِنِعْمَتِکَ، وَاعْتِرافاً بِإِحْسانِکَ، وَاحْصآءً لِمِنَنِکَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی

و سپاس نعمت و اقرار به لطف و احسان و شمارش نعمتهایت را قرار ده، خدایا بر محمّد و خاندان

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلا اظْلَمَنَّ وَانْتَ مُطیقٌ لِلدَّفْعِ عَنّی وَلا اظْلِمَنَّ وَانْتَ

پاکش درود فرست، و (چنان کن که) مورد ستم واقع نشوم زیرا که توان دفع آن را داری و (چنان کن که) به کسی ستم نکنم زیرا تو

الْقادِرُ عَلَی الْقَبْضِ مِنّی وَلا اضِلَّنَّ وَ قَدْ امْکَنَتْکَ هِدایَتی وَلا افْتَقِرَنَ

بر بازداشتنم توانایی، و (چنان کن که) گمراه نشوم، زیرا امکان هدایتم برای تو فراهم است، و (چنان کن که) نیازمند نشوم

وَمِنْ عِنْدِکَ وُسْعی وَلا اطْغَیَنَّ وَمِنْ عِنْدِکَ وُجْدی اللهُمَّ الی مَغْفِرَتِکَ

زیرا که توانگریم از جانب توست، و (چنان کن که) طغیان و سرکشی ننمایم زیرا که توانایی و تمکّنم نزد توست، خدایا به آمرزشت

ص :185

وَفَدْتُ، وَالی عَفْوِکَ قَصَدْتُ، وَالی تَجاوُزِکَ اشْتَقْتُ، وَبِفَضْلِکَ وَثِقْتُ،

وارد شده و عفو تو را طلب نمودم، و مشتاق گذشت توام و به فضل تو اطمینان دارم

وَلَیْسَ عِنْدی ما یُوجِبُ لی مَغْفِرَتَکَ، وَلا فی عَمَلی ما اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَکَ،

و چیزی که موجب آمرزشم نزد تو شود ندارم و در کردارم چیزی که به واسطه آن شایسته عفو تو باشم نیست

وَمالی بَعْدَ انْ حَکَمْتُ عَلی نَفْسی الَّا فَضْلُکَ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

و بعد از قضاوتم بر نفسم جز فضل تو چیزی ندارم، پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و

وَتَفَضَّلْ عَلَیَّ، اللهُمَّ وَانْطِقْنی بِالْهُدی وَالْهِمْنِی التَّقْوی وَ وَفِّقْنی لِلَّتی

بر من لطف کن، خدایا و مرا به هدایت، گویا گردان و پرهیزکاری به من الهام کن و مرا به آنچه پاکیزه تر است

هِیَ ازْکی وَاسْتَعْمِلْنی بِما هُوَ ارْضی اللهُمَّ اسْلُکْ بِیَ الطَّریقَهَ الْمُثْلی

موفّق گردان و به آنچه پسندیده تر است مشغول دار، خدایا مرا به بهترین راه وارد کن

وَاجْعَلْنی عَلی مِلَّتِکَ امُوتُ وَاحْیی اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

و مرگ و زندگیم را بر دین خود قرار ده، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و

وَمَتِّعْنی بِالْإِقْتِصادِ، وَاجْعَلْنی مِنْ اهْلِ السَّدادِ، وَ مِنْ ادِلَّهِ الرَّشادِ، وَ مِنْ

مرا به میانه روی در زندگی بهره مند ساز، و مرا از ثابت قدمان و از راهنمایان هدایت و از

صالِحِی الْعِبادِ، وَارْزُقْنی فَوْزَ الْمَعادِ، وَسَلامَهَ المِرْصادِ، اللهُمَّ خُذْ

بندگان شایسته ات قرار ده، و رستگاری روز قیامت و سلامتی عبور از کمینگاه (آخرت) را روزیم گردان، خدایا آنچه

لِنَفْسِکَ مِنْ نَفْسی ما یُخَلِّصُها، وَابْقِ لِنَفْسی مِنْ نَفْسی ما یُصْلِحُها، فَانَ

گرفتنش مرا خالص می کند از من بگیر، و آنچه مرا اصلاح می کند باقی گذار پس به یقین

نَفْسی هالِکَهٌ اوْ تَعْصِمَها، اللَّهُمَّ انْتَ عُدَّتی انْ حَزِنْتُ، وَانْتَ مُنْتَجَعی انْ

نفسم نابودشدنی است مگر اینکه تو آن را نگه داری، خدایا اگر غمگین شوم تو تکیه گاه منی، و اگر محروم شوم تو

حُرِمْتُ، وَبِکَ اسْتِغاثَتی انْ کَرَثْتُ، وَعِنْدَکَ مِمَّا فاتَ خَلَفٌ، وَلِما فَسَدَ

پناهگاه منی، و اگر گرفتار سختی شوم تو فریادرس منی، و نزد توست جایگزین آنچه از دست برود و اصلاح آنچه

صَلاحٌ، وَفیما انْکَرْتَ تَغْییرٌ، فَامْنُنْ عَلَیَّ قَبْلَ الْبَلاءِ بِالْعافِیَهِ، وَقَبْلَ

تباه شود، و دگرگونی آنچه عیب دانستی، پس منّت گذار بر من به تندرستی قبل از گرفتاری، و توانگری

الطَّلَبِ بِالْجِدَهِ، وَقَبْلَ الضَّلالِ بِالرَّشادِ، وَاکْفِنی مَؤُنَهَ مَعَرَّهِ الْعِبادِ، وَهَبْ

قبل از درخواست کردن، و هدایت قبل از گمراهی، و مرا از رنج و آزار بندگان کفایت کن، و امنیّتِ

ص: 186

لی امْنَ یَوْمِ الْمَعادِ، وَامْنِحْنی حُسْنَ الْإِرْشادِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

روز قیامت را به من ببخش، راهنمایی نیکو را به من ارزانی دار، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش

وَآلِهِ، وَادْرَأْ عَنّی بِلُطْفِکَ، وَاغْذُنی بِنِعْمَتِکَ، وَاصْلِحْنی بِکَرَمِکَ، وَداوِنی

درود فرست، و با لطف و کرمت از من دفاع کن، و با نعمتت غذایم ده، و با بزرگواریت اصلاحم کن و با تربیتت

بِصُنْعِکَ، وَاظِلَّنی فی ذَراکَ، وَجَلِّلْنی رِضاکَ، وَوَفِّقْنی اذَا اشْتَکَلَتْ عَلَیَ

درمانم کن، و در سایه حمایتت قرارم ده و با خشنودیت گرامیم دار، و آنگاه که کارها بر من مشکل شود

الْأُمُورُ لِأَهْداها، وَاذا تَشابَهَتِ الْأَعْمالُ لِأَزْکاها، وَاذا تَناقَضَتِ الْمِلَلُ

با بهترین راهنمایی ها و آن گاه که کارها مشتبه شود با پاکیزه ترین آنها و آنگاه که ملّتها اختلاف کنند

لِأَرْضاها، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوِّجْنی بِالْکِفایَهِ، وَ سُمْنی

به پسندیده ترین آنها موفّقم دار، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و مرا به بی نیازی مزیّن کن، و با سرپرستی نیک،

حُسْنَ الْوِلایَهِ، وَهَبْ لی صِدْقَ الْهِدایَهِ، وَلا تَفْتِنّی بِالسَّعَهِ، وَامْنِحْنی

زیبایم کن، و هدایت صادقانه را به من ببخش، و با وسعت روزی، امتحانم مکن، و خوش خلقی را

حُسْنَ الدَّعَهِ، وَلا تَجْعَلْ عَیْشی کَدّاً کَدّاً، وَلا تَرُدَّ دُعآئی عَلَیَّ رَدّاً، فَانّی

به من ببخش، و زندگانیم را همراه با مشقّت قرار مده، و به هیچ وجه دعایم را به خودم باز مگردان، به یقین که من

لا اجْعَلُ لَکَ ضِدّاً، وَلا ادْعُو مَعَکَ نِدّاً، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

ضدّی برایت قرار ندادم، و رقیبی به همراهت نخواندم، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست،

وَامْنَعْنی مِنَ السَّرَفِ، وَحَصِّنْ رِزْقی مِنَ التَّلَفِ، وَوَفِّرْ مَلَکَتی بِالْبَرَکَهِ

و مرا از اسراف باز دار، و روزیم را از تلف شدن حفظ کن، و داراییم را با قرار دادن برکت در آن فراوان گردان،

فیهِ، وَاصِبْ بی سَبیلَ الْهِدایَهِ لِلْبِرِّ فیما انْفِقُ مِنْهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی

و مرا در طریق هدایت به نیکی ها در آنچه که از آن انفاق می کنم برسان، خدایا بر محمّد

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاکْفِنی مَؤُنَهَ الْإِکْتِسابِ، وَارْزُقْنی مِنْ غَیْرِ احْتِسابٍ، فَلا

و خاندان پاکش درود فرست، و مرا از رنج بدست آوردن روزی کفایت کن، و بی حساب روزیم ده، تا این که

اشْتَغِلَ عَنْ عِبادَتِکَ بِالطَّلَبِ، وَلا احْتَمِلَ اصْرَ تَبِعاتِ الْمَکْسَبِ، اللهُمَ

به جای بندگیت به طلب روزی مشغول نشوم، و پی آمدهای کسب روزی را به دوش نکشم، خدایا

فَأَطْلِبْنی بِقُدْرَتِکَ ما اطْلُبُ، وَاجِرْنی بِعِزَّتِکَ مِمَّا ارْهَبُ، اللهُمَّ صَلِ

به قدرتت آنچه می طلبم به من برسان، و به عزّتت از آنچه می ترسم پناهم ده، خدایا

ص: 187

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصُنْ وَجْهی بِالْیَسارِ، وَلا تَبْتَذِلْ جاهی بِالْإِقْتارِ،

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و باوسعت روزی آبرویم را حفظ کن، و با تنگدستی شخصیتم را بی ارزش مساز،

فَاسْتَرْزِقَ اهْلَ رِزْقِکَ، وَاسْتَعْطِیَ شِرارَ خَلْقِکَ، فَافْتَتِنَ بِحَمْدِ مَنْ

تا از روزی خوارانت روزی بخواهم و از بدترین مخلوقاتت گدایی کنم پس به ستایش آنکه عطایم کرده

اعْطانی وَابْتَلی بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنی وَانْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِیُّ الْإِعْطآءِ وَالْمَنْعِ،

و بدگویی آنکه از من دریغ داشته مبتلا شوم در حالی که تو صاحب بخشش و دریغی نه آنها،

اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنی صِحَّةً فی عِبادَهٍ، وَ فَراغاً فی

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و سلامتی در (انجام) عبادت و آسایش در عین

زَهادَهٍ، وَعِلْماً فِی اسْتِعْمالٍ، وَ وَرَعاً فی اجْمالٍ، اللهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِکَ

چشم پوشی از دنیا و دانش توأم با عمل، و پرهیزکاری در عین میانه روی را روزیم گردان، خدایا عمرم را با عفوت

اجَلی وَحَقِّقْ فی رَجآءِ رَحْمَتِکَ امَلی وَسَهِّلْ الی بُلوُغِ رِضاکَ سُبُلی

به پایان رسان، و در سایه امید به رحمتت آرزویم را محقق ساز، و راه های رسیدن به خشنودیت را برایم هموار گردان،

وَحَسِّنْ فی جَمیعِ احْوالی عَمَلی اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَنَبِّهْنی

و در همه حال کردارم را نیکو گردان، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و به هنگام

لِذِکْرِکَ فی اوْقاتِ الْغَفْلَهِ، وَ اسْتَعْمِلْنی بِطاعَتِکَ فی ایَّامِ الْمُهْلَهِ، وَانْهَجْ

غفلت و بی خبری مرا به یادت متوجّه کن، و در اوقات فراغت مرا به بندگیت بگمار، و راهی آسان

لی الی مَحَبَّتِکَ سَبیلاً سَهْلَةً، اکْمِلْ لی بِها خَیْرَ الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ، اللهُمَ

برای رسیدن به دوستیت به رویم بگشا، که به واسطه آن خیر دنیا و آخرت را بر من کامل گردانی، خدایا بر

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، کَافْضَلِ ما صَلَّیْتَ عَلی احَدٍ مِنْ خَلْقِکَ قَبْلَهُ،

محمّد و خاندان پاکش درود فرست همانند بهترین درودی که بر هر یک از مخلوقاتت پیش از آن حضرت فرستاده ای

وَانْتَ مُصَلٍّ عَلی احَدٍ بَعْدَهُ، وَآتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً، وَفِی الْأخِرَهِ حَسَنَةً،

و تویی درود فرستنده بر هر کس بعد از او، و در دنیا و آخرت نیکی به ما ارزانی دار

وَ قِنی بِرَحْمَتِکَ عَذابَ النَّارِ.

و به رحمتت مرا از عذاب دوزخ بازدار.

***

ص: 188

دعای ندبه 154]:

توجّه به حضرت ولیّ عصر- عجّل اللَّه تعالی فرجه الشّریف- و دعا برای وجود شریفش، ابراز عشق و علاقه به محضرش و دعا برای تعجیل ظهورش همه و همه نشانه یک شیعه واقعی است؛ ولی بی تردید، آن کس که برای ظهور مصلح جهانی دعا می کند، برای اصلاح خویش و جامعه خود می کوشد و آن کس که در انتظار منجی بشریّت و امام بر حق به سر می برد، خود نیز همچون سربازی فداکار و گوش به فرمان، برای جانبازی در راه اسلام و نجات ستمدیدگان، تلاش می کند. دعای ندبه نجوای عاشقانه ای است برای دلدادگان و رمزی است برای هر شیعه منتظر، تا با زمزمه آن و توجّه به محتوایش، هم برای وجود نازنین امام زمان دعا کند، هم عشق و ارادت خویش را به آن حضرت نشان دهد و هم راز و رمز سربازی را به درستی بیاموزد و هم با یک دوره فشرده از تاریخ پیامبران و دلایل ولایت امیر مؤمنان علیه السلام آشنا شود.

مستحب است دعای ندبه در اعیاد چهارگانه: جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر خوانده شود.(1) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ وَآلِهِ، وَسَلَّمَ

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است، و درود خدا بر آقا و سرور ما پیامبر خدا محمّد و خاندان پاکش و سلام مخصوص خدا

تَسْلیماً، اللهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلی ما جَری بِهِ قَضآئُکَ فی اوْلِیآئِکَ، الَّذینَ

بر آنان باد، خدایا حمد و سپاس از آنِ توست بر آنچه در میان اولیائت مقدّر ساختی، همانانی که

اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِکَ وَ دینِکَ، اذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزیلَ ما عِنْدَکَ مِنَ النَّعیمِ

برای خود و دینت خالصشان نمودی، آنگاه که نعمتهای بزرگ جاودان نزد خودت را

الْمُقیمِ، الَّذی لا زَوالَ لَهُ وَلَا اضْمِحْلالَ، بَعْدَ انْ شَرَطْتَ عَلَیْهِمُ الزُّهْدَ فی

برایشان برگزیدی، نعمتهایی که زوال و نابودی ندارد، پس از آنکه بی توجّهی به مقامات

ص: 189

1- [155]این دعا را سیّد بن طاووس در مصباح الزائر، صفحه 446- 453 و محمّد بن المشهدی در مزار کبیر، صفحه 573 آورده اند، مرحوم علّامه مجلسی نیز در بحارالانوار، جلد 99، صفحه 104- 110 آن را نقل کرده است. همچنین علّامه مجلسی در کتاب زادالمعاد، صفحه 491- 504 این دعا را به سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است و مطابق برخی دیگر از روایات، این دعا از ناحیه امام زمان علیه السلام توسّط یکی از نوّابش رسیده است که در واقع تأکیدی است بر آنچه که امام صادق علیه السلام آن را بیان فرموده است.(برای توضیح بیشتر به کتاب« ندبه و نشاط» تألیف دانشمند ارجمند، مرحوم آقای زمرّدیان مراجعه شود).

دَرَجاتِ هذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِیَّهِ، وَزُخْرُفِها وَزِبْرِجِها، فَشَرَطُوا لَکَ ذلِکَ،

و زرق و برق دنیای فانی را بر آنان شرط نمودی، پس آنان نیز آن را پذیرفتند

وَعَلِمْتَ مِنْهُمُ الْوَفآءَ بِهِ، فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّکْرَ الْعَلِیَّ،

و تو وفاداری آنان را به پیمانشان دانستی و آنان را پذیرفته و مقرّب درگاه خویش ساختی، و بلندنامی

وَالثَّنآءَ الْجَلِیَّ، وَاهْبَطْتَ عَلَیْهِمْ مَلآئِکَتَکَ، وَکَرَّمْتَهُمْ بِوَحْیِکَ، وَرَفَدْتَهُمْ

و ثنای آشکار را عطایشان نمودی، و فرشتگانت را بر آنان فرو فرستادی و با وحیت گرامیشان داشتی، و با علم خویش

بِعِلْمِکَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّریعَهَ اِلَیْکَ، وَالْوَسیلَهَ الی رِضْوانِکَ، فَبَعْضٌ اسْکَنْتَهُ

حمایتشان نمودی، و آنان را دستاویزی به درگاهت و وسیله ای برای خشنودیت قرار دادی، و بعضی از آنان (آدم (ع)) را

جَنَّتَکَ الی انْ اخْرَجْتَهُ مِنْها، وَبَعْضٌ حَمَلْتَهُ فی فُلْکِکَ، وَنَجَّیْتَهُ وَمَنْ آمَنَ

در بهشت جای دادی تا زمانی که از آن جا خارج نمودی و بعضی دیگر (نوح (ع)) را بر کشتی سوار کرده و او و مؤمنان

مَعَهُ مِنَ الْهَلَکَهِ بِرَحْمَتِکَ، وَبَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِکَ خَلیلاً، وَسَئَلَکَ لِسانَ

همراهش را با رحمت خود از هلاکت نجات دادی، و بعضی دیگر را (ابراهیم (ع)) برای خود دوست برگزیدی، و او از تو نیک نامی

صِدْقٍ فِی الْاخِرینَ فَاجَبْتَهُ، وَجَعَلْتَ ذلِکَ عَلِیّاً، وَبَعْضٌ کَلَّمْتَهُ مِنْ

در میان آیندگان را درخواست کرد پس اجابت نموده و نامش را بلندمرتبه ساختی، و با بعضی دیگر (موسی (ع)) از درون

شَجَرَهٍ تَکْلیماً، وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ اخیهِ رِدْءاً وَوَزیراً، وَبَعْضٌ اوْلَدْتَهُ مِنْ

درخت سخن گفتی، و برادرش (هارون) را پشتیبان و وزیرش قرار دادی، و بعضی دیگر (عیسی (ع)) را بدون پدر

غَیْرِ ابٍ، وَآتَیْتَهُ الْبَیِّناتِ، وَایَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ، وَکُلٌّ شَرَعْتَ لَهُ شَریعَهً،

بدنیا آوردی و به او دلایل روشن دادی و با جبرئیل تأییدش نمودی، و برای هر یک (از انبیا) شریعت و آیین

وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهاجاً، وَتَخَیَّرْتَ لَهُ اوْصِیآءَ مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ

و راه و روشی خاص قرار داده و جانشینانی برگزیدی تا یکی پس از دیگری در

مُدَّهٍ الی مُدَّهٍ، اقامَهً لِدینِکَ، وَحُجَّهً عَلی عِبادِکَ، وَلِئَلَّا یَزُولَ الْحَقُّ عَنْ

زمان معیّن، نگهبان و برپادارنده دین و حجّت بر بندگانت باشند، تا حق از جایگاهش زایل نشود

مَقَرِّهِ، وَیَغْلِبَ الْباطِلُ عَلی اهْلِهِ، وَلا یَقُولَ احَدٌ لَوْلا ارْسَلْتَ الَیْنا رَسُولاً

و باطل بر پیروان حقیقت غلبه نکند، و کسی نگوید چرا (برای هدایت) رسول بیم دهنده ای را به سوی ما

مُنْذِراً، وَاقَمْتَ لَنا عَلَماً هادِیاً، فَنَتَّبِعَ آیاتِکَ مِنْ قَبْلِ انْ نَذِلَّ وَنَخْزی

نفرستادی و نشانه هدایت را برپا نداشتی، تا پیش از آنکه خوار و رسوا شویم از آیاتت پیروی کنیم؟!

الى انِ انْتَهَیْتَ بِالْأَمْرِ الى حَبیبِکَ وَ نَجیبِکَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ،

(ارسال پیامبران ادامه یافت) تا آنکه کارت را به دست دوست و بنده واقعیت محمّد- که درود خدا بر او و خاک پاکش باد- به پایان رساندی

فَکانَ کَمَا انْتَجَبْتَهُ سَیِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ، وَصَفْوَةَ مَنِ اصْطَفَیْتَهُ، وَافْضَلَ مَنِ

پس او آن گونه بود که او را برگزیدی، سرور مخلوقات، و برگزیده برگزیدگان، و برترین

اجْتَبَیْتَهُ، وَاکْرَمَ مَنِ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَّمْتَهُ عَلى انْبِیآئِکَ، وَبَعَثْتَهُ الَى الثَّقَلَیْنِ مِنْ

انتخاب شدگان و گرامی ترین اعتماد شدگانت، که او را بر پیامبرانت مقدّم داشته و به سوی همه بندگانت از جنّ و انس

عِبادِکَ، وَاوْطَأْتَهُ مَشارِقَکَ، وَمَغارِبَکَ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُراقَ، وَعَرَجْتَ بِهِ

مبعوث نمودی، و شرق و غرب عالم را تحت سلطه اش قرار دادی، و مرکب آسمانی را مسخّرش ساختی، و او را

[بِرُوحِهِ الى سَمآئِکَ، وَاوْدَعْتَهُ عِلْمَ ما کانَ وَما یَکُونُ الَى انْقِضآءِ خَلْقِکَ،

به سوی آسمانت بالا بردی، و علم گذشتگان و آیندگان تا پایان آفرینشت را به او سپردی،

ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرَئیلَ وَمیکآئیلَ، وَ الْمُسَوِّمینَ مِنْ

سپس او را با ایجاد ترس (در دل دشمنانش) یاری کردی، و جبرئیل و میکائیل و فرشتگان نشان دار را

مَلآئِکَتِکَ، وَ وَعَدْتَهُ انْ تُظْهِرَ دینَهُ عَلَى الدّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ،

گرداگردش قرار دادی، و به او وعده دادی که دینش را بر همه ادیان پیروز گردانی هر چند که مشرکان آن را ناپسند دارند

وَذلِکَ بَعْدَ انْ بَوَّأْتَهُ مُبَوَّءَ صِدْقٍ مِنْ اهْلِهِ، وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ اوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ

و این پیروزی پس از آن بود که او را درجایگاه صدق و راستی در میان خاندانش جای دادی، و برای او و خاندانش اوّلین خانه ای که برای مردم

لِلنّاسِ، لَلَّذی بِبَکَّهَ مُبارَکاً وَهُدیً لِلْعالَمینَ، فیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ، مَقامُ

ساخته شده قرار دادی، خانه ای در مکّه، مایه برکت و هدایت برای جهانیان، که نشانه های روشن هدایت و مقام

ابْراهیمَ، وَمَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً، وَقُلْتَ انَّما یُریدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ

ابراهیم در آن است و هر کس داخل آن شود ایمن است؛ و فرمودی: خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از شما

اهْلَ الْبَیْتِ، وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً، ثُمَّ جَعَلْتَ اجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ

اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد، سپس در کتابت پاداش محمّد- که درود تو بر او و خاندان پاکش باد-

مَوَدَّتَهُمْ فی کِتابِکَ، فَقُلْتَ قُلْ لا اسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ اجْراً الَّا الْمَوَدَّهَ فِی

را دوستی خاندانش قرار دادی، و فرمودی: بگو، من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم، جز دوستی

الْقُرْبی وَقُلْتَ ما سَئَلْتُکُمْ مِنْ اجْرٍ فَهُوَ لَکُمْ، وَقُلْتَ ما اسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ

نزدیکانم [/ اهل بیتم ، و فرمودی: پاداشی که از شما می طلبم به نفع شماست، و فرمودی: من در برابر آن (رسالت) هیچ

اجْرٍ الَّا مَنْ شآءَ انْ يَتَّخِذَ الی رَبِّهِ سَبيلاً، فَكانُوا هُمُ السَّبيلَ الَيْکَ،

پاداشی از شما نمی طلبم مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند، و اینان همان راه رسیدن به تو

وَالْمَسْلَکَ الی رِضْوانِکَ، فَلَمَّاانْقَضَتْ ايَّامُهُ، اقامَ وَلِيَّهُ عَلِيَّ بْنَ ابيطالِبٍ

و طریق رسیدن به خشنودی تو می باشند، پس آن گاه که روزگار رسالتش سپری شد، یاورش علی بن ابی طالب-

صَلَواتُکَ عَلَيْهِما وَ آلِهِما هادِياً، اذْ كانَ هُوَ الْمُنْذِرَ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ، فَقالَ

که درود تو بر هر دوی آنان و خاندانشان باد- را برای هدایت برگزید، چرا که او بیم دهنده بود و برای هر گروهی هدایتگری لازم است، پیامبر (در روز غدیر)

وَالْمَلَأُ امامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلاهُ، اللهُمَّ والِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ

در حالی که گروه مردم پیش رویش بودند فرمود: هر کس من مولا و سرپرست اویم، علی مولا و سرپرست اوست، خدایا با دوستدارانش دوست و با دشمنانش

عاداهُ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَ قالَ مَنْ كُنْتُ انَا نَبِيُّهُ فَعَلِيٌ

دشمن باش، و یاورانش را یاری و رهاکنندگانش را رها کن، و فرمود: هر کس من پیامبر اویم پس علی

اميرُهُ، وَقالَ انَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَهٍ واحِدَهٍ، وَسائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتّی

فرمانروای اوست، و فرمود: من و علی از یک درخت و ریشه ایم و بقیه مردم از درختان و ریشه های مختلفند

وَاحَلَّهُ مَحَلَّ هارُونَ مِنْ مُوسی فَقال لَهُ انْتَ مِنّی بِمَنْزِلَهِ هارُونَ مِنْ

و او را درجایگاهی همانند جایگاه هارون نسبت به موسی قرار داده، به او فرمود: موقعیّت تو نسبت به من مانند موقعیّت هارون نسبت

مُوسی الّا انَّهُ لا نَبِیَّ بَعْدی وَزَوَّجَهُ ابْنَتَهُ سَیِّدَهَ نِسآءِ الْعالَمینَ، وَاحَلّ لَهُ

به موسی است جز اینکه پس از من پیامبری نیست سپس دخترش سرور بانوان جهان را به همسری او درآورد، و از مسجدش آنچه برای

مِنْ مَسْجِدِهِ ما حَلَّ لَهُ، وَسَدَّ الْأَبْوابَ الَّا بابَهُ، ثُمَّ اوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ حِکْمَتَهُ،

خودش حلال بود، بر او حلال کرد و جز درِ خانه او تمامی درهایی که به مسجد باز بود را بست، سپس دانش و حکمتش را به او سپرد

فَقالَ انَا مَدینَهُ الْعِلْمِ وَعَلِیٌّ بابُها، فَمَنْ ارادَ الْمَدینَهَ وَالْحِکْمَهَ، فَلْیَأْتِها مِنْ

و فرمود: من شهر علمم و علی درِ آن است، پس هر کس شهر و حکمت آن را بخواهد، باید از

بابِها، ثُمَّ قالَ انْتَ اخی وَوَصِیّی وَوارِثی لَحْمُکَ مِنْ لَحْمی وَدَمُکَ

درِ آن داخل شود، سپس فرمود: تو برادر و جانشین و وارث منی، گوشت تو از گوشت من، و خون

مِنْ دَمی وَسِلْمُکَ سِلْمی وَحَرْبُکَ حَرْبی وَالْإِیمانُ مُخالِطٌ لَحْمَکَ

تو از خون من است، سازش تو سازش من و جنگ تو (با هر کس) جنگ من (با او) است، و ایمان با گوشت

وَدَمَکَ، کَما خالَطَ لَحْمی وَدَمی وَانْتَ غَداً عَلَی الْحَوْضِ خَلیفَتی

و خونت آمیخته است آن گونه که با گوشت و خون من آمیخته شده، و تو فردا (ی قیامت) جانشین من بر کنار حوض کوثری،

ص: 192

وَانْتَ تَقْضى دَيْنى وَ تُنْجِزُ عِداتى وَشيعَتُکَ عَلى مَنابِرَ مِنْ نُورٍ، مُبْيَضَّةً

و تو قرض مرا ادا می کنی و عهد و پیمانم را به انجام می رسانی، و شیعیان تو بر جایگاهی از نور، با چهره هایی درخشان

وُجُوهُهُمْ حَوْلی فِی الْجَنَّهِ، وَهُمْ جیرانی وَلَوْلا انْتَ یا عَلِیُّ لَمْ یُعْرَفِ

در بهشت در اطراف من و همسایگان منند، و ای علی، اگر تو نبودی مؤمنان بعد از من

الْمُؤْمِنُونَ بَعْدی وَکانَ بَعْدَهُ هُدیً مِنَ الضَّلالِ، وَنُوراً مِنَ الْعَمی وَ حَبْلَ

شناخته نمی شدند، و علی پس از رسول خدا وسیله هدایت از گمراهی و نور و روشنی از کوری جهالت و ریسمان

اللَّهِ الْمَتینَ، وَصِراطَهُ الْمُسْتَقیمَ، لا یُسْبَقُ بِقَرابَهٍ فی رَحِمٍ، وَلا بِسابِقَهٍ فی

محکم الهی و راه مستقیم پروردگار بود، و کسی نه در قرابت و خویشاوندی و نه از نظر سابقه در دین بر او

دینٍ، وَلا یُلْحَقُ فی مَنْقَبَهٍ مِنْ مَناقِبِهِ، یَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّی اللَّهُ

پیشی نگرفت، و در هیچ یک از فضایلش کسی به پای او نرسید، پا در جای پای رسول خدا نهاد- که درود خدا

عَلَیْهِما وَآلِهِما، وَیُقاتِلُ عَلَی التَّاْویلِ، وَ لا تَاْخُذُهُ فِی اللَّهِ لَوْمَهُ لآئِمٍ، قَدْ

بر آن دو و خاندان پاکشان باد- و از روی واقعیّت قرآن پیکار می نمود و در راه خدا سرزنش هیچ ملامتگری در او اثر نداشت،

وَتَرَ فیهِ صَنادیدَ الْعَرَبِ، وَقَتَلَ ابْطالَهُمْ وَناوَشَ ذُؤْبانَهُمْ، فَاوْدَعَ قُلُوبَهُمْ

دلاوران عرب را در راه خدا در تنگنا گذاشت و پهلوانانشان را کشته و با گردنکشان آنها جنگید، و این سبب شد که

احْقاداً بَدْرِیَّهً وَخَیْبَرِیَّهً وَحُنَیْنِیَّهً وَغَیْرَهُنَّ، فَاضَبَّتْ عَلی عَداوَتِهِ،

کینه های جنگ های بدر و خیبر و حنین و جنگ های دیگر را به دل گرفتند و به دشمنیش دل بستند

وَاکَبَّتْ عَلى مُنابَذَتِهِ، حَتّى قَتَلَ النّاکِثینَ وَالْقاسِطینَ وَالْمارِقینَ، وَلَمَّا

و بر مخالفت با او بسیج شدند، تا اینکه با پیمان شکنان و ستمگران و خارج شدگان از دین به نبرد برخواست، و هنگامی که

قَضى نَحْبَهُ، وَقَتَلَهُ اشْقَى الْاخِرینَ یَتْبَعُ اشْقَى الْأَوَّلینَ، لَمْ یُمْتَثَلْ امْرُ

زمان شهادتش رسید، و بدبخت ترین از پسینیان که از بدبخت ترین پیشینیان پیروی می کرد او را کشت، فرمان رسول خدا

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ فِی الْهادینَ بَعْدَ الْهادینَ، وَالْأُمَّهُ مُصِرَّهٌ

- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- در مورد هدایت کنندگان دین یکی پس از دیگری اطاعت نشد، (بلکه) مردم بر دشمنی

عَلى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَهٌ عَلى قَطیعَهِ رَحِمِهِ، وَاقْصآءِ وُلْدِهِ، الَّا الْقَلیلَ مِمَّنْ

با او پافشاری کردند و برای گسستن او از خاندانش و تبعید فرزندانش اجتماع نمودند، جز عدّه کمی که

وَفى لِرِعایَهِ الْحَقِّ فیهِمْ، فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَسُبِیَ مَنْ سُبِیَ، وَاقْصِیَ مَنْ

به رعایت حق در مورد آنان وفا نمودند، در نتیجه گروهی به شهادت رسیدند و گروهی اسیر و جمعی نیز تبعید

ص: 193

اقْصِىَ، وَجَرَى الْقَضآءُ لَهُمْ بِما يُرْجى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَهِ، اذْ كانَتِ الْأَرْضُ

شدند، و سرنوشت برای آنان به گونه ای رقم خورد که امید پاداش نیک بر آن می رفت، زیرا زمین

للَّهِ يُورِثُها مَنْ يَشآءُ مِنْ عِبادِهِ، وَالْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقينَ، وَسُبْحانَ رَبِّنا انْ كانَ

از آنِ خداست و آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد می دهد، و سرانجام نیک از آنِ پرهیزکاران است و تسبیح می کنیم پروردگارمان را که

وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً، وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ، فَعَلَى

وعده اش حتمی است و هرگز از آن تخلّف نمی کند و او قدرتمند و داناست، پس

الْأَطائِبِ مِنْ اهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِما وَ آلِهِما، فَلْيَبْكِ

گریه کنندگان باید بر پاکان از خاندان محمّد و علی- که درود خدا بر هر دوی ایشان و خاندانشان باد-

الْباكُونَ، وَايَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتَذْرَفِ الدُّمُوعُ، وَلْيَصْرُخِ

گریه کنند و شیون کنندگان بر آنان شیون کنند و برای چنین افرادی باید اشکها جاری گردد و فریادزنندگان

الصَّارِخُونَ، وَ يَضِجَّ الضَّآجُّونَ، وَيَعِجَّ الْعآجُّوَن، ايْنَ الْحَسَنُ ايْنَ

فریاد زنند و زاری کنندگان شیون کنند و ناله کنندگان فریاد کنند، که حسن کجاست؟،

الْحُسَيْنُ، ايْنَ ابْنآءُ الْحُسَيْنِ، صالِحٌ بَعْدَ صالِحٍ، وَ صادِقٌ بَعْدَ صادِقٍ،

حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجایند؟ شایسته ای پس از شایسته و راستگویی پس از راستگوی دیگر،

ايْنَ السَّبيلُ بَعْدَ السَّبيلِ، ايْنَ الْخِيَرَهُ بَعْدَ الْخِيَرَهِ، ايْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَهُ،

کجاست راه راستِ پس از این راه راست؟ کجاست برگزیدگان بعد از برگزیدگان؟ کجایند خورشیدهای تابان؟

ایْنَ الْأَقْمارُ الْمُنیرَهُ، ایْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَهُ، ایْنَ اعْلامُ الدّینِ وَ قَواعِدُ

کجایند ماه های نورافشان؟ کجایند ستارگان درخشان، کجایند بزرگان دین و پایه های

الْعِلْمِ، ایْنَ بَقِیَّهُ اللَّهِ الَّتی لا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَهِ الْهادِیَهِ، ایْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ

دانش؟ کجاست ذخیره خدایی که از عترت هدایتگر بیرون نیست؟ کجاست آن کسی که برای

دابِرِ الظَّلَمَهِ، ایْنَ الْمُنْتَظَرُ لِإِقامَهِ الْأَمْتِ وَاْلعِوَجِ، ایْنَ الْمُرْتَجی لِإِزالَهِ

قطع ریشه ستمگران آماده شده؟ کجاست آن کسی که برای اصلاح نادرستی ها و کجی ها به انتظارش نشسته اند؟ کجاست آن کسی که

الْجَوْرِ وَالْعُدْوانِ، ایْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْدیدِ الْفَرآئِضِ وَ السُّنَنِ، ایْنَ الْمُتَخَیَّرُ

برای از بین بردن جور و ستم به او امید بسته شده؟ کجاست آن کسی که برای تجدید واجبات و سنّتها ذخیره شده؟ کجاست آنکه

لِإِعادَهِ الْمِلَّهِ وَالشَّریعَهِ، ایْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْیآءِ الْکِتابِ وَحُدُودِهِ، ایْنَ

برای بازگرداندن دین و آیین برگزیده شده؟ کجاست آن کسی که برای زنده کردن قرآن و اجرای حدود آن آرزو شده؟ کجاست

مُحْیی مَعالِمِ الدّینِ وَ اهْلِهِ، ایْنَ قاصِمُ شَوْکَهِ الْمُعْتَدینَ، ایْنَ هادِمُ ابْنِیَهِ

زنده کننده آثار دین و اهل آن؟ کجاست درهم شکننده قدرت متجاوزان؟ کجاست ویران کننده بناهای

الشِّرْکِ وَالنِّفاقِ، ایْنَ مُبیدُ اهْلِ الْفُسُوقِ وَ الْعِصْیانِ وَ الطُّغْیانِ، ایْنَ

شرک و نفاق؟ کجاست نابودکننده فاسقان و نافرمانان و طغیانگران؟ کجاست

حاصِدُ فُرُوعِ الْغَیِّ وَالشِّقاقِ، ایْنَ طامِسُ آثارِ الزَّیْغِ وَ الْأَهْوآءِ، ایْنَ

قطع کننده شاخه های گمراهی و اختلاف؟ کجاست محو کننده نشانه های انحراف و هواپرستی؟ کجاست

قاطِعُ حَبآئِلِ الْکِذْبِ وَالْإِفْتِرآءِ، ایْنَ مُبیدُ الْعُتاهِ وَالْمَرَدَهِ، ایْنَ مُسْتَأْصِلُ

قطع کننده رشته های دروغ و تهمت؟ کجاست نابود کننده گردنکشان و سرکشان؟ کجاست ریشه کن کننده

اهْلِ الْعِنادِ وَالتَّضْلیلِ وَالْإِلْحادِ، ایْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِیآءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدآءِ، ایْنَ

معاندان و گمراه کنندگان و بی دینان؟ کجاست عزّت بخش دوستان و خوار کننده دشمنان؟ کجاست

جامِعُ الْکَلِمَهِ عَلَی التَّقْوی ایْنَ بابُ اللَّهِ الَّذی مِنْهُ یُؤْتی ایْنَ وَجْهُ اللَّهِ

گردآورنده سخنان بر محور تقوا؟ کجاست آن درگاه خدا که از آن وارد شوند؟ کجاست آن جلوه خدایی که

الَّذی الَیْهِ یَتَوَجَّهُ الْأَوْلِیآءُ، ایْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمآءِ،

اولیا به آن توجّه می کنند؟ کجاست آن وسیله پیوند میان زمین و آسمان؟

ایْنَ صاحِبُ یَوْمِ الْفَتْحِ وَ ناشِرُ رایَهِ الْهُدی ایْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلاحِ

کجاست صاحب روز پیروزی و برافرازنده پرچم هدایت؟ کجاست گردآورنده همه شایستگی ها

وَالرِّضا، ایْنَ الطّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِیآءِ وَابْنآءِ الْأَنْبِیآءِ، ایْنَ الطّالِبُ بِدَمِ

و خوبی ها؟ کجاست خون خواه پیامبران و فرزندان پیامبران؟ کجاست خون خواه

الْمَقْتُولِ بِکَرْبَلآءَ، ایْنَ الْمَنْصُورُ عَلی مَنِ اعْتَدی عَلَیْهِ وَافْتَری ایْنَ

شهید کربلا؟ کجاست یاری شده در برابر دشمنان و تهمت زنندگانش؟ کجاست

الْمُضْطَرُّ الَّذی یُجابُ اذا دَعی ایْنَ صَدْرُ الْخَلائِقِ ذُوالْبِرِّ وَالتَّقْوی ایْنَ

درمانده ای که چون دعا کند مستجاب می شود؟ کجاست سرسلسله مخلوقات، آن صاحب نیکی و تقوا؟ کجاست

ابْنُ النَّبِیِّ الْمُصْطَفی وَ ابْنُ عَلِیٍّ الْمُرْتَضی وَابْنُ خَدیجَةَ الْغَرّآءِ، وَابْنُ

فرزند پیامبر برگزیده، و فرزند علی مرتضی و فرزند خدیجه بزرگوار و فرزند

فاطِمَةَ الْکُبْری بِابی انْتَ وَامّی وَنَفْسی لَکَ الْوِقآءُ وَالْحِمی یَا بْنَ السّادَةِ

فاطمه کبری، پدر و مادر و جانم سپر بلا و نگهبان تو باد، ای فرزند بزرگِ

الْمُقَرَّبينَ، يَا بْنَ النُّجَباۤءِ الْأَكْرَمينَ، يَا بْنَ الْهُداهِ الْمَهْدِيّينَ، يَا بْنَ الْخِيَرَهِ

مقرّبان الهی، ای فرزند بزرگ زادگان گرامی، ای فرزند هدایت گران هدایت یافته، ای فرزند نیکان

الْمُهَذَّبينَ، يَا بْنَ الْغَطارِفَهِ الْأَنْجَبينَ، يَا بْنَ الْأَطآئِبِ الْمُطَهَّرينَ، يَا بْنَ

وارسته، ای فرزند بزرگان شایسته و گرامی، ای فرزند پاکان پاکیزه، ای فرزند

الْخَضارِمَهِ الْمُنْتَجَبينَ، يَا بْنَ الْقَماقِمَهِ الْأَكْرَمينَ، يَا بْنَ الْبُدُورِ الْمُنيرَهِ، يَا

سخاوتمندان برگزیده، ای فرزند بزرگان گرامی، ای فرزند ماه های تابان، ای

بْنَ السُّرُجِ الْمُضيئَهِ، يَا بْنَ الشُّهُبِ الثّاقِبَهِ، يَا بْنَ الْأَنْجُمِ الزّاهِرَهِ، يَا بْنَ

فرزند چراغ های نورافشان، ای فرزند شهاب های نافذ، ای فرزند ستارگان درخشان، ای فرزند

السُّبُلِ الْواضِحَهِ، يَا بْنَ الْأَعْلامِ اللّآئِحَهِ، يَا بْنَ الْعُلُومِ الْكامِلَهِ، يَا بْنَ

راه های آشکار حق، ای فرزند نشانه های روشن هدایت، ای فرزند دانش های کامل، ای فرزند

السُّنَنِ الْمَشْهُورَهِ، يَا بْنَ الْمَعالِمِ الْمَأثُورَهِ، يَا بْنَ الْمُعْجِزاتِ الْمَوْجُودَهِ،

سنّت های معروف، ای فرزند نشانه های رسیده از جانب حق، ای فرزند معجزه های موجود،

يَا بْنَ الدَّلائِلِ الْمَشْهُودَهِ، يَا بْنَ الصِّراطِ الْمُسْتَقيمِ، يَا بْنَ النَّبَأِ الْعَظيمِ،

ای فرزند راهنمایی های آشکار، ای فرزند راه راست، ای فرزند خبر بزرگ،

يَا بْنَ مَنْ هُوَ فى امِّ الْكِتابِ لَدَى اللّهِ عَلِىٌّ حَكيمٌ، يَابْنَ الْاياتِ وَالْبَيِّناتِ،

ای فرزند کسی که در امّ الکتاب نزد خداوندِ برتر و داناست، ای فرزند نشانه ها و دلایل آشکار،

یَا بْنَ الدَّلائِلِ الظَّاهِراتِ، یَا بْنَ الْبَراهینِ الْواضِحاتِ الْباهِراتِ، یَا بْنَ

ای فرزند دلایل روشن، ای فرزند برهان های آشکار درخشان، ای فرزند

الْحُجَجِ الْبالِغاتِ، یَا بْنَ النِّعَمِ السَّابِغاتِ، یَا بْنَ طه وَ الْمُحْکَماتِ، یَا بْنَ

حجّت های فراگیر، ای فرزند نعمت های فراوان، ای فرزند طه و محکمات قرآن، ای فرزند

یس وَالذَّارِیاتِ، یَا بْنَ الطُّورِ وَالْعادِیاتِ، یَا بْنَ مَنْ دَنی فَتَدَلّی فَکانَ

یاسین و ذاریات، ای فرزند طور و عادیات، ای فرزند آن که نزدیک و نزدیکتر شد تا آنکه فاصله او

قابَ قَوْسَیْنِ اوْ ادْنی دُنُوّاً وَاقْتِراباً مِنَ الْعَلِیِّ الْأَعْلی لَیْتَ شِعْری ایْنَ

(با پیامبر) به اندازه فاصله دو کمان یا کمتر شد، در نزدیکی و قربت به خدای والای بلندمرتبه (ای امام زمان) کاش می دانستم

اسْتَقَرَّتْ بِکَ النَّوی بَلْ ایُّ ارْضٍ تُقِلُّکَ اوْ ثَری ابِرَضْوی اوْغَیْرِها، امْ

در کجا منزل گزیده ای، و کدامین سرزمین و مکان تو را در خود جای داده؟ آیا در کوه «رَضوایی» یا غیر آن

ص :196

ذی طُوی عَزیزٌ عَلَیَّ انْ ارَی الْخَلْقَ وَلا تُری وَلا اسْمَعُ لَکَ حَسیساً

یا در سرزمین «ذی طوی»؟ بر من دشوار است که مردم را ببینم ولی تو دیده نشوی، و صدا و نجوایی

وَلا نَجْوی عَزیزٌ عَلَیَّ انْ تُحیطَ بِکَ دُونِیَ الْبَلْوی وَ لایَنالُکَ مِنّی

از تو نشنوم، بر من دشوار است که تنها تو گرفتار رنج و بلا باشی نه من، و ناله و شکایت من

ضَجیجٌ وَ لا شَکْوی بِنَفْسی انْتَ مِنْ مُغَیَّبٍ لَمْ یَخْلُ مِنَّا، بِنَفْسی انْتَ مِنْ

به تو نرسد، جانم فدای تو غایبی که هرگز از میان ما بیرون نیستی، جانم فدای تو دور از نظری که

نازِحٍ ما نَزَحَ عَنَّا، بِنَفْسی انْتَ امْنِیَّهُ شائِقٍ یَتَمَنّی مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَهٍ

از ما دور نیستی، جانم فدای تو منتهای آرزوی مشتاقان که هر مرد و زن مؤمنی آرزوی تو را دارند،

ذَکَرا فَحَنَّا، بِنَفْسی انْتَ مِنْ عَقیدِ عِزٍّ لایُسامی بِنَفْسی انْتَ مِنْ اثیلِ

و تو را یاد کرده و ناله کنند، جانم فدای تو عزّتمندی که همانندی نداری، جانم فدای تو ریشه و اصل

مَجْدٍ لایُجاری 156]، بِنَفْسی انْتَ مِنْ تِلادِ نِعَمٍ لا تُضاهی بِنَفْسی انْتَ مِنْ

بزرگواری که همطرازی نداری، جانم فدای تو نعمت پایدار و دیرینه ای که شبیه و مانندی نداری، جانم فدای تو

نَصیفِ شَرَفٍ لا یُساوی الی مَتی احارُ فیکَ یا مَوْلایَ، وَ الی مَتی وَایَ

شرافتمندی که نظیری نداری، تا به کی حیران تو باشم ای مولای من؟ و تا به کی و با کدامین

خِطابٍ اصِفُ فیکَ، وَایَّ نَجْوی عَزیزٌ عَلَیَّ انْ اجابَ دُونَکَ وَاناغی

گفتار و کدامین نجوا تو را توصیف کنم؟ بر من دشوار است که پاسخم را از غیر تو بشنوم و با او گفتگو کنم،

عَزیزٌ عَلَیَّ انْ ابْکِیَکَ وَ یَخْذُلَکَ الْوَری عَزیزٌ عَلَیَّ انْ یَجْرِیَ عَلَیْکَ

بر من دشوار است که (در فراقت) بگریم و دیگران به تو بی اعتنا باشند، بر من دشوار است که سختی ها

دُونَهُمْ ما جَری هَلْ مِنْ مُعینٍ فَاطیلَ مَعَهُ الْعَویلَ وَالْبُکآءَ، هَلْ مِنْ

بر تو بگذرد نه بر آنها، آیا یاری کننده ای هست که همراه او گریه و ناله را طولانی کنم؟ آیا

جَزُوعٍ فَاساعِدَ جَزَعَهُ اذا خَلا، هَلْ قَذِیَتْ عَیْنٌ فَساعَدَتْها عَیْنی عَلَی

بی تابی هست که او را بر بی تابیش در زمان تنهایی یاری کنم؟ آیا چشم گریان در اثر خار فراقی هست که چشم من او را بر گریستن

الْقَذی هَلْ الَیْکَ یَا بْنَ احْمَدَ سَبیلٌ فَتُلْقی هَلْ یَتَّصِلُ یَوْمُنا مِنْکَ بِعِدَهٍ(1)

یاری کند؟ ای پسر احمد آیا راهی هست که تو را ملاقات کنم؟ آیا روز فراق ما به وعده دیدار تو منتهی می شود

1- [157]در بحارالانوار: بِغَدِه.

فَنَحْظى مَتى نَرِدُ مَناهِلَکَ الرَّوِیَّهَ فَنَرْوی مَتی نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مآئِکَ

تا از آن بهره مند شویم؟ کی به چشمه های سیراب کننده (معرفتت) وارد می شویم تا سیراب شویم؟ کی از آب گوارای (وصالت) سیراب شویم

فَقَدْ طالَ الصَّدى مَتى نُغاديکَ وَنُراوِحُکَ فَنُقِرَّ(1) عَیْناً، مَتى تَرانا

چرا که تشنگی طولانی شده؟، کی می شود که شب و روز را با تو به سر بریم تا دیدگان ما (به نور جمالت) روشن شود؟ کی همدیگر را

وَنَریکَ، وَقَدْ نَشَرْتَ لِوآءَ النَّصْرِ تُرى اتَرانا نَحُفُّ بِکَ وَانْتَ تَامُّ الْمَلَأَ،

ببینیم در حالی که پرچم نصر و پیروزی را عیان برافراشته ای؟ آیا روزی را می بینی که ما گرد تو جمع شده ایم و تو پیشوای مایی؟

وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَاذَقْتَ اعْدآئَکَ هَواناً وَعِقاباً، وَابَرْتَ الْعُتاهَ

در حالی که زمین را پر از عدل و داد کرده ای و به دشمنانت خواری و عقوبت را چشانده و سرکشان

وَجَحَدَهَ الْحَقِّ، وَقَطَعْتَ دابِرَ الْمُتَکَبِّرینَ، وَاجْتَثَثْتَ اصُولَ الظّالِمینَ،

و منکران حق را نابود کرده ای و نسل متکبّران را قطع نموده و ریشه ستمکاران را بر کنده ای

وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، اللَّهُمَّ انْتَ کَشَّافُ الکُرَبِ وَالْبَلْوى

و ما (در آن روز) می گوییم حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است، خدایا تو برطرف کننده اندوه ها و گرفتاری هایی

وَالَیْکَ اسْتَعْدی فَعِنْدَکَ الْعَدْوی وَانْتَ رَبُّ الْاخِرَهِ وَالدُّنْیا(2)، فَاَغِثْ یا

و تنها از تو یاری می خواهم چرا که یاری و کمک فقط نزد توست و تو پروردگار آخرت و دنیایی، پس به فریاد بنده گرفتارت برس،

غِیاثَ الْمُسْتَغیثینَ، عُبَیْدَکَ الْمُبْتَلى وَارِهِ سَیِّدَهُ یا شَدیدَ الْقُوی وَازِلْ

ای فریادرسِ فریادرس خواهان، و ای دارنده قدرت عظیم، آقا و سرورش را به او نشان ده، و به این وسیله

عَنْهُ بِهِ الْأَسی وَالْجَوی وَبَرِّدْ غَلیلَهُ یا مَنْ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوی وَ مَنْ

اندوه و سوز دلش را برطرف کن، و عطشش را فرو نشان، ای که بر عرش مسلّطی، و ای که

الَیْهِ الرُّجْعی وَالْمُنْتَهی اللهُمَّ وَنَحْنُ عَبیدُکَ التَّآئِقُونَ الی وَلِیِّکَ الْمُذَکِّرِ

بازگشت و نهایت کار به سوی توست، خدایا ما بندگان تو مشتاق ولیّت هستیم، آن که مردم را

بِکَ وَبِنَبِیِّکَ، خَلَقْتَهُ لَنا عِصْمَةً وَمَلاذاً، وَ اقَمْتَهُ لَنا قِواماً وَمَعاذاً، وَ جَعَلْتَهُ

به یاد تو و پیامبرت می اندازد، تو او را نگهدار و پناهگاه ما آفریدی و او را مایه قوّت و پناه ما ساختی، و برای

لِلْمُؤْمِنینَ مِنَّا اماماً، فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِیَّةً وَسَلاماً، وَ زِدْنا بِذلِکَ یارَبِّ اکْراماً،

مؤمنین از ما امام و پیشوا قرار دادی، پس ای پروردگار ما درود و سلام ما را به او برسان و بدین وسیله بر کرامت ما بیفزا

1- [158]در بحارالانوار و اقبال: فنقرّ منها.
2- [159]در بحارالانوار: الاولی

وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنا مُسْتَقَرّاً وَمُقاماً، وَاتْمِمْ نِعْمَتَکَ بِتَقْديمِکَ ایّاهُ امامَنا،

و جایگاه او را جایگاه و اقامتگاه ما قرار ده، و با قرار دادن او پیشاپیش ما، نعمتت را بر ما تمام گردان

حَتّى تُورِدَنا جِنانَکَ وَمُرافَقَةَ الشُّهَدآءِ مِنْ خُلَصآئِکَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى

تا ما را به بهشت و همنشینی شهیدان از بندگان خالصت وارد سازد، خدایا بر محمّد

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَرَسُولِکَ السَّیِّدِ الأَکْبَرِ،

و خاندان پاکش درود فرست، و درود فرست بر محمّد، جدّ وی و فرستاده تو آقای بزرگ

وَعَلى ابیهِ السَّیِّدِ الأَصْغَرِ، وَجَدَّتِهِ الصِّدّیقَهِ الْکُبْرى فاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ،

و بر پدرش آقای کوچکتر (از پیامبر) و جدّه اش صدیقه کبری، فاطمه دختر محمّد،

وَعَلى مَنِ اصْطَفَیْتَ مِنْ آبآئِهِ الْبَرَرَهِ، وَعَلَیْهِ افْضَلَ وَاکْمَلَ وَاتَمَّ وَادْوَمَ

و بر آنانی که از میان پدران نیکوکارش (برای امامت) برگزیدی، و بر خود آن حضرت، برترین، کاملترین، تمام ترین، پیوسته ترین،

وَاکْثَرَ وَاوْفَرَ ما صَلَّیْتَ عَلى احَدٍ مِنْ اصْفِیآئِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ،

بیشترین و فراوان ترین درودی که بر هر یک از برگزیدگان و نیکان از بندگانت فرستاده ای،

وَصَلِّ عَلَیْهِ صَلاةً لا غایَةَ لِعَدَدِها، وَلانِهایَةَ لِمَدَدِها، وَلا نَفادَ لِأَمَدِها،

و بر او درود فرست درودی که عددش را پایانی و مدّتش را نهایتی و دوره اش را انتهایی نباشد،

اللهُمَّ وَاقِمْ بِهِ الْحَقَّ، وَادْحِضْ بِهِ الْباطِلَ، وَ ادِلْ بِهِ اوْلِیآئَکَ، وَاذْلِلْ

خدایا به وسیله او حق را بپا دار و باطل را بی اعتبار ساز، و دوستانت را مکنت ده و دشمنانت را

بِهِ اعْدآئَکَ، وَصِلِ اللَّهُمَّ بَیْنَنا وَبَیْنَهُ وُصْلَهً تُؤَدّی الی مُرافَقَهِ سَلَفِهِ،

خوار گردان، خدایا میان ما و او را پیوندی ده که به دوستی گذشتگانش منجر شود

وَاجْعَلْنا مِمَّنْ یَاْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ، وَیَمْکُثُ فی ظِلِّهِمْ، وَاعِنَّا عَلی تَأْدِیَهِ

و ما را از کسانی قرار ده که به دامان آنها چنگ زده و در سایه (ولایت) آنها مأوی گزینند، و ما را بر ادای

حُقُوقِهِ الَیْهِ، وَالْإِجْتِهادِ فی طاعَتِهِ، وَاجْتِنابِ مَعْصِیَتِهِ، وَامْنُنْ عَلَیْنا

حقوق و کوشش در فرمانبرداری و دوری از نافرمانیش یاری ده، و با خشنودیش

بِرِضاهُ، وَهَبْ لَنا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ، وَدُعآئَهُ وَخَیْرَهُ، ماتَنالُ بِهِ سَعَهً مِنْ

بر ما منّت گذار و مهربانی و رحمت و دعا و خیرش را تا جایی که به وسیله آن به وسعت

رَحْمَتِکَ، وَفَوْزاً عِنْدَکَ، وَاجْعَلْ صَلاتَنا بِهِ مَقْبُولَهً، وَ ذُنُوبَنا بِهِ مَغْفُورَهً،

رحمت و رستگاری در نزدت دست یابیم به ما عطا کن و به برکت وجود او نمازهای ما را بپذیر و گناهان ما را بیامرز

ص: 199

وَدُعآئَنا بِهِ مُسْتَجاباً، وَاجْعَلْ ارْزاقَنا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهُمُومَنا بِهِ مَكْفِيَّةً،

و دعاهای ما را مستجاب گردان و روزی ما را گسترده فرما و غم و اندوه ما را برطرف ساز

وَحَوآئِجَنا بِهِ مَقْضِيَّةً، وَاقْبِلْ الَيْنا بِوَجْهِکَ الْکَريمِ، وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنا الَيْکَ،

و حاجت های ما را برآور و با لطف کریمانه ات به ما توجّه کن، و نزدیکی ما به درگاهت را بپذیر

وَانْظُرْ الَيْنا نَظْرَةً رَحيمَةً، نَسْتَکْمِلُ بِهَا الْکَرامَةَ عِنْدَکَ، ثُمَّ لا تَصْرِفْها عَنَّا

و مهربانانه به ما نظر کن، تا بوسیله آن مقام خود را نزد تو، به کمال رسانیم، سپس به جود و بخششت

بِجُودِکَ، وَاسْقِنا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِکَأْسِهِ وَبِيَدِهِ، رَيّاً

نظرت را از ما برمگردان و ما را از حوض (کوثر) جدش- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- از جام او و به دستش، آبی خوش طعم،

رَوِيّاً هَنيئاً سآئِغاً، لا ظَمَأَ بَعْدَهُ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

فراوان و گوارای خوشگوار، سیراب گردان، آن گونه که پس از آن هرگز تشنگی نباشد، ای مهربان ترین مهربانان.

دعای حضرت مهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف):

این دعا از دعاهای مشهور و معروف و دارای محتوای عالی است و مرحوم «کفعمی» آن را در «مصباح»(1) نقل کرده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللهُمَّ ارْزُقْنا تَوْفيقَ الطَّاعَةِ، وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ، وَصِدْقَ النِّيَّةِ، وَعِرْفانَ

خدایا توفیق بندگی و دوری از گناه و نیّت صادق و شناخت حرمت ها را

الْحُرْمَهِ، وَاکْرِمْنا بِالْهُدی وَالْإِسْتِقامَهِ، وَسَدِّدْ الْسِنَتَنا بِالصَّوابِ

روزی ما گردان و ما را به هدایت و پایداری گرامی دار، و زبان های ما را به راستگویی

وَالْحِکْمَهِ، وَامْلَأْ قُلُوبَنا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَهِ، وَ طَهِّرْ بُطُونَنا مِنَ الْحَرامِ

و دانش استوار گردان، و دلهای ما را از نور دانش و معرفت پر کن، و درون ما را از غذای حرام

وَالشُّبْهَهِ، وَاکْفُفْ ایْدِیَنا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَهِ، وَاغْضُضْ ابْصارَنا عَنِ

و شبهه ناک، پاک گردان، و دستهایمان را از ستم و دزدی بازدار، و چشمهایمان را از

ص: 200

1- [160]مصباح کفعمی، صفحه 280.

الْفُجُورِ وَالْخِيانَهِ، وَاسْدُدْ اسْماعَنا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغيبَهِ، وَتَفَضَّلْ عَلى

گناه و خيانت بپوشان و گوشهايمان را از شنيدن سخنان بيهوده و غيبت ببند، و تفضّل كن بر

عُلَمآئِنا بِالزُّهْدِ وَالنَّصيحَهِ، وَ عَلَى الْمُتَعَلِّمينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَهِ، وَعَلَى

علماى ما، پرهيزگارى و خيرخواهى را و بر دانش پژوهان، كوشش و اشتياق (تحصيل) را، و بر

الْمُسْتَمِعينَ بِالْإِتِّباعِ وَالْمَوْعِظَهِ، وَ عَلى مَرْضَى الْمُسْلِمينَ بِالشِّفآءِ

شنوندگان، پيروى و پند پذيرى را و بر بيماران از مسلمانان، بهبودى

وَالرَّاحَهِ، وَعَلى مَوْتاهُمْ بِالرَّاْفَهِ وَالرَّحْمَهِ، وَعَلى مَشايِخِنا بِالْوَقارِ

و آسايش را، و بر مردگان آنها، مهربانى و رحمت را، و بر سالخوردگان ما، سنگينى

وَالسَّكينَهِ، وَعَلَى الشَّبابِ بِالْإِنابَهِ وَالتَّوْبَهِ، وَعَلَى النِّسآءِ بِالْحَيآءِ وَالْعِفَّهِ،

و متانت را و بر جوانان، بازگشت به سوى خدا و توبه را، و بر زنان، حيا و پاكدامنى را،

وَعَلَى الْأَغْنِيآءِ بِالتَّواضُعِ وَالسَّعَهِ، وَعَلَى الْفُقَرآءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَناعَهِ، وَعَلَى

و بر ثروتمندان، فروتنى و گشاده دستى را، و بر نيازمندان، شكيبايى و قناعت را، و بر

الْغُزاهِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلَبَهِ، وَعَلَى الْأُسَرآءِ بِالْخَلاصِ وَالرَّاحَهِ، وَعَلَى الْأُمَرآءِ

جنگجويان، يارى و پيروزى را و بر اسيران، رهايى و آسايش را و بر فرمانروايان،

بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَهِ، وَعَلَى الرَّعِيَّهِ بِالْإِنْصافِ وَ حُسْنِ السّيرَهِ، وَبارِكْ

عدالت و مهربانی را، و بر زیر دستان، انصاف و خوشرفتاری را (تفضّل فرما) و توشه

لِلْحُجّاجِ وَالزُّوّارِ فِی الزّادِ وَ النَّفَقَهِ، وَاقْضِ ما اوْجَبْتَ عَلَیْهِمْ مِنَ الْحَجِ

و خرج راه حجاج و زیارت کنندگان را برکت ده، و حج و عمره ایی که بر آنان واجب فرموده ای

وَالْعُمْرَهِ، بِفَضْلِکَ وَ رَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرّاحِمینَ.

بپذیر، به لطف و رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

دعایی دیگر از حضرت مهدی علیه السلام:

این دعا را مرحوم «سیّد بن طاووس» در «مهج الدّعوات»(1) آورده است:

1- [161]مهج الدعوات، صفحه 294.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الهی بِحَقِّ مَنْ ناجاکَ، وَ بِحَقِّ مَنْ دَعاکَ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، تَفَضَّلْ عَلی

خدایا به حقّ هر که با تو نجوا کند و به حقّ هر که در خشکی و دریا تو را خواند، تفضّل فرما بر

فُقَرآءِ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ بالْغَنآءِ وَالثَّرْوَهِ، وَعَلی مَرْضَی الْمُؤْمِنینَ

نیازمندان از مردان و زنان با ایمان، به بی نیازی و ثروت و بر بیماران از مردان

والْمُؤْمِناتِ بِالشِّفآءِ وَالصِّحَهِ، وَعَلی احْیآءِ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ

و زنان با ایمان، به بهبودی و سلامتی و بر زندگان از مردان و زنان باایمان،

بِاللُّطْفِ وَالْکَرامَهِ، وَعَلی امْواتِ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ بِالْمَغْفِرَهِ

به لطف و بزرگواری و بر مردگان از مردان و زنان با ایمان، به آمرزش

وَالرَّحْمَهِ، وَ عَلی غُرَبآءِ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ بِالرَّدّ الی اوْطانِهِمْ

و رحمت و بر غریبان از مردان و زنان با ایمان، به بازگشت با

سالِمینَ غانِمینَ، بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ اجْمَعینَ.

سلامتی و موفقیّت به وطنهایشان، به حقّ محمّد و همه خاندان پاکش.

***

ص :202

بخش سوم: زیارات

مقدّمه: زیارت معصومان، راهی به سوی خدا:

زیارت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام که همان برقرار کردن ارتباط روحی و به وجود آوردن پیوند قلبی با آن بزرگواران است (چه از طریق حضور نزد مرقد آنان باشد، یا ارتباط از راه دور، و فرستادن سلام و درود و تحیّت و اظهار ارادت و اخلاص به آستانشان، همراه با بیان فضایل، کرامات، عبادات، اطاعات و خدمات آنان) آثار فوق العاده سازنده ای در تربیت نفوس زیارت کنندگان، و ارتقای روح آنان و پرورش والاترین ارزش های معنوی و اخلاقی دارد؛ و چنانچه زیارت کننده، بداند چه می کند و چه می گوید و چه می خواهد؛ به خوبی می تواند راه قرب الی اللّه را با سرعت بپیماید، و از کنار قبر آنان، با روحی باصفا، پاک از گناه و آماده برای اطاعت پروردگار و انجام وظایف انسانی بازگردد، زیرا:

اوّلاً: چگونه ممکن است توجّه به مقامات والای این پیشوایان بزرگ و ذکر صفات و سجایای آنان بازتابی در زیارت کننده آن بزرگواران نداشته باشد و او را به سوی خود فرا نخواند و تدریجاً به رنگ خود درنیاورد؟!

چگونه ممکن است منِ زائر، سر تا پا آلوده به گناه و صفات رذیله باشم، در عین حال دم از عشق و ارادت پاکان و نیکان جهان بزنم؟! آیا زیبنده است که بدون توبه و تجدید نظر در حالات و اعمال و رفتار خویش، پای در حرم پاک آن بزرگواران بگذارم؟!

ثانیاً: چگونه ممکن است عرض حاجات معنوی یا مادّی نزد آنان کنم و آنها را به شفاعت در پیشگاه خدا بطلبم در حالی که کاری که در خور توجّه آنان و موجب رضایت آنان است انجام نداده ام؟! آیا توجّه به این امور، برای توبه از گناه و خودسازی و پاکی کافی نیست؟!

ثالثاً: کسی که کمترین آشنایی با مسایل روانی و روحیه الگوپذیری انسان داشته باشد، تصدیق

خواهد کرد که اگر زائری با توجّه و حضور قلب و با عنایت به «محتوای بلند کلمات و جملات زیارات» در حرم آن بزرگواران حضور یابد، در هر جمله ای از این زیارات یک درس مهمّ تربیتی و انسان ساز نهفته است؛ فی المثل در زیارت جامعه کبیره، که جامع ترین زیارات است درس های عجیبی نهفته است؛ از جمله:

1- در اثنای زیارت از محبّت و توحید و شرک ستیزی آن عزیزان و مطیع محض خدا بودنشان دم می زند و عرضه می دارد:

«السَّلامُ عَلَی الدُّعاةِ الَی اللَّهِ، وَالْأَدِلّاءِ عَلی مَرْضاتِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقِرّینَ

سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا و هدایت کنندگان بر اسباب خشنودی خدا، و ثابت قدمان

فی أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّامّینَ فی مَحَبَّهِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصینَ فی تَوْحیدِ اللَّهِ،

در فرمان خدا، و خالصان در محبّت خدا، پاکدلان در یگانگی خدا

وَالْمُظْهِرینَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْیِهِ، وَعِبادِهِ الْمُکْرَمینَ، الَّذینَ لا یَسْبِقُونَهُ

و ظاهرکنندگان امر و نهی خدا، و بندگان گرامش که بر گفتار

بِالْقَوْلِ، وَهُمْ بِأَمْرِهِ یَعْمَلُونَ». (1)

او پیشی نمی گیرند و به فرمانش عمل می کنند.

امکان ندارد آن کس که این سخن را از روی معرفت می گوید، به شرک و نفاق روی آورد و در راستای توحید و اخلاص قدم برندارد !

2- ممکن نیست که زیارت کننده در خطاب به آن بزرگواران از تقوا، راستگویی، محوریّت در یگانه پرستی، عصمت از لغزشها و فتنه ها، طهارت از پلیدیها و آلودگیهای آنان سخن بگوید و اعلان بدارد که من گواهی می دهم شما امامان با تقوا، صادق، قیام کننده به امر پروردگار و عمل کننده به اراده او هستید، شما ارکان توحید خداوند و راهنمایان به صراط مستقیم

او هستید. خداوند شماها را از لغزشها دور داشته و از فتنه های دین امنیّت بخشیده و از هر گونه آلودگی گناه پاک ساخته است؛ در عین حال عزمش را بر پرهیزکاری و راستگویی و دوری از آلودگی ها و استقامت در صراط مستقیم توحید، جزم ننماید.

3- امکان ندارد زائری روی به آنان کرده، از صبر و استقامت و جهاد و تلاش و از خودگذشتگی آنان در راه خدا و از اقامه نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر آنان حرف بزند و بگوید:

1- [162](زیارت جامعه)، فقیه، جلد 2، صفحه 610.

«فَعَظَّمْتُمْ جَلالَهُ، وَاكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَادَمْتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ

پس شکوهش را ارج نهاده، و جایگاهش را بزرگ داشتید، و بخشندگیش را ستودید، و پیوسته او را یاد کردید،

میثاقَهُ، وَاحْکَمْتُمْ عَقْدَ طاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِی السِّرِّ وَالْعَلانِیَهِ، وَدَعَوْتُمْ

و پیمانش را محکم ساختید، و عهد بندگیش را استوار نمودید، در آشکار و پنهان

الی سَبیلِهِ بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ، وَبَذَلْتُمْ انْفُسَکُمْ فی مَرْضاتِهِ،

خیرخواهیش کرده با حکمت و اندرز نیکو (مردم را) به راهش دعوت نمودید، و جانتان را در راه خشنودیش فدا کردید

وَصَبَرْتُمْ عَلی مااصابَکُمْ فی جَنْبِهِ، وَاقَمْتُمُ الصَّلاهَ، وَآتَیْتُمُ الزَّکاهَ، وَامَرْتُمْ

و بر مصیبتهایی که در راه خدا به شما رسید صبر نمودید و نماز را به پا داشته و زکات را پرداختید، و امر به

بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَیْتُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ، وَجاهَدْتُمْ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، حَتّی اعْلَنْتُمْ

معروف و نهی از منکر کرده و در راه خدا به شایتگی جهاد نمودید، تا جایی که دعوتش را آشکار کردید،

دَعْوَتَهُ، وَبَیَّنْتُمْ فَرآئِضَهُ، وَاقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَنَشَرْتُمْ شَرایِعَ احْکامِهِ».(1)

و واجباتش را بیان نمودید و حدودش را به پا داشته و قوانین احکامش را ترویج نمودید.

ولی خودش اهل صبر و تلاش و جهاد نباشد و به نماز و زکات اهمّیّت لازم را ندهد و نسبت به حدود و قوانین الهی، تسامح به خرج دهد.

4- چگونه ممکن است که خطاب به آنان اعلان کند که من منتظر ظهور و حاکمیّت شما هستم، به فرمان شما گردن می نهم، در پیشاپیشِ تمام خواسته ها و حوائجم، خواست شما را در نظر می گیرم (

مُنْتَظِرٌ لِامْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، عامِلٌ بِامْرِكُمْ ... وَمُقَدِّمُكُمْ امامَ طَلِبَتی وَحَوآئِجی وَارادَتی فی کُلِّ احْوالی وَامُوری (2)

ولی در عمل، به همه این قولها و پیمانها پشت پا بزند؟ !

5- و یا چگونه ممکن است خطاب به آنان از آثار صلوات بر آنان و برکات ولایت آنان در تزکیه روح و جان و تطهیر نفوس و پوشاندن گناهان، سخن بگوید (

وَجَعَلَ صَلَوتِنا عَلَیْکُمْ، وَما خَصَّنا بِهِ مِنْ وِلایَتِکُمْ، طیباً لِخُلْقِنا، وَطَهارَةً لِأَنْفُسِنا، وَتَزْکِیَةً لَنا، وَکَفَّارَةً لِذُنُوبِنا)(3)

و یا دست به دعا بردارد و بگوید:

خداوند مرا پیوسته بر دوستی و محبّت و آیین و اطاعت شما پایدار بدارد و از خوبانِ دوستداران شما و پیروی کنندگان نسبت به آنچه شما به سوی آن دعوت کرده اید و از آنان که آثار شما را روایت می کنند و راه شما را می پویند قرار دهد

(فَثَبَّتَنِیَ اللَّهُ ابَداً ما حَییتُ عَلی مُوالاتِکُمْ وَمَحَبَّتِکُمْ وَدینِکُمْ، وَوَفَّقَنی لِطاعَتِکُمْ، وَرَزَقَنی شَفاعَتَکُمْ، وَجَعَلَنی مِنْ خِیارِ مَوالیکُمُ التَّابِعینَ لِما دَعَوْتُمْ الَیْهِ، وَ جَعَلَنی مِمَّنْ

1- [163](زیارت جامعه)، فقیه، جلد 2، صفحه 611.
2- [164]همان مدرک، صفحه 614.
3- [165]همان مدرک، صفحه 613.

يَقْتَصُّ آثارَكُمْ، وَيَسْلُكُ سَبيلَكُمْ

)،(1) و یا از ایمان و تبعیّت خویش نسبت به آنچه خدا و رسولش آورده اند حرف بزند و از خدا ثبات قدم را طلب کند

(رَبَّنا آمَنَّا بِما انْزَلْتَ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ، فَاكْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدينَ، رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اذْ هَدَيْتَنا، وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً، انَّکَ انْتَ الْوَهَّابُ)(2)

و یا وساطت و شفاعت آن بزرگواران را بخواهد و عاجزانه و خاضعانه، آنان را به پروردگارشان قسم دهد که از خدا آمرزش گناهانش را طلب کنند

(یا وَلِیَّ اللَّهِ، انَّ بَیْنی وَبیْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوباً، لا یَأْتی عَلَیْها الّا رِضاکُمْ، فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَکُمْ عَلی سِرِّهِ، وَاسْتَرْعاکُمْ امْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طاعَتَکُمْ بِطاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبی وَکُنْتُمْ شُفَعآئی (3)

ولی در عین حال، هیچ تصمیم و اراده ای برای دور شدن از آلودگی ها و گناهان، نداشته باشد و برای خوب شدن و پیمودن راه آنان و نشر آثارشان قدمی برندارد و برای ثابت ماندن در راه آنان و در مسیر حق، تلاشی را به خرج ندهد؟!

6- چگونه امکان دارد که به آنان خطاب کند و بگوید: من مطیع شما هستم، اطاعت شما را اطاعت خدا و عصیان شما را عصیان خدا و دوستی و دشمنی با شما را دوستی و دشمنی با خدا می دانم

(فَانّی لَکُمْ مُطیعٌ، مَنْ اطاعَکُمْ فَقَدْ اطاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصاکُمْ فَقَدْ عَصَی اللَّهَ، وَمَنْ احَبَّکُمْ فَقَدْ احَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ ابْغَضَکُمْ فَقَدْ ابْغَضَ اللَّهَ)(4)

ولی در مقام عمل هیچ قدمی که صداقت او را در این اظهارات اثبات کند برندارد؟!... و همچنین سایر جملات پرمحتوای این زیارت و سایر زیارات.

به گفته شاعر:

من از مفصّل این قصه مجملی گفتم تو خود حدیث مفصّل بخوان از این مجمل

زیارت شرک نیست، عین توحید است:

راستی چه غافلند آنانی که به گمان واهیِ «پرهیز از شرک» مردم را از زیارت این بزرگان، با آن همه برکات معنوی و مادّی- که به قسمتی از آن در بالا اشاره شد- باز می دارند! و خود را مسلمان می دانند در حالی که از حقیقت اسلام دورند؛ چرا که زیارت آن بزرگواران به شکلی که در بالا گفته شد و به عنوان «اولیاءاللَّه» و درخواست از آنان به عنوان «شفیعان درگاه الهی» و «عباد صالحین پروردگار» عین توحید و یکتاپرستی است، و سبب پرورش روح تقوا و ایمان است. گویا نمی دانند که در زیارت آنها، گاه صدها بار نام خدای یگانه برده می شود و مثل زیارت جامعه، با یکصد بار تکبیر و توحید پروردگار آغاز می گردد و با «نماز زیارت» که نیایش خالصانه ای به درگاه خداست پایان می یابد، و گویا بی خبرند که زیاراتی چون زیارت «امین اللَّه» (که از معتبرترین زیارتهاست) آمیخته با بلندترین و پر محتواترین مناجاتها و راز و نیاز

ص: 208

1- [166](زیارت جامعه)، فقیه، جلد 2، صفحه 615.
2- [167]همان مدرک، صفحه 616.
3- [168]همان مدرک.
4- [169]همان مدرک، صفحه 617.

الهی است؛ آن جا که پس از سلام و درود به امام زیارت شونده، آن هم به عنوان «امین اللَّه در روی زمین» خالصانه با خدایت نجوا می کنی و عرضه می داری:

«اللهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسی مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِکَ، راضِیَةً بِقَضآئِکَ، مُولِعَةً بِذِکْرِکَ وَدُعآئِکَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَهِ اوْلِیآئِکَ»

و سپس زمزمه می کنی:

«اللهُمَّ انَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتینَ الَیْکَ والِهَهٌ، وَسُبُلَ الرَّاغِبینَ الَیْکَ شارِعَهٌ، وَاعْلامَ الْقاصِدینَ الَیْکَ واضِحَهٌ»(1)

و در پایان آمرزش دوستان و کوتاه شدن شرّ دشمنان و پیروزی کلمه حقّ و نابودی کلمه باطل را طلب می کنی

(انْتَ الهی وَسَیِّدی وَمَوْلایَ، اغْفِرْ لِأَوْلِیآئِنا، وَکُفَّ عَنَّا اعْدآئَنا، وَاشْغَلْهُمْ عَنْ اذانا، وَاظْهِرْ کَلِمَهَ الْحَقِّ، وَاجْعَلْهَا الْعُلْیا، وَادْحِضْ کَلِمَهَ الْباطِلِ، وَاجْعَلْهَا السُّفْلی انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ).(2)

راستی نادیده گرفتن چنین زیارتها و شرک پنداشتن چنین عرض ارادتها دلیلی ندارد، جز سیاه بودن دل و غوطه ور بودن در گمراهی و عدم آگاهی از کرامات و معجزات آن بزرگواران و آثار و برکات فراوان مادّی و معنوی که از جانب آن ارواح مقدّسه نصیب زوّارشان می شود و در نهایت- چنانکه گذشت- بی خبری از محتوای بلند زیارتنامه هایی که آمیخته با توبه و انابه، و دعا و نیایش و عبودیّت و خضوع در مقابل پروردگار یگانه و بازگشت به سوی اوست؛ این حقیقتی است که کمترین آشنایی با آداب زیارت، آن را آشکار می سازد، و آثار فوق العاده تربیتی آن را روشن می کند.

زیارت در روایات اسلامی:

بر همین اساس است که در روایات اهل بیت علیهم السلام با مضامین و تعابیر مختلف به زیارت و تعمیر قبور آن بزرگواران اهمّیّت زیادی داده شده است که بخشی از آن عام و مربوط به همه ائمّه است و بعضی از آن خاص است و ما در این جا به ذکر هفت تعبیر عام بسنده می کنیم:(3)
1- از روایات متعدّدی به دست می آید که اگر انسان بخواهد کاملاً به عهد و پیمانش نسبت به هر کدام از ائمّه وفا کند، باید به زیارت قبورشان رود و

بداند که هر کس با میل و رغبت به زیارتشان رود و مکتب آنان را تصدیق نماید مشمول شفاعتشان در روز قیامت قرار می گیرد

(إِنَّ لِکُلِّ إمامٍ عَهْداً فی عُنُقِ أَوْلِیائِهِ وَ شیعَتِهِ، وَ إنَّ مِنْ تَمامِ الوَفَاءِ بِالْعَهْدِ، وَ حُسْنِ الأداءِ، زِیارَةَ قُبُورِهِمْ، فَمَنْ زارَهُمْ رَغْبَةً فی زِیارَتِهِمْ، وَ تَصْدیقاً بِما رَغِبُوا فیهِ، کانَ أَئِمَّتُهم شُفَعائَهم یَوْمَ القِیامَهِ).(4)

2- زید شحّام از امام صادق علیه السلام نقل می کند که زائر ما اهل بیت، مثل کسی است که رسول اللّه صلی الله علیه و آله را زیارت کرده باشد و زائر رسول اللّه صلی الله علیه و آله زائر خدا در عرش اوست

(قُلْتُ لِأَبی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام: ما لِمَنْ زارَ

1- [170]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 264.
2- [171]همان مدرک، صفحه 265.
3- [172]قابل ذکر است که در بخشی دیگر، قبل از زیارات هر کدام از چهارده معصوم علیهم السلام، به بعضی از روایات خاص اشاره می شود.
4- [173]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 116، حدیث 1 و عیون اخبارالرضا، جلد 2، صفحه 260، حدیث 24.

رَسُولَ اللَّهِ صلى الله علیه و آله؟ قالَ: کَمَنْ زارَ اللَّه عَزَّ وَ جَلَّ فوق عَرْشِهِ) (قالَ قُلْتُ: فَما لِمَنْ زارَ احَداً مِنْکُمْ؟ قالَ:

کَمَنْ زارَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله علیه و آله).(1)

3- در روایت جابر که در آن، رسول گرامی صلى الله علیه و آله از شهادت اهل بیتش خبر می دهد، وقتی فرزندش حسین علیه السلام از زائرین قبور آنها می پرسد، رسول مکرّم صلى الله علیه و آله در جواب می فرماید: «آنان طوایفی از امّت من هستند که شما را زیارت می کنند و از آن، برکت می جویند، و شایسته است بر من که در روز قیامت به سراغشان بروم تا از مشکلات آن روز و از گناهانشان رهایشان سازم و خداوند آنان را در بهشت جای دهد»

(یا بُنَیَّ، اولئِکَ طَوائِفُ مِنْ أُمَّتی یَزُورُونَکُمْ، فَیَلْتَمِسُونَ بِذلِکَ الْبَرَکَهَ، وَحَقیقٌ عَلَیَّ أَنْ آتیهِمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ، حَتَّى أُخَلِّصَهُمْ مِنْ أَهْوالِ السَّاعَهِ مِنْ ذُنُوبِهِمْ، وَیُسْکِنَهُمُ اللَّهُ الْجَنَّهَ).(2)

4- عیسى بن راشد از امام صادق علیه السلام نقل می کند که هر کس قبر هر کدام از ائمّه علیهم السلام را زیارت کند و نزد آن، دو رکعت نماز بخواند ثواب حجّ و عمره برایش نوشته می شود.(3) 5- در روایت دیگری امام صادق علیه السلام از اجدادش از رسول خدا صلى الله علیه و آله نقل می کند که خطاب به امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «خداوند قبر تو و قبور فرزندان تو را بقعه ها و عرصه هایی از بقاع و عرصات بهشت قرار داده است، و قلبهای برگزیدگان از خلق و نخبگان از بندگانش را شیفته شما قرار داده، به گونه ای که با تحمّل انواع آزارها و مشکلات، قبور شما را تعمیر می کنند و فراوان به زیارت آن قبور می روند؛ همه اینها به نیّت تقرّب به خدا و به جهت علاقه شدیدی است که به رسول اللَّه صلى الله علیه و آله دارند. اینان مخصوص شفاعت من و وارد بر حوض کوثر من، و فردای قیامت، زوّار من در بهشت خواهند بود. یا علیّ! کسی که قبورتان را مرمّت کند و از آن سرکشی نماید، گویا سلیمان بن داود را در بنای بیت المقدّس یاری کرده است و کسی که قبورتان را زیارت کند ثواب حجّ به او داده می شود و به گونه ای از گناهانش خارج می شود که گویا تازه از مادر متولّد شده! پس بر تو و دوستان و محبّان تو بشارت باد به نعمت هایی که هیچ چشمی آن را ندیده و هیچ گوشی آن را نشنیده، و بر قلب هیچ بشری خطور نکرده است ...».(4) 6- در روایتی دیگر، وقتی عبدالرّحمن بن مسلم

از امام کاظم علیه السلام درباره با فضیلت ترین زیارت (و این که آیا زیارت امیرمؤمنان افضل است یا ...) سؤال می کند حضرتش می فرماید: «زیارت و دوستی اوّلین ما، زیارت و دوستی آخرین ماست، و زیارت و ولایت آخرین ما زیارت و ولایت اوّلین ماست (و

ص: 210

1- [174]کافی، جلد 4، صفحه 585، حدیث 5.
2- [175]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 118، حدیث 11 به نقل از کامل الزیارات، صفحه 58، حدیث 6، باب 16.
3- [176]بحارالانوار، ج 97، صفحه 119، حدیث 18 به نقل از کامل الزیارات، صفحه 160، حدیث 14، باب 65.
4- [177]بحارالانوار، ج 97، صفحه 120، حدیث 22.

فرقی بین ما وجود ندارد) و هر کس حاجتی از یکی از اولیا و دوستان ما را برآورده کند، گویا حاجت همه ما را برآورده ساخته است ...».(1) 7- همین راوی در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل می کند که: «هر کس بعد از رحلت ما به زیارت ما آید گویا در زمان حیاتمان ما را زیارت کرده است و هر کس با دشمنان ما بجنگد گویا در رکاب ما جنگ کرده است، و هر کس علاقه مندان ما را دوست داشته باشد در حقیقت به ما محبّت ورزیده، و هر کس مؤمنی را خوشحال کند در حقیقت ما را خوشحال کرده، و هر کس فقیری از (پیروان) ما را کمک کند جبران کمک او بر جدّ ما محمد صلی الله علیه و آله است».(2) تذکّر: شایان ذکر است که رفتن به استقبال زائرین اهل بیت علیهم السلام و دیدار از آنان و سلام و تهنیت بر ایشان، از اهمّیّت زیادی برخوردار است و مطابق روایت معلّی بن خنیس، همانند ثواب زوّار، برای انسان استقبال کننده و یا دیدارکننده نیز نوشته می شود.(3) پیش از ورود در بحث زیارات معصومین علیهم السلام ذکر سه نکته لازم به نظر می رسد:

1- مقدّمات و آداب سفر

2- آداب زیارت

3- اذن دخول

مقدّمات و آداب سفر:

با توجّه به این که غالباً رفتن به زیارت، با مسافرتی همراه است (و به تعبیر دیگر: زیارت از مصادیق سفر می باشد) شایسته است زائران از انجام آداب سفر و مقدّمات آن غافل نباشند؛ اجمالی از این آداب و مقدّمات (که تفصیل آن در بحارالانوار، جلد 97؛ کتاب المزار، صفحه 101 به بعد و در وسائل الشیعه، جلد 8؛ ابواب آداب سفر از کتاب الحجّ، صفحه 248 به بعد وارد شده) عبارت است از:

1- در بعضی از روایات 181] آمده است که انتخاب بعضی از روزهای هفته برای مسافرت بهتر است ولی چنانچه انسان سفر خود را با صدقه 182] و دعا(4) شروع کند ان شاء الله گرفتار مشکلی نخواهد شد.

1- [178]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 122، حدیث 26 به نقل از کامل الزیارات، صفحه 335، حدیث 13، باب 108.
2- [179]بحارالانوار، ج 97، صفحه 124، حدیث 34.
3- [180]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 302، حدیث 1.
4- [183]رجوع شود به: وسائل الشیعه، جلد 11، باب 15 از ابواب سفر.

2- با امیدواری حرکت کند و از فال بد زدن بپرهیزد چرا که از روایات به دست می آید آن گونه که تو تفأل برخود کنی همان برایت پیش می آید؛ اگر آسان بگیری آسان و اگر سخت بگیری سخت می شود و اگر آن را چیزی به حساب نیاوری مشکلی پیش نمی آید.(1) 3- قبل از سفر صدقه بدهد که در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده: «هر زمان امام سجّاد علیه السلام پای در رکاب می گذاشت با صدقه دادن در حدّ توان خود، سلامتی را از خداوند عزّوجل طلب می کرد و هنگام بازگشت از سفر نیز به شکرانه سلامتی سفر به اندازه توان خویش صدقه می داد و حمد و شکر خدا بجای می آورد».(2) و نیز آمده است: صدقه بده و هر روز که خواستی از منزل خارج شو(3) و اگر چیز ناگواری به دلت راه پیدا کرد، به اوّلین مسکینی که برخورد می کنی صدقه بده سپس حرکت کن که خداوند، خطر را از شما دور می کند.(4) 4- قبل از سفر دو رکعت نماز بخواند و همه چیز خود را به خدا بسپارد و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنّی أَسْتَوْدِعُکَ نَفْسی وَ أَهْلی وَ مالی وَ ذُرِّیَّتی وَ دُنْیای

خداوندا من خودم و خانواده ام و اموالم و فرزندانم و دنیا

وَآخِرَتی وَ أَمانَتی وَ خاتِمَهَ عَمَلی

و آخرتم و سرپرستم و پایان کارم را به تو می سپارم.

به سندهای معتبر نقل شده است که: آن نماز و این دعا بهترین جانشین او بر اهل بیتش است و کسی که این دعا را بخواند به آنچه درخواست نموده، می رسد.(5) 5- پس از خروج از خانه، بر در منزل و رو به آن سمتی که به سوی آن، سفرش را آغاز می کند، می ایستد و هر کدام از حمد و آیهالکرسی و فلق و ناس و اخلاص را از پیش رو و جانب راست و چپ می خواند و سپس می گوید:

اللَّهُمَّ احْفَظْنی وَ احْفَظْ ما مَعِیَ، وَ سَلِّمْنی وَ سَلِّمْ ما مَعِیَ، وَ بَلِّغْنی

خداوندا مرا و آنچه با من است حفظ کن و مرا و آنچه با من است سالم بدار و مرا

وَبَلِّغْ ما مَعِیَ بِبَلاغِکَ الْحَسَنِ الْجَمیلِ.

و هر چه با من است به بهترين صورت به مقصد برسان.

ص: 212

1- [184]كافى، جلد 8، صفحه 197 و 198، حديث 235 و 236 و وسائل الشيعه، جلد 8، باب 8 از ابواب سفر، حديث 2 و 3.
2- [185]فقيه، جلد 2، صفحه 270، حديث 2408 و وسائل الشيعه، جلد 8، باب 15 از ابواب سفر، حديث 5.
3- [186]كافى، جلد 4، صفحه 283، حديث 4 و وسائل الشيعه، جلد 8، باب 15 از ابواب سفر، حديث 1.
4- [187]محاسن، جلد 2، صفحه 349، حديث 26 و وسائل الشيعه، جلد 8، باب 15 از ابواب سفر، حديث 3.
5- [188]كافى، جلد 4، صفحه 283، حديث 1 و وسائل الشيعه، جلد 8، باب 18 از ابواب سفر، حديث 1.

کسی که چنین کند خداوند او و آنچه همراه اوست را حفظ می کند و به مقصد می رساند.(1) 6- مقداری از تربت امام حسین علیه السلام بردارد و بگوید:

اللهُمَّ إِنَّ هذِهِ طینَهُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ، وَلِیِّکَ وَابْنِ وَلِیِّکَ،

خداوندا این خاک پاک قبر امام حسین علیه السلام است همان ولیّ و فرزند ولیّ تو؛

اتَّخَذْتُها حِرْزاً لِما اخافُ، وَ لِما لا اخافُ.

من آن را پناهی برای آنچه از آن می ترسم و آنچه از آن نمی ترسم قرار داده ام.

اگر چنین کند به برکت این کار در پناه خدا خواهد بود.(2) 7- پس از حرکت، در مسیر راه می گوید:

اللَّهُمَّ خَلِّ سَبیلَنا، وَ أَحْسِنْ تَسْییرَنا، وَ أَحْسِنْ عافِیَتَنا.(3)

خداوندا راه ما را بگشای و مسیر و توانایی ما را نیکوگردان.

8- وبگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنَ اللَّهِ وَالَی اللَّهِ، وَفی سَبِیلِ اللَّهِ، اللهُمَّ الَیْکَ

***** به نام خدا و به یاری خدا و از جانب خدا و به سوی خدا و در راه خدا، خدایا خودم

اسْلَمْتُ نَفْسی وَ الَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهی وَ الَیْکَ فَوَّضْتُ امْری فَاحْفَظْنی

را به تو تسلیم نموده و به درگاهت رو کرده ام، و کارم را به تو واگذارده ام، پس مرا با حفظ

بِحِفْظِ الْإِیْمانِ، مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ وَ مِنْ خَلْفی وَعَنْ یَمینی وَعَنْ شِمالی

ایمانم محافظت فرما، از مقابل و پشت سر و از طرف راست و چپ و بالای سر

وَمِنْ فَوْقی وَمِنْ تَحْتی وَادْفَعْ عَنّی بِحَوْلِکَ وَقُوَّتِکَ، فَانَّهُ لا حَوْلَ وَلا

و زیر پایم، و با توان و نیرویت (خطرات را) از من دور کن، زیرا به یقین پناهگاه

قُوَّهَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ.(4)

و نیرویی جز از سوی خداوند بلند مرتبه و با عظمت نیست.

9- وقتی سوار بر مرکب شود بگوید:

ص: 213

1- [189]کافی، جلد 2، صفحه 543، حدیث 11 و وسائل الشیعه، جلد 8، باب 19 از ابواب سفر، حدیث 1.
2- [190]کامل الزیارات، صفحه 283، حدیث 10، باب 93.
3- [191]کافی، جلد 4، صفحه 287، حدیث 1.
4- [192]بحارالانوار، جلد 73، صفحه 258، حدیث 52.

بِسْمِ اللَّهِ لاحَوْلَ وَلاقُوَّهَ إِلَّابِاللَّهِ، «الْحَمْدُللَّهِ الَّذى هَدانالِهذاوَماكُنَّا لِنَهْتَدِىَ

به نام خدایی که پناهگاه و نیرویی جز برای او نیست، ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمتها) رهنمون شد

لَوْلا أَنْ هَدانَا اللَّهُ»(1)، «سُبْحانَ الّذى سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهْ مُقْرِنينَ».(2)

و اگر ما را هدایت نکرده بود ما (به اینها) راه نمی یافتیم، پاک و منزّه است کسی که این را مسخّر ما ساخت وگرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم.

که اگر چنین کند خودش و مرکبش محفوظ می ماند، تا پیاده شود.(3) 10- در مواقع احساس خطر، آیه 80 سوره اسراء را تلاوت کند:

«رَبِّ أَدْخِلْنى مُدْخَلَ صِدْقٍ، وَ أَخْرِجْنى مُخْرَجَ صِدْقٍ، وَاجْعَلْ لى مِنْ

پروردگارا مرا (در هر کار) با صداقت وارد کن و با صداقت خارج ساز

لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصيراً».

و از سوی خود حجّتی یاری کننده برایم قرار ده.

همچنین خواندن آیهالکرسی در چنین مواردی بسیار خوب است.(4) 11- اگر به منزلی رسید که قصد استراحت در آن را دارد قبل از خواب، تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را بگوید، سپس آیهالکرسی تلاوت کند که تا صبح از هر خطری محفوظ بماند.(5) 12- اگر تنها مسافرت می کند بگوید:

«ما شاءَ اللَّهُ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ إِلَّابِاللَّهِ، اللَّهُمَّ آنِسْ وَحْشَتى وَ أَعِنّى عَلى

آنچه خدا بخواهد (همان می شود)، پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند نیست، خدایا همدم دلتنگیم باش و مرا در

وَحْدَتى وَأَدِّ غَيْبَتى .(6)

تنهاییم یاری کن، و در زمان غیبتم تو به جای من باش.

و بهتر است انسان تا امکان دارد تنها سفر نکند.(7) 13- به دوستان و همراهان کمک کند و در رفع نیازهای آنان مضایقه ننماید و حقیقتاً نسبت به

آنان متواضع و دوست و مهربان باشد. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «

مَا اصْطَحَبَ إِثْنانِ إِلَّا کانَ أَعْظَمُهُما

ص :214

1- [193]سوره اعراف، آیه 43.
2- [194]سوره زخرف، آیه 13.
3- [195]رجوع شود به: کافی، جلد 6، صفحه 540، حدیث 17.
4- [196]محاسن، جلد 2، صفحه 367، حدیث 118.
5- [197]همان مدرک، حدیث 120.
6- [198]فقیه، جلد 2، صفحه 276، حدیث 2431.
7- [199]کافی، جلد 4، صفحه 286، حدیث 5 و وسائل الشیعه، جلد 8، باب 30 از ابواب سفر، حدیث 1.

أَجْراً وَ أَحَبَّهُما إِلَی اللَّهِ أَرْفَقَهُما لِصاحِبِهِ؛

هرگاه دو نفر با یکدیگر همراه شوند آن کس که بیشتر محبّت و کمک کند نزد خدا محبوب تر و پاداشش بیشتر است». (1) در روایت دیگری از امام سجّاد علیه السلام وارد شده که حضرتش سفر نمی کرد مگر با کسانی که او را نشناسند تا بتواند در مسیر راه، به همراهانش کمک نماید. (2) در روایتی دیگر از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل شده که وقتی با اصحابش در سفر بود و می خواستند گوسفندی بکشند، یکی گفت: کشتن گوسفند با من! دیگری گفت: کندن پوست آن با من! و سوّمی گفت:

پختن آن با من! و حضرتش فرمود: تهیّه هیزمش با من! گفتند: یا رسول اللَّه شما زحمت نکشید ما خود، انجامش می دهیم. فرمود: می دانم، ولی دوست ندارم نسبت به شما امتیازی پیدا کنم؛ زیرا حق تعالی دوست ندارد که ببیند بنده اش برای خود امتیازی نسبت به دیگران قائل است. (3) 14- به ما دستور داده شده: «با کسانی که از جهت خرج کردن و تمکّن مالی در ردیف شما نیستند، مسافرت نکنید، مبادا آنها احساس حقارت کنند!». (4) 15- دقیقاً مراقب انجام نمازهای واجب باشد که بسیار مهم است؛ زیرا از کمال غفلت زائر است با آن که برای تقرّب به سوی خدا و رسیدن به ثواب زیارت و حج و عمره و مشاهد مشرّفه، به سفر می رود، در مسیر راه، نسبت به نماز و شرایط و حدود، و بجا آوردن آن در اوّل وقت، بی مبالاتی و بی توجّهی داشته باشد؛ در حالی که از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «نماز فریضه از بیست حجّ (مستحبّ) بهتر است». (5) 16- بعد از نمازهای قصر- اگر وقت دارد- سی مرتبه تسبیحات اربعه را فراموش نکند که روی آن تأکید شده است. (6) 17- ناگفته پیداست: آنچه درباره دعا و صدقات برای حفظ جان و مال و خانواده، از خطرات در بالا گفته شد به این معنا نیست که انسان احتیاط را از دست دهد و مراقبت های لازم را برای حفظ خویش و اموالش انجام ندهد؛ بلکه مقصود این است: هر چه برای حفظ خود و اموال خویش در توان دارد انجام دهد و بقیّه را به خدا بسپارد چرا که در روایت آمده است دعای افراد سهل انگار مستجاب نمی شود.

بنابراین، باید در جادّه های خطرناک قدم نگذارد؛ خصوصاً در رانندگی اموری را که برای ایمنی توصیه شده است فراموش نکند، از سرعت غیر مجاز بپرهیزد، با احتیاط حرکت کند و وسایل لازم را که در سفرهای زمستانی یا تابستانی مورد نیاز است با خود بردارد.

1- [200]فقیه، جلد 2، صفحه 278، حدیث 2437 و وسائل الشیعه، جلد 8، باب 31 از ابواب سفر، حدیث 2.
2- [201]عیون اخبارالرضا، جلد 2، صفحه 145، حدیث 13 و وسائل الشیعه، جلد 8، باب 46، حدیث 2.
3- [202]بحارالانوار، جلد 73، صفحه 273.
4- [203]فقیه، جلد 2، صفحه 279، حدیث 2442.
5- [204]کافی، جلد 3، صفحه 265، حدیث 7.
6- [205]تهذیب، جلد 3، صفحه 230، حدیث 103.

این سخن را با حدیث پرمعنایی پایان می دهیم: امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش فرمود: «

اعْقِلْ راحِلَتَکَ وَ تَوَکَّلْ

؛ با توکّل زانوی اشتر ببند». (1)

آداب زیارت:

پس از بیان آداب اسلامی سفر که به منزله مقدّمه ای برای زیارت است به سراغ آداب زیارت می رویم که بسیار است و در این جا به ذکر مهمترین آنها قناعت می شود:

1- هر کس دوست دارد که امام معصوم علیه السلام او را بطلبد و به او اجازه شرفیابی دهد، قبل از حرکت از همه آنهایی که از جانب او احتمالاً اذیّت و آزاری و لو در حدّ یک کدورت قلبی به آنها رسیده، حلیّت بطلبد؛ خصوصاً کسانی که از محبّان و موالی آن بزرگواران به حساب می آیند. این مطلب شواهد فراوانی دارد، از جمله داستان معروف ابراهیم جمّال (ساربان) و علی بن یقطین صحابی خاص امام کاظم علیه السلام و وزیر هارون الرشید (البتّه با اجازه آن حضرت و برای نجات مظلومان) می باشد که بر اثر عدم موافقت با ملاقات ابراهیم جمّال امام علیه السلام او را به ملاقات خود راه نداد و فرمود: چون قلب این مرد از تو شکسته است خدا زیارت تو را نیز قبول نکرد. علی بن یقطین ناچار به سراغ ابراهیم جمّال آمد و با تواضع بی نظیر با او ملاقات کرد و از او حلیّت طلبید؛ پس از آن بود که امام او را به حضور پذیرفت و بشارت قبولی اعمالش را به او داد. (2) 2- هرگونه حقّ الناس و از جمله خمس و زکات اموال را- مخصوصاً به هنگام سفر حجّ- بپردازد؛ چرا که تا اموال انسان پاک نشود، نه اعمال او با استفاده از آن اموال صحیح است و نه شایسته تقرّب به درگاه خداوند می باشد.

3- غسل زیارت کند و این دعا را هنگام غسل (یا بعد از آن) بخواند:

أللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لی نُوراً وَ طَهُوراً وَ حِرْزاً، وَ شِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَ آفَةٍ وَعاهَةٍ،

به نام خداوند و به یاری خدا، پروردگارا آن را نور و پاکیزگی و نگهبان و شفای از هر درد و آفت و عیب قرار بده!

اللّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبی وَاشْرَحْ بِهِ صَدْری و سَهِّلْ بِهِ أمْرِی (3)

خداوندا با این غسل قلبم را پاک و خاطرم را شادمان و کارم را آسان گردان.

4- با طهارت باشد یعنی اگر غسل واجبی به گردن اوست بجا آورد، چرا که امام صادق علیه السلام به ابوبصیر که در حال جنابت بر حضرتش وارد شد فرمود: «

أَما تَعْلَمُ أَنَّهُ لا یَنْبَغی لِلْجُنُبِ أَنْ یَدْخُلَ بُیُوتَ

ص: 216

1- [206]بحارالانوار، جلد 100، صفحه 5، حدیث 18.
2- [207]رجوع شود به: بحارالانوار، جلد 48، صفحه 85، حدیث 105.
3- [208]همان مدرک، جلد 97، صفحه 129.

الْأَنْبِیاءِ؛

آیا نمی دانی که برای شخص جنب شایسته نیست که در خانه های انبیا (و اولیا) داخل شود» راوی می گوید وقتی حضرت این را فرمودند ابوبصیر برگشت و ما بر آن حضرت داخل شدیم.(1) با توجّه به این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیه السلام حیّ و میّت آنها در این امور تفاوتی ندارد، نتیجه این می شود که فرقی بین حرم های مقدّسه با خانه های آنان نباشد.

5- کفشها را درآورد، چون در وادی مقدّسی قدم نهاده است

«فَاخْلَعْ نَعْلَیْکَ إِنَّکَ بِالْوادِ الْمُقَدَّسِ طُوی .(2)

6- همان گونه که عالم بزرگوار «شهید اوّل» در کتاب دروس 211] گفته است بر درِ حرم شریف بایستد و اذن دخول بطلبد و یا اذن دخولی که وارد شده است، را بخواند (که در صفحه 218 خواهد آمد) و با تفکّر در عظمت و جلالت قدر صاحب مرقد شریف و توجّه به این نکته که او کلامش را می شنود و سلامش را جواب می دهد و از جایگاه و موقعیّت او باخبر است (چنان که اذن دخولی که خواهد آمد، صراحت بر این مطالب دارد) و با تدبّر در لطف و محبّتی که آنان به شیعیان و زائرانشان دارند و با تأمّل در گناهان خویش و بی وفایی که با خلافکاری های خود در حقّ آنان کرده و خاطر شریفشان را آزرده ساخته، سعی در تحصیل رقّت قلب و خضوع و انکسار دل و جاری شدن اشک، بنماید.

7- هنگامی که نگاهش به قبر مطهّر افتاد، تکبیر بگوید و خدا را به عظمت یاد کند، چنان که در روایتی آمده است: هر کس پیش روی امام تکبیر و پس از زیارت

«لا الهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ»

بگوید خشنودی بزرگ خدا نصیبش می شود.(3) 8- شکّی نیست که صرف حضور در محضر امام و ایستادن و یا نشستن مؤدّبانه در مقابل ضریح، زیارت به حساب می آید چنان که صرف گفتن

«السَّلامُ عَلَیْکُمْ»

نیز چنین است.(4) 9- از زیارتهای غیر معتبر و بی دلیل پرهیز کند و اگر حوصله و یا فرصت خواندن زیارات معروف را ندارد، می تواند سلام کوتاهی دهد و سپس دو رکعت نماز بخواند و آن را به صاحب قبر هدیه کند و حاجت خود را بخواهد، چرا که در روایت است: عبدالرحیم قصیر می گوید: وارد بر امام صادق علیه السلام شدم و گفتم:

فدایت شوم از پیش خود دعایی اختراع کردم، فرمود: واگذار اختراع خود را!، هرگاه تو را حاجتی باشد پناه به حضرت رسول صلی الله علیه و آله بیاور و دو رکعت نماز بخوان و آن را به حضرتش هدیه کن ....(5)

1- [209]قرب الاسناد، صفحه 21 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 126، حدیث 2.
2- [210]سوره طه، آیه 12.
3- [212]بصائرالدرجات، صفحه 312.
4- [213]شهید اوّل در دروس گفته است: خامسها الزیاره بالمأثور و یکفی السلام(والحضور)،(بحارالانوار، جلد 97، صفحه 134 به نقل از دروس، جلد 2، صفحه 23).
5- [214]کافی، جلد 3، صفحه 476، حدیث 1.

10- پس از زیارت، نماز زیارت بخواند که حداقلّ آن دو رکعت است و اگر در رکعت اوّل حمد و سوره یس و در رکعت دوم حمد و الرّحمن را بخواند بهتر است،(1) و چه بهتر که در بالای سر بجا آورد(2) و بعد از نماز زیارت، برای امور دین و دنیایش دعا کند و سعی کند دعا را به دیگران تعمیم دهد که در این صورت به اجابت نزدیکتر است.

این مطلب (پشت سر یا بالای سر خواندن) در روایت ابوحمزه ثمالی مربوط به زیارت امام حسین علیه السلام آمده است؛ ولی مرحوم شهید در دروس برای زیارت همه ائمّه چنین می گوید: «اگر زائر رسول اکرم صلی الله علیه و آله باشد این دو رکعت را در روضه آن حضرت بخواند و اگر برای یکی از ائمّه علیهم السلام زیارت می خواند بالای سر بجا آورد و خواندن آن در مسجدِ مکان زیارت نیز، جایز است».(3) 11- مستحبّ است در صورتی که مزاحمتی برای سایر زوّار فراهم نشود پس از خواندن زیارت و نماز زیارت و به طور کلّی پس از حضور و تشرّف، اطراف ضریح را ببوسد.(4) 12- علاوه بر آنچه گفته شد سزاوار است زوّار محترم لباس های تمیز و مناسب به هنگام زیارت بپوشند و خود را خوشبو کنند و زبان را به ذکر خدا و حمد و تمجید او و صلوات بر محمّد و آلش مشغول دارند.

13- سعی کنند که در تمام حالات، حضور قلب را حفظ کنند، از گناهان استغفار نمایند و عزمشان را بر اصلاح کردار و گفتار خود جزم کنند، و در خود نسبت به آینده، تحوّلی به وجود آورند.

- شایسته است زائران محترم احترام خدّام این آستانهای مقدّس را حفظ کنند همان گونه که بر خادمان لازم است مشکلات زائران را تحمّل کنند و با ادب با آنها رفتار نمایند.

15- به نیازمندان آن شهر و مساکین آن بلد، کمک کنند که ثواب مضاعف دارد.

16- به هنگام ازدحام به مقدار لازم از زیارت، قناعت نمایند و جای خود را به دیگران بسپارند و باید دانست آنچه در زیارت مهم است کیفیّت است نه مقدار و کمیّت و گاه یک سلام کوتاه جای یک زیارت طولانی را می گیرد و در بعضی از روایات دستور به تعجیل در بازگشت داده شده است.

17- بانوان، جدای از مردان و نامحرمان زیارت کنند و با حجاب کامل تشرّف یابند و بدانند زیارت مستحب است و مراعات حجاب و جهات عفّت

واجب است؛ مبادا واجب را فدای مستحب کرد.

ص: 218

1- [215]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 186. ظاهر آنچه در روایت آمده این است که این دو رکعت در زیارت هر یک از ائمّه خوانده می شود.
2- [216]همان مدرک.
3- [217]همان مدرک، جلد 97، صفحه 134 به نقل از دروس، جلد 2، صفحه 23.
4- [218]علّامه مجلسی در بحارالانوار، جلد 97، صفحه 126 ذیل حدیث 3 نقل می کند که در بعضی از روایات آمده است:« قبّل جوانب القبر».

در پایان این فصل، تذکّر این نکته ضروری است که برادران زائر، مواظب حجاب و عفاف همسران و دختران خود در این مکان های مقدّس (و بلکه در هر زمان و مکان دیگر) باشند تا خدای ناکرده با یک بی توجّهی، روح آن معصومان علیهم السلام را آزرده نکنند و زیارتشان را به جفا تبدیل ننمایند.

***

از این امور باید پرهیز کرد:

1- در وقت خواندن زیارت صدای خود را بلند نکند چنانکه از آیه

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَرْفَعُوا أَصْواتَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبیّ ...»(1)

به دست می آید. زیرا گرچه این آیه مربوط به حیات رسول گرامی است لیکن چنانکه گذشت، فرقی بین حیات و ممات آن حضرت نیست همان گونه که مطابق روایتی که آن نیز گذشت، فرقی بین او و اهل بیتش در این جهت وجود ندارد و زیارت هر کدام از ائمّه زیارت خود آن حضرت است.

2- پس از ورود در حرم اگر وقت نماز واجب فرا رسید، از تأخیر نماز بپرهیزد و اوّل به نماز مشغول شود، به خصوص اگر نماز جماعت برپا شده باشد؛ همچنین اگر در وسط زیارت، وقت نماز وارد شود. خدّام محترمِ حرم های مقدّسه وظیفه دارند که مردم را به این دستور شرعی دعوت کنند.

3- سخنان بیهوده و دنیایی را در حرم مطهّر ترک کند که این کار در شأن زوّار حرم های مطهّر نیست و به جای آن قرآن تلاوت کند و ثواب آن را به صاحب آن بقعه مبارکه هدیه کند و بداند که عمل او تعظیمی برای آن بزرگوار است و برکاتش به خود تلاوت کننده باز می گردد و نیز می تواند به ذکر خدا مشغول باشد چرا که این حرم های مطهّر همچنان که خداوند سبحان در آیه

«فی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ انْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فیها بِالْغُدُوِّ وَالآصالِ»(2)

اشاره فرموده است: خانه هایی است که پیوسته از رفعت و علوّ مرتبه برخوردار بوده، نام خدا در آنها برده می شود و صبح و شام جایگاه تسبیح

اوست.

4- از هر گونه ایجاد مزاحمت و ناراحتی برای دیگران بپرهیزد و به هنگام ازدحام اصرار بر بوسیدن ضریح که سبب ناراحتی دیگران می شود، نداشته باشد و بداند بوسیدن ضریح- آن گونه که بعضی از عوام می پندارند- شرط قبولی زیارت نیست و سعی کند از آلوده کردن این حرم های مقدّس بپرهیزد و حداکثر نظافت را- که از مهمترین دستورات اسلام است- رعایت کند.

1- [219]سوره حجرات، آیه 2.
2- [220]سوره نور، آیه 36.

اذن دخول:

پیش از ورود در حرم های معصومین علیهم السلام از آنها اجازه ورود می طلبیم، و به هنگام ترک این حرم ها وداع می گوییم که مفهومش این است آن بزرگواران را زندگان جاوید می دانیم که به فرمان خدا از حال و راز همه زائران خود آگاهند.

و از آنجا که یک فرد آلوده، شرم می کند که پای خود را بر بساط پاک اولیاء اللّٰه بگذارد، همانجا توبه می کند و لباس آلوده گناهان را از تن بیرون می نماید و با لباس تقوا و پرهیزکاری وارد می شود. آهسته و با ادب در حالی که ذکر خدا بر لب دارد گام بر می دارد تا به آن مرقد مقدس برسد.

محتوای اذن دخول هایی که برای ورود در این حرم های مقدس وارد شده، بسیار آموزنده است و در بیداری قلب و حضور دل و توجه به موقعیت آن حرم شریف و معرفت صاحب آن و زدودن غبار غفلت از روح و جان بسیار مؤثر است.

به تصریح برخی از جملات این اذن دخول ها، زائر به هنگام ورود می گوید: «

وَ اعْلَمُ انَّ رَسُولَکَ وَخُلَفآئَکَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ، احْیآءٌ عِنْدَکَ یُرْزَقُونَ، یَرَوْنَ مَقامی وَ یَسْمَعُونَ کَلامی وَیَرُدُّونَ سَلامی

؛ خدایا من عقیده دارم که پیامبر تو و جانشینانت زنده اند و در نزد تو روزی داده می شوند». اگر زائری در بدو ورود به محضر معصومان علیهم السلام با این اعتقاد وارد شود و این حقیقت را با جان و دل بپذیرد که آنان او را می بینند و سخن او را می شنوند و به سلام و ارادتش پاسخ می دهند، زیارت او حال و هوای دیگری خواهد داشت.

سزاوار است زائران محترم، به مضامین این اذن دخول ها کمال توجه را داشته باشند.

چنانکه گذشت یکی از آدابی که بزرگان علما برای زیارت ذکر کرده اند، اذن دخول است و آن به دو صورت است:

اوّل: همان است که محدّث بزرگوار مرحوم حاج شیخ عباس قمی از «کفعمی» (1) برای همه مشاهد مشرّفه ذکر کرده و «علّامه مجلسی» (2)

در باب زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه به عنوان اذن دخول برای زیارت آن حضرت آورده است. ولی همان گونه که از عبارات آن، خصوصاً از جمله

«وَ أَسْتَأْْذِنُ خَلیفَتَکَ الْمَفْرُوضَ عَلَیَّ طاعَتُهُ»

پیداست اختصاصی به زیارت رسول مکرّم صلی الله علیه و آله ندارد، بلکه مربوط به همه مشاهد مشرّفه است. عبارت اذن دخول این است:

1- [221]بلدالامین، صفحه 276.
2- [222]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 160، حدیث 41(با اندکی تفاوت).

اللهُمَّ انّى وَقَفْتُ عَلى بابٍ مِنْ ابْوابِ بُيُوتِ نَبِيِّکَ، صَلَواتُکَ عَلَيْهِ وَ الِهِ،

خدایا به یقین بر دری از درهای خانه های پیامبرت- که درود تو بر او و خاندان پاکش باد- ایستاده ام

وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ انْ يَدْخُلُوا الَّا بِاذْنِهِ، فَقُلْتَ يا ايُّهَا الَّذينَ امَنُوا

در حالی که مردم را از داخل شدن بی اجازه منع نموده و فرمودی: ای کسانی که ایمان آورده اید

لاتَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ الَّا انْ يُؤْذَنَ لَكُمْ، اللَّهُمَّ انّى اعْتَقِدُ حُرْمَةَ صاحِبِ

در خانه های پیامبر داخل نشوید مگر به شما اجازه داده شود، خدایا من به (رعایت) احترام صاحب

هذَا الْمَشْهَدِ الشَّريفِ فى غَيْبَتِهِ، كَما اعْتَقِدُها فى حَضْرَتِهِ، وَاعْلَمُ انَ

این زیارتگاه شریف در زمان غیبتش همانند زمان حضورش معتقدم، و می دانم که

رَسُولَکَ وَخُلَفآئَکَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، احْيآءٌ عِنْدَکَ يُرْزَقُونَ، يَرَوْنَ مَقامى

فرستاده و جانشینانت- که بر آنان درود باد- زنده اند و در نزدت روزی می خورند، جایگاه مرا دیده

وَ يَسْمَعُونَ كَلامى وَيَرُدُّونَ سَلامى وَا نَّکَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعى كَلامَهُمْ،

و سخنم را شنیده و سلام مرا جواب می دهند، و به یقین تو مرا از شنیدن سخن آنان بازداشته ای

وَفَتَحْتَ بابَ فَهْمى بِلَذيذِ مُناجاتِهِمْ، وَانّى اسْتَاذِنُکَ يا رَبِّ اوَّلًا،

و باب فهم مرا برای شیرینی مناجات آنان به رویم گشودی، و ای پروردگار من، ابتدا از تو اجازه می گیرم

وَاسْتَأْذِنُ رَسُولَکَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثانِياً، وَاسْتَأْذِنُ خَليفَتَکَ الْإِمامَ

و بعد از فرستاده ات- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- اجازه می گیرم و پس از جانشینت، آن امامی

الْمَفْرُوضَ 223] عَلَیَّ طاعَتُهُ، فُلانَ بْنَ فُلانٍ* بجای فلان بن فلان، آن امامی را که که اطاعتش را بر من واجب نمودی، فلان پسر فلان.*************

می خواهد زیارت کند نام ببرد و همچنین نام پدرش را ببرد مثلاً اگر در زیارت امام حسین علیه السلام است بگوید:

الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ علیه السلام

و اگر در زیارت امام رضا علیه السلام است بگوید:

عَلِیَّ بْنَ مُوسَی الرِّضا علیه السلام

و سپس بگوید:

وَالْمَلائِکَهَ الْمُوَکِّلینَ بِهذِهِ الْبُقْعَهِ الْمُبارَکَهِ ثالِثاً، ءَادْخُلُ یا رَسُولَ

و فرشتگانی که عهده دار امور این زیارتگاه مبارک می باشند اجازه می گیرم، آیا داخل شوم ای رسول

ص: 221

اللَّهِ، ءَادْخُلُ یا حُجَّهَ اللَّهِ، ءَادْخُلُ یا مَلآئِکَهَ اللَّهِ الْمُقَرَّبینَ الْمُقیمینَ فی

خدا؟ آیا داخل شوم ای حجّت خدا، آیا داخل شوم ای فرشتگان مقرّب خدا که در

هذَا الْمَشْهَدِ، فَأْذَنْ لی یا مَوْلایَ فی الدُّخُولِ افْضَلَ ما اذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ

این زیارتگاه اقامت دارید؟ پس ای مولای من، برای داخل شدن به من اجازه فرما، بهترین اجازه ای که به هر یک از

اوْلِیآئِکَ، فَانْ لَمْ اکُنْ اهْلًا لِذلِکَ فَانْتَ اهْلٌ لَهُ* سپس بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ،

دوستانت داده ای، پس اگر من شایسته آن اجازه نیستم ولی تو شایسته آنی (که به من اجازه فرمایی)،******** به نام خدا و به یاری خدا

وَفی سَبیلِ اللَّهِ، وَعَلی مِلَّهِ رَسوُلِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْلی

و در راه خدا و بر دین فرستاده خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- خدایا مرا بیامرز

وَارْحَمْنی وَتُبْ عَلَیَّ انَّکَ انْتَ التَّوَّابُ الرَّحیمُ.

و به من ترحّم کن، و توبه ام را بپذیر، که به یقین تو بسیار توبه پذیر و مهربانی.

دوم: اذن دخولی است که «علّامه مجلسی» آن را از یکی از نسخه های قدیمی بعضی از تألیفات علمای شیعه برای دخول در سرداب مقدّس و بُقاع منوّره سایرائمّه علیهم السلام نقل فرموده و آن، چنین است:

اللهُمَّ انَّ هذِهِ بُقْعَهٌ طَهَّرْتَها، وَعَقْوَهٌ شَرَّفْتَها، وَمَعالِمُ زَکَّیْتَها، حَیْثُ

خدایا این مکان بارگاهی است که پاک گردانده ای، و محلّی است که شرافت بخشیده ای، و جایگاهی است که پاکیزه نموده ای، جایی که

اظْهَرْتَ فیها ادِلَّهَ التَّوْحیدِ، وَاشْباحَ الْعَرْشِ الْمَجیدِ، الَّذینَ اصْطَفَیْتَهُمْ

در آن دلایل توحید و ارواح (مطهر ساکن در) عرش با عظمتت را ظاهر کرده ای، آنان که برای محافظت

مُلُوکاً لِحِفْظِ النِّظامِ، وَ اخْتَرْتَهُمْ رُؤَساءَ لِجَميعِ الْأَنامِ، وَبَعَثْتَهُمْ لِقِيامِ

نظام آفرینش به عنوان فرمانروا برگزیده ای و برای سروری تمام مردم اختیار کرده ای و برای بپا داشتن

الْقِسْطِ فِی ابْتِداءِ الْوُجُودِ الی يَوْمِ الْقِيمَهِ، ثُمَّ مَنَنْتَ عَلَيْهِمْ بِاسْتِنابَهِ

عدالت از آغاز خلقت تا روز قیامت برانگیخته ای، سپس برای جانشینی پیامبرانت بر آنان

انْبِيآئِکَ، لِحِفْظِ شَرايِعِکَ وَاحْکامِکَ، فَاکْمَلْتَ بِاسْتِخْلافِهِمْ رِسالَهَ

منّت نهاده ای تا شرع مقدّس و احکامت را حفظ کنند، پس به واسطه جانشینی آنان رسالت پیامبران بیم دهنده ات را

الْمُنْذِرِينَ، کَما اوْجَبْتَ رِياسَتَهُمْ فی فِطَرِ الْمُکَلَّفينَ، فَسُبْحانَکَ مِنْ الهٍ

کامل نموده ای، همان گونه که (پذیرش) ریاست آنان را در نهاد مکلّفین واجب گردانده ای، پس تو را به عنوان معبود تسبیح می گویم

ص: 222

ما ارْا فَکَ، وَلا الهَ الَّا انْتَ مِنْ مَلِکٍ ما اعْدَلَکَ، حَیْثُ طابَقَ صُنْعُکَ ما

چون بسیار مهربانی، و معبودی جز تو به عنوان فرمانروا نیست چون بسیار عادلی، زیرا افعال تو با آنچه عقلها را

فَطَرْتَ عَلَیْهِ الْعُقُولَ، وَ وافَقَ حُکْمُکَ ما قَرَّرْتَهُ فِی الْمَعْقُولِ وَالْمَنْقُولِ،

بر آن آفریدی مطابق است، و فرمانت با آنچه در معقول و منقول مقرّر فرمودی موافق است،

فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی تَقْدیرِکَ الْحَسَنِ الْجَمیلِ، وَلَکَ الشُّکْرُ عَلی قَضآئِکَ

پس حمد و سپاس از آنِ توست بر مقدّرات زیبا و نیکویت و ستایش از آنِ توست بر تقدیرت

الْمُعَلَّلِ بِاکْمَلِ التَّعْلیلِ، فَسُبْحانَ مَنْ لا یُسْئَلُ عَنْ فِعْلِهِ، وَلا یُنازَعُ فی

که کاملترین علّتها را داراست، پس تسبیح می گویم کسی را که از کارش سؤال نشود و در فرمانش منازعه

امْرِهِ، وَسُبْحانَ مَنْ کَتَبَ عَلی نَفْسِهِ الرَّحْمَهَ قَبْلَ ابْتِدآءِ خَلْقِهِ، وَالْحَمْدُللَّهِ

نگردد و تسبیح می گویم کسی را که رحمت و بخشش را قبل از آغاز خلقت بر خودش واجب فرمود و حمد و سپاس

الَّذی مَنَّ عَلَیْنا بِحُکَّامٍ یَقُومُونَ مَقامَهُ لَوْ کانَ حاضِراً فِی الْمَکانِ، وَلا

از آنِ خدایی است که بر ما منّت گذاشت به فرمانروایانی که جانشینان اویند، اگر بنا بود او در مکانی حاضر شود،

اله الَّا اللَّهُ الَّذی شَرَّفَنا بِاوْصِیاَءَ یَحْفَظُونَ الشَّرایِعَ فی کُلِّ الْأَزْمانِ،

معبودی نیست جز خدایی که ما را شرافت بخشید به نمایندگانی که شرع مقدّس را در هر زمان حفظ می کنند،

وَاللَّهُ اکْبَرُ الَّذی اظْهَرَهُمْ لَنا بِمُعْجِزاتٍ یَعْجُزُ عَنْهَا الثَّقَلانِ، لاحَوْلَ وَلا

و خداوند با عظمت آنان را با معجزاتی که جنّ و انس از آن عاجزند برای ما آشکار گردانید، پناهگاه

قُوَّهَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ، الَّذی اجْرانا عَلی عَوآئِدِهِ الْجَمیلَهِ فِی الْأُمَمِ

و نیرویی جز از سوی خداوند بلند مرتبه و با عظمت نیست، که نعمتهای زیبای در میان امّتهای گذشته را بر ما

السَّالِفینَ، اللهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ وَالثَّنآءُ الْعَلِیُّ، کَما وَجَبَ لِوَجْهِکَ الْبَقآءُ

مقرّر فرمود، خدایا حمد و ستایش و بلندی مرتبگی از آنِ توست، آن گونه که بقا و جاودانگی

السَّرْمَدِیُّ، وَ کَما جَعَلْتَ نَبِیَّنا خَیْرَ النَّبِیّینَ، وَمُلُوکَنا افْضَلَ الْمَخْلُوقینَ،

بر تو واجب شد، و آن گونه که پیامبر ما را بهترین پیامبران و فرمانروایان ما را بهترین آفریدگان قرار دادی

وَاخْتَرْتَهُمْ عَلی عِلْمٍ عَلَی الْعالَمینَ، وَفِّقْنا لِلسَّعْیِ الی ابْوابِهِمُ الْعامِرَهِ

و از روی آگاهی آنان را بر جهانیان انتخاب نمودی، ما را برای رسیدن به درگاه آباد آنان

ص :223

الی یَوْمِ الدّینِ، وَاجْعَلْ ارْواحَنا تَحِنُّ الی مَوْطِئِ اقْدامِهِمْ، وَنُفُوسَنا

تا روز قیامت موفّق بدار، و روحمان را شیفته راه آنها، و جانمان را مشتاق توجّه

تَهْوِی النَّظَرَ الی مَجالِسِهِمْ وَعَرَصاتِهِمْ، حَتَّی کَا نَّنا نُخاطِبُهُمْ فی

به مجالس و جایگاه آنها قرار ده، که گویا ما در حضورشان با آنان

حُضُورِ اشْخاصِهِمْ، فَصَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنْ سادَهٍ غائِبینَ، وَمِنْ سُلالَهٍ

سخن می گوییم، پس درود خدا بر آنان باد که سروران غایب و از نژاد

طاهِرینَ، وَمِنْ ائِمَّهٍ مَعْصُومینَ، اللهُمَّ فَاْذَنْ لَنا بِدُخُولِ هذِهِ الْعَرَصاتِ،

پاکان و امامان معصومند، خدایا برای داخل شدن به این جایگاهها (ی مقدّس) که

الَّتِی اسْتَعْبَدْتَ بِزِیارَتِها اهْلَ الْأَرَضینَ وَالسَّمواتِ، وَارْسِلْ دُمُوعَنا

اهل آسمان و زمین را به زیارت آنها وادار نمودی، به ما اجازه فرما، و اشکهای ما را

بِخُشُوعِ الْمَهابَهِ، وَذَلِّلْ جَوارِحَنا بِذُلِّ الْعُبُودِیَّهِ وَ فَرْضِ الطَّاعَهِ، حَتَّی

با فروتنی فراوان جاری کن، و اعضای ما را به تسلیم در بندگی و وجوب اطاعت مطیع گردان، تا به

نُقِرَّ بِما یَجِبُ لَهُمْ مِنَ الْأَوْصافِ، وَنَعْتَرِفَ بِانَّهُمْ شُفَعآءُ الْخَلایِقِ اذا

صفاتی که برای آنان واجب گردانده ای اقرار کرده و به شفاعت آنان از آفریدگان اعتراف کنیم

نُصِبَتِ الْمَوازینُ فی یَوْمِ الْأَعْرافِ، وَالْحَمْدُ للَّهِ وَسَلامٌ عَلی عِبادِهِ الَّذینَ

در روزی که میزان (سنجش اعمال) در روز قیامت برپا شود، و حمد و سپاس از آنِ خداوند است و درود بر بندگانی

اصْطَفی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرینَ.

که آنها را برگزید، همان محمّد و خاندان پاکش.

سپس با خضوع و خشوع داخل شو و بدان که حال توجّه و خضوع، علامت صدور اذن از ناحیه مقدّس آن بزرگواران است.(1) اکنون که طریقه اذن دخول را دانستی، به سراغ زیارات یک یک از معصومین علیهم السلام می رویم و از زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سایر مشاهد مشرّفه مدینه شروع می کنیم.

1- [224]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 115.

فصل اوّل: زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام و ائمّه بقیع علیهم السلام و سایر مشاهد و مساجد در مدینه منوّره

زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله از نزدیک:

بر هر مسلمانی- خصوصاً بر حجّاج خانه خدا- مستحب مؤکّد است، زیارت قبر رسول مکرّم صلی الله علیه و آله در مدینه منوّره، و روایات زیادی درباره فضیلت زیارت آن حضرت وارده شده که از آن جمله است:

1- امام صادق علیه السلام می فرماید: «امام حسین علیه السلام از رسول اللَّه صلی الله علیه و آله سؤال کرد: پاداش زائر شما چیست؟

فرمود: فرزندم! کسی که در حیات یا ممات من، مرا زیارت کند، یا پدرت را و یا برادرت را و یا خودت را زیارت کند، بر من لازم است که در روز قیامت زیارتش کنم تا او را از گناهانش رهایی بخشم»؛

(کانَ حَقّاً عَلَیَّ أَنْ أَزُورَهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ، حَتّی أُخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ).(1)

2- در روایات متعدّدی آمده است که اگر کسی با خلوص نیّت به زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله برود، آن حضرت شفیع او در قیامت می شود و ان شاءاللَّه وارد بهشت می گردد.(2) 3- زیارت قبر رسول اللَّه صلی الله علیه و آله معادل حجّ مقبولی است که به همراه آن حضرت بجا آورده شود.(3) 4- فرمود: «کسی که در حیات یا پس از مرگم مرا زیارت کند، روز قیامت در جوار من خواهد بود»؛

(کانَ فِی جَوارِی یَوْمَ الْقِیامَهِ).(4)

5- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «

ما بَیْنَ بَیْتی وَ مِنْبَری رَوْضَهٌ مِنْ رِیاضِ الْجَنَّهِ ...؛

میان خانه و منبر من، باغی از باغ های بهشت است ...».(5) 6- مرحوم صدوق از امیرمؤمنان علی علیه السلام روایت کرده که فرمود: «حجّ خود را با زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله کامل کنید؛ چرا که ترک زیارتش بی وفایی و خلاف ادب است».(6)

1- [225]كامل الزيارات، صفحه 11، حديث 2، باب 1.
2- [226]همان مدرک، باب 2، احاديث 1، 2، 3، 4، 7، 8، 10، 12، 13، 14، 15 و 16.
3- [227]همان مدرک، صفحه 15، حديث 19.
4- [228]همان مدرک، صفحه 13، حديث 11.
5- [229]كافى، جلد 4، صفحه 554، حديث 3 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 146، حديث 1.
6- [230]خصال، جلد 2، صفحه 616.

کیفیّت زیارت و آداب آن:

1- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که قبل از ورود در مدینه غسل کند.(1) 2- «شیخ طوسی» برای داخل شدن در مسجدالنّبی و زیارت رسول مکرّم صلی الله علیه و آله، نیز غسل دیگری را ذکر کرده است.(2) 3- اذن دخول بخواند که آن را نیز «کفعمی» و دیگران ذکر کرده اند و در صفحه 220 در بحث اذن دخول گذشت.

4- سپس مطابق آنچه «ابن قولویه» در «کامل الزیارات» از امام صادق علیه السلام نقل کرده، نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله برود و بر آن حضرت سلام کند، آنگاه (چنانچه میسّر شود) کنار ستونی که جانب راست قبر و نزد سر مبارک حضرتش قرار دارد، رو به قبله بایستد و بگوید:

اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَاشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ

گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه ای که شریکی ندارد و گواهی می دهم که محمّد بنده

وَرَسُولُهُ، وَاشْهَدُ انَّکَ رَسُولُ اللَّهِ، وَانَّکَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِاللَّهِ، وَاشْهَدُ انَّکَ قَدْ

و فرستاده اوست، و گواهی می دهم که به یقین تویی فرستاده خدا و محمّد فرزند عبداللَّه، و گواهی می دهم که تو

بَلَّغْتَ رِسالاتِ رَبِّکَ، وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِکَ، وَ جاهَدْتَ فی سَبیلِ اللَّهِ،

رسالتهای پروردگارت را به انجام رساندی و برای امّتت خیرخواهی نمودی و در راه خدا جهاد کردی

وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتّی اتیکَ الْیَقینُ، بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ، وَادَّیْتَ

و خدا را در سایه حکمت و موعظه های نیکو تا زمان مرگت عبادت نمودی، و حقوقی که

الَّذی عَلَیْکَ مِنَ الْحَقِّ، وَانَّکَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنینَ، وَغَلُظْتَ عَلَی

بر عهده داشتی ادا نمودی، و به یقین تو بر مؤمنان، مهربان و بر کافران،

الْکافِرینَ، فَبَلّغَ اللّهُ بِکَ افْضَلَ شَرَفِ مَحَلِّ الْمُکَرَّمینَ، الْحَمْدُ للّهِ الّذِی

سخت گیر بودی، پس خداوند تو را به برترین شرافت جایگاه مقربان رساند، حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که

اسْتَنْقَذَنا بِکَ مِنَ الشِّرْکِ وَالضَّلالَهِ، اللهُمَّ اجْعَلْ صَلَواتِکَ وَصَلَواتِ

به واسطه تو ما را از شرک و گمراهی رهایی بخشید، خدایا قرار ده درودهایت و درود

مَلائِکَتِکَ الْمُقَرَّبینَ، وَ عِبادِکَ الصَّالِحینَ، وَ انْبِیآئِکَ الْمُرْسَلینَ، وَاهْلِ

فرشتگان مقرّب و بندگان شایسته، و پیامبران فرستاده شده ات، و ساکنان

1- [231]کامل الزیارات، صفحه 15، حدیث 1، باب 3.
2- [232]مصباح المتهجّد، صفحه 12.

السَّمواتِ وَالْأَرَضينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لِرَبِّ الْعالَمينَ مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْآخِرينَ،

آسمانها و زمین و هر که از پسینیان و پیشینیان که پروردگار جهان را تسبیح می گوید (درودهای همه را)

عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ، وَنَبِیِّکَ وَامینِکَ وَنَجِیِّکَ، وَحَبیبِکَ وَصَفِیِّکَ،

بر محمّد بنده و فرستاده و پیامبر و امین (بر وحی) و محرم راز و دوستدار و برگزیده

وَصَفْوَتِکَ وَخآصَّتِکَ، وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، اللَّهُمَّ وَاعْطِهِ الدَّرَجَهَ

و انتخاب شده و بنده خاص و اختیارشده از میان مخلوقاتت (قرار ده)، خدایا مقام (عالی)

وَالْوَسیلَهَ مِنَ الْجَنَّهِ، وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً یَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْأخِرُونَ،

و واسطه (شفاعت) در بهشت را به او عطا کن، و او را به مقام شایسته ای که پیشینیان و پسینیان به آن غبطه خورند، برسان

اللهُمَّ انَّکَ قُلْتَ وَلَوْ انَّهُمْ اذْ ظَلَمُوا انْفُسَهُمْ جآءُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ،

خدایا به یقین تو فرمودی: و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می گذارند) به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند

وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحیماً، وَانّی اتَیْتُ نَبِیَّکَ مُسْتَغْفِرًا

و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند، و من به درگاه پیامبرت آمده ام در حالی که آمرزش طلبیده

تآئِباً مِنْ ذُنُوبی وَانّی اتَوَجَّهُ الَیْکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ، مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ

و از گناهانم توبه می کنم، و من به پیامبرت پیامبر رحمت، محمّد- که درود خدا

عَلَیْهِ وَ آلِهِ، یا مُحَمَّدُ إِنِّی اتَوَجَّهُ الَی اللَّهِ رَبّی وَ رَبِّکَ، لِیَغْفِرَ لی ذُنُوبی

بر او و خاندان پاکش باد- رو می کنم، ای محمّد به یقین من به خدایی که پروردگار من و توست رو می کنم که گناهانم را بیامرزد.

سپس فرمود: اگر حاجتی داری، رو به قبله بایست و دو دستت را بالا ببر و حاجتت را طلب کن که امید است برآورده شود ان شاءاللّه.(1) 5- در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام در همان کتاب آمده است: پس از فراغت از دعا، نزد منبر بایست و حمد خدای به جای آور و ثنای او بگو و حاجتت را طلب کن؛ چرا که رسول اللّه صلی الله علیه و آله فرمود: «مابین قبر من و منبر من، باغی از باغ های بهشت است ... سپس آنچه خواستی نماز می خوانی».(2) 6- اسحاق بن عمّار می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: سلام مختصر و کوتاهی نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله به من بیاموز، فرمود: بگو:

ص: 227

1- [233]کامل الزیارات، صفحه 15، باب 3، حدیث 1.
2- [234]همان مدرک، صفحه 16، حدیث 2.

«أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذی انْتَجَبَکَ وَ اصْطَفاکَ وَ اخْتارَکَ، وَ هَداکَ وَ هَدی بِکَ، انْ

از خدایی که تو را انتخاب کرده و برگزید و اختیار کرده و هدایت نمود، به واسطه تو دیگران را هدایت کرد، می خواهم که

یُصلِّیَ عَلَیْکَ صَلاةً کَثیرةً طَیِّبَةً». (1)

بر تو درود فرستد، درودی فراوان و پاکیزه.

7- بزنطی از امام رضا علیه السلام سؤال می کند که سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونه است؟ فرمود: می گویی:

«السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللّه، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا خِیَرَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبیبَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیَکَ یا امینَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّکَ رَسُولُ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُ مَّتِکَ، وَ جاهَدْتَ فی سَبیلِ رَبِّکَ، وَ عَبَدْتَهُ حَتَّی أَتاکَ الْیَقینُ، فَجَزاکَ اللَّهُ أَفْضَلَ ما جَزی نَبِیّاً عَنْ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی إِبْراهیمَ وَ آلِ إِبْراهیمَ، إِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ». (2)

8- در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله نماز زیاد بجا آورده شود که به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله: یک رکعت نماز در آن معادل هزار رکعت در مساجد دیگر است و نماز در مسجدالحرام برابر هزار نماز در مسجد من (مسجد النبی) است (یعنی ثواب یک میلیون نماز دارد). (3)

زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله از دور

فضیلت زیارت آن حضرت از دور:

1- یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: امام علیه السلام به من امر فرمود که هر چه می توانم در مسجد رسول اللَّه صلی الله علیه و آله نماز بگزارم؛ چرا که این توفیق همیشه نصیب انسان نمی شود. سپس فرمود: آیا کنار قبر رسول اللَّه صلی الله علیه و آله هم می روی؟ عرض کردم: آری، فرمود: آگاه باش که او سلام تو را از نزدیک می شنود و اگر دور هم باشی از دور هم سلامت به او می رسد. (4) 2- امام علی علیه

السلام از رسول اللّه صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «هر کس در هر مکانی از زمین، به من سلام کند سلامش به من می رسد».(5)

ص: 228

1- [235]کامل الزیارات، صفحه 19، حدیث 9.
2- [236]همان مدرک، صفحه 20، حدیث 10.
3- [237]همان مدرک، صفحه 21، حدیث 4، باب 4.
4- [238]همان مدرک، صفحه 12، حدیث 5، باب 2.
5- [239]امالی طوسی، صفحه 167، حدیث 31.

3- در روایت معتبری از امام سجّاد علیه السلام نقل شده که رسول اللَّه صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که بعد از وفات من به زیارت قبرم بیاید، مثل کسی است که در زمان حیاتم به سوی من هجرت کرده است؛ پس اگر توان آن را ندارید، از دور بر من سلام بفرستید که به من می رسد.(1)

کیفیّت زیارت آن حضرت از دور:

1- یکی از یاران امام رضا علیه السلام می گوید: خدمت آن حضرت عرض کردم: بعد از نماز فریضه چگونه بر رسول گرامی صلی الله علیه و آله سلام فرستم (و حضرتش را زیارت کنم)؟ فرمود: خطاب به آن حضرت می گویی:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

سلام بر تو ای رسول خدا و رحمت و برکات خدا بر تو باد، سلام بر تو ای

مُحَمَّدَ بْنَ عَبدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا خِیَرَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبیبَ اللَّهِ،

محمّد بن عبداللَّه، سلام بر تو ای اختیارشده خدا، سلام بر تو ای محبوب خدا،

السَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفْوةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا أَمینَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّکَ رَسُولُ

سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای امین (بر وحی) خدا، گواهی می دهم که تو فرستاده

اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّکَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبدِاللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِکَ،

خدایی، و گواهی می دهم که تو محمّد پسر عبدالله هستی، و گواهی می دهم که تو برای امتت خیرخواهی نمودی

وَجاهَدْتَ فی سَبیلِ رَبِّکَ، وَعَبَدْتَهُ حَتَّی أَتاکَ الْیَقینُ، فَجَزاکَ اللَّهُ یا

و در راه پروردگارت جهاد کردی، و او را تا زمان مرگ عبادت نمودی، پس خداوند تو را جزای خیر دهد ای

رَسُولَ اللّهِ أفْضَلَ ما جَزى نَبِیّاً عَنْ أمَّتِهِ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

رسول خدا، بهترین جزایی که هیچ پیامبری را از جانب امّتش چنان پاداشی نداده است، خدایا بر محمد و خاندان پاکش

مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی ابراهیمَ وَ آلِ إبْراهیمَ، إِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ».(2)

درود فرست، بهترین درودی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستاده ای، که تو ستوده و سزاوار ستایشی.

2- و نیز «سیّد بن طاووس» در «مصباح الزائر» از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «کسی که

1- [240]کامل الزیارات، صفحه 14، حدیث 17، باب 2.

2- [241]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 181، حدیث 3 و قرب الاسناد، صفحه 169.

بخواهد از شهر خویش قبر رسول گرامی صلی الله علیه و آله و قبور سایر ائمّه علیهم السلام را زیارت کند روز جمعه غسل نماید و دو جامه پاکیزه بپوشد و در فضای باز بایستد؛ سپس چهار رکعت نماز بخواند با هر سوره ای که میسّر شود، پس از تشهّد و سلام، رو به قبله بایستد و بگوید:

«السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا

سلام بر تو ای پیامبر و رحمت و برکات خدا بر تو باد، سلام بر تو ای

النَّبِیُّ الْمُرْسَلُ، وَالْوَصِیُّ الْمُرْتَضی، وَالسَّیِّدَةُ الْکُبْری وَالسَّیِّدَةُ الزَّهْراءُ،

پیامبر فرستاده شده و (بر علی) جانشین پسندیده ات و (بر همسرت) بانو خدیجه کبری و (بر دخترت) بانو فاطمه زهرا

وَالسِّبْطانِ الْمُنْتَجَبانِ، وَالْأَوْلادُ الْأَعْلامُ، وَالْأُمَناءُ الْمُنْتَجِبُونَ، جِئْتُ

و بر دو نوه برگزیده ات و بر فرزندان ممتاز و امینان برگزیده ات، به برکت

انْقِطاعاً اَلَیْکُمْ وَ الی آبائِکُمْ، وَ وَلَدِکُمُ الْخَلَفِ عَلی بَرَکَهِالْحَقِّ، فَقَلْبی

حق تعالی از همه بریده و به درگاه شما و پدران و فرزندان شایسته تان آمده ام، پس دلم

لَکُمْ مُسَلِّمٌ، وَ نُصْرَتی لَکُمْ مُعَدَّهٌ، حَتَّی یَحْکُمَ اللَّهُ لِدِینِهِ، فَمَعَکُمْ مَعَکُمْ لا

تسلیم شماست. و برای یاریتان آماده ام، تا خداوند حکم دینش را اجرا کند، پس آن که با شماست با شماست نه

مَعَ عَدُوِّکُمْ، إِنّی لَمِنَ الْقائِلِینَ بِفَضْلِکُمْ، مُقِرٌّ بِرَجْعَتِکُمْ، لا انْکِرُ لِلّهِ قُدْرَةً،

با دشمنان شما، به یقین من از معتقدان به لطف و کرم شما و معترف به بازگشت شمایم، منکر توانایی خدا نبوده

وَ لا أَزْعَمُ إلّا ما شاءَ اللَّهُ، سُبْحانَ اللَّهِ ذِی الْمُلْکِ وَ الْمَلَکُوتِ، یُسَبِّحُ للَّهِ

و جز آنچه خدا می خواهد نمی خواهم، تسبیح می گویم خدایی را که صاحب ملک و ملکوت است، تمامی مخلوقات،

بِاسْمائِهِ جَمِیعُ خَلْقِهِ، وَالسَّلامُ عَلی أَرْواحِکُمْ وَ أَجْسادِکُمْ، وَالسَّلامُ

خدا را با نامهایش تسبیح می گویند، و درود بر جانها و جسمهای شما، و درود

عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ».(1)

و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

3- در فصل «اعمال ایّام هفته» (صفحه 985) دو زیارت برای آن حضرت خواهد آمد. هر کس بخواهد می تواند به آن جا رجوع کند و به فیض خواندن آن نائل گردد.

4- شایسته است صلوات فرستادن بر آن حضرت صلی الله علیه و آله به آن صلواتی که امیر مؤمنان علی علیه السلام در یکی از خطبه های خود در روز جمعه بر آن حضرت فرستاده و در «روضه کافی» نقل شده است:

1- [242]مصباح الزائر، صفحه 50 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 330.

«انَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ، یا ایُّها الَّذینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند ای کسانی که ایمان آورده ايد بر او درود فرستيد

وَسَلِّمُوا تَسْلیماً، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ، وَبارِکْ عَلی

و (در برابر اوامر او) كاملاً تسليم باشيد، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و به محمّد

مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ، وَتَحَنَّنْ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَسَلِّمْ عَلی مُحَمَّدٍ

و خاندان پاكش بركت ده، و به محمّد و خاندان پاكش محبّت كن، بر محمّد و خاندان پاكش

وَالِ مُحَمَّدٍ، کَافْضَلِ ما صَلَّیْتَ وَبارَکْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ

درود فرست، همانند بهترين درود و بركت و رحمت و محبّت و سلامى كه

عَلی ابْراهیمَ والِ ابْراهیمَ، انَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ، اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّداً الْوَسیلَةَ،

بر ابراهيم و خاندانش فرستاده اى كه تو ستوده و مورد ستايشى، خدايا به محمّد وسيله شفاعت

وَالشَّرَفَ وَالْفَضیلَةَ، وَالْمَنْزِلَةَ الْکَریمَةَ، اللهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ

و شرافت و برترى و جايگاه بزرگواران را عطا كن، خدايا محمّد و خاندان پاكش را

اعْظَمَ الْخَلایِقِ کُلِّهِمْ شَرَفاً یَوْمَ الْقِیمَهِ، وَاقْرَبَهُمْ مِنْکَ مَقْعَداً، وَاوْجَهَهُمْ

با شرافت ترين مخلوقات و نزديكترين از جهت جايگاه و سربلندترين

عِنْدَکَ یَوْمَ الْقِیامَهِ جاهاً، وَ افْضَلَهُمْ عِنْدَکَ مَنْزِلَةً وَنَصیباً، اللهُمَّ اعْطِ

و با فضيلت ترين آنان از نظر موقعيّت و بهره در نزد خودت در روز قيامت قرار ده، خدايا به

مُحَمَّداً اشْرَفَ الْمَقامِ، وَ حِبآءَ السَّلامِ، وَ شَفاعَةَ الْإِسْلامِ، اللهُمَّ وَالْحِقْنا

محمّد با شرافت ترین جایگاه و آرامش کامل و شفاعت مسلمانان را عطا کن، خدایا ما را به دور از

بِهِ غَيْرَ خَزايا، وَلا ناكِبينَ وَلا نادِمينَ وَلا مُبَدِّلينَ، الهَ الْحَقِّ آمينَ.(1)

شرمندگی، و انحراف و پشیمانی و تبدیل عقیده به او ملحق کن، ای پروردگار برحق دعایم را اجابت کن.

5- عاشقان آن حضرت و اهل بیت طاهرینش از زیارت جامعی که «شیخ طوسی» در «مصباح» از امام حسن عسکری علیه السلام نقل می کند و در اواخر بخش زیارات، تحت عنوان «صلوات بر چهارده معصوم (صفحه 561)» خواهد آمد، غافل نباشند که آثار ارزنده ای دارد.

ص: 231

1- [243]کافی، جلد 8، صفحه 175.

زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

فضیلت زیارت آن حضرت و جایگاه قبر شریفش:

1- مرحوم «علّامه مجلسی» از امام صادق علیه السلام از اجداد طاهرینش روایت کرده که: «هر کس قبر حضرت طاهره فاطمه علیها السلام را زیارت کند و بگوید:

السَّلامُ عَلَیْکِ یا سَیِّدَهَ نِساءِ ...

(اوّلین زیارت از زیاراتی که خواهد آمد) و استغفار کند، خداوند او را می بخشد و او را وارد بهشت می کند!». (1) 2- ابوالحسن ابراهیم بن محمّد هَمْدانی می گوید: برای امام هادی علیه السلام نامه ای نوشتم که مرا از قبر فاطمه علیها السلام باخبر سازد، حضرت در جواب نوشتند که: او با جدّم صلوات اللَّه علیه و آله می باشد. (2) 3- مرحوم «صدوق» می گوید: صحیح در نزد من این است که آن حضرت در خانه اش دفن شده که پس از توسعه توسط بنی امیّه، الآن جزء مسجد قرار گرفته است [246] و مرحوم «علّامه مجلسی» نیز می گوید:

اظهر این است که آن حضرت (صلوات اللَّه علیها) در خانه اش دفن شده است. (3) ظاهراً این نظر بر اساس روایتی است که در آن، یکی از یاران حضرت رضا علیه السلام نقل می کند که از امام علیه السلام از قبر حضرت فاطمه علیها السلام سؤال کردم، فرمود: در خانه اش دفن شد که پس از توسعه مسجد توسّط بنی امیّه، الآن جزء مسجد قرار گرفته است. (4) بنابراین هر کس نزدیک قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و روضه مقدّسه بایستد و بانوی اسلام را زیارت کند، ان شاءاللَّه فضیلت زیارت آن حضرت علیها السلام را کسب کرده است. البتّه در بقیع نیز به قصد رجا می توان آن حضرت را زیارت کرد.

4- علّامه مجلسی از «مصباح الانوار» از علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام نقل می کند که فرمود: رسول خدا به من فرمود:

«یا فاطِمَهُ مَنْ صَلَّی عَلَیْکِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَ أَلْحَقَهُ بی حَیْثُ کُنْتُ مِنَ الْجَنَّهِ؛

هر کس بر تو سلام فرستد خداوند او را ببخشد و او را به من ملحق می کند، هر کجای بهشت که باشم!» (5) 5- یزید بن عبدالملک از پدرش از

جدّش نقل می کند که روزی خدمت حضرت فاطمه علیها السلام رسیدم؛ آن حضرت در سلام، بر من سبقت گرفت و از حالم پرسید و سپس فرمود: «پدرم به من خبر داد که هر کس بر او و بر من سه روز سلام کند خداوند بهشت را بر او واجب می کند»، عرض کردم: در زمان حیات او و حیات شما؟ فرمود: «آری و بعد از وفات ما».(6) یادآوری: ظاهر این است که این روایت و نیز روایت قبل، شامل دور و نزدیک، هر دو می شود.

1- [244]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 199، حدیث 19.
2- [245]همان مدرک، صفحه 198، حدیث 18.
3- [247]همان مدرک، صفحه 197، به نقل از فقیه، جلد 2، صفحه 572.
4- [248]همان مدرک، صفحه 191، حدیث 1، به نقل از عیون اخبار الرضا، جلد 1، صفحه 311، حدیث 76.
5- [249]همان مدرک، صفحه 194، حدیث 10.
6- [250]همان مدرک، صفحه 194، حدیث 9، به نقل از تهذیب، جلد 6، صفحه 9، حدیث 11.

کیفیّت زیارت بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام:

زیارت اوّل: زیارت کوتاهی است که در روایت اوّل از روایات فضیلت زیارت آن حضرت به آن اشاره شد:

السَّلامُ عَلَیْکِ یا سِیِّدَةَ نِسآءِ الْعالَمینَ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا والِدَةَ الْحُجَجِ

سلام بر تو ای سرور بانوان جهان، سلام بر تو ای مادر حجّت ها (ی خدا)

عَلَی النَّاسِ أجْمَعینَ، السَّلامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا الْمَظْلومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقُّها.

بر تمامی مردم، سلام بر تو ای مظلومه ای که از حقّت منع شدی.

سپس بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی أَمَتِکَ وَ ابنَةِ نَبیِّکَ، وَ زَوْجَةِ وَصِیِّ نَبِیِّکَ، صَلاةً

**** خدایا بر کنیزت و دختر پیامبرت و همسر جانشین پیامبرت درود فرست، درودی که

تُزْلِفُها فَوقَ زُلفی عِبادِکَ الْمُکَرَّمینَ، مِنْ أهْلِ السَّمواتِ وَأَهْلِ الْأَرَضینَ.(1)

او را به بالاتر از جایگاه بندگان گرامی از اهل آسمانها و زمین برساند.

***

زیارت دوم: محمّد بن عیسی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: هرگاه کنار قبر جدّه ات فاطمه علیها السلام قرار گرفتی بگو:

یا مُمْتَحَنَهُ، امْتَحَنَکِ اللَّهُ الَّذی خَلَقَکِ قَبْلَ انْ یَخْلُقَکِ، فَوَجَدَکِ لِما

ای آزموده، خدایی که تو را آفرید قبل از آفرینشت تو را آزمود و تو را بر آنچه

امْتَحَنَکِ صابِرَةً، وَزَعَمْنا انَّا لَکِ اوْلِیآءُ و مُصَدِّقُونَ، وَصابرُونَ لِکُلِّ ما

آزمود شکیبا یافت و ما خود را دوستدار و تصدیق کننده تو می دانیم و بر آنچه

اتانا بِهِ ابُوکِ صَلّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَاتانا بِهِ وصِیُّهُ، فَانَّا نَسْئَلَکِ انْ کُنَّا

پدرت- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- و جانشینش برای ما آورده شکیباییم، پس از تو می خواهیم که اگر ما

صَدَّقْناکِ، إلَّا الْحَقْتِنا بِتَصْدیقِنا لَهُما، لِنُبشِّرَ انْفُسَنا بانَّا قَدْ طَهُرْنا بِوِلایَتِکِ.(2)

تصدیق کنندگان توایم، ما را به واسطه تصدیقمان به آن دو ملحق کنی تا به خود بشارت دهیم که به برکت ولایتت پاک شده ایم.

***

زیارت سوم: مرحوم «شیخ طوسی» در کتاب «تهذیب»، زیارت دیگری را از بزرگان شیعه نقل می کند که از این قرار است:

1- [251]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 198، حدیث 18 و اقبال، صفحه 623.
2- [252]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 194، حدیث 11، به نقل از تهذیب، جلد 6، صفحه 9، حدیث 12.

السَّلامُ عَلَيْکِ يا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکِ يا بِنْتَ نَبِیِّ اللَّهِ، السَّلامُ

سلام بر تو ای دختر رسول خدا، سلام بر تو ای دختر پيامبر خدا، سلام

عَلَيْکِ يا بِنْتَ حَبيبِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکِ يا بِنْتَ خَليلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکِ

بر تو ای دختر (محمّد) محبوب خدا، سلام بر تو ای دختر خليل خدا، سلام بر تو

يا بِنْتَ صَفِیِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکِ يا بِنْتَ امينِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکِ يا بِنْتَ

ای دختر (محمّد) برگزيده خدا، سلام بر توای دختر امين خدا، سلام بر تو ای دختر

خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکِ يا بِنْتَ افْضَلِ انْبِيآءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلائِکَتِهِ،

بهترين مخلوقات خدا، سلام بر تو ای دختر برترين پيامبران و فرستادگان و فرشتگان خدا،

السَّلامُ عَلَيْکِ يا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکِ يا سِيِّدَهَ نِسآءِ الْعالَمينَ

سلام بر تو ای دختر بهترين آفريدگان خدا، سلام بر تو ای سرور بانوان جهانيان

مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْآ خِرينَ، السَّلامُ عَلَيْکِ يا زَوْجَهَ وَلِیِّ اللَّهِ، وَ خَيْرِ الْخَلْقِ

از پيشينيان و پسينيان، سلام بر تو ای همسر ولیّ خدا، و بهترين مخلوقات

بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکِ يا امَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَیْ شَبابِ اهْلِ

بعد از رسول خدا، سلام بر تو ای مادر حسن و حسين سرور جوانان اهل

الْجَنَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکِ ايَّتُهَا الصِّدّيقَهُ الشَّهيدَهُ، السَّلامُ عَلَيْکِ ايَّتُهَا الرَّضِيَّهُ

بهشت، سلام بر تو ای راستگوی شهيده، سلام بر توای که از خدا خشنود و او از تو

الْمَرْضِیَّهُ، السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا الْفاضِلَهُ الزَّکِیَّهُ، السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا

خشنود است، سلام بر تو ای با فضیلت پاکیزه، سلام بر تو ای

الْحَوْرآءُ الْإِنْسِیَّهُ، السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا التَّقِیَّهُ النَّقِیَّهُ، السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا

حوری صفت در شکل انسان، سلام بر تو ای پرهیزکار پاکیزه، سلام بر تو ای

الْمُحَدَّثَهُ الْعَلیمَهُ، السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا الْمَظْلُومَهُ الْمَغْصُوبَهُ، السَّلامُ

دانای اخبار (از سوی فرشتگان) و آگاه، سلام بر تو ای ستمدیده ای که حقّت غصب شده، سلام

عَلَیْکِ ایَّتُهَا الْمُضْطَهَدَهُ الْمَقْهُورَهُ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا فاطِمَهُ بِنْتَ رَسُولِ

بر تو ای ظلم کشیده مورد غضب (دشمنان) واقع شده، سلام بر تو ای فاطمه دختر رسول

اللَّهِ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکِ وَعَلی رُوحِکِ وَبَدَنِکِ، اشْهَدُ

خدا و رحمت و برکات خدا بر تو باد، درود خدا بر تو و بر روح و بدن تو باد، گواهی می دهم که

انَّکِ مَضَیْتِ عَلی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبِّکِ، وَ انَّ مَنْ سَرَّکِ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی

تو با دلیل روشن از جانب پروردگارت عمرت را به پایان رساندی و به یقین هر که تو را خشنود ساخت رسول خدا- که درود

اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَمَنْ جَفاکِ فَقَدْ جَفا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَمَنْ

خدا بر او و خاندان پاکش باد- را خشنود ساخته، و هر که بر تو ستم کرد به یقین بر رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- ستم کرده، و هر که

آذاکِ فَقَدْ آذی رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَمَنْ وَصَلَکِ فَقَدْ وَصَلَ

تو را اذیّت نمود به یقین رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- را اذیّت نموده، و هر که به تو پیوست به یقین به

رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَمَنْ قَطَعَکِ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ

رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- پیوسته و هر که از تو برید به یقین از رسول خدا- که درود خدا

عَلَیْهِ وَآلِهِ، لِأَنَّکِ بَضْعَهٌ مِنْهُ، وَ رُوحُهُ الَّتی بَیْنَ جَنْبَیْهِ، کَما قالَ صَلَّی اللَّهُ

بر او و خاندان پاکش باد- بریده است، زیرا تو پاره تن او و روحش که درون جسم او بود هستی، همان گونه که پیامبر- که درود خدا

عَلَیْهِ وَآلِهِ، اشْهِدُ اللَّهَ وَرُسُلَهُ وَمَلائِکَتَهُ ا نّی راضٍ عَمَّنْ رَضیتِ عَنْهُ،

بر او و خاندان پاکش باد- فرمود، خدا و فرستادگان و فرشتگانش را گواه می گیرم که به یقین من خشنودم از هر که تو از او خشنودی

ساخِطٌ عَلی مَنْ سَخِطْتِ عَلَیْهِ، مُتَبَرِّءٌ مِمَّنْ تَبَرَّئْتِ مِنْهُ، مُوالٍ لِمَنْ

و خشمگینم از هر که تو از او خشمگینی، بیزارم از هر که تو از او بیزاری، دوست دارم هر که را

والَیْتِ، مُعادٍ لِمَنْ عادَیْتِ، مُبْغِضٌ لِمَنْ ابْغَضْتِ، مُحِبٌّ لِمَنْ احْبَبْتِ،

تو دوست داری، دشمنم با هر که تو با او دشمنی، کینه دارم از آن که تو از او دلگیری، و علاقه مندم به هر که تو به او علاقه داری

وَکَفی بِاللَّهِ شَهیداً وَحَسیباً، وَجازِیاً وَمُثیباً.

و خدا برای گواه و حسابگر و کیفردهنده وپاداش دهنده کافی است.

سپس بر رسول اکرم و ائمّه اطهار صلوات می فرستی.(1)

***

زیارت چهارم: زیارتی است که در بخش اعمال ماه ها برای روز سوم جمادی الثانی (صفحه 619)، روز وفات آن حضرت خواهد آمد.

زیارت پنجم: زیارت دیگری را «سیّد بن طاووس» در اقبال برای روز بیستم جمادی الثانی، روز تولّد آن حضرت ذکر کرده است که مثل زیارت بالاست تا «

ساخِطٌ عَلی مَنْ سَخِطْتِ عَلَیْهِ

» و از این جا به بعد به این نحو است:

1- [253]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 195، حدیث 12، به نقل از تهذیب، جلد 6، صفحه 10.

وَ وَلِیٌّ لِمَنْ والاکِ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداکِ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکِ، ا نَا یا

و با هر کسی که با تو دوستی کند دوستم و با هر کسی که با تو دشمنی کند دشمنم و با هر کس که با تو از در جنگ درآید در جنگم،

مَوْلاتی بِکِ وَبِابیکِ وَبَعْلِکِ، وَالْأَئِمَّهِ مِنْ وُلْدِکِ مُوقِنٌ، وَبِوِلایَتِهِمْ مُؤْمِنٌ،

ای سرورم من به تو و پدرت و همسرت و امامان از فرزندانت یقین دارم و به ولایت آنها ایمان دارم

وَبِطاعَتِهِمْ مُلْتَزِمٌ، اشْهَدُ انَّ الدّینَ دینُهُمْ، وَالْحُکْمَ حُکْمُهُمْ، وَهُمْ قَدْ بَلَّغُوا

و به اطاعت از آنان ملتزمم، گواهی می دهم که دینِ (حقّ) دین آنان و فرمان (لازم الاجرا) فرمان آنان است و از جانب خداوند عزیز

عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَدَعَوْا الی سَبیلِ اللَّهِ بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ، لا

و گرامی احکام را رسانده و با حکمت و موعظه نیکو به راه او دعوت نموده اند،

تَأْخُذُهُمْ فِی اللَّهِ لَوْمَهُ لائِمٍ، وَصَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْکِ وَعَلی ابیکِ وَبَعْلِکِ،

و در این راه سرزنش ملامت کنندگان در آنان اثر نکرد، و درود خدا بر تو و پدرت و همسرت

وَابْنَیْکِ وَذُرِّیَّتِکِ الْأَئِمَّهِ الطَّاهِرینَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَیْتِهِ،

و دو فرزندت و نسلت، همان امامان پاک، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

وَصَلِّ عَلَی الْبَتُولِ الطَّاهِرَهِ، الصِّدیقَهِ الْمَعْصُومَهِ، التَّقِیَّهِ النَّقِیَّهِ، الرَّضِیَّهِ

و بر حضرت بتول (آن بانوی) پاکیزه، راستگو، معصوم، پرهیزکار، پاک، خشنود از خداوند،

الزَّکِیَّهِ الرَّشیدَهِ، الْمَظْلُومَهِ الْمَقْهُورَهِ، الْمَغْصُوبَهِ حَقُّهَا، الْمَمْنُوعَهِ ارْثُهَا،

بی گناه، هدایت یافته، ستمدیده و اندوهگین که حقّش غصب و ارثش گرفته شد

الْمَكْسُورَهِ ضِلْعُهَا، الْمَظْلُومِ بَعْلُهَا، الْمَقْتُولِ وَلَدُها، فاطِمَهَ بِنْتِ رَسُولِکَ،

و پهلویش شکسته و همسرش مورد ستم واقع شد و فرزندش کشته شد، همان فاطمه دختر رسولت

وَبِضْعَهِ لَحْمِهِ، وَصَميمِ قَلْبِهِ، وَفِلْذَهِ كَبِدِهِ، وَالنُّخْبَهِ مِنْکَ لَهُ، وَالتُّحْفَهِ

و پاره تنش، و میوه دل و جگرگوشه اش، و برگزیده از جانب تو برای پیامبرت و گوهری که

خَصَصْتَ بِهاوَصِيَّهُ، وَحَبيبَهاِلْمُصْطَفی، وَقَرينَهاِلْمُرْتَضی وَسَيَّدَهِاِلنِّساءِ،

به وصیّ او اختصاص دادی، و محبوب مصطفی و همنشین مرتضی و سرور بانوان

وَمُبَشِّرَهِ الْأَوْلِيآءِ، حَليفَهِ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ، وَتُفَّاحَهِ الفِرْدَوْسِ، وَالْخُلْدِ

و بشارت دهنده اولیا، مظهر پارسایی و زهد، و میوه بهشت، جاودانی که

الَّتی شَرَّفْتَ مَوْلِدَها بِنِسآءِ الْجَنَّهِ، وَ سَلَلْتَ مِنْها انْوارَ الْأَئِمَّهِ، وَارْخَيْتَ

ولادتش را با زنان بهشتی گرامی داشتی، و نور امامان را از او جاری ساختی، و در نزد او

دُونَها حِجابَ النُّبُوَّهِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلَيْها صَلاهً تَزيدُ فی مَحَلِّها عِنْدَکَ،

پرده نبوّت را کنار زدی، خدایا بر او درودی فرست که بر مقام و شرافت او نزد تو

وَشَرَفِها لَدَیْکَ، وَمَنْزِلَتِها مِنْ رِضاکَ، وَ بَلِّغْها مِنَّا تَحِیَّهً وَسَلاماً، وَآتِنا مِنْ

و بر خشنودیت از او بیافزاید، و درود و سلام ما را به او برسان و در برابر دوستیش

لَدُنْکَ فی حُبِّها فَضْلاً وَاحْساناً، وَرَحْمَهً وَغُفْراناً، انَّکَ ذُوالْعَفْوِ الْکَریمِ.

از جانب خود لطف و احسان و رحمت و آمرزشت را به ما عنایت کن، چرا که تو آمرزنده و بزرگواری.

آنگاه نماز زیارت می خوانی و اگر توانستی نماز خود آن حضرت (که دو رکعت است در هر رکعتی یک حمد و شصت مرتبه قل هو اللّه) را می خوانی و اگر نتوانستی دو رکعت با حمد و قل هو اللّه و حمد و قل یا ایها الکافرون بجا آور و پس از سلام بگو:

اللَّهُمَّ إِنّی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِنَبِیِّنا مُحَمَّدٍ وَ بِأَهْلِ بَیْتِهِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِمْ،

خدایا من به واسطه پیامبرمان محمّد و خاندان پاکش- که درود تو بر آنان باد- به سوی تو رو می آورم

وَأَسْئَلُکَ بَحَقِّکَ الْعَظیمِ عَلَیْهِمْ، الَّذی لا یَعْلَمُ کُنْهَهُ سِواکَ، وَ أَسْئَلُکَ بِحَقِ

و از تو می خواهم به حق بزرگی که بر آنان داری و کسی جز تو حقیقت آن را نمی داند، و از تو می خواهم به حقّ

مَنْ حَقُّهُ عِنْدَکَ عَظیمٌ، وَبِأَسْمائِکَ الْحُسْنی، الَّتی أَمَرْتَنی أَنْ أَدْعُوکَ بِها،

کسی که حقّ او نزدت بزرگ است و به حقّ نامهای نیکویت که فرمان دادی تو را به آن بخوانم

وَاسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْأَعْظَمِ الَّذی أَمَرْتَ بِهِ ابْراهیمَ انْ یَدْعُوَ بِهِ الطَّیرَ

و از تو می خواهم به حقّ اسم اعظمی که ابراهیم را به آن فرمان دادی که پرنده را با آن صدا زند

فَأَجابَتْهُ، وَ بِاسْمِکَ الْعَظیمِ الَّذی قُلْتَ لِلنَّارِ بِهِ کُونی بَرْداً وَ سَلاماً عَلی

و پرنده پاسخش گفت، و به حقّ اسم با عظمتی که با آن به آتش فرمودی: بر ابراهیم سرد و سالم باش،

إِبْراهیمَ فَکانَتْ بَرْداً، وَ بِأَحَبِّ الْأَسْماءِ إِلَیْکَ، وَأَشْرَفِها وَ أَعْظَمِها لَدَیْکَ،

پس آتش سرد شد، و به حقّ محبوبترین و شریفترین و بزرگترین نامها در نزدت

وَأَسْرَعِها إِجابَهً، وَأَنْجَحِها طَلِبَهً، وَبِما أَنْتَ أَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ،

و سریع ترین آنها در پاسخ گویی و پسندیده ترین آنها در برآوردن حاجت، و به حق آنچه تو اهل و سزاوار و شایسته آنی (از تو می خواهم)

وَأَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ وَ أَرْغَبُ إِلَیْکَ، وَ أَتَضَرَّعُ الَیْکَ وَ أَلَحُّ عَلَیْکَ، وَأَسْئَلُکَ

و به تو متوسّل شده و از تو می خواهم و به درگاهت تضرّع نموده و اصرار می ورزم، و از تو می خواهم

ص: 237

بِکُتُبِکَ الَّتی أَنْزَلْتَها عَلی أَنْبِیائِکَ وَرُسُلِکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِمْ، مِنَ التَّوْریهِ

به حق کتابهایت، تورات و انجیل و زبور و قرآن با عظمت که بر پیامبران و فرستادگانت

وَالْانْجیلِ، وَ الزَّبُورِ وَ الْقُرآنِ الْعَظیمِ، فَإِنَّ فیهَا اسْمُکَ الْأَعْظَمُ، وَبِما فیها

- که درود تو بر آنان باد- نازل نمودی، زیرا که اسم اعظمت در آنها است و به حقّ آنچه

مِنْ أَسْمائِکَ الْعُظْمی، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنْ

از نامهای با عظمتت در آنهاست (از تو می خواهم) که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی

آلِ مُحَمَّدٍ وَشیعَتِهِمْ وَ مُحِبّیهِمْ وَ عَنّی وَ تَفْتَحَ أَبْوابَ السَّماءِ لِدُعائی

و خاندان محمّد و شیعیان و دوستداران آنان و مرا (از آتش) رهایی بخشی و درهای آسمان را بر دعایم بگشایی

وَتَرْفَعَهُ فی عِلّیّینَ، وَ تَأْذَنَ فی هذَا الْیَوْمِ، وَ فی هذِهِ السَّاعَهِ بِفَرَجی

و آن را در بالاترین درجات بالا بری و در این روز و در این ساعت به گشایش (کارم)

وَإِعْطاءِ أَمَلی وَ سُؤْلی فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ، یا مَنْ لا یَعْلَمُ أَحَدٌ کَیْفَ هُوَ

و برآمدن آرزو و خواسته ام در دنیا و آخرت اجازه دهی، ای کسی که جز تو کسی چگونگی

وَقُدْرَتُهُ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ سَدَّ الْهَواءَ بِالسَّماءِ، وَ کَبَسَ الْأَرْضَ عَلَی الْماءِ،

و قدرتت را نمی داند، ای کسی که (اشعه مرگبار) آسمان را به وسیله هوا مسدود کردی و زمین را روی آب قرار دادی

وَاخْتارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْماءِ، یا مَنْ سَمّی نَفْسَهُ بِالْاسْمِ الَّذی تُقْضی

و برای خود زیباترین نامها را برگزیده ای، ای کسی که خود را به اسمی نامیده ای که با آن

بِهِ حاجَهُ مَنْ یَدْعُوهُ، أَسْئَلُکَ بِحَقِّ ذلِکَ الْاسْمِ، فَلا شَفیعَ أَقْوی لی مِنْهُ،

خواسته خوانندگانت را اجابت می کنی، از تو می خواهم به حق آن اسمی که شفیعی قویتر از آن برایم نیست

انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقْضِیَ لی حَوائِجی وَتَسْمَعَ بِمُحَمَّدٍ

که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و خواسته هایم را برآوری، و صدایم را بشنوی به حقّ محمّد

وَعَلیٍّ وَ فاطِمَهَ، وَ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ، وَعَلیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ

و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن

عَلیٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِیِّ بْنِ مُوسی وَمُحَمَّدِ

علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد

بْنِ عَلِیٍّ، وَعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ، وَالْحُجَّهِ الْمُنْتَظِرِ لِإِذْنِکَ،

بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجّتی که (در ظهورش) منتظر اجازه توست

ص :238

صَلَواتُکَ وَسَلامُکَ وَ رَحْمَتُکَ وَ بَرَکاتُکَ عَلَیْهِمْ صَوْتی لِیَشْفَعُوا لی

- که درود و سلام و رحمت و برکات تو بر آنان باد- تا مرا در درگاهت شفاعت کنند

إِلَیْکَ، وَ تُشَفِّعَهُمْ فِیَّ، وَلا تَرُدَّنی خائِباً، بِحَقِّ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ.

و شفاعت آنان را در مورد من بپذیری و مرا مأیوس باز مگردانی به حقّ این که معبودی جز تو نیست.

سپس حوائجت را طلب می کنی که برآورده خواهد شد ان شاءاللّه تعالی. (1)

زیارت ائمّه بقیع: امام حسن مجتبی، امام سجّاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام

فضیلت زیارت آن بزرگواران:

1- «شیخ صدوق» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «هرگاه کسی از شما حجّ کند باید که حجّش را با زیارت ما ختم کند چرا که با آن، حجّ کامل می شود» !(2) 2- «علّامه مجلسی» می فرماید: در حدیث معتبر از عبداللّه بن عباس منقول است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس امام حسن علیه السلام را در بقیع زیارت کند قدمش بر صراط ثابت باشد در روزی که قدمها از آن بلغزد».(3) 3- در کتاب «مقنعه» مرحوم «مفید» از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر کس مرا زیارت کند گناهانش آمرزیده می شود و با تنگدستی از دنیا نمی رود.(4) 4- «ابن قولویه» در «کامل الزیارات»، ضمن حدیث طولانی از هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام آورده است: مردی به خدمت آن حضرت شرفیاب شد و عرض کرد که آیا به زیارت پدرت هم می توان رفت؟

فرمود: آری، عرض کرد: برای زائر او چه پاداشی است؟ فرمود: اگر به امامت او اعتقاد داشته باشد و از وی متابعت کند بهشت از برای اوست! عرض کرد: کسی که از زیارتش روی گرداند، چه کیفری خواهد داشت؟

فرمود: حسرت در روز قیامت که «یوم الحسره» است!...(5)

5- امام صادق علیه السلام از پدرانش از امام مجتبی علیه السلام نقل می کند که خدمت جدّش رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله عرض کرد: «پدر! پاداش کسی که تو را زیارت کند چیست؟ فرمود: کسی که مرا یا پدرت را یا تو را یا

1- [254]اقبال، صفحه 624- 626 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 199، حدیث 20(با اندکی تفاوت).
2- [255]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 139، حدیث 1، به نقل از علل الشرایع، جلد 2، صفحه 459، حدیث 1 و عیون اخبار الرضا، جلد 2، صفحه 262، حدیث 28.
3- [256]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 141، حدیث 14، به نقل از امالی صدوق، صفحه 115.
4- [257]مقنعه، صفحه 474..
5- [258]کامل الزیارات، صفحه 194، حدیث 7، باب 78.

برادرت را زیارت کند، حقّ است بر من که او را در روز قیامت زیارت کنم تا او را از گناهانش پاک سازم».(1) 6- در «کامل الزیارات» از امام باقر علیه السلام از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: کسی که مرا، یا یکی از ذریّه مرا زیارت کند، او را در روز قیامت زیارت خواهم کرد و از مشکلات و سختیهای آن روز، نجاتش خواهم داد.(2) 7- نیز در «کامل الزیارات» از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که به علی علیه السلام فرمود: «هر کس من یا تو یا دو فرزندت (حسن و حسین) را در زمان حیات، یا پس از مرگ زیارت کند، ضمانت می کنم که در روز قیامت او را از اهوال و شداید آن روز رهایی بخشم، تااو را با خودم و در جوار خودم قرار دهم».(3)

کیفیّت زیارت ائمّه بقیع علیهم السلام از نزدیک:

هنگامی که خواستی به زیارتشان بروی شایسته است آنچه را در آداب زیارات در ابتدای بخش زیارات نقل شد، بجا آوری؛ مثل غسل، یا وضو و پوشیدن جامه های پاک و استعمال بوی خوش، سپس یکی از این زیارات را می خوانی:

زیارت اوّل: زیارتی است که مرحوم «ابن قولویه» در «کامل الزیارات»، آن را از یکی از امامان معصوم علیهم السلام نقل می کند؛ بدین ترتیب: (4)

وقتی به زیارت قبور ائمّه بقیع علیهم السلام مشرّف شدی (در صورتی که مانع نشوند) نزدیک آن قبور مقدّس برو و پشت به قبله، قبور مطهّر آن بزرگواران را مقابل خود قرار ده و بگو:

السَّلامُ عَلَیْکُمْ ائِمَّهَ الْهُدی السَّلامُ عَلَیْکُمْ اهْلَ البِرِّ وَالتَّقْوی السَّلامُ

سلام بر شما امامان هدایتگر، سلام بر شما اهل نیکی و پرهیزکاری، سلام

عَلَیْکُمْ ایُّهَا الْحُجَجُ علی اهْلِ الدُّنْیا، السَّلامُ عَلَیْکُمْ ایُّهَا الْقُوّامُ (5)فِی

بر شما ای حجّتها (ی خدا) بر اهل دنیا، سلام بر شما ای قیام کنندگان

1- [259]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 141، حدیث 12، به نقل از امالی صدوق، صفحه 59، حدیث 4. عین همین روایت در کامل الزیارات به سند دیگری از امام صادق علیه السلام از امام حسین علیه السلام نقل شده است(کامل الزیارات، صفحه 11، حدیث 5، باب 1).
2- [260]کامل الزیارات، صفحه 11، حدیث 4، باب 1.
3- [261]همان مدرک، حدیث 3.
4- [262]قابل توجّه است که مؤلّف مزار کبیر این زیارت را با مقدّمه ای مشتمل بر اذن دخول، نقل می کند با تعبیری که نشان می دهد که در عصر مؤلّف این کتاب، قبور ائمّه بقیع علیهم السلام از قبّه و بارگاهی برخوردار بود(رجوع شود به: مزار کبیر، صفحه 88 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 211، حدیث 10). نکته دیگر آن که: چون اذن دخولی که در مزار کبیر آمده، در کامل الزیارات که منبع اصلی این زیارت است، نیامده، ما آن را نیاوردیم؛ بنابراین، برای اذن دخول ائمه بقیع، می توان از همان اذن دخول عامی که پیش از این در صفحه 222 گذشت، استفاده کرد.
5- [263]کامل الزیارات: «القوّامین»

الْبَرِيَّهِ بِالْقِسْطِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ اهْلَ الصَّفْوَهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ آلَ 264] رَسُولِ

به عدالت در ميان مخلوقات، سلام بر شما اى شايستگان براى انتخاب، سلام بر شما خاندان رسول

اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ اهْلَ النَّجْوى اشْهَدُ انَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ

خدا، سلام بر شما اى وارثان افتخار نجواى على (ع)، گواهى مى دهم كه شما پيام خدا را رسانده و خيرخواهى كرده و در راه

فى ذاتِ اللَّهِ، وَكُذِّبْتُمْ، وَاسيئَ الَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَاشْهَدُ انَّكُمُ الْأَئِمَّهُ

خدا صبر نموديد، و تكذيب شديد و به شما بدى شد ولى شما آنها را بخشيديد، و گواهى مى دهم كه شما امامان

الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَانَّ طاعَتَكُمْ مَفْرُوضَهٌ، وَانَّ قَوْلَكُمُ الصِّدْقُ،

راهنما و هدايت يافته ايد و به يقين اطاعت از شما واجب و سخن شما راست است

وَانَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجابُوا، وَ امَرْتُمْ فَلَمْ تُطاعُوا، وَانَّكُمْ دَعائِمُ الدّينِ

و به يقين شما (به راه حق) دعوت نموديد ولى اجابت نشد و فرمان داديد و اطاعت نشد و به يقين شما ستونهاى دين

وَارْكانُ الْأَرْضِ، لَمْ تَزالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ، يَنْسَخُكُمْ مِنْ اصْلابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ،

و اركان زمين هستيد، همواره مورد توجّه خدا بوديد، شما را از صلبهاى پاک خارج ساخت

وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ ارْحامِ الْمُطَهَّراتِ، لَمْ تُدَنِّسْكُمُ الْجاهِلِيَّهُ الْجَهْلاءُ، وَلَمْ

و به رحمهاى پاک منتقل نمود، نادانى جاهلان شما را آلوده نساخت، و فتنه هاى

تَشْرَكْ فيكُمْ فِتَنُ الْأَهْوآءِ، طِبْتُمْ وَطابَ مَنْبَتُكُمْ، مَنَّ بِكُمْ عَلَيْنا دَيَّانُ

هوای نفس در وجود شما شریک نشد، پاک بودید و اصل و نسب شما پاک بود، به واسطه شما خداىِ جزا دهنده بر ما منّت گذارد،

الدّینِ، فَجَعَلَکُمْ فی بُیُوتٍ اذِنَ اللَّهُ انْ تُرْفَعَ، وَیُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ

پس شما را در خانه هایی قرار داد که خداوند اجازه فرموده دیوارهای آن را بالا برند، خانه هایی که نام خدا در آن برده می شود،

صَلاتَنا عَلَیْکُمْ رَحْمَةً لَنا، وَکَفَّارَةً لِذُنُوبِنا، اذِ اخْتارَکُمُ اللَّهُ لَنا، وَ طَیَّبَ

و درودمان را بر شما رحمتی برای ما و کفّاره گناهان ما قرار داد، زیرا خداوند شما را برای (هدایت) ما برگزید و با

خَلْقَنا بِما مَنَّ عَلَیْنا مِنْ وِلایَتِکُمْ، وَکُنَّا عِنْدَهُ مُسَمّینَ بِعِلْمِکُمْ، مُعْتَرِفینَ

ولایت شما که بر ما منّت گذاشت، خلقت ما را پاکیزه گردانید، و ما در پیشگاه او به علم شما نامیده شدیم، و

بِتَصْدیقِنا ایَّاکُمْ، وَهذا مَقامُ مَنْ اسْرَفَ وَاخْطَا وَاسْتَکانَ وَاقَرَّ بِما جَنی

به تصدیق کردن (مقام و مرتبه) شما معترفیم، و این است جایگاه کسی که زیاده روی کرده و خطا نموده و درمانده شده و به جنایت خود اقرار دارد

ص: 241

وَ رَجی بِمَقامِهِ الْخَلاصَ، وَ انْ یَسْتَنْقِذَهُ بِکُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْکی مِنَ

و امید رهایی از این جایگاه را دارد، و به واسطه شما، نجات بخش هلاک شوندگان، او را رهایی بخشد،

الرَّدی فَکُونُوا لی شُفَعآءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ الَیْکُمْ اذْ رَغِبَ عَنْکُمْ اهْلُ الدُّنْیا،

پس شفیعان من باشید، به یقین من به شما رو نموده ام در زمانی که اهل دنیا از شما رو گردانده اند

وَاتَّخَذُوا آیاتِ اللَّهِ هُزُواً، وَاسْتَکْبَرُوا عَنْها، یا مَنْ هُوَ قآئِمٌ لا یَسْهُو،

و آیات الهی را به سخره گرفته و به آن پشت کرده اند، ای کسی که پایدار هستی و اشتباه و خطا نمی کنی

وَدآئِمٌ لایَلْهُو، وَمُحیطٌ بِکُلِّ شَیْ ءٍ، لَکَ الْمَنُّ بِما وَفَّقْتَنی وَعَرَّفْتَنی بِما(1)

و پاینده ای که کار بیهوده انجام ندهی و بر همه چیز احاطه داری، بر من منّت نهادی به واسطه آنچه مرا به آن موفّق داشتی و به من معرفی کردی

اقَمْتَنی عَلَیْهِ اذْ صَدَّ عَنْهُ عِبادُکَ، وَجَهِلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ،

آنچه را که مرا به آن واداشتی آن هنگام که بندگانت از آن امتناع کرده و آن را نشناخته و حقّش را سبک شمردند

وَمالُوا الی سِواهُ، فَکانَتِ الْمِنَّهُ مِنْکَ عَلَیَّ مَعَ اقْوامٍ خَصَصْتَهُمْ بِما

و به سوی غیر آن منحرف شدند، پس بر من و مردمی که همانند من مخصوصشان ساختی منّت داری،

خَصَصْتَنی بِهِ، فَلَکَ الْحَمْدُ اذْ کُنْتُ عِنْدَکَ فی مَقامی هذا مَذْکُوراً مَکْتُوباً،

حمد و سپاس از آن توست در آن هنگام که من در این جایگاه یادشده و ثبت شده در نزدت بودم

فَلا تَحْرِمْنی ما رَجَوْتُ، وَلا تُخَیِّبْنی فیما دَعَوْتُ، بِحُرْمَهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از آنچه امید دارم محرومم مکن و در آنچه خواستم ناامیدم مگردان، به احترام محمّد و خاندان

الطَّاهِرینَ، وَصَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.(2)

پاکش، و درود خدا بر محمّد و خاندان پاکش باد.

سپس هر چه را که دوست داری، برای خودت بخواه.(3)

***

زیارت دوم: زیارت جامعه است که به زودی ذکر آن خواهد آمد ان شاءاللّٰه (صفحه 537)، و به نظر «علّامه مجلسی» و دیگران از بهترین زیارات است.

زیارت سوم: زیارتی است که ذکر آن برای این چهار امام بزرگوار علیهم السلام در ایّام هفته خواهد آمد.

(صفحه 992 و 993)

ص: 242

1- [265]کامل الزیارات:« و عرّفتنی ائمّتی و بما».
2- [266]کامل الزیارات از« و صلی الله» تا آخر وجود ندارد، ولی در بحار آمده است.
3- [267]کامل الزیارات، باب 15، حدیث 2 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 203، حدیث 1.

از خواندن صلوات بر این بزرگواران علیهم السلام که در اواخر بخش زیارات خواهد آمد نیز، نباید غافل شد.

(صفحه 561)

کیفیّت زیارت ائمّه بقیع و سایر امامان علیهم السلام از راه دور:

در فضیلت زیارت این بزرگواران از دور نیز روایات بسیاری نقل شده است که از آن جمله است:

1- ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

«إِذا بَعُدَتْ بِأَحَدِکُمْ الشُّقَّهُ وَ نَأَتْ بِهِ الدّارُ فَلْیَعْلِ أَعْلی مَنْزِلٍ لَهُ، فَیُصَلِّیَ رَکْعَتَیْنِ، وَ لْیَؤُمَّ بِالسَّلامِ إِلی قُبُورِنا، فَإِنَّ ذلکَ یَصِلُ إِلَیْنا؛

کسی که توان زیارت از نزدیک را ندارد در جای بلندی قرار گیرد و دو رکعت نماز بخواند سپس روی به سوی قبور ما کند و سلام دهد که به ما خواهد رسید». (1) 2- سلیمان بن عیسی از پدرش نقل می کند: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: وقتی که توان زیارت تو را از نزدیک ندارم چگونه شما را زیارت کنم؟ فرمود: «ای عیسی! اگر توان آمدن نزد ما را نداری روز جمعه غسل کن، یا وضو بگیر و زیر آسمان قرار گیر و دو رکعت نماز بخوان و به سوی من توجّه کن، پس هر کس در زمان حیاتم مرا زیارت کند گویا در زمان مماتم مرا زیارت کرده است و هر کس در زمان مماتم مرا زیارت کند، گویا در زمان حیات مرا زیارت کرده است»! (2) یادآوری:

الف) همان گونه که مرحوم «علّامه مجلسی» (3) در ذیل این روایت فرموده، از این روایت به دست می آید که زیارت امام حیّ از دور، به همین صورتی که در روایت آمده، جایز است و این دلیلی است بر امکان زیارت حضرت حجّت علیه السلام در هر مکانی.

ب) گرچه از این دو روایت استفاده می شود که سلام و زیارت آن بزرگواران از راه دور با هر عبارتی ممکن است، امّا اگر کسی بخواهد با زیارتی که از طرف معصومین علیهم السلام رسیده، آنان را زیارت کند رجوع کند به فصل زیارت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از راه

دور که در آن جا از «سیّد بن طاووس» زیارتی برای آن حضرت و سایر ائمّه علیهم السلام از دور نقل کردیم. (صفحه 229)

زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله:

در کتب معروف زیارت چنین آمده است که نزد قبر ابراهیم (در قبرستان بقیع) می ایستی و می گویی:

1- [268]کامل الزیارات، باب 96، صفحه 286، حدیث 1 و تهذیب، جلد 6، صفحه 103، حدیث 1.
2- [269]کامل الزیارات، باب 96، صفحه 287، حدیث 4.
3- [270]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 366.

السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی نَبِیِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی حَبیبِ اللَّهِ،

سلام بر فرستاده خدا، سلام بر پیامبر خدا، سلام بر محبوب خدا

السَّلامُ عَلی صَفِیِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی نَجِیِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ

سلام بر برگزیده خدا، سلام بر رازدار خدا، سلام بر محمّد بن عبداللَّه

اللَّهِ، سَیِّدِ الْأَنْبِیآءِ وَخاتَمِ الْمُرْسَلینَ، وَ خِیَرَهِاللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فی ارْضِهِ

آقا و سرور پیامبران و خاتم فرستادگان، و برگزیده خدا از میان مخلوقاتش در زمین

وَسَمآئِهِ، السَّلامُ عَلی جَمیعِ انْبِیاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلامُ عَلَی السُّعَدآءِ

و آسمان، سلام بر همه پیامبران خدا و فرستادگانش، سلام بر سعادتمندان

وَالشُّهَدآءِ وَالصَّالِحینَ، السَّلامُ عَلَیْنا وَعَلی عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحینَ، السَّلامُ

و شهیدان و شایستگان، سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا، سلام

عَلَیْکَ ایَّتُهَا الرُّوحُ الزَّاکِیَهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایَّتُهَا النَّفْسُ الشَّریفَهُ، السَّلامُ

بر تو ای روح پاک، سلام بر تو ای نفس باشرافت،

عَلَیْکَ ایَّتُهَا السُّلالَهُ الطَّاهِرَهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایَّتُهَا النَّسَمَهُ الزَّاکِیَهُ، السَّلامُ

سلام بر تو ای نسل پاکیزه، سلام بر تو ای شخص پاک، سلام

عَلَیْکَ یَابْنَ خَیْرِ الْوَری، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ النَّبِیِّ الْمُجْتَبی، السَّلامُ

بر تو ای فرزند بهترین مخلوقات، سلام بر تو ای فرزند پیامبر برگزیده، سلام

عَلَیْکَ یَابْنَ الْمَبْعُوثِ الی کافَّهِ الْوَری السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ الْبَشیرِ

بر تو ای فرزند کسی که برای (هدایتِ) تمام مردم برانگیخته شد، سلام بر تو ای فرزند امیدبخش

النَّذیرِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ السِّراجِ الْمُنیرِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ الْمُؤَیَّدِ

و بیم دهنده، سلام بر تو ای فرزند چراغ فروزانِ (هدایت)، سلام بر تو ای فرزند کسی که

بِالْقُرآنِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ الْمُرْسَلِ الَی الْإِنْسِ وَالْجآنِّ، السَّلامُ عَلَیْکَ

به قرآن تأیید شده، سلام بر تو ای فرزند کسی که به سوی انس و جن فرستاده شده، سلام بر تو

یَابْنَ صاحِبِ الرَّایَهِ وَ الْعَلامَهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ الشَّفیعِ یَوْمَ الْقِیمَهِ،

ای فرزند صاحب پرچم و نشانه (هدایت)، سلام بر تو ای فرزند شفیع روز قیامت.

السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ مَنْ حَباهُ اللَّهُ بِالْکَرامَهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَهُ اللَّهِ

سلام بر تو ای فرزند کسی که خداوند، بزرگواری را به او عنایت فرمود، سلام و رحمت و برکات خدا

ص :244

وَبَرَكاتُهُ، اشْهَدُ انَّكَ قَدِ اخْتارَ اللَّهُ لَكَ دارَ انْعامِهِ، قَبْلَ انْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ

بر تو باد، گواهى مى دهم كه به يقين خداوند سراى پرنعمت خود را براى تو برگزيد پيش از آن كه احكامش را

احْكامَهُ، اوْ يُكَلِّفَكَ حَلالَهُ وَحَرامَهُ، فَنَقَلَكَ الَيْهِ طَيِّباً زاكِياً مَرْضِيّاً،

بر تو واجب كند يا حلال و حرامش را بر تو تكليف نمايد، پس تو را پاكيزه و پاک و خشنود

طاهِراً مِنْ كُلِّ نَجَسٍ، مُقَدَّساً مِنْ كُلِّ دَنَسٍ، وَبَوَّئَكَ جَنَّةَ الْمَأْوى

و پاک از هر ناپاكى و پيراسته از هر آلودگى به آن سرا منتقل ساخت، و بهشت را جايگاه تو قرار داد،

وَرَفَعَكَ الَى الدَّرَجاتِ الْعُلى وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلاةً يَقِرُّ بِها عَيْنُ

و به درجات عالى تو را بالا برد، و درود خدا بر تو باد درودى كه مايه چشم روشنى

رَسُولِهِ، وَ يُبَلِّغُهُ اكْبَرَ مَأْمُولِهِ، اللهُمَّ اجْعَلْ افْضَلَ صَلَواتِكَ وَازْكاها،

رسول خدا گردد و او را به بزرگترين آرزويش برساند، خدايا قرار ده برترين و پاكيزه ترين درودهايت

وَانْمى بَرَكاتِكَ وَاوْفاها، عَلى رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،

و بيشترين و فراوانترين بركاتت را بر رسول و پيامبرت و برگزيده ات از ميان مخلوقات

مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ، وَعَلى ما نَسَلَ مِنْ اوْلادِهِ الطَّيِّبينَ، وَعَلى ما خَلَّفَ

محمّد خاتم پيامبران و بر اولاد پاكيزه از نسلش و بر جانشينان

مِنْ عِتْرَتِهِ الطَّاهِرينَ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، اللهُمَّ انّى اسْئَلُكَ

از خاندان پاکش (قرار ده) به رحمتت ای مهربانترین مهربانان، خدایا به حقّ برگزیده ات

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِیِّکَ، وَابْراهِیمَ نَجْلِ نَبِیِّکَ، انْ تَجْعَلَ سَعْیی بِهِمْ

محمّد و ابراهیم فرزند پیامبرت از تو می خواهم که به واسطه آنان تلاشم را

مَشْکُوراً، وَذَنْبی بِهِمْ مَغْفُوراً، وَحَیاتی بِهِمْ سَعیدَهً، وَعاقِبَتی بِهِمْ

مورد سپاس، و گناهم را آمرزیده، و زندگانیم را سعادتمند، و عاقبتم را

حَمیدَهً، وَ حَوآئِجی بِهِمْ مَقْضِیَّهً، وَافْعالِی بِهِمْ مَرْضِیَّهً، وَامُوری بِهِمْ

ستوده و نیازهایم را برآورده شده، و کردارم را پسندیده، و کارهایم را

مَسْعُودَهً، وَشُئُونی بِهِمْ مَحْمُودَهً، اللهُمَّ وَاحسِنْ لِیَ التَّوْفیقَ، وَنَفِّسْ

با سعادت، و رفتارم را ستوده قرار دهی، خدایا توفیقم را نیکو گردان و اندوه

عَنِّی کُلَّ هَمٍّ وَضیقٍ، اللهُمَّ جَنِّبْنی عِقابَکَ، وَامْنَحْنی ثَوابَکَ، وَاسْکِنِّی

و دلتنگی را از من بزدای، خدایا مرا از کیفرت دور ساز و پاداشت را به من عطا کن و در بهشتت

جَنَّاتِکَ، وَارْزُقْنی رِضْوانَکَ وَامانَکَ، وَاشْرِکْ لی فی صالِحِ دُعائی والِدَیَ

ساکن گردان، و خشنودی و ایمنیت را روزیم کن، و در دعای خیرم پدر و مادر

وَوُلْدی وَجَمیعَ الْمُؤمِنینَ وَالْمُؤمِناتِ، الْأَحْیآءَ مِنْهُمْ وَالْأَمْواتِ، انَّکَ

و فرزندانم و تمامی زنان و مردان باایمان، زنده و مرده آنان را شریک گردان، زیرا تو

وَلِیُّ الْباقِیاتِ الصَّالِحاتِ، آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ.

به یقین صاحب اعمال نیک هستی، دعایم را بپذیر ای پروردگار جهانیان.

سپس حاجات خود را از خدا می خواهی و دورکعت نماز زیارت می خوانی. (1) (با توجّه به این که در شرایط فعلی مانع انجام نماز در کنار این قبور مقدّسه می شوند، این نمازها را می توان در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله که نزدیک بقیع است بجا آورد).

زیارت حضرت فاطمه بنت اسد مادر گرامی امیرمؤمنان علی علیه السلام:

«علّامه مجلسی» از «شیخ مفید» و «سیّد بن طاووس» و «شهید اوّل» رضوان اللّه تعالی علیهم زیارتی را برای فاطمه بنت اسد مادر گرامی امیر مؤمنان علی علیه السلام که در بقیع مدفون است، نقل کرده است، به این صورت:

السَّلامُ عَلی نَبِیِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ

سلام بر پیامبر خدا، سلام بر فرستاده خدا، سلام بر محمّد آقا و سرور

الْمُرْسَلینَ، السَّلامُ عَلی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْأَوَّلینَ، السَّلامُ عَلی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ

فرستادگان، سلام بر محمّد آقا و سرور پیشینیان، سلام بر محمّد آقا و سرور

الْأخِرینَ، السَّلامُ عَلی مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِلْعالَمینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا

پسینیان، سلام بر کسی که خدا او را به عنوان رحمت برای جهانیان مبعوث کرد، سلام و

النَّبِیُّ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلی فاطِمَهَ بِنْتِ اسَدٍ الْهاشِمِیَّهِ،

رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر، سلام بر فاطمه دختر اسد، آن بانوی هاشمی

السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا الصِّدّیقَهُ الْمَرْضِیَّهُ، السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا التَّقِیَّهُ النَّقِیَّهُ،

سلام بر تو ای بانوی راستگوی پسندیده، سلام بر تو ای بانوی پرهیزکار پاکیزه،

السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا الْکَریمَهُ الرَّضِیَّهُ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا کافِلَهَ مُحَمَّدٍ خاتَمِ

سلام بر تو ای بانوی باکرامت خشنود از پروردگار، سلام بر تو ای عهده دار پرورش محمّد خاتم

ص: 246

1- [271]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 217، حدیث 16 و مصباح الزائر، صفحه 56.

النَّبِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا والِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا مَنْ

پیامبران، سلام بر تو ای مادر آقا و سرور جانشینان، سلام بر تو ای بانویی که

ظَهَرَتْ شَفَقَتُها عَلی رَسُولِ اللَّهِ خاتَمِ النَّبيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا مَنْ

به رسول خدا خاتم پیامبران مهر ورزیدی، سلام بر تو ای بانویی که

تَرْبِيَتُها لِوَلِيِّ اللَّهِ الْأَمينِ، السَّلامُ عَلَيْكِ وَ عَلی رُوحِكِ وَ بَدَنِكِ الطَّاهِرِ،

عهده دار پرورش ولیّ امین خدا بودی، سلام بر تو و بر روح و بدن پاکت

السَّلامُ عَلَيْكِ وَعَلی وَلَدِكِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ، اشْهَدُ انَّكِ احْسَنْتِ

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو و فرزندت، گواهی می دهم که تو نیکو

الْكِفالَةَ، وَادَّيْتِ الْأَمانَةَ، وَاجْتَهَدْتِ فی مَرْضاتِ اللَّهِ، وَبالَغْتِ فی حِفْظِ

پروراندی و امانت را ادا نمودی، و در جلب خشنودی خداوند کوشیدی، و در محافظت از رسول خدا

رَسُولِ اللَّهِ، عارِفَةً بِحَقِّهِ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ، مُعْتَرِفَةً بِنُبُوَّتِهِ، مُسْتَبْصِرَةً

سعی فراوان کردی، در حالی که حقّش را شناخته و به صداقتش ایمان داشتی و به پیامبریش اعتراف کرده و به نعمت حضورش

بِنِعْمَتِهِ، كافِلَةً بِتَرْبِيَتِهِ، مُشْفِقَةً عَلی نَفْسِهِ، واقِفَةً عَلی خِدْمَتِهِ، مُخْتارَةً

آگاه بودی، و پرورشش را بر عهده گرفته و بر او مهربان بودی، خود را وقف خدمت به او نموده و رضایتش را

رِضاهُ، وَاشْهَدُ انَّكِ مَضَيْتِ عَلَی الْإِيمانِ، وَالتَّمَسُّكِ بِاشْرَفِ الْأَدْيانِ،

جلب کردی، گواهی می دهم که تو با ایمان و پایبند به برترین دین درگذشتی

راضِیَهً مَرْضِیَّهً، طاهِرَهً زَکِیَّهً، تَقِیَّهً نَقِیَّهً، فَرَضِیَ اللّهُ عَنْکِ وَارْضاکِ،

در حالی که خشنود و پسندیده، پاک و پاکیزه، پرهیزکار و پاک بودی، پس خداوند از تو خشنود شد و تو را خشنود گردانید

وَجَعَلَ الْجَنَّهَ مَنْزِلَکِ وَ مَاْویکِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

و بهشت را منزل و جایگاه تو قرار داد، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

وَانْفَعْنی بِزِیارَتِها، وَثَبِّتْنی عَلی مَحَبَّتِها، وَلا تَحْرِمْنی شَفاعَتَها،

و زیارتش را برایم سودمند و مرا بر محبّتش ثابت قدم گردان و از شفاعتش

وَشَفاعَهَ الْأَئِمَّهِ مِنْ ذُرِّیَّتِها، وَارْزُقْنی مُرافَقَتَها، وَاحْشُرْنی مَعَها وَمَعَ

و شفاعت امامان از نسلش محروم مگردان، و همراهیش را روزیم کن و مرا با او

اوْلادِهَا الطَّاهِرینَ، اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتی ایّاها،

و فرزندان پاکش محشور کن، خدایا این زیارت را آخرین زیارتم از این بانو قرار مده

ص: 247

وَارْزُقْنِی الْعَوْدَ الَیْها ابَداً ما ابْقَیْتَنی وَاذا تَوَفَّیْتَنی فَاحْشُرْنی فی زُمْرَتِها،

و تا مادامی که زنده ام بازگشت برای زیارتش را روزیم کن، و هنگامی که از دنیا رفتم در جمع او محشورم نما

وَادْخِلْنی فی شَفاعَتِها، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، اللَّهُمَّ بِحَقِّها عِنْدَکَ،

و مرا در میان شفاعت شدگانش داخل کن، به رحمتت ای مهربانترین مهربانان، خدایا به حق او در نزدت

وَمَنْزِلَتِها لَدَیْکَ، اغْفِرْ لی وَلِوالِدَیَّ، وَلِجَمیعِ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ،

و جایگاهش در پیشگاهت، من و پدر و مادرم و همه مردان و زنان باایمان را بیامرز

وَآتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً، وَ فِی الْأخِرَهِ حَسَنَهً، وَقِنا بِرَحْمَتِکَ عَذابَ النَّارِ.

و به ما در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و به رحمتت ما را از عذاب آتش نگاه دار.

سپس دو رکعت نماز زیارت می خوانی و آنچه که دوست داری دعا می کنی.(1)

زیارت مشاهد و مساجد مدینه:

1- یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: خدمت آن حضرت عرض کردم: هرگاه بخواهم سری به مساجد (و مشاهد) اطراف مدینه بزنم از کجا شروع کنم؟

فرمود: «از مسجد قبا شروع کن و در آن نماز بخوان و زیاد هم نماز بخوان چرا که اوّلین مسجدی است که رسول اللَّه صلی الله علیه و آله در آن نماز خواند. سپس به «مشربه امّ ابراهیم» برو و در آن جا نماز بگزار؛ چرا که آن، مسکن و مصلّای رسول اللَّه صلی الله علیه و آله بود. سپس وارد مسجد «فضیخ»(2) (که مسجد «ردّ شمس» نیز نام دارد و نزدیک مسجد قباست) می شوی و دو رکعت نماز می خوانی چرا که آن مسجدی است که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن نماز خواند.

سپس به جانب «احد» می روی و از مسجدی که قبل از احد است آغاز می کنی و در آن نماز می خوانی، آنگاه نزد قبر «حمزه بن عبدالمطلب» می روی و بر او سلام می کنی، سپس سری به قبور شهدا می زنی و خطاب به آنان می گویی:

السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اهْلَ الدِّیارِ، أَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ، وَ إِنَّا بِکُمْ لاحِقُونَ.(3)

پس از آن وارد مسجدی می شوی که در جنب کوه، در جانب راست و در مدخل احد قرار دارد، و در آن نماز می گزاری ... آنگاه وارد مسجد احزاب (که مسجد فتح نیز نام دارد) می شوی و در آن نماز می خوانی چرا که رسول اللَّه صلی الله علیه و آله، روز احزاب در آن مسجد دعا کرد و عرض کرد:

ص: 248

1- [272]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 218، حدیث 17 و مصباح الزائر، صفحه 58.

2- [273]متأسّفانه مسجد« فضیخ» و« مشربه امّ ابراهیم» را تخریب کرده اند.

3- [274]فضیلت زیارت حمزه و زیارتی که برایش نقل شده و نیز زیارت دیگری برای شهدای احد در صفحه 248 خواهد آمد.

«یا صَریخَ الْمَکْرُ و بینَ، وَ یا مُجیبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرّینَ، وَ یا مُغیثَ الْمَهْمُومینَ،

ای دادرس گرفتاران، و ای اجابت کننده دعای درماندگان، و ای فریادرس غمزدگان،

اکْشِفْ هَمّی وَ کَرْبی وَ غَمّی فَقَدْ تَری حالی وَ حالَ اصْحابی .(1)

غم و گرفتاری و اندوهم را برطرف کن، زیرا تو شاهد حال من و همراهانم هستی.

2- مطابق آنچه در «مصباح الزائر»(2) «سیّد بن طاووس» آمده زائر می تواند دعایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد احزاب خواندند را برای تطبیق بر خودش تغییر دهد و بعد از خواندن دو رکعت نماز چنین بگوید:

یا صَریخَ الْمَکْرُوبینَ، وَیا مُجیبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرّینَ، وَیا مُغیثَ

ای دادرس گرفتاران، و ای اجابت کننده دعای درماندگان، و ای فریادرس

الْمَهْمُومینَ، اکْشِفْ عَنّی ضُرّی وَهَمّی وَکَرْبی وَغَمّی کَما کَشَفْتَ عَنْ

غمزدگان، ضرر و گرفتاری و اندوه و غمم را برطرف کن، همان گونه که اندوه را از

نَبِیِّکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ هَمَّهُ، وَ کَفَیْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَاکْفِنی ما اهَمَّنی

پیامبرت- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- برطرف نمودی، و هراس از دشمنش را از او دور ساختی، آنچه از امور

مِنْ امْرِ الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.

دنیا و آخرت مرا به زحمت انداخته کفایت کن، ای مهربانترین مهربانان.

3- سپس «سیّد بن طاووس» می نویسد: و نماز می گزاری به مقداری که برایت ممکن است در خانه حضرت امام زین العابدین علیه السلام و خانه امام جعفر صادق علیه السلام و در مسجد سلمان فارسی و مسجد امیرمؤمنان که محاذی قبر حمزه است و مسجد مباهله، و دعا می کنی به

آنچه می خواهی.(3) غالب این مساجد امروز موجود است و به نام مساجد سبعه (هفتگانه) نامیده می شود و معمولاً زوّار مدینه را یک روز به زیارت همه آنها می برند، ولی از بعضی از این آثار در حال حاضر اثری نیست.

زیارت حضرت حمزه علیه السلام

فضیلت زیارت حضرت حمزه علیه السلام:

1- «فخرالمحقّقین» در رساله «النیّه» روایتی را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: هر که مرا زیارت کند، ولی به زیارت عمویم حمزه نرود در حقّ من جفا کرده است!(4)

1- [275]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 213، حدیث 4 و کامل الزیارات، صفحه 23، حدیث 2 و صفحه 26، حدیث 5.
2- [276]مصباح الزائر، صفحه 64.
3- [277]همان مدرک، صفحه 65 و رجوع کنید به: مزارکبیر، صفحه 102.
4- [278]مستدرک الوسائل، جلد 10، صفحه 198، حدیث 2.

2- و نیز «محدّث قمی» در «بیت الاحزان» روایت کرده که حضرت فاطمه علیها السلام بعد از وفات پدر بزرگوار خود هر هفته، روزهای دوشنبه و پنج شنبه به زیارت حمزه و شهدای احد می رفت و نماز می خواند و در آن جا دعا می کرد و تا زمان وفاتش آن را ترک نفرمود و بعضی از راویان گفته اند که آن سیّده جلیله سر قبر حمزه می رفت و گریه می کرد و من در یکی از روزها به زیارت حمزه مشرّف شدم دیدم که آن مظلومه نزد قبر حمزه مشغول به گریه است، من صبر کردم تا گریه اش فرو نشست، نزدیک رفتم و سلام کردم و گفتم:

یا سیّدَهَ النِّسْوانِ به خدا سوگند که با گریه ات رگهای دلم را قطع کردی. فرمود: برای من گریستن سزاوار است چرا که داغدار بهترین پدر هستم. سپس گفت:

واشَوْقاهُ الی رَسُولِ اللَّه صلی الله علیه و آله

آنگاه این بیت را زمزمه کرد:

اذا ماتَ یَوْماً مَیِّتٌ قَلَّ ذِکرُهُ وَذِکْرُ ابی مُذْ ماتَ وَاللَّهِ اکْثَرُ(1)

هنگامی که شخصی بمیرد کم از او یاد می شود ولی به خدا سوگند یاد پدرم بعد از رحلتش بیشتر شده است

3- «شیخ مفید» می نویسد: رسول اللَّه صلی الله علیه و آله در زمان حیاتش امر فرمود که به زیارت قبر حمزه بروند و حضرتش خود نیز به زیارت حمزه و سایر شهدا می رفت و حضرت فاطمه علیها السلام نیز پس از وفات پدر بزرگوارش هر صبح و هر شام (برای تسلّی خاطر) به زیارت قبر حمزه می رفت و مسلمانان هم پی در پی به زیارت قبرش می رفتند. (2)

کیفیّت زیارت حضرت حمزه علیه السلام:

«علّامه مجلسی» از «شیخ مفید» و «سیّد بن طاووس» و «شهید اوّل» رضوان اللَّه تعالی علیهم نقل کرده که برای زیارت قبر حمزه (در احد) می گویی:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

سلام بر تو ای عموی رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- سلام بر تو ای

خَیْرَ الشُّهَدآءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا اسَدَ اللَّهِ وَاسَدَ رَسُولِهِ، اشْهَدُ انَّکَ قَدْ

برترین شهیدان، سلام بر تو ای شیر خدا و رسولش، گواهی می دهم که تو به یقین

جاهَدْتَ فِی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَجُدْتَ بِنَفْسِکَ، وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَکُنْتَ

در راه خداوند عزیز و گرامی جهاد نموده، و جانت را فدا کردی، و برای رسول خدا خیرخواهی نمودی

فیما عِنْدَاللَّهِ سُبْحانَهُ راغِباً، بِابی انْتَ وَامّی اتَیْتُکَ مُتَقَرِّباً الی رَسُولِ

و به آنچه در نزد خدای سبحان است مشتاق بودی، پدر و مادرم فدای تو باد، برای تقرّب به رسول

ص: 250

1- [279]بیت الاحزان، صفحه 168.
2- [280]فصول المختاره، صفحه 131.

اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، بِذلِکَ راغِباً الَیْکَ فِی الشَّفاعَهِ، ابْتَغی بِزِیارَتِکَ

خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- نزد شما آمده و با این کار مشتاق شفاعت شمایم، و با زیارت شما

خَلاصَ نَفْسی مُتَعَوِّذاً بِکَ مِنْ نارٍ اسْتَحَقَّها مِثْلی بِما جَنَیْتُ عَلی

رهاییم را (از عذاب) می طلبم، در حالی که به تو پناهنده ام از آتشی که به واسطه جنایتی که بر خود کرده ام امثال من مستحقّ

نَفْسی هارِباً مِنْ ذُنُوبِیَ الَّتِی احْتَطَبْتُها عَلی ظَهْری فَزِعاً الَیْکَ رَجآءَ

آن هستند و از گناهانی که پشتم را سنگین کرده گریزانم، و به امید

رَحْمَهِ رَبّی اتَیْتُکَ مِنْ شُقَّهٍ بَعیدَهٍ، طالِباً فَکاکَ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ، وَقَدْ

رحمت پروردگارم به تو متوسّل شده ام، از راه دوری نزدتان آمده ام در حالی که رهاییم را از آتش دوزخ خواهانم،

اوْقَرَتْ ظَهْری ذُنُوبی وَاتَیْتُ ما اسْخَطَ رَبّی وَلَمْ اجِدْ احَدًا افْزَعُ الَیْهِ

و سنگینی گناهانم پشتم را خم کرده، و آنچه پروردگارم را به خشم آورده مرتکب شده ام و کسی را بهتر از شما

خَیْراً لی مِنْکُمْ اهْلَ بَیْتِ الرَّحْمَهِ، فَکُنْ لی شَفیعاً یَوْمَ فَقْری وَحاجَتی

خاندان رحمت نمی یابم که به او پناهنده شوم، پس در روز نداری و نیاز شفیعم باش،

فَقَدْ سِرْتُ الَیْکَ مَحْزُوناً، وَاتَیْتُکَ مَکْرُوباً، وَسَکَبْتُ عَبْرَتی عِنْدَکَ باکِیاً،

اندوهگین و گرفتار به سویت آمده ام، و گریه کنان اشک چشمم را در پیشگاهت جاری ساختم

وَصِرْتُ الَیْکَ مُفْرَداً، وَانْتَ مِمَّنْ امَرَنِیَ اللَّهُ بِصِلَتِهِ، وَ حَثَّنی عَلی بِرِّهِ،

و تنها نزدت آمده ام، و تو از کسانی هستی که خداوند دستور پیوستن به آنها را به من داده و مرا بر نیکی به آنها تشویق کرده

وَدَلَّنی عَلی فَضْلِهِ، وَهَدانی لِحُبِّهِ، وَ رَغَّبَنی فِی الْوِفادَهِ الَیْهِ، وَالْهَمَنی

و فضیلت آنها را به من شناسانده و به محبّت آنان هدایتم کرده و به حضور در نزد آنها مشتاقم ساخته،

طَلَبَ الْحَوائِجِ عِنْدَهُ، انْتُمْ اهْلُ بَیْتٍ لا یَشْقی مَنْ تَوَلّاکُمْ، وَلا یَخیبُ مَنْ

و طلب حاجتها را در پیشگاه آنها به من الهام نموده است، شمایید خاندانی که هر کس شما را دوست بدارد بدبخت نمی شود و هر کس نزد شما آید

اتاکُمْ، وَلا یَخْسَرُ مَنْ یَهْویکُمْ، وَلا یَسْعَدُ مَنْ عاداکُمْ* آنگاه رو به قبله می کنی ناامید نگردد، و هر کس به شما دل بندد زیانکار نشود، و هر کس با شما دشمنی کند سعادتمند نگردد********

و دو رکعت نماز زیارت بجا می آوری و پس از آن (در صورت امکان) خود را به قبر می چسبانی و می گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍوَ آلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ انّی تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِکَ بِلُزُومی

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، خدایا با اقامتم نزد قبر عموی پیامبرت

ص :251

لِقَبْرِ عَمِّ نَبِیِّکَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، لِتُجیرَنى مِنْ نِقْمَتِکَ فى یَوْمٍ تَکْثُرُ

- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- به رحمتت رو کرده ام، تا مرا از عذابت پناه دهى در روزى که (از شدّت عذاب)

فیهِ الْأَصْواتُ، وَتَشْغَلُ کُلُّ نَفْسٍ بِما قَدَّمَتْ، وَتُجادِلُ عَنْ نَفْسِها، فَانْ

ناله ها فراوان است و هر کس به آنچه از پیش فرستاده مشغول است و از خود دفاع مى کند پس اگر

تَرْحَمْنِى الْیَوْمَ فَلا خَوْفٌ عَلَیَّ وَلا حُزْنٌ، وَانْ تُعاقِبْ فَمَوْلىً لَهُ الْقُدْرَهُ

در آن روز بر من رحم کنى ترس و اندوهى ندارم، و اگر مجازاتم کنى مولایى هستى که

عَلى عَبْدِهِ، وَلا تُخَیِّبْنى بَعْدَ الْیَوْمِ، وَلا تَصْرِفْنى بِغَیْرِ حاجَتى فَقَدْ

بر بنده ات قدرت دارى، از این پس مأیوسم مکن و مرا بدون برآوردن حاجتم برمگردان، زیرا

لَصِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِیِّکَ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ الَیْکَ ابْتِغآءَ مَرْضاتِکَ، وَ رَجآءَ

به قبر عموى پیامبرت چسبیده ام و به واسطه او براى به دست آوردن خشنودى و امید رحمتت به درگاهت

رَحْمَتِکَ، فَتَقَبَّلْ مِنّى وَعُدْ بِحِلْمِکَ عَلى جَهْلى وَبِرَاْفَتِکَ عَلى جِنایَهِ

تقرّب مى جویم، پس از من بپذیر، و با شکیبابیت بر نادانیم، و با مهربانیت بر جنایتى که بر خود کرده ام

نَفْسى فَقَدْ عَظُمَ جُرْمى وَما اخافُ انْ تَظْلِمَنى وَلکِنْ اخافُ سُوءَ

توجّه فرما، زیرا گناهم بزرگ است، و (هرگز) از این که تو به من ستم کنى نمى ترسم بلکه ترس من از سختى

الْحِسابِ، فَانْظُرِ الْیَوْمَ تَقَلُّبى عَلى قَبْرِ عَمِّ نَبِیِّکَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ،

حساب است، پس امروز به روی آوردنم بر قبر عموی پیامبرت- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- عنایت کن

فَبِهِما فُکَّنی مِنَ النَّارِ، وَلا تُخَیِّبْ سَعْیی وَلا یَهوُنَنَّ عَلَیْکَ ابْتِهالی وَلا

پس به واسطه آن دو بزرگوار مرا از آتش رهایی بخش، و تلاشم را بی نتیجه مگردان، و گریه و زاریم به درگاهت بی اهمیّت نباشد

تَحْجُبَنَّ عَنْکَ صَوْتی وَلا تَقْلِبْنی بِغَیْرِ حَوائِجی یا غِیاثَ کُلِّ مَکْرُوبٍ

و صدایم را از رسیدن به درگاهت منع نکن و بدون برآوردن نیازم بازم مگردان، ای فریادرس هر گرفتار

وَ مَحْزُونٍ، وَیا مُفَرِّجاً عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَیْرانِ الْغَریقِ الْمُشْرِفِ عَلَی

و اندوهگین، و ای رهایی بخش غمگینِ سرگردان و غرق شده در آستانه هلاکت،

الْهَلَکَهِ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْظُرْ الَیَّ نَظْرَهً لا اشْقی بَعْدَها

پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و به من به گونه ای توجّه فرما که هرگز بعد از آن بدبخت نشوم،

ابَداً، وَارْحَمْ تَضَرُّعی وَعَبْرَتی وَانْفِرادی فَقَدْ رَجَوْتُ رِضاکَ،

و بر گریه و اشک و تنهاییم رحم کن، زیرا امید خشنودیت را دارم

ص :252

وَتَحَرَّیْتُ الْخَیْرَ الَّذی لا یُعْطیهِ احَدٌ سِواکَ، فَلا تَرُدَّ امَلی اللهُمَّ انْ

و خیری را می طلبم که جز تو کسی قادر بر عطای آن نیست. پس امیدم را ناامید مگردان، خدایا اگر

تُعاقِبْ فَمَوْلیً لَهُ الْقُدْرَهُ عَلی عَبْدِهِ، وَجَزآئِهِ بِسُوءِ فِعْلِهِ، فَلا اخیبَنَ

مجازاتم کنی پس مولایی هستی که بر بنده ات توانایی، و مجازاتش به خاطر بدی کردارش بوده است، پس امروز

الْیَوْمَ، وَلا تَصْرِفْنی بِغَیْرِ حاجَتی وَلا تُخَیِّبَنَّ شُخُوصی وَوِفادَتی فَقَدْ

مرا مأیوس نکن و بدون برآوردن حاجاتم بازم مگردان، و سفر کردن و وارد شدنم را بی ثمر مگردان، چون

انْفَدْتُ نَفَقَتی وَاتْعَبْتُ بَدَنی وَقَطَعْتُ الْمَفازاتِ، وَخَلَّفْتُ الْأَهْلَ وَالْمالَ

(در این راه) داراییم را صرف نموده و بدنم را خسته کرده و بیابانها را پیموده ام، و خانواده و دارایی

وَ ما خَوَّلْتَنی وَآثَرْتُ ما عِنْدَکَ عَلی نَفْسی وَلُذْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِیِّکَ، صَلَّی

و آنچه به من عطا نموده ای را بر جا گذاشته ام و آنچه در پیشگاه توست را بر خود برگزیده ام و به قبر عموی پیامبرت

اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغآءَ مَرْضاتِکَ، فَعُدْ بِحِلْمِکَ عَلی جَهْلی

- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- پناهنده ام و به واسطه او برای به دست آوردن خشنودیت تقرّب می جویم پس با شکیباییت بر نادانیم

وَبِرَاْفَتِکَ عَلی ذَنْبی فَقَدْ عَظُمَ جُرْمی بِرَحْمَتِکَ یا کَریمُ یا کَریمُ.(1)

و با مهربانیت بر گناهم توجّه فرما، زیرا گناهم بزرگ است، به رحمتت ای بخشنده ای بخشنده.

زیارت سایر شهدای احُد:

..

«علّامه مجلسی» در «بحارالانوار»، زیارت سایر شهدای احد را این چنین آورده است:

السَّلامُ عَلی رَسوُلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی نَبِیِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ

سلام بر فرستاده خدا، سلام بر پیامبر خدا، سلام بر محمّد بن

عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلی اهْلِ بَیْتِهِ الطَّاهِرینَ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ ایُّها الشُّهَدآءُ

عبداللَّه، سلام بر خاندان پاکش، سلام بر شما ای شهیدان

الْمُؤْمِنُونَ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اهْلَ بَیْتِ الْإیمانِ وَالتَّوْحیدِ، السَّلامُ

با ایمان، سلام بر شما ای اهل خانه ایمان و یگانه پرستی، سلام

عَلَیْکُمْ یا انْصارَ دینِ اللَّهِ وَانْصارَ رَسُولِهِ، عَلَیْهِ وَ الِهِ السَّلامُ، سَلامٌ

بر شما ای یاوران دین خدا و فرستاده اش- که بر او و خاندانش درود باد- سلام

ص: 253

1- [281]بحار الانوار، جلد 97، صفحه 220، حدیث 18.

عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ، اشْهَدُ انَّ اللَّهَ اخْتارَکُمْ لِدینِهِ،

بر شما به واسطه بردباریتان، پس چه جایگاه نیکوییست (جایگاه صابران)، گواهی می دهم که خداوند شما را برای (یاری) دین

وَاصْطَفاکُمْ لِرَسُولِهِ، وَاشْهَدُ انَّکُمْ قَدْ جاهَدْتُمْ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ،

و رسولش برگزید، و گواهی می دهم که شما در راه خدا به شایستگی جهاد نمودید،

وَذَبَبْتُمْ عَنْ دینِ اللَّهِ وَعَنْ نَبِیِّهِ، وَجُدْتُمْ بِانْفُسِکُمْ دُونَهُ، وَاشْهَدُ انَّکُم

و از دین خدا و پیامبرش دفاع کرده و جان خود را نثار او نمودید، و گواهی می دهم که شما

قُتِلْتُمْ عَلی مِنْهاجِ رَسُولِ اللَّهِ، فَجَزاکُمُ اللَّهُ عَنْ نَبِیِّهِ وَعَنِ الْإِسْلامِ وَاهْلِهِ

در راه رسول خدا کشته شدید، پس خداوند بهترین پاداش را از جانب پیامبرش و دین اسلام و مسلمانان

افْضَلَ الْجَزآءِ، وَعَرَّفَنا وُجُوهَکُمْ فی مَحَلِّ رِضْوانِهِ، وَمَوْضِعِ اکْرامِهِ،

به شما عطا کند، و منزلت شما را در بهشت و جایگاه اکرامش

مَعَ النَّبِیّینَ وَالصِّدّیقینَ وَالشُّهَدآءِ وَالصَّالِحینَ، وَحَسُنَ اولئِکَ رَفیقاً،

به همراه پیامبران و راستگویان و شهیدان و شایستگان که نیکو رفیقانی هستند- به ما بشناساند

اشْهَدُ انَّکُمْ حِزْبُ اللَّهِ، وَانَّ مَنْ حارَبَکُمْ فَقَدْ حارَبَ اللَّهَ، وَانَّکُمْ لَمِنَ

گواهی می دهم که شما حزب خدایید و هر کس با شما بجنگد با خدا جنگیده و شما به یقین از

الْمُقَرَّبینَ الْفائِزینَ، الَّذینَ هُمْ احْیآءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ، فَعَلی مَنْ قَتَلَکُمْ

مقرّبان و رستگارانید، آنانی که زنده اند و در نزد پروردگارشان روزی می خورند، پس

لَعْنَهُ اللَّهِ وَالْمَلائِکَهِ وَالنَّاسِ اجْمَعینَ، اتَیْتُکُمْ یا اهْلَ التَّوْحیدِ زائِراً،

لعنت خدا و فرشتگان و تمامی مردم بر قاتلان شما باد، ای یگانه پرستان، برای زیارت نزد شما آمده ام

وَبِحَقِّکُمْ عارِفاً، وِبِزِیارَتِکُمْ الَی اللَّهِ مُتَقَرِّباً، وَبِما سَبَقَ مِنْ شَریفِ

و به حقّ شما آشنایم و با زیارت شما به خداوند تقرّب می جویم، و به آنچه در گذشته از کارهای خوب

الْأَعْمالِ وَمَرْضِیِّ الْأَفْعالِ عالِماً، فَعَلَیْکُمْ سَلامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَکاتُهُ،

و پسندیده انجام داده اید آگاهم، پس سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد

وَعَلی مَنْ قَتَلَکُمْ لَعْنَهُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ وَسَخَطُهُ، اللهُمَّ انْفَعْنی بِزِیارَتِهِمْ،

و لعنت و غضب و خشم خدا بر قاتلان شما باد، خدایا زیارت آنان را برایم سودمند گردان

وَثَبِّتْنی عَلی قَصْدِهِمْ، وَتَوَفَّنی عَلی ماتَوَفَّیْتَهُمْ عَلَیْهِ، وَاجْمَعْ بَیْنی

و مرا بر قصد آنان ثابت قدم بدار، و مرا به آن راهی که آنان را میراندی بمیران، و من را با آنان

ص :254

وَبَیْنَهُم فی مُسْتَقَرِّ دارِ رَحْمَتِکَ، اشْهَدُ انَّکُمْ لَنا فَرَطٌ، وَنَحْنُ بِکُمْ لاحِقُونَ.

در بهشت و خانه رحمتت گردهم جمع کن، گواهی می دهم که شما بر ما پیشی گرفتید و ما به شما ملحق می شویم.

آنگاه هر مقدار که ممکن است سوره «

انّا انزلناه

» می خوانی و برمی گردی.(1)

زیارت وداع هنگام خروج از مدینه:

1- یکی از یاران خاصّ امام صادق علیه السلام به نام معاویه بن عمّار از آن حضرت نقل می کند که فرمود:

هرگاه خواستی از مدینه بیرون آیی غسل کن و نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله برو و آنچه را هنگام ورودت بجا آوردی انجام بده و سپس بگو:

اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتی قَبْرَ نَبِیِّکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ،

خدایا این زیارت را آخرین زیارتم از قبر پیامبرت- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- قرار مده،

فَانْ تَوَفَّیْتَنی قَبْلَ ذلِکَ، فَانّی اشْهَدُ فی مَماتی عَلی ما اشْهَدُ عَلَیْهِ فی

پس اگر مرا پیش از آن میراندی، در وقت مردنم گواهی می دهم به آنچه در زندگیم به آن

حَیاتی انْ لا الهَ الَّا انْتَ، وَانَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ.

گواهی داده ام، که معبودی جز تو نیست و محمّد بنده و فرستاده توست.

2- یکی از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت در ارتباط با وداع قبررسول اللّه صلی الله علیه و آله سؤال کرد، فرمود بگو:

صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ، السَّلامُ عَلَیْکَ، لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلیمی عَلَیْکَ.(2)

درود خدا بر تو باد، سلام بر تو، خداوند این سلامم را آخرین سلامم بر تو قرار ندهد.

1- [282]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 221، حدیث 19.
2- [283]کامل الزیارات، باب 7، صفحه 26، حدیث 1 و 2.

فصل دوم: فضیلت زمین نجف و زیارت امیرمؤمنان علی علیه السلام

فضیلت زمین نجف:

1- طبق بعضی روایات، نجف، سرزمین نیکان و پاکان است به طوری که هفتاد هزار نفر از این سرزمین بدون حساب وارد بهشت می شوند. بر همین اساس، علی علیه السلام آن را از دهقان های آن منطقه خریداری کرد چون دوست می داشت که آن هفتاد هزار نفر از مِلک او وارد بهشت شوند!.(1) 2- «دیلمی» در «ارشاد القلوب» می نویسد: در اخبار صحیحه از اهل بیت علیهم السلام آمده است که از خواص خاک نجف این است که در آن، عذاب قبر و محاسبه نکیر و منکر، ساقط می شود(2) و نیز می نویسد:

از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده که به کوفه (که شامل نجف نیز می شد) نگاه کرد و فرمود: چقدر ظاهر ومنظر تو زیباو درون و قعر تو، طیّب و پاکیزه است، خدایا قبر مرا در این مکان قرار ده !.(3) 3- همچنین روایت کرده که هرگاه امیرمؤمنان علیه السلام می خواست با خود خلوتی داشته باشد از کوفه به سمت نجف حرکت می کرد؛ روزی که مُشرف بر نجف بود ناگهان مردی را سوار بر ناقه ای و همراه با جنازه ای دید، سؤال کرد از کجا می آیی؟ جواب داد از «یمن». فرمود: این جنازه کیست؟ جواب داد: جنازه پدرم است؛ آورده ام تا در این مکان دفنش کنم. فرمود: چرا در یمن دفنش نکردی؟ جواب داد: چون این گونه وصیّت کرد، و گفت: در این مکان مردی دفن می شود که به تعداد افراد دو قبیله بزرگ «ربیعه» و «مضر» مورد شفاعت او واقع می شوند. فرمود: آیا آن مرد را می شناسی؟ جواب داد: نه. حضرت سه بار فرمود: به خدا قسم منم آن مرد، پس دفن کن !.(4)

4- و نیز به نقل از امام صادق علیه السلام می نویسد: هیچ مؤمنی در شرق یا غرب عالم نمی میرد مگر این که روحش در وادی السّلام (واقع در سرزمین نجف) محشور می شود.(5)

5- در کتاب «کافی» از شخصی به نام «حبّه العرنی» نقل می کند که می گوید: با امیرمؤمنان علیه السلام به بیرون کوفه رفتم؛ دیدم که آن حضرت در وادی السّلام توقّف کرد به گونه ای که گویا اقوامی را مخاطب قرار داده است. من هم با او ایستادم تا این که خسته شدم، سپس نشستم تا

این که از نشستن خسته شدم، بعد ایستادم تا این که بازهم از ایستادن ملول گشتم و نشستم تا این که خسته شدم، آنگاه برخاستم و عرض

ص: 256

1- [284]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 231، حدیث 21.
2- [285]همان مدرک، صفحه 232 و 233، به نقل از ارشاد القلوب، جلد 2، صفحه 439 و 440.
3- [286]همان مدرک.
4- [287]همان مدرک.
5- [288]همان مدرک.

کردم: ای امیرمؤمنان، من از این توقّف و سرپا ایستادن طولانی شما نگران هستم، ساعتی را استراحت کنید؛ سپس ردایم را پهن کردم تا حضرتش روی آن بنشیند، فرمود: یا حبّه ! آنچه دیدی چیزی جز گفتگوی من با مؤمن و انس گرفتن با او نیست. عرض کردم: ای امیرمؤمنان واقعاً این گونه است؟ فرمود:

آری؛ اگر پرده ها کنار می رفت می دیدی آنها را که حلقه حلقه دور هم نشسته اند و با هم سخن می گویند.

عرض کردم: مقصود، اجسام آنهاست یا ارواح آنها؟ فرمود: مرادم ارواح آنهاست، هیچ مؤمنی در قطعه ای از زمین نمی میرد مگر این که به روح او گفته می شود: به وادی السّلام ملحق شو! به یقین که آن، بقعه ای از بهشت است.(1)

فضیلت زیارت امیرمؤمنان علی علیه السلام:

1- «شیخ طوسی» در کتاب «امالی» از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: خداوند مخلوقی بیش از فرشتگان نیافریده که هر روز هفتاد هزار از آنها نازل می شوند و پس از طواف بیت معمور و سپس کعبه، به سراغ قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می روند و بر او سلام می کنند و سپس به سراغ قبر امیر مؤمنان علیه السلام می روند و به او نیز سلام می کنند؛ سپس به زیارت قبر حسین علیه السلام می روند و به او نیز سلام می کنند؛ آنگاه به آسمان می روند و هر روز گروه دیگری مثل آنها تا روز قیامت، نازل می شوند، و نیز فرمود: کسی که امیرمؤمنان علیه السلام را «عارفاً بحقّه» (/ با شناخت به حقّ او) و بدون تکبّر زیارت کند، خداوند اجر شهیدان را برایش می نویسد و گناهانش بخشوده می شود و با امن و امان در قیامت مبعوث می شود و حساب و محاسبه بر او آسان می گردد و فرشتگان به استقبالش می روند و وقتی از زیارت برگشت، فرشتگان تا منزلش او را مشایعت می کنند؛ اگر مریض شود به عیادتش می روند و اگر بمیرد او را تشییع می کنند و برایش استغفار می نمایند». (2) (فراموش نشود این پاداش ها برای کسی است که عارف به حقّ آن حضرت باشد و در مسیر مکتب آنها حرکت کند).

2- «کامل الزیارات» از ابی وهب بصری نقل می کند که می گوید: وارد مدینه شدم و خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم: فدایت شوم محضر شما رسیدم در حالی که قبر امیرمؤمنان علیه السلام را

زیارت نکردم، فرمود: کار خوبی نکردی. اگر از شیعیان ما نبودی به تو نگاه نمی کردم به جهت این که زیارت نکردی کسی را که ... فرشتگان و انبیا و مؤمنان به زیارتش می روند.(3) 3- در روایت دیگری، آن حضرت خطاب به مفضّل بن عمر فرمودند: برای زائر امیرمؤمنان، هنگامی که دعا می کند و چیزی را از خدا می خواهد، درهای آسمان گشوده می شود، پس غافل از خیر مباش.(4)

ص: 257

1- [289]کافی، جلد 3، صفحه 243، حدیث 1.
2- [290]امالی طوسی، صفحه 214، حدیث 22.
3- [291]کامل الزیارات، باب 10، حدیث 1.
4- [292]همان مدرک، حدیث 2.

4- در روایت دیگری وقتی امام حسن مجتبی علیه السلام از رسول اللَّه صلی الله علیه و آله سؤال می کند که پاداش زائر تو چیست؟ در جوابش می فرماید: پسرم! کسی که در زمان حیات و یا مماتم، مرا یا پدرت را زیارت کند بر من واجب است که در قیامت زیارتش کنم .... (1) 5- خلف بن حمّاد از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: در بیرون کوفه (نجف) قبری وجود دارد که هیچ دردمندی به آن پناه نمی برد مگر این که شفا پیدا می کند. (2) 6- حسّان بن مهران از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: ای حسّان! آیا به زیارت قبور شهدایی که در منطقه شما هستند می روید؟ عرض کردم: کدام شهدا؟ فرمود: علی علیه السلام و حسین علیه السلام. عرض کردم:

آری، بسیار به زیارتشان می رویم. فرمود: آنها شهدایی هستند که در نزد خدایشان روزی داده می شوند پس آنها را زیارت کنید و به آنها پناهنده شوید و حوائجتان را نزدشان بیان کنید (خداوند اجابت می کند). (3) 7- مرحوم «علّامه مجلسی» از «ارشاد القلوب»، از عبداللَّه بن حازم نقل می کند: «روزی با هارون الرّشید از کوفه (به قصد شکار) به جانب «غریّین» (نجف) بیرون رفتیم، در آن جا آهوانی را دیدیم، بازهای شکاری و سگان تربیت شده را به سوی آنها فرستادیم، ساعتی آنها را تعقیب کردند تا این که آهوان به تپّه ای پناه بردند و در آن جا بیارمیدند. بازها و سگان از تعقیب آنها دست کشیدند و برگشتند! هارون از این صحنه، متعجّب شد، سپس آهوان از آن بلندی فرود آمدند و بازها و سگان، آنها را تعقیب کردند، ولی برای بار دوم نیز آهوان به آن تپّه بازگشتند و بازها و سگان هم دوباره از آنها صرف نظر کردند، برای بار سوم هم این صحنه تکرار شد، هارون الرشید فرمان داد که به کوفه روند و کسی که سنّش از همه بیشتر است را نزدش بیاورند، پیرمردی از بنی اسد را نزدش آوردند، هارون به او گفت: قصّه این تپّه چیست؟ جواب داد: پدرم از اجدادش نقل کرده که می گفتند: زیر این تپّه قبر علی بن ابی طالب علیه السلام است، خداوند آن را حرم امن برای هر چیزی قرار داده است!». (4)

کیفیّت زیارت آن حضرت:

زیارتهای فراوانی برای حرم آن حضرت، اعمّ از مطلقه (زیارت هایی که اختصاص به زمان خاصی ندارد، بلکه در هر زمانی می شود آن را خواند) و زیارات مخصوصه (یعنی زیارت هایی که اختصاص به زمانی خاص دارد)، نقل شده که ما در این جا به آنچه در کتاب های معتبری چون «کامل

الزیارات» و «کافی» و غیر آن نقل شده است اکتفا می کنیم، و قبل از ذکر آن، توجّه زوّار عزیز را به نکته ای مهم جلب

ص: 258

1- [293]کامل الزیارات، باب 10، حدیث 3.
2- [294]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 261، حدیث 13 و تهذیب، جلد 6، صفحه 34، حدیث 14.
3- [295]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 261، حدیث 12.
4- [296]همان مدرک، صفحه 252، حدیث 47.

می نماییم که اختصاص به حرم شریف امیرمؤمنان علی علیه السلام ندارد بلکه در تمام مشاهد مشرّفه جاری است و از لابه لای روایاتی که در فصل قبل (زیارت مرقد رسول اللَّه صلی الله علیه و آله در مدینه) گذشت نیز استفاده می شود و در مقدّمه بخش زیارات نیز روی آن تأکید شده است و آن این که: آنچه در باب زیارات مهم است نفس حضور در حرم و توجّه قلبی به آن بارگاه ملکوتی و برقرار کردن ارتباط روحی با صاحب آن بارگاه است، و همه آنچه که در فصل قبل برای فضیلت زیارت قبر امیرمؤمنان علیه السلام بیان داشتیم (همچنین سایر امامان) با این حضور و ورود در حرم و توجّه قلبی به آن بزرگواران حاصل می شود، هر چند زیارتی از زیارت ها را نخواند.

بر همین اساس، زائر گرامی اگر حال و حوصله و یا وقت زیارت خواندن را ندارد می تواند به صرف این حضور و یا به گفتن «

السَّلامُ عَلَیْکَ یا امیرَالْمُؤْمِنینَ

» اکتفا کند و اگر توانست ضریح مقدّس را ببوسد و اگر نتوانست برگردد، و یا در جوار آن کهف حصین لحظه ای و یا ساعتی توقّف کند و در جلالت و عظمت و صفات و مکارم آن بزرگوار و نقصان و آلودگی خودش تفکّر نماید، و از گناهان خویش توبه کند و کوله بار سعادت آینده اش را محکم ببندد و در رابطه با این که چه کند تا آنچه را در این زیارت به دست آورده، از دست ندهد و ذخیره قبر و قیامتش گردد، و نیز در رابطه با این که چه کند که این ارتباط و اتّصالی که برقرار شد برایش باقی بماند، برنامه ریزی نماید.

همچنین می تواند بایستد و دو رکعت و یا چندین رکعت نماز بخواند و ثوابش را به آن امام معصوم هدیه کند.

در «کامل الزیارات» از امام صادق علیه السلام نقل شده: در کنار کوفه قبری است که هیچ دردمندی نزدش حاضر نمی شود و چهار رکعت (هر دو رکعت به یک سلام) نماز نمی خواند مگر این که خداوند او را به خاطر برآورده شدن حاجتش مسرور برمی گرداند

(الّا رَجَعَهُ اللَّهُ مَسْرُوراً بِقَضاءِ حاجَتِهِ).(1)

ابان بن تغلب از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت نقل می کند که با امام علیه السلام بودم و دیدم که حضرتش پس از عبور از بیرون کوفه از مرکب پیاده شد و دو رکعت نماز خواند؛ سپس کمی جلوتر رفت و دو رکعت دیگر بجای آورد؛ سپس سوار شد و اندکی حرکت کرد و دوباره از مرکب پیاده شد و دو رکعت نماز خواند آنگاه فرمود: این جا جایگاه قبر امیرمؤمنان علیه السلام است. عرض کردم: فدایت شوم آن دو مکانی که در آن نماز خواندی چه بود؟ فرمود: جای سر مبارک حسین علیه السلام (در مسیر راه کوفه و شام) و جای منبر حضرت قائم علیه السلام است. (2)

ص: 259

1- [297]کامل الزیارات، باب 69، صفحه 167، حدیث 4.
2- [298]همان مدرک، باب 9، صفحه 34، حدیث 5.

به هر حال اگر کسی، حالی به او دست داد و نخواست به این مقدار اکتفا کند بلکه آماده شد که زیارتی از زیارت های وارد شده را بخواند، می تواند یکی از این زیارات مطلقه را که اختصاص به زمان خاصّی ندارد قرائت کند:

زیارات مطلقه

اشاره

این زیارت را «علّامه مجلسی» از جهت سند، از صحیح ترین زیارات می داند(1) و مرحوم حاج شیخ عباس قمی (در مفاتیح الجنان) آن را در نهایت اعتبار معرّفی می کند.

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: پدرم علی بن الحسین علیه السلام بعد از شهادت پدرش (از فرط غصّه و اندوه و) برای کراهتی که از حشر و نشر با مردم داشت چند سالی دور از مردم زندگی می کرد، و گاه به سوی عراق به قصد زیارت پدر و جدّش حرکت می کرد و کسی از آن خبر نداشت، روزی به قصد زیارت امیرمؤمنان صلوات اللّٰه علیه حرکت کرد و من نیز، همراه او بودم و هیچ جنبنده و صاحب روحی غیر از دو ناقه، با ما نبود؛ وقتی به نجف- از بلاد کوفه- رسیدیم، دیدیم که در مکان خاصّی توقّف کرد و گریست؛ به حدّی که محاسن شریفش با اشک چشمش تر شد و گفت: السلام علیک یا امیرالمؤمنین ... تا آخر این زیارت که خواهد آمد.(2) در هر حال، سندی که در «مزار کبیر» برای این زیارت آمده، چنین است: جابر جعفی از امام محمّد باقر علیه السلام نقل می کند که امام زین العابدین علیه السلام به زیارت قبر امیر مؤمنان علیه السلام آمد و کنار قبر آن حضرت ایستاد و گریست و گفت:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا امینَ اللَّهِ فی ارْضِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلی عِبادِهِ، السَّلامُ

سلام بر تو ای امین خدا بر روی زمینش و حجّت او بر بندگانش، سلام

عَلَیْکَ یا امیرَالْمُؤْمِنینَ، اشْهَدُ انَّکَ جاهَدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَعَمِلْتَ

بر تو ای امیرمؤمنان، گواهی می دهم که تو در راه خدا به شایستگی جهاد نموده و به کتابش

بِکِتابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِیِّهِ صَلّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، حَتّی دَعاکَ اللّهُ الی

عمل کرده و از سنّت پیامبرش- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- پیروی نمودی تا اینکه خداوند تو را

جِوارِهِ، فَقَبَضَکَ الَیْهِ بِاخْتِیارِهِ، وَالْزَمَ اعْدائَکَ الْحُجَّهَ مَعَ مالَکَ مِنَ

به جوار قربش فرا خواند و تو را به اختیار خود قبض روح کرد و دشمنانت را به پذیرش حجّت و دلیل تو وادار ساخت با آن همه

1- [299]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 269.
2- [300]همان مدرک، صفحه 266 و 267، حدیث 9.

الْحُجَجِ الْبالِغَهِ عَلى جَميعِ خَلْقِهِ، اللهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسى مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِکَ،

حجّت های رسای دیگر که بر تمامی مخلوقاتش داری، خدایا قرار ده نفسم را مطمئن به تقدیرت،

راضِيَةً بِقَضآئِکَ، مُولِعَةً بِذِکْرِکَ وَدُعآئِکَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَهِ اوْلِيآئِکَ، مَحْبُوبَةً

خشنود به مقدّراتت، شیفته یاد و دعایت، دوستدار برگزیده اولیائت، محبوب

فى ارْضِکَ وَسَمآئِکَ، صابِرَةً عَلى نُزُولِ بَلائِکَ، شاکِرَةً لِفَواضِلِ

در زمین و آسمانت، شکیبا بر نزول بلایت، شکرگزار نعمت های ظاهری

نَعْمآئِکَ، ذاکِرَةً لِسَوابِغِ آلآئِکَ، مُشْتاقَةً الى فَرْحَهِ لِقآئِکَ، مُتَزَوِّدَةً

فراوانت، یادکننده نعمت های باطنی بی شمارت، مشتاق دیدار مسرّت بخشت، توشه بردارنده

التَّقْوى لِيَوْمِ جَزآئِکَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ اوْلِيآئِکَ، مُفارِقَةً لِأَخْلاقِ اعْدائِکَ،

تقوا برای روز جزایت، پیرو سنّت های اولیائت، دوری کننده از اخلاق دشمنانت،

مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيا بِحَمْدِکَ وَثَنآئِکَ سپس گونه مبارک خود را برقبر گذاشت وگفت:

سرگرم از دنیا به ستایش و ثنایت (قرار ده)*************

اللهُمَّ انَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتينَ الَيْکَ والِهَةٌ، وَسُبُلَ الرَّاغِبينَ الَيْکَ شارِعَةٌ،

خدایا به یقین دلهای فروتنان به درگاهت، شیفته است، و راه های علاقمندان به سوی تو نمایان است،

وَاعْلامَ الْقاصِدينَ الَيْکَ واضِحَةٌ، وَافْئِدَةَ الْعارِفينَ مِنْکَ فازِعَةٌ،

و نشانه های قاصدانت آشکار است، و دل های عارفانت بی قرار است

وَاصْواتَ الدَّاعینَ الَیْکَ صاعِدَهٌ، وَابْوابَ الْإِجابَهِ لَهُمْ مُفَتَّحَهٌ، وَدَعْوَهَ

و صداهای دعاکنندگان به سوی تو بلند است، و درهای پذیرش بندگانت گشوده است، و دعای

مَنْ ناجاکَ مُسْتَجابَهٌ، وَتَوْبَهَ مَنْ اَنابَ اَلَیْکَ مَقْبُولَهٌ، وَعَبْرَهَ مَنْ بَکی مِنْ آن کس که با تو راز و نیاز کند مستجاب است، و توبه آن کس که به سوی تو بازگردد پذیرفته است، و اشک آن کس که از

خَوْفِکَ مَرْحُومَهٌ، وَالْإِغاثَهَ لِمَنِ اسْتَغاثَ بِکَ مَوْجُودَهٌ، وَالْإِعانَهَ لِمَنِ

ترس تو بگرید مورد ترحّم است، و فریادرسیت برای آن کس که از تو یاری طلبد مهیّاست، و کمکت برای آن کس که

اسْتَعانَ بِکَ مَبْذُولَهٌ، وَعِداتِکَ لِعِبادِکَ مُنْجَزَهٌ، وَزَلَلَ مَنِ اسْتَقالَکَ مُقالَهٌ،

از تو کمک خواهد فراهم است و وعده هایت بر بندگانت حتمی است، و لغزش های آن کس که از تو پوزش طلبد نادیده گرفته شده است

وَاعْمالَ الْعامِلینَ لَدَیْکَ مَحْفُوظَهٌ، وَارْزاقَکَ الَی الْخَلائِقِ مِنْ لَدُنْکَ

و اعمال عمل کنندگان در نزدت محفوظ است و روزیهایت بر آفریدگان از نزدت

ص :261

نازِلَةٌ، وَعَوآئِدَ الْمَزیدِ اَلَیْهِمْ واصِلَةٌ، وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرینَ مَغْفُورَةٌ،

نازل است و بهره های فراوان به ایشان می رسد، و گناهان آمرزش خواهان آمرزیده است،

وَحَوآئِجَ خَلْقِکَ عِنْدَکَ مَقْضِیَّةٌ، وَجَوآئِزَ السَّآئِلینَ عِنْدَکَ مُوَفَّرَةٌ،

و نیازهای مخلوقات در پیشگاهت برآورده شده است، و پاداش های درخواست کنندگان در پیشگاهت فراوان

وَعَوآئِدَ الْمَزیدِ مُتَواتِرَةٌ، وَمَوآئِدَ الْمُسْتَطْعِمینَ مُعَدَّةٌ، وَمَناهِلَ الظِّمآءِ

و بهره های بسیار (در نزدت) پی در پی است، و سفره های نعمت طعام خواهانت مهیّا و چشمه های آب (در نزدت) برای تشنگان

مُتْرَعَةٌ، اللهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعآئی وَاقْبَلْ ثَنآئی وَاجْمَعْ بَیْنی وَبَیْنَ

پر آب است، خدایا دعایم را اجابت کن، و ستایشم را بپذیر، و مرا با اولیائم گرد هم

اوْلِیآئی بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَفاطِمَةَ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ، انَّکَ وَلِیُ

جمع کن، به حق محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین، زیرا که تویی ولی نعمت

نَعْمآئی وَمُنْتَهی مُنایَ، وَغایَةُ رَجائی فی مُنْقَلَبی وَمَثْوایَ* در کامل الزیارات و سرپرستم و نهایت آرزو و امیدم در محلّ بازگشت و قرارگاهم*****

بعد از این زیارت، این فقرات نیز آمده است: انْتَ الهی وَسَیِّدی وَمَوْلایَ، اغْفِرْ لِأَوْلِیآئِنا،

************ (خدایا) تویی معبود و سرور و مولای من، دوستان ما رابیامرز،

وَکُفَّ عَنَّا اعْدآئَنا، وَاشْغَلْهُمْ عَنْ اذانا، وَاظْهِرْ کَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْیا،

و دشمنانمان را از ما بازدار، و آنها را از آزارمان منحرف کن، و کلمه حق را آشکار گردان و آن را برتر قرار ده،

وَادْحِضْ کَلِمَهَ الْباطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلی انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.(1)

و کلمه باطل را از بین ببر و آن را در جایگاه پست قرار ده، زیرا که تو بر هر چیز توانایی.

آنگاه امام باقر علیه السلام فرمود: هر که از شیعیان ما این زیارت و دعا را نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام یا نزد قبر یکی از ائمّه علیهم السلام بخواند، خداوند متعال، این زیارت و دعای او را در طوماری از نور بالا می برد و مهر حضرت محمّد صلی الله علیه و آله بر آن زده شود و این گونه محفوظ بماند تا تسلیم قائم آل محمّد علیهم السلام شود.(2) مطابق آنچه در کتاب مزار کبیر و بحارالانوار آمده است: این زیارت شریفه هم از زیارات مُطلقه محسوب می شود و هم از زیارات مخصوصه روز غدیر و هم از زیارات جامعه که در جمیع روضات مقدّسه ائمّه علیهم السلام خوانده می شود.(3)

ص: 262

1- [301]کامل الزّیارات، باب 11، صفحه 39، حدیث 1.
2- [302]مزار کبیر، صفحه 282.
3- [303]همان مدرک و بحارالانوار، جلد 53، صفحه 312- 316، حکایت 59.

2- زیارت کافی

مرحوم «کلینی» در «کافی» و «ابن قولویه» در «کامل الزیارات» از امام علی النقی علیه السلام روایت کرده اند که آن حضرت نزد قبر امیر مؤمنان علیه السلام چنین می گفت:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ، انْتَ اوَّلُ مَظْلُومٍ، وَاوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ،

سلام بر تو ای ولیّ خدا، تو اوّلین مظلوم و اوّلین کسی هستی که حقّش غصب شد،

صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ حَتّی اتیکَ الْیَقینُ، فَاشْهَدُ انَّکَ لَقیتَ اللَّهَ وَانْتَ شَهیدٌ،

تا زمان مرگت بردباری نموده و از خدا پاداش خیر خواستی، گواهی می دهم که تو با شهادت خدا را ملاقات نمودی،

عَذَّبَ اللَّهُ قاتِلَکَ بِانْواعِ الْعَذابِ، وَجَدَّدَ عَلَیْهِ الْعَذابَ، جِئْتُکَ عارِفاً

خداوند قاتل تو را با انواع عذاب کیفر دهد، و بر عذابش بیافزاید، به پیشگاهت آمده ام در حالی که

بِحَقِّکَ، مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِکَ، مُعادِیاً لِأَعْدآئِکَ وَمَنْ ظَلَمَکَ، الْقی عَلی ذلِکَ

آشنا به حقّ تو، و آگاه به مقام تو و دشمنِ دشمنان و ظلم کنندگان به تو هستم، اگر خدا بخواهد با این حال

رَبّی انْ شآءَ اللَّهُ، یا وَلِیَّ اللَّهِ، انَّ لی ذُنُوباً کَثیرَةً، فَاشْفَعْ لی الی رَبِّکَ، فَانَ

پروردگارم را ملاقات می کنم، ای ولیّ خدا، گناهانم بسیار است، پس به درگاه پروردگارت مرا شفاعت کن، زیرا

لَکَ عِنْدَاللَّهِ مَقاماً مَحْمُوداً مَعْلُوماً، وَ انَّ لَکَ عِنْدَاللَّهِ جاهاً وَ شَفاعَةً، وَ قَدْ

مقام تو در نزد خداوند پسندیده و معلوم است و این که تو نزد خداوند آبرو داری و شفاعت می کنی، و

قالَ اللَّهُ تَعالی وَلا یَشْفَعُونَ الَّا لِمَنِ ارْتَضی (1)

خداوند بلندمرتبه فرمود: آنها جز برای کسی که خدا راضی (به شفاعت برای او) است شفاعت نمی کنند.

3- زیارت صفوان جمّال

سیف بن عمیره می گوید: با صفوان جمّال و جماعتی از یاران، به سوی نجف بیرون رفتیم و امیرمؤمنان علیه السلام را زیارت کردیم؛ وقتی از زیارت فارغ شدیم صفوان را دیدیم که روی به سوی قبر امام حسین علیه السلام کرد و گفت: اکنون از همین مکان از بالای سر امیرمؤمنان علیه السلام، حسین بن علی علیه السلام را زیارت می کنیم. سپس توضیح داد که با مولایم امام جعفر صادق علیه السلام وارد نجف شدیم. آن حضرت پس از زیارت

1- [304]کافی، جلد 4، صفحه 569، حدیث 1 و کامل الزیارات، باب 11، صفحه 45، حدیث 3.

امیرمؤمنان علیه السلام، همین زیارت و نماز و دعایی را خواند که من الآن می خواهم بجا آورم، آنگاه به من فرمود: ای صفوان! این زیارت را حفظ کن و این دعا را بخوان و همیشه امیرمؤمنان علیه السلام و حسین بن علی علیه السلام را این گونه زیارت کن که من از جانب خدا ضامنم که هر کس این زیارت و این دعا را از دور یا نزدیک بخواند زیارتش مقبول، سعیش مشکور، سلامش واصل و حاجتش- هر چه باشد- حاصل می گردد و خداوند جواب او را می دهد ... زیارت چنین است: مقابل قبر آن حضرت می ایستی و می گویی:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

سلام بر تو ای فرستاده خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای

امینَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی مَنِ اصْطَفاهُ اللَّهُ، وَاخْتَصَّهُ وَاخْتارَهُ مِنْ بَرِیَّتِهِ،

امین خدا، سلام بر کسی که خدا او را برگزیده و مخصوصش گردانید و از میان مخلوقاتش او را اختیار کرد،

السَّلامُ عَلَیْکَ یا خَلیلَ اللَّهِ ما دَجَی اللَّیْلُ وَغَسَقَ، وَاضاءَ النَّهارُ وَاشْرَقَ،

سلام بر تو ای خلیل خدا مادامی که شب فرا رسد و تاریکتر شود و روز روشن شود و روشنتر گردد،

السَّلامُ عَلَیْکَ ما صَمَتَ صامِتٌ، وَنَطَقَ ناطِقٌ، وَ ذَرَّ شارِقٌ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ

سلام بر تو مادامی که سکوت کنندگان خاموش و گویندگان سخن می رانند و خورشید می تابد، و رحمت و برکات خدا

وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلی مَوْلانا امیرِ الْمُؤْمِنینَ عَلِیِّ بْنِ ابیطالِبٍ، صاحِبِ

بر تو باد، سلام بر مولای ما امیر مؤمنان علی بن ابیطالب، (آن بزرگ مرد) دارای

السَّوابِقِ وَالْمَناقِبِ وَالنَّجْدَهِ، وَمُبیدِ الْکَتائِبِ، الشَّدیدِ الْبَاْسِ، الْعَظیمِ

پیشینه نیکو و فضایل و مردانگیها و نابودکننده لشکرها (ی کفر) و سرسخت در نبرد، پهلوانِ

الْمِراسِ، الْمَكينِ الْأساسِ، ساقِی الْمُؤْمِنینَ بِالْکَاْسِ مِنْ حَوْضِ الرَّسُولِ

بزرگ ثابت قدم، سیراب کننده مؤمنان با جامی از حوض رسولِ

الْمَکینِ الْأَمینِ، السَّلامُ عَلی صاحِبِ النُّهی وَالْفَضْلِ وَالطَّوائِلِ،

صاحب منزلت و امین، سلام بر صاحب خرد و فضیلت و بخششها

وَالْمَکْرُماتِ وَالنَّوائِلِ، السَّلامُ عَلی فارِسِ الْمُؤْمِنینَ، وَلَیْثِ الْمُوَحِّدینَ،

و جوانمردی ها و عطاها، سلام بر تک سوار دلیر مؤمنان و شیرمرد یگانه پرستان

وَقاتِلِ الْمُشْرِکینَ، وَوَصِیِّ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمینَ، وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ،

و قاتل مشرکان و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان، و رحمت و برکات خدا بر تو باد،

السَّلامُ عَلی مَنْ ایَّدَهُ اللَّهُ بِجَبْرَئیلَ، وَاعانَهُ بِمیکائیلَ، وَازْلَفَهُ فِی

سلام بر کسی که خداوند او را با جبرئیل تأیید نموده و با میکائیل یاری فرمود و او را در دو جهان

ص: 264

الدَّارَیْنِ، وَ حَباهُ بِکُلِّ ما تَقِرُّ بِهِ الْعَیْنُ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَعَلی آلِهِ

مقرّب ساخت، و آنچه مایه چشم روشنی است به او عنایت فرمود، و درود خدا بر او و خاندان

الطَّاهِرینَ، وَعَلی اوْلادِهِ الْمُنْتَجَبینَ، وَعَلَی الْأَئِمَّهِ الرَّاشِدینَ، الَّذینَ

پاکش، و بر فرزندان برگزیده اش و بر امامان هدایتگر (از نسل او)، آنان که

امَرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ، وَفَرَضُوا عَلَیْنا الصَّلَواتِ، وَ امَرُوا

امر به معروف نموده و نهی از منکر کردند و نماز را بر ما واجب نموده و به پرداخت

بِایتآءِ الزَّکاهِ، وَعَرَّفُونا صِیامَ شَهْرِ رَمَضانَ، وَقِرائَهَ الْقُرْآنِ، السَّلامُ

زکات فرمان دادند و روزه ماه رمضان و تلاوت قرآن را به ما شناساندند، سلام

عَلَیْکَ یا امیرَ الْمُؤْمِنینَ، وَیَعْسُوبَ الدّینِ، وَقآئِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلینَ،

بر تو ای امیرمؤمنان و پیشوای دین، و پیشوای روسفیدان،

السَّلامُ عَلَیْکَ یا بابَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَیْنَ اللَّهِ النَّاظِرَهَ، وَیَدَهُ

سلام بر تو ای درگاه (رسیدن به) خدا، سلام بر تو ای دیده بینای خدا و دستهای

الْباسِطَهَ، وَ اذُنَهُ الْواعِیَهَ، وَحِکْمَتَهُ الْبالِغَهَ، وَنِعْمَتَهُ السَّابِغَهَ، السَّلامُ عَلی

گشوده اش و گوش شنوایش و دانش و حکمت رسایش، و نعمت فراوانش، سلام بر

قَسیمِ الْجَنَّهِ وَالنَّارِ، السَّلامُ عَلی نِعْمَهِ اللَّهِ عَلَی الْأَبْرارِ، وَنِقْمَتِهِ عَلَی

تقسیم کننده بهشت و دوزخ، سلام بر نعمت خدا بر نیکوکاران، و عذاب خدا بر

الْفُجَّارِ، السَّلامُ عَلى سَیِّدِ الْمُتَّقینَ الْأَخْیارِ، السَّلامُ عَلى اخى رَسُولِ

بدکاران، سلام بر آقا و سرور پرهیزکاران برگزیده، سلام بر برادر رسول

اللَّهِ، وَابْنِ عَمِّهِ وَزَوْجِ ابْنَتِهِ، وَالْمَخْلُوقِ مِنْ طینَتِهِ، السَّلامُ عَلَى الْأَصْلِ

خدا، و پسر عمو و همسر دخترش، و آفریده شده از سرشت و طینتش، سلام بر ریشه

الْقَدیمِ، وَالْفَرْعِ الْکَریمِ، السَّلامُ عَلَى الثَّمَرِ الْجَنِىِّ، السَّلامُ عَلى ابِى

قدیم (ایمان) و شاخه با ارزش آن، سلام بر میوه آماده (این شجره الهی) سلام بر

الْحَسَنِ عَلِىٍّ، السَّلامُ عَلى شَجَرَهِ طُوبى وَسِدْرَهِ الْمُنْتَهى السَّلامُ عَلى

ابوالحسن علی، سلام بر درخت طوبی و سدره المنتهی (درختان بهشتی)، سلام بر

آدَمَ صَفْوَهِ اللَّهِ، وَنُوحٍ نَبِىِّ اللَّهِ، وَابْراهیمَ خَلیلِ اللَّهِ، وَمُوسى کَلیمِ اللَّهِ،

آدم برگزیده خدا، و نوح پیامبر خدا، و ابراهیم خلیل خدا، و موسی هم صحبت خدا،

ص: 265

وَعیسی رُوحِ اللَّهِ، وَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ اللَّهِ، وَمَنْ بَیْنَهُمْ مِنَ النَّبِیّینَ،

و عیسی روح خدا، و محمّد محبوب خدا، و بر پیامبرانی که در بین آنها مبعوث شدند

وَالصِّدّیقینَ، وَالشُّهَدآءِ وَالصَّالِحینَ، وَ حَسُنَ اولئِکَ رَفیقاً، السَّلامُ عَلی

و بر راستگویان، و شهیدان و صالحان، که نیکو رفیقانی هستند، سلام بر

نُورِ الْأَنْوارِ، وَسَلیلِ الْأَطْهارِ، وَ عَناصِرِ الْأَخْیارِ، السَّلامُ عَلی والِدِ

نور همه نورها، و نژاد پاکان، و افراد برگزیده، سلام بر پدر

الْأَئِمَّهِ الْأَطْهارِ، السَّلامُ عَلی حَبْلِ اللَّهِ الْمَتینِ، وَجَنْبِهِ الْمَکینِ، وَ رَحْمَهُ

امامان پاک، سلام بر ریسمان محکم خدا، و مدافع پابرجایش، و رحمت

اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلی امینِ اللَّهِ فی ارْضِهِ وَخَلیفَتِهِ، وَ الْحاکِمِ بِامْرِهِ،

و برکات خدا بر او باد، سلام بر امین و جانشین خدا در زمین، و حکم کننده به فرمانش

وَالْقَیِّمِ بِدینِهِ، وَالنَّاطِقِ بِحِکْمَتِهِ، وَ الْعامِلِ بِکِتابِهِ، اخِ الرَّسُولِ، وَزَوْجِ

و بپادارنده دین و گویا به حکمتش و عمل کننده به کتابش، برادر رسول خدا و همسر

الْبَتُولِ، وَسَیْفِ اللَّهِ الْمَسْلُولِ، السَّلامُ عَلی صاحِبِ الدَّلالاتِ، وَالْایاتِ

بتول و شمشیر برکشیده خدا، سلام بر صاحب دلیلها و نشانه های

الْباهِراتِ، وَالْمُعْجِزاتِ الْقاهِراتِ، وَالْمُنْجی مِنَ الْهَلَکاتِ، الَّذی ذَکَرَهُ

آشکار، و معجزه های کوبنده و نجات بخش از نابودیها، کسی که خدا او را

اللَّهُ فی مُحْکَمِ الْایاتِ، فَقالَ تَعالی وَ انَّهُ فی امِّ الْکِتابِ لَدَیْنا لَعَلِیٌ

در آیات محکم قرآن ذکر نموده و فرموده است: و آن در امّ الکتاب [/ لوح محفوظ] نزد ما بلندپایه

حَکیمٌ، السَّلامُ عَلَی اسْمِ اللَّهِ الرَّضی وَ وَجْهِهِ الْمُضیىِ، وَجَنْبِهِ الْعَلِیِّ،

و استوار است، سلام بر نام پسندیده خدا و چهره نورانی و مدافع برترش

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلی حُجَجِ اللَّهِ وَاوْصِیآئِهِ، وَخآصَّهِ اللَّهِ

و رحمت و برکات خدا بر او باد، سلام بر حجّتها و اوصیای خدا و خاصّان

وَاصْفِیآئِهِ، وَخالِصَتِهِ وَامَنآئِهِ، وَرَحْمَهُاللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، قَصَدْتُکَ یامَوْلایَ یا

و برگزیدگانش و بندگان خالص و امانتدارش، و رحمت و برکات خدا بر او باد، تو را قصد نمودم ای مولای من ای

امینَ اللَّهِ وَ حُجَّتَهُ، زائِراً عارِفاً بِحَقِّکَ، مُوالِیاً لِأَوْلِیآئِکَ، مُعادِیاً

امین و حجّت خدا، در حالی که زائر تو و آشنا به حقّ توأم، دوستدار دوستانت و دشمن

ص :266

لِأَعْدآئِکَ، مُتَقَرِّباً اِلَی اللَّهِ بِزِیارَتِکَ، فَاشْفَعْ لی عِنْدَاللَّهِ رَبّی وَرَبِّکَ، فی

دشمنانت هستم، و با زیارت تو به خدا تقرّب می جویم، پس در نزد خدایی که پروردگار من و توست شفاعتم کن، در

خَلاصِ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ، وَقَضآءِ حَوآئِجی حَوآئِجِ الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ

آزادیم از آتش دوزخ و برآورده شدن حاجتهای دنیوی و اخرویم.

* سپس خود را به قبر بچسبان و آن را ببوس و بگو: سَلامُ اللَّهِ وَسَلامُ مَلآئِکَتِهِ الْمُقَرَّبینَ،

********************** سلام خدا و فرشتگان مقرّبش

وَالْمُسَلِّمینَ لَکَ بِقُلُوبِهِمْ یا امیرَ الْمُؤْمِنینَ، وَالنَّاطِقینَ بِفَضْلِکَ،

و درود فرستندگان از دل و جان بر تو ای امیر مؤمنان و گویندگان فضلت،

وَالشَّاهِدینَ عَلی انَّکَ صادِقٌ امینٌ صِدِّیّقٌ، عَلَیْکَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ،

و گواهان بر راستگویی و امانتداری و صداقتت (سلام تمامی آنان) و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

وَاشْهَدُ انَّکَ طُهْرٌ طاهِرٌ مُطَهَّرٌ، مِنْ طُهْرٍ طاهِرٍ مُطَهَّرٍ، اشْهَدُ لَکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ

و گواهی می دهم که تو پاک و پاکیزه و پاک شده، از (نسلی) پاک و پاکیزه و پاک شده ای، گواهی می دهم که تو ای ولیّ خدا

وَوَلِیَّ رَسُولِهِ بِالْبَلاغِ وَالْأَداءِ، وَاشْهَدُ انَّکَ جَنْبُ اللَّهِ وَبابُهُ، وَانَّکَ حَبیبُ

و ولیّ رسولش ابلاغ رسالت کرده و ادای امانت نمودی، و گواهی می دهم که تو مدافع خدا و درگاه رسیدن به او هستی، و تو محبوب

اللَّهِ وَوَجْهُهُ الَّذی یُؤْتی مِنْهُ، وَانَّکَ سَبیلُ اللَّهِ، وَانَّکَ عَبْدُ اللَّهِ وَاخُورَسُولِهِ،

خدا و وجه اللهی که از آن طریق به سویش روند، و تویی راه رسیدن به خدا و تویی بنده خدا و برادر رسولش

صَلّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، اتَیْتُکَ مُتَقَرِّباً الَی اللّهِ عَزَّ وَجَلّ بِزِیارَتِکَ، راغِباً الَیْکَ

- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- به درگاهت آمده ام در حالی که با زیارتت به خداوند عزیز و گرامی تقرّب می جویم، و امید

فِی الشِّفاعَهِ، ابْتَغی بِشَفاعَتِکَ خَلاصَ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ، وَ مُتَعَوِّذاً بِکَ مِنَ

به شفاعتت دارم، و با شفاعتت رهاییم از آتش دوزخ را می طلبم و از آتش دوزخ به تو

النَّارِ، هارِباً مِنْ ذُنُوبِیَ الَّتِی احْتَطَبْتُها عَلی ظَهْری فَزِعاً الَیْکَ رَجآءَ

پناهنده ام، و از گناهانی که پشتم را سنگین کرده گریزانم، به امید رسیدن به رحمت پروردگارم

رَحْمَهِ رَبّی اتَیْتُکَ اسْتَشْفِعُ بِکَ یا مَوْلایَ، وَاتَقَرَّبُ بِکَ الَی اللَّهِ لِیَقْضِیَ

به تو متوسّل شده ام، به درگاهت آمده ام تا شفاعتت را بطلبم ای مولای من، و به واسطه تو به خدا تقرّب می جویم

بِکَ حَوآئِجی فَاشْفَعْ لی یا امیرَ الْمُؤْمِنینَ الَی اللَّهِ، فَانّی عَبْدُاللَّهِ وَمَوْلاکَ

تا حاجتهایم را برآورد، پس ای امیر مؤمنان به درگاه خدا شفیعم باش، زیرا من بنده خدا و غلام

ص: 267

وَزائِرُکَ، وَلَکَ عِنْدَاللَّهِ الْمَقامُ الْمَحْمُودُ، وَالْجاهُ الْعَظیمُ، وَ الشَّأْنُ الْکَبیرُ،

و زائر توام، و تو در نزد خدا مقامی ستوده و جایگاهی باعظمت و شأنی بزرگ

وَالشَّفاعَهُ الْمَقْبُولَهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی

و شفاعتی پذیرفته شده داری، خدایا درود فرست بر محمّد و خاندان پاکش و درود فرست بر

امیرِ الْمُؤْمِنینَ عَبْدِکَ الْمُرْتَضی وَامینِکَ الْأَوْفی وَ عُرْوَتِکَ الْوُثْقی

امیرمؤمنان بنده پسندیده ات و امین وفادارت و ریسمان محکمت

وَیَدِکَ الْعُلْیا، وَجَنْبِکَ الْأَعْلی وَکَلِمَتِکَ الْحُسْنی وَ حُجَّتِکَ عَلَی

و دست بلندت و حامی برترت و سخن نیکویت و حجّتت بر

الْوَری وَصِدّیقِکَ الْأَکْبَرِ، وَسَیِّدِالْأَوْصِیآءِ، وَ رُکْنِ الْأَوْلِیآءِ، وَ عِمادِ

خلق و بزرگترین راستگویت و سرور اوصیا و تکیه گاه دوستان و

الْأَصْفِیآءِ، امیرِ الْمُؤْمِنینَ، وَیَعْسُوبِ الدّینِ، وَ قُدْوَهِ الصَّالِحینَ، وَامامِ برگزیدگان، امیر مؤمنان و رئیس مذهب و پیشوای شایستگان و امام

الْمُخْلِصینَ، وَ الْمَعْصُومِ مِنَ الْخَلَلِ، الْمُهَذَّبِ مِنَ الزَّلَلِ، الْمُطَهَّرِ مِنَ

مخلصان، و معصوم از خطا و پاک از لغزش و پاکیزه از

الْعَیْبِ، الْمُنَزَّهِ مِنَ الرَّیْبِ، اخی نَبِیِّکَ، وَ وَصِیِّ رَسُولِکَ، الْبآئِتِ عَلی

هر عیب، و مبرّا از شک و تردید و برادر پیامبر و جانشین فرستاده ات، آن که بر

فِراشِهِ، وَالْمُواسی لَهُ بِنَفْسِهِ، وَکاشِفِ الْکَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، الَّذی جَعَلْتَهُ

بستر پیامبرت خوابید و با جان خویش او را یاری کرد، و اندوه را از چهره اش برطرف کرد، کسی که او را

سَیْفاً لِنُبُوَّتِهِ، وَآیَهً لِرِسالَتِهِ، وَشاهِداً عَلی امَّتِهِ، وَدِلالَهً لِحُجَّتِهِ، وَحامِلًا

شمشیری برای یاری پیامبریش قرار دادی و نشانه ای برای رسالتش و گواهی بر امّتش و راهنمایی برای حجّتش و حمل کننده

لِرایَتِهِ، وَ وِقایَهً لِمُهْجَتِهِ، وَهادِیاً لِامَّتِهِ، وَیَداً لِبَاْسِهِ، وَتاجاً لِرَاْسِهِ، وَباباً

پرچمش و حافظ جانش، و هدایت کننده امّتش، و دستی برای مبارزه اش و تاجی بر سرش و دری

لِسِرِّهِ، وَمِفْتاحاً لِظَفَرِهِ، حَتّی هَزَمَ جُیُوشَ الشِّرْکِ بِاذْنِکَ، وَابادَ عَساکِرَ

برایِ سِرّش و کلیدی بر پیروزیش (قرار دادی)، تا این که سپاهیان شرک را به اجازه تو نابود ساخت، و لشکریان

الْکُفْرِ بِامْرِکَ، وَبَذَلَ نَفْسَهُ فی مَرْضاهِ رَسُولِکَ، وَجَعَلَها وَقْفاً عَلی

کفر را به فرمان تو از بین برد، و جانش را در راه خشنودی پیامبرت بذل نموده و بر اطاعت از او

ص :268

طاعَتِهِ، فَصَلِّ اللّهُمَّ عَلَيْهِ صَلاةً دآئِمَةً باقِيَةً* سپس بگو: السَّلامُ عَلَيْکَ يا

وقف کرد، خدايا بر او درودی هميشگی و پايدار بفرست*** سلام بر تو ای

وَلِيَّ اللَّهِ، وَالشِّهابَ الثّاقِبَ، وَالنُّورَ الْعاقِبَ، يا سَليلَ الْأَطآئِبِ، يا سِرَّ

ولیّ خدا، و شهاب شکافنده تاريکی، و نور پی در پی دلها، ای فرزند پاکيزگان، ای راز

اللَّهِ، انَّ بَيْنی وَبَيْنَ اللَّهِ تَعالی ذُنُوباً قَدْ اثْقَلَتْ ظَهْری وَلا يَاْتی عَلَيْها الَّا

خدا، به يقين ميان من و خداوند بلندمرتبه گناهانيست که پشتم را سنگين ساخته و جز رضايت تو آنها را

رِضاهُ، فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَکَ عَلی سِرِّهِ، وَاسْتَرْعاکَ امْرَ خَلْقِهِ، کُنْ لی الَی

محو نکند، پس به حق آن که تو را امين اسرارش قرار داد و امور مخلوقاتش را به دستت سپرد، به درگاه

اللَّهِ شَفيعاً، وَ مِنَ النّارِ مُجيراً، وَ عَلَی الدَّهْرِ ظَهيراً، فَانّی عَبْدُاللَّهِ وَ وَلِيُّکَ وَ

خدا شفيعم باش و از آتش پناهم ده و در برابر گرفتاريهای روزگار پشتيبانم باش، من بنده خدا و دوستدار تو و

زآئِرُکَ، صَلَّی اللَّهُ عَلَيْکَ.

زائر توام درود خدا بر تو باد.

سپس شش رکعت نماز زيارت بخوان (هر دو رکعت به يک سلام) و هر چه می خواهی طلب کن. آنگاه با توجّه به قبر اميرمؤمنان عليه السلام بگو:

السَّلامُ عَلَيْکَ يا اميرَ الْمُؤمِنينَ، عَلَيْکَ مِنّی سَلامُ اللَّهِ ابَداً ما بَقِيتُ

سلام بر تو ای امير مؤمنان، سلام خدا از جانب من بر تو باد هميشه مادامی که هستم

وَبَقِیَ اللّیْلُ وَالنَّهارُ* و با اشاره به قبر امام حسین علیه السلام بگو: السَّلامُ عَلَیْکَ یا ابا

و شب و روز باقی است********************** سلام بر تو ای

عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ 305]* سپس با توجّه به هر دو بزرگوار (امیرمؤمنان و اباعبداللّه، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا**************************

امام حسین علیهما السلام) می گویی:(1) یا امِیرَالْمُؤْمِنِینَ، یا اباعَبْدِاللَّهِ، اتَیْتُکُما زائِراً

************ ای امیرمؤمنان، ای ابا عبداللّه، برای زیارت نزدتان آمده ام

وَمُتَوَسِّلًا الَی اللَّهِ تَعالی رَبّی وَرَبِّکُما، وَمُتَوَجِّهاً الَیْهِ بِکُما، وَمُسْتَشْفِعاً

و به خداوند بلندمرتبه ای که پروردگار من و شماست توسل جسته و به واسطه شما به او رو نموده و شما را

1- [306]از این قسمت با توجه به اختلاف دعا در نسخه های مختلف، مطابق مصباح المتهجّد، صفحه 780 به بعد نقل می شود.

بِكُما اِلَى اللَّهِ فى حاجَتى هذِهِ فَاشْفَعا لى فَاِنَّ لَكُما عِنْدَاللَّهِ الْمَقامَ

در اين خواسته ام به درگاهش شفيع مى گيرم، پس شفيعم باشيد، زيرا كه شما در نزد خدا داراى مقام

الْمَحْمُودَ، وَالْجاهَ الْوَجيهَ، وَ الْمَنْزِلَ الرَّفيعَ وَالْوَسيلَهَ، اِنّى اَنْقَلِبُ مِنْكُما

پسنديده و رتبه ممتاز و جايگاهى بلند و (صاحب) وسيله (شفاعت) هستيد، اكنون كه از نزد شما باز مى گردم

مُنْتَظِراً لِتَنَجُّزِ الْحاجَهِ وَقَضآئِها وَنَجاحِها مِنَ اللَّهِ، بِشَفاعَتِكُما لى اِلَى اللَّهِ

منتظر قطعى شدن حاجت و برآمدن و به نتيجه رسيدن آن از جانب خدا، به واسطه شفاعت شما از من در نزد خدا

فى ذلِكَ، فَلا اَخيبُ وَلا يَكُونُ مُنْقَلَبى مُنْقَلَباً خآئِباً خاسِراً، بَلْ يَكُونُ

در اين خواسته ام هستم، پس مأيوس نيستم و بازگشتم مانند بازگشت نااميد و زيانكار نيست بلكه پيروزمند

مُنْقَلَبى مُنْقَلَباً راجِحاً مُفْلِحاً مُنْجِحاً، مُسْتَجاباً بِقَضآءِ جَميعِ الْحَوائِجِ،

و رستگار و كامياب باز مى گردم، در حالى كه پاسخ برآورده شدن تمام خواسته هايم را گرفته ام،

وَتَشَفَّعا لى اِلَى اللَّهِ، اِنْقَلِبُ عَلى ما شآءَ اللَّهُ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلَّا بِاللَّهِ،

و به درگاه خدا شفيعم باشيد، به خواست خدا باز مى گردم، و توان و نيرويى جز براى خداوند نيست

مُفَوِّضاً اَمْرى اِلَى اللَّهِ، مُلْجِأً ظَهْرى اِلَى اللَّهِ، مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ، وَاَقُولُ

در حالى كه كار را به خدا واگذار مى كنم و به او تكيه كرده و بر او توكّل مى كنم و مى گويم

حَسْبِىَ اللَّهُ وَكَفى سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعى لَيْسَ لى وَرآءَ اللَّهِ وَوَرآ ئَكُمْ يا

خدا مرا بس است و کفایت می کند، (صدای) هر کسی که او را بخواند می شنود، و جز خدا و شما ای

سادَتی مُنْتَهی ما شآءَ رَبّی کانَ، وَ ما لَمْ یَشَأْ لَمْ یَکُنْ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ

سرورانم پناهی ندارم، آنچه پروردگارم بخواهد می شود و آنچه نخواهد نمی شود و توان و نیرویی جز برای

الَّا بِاللَّهِ، اسْتَوْدِعُکُمَا اللَّهَ، وَلا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّی الَیْکُما، انْصَرَفْتُ

خداوند نیست، شما را به خدا می سپارم، و خداوند این زیارت را آخرین زیارت من از شما قرار ندهد، باز می گردم

یا سَیِّدی یا امیرَ الْمُؤْمِنینَ وَمَوْلایَ، وَانْتَ یا ابا عَبْدِاللَّهِ یا سَیِّدی

ای آقا و سرورم ای امیرمؤمنان و مولای من، و تو ای ابا عبداللَّه ای آقا و سرورم

وَسَلامی عَلَیْکُما مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ، واصِلٌ ذلِکَ الَیْکُما،

و سلامم پیوسته بر شما باد مادامی که شب و روز باقی است، و سلامم به شما برسد،

غَیْرُ مَحْجُوبٍ عَنْکُما سَلامی انْ شآءَ اللَّهُ، وَاسْئَلُهُ بِحَقِّکُما انْ یَشآءَ ذلِکَ

بی آنکه بر شما پوشیده باشد، اگر خدا بخواهد، و به حقّ شما از خدا می خواهم که این را بخواهد

وَيَفْعَلَ، فَانَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ، انْقَلَبْتُ يا سَيِّدَىَّ عَنْكُما تآئِباً حامِداً للَّهِ،

و انجام دهد، زيرا او ستوده و بزرگوار است، ای آقا و سرورم از نزد شما باز می گردم توبه کننده و سپاسگزار خدا،

شاكِراً راجِياً لِلْإِجابَهِ، غَيْرَ آيِسٍ وَلا قانِطٍ، ائِباً عآئِداً راجِعاً الى

شکر کننده و امیدوار به اجابت او، بدون یأس و ناامیدی، و امیدوار به بازگشت دوباره به

زِيارَتِكُما، غَيْرَ راغِبٍ عَنْكُما، وَلا مِنْ زِيارَتِكُما، بَلْ راجِعٌ عآئِدٌ انْ شآءَ

زیارت شما، بدون روی گردانی از شما و زیارت شما، بلکه اگر خدا بخواهد (به سوی شما) باز خواهم گشت

اللَّهُ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ، يا سادَتى رَغِبْتُ الَيْكُما

و توان و نیرویی جز برای خداوند بلندمرتبه و با عظمت نیست، ای سرورانم به شما و زیارتتان

وَالى زِيارَتِكُما، بَعْدَ انْ زَهِدَ فيكُما وَ فى زِيارَتِكُما اهْلُ الدُّنْيا، فَلا

مشتاقم در حالی که دنیاپرستان از شما و زیارتتان روی گردانند، پس

خَيَّبَنِىَ اللَّهُ ما رَجَوْتُ، وَما امَّلْتُ فى زِيارَتِكُما، انَّهُ قَريبٌ مُجيبٌ.

خداوند مرا از آنچه در زیارت شما به آن امیدوارم و آرزو دارم ناامید نکند، زیرا او نزدیک و اجابت کننده است.

آنگاه رو به قبله می ایستی و دعایی که به دعای علقمه معروف شده است 307] را می خوانی:

يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، يا مُجيبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرِّينَ، يا كاشِفَ كُرَبِ

ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای اجابت کننده درخواست نیازمندان، ای برطرف کننده غم

الْمَكْرُوبينَ، یا غِیاثَ الْمُسْتَغیثینَ، وَ یا صَریخَ الْمُسْتَصْرِخینَ، وَیا مَنْ

گرفتاران، ای فریادرس فریادخواهان، و ای یاری گر یاری خواهان، و ای که

هُوَ اقْرَبُ الَیَّ مِنْ حَبْلِ الْوَریدِ، یا مَنْ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَیا مَنْ

از رگ گردن به من نزدیکتری، ای که میان انسان و دلش فاصله می شوی، و ای که

هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلی وَ بِالْأُفُقِ الْمُبینِ، وَیا مَنْ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحیمُ عَلَی

در جایگاه بلند و در افق آشکار هستی، و ای که بخشنده و مهربانی و بر

الْعَرْشِ اسْتَوی وَیا مَنْ یَعْلَمُ خآئِنَةَ الْأَعْیُنِ، وَما تُخْفِی الصُّدُورُ، وَیا

عرش مسلّطی، و ای که خیانت دیده ها و آنچه را سینه ها پنهان داشته می دانی، و ای

مَنْ لا تَخْفی عَلَیْهِ خافِیَةٌ، یا مَنْ لا تَشْتَبِهُ عَلَیْهِ الْأَصْواتُ، وَیا مَنْ

که چیزی بر تو پوشیده نیست، ای که صداها بر تو مشتبه نشود، و ای که

لاتُغَلِّطُهُ الْحاجاتُ، وَیا مَنْ لا یُبْرِمُهُ الْحاحُ الْمُلِحّینَ، یا مُدْرِکَ کُلِ

(فراوانی) نیازها او را به اشتباه نیاندازد، و ای که اصرار پافشاری کنندگان او را نیازارد، ای به دست آورنده

فَوْتٍ، وَیا جامِعَ کُلِّ شَمْلٍ، وَیا بارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، یا مَنْ هُوَ کُلَ

هر چه از دست رفته، و ای جمع کننده پراکندگان، ای آفریننده جانها پس از مرگ، ای که هر

یَوْمٍ فی شَاْنٍ، یا قاضِیَ الْحاجاتِ، یا مُنَفِّسَ الْکُرُباتِ، یا مُعْطِیَ

روز در کاری هستی، ای برآورنده حاجتها، ای برطرف کننده گرفتاریها، ای عطا کننده

السُّؤُلاتِ، یا وَلِیَّ الرَّغَباتِ، یا کافِیَ الْمُهِمَّاتِ، یا مَنْ یَکْفی مِنْ کُلِ

درخواستها، ای صاحب اختیار آرزوها، ای کفایت کننده امور مهم، ای که از هر چیز

شَیْ ءٍ، وَلا یَکْفی مِنْهُ شَیْ ءٌ فِی السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، اسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

کفایت می کنی، ولی چیزی در آسمان ها و زمین از تو کفایت نکند، از تو می خواهم به حقّ محمّد

خاتَمِ النَّبِیِّینَ، وَ عَلِیٍّ امیرِالْمُؤْمِنینَ، وَ بِحَقِّ فاطِمَهَ بِنْتِ نَبِیِّکَ، وَبِحَقِ

خاتم پیامبران و علی امیر مؤمنان و به حقّ فاطمه دختر پیامبرت و به حقّ

الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ، فَانّی بِهِمْ اتَوَجَّهُ الَیْکَ فی مَقامی هذا، وَبِهِمْ اتَوَسَّلُ،

امام حسن و امام حسین، زیرا من در این جایگاه به واسطه آنها به تو توجّه نموده و متوسّل می شوم

وَبِهِمْ اتَشَفَّعُ الَیْکَ، وَبِحَقِّهِمْ اسْئَلُکَ وَاقْسِمُ وَاعْزِمُ عَلَیْکَ، وَ بِالشَّاْنِ الَّذی

و به واسطه آنها از تو شفاعت می طلبم و به حقّ آنها از تو می خواهم و تو را سوگند می دهم و با تأكيد تقاضا می كنم و به حقّ جايگاهی كه

لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالْقَدْرِ الَّذی لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالَّذی فَضَّلْتَهُمْ عَلَی الْعالَمينَ،

آنان نزد تو دارند، و به حقّ ارزشی كه آنان نزد تو دارند و به حقّ آنچه كه آنان را بر جهانيان برتری دادی،

وَبِاسْمِكَ الَّذی جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ، وَبِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ الْعالَمينَ، وَبِهِ ابَنْتَهُمْ

و به حقّ نامی كه نزد آنان قرار دادی، و از ميان جهانيان آنان را به آن اختصاص دادی، و به وسيله آن، آنها

وَابَنْتَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعالَمينَ، حَتّی فاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعالَمينَ

و فضيلتشان را بر ديگران آشكار نمودی، تا جايی كه فضيلتشان بر تمام جهانيان پيشی گرفت،

جَميعاً، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَكْشِفَ عَنّی

از تو می خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستی، و غم و اندوه

غَمّی وَهَمّی وَكَرْبی وَتَكْفِيَنِی الْمُهِمَّ مِنْ اُمُوری وَتَقْضِیَ عَنّی دَيْنی

و گرفتاريم را برطرف كنی، و كارهای مهمّم را كفايت كنی، و قرضم را ادا كنی

ص: 272

وَتُجيرَنى مِنَ الْفَقْرِ، وَتُجيرَنى مِنَ الْفاقَهِ، وَتُغْنِيَنى عَنِ الْمَسْئَلَهِ اِلَى

و مرا در فقر و نیازمندی حمایت کنی، و مرا از اظهار حاجت در نزد آفریدگان

الْمَخْلُوقينَ، وَتَكْفِيَنى هَمَّ مَنْ اخافُ هَمَّهُ، وَ جَوْرَ مَنْ اخافُ جَوْرَهُ،

بی نیاز گردانی و کفایت کنی مرا از اندوه کسی که از اندوهش می ترسم، و از ستم کسی که از ستمش می ترسم

وَعُسْرَ مَنْ اخافُ عُسْرَهُ، وَحُزُونَهَ مَنْ اخافُ حُزُونَتَهُ، وَشَرَّ مَنْ اخافُ

و از گرفتاری کسی که از گرفتار شدن به دست او می ترسم، و از خشونت کسی که از خشونت او بیم دارم و از شرّ کسی که از

شَرَّهُ، وَمَكْرَ مَنْ اخافُ مَكْرَهُ، وَبَغْىَ مَنْ اخافُ بَغْيَهُ، وَسُلْطانَ مَنْ اخافُ

شرّش می ترسم، و از حیله کسی که از حیله اش خائفم، و از بیداد کسی که از بیدادش ترس دارم بیمناکم، و از سلطه کسی که از

سُلْطانَهُ، وَكَيْدَ مَنْ اخافُ كَيْدَهُ، وَمَقْدُرَهَ مَنْ اخافُ مَقْدُرَتَهُ عَلَىَّ،

سلطه اش می ترسم، و از نیرنگ کسی که از نیرنگش خوف دارم، و از قدرت یافتن کسی که از قدرتش بر خود می ترسم،

وَ تَرُدَّ عَنّى كَيْدَ الْكَيَدَهِ، وَمَكْرَ الْمَكَرَهِ، اللهُمَّ مَنْ ارادَنى فَارِدْهُ،

و از تو می خواهم که نیرنگ نیرنگبازان و فریب فریبکاران را از من دور کنی، خدایا هر که مرا (به بدی) قصد کند تو نیز با او چنان کن،

وَمَنْ كادَنى فَكِدْهُ، وَاصْرِفْ عَنّى كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَاْسَهُ وَامانِيَّهُ، وَامْنَعْهُ

و هر که با من نیرنگ کند تو نیز گرفتارش کن، و نیرنگ و فریب و قدرت و سلطه اش را از من باز دار، و او را

عَنّى كَيْفَ شِئْتَ وَانّى شِئْتَ، اللهُمَّ اشْغَلْهُ عَنّى بِفَقْرٍ لا تَجْبُرُهُ، وَبِبَلاءٍ

هر گونه و هر زمان که خواهی از من باز دار، خدایا او را گرفتار کن به فقری که جبرانش نکنی و به بلایی که

لاتَسْتُرُهُ، وَبِفاقَهٍ لا تَسُدَّها، وَبِسُقْمٍ لا تُعافیهِ، وَذُلٍّ لا تُعِزُّهُ، وَبِمَسْکَنَهٍ

از آن حفظش نکنی، و به نیازی که جبرانش نکنی، و به دردی که عافیتش نبخشی و به ذلّتی که عزّتش نبخشی و به بیچارگی که

لا تَجْبُرُها، اللهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصْبَ عَیْنَیْهِ، وَادْخِلْ عَلَیْهِ الْفَقْرَ

جبرانش نکنی، خدایا ذلّت را در مقابل دیدگانش قرار ده و فقر را

فی مَنْزِلِهِ، وَالْعِلَّهَ وَالسُّقْمَ فی بَدَنِهِ، حَتّی تَشْغَلَهُ عَنّی بِشُغْلٍ شاغِلٍ لا

در خانه اش و بیماری و مرض را در بدنش داخل کن، تا او را از من به کاری مشغول و گرفتار سازی که

فَراغَ لَهُ، وَانْسِهِ ذِکْری کَما انْسَیْتَهُ ذِکْرَکَ، وَخُذْ عَنّی بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ،

فراغتی نداشته باشد و یادم را از خاطرش ببر همان گونه که یاد خودت را از خاطرش برده ای، و گوش و چشم

وَلِسانِهِ وَیَدِهِ وَرِجْلِهِ وَقَلْبِهِ، وَجَمیعِ جَوارِحِهِ، وَادْخِلْ عَلَیْهِ

و زبان و دست و پای و دل و تمامی اعضایش را از من باز دار، و تمامی اعضای

ص :273

فى جَميعِ ذلِکَ السُّقْمَ، وَلا تَشْفِهِ حَتّى تَجْعَلَ ذلِکَ لَهُ شُغْلاً شاغِلاً بِهِ

بدنش را به بيمارى مبتلا كن، و او را شفا نده تا به واسطه آن از من و ياد من

عَنّى وَعَنْ ذِکْرى وَاکْفِنى يا کافِىَ مالا يَکْفى سِواکَ، فَاِنَّکَ الْکافى لا

به آن مشغول شود، اى كفايت كننده، آنچه را كه كسى جز تو كفايت نمى كند، مشكلات مرا كفايت كن، زيرا تو كفايت كننده اى هستى كه

کافِىَ سِواکَ، وَمُفَرِّجٌ لا مُفَرِّجَ سِواکَ، وَمُغيثٌ لا مُغيثَ سِواکَ، وَجارٌ لا

كفايت كننده اى جزتو نيست وگشايشگرى كه گره گشايى جز تو نيست و فريادرسى كه فريادرسى جز تو نيست و پناه دهى

جارَ سِواکَ، خابَ مَنْ کانَ جارُهُ سِواکَ، وَمُغيثُهُ سِواکَ، وَمَفْزَعُهُ الى

كه پناه دهنده اى جز تو نيست، زيان ديد آن كه پناه و فريادرسش جز تو بود،

سِواکَ، وَمَهْرَبُهُ الى سِواکَ، وَ مَلْجَأُهُ الى غَيْرِکَ، وَ مَنْجاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ

و پناهگاه و راه نجاتش جز تو بود، و به غير تو پناهنده شد و از غير تو

غَيْرِکَ، فَانْتَ ثِقَتى وَرَجآئى وَ مَفْزَعى وَمَهْرَبى وَمَلْجَأى وَمَنْجاىَ،

راه نجات جست، تويى تكيه گاه و اميد و پناه و راه نجات و پناهگاه و راه رهاييم،

فَبِکَ اسْتَفْتِحُ وَبِکَ اسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اتَوَجَّهُ الَيْکَ، وَاتَوَسَّلُ

پس نام با تو آغاز كرده و از تو موفقيت مى طلبم و به واسطه محمّد و خاندان پاكش به تو رو كرده و توسّل جسته

وَاتَشَفَّعُ، فَاسْئَلُکَ يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، فَلَکَ الْحَمْدُ وَلَکَ الشُّکْرُ، وَالَيْکَ

و شفاعت می طلبم پس از تو می خواهم ای خدا، ای خدا، ای خدا، حمد و سپاس از آنِ توست، و شکایتم

الْمُشْتَکی وَانْتَ الْمُسْتَعانُ، فَاسْئَلُکَ یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

به درگاه توست و تویی یاورم، پس از تو می خواهم ای خدا، ای خدا، به حق محمّد و خاندان

مُحَمَّدٍ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَکْشِفَ عَنّی غَمّی

پاکش که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و غم و اندوه و گرفتاریم را

وَهَمّی وَکَرْبی فی مَقامی هذا، کَما کَشَفْتَ عَنْ نَبِیِّکَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَ کَرْبَهُ،

در این جایگاه برطرف کنی همان گونه که از پیامبرت اندوه و غم و گرفتاری را برطرف نمودی

وَکَفَیْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ، فَاکْشِفْ عَنّی کَما کَشَفْتَ عَنْهُ، وَفَرِّجْ عَنّی کَما

وهراس از دشمن را از او برطرف کردی، پس برطرف کن از من آن گونه که از او برطرف نمودی، و گشایش ده به من همان گونه که

فَرَّجْتَ عَنْهُ، وَاکْفِنی کَما کَفَیْتَهُ، وَاصْرِفْ عَنّی هَوْلَ ما اخافُ هَوْلَهُ،

به او گشایشی عطا نمودی، و کفایتم کن همان گونه که او را کفایت نمودی، و ترس آنچه را که از هراسش می ترسم

وَمَؤُنَهَ ما اخافُ مَؤُنَتَهُ، وَهَمَّ ما اخافُ هَمَّهُ، بِلا مَؤُنَهٍ عَلی نَفْسی مِنْ

و زحمت آنچه را که از سختیش بیم دارم و اندوه آنچه را از اندوهش خائفم از من دور کن بی آن که از این جهت به زحمت

ذلِکَ، وَاصْرِفْنی بِقَضآءِ حَوائِجی وَکِفایَهِ ما اهَمَّنی هَمُّهُ مِنْ امْرِ آخِرَتی

بیافتم و مرا باز گردان با برآورده شدن حاجتم و کفایت آنچه از امور آخرت و دنیایم مرا

وَ دُنْیایَ. آنگاه اگر قصد وداع با این دو بزرگوار را داشته باشد می گوید: یا امیرَالْمُؤمِنینَ، وَ یا

به زحمت انداخته است.***************** ای امیر مؤمنان و ای

اباعَبْدِاللَّهِ، عَلَیْکُما مِنِّی سَلامُ اللَّهِ ابَداً ما بَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ وَلا

ابا عبداللَّه، سلام همیشگی خدا از جانب من بر شما باد مادامی که شب و روز باقی است

جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتِکُما وَلا فَرَّقَ بَیْنی وَبَیْنَکُما.(1)

و خدا این زیارتم از شما را آخرین زیارتم قرار ندهد و بین من و شما جدایی نیندازد.

4- زیارت دیگری از صفوان

مرحوم «سیّد بن طاووس» در «فرحه الغری» از «صفوان جمّال» نقل می کند که وقتی با امام

1- [308]یادآوری چند نکته: الف) این زیارت را مرحوم سیّدبن طاووس در« مصباح الزائر، صفحه 149» نیز با تفاوت هایی آورده است و علّامه مجلسی آن را از مزار شیخ مفید نقل کرده.(بحارالانوار، جلد 97، صفحه 305، حدیث 23) ما نیز بخشی از این دعا را مطابق بحار و قسمتی را

مطابق مصباح المتهجّد نقل کرده ایم. ب) از آنچه گذشت به دست آمد که آنچه به عنوان دعای علقمه میان مردم معروف است و مرحوم حاج شیخ عباس قمی آن را بعد از زیارت عاشورا آورده، همین دعای صفوان است و حق این بود که به دعای صفوان معروف می شد؛ زیرا به تصریح حدیث سیف بن عمیره- مطابق نقل شیخ طوسی در مصباح- اساساً علقمه، پس از نقل زیارت عاشورا، دعایی ذکر نکرده(ر. ک: بحارالانوار، جلد 98، صفحه 296، حدیث 3) و نقل کامل الزیارات نیز مؤیّد آن است(ر. ک: کامل الزیارات، باب 71، حدیث 8). ج) از آنچه گذشت نیز روشن شد که جایگاه اصلی دعای صفوان(که به دعای علقمه معروف شده) همین فصل، یعنی فصل زیارات امیرمؤمنان است. چون امام صادق علیه السلام این دعا را در کنار قبر شریف امیر مؤمنان علیه السلام و پس از زیارت آن حضرت خواند، گرچه پس از زیارت آن بزرگوار، سلامی به امام حسین علیه السلام هم داده باشد و یا حتّی مطابق نقلی که شیخ طوسی نسبت به جریان صفوان دارد، پس از زیارت امیر مؤمنان علیه السلام، زیارت عاشورایی را هم خوانده باشد. بر همین اساس، ما آن دعا را به این جا(فصل زیارت امیرمؤمنان علیه السلام) منتقل کرده ایم. د) اگر آن دعا(دعای صفوان و یا علقمه) در ذیل زیارت امیرمؤمنان علیه السلام ذکر می شد دیگر ابهامی برای زائران عزیز به وجود نمی آمد که چگونه در آخر دعایی که پس از زیارت عاشورا خوانده می شود سخن از وداع با امیر مؤمنان علیه السلام است و تعبیراتی چون« یا امیرالمؤمنین ... من زیارتکما ... یا امیرالمؤمنین ... اتیتکما ... و لکما ...» در آن آمده است؟! ظاهراً منشأ اشتباه، کیفیّت نقل مرحوم علّامه مجلسی در فصل زیارات امام حسین علیه السلام است که دعای صفوان(علقمه) را در آن جا(فصل زیارات امام حسین علیه السلام) نیز با تتمّه آن، که مربوط به وداع با امیر مؤمنان و امام حسین علیهما السلام است نقل می کند.

صادق علیه السلام وارد کوفه شدیم- زمانی که آن حضرت به نزد منصور دوانقی می رفت- فرمود: ای صفوان! شتر را بخوابان که این جا نزدیک قبر جدّم امیرمؤمنان علیه السلام است، شتر را خواباندم، حضرت فرود آمدند و غسل کردند و لباس خود را عوض کردند و پاها را برهنه نمودند و فرمودند تو نیز چنین کن؛ سپس به جانب تلّ نجف روانه شدند و فرمودند: گامها را کوتاه بردار و سر را به زیر افکن که حق تعالی برای هر گامی صد هزار حسنه می نویسد ... سپس حرکت کرد و من هم به همراه او حرکت کردم در حالی که با سکینه و وقار بودیم و تسبیح و تقدیس خدا می گفتیم تا به تل ها (تپّه ها) رسیدیم؛ آنگاه ایستاد و نگاهی به چپ و راست انداخت و با چوبی که در دست داشت خطّی کشید و فرمود: خاکها را کنار بزن! من چنین کردم، ناگهان اثر قبری را یافتم، پس اشک چشم آن بزرگوار بر گونه های مبارکش جاری شد و گفت:

انَّا للَّهِ وَانَّا الَیْهِ راجِعُونَ و گفت: السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْوَصِیُّ الْبَرُّ التَّقِیُّ،

ما از آنِ خداییم و به سوی او باز می گردیم*** سلام بر تو ای جانشین نیکوکارِ پرهیزکار،

السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا النَّبَأُ الْعَظیمُ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الصِّدّیقُ الرَّشیدُ،

سلام بر تو ای خبر بزرگ، سلام بر تو ای راستگویِ هدایت یافته

السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْبَرُّ الزَّکیُّ السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَصِیَّ رَسُولِ رَبِ

سلام بر تو ای نیکوکارِ پاکیزه، سلام بر تو ای جانشینِ فرستاده پروردگار

الْعالَمینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا خِیَرَةَ اللَّهِ عَلَی الْخَلْقِ اجْمَعینَ، اشْهَدُ انَّکَ

جهانیان، سلام بر تو ای برگزیده خدا بر تمامی مخلوقات، گواهی می دهم که تو

حَبیبُ اللَّهِ، وَ خاصَّتُهُ وَخالِصَتُهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّهِ،

محبوب خدا و بنده خاص و خالصش هستی، سلام بر تو ای ولیّ خدا، و مخزن سر

وَ عَیْبَهَ عِلْمِهِ، وَخازِنَ وَحْیِهِ. سپس خود را به قبر چسبانید و گفت: بِابی انْتَ وَامِّی

و گنجینه دانش و خزانه دار وحیش.********** پدر و مادرم فدای تو

یا امیرَ الْمُؤْمِنینَ، بِابی انْتَ وَ امّی یا حُجَّهَ الْخِصامِ، بِابی انْتَ وَامِّی یا

ای امیر مؤمنان، پدر و مادرم فدای تو ای حجّت (خدا) بر دشمنان، پدر و مادرم فدای تو ای

بابَ الْمَقامِ، بِابی انْتَ وَامِّی یا نُورَ اللَّهِ التَّآمَّ، اشْهَدُ انَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ

درگاه با عظمت، پدر و مادرم فدای تو ای نور کامل خدا، گواهی می دهم که تو ابلاغ نمودی آنچه از جانب خدا

وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، ما حُمِّلْتَ، وَ رَعَیْتَ مَا اسْتُحْفِظْتَ،

و رسولش- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- بر عهده داشتی، و رعایت نمودی آنچه مأمور حفظش بودی

ص :276

وَحَفِظْتَ مَا اسْتُوْدِعْتَ، وَحَلَّلْتَ حَلالَ اللَّهِ، وَحَرَّمْتَ حَرامَ اللَّهِ، وَ اقَمْتَ

و حفظ نمودى آنچه نزدت وديعه گذاشته شد و حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام دانستى

احْكامَ اللَّهِ، وَلَمْ تَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتّى اتيکَ الْيَقينُ،

و احكام خدا را بپا داشته و از حدود الهى تجاوز ننمودى و خدا را از روى اخلاص عبادت نمودى تا زمان مرگت فرا رسيد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْکَ وَ عَلَى الْأَئِمَّهِ مِنْ بَعْدِکَ.

درود خدا بر تو و بر امامان بعد از تو باد.

سپس برخاست و در بالاى سر آن حضرت چند ركعت نماز خواند و فرمود: اى صفوان! هر كس اميرمؤمنان عليه السلام را به اين زيارت، زيارت كند و اين نماز را بخواند در حالى به اهل خود برمى گردد كه گناهانش بخشوده شده و سعيش مشكور است و ثواب هر فرشته اى از فرشتگان كه او را زيارت كرده برايش نوشته مى شود. با تعجّب پرسيدم: ثواب هر زائرى از فرشتگان؟! فرمود: هر شب هفتاد گروه از فرشتگان اورا زيارت مى كنند، عرض كردم تعداد هر گروه چقدر است؟ فرمود: صد هزار؛ سپس به صورت قهقرا خارج شد در حالى كه مى گفت:

يا جَدَّاهُ يا سَيِّداهُ، يا طَيِّباهُ يا طاهِراهُ، لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْکَ،

اى جدّ و آقاى من، اى پاک و پاكيزه، خدا اين زيارت را آخرين زيارت از تو قرار ندهد

وَرَزَقَنِى الْعَوْدَ الَيْکَ، وَالْمَقامَ فى حَرَمِکَ، وَالْكَوْنَ مَعَکَ وَمَعَ الْأَبْرارِ مِنْ

و بازگشت به سويت و اقامت در حرمت و بودن با تو و نيكان از

وُلْدِکَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْکَ، وَ عَلَى الْمَلآئِكَهِ الْمُحْدِقينَ بِکَ.

فرزندانت را روزيم كند، درود خدا بر تو و بر فرشتگان گرداگرد حرمت باد.

عرض کردم: ای آقای من! آیا اجازه می دهی که اصحاب ما از اهل کوفه را از این قبر آگاه سازم؟ فرمود:

آری و مبلغی به من دادند و من قبر را تعمیر و اصلاح کردم.(1)

5- زیارتی از کتاب مزار قدیم

مرحوم «حاجی نوری» رحمه الله از کتاب «مزار قدیم» از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: با پدرم به زیارت قبر جدّم امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام در نجف رفتیم، پس پدرم نزد قبر مطهّر ایستاد و گریست و گفت:

1- [309]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 279، حدیث 15 و فرحه الغری، صفحه 94،(با اندکی تفاوت).

السَّلامُ عَلى اِبِى الْأَئِمَّهِ، وَخَليلِ النُّبُوَّهِ، وَالْمَخْصُوصِ بِالْأُخُوَّهِ، السَّلامُ

سلام بر پدر امامان و دوستدار نبوّت و برگزيده شده براى برادرى (پيامبر)، سلام

عَلى يَعْسُوبِ الْإيمانِ، وَميزانِ الْأَعْمالِ، وَسَيْفِ ذِى الْجَلالِ، السَّلامُ

بر رئيس ايمان، و ميزان سنجش اعمال و شمشير خداى باشكوه، سلام

عَلى صالِحِ الْمُؤْمِنينَ، وَوارِثِ عِلْمِ النَّبِيّينَ، الْحاكِمِ فى يَوْمِ الدّينِ،

بر شايسته ترين مؤمنان و وارث علم پيامبران، و حكم كننده در روز قيامت.

السَّلامُ عَلى شَجَرَهِ التَّقْوى السَّلامُ عَلى حُجَّهِ اللَّهِ الْبالِغَهِ، وَنِعْمَتِهِ

سلام بر شجره تقوا، سلام بر حجت رساى خدا و نعمت

السَّابِغَهِ، وَنِقْمَتِهِ الدَّامِغَهِ، السَّلامُ عَلَى الصِّراطِ الْواضِحِ، وَالنَّجْمِ الّلائِحِ،

فراوان و عذاب كوبنده اش، سلام بر راه آشكار و ستاره درخشان

وَالْإِمامِ النَّاصِحِ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ* آنگاه گفت: انْتَ وَسيلَتى الَى اللَّهِ

و امام خيرخواه، و رحمت و بركات خدا بر تو باد******* تو واسطه و راه من به سوى خدايى،

وَذَريعَتى وَلى حَقُّ مُوالاتى وَ تَأْميلى فَكُنْ لى شَفيعى الَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَ

و من نسبت به تو حق پيروى و آرزومندى دارم، پس به درگاه خدا براى برآورده

فِى الْوُقُوفِ عَلى قَضآءِ حاجَتى وَهِىَ فَكاكُ رَقَبَتى مِنَ النَّارِ، وَاصْرِفْنى

شدن حاجتم كه همان رهاييم از آتش دوزخ است، شفيعم باش، و مرا از اين جايگاهم

فی مَوْقِفی هذا بِالنَّجْحِ، وَ بِما سَئَلْتُهُ کُلّهُ بِرَحْمَتِهِ وَقُدْرَتِهِ، اللّهُمَ

با موفقیّت و برآورده شدن آنچه از تو خواسته ام به رحمت و قدرتت بازگردان، خدایا

ارْزُقْنی عَقْلاً کامِلاً، وَلُبّاً راجِحاً، وَقَلْباً زَکِیّاً، وَعَمَلاً کَثیراً، وَادَباً بارِعاً،

عقلی کامل و اندیشه ای برتر و دلی پاک و عملی فراوان و ادبی کارآمد را روزیم کن

وَاجْعَلْ ذلِکَ کُلَّهُ لی وَلا تَجْعَلْهُ عَلَیَّ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

و تمام اینها را به نفع من قرار ده نه به زیان من، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

6- زیارت وداع

در کتاب «کامل الزیارات» از اباالحسن (موسی بن جعفر) علیه السلام نقل کرده که هرگاه قصد وداع کردی، کنار قبر آن حضرت بگو:

1- [310]مستدرک الوسائل، جلد 10، صفحه 222، حدیث 1.

السَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، اسْتَوْدِعُکَ اللَّهَ وَاسْتَرْعیکَ، وَاقْرَءُ

سلام بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد، تو را به خدا می سپارم و توجّهت را می طلبم

عَلَیْکَ السَّلامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرُّسُلِ، وَبِما جآئَتْ بِهِ، وَدَعَتْ الَیْهِ وَدَلَّتْ

و بر تو سلام می کنم، ایمان آورده ایم به خدا و فرستادگانش و به آنچه آورده اند و به آن دعوت نموده و بر آن

عَلَیْهِ، فَاکْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدینَ، اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتی

راهنمایی کرده اند، پس ما را در زمره گواهان (بر آن) ثبت فرما، خدایا زیارتم را آخرین زیارت از او قرار مده

ایَّاهُ، فَانْ تَوَفَّیْتَنی قَبْلَ ذلِکَ، فَانّی اشْهَدُ فی مَماتی عَلی ما کُنْتُ شَهِدْتُ

پس اگر مرا پیش از زیارتِ دوباره، میراندی گواهی می دهم در مردنم به آنچه

عَلَیْهِ فی حَیاتی اشْهَدُ انَّکُمُ الْأَئِمَّهُ، امیرَ الْمُؤْمِنینَ عَلِیّاً، وَالْحَسَنَ

در زنده بودنم گواهی دادم، گواهی می دهم که شما امامید، امیرمؤمنان علی، و حسن

وَالْحُسَیْنَ، وَ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ

و حسین، و علی بن حسین و محمّد بن علی، و جعفر بن محمّد

وَمُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ، وَعَلِیَّ بْنَ مُوسی وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ، وَعَلِیَّ بْنَ

و موسی بن جعفر، و علی بن موسی و محمّد بن علی، و علی بن

مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ، وَالْحُجَّهَ بْنَ الْحَسَنِ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِمْ

محمّد و حسن بن علی و حجّت بن الحسن (همه امامان من هستند) که درود خدا بر تمامی

اجْمَعينَ، وَ اشْهَدُ انَّ مَنْ قَتَلَهُمْ وَحارَبَهُمْ مُشْرِکُونَ، وَ مَنْ رَدَّ عِلْمَهُمْ وَرَدَّ

آنان باد، و گواهی می دهم هر کس آنان را کشت و با آنان جنگید مشرک است و هر کس مقام علمی آنان را نپذیرفت

عَلَيْهِمْ فی اسْفَلِ دَرَکٍ مِنَ الْجَحيمِ، وَاشْهَدُ انَّ مَنْ حارَبَهُمْ لَنا اعْدآءٌ،

و با آنها به مخالفت برخاست در پايين ترين درجه دوزخ است، و گواهی می دهم هر کس با آنان جنگيد دشمن ماست

وَنَحْنُ مِنْهُمْ بُرَءآءُ، وَانَّهُمْ حِزْبُ الشَّيْطانِ، وَ عَلی مَنْ قَتَلَهُمْ لَعْنَهُ اللَّهِ

و ما از آنها بيزاريم، و آنها گروه شيطانند و لعنت خدا و فرشتگان و تمامی مردم بر

وَالْمَلآئِکَهِ وَالنَّاسِ اجْمَعينَ، وَمَنْ شَرِکَ فيهِمْ، وَمَنْ سَرَّهُ قَتْلُهُمْ، اللهُمَ

قاتلان آنان باد و بر کسانی که در قتل آنان شراکت نموده و از آن خوشحال شدند، خدايا

انّی اسْئَلُکَ بَعْدَ الصَّلاهِ وَ التَّسْليمِ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلیٍ

بعد از درود و سلام از تو می خواهم که بر محمّد و علی

وَ فاطِمَهَ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ، وَعَلِیٍّ وَمُحَمَّدٍ، وَجَعْفَرٍ وَمُوسی وَعَلِیٍ

و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمّد و جعفر و موسی و علی

وَمُحَمَّدٍ، وَ عَلِیٍّ وَالْحَسَنِ، وَالْحُجَّهِ، وَ لاتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتِهِ،

و محمّد و علی و حسن و حجّت بن الحسن درود فرستی و این زیارت را آخرین زیارتم از او قرار مده

فَانْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْنی مَعَ هؤُلآءِ الْمُسَمَّیْنَ الْائِمَّهِ، اللهُمَّ وَ ذَلِّلْ قُلُوبَنا

پس اگر آخرین زیارتم قرار دادی مرا با امامان یاد شده محشورم فرما و دلهای ما را به

لَهُمْ بِالطَّاعَهِ، وَالْمُناصَحَهِ وَالْمَحَبَّهِ، وَحُسْنِ الْمُوازَرَهِ وَالتَّسْلیمِ.(1)

اطاعت و خیرخواهی و دوستی و فرمانبرداری و تسلیم در برابر آنان مطیع گردان.

***

زیارات مخصوصه

اشاره

علاوه بر زیاراتی که گذشت و مخصوص زمان معیّنی نبود، چند زیارت مخصوصه نیز برای آن حضرت نقل شده است:

1- زیارت روز عید غدیر

«سیّد بن طاووس» در «اقبال» از بزنطی، از امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود: «هر جا باشی (اگر بتوانی) در روز غدیر نزد قبر امیرمؤمنان علیه السلام حاضر شو، چرا که خداوند تبارک و تعالی در این روز گناهان بسیاری از مرد و زن مؤمن را می آمرزد ... به خدا قسم اگر مردم فضیلت این روز را حقیقتاً می شناختند در هر روز، فرشتگان، ده مرتبه با آنان مصافحه می کردند».(2) به هر حال، برای این روز چند زیارت نقل شده است:

زیارت اوّل: زیارت «امین اللّه» که بعضی از بزرگان آن را به عنوان زیارت مخصوص به این روز نقل کرده اند و در بحث زیارات مطلقه گذشت، (صفحه 260).

زیارت دوم: زیارت بسیار جالب و جامعی که امام حسن عسکری علیه السلام آن را از پدرش بزرگوارش نقل می کند(3) و کیفیّت آن چنین است: وقتی اراده زیارت حضرتش را کردی نخست بر در آن قبّه شریفه بایست و اذن دخول بخواه (خوب است اذن دخولی را که ما در ابتدای بخش زیارات، صفحه 220، ذکر

1- [311]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 266، حدیث 8، به نقل از کامل الزیارات، باب 12، صفحه 46، حدیث 1.
2- [312]اقبال، صفحه 468 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 358، حدیث 2.
3- [313]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 359، حدیث 6.

کردیم: «

اللَّهُمَّ إِنِّی وَقَفْتُ عَلی بابٍ مِنْ ...

» خوانده شود) سپس پای راست را مقدّم بدار و داخل شو و به نزدیک ضریح مقدّس برو و پشت به قبله و رو به ضریح بایست و بگو:

السَّلامُ عَلی مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ خاتَمِ النَّبِیّینَ، وَسَیِّدِ الْمُرْسَلینَ، وَصَفْوَهِ

سلام بر محمّد رسول خدا و خاتم پیامبران، و آقا و سیّد فرستادگان و برگزیده

رَبِّ الْعالَمینَ، امینِ اللَّهِ عَلی وَحْیِهِ، وَعَزآئِمِ امْرِهِ، وَالْخاتِمِ لِما سَبَقَ،

پروردگار جهانیان، امین خدا بر وحی و فرمان حتمیش و ختم کننده آنچه گذشت

وَالْفاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ، وَالْمُهَیْمِنِ عَلی ذلِکَ کُلِّهِ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ

و گشاینده آنچه خواهد آمد، و ناظر بر تمام این امور، و رحمت و برکات خدا

وَصَلَواتُهُ وَتَحِیّاتُهُ، السَّلامُ عَلی انْبِیآءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، وَ مَلآئِکَتِهِ الْمُقَرَّبینَ،

و درود و تحیاتش بر تو باد، سلام بر پیامبران و فرستادگان خدا و فرشتگان مقرّب

وَعِبادِهِ الصَّالِحینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا امیرَالْمُؤْمِنینَ، وَسَیِّدَ الْوَصِیّینَ،

و بندگان صالحش، سلام بر تو ای امیرمؤمنان و آقا و سرور جانشینان

وَ وارِثَ عِلْمِ النَّبِیّینَ، وَوَلِیَّ رَبِّ الْعالَمینَ، وَمَوْلایَ وَمَوْلَی الْمُؤْمِنینَ،

و وارث علم پیامبران و دوستدار پروردگار جهانیان و مولای من و تمامی مؤمنان

وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا امیرَ الْمُؤْمِنینَ،

و رحمت و برکات خدا بر تو باد، سلام بر تو ای مولای من ای امیرمؤمنان

یا امینَ اللَّهِ فی ارْضِهِ، وَسَفیرَهُ فی خَلْقِهِ، وَحُجَّتَهُ الْبالِغَهَ عَلی عِبادِهِ،

ای امین خدا در روی زمین و سفیرش در میان مخلوقات و حجّت و دلیل رسایش بر بندگان

السَّلامُ عَلَیْکَ یا دینَ اللَّهِ الْقَویمَ، وَصِراطَهُ الْمُسْتَقیمَ، السَّلامُ عَلَیْکَ

سلام بر تو ای دین پایدار خدا و راه راست او، سلام بر تو

ایُّهَا النَّبَأُ الْعَظیمُ، الَّذی هُمْ فیهِ مُخْتَلِفُونَ، وَ عَنْهُ یُسْئَلُونَ، السَّلامُ عَلَیْکَ

ای خبر بزرگ، که امّت در آن اختلاف کردند و از آن بازخواست شوند، سلام بر تو

یا امیرَ الْمُؤْمِنینَ، آمَنْتَ بِاللَّهِ وَهُمْ مُشْرِکُونَ، وَصَدَّقْتَ بِالْحَقِّ وَهُمْ

ای امیر مؤمنان به خدا ایمان آوردی در حالی که آنها مشرک بودند و حق را تصدیق نمودی در حالی که

مُکَذِّبُونَ، وَجاهَدْتَ وَ هُمْ مُحْجِمُونَ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدّینَ

آنان تکذیب نمودند و جهاد نمودی در حالی که آنان شانه خالی کردند، و خدا را عبادت نمودی در حالی که دینت را برای او خالص کردی

ص :281

صابِراً مُحْتَسِباً، حَتّی اتیکَ الْیَقینُ، الا لَعْنَهُ اللَّهِ عَلَی الظَّالِمینَ، السَّلامُ

و صبر کرده و به پاداش او راضی شدی، تا زمان مرگت فرا رسید، لعنت خدا بر ستمکاران باد، سلام

عَلَیْکَ یا سَیِّدَالْمُسْلِمینَ، وَیَعْسُوبَ الْمُؤْمِنینَ، وَامامَ الْمُتَّقینَ، وَقآئِدَ

بر تو ای آقا و سرور مسلمانان و پیشوای مؤمنان و امام پرهیزکاران و پیشوای

الْغُرِّ الْمُحَجَّلینَ، وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، اشْهَدُ انَّکَ اخُو رَسُولِ اللَّهِ وَوَصِیُّهُ،

سفیدرویان، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، گواهی می دهم که تویی برادر و جانشین رسول خدا

وَوارِثُ عِلْمِهِ وَامینُهُ عَلی شَرْعِهِ، وَخَلیفَتُهُ فی امَّتِهِ، وَاوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ،

و وارث علم و امین او بر شریعتش و جانشینش در میان امّتش و اوّلین کسی که به خدا ایمان آورد

وَصَدَّقَ بِما انْزِلَ عَلی نَبِیِّهِ، وَاشْهَدُ انَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنِ اللَّهِ ما انْزَلَهُ فیکَ،

و آنچه بر پیامبرش نازل شد تصدیق نمود، و گواهی می دهم که او آنچه خدا در مورد تو نازل کرد (به امّت) ابلاغ نمود

فَصَدَعَ بِامْرِهِ، وَاوْجَبَ عَلی امَّتِهِ فَرْضَ طاعَتِکَ وَوِلایَتِکَ، وَعَقَدَ

و کارش را به انجام رسانید، و اطاعت و ولایت تو را بر امّتش واجب فرمود و برای تو

عَلَیْهِمُ الْبَیْعَهَ لَکَ، وَجَعَلَکَ اوْلی بِالْمُؤْمِنینَ مِنْ انْفُسِهِمْ، کَما جَعَلَهُ اللَّهُ

از آنان بیعت گرفت و تو را نسبت به مؤمنان شایسته تر از خودشان قرار داد، همان گونه که خدا او را

کَذلِکَ، ثُمَّ اشْهَدَ اللَّهَ تَعالی عَلَیْهِمْ، فَقالَ الَسْتُ قَدْ بَلَّغْتُ، فَقالُوا اللهُمَ

چنین قرار داد، سپس خداوند بلندمرتبه را بر آنان شاهد گرفت و فرمود: آیا (فرمان خدا را) نرساندم؟ پس گفتند:

بَلی فَقالَ اللهُمَّ اشْهَدْ وَ کَفی بِکَ شَهیداً وَحاکِماً بَیْنَ الْعِبادِ، فَلَعَنَ اللَّهُ

بخدا رساندی، پس فرمود: خدایا تو شاهد باش و شهادت و حکم تو بین بندگان کافی است، پس خدا لعنت کند

جاحِدَ وِلایَتِکَ بَعْدَ الْإِقْرارِ، وَناکِثَ عَهْدِکَ بَعْدَ الْمیثاقِ، وَاشْهَدُ انَّکَ

منکر ولایتت را بعد از اقرار به آن و پیمان شکنانت را بعد از بستن پیمان، و گواهی می دهم که تو

وَفَیْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ تَعالی وَانَّ اللَّهَ تَعالی مُوفٍ لَکَ بِعَهْدِهِ، وَمَنْ اوْفی بِما

به عهد خداوند بلندمرتبه وفا نمودی و خداوند بلندمرتبه به عهدش در مورد تو وفا نمود، و هر کس به آنچه با خدا

عاهَدَ عَلَیْهُ اللَّهَ فَسَیُؤْتیهِ اجْراً عَظیماً، وَاشْهَدُ انَّکَ امیرُالْمُؤْمِنینَ الْحَقُّ،

عهد بسته وفا کند، به زودی پاداش بزرگی به او خواهد داد و گواهی می دهم که تویی به حق امیر مؤمنان

الَّذی نَطَقَ بِوِلایَتِکَ التَّنْزیلُ، وَاخَذَ لَکَ الْعَهْدَ عَلَی الْأُمَّهِ بِذلِکَ الرَّسُولُ،

که قرآن در مورد ولایتت سخن گفته و رسول خدا از امّت بر آن عهد و پیمان گرفته است.

وَاشْهَدُ انَّکَ وَعَمَّکَ وَاخاکَ الَّذینَ تاجَرْتُمُ اللَّهَ بِنُفُوسِکُمْ، فَانْزَلَ اللَّهُ

و گواهی می دهم که تو و عمو و برادرت کسانی هستید که با جانتان با خدا تجارت نمودید و خدا در شأن شما چنین نازل فرمود:

فیکُمْ: انَّ اللَّهَ اشْتَری مِنَ الْمُؤْمِنینَ انْفُسَهُمْ وَامْوالَهُمْ بِانَّ لَهُمُ الْجَنَّهَ،

خداوند از مؤمنان جانها و اموالشان را خریداری کرده که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد،

یُقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ، فَیَقْتُلُونَ وَیُقْتَلُونَ، وَعْداً عَلَیْهِ حَقّاً فِی التَّوْریهِ

(به این گونه که:) در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند، این وعده حقّی است بر او که در تورات

وَالْإِنْجیلِ وَالْقُرْآنِ، وَمَنْ اوْفی بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ، فَاسْتَبْشِرُوا بِبِیْعِکُمُ الَّذی

و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما

بایَعْتُمْ بِهِ، وَذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظیمُ، التَّآئِبُونَ الْعابِدوُنَ، الْحامِدوُنَ

به داد و ستدی که با خدا کرده اید و این است آن پیروزی بزرگ، توبه کنندگان، عبادت کاران، سپاسگویان

السَّآئِحُونَ، الرَّاکِعُونَ السَّاجِدُونَ، الْامِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّاهُونَ عَنِ

سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده آوران، آمران به معروف و نهی کنندگان از

الْمُنْکَرِ، وَالْحافِظُونَ لِحُدُودِاللَّهِ، وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنینَ. اشْهَدُ یا امیرَالْمُؤْمِنینَ،

منکر و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی اند) و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان. گواهی می دهم ای امیرمؤمنان

انَّ الشَّآکَّ فیکَ ما آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمینِ، وَانَّ الْعادِلَ بِکَ غَیْرَکَ عانِدٌ عَنِ

که تردیدکنندگان در تو به رسول امین ایمان نیاورده اند، و آنها که غیر تو را با تو برابر دانستند

الدّینِ الْقَویمِ، الَّذِی ارْتَضاهُ لَنا رَبُّ الْعالَمینَ، وَاکْمَلَهُ بِوِلایَتِکَ یَوْمَ

دشمن دین حقّند، که پروردگار جهانیان برای ما پسندید و آن را در روز غدیر با ولایت تو کامل نمود،

الْغَدیرِ، وَاشْهَدُ انَّکَ الْمَعْنِیُّ بِقَوْلِ الْعَزیزِ الرَّحیمِ: وَانَّ هذا صِراطی

و گواهی می دهم که تویی مقصود گفتار خداوند عزیز و مهربان: و این راه

مُسْتَقیماً فَاتَّبِعُوهُ، وَلا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبیلِهِ. ضَلَّ وَاللَّهِ

مستقیم من است از آن پیروی کنید و از راههای پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید که شما را از طریق حق دور می سازد. به خدا سوگند گمراه شد

وَاضَلَّ مَنِ اتَّبَعَ سِواکَ، وَعَنَدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عاداکَ، اللهُمَّ سَمِعْنا لِأَمْرِکَ

و گمراه کرد کسی که از غیر تو پیروی نمود و هر کس با تو دشمنی نمود از راه حق منحرف شد، خدایا فرامینت را شنیده

وَاطَعْنا، وَاتَّبَعْنا صِراطَکَ الْمُسْتَقیمَ، فَاهْدِنا رَبَّنا وَلا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اذْ

و اطاعت نمودیم، و از راه راستت پیروی کردیم، پروردگارا ما را هدایت کن و دلهای ما را گمراه مکن

ص: 283

هَدَیْتَنا الی طاعَتِکَ، وَاجْعَلْنا مِنَ الشَّاکِرینَ لِأَنْعُمِکَ، وَاشْهَدُ انَّکَ لَمْ

بعد از آن که به بندگیت هدایت نمودی و از شکرگزاران نعمتهایت قرار دادی، و گواهی می دهم که تو

تَزَلْ لِلْهَوی مُخالِفاً، وَلِلتُّقی مُحالِفاً، وَعَلی کَظْمِ الْغَیْظِ قادِراً، وَعَنِ

پیوسته با هوای نفس مخالفت کرده و با تقوا و پرهیزکاری همپیمانی، و بر فرو بردن خشم توانایی، و بر

النَّاسِ عافِیاً غافِراً، وَاذا عُصِیَ اللَّهُ ساخِطاً، وَاذا اطیعَ اللَّهُ راضیاً، وَبِما

مردم عفو کننده و بخشنده ای و زمانی که نافرمانی خدا شود خشمگین شده و چون اطاعت خدا شود، خشنودی، و به آنچه

عَهِدَ الَیْکَ عامِلًا، راعِیاً لِمَا اسْتُحْفِظْتَ، حافِظاً لِمَا اسْتُودِعْتَ، مُبَلِّغاً ما

از تو پیمان گرفت عمل کرده و آنچه محافظتش را خواسته بود رعایت نمودی، آنچه نزدت ودیعه گذاشته بود حفظ کرده و آنچه بر

حُمِّلْتَ، مُنْتَظِراً ما وُعِدْتَ، وَاشْهَدُ انَّکَ مَا اتَّقَیْتَ ضارِعاً، وَلا امْسَکْتَ

عهده داشتی رساندی و منتظر وعده اش، شدی، و گواهی می دهم که تو به خاطر ناتوانی تقیّه نکردی و به خاطر عجز از مطالبه

عَنْ حَقِّکَ جازِعاً، وَلا احْجَمْتَ عَنْ مُجاهَدَهِ غاصِبیکَ ناکِلًا، وَلا

حقّت باز نایستادی، و به خاطر سستی از مبارزه با غاصبان حقّت عقب نشینی نکردی،

اظْهَرْتَ الرِّضی بِخِلافِ ما یُرْضِی اللَّهَ مُداهِناً، وَلا وَهَنْتَ لِما اصابَکَ فی

و به خاطر ریاکاری خشنودیت را بر خلاف خشنودی خدا ظاهر ننمودی، و بخاطر آنچه در راه خدا به تو رسید،

سَبیلِ اللَّهِ، وَلا ضَعُفْتَ وَلَا اسْتَکَنْتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّکَ مُراقِباً، مَعاذَ اللَّهِ انْ

سست نشدی، و به خاطر حفظ جانت از مطالبه حقّت ناتوان و درمانده نشدی، پناه بر خدا که

تَکُونَ کَذلِکَ، بَلْ اذْ ظُلِمْتَ احْتَسَبْتَ رَبَّکَ، وَفَوَّضْتَ الَیْهِ امْرَکَ،

چنین باشی، بلکه آن گاه که مورد ستم واقع شدی پروردگارت را مدّ نظر قرار دادی و کارت را به او واگذار نمودی

وَذَکَّرْتَهُمْ فَمَا ادَّکَرُوا، وَ وَعَظْتَهُمْ فَمَا اتَّعَظُوا، وَخَوَّفْتَهُمُ اللَّهَ فَما تَخَوَّفُوا،

و به آنها تذکّر دادی ولی نپذیرفتند و نصیحتشان کردی ولی عبرت نگرفتند و آنان را از خدا ترساندی ولی آنها نترسیدند

وَاشْهَدُ انَّکَ یا امیرَ الْمُؤْمِنینَ، جاهَدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، حَتّی دَعاکَ

و گواهی می دهم که تو ای امیرمؤمنان، به شایستگی در راه خدا جهاد نمودی، تا این که خداوند تو را به جوار

اللَّهُ الی جِوارِهِ، وَقَبَضَکَ الَیْهِ بِاخْتِیارِهِ، وَالْزَمَ اعْدائَکَ الْحُجَّهَ بِقَتْلِهِمْ

رحمتش فرا خواند، و تو را به اختیار خود قبض روح کرد، و با کشته شدن تو به دست آنان، خدا با دشمنانت

ایَّاکَ، لِتَکُونَ الْحُجَّهُ لَکَ عَلَیْهِمْ، مَعَ ما لَکَ مِنَ الْحُجَجِ الْبالِغَهِ عَلی جَمیعِ

اتمام حجّت نمود تا حجّت تو بر آنها تمام باشد با آن همه حجّتهای رسای دیگر که بر تمامی مخلوقاتش داری،

خَلْقِهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا اميرَالْمُؤْمِنينَ، عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً، وَجاهَدْتَ

سلام بر تو ای اميرمؤمنان، از روی اخلاص خدا را عبادت نموده و صبورانه

فِی اللَّهِ صابِراً، وَجُدْتَ بِنَفْسِکَ مُحْتَسِباً، وَعَمِلْتَ بِکِتابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَّةَ

در راه خدا جهاد نمودی، و به حساب خدا با جانت فداکاری کردی و به کتابش عمل نموده و از سنّت

نَبِيِّهِ، وَاقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّکاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ

پيامبرش پيروی کردی، و نماز را بپا داشته و زکات داده و در حدّ توان امر به معروف و نهی از

الْمُنْکَرِ مَا اسْتَطَعْتَ، مُبْتَغِياً ماعِنْدَاللَّهِ، راغِباً فيما وَعَدَاللَّهُ، لا تَحْفِلُ

منکر کردی، در حالی که آنچه نزد خداست طلب نموده و به آنچه خدا فرموده مشتاق بودی، به مصيبتها

بِالنَّوائِبِ، وَلا تَهِنُ عِنْدَ الشَّدآئِدِ، وَلا تُحْجِمُ عَنْ مُحارِبٍ، افِکَ مَنْ

اهميّت نداده و در مقابل سختيها سست نشدی، و از مبارزه عقب نشينی نکردی، تهمت زده هر کس

نَسَبَ غَيْرَ ذلِکَ الَيْکَ، وَافْتَری باطِلاً عَلَيْکَ، وَاوْلی لِمَنْ عَنَدَ عَنْکَ، لَقَدْ

غير از اين را به تو نسبت دهد، تهمت زده و بر تو افترا بسته است، و (اين نسبتها) شايسته است برای کسی که از تو روی گرداند

جاهَدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ الْجِهادِ، وَصَبَرْتَ عَلَی الْأَذی صَبْرَ احْتِسابٍ،

چرا که تو به شايستگی در راه خدا جهاد نمودی و به حساب خدا در برابر آزار و اذيّت صبر نمودی

وَانْتَ اوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ، وَصَلّی لَهُ وَجاهَدَ، وَابْدی صَفْحَتَهُ فی دارِ

و تو اوّلین کسی بودی که به خدا ایمان آورده و برای او نماز خوانده و جهاد نموده است و چهره اش را در زمینِ شرک آشکار نمود،

الشِّرْکِ، وَالْأَرْضُ مَشْحُونَهٌ ضَلالَهً، وَالشَّیْطانُ یُعْبَدُ جَهْرَهً، وَانْتَ الْقائِلُ

در حالی که زمین از گمراهی پر شده بود و شیطان آشکارا عبادات می شد، و تویی کسی گفتی:

لاتَزیدُنی کَثْرَهُ النَّاسِ حَوْلی عِزَّهً، وَلا تَفَرُّقُهُمْ عَنّی وَحْشَهً، وَلَوْ

فراوانی جمعیّت در اطراف من به عزّتم نمی افزاید و پراکنده شدنشان نیز به وحشتم نمی اندازد، و اگر

اسْلَمَنِی النَّاسُ جَمیعاً لَمْ اکُنْ مُتَضَرِّعاً، اعْتَصَمْتَ بِاللَّهِ فَعَزَزْتَ، وَآثَرْتَ

تمام مردم مرا رها کنند، التماس نمی کنم، به خدا پناه آوردی و عزّت یافتی، و آخرت

الْأخِرَهَ عَلَی الْأُولی فَزَهِدْتَ، وَایَّدَکَ اللَّهُ وَهَداکَ، وَاخْلَصَکَ وَاجْتَبیکَ،

را بر دنیا ترجیح دادی و زاهد شدی، و خدا تو را تأیید نموده و هدایت کرد و خالص گردانده و برگزید

فَما تَناقَضَتْ افْعالُکَ، وَلَا اخْتَلَفَتْ اقْوالُکَ، وَلا تَقَلَّبَتْ احْوالُکَ، وَلَا

پس در کردارت تناقض و در گفتارت اختلاف نبود، و حالت دگرگون نشد، و هرگز

ص: 285

ادَّعَیْتَ وَلَا افْتَرَیْتَ عَلَی اللَّهِ کَذِباً، وَلا شَرِهْتَ الَی الْحُطامِ، وَلا دَنَّسَکَ

به خداوند نسبت دروغ ندادی و به متاع ناچیز دنیا حریص نبودی، و گناهان تو را آلوده نساخت،

الْآثامُ، وَلَمْ تَزَلْ عَلی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبِّکَ، وَیَقینٍ مِنْ امْرِکَ، تَهْدی الَی الْحَقِ

پیوسته دلیل آشکاری از ناحیه پروردگارت و یقینی در کارت همراه تو بود، به سوی حق و

وَالی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ، اشْهَدُ شَهادَهَ حَقٍّ، وَاقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمَ صِدْقٍ، انَ

راه راست هدایت می کردی، از روی حق گواهی می دهم و صادقانه به خدا سوگند می خورم که

مُحَمَّداً وَآلَهُ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ ساداتُ الْخَلْقِ، وَانَّکَ مَوْلایَ وَمَوْلَی

محمّد و خاندانش- که درود خدا بر آنان باد- سرور مخلوقاتند و تویی سرپرست من و تمام

الْمُؤْمِنینَ، وَانَّکَ عَبْدُ اللَّهِ وَوَلِیُّهُ، وَاخُو الرَّسُولِ وَوَصِیُّهُ وَوارِثُهُ،

مؤمنان، و تویی بنده خدا و دوستدارش و برادر رسول خدا و جانشین و وارثش

وَانَّهُ الْقآئِلُ لَکَ، وَالَّذی بَعَثَنی بِالْحَقِّ ما آمَنَ بی مَنْ کَفَرَ بِکَ، وَلا اقَرَّ بِاللَّهِ

و او به تو فرمود: قسم به آن که مرا به حق مبعوث کرد، کسی که به تو کافر شود به من ایمان نیاورده

مَنْ جَحَدَکَ، وَقَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْکَ، وَلَمْ یَهْتَدِ الَی اللَّهِ وَلا الَیَّ مَنْ لا

و کسی که تو را انکار کند به خدا اقرار نکرده است، و کسی که (مردم را) از تو باز داشت گمراه است، و به سوی خدا و من هدایت نشده هر کس که به

یَهْتَدی بِکَ، وَ هُوَ قَوْلُ رَبّی عَزَّوَجَلَّ، وَانّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَعَمِلَ

سوی تو هدایت نشده است و این همان قول پروردگار عزیز و گرامی است که فرمود: و به یقین می آمرزم هر کس را که توبه کرده و ایمان آورد و عمل

صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی الی وِلایَتِکَ، مَوْلایَ فَضْلُکَ لا یَخْفی وَ نُورُکَ لا

شایسته انجام داده و ولایت تو را بپذیرد، مولای من فضیلتت مخفی نبوده و نورت

یُطْفَأُ، وَانَّ مَنْ جَحَدَکَ الظَّلُومُ الْأَشْقی مَوْلایَ انْتَ الْحُجَّهُ عَلَی الْعِبادِ،

خاموش نگردد و هر کس تو را انکار کند ستمکار و بدبخت است، مولای من تویی حجّت بر بندگان

وَالْهادی الَی الرَّشادِ، وَالْعُدَّهُ لِلْمَعادِ، مَوْلایَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِی الْأُولی

و راهنما به راه راست و ذخیره برای روز قیامت، مولای من به یقین خداوند در دنیا جایگاهت را

مَنْزِلَتَکَ، وَاعْلی فِی الْأخِرَهِ دَرَجَتَکَ، وَبَصَّرَکَ ما عَمِیَ عَلی مَنْ خالَفَکَ،

بالا بُرد و در آخرت رتبه ات را برتر قرار داد و آگاه کرد تو را بر آنچه پوشیده ماند بر مخالفینت

وَحالَ بَیْنَکَ وَبَیْنَ مَواهِبِ اللَّهِ لَکَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مُسْتَحِلِّی الْحُرْمَهِ مِنْکَ،

و بر آنان که بین تو و نعمتهای خدا بر تو مانع شدند، پس لعنت خدا بر آنان که حرمتت را شکسته

وَذائِدِی الْحَقِّ عَنْکَ، وَاشْهَدُ انَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ، الَّذینَ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ

و حقّت را گرفتند، و گواهی می دهم که به یقین آنان زیانکارانند، آنان که آتش چهره شان را سوزاند

النَّارُ وَهُمْ فیها کالِحُونَ، وَاشْهَدُ انَّکَ ما اقْدَمْتَ وَلا احْجَمْتَ، وَلا نَطَقْتَ

در حالی که در آتش روی درهم کشیده اند و گواهی می دهم که تو به یقین اقدام نکرده و عقب نشینی ننمودی و سخن نگفته

وَلا امْسَکْتَ، الَّا بِامْرٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، قُلْتَ وَالَّذی نَفْسی بِیَدِهِ، لَقَدْ نَظَرَ

و ساکت نشدی، مگر به فرمان خدا و رسولش، فرمودی: قسم به آن که جانم به دست اوست،

الَیَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، اضْرِبُ بِالسَّیْفِ قُدْماً، فَقالَ یا عَلِیُ

رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- به من نگاه کرد در حالی که پیش رویش (برای حفظ او) شمشیر می زدم، و فرمود: ای علی

انْتَ مِنّی بِمَنْزِلَهِ هارُونَ مِنْ مُوسی الَّا انَّهُ لانَبِیَّ بَعدْی وَاعْلِمُکَ انَ

تو نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی هستی، جز این که پیامبری بعد از من نخواهد بود و تو را آگاه می کنم که

مَوْتَکَ وَحَیوتَکَ مَعی وَعَلی سُنَّتی فَوَ اللَّهِ ما کَذِبْتُ وَلا کُذِبْتُ، وَلا

مرگ و زندگیت همراه من و بر سنّت من خواهد بود، پس به خدا سوگند نه دروغ گفتم و نه به من دروغ گفته شد و نه

ضَلَلْتُ وَلا ضُلَّ بی وَلا نَسیتُ ما عَهِدَ الَیَّ رَبّی وَانّی لَعَلی بَیِّنَهٍ مِنْ

گمراه شدم و نه کسی به وسیله من گمراه شد و هرگز عهد و پیمان پروردگارم را فراموش نکردم و به یقین من همراه دلیل آشکار از

رَبّی بَیَّنَها لِنَبِیِّهِ وَبَیَّنَهَا النَّبِیُّ لی وَانّی لَعَلَی الطَّریقِ الْواضِحِ، الْفِظُهُ

جانب پروردگارم بودم که آن را برای پیامبرش روشن ساخته و او نیز برای من روشن نمود و به یقین من بر راه آشکار حرکت نمودم که آن را با صراحت بیان می کنم،

لَفْظاً، صَدَقْتَ وَاللَّهِ وَقُلْتَ الْحَقَّ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ساواکَ بِمَنْ ناواکَ، وَاللَّهُ

به خدا سوگند که راست گفته و به حق فرمودی، پس لعنت خدا بر کسانی که تو را با دشمنانت برابر کردند و خداوندی

جَلَّ اسْمُهُ یَقُولُ: هَلْ یَسْتَوِی الَّذینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذینَ لایَعْلَمُونَ. فَلَعَنَ

که نامش بزرگ است می فرماید: آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟ پس لعنت

اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِکَ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَیْهِ وِلایَتَکَ، وَانْتَ وَلِیُّ اللَّهِ وَاخُو

خدا بر کسی که تو را با کسانی که ولایت تو بر آنها واجب است هم ردیف قرار داد، و تویی دوستدار خدا و برادر

رَسُولِهِ، وَالذَّآبُّ عَنْ دینِهِ، وَالَّذی نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضیلِهِ، قالَ اللَّهُ تَعالی

رسولش و دفاع کننده از دینش، و کسی که قرآن به برتریش سخن گفته است، خداوند بلندمرتبه فرمود:

وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدینَ عَلَی الْقاعِدینَ اجْراً عَظیماً، دَرَجاتٍ مِنْهُ

و مجاهدان را بر قاعدان [/ ترک کنندگان جهاد] با پاداش عظیمی برتری بخشید درجات (مهمّی) از ناحیه خداوند

ص: 287

وَمَغْفِرَهً وَرَحْمَهً، وَکانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحیماً. وَقالَ اللَّهُ تَعالی اجَعَلْتُمْ سِقایَهَ

و آمرزش و رحمت (نصیب آنان می گردد) و (اگر لغزشهایی داشته اند) خداوند آمرزنده و مهربان است و خداوند بلندمرتبه فرمود: آیا سیراب کردن

الْحآجِّ وَعِمارَهَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ، کَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْیَومِ الْأخِرِ وَجاهَدَ

حجّاج و آباد کردن مسجدالحرام را همانند (عملِ) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه او

فی سَبیلِ اللَّهِ، لا یَسْتَوُونَ عِنْدَاللَّهِ، وَاللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمینَ، الَّذینَ

جهاد کرده است؟ ! (این دو) نزد خدا مساوی نیستند و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی کند، آنها که

آمَنُوا وَهاجَرُوا وَ جاهَدُوا فی سَبیلِ اللَّهِ بِامْوالِهِمْ وَانْفُسِهِمْ اعْظَمُ دَرَجَهً

ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند مقامشان نزد

عِنْدَاللَّهِ، وَاولئِکَ هُمُ الْفآئِزُونَ، یُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَهٍ مِنْهُ وَرِضْوانٍ،

خدا برتر است و آنها پیروز و رستگارند، پروردگارشان به رحمتی از ناحیه خود و رضایت (خویش)

وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فیها نَعیمٌ مُقیمٌ، خالِدینَ فیها ابَداً، انَّ اللَّهَ عِنْدَهُ اجْرٌ عَظیمٌ.

و باغهایی از بهشت بشارت می دهد که در آن نعمتهای جاودانه دارند، همواره و تا ابد در این باغها (و در میان این نعمتها) خواهند بود زیرا پاداش عظیم نزد خداوند است،

اشْهَدُ انَّکَ الْمَخْصُوصُ بِمِدْحَهِ اللَّهِ، الْمُخْلِصُ لِطاعَهِ اللَّهِ، لَمْ تَبْغِ بِالْهُدی

گواهی می دهم که مدح خدا مخصوص توست و تو نیز خود را برای اطاعت خدا خالص کرده ای، برای هدایت،

بَدَلَا، وَلَمْ تُشْرِکْ بِعِبادَهِ رَبِّکَ احَداً، وَانَّ اللّهَ تَعالَی اسْتَجابَ لِنَبِیِّهِ صَلّی

جانشینی برنگزیده و در عبادت پروردگارت کسی را شریک قرار ندادی، و به یقین خداوند بلندمرتبه درخواست پیامبرش- که درود

اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ فیکَ دَعْوَتَهُ، ثُمَّ امَرَهُ بِاظْهارِ ما اوْلاکَ لِأُمَّتِهِ اعْلاءً

خدا بر او و خاندان پاکش باد- را در مورد تو پاسخ گفت، سپس او را به آشکار کردن آنچه را که برای امّت بر عهده تو گذاشته فرمان داد تا مقامت را بالا برده

لِشَأْنِکَ، وَاعْلاناً لِبُرْهانِکَ، وَدَحْضاً لِلْأَباطیلِ، وَقَطْعاً لِلْمَعاذیرِ، فَلَمَّا

و دلیلت را آشکار ساخته و باطلها را از بین برده و بهانه را قطع نماید، پس زمانی که از

اشْفَقَ مِنْ فِتْنَهِ الْفاسِقینَ، وَاتَّقی فیکَ الْمُنافِقینَ، اوْحی الَیْهِ رَبُ

فتنه فاسقان بیمناک شد، و در مورد تو از منافقان ترسید پروردگار جهانیان به او وحی نمود:

الْعالَمینَ: یا ایُّها الرَّسُولُ بَلِّغْ ما انْزِلَ الَیْکَ مِنْ رَبِّکَ، وَانْ لَمْ تَفْعَلْ فَما

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی

بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ، وَاللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ. فَوَضَعَ عَلی نَفْسِهِ اوْزارَ

رسالت او را انجام نداده ای، خداوند تو را از (خطراتِ احتمالیِ) مردم نگاه می دارد، پس سختیهای مسیر را به جان خرید،

ص: 288

الْمَسيرِ، وَنَهَضَ فى رَمْضاءِ الْهَجيرِ، فَخَطَبَ وَاسْمَعَ وَنادى فَابْلَغَ، ثُمَ

و در گرمای نیمروز بپا خواست، و خطبه خواند و آگاه کرد و ندا داد و پیامش را رسانید، سپس از

سَئَلَهُمْ اجْمَعَ فَقالَ هَلْ بَلَّغْتُ، فَقالُوا اللَّهُمَّ بَلى فَقالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ، ثُمَّ قالَ

همه آنان پرسید و فرمود آیا (پیامم را) رساندم، همه گفتند: به خدا سوگند آری، پس فرمود: خدایا تو شاهد باش، سپس فرمود:

اَلَسْتُ اوْلى بِالْمُؤْمِنينَ مِنْ انْفُسِهِمْ، فَقالُوا بَلى فَاخَذَ بِيَدِکَ وَقالَ مَنْ

آیا من نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر نیستم؟! گفتند: آری، پس دست تو را بالا گرفت و فرمود: هر کس

كُنْتُ مَوْلاهُ فَهذا عَلِيٌّ مَوْلاهُ، اللهُمَّ والِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ،

که من مولا و سرپرست اویم علی مولا و سرپرست اوست، خدایا هر که او را دوست بدارد دوستش بدار و هر که او را دشمن دارد، دشمنش باش

وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، فَما آمَنَ بِما انْزَلَ اللَّهُ فيکَ عَلى نَبِيِّهِ

و هر که او را یاری کند یاریش کن، و هر که او را یاری نکند یاریش نکن، پس به آنچه خدا بر پیامبرش در مورد تو نازل نمود

الَّا قَليلٌ، وَلا زادَ اكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَخْسيرٍ، وَلَقَدْ انْزَلَ اللَّهُ تَعالى فيکَ مِنْ قَبْلُ

جز اندکی ایمان نیاوردند، و جز زیانکاری بر اکثرشان چیزی افزوده نشد، و خداوند بلندمرتبه پیش از این در مورد تو نازل فرمود

وَهُمْ كارِهُونَ: يا ايُّهَا الَّذينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دينِهِ، فَسَوْفَ يَأْتِى

در حالی که آنان خوش نداشتند: ای کسانی که ایمان آورده اید هر کس از شما از آیین خود برگردد (به خدا زیانی نمی رساند) خداوند

اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ، اذِلَّهٍ عَلَى الْمُؤْمِنينَ اعِزَّهٍ عَلَى الْكافِرينَ،

جمعیّتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند

یُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ وَلَا یَخافُونَ لَوْمَهَ لائِمٍ، ذلِکَ فَضْلُ اللَّهِ یُؤْتیهِ مَنْ

آنها در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند، این فضل خداست که به هر کس

یَشآءُ، وَاللَّهُ واسِعٌ عَلیمٌ، انَّما وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَالَّذینَ آمَنُوا الَّذینَ

بخواهد (و شایسته ببیند) می دهد و (فضلِ) خدا وسیع و خداوند داناست، سرپرست و ولیّ شما تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند

یُقیمُونَ الصَّلاهَ وَیُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَهُمْ راکِعُونَ، وَمَنْ یَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

همانها که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او

وَالَّذینَ آمَنُوا، فَانَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغالِبُونَ، رَبَّنا آمَنَّا بِما انْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا

و افراد با ایمان را بپذیرند (پیروزند زیرا) حزب و جمعیّت خدا پیروز است، پروردگار را به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم و از

الرَّسُولَ فَاکْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدینَ، رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اذْ هَدَیْتَنا، وَهَبْ

فرستاده (تو) پیروی نمودیم ما را در زمره گواهان بنویس، پروردگارا دلهایمان را بعد از آن که ما را هدایت کردی (از راه حق) منحرف مگردان و از

ص :289

لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً، انَّکَ انْتَ الوَهَّابُ. اللهُمَّ انَّا نَعْلَمُ انَّ هذا هُوَ الْحَقُ

سوی خود رحمتی بر ما ببخش زیرا تو بخشنده ای، خدایا ما می دانیم که این سخن حقّی از

مِنْ عِنْدِکَ، فَالْعَنْ مَنْ عارَضَهُ وَاسْتَکْبَرَ، وَکَذَّبَ بِهِ وَکَفَرَ، وَسَيَعْلَمُ الَّذينَ

جانب توست، پس هر که با او مخالفت کرده و تکبّر ورزید و تکذیب کرده و کفر ورزید، لعنت کن، و آنها که

ظَلَمُوا ایَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا اميرَالْمُؤْمِنينَ، وَسَيِّدَ

ستم کردند به زودی می دانند که بازگشتشان به کجاست، سلام بر تو ای امیر مؤمنان و آقا و

الْوَصِيّينَ، وَاوَّلَ الْعابِدينَ، وَازْهَدَ الزَّاهِدينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ،

سرور جانشینان، و اوّلین عبادت کنندگان، زاهدترین زاهدان و رحمت و برکات و

وَصَلَواتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، انْتَ مُطْعِمُ الطَّعامِ عَلی حُبِّهِ مِسْکيناً وَيَتيماً وَاسيراً

درود و سلام خدا بر تو باد، و غذای خود را با این که به آن علاقه (و نیاز) داشتی برای رضای خدا به مسکین و یتیم و اسیر دادی،

لِوَجْهِ اللَّهِ، لا تُريدُ مِنْهُمْ جَزآءً وَلا شُکُوراً، وَفيکَ انْزَلَ اللَّهُ تَعالی

در حالی که از آنان پاداش و سپاسی نخواستی، و خداوند بلندمرتبه در مورد تو نازل فرمود:

وَيُؤْثِرُونَ عَلی انْفُسِهِمْ وَلَوْ کانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ، وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ

و آنها را بر خود مقدّم می دارد هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند

فَاولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. وَانْتَ الْکاظِمُ لِلْغَيْظِ، وَالْعافی عَنِ النَّاسِ، وَاللَّهُ

رستگارانند، و تویی فروبرنده خشم و درگذرنده از مردم، و خداوند

يُحِبُّ الْمُحْسِنينَ، وَانْتَ الصَّابِرُ فِى الْبَأْساَءِ وَالضَّرَّآءِ وَحينَ الْبَأْسِ،

نیکوکاران را دوست دارد، و تویی شکیبا در سختی و مشکلات و هنگام نبرد

وَانْتَ الْقاسِمُ بِالسَّوِيَّهِ وَالْعادِلُ فِى الرَّعِيَّهِ، وَالْعالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَميعِ

و تویی تقسیم کننده به مساوات و رفتار کننده به عدالت در میان مردم، و دانای به حدودِ (احکام) خدا از میان

الْبَرِيَّهِ، وَاللَّهُ تَعالى اخْبَرَعَمَّا اوْلاکَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ: افَمَنْ كانَ مُؤْمِناً

مخلوقات، و خداوند متعال از فضیلتی که به تو عطا نموده با گفتارش چنین خبر داد: آیا کسی که با ایمان باشد

كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ، امَّا الَّذينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ فَلَهُمْ

همچون کسی است که فاسق است؟! نه هرگز این دو برابر نیستند، امّا کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند

جَنَّاتُ الْمَأْوى نُزُلاً بِما كانُوا يَعْمَلُونَ. وَانْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزيلِ،

باغهای بهشت جاویدان از آنِ آنها خواهد بود، این وسیله پذیرایی (خداوند) از آنهاست به پاداش آنچه انجام می دادند،

ص: 290

وَحُكْمِ التَّأْويلِ، وَنَصِّ الرَّسُولِ، وَلَکَ الْمَواقِفُ الْمَشْهُودَهُ، وَالْمَقاماتُ

و علم قرآن و حکم تفسیر و بیان و سفارش صریح پیامبر مخصوص توست، و از آنِ توست نبردهای آشکار (در راه اسلام) و مقامات

الْمَشْهُورَهُ، وَالْأَیَّامُ الْمَذْکُورَهُ، یَوْمَ بَدْرٍ وَیَوْمَ الْأَحْزابِ، اذْ زاغَتِ

مشهور، و روزهایی که بر سر زبانهاست، همان روز بدر و احزاب، آن گاه که چشمها

الْأَبْصارُ، وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَناجِرَ، وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونا، هُنالِکَ

از شدّت وحشت خیره شده و جانها به لب رسیده بود و گمانهای گوناگون بدی به خدا می بردید،

ابْتُلِیَ الْمُؤْمِنُونَ، وَزُلْزِلُوا زِلْزالاً شَدیداً، وَاذْ یَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَالَّذینَ فی

آنجا که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند و آنگاه که منافقان و

قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ، ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ الَّا غُرُوراً، وَاذْ قالَتْ طآئِفَهٌ مِنْهُمْ

بیماردلان می گفتند: خدا و پیامبرش جز وعده های دروغین به ما نداده اند، و آنگاه که گروهی از آنها گفتند

یا اهْلَ یَثْرِبَ لا مُقامَ لَکُمْ فَارْجِعُوا، وَیَسْتَأْذِنُ فَریقٌ مِنْهُمُ النَّبِیَّ،

ای اهل یثرب (ای مردم مدینه) اینجا جای توقّف شما نیست، به خانه های خود باز گردید و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می خواستند.

یَقُولُونَ انَّ بُیُوتَنا عَوْرَهٌ وَما هِیَ بِعَوْرَهٍ، انْ یُریدُونَ الَّا فِراراً، وَقالَ اللَّهُ

و می گفتند: خانه های ما بی حفاظ است در حالی که بی حفاظ نبود آنها فقط می خواستند (از جنگ) فرار کنند، و خداوند بلندمرتبه

تَعالی وَلَمَّا رَای الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزابَ، قالُوا هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ،

فرمود: مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند گفتند، این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده

وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَما زادَهُمْ الَّا ایماناً وَتَسْلیماً. فَقَتَلْتَ عَمْرَهُمْ،

و خدا و رسولش راست گفته اند و این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنها نیافزود، پس عَمْربن عبدود از ایشان را کشتی

وَهَزَمْتَ جَمْعَهُمْ، وَرَدَّ اللَّهُ الَّذینَ کَفَرُوا بِغَیْظِهِمْ لَمْ یَنالُوا خَیْراً، وَکَفَی اللَّهُ

و جمعشان را پراکنده ساختی، و خدا کافران را با دلی پر از خشم بازگرداند بی آنکه نتیجه ای از کار خود گرفته باشند و خداوند

الْمُؤْمِنینَ الْقِتالَ، وَکانَ اللَّهُ قَوِیًّا عَزیزاً، وَیَوْمَ احُدٍ اذْ یُصْعِدُونَ وَلا

(در این میدان) مؤمنان را از جنگ بی نیاز ساخت (و پیروزی را نصیبشان کرد) و خدا قوی و شکست ناپذیر است، و در روز احد هنگامی که از کوه بالا می رفتند و

یَلْوُونَ عَلی احَدٍ، وَالرَّسُولُ یَدْعُوهُمْ فی اخْریهُمْ، وَانْتَ تَذُودُ بُهَمَ

(از وحشت) به هیچ کس (از عقب ماندگان) نگاه نمی کردند در حالی که پیامبر از پشت سر آنها را صدا می زد، و تو جنگجویان

الْمُشْرِکینَ عَنِ النَّبِیِّ ذاتَ الْیَمینِ وَذاتَ الشِّمالِ، حَتّی رَدَّهُمُ اللَّهُ تَعالی

مشرکان را از سمت راست و چپ پیامبر دور می کردی تا این که خداوند بلندمرتبه آنها را از

عَنْكُما خائِفينَ، وَنَصَرَ بِکَ الْخاذِلينَ، وَيَوْمَ حُنَيْنٍ عَلی مانَطَقَ بِهِ

شما دفع کرد در حالی که می ترسیدند، و به وسیله تو شکست خوردگان را یاری کرد، و در روز جنگ حُنین (نیز شما را یاری نمود) بنابر آنچه قرآن به آن سخن

التَّنْزيلُ: اذْ اعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ، فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً، وَضاقَتْ عَلَيْكُمُ

رانده است: در آن هنگام که فزونی جمعیتتان شما را مغرور ساخت ولی (این فزونی جمعیّت) مشکلی را از شما حل نکرد و زمین با همه

الْأَرْضُ بِما رَحُبَتْ، ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرينَ، ثُمَّ انْزَلَ اللَّهُ سَكينَتَهُ عَلی رَسُولِهِ

وسعتش بر شما تنگ شد، سپس پشت (به دشمن) کرده فرار نمودید، سپس خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و

وَعَلَی الْمُؤْمِنينَ. وَالْمُؤْمِنُونَ انْتَ وَمَنْ يَليکَ، وَعَمُّکَ الْعَبَّاسُ يُنادِی

مؤمنان نازل کرد. و تو و همراهانت همان مؤمنان بودید و عمویت عباس فرارکنندگان را صدا می زد

الْمُنْهَزِمينَ، يا اصْحابَ سُورَهِ الْبَقَرَهِ، يا اهْلَ بَيْعَهِ الشَّجَرَهِ، حَتَّی

(و می گفت:) ای أصحاب سوره بقره و ای اهل بیعت (با پیامبر در زیر) درخت معهود، تا

اسْتَجابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمَؤُنَهَ، وَتَكَفَّلْتَ دُونَهُمُ الْمَعُونَهَ، فَعادُوا

سرانجام گروهی که تو عهده دار مسئولیت آنان شدی، و تو (ای علی) به جای آنها عهده دار کمک بودی به او پاسخ گفتند، پس فرارکنندگان

ايِسينَ مِنَ الْمَثُوبَهِ، راجينَ وَعْدَ اللَّهِ تَعالی بِالتَّوْبَهِ، وَذلِکَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَ

با ناامیدی از پاداش بازگشتند، در حالی که به وعده خداوند در پذیرش توبه امیدوار بودند که همان قول خداوند- که یادش بزرگ

ذِكْرُهُ: ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذلِکَ عَلی مَنْ يَشآءُ. وَانْتَ حائِزٌ دَرَجَهَ

است- می باشد: سپس خداوند- بعد از آن- توبه هر کس را بخواهد (و شایسته ببیند) می پذیرد. و تو به رتبه

الصَّبْرِ، فائِزٌ بِعَظیمِ الْأَجْرِ، وَیَوْمَ خَیْبَرَ اذْ اظْهَرَ اللَّهُ خَوَرَ الْمُنافِقینَ، وَقَطَعَ

صبر نائل شدی و پاداش بزرگ را به دست آوردی، و روز خیبر (را بیاد آر) آن گاه که خداوند ضعف منافقان را آشکار ساخت

دابِرَ الْکافِرینَ، وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، وَلَقَدْ کانُوا عاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ

و ریشه کافران را قطع کرد- ستایش از آن خداوندی است که پروردگار جهانیان است،- با این که آنان قبل از این با خدا عهد کرده بودند

لایُوَلُّونَ الْأَدْبارَ، وَکانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا، مَوْلایَ انْتَ الْحُجَّةُ الْبالِغَةُ،

که پشت به دشمن نکنند و عهد الهی مورد سؤال قرار خواهد گرفت (و در برابر آن مسئولند)، مولای من تویی حجّت رسای (خداوند)

وَالْمَحَجَّةُ الْواضِحَهُ، وَالنِّعْمَهُ السَّابِغَهُ، وَالْبُرْهانُ الْمُنیرُ، فَهَنیئاً لَکَ بِما

و راه آشکار و نعمت فراوان و دلیل روشن، پس گوارا باد بر تو فضیلتی که

اتیکَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ، وَتَبّاً لِشانِئِکَ ذِی الْجَهْلِ، شَهِدْتَ مَعَ النَّبِیِّ صَلَّی اللَّهُ

خداوند به تو عطا نمود و هلاک باد دشمن نادان تو، به همراه پیامبر- که درود خدا بر او و

ص :292

عَلَیْهِ وَآلِهِ، جَمیعَ حُرُوبِهِ وَمَغازیهِ، تَحْمِلُ الرَّایَهَ امامَهُ، وَتَضْرِبُ

خاندان پاکش باد- در تمامی جنگها و غزوات حاضر شده و پرچمِ (اسلام) را پیشاپیش او حمل نمودی و با

بِالسَّیْفِ قُدّامَهُ، ثُمَّ لِحَزْمِکَ الْمَشْهُورِ، وَبَصیرَتِکَ فِی الْأُمُورِ، امَّرَکَ فِی

شمشیر پیش رویش جنگیدی، سپس به خاطر تدبیر مشهورت و آگاهیت در کارها، تو را در

الْمَواطِنِ وَلَمْ یَکُنْ عَلَیْکَ امیرٌ، وَکَمْ مِنْ امْرٍ صَدَّکَ عَنْ امْضآءِ عَزْمِکَ فیهِ

جایگاههای مختلف فرمانده قرار داد در حالی که کسی امیر تو نبود، و چه بسیار کارهایی که پرهیزکاریت تو را از اجرای تصمیمت در آن بازداشت،

التُّقی وَاتَّبَعَ غَیْرُکَ فی مِثْلِهِ الْهَوی فَظَنَّ الْجاهِلُونَ انَّکَ عَجَزْتَ عَمَّا

در حالی که دیگران در مثل آن گرفتار هوای نفس شدند، پس نادانان پنداشتند که تو از آنچه پیامبر به آن رسیده است ناتوانی،

الَیْهِ انْتَهی ضَلَّ وَاللَّهِ الظَّآنُّ لِذلِکَ وَمَا اهْتَدی وَلَقَدْ اوْضَحْتَ ما اشْکَلَ

به خدا گمراه شد کسی که چنین پنداشته و هدایت نشده است، و به یقین آنچه را که از

مِنْ ذلِکَ لِمَنْ تَوَهَّمَ وَامْتَری بِقَوْلِکَ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ، قَدْ یَرَی الْحُوَّلُ

این امور برای توهّم کنندگان و تردیدکنندگان مشکل شده بود با گفتارت روشن ساختی- که درود خدا بر تو باد- (و فرمودی:) گاهی مدبّرِ

الْقُلَّبُ وَجْهَ الْحیلَهِ، وَ دُونَها حاجِزٌ مِنْ تَقْوَی اللَّهِ، فَیَدَعُها رَأْیَ الْعَیْنِ،

چاره جو راه حیله و نیرنگ را می داند ولی تقوای الهی مانعش می شود، پس آشکارا آن را رها می کند

وَیَنْتَهِزُ فُرْصَتَها مَنْ لاحَریجَهَ لَهُ فِی الدّینِ، صَدَقْتَ وَخَسِرَ الْمُبْطِلُونَ،

ولی کسی که دین مانعش نیست فرصت را غنیمت می شمارد، راست گفتی و یاوه گویان زیانکار شدند.

وَاذْ ما کَرَکَ النّاکِثانِ فَقالا نُریدُ الْعُمْرَهَ، فَقُلْتَ لَهُما لَعَمْرُکُما ما تُریدانِ

و آنگاه که پیمان شکنان (طلحه و زبیر) نیرنگ کرده و گفتند: قصد انجام عمره داریم، تو به آن دو فرمودی: قسم به جانتان که قصد عمره ندارید،

الْعُمْرَهَ، لکِنْ تُریدانِ الْغَدْرَهَ، فَاخَذْتَ الْبَیْعَهَ عَلَیْهِما، وَجَدَّدْتَ الْمیثاقَ

بلکه قصد خیانت دارید، سپس از آن دو بیعت گرفتی و تجدید پیمان نمودی

فَجَدّا فِی النِّفاقِ، فَلَمّا نَبَّهْتَهُما عَلی فِعْلِهِما، اغْفَلا وَعادا وَمَا انْتَفَعا،

ولی آنان در نفاق کوشیدند و آنگاه که آنان را بر (عاقبت) کارشان آگاه ساختی، خود را به غفلت زده و (از پیش تو) بازگشتند در حالی که (از سخنانت) بهره ای نبردند

وَکانَ عاقِبَهُ امْرِهِما خُسْراً، ثُمَّ تَلاهُما اهْلُ الشّامِ فَسِرْتَ الَیْهِمْ بَعْدَ

و عاقبت کار آنها خسران و زیانکاری بود، سپس شامیان به دنبال آن دو به راه افتادند و پس از اتمام حجّت به سوی آنها حرکت نمودی،

الْإِعْذارِ، وَ هُمْ لا یَدینُونَ دینَ الْحَقِّ، وَلا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ، هَمَجٌ رَعاعٌ

در حالی که آنان به دین حق ایمان نیاورده و در قرآن تدبّر ننمودند، (آنها) مردمی عوام و بی اراده

ص: 293

ضآلُّونَ، وَبِالَّذى انْزِلَ عَلى مُحَمَّدٍ فيکَ کافِرُونَ، وَلِأَهْلِ الْخِلافِ عَلَيْکَ

و گمراه بودند و به آنچه در مورد تو بر محمّد (ص) نازل شده کافر بودند و مخالفانت را یاری می کردند،

ناصِرُونَ، وَقَدْ امَرَ اللَّهُ تَعالى بِاتِّباعِکَ، وَنَدَبَ الْمُؤْمِنينَ الى نَصْرِکَ،

در حالی که خدای بلندمرتبه به پیروی تو فرمان داده و مؤمنان را به یاریت فرا خواند و خداوند عزیز و گرامی

وَقالَ عَزَّوَجَلَّ: یا ایُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ، وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقینَ.

فرمود: ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفتِ فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان و راستگویان باشید،

مَوْلایَ بِکَ ظَهَرَ الْحَقُّ، وَقَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ، وَ اوْضَحْتَ السُّنَنَ بَعْدَ الدُّرُوسِ

مولای من حق به وسیله تو نمایان شد با آن که مردم آن را رها کرده بودند، و سنّتهای اسلامی را بعد از فراموشی و نابودی آشکار ساختی،

وَالطَّمْسِ، فَلَکَ سابِقَةُ الْجِهادِ عَلى تَصْدیقِ التَّنْزیلِ، وَلَکَ فَضیلَةُ الْجِهادِ

و سبقت به جهاد در طریق تصدیق به قرآن از آن توست، و فضیلت جهاد به خاطر تحقّق

عَلى تَحْقیقِ التَّأْویلِ، وَعَدُوُّکَ عَدُوُّ اللَّهِ، جاحِدٌ لِرَسُولِ اللَّهِ، یَدْعُو باطِلاً،

تأویل قرآن نیز از آن توست و دشمن تو دشمن خدا و منکر رسول خداست، که به باطل دعوت می کند

وَیَحْکُمُ جائِراً، وَیَتَامَّرُ غاصِباً، وَیَدْعُو حِزْبَهُ الَى النَّارِ، وَ عَمَّارٌ یُجاهِدُ

و به ظلم حکومت کرده، و به غصب فرمان می دهد، در حالی که گروهش را به سوی آتش فرا می خواند، و عمّار یاسر (در راه خدا) جهاد کرده

وَیُنادی بَیْنَ الصَّفَّیْنِ، الرَّواحَ الرَّواحَ الَى الْجَنَّهِ، وَلَمَّا اسْتَسْقى فَسُقِیَ

و در میان دو صف فریاد می زد: حرکت کنید، حرکت کنید به سوی بهشت، و زمانی که آب خواست، و با

اللَّبَنُ، کَبَّرَ وَقالَ قالَ لی رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، آخِرُ شَرابِکَ

شیر سیراب شد، ندای اللّه اکبر سر داد و گفت: رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- به من فرمود: آخرین نوشیدنی تو

مِنَ الدُّنْیا ضَیاحٌ مِنْ لَبَنٍ، وَتَقْتُلُکَ الْفِئَهُ الْباغِیَهُ، فَاعْتَرَضَهُ ابُو الْعادِیَهِ

از دنیا جرعه ای از شیر است و گروهی ستمکار تو را می کشند، پس ابوعادیه

الْفَزارِی فَقَتَلَهُ، فَعَلی ابِی الْعادِیَهِ لَعْنَهُ اللَّهِ وَلَعْنَهُ مَلآئِکَتِهِ وَرُسُلِهِ

فزاری راه را بر او بست و او را به شهادت رساند، پس لعنت خدا و فرشتگان و تمامی

اجْمَعینَ، وَعَلی مَنْ سَلَّ سَیْفَهُ عَلَیْکَ، وَسَلَلْتَ سَیْفَکَ عَلَیْهِ یا

فرستادگان بر ابوعادیه باد و بر کسانی که به روی تو شمشیر کشیده و تو ای

امیرَالْمُؤْمِنینَ، مِنَ الْمُشْرِکینَ وَالْمُنافِقینَ الی یَوْمِ الدّینِ، وَعَلی مَنْ

امیر مؤمنان بر آنها شمشیر کشیدی (و لعنت خدا بر) تمامی مشرکین و منافقین تا روز قیامت و بر تمامی کسانی که

رَضِیَ بِما سائَکَ وَلَمْ یَکْرَهْهُ، وَاغْمَضَ عَیْنَهُ وَلَمْ یُنْکِرْ، اوْ اعانَ عَلَیْکَ

بر ناراحتی تو خشنود گردیده و ناراحت نشدند و چشم برهم گذاشته و انکار نکردند، یا با دست و زبان بر

بِیَدٍ اوْ لِسانٍ، اوْ قَعَدَ عَنْ نَصْرِکَ، اوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهادِ مَعَکَ، اوْ غَمَطَ

علیه تو کمک کردند، یا از یاریت عقب نشستند یا از جهاد همراه تو دست کشیدند، یا فضلت را

فَضْلَکَ، وَجَحَدَ حَقَّکَ، اوْ عَدَلَ بِکَ مَنْ جَعَلَکَ اللَّهُ اوْلی بِهِ مِنْ نَفْسِهِ،

نادیده گرفته، و حقّت را منکر شدند، یا تو را با کسی برابر دانستند که خدا تو را نسبت به او برتر قرار داده است

وَصَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْکَ وَرَحْمَهُاللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، وَ سَلامُهُ وَ تَحِیّاتُهُ، وَعَلَی

و درود و رحمت و برکات خدا بر تو باد، و سلام و تحیت او نیز بر تو و بر

الْأَئِمَّهِ مِنْ آلِکَ الطَّاهِرینَ، انَّهُ حَمیدٌ مَجیدٌ، وَ الْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَالْخَطْبُ

امامان پاک از خاندان تو باد، که به یقین او ستوده و بزرگوار است، و عجیب تر و سخت تر و

الْأَفْظَعُ بَعْدَ جَحْدِکَ حَقَّکَ، غَصْبُ الصِّدیقَهِ الطَّاهِرَهِ الزَّهْرآءِ سَیِّدَهِ

بی رحمانه تر بعد از انکار حق تو، غصب فدک از صدّیقه طاهره حضرت زهرا سرور

النِّسآءِ فَدَکاً، وَرَدُّ شَهادَتِکَ وَشَهادَهِ السَّیِّدَیْنِ سُلالَتِکَ، وَعِتْرَهِ

بانوان بود، و نپذیرفتن شهادت تو و دو آقای از نسل تو و خاندان

الْمُصْطَفی صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکُمْ، وَقَدْ اعْلَی اللَّهُ تَعالی عَلَی الْأُمَّهِ دَرَجَتَکُمْ،

برگزیده پیامبر- که درود خدا بر شما باد- (بر فدک) بود، در حالی که خداوند متعال شما را بر امّت برتری داده

وَرَفَعَ مَنْزِلَتَکُمْ، وَابانَ فَضْلَکُمْ، وَشَرَّفَکُمْ عَلَی الْعالَمینَ، فَاذْهَبَ

و مقامتان را بالا برده بود و فضل شما را آشکار ساخته و شما را بر جهانیان برتری داده بود، خداوند

عَنْکُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَکُمْ تَطْهیراً، قالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: انَّ الْإِنْسانَ خُلِقَ

پلیدی (گناه) را از شما دور ساخته و شما را کاملاً پاک نموده بود، خداوند عزیز و گرامی می فرماید: به یقین انسان، حریص و کم طاقت

هَلُوعاً، اذا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً، وَاذا مَسَّهُ الْخَیْرُ مَنُوعاً، الَّا الْمُصَلّینَ.

آفریده شده است، هنگامی که بدی به او رسد بی تابی می کند و هنگامی که خوبی به او رسد، مانع دیگران می شود و (بخل می ورزد) مگر نمازگزاران

فَاسْتَثْنَی اللَّهُ تَعالی نَبِیَّهُ الْمُصْطَفی وَانْتَ یا سَیِّدَ الْأَوْصِیآءِ مِنْ جَمیعِ

پس خداوند متعال پیامبر برگزیده اش و تو را ای آقا و سرور جانشینان از میان تمامی مخلوقات استثنا کرد،

الْخَلْقِ، فَما اعْمَهَ مَنْ ظَلَمَکَ عَنِ الْحَقِّ، ثُمَّ اقْرَضُوکَ سَهْمَ ذَوِی الْقُرْبی

پس چقدر گمراه است آن که در حق تو ستم نمود، سپس فریبکارانه سهم ذوی القربی را به تو قرض دادند

ص :295

مَکْراً، وَاحادُوهُ عَنْ اهْلِهِ جَوْراً، فَلَمَّا الَ الْأَمْرُ الَیْکَ اجْرَیْتَهُمْ عَلی ما

و حال آن که با ظلم و ستم، آن را از اهلش دور ساخته بودند، پس زمانی را که حکومت به دست تو افتاد با اینکه از

اجْرَیا، رَغْبَهً عَنْهُما بِما عِنْدَاللَّهِ لَکَ، فَاشْبَهَتْ مِحْنَتُکَ بِهِما مِحَنَ الْأَنْبِیآءِ

عمل آن دو نفر راضی نبودی به خاطر خداوند مردم را بر همان روشی که آن دو اجرا کردند باقی گذاردی، پس گرفتاری تو به آن دو با گرفتاری پیامبران

عَلَیْهِمُ السَّلامُ عِنْدَ الْوَحْدَهِ وَعَدَمِ الْأَنْصارِ، وَاشْبَهْتَ فِی الْبَیاتِ عَلَی

- که درود خدا بر آنان باد- در هنگام تنهایی و بی یاوری همانند شد، و خوابیدنت در بستر پیامبر

الْفِراشِ الذَّبیحَ عَلَیْهِ السَّلامُ، اذْ اجَبْتَ کَما اجابَ، وَاطَعْتَ کَما اطاعَ

شبیه اسماعیل ذبیح- که درود خدا بر او باد- شد، آنگاه که همانند او پذیرفتی و همانند

اسْمعیلُ صابِراً مُحْتَسِباً، اذْ قالَ لَهُ: یا بُنَیَّ انّی اری فِی الْمَنامِ انّی

اسماعیل صابر و خیراندیش اطاعت نمودی، آن گاه که (پدرش) به او گفت: پسرم من در خواب دیدم که

اذْبَحُکَ، فَانْظُرْ ماذا تَری قالَ یا ابَتِ افْعَلْ ما تُؤْمَرُ سَتَجِدُنی انْشآءَ اللَّهُ

تو را ذبح می کنم، پس بنگر رأی تو چیست؟ گفت: پدرم هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا

مِنَ الصَّابِرینَ. وَکَذلِکَ انْتَ لَمَّا اباتَکَ النَّبِیُّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَامَرَکَ

مرا از صابران خواهی یافت. و تو نیز چنین بودی آنگاه که پیامبر- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- شبانگاه تو را

انْ تَضْجَعَ فی مَرْقَدِهِ واقیاً لَهُ بِنَفْسِکَ، اسْرَعْتَ الی اجابَتِهِ مُطیعاً،

در منزلش جای داده و به خوابیدن در بسترش فرمان داد تا با جان خویش او را حفظ کنی، به سرعت فرمان او را اطاعت نموده

وَلِنَفْسِکَ عَلَی الْقَتْلِ مُوَطِّناً، فَشَکَرَ اللَّهُ تَعالی طاعَتَکَ، وَابانَ عَنْ جَمیلِ

و جانت را برای کشته شدن مهیّا ساختی، پس خداوند بلندمرتبه فرمانبرداریت را پاداش داده و از کار نیکت با گفتارش

فِعْلِکَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِکْرُهُ: وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْری نَفْسَهُ ابْتِغآءَ مَرْضاتِ اللَّهِ.

- که یادش بزرگ است- چنین پرده برداشت: بعضی از مردم (با ایمان و فداکار) جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند.

ثُمَّ مِحْنَتُکَ یَوْمَ صِفّینَ، وَقَدْ رُفِعَتِ الْمَصاحِفُ حیلَةً وَمَکْراً، فَاعْرَضَ

گرفتاری بعدی تو جنگ صفّین بود، آنگاه که از روی مکر و فریب قرآنها (بر نیزه ها) بالا برده شد، پس (در میان سپاه)

الشَّکُّ وَعُزِفَ الْحَقُّ، وَاتُّبِعَ الظَّنُّ، اشْبَهَتْ مِحْنَةَ هرُونَ اذْ امَّرَهُ مُوسی

تردید پیدا شد و از حق روی گردان شده و از گمانِ (خود) پیروی نمودند، که (این گرفتاری تو) همانند گرفتاری هارون بود آنگاه که موسی او را

عَلی قَوْمِهِ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ، وَهرُونُ یُنادی بِهِمْ وَیَقُولُ یا قَوْمِ انَّما فُتِنْتُمْ بِهِ،

بر قوم خویش امیر قرارداد، پس از گرد او پراکنده شدند درحالی که هارون آنها را صدا کرده ومی گفت، ای قوم من شما فقط به وسیله آن (گوساله سامری) مورد آزمایش قرار گرفته اید

وَانَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمنُ فَاتَّبِعُونى وَاطيعُوا امْرى قالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ

و پروردگار شما خداوند رحمان است پس از من پیروى كنيد و فرمانم را اطاعت نماييد ولى آنها گفتند ما همچنان گرد آن مى مانيم

عاكِفينَ حَتّى يَرْجِعَ الَيْنا مُوسى وَكَذلِكَ انْتَ لَمَّا رُفِعَتِ الْمَصاحِفُ،

(و آن را پرستش مى كنيم) تا موسى به سوى ما باز گردد، و تو نيز آنگاه كه قرآنها (بر نيزه ها) بالا برده شد

قُلْتَ ياقَوْمِ انَّما فُتِنْتُمْ بِها وَخُدِعْتُمْ، فَعَصَوْكَ وَخالَفُوا عَلَيْكَ، وَاسْتَدْعَوْا

فرمودى: اى قوم من شما فقط به وسيله آن (قرآنها) مورد آزمايش قرار گرفته و فريب خورديد، پس نافرمانى كرده و با تو مخالفت نمودند و درخواست

نَصْبَ الْحَكَمَيْنِ فَابَيْتَ عَلَيْهِمْ، وَتَبَرَّأْتَ الَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ، وَفَوَّضْتَهُ

تعيين دو حكم كردند و تو درخواستشان را نپذيرفتى و از كار آنها به خدا پناه برده و كار را به خودشان واگذار نمودى،

الَيْهِمْ، فَلَمَّا اسْفَرَ الْحَقُّ وَسَفِهَ الْمُنْكَرُ، وَاعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَالْجَوْرِ عَنِ

پس آنگاه كه حق آشكار شده و باطل شناخته شد و به لغزش و عدول از حق اعتراف نمودند،

الْقَصْدِ، اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ، وَ الْزَمُوكَ عَلى سَفَهِ التَّحْكيمِ الَّذى ابَيْتَهُ

بعد از آن اختلاف كردند، و تو را بر پذيرش حكميّت سفيهانه اى كه از پذيرفتن آن خوددارى كردى

وَاحَبُّوهُ، وَحَظَرْتَهُ وَاباحُوا ذَنْبَهُمُ الَّذِى اقْتَرَفُوهُ، وَانْتَ عَلى نَهْجِ بَصيرَهٍ

و آنها مى پسنديد مجبور ساختند و تو از آن منع نمودى، در حالى كه آنها گناهى را كه مرتكب شده بودند مجاز مى دانستند و تو بر طريق آگاهى

وَهُدىً، وَهُمْ عَلى سُنَنِ ضَلالَهٍ وَعَمىً، فَما زالُوا عَلَى النِّفاقِ مُصِرّينَ،

و هدایت و آنها بر طریق گمراهی و کوردلی بودند، پس پیوسته بر نفاق پافشاری کرده و

وَفِی الْغَیِّ مُتَرَدِّدینَ، حَتیَّ اذاقَهُمُ اللَّهُ وَبالَ امْرِهِمْ، فَاماتَ بِسَیْفِکَ مَنْ

در گمراهی سرگردان بودند، تا این که خدا نتیجه کارشان را به آنها چشانید، پس با شمشیر تو دشمنانت را از میان برداشت

عانَدَکَ فَشَقِیَ وَهَوی وَاحْیی بِحُجَّتِکَ مَنْ سَعَدَ فَهُدِیَ، صَلَواتُ اللَّهِ

در نتیجه بدبخت شده و سقوط کردند، و با حجّت و برهان تو سعادتمندان را زنده گردانید و در نتیجه هدایت شدند، درودهای خدا

عَلَیْکَ غادِیَةً وَرآئِحَةً، وَعاکِفَةً وَذاهِبَةً، فَما یُحیطُ الْمادِحُ وَصْفَکَ، وَلا

بر تو باد صبحگان و شامگاهان و هنگام آمد و شد شب و روز پس توصیف کنندگان به وصفت احاطه نیابند، و

یُحْبِطُ الطَّاعِنُ فَضْلَکَ، انْتَ احْسَنُ الْخَلْقِ عِبادَةً، وَاخْلَصُهُمْ زَهادَةً،

بدخواهان فضلت را نپوشانند، تویی بهترین مخلوقات در عبادت و خالص ترین آنان در پارسایی

وَاذَبُّهُمْ عَنِ الدّینِ، اقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجُهْدِکَ، وَفَلَلْتَ عَساکِرَ الْمارِقینَ

و دفاع کننده ترین آنان از دین، حدود خدا را با فداکاریت بپا داشتی و لشکریان مارقین

بِسَیْفِکَ، تُخْمِدُ لَهَبَ الْحُرُوبِ بِبَنانِکَ، وَتَهْتِکُ سُتُورَ الشُّبَهِ بِبَیانِکَ،

را با شمشیرت شکست دادی، و آتش جنگها را به دست خویش فرو نشاندی، و پرده های شک و تردید را با بیانت کنار زدی

وَتَکْشِفُ لَبْسَ الْباطِلِ عَنْ صَریحِ الْحَقِّ، لا تَأْخُذُکَ فِی اللَّهِ لَوْمَهُ لائِمٍ،

و پوشش باطل را از چهره حق کنار زدی، سرزنشِ سرزنش کنندگان تو را از راه خدا باز نداشت

وَفی مَدْحِ اللَّهِ تَعالی لَکَ غِنیً عَنْ مَدْحِ الْمادِحینَ، وَتَقْریظِ الْواصِفینَ،

و مدح خداوند بلندمرتبه تو را از مدح ثناگویان و تمجید توصیف کنندگان بی نیاز می کند

قالَ اللَّهُ تَعالی مِنَ الْمُؤْمِنینَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللَّهَ عَلَیْهِ، فَمِنْهُمْ

خداوند بلندمرتبه می فرماید: در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند صادقانه ایستاده اند، بعضی پیمان خود را به آخر بردند

مَنْ قَضی نَحْبَهُ، وَمِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ، وَمابَدَّلُوا تَبْدیلاً. وَلَمَّا رَأَیْتَ

(و در راه او شربت شهادت نوشیدند) و بعضی دیگر در انتظارند و هیچ گونه تغییری در پیمان خود ندادند، و آنگاه که

انْ قَتَلْتَ النَّاکِثینَ وَالْقاسِطینَ وَالْمارِقینَ، وَصَدَقَکَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ

کشته شدن ناکثان (پیمان شکنان) و قاسطان (متجاوزان) و مارقان (بیرون روندگان از دین) را به دست خود ملاحظه نموده و وعده رسول خدا- که درود خدا

عَلَیْهِ وَآلِهِ وَعْدَهُ، فَاوْفَیْتَ بِعَهْدِهِ، قُلْتَ اما انَ انْ تُخْضَبَ هذِهِ مِنْ هذِهِ،

بر او و خاندان پاکش باد- را صادق یافتی، به پیمانت وفا نموده و فرمودی: آیا وقت آن نرسیده که این (محاسنم) از این (خون سرم) رنگین شود؟

امْ مَتی یُبْعَثُ اشْقاها، واثِقاً بِانَّکَ عَلی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبِّکَ، وَبَصیرَهٍ مِنْ

چه وقت شقی ترین آنان مأمور (کشتن من) می شود؟ در حالی که اطمینان داشت تو دلیل آشکار از جانب پروردگارت داری و بر کارت آگاهی،

امْرِکَ، قادِمٌ عَلَی اللَّهِ، مُسْتَبْشِرٌ بِبَیْعِکَ الَّذی بایَعْتَهُ بِهِ، وَ ذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ

به خاطر خدا پیش قدم شده ای، و به معامله ای که با خدا کرده ای شادمانی و این رستگاری

الْعَظیمُ، اللهُمَّ الْعَنْ قَتَلَهَ انْبِیآئِکَ، وَاوْصِیآءِ انْبِیآئِکَ بِجَمیعِ لَعَناتِکَ،

بزرگی است، خدایا قاتلان پیامبرانت و قاتلان جانشینان آنان را به تمامی نفرینهایت لعنت کن

وَاصْلِهِمْ حَرَّ نارِکَ، وَالْعَنْ مَنْ غَصَبَ وَلِیَّکَ حَقَّهُ، وَانْکَرَ عَهْدَهُ، وَجَحَدَهُ

و با گرمی آتش دوزخت بسوزان، و لعنت کن کسانی را که حقّ ولیّت را غصب نموده و پیمانش را انکار کردند و بعد از

بَعْدَ الْیَقینِ وَالْإِقْرارِ بِالْوِلایَهِ لَهُ یَوْمَ اکْمَلْتَ لَهُ الدّینَ، اللهُمَّ الْعَنْ قَتَلَهَ

یقین و اقرار به ولایتش در روزی که دین را برای او کامل گرداندی، آن را انکار نمودند، خدایا قاتلان امیر مؤمنان

امیرِالْمُؤْمِنینَ وَ مَنْ ظَلَمَهُ، وَاشْیاعَهُمْ وَانْصارَهُم، اللهُمَّ الْعَنْ ظالِمی

و کسانی که به او ظلم نمودند و پیروان و یاران آنها را لعنت کن، خدایا ظالمان در حقّ

ص :298

الْحُسَيْنِ وَقاتِليهِ، وَالْمُتابِعينَ عَدُوَّهُ وَ ناصِريهِ، وَالرّاضينَ بِقَتْلِهِ وَخاذِليهِ

امام حسين و قاتلانش و پيروان و ياوران دشمنش و كسانى كه به كشتنش رضايت دادند و دست از ياريش كشيدند را بسيار

لَعْناً وَبيلاً، اللهُمَّ الْعَنْ اوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ وَمانِعيهِمْ حُقُوقَهُمْ،

لعنت كن، خدايا نخستين ظالمان در حق خاندان محمّد (ص) و منع كنندگان از حقّشان را لعنت كن

اللهُمَّ خُصَّ اوَّلَ ظالِمٍ وَغاصِبٍ لِآلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ، وَكُلَّ مُسْتَنٍّ بِماسَنَ

خدايا لعنت را بر نخستين ظالم و غاصب حقّ خاندان محمّد (ص) و هر كسى را كه از اين سنّت باطل

الى يَوْمِ الْقِيمَهِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ، وَعَلى عَلِيٍّ سَيِّدِ

تا روز قيامت پيروى مى كند قرار ده، خدايا بر محمّد خاتم پيامبرانت و بر على آقا و سرور

الْوَصِيّينَ، وَآلِهِ الطّاهِرينَ، وَاجْعَلْنا بِهِمْ مُتَمَسِّكينَ، وَ بِوِلايَتِهِمْ مِنَ

جانشينان و خاندان پاكش درود فرست و ما را از ارادتمندان آنان قرار ده و با ولايت آنان ما را

الْفآئِزينَ الْآمِنينَ، الَّذينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ.

از رستگاران و ايمنانى كه هراس و اندوهى ندارند قرار ده.

يادآورى: كسانى كه توفيق زيارت آن حضرت را در روز غدير از نزديك ندارند، شايسته است هر جا كه هستند از راه دور، خواندن اين زيارت را غنيمت بشمرند.

***

زيارت سوم: زيارت كوتاهى است كه «سيّد بن طاووس» در «اقبال» از امام صادق عليه السلام براى روز غدير نقل كرده است و آنها كه فرصت

زیارت طولانیِ قبل را ندارند می توانند به خواندن این زیارت اکتفا کنند.

می فرماید: اگر در روز غدیر در مشهد مولای ما امیر مؤمنان صلوات اللَّه علیه و آله حضور داشتی بعد از نماز، با نزدیک شدن به قبرش و اگر در شهرهای دیگر می باشی، بعد از نماز با اشاره به قبرش بخوان:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی وَلِیِّکَ وَاخی نَبِیِّکَ، وَوَزیرِهِ وَحَبیبِهِ وَخَلیلِهِ، وَمَوْضِعِ

خدایا درود فرست بر ولیّ و برادر پیامبرت، و وزیر و محبوب و دوستش، و جایگاه

سِرِّهِ وَخِیَرَتِهِ مِنْ اسْرَتِهِ، وَوَصِیِّهِ وَصَفْوَتِهِ، وَخالِصَتِهِ وَامینِهِ وَوَلِیِّهِ،

اسرار و بهترین برگزیده از خاندانش، و جانشین و برگزیده اش، و خیرخواه و امین و دوستدارش

وَاشْرَفِ عِتْرَتِهِ الَّذینَ آمَنُوا بِهِ، وَابی ذُرِّیَّتِهِ، وَبابِ حِکْمَتِهِ، وَالنَّاطِقِ

و گرامی ترین خاندانش که به او ایمان آوردند، و پدر فرزندانش، و درگاه حکمتش، و گوینده به

ص: 299

بِحُجَّتِهِ، وَالدَّاعى الى شَريعَتِهِ، وَالْماضى عَلى سُنَّتِهِ، وَ خَليفَتِهِ عَلى

دليل و برهانش، و دعوت كننده به دينش، و قاطع در اجراى سنّتش، و جانشين در ميان

امَّتِهِ، سَيِّدِ الْمُسْلِمينَ وَاميرِالْمُؤْمِنينَ، وَقآئِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ، افْضَلَ ما

امّتش، آقا و سرور مسلمانان و اميرمؤمنان، و پيشواى سفيدرويان، (درود فرست) برترين

صَلَّيْتَ عَلى احَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَاصْفِيآئِكَ وَاوْصِيآءِ انْبِيآئِكَ، اللهُمَّ انّى

درودى كه بر هر يک از مخلوقات و برگزيدگان و جانشينان پيامبرانت فرستاده اى، خدايا به يقين

اشْهَدُ انَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ما حُمِّلَ، وَرَعى مَا

گواهى مى دهم كه او آنچه از جانب پيامبرت- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- به عهده داشت به انجام رسانيد، و آنچه كه

اسْتُحْفِظَ، وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ، وَحَلَّلَ حَلالَكَ، وَ حَرَّمَ حَرامَكَ، وَاقامَ

حفظش را عهده دار شده بود، رعايت نمود، و آنچه نزدش وديعه بود حفظ كرد، و حلال تو را حلال و حرام تو را حرام شمرد، و

احْكامَكَ، وَدَعا الى سَبيلِكَ، وَ والى اوْلِيآئَكَ، وَعادى اعْدآئَكَ، وَ جاهَدَ

احكام تو را بپا داشت و به راهت دعوت نمود، و دوستانت را دوست و دشمنانت را دشمن داشت، و با

النَّاكِثينَ عَنْ سَبيلِكَ، وَالْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ عَنْ امْرِكَ، صابِراً مُحْتَسِباً،

پيمان شكنان راهت و با بيرون روندگان از دين و خارج شوندگان از فرمانت جهاد نمود، در حالى كه شكيبا و راضى بود،

مُقْبِلاً غَيْرَ مُدْبِرٍ، لا تَأْخُذُهُ فِى اللَّهِ لَوْمَةُ لائِمٍ، حَتّى بَلَغَ فى ذلِكَ الرِّضا،

رو آورنده به جهاد نه روی گردان از آن سرزنش ملامت گران او را از راه خدا بازنداشت، تا این که در این راه به مقام رضای (خداوند) رسید

وَسَلَّمَ الَیْکَ الْقَضآءَ، وَعَبَدَکَ مُخْلِصاً، وَنَصَحَ لَکَ مُجْتَهِداً، حَتّی اتیهُ

و سرنوشت خویش را تسلیم تو کرد و تو را خالصانه عبادت نمود و با نهایت کوشش خیرخواهی برای (دین) تو کرد،

الْیَقینُ، فَقَبَضْتَهُ الَیْکَ شَهیداً سَعیداً، وَلِیّاً تَقِیّاً، رَضِیّاً زَکِیّاً، هادِیاً مَهْدِیّاً،

تا این که زمان وفاتش فرا رسید، پس قبض روحش نمودی در حالی که شهید و نیک بخت، دوستدار (تو) و پرهیزگار، خشنود و پاک، هدایتگر و هدایت یافته بود

اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلَیْهِ، افْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی احَدٍ مِنْ انْبِیآئِکَ

خدایا بر محمّد و بر او درود فرست، بهترین درودی که بر هر یک از پیامبران و برگزیدگانت فرستاده ای، ای پروردگار جهانیان بر هر یک از پیامبران و

وَاصْفِیآئِکَ، یا رَبَّ الْعالَمینَ.(1)

برگزیدگانت فرستاده ای، ای پروردگار جهانیان.

ص: 300

1- [314]اقبال، صفحه 493.

2- زیارت روز میلاد رسول اکرم صلی الله علیه و آله

مرحوم «علاّمه مجلسی» از «شیخ مفید» و «شهید اوّل» و «سیّد بن طاووس» نقل می کند که روایت شده: امام صادق علیه السلام در روز میلاد رسول اکرم صلی الله علیه و آله امیرمؤمنان علیه السلام را به این زیارت، زیارت کرد وآن را به محمّد بن مسلم ثقفی تعلیم داد و فرمود: وقتی به محلّ دفن امیر مؤمنان علیه السلام رسیدی برای زیارت، غسل کن و پاکیزه ترین لباس خود را بپوش و با بوی خوش، خودت را معطّر ساز و با سکینه و وقار حرکت کن، وقتی به در حرم مطهّر رسیدی رو به قبله بایست و سی بار تکبیر بگو و بخوان:

السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی خِیَرَهِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَی الْبَشیرِ

سلام بر رسول خدا، سلام بر برگزیده خدا، سلام بر بشارت دهنده

النَّذیرِ، السِّراجِ الْمُنیرِ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَی الطُّهْرِ الطَّاهِرِ،

بیم دهنده، آن چراغ نورانی، و رحمت و برکات خدا بر او باد، سلام بر پاک پاک کننده

السَّلامُ عَلَی الْعَلَمِ الزَّاهِرِ، السَّلامُ عَلَی الْمَنْصُورِ الْمُؤَیَّدِ، السَّلامُ عَلی

سلام بر نشانه درخشان، سلام بر یاری شده مورد تأیید، سلام بر

اِبِی الْقاسِمِ مُحَمَّدٍ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلی انْبِیآءِ اللَّهِ

ابوالقاسم محمّد، و رحمت و برکات خدا بر او باد، سلام بر پیامبران فرستاده خدا

الْمُرْسَلینَ، وَعِبادِاللَّهِ الصَّالِحینَ، السَّلامُ عَلی مَلائِکَهِ اللَّهِ الْحآفّینَ بِهذَا

و بندگان شایسته اش، سلام بر فرشتگان خدا که این حرم و گرداگرد

الْحَرَمِ وَبِهذَا الضَّریحِ، الّلائِذینَ بِهِ* آنگاه به نزدیک قبر برو و بگو: السَّلامُ

ضریح را در بر گرفته و به آن پناهنده اند************ سلام

عَلَيْکَ يا وَصِیَّ الْأوْصِیآءِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا عِمادَ الْأتْقِیآءِ، السَّلامُ عَلَيْکَ

بر تو ای جانشین جانشینان، سلام بر تو ای تکیه گاه پرهیزکاران، سلام بر تو

يا وَلِیَّ الْأَوْلِیآءِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا سَيِّدَ الشُّهَدآءِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا آيَةَ اللَّهِ

ای ولیّ اولیای خدا، سلام بر تو ای آقا و سرور شهیدان، سلام بر تو ای نشانه

الْعُظْمی السَّلامُ عَلَيْکَ يا خامِسَ اهْلِ الْعَبآءِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا قآئِدَ الْغُرِّ

بزرگ خدا، سلام بر تو ای خامس آل عبا، سلام بر تو ای پیشوای سفیدرویان

الْمُحَجَّلينَ الْأَتْقِیآءِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا عِصْمَةَ الْأَوْلِیآءِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا

پرهیزکار، سلام بر تو ای عصمت اولیا، سلام بر تو ای

ص :301

زَیْنَ الْمُوَحِّدینَ النُّجَبآءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا خالِصَ الْأَخِلَّاءِ، السَّلامُ

زینت یکتاپرستان برگزیده، سلام بر تو ای خالصترین دوستان (خدا)، سلام

عَلَیْکَ یا والِدَ الْأَئِمَّهِ الْأُمَنآءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْحَوْضِ وَحامِلَ

بر تو ای پدر امامان امین، سلام بر تو ای صاحب حوض (کوثر) و

اللِّوآءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا قَسیمَ الْجَنَّهِ وَلَظی السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ شُرِّفَتْ

پرچمدار اسلام، سلام بر تو ای تقسیم کننده بهشت و دوزخ، سلام بر تو ای که به

بِهِ مَکَّهُ وَمِنی السَّلامُ عَلَیْکَ یا بَحْرَ الْعُلُومِ وَکَنَفَ الْفُقَرآءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ

مکّه و منی شرافت بخشیدی، سلام بر تو ای دریای علوم و حامی نیازمندان، سلام بر تو

یا مَنْ وُلِدَ فِی الْکَعْبَهِ، وَزُوِّجَ فِی السَّماءِ بِسَیِّدَهِ النِّسآءِ، وَکانَ شُهُودُهَا

ای که در کعبه بدنیا آمده و در آسمان به همسری سرور زنان درآمدی، که شاهدان آن

الْمَلائِکَهُ الْأَصْفِیآءُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مِصْباحَ الضِّیآءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

فرشتگان برگزیده بودند، سلام بر تو ای چراغ روشنی بخش، سلام بر تو ای

مَنْ خَصَّهُ النَّبِیُّ بِجَزیلِ الْحِبآءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ باتَ عَلی فِراشِ

که پیامبر تو را به عطای بزرگ اختصاص داد، سلام بر تو ای که شب را بر بستر

خاتَمِ الْأَنْبِیآءِ، وَوَقاهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ الْأَعْداءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ رُدَّتْ لَهُ

خاتم پیامبران گذراندی، و با جانت او را از شرّ دشمنان حفظ نمودی، سلام بر تو ای که

الشَّمْسُ فَسامی شَمْعُونَ الصَّفا، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ انْجَی اللّهُ سَفینَةَ

خورشید به خاطر تو بازگردانده شد و بر شمعون صفا برتری یافتی، سلام بر تو ای که خدا کشتی

نُوحٍ بِاسْمِهِ وَاسْمِ اخیهِ، حَیْثُ الْتَطَمَ الْمآءُ حَوْلَها وَطَمی السَّلامُ عَلَیْکَ

نوح را با نام تو و برادرت (پیامبر اسلام) نجات بخشید آن هنگام که آب اطراف آن را متلاطم ساخته بود، سلام بر تو

یا مَنْ تابَ اللَّهُ بِهِ وَبِاخیهِ عَلی آدَمَ اذْ غَوی السَّلامُ عَلَیْکَ یا فُلْکَ النَّجاهِ

ای که خدا توبه آدم را به خاطر تو و برادرت پذیرفت آنگاه که (از ماندن در بهشت) محروم شد، سلام بر تو ای کشتی نجاتی

الَّذی مَنْ رَکِبَهُ نَجی وَمَنْ تَاخَّرَ عَنْهُ هَوی السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ خاطَبَ

که هر کس به آن سوار شود نجات یابد، و هر کس از آن جا ماند هلاک شود، سلام بر تو ای که

الثُّعْبانَ وَذِئْبَ الْفَلا، السَّلامُ عَلَیْکَ یا امیرَالْمُؤْمِنینَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

مار و گرگ بیابان را مخاطب قرار دادی، سلام بر تو ای امیر مؤمنان و رحمت و برکات خدا

ص: 302

وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلی مَنْ کَفَرَ وَاناب، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

بر تو باد، سلام بر تو ای حجّت خدا بر کافران و بازگشتگان (از کفر)، سلام بر تو ای

امامَ ذَوِی الْأَلْبابِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَعْدِنَ الْحِکْمَهِ وَفَصْلَ الْخِطابِ،

پیشوای خردمندان، سلام بر تو ای معدن دانش و داور عادل

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا میزانَ یَوْمِ

سلام بر تو ای که علم کتاب الهی نزد توست، سلام بر تو ای میزان روز

الْحِسابِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا فاصِلَ الْحُکْمِ النَّاطِقَ بِالصَّوابِ، السَّلامُ

حساب، سلام بر تو ای (صاحبِ) حکم تعیین کننده و گویای به حق و صواب، سلام

عَلَیْکَ ایهُّا الْمُتَصَدِّقُ بِالْخاتَمِ فِی الْمِحْرابِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ کَفَی

بر تو ای صدقه دهنده انگشتر در محراب، سلام بر تو ای که

اللَّهُ الْمُؤْمِنینَ الْقِتالَ بِهِ یَوْمَ الْأَحْزابِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ اخْلَصَ للَّهِ

خداوند در روز احزاب مؤمنان را به دست تو از جنگ بی نیاز ساخت، سلام بر تو ای که یگانگی را خالصانه برای خدا

الْوَحْدانِیَّهَ وَاناب، السَّلامُ عَلَیْکَ یا قاتِلَ خَیْبَرَ وَقالِعَ الْبابِ، السَّلامُ

قرار دادی و به سوی او بازگشتی، سلام بر تو ای قاتل (یهود) خیبر و برکننده در آن، سلام

عَلَیْکَ یا مَنْ دَعاهُ خَیْرُ الْأَنامِ لِلْمَبیتِ عَلی فِراشِهِ، فَاسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَنِیَّهِ

بر تو ای که بهترین مخلوقات تو را برای آرمیدن در بسترش فرا خواند و تو خود را تسلیم مرگ ساخته و درخواستش

وَاجابَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ لَهُ طَوبی وَحُسْنُ مَآبٍ، وَرَحْمَهُ اللّهِ

را اجابت نمودی، سلام بر تو ای که سعادتمندی و سرانجام نیک از آن توست، و رحمت و برکات خدا

وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ عِصْمَهِ الدّینِ وَیا سَیِّدَ السّاداتِ، السَّلامُ

بر تو باد، سلام بر تو ای پاسدار دین، و ای سرور بزرگان، سلام

عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْمُعْجِزاتِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ نَزَلَتْ فی فَضْلِهِ

بر تو ای صاحب معجزات، سلام بر تو ای که سوره عادیات در

سُورَهُ الْعادِیاتِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ کُتِبَ اسْمُهُ فِی السَّمآءِ عَلَی

فضیلت تو نازل شده، سلام بر تو ای که نامت بر سراپرده های آسمان نوشته شده،

السُّرادِقاتِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُظْهِرَ الْعَجآئِبِ وَالْا یاتِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

سلام بر تو ای آشکارکننده عجایب و نشانه ها، سلام بر تو ای

اميرَ الْغَزَواتِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا مُخْبِراً بِما غَبَرَ وَ بِما هُوَ اتٍ، السَّلامُ

فرمانده جنگها (در حضور پيامبر)، سلام بر تو اى خبردهنده از گذشته و آينده، سلام

عَلَيْکَ يا مُخاطِبَ ذِئْبِ الْفَلَواتِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا خاتِمَ الْحَصى وَمُبَيِّنَ

بر تو اى خطاب كننده به گرگ بيابان (و نهى او از درندگى)، سلام بر تو اى مُهر زننده بر سنگريزه و بيان كننده

الْمُشْكِلاتِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ حَمَلاتِهِ فِى الْوَغا مَلائِكَهُ

مشكلات، سلام بر تو اى كه از حمله هايت در جنگها فرشتگان

السَّمواتِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا مَنْ ناجَى الرَّسُولَ فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَىْ نَجْويهُ

آسمانها متعجّب شدند، سلام بر تو اى كه با پيامبر درگوشى صحبت كردى و هر بار پيش از آن

الصَّدَقاتِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا والِدَ الْأَئِمَّهِ الْبَرَرَهِ السَّاداتِ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ

صدقه دادى، سلام بر تو اى پدر امامان نيكوكار بزرگوار، و رحمت و بركات خدا

وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا تالِىَ الْمَبْعُوثِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا وارِثَ عِلْمِ

بر تو باد، سلام بر تو اى پيرو پيامبر برانگيخته شده، سلام بر تو اى وارث علم

خَيْرِ مَوْرُوثٍ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا امامَ الْمُتَّقينَ،

بهترين ارث گذارنده و رحمت و بركات خدا بر تو باد، سلام بر تو اى پيشواى پرهيزكاران

السَّلامُ عَلَيْکَ يا غِياثَ الْمَكْرُوبينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا عِصْمَهَ الْمُؤْمِنينَ،

سلام بر تو اى فريادرس گرفتاران، سلام بر تو اى پناه مؤمنان

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُظْهِرَ الْبَراهینِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا طه وَیس السَّلامُ

سلام بر تو ای آشکارکننده دلیلها، سلام بر تو ای طه و یس، سلام

عَلَیْکَ یا حَبْلَ اللَّهِ الْمَتینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ تَصَدَّقَ فی صَلاتِهِ

تو ای ریسمان محکم خدا، سلام بر تو ای که انگشترت را در نماز به

بِخاتَمِهِ عَلَی الْمِسْکینِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا قالِعَ الصَّخْرَهِ عَنْ فَمِ الْقَلیبِ،

مسکین صدقه دادی، سلام بر تو ای که سنگ بزرگ را از دهانه چاه برکنده و

وَمُظْهِرَ الْماءِ الْمَعینِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَیْنَ اللَّهِ النَّاظِرَهِ، وَیَدَهُ الْباسِطَهَ،

آب گوارا را جاری ساختی، سلام بر تو ای دیده بینای خداوند و دستهای (به رحمت) گشوده اش

وَلِسانَهُ الْمُعَبِّرَعَنْهُ فی بَرِیَّتِهِ اجْمَعینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عِلْمِ

و زبان گویای او در میان تمامی مخلوقات، سلام بر وارث علم

ص: 304

النَّبِيّينَ، وَ مُسْتَوْدَعَ عِلْمِ الْأَوَّلينَ وَالْأخِرينَ، وَصاحِبَ لِوآءِ الْحَمْدِ،

پیامبران، و امانتدار علم پیشینیان و پسینیان، و صاحب پرچم حمد و ستایش

وَساقِیَ اوْلِیآئِهِ مِنْ حَوْضِ خاتَمِ النَّبِیّینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا یَعْسُوبَ

و ساقی دوستانش از حوض خاتم پیامبران، سلام بر تو ای رئیس

الدّینِ، وَقائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلینَ، وَوالِدَ الْأَئِمَّهِ الْمَرْضِیّینَ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ

مذهب، و پیشوای سفیدرویان، و پدر امامان پسندیده، و رحمت و

وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَی اسْمِ اللَّهِ الرَّضِیِّ، وَوَجْهِهِ الْمُضیئِ، وَجَنْبِهِ الْقَوِیِّ،

برکات خدا بر تو باد، سلام بر نام پسندیده خداوند، و سلام بر پرتوی از نور او، و جلوه ای از قدرت او

وَصِراطِهِ السَّوِیِّ، السَّلامُ عَلَی الْإِمامِ التَّقِیِّ، الْمُخْلِصِ الصَّفِیِّ، السَّلامُ

و راه راست او، سلام بر امام پرهیزکار و مخلص و برگزیده، سلام

عَلَی الْکَوْکَبِ الدُّرِّیِّ، السَّلامُ عَلَی الْإِمامِ اِبِی الْحَسَنِ عَلِیٍّ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ

بر اختر تابناک، سلام بر امام ابوالحسن، حضرت علی (ع) و رحمت و برکات

وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلی ائِمَّهِ الْهُدی وَمَصابیحِ الدُّجی وَاعْلامِ التُّقی

خدا بر تو باد، سلام بر امامان هدایتگر، و چراغهای در تاریکی، و نشانه های پرهیزکاری و

وَمَنارِ الْهُدی وَذَوِی النُّهی وَکَهْفِ الْوَری وَالْعُرْوَهِ الْوُثْقی وَالْحُجَّهِ

چراغ هدایت، و صاحبان خرد، و پناهگاه مردم، و دستاویز محکم و حجّت (خدا)

عَلی اهْلِ الدُّنْیا، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلی نُورِ الْأَنْوارِ، وَحُجَّهِ

بر اهل دنیا، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، سلام بر نور الانوار، و حجّت خداوند

الْجَبَّارِ، وَوالِدِ الْأَئِمَّهِ الْأَطْهارِ، وَقَسیمِ الْجَنَّهِ وَالنَّارِ، الْمُخْبِرِ عَنِ الْأثارِ،

توانا، و پدر امامان پاکیزه، و تقسیم کننده بهشت و دوزخ، خبر دهنده از نشانه ها

الْمُدَمِّرِ عَلَی الْکُفَّارِ، مُسْتَنْقِذِ الشّیعَهِ الْمُخْلِصینَ مِنْ عَظیمِ الْأَوْزارِ،

نابودکننده کفّار، رهایی بخش شیعیان با اخلاص از سنگینی بار گناهان

السَّلامُ عَلَی الْمَخْصُوصِ بِالطَّاهِرَهِ التَّقِیَّهِ، ابْنَهِ الْمُخْتارِ، الْمَوْلُودِ فِی

سلام بر اختصاص یافته به (همسری) بانوی پاکیزه پرهیزکار، دختر پیامبر برگزیده، تولّد یافته در

الْبَیْتِ ذِی الْأَسْتارِ، الْمُزَوَّجِ فِی السَّمآءِ بِالْبَرَّهِ الطَّاهِرَهِ الرَّضِیَّهِ

خانه (کعبه) دارای پرده، تزویج شده در آسمان با بانوی پاکیزه پسندیده

الْمَرْضِیَّهِ، والِدَهِ الْأَئِمَّهِ الْأَطْهارِ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَی النَّبَأِ

خشنود، مادر امامان پاکیزه، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، سلام بر خبر

الْعَظیمِ، الَّذی هُمْ فیهِ مُخْتَلِفُونَ، وَعَلَیْهِ یُعْرَضُونَ، وَعَنْهُ یُسْئَلُونَ، السَّلامُ

بزرگ، که آنان در آن اختلاف کردند و بر آن عرضه شده و از آن سؤال شوند، سلام

عَلی نُورِاللَّهِ الْأَنْوَرِ، وَضِیآئِهِ الْأَزْهَرِ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ

بر نور درخشان خداوند و روشنایی آشکارش، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، سلام بر تو

یا وَلِیَّ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ، وَخالِصَهَ اللَّهِ وَخآصَّتَهُ، اشْهَدُ انَّکَ یا وَلِیَ اللَّهِ

ای ولیّ خدا و حجّتش و بنده خالص و مخصوص خدا، ای ولی و

وَحُجَّتَهُ، لَقَدْ جاهَدْتَ فی سَبیلِ اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَاتَّبَعْتَ مِنْهاجَ رَسُولِ

حجّت خدا گواهی می دهم که تو در راه خدا به شایستگی جهاد نموده و از سیره رسول

اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَحَلَّلْتَ حَلالَ اللَّهِ، وَحَرَّمْتَ حَرامَ اللَّهِ،

خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- پیروی کردی و حلال خدا را حلال و حرامش را حرام شمردی

وَشَرَعْتَ احْکامَهُ، وَاقَمْتَ الصَّلاهَ وَآتَیْتَ الزَّکاهَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ

و احکام دینش را به رسمیّت شناختی و نماز را بپا داشته و زکات دادی، و امر به معروف

وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ، وَجاهَدْتَ فی سَبیلِ اللَّهِ صابِراً ناصِحاً مُجْتَهِداً،

و نهی از منکر کردی و در راه خدا با بردباری و خیرخواهی و کوشش جهاد نمودی

مُحْتَسِباً عِنْدَ اللّهِ عَظیمَ الْأجْرِ، حَتّی اتیکَ الْیَقینُ، فَلَعَنَ اللّهُ مَنْ دَفَعَکَ

در حالی که به پاداش بزرگ نزد خداوند راضی بودی، تا زمان مرگت فرا رسید، پس خدا لعنت کند کسانی را که تو را از

عَنْ حَقِّکَ، وَازالَکَ عَنْ مَقامِکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذلِکَ فَرَضِیَ بِهِ، اشْهِدُ

حقّت دور ساخته و از مقامت کنار زدند، و لعنت خدا بر کسانی که از آن آگاه شده و به آن راضی شدند،

اللَّهَ وَمَلائِکَتَهُ وَانْبِیآئَهُ وَرُسُلَهُ، انّی وَلِیٌّ لِمَنْ والاکَ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عاداکَ،

خدا و فرشتگان و پیامبران و فرستادگانش را گواه می گیرم که من به یقین با دوستدارانت دوست و با دشمنانت دشمنم

السَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ* سپس خود را به قبر بچسبان و آن را ببوس و بگو:

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد.*******************

اشْهَدُ انَّکَ تَسْمَعُ کَلامی وَتَشْهَدُ مَقامی وَاشْهَدُ لَکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ بِالْبَلاغِ

گواهی می دهم که تو به یقین سخنم را شنیده و جایگاهم را می بینی و ای ولی خدا گواهی می دهم در مورد تو به ابلاغ

ص: 306

وَالْأَدآءِ، یا مَوْلایَ یا حُجَّةَ اللَّهِ، یا امینَ اللَّهِ، یا وَلِیَّ اللَّهِ، انَّ بَیْنی وَبَیْنَ اللَّهِ

و انجام (وظیفه ات)، ای مولای من، ای حجّت خدا، ای امین خدا، ای ولیّ خدا، به یقین میان من و خدای عزیز و

عَزَّوَجَلَّ ذُنُوباً قَدْ اثْقَلَتْ ظَهْری وَمَنَعَتْنی مِنَ الرُّقادِ، وَذِکْرُها یُقَلْقِلُ

گرامی گناهانی است که پشتم را سنگین کرده و خواب را از من گرفته، و یاد آنها درونم را

احْشآئی وَقَدْ هَرَبْتُ الَی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالَیْکَ، فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَکَ عَلی

مضطرب ساخته، و (از آنها) به سوی خداوند عزیز و گرامی و به سوی تو گریزانم، پس به حقّ آن که تو را امین بر

سِرِّهِ، وَاسْتَرْعاکَ امْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طاعَتَکَ بِطاعَتِهِ، وَ مُوالاتَکَ

اسرارش قرار داده، و رسیدگی به امور مخلوقاتش را به تو سپرده و اطاعت از تو را به اطاعت از خویش و پیروی از تو را به

بِمُوالاتِهِ، کُنْ لی الَی اللَّهِ شَفیعاً، وَمِنَ النَّارِ مُجیراً، وَعَلَی الدَّهْرِ ظَهیراً

پیروی از خود قرین ساخته، در درگاه خدا شفیعم باش و از آتش دوزخ پناهم ده، و در (سختیهای) روزگار پشتیبانم باش.

* بار دیگر خود را به قبر بچسبان وقبر را ببوس وبگو: یا وَلِیَ اللَّهِ، یا حُجَّهَاللَّهِ، یا بابَ حِطَّهِ

**************** ای ولی خدا، ای حجّت خدا، ای درگاه خدا برای ریزش گناهان،

اللَّهِ، وَلِیُّکَ وَزائِرُکَ، وَاللّائِذُ بِقَبْرِکَ، وَالنَّازِلُ بِفِنآئِکَ، وَالْمُنیخُ رَحْلَهُ فی

دوستدار و زائرت و پناهنده به قبرت و فرود آینده به درگاهت، و رحل اقامت گزیننده

جِوارِکَ، یَسْئَلُکَ انْ تَشْفَعَ لَهُ الَی اللَّهِ فی قَضآءِ حاجَتِهِ، وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ فِی

در جوارت، از تو می خواهد که شفاعتش کنی در برآورده شدن حاجتش در درگاه خدا و رسیدن به خواسته هایش در

الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ، فَانَّ لَکَ عِنْدَ اللَّهِ الْجاهَ الْعَظیمَ، وَالشَّفاعَهَ الْمَقْبُولَهَ،

دنیا و آخرت، چرا که به یقین مقام باعظمت و شفاعت پذیرفته شده در نزد خدا از آن توست.

فَاجْعَلْنی یا مَوْلایَ مِنْ هَمِّکَ، وَادْخِلْنی فی حِزْبِکَ، وَالسَّلامُ عَلَیْکَ

پس ای مولای من مرا مورد توجّهت قرار ده و در گروهت داخل کن، و سلام بر تو

وَعَلی ضَجیعَیْکَ آدَمَ وَنُوحٍ، وَالسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلی وَلَدَیْکَ الْحَسَنِ

و بر دو آرمیده در کنارت آدم و نوح، و سلام بر تو و بر دو فرزندت حسن

وَالْحُسَیْنِ، وَعَلَی الْأَئِمَّهِ الطَّاهِرینَ مِنْ ذُرِّیَّتِکَ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ.

و حسین، و بر امامان پاکیزه از نسلت و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

سپس شش رکعت نماز زیارت بخوان، دو رکعت برای هدیه به امیرمؤمنان علیه السلام و دو رکعت برای هدیه

ص: 307

به حضرت آدم علیه السلام و دو رکعت برای هدیه به حضرت نوح علیه السلام، و خداوند را بسیار بخوان که دعای تو مستجاب خواهد شد ان شاءاللّه تعالی.(1) یادآوری:

1- نظر خود مرحوم «علّامه مجلسی» این است که این زیارت، ظاهراً از زیارات مطلقه است [316]؛ بنابراین، در هر زمان دیگر نیز می شود آن را بجا آورد.

2- مرحوم حاج شیخ عبّاس قمی رحمه الله از کتاب «مزار کبیر» نقل می کند که وقت بجا آوردن این زیارت هنگام طلوع آفتاب است و از «علّامه مجلسی» نقل می کند که فرمود: این زیارت به سندهای معتبر در کتب معتبره ذکر شده، و از بهترین زیارات است.

3- ممکن است برای بعضی این سؤال مطرح شود که با آن که روز 17 ربیع الاوّل روز تولّد رسول خدا صلی الله علیه و آله است، چگونه زیارت امیرمؤمنان علیه السلام در این روز وارد شده و از زیارت خود آن حضرت در این روز (غیر از چند جمله ای که در ابتدای این زیارت طولانی آورده شده) خبری نیست؟ (نظیر همین سؤال نسبت به زیارت مخصوصه شب و روز مبعث نیز مطرح می شود).

این سؤال چند پاسخ دارد:

الف) رسول گرامی صلی الله علیه و آله خود، فرمودند:

«أَنَا مَدینَةُ الْعِلْمِ وَ عَلیٌّ بابُها»

که ممکن است از آن برداشت شود: برای رسیدن به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله باید از دروازه توجّه به علی علیه السلام عبور کرد.

ب) ارتباط این دو بزرگوار و اتّحاد این دو نور، به قدری زیاد است که حقیقتاً یک نَفْس و یک روح هستند در دو کالبد؛ بر همین اساس، در آیه مباهله از نفس پیامبر در کلمه «أنفسنا» علی علیه السلام اراده شده است و لازمه چنین اتّحادی این است که زیارت یکی زیارت دیگری نیز باشد.

ج) «کامل الزیارات» از مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایتی را نقل کرده که ظاهرش این است:

زیارت نجف، به منزله زیارت رسول گرامی صلی الله علیه و آله می باشد. (2) همان گونه که «علّامه مجلسی» از کتاب «مزار کبیر» از اسحاق بن عمّار نقل کرده که از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: عربی بادیه نشین به خدمت رسول اللَّه صلی الله علیه و آله مشرّف شد، و عرض کرد: یا رسول اللَّه! خانه ام دور از خانه توست و من مشتاق تو و زیارت تو می شوم و این مسیر طولانی را می پیمایم و به مدینه می آیم ولی تو را نمی یابم، بلکه با علیّ بن ابی طالب ملاقات می کنم و او هم با گفتگو و مواعظش با من انس می گیرد و برمی گردم، امّا در حالی که متأسّف و محزون از ندیدن تو هستم. فرمود:

1- [315]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 373، حدیث 9.

2- [317]کامل الزیارات، باب 10، صفحه 39، حدیث 2.

هر کس علی علیه السلام را زیارت کند به راستی که مرا زیارت کرده است و هر کس او را دوست داشته باشد مرا دوست داشته است و هر کس با او دشمنی کند با من دشمنی کرده است. این مطلب را از جانب من به قومت برسان و (بگو که:) هر کس به زیارت علی آید به زیارت من آمده است و من و جبرئیل و مؤمنان صالح در روز قیامت به او پاداش خواهیم داد.(1) د) از اینها گذشته، شیعیان غالباً در عراق بودند و کمتر دسترسی به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند. از این رو دستور داده شد که در چنین روزی جانشین به حقّ او را زیارت کنند.

3- زیارت شب و روز مبعث

(27 رجب)

«علّامه مجلسی» از «شیخ مفید» و «سیّد بن طاووس» و «شهید اوّل» (رحمهم اللَّه) نقل می کند که هرگاه اراده زیارت امیر مؤمنان علیه السلام در شب و یا روز مبعث کردی پس بر در قبّه شریفه مقابل ضریح آن حضرت بایست و بگو:

اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَاشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ

گواهی می دهم معبودی جز خدا نیست، یگانه ای که شریکی ندارد، و گواهی می دهم که محمّد بنده

وَرَسُولُهُ، وَانَّ عَلِیَّ بْنَ ابی طالِبٍ امیرَ الْمُؤْمِنینَ عَبْدُاللَّهِ، وَاخُو رَسُولِهِ،

و فرستاده اوست و علیّ بن ابی طالب امیرمؤمنان، بنده خدا و برادر رسولش است

وَانَّ الْأَئِمَّهَ الطَّاهِرینَ مِنْ وُلْدِهِ حُجَجُ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ* آنگاه داخل شو و نزدیک و امامان پاک از فرزندان او حجّت خدا بر مخلوقاتش هستند،*********

قبر آن حضرت بایست به این نحو که پشت به قبله و رو به روی قبر آن حضرت و آنگاه صد مرتبه «تکبیر» بگو و پس از آن بگو:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ خَلیفَهِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ نُوحٍ

سلام بر تو ای وارث آدم خلیفه خدا (در زمین)، سلام بر تو ای وارث نوح صَفْوَهِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ ابْراهیمَ خَلیلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا برگزیده خداوند سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارِثَ مُوسی کَلیمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عیسی رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ وارث موسی، کلیم خدا سلام بر تو ای وارث عیسی، روح اللّه، سلام

ص: 309

1- [318]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 262، حدیث 17، به نقل از مزار کبیر، صفحه 38، حدیث 13.

عَلَیْکَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ رُسُلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا امیرَ الْمُؤْمِنینَ،

بر تو ای وارث محمّد، سرور فرستادگان خدا، سلام بر تو ای امیرمؤمنان،

السَّلامُ عَلَیْکَ یا امامَ الْمُتَّقینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَ الْوَصِیّینَ، السَّلامُ

سلام بر تو ای پیشوای پرهیزگاران، سلام بر تو ای آقای اوصیا، سلام

عَلَیْکَ یا وَصِیَّ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عِلْمِ

بر تو ای جانشین فرستاده پروردگار جهانیان، سلام بر تو ای وارث علم

الْأَوَّلینَ وَالْأخِرینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا النَّبَأُ الْعَظیمُ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا

پیشینیان و پسینیان، سلام بر تو ای خبر بزرگ، سلام بر تو ای

الصِّراطُ الْمُسْتَقیمُ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْمُهَذَّبُ الْکَریمُ، السَّلامُ عَلَیْکَ

راه راست، سلام بر تو ای پاک بزرگوار، سلام بر تو

ایُّهَا الْوَصِیُّ التَّقِیُّ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الرَّضِیُّ الزَّکِیُّ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا ای جانشین پرهیزگار سلام بر تو ای پسندیده پاکیزه، سلام بر تو ای

الْبَدْرُ الْمُضی ءُ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الصِّدیقُ الْأَکْبَرُ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا

ماه فروزان، سلام بر تو ای بزرگترین تصدیق کننده (رسول خدا) سلام بر تو ای

الْفارُوقُ الْأَعْظَمُ، [السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا السِّراجُ الْمُنیرُ](1)، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

برترین جدا کننده (حق از باطل)، سلام بر تو ای مشعل فروزان، سلام بر تو ای

امامَ الْهُدی السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَلَمَ التُّقی السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللَّهِ

پیشوای هدایت، سلام بر تو ای نشانه پرهیزگاری، سلام بر تو ای بزرگترین

الْکُبْری السَّلامُ عَلَیْکَ یا خاصَّةَ اللَّهِ وَخالِصَتَهُ، وَامینَ اللَّهِ وَ صَفْوَتَهُ،

حجّت خدا، سلام بر تو ای بنده خاصّ و بی آلایش و امانتدار و برگزیده خدا،

وَبابَ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ، وَمَعْدِنَ حُکْمِ اللَّهِ وَسِرِّهِ، وَعَیْبَهَ عِلْمِ اللَّهِ وَخازِنَهُ،

و درگاه (رحمت) و حجّت خدا، و خزانه حکم و اسرار خدا، و گنجینه و خزانه دار علم خدا،

وَسَفیرَ اللَّهِ فی خَلْقِهِ، اشْهَدُ انَّکَ قَدْ اقَمْتَ الصَّلاهَ، وَآتَیْتَ الزَّکاهَ، وَامَرْتَ

و واسطه خدا در بین مخلوقاتش گواهی می دهم که نماز را بپا داشته و زکات را پرداختی و امر

ص: 310

1- [319]این قسمت در بحارالانوار، جلد 97، صفحه 378 آمده است.

بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ، وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ، وَتَلَوْتَ الْکِتابَ حَقَ

به معروف و نهی از منکر کردی و از رسول خدا پیروی نمودی، و قرآن را به شایستگی

تِلاوَتِهِ، وَبَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ، وَوَفَیْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَتَمَّتْ بِکَ کَلِماتُ اللَّهِ،

تلاوت کردی، و از جانب خدا تبلیغ نموده و به عهد و پیمانش وفا کردی و کلمات خدا به وسیله تو کامل شد،

وَجاهَدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَنَصَحْتَ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ

و به شایستگی در راه او جهاد نموده و برای خدا و رسولش- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد-

وَآلِهِ، وَجُدْتَ بِنَفْسِکَ صابِراً مُحْتَسِباً، مُجاهِداً عَنْ دینِ اللَّهِ، مُوَقِّیاً

خیرخواهی کردی، و با جانت فداکاری نمودی در حالی که صبر کرده و پاداشت را از خدا خواستی و از دین خدا دفاع کردی و نگهبان

لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وِ آلِهِ، طالِباً ما عِنْدَ اللَّهِ، راغِباً فیما وَعَدَ اللَّهُ،

رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- بودی و طالب رضایت خدا و مشتاق وعده اش بودی

وَمَضَیْتَ لِلَّذی کُنْتَ عَلَیْهِ شَهیداً وَشاهِداً وَمَشْهُوداً، فَجَزاکَ اللَّهُ عَنْ

و بر این عقیده ات که داشتی، شهید و گواه و گواهی شده از دنیا رفتی، پس خدا از جانب

رَسُولِهِ وَعَنِ الْإِسْلامِ وَاهْلِهِ مِنْ صِدّیقٍ افْضَلَ الْجَزآءِ، اشْهَدُ انَّکَ کُنْتَ

پیامبرش و اسلام و اهل اسلام بهترین پاداش را به خاطر درستکاریت به تو عطا کند، گواهی می دهم که تو

اوَّلَ الْقَوْمِ اسْلاماً، وَاخْلَصَهُمْ ایماناً، وَاشَدَّهُمْ یَقیناً، وَاخْوَفَهُمْ للَّهِ،

اوّلین نفر در پذیرش اسلام و خالص ترین آنها در ایمان و استوارترین آنها از در یقین و خداترس ترین آنها بودی

وَاعْظَمَهُمْ عَناۤءً، وَاحْوَطَهُمْ عَلی رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ،

و بیش از همه در رنج و مشقّت، نسبت به رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد-

وَافْضَلَهُمْ مَناقِبَ، وَاکْثَرَهُمْ سَوابِقَ، وَارْفَعَهُمْ دَرَجَهً، وَاشْرَفَهُمْ مَنِزْلَهً،

مراقب ترین، و با سابقه ترین آنها (در اسلام) بودی، و تو دارای بالاترین رتبه و رفیع ترین جایگاه

وَاکْرَمَهُمْ عَلَیْهِ، فَقَویتَ حینَ وَهَنُوا، وَلَزِمْتَ مِنْهاجَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ

و گرامی ترین آنها نسبت به پیامبر بودی، هنگام سستیِ آنها، استوار و ملازم راه رسول خدا- که درود خدا

عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَاشْهَدُ انَّکَ کُنْتَ خَلیفَتَهُ حَقّاً، لَمْ تُنازَعْ بِرَغْمِ الْمُنافِقینَ،

بر او و خاندان پاکش باد- شدی و گواهی می دهم که تو جانشین به حق او بودی، با وجود (مخالفت) منافقان

وَغَیْظِ الْکافِرینَ، وَضِغْنِ الْفاسِقینَ، وَقُمْتَ بِالْأَمْرِ حینَ فَشِلُوا، وَنَطَقْتَ

و خشم کافران و کینه فاسقان مورد نزاع واقع نشدی، و هنگامی که دیگران ترسان شدند، تو به امرِ (ترویج دین) قیام کردی، و آنگاه که

حينَ تَتَعْتَعُوا، وَمَضَيْتَ بِنُورِ اللَّهِ اذْ وَقَفُوا، فَمَنِ اتَّبَعَکَ فَقَدِ اهْتَدى کُنْتَ

دیگران از سخن گفتن عاجز شدند (به حقایق دین) گویا شدی و هنگامی که دیگران توقّف کردند در پرتو نور الهی حرکت کردی، پس هر کس که تو را پیروی کرد هدایت شد،

اوَّلَهُمْ کَلاماً، وَاشَدَّهُمْ خِصاماً، وَاصْوَبَهُمْ مَنْطِقاً، وَاسَدَّهُمْ رَاْیاً،

تو اوّلین آنها در سخن گفتن، و سخت ترین آنها در مقابل دشمن، و راستگوترین آنها در گفتار و استوارترین آنها در اندیشه،

وَاشْجَعَهُمْ قَلْباً، وَاکْثَرَهُمْ یَقیناً، وَاحْسَنَهُمْ عَمَلًا، وَ اعْرَفَهُمْ بِالْأُمُورِ،

و صاحب شجاع ترین قلب، و بیشترین یقین، و بهترین عمل، و داناترین آنها به کارها بودی،

کُنْتَ لِلْمُؤْمِنینَ اباً رَحیماً، اذْ صارُوا عَلَیْکَ عِیالًا، فَحَمَلْتَ اثْقالَ ما عَنْهُ

هنگامی که مؤمنان تحت سرپرستی تو قرار گرفتند، پدری مهربان برای آنها شدی، و کارهایی که دیگران تحمّل سنگینی آن را نداشتند،

ضَعُفُوا، وَحَفِظْتَ ما اضاعُوا، وَرَعَیْتَ ما اهْمَلُوا، وَشَمَّرْتَ اذْ جَبَنُوا،

تو بر دوش کشیدی و آنچه را که دیگران هدر دادند، حفظ کردی، و آنچه را که در انجامش سستی کردند، رعایت نمودی، و زمانی که دیگران ترسیدند، دامن همت بکمر زدی،

وَعَلَوْتَ اذْ هَلِعُوا، وَصَبَرْتَ اذْ جَزِعُوا، کُنْتَ عَلَی الْکافِرینَ عَذاباً صَبّاً،

و زمانی که دیگران بی تابی و جزع کردند، برتر بودی و صبر کردی، تو بر کافران عذابی ریزان

وَغِلْظَةً وَغَیْظاً، وَلِلْمُؤْمِنینَ غَیْثاً وَخِصْباً وَعِلْماً، لَمْ تُفْلَلْ حُجَّتُکَ، وَلَمْ

و شدید خشمناک، و برای مؤمنان باران رحمت و پرنعمت و بحر علم و دانش بودی حجّت و برهانت هرگز مغلوب نشد و دلت

يَزِغْ قَلْبُکَ، وَلَمْ تَضْعُفْ بَصيرَتُکَ، وَلَمْ تَجْبُنْ نَفْسُکَ، کُنْتَ کَالْجَبَلِ

(از مسیر حق) منحرف و بیناییت کم نگشت و هرگز نترسیدی، بلکه همانند کوهی بودی که

لاتُحَرِّکُهُ الْعَواصِفُ، وَلا تُزیلُهُ الْقَواصِفُ، کُنْتَ کَما قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی

تندبادها او را حرکت ندهد و طوفانهای شکننده او را از بین نبرد، تو همان گونه که رسول خدا- که درود

اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ قَوِیّاً فی بَدَنِکَ، مُتَواضِعاً فی نَفْسِکَ، عَظیماً عِنْدَاللَّهِ، کَبیراً

خدا بر او و خاندان پاکش باد- فرمود نیرومند از جهت جسم، فروتن در روح، با عظمت در نزد خدا، بزرگ

فِی الْأَرْضِ، جَلیلاً فِی السَّمآءِ، لَمْ یَکُنْ لِأَحَدٍ فیکَ مَهْمَزٌ، وَلا لِقآئِلٍ

در زمین و شایسته در آسمان بودی، در تو برای کسی جای بدگویی و عیب جویی نبود،

فیکَ مَغْمَزٌ، وَلا لِخَلْقٍ فیکَ مَطْمَعٌ، وَلا لِأَحَدٍ عِنْدَکَ هَوادَهٌ، یُوجَدُ الضَّعیفُ

و در تو برای مردم جای طمعی و در نزد تو جای توقّعی نبود، ناتوان خوار در پیشگاه تو

الذَّلیلُ عِنْدَکَ قَوِیّاً عَزیزاً، حَتّی تَأْخُذَ لَهُ بِحَقِّهِ، وَالْقَوِیُّ الْعَزیزُ عِنْدَکَ

قوی و نیرومند بود تا این که حقّش را بستانی قوی و نیرومند در نزد تو

ص: 312

ضَعيفاً ذَليلاً حَتّی تَأْخُذَ مِنْهُ الْحَقَّ، الْقَريبُ وَالْبَعيدُ عِنْدَکَ فی ذلِکَ

ناتوانِ [خوار] بود تا حق را از او بگیری، نزدیکان و بیگانگان در این مورد در نزد تو

سَوآءٌ، شَأْنُکَ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُکَ حُکْمٌ وَحَتْمٌ، وَامْرُکَ حِلْمٌ

مساوی بودند، مرامت حقّ و راستی و درستی، و گفتارت قانون و لازم الاجرا، و فرمانت بردباری

وَعَزْمٌ، وَرَأْیُکَ عِلْمٌ وَجَزْمٌ، اعْتَدَلَ بِکَ الدّینُ، وَسَهُلَ بِکَ الْعَسیرُ، وَاطْفِئَتْ

و جدّیت، و اندیشه تو دانش و هوشیاری بود، (پرچمِ) دین اسلام به دست تو افراشته شد، و مشکلات به دست تو آسان گردید، و آتشِ (نفاق)

بِکَ النّیرانُ، وَقَوِیَ بِکَ الْإیمانُ، وَثَبَتَ بِکَ الْإِسْلامُ، وَهَدَّتْ مُصیبَتُکَ

به دست تو خاموش گردید، و ایمان به دست تو قوّت گرفت و اسلام به دست تو پابرجا شد، و مصیبت شهادت تو مردم را

الْأَنامَ، فَانَّا للَّهِ وَانَّا الَیْهِ راجِعُونَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ خالَفَکَ،

درهم شکست، (آری) همه از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم خداوند قاتلان و مخالفان و کسانی که

وَلَعَنَ اللَّهُ مَنِ افْتَری عَلَیْکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَکَ وَغَصَبَکَ حَقَّکَ، وَلَعَنَ

به تو دروغ بستند و به تو ستم کرده و حقّت را غصب نمودند لعنت کند و همچنین

اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذلِکَ فَرَضِیَ بِهِ، انَّا الَی اللَّهِ مِنْهُمْ بُرَآءُ، لَعَنَ اللَّهُ امَّةً خالَفَتْکَ،

خدا لعنت کند کسانی که این امور را شنیده و به آن راضی شدند، ما در پیشگاه خداوند از آنان بیزاری می جوییم، خداوند کسانی را که با تو مخالفت کردند

وَجَحَدَتْ وِلایَتَکَ، وَتَظاهَرَتْ عَلَیْکَ وَقَتَلَتْکَ، وَحادَتْ عَنْکَ

و ولایتت را انکار نموده بر ضدّ تو همدست شده و تو را به شهادت رساندند و از تو روی گردانده و تو را یاری نکردند،

وَخَذَلَتْکَ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی جَعَلَ النَّارَ مَثْویهُمْ، وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ،

لعنت کند، حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که آتشِ دوزخ را جایگاه آنان قرار داد و چه بد آبشخوری است (دوزخ)، که بر آن وارد می شوند،

اشْهَدُ لَکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ وَ وَلِیَّ رَسُولِهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ بِالْبَلاغِ وَالْأَدآءِ،

گواهی می دهم که تو ای دوستدار خدا و رسولش- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- تبلیغِ (دین) کرده و انجام وظیفه و خیرخواهی نمودی،

وَاشْهَدُ انَّکَ جَنْبُ اللَّهِ وَبابُهُ، وَانَّکَ حَبیبُ اللَّهِ وَوَجْهُهُ الَّذی مِنْهُ یُؤْتی

و گواهی می دهم که تو محبوب خدا و درگاه رحمت او هستی و براستی تو «جنب اللّه» و «وجه اللهی» که باید از آن به سوی خدا توجّه شود

وَانَّکَ سَبیلُ اللَّهِ، وَانَّکَ عَبْدُ اللَّهِ وَاخُو رَسُولِهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، اتَیْتُکَ

و تویی راه (به سوی) خدا و تویی بنده خدا و برادرِ رسولش- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- برای زیارت

زائِراً لِعَظیمِ جَلالَتِکَ وَمَنْزِلَتِکَ عِنْدَاللَّهِ و عِنْدَ رَسُولِهِ، مُتَقَرِّباً الَی اللَّهِ

به درگاهت آمده ام، زیرا که مقام و منزلتت در نزد خدا و رسولش بسی بزرگ است در حالی که با زیارت تو به خدا

بِزِيارَتِکَ، راغِباً الَيْکَ فِی الشَّفاعَهِ، ابْتَغی بِشَفاعَتِکَ خَلاصَ نَفْسی

نزدیکی جویم و به شفاعت تو مشتاقم و به واسطه شفاعتت رهایی خود را (از آتش) می طلبم

مُتَعَوِّذاً بِکَ مِنَ النَّارِ، هارِباً مِنْ ذُنُوبِیَ الَّتِی احْتَطَبْتُها عَلی ظَهْری فَزِعاً

و از آتش دوزخ به تو پناهنده ام، از گناهانی که بر پشتم سنگینی می کند گریزانم، به امید

الَيْکَ رَجآءَ رَحْمَهِ رَبّی اتَيْتُکَ اسْتَشْفِعُ بِکَ یا مَوْلایَ الَی اللَّهِ، وَاتَقَرَّبُ

رحمت پروردگارم به تو متوسّل می شوم، ای مولای من، برای طلب شفاعت در درگاه خدا نزد تو آمده ام، و به واسطه تو

بِکَ الَيْهِ لِيَقْضِیَ بِکَ حَوآئِجی فَاشْفَعْ لی یا امیرَ الْمُؤْمِنینَ الیَ اللَّهِ، فَانّی

به خدا تقرّب می جویم تا حوائجم برآورده شود، ای امیرمؤمنان مرا به درگاه خدا شفاعت کن، که من

عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلاکَ وَزآئِرُکَ، وَلَکَ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقامُ الْمَعْلُومُ، وَالْجاهُ الْعَظیمُ،

بنده خدا و دوست و زائر تو هستم، و تو نزد خدا دارای جایگاهی معلوم، و مقام

وَالشَّأْنُ الْکَبیرُ، وَالشَّفاعَهُ الْمَقْبُولَهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ

و رتبه ای بلند و شفاعت پذیرفته شده هستی، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی عَبْدِکَ وَامینِکَ الْأَوْفی وَعُرْوَتِکَ الْوُثْقی وَيَدِکَ

و درود فرست بر بنده و با وفاترین امانت دارت، و ریسمان محکمت، و دست

الْعُلْیا، وَکَلِمَتِکَ الْحُسْنی وَحُجَّتِکَ عَلَی الْوَری وَصِدِّيقِکَ الْأَکْبَرِ سَيِّدِ

بلندت، و نیکوترین کلمه ات، و حجّت و برهانت بر بندگان، بزرگترین تصدیق کننده ات، سرور

الْأَوْصِیآءِ، وَرُکْنِ الْأَوْلِیآءِ، وَعِمادِ الْأَصْفِیآءِ، امیرِ الْمُؤْمِنینَ، وَیَعْسُوبِ

اوصیا، و تکیه گاه دوستداران و برگزیدگان خدا، امیرمؤمنان و پیشوای

الْمُتَّقینَ، وَقُدْوَهِ الصِّدّیقینَ، وَامامِ الصَّالِحینَ، الْمَعْصُومِ مِنَ الزَّلَلِ،

پرهیزگاران، و مقتدای راستگویان، و پیشوای شایستگان، مصون از خطا و لغزش،

وَالْمَفْطُومِ مِنَ الْخَلَلِ، وَالْمُهَذَّبِ مِنَ الْعَیْبِ، وَالْمُطَهَّرِ مِنَ الرَّیْبِ، اخی

دور از عیب، پاک از نقص، پاکیزه از شک و تردید، برادر

نَبِیِّکَ وَوَصِیِّ رَسُولِکَ، وَالْبآئِتِ عَلی فِراشِهِ، وَالْمُواسی لَهُ بِنَفْسِهِ،

پیامبر و جانشین فرستاده ات و کسی که در بستر پیامبر خفت، و با جانش او را یاری کرد

وَکاشِفِ الْکَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، الَّذی جَعَلْتَهُ سَیْفاً لِنُبُوَّتِهِ، وَمُعْجِزاً لِرِسالَتِهِ،

و برطرف کننده غم از چهره او، که او [/ علی را شمشیری برای (یاری) پیامبریش و معجزه ای برای رسالتش قرار دادی

ص :314

وَدِلالَةً واضِحَةً لِحُجَّتِهِ، وَحامِلاً لِرايَتِهِ، وَ وِقايَةً لِمُهْجَتِهِ، وَهادِياً لِأُمَّتِهِ،

و راهنمایی روشن و آشکار برای حجّت و برهانش، و پرچمدارش، و سپری برای حفظ جانش، و هدایت کننده امّتش،

وَيَداً لِبَأْسِهِ، وَتاجاً لِرَأْسِهِ، وَباباً لِنَصْرِهِ، وَمِفْتاحاً لِظَفَرِهِ، حَتّى هَزَمَ

و دستی (توانا) برای جنگهایش و تاج سرش، و درگاهی برای یاریش، و کلیدی برای پیروزیش (قرار دادی)، تا این که

جُنُودَ الشِّرْكِ بِاَيْدِكَ، وَاَبادَ عَساكِرَ الْكُفْرِ بِاَمْرِكَ، وَبَذَلَ نَفْسَهُ فى مَرْضاةِ

لشکریان شرک را به یاری تو شکست داد، و به فرمانت لشکریان کفر را نابود کرد، و جانش را در راه رضایت تو

رَسُولِكَ، وَجَعَلَها وَقْفاً عَلى طاعَتِهِ، وَمَجِنّاً دوُنَ نَكْبَتِهِ، حَتّى فاضَتْ

و رسولت بر کف گرفته، و آن را وقف بر اطاعتش و سپری در برابر گرفتاری هایش قرار داد، تا این که

نَفْسُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فى كَفِّهِ، وَاسْتَلَبَ بَرْدَها، وَمَسَحَهُ عَلى وَجْهِهِ،

پیامبر- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- در آغوش او جان سپرد، و سردی بدنش را احساس کرد، و آن را بر صورتش کشید،

وَاعانَتْهُ مَلائِكَتُكَ على غُسْلِهِ وَتَجْهيزِهِ، وَصَلّى عَلَيْهِ، وَوارى

و فرشتگان او را بر غسل و آماده ساختن برای دفن یاری کردند، و بر او نماز خوانده، و به خاک

شَخْصَهُ، وَقَضى دَيْنَهُ، وَانْجَزَ وَعْدَهُ، وَلَزِمَ عَهْدَهُ، وَاحْتَذى مِثالَهُ، وَحَفِظَ

سپرد و دیونش را پرداخت کرد، و به وعده اش عمل کرده و در پیمانش ثابت قدم بود و همانند او عمل کرد و سفارش هایش را

وَصِيَّتَهُ، وَحينَ وَجَدَ انْصاراً نَهَضَ مُسْتَقِلّاً بِاَعْبآءِ الْخِلافَهِ، مُضْطَلِعاً

به خاطر سپرد و زمانی که یارانی یافت مستقلاّ به مسئولیت های خلافت اقدام و سنگینی

بِاثْقالِ الْإِمامَهِ، فَنَصَبَ رایَهَ الْهُدی فی عِبادِکَ، وَنَشَرَ ثَوْبَ الْأَمْنِ فی

وظایف امامت را تحمّل نمود، سپس پرچم هدایت را در میان بندگانت برافراشت، و امنیّت را در سرزمین

بِلادِکَ، وَبَسَطَ الْعَدْلَ فی بَرِیَّتِکَ، وَحَکَمَ بِکِتابِکَ فی خَلیقَتِکَ، وَاقامَ

اسلام و عدالت را در میان بندگانت گسترش داد و در میان مخلوقات بر اساس کتابت حکم کرده و حدود را

الْحُدُودَ، وَقَمَعَ الْجُحُودَ، وَقَوَّمَ الزَّیْغَ، وَسَکَّنَ الْغَمْرَهَ، وَابادَ الْفَتْرَهَ، وَسَدَّ

اجرا کرد، و منکران را سرکوب، و کجی ها را راست، و آشوب را سرکوب نموده و سستی ها را از بین برده و شکاف (اختلاف) را

الْفُرْجَهَ، وَقَتَلَ النَّاکِثَهَ وَالْقاسِطَهَ وَالْمارِقَهَ، وَلَمْ یَزَلْ عَلی مِنْهاجِ رَسُولِ

پر کرد، و پیمان شکنان و بیدادگران و بیرون روندگان از دین را کشت، و پیوسته بر راه رسول

اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَ وَتیرَتِهِ وَلُطْفِ شاکِلَتِهِ، وَجَمالِ سیرَتِهِ،

خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- و روش، و شیوه ملایم، و رفتار زیبای او بود،

مُقْتَدِياً بِسُنَّتِهِ، مُتَعَلِّقاً بِهِمَّتِهِ، مُباشِراً لِطَريقَتِهِ، وَامْثِلَتُهُ نَصْبُ عَيْنَيْهِ،

به سنّت پیامبر اقتدا کرده به همّت او وابسته و به راه و روش او ملازم بود، مقاصد پیامبر را مورد توجّه قرار داده

يَحْمِلُ عِبادَکَ عَلَيْها، وَيَدْعُوهُمْ الَيْها الی انْ خُضِبَتْ شَيْبَتُهُ مِنْ دَمِ رَاْسِهِ،

و بندگانت را بر آن وادار و به آن دعوت نمود، تا این که محاسن شریفش از خون سرش رنگین شد،

اللهُمَّ فَکَما لَمْ يُؤْثِرْ فی طاعَتِکَ شَکّاً عَلی يَقينٍ، وَلَمْ يُشْرِکْ بِکَ طَرْفَةَ

خدایا همچنان که هیچ گاه یقین او در اطاعت تو به شک مبدّل نگردید و لحظه ای از تو غافل نشد،

عَيْنٍ، صَلِّ عَلَيْهِ صَلاةً زاکِيَةً نامِيَةً، يَلْحَقُ بِها دَرَجَةَ النُّبُوَّةِ فی جَنَّتِکَ،

پس بر او درودی پاکیزه و فزاینده فرست، تا بواسطه آن در بهشت به درجه انبیا برسد،

وَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلاماً، وَآتِنا مِنْ لَدُنْکَ فی مُوالاتِهِ فَضْلًا وَاحْساناً

و از جانب ما درود و سلامی به او برسان، و از نزد خودت در راه دوستی او به ما لطف و احسان

وَمَغْفِرَةً وَرِضْواناً، انَّکَ ذُوالْفَضْلِ الْجَسيمِ، بِرَحْمَتِکَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ و

بخششِ (گناهان) و بهشت را عطا فرما، که تو صاحب احسان وسیعی، به بخشش و احسانت ای مهربان ترین مهربانان.

* سپس ضریح را ببوس؛ آنگاه دو رکعت نماز زیارت بجای آور و بعد از آن هر چه می خواهی از خدا بخواه و پس از تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگو: اللَّهُمَّ انَّکَ بَشَّرْتَنی عَلی لِسانِ رَسُولِکَ مُحَمَّدٍ

***************** خدایا تو با زبان پیامبر و فرستاده ات محمّد

صَلَواتُکَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقُلْتَ: وَبَشِّرِ الَّذينَ آمَنُوا انَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ

- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- بشارت داده و فرمودی: و به کسانی که ایمان آورده اند بشارت ده که برای آنها سابقه نیک

رَبِّهِمْ. اللَّهُمَّ وَانّی مُؤْمِنٌ بِجَمیعِ انْبِیآئِکَ وَرُسُلِکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِمْ، فَلا

(و پاداش) نزد پروردگارشان است و من به تمام پیامبران و فرستادگانت- که درود تو بر آنها باد- ایمان دارم، پس

تَقِفْنی بَعْدَمَعْرِفَتِهِمْ مَوْقِفاً تَفْضَحُنی فیهِ عَلی رُؤُوسِ الْخَلایِقِ [320]، بَلْ قِفْنی

بعد از معرفت من نسبت به آنها، مرا در جایگاهی قرار نداده که در برابر مردم رسوایم کنی، بلکه مرا همراهشان

مَعَهُمْ، وَتَوَفَّنی عَلَی التَّصْدیقِ بِهِمْ، اللَّهُمَّ وَانْتَ خَصَصْتَهُمْ بِکَرامَتِکَ،

قرار ده و مرا بر تصدیق و ایمان به آنها بمیران، خدایا تو آنها را به کرامت خود مخصوص داشته

ص :316

وَامَرْتَنی بِاتِّباعِهِمْ، اللَّهُمَّ وَانّی عَبْدُکَ وَزآئِرُکَ، مُتَقَرِّباً الَیْکَ بِزِیارَهِ اخی

و مرا به پیروی از آنها امر فرمودی، خدایا من بنده و زیارت کننده توأم، در حالی که با زیارت برادر رسولت به درگاهت

رَسُولِکَ، وَ عَلی کُلِّ مَاْتِیٍّ وَمَزُورٍ حَقٌّ لِمَنْ اتاهُ وَ زارَهُ، وَانْتَ خَیْرُ مَاْتِیٍ

نزدیکی می جویم، و هر که به درگاه و زیارت کسی آید بر او حقّی دارد، و تو بهترین کسی هستی که به سویت آیند

وَاکْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْئَلُکَ یا اللَّهُ یا رَحْمنُ یا رَحیمُ، یا جَوادُ یا ماجِدُ، یا

و گرامی ترین زیارت شده ای، پس ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای سخاوتمند، ای بزرگوار، ای

احَدُ یا صَمَدُ، یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً احَدٌ، وَلَمْ یَتَّخِذْ

یکتا، ای بی نیاز، ای کسی که (هرگز) نزاده و زاده نشده و برای او هیچ گاه شبیه و مانندی نبوده و برای خود

صاحِبَهً وَلا وَلَداً، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تَجْعَلَ تُحْفَتَکَ

همسر و فرزندی نگرفته است، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و پاداش مرا از زیارت

ایَّایَ مِنْ زِیارَتی اخا رَسُولِکَ فَکاکَ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ، وَانْ تَجْعَلَنی مِمَّنْ

برادرِ رسولت، رهاییم از آتش دوزخ قرار دهی و مرا از کسانی قرار دهی که

یُسارِعُ فِی الْخَیْراتِ، وَیَدْعُوکَ رَغَباً وَرَهَباً، وَتَجْعَلَنی مِنَ الْخاشِعینَ،

به سوی کارهای خیر شتافته و تو را از روی امید و بیم می خوانند و مرا از فروتنان قرار دهی،

اللَّهُمَّ انَّکَ مَنَنْتَ عَلَیَّ بِزِیارَهِ مَوْلایَ عَلِیِّ بْنِ ابیطالِبٍ، وَ وِلایَتِهِ

خدایا به واسطه زیارت مولایم علیّ بن ابی طالب علیه السلام و ولایت و معرفت او، بر من

وَمَعْرِفَتِهِ، فَاجْعَلْنی مِمَّنْ یَنْصُرُهُ وَیَنْتَصِرُ بِهِ، وَمُنَّ عَلَیَّ بِنَصْرِکَ لِدینِکَ،

منّت نهادی، پس مرا از کسانی که او را یاری کرده و از او یاری می طلبند، قرار ده و به واسطه یاری دینت بر من منّت گذار،

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنی مِنْ شیعَتِهِ، وَتَوَفَّنی عَلی دینِهِ، اللَّهُمَّ اوْجِبْ لی مِنَ

و خدایا مرا از شیعیانش قرار ده و بر دینش بمیران، خدایا از رحمت

الرَّحْمَهِ وَالرِّضْوانِ، وَالْمَغْفِرَهِ وَالْإِحْسانِ، وَالرِّزْقِ الْواسِعِ الْحَلالِ الطَّیِّبِ

و خشنودی و آمرزش و نیکی و روزی گسترده حلال پاکیزه

ما انْتَ اهْلُهُ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ.(1)

که تو شایسته آنی به من عطا فرما، ای مهربان ترین مهربانان وستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

ص: 317

1- [321]مزار شهید اوّل، صفحه 99 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 377، حدیث 10،(با اندکی تفاوت).

4- زیارت روز شهادت آن حضرت

(21 رمضان)

مرحوم حاج شیخ عبّاس قمی می نویسد: در روایت معتبر وارد شده است که روز شهادت امیر مؤمنان علیه السلام، حضرت خضر علیه السلام گریه کنان و استرجاع گویان، با سرعت آمد و بر درِ خانه آن حضرت ایستاد و گفت:

رَحِمَکَ اللَّهُ یا ابَا الْحَسَنِ، کُنْتَ اوَّلَ الْقَوْمِ اسْلاماً، وَاخْلَصَهُمْ ایماناً،

ای ابوالحسن خداوند تو را رحمت کند، تو اولین نفر در اسلام، و خالص ترین آنها در ایمان به خدا،

وَاشَدَّهُمْ یَقیناً، وَ اخْوَفَهُمْ للَّهِ.

و محکم ترین آنها در یقین، و خداترس ترین آنها بودی.

و بسیاری از فضایل آن حضرت را برشمرد که قریب به عباراتی است که در زیارت قبل گذشت. لذا مناسب است که زیارت قبلی (زیارت روز و شب مبعث) در روز شهادت امیرمؤمنان علیه السلام نیز خوانده شود (از باب تأسّی به جناب خضر علیه السلام).(1)

یادآوری: در بخش اعمال ماه ها در ضمن اعمال شب مبعث، کلامی از سفرنامه ابن بطوطه درباره اهمّیّت مرقد مبارک امیرمؤمنان علیه السلام خواهد آمد که شایسته است مورد توجّه واقع شود، (صفحه 656).

1- [322]مفاتیح الجنان، زیارات مخصوصه امیرالمؤمنین علیه السلام.

فصل سوم: فضیلت زمین و مسجد کوفه و اماکن زیارتی آن

فضیلت سرزمین کوفه:

با این که گروهی از مردم کوفه، افرادی بی وفا، سنگدل و ترسو بودند و شیعیان از شهر کوفه خاطرات بسیار دردناکی دارند، ولی نباید فراموش کرد که بسیاری از اصحاب و یاران امامان علیهم السلام و شخصیّت های بزرگ و فداکار، از کوفه برخاسته اند و به همین دلیل در فضیلت و عظمت سرزمین کوفه، روایات فراوانی وارد شده که از آن جمله است:

1- کوفه یکی از چهار شهری است که حق تعالی آن را اختیار فرموده است.(1) 2- «طور سینین» که خداوند در سوره بلد به آن قسم خورده، به این منطقه تفسیر شده است.(2) 3- حرم خدا و حرم رسول خدا و حرم امیر مؤمنان علی علیه السلام به حساب آمده است.(3) 4- یک درهم تصدّق در آن، معادل با تصدّق صد درهم در جای دیگر به حساب می آید.(4) 5- دو رکعت نماز در آن، معادل با صد رکعت نماز در جای دیگر است.(5) 6- باغی از باغهای بهشت است که در آن قبر نوح و قبر ابراهیم ... و قبر سیّد الاوصیا امیرمؤمنان، قرار دارد(6) (از این حدیث معلوم می شود که کوفه در این گونه روایات سرزمین نجف را نیز شامل می شود).

فضیلت مسجد کوفه:

در فضیلت مسجد کوفه و نماز و عبادت در آن نیز روایات زیادی وارد شده است که به بعضی از آنها اشاره می شود:

1- ابوحمزه ثمالی نقل می کند که امام سجّاد علیه السلام روزی از مدینه، صرفاً به قصد مسجد کوفه حرکت کرد و دو رکعت نماز در آن به جای آورد و دوباره سوار بر مرکب شد و برگشت!(7) 2- مطابق روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام: «هزار پیامبر و هزار وصی پیامبر در این مسجد نماز خوانده اند».(8)

1- [323]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 392، حدیث 20، به نقل از خصال، جلد 1، صفحه 225، حدیث 58.
2- [324]همان مدرک.

3- [325]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 400، حدیث 51، به نقل از کامل الزیارات، باب 8، صفحه 29، حدیث 8.
4- [326]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 399، حدیث 42، به نقل از کامل الزیارات، باب 8، صفحه 27، حدیث 2.
5- [327]همان مدرک.
6- [328]همان مدرک، صفحه 405، حدیث 61 و فرحه الغری، صفحه 69.
7- [329]کامل الزیارات، باب 8، صفحه 27، حدیث 1.
8- [330]همان مدرک، صفحه 28، حدیث 5.

3- در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «اگر من در نزدیکی مسجد کوفه بودم امید آن داشتم که حتّی یک نماز در آن هم از من فوت نشود»، سپس خطاب به راوی می فرماید: «آیا از فضل آن آگاهی؟» عرض کرد: نه؛ فرمود: «هیچ عبد صالحی و هیچ پیامبری نبود مگر این که در مسجد کوفه نماز خواند، حتّی زمانی که رسول اللّه صلی الله علیه و آله به معراج رفت جبرئیل به آن حضرت گفت: آیا می دانی در این لحظه در کجا هستی یا محمّد؟

فرمود: نه؛ عرض کرد: تو در مقابل مسجد کوفه هستی. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بنابراین، از پروردگارت اجازه بگیر که فرود آیم و در آن نماز بخوانم. جبرئیل اجازه گرفت، خداوند نیز اجازه داد و پیامبر صلی الله علیه و آله هبوط کرد و دو رکعت نماز خواند». آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود: «نماز واجب در آن معادل هزار نماز و نماز نافله در آن معادل پانصد نماز است. در هر جهت از چهار جهت او باغی از باغهای بهشت قرار دارد. نشستن در آن بدون نماز و ذکر نیز، عبادت است».(1) 4- امام صادق علیه السلام می فرماید: «امیر مؤمنان علی علیه السلام به کسی که برای درک فضیلت مسجدالأقصی بار خود را بسته بود و برای خداحافظی خدمت آن حضرت در مسجد کوفه رسید، فرمود: زاد و راحله ات را بفروش و بیا در این مسجد نماز بگذار که نماز واجب در آن، معادل یک حجّ مقبول و نماز نافله در آن، معادل یک عمره مقبوله است ... هیچ غمزده و دردمندی حاجتی از حوائجش را در این مسجد طلب نمی کند مگر این که خداوند به او پاسخ می دهد و مشکلش را برطرف می سازد».(2) 5- مطابق روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام به دست می آید که مسجد کوفه، خانه حضرت آدم و حضرت نوح و حضرت ادریس و مصلّای ابراهیم خلیل و خضر علیهم السلام بوده است و یکی از چهار مسجدی است که خداوند آن را برگزیده و در روز قیامت برای کسانی که در آن نماز خواندند شفاعت می کند؛ شفاعتی که رد نمی شود و مصلّای حضرت مهدی علیه السلام است و مؤمنی روی زمین نیست مگر این که قلبش به آن اشتیاق دارد.(3) 6- مسجد کوفه یکی از چهار مکانی است که مسافر در آن مخیّر است، بین قصر و اتمام. امام صادق علیه السلام فرمود: «از جمله از علم مخزون خداوند، نماز اتمام در چهار مکان است: حرم خداوند، حرم رسول گرامی صلی الله علیه و آله و حرم امیرمؤمنان علیه السلام و حرم حسین بن علی علیه السلام».(4)

اعمال مسجد کوفه

اشاره

اعمال مسجد کوفه به نحوی که در کتاب «مصباح الزائر» (5) «سیّد بن طاووس» و غیر آن با مختصر

ص: 320

1- [331] کامل الزیارات، باب 8، صفحه 28، حدیث 6.
2- [332] همان مدرک، صفحه 32، حدیث 18.
3- [333] امالی صدوق، صفحه 227، حدیث 8.
4- [334] جواهرالکلام، جلد 14، صفحه 337.
5- [335] مصباح الزائر، از صفحه 77 تا 99.

تفاوتی وارد شده بدین شرح است:

1- آداب دخول در مسجد

چون داخل شهر کوفه شدی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفی سَبیلِ اللَّهِ، وَعَلی مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ،

به نام خدا و به یاری خدا و در راه خدا، و بر دین رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد-

اللهُمَّ انْزِلْنی مُنْزَلًا مُبارَکاً، وَانْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلینَ* سپس روانه شو به سوی خدایا مرا در جایگاه مبارکی فرود آر که تو بهترین فرود آورندگانی.********************

مسجد کوفه و در حال رفتن بگو: اللَّهُ اکْبَرُ، وَلا الهَ الَّا اللَّهُ، وَالْحَمْدُللَّهِ، وَسُبْحانَ اللَّهِ

************** خداوند بزرگتر است از هر چیز و معبودی جز او نیست، و ستایش مخصوص اوست و او را تسبیح می کنم* تا به در مسجد برسی، (1) در آنجا بایست و بگو: السَّلامُ عَلی سَیِّدِنا رَسُولِ اللَّهِ، مُحَمَّدِ

******************** سلام و درود بر آقا و سرور ما، فرستاده خدا، محمّد

بْنِ عَبْدِاللَّهِ وَآلِهِ الطَّاهِرینَ، السَّلامُ عَلی مَوْلانا امیرِ الْمُؤْمِنینَ عَلِیِّ بْنِ

فرزند عبداللَّه و خاندان پاکش باد، سلام و درود و رحمت و برکات خدا بر امیرمؤمنان علی فرزند

ابیطالِبٍ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، وَعَلی مَجالِسِهِ، وَمَشاهِدِهِ وَمَقامِ

ابی طالب باد، و بر محلّ نشستن و حضور

حِکْمَتِهِ، وَآثارِ آبائِهِ آدَمَ وَنُوحٍ، وَابْرهیمَ وَاسْمعیلَ، وَتِبْیانِ بَیِّناتِهِ،

و داوریش، و بر آثار پدرانش آدم و نوح و ابراهیم و اسماعیل، و بر بیان روشنش باد،

السَّلامُ عَلَی الْإِمامِ الْحَکیمِ الْعَدْلِ الصِّدّیقِ الْأَکْبَرِ، الْفارُوقِ بِالْقِسْطِ

سلام و درود بر پیشوایِ حکیمِ عادل و اوّلین تصدیق کننده (رسول خدا)، جداکننده بین حقّ و باطل با عدالت،

الَّذی فَرَّقَ اللَّهُ بِهِ بَیْنَ الْحَقِّ وَالْباطِلِ، وَالْکُفْرِ وَالْإیمانِ، وَالشِّرْکِ

کسی که خدا به واسطه او بین حق و باطل و کفر و ایمان و شرک

وَالتَّوْحیدِ، لِیَهْلِکَ مَنْ هَلَکَ عَنْ بَیِّنَهٍ، وَیَحْیی مَنْ حَیَّ عَنْ بَیِّنَهٍ، اشْهَدُ

و توحید جدایی انداخت، تا از روی دلیل هلاک کند هر که هلاک می شود و از روی دلیل زنده کند هر که زنده می شود، گواهی می دهم

انَّکَ امیرُ الْمُؤْمِنینَ، وَخاصَّهُ نَفْسِ الْمُنْتَجَبینَ، وَزَیْنُ الصِّدّیقینَ، وَصابِرُ

که تو امیرمؤمنان، و برگزیده نجیب زادگان، و زینت راستگویان، و شکیباترین

1- [336]مصباح المتهجّد، صفحه 739.

الْمُمْتَحَنینَ، وَانَّکَ حَکَمُ اللَّهِ فی ارْضِهِ، وَقاضی امْرِهِ، وَبابُ حِکْمَتِهِ،

امتحان شدگانی، و تویی حاکم از جانب خدا در زمینش و بجا آورنده فرمانش، و درگاه حکمت و دانشش

وَعاقِدُ عَهْدِهِ، وَالنَّاطِقُ بِوَعْدِهِ، وَالْحَبْلُ الْمَوْصُولُ بَیْنَهُ وَبَیْنَ عِبادِهِ،

و پیوند دهنده پیمانش، و گوینده به وعده اش، و ریسمان اتّصال بین او و بندگانش

وَکَهْفُ النَّجاهِ، وَمِنْهاجُ التُّقی، وَالدَّرَجَهُ الْعُلْیا، وَمُهَیْمِنُ الْقاضِی

و پناهگاه نجات، و راه روشن پرهیزکاری، و مقام والا، و گواه خدای داور،

الْأَعْلی یا امیرَ الْمُؤْمِنینَ بِکَ اتَقَرَّبُ الَی اللَّهِ زُلْفی انْتَ وَلِیِّی وَسَیِّدی

ای امیرمؤمنان به واسطه تو به درگاه خداوند تقرّب کامل می جویم، که تویی سرپرست و آقا و سرور

وَوَسیلَتی فِی الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ* آنگاه داخل مسجد شو و بگو: اللَّهُ اکْبَرُ اللَّهُ اکْبَرُ اللَّهُ

و وسیله نجاتم در دنیا و آخرت.************ خدا بزرگتر است از هر چیز، خدا بزرگتر است از هر چیز، خدا

اکْبَرُ، هذا مَقامُ الْعائِذِ بِاللَّهِ، وَبِمُحَمَّدٍ حَبیبِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ،

بزرگتر است از هر چیز، این است جایگاه پناهنده به خدا و به محمّد حبیب او- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد-

وَبِوِلایَهِ امیرِ الْمُؤْمِنینَ، وَالْأَئِمَّهِ الْمَهْدِیّینَ الصَّادِقینَ النَّاطِقینَ

و به ولایت امیرمؤمنان و پیشوایان هدایت و راستگویان و سخنوران

الرَّاشِدینَ، الَّذینَ اذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهیراً، رَضیتُ بِهِمْ

و رشد یافتگانی که خداوند پلیدی را از آنها دور ساخته و به خوبی پاکیزه گردانیده است، به پیشوایی

ائِمَّهً وَهُداهً وَمَوالِیَّ، سَلَّمْتُ لِأَمْرِ اللَّهِ لا اشْرِکُ بِهِ شَیْئاً، وَلا اتَّخِذُ مَعَ اللَّهِ

و هدایت و سرپرستی آنها خشنودم، تسلیم فرمان خدایم و کسی را شریک او قرار ندهم، و سرپرستی همراه خدا

وَلِیّاً، کَذِبَ الْعادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلالاً بَعیداً، حَسْبِیَ اللَّهُ وَاوْلِیآءُ اللَّهِ،

برای خود نگیرم، روی گردانندگان از خدا دروغ گفته و به گمراهی سختی دچار شدند، خداوند و اولیای او مرا کافی است،

اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَاشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ

گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه ای که شریکی ندارد و گواهی می دهم که محمّد بنده

وَرَسُولُهُ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَانَّ عَلِیّاً وَالْأَئِمَّهَ الْمَهْدِیّینَ مِنْ ذُرِّیَّتِهِ

و فرستاده اوست- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- و به راستی علی و پیشوایان هدایت از نسل او

عَلَیْهِمُ السَّلامُ اوْلِیآئی وَحُجَّهُ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ.

- که درود خدا بر آنها باد- سرپرستان من و حجّت و برهان خدا بر مخلوقاتند.

ص: 322

آنگاه به جانب ستون چهارم می روی که برابر ستون پنجم یعنی ستون حضرت ابراهیم علیه السلام قرار گرفته، پس چهار رکعت نماز بخوان، دو رکعت آن را با حمد و

«قُلْ هُوَ اللَّهُ احَدٌ»

و دو رکعت دیگر را با حمد و

«انَّا انْزَلْناهُ فی لَیْلَهِ الْقَدْرِ»

. پس از اتمام نماز و بعد از گفتن تسبیح حضرت زهرا علیها السلام هفت مرتبه بگو:

السَّلامُ عَلی عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحینَ الرَّاشِدینَ، الَّذینَ اذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ

سلام و درود بر بندگان شایسته و رشد یافته خدا، که خداوند پلیدی را از آنها دور ساخته

وَطَهَّرَهُمْ تَطْهیراً، وَجَعَلَهُمْ انْبِیآءَ مُرْسَلینَ، وَحُجَّهً عَلَی الْخَلْقِ اجْمَعینَ،

و به خوبی پاکیزه گردانیده و آنها را پیامبران مرسل و حجت و برهان بر تمامی مخلوقات قرار داد،

وَسَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلینَ، وَالْحَمْدُللَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، ذلِکَ تَقْدیرُ الْعَزیزِ

و سلام و درود بر فرستادگانش، و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است و این تقدیر و حکم خدای بی همتای

الْعَلیمِ، سَلامٌ عَلی نُوحٍ فِی الْعالَمینَ* سپس بگو: نَحْنُ عَلی وَصِیَّتِکَ یا وَلِیَ

داناست، سلام و درود بر نوح در میان جهانیان********* ای سرپرست مؤمنان، ما به

الْمُؤْمِنینَ، الَّتی اوْصَیْتَ بِها ذُرِّیَّتَکَ مِنَ الْمُرْسَلینَ وَالصِّدّیقینَ، وَنَحْنُ

وصیّتی که بر فرزندانت از فرستادگان و راستگویان نمودی، پایبندیم، و ما

مِنْ شیعَتِکَ وَشیعَهِ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ صَلّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَعَلَیْکَ وَعَلی

از شیعیان تو و پیامبرمان محمّد هستیم- که درود خدا بر او و خاندان پاکش و بر تو

جَمیعِ الْمُرْسَلینَ، وَالْأَنْبِیآءِ وَالصِّدِیقینَ، وَنَحْنُ عَلی مِلَّهِ ابْرهیمَ، وَدینِ

و همه فرستادگان و پیامبران و راستگویان باد-، و ما به دین ابراهیم

مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ الْأُمِّیِّ، وَالْأَئِمَّهِ الْمَهْدِیّینَ، وَوِلایَهِ مَوْلانا عَلِیٍّ امیرِ

و محمّد، پیامبر امّی [/ درس نخوانده و پیشوایان هدایت و ولایت مولایمان علی

الْمُؤْمِنینَ، السَّلامُ عَلَی الْبَشیرِ النَّذیرِ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَرَحْمَتُهُ

امیرمؤمنان پایبندیم، سلام و درود بر بشارت دهنده بیم دهنده، درود و رحمت

وَرِضْوانُهُ وَبَرَکاتُهُ، وَعَلی وَصِیِّهِ وَخَلیفَتِهِ الشَّاهِدِ للَّهِ مِنْ بَعْدِهِ عَلی

و خشنودی و برکات خدا بر او باد، و بر وصی و جانشین او، همان گواه خدا بر مخلوقات

خَلْقِهِ، عَلِیٍّ امیرِ الْمُؤْمِنینَ الصِّدیقِ الْأَکْبَرِ، وَالْفارُوقِ الْمُبینِ، الَّذی

پس از او (یعنی) علی امیرمؤمنان، اوّلین تصدیق کننده (پیامبر اسلام) و جدا کننده روشن حق از باطل که

ص :323

اخَذْتَ بَيْعَتَهُ عَلَى الْعالَمينَ، رَضيتُ بِهِمْ اوْلِياۤءَ وَمَوالِىَّ، وَحُكَّاماً فى

مسؤوليّت بيعتش را بر جهانيان قرار دادى، من به سرپرستى و سروريشان خشنودم و آنها حاكمان در

نَفْسى وَوُلْدى وَاهْلى وَمالى وَقِسْمى وَحِلّى وَاحْرامى وَاسْلامى

جان و فرزندان و خاندان و اموال و روزيم، و در حال احرام و غير احرام، و اسلام

وَدينى وَدُنْياىَ وَآخِرَتى وَمَحْياىَ وَمَماتى انْتُمُ الْأَئِمَّةُ فِى الْكِتابِ،

و دينم، و دنيا و آخرتم، و زندگى و مردنم هستند شما پيشوايان در كتاب خدا

وَفَصْلُ الْمَقامِ وَفَصْلُ الْخِطابِ، وَاعْيُنُ الْحَىِّ الَّذى لا يَنامُ، وَانْتُمْ

و داراى بالاترين مقام و داوران عادليد و شماييد ديدگان زنده اى كه هرگز نخوابد و شماييد

حُكَماۤءُ اللَّهِ فى ارْضِهِ، وَبِكُمْ حَكَمَ اللَّهُ، وَبِكُمْ عُرِفَ حَقُّ اللَّهِ، لا الهَ الَّا

فرزانگان الهى در روى زمين و به واسطه شما خداوند حكمرانى مى كند و حقّ خدا شناخته مى شود، معبودى جز

اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، انْتُمْ نُورُ اللَّهِ مِنْ بَيْنِ ايْدينا وَمِنْ خَلْفِنا، انْتُمْ سُنَّةُ

خدا نيست محمّد فرستاده اوست، شما نور خدا در مقابل و پشت سر ماييد، شما حكم

اللَّهِ الَّتى بِها سَبَقَ الْقَضاۤءُ، يا اميرَ الْمُؤْمِنينَ، انَا لَكُمْ مُسَلِّمٌ تَسْليماً لا

خداييد كه به واسطه آن سرنوشت رقم زده مى شود اى اميرمؤمنان من به طور كامل تسليم شمايم و چيزى را

اشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئاً، وَلا اتَّخِذُ مِنْ دوُنِهِ وَلِيّاً، الْحَمْدُللَّهِ الَّذى هَدانى بِكُمْ،

برای خدا شریک قرار نداده و سرپرستی جز او بر نمی گزینم حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که مرا به وسیله شما هدایت کرد

وَما کُنْتُ لِأَهْتَدِیَ لَوْلا انْ هَدانِیَ اللَّهُ، اللَّهُ اکْبَرُ، اللَّهُ اکْبَرُ، اللَّهُ اکْبَرُ، الْحَمْدُ

و اگر خدا مرا هدایت نمی کرد هرگز هدایت نمی شدم، خدا بزرگتر است از هر چیز، خدا بزرگتر است از هر چیز خدا بزرگتر است از هر چیز، ستایش مخصوص

للَّهِ عَلی ما هَدانا.(1)

خداوند است به خاطر هدایت کردن ما.

2- اعمال دکَّه القضا و بیت الطَّشت

دکّه القضا سکّویی بوده در مسجد کوفه که امیرالمؤمنین علیه السلام بر روی آن می نشستند و قضاوت و حکم می نمودند و در آن جایگاه، ستون کوتاهی بوده که بر روی آن آیه کریمه

«انَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسانِ»(2)

نوشته شده بود(3) و بیت الطّشت که متّصل به دکّه القضا است همان محلّی است که معجزه

1- [337]مصباح الزائر، صفحه 77 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 409-411(با اندکی تفاوت).
2- [338]سوره نحل، آیه 90.
3- [339]مفاتیح الجنان، اعمال مسجد کوفه.

امیرالمؤمنین علیه السلام برای نجات دختری از اتّهام ظاهر شد.(1) در هر حال پس از اعمال ستون چهارم به سوی دکّةُ القضا برو و در آن جا دو رکعت نماز بخوان با حمد و هر سوره که خواهی و بعد از نماز و گفتن تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگو:

یا مالِکی وَمُمَلِّکی وَمُتَغَمِّدی بِالنِّعَمِ الْجِسامِ مِنْ غَیْرِ اسْتِحْقاقٍ،

ای مالک من و ای کسی که مرا مالک قرار داده ای، ای کسی که بدون شایستگی من مرا غرق در نعمت های بزرگ ساخته ای،

وَجْهی خاضِعٌ لِما تَعْلُوهُ الْأَقْدامُ لِجَلالِ وَجْهِکَ الْکَریمِ، لا تَجْعَلْ هذِهِ

چهره ام در مقابل ذات با عظمت و گرامیت فروتن است تا قدم ها بر آن قرار گیرد، این سختی و گرفتاری

الشِّدَّةَ وَلا هذِهِ الْمِحْنَةَ مُتَّصِلَةً بِاسْتیصالِ الشَّاْفَهِ، وَامْنَحْنی مِنْ فَضْلِکَ

را سبب نابودیم، قرار مده و از فضل و کرمت چیزی را که بدون درخواست

ما لَمْ تَمْنَحْ بِهِ احَداً مِنْ غَیْرِ مَسْئَلَهٍ، انْتَ الْقَدیمُ الْأَوَّلُ الَّذی لَمْ تَزَلْ وَلا

به کسی نبخشیده ای بر من ببخش، تویی آن ازلی و اوّلی که همیشه بوده

تَزالُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لی وَارْحَمْنی وَزَکِّ عَمَلی

و خواهی بود، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا بیامرز و به من رحم کن و اعمالم را پاک گردان،

وَبارِکْ لی فی اجَلی وَاجْعَلْنی مِنْ عُتَقآئِکَ وَطُلَقآئِکَ مِنَ النَّارِ،

و به عمرم برکت ده و مرا از آزادشدگان و رها شدگان از آتش دوزخ قرار ده

بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ آنگاه اعمال بَیْتُ الطَّشْتْ را بجا آور؛ یعنی دو رکعت نماز به بخشش و احسانت ای مهربان ترین مهربانان******************************

بخوان و بعد از سلام و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگو: اللهُمَّ انّی ذَخَرْتُ تَوْحیدی ایَّاکَ

************************** خدایا من یگانه پرستی و معرفتم نسبت به تو

وَمَعْرِفَتی بِکَ، وَاخْلاصی لَکَ وَاقْراری بِرُبُوبِیَّتِکَ، وَذَخَرْتُ وِلایَهَ مَنْ

و اخلاص و اقرارم به پروردگاریت را اندوخته و ذخیره کردم ولایت کسانی را که به واسطه شناخت آنها

انْعَمْتَ عَلَیَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ مِنْ بَرِیَّتِکَ، مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمْ، لِیَوْمِ

از بین مخلوقاتت، به من نعمت دادی، (یعنی) محمّد و خاندانش- که درود خدا بر آنها باد- برای روز

1- [340]بحارالانوار، جلد 40، صفحه 277، حدیث 42.

فَزَعی الَیْکَ عاجِلاً وَآجِلاً، وَقَدْ فَزِعْتُ الَیْکَ وَالَیْهِمْ یا مَوْلایَ فی هذَا

نیازم به تو در دنیا و آخرت، ای مولای من، دراین روز و در این جایگاه به تو

الْیَوْمِ، وَفی مَوْقِفی هذا، وَسَئَلْتُکَ سَعادَتی مِنْ نِعْمَتِکَ، وَازاحَةَ ما

و آنان متوسّل می شوم و از تو نعمت های پاکیزه ات و برطرف شدن ترس

اخْشاهُ مِنْ نِقْمَتِکَ، وَالْبَرَکَةَ فیما رَزَقْتَنیهِ، وَتَحْصینَ صَدْری مِنْ کُلِ

از انتقامت و برکت در روزیم، و حفظ سینه ام از هر

هَمٍّ وَ جائِحَهٍ وَمَعْصِیَهٍ، فی دینی وَدُنْیایَ وَآخِرَتی یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ غم و گرفتاری و گناه در دین و دنیا و آخرتم را می خواهم، ای مهربان ترین مهربانان.

* سپس به وسط مسجد می روی و دو رکعت نماز می خوانی در رکعت اوّل حمد با قُلْ هُوَ اللَّهُ احَدٌ و در رکعت دوم حمد و قُلْ یا ایُّهَا الْکافِرُونَ آنگاه پس از سلام وتسبیح زهرا علیها السلام بگو: اللهُمَّ انْتَ السَّلامُ

************************* خدایا تویی سلامتی

وَمِنْکَ السَّلامُ، وَالَیْکَ یَعُودُ السَّلامُ، وَدارُکَ دارُ السَّلامِ، حَیِّنا رَبَّنا مِنْکَ

و از جانب توست سلامتی و به سوی تو باز می گردد سلامتی و درگاه توست جایگاه امنیّت و سلامتی ای پروردگار ما؛

بِالسَّلامِ، اللهُمَّ انّی صَلَّیْتُ هذِهِ الصَّلاهَ ابْتِغآءَ رَحْمَتِکَ وَرِضْوانِکَ

با سلامتی از جانب خودت، ما را زنده بدار، خدایا این نماز را برای بدست آوردن بخشش و احسان و خشنودی

وَمَغْفِرَتِکَ، وَتَعْظیماً لِمَسْجِدِکَ، اللهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و آمرزشت و برای بزرگداشت مسجدت به جای آوردم، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

وَارْفَعْها فی عِلَیّینَ، وَتَقَبَّلْها مِنّی یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

و نمازم را به عالی ترین درجات بالا برده و از من بپذیر ای مهربان ترین مهربانان.

یادآوری: محدّث بزرگوار مرحوم حاج شیخ عبّاس قمی رحمه الله می گوید: این مقام را دَکَّهُ الْمِعْراج گفته اند و ظاهراً به ملاحظه آن که در شب معراج حضرت رسول صلی الله علیه و آله از حق تعالی رخصت طلبید و در این جا فرود آمده و دو رکعت نماز گذاشت که در اوّل این فصل گذشت.(2)

1- [341]مصباح الزائر، صفحه 79 و بحارالانوار جلد 97، صفحه 411 و 412(با اندکی تفاوت).
2- [342]مفاتیح الجنان، اعمال مسجد کوفه.

3- اعمال ستُون هفتم

(مقام ابراهیم خلیل علیه السلام)

مقدّمه:

در فضیلت این ستون احادیث بسیاری وارد شده، از آن جمله:

1- «شیخ کلینی» به سند معتبر روایت کرده که امیرمؤمنان علیه السلام رو به این ستون نماز می خواند و نزدیک آن می ایستاد.(1) 2- در روایت معتبر دیگری وارد شده که هر شب شصت هزار فرشته از آسمان نازل می شوند و نزد ستون هفتم نماز می گزارند.(2) 3- در حدیث معتبر سوّمی از امام صادق علیه السلام منقول است که ستون هفتم مقام حضرت ابراهیم علیه السلام است.(3) 4- «شیخ کلینی» در «کافی» به سند صحیح از ابواسماعیل سرّاج روایت کرده که معاویه بن وَهَب دست مرا گرفت و گفت: ابوحمزه ثمالی دست مرا گرفت و گفت: اصبغ بن نباته دست مرا گرفت و ستون هفتم را به من نشان داد و گفت: که این ستون، مقام امیرمؤمنان علیه السلام است که نزد آن نماز می خواند و امام حسن علیه السلام در نزد ستون پنجم نماز بجا می آورد و هرزمان امیرمؤمنان علیه السلام حضور نداشت امام حسن علیه السلام در جای آن حضرت، نماز می خواند.(4) در هر حال مقابل این ستون رو به قبله می ایستی و می گویی:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلى مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلا الهَ الَّا

به نام خدا و به یاری خدا و بر دین رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- و معبودی جز

اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى ابينا آدَمَ وَامِّنا حَوَّآءَ، السَّلامُ عَلى

خدا نیست، محمّد فرستاده اوست، سلام و درود بر پدرمان آدم و مادرمان حوّا، سلام و درود بر

هابيلَ الْمَقْتُولِ ظُلْماً وَ عُدْواناً عَلى مَواهِبِ اللَّهِ وَرِضْوانِهِ، السَّلامُ عَلى

هابیل که از روی ظلم و دشمنی به خاطر نعمت هایی که خدا به او داده و از او خشنود بود، کشته شد، سلام و درود بر

شَیْثٍ صَفْوَهِ اللَّهِ الْمُخْتارِ الْأَمینِ، وَعَلَی الصَّفْوَهِ الصَّادِقینَ مِنْ ذُرِّیَّتِهِ

شیث برگزیده خدا و انتخاب شده امانتدار و بر برگزیدگان راست گفتار از نسل

الطَّیِّبینَ، اوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ، السَّلامُ عَلی ابْرهیمَ وَ اسْمعیلَ، وَاسْحقَ

پاکش از ابتدا تا انتها، سلام و درود بر ابراهیم و اسماعیل، و اسحاق

1- [343]کافی، جلد 3، صفحه 493، حدیث 4.
2- [344]همان مدرک، حدیث 5
3- [345]همان مدرک، حدیث 7.
4- [346]همان مدرک، حدیث 8.

وَیَعْقُوبَ، وَ عَلی ذُرِّیَّتِهِمُ الْمُخْتارینَ، السَّلامُ عَلی مُوسی کَلیمِ اللَّهِ،

و یعقوب و بر نسل برگزیده ایشان، سلام و درود بر موسی کلیم خدا

السَّلامُ عَلی عیسی رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خاتَمِ

سلام و درود بر عیسی روح خدا، سلام و درود بر محمّد بن عبداللَّه خاتم

النَّبِیّینَ، السَّلامُ عَلی عَلِیٍّ امیرِالْمُؤْمِنینَ، وَذُرِّیَّتِهِ الطَّیّبینَ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ

پیامبران، سلام و درود بر امیر مؤمنان و نسل پاکش و رحمت و برکات خدا

وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ فِی الْأَوَّلینَ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ فِی الْأخِرینَ،

بر او باد، سلام و درود بر شما در میان آنها که پیش از این بوده و پس از این خواهند بود،

السَّلامُ عَلی فاطِمَةَ الزَّهْراءِ، السَّلامُ عَلَی الْأَئِمَّةِ الْهادینَ، شُهَدآءِ اللَّهِ

سلام و درود بر فاطمه زهرا، سلام و درود بر پیشوایان هدایت گر و گواهان خدا

عَلی خَلْقِهِ، السَّلامُ عَلَی الرَّقیبِ الشَّاهِدِ عَلَی الامَمِ للَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ.

بر مخلوقاتش، سلام و درود بر مراقب و گواه بر امت ها از جانب پروردگار جهانیان.

بعد از آن نزد آن ستون، چهار رکعت نماز می خوانی در رکعت اوّل حمد و

انَّا انْزَلْناهُ

و در رکعت دوم حمد و

قُلْ هُوَ اللَّهُ احَدٌ

و در رکعت سوم و چهارم نیز به همین گونه عمل می کنی و چون نماز به پایان رسید پس از تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگو:

اللهُمَّ انْ کُنْتُ قَدْ عَصَیْتُکَ، فَانّی قَدْ اطَعْتُکَ فِی الْإیمانِ مِنّی بِکَ مَنّاً

خدایا اگر نافرمانیت کردم ولی در ایمان به تو اطاعتت نمودم که این منّتی از

مِنْکَ عَلَیَّ، لا مَنّاً مِنّی عَلَیْکَ، وَاطَعْتُکَ فی احَبِّ الْأَشْیآءِ لَکَ لَمْ اتَّخِذْ

ناحیه تو بر من است نه منّتی از من بر تو، و در مورد محبوب ترین اشیا نزد تو اطاعتت کردم و برای تو

لَکَ وَلَداً، وَلَمْ ادْعُ لَکَ شَریکاً، وَقَدْ عَصَیْتُکَ فی اشْیآءَ کَثیرَهٍ عَلی غَیْرِ

فرزندی نگرفته و شریکی نخواندم و البتّه در بسیاری از امور نافرمانیت کردم ولی از روی

وَجْهِ الْمُکابَرَهِ لَکَ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِیَّتِکَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِیَّتِکَ،

گردن کشی و خارج شدن از بندگی و انکار پروردگاریت نبود،

وَلکِنِ اتَّبَعْتُ هَوایَ، وَازَلَّنِی الشَّیْطانُ بَعْدَ الْحُجَّهِ عَلَیَّ وَالْبَیانِ، فَانْ

لیکن پیروی هوای نفس کردم و با وجود دلیل و برهان آشکار، شیطان مرا به گناه انداخت، پس اگر

ص: 328

تُعَذِّبْنى فَبِذُنُوبى غَيْرُ ظالِمٍ لى وَانْ تَعْفُ عَنّى وَتَرْحَمْنى فَبِجُودِکَ

مرا عذاب کنی به واسطه گناهان من است و تو ستمی نکرده ای، و اگر از من درگذری و رحم کنی پس بواسطه بخشش

وَکَرَمِکَ یا کَریمُ، اللهُمَّ انَّ ذُنُوبى لَمْ یَبْقَ لَها الَّا رَجآءُ عَفْوِکَ، وَقَدْ

و کرم توست ای (خدای) بزرگوار، خدایا برای گناهانم چاره ای جز امید به عفوت باقی نمانده، در حالی که

قَدَّمْتُ آلَهَ الْحِرْمانِ، فَا نَا اسْئَلُکَ اللَّهُمَّ ما لا اسْتَوْجِبُهُ، وَاطْلُبُ مِنْکَ ما

من اسباب محرومیّت خود را از پیش فرستاده ام، پس خدایا چیزی را که شایسته اش نیستم از تو می خواهم و چیزی را که

لا اسْتَحِقُّهُ، اللهُمَّ انْ تُعَذِّبْنى فَبِذُنُوبى وَلَمْ تَظْلِمْنى شَیْئاً، وَانْ تَغْفِرْ لى

سزاوارش نیستم از تو می طلبم، خدایا اگر مرا عذاب کنی پس به واسطه گناهان من است و به من ظلمی نکرده ای و اگر مرا ببخشی

فَخَیْرُ راحِمٍ انْتَ یا سَیِّدى اللَّهُمَّ انْتَ انْتَ، وَ ا نَا ا نَا، انْتَ الْعَوَّادُ

پس تو بهترین رحم کننده ای ای آقا و سرور من، خدایا تو آنی و من همان، تویی پیوسته

بِالْمَغْفِرَهِ، وَ ا نَا الْعَوَّادُ بِالذُّنُوبِ، وَانْتَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْحِلْمِ، وَ ا نَا الْعَوَّادُ

آمرزنده و منم همواره گناهکار، تویی احسان کننده به حلم و منم پیوسته

بِالْجَهْلِ، اللهُمَّ فَانّى اسْئَلُکَ یا کَنْزَ الضُّعَفاءِ، یا عَظیمَ الرَّجآءِ، یا مُنْقِذَ

در جهل و نادانی، خدایا من از تو می خواهم ای گنج ضعیفان، ای امید بزرگ، ای نجات دهنده

الْغَرْقى یا مُنْجِیَ الْهَلْکى یا مُمیتَ الْأَحْیآءِ، یا مُحْیِیَ الْمَوْتى انْتَ اللَّهُ

غریقان، ای رهاننده محکومان به فنا، ای میراننده زندگان، ای زنده کننده مردگان، تویی خدایی که

لا الهَ الَّا انْتَ، انْتَ الَّذی سَجَدَ لَکَ شُعاعُ الشَّمْسِ وَدَوِیُّ الْمآءِ،

معبودی جز تو نیست، تویی (خدایی) که تعظیم کرد در برابرت نور خورشید و خروش آب،

وَحَفیفُ الشَّجَرِ، وَنُورُ الْقَمَرِ، وَظُلْمَهُ اللَّیْلِ وَضَوْءُ النَّهارِ، وَخَفَقانُ

صدای برگ های درخت در هنگام وزیدن باد و روشنایی ماه و تاریکی شب، و روشنایی روز، و صدای بال زدن

الطَّیْرِ، فَاسْئَلُکَ اللَّهُمَّ یا عَظیمُ بِحَقِّکَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقینَ، وَبِحَقِ

پرنده، پس از تو می خواهم ای خدای بزرگوار به حقّت بر محمّد و خاندان راست گفتارش، به حقّ

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقینَ عَلَیْکَ، وَبِحَقِّکَ عَلی عَلِیٍّ، وَبِحَقِّ عَلِیٍّ عَلَیْکَ،

محمّد و خاندان راست گفتارش بر تو و به حق تو بر علی و به حقّ علی بر تو

وَبِحَقِّکَ عَلی فاطِمَهَ، وَبِحَقِّ فاطِمَهَ عَلَیْکَ، وَبِحَقِّکَ عَلَی الْحَسَنِ،

و به حقّ تو بر فاطمه و به حقّ فاطمه بر تو، و به حق تو بر حسن

وَبِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْکَ، وَبِحَقِّکَ عَلَی الْحُسَيْنِ، وَبِحَقِ الْحُسَيْنِ عَلَيْکَ، فَانَ

و به حق حسن بر تو و به حق تو بر حسين و به حق حسين بر تو، كه همانا

حُقُوقَهُمْ عَلَيْکَ مِنْ افْضَلِ انْعامِکَ عَلَيْهِمْ، وَبِالشَّاْنِ الَّذی لَکَ عِنْدَهُمْ،

حقّ آنان بر تو از بهترين نعمت های تو به آنهاست و به شأن و منزلت تو نزد آنان

وَبِالشَّاْنِ الَّذی لَهُمْ عِنْدَکَ، صَلِّ عَلَيْهِمْ يا رَبِّ صَلاةً دائِمَةً مُنْتَهی

و جايگاه آنها نزد تو، ای پروردگار من بر آنها درودی هميشگی فرست كه نهايت آن

رِضاکَ، وَاغْفِرْ لی بِهِمُ الذُّنُوبَ الَّتی بَيْنی وَبَيْنَکَ، وَأرْضِ عَنِّی خَلْقَکَ،

خشنودی تو باشد، و به واسطه آنها گناهانی كه بين من و تو واقع شده (و فقط تو از آن آگاهی) بيامرز و مخلوقاتت را (از من) خشنود گردان

وَاتْمِمْ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ، کَمااتْمَمْتَها عَلی آبائی مِنْ قَبْلُ، وَلاتَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنَ

و نعمت هايت را بر من تمام گردان، همان گونه كه پيش از اين آن نعمتها را بر پدرانم تمام كردی، و منّت كسی از

الْمَخْلُوقينَ عَلَیَّ فيهَا امْتِناناً، وَامْنُنْ عَلَیَّ کَما مَنَنْتَ عَلی آبائی مِنْ

مخلوقاتت را در اين مورد بر من قرار مده، و بر من منّت گذار همان گونه كه بر پدرانم پيش از اين

قَبْلُ، يا کهيعص، اللهُمَّ کَما صَلَّيْتَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَاسْتَجِبْ لی

منّت گذاشتی، ای «كهيعص»، ای خدا همان گونه كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستادی، دعايم را در آنچه از تو

دُعآئی فيما سَئَلْتُ، يا کَريمُ يا کَريمُ يا کَريمُ* سپس به سجده برو ودر سجده خواستم اجابت كن، ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار************

بگو: یا مَنْ یَقْدِرُ عَلی حَوآئِجِ السَّآئِلینَ، وَیَعْلَمُ ما فی ضَمیرِ الصَّامِتینَ، یا

ای کسی که بر اجابت خواسته های سؤال کنندگان توانایی و آنچه در دلِ لب فرو بستگان است می دانی،

مَنْ لایَحْتاجُ الَی التَّفْسیرِ، یا مَنْ یَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْیُنِ وَما تُخْفِی

ای کسی که به تفسیر و توضیح نیاز نداری، ای کسی که خیانت چشم ها و آنچه در سینه ها مخفی است

الصُّدُورُ، یا مَنْ انْزَلَ الْعَذابَ عَلی قَوْمِ یُونُسَ وَهُوَ یُریدُ انْ یُعَذِّبَهُمْ،

را می دانی، ای کسی که عذاب را بر قوم یونس نازل کرد، وقتی که می خواست آنها عذاب شوند

فَدَعَوْهُ وَتَضَرَّعُوا الَیْهِ فَکَشَفَ عَنْهُمُ الْعَذابَ، وَمَتَّعَهُمْ الی حینٍ، قَدْ تَری

سپس دعا کرده و به درگاهش گریه و زاری کردند پس عذاب را از آنها برطرف کرد و تا مدّتی آنها را (از حیات) بهره مند ساخت، تو جایگاهم

مَکانی وَتَسْمَعُ دُعآئی وَتَعْلَمُ سِرّی وَعَلانِیَتی وَحالی صَلِّ عَلی

را می بینی و دعایم را می شنوی، و نهان و آشکار و حال مرا می دانی، بر محمّد و

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاكْفِنی ما اهَمَّنی مِنْ امْرِ دینی وَدُنْیایَ وَآخِرَتی

خاندان پاکش درود فرست و آنچه که از امور دین و دنیا و آخرت مرا غمگین ساخته، کفایت کن* آنگاه هفتاد مرتبه بگو: یا سَیِّدی سپس سر از سجده بردار و بگو: یا رَبِّ اسْئَلُکَ بَرَکَهَ

************ ای آقا و سرور من**************** ای پروردگار من از تو برکت

هذَاالْمَوْضِعِ وَبَرَکَهَاهْلِهِ، وَاسْئَلُکَ انْ تَرْزُقَنی مِنْ رِزْقِکَ رِزْقاًحَلالاًطَیِّباً،

این مکان واهلش را خواهانم و از تو روزی حلال و پاکیزه ات را می خواهم

تَسُوقُهُ الَیَّ بِحَوْلِکَ وَقُوَّتِکَ، وَ ا نَا خآئِضٌ فی عافِیَهٍ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

که به پناه و قدرتت به سویم فرستی در حالی که من در صحّت و سلامتی غوطه ورم ای مهربانترین مهربانان.

یادآوری: در حدیثی از ابوحمزه ثمالی نقل شده: روزی در مسجد کوفه نشسته بودم که شخص خوشرو، خوشبو و پاک جامه ای وارد مسجد شد و نزد ستون هفتم ایستاد و برای نماز تکبیر گفت، تکبیری که از شنیدن آن، مو بر بدن من راست شد، آنگاه چهار رکعت نماز (هر دو رکعت به یک سلام) بجای آورد و این دعا را خواند:

الهی انْ کُنْتُ قَدْ عَصَیْتُکَ، فَقَدْ اطَعْتُکَ فی احَبِّ الْأَشْیآءِ الَیْکَ، لَمْ

خدایا اگر نافرمانیت کردم امّا در محبوب ترین اشیا نزد تو اطاعتت نمودم و برای

اتَّخِذْ لَکَ وَلَداً، وَلَمْ ادْعُ لَکَ شَریکاً، وَقَدْ عَصیتُکَ فی اشْیآءَ کَثیرَهٍ عَلی

تو فرزندی نگرفته و شریکی نخواندم، و البتّه در بسیاری از امور تو را نافرمانی کردم

غَیْرِ وَجْهِ الْمُکابَرَهِ لَکَ، وَلَا الْاسْتِکْبارِ عَنْ عِبادَتِکَ، وَلَا الْجُحُودِ

ولی از روی گردن کشی و روی گرداندن از عبادت و انکار

لِرُبُوبِيَّتِکَ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنِ الْعُبُودِیَّهِ لَکَ، وَلکِنِ اتَّبَعْتُ هَوایَ، وَ ازَلّنِی

پروردگاری و خارج شدن از بندگی ات نبود، لیکن پیروی هوای نفس کردم، و با وجود دلیل و برهان آشکار،

الشَّیْطانُ بَعْدَ الْحُجَّهِ وَالْبَیانِ، فَانْ تُعَذِّبْنی فَبِذُنُوبی غَیْرُ ظالِمٍ انْتَ لی

شیطان مرا به گناه انداخت، پس اگر مرا عذاب کنی به واسطه گناهان من است و تو ستمی نکرده ای

وَانْ تَعْفُ عَنّی وَتَرْحَمْنی فَبِجُودِکَ وَکَرَمِکَ یا کَریمُ.

و اگر از من درگذری و رحم کنی پس بواسطه بخشش و کرم توست ای (خدای) بزرگوار.

ص: 331

1- [347]مصباح الزائر، صفحه 80- 83 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 412.

سپس به سجده رفت و مکرّر

«یا کَریمُ»

گفت. آنگاه چنین گفت:

یا مَنْ یَقْدِرُ عَلی حَوائِجِ السَّائِلینَ ...

تا آخر دعایی که در صفحه قبل آمد (و به

آخرتی

ختم می شود). آنگاه هفتاد مرتبه

یا سیّدی

گفت. هنگامی که سر از سجده برداشت خوب نگاه کردم دیدم حضرت امام زین العابدین علیه السلام است، دست راستش را بوسیدم و عرض کردم برای چه این جا آمدید؟ فرمود: برای همین اعمال که دیدید.(1)

4- اعمال ستون پنجم

(مقام جبرئیل علیه السلام)

مقدّمه:

از جمله قسمت های پرفضیلت مسجد کوفه، ستون پنجم است که شایسته است نزد آن نماز خواند و حاجات خود را از حق تعالی طلب نمود زیرا که در روایات معتبر وارد شده است که محلّ نماز حضرت ابراهیم خلیل الرّحمان علیه السلام بوده است 349] و این روایت، منافات با روایات دیگر که مقام حضرت ابراهیم علیه السلام را ستون هفتم می داند ندارد؛ زیرا ممکن است آن حضرت در همه این جایگاهها نماز بجا آورده باشد، و در حدیثی از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است که ستون پنجم مقام جبرئیل علیه السلام است 350] چنان که در روایتی از ابواسماعیل آمده است که مقام امام حسن علیه السلام است.(2) به هر حال، نزد این

ستون نیز دو رکعت نماز می خوانی با حمد و هر سوره ای که خواهی و پس از سلام و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام می گویی:

اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِجَمیعِ اسْمآئِکَ کُلِّها، ما عَلِمْنا مِنْها وَما لا نَعْلَمُ،

خدایا به حقّ تمامی نام های مبارکت- چه آنها که می دانیم و چه آنها که نمی دانیم- از تو می خواهم

وَاسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظیمِ الْأَعْظَمِ الْکَبیرِ الْأَکْبَرِ، الَّذی مَنْ دَعاکَ بِهِ

و به حقّ با عظمت ترین و بزرگترین نامت که به واسطه آن نام آن کس که تو را خواند

اجَبْتَهُ، وَمَنْ سَئَلَکَ بِهِ اعْطَیْتَهُ، وَمَنِ اسْتَنْصَرَکَ بِهِ نَصَرْتَهُ، وَمَنِ اسْتَغْفَرَکَ

پاسخش دادی و آن کس که از تو چیزی خواست عطایش کردی و آن کس که از تو یاری طلبید یاریش نمودی، و آن کس که از تو آمرزش طلبید

بِهِ غَفَرْتَ لَهُ، وَمَنِ اسْتَعانَکَ بِهِ اعَنْتَهُ، وَمَنِ اسْتَرْزَقَکَ بِهِ رَزَقْتَهُ، وَمَنِ

او را آمرزیدی و آن کس که از تو کمک خواست کمکش نمودی و آن کس که از تو طلب روزی کرد روزیش دادی، و آن کس که

اسْتَغاثَکَ بِهِ اغَثْتَهُ، وَمَنِ اسْتَرْحَمَکَ بِهِ رَحِمْتَهُ، وَ مَنِ اسْتَجارَکَ بِهِ

تو را به فریادرسی خواند به فریادش رسیدی و آن کس که از تو رحمت طلبید به او ترحّم کردی، و آن کس که از تو پناه طلبید

1- [348]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 388، حدیث 12.
2- [351]همان مدرک، حدیث 8.

اجَرْتَهُ، وَمَنْ تَوَكَّلَ عَلَیْکَ بِهِ کَفَیْتَهُ، وَمَنِ اسْتَعْصَمَکَ بِهِ عَصَمْتَهُ، وَمَنِ

پناهش دادی، و آن کس که به تو توکّل کرد کفایتش کردی، و آن کس که از تو دوری از گناه طلبید حفظش نمودی و آن کس که

اسْتَنْقَذَکَ بِهِ مِنَ النَّارِ انْقَذْتَهُ، وَمَنِ اسْتَعْطَفَکَ بِهِ تَعَطَّفْتَ لَهُ، وَمَنْ امَّلَکَ بِهِ

از تو نجات از آتش طلبید، نجاتش دادی، و آن کس که از تو مهربانی خواست مورد لطفش قرار دادی و آن کس که از تو آرزویی طلبید

اعْطَیْتَهُ، الَّذِی اتَّخَذْتَ بِهِ آدَمَ صَفِیّاً، وَنُوحاً نَجِیّاً، وَابْرهیمَ خَلیلاً،

عطایش کردی، نامی که به واسطه آن آدم را بنده برگزیده خود، و نوح را نجات یافته و ابراهیم را خلیل

وَمُوسی کَلیماً، وَعیسی رُوحاً، وَمُحَمَّداً حَبیباً، وَعَلِیّاً وَصِیّاً، صَلَّی اللَّهُ

و موسی را کلیم و عیسی را روح و محمّد را حبیب و علی را وصیّ خود قرار دادی، درود خدا

عَلَیْهِمْ اجْمَعینَ، انْ تَقْضِیَ لی حَوآئِجی وَ تَعْفُوَ عَمَّا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبی

بر همه آنان باد، (به حقّ آن نام) حاجت هایم را برآور، و از گناهان سابقم درگذر،

وَتَتَفَضَّلَ عَلَیَّ بِما انْتَ اهْلُهُ، وَلِجَمیعِ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ لِلدُّنْیا

و به آنچه که تو شایسته آنی بر من و همه مردان و زنان با ایمان در دنیا

وَالْأخِرَهِ، یا مُفَرِّجَ هَمِّ الْمَهْمُومینَ، وَیا غِیاثَ الْمَلْهُوفینَ، لا الهَ الَّا

و آخرت احسان نما، ای دفع کننده اندوه اندوهگینان، و ای فریادرس ستمدیدگان معبودی جز

انْتَ، سُبْحانَکَ یا رَبَّ الْعالَمینَ.(1)

تو نیست، تو را تسبیح می کنم ای پروردگار جهانیان.

5- اعمال ستون سوم

(مقام امام زین العابدین علیه السلام)

آنگاه به سوی جایگاه امام زین العابدین علیه السلام می روی که در نزد ستون سوم قرار گرفته است. در این مکان نیز دو رکعت نماز با حمد و هر سوره که خواستی می خوانی و پس از سلام و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام می گویی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، اللهُمَّ انَّ ذُنُوبی قَدْ کَثُرَتْ، وَلَمْ یَبْقَ لَها الَّا

به نام خدای بخشنده مهربان، خدایا گناهانم بسیار است و برای گناهانم جز امید بخشش تو

رَجآءُ عَفْوِکَ، وَقَدْ قَدَّمْتُ آلَهَ الْحِرْمانِ الَیْکَ، فَا نَا اسْئَلُکَ اللَّهُمَّ ما لا

چاره ای نمانده، و سبب محرومیّت خود را به درگاهت پیش فرستادم، خدایا چیزی را که شایسته اش نیستم

1- [352]مصباح الزائر، صفحه 83 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 415.

اسْتَوْجِبُهُ، وَاطْلُبُ مِنْکَ ما لا اسْتَحِقُّهُ، اللهُمَّ انْ تُعَذِّبْنی فَبِذُنُوبی وَلَمْ

از تو می خواهم، و چیزی را که سزاوارش نیستم از تو می طلبم، خدایا اگر عذابم کنی به واسطه گناهان من است و تو

تَظْلِمْنی شَیْئاً، وَانْ تَغْفِرْ لی فَخَیْرُ راحِمٍ انْتَ یا سَیِّدی اللهُمَّ انْتَ انْتَ،

ظلمی نکرده ای، و اگر از من درگذری پس ای آقای من تو بهترین رحم کننده ای، خدایا تو آنی

وَ ا نَا ا نَا، انْتَ الْعَوَّادُ بِالْمِغْفِرَهِ، وَ ا نَا الْعَوَّادُ بِالذُّنُوبِ، وَانْتَ الْمُتَفَضِّلُ

و من همان، تویی پیوسته آمرزنده و منم همواره گناهکار، و تویی احسان کننده

بِالْحِلْمِ، وَ ا نَا الْعَوَّادُ بِالْجَهْلِ، اللهُمَّ فَانّی اسْئَلُکَ یا کَنْزَ الضُّعَفآءِ، یا

به حلم و منم پیوسته در جهل و نادانی، خدایا از تو می خواهم ای گنج ضعیفان، ای

عَظیمَ الرَّجآءِ، یا مُنْقِذَ الْغَرْقی یا مُنْجِیَ الْهَلْکی یا مُمیتَ الْأَحْیآءِ، یا

امید بزرگ، ای نجات دهنده غریقان، ای رهاننده محکومان به فنا، ای میراننده زندگان، ای

مُحْیِیَ الْمَوْتی انْتَ اللَّهُ الَّذی لا الهَ الَّا انْتَ، انْتَ الَّذی سَجَدَ لَکَ شُعاعُ

زنده کننده مردگان، تویی خدایی که معبودی جز تو نیست، تویی (خدایی) که تعظیم کرد در برابرت نور

الشَّمْسِ، وَنُورُ الْقَمَرِ، وَظُلْمَهُ اللَّیْلِ، وَضَوْءُ النَّهارِ، وَ خَفَقانُ الطَّیْرِ،

خورشید و روشنایی ماه، و تاریکی شب و روشنایی روز، و صدای بال زدن پرندگان،

فَاسْئَلُکَ اللَّهُمَّ یا عَظیمُ، بِحَقِّکَ یا کَریمُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقینَ،

پس از تو می خواهم ای خدای با عظمت و ای بخشنده، به حقّ تو بر محمّد و خاندان راست گفتارش،

وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الصَّادِقینَ عَلَیْکَ، وَبِحَقِّکَ عَلی عَلِیٍّ، وَبِحَقِّ عَلِیٍ

و به حقّ محمّد و خاندان راست گفتارش بر تو و به حقّ تو بر علی و به حقّ علی

عَلَیْکَ، وَبِحَقِّکَ عَلی فاطِمَهَ، وَبِحَقِّ فاطِمَهَ عَلَیْکَ، وَبِحَقِّکَ عَلَی

بر تو و به حقّ تو بر فاطمه و به حقّ فاطمه بر تو و به حقّ تو بر

الْحَسَنِ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَیْکَ، وَبِحَقِّکَ عَلَی الْحُسَیْنِ، وَبِحَقِّ الْحُسَیْنِ

حسن و به حق حسن بر تو و به حقّ تو بر حسین و به حقّ حسین

عَلَیْکَ، فَانَّ حُقُوقَهُمْ مِنْ افْضَلِ انْعامِکَ عَلَیْهِمْ، وَبِالشَّاْنِ الَّذی لَکَ

بر تو که همانا حقوق آنها بر تو از بهترین نعمت های تو به آنان است و به شأن و منزلت تو

عِنْدَهُمْ، وَبِالشَّاْنِ الَّذی لَهُمْ عِنْدَکَ، صَلِّ یا رَبِّ عَلَیْهِمْ صَلاهً دآئِمَهً

نزد آنان و جایگاهشان نزد تو، ای پروردگار من، بر آنان درودی همیشگی فرست

مُنْتَهی رِضاکَ، وَاغْفِرْ لی بِهِمُ الذُّنُوبَ الَّتی بَیْنی وَبَیْنَکَ، وَاتْمِمْ نِعْمَتَکَ

که نهایت آن خشنودی تو باشد و به واسطه آنها گناهانی که بین من و تو واقع شده (و فقط تو از آن آگاهی) بیامرز و نعمت هایت را

عَلَیَّ کَما اتْمَمْتَها عَلی آبائی مِنْ قَبْلُ، یا کهیعص، اللهُمَّ کَما صَلَّیْتَ

بر من تمام گردان همان گونه که پیش از این بر پدرانم تمام کردی، ای «کهیعص»، ای خدا همان گونه که

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، فَاسْتَجِبْ لی دُعآئی فیما سَئَلْتُکَ.

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستادی دعایم را در آنچه که از تو خواستم اجابت کن.

سپس به سجده برو و طرف راست صورت را بر سجده گاه بگذار و بگو:

یاسَیِّدی یا سَیِّدی یا سَیِّدی صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لی

ای آقا و سرور من، ای آقا و سرور من، ای آقا و سرور من، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا بیامرز.

و بسیار این کلمه را با خشوع بگو. آنگاه طرف چپ صورت را بر سجده گاه بگذار و همان دعا را بخوان.

بعد از آن هر حاجتی داری از خدا بخواه.(1)

6- اعمال باب الفَرَج

(معروف به مقام نوح علیه السلام)

پس از پایان اعمال ستون سوم به سراغ دکّه باب امیرالمؤمنین علیه السلام که امروزه به مقام نوح علیه السلام در آن جا معروف است برو و چهار رکعت نماز (هر دو رکعت یک سلام) با حمد و هر سوره ای که می خواهی، بخوان و پس از تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگو:

اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْضِ حاجَتی یا اللَّهُ، یا مَنْ لا

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و حاجتم را بر آور ای خدا، ای کسی که

یَخیبُ سآئِلُهُ، وَلا یَنْفَدُ نائِلُهُ، یا قاضِیَ الْحاجاتِ، یا مُجیبَ الدَّعَواتِ،

درخواست کننده اش ناامید نشود، و بخشش او تمام نگردد، ای برآورنده حاجت ها، ای اجابت کننده دعاها،

یا رَبَّ الْأَرَضینَ وَالسَّمواتِ، یا کاشِفَ الْکُرُباتِ، یا واسِعَ الْعَطِیّاتِ، یا

ای پروردگار زمین و آسمان ها، ای برطرف کننده گرفتاری ها، ای بخشش گستر، ای

دافِعَ النَّقِماتِ، یا مُبَدِّلَ السَّیِّئاتِ حَسَناتٍ، عُدْ عَلَیَّ بِطَوْلِکَ وَفَضْلِکَ

دفع کننده مصیبت ها، ای تبدیل کننده بدی ها به خوبی ها، به توانایی و بخشش و احسانت

1- [353]مصباح الزائر، صفحه 84 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 415.

وَاحْسانِکَ، وَاسْتَجِبْ دُعآئی فیما سَئَلْتُکَ وَطَلَبْتُ مِنْکَ، بِحَقِّ نَبِیِّکَ

به من رو کن، و دعایم را در آنچه از تو خواسته و طلب نمودم اجابت فرما، به حقّ پیامبر

وَوَصِیِّکَ وَاوْلِیآئِکَ الصَّالِحینَ.

و وصی و اولیای صالحت.*********

و نیز دو رکعت نماز دیگر بخوان و پس از سلام و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگو: اللهُمَّ انّی

****************************** بار خدایا به خاطر

حَلَلْتُ بِساحَتِکَ لِعِلْمی بِوَحْدانِیَّتِکَ وَصَمَدانِیَّتِکَ، وَ انَّهُ لا قادِرَ عَلی

علمم به یگانگی و بی نیازیت به درگاهت آمده ام، و جز تو کسی قادر نیست

قَضاءِ حاجَتی غَیْرُکَ، وَقَدْ عَلِمْتُ یا رَبِّ انَّهُ کُلَّما شاهَدْتُ نِعْمَتَکَ عَلَیَّ،

حاجتم را برآورد و ای پروردگار من به خوبی دریافته ام که هر چه نعمت هایت را بر خود مشاهده می کنم،

اشْتَدَّتْ فاقَتی الَیْکَ، وَقَدْ طَرَقَنی یا رَبِّ مِنْ مُهِمِّ امْری ما قَدْ عَرَفْتَهُ،

احتیاجم به تو بیشتر می شود و ای پروردگار من پیش آمد مهمی بر سرم آمده که تو از آن آگاهی،

لِأَنَّکَ عالِمٌ غَیْرُ مُعَلَّمٍ، وَاسْئَلُکَ بِالْإِسْمِ الَّذی وَضَعْتَهُ عَلَی السَّمواتِ

چرا که تو دانای بدون تعلیمی، و از تو می خواهم به حقّ نامت که نهادی آن را بر آسمان ها

فَانْشَقَّتْ، وَعَلَی الْأَرَضینَ فَانْبَسَطَتْ، وَعَلَی النُّجُومِ فَانْتَشَرَتْ، وَعَلَی

پس شکافته شد و بر زمین ها پس گسترده شد، و بر ستارگان پس پراکنده شد و بر

الْجِبالِ فَاسْتَقَرَّتْ، وَاسْئَلُکَ بِالْإِسْمِ الَّذی جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ وَعِنْدَ عَلِیٍّ،

کوه ها پس استقرار یافت و از تو می خواهم به حقّ نامت که نزد محمّد و علی

وَعِنْدَ الْحَسَنِ وَعِنْدَ الْحُسَیْنِ، وَعِنْدَ الْأَئِمَّهَ کُلِّهِمْ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ

و حسن و حسین و تمامی امامان- که درود خدا بر آنها باد- (به امانت)

اجْمَعینَ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَقْضِیَ لی یا رَبِ

نهادی بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و ای پروردگار من حاجتم را

حاجَتی وَتُیَسِّرَ عَسیرَها، وَتَکْفِیَنی مُهِمَّها، وَتَفْتَحَ لی قُفْلَها، فَانْ فَعَلْتَ

برآور، و دشواریش را آسان گردان و مهمّ آن را کفایت کن، و قفل آن را بگشا، پس اگر چنین کردی

ذلِکَ فَلَکَ الْحَمْدُ، وَانْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَکَ الْحَمْدُ، غَیْرُ جائِرٍ فی حُکْمِکَ، وَلا

ستایش مخصوص توست و اگر چنین نکنی (باز هم) ستایش از آنِ توست، که در فرمانت ستم نکرده

حآئِفٍ فى عَدْلِکَ* پس طرف راست صورت را بر سجده گاه بگذار و بگو: اللّٰهُمَّ انَّ یُونُسَ

و از عدالت دور نگشته ای************************** خدایا بنده و پیامبرت

بْنَ مَتّى عَلَیْهِ السَّلامُ عَبْدَکَ وَنَبِیَّکَ، دَعاکَ فى بَطْنِ الْحُوتِ فَاسْتَجَبْتَ

یونس بن مَتّى (ع) در شکم ماهى تو را خواند و تو پاسخش دادى

لَهُ، وَ ا نَا ادْعُوکَ فَاسْتَجِبْ لى بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

و من تو را مى خوانم، پس به حقّ محمّد و خاندان پاکش (دعایم را) مستجاب کن.

آنگاه آنچه را دوست دارى، از خدا بخواه. سپس طرف چپ را بگذار و بگو:

اللهُمَّ انَّکَ امَرْتَ بِالدُّعآءِ، وَتَکَفَّلْتَ بِالْإِجابَهِ، وَ انَا ادْعُوکَ کَما امَرْتَنى

خدایا به دعا امر فرموده و اجابتش را بر عهده گرفتى و من تو را مى خوانم، همان گونه که امر فرمودى،

فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْتَجِبْ لى کَما وَعَدْتَنى یا کَریمُ* آنگاه پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و همان گونه که وعده فرمودى دعایم را اجابت کن، اى بزرگوار****

پیشانى را بر محل سجده بگذار و بگو: یامُعِزَّ کُلِّ ذَلیلٍ، وَیا مُذِلَّ کُلِّ عَزیزٍ، تَعْلَمُ

***************** اى عزّت بخش هر خوار، اى خوارکننده هر عزیز، گرفتاریم را

کُرْبَتى فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَرِّجْ عَنّى یا کَریمُ* آنگاه اگر خواستى چهار مى دانى، پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و (گرفتاریم) را برطرف کن، اى بزرگوار.*************

رکعت نماز دیگر برای برآورده شدن حاجت بجا آور و پس ازسلام و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگو:

اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ یا مَنْ لا تَراهُ الْعُیُونُ، وَلاتُحیطُ بِهِ الظُّنُونُ، وَلایَصِفُهُ

خدایا از تو می خواهم ای کسی که دیده ها تو را نبیند و اوهام به کنه ذاتت نرسند و توصیف کنندگان

الْواصِفُونَ، وَلا تُغَیِّرُهُ الْحَوادِثُ، وَلا تُفْنیهِ الدُّهُورُ، تَعْلَمُ مَثاقیلَ الْجِبالِ،

نتوانند توصیفت کنند و پیش آمدها تغییرت ندهد و روزگار نابودت نکند، سنگینی کوه ها،

وَمَکائیلَ الْبِحارِ، وَوَرَقَ الْأَشْجارِ، وَرَمْلَ الْقِفارِ، وَما اضآئَتْ بِهِ

پیمانه دریاها، عدد برگ های درختان و شن های صحراها، و آنچه که

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ، وَاظْلَمَ عَلَیْهِ اللَّیْلُ، وَوَضَحَ عَلَیْهِ النَّهارُ، وَ لا تُواری

خورشید و ماه بر آن تابیده، و تاریکی شب آن را فرا گرفته، و روز آن را آشکار می کند (همه را) می دانی، [و] مِنْکَ سَمآءٌ سَمآءً، وَلا ارْضٌ ارْضاً، وَلا جَبَلٌ ما فی اصْلِهِ، وَلا بَحْرٌ ما

آسمانی، آسمان دیگر و زمینی، زمین دیگر را از تو پنهان نکند و نه کوهی آنچه را که در دل خود دارد و نه دریایی آنچه

فى قَعْرِهِ، اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ خَيْرَ

را که در اعماقش دارد (از تو پنهان نکند). از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی، و بهترین کارِ مرا

امْرى آخِرَهُ، وَخَيْرَ اعْمالى خَواتيمَها، وَخَيْرَ ايَّامى يَوْمَ الْقاکَ، انَّکَ عَلى

در انتهای آن و بهترین اعمالم را در خاتمه آن و بهترین روزهایم را روز دیدارت قرار دهی، که تو بر

كُلِّ شَىْ ءٍ قَديرٌ، اللهُمَّ مَنْ ارادَنى بِسُوءٍ فَارِدْهُ، وَمَنْ كادَنى فَكِدْهُ، وَمَنْ

هر کار توانایی، خدایا هرکس بد مرا خواهد به خودش بازگردان و هرکس با من حیله کند به تدبیر خویش دچارش کن و هرکس

بَغانى بِهَلَكَةٍ فَاهْلِكْهُ، وَاكْفِنى ما اهَمَّنى مِمَّنْ دَخَلَ هَمُّهُ عَلَىَّ، اللَّهُمَ

به دشمنی و عداوت نابودی مرا خواهد، نابودش کن و اندوهی که به واسطه اندوه دیگران بر من وارد شده برطرف کن، خدایا

ادْخِلْنى فى دِرْعِکَ الْحَصينَهِ، وَاسْتُرْنى بِسِتْرِکَ الْواقى يا مَنْ يَكْفى مِنْ

مرا در زره محکمت [/ پناهت داخل کن، و با پوشش نگهدارنده ات بپوشان، ای کفایت کننده از

كُلِّ شَىْ ءٍ، وَلا يَكْفى مِنْهُ شَىْ ءٌ، اكْفِنى ما اهَمَّنى مِنْ امْرِ الدُّنْيا وَالْأخِرَهِ،

هر چیز که چیزی از او کفایت نکند، اندوه امور دنیا و آخرتم را برطرف کن،

وَصَدِّقْ قَوْلى وَفِعْلى ياشَفيقُ يا رَفيقُ، فَرِّجْ عَنِّى الْمَضيقَ، وَلا

گفتار و کردارم را بپذیر، ای مهربان و ای یاور، تنگناهای (زندگیم) را بگشا و

تُحَمِّلْنى ما لا اطيقُ، اللهُمَّ احْرُسْنى بِعَيْنِکَ الَّتى لاتَنامُ، وَارْحَمْنى

آنچه که تحمّلش را ندارم بر من تحمیل مکن، خدایا با دیده ات که خواب ندارد مرا حفظ کن،

بِقُدْرَتِکَ عَلَیَّ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، یا عَلِیُّ یا عَظیمُ، انْتَ عالِمٌ بِحاجَتی

و به قدرتت بر من رحم کن، ای مهربانترین مهربانان، ای برتر و ای با عظمت، تو حاجتم را

وَعَلی قَضآئِها قَدیرٌ، وَهِیَ لَدَیْکَ یَسیرٌ، وَ ا نَا الَیْکَ فَقیرٌ، فَمُنَّ عَلَیَّ بِها یا

و بر برآوردنش توانایی و بر تو آسان است، و من به تو نیازمندم، پس به سبب برآوردن حاجتم بر من منّت گذار ای

کَریمُ، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ* آنگاه به سجده می روی و می گویی: الهی قَدْ

بزرگوار، که تو بر هر چیز توانایی.*************** خدایا

عَلِمْتَ حَوائِجی فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَاقْضِها، وَقَدْ احْصَیْتَ ذُنُوبی

حاجت هایم را می دانی، پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و آنها را برآور. به عدد گناهانم آگاهی،

فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاغْفِرها یا کَریمُ* بعد از آن طرف راست صورت را بگذار و پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و گناهانم را بیامرز ای بزرگوار************************

ص :338

بگو: انْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ فَانْتَ نِعْمَ الرَّبُّ، افْعَلْ بی ما انْتَ اهْلُهُ، وَلا

اگر من بنده ای بدم، تو نیکو پروردگاری، آنچه تو شایسته آنی در حقّ من انجام ده، نه

تَفْعَلْ بی ما انَا اهْلُهُ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمِینَ* آنگاه طرف چپ صورت رابگذار و بگو:

آنچه که من شایسته آنم، ای مهربانترین مهربانان

اللهُمَّ انْ عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِکَ، فَلْیَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِکَ یاکَریمُ

خدایا اگر گناه بنده ات بزرگ است، عفو و بخشش از ناحیه تو نیکوست، ای بزرگوار،

* سپس پیشانی را می گذاری و می گویی: ارْحَمْ مَنْ اسآءَ وَاقْتَرَفَ، وَ اسْتَکانَ وَ اعْتَرَفَ.(1)

بر کسی که بدی کرده و دست به گناه زده و درمانده شده و به آن اعتراف دارد رحم کن.

7- اعمال محراب امیرالمؤمنین علیه السلام و مناجات آن حضرت

آنگاه نزد محراب امیرمؤمنان علیه السلام، همان مکانی که آن حضرت را ضربت زدند می روی و دو رکعت نماز می خوانی و پس از تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام می گویی:

یا مَنْ اظْهَرَ الْجَمیلَ، وَسَتَرَ الْقَبیحَ، یا مَنْ لَمْ یُؤاخِذْ بِالْجَریرَهِ، وَلَمْ یَهْتِکِ

ای کسی که زیبایی را آشکار نموده و زشتی را پوشانید، ای کسی که بر گناه مؤاخذه نکرده و پرده آبرو را

السِّتْرَ وَالسَّریرَهَ، یاعَظیمَ الْعَفْوِ، یا حَسَنَ التَّجاوُزِ، یا واسِعَ الْمَغْفِرَهِ، یا

ندریده و راز باطن را آشکار نکرد، ای صاحب عفو بزرگ، ای نیکو گذشت، ای گسترده آمرزش، ای

باسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَهِ، یا صاحِبَ کُلِّ نَجْوی یا مُنْتَهی کُلِّ شَکْوی یا

گشاینده دست به رحمت، ای آگاه از هر گفتگوی پنهانی، ای مرجع نهایی هر شکایت، ای

کَریمَ الْصَّفْحِ، یا عَظیمَ الرَّجآءِ، یا سَیِّدی صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

چشم پوش بزرگوار، ای امید بزرگ، ای آقا و سرور من، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

وَافْعَلْ بی ما انْتَ اهْلُهُ یا کَریمُ [355]* و مناسب است در آن مکان مناجات معروف آن حضرت را و آنچه تو شایسته آنی در مورد من انجام ده، ای بزرگوار.***************************************

بخوانی: اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ الْأَمانَ یَوْمَ لا یَنْفَعُ مالٌ وَلا بَنُونَ، الَّا مَنْ اتَی اللَّهَ

***** خدایا از تو امان می خواهم برای روزی که مال و فرزندان سودی ندهد مگر کسی که با دلی پاک

ص: 339

1- [354]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 416.

بِقَلْبٍ سَليمٍ، وَاسْئَلُکَ الْأَمانَ یَوْمَ یَعَضُّ الظَّالِمُ عَلی یَدَیْهِ، یَقُولُ یا لَیْتَنِی

در پیشگاه خدا حاضر شود، و از تو امان می خواهم در آن روزی که ظالم هر دو دستش را گزیده و می گوید: ای کاش

اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبیلاً، وَاسْئَلُکَ الْأَمانَ یَوْمَ یُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ

همراه پیامبر راهِ (اطاعت) در پیش گرفته بودم، و از تو امان می خواهم در روزی که گناهکاران از چهره شان

بِسیماهُمْ، فَیُؤْخَذُ بِالنَّواصی وَالْأَقْدامِ، وَاسْئَلُکَ الْأَمانَ یَوْمَ لا یَجْزی

شناخته می شوند و (مأموران عذاب) موهای پیش سر و پاهایشان را گرفته (و به دوزخ می افکنند)، و از تو امان می خواهم (در روزی که)

والِدٌ عَنْ وَلَدِهِ، وَلا مَوْلُودٌ هُوَ جازٍ عَنْ والِدِهِ شَیْئاً، انَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ،

پدری به جای فرزند و فرزندی به جای پدر کیفر نشود، و به یقین وعده خدا حقّ است،

وَاسْئَلُکَ الْأَمانَ یَوْمَ لا یَنْفَعُ الظَّالِمینَ مَعْذِرَتُهُمْ، وَلَهُمُ اللَّعْنَهُ وَلَهُمْ سُوءُ

و از تو امان می خواهم در روزی که عذر خواهی ستمکاران سودی ندهد، و لعنت خدا و جایگاه بد (در دوزخ)

الدَّارِ، وَاسْئَلُکَ الْأَمانَ یَوْمَ لا تَمْلِکُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَیْئاً، وَالْأَمْرُ یَوْمَئِذٍ للَّهِ،

برای آنان است، و از تو امان می خواهم در روزی که کسی قدرت بر دیگری ندارد و کارها در آن روز به دست خداوند است،

وَاسْئَلُکَ الْأَمانَ یَوْمَ یَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ اخیهِ، وَامِّهِ وَابیهِ، وَصاحِبَتِهِ وَبَنیهِ،

و از تو امان می خواهم در روزی که انسان از برادر و مادر و پدر و همسر و فرزندانش فرار می کند

لِکُلِّ امْرِءٍ مِنْهُمْ یَوْمَئِذٍ شَأْنٌ یُغْنیهِ، وَاسْئَلُکَ الْأَمانَ یَوْمَ یَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ

و در آن روز هرکس به کار خویش مشغول است، و از تو امان می خواهم در روزی که گناهکار دوست دارد

یَفْتَدی مِنْ عَذابِ یَوْمَئِذٍ بِبَنیهِ، وَصاحِبَتِهِ وَاخیهِ، وَفَصیلَتِهِ الَّتی تُؤْویهِ،

که فرزندان و همسر و برادر و قبیله اش که (در دنیا) حامی او بودند و همه مردم روی زمین را در برابر عذاب آن روز

وَ مَنْ فِی الْأَرْضِ جَمیعاً ثُمَّ یُنْجیهِ، کَلَّا انَّها لَظی نَزَّاعَةً لِلشَّوی مَوْلایَ

فدا کند تا مایه نجاتش گردند، امّا هرگز (نجات نخواهد یافت، آری) شعله های سوزان آتش است که دست و پا و پوست و سر را می کند و می بَرد، مولای من،

یامَوْلایَ، انْتَ الْمَوْلی وَ انَا الْعَبْدُ، وَهَلْ یَرْحَمُ الْعَبْدَ الَّا الْمَوْلی مَوْلایَ

ای مولای من، تویی مولا و منم بنده، و آیا کسی جز مولا بر بنده اش رحم می کند؟ مولای من،

یا مَوْلایَ، انْتَ الْمالِکُ وَ ا نَا الْمَمْلُوکُ، وَهَلْ یَرْحَمُ الْمَمْلُوکَ الَّا الْمالِکُ،

ای مولای من، تویی مالک و منم، مملوک، و آیا کسی جز مالک بر مملوک رحم می کند؟

مَوْلایَ یا مَوْلایَ، انْتَ الْعَزیزُ وَ ا نَا الذَّلیلُ، وَ هَلْ یَرْحَمُ الذَّلیلَ الَّا

مولای من، ای مولای من، تویی گرامی و منم افتاده، و آیا کسی جز گرامی بر ذلیلِ خوار

ص :340

الْعَزیزُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ، انْتَ الْخالِقُ وَ ا نَا الْمَخْلُوقُ، وَهَلْ یَرْحَمُ

رحم می کند؟ مولای من، ای مولای من، تویی آفریننده و منم آفریده شده، و آیا کسی جز آفریننده

الْمَخْلُوقَ الَّا الْخالِقُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ، انْتَ الْعَظیمُ وَ ا نَا الْحَقیرُ، وَهَلْ

بر مخلوقش رحم می کند؟ مولای من، ای مولای من، تویی بزرگ و منم بی مقدار، و آیا کسی

یَرْحَمُ الْحَقیرَ الَّا الْعَظیمُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ، انْتَ الْقَوِیُّ وَ ا نَا الضَّعیفُ،

جز (خدای) بزرگ بر (بنده) بی مقدار رحم می کند؟ مولای من، ای مولای من، تویی توانا و منم ناتوان،

وَهَلْ یَرْحَمُ الضَّعیفَ الَّا الْقَوِیُّ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ، انْتَ الْغَنِیُّ وَ ا نَا

و آیا کسی جز توانا بر ناتوان رحم می کند؟ مولای من، ای مولای من، تویی بی نیاز و منم

الْفَقیرُ، وَهَلْ یَرْحَمُ الْفَقیرَ الَّا الْغَنِیُّ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ، انْتَ الْمُعْطی وَانَا

نیازمند، و آیا کسی جز بی نیاز بر نیازمند رحم می کند؟ مولای من، ای مولای من، تویی عطا کننده و منم

السَّآئِلُ، وَهَلْ یَرْحَمُ السَّآئِلَ الَّا الْمُعْطی مَوْلایَ یا مَوْلایَ، انْتَ الْحَیُ

محتاج، و آیا کسی جز عطا کننده بر محتاج رحم می کند؟ مولای من، ای مولای من، تویی زنده

وَا نَا الْمَیِّتُ، وَهَلْ یَرْحَمُ الْمَیِّتَ الَّا الْحَیُّ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ، انْتَ الْباقی

و منم مرده، و آیا کسی جز زنده ابدی بر مرده بی جان رحم می کند؟ مولای من، ای مولای من، تویی باقی

وَا نَا الْفانی وَهَلْ یَرْحَمُ الْفانِیَ الَّا الْباقی مَوْلایَ یا مَوْلایَ، انْتَ الدَّآئِمُ

و منم فانی، و آیا کسی جز باقی بر فانی رحم می کند؟ مولای من، ای مولای من، تویی جاودان

وَانَا الزّآئِلُ، وَهَلْ یَرْحَمُ الزّآئِلَ الّا الدّائِمُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ، انْتَ الرّازِقُ

و منم زوال پذیر، و آیا کسی جز جاودان بر زوال پذیر رحم می کند؟ مولای من، ای مولای من، تویی روزی ده

وَ ا نَا الْمَرْزُوقُ، وَهَلْ یَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ الّا الرّازِقُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ، انْتَ

و منم روزی خوار، و آیا کسی جز روزی ده بر روزی خوار رحم می کند؟ مولای من، ای مولای من، تویی

الْجَوادُ وَ ا نَا الْبَخیلُ، وَ هَلْ یَرْحَمُ الْبَخیلَ الّا الْجَوادُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ،

سخاوتمند و منم بخیل، و آیا کسی جز سخاوتمند بر بخیل رحم می کند؟ مولای من، ای مولای من،

انْتَ الْمُعافی وَ ا نَا الْمُبْتَلی وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمُبْتَلی الّا الْمُعافی مَوْلایَ یا

تویی شفا دهنده و منم بیمار و آیا کسی جز شفا دهنده بر بیمار رحم می کند؟ مولای من، ای

مَوْلایَ، انْتَ الْکَبیرُ وَ ا نَا الصَّغیرُ، وَهَلْ یَرْحَمُ الصَّغیرَ الّا الْکَبیرُ، مَوْلایَ

مولای من، تویی بزرگ و منم کوچک و آیا کسی جز بزرگ بر کوچک رحم می کند؟ مولای من،

یا مَوْلایَ، انْتَ الْهادی وَ ا نَا الضَّآلُّ، وَهَلْ یَرْحَمُ الضَّآلَّ الَّا الْهادی

ای مولای من، تویی هدایت کننده و منم گمراه، و آیا کسی جز هدایت کننده بر گمراه رحم می کند؟

مَوْلایَ یا مَوْلایَ، انْتَ الرَّحْمنُ وَ انَا الْمَرْحُومُ، وَهَلْ یَرْحَمُ الْمَرْحُومَ الَّا

مولای من، ای مولای من، تویی بخشنده و منم نیازمندِ بخشش، و آیا کسی جز بخشنده بر نیازمندِ بخشش

الرَّحْمنُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ، انْتَ السُّلْطانُ وَ ا نَا الْمُمْتَحَنُ، وَهَلْ یَرْحَمُ

رحم می کند؟ مولای من، ای مولای من، تویی فرمانروا و منم گرفتار امتحان، و آیا کسی جز

الْمُمْتَحَنَ الَّا السُّلْطانُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ، انْتَ الدَّلیلُ وَ ا نَا الْمُتَحَیِّرُ،

فرمانروا برگفتار رحم می کند؟ مولای من، ای مولای من تویی راهنما و منم سرگردان،

وَهَلْ یَرْحَمُ الْمُتَحَیِّرَ الَّا الدَّلیلُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ، انْتَ الْغَفُورُ وَ ا نَا

و آیا کسی جز راهنما بر سرگردان رحم می کند؟ ای مولای من، ای مولای من، تویی آمرزنده و منم

الْمُذْنِبُ، وَهَلْ یَرْحَمُ الْمُذْنِبَ الَّا الْغَفُورُ، مَوْلایَ یامَوْلایَ، انْتَ الْغالِبُ

گناهکار، و آیا کسی جز آمرزنده بر گناهکار رحم می کند؟ مولای من، ای مولای من، تویی پیروز

وَا نَا الْمَغْلُوبُ، وَهَلْ یَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ الَّا الْغالِبُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ، انْتَ

و منم شکست خورده و آیا کسی جز پیروز بر شکست خورده رحم می کند؟ مولای من، ای مولای من، تویی

الرَّبُّ وَ ا نَا الْمَرْبُوبُ، وَهَلْ یَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ الَّا الرَّبُّ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ،

پروردگار و منم پرورش یافته، و آیا کسی جز پروردگار بر پرورش یافته رحم می کند؟ مولای من، ای مولای من،

انْتَ الْمُتَکَبِّرُ وَ ا نَا الْخاشِعُ، وَهَلْ یَرْحَمُ الْخاشِعَ الَّا الْمُتَکَبِّرُ، مَوْلایَ یا

تویی بزرگ منش و منم افتاده، و آیا کسی جز بزرگ منش بر افتاده رحم می کند؟ مولای من، ای

مَوْلایَ، ارْحَمْنی بِرَحْمَتِکَ، وَارْضَ عَنّی بِجُودِکَ وَکَرَمِکَ وَفَضْلِکَ، یا

مولای من، به رحمتت بر من رحم کن، و به بخشش و کرم و لطفت از من خشنود باش، ای

ذَاالْجُودِ وَالْإِحْسانِ، وَالطَّوْلِ وَالْإِمْتِنانِ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

صاحب بخشش و نیکی و قدرت و امتنان، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

8- اعمال مقام حضرت امام صادق علیه السلام

پس به سوی مقام حضرت امام صادق علیه السلام که در نزدیکی قبر حضرت مسلم بن عقیل رحمه الله واقع شده

1- [356]مصباح الزائر، صفحه 88 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 419.

است برو و آن جا دو رکعت نماز بخوان و پس از سلام و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگو:

یا صانِعَ کُلِّ مَصْنُوعٍ، وَیا جابِرَ کُلِّ کَسیرٍ، وَیا حاضِرَ کُلِّ مَلَإٍ، وَیا

ای آفریننده هر آفریده شده، و ای پیوند دهنده هر شکستگی، و ای حاضر در هر انجمن، و ای

شاهِدَ کُلِّ نَجْوی وَیا عالِمَ کُلِّ خَفِیَّهٍ، وَیا شاهِداً غَیْرَ غائِبٍ، وَیا غالِباً

گواه هر سخن پنهانی، و ای دانای هر سرّ نهان، و ای گواه همیشه حاضر، و ای پیروز

غَیْرَ مَغْلُوبٍ، وَیا قَریباً غَیْرَ بَعیدٍ، وَیا مُونِسَ کُلِّ وَحیدٍ، وَیا حَیُّ حینَ

شکست ناپذیر، و ای نزدیک همیشه نزدیک، و ای همدم هر تنها، و ای زنده در زمانی که

لا حَیَّ غَیْرُهُ، یا مُحیِیَ الْمَوْتی وَمُمِیتَ الْأَحْیاءِ، الْقآئِمَ عَلی کُلِّ نَفْسٍ

هیچ زنده ای جز او نیست، ای زنده کننده مردگان، و میراننده زندگان، که بر هر کس به آنچه که

بِما کَسَبَتْ، لا الهَ الَّا انْتَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

انجام داده مراقبی، معبودی جز تو نیست، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست.

آنگاه هر حاجتی داری از خدا بخواه.(1)

9- نماز حاجت در مسجد کوفه

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس دو رکعت نماز در مسجد کوفه بجا آورد و در هر رکعت حمد و سوره های ناس، فلق، اخْلاصْ، کافِرُون، نَصر،

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلی

و قَدر را بخواند و پس از سلام، هر حاجتی که دارداز خداطلب کند، خداوند حاجتش را برآورده و دعایش را مستجاب می کند.(2) یادآوری:

این نکته حائز اهمّیّت است که زوّار محترم هر گاه وقت کافی برای انجام تمام این اعمال نداشته باشند، می توانند بخشی از آن را انجام دهند و مهم این است که حال دعا و مناجات و توجّه به معبود را در این مکان مقدّس تحصیل کنند.

زیارت حضرت مسلم بن عقیل رحمه الله

هنگامی که از اعمال مسجد کوفه فارغ شدی به سوی قبر مسلم بن عقیل (رضوان اللّٰه تعالی علیه)-

---

1- [357]مصباح الزائر، صفحه 98 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 425.
2- [358]امالی طوسی، صفحه 415، حدیث 84.

سفیر مخصوص امام حسین علیه السلام و نخستین شهید از خیل شهیدان کربلا- که در کنار مسجد است می روی و نزد آن قبر شریف می گویی:

الْحَمْدُ للَّهِ الْمَلِکِ الْحَقِّ الْمُبینِ، الْمُتَصاغِرِ لِعَظَمَتِهِ جَبابِرَهُ الطَّاغینَ،

حمد و سپاس مخصوص خداوند فرمانروای به حق و آشکار است، که گردنکشان طغیانگر در برابر عظمتش حقیرند،

الْمُعْتَرِفِ بِرُبُوبِیَّتِهِ جَمیعُ اهْلِ السَّمواتِ وَالْأَرَضینَ، الْمُقِرِّ بِتَوْحیدِهِ

و اهل آسمان ها و زمین به پروردگاریش معترفند و تمامی مخلوقات

سآئِرُ الْخَلْقِ اجْمَعینَ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی سَیِّدِ الْأَنامِ، وَاهْلِ بَیْتِهِ الْکِرامِ،

به یگانگی اش اقرار می کنند، و درود و سلام خدا بر آقا و سرور مخلوقات و خاندان گرامیش،

صَلاهً تُقِرُّ بِها اعْیُنَهُمْ، وَتُرْغَمُ بِها انْفَ شانِئِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ

درودی که به آن، دیدگانشان روشن گردد و بینی دشمنانشان از تمامی جنّ و انس به خاک

اجْمَعینَ، سَلامُ اللَّهِ الْعَلیِّ الْعَظیمِ، وَسَلامُ مَلائِکَتِهِ الْمُقَرَّبینَ، وَانْبِیآئِهِ

مالیده شود، سلام و درود خداوندِ بلند مرتبه باعظمت و سلام فرشتگان مقرّب و پیامبران

الْمُرْسَلینَ، وَ ائِمَّتِهِ الْمُنْتَجَبینَ، وَعِبادِهِ الصَّالِحینَ، وَجَمیعِ الشُّهَدآءِ

مرسل و پیشوایان برگزیده و بندگان صالح و تمام شهیدان،

وَالصِّدّیقینَ، وَالزَّاکِیاتُ الطَّیِّباتُ فیما تَغْتَدی وَتَرُوحُ، عَلَیْکَ یا مُسْلِمَ

و راستگویان، و درودهای پاک و پاکیزه در صبح و شام، بر تو ای مسلم

بْنَ عَقیلِ بْنِ ابیطالِبٍ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، اشْهَدُ انَّکَ قَدْ اقَمْتَ الصَّلاهَ،

بن عقیل فرزند ابی طالب علیه السلام و رحمتت و برکات خدا بر تو باد، گواهی می دهم که نماز را به پا داشته

وَآتَیْتَ الزَّکاهَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ، وَجاهَدْتَ فِی

و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کرده و در راه خدا به شایستگی

اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَقُتِلْتَ عَلی مِنْهاجِ الْمُجاهِدینَ فی سَبیلِهِ، حَتّی لَقیتَ

جهاد نمودی، و به راه مجاهدان در راه خدا شهید گشتی تا این که

اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ، وَ هُوَ عَنْکَ راضٍ، وَاشْهَدُ انَّکَ وَفَیْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَبَذَلْتَ

خداوند- عزّوجلّ- را در حالی که از تو خشنود بود، ملاقات نمودی، و گواهی می دهم که تو به پیمانت با خدا وفا کرده و جانت را

نَفْسَکَ فی نُصْرَهِ حُجَّهِ اللَّهِ وَابْنِ حُجَّتِهِ، حَتّی اتیکَ الْیَقینُ، اشْهَدُ لَکَ

در یاری حجّت خدا و فرزند حجّت خدا، فدا کردی تا مرگت فرا رسید، و گواهی می دهم برای تو

ص: 344

بِالتَّسْليمِ وَالْوَفآءِ وَالنَّصيحَهِ، لِخَلَفِ النَّبِیِّ الْمُرْسَلِ، وَالسِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ،

به خاطر فرمانبرداری و وفای به عهد و خیر خواهیت برای جانشین پیامبر مرسل، و نوه برگزیده،

وَالدَّليلِ الْعالِمِ، وَالْوَصِیِّ الْمُبَلِّغِ، وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ، فَجَزاکَ اللَّهُ عَنْ

و راهنمای دانا و جانشين تبليغ كننده، و ستمديده ستم كشيده، پس خداوند از جانب

رَسُولِهِ وَعَنْ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَعَنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، افْضَلَ الْجَزآءِ بِما

پیامبر و امیرمؤمنان و امام حسن و امام حسین، بهترین پاداش را در مقابل

صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ وَاعَنْتَ، فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَکَ، وَلَعَنَ

استقامت و خیرخواهی و یاری کردنت به تو عطا کند، پس خانه آخرت چه نیکوست، خدا قاتلان تو و کسانی که دستور

اللَّهُ مَنْ امَرَ بِقَتْلِکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنِ افْتَری عَلَيْکَ، وَلَعَنَ

قتل تو را داده و به تو ظلم کردند، لعنت کند، و خدا کسانی را که به تو دروغ بسته و حقّت را

اللَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّکَ، وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بايَعَکَ وَ غَشَّکَ،

منکر شده و حرمتت را رعایت نکردند لعنت کند، و خدا کسانی را که با تو بیعت کرده و خیانت کردند

وَخَذَلَکَ وَاسْلَمَکَ، وَمَنْ الَبَّ عَلَيْکَ وَ لَمْ يُعِنْکَ، الْحَمْدُللَّهِ الَّذی جَعَلَ

و تو را رها کرده و تسلیم دشمن نمودند و کسانی که مردم را بر ضدّ تو بسیج کرده و تو را یاری نکردند، لعنت کند، ستایش مخصوص خداوندی است که

النَّارَ مَثْويهُمْ، وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ، اشْهَدُ انَّکَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً، وَانَّ اللَّهَ

آتش را جایگاه ابدی آنها قرار داد و آتش چه بد جایگاهی است، گواهی می دهم که مظلومانه کشته شدی و خداوند

مُنْجِزٌ لَکُمْ ما وَعَدَکُمْ، جِئْتُکَ زائِراً عارِفاً بِحَقِّکُمْ، مُسَلِّماً لَکُمْ، تابِعاً

به وعده ای که به شما داده وفا می کند، برای زیارت به درگاهت آمده ام در حالی که به حق شما آگاه و تسلیم امر و پیرو

لِسُنَّتِکُمْ، وَنُصْرَتی لَکُمْ مُعَدَّهٌ، حَتّی یَحْکُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَیْرُ الْحاکِمینَ،

سنّت شمایم و برای یاریتان آماده ام تا این که خداوند که بهترین حاکمان است حکم کند،

فَمَعَکُمْ مَعَکُمْ لامَعَ عَدُوِّکُمْ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ، وَ عَلی ارْواحِکُمْ

پس همیشه با شمایم نه با دشمنانتان، درود و سلام خدا بر شما و بر ارواح

وَاجْسادِکُمْ وَشاهِدِکُمْ وَغائِبِکُمْ، وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَهُ اللَّهِ

و بدن هایتان، در حضور و غیبت شما و درود و رحمت و برکات خدا

وَبَرَکاتُهُ، قَتَلَ اللَّهُ امَّهً قَتَلَتْکُمْ بِالْأَیْدی وَ الْأَلْسُنِ.(1)

بر شما باد خدا مردمی را که با دست و زبان به جنگ با شما برخاستند لعنت کند.

ص: 345

1- [359]مصباح الزائر، صفحه 99 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 426.

یادآوری: «مزار کبیر» بخشی از کلمات فوق را به منزله اذن دخول قرارداده است.(1) آنگاه اشاره به ضریح کرده، می گویی:

السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّها الْعَبْدُ الصَّالِحُ، الْمُطیعُ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَلِامیرِ

سلام بر تو ای بنده شایسته و فرمانبردار خدا و رسولش و امیرمؤمنان

الْمُؤْمِنینَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ، الْحَمْدُ للَّهِ، وَسَلامٌ عَلی

و امام حسن و امام حسین- که درود خدا بر آنان باد- حمد و سپاس مخصوص خداوند است و سلام و درود بر

عِبادِهِ الَّذینَ اصْطَفی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَهُاللَّهِ وَبَرَکاتُهُ

بندگان برگزیده خدا محمّد و خاندان پاکش و سلام و درود و رحمت و برکات و آمرزش خدا

وَمَغْفِرَتُهُ، وَعَلی رُوحِکَ وَبَدَنِکَ، اشْهَدُ انَّکَ مَضَیْتَ عَلی ما مَضی عَلَیْهِ

بر خاندان پیامبر و بر روح و جسم تو باد، گواهی می دهم که تو در مسیر جنگجویان

الْبَدْرِیُّونَ والْمُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ، الْمُبالِغُونَ فی جِهادِ اعْدآئِهِ

بدر و مجاهدان در راه خدا حرکت کردی، مجاهدانی که در جهاد با دشمنان خدا

وَ نُصْرَهِ اوْلِیآئِهِ، فَجَزاکَ اللَّهُ افْضَلَ الْجَزآءِ، وَاکْثَرَ الْجَزآءِ، وَاوْفَرَ جَزآءِ

و یاری اولیایش کوشیدند، پس خداوند به تو عطا کند بهترین و بیشترین و فراوان ترین پاداشی را که

احَدٍ مِمَّنْ وَفی بِبَیْعَتِهِ، وَاسْتَجابَ لَهُ دَعْوَتَهُ، وَاطاعَ وُلاهَ امْرِهِ، اشْهَدُ

عطا کرده به هر یک از وفاکنندگان به پیمانش و پاسخ دهندگان به دعوتش و اطاعت کنندگان از والیان حکومتش، گواهی می دهم که

اَنَّکَ قَدْ بالَغْتَ فِی النَّصیحَهِ، وَاعْطَیْتَ غایَهَ الْمَجْهُودِ، حَتّی بَعَثَکَ اللّهُ فِی

تو در خیرخواهی کوشیدی و نهایت سعیت را نمودی، تا این که خداوند تو را در زمره

الشُّهَدآءِ، وَجَعَلَ رُوحَکَ مَعَ ارْواحِ السُّعَدآءِ، وَاعْطاکَ مِنْ جِنانِهِ افْسَحَها

شهدا برانگیخت، و روحت را با ارواح سعادتمندان قرار داد، و از بهشتش وسیع ترین

مَنْزِلاً، وَافْضَلَها غُرَفاً، وَرَفَعَ ذِکْرَکَ فِی الْعِلِّیّینَ، وَحَشَرَکَ مَعَ النَّبِیّینَ

منزل و بهترین جایگاه را به تو عطا کرد، و یادت را در علیّین بالا برد، و تو را با پیامبران

وَالصِّدّیقینَ وَالشُّهَدآءِ وَالصَّالِحینَ، وَحَسُنَ اوُلئِکَ رَفیقاً، اشْهَدُ انَّکَ لَمْ

و راستگویان و شهدا و صالحان محشور کرد، و آنان چه همنشینان خوبی هستند گواهی می دهم که

1- [360]مزار کبیر، صفحه 177.

تَهِنْ وَلَمْ تَنْکُلْ، وَانَّکَ قَدْمَضَیْتَ عَلی بَصیرَهٍ مِنْ امْرِکَ، مُقْتَدِیاًبِالصَّالِحینَ،

سستی و کندی نورزیدی و با بینایی کامل در کار خویش قدم برداشتی، به صالحان اقتدا کرده

وَمُتَّبِعاً لِلنَّبِیّینَ، فَجَمَعَ اللَّهُ بَیْنَنا وَبَیْنَکَ، وَبَیْنَ رَسُولِهِ وَاوْلِیآئِهِ فی

و پیروی پیامبران نمودی، پس خداوند ما و تو و پیامبر و اولیایش را در

مَنازِلِ الْمُخْبِتینَ، فَانَّهُ ارْحَمُ الرَّاحِمینَ* سپس دو رکعت نماز در بالای سر بخوان جایگاه متواضعان گرد هم آورد، پس همانا او مهربانترین مهربانان است**********************

وآن را به آن جناب هدیه نما وبگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تَدَعْ لی ...

***************** خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و گناهی را برای من (نیامرزیده) مگذار.

و این همان دعایی است که در حرم حضرت عبّاس علیه السلام خوانده می شود و بعداً خواهد آمد، (صفحه 389).

و اگر خواستی وداع کنی با جناب مسلم علیه السلام همان وداعی را که در زیارت جناب عباس علیه السلام ذکر می شود، بخوان 361]، (صفحه 390).

زیارت هانی بن عُرْوه رحمه الله

آنگاه کنار قبر هانی رحمه الله که آن نیز در کنار مسجد است می روی و پس از سلام بر رسول مکرّم صلی الله علیه و آله می گویی:

سَلامُ اللَّهِ الْعَظیمِ وَصَلَواتُهُ عَلَیْکَ یا هانِیَ بْنَ عُرْوَهَ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا

سلام و درود خداوندِ با عظمت بر تو ای هانی بن عروه، سلام و درود بر تو ای

الْعَبْدُ الصَّالِحُ، النَّاصِحُ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَلِأَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَالْحَسَنِ

بنده شایسته و خیرخواه خدا و رسولش و امیرمؤمنان و امام حسن

وَالْحُسَیْنِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ، اشْهَدُ انَّکَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَکَ،

و امام حسین- که سلام و درود خدا بر آنان باد- گواهی می دهم که تو مظلومانه کشته شدی، پس خداوند کسانی را که تو را کشته

وَاسْتَحَلَّ دَمَکَ، وَحَشی قُبُورَهُمْ ناراً، اشْهَدُ انَّکَ لَقیتَ اللَّهَ وَ هُوَ راضٍ

و خونت را مباح دانستند لعنت کند و گور آنان را از آتشِ (عذاب) پُر کند، گواهی می دهم که تو خدا را ملاقات کردی در حالی که

عَنْکَ بِما فَعَلْتَ وَنَصَحْتَ، وَاشْهَدُ انَّکَ قَدْ بَلَغْتَ دَرَجَهَ الشُّهَداآءِ، وَجُعِلَ

به سبب آنچه انجام داده و خیرخواهی کردی از تو خشنود بود، و گواهی می دهم که تو به درجه رفیع شهیدان رسیدی

ص: 347

رُوحُکَ مَعَ ارْواحِ السُّعَداءِ، بِما نَصَحْتَ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ مُجْتَهِداً، وَبَذَلْتَ

و روحت همراه ارواح سعادتمندان قرار گرفت، به خاطر کوششت در خیرخواهی برای خدا و رسولش، و جانت را

نَفْسَکَ فی ذاتِ اللَّهِ وَمَرْضاتِهِ، فَرَحِمَکَ اللَّهُ وَرَضِیَ عَنْکَ، وَحَشَرَکَ مَعَ

در راه خدا و خشنودیش فدا نمودی پس خداوند تو را رحمت کند و از تو خشنود گردد و تو را با

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرینَ، وَجَمَعَنا وَایَّاکَ مَعَهُمْ فی دارِ النَّعیمِ، وَسَلامٌ عَلَیْکَ

محمّد و خاندان پاکش محشور کند، و ما و شما را با آنان در بهشت گرد هم آورد، و سلام

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ.

و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

سپس دو رکعت نماز می گذاری و آن را به روح آن بزرگوار هدیه می کنی و حاجات خود را از خداوند طلب می کنی.(1)

1- [362]مصباح الزائر، صفحه 104 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 429(با اندکی تفاوت).

فصل چهارم: فضیلت و اعمال مسجد «سهله» و «زید» و «صعصعه»

فضیلت مسجد سهله:

بعد از مسجد بزرگ کوفه، نوبت به مسجد سهله می رسد که در بعضی از روایات مسجد «سهیل» و در بعضی روایات دیگر مسجد «شری و در روایت سوّمی مسجد «بنی ظفر» نیز نامیده شده،(1) و میعادگاه عاشقان و دلباختگان حضرت بقیّهاللّه الاعظم، امام زمان (صلوات اللّه علیه) می باشد و در روایات، فضایل زیادی برای آن نقل شده که از آن جمله است:

1- خانه ادریس پیامبر علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام و خانه انبیا و اوصیا و صالحان بود.(2) 2- در بعضی از روایات آمده: «فیه المعراج»(3) که ممکن است اشاره به این باشد که معراج معنوی مؤمنان، در این مسجد حاصل می شود یا این که اشاره به این است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله پس از فرود آمدن در شب معراج به مسجد کوفه، (که در بعضی از روایات وارد شده که حضرت، فرود آمدند و در مسجد کوفه دو رکعت نماز خواندند)(4) وارد مسجد سهله شدند و از آن جا به آسمان عروج کردند.

3- کسی که در این مسجد، خدا را به آنچه که دوست دارد بخواند حوائجش برآورده می شود ... و از مشکلات دنیا و حیله های دشمنانش در امان قرار می گیرد.(5) 4- خداوند پیامبری را مبعوث نکرد مگر این که در این مسجد نماز خواند.(6) 5- «شیخ طوسی» در کتاب «تهذیب» از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که هیچ غم زده و دردمندی وارد مسجد سهله نمی شود و بین نماز مغرب و عشا، دو رکعت نماز نمی خواند مگر این که خداوند مشکلش را حل می کند.(7)

1- [363]اسم« سهیل» در کامل الزیارات، باب 8، حدیث 10 و 11 و اسم« بنی ظفر» در کافی، جلد 3، صفحه 489، حدیث 1 و اسم« شری» در قرب الاسناد، صفحه 74، آمده است.
2- [364]رجوع شود به: کامل الزیارات، باب 8، صفحه 29، حدیث 10 و 11، و فقیه، جلد 1، صفحه 232، حدیث 697.
3- [365]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 437، حدیث 8 به نقل از کامل الزیارات، صفحه 30، حدیث 10.

4- [366]کامل الزیارات، باب 8، صفحه 28، حدیث 6.
5- [367]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 434، حدیث 1.
6- [368]همان مدرک، صفحه 435، حدیث 3.
7- [369]همان مدرک، صفحه 440، حدیث 20 به نقل از تهذیب، جلد 6، صفحه 38، حدیث 21 و در بحارالانوار، جلد 97، صفحه 437، حدیث 9، به نقل از قرب الاسناد، صفحه 74 به طور مطلق و بدون قید« بین نماز مغرب و عشا» چنین مژده ای وارد شده است.

6- امام صادق علیه السلام خطاب به ابوبصیر فرمود: «این مسجد از بقعه هایی است که خداوند دعا و درخواست در آن را دوست دارد و هیچ روز و شبی نیست مگر این که فرشتگان، این مسجد را زیارت و خدا را در آن عبادت می کنند ...». (1) 7- طبق روایتی از امام صادق علیه السلام اقامت در این مسجد (برای عبادت) همانند اقامت در خیمه رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله است و هیچ مرد و زن مؤمنی نیست مگر این که دلش مشتاق این مسجد است. (2)

اعمال مسجد سهله:

1- چنان که گذشت دو رکعت نماز بین نماز مغرب و عشا بجا آورد و حاجتش را بخواهد که برآورده خواهد شد ان شاءاللّٰه.

2- اعمالی را بجا آورد که جمعی از بزرگان علما در کتب مختلف [372] نقل کرده اند و بعضی از بزرگان برای انجام آن، شب چهارشنبه، بین نماز مغرب و عشا را از اوقات دیگر مناسبتر می دانند(3) (از بعضی روایات استفاده می شود که قسمتی از این اعمال به وسیله حضرت خضر علیه السلام تعلیم داده شد، که خواهد آمد) و آن اعمال به قرار ذیل است:

هنگامی که خواستی وارد مسجد شوی نزد در آن بایست و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنَ اللَّهِ وَالَی اللَّهِ، وَما شآءَ اللَّهُ، وَخَیْرُ الْأَسْمآءِ للَّهِ، تَوَکَّلْتُ

به نام خدا و به یاری خدا و از جانب خدا و به سوی خدا و آنچه خدا بخواهد و بهترین نامها برای خداوند است، بر خدا

عَلَی اللَّهِ، وَلاحَوْلَ وَ لا قُوَّهَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ، اللهُمَّ اجْعَلْنی مِنْ

توکّل کردم و پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند بلندمرتبه و با عظمت نیست خدایا مرا از

عُمَّارِ مَساجِدِکَ وَبُیُوتِکَ، اللهُمَّ انّی اتَوَجَّهُ الَیْکَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

آبادکنندگان مساجد و خانه هایت قرار ده، خدایا من به واسطه محمّد و خاندان پاکش به تو رو کرده

وَاقَدِّمُهُمْ بَیْنَ یَدَیْ حَوآئِجی فَاجْعَلْنِی اللهُمَّ بِهِمْ عِنْدَکَ وَجیهاَ فِی

و آنان را (برای شفاعت) پیشاپیش حوائجم مقدّم می دارم، پس خدایا به حقّ آنان مرا در

الدُّنْیا وَالأخَرهِ وَمِنَ الْمُقَرَّبینَ، اللهُمَّ اجْعَلْ صَلاتی بِهِمْ مَقْبُولَهً، وَذَنْبی

دنیا و آخرت در نزد خود آبرومند و از مقرّبان (درگاهت) قرار ده، خدایا به حقّ آنان نمازم را پذیرفته و گناهم را

1- [370]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 436، حدیث 7 و مزار کبیر، صفحه 135.
2- [371]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 435، حدیث 3.
3- [373]مصباح الزائر، صفحه 105.

بِهِمْ مَغْفُوراً، وَرِزْقى بِهِمْ مَبْسُوطاً، وَدُعآئى بِهِمْ مُسْتَجاباً، وَحَوآئِجى بِهِمْ

آمرزيده و روزيم را گسترده و دعايم را اجابت شده و حاجتهايم را

مَقْضِيَّةً، وَانْظُرْ الَىَّ بِوَجْهِکَ الْکَريمِ نَظْرَةً رَحيمَةً، اسْتَوْجِبُ بِهَا الْکَرامَةَ

برآورده شده قرار ده، و به بزرگواريت از روى رحمت به من توجّه فرما، كه به واسطه آن مستحقّ كرامت در

عِنْدَکَ، ثُمَّ لا تَصْرِفْهُ عَنّى ابَداً، بِرَحْمَتِکَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، يا مُقَلِّبَ

نزد تو گردم، پس هيچگاه آن را از من نگير، به رحمتت اى مهربان ترين مهربانان، اى دگرگون كننده

الْقُلُوبِ وَالْأَبْصارِ، ثَبِّتْ قَلْبى عَلى دينِکَ، وَ دينِ نَبِيِّکَ وَوَلِيِّکَ، وَلا تُزِغْ

دلها و ديده ها، دلم را بر دينت و دين پيامبر و وليّت ثابت بدار، و بعد از آن كه

قَلْبى بَعْدَ اذْ هَدَيْتَنى وَهَبْ لى مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً، انَّکَ انْتَ الْوَهَّابُ،

مرا هدايت كردى منحرف مگردان و رحمتى تازه از نزد خويش بر من ببخش، كه تو بسيار بخشنده اى،

اللهُمَّ الَيْکَ تَوَجَّهْتُ، وَمَرْضاتَکَ طَلَبْتُ، وَثَوابَکَ ابْتَغَيْتُ، وَبِکَ آمَنْتُ،

خدايا به تو رو كرده و خشنوديت را مى جويم و پاداشت را مى طلبم و به تو ايمان آورده

وَعَلَيْکَ تَوَكَّلْتُ، اللهُمَّ فَاقْبِلْ بِوَجْهِکَ الَىِّ، وَاقْبِلْ بِوَجْهى الَيْکَ.

و بر تو توكّل مى كنم، خدايا به من توجّه فرما و توجّه مرا به سوى خودت جلب نما.

سپس آيهالكرسى و سوره ناس و فلق را بخوان و هفت مرتبه سبحان اللَّه و هفت مرتبه الحمدللَّه و هفت مرتبه لا اله الّا اللَّه و هفت مرتبه اللَّه اكبر بگو، آنگاه بخوان:

اللهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی ما هَدَیْتَنی وَلَکَ الْحَمْدُ عَلی ما فَضَّلْتَنی وَلَکَ

خدایا حمد و سپاس مخصوص توست به خاطر هدایت کردن و برتری دادن

الْحَمْدُ عَلی ما شَرَّفْتَنی وَلَکَ الْحَمْدُ عَلی کُلِّ بَلاءٍ حَسَنٍ ابْتَلَیْتَنی

و شرافتم (بر سایر مخلوقات)، و حمد و سپاس مخصوص توست بر هر آزمایش نیکویی که مرا به آن آزمودی،

اللهُمَّ تَقَبَّلْ صَلاتی وَدُعآئی وَطَهِّرْ قَلْبی وَاشْرَحْ لی صَدْری وَتُبْ

خدایا نماز و دعایم را بپذیر و دلم را پاک گردان و سعه صدر به من عطا فرما، و توبه ام را

عَلَیَّ انَّکَ انْتَ التَّوّابُ الرَّحیمُ.(1)

بپذیر که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی.

ص: 351

1- [374]برای این قسمت از اعمال، به مدرکی غیر از آنچه مرحوم حاج شیخ عبّاس قمی(ره) به عنوان بعضی از کتب مزاریّه نقل می کند دست نیافتیم، جزآنچه در مصباح المتهجّد صفحه 130- 132، آن هم به عنوان اعمال مطلق مساجد و با تفاوت های قابل ملاحظه نقل شده است.

بعد از آن داخل مسجد شو و دو رکعت نماز بجا آور و دستها را به سوى آسمان بالا ببر و عرضه بدار:

انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، مُبْدِئُ الْخَلْقِ وَمُعيدُهُمْ، وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ،

تويى خدايى كه معبودى جز تو نيست، به وجود آورنده مخلوقات و بازگرداننده آنهايى، و تويى خدايى كه معبودى جز تو نيست،

خالِقُ الْخَلْقِ وَرازِقُهُمْ، وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، الْقابِضُ الْباسِطُ، وَانْتَ

آفريننده مخلوقات و روزى دهنده آنهايى، و تويى خدايى كه معبودى جز تو نيست، گيرنده و گستراننده اى، و تويى

اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، مُدَبِّرُ الأُمُورِ، وَباعِثُ مَنْ فِى الْقُبُورِ، انْتَ وارِثُ

خدايى كه معبودى جز تو نيست، تدبيركننده كارها و برانگيزنده اهل قبورى، تويى وارث

الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْها، اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْحَىِّ الْقَيُّومِ،

زمين و ساكنان آن، از تو مى خواهم به حق نام پوشيده و محفوظ و زنده و پاينده ات

وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، عالِمُ السِّرّ وَاخْفى اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذى اذا

و تويى خدايى كه معبودى جز تو نيست، داناى اسرار و مخفى تر از اسرارى، از تو مى خواهم به حقّ نامت كه اگر

دُعيتَ بِهِ اجَبْتَ، وَاذا سُئِلْتَ بِهِ اعْطَيْتَ، وَاسْئَلُکَ بِحَقِّکَ عَلى مُحَمَّدٍ

به آن خوانده شوى، اجابت كنى و اگر به آن درخواست شوى، عطا كنى، و از تو مى خواهم به حقّت بر محمّد

وَاهْلِ بَيْتِهِ، وَ بِحَقِّهِمُ الَّذى اوْجَبْتَهُ عَلى نَفْسِکَ، انْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ

و خاندان پاكش، و به حق آنان كه بر خود واجب نمودى، كه بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَقْضِیَ لی حاجَتی السَّاعَهَ السَّاعَهَ، یا سامِعَ الدُّعآءِ،

و خاندان پاکش درود فرستی و حاجتم را در همین ساعت برآوری، ای شنوای دعا،

یا سَیِّداهُ یا مَوْلاهُ یا غِیاثاهُ، اسْئَلُکَ بِکُلِّ اسْمٍ سَمَّیْتَ بِهِ نَفْسَکَ،

ای آقا و سرورم، ای مولای من، ای فریادرسم از تو می خواهم به حقّ هر نامی که خود را به آن نامیدی

اوِاسْتَأْثَرْتَ بِهِ فی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

یا در علم غیبت در نزد خود برگزیدی، که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی

وَانْ تُعَجِّلَ فَرَجَنَا السَّاعَهَ، یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالأَبْصارِ، یا سَمیعَ الدُّعآءِ.

و در گشایش کارهایمان شتاب کنی، ای دگرگون کننده دلها و دیده ها، ای شنوای دعا.

سپس به سجده برو و با اظهار خشوع هر آنچه می خواهی از خدا طلب کن،(1) آنگاه به محلّی

ص: 352

1- [375]مصباح الزائر، صفحه 105 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 441، حدیث 21 و مزار کبیر، صفحه 137. قابل توجّه است که مطابق نقل بحار، این دعا را امام صادق علیه السلام برای نجات زنی که به جهت اظهار بیزاری از کسانی که بر حضرت فاطمه صدّیقه علیها السلام ستم کردند، دستگیر شد در مسجد سهله خواندند و مؤلّفان کتب مزار، آن را با اندک تفاوتی که قابل تطبیق بر هر نیازمند دیگری است، نقل کرده اند.

که معروف به خانه حضرت ابراهیم علیه السلام است می روی و دو رکعت نماز می خوانی و پس از تسبیح حضرت زهرا علیها السلام می گویی:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هذِهِ الْبُقْعَهِ الشَّریفَهِ، وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فیها، قَدْ عَلِمْتَ

خدایا به حق این بارگاه گرامی و به حقّ آن کسی که تو را در آن عبادت کرد، حاجتهایم را

حَوائِجی فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِها، وَقَدْ احْصَیْتَ ذُنُوبی

می دانی، پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و حاجتم را برآور، و به یقین به عدد گناهانم آگاهی،

فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْها لی اللَّهُمَّ احْیِنی ما کانَتِ الْحَیاهُ

پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و گناهانم را بیامرز، خدایا تا زمانی که زندگی برای من بهتر است

خَیْراً لی وَامِتْنی اذا کانَتِ الْوَفاهُ خَیْراً لی عَلی مُوالاهِ اوْلِیآئِکَ،

مرا زنده بدار و زمانیکه مردن برای من بهتر است مرا بر دوستی اولیا

وَمُعاداهِ اعْدآئِکَ، وَافْعَلْ بی ما انْتَ اهْلُهُ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.

و دشمنی دشمنانت بمیران و آنچه تو شایسته آنی در مورد من انجام ده، ای مهربان ترین مهربانان.

بعد از آن به گوشه دیگرمسجد که در سمت مغرب و قبله واقع شده می روی و دو رکعت نماز می خوانی و دستها را بلند می کنی و این دعا را می خوانی:

اللَّهُمَّ انّی صَلَّیْتُ هذِهِ الصَّلاهَ ابْتِغآءَ مَرْضاتِکَ، وَ طَلَبَ نآئِلِکَ، وَرَجآءَ

خدایا این نماز را برای بدست آوردن خشنودی و طلب احسان و امید

رِفْدِکَ وَجَوآئِزِکَ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَقَبَّلْها مِنّی بِاحْسَنِ قَبُولٍ،

هدیه و پاداشت بجا آوردم، پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و آن را به بهترین وجه از من بپذیر

وَبَلِّغْنی بِرَحْمَتِکَ الْمَأْمُولَ، وَافْعَلْ بی ما انْتَ اهْلُهُ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.

و مرا به رحمتت به آرزویم برسان و آنچه تو شایسته آنی در مورد من انجام ده، ای مهربان ترین مهربانان.

آنگاه به سجده می روی و دو طرف صورت را بر سجده گاه می گذاری، بعد از آن به گوشه دیگر مسجد که در طرف مشرق است می روی و پس از دو رکعت نماز، دستها را می گشایی و می گویی:

اللَّهُمَّ انْ کانَتِ الذُّنُوبُ وَالْخَطایا قَدْ اخْلَقَتْ وَجْهی عِنْدَکَ، فَلَمْ تَرْفَعْ لی

خدایا اگر گناهان و اشتباهاتم چهره ام را در پیشگاهت دگرگون کرده و نمی گذارد صدایم

ص :353

الَیْکَ صَوْتاً، وَلَمْ تَسْتَجِبْ لی دَعْوَةً، فَانّی اسْئَلُکَ بِکَ یا اللَّهُ، فَانَّهُ لَیْسَ

به درگاهت برسد و دعایی از من مستجاب کنی، پس از تو می خواهم به حقّ خودت ای خدا که احدی

مِثْلَکَ احَدٌ، وَاتَوَسَّلُ الَیْکَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَاسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ

مانندت نیست و به حقّ محمّد و خاندان پاکش به تو متوسّل می شوم، و از تو می خواهم که بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تُقْبِلَ الَیَّ بِوَجْهِکَ الْکَریمِ وَ تُقْبِلَ بِوَجْهی الَیْکَ، وَلا

و خاندان پاکش درود فرستی و به روی کریمت به من توجّه کنی و مرا به خودت متوجّه سازی، و زمانی که

تُخَیِّبَنی حَیْنَ ادْعُوکَ، وَلا تَحْرِمْنی حَیْنَ ارْجُوکَ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.

تو را می خوانم ناامیدم مکنی و هنگامی که به تو امیدوارم محرومم مگردانی، ای مهربان ترین مهربانان.

سپس دو طرف صورت خویش را بر روی خاک بگذار (و ذکر خدا بگو و دعا کن).(1) سپس وارد خانه ای که در وسط مسجد است می شوی (که به مقام امام زین العابدین علیه السلام معروف است) و پس از خواندن دو رکعت نماز، می گویی: یا مَنْ هُوَ اقْرَبُ الَیَّ مِنْ حَبْلِ الْوَریدِ، یا

********************** ای کسی که از رگ گردن به من نزدیکتری ای

فَعَّالاً لِمایُریدُ، یامَنْ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِوَقَلْبِهِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

کسی که هرچه اراده کنی انجام می دهی، ای کسی که بین انسان و دلش فاصله می شوی، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست،

وَحُلْ بَیْنَنا وَ بَیْنَ مَنْ یُؤْذینا بِحَوْلِکَ وَقُوَّتِکَ، یا کافی مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ، وَلا

و به نیرو و تواناییت بین ما و آنچه که ما را می آزارد مانع شو، ای یاری کننده هر چیز، که

یَکْفی مِنْهُ شَیْ ءٌ، اکْفِنَا الْمُهِمَّ مِنْ امْرِ الدُّنْیا وَالأخِرَهِ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.

چیزی او را یاری نکند، امور مهمّ دنیا و آخرت ما را کفایت کن، ای مهربان ترین مهربانان.

آنگاه دو طرف صورت خود را روی سجده گاه بگذار.(2) در ادامه بعضی از روایات آمده است: سپس او (حضرت خضر علیه السلام) از مسجد سهله خارج شد، از او درباره این مکان سؤال کردیم جواب داد: این مکان مقام صالحین وانبیا و مرسلین است.(3)

مقام حضرت مهدی

(ارواحنا فداه):

طرف قبله مسجد بقعه ای است معروف به مقام حضرت مهدی علیه السلام که زیارت آن حضرت در آن محل

ص: 354

1- [376]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 443، حدیث 22 و مزار کبیر، صفحه 140 و مصباح الزائر، صفحه 105.
2- [377]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 445.
3- [378]همان مدرک، صفحه 444 و مزار کبیر، صفحه 141.

شریف مناسب است و از بعضی از کتب نقل شده که شایسته است زیارت آن حضرت در این محل با خواندن «

سَلَامُ اللَّهِ الکامِلُ التَّامُّ ...»(1)

که در بخش زیارت امام زمان تحت عنوان «استغاثه به امام زمان» خواهد آمد، (صفحه 518).

اعمال مسجد «زید»:

در بعضی از روایات از علی بن ابراهیم از پدرش این چنین آمده است: او (حضرت خضر علیه السلام) پس از خروج از مسجد سهله وارد مسجد کوچکی (نزدیک مسجد سهله) شد و با سکینه و وقار دو رکعت نماز در آن بجای آورد و سپس دو دستش را گشود و عرضه داشت:

الهی قَدْ مَدَّ الَیْکَ الْخاطِئُ الْمُذْنِبُ یَدَیْهِ بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِکَ، الهی قَدْ جَلَسَ

خدایا خطاکار گناهکار به واسطه حسن ظنّش به تو، دستانش را به درگاهت بلند کرده، خدایا بنده

الْمُسیی ءُ بَیْنَ یَدَیْکَ، مُقِرّاً لَکَ بِسُوءِ عَمَلِهِ، وَراجِیاً مِنْکَ الصَّفْحَ عَنْ

بدکار در مقابلت نشسته، درحالی که به بدی کردارش اقرار داشته و از تو امید بخشش خطاهایش

زَلَلِهِ، الهی قَدْ رَفَعَ الَیْکَ الظّالِمُ کَفَّیْهِ، راجِیاً لِما لَدَیْکَ، فَلا تُخَیِّبْهُ

را دارد، خدایا بنده ای که به خود ظلم کرده دستهایش را به درگاهت بلند کرده در حالی که به آنچه نزد توست امیدوار است، پس

بِرَحْمَتِکَ مِنْ فَضْلِکَ، الهی قَدْ جَثَا الْعآئِدُ الَی الْمَعاصی بَیْنَ یَدَیْکَ،

به رحمتت او را از فضل و احسانت ناامید مکن، خدایا بازگشت کننده به گناهان در مقابلت زانو زده

خآئِفاً مِنْ یَوْمٍ تَجْثُو فیهِ الْخَلائِقُ بَیْنَ یَدَیْکَ، الهی جآءَکَ الْعَبْدُ الْخاطِئُ

درحالی که از روز زانو زدن مخلوقات در برابرت ترسان است، خدایا بنده خطاکار،

فَزِعاً مُشْفِقاً، وَرَفَعَ الَیْکَ طَرْفَهُ حَذِراً راجِیاً، وَفاضَتْ عَبْرَتُهُ مُسْتَغْفِراً

هراسان و نگران به سویت آمده و درحال پرهیز و امید، نگاهش را به سوی تو دوخته است، و توبه کنان و پشیمان اشکش

نادِماً، وَ عِزَّتِکَ وَ جَلالِکَ ما ارَدْتُ بِمَعْصِیَتی مُخالَفَتَکَ، وَما عَصَیْتُکَ اذْ

جاری است، به عزّت و جلالت سوگند با گناهم قصد مخالفت تو را نداشته ام، و نافرمانیم

عَصَیْتُکَ وَ ا نَا بِکَ جاهِلٌ، وَلا لِعُقُوبَتِکَ مُتَعَرِّضٌ، وَ لا لِنَظَرِکَ مُسْتَخِفٌّ،

نه به خاطر جهلم به ذات تو و نه به جهت اعتراض به کیفر تو و نه سبک شمردن رأی و نظر تو است،

ص: 355

1- [379]مفاتیح الجنان، اعمال مسجد سهله.

وَلكِنْ سَوَّلَتْ لی نَفْسی وَاعانَتْنی عَلی ذلِکَ شِقْوَتی وَغَرَّنی سِتْرُکَ

بلکه هوای نفسم این کار را در نظرم جلوه داد و بدبختیم نیز بر آن کمک کرد، و پرده پوشیت بر من

الْمُرْخی عَلَیَّ، فَمِنَ الأنَ مِنْ عَذابِکَ مَنْ یَسْتَنْقِذُنی وَ بَحَبْلِ مَنْ اعْتَصِمُ

مرا (به انجام گناه) مغرور ساخت، پس اکنون چه کسی مرا از عذابت نجات می دهد، و اگر ریسمان (نجاتت را) از من قطع کنی

انْ قَطَعْتَ حَبْلَکَ عَنّی فَیا سَوْاتاهُ غَداً مِنَ الْوُقُوفِ بَیْنَ یَدَیْکَ، اذا قیلَ

به ریسمان چه کسی چنگ زنم، پس وای از رسوایی ایستادن در پیشگاهت در فردای قیامت، آن گاه که

لِلْمُخِفّینَ جُوزُوا، وَ لِلْمُثْقِلینَ حُطُّوا، افَمَعَ الْمُخِفّینَ اجُوزُ، امْ مَعَ

به سبکباران گفته می شود بگذرید و به سنگین باران گفته می شود فرود آیید، آیا با سبکباران بگذرم یا با

الْمُثْقِلینَ احُطُّ، وَیْلی کُلَّما کَبُرَ سِنّی کَثُرَتْ ذُنُوبی وَیْلی کُلَّما طالَ

سنگین باران فرود آیم؟، وای بر من هر چه سنّم زیاد می شود گناهانم بیشتر می گردد، وای بر من هر چه

عُمْری کَثُرَتْ مَعاصِیَّ، فَکَمْ اتُوبُ وَکَمْ اعُودُ، اما آنَ لی انْ اسَتَحْیِیَ مِنْ

عمرم طولانی می شود نافرمانیم بیشتر می گردد، پس چقدر توبه کنم و بازگردم؟ ! آیا وقت آن نرسیده که از پروردگارم

رَبّی اللَّهُمَ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اغْفِرْ لی وَارْحَمْنی یا ارْحَمَ

شرم کنم؟ خدایا، پس به حق محمّد و خاندان پاکش مرا ببخش و بر من رحم کن، ای مهربان ترین

الرَّاحِمینَ، وَخَیْرَ الْغافِرینَ سپس گریه کرد و طرف راست صورتش را بر سجده گاه گذاشت مهربانان و بهترین

آمرزندگان.*******************************

وگفت: ارْحَمْ مَنْ اسآءَ وَاقْتَرَفَ وَاسْتَكانَ وَاعْتَرَفَ آنگاه طرف چپ صورت را و**** بر بنده ای که بدی و جنایت کرده و درمانده شده و (به گناهش) معترف است رحم کن*******************

گفت: عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِکَ، فَلْیَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِکَ یا کَریمُ.

**** گناه بنده ات بزرگ است ولی عفو و گذشت از ناحیه تو نیکوست ای بزرگوار.

سپس خارج شد و درباره این مکان از او پرسیدیم، جواب داد: این مکان مسجد «زید بن صوحان» از اصحاب علی بن ابی طالب علیه السلام است و آنچه بجا آوردم دعا و تهجّد او بود. سپس از ما غایب شد.(1) یادآوری: مرحوم «سیّد بن طاووس» در «مصباح الزائر» می گوید: آنگاه به سجده برو و صد مرتبه بگو:

«العفو العفو».(2)

1- [380]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 444 و مزار کبیر، صفحه 142.
2- [381]مصباح الزائر، صفحه 108.

اعمال مسجد «صعصعه»:

مرحوم «سیّد بن طاووس» در «مصباح الزائر»(1) برای این مسجد بعد از دو رکعت نماز، دعای

«اللَّهُمَّ یا

ذَا الْمِنَنِ السَّابِغَهِ وَالْآلاءِ الْوازِعَهِ ...»

که در اعمال روزهای ماه رجب می آید را ذکر کرده است. گرچه مرحوم «علّامه مجلسی»(2) از «مزار شهید» و «مزار کبیر» و همچنین از خود «سیّد بن طاووس» در کتاب «اقبال» نقل می کند که بعضی از مؤمنین در ماه مبارک رجب، امام زمان (صلوات اللّه علیه) را در این مسجد مشاهده کردند که بعد از دو رکعت نماز، این دعا را خواند (شاید آن حضرت به مناسبت ماه رجب این دعا را خواندند، نه از باب این که مخصوص این مسجد باشد) ولی در هر حال، شکّی نیست که خواندن چنین مناجات بلند و پرمعنایی دراین مسجد، در زمان های دیگر نیز مناسب است.

شخصیّت زید و صعصعه:

دو مسجد زید و صعصعه منسوب به دو برادر از یاران علی علیه السلام است: زید بن صوحان و صعصعه بن صوحان. زید از بزرگان اصحاب امیرمؤمنان علیه السلام و از شخصیّت های برجسته و پرهیزگاران روزگار به شمار می رفت و در جنگ جمل، در رکاب آن حضرت به شهادت رسید(3) و دعایی که در اعمال مسجد زید ذکر شد، دعایی است که او در نماز شب می خواند.(4) برادرش صعصعه نیز از اصحاب امیرمؤمنان علیه السلام و از عارفان به حقّ آن حضرت و از بزرگان اهل ایمان است، فصاحت و بلاغت او در حدّی بود که امیرمؤمنان علیه السلام او را «خطیب شحشح» یعنی ماهر، لقب داد،(5) و او را به مهارت و فصاحت در خطابه و نیز به «کمی هزینه زندگی و کثرت کمک به مردم» ستوده است.(6) او کسی است که در شبی که جنازه آن حضرت دفن می شد به همراه فرزندان آن بزرگوار از تشییع کنندگان بود و پس از فراغت از دفن آن حضرت، نزد قبر مقدّس ایستاد و مشتی خاک برداشت و بر سر خود ریخت و گفت: پدر و مادرم فدای تو باد ای امیرمؤمنان! گوارا باد تو را کرامت های خدا، ای اباالحسن! به یقین مولد تو پاکیزه و صبر تو قوی و جهاد تو عظیم بود، و به آنچه آرزویش داشتی رسیدی، تجارت سودمندی

1- [382]مصباح الزائر، صفحه 109.
2- [383]بحارالانوار، جلد 97، صفحه 446 و مزار كبير، صفحه 143.
3- [384]بحارالانوار، جلد 23، صفحه 211.
4- [385]همان مدرک، جلد 97، صفحه 445.
5- [386]همان مدرک، جلد 34، صفحه 308.
6- [387]همان مدرک، جلد 23، صفحه 211.

کردی و به نزد پروردگار خود شتافتی! ... و از این قبیل اوصاف، بسیار گفت و گریه سختی کرد و دیگران را به گریه آورد(1) و در حقیقت سر قبر آن حضرت مجلس سوگواری به پا شد که روضه خوانش صعصعه و مستمعینش حسن و حسین علیهما السلام و محمّد بن حنفیه و ابوالفضل العباس علیه السلام و سایر فرزندان و بستگان آن حضرت بودند. رحمت و رضوان خدا بر او باد.

فصل پنجم: زیارت امام حسین علیه السلام

زیارت امام حسین علیه السلام از نزدیک

فضیلت زیارت آن حضرت از نزدیک:

از آن جا که روایات مربوط به فضایل زیارت امام حسین (صلوات اللّٰه علیه) بسیار زیاد است، مناسب دیدیم که تنها فهرستی را از اعظم فضایلی که در روایات آمده است بیان کنیم و در این رابطه بهترین شیوه را در این دیدیم که به یکی از مهمترین مصادر و منابع مورد اعتماد علمای شیعه یعنی کتاب «کامل الزیارات» (2) (تألیف محدّث و فقیه جلیل القدر، صاحب صدق و امانت، استاد مرحوم شیخ مفید رحمه الله و جمعی از بزرگان دیگر یعنی جعفر بن محمّد بن قولویه) اشاره کنیم؛ کتابی که یکی از منابع اصلی ما دربخش های دیگر این کتاب یعنی بخش های مربوط به زیارت رسول مکرّم و سایر ائمّه علیهم السلام نیز بوده، و خواهد بود.

83 باب از 108 باب این کتاب، مربوط به فضایل امام حسین (صلوات اللّٰه علیه) و بعضی از یاران آن حضرت است که بیش از 560 روایت دارد و ما تنها با مروری بر روایات بسیار فراوان مربوط به زیارت آن بزرگوار بسنده می کنیم:

1- هیچ ملک مقرّب و پیامبر مرسلی نیست مگر این که از خدا طلب می کند که اذن زیارت امام حسین علیه السلام را برایش صادر کند، پس پیوسته، فوجی از ارواح انبیا و فرشتگان (از آسمانها) پایین می آیند و فوجی بالا می روند.(3) 2- هر شب هفتاد هزار فرشته از آسمان فرود می آیند و پس از طواف خانه خدا و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله وامیرمؤمنان علیه السلام، به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می روند وقبل از طلوع خورشید به آسمان عروج می کنند.(4) 3- یکی از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت نقل می کند که فرمود: «رسول گرامی و

علی علیهما السلام و فاطمه علیها السلام و همه ائمّه علیهم السلام برای زوّار امام حسین علیه السلام دعا می کنند»(5) و نیز نقل می کند که روزی بر آن حضرت وارد شدم دیدم با خدای خودش مناجات می کند ودر حال سجده این دعا را می خواند ... (دعایی بسیار عالی و با مضامین بلند در حقّ زوّار امام حسین علیه السلام که در «کامل الزیارات» آمده است) پس از

ص: 358

1- [388]همان مدرک، جلد 42، صفحه 295.
2- [389]مؤلّف این کتاب در مقدّمه آن می گوید:« آنچه در این کتاب نقل کرده ام از طریق موثّقین از اصحاب ما می باشد» و بر این اساس بعضی ازبزرگان تمام روات آن را معتبر و از ثقات شمرده اند.
3- [390]کامل الزیارات، باب 39، صفحه 114، حدیث 4.
4- [391]همان مدرک، حدیث 2.
5- [392]همان مدرک، باب 40، صفحه 116، حدیث 1.

آن که از سجده سر برداشت فرمود: «کسانی که در آسمانها در حقّ زوّار امام حسین علیه السلام دعا می کنند بیش از کسانی هستند که در زمین برای آنها دعا می کنند»(1) و نیز نقل می کند که آن حضرت فرمود: «آیا دوست نداری از کسانی باشی که از دنیا بیرون می روند در حالی که گناهی بر آنها نیست؟ آیا دوست نداری از آنانی باشی که رسول اللَّه صلی الله علیه و آله با آنان مصافحه می کند؟»(2) (پس زیارت آن حضرت را فراموش مکن).

4- خداوند هزاران فرشته را مأمور قبر امام حسین علیه السلام قرار داده، و هیچ زائری به زیارت آن حضرت نمی رود مگر این که از او استقبال می کنند، و هیچ زائری با آن حضرت وداع نمی کند مگر این که او را بدرقه می نمایند، و هیچ زائری مریض نمی شود مگر این که از او عیادت می کنند و هیچ زائری نمی میرد مگر این که بر جنازه اش نماز می خوانند و بعد از مرگش برای او استغفار می کنند،(3) و مطابق روایت دیگری اگر در اثنای سفر از دنیا برود ملائکه غسلش می دهند و درهای بهشت به رویش باز می شود !.(4) 5- هفتاد هزار فرشته را خداوند مأمور قبر امام حسین علیه السلام قرار داده که در آن جا عبادت خدا بجا می آورند و یک نماز آنان برابر با هزار نماز از انسان هاست، ثواب نمازشان برای زوّار قبر امام حسین علیه السلام نوشته می شود !(5) 6- هر کس نزد قبر آن حضرت دو رکعت نماز بخواند و چیزی را از خدا طلب کند حاجتش برآورده می شود، و اگر برای زیارت او در آب فرات غسل کند تمام گناهانش- همانند روزی که از مادر متولّد شده- ریخته می شود، و اگر کسی را در این راه کمک کند و هزینه سفرش را بدهد در برابر هر درهمی، خداوند چند برابر به او عطا می کند و بلاهایی که مقدّر شده بود به او اصابت کند را از او دور می سازد و از اموالش حفاظت می شود.(6) 7- یکی از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت نقل می کند: «کسی که به زیارت قبر ابی عبداللَّه علیه السلام برود صله رسول اللَّه صلی الله علیه و آله و صله ما را به جا آورده است؛ غیبت کردن در پشت سر او حرام و گوشتش بر آتش جهنّم نیز حرام می شود و خداوند پشتیبان او در رفع نیازها و حفظ آنچه (از مال و فرزند و عیال) بر جای گذاشته، می باشد؛ هر حاجتی را از خدا بخواهد دیر یا زود برآورده می سازد».(7) و مطابق روایت دیگری در ازای هر درهمی، ده هزار درهم برایش ثواب نوشته می شود و درحالی به سوی اهلش باز می گردد که گناهان او از نامه اعمالش پاک شده است.(8) و مطابق روایت دیگری بهتر از آن، رضایت خدا و دعای محمّد صلی الله علیه و آله و دعای امیرمؤمنان و ائمّه علیهم السلام است که شامل حالش می شود.(9)

1- [393]كامل الزيارات، باب 40، صفحه 117، حديث 2.
2- [394]همان مدرک، باب 41، صفحه 118، حديث 3.
3- [395]همان مدرک، صفحه 119، حديث 1.
4- [396]همان مدرک، باب 46، صفحه 128، حديث 2.
5- [397]همان مدرک، باب 42، صفحه 121، حديث 1.
6- [398]همان مدرک، باب 44، صفحه 123، حديث 2.
7- [399]همان مدرک، باب 46، صفحه 127، حديث 1.
8- [400]همان مدرک، صفحه 128، حديث 2.
9- [401]همان مدرک، حديث 4.

8- کسی که توان زیارت امام حسین علیه السلام را داشته باشد و در عین حال (بدون عذر) ترک کند مخالفت با رسول اللّه صلی الله علیه و آله و مخالفت با ما کرده 402] و به حسرت در «یوم الحسره» گرفتار می شود! (1) 9- بشیر بن دهان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «زائر قبر حسین علیه السلام با اوّلین گامی که برمی دارد و از اهل بیتش جدا می شود، مغفرت گناهانش آغاز می گردد، سپس پیوسته با قدم هایی که بر می دارد پاکتر می شود تا به قبر آن حضرت برسد، وقتی نزد قبر مطهّر آمد خداوند سبحان می فرماید: بنده من از من طلب کن تا عطایت کنم، دعا کن تا به اجابت رسانم و بر خداست که آنچه را در این راه بذل کرده، به او برگرداند».(2) و در روایت دیگری آمده است: برای خداوند فرشتگانی موکّل بر قبر امام حسین علیه السلام می باشند که وقتی کسی تصمیم به زیارت قبر امام حسین علیه السلام را گرفت خداوند گناهانش را به آن ملائکه می سپرد و وقتی قدمی برداشت آن گناهان را محو می کنند و وقتی باز قدمی برداشت حسنات او را زیاد می کنند و به همین صورت حسنات او زیاد می شود تا این که بهشت بر او واجب می گردد. سپس او را در بر می گیرند و تقدیسش می کنند، و فرشتگان آسمان ندا می دهند که زوّار حبیب رسول خدا صلی الله علیه و آله را تقدیس کنید، و وقتی غسل زیارت کردند حضرت محمّد صلی الله علیه و آله ندایشان می دهد که ای مسافران الهی! رفاقت با من در بهشت، بر شما بشارت باد! سپس امیرمؤمنان علیه السلام ندایشان می دهد که من ضامن قضای حوائج و دفع بلاها از شما در دنیا و آخرتم. سپس رسول گرامی صلی الله علیه و آله با آنها از راست و چپ ملاقات می کند تا این که با همراهی آن حضرت به سوی خانواده خود باز گردند.(3) یادآوری لازم:

روشن است که این ثواب های عظیم و پاداش های فوق العاده از آن کسانی است که عارف به حقّ امام حسین علیه السلام باشند و بدانند آن حضرت برای چه هدفی قیام کرد و در چه راهی شربت شهادت نوشید و در ضمن زیارت، با آن حضرت پیوند تازه ای برقرار کنند و در مسیر اهداف آن بزرگوار قرار گیرند و محتوای سازنده زیارت نامه ها را در وجود خود پیاده کنند و با روحیّه ای تازه از کنار قبر آن بزرگوار بازگردند و لذا در روایتی که ابن عبّاس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره زیارت امام حسین علیه السلام و پاداش عظیم آن نقل می کند جمله «عارفاً بحقّه» در آغاز روایت به چشم می خورد.(4)

ص: 360

1- [403]همان مدرک، حدیث 3.
2- [404]همان مدرک، باب 49، صفحه 132، حدیث 2.
3- [405]همان مدرک، حدیث 3 و رجوع شود به باب 62.
4- [406]رجوع شود به: بحارالانوار، جلد 36، صفحه 286، حدیث 107.

آداب زیارت امام حسین علیه السلام از نزدیک:

آدابی که شایسته است زائر در مسیر زیارت، رعایت کند به قرار زیر است (البتّه بعضی از این آداب در شرایط فعلی میسّر نیست، به آنچه ممکن است اکتفا کند):

1- بهتر است قبل از آن که از خانه خارج شود سه روز روزه بدارد و در روز سوم غسل کند و خانواده خود را جمع نماید و بگوید:

اللَّهُمَّ انّی اسْتَوْدِعُکَ الْیَوْمَ نَفْسی وَاهْلی وَمالی وَ وُلْدی وَکُلَّ مَنْ کانَ

خدایا امروز خودم و خانواده و اموال و فرزندانم و هر که در راه

مِنّی بِسَبیلٍ، الشَّاهِدَ مِنْهُمْ وَالْغآئِبَ، اللهُمَّ احْفَظْنا بِحِفْظِ الْإیمانِ،

با من است، حاضر و غایب آنان را به تو می سپارم، خدایا ما را با حفظ ایمان محافظت فرما،

وَاحْفَظْ عَلَیْنا، اللهُمَّ اجْعَلْنا فی حِرْزِکَ، وَلا تَسْلُبْنا نِعْمَتَکَ، وَلا تُغَیِّرْ ما

و از ما دفاع کن، خدایا ما را در پناهت قرار ده و نعمت هایت را از ما مگیر و آنچه که

بِنا مِنْ نِعْمَهٍ وَعافِیَهٍ، وَزِدْنا مِنْ فَضْلِکَ، انَّا الَیْکَ راغِبُونَ.(1)

از نعمت و سلامتی به ما ارزانی داشته ای دگرگون مکن و از فضل و احسانت بر ما بیفزا که ما به تو مشتاقیم.

2- آنگاه با خضوع و خشوع از منزل خارج شود و «

لَا الهَ إِلَّا اللَّه

» و «

اللَّهُ اکْبَر

» و «

الّحَمْدُ للّهِ

» بسیار بگوید، و صلوات بر محمّد و آل محمّد (صلوات اللَّه علیهم) بفرستد و با آرامش و وقار به راه بیفتد(2) و بداند هر زحمتی در این راه متحمّل شود، اجر و پاداش عظیم دارد.

3- امام صادق علیه السلام فرمود: «در حالی به زیارت امام حسین علیه السلام برو که محزون و ژولیده و غبارآلود و گرسنه و تشنه باشی چرا که آن حضرت با چنین حالاتی به شهادت رسید، آنگاه حاجات خود را طلب کن و برگرد و کنار قبرش را وطن خود قرار مده» !(3) 4- توشه خویش را در این سفر، از غذاهای لذیذ و شیرین قرار ندهد و از غذاهای ساده استفاده کند چرا که از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «شنیده ام جماعتی به زیارت امام حسین علیه السلام می روند در حالی که با خود سفره هایی از بزغاله های بریان و حلواها حمل می کنند، با آن که اگر به زیارت قبر پدران یا

ص: 361

1- [407]مزار کبیر، صفحه 417.
2- [408]همان مدرک.
3- [409]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 140، حدیث 2 و کامل الزیارات، باب 48، صفحه 131، حدیث 3. مرحوم علّامه مجلسی می گوید: شاید نهی از وطن قرار دادن، حمل بر زمان تقیّه و خوف شود چنان که غالب در آن اعصار چنین حالتی بوده و یا مقصود، توقّف کردن کنار قبر است(تا مزاحمتی برای سایر زوّار پیش نیاید)(بحارالانوار، جلد 98، صفحه 115).

دوستان خود می رفتند چنین عمل نمی کردند».(1) 5- اگر ممکن است گاهی با پای پیاده و با کمال تواضع و فروتنی برای زیارت حرکت کند، چرا که امام صادق علیه السلام فرمود: «در ازای هر گامی که برمی دارد هزار حسنه برای او نوشته می شود».(2) 6- وقتی به شطّ فرات رسید غسل کند و با پای پیاده و برهنه حرکت کند.(3)

آب فرات و فضیلت آن:

شطّ فرات از کربلا و از نزدیکی نجف یعنی شهر «کوفه» که هم اکنون متّصل به «نجف» شده است می گذرد. روایات زیادی در فضیلت آب فرات در کتب روایی ما از جمله «کامل الزیارات ابن قولویه»، وارد شده و ویژگی ها و برکاتی را برای آن برشمرده است؛ از جمله:

الف) یکی از یاران امام باقر علیه السلام نقل می کند که مردی از اهل کوفه بر آن حضرت وارد شد، حضرت فرمود: «آیا هر روز در آب فرات غسل می کنی؟ گفت خیر، فرمود: هر هفته؟ گفت خیر، فرمود: هر ماه؟ گفت خیر، فرمود: هر سال؟ عرض کرد خیر، فرمود: به یقین که تو از خیر و برکت محرومی».(4) ب) در روایتی امام صادق علیه السلام آیه

«وَ آوَيْناهُما إِلى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ»(5)

(که درباره مریم و فرزندش حضرت عیسی علیه السلام وارد شده و ترجمه اش این است: «و ما عیسی و مادرش را در سرزمین مرتفعی که دارای امنیّت و آب جاری بود، جای دادیم») را به نجف (که در نزدیکی کوفه است) و آب فرات تفسیر فرمودند.(6) ج) در روایت دیگری آن حضرت می فرماید: «اگر من در نزدیکی فرات بودم صبح و شام کنارش می رفتم و از آن بهره می گرفتم».(7) د) در روایت معتبر دیگری نهر فرات از نهرهای چهارگانه بهشتی معرّفی شده است.(8) یادآوری:

لزومی ندارد که مردم برای تبرّک به آب فرات در نهر غسل کنند بلکه استفاده از آب لوله کشی که از آب فرات برگرفته شده باشد نیز، همین برکات را خواهد داشت، ان شاء اللّه.

7- به نیازمندان و واماندگان در راه کمک کند و تا حدّ ممکن در رفع مشکل آنها اهتمام ورزد و آنها را

1- [410]ثواب الاعمال، صفحه 89.
2- [411]کامل الزیارات، باب 49، صفحه 134، حدیث 8.
3- [412]همان مدرک، صفحه 133، حدیث 4.
4- [413]همان مدرک، باب 8، صفحه 31، حدیث 12.
5- [414]سوره مؤمنون، آیه 50.
6- [415]کامل الزیارات، باب 13، صفحه 47، حدیث 5.
7- [416]همان مدرک، حدیث 4.
8- [417]همان مدرک، حدیث 1.

به منزل برساند؛ چرا که «شیخ کلینی» به سند معتبر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که خطاب به جمعی که در نزد او بودند فرمود: چرا شما ما را خوار و سبک می انگارید؟! فردی از آن جمع عرض کرد: پناه می بریم به خداوند از این که بخواهیم شما و یا چیزی را که مربوط به شماست سبک بشماریم. فرمود: آری! تو خودت یکی از آنها هستی! عرض کرد: به خدا پناه می برم! فرمود: آیا نزدیک «جحفه» که بودیم صدای استعانت فلان کس را نشنیدی که از تو درخواست کرده بود مرا به قدر یک میل (حدود 5/ 1 کیلومتر) سوار کن که به خدا سوگند خسته شده ام و تو سرت را بالا گرفتی و با بی اعتنایی از او گذشتی؟! آنگاه فرمود: هر کس مؤمنی را خوار نماید ما را خوار نموده و احترام ما را ضایع کرده است.(1) لازم به تذکّر است که این نکته اختصاص به زوّار امام حسین علیه السلام ندارد، بلکه نظیر قصّه ای که از علی بن یقطین در آداب مطلق زیارات گذشت (و آن نیز مربوط به تکریم برادر دینی و پرهیز از بی حرمتی و بی اعتنایی نسبت به مؤمن بود) در هر سفر زیارتی باید مورد توجّه قرار گیرد.

8- مصاحبت و معاشرت نیکو داشته باشد و با دوستان و رفقا سخن کم بگوید، بسیار یاد خدا کند و جامه های پاکیزه بپوشد، قبل از ورود به حرم، غسل کند و با خشوع و رقّت قلب بوده باشد و نماز بسیار بخواند و بر محمّد و آل محمّد علیهم السلام بسیار صلوات بفرستد و از چیزهای ناشایست، خویشتن را نگه دارد، و از حرام و چیزهای شبهه ناک، کاملاً بپرهیزد، و به برادران مؤمن پریشان حال، احسان کند و اگر کسی را دید که هزینه سفرش تمام شده از او دستگیری کند و موجودی خود را میان خود و او، تقسیم کند و از جدال و نزاع و همه اموری که خدا از آن نهی کرده، دوری گزیند. همه این آداب را محمّد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل می کند.(2) 9- از ابوسعید مدائنی نقل شده که می گوید: محضر امام صادق علیه السلام رسیدم و پرسیدم: آیا به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام بروم؟ فرمود: آری، برو به زیارت قبر امام حسین علیه السلام، نیک ترین نیکان، پاکیزه ترین پاکیزگان و نیکوکارترین نیکوکاران، و چون آن حضرت را زیارت کردی نزد آن حضرت دو رکعت نماز بجای آور و در آن دو رکعت، سوره یس و الرحمن بخوان که اگر چنین کنی ثواب عظیمی برای تو خواهد بود.(3) 10- نماز فریضه و نافله را نزد قبر آن حضرت بجا آورد که مقبول است؛ چرا که نماز واجبی که نزد آن حضرت خوانده می شود برابر با حج، و نماز نافله برابر با عمره است.(4) یادآوری: الف) ظاهر اخبار این است که نماز زیارت و یا غیر آن را، هم می تواند در پشت سر قبر آن

1- [418]کافی، جلد 8، صفحه 102، حدیث 73.
2- [419]کامل الزیارات، باب 48، صفحه 130، حدیث 1.
3- [420]همان مدرک، باب 79، صفحه 213، حدیث 10.
4- [421]همان مدرک، باب 83، صفحه 251، حدیث 1.

حضرت بخواند و هم در بالای سر،(1) (البتّه اگر می خواهد در بالای سر بخواند مقداری عقب تر بایستد تا محاذی قبر مقدّس نباشد).

ب) دو رکعت نمازی که به عنوان نماز زیارت دربالای سر خوانده می شود بهتر است که در رکعت اوّل آن، حمد و سوره یس بخواند و در رکعت دوم، حمد و سوره الرحمن.(2) ج) ابن قولویه از امام باقر علیه السلام روایت کرده که به شخصی فرمود: چه مانعی دارد که هرگاه حاجتی پیدا کردی نزد قبر امام حسین علیه السلام بروی و چهار رکعت نماز گزاری و حاجت خویش را از خدا طلب کنی؛ چرا که نماز فریضه نزد آن حضرت معادل با حج، و نماز نافله معادل با عمره است 424] و از روایت امام باقر علیه السلام نیز به دست می آید که هر کس دو رکعت یا چهار رکعت نماز، کنار قبرش بخواند و حاجتش را طلب کند، حاجتش برآورده خواهد شد(3) و وقتی ابن ابی یعفور خدمت امام صادق علیه السلام عرض می کند: اشتیاق زیارت تو باعث شد که من مشقّت هایی را متحمّل گردم تا به محضرت شرفیاب شوم، حضرت در جوابش فرمودند: از پروردگارت گلایه نکن! چرا نزد کسی که حقّش بر گردن تو از حقّ من بیشتر است نرفتی؟ ابن ابی یعفور می گوید: این دو جمله حضرت خیلی بر من گران آمد و جمله دوم (چرا نزد کسی که حقّش بیشتر از حقّ من است نرفتی) از جمله اوّل (از پروردگارت گلایه نکن) گرانتر بود، لذا پرسیدم: آن چه کسی است که حقّش بر من از حقّ تو بیشتر است؟ فرمود: حسین بن علی علیهما السلام؛ چرا نزد امام حسین علیه السلام نرفتی و آن جا دعا نکردی و عرض حاجت ننمودی؟!».(4) در روایات 427] آمده است که خداوند در برابر شهادت، سه چیز به امام حسین علیه السلام ارزانی داشت: «

جَعَلَ

الإِمامَةَ فِی ذُرِیَّتِهِ، وَ الشِّفاءَ فِی تُرْبَتِهِ، وَ إِجابَةَ الدُّعاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ

؛ امامت را در فرزندان او قرار داد و شفا را در تربتش و اجابت دعا را در کنار قبرش (در بعضی از روایات نیز آمده: «

تَحْتَ قُبَّتِهِ

؛ زیر قبّه اش»).(5) حاج شیخ عباس قمی (ره) نوشته است از روایات به دست می آید که اجابت دعا در زیر قبّه آن حضرت از اموری است که حق تعالی در عوض شهادتش به او عنایت فرموده است لذا زائر باید آن را

غنیمت بشمرد و در تضرّع و انابه و دعا و عرض حاجات کوتاهی نکند و بهترین دعاها با عالی ترین مضامین را در این مکان مقدّس بخواند، و ما در این جا به چهار دعا اشاره می کنیم:

یک- دعایی که در پایان زیارت امین اللّٰه (صفحه 262) وارد شده و از مضامین بسیار بلند و جامعی

1- [422]کامل الزیارات، باب 44، صفحه 123، حدیث 2 و باب 79، صفحه 240، حدیث 17.
2- [423]همان مدرک، باب 79، صفحه 214، حدیث 10.
3- [425]همان مدرک، باب 69، صفحه 168، حدیث 7.
4- [426]همان مدرک، حدیث 8.
5- [428]عدّه الداعی، صفحه 57.

برخوردار است، که می تواند همراه با خود این زیارت (که مطابق آنچه ضمن زیارات مطلقه امیرمؤمنان گذشت از معتبرترین زیارتهاست) امام حسین علیه السلام را نیز زیارت کند زیرا همچنان که گفته شد این زیارتی است که در همه مشاهد مشرّفه می توان خواند.

دو- دعاهایی که در اواخر این بخش بعد از زیارات جامعه آمده است، (صفحه 552- 561).

سه- دعای عالیه المضامین که از جامع ترین دعاهاست و «سیّد بن طاووس» در «مصباح الزائر» بعد از زیارت جامعه ائمّهالمؤمنین (سومین زیارت جامعه) آن را نقل کرده است و در تتمّه این بخش نیز خواهد آمد، (صفحه 555).

چهار- دعایی که در ضمن یکی از زیارات امام حسین علیه السلام نقل شده، به این صورت که دست های خود را به سوی آسمان بالا برده، می گویی:

اللَّهُمَّ قَدْ تَری مَکانی وَتَسْمَعُ کَلامی وَتَری مَقامی وَتَضَرُّعی وَمَلاذی

خدایا جایگاهم را می بینی و سخنم را می شنوی و موقعیّت و گریه و زاری و پناهندگیم را

بِقَبْرِ وَلِیِّکَ وحُجَّتِکَ، وَابْنِ نَبِیِّکَ، وَقَدْ عَلِمْتَ یا سَیِّدی حَوائِجی وَلا

به قبر ولیّ و حجّتت و فرزند پیامبرت می بینی، ای آقا و سرورم حاجت هایم را می دانی، و

یَخْفی عَلَیْکَ حالی وَقَدْ تَوَجَّهْتُ الَیْکَ بِابْنِ رَسُولِکَ وَحُجَّتِکَ وَامینِکَ،

حالم بر تو پوشیده نیست و به واسطه فرزند پیامبر و حجّت و امنیت، به تو رو کرده ام

وَقَدْ اتَیْتُکَ مُتَقَرِّباً بِهِ الَیْکَ وَالی رَسُولِکَ، فَاجْعَلْنی بِهِ عِنْدَکَ وَجیهاً

و به واسطه او به تو و پیامبرت نزدیکی می جویم پس به حقّ او مرا

فِی الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ وَمِنَ الْمُقَرَّبینَ، وَاعْطِنی بِزِیارَتی امَلی وَهَبْ

در دنیا و آخرت در نزد خودت آبرومند و از مقرّبان قرار ده، و به سبب زیارتم آرزویم را برآور و خواسته ام را

لی مُناىَ، وَتَفَضَّلْ عَلَیَّ بِشَهْوَتی وَرَغْبَتی وَاقْضِ لی حَوآئِجی

عطا کن، خواسته و شوق و اشتیاقم را به من تفضّل کن و حاجت هایم را برآور

وَلاتَرُدَّنی خآئِباً، وَ لا تَقْطَعْ رَجآئی وَ لا تُخَیِّبْ دُعآئی وَعَرِّفْنِی

و مرا ناامید باز مگردان و امیدم را قطع مکن، و دعایم را بی نتیجه قرار مده، اجابت

الْإِجابَهَ فی جَمیعِ ما دَعَوْتُکَ مِنْ امْرِالدّینِ وَالدُّنْیا وَالْأخِرَهِ، وَاجْعَلْنی

تمام آنچه که از امور دین و دنیا و آخرت از تو خواستم به من بنمایان، و مرا

مِنْ عِبادِکَ الَّذینَ صَرَفْتَ عَنْهُمُ الْبَلایا، وَالْأَمْراضَ وَالْفِتَنَ وَالْأَعْراضَ،

از بندگانی که بلاها و بیماری ها و فتنه ها و حوادث را از آنها بازگردانده ای، قرار ده،

مِنَ الَّذینَ تُحْییهِمْ فی عافِیَهٍ، وَ تُمیتُهُمْ فی عافِیَهٍ، وَتُدْخِلُهُمُ الْجَنَّهَ

از آنانی که در عافیت و سلامتی زنده داشته و میرانده ای و در عافیت وارد بهشت

فی عافِیَهٍ، وَ تُجیرُهُمْ مِنَ النَّارِ فی عافِیَهٍ، وَ وَفِّقْ لی بِمَنٍّ مِنْکَ صَلاحَ

نموده و در عافیت از آتش جهنّم پناه داده ای، و به منّتی از ناحیه خودت خیر

ما اؤَمِّلُ فی نَفْسی وَاهْلی وَوُلْدی وَاخْوانی وَمالی وَجَمیعِ ما انْعَمْتَ

آنچه آرزو دارم در مورد خودم، خانواده، فرزندان، برادران و داراییم و تمام آن چه که به واسطه آن به من نعمت داده ای

بِهِ عَلَیَّ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

برایم مهیّا کن، ای مهربانترین مهربانان.

11- در داخل حرم بر آن حضرت صلوات بفرستد و بهتر است این صلوات را که مرحوم «علّامه مجلسی» از «سیّد بن طاووس» نقل کرده، بخواند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَی الْحُسَیْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهیدِ،

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و بر حسین مظلومِ شهید درود فرست،

قَتیلِ الْعَبَراتِ، وَاسیرِ الْکُرُباتِ، صَلاهً نامِیَهً زاکِیَهً مُبارَکَهً، یَصْعَدُ اوَّلُها،

آن کشته ای که اشک فراوان بر او ریخته می شود و در بند ناگواری ها است درود فرست، درودی فراوان، پاکیزه و با برکت که صعود کننده

وَلا یَنْفَدُ آخِرُها، افْضَلَ ما صَلّیْتَ علی احَدٍ مِنْ اوْلادِ الْأنْبِیآءِ

و بی انتها باشد بهترین درودی که بر هر یک از فرزندان پیامبران و فرستادگانت

وَالْمُرْسَلینَ، یا رَبَّ الْعالِمینَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلَی الْإِمامِ الشَّهیدِ الْمَقْتُولِ

فرستاده ای، ای پروردگار جهانیان، خدایا درود فرست بر پیشوای شهید و کشته شده (در راه خدا)

الْمَظْلُومِ الْمَخْذُولِ، وَالسَّیِّدِ الْقآئِدِ، الْعابِدِ الزَّاهِدِ، الْوَصِیِّ الْخَلیفَهِ،

و مظلوم و بی یاور، و آقا و رهبر، و عابد پرهیزگار و وصیّ جانشین،

الْإِمامِ الصِّدّیقِ، الطُّهْرِ الطَّاهِرِ، الطَّیِّبِ الْمُبارَکِ، وَ الرَّضِیِّ الْمَرْضِیِّ،

آن امام راست گفتار، پاک و پاکدامن و پاکیزه و با برکت، و خشنود و پسندیده

ص: 366

1- [429]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 212.

وَالتَّقِیِّ الْهادِی الْمَهْدِیِّ، الزَّاهِدِ الذَّائِدِ الْمُجاهِدِ الْعالِمِ، امامِ الْهُدی

و پرهیزکار و راهنمای راه یافته، آن پرهیزگار پشتیبان و مجاهد دانا، و پیشوای هدایت،

وَسِبْطِ الرَّسُولِ، وَقُرَّهِ عَیْنِ الْبَتُولِ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اللَّهُمَّ صَلِ

و نوه پیامبر و نور چشم حضرت زهرا- که سلام و درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- خدایا

عَلی سَیِّدی وَمَوْلایَ، کَما عَمِلَ بِطاعَتِکَ، وَ نَهی عَنْ مَعْصِیَتِکَ، وَبالَغَ

بر آقا و مولای من درود فرست، آن گونه که اطاعتت کرده و از نافرمانیت نهی نمود، در راه خشنودیت

فی رِضْوانِکَ، وَاقْبَلَ عَلی ایمانِکَ غَیْرَ قابِلٍ فیکَ عُذْراً، سِرّاً وَ عَلانِیَهً

کوشش کرده، و بدون عذری به تو ایمان آورد، در نهان و آشکار

یَدْعُو الْعِبادَ الَیْکَ، وَ یَدُلُّهُمْ عَلَیْکَ، وَقامَ بَیْنَ یَدَیْکَ، یَهْدِمُ الْجَوْرَ

بندگان را به سوی تو فراخوانده و راهنمایی نمود و در حضورت قیام کرده تا (کاخ) ظلم و جور را با

بِالصَّوابِ، وَ یُحْیِی السُّنَّهَ بِالْکِتابِ، فَعاشَ فی رِضْوانِکَ مَکْدُوداً،

درستی ویران سازد و راه و روش پیغمبر را با کتاب خدا زنده گردانید، پس در راه خشنودی تو با سختی و مشقّت زندگی کرد

وَمَضی عَلی طاعَتِکَ وَ فی اوْلِیآئِکَ مَکْدُوحاً، وَ قَضی الَیْکَ مَفْقُوداً، لَمْ

و بر بندگی تو و در راه اولیایت رنج کشید، از دنیا رفت، در حالی که

یَعْصِکَ فی لَیْلٍ وَلا نَهارٍ، بَلْ جاهَدَ فیکَ الْمُنافِقینَ وَالْکُفَّارَ، اللهُمَ

هیچ گاه نافرمانی تو را نکرد، بلکه در راه تو با منافقان و کفّار پیکار کرد، خدایا

فَاجْزِهِ خَيْرَ جَزآءِ الصَّادِقينَ الأبْرارِ، وَضاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ، وَلِقاتِليهِ

پس بهترین پاداش راستگویان و نیکوکاران را به او عطا فرما، و بر عذاب و عقاب دشمنان و قاتلانش

الْعِقابَ، فَقَدْ قاتَلَ كَريماً، وَقُتِلَ مَظْلُوماً، وَمَضى مَرْحُوماً، يَقُولُ ا نَا ابْنُ

بیفزا، که بزرگوارانه جنگید و مظلومانه کشته شد و در سایه رحمت خدا درگذشت، در حالی که می فرمود: من فرزند

رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ، وَابْنُ مَنْ زَكّى وَعَبَدَ، فَقَتَلُوهُ بِالْعَمْدِ الْمُعْتَمَدِ، قَتَلُوهُ

فرستاده خدا، محمّد هستم و فرزند کسی که زکات داد و خدا را عبادت نمود، پس او را دانسته و به عمد کشتند، او را

عَلَى الْإيمانِ، وَ اطاعُوا فى قَتْلِهِ الشَّيْطانَ، وَلَمْ يُراقِبُوا فيهِ الرَّحْمنَ،

بر ایمان کشتند و در کشتن او از شیطان پیروی کردند. و در قتل او از خداوند رحمان نترسیدند،

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلى سَيِّدى وَمَوْلاىَ، صَلاةً تَرْفَعُ بِها ذِكْرَهُ، وَتُظْهِرُ بِها امْرَهُ،

خدایا بر آقا و مولای من درود فرست، درودی که به واسطه آن یادش را بالا برده و برنامه اش را آشکار نموده

ص: 367

وَتُعَجِّلُ بِها نَصْرَهُ، وَاخْصُصْهُ بِافْضَلِ قِسَمِ الْفَضآئِلِ يَوْمَ الْقِيمَهِ، وَزِدْهُ

و در یاریش تعجیل کنی، و بهترین فضیلت ها را در روز قیامت مخصوص او گردان و بر شرافتش در

شَرَفاً فی اعْلی عِلِّیّینَ، وَبَلِّغْهُ اعْلی شَرَفِ الْمُکَرَّمینَ، وَارْفَعْهُ مِنْ شَرَفِ

بلندترین درجات بهشت بیفزا و او را به بلندترین مرتبه اهل کرامت برسان، و او را از رحمت عظیمت

رَحْمَتِکَ فی شَرَفِ الْمُقَرَّبینَ فِی الرَّفیعِ الأَعْلی وَ بَلِّغْهُ الْوَسیلَهَ،

در جایگاه رفیع مقرّبان تا بلندترین جایگاه بالا ببر، و او را به مقام وسیله [/ شفاعت و

وَالْمَنْزِلَهَ الْجَلیلَهَ، وَ الْفَضْلَ وَالْفَضیلَهَ، وَالْکَرامَهَ الْجَزیلَهَ، اللهُمَّ وَاجْزِهِ

جایگاه با عظمت و فضل و فضیلت و بزرگواری نیکو برسان، خدایا بهترین پاداشی را که به

عَنَّا افْضَلَ ما جازَیْتَ اماماً عَنْ رَعِیَّتِهِ، وَصَلِّ عَلی سَیِّدی ومَوْلایَ،

یک پیشوا از جانب پیروانش می دهی از جانب ما به او عطا فرما و بر آقا و مولایم درود فرست

کُلَّما ذُکِرَ وَکُلَّما لَمْ یُذْکَرْ، یا سَیِّدی وَمَوْلایَ، ادْخِلْنی فی حِزْبِکَ

هر زمانی که یاد شود و یاد نشود، ای آقا و مولای من، مرا در حزب و گروهت

وَزُمْرَتِکَ، وَاسْتَوْهِبْنی مِنْ رَبِّکَ وَرَبّی فَانَّ لَکَ عِنْدَاللَّهِ جاهاً وَقَدْراً

داخل کن و بخشش مرا از پروردگارمان بخواه، که برای تو در نزد او مقام و ارزش

وَمَنْزِلَهً رَفیعَهً، انْ سَئَلْتَ اعْطیتَ، وَانْ شَفَعْتَ شُفِّعْتَ، اللَّهَ اللَّهَ فی عَبْدِکَ

و جایگاهی بلند است، هر چه خواهی به تو می دهد و اگر شفاعت کنی پذیرفته می شود، خدا را، خدا را در مورد بنده

وَ مَوْلاکَ، لا تُخَلِّنی عِنْدَ الشَّدآئِدِ وَالأَهْوالِ لِسُوءِ عَمَلی وَقَبیحِ فِعْلی

و دوستدارت یاد کن و مرا در سختی ها و گرفتاری ها به خاطر عمل بد و کار زشت

وَعَظیمِ جُرْمی فَانَّکَ امَلی وَرَجآئی وَثِقَتی وَمُعْتَمَدی وَوَسیلَتی الیَ

و گناه بزرگم، رها مکن، پس همانا تو آرزو و امید و پناهگاه و تکیه گاه و وسیله (تقرّب) من به

اللَّهِ رَبّی وَرَبِّکَ، لَمْ یَتَوَسَّلِ الْمُتَوَسِّلُونَ الَی اللَّهِ بِوَسیلَهٍ هِیَ اعْظَمُ حَقّاً،

خدا هستی که پروردگار من و توست، متوسّلان به خدا به کسی که حقّش بزرگتر

وَلا اوْجَبُ حُرْمَهً، وَلا اجَلُّ قَدْراً عِنْدَهُ مِنْکُمْ اهْلَ الْبَیْتِ، لاخَلَّفَنِیَ اللَّهُ

و احترامش واجب تر و ارزشش در نزد او بیشتر از شما اهل بیت باشد توسّل نجسته اند، خداوند به خاطر گناهانم مرا

عَنْکُمْ بِذُنُوبی وَجَمَعَنی وَایّاکُمْ فی جَنَّهِ عَدْنٍ الَّتی اعَدَّها لَکُمْ

از شما جدا نکند، و مرا با شما در بهشتی که برای شما

وَلِأَوْلِیآئِکُمْ، انَّهُ خَیْرُ الْغافِرینَ، وَ ارْحَمُ الرَّاحِمینَ، اللهُمَّ ابْلِغْ سَیِّدی

و دوستدارانتان مهیّا کرده گرد هم آورد که او بهترین آمرزندگان و مهربان ترین مهربانان است، خدایا سلام و تحیّت

وَمَوْلایَ تَحِیَّهً کَثیرَهً وَسَلاماً، وَارْدُدْ عَلَیْنا مِنْهُ السَّلامَ، انَّکَ جَوادٌ کَریمٌ،

فراوان مرا به آقا و مولایم برسان، و سلام او را نیز به ما بازگردان که تو بخشنده و بزرگواری

وَصَلِّ عَلَیْهِ کُلَّما ذُکِرَ السَّلامُ وَکُلَّما لَمْ یُذْکَرْ، یا رَبَّ الْعالَمینَ.(1)

و هر زمانی که ذکر سلامی شود یا نشود بر او درود فرست ای پروردگار جهانیان.

یادآوری: در پایان این بخش (بخش زیارات، صفحه 561) صلواتی بر معصومین علیهم السلام نقل خواهد شد که مشتمل بر صلواتی بر امام حسین علیه السلام نیز هست، علاقمندان می توانند آن را نیز قرائت کنند.

12- «ابن فهد» در «عدّه الداعی» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: هر کس به درگاه خدای عزّوجل حاجتی دارد، بالای سر امام حسین علیه السلام بایستد و بگوید:

یا ابا عَبْدِ اللَّهِ، اشْهَدُ انَّکَ تَشْهَدُ مَقامی وَتَسْمَعُ کَلامی وَ انَّکَ حَیٌّ عِنْدَ

ای اباعبداللَّه گواهی می دهم که تو جایگاهم را می بینی و سخنم را می شنوی و همانا تو در نزد

رَبِّکَ تُرْزَقُ، فَاسْئَلْ رَبَّکَ وَرَبّی فی قَضآءِ حَوآئِجی

پروردگارت زنده ای و روزی داده می شوی، پس برآمدن حاجاتم را از پروردگارمان بخواه.

به یقین حاجت او برآورده می شود، ان شاءاللَّه تعالی.(2) 13- اگر مشکل و یا کار مهمّی دارد می تواند زیر آن قبّه شریف استخاره و طلب خیر کند؛ به این نحو که در قسمت بالای سر امام حسین علیه السلام بایستد، صد مرتبه طلب خیر کند و «

اَلحَمْدُ لِلّه

» و «

لا الهَ الَّا اللَّه

» و «

سُبْحانَ اللَّه

« بگوید و خدا را به بزرگی یاد کند و حمد و ثنای او- آن گونه که سزاوار اوست- بجا آورد که اگر چنین کند مطابق روایت «قرب الاسناد حمیری» که به سند صحیح نقل شده، آنچه خیر اوست به او داده می شود(3) و طلب خیر- مطابق روایات دیگر- به این نحو است که صد مرتبه بگوید: «

اسْتَخیرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ

خِیَرَهً فی عافِیَهٍ

».(4) 14- در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که به یکی از یارانش فرمود: «به من خبر رسیده که گروهی در نیمه ماه شعبان از اطراف کوفه و غیر آن، نزد قبر امام حسین علیه السلام می آیند و نوحه گری می کنند؛ عدّه ای مصیبت می خوانند و عدّه ای دیگر اشک می ریزند و گروهی مرثیه می خوانند؟» عرض کرد: آری

ص: 369

1- [430]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 225.
2- [431]عده الداعی، صفحه 64.
3- [432]قرب الاسناد، صفحه 28.
4- [433]کافی، جلد 3، صفحه 471، حدیث 3.

فدایت شوم من خودم شاهد بعضی از آنچه می فرمایید بودم. فرمود: «سپاس خداوندی را که در میان مردم کسانی را قرار داد که نزد ما می آیند و ما را مدح می کنند و برای ما مرثیه می خوانند، و دشمن ما را از کسانی قرار داد که بر آنها طعنه می زنند و آنها را تهدید کرده، کارهایشان را زشت می شمرند». (1) در صدر همین روایت آمده: امام حسین علیه السلام کسی است که آن کس که به زیارتش می رود برایش می گرید و کسی که توفیق زیارتش را نیابد بر او محزون می شود، و کسی که بر قبر پسرش در پایین پای او، نظر می افکند قلبش به ترحّم می آید، خصوصاً وقتی ملاحظه می کند که در بیابان، غریبانه و بدون دوست و خویشان و نزدیکان افتاده، حقّش را غصب کردند و جمعی از مرتدّین و برگشتگان از دین، دست به دست هم دادند و او را شهید کردند؛ حتّی او را دفن نکرده در بیابان رهایشان ساختند و از آب فراتی که حتّی حیوانات از آن می نوشند، منعش کردند و از این طریق، حقّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله و وصیّتی را که آن حضرت در حقّ او و اهل بیتش کرده بود، ضایع نمودند .... (2) 15- «علّامه مجلسی» به نقل از «سیّدبن طاووس» می گوید: مستحب است کسی که از زیارت آن حضرت فارغ شد و می خواهد از حرم مطهر بیرون رود، ضریح را ببوسد (اگر ممکن است) و بگوید:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

سلام بر تو ای مولای من، سلام بر تو ای حجّت خدا، سلام بر تو ای

صَفْوَهَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا خالِصَهَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا قَتیلَ الظَّمآءِ،

برگزیده خدا، سلام بر تو ای (بنده) پاکدل و خالص خدا، سلام بر تو ای کشته عطشان،

السَّلامُ عَلَیْکَ یا غَریبَ الْغُرَبآءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ وَلا

سلام بر تو ای غریب تر از هر غریب، سلام بر تو سلام وداع کننده ای که خسته

قالٍ، فَانْ امْضِ فَلا عَنْ مَلالَهٍ، وَانْ اقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللَّهُ

و دلتنگ نمی شود، پس اگر بروم از روی ناراحتی نیست و اگر بمانم به خاطر بدگمانی به وعده خداوند

الصَّابِرینَ، لا جَعَلَهُ اللّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّی لِزِیارَتِکَ، وَرَزَقَنِیَ اللّهُ الْعَوْدَ الی

به بردباران نیست، خداوند این زیارت را آخرین زیارت من قرار ندهد و بازگشت دوباره به

مَشْهَدِکَ، وَالْمَقامَ بِفِنآئِکَ، وَالْقِیامَ فی حَرَمِکَ، وَایَّاهُ اسْئَلُ انْ یُسْعِدَنی

زیارتگاهت و اقامت در درگاه و حرمت را روزی من گرداند، و از او می خواهم که مرا به واسطه شما

1- [434]کامل الزیارات، باب 108، صفحه 325، حدیث 1.
2- [435]همان مدرک.

بِکُمْ، وَیَجْعَلَنی مَعَکُمْ فی الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ.(1)

سعادتمند گرداند، و مرا در دنیا و آخرت با شما قرار دهد.

و این در واقع، زیارت وداع آن حضرت به حساب می آید.

کیفیّت زیارت امام حسین علیه السلام از نزدیک:

زیاراتی که برای امام حسین علیه السلام نقل شده، بر دو قسم است: نخست زیاراتی است که مقیّد به زمان خاصّی نیست و «زیارات مطلقه» نام گرفته است. دیگر زیاراتی است که مخصوص زمان معیّنی می باشد و «زیارات مخصوصه» نام دارد:

زیارات مطلقه امام حسین علیه السلام از نزدیک:

زیارات مطلقه آن حضرت زیاد است و ما به ذکر هفت زیارت اکتفا می کنیم:

زیارت اوّل: (معتبرترین زیارت 437]) طبق نقل «کلینی» و «ابن قولویه» گروهی از یاران امام صادق علیه السلام نزد آن حضرت بودند، یکی از بزرگان آنها عرض کرد:

فدایت شوم، من بسیاری از اوقات امام حسین علیه السلام را یاد می کنم، در آن لحظه چه بگویم؟ فرمود: سه مرتبه بگو:

«السَّلامُ عَلَیْکَ یا اباعَبْدِاللَّه»(2)

چرا که سلام، از دور یا نزدیک به آن حضرت می رسد. سپس فرمود: هنگامی که اباعبداللَّه علیه السلام به شهادت رسید آسمانها و زمین های هفتگانه و آنچه در آنها و مابین آنهاست، بر او گریه کردند ... عرض کردم: من تصمیم می گیرم که به زیارت آن حضرت بروم چه بگویم و چگونه عمل کنم؟ فرمود: وقتی به زیارت حضرتش رفتی، با آب فرات غسل کن و سپس جامه های پاکت را بپوش ... و هنگام رفتن بسیار

«اللَّهُ اکْبَرُ»

و

«لا الهَ الَّا اللَّهُ»

و

«سُبْحانَ اللَّهِ»

و

«الحَمدُللَّهِ»

بگو و صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرست، تا به دَرِ حرم حسینی برسی، وقتی به آن جا رسیدی بگو:

ص: 371

1- [436]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 230.

2- [438]در روایت کافی به جای« السلام علیک یا ابا عبداللّه»« صلی اللَّهُ علیک یا ابا عبداللّه» آمده، ولی روایت کامل الزیارات(السلام علیک یااباعبداللَّه) با ادامه حدیث هماهنگ تر است، زیرا در هر دو روایت امام علیه السلام بعد از آن فرمود:« چرا که« سلام» از دور یا نزدیک به او می رسد».

السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا مَلائِکَهَ اللَّهِ

سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّت خدا، سلام بر شما ای فرشتگان خدا

وَزُوَّارَ قَبْرِ ابْنِ نَبِیِّ اللَّهِ* سپس ده گام بردار و توقّف کن و سی مرتبه «اللَّه اکبر» بگو، آنگاه به و زیارت کنندگان فرزند پیامبر خدا******************************

جانب قبر مقدّس حرکت کن و مقابل آن- در حالی که پشت به قبله کرده ای- بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا قَتیلَ اللَّهِ وَابْنَ

سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّت خدا، سلام بر تو ای کشته در راه خدا و فرزند

قَتیلِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَ اللَّهِ وَابْنَ ثارِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وِتْرَ اللَّهِ

کشته در راه خدا، سلام بر تو ای فرزند کسی که خونخواهتان خداست، سلام بر تو ای یگانه خداوند

الْمَوْتُورَ فِی السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، اشْهَدُ انَّ دَمَکَ سَکَنَ فِی الْخُلْدِ،

که کسی در آسمان و زمین (جز خدا) نمی تواند انتقامت را بگیرد، گواهی می دهم که خون تو در بهشت جای گرفت،

وَاقْشَعَرَّتْ لَهُ اظِلَّهُ الْعَرْشِ، وَبَکی لَهُ جَمیعُ الْخَلایِقِ، وَبَکَتْ لَهُ

و به واسطه آن سایه افکنان عرش به لرزه در آمد، و تمام مخلوقات گریستند،

السَّمواتُ السَّبْعُ، وَالْأَرَضُونَ السَّبْعُ، وَما فیهِنَّ وَما بَیْنَهُنَّ، وَمَنْ یَتَقَلَّبُ

و آسمانها و زمینهای هفت گانه و آنچه که در آنها و ما بین آنهاست و تمامی آفریده های پروردگار ما

فی الْجَنَّهِ وَالنَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبِّنا، وَما یُری وَما لا یُری اشْهَدُ ا نَّکَ حُجَّهُ

در بهشت و جهنّم و آنچه دیده می شود و دیده نمی شود، بر او گریستند، گواهی می دهم که تو حجّت

اللَّهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ، وَاشْهَدُ انَّکَ قَتیلُ اللَّهِ وابْنُ قَتیلِهِ، وَاشْهَدُ انَّکَ ثارُ اللَّهِ

خدا و فرزند حجّت خدایی و گواهی می دهم که تو کشته در راه خدا و فرزند کشته در راه خدایی و گواهی می دهم که تو فرزند کسی هستی که

وَابْنُ ثارِهِ 439]، وَاشْهَدُ انَّکَ وِتْرُ اللَّهِ الْمَوْتُورُ فِی السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، وَاشْهَدُ

خونخواهتان خداست، و گواهی می دهم که تو آن یگانه خدا در آسمان ها و زمین هستی که (جز او) نمی تواند انتقامش را بگیرد و گواهی می دهم

انَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ وَنَصَحْتَ وَوَفَیْتَ وَاوْفَیْتَ وَجاهَدْتَ فی سَبیلِ اللَّهِ،

که تو رسالتت را ابلاغ نموده و خیر خواهی کردی و به عهدت وفا نموده و وفاداری کردی و در راه خدا جهاد نمودی

ص :372

وَمَضَيْتَ لِلَّذى كُنْتَ عَلَيْهِ شَهيداً وَمُسْتَشْهِداً، وَشاهِداً وَمَشْهُوداً، ا نَا

و به دنبال هدفی که داشتی با شهادتی که خواهان آن بودی و گواه و گواهی شده از دنیا رفتی؛ من

عَبْدُاللَّهِ وَمَوْلاکَ وَفی طاعَتِکَ، وَالْوافِدُ الَیْکَ، الْتَمِسُ کَمالَ الْمَنْزِلَهِ

بنده خدا و دوست دار تو و در اطاعت تو و حاجتمند درگاهت هستم، بالاترین مقام

عِنْدَاللَّهِ، وَثَباتَ الْقَدَمِ فِی الْهِجْرَهِ الَیْکَ، وَالسَّبیلَ الَّذی لا یَخْتَلِجُ دُونَکَ

نزد خدا و پایداری در هجرت به درگاه تو را خواهانم، و راهی را که بی دغدغه برای

مِنَ الدُّخُولِ فی کِفالَتِکَ الَّتی امِرْتَ بِها، مَنْ ارادَ اللَّهَ بَدَءَ بِکُمْ، بِکُمْ یُبَیِّنُ

ورود تحت سرپرستیت که به آن مأمور گشته ای خواهانم، کسی که خدا را اراده کند باید از شما شروع کند خداوند دروغ را به وسیله

اللَّهُ الْکَذِبَ، وَبِکُمْ یُباعِدُ اللَّهُ الزَّمانَ الْکَلِبَ، وَبِکُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَبِکُمْ یَخْتِمُ

شما آشکار می کند و دوران سخت و دشوار را پایان می دهد، و (درهای خیر و رحمت را) می گشاید و می بندد

اللَّهُ، وَبِکُمْ یَمْحُو ما یَشآءُ وَ بِکُمْ یُثْبِتُ، وَبِکُمْ یَفُکُّ الذُّلَّ مِنْ رِقابِنا، وَبِکُمْ

و به واسطه شما هر چه را خواهد محو می کند و هر چه را خواهد برقرار می دارد، و ذلّت و خواری را از ما برمی دارد و انتقام

یُدْرِکُ اللَّهُ تِرَهَ کُلِّ مُؤْمِنٍ یُطْلَبُ بِها، وَبِکُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ اشْجارَها،

خون به ناحق ریخته شده هر مؤمنی را که مطالبه شود می ستاند، و به واسطه شما زمین، درختان

وَبِکُمْ تُخْرِجُ الْأَرْضُ اثْمارَها، وَبِکُمْ تُنْزِلُ السَّمآءُ قَطْرَها وَرِزْقَها،

و میوه هایش را می رویاند و آسمان باران و روزیش را نازل می کند،

وَبِکُمْ یَکْشِفُ اللَّهُ الْکَرْبَ، وَبِکُمْ یُنَزِّلُ اللَّهُ الْغَیْثَ، وَبِکُمْ تُسَبِّحُ الْأَرْضُ 440]

و گرفتاری را بر طرف می کند و باران را فرو می فرستد و به خاطر شما زمینی که بدنهای شما را در بردارد

الَّتی تَحْمِلُ ابْدانَکُمْ، وَتَسْتَقِرُّ جِبالُها عَنْ مَراسیها، ارادَهُ الرَّبِّ فی

خدا را تسبیح می گوید، و کوهها در جایگاهش ثابت می گردد، خواست خداوند در

مَقادیرِ امُورِهِ تَهْبِطُ الَیْکُمْ، وَتَصْدُرُ مِنْ بُیُوتِکُمْ، وَالصَّادِرُ عَمَّا فُصِّلَ مِنْ

تقدیر امورش به شما محوّل شده و از خانه های شما صادر می شود و آنچه از احکام بندگان تفصیل شده از جانب

احْکامِ الْعِبادِ، لُعِنَتْ امَّهٌ قَتَلَتْکُمْ، وَامَّهٌ خالَفَتْکُمْ، وَامَّهٌ جَحَدَتْ

شما صادر می شود نفرین بر امّتی که شما را به شهادت رسانده و با شما مخالفت کردند و ولایتتان را انکار

ص :373

وِلایَتَکُمْ، وَامَّهٌ ظاهَرَتْ عَلَیْکُمْ، وَامَّهٌ شَهِدَتْ وَلَمْ تُسْتَشْهَدْ، الْحَمْدُ للَّهِ

نمودند و امّتی که به شما پشت کردند و امّتی که حاضر بودند ولی تن به شهادت ندادند، حمد و سپاس خداوندی را

الَّذی جَعَلَ النَّارَ مَأْویهُمْ 441]، وَبِئْسَ وِرْدُ الْوارِدینَ، وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ،

که آتش را جایگاه ابدیشان قرار داد و چه بد جایگاهی است برای وارد شوندگان و واردشدگان،

وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ. آنگاه سه مرتبه بگو: «صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ یا اباعَبْدِاللَّهِ،

و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.*********** سلام و درود خدا بر تو ای اباعبداللَّه،

أَنَا الَی اللَّهِ مِمَّنْ خالَفَکَ بَری ءٌ»

من به سوی خداوند از هر که با تو مخالف می کرد بی زاری می جویم

سپس بر می خیزی و نزد قبر فرزند آن حضرت، علیّ بن الحسین علیهما السلام (علی اکبر) که در پایین پای آن حضرت مدفون است می روی و می گویی:

السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ امیرِ الْمُؤْمِنینَ، السَّلامُ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان، سلام

عَلَیْکَ یَابْنَ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ 442]، السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ خَدیجَهَ وَ فاطِمَهَ

بر تو ای فرزند امام حسن و امام حسین، سلام بر تو ای فرزند حضرت خدیجه و فاطمه،**** سپس سه مرتبه می گویی: صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَکَ* و نیز سه مرتبه *************** سلام و درود خدا بر تو و لعنت او بر قاتلین تو********

می گویی: أَنَا الَی اللَّهِ مِنْهُمْ بَری ءٌ* سپس برمی خیزی و با دست خود به سوی سایر شهدا اشاره من به سوی خداوند از آنان بیزاری می

جویم***

می کنی و می گویی: السَّلامُ عَلَیْکُمْ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ، فُزْتُمْ وَاللّٰهِ،

********* سلام بر شما سلام بر شما، سلام بر شما، به خدا رستگار شدید، به خدا رستگار شدید،

فُزْتُمْ وَاللَّهِ، فُزْتُمْ وَاللَّهِ، فَلَیْتَ انّی مَعَکُمْ فَافُوزَ فَوْزاً عَظیماً.

به خدا رستگار شدید، پس ای کاش با شما بودم و به رستگاری بزرگ می رسیدم

بعد از آن دور می زنی و پشت قبر ابی عبداللّٰه علیه السلام رو به قبله می ایستی و شش رکعت نماز بجا می آوری،

ص: 374

وقتی چنین کردی زیارتت به اتمام می رسد. آنگاه اگر خواستی توقّف می کنی و اگر خواستی برمی گردی.(1) (البتّه بجا آوردن تمام این آداب برای همه زوّار در حال حاضر مشکل است، کافی است در کناری بایستند و با توجّه متن زیارت را بخوانند).

***

زیارت دوم مؤلّف «کامل الزیارات» از سلیمان بن حفص مروزی، از امام هادی علیه السلام نقل می کند که فرمود: نزد قبر امام حسین علیه السلام می گویی:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا ابا عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ فی ارْضِهِ،

سلام بر تو ای ابا عبداللّه، سلام بر تو ای حجّت خدا در زمین،

وَشاهِدَهُ عَلی خَلْقِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ

و گواه او در میان مخلوقات، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند

عَلیٍّ الْمُرْتَضی السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ فاطِمَهَ الزَّهْرآءِ، اشْهَدُ انَّکَ قَدْ اقَمْتَ

علیّ مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، گواهی می دهم که تو نماز را

الصَّلاهَ، وَآتَیْتَ الزَّکاهَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ،

به پا داشته و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر نموده،

وَجاهَدْتَ فی سَبیلِ اللَّهِ حَتّی اتاکَ الْیَقینُ، فَصَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ حَیّاً وَمَیّتاً

و در راه خدا جهاد نمودی تا به شهادت رسیدی، پس سلام و درود خدا بر تو در حال حیات و مرگ* سپس گونه راستت را بر ضریح می گذاری و می گویی: اشْهَدُ انَّکَ عَلی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبِّکَ،

****************************** گواهی می دهم که تو (در تمام امور) از پروردگارت بیّنه و گواه روشنی داشتی

جِئْتُکَ مُقِرّاَ بِالذُّنُوبِ، لِتَشْفَعَ لی عِنْدَ رَبِّکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللّهِ آنگاه با اقرار به گناهانم به درگاهت آمده ام تا در نزد پروردگارت مرا شفاعت کنی ای فرزند رسول خدا،

تک تک ائمّه علیهم السلام را با نام های شریفشان بر زبان جاری می کنی (یا علیّ بن ابی طالب و ...) و می گویی:

«اشْهَدُ انَّکُمْ حُجَجُ اللَّهِ سپس می گویی: اکْتُبْ لی عِنْدَکَ میثاقاً وَعَهْداً، انّی

گواهی دهم که شما حجّتهای خدا هستید************ پیمان و عهد مرا در نزد خود ثبت کن که من

1- [443]کامل الزیارات، باب 79، صفحه 197، حدیث 2، کافی، جلد 4، صفحه 575، حدیث 2 و فقیه، جلد 2، صفحه 594، حدیث 3199.

اتَیْتُکَ مُجَدِّداً الْمیثاقَ، فَاشْهَدْ لی عِنْدَ رَبِّکَ، انَّکَ انْتَ الشَّاهِدُ.(1)

برای تجدید پیمان آمده ام پس گواهم باش در نزد پروردگارت که تو (بهترین) گواهی.

***

زیارت سوم امام صادق علیه السلام به جابر جعفی فرمود: مسافت بین شما و قبر امام حسین علیه السلام چقدر است؟ می گوید: عرض کردم: کمی بیش از یک روز، فرمود: آن حضرت را زیارت می کنی؟ گفتم: آری، فرمود: دوست نداری که تو را به ثواب زیارتش خشنود سازم و بشارت دهم؟ عرض کردم: آری فدایت شوم، فرمود: هر کس از شما که برای زیارتش مهیّا می شود اهل آسمان یکدیگر را مژده می دهند، هنگامی که از منزلش، سواره یا پیاده، بیرون می رود خداوند متعال چهار هزار فرشته را موکّل بر او قرار می دهد که بر او تا رسیدن به قبر امام حسین علیه السلام، درود بفرستند. سپس فرمود: هرگاه به حرم آن حضرت رسیدی بر دَرِ حرم مقدّس بایست و این کلمات را بگو که در ازای هر کلمه ای، بهره ای از رحمت الهی می بری، گفتم: آن کلمات کدام است؟(2) فرمود: می گویی:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ صَفْوَهِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ نُوحٍ

سلام بر تو ای وارث آدم، (بنده) برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح،

نَبِیِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ ابْراهیمَ خَلیلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم، خلیل خدا، سلام بر تو ای

وارِثَ مُوسی کَلیمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عیسی رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ

وارث موسی، کلیم اللَّه، سلام بر تو ای وارث عیسی، روح خدا، سلام

عَلَیْکَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ رُسُلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ امیرِ

بر تو ای وارث محمّد، آقا و سرور فرستادگان خدا، سلام بر تو ای وارث امیرمؤمنان

الْمُؤْمِنينَ وَخَيْرِ الْوَصِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ یا وارِثَ الْحَسَنِ الرَّضِیِ

و بهترین اوصیاء، سلام بر تو ای وارث امام حسن (آن امام) خشنود

الطَّاهِرِ الرَّاضِی الْمَرْضِیِّ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الصِّدّیقُ الْأَکْبَرُ، السَّلامُ

و پاکیزه و راضی و مورد پسند، سلام بر تو ای بزرگترین راست گفتار، سلام

عَلَیْکَ ایُّهَا الْوَصِیُّ الْبَرُّ التَّقِیُّ، السَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلیَ الْأَرْواحِ الَّتی حَلَّتْ

بر تو ای جانشین نیکوکار پرهیزگار، سلام بر تو و بر ارواحی که در حَرَمت

1- [444]کامل الزیارات، باب 79، صفحه 210، حدیث 7.
2- [445]این مقدّمه در بحار نیامده، ولی در کامل الزیارات آمده است.

بِفِناَّئِکَ، وَاناخَتْ بِرَحْلِکَ، السَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلَی الْمَلائِکَهِ الْحافّینَ بِکَ،

مدفون و مقیمند، سلام بر تو و بر فرشتگانی که برگرد حَرَمت حلقه زده اند،

اشْهَدُ انَّکَ قَدْ اقَمْتَ الصَّلاهَ، وَآتَیْتَ الزَّکاهَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَیْتَ

گواهی می دهم که تو نماز را به پاداشته و زکات دادی و امر به معروف و نهی

عَنِ الْمُنْکَرِ، وَجاهَدْتَ الْمُلْحِدینَ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتّی اتیکَ

از منکر کرده و با بی دینان جهاد نموده و تا وقت شهادت، خدا را پرستش

الْیَقینُ، السَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ.

نمودی، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

آنگاه به سوی قبر مطهّر می روی، وقتی به قبر رسیدی و نزد آن ایستادی دست خود را بر ضریح بگذار و بگو: «

السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ فی ارْضِهِ

» سپس به نماز روی آور و بدان که در مقابل هر رکعتی که نزد آن حضرت بجا می آوری، ثوابهای بسیار عظیمی داری.(1)

***

زیارت چهارم معاویه بن عمّار می گوید: محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم که وقتی به زیارت امام حسین علیه السلام شرفیاب شدم چه بگویم؟ فرمود: بگو:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا ابا عَبْدِاللَّهِ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ یا ابا عَبْدِ اللَّهِ، رَحِمَکَ اللَّهُ یا

سلام بر تو ای اباعبداللَّه، درود خدا بر تو ای اباعبداللَّه، خداوند تو را رحمت کند ای

ابا عَبْدِاللّهِ، لَعَنَ اللّهُ مَنْ قَتَلَکَ، وَلَعَنَ اللّهُ مَنْ شَرِکَ فی دَمِکَ، وَلَعَنَ اللّهُ مَنْ

اباعبداللَّه خداوند قاتلین تو و کسانی که در (ریختن) خون تو شریک شدند و کسانی که

بَلَغَهُ ذلِکَ فَرَضِیَ بِهِ، انَا الَی اللَّهِ مَنْ ذلِکَ بَری ءٌ.(2)

خبر شهادت تو به آنان رسید و خشنود شدند را لعنت کند، من به درگاه خدا از آنان بیزاری می جویم.

***

زیارت پنجم به سند معتبر از ابراهیم بن ابی البلاد نقل شده که می گوید: امام موسی بن جعفر علیه السلام به من فرمود: هرگاه به زیارت امام حسین علیه السلام می روی چه می گویی؟ عرض کردم: می گویم:

1- [446]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 229، حدیث 36 و کامل الزیارات، باب 79، صفحه 205، حدیث 5،(با اندکی تفاوت).
2- [447]کامل الزیارات، باب 79، صفحه 205، حدیث 4.

السَّلامُ عَلَيْکَ يا ابا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اشْهَدُ انَّکَ قَدْ

سلام بر تو ای اباعبداللَّه، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، گواهی می دهم که تو

اقَمْتَ الصَّلاهَ، وَآتَيْتَ الزَّکاهَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ،

نماز را به پاداشته و زکات دادی، و امر به معروف و نهی از منکر کرده

وَدَعَوْتَ الی سَبيلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ، وَاشْهَدُ انَّ الَّذينَ

و با دانایی و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نمودی و گواهی می دهم کسانی که

سَفَکُوا دَمَکَ، وَاسْتَحَلُّوا حُرْمَتَکَ، مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ عَلی لِسانِ داوُدَ

خونت را ریخته و حرمتت را شکستند بر زبان داود و عیسی بن مریم نفرین شده

وَعيسَی بْنِ مَرْيَمَ، ذلِکَ بِما عَصَوْا وَکانُوا يَعْتَدُونَ.

و در عذابند، به خاطر این که نافرمانی کرده و تجاوز کار بودند.

فرمود: آری ! چنین است.(1)

***

زیارت ششم عمّار ساباطی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: وقتی نزد قبر آن حضرت رسیدی بگو:

السَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان، سلام

عَلَيْکَ يَا ابا عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا سَيِّدَ شَبابِ اهْلِ الْجَنَّهِ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ

بر تو ای اباعبداللّه، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای آقا و سرور جوانان اهل بهشت،

وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یامَنْ رِضاهُ مِنْ رِضَی الرَّحْمنِ، وَسَخَطُهُ مِنْ

و سلام بر تو ای که خشنودیش از خشنودی خداوند و آزردگیش از

سَخَطِ الرَّحْمنِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا امینَ اللَّهِ، وَحُجَّةَ اللَّهِ، وَبابَ اللَّهِ،

آزردگی خداوند است، سلام بر تو ای امین و حجّت و درگاه (رحمت) خدا

وَالدَّلیلَ عَلَی اللَّهِ، وَالدَّاعِیَ الَی اللَّهِ، اشْهَدُ انَّکَ قَدْ حَلَّلْتَ حَلالَ اللَّهِ،

و راهنما و دعوت کننده به سوی خدا، گواهی می دهم که تو حلال خدا را حلال و

1- [448]کامل الزیارات، باب 79، صفحه 208، حدیث 6.

وَحَرَّمْتَ حَرامَ اللَّهِ، وَاقَمْتَ الصَّلاهَ، وَآتَیْتَ الزَّکاهَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

حرام خدا را حرام شمرده و نماز به پاداشته و زکات دادی و امر به معروف

وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ، وَدَعَوْتَ الی سَبیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ

و نهی از منکر نموده و با دانایی و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت

الْحَسَنَهِ، وَاشْهَدُ انَّکَ وَمَنْ قُتِلَ مَعَکَ شُهَداءٌ احْیاءٌ عِنْدَ رَبِّکُمْ تُرْزَقُونَ،

نمودی و گواهی می دهم که تو و تمام کسانی که با تو کشته شدند شهید و زنده اند و در نزد پروردگارتان روزی داده می شوید

وَاشْهَدُ انَّ قاتِلَکَ فِی النَّارِ، ادینُ اللَّهَ بِالْبَرآئَهِ مِمَّنْ قَتَلَکَ، وَمِمَّنْ قاتَلَکَ،

و گواهی می دهم که قاتل تو در آتش است، پیروی می کنم از دین خدا به واسطه بی زاری از قاتلین تو و کسانی که به جنگ با تو برخواسته

وَشایَعَ عَلَیْکَ، وَمِمَّنْ جَمَعَ عَلَیْکَ، وَمِمَّنْ سَمِعَ صَوْتَکَ وَلَمْ یُعِنْکَ، یا

و از یکدیگر پشتیبانی کردند و از کسانی که بر علیه تو سپاه آماده کردند و از کسانی که صدایت را شنیدند ولی یاریت نکردند، ای

لَیْتَنی کُنْتُ مَعَکُمْ فَافُوزَ فَوْزاً عَظیماً.(1)

کاش با تو بودم و به رستگاری بزرگ نایل می شدم.

***

زیارت هفتم: (زیارت وارث)

مرحوم «شیخ طوسی» در «مصباح المتهجّد» از صفوان جمّال نقل می کند که می گوید: برای زیارت مولایمان امام حسین علیه السلام از امام صادق علیه السلام رخصت طلبیدم و از او استدعا کردم که دستورالعملی را در زیارت آن حضرت برایم ذکر کند، فرمود: ای صفوان! قبل از حرکت سه

روز روزه بگیر و در روز سوم غسل کن، سپس خانواده خود را جمع نما و بگو: «

اللَّهُمَّ إِنّی اسْتَوْدِعُکَ ...

» (تا آخر. این دعا با مختصر تفاوت در بخش آداب زیارت امام حسین علیه السلام، صفحه 361 گذشت) سپس با آب فرات غسل کن، پدرم از پدرانش، از رسول گرامی صلی الله علیه و آله به من خبر داد که فرمود: این فرزندم امام حسین علیه السلام بعد از من در کنار فرات کشته خواهد شد، پس هر کس پس از غسل با آب فرات، او را زیارت کند گناهانش به گونه ای می ریزد و پاک می شود که گویا تازه از مادر متولّد شده است. آنگاه بعد از ذکر دستوراتی، از جمله گفتن تکبیر و لا اله الاّ اللّه و صلوات بر محمّد وآل محمّد و به خصوص صلوات بر امام حسین علیه السلام و لعنت بر قاتلان آن حضرت، فرمود: چون به دَرِ حرم رسیدی بایست و بگو: اللَّهُ اکْبَرُ کَبِیراً، وَالْحَمْدُللَّهِ کَثِیراً، وَسُبْحَانَ

***************************** خدا بزرگتر از اندیشه و توصیف است، و حمد و ستایش فراوان مخصوص اوست و خداوند پاک و منزّه

ص: 379

1- [449]مستدرک الوسائل، جلد 10، صفحه 304، حدیث 7 و کامل الزیارات، باب 79، صفحه 212، حدیث 9.(با اندکی تفاوت)

اللَّهِ بُكْرَةً وَ اصِيلًا، وَ الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی هَدانَا لِهذا، وَ ما كُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلَا أَنْ

است صبح و شام، حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این درگاه رحمت هدایت کرد که اگر هدایت و راهنمایی او نبود

هَدَانَا اللَّهُ، لَقَدْ جَائَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ* سپس بگو: السَّلامُ عَلَيْکَ يَا

ما هدایت نمی یافتیم، به یقین فرستادگان پروردگار ما، به حق آمدند.****** سلام بر تو ای

رَسُولُ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيکَ يَا نَبِیَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ،

رسول خدا، سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام بر تو ای آخرین پیامبر،

السَّلامُ عَلَيْکَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلامُ

سلام بر تو ای آقا و سرور فرستادگان، سلام بر تو ای حبیب خدا، سلام

عَلَيْکَ يَا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا سَيِّدَالْوَصِيِّينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا

بر تو ای امیرمؤمنان، سلام بر تو ای آقا و سرور جانشینان پیامبر، سلام بر تو ای

قائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، السَّلامُ عَلى فاطِمَةَ(1) سَيِّدَهِ نِساءِ الْعالَمِينَ، السَّلامُ

پیشوای انسانهای بی مانند، سلام بر تو ای فرزند فاطمه، سرور بانوان جهان، سلام

عَلَيْکَ وَ عَلَى الْأَئِمَّهِ مِنْ وُلْدِکَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا وَصِیَّ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ،

بر تو و بر امامان از فرزندانت، سلام بر تو ای جانشین امیرمؤمنان،

السَّلامُ عَلَيْکَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ، أَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلائِكَهَ اللَّهِ

سلام بر تو ای راست گفتار شهید، سلام بر شما ای فرشتگان خدا

الْمُقِيمِينَ فِی هذَا الْمَقامِ الشَّرِيفِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلائِكَهَ رَبِّیَ

که در این بارگاه شریف مقیم هستید، سلام بر شما ای فرشتگان پروردگار من

الْمُحْدِقِینَ بِقَبْرِ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ مِنِّی أَبَداً ما بَقِیتُ

که قبر حسین- که بر او درود باد- را در برگرفته اید، سلام و درود همیشگی من بر شما باد مادامی که هستم

وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهارُ* آنگاه می گویی: السَّلامُ عَلَیْکَ یا اباعَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ

و شب و روز باقی است،********** سلام بر تو ای اباعبداللَّه، سلام

عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، [السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ امِیرِالْمُؤْمِنِینَ (2)، عَبْدُکَ وَابْنُ

بر تو ای فرزند رسول خدا، [سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان ، بنده ات و فرزند

1- [450]در بحار« السلام علیک یابن فاطمه ...» آمده است.
2- [451]این جمله در مصباح نیامده، ولی در بحار آمده است.

عَبْدِکَ وَابْنُ امَتِکَ، الْمُقِرُّ بِالرِّقِّ، وَالتَّارِکُ لِلْخِلافِ عَلَیْکُمْ، وَالْمُوالی

بنده و فرزند کنیزت هستم، اقرار به بندگی دارم، و بدون مخالفت با شما و در حالی که دوستدار

لِوَلِیِّکُمْ، وَالْمُعادی لِعَدُوِّکُمْ، قَصَدَ حَرَمَکَ، وَاسْتَجارَ بِمَشْهَدِکَ، وَ تَقَرَّبَ

دوستان و دشمن دشمنان شمایم (زیارت) حرم شریفت را قصد کرده و به محلّ شهادتت پناه آورده و به این قصد تقرّب

إِلَیْک بِقَصْدِک، ءَأَدْخُلُ یا رَسُولُ اللَّهِ، ءَادْخُلُ یا نَبِیِّ اللَّهِ، ءَادْخُلُ یا

به درگاهت را می طلبم، آیا داخل شوم ای رسول خدا، آیا داخل شوم ای پیامبر خدا، آیا داخل شوم

أَمِیرَالْمُؤْمِنِینَ، ءَادْخُلُ یا سَیِّدَالْوَصِیِّینَ، ءَادْخُلُ یا فاطِمَهُ سَیِّدَهَ نِساءِ

ای امیرمؤمنان، آیا داخل شوم ای آقا و سرور جانشینان، آیا داخل شوم ای فاطمه سرور بانوان

الْعالَمِینَ، ءَادْخُلُ یامَوْلایَ یااباعَبْدِاللَّهِ، ءَادْخُلُ یامَوْلایَ یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ،

جهان، آیا داخل شوم ای مولای من ای اباعبداللّه، آیا داخل شوم ای مولای من ای فرزند رسول خدا.

پس اگر دلت خاشع شد و اشکت سرازیر گردید، بدان که آن نشانه اجازه شرفیابی است، آنگاه داخل شو و بگو: الْحَمْدُللَّهِ الْواحِدِ الْأَحَدِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الَّذِی هَدانِی لِوِلایَتِکَ،

حمد و ستایش مخصوص خداوند یگانه یکتا و تنهای بی نیاز است که مرا به دوستی تو هدایت نمود

وَخَصَّنِی بِزِیارَتِکَ، وَسَهَّلَ لِی قَصْدَکَ* سپس بالای سر می ایستی و می گویی:

و مرا برای زیارتت برگزیده و برایم آسان گردانید************************

السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ صَفْوَهِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ نُوحٍ نَبِیِ

سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر

اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ ابْراهیمَ خَلیلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ

خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث

مُوسی کَلیمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عیسی رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ

موسی هم صحبت خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو

یا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ امیرِ الْمُؤْمِنینَ

ای وارث محمّد حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث امیرمؤمنان ولیّ خدا،

عَلَیْهِ السَّلامُ وَلِیِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفی السَّلامُ

- که درود خدا بر او باد- سلام بر تو ای فرزند محمّد مصطفی، سلام

عَلَیْکَ یَابْنَ عَلِیٍّ الْمُرْتَضی السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ، السَّلامُ

بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سلام

عَلَیْکَ یَابْنَ خَدیجَةَ الْکُبْری السَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَاللَّهِ وَابْنَ ثارِهِ، وَالْوِتْرَ

بر تو ای فرزند خدیجه کبری سلام بر تو ای فرزند کسی که خونخواهتان خداست، و یگانه ای که

الْمَوْتُورُ، اشْهَدُ انَّکَ قَدْ اقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَیْتَ الزَّکاةَ، وَامَرْتَ

انتقام خونش گرفته نشده است، گواهی می دهم که تو نماز را به پا داشته و زکات دادی و امر

بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَیْتَ عَنْ الْمُنْکَرِ، وَاطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتّی اتیکَ الْیَقینُ،

به معروف و نهی از منکر کرده و از خدا و رسولش پیروی نمودی تا به شهادت رسیدی،

فَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً ظَلَمَتْکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً سَمِعَتْ بِذلِکَ

خداوند قاتلین تو و کسانی که به تو ستم کردند و کسانی که این (واقعه) را شنیده و به آن

فَرَضِیَتْ بِهِ، یا مَوْلایَ یا ابا عَبْدِاللَّهِ، اشْهَدُ انَّکَ کُنْتَ نُوراً فِی الْأَصْلابِ

راضی شدند لعنت کند، ای مولای من، ای اباعبداللّه، گواهی می دهم که تو نوری در صلبهای

الشَّامِخَهِ، وَالْأَرْحامِ الْمُطَهَّرَهِ، لَمْ تُنَجِّسْکَ الْجاهِلِیَّةُ بِانْجاسِها، وَلَمْ

بلند مرتبه و رحمهای پاکیزه بودی، که دوران جاهلیّت با ناپاکیهایش تو را آلوده نساخت و

تُلْبِسْکَ مِنْ مُدْلَهِمَّاتِ ثِیابِها، وَاشْهَدُ انَّکَ مِنْ دَعآئِمِ الدّینِ وَارْکانِ

لباسهای آلوده اش تو را نپوشانید، و گواهی می دهم که تو از پایه های دین و تکیه گاه

الْمُؤْمِنينَ، وَاشْهَدُ انَّکَ الْإِمامُ الْبَرُّ التَّقِیُّ، الرَّضِیُّ الزَّکِیُّ، الْهادِی الْمَهْدِیُّ،

مؤمنان هستی و گواهی می دهم که تو پیشوای نیکوکار پرهیزکار و پسندیده پاکیزه و راهنمای هدایت یافته ای،

وَاشْهَدُ انَّ الْأَئِمَّهَ مِنْ وُلْدِکَ کَلِمَهُ التَّقْوی وَاعْلامُ الْهُدی وَالْعُرْوَهُ

و گواهی می دهم که امامان از فرزندان تو اساس پرهیزکاری و نشانه های هدایت و ریسمان

الْوُثْقی وَالْحُجَّهُ عَلی اهْلِ الدُّنْیا، وَاشْهِدُ اللَّهَ وَمَلائِکَتَهُ، وَانْبِیآئَهُ

محکم (هدایت) و حجّت (خدا) بر جهانیان هستند، و خدا و فرشتگان و پیامبران و فرستادگانش را

وَرُسُلَهُ، انّی بِکُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِایابِکُمْ مُوقِنٌ، بِشَرایِعِ دینی وَخَواتیمِ

گواه می گیرم که به شما ایمان دارم و به واسطه قوانین دینم و عواقب عملم به بازگشت شما

عَمَلی وَقَلْبی لِقَلْبِکُمْ سِلْمٌ، وَامْری لِأَمْرِکُمْ مُتَّبِعٌ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ،

مطمئنم، و دلم تسلیم دل شما و عملم پیرو عمل شماست، سلام و درودهای خدا بر شما

ص: 382

وَعَلی ارْواحِکُمْ، وَعَلی اجْسادِکُمْ، وَ عَلی اجْسامِکُمْ، وَ عَلی شاهِدِکُمْ،

و بر ارواح و بدنها و پیکرهای شما و بر حاضر

وَ عَلی غائِبِکُمْ، وَ عَلی ظاهِرِکُمْ، وَ عَلی باطِنِکُمْ* آنگاه (در صورت امکان) قبر را و غایبتان و ظاهر و باطنتان*************

ببوس و بگو: بِابی انْتَ وَامّی یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، بِابی انْتَ وَامّی یا اباعَبْدِاللَّهِ،

******* پدر و مادرم فدایت ای فرزند رسول خدا، پدر و مادرم فدایت ای اباعبداللَّه،

لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِیَّهُ، وَجَلَّتِ الْمُصیبَهُ بِکَ عَلَیْنا، وَعَلی جَمیعِ اهْلِ

به یقین گرفتاری بزرگی پیش آمد و مصیبت تو بر ما و اهل

السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ امَّهً اسْرَجَتْ وَالْجَمَتْ وَتَهَیَّأَتْ لِقِتالِکَ، یا

آسمانها و زمین گران آمد، پس خدا لعنت کند مردمی را که اسبها را زین کرده و لجام زدند و برای جنگ با تو آماده شدند، ای

مَوْلایَ یا ابا عَبْدِاللَّهِ، قَصَدْتُ حَرَمَکَ، وَاتَیْتُ الی مَشْهَدِکَ، اسْئَلُ اللَّهَ

مولای من ای اباعبداللَّه، حرم شریفت را قصد کرده و به محلّ شهادتت آمدم، از خدا می خواهم

بِالشَّأْنِ الَّذی لَکَ عِنْدَهُ، وَبِالْمَحَلِّ الَّذی لَکَ لَدَیْهِ، انْ یُصَلِیَّ عَلی مُحَمَّدٍ

به حقّ منزلت و جایگاهی که نزد او داری، بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ یَجْعَلَنی مَعَکُمْ فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَهِ* سپس برخیز و دو رکعت نماز و خاندان پاکش درود فرستد و مرا در دنیا و آخرت با شما قرار دهد.*******

با حمد و هر سوره ای که خواستی بخوان و وقتی از نماز فارغ شدی، بگو: اللهُمَّ انّی صَلَّیْتُ

خدایا نماز خوانده ***************************

وَرَکَعْتُ وَسَجَدْتُ لَکَ، وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ، لِأَنَّ الصَّلاهَ وَالرُّکُوعَ

و برای تو رکوع و سجود بجای آوردم، تویی که یگانه ای و شریکی نداری، چرا که نماز و رکوع

وَالسُّجُودَ لا یَکُونُ الَّا لَکَ، لِأَنَّکَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، اللهُمَ

و سجود فقط برای توست، چون تویی خدایی که معبودی جز تو نیست، خدایا

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْلِغْهُمْ عَنّی افْضَلَ السَّلامِ وَالتَّحِیَّهِ،

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و بهترین سلام و درود مرا به آنان برسان

وَارْدُدْ عَلَیَّ مِنْهُمُ السَّلامَ، اللهُمَّ وَهاتانِ الرَّکْعَتانِ هَدِیَّهٌ مِنّی الی مَوْلایَ

و سلامشان را به من بازگردان، خدایا این دو رکعت هدیه ای از جانب من به مولا و سرورم

ص: 383

الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ عَلَیْهِمَا السَّلامُ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلَیْهِ، وَتَقَبَّلْ

حسین بن علی- که سلام و درود بر ایشان باد- است، خدایا بر محمّد و بر او درود فرست و از من بپذیر،

مِنّی وَأْجُرْنی عَلی ذلِکَ بِافْضَلِ امَلی وَرَجآئی فیکَ، وَفی وَلِیِّکَ یا

و در مقابل آن پاداشی بهتر از آنچه آرزو داشته و از تو و ولیّت امید دارم را به من عطا فرما، ای

وَلِیَّ الْمُؤْمِنینَ آنگاه برخیز و به پایین پای آن حضرت برو و بالای سر علیّ بن الحسین علیهما السلام (علی سرپرست مؤمنان.***

اکبر) بایست و خطاب به آن حضرت بگو: السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ

******************* سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام

عَلَیْکَ یَابْنَ نَبِیِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ امیرِ الْمُؤْمِنینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ

بر تو ای فرزند پیامبر خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان، سلام بر تو

یَابْنَ الْحُسَیْنِ الشَّهیدِ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الشَّهیدُ وَابْنُ الشَّهیدِ، السَّلامُ

ای فرزند حسین شهید، سلام بر تو ای شهید و فرزند شهید،

عَلَیْکَ ایُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنُ الْمَظْلُومِ، لَعَنَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً

سلام بر تو ای مظلوم و فرزند مظلوم، خداوند مردمی که تو را به شهادت رسانده و به تو

ظَلَمَتْکَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ امَّةً سَمِعَتْ بِذلِکَ فَرَضِیَتْ بِهِ* آنگاه ضریح را ببوس و بگو:

ظلم کردند و مردمی که آن را شنیده و به آن راضی شدند را لعنت کند،***************

السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللّهِ وَابْنَ وَلِیِّهِ، لَقَدْ عَظَمَتِ الْمُصیبَهُ، وَ جَلّتِ الرَّزِیَّهُ

سلام بر تو ای ولّی خدا و فرزند ولیّ خدا، به یقین گرفتاری بزرگی پیش آمد و مصیبت

بِکَ عَلَیْنا، وَعَلی جَمیعِ الْمُسْلِمینَ، فَلَعَنَ اللَّهُ امَّهً قَتَلَتْکَ، وَابْرَءُ الَی اللَّهِ

تو بر ما و همه مسلمانان گران آمد خدا مردمی که تو را به شهادت رساندند لعنت کند و از آنها به درگاه خدا

وَالَیْکَ مِنْهُمْ* سپس متوجّه سایر شهدا شو و بگو: السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اوْلِیآءَ اللَّهِ

و تو بیزاری می جویم،************** سلام بر شما ای اولیا

وَاحِبَّائَهُ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اصْفِیآءَ اللَّهِ وَاوِدَّآئَهُ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا انْصارَ

و دوستداران خدا، سلام بر شما ای برگزیدگان با محبّت و عاشق خدا، سلام بر شما ای یاوران

دینِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا انْصارَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا انْصارَ

دین خدا، سلام بر شما ای یاوران رسول خدا، سلام بر شما ای یاوران

امیرِ الْمُؤْمِنینَ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا انْصارَ فاطِمَهَ سَیِّدَهِ نِساَءِ الْعالَمینَ،

امیرمؤمنان، سلام بر شما ای یاوران فاطمه سرور بانوان جهانیان،

السَّلامُ عَلَیْکُمْ یاانْصارَ ابی مُحَمَّدٍالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْوَلِیِّ النَّاصِحِ، السَّلامُ

سلام بر شما ای یاوران ابی محمّد حسن بن علی آن ولیّ خیر خواه، سلام

عَلَیْکُمْ یا انْصارَ ابی عَبْدِاللَّهِ، بِابی انْتُمْ وَامّی طِبْتُمْ وَطابَتِ الْأَرْضُ الَّتی

بر شما ای یاوران اباعبداللَّه، پدر و مادرم فدای شما باد، پاکیزه گشتید و پاکیزه گردید زمینی که

فیها دُفِنْتُمْ، وَفُزْتُمْ فَوْزاً عَظیماً، فَیا لَیْتَنی کُنْتُ مَعَکُمْ فَافُوزَ مَعَکُمْ.

در آن مدفون شدید و به رستگاری بزرگ نایل گشتید، پس ای کاش با شما بودم تا رستگار می شدم.

آنگاه به بالای سر امام حسین علیه السلام برگرد و برای خود و اهل و اولاد و پدر و مادر و برادران خود، بسیار دعا کن؛ چرا که دعای دعاکننده و سؤال سؤال کننده در آن روضه مطهّره، رد نخواهد شد.(1) یادآوری لازم:

توجّه به این نکته لازم است که بعضی از ناآگاهان جمله هایی از پیش خود به زیارت وارث افزوده اند و این کار در موارد دیگری نیز تکرار شده، در حالی که این گونه بدعتها و اضافات از پیش خود، کاری خطرناک و نزد ائمّه علیهم السلام مردود است و تدریجاً سبب مسخ کلمات آن بزرگواران می شود. بر همین اساس، مرحوم حاج شیخ عبّاس قمی رحمه الله پس از نقل زیارت وارث شکوائیّه مبسوطی را دراین رابطه ابراز می دارد، و در ضمن آن گلایه ای را که استادش مرحوم «حاجی نوری» در کتاب «لؤلؤ و مرجان» در همین ارتباط دارد ذکر نموده، آنگاه به نمونه های متعدّدی از این «اضافات جاهلانه» اشاره می کند و در پایان تحفّظ شدیدی که اصحاب و علمای امامیّه در نقل روایت و صحیح بودن و نبودن آن و اصراری که بر عرضه کردن بعضی از کتابها به بعضی از ائمّه علیهم السلام داشتند را گوشزد می نماید و به همین مناسبت، داستان عرضه کردن «ابوهاشم جعفری» کتاب «یونس بن عبدالرّحمن» را به «امام حسن عسکری علیه السلام» و نیز قصّه عرضه کردن «بورق شنجانی هراتی» کتاب «یوم

ولیله» فضل بن شاذان به آن حضرت را مطرح می سازد و پس از اشاره به دقّتی که خود، در نقل دعاها و زیارات از نسخه های اصلی و عرضه آن بر نسخه های متعدّد داشته، در پایان از «شیخ کلینی» از «عبدالرّحیم قصیر» نقل می کند که خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: فدایت شوم، من از پیش خود دعایی اختراع کرده ام، حضرت فرمود: «رها کن و نسبت به اختراع خود مرا به حالم واگذار» (2) (کنایه از این که لازم نیست آن را برایم نقل کنی، که مردود است).

1- [452]مصباح المتهجّد، صفحه 717 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 197، حدیث 32.
2- [453]کافی، جلد 3، صفحه 476، حدیث 1.

عبداللَّه بن سنان نیز از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «به زودی شبهات، بر شما هجوم می آورد در حالی که راهنما و پیشوایی برای شما نیست؛ در چنین زمانی کسی نجات می یابد که دعای غریق را بخواند» عرض کردم: دعای غریق چیست؟ فرمود می گویی:

«یا اللَّهُ یا رَحْمنُ یا رَحیمُ، یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبی عَلی دینِکَ

» من با اضافه کردن کلمه «

والأبصار»

به این دعا گفتم: «

یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصارِ ثَبِّتْ قَلْبی عَلی دینِکَ

» فرمود: شکّی نیست که خداوند «

مقلّب القلُوب و الْأبصار

» است، ولی آن گونه که من گفتم بگو و همان کافی است. (و چیزی اضافه نکن).(1)

زیارت حضرت اباالفضل، عبّاس بن علی علیهما السلام:

«ابن قولویه» در کتاب «کامل الزیارات» به سند معتبر از ابوحمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: وقتی اراده زیارت قبر حضرت عباس علیه السلام را نمودی، بر دَرِ حرم آن حضرت می ایستی و می گویی:

سَلامُ اللَّهِ وَسَلامُ مَلائِکَتِهِ الْمُقَرَّبینَ وَانْبِیآئِهِ الْمُرْسَلینَ، وَعِبادِهِ

سلام و درود خدا و فرشتگان مقرّب و پیامبران مرسل و بندگان

الصَّالِحینَ، وَجَمیعِ الشُّهَدآءِ وَالصِّدّیقینَ، وَالزَّاکِیاتُ الطَّیِّباتُ، فیما

شایسته او و همه شهیدان و راستگویان و پاکان و پاکیزگان در

تَغْتَدی وَتَرُوحُ، عَلَیْکَ یَابْنَ امیرِالْمُؤْمِنینَ، اشْهَدُ لَکَ بِالتَّسْلیمِ

صبح و شام بر تو باد ای فرزند امیرمؤمنان، گواهی می دهم که تو تسلیم بودی

وَالتَّصْدیقِ، وَالْوَفآءِ وَالنَّصیحَهِ، لِخَلَفِ النَّبِیِّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ

و تصدیق نمودی و وفاداری کرده و خیر خواهی نمودی برای جانشین پیامبر مرسل- که درود خدا بر او و اهل بیت پاکش باد-

الْمُرْسَلِ، وَالسِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ، وَالدَّلیلِ الْعالِمِ، وَالْوَصِّیِ الْمُبَلِّغِ، وَالْمَظْلُومِ

و نوه برگزیده اش و راهنمای دانا و جانشین تبلیغ کننده و ستمدیده ای

الْمُهْتَضَمِ، فَجَزاکَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ امیرِ الْمُؤْمِنینَ، وَعَنِ الْحَسَنِ

که حقّش پایمال شده، پس خداوند از جانب پیامبرش و امیرمؤمنان و امام حسن

وَالْحُسَیْنِ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ، افْضَلَ الْجَزآءِ بِما صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ

و امام حسین- که درود خدا بر آنان باد- بهترین پاداش را به خاطر صبر و در نظر گرفتن خدا

1- [454]مهج الدعوات، صفحه 332 و بحارالانوار، جلد 52، صفحه 148، حدیث 73.

وَاعَنْتَ، فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّکَ،

و یاری کردنت به تو عطا کند چه نیکوست سرانجام سرای جاویدان، خداوند قاتلین تو و کسانی که حقّت را منکر شده

وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ حالَ بَیْنَکَ وَبَیْنَ مآءِ الْفُراتِ، اشْهَدُ

و حرمتت را شکستند و کسانی را که بین تو و آب فرات فاصله شدند لعنت کند، گواهی می دهم

انَّکَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً، وَانَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَکُمْ ما وَعَدَکُمْ، جِئْتُکَ یَابْنَ امیرِ

که تو مظلومانه کشته شدی و به یقین خداوند آنچه را که به شما وعده فرموده عمل خواهد کرد ای فرزند

الْمُؤْمِنینَ، وَافِداً الَیْکُمْ، وَقَلْبی مُسَلِّمٌ لَکُمْ، وَ انَا لَکُمْ تابِعٌ، وَنُصْرَتی لَکُمْ

امیرمؤمنان (به درگاهت) آمده و بر شما وارد شدم و دلم تسلیم و تابع شما و خود نیز پیرو شمایم و برای یاریتان

مُعَدَّةٌ، حَتّی یَحْکُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَیْرُ الْحاکِمینَ، فَمَعَکُمْ مَعَکُمْ لامَعَ عَدُوِّکُمْ،

آماده ام تا زمانی که خدا حکم کند که او بهترین حکم کنندگان است، پس با شمایم با شما، نه با دشمنانتان،

انّی بِکُمْ وَبِاِیابِکُمْ مِنَ الْمُؤْمِنینَ، وَبِمَنْ خالَفَکُمْ وَقَتَلَکُمْ مِنَ الْکافِرینَ،

به یقین من به شما و بازگشتتان ایمان دارم و مخالفین و قاتلین شما را انکار می کنم،

قَتَلَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْکُمْ بِالْأَیْدی وَ الْأَلْسُنِ* سپس داخل حرم مقدّس می شوی و خدا بکشد مردمی را که با دست و زبان شما را کشتند.**********************

می گویی: السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، الْمُطیعُ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ،

***** سلام بر تو ای بنده شایسته و مطیع خدا و رسولش

وَلِأميرِالْمُؤْمِنينَ، وَالْحَسَنِ والْحُسَیْنِ، صَلّی اللّهُ عَلَیْهِمْ وَسَلّمَ، السَّلامُ

و امیرمؤمنان و امام حسن و امام حسین- که درود و سلام خدا بر آنان باد- سلام

عَلَیْکَ وَرَحْمَهُاللَّهِ وَبَرَکاتُهُ [وَمَغْفِرَتُهُ (1) وَرِضْوانُهُ، وَعَلی رُوحِکَ وَبَدَنِکَ،

و درود و رحمت و برکات و بخشش و خشنودی خدا بر تو و بر روح پاک و بدن مطهّرت باد،

اشْهَدُ و اشْهِدُ اللَّهَ انَّکَ مَضَیْتَ عَلی ما مَضی عَلَیْهِ الْبَدْرِیُّونَ،

گواهی می دهم و خدا را گواه می گیرم که تو همان راه مبارزان بدر

وَالْمُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ، الْمُناصِحُونَ لَهُ فی جِهادِ اعْدآئِهِ،

و مجاهدان در راه خدا و خیر خواهان او در جنگ با دشمنانش

1- [455]این کلمه در بحار آمده است.

الْمُبالِغُونَ فی نُصْرَهِ اوْلِیآئِهِ، الذّآبُّونَ عَنْ احِبّآئِهِ، فَجَزاکَ اللَّهُ افْضَلَ

و تلاش کنندگان در یاری دوستانش و حامیان محبّینش را پیمودی، پس خداوند برترین

الْجَزآءِ، وَاکْثَرَ الْجَزآءِ، وَاوْفَرَ الْجَزآءِ، وَاوْفی جَزآءِ احَدٍ مِمَّنْ وَفی

و بیشترین و فراوان ترین و کامل ترین پاداش هر یک از کسانی را که به بیعتش

بِبَیْعَتِهِ، وَاسْتَجابَ لَهُ دَعْوَتَهُ، وَاطاعَ وُلاهَ امْرِهِ، وَاشْهَدُ انَّکَ قَدْ بالَغْتَ فِی

وفا کرده و دعوتش را اجابت نموده واز والیان امرش اطاعت کردند به تو عنایت کند و گواهی می دهم که تو در خیر خواهی

النَّصیحَهِ، وَاعْطَیْتَ غایَهَ الْمَجْهُودِ، فَبَعَثَکَ اللَّهُ فِی الشُّهَدآءِ، وَجَعَلَ

کوشش کرده و نهایت سعی خود را نمودی، پس خداوند تو را با شهیدان محشور گرداند، و روح

رُوحَکَ مَعَ ارْواحِ الشُّهَدآءِ(1)، وَاعْطاکَ مِنْ جِنانِهِ افْسَحَها مَنْزِلًا، وَافْضَلَها

تو را با سعادتمندان قرار دهد، و وسیع ترین جایگاه از بهشت و بهترین خانه را به تو عطا کند،

غُرَفاً، وَرَفَعَ ذِکْرَکَ فی عِلِّیّینَ، وَحَشَرَکَ مَعَ النَّبِیّینَ وَالصِّدّیقینَ،

و نامت را در علییّن بالا برده و تو را با انبیا و راستگویان

وَالشُّهَدآءِ وَالصَّالِحینَ، وَحَسُنَ اولئِکَ رَفیقاً، اشْهَدُ انَّکَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ

و شهیدان و شایستگان محشور کند، که آنها نیکو رفیقانی هستند، گواهی می دهم که تو سستی

تَنْکُلْ، وَانَّکَ مَضَیْتَ عَلی بَصیرَهٍ مِنْ امْرِکَ، مُقْتَدِیاً بِالصَّالِحینَ، وَمُتَّبِعاً

و تنبلی نکردی، و با بصیرت و آگاهی از عاقبت کارت، عمرت را سپری کردی در حالی که به صالحان اقتدا کرده و از پیامبران

لِلنَّبِیّینَ، فَجَمَعَ اللَّهُ بَیْنَنا وَبَیْنَکَ، وَبَیْنَ رَسُولِهِ وَاوْلِیآئِهِ فی

پیروی نمودی، پس خداوند، ما و شما و پیامبر واولیایش را در

مَنازِلِ الْمُخْبِتینَ، فَانَّهُ ارْحَمُ الرَّاحِمینَ.(2)

جایگاه فروتنان گرد هم آورد، که او مهربان ترین مهربانان است.

چند تذکّر:

1- از عبارت «شیخ طوسی» در «تهذیب» به دست می آید که خوب است این زیارت را در پشت سر قبر، رو به قبله بخواند.(3)

1- [456]در بحار« ارواح السُّعداءِ» آمده است.
2- [457]کامل الزیارات، باب 85، صفحه 256، حدیث 1 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 277، حدیث 1.
3- [458]تهذیب، جلد 6، صفحه 66.

2- «شیخ مفید» وعدّه ای دیگرمی گویند: پس از زیارت فوق به بالاسرآن حضرت می روی و دو رکعت نماز می خوانی وپس ازآن، باز هم هر چه خواهی نماز بجای می آوری وخدا را بسیار می خوانی وسپس می گویی:

اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تَدَعْ لی فی هذَا الْمَکانِ الْمُکَرَّمِ،

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و در این مکان گرامی

وَالْمَشْهَدِ الْمُعَظَّمِ، ذَنْباً الَّا غَفَرْتَهُ، وَلا هَمّاً الَّا فَرَّجْتَهُ، وَلا کَرْباً الَّا

و شهادتگاه با عظمت مرا به حال خود وا مگذار، مگر این که گناهانم را بیامرزی و اندوهم را برطرف کرده و گرفتاریم را

کَشَفْتَهُ، وَلا مَرَضاً الَّا شَفَیْتَهُ، وَلا عَیْباً الَّا سَتَرْتَهُ، وَلارِزْقاً الَّا بَسَطْتَهُ،

حل نمایی و بیماریم را شفا دهی و عیبم را بپوشانی و روزیم را زیاد کنی

وَلا خَوْفاً الَّا آمَنْتَهُ، وَلا شَمْلاً الَّا جَمَعْتَهُ، وَلاغآئِباً الَّا حَفِظْتَهُ وَادَّیْتَهُ،

و ترسم را ایمنی بخشی، و پراکندگی ام را گردآوری، و مسافرم را حفظ کرده و دیدارش را نزدیک گردانی

وَلاحاجَةً مِنْ حَوآئِجِ الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ، لَکَ فیها رِضِیً وَلِیَ فیها صَلاحٌ

و حاجتهای دنیا و آخرتم را که رضایت تو و خیر صلاح من

الَّا قَضَیْتَها، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ* آنگاه پایین پای آن حضرت رو به ضریح می ایستی و در آن است برآوری، ای مهربان ترین مهربانان****************************

می گویی: السَّلامُ عَلَیْکَ یا ابَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسَ ابْنَ امیرِ الْمُؤْمِنینَ، السَّلامُ

**** سلام بر تو ای ابوالفضل عبّاس فرزند امیرمؤمنان، سلام

عَلَیْکَ یَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ اوَّلِ الْقَوْمِ اسْلاماً،

بر تو ای فرزند آقا و سرور جانشینان، سلام بر تو ای فرزند اوّلین مسلمان

وَاقْدَمِهِمْ ایماناً، وَاقْوَمِهِمْ بِدینِ اللّهِ، وَاحْوَطِهِمْ عَلَی الْإِسْلامِ، اشْهَدُ لَقَدْ

و پیش قدم در ایمان و استوارترین مردم در دین خدا و محتاطترین آنها در احکام اسلام، گواهی می دهم که

نَصَحْتَ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَخیکَ، فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُواسی فَلَعَنَ اللَّهُ امَّهً

تو برای خدا و رسولش و برادرت خیرخواهی کردی، پس برادر بسیار غمخواری بودی، خداوند مردمی که

قَتَلَتْکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّهً ظَلَمَتْکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّهً اسْتَحَلَّتْ مِنْکَ الْمَحارِمَ،

تو را به قتل رسانده و بر تو ظلم کرده و حُرمتت را حلال شمردند

ص: 389

وَانْتَهَکَتْ فِیکَ حُرْمَهَ الْإِسْلامِ، فَنِعْمَ الصَّابِرُ الْمُجاهِدُ الْمُحامِی النَّاصِرُ،

و حُرمت اسلام را شکستند، لعنت کند، پس چه نیکو صبر کننده و جهاد کننده و حمایت کننده و یاوری کننده ای بودی،

وَالْأَخُ الدَّافِعُ عَنْ اخیهِ، الْمُجیبُ الی طاعَهِ رَبِّهِ، الرَّاغِبُ فیما زَهِدَ فیهِ

و چه نیکو برادری که مدافع برادرش بود و اجابت کننده اطاعت پروردگارش. تو به پاداش فراوان

غَیْرُهُ مِنَ الثَّوابِ الْجَزیلِ، وَالثَّنآءِ الْجَمیلِ، فَالْحَقَکَ اللَّهُ بِدَرَجَهِ آبآئِکَ

و ستایش زیبایی که دیگران از آن کناره گیری می کردند مشتاق بودی، خداوند تو را به جایگاه پدرانت

فی دار النَّعیمِ، اللهُمَّ انّی تَعَرَّضْتُ لِزِیارَهِ اوْلِیآئِکَ رَغْبَهً فی ثَوابِکَ،

در بهشت برساند. خدایا به زیارت دوستانت آمده ام به خاطر اشتیاق به پاداش

وَرَجآءً لِمَغْفِرَتِکَ وَجَزیلِ احْسانِکَ، فَاسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و امید به آمرزش و احسان فراوانت، پس از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان

الطَّاهِرینَ، وَانْ تَجْعَلَ رِزْقی بِهِمْ دآرّاً، وَعَیْشی بِهِمْ قآرّاً، وَزِیارَتی بِهِمْ

پاکش دررود فرستی و روزیم را به خاطر آنان فراوان گردانده و خوشیم را پایدار و زیارتم را

مَقْبُولَهً، وَحَیاتی بِهِمْ طَیِّبَهً، وَادْرِجْنی ادْراجَ الْمُکْرَمینَ، وَاجْعَلْنی مِمَّنْ

مقبول و زندگیم را پاکیزه گردانی، و مرا در میان گرامی داشتگان و از کسانی که

یَنْقَلِبُ مِنْ زِیارَهِ مَشاهِدِ احِبَّآئِکَ مُنْجِحاً، قَدِ اسْتَوْجَبَ غُفْرانَ الذُّنُوبِ،

از زیارت قبور دوستانت رستگار باز می گردند، قرار دهی، آن چنان که موجب بخشش گناهان

وَسَتْرَ الْعُیُوبِ، وَکَشْفَ الْکُرُوبِ، انَّکَ اهْلُ التَّقْوی وَاهْلُ الْمَغْفِرَهِ.(1)

و پوشش عیبها و برطرف شدن گرفتاریها گردد که تو شایسته پرهیزگاری و آمرزشی.

3- برای وداع با آن بزرگوار «ابن قولویه» از ابوحمزه ثمالی نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگام وداع با عبّاس علیه السلام بگو:

اسْتَوْدِعُکَ اللَّهَ وَاسْتَرْعیکَ، وَاقْرَءُ عَلَیْکَ السَّلامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ

به خدا می سپارمت و خواستار حفظ توام، بر تو سلام می فرستم، به خدا و رسول

وَبِکِتابِهِ، وَبِما جاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، اللهُمَّ اکْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدینَ، اللهُمَّ لا

و کتابش و آنچه که از نزد او آورده ایمان دارم، خدایا مرا در زمره گواهان قرار ده، خدایا

ص: 390

1- [459]مزار مفید، صفحه 123 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 218.(با اندکی تفاوت)

تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَهِ قَبْرِ ابْنِ اخی نَبِیّکَ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ،

این زیارت را آخرین زیارت من از قبر فرزند برادر پیغمبرت- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- قرار مده

وَارْزُقْنی زِیارَتَهُ ابَداً ما ابْقَیْتَنی وَاحْشُرْنی مَعَهُ وَ مَعَ آبآئِهِ فِی الْجِنانِ،

و زیارت او را مادامی که زنده ام نصیبم گردان و مرا با او و اجداد پاکش در بهشت محشور کن،

وَعَرِّفْ بَیْنی وَبَیْنَهُ وَبَیْنَ رَسُولِکَ وَاوْلِیآئِکَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

و مرا با او و رسول و اولیایت آشنا بگردان. خدایا بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَوَفَّنی عَلَی الْإیمانِ بِکَ، وَالتَّصْدیقِ بِرَسُولِکَ، وَالْوِلایَهِ

و خاندان پاکش درود فرست و مرا بر ایمان به خودت و اعتقاد به رسولت و ولایت

لِعَلیِّ بْنِ ابیطالِبٍ، وَالْأَئِمَّهِ مِنْ وُلْدِهِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ، وَالْبَرآئَهِ مِنْ

علی بن ابیطالب و امامان از فرزندانش- که بر آنان درود و سلام باد- و به بیزاری از

عَدُوِّهِمْ، فَانّی قَدْ رَضیتُ بِذلِکَ یا رَبِّ.

دشمنانشان بمیران که من به این کار راضیم ای پروردگار من.

سپس برای خود و والدین خود و مؤمنین و مسلمین هر دعایی را که خواستی بکن.(1) 4- در عظمت و مقام حضرت عبّاس علیه السلام همین بس که امام سجّاد (سلام اللّه علیه) فرمود: «خدا رحمت کند عباس را که برادرش را بر خود مقدّم داشت و جان خویش را فدای حضرتش نمود، به گونه ای که در یاری او دو دستش را قطع کردند، و خدای سبحان در عوض آن، دو بال به او عنایت فرمود که مانند جعفر بن ابی طالب (جعفر طیّار) در بهشت پرواز می کند و از برای عبّاس در نزد خدا روز قیامت منزلت و مقامی است که جمیع شهدا به آن غبطه می خورند (و آرزوی مقام او را می نمایند)».(2) 5- در تاریخ، عمر آن حضرت در وقت شهادت، 34 سال

نقل شده است 462] و نیز آمده است که مادرش امّ البنین در بیرون مدینه در قبرستان بقیع، چنان در ماتم عبّاس و برادرانش نُدبه و گریه می کرد که هر عابر و شاهدی گریان می شد، حتّی بزرگترین دشمن خاندان نبوّت «مروان بن الحکم» وقتی از کنار امّ البنین گذشت در اثر گریه او گریست.(3) این اشعار در مرثیه عباس و برادرانش از امّ البنین نقل شده:

یا مَنْ رَای الْعَبَّاسَ کَرَّ عَلی جَماهیرِ النَّقَدِوَوَراهُ مِنْ ابْنآءِ حَیْدَرَ کُلُّ لَیْثٍ ذی لَبَدٍ

ای که دیدی عباس را که بر گروه فرومایگان حمله می بردر حالی که فرزندان حیدر مانند شیر یالدار به دنبال اویند

ص: 391

1- [460]کامل الزیارات، باب 86، صفحه 258، حدیث 1.
2- [461]خصال، جلد 1، صفحه 68، حدیث 101.
3- [463]بحارالانوار، جلد 45، صفحه 40.

انْبِئْتُ انَّ ابْنی اصیبَ بِرَاْسِهِ مَقْطُوعَ یَدٍوَیْلی عَلی شِبْلی امالَ بِرَاْسِهِ ضَرْبُ الْعَمَدِ

شنیدم که وقتی پسرم دست نداشت به سرش ضربه زدندوای بر من که سر فرزند شجاعم از ضرب عمود خم شد

لَوْ کانَ سَیْفُکَ فی یَدَیْکَ لَما دَنی مِنْهُ احَدٌ(1)

اگر شمشیر در دستت بود کسی جرأت نزدیک شدن نداشت

و نیز این ابیات منسوب به آن بانوی مخدّره است:

لا تَدْعُوَنّی وَیْکِ امَّ الْبَنینَ تُذَکِّرینی بِلُیُوثِ الْعَرینِ

دیگر مرا مادر پسران نخوانیدکه مرا به یاد شیران بیشه می اندازد

کانَتْ بَنُونَ لِیَ ادْعی بِهِمْ وَالْیَوْمَ اصْبَحْتُ وَلا مِنْ بَنینَ

پسرانی داشتم که مرا به آنها می خواندندولی امروز دیگر پسری ندارم

ارْبَعَهٌ مِثْلُ نُسُورِالرُّبی قَدْ واصَلُوا الْمَوْتَ بِقَطْعِ الْوَتینِ

چهار تن مانند باز کوهستان که با بریده شدن رگ حیات به مرگ پیوستند

تَنازَعَ الْخِرْصانُ اشْلائَهُمْ فَکُلُّهُمْ امْسی صَریعاً طَعینِ

بر پیکرشان نیزه ها به هم افتادندو همگی با تن مجروح به خاک افتادند

یا لَیْتَ شِعْری اکَما اخْبَرُوابِانَّ عَبَّاساً قَطیعُ الْیَمینِ [465

ای کاش می دانستم که آیا حقیقت داردکه دست راست عبّاس جدا شد؟

6- «سیّد بن طاووس» در کتاب «اقبال» زیارتی را از ناحیه مقدّسه حضرت حجّت (سلام اللّه علیه) برای علی اکبر علیه السلام و سایر شهدای کربلا با ذکر نام و بعضی از خصوصیّات تک تک آنها ذکر کرده که علاقمندان برای اطّلاع، می توانند به اقبال، یا بحارالانوار رجوع کنند.(2)

زیارات مخصوصه امام حسین علیه السلام از نزدیک

زیاراتی که مخصوص زمان خاصّی است، نیز برای امام حسین علیه السلام نقل شده که عبارتند از:

زیارت در شبها و روزهای مخصوص

1- زیارت عاشورا

اشاره

برای روز عاشورا زیارات متعدّدی نقل شده که در بخش های آینده این کتاب (بخش اعمال ماه ها) به

1- [464]مقتل ابومخنف، صفحه 181.
2- [466]اقبال، صفحه 573 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 269.

مناسبت بیانِ اعمالِ روز دهم ماه محرّم (روز عاشورا) بعضی از این زیارات ذکر خواهد شد. در این بخش (بخش زیارات) نیز به تناسب فصل زیارات مخصوصه امام حسین علیه السلام به بعضی زیارات دیگر اشاره می شود، لیکن قبل از بیان این زیارت، شایسته است به اهمّیّت و آثار فراوانی که زیارت قبر امام حسین علیه السلام از نزدیک، یا دور در این روز غم انگیز و حزن آفرین دارد، اشاره گردد:

1- جابر جعفی می گوید: روز عاشورا بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، به من فرمود: «کسی که شب عاشورا نزد قبر امام حسین علیه السلام بیتوته کند، روز قیامت در حالی که به خونش آغشته است و گویا با امام حسین علیه السلام در یک میدان شهید شده، محشور می شود».(1)
2- کسی که روز عاشورا امام حسین علیه السلام را زیارت کند بهشت بر او واجب می شود.(2) 3- کسی که روز عاشورا نزد قبر امام حسین علیه السلام به یاد آن حضرت، زوّارش را سیراب کند مثل کسی است که به لشکر امام حسین آب داده و در آن میدان حاضر بوده است.(3) یادآوری: جناب علقمه، از تکلیف کسانی که توفیق زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا برای آنان فراهم نیست سؤال می کند که به ضمیمه جواب امام علیه السلام در قسمت «زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور» خواهد آمد؛ إن شاءاللَّه. (صفحه 432)

سند زیارت معروف عاشورا:

جناب علقمه از امام باقر علیه السلام زیارتی را نقل می کند که هر جا از زیارت عاشورا و آثار و برکات آن چیزی گفته شده و یا می شود، مقصود همین زیارت است. این زیارت که می توان از دور و نزدیک آن را خواند از آثار و برکات فوق العاده ای برخوردار است که ما برای نشان دادن اهمّیّت آن نکاتی را مورد اشاره قرار می دهیم:

الف) سند این روایت اختصاص به علقمه ندارد بلکه به سه طریق دیگر نیز نقل شده است:

1- محمّد بن اسماعیل از صالح بن عقبه از مالک جهنی از امام باقر علیه السلام.(4) 2- محمّد بن اسماعیل از صالح بن عقبه از پدرش از امام باقر علیه السلام.(5) 3- روایت معروف صفوان از امام صادق علیه السلام.(6)

1- [467]كامل الزيارات، باب 71، صفحه 173، حديث 1.
2- [468]همان مدرک، صفحه 174، حديث 2.
3- [469]همان مدرک، حديث 5 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 15، حديث 14.
4- [470]كامل الزيارات، باب 71، حديث 7 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 290، حديث 1.
5- [471]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 293، حديث 2.
6- [472]همان مدرک، صفحه 296- 300.

البتّه لازم به ذکر است، در اسنادی که به امام باقر علیه السلام منتهی می شود زیارت عاشورا بدون دعا نقل شده است؛ امّا در سند صفوان که به امام صادق علیه السلام منتهی می شود، دعایی نیز برای بعد از زیارت ذکر شده که- همان گونه که گذشت- به اشتباه به نام «دعای علقمه» مشهور شده است در حالی که صحیح این بود که به «دعای صفوان» نامگذاری می شد.

ب) در فضیلت این زیارت همین بس که بر خلاف سایر زیارات که از معصومین علیهم السلام نقل شده، این زیارت به شکل حدیث قدسی روایت شده است، یعنی ائمّه هدی علیهم السلام آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که جبرئیل امین آن را از سوی خداوند برای او آورده است.

اضافه بر این که طبق روایتی از امام صادق علیه السلام، آن حضرت و اجداد معصومش علیهم السلام ضمانت کرده اند هر کس این زیارت را و دعای بعد از آن را بخواند، زیارتش مقبول درگاه خداوند و دعایش مستجاب و اهل بهشت خواهد بود و حتّی شفاعتش در حقّ دیگران پذیرفته خواهد شد.(1) ج) این که مشاهده می شود بعضی از متدیّنین و عاشقان امام حسین علیه السلام، هر روز این زیارت را می خوانند و بر مداومت بر آن اصرار می ورزند بی جهت نیست؛ چون «ابن قولویه» در پایان روایت علقمه، از خود علقمه نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر توان داری که هر روز امام حسین علیه السلام را با این زیارت، زیارت کنی، چنین کن که تمام آنچه از ثواب گفته شد برایت نوشته می شود ان شاء اللّٰه تعالی».(2) البتّه با توجّه به این که در روایت علقمه، دعای بعد از زیارت، وجود ندارد لذا از سنگینی مداومت بر این زیارت، کاسته می شود.

د) از بعضی از قضایا نیز به دست می آید که ادامه دادن بر این زیارات، آثار و برکات ویژه ای را به دنبال دارد، حتّی سبب می شود که دوستان و همسایگان چنین کسی، مشمول برکات و نتایج آن گردند و الطاف الهی شامل حال آنها شود.

ه) قابل توجّه این که در پایان این روایت آمده است: «ای صفوان! هرگاه حاجتی به تو روی آورد با این زیارت در هر مکانی که هستی زیارت کن و این دعا را بخوان و حاجتت را بخواه که از جانب خدا برآورده خواهد شدوخداوند از وعده جود و بخششی که به رسولش داد تخلّف نمی کند و

الحمدللّه».(3) خلاصه هر قدر در فضیلت این زیارت گفته شود کم است، ولی نباید فراموش کرد که شرطِ گرفتن نتیجه آن است که محتوای زیارت را درک کند و در مسیر آن حرکت نماید.

1- [473]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 300 و مصباح المتهجّد، صفحه 781.
2- [474]کامل الزیارات، باب 71، صفحه 179، قسمت پایانی حدیث 9.
3- [475]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 300.

متن زیارت عاشورا:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا اباعَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، [السَّلامُ عَلَیْکَ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، [سلام بر تو

یا خِیَرَهَ اللَّهِ وَابْنَ خِیَرَتِهِ (1)، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ امیرِ الْمُؤْمِنینَ، وَابْنَ سَیِّدِ

ای فرزند و فرزند برگزیده اش سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان و فرزند آقای

الْوَصِیّینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ فاطِمَهَ سَیِّدَهِ نِسآءِ الْعالَمینَ، السَّلامُ

اوصیا، سلام بر تو ای فرزند فاطمه بانوی زنان جهانیان، سلام

عَلَیْکَ یا ثارَ اللَّهِ وَابْنَ ثارِهِ، وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ، السَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلَی

بر تو ای که خدا خونخواهیش کند و فرزند چنین کسی و ای کشته ای که انتقام کشته گانت را نگرفتی، سلام بر تو و بر

الْأَرْواحِ الَّتی حَلَّتْ بِفِنآئِکَ، عَلَیْکُمْ مِنّی جَمیعاً سَلامُ اللَّهِ ابَداً ما بَقیتُ

روان هایی که فرود آمدند به آستانت، بر شما همگی از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من برجایم

وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ، یا اباعَبْدِاللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِیَّهُ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ

و برجاست شب و روز، ای ابا عبداللّه، به راستی بزرگ شد سوگواری تو و گران و عظیم گشت

الْمُصیبَهُ بِکَ عَلَیْنا وَعَلی جَمیعِ اهْلِ الْإِسْلامِ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ

مصیبت تو بر ما و بر همه اهل اسلام و گران و عظیم گشت

مُصیبَتُکَ فِی السَّمواتِ، عَلی جَمیعِ اهْلِ السَّمواتِ، فَلَعَنَ اللَّهُ امَّهً

مصیبت تو در آسمان ها بر همه اهل آسمان ها، پس خدا لعنت کند مردمی را که

اسَّسَتْ اساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَیْکُمْ اهْلَ الْبَیْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّهً دَفَعَتْکُمْ

ریختند شالوده ستم و بیدادگری را بر شما خاندان و خدا لعنت کند مردمی را که کنار زدند شما را

عَنْ مَقامِکُمْ، وَازالَتْکُمْ عَنْ مَراتِبِکُمُ الَّتی رَتَّبَکُمُ اللَّهُ فیها، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّهً

از مقام مخصوصتان و دور کردند شما را از آن مرتبه هایی که خداوند آن رتبه ها را به شما داده بود و خدا لعنت کند مردمی که

قَتَلَتْکُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدینَ لَهُمْ بِالتَّمْکینِ مِنْ قِتالِکُمْ، بَرِئْتُ الَی اللَّهِ

شما را کشتند و خدا لعنت کند آنان که تهیه اسباب کردند برای آنها تا توانستند با شما بجنگند، بیزاری جویم به سوی خدا

وَالَیْکُمْ مِنْهُمْ، وَمِنْ اشْیاعِهِمْ وَاتْباعِهِمْ وَاوْلِیآئِهِم، یا اباعَبْدِاللَّهِ انّی سِلْمٌ

و به سوی شما از ایشان و از پیروان و دنبال روندگانشان و دوستانشان، ای اباعبداللّه من تسلیمم و در صلحم

1- [476]آنچه داخل پرانتز آمده، در مصباح المتهجّد نیامده است، ولی در بعضی از نسخه ها آمده است.

لِمَنْ سالَمَکُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ الی یَوْمِ الْقِیامَهِ، وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِیادٍ

با کسی که با شما در صلح است و در جنگم با هر کس که با شما در جنگ است تا روز قیامت و خدا لعنت کند خاندان زیاد

وَآلَ مَرْوانَ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَنی امَیَّهَ قاطِبَهً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجانَهَ، وَلَعَنَ اللَّهُ

و خاندان مروان را و خدا لعنت کند بنی امیه را همگی و خدا لعنت کند فرزند مرجانه (ابن زیاد) را و خدا لعنت کند

عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْراً، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّهً اسْرَجَتْ وَالْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ

عمر فرزند سعد را و خدا لعنت کند شمر را و خدا لعنت کند مردمی را که اسب ها را زین کردند و دهنه زدند و به راه افتادند

لِقِتالِکَ، بِابی انْتَ وَامّی لَقَدْ عَظُمَ مُصابی بِکَ، فَاسْئَلُ اللَّهَ الَّذی اکْرَمَ

برای پیکار با تو پدر و مادرم بفدایت که براستی بزرگ شد مصیبت تو بر من پس می خواهم از آن خدایی که گرامی داشت

مَقامَکَ وَاکْرَمَنی بِکَ، انْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثارِکَ مَعَ امامٍ مَنْصُورٍ مِنْ اهْلِ

مقام تو را و گرامی داشت مرا به خاطر تو که روزیم گرداند خونخواهی تو را در رکاب آن امام یاری شده از خاندان

بَیْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، اللهُمَّ اجْعَلْنی عِنْدَکَ وَجیهاً بِالْحُسَیْنِ

محمّد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- خدایا قرار ده مرا نزد خودت آبرومند بوسیله حسین

عَلَیْهِ السَّلامُ فِی الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ، یا ابا عَبْدِاللَّهِ، انّی اتَقَرَّبُ الی اللَّهِ وَالی

- که بر او سلام باد- در دنیا و آخرت، ای ابا عبداللّه من تقرّب جویم به درگاه خدا و پیشگاه

رَسُولِهِ، وَالی امیرِالْمُؤْمِنینَ وَ الی فاطِمَهَ، وَالَی الْحَسَنِ وَالَیْکَ

رسولش و امیرمؤمنان و فاطمه و حسن و شما

بِمُوالاتِکَ، وَبِالْبَرآئَهِ [مِمَّنْ قاتَلَکَ وَ نَصَبَ لَکَ الْحَرْبَ، وَ بِالْبَرائَهِ مِمَّنْ

بوسیله دوستی تو و بوسیله بیزاری [از کسی که با تو مقاتله کرد و جنگ با تو را برپا کرد و به بیزاری جستن از کسی که

اسَّسَ اساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَیْکُمْ، وَابْرَءُ الَی اللَّهِ وَ الی رَسُولِهِ (1) مِمَّنْ

شالوده ستم و ظلم بر شما را ریخت و بیزاری جویم به سوی خدا و به سوی رسولش از کسی که

اسَسَّ اساسَ ذلِکَ، وَبَنی عَلَیْهِ بُنْیانَهُ، وَجَری فی ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَیْکُمْ،

پی ریزی کرد شالوده این کار را و پایه گذاری کرد بر آن بنیانش را و دنبال کرد ظلم و ستمش را بر شما

وَعلی اشْیاعِکُمْ، بَرِئْتُ الَی اللَّهِ وَالَیْکُمْ مِنْهُمْ، وَاتَقَرَّبُ الَی اللَّهِ، ثُمَّ الَیْکُمْ

و بر پیروان شما، بیزاری جویم به درگاه خدا و به پیشگاه شما از ایشان و تقرّب جویم به سوی خدا سپس به شما بوسیله

1- [477]متن داخل پرانتز در بعضی از نسخه های مصباح شیخ طوسی نیامده است.

بِمُوالاتِكُمْ وَمُوالاهِ وَلِيِّكُمْ، وَبِالْبَرآئَهِ مِنْ اعْدآئِكُمْ وَالنَّاصِبينَ لَكُمُ

دوستيتان و دوستى دوستان شما و به بيزارى از دشمنانتان و برپا كنندگان (و آتش افروزان) جنگ

الْحَرْبَ، وَبِالْبَرآئَهِ مِنْ اشْياعِهِمْ وَاتْباعِهِمْ، انّى سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ،

با شما و به بيزارى از ياران و پيروانشان، من در صلح و سازشم با كسى كه با شمادر صلح است،

وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ، وَوَلِىٌّ لِمَنْ والاكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداكُمْ، فَاسْئَلُ

و در جنگم با كسى كه با شما در جنگ است و دوستم با كسى كه شما را دوست دارد و دشمنم با كسى كه شما را دشمن دارد ودرخواست كنم

اللَّهَ الَّذى اكْرَمَنى بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَهِ اوْلِيآئِكُمْ، وَرَزَقَنِى الْبَرآئَهَ مِنْ

از خدايى كه مرا گرامى داشت بوسيله معرفت شما و معرفت دوستانتان و روزيم كند بيزارى جستن از

اعْدآئِكُمْ، انْ يَجْعَلَنى مَعَكُمْ فِى الدُّنْيا وَالْأخِرَهِ، وَانْ يُثَبِّتَ لى عِنْدَكُمْ

دشمنانتان را، به اين كه قرار دهد مرا با شما در دنيا و آخرت و پابرجا دارد براى من در پيش شما

قَدَمَ صِدْقٍ فِى الدُّنْيا وَالْأخِرَهِ، وَاسْئَلُهُ انْ يُبَلِّغَنِى الْمَقامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ

گام راست و درستى (و ثبات قدمى) در دنيا و آخرت و از او خواهم كه برساند مرا به مقام پسنديده

عِنْدَاللَّهِ، وَ انْ يَرْزُقَنى طَلَبَ ثارى مَعَ امامٍ هُدىً ظاهِرٍ ناطِقٍ بِالْحَقِ

شما در پيش خدا و روزيم كند خونخواهى شما را با امام راهنماى آشكار گوياى به حق كه

مِنْكُمْ 478]، وَاسْئَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّاْنِ الَّذى لَكُمْ عِنْدَهُ، انْ يُعْطِيَنى

از شما (خاندان) است و از خدا خواهم به حقّ شما و بدان منزلتی که شما نزد او دارید که عطا کند به من

بِمُصابی بِکُمْ افْضَلَ ما یُعْطی مُصاباً بِمُصیبَتِهِ، مُصیبَةً ما اعْظَمَها وَاعْظَمَ

بوسیله مصیبتی که از ناحیه شما به من رسیده بهترین پاداشی را که می دهد به یک مصیبت زده از مصیبتی که دیده، براستی چه مصیبت بزرگی و چه داغ

رَزِیَّتَها فِی الْإِسْلامِ، وَفی جَمیعِ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، اللهُمَّ اجْعَلْنی

گرانی بود در اسلام و در تمام آسمانها و زمین، خدایا چنانم کن

فی مَقامی هذا مِمَّنْ تَنالُهُ مِنْکَ صَلَواتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ، اللهُمَّ اجْعَلْ

در این جا که ایستاده ام از کسانی باشم که برسد بدو از ناحیه تو درود و رحمت و آمرزشی، خدایا قرار ده

مَحْیایَ مَحْیا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَماتی مَماتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

زندگیم را زندگی محمّد و آل محمّد و مرگم را مرگ محمّد و آل محمّد،

ص: 397

اللَّهُمَّ انَّ هذا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو امَيَّهَ، وَابْنُ آكِلَهِ الْأَكبادِ، اللَّعينُ ابْنُ

خدایا این روز روزی است که مبارک و میمون دانستند آن را بنی امیّه و پسر آن زن جگرخوار (معاویه)، آن ملعون پسر

اللَّعینِ، عَلی لِسانِکَ وَلِسانِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، فی کُلِّ مَوْطِنٍ

ملعون (که لعن شده) بر زبان تو و زبان پیامبرت- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- در هر جا

وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فیهِ نَبِیُّکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، اللهُمَّ الْعَنْ ابا سُفْیانَ

و هر مکانی که توقّف کرد در آن مکان پیامبرت- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- خدایا لعنت کن ابوسفیان

وَمُعوِیَهَ وَ یَزیدَ بْنَ مُعاوِیَهَ، عَلَیْهِمْ مِنْکَ اللَّعْنَهُ ابَدَ الْأبِدینَ، وَهذا یَوْمٌ

و معاویه و یزید فرزند معاویه را که لعنت بر ایشان باد از جانب تو برای همیشه و این روز روزی است که

فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِیادٍ وَآلُ مَرْوانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَیْنَ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِ، اللهُمَ

شادمان شدند به این روز دودمان زیاد و دودمان مروان به خاطر کشتنشان حضرت حسین را، خدایا

فَضاعِفْ عَلَیْهِمُ اللَّعْنَ مِنْکَ وَالْعَذابَ، اللهُمَّ انّی اتَقَرَّبُ الَیْکَ فی هذَا

پس چندین برابر کن بر آنها لعنت خود و عذاب دردناک را، خدایا من تقرّب جویم به سوی تو در این

الْیَوْمِ، وَفی مَوْقِفی هذا وَایَّامِ حَیاتی بِالْبَرآئَهِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَهِ عَلَیْهِمْ،

روز و در این جایی که هستم و در تمام دوران زندگیم به بیزاری جستن از اینها و لعنت فرستادن بر ایشان

وَبِالْمُوالاتِ لِنَبِیِّکَ وَ آلِ نَبِیِّکَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ سپس صد مرتبه می گویی:

و بوسیله دوست داشتن پیامبرت و خاندان پیامبرت که بر او و بر ایشان سلام باد****************

اللَّهُمَّ الْعَنْ اوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ تابِعٍ لَهُ عَلی

خدایا لعنت کن نخستین ستمگری را که به زور گرفت حق محمّد و آل محمّد را و آخرین کسی که او را در این زور و ستم پیروی

ذلِکَ، اللهُمَّ الْعَنِ الْعِصابَهَ الَّتی جاهَدَتِ الْحُسَیْنَ، وَشایَعَتْ وَبایَعَتْ

کرد، خدایا لعنت کن بر گروهی که پیکار کردند با حسین و همراهی کردند و پیمان بستند

وَتابَعَتْ عَلی قَتْلِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمیعاً* آنگاه صد مرتبه می گویی: السَّلامُ

و از هم پیروی کردند برای کشتن آن حضرت، خدایا لعنت کن همه آنها را************** سلام

عَلَیْکَ یا اباعَبْدِاللَّهِ، وَعَلَی الْأَرْواحِ الَّتی حَلَّتْ بِفِنآئِکَ، عَلَیْکَ مِنّی سَلامُ

بر تو ای ابا عبداللّه و بر روانهایی که فرود آمدند به آستانت، بر تو از جانب من سلام

اللَّهِ ابَداً ما بَقیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ، وَلا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّی

خدا باد همیشه تا من زنده ام و برپاست شب و روز و قرار ندهد این زیارت را خداوند آخرین بار زیارت من

ص :398

لِزِیارَتِکُمْ 479]، السَّلامُ عَلَی الْحُسَیْنِ، وَعَلی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ، وَعَلی اوْلادِ

از شما سلام بر حسین و بر علی فرزند حسین و بر فرزندان

الْحُسَیْنِ، وَعَلی اصْحابِ الْحُسَیْنِ* سپس می گویی: اللهُمَّ خُصَّ انْتَ اوَّلَ

حسین و بر اصحاب و یاران حسین********** خدایا مخصوص گردان نخستین

ظالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنّی وَابْدَأْ بِهِ اوَّلًا ثُمَّ الثَّانِیَ وَالثَّالِثَ وَالرَّابِعَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ

ستمگر را به لعنت من و آغازکن بدان لعن اوّلی را و سپس دومی و سومی و چهارمی را، خدایا لعنت کن

یَزیدَ خامِساً، وَالْعَنْ عُبَیْدَ اللَّهِ بْنَ زِیادٍ وَابْنَ مَرْجانَهَ وَ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ

یزید را در مرتبه پنجم و لعنت کن عبیداللّه پسر زیاد و پسر مرجانه را و عمر فرزند سعد

وَ شِمْراً، وَآلَ ابی سُفْیانَ وَ آلَ زِیادٍ وَ آلَ مَرْوانَ الی یَوْمِ الْقِیمَهِ(1)* آنگاه به و شمر و دودمان ابوسفیان و دودمان زیاد و دودمان مروان را تا روز قیامت*****

سجده می روی و می گویی: اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاکِرینَ لَکَ عَلی مُصابِهِمْ،

************ خدایا مخصوص توست ستایش سپاسگزاران تو بر مصیبت زدگی آنها،

1- [480]بعضی می گویند: جمله های« أوّلاً ثمّ الثّانی و الثّالث و الرّابع» در نسخه خطّی مصباح المتهجّد، مربوط به اوایل قرن ششم(سال 502)، موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی و نسخه مصباح الصغیر شیخ(که برگزیده مصباح المتهجّد است) و مربوط به قرن ششم و آن هم در آستان قدس موجود است، وجود ندارد. ولی باید توجّه داشت که جمله های فوق

در چند نسخه مهم و معتبر دیگر مصباح المتهجّد و مصباح الصغیر موجود است: 1- نسخه قدیمی و خطّی مصباح المتهجّد که تاریخش به زمان شیخ طوسی(قرن پنجم) بر می گردد و در کتابخانه مسجد اعظم مرحوم آیهاللّٰه بروجردی رحمه الله در قم(به شماره 394) موجود است و در صفحه اوّل آن نوشته شده:« نسخه زمان مؤلّف». 2- نسخه ابن ابی الجود که در کتابخانه مرحوم آیه اللّٰه مرعشی رحمه الله(به شماره 6837) موجود است؛ وی می نویسد: این نسخه را با نسخه ای که در اختیار نوه ابن شهر آشوب بوده، مقابله کردم و نوه ابن شهر آشوب گفته است که من از جدّم(ابن شهر آشوب) شنیدم که این نسخه ای است که آن را بر شیخ طوسی خوانده ام. در این نسخه نیز جملات فوق موجود است. 3- مرحوم سیّد بن طاووس رحمه الله نیز در مصباح الزائر این زیارت را به کیفیّت فوق نقل کرده است و پس از آنکه می گوید: این دو فقره اخیر زیارت که مشتمل بر صد لعن و صد سلام است را در مصباح کبیر(مصباح المتهجّد، در نسخه موجود نزد من) نیافتم، می افزاید: ولی من آن را از مصباح الصغیر شیخ(که برگرفته از مصباح کبیر است) نقل می کنم.(مصباح الزائر، صفحه 278) در نقل سیّد از مصباح الصغیر نیز، جمله های فوق آمده است. بنابراین، در بسیاری از نسخه های قدیمی مصباح المتهجّد و برخی از نسخه های مصباح الصغیر جمله های فوق موجود است و اگر در برخی دیگر از نسخه ها نیست، ممکن است به شرایط زمانی عرضه این زیارت برگردد. علاوه برآنکه در بحار الانوار(جلد 98، صفحه 296) همین فقرات و جمله ها موجود است و ایشان نیز مستقیماً از مصباح المتهجّد نقل می کند و این نشان می دهد در نسخه موجود نزد علّامه مجلسی نیز، جمله های فوق وجود داشت. و اگر در کامل الزیارات جمله های فوق به طور دقیق نیامده، مشکلی ایجاد نمی کند، چرا که نقل ابن قولویه در کامل الزیارات در بخش های دیگر زیارت عاشورا نیز با نقل مصباح المتهجّد اندکی متفاوت است و تنها در جمله های مورد بحث نیست.

الْحَمْدُ للَّهِ عَلی عَظیمِ رَزِیَّتی اللَّهُمَّ ارْزُقْنی شَفاعَهَ الْحُسَیْنِ یَوْمَ الْوُرُودِ،

ستایش خدای را بر بزرگی مصیبتم خدایا روزیم گردان شفاعت حسین علیه السلام را در روز ورود (به صحرای قیامت)

وَثَبِّتْ لی قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَکَ مَعَ الْحُسَیْنِ وَ اصْحابِ الْحُسَیْنِ، الَّذینَ

و ثابت بدار گام راستیم را در نزد خودت با حسین علیه السلام و یاران حسین، آنان که

بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ.(1)

بی دریغ دادند جان خود را در راه حسین- که بر او درود باد-.

یادآوری:

1- از روایت علقمه از امام باقر علیه السلام استفاده می شود که این زیارت برای دور و نزدیک هر دو وارد شده است و خوب است در ابتدا سلامی به حضرت دهند و دو رکعت نماز بخوانند و سپس شروع به خواندن زیارت کنند.(2) 2- کسانی که موفّق به گفتن صد مرتبه لعن و سلام نباشند، می توانند به یک مرتبه (به قصد رجا) قناعت کنند و در روایتی از امام هادی علیه السلام در مورد چنین اشخاصی آمده است که هر کس لعن و سلام زیارت عاشورا را یک بار بخواند و پس از لعن نود و نه بار بگوید: «

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِیعاً

» و پس از سلام نیز نود و نه بار بگوید: «

السَّلامُ عَلَی الْحُسَیْنِ وَ عَلَی عَلِیِ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی اوْلَادِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی اصْحابِ الْحُسَیْنِ

» کفایت می کند.(3) 3- در فصل زیارات امیرمؤمنان علیه السلام (پاورقی زیارت صفوان، زیارت سوم از زیارت مطلقه) گذشت که آنچه به عنوان دعای علقمه بعد از زیارت عاشورا معروف شده، جایگاه اصلی اش آنجاست لذا از این جا حذف شده و به آن جا منتقل گردیده است، (رجوع شود به: پاورقی صفحه 275). گرچه بر اساس روایت صفوان از امام

صادق علیه السلام هر جا که زیارت عاشورا خوانده شود، می توان این دعا را نیز پس از آن خواند.(4)

2- زیارت اربعین

(بیستم صفر)

مطابق روایت «شیخ طوسی» در «تهذیب» و «مصباح المتهجّد»، از امام حسن عسکری علیه السلام زیارت

1- [481]مصباح المتهجّد، صفحه 773. رجوع شود به: کامل الزیارات، باب 71، صفحه 176، حدیث 8 و مزار کبیر، صفحه 480(با اندکی تفاوت).
2- [482]مصباح المتهجّد، صفحه 773 و کامل الزیارات، صفحه 175.
3- [483]رجوع شود به: الذریعه، جلد 15، صفحه 29؛ کتاب« ربع قرن مع العلامه الأمینی»، صفحه 231 و ادب الزائر، نوشته علامه امینی، صفحه 127. برخی ها چنین تصور کرده اند که یک بار لعنٍ و سلام را بگوید، سپس به دنبال هر کدام از لعن و سلام اضافه کند« تِسْعاً وَ تِسْعینَ مَرَّةً» و همین کفایت می کند، در حالی که ظاهر روایت همان است که در بالا ذکر شد.
4- [484]رجوع شود به: بحارالانوار، جلد 97، صفحه 311.

اربعین یکی از علامات مؤمن به حساب آمده است. می فرماید: «علامات مؤمن پنج چیز است: 51 رکعت نماز گزاردن (17 رکعت نماز واجب و 34 رکعت نافله) در هر شب و روز، و زیارت اربعین و انگشتر در دست راست کردن و بر خاک سجده نمودن و بلند گفتن «بسم اللّه الرحمن الرحیم (در نمازها)».(1) اشاره به این که از ویژگی های شیعیان اهل بیت علیهم السلام این پنج چیز است و انتخاب زیارت اربعین احتمالاً به خاطر آن است که زیارت شهدای کربلا از روز اربعین آغاز شد و در این روز، در زمان ما آن چنان انبوهی از جمعیّت عاشقان و دلدادگان امام حسین علیه السلام در کربلا جمع می شوند که در هیچ موقع از سال- حتّی عاشورا- چنان جمعیّت عظیمی دیده نمی شود.

زیارت اربعین به دو صورت نقل شده است:

زیارت اوّل «شیخ طوسی» از «صفوان جمّال» روایت می کند که گفت: مولایم امام صادق علیه السلام در ارتباط با زیارت اربعین به من فرمود: هنگامی که روز، بالا آمد خطاب به امام حسین علیه السلام می گویی:

السَّلامُ عَلی وَلِیِّ اللَّهِ وَحَبیبِهِ، السَّلامُ عَلی خَلیلِ اللَّهِ وَنَجیبِهِ، السَّلامُ

سلام بر ولیّ خدا و دوستدارش، سلام بر خلیل خدا و محرم اسرارش، سلام

عَلی صَفِیِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِیِّهِ، السَّلامُ عَلیَ الْحُسَیْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهیدِ،

بر برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش، سلام بر حسین مظلوم شهید (در راه خدا)

السَّلامُ علی اسیرِ الْکُرُباتِ، وَقَتیلِ الْعَبَراتِ، اللَّهُمَّ انّی اشْهَدُ انَّهُ وَلِیُّکَ،

سلام بر اسیر در بند ناگواری ها و کشته ای که اشک فراوان بر او ریخته می شود، خدایا گواهی می دهم که او به یقین ولیّ تو

وَابْنُ وَلِیِّکَ، وَصَفِیُّکَ وَابْنُ صَفِیِّکَ، الْفآئِزُ بِکَرامَتِکَ، اکْرَمْتَهُ بِالشَّهادَهِ،

و فرزند ولی تو و برگزیده تو و فرزند برگزیده توست، که به بزرگداشت تو رستگار گشته، او را با مقام شهادت گرامی داشتی

وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعادَهِ، وَاجْتَبَیْتَهُ بِطیبِ الْوِلادَهِ، وَجَعَلْتَهُ سَیِّداً مِنَ السَّادَهِ،

و به نیکبختی مخصوصش ساخته، و به پاکی ولادت برگزیدی، و او را آقایی از میان بزرگان

وَقآئِداً مِنَ الْقادَهِ، وَذآئِداً مِنَ الذادَهِ، وَاعْطَیْتَهُ مَواریثَ الْأَنْبِیآءِ، وَجَعَلْتَهُ

و پیشوایی از میان پیشوایان، و مدافعی از مدافعان حق، قرار دادی و میراث پیامبران را به او عطا نمودی، و او را

حُجَّهً عَلی خَلْقِکَ مِنَ الأَوْصِیآءِ، فَاعْذَرَ فیِ الدُّعآءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ، وَبَذَلَ

حجّت بر مخلوقاتت از میان جانشینان قرار دادی، پس در دعوت مردم جای عذری باقی نگذاشت و در خیرخواهی دریغ نکرد،

1- [485]مصباح المتهجّد، صفحه 787 و تهذیب، جلد 6، صفحه 52، حدیث 37.

مُهْجَتَهُ فیکَ لِیَسْتَنْقِذَ عِبادَکَ مِنَ الْجَهالَهِ، وَحَیْرَهِ الضَّلالَهِ، وَقَدْ تَوازَرَ

و خون قلبش را در راه تو بخشید تا بندگانت را از نادانی و سرگردانی گمراهی رهایی بخشد، در حالی که

عَلَیْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْیا، وَباعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ الأَدْنی وَشَری آخِرَتَهُ

فریب خوردگان دنیا و آنان که سهم خود را با پست ترین چیز معامله کردند و آخرت خود را

بِالثَّمَنِ الْأَوْکَسِ، وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدّی فی هَواهُ، وَاسْخَطَکَ 486] وَاسْخَطَ

به ارزان ترین قیمت فروختند بر علیه او همپیمان شدند و به سبب هوای نفس سقوط کردند، و تو و پیامبرت را به خشم

نَبِیَّکَ، وَاطاعَ مِنْ عِبادِکَ اهْلَ الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ، وَحَمَلَهَ الْأَوْزارِ

آوردند و از میان بندگانت، از اهل اختلاف و دورویی و از حمل کنندگان بار گناه که

الْمُسْتَوْجِبینَ النّارَ، فَجاهَدَهُمْ فیکَ صابِراً مُحْتَسِباً، حَتّی سُفِکَ فی

سزاوار دوزخند پیروی نمودند، پس در راه تو با شکیبایی و حسابگرانه با آنان جهاد نمود تا این که در راه

طاعَتِکَ دَمُهُ، وَاسْتُبیحَ حَریمُهُ، اللَّهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبیلاً، وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً

بندگیت خونش ریخته شد و حرمتش شکسته شد، خدایا آنان را بسیار لعنت کن و به عذاب دردناکت

الیماً، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ سَیِّدِ الْأَوْصِیآءِ،

گرفتار ساز، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان،

اشْهَدُ انَّکَ امینُ اللَّهِ وَابْنُ امینِهِ، عِشْتَ سَعیداً، وَمَضَیْتَ حَمیداً، وَمِتَ

گواهی می دهم که تو به یقین امین خدا و فرزند امین او هستی، که با سعادت زندگی کرده و به نیکی از دنیا رفتی

فَقیداً مَظْلُوماً شَهیداً، وَاشْهَدُ انَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ ما وَعَدَکَ، وَمُهْلِکٌ مَنْ خَذَلَکَ،

و مظلومانه با شهادت درگذشتی، و گواهی می دهم که خداوند به آنچه به تو وعده داده وفا نمود، و آنکه را دست از یاریت کشید هلاک کرد،

وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَکَ، وَاشْهَدُ انَّکَ وَفَیْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَجاهَدْتَ فی سَبیلِهِ

و آنکه تو را به شهادت رساند عذاب نمود، و گواهی می دهم که تو به عهد خدا وفا نموده و در راهش جهاد نمودی

حَتّی اتیکَ الْیَقینُ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّهً

تا مرگت فرا رسید، پس خداوند قاتلان تو و کسانی که به تو ستم کردند و کسانی که این (واقعه) را

سَمِعَتْ بِذلِکَ فَرَضِیَتْ بِهِ، اللَّهُمَّ انّی اشْهِدُکَ انّی وَلِیٌّ لِمَنْ والاهُ، وَعَدُوٌّ

شنیده و به آن راضی شدند لعنت کند، خدایا گواهی می دهم که من دوستارانش را دوست دارم و با دشمنانش

لِمَنْ عاداهُ، بِابی انْتَ وَامّی یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اشْهَدُ انَّکَ کُنْتَ نُوراً

دشمنم، پدر و مادرم فدای تو ای فرزند رسول خدا، گواهی می دهم که تو نوری

فيِ الْأَصْلابِ الشَّامِخَهِ، وَالْأَرْحامِ الْمُطَهَّرَهِ(1)، لَمْ تُنَجِّسْکَ الْجاهِلِیَّهُ

در صلب های بلندمرتبه و رحم های پاکیزه بودی، که دوران جاهلیت

بِانْجاسِها، وَلَمْ تُلْبِسْکَ الْمُدْلَهِمَّاتُ مِنْ ثِیابِها، وَاشْهَدُ انَّکَ مِنْ دَعآئِمِ

با ناپاکی هایش تو را آلوده نساخت و با لباس های آلوده اش تو را نپوشانید و گواهی می دهم که تو از پایه های

الدّینِ، وَارْکانِ الْمُسْلِمینَ، وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنینَ، وَاشْهَدُ انَّکَ الْإِمامُ الْبَرُّ

دین و تکیه گاه مسلمانان و پناهگاه مؤمنان هستی و گواهی می دهم که تو پیشوای نیکوکار

التَّقِیُّ الرَّضِیُّ الزَّکِیُّ، الْهادِی الْمَهْدِیُّ، وَاشْهَدُ انَّ الْأَئِمَّهَ مِنْ وُلْدِکَ کَلِمَهُ

پرهیزگار و پسندیده پاکیزه و راهنمای هدایت یافته ای و گواهی می دهم که امامان از فرزندان تو اساس

التَّقْوی وَ اعْلامُ الْهُدی وَ الْعُرْوَهُ الْوُثْقی وَ الْحُجَّهُ علی اهْلِ الدُّنْیا،

پرهیزکاری و نشانه های هدایت و ریسمان محکم (هدایت) و حجت (خدا) بر جهانیان هستند

وَاشْهَدُ انّی بِکُمْ مُؤْمِنٌ، وَ بِایابِکُمْ مُوقِنٌ، بِشَرایِعِ دینی وَخَواتیمِ عَمَلی

و گواهی می دهم که به شما ایمان دارم و به واسطه قوانین دینم و عواقب عملم به بازگشت شما مطمئنم

وَقَلْبی لِقَلْبِکُمْ سِلْمٌ، وَامْری لِأَمْرِکُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتی لَکُمْ مُعَدَّهٌ، حَتّی

و دلم تسلیم دل شما و عملم پیرو عمل شماست، و آماده یاری شمایم تا این که

یَأْذَنَ اللَّهُ لَکُمْ، فَمَعَکُمْ مَعَکُمْ لامَعَ عَدُوِّکُمْ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ، وَعلی

خداوند به شما اجازه دهد، پس آن که با شماست با شماست نه با دشمنان شما، درود خدا بر شما و بر

ارْواحِکُمْ وَاجْسادِکُمْ، وَشاهِدِکُمْ وَغآئِبِکُمْ، وَظاهِرِکُمْ وَباطِنِکُمْ، آمینَ

ارواح و بدن های شما و بر حاضر و غائبتان و بر ظاهر و باطنتان، دعایم را بپذیر

رَبَّ الْعالَمینَ آنگاه دو رکعت نماز می خوانی و دعا می کنی به آنچه خواهی، سپس برمی گردی.(2) ای پروردگار جهانیان.********************************

1- [487]در تهذیب و مصباح المتهجّد به جای« المطهره» الطاهره آمده است.
2- [488]تهذیب، جلد 6، صفحه 113، حدیث 17 و مصباح المتهجّد، صفحه 788 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 331، حدیث 2.

زیارت دوم مرحوم «علاّمه مجلسی» از «سیّد بن طاووس» نقل می کند که یکی از دوستان جابر بن عبدالله به نام عطا (عطیّه) می گوید: روز بیستم ماه صفر با جابر بن عبداللّه انصاری بودم، وقتی به «کربلا» رسیدیم در آب فرات غسل کرد و پیراهن پاک و تمیزی که با خود داشت پوشید و به من گفت: آیا از بوی خوش چیزی به همراه داری؟ گفتم: آری ! قدری از آن بر سر و بدن پاشید و پا برهنه روانه شد، تا به مزار حضرت رسید، نزد سر مبارک امام حسین علیه السلام ایستاد و سه مرتبه اللّه اکبر گفت و افتاد و بی هوش شد.

وقتی به هوش آمد شنیدم که گفت «

السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا آلَ اللَّه ...»(1)

که عیناً همان زیارت نیمه رجب است که خواهد آمد (صفحه 409).

***

3- زیارت مشترکه شب و روز اوّل رجب، شب و روز نیمه رجب و شب و روز نیمه شعبان

«علاّمه مجلسی» به نقل از «شیخ مفید» و «سیّد بن طاووس» زیارت ذیل را برای شب و روز اوّل رجب و شب نیمه شعبان ذکر کرده است 490] و کفعمی در «بلدالامین» شب و روز نیمه رجب را نیز به آن ضمیمه کرده است:(2) هرگاه خواستی امام حسین علیه السلام را در این اوقات ششگانه زیارت کنی، غسل کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و بر دَرِ حرم مطهّر آن حضرت رو به قبله بایست، و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان و فاطمه و حسن و حسین و سایر ائمّه علیهم السلام سلام بده (که کیفیّت آن در اذن دخول زیارت روز عرفه خواهد آمد؛ صفحه 423) آنگاه داخل شو و نزد ضریح مقدّس بایست و صد مرتبه تکبیر بگو، سپس بخوان:

السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ خاتَمِ النَّبِیّینَ، السَّلامُ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند خاتم پیامبران، سلام

عَلَیْکَ یَابْنَ سَیِّدِ الْمُرْسَلینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ، السَّلامُ

بر تو ای فرزند آقا و سرور رسولان، سلام بر تو ای فرزند آقا و سرور جانشینان، سلام

عَلَیْکَ یا ابا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ، السَّلامُ عَلَیْکَ

بر تو ای اباعبداللَّه، سلام بر تو ای حسین فرزند علی، سلام بر تو

ص: 404

1- [489]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 329، حدیث 1.
2- [491]بلدالامین، صفحه 281.

يَابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَهِ نِساَءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا وَلِیَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ،

ای فرزند فاطمه سرور بانوان جهانيان سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند وليّش،

السَّلامُ عَلَيْکَ يا صَفِیَّ اللَّهِ وَابْنَ صَفِيِّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا حُجَّهَاللَّهِ وَابْنَ

سلام بر تو ای برگزيده خدا و فرزند برگزيده اش، سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند

حُجَّتِهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا حَبيبَ اللَّهِ وابْنَ حَبيبِهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا سَفيرَ

حجّتش، سلام بر تو ای حبيب خدا و فرزند حبيبش، سلام بر تو ای پيام آور

اللَّهِ وَابْنَ سَفيرِهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا خازِنَ الْکِتابِ الْمَسْطُورِ، السَّلامُ

خدا و فرزند پيام آورش، سلام بر تو ای نگهبان کتاب نوشته شده، سلام

عَلَيْکَ يا وارِثَ التَّوْريهِ وَالْإِنْجيلِ وَالزَّبُورِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا امينَ

بر تو ای وارث تورات موسی و انجيل عيسی و زبور داود، سلام بر تو ای امانتدار

الرَّحْمنِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا شَريکَ الْقُرْآنِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا عَمُودَ الدِّينِ،

خدا، سلام بر تو ای شريک قرآن، سلام بر تو ای ستون دين،

السَّلامُ عَلَيْکَ يا بابَ حِکْمَهِ رَبِّ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا بابَ حِطَّهٍ

سلام بر تو ای درگاه علم و دانش پروردگار جهانيان، سلام بر تو ای درگاه ريزش گناه

الَّذی مَنْ دَخَلَهُ کانَ مِنَ الْأمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا عَيْبَهَ عِلْمِ اللَّهِ، السَّلامُ

که هر کس از آن داخل شود ايمن خواهد بود، سلام بر تو ای گنجينه دانش خدا، سلام

عَلَیْکَ یا مَوْضِعَ سِرِّ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَاللّهِ وَابْنَ ثارِهِ، وَالْوِتْرَ

بر تو ای محلّ اسرار خدا، سلام بر تو که خونخواه تو و پدرت خداست و یگانه ای که انتقام

الْمَوْتُورَ، السَّلامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی الْأَرْواحِ الَّتی حَلَّتْ بِفِنآئِکَ، وَاناخَتْ

خونش گرفته نشده، سلام بر تو و بر ارواحی که در حَرَمت مدفون

بِرَحْلِکَ، بِابی انْتَ وَامّی وَنَفْسی یا اباعَبْدِاللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصیبَهُ،

و مقیمند، پدر و مادر و خودم به فدای تو ای اباعبداللَّه، براستی مصیبت بزرگی پیش آمد

وَجَلَّتِ الرَّزِیَّهُ بِکَ عَلَیْنا وَعَلی جَمیعِ اهْلِ الْإِسْلامِ، فَلَعَنَ اللَّهُ امَّهً

و گرفتاری تو بر ما و بر همه اهل اسلام گران آمده، پس خداوند کسانی را که

اسَّسَتْ اساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَیْکُمْ اهْلَ الْبَیْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّهً دَفَعَتْکُمْ

ظلم و ستم بر شما اهل بیت را پایه گذاری کرده و شما را

عَنْ مَقامِکُمْ، وَازالَتْکُمْ عَنْ مَراتِبِکُمُ الَّتی رَتَّبَکُمُ اللَّهُ فیها، بِابی انْتَ

از جایگاهی که خدا برایتان قرار داده بود کنار زدند، لعنت کند، پدر

وَامّی وَنَفْسی یا ابا عَبْدِاللَّهِ، اشْهَدُ لَقَدِ اقْشَعَرَّتْ لِدِمآئِکُمْ اظِلَّةُ الْعَرْشِ

و مادر و خودم به فدای تو ای اباعبداللّه، گواهی می دهم که از خون شما تمامی عرش

مَعَ اظِلَّهِ الْخَلآئِقِ، وَبَکَتْکُمُ السَّمآءُ وَالْأَرْضُ، وَسُکَّانُ الْجِنانِ وَالْبَرِّ

و مخلوقات به لرزه در آمد، و آسمان و زمین و ساکنان بهشت و خشکی

وَالْبَحْرِ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ عَدَدَ ما فی عِلْمِ اللَّهِ، لَبَّیْکَ داعِیَ اللَّهِ، انْ کانَ لَمْ

و دریا بر شما گریستند، درود خدا بر تو به تعداد آنچه در علمش آمده، دعوت کننده خدا را اجابت می کنم، اگر

یُجِبْکَ بَدَنی عِنْدَ اسْتِغاثَتِکَ، وَلِسانی عِنْدَ اسْتِنْصارِکَ، فَقَدْ اجابَکَ قَلْبی

در وقت کمک خواهی بدنم و در وقت یاری طلبی زبانم پاسخت نداد، به یقین قلب

وَسَمْعی وَبَصَری سُبْحانَ رَبِّنا انْ کانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً، اشْهَدُ انَّکَ

و گوش و چشمم پاسخت می گوید، تسبیح می گویم پروردگارمان را که وعده اش به طور قطع انجام شدنی است، گواهی می دهم که تو

طُهْرٌ طاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ طُهْرٍ طاهِرٍ مُطَهَّرٍ، طَهُرْتَ وَطَهُرَتْ بِکَ الْبِلادُ،

پاک و پاکیزه و پاک شده از نژاد پاکان و پاک کننده پاک شده ها هستی و شهرها به وجود تو پاک شد

وَطَهُرَتْ ارْضٌ انْتَ بِها، وَطَهُرَ حَرَمُکَ، اشْهَدُ انَّکَ قَدْ امَرْتَ بِالْقِسْطِ

و پاک شد زمینی که تو در آنی و پاک شد حَرَمت، گواهی می دهم که تو به عدل

وَالْعَدْلِ، وَدَعَوْتَ الَیْهِما، وَانَّکَ صادِقٌ صِدّیقٌ، [صَدَقْتَ (1) فیما دَعَوْتَ

و داد فرمان داده و دعوت نمودی و به یقین تو راستگو و درستکاری، و در آنچه که به آن دعوت نمودی راست

الَیْهِ، وَانَّکَ ثارُاللَّهِ فِی الْأَرْضِ، وَاشْهَدُ انَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ، وَعَنْ جَدِّکَ

گفتی و همانا خونخواه تو در زمین خداست، و گواهی می دهم که تو (آنچه را که) از جانب خدا و جدّت

رَسُولِ اللَّهِ، وَعَنْ ابیکَ امیرِ الْمُؤْمِنینَ، وَعَنْ اخیکَ الْحَسَنِ، وَنَصَحْتَ

رسول خدا و پدرت امیرمؤمنان و برادرت حسن به عهده داشتی رساندی، و خیر خواهی کرده

وَجاهَدْتَ فی سَبیلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتّی اتیکَ الْیَقینُ، فَجَزاکَ اللَّهُ

و در راه خدا جهاد نمودی و از روی اخلاص او را پرستیدی تا به شهادت رسیدی، پس بهترین پاداش

1- [492]کلمه« صدقتَ» در نسخه مصباح الزائر و بلد الامین آمده است، ولی در بحار نیامده.

خَیْرَ جَزآءِ السَّابِقینَ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ وَسَلَّمَ تَسْلیماً، اللهُمَّ صَلِّ عَلی

پیشینیان را خدا به تو عطا کند و درود و سلام بی پایان خدا بر تو باد، خدایا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَی الْحُسَیْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهیدِ الرَّشیدِ، قَتیلِ

محمّد و خاندان پاکش درود فرست و بر حسین مظلوم، و شهید راستین درود فرست آن کشته ای که

الْعَبَراتِ، وَاسیرِ الْکُرُباتِ، صَلاةً نامِیَةً زاکِیَةً مُبارَکَةً، یَصْعَدُ اوَّلُها وَلا

اشک فراوان بر او ریخته می شود و در بند ناگواری ها است، درودی فزاینده، پاکیزه و با برکت که ابتدای آن بالا رود و

یَنْفَدُ آخِرُها، افْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی احَدٍ مِنْ اوْلادِ انْبِیآئِکَ الْمُرْسَلینَ، یا

پایان نپذیرد، بهترین درودی که بر هر یک از فرزندان پیامبران مرسلت فرستاده ای، ای

الهَ الْعالَمینَ.(1)

معبود جهانیان.

یادآوری: «علّامه مجلسی» به نقل از «شیخ مفید» می نویسد: سپس رو به سوی قبر مطهّر علی بن الحسین (علی اکبر) علیه السلام بیاور و نزد قبر آن بزرگوار بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الصِّدّیقُ الطَّیِّبُ، الزَّکِیُّ الْحَبیبُ الْمُقَرَّبُ، وَابْنُ رَیْحانَهِ

سلام بر تو ای راست گفتار پاک، پاکیزه و دوست نزدیک خدا، فرزند (زهرا) گل خوشبوی

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ مِنْ شَهیدٍ مُحْتَسِبٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، ما

رسول خدا سلام بر تو شهید آزموده خدا، و رحمت و برکات خدا بر تو باد،

اکْرَمَ مَقامَکَ، وَاشْرَفَ مُنْقَلَبَکَ، اشْهَدُ لَقَدْ شَکَرَ اللّٰهُ سَعْیَکَ،

مقامت چقدر گرامی و محلّ بازگشتت با شرافت است، گواهی می دهم که خدا از کوششت قدر دانی کرده

وَاجْزَلَ ثَوابَکَ، وَالْحَقَکَ بِالذِّرْوَهِ الْعالِیَهِ، حَیْثُ الشَّرَفُ کُلُّ الشَّرفِ،

و پاداشت را افزودن نمود و تو را به درجات عالی رسانید، در جایگاههای بلندی که همه شرافتها

وَفِی الْغُرَفِ، کَما مَنَّ عَلَیْکَ مِنْ قَبْلُ، وَجَعَلَکَ مِنْ اهْلِ الْبَیْتِ الَّذینَ

در آن جمع است، آنچنان که پیش از این نیز بر تو منّت گذاشت، و تو را از خاندانی که

اذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ، وَطَهَّرَهُمْ تَطْهیراً، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْکَ وَرَحْمَهُ

زشتی و پلیدی را از آنها دور کرده و آنها را پاکیزه گردانید، قرار داد، درود و سلام و رحمت

ص: 407

1- [493]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 336، حدیث 1.

اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ وَرِضْوانُهُ، فَاشْفَعْ ايُّها السَّيِّدُ الطَّاهِرُ الی رَبِّکَ فی حَطِّ

و برکات و رضوان خدا بر تو باد، پس ای آقا و سرور پاکیزه در برداشتن سنگینی

الْأَثْقالِ عَنْ ظَهْری وَتَخْفیفِها عَنّی وَارْحَمْ ذُلّی وَخُضُوعی لَکَ،

گناهان از دوشم و سبک کردن آنها، به درگاه خدا مرا شفاعت کن، و بر افتادگی و فروتنیم در مقابل تو

وَلِلسَّیِّدِ ابیکَ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکُما.

و پدر بزرگوارت- که درود خدا بر هر دوی شما باد- رحم کن

سپس بگو:

زادَ اللَّهُ فی شَرَفِکُمْ فِی الْأخِرَهِ، کَما شَرَّفَکُمْ فِی الدُّنْیا، وَاسْعَدَکُمْ کَما

خداوند بر شرافت و بزرگواری شما در آخرت بیفزاید، همان گونه که در دنیا شما را بزرگوار قرار داد، و سعادتمندتان کند همان گونه که

اسْعَدَ بِکُمْ، وَاشْهَدُ ا نَّکُمْ اعْلامُ الدّینِ، وَنُجُومُ الْعالَمینَ، وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ

دیگران را بوسیله شما سعادتمند کرد و گواهی می دهم که شما نشانه های دین و ستارگان جهانید، و سلام و درود

وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ.

و رحمت و برکات خدا بر شما باد

آنگاه رو به سوی سایر شهدا کن و بگو: السَّلامُ عَلَیْکُمْ یاانْصارَ اللَّهِ، وَانْصارَ

***************** سلام و درود بر شما ای یاوران خدا

رَسُولِهِ، وَانْصارَ عَلِیّ بْنِ ابیطالِبٍ، وَانْصارَ فاطِمَهَ، وَانْصارَ الْحَسَنِ

و رسولش و یاوران علی فرزند ابی طالب و فاطمه و امام حسن

وَالْحُسَیْنِ، وَانْصارَ الْإِسْلامِ، اشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتُمْ للّهِ، وَجاهَدْتُمْ فی

و امام حسین و یاوران اسلام، گواهی می دهم که شما برای خدا خیر خواهی کرده و در راه او جهاد

سَبیلِهِ، فَجَزاکُمُ اللَّهُ مِنَ الْإِسْلامِ 494] وَاهْلِهِ افْضَلَ الْجَزآءِ، فُزْتُمْ وَاللَّهِ فَوْزاً

نمودید، پس خداوند از جانب اسلام و مسلمانان بهترین پاداش را به شما عطا کند، به خدا سوگند به رستگاری بزرگ

عَظیماً، یا لَیْتَنی کُنْتُ مَعَکُمْ فَافُوزَ فَوْزاً عَظیماً، اشْهَدُ انَّکُمْ احْیآءٌ عِنْدَ

رسیدید، ای کاش با شما بودم و به رستگاری بزرگ می رسیدم، گواهی می دهم که شما زنده اید و در نزد

رَبِّکُمْ تُرْزَقُونَ، اشْهَدُ انَّکُمُ الشُّهَدآءُ وَالسُّعَدآءُ، وَانَّکُمُ الْفآئِزُونَ فی

پروردگارتان روزی می خورید، گواهی می دهم که شما شهید و خوشبختید و به

دَرَجاتِ الْعُلی والسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ.

درجات عالی رسیده اید، و سلام و درود و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.

بعد از آن برگرد و بالای سر مبارک امام حسین علیه السلام نماز زیارت بجای آور و برای خود و پدر و مادر و برادران دینی دعا کن.(1) یادآوری: زیارت امام حسین علیه السلام در روز اوّل رجب و نیز نیمه رجب و نیمه شعبان از فضیلت ویژه ای برخوردار است چرا که از امام صادق علیه السلام روایت شده که: «هر کس حسین علیه السلام را در روز اوّل ماه رجب زیارت کند البتّه خدای سبحان او را می آمرزد».(2) و نیز از ابن ابی نصر نقل شده است که وقتی از امام رضا علیه السلام سؤال کرد: برای زیارت امام حسین علیه السلام کدام وقت بهتر است؟ آن حضرت در جواب فرمودند: نیمه رجب و نیمه شعبان.(3)

4- زیارت مخصوص نیمه رجب

برای نیمه رجب که به سبب غفلت عامّه مردم از فضیلت آن در زمان گذشته «غُفَیله» نام گرفته بود، مرحوم «شیخ مفید» زیارت دیگری را نقل کرده است، به این صورت که پس از ورود به حرم مطهّر و گفتن سه مرتبه اللّهُ اکْبَر نزد قبر مطهّر بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا آلَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا صَفْوَهَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ

سلام بر شما ای خاندان خدا، سلام بر شما ای برگزیدگان خدا، سلام بر شما

یا سادَهَ السَّاداتِ، السَّلامُ عَلی لُیُوثِ الْغاباتِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا سُفُنَ

ای آقا و سرور آقایان، سلام بر شما ای شیران بیشه (شجاعت)، سلام بر شما ای کشتیهای

النَّجاهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا ابا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عِلْمِ

نجات (امّت)، سلام بر تو ای اباعبداللّه حسین، سلام بر تو ای وارث علم

الْأنْبِیاءِ، وَرَحْمَهُاللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ، [السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ صَفْوَهِ اللّٰهِ،

پیمبران و رحمت خدا و برکات خدا بر تو باد، [سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا،

السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ ابْراهیمَ

سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم

ص: 409

1- [495]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 337 و مزار شهید اوّل، صفحه 145(با اندکی تفاوت).
2- [496]کامل الزیارات، باب 73، صفحه 182، حدیث 2.
3- [497]همان مدرک، حدیث 1.

خَليلِ اللَّهِ ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا وارِثَ اسْماعيلَ ذَبيحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا

[خليل خدا،] سلام بر تو ای وارث اسماعيل قربانی در راه خدا، سلام بر تو ای

وارِثَ مُوسى کَليمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا وارِثَ عيسى رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ

وارث موسی کليم خدا، سلام بر تو ای وارث عيسی روح خدا، سلام

عَلَيْکَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يَا بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفى

بر تو ای وارث محمّد حبيب خدا، سلام بر تو ای فرزند محمّد مصطفی،

السَّلامُ عَلَيْکَ يَا بْنَ عَلِیٍّ الْمُرْتَضى السَّلامُ عَلَيْکَ يَا بْنَ فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ،

سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا،

السَّلامُ عَلَيْکَ يَا بْنَ خَديجَةَ الْکُبْرى السَّلامُ عَلَيْکَ يا شَهيدُ بْنُ الشَّهيدِ،

سلام بر تو ای فرزند خديجه کبری، سلام بر تو ای شهيد و فرزند شهيد،

السَّلامُ عَلَيْکَ يا قَتيلُ بْنُ الْقَتيلِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا وَلِیَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ،

سلام بر تو ای کشته (در راه خدا) و فرزند کشته (در راه خدا)، سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند وليّش،

السَّلامُ عَلَيْکَ يا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ عَلى خَلْقِهِ، اشْهَدُ انَّکَ قَدْ اقَمْتَ

سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّتش بر مخلوقات، گواهی می دهم که تو نماز را

الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّکاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنْ الْمُنْکَرِ، وَرُزِئْتَ

به پاداشته و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کرده و داغدار شهادت

بِوالِدَيْکَ، وَجاهَدْتَ عَدُوَّکَ، وَاشْهَدُ انَّکَ تَسْمَعُ الْکَلامَ وَ تَرُدُّ الْجَوابَ،

پدر و مادرت گشتی، و با دشمنانت جهاد نمودی، و گواهی می دهم که تو سخن را شنیده و جواب می دهی

وَانَّکَ حَبیبُ اللَّهِ وَخَلیلُهُ وَنَجیبُهُ وَصَفِیُّهُ وَابْنُ صَفِیِّهِ، یا مَوْلایَ زُرْتُکَ

و به یقین تو حبیب خدا، و یار و بنده برجسته و برگزیده او و فرزند بنده برگزیده اش هستی، ای مولای من تو را با شوق و رغبت

مُشْتاقاً فَکُنْ لی شَفیعاً الیَ اللَّهِ یا سَیِّدی وَاسْتَشْفِعُ الَی اللَّهِ بِجَدِّکَ سَیِّدِ

زیارت کردم، پس در درگاه خدا شفیعم باش ای آقای من، و شفاعت می طلبم در درگاه خدا از جدّت آقا و سرور

النَّبِیّینَ، وَبِابیکَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ، وَبِامِّکَ فاطِمَةَ سَیِّدَهِ نِسآءِ الْعالَمینَ، الا

پیامبران و پدرت آقا و سرور جانشینان و مادرت فاطمه سرور بانوان جهانیان،

لَعَنَ اللَّهُ قاتِلیکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ ظالِمیکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ سالِبیکَ وَمُبْغِضیکَ مِنَ

خداوند قاتلین و ستم کنندگان بر تو و غارتگران حریمت و کینه ورزان به تو را از

الْأَوَّلینَ وَ الْأخِرینَ، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی سَیِّدِنا مُحَمِّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبینَ الطَّاهِرینَ.

پیشینیان و پسینیان لعنت کند، و درود خدا بر آقا و سرور ما محمّد و خاندان پاک و پاکیزه اش باد.

آنگاه ضریح منوّر را ببوس و رو به جانب علی بن الحسین علیهما السلام (علی اکبر) آور و بگو: السَّلامُ عَلَیْکَ

*** سلام بر تو

یا مَوْلایَ وَابْنَ مَوْلایَ، لَعَنَ اللَّهُ قاتِلیکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ ظالِمیکَ، انّی اتَقَرَّبُ

ای مولای من و فرزند مولایم، خداوند قاتلان و ستم کنندگان بر تو را لعنت کند، من بواسطه

الَی اللَّهِ بِزِیارَتِکُمْ وَبِمَحَبَّتِکُمْ، وَابَرَءُ الَی اللَّهِ مِنْ اعْدآئِکُمْ، وَالسَّلامُ

زیارت و محبّت شما بدرگاه خدا تقرّب جسته و از دشمنانتان بیزاری می جویم، و سلام و درود خدا

عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ* سپس رو به جانب قبور سایر شهدا (رضوان اللَّه بر تو ای مولای من و رحمت و برکات خدا بر تو باد.************************

علیهم) بکن و بگو: السَّلامُ عَلَی الْأَرْواحِ الْمُنیخَهِ بِقَبْرِ ابی عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنِ

*********** سلام و درود بر ارواحی که در کنار قبر اباعبداللَّه حسین رحل اقامت افکندند

عَلَیْهِ السَّلامُ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا طاهِرینَ مِنَ الدَّنَسِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا

- که درود و سلام خدا بر او باد- سلام بر شما ای پاکیزگان از پلیدی، سلام بر شما ای

مَهْدِیُّونَ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا ابْرارَاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَعَلَی الْمَلائِکَهِ

راه یافتگان، سلام بر شما ای بنده های نیکوکار خدا، سلام بر شما و بر فرشتگانی

الْحآفّینَ بِقُبُورِکُمْ اجْمَعینَ، جَمَعَنَا اللَّهُ وَایَّاکُمْ فی مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ وَتَحْتِ

که قبورتان را در برگرفته اند، خداوند ما و شما را در قرارگاه رحمتش در زیر

عَرْشِهِ، انَّهُ ارْحَمُ الرَّاحِمینَ، وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ.

عرشش گرد هم آورد که او مهربانترین مهربانان است و سلام و درود و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

آنگاه به سوی حرم عباس بن علی علیهما السلام روی آور، وقتی به حرمش رسیدی بر دَرِ حرم آن جناب بایست و بگو:

سَلامُ اللَّه وَسَلامُ مَلائِکَتِهِ الْمُقَرَّبینَ

... تا آخر زیارت آن حضرت که پیش از این (صفحه 386) گذشت.(1)

1- [498]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 345، حدیث 1.

5- زیارت مخصوص نیمه شعبان

زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه شعبان نیز از اهمّیّت فوق العاده ای برخوردار است و روایات زیادی در فضیلت آن وارد شده، از جمله این که به چند سند معتبر از امام زین العابدین علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده که: هر کس مصافحه 124 هزار پیامبر را می خواهد در نیمه شعبان، زیارت ابی عبداللّه الحسین علیه السلام را بجای آورد، چرا که فرشتگان و ارواح پیامبران در چنین زمانی به زیارت آن حضرت می آیند، (پس خوشا به حال کسی که با ایشان مصافحه کند و آنان نیز با او مصافحه نمایند)؛ که پنج پیامبر اولوالعزم: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمّد صلی الله علیه و آله نیز از جمله آنانند.(1) برای نیمه شعبان نیز زیارت دیگری نقل شده که «شیخ کفعمی» در «بلدالامین» آن را از امام صادق علیه السلام این چنین آورده است:

بعد از اذن دخول در حالی که غسل کرده ای، نزد قبر آن حضرت می ایستی و می گویی:

ا لْحَمْدُ للَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الزَّکیُّ، اودِعُکَ

حمد و ستایش مخصوص خداوند بلند مرتبه و بزرگ است، سلام بر تو ای بنده شایسته و پاکیزه، گواهی خود را

شَهادَةً مِنّی لَکَ تُقَرِّبُنی الَیْکَ فی یَوْمِ شَفاعَتِکَ، اشْهَدُ انَّکَ قُتِلْتَ وَ لَمْ

برای تو به ودیعه می سپارم تا در روز شفاعتت مرا به تو نزدیک کند، گواهی می دهم که تو کشته شدی ولی

تَمُتْ، بَلْ بِرَجآءِ حَیاتِکَ حَیِیَتْ قُلُوبُ شیعَتِکَ، وَ بِضِیآءِ نُورِکَ اهْتَدَی

زنده ای و به امید زنده بودنت دلهای شیعیانت زنده است، و طالبان وصالت در پرتو نورت

الطَّالِبُونَ الَیْکَ، وَاشْهَدُ انَّکَ نُورُ اللَّهِ الَّذی لَمْ یُطْفَأْ وَلا یُطْفَأُ ابَداً، وَ انَّکَ

هدایت یافتند، گواهی می دهم که تو نور خدایی که خاموش نشده و هرگز خاموش نمی گردد، و تو

وَجْهُ اللّهِ الّذى لَمْ یَهْلِکْ وَلا یُهْلَکُ ابَداً، وَاشْهَدُ انَّ هذِهِ التُّرْبَهَ تُرْبَتُکَ،

جلوه خدایی که از بین نرفته و از بین نمی رود، و گواهی می دهم که این تربت، تربت تو

وَهذَا الْحَرَمَ حَرَمُکَ، وَهذَا الْمَصْرَعَ مَصْرَعُ بَدَنِکَ، لا ذَلیلَ وَاللَّهِ مُعَزُّکَ،

و این حرم، حرم تو واین قتلگاه، قتلگاه بدن توست، به خدا سوگند گرامی داشته ات هرگز خوار نگردد

وَلا مَغْلُوبَ وَاللَّهِ ناصِرُکَ، هذِهِ شَهادَهٌ لی عِنْدَکَ الی یَوْمِ قَبْضِ روُحی

و یاری کننده ات هرگز مغلوب نشود، این گواهی من است در نزد تو تا روز گرفته شدن جانم

ص: 412

1- [499]کامل الزیارات، باب 72، صفحه 179، حدیث 2 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 93، حدیث 2.

بِحَضْرَتِکَ، وَالسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَهُاللَّهِ وَبَرَکاتُهُ.(1)

در حضورت، و سلام و درود و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

6- زیارت در شب های قدر

در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در ماه مبارک رمضان به نحو عام و در شب اوّل و نیمه ماه و آخر آن و شب های قدر به خصوص، روایات بسیاری نقل شده، از جمله:

1- از امام محمّد تقی علیه السلام نقل شده است که: «هر کس در شب بیست و سوم ماه رمضان- که امید شب قدر بودن آن می رود- به زیارت امام حسین علیه السلام برود ارواح 24 هزار پیامبر که از خداوند رخصت زیارت امام حسین علیه السلام را در آن شب می طلبند، با او مصافحه می کنند».(2) 2- در روایت معتبر دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که: «وقتی شب قدر می شود منادی از آسمان، از وسط عرش ندا می دهد که حق تعالی هر کسی را که به زیارت قبر حسین علیه السلام آمده است آمرزید».(3) 3- در روایت سومی از آن حضرت آمده: «هر کس شب قدر نزد قبر آن حضرت باشد و دو رکعت، یا آنچه برای او میسّر شود نماز بگزارد و از خداوند ورود در بهشت و پناه از آتش جهنّم را طلب کند، دعایش مستجاب می شود».(4) 4- حتّی «ابن قولویه» در «کامل الزیارات» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که: «هر کس قبر امام حسین علیه السلام را در ماه مبارک رمضان زیارت کند و در راه زیارت از دنیا برود، به او گفته می شود: با امن و امان داخل بهشت شو».(5) به هر حال زیارتی که برای شب قدر (و عید فطر و عید قربان) از «سیّد بن طاووس» و چند تن از بزرگان نقل شده و بعضی از آنها آن را از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند، به قرار ذیل است:

وقتی اراده زیارت ابی عبداللَّه الحسین علیه السلام کردی پس از غسل و پوشیدن تمیزترین لباس های خود، به حرم مقدّس آن حضرت می روی و در حالی که روی به جانب آن حضرت کرده ای، قبله را مابین دو کتف خود قرار ده و بگو:

السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ امیرِالْمُؤْمِنینَ، السَّلامُ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان، سلام

1- [500]بلد الامين، صفحه 284 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 342، حديث 2.
2- [501]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 100، حديث 31.
3- [502]همان مدرک، حديث 32.
4- [503]همان مدرک، صفحه 99، حديث 30.
5- [504]كامل الزيارات، باب 108، صفحه 330، حديث 7.

عَلَيْکَ يَابْنَ الصِّدّيقَهِ الطَّاهِرَهِ، فاطِمَهَ سَيِّدَهِ نِساۤءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ

بر تو ای فرزند صديقه طاهره، فاطمه سرور بانوان جهانيان، سلام

عَلَيْکَ يا مَوْلایَ يا ابا عَبْدِاللَّهِ، وَرَحْمَهُاللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، اشْهَدُ انَّکَ

بر تو ای مولا و سرورم ای اباعبداللَّه، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، گواهی می دهم که تو به يقين

قَدْاقَمْتَ الصَّلاهَ، وَآتَيْتَ الزَّکاهَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ،

نماز را بپا داشته و زکات را ادا نموده و امر به معروف و نهی از منکر کردی

وَتَلَوْتَ الْکِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ، وَجاهَدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَصَبَرْتَ

و کتاب خدا را به شايستگی تلاوت نموده و در راه خدا به شايستگی جهاد کردی، و

عَلَی الْأَذی فی جَنْبِهِ مُحْتَسِباً حَتّی اتيکَ الْيَقينُ، اشْهَدُ انَّ الَّذينَ

در کنار آن بر آزار و اذيّتها صبر نمودی و به حساب خدا گذاردی تا زمان وفاتت فرا رسيد، گواهی می دهم که به يقين آنان که

خالَفُوکَ وَحارَبُوکَ، وَالَّذينَ خَذَلُوکَ، وَالَّذينَ قَتَلُوکَ، مَلْعُونُونَ عَلی

با تو مخالفت کرده و جنگيدند و آنان که تو را تنها گذاشتند و آنان که تو را به شهادت رساندند، بر

لِسانِ النَّبِیِّ الْأُمِّیِ، وَقَدْ خابَ مَنِ افْتَری لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمينَ لَکُمْ مِنَ

زبان پيامبر أمّی لعنت شده اند، و تهمت زنندگان زيانکارند، و خداوند تمامی ستم کنندگان بر شما از

الْأَوَّلينَ وَالْأخِرينَ، وَضاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ الْأَليمَ، اتَيْتُکَ يا مَوْلایَ

پیشینیان و پسینیان را لعنت کرده و بر عذاب دردناک آنان بیافزاید، برای زیارت به درگاهت آمده ام ای مولای من

یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، زائِراً عارِفاً بِحَقِّکَ، مُوالِیاً لِأَوْلِیآئِکَ، مُعادِیاً لِأَعْدآئِکَ،

ای فرزند رسول خدا، در حالی که آشنای به حق تو و دوستدار دوستانت و دشمن دشمنانت هستم

مُسْتَبْصِراً بِالْهُدَی الَّذی انْتَ عَلَیْهِ، عارِفاً بِضَلالَهِ مَنْ خالَفَکَ، فَاشْفَعْ لی

و به هدایتی که تو برآنی بصیرت یافته ام، و به گمراهی مخالفانت آگاهم، پس نزد پروردگارت

عِنْدَ رَبِّکَ* سپس به جانب بالای سر برو و بگو: السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ فی

شفیعم باش.********************* سلام بر تو ای حجّت خدا در

ارْضِهِ وَسَمآئِهِ، صَلَّی اللَّهُ عَلی رُوحِکَ الطَّیِّبِ، وَجَسَدِکَ الطَّاهِرِ،

زمین و آسمان، درود خدا بر روح پاک و بدن پاکیزه ات

وَعَلَیْکَ السَّلامُ یا مَوْلایَ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ* پس از آن ضریح را ببوس، آنگاه و سلام بر تو باد ای مولای من و رحمت و برکات خدا بر تو باد.******************

ص: 414

دو رکعت نماز زیارت بجای آور و بعد از آن هر مقدار که میسّر شود نماز بخوان و سپس به پایین پای آن حضرت برو و خطاب به علی بن الحسین علیهما السلام (علی اکبر) بگو: السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ

************************* سلام بر تو ای مولای من و فرزند

مَوْلایَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَکَ،

مولایم، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، لعنت خدا بر کسی که بر تو ستم نمود، و لعنت خدا بر کسی که تو را به شهادت رساند،

وَضاعَفَ عَلَیْهِمُ الْعَذابَ الْأَلیمَ* و آنچه می خواهی از خدا بخواه، سپس در طرف پایین پا و خدا بر عذاب دردناک آنان بیافزاید*****************

رو به قبله بایست و سایر شهدا را زیارت کن و بگو: السَّلامُ عَلَیْکُمْ ایُّهَا الصِّدّیقُونَ،

*********** سلام بر شما ای راستگویان

السَّلامُ عَلَیْکُمْ ایُّهَا الشُّهَدآءُ الصَّابِرُونَ، اشْهَدُ انَّکُمْ جاهَدْتُمْ فی سَبیلِ

سلام بر شما ای شهیدان شکیبا، گواهی می دهم که شما به یقین در راه خدا جهاد

اللَّهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلَی الْأَذی فی جَنْبِ اللَّهِ، وَنَصَحْتُمْ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ، حَتّی

کرده و در راه خدا بر آزار و اذیّتها صبر نمودید و برای خدا و پیامبرش خیرخواهی کردید تا این که زمان

اتیکُمُ الْیَقینُ، اشْهَدُ انَّکُمْ احْیآءٌ عِنْدَ رَبِّکُمْ تُرْزَقُونَ، فَجَزاکُمُ اللَّهُ عَنِ

مرگتان فرا رسید، گواهی می دهم که به یقین شما زنده اید و نزد پروردگارتان روزی داده می شوید، پس خداوند

الْإِسْلامِ وَاهْلِهِ، افْضَلَ جَزآءِ الْمُحْسِنینَ، وَجَمَعَ بَیْنَنا وَبَیْنَکُمْ فی مَحَلِ

از جانب اسلام و مسلمانان به شما بهترین پاداش نیکوکاران را عطا کند، و ما و شما را در بهشت گرد هم

النَّعیمِ* آنگاه به زیارت عباس بن علی علیهما السلام برو، وقتی به آن جا رسیدی، نزد آن جناب بایست و بگو:

آورد.************************

السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ امیرِالْمُؤْمِنینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ

سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان، سلام بر تو ای بنده شایسته و

الْمُطیعُ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ، اشْهَدُ انَّکَ قَدْ جاهَدْتَ وَنَصَحْتَ وَصَبَرْتَ حَتّی

فرمانبردار خدا و رسولش، گواهی می دهم که تو به یقین جهاد کرده و خیرخواهی نموده و (در راه خدا) صبر کردی تا

اتیکَ الْیَقینُ، لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمینَ لَکُمْ مِنَ الْأَوَّلینَ وَالْأخِرینَ، وَالْحَقَهُمْ

زمان وفاتت فرا رسید، و خداوند تمامی ستم کنندگان بر شما از پیشینیان و پسینیان را لعنت کرده و

بِدَرَکِ الْجَحیمِ.(1)

به قعر دوزخ بفرستد.

یادآوری: در مواقع ازدحام جمعیّت، دور زدن ضریح یا چسبیدن به ضریح و مانند آن- که در بعضی از روایات آمده- لازم نیست.

7- زیارت در عید فطر و قربان

به سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «هر کس قبر امام حسین علیه السلام را در یکی از سه شب زیارت کند گناهان او آمرزیده می شود»، راوی عرض می کند: فدایت شوم آن سه شب کدام است؟ فرمود:

«شب عید فطر، شب عید قربان و شب نیمه شعبان».(2) همچنین از آن حضرت روایت شده که: «هر کس آن حضرت را در یکی از سه شب نیمه شعبان، عید فطر و عرفه زیارت کند هزار حاجت از حوایج دنیا و آخرت برای او برآورده می شود».(3) از امام باقر علیه السلام نقل شده که: «هر کس شب عرفه در زمین کربلا باشد و آن جا برای زیارت روز عید قربان بماند و سپس برگردد، خدای سبحان او را از آفات آن سال محافظت می کند».(4) به هر حال، برای این دو شب نیز غیر از زیارت قبلی، زیارت دیگری ذکر شده است و از کلمات علما به دست می آید که زیارت قبلی مربوط به روزهای عید فطر و عید قربان است و زیارت ذیل مربوط به شب های این دو عید است.

وقتی اراده زیارت آن حضرت را در این دو شب کردی بر دَرِ حرم مطهّر او بایست و به جانب قبر نظر بیفکن و برای اذن دخول بگو:

یا مَوْلایَ یا ابا عَبْدِاللَّهِ، یَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُکَ وَابْنُ امَتِکَ، الذَّلیلُ بَیْنَ

ای مولای من ای ابا عبداللَّه، ای فرزند رسول خدا، بنده و فرزند کنیزت، فروتن در پیش

یَدَیْکَ، وَالْمُصَغَّرُ فی عُلُوِّ قَدْرِکَ، وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّکَ، جآءَکَ مُسْتَجیراً

رویت و کوچک در برابر علوّ منزلتت و اعتراف کننده به حقّت، نزدت آمده، در حالی که به تو پناهنده

بِکَ، قاصِداً الی حَرَمِکَ، مُتَوَجِّهاً الی مَقامِکَ، مُتَوَسِّلاً الَی اللَّهِ تَعالی بِکَ،

است، و حرمت را قصد کرده و به جایگاهت رو نموده، و به واسطه تو به خداوند بلندمرتبه متوسّل شده است

1- [505]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 350 و مصباح الزائر، صفحه 325.(با اندکی تفاوت)
2- [506]کامل الزیارات، باب 72، صفحه 180، حدیث 6.
3- [507]همان مدرک، حدیث 7.
4- [508]همان مدرک، باب 88، صفحه 269، حدیث 9.

ءَادْخُلُ یا مَوْلایَ، ءَادْخُلُ یا وَلِیَ اللَّهِ، ءَادْخُلُ یا مَلائِکَةَ اللَّهِ الْمُحْدِقینَ

آیا داخل شوم ای مولای من، آیا داخل شوم ای ولیّ خدا، آیا داخل شوم ای فرشتگان خدا که این حرم را در بر

بِهذَا الْحَرَمِ، الْمُقیمینَ فی هذا الْمَشْهَدِ* سپس پای راست را جلو بگذار و داخل شو گرفته، و در این شهادتگاه اقامت گزیده اید.************************

و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَفی سَبیلِ اللَّهِ، وَعَلی مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ انْزِلْنی

به نام خدا و به یاری خدا و در راه خدا، و بر دین رسول خدا، خدایا مرا به جایگاه پربرکتی

مُنْزَلًا مُبارَکاً، وَانْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلینَ* آنگاه بگو: اللَّهُ اکْبَرُ کَبیراً، وَالْحَمْدُ

فرود آر، و تو بهترین فرودآورندگانی****** خداوند بسیار بزرگتر است و حمد و سپاس

للَّهِ کَثیراً، وَسُبْحانَ اللَّهِ بُکْرَهً وَاصیلًا، وَالْحَمْدُللَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْماجِدِ

فراوان از آن خداوند است، و در صبحگاهان و شامگاهان او را تسبیح می گویم، و حمد و سپاس از آن خداوند یگانه بی نیاز و بزرگوار

الْأَحَدِ، الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ الْمُتَطَوِّلِ الحَنَّانِ، الَّذی مِنْ تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لی

یکتاست، (خداوندِ) با محبّت و سخاوتمند و نعمت بخش و غمخوار، آن که به واسطه نعمت بخشی و احسانش

زِیارَهَ مَوْلایَ بِاحْسانِهِ، وَلَمْ یَجْعَلْنی عَنْ زِیارَتِهِ مَمْنُوعاً، وَلا عَنْ ذِمَّتِهِ

زیارت مولایم را برایم آسان کرد، و مرا از زیارتش منع نکرد و از امانش

مَدْفُوعاً، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ* آنگاه حرکت کن و پس از رسیدن به میان حرم، مقابل قبر مطهّر دور نساخت بلکه احسان کرد و عطا نمود***

با حال خضوع و تضرّع بایست و بگو: السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ صَفْوَهِ اللّهِ، السَّلامُ

************** سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام

عَلَیْکَ یا وارِثَ نُوحٍ امینِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ ابْراهیمَ خَلیلِ اللَّهِ،

بر تو ای وارث نوح امین خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا

السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُوسی کَلیمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عیسی

سلام بر تو ای وارث موسی هم صحبت خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی

رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، حَبیبِ اللَّهِ،

روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- حبیب خدا

السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عَلِیٍّ حُجَّهِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْوَصِیُّ الْبَرُّ

سلام بر تو ای وارث علی حجّت خدا، سلام بر تو ای جانشین نیکوکار

ص: 417

التَّقِیُّ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَ اللَّهِ وَابْنَ ثارِهِ، وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ، اشْهَدُ انَّکَ قَدْ

پرهیزکار، سلام بر تو ای فرزند کسی که خونخواهتان خداست و یگانه ای که انتقام خونش گرفته نشده است، گواهی می دهم که تو به یقین

اقَمْتَ الصَّلاهَ، وَآتَیْتَ الزَّکاهَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ،

نماز را بپا داشته و زکات دادی، و امر به معروف و نهی از منکر کرده

وَجاهَدْتَ فی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، حَتَّی اسْتُبیحَ حَرَمُکَ، وَقُتِلْتَ مَظْلُوماً

و در راه خدا به شایستگی جهاد نمودی، تا این که حُرمتت شکسته شد و مظلومانه به شهادت رسیدی* سپس نزد سر مقدّس، با دلی خاشع بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا ابا عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ

سلام بر تو ای اباعبداللَّه، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو

یَا بْنَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ فاطِمَهَ سَیِّدَهِ نِساآءِ الْعالَمینَ،

ای فرزند آقا و سرور جانشینان، سلام بر تو ای فرزند فاطمه سرور بانوان جهانیان

السَّلامُ عَلَیْکَ یا بَطَلَ الْمُسْلِمینَ، یا مَوْلایَ اشْهَدُ انَّکَ کُنْتَ نُوراً فِی

سلام بر تو ای قهرمان مسلمانان، ای مولای من گواهی می دهم که تو نوری در

الْأَصْلابِ الشَّامِخَهِ، وَالْأَرْحامِ الْمُطَهَّرَهِ، لَمْ تُنَجِّسْکَ الْجاهِلِیَّهُ

صلبهای بلندمرتبه و رحمهای پاکیزه بودی، که دوران جاهلیّت

بِانْجاسِها، وَلَمْ تُلْبِسْکَ مِنْ مُدْلَهِمَّاتِ ثِیابِها، وَاشْهَدُ انَّکَ مِنْ دَعآئِمِ

با ناپاکیهایش تو را آلوده نساخت، و لباسهای آلوده اش تو را نپوشانید، و گواهی می دهم که تو از پایه های

الدّينِ، وَارْکانِ الْمُسْلِمینَ، وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنینَ، وَاشْهَدُ انَّکَ الْإِمامُ الْبَرُّ

دین و تکیه گاه مسلمانان و پناهگاه مؤمنان هستی، و گواهی می دهم که تو پیشوای نیکوکار

التَّقِیُّ الرَّضِیُّ الزَّکِیُّ الْهادِی الْمَهْدِیُّ، وَاشْهَدُ انَّ الْأَئِمَّهَ مِنْ وُلْدِکَ کَلِمَهُ

پرهیزکار و پسندیده پاکیزه و راهنمای هدایت یافته ای، و گواهی می دهم که امامان از فرزندان تو اساس

التَّقْوی وَاعْلامُ الْهُدی وَالْعُروَهُ الْوُثْقی وَالْحُجَّهُ عَلی اهْلِ الدُّنْیا

پرهیزکاری و نشانه های هدایت و ریسمان محکم (هدایت) و حجّت (خدا) بر جهانیان هستند* آنگاه بگو: انَّا للّهِ وَانَّا الَیْهِ راجِعُونَ، یا مَوْلایَ ا نَا مُوالٍ لِوَلِیِّکُمْ، وَمُعادٍ

ما از آنِ خداییم و به سوی او بازمی گردیم، ای مولا و سرورم، من دوست دوستانت و دشمن

ص: 418

لِعَدُوِّكُمْ، وَ ا نَا بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِايابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرايِعِ دينى وَخَواتيمِ

دشمنان توام، و به شما ایمان دارم و به واسطه قوانین دینم و عواقب عملم به بازگشت شما

عَمَلى وَقَلْبى لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ، وَامْرى لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، يا مَوْلاىَ اتَيْتُكَ

مطمئنّم و دلم تسلیم دل شما و عملم پیرو عمل شماست، ای مولای من با ترس (از گناه) به درگاهت آمده ام

خائِفاً فَآمِنّى وَاتَيْتُكَ مُسْتَجيراً فَاجِرْنى وَاتَيْتُكَ فَقيراً فَاغْنِنى

پس امانم ده، و پناه جویان به درگاهت آمده ام پس پناهم ده، و فقیر و نیازمند به درگاهت آمده ام پس بی نیازم گردان

سَيِّدى وَمَوْلاىَ، انْتَ مَوْلاىَ، حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ اجْمَعينَ، آمَنْتُ

آی آقا و سرورم و ای مولای من، تویی مولای من و حجّت خدا بر تمامی مخلوقات، ایمان دارم

بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ، وَبِظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ، وَاوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَاشْهَدُ انَّكَ

به نهان و آشکارتان، و ظاهر و باطنتان و اوّلین و آخرینتان، و گواهی می دهم که تو به یقین

التَّالى لِكِتابِ اللَّهِ، وَامينُ اللَّهِ، الدَّاعى الَى اللَّهِ بِالْحِكْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ

کتاب خدا را تلاوت نموده و امین خدایی، و با حکمت و اندرز نیکو به سوی خداوند دعوت نمودی

الْحَسَنَهِ، لَعَنَ اللَّهُ امَّهً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّهً سَمِعَتْ بِذلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ

خداوند گروهی را که به تو ستم نمودند لعنت کند و خداوند گروهی که آن را شنیده و به آن راضی شدند لعنت کند* سپس دو رکعت نماز بالای سر آن حضرت بخوان و پس از سلام بگو: اللَّهُمَّ انّى لَكَ صَلَّيْتُ،

****************************** خدایا برای تو نماز خوانده

وَلَکَ رَکَعْتُ، وَلَکَ سَجَدْتُ، وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ، فَانَّهُ لاتَجُوزُ الصَّلاةُ

و برای تو رکوع و سجود بجا آوردم، تویی که یگانه ای و شریکی نداری، چرا که نماز

وَالرُّکُوعُ وَالسُّجُودُ الَّا لَکَ، لِأَنَّکَ انْتَ اللَّهُ الَّذی لا الهَ إلَّاانْتَ، اللَّهُمَّ صَلِ

و رکوع و سجود فقط برای توست، چون تویی خدایی که معبودی جز تو نیست، خدایا

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْلِغْهُمْ عَنّی افْضَلَ السَّلامِ وَالتَّحِیَّهِ، وَارْدُدْ

به محمد و خاندان پاکش درود فرست، و بهترین سلام و درود مرا به آنان برسان، و

عَلَیَّ مِنْهُمُ السَّلامَ، اللهُمَّ وَهاتانِ الرَّکْعَتانِ هَدِیَّهٌ مِنّی الی سَیِّدِیَ

سلامشان را به من بازگردان، خدایا این دو رکعت نماز هدیه ای است از جانب من به آقا و سرورم

الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ عَلَیْهِمَا السَّلامُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلَیْهِ،

حسین بن علی- که سلام و درود بر ایشان باد- خدایا بر محمّد و بر او درود فرست،

ص: 419

وَتَقَبَّلْهُما مِنّی وَأْجُرْنِی عَلَیْهِما افْضَلَ امَلی وَرَجآئی فیکَ، وَ فی وَلِیِّکَ

و این دو رکعت را از من بپذیر، و در مقابل آن پاداشی بهتر از آنچه آرزو داشته و از تو و ولیّت امید دارم را به من عطا فرما

یا وَلِیَّ الْمُؤْمِنینَ* سپس قبر آن حضرت را ببوس و بگو: السَّلامُ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ

ای سرپرست مؤمنان****************** سلام بر حسین فرزند

عَلِیٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهیدِ، قَتیلِ الْعَبَراتِ، وَاسیرِ الْکُرُباتِ، اللهُمَّ انّی اشْهَدُ

علی آن مظلوم شهید، آن کشته ای که اشک فراوان بر او ریخته می شود، و در بند ناگواری ها است، خدایا گواهی می دهم که به یقین

انَّهُ وَلِیُّکَ وَابْنُ وَلِیِّکَ، وَصَفِیُّکَ الثَّآئِرُ بِحَقِّکَ، اکْرَمْتَهُ بِکَرامَتِکَ، وَخَتَمْتَ

او ولیّ تو و فرزند ولیّ تو و برگزیده بپا خواسته بر (احقاق) حق توست، او را به کرامتت گرامی داشته و

لَهُ بِالشَّهادَهِ، وَجَعَلْتَهُ سَیِّداً مِنَ السَّادَهِ، وَقآئِداً مِنَ الْقادَهِ، وَ اکْرَمْتَهُ

با شهادت زندگیش را به پایان رساندی، و او را آقایی از میان آقایان و پیشوایی از میان پیشوایان قرار دادی، و او را به

بِطیبِ الْوِلادَهِ، وَاعْطَیْتَهُ مَواریثَ الْأَنْبِیآءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّهً عَلی خَلْقِکَ

پاکی ولادت گرامی داشتی و میراث پیامبران را به او عطا نموده و از میان جانشینان او را حجّت بر مخلوقاتت

مِنَ الْأَوْصِیآءِ، فَاعْذَرَ فِی الدُّعآءِ، وَ مَنَحَ النَّصیحَهَ، وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فیکَ،

قرار دادی، پس در دعوت جای بهانه باقی نگذاشت و در خیرخواهی دریغ نکرد و جانش را در راه تو فدا نمود

حَتَّی اسْتَنْقَذَ عِبادَکَ مِنَ الْجَهالَهِ، وَحَیْرَهِ الضَّلالَهِ، وَقَدْ تَوازَرَ عَلَیْهِ مَنْ

تا بندگانت را از جهالت و سرگردانی در گمراهی رهایی بخشد، در حالی که همدیگر را یاری کردند آنان که

غَرَّتْهُ الدُّنْیا، وَباعَ حَظَّهُ مِنَ الْأخِرَهِ بِالْأَدْنی وَتَرَدّی فی هَواهُ،

دنیا آنها را فریفته بود و بهره خود را از آخرت به (متاع ناچیز) دنیا فروخته و در (دام) هوای نفس افتاده بودند

وَاسْخَطَکَ وَاسْخَطَ نَبِیَّکَ، وَاطاعَ مِنْ عِبادِکَ اولِی الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ،

و تو و پیامبرت را به خشم آوردند و اطاعت نمودند از تفرقه افکنان و منافقان

وَحَمَلَهَ الْأَوْزارِ الْمُسْتَوْجِبینَ النّارَ، فَجاهَدَهُمْ فیکَ صابِراً مُحْتَسِباً،

و حاملان (بارهای) گناه که سزاوار دوزخند، پس او در راه تو شکیبا و حسابگر با آنها جهاد نمود

مُقْبِلاً غَیْرَ مُدْبِرٍ، لاتَأْخُذُهُ فِی اللَّهِ لَوْمَهُ لآئِمٍ، حَتّی سُفِکَ فی طاعَتِکَ

روی کننده به جهاد نه گریزان از آن، در حالی که ملامت سرزنش کنندگان او را از راه خدا باز نداشت، تا این که در راه فرمانبرداری تو

دَمُهُ، وَاسْتُبیحَ حَریمُهُ، اللهُمَّ الْعَنْهُمْ لَعْناً وَبیلاً، وَ عَذِّبْهُمْ عَذاباً الیماً

خونش ریخته شده و حرمتش پایمال شد، خدایا آنها را به سختی لعنت کن و به عذاب دردناک گرفتار نما

ص: 420

* آنگاه حرکت کن به سوی قبر علی بن الحسین علیهما السلام (علی اکبر) که در پایین پای امام حسین علیه السلام واقع است و بگو: السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ 509]، السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ

**** سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام

عَلَیْکَ یَابْنَ خاتَمِ النَّبِیّینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِسآءِ

بر تو ای فرزند خاتم پیامبران، سلام بر تو ای فرزند فاطمه سرور بانوان

الْعالَمینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ امیرِ الْمُؤْمِنینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْمَظْلُومُ

جهانیان، سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان، سلام بر تو ای ستمدیده

الشَّهیدُ، بِابی انْتَ وَامّی عِشْتَ سَعیداً، وَقُتِلْتَ مَظْلُوماً شَهیداً* بعد از آن شهید، پدر و مادرم فدای تو باد، سعادتمند زندگی کرده و مظلومانه به شهادت رسیدی.*****

رو به سوی قبور سایر شهدا (رضوان اللّه علیهم) می کنی و می گویی: السَّلامُ عَلَیْکُمْ ایُّهَا

************************************ سلام بر شما ای

الذَّآبُّونَ عَنْ تَوْحیدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ،

دفاع کنندگان از یگانگی خدا، سلام بر شما به خاطر شکیباییتان، پس چه جایگاه نیکویی است (جایگاه صابران)

بِابی انْتُمْ وَامّی فُزْتُمْ فَوْزاً عَظیماً* آنگاه به سوی حرم عبّاس بن علی علیهما السلام حرکت کن و پدر و مادرم فدای شما که به رستگاری بزرگی رسیدید.*************************

نزد ضریحِ شریف او بایست و بگو: السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، وَالصِّدّیقُ

************** سلام بر تو ای بنده شایسته (خدا) و بسیار راستگو

الّمُواسی اشْهَدُ انَّکَ آمَنْتَ بِاللّهِ، وَنَصَرْتَ ابْنَ رَسُولِ اللّهِ، وَدَعَوْتَ الی

و یاری کننده (برادر)، گواهی می دهم که تو به یقین به خدا ایمان آورده و فرزند رسول خدا را یاری نمودی، و به سوی

سَبیلِ اللَّهِ، وَ واسَیْتَ بِنَفْسِکَ، فَعَلَیْکَ مِنَ اللَّهِ افْضَلُ التَّحِیَّهِ وَالسَّلامِ

راه خدا دعوت کرده و با جان خویش (برادرت را) یاری نمودی، پس بهترین درود و سلام از جانب خداوند بر تو باد.

* سپس بگو: بِابی انْتَ وَامّی یا ناصِرَ دینِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا ناصِرَ

******* پدر و مادرم فدای تو ای یاور دین خدا، سلام بر تو ای یاور

ص: 421

الْحُسَيْنِ الصِّدّيقِ، السَّلامُ عَلَيْکَ یا ناصِرَ الْحُسَیْنِ الشَّهیدِ، عَلَيْکَ مِنّی

حسین بسیار راستگو، سلام بر تو ای یاور حسین شهید، سلام من بر تو باد

السَّلامُ ما بَقیتُ وَبَقِیَ اللَّيْلُ وَ النَّهارُ.

مادامی که زنده ام و شب و روز باقیست.

آنگاه دو رکعت نماز بالای سر آن حضرت بخوان و پس از آن، دعایی که بالای سر امام حسین علیه السلام خواندی یعنی

اللَّهُمَّ إِنِّی صَلَّیْتُ ...

(که در صفحه 383 گذشت) را این جا نیز بخوان، آنگاه به سوی حرم امام حسین علیه السلام برگرد و نزد آن حضرت هر مقدار که خواستی بمان (به گونه ای که مزاحمت برای دیگران نشود). هنگامی که خواستی وداع کنی بالای سر آن حضرت بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَيْکَ یا مَوْلایَ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا قالٍ وَ لا سَئِمٍ، فَانْ انْصَرِفْ فَلا

سلام بر تو ای مولای من، سلام وداع کننده ای که نه دلتنگ است و نه خسته، پس اگر باز می گردم

عَنْ مَلالَهٍ، وَانْ اقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرینَ، یا مَوْلایَ،

از روی دلتنگی نیست و اگر می مانم از روی بدگمانی به وعده خدا به صابران نیست، ای مولای من،

لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّی لِزِیارَتِکَ، وَ رَزَقَنِیَ الْعَوْدَ الَیْکَ، وَالْمَقامَ فی

خداوند این زیارتم را آخرین زیارت از تو قرار ندهد، و بازگشت به آستانت و اقامت در

حَرَمِکَ، وَالْکَوْنَ فی مَشْهَدِکَ، آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ* در پایان نیز (در صورت امکان) حرمت، و بودن در محل شهادتت را روزیم گرداند، دعایم را بپذیر ای پروردگار جهانیان********

قبر آن حضرت را ببوس و به صورت قهقری خارج شو و هنگام خارج شدن بگو: السَّلامُ عَلَیْکَ

*********************************** سلام بر تو

یا بابَ الْمَقامِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا شَریکَ الْقُرْآنِ 510]، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ

ای درگاه اقامت (مؤمنان)، سلام بر تو ای شریک قرآن، سلام بر تو ای حجّت و دلیل

الْخِصامِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَفینَهَ النَّجاهِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا مَلائِکَهَ رَبّی

بر دشمنان، سلام بر تو ای کشتی نجات، سلام بر شما ای فرشتگانِ پروردگار من

الْمُقیمینَ فی هذَا الْحَرَمِ، السَّلامُ عَلَیْکَ ابَداً ما بَقیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ

که در این حرم اقامت دارید، پیوسته سلام بر تو باد مادامی که زنده ام و شب و روز باقیست

ص: 422

* و بگو: انَّا للَّهِ وَ انَّا الَیْهِ راجِعُونَ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ.

******* ما از آنِ خداییم و به سوی او باز می گردیم و توان و نیرویی جز برای خداوند بلندمرتبه و باعظمت نیست.

قابل توجّه این که برای این زیارت، ثواب عظیمی نقل شده است.(1)

8- زیارت روز عرفه

در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه روایات فراوانی وارد شده که به تعبیر مرحوم محدّث قمی رحمه الله قابل احصا نیست، لذا تنها به ذکر سه روایت معتبر، اکتفا می شود:

1- در روایات متعدّد معتبر، وارد شده که خدای سبحان در روز عرفه قبل از آن که به حاجیان متوقّف در عرفات نظری افکند، نظر رحمتش را به سوی زائران قبر حسین علیه السلام معطوف می سازد.(2) 2- در حدیث معتبر دیگری از رفاعه نقل شده که می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: امسال حج مشرّف شده ای؟ گفتم: فدایت شوم پولی نداشتم تا به حج روم، لیکن عرفه را نزد قبر امام حسین علیه السلام بودم، فرمود: ای رفاعه! هیچ کوتاهی نکردی از آنچه اهل منی در آن بودند، اگر نه این بود که می ترسم مردم ترک حج کنند حدیثی را برایت می گفتم که با شنیدن آن هرگز زیارت قبر امام حسین علیه السلام را رها نمی کردی! آنگاه لحظه ای ساکت شد و سپس فرمود: پدرم مرا خبر داد که هر کس به سوی قبر امام حسین علیه السلام حرکت کند در حالی که عارف به حقّ آن حضرت و بدون تکبّر باشد، هزار فرشته از جانب راست و هزار فرشته از جانب چپ، با او همراه می شوند و برای او ثواب هزار حج و هزار عمره ای که به همراه پیامبر یا وصیّ پیامبر صلی الله علیه و آله بجا آورده شود نوشته می شود.(3) 3- داوود رقّی می گوید: من از امام صادق و امام کاظم و امام رضا (صلوات اللَّه علیهم) شنیدم که می فرمودند: هر کسی به زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه برود خداوند قلب او را (با ایمان و یقین و مغفرت و رحمت) آرامش می بخشد.(4) به هر حال، کیفیّت زیارت آن حضرت در روز عرفه چنین است که هرگاه اراده زیارت کنی در صورت امکان، با آب فرات و گرنه با هر آبی که ممکن باشد غسل کن و پاکیزه ترین لباس های خودت را بپوش و با آرامش و وقار و طمأنینه، حرکت نما، وقتی به دَرِ حرم حسینی رسیدی بگو:

اللّهُ اکْبَرُ و نیز بگو: اللّهُ اکْبَرُ کَبیراً، وَالْحَمْدُ للّهِ کَثیراً، وَسُبْحانَ اللّهِ بُکْرَةً

خدا بزرگتر از هر چیز است*** خدا بسیار بزرگتر است و حمد و سپاس فراوان از آنِ اوست و هر بامداد و شامگاه او را

1- [511]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 352، حدیث 1 و مصباح الزائر، صفحه 329(با اندکی تفاوت).
2- [512]کامل الزیارات، باب 70، حدیث 3 و 4 و 5 و 7.
3- [513]مصباح المتهجّد، صفحه 716.
4- [514]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 86، حدیث 8.

وَاصيلاً، وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذى هَدانا لِهذا، وَما کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلا انْ هَدانَا اللَّهُ،

تسبیح می گویم، و ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمتها) رهنمون شد؛ و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود ما (به

لَقَدْ جآئَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ، السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی اميرِ

اینها) راه نمی یافتیم مسلّماً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند، سلام بر رسول خدا، سلام بر امیر

الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلی فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ سَيِّدَهِ نِسآءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ

مؤمنان، سلام بر فاطمه زهرا سرور بانوان جهانیان، سلام

عَلَی الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلامُ عَلی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، السَّلامُ عَلی

بر حسن و حسین، سلام بر علی بن حسین، سلام بر

مُحَمَّدِ بْنِ عَلیٍّ، السَّلامُ عَلی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، السَّلامُ عَلی مُوسَی بْنِ

محمّد بن علی، سلام بر جعفر بن محمّد، سلام بر موسی بن

جَعْفَرٍ، السَّلامُ عَلی عَلِیِّ بْنِ مُوسی السَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ،

جعفر، سلام بر علی بن موسی، سلام بر محمّد بن علی،

السَّلامُ عَلی عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، السَّلامُ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ، السَّلامُ عَلَی

سلام بر علی بن محمّد، سلام بر حسن بن علی، سلام بر

الْخَلَفِ الصَّالِحِ الْمُنْتَظَرِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا ابا عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ

جانشین شایسته ای که انتظار (حضورش) کشیده می شود، سلام بر تو ای ابا عبداللَّه، سلام بر تو ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ، وَابْنُ امَتِکَ، الْمُوالی لِوَلِيِّکَ، الْمُعادی

رسول خدا، بنده و فرزند بنده و فرزند کنیزت، دوستدار دوستانت و دشمن

لِعَدُوِّکَ، اسْتَجارَ بِمَشْهَدِکَ، وَتَقَرَّبَ الَی اللّهِ بِقَصْدِکَ، الْحَمْدُ للّهِ الّذی

دشمنانت، به شهادتگاهت پناهنده شده و با عزیمت به سویت به خدا تقرّب می جوید، حمد و سپاس از آن خداوندی است که

هَدانی لِوِلایَتِکَ، وَخَصَّنی بِزِیارَتِکَ، وَسَهَّلَ لی قَصْدَکَ سپس داخل حرم مرا به دوستی تو هدایت نمود، و مرا برای زیارتت برگزیده و آن را برایم آسان کرد*******

می شوی و بالای سر حضرت می ایستی و می گویی: السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ صَفْوَهِ

****************** سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده

اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ ابْراهیمَ

خدا، سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم

خَليلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا وارِثَ مُوسى کَليمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا

خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث موسی هم صحبت خدا، سلام بر تو ای

وارِثَ عيسى رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللَّهِ، السَّلامُ

وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمّد حبیب خدا، سلام

عَلَيْکَ يا وارِثَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا وارِثَ فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ،

بر تو ای وارث امیرمؤمنان، سلام بر تو ای وارث فاطمه زهرا

السَّلامُ عَلَيْکَ يَا بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفى السَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ عَلِیّ

سلام بر تو ای فرزند محمّد مصطفی، سلام بر تو ای فرزند علی

الْمُرْتَضى السَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ

مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو ای فرزند

خَديجَةَ الْکُبْرى السَّلامُ عَلَيْکَ يا ثارَاللَّهِ وَابْنَ ثارِهِ، وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ،

خدیجه کبری سلام بر تو ای فرزند کسی که خونخواهتان خداست و یگانه ای که انتقام خونش گرفته نشده است

اشْهَدُ انَّکَ قَدْ اقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّکاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ

گواهی می دهم که تو نماز را بپا داشته و زکات دادی و امر به معروف و نهی

عَنِ الْمُنْکَرِ، وَاطَعْتَ اللَّهَ حَتّى اتيکَ الْيَقينُ، فَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْکَ، وَلَعَنَ

از منکر کرده و خدا را اطاعت نمودی تا به شهادت رسیدی، خداوند قاتلین تو و کسانی که

اللَّهُ امَّةً ظَلَمَتْکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً سَمِعَتْ بِذلِکَ فَرَضِيَتْ بِهِ، يا مَوْلاىَ يا ابا

به تو ستم کردند و کسانی که این (واقعه) را شنیده و به آن راضی شدند، لعنت کند، ای مولای من ای

عَبْدِاللَّهِ، اشْهِدُ اللَّهَ وَمَلآئِکَتَهُ وَانْبِیآئَهُ وَرُسُلَهُ، انّی بِکُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِایابِکُمْ

اباعبداللَّه، خدا و فرشتگان و پیامبران و فرستادگانش را گواه می گیرم، که به شما ایمان دارم و به واسطه قوانین

مُوقِنٌ، بِشَرایِعِ دینی وَخَواتیمِ عَمَلی وَمُنْقَلَبی الی رَبّی فَصَلَواتُ اللَّهَ

دینم و عواقب عملم به بازگشت شما مطمئنّم، و بازگشتم به سوی پروردگارم است، پس درودهای خدا

عَلَیْکُمْ، وَعَلی ارْواحِکُمْ، وَعَلی اجْسادِکُمْ، وَعَلی شاهِدِکُمْ، وَغآئِبِکُمْ،

بر شما و بر ارواح و بدنها و حاضر و غایبتان

وَظاهِرِکُمْ وَباطِنِکُمْ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ خاتَمِ النَّبِیّینَ، وَابْنَ سَیِّدِ

و ظاهر و باطنتان، سلام بر تو ای خاتم پیامبران، و فرزند آقا و سرور

الْوَصِیّینَ، وَابْنَ امامِ الْمُتَّقینَ، وَابْنَ قآئِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلینَ الی جَنّاتِ

جانشینان، و فرزند پیشوای پرهیزکاران و فرزند پیشوای هدایتگر سفیدرویان به سوی باغهای بهشتی

النَّعیمِ، وَ کَیْفَ لا تَکُونُ کَذلِکَ، وَ انْتَ بابُ الْهُدی وَ امامُ التُّقی وَالْعُرْوَهُ

پرنعمت، و چرا این گونه نباشی، در حالی که تو درگاه هدایت و پیشوای پرهیزکاری و ریسمان

الْوُثْقی وَالْحُجَّهُ عَلی اهْلِ الدُّنْیا، وَ خامِسُ اهْلِ الْکِسآءِ(1)، غَذَتْکَ

محکم و حجّت و دلیل بر اهل دنیا و خامس آل عبایی،

یَدُ الرَّحْمَهِ، وَرُضِعْتَ مِنْ ثَدْیِ الْإیمانِ، وَ رُبّیتَ فی حِجْرِ الْإِسْلامِ،

از دست (پیامبرِ) رحمت غذا خوردی، و از سینه (مملوّ از) ایمان شیر داده شدی و در دامان اسلام تربیت یافتی،

فَالنَّفْسُ غَیْرُ راضِیَهٍ بِفِراقِکَ، وَلاشآکَّهٍ فی حَیاتِکَ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْکَ

لذا دل راضی به جدایی از تو نیست و تردیدی در زنده بودنت ندارد، درود خدا بر تو

وَ عَلی آبائِکَ وَابْنآئِکَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا صَریعَ الْعَبْرَهِ السَّاکِبَهِ، وَقَرینَ

و پدران و فرزندان تو باد، سلام بر تو ای به خاک افتاده ای که اشکها برای تو جاریست، و همدم

الْمُصیبَهِ الرَّاتِبَهِ، لَعَنَ اللَّهُ امَّهً اسْتَحَلَّتْ مِنْکَ الْمَحارِمَ، [وَانْتَهَکَتْ فیکَ

مصیبتهای پیاپی، خداوند لعنت کند گروهی را که حرمتت را رعایت نکردند [و در مورد تو

حُرْمَهَ الْإِسْلامِ (2) فَقُتِلْتَ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ مَقْهُوراً، وَاصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ

به حریم اسلام تجاوز کردند] پس کشته شدی، درود خدا بر تو که مظلوم گشتی و از سوی رسول خدا

صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ بِکَ مَوْتُوراً، وَاصْبَحَ کِتابُ اللَّهِ بِفَقْدِکَ مَهْجُوراً، السَّلامُ

- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- کسی انتقام خونت را نگرفت، و با نبود تو کتاب خدا متروک واقع شد، سلام

عَلَیْکَ وَعَلی جَدِّکَ وَابیکَ، وَامِّکَ وَاخیکَ، وَعَلَی الْأَئِمَّهِ مِنْ بَنیکَ،

بر تو و بر جدّ و پدرت و مادر و برادرت و بر امامان از فرزندانت

وَعَلَی الْمُسْتَشْهَدینَ مَعَکَ، وَعَلَی الْمَلائِکَهِ الْحآفّینَ بِقَبْرِکَ،

و بر آنان که با تو به شهادت رسیدند و بر فرشتگانی که قبرت را در بر گرفته

وَالشَّاهِدینَ لِزُوَّارِکَ، الْمُؤَمِّنینَ بِالْقَبُولِ عَلی دُعآءِ شیعَتِکَ، وَالسَّلامُ

و گواه بر زوّار تو هستند و برای پذیرش دعای شیعیانت آمین می گویند، و سلام

ص: 426

1- [515]در مصباح الزائر« اصحاب الکساء» آمده است.
2- [516]آنچه داخل پرانتز است، در مصباح الزائر آمده است.

عَلَیْکَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ، بِابی انْتَ وَامّی یَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، بِابی انْتَ

و رحمت وبرکات خدا بر تو باد، پدر و مادرم فدای تو باد ای فرزند رسول خدا، پدر

وَامّی یا ابا عَبْدِاللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِیَّهُ، وَجَلَّتِ الْمُصیبَهُ بِکَ عَلَیْنا،

و مادرم فدای تو باد ای ابا عبداللَّه، به یقین داغ تو سوزناک و مصیبت تو بر ما

وَعَلی جَمیعِ اهْلِ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ امَّهً اسْرَجَتْ وَالْجَمَتْ

و بر تمامی اهل آسمانها و زمین بزرگ است، پس خدا لعنت کند مردمی را که اسبها را زین کرده و افسار زده

وَتَهَیَّاتْ لِقِتالِکَ، یا مَوْلایَ یا ابا عَبْدِاللَّهِ، قَصَدْتُ حَرَمَکَ، وَاتَیْتُ

و برای جنگ با تو آماده شدند، ای مولای من ای اباعبداللَّه، حرمت را قصد نموده و به محل شهادتت

مَشْهَدَکَ، اسْئَلُ اللَّهَ بِالشَّأْنِ الَّذی لَکَ عِنْدَهُ، وَ بِالْمَحَلِّ الَّذی لَکَ لَدَیْهِ، انْ

آمده ام، و به حقّ مقام و جایگاهی که نزد خدا داری از او می خواهم که

یُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ یَجْعَلَنی مَعَکُمْ فِی الدُّنْیا وَ الْأخِرَهِ،

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستد و مرا در دنیا و آخرت

بِمَنِّهِ وَجُودِهِ وَکَرَمِهِ* آنگاه ضریح را ببوس و در بالای سر دو رکعت نماز بجای آور با حمد و هر به حقّ لطف و بخشش و کرمش با شما قرار دهد****************************

سوره ای که خواستی، پس از فراغت از نماز بگو: اللَّهُمَّ انّی صَلَّیْتُ وَ رَکَعْتُ وَسَجَدْتُ

****************** خدایا برای تو نماز خوانده و رکوع و سجود بجا آوردم

لَکَ، وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ، لِأنَّ الصَّلاهَ وَالرُّکُوعَ وَالسُّجُودَ لا تَکُونُ الّا

تویی که یگانه ای و شریکی نداری، چرا که نماز و رکوع و سجود فقط شایسته

لَکَ، لِأَنَّکَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

توست، چون تویی خدایی که معبودی جز تو نیست، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست،

وَابْلِغْهُمْ عَنّی افْضَلَ التَّحِیَّهِ وَالسَّلامِ، وَارْدُدْ عَلَیَّ مِنْهُمُ التَّحِیَّهَ وَالسَّلامَ،

و بهترین درود و سلام مرا به آنان برسان، و سلامشان را به من بازگردان

اللهُمَّ وَهاتانِ الرَّکْعَتانِ هَدِیَّهٌ مِنّی الی مَوْلایَ وَسَیِّدی وَامامی

خدایا این دو رکعت هدیه ای است از جانب من به مولا و آقا و پیشوایم

الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ عَلَیْهِمَا السَّلامُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

حسین بن علی- که درود و سلام بر ایشان باد-، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

ص: 427

وَتَقَبَّلْ ذلِکَ مِنّی وَأْجُرْنی عَلی ذلِکَ افْضَلَ امَلی وَرَجآئی فیکَ وَفی

و آن را از من بپذیر، و در مقابل آن پاداشی بهتر از آنچه آرزو داشته و از تو و ولیّت امید دارم را به من عطا فرما

وَلِیِّکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ* سپس برخیز و به سوی پایین پای مبارک به قصد زیارت علی ای مهربان ترین مهربانان.******************

بن الحسین علیهما السلام (علی اکبر) برو و بگو: السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ

*************** سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو

یَا بْنَ نَبِیِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ امیرِ الْمُؤْمِنینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ

ای فرزند پیامبر خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند

الْحُسَیْنِ الشَّهیدِ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الشَّهیدُ بْنُ الشَّهیدِ، السَّلامُ عَلَیْکَ

حسین شهید، سلام بر تو ای شهید و فرزند شهید، سلام بر تو ای ستمدیده

ایُّهَا الْمَظْلُومُ ابْنُ الْمَظْلُومِ 517]، لَعَنَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً ظَلَمَتْکَ،

و فرزند ستمدیده، خداوند لعنت کند گروهی را که تو را به شهادت رساندند و خداوند لعنت کند گروهی را که به تو ستم نمودند و

وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً سَمِعَتْ بِذلِکَ فَرَضِیَتْ بِهِ، [السَّلامُ عَلَیْکَ یامَوْلایَ (1)، السَّلامُ

خداوند لعنت کند گروهی که آن را شنیده و به آن رضایت دادند، [سلام بر تو ای مولای من ، سلام

عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِیِّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصیبَهُ، وَجَلَّتِ الرَّزِیَّهُ بِکَ

بر تو ای ولیّ خدا و فرزند ولیّ او، به یقین مصیبت تو بزرگ و داغ تو

عَلَیْنا وَعَلی جَمیعِ الْمُؤْمِنینَ، فَلَعَنَ اللّهُ امَّهً قَتَلَتْکَ، وَ ابْرَءُ الَی اللّهِ وَ الَیْکَ

بر ما و بر تمامی مؤمنان سوزناک است، پس لعنت خدا بر گروهی که تو را به شهادت رساندند، و به درگاه خدا و نزد تو

مِنْهُمْ فِی الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ* آنگاه به جانب سایر شهدا توجّه کن و به قصد زیارت آنها بگو:

از آنان در دنیا و آخرت بیزاری می جویم.**********************************

السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اوْلِیآءَ اللَّهِ وَاحِبَّآئَهُ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اصْفِیآءَ اللَّهِ

سلام بر شما ای اولیا و دوستداران خدا، سلام بر شما ای برگزیدگان

وَاوِدَّآئَهُ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا انْصارَ دینِ اللَّهِ وَانْصارَ نَبِیّهِ، وَانْصارَ امیرِ

با محبّت و عاشق خدا، سلام بر شما ای یاوران دین خدا و یاوران پیامبرش و یاوران امیر

ص: 428

1- [518]آنچه داخل پرانتز است، در مصباح الزائر آمده است.

الْمُؤْمِنینَ، وَانْصارَ فاطِمَةَ سَیِّدَهِ نِسآءِ الْعالَمینَ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا انْصارَ

مؤمنان و یاوران فاطمه سرور بانوان جهانیان، سلام بر شما ای یاوران

ابی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْوَلِیِّ النَّاصِحِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا انْصارَ ابی عَبْدِ اللَّهِ

أبی محمد حسن آن ولیّ خیرخواه، سلام بر شما ای یاوران أباعبداللَّه

الْحُسَیْنِ الشَّهیدِ الْمَظْلُومِ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ اجْمَعینَ، بِابی انْتُمْ وَامّی

حسین شهید ستمدیده، درود خدا بر تمامی شما باد، پدر و مادرم فدای شما

طِبْتُمْ وَ طابَتِ الْأَرْضُ الَّتی فیها دُفِنْتُمْ، وَفُزْتُمْ وَاللَّهِ فَوْزاً عَظیماً، فَیا

پاکیزه گشتید و پاکیزه گردید زمینی که در آن مدفون شدید و بخدا سوگند به رستگاری بزرگ نایل گشتید، پس ای

لَیْتَنی کُنْتُ مَعَکُمْ فَافُوزَ مَعَکُمْ فِی الْجِنانِ مَعَ الشُّهَدآءِ وَالصَّالِحینَ،

کاش با شما بودم تا با شما به همراه شهیدان و شایستگان در بهشت رستگار می شدم

وَحَسُنَ اولئِکَ رَفیقاً، وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ* سپس به و آنان نیکو رفیقانی هستند، و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد****

طرف بالای سر برگرد و برای خود و خانواده خود وبرادران دینی، بسیار دعا کن.(1) «سیّد بن طاووس» و «شهید اوّل» گفته اند: آنگاه به سوی حرم مقدّس جناب عباس علیه السلام حرکت کن و نزد قبر آن حضرت بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا ابَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسَ بْنَ امیرِالْمُؤْمِنینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ

سلام بر تو ای ابوالفضل عباس فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند

سَیِّدِ الْوَصِیّینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ اوَّلِ الْقَوْمِ اسْلاماً، وَاقْدَمِهِمْ ایماناً،

آقا و سرور جانشینان، سلام بر تو ای فرزند اوّلین کسی که اسلام آورد و سابقترین در ایمان

وَاقْوَمِهِمْ بِدینِ اللَّهِ، وَاحْوَطِهِمْ عَلَی الْإِسْلامِ، اشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ للَّهِ

و پایدارترین در دین خدا و محافظترین بر اسلام بود، گواهی می دهم که به یقین برای خدا و فرستاده اش و برادرت

وَلِرَسُولِهِ وَلِأَخیکَ، فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُواسی فَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ

خیرخواهی نموده و برادر یاریگر بسیار خوبی بودی، پس لعنت خدا بر گروهی که تو را به شهادت رساندند و خداوند لعنت کند

امَّةً ظَلَمَتْکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْکَ الْمَحارِمَ، وَانْتَهَکَتْ فی قَتْلِکَ

گروهی را که بر تو ستم نمودند، و خداوند لعنت کند گروهی را که حرمتت را رعایت نکردند و در شهادت تو

1- [519]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 359 حدیث 1 و مصباح الزائر، صفحه 347.(با اندکی تفاوت)

حُرْمَهَ الْإِسْلامِ، فَنِعْمَ الْأَخُ الصَّابِرُالْمُجاهِدُ، وَالْمُحامِی النَّاصِرُ، وَالْأَخُ

به حریم اسلام تجاوز کردند، ولی تو برادر شکیبای مجاهد و حمایت کننده و یاور بسیار خوبی بودی، و برادری

الدَّافِعُ عَنْ اخیهِ، الْمُجیبُ الی طاعَهِ رَبِّهِ، الرَّاغِبُ فیما زَهِدَ فیهِ غَیْرُهُ

که از برادرش دفاع کرد، و بندگی پروردگارش را اجابت نمود، و به پاداش فراوان و نام نیکی که دیگران

مِنَ الثَّوابِ الْجَزیلِ، وَالثَّنآءِ الْجَمیلِ، وَالْحَقَکَ اللَّهُ بِدَرَجَهِ ابآئِکَ فی

به آن بی اعتنا بودند، مشتاق بود، و خداوند تو را به جایگاه پدرانت در

دارِالنَّعیمِ، انَّهُ حَمیدٌ مَجیدٌ* سپس بگو: اللهُمَّ لَکَ تَعَرَّضْتُ، وَلِزِیارَهِ

بهشت نعمتها ملحق نمود، زیرا که او به یقین ستوده و بزرگوار است****** خدایا من به تو روی آورده و زیارت

اوْلِیآئِکَ قَصَدْتُ، رَغْبَهً فی ثَوابِکَ، وَرَجآءً لِمَغْفِرَتِکَ وَجَزیلِ احْسانِکَ،

اولیائت را قصد نموده ام، به خاطر اشتیاق در پاداش و امید به آمرزش و احسان فراوانت،

فَاسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ رِزْقی بِهِمْ دآرّاً،

پس از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و به واسطه آنان روزیم را فراوان

وَعَیْشی بِهِمْ قآرّاً، وَزِیارَتی بِهِمْ مَقْبُولَهً، وَذَنْبی بِهِمْ مَغْفُوراً، وَاقْلِبْنی

و زندگیم را خوش و خرّم و زیارتم را پذیرفته و گناهم را آمرزیده قرار دهی، و به واسطه آنان مرا

بِهِمْ مُفْلِحاً مُنْجِحاً، مُسْتَجاباً دُعآئی بِافْضَلِ ما یَنْقَلِبُ بِهِ احَدٌ مِنْ زُوَّارِهِ،

رستگار و موفّق با دعایی مستجاب (به وطنم) بازگردانی، بهتر از بازگشت هر یک از زیارت کنندگان

وَالْقاصِدینَ الَیْهِ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ* آنگاه ضریح مطهّرش را ببوس و و قصد کنندگانش، به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.******************

نزد آن حضرت، نماز زیارت- هر قدر خواستی- انجام ده، و چون خواستی وداع کنی آنچه را که سابقاً در وداع آن حضرت ذکر کردیم بگو،(1) (صفحه 390).

***

زیارت امام حسین علیه السلام در شب جمعه و ایّام مخصوصه دیگر:

شکّی نیست که زیارت امام حسین علیه السلام در غیر ایّام مخصوصی که گذشت، در هر وقت و زمان دیگر، خصوصاً اوقات شریفه و بالاخصّ ایّامی که با آن حضرت نسبتی داشته باشد (مثل روز مباهله و روز نزول

1- [520]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 364؛ مزار شهید، صفحه 177 و مصباح الزائر، صفحه 351.

سوره «هل أتی» و روز تولّد آن حضرت) فضیلت دارد و در این ایّام فرشتگان از آسمان نازل می شوند،(1) و در میان آنها، شب های جمعه از اهمّیّت ویژه ای برخوردار است و روایات متعدّدی در ارتباط با آن وارد شده است، از جمله:

1- در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم خدای متعال در هر شب جمعه نظر عنایت خاصّی به امام حسین علیه السلام می افکند و جمیع پیامبران و اوصیای آنان را به زیارتش می فرستد.(2) 2- «ابن قولویه» از یکی از یاران امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «هر کس در هر جمعه، قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند به یقین آمرزیده می شود، و با حسرت از دنیا بیرون نمی رود، و با حضرتش در بهشت همسایه می شود»، سپس به او فرمود: «چه کسی است که از همسایگی با امام حسین علیه السلام در بهشت شادمان نشود؟» عرض کرد: کسی که رستگار نشده باشد.(3) 3- از بعضی روایات استفاده می شود که حضرت ولی عصر علیه السلام خبر سلیمان اعمش را که می گوید:

«همسایه اش به او گفت: در خواب دیدم که برگه هایی از آسمان فرو می ریزد که در آنها امان از آتش دوزخ برای هر کس که در شب جمعه امام حسین علیه السلام را زیارت کند نوشته بود»(4) تأیید فرموده است.

یادآوری:

1- برای این اوقات شریفه زیارت خاصّی وارد نشده، تنها برای روز تولّد آن حضرت (سوم شعبان) دعایی از ناحیه مقدّسه صادر شده که خواندن آن بسیار شایسته است و در اعمال ماه ها (ماه شعبان، صفحه 678) خواهد آمد.

2- برای زیارت وداع امام حسین علیه السلام اکتفا می کنیم به آنچه که در آخرین آداب زیارت امام حسین علیه السلام خواهد آمد. (صفحه 435).

زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور

پاداش زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور:

همان گونه که از زیارات گذشته به دست آمد زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور نیز فضیلت بسیار دارد (چنان که زیارت هر معصوم دیگری نیز این گونه است) و روایات بسیاری در این رابطه وارد شده که ما در این جا به ذکر چند روایت اکتفا می کنیم:

1- آنچه به عنوان روایت علقمه گذشت شاهد خوبی است، زیرا در صدر این روایت وقتی امام باقر علیه السلام پاداش زیارت عاشورا در حرم آن حضرت را با آن عظمت بیان می کند. علقمه می پرسد: فدایت شوم برای

ص: 431

1- [521]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 98، حدیث 29.
2- [522]کامل الزیارات، باب 38، صفحه 113، حدیث 4.
3- [523]همان مدرک، باب 74، صفحه 183، حدیث 3.
4- [524]بحارالانوار، جلد 45، صفحه 401، حدیث 12.

کسی که در شهرهای دور از کربلا باشد و در چنین روزی (روز عاشورا) رفتن به سوی قبر آن حضرت برایش ممکن نباشد و بخواهد در این روز از دور زیارتش کند چه ثوابی دارد؟ حضرت در جواب، پس از بیان آدابی که خواهد آمد، فرمود: من ضمانت الهی می کنم کسی که امام حسین علیه السلام را در این روز (با رعایت آدابی که خواهد آمد) زیارت کند تمام آن ثواب ها برایش نوشته شود.(1) 2- ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که: «هرگاه، راه بعضی از شما دور و از خانه اش تا قبور ما مسافت بسیار باشد، در فضای باز قرار گیرد و دو رکعت نماز بخواند و با اشاره به سوی قبور ما سلام کند که تحقیقاً به ما می رسد». (2) 3- از روایت سُدیر (یکی از یاران امام صادق علیه السلام) به خوبی استفاده می شود که زیارت آن حضرت از دور نیز فضیلت بسیار دارد، به این صورت که در فضای باز قرار گیرد و به راست و چپ نظر بیفکند، سپس سر خود را به سوی آسمان بلند کند و به جانب قبر امام حسین علیه السلام توجّه نماید و بگوید:

«السَّلامُ عَلَیْکَ یا اباعَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَهُاللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ»

که در مقابل آن برای او ثواب بسیار نوشته می شود».(3) 4- در مقدمه زیارت اوّل از زیارات مطلقه امام حسین علیه السلام گذشت که وقتی راوی از امام صادق علیه السلام می پرسد: فدایت شوم بسیار می شود که یادی از امام حسین علیه السلام می کنم در آن هنگام چه بگویم؟ فرمود:

سه مرتبه بگو

«صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ یا اباعَبْدِاللَّهِ»

که سلام به آن حضرت از دور و نزدیک به او می رسد.(4)

آداب زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور:

از روایات فوق و نیز از آنچه در فصل زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا گذشت به دست می آید، که برای زیارت آن حضرت و عرض ادب به آستان مقدّسش از راه دور، آدابی وارد شده که در ذیل به آن اشاره می شود:

آداب روز عاشورا:

1- در روایتی که از علقمه گذشت آمده است: عرض کردم: فدایت شوم کسی که در شهری دور از کربلا زندگی می کند و امکان حضور در نزد قبر آن حضرت در چنین روزی (روز عاشورا) برایش وجود ندارد، چه ثوابی خواهد بود؟ فرمود: اگر چنین است به فضای باز برود و به سوی آن حضرت اشاره کند و بر قاتلین حضرتش نفرین فرستد و سپس دو رکعت نماز بجا آورد و زمانی را که برای این عمل انتخاب می کند

ص: 432

1- [525]کامل الزیارات، باب 71، صفحه 175، حدیث 8.
2- [526]همان مدرک، باب 96، صفحه 286، حدیث 1.
3- [527]همان مدرک، صفحه 287، حدیث 2.
4- [528]کافی، جلد 4، صفحه 575، حدیث 2.

اوایل روز، پیش از ظهر باشد، آنگاه برای امام حسین علیه السلام سوگواری کند و بر او بگرید و اهل خانه را نیز به عزاداری دعوت کند، و مجلس مصیبت و عزا برپا کند و وقتی (شیعیان آن حضرت) به هم می رسند تسلیت بگویند، اگر چنین کنند من ضمانت الهی می کنم که تمام آن ثواب ها (ثواب هایی که در صدر این روایت برای زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا از نزدیک بیان شده) برای او نوشته شود.

علقمه می گوید: عرض کردم چگونه وقتی به هم می رسند به یکدیگر تسلیت گویند؟ فرمود: می گویند:

«عَظَّمَ اللَّهُ اجُورَنا بِمُصابِنا بِالْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلام، وَجَعَلَنا وَایَّاکُمْ مِنَ الطَّالِبینَ بِثارِهِ، مَعَ وَلِیِّهِ الْإِمامِ الْمَهْدِیِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ»

یعنی خداوند اجر ما را در مصیبت امام حسین علیه السلام فراوان دهد و ما وشما را توفیق جبران خون حضرتش به همراه ولیّش امام مهدی علیه السلام که از آل محمّد علیهم السلام است، عطا فرماید.

2- در ادامه این حدیث آمده است: اگر بتوانی در این روز کسب و کار را تعطیل کنی بهتر است؛ زیرا که روز نحسی است که کسب مؤمن در آن روز به نتیجه نمی رسد و اگر به نتیجه برسد، خیر و برکت در آن نخواهد بود، و نیز در چنین روزی، کسی از شما چیزی را برای خانه اش ذخیره نکند که اگر چنین کند برای اهلش مبارک نخواهد بود.(1) و در بعضی از روایات استحباب غسل کردن برای زیارت روز عاشورا نیز آمده است [530]، و در سایر ایّام نیز همین اعمال را به قصد رجا به هنگام زیارت می توان بجا آورد.

کیفیّت زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور:

از مجموع روایات، زیارت آن حضرت از راه دور به یکی از عبارات زیر استفاده می شود:

1- سه بار بگوید:

«صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ یا اباعَبْدِاللَّهِ».

2- بگوید:

«السَّلامُ عَلَیْکَ یا اباعَبْدِاللّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَهُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ».(2)

3- در روایت حنّان بن سُدیر چنین آمده است:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَ ابْنَ مَوْلایَ، وَ سَیِّدی وَابْنَ سَیِّدی السَّلامُ

سلام بر تو ای مولای من و فرزند مولای من و آقا و سرورم و فرزند آقا و سرورم، سلام

عَلَیْکَ یا مَوْلایَ الشَّهیدُ بْنُ الشَّهیدِ، والقَتیلُ بْنُ الْقَتیلِ، السَّلامُ عَلَیْکَ

بر تو ای مولای من ای شهید فرزند شهید، و کشته شده فرزند کشته شده، سلام بر تو

1- [529]کامل الزیارات، باب 71، صفحه 175، حدیث 8 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 290، حدیث 1.

2- [531]کامل الزیارات، باب 96، صفحه 287، حدیث 2.

وَرَحْمَةُ اللَّه وَبَرَکاتُهُ، أَنَا زائِرُکَ یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِقَلْبی وَ لِسانی

و رحمت و برکات خدا بر تو باد، ای فرزند رسول خدا من با قلب و زبان و تمام وجود زائر

وَجَوارِحی وَ إِنْ لَمْ ازُرْکَ بِنَفْسی مُشاهَدَةً لِقُبَّتِکَ، فَعَلَیْکَ السَّلامُ یا

توام، گرچه تو را از نزدیک زیارت ننموده و بارگاهت را مشاهده نکردم، پس بر تو سلام باد ای

وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، وَ وارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللَّهِ، وَ وارِثَ إِبْراهیمَ خَلیلِ اللَّهِ،

وارث آدم برگزیده خدا و وارث نوح پیامبر خدا، و وارث ابراهیم خلیل خدا

وَ وارِثَ موسی کَلیمِ اللَّهِ، وَوارِثَ عیسی رُوحِ اللَّهِ، وَ وارِثَ مُحَمَّدٍ

و وارث موسی هم صحبت خدا، و وارث عیسی روح خدا، و وارث محمّد

حَبیبِ اللَّهِ وَنَبِیِّهِ وَرَسُولِهِ، وَ وارِثَ عَلِیٍّ أَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَصِیِّ رَسُولِ اللَّهِ

محبوب خدا و پیامبر و فرستاده اش، و وارث علی امیر مؤمنان و وصیّ و جانشین رسول خدا

وَ خَلیفَتِهِ، وَ وارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ وَصِیِّ أَمیرِ الْمُؤْمِنینَ، لَعَنَ اللَّهُ

و وارث حسن بن علی جانشین امیر مؤمنان، خداوند

قاتِلیکَ، وَجَدَّدَ عَلَیْهِمُ الْعَذابُ فی هذِهِ السَّاعَةِ وَفی کُلِّ ساعَةٍ، أَنَا یا

قاتلان تو را لعنت کند، و در این ساعت و هر ساعت عذاب آنان را تجدید نماید، ای

سَیِّدی مُتَقَرِّبٌ إلَی اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ، وَ إِلی جَدِّکِ رَسُولِ اللَّهِ، وَ إلی أَبیکَ

آقا و سرورم من به درگاه خداوند گرامی و عزیز و جدّت رسول خدا و پدرت

أميرِالْمُؤْمِنينَ، وَإلى أخيکَ الْحَسَنِ، وَإلَيْکَ يا مَوْلایَ، فَعَلَيْکَ السَّلامُ

اميرمؤمنان و برادرت حسن و خودت ای مولا و سرورم تقرّب می جويم، پس سلام بر تو

وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ بِزِيارَتی لَکَ بِقَلْبی وَ لِسانی وَ جَميعِ جَوارِحی

و رحمت و برکات خدا بر تو باد به واسطه زيارتم با قلب و زبان و تمام وجودم از تو

فَکُنْ يا سَيِّدی شَفيعی لِقَبُولِ ذلِکَ مِنِّی، وَ أَنَا بِالْبَراءَهِ مِنْ أَعْدائِکَ

پس ای آقا و سرورم برای پذيرش آن از من شفيعم باش، و من با بيزاری از دشمنانت

وَاللَّعْنَهِ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ أَجْمَعينَ، فَعَلَيْکَ صَلَواتُ اللَّهِ

و لعنت بر آنان به خدا و همه شما تقرّب می جويم، پس درود

وَ رِضْوانُهُ وَ رَحْمَتُهُ.

و خشنودی و رحمت خدا بر تو باد

سپس به قبر علی بن الحسین علیهما السلام (علی اکبر) توجّه می کنی و بر او سلام می گویی، و در پایان آنچه دوست داری از امور دنیا و آخرتت را، از خدا طلب می کنی، آنگاه چهار رکعت نماز می خوانی. سپس رو به قبله، به سوی قبر امام حسین علیه السلام و سایر شهدا متوجّه می شوی و به قصد وداع می گویی:

أَنَا مُوَدِّعُکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ مَوْلایَ، وَ یا سَیِّدی وَابْنَ سَیِّدی و مُوَدِّعُکَ

با تو وداع می کنم ای مولای من و فرزند مولای من، و ای آقا و سرورم و فرزند آقا و سرورم و با تو وداع می کنم

یا سَیِّدی وَابْنَ سَیِّدی یا عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ، وَ مُوَدِّعُکُمْ یا ساداتی یا

ای آقا و سرورم و فرزند آقا و سرورم ای علی بن حسین، و با شما وداع می کنم ای سرورانم ای

مَعاشِرَ الشُّهَداءِ، فَعَلَیْکُمْ سَلامُ اللَّهِ وَ رَحْمَتُهُ وَ رِضْوانُهُ وَ بَرَکاتُهُ.(1)

گروه شهیدان، پس سلام خدا و رحمت و خوشنودی و برکات او بر شما باد.

فضیلت تربت امام حسین علیه السلام و آداب استفاده از آن:

در فضیلت تربت آن حضرت روایات فراوانی وارد شده، مانند:

1- از روایات متواتر به دست می آید که تربت پاک آن حضرت شفای دردها و بیماری هاست 533] و امان از بلاها و هر خوف و ترس 534] و طبق بعضی از روایات، تربت را می توان از میان محلّ قبر مبارک تا یک میل 535] و یا حتّی تا چهار میل 536] برگرفت.

مرحوم محدّث قمی رحمه الله در «فوائد الرضویّه» در احوال سیّد محدّث و مُتبحّر، آقا سیّد نعمت اللّه جزایری قدس سره می نویسد که آن سیّد جلیل در تحصیل علم، زحمت بسیار کشیده و رنج بسیار برده است و چون در اوایل تحصیل حتّی قادر بر تهیّه چراغ نبود، از روشنی مهتاب استفاده می کرد، لذا از کثرت مطالعه در مهتاب، چشمانش ضعیف شده بود، ولی به برکت تربت مقدّسه سیّدالشهدا و خاک مرقدهای شریفه ائمّه عراق علیهم السلام چشمانش روشنی یافت،(2) و جای تعجّب نیست که خداوند چنین اثری را در آن خاک مقدّس برای شیعیان و محبّان قرار داده باشد.

بهترین راه برای استفاده از تربت پربرکت آن حضرت، این است که مقدار کمی از تربت تمیز را در

1- [532]کامل الزیارات، باب 96، صفحه 288، حدیث 7.
2- [537]فوائد الرضویه، صفحه 695.

مقدار کمی آب تمیز حل کنند و از آن کمی بنوشند؛ یا هر یک از افراد خانواده مقداری از آن آب را به عنوان تبرّک استفاده کنند، و طریق دیگر این که به اندازه یک عدس از تربت تمیز را روی زبان بگذارند و یک جرعه آب روی آن بنوشند.

2- «ابن قولویه» از شخصی نقل می کند که گفت: امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام از خراسان برایم بسته ای را فرستاد، وقتی آن را گشودم، در میانش خاکی را یافتم. از کسی که آن را آورده بود پرسیدم: این چیست؟ گفت: خاک قبر امام حسین علیه السلام است، آن حضرت (امام رضا علیه السلام) هدیه ای برای کسی نمی فرستد مگر آن که کمی از این خاک را در میانش می گذارد و می فرماید: به اذن و مشیّت خدا امان از بلاهاست.(1) 3- یکی از یاران امام صادق علیه السلام به محضر مبارک امام عرض کرد: چگونه است که فردی از خاک قبر امام حسین علیه السلام برمی دارد و از آن سود می برد، ولی فرد دیگری از آن برمی دارد و بهره ای نمی برد؟ جواب فرمود: «نه واللّه، هر کس که از آن خاک بردارد و اعتقاد داشته باشد که به او نفع می بخشد، البتّه بهره مند می شود».(2)

کیفیّت استفاده از تربت حسینی:

در ارتباط با آداب نگهداری تربت حسینی و کیفیّت بهره گیری از آن نیز روایاتی وارد شده است:

1- از ابوحمزه ثمالی نقل شده: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: اصحاب را می بینم که از خاک قبر امام حسین علیه السلام برمی دارند و از آن (باذن اللّه) شفا طلب می کنند، آیا واقعاً در آن شفا وجود دارد؟ فرمود: «از خاکی که از فاصله میان قبر تا چهار میل برمی دارند، می توان برای درمان دردها بهره جست، و هر کس یقین به شفای آن داشته باشد هرگاه از آن شفا بجوید بِاذن اللّه کفایتش می کند».(3) 2- در روایت دیگری آمده است که هرگاه کسی از شما خواست از تربت بهره گیرد، نخست آن را ببوسد، سپس بر دو دیده اش بگذارد و بر سایر بدن بمالد و بگوید:

اللهُمَّ بِحَقِّ هذِهِ التُّرْبَهِ، وَبِحَقِّ مَنْ حَلَّ بِها، وَثَوی فیها، وَبِحِقِّ ابیهِ وَامِّهِ

خدایا به حقّ این تربت (پاک) و به حقّ آن که در آن اقامت گزیده و به خاک سپرده شده و به حقّ پدر و مادر

وَاخیهِ، وَالْأَئِمَّهِ مِنْ وُلْدِهِ، وَ بِحَقِّ الْمَلائِکَهِ الْحآفّینَ بِهِ، الَّا جَعَلْتَها شِفآءً مِنْ

و برادرش و امامان از فرزندانش و به حقّ فرشتگانی که او را در بر گرفته اند، این تربت را درمان

1- [538]کامل الزیارات، باب 92، صفحه 278، حدیث 1.
2- [539]همان مدرک، باب 91، صفحه 274، حدیث 1.
3- [540]همان مدرک، باب 93، صفحه 280، حدیث 5.

كُلِّ دآءٍ، وَ بُرْءاً مِنْ كُلِّ مَرَضٍ، وَ نَجاةً مِنْ كُلِّ آفَهٍ، وَ حِرْزاً مِمَّا اخافُ وَ احْذَرُ.

هر بیماری و بهبودی از هر مرض و نجات از هر آفت و مایه ایمنی از هر چه می ترسم و هراس دارم قرار دهی.

سپس از آن استفاده کند.(1) 3- و نیز در روایتی آمده: هر گاه خواستی از تربت امام حسین علیه السلام استفاده کنی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً واسِعاً، وَعِلْماً نافِعاً، وَشِفآءً مِنْ كُلِ

به نام خدا و به کمک خدا، خدایا این تربت را روزی وسیع و علم سود بخش و درمان هر بیماری قرار

دآءٍ، انَّكَ عَلى كُلِّ شَىْ ءٍ قَديرٌ.(2)

ده، چرا که تو بر هر چیز توانایی.

4- مستحب است قدری تربت حسینی به همراه میّت، داخل قبر گذاشته شود،(3) و در روایت دیگری وارد شده که با حنوطش مخلوط گردد.(4) 5- مستحب است سجده کردن بر تربت امام حسین علیه السلام که حجاب های هفتگانه را باز می کند و سبب قبولی نماز و بالا رفتن آن به آسمانها می شود.(5) 6- مستحب است از آن، تسبیح بسازند و با چنین تسبیحی ذکر گویند(6) که فضیلت عظیم دارد و مادامی که در دست صاحبش می باشد، تسبیح خدا می گوید هر چند صاحبش تسبیح نگوید.(7) یادآوری:

1- همان گونه که از مجموع روایات فوق به دست آمد، باید حریم تربت حسینی را پاس داشت و به گونه ای آن را نگهداری کرد که بی حرمتی پیش نیاید، زیر دست و پا نماند، در راه نریزند و آلوده نکنند.

2- مشهور میان علما این است که خوردن گل و خاک، مطلقاً جایز نیست مگر تربت مقدّسه امام حسین علیه السلام که آن هم صرفاً به قصد شفا جایز است، و احتیاط آن است که بیش از یک عدس نباشد.

3- در این که مقصود از تربت حسینی، خاکِ چه مقدار فاصله از زمین کربلا می باشد، تعبیرات روایات

1- [541]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 119، حدیث 4 و امالی طوسی، صفحه 318، حدیث 93.
2- [542]کامل الزیارات، باب 94، صفحه 284، حدیث 1.
3- [543]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 136، حدیث 75.
4- [544]همان مدرک، صفحه 133، حدیث 63 و تهذیب، جلد 6، صفحه 76، حدیث 18.
5- [545]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 135، حدیث 74.
6- [546]همان مدرک، جلد 98، صفحه 132، حدیث 61، و تهذیب، جلد 6، صفحه 75، حدیث 16.
7- [547]همان مدرک.

گوناگون است؛ البتّه هر چه نزدیکتر به قبر مقدّس باشد، بهتر است.(1)

فضیلت زمین کربلا و حائر حسینی:

روایات فراوانی در ارتباط با شرافت و فضیلت زمین کربلا و حائر حسینی وارد شده که به بعضی از آنها اشاره می شود:

1- امیرمؤمنان علیه السلام از زمین کربلا به همراه جمعی از اصحابش گذشتند، وقتی به آن جا رسیدند اشک از چشمان حضرت جاری شد و فرمود: این جاست جایگاه اقامت سوارانشان و اینجاست محلّ انداختن بارهایشان و این جاست که خونشان ریخته می شود، خوشا به حال تو ای تربتی که خون یاران حق روی تو ریخته می شود

(هذا مُناخُ رُکّابِهِمْ، وَ هذا مَلْقی رِحالِهِمْ، وَ هُنا تُهْرَقُ دِماءُهُمْ، طُوبی لَکَ مِنْ تُرْبَهٍ عَلَیْکَ تُهْرَقُ دِماءُ الْأَحِبَّهِ).(2)

2- در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: جایگاه قبر حسین بن علی علیهما السلام از روزی که آن حضرت در آن دفن شد، باغ پرارزشی از باغ های بهشت است.(3) 3- ابوهاشم جعفری می گوید: امام هادی علیه السلام در ایّام بیماریش می فرمود: کسی را به سوی «حائر» (حائر حسینی برای طلب شفای من) بفرستید. عرض کردم: فدایت شوم اجازه می فرمایید که من بروم؟

فرمود: برو امّا با رعایت تقیّه ... عزم بر حرکت گرفتم ولی قبل از حرکت، جریان را برای علیّ بن بلال ذکر کردم، او با تعجّب گفت: حضرت هادی علیه السلام خودش حائر است او را با «حائر» چه کار؟! خدمت حضرت رسیدم سؤال علیّ بن بلال را برای او نقل کردم، فرمود: آیا رسول اللّه خانه خدا را طواف نمی کرد و حجرالاسود را نمی بوسید با آن که حرمت رسول گرامی صلی الله علیه و آله وحرمت مؤمن از حرمت خانه خدا بیشتر است؟

بدان که این مکان ها مکان هایی هستند که خداوند دوست دارد یاد او در آنها زنده شود، من هم دوست دارم برای شفای من در مکان هایی دعا شود که خدا دوست دارد و حائر حسینی یکی از آن مکانهاست.(4)

محلّ حائر حسینی:

بحثی که در این جا مطرح است این است که چه مقدار از اطراف قبر مطهّر امام حسین علیه السلام «حائر» محسوب می شود و آن مکانی که آن همه روایات در فضیلت آن و استجابت دعا در آن، در فصل فضیلت

ص: 438

1- [548]رجوع کنید به: بحارالانوار، جلد 98، صفحه 130، حدیث 50، 54 و 55؛ و جواهرالکلام، جلد 36، صفحه 364.
2- [549]کامل الزیارات، باب 88، صفحه 270، حدیث 11.
3- [550]همان مدرک، باب 89، صفحه 271، حدیث 1.
4- [551]همان مدرک، باب 90، حدیث 1 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 112.

زیارت ذکر شد، کدام است و چه مقدار مساحت دارد؟

مرحوم «علّامه مجلسی» اقوال متعدّدی را از علما در این رابطه نقل کرده است و آنچه در نظر شریف خود ایشان تقویت دارد این است که مراد از «حائر» (1) آن مقدار از مساحتی است که دیوارهای صحن، آن را احاطه کرده است در نتیجه خود صحن از جمیع اطراف و ساختمان هایی که به قبّه شریفه متّصل است و همچنین مسجدی که در پشت آن قبّه قرار دارد جزء حائر محسوب می شود. و آنچه مشهور میان اهالی کربلاست و از گذشتگان، به آنها به ارث رسیده و همچنین ظاهر کلمات اکثر اصحاب، همین است. (2) مرحوم «صاحب جواهر» نیز در تفسیر حائر همین معنا را انتخاب کرده است [554] هر چند احتیاط آن است که صحن مطهر را جزء حائر ندانند و به حرم مطهّر و رواق ها و مسجد بالاسر قناعت کنند، به خصوص این که در گذشته حرم تا این حد توسعه نداشت.

از خداوند بزرگ توفیق بهره وری همه عاشقان مکتب آن حضرت را از فیوضات عظیم این اماکن مقدّسه مسألت داریم.

ص: 439

1- [552] (1).« حائر» در لغت(از حَیَرَ است نه از حَوَرَ) به مکانی گفته می شود که آب در آن جا جمع شود و دَوَران پیدا کند(صحاح اللغه و مصباح المنیر) در هر حال: گویا از زمانی که متوکّل عبّاسی- لعنهاللّه علیه- قبر آن حضرت را به آب بست، ولی آب در اطراف قبر، دور زد و به خود قبر نرسید، به این محوّطه حائر گفته شد.(بحارالانوار، جلد 98، صفحه 117).
2- [553]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 117.

فصل ششم: زیارت کاظمین علیهما السلام

فضیلت زیارت کاظمین (حضرت موسی بن جعفر و امام جواد علیهما السلام):

در فضیلت زیارت این دو امام معصوم علیهما السلام روایات زیادی وارد شده که به بعضی از آنها اشاره می شود:

1- زیارت امام موسی بن جعفر علیه السلام مثل زیارت رسول اللّه صلی الله علیه و آله است [555] و هر کس او را زیارت کند مثل آن است که رسول اللّه صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام را زیارت کرده است [556] و نیز مثل آن است که امام حسین علیه السلام را زیارت کند. (1) 2- «هر کس حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را زیارت کند، اهل بهشت است». (2) 3- «ابن شهرآشوب» از «خطیب بغدادی» (صاحب تاریخ بغداد) از علی بن خلال نقل می کند که گفت: هیچ مشکلی برای من پیش نیامد مگر این که با پناه بردن به قبر مطهّر موسی بن جعفر علیهما السلام و توسّل به آن حضرت، خداوند آن را برایم گشود و بر من آسان کرد. (3) 4- و نیز از «خطیب بغدادی» نقل می کند: در بغداد زنی را مشاهده کردند که شتابان در حال دویدن بود، وقتی از او سؤال کردند به کجا می روی؟ جواب داد: به سوی قبر موسی بن جعفر علیهما السلام تا دعا کنم پسرم از حبس آزاد شود، مردی حنبلی مذهب که در آن جا حاضر بود او را به تمسخر گرفت و گفت: پسرت در زندان مُرد! آن زن گفت: خداوندا به حق آن کسی که او را در زندان به شهادت رساندند، قدرت خود را به ما نشان ده! چیزی نگذشت که پسرش را رها کردند و پسر آن مرد حنبلی که استهزا کرده بود، دستگیر شد! (4)

کیفیّت زیارت کاظمین علیهما السلام:

زیاراتی که در حرم شریف کاظمین می توان خواند بر دو قسم است: نخست زیاراتی که مختصّ به هر یک از آن دو بزرگوار است و دیگر زیاراتی که مشترک بین آن دو امام علیهما السلام می باشد.

1- [557]همان مدرک، حدیث 1، 3، 8، 10.
2- [558]همان مدرک، حدیث 7، 12.
3- [559]مناقب ابن شهرآشوب، جلد 4، صفحه 305.

4- [560]همان مدرک.

زيارت مختصّ به امام موسى بن جعفر عليهما السلام:

زيارت اوّل از «سيّدبن طاووس» نقل شده است كه وقتى خواستى آن حضرت را زيارت نمايى سزاوار است كه غسل كنى، سپس با آرامش و وقار به سمت حرم روانه شو، وقتى به دَرِ حرم رسيدى بايست و بگو:

اللَّهُ اكْبَرُ اللَّهُ اكْبَرُ، لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ اكْبَرُ، الْحَمْدُ للَّهِ عَلى هِدايَتِهِ لِدينِهِ،

خدا بزرگتر از هر چيز است، خدا بزرگتر از هر چيز است، معبودى جز خدا نيست، و خدا بزرگتر از هر چيز است، حمد و سپاس از آن خداوند

وَالتَّوْفيقِ لِما دَعا الَيْهِ مِنْ سَبيلِهِ، اللهُمَّ انَّکَ اكْرَمُ مَقْصُودٍ وَاكْرَمُ مَأْتِىٍّ،

است به خاطر هدايت بر دينش، و توفيق بر دعوت به راهش، خدايا تو به يقين گرامى ترين مقصود و شايسته ترين ميزبانى،

وَقَدْ اتَيْتُکَ مُتَقَرِّباً الَيْکَ بِابْنِ بِنْتِ نَبِيِّکَ صَلَواتُکَ عَلَيْهِ وَعَلى آبآئِهِ

و من به درگاهت آمده ام در حالى كه به واسطه فرزند دختر پيامبرت به تو تقرّب مى جويم، درود خدا بر او و بر پدران

الطَّاهِرينَ، وَابْنآئِهِ الطَّيِّبينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تُخَيِّبْ

پاک و فرزندان پاكيزه اش باد، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و تلاشم را بيهوده

سَعْيى وَلا تَقْطَعْ رَجآئى وَاجْعَلْنى عِنْدَکَ وَجيهاً فِى الدُّنْيا وَالْأخِرَهِ

مگردان و اميدم را نااميد مكن، و مرا در دنيا و آخرت مقبول و از مقرّبان

وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ. و به هنگام ورود بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفى سَبيلِ اللَّهِ، وَعَلى مِلَّهِ

قرار ده********* به نام خدا و به كمک خدا و در راه خدا و بر دين

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لى وَلِوالِدَىَّ وَلِجَميعِ

رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- خدایا مرا و پدر و مادرم و تمامی

الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ سپس همین که به دَرِ قبّه شریفه رسیدی بایست و طلب اذن نما و بگو:

مردان و زنان با ایمان را بیامرز*******************************

ءَادْخُلُ یا رَسُولَ اللَّهِ، ءَادْخُلُ یا نَبِیَّ اللَّهِ، ءَادْخُلُ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللَّهِ،

آیا داخل شوم ای رسول خدا، آیا داخل شوم ای پیامبر خدا، آیا داخل شوم ای محمّد بن عبداللّه

ءَادْخُلُ یا امیرَالْمُؤْمِنینَ، ءَادْخُلُ یا ابامُحَمَّدٍ الْحَسَنَ، ءَادْخُلُ یا

آیا داخل شوم ای امیر مؤمنان، آیا داخل شوم ای ابا محمّد، حسن مجتبی، آیا داخل شوم ای

اباعَبْدِاللَّهِ الْحُسَیْنَ، ءَادْخُلُ یا ابامُحَمَّدٍ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ، ءَادْخُلُ یا ابا

ابا عبداللَّه الحسین، آیا داخل شوم ای ابا محمّد علی بن حسین، آیا داخل شوم ای ابا

جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ، ءَادْخُلُ یا اباعَبْدِاللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، ءَادْخُلُ یا

جعفر، محمّد بن علی، آیا داخل شوم ای ابا عبداللَّه جعفر بن محمّد، آیا داخل شوم ای

مَوْلایَ یا ابَاالْحَسَنِ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ، ءَادْخُلُ یا مَوْلایَ یا اباجَعْفَرٍ

مولای من ای ابا الحسن موسی بن جعفر، آیا داخل شوم ای مولای من ای ابا جعفر

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ* آنگاه داخل شو و چهار مرتبه اللَّهُ اکْبَرُ بگو و سپس مقابل قبر و در حالی که محمّد بن علی،***************** خدا بزرگتر از هر چیز است*****************

قبله را پشت کتف خود قرار داده ای بایست و بگو: السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِیِّهِ،

************************* سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند ولیّش

السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفِیَّ اللَّهِ وَابْنَ

سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّتش، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند

صَفِیِّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا امینَ اللَّهِ وَابْنَ امینِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا نُورَ اللَّهِ فی

برگزیده اش، سلام بر تو ای امین خدا و فرزند امینش، سلام بر تو ای نور خدا در

ظُلُماتِ الْأَرْضِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا امامَ الْهُدی السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَلَمَ

تاریکیهای زمین، سلام بر تو ای پیشوای هدایت، سلام بر تو ای نشانه

الدّینِ وَالتُّقی السَّلامُ عَلَیْکَ یا خازِنَ عِلْمِ النَّبِیّینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

دین و پرهیزکاری، سلام بر تو ای مخزن علم پیامبران، سلام بر تو ای

خازِنَ عِلۤمِ الۤمُرْسَلینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا نآئِبَ الۤأوْصِیآءِ السَّابِقینَ،

مخزن علم فرستادگانِ (خدا)، سلام بر تو ای جانشین اوصیای پیشین

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَعْدِنَ الْوَحْیِ الْمُبینِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْعِلْمِ

سلام بر تو ای معدن وحی آشکار، سلام بر تو ای صاحب علم

الْیَقینِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَیْبَهَ عِلْمِ الْمُرْسَلینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا

الیقین سلام بر تو ای معدن علم فرستادگان (خدا)، سلام بر تو ای

الْإِمامُ الصَّالِحُ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّها الْإِمامُ الزَّاهِدُ، [السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا

پیشوای شایسته، سلام بر تو ای پیشوای زاهد، [سلام بر تو ای

ص: 442

الْإِمامُ الْعابِدُ](1)، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّها الْإِمامُ السَّیِّدُ الرَّشیدُ، السَّلامُ عَلَیْکَ

امام عابد]، سلام بر تو ای پیشوا و آقا و سرور آگاه، سلام بر تو

ایُّهَا الْمَقْتُولُ الشَّهیدُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنَ وَصِیِّهِ، السَّلامُ

ای کشته شده شهید، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا و فرزند جانشینش، سلام

عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ، وَرَحْمَهُاللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، اشْهَدُ انَّکَ قَدْ

بر تو ای مولای من، ای موسی بن جعفر و رحمت و برکات خدا بر تو باد، گواهی می دهم که تو به یقین

بَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ ما حَمَّلَکَ، وَحَفِظْتَ مَا اسْتَوْدَعَکَ، وَحَلَّلْتَ حَلالَ اللَّهِ،

آنچه از جانب خدا به عهده داشتی ابلاغ نمودی، و آنچه نزدت ودیعه بود حفظ کردی و حلال خدا را حلال

وَحَرَّمْتَ حَرامَ اللَّهِ، وَاقَمْتَ احْکامَ اللَّهِ، وَتَلَوْتَ کِتابَ اللَّهِ، وَصَبَرْتَ عَلَی

و حرام خدا را حرام شمردی، و احکام خدا را بپا داشته و کتاب خدا را تلاوت نمودی، و در راه خدا بر

الْأَذی فی جَنْبِ اللَّهِ، وَجاهَدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ حَتّی اتیکَ الْیَقینُ،

آزار و اذیّتها صبر نمودی، و در راه خدا به شایستگی جهاد کردی، تا زمان وفاتت فرا رسید

وَاشْهَدُ انَّکَ مَضَیْتَ عَلی ما مَضی عَلَیْهِ آبآؤُکَ الطَّاهِرُونَ، وَاجْدادُکَ

و گواهی می دهم که تو به یقین به همان راهی رفتی که پدران پاک و اجداد

الطَّیِّبُونَ، وَالْأَوْصِیآءُ الْهادُونَ الْأَئِمَّهُ الْمَهْدِیُّونَ، لَمْ تُؤْثِرْ عَمیً عَلی

پاکیزه ات و جانشینان هدایتگر و امامان هدایت یافته رفتند، گمراهی را بر هدایت

هُدىً، وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ الى باطِلٍ، وَاشْهَدُ انَّکَ نَصَحْتَ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ

برنگزیده و از راه حق به سوی باطل منحرف نشدی و گواهی می دهم که تو به یقین برای خدا و رسولش

وَلِأَميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَا نَّکَ ادَّيْتَ الْأَمانَهَ، وَاجْتَنَبْتَ الْخِيانَهَ، وَاقَمْتَ

و امیر مؤمنان خیرخواهی کرده، و امانت را ادا نمودی و از خیانت دور بودی و

الصَّلاهَ، وَآتَيْتَ الزَّکاهَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ، وَعَبَدْتَ

نماز را بپا داشته و زکات را پرداخت نمودی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و

اللَّهَ مُخْلِصاً مُجْتَهِداً مُحْتَسِباً حَتّى اتيکَ الْيَقينُ، فَجَزاکَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلامِ

خدا را خالصانه و کوشا و به امید پاداش عبادت نمودی تا زمان وفاتت فرا رسید، پس خداوند از جانب اسلام و

ص: 443

1- [561]این قسمت در بحارالانوار آمده است.

وَاهْلِهِ افْضَلَ الْجَزآءِ، وَاشْرَفَ الْجَزآءِ، اتَيْتُکَ یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، زآئِراً

مسلمانان بهترین و باارزشترین پاداش را به تو عطا کند، ای فرزند رسول خدا به درگاهت آمده ام، در حالی که زائر

عارِفاً بِحَقِّکَ، مُقِرّاً بِفَضْلِکَ، مُحْتَمِلاً لِعِلْمِکَ، مُحْتَجِباً بِذِمَّتِکَ، عآئِذاً

آشنا به حقّ تو و اقرارکننده به فضل توام، علمت را فرا گرفته و در امان پیمان توام

بِقَبْرِکَ، لائِذاً بِضَریحِکَ، مُسْتَشْفِعاً بِکَ الَی اللَّهِ، مُوالِیاً لِأَوْلِیآئِکَ، مُعادِیاً

به قبر و ضریحت پناهنده ام و تو را به درگاه خدا شفیع قرار می دهم، دوستدار دوستانت و دشمن

لِأَعْدآئِکَ، مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِکَ وَبِالْهُدَی الَّذی انْتَ عَلَیْهِ، عالِماً بِضَلالَهِ

دشمنان توام، و به جایگاه تو و هدایتی که تو برآنی آگاهم، و گمراهی

مَنْ خالَفَکَ، وَبِالْعَمَی الَّذی هُمْ عَلَیْهِ، بِابی انْتَ وَامّی وَنَفْسی وَاهْلی

مخالفانت و کوردلی آنان را می دانم، پدر و مادر و جانم و خانواده

وَمالی وَوُلْدی یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اتَیْتُکَ مُتَقَرِّباً بِزِیارَتِکَ الَی اللَّهِ تَعالی

و اموال و فرزندانم فدای تو باد ای فرزند رسول خدا، به درگاهت آمده ام در حالی که با زیارت تو به خداوند بلندمرتبه تقرّب می جویم

وَمُسْتَشْفِعاً بِکَ الَیْهِ، فَاشْفَعْ لی عِنْدَ رِبِّکَ، لِیَغْفِرَ لی ذُنُوبی وَیَعْفُوَ عَنْ

و تو را به درگاه او شفیع قرار می دهم، پس نزد پروردگارت شفیعم باش، تا گناهانم را بیامرزد و خطایم را

جُرْمی وَیَتَجاوَزَ عَنْ سَیِّئاتی وَیَمْحُوَ عَنّی خَطیئاتی وَیُدْخِلَنِی

ببخشد و از گناهانم درگذرد و خطاهایم را محو کند، و مرا در بهشت داخل

الْجَنَّهَ، وَيَتَفَضَّلَ عَلَىَّ بِما هُوَ اهْلَهُ، وَيَغْفِرَ لى وَلِأبائى وَلِإِخْوانى

کند، و آنچه که او شایسته آن است به من عطا نماید و من و پدران (و مادران) و برادران

وَاخَواتى وَلِجَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ فى مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها،

و خواهرانم و تمامی مردان و زنان با ایمان را در شرق و غرب زمین بیامرزد

بِفَضْلِهِ وَجُودِهِ وَمَنِّهِ* سپس ضریح را ببوس و دو طرف صورت خود را بر آن بگذار و هر آنچه به حق لطف و کرم و نعمت بخشیش*****************

خواهی دعا کن و به جانب سر مبارک آن حضرت برگرد و بگو: السَّلامُ عَلَيْکَ يا مَوْلاىَ يا

************** سلام بر تو ای مولای من ای

ص: 444

مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، اشْهَدُ انَّکَ الْإِمامُ الْهادی وَالْوَلِیُ

موسی بن جعفر و رحمت و برکات خدا بر تو باد، گواهی می دهم که تو به یقین پیشوای هدایتگر و سرپرست

الْمُرْشِدُ، وَانَّکَ مَعْدِنُ التَّنْزیلِ، وَصاحِبُ التَّاْویلِ، وَحامِلُ التَّوْریهِ

و راهنمایی و تویی معدن قرآن و صاحب علم تأویل (قرآن)، و دارنده علم تورات

وَالْإِنْجیلِ، وَالْعالِمُ الْعادِلُ، وَالصَّادِقُ الْعامِلُ، یا مَوْلایَ ا نَا ابْرَءُ الَی

و انجیل، و دانای دادگر و راستگوی عمل کننده، ای مولای من از دشمنان تو به درگاه

اللَّهِ مِنْ اعْدآئِکَ، وَاتَقَرَّبُ الَی اللَّهِ بِمُوالاتِکَ، فَصَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ وَعَلی

خدا بیزاری می جویم و با دوستی تو به درگاه خدا تقرّب می جویم، پس درود خدا بر تو و بر

آبآئِکَ، وَاجْدادِکَ وَابْنآئِکَ، وَشیعَتِکَ وَمُحِبّیکَ، وَرَحْمَهُاللَّهِ وَبَرَکاتُهُ.

پدران و اجداد و فرزندان تو و بر شیعیان و دوستدارانت و رحمت و برکات خدا بر تو باد

آنگاه دو رکعت نماز زیارت بجای آور و در آن، حمد و سوره یس و الرحمن، یا هر چه از قرآن برایت آسان است بخوان و آنچه می خواهی از خدا بخواه.(1) زیارت دوم: علّامه مجلسی می نویسد: «شیخ مفید» و «شیخ شهید» و «محمّد بن المشهدی» نوشته اند: هرگاه خواستی در نزدیکی بغداد، امام موسی بن جعفر علیهما السلام را زیارت کنی غسل کن و روانه حرم شریفش شو و بر دَرِ حرم بایست و اذن دخول بطلب و سپس داخل حرم شو در حالی که می گویی:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفی سَبیلِ اللَّهِ، وَعَلی مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ،

به نام خدا و به کمک خدا و در راه خدا و بر دین رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد-

وَالسَّلامُ عَلی اوْلِیآءِ اللَّهِ. آنگاه نزد قبر آن جناب بایست و بگو:

و درود بر اولیای خدا******************

السَّلامُ عَلَیْکَ یا نُورَ اللَّهِ فی ظُلُماتِ الْأَرْضِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ،

سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین، سلام بر تو ای ولیّ خدا

السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا بابَ اللَّهِ، اشْهَدُ انَّکَ اقَمْتَ

سلام بر تو ای حجّت خدا، سلام بر تو ای درگاه (تقرّب به) خدا، گواهی می دهم که تو به یقین نماز را بپا داشته

الصَّلاهَ، وَآتَیْتَ الزَّکاهَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ، وَتَلَوْتَ

و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و

1- [562]مصباح الزائر، صفحه 377 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 14، حدیث 9(با اندکی تفاوت).

الْکِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ، وَجاهَدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَی

کتابِ (خدا) را به شایستگی تلاوت نموده و در راه خدا جهاد کردی، و به امید پاداش در راه خدا بر

الْأَذی فی جَنْبِهِ مُحْتَسِباً، وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتّی اتیکَ الْیَقینُ، اشْهَدُ ا نَّکَ

اذیّتها صبر نمودی، و او را خالصانه عبادت کردی تا زمان وفاتت فرا رسید، گواهی می دهم که تو به یقین

اوْلی بِاللَّهِ وِبِرَسُولِهِ، وَانَّکَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ حَقّاً، ابْرَءُ الَی اللَّهِ مِنْ اعْدآئِکَ،

به خدا و رسولش نزدیکتری و فرزند بر حقّ رسول خدایی، از دشمنانت به درگاه خدا بیزاری جسته

وَاتَقَرَّبُ الَی اللَّهِ بِمُوالاتِکَ، اتَیْتُکَ یا مَوْلایَ عارِفاً بِحَقِّکَ، مُوالِیاً

و با پیروی از تو، به درگاه خدا تقرّب می جویم، ای مولای من به درگاهت آمده ام در حالی که آشنای به حقّ تو و دوستدار

لِأَوْلِیآئِکَ، مُعادِیاً لِأَعْدآئِکَ، فَاشْفَعْ لی عِنْدَ رَبِّکَ.

دوستانت و دشمن دشمنان توام، پس نزد پروردگارت شفیعم باش.

سپس ضریح را ببوس و گونه های خود را بر آن بگذار، آنگاه به جانب بالای سر برو و بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اشْهَدُ انَّکَ صادِقٌ، ادَّیْتَ ناصِحاً، وَقُلْتَ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، گواهی می دهم که تو به یقین راستگویی، و با خیرخواهی ادای امانت نموده و با امانتداری سخن

اميناً، وَمَضَیْتَ شَهیداً، لَمْ تُؤْثِرْ عَمیً عَلَی الْهُدی وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ الی

گفتی و با شهادت زندگیت را بپایان رساندی، گمراهی را بر هدایت برنگزیده و از راه حق به سوی باطل منحرف

باطِلٍ، صَلّی اللّهُ عَلَیْکَ وَعَلی آبآئِکَ وَابْنآئِکَ الطّاهِرینَ.

نشدی، درود خدا بر تو و بر پدران و فرزندان پاکت باد.

سپس ضریح منوّر را ببوس و دو رکعت نماز زیارت بگزار و بعد ازآن هر مقدار نماز که می خواهی بجای آور و پس از آن به سجده برو و بگو: اللهُمَّ الَیْکَ اعْتَمَدْتُ، وَالَیْکَ قَصَدْتُ، وَلِفَضْلِکَ

*************** خدایا به تو پناه آورده و درگاهت را قصد نمودم و به فضلت

رَجَوْتُ، وَقَبْرَ امامِیَ الَّذی اوْجَبْتَ عَلَیَّ طاعَتَهُ زُرْتُ، وَبِهِ الَیْکَ

امیدوارم و قبر امامم که اطاعتش را بر من واجب نمودی زیارت کردم و به واسطه او به تو

تَوَسَّلْتُ، فَبِحَقِّهِمُ الَّذی اوْجَبْتَ عَلی نَفْسِکَ، اغْفِرْ لی وَلِوالِدَیَ

متوسّل می شوم، پس به خاطر حقّی که از آنان بر خودت واجب نموده ای، من و پدر و مادرم

ص: 446

وَلِلْمُؤْمِنینَ یا کَریمُ. آنگاه طرف راست صورت خود را بر محل سجده بگذار و بگو: اللهُمَّ قَدْ

و تمامی مؤمنان را بیامرز ای بخشنده*************** خدایا به یقین

عَلِمْتَ حَوآئِجی فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِها. سپس جانب چپ را حاجتهایم را می دانی، پس بر محمد و خاندان پاکش درود فرست و آنها را برآور.

بگذار و بگو: اللهُمَّ قَدْ احْصَیْتَ ذُنُوبی فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلی

خدایا تعداد گناهانم را می دانی، پس به حقّ محمّد و خاندان پاکش، بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْها وَتَصَدَّقْ عَلَیَّ بِما انْتَ اهْلُهُ.

محمد و خاندان پاکش درود فرست و گناهانم را بیامرز و به آنچه تو شایسته آنی بر من احسان کن.

آنگاه به سجده برگرد و صد مرتبه بگو: شُکْراً شُکْراً ... سپس سر از سجده بردار و به آنچه می خواهی و از برای هر کس که دوست داری دعا کن.(1)
تذکّر: «سیّد بن طاووس» صلواتی را برای موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده که بخشی از فضایل و مصائب آن حضرت را در بر دارد و زائر محترم می تواند خود را به فیض آن نایل سازد و آن صلوات چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَیْتِهِ، وَصَلِّ عَلی مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَصِیِ

خدایا درود فرست بر محمّد و خاندان پاکش، و درود فرست بر موسی بن جعفر جانشین

الْأَبْرارِ، وَامامِ الْأَخْیارِ، وَعَیْبَهِ الْأَنْوارِ، وَ وارِثِ السَّکینَهِ وَالْوَقارِ،

نیکان و پیشوای نیکوکاران، معدن نورها و وارث آرامش و متانت

وَالْحِکَمِ وَالْأثارِ، الَّذی کانَ یُحْیِی اللَّیْلَ بِالسَّهَرِ الَی السَّحَرِ بِمُواصَلَهِ

و حکمتها و آثار (گذشتگان)، آن که شبها را تا سحر به شب زنده داری بیدار بود و پیوسته

الْإِسْتِغْفارِ، حَليفِ السَّجْدَهِ الطّويلَهِ، وَالدُّمُوعِ الْغَزيرَهِ، وَالْمُناجاتِ

استغفار می کرد، هم پیمان بود با سجده های طولانی و اشکهای روان و مناجات

الْكَثيرَهِ، وَالضَّراعاتِ الْمُتَّصِلَهِ، وَمَقَرِّ النُّهی وَالْعَدْلِ، وَالْخَيْرِ وَالْفَضْلِ،

فراوان و ناله های پیوسته و جایگاه خرد و عدالت و نیکی و احسان

وَالنَّدی وَالْبَذْلِ، وَمَأْلَفِ الْبَلْوی وَالصَّبْرِ، وَالْمُضْطَهَدِ بِالظُّلْمِ، وَالْمَقْبُورِ

و سخاوت و بخشش و همدم با گرفتاری و صبر، همان کسی که با ستم پایمال شد و با جور مدفون گردید

1- [563]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 11، حدیث 7 و مزار کبیر، صفحه 536 و مزار شهید، صفحه 188.(با اندکی تفاوت)

بِالْجَوْرِ، وَالْمُعَذَّبِ فى قَعْرِ السُّجُونِ، وَظُلَمِ الْمَطامیرِ، ذِى السَّاقِ

و در سیاه چال ها و زندان هاى تاریک شکنجه مى شد، صاحب ساق

الْمَرْضُوضِ بِحَلَقِ الْقُیُودِ، وَالْجِنازَهِ الْمُنادى عَلَیْها بِذُلِّ الْإِسْتِخْفافِ،

آسیب دیده با حلقه هاى زنجیر، و جنازه اى که با خوارى و سبک شمارى بر آن ندا داده شد

وَالْوارِدِ عَلى جَدِّهِ الْمُصْطَفى وَابیهِ الْمُرْتَضى وَامِّهِ سَیِّدَهِ النِّسآءِ،

و آن کس که بر جدّش محمّد مصطفى و پدرش علىّ مرتضى و مادرش سرور بانوان داخل شد

بِارْثٍ مَغْصُوبٍ، وَ وَلآءٍ مَسْلُوبٍ، وَامْرٍ مَغْلُوبٍ، وَدَمٍ مَطْلُوبٍ، وَسَمٍ

با ارثى غصب شده و خلافت سلب شده و فرمان بر زمین مانده خون طلب شده و سمّى که به او

مَشْرُوبٍ، اللهُمَّ وَکَما صَبَرَ عَلى غَلیظِ الْمِحَنِ، وَتَجَرَّعَ غُصَصَ

نوشاندند، خدایا همان گونه که او بر گرفتاریهاى سخت صبر نمود و غصّه هاى گرفتاریها را

الْکُرَبِ، وَاسْتَسْلَمَ لِرِضاکَ، وَاخْلَصَ الطَّاعَهَ لَکَ، وَمَحَضَ الْخُشُوعَ،

فرو خورد و بخاطر خوشنودى تو تسلیم شد و خالصانه از تو اطاعت نمود و صادقانه فروتنى کرد

وَاسْتَشْعَرَ الْخُضُوعَ، وَعادَى الْبِدْعَهَ وَاهْلَها، وَلَمْ یَلْحَقْهُ فى شَىْ ءٍ مِنْ

و لبریز از خضوع بود، و با بدعت و بدعتگزاران دشمن بود و در اجراى فرمان هاى تو

اوامِرِکَ وَنَواهیکَ لَوْمَهُ لآئِمٍ، صَلِّ عَلَیْهِ صَلاهً نامِیَهً مُنیفَهً زاکِیَهً، تُوجِبُ

سرزنش ملامتگران در او اثر نکرد، درودی فزاینده و فراوان و پاک بر او فرست، که

لَهُ بِها شَفاعَهَ امَمٍ مِنْ خَلْقِکَ، وَقُرُونٍ مِنْ بَرایاکَ، وَبَلِّغْهُ عَنَّا تَحِیَّهً

موجب شفاعت امّتهای پیشین و گذشتگان گردد و درود

وَسَلاماً، وَآتِنا مِنْ لَدُنْکَ فی مُوالاتِهِ فَضْلًا وَاحْساناً، وَمَغْفِرَهً وَرِضْواناً،

و سلام ما را به او برسان، و بخاطر پیروی از او، لطف و احسان و آمرزش و خوشنودیت را به ما عطا کن

انَّکَ ذُو الْفَضْلِ الْعَمیمِ، وَالتَّجاوُزِ الْعَظیمِ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

زیرا تو دارای فضل همگانی و گذشت بزرگ هستی، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

زیارات مخصوصه امام جواد علیه السلام:

زیارت اوّل مطابق نقل علّامه مجلسی، همان بزرگواران (شیخ مفید، شیخ شهید و محمّد بن

1- [564]مصباح الزائر، صفحه 382 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 17، حدیث 10(با اندکی تفاوت).

المشهدی) در ادامه زیارت قبل نوشته اند: آنگاه متوجّه قبر محمّد بن علی الجواد علیهما السلام می شوی که در پشت سر جدّ بزرگوار خود مدفون است و چون نزد قبر آن حضرت ایستادی بگو:

السَّلامُ عَلَيْکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ یا نُورَ

سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجّت خدا، سلام بر تو ای نور

اللَّهِ فی ظُلُماتِ الْأَرْضِ، السَّلامُ عَلَيْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ

خدا در تاریکی های زمین، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو

وَعَلی آبآئِکَ، السَّلامُ عَلَيْکَ وَعَلی ابْنآئِکَ، السَّلامُ عَلَيْکَ وَعَلی اوْلِیآئِکَ،

و بر پدرانت، سلام بر تو و بر فرزندانت، سلام بر تو و بر دوستدارانت

اشْهَدُ ا نَّکَ قَدْ اقَمْتَ الصَّلاهَ، وَآتَیْتَ الزّکاهَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَیْتَ

گواهی می دهم که تو به یقین نماز را بپا داشته و زکات داده و امر به معروف و نهی از

عَنِ الْمُنْکَرِ، وَتَلَوْتَ الْکِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ، وَجاهَدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ،

منکر نمودی و کتاب خدا را به شایستگی تلاوت کردی و در راه خدا به شایستگی جهاد نمودی

وَ صَبَرْتَ عَلَی الْأَذی فی جَنْبِهِ حَتّی اتیکَ الْیَقینُ، اتَیْتُکَ زآئِراً عارِفاً بِحَقِّکَ،

و در راه خدا بر آزارها صبر نمودی تا زمان وفاتت فرا رسید، برای زیارت به درگاهت آمده ام در حالی که آشنای به حق تو

مُوالِیاً لِأَوْلِیآئِکَ، مُعادِیاً لِأَعْدآئِکَ، فَاشْفَعْ لی عِنْدَ رَبِّکَ* سپس ضریح را ببوس و دوستدار دوستانت و دشمن دشمنان توام، پس نزد پروردگارت شفیعم باش************

و آنگاه دو طرف صورت خود را بر آن بگذار، سپس دو رکعت نماز زیارت بخوان و بعد از آن، هر نمازی که می خواهی بجای آور و آنگاه به سجده

برو و بگو: ارْحَمْ مَنْ اسآءَ وَاقْتَرَفَ، وَاسْتَكانَ

******************** بر بنده ای که بدی و جنایت کرده و درمانده شده

وَاعْتَرَفَ. سپس جانب راست صورت را بر محل سجده بگذار و بگو: انْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ،

و (به گناهش) معترف است، رحم کن.**************************** اگر من بنده بدی بوده ام

فَانْتَ نِعْمَ الرَّبُّ. آنگاه جانب چپ صورت را بگذار و بگو: عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسُنِ

ولی تو پروردگار خوبی هستی****************** گناه بنده ات بزرگ است ولی عفو

الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ یا كَریمُ. سپس به سجده برو و صد مرتبه بگو:

شُكْراً شُكْراً ...

و برگرد.(1) و گذشت از ناحیه تو نیکوست ای بزرگوار************************************

ص: 449

1- [565]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 12، حدیث 7؛ مزار شهید، صفحه 192 و مزار کبیر، صفحه 538(با اندکی تفاوت).

زیارت دوم «سیّد بن طاووس» می نویسد: وقتی امام موسی بن جعفر علیهما السلام را زیارت کردی نزد مرقد امام جواد علیه السلام می ایستی و آن را می بوسی و می گویی:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا اباجَعْفَرٍ، مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ الْبَرَّ التَّقِیَّ الْإِمامَ الْوَفِیَّ،

سلام بر تو ای اباجعفر، محمّد بن علی امام نیکوکار پرهیزکار و پیشوای باوفا

السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الرَّضِیُّ الزَّکِیُّ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ، السَّلامُ

سلام بر تو ای پسندیده پاکیزه، سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام

عَلَیْکَ یا نَجِیَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَفیرَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا سِرَّ اللَّهِ،

بر تو ای رازدار پروردگار، سلام بر تو ای سفیر خدا، سلام بر تو ای گنجینه اسرار الهی

السَّلامُ عَلَیْکَ یا ضِیآءَاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَنآءَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

سلام بر تو ای پرتوی انوار خداوند، سلام بر تو ای درخشندگی (نور) الهی، سلام بر تو ای

کَلِمَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَحْمَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا النُّورُ السَّاطِعُ،

سخن خدا، سلام بر تو ای رحمت الهی، سلام بر تو ای نور درخشان

السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْبَدْرُ الطَّالِعُ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الطَّیِّبُ مِنَ الطَّیِّبینَ،

سلام بر تو ای ماه تابان، سلام بر تو ای پاک سرشت از نژاد پاکان

السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الطَّاهِرُ مِنَ الْمُطَهَّرینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْأیَةُ

سلام بر تو ای پاکیزه خوی از نژاد پاکیزگان، سلام بر تو ای نشانه

الْعُظْمی السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْحُجَّةُ الْکُبْری السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْمُطَهَّرُ

با عظمتِ (خدا)، سلام بر تو ای حجّت بزرگِ (خداوند)، سلام بر تو ای پاک شده از

مِنَ الزَّلّاتِ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْمُنَزَّهُ عَنِ الْمُعْضِلاتِ، السَّلامُ عَلَیْکَ

لغزش ها، سلام بر تو ای پاکیزه از خطاها، سلام بر تو

ایُّهَا الْعَلِیُّ عَنْ نَقْصِ الْأَوْصافِ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الرَّضِیُّ عِنْدَ

ای برتر از نقص در اوصاف، سلام بر تو ای پسندیده در نزد

الْأَشْرافِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَمُودَ الدّینِ، اشْهَدُ انَّکَ وَلِیُّ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ فی

بزرگان، سلام بر تو ای ستون دین، گواهی می دهم که تو به یقین ولیّ خدا و حجّت او در

ارْضِهِ، وَانَّکَ جَنْبُ اللَّهِ وَخِیَرَهُ اللَّهِ، وَمُسْتَوْدَعُ عِلْمِ اللَّهِ وَعِلْمِ الْأَنْبِیآءِ،

زمین هستی، و تویی به یقین بنده مقرّب و برگزیده خدا و امانتدار علم الهی و پیامبران،

وَرُکْنُ الْإیمانِ، وَتَرْجُمانُ الْقُرْآنِ، وَاشْهَدُ انَّ مَنِ اتَّبَعَکَ عَلَی الْحَقِ

و اساس ایمان و مفسّر قرآن، و گواهی می دهم که به یقین هر که از تو پیروی نمود بر (راه) حق

وَالْهُدی وَانَّ مَنْ انْکَرَکَ وَنَصَبَ لَکَ الْعَداوَهَ عَلَی الضَّلالَهِ وَالرَّدی ابْرَءُ

و هدایت است و هر کس تو را انکار نموده و با تو دشمنی کرد بر (راه) گمراهی و هلاکت است، من

الَی اللَّهِ وَالَیْکَ مِنْهُمْ فِی الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ، وَالسَّلامُ عَلَیْکَ ما بَقیتُ وَبَقِیَ

به درگاه خدا و نزد تو از آنان در دنیا و آخرت بیزاری می جویم، و سلام بر تو مادامی که زنده ام

اللَّیْلُ وَالنَّهارُ* سپس این صلوات را بخوان: اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَیْتِهِ،

و شب و روز باقیست************* خدایا درود فرست بر محمّد و خاندان پاکش

وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الزَّکِیِّ التَّقِیِّ، وَالْبَرِّ الْوَفِیِّ، وَالْمُهَذَّبِ النَّقِیِّ،

و درود فرست بر محمّد بن علی امام پاکیزه پرهیزکار و نیکوکار باوفا، و آراسته پاک

هادِی الْأُمَّهِ، وَوارِثِ الْأَئِمَّهِ، وَخازِنِ الرَّحْمَهِ، وَیَنْبُوعِ الْحِکْمَهِ، وَقآئِدِ

و هدایت کننده امّت، و وارث امامان، و معدن رحمت و چشمه حکمت و دانش، و پیشوای

الْبَرَکَهِ، وَعَدیلِ الْقُرْآنِ فِی الطَّاعَهِ، وَواحِدِ الْأَوْصِیآءِ فِی الْاخْلاصِ

بابرکت و همردیف با قرآن در (وجوبِ) اطاعت، و یکی از جانشینان در مقام اخلاص

وَالْعِبادَهِ، وَحُجَّتِکَ الْعُلْیا، وَمَثَلِکَ الْأَعْلی وَکَلِمَتِکَ الْحُسْنی الدَّاعی

و عبادت، و حجّت و دلیل برتر و نمونه والا و سخن نیکویت، که به سوی تو دعوت

الَیْکَ، وَالدَّآلِّ عَلَیْکَ، الَّذی نَصَبْتَهُ عَلَماً لِعِبادِکَ، وَمُتَرْجِماً لِکِتابِکَ،

و راهنمایی نمود، آن که قرار دادی او را نشانه (هدایت) بر بندگانت، مفسّر کتابت،

وَصادِعاً بِامْرِکَ، وَناصِراً لِدینِکَ، وَحُجَّةً عَلی خَلْقِکَ، وَنُوراً تَخْرُقُ بِهِ

مطیع فرمانت، و یاور دینت و حجّت بر مخلوقاتت و نوری که تاریکیها را

الظُّلَمَ، وَقُدْوَةً تُدْرَکُ بِهَا الْهِدایَهُ، وَشَفیعاً تُنالُ بِهِ الْجَنَّهُ، اللهُمَّ وَکَما اخَذَ

بشکافد و پیشوایی که با او به هدایت می رسند، و شفیعی که با او بهشت حاصل شود، خدایا همان گونه که او

فی خُشُوعِهِ لَکَ حَظَّهُ، وَاسْتَوْفی مِنْ خَشْیَتِکَ نَصیبَهُ، فَصَلِّ عَلَیْهِ

در سایه خشوع در برابر تو، بهره آن را دریافت کرد و به خاطر ترس از تو، به نصیبش رسید، پس بر او درود فرست

اضْعافَ ما صَلَّیْتَ عَلی وَلِیٍّ ارْتَضَیْتَ طاعَتَهُ، وَقَبِلْتَ خِدْمَتَهُ، وَبَلِّغْهُ مِنَّا

چندین برابر درود بر هر یک از دوستانت که بندگیش را پذیرفته و خدمتش را قبول کرده ای و

ص :451

تَحِیَّهً وَسَلاماً، وَآتِنا فی مُوالاتِهِ مِنْ لَدُنْکَ فَضْلًا وَاحْساناً، وَمَغْفِرَهً

درود و سلام ما را به او برسان و به خاطر پیروی از او، از جانب خودت لطف و احسان و آمرزش

وَرِضْواناً، انَّکَ ذُو الْمَنِّ الْقَدیمِ، وَالصَّفْحِ الْجَمیلِ. آنگاه نماز زیارت بجای آور. (1) و خوشنودیت را به ما عطا کن زیرا تو صاحب نعمت دیرینه و صرف نظر کردن شایسته (از خطاها) هستی.***************

***

زیارت سوم «ابن قولویه» در «کامل الزیارات» زیارت سوّمی که مخصوص امام جواد علیه السلام است از امام هادی علیه السلام نقل می کند و می گوید: پس از غسل زیارت بگو:

اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ، الْإِمامِ الْبَرِّ التَّقِیِّ النَّقِیِّ الرِّضِیِ

خدایا بر محمّد بن علی درود فرست، آن امام نیکوکار پرهیزکار پاکیزه و پسندیده

الْمَرْضِیِّ، وَحُجَّتِکَ عَلی مَنْ فَوْقَ الْارَضینَ وَمَنْ تَحْتَ الثَّری صَلاهً

خشنود، و حجّت تو بر تمام کسانی که روی زمین و زیر خاکند، درودی

کَثیرَهً تامَّهً نامِیَهً زاکِیَهً، مُبارَکَهً مُتَواصِلَهً مُتَواتِرَهً مُتَرادِفَهً، کَافْضَلِ ما

فراوان و کامل و فزاینده و پاکیزه، و بابرکت و پیوسته و پی در پی و پشت سر هم، همانند بهترین درودی

صَلَّیْتَ عَلی احَدٍ مِنْ اوْلِیآئِکَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

که بر هر یک از اولیایت فرستاده ای، سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای

نُورَاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا امامَ الْمُؤْمِنینَ،

نور خدا، سلام بر تو ای حجّت خدا، سلام بر تو ای پیشوای مؤمنان

السَّلامُ عَلَيْکَ یا خَلیفَهَ النَبِیّینَ وَسُلالَهَ الْوَصِیّینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

سلام بر تو ای جانشین پیامبران و از نسل جانشینان، سلام بر تو ای

نُورَاللَّهِ فی ظُلُماتِ الْأَرْضِ، اتَیْتُکَ زائِراً عارِفاً بِحَقِّکَ، مُعادِیاً

نور خدا در تاریکیهای زمین، برای زیارت به درگاهت آمده ام در حالی که آشنای به حق تو و دشمن

لِأَعْدآئِکَ، مُوالِیاً لِأَوْلِیآئِکَ، فَاشْفَعْ لی عِنْدَ رَبِّکَ یا مَوْلایَ.

دشمنانت و دوستدار دوستان توام، پس نزد پروردگارت شفیعم باش، ای مولای من.

آنگاه حاجت خود را طلب کن که ان شاءاللّه تعالی برآورده خواهد شد.(2)

1- [566]مصباح الزائر، صفحه 395 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 20.
2- [567]کامل الزیارات، باب 100، صفحه 302، حدیث 1.

زیارات مشترک امام کاظم و امام جواد علیهما السلام:

زیارت اوّل: «ابن قولویه»، «شیخ کلینی» و «شیخ طوسی» از امام هادی علیه السلام نقل می کنند که ابتدا مقابل مرقد امام موسی کاظم علیه السلام می ایستی ومی گویی: السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللّهِ، السَّلامُ

************************ سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام

عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا نُورَ اللَّهِ فی ظُلُماتِ الْأَرْضِ، السَّلامُ

بر تو ای حجّت خدا، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین، سلام

عَلَیْکَ یا مَنْ بَدا للَّهِ فی شَأْنِهِ، اتَیْتُکَ زائِراً عارِفاً بِحَقِّکَ، مُعادِیاً

بر تو ای کسی که خدا جایگاهت را آشکار نمود، برای زیارت به درگاهت آمده ام در حالی که آشنای به حقّ تو و دشمن

لِأَعْدائِکَ، مُوالِیاً لِأَوْلِیآئِکَ، فَاشْفَعْ لی عِنْدَ رَبِّکَ یا مَوْلایَ.

دشمنانت و دوستدار دوستان توام، پس نزد پروردگارت شفیعم باش، ای مولای من.

سپس دعا می کنی و حاجتت را طلب می نمایی. آنگاه رو به قبر امام جواد علیه السلام می ایستی و همین زیارت را خطاب به آن حضرت تکرار می کنی. این زیارت در نهایت اعتبار است.(1)

***

زیارت دوم «شیخ مفید» و «شیخ شهید» و «محمّد بن المشهدی» می نویسند: برای زیارت آن دو بزرگوار نزد ضریح مطهّر بایست و خطاب به هر دو امام علیهما السلام بگو:

السَّلامُ عَلَیْکُما یا وَلِیَّیِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکُما یا حُجَّتَیِ اللَّهِ، السَّلامُ

سلام بر شما دو ولیّ خدا، سلام بر شما دو حجّت پروردگار، سلام

عَلَیْکُما یا نُورَیِ اللَّهِ فی ظُلُماتِ الْأَرْضِ، اشْهَدُ انَّکُما قَدْ بَلَّغْتُما عَنِ اللَّهِ

بر شما دو نور الهی در تاریکیهای زمین، گواهی می دهم که به یقین آنچه خدا بر عهده تان قرار داده بود

ما حَمَّلَکُما، وَحَفِظْتُما مَا اسْتَوْدِعْتُما، وَحَلَّلْتُما حَلالَ اللَّهِ، وَحَرَّمْتُما

رساندید، و آنچه نزدتان امانت بود حفظ نمودید و حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام

حَرامَ اللَّهِ، وَاقَمْتُما حُدُودَ اللَّهِ، وَتَلَوْتُما کِتابَ اللَّهِ، وَصَبَرْتُما عَلَی الْأَذی

شمرده، و حدودِ (احکام) خدا را بپا داشتید و کتاب خدا را تلاوت کرده و در راه خدا به امید پاداش بر اذیّتها

فی جَنْبِ اللَّهِ مُحْتَسِبَیْنِ حَتّی اتیکُمَا الْیَقینُ، ابْرَءُ الَی اللَّهِ مِنْ اعْدآئِکُما،

صبر نمودید، تا زمان وفاتتان فرا رسید، از دشمنان شما به درگاه خدا بیزاری جسته

1- [568]کامل الزیارات، صفحه 301، حدیث 1 و کافی، جلد 4، صفحه 578، حدیث 1 و تهذیب، جلد 6، صفحه 91، حدیث 1.

وَاتَقَرَّبُ الَی اللَّهِ بِوِلایَتِکُما، اتَیْتُکُما زائِراً عارِفاً بِحَقِّکُما، مُوالِیاً

و با دوستی شما به درگاه خدا تقرّب می جویم، برای زیارت به درگاهتان آمده ام در حالی که آشنای به حقّتان و دوستدار

لِأَوْلِیآئِکُما، مُعادِیاً لِأَعْدآئِکُما، مُسْتَبْصِراً بِالْهُدَی الَّذی انْتُما عَلَیْهِ،

دوستانتان و دشمن دشمنانتان هستم، و به هدایتی که شما برآنید

عارِفاً بِضَلالَهِ مَنْ خالَفَکُما، فَاشْفَعا لی عِنْدَ رَبِّکُما، فَانَّ لَکُما عِنْدَ اللَّهِ

و گمراهی مخالفانتان آگاهم، پس نزد پروردگارتان شفیعم باشید، زیرا جایگاه باعظمت

جاهاً عَظیماً، وَمَقاماً مَحْمُوداً* سپس ضریح شریف را ببوس و روی راست صورت را بر و مقام پسندیده از آنِ شماست***************************

آن بگذار و آنگاه به جانب سر مقدّس برو و بگو: السَّلامُ عَلَیْکُما یا حُجَّتَیِ اللّهِ فی ارْضِهِ

****************** سلام بر شما ای دو حجّت خدا در زمین

وَسَمآئِهِ، عَبْدُکُما وَ وَلِیُّکُما زآئِرُکُما، مُتَقَرِّباً الَی اللَّهِ بِزِیارَتِکُما، اللهُمَ

و آسمانش، بنده و دوستدار و زائرتان با زیارت شما به درگاه خدا تقرّب می جوید، خدایا

اجْعَلْ لی لِسانَ صِدْقٍ فی اوْلِیآئِکَ الْمُصْطَفَیْنَ، وَحَبِّبْ الَیَّ مَشاهِدَهُمْ،

در مورد اولیای برگزیده ات زبان صدق برایم قرار ده، و (زیارتِ) محلّ شهادت آنان را برایم محبوب گردان

وَاجْعَلْنی مَعَهُمْ فِی الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.

و مرا در دنیا و آخرت با ایشان قرار ده ای مهربانترین مهربانان.

سپس برای هر امام دو رکعت نماز زیارت بخوان و هر آنچه می خواهی از خدا بخواه.(1) یادآوری: مرحوم محدّث قمی پس از نقل این زیارت می گوید: مختصر بودن این گونه زیارت ها به جهت تقیّه شدیدی است که در آن زمانها حاکم بوده و ائمّه علیهم السلام می خواستند که شیعیان را به این وسیله، از آسیب طاغیان زمان محفوظ بدارند، اکنون که زمان تقیّه نیست اگر زائری طالب زیارتی طولانی باشد، می تواند زیارت جامعه کبیره که بهترین زیارت است و ذکرش خواهد آمد (صفحه 537) را بخواند (چنان که می تواند زیارت امین اللّه را بخواند که در صفحه 260 گذشت).

زیارت وداع امام کاظم علیه السلام:

«شیخ طوسی» در «تهذیب» می نویسد: هرگاه خواستی با امام موسی بن جعفر علیهما السلام وداع کنی نزد قبر

1- [569]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 13 و مزار کبیر، صفحه 539 و مزار شهید، صفحه 194(با اندکی تفاوت).

شریفش بایست آن گونه که در ابتدای زیارت ایستادی و بگو:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا ابَا الْحَسَنِ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، اسْتَوْدِعُکَ

سلام بر تو ای مولای من ای ابا الحسن و رحمت و برکات خدا بر تو باد، تو را به خدا می سپارم

اللَّهَ وَاقْرَءُ عَلَیْکَ السَّلامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ، وَبِما جِئْتَ بِهِ وَدَلَلْتَ

و بر تو درود می فرستم، به خدا و رسولش و به آنچه آورده و راهنمایی کرده ای ایمان

عَلَیْهِ، اللَّهُمَّ اکْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدینَ.(1)

دارم، خدایا مرا در زمره گواهان قرار ده.

زیارت وداع امام جواد علیه السلام:

در وداع امام جواد علیه السلام مقابل قبر آن حضرت می ایستی آن گونه که در ابتدای زیارت ایستادی ومی گویی:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ،

سلام بر تو ای مولای من ای فرزند رسول خدا، و رحمت و برکات خدا بر تو باد

اسْتَوْدِعُکَ اللَّهَ وَاقْرَءُ عَلَیْکَ السَّلامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ، وَبِما جِئْتَ بِهِ

تو را به خدا می سپارم و بر تو درود می فرستم، به خدا و رسولش و به آنچه آورده

وَدَلَلْتَ عَلَیْهِ، اللَّهُمَّ اکْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدینَ.

و راهنمایی کرده ای ایمان دارم، خدایا مرا در زمره گواهان قرار ده.

آنگاه از خدا می خواهی که این زیارت، آخرین زیارت تو نباشد و مجدّداً توفیق زیارت را پیدا کنی، سپس آنچه می خواهی دعا کن و ضریح آن

حضرت را ببوس و دو طرف صورت خود را بر روی آن بگذار.(2)

فضیلت مسجد براثا:

مسجد «براثا» از مساجد معروف و متبرّکی است که بین بغداد و کاظمین در مسیر زوّار قرار گرفته و با همه شرافت و فضایلی که دارد غالباً نسبت به آن توجّه نمی شود و از فیض آن محرومند. «حموی» از مورّخین سال 626 در معجم البلدان می نویسد:

«براثا» پیش از بنای شهر بغداد، قریه ای بود که گمان مردم آن بر این بود که علی علیه السلام از این قریه-

---

1- [570]تهذیب، جلد 6، صفحه 83.
2- [571]همان مدرک، صفحه 91.

زمانی که برای جنگ با خوارج نهروان می رفت- عبور کرد و در مسجد مزبور نماز خواند و در حمّام آن قریه استحمام نمود. از جمله از کسانی که به این «براثا» منسوبند «ابوشعیب براثی» عابد است که اوّل کسی است که در براثا در کوخی که از نی ساخته بود؛ ساکن شد و در آن عبادت خدا می کرد.(1) و به همین دلیل، شیعیان به این مسجد اهمّیّت فراوان می دادند.

آنچه برای ما قابل اعتماد است روایاتی است که مرحوم «علّامه مجلسی»(2) در ارتباط با فضیلت این مسجد و سابقه تاریخی آن نقل می کند که از مجموع آن، نکات فراوانی به دست می آید از جمله:

1- این مکان، خانه حضرت مریم علیها السلام و زمین حضرت عیسی علیه السلام بود.

2- حضرت امیرمؤمنان علیه السلام چشمه ای به اعجاز در آن جا ظاهر ساخت.

3- امیرمؤمنان علیه السلام پس از بازگشت از نهروان چند روز در آن مکان اقامت فرمودند.

4- در این مکان، انبیای قبل از عیسی علیه السلام از جمله ابراهیم خلیل علیه السلام نیز نماز بجای آوردند.

5- صومعه ای در این مکان قرارداشت که راهب آن با مشاهده امیرمؤمنان علیه السلام و دیدن معجزات مزبور اسلام آورد.

6- از روایت دیگری به دست می آید که در این مکان قبر پیامبری واقع شده است و مرحوم محدّث قمی می گوید: شاید آن پیامبر، حضرت یوشع باشد.

مرحوم «علّامه مجلسی» پس از نقل این روایات می نویسد: این مسجد الآن موجود است و به وسط راه بغداد- کاظمین، نزدیک است و مستحب است نماز خواندن و طلب کردن حوائج از خداوند در آن.(3)

زیارت نوّاب اربعه:

از جمله برنامه های زوّار، در ایّام توقّف در کاظمین، رفتن به بغداد برای زیارت چهار نایب خاص امام عصر صلوات اللّه علیه (1- عثمان بن سعید، 2- محمّد بن عثمان، 3- شیخ ابوالقاسم حسین بن روح، 4- شیخ جلیل علیّ بن محمّد سمری رحمهم الله) می باشد که اگر قبر هر کدام از آنها در مناطق دوردست دیگری بود باز هم سزاوار بود که انسان مسیری طولانی را طی کند و رنج و مشقّت سفر را متحمّل شود و به فیض زیارت آنها برسد، زیرا آنها کسانی هستند که 70 سال منصب سفارت و وساطت میان امام عصر علیه السلام و امّت را بر عهده داشتند و به دست آنها کرامات بسیار ظاهر شد.

ص: 456

1- [572]معجم البلدان، جلد 1، صفحه 363.
2- [573]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 26، باب 3.
3- [574]همان مدرک، صفحه 29.

کیفیّت زیارت آن بزرگواران:

«شیخ طوسی» در «تهذیب» و «سیّد بن طاووس» در «مصباح الزائر» از حسین بن روح رحمه الله (یکی از نواب چهارگانه) نقل می کنند که هرگاه خواستی نوّاب حضرت را زیارت کنی پس از سلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان و خدیجه کبری و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین و هر یک از ائمّه تا صاحب الزمان (صلوات اللّه علیهم اجمعین)، می گویی:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا فُلانَ بْنَ فُلانٍ

(و به جای فلان بن فلان اسم صاحب قبر و پدرش را می بری) سپس می گویی: اشْهَدُ انَّکَ بابُ الْمَوْلی ادَّیْتَ عَنْهُ وَادَّیْتَ الَیْهِ، ما خالَفْتَهُ وَلا

****** گواهی می دهم که تو به یقین درگاه ورود به مولا بودی، امانت او را (به مردم) و امانت (مردم را) به او رساندی، با او مخالفت نکردی و برخلاف

خالَفْتَ عَلَیْهِ، فَقُمْتَ خالِصاً وَانْصَرَفْتَ سابِقاً، جِئْتُکَ عارِفاً بِالْحَقِ

او کاری انجام ندادی، با اخلاص قیام نمودی و با سبقت (در اطاعت) بازگشتی، با آشنایی به حقّی

الَّذی انْتَ عَلَیْهِ، و انَّکَ ما خُنْتَ فِی التَّأْدِیَهِ وَالسِّفارَهِ، وَ السَّلامُ عَلَیْکَ

که تو برآنی به درگاهت آمده ام، و تو به یقین در ادای امانت و نمایندگی خیانت ننمودی، و سلام بر تو باد

مِنْ بابٍ ما اوْسَعَهَ، وَمِنْ سَفیرٍ ما آمَنَکَ، وَمِنْ ثِقَهٍ ما امْکَنَکَ، اشْهَدُ انَّ اللَّهَ

که چه درگاه وسیع (برای رسیدن به امام)، و چه سفیر امین، و چه فرد مورد اطمینان ثابت قدمی بودی، گواهی می دهم که خداوند به یقین

اخْتَصَّکَ بِنُورِهِ، حَتّی عایَنْتَ الشَّخْصَ، فَادَّیْتَ عَنْهُ وَادَّیْتَ الَیْهِ. سپس تو را به نورش اختصاص داد، تا امام را به چشم خود دیدی، پس امانت او را (به مردم) و امانت (مردم را) به او رساندی.***

مجدّداً بر رسول خدا تا صاحب الزمان علیهم السلام سلام می فرستی و پس از آن می گویی: جِئْتُکَ مُخْلِصاً

******************************** به درگاهت آمده ام با اخلاص

بِتَوْحیدِاللَّهِ، وَمُوالاهِ اوْلِیآئِهِ، وَالْبَرآئَهِ مِنْ اعْدآئِهِمْ، وَمِنَ الَّذینَ خالَفُوکَ

به یگانگی خدا و پیروی از اولیائش و بیزاری از دشمنانش و از کسانی که با تو مخالفت کردند

یا حُجَّهَ الْمَوْلی وَبِکَ الَیْهِمْ تَوَجُّهی وَبِهِمْ الیَ اللَّهِ تَوَسُّلی

ای حجّت مولا، و به واسطه تو به آنان رو نموده و به وسیله آنان به خدا متوسّل می شوم.

آنگاه دعا کن و آنچه را می خواهی از خدا بطلب که ان شاءاللَّه اجابت می شود.(1)

ص: 457

1- [575]تهذیب، جلد 6، صفحه 118 و مصباح الزائر، صفحه 514(با تفاوت).

زیارت مرحوم کلینی:

سزاوار است زوّار محترم در بغداد به زیارت شیخ بزرگوار و عالی مقام جناب ثقهالاسلام محمّد بن یعقوب کلینی نیز بروند، کسی که در زمان خودش رئیس شیعه و موثّق ترین و استوارترین آنان در نقل حدیث بوده، و کتاب شریف «کافی» را که یکی از منابع مهمّ حدیث شیعه است، در مدّت بیست سال، تألیف کرده، و حقّی بزرگ بر گردن شیعه به خصوص اهل علم دارد. او کسی است که به جهت عظمت شأنش، ابن أثیر (مورّخ معروف) او را مجدّد و مؤسّس مذهب امامیّه در آغاز قرن چهارم می شمرد بعد از آن که حضرت ثامن الائمّه علیه السلام را مجدّد این مذهب در آغاز قرن سوم به حساب می آورد.(1) (البتّه این سخن به آن معنا نیست که احادیث کتاب شریف کافی احتیاج به بررسی اسناد و نقد ندارد).

زیارت جناب سلمان:

از برنامه های خوب زوّار در کاظمین رفتن به شهر مدائن برای زیارت عبد صالح الهی جناب سلمان محمّدی (رضوان اللّه علیه) می باشد، کسی که:

1- مرحوم «علّامه مجلسی» می گوید: به سندهای مختلف از امام صادق علیه السلام نقل شده که ایمان ده درجه دارد؛ مقداد در درجه هشتم و ابوذر در درجه نهم، و سلمان در درجه دهم قرار گرفته است!(2) 2- او به شرافت «

سَلْمانُ مِنَّا اهْلَ الْبَیْتِ

؛ سلمان از ما اهل بیت است» مفتخر شده و رسول خدا صلی الله علیه و آله در فضیلت او فرموده است: «

سَلْمانُ بَحْرٌ لا یُنْزَفُ، وَکَنْزٌ لا یَنْفَدُ، سَلْمانُ مِنَّا اهْلَ الْبَیْتِ، سَلْسَلٌ یَمْنَحُ الْحِکْمَةَ، وَیُؤْتِی الْبُرْهانَ؛

یعنی سلمان دریایی است که نمی خشکد و گنجی است که تمام نمی شود، سلمان از ما اهل بیت است، آب گوارایی است که حکمت می بخشد و برهان می دهد».(3) 3- امیرمؤمنان علیه السلام او را همانند لقمان حکیم [579] معرّفی کرده است.

کیفیّت زیارت آن جناب:

«سیّد بن طاووس» در «مصباح الزائر» چهار زیارت برای آن بزرگوار نقل کرده که ما در این جا به ذکر یکی از آن چهار زیارت اکتفا می کنیم:

نزد قبر او، رو به قبله می ایستی و می گویی:

السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خاتَمِ النَّبِیّینَ، السَّلامُ عَلی

ص: 458

1- [576]حبل المتین، شیخ بهایی، صفحه 7.
2- [577]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 291.
3- [578]همان مدرک، جلد 22، صفحه 348، حدیث 64.

سلام بر فرستاده خدا محمّد بن عبداللَّه خاتم پیامبران، سلام بر

امیرِ الْمُؤْمِنینَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ، السَّلامُ عَلَی الْأَئِمَّهِ الْمَعْصُومینَ

امیر مؤمنان و آقا و سرور جانشینان، سلام بر امامان معصوم

الرَّاشِدینَ، السَّلامُ عَلَی الْمَلائِکَهِ الْمُقَرَّبینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ

هدایت یافته، سلام بر فرشتگان مقرّبِ (خدا)، سلام بر تو ای صحابی

رَسُولِ اللَّهِ الْأَمینِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ امیرِ الْمُؤْمِنینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

فرستاده امین خداوند، سلام بر تو ای دوستدار امیر مؤمنان، سلام بر تو ای

مُودَعَ اسْرارِ السَّادَهِ الْمَیامینِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا بَقِیَّهَ اللَّهِ مِنَ الْبَرَرَهِ

امانتدار اسرار سروران با برکت، سلام بر تو ای ذخیره خدا از میان نیکوکاران

الْماضینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا اباعَبْدِاللَّهِ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، اشْهَدُ انَّکَ

گذشته، سلام بر تو ای أبا عبداللَّه و رحمت و برکات خدا بر تو باد، گواهی می دهم که تو به یقین از خدا

اطَعْتَ اللَّهَ کَما امَرَکَ، وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ کَما نَدَبَکَ، وَتَوَلَّیْتَ خَلیفَتَهُ کَما

آن گونه که فرمان داد اطاعت کردی، و آن گونه که پیامبر از تو خواسته بود، پیرویش نمودی و همان گونه که بر تو لازم کرده بود با جانشینش

الْزَمَکَ، وَدَعَوْتَ الَی الْإِهْتِمامِ بِذُرِّیَّتِهِ کَما وَقَفَکَ، وَعَلِمْتَ الْحَقَّ یَقیناً

دوستی کردی، و آن گونه که تو را آگاه ساخته بود به مراقبت از نسلش دعوت نمودی، و از روی یقین حق را شناختی

وَاعْتَمَدْتَهُ کَما امَرَکَ، اشْهَدُ ا نَّکَ بابُ وَصِیِّ الْمُصْطَفی وَطَریقُ حُجَّهِ

و آن گونه که فرمان داده بود بر آن اعتماد نمودی، گواهی می دهم که تو به یقین درگاه رسیدن به جانشین مصطفی و راه رسیدن به حجّت

اللَّهِ الْمُرْتَضی وَامینُ اللَّهِ فیمَا اسْتُودِعْتَ مِنْ عُلُومِ الْأَصْفِیآءِ، اشْهَدُ انَّکَ

خدا همان علیّ مرتضی هستی و در علوم (پیامبران) برگزیده که نزدت امانت بود امین خدایی، گواهی می دهم که تو به یقین

مِنْ اهْلِ بَیْتِ النَّبِیِّ، النُّجَبآءِ الْمُخْتارینَ لِنُصْرَهِ الْوَصِیِّ، اشْهَدُ انَّکَ

از خاندان پیامبر هستی، همان بزرگ زادگان برگزیده برای یاری جانشین (پیامبر)، گواهی می دهم که تو به یقین

صاحِبُ الْعاشِرَهِ، وَالْبَراهینِ وَالدَّلائِلِ الْقاهِرَهِ، وَاقَمْتَ الصَّلاهَ، وَ آتَیْتَ

دارای درجات دهگانه ایمان، و برهانها و استدلالهای کوبنده هستی، و نماز را بپا داشته و زکات

الزَّکاهَ، وَ امَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ، وَادَّیْتَ الْأَمانَهَ،

دادی و امر به معروف و نهی از منکر کرده و ادای امانت نمودی

وَنَصَحْتَ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَی الْأَذی فی جَنْبِهِ حَتّی اتیکَ الْیَقینُ،

و برای خدا و رسولش خیرخواهی کردی و در راه خدا بر اذیّتها صبر نمودی تا زمان وفاتت فرا رسید

ص :459

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَحَدَکَ حَقَّکَ، وَ حَطَّ مِنْ قَدْرِکَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ آذاکَ فی

خداوند لعنت کند کسی که حقّ تو را انکار نموده و از جایگاهت پایین آورد، خداوند لعنت کند کسی را که در راه (دوستی)

مَوالیکَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ اغْتَتَکَ فی اهْلِ نَبِیِّکَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لامَکَ فی

امامانت تو را اذیّت نمود، خداوند لعنت کند کسی را که به خاطر (حمایت) خاندان پیامبرت به تو ستم نمود، و خداوند لعنت کند کسی را که

ساداتِکَ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلینَ

به سبب سرورانت تو را سرزنش کرد، خداوند لعنت کند دشمنان خاندان محمّد از جنّ و انس از پیشینیان

وَالْآخِرینَ، وَضاعَفَ عَلَیْهِمُ الْعَذابَ الْأَلیمَ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ یا اباعَبْدِ

و پسینیان را، و عذاب دردناک آنان را چند برابر کند، درود خدا بر تو باد ای ابا عبد

اللَّهِ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَعَلَیْکَ

اللَّه، درود خدا بر تو باد ای یاور رسول خدا، درود خدا بر او و خاندان پاکش و بر تو باد

یا مَوْلی امیرِالْمُؤْمِنینَ، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی رُوحِکَ الطَّیِّبَهِ، وَ جَسَدِکَ

ای دوستدار امیر مؤمنان، و درود خدا بر روح پاک و بدن

الطَّاهِرِ، وَالْحَقَنا بِمَنِّهِ وَرَأْفَتِهِ اذا تَوَفَّانا بِکَ، وَبِمَحَلِّ السَّادَهِ الْمَیامینِ،

پاکیزه ات، خداوند به لطف و مهربانیش بعد از مرگ ما را به تو و به جایگاه امامان بابرکت ملحق کند

وَجَمَعَنا مَعَهُمْ بِجِوارِهِمْ فی جَنَّاتِ النَّعیمِ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ یا اباعَبْدِاللَّهِ،

و ما و آنان را در کنارشان در بهشتهای پرنعمت گردهم آورد، درود خدا بر تو ای ابا عبد اللّه

وَصَلَّی اللَّهُ عَلی اخْوانِکَ الشّیعَهِ الْبَرَرَهِ مِنَ السَّلَفِ الْمَیامینَ، وَادْخَلَ

و درود خدا بر برادران شیعه نیکوکارت از پیشینیان بابرکت، و

الرَّوْحَ وَالرِّضْوانَ عَلَی الْخَلَفِ مِنَ الْمُؤْمِنینَ، وَالْحَقَنا وَایَّاهُمْ بِمَنْ تَوَلَّاهُ

آرامش و خوشنودیش را بر بازماندگان از مؤمنان داخل کند و ما و آنان را به عترت پاکی که

مِنَ الْعِتْرَهِ الطَّاهِرینَ، وَعَلَیْکَ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ.

از آن پیروی می کنند ملحق کند، و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو و آنان باد.

سپس هفت مرتبه سوره «انا انزلناه» می خوانی، آنگاه آنچه از نمازهای مستحبی خواستی کنار قبرش بجای می آوری [580] و سپس وداع ذیل را که «سیّد بن طاووس» آورده، می خوانی:

ص: 460

السَّلامُ عَلَیْکَ یااباعَبْدِاللَّهِ، انْتَ بابُ اللَّهِ الْمُؤْتی مِنْهُ، وَالْمَأْخُوذُ عَنْهُ، اشْهَدُ

سلام بر تو ای ابا عبد اللَّه، تویی باب ورود به (قرب) خدا که از آن داخل شوند و از مخالفت با آن مؤاخذه شوند، گواهی می دهم

انَّکَ قُلْتَ حَقّاً، وَنَطَقْتَ صِدْقاً، وَدَعَوْتَ الی مَوْلایَ وَمَوْلاکَ عَلانِیَةً

که تو به یقین به حق و صادقانه سخن گفتی، و به سوی مولای من و خودت آشکارا و در پنهان دعوت

وَسِرّاً، اتَیْتُکَ زآئِراً وَ حاجاتی لَکَ مُسْتَوْدِعاً، وَ ها انَاذا مُوَدِّعُکَ، اسْتَوْدِعُکَ

نمودی، به قصد زیارت به درگاهت آمده ام و حاجتهایم (برای اجابت) نزدت امانت است، و اکنون از تو وداع می کنم، و

دینی وَامانَتی وَخَواتیمَ عَمَلی وَجَوامِعَ امَلی الی مُنْتَهی اجَلی وَالسَّلامُ

دین و امانت و عاقبت کار و تمامی آرزوهایم را تا آن زمان مرگم به تو می سپارم و سلام

عَلَیْکَ وَرَحْمَهُاللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَخْیارِ.

و رحمت و برکات خدا بر تو باد، و درود خدا بر محمّد و خاندان نیکوکارش باد.

سپس بسیار دعا می کنی و باز می گردی.(1)

طاق کسری

پس از زیارت جناب سلمان رحمه الله شایسته است زائر محترم دو رکعت نماز یا بیشتر در طاق کسری بخواند که امیرمؤمنان علیه السلام در آن جا نماز گزارد و عمّار ساباطی نقل می کند که آن حضرت وقتی به «مداین» آمد در ایوان کسری فرود آمد و «دُلَف بن بحیر» به همراه حضرتش بود، حضرت در این مکان نماز به جای آورد و آنگاه برخاست و خطاب به «دلف» (به عنوان درس عبرت) فرمود: از برای «کسری (آن پادشاه معروف) در این مکان چنین و چنان بود و ... دلف هم در مقابل می گفت:

آری به خدا قسم، چنین است که می فرمایی، ای سیّد و مولای من! چنان شما بر این دیار مطّلع هستید که گویا خود شما آن را بنا نهاده اید!(2)

در روایت دیگری آمده: وقتی آن حضرت بر مداین، مرور کرد و آثار کسری و خرابی آن را مشاهده فرمود یکی از همراهان از روی عبرت این شعر را قرائت کرد:

جَرَتِ الرِّیاحُ عَلی مَحَلِ [583] دِیارِهِمْ

فَکَاَنَّهُمْ کانُوا عَلی میعادٍ

بادها بر ویرانه های خانه هایشان وزیدگویی همگی در وعده گاهی بودند (و رفتند)

ص: 461

1- [581]مصباح الزائر، صفحه 511 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 291.(با اندکی تفاوت)
2- [582]مستدرک الوسائل، جلد 3، صفحه 448، حدیث 22.

حضرت فرمود: چرا این آیات را تلاوت نمی کنی:

کَمْ تَرَکُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُیُونٍ* وَزُرُوعٍ وَمَقامٍ کَریمٍ* وَنَعْمَهٍ کانُوا فیها

چه بسیار باغ ها و چشمه ها که از خود به جای گذاشتند* و کشتزارها و قصرهای پرارزش* و نعمت های فراوان دیگر که در آن

فاکِهینَ* کَذلِکَ وَاوْرَثْناها قَوْماً آخَرینَ* فَما بَکَتْ عَلَیْهِمُ السَّمآءُ

غرق شادمانی بودند* این چنین بود (ماجرای آنان!) و ما این (نعمت ها) را میراث برای اقوام دیگری قرار دادیم* نه آسمان

وَالْأَرْضُ وَما کانُوا مُنْظَرینَ.(1)

و زمین بر آنان گریست و نه به آنها مهلتی داده شد.

سپس این گروه وارث دیگران بودند امّا چیزی نگذشت که دیگران وارث آنها شدند. شکر نعمت الهی بجای نیاوردند لذا دنیای آنها به خاطر گناه از دست رفت، از کفران نعمت بپرهیزید تا بلا بر شما نازل نشود.(2) حاصل آن آیه و این بیان حضرت همان است که حکیم خاقانی در شعر معروفش گفته است:

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان ایوان مداین را آیینه عبرت دان

پرویز که بنهادی بر خوان تره زرّین زرّین تره کو برخوان، رو کَمْ تَرَکُوا برخوان

زیارت حذیفه بن الیمان:

پس از نماز در طاق کسری شایسته است که زائر محترم به زیارت حذیفه بن الیمان برود که از بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و یاران ویژه امیرمؤمنان علیه السلام است و ویژگی او در میان صحابه، شناختن منافقان و دانستن نام های آنان بود به گونه ای که اگر او در تشییع جنازه کسی برای نماز حاضر نمی شد، حتّی خلیفه ثانی نیز بر او نماز نمی خواند!

او از جانب خلیفه ثانی سال ها والی شهر مداین بود، خلیفه او را عزل کرد و سلمان را والی آن جا قرار داد، پس از وفات سلمان، دوباره والی مداین شد تا زمان حکومت امیرمؤمنان علیه السلام. پس از حکومت آن حضرت، نامه ای از جانب حضرتش برای حذیفه و اهل مداین فرستاده شد و از این طریق هم به حکومت رسیدن امیرمؤمنان علیه السلام و هم ابقای حذیفه برای ولایت مداین، به او و مردم مداین ابلاغ شد، ولی پس از آن که حضرت از مدینه به جانب بصره برای دفع شرّ اصحاب جمل حرکت کرد و قبل از آن که وارد کوفه

1- [584]سوره دخان، آیات 25- 29.

2- [585]شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد 3، صفحه 202 و بحارالانوار، جلد 75، صفحه 84، حدیث 91(با مقداری تفاوت).

شود، حذیفه از دنیا رفت و توفیق درک مجدّد محضر آن حضرت را نیافت. (1)

نماز در مسجد جامع مداین:

در جنب مدفن جناب سلمان، مسجد جامع مداین واقع شده که منسوب به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است که یا به امر آن حضرت بنا شده، یا در آن جا نماز خوانده است. سزاوار است زائر گرامی از فیض دو رکعت نماز در این مسجد نیز، خود را محروم نسازد.

1- [586]درجات الرفیعه، صفحه 283 و سفینه البحار مادّه حذیفه.

فصل هفتم: زیارت امام رضا علیه السلام

مقدّمه:

فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام بیش از آن است که احصا شود و ما در این جا تنها به ذکر چند روایت تبرّک می جوییم؛ ولی قبل از بیان این روایات، اشاره ای به بعضی از کرامات آن حضرت در طول سفر به خراسان مناسب به نظر می رسد:

«ابن طاووس» روایت کرده: زمانی که مأمون، امام رضا علیه السلام را از مدینه به خراسان طلبید آن حضرت از مدینه به سوی بصره حرکت کرد و بدون آن که وارد کوفه شود، از طریق کوفه به بغداد و از آن جا وارد قم شد؛ اهل قم به استقبال آن حضرت شتافتند و چون هر کسی میل داشت که آن بزرگوار بر او وارد شود، در زمینه ضیافت و پذیرایی از آن جناب با هم به نزاع پرداختند. حضرت علیه السلام فرمودند: شتر من مأمور است، یعنی هر کجا که او فرود آمد من همان جا وارد می شوم. آن شتر آمد و آمد، تا دَرِ خانه ای که صاحبش در شب آن روز خواب دیده بود که امام رضا علیه السلام فردا میهمان او خواهد بود، ایستاد و حضرت آن جا وارد شدند. چندی نگذشت که آن محلّ به مقام رفیعی تبدیل شد و در زمان ما از مدارس دینیه موفّق حوزه مقدّسه قم به حساب می آید (و به نام مدرسه رضویّه نامیده شده است).(1) «شیخ صدوق» نیز به سند خود از «اسحاق بن راهویه» نقل کرده که گفت: وقتی امام رضا علیه السلام وارد نیشابور شد و خواست از آن جا حرکت کند، راویان احادیث خدمت آن حضرت جمع شدند و عرض کردند:

ای پسر رسول خدا از نزد ما می روی بدون آن که برای ما حدیثی بیان فرمایی که از آن بهره مند شویم؟ آن بزرگوار سر مبارکش را از داخل محملی که در آن نشسته بود بیرون آورد و فرمود: «شنیدم از پدرم موسی بن جعفر علیهما السلام که فرمود: شنیدم از پدرم جعفربن محمّد علیهما السلام، که فرمود: شنیدم از پدرم محمّدبن علی علیهما السلام که فرمود: شنیدم از پدرم علی بن الحسین علیهما السلام که فرمود: شنیدم از پدرم حسین بن علی علیهما السلام که فرمود: شنیدم از پدرم امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیهما السلام که فرمود: شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: شنیدم از جبرئیل که گفت: شنیدم از خداوند عزّوجلّ که فرمود:

«لااِلهَ الّا اللّهُ حِصْنی فَمَنْ دَخَلَ حِصْنی اَمِنَ مِنْ عَذابی

لا اله الا اللَّه قلعه محکم من است، هر کس در این قلعه وارد شود از عذاب من در امان خواهد بود». امام علیه السلام

ص: 464

1- [587]فرحه الغری، صفحه 105.

پس از بیان این حدیث حرکت فرمود، وقتی شتر آن حضرت به راه افتاد، مجدّداً سر مبارک خود را از محمل بیرون آورد و فرمود: «

بِشُرُوطِها وَ انَا مِنْ شُرُوطِها

؛ با شرایطش و من از آن شرایط هستم» ! (1) اباصلت نیز روایت کرده که وقتی امام رضا علیه السلام به «ده سُرخ» در اطراف مشهد رسیدند محضر مبارکش عرض شد: یابن رسول اللّه ! صلی الله علیه و آله ظهر شده است نماز بجای نمی آورید؟ حضرت فرود آمد و آب طلبید.

عرض کردند: آب همراه نداریم، پس با دست مبارک خود زمین را کاویدند، آن قدر آب از زمین جوشید که آن حضرت و همه همراهان وضو ساختند و اثرش تا به امروز باقی است. وقتی وارد سناباد شدند پشت مبارک را به کوهی که دیگ های سنگی از آن می تراشیدند تکیه داد و عرض کرد: «خداوندا ! به این کوه و آنچه در داخل ظرف های تراشیده شده از این کوه گذاشته می شود، نفع و برکت عطا فرما» ! سپس دستور دادند که برای خود آن حضرت نیز دیگ هایی از همان کوه بتراشند و طعامش را تنها داخل همان دیگ ها طبخ کنند، از آن روز به بعد، مردم نیز دیگ ها و ظرف ها از آن کوه تراشیدند و برکت گرفتند. (2)

فضیلت زیارت حضرت رضا علیه السلام:

پس از این مقدّمه به سراغ مختصری از روایاتی می رویم که در فضیلت زیارت آن حضرت وارد شده است:

1- از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «بزودی پاره ای از تن من در زمین خراسان مدفون گردد و هیچ مؤمنی او را زیارت نکند مگر آن که خداوند متعال بهشت را بر او واجب و بدنش را بر آتش جهنّم حرام کند». (3) 2- در حدیث دیگری از آن حضرت صلی الله علیه و آله آمده است: «پاره ای از بدن من در خراسان مدفون خواهد شد، هر غم زده ای که او را زیارت کند خدای متعال غمش را زایل گرداند و هر گناهکاری که به زیارتش رود خداوند گناهانش را بیامرزد». (4) 3- از خود حضرت رضا علیه السلام روایت شده: «بقعه ای در خراسان است که زمانی بر آن می گذرد که محلّ رفت و آمد فرشتگان می شود؛ پیوسته فوجی از فرشتگان از آسمان فرود می آیند و فوجی بالا می روند تا صور

اسرافیل بدمد». پرسیدند: ای پسر رسول خدا! آن، کدام بقعه است؟ فرمود: «بقعه ای است در زمین

ص: 465

1- [588]عیون اخبار الرضا، جلد 2، صفحه 135، حدیث 4 و بحارالانوار، جلد 49، صفحه 123، حدیث 4.
2- [589]عیون اخبار الرضا، جلد 2، صفحه 136، حدیث 1 و بحارالانوار، جلد 49، صفحه 125، حدیث 1.
3- [590]عیون اخبارالرضا، جلد 2، صفحه 255، حدیث 4 و بحارالانوار، جلد 49، صفحه 284، حدیث 3.
4- [591]عیون اخبارالرضا، جلد 2، صفحه 257، حدیث 14 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 33، حدیث 11.

طوس و آن به خدا قسم، باغی از باغ های بهشت است، هر کس مرا در آن بقعه زیارت کند گویا رسول خدا را زیارت کرده است». (1) 4- به دو سند معتبر نقل شده که آن حضرت فرمود: هر کس مرا با توجّه به دوری قبرم زیارت کند روز قیامت در سه جایگاه نزد او بیایم، تا او را از صحنه های هولناک آن روز خلاصی بخشم، اوّل زمانی که نامه اعمال به دست انسانها داده می شود، دوم نزد پُل صراط و سوم نزد میزان و ترازوی اعمال. (2) 5- از حضرت جواد علیه السلام نیز روایت شده که فرمود: «من از جانب خداوند متعال ضمانت بهشت می کنم برای کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند در حالی که به حقّ آن حضرت معرفت داشته باشد». (3) کوتاه سخن این که، روایاتی در فضیلت زیارت آن حضرت وارد شده که درباره زیارت هیچ یک از معصومین علیهم السلام وارد نشده است و این به دلایل مختلفی است که یکی از آنها این است که فقط شیعیان خالص اثنا عشری به زیارت مرقدش می شتابند و از برکات تربتش بهره می گیرند و به پیروی از مکتبش افتخار می کنند، البتّه همان گونه که در حدیث اخیر آمده عارف به حقّ آن حضرت بودن، شرط قبولی زیارت است.

کیفیّت زیارت حضرت رضا علیه السلام:

در منابع دینی ما زیارات متعدّدی برای آن حضرت نقل شده است:

زیارت اوّل زیارت مشهور آن جناب است که در کتب معتبری مانند «کامل الزیارات» و «عیون اخبارالرضا» و «مصباح الزائر» نقل شده و از عبارت «کامل الزیارات» به دست می آید که این زیارت از یکی از ائمّه علیهم السلام روایت شده است. (4) در کتاب های فوق، این زیارت با اندکی اختلاف نسبت به یکدیگر نقل شده است، و ما این زیارت را بر اساس نسخه متداول نقل می کنیم:

پیش از آن که از منزل خارج شوی غسل می کنی و در هنگام غسل چنین می گویی:

اللهُمَّ طَهِّرْنی وَطَهِّرْ لی قَلْبی وَاشْرَحْ لی صَدْری وَاجْرِ عَلی لِسانی

خدایا مرا پاک کن و دلم را برای من پاکیزه گردان، و به من شرح صدر عنایت کن،

1- [592]عیون اخبار الرضا، جلد 2، صفحه 255، حدیث 5 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 31، حدیث 2.
2- [593]کامل الزیارات، باب 101، صفحه 304، حدیث 4 و فقیه، جلد 2، صفحه 584، حدیث 3189.
3- [594]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 37، حدیث 26 و عیون اخبار الرضا، جلد 2، صفحه 256، حدیث 7.
4- [595]کامل الزیارات، باب 102، صفحه 309، حدیث 2.

مِدْحَتَکَ، وَالثَّنآءَ عَلَیْکَ، فَاِنَّهُ لا قُوَّهَ الَّا بِکَ، اللهُمَّ اجْعَلْهُ لی طَهُوراً

و مدح و ثنایت را بر زبانم جاری ساز، زیرا که هیچ قدرتی جز به کمک تو نیست، خدایا این غسل را برای من مایه پاکیزگی

وَشِفآءً* و به هنگام بیرون رفتن می گویی: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ اِلَی اللَّهِ، وَ اِلی ابْنِ

و شفا قرار ده**************** به نام خدا و برای خدا و به سوی خدا، و به سوی فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، حَسْبِیَ اللَّهُ، تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ، اللَّهُمَّ اِلَیْکَ تَوَجَّهْتُ، وَ اِلَیْکَ

رسول خدا (حرکت می کنم)، خدا مرا کافی است و به او توکّل کرده ام، خدایا به درگاه تو توجّه نموده، و تو را

قَصَدْتُ، وَ ما عِنْدَکَ اَرَدْتُ هنگامی که از خانه بیرون می روی بر در خانه خود بایست و بگو:

قصد کرده و هر آنچه نزد توست خواهانم.**

اللهُمَّ اِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهی وَ عَلَیْکَ خَلَّفْتُ اهْلی وَ مالی وَ ما خَوَّلْتَنی

خدایا به درگاه تو رو نموده و بخاطر تو خانواده و دارایی و آنچه را عطا نمودی برجا گذاشته

وَ بِکَ وَثِقْتُ، فَلا تُخَیِّبْنی یا مَنْ لا یُخَیِّبُ مَنْ ارادَهُ، وَلا یُضَیِّعُ مَنْ

و بر تو اعتماد نمودم، پس مرا مأیوس مکن ای کسی که قصد کننده ات را مأیوس نسازی، و هر کسی را تو

حَفِظَهُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ احْفَظْنی بِحِفْظِکَ، فَاِنَّهُ لا یَضیعُ

حفظ کنی تباه نشود، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و مرا به محافظت خویش حفظ فرما، زیرا هر کس را که تو

مَنْ حَفِظْتَ* سپس هنگامی که به سلامت به مقصد رسیدی و خواستی به زیارت بروی، مجدّداً حفظ نمایی تباه نشود**

غسل می کنی و می گویی: اللَّهُمَّ طَهِّرْنی وَطَهِّرْ لی قَلْبی وَاشْرَحْ لی صَدْری

************** خدایا مرا پاک کن و دلم را برای من پاکیزه گردان، و شرح صدر به من عطا کن

وَاجْرِ عَلی لِسانی مِدْحَتَکَ وَ مَحَبَّتَکَ وَ الثَّناۤءَ عَلَیْکَ، فَانَّهُ لا قُوَّةَ الَّا بِکَ،

و مدح و محبّت و ثنایت را بر زبانم جاری کن، زیرا که هیچ قدرتی جز به کمک تو نیست

وَقَدْ عَلِمْتُ انَّ قِوامَ دینيِ التَّسْلیمُ لِأَمْرِکَ، وَالْإِتِّباعُ لِسُنَّةِ نَبِیِّکَ، وَالشَّهادَةُ

و به یقین دانستم که پایداری دینم، تسلیم شدن در برابر فرمان تو و پیروی کردن از سنّت پیامبرت و به گواهی طلبیدن

عَلی جَمیعِ خَلْقِکَ، اللهُمَّ اجْعَلْهُ لی شِفاۤءً وَ نُوراً، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ

تمامی مخلوقات توست، خدایا غسل را برای من مایه درمان و نورانیّت قرار ده چرا که تو بر هر چیز

قَدیرٌ* آنگاه پاکیزه ترین لباس های خود را می پوشی و به آرامی و وقار و با گام های کوتاه در حال توانایی.***

ص: 467

گفتن اللَّهُ اکْبَرُ و لا الهَ الَّا اللَّهُ و سُبْحانَ اللَّهِ و الْحَمْدُلِلَّهِ به سوی حرم حرکت می کنی،*** خدا بزرگتر از هر چیز است و معبودی جز او نیست و تسبیح می گویم خدا را و حمد و سپاس از آن اوست****************

و هنگام ورود به آن روضه مقدس می گویی: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلی مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی

**************** به نام خدا و برای خدا و بر دین رسول خدا- که درود

اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَ اشْهَدُ انَ

خدا بر او و خاندان پاکش باد- گواهی می دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه ای که شریکی ندارد و گواهی می دهم که

مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَانَّ عَلِیّاً وَلِیُّ اللَّهِ* سپس در مقابل قبر آن حضرت پشت به محمد بنده و فرستاده اوست و علی ولیّ خداست.******************

قبله می ایستی و چنین می گویی: اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَاشْهَدُ

***************** گواهی می دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه ای که شریکی ندارد و گواهی می دهم

انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَانَّهُ سَیِّدُ الْأَوَّلینَ وَالْاخِرینَ، وَانَّهُ سَیِّدُ

که محمد بنده و فرستاده اوست، و او به یقین سرور و آقای پیشینیان و پسینیان، و تمامی

الْأَنْبِیآءِ وَالْمُرْسَلینَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ نَبِیِّکَ،

پیامبران و فرستادگان است، خدایا بر محمد بنده و فرستاده و پیامبرت

وَسَیِّدِ خَلْقِکَ اجْمَعینَ، صَلاهً لا یَقْوی عَلی احْصآئِها غَیْرُکَ، اللهُمَ

و آقا و سرور تمام مخلوقاتت درود فرست، درودی که جز تو کسی قادر بر احصاء آن نباشد، خدایا

صَلِّ عَلی امیرِ الّمُؤمِنینَ عَلِیِّ بْنِ ابیطالِبٍ، عَبْدِکَ وَ اخی رَسُولِکَ، الّذِی

بر امیرمؤمنان علی بن ابی طالب بنده ات و برادر رسولت درود فرست آن کسی که

انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِکَ، وَ جَعَلْتَهُ هادِیاً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِکَ، وَالدَّلیلَ عَلی مَنْ

به علم خویش برگزیدی و برای هر یک از مخلوقاتت که خواستی هدایت گر، و بر هر یک از کسانی که

بَعَثْتَهُ بِرِسالاتِکَ، وَدَیَّانَ الدّینِ بِعَدْلِکَ، وَفَصْلَ قَضآئِکَ بَیْنَ خَلْقِکَ،

بر رسالت هایت برانگیختی دلیل قرار دادی و قضاوت کننده به عدل و جداکننده حق از باطل در میان مخلوقاتت

وَالْمُهَیْمِنَ عَلی ذلِکَ کُلِّهِ، وَالسَّلامُ عَلَیْهِ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، اللهُمَ

و مسلّط بر تمامی اینها قرار دادی، درود و رحمت و برکات خدا بر او باد، خدایا

صَلِّ عَلی فاطِمَهَ بِنْتِ نَبِیِّکَ، وَزَوْجَهِ وَلِیِّکَ، وَامِّ السِّبْطَیْنِ الْحَسَنِ

بر فاطمه دختر پیامبرت و همسر ولیّت و مادر دو نوه پیامبر امام حسن

وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَیْ شَبابِ اهْلِ الْجَنَّهِ، الطُّهْرَهِ الطَّاهِرَهِ الْمُطَهَّرَهِ، التَّقِیَّهِ

و امام حسین، سرور جوانان اهل بهشت درود فرست، همان بانوی پاک، پاکیزه، پاک شده، پرهیزگار

النَّقِیَّهِ، الرَّضِیَّهِ الزَّکِیَّهِ، سَیِّدَهِ نِسآَءِ اهْلِ الْجَنَّهِ اجْمَعینَ، صَلاهً لا یَقْوی

منزّه، خشنود (از پروردگار)، پاک از هر گناه، سرور تمامی بانوان اهل بهشت، درودی که جز تو کسی

عَلی احْصآئِها غَیْرُکَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ سِبْطَیْ نَبِیِّکَ،

قادر بر احصاء آن نیست، خدایا بر امام حسن و امام حسین دو نوه پیامبرت

وَسَیِّدَیْ شَبابِ اهْلِ الْجَنَّهِ، الْقآئِمَیْنِ فی خَلْقِکَ، وَالدَّلیلَیْنِ عَلی مَنْ

و سرور جوانان اهل بهشت درود فرست، آن قیام کنندگان در میان مخلوقاتت و دو نشانه بر هر یک از کسانی که

بَعَثْتَ بِرِسالاتِکَ، وَدَیّانَیِ الدّینِ بِعَدْلِکَ، وَفَصْلَیْ قَضآئِکَ بَیْنَ خَلْقِکَ،

به نبوت برگزیدی و دو قضاوت کننده به عدل و جداکنندگان حق از باطل در میان مخلوقاتت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ، عَبْدِکَ الْقآئِمِ فی خَلْقِکَ، وَالدَّلیلِ

خدایا بر علی بن حسین درود فرست آن بنده قیام کننده در میان مخلوقاتت و دلیل

عَلی مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالاتِکَ، وَدَیَّانِ الدّینِ بِعَدْلِکَ، وَفَصْلِ قَضآئِکَ بَیْنَ

بر هر یک از کسانی که به نبوّت برانگیختی، و قضاوت کننده به عدل و جداکننده حق از باطل در میان

خَلْقِکَ، سَیِّدِ الْعابِدینَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ، عَبْدِکَ

مخلوقاتت، آقا و سرور عبادت کنندگان، خدایا بر محمّد بن علی بنده

وَخَلیفَتِکَ فی ارْضِکَ، باقِرِ عِلْمِ النَّبِیّینَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

و جانشینت در زمین و شکافنده علم پیامبران درود فرست، خدایا بر جعفر بن محمد

الصَّادِقِ، عَبْدِکَ وَوَلِیِّ دینِکَ، وَ حُجَّتِکَ عَلی خَلْقِکَ اجْمَعینَ، الصَّادِقِ

صادق بنده و عهده دار دینت و حجّت تو بر تمامی مخلوقات، آن راستگوی

الْبآرِّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ، عَبْدِکَ الصَّالِحِ، وَلِسانِکَ فی

نیکوکار درود فرست، خدایا بر موسی بن جعفر بنده صالح و زبان گویای تو در

خَلْقِکَ، وَالنَّاطِقِ بِحُکْمِکَ، وَالْحُجَّهِ عَلی بَرِیَّتِکَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی عَلیِ

میان مخلوقاتت و گوینده به حُکمت و حجّت تو بر آفریدگان درود فرست، خدایا بر علی

بْنِ مُوسَی الرِّضَا الْمُرْتَضی عَبْدِکَ وَ وَلِیِّ دینِکَ، الْقآئِمِ بِعَدْلِکَ، وَالدَّاعی

بن موسی الرضا آن پسندیده و بنده و عهده دار دینت و قیام کننده بر عدلت و دعوت کننده

الی دینِکَ وَدینِ آبائِهِ الصَّادِقینَ، صَلاةً لا یَقْوی عَلی احْصائِها غَیْرُکَ،

به دینت و دین پدران راست گفتارش درود فرست، درودی که جز تو کسی قادر بر احصاء آن نیست

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلیٍّ، عَبْدِکَ وَ وَلِیِّکَ الْقآئِمِ بِامْرِکَ، وَالدَّاعی

خدایا بر محمد بن علی بنده و ولیّت و قیام کننده به فرمانت و دعوت کننده

الی سَبیلِکَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی عَلیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَبْدِکَ وَ وَلِیِّ دینِکَ،

به راهت درود فرست، خدایا بر علی بن محمد بنده و ولیّ دینت درود فرست

اللهُمَّ صَلِّ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ، الْعامِلِ بِامْرِکَ، الْقآئِمِ فی خَلْقِکَ،

خدایا بر حسن بن علی عمل کننده به فرمانت و قیام کننده در میان مخلوقاتت

وَحُجَّتِکَ الْمُؤَدّی عَنْ نَبِیِّکَ، وَشاهِدِکَ عَلی خَلْقِکَ، الْمَخْصُوصِ

و حجّت تو که از جانب پیامبرت ادای تکلیف نمود، و گواهت بر مخلوقات همان کس که به

بِکَرامَتِکَ، الدَّاعی الی طاعَتِکَ، وَطاعَهِ رَسُولِکَ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِمْ

گرامیداشت خود مخصوصش ساختی و دعوت کننده به اطاعت از تو و رسولت، درود فرست- درود تو بر

اجْمَعینَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی حُجَّتِکَ وَ وَلِیِّکَ الْقآئِمِ فی خَلْقِکَ، صَلاةً

تمامی آنان باد- خدایا بر حجّت و ولیّت، آن قیام کننده در میان مخلوقاتت درود فرست، درودی

تآمَّةً نامِیَةً باقِیَةً، تُعَجِّلُ بِها فَرَجَهُ، وَتَنْصُرُهُ بِها، وَتَجْعَلُنا مَعَهُ فِی الدُّنْیا

کامل، فزاینده و ماندگار، که به واسطه آن فرجش را نزدیک و او را یاری کنی، و ما را در دنیا

وَالْأخِرَهِ، اللهُمَّ انّی اتَقَرَّبُ الَیْکَ بِحُبِّهِمْ، وَاوالی وَلِیَّهُمْ، وَاعادی

و آخرت همراه او قرار دهی، خدایا من به واسطه دوستی آنان به درگاهت تقرب می جویم، و دوستدار آنان را دوست دارم و با دشمن

عَدُوَّهُمْ، فَارْزُقْنی بِهِمْ خَیْرَ الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ، وَاصْرِفْ عَنّی بِهِمْ شَرَّ الدُّنْیا

آنان دشمنم، پس به واسطه آنان خیر دنیا و آخرت را روزیم کن، و شر دنیا

والْأخِرَهِ، وَاهْوالَ یَوْمِ الْقِیامَهِ* آنگاه نزد سر مبارک آن حضرت می نشینی و می گویی:

و آخرت و وحشت های روز قیامت را از من باز دار****************************

السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا نُورَ

سلام بر تو او ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجّت خدا، سلام بر تو ای نور

اللَّهِ فی ظُلُماتِ الْأَرْضِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَمُودَ الدّینِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

خدا در تاریکی های زمین، سلام بر تو ای رکن دین، سلام بر تو ای

وارِثَ آدَمَ صَفْوَهِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ نُوحٍ نَبِیِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ

وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای

یا وارِثَ ابْراهیمَ خَلیلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ اسْماعیلَ ذَبیحِ اللَّهِ،

وارث ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث اسماعیل ذبح شده در راه خدا

السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُوسی کَلیمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عیسی

سلام بر تو ای وارث موسی هم صحبت خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی

رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد فرستاده خدا، سلام بر تو ای

وارِثَ امیرِ الْمُؤْمِنینَ عَلِیٍّ وَلِیِّ اللَّهِ، وَوَصِیِّ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمینَ،

وارث امیرمؤمنان علی ولیّ خدا و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان

السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ فاطِمَهَ الزَّهْرآءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ الْحَسَنِ

سلام بر تو ای وارث فاطمه زهرا، سلام بر تو ای وارث امام حسن

وَالْحُسَیْنِ، سَیِّدَیْ شَبابِ اهْلِ الجَنَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عَلیِّ بْنِ

و امام حسین، سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر تو ای وارث علی بن

الْحُسَیْنِ زَیْنِ الْعابِدینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ باقِرِ عِلْمِ

حسین زینت عبادت کنندگان، سلام بر تو ای وارث محمد بن علی شکافنده دانش

الْأَوَّلینَ وَالْأخِرینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ

پیشینیان و پسینیان، سلام بر تو ای وارث جعفر بن محمّد راستگوی

الْبآرِّ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا وارِثَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، السَّلامُ عَلَيْکَ ايُّهَا

نيکوکار، سلام بر تو ای وارث موسی بن جعفر، سلام بر تو ای

الصِّدّيقُ الشَّهيدُ، السَّلامُ عَلَيْکَ ايُّهَا الْوَصِیُّ الْبآرُّ التَّقِیُّ، اشْهَدُ انَّکَ قَدْ

راستگوی شهید، سلام بر تو ای جانشین نیکوکار پرهیزگار، گواهی می دهم که تو به یقین

اقَمْتَ الصَّلاةَ وَآتَيْتَ الزَّکاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ،

نماز را بپا داشته و زکات را پرداخت نمودی و امر به معروف و نهی از منکر کرده

وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتّی اتيکَ الْيَقينُ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا ابَا الْحَسَنِ

و تا هنگام مرگ خدا را از روی اخلاص عبادت نمودی، سلام بر تو ای ابوالحسن

ص: 471

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ* سپس مى گويى: اللهُمَّ الَيْکَ صَمَدْتُ مِنْ ارْضى

و رحمت و بركات خدا بر تو باد،***** خدايا از سرزمينم به سوى تو عزيمت نمودم

وَقَطَعْتُ الْبِلادَ رَجاءَ رَحْمَتِکَ فَلا تُخَيِّبْنى وَلا تَرُدَّنى بِغَيْرِ قَضآءِ

و به اميد رحمتت شهرها را پشت سر گذاشتم پس مرا مأيوس نكن و بدون برآوردن

حاجَتى وَارْحَمْ تَقَلُّبى عَلى قَبْرِ ابْنِ اخى رَسُولِکَ، صَلَواتُکَ عَلَيْهِ

حاجتم باز مگردان و بر رفت و آمدم كنار قبر فرزند برادر رسولت- كه بر او

وَآلِهِ، بِابى انْتَ وَامّى يا مَوْلاىَ، اتَيْتُکَ زآئِراً وافِداً عآئِذاً

و خاندان پاكش درود باد- رحم كن، پدر و مادرم فداى تو باد اى مولاى من، براى زيارت نزد تو آمده ام و بر تو وارد شده

مِمَّا جَنَيْتُ عَلى نَفْسى وَاحْتَطَبْتُ عَلى ظَهْرى فَكُنْ لى شافِعاً الَى اللَّهِ

و از جناياتى كه به خود كرده و گناهانى كه به دوش كشيده ام به تو پناهنده ام، پس بر درگاه خدا شفيعم باش

يَوْمَ فَقْرى وَفاقَتى فَلَکَ عِنْدَاللَّهِ مَقامٌ مَحْمُودٌ، وَانْتَ عِنْدَهُ وَجيهٌ* آنگاه در روز نياز و درماندگيم، زيرا كه مقام و جايگاه ستوده در نزد خدا از آن توست و در نزد او آبرو دارى******

دست راست را بلند مى كنى و مى گويى: اللَّهُمَّ انّى اتَقَرَّبُ الَيْکَ بِحُبِّهِمْ وَبِوِلايَتِهِمْ،

*********** خدايا من به واسطه دوستى و ولايت آنان به تو تقرّب مى جويم

اتَوَلّى آخِرَهُمْ بِما تَوَلَّيْتُ بِهِ اوَّلَهُمْ، وَابْرَءُ مِنْ كُلِّ وَليجَةٍ دُونَهُمْ، اللَّهُمَ

و همان گونه که اوّلین آنها را دوست دارم آخرین آنها را هم دوست دارم، و از هر همدمی غیر از آنان بیزاری می جویم، خدایا

الْعَنِ الَّذینَ بَدَّلُوا نِعْمَتَکَ، وَاتَّهَمُوا نَبیکَ، وَ جَحَدُوا بِآیاتِکَ، وَ سَخِرُوا

لعنت کن کسانی را که نعمتت را تغییر دادند و به پیامبرت تهمت زدند و آیاتت را انکار نمودند

بِامامِکَ، وَ حَمَلُوا النَّاسَ عَلی اکْتافِ آلِ مُحَمَّدٍ، اللهُمَّ انّی اتَقَرَّبُ الَیْکَ

و امام تو را مسخره نمودند، و مردم را بر دوش آنها سوار کردند (و مسلط ساختند)، خدایا من با

بِاللَّعْنَهِ عَلَیْهِمْ، وَ الْبَرآئَهِ مِنْهُمْ فِی الدُّنْیا وَ الْأخِرَهِ یا رَحْمنُ سپس به پایین لعن بر آنها و بیزاری از آنها در دنیا و آخرت به تو تقرّب می جویم ای بخشنده*******

پای آن حضرت برمی گردی و می گویی: صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ یا ابَا الْحَسَنِ، صَلَّی اللَّهُ عَلی

*************** درود خدا بر تو ای ابوالحسن، درود خدا بر

رُوحِکَ وَ بَدَنِکَ، صَبَرْتَ وَ انْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ، قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَکَ

روح و بدن تو، صبر و بردباری نمودی در حالی که راستگو و تصدیق شده ای، خداوند بکشد کسانی را که با

بِالْأَیْدی وَ الْأَلْسُنِ.

دستها و زبانها تو را به شهادت رساندند.

آنگاه بر قاتلان امیرمؤمنان و حسن و حسین و جمیع اهل بیت رسول خدا علیهم السلام لعن می کنی، سپس به بالای سر حضرت برمی گردی و دو رکعت نماز می خوانی، در رکعت اوّل پس از حمد، سوره «یس» و در رکعت دوم سوره «الرحمن» را تلاوت می کنی و در دعا و تضرّع، تلاش و همّت به خرج می دهی و برای پدر و مادر و برادران دینی، زیاد دعا می کنی. (البتّه انجام این امور در مواقعی است که ازدحام جمعیّت نباشد و گرنه می توان در گوشه ای ایستاد و تمام زیارت را خواند).(1) یادآوری:

الف) برای فرستادن لعن بر قاتلان ائمّه علیهم السلام اگر عبارت ذیل را که به گفته محدّث قمی (ره) از بعضی دعاها گرفته شده است [597]، بخواند شاید مناسب تر باشد:

اللهُمَّ الْعَنْ قَتَلَهَ امیرِ الْمُؤْمِنینَ، وَقَتَلَهَ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ،

خدایا لعنت کن قاتلان امیر مؤمنان و قاتلان امام حسن و امام حسین- که بر ایشان درود باد-

وَقَتَلَهَ اهْلِ بَیْتِ نَبِیِّکَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ اعْداَءَ آلِ مُحَمَّدٍ وَقَتَلَتَهُمْ، وَزِدْهُمْ

و قاتلان خاندان پیامبرت را، خدایا دشمنان و قاتلان خاندان محمّد را لعنت کن،

عَذاباً فَوْقَ الْعَذابِ، وَهَواناً فَوْقَ هَوانٍ، وَذُلّاً فَوْقَ ذُلٍّ، وَخِزْیاً فَوْقَ

و عذابی بر عذابشان، و خواری بر خواریشان و ذلّتی بر ذلّتشان و رسوایی بر رسواییشان

خِزْیٍ، اللهُمَّ دُعَّهُمْ الَی النَّارِ دَعّاً، وَارْکِسْهُمْ فی الیمِ عَذابِکَ رَکْساً،

بیافزا خدایا آنها را به سختی در آتش بیانداز، و به شدّت در عذاب دردناکت داخل کن

وَاحْشُرْهُمْ وَاتْباعَهُمْ الی جَهَنَّمَ زُمَراً.

و آنها و پیروانشان را گروه گروه در جهنّم جمع کن،

***

ب) «علّامه مجلسی» رحمه الله از «شیخ مفید» رحمه الله نقل کرده که مستحب است زائر محترم بعد از زیارت حضرت رضا علیه السلام، این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ یا اللَّهُ الدَّآئِمُ فی مُلْکِهِ، الْقآئِمُ فی عِزِّهِ، الْمُطاعُ فی

خدایا از تو می خواهم، ای خدایی که فرمانرواییش همیشگی، عزّتش پایدار، حاکمیّتش

ص: 473

1- [596]عیون اخبار الرضا، جلد 2، صفحه 267، حدیث 1 و کامل الزیارات، باب 102، صفحه 309، حدیث 2 و مصباح الزائر، صفحه 389.

سُلْطانِهِ، الْمُتَفَرِّدُ فی کِبْرِیائِهِ، الْمُتَوَحِّدُ فی دَیْمُومِیَّهِ بَقآئِهِ، الْعادِلُ فی

مقتدر، بزرگیش یگانه، جاودانگیش یکتا، در میان آفریدگانش عادل،

بَرِیَّتِهِ، الْعالِمُ فی قَضِیَّتِهِ، الْکَریمُ فی تَأْخیرِ عُقُوبَتِهِ، الهی حاجاتی

در حکم کردنش عالم و در تأخیر انداختن کیفر بزرگوار است، معبودا نیازهایم

مَصْرُوفَهٌ الَیْکَ، وَآمالی مَوْقُوفَهٌ لَدَیْکَ، وَکُلَّما وَفَّقْتَنی مِنْ خَیْرٍ فَانْتَ

متوجّه تو و آرزوهایم حاضر در پیشگاه توست، و هر زمان که بر کار خیری موفّقم داشتی پس تو

دَلیلی عَلَیْهِ، وَطَریقی الَیْهِ، یا قَدیراً لا تَؤُدُهُ الْمَطالِبُ، یا مَلِیّاً یَلْجَأُ الَیْهِ

راهنمایم به آن و راهم به سوی آن بودی، ای توانایی که درخواستها درمانده ات نکند، ای توانگری که

کُلُّ راغِبٍ، مازِلْتُ مَصْحُوباً مِنْکَ بِالنِّعَمِ جارِیاً عَلی عاداتِ الْإِحْسانِ

هر مشتاقی به تو پناه آورد، پیوسته برخوردار از نعمتهای تو، و همراه احسان

وَالْکَرَمِ، اسْئَلُکَ بِالْقُدْرَهِالنَّافِذَهِ فی جَمیعِ الْأَشْیآءِ، وَقَضآئِکَ الْمُبْرَمِ

و کرم تو، بوده ام از تو می خواهم به حق قدرت نافذت در تمامی اشیاء، و حکم حتمیت

الَّذی تَحْجُبُهُ بِایْسَرِ الدُّعآءِ، وَبِالنَّظْرَهِ الَّتی نَظَرْتَ بِها الَی الْجِبالِ

که آن را با کمترین دعا بازداری، و به حق آن توجّهی که به کوهها نمودی

فَتَشامَخَتْ، وَ الَی الْأَرَضینَ فَتَسَطَّحَتْ، وَ الَی السَّمواتِ فَارْتَفَعَتْ،

و برافراشته شدند و به زمینها نمودی و گسترده شدند و به آسمانها نمودی و مرتفع گشتند

وَالَی الْبِحارِ فَتَفَجَّرَتْ، یا مَنْ جَلّ عَنْ ادَواتِ لَحَظاتِ الْبَشَرِ، وَلَطَفَ عَنْ

و به آبها نمودی و جاری شدند، ای کسی که از ابزار دید بشر برتری، و از

دَقآئِقِ خَطَراتِ الْفِکَرِ، لا تُحْمَدُ یا سَیِّدی الَّا بِتَوْفیقٍ مِنْکَ یَقْتَضی

ریزه کاریهایی که به فکر خطور می کند لطیف تری، ای آقا و سرورم، ستوده نشوی مگر به واسطه توفیقی که از جانب توست

حَمْداً، وَلا تُشْکَرُ عَلی اصْغَرِ مِنَّهٍ الَّا اسْتَوْجَبْتَ بِها شُکْراً، فَمَتی

که خود ستایشی می طلبد، و سپاسگزاری نشوی بر کوچکترین نعمت جز این که بر آن نعمت نیز مستوجب سپاسی،

تُحْصی نَعْمآؤُکَ یا الهی وَتُجازی آلاؤُکَ یا مَوْلایَ، وَتُکافَئُ صَنایِعُکَ

پس کی نعمتهایت احصا شود؟! ای معبود من، و چگونه نعمتهایت قدردانی شود ای مولای من، و کی نعمتهایت جبران شود؟

یا سَیِّدی وَمِنْ نِعَمِکَ یَحْمَدُ الْحامِدُونَ، وَمِنْ شُکْرِکَ یَشْکُرُ الشَّاکِرُونَ،

ای آقا و سرورم، و در سایه نعمتهای توست که ستایش کنندگان ستایش می کنند و در سایه سپاسگزاری توست که شاکران سپاسگزاری می کنند

ص: 474

وَانْتَ الْمُعْتَمَدُ لِلذُّنُوبِ فى عَفْوِکَ، وَالنَّاشِرُ عَلَى الْخاطِئينَ جَناحَ

و تويى مورد اعتماد در عفو و بخشش گناهان و گسترنده پرده پوشى بر خطاكاران

سِتْرِکَ، وَانْتَ الْكاشِفُ لِلضُّرِّ بِيَدِکَ، فَكَمْ مِنْ سَيِّئَهٍ اخْفاها حِلْمُکَ حَتّى

و تويى برطرف كننده مشكلات با قدرتت، پس چه بسيار گناهانى كه شكيبابيت آنها را پوشاند تا از

دَخِلَتْ، وَحَسَنَهٍ ضاعَفَها فَضْلُکَ حَتّى عَظُمَتْ عَلَيْها مُجازاتُکَ، جَلَلْتَ

بين رفت، و نيكيهايى كه فضل و كرمت آنها را دو چندان كرد تا اين كه پاداشهايت بر آنها بزرگ شد،

انْ يُخافَ مِنْکَ الَّا الْعَدْلُ، وَانْ يُرْجى مِنْکَ الَّا الْإِحْسانُ وَالْفَضْلُ، فَامْنُنْ

برتر از آن هستى كه جز از عدالت تو بترسند، و جز به احسان و لطف تو اميدوار باشند،

عَلَىَّ بِما اوْجَبَهُ فَضْلُکَ، وَلا تَخْذُلْنى بِما يَحْكُمُ بِهِ عَدْلُکَ، سَيِّدى لَوْ

پس به آنچه فضل و كرمت ايجاب مى كند بر من منّت گذار، و به آنچه عدالتت حكم مى كند خوارم مكن، اى آقا و سرورم اگر

عَلِمَتِ الْأَرْضُ بِذُنُوبى لَساخَتْ بى اوِ الْجِبالُ لَهَدَّتْنى اوِ السَّماواتُ

زمين از گناهانم آگاه بود مرا به كام خود فرو مى برد، يا كوهها مرا در هم مى كوبيد يا آسمانها

لَاخْتَطَفَتْنى اوِ الْبِحارُ لَأَغْرَقَتْنى سَيِّدى سَيِّدى سَيِّدى مَوْلاىَ

مرا مى ربود يا درياها مرا غرق مى ساخت، سرورم، سرورم، سرورم، مولاى من

مَوْلاىَ مَوْلاىَ، قَدْ تَكَرَّرَ وُقُوفى لِضِيافَتِکَ، فَلا تَحْرِمْنى ما وَعَدْتَ

مولای من، مولای من، بارها به میهمانیت آمدم، پس از آنچه به درخواست کنندگانت وعده فرمودی

الْمُتَعَرِّضینَ لِمَسْئَلَتِکَ، یا مَعْرُوفَ الْعارِفِینَ، یا مَعْبُودَ الْعابِدینَ، یا

محرومم مکن، ای شناخته شده (نزد) عارفان، ای عبادت شده عابدان، ای

مَشْکُورَ الشّاکِرینَ، یا جَلیسَ الذّاکِرینَ، یا مَحْمُودَ مَنْ حَمِدَهُ، یا

سپاسگزاری شده شاکران، ای همنشین ذاکران، ای ستایش شده هر ستایش کننده، ای

مَوْجُودَ مَنْ طَلَبَهُ، یا مَوْصُوفَ مَنْ وَحَّدَهُ، یا مَحْبُوبَ مَنْ احَبَّهُ، یا غَوْثَ

حاضر (نزد) هر طلب کننده، ای توصیف شده هر یگانه پرست، ای محبوب دوستداران، ای فریادرس

مَنْ ارادَهُ، یا مَقْصُودَ مَنْ اناب الَیْهِ، یا مَنْ لا یَعْلَمُ الْغَیْبَ الّا هُوَ، یا مَنْ لا

اراده کنندگان، ای مقصود بازگشت کنندگان به سویت، ای که جز تو کسی از غیب آگاه نیست، ای که جز تو کسی بدی را باز ندارد، ای که جز

یَصْرِفُ السُّوءَ الّا هُوَ، یا مَنْ لا یُدَبِّرُ الْأَمْرَ الّا هُوَ، یا مَنْ لا یَغْفِرُ الذَّنْبَ

تو کسی کارها را تدبیر نکند، ای که جز تو کسی گناه

ص: 475

الَّا هُوَ، یا مَنْ لا یَخْلُقُ الْخَلْقَ الَّا هُوَ، یا مَنْ لا یُنَزِّلُ الْغَیْثَ الَّا هُوَ، صَلِ

را نیامرزد، ای که جز تو کسی مخلوقات را نیافریند، ای که جز تو کسی باران را فرو نفرستد،

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ، رَبِّ انّی اسْتَغْفِرُکَ

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا بیامرز ای بهترین آمرزندگان، پروردگارا، با شرمساری از تو

اسْتِغْفارَ حَیآءٍ، وَاسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ رَجآءٍ، وَاسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ انابَهٍ،

آمرزش می طلبم، و با امیدواری از تو آمرزش می طلبم، و با بازگشت به سویت از تو آمرزش می طلبم

وَاسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ رَغْبَهٍ، وَاسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ رَهْبَهٍ، وَاسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ

و با اشتیاق از تو آمرزش می طلبم، و با ترس و هراس از تو آمرزش می طلبم، و با اطاعت و فرمانبرداری

طاعَهٍ، وَاسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ ایمانٍ، وَاسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ اقْرارٍ، وَاسْتَغْفِرُکَ

از تو آمرزش می طلبم، و با ایمان (به یگانگیت) از تو آمرزش می طلبم، و با اعتراف (به گناه) از تو آمرزش می طلبم،

اسْتِغْفارَ اخْلاصٍ، وَاسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ تَقْوی وَاسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ

و با اخلاص از تو آمرزش می طلبم، و با پرهیزگاری از تو آمرزش می طلبم، و با

تَوَکُّلٍ، وَاسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ ذِلَّهٍ، وَاسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ عامِلٍ لَکَ، هارِبٍ

توکّل (بر ذاتت) از تو آمرزش می طلبم، و با خشوع (به درگاهت) از تو آمرزش می طلبم، و با عمل (به فرامینت) و گریزان

مِنْکَ الَیْکَ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُبْ عَلَیَّ وَ عَلی والِدَیَّ بِما

از تو، به سوی خودت از تو آمرزش می طلبم پس بر محمد و خاندان پاکش درود فرست، رحمت خود را شامل حال من و پدر و مادرم گردان

تُبْتَ وَتَتُوبُ عَلی جَمیعِ خَلْقِکَ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، یا مَنْ یُسَمّی

همان گونه که شامل حال تمام مخلوقاتت کرده ای، ای مهربانترین مهربانان، ای کسی که

بِالْغَفُورِ الرَّحیمِ، یا مَنْ یُسَمّی بِالْغَفُورِ الرَّحیمِ، یا مَنْ یُسَمّی بِالْغَفُورِ

بخشنده و مهربان نامیده شدی، ای کسی که بخشنده مهربان نامیده شدی، ای کسی که بخشنده

الرَّحیمِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْبَلْ تَوْبَتی وَ زَکِّ عَمَلی وَاشْکُرْ

و مهربان نامیده شدی، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و توبه ام را بپذیر و عملم را پاک گردان، و تلاشم را

سَعْیی وَارْحَمْ ضَراعَتی وَلاتَحْجُبْ صَوْتی وَلا تُخَیِّبْ مَسْئَلَتی یا

پاداش ده، و بر افتادگیم رحم کن، و صدایم را در پرده (فراموشی) قرار نده، و مرا ناامید مگردان، ای

غَوْثَ الْمُسْتَغیثینَ، وَابْلِغْ ائِمَّتی سَلامی وَدُعآئی وَشَفِّعْهُمْ فی جَمیعِ

فریادرس فریادرس خواهان، سلام و دعایم را به امامانم برسان، و در همه آنچه از تو خواستم آنان را

ما سَئَلْتُکَ، وَاوْصِلْ هَدِیَّتی الَیْهِمْ کَما یَنْبَغی لَهُمْ، وَزِدْهُمْ مِنْ ذلِکَ ما

شفیعم گردان، و هدیه ام را آن گونه که شایسته مقامشان است به آنها برسان، و آن گونه

یَنْبَغی لَکَ بِاضْعافٍ لا یُحْصیها غَیْرُکَ، وَلا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِ

که شایسته توست بر آن بیافزا به اندازه ای که جز تو کسی توان احصاء آن را ندارد، و توان و نیرویی جز برای خداوند بلندمرتبه و با

الْعَظیمِ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی اطْیَبِ الْمُرْسَلینَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرینَ.(1)

عظمت نیست، و خدا بر محمد پاک ترین فرستادگان و خاندان پاکش درود فرستد.

***

زیارت دوم زیارت کوتاهی است که آن نیز در «کامل الزیارات» از بعضی از ائمّه علیهم السلام نقل شده است، به این شرح:

هنگامی که به نزد قبر امام رضا علیه السلام رفتی بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا الْمُرْتَضَی، الْإِمامِ التَّقِیِّ النَّقِیِّ،

خدایا درود فرست بر علی بن موسی الرضا آن امام پسندیده با تقوای پاک

وَحُجَّتِکَ عَلی مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّری الصِّدّیقِ الشَّهیدِ،

و حجّت تو بر هر که روی زمین و هر که در زیر زمین است آن راستگوی شهید

صَلاةً کَثیرَةً نامیَةً زاکِیَةً مُتَواصِلَةً مُتَواتِرَةً مُتَرادِفَةً، کَافْضَلِ ما صَلَّیْتَ

درودی بسیار نمو یافته و پاکیزه و پیوسته و پی در پی و دنبال هم مانند بهترین درودی که می فرستی

عَلی احَدٍ مِنْ اوْلِیآئِکَ.(2)

بر یکی از دوستانت.

***

زیارت سوم «شیخ مفید» در «مقنعه» زیارت دیگری را به شرح زیر نقل کرده است:

پس از غسل زیارت و پوشیدن پاکیزه ترین لباس های خود، نزد قبر آن حضرت می ایستی و می گویی:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِیِّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ وَابْنَ

سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند ولیّش، سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند

حُجَّتِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا امامَ الْهُدی وَالْعُرْوَهَ الْوُثْقی وَرَحْمَهُ اللَّهِ

حجّتش، سلام بر تو ای امام هدایتگر و ریسمان محکم الهی، و رحمت

1- [598]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 57.
2- [599]کامل الزیارات، باب 102، صفحه 309، حدیث 1.

وَ بَرَکاتُهُ، اشْهَدُ انَّکَ مَضَیْتَ عَلی ما مَضی عَلَیْهِ آبآؤُکَ الطَّاهِرُونَ، صَلَواتُ

و برکات خدا بر تو باد، گواهی می دهم که تو، به همان راهی رفتی که پدران پاکت- که درود

اللَّهِ عَلَیْهِمْ، لَمْ تُؤْثِرْ عَمیً عَلی هُدیً، وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ الی باطِلٍ، وَانَّکَ

خدا بر آنان باد- به آن راه رفته اند، گمراهی را بر هدایت ترجیح ندادی، از راه حق به سوی باطل تمایل نیافتی، و به یقین

نَصَحْتَ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَادَّیْتَ الْأَمانَهَ، فَجَزاکَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلامِ وَاهْلِهِ

برای خدا و رسولش خیرخواهی نموده و امانت را ادا کردی، پس خداوند بهترین پاداش را از اسلام و مسلمانان

خَیْرَ الْجَزآءِ، اتَیْتُکَ بِابی انْتَ وَ امّی زآئراً عارِفاً بِحَقِّکَ، مُوالِیاً

به تو عنایت کند، پدر و مادرم فدای تو باد، به زیارت تو آمده ام در حالی که از حق تو آگاه، و دوستدار

لِأَوْلِیآئِکَ، مُعادِیاً لِأَعْدآئِکَ، فَاشْفَعْ لی عِنْدَ رَبِّکَ* آنگاه به جانب بالای سر دوستانت و دشمن دشمنان توام، پس در نزد پروردگارت شفاعتم کن.**********

برگرد و بگو: السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ،

******* سلام بر تو ای مولا و سرورم، ای فرزند رسول خدا، و رحمت و برکات خدا بر تو باد

اشْهَدُ انَّکَ الْإِمامُ الْهادی وَالْوَلِیُّ الْمُرْشِدُ، ابْرَءُ الَی اللَّهِ مِنْ اعْدآئِکَ،

گواهی می دهم که تو به یقین امام هدایتگر و سرپرست، ارشادکننده ای، از دشمنانت به درگاه خدا بیزاری می جویم

وَاتَقَرَّبُ الَی اللَّهِ بِوِلایَتِکَ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ.

و با ولایت تو، به درگاه خدا تقرّب می جویم، درود و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

سپس دو رکعت نماز زیارت بجای آور و اگر می خواهی نمازهای دیگری هم بخوان و به طرف پایین پا برگرد و حاجات خود را از خداوند طلب کن! (1)

زیارت وداع:

«علّامه مجلسی» رحمه الله از «بلد الامین» نقل می کند که برای وداع با آن حضرت همان سخنی را بگو که امام صادق علیه السلام برای وداع با رسول گرامی صلی الله علیه و آله بیان داشته است یعنی:

لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلیمی عَلَیْکَ واگر خواستی بگو: السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ

خداوند این سلام را آخرین سلامم بر شما قرار ندهد******** سلام بر تو ای ولیّ خدا

1- [600]مقنعه، صفحه 480.

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتى ابْنَ نَبِيِّکَ،

و رحمت و برکات خدا بر تو باد، خدایا زیارتم را آخرین زیارتم از فرزند پیامبرت

وَحُجَّتِکَ عَلى خَلْقِکَ، وَاجْمَعْنى وَايَّاهُ فى جَنَّتِکَ، وَاحْشُرْنى مَعَهُ وَفى

و حجّت تو بر مخلوقات قرار مده، و مرا با او در بهشت گرد هم آور و مرا با او و در

حِزْبِهِ مَعَ الشُّهَدآءِ وَالصَّالِحينَ، وَحَسُنَ اولئِکَ رَفيقاً، وَاسْتَوْدِعُکَ

گروه او همراه با شهیدان و صالحان که رفیقان خوبی هستند قرار ده، تو را به

اللَّهَ وَاسْتَرْعيکَ، وَاقْرَءُ عَلَيْکَ السَّلامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ، وَبِما جِئْتَ بِهِ

خدا می سپارم و رعایت حالم را از تو می خواهم و بر تو درود می فرستم، به خدا و رسولش و به آنچه آورده

وَدَلَلْتَ عَلَيْهِ، فَاكْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدينَ.(1)

و به آن راهنمایی نموده ای ایمان داریم، پس نام ما را در زمره گواهان ثبت فرما.

یادآوری: در پایان این فصل لازم است سه نکته یادآوری شود:

1- مرحوم «علّامه مجلسی» می گوید: زیارت حضرت رضا علیه السلام در روزهای مقدّس اسلامی، افضل است، خصوصاً روزهایی که اختصاص به آن حضرت دارد مثل روز ولادت (11 ذی القعده) و روز شهادت آن حضرت (مطابق مشهور آخر ماه صفر) سپس از کتاب «اقبال» مرحوم «سیّد بن طاووس» استحباب زیارت آن حضرت را در روز 23 ذی القعده (طبق روایتی روز شهادت آن حضرت) نیز نقل می کند و در پایان می نویسد: استحباب زیارت آن حضرت در ماه رجب گذشت.(2) مرحوم محدّث قمی روز 25 ذی القعده را نیز به این موارد ضمیمه کرده است.

2- مردم نباید اصرار در بوسیدن ضریح مقدس داشته باشند و برای دیگران ایجاد زحمت کنند زیرا بوسیدن ضریح شرط زیارت نیست و با گفتن یک سلام نیز زیارت حاصل می شود.

3- ناگفته پیداست که گذشته از زیارات سه گانه مخصوصه بالا، می توان از زیارات جامعه مانند زیارت امین اللّٰه که گذشت و زیارت جامعه کبیره که از زیارات بسیار مهم است و بعداً خواهد آمد، استفاده کرد.

زیارت های دیگری نیز وجود دارد که در بخش زیارات جامعه می آید.

در پایان این فصل، شایسته است اشعار جالبی را که مرحوم محدّث قمی از جامی در مدح حضرت رضا علیه السلام نقل کرده بیاوریم:

ص: 479

1- [601]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 50، حدیث 8 و بلدالأمین، صفحه 283.
2- [602]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 43 و 44.

سلامٌ عَلی آلِ طه وَیس سَلامٌ عَلی آلِ خَیْرِ النَّبِیّینَ

سلام بر خاندان طه و یاسین سلام بر خاندان بهترین پیمبران

سَلامٌ عَلی رَوْضَهٍ حَلَّ فیهاامامٌ یُباهی بِهِ الْمُلْکُ وَالدّینُ

سلام بر روضه ای که مسکن گرفت در آن امامی که افتخار کند بدان مُلک و دین

امام بحق شاه مطلق که آمدحریم درش قبله گاه سلاطین

شه کاخ عرفان، گل شاخ احسان دُرِ دُرج امکان، مه بُرج تمکین

علیّ بن موسی الرّضا کز خدایش رضا شد لقب چون رضا بودش آیین

ز فضل و شرف بینی او را جهانی اگر نبودت تیره چشم جهان بین

پی عطر روبند حُوران جنّت غبار درش را بگیسوی مشکین

اگر خواهی آری بکف دامن اوبرو دامن از هر چه جز اوست بر چین.

***

ص: 480

فصل هشتم: زیارت عسکریّین (امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام)

فضیلت زیارت عسکریّین علیهما السلام:

شکّی نیست که فضیلت زیارت آن دو بزرگوار از زیارت سایر ائمّه علیهم السلام کمتر نیست، بلکه آن گونه که از امام صادق علیه السلام گذشت: «کسی که یکی از ائمّه علیهم السلام را زیارت کند مثل آن است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده است». (1) و این روایت نیز از آن حضرت گذشت که «هر کس امام واجب الاطاعه ای را زیارت کند و نزد او چهار رکعت نماز گزارد، برای او ثواب یک حج و یک عمره نوشته می شود» (2) و مرحوم «علّامه مجلسی» در باب «ثواب تعمیر قبور النّبی و الائمّه و زیارتها» (3) حدود 15 روایت نقل می کند که شامل قبور همه ائمّه می شود و در اوایل بخش زیارات به قسمتی از آنها اشاره گردید.

در این رابطه سه روایت زیر نیز قابل توجّه است:

1- مرحوم «شیخ طوسی» از ابوهاشم جعفری از امام حسن عسکری علیه السلام نقل می کند که فرمود: قبر من در «سرّ من رأی امان (از بلاها و عذاب الهی) برای هر دو گروه است. (4) (منظور دو گروه شیعه و اهل سنّت که در آن جا ساکن هستند) و طبعاً معنای این روایت آن خواهد بود که برکت قبر آن حضرت، برکت عامّی است که همه را احاطه کرده است، چنان که قبر موسی بن جعفر علیه السلام امان برای همه اهالی بغداد است. (5) 2- «شیخ طوسی» در «امالی» از بعضی نقل می کند که می گوید: خدمت امام هادی علیه السلام عرض کردم:

ای آقای من! دعایی به من بیاموز که از طریق آن به خدای عزّوجلّ نزدیک شوم، فرمود: دعایی که الآن برایت نقل می کنم دعایی است که بسیاری از اوقات با آن خدا را می خوانم و از خداوند عزّوجلّ خواسته ام، کسی که در حرم من این دعا را بخواند مأیوس برنگردد، دعا این است:

یا عُدَّتی عِنْدَ الْعُدَدِ، وَ یا رَجائی وَ الْمُعْتَمَدَ، وَ یا کَهْفی وَ السَّنَدَ، وَ یا

ای ذخیره ام در میان ذخیره ها، و ای امید و تکیه گاهم، و ای پناهگاه و پشتیبانم، و ای

1- [603]کامل الزیارات، باب 59، صفحه 147، حدیث 1 و کافی، جلد 4، صفحه 579، حدیث 1.

2- [604]تهذیب، جلد 6، صفحه 79، حدیث 4.

3- [605]بحارالانوار، جلد 97، از صفحه 116 تا 124.

4- [606]تهذیب، جلد 6، صفحه 93، حدیث 3 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 59، حدیث 1.

5- [607]عوالی اللئالی، جلد 4، صفحه 84، حدیث 93.

واحِدُ یا أَحَدُ، وَ یا قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، أَسْئَلُکَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَهُ مِنْ

یگانه ای یکتا، و ای که گفتی: «بگو خداوند یکتا و یگانه است»، خدایا از تو می خواهم به حقّ مخلوقاتِ (برگزیده) از میان

خَلْقِکَ، وَ لَمْ تَجْعَلْ فی خَلْقِکَ مِثْلَهُمْ أَحَداً، صَلِّ عَلی جَماعَتِهِمْ وَافْعَلْ

آفریدگانت، که در میان آنان کسانی را مانند ایشان قرار نداده ای، بر تمامی آنان درود فرست و درباره من چنین

بی کَذا وَ کَذا(1)

(به جای «وافعل بی کذا و کذا» حاجتش را بخواهد). مطابق گواهی بعضی از مؤمنان و چنان کن***

مخلص، تأثیر خواندن این دعا در آن حرم مقدّس به تجربه رسیده است.

3- در «عدّهالداعی» روایت شده که شخصی مشکل مهمّی در زمان امام هادی علیه السلام داشت، از آن حضرت تقاضا کرد که نزد خلیفه وقت برای او شفاعت کند. چیزی نگذشت که مشکل او به طور کامل حل شد؛ خدمت حضرت رسید و عرض کرد: آیا شما نزد او شفاعتی برای من کردید؟ امام علیه السلام فرمود: خداوند ما را این گونه تربیت کرده که در مسائل مهم تنها به او پناه ببریم و از غیر او چیزی نخواهیم، ترسیدم که (اگر شفاعت تو را نزد خلیفه کنم و) راه و رسم خود را تغییر دهم، خداوند هم لطف خود را تغییر دهد و من از خداوند عزّوجلّ خواسته ام که احدی بعد از من این دعا را نزد قبرم نخواند مگر این که دعایش مستجاب شود. سپس دعای فوق را عیناً نقل فرمود.(2)

کیفیّت زیارت آن دو امام همام علیهما السلام

زیارت مشترک آن دو بزرگوار:

«ابن قولویه» از بعضی از ائمّه علیهم السلام روایت کرده که فرمود: هرگاه قصد زیارت امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام را نمودی بعد از غسل زیارت اگر به قبر آن دو بزرگوار رسیدی کنار قبر، و

اگر رسیدن به کنار قبر برایت ممکن نشد، پشت شبکه ای که در دیوار مقابل قبر نصب شده [610] بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَیْکُما یا وَلِیَّیِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکُما یا حُجَّتَیِ اللَّهِ، السَّلامُ

سلام بر شما دو ولیّ خدا، سلام بر شما دو حجّت خداوند، سلام

ص: 482

1- [608]امالی طوسی، صفحه 280، حدیث 76 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 59، حدیث 2.
2- [609]عدّه الداعی، صفحه 65 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 59، حدیث 3(با تلخیص).

عَلَیْکُما یا نُورَیِ اللَّهِ فِی ظُلُماتِ الْأَرْضِ، السَّلامُ عَلَیْکُما یا مَنْ بَدا للَّهِ

بر شما دو نور پروردگار در تاریکیهای زمین، سلام بر شما که خداوند اراده اش را در مورد شما آشکار

فی شَأْنِکُما، اتَیْتُکُما زائِراً عارِفاً بِحَقِّکُما، مُعادِیاً لِأَعْدآئِکُما، مُوالِیاً

کرد، برای زیارت به درگاهتان آمده ام در حالی که آشنای به حقّتان و دشمن دشمنانتان و دوستدار

لِأَوْلِیاَآئِکُما، مُؤْمِناً بِما آمَنْتُما بِهِ، کافِراً بِما کَفَرْتُما بِهِ، مُحَقِّقاً لِما

دوستانتان هستم، و به آنچه شما به آن ایمان آورده اید، ایمان آورده و آنچه را کافر شده اید، کافرم، و آنچه را بر حق دانسته اید،

حَقَّقْتُما، مُبْطِلاً لِمَا ابْطَلْتُما، اسْئَلُ اللَّهَ رَبّی وَرَبَّکُما، انْ یَجْعَلَ حَظّی

حقّ شمرده و آنچه را باطل می دانید، باطل می شمارم، از خداوندی که پروردگار من و شماست می خواهم که بهره ام را

مِنْ زِیارَتِکُمَا الصَّلاةَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَانْ یَرْزُقَنی مُرافَقَتَکُما فِی

از زیارت شما را درود بر محمّد خاندان پاکش قرار دهد، و همنشینی با شما و پدران شایسته تان را در

الْجِنانِ مَعَ آبائِکُمَا الصَّالِحینَ، وَاسْئَلُهُ انْ یُعْتِقَ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ،

بهشت روزیم گرداند، و ازاو می خواهم که مرا از آتش دوزخ رهایی بخشد

وَیَرْزُقَنی شَفاعَتَکُما وَ مُصاحَبَتَکُما، وَیُعَرِّفَ بَیْنی وَبَیْنَکُما، وَلا

و شفاعت و همراهی شما را روزیم گرداند، و مرا با شما آشنا کند، و

یَسْلُبَنی حُبَّکُما وَحُبَّ آبائِکُمَا الصَّالِحینَ، وَانْ لا یَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ

محبّت شما و پدران شایسته تان را از من نگیرد، و این زیارتم را آخرین زیارت از شما

زِيارَتِكُما، وَيَحْشُرَنى مَعَكُما فِى الّجَنَّهِ بِرَحْمَتِهِ، اللهُمَّ ارْزُقْنى حُبَّهُما،

قرار ندهد، و به رحمتش مرا با شما در بهشت محشور كند، خدايا محبّت آنان را روزيم كن

وَتَوَفَّنى عَلى مِلَّتِهِما، اللَّهُمَّ الْعَنْ ظالِمى آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ، وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ،

و مرا بر دين آنان بميران، خدايا كسانى را كه در حقّ خاندان محمّد ستم نمودند، لعنت كن و از آنان انتقام بگير

اللهُمَّ الْعَنِ الْأَوَّلينَ مِنْهُمْ وَالْأخِرينَ، وَضاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ، وَابْلُغْ

خدايا اوّلين و آخرين آنان را لعنت كن و عذابشان بيافزاى، و

بِهِمْ وَبِاشْياعِهِمْ وَمُحِبّيهِمْ وَمُتَّبِعيهِمْ اسْفَلَ دَرَكٍ مِنَ الْجَحيمِ، انَّكَ عَلى

آنان و پيروان و دوستداران و متابعين آنان را به پايين ترين درجه دوزخ داخل كن، چرا كه تو به يقين بر

كُلِّ شَىْ ءٍ قَديرٌ، اللهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْ فَرَجَنا مَعَ

هر كارى توانايى، خدايا فرج ولىّ و فرزند وليّت را نزديک گردان و گشايش (امور) ما را با

فَرَجِهِمْ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.

فرج آنان قرار ده، ای مهربانترین مهربانان.

آنگاه برای خود و پدر و مادر دعا کن و هر دعایی خواستی بخوان. سپس دو رکعت نماز زیارت در حرم مطهّر آن دو امام بجا آور و بعد از آن آنچه دوست داری از خداوند طلب کن 611] (بعضی نقل کرده اند که رواق پشت سر آن بزرگواران و حدود یک متر از حرم مطهر جزء مسجدی بوده که ضمیمه حرم مطهّر شده است).

یادآوری:

زیارات مشترک دیگری نیز برای آن دو بزرگوار نقل شده، امّا با توجّه به این که زیارت جامعه کبیره (که ذکرش در اواخر بخش زیارات خواهد آمد) مصدر و مبدأش خود امام هادی علیه السلام است و این کلمات بلیغ و فصیح که برخوردار از همه مراتب اظهار ارادت و بیان فضایل و مکارم است، از خود آن جناب صادر شده، از ذکر زیارت مشترک دیگری صرف نظر می کنیم و به زائر محترم توصیه می کنیم که زیارت پربرکت جامعه را خطاب به هر دو بزرگوار قرائت کند.

زیارت مخصوص امام هادی علیه السلام:

مرحوم «علّامه مجلسی» در «بحارالانوار» و «سیّد بن طاووس» در «مصباح الزائر» برای هر یک از آن دو امام همام علیهما السلام زیارت مخصوصی را به همراه صلوات مخصوص ذکر کرده اند که اگر چه طولانی است امّا به جهت فواید و برکاتی که در آن مندرج است شایسته است نقل شود. می نویسند: هرگاه به «سرّ من رأی» رسیدی غسل کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و با وقار و طمأنینه حرکت نما، وقتی به دَرِ حرم رسیدی با این عبارات اجازه ورود بخواه:

ءَادْخُلُ یا نَبِیَّ اللَّهِ، ءَادْخُلُ یا امیرَ الْمُؤْمِنینَ، ءَادْخُلُ یا فاطِمَهُ الزَّهْرآءُ،

آیا داخل شوم ای پیامبر خدا، آیا داخل شوم ای امیر مؤمنان، آیا داخل شوم ای فاطمه زهرا

سَیِّدَهَ نِسآءِ الْعالَمینَ، ءَادْخُلُ یا مَوْلایَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ، ءَادْخُلُ یا

سرور بانوان جهانیان، آیا داخل شوم ای مولای من حسن بن علی، آیا داخل شوم ای

مَوْلایَ الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ، ءَادْخُلُ یا مَوْلایَ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ، ءَادْخُلُ

مولای من حسین بن علی، آیا داخل شوم ای مولای من علی بن حسین، آیا داخل شوم

ص :484

يا مَوْلاىَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ، ءَادْخُلُ يا مَوْلاىَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، ءَادْخُلُ يا

اى مولاى من محمّد بن على، آيا داخل شوم اى مولاى من جعفر بن محمد، آيا داخل شوم اى

مَوْلاىَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، ءَادْخُلُ يا مَوْلاىَ عَلِىَّ بْنَ مُوسَى، ءَادْخُلُ يا

مولاى من موسى بن جعفر، آيا داخل شوم اى مولاى من على بن موسى، آيا داخل شوم اى

مَوْلاىَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ، ءَادْخُلُ يا مَوْلاىَ يا ابَا الْحَسَنِ عَلِىَّ بْنَ مُحَمَّدٍ،

مولاى من محمّد بن على، آيا داخل شوم اى مولاى من اى ابا الحسن على بن محمّد

ءَادْخُلُ يا مَوْلاىَ يا ابا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِىٍّ، ءَادْخُلُ يا مَلائِكَةَ اللَّهِ

آيا داخل شوم اى مولاى من اى ابا محمّد حسن بن على، آيا داخل شوم اى فرشتگان خدا

الْمُوَكَّلينَ بِهذَا الْحَرَمِ الشَّريفِ.

كه در اين حرم شريف مأموريد.

سپس با مقدّم داشتن پاى راست، داخل شو و نزد ضريح امام هادى عليه السلام رو به قبر و پشت به قبله بايست و پس از گفتن صد مرتبه «اللّٰه اكبر» بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا ابَا الْحَسَنِ عَلِىَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الزَّكِىَّ الرَّاشِدَ، النُّورَ الثَّاقِبَ،

سلام بر تو اى ابا الحسن على بن محمّد آن پاكيزه رشد يافته، و نور تابان

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِىَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سِرَّ اللَّهِ،

و رحمت و بركات خدا بر تو باد، سلام بر تو اى برگزيده خدا، سلام بر تو اى رازدار خدا

السَّلامُ عَلَيْکَ یا امینَ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ یا حَبْلَ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ یا آلَ

سلام بر تو ای امین خدا، سلام بر تو ای وسیله (ارتباط با) خدا، سلام بر تو ای پیرو

اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ یا خِیَرَهَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ یا صَفْوَهَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ

خداوند، سلام بر تو ای انتخاب شده خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو

یا حَقَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ یا حَبیبَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ یا نُورَ الْأَنْوارِ،

ای (بنده بر) حق خداوند، سلام بر تو ای حبیب خدا، سلام بر تو ای روشنایی نورها

السَّلامُ عَلَيْکَ یا زَيْنَ الْأَبْرارِ، السَّلامُ عَلَيْکَ یا سَلیلَ الْأَخْیارِ، السَّلامُ

سلام بر تو ای زینت نیکان، سلام بر تو ای سرسلسله خوبان، سلام

عَلَيْکَ یا عُنْصُرَ الْأَطْهارِ، السَّلامُ عَلَيْکَ یا حُجَّهَ الرَّحْمنِ، السَّلامُ عَلَيْکَ

بر تو ای اصل و ریشه پاکان، سلام بر تو ای حجّت خداوندِ رحمان، سلام بر تو

يا رُكْنَ الْإيمانِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا مَوْلَى الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا وَلِیَ

ای اساس ايمان، سلام بر تو ای مولای مؤمنان، سلام بر تو ای سرپرست

الصَّالِحينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا عَلَمَ الْهُدی السَّلامُ عَلَيْکَ يا حَليفَ التُّقی

شايستگان، سلام بر تو ای نشانه هدايت، سلام بر تو ای هم پيمان و همدم پرهيزکاری

السَّلامُ عَلَيْکَ يا عَمُودَالدّينِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ خاتَمِ النَّبِيّينَ، السَّلامُ

سلام بر تو ای ستون دين، سلام بر تو ای فرزند خاتم پيامبران، سلام

عَلَيْکَ يَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساۤءِ

بر تو ای فرزند آقا و سرور جانشينان، سلام بر تو ای فرزند فاطمه سرور بانوان

الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ ايُّهَا الْأَمينُ الْوَفِیُّ، السَّلامُ عَلَيْکَ ايُّهَا الْعَلَمُ

جهانيان، سلام بر تو ای امانتدار باوفا، سلام بر تو ای نشانه

الرَّضِیُّ، السَّلامُ عَلَيْکَ ايُّهَا الزَّاهِدُ التَّقِیُّ، السَّلامُ عَلَيْکَ ايُّهَا الْحُجَّةُ عَلَی

رضايت، سلام بر تو ای پارسای پرهيزکار، سلام بر تو ای حجّت بر

الْخَلْقِ اجْمَعينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ ايُّهَا التَّالی لِلْقُرْآنِ، السَّلامُ عَلَيْکَ ايُّهَا

تمامی مخلوقات، سلام بر تو ای تلاوت کننده قرآن، سلام بر تو ای

الْمُبَيِّنُ لِلْحَلالِ مِنَ الْحَرامِ، السَّلامُ عَلَيْکَ ايُّهَا الْوَلِیُّ النَّاصِحُ، السَّلامُ

جدا کننده حلال از حرام، سلام بر تو ای سرپرست خيرخواه، سلام

عَلَيْکَ ايُّهَا الطَّريقُ الْواضِحُ، السَّلامُ عَلَيْکَ ايُّها النَّجْمُ اللاّئِحُ، اشْهَدُ يا

بر تو ای راه روشن، سلام بر تو ای ستاره درخشان، گواهی می دهم ای

مَوْلایَ یا ابَا الْحَسَنِ انَّکَ حُجَّهُاللّهِ عَلی خَلْقِهِ، وَخَلیفَتُهُ فی بَرِیَّتِهِ،

مولای من ای ابا الحسن که تو به یقین حجّت خدا بر مخلوقاتش و جانشین در میان آفریدگانش

وَامینُهُ فی بِلادِهِ، وَشاهِدُهُ عَلی عِبادِهِ، وَاشْهَدُ انَّکَ کَلِمَهُ التَّقْوی وَبابُ

و امینش در شهرها و گواهش بر بندگان هستی، و گواهی می دهم که تویی به یقین اساس پرهیزکاری و درگاه

الْهُدی وَالْعُرْوَهُ الْوُثْقی وَالْحُجَّهُ عَلی مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ

هدایت، و ریسمان محکم (خدا) و حجّت بر کسانی که روی زمین و زیر خاکند

الثَّری وَاشْهَدُ انَّکَ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ، الْمُبَرَّءُ مِنَ الْعُیُوبِ، وَالْمُخْتَصُ

و گواهی می دهم که تویی به یقین پاک از گناهان، و پاکیزه از هر عیب، و گرامی

ص :486

بِكَرامَهِ اللَّهِ، وَالْمَحْبُوُّ بِحُجَّهِ اللَّهِ، وَالْمَوْهُوبُ لَهُ كَلِمَهُ اللَّهِ، وَالرُّكْنُ الَّذى

نزد خدا، و مفتخر به حجّت خداوند بودن، و كسى كه كلام خداوند به او بخشيده شده و تكيه گاهى كه

يَلْجَأُ الَيْهِ الْعِبادُ، وَتُحْيى بِهِ الْبِلادُ، اشْهَدُ يامَوْلاىَ انّى بِكَ وَباباَئِكَ

بندگان به آن پناه برند، و شهرها به آن آباد شود، اى مولاى من گواهى مى دهم كه به تو و پدران و

وَابْنآئِكَ مُوقِنٌ مُقِرٌّ، وَ لَكُمْ تابِعٌ فى ذاتِ نَفْسى وَ شَرايِعِ دينى وَ خاتِمَهِ

فرزندانت يقين و اقرار دارم، و در درون جانم پيرو شمايم، و قوانين دينم و عاقبت

عَمَلى وَ مُنْقَلَبى وَ مَثْواىَ، وَ انّى وَلِىٌّ لِمَنْ والاكُمْ، عَدُوٌّ لِمَنْ عاداكُمْ،

عملم، و در بازگشت و جايگاهم، و به يقين با دوستان شما دوست و با دشمنانتان دشمنم

مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ، وَ اوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ، بِابى انْتَ وَ امّى وَ السَّلامُ

به پنهان و آشكار و اوّلين و آخرينتان ايمان دارم، پدرم و مادرم فداى شما، و درود

عَلَيْكَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ* آنگاه ضريح را ببوس و طرف راست صورت را بر آن بگذار و و رحمت و بركات خدا بر تو باد.*****************************

سپس طرف چپ را بگذار و بگو: اللهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ صَلِّ عَلى

*************** خدايا درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد و درود فرست بر

حُجَّتِكَ الْوَفِىِّ، وَ وَلِيِّكَ الزَّكِىِّ، وَامينِكَ الْمُرْتَضى وَ صَفِيِّكَ الْهادى

حجّت باوفا و دوستدار پاکیزه و امین مورد رضایتت، و برگزیده هدایتگر،

وَصِراطِکَ الْمُسْتَقیمِ، وَالْجآدَّهِ الْعُظْمی وَالطَّریقَهِ الْوُسْطی وَ نُورِ قُلُوبِ

و راه راست و جادّه با عظمتت، و راه مستقیم و صحیح و روشنی دلهای

الْمُؤْمِنینَ، وَ وَلِیِّ الْمُتَّقینَ، وَصاحِبِ الْمُخْلَصینَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی

مؤمنان و سرپرست پرهیزکاران و همدم مخلصان، خدایا درود فرست بر

سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ اهْلِ بَیْتِهِ، وَ صَلِّ عَلی عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّاشِدِ الْمَعْصُومِ

آقا و سرور ما محمّد و خاندان پاکش، و درود فرست بر علی بن محمّد آن امام رشدیافته و مصون

مِنَ الزَّلَلِ، وَالطَّاهِرِ مِنَ الْخَلَلِ، وَ الْمُنْقَطِعِ الَیْکَ بِالْأَمَلِ، الْمَبْلُوِّ بِالْفِتَنِ،

از لغزش، و پاک از هر عیب، و آن که تمام امیدش به تو بود، آن گرفتار در میان فتنه ها

وَالْمُخْتَبَرِ بِالْمِحَنِ، وَالْمُمْتَحَنِ بِحُسْنِ الْبَلْوی وَ صَبْرِ الشَّکْوی مُرْشِدِ

و آزموده با غم و اندوه، و امتحان شده با آزمایش نیکو و صبر بر شکایت، آن راهنمای

عِبادِکَ، وَ بَرَکَهِ بِلادِکَ، وَ مَحَلِّ رَحْمَتِکَ، وَ مُسْتَوْدَعِ حِکْمَتِکَ، وَالْقآئِدِ

بندگان و برکت شهرهایت و جایگاه رحمت و امانتدار حکمتت، و راهنمای

الی جَنَّتِکَ، الْعالِمِ فی بَرِیَّتِکَ، وَالْهادی فی خَلیقَتِکَ، الَّذِی ارْتَضَیْتَهُ

به سوی بهشتت، دانای در میان مخلوقات و هدایتگر در میان آفریدگانت، آن که از او خوشنودی

وَانْتَجَبْتَهُ، وَ اخْتَرْتَهُ لِمَقامِ رَسُولِکَ فی امَّتِهِ، وَ ا لْزَمْتَهُ حِفْظَ شَریعَتِهِ،

و او را انتخاب نموده و برای جانشینی پیامبرت در میان امّتش برگزیدی، و او را بر حفظ آیینش وادار نمودی

فَاسْتَقَلَّ بِاعْبآءِ الْوَصِیَّهِ ناهِضاً بِها، ومُضْطَلِعاً بِحَمْلِها، لَمْ یَعْثُرْ فی

پس به تنهایی بار سنگین جانشینی را بدوش کشید، و (مسئولیّت) حملش را به عهده گرفت، در هیچ مشکلی

مُشْکِلٍ، وَلا هَفا فی مُعْضِلٍ، بَلْ کَشَفَ الْغُمَّهَ، وَسَدَّ الْفُرْجَهَ، وَادَّی

نلغزید، ودر هیچ کار سختی درمانده نشد، بلکه هر غمی را برطرف نمود وجلوی هر شکاف وتفرقه ای را گرفت، و وظیفه اش را

الْمُفْتَرَضَ، اللهُمَّ فَکَما اقْرَرْتَ ناظِرَ نَبِیِّکَ بِهِ فَرَقِّهِ دَرَجَتَهُ، وَاجْزِلْ

انجام داد، خدایا پس همان گونه که دیدگان پیامبرت را به او روشن گرداندی، پس او را به درجه اش برسان،

لَدَیْکَ مَثُوبَتَهُ، وَصَلِّ عَلَیْهِ، وَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِیَّهً وَسَلاماً، وَآتِنا مِنْ لَدُنْکَ فی

و پاداشش را در پیشگاهت فراوان کن، و بر او درود فرست و از جانب ما درود و سلامی به او برسان، و به واسطه دوستی او

مُوالاتِهِ فَضْلاً وَاحْساناً، وَمَغْفِرَهً وَرِضْواناً، انَّکَ ذُوالْفَضْلِ الْعَظیمِ.

از نزد خودت لطف و احسان و آمرزش و خوشنودیت را عطایمان کن چرا که تو صاحب لطف و بزرگ هستی

سپس نماز زیارت بخوان و پس از سلام نماز بگو:

أَللهُمَّ یا ذَا الْقُدْرَهِ الْجامِعَهِ، وَالرَّحْمَهِ الْواسِعَهِ، وَالْمِنَنِ الْمُتَتابِعَهِ،

ای خدا، ای صاحب قدرت فراگیر و رحمت گسترده و منّت های پی در پی

وَالْآلاءِ الْمُتَواتِرَهِ، وَالْأَیادِی الْجَلیلَهِ، وَالْمَواهِبِ الْجَزیلَهِ، صَلِّ عَلی

و نعمتهای پیاپی، و لطف و احسان با عظمت، و بخشهای فراوان، بر محمّد

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقینَ، وَاعْطِنی سُؤْلی وَاجْمَعْ شَمْلی وَلُمَ

و خاندان راست گفتارش درود فرست، و خواسته ام را عطا کن، و امور پراکنده ام را جمع کن و پریشانیم را برطرف

شَعَثی وَزَکِّ عَمَلی وَلا تُزِغْ قَلْبی بَعْدَ اذْ هَدَیْتَنی وَلا تُزِلَّ قَدَمی وَلا

کن، و عملم را پاکیزه گردان، و دلم را بعد از آنکه هدایت نمودی (از راه حق) منحرف مگردان، و قدمم را (از راه حق) نلغزان،

ص: 488

تَکِلْنی الی نَفْسی طَرْفَهَ عَیْنٍ ابَداً، وَلا تُخَیِّبْ طَمَعی وَلا تُبْدِ عَوْرَتی

و مرا هیچگاه چشم بر هم زدنی به خودم وا مگذار، و امیدم (به رحمتت) را ناامید مگردان، و عیبم را آشکار مکن

وَلا تَهْتِکْ سِتْری وَلا تُوحِشْنی وَلا تُؤْیِسْنی وَکُنْ لی رَؤُفاً رَحیماً،

و پرده آبرویم را پاره نکن و مرا به وحشت نیانداز و مأیوس نکن، و نسبت به من با محبّت و مهربان باش

وَاهْدِنی وَزَکِّنی وَطَهِّرْنی وَصَفِّنی وَاصْطَفِنی وَخَلِّصْنی وَاسْتَخْلِصْنی

و مرا هدایت کن و پاکیزه و پاک گردان، و مرا خالص گردان و برگزین، و مرا رهایی بخش و نجات ده

وَاصْنَعْنی وَاصْطَنِعْنی وَقَرِّبْنی الَیْکَ وَ لاتُباعِدْنی مِنْکَ، وَالْطُفْ بی وَلا

و مرا سامان ده و (بر انجام فرامینت) پایبند گردان، و به درگاهت نزدیک کن و از خود دورم مساز، و به من مهربانی کن و در حقّم

تَجْفُنی وَاکْرِمْنی وَلا تُهِنّی وَ ما اسْئَلُکَ فَلا تَحْرِمْنی وَما لا اسْئَلُکَ

جفا نکن، و مرا گرامی دار و خوارم مکن، و از آنچه از تو می خواهم محرومم نفرما، و آنچه از تو درخواست نکرده ام

فَاجْمَعْهُ لی بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، وَاسْئَلُکَ بِحُرْمَهِ وَجْهِکَ

برایم مهیّا ساز، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان، و از تو می خواهم به حُرمت ذات

الْکَریمِ، وَبِحُرْمَهِ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَبِحُرْمَهِ اهْلِ بَیْتِ

بخشنده ات و به حرمت پیامبرت محمّد- که درود تو بر او و خاندان پاکش باد- و به حرمت خاندان

رَسُولِکَ امیرِ الْمُؤْمِنینَ عَلِیٍّ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ، وَعَلِیٍّ وَمُحَمَّدٍ

پیامبرت، امیر مؤمنان علی، و حسن و حسین و علی و محمّد

وَجَعْفَرٍ وَمُوسی وَعَلِیٍّ وَمُحَمَّدٍ، وَعَلِیٍّ وَالْحَسَنِ، وَالْخَلَفِ الْباقی

و جعفر و موسی، علی و محمّد، علی و حسن و جانشین پاینده

صَلَواتُکَ وَبَرَکاتُکَ عَلَیْهِمْ، انْ تُصَلِّیَ عَلَیْهِمْ اجْمَعینَ، وَتُعَجِّلَ فَرَجَ

- که درود و برکات تو بر آنان باد- (از تو می خواهم) که بر تمامی آنان درود فرستی و با فرمانت در فرج

قآئِمِهِمْ بِامْرِکَ، وَتَنْصُرَهُ وَتَنْتَصِرَ بِهِ لِدینِکَ، وَتَجْعَلَنی فی جُمْلَهِ

قائم آنان تعجیل کنی، و او را یاری کن و دینت را به کمک او یاری ده و مرا در زمره نجات یافتگان به دست او

النَّاجینَ بِهِ، وَالْمُخْلِصینَ فی طاعَتِهِ، وَاسْئَلُکَ بِحَقِّهِمْ لَمَّا اسْتَجَبْتَ لی

و خالصان در اطاعتش قرار ده، و به حقّ آنان از تو می خواهم که خواسته ام را اجابت

دَعْوَتی وَقَضَیْتَ حاجَتی وَاعْطَیْتَنی سُؤْلی وَأُمْنِیَّتی وَکَفَیْتَنی ما

نموده و حاجتم را برآورده سازی و درخواست و آرزویم را عطا نمایی و آنچه

اهَمَّنى مِنْ امْرِ دُنْياىَ وَآخِرَتى یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، یا نُورُ یا بُرْهانُ، یا

از امور دنیا و آخرتم مرا به زحمت انداخته کفایت کنی، ای مهربان ترین مهربانان، ای نور، ای دلیل قاطع، ای

مُنیرُ یا مُبینُ، یا رَبِّ اکْفِنى شَرَّ الشُّرُورِ، وَآفاتِ الدُّهُورِ، وَاسْئَلُکَ

روشنی بخش، ای آشکارکننده، ای پروردگار من، مرا از شر اشرار و گزند روزگار حفظ کن، و از تو می خواهم

النَّجاةَ یَوْمَ یُنْفَخُ فِى الصُّورِ، سپس آنچه دوست داری از خدا بخواه و این دعا را زیاد بگو: یا

رهایی (از دوزخ) را در روزی که در صور دمیده خواهد شد******************** ای

عُدَّتى عِنْدَ الْعُدَدِ، وَیا رَجآئى وَالْمُعْتَمَدَ، وَیا کَهْفى وَالسَّنَدَ، یا واحِدُ یا

ذخیره ام در میان ذخیره ها، و ای امید و تکیه گاهم و ای پناهگاه و پشتیبانم، ای یگانه ای

احَدُ، وَیا قُلْ هُوَ اللَّهُ احَدٌ، اسْئَلُکَ الّلهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِکَ، وَلَمْ

یکتا، وای که گفتی: «بگو خداوند یکتا و یگانه است»، خدایا از تو می خواهم به حقّ مخلوقات (برگزیده) از میان آفریدگانت، که

تَجْعَلْ فى خَلْقِکَ مِثْلَهُمْ احَداً، صَلِّ عَلى جَماعَتِهِمْ، وَافْعَلْ بى کَذا وَکَذا.

در میان آنان کسانی را مانند ایشان قرار نداده ای، بر تمام آنان درود فرست و درباره من چنین و چنان کن.

و به جای «

وافعل بی کذا و کذا

» حاجت خویش را بخواه، چرا که روایت شده که آن حضرت فرمود:

من از خداوند تقاضا کرده ام کسی را که در روضه من این دعا را بخواند، نا امید برنگرداند.(1)

زیارت مخصوص امام حسن عسکری علیه السلام:

«علّامه مجلسی» در «بحارالانوار» و «سیّد بن طاووس» در «مصباح الزائر» پس از نقل زیارت مزبور می نویسند: هرگاه اراده کردی که امام حسن عسکری علیه السلام را زیارت کنی پس از انجام آنچه در زیارت امام هادی علیه السلام گذشت مقابل ضریح مقدّس امام عسکری علیه السلام می ایستی و می گویی:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا ابا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ، الْهادِیَ الْمُهْتَدِی

سلام بر تو ای مولای من ای ابا محمّد، حسن بن علی، ای هدایتگر هدایت یافته

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ وَابْنَ اوْلِیآئِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ

و رحمت و برکات خدا بر تو باد، سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند اولیایش، سلام بر تو

یا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَجِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفِیَّ اللَّهِ وَابْنَ اصْفِیآئِهِ،

ای حجّت خدا و فرزند حجّتهایش (بر مخلوقات)، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیدگانش

ص: 490

1- [612]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 63 و مصباح الزائر، صفحه 404(با اندکی تفاوت).

السَّلامُ عَلَيْکَ يا خَليفَةَ اللَّهِ وَابْنَ خُلَفآئِهِ وَابا خَليفَتِهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ

سلام بر تو ای جانشين خدا (در زمين) و فرزند جانشينانش و پدر جانشينش، سلام بر تو ای فرزند

خاتَمِ النَّبِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ

خاتم پيامبران، سلام بر تو ای فرزند آقا و سرور جانشينان، سلام بر تو ای فرزند

اميرِالْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ سَيِّدَهِ نِسآءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ

اميرمؤمنان، سلام بر تو ای فرزند سرور بانوان جهانيان، سلام بر تو

يَابْنَ الْأَئِمَّهِ الْهادينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ الْأَوْصِياءِ الرَّاشِدينَ، السَّلامُ

ای فرزند امامان هدايتگر، سلام بر تو ای فرزند جانشينان رشد يافته، سلام

عَلَيْکَ يا عِصْمَهَ الْمُتَّقينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا امامَ الْفآئِزينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ

بر تو ای عصمت پرهيزکاران، سلام بر تو ای پيشوای رستگاران، سلام بر تو

يا رُکْنَ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا فَرَجَ الْمَلْهُوفينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا

ای تکيه گاه مؤمنان، سلام بر تو ای مايه آرامش غمزدگان، سلام بر تو ای

وارِثَ الْأَنْبِيآءِ الْمُنْتَجَبينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا خازِنَ عِلْمِ وَصِیِّ رَسُولِ

وارث پيامبران برگزيده، و سلام بر تو ای گنجينه دانش جانشين رسول

اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ ايُّهَا الدَّاعی بِحُکْمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ ايُّهَا النَّاطِقُ

خدا، سلام بر تو ای دعوت کننده به حکم خدا، سلام بر تو ای گويا

بِکِتابِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا حُجَّهَ الْحُجَجِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا هادِیَ

به کتاب خدا، سلام بر تو ای حجّت حجّتها (ی خدا)، سلام بر تو ای راهنمای

الْأمَمِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا وَلِیَّ النِّعَمِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا عَيْبَهَ الْعِلْمِ،

امّتها، سلام بر تو ای صاحب نعمتها، سلام بر تو ای جايگاه دانش

السَّلامُ عَلَيْکَ يا سَفينَهَ الْحِلْمِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا ابَا الْإِمامِ الْمُنْتَظَرِ،

سلام بر تو ای کشتی شکيبايی، سلام بر تو ای پدر امامی که انتظارش کشيده می شود

الظَّاهِرَهِ لِلْعاقِلِ حُجَّتُهُ، وَالثَّابِتَهِ فِی الْيَقينِ مَعْرِفَتُهُ، الْمُحْتَجَبِ عَنْ اعْيُنِ

آن که حجّتش بر خردمندان آشکار است، و شناختش به يقين ثابت است، آن که از ديدگان ستمگران

الظَّالِمينَ، وَالْمُغَيَّبِ عَنْ دَوْلَهِ الْفاسِقينَ، وَالْمُعيدِ رَبُّنا بِهِ الْإِسْلامَ جَديداً

پنهان و از حکومت بدکاران ناپيداست، و پروردگار ما به وسيله او اسلام را بعد از ضعيف شدن

ص :491

بَعْدَ الْإِنْطِماسِ، وَالْقُرْآنَ غَضّاً بَعْدَ الْإِنْدِراسِ، اشْهَدُ یامَوْلایَ انَّکَ اقَمْتَ

تجدید حیات کرده، و قرآن را بعد از فراموشی یادآوری می کند، گواهی می دهم ای مولای من که تو به یقین نماز را

الصّلاهَ، وَآتَیْتَ الزَّکاهَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ،

بپا داشته و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کرده

وَدَعَوْتَ الی سَبیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ

و با دانش و پند نیکو به راه پروردگارت دعوت نمودی و خدا را

مُخْلِصاً حَتّی اتیکَ الْیَقینُ، اسْئَلُ اللَّهَ بِالشَّأْنِ الَّذی لَکُمْ عِنْدَهُ، انْ یَتَقَبَّلَ

خالصانه عبادت کردی تا زمان وفاتت فرا رسید، از خدا می خواهم به حق جایگاهی که نزد او دارید، زیارتم از

زِیارَتی لَکُمْ، وَیَشْکُرَ سَعْیی الَیْکُمْ، وَیَسْتَجیبَ دُعائی بِکُمْ، وَیَجْعَلَنی

شما را بپذیرد و تلاشم در رسیدن به درگاهتان را پاداش داده و دعایم را به واسطه شما اجابت کند، و مرا از

مِنْ انْصارِ الْحَقِّ وَاتْباعِهِ، وَ اشْیاعِهِ وَ مَوالیهِ وَ مُحِبّیهِ، وَالسَّلامُ عَلَیْکَ

یاوران و تابعین و پیروان و دوستان و دوستداران حق قرار دهد و سلام و رحمت و

وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ* آنگاه ضریح را می بوسی و طرف راست صورت و سپس طرف چپ را بر برکات خدا بر تو باد،***************************************

روی آن می گذاری و می گویی: اللهُمَّ صَلِّ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَیْتِهِ، وَصَلِ

********* خدایا درود فرست بر آقا و سرور ما محمّد و خاندان پاکش، و درود فرست

عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْهادی الی دینِکَ، وَ الدَّاعی الی سَبیلِکَ، عَلَمِ

بر حسن بن علی، آن راهنمای دینت و دعوت کننده به راهت، نشانه

الْهُدی وَ مَنارِ التُّقی وَ مَعْدِنِ الْحِجی وَ ماْوَی النُّهی وَ غَیْثِ الْوَری

هدایت و پرهیزکاری، و معدن عقل و جایگاه خرد و باران (رحمت) بر خلق

وَسَحابِ الْحِکْمَهِ، وَبَحْرِالْمَوْعِظَهِ، وَ وارِثِ الْأَئِمَّهِ، وَ الشَّهیدِ عَلیَ الْأُمَّهِ،

و ابر دانش و دریای موعظه و وارث امامان و گواه بر امّت

الْمَعْصُومِ الْمُهَذَّبِ، وَ الْفاضِلِ الْمُقَرَّبِ، وَ الْمُطَهَّرِ مِنَ الرِّجْسِ، الَّذی

و معصوم و پاکیزه و بافضیلت و مقرّب خدا، و پاک از هر پلیدی، که

وَرَّثْتَهُ عِلْمَ الْکِتابِ، وَ الْهَمْتَهُ فَصْلَ الْخِطابِ، وَ نَصَبْتَهُ عَلَماً لِأَهْلِ

او را وارث علم کتاب (و آگاهی بر قرآن) قرار دادی، و داوری عادلانه را به او الهام کردی، و او را نشانه ای برای (راهنمایی) مسلمانان

ص: 492

قِبْلَتِکَ، وَ قَرَنْتَ طاعَتَهُ بِطاعَتِکَ، وَفَرَضْتَ مَوَدَّتَهُ عَلی جَمیعِ خَلیقَتِکَ،

قرار دادی، و اطاعت از او را به اطاعت خویش مقرون ساختی، و دوستیش را بر تمامی آفریدگانت واجب ساختی

اللهُمَّ فَکَما اناب بِحُسْنِ الْإِخْلاصِ فی تَوْحیدِکَ، وَارْدی مَنْ خاضَ

خدایا، پس همان گونه که با اخلاص نیکو در یکتاپرستیت به سوی تو بازگشت و کسانی را که برای تو شبیه قرار دادند

فی تَشْبیهِکَ، وَحامی عَنْ اهْلِ الْإیمانِ بِکَ، فَصَلِّ یا رَبِّ عَلَیْهِ صَلاةً

را هلاک ساخت، و از کسانی که به تو ایمان داشتند حمایت نمود، پس ای پروردگار من بر او درودی فرست که او را

یَلْحَقُ بِها مَحَلَّ الْخاشِعینَ، وَیَعْلُو فِی الْجَنَّهِ بِدَرَجَهِ جَدِّهِ خاتَمِ النَّبِیّینَ،

به جایگاه خاشعان ملحق کند، و او را در بهشت تا رتبه جدّش خاتم پیامبران بالا برد

وَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِیَّهً وَسَلاماً، وَآتِنا مِنْ لَدُنْکَ فی مُوالاتِهِ فَضْلًا وَاحْساناً،

و از جانب ما درود و سلامی به او برسان و از نزد خودت به واسطه دوستی او به ما لطف و احسان

وَمَغْفِرَهً وَرِضْواناً، انَّکَ ذُو فَضْلٍ عَظیمٍ، وَمَنٍّ جَسیمٍ.

و آمرزش و خوشنودیت را ببخش چرا که تو صاحب بخشش با عظمت و نعمت بزرگی.

آنگاه نماز زیارت بجای می آوری و پس از سلام نماز می گویی:

یا دآئِمُ یا دَیْمُومُ، یا حَیُّ یا قَیُّومُ، یا کاشِفَ الْکَرْبِ وَالْهَمِّ، وَیا فارِجَ

ای پاینده و ای جاودان، ای زنده ای پایدار، ای برطرف کننده گرفتاری و غصّه، و ای زداینده

الْغَمِّ، وَیا باعِثَ الرُّسُلِ، وَیا صادِقَ الْوَعْدِ، وَیا حَیُّ لا الهَ الّا انْتَ،

اندوه، و ای مبعوث کننده رسولان، و ای کسی که وعده هایت راست است، و ای زنده ای که معبودی جز تو نیست

اتَوَسَّلُ الَیْکَ بِحَبیبِکَ مُحَمَّدٍ، وَوَصِیِّهِ عَلِیٍّ ابْنِ عَمِّهِ، وَصِهْرِهِ عَلَی ابْنَتِهِ،

به تو متوسّل می شوم به واسطه دوستدارت محمّد و علی جانشین و پسر عمو و همسر دخترش

الَّذی خَتَمْتَ بِهِمَا الشَّرایِعَ، وَفَتَحْتَ بِهِمَا التَّأْویلَ وَالطَّلایِعَ، فَصَلِ

همان بزرگوارانی که ادیان را به واسطه آن دو ختم نمودی و تأویل و اسرار آیات را گشودی، پس

عَلَیْهِما صَلاةً یَشْهَدُ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَالْاخِرُونَ، وَیَنْجُو بِهَا الْأَوْلِیآءُ

بر آن دو درودی فرست که پیشینیان و پسینیان به آن گواهی دهند و به وسیله آن دوستداران

وَالصَّالِحُونَ، وَاتَوَسَّلُ الَیْکَ بِفاطِمَةَ الزَّهْرآءِ والِدَهِ الْأَئِمَّهِ الْمَهْدِیّینَ،

و شایستگان نجات یابند، و به تو متوسّل می شوم به واسطه فاطمه زهرا مادر امامان هدایتگر

ص :493

وَسَیِّدَهِ نِساۤءِ الْعالَمینَ، الْمُشَفَّعَهِ فی شیعَهِ اوْلادِهَا الطَّیِّبینَ، فَصَلِّ عَلَیْها

و سرور بانوان جهانیان، آن که شیعیان فرزندان پاکش را شفاعت می کند، پس درود فرست بر او

صَلاهً دآئِمَهً ابَدَ الْأبِدینَ، وَدَهْرَ الدّاهِرینَ، وَاتَوَسَّلُ الَیْکَ بِالْحَسَنِ

درودی دائمی و همیشگی و در طول روزگاران و به تو متوسّل می شوم به واسطه حسن

الرَّضِیِّ الطّاهِرِ الزَّکِیِّ، وَالْحُسَینِ الْمَظْلُومِ الْمَرْضِیِّ الْبَرِّ التَّقِیِّ، سَیِّدَیْ

آن (امام) پسندیده پاک و پاکیزه، و حسین مظلوم آن (امام) پسندیده نیکوکار و پرهیزکار، دو آقا و سرور

شَبابِ اهْلِ الْجَنَّهِ، الْإمامَیْنِ الْخَیِّرَیْنِ، الطَّیِّبَیْنِ التَّقِیَّیْنِ، النَّقِیَّیْنِ

جوانان بهشت، آن دو امام نیکوکار و پاک و پرهیزکار و پاکیزه

الطّاهِرَیْنِ، الشَّهیدَیْنِ الْمَظْلُومَیْنِ الْمَقْتُولَیْنِ، فَصَلِّ عَلَیْهِما ما طَلَعَتْ

و پاکدامن، آن دو شهید مظلوم و کشته شده (در راه خدا) پس مادامی که خورشید طلوع و غروب

شَمْسٌ وَما غَرَبَتْ، صَلاهً مُتَوالِیَهً مُتَتالِیَهً، وَاتَوَسَّلُ الَیْکَ بِعَلِیِّ بْنِ

می کند بر آن دو درود فرست، درودی پیوسته و پی در پی، و به متوسّل می شوم به واسطه علی بن

الْحُسَیْنِ سَیِّدِالْعابِدینَ، الْمَحْجُوبِ مِنْ خَوْفِ الظّالِمینَ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ

حسین آقا و سرور عبادت کنندگان، پرده نشین از خطر ستمکاران، و به واسطه محمّد فرزند

عَلِیٍّ الْباقِرِ الطّاهِرِ، النُّورِ الزّاهِرِ، الْإمامَیْنِ السَّیِّدَیْنِ، مِفْتاحَیِ الْبَرَکاتِ،

علی، امام باقر پاکدامن و نور تابان، همان دو امام و آقا و سرور و کلید برکت

وَمِصْباحَیِ الظُّلُماتِ، فَصَلِّ عَلَیْهِما ما سَری لَیْلٌ وَما اضآءَ نَهارٌ، صَلاةً

و چراغ تاریکیها، پس مادامی که شب و روز باقیست بر آن دو درود فرست درودی

تَغْدُو وَتَرُوحُ، وَاتَوَسَّلُ الَیْکَ بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَنِ اللَّهِ، وَالنَّاطِقِ

در طول صبح و شام، و به تو متوسّل می شوم به واسطه جعفر بن محمّد راستگوی از جانب خدا، و گویا

فی عِلْمِ اللَّهِ، وَبِمُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ الْعَبْدِ الصَّالِحِ فی نَفْسِهِ، وَالْوَصِیِ

به علم خدا، و به وسیله موسی بن جعفر آن بنده صالح و شایسته، و جانشین

النَّاصِحِ، الْإِمامَیْنِ الْهادِیَیْنِ الْمَهْدِیَّیْنِ، الْوافِیَیْنِ الْکافِیَیْنِ، فَصَلِّ عَلَیْهِما

خیرخواه، دو امام هدایتگر هدایت یافته و وفادار و کفایت کننده، پس مادامی که

ما سَبَّحَ لَکَ مَلَکٌ، وَتَحَرَّکَ لَکَ فَلَکٌ، صَلاةً تُنْمی وَتَزیدُ، وَلا تَفْنی وَلا

ملکی تسبیح تو می گوید و چرخ گردون در چرخش است بر آن دو درود فرست، درودی که رشد یافته و فزون گردد و فنا نپذیرد و

ص :494

تَبيدُ، وَاتَوَسَّلُ اَلَيْکَ بِعَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضا، وَبِمُحَّمَدِ بْنِ عَلِیٍّ الْمُرْتَضَی،

نابود نگردد، و به تو متوسّل می شوم بواسطه علی بن موسی الرضا و محمّد بن علی امام پسندیده

الْإِمامَیْنِ الْمُطَهَّرَیْنِ الْمُنْتَجَبَیْنِ، فَصَلِّ عَلَیْهِما ما اضآءَ صُبْحٌ وَدامَ،

آن دو امام پاک و برگزیده، پس مادامی که روز روشن و پایدار است بر آن دو درود فرست

صَلاةً تُرَقِّیهِما الی رِضْوانِکَ فِی الْعِلِّیِّینَ مِنْ جِنانِکَ، وَاتَوَسَّلُ الَیْکَ بِعَلیِ

درودی که آن دو را در درجات عالی بهشتت به سوی خوشنودیت بالا برد، و به تو متوسّل می شوم به واسطه علی

بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّاشِدِ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْهادِی، الْقآئِمَیْنِ بِامْرِ عِبادِکَ،

بن محمّد آن امام رشد یافته و حسن بن علی امام هادی، آن دو امام قیام کننده به (اصلاح) امور بندگان

الْمُخْتَبَرَیْنِ بِالْمِحَنِ الْهایِلَهِ، وَالصَّابِرَیْنِ فِی الْإِحَنِ الْمائِلَهِ، فَصَلِ

و آزموده شده با گرفتاریهای خوفناک و شکیبا در برابر کینه های کهنه، پس

عَلَیْهِما کِفآءَ اجْرِ الصَّابِرینَ، وَازآءَ ثَوابِ الْفآئِزینَ، صَلاةً تُمَهِّدُ لَهُمَا

به اندازه پاداش صابران و ثواب رستگاران بر آن دو درود فرست، درودی که بلندمرتبگی را برای آن دو

الرِّفْعَهَ، وَاتَوَسَّلُ الَیْکَ یا رَبِّ بِامامِنا، وَمُحَقِّقِ زَمانِنَا، الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ،

میسّر کند، و به تو متوسّل می شوم ای پروردگار من به واسطه پیشوایمان و محقّق کننده (وعده خدا) در زمان ما در روزی که وعده داده شده

وَالشَّاهِدِ الْمَشْهُودِ، وَالنُّورِ الْأَزْهَرِ، وَالْضِّیآءِ الْأَنْوَرِ، الْمَنْصُورِ بِالرُّعْبِ،

و گواه گواهی شده و نور تابان، و روشنایی فروزان، آن یاری شده با ایجاد ترس (در دل دشمنان)

وَالْمُظَفَّرِ بِالسَّعادَهِ، فَصَلِّ عَلَیْهِ عَدَدَ الثَّمَرِ، وَاوْراقِ الشَّجَرِ، وَاجْزآءِ

و پیروز و سعادتمند پس بر او درود فرست به تعداد میوه ها و برگهای درختان

الْمَدَرِ، وَعَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ، وَعَدَدَ ما احاطَ بِهِ عِلْمُکَ، وَاحْصاهُ کِتابُکَ،

و ریگها و به تعداد هر نخ مو و پشم و به تعداد آنچه علمت به آن احاطه دارد و کتابت شمارش نموده است

صَلاهً یَغْبِطُهُ بِها الْأَوَّلُونَ وَالْاخِرُونَ، اللهُمَّ وَاحْشُرْنا فی زُمْرَتِهِ،

درودی که پیشینیان و پسینیان به آن غبطه خورند، خدایا ما را در گروه او محشور کن

وَاحْفَظْنا عَلی طاعَتِهِ، وَاحْرُسْنا بِدَوْلَتِهِ، وَاتْحِفْنا بِوِلایَتِهِ، وَانْصُرْنا عَلی

و بر اطاعتش ثابت دار و با حکومت او ما را حفظ کن و به ولایتش پاداش ده، ما را به عزّت او

اعْدآئِنا بِعِزَّتِهِ، وَاجْعَلْنا یا رَبِّ مِنَ التَّوّابینَ، یا ارْحَمَ الرّاحِمینَ، اللهُمَ

بر دشمنانمان یاری کن و ای پروردگار من ما را از توبه کنندگان قرار ده ای مهربانترین مهربانان، خدایا

ص: 495

وَانَّ ابْليسَ الْمُتَمَرِّدَ اللَّعينَ، قَد اسْتَنْظَرَکَ لِإِغْوآءِ خَلْقِکَ فَانْظَرْتَهُ،

شیطان سرکش ملعون برای فریب مخلوقات از تو فرصت خواست و تو او را فرصت دادی

وَاسْتَمْهَلَکَ لِإِضْلالِ عَبیدِکَ فَأمْهَلْتَهُ، بِسابِقِ عِلْمِکَ فیهِ، وَقَدْ عَشَّشَ

و برای گمراه کردن بندگانت مهلت خواست و با وجود سابقه آگاهیت در مورد او مهلتش دادی، اینک شیطان ریشه دوانده

وَکَثُرَتْ جُنُودُهُ، وَازْدَحَمَتْ جُیُوشُهُ، وَانْتَشَرَتْ دُعاتُهُ فی اقْطارِ

و لشکریانش زیاد شده و سپاهیانش فراوان گشته و مبلّغانش در پهنه زمین گسترش

الْأَرْضِ، فَاضَلُّوا عِبادَکَ، وَافْسَدُوا دینَکَ، وَحَرَّفُوا الْکَلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ،

یافته اند، پس بندگانت را گمراه کرده و دینت را فاسد نمودند، و سخنان (تو) را تحریف کردند

وَجَعَلُوا عِبادَکَ شِیَعاً مُتَفَرِّقینَ، وَاحْزاباً مُتَمَرِّدینَ، وَقَدْ وَعَدْتَ نَقْضَ

و بندگانت را به صورت گروههای متفرّق و دسته های سرکش قرار دادند، و تو شکستن بنیانش

بُنْیانِهِ، وَتَمْزیقَ شَأْنِهِ، فَاهْلِکْ اوْلادَهُ وَجُیُوشَهُ، وَطَهِّرْ بِلادَکَ مِنِ

و از هم پاشیدن مقامش را وعده نمودی، پس فرزندان و لشکریانش را نابود گردان و شهرهایت را از

اخْتِراعاتِهِ وَاخْتِلافاتِهِ، وَارِحْ عِبادَکَ مِنْ مَذاهِبِهِ وَقِیاساتِهِ، وَاجْعَلْ

بدعتها و اختلافهایش پاک نما، و بندگانت را از آیین افکارش راحت کن،

دآئِرَةَ السَّوْءِ عَلَیْهِمْ، وَابْسُطْ عَدْلَکَ، وَاظْهِرْ دینَکَ، وَقَوِّ اوْلِیآئَکَ،

و حوادث بد را برایشان قرار ده، و عدالت را بگستران و دینت را آشکار کن و دوستانت را تقویت

وَاوْهِنْ اعْدآئَکَ، وَاوْرِثْ دِیارَ ابْلیسَ وَدِیارَ اوْلِیآئِهِ اوْلِیآئَکَ، وَخَلِّدْهُمْ

و دشمنانت را خوار کن، و دوستدارانت را وارث شهرهای شیطان و دوستانش قرار ده، و آنها را در دوزخ

فِی الْجَحیمِ، وَاذِقْهُمْ مِنْ الْعَذابِ الْأَلیمِ، وَاجْعَلْ لَعآئِنَکَ الْمُسْتَوْدَعَهَ فی

جاودانه گردان، و از عذاب دردناک به آنها بچشان، و نفرینهایی که در رخدادهای منحوس خلقت به ودیعه گذاشته ای

مَناحِسِ الْخِلْقَهِ، وَمَشاویهِ الْفِطْرَهِ، دآئِرَهً عَلَیْهِمْ، وَمُوَکَّلَهً بِهِمْ، وَجارِیَهً

بر آنان قرار ده، در حالی که آنها را فرا گیرد و بر آنان گماشته شود

فیهِمْ کُلَّ مَسآءٍ وَصباحٍ، وَغُدُوٍّ وَرَواحٍ، رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَفِی

و شامگاهان و صبحگاهان و بامداد و عصر بر آنها فرود آید، پروردگارا، به ما در دنیا نیکی کن و در

الْأخِرَهِ حَسَنَهً، وَقِنا بِرَحْمَتِکَ عَذابَ النَّارِ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.

آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و به رحمتت ما را از عذاب دوزخ نگاه دار، ای مهربانترین مهربانان.

ص: 496

آنگاه آنچه را برای خود و برادرانت دوست داری از خدا طلب کن.(1)

زیارت نرجس خاتون مادر مکرّمه حضرت حجّت علیه السلام:

در ادامه زیارت امام عسکری علیه السلام «سیّد بن طاووس» می نویسد: آنگاه زیارت می کنی مادر حضرت قائم (ارواحنا فداه) را که قبرش پشت ضریح امام حسن عسکری علیه السلام واقع شده است و می گویی:

السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ الصَّادِقِ الْأَمینِ، السَّلامُ

سلام بر رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندان راست گفتار و امینش باد- سلام

عَلی مَوْلانا امیرِ الْمُؤْمِنینَ، السَّلامُ عَلَی الْأَئِمَّهِ الطَّاهِرینَ، الْحُجَجِ

بر مولای ما امیر مؤمنان، سلام بر امامان پاکیزه، آن حجتهای

الْمَیامینِ، السَّلامُ عَلی والِدَهِ الْإِمامِ، وَالْمُودَعَهِ اسْرارَ الْمَلِکِ الْعَلّامِ،

مبارک، سلام بر مادر امام و امانتدار اسرار خداوند، آن فرمانروای بسیار دانا

وَالْحامِلَهِ لِأَشْرَفِ الْأَنامِ، السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا الصِّدّیقَهُ الْمَرضِیَّهُ، السَّلامُ

و باردار به گرامی ترین مخلوقات، سلام بر تو ای راست گفتار پسندیده، سلام

عَلَیْکِ یا شَبیهَهَ امِّ مُوسی وَابْنَهَ حَوارِیِّ عیسی السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا

بر تو ای همانند مادر موسی و ای دختر پیروان حضرت عیسی، سلام بر تو ای

التَّقِیَّهُ النَّقِیَّهُ، السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا الرَّضِیَّهُ الْمَرْضِیَّهُ، السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا

پرهیزکار پاکیزه، سلام بر تو ای که تو از خدا راضی و خدا از تو راضی است، سلام بر تو ای

اَلْمَنْعُوتَهُ فِی الْاِنْجیلِ، اَلْمَخْطَوبَهُ مِنْ رُوحِ اللّهِ الْأمینِ، وَمَنْ رَغِبَ فی

توصیف شده در انجیل، و خواستگاری شده از جانب (عیسی) روح اللَّه امین و آن که علاقمند به

وُصْلَتِها مُحَمَّدٌ سَیِّدُ الْمُرْسَلینَ، وَالْمُسْتَوْدَعَهُ اسْرارَ رَبِّ الْعالَمینَ،

وصلت او بود محمّد آقا و سرور فرستادگان و امانتدار اسرار پروردگار جهانیان

السَّلامُ عَلَیْکِ وَعَلی آبآئِکِ الْحَوارِیّینَ، السَّلامُ عَلَیْکِ وَعَلی بَعْلِکِ

سلام بر تو و بر پدران حواریت، سلام بر تو و بر همسر

وَوَلَدِکِ، السَّلامُ عَلَیْکِ وَعَلی رُوحِکِ وَبَدَنِکِ الطَّاهِرِ، اشْهَدُ انَّکِ احْسَنْتِ

و فرزندت، سلام بر تو و بر روح و بدن پاکیزه ات، گواهی می دهم که تو به یقین نیکو

1- [613]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 67 و مصباح الزائر، صفحه 409-413(با اندکی تفاوت).

الْكَفالَهَ، وَادَّیْتِ الْأَمانَهَ، وَاجْتَهَدْتِ فی مَرْضاتِ اللَّهِ، وَصَبَرْتِ فی ذاتِ اللَّهِ،

سرپرستی نموده و حقی که بر عهده داشتی ادا کردی و در جلب خشنودی خدا کوشیده، و در راه خدا شکیبایی نمودی

وَحَفِظْتِ سِرَّاللَّهِ، وَحَمَلْتِ وَلِیَّ اللَّهِ، وَبالَغْتِ فی حِفْظِ حُجَّهِ اللَّهِ، وَرَغِبْتِ

و راز خدا را حفظ کرده و ولیّ خدا را در دل پروراندی و در حفظ حجّت خدا کوشیدی، و به

فی وُصْلَهِ ابْنآءِ رَسُولِ اللَّهِ، عارِفَهً بِحَقِّهِمْ، مُؤْمِنَهً بِصِدْقِهِمْ، مُعْتَرِفَهً

پیوند با فرزندان رسول خدا علاقمند شدی، در حالی که آشنای به حقّشان، مؤمن به راستگویی آنان، اعتراف کننده

بِمَنْزِلَتِهِمْ، مُسْتَبْصِرَهً بِامْرِهِمْ، مُشْفِقَهً عَلَیْهِمْ، مُؤْثِرَهً هَواهُمْ، وَاشْهَدُ

به جایگاهشان و آگاه به کار آنان، مهربان بر آنان، ترجیح دهنده میل آنان برخودت بودی، و گواهی می دهم

انَّکِ مَضَیْتِ عَلی بَصیرَهٍ مِنْ امْرِکِ، مُقْتَدِیَهً بِالصَّالِحینَ، راضِیَهً مَرْضِیَّهً،

که تو به یقین عمرت را با آگاهی بر کارت سپری کردی در حالی که به شایستگان اقتدا نمودی و خوشنود و پسندیده

تَقِیَّهً نَقِیَّهً زَکِیَّهً، فَرَضِیَ اللَّهُ عَنْکِ وَارْضاکِ، وَجَعَلَ اْلجَنَّهَ مَنْزِلَکِ وَمَاْویکِ،

و پرهیزکار و پاکیزه و پاک بودی، پس خدا از تو خشنود گردد و تو را راضی کند و بهشت را منزل و جایگاهت قرار دهد

فَلَقَدْ اوْلاکِ مِنَ الْخَیْراتِ ما اوْلاکِ، وَاعْطاکِ مِنَ الشَّرَفِ ما بِهِ اغْناکِ،

و از خیرات آنچه تو شایسته آنی به تو عطا کند، و از شرافت به اندازه بی نیازی به تو عطا کند

فَهَنَّاکِ اللَّهُ بِما مَنَحَکِ مِنَ الْکَرامَهِ وَامْرَاکِ* آنگاه سر را به سوی آسمان بالا می بری و پس خداوند آنچه از کرامت به تو عطا نموده گوارایت کند و

برایت سودمند گرداند*************

می گویی: اللهُمَّ ایَّاکَ اعْتَمَدْتُ، وَلِرِضاکَ طَلَبْتُ، وَبِاوْلِیآئِکَ الَیْکَ تَوَسَّلْتُ،

*** خدایا به تو اعتماد نموده و خشنودیت را خواهانم، و به واسطه اولیایت به تو متوسّل می شوم

وَعَلی غُفْرانِکَ وَحِلْمِکَ اتَّکَلْتُ، وَبِکَ اعْتَصَمْتُ، وَبِقَبْرِ امِّ وَلِیِّکَ لُذْتُ،

و بر بخشش و حلمت توکّل می کنم و به تو پناهنده ام، و به قبر مادر ولیّت روی آورده ام

فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْفَعْنی بِزِیارَتِها، وَثَبِّتْنی عَلی مَحَبَّتِها،

پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و زیارتش را برایم سودمند گردان و بر دوستیش ثابت قدم بدار

وَلا تَحْرِمْنی شَفاعَتَها وَشَفاعَهَ وَلَدِها، وَارْزُقْنی مُرافَقَتَها، وَاحْشُرْنی

و از شفاعت او و فرزندش محرومم مساز و دوستی و محبّتش را روزیم کن و با او

مَعَها وَمَعَ وَلَدِها، کَما وَفَّقْتَنی لِزِیارَهِ وَلَدِها وَ زِیارَتِها، اللهُمَّ انّی اتَوَجَّهُ

و فرزندش محشورم گردان، همان گونه که به زیارت او و فرزندش موفّقم داشتی، خدایا به واسطه

الَیْکَ بِالْأَئِمَّهِ الطَّاهِرینَ، وَاتَوَسَّلُ الَیْکَ بِالْحُجَجِ الْمَیامینِ مِنْ آلِ طه

امامان پاک نهاد به درگاهت رو نموده و به واسطه حجّتهای مبارک از آل طه و یاسین به تو متوسّل

وَیس انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّیِّبینَ، وَ انْ تَجْعَلَنی مِنَ

می شوم، که بر محمد و خاندان پاکش درود فرستی، و مرا از

الْمُطْمَئِنّینَ الْفآئِزینَ الْفَرِحینَ الْمُسْتَبْشِرینَ، الَّذینَ لاخَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لاهُمْ

امیدواران و رستگاران شادمان و خوشحال قرار دهی، آنانی که نه ترسی به آنهاست و نه اندوهگین

یَحْزَنُونَ، وَاجْعَلْنی مِمَّنْ قَبِلْتَ سَعْیَهُ، وَیَسَّرْتَ امْرَهُ، وَکَشَفْتَ ضُرَّهُ،

می شوند، و مرا از کسانی قرار ده که کوشش او را پذیرفته و کارش را آسان ساخته ای و اندوهش را برطرف

وَآمَنْتَ خَوْفَهُ، اللهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ

و ترسش را ایمن گردانده ای، خدایا به حقّ محمّد و خاندان پاکش، بر محمّد و خاندان پاکش درود

مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ لَهُمْ بِانْتِقامِکَ، وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتی ایَّاها،

فرست، و در گرفتن انتقامشان تعجیل فرما و این زیارتم را آخرین زیارت از او قرار مده

وَاْرزُقْنی الْعَوْدَ الَیْها ابَداً ماابْقَیْتَنی وَ اذا تَوَفَّیْتَنی فَاحْشُرْنی فی زُمْرَتِها،

و مادامی که زنده ام بازگشت برای زیارت او را روزیم کن، و بعد از مردنم در گروه او محشورم گردان

وَادْخِلْنی فی شَفاعَهِ وَلَدِها وَ شَفَاعَتِها، وَاغْفِرْ لی وَ لِوالِدَیَّ وَلِلْمُؤْمِنینَ

و مرا در شفاعت او و فرزندش داخل کن، و من و پدر و مادرم و تمامی مردان و زنان با ایمان را

وَ الْمُؤْمِناتِ، وَ آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَ فِی الْأخِرَهِ حَسَنَهً، وَقِنا بِرَحْمَتِکَ

بیامرز و به ما در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی عطا فرما و به رحمتت ما را از عذاب دوزخ

عَذابَ النَّارِ، وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا ساداتی وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ.(1)

نگاه دار، و درود و رحمت و برکات خدا بر شما باد ای سروران من.

زیارت حکیمه خاتون:

حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام (خواهر امام هادی و عمّه امام حسن عسکری علیهما السلام) است که قبر شریفش پایین پای عسکریّین و چسبیده به ضریح آن دو بزرگوار است و مرحوم «علّامه مجلسی» می گوید: نمی دانم با آن که فضل و جلالت این بانو، ظهور یافته و او از خواصّ و اصحاب سرّ ائمّه علیهم السلام بوده و

ص: 499

1- [614]مصباح الزائر صفحه 413- 415 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 70.

مادر حضرت مهدی (سلام اللَّه علیه) یعنی نرجس خاتون، نزد این بانو بوده و آن مخدّره، هنگام ولادت حضرت حجّت، حضور داشته و پیوسته آن بزرگوار (مهدی علیه السلام) را در زمان حیات امام حسن عسکری علیه السلام می دیده و از سُفرا و وسائط بعد از وفات امام عسکری علیه السلام بوده، در عین حال زیارتی برای آن کریمه عالمه و فاضله نجیبه و تقیّه رضیّه، ذکر نشده است. سپس می نویسد: سزاوار است زیارت کردن آن بانو به آنچه که بر زبان جاری شود و هماهنگ با فضل و شأنش باشد. (1) بر همین اساس، مرحوم محدّث قمی در «مفاتیح الجنان» می گوید: سزاوار است زیارت آن مخدّره با الفاظی که در زیارت اولاد ائمّه علیهم السلام نقل می شود، و یا زیارت کنند او را با زیارتی که درباره عمّه مکرّمه اش حضرت معصومه (دختر گرامی موسی بن جعفر علیهما السلام) خواهد آمد، و به اعتقاد ما انتخاب زیارت اخیر بهتر است.

زیارت دو امامزاده سیّد محمّد و سیّد حسین علیهما السلام:

معروف است که نزد قبر عسکریّین علیهما السلام عدّه ای از سادات بزرگ دفن شده اند که از آن جمله است حسین پسر امام هادی علیه السلام. مرحوم محدّث قمی رحمه الله می نویسد: گرچه از احوال این سیّد بزرگوار اطّلاعی نیافته ام لیکن از بعضی از روایات استفاده می شود که از مولای ما امام حسن عسکری علیه السلام و برادرش حسین بن علی الهادی، تعبیر به «سبطین» می شده و این دو برادر را به اجدادشان دو سبط رسول گرامی، حسن و حسین علیهما السلام تشبیه می نمودند، و نیز در روایت 616] ابوالطیّب آمده است که صدای حضرت حجّت علیه السلام به صدای عمویش حسین شباهت داشت. همچنین در «شجره الاولیاء» تألیف عالم بزرگوار، «سیّد احمد اردکانی یزدی» در مقام ذکر اولاد امام هادی علیه السلام آمده است که حسین فرزند آن حضرت از زهّاد و عبّاد و از پیروان برادر خود امام عسکری علیه السلام بود.

از مجموع این نکات به دست می آید که این بزرگوار سیّدی جلیل القدر و عظیم الشأن است.

امامزاده معروف دیگر سید محمّد فرزند دیگر امام هادی علیه السلام است که مزار مشهوری در نزدیکی سامرّا دارد و به جلالت شأن و بروز کرامات معروف است؛ عموم مردم به زیارتش می روند و نذرها و هدایای بسیار به آن جا می برند و به وسیله او از خدا حاجت می طلبند، و اعراب

آن حدود، از آن بزرگوار حساب می برند و کرامات بسیاری از او نقل شده است.

در جلالت قدر آن جناب همین بس که فرزند بزرگ امام هادی علیه السلام بود و برادر بزرگوارش امام حسن

ص: 500

1- [615]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 79.

عسکری علیه السلام در فوت او گریبان چاک کرد، و بزرگان علما اعتقاد زیادی به آن حضرت داشته اند و دارند و لذا شیخ بزرگوار «حاجی نوری» (نورّاللَّه مرقده)، در تعمیر بقعه و ضریح مبارکش سعی و تلاش بسیار کرد.

زیارت وداع عسکریّین:

هرگاه خواستی با امام هادی و امام عسکری علیهما السلام وداع کنی نزد قبر مطهّر آن دو بزرگوار بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَیْکُما یا وَلِیَّیِ اللَّهِ، اسْتَوْدِعُکُمَا اللَّهَ وَاقْرَءُ عَلَیْکُمَا السَّلامَ، آمَنَّا

سلام بر شما ای دو ولیّ خدا، شما را به خدا می سپارم و بر شما درود می فرستم،

بِاللَّهِ وَبِالرَّسوُلِ وَبِما جِئْتُما بِهِ، وَدَلَلْتُما عَلَیْهِ، اللهُمَّ اکْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدینَ.

به خدا و رسولش و به آنچه شما آورده و به آن راهنمایی نموده اید ایمان داریم، خدایا ما را در زمره گواهان ثبت فرما.

آنگاه از خداوند توفیق بازگشت مجدّد به زیارت آن دو بزرگوار را مسألت نما و به آنچه دوست داشتی دعا کن که ان شاء الله برآورده خواهد شد. (1)

ص: 501

1- [617]تهذیب الأحکام، جلد 6، صفحه 95، باب 45 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 63.

فصل نهم: زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام

اشاره

قبل از بیان این زیارت یادآوری دو نکته لازم است:

1- سرداب مقدّس کجاست؟

مرحوم محدّث قمی در «مفاتیح الجنان» می گوید: آنچه به عنوان سرداب مطهّر حضرت حجّت علیه السلام گفته می شود همان سرداب داخل خانه امام حسن عسکری علیه السلام است که قبل از بنای جدید و ساختن قبّه و حرم برای قبر عسکریّین، راه ورود در آن سرداب در طرف پشت قبر مطهّر عسکریّین، یعنی نزدیک قبر نرجس خاتون قرار داشت که به مقیاس وضعیّت فعلی، ممکن است در قسمت رواق فعلی واقع شده باشد.

این راه بود که با پایین رفتن از پله آن و سپس گذشتن از دالان به در سرداب غیبت می رسیدند که در آن آیینه کاری شده و پنجره آن از طرف قبله، به صحن عسکریّین باز می شود.

2- زمان زیارت حضرت

در فصل زیارت ائمّه بقیع علیهم السلام گذشت که از روایت سلیمان بن عیسی از پدرش از امام صادق علیه السلام به دست می آید که زیارت امام حیّ (که در این زمان حضرت مهدی علیه السلام می باشد) در هر مکانی ممکن است چنان که از همین روایت استفاده می شود که روز جمعه در میان سایر ایّام و زمان ها ویژگی خاصّی دارد.(1) پس بر عاشقان و شیعیان آن حضرت است که اگر ممکن شد هر صبح، یادی از آن حضرت کنند و با بعضی از زیارت ها و دعاهایی که ذکرش خواهد آمد، زمزمه و نجوایی با آن بزرگوار داشته باشند و هم برای سلامتی و ظهور حضرتش دعا کنند و اگر هر روز ممکن نشد لااقل هفته ای یک بار، روز جمعه آن حضرت را در مکان مناسبی زیارت کنند و به تعبیر بعضی از دعاها باید «دل را با یاد او آباد نگه داشت».(2)

ص: 502

1- [618]کامل الزیارات، باب 96، صفحه 287، حدیث 4 و این روایت می تواند به سؤال آنهایی که می پرسند: برای رفتن به مسجد جمکران، چه

زمانی مناسب تر است پاسخ دهد.

2- [619]اللهم کما جعلت قلبی بذکره معموراً، فاجعل سلاحی بنصرته مشهوراً(بحارالانوار، جلد 99، صفحه 103).

کیفیّت زیارت آن حضرت

اذن دخول:

برای ورود در سرداب مقدّس اذن دخول زیر کفایت می کند:

همان اذن دخولی که «سیّدبن طاووس» آن را نقل کرده و از جهت مضامین، قریب به نخستین اذن دخولی است که در اوایل بخش زیارات تحت عنوان «اذن دخول» (صفحه 220) گذشت.

یا اذن دخولی که «علاّمه مجلسی» از نسخه ای قدیمی آن را نقل کرده و با «

اللّهم إنّ هذه بقعه ...

» شروع می شود و آن را نیز سابقاً در اوایل بخش زیارات (صفحه 222) به عنوان دوّمین اذن دخول ذکر کردیم.

***

زیارت اوّل (زیارت آل یاسین):

«شیخ جلیل، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی» در کتاب شریف «احتجاج» روایت کرده که از ناحیه مقدّس حضرت مهدی علیه السلام زیارت زیر در پاسخ نامه «محمّد حمیری» آمده است که زیارتی است بسیار عالی و پرمحتوا (و در سرداب مقدس و غیر آن می توان از آن استفاده کرد)، آن حضرت فرمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، لا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ، وَ لا مِنْ اوْلِیائِهِ تَقْبَلُونَ، حِکْمَهٌ بالِغَهٌ فَما تُغْنِی النُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لا یُؤْمِنُونَ، السَّلامُ عَلَیْنا وَ عَلی عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحینَ

. هر گاه خواستید بوسیله ما به خدا، و به سوی ما توجّه کنید، این زیارت را بخوانید.

این زیارت مطابق نقل «بحارالانوار» چنین است:

سَلامٌ عَلی آلِ یس، السَّلامُ عَلَیْکَ یا داعِیَ اللّهِ وَرَبَّانِیَّ آیاتِهِ، السَّلامُ

سلام بر آل یس، سلام بر تو ای دعوت کننده (به سوی) خدا و پرورش یافته آیات الهی،

عَلَیْکَ یا بابَ اللَّهِ وَدَیَّانَ دینِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا خَلیفَهَ اللَّهِ وَناصِرَ حَقِّهِ،

سلام بر تو ای درگاه (رحمت) خدا ومبلّغ دینش، سلام بر تو ای جانشین خدا (در زمین) و یاور دینش،

السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ وَدَلیلَ ارادَتِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا تالِیَ کِتابِ اللَّهِ

سلام بر تو ای حجت خدا و راهنمای اراده اش سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا

وَتَرْجُمانَهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ فی آناءِ لَیْلِکَ وَاطْرافِ نَهارِکَ، السَّلامُ عَلَیْکَ

و مفسّر آن سلام بر تو در طول شب و روز سلام بر تو

ص: 503

یا بَقِیَّةَ اللَّهِ فی ارْضِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا میثاقَ اللَّهِ الَّذی اخَذَهُ وَوَکَّدَهُ،

ای ذخیره الهی در زمین او، سلام بر تو ای پیمانی که خدا آن را گرفته و محکم ساخته است

السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَعْدَ اللَّهِ الَّذی ضَمِنَهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْعَلَمُ

سلام بر تو ای وعده خدا که آن را ضمانت نموده، سلام بر تو ای نشانه

الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ، وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَهُ الْواسِعَهُ، وَعْداً غَیْرَ

نصب شده، و دانش فراوان، و فریادرس و رحمت وسیع، و ای وعده

مَکْذُوبٍ، السَّلامُ عَلَیْکَ حینَ تَقُومُ، السَّلامُ عَلَیْکَ حینَ تَقْعُدُ، السَّلامُ

صادق (الهی)، سلام بر تو هنگامی که بپا می خیزی سلام بر تو هنگامی که می نشینی، سلام

عَلَیْکَ حینَ تَقْرَءُ وَتُبَیِّنُ، السَّلامُ عَلَیْکَ حینَ تُصَلّی وَتَقْنُتُ، السَّلامُ

بر تو هنگامی که (قرآن) می خوانی و تفسیر می کنی، سلام بر تو هنگامی که نماز می خوانی و قنوت می گیری، سلام

عَلَیْکَ حینَ تَرْکَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلامُ عَلَیْکَ حینَ تُهَلِّلُ وَتُکَبِّرُ، السَّلامُ

بر تو هنگامی که رکوع کرده و سجده می کنی سلام بر تو هنگامی که «لااله الا اللّه» و تکبیر می گویی، سلام

عَلَیْکَ حینَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلامُ عَلَیْکَ حینَ تُصْبِحُ وَتُمْسی

بر تو هنگامی که ستایش خدا کرده و آمرزش می طلبی، سلام بر تو هنگامی که صبح و شام می کنی،

السَّلامُ عَلَیْکَ فِی اللَّیْلِ اذا یَغْشی وَالنَّهارِ اذا تَجَلّی السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا

سلام بر تو در شب آن هنگام که سیاهیش فراگیر شود و در روز آن هنگام که آشکار گردد، سلام بر تو ای

الْإِمامُ الْمَاْمُونُ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَاْمُولُ، السَّلامُ عَلَیْکَ

امام مورد اطمینان، سلام بر تو ای پیشی گرفته ای که همه آرزوی تو را دارند،

بِجَوامِعِ السَّلامِ، اشْهِدُکَ یا مَوْلایَ انّی اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا

همه سلام ها بر تو باد مولای من تو را گواه می گیرم که شهادت می دهم بر اینکه معبودی جز خدا نیست، یگانه ای که

شَریکَ لَهُ، وَانَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لا حَبیبَ الَّا هُوَ وَاهْلُهُ، وَاشْهِدُکَ

شریکی ندارد و محمّد بنده و فرستاده اوست، محبوبی جز او و خاندانش نیست، و مولای من تو را گواه

یا مَوْلایَ انَّ عَلِیّاً امیرَ الْمُؤْمِنینَ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ، وَالْحُسَیْنَ

می گیرم که علی امیرمؤمنان حجّت خداست و امام حسن حجّت او و امام حسین

حُجَّتُهُ، وَعَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ حُجَّتُهُ، وَجَعْفَرَ بْنَ

حجّت او و علی بن حسین حجّت او، و محمد بن علی، حجّت او و جعفر بن

مُحَمَّدٍّ حُجَّتُهُ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ، وَعَلِىَّ بْنَ مُوسى حُجَّتُهُ،

محمّد حجّت او، و موسى بن جعفر حجّت او، و على بن موسى حجت او،

وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ حُجَّتُهُ، وَعَلِىَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِىٍ

و محمد بن على حجت او و على بن محمد حجت او و حسن بن على

حُجَّتُهُ، وَاشْهَدُ انَّکَ حُجَّهُ اللَّهِ، انْتُمُ الْأَوَّلُ وَ الْاخِرُ، وَ انَّ رَجْعَتَکُمْ حَقٌّ لا

حجت اوست و گواهى مى دهم كه تو حجت خدايى، آغاز و پايان شماييد و اين كه رجعت شما حق است

رَيْبَ فيها، يَوْمَ لا يَنْفَعُ نَفْساً ايمانُها، لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ اوْ كَسَبَتْ

وهيچ شكى در آن نيست، روزى كه ايمان آوردن كسى كه قبلاً ايمان نياورده يا در ايمانش

فى ايمانِها خَيْراً، وَانَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَانَّ ناكِراً وَنَكيراً حَقٌّ، وَاشْهَدُ انَ

عمل نيكى انجام نداده سودى به حالش نخواهد داشت، و اينكه به يقين مرگ و (آمدن دو فرشته) ناكر و نكير (در قبر) حق است، و

النَّشْرَ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌ 620]، وَانَّ الصِّراطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصادَ حَقٌّ، وَالْميزانَ

گواهى مى دهم كه زنده شدن دوباره و برانگيخته شدن حق است و پل صراط و كمين گاه قيامت حق است، و سنجش اعمال

حَقٌّ، وَالْحَشْرَ حَقٌّ، وَالْحِسابَ حَقٌّ، وَالْجَنَّهَ وَالنَّارَ حَقٌّ، وَالْوَعْدَ

و محشور شدن و رسيدگى به حساب اعمال حق است و بهشت و دوزخ حق است، و وعده و وعيدهاى بهشت و جهنم حق

وَالْوَعيدَ بِهِما حَقٌّ، يا مَوْلاىَ شَقِىَ مَنْ خالَفَكُمْ، وَسَعِدَ مَنْ اطاعَكُمْ،

است، اى مولاى من مخالف شما بدبخت و مطيع شما خوشبخت است،

فَاشْهَدْ عَلی ما اشْهَدْتُکَ عَلَیْهِ، وَ ا نَا وَلِیٌّ لَکَ، بَریٌ مِنْ عَدُوِّکَ، فَالْحَقُّ ما

پس بر آنچه تو را بر آن شاهد گرفتم گواهی ده، و من دوست شمایم و از دشمنانتان بیزارم، حق آن است که

رَضیتُمُوهُ، وَ الْباطِلُ ما اسْخَطْتُمُوهُ [621]، وَ الْمَعْرُوفُ ما امَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْکَرُ

شما را خشنود ساخته و باطل آن است که شما را به خشم آورده و معروف آن است که شما به آن فرمان داده اید و منکر

ما نَهَیْتُمْ عَنْهُ، فَنَفْسی مُؤْمِنَهٌ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ

آن است که شما از آن نهی کرده اید، پس من ایمان دارم به خدای یگانه ای که شریکی ندارد و به فرستاده او

وَبِامیرِالْمُؤْمِنینَ، وَبِکُمْ یا مَوْلایَ، اوَّلِکُمْ وَآخِرِکُمْ، وَنُصْرَتی مُعَدَّهٌ لَکُمْ،

و به امیرمؤمنان و به شما ای مولای من اوّلین و آخرینتان، و برای یاریتان آماده ام

ص: 505

وَمَوَدَّتی خالِصَهٌ لَکُمْ، آمینَ آمینَ آنگاه این دعا خوانده شود: اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ

و دوستی من نسبت به شما خالص است، دعایم را بپذیر، دعایم را بپذیر،******* خدایا از تو می خواهم

انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ نَبِیِّ رَحْمَتِکَ، وَکَلِمَهِ نُورِکَ، وَانْ تَمْلَأَ قَلْبی نُورَ

که بر محمّد پیامبر رحمتت و آفریده پرنورت درود فرستی و پر کنی دلم را از نور

الْیَقینِ، وَصَدْری نُورَ الْإیمانِ، وَفِکْری نُورَ النِّیّاتِ، وَعَزْمی نُورَ الْعِلْمِ،

یقین و سینه ام را از نور ایمان و فکرم را از نور اراده، و عزمم را از نور علم

وَقُوَّتی نُورَ الْعَمَلِ، وَلِسانی نُورَ الصِّدْقِ، وَدینی نُورَ الْبَصآئِرِ مِنْ عِنْدِکَ،

و توانم را از نور عمل، و زبانم را از نور صداقت و دینم را از نور روشنایی های نزدت،

وَبَصَری نُورَ الضِّیآءِ، وَسَمْعی نُورَ الْحِکْمَهِ، وَمَوَدَّتی نُورَ الْمُوالاهِ

و چشمم را از نور روشناییت، و گوشم را از نور حکمت، و محبّتم را از نور دوستی

لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ، حَتّی الْقاکَ وَقَدْ وَفَیْتُ بِعَهْدِکَ وَمیثاقِکَ،

محمّد و خاندان پاکش- که بر ایشان درود باد- (پر کنی) تا هنگامی که تو را ملاقات کنم در حالی که به عهد و پیمانت

فَتُغَشّیَنی رَحْمَتَکَ، یا وَلِیُّ یا حَمیدُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ حُجَّتِکَ فی

وفا نمودم پس مرا با رحمت خود بپوشان، ای سرپرست، ای ستوده، خدایا درود فرست بر محمّد (امام زمان) حجّتت در

ارْضِکَ، وَخَلیفَتِکَ فی بِلادِکَ، وَالدّاعی الی سَبیلِکَ، وَالْقآئِمِ بِقِسْطِکَ،

زمین و جانشینت در شهرهایت و دعوت کننده به راهت و بپادارنده قسط و عدل تو،

وَالثّآئِرِ بِامْرِکَ، وَلِیِّ الْمُؤْمِنینَ، وَبَوارِ الْکافِرینَ، وَمُجَلِّی الظُّلْمَهِ، وَمُنیرِ

و بپاخواسته برای اجرای فرمانت، همان سرپرست مؤمنان و نابودکننده کافران، و زائل کننده تاریکی و روشن کننده

الْحَقِّ، وَالنّاطِقِ بِالْحِکْمَهِ وَالصِّدْقِ، وَکَلِمَتِکَ التّآمَّهِ فی ارْضِکَ،

حق، و گوینده حکمت و راستی و حجّت کاملت در زمین،

الْمُرْتَقِبِ الْخآئِفِ، وَالْوَلِیِّ النّاصِحِ، سَفینَهِ النَّجاهِ، وَ عَلَمِ الْهُدی وَ نُورِ

آن منتظر نگران، و سرپرست خیرخواه، همان کشتی نجات و نشانه هدایت و روشنی

ابْصارِ الْوَری وَ خَیْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدی وَ مُجَلِّی الْعَمی الَّذی یَمْلَأُ

چشمان مخلوقات، بهترین کسی که پیراهن و ردا پوشیده و برطرف کننده جهالت و نادانی، کسی که

الْأَرْضَ عَدْلاً وَقِسْطاً، کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ

زمین را از عدل و داد پر می کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است، زیرا که تو بر هر چیز

قَديرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى وَلِيِّکَ وَابْنِ اوْلِيآئِکَ الَّذينَ فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ،

توانايى، خدايا بر وليّت و فرزند اوليائت درود فرست، آنانى که اطاعتشان را

وَاوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَاذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهيراً، اللهُمَ

لازم و رعايت حقّشان را واجب فرمودى و ناپاکى را از آنها دور ساخته و به شايستگى پاکشان نمودى، خدايا

انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدينِکَ، وَانْصُرْ بِهِ اوْلِيآئَکَ، وَ اوْلِيآئَهُ وَشيعَتَهُ وَانْصارَهُ،

ياريش کن و دينت را به دست او يارى کن، و دوستدارانت و دوستداران و شيعيان و ياورانش

وَاجْعَلْنا مِنْهُمْ، اللَّهُمَّ اعِذْهُ مِنْ شَرِّ کُلِّ باغٍ وَطاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَميعِ خَلْقِکَ،

را به وسيله او يارى کن و ما را در زمره آنان قرار ده، خدايا او را از شرّ هر ظالم و طغيانگر و از شرّ تمامى مخلوقاتت،

وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ، وَاحْرُسْهُ

و از پيش رو و پشت سر و از سمت راست و چپ حفظ کن، و نگهدار او باش و از رسيدن آسيب

وَامْنَعْهُ مِنْ انْ يُوصَلَ الَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فيهِ رَسُولَکَ، وَآلَ رَسُولِکَ،

به او جلوگيرى کن، و با حفظ او رسولت و خاندانش را حفظ کن، و با او عدل را

وَاظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَايِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْ ناصِريهِ، وَاخْذُلْ خاذِليهِ، وَاقْصِمْ

ظاهر کن و با ياريش او را تأييد کن، و ياورانش را يارى کن، و مخالفانش را خوار گردان، و دشمنانش را درهم شکن،

قاصِميهِ، وَاقْصِمْ بِهِ جَبابِرَةَ الْکُفْرِ، وَاقْتُلْ بِهِ الْکُفَّارَ وَ الْمُنافِقينَ، وَ جَميعَ

و به دست او گردنکشان کفر را درهم شکن و بدست او کافران و منافقان و تمامی

الْمُلْحِدینَ حَیْثُ کانُوا مِنْ مَشارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغارِبِها، بَرِّها وَ بَحْرِها،

بی دینان را در هر جا که هستند چه در شرق زمین و چه در غرب آن و چه در خشکی و چه در دریا

وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَاظْهِرْ بِهِ دینَ نَبِیِّکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ،

نابود کن، و به دست او زمین را از عدل پر کن، و به دست او دین پیامبرت- که درود خدا بر او و خاندان پاکش

وَاجْعَلْنِی اللَّهُمَّ مِنْ انْصارِهِ وَ اعْوانِهِ، وَ اتْباعِهِ وَ شیعَتِهِ، وَارِنی فی آلِ

باد- را ظاهر کن، خدایا مرا از یاران و یاوران و پیروان و شیعیانش قرار ده و آنچه را خاندان محمد- که بر آنان درود

مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ ما یَأْمُلُونَ، وَفی عَدُوِّهِمْ ما یَحْذَرُونَ، الهَ الْحَقِ

باد- آرزو داشتند در مورد دشمنانشان بیم داشتند به من نشان ده ای معبود بر حق دعایم را

آمینَ، یا ذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

بپذیر، ای صاحب شکوه و بزرگواری، ای مهربان ترین مهربانان. یادآوری: همان گونه که اشاره شد این زیارت از زیارات مطلقه است و اختصاصی به سرداب مقدّس ندارد، لذا در هر زمان- مخصوصاً عصر جمعه- می توان آن را خواند.

***

زیارت دوم (زیارت مخصوص سرداب):

«علّامه مجلسی» از «شیخ مفید» و «شهید اوّل» و «مولّف مزار کبیر» نقل می کند که هرگاه از زیارت جدّ و پدر حضرت حجّت علیه السلام فارغ شدی بر دَرِ حرم آن حضرت بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا خَلیفهَ اللَّهِ وَخَلَیفهَ آبآئِهِ الْمَهْدِیّینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

سلام بر تو ای جانشین خدا و جانشین پدران هدایت یافته ات، سلام بر تو ای

وَصِیَّ الْأَوْصِیآءِ الْماضینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حافِظَ اسْرارِ رَبِّ الْعالَمینَ،

جانشین اوصیای گذشته، سلام بر تو ای حافظ اسرار پروردگار جهانیان

السَّلامُ عَلَیْکَ یا بَقِیَّهَ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَهِ الْمُنْتَجَبینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ

سلام بر تو ای ذخیره خدا از میان برگزیدگان باشرافت، سلام بر تو ای فرزند

الْأَنْوارِ الزَّاهِرَهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ الْأَعْلامِ الْباهِرَهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ

نورهای تابان، سلام بر تو ای فرزند نشانه های فروزان، سلام بر تو ای فرزند

الْعِتْرَهِ الطَّاهِرَهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَعْدِنَ الْعُلُومِ النَّبَوِیَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

خاندان پاک، سلام بر تو ای گنجینه دانشهای نبوی، سلام بر تو ای

بابَ اللّٰهِ الّذی لا یُؤْتی الّا مِنْهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَبیلَ اللّٰهِ الّذی مَنْ سَلَکَ

درگاه رسیدن به خدا که جز از آن داخل نشوند، سلام بر تو ای راه رسیدن به خدا که اگر کسی غیر آن را بپیماید

غَیْرَهُ هَلَکَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا ناظِرَ شَجَرَهِ طُوبی وَسِدْرَهِ الْمُنْتَهی

هلاک می شود، سلام بر تو ای بیننده درخت طوبی و سدره المنتهی

السَّلامُ عَلَیْکَ یا نُورَ اللَّهِ الَّذی لا یُطْفی السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ الَّتی لا

سلام بر تو ای نور خدا که هرگز خاموش نشود، سلام بر تو ای حجّت خدا که

1- [622]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 81، حدیث 1 و احتجاج، جلد 2، صفحه 492(با اندکی تفاوت).

تَخْفى السَّلامُ عَلَيْکَ یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى مَنْ فِى الْأَرْضِ وَالسَّماۤءِ، السَّلامُ

مخفى نباشد، سلام بر تو اى حجّت خدا بر هر كه در زمين و آسمان است، اسلام

عَلَيْکَ سَلامَ مَنْ عَرَفَکَ بِما عَرَّفَکَ بِهِ اللَّهُ، وَنَعَتَکَ بِبَعْضِ نُعُوتِکَ الَّتى انْتَ

بر تو همانند سلام كسى كه تو را مى شناسد آن گونه كه خداوند معرّفى نموده است (و همانند سلام كسى كه) تو را با بعضى از صفاتت كه

اهْلُها وَفَوْقَها، اشْهَدُ انَّکَ الْحُجَّهُ عَلى مَنْ مَضى وَمَنْ بَقِىَ، وَانَّ حِزْبَکَ

شايسته آن و برتر از آنى توصيف كرده است، گواهى مى دهم كه تو به يقين بر تمامى گذشتگان و آيندگان حجّت هستى و به يقين گروه تو

هُمُ الْغالِبُونَ، وَاوْلِياۤئَکَ هُمُ الْفاۤئِزُونَ، وَاعْداۤئَکَ هُمُ الْخاسِرُونَ، وَانَّکَ

پيروزند، و پيروانت رستگار، و دشمنانت زيانكارند، به يقين تو

خازِنُ کُلِّ عِلْمٍ، وَفاتِقُ کُلِّ رَتْقٍ، وَمُحَقِّقُ کُلِّ حَقٍّ، وَمُبْطِلُ کُلِّ باطِلٍ،

گنجينه تمام علوم و گشاينده تمام گره ها، و احقاق كننده هر حق و باطل كننده هر باطلى

رَضيتُکَ يا مَوْلاىَ اماماً وَهادِياً وَوَلِيّاً وَمُرْشِداً، لا ابْتَغى بِکَ بَدَلًا، وَلَا

اى مولاى من به امامت و هدايتگرى و ولايت و راهنمايى تو راضيم و براى تو جايگزينى نگرفته

اتَّخِذُ مِنْ دُونِکَ وَلِيّاً، اشْهَدُ انَّکَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذى لا عَيْبَ فيهِ، وَانَ

و جز تو سرپرستى برنخواهم گزيد، گواهى مى دهم كه به يقين تو حقّ ثابتى هستى كه ايرادى در آن نيست،

وَعْدَ اللَّهِ فيکَ حَقٌّ، لَاارْتابُ لِطُولِ الغَيْبَهِ وَبُعْدِ الْأَمَدِ، وَلا اتَحَيَّرُ مَعَ مَنْ

و وعده خدا در مورد تو حقّ است، و بخاطر طولانی بودن غیبت و دوری مدّت، تردید نخواهم کرد، و به همراه

جَهِلَکَ وَجَهِلَ بِکَ، مُنْتَظِرٌ مُتَوَقِّعٌ لِأَیّامِکَ، وَانْتَ الشّافِعُ الَّذی لا تُنازَعُ،

بیخبران از تو و جاهلان به تو سرگردان نمی شوم، و منتظر و چشم به راه روزهای حضور توام، و تویی شفاعت کننده بدون منازع

و الْوَلِیُّ الَّذی لا تُدافَعُ، ذَخَرَکَ اللّهُ لِنُصْرَهِ الدّینِ، وَاعْزازِ الْمُؤْمِنینَ،

و سرپرست بی بدیل، که خداوند تو را برای یاری دین و عزّت مؤمنان

وَالْإِنْتِقامِ مِنَ الْجاحِدینَ الْمارِقینَ، اشْهَدُ انَّ بِوِلایَتِکَ تُقْبَلُ الْأَعْمالُ،

و انتقام از منکران (حق) و بیرون روندگان از دین ذخیره نموده است، گواهی می دهم که به یقین با ولایت تو اعمال پذیرفته

وَتُزَکَّی الْأَفْعالُ، وَتُضاعَفُ الْحَسَناتُ، وَتُمْحَی السَّیِّئاتُ، فَمَنْ جآءَ

و کردار پاک، و نیکیها چند برابر و گناهان پاک شود، پس کسی که

بِوِلایَتِکَ، وَاعْتَرَفَ بِامامَتِکَ، قُبِلَتْ اعْمالُهُ، وَصُدِّقَتْ اقْوالُهُ، وَتَضاعَفَتْ

به ولایتت داخل شده و به امامتت اقرار کند، اعمالش قبول و گفتارش تصدیق می شود و نیکیهایش چند برابر

ص :509

حَسَناتُهُ، وَمُحِيَتْ سَيِّئاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَنْ وِلايَتِکَ، وَجَهِلَ مَعْرِفَتَکَ،

و گناهانش پاک می شود، و کسی از ولایتت خارج شود و تو را نشناسد

وَاسْتَبْدَلَ بِکَ غَيْرَکَ، کَبَّهُ اللَّهُ عَلی مَنْخَرِهِ فِی النَّارِ، وَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا،

و به جای تو دیگری را جایگزین کند، خداوند او را به صورتش در آتش اندازد و عملش را نپذیرد

وَلَمْ يُقِمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيامَهِ وَزْناً، اشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهِدُ مَلائِکَتَهُ، وَاشْهِدُکَ يا

و برای اعمالش در روز قیامت ارزشی قائل نشود، خداوند و فرشتگانش و تو را ای مولای من بر این (سخنان)

مَوْلایَ بِهذا ظاهِرُهُ کَباطِنِهِ، وَسِرُّهُ کَعَلانِيَتِهِ، وَانْتَ الشَّاهِدُ عَلی ذلِکَ،

گواه می گیرم، سخنانی که ظاهر و باطن و پنهان و آشکارش یکی است، و تویی گواه بر این امور

وَهُوَ عَهْدی الَيْکَ، وَميثاقی لَدَيْکَ، اذْ انْتَ نِظامُ الدّينِ، وَيَعْسُوبُ

و این عهد من است نزدت و پیمان من است در پیشگاهت، چرا که تویی نظام دین و پیشوای بزرگ

الْمُتَّقينَ، وَعِزُّ الْمُوَحِّدينَ، وَبِذلِکَ امَرَنی رَبُّ الْعالَمينَ، فَلَوْ تَطاوَلَتِ

پرهیزکاران، و عزّت یکتاپرستان، و به آن پروردگار جهانیان فرمان داده است، پس هرگاه

الدُّهُورُ وَتَمادَّتِ الْأَعْمارُ لَمْ ازْدَدْ فيکَ الَّا يَقيناً، وَلَکَ الّا حُبّاً، وَعَلَيْکَ

روزگار ما به دازا کشد و عمرها طولانی گردد، افزوده نگردد جز بر یقین من نسبت به تو و محبّتم به تو،

الَّا مُتَّکَلًا وَمُعْتَمَداً، وَلِظُهُورِکَ الَّا مُتَوَقَّعاً وَمُنْتَظَراً، وَلِجِهادی بَيْنَ يَدَيْکَ

و توکل و اعتمادم به تو و توقّع و انتظار ظهور تو و اشتیاق جهاد در کنار تو

مُتَرَقّباً، فَابْذُلُ نَفْسی وَ مالی وَ وَلَدی وَ اهْلی وَ جَمیعَ ما خَوَّلَنی رَبّی

پس جان و مال و فرزند و خانواده و تمامی آنچه که پروردگارم به من عنایت فرموده در پیش رویت

بَیْنَ یَدَیْکَ، وَالتَّصَرُّفَ بَیْنَ امْرِکَ وَ نَهْیِکَ، مَوْلایَ فَانْ ادْرَکْتُ ایَّامَکَ

فدا می کنم و در اختیار امر و نهی تو می گذارم، ای مولای من پس اگر روزگار درخشان

الزَّاهِرَهَ، وَاعْلامَکَ الْباهِرَهَ، فَها ا نَا ذا عَبْدُکَ الْمُتَصَرِّفُ بَیْنَ امْرِکَ وَنَهْیِکَ،

و نشانه های آشکارت را درک نمودم، پس من همان بنده توام که اختیارم به دست امر و نهی توست

ارْجُو بِهِ الشَّهادَهَ بَیْنَ یَدَیْکَ، وَالْفَوْزَ لَدَیْکَ، مَوْلایَ فَانْ ادْرَکَنِی الْمَوْتُ

که به واسطه آن امید شهادت در پیش رویت و رستگاری در نزدت را دارم، ای مولای من اگر پیش از

قَبْلَ ظُهُورِکَ، فَانّی اتَوَسَّلُ بِکَ وَباباآئِکَ الطَّاهِرینَ الَی اللَّهِ تَعالی وَاسْئَلُهُ

ظهورت مرگم فرا رسد، به واسطه تو و پدران پاکت به درگاه خداوند بلندمرتبه متوسّل می شوم و از او می خواهم

انْ يُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ يَجْعَلَ لى كَرَّةً فى ظُهُورِکَ،

که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستد و بازگشت در ظهورت و

وَرَجْعَةً فى ايَّامِکَ، لِأَبْلُغَ مِنْ طاعَتِکَ مُرادى وَاشْفِىَ مِنْ اعْدآئِکَ

رجوع در روزگارت را نصیبم گرداند، تا با اطاعتت به مقصودم برسم و دلم را از (انتقام) دشمنانت

فُؤادى مَوْلاىَ وَقَفْتُ فى زِيارَتِکَ مَوْقِفَ الْخاطِئينَ النَّادِمينَ،

خشنود سازم، ای مولای من، در زیارتت در جایگاه خطاکاران پشیمان

الْخآئِفينَ مِنْ عِقابِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَقَدِ اتَّکَلْتُ عَلى شَفاعَتِکَ،

که از کیفر پروردگار جهانیان ترسانند، قرار گرفته ام، و بر شفاعتت توکل کرده

وَرَجَوْتُ بِمُوالاتِکَ وَ شَفاعَتِکَ مَحْوَ ذُنُوبى وَ سَتْرَ عُيُوبى وَ مَغْفِرَةَ

و به واسطه پیروی از تو و شفاعتت به پاکی از گناهان و پوشیدگی عیبها و آمرزش لغزشهایم

زَلَلى فَکُنْ لِوَلِيِّکَ يا مَوْلاىَ عِنْدَ تَحْقيقِ امَلِهِ، وَاسْئَلِ اللَّهَ غُفْرانَ زَلَلِهِ،

امیدوارم، پس ای مولای من همراه دوستدارت باش در هنگام تحقّق آرزویش و از خداوند آمرزش لغزشش را بخواه

فَقَدْ تَعَلَّقَ بِحَبْلِکَ، وَ تَمَسَّکَ بِوِلايَتِکَ، وَ تَبَرَّءَ مِنْ اعْدآئِکَ، اللَّهُمَّ صَلِ

چرا که دست به دامنت شده و به ولایتت متمسّک شده و از دشمنانت بیزاری جسته است، خدایا

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَانْجِزْ لِوَلِيِّکَ ما وَعَدْتَهُ، اللهُمَّ اظْهِرْ کَلِمَتَهُ، وَاعْلِ

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و آنچه به ولیّت وعده فرمودی وفا کن، خدایا آئینش را آشکار ساز و دعوتش را

دَعْوَتَهُ، وَانْصُرْهُ عَلی عَدُوِّهِ وَعَدُوِّکَ یا رَبَّ الْعالَمینَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی

ظاهر گردان، و او را بر دشمنانش و دشمنانت پیروز گردان ای پروردگار جهانیان، خدایا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاظْهِرْ کَلِمَتَکَ التّآمَّهَ، وَمُغَیَّبَکَ فی ارْضِکَ، الْخآئِفَ

محمّد و خاندان پاکش درود فرست و حجّت بابرکت و پنهان شده در زمینت را ظاهر کن همان نگران

الْمُتَرَقِّبَ، اللهُمَّ انْصُرْهُ نَصْراً عَزیزاً، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً قَرِیباً یَسیراً،

در حال انتظار، خدایا او را با عزّت یاری کن و برای او پیروزی نزدیک و آسان قرار ده

اللَّهُمَّ وَاعِزَّ بِهِ الدّینَ بَعْدَ الْخُمُولِ، وَ اطْلِعْ بِهِ الْحَقَّ بَعْدَ الْأُفُولِ، وَ اجْلِ بِهِ

خدایا به واسطه او دین را بعد از گمنامی عزّت ده و حق را بعد از غروب آشکار ساز و به واسطه او

الظُّلْمَهَ، وَاکْشِفْ بِهِ الْغُمَّهَ، اللَّهُمَّ وَآمِنْ بِهِ الْبِلادَ، وَاهْدِ بِهِ الْعِبادَ، اللهُمَ

تاریکیها را روشنی بخش و غصّه ها را برطرف کن، خدایا به واسطه او شهرها را ایمن گردان و بندگانت را هدایت کن، خدایا

ص :511

امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطاً، کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً، انَّکَ سَمیعٌ

زمین را به دست او پر از عدل و داد کن همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است، چرا که تو به یقین شنوا

مُجیبٌ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ، ائْذَنْ لِوَلِیِّکَ فی الدُّخُولِ الی حَرَمِکَ،

و پاسخگویی، سلام بر تو ای ولیّ خدا، به دوستدارت برای داخل شدن در حرمت اجازه فرما

صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْکَ وَعَلی ابآئِکَ الطَّاهِرینَ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ.(1)

درود خدا بر تو و بر پدران پاکت، و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

آنگاه به طرف سرداب غیبت آن حضرت حرکت کن و رخصت بطلب و وارد شو و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

و با طمأنینه و حضور قلب پایین برو و در عرصه سرداب، دو رکعت نماز بخوان وبگو: اللَّهُ اکْبَرُ اللَّهُ اکْبَرُ، لا الهَ الَّا اللَّهُ وَاللَّهُ اکْبَرُ، وَللَّهِ الْحَمْدُ، الْحَمْدُ للَّهِ

******* خدا بزرگتر از هر چیز است، خدا بزرگتر از هر چیز است، معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر از هر چیز است، و حمد و سپاس از آن اوست

الَّذی هَدانا لِهذا، وَعَرَّفَنا اوْلِیآئَهُ وَاعْدآئَهُ، وَوَفَّقَنا لِزِیارَهِ ائِمَّتِنا، وَلَمْ

حمد و سپاس از آن خداوندی است که ما را به این (زیارت) هدایت نمود، و دوستان و دشمنانش را به ما شناساند، و ما را به زیارت

یَجْعَلْنا مِنَ الْمُعانِدینَ النَّاصِبینَ، وَلا مِنَ الْغُلاهِ الْمُفَوِّضینَ، وَلا مِنَ

پیشوایانمان موفّق نمود، و ما را از دشمنان ناصبی و غلوکنندگان تفویضی و

الْمُرْتابینَ الْمُقَصِّرینَ، السَّلامُ عَلی وَلِیِّ اللَّهِ وَابْنِ اوْلِیآئِهِ، السَّلامُ عَلی

تردیدکنندگان سهل انگار قرار نداد، سلام بر ولی خدا و فرزند اولیایش، سلام بر

الْمُدَّخَرِ لِکَرامَهِ اوْلِیآءِ اللَّهِ، وَبَوارِ اعْدآئِهِ، السَّلامُ عَلی النُّورِ الَّذی ارادَ

ذخیره شده برای گرامیداشت اولیای خدا و درهم کوبنده دشمنانش، سلام بر نوری که کافران قصد

اهْلُ الْکُفْرِ اطْفآئَهُ، فَابَی اللَّهُ الَّا انْ یُتِمَّ نُورَهُ بِکُرْهِهِمْ، وَایَّدَهُ بِالْحَیاهِ

خاموش کردنش را داشتند ولی خداوند خواست که نورش را با وجود ناخشنودی آنان کامل گرداند و او را با زندگانی (طولانی) تأیید نماید

حَتّی یُظْهِرَ عَلی یَدِهِ الْحَقَّ بِرَغْمِهِمْ، اشْهَدُ انَّ اللَّهَ اصْطَفیکَ صَغیراً،

تا حق به دست او علی رغم میل آنان ظاهر شود، گواهی می دهم که خداوند تو را در خردسالی برگزید

وَاکْمَلَ لَکَ عُلُومَهُ کَبیراً، وَانَّکَ حَیٌّ لا تَمُوتُ حَتّی تُبْطِلَ الْجِبْتَ

و در بزرگسالی دانشش را بر تو کامل نمود، و به یقین تویی زنده ای که نخواهی مرد تا بتها

1- [623]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 116 و مزار کبیر، صفحه 586 و مزار شهید، صفحه 203.

وَالطَّاغُوتَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلى خُدَّامِهِ، وَاعْوانِهِ عَلى غَيْبَتِهِ وَنَأْيِهِ،

و طاغوتها را نابود كنى، خدايا بر او و بر خدمتگذاران و ياورانش در زمان غيبت و دوريش درود فرست

وَاسْتُرْهُ سَتْراً عَزيزاً، وَاجْعَلْ لَهُ مَعْقِلاً حَريزاً، وَاشْدُدِ اللهُمَّ وَطْاَتَكَ

و او را به خوبى حفظ فرما، و براى او پناهگاه محكمى قرار ده، و خدايا به سختى دشمنانش را پايمال

عَلى مُعانِديهِ، وَاحْرُسْ مَوالِيَهُ وَزآئِريهِ، اللَّهُمَّ كَما جَعَلْتَ قَلْبى بِذِكْرِهِ

كن، و دوستان و زيارت كنندگانش را حفظ كن، خدايا همان گونه كه دلم را با يادش

مَعْمُوراً، فَاجْعَلْ سِلاحى بِنُصْرَتِهِ مَشْهُوراً، وَانْ حالَ بَيْنى وَبَيْنَ لِقآئِهِ

حيات بخشيدى، پس سلاحم را براى ياريش آماده قرار ده، و اگر مرگ بين من و ديدارش جدايى

الْمَوْتُ الَّذى جَعَلْتَهُ عَلى عِبادِكَ حَتْماً، وَاقْدَرْتَ بِهِ عَلى خَليقَتِكَ

اندازد همان مرگى كه بر بندگانت حتمى كرده، و به رغم ميل بندگانت آن را بر آنان مسلّط

رَغْماً، فَابْعَثْنى عِنْدَ خُرُوجِهِ ظاهِراً مِنْ حُفْرَتى مُؤْتَزِراً كَفَنى حَتّى

ساخته اى، پس در زمان قيامش مرا از قبرم كفن پوشان خارج كن تا

اجاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فى الصَّفِّ الَّذى اثْنَيْتَ عَلى اهْلِهِ فى كِتابِكَ، فَقُلْتَ

در پيش رويش جهاد كنم در گروه آنان كه در قرآنت آنها را ستايش نموده و فرمودى:

كَاَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ، اللهُمَّ طالَ الْإِنْتِظارُ، وَشَمِتَ بِنَا الْفُجَّارُ،

گویی آنان بنایی آهنینند، خدایا انتظار طولانی شد و بدکاران ما را سرزنش کردند

وَصَعُبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِصارُ، اللهُمَّ ارِنا وَجْهَ وَلِيِّکَ الْمَيْمُونِ فی حَیاتِنا

و برای ما یافتن یاور سخت شده است، خدایا چهره مبارک ولیّت را در زمان حیات و بعد از مردن به ما

وَبَعْدَ الْمَنُونِ، اللهُمَّ انّی ادينُ لَکَ بِالرَّجْعَهِ بَيْنَ يَدَیْ صاحِبِ هذِهِ

نشان ده، خدایا من برای رجعت پیش روی صاحب این مکان، آماده و مطیع

الْبُقْعَهِ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ يا صاحِبَ الزَّمانِ، قَطَعْتُ فی وُصْلَتِکَ

توام، به فریاد رس، به فریاد رس به فریاد رس، ای صاحب عصر و زمان، برای رسیدن به تو، دوستان صمیمیم را

الْخُلّانَ، وَهَجَرْتُ لِزِيارَتِکَ الْأَوْطانَ، وَاخْفَيْتُ امْری عَنْ اهْلِ الْبُلْدانِ،

رها کردم، و برای زیارتت ترک دیار گفتم و عقیده ام را از اهل شهرها پنهان ساختم

لِتَکُونَ شَفيعاً عِنْدَ رَبِّکَ وَرَبّی وَ الی ابآئِکَ وَمَوالِیَّ فی حُسْنِ التَّوْفيقِ

تا در نزد پروردگار تو و من شفیعم باشی، و در نزد پدرانت سروران من در عاقبت بخیری

ص: 513

لى وِاسْباغِ النّعْمَهِ عَلَىَّ، وَسَوْقِ الْإِحْسانِ الَىَّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ

و فراوانى نعمت و روى آوردن لطفت به من (شفيعم باشى) خدايا بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ اصْحابِ الْحَقِّ، وَقادَهِ الْخَلْقِ، وَاْسْتَجِبْ مِنّى ما دَعَوْتُکَ،

و خاندان پاكش همان ياران حقّ و پيشوايان خلق درود فرست، و آنچه از تو خواستم برايم اجابت كن

وَاعْطِنى ما لَمْ انْطِقْ بِهِ فى دُعآئى مِنْ صَلاحِ دينى وَ دُنْياىَ، انَّکَ حَميدٌ

و آنچه از صلاح دين و دنيايم در دعايم به زبان نياوردم عطايم كن، چرا كه تو ستوده

مَجيدٌ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرينَ. آنگاه داخل صفّه (ايوان) شو و دو و بزرگوارى و درود خدا بر محمّد و خاندان پاكش باشد.*****************

ركعت نماز بخوان و بگو: اللهُمَّ عَبْدُکَ الزَّآئِرُ فى فِنآءِ وَلِيِّکَ، الْمَزُورِ الَّذى

*********** خدايا بنده زائرت در درگاه ولىّ توست، زيارت شده اى كه

فَرَضْتَ طاعَتَهُ عَلَى الْعَبيدِ وَالْأَحْرارِ، وَانْقَذْتَ بِهِ اوْلِيآئَکَ مِنْ عَذابِ

اطاعتش را بر بندگان و آزادگان واجب نمودى و به واسطه او دوستدارانت را از عذاب دوزخ نجات

النَّارِ، اللهُمَّ اجْعَلْها زِيارَهً مَقْبُولَهً ذاتَ دُعآءٍ مُسْتَجابٍ، مِنْ مُصَدِّقٍ

دادى، خدايا اين زيارت را پذيرفته شده با دعاى اجابت شده از ناحيه تصديق كننده

بِوَلِيِّکَ غَيْرِ مُرْتابٍ، اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَ لا بِزِيارَتِهِ، وَ لا

بدون ترديد وليت قرار ده، خدايا اين زيارت را آخرين ديدار و زيارت از او قرار مده

تَقْطَعْ اثَری مِنْ مَشْهَدِهِ وَ زِیارَهِ ابیهِ وَ جَدِّهِ، اللهُمَّ اخْلِفْ عَلَیَّ نَفَقَتی

و ارتباطم را از زیارتگاه او و زیارت پدر و جدش قطع نکن، خدایا مخارج سفرم را جبران کن

وَانْفَعْنی بِما رَزَقْتَنی فی دُنْیایَ وَ آخِرَتی لی وَلِإِخْوانی وَابَوَیَّ وَجَمیعِ

و به آنچه روزیم نموده ای در دنیا و آخرت به من و برادران و پدر و مادر و تمامی

عِتْرَتی اسْتَوْدِعُکَ اللَّهَ ایُّهَا الْإِمامُ الَّذی یَفُوزُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، وَیَهْلِکُ عَلی

خانواده ام سود بخش، به خدا می سپارمت ای امامی که مؤمنان به واسطه تو رستگار شوند و

یَدَیْهِ الْکافِرُونَ الْمُکَذِّبُونَ، یا مَوْلایَ یَابْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ، جِئْتُکَ

کافرانِ تکذیب کننده به دستت هلاک گردند، ای مولای من ای ابا الحسن بن علی، برای

زآئِراً لَکَ وَلِأَبیکَ وَجَدِّکَ، مُتَیَقِّناً الْفَوْزَ بِکُمْ، مُعْتَقِداً امامَتَکُمْ، اللهُمَ

زیارت تو و پدر و جدت به درگاهت آمده ام در حالی که به رستگاری خود به واسطه شما یقین داشته و به امامتتان معتقدم، خدایا

ص: 514

اكْتُبْ هذِهِ الشَّهادَهَ وَالزِّیارَهَ لی عِنْدَکَ فی عِلِّیّینَ، وَبَلِّغْنی بَلاغَ

این گواهی و زیارت را برای من نزدت در بالاترین درجات ثبت کن، و مرا به سرمنزل شایستگان

الصَّالِحینَ، وَانْفَعْنی بِحُبِّهِمْ یا رَبَّ الْعالَمینَ.(1)

برسان، و به واسطه محبّت آنها به من سود رسان ای پروردگار جهانیان

***

زیارت سوم:

از جمله زیاراتی که مرحوم علّامه مجلسی از «سیّد بن طاووس» نقل کرده، بدین قرار است:

خطاب به آن حضرت می گویی:

السَّلامُ عَلَی الْحَقِّ الْجَدیدِ، وَالْعالِمِ الَّذی عِلْمُهُ لایَبیدُ، السَّلامُ عَلی

سلام بر حقّ جدید، و عالمی که علمش تمام نشود، سلام بر

مُحْیِی الْمُؤْمِنینَ، وَمُبیرِ الْکافِرینَ، السَّلامُ عَلی مَهْدِیِّ الْأُمَمِ، وَجامِعِ

حیات بخش مؤمنان، و درهم کوبنده کافران، سلام بر مهدی امّتها، جمع کننده

الْکَلِمِ، السَّلامُ عَلی خَلَفِ السَّلَفِ، وَ صاحِبِ الشَّرَفِ، السَّلامُ عَلی

تمام گروه ها، سلام بر جانشین گذشتگان، و صاحب شرافت، سلام بر

حُجَّهِ الْمَعْبُودِ، وَکَلِمَهِ الْمَحْمُودِ، السَّلامُ عَلی مُعِزِّ الْأَوْلِیآءِ، وَمُذِلِ

حجّت خدا (بر بندگان)، و کلمه ستوده، سلام بر عزّت بخش دوستان و خوارکننده

الْأَعْدآءِ، السَّلامُ عَلی وارِثِ الْأَنْبِیآءِ، وَخاتَمِ الْأَوْصِیآءِ، السَّلامُ عَلَی

دشمنان، سلام بر وارث پیامبران و خاتم جانشینان، سلام بر

الْقآئِمِ الْمُنْتَظَرِ، وَالْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ، السَّلامُ عَلَی السَّیْفِ الشّاهِرِ، وَالْقَمَرِ

قیام کننده ای که انتظارش کشیده می شود و دادگستر مشهور، سلام بر شمشیر برکشیده، و ماه

الزّاهِرِ، وَالنُّورِ الْباهِرِ، السَّلامُ عَلی شَمْسِ الظَّلامِ، وَبَدْرِ التَّمامِ، السَّلامُ

تابان، و نور درخشان، سلام بر خورشید تاریکیها و ماه کامل، سلام

عَلی رَبیعِ الْأَنامِ، وَنَضْرَهِ الْأَیّامِ، السَّلامُ عَلی صاحِبِ الصَّمْصامِ،

بر بهار انسانها، و شادمانی روزگار، سلام بر صاحب شمشیر بران،

ص: 515

1- [624]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 102 و مزار کبیر، صفحه 657(با اندکی تفاوت).

وَوَفَلَّاقِ الْهامِ، السَّلامُ عَلی صاحِبِ الدِّینِ الْمَاْثُورِ، وَالْکِتابِ الْمَسْطُورِ،

وشکافنده سَرها، سلام بر صاحب دین باقیمانده (از پیغمبر اکرم) و کتاب نگاشته شده (از سوی خدا)

السَّلامُ عَلی بَقِیَّهِ اللَّهِ فی بِلادِهِ، وَ حُجَّتِهِ عَلی عِبادِهِ، الْمُنْتَهی الَیْهِ

سلام بر ذخیره خدا در شهرها و حجّت بر بندگانش، که میراث پیامبران به او

مَواریثُ الْأَنْبِیآءِ، وَلَدَیْهِ مَوْجُودٌ آثارُ الْأَصْفِیآءِ، الْمُؤْتَمَنِ عَلَی السِّرِّ،

ختم شده و آثار برگزیدگان نزدش موجود است، همان امین بر اسرار

وَالْوَلِیِّ لِلْأَمْرِ، السَّلامُ عَلَی الْمَهْدِیِّ الَّذی وَعَدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأُمَمَ، انْ

و ولیّ امور، سلام بر مهدی که خداوند عزیز و گرامی وعده آمرزش را به امّتها داده است که

یَجْمَعَ بِهِ الْکَلِمَ، وَیَلُمَّ بِهِ الشَّعَثَ، وَیَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا،

همه گروه ها را به وسیله او متحد کند و پریشانی را التیام بخشد و زمین را به واسطه او پر از عدل و داد کند

وَیُمَکِّنَ لَهُ، وَیُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنینَ، اشْهَدُ یا مَوْلایَ انَّکَ وَ الْأَئِمَّهَ مِنْ

و به او قدرت دهد و به واسطه او به وعده مؤمنان وفا کند، گواهی می دهم ای مولای من که تو و امامان از

آبآئِکَ ائِمَّتی وَمَوالِیَّ فِی الْحَیوهِ الدُّنْیا، وَ یَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهادُ، اسْئَلُکَ یا

پدرانت پیشوایان و مولاهای من هستید، در زندگی دنیا و در روزی که گواهان بپا خیزند، ای مولای من از تو می خواهم

مَوْلایَ انْ تَسْئَلَ اللَّهَ تَبارَکَ وَتَعالی فی صَلاحِ شَاْنی وَقَضآءِ حَوآئِجی

که از خداوند بلندمرتبه و برتر اصلاح کار و برآورده شدن حاجتها

وَغُفْرانِ ذُنُوبی وَالْأَخْذِ بِیَدی فی دینی وَدُنْیایَ وَآخِرَتی لی

و آمرزش گناهان و دستگیری در دین و دنیا و آخرتم را بخواهی، برای خودم

وَلِإِخْوانی وَاخَواتِیَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ کَآفَّةً، انَّهُ غَفُورٌ رَحیمٌ.

و برای تمامی برادران و خواهران با ایمانم، چرا که او آمرزنده و مهربان است.

آنگاه دوازده رکعت نماز به عنوان نماز زیارت بجای می آوری بعد از هر دو رکعت، سلام می دهی و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام می گویی و آن را به آن حضرت هدیه می کنی و هنگامی که از نماز فارغ شدی می گویی:

اللهُمَّ صَلِّ عَلی حُجَّتِکَ فی ارْضِکَ، وَخَلیفَتِکَ فی بِلادِکَ، الدَّاعی الی

خدایا درود فرست بر حجّتت در زمینت و جانشینت در شهرهایت، همان دعوت کننده

ص: 516

سَبیلِکَ، وَالْقآئِمِ بِقِسْطِکَ، وَالْفآئِزِ بِاَمْرِکَ، وَلِیِّ الْمُؤْمِنینَ، وَمُبیرِ

به راهت و قیام کننده به عدل و داد تو، و پیروز به فرمانت، آن سرپرست مؤمنان و درهم کوبنده

الْکافِرینَ، وَمُجَلِّی الظُّلْمَهِ، وَمُنیرِ الْحَقِّ، وَالصَّادِعِ بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ

کافران، و روشنی بخش تاریکی و آشکار کننده حق و جدا کننده (حق از باطل) با حکمت و پند

الْحَسَنَهِ وَالصِّدْقِ، وَکَلِمَتِکَ وَعَیْبَتِکَ، وَعَیْنِکَ فی اَرْضِکَ، الْمُتَرَقِّبِ

نیکو و راستی، و گفتار و رازت و دیده ات در زمین، و چشم براه

الْخآئِفِ، الْوَلِیِّ النَّاصِحِ، سَفینَهِ النَّجاهِ، وَعَلَمِ الْهُدی وَنُورِ اَبْصارِ الْوَری

نگران و سرپرست خیرخواه، کشتی نجات و نشانه هدایت و نور چشم مخلوقات

وَخَیْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدی وَالْوِتْرِ الْمَوْتُورِ، وَمُفَرِّجِ الْکَرْبِ، وَمُزیلِ

و بهترین کسی که پیراهن و قبای امامت را بپوشد و یگانه ای که انتقام گیرنده است، گشایش دهنده گرفتاری و از بین برنده

الْهَمِّ، وَکاشِفِ الْبَلْوی صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَعَلی آبائِهِ الْأَئِمَّهِ الْهادینَ،

غم و برطرف کننده سختی، درود خدا بر او و بر پدرانش همان امامان هدایتگر

وَالْقادَهِ الْمَیامینِ، ما طَلَعَتْ کَواکِبُ الْأَسْحارِ، وَ اَوْرَقَتِ الْأَشْجارُ، وَ اَیْنَعَتِ

و پیشوایان بابرکت، مادامی که ستارگان در سحرگاهان طلوع کنند و درختان برگ درآورند و میوه ها

الْأَثْمارُ، وَاخْتَلَفَ اللَّیْلُ والنَّهارُ، وَغَرَّدَتِ الْأَطْیارُ، اللَّهُمَّ انْفَعْنا

برسند، و شب و روز در رفت و آمدند و پرندگان آواز خوانند، خدایا محبّتش به ما

بِحُبِّهِ، وَاحْشُرْنا فی زُمْرَتِهِ، وَتَحْتَ لِوآئِهِ، الهَ الْحَقِّ آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ.(1)

سود رسان، و ما را در گروه او و زیر پرچمش محشور کن، ای معبود بر حق دعایم را به اجابت رسان ای پروردگار جهانیان

مرحوم «سیّد بن طاووس» پس از زیارت فوق این صلوات را برای آن حضرت ذکر کرده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَیْتِهِ، وَصَلِّ عَلی وَلِیِّ الْحَسَنِ، وَوَصِیِّهِ

خدایا درود فرست بر محمّد و خاندان پاکش و درود فرست بر جانشین امام حسن و وصیّ

وَوارِثِهِ، الْقآئِمِ بِامْرِکَ، وَالْغائِبِ فی خَلْقِکَ، وَالْمُنْتَظِرِ لِإِذْنِکَ، اللهُمَ

و وارثش، آن قیام کننده به فرمانت و پنهان در میان مخلوقاتت و در انتظار اجازه ات، خدایا

1- [625]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 101 و مصباح الزائر، صفحه 441(با اندکی تفاوت).

صَلِّ عَلَيْهِ، وَقَرِّبْ بُعْدَهُ، وَانْجِزْ وَعْدَهُ، وَاوْفِ عَهْدَهُ، وَاكْشِفْ عَنْ بَاْسِهِ

بر او درود فرست، و ظهورش را نزدیک کن، و به وعده و عهدش وفا کن، پرده غیبت را از نیرویش

حِجابَ الْغَيْبَهِ، وَاظْهِرْ بِظُهُورِهِ صَحآئِفَ الِمحْنَهِ، وَقَدِّمْ امامَهُ الرُّعْبَ،

بردار، و با ظهورش اوراق غم و اندوه را برطرف کن، و هراسش را پیشاپیش (در دل دشمنان) قرار ده

وَثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ، وَاقِمْ بِهِ الْحَرْبَ، وَايِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلائِکَهِ مُسَوِّمينَ،

و دلها را به او آرام کن، و جنگ (علیه باطل) را به واسطه او برپا دار، و او را با لشکری از فرشتگان نشاندار یاری کن

وَسَلِّطْهُ عَلی اعْدآءِ دينِکَ اجْمَعينَ، وَ الْهِمْهُ انْ لا يَدَعَ مِنْهُمْ رُکْناً الَّا

و بر تمامی دشمنان دینت مسلّط گردان، و به او الهام کن که از بزرگان آنان چیزی

هَدَّهُ، وَلا هاماً الَّا قَدَّهُ، وَلا کَيْداً الَّا رَدَّهُ، وَلا فاسِقاً الَّا حَدَّهُ، وَلا فِرْعَوْنَ

باقی نگذارد، و سرهای آنان را دو نیم کند، و حیله آنها را به خودشان بازگرداند، و فاسقانشان را حدّ شرعی زند و گردنکشانشان

الَّا اهْلَکَهُ، وَلا سِتْراً الَّا هَتَکَهُ، وَلا عَلَماً الَّا نَکَّسَهُ، وَلا سُلْطاناً الَّا کَبَسَهُ،

را هلاک کند، و پرده آبروی آنها را بدرد، و پرچمشان را سرنگون کند، سلطنتشان را مورد حمله قرار دهد

وَلا رُمْحاً الَّا قَصَفَهُ، وَلا مِطْرَداً الَّا خَرَقَهُ، وَلا جُنْداً الَّا فَرَّقَهُ، وَلا مِنْبَراً

و نیزه هایشان را بشکند، و سپرهایشان را پاره کند و لشکریانشان را پراکنده کند، و منبرِ (تبلیغِ) شان را

الَّا احْرَقَهُ، وَلا سَيْفاً الَّا کَسَرَهُ، وَلا صَنَماً الَّا رَضَّهُ، وَلا دَماً الَّا اراقَهُ، وَلا

بسوزاند، و شمشیرشان را بشکند و بتهایشان را خرد کند و خونشان را بریزد، و

جَوْراً الَّا ابادَهُ، وَلا حِصْناً الَّا هَدَمَهُ، وَلا باباً الَّا رَدَمَهُ، وَلا قَصْراً الَّا

ستمشان را از بین برد، و قلعه شان را ویران کند، و درهایشان را ببندد، و قصرشان را

اخْرَبَهُ، وَلا مَسْکَناً الَّا فَتَّشَهُ، وَلا سَهْلًا الَّا اوْطَئَهُ، وَلا جَبَلًا الَّا صَعَدَهُ،

خراب کند و منزلشان را تفتیش کند، و زمینهای هموارشان را زیر پا گیرد و کوهها را فتح کند

وَلا کَنْزاً الَّا اخْرَجَهُ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

و گنجهایشان را خارج سازد، به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

زیارت چهارم و استغاثه به امام زمان علیه السلام:

برای استغاثه و طلب حاجت بوسیله آن حضرت از درگاه خداوند، دو رکعت نماز بخوان و آنگاه زیر آسمان، رو به قبله بایست و بگو:

ص: 518

1- [626]مصباح الزائر، صفحه 442 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 102.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

سَلامُ اللَّهِ الْکامِلُ التَّآمُّ الشَّامِلُ الْعآمُّ، وَصَلَواتُهُ الدَّآئِمَهُ، وَبَرَکاتُهُ الْقآئِمَهُ

سلام کامل و تمام و جامع و شامل از سوی خدا و درودهای همیشگی و برکت های مستمر

التَّآمَّهُ، عَلی حُجَّهِاللَّهِ وَوَلِیِّهِ فی ارْضِهِ وَبِلادِهِ، وَخَلیفَتِهِ عَلی خَلْقِهِ

و تمام او بر حجّت خدا و ولیّش در زمین و شهرهایش و جانشین او بر آفریدگان

وَعِبادِهِ، وَسُلالَهِ النُّبُوَّهِ، وَبَقِیَّهِ الْعِتْرَهِ وَالصَّفْوَهِ، صاحِبِ الزَّمانِ، وَمُظْهِرِ

و بندگانش و خلف و بازمانده خاندان نبوّت و برگزیدگان، همان صاحب عصر و زمان و ظاهرکننده

الْإیمانِ، وَمُلَقِّنِ احْکامِ الْقُرْآنِ، وَمُطَهِّرِ الْأَرْضِ، وَناشِرِ الْعَدْلِ فِی

ایمان و تعلیم دهنده احکام قرآن، و پاک کننده زمین (از ستم)، و گستراننده عدالت در

الطُّولِ وَالْعَرْضِ، وَالْحُجَّهِ الْقآئِمِ الْمَهْدِیِّ الْإِمامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِیِّ،

سراسر زمین، و حجّت پاینده، حضرت مهدی آن امام منتظر پسندیده

وَابْنِ الْأَئِمَّهِ الطَّاهِرینَ، الْوَصِیِّ بْنِ الْأَوْصِیآءِ الْمَرْضِیّینَ، الْهادِی

و فرزند امامان پاک، و جانشین و فرزند جانشینان پسندیده، و هدایتگر

الْمَعْصُومِ، ابْنِ الْأَئِمَّهِ الْهُداهِ الْمَعْصُومینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُعِزَّ الْمُؤْمِنینَ

معصوم (از خطا)، فرزند امامان هدایتگر معصوم (از خطا)، سلام بر تو ای عزّت بخش مؤمنان

الْمُسْتَضْعَفینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُذِلّ الْکافِرینَ الْمُتَکَبِّرینَ الظّالِمینَ،

مستضعف، سلام بر تو ای خوارکننده کافران متکبّر ستمگر،

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا صاحِبَ الزَّمانِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ

سلام بر تو ای مولای من ای صاحب عصر و زمان، سلام بر تو ای فرزند رسول

اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ امیرِ الْمُؤْمِنینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ فاطِمَةَ

خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان، سلام بر تو ای فرزند فاطمه

الزَّهْرآءِ، سَیِّدَهِ نِسآءِ الْعالَمینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ الْأَئِمَّهِ الْحُجَجِ

زهرا، سرور بانوان جهانیان، سلام بر تو ای فرزند امامان آن حجّت های

الْمَعْصُومینَ، وَالْإِمامِ عَلَی الْخَلْقِ اجْمَعینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ،

معصوم (از خطا)، و (سلام بر تو) پیشوای تمامی مخلوقات، سلام بر تو ای مولای من،

ص: 519

سَلامَ مُخْلِصٍ لَکَ فِی الْوِلایَهِ، اشْهَدُ انَّکَ الْإِمامُ الْمَهْدِیُّ قَوْلاً وَفِعْلاً،

همانند سلام کسی که خالص در ولایتِ توست، گواهی می دهم که به یقین تویی آن پیشوای هدایت یافته در گفتار و کردار

وَانْتَ الَّذی تَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً، بَعْدَ ما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً،

و تویی کسی که زمین را پر از عدل و داد می کند، بعد از آن که از ظلم و ستم پر شد

فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَکَ، وَسَهَّلَ مَخْرَجَکَ، وَقَرَّبَ زَمانَکَ، وَکَثَّرَ انْصارَکَ

پس خداوند در فرجت تعجیل کرده و راه را برای خروجت هموار سازد و زمان (ظهورت) را نزدیک گرداند و بر یاران

وَاعْوانَکَ، وَانْجَزَ لَکَ ما وَعَدَکَ، فَهُوَ اصْدَقُ الْقآئِلینَ: وَنُریدُ انْ نَمُنَّ عَلَی

و یاورانت بیفزاید، و آنچه به تو وعده نموده وفا کند، چرا که او صادق ترین گویندگان است (که فرمود:) ما اراده کرده ایم تا بر

الَّذینَ اسْتُضْعِفُوافِی الْأَرْضِ، وَنَجْعَلَهُمْ ائِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ. یا

مستضعفان زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. ای

مَوْلایَ یا صاحِبَ الزَّمانِ، یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، حاجَتی کَذاوَکَذا (بجای کَذا وَ کَذا مولای من ای صاحب عصر و زمان، ای فرزند رسول خدا حاجاتم چنین و چنان است*********

حاجات خود را ذکرکند) فَاشْفَعْ لی فی نَجاحِها، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ الَیْکَ بِحاجَتی

********* پس در برآورده شدنش شفیعم باش، با حاجتم به تو رو نموده ام

لِعِلْمی انَّ لَکَ عِنْدَ اللَّهِ شَفاعَةً مَقْبُولَةً، وَمَقاماً مَحْمُوداً، فَبِحَقِّ مَنِ

چرا که می دانم شفاعت تو نزد پروردگار پذیرفته شده و دارای جایگاه ستوده ای، پس به حق آن که

اخْتَصَّكُمْ بِامْرِهِ، وَارْتَضاكُمْ لِسِرِّهِ، وَبِالشَّاْنِ الَّذی لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَیْنَكُمْ

انجام اوامرش را به شما واگذارده، و شما را برای اسرارش پسندید و به حق جایگاهی که شما نزد خدا بین خود و او دارید

وَبَیْنَهُ، سَلِ اللَّهَ تَعالی فی نُجْحِ طَلِبَتی وَاجابَهِ دَعْوَتی وَكَشْفِ كُرْبَتی

از خدای بلندمرتبه، برآوردن درخواستم و قبولی دعایم و برطرف شدن گرفتاریم را درخواست کن.

* آنگاه هر حاجتی که داری، بخواه که ان شاءاللّه تعالی برآورده می شود. (1) یادآوری:

این زیارت و استغاثه نیز اختصاص به سرداب مقدّس ندارد بلکه هر زمان و هر مکان می توان آن را بجا آورد.

1- [627]الکلم الطیّب، تألیف سید علی صدر الدّین،(معروف به سیّد علی خان) صفحه 83. این دعا در بحارالانوار، جلد 98، صفحه 373، حدیث 16(با تفاوت هایی) آمده است.

دعاهای مربوط به آن حضرت:

اشاره

در پایان این فصل (فصل زیارات حضرت حجّت علیه السلام) به پنج دعا اشاره می کنیم که در ارتباط با سلامتی و تعجیل ظهور آن حضرت و رفع مشکلات یاران او و این که ما نیز از سربازان و مدافعان و شیعیان واقعی آن بزرگوار و از ملازمان او و بعد از ظهورش باشیم وارد شده است.

دعای اوّل (دعای ندبه):

این دعا در بخش دوم این کتاب در صفحه 189 گذشت.

دعای دوم (دعای بعد از نماز صبح):

از دعاهایی که در «مصباح الزائر» بعد از دعای ندبه ذکر شده (و از آن به زیارت تعبیر گردیده است) دعایی است که بعد از نماز صبح خوانده می شود:

اللهُمَّ بَلِّغْ مَوْلایَ صاحِبَ الزَّمانِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِ، عَنْ جَمیعِ

خدایا برسان به مولای من حضرت صاحب الزمان- که درودهای تو بر او باد- از طرف همه

الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ فی مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها، وَبَرِّها وَبَحْرِها،

مردان و زنان با ایمان که در شرق ها وغربهای زمینند و در خشکی و دریا هستند

وَسَهْلِها وَجَبَلِها، حَیِّهِمْ وَمَیِّتِهِمْ، وَعَنْ والِدَیَّ وَوُلْدی وَعَنّی مِنَ

و در همواری زمین و کوهند، زنده شان و مرده شان و از طرف پدر و مادر و فرزندان و خود من

الصَّلَواتِ وَالتَّحِیَّاتِ زِنَهَ عَرْشِ اللّهِ، وَمِدادَ کَلِماتِهِ، وَمُنْتَهی رِضاهُ،

درودها و تحیّت هایی هموزن عرش خدا و به شماره کلمات و سخنانش و نهایت مرتبه خشنودیش

وَعَدَدَ ما احْصاهُ کِتابُهُ، وَاحاطَ بِهِ عِلْمُهُ، اللَّهُمَّ انّی اجَدِّدُ لَهُ فی هذَا

و به شماره آنچه برشمرده است آن را دفتر و کتابش و احاطه دارد بدان دانشش، خدایا من نو می کنم برای آن جناب در این

الْیَوْمِ، وَفی کُلِّ یَوْمٍ عَهْداً وَعَقْداً وَبَیْعَهً لَهُ فی رَقَبَتی اللهُمَّ کَما شَرَّفْتَنی

روز و در هر روز عهد و پیمان و بیعتی را در گردنم، چنانچه مرا مفتخر ساختی

بِهذَا التَّشْریفِ، وَفَضَّلْتَنی بِهذِهِ الْفَضیلَهِ، وَخَصَصْتَنی بِهذِهِ النِّعْمَهِ، فَصَلِ

بدین افتخار و برتریم دادی به این فضیلت و مخصوصم داشتی بدین نعمت، پس درود فرست

عَلی مَوْلایَ وَسَیِّدی صاحِبِ الزَّمانِ، وَاجْعَلْنی مِنْ انْصارِهِ وَاشْیاعِهِ

بر مولا و آقایم حضرت صاحب الزمان و قرارم ده از یاران و پیروان

وَالذّآبّینَ عَنْهُ، وَاجْعَلْنی مِنَ الْمُسْتَشْهَدینَ بَیْنَ یَدَیْهِ، طائِعاً غَیْرَ مُکْرَهٍ

و دفاع کنندگان آن حضرت و بگردانم از شهادت یافتگان در پیش رویش از روی میل و رغبت بدون اکراه و ناراحتی

ص: 521

فِی الصَّفِّ الَّذی نَعَتَّ اهْلَهُ فی کِتابِکَ، فَقُلْتَ صَفّاً کَانَّهُمْ بُنْیانٌ مَرْصُوصٌ

در آن صفی که اهل آن را در کتاب خود (قرآن) توصیف کرده و فرمودی: «صفی که گویا بنایی استوارند»

عَلی طاعَتِکَ، وَطاعَهِ رَسُولِکَ وَآلِهِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ، اللهُمَّ هذِهِ بَیْعَهٌ لَهُ

در راه فرمانبرداری تو و فرمانبرداری رسول تو و آل رسولت- که بر تمامی آنها سلام باد- خدایا این بیعتی است از آن جناب

فی عُنُقی الی یَوْمِ الْقِیمَهِ.(1)

در گردن من تا روز قیامت.

و در حقیقت با این دعا با آن حضرت تجدید بیعت می کنی.

***

دعای سوم (دعای عهد):

از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس چهل روز صبح ها این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم علیه السلام باشد.(2) به یقین تأثیر این گونه دعاها در مورد کسانی است که شرایط سربازی امام زمان علیه السلام را بدست آورده اند، نخست با خودسازی و تهذیب نفس و تلاش برای اصلاح جامعه، شایستگی حضور در میان یاران آن حضرت را کسب می کنند وسپس با خواندن این دعا حضور خود را در خدمت حضرت تضمین می نمایند. این دعا در مزار کبیر، مصباح الزائر و بحارالانوار- با تفاوت هایی نسبت به یکدیگر- آمده است و ما آن را مطابق نسخه متداول نقل می کنیم:

اللهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظیمِ، وَرَبَّ الْکُرْسِیِّ الرَّفیعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ،

خدایا، ای پروردگار نور با عظمت، و پروردگار جایگاه بلند و رفیع، و پروردگار دریای خروشان

وَمُنْزِلَ التَّوْراهِ وَالْإِنْجیلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ، وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ

و فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور، و پروردگار سایه و باد سوزان و فرو فرستنده قرآن

الْعَظیمِ، وَرَبَّ الْمَلائِکَهِ الْمُقَرَّبینَ، وَالْأَنْبِیآءِ وَالْمُرْسَلینَ، اللهُمَّ انّی

با عظمت، و پروردگار فرشتگان مقرّب و پیامبران و رسولان، خدایا از تو

اسْئَلُکَ بِوَجْهِکَ الْکَریمِ، وَبِنُورِ وَجْهِکَ الْمُنیرِ، وَمُلْکِکَ الْقَدیمِ، یا حَیُّ یا

می خواهم به حق ذات کریمانه ات و روشنایی جمال نورانیت و فرمانروایی دیرینه ات، ای زنده، ای

قَیُّومُ، اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی اشْرَقَتْ بِهِ السَّمواتُ وَالْأَرَضُونَ، وَبِاسْمِکَ

پاینده، از تو می خواهم به حق نامت که آسمان ها و زمین ها به آن روشن شده و به حق نامت

ص: 522

1- [628]مصباح الزائر، صفحه 454 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 110.
2- [629]مزار کبیر، صفحه 663 و مصباح الزائر، صفحه 455 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 111.

الَّذی یَصْلَحُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْأخِرُونَ، یا حَیّاً قَبْلَ کُلِّ حَیٍّ، وَیا حَیّاً بَعْدَ

که پیشینیان و پسینیان به آن صالح و شایسته گردیدند، ای زنده پیش از هر زنده و ای زنده پس از

کُلِّ حَیٍّ، وَیا حَیّاً حینَ لا حَیَّ، یا مُحْیِیَ الْمَوْتی وَمُمیتَ الْأَحْیآءِ، یا

تمامی زندگان، و ای زنده در زمانی که زنده ای نبود، ای زنده کننده مردگان و میراننده زندگان، ای

حَیُّ لا الهَ الَّا انْتَ، اللهُمَّ بَلِّغْ مَوْلانَا الْإِمامَ الْهادِیَ الْمَهْدِیَّ الْقآئِمَ

زنده ای که معبودی جز تو نیست، خدایا برسان به مولایم امام هدایتگر هدایت یافته آن قیام کننده

بِامْرِکَ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وعَلی ابآئِهِ الطَّاهِرینَ، عَنْ جَمیعِ الْمُؤْمِنینَ

به فرمانت- که درود خدا بر او و پدران پاکش باد- از جانب تمامی مردان

وَالْمُؤْمِناتِ فی مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها، سَهْلِها وَجَبَلِها، وَبَرِّها

و زنان با ایمان در شرق و غرب زمین، پستی ها و بلندی های آن و خشکی ها

وَبَحْرِها، وَعَنّی وَعَنْ والِدَیَّ مِنَ الصَّلَواتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِدادَ کَلِماتِهِ،

و دریاهایش، و از جانب من و پدر و مادرم، درودهایی همسنگ عرش خدا و به عدد کلماتش

وَما احْصاهُ عِلْمُهُ، وَاحاطَ بِهِ کِتابُهُ، اللَّهُمَّ انّی اجَدِّدُ لَهُ فی صَبیحَةِ یَوْمی

و به اندازه ای که دانشش احصا نموده و کتابش به آن احاطه دارد، خدایا من در صبح امروز

هذا وَما عِشْتُ مِنْ ایَّامی عَهْداً وَعَقْداً وَبَیْعَةً لَهُ فی عُنُقی لا احُولُ

و روزهای سپری شده از عمرم، عهد و پیمان و بیعتش را که بر عهده دارم، تجدید می کنم و هرگز از آن روی برنتافته

عَنْها وَلا ازُولُ ابَداً، اللهُمَّ اجْعَلْنی مِنْ انْصارِهِ وَاعْوانِهِ، وَالذَّابّینَ عَنْهُ،

و دست نکشم، خدایا قرار ده مرا از یاران و یاوران و دفاع کنندگانش

وَالْمُسارِعینَ الَیْهِ فی قَضآءِ حَوآئِجِهِ، وَالْمُمْتَثِلینَ لِأَوامِرِهِ، وَالْمُحامینَ

و از شتابندگان به برآوردن خواسته هایش و از اطاعت کنندگان فرامینش و از حمایت کنندگانش

عَنْهُ، وَالسَّابِقینَ الی ارادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهَدینَ بَیْنَ یَدَیْهِ، اللهُمَّ انْ حالَ

و از سبقت گیرندگان به انجام خواسته هایش، و از شهادت طلبان پیش رویش، خدایا اگر

بَیْنی وَبَیْنَهُ الْمَوْتُ الَّذی جَعَلْتَهُ عَلی عِبادِکَ حَتْماً مَقْضِیّاً، فَاخْرِجْنی

مرگی که بر بندگانت سرنوشت حتمی قرار داده ای میان من و او جدایی اندازد، پس مرا

مِنْ قَبْری مُؤْتَزِراً کَفَنی شاهِراً سَیْفی مُجَرِّداً قَناتی مُلَبِّیاً دَعْوَةَ

از قبرم خارج کن کفن پوشان، با شمشیر کشیده و نیزه آماده، به دعوت

الدَّاعی فِی الْحاضِرِ وَالْبادی اللهُمَّ ارِنِی الطَّلْعَهَ الرَّشیدَهَ، وَالْغُرَّهَ

آن امام در شهر و روستا لبیک گویم، خدایا آن جمال با کمال و سفیدروی

الْحَمیدَهَ، وَاکْحُلْ ناظِری بِنَظْرَهٍ مِنّی الَیْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ،

ستوده را به من نشان ده، و دیدگانم را با نگاهی به سوی او روشنی بخش و در فرجش تعجیل فرما و خروجش را آسان

وَاوْسِعْ مَنْهَجَهُ، وَاسْلُکْ بی مَحَجَّتَهُ، وَانْفِذْ امْرَهُ، وَاشْدُدْ ازْرَهُ، وَاعْمُرِ

و راهش را هموار گردان، و مرا به راهش هدایت کن و فرمانش را نافذ گردان و او را یاری کن، و خدایا

اللهُمَّ بِهِ بِلادَکَ، وَاحْیِ بِهِ عِبادَکَ، فَانَّکَ قُلْتَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ، ظَهَرَ الْفَسادُ

به وسیله او شهرهایت را آباد و بندگانت را زنده گردان، چرا که تو فرموده ای و گفتارت حق است: «فساد در صحرا و دریا

فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِما کَسَبَتْ ایْدِی النَّاسِ، فَاظْهِرِ الّلهُمَّ لَنا وَلِیَّکَ وَابْنَ بِنْتِ

بخاطر کارهایی که مردم انجام داده اند آشکار شده است»، خدایا ولیّت و فرزند دختر

نَبِیِّکَ الْمُسَمّی بِاسْمِ رَسُولِکَ، حَتّی لا یَظْفَرَ بِشَیْ ءٍ مِنَ الْباطِلِ الَّا مَزَّقَهُ،

پیامبرت را که همنام رسول توست برای ما ظاهر گردان، تا این که بر هر باطلی پیروز شده و آن را از هم بپاشد

وَیُحِقَّ الْحَقَّ وَیُحَقِّقَهُ، وَاجْعَلْهُ اللهُمَّ مَفْزَعاً لِمَظْلُومِ عِبادِکَ، وَناصِراً

و احقاق حق کرده و به آن جامه عمل بپوشاند، خدایا قرار ده او را پناهگاه بندگان مظلومت و یاور

لِمَنْ لا یَجِدُ لَهُ ناصِراً غَیْرَکَ، وَمُجَدِّداً لِما عُطِّلَ مِنْ احْکامِ کِتابِکَ،

آنان که یاوری جز تو نمی یابند، و تجدیدکننده احکام رهاشده از کتابت

وَمُشَيِّداً لِما وَرَدَ مِنْ اعْلامِ دينِکَ، وَسُنَنِ نَبِيِّکَ صَلّی اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

و محکم کننده نشانه های دینت و سنت های پیامبرت- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد-

وَاجْعَلْهُ اللهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِن بَاْسِ الْمُعْتَدينَ، اللهُمَّ وَسُرَّ نَبِيَّکَ مُحَمَّداً

و خدایا او را از کسانی قرار ده که از گزند دشمنان حفظش کرده ای، خدایا پیامبرت محمّد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَتِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلى دَعْوَتِهِ، وَارْحَمِ اسْتِكانَتَنا

- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- و کسانی که او را در دعوتش پیروی کرده اند را به دیدارش خشنود کن، و به درماندگی

بَعْدَهُ، اللهُمَّ اكْشِفْ هذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنا

ما پس از او رحم کن، خدایا با حضورش این غم را از این امّت برطرف کرده، و در ظهورش برای ما تعجیل فرما

ظُهُورَهُ، انَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعيداً وَنَريهُ قَريباً، بِرَحْمَتِکَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

(زیرا تو خود فرمودی) «آنها آن روز را دور می بینند و ما آن را نزدیک می بینیم»، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

ص: 524

سپس سه مرتبه دست بر ران راست خود می زنی و در هر مرتبه می گویی:

الْعَجَلَ الْعَجَلَ یا مَوْلایَ یا صاحِبَ الزَّمانِ.(1)

***

دعای چهارم:

یونس بن عبدالرحمن از امام رضا علیه السلام نقل کرده که آن حضرت امر فرمودند که با این دعا حضرت صاحب الامر (مهدی علیه السلام) را دعا کنید:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِیّکَ وَخَلیفَتِکَ وَحُجَّتِکَ عَلی خَلْقِکَ، وَلِسانِکَ الْمُعَبِّرِ

خدایا دفاع کن از ولیّ و جانشین و حجّتِ بر مخلوقاتت و زبان گویایت،

عَنْکَ، النَّاطِقِ بِحِکْمَتِکَ، وَعَیْنِکَ النَّاظِرَهِ بِاذْنِکَ، وَشاهِدِکَ عَلی عِبادِکَ،

همان سخن گوینده به حکمتت و دیدگان بینای به اذنت، و گواه بر بندگانت،

الْجَحْجاحِ الْمُجاهِدِ، الْعائِذِ بِکَ، الْعابِدِ عِنْدَکَ، وَاعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمیعِ ما

آن بزرگ مرد مبارز، پناهنده به تو، عبادت کننده به درگاهت، و او را پناه ده از شرّ تمامی آنچه

خَلَقْتَ، وَبَرَاْتَ وَانْشَاْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ

آفریده و بوجود آوردی و پرورش داده و صورت بخشیدی، و او را از مقابل و پشت سر

وَعَنْ یَمینِهِ وَعَنْ شِمالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِکَ الَّذی لا یَضیعُ

و سمت راست و چپ و بالای سر و زیر پایش حفظ کن، به حفاظتی که هر کس را که

مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فیهِ رَسُولَکَ وَ ابآئَهُ ائِمَّتَکَ وَدَعآئِمَ دینِکَ،

با آن حفظ کنی محفوظ بماند، و با حفظ او رسولت و پدرانش، همان امامان و استوانه های دینت را حفظ کن

وَاجْعَلْهُ فی وَدائِعِکَ الَّتی لا تَضیعُ، وَفی جِوارِکَ الَّذی لا یُخْفَرُ، وَفی

و او را قرار ده در ودیعه های ضایع نشدنی ات و در جوار خویش که حفاظت نخواهد، و در

مَنْعِکَ وَعِزِّکَ الَّذی لَایُقْهَرُ، وَآمِنْهُ بِامانِکَ الْوَثیقِ الَّذی لا یُخْذَلُ مَنْ

حفظ و عزّتت که شکست ناپذیر است، و ایمن گردان او را با پناه محکمت که هر کس را به آن ایمن گرداندی خوار

آمَنْتَهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فی کَنَفِکَ الَّذی لَایُرامُ مَنْ کانَ فیهِ، وَانْصُرْهُ بِنَصْرِکَ

نگردد، و قرار ده او را در حمایتت که هر کس در آن باشد مورد سوء قصد واقع نشود، و او را با یاری قویّت پیروز

الْعَزیزِ، وَایِّدْهُ بِجُنْدِکَ الْغالِبِ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِکَ، وَارْدِفْهُ بِملائِکَتِکَ، وَ والِ

گردان و با لشکریان پیروزت تأیید کن، و با قدرتت تقویت نما، و با فرشتگانت همراهیش کن، و دوستانش

1- [630]مزار کبیر، صفحه 663 و مصباح الزائر، صفحه 455 و 456 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 111.

مَنْ والاهُ، وَ عادِ مَنْ عاداهُ، وَ ا لْبِسْهُ دِرْعَکَ الْحَصینَهَ، وَ حُفَّهُ بِالْمَلائِکَهِ

را دوست و دشمنانش را دشمن بدار، و زره محکمت را به او بپوشان و با فرشتگانت به خوبی اطرافش

حَفّاً، اللهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَ ارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ، وَامِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَ اظْهِرْ

را احاطه کن، خدایا به وسیله او اختلاف را کم کن و تفرقه و جدایی را پیوند ده، و ظلم و ستم را بمیران و عدالت را

بِهِ الْعَدْلَ، وَ زَیِّنْ بِطُولِ بَقآئِهِ الْأَرْضَ، وَایِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْهُ بِالرُّعْبِ،

ظاهر گردان، و با طول عمرش زمین را زینت ده و با یاریت او را تأیید کن، و با بیم و هراس (در دل دشمنانش) او را یاری نما

وَقَوِّ ناصِریهِ، وَاخْذُلْ خاذِلیهِ، وَ دَمْدِمْ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَ دَمِّرْ مَنْ غَشَّهُ،

و یاورانش را تقویت و تضعیف کنندگانش را خوار گردان، و هر که را با او دشمنی کند نابود کن، و هر که را به او خیانت کند

وَاقْتُلْ بِهِ جَبابِرَهَ الْکُفْرِ وَ عُمُدَهُ وَ دَعآئِمَهُ، وَاقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلالَهِ،

ریشه کن ساز و به وسیله او گردنکشان و سرکرده ها و ستون های کفر را بکش، و خُرد کن به وسیله او سران گمراهی

وَشارِعَهَ الْبِدَعِ، وَمُمیتَهَ السُّنَّهِ، وَمُقَوِّیَهَ الْباطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارینَ، وَأَبِرْ

و بدعت گزاران، و نابودکنندگان سنّت (پیامبر) و تقویت کنندگان باطل را، و به وسیله او زورگویان را خوار گردان،

بِهِ الْکافِرینَ، وَجَمیعَ الْمُلْحِدینَ فی مَشارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغارِبِها، وَ بَرِّها

و کافران، و تمامی بی دینان در شرق و غرب زمین و خشکی

وَ بَحْرِها، وَ سَهْلِها وَجَبَلِها، حَتّی لا تَدَعَ مِنْهُمْ دَیَّاراً، وَ لا تُبْقی لَهُمْ

و دریا و پستی و بلندی آن را هلاک گردان، تا اینکه احدی از آنان را باقی نگذاری، و آثارشان را ریشه کن

آثاراً، اللهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلادَکَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبادَکَ، وَاعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنینَ،

کنی، خدایا شهرهایت را از وجود آنان پاک گردان، و بندگانت را از دست آنان نجات ده، و مؤمنان را به واسطه او عزّت بخش

وَاحْیِ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلینَ، وَ دارِسَ حُکْمِ النَّبِیّینَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحی

و سنّت های پیامبران و احکام محو شده آنان را زنده گردان، و به وسیله او آنچه را

مِنْ دینِکَ، وَبُدِّلَ مِنْ حُکْمِکَ، حَتّی تُعیدَ دینَکَ بِهِ، وَعَلی یَدَیْهِ جَدیداً

از دینت محو و فراموش شده و از فرمانت دگرگون شده تجدید کن، تا این که به واسطه، و به دست او، دینت را جدید،

غَضّاً مَحْضاً صَحیحاً لا عِوَجَ فیهِ، وَلا بِدْعَةَ مَعَهُ، وَحَتّی تُنیرَ بِعَدْلِهِ ظُلَمَ

تازه، خالص و صحیح گردانی در حالی که کجی و بدعت در او نباشد، و تا این که با عدالت او تاریکی های ستم را روشن

الْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ بِهِ نیرانَ الْکُفْرِ، وَ توُضِحَ بِهِ مَعاقِدَ الْحَقِّ، وَ مَجْهُولَ

سازی و آتش کفر را خاموش کنی، و جایگاه حق و عدل ناشناخته را روشن سازی،

ص :526

الْعَدْلِ، فَانَّهُ عَبْدُکَ الَّذیِ اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِکَ، وَاصْطَفَیْتَهُ عَلی غَیْبِکَ،

چرا که او بنده توست که برای خودت خالص گردانده و بر (آگاهی از) عالَم غیبت برگزیدی

وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ بَرَّاْتَهُ مِنَ الْعُیُوبِ، وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ،

و معصوم از گناهان قرار داده و از عیب ها دور ساختی و از پلیدی پاک گردانده

وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ، اللهُمَّ فَانَّا نَشْهَدُ لَهُ یَوْمَ الْقِیمَهِ، وَیَوْمَ حُلُولِ

و از آلودگی سالم داشتی، خدایا ما برای او در روز قیامت و روز وقوع حادثه بزرگ گواهی

الطَّآمَّهِ، انَّهُ لَمْ یُذْنِبْ ذَنْباً، وَ لا اتی حُوباً، وَ لَمْ یَرْتَکِبْ مَعْصِیَهً، وَلَمْ

می دهیم که او به یقین گناهی مرتکب نشده، و لغزشی نداشته و نافرمانی نکرده

یُضَیِّعْ لَکَ طاعَهً، وَلَمْ یَهْتِکْ لَکَ حُرْمَهً، وَلَمْ یُبَدِّلْ لَکَ فَریضَهً، وَ لَمْ یُغَیِّرْ

و طاعتی را ضایع نساخته و حرمت شکنی نکرده، و واجبی را تغییر نداده، و قانونی را دگرگون

لَکَ شَریعَهً، وَانَّهُ الْهادِی الْمُهْتَدِی الطَّاهِرُ، التَّقِیُّ النَّقِیُّ، الرَّضِیُّ الزَّکِیُّ،

نساخته است، و اوست به یقین هدایت کننده هدایت یافته پاکیزه، همان پرهیزگار پاک، و پسندیده خالص،

اللهُمَّ اعْطِهِ فی نَفْسِهِ وَاهْلِهِ وَوَلَدِهِ، وَذُرِّیَّتِهِ وَامَّتِهِ، وَ جَمیعِ رَعِیَّتِهِ ما

خدایا به او و خاندان و فرزندان و نسل و امّتش و تمامی پیروانش آنچه را که

تُقِرُّ بِهِ عَیْنَهُ، وَ تَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْکَ الْمُمْلَکاتِ کُلِّها، قَریبِها

مایه چشم روشنی و خوشحالی اوست عطا کن، و برای او فرمانروایی تمامی کشورهای نزدیک

وَبَعیدِها، وَعَزیزِها وَذَلیلِها، حَتّی تُجْرِیَ حُکْمَهُ عَلی کُلِّ حُکْمٍ، وَتَغْلِبَ

و دور و نیرومند و ضعیف را جمع کن، تا اینکه حکمش را بر تمامی فرمان ها غالب کرده و با حقّانیّتش

بِحَقِّهِ کُلَّ باطِلٍ، اللَّهُمَّ اسْلُکْ بِنا عَلی یَدَیْهِ مِنْهاجَ الْهُدی وَالْمَحَجَّهَ

بر باطل ها پیروز گردانی، خدایا ما را به دست او راهنمایی کن به راه هدایت و بزرگراه (سعادت)

الْعُظْمی وَالطَّریقَهَ الْوُسْطَی الَّتی یَرْجِعُ الَیْهَا الْغالی وَیَلْحَقُ بِهَا التَّالی

و راه مستقیمی که پیش افتادگان به آن بازگردند و عقب ماندگان به آن ملحق شوند

وَقَوِّنا عَلی طاعَتِهِ، وَثَبِّتْنا عَلی مُشایَعَتِهِ، وَامْنُنْ عَلَیْنا بِمُتابَعَتِهِ،

و ما را بر اطاعت از او نیرو ده و بر همراهیش ثابت قدم بدار، و با پیرویش بر ما منت گذار،

وَاجْعَلْنا فی حِزْبِهِ الْقَوَّامینَ بِامْرِهِ، الصَّابِرینَ مَعَهُ، الطَّالِبینَ رِضاکَ

و ما را در گروه او قرار ده، گروهی که قیام کننده به فرمان او، صبر کننده به همراه او، جویندگان رضایت تو

بِمُناصَحَتِهِ، حَتّى تَحْشُرَنا يَوْمَ الْقِيمَهِ فى انْصارِهِ وَاعْوانِهِ، وَمُقَوِّيَهِ

با خيرخواهى او هستند، تا اين كه ما را در روز قيامت در زمره ياران و ياوران و تقويت كنندگان

سُلْطانِهِ، اللهُمَّ وَ اجْعَلْ ذلِکَ لَنا خالِصاً مِنْ كُلِّ شَکٍّ وَشُبْهَهٍ، وَ رِياءٍ

فرمانروايى او محشور كنى، و خدايا آن را براى ما خالص از هر شک و ترديد و ريا

وَسُمْعَهٍ، حَتّى لانَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَکَ، وَلا نَطْلُبَ بِهِ الَّا وَجْهَکَ، وَحَتّى تُحِلَّنا

و شهرت طلبى قرار ده، تا اين كه به واسطه آن بر غير تو اعتماد نكنيم و جز تو را نجوييم، و تا اين كه ما را به جايگاهش

مَحَلَّهُ، وَ تَجْعَلَنا فِى الْجَنَّهِ مَعَهُ، وَ اعِذْنا مِنَ السَّأْمَهِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَهِ،

برسانى، و ما را در بهشت همراه او قرار دهى و از خستگى و كسالت و سستى دور نمايى

وَاجْعَلْنا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدينِکَ، وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّکَ، وَلاتَسْتَبْدِلْ بِنا غَيْرَنا،

و ما را از ياوران دينت و شيفتگان پيروزى وليّت قرار ده، و كسى را جايگزين ما نكن

فَانَّ اسْتِبْدالَکَ بِنا غَيْرَنا عَلَيْکَ يَسيرٌ، وَ هُوَ عَلَيْنا كَثيرٌ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى

چرا كه جايگزين كردن ديگران بجاى ما براى تو آسان است، و اين كار بر ما بسيار سنگين است، خدايا بر

وُلاهِ عَهْدِهِ، وَالْأَئِمَّهِ مِنْ بَعْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ آمالَهُمْ، وَ زِدْ فى آجالِهِمْ،

جانشينان او و پيشوايان بعد از او درود فرست، و آنان را به آرزوهايشان برسان و عمرشان را طولانى گردان

وَاعِزَّ نَصْرَهُمْ، وَتَمِّمْ لَهُمْ ما اسْنَدْتَ الَيْهِمْ مِنْ امْرِکَ لَهُمْ، وَثَبِّتْ دَعآئِمَهُمْ،

و یاورانش را عزّت بخش، و آنچه از امور حکومتت به آنان سپرده ای، کامل گردان، و پایه های آن را محکم کن،

وَاجْعَلْنا لَهُمْ اعْواناً، وَعَلی دینِکَ انْصاراً، فَانَّهُمْ مَعادِنُ کَلِماتِکَ،

و ما را یاور آنان و ناصر دینت قرار ده، چرا که آنان گنجینه سخنان

وَ خُزَّانُ عِلْمِکَ، وَ ارْکانُ تَوْحیدِکَ، وَ دَعآئِمُ دینِکَ، وَ وُلاهُ امْرِکَ،

و خزانه دار دانش تو و پایه های توحید، و استوانه های دین تو، و متولّیان حکومت

وَخالِصَتُکَ مِنْ عِبادِکَ، وَصَفْوَتُکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَاوْلِیآؤُکَ وَ سَلائِلُ

و بندگان خالص تو و برگزیدگان از مخلوقاتت و دوستداران و فرزندان

اوْلِیآئِکَ، وَ صَفْوَهُ اوْلادِ نَبِیِّکَ، وَالسَّلامُ عَلَیْهِمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ.(1)

دوستداران تو، و برگزیده از فرزندان پیامبر تو هستند، و درود و رحمت و برکات خدا بر آنان باد.

ص: 528

1- [631]بلدالامین، صفحه 81 و مصباح المتهجّد، صفحه 409.

دعای پنجم

: «سیّد بن طاووس» در «جمال الاسبوع» از «عثمان بن سعید» نائب اوّل از نوّاب اربعه نقل کرده، و می نویسد: اگر از خواندن جمیع آنچه به عنوان تعقیبات نماز عصر در روز جمعه آورده ایم معذور هستی، این دعا را بخوان و به آن اعتماد کن:

اللهُمَّ عَرِّفْنی نَفْسَکَ، فَانَّکَ انْ لَمْ تُعَرِّفْنی نَفْسَکَ لَمْ اعْرِفْ رَسُولَکَ،

خدایا خودت را به من بشناسان، چرا که اگر خودت را به من نشناسانی، رسولت را نخواهم شناخت،

اللهُمَّ عَرِّفْنی رَسُولَکَ، فَانَّکَ انْ لَمْ تُعَرِّفْنی رَسُولَکَ لَمْ اعْرِفْ حُجَّتَکَ،

خدایا رسولت را به من بشناسان چرا که اگر رسولت را به من نشناسانی، حجّتت را نخواهم شناخت،

اللهُمَّ عَرِّفْنی حُجَّتَکَ، فَانَّکَ انْ لَمْ تُعَرِّفْنی حُجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دینی

خدایا حجّتت را به من بشناسان، چرا که اگر حجّتت را به من نشناسانی، از دینم منحرف خواهم شد.

اللهُمَّ لا تُمِتْنی میتَةً جاهِلِیَّةً، وَلا تُزِغْ قَلْبی بَعْدَ اذْ هَدَیْتَنی اللَّهُمَّ فَکَما

خدایا مرا به مرگ جاهلیت نمیران، و دلم را بعد از آن که من را هدایت کردی (از راه حق) منحرف مگردان، خدایا همان گونه

هَدَیْتَنی لِوِلایَةِ مَنْ فَرَضْتَ طاعَتَهُ عَلَیَّ، مِنْ وُلاةِ امْرِکَ بَعْدَ رَسُولِکَ

که مرا به ولایت کسانی که اطاعتشان را بر من واجب نمودی هدایت کردی، همان ها که اولیا و خلفای بعد از رسولت

صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ، حَتّی والَیْتُ وُلاةَ امْرِکَ امیرَ الْمُؤْمِنینَ وَالْحَسَنَ

- که درود تو بر او و خاندان پاکش باد- بودند تا جایی که پیمان بستم با اولیای تو امیرمؤمنان و امام حسن

وَالْحُسَیْنَ، وَعَلِیّاً وَمُحَمَّداً وَجَعْفَراً وَمُوسی وَعَلِیّاً وَمُحَمَّداً وَعَلِیّاً

و امام حسین، و علی و محمّد و جعفر و موسی و علی و محمّد و علی

وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّهَ الْقآئِمَ الْمَهْدِیَّ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِمْ اجْمَعینَ، اللهُمَ

و حسن و حجت قائم مهدی، که درود تو بر تمامی آنان باد، خدایا

فَثَبِّتْنی عَلی دینِکَ، وَاسْتَعْمِلْنی بِطاعَتِکَ، وَلَیِّنْ قَلْبی لِوَلِیِّ امْرِکَ،

مرا بر دینت ثابت قدم بدار و بر بندگیت بگمار، و دلم را بر (اطاعت از) ولیّ امرت نرم کن

وَعافِنی مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَکَ، وَثَبِّتْنی عَلی طاعَهِ وَلِیِّ امْرِکَ، الَّذی

و مرا از آنچه مخلوقاتت را به آن می آزمایی، معاف کن، و بر اطاعت از ولیّ امرت ثابت قدم بدار، آن کسی که

سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِکَ، وَبِاذْنِکَ غابَ عَنْ بَرِیَّتِکَ، وَامْرَکَ یَنْتَظِرُ، وَانْتَ الْعالِمُ

او را از مخلوقاتت پوشانده ای و با اجازه تو از آفریدگانت غایب است و منتظر فرمان توست، و تو دانایی هستی که

غَيْرُ الْمُعَلَّمِ بِالْوَقْتِ الَّذی فیهِ صَلاحُ امْرِ وَلِیِّکَ، فِی الْإِذْنِ لَهُ بِاظْهارِ امْرِهِ

کسی تو را بر زمانی که در آن امر (فرج) ولیّت اصلاح خواهد شد آگاه نکرده است، در اجازه دادن به او برای ظهور

وَکَشْفِ سِرِّهِ، فَصَبِّرْنی عَلی ذلِکَ، حَتّی لا احِبَّ تَعْجیلَ ما اخَّرْتَ، وَلا

و آشکار شدن راز غیبتش، پس مرا بر آن صبور گردان، تا تعجیل در آنچه تأخیر انداخته ای

تَاْخیرَ ما عَجَّلْتَ، وَلا کَشْفَ ما سَتَرْتَ، وَلَاالْبَحْثَ عَمَّا کَتَمْتَ، وَلا

و تأخیر آنچه جلو انداخته ای را نپسندم، و نه روشن شدن آنچه پوشانده ای و نه جستجوی آنچه مخفی نموده ای و نه

انازِعَکَ فی تَدْبیرِکَ، وَلا اقُولَ لِمَ وَکَیْفَ وَما بالُ وَلِیِّ الْامْرِ لا یَظْهَرُ، وَقَدِ

مخالفت با تدبیرت و نه سؤال از چرایی و چگونگی آن و نه دلیل ظهور نکردن ولیّ امرت را، در حالی که

امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ، وَافَوِّضُ امُوری کُلَّها الَیْکَ، اللهُمَّ انّی

زمین از ستم پر شده است، و تمامی امورم را به تو واگذار می کنم، خدایا

اسْئَلُکَ انْ تُرِیَنی وَلِیَّ امْرِکَ ظاهِراً نافِذَالْأَمْرِ، مَعَ عِلْمی بِانَّ لَکَ

از تو می خواهم که ولیّ امرت را در حالی که آشکار و فرمانش نافذ باشد به من بنمایانی، با این که می دانم

السُّلْطانَ، وَالْقُدْرَهَ وَالْبُرْهانَ، وَالْحُجَّهَ وَالْمَشِیَّهَ، وَالْحَوْلَ وَ الْقُوَّهَ، فَافْعَلْ

فرمانروایی و قدرت و دلیل و حجّت و اراده و توان و نیرو از آنِ توست، پس تمامی

ذلِکَ بی وَبِجَمیعِ الْمُؤْمِنینَ، حَتّی نَنْظُرَ الی وَلِیِّکَ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِ،

آن را در حق من و همه مؤمنان انجام ده، تا ولیّت را- که درود تو بر او باد- نظاره کنیم

ظاهِرَ الْمَقالَهِ، واضِحَ الدِّلالَهِ، هادِیاً مِنَ الضَّلالَهِ، شافِیاً مِنَ الْجَهالَهِ،

در حالی که صاحب گفتار روشن و راهنمایی آشکار و هدایت کننده از گمراهی و نجات دهنده از گمراهی باشد،

ابْرِزْ یا رَبِّ مُشاهَدَتَهُ، وَ ثَبِّتْ قَواعِدَهُ، وَاجْعَلْنا مِمَّنْ تَقِرُّ عَیْنُهُ بِرُؤْیَتِهِ،

ای پروردگار من دیدارش را برایم آشکار کن، و پایه های (حکومتش) را استوار بدار، و ما را از آنانی قرار ده که چشمانشان به دیدارش روشن شود

وَاقِمْنا بِخِدْمَتِهِ، وَتَوَفَّنا عَلی مِلَّتِهِ، وَاحْشُرْنا فی زُمْرَتِهِ، اللَّهُمَّ اعِذْهُ مِنْ

و ما را به خدمتش بگمار، و بر آیین او بمیران، و در گروهش محشور کن، خدایا او را پناه ده از

شَرِّ جَمیعِ ما خَلَقْتَ، وَ ذَرَاْتَ وَ بَرَاْتَ، وَ انْشَاْتَ وَ صَوَّرْتَ، وَ احْفَظْهُ

شرّ تمامی آنچه آفریده و خلق کرده و پدید آوردی و پرورش داده و صورت بخشیدی، و او را

مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَ عَنْ یَمینِهِ وَ عَنْ شِمالِهِ، وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ

از مقابل و پشت سر و سمت راست و چپ و بالای سر و زیر

تَحْتِهِ، بِحِفْظِکَ الَّذی لا یَضیعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فیهِ رَسُولَکَ،

پا حفظ کن، به حفاظتی که ضایع نگردد کسی را که با آن حفظ می کنی، و با حفظ او (آثار) رسولت

وَوَصِیَّ رَسُولِکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ السَّلامُ، اللَّهُمَّ وَ مُدَّ فی عُمْرِهِ، وَ زِدْ فی اجَلِهِ،

و جانشین رسولت- که بر او و خاندانش درود باد- را حفظ کن، خدایا عمرش را طولانی کن و بر طول زندگیش بیفزا

وَاعِنْهُ عَلی ما وَلَّیْتَهُ وَاسْتَرْعَیْتَهُ، وَ زِدْ فی کَرامَتِکَ لَهُ، فَانَّهُ الْهادِی

و او را یاری کن در آنچه به عهده اش گذاشته و انجامش را از او خواسته ای، و لطف و کرمت را نسبت به او افزون کن، چرا که اوست هدایت گر

الْمَهْدِیُّ، وَالْقآئِمُ الْمُهْتَدی وَالطَّاهِرُ التَّقِیُّ، الزَّکِیُّ النَّقِیُّ، الرَّضِیُ

هدایت یافته، و قیام کننده راهنما، و پاکیزه پرهیزکار، خالص پاک، خشنود

الْمَرْضِیُّ، الصَّابِرُ الشَّکُورُ الْمُجْتَهِدُ، اللهُمَّ وَلا تَسْلُبْنَا الْیَقینَ لِطُولِ

پسندیده، شکیبای شکرگزار و کوشا، خدایا بخاطر طولانی شدن مدّت غیبت

الْأَمَدِ فی غَیْبَتِهِ، وَانْقِطاعِ خَبَرِهِ عَنَّا، وَلا تُنْسِنا ذِکْرَهُ وَانْتِظارَهُ

و قطع شدن ارتباطش از ما یقینمان (به ظهورش) را از ما مگیر، و از یادمان مبر، ذکر و یادش را و انتظار (وصالش)

وَالْإیمانَ بِهِ، وَقُوَّةَ الْیَقینِ فی ظُهُورِهِ، وَالدُّعآءَ لَهُ وَالصَّلاةَ عَلَیْهِ، حَتّی

و ایمان به او، و استحکام یقین در ظهورش و دعا و درود بر او را، تا این که

لا یُقَنِّطَنَا طُولُ غَیْبَتِهِ مِنْ قِیامِهِ، وَیَکُونَ یَقینُنا فی ذلِکَ، کَیَقینِنا فی قِیامِ

طول غیبتش ما را از قیامش مأیوس نکند و یقین ما به قیام او همانند یقین ما به قیام

رَسُولِکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَما جآءَ بِهِ مِنْ وَحْیِکَ وَتَنْزیلِکَ، فَقَوِّ

رسولت- که درود تو بر او و خاندانش باد- و وحی و قرآنت باشد، پس

قُلُوبَنا عَلَی الْإیمانِ بِهِ، حَتّی تَسْلُکَ بِنا عَلی یَدَیْهِ مِنْهاجَ الْهُدی

دل های ما را در ایمان به او تقویت کن، تا ما را به دست او به راه هدایت

وَالْمَحَجَّهَ الْعُظْمی وَالطَّریقَهَ الْوُسْطی وَقَوِّنا عَلی طاعَتِهِ وَ ثَبِّتْنا عَلی

و اصلی ترین راه و راه راست حرکت دهی، و ما را بر فرمانبرداری از او نیرو ده و بر پیرویش

مُتابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنا فی حِزْبِهِ وَ اعْوانِهِ وَ انْصارِهِ وَ الرَّاضینَ بِفِعْلِهِ، وَلا

ثابت قدم بدار، و ما را در گروه او و یاران و یاورانش و رضایت مندان به کردارش قرار ده، و آن را

تَسْلُبْنا ذلِکَ فی حَیاتِنا، وَلا عِنْدَ وَفاتِنا، حَتّی تَتَوَفَّانا وَ نَحْنُ عَلی ذلِکَ،

در طول زندگانی و هنگام مردن از ما مگیر، تا ما را در حالی بمیرانی که بر این اعتقادیم،

ص: 531

لا شاكّينَ وَ لا ناكِثينَ، وَ لا مُرْتابينَ وَ لا مُكَذِّبينَ، اللهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ،

نه در حال تردید و پیمان شکن و نه در حال شک و انکار، خدایا در فرجش تعجیل فرما

وَايِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْ ناصِريهِ، وَ اخْذُلْ خاذِليهِ، وَ دَمْدِمْ عَلى مَنْ نَصَبَ

و او را با یاریت تأیید کن و یاورانش را یاری کن و مخالفانش را خوار گردان، و هر که با او دشمنی کرده

لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَاظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ، وَامِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَاسْتَنْقِذْ بِهِ عِبادَکَ

و او را تکذیب کند نابود کن و حق را به دست او آشکار و ظلم و ستم را بوسیله او نابود کن، و به واسطه او بندگان

الْمُؤْمِنينَ مِنَ الذُّلِّ، وَانْعَشْ بِهِ الْبِلادَ، واقْتُلْ بِهِ جَبابِرَةَ الْكُفْرِ، وَاقْصِمْ بِهِ

با ایمانت را از ذلّت رهایی ده، و شهرها را احیا کن، و به وسیله او گردنکشان کفر را به قتل برسان، و سران گمراهی را

رُؤُسَ الضَّلالهِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارينَ وَالْكافِرينَ، وَابِرْ بِهِ الْمُنافِقينَ

خرد کن، و زورگویان و کافران را خوار گردان، و هلاک گردان به وسیله او منافقان

وَالنَّاكِثينَ، وَ جَميعَ الْمُخالِفينَ وَ الْمُلْحِدينَ، فى مَشارِقِ الْأَرْضِ

و پیمان شکنان و تمامی مخالفان و بی دینان را در شرق

وَمَغارِبِها، وَبَرِّها وَبَحْرِها، وَسَهْلِها وَجَبَلِها، حَتّى لا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّاراً،

و غرب زمین، و خشکی و دریا و پستی و بلندی آن، تا این که احدی از آنان را باقی نگذاری

وَلا تُبْقِیَ لَهُمْ آثاراً، طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلادَکَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبادِکَ،

و آثارشان را ریشه کن کنی، و شهرهایت را از وجود آنان پاک گردانی، و دل های بندگانت را شفا بخشی

وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحی مِنْ دینِکَ، وَاصْلِحْ بِهِ ما بُدِّلَ مِنْ حُکْمِکَ، وَغُیِّرَ مِنْ

و آنچه از دینت منسوخ شده تجدید نمایی و آنچه از فرمانت دگرگون شده و آنچه از سنّتت

سُنَّتِکَ، حَتّی یَعُودَ دینُکَ بِهِ، وَعَلی یَدَیْهِ غَضّاً جَدیداً صَحیحاً لا عِوَجَ

تغییر یافته اصلاح کنی، تا این که به واسطه او و به دستش دینت را تازه، جدید و صحیح گردانی در حالی که کجی

فیهِ، وَلا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتّی تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نیرانَ الْکافِرینَ، فَاِنَّهُ عَبْدُکَ الَّذی

و بدعت در او نباشد، تا این که با عدالت او آتش کافران را خاموش گردانی، چرا که او بنده توست

اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِکَ، وَارْتَضَیْتَهُ لِنُصْرَهِ دینِکَ، وَاصْطَفَیْتَهُ بِعِلْمِکَ،

که برای خودت خالص گردانده و برای یاری دینت انتخاب نموده و با دانشت برگزیدی

وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّاْتَهُ مِنَ الْعُیُوبِ، وَاطْلَعْتَهُ عَلَی الْغُیُوبِ،

و معصوم از گناهان قرار داده و از عیب ها دور ساختی، و بر امور پنهان آگاهش کردی

ص :532

وَانْعَمْتَ عَلَیْهِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ، وَنَقَّیْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ، اللهُمَّ فَصَلِ

و به او نعمت دادی، و از پلیدی پاک نموده و از آلودگی پاکیزه ساختی، خدایا درود فرست

عَلَیْهِ وَعَلی آبائِهِ الْأَئِمَّهِ الطّاهِرینَ، وَعَلی شیعَتِهِ الْمُنْتَجَبینَ، وَبَلِّغْهُمْ

بر او و بر پدرانش همان امامان پاک و بر شیعیان برگزیده اش، و آنان را

مِنْ آمالِهِمْ افْضَلَ ما یَأْمَلُونَ، وَاجْعَلْ ذلِکَ مِنّا خالِصاً مِنْ کُلِّ شَکٍ

به بهترین آرزوهایشان برسان، و آن را از جانب ما خالص از هر شک

وَشُبْهَهٍ وَرِیاءٍ وَسُمْعَهٍ، حَتّی لا نُریدَ بِهِ غَیْرَکَ، وَ لا نَطْلُبَ بِهِ الّا وَجْهَکَ،

و تردید و ریا و شهرت طلبی قرار ده، تا این که به واسطه آن غیر تو را نخواهیم و جز تو را نجوییم

اللهُمَّ انّا نَشْکُو الَیْکَ فَقْدَ نَبِیِّنا، وَغَیْبَهَ امامِنا، وَشِدَّهَ الزَّمانِ عَلَیْنا،

خدایا به تو شکایت می کنیم از فقدان پیامبرمان و غیبت امامان و سختی روزگار

وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنا، وَتَظاهُرَ الْأَعْدآءِ عَلَیْنا، وَکَثْرَهَ عَدُوِّنا، وَقِلَّهَ عَدَدِنا،

و واقع شدن فتنه ها بر ما، و پشتیبانی دشمنان از هم بر علیه ما، و فراوانی دشمنانمان و کمی عددمان

اللهُمَّ فَفَرِّجْ ذلِکَ عَنّا بِفَتْحٍ مِنْکَ تُعَجِّلُهُ، وَنَصْرٍ مِنْکَ تُعِزُّهُ، وَامامِ عَدْلٍ

خدایا این امور را از ما برطرف کن به واسطه پیروزی سریع و حمایت همه جانبه از سوی خودت و به واسطه امام عادلی

تُظْهِرُهُ، الهَ الْحَقِّ رَبَّ الْعالَمینَ، اللهُمَّ انّا نَسْئَلُکَ انْ تَأْذَنَ لِوَلِیِّکَ فی

که ظاهرش گردانی، ای معبود بر حق و پروردگار جهانیان، خدایا از تو می خواهیم که به ولیّت اجازه فرمایی در

اظْهارِ عَدْلِکَ فی عِبادِکَ، وَقَتْلِ اعْدآئِکَ فی بِلادِکَ، حَتّی لا تَدَعَ لِلْجَوْرِ

اجرای عدالت در میان بندگانت و کشتن دشمنانت در تمامی سرزمین هایت، تا ای پروردگار من تمام پایه های جور و ستم را

یا رَبِّ دِعامَةً الَّا قَصَمْتَها، وَلا بَقِیَّةً الَّا افْنَیْتَها، وَ لا قُوَّةً الَّا اوْهَنْتَها، وَ لا

در هم شکنی و بقایای آن ها را نابود کنی و توانشان را از بین ببری

رُکْناً الَّا هَدَمْتَهُ، وَ لا حَدّاً الَّا فَلَلْتَهُ، وَلا سِلاحاً الَّا اکْلَلْتَهُ، وَ لارایَةً الَّا

و اساس آنها را فروریزی و شمشیرشان را کند کنی، و سلاحشان را از کار اندازی، و پرچمشان را

نَکَّسْتَها، وَ لا شُجاعاً الَّا قَتَلْتَهُ، وَلا جَیْشاً الَّا خَذَلْتَهُ، وَارْمِهِمْ یا رَبِ

سرنگون سازی و شجاعانشان را بکشی و سپاهیانشان را خوار گردانی، پروردگارا آنها را

بِحَجَرِکَ الدَّامِغِ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَیْفِکَ الْقاطِعِ، وَبَأْسِکَ الَّذی لا تَرُدُّهُ عَنِ

با سنگ های نشاندارت سنگسار کن و با شمشیر برّان و با مجازاتی که از گناهکاران باز نمی گردانی

ص: 533

الْقَوْمِ الْمُجْرِمینَ، وَعَذِّبْ اعْدآئَکَ، وَ اعْدآءَ وَلِیِّکَ 632] وَ اعْدآءَ رَسُولِکَ،

آنها را مجازات کن و دشمنانت و دشمنان ولیّت و دشمنان رسولت

صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ، بِیَدِ وَلِیِّکَ وَایْدی عِبادِکَ الْمُؤْمِنینَ، اللهُمَّ اکْفِ

- که درود تو بر او و خاندان پاکش باد- را به دستان ولیّ و بندگان با ایمانت عذاب کن، خدایا

وَلِیَّکَ وَحُجَّتَکَ فی ارْضِکَ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَکَیْدَ مَنْ ارادَهُ، وَامْکُرْ بِمَنْ مَکَرَ

ولیّ و حجّتِ روی زمینت را از هراس دشمنش و مکر مکّاران حفظ کن، و هر که با او حیله کند به مکر خویش گرفتارش

بِهِ، وَاجْعَلْ دآئِرَةَ السَّوْءِ عَلی مَنْ ارادَ بِهِ سُوءًا، وَاقْطَعْ عَنْهُ مادَّتَهُمْ،

کن، و هر کس نسبت به او قصد سوئی دارد به حوادث ناگوار گرفتارش کن، و شرّشان را از او دور گردان

وَارْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ، وَ زَلْزِلْ اقْدامَهُمْ، وَ خُذْهُمْ جَهْرَةً وَ بَغْتَةً، وَ شَدِّدْ

و ترس از او را در دل آنها قرار ده و قدم هایشان را متزلزل گردان، و آشکارا و ناگهانی آنها را گرفتار کن

عَلَیْهِمْ عَذابَکَ، وَاخْزِهِمْ فی عِبادِکَ، وَالْعَنْهُمْ فی بِلادِکَ، وَاسْکِنْهُمْ اسْفَلَ

و عذابت را بر آنان سخت گردان و در میان بندگانت خوار کن، و در سرزمین هایت مورد لعن قرار ده، و در پایین ترین درجه دوزخ جای

نارِکَ، وَاحِطْ بِهِمْ اشَدَّ عَذابِکَ، وَاصْلِهِمْ ناراً، وَاحْشُ قُبُورَ مَوْتاهُمْ ناراً،

ده، و شدیدترین عذابت را بر آنان فرود آر، و آنها را در آتش قرار ده، و قبرهای مردگان آنان را از آتش پر کن

وَ اصْلِهِمْ حَرَّ نارِکَ، فَانَّهُمْ اضَلُّوا وَاضاعُوا الصَّلاةَ، وَاتَّبَعُوا الشَّهَواتِ،

و در آتش سوزانت جایشان ده، چرا که آنان گمراه شدند، و نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند

وَاضَلُّوا عِبادَکَ، [وَاخْرَبُوا بِلادَکَ (1)، اللَّهُمَّ وَ احْیِ بِوَلِیِّکَ الْقُرْآنَ، وَ ارِنا

و بندگانت را گمراه ساختند و شهرهایت را خراب نمودند، خدایا به واسطه ولیّت قرآن را زنده گردان،

نُورَهُ سَرْمَداً لا لَیْلَ فیهِ، وَاحْیِ بِهِ الْقُلُوبَ الْمَیِّتَهَ، وَاشْفِ بِهِ الصُّدُورَ

و نورش را پیوسته بدون خاموشی به ما نشان ده، و دل های مرده را به واسطه آن زنده گردان و دلهای پر از کینه (نسبت به دشمنان)

الْوَغِرَهَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوآءَ الْمُخْتَلِفَهَ عَلَی الْحَقِّ، وَاقِمْ بِهِ الْحُدُودَ

را شفا ده، و به واسطه او گروه های مختلف را بر محور حق جمع گردان، و حدود الهیِ تعطیل شده

الْمُعَطَّلَهَ، وَ الْأَحْکامَ الْمُهْمَلَهَ، حَتّی لا یَبْقی حَقٌّ الَّا ظَهَرَ، وَلا عَدْلٌ الَّا

و احکام رها شده را به واسطه او بپا دار، تا حق ظاهر گردد و عدل

1- [633]این جمله در« جمال الاسبوع» نیامده، ولی در« بحارالانوار» آمده است.

زَهَرَ، وَاجْعَلْنا یا رَبِّ مِنْ اعْوانِهِ، وَمُقَوِّیَهِ سُلْطانِهِ، وَ الْمُؤْتَمِرینَ لِأَمْرِهِ،

شکوفا شود، پروردگارا قرار ده ما را از یاران، و تقویت کنندگان سلطنتش و فرمانبرداران اوامرش

وَالرَّاضینَ بِفِعْلِهِ، وَالْمُسَلِّمینَ لِأَحْکامِهِ، وَمِمَّنْ لا حاجَهَ بِهِ الَی التَّقِیَّهِ

و آنها که از کار او راضی و تسلیم احکام او هستند، و از کسانی قرار ده که نیازی به تقیّه از مخلوقاتت

مِنْ خَلْقِکَ، وَانْتَ یا رَبِّ الَّذی تَکْشِفُ الضُّرَّ، وَتُجیبُ الْمُضْطَرَّ اذا

نداشته باشند، و تویی ای پروردگار من که مشکلات را برطرف کنی و در زمانی که شخصِ گرفتار، تو را می خواند

دَعاکَ، وَتُنْجی مِنَ الْکَرْبِ الْعَظیمِ، فَاکْشِفِ الْضُّرَّ عَنْ وَلِیِّکَ، وَاجْعَلْهُ

پاسخش دهی، و از مشکلات بزرگ رهایی بخشی، پس گرفتاری ولیّت را برطرف کن و او را

خَلیفَهً فی ارْضِکَ کَما ضَمِنْتَ لَهُ، اللهُمَّ لا تَجْعَلْنی مِنْ خُصَمآءِ آلِ

جانشین در زمینت قرار ده، همان گونه که برایش ضمانت نموده ای، خدایا مرا از کینه توزان خاندان

مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ، وَ لا تَجْعَلْنی مِنْ اعْدآءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ،

محمّد- که بر آنان درود باد- قرار مده و از دشمنان خاندان محمّد- که بر آنان درود باد- قرار مده

وَلا تَجْعَلْنی مِنْ اهْلِ الْحَنَقِ وَالْغَیْظِ عَلی آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ، فَانّی

و مرا از اهل خشم و غضب بر خاندان محمّد- که بر آنان درود باد- قرار مده، همانا من

اعُوذُ بِکَ مِنْ ذلِکَ فَاعِذْنی وَاسْتَجیرُ بِکَ فَاجِرْنی اللهُمَّ صَلِّ عَلی

از این امور به تو پناه می برم پس پناهم ده و به تو پناهنده ام، پس پناهم باش، خدایا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنی بِهِمْ فائِزاً عِنْدَکَ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ، وَمِنَ

محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا به واسطه آنان نزدت، در دنیا و آخرت رستگار گردان و از

الْمُقَرَّبینَ، آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ.(1)

مقرّبان درگاهت قرار ده، دعایم را بپذیر ای پروردگار جهانیان.

ص: 535

1- [634]جمال الاسبوع، صفحه 521. این دعا در مصباح المتهجّد، صفحه 411 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 89 نیز با تفاوت هایی آمده است.

فصل دهم: زیارات جامعه

اشاره

زیاراتی که با آن هر امام را به تنهایی و یا همه ائمّه را با هم می توان زیارت کرد.

زیارت اوّل (زیارت منقول از امام رضا علیه السلام):

در «کامل الزیارات» از امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام روایت شده که آن حضرت در جواب کسی که از زیارت قبر امام موسی کاظم علیه السلام سؤال کرده بود فرمودند:

کافی است که در همه جا (یعنی در زیارت هر یک از ائمّه و خطاب به شخص آن امام و یا به همه ائمّه به طور دسته جمعی) بگویید:

السَّلامُ عَلی اوْلِیآءِ اللَّهِ وَاصْفِیآئِه، السَّلامُ عَلی امَنآءِ اللَّهِ وَاحِبَّآئِهِ،

سلام بر دوستداران خدا و برگزیدگانش، سلام بر امینان (بر وحی) خدا و دوستدارانش

السَّلامُ عَلی انْصارِ اللَّهِ وَخُلَفآئِهِ، السَّلامُ عَلی مَحآلِّ مَعْرِفَهِ اللَّهِ، السَّلامُ

سلام بر یاوران خدا و جانشینانش، سلام بر جایگاه های شناخت خدا، سلام

عَلی مَساکِنِ ذِکْرِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی مَظاهِرِ امْرِ اللَّهِ وَ نَهْیِهِ، السَّلامُ عَلَی

بر محل های یاد خدا، سلام بر مظهرهای امر و نهی خدا، سلام بر

الدُّعاهِ الَی اللَّهِ، السَّلامُ عَلَی الْمُسْتَقِرّینَ فی مَرْضاتِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَی

دعوت کنندگان به سوی خدا، سلام بر ثابت قدمان در جلب خشنودی خدا، سلام بر

الْمُخْلِصینَ فی طاعَهِ اللَّهِ، [السَّلامُ عَلَی الْأَدِلّاءِ عَلَی اللَّهِ (1) السَّلامُ عَلَی

خالصان در بندگی خدا، سلام بر راهنمایان به سوی خدا، سلام بر

الّذینَ مَنْ والاهُمْ فَقَدْ والَی اللّهَ، وَمَنْ عاداهُمْ فَقَدْ عادَی اللّهَ، وَمَنْ

آنان که دوستدارانشان دوستداران خدایند و دشمنانشان دشمنان خدایند، و هر که

عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ، وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ، وَمَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ

آنان را بشناسد خدا را شناخته و هر که آنان را انکار کند خدا را انکار نموده و هر که به آنان متوسّل شود

اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَمَنْ تَخَلّی مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلّی مِنَ اللَّهِ، اشْهِدُ اللَّهَ انّی سِلْمٌ لِمَنْ

به خدا توسّل جسته و هر که آنان را رها کند خدا را رها ساخته، خدا را گواه می گیرم که من با هر کسی که

1- [635]این جمله در بحارالانوار آمده است.

سالَمَكُمْ، وَ حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلانِیَتِکُمْ، مُفَوِّضٌ فی

با شما از در صلح درآید در صلحم و با هر کسی که با شما از در جنگ در جنگم، به پنهان و آشکارتان ایمان دارم، تمام این امور را

ذلِکَ کُلِّهِ الَیْکُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ ابْرَءُ الَی اللَّهِ

به شما واگذار نموده ام، خداوند دشمنان خاندان پیامبر از جنّ و انس را لعنت کند و من از آنان به درگاه خدا

مِنْهُمْ، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

بیزاری می جویم و درود خدا بر محمد و خاندان پاکش باد.

و این زیارتی است که می تواند جایگزین هر زیارت دیگر بشود؛ پس از خواندن این زیارت، بر محمّد و آل محمّد زیاد صلوات می فرستی و اسم یک یک ائمّه را می بری و بر دشمنانشان لعنت می فرستی و برای خودت و همه مؤمنین و مؤمنات هر دعایی را که خواستی می کنی.(1)

***

زیارت دوم (زیارت جامعه کبیره):

«شیخ صدوق» در کتاب «من لا یحضره الفقیه» از یکی از یاران حضرت هادی علیه السلام روایت کرده که گفت: خدمت آن حضرت علیه السلام عرض کردم: یابن رسول اللّه ! زیارتی به من تعلیم فرما که از حیث بلاغت کامل باشد و با آن، هر کدام از شما را که خواستم زیارت کنم، فرمود: پس از غسل زیارت، هرگاه به درگاه حرم رسیدی بایست و بگو:

اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَ اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ

گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریکی ندارد و گواهی می دهم محمّد- که درود خدا

عَلَیْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

بر او و خاندان پاکش باد- بنده و فرستاده اوست.

و چون وارد حرم شدی و نگاهت به قبر افتاد، می ایستی و سی مرتبه

اللَّهُ اکْبَرُ

می گویی. سپس اندکی با آرامش دل و آرامش تن و کوتاه گرفتن گام ها راه می روی، آنگاه می ایستی و بار دیگر سی مرتبه

اللَّهُ اکْبَرُ

می گویی، سپس نزدیک قبر مطهّر می روی و چهل مرتبه

اللَّهُ اکْبَرُ

می گویی (تا صد مرتبه کامل شود)(2) آنگاه می گویی:

ص: 537

1- [636]کامل الزیارات، باب 104، صفحه 315، حدیث 1 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 126، حدیث 1(با اندکی تفاوت).

2- [637]چنان که مجلسی اوّل گفته: شاید علت گفتن صد مرتبه تکبیر این باشد که مبادا زائری- با توجّه به عبارات بلند این زیارتنامه درباره ائمّه علیهم السلام- دچار غلوّ شود و یا از عظمت خداوند متعال(و این که آنچه آنها دارند از جانب خدا و به اذن خداست) غافل گردد(روضه المتقین، جلد 5، صفحه 453).

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّهِ، وَمَوْضِعَ الرِّسالَهِ، وَمُخْتَلَفَ الْمَلائِکَهِ،

سلام بر شما ای خاندان نبوت، و جایگاه رسالت و محلّ رفت و آمد فرشتگان

وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ، وَمَعْدِنَ الرَّحْمَهِ، وَخُزَّانَ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَی الْحِلْمِ، وَاصُولَ

و نزول وحی و معدن رحمت و خزانه داران دانش و نهایت بردباری و پایه های

الْکَرَمِ، وَقادَهَ الْأُمَمِ، وَاوْلِیآءَ النِّعَمِ، وَعَناصِرَ الْأَبْرارِ، وَدَعآئِمَ الْأَخْیارِ،

بخشش و رهبران امّتها و صاحبان نعمتها، و سرچشمه های نیکی و تکیه گاه های نیکوکاران

وَساسَهَ الْعِبادِ، وَارْکانَ الْبِلادِ، وَابْوابَ الْإِیمانِ، وَامَنآءَ الرَّحْمنِ،

و تنظیم کننده امور بندگان، و رکن های شهرها، و درهای ایمان، و امانتداران خداوند رحمان،

وَسُلالَهَ النَّبِیّینَ، وَصَفْوَهَالْمُرْسَلینَ، وَعِتْرَهَ خِیَرَهِ رَبِّ الْعالَمینَ، وَ رَحْمَهُ

و نسل پیامبران و برگزیده فرستاده شدگان، و خانواده برگزیده پروردگار جهانیان، و رحمت

اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلی ائِمَّهِ الْهُدی وَ مَصابیحِ الدُّجی وَاعْلامِ التُّقی

و برکات خدا بر آنان باد، سلام بر امامان هدایتگر، و چراغ های تاریکی، و نشانه های پرهیزکاری،

وَ ذَوِی النُّهی وَاولِی الْحِجی وَ کَهْفِ الْوَری وَوَرَثَهِ الْأَنْبِیآءِ، وَالْمَثَلِ

و صاحبان خرد و عقل، و پناه آفریدگان، و وارثان پیامبران، و صفت

الْأَعْلی وَالدَّعْوَهِ الْحُسْنی وَ حُجَجِ اللَّهِ عَلی اهْلِ الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ

برتر و (صاحب) دعوت نیکو، و حجت های خدا بر اهل دنیا و آخرت

وَالْأولی وَ رَحْمَهُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلی مَحآلِّ مَعْرِفَهِ اللّهِ، وَمَساکِنِ

و پیشینیان و رحمت و برکات خدا بر آنان باد، سلام بر جایگاه های شناخت خدا و محل های

بَرَکَهِاللَّهِ، وَمَعادِنِ حِکْمَهِاللَّهِ، وَحَفَظَهِ سِرِّاللَّهِ، وَحَمَلَهِ کِتابِ اللَّهِ، وَاوْصِیآءِ

برکت خدا، و معدن های حکمت خدا، و حافظان راز خدا، و حاملان کتاب خدا، و جانشینان

نَبِیِّ اللَّهِ، وَذُرِّیَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ،

پیامبر خدا و فرزندان رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- و رحمت و برکات خدا بر شما باد،

السَّلامُ عَلَی الدُّعاهِ الَی اللَّهِ، وَالْأَدِلَّاءِ عَلی مَرْضاتِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقِرّینَ

سلام به دعوت کنندگان به سوی خدا و راهنمایان بر (اسباب) خشنودی خدا، و ثابت قدمان

فی امْرِ اللَّهِ، وَالتَّآمّینَ فی مَحَبَّهِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصینَ فی تَوْحیدِ اللَّهِ،

در فرمان خدا، و کاملان در محبّت خدا و خالصان در (اقرار به) یگانگی خدا،

ص :538

وَالْمُظْهِرينَ لِامْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبادِهِ الْمُكْرَمينَ الَّذينَ لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ،

و آشكار كنندگان امر و نهى خدا، و بندگان گراميش كه در گفتار بر او پيشى نگيرند

وَهُمْ بِامْرِهِ يَعْمَلُونَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّهِ الدُّعاهِ،

و به فرمانش عمل كنند، و رحمت و بركات خدا بر آنان باد، سلام بر امامان دعوت كننده

وَالْقادَهِ الْهُداهِ، وَالسَّادَهِ الْوُلاهِ، وَالذَّادَهِ الْحُماهِ، وَاهْلِ الذِّكْرِ، وَاولِى

و رهبران هدايت گر، و سرور فرمانروايان، و دفاع كنندگان حمايتگر، و اهل ذكر

الْأَمْرِ، وَبَقِيَّهِ اللَّهِ، وَخِيَرَتِهِ وَحِزْبِهِ، وَعَيْبَهِ عِلْمِهِ، وَحُجَّتِهِ وَصِراطِهِ،

و سرپرستان (امت)، و ذخيره الهى و برگزيدگان و حزبش، و گنجينه دانشش و حجّت و راهش،

وَنُورِهِ وَبُرْهانِهِ 638]، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا

و نور و برهانش، و رحمت و بركات خدا بر آنان باد، گواهى مى دهم كه معبودى جز خداى يگانه نيست

شَريكَ لَهُ، كَما شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ، وَشَهِدَتْ لَهُ مَلائِكَتُهُ وَاولُوا الْعِلْمِ مِنْ

كه شريكى ندارد همان گونه كه خدا بر خودش شهادت داده و فرشتگان و عالمان از

خَلْقِهِ، لا الهَ الَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكيمُ، وَاشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ،

مخلوقاتش نيز شهادت داده اند، معبودى جز او گرامى و فرزانه نيست و گواهى مى دهم كه محمّد بنده برگزيده خدا

وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضى ارْسَلَهُ بِالْهُدى وَدينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

و فرستاده پسندیده اوست که او را برای هدایت و بر دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب کند،

وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ، وَاشْهَدُ انَّکُمُ الْأَئِمَّهُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِیُّونَ،

اگرچه مشرکان نپسندند، و گواهی می دهم که شما امامان هدایتگر هدایت یافته اید، امامان

الْمَعْصُومُونَ الْمُکَرَّمُونَ، الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ، الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ،

معصوم، گرامیان، مقرّبان (خدا)، پرهیزکاران، راستگویان، برگزیدگان،

الْمُطیعُونَ للَّهِ، الْقَوَّامُونَ بِامْرِهِ، الْعامِلُونَ بِارادَتِهِ، الْفآئِزُونَ بِکَرامَتِهِ،

اطاعت کنندگان خدا، بپادارندگان فرمانش، عمل کنندگان به خواسته اش، که به مقام کرامت نائل شده اند،

اصْطَفاکُمْ بِعِلْمِهِ، وَارْتَضاکُمْ لِغَیْبِهِ، وَاخْتارَکُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَبیکُمْ بِقُدْرَتِهِ،

خداوند با آگاهی شما را برگزید و برای (حفظ) اسرارش پسندیده، و اختیار کرد، و با قدرتش برگزید

ص: 539

وَ اعَزَّكُمْ بِهُداهُ، وَ خَصَّكُمْ بِبُرْهانِهِ، وَ انْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ، وَ ایَّدَكُمْ بِرُوحِهِ،

و با هدایتش عزّت بخشید و دلایل خاص خود را در اختیار شما قرار داد و برای نورش برگزید، و با روحش تأییدتان نمود

وَرَضِیَكُمْ خُلَفآءَ فی ارْضِهِ، وَحُجَجاً عَلی بَرِیَّتِهِ، وَانْصاراً لِدینِهِ،

و شما را پسندید برای جانشینش در زمین و حجّت ها بر مخلوقاتش و یاوران دینش

وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَ مُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِهِ، وَ تَراجِمَةً لِوَحْیِهِ،

و حافظان اسرارش، و گنجینه های علمش و مخزن حکمتش و تفسیرکنندگان وحیش

وَارْكاناً لِتَوْحیدِهِ، وَشُهَدآءَ عَلی خَلْقِهِ، وَاعْلاماً لِعِبادِهِ، وَ مَناراً فی بِلادِهِ،

و پایه های یگانگیش و گواهان بر مخلوقاتش نشانه های (هدایت) بندگانش، و برج های نور در شهرهایش

وَ ادِلّاءَ عَلی صِراطِهِ، عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ،

و راهنمایان راهش (پسندید)، خداوند شما را از لغزش ها محفوظ داشت و از فتنه ها ایمن گردانید

وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَاذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ [639]، وَطَهَّرَكُمْ تَطْهیراً، فَعَظَّمْتُمْ

و از آلودگی پاک کرد، و از پلیدی بیرون برد، و شما را به طور کامل پاک نمود پس شما شکوهش را

جَلالَهُ، وَ اكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَ مَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَادَمْتُمْ ذِكْرَهُ [640]، وَ وَكَّدْتُمْ میثاقَهُ،

بزرگ شمرده و مقامش را گرامی داشتید و بزرگواریش را ستوده و یادش را ادامه دادید و عهدش را استوار ساختید

وَاحْكَمْتُمْ عَقْدَ طاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِی السِّرِّ وَ الْعَلانِیَهِ، وَ دَعَوْتُمْ الی

و پیمان بندگیش را محکم کردید، و در پنهان و آشکار برای او خیرخواهی نمودید، و با دانش

سَبیلِهِ بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ، وَبَذَلْتُمْ انْفُسَکُمْ فی مَرْضاتِهِ،

و پند نیکو (مردم را) به راهش دعوت نمودید، و در راه رسیدن به رضایتش جانفشانی کردید

وَصَبَرْتُمْ عَلی ما اصابَکُمْ فی جَنْبِهِ، وَاقَمْتُمُ الصَّلاهَ، وَآتَیْتُمُ الزَّکاهَ،

و بر آنچه در راهش به شما رسید صبر نمودید و نماز را بپا داشته و زکات دادید

وَامَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَیْتُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ، وَجاهَدْتُمْ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ،

و امر به معروف و نهی از منکر کردید، و در راه خدا به شایستگی جهاد نمودید،

حَتّی اعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ، وَ بَیَّنْتُمْ فَرآئِضَهُ، وَ اقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَ نَشَرْتُمْ شَرایِعَ

تا در نهایت دعوتش را آشکار نموده و فرامینش را بیان کردید و حدودش را بپا داشته، و قوانین اسلام را

احْكامِهِ، وَ سَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ، وَ صِرْتُمْ فى ذلِکَ مِنْهُ اِلَى الرِّضا، وَ سَلَّمْتُمْ لَهُ

منتشر ساختید، و سنّتش را احیا نمودید، و در این راه رضایتش را بدست آوردید و تسلیم

الْقَضآءَ، وَ صَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضى فَالرَّاغِبُ عَنْكُمْ مارِقٌ، وَاللاّزِمُ

حکمش شده و پیامبران گذشته را تصدیق نمودید، روی گردان از شما خارج از دین و پیرو شما

لَكُمْ لاحِقٌ، وَ الْمُقَصِّرُ فى حَقِّكُمْ زاهِقٌ، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فيكُمْ وَ مِنْكُمْ

داخل در دین و کوتاهی کننده در حق شما نابود شدنی است، و حق (همیشه) با شما و در میان شما و از جانب شما

وَالَيْكُمْ، وَانْتُمْ اهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ، وَميراثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ، وَ ايابُ الْخَلْقِ

و به سوی شماست، و شما اهل حق و معدن آن هستید و میراث نبوت نزد شما و بازگشت مخلوقات (به مشیّت خدا)

الَيْكُمْ، وَحِسابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفَصْلُ الْخِطابِ عِنْدَكُمْ، وَ آياتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ،

به سوی شما و حساب آنها (به فرمان او) بر شماست و سخن آخر با شماست ونشانه های خدا نزد شما،

وَ عَزآئِمُهُ فيكُمْ، وَ نُورُهُ وَ بُرْهانُهُ عِنْدَكُمْ، وَ امْرُهُ الَيْكُمْ، مَنْ والاكُمْ فَقَدْ

و اراده حتمی خدا در میان شماست، و نور و دلیلش در نزد شماست و حکمش را به شما سپرده است، دوستدار شما

والَى اللَّهَ، وَ مَنْ عاداكُمْ فَقَدْ عادَ اللَّهَ، وَ مَنْ احَبَّكُمْ فَقَدْ احَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ

دوستدار خدا و دشمن شما دشمن خداست، و هر کس که شما را دوست بدارد خدا را دوست داشته، و هر کس که

ابْغَضَكُمْ فَقَدْ ابْغَضَ اللَّهَ، وَ مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، انْتُمُ الصِّراطُ

با شما دشمنی کند با خدا دشمنی کرده، و هر کس که به شما متوسل شود به خدا متوسل شده است، شمایید راه راست

الْأَقْوَمُ، وَشُهَدآءُ دارِ الْفَنآءِ، وَشُفَعآءُ دارِ الْبَقآءِ، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ،

پایدار، و گواهان دنیای فانی و شفیعان آخرت، و رحمت پیوسته (خدا)

وَالْأيَةُ الْمَخْزُونَةُ، وَالْأَمانَةُ الْمُحْفُوظَةُ، وَالْبابُ الْمُبْتَلی بِهِ النَّاسُ، مَنْ

و نشانه پنهان (الهی) و امانت حفظ شده (خداوند) و درگاه آزمایش مردم، هر که

اتیکُمْ نَجی وَمَنْ لَمْ یَأْتِکُمْ هَلَکَ، الَی اللَّهِ تَدْعُونَ، وَعَلَیْهِ تَدُلُّونَ، وَبِهِ

به سوی شما آید نجات یابد و هر کس که نیاید هلاک شود، (مردم را) به سوی خدا دعوت کرده، و راهنمایی می کنید، به او

تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ، وَبِامْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَالی سَبیلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ

ایمان آورده و تسلیم اویید، به فرمانش عمل کرده و به راهش ارشاد نموده و به گفتارش

تَحْکُمُونَ، سَعِدَ مَنْ والاکُمْ، وَ هَلَکَ مَنْ عاداکُمْ، وَ خابَ مَنْ جَحَدَکُمْ،

حکم می کنید، دوستدارتان سعادتمند شد و دشمنتان به هلاکت رسید، و منکرتان زیانکار شد،

ص: 541

وَضَلَّ مَنْ فارَقَكُمْ، وَ فازَ مَنْ تَمَسَّکَ بِکُمْ، وَ اِمِنَ مَنْ لَجَا الَیْکُمْ، وَسَلِمَ

و جدا شونده از شما گمراه گردید، و متمسّک به شما رستگار شد و پناهنده به شما ایمن گردید،

مَنْ صَدَّقَکُمْ، وَهُدِیَ مَنِ اعْتَصَمَ بِکُمْ، مَنِ اتَّبَعَکُمْ فَالْجَنَّهُ مَاْویهُ، وَ مَنْ

و تصدیق کننده شما سالم ماند، و متوسل شونده به شما هدایت یافت، هر که از شما پیروی کند بهشت جایگاه اوست و هر که

خالَفَکُمْ فَالنَّارُ مَثْویهُ، وَ مَنْ جَحَدَکُمْ کافِرٌ، وَ مَنْ حارَبَکُمْ مُشْرِکٌ، وَ مَنْ

با شما مخالفت کند دوزخ جایگاه اوست، و هر که شما را انکار کند، کافر و هر که با شما به جنگ برخیزد، مشرک است و هر کس

رَدَّ عَلَیْکُمْ فی اسْفَلِ دَرَکٍ مِنَ الْجَحیمِ، اشْهَدُ انَّ هذا سابِقٌ لَکُمْ فیما

شما را رد کند در پایین ترین درجه دوزخ است، گواهی می دهم که این اوصاف در گذشته

مَضی وَ جارٍ لَکُمْ فیما بَقِیَ، وَ انَّ ارْواحَکُمْ وَ نُورَکُمْ وَ طینَتَکُمْ واحِدَهٌ،

برای شما بوده و در آینده نیز خواهد بود، و به یقین جانها و نور و سرشت شما یکی است

طابَتْ وَ طَهُرَتْ بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَکُمُ اللَّهُ انْواراً، فَجَعَلَکُمْ بِعَرْشِهِ

پاکی و پاکیزگی بعضی از شما از بعضی دیگر است، خداوند شما را به صورت نورهایی آفرید و شما را احاطه کننده

مُحْدِقینَ، حَتّی مَنَّ عَلَیْنا بِکُمْ، فَجَعَلَکُمْ فی بُیُوتٍ اذِنَ اللَّهُ انْ تُرْفَعَ

عرشش قرار داد تا اینکه با خلقت شما بر ما منّت گذاشت، و شما را در خانه هایی که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند

وَیُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَواتَنا عَلَیْکُمْ، وَما خَصَّنا بِهِ مِنْ وِلایَتِکُمْ

و نام خدا در آنها برده شود قرار داد، و درودهای ما را بر شما قرار داد، و آنچه از ولایت شما به ما اختصاص داد

طیباً لِخُلْقِنا، وَ طَهارَةً لِأَنْفُسِنا، وَ تَزْکِیَةً لَنا، وَ کَفَّارَةً لِذُنُوبِنا، فَکُنَّا عِنْدَهُ

برای پاکی خلقت و پاکیزگی جانهای ما و تزکیه و کفّاره گناهان ما بود، پس ما در پیشگاه او

مُسَلِّمینَ بِفَضْلِکُمْ، وَمَعْرُوفینَ بِتَصْدیقِنا ایَّاکُمْ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِکُمْ اشْرَفَ

فضل و برتری شما را پذیرفتیم و به واسطه تصدیقتان شناخته شدیم، پس خدا شما را به شریف ترین

مَحَلِّ الْمُکَرَّمینَ، وَ اعْلی مَنازِلِ الْمُقَرَّبینَ، وَارْفَعَ دَرَجاتِ الْمُرْسَلینَ،

جایگاه گرامیان، و برترین منزل مقرّبان و بالاترین رتبه فرستاده شدگان رسانید

حَیْثُ لا یَلْحَقُهُ لاحِقٌ، وَ لا یَفُوقُهُ فآئِقٌ، وَ لا یَسْبِقُهُ سابِقٌ، وَ لا یَطْمَعُ

جایگاهی که دست کسی به آن نرسد و کسی بر آن برتری نجوید و کسی از آن فراتر نرود، وطمع کننده ای

فی ادْراکِهِ طامِعٌ، حَتّی لا یَبْقی مَلَکٌ مُقَرَّبٌ، وَلا نَبِیٌّ مُرْسَلٌ، وَ لا

طمع درک آن نکند تا این که باقی نماند فرشته مقرّبی و نه پیامبر فرستاده شده ای

ص :542

صِدّيقٌ وَ لا شَهيدٌ، وَ لا عالِمٌ وَ لا جاهِلٌ، وَ لادَنِیٌّ وَ لا فاضِلٌ، وَ لا

و نه صدّیق و نه شهیدی و نه عالم و نه جاهلی و نه فرومایه و نه صاحب فضلی، و نه

مُؤْمِنٌ صالِحٌ، وَ لا فاجِرٌ طالِحٌ، وَ لا جَبَّارٌ عَنیدٌ، وَ لا شَیْطانٌ مَریدٌ، وَ لا

مؤمن صالح ونه بدکار ناشایستی، و نه زورگوی لجباز و نه شیطان رانده شده ای و نه

خَلْقٌ فیما بَیْنَ ذلِکَ شَهیدٌ، الَّا عَرَّفَهُمْ جَلالَةَ امْرِکُمْ، وَ عِظَمَ خَطَرِکُمْ،

مخلوقاتی که در این میان حاضرند، جز این که خدا شناساند به آنها شکوه منزلت و عظمت موقعیّت

وَکِبَرَ شَاْنِکُمْ، وَتَمامَ نُورِکُمْ، وَصِدْقَ مَقاعِدِکُمْ، وَثَباتَ مَقامِکُمْ، وَشَرَفَ

و بزرگی مقام و کمال نور و درستی جایگاه و استواری مقام و شرافت

مَحَلِّکُمْ وَ مَنْزِلَتِکُمْ عِنْدَهُ، وَ کَرامَتَکُمْ عَلَیْهِ، وَ خاصَّتَکُمْ لَدَیْهِ، وَ قُرْبَ

جایگاه و منزلت شما را در نزدش و گرامی بودنتان را در پیشگاه او و جایگاه ویژه شما را در

مَنْزِلَتِکُمْ مِنْهُ، بِابی انْتُمْ وَامّی وَ اهْلی وَ مالی وَ اسْرَتی اشْهِدُ اللَّهَ

نزد او و نزدیکی منزلت شما را نزد خویش (به آنها شناساند)، پدر و مادر و همسر و دارایی و فرزندانم فدای شما باد، خداوند

وَاشْهِدُکُمْ، انّی مُؤْمِنٌ بِکُمْ وَبِما آمَنْتُمْ بِهِ، کافِرٌ بِعَدُوِّکُمْ وَ بِما کَفَرْتُمْ بِهِ،

و شما را گواه می گیرم که ایمان دارم به شما و آنچه که به آن ایمان دارید، دشمنتان و آنچه را شما انکار دارید انکار می کنم،

مُسْتَبْصِرٌ بِشَاْنِکُمْ وَبِضَلالَهِ مَنْ خالَفَکُمْ، مُوالٍ لَکُمْ وَ لِأَوْلِیآئِکُمْ، مُبْغِضٌ

به شأن و مقام شما و گمراهی مخالفانتان آگاهم، دوستدار شما و دوستانتان هستم، بغض و کینه

لِأَعْدآئِکُمْ وَ مُعادٍ لَهُمْ، سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ، وَ حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ، مُحَقِّقٌ

دشمنانتان را در دل دارم و با آنان دشمنم، با آن کس که با شما از در صلح درآید صلح می کنم و با آن کس که با شما از در جنگ درآید در جنگم، حق می دانم

لِما حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِما ابْطَلْتُمْ، مُطیعٌ لَکُمْ، عارِفٌ بِحَقِّکُمْ، مُقِرٌّ بِفَضْلِکُمْ،

آنچه را شما حق می دانید، و باطل می دانم آنچه را شما باطل می دانید، فرمانبردار شما و آشنا به حق شمایم معترف به فضل شما

مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِکُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِکُمْ، مُعْتَرِفٌ بِکُمْ، مُؤْمِنٌ بِایابِکُمْ،

و حامل علم شمایم، در پناه ضمانت شما و اعتراف کننده به حق شمایم، به بازگشتتان ایمان دارم

مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِکُمْ، مُنْتَظِرٌ لِامْرِکُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِکُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِکُمْ،

و رجعتتان را تصدیق می کنم، در انتظار فرمان شما و چشم به راه حکومت شمایم، گفتار شما را پذیرفته

عامِلٌ بِامْرِکُمْ، مُسْتَجیرٌ بِکُمْ، زآئِرٌ لَکُمْ، لائِذٌ عآئِذٌ بِقُبُورِکُمْ، مُسْتَشْفِعٌ

و عمل کننده به فرمان شمایم پناهنده به شما و زیارت کننده شمایم، پناهنده به قبرهای شمایم شما را

اَلى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ، وَ مُتَقَرِّبٌ بِكُمْ اَلَيْهِ، وَ مُقَدِّمُكُمْ امامَ طَلِبَتى

به درگاه خدا شفيع گرفته و به او تقرّب مى جويم و شما را پيشاپيش

وَحَوآئِجى وَ ارادَتى فى كُلِّ احْوالى وَ امُورى مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ

خواسته ها و نيازها و آرزويم در هر حال و در هر كار قرار مى دهم به پنهان

وَعَلانِيَتِكُمْ، وَشاهِدِكُمْ وَ غآئِبِكُمْ، وَ اوَّلِكُمْ وَ آخِرِكُمْ، وَ مُفَوِّضٌ فى ذلِكَ

و آشكار شما و حاضر و غايب شما و اوّلين و آخرينتان ايمان دارم و همه آنها را به شما واگذار مى كنم

كُلِّهِ اَلَيْكُمْ، وَ مُسَلِّمٌ فيهِ مَعَكُمْ، وَ قَلْبى لَكُمْ مُسَلِّمٌ 641]، وَ رَاْيى لَكُمْ تَبَعٌ،

و تسليم شمايم، و دلم تسليم شما و رأيم تابع شماست،

وَنُصْرَتى لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّى يُحْيِىَ اللَّهُ تَعالى دينَهُ بِكُمْ، وَ يَرُدَّكُمْ فى ايَّامِهِ،

و براى يارى تان آماده ام تا اين كه خدا دينش را به واسطه شما احيا كند و در آن روزگار شما را بازگرداند

وَ يُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ، وَ يُمَكِّنَكُمْ فى ارْضِهِ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لامَعَ غَيْرِكُمْ 642]،

و به خاطر عدالتش شما را ظاهر كند و در زمينش متمكّن سازد، پس با شمايم با شما نه با غير شما،

آمَنْتُ بِكُمْ، وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِما تَوَلَّيْتُ بِهِ اوَّلَكُمْ، وَبَرِئْتُ الَى اللَّهِ

به شما ايمان دارم، و دوست دارم آخرين شما را همان گونه كه اوّلين شما را دوست دارم، و بيزارى مى جويم به درگاه خداوند

عَزَّوَجَلَّ مِنْ اعْدآئِكُمْ، وَ مِنَ الْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ الشَّياطينِ وَ حِزْبِهِمُ

عزيز و ارجمند، از دشمنانتان و از طاغوت و قدرت هاى سركش و شياطين و گروه هاى آنها

الظّالِمینَ لَکُمْ، وَ الْجاحِدینَ لِحَقِّکُمْ، وَ الْمارِقینَ مِنْ وِلایَتِکُمْ،

که بر شما ستم روا داشتند و حقّتان را انکار کردند، و از ولایت و سرپرستی شما بیرون رفتند

وَالْغاصِبینَ لِإِرْثِکُمْ، وَالشّآکّینَ فیکُمْ، وَالْمُنْحَرِفینَ عَنْکُمْ، وَمِنْ کُلِ

و ارثتان را غصب نمودند و در مورد شما شک نموده و از راهتان منحرف شدند، (و بیزاری می جویم) از هر

وَلیجَهٍ دُونَکُمْ، وَکُلِّ مُطاعٍ سِواکُمْ، وَمِنَ الْأَئِمَّهِ الَّذینَ یَدْعُونَ الَی النّارِ،

همدمی غیر از شما، و از هر اطاعت شده ای جز شما و از پیشوایانی که به آتش دوزخ دعوت می کنند،

فَثَبَّتَنِیَ اللَّهُ ابَداً ما حَییتُ عَلی مُوالاتِکُمْ وَمَحَبَّتِکُمْ وَدینِکُمْ، وَوَفَّقَنی

پس خداوند پیوسته مادامی که زنده ام مرا بر دوستی و محبّت و دین شما ثابت قدم بدارد

ص :544

لِطاعَتِكُمْ، وَ رَزَقَنى شَفاعَتَكُمْ، وَ جَعَلَنى مِنْ خِيارِ مَواليكُمُ، التَّابِعينَ

و بر اطاعت از شما موفّقم كند، و شفاعت شما را روزيم گرداند و از بهترين دوستانتان كه از دعوت شما

لِما دَعَوْتُمْ اِلَيْهِ، وَ جَعَلَنى مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثارَكُمْ، وَ يَسْلُكُ سَبيلَكُمْ،

پيروى مى كنند قرارم دهد، و مرا از كسانى قرار دهيد كه آثار شما را نقل مى كند و از شما پيروى مى كند،

وَيَهْتَدى بِهُديكُمْ، وَ يُحْشَرُ فى زُمْرَتِكُمْ، وَ يُكَرُّ فى رَجْعَتِكُمْ، وَيُمَلَّكُ

و به هدايتتان راهنمايى مى شود، و با شما محشور مى شود و در زمان رجعتتان باز مى گردد،

فى دَوْلَتِكُمْ، وَيُشَرَّفُ فى عافِيَتِكُمْ، وَ يُمَكَّنُ فى اَيَّامِكُمْ، وَ تَقِرُّ عَيْنُهُ

و در دولت شما به حكومت مى رسد، و در عافيت شما عزيز مى شود، و در زمان (حكومت) شما قدرتمند مى گردد، و چشمانش در

غَداً بِرُؤْيَتِكُمْ، بِاَبى اَنْتُمْ وَ اُمّى وَ نَفْسى وَ اَهْلى وَمالى مَنْ اَرادَ اللَّهَ بَدَءَ

آينده به ديدارتان روشن مى شود، پدر و مادر و خود و خانواده و داراييم فداى شما باد، هر كس قصد (رسيدن به) خدا كند

بِكُمْ، وَ مَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوالِىَّ لآاُحْصى

با شما آغاز مى كند، و هر كس او را به يگانگى ياد كند از شما بپذيرد، و هر كس خدا را قصد كند به شما رو كند، اى سروران من،

ثَنآئَكُمْ، وَلا اَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ، وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ، وَ اَنْتُمْ نُورُ

مدح و ثنايتان را نمى توانم بر شمارم و نمى توانم با ستايش به كنه شما و با توصيف به قدر و منزلتتان برسم، و شماييد نور

الْأَخْيارِ، وَ هُداةُ الْأَبْرارِ، وَ حُجَجُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ،

نیکان، و راهنمای خوبان و حجت های خدای قادر، خداوند (خلقت را) با شما آغاز کرد و به شما ختم می کند

وَبِکُمْ یُنَزِّلُ الْغَیْثَ، وَ بِکُمْ یُمْسِکُ السَّمآءَ انْ تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ الَّا بِاِذْنِهِ،

و به واسطه شما باران می فرستد و بواسطه شما آسمان را از افتادن بی اجازه بر زمین نگه می دارد،

وَبِکُمْ یُنَفِّسُ الْهَمَّ، وَیَکْشِفُ الضُّرَّ، وَ عِنْدَکُمْ ما نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَ هَبَطَتْ

و به واسطه شما اندوه را بزداید و سختی را برطرف سازد، و نزد شماست آنچه که رسولان خدا

بِهِ مَلائِکَتُهُ، وَ الی جَدِّکُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمینُ.

و فرشتگانش آورده اند و بر جدّ شما جبرئیل روح الامین مبعوث گردید.

(در صورتی که مخاطب در این زیارت، امیرمؤمنان علیه السلام باشد به جای «

وَالی جَدِّکُمْ

» «وَالی أخیکَ»

می گویی). آتاکُمُ اللَّهُ ما لَمْ یُؤْتِ احَداً مِنَ الْعالَمینَ، طَأْطَا کُلُّ شَریفٍ

**** آنچه خداوند به شما داده به هیچ یک از جهانیان نداده است هر شریفی

ص :545

لِشَرَفِكُمْ، وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَ

در برابر شرافت شما سر فرود آورده و هر متکبّری برای اطاعت از شما گردن نهاده، و هر سرکشی در برابر فضلتان فروتن گردیده،

كُلُّ شَىْ ءٍ لَكُمْ، وَاشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفازَ الْفآئِزُونَ بِوِلايَتِكُمْ،

و همه چیز برای شما خوار گشته، و زمین به نورتان روشن شده و رستگاران در سایه ولایت شما رستگار شده اند،

بِكُمْ يُسْلَكُ الَى الرِّضْوانِ، وَعَلى مَنْ جَحَدَ وِلايَتَكُمْ غَضَبُ الرَّحْمنِ،

به وسیله شما راه بهشت پیموده می شود و بر منکران ولایت شماست خشم و غضب خداوند،

بِابى انْتُمْ وَامّى وَنَفسى وَاهْلى وَمالى ذِكْرُكُمْ فِى الذَّاكِرينَ، وَاسْمآؤُكُمْ

پدر و مادر و خود و خانواده و داراییم فدای شما باد، یاد شما در (دل) ذاکران است و نام هایتان

فِى الْأَسْمآءِ، وَاجْسادُكُمْ فِى الْأَجْسادِ، وَارْواحُكُمْ فِى ٱلْأَرْواحِ،

در میان نام ها و جسم هایتان در میان جسم ها و روح هایتان در میان روح ها

وَانْفُسُكُمْ فِى النُّفُوسِ، وَآثارُكُمْ فِى الْأثارِ، وَقُبُورُكُمْ فِى الْقُبُورِ، فَما

و نفس هایتان در میان نفس ها و آثارتان در میان آثار و قبرهایتان در میان قبرهاست، ولی (با این حال)

احْلى اسْمآئَكُمْ، وَاكْرَمَ انْفُسَكُمْ، وَاعْظَمَ شَأْنَكُمْ، وَاجَلَّ خَطَرَكُمْ، وَاوْفى

چه شیرین است نام هایتان و چه گرامی است نفس هایتان و چه با عظمت است شأن و مقامتان و چه باشکوه است موقعیّتتان و چه با وفاست

عَهْدَكُمْ، وَاصْدَقَ وَعْدَكُمْ 643] كَلامُكُمْ نُورٌ، وَامْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمُ

عهد و پیمانتان و چه صادق است وعده تان، سخنانتان نور و فرمانتان هدایت و وصیّتشان

التَّقْوی وَفِعْلُکُمُ الْخَیْرُ، وَعادَتُکُمُ الْإِحْسانُ، وَسَجِیَّتُکُمُ الْکَرَمُ،

تقوا و پرهیزکاری و کارتان خیر و نیکی، و عادتتان احسان و نیکوکاری، وخلق و خویتان بخشش

وَشَأْنُکُمُ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُکُمْ حُکْمٌ وَحَتْمٌ، وَرَأْیُکُمْ عِلْمٌ

و شأنتان حق و راستی و مدارا و گفتارتان فرمان و لازم الاجرا و رأیتان علم

وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، انْ ذُکِرَ الْخَیْرُ کُنْتُمْ اوَّلَهُ، وَاصْلَهُ وَفَرْعَهُ، وَمَعْدِنَهُ وَمَأْویهُ

و بردباری و دور اندیشیست، اگر یادی از خیر و نیکی شود، آغاز، اصل فرع، معدن، جایگاه و نهایت

وَمُنْتَهاهُ، بِابی انْتُمْ وَامّی وَنَفْسی کَیْفَ اصِفُ حُسْنَ ثَنآئِکُمْ، وَاحْصی

آن شمایید، پدر و مادر و خودم فدای شما، چگونه نیکی ستایش شما را توصیف کنم

ص: 546

جَميلَ بَلائِكُمْ، وَبِكُمْ اخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ، وَفَرَّجَ عَنَّا غَمَراتِ

و زيبايى نعمت هايتان را برشمارم، به وسيله شما خداوند ما را از ذلّت و خوارى خارج كرد،

الْكُرُوبِ، وَانْقَذَنا مِنْ شَفا جُرُفِ الْهَلَكاتِ وَمِنَ النَّارِ، بِابى انْتُمْ وَامّى

و اندوه هاى فراگير ما را برطرف كرد، و از لبه پرتگاه هاى نابودى و آتش دوزخ رهانيد، پدر و مادر

وَنَفْسى بِمُوالاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعالِمَ دِينِنا، وَاصْلَحَ ماكانَ فَسَدَ مِنْ

و خودم فداى شما، به خاطر پيروى از شما خداوند آموزه هاى دينمان را به ما آموخت، و آنچه از امور دنياى ما فاسد شده بود اصلاح نمود

دُنْيانا، وَبِمُوالاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَهُ، وَعَظُمَتِ النِّعْمَهُ، وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَهُ،

و با دوستى شما دين خدا كامل و نعمت (او) برجسته و عظيم شد و جدايى و تفرقه به الفت تبديل شد

وَبِمُوالاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَهُ الْمُفْتَرَضَهُ، وَلَكُمُ الْمَوَدَّهُ الْواجِبَهُ، وَالدَّرَجاتُ

و به خاطر پيروى از شما عبادت هاى واجب پذيرفته شده و از آن شماست محبّت واجب (از جانب مردم) و رتبه هاى

الرَّفيعَهُ، وَالْمَقامُ الْمَحْمُودُ، وَالْمَكانُ 644] الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالْجاهُ

بلند و مقام ستوده و جايگاه شناخته شده در نزد خداى با عزّت و باشكوه، و مقام

الْعَظيمُ، وَالشَّاْنُ الْكَبيرُ، وَالشَّفاعَهُ الْمَقْبُولَهُ، رَبَّنا آمَنَّا بِما انْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا

با عظمت و منزلت بزرگ و شفاعت پذيرفته شده (همه از آن شماست) پروردگارا، ما به آنچه نازل فرمودى ايمان آورده و از

الرَّسُولَ، فَاكْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدينَ، رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اذْ هَدَيْتَنا، وَهَبْ

فرستاده ات پیروی نمودیم، پس (نام) ما را همراه گواهان ثبت فرما، پروردگارا دل هایمان را بعد از آنکه ما را هدایت کردی (از راه حق) منحرف مگردان

لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَهً، انَّکَ انْتَ الْوَهَّابُ، سُبْحانَ رَبِّنا انْ کانَ وَعْدُ رَبِّنا

و از سوی خود رحمتی بر ما ببخش زیرا تویی بخشنده، منزّه است پروردگار ما که وعده اش به یقین

لَمَفْعُولاً، یا وَلِیَّ اللَّهِ (و اگر همه امامان را قصد کرده باشد می گوید:

«یا اوْلِیاءَ اللَّهِ»

) انَّ بَیْنی

انجام شدنی است، ای ولیّ خدا*************** «ای اولیای خدا»، به یقین میان من

وَبیْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوباً لا یَأْتی عَلَیْها الَّا رِضاکُمْ، فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَکُمْ

و خداوند با عزّت و باشکوه گناهانی است که جز رضایت شما آنها را محو نکند، پس به حق کسی که شما را امین

عَلی سِرِّهِ، وَاسْتَرْعاکُمْ امْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طاعَتَکُمْ بِطاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ

رازش قرار داد و امور مخلوقات را به شما واگذار نمود و اطاعت شما را به اطاعت خویش قرین ساخت، مصرانه تقاضا دارم

ذُنُوبی وَكُنْتُمْ شُفَعآئی فَانّی لَكُمْ مُطیعٌ، مَنْ اطاعَكُمْ فَقَدْ اطاعَ اللَّهَ،

برای گناهانم طلب بخشش كنید و شفیعان من (در پیشگاه خدا) باشید، زیرا من مطیع شما هستم، هر كس شما را اطاعت كند خدا را اطاعت كرده است،

وَمَنْ عَصاكُمْ فَقَدْ عَصَی اللَّهَ، وَ مَنْ احَبَّكُمْ فَقَدْ احَبَّ اللَّهَ، وَ مَنْ ابْغَضَكُمْ

و هر كس شما را نافرمانی كند خدا را نافرمانی كرده است، و هر كس شما را دوست دارد خدا را دوست داشته است، و هر كس با شما دشمنی كند

فَقَدْ ابْغَضَ اللَّهَ، اللهُمَّ انّی لَوْ وَجَدْتُ شُفَعآءَ اقْرَبَ الَیْكَ مِنْ مُحَمِّدٍ

با خدا دشمنی كرده است، خدایا اگر من شفیعانی را می یافتم كه از محمّد

وَ اهْلِ بَیْتِهِ الْأَخْیارِ، الْأَئِمَّهِ الْأَبْرارِ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعآئی فَبِحَقِّهِمُ الَّذی

و خاندان برگزیده اش همان پیشوایان نیكوكار به درگاهت نزدیكتر بودند، آنها را شفیعان خود قرار می دادم، پس به حقّی كه از آنان بر خودت

اوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَیْكَ، اسْئَلُكَ انْ تُدْخِلَنی فی جُمْلَهِ الْعارِفینَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ،

واجب فرمودی از تو می خواهم كه مرا در زمره عارفان به آنان و حقّشان

وَ فی زُمْرَهِ الْمَرْحُومینَ بِشَفاعَتِهِمْ، انَّكَ ارْحَمُ الرَّاحِمینَ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی

و آمرزیدگان به واسطه شفاعتشان داخل كنی زیرا كه تو مهربان ترین مهربانانی، و خدا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرینَ، وَسَلَّمَ تَسْلیماً كَثیراً، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكیلُ.(1)

محمد و خاندان پاكش درود فرستد و سلام فراوان خدا بر آنان باد و خداوند برای ما كافی و بهترین سرپرست است.

یادآوری: «علّامه مجلسی» پس از نقل و شرح این زیارت می گوید: اگر در شرح این زیارت كمی بسط كلام دادم- اگرچه برای رعایت اختصار هنوز

هم حقّ آن را ادا ننمودم- به این جهت است که این زیارت از جهت سند، صحیح ترین، و از جهت موارد شمولش نسبت به ائمّه علیهم السلام شامل ترین و عام ترین زیارات، و از جهت لفظ، روشن ترین و فصیح ترین، و از جهت معنا و محتوا بلیغ ترین، و از جهت شأن و مقام، عالی ترین زیارات است.(2) «مجلسی اوّل» (پدر بزرگوار علّامه مجلسی) نیز در شرح «من لا یحضره الفقیه» (یعنی در کتاب روضهالمتّقین) می فرماید: این زیارت احسن و اکمل زیارات است و من تا زمانی که در عتبات عالیات بودم زیارت نکردم ائمّه علیهم السلام را مگر به این زیارت.(3) از حکایتی که مرحوم «حاجی نوری» (قدّس اللّه نفسه) در کتاب «نجم الثاقب» نقل می کند به دست می آید که باید بر این زیارت مواظبت و مداومت داشت و از آن غافل نبود.(4)

ص: 548

1- [645]فقیه، جلد 2، صفحه 609، حدیث 3213 و عیون الاخبار، جلد 2، صفحه 272، حدیث 1 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 127(با اندکی تفاوت).
2- [646]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 144.
3- [647]روضه المتّقین، جلد 5، صفحه 452.
4- [648]نجم الثاقب، صفحه 603.

زیارت سوم (زیارت جامعه دیگری از امام صادق علیه السلام):

«علّامه مجلسی» در «بحارالانوار» می نویسد: این زیارت زیارتی است که «سیّد بن طاووس» ضمن ادعیه عرفه، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: در هرجا و هر زمان خصوصاً روز عرفه می توان این زیارت را خواند:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام بر تو ای

خِیَرَهَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، وَامینَهُ عَلی وَحْیِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا امیرَ

برگزیده خدا از میان مخلوقات و امین بر وحیش، سلام بر تو ای مولای من ای امیر

الْمُؤْمِنینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ، انْتَ حُجَّهُ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، وَبابُ

مؤمنان، سلام بر تو ای مولای من، تویی حجت خدا بر مخلوقاتش، و درگاه

عِلْمِهِ، وَوَصِیُّ نَبِیِّهِ، وَالْخَلیفَهُ مِنْ بَعْدِهِ فی امَّتِهِ، لَعَنَ اللَّهُ امَّهً غَصَبَتْکَ

علم و وصیّ پیامبرش، و جانشین بعد از او در میان امّتش، خدا لعنت کند آن مردمی که حقّت را غصب

حَقَّکَ، وَقَعَدَتْ مَقْعَدَکَ، ا نَا بَرئٌ مِنْهُمْ وَمِنْ شیعَتِهِمْ الَیْکَ، السَّلامُ عَلَیْکِ

نموده و در جایگاهت قرار گرفتند، من از آنان و پیروانشان به درگاهت بیزاری می جویم، سلام بر تو

یا فاطِمَهُ الْبَتُولُ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا زَیْنَ نِساَّءِ الْعالَمینَ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا

ای فاطمه پاکدامن، سلام بر تو ای زینت بانوان جهانیان، سلام بر تو ای

بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکِ وَعَلَیْهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا امَ

دختر رسول خدایی که پروردگار جهانیان است، درود خدا بر تو و بر او باد، سلام بر تو ای مادر

الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ، لَعَنَ اللَّهُ امَّهً غَصَبَتْکِ حَقَّکِ، وَمَنَعَتْکِ ما جَعَلَهُ اللَّهُ لَکِ

حسن و حسین، خدا لعنت کند مردمی را که حقّت را غصب نموده و تو را از آنچه خداوند برایت حلال ساخته بود منع

حَلالًا، انَا بَرئٌ الَیْکِ مِنْهُمْ وَمِنْ شیعَتِهِمْ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا ابا

کردند، من از آنان و پیروانشان به درگاهت بیزاری می جویم، سلام بر تو ای مولای من ای ابا

مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ الزَّکِیَّ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ، لَعَنَ اللَّهُ امَّهً قَتَلَتْکَ،

محمد، حسن پاک نهاد، سلام بر تو ای مولای من، خدا لعنت کند مردمی را که تو را به شهادت رسانده

وَبایَعَتْ فی امْرِکَ وَشایَعَتْ، انَا بَرئٌ الَیْکَ مِنْهُمْ وَمِنْ شیعَتِهِمْ، السَّلامُ

و بر آن بیعت نموده و همکاری کردند، من از آنان و پیروانشان به درگاهت بیزاری می جویم، سلام

ص: 549

عَلَيْکَ يا مَوْلاىَ يا ابا عَبْدِاللَّهِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِىٍّ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْکَ

بر تو اى مولاى من اى اباعبداللَّه، حسين بن على، درود خدا بر تو

وَعَلى ابيکَ وَ عَلى جَدِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لَعَنَ اللَّهُ امَّةً

و بر پدرت و جدّت محمد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- خدا لعنت كند مردمى را

اسْتَحَلَّتْ دَمَکَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْکَ، وَاسْتَباحَتْ حَريمَکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ

كه خونت را حلال شمردند، و خدا لعنت كند مردمى را كه تو را به شهادت رسانده و حريمت را رعايت نكردند، و خدا لعنت كند

اشْياعَهُمْ وَ اتْباعَهُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدينَ لَهُمْ بِالتَّمْکينِ مِنْ قِتالِکُمْ، انَا

پيروان و متابعان آنها را و خدا لعنت كند كسانى را كه با فرمانبردارى از آنان زمينه جنگ با شما را فراهم كردند، من

بَرىءٌ الَى اللَّهِ وَالَيْکَ مِنْهُمْ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا مَوْلاىَ يا ابامُحَمَّدٍ عَلِىَّ بْنَ

از آنان به درگاه خدا و نزد تو بيزارى مى جويم، سلام بر تو اى مولاى من، اى ابامحمد، على بن

الْحُسَيْنِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا مَوْلاىَ، يا ابا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ، السَّلامُ

حسين، سلام بر تو اى مولاى من اى اباجعفر محمد بن على، سلام

عَلَيْکَ يا مَوْلاىَ، يا اباعَبْدِاللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا مَوْلاىَ،

بر تو اى مولاى من، اى ابا عبداللَّه جعفر بن محمد، سلام بر تو اى مولاى من

يا ابَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا مَوْلاىَ، يا ابَا الْحَسَنِ

اى ابالحسن موسى بن جعفر، سلام بر تو اى مولاى من، اى ابالحسن

عَلِیَّ بْنَ مُوسی السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ، یا اباجَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ،

علی بن موسی، سلام بر تو ای مولای من، ای اباجعفر محمد بن علی،

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ، یا ابَا الْحَسَنِ عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

سلام بر تو ای مولای من، ای ابالحسن علی بن محمد، سلام بر تو ای

مَوْلایَ، یا ابا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ، یا ابَا

مولای من، ای ابامحمد حسن بن علی، سلام بر تو ای مولای من، ای ابا

الْقاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ صاحِبَ الزَّمانِ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ وَعَلی

القاسم محمد بن حسن، صاحب الزمان، درود خدا بر تو و بر

عِتْرَتِکَ الطَّاهِرَهِ الطَّیِّبَهِ، یا مَوالِیَّ کُونُوا شُفَعآئی فی حَطِّ وِزْری

خاندان پاک و پاکیزه ات، ای سروران من در کاستن گناهان و خطاهایم شفیعم

ص: 550

وَخَطایایَ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِما انْزِلَ الَیْکُمْ، وَاتَوالی آخِرَکُمْ بِما اتَوالی بِهِ

باشید، به خدا و آنچه بر شما نازل نموده ایمان دارم، و آخرینتان را دوست دارم به همان جهت که

اوَّلَکُمْ، وَبَرِئْتُ مِنَ الْجِبْتِ وَالطَّاغوُتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزّی یا مَوالِیَّ ا نَا

اوّلینتان را دوست دارم و از بت و طاغوت و لات و عزّی بیزاری می جویم، ای سروران من، من

سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداکُمْ، وَوَلِیٌ

با هر کس که با شما از در صلح درآید در صلحم، و با هر کس که با شما از در جنگ درآید در جنگم و من تا روز قیامت با دشمنانتان دشمن و با دوستدارانتان

لِمَنْ والاکُمْ الی یَوْمِ الْقِیمَهِ، وَلَعَنَ اللَّهُ ظالِمیکُمْ وَغاصِبیکُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ

دوستم، و خدا لعنت کند ستمکاران و غصب کنندگان حقتان را، و خدا لعنت کند

اشْیاعَهُمْ وَاتْباعَهُمْ وَاهْلَ مَذْهَبِهِمْ، وَابْرَءُ الیَ اللَّهِ وَالَیْکُمْ مِنْهُمْ.(1).

پیروان و تابعان و همکیشان آنان را و از آنان به درگاه خدا و نزد شما بیزاری می جویم.

***

زیارت چهارم (زیارت امین اللَّه):

همان گونه که قبلاً نیز گفته ایم زیارت «امین اللَّه» در نظر بزرگانی مانند مرحوم «علّامه مجلسی» از معتبرترین زیاراتی است که در همه مشاهد مشرّفه می توان خواند.

این زیارت در فصل زیارات امیرمؤمنان علیه السلام (صفحه 260) به عنوان نخستین زیارت از زیارت مطلقه آن حضرت آمد.

***

زیارت پنجم (زیارت رجبیّه):

در اعمال ماه رجب نیز زیارتی با شروع «

الْحَمْدُللَّهِ الَّذِی أَشْهَدَنا مَشْهَدَ اوْلِیائِهِ فِی رَجَب

» (صفحه 631) خواهد آمد که مطابق روایتی که از حسین بن روح از حضرت صاحب الامر علیه السلام نقل شد می توان آن را در هر یک از مشاهد مشرّفه خواند (البتّه در ماه رجب).

ص: 551

1- [649]اقبال، صفحه 382 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 374(با اندکی تفاوت).

فصل یازدهم: دعاهای بعد از زیارات

دعای اوّل:

«سیّد بن طاووس» می فرماید: مستحب است خواندن این دعا پس از زیارت هر کدام از ائمّه علیهم السلام:

اللَّهُمَّ انْ کانَتْ ذُنُوبی قَدْ اخْلَقَتْ وَجْهی عِنْدَکَ، وَحَجَبَتْ دُعآئی عَنْکَ،

خدایا اگر گناهانم آبرویم را در پیشگاهت برده و مانع رسیدن دعایم به تو شده

وَحالَتْ بَیْنی وَبَیْنَکَ، فَاسْئَلُکَ انْ تُقْبِلَ عَلَیَّ بِوَجْهِکَ الْکَریمِ، وَتَنْشُرَ

و میان من و تو فاصله انداخته، از تو می خواهم که با جمال کریمانه ات به من رو کنی و رحمتت را بر من

عَلَیَّ رَحْمَتَکَ، وَتُنَزِّلَ عَلَیَّ بَرَکاتِکَ، وَانْ کانَتْ قَدْ مَنَعَتْ انْ تَرْفَعَ لی

بگسترانی و برکاتت را بر من نازل کنی، و اگر گناهم مانع رسیدن صدایم

الَیْکَ صَوْتاً، اوْ تَغْفِرَ لی ذَنْباً، اوْ تَتَجاوَزَ عَنْ خَطیئَهٍ مُهْلِکَهٍ، فَها ا نَا ذا

به درگاهت شده یا مانع آمرزش آن شده، یا مانع گذشت از گناهان هلاک کننده ام گشته، پس این منم

مُسْتَجیرٌ بِکَرَمِ وَجْهِکَ، وَعِزِّ جَلالِکَ، مُتَوَسِّلٌ الَیْکَ، مُتَقَرِّبٌ الَیْکَ بِاحَبِ

که به کرم ذاتت و عزّت جلالت پناهنده ام، به درگاهت متوسّل شده و تقرّب می جویم به واسطه محبوب ترین مخلوقات در

خَلْقِکَ الَیْکَ، واکْرَمِهِمْ عَلَیْکَ، وَاوْلاهُمْ بِکَ، وَاطْوَعِهِمْ لَکَ، واعْظَمِهِمْ

درگاهت و گرامی ترین و برترین آنان در نزدت و مطیع ترین آنان نسبت به تو و با عظمت ترین

مَنْزِلَهً وَمَکاناً عِنْدَکَ مُحَمَّدٍ، وَبِعِتْرَتِهِ الطَّاهِرینَ، الْأَئِمَّهِ الْهُداهِ الْمَهْدِیّینَ،

آنان از جهت شأن و جایگاه در نزدت، همان محمد و خاندان پاکش، امامان هدایت یافته هدایتگر،

الَّذینَ فَرَضْتَ عَلی خَلْقِکَ طاعَتَهُمْ، وَامَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَجَعَلْتَهُمْ وُلاةَ

آنانی که اطاعتشان را بر مخلوقاتت واجب کرده و به محبّتشان فرمان دادی، و آنان را فرمانروایان

الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِ رَسُولِکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، یا مُذِلَّ کُلِّ جَبَّارٍ عَنیدٍ، وَیا

بعد از رسولت- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- قرار دادی، ای خوارکننده هر ستمگر گردنکش، و ای

مُعِزَّ الْمُؤْمِنینَ، بَلَغَ مَجْهُودی فَهَبْ لی نَفْسِیَ السَّاعَةَ، وَرَحْمَةً مِنْکَ تَمُنُ

عزّت بخش مؤمنان، توانم به سر آمد، پس مرا در این ساعت ببخش، و رحمتی از جانب خودت که با آن بر من منّت

ص :552

بِها عَلَیَّ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ. آنگاه ضریح را ببوس و هر دو طرف صورتت را روی ضریح گذاری عطایم کن ای مهربان ترین مهربانان.***************************

بگذار و بگو: اللهُمَّ انَّ هذا مَشْهَدٌ لا یَرْجُو مَنْ فاتَتْهُ فیهِ رَحْمَتُکَ انْ یَنالَها

**** خدایا به یقین اینجا شهادتگاهی است که اگر کسی در آن از رحمتت دور ماند امیدی ندارد که در جای دیگر به آن

فی غَیْرِهِ، وَلا احَدٌ اشْقی مِنِ امْرِءٍ قَصَدَهُ مُؤَمِّلًا فَآبَ عَنْهُ خآئِباً، اللهُمَ

برسد، و کسی بیچاره تر از آن نیست که امیدوارانه به این جایگاه رو کند ولی ناامید از آنجا بازگردد، خدایا

انّی اعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ الْإِیابِ وَخَیْبَهِ الْمُنْقَلَبِ، وَالْمُناقَشَهِ عِنْدَ الْحِسابِ،

به تو پناه می برم از شرّ و ناامیدی در بازگشت و سخت گیری در هنگام حساب

وَحاشاکَ یا رَبِّ انْ تَقْرِنَ طاعَهَ وَلِیِّکَ بِطاعَتِکَ، وَمُوالاتَهُ بِمُوالاتِکَ،

و ای پروردگار من از تو بعید است که فرمانبرداری از ولیّت را به فرمانبرداریت و پیروی از او را به پیرویت

وَمَعْصِیَتَهُ بِمَعْصِیَتِکَ ثُمَّ تُؤْیِسَ زآئِرَهُ، وَالْمُتَحَمِّلَ مِنْ بُعْدِ الْبِلادِ الی

و نافرمانیش را به نافرمانیت مقرون سازی ولی زائرش و آن که دوری راه را برای رسیدن به قبرش

قَبْرِهِ، وَعِزَّتِکَ یا رَبِّ لایَنْعَقِدُ عَلی ذلِکَ ضَمیری اذْ کانَتِ الْقُلُوبُ الَیْکَ

تحمّل نموده ناامید گردانی، به عزّتت سوگند ای پروردگار من این را باور ندارم، زیرا دلها از تو

بِالْجَمیلِ تُشیرُ. سپس نماز زیارت بخوان و وقت وداع بگو:

به نیکی یاد می کند.*******************

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّهِ، وَمَعْدِنَ الرِّسالَهِ، سَلامَ مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ

سلام بر شما ای خاندان نبوّت و گنجینه رسالت، سلام خداحافظی کننده ای که نه خسته است

وَلا قالٍ، وَرَحْمَهُاللَّهِ وَبَرَكاتُهُ عَلَيْكُمْ اهْلَ الْبَيْتِ، انَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ، سَلامَ

و نه دلتنگ، و رحمت و برکات خدا بر شما خاندان باد چرا که او ستوده و بزرگوار است، سلام

وَلِيٍّ غَيْرَ راغِبٍ عَنْكُمْ، وَلا مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ، وَلا مُسْتَبْدِلٍ بِكُمْ، وَلا مُؤْثِرٍ

دوستداری که به شما امیدوار است، و از شما روی گردان نیست، و برای شما جایگزین قرار نداده، و کسی را بیش از شما

عَلَيْكُمْ، وَلا زاهِدٍ فی قُرْبِكُمْ، لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَهِ قُبُورِكُمْ،

دوست ندارد، و از جوارتان دوری نمی کند، خداوند این زیارتم از قبرهایتان را آخرین زیارت

وَ اتْيانِ مَشاهِدِكُمْ، وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، وَ حَشَرَنِیَ اللَّهُ

و آمدن به درگاهتان قرار ندهد و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد و خدا مرا در گروه شما محشور

ص :553

فى زُمْرَتِكُمْ، وَاوْرَدَنى حَوْضَكُمْ، وَارْضاكُمْ عَنّى وَمَكَّنَنى فى دَوْلَتِكُمْ،

گرداند و بر حوض کوثر شما وارد گرداند و شما را از من خشنود سازد، و در حکومت شما مرا قدرت بخشد

وَاحْيانى فى رَجْعَتِكُمْ، وَ مَلَّكَنى فى ايَّامِكُمْ، وَ شَكَرَ سَعْيى بِكُمْ، وَغَفَرَ

و در رجعتتان زنده گرداند، و در روزگارتان حاکمم گرداند، و به واسطه شما تلاشم را بپذیرد، و به

ذُنُوبى بِشَفاعَتِكُمْ، وَ اقالَ عَثْرَتى بِحُبِّكُمْ، وَ اعْلى كَعْبى بِمُوالاتِكُمْ،

شفاعتتان گناهانم را بیامرزد و به محبتتان از لغزش هایم درگذرد، و به پیرویتان ارجمندم گرداند

وَشَرَّفَنى بِطاعَتِكُمْ، وَاعَزَّنى بِهُديكُمْ، وَجَعَلَنى مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مُفْلِحاً

و با اطاعت از شما شرافتم بخشد، و با هدایتتان عزیزم گرداند، و مرا از کسانی قرار دهد که باز می گردند در حالی که رستگارِ

مُنْجِحاً، سالِماً غانِماً، مُعافاً غَنِيّاً، فائِزاً بِرِضْوانِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَكِفايَتِهِ،

پیروز، سلامتِ موفق، بخشیده شده و بی نیازند، و به خشنودی خدا و لطف و عنایتش رسیده اند

بِافْضَلِ ما يَنْقَلِبُ بِهِ احَدٌ مِنْ زُوَّارِكُمْ، وَمَواليكُمْ وَمُحِبّيكُمْ وَشيعَتِكُمْ،

به بهترین شکلی که هر یک از زائران و دوستداران و محبّان و شیعیانتان باز می گردند

وَ رَزَقَنِىَ اللَّهُ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ ما ابْقانى رَبّى بِنِيَّةٍ صادِقَةٍ،

و خدا پیوسته بازگشت (به این مکان) را مادامی که زنده ام، روزیم گرداند، با نیّتی صادق

وَ ايمانٍ وَتَقْوى وَاخْباتٍ، وَ رِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَيِّبٍ، اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ

و ایمان و تقوا و فروتنی، و روزی وسیع و حلال و پاکیزه، خدایا این زیارتم را

آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتِهِمْ وَ ذِکْرِهِمْ، وَ الصَّلاهِ عَلَیْهِمْ، وَاوْجِبْ لِیَ الْمَغْفِرَهَ

آخرین زیارت و یاد و درود برایشان قرار مده، و بر من واجب گردان آمرزش

وَالرَّحْمَهَ، وَالْخَیْرَ وَالْبَرَکَهَ، وَالفَوْزَ وَالْإِیمانَ، وَحُسْنَ الْإِجابَهِ، کَما

و رحمت و خیر و برکت و رستگاری و ایمان و اجابت نیکو را، همان گونه که

اوْجَبْتَ لِأَوْلِیآئِکَ الْعارِفینَ بِحَقِّهِمْ، الْمُوجِبینَ طاعَتَهُمْ، وَالرَّاغِبینَ فی

واجب ساختی برای اولیائت که آشنای به حق امامان بودند و اطاعتشان را بر خود واجب می دانستند و مشتاق زیارتشان

زِیارَتِهِمُ، الْمُتَقَرِّبینَ الَیْکَ وَالَیْهِمْ، بِابی انْتُمْ وَامّی وَ نَفْسی وَمالی وَاهْلی

بودند و به درگاه تو و آنان تقرّب می جستند، پدر و مادر و جان و مال و خانواده ام فدای شما،

اجْعَلُونی مِنْ هَمِّکُمْ، وَصَیِّرُونی فی حِزْبِکُمْ، وَادْخِلُونی فی شَفاعَتِکُمْ،

مرا مورد عنایتتان و در گروه خودتان قرار دهید و در شفاعتتان داخل کنید

ص: 554

وَاذْکُرُونی عِنْدَ رَبِّکُمْ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْلِغْ

و در نزد پروردگارتان یاد کنید، خدایا بر محمد و خاندان پاکش درود فرست،

ارْواحَهُمْ وَاجْسادَهُمْ عَنّی تَحِیَّةً کَثیرَةً وَسَلاماً، وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ

درود و سلام فراوان مرا به ارواح و بدن های آنان برسان و سلام

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ.(1)

و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

***

دعای دوم (دعای عالیه المضامین):

این دعا را نیز «سیّد بن طاووس» در «مصباح الزائر» آورده است که بعد از زیارت هر یک از ائمّه علیهم السلام می توان خواند:

اللهُمَّ انّی زُرْتُ هذَا الْإمامَ مُقِرًّا بِامامَتِهِ، مُعْتَقِداً لِفَرْضِ طاعَتِهِ، فَقَصَدْتُ

خدایا من این امام را زیارت نمودم در حالی که به امامتش اقرار دارم و به وجوب اطاعتش معتقدم، پس زیارت

مَشْهَدَهُ بِذُنُوبی وَعُیُوبی وَمُوبِقاتِ آثامی وَکَثْرَهِ سَیِّئاتی وَخَطایایَ،

بارگاهش را قصد نمودم با گناهان و عیب ها و جرم های آزاردهنده ام و فراوانی گناهان و اشتباهاتم

وَما تَعْرِفُهُ مِنّی مُسْتَجیراً بِعَفْوِکَ، مُسْتَعیذاً بِحِلْمِکَ، راجِیاً رَحْمَتَکَ،

و آنچه تو از من می دانی در حالی که به آمرزشت امیدوار و به شکیباییت پناهنده ام، و به رحمتت امیدوار

لاجِئاً الی رُکْنِکَ، عآئِذاً بِرَاْفَتِکَ، مُسْتَشْفِعاً بِوَلِیِّکَ، وَابْنِ اولِیائِکَ،

و به قدرت تو پناه آورده ام و در سایه لطف تو قرار گرفته ام، و ولی و فرزند اولیاء

وَصَفِیِّکَ وَابْنِ اصْفِیآئِکَ، وَامینِکَ وَابْنِ امَنائِکَ، وَخَلیفَتِکَ وَابْنِ خُلَفائِکَ،

و برگزیده ات و فرزند برگزیدگان و امین و فرزند امینانت و خلیفه و فرزند خلفائت را شفیع می گیرم.

(هرگاه این دعا در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام خوانده شود در هر چهار مورد بجای کلمه «ابن» باید «ابی» گفته

شود). الَّذینَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسیلَةَ الی رَحْمَتِکَ وَرِضْوانِکَ، وَالذَّریعَةَ الی

*** آنانی که واسطه رسیدن به رحمت و خوشنودیت و راه رسیدن به

رَاْفَتِکَ وَغُفْرانِکَ، اللهُمَّ وَاوَّلُ حاجَتی الَیْکَ انْ تَغْفِرَ لی ما سَلَفَ مِنْ

لطف و آمرزشت قرارشان دادی، خدایا اولین حاجتم به درگاهت این است که گناهان فراوان

1- [650]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 172 و مصباح الزائر، صفحه 471.

ذُنُوبی عَلی کَثْرَتِها، وَانْ تَعْصِمَنی فیما بَقِیَ مِنْ عُمْری وَتُطَهِّرَ دینی

گذشته مرا بیامرزی، و مرا در باقیمانده عمرم (از گناه) حفظ کنی و دینم را

مِمَّا یُدَنِّسُهُ وَیَشینُهُ وَیُزْری بِهِ، وَتَحْمِیَهُ مِنَ الرَّیْبِ وَالشَّکِ وَالْفَسادِ

از آنچه آن را آلوده و تباه و بی آبرو ساخته، پاک گردانی و آن را از شک و تردید و تباهی

وَالشِّرْکِ، وَتُثَبِّتَنی عَلی طاعَتِکَ وَطاعَةِ رَسُولِکَ، وَذُرِّیَّتِهِ النُّجَبآءِ

و شرک، حفظ کنی، و مرا بر اطاعتت و اطاعت رسولت و نسل نجیب

السُّعَدآءِ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِمْ وَرَحْمَتُکَ وَسَلامُکَ وَبَرَکاتُکَ، وَتُحْیِیَنی ما

و سعادتمندش- که درود و رحمت و سلام و برکات تو بر آنان باد- ثابت قدم گردانی، و مادام که زنده ام

احْیَیْتَنی عَلی طاعَتِهِمْ، وَتُمیتَنی اذا امَتَّنی عَلی طاعَتِهِمْ، وَانْ لا تَمْحُوَ

بر اطاعت ایشان زنده ام بدار، و در وقت مردن بر اطاعت ایشان بمیران،

مِنْ قَلْبی مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ، وَبُغْضَ اعْدائِهِمْ، وَمُرافَقَةَ اوْلِیآئِهِمْ وَبِرَّهُمْ،

و دوستی و محبّت آنان و کینه دشمنانشان و همراهی دوستدارانشان و نیکی به آنان را از دلم محو نکنی

وَاسْئَلُکَ یا رَبِّ انْ تَقْبَلَ ذلِکَ مِنّی وَتُحَبِّبَ الیَّ عِبادَتَکَ، وَالْمُواظَبَةَ

و ای پروردگار من از تو می خواهم که این (زیارت) را از من بپذیری و به عبادتت و مواظبت

عَلَیْها، وَتُنَشِّطَنی لَها، وَتُبَغِّضَ الَیَّ مَعاصیَکَ وَمَحارِمَکَ، وَتَدْفَعَنی عَنْها،

بر آن علاقه مندم گردانی و بر انجام آن نشاطم بخشی، و گناهان و حرام هایت را مبغوضم گردانده و از آنها بازم داری

وَتُجَنِّبَنِی التَّقْصیرَ فی صَلاتی وَالْاِسْتِهانَهَ بِها، وَالتَّراخِیَ عَنْها،

و مرا از کوتاهی در انجام نمازم و سبک شمردن آن و تأخیر در انجام آن دور سازی

وَتُوَفِّقَنی لِتَأْدِیَتِها کَما فَرَضْتَ وَامَرْتَ بِهِ عَلی سُنَّهِ رَسُولِکَ، صَلَواتُکَ

و بر انجام آن موفّقم بداری آن گونه که واجب نموده و به انجام آن مطابق سنّت رسولت- که درود

عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَتُکَ وَبَرَکاتُکَ، خُضُوعاً وَخُشُوعاً، وَتَشْرَحَ صَدْری

و رحمت و برکات تو بر او و خاندانش باد- در حال فروتنی و افتادگی فرمان داده ای، و دلگرمم کنی

لِإِیتآءِ الزَّکاهِ، وَاعْطآءِ الصَّدَقاتِ، وَبَذْلِ الْمَعْرُوفِ، وَالْإِحْسانِ الی

به پرداخت زکات و دادن صدقات و انجام کارهای نیک و نیکی و احسان به

شیعَهِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ، وَمُواساتِهِمْ، وَلا تَتَوَفَّانی الَّا بَعْدَ انْ

شیعیان خاندان محمد- که بر آنان درود باد- و زنده ام بداری تا

ص: 556

تَرْزُقَنی حَجَّ بَیْتِکَ الْحَرامِ، وَزِیارَةَ قَبْرِ نَبِیِّکَ وَقُبُورِ الْأَئِمَّهِ عَلَیْهِمُ

حج بیت اللّه الحرام و زیارت قبر پیامبرت و امامان- که بر آنان درود باد- را روزیم گردانی

السَّلامُ، وَاسْئَلُکَ یا رَبِّ تَوْبَهً نَصُوحاً تَرْضاها، وَنِیَّهً تَحْمَدُها، وَعَمَلاً

و ای پروردگار من از تو می خواهم توبه واقعی مورد پسندت را، و نیّت (خالص) مورد ستایشت را و عمل

صالِحاً تَقْبَلُهُ، وَانْ تَغْفِرَ لی وَتَرْحَمَنی اذا تَوَفَّیْتَنی وَتُهَوِّنَ عَلَیَ

شایسته مورد پذیرشت را، و آمرزش و رحمت هنگام مرگم را و آسانی سختی های

سَکَراتِ الْمَوْتِ، وَتَحْشُرَنی فی زُمْرَهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِ

جان کندنم را، و این که مرا در گروه محمد و خاندانش- که درود خدا بر او و بر آنان باد- محشور

وَعَلَیْهِمْ، وَتُدْخِلَنِی الْجَنَّهَ بِرَحْمَتِکَ، وَتَجْعَلَ دَمْعی غَزیراً فی طاعَتِکَ،

گردانی، و به رحمتت در بهشت داخلم کنی، و اشکم را در راه بندگیت فراوان کن

وَعَبْرَتی جارِیَهً فیما یُقَرِّبُنی مِنْکَ، وَقَلْبی عَطُوفاً عَلی اوْلِیآئِکَ،

و سرشکم را در آنچه مرا به تو نزدیک می کند جاری ساز، و دلم را به اولیائت مهربان کن

وَتَصُونَنی فی هذِهِ الدُّنْیا مِنَ الْعاهاتِ وَالْآفاتِ، وَالْأَمْراضِ الشَّدیدَهِ،

و مرا در این دنیا از آسیب ها و آفت ها و بیماری های شدید

وَالْأَسْقامِ الْمُزْمِنَهِ، وَجَمیعِ انْواعِ الْبَلاءِ وَالْحَوادِثِ، وَتَصْرِفَ قَلْبی عَنِ

و دردهای مزمن و تمامی بلاها و حوادث (ناگوار) ایمن گردان، و دلم را از حرام

الْحَرامِ، وَتُبَغِّضَ الیَّ مَعاصِیَکَ، وَتُحَبِّبَ الَیَّ الْحَلالَ، وَتَفْتَحَ لی ابْوابَهُ،

بازگردان و نافرمانیت را مبغوضم ساز، و حلال را محبوبم گردان و درهای آن را به رویم بگشای

وَتُثَبِّتَ نِیَّتی وَفِعْلی عَلَیْهَ، وَتَمُدَّ فی عُمْری وَتُغْلِقَ ابْوابَ الْمِحَنِ عَنّی

و نیت و فعلم را بر آن ثابت بدار و عمرم را طولانی گردان و درهای سختی را به رویم ببند

وَلا تَسْلُبَنی ما مَنَنْتَ بِهِ عَلیَّ، وَلا تَسْتَرِدَّ شَیْئاً مِمَّا احْسَنْتَ بِهِ الَیَّ، وَلا

و آنچه به من عطا نموده ای از من نگیر، و آنچه به من احسان نموده ای از من باز نگردان،

تَنْزِعَ مِنّی النِّعَمَ الَّتی انْعَمْتَ بِها عَلَیَّ، وَتَزیدَ فیما خَوَّلْتَنی وَتُضاعِفَهُ

و نعمت هایی که بر من ارزانی داشته ای از من مگیر، و در آنچه به من عطا کرده ای بیافزای و آن را مضاعف کن

اضْعافاً مُضاعَفَةً، وَ تَرْزُقَنی مالاً کَثیراً واسِعاً سآئِغاً، هَنیئاً نامِیاً وافِیاً،

و مال فراوان و وسیع حلال، گوارا و فزاینده و کافی روزیم گردان

ص: 557

وَعِزّاً باقِیاً کافِیاً، وَجاهاً عَریضاً مَنیعاً، وَنِعْمَهً سابِغَهً عاَمَّهً، وَتُغْنِیَنی

و عزّتی پاینده و کافی، و مقامی گسترده و دست نایافتنی، و نعمتی فراوان و گسترده، و مرا با این امور

بِذلِکَ عَنِ الْمَطالِبِ الْمُتَکَّدَهِ، وَ الْمَوارِدِ الصَّعْبَهِ، وَ تُخَلِّصَنی مِنْها مُعافاً

از تلاش خسته کننده و کارهای دشوار بی نیاز ساز، و از آنها رهایم کن با سلامتی

فی دینی وَ نَفْسی وَ وَلَدی وَ ما اعْطَیْتَنی وَ مَنَحْتَنی وَ تَحْفَظَ عَلَیَّ مالی

در دین و جان و فرزندان و آنچه به من عطا نموده و بخشیده ای، و دارایی

وَ جَمیعَ ما خَوَّلْتَنی وَتَقْبِضَ عَنّی ایْدِیَ الْجَبابِرَهِ، وَ تَرُدَّنی الی وَطَنی

و تمامی آنچه به من ارزانی داشته ای را حفظ کن، و دست ستمگران را از من کوتاه گردان، و مرا به وطنم بازگردان

وَ تُبَلِّغَنی نِهایَهَ امَلی فی دُنْیایَ وَ آخِرَتی وَ تَجْعَلَ عاقِبَهَ امْری

و به نهایت آرزوهایم در دنیا و آخرت برسان، و عاقبت کارم را

مَحْمُودَهً حَسَنَهً سَلیمَهً، وَ تَجْعَلَنی رَحیبَ الصَّدْرِ، واسِعَ الْحالِ، حَسَنَ

پسندیده و نیکو و مطمئن قرار ده، و مرا با سخاوت و دست و دلباز و خوش رفتار

الْخُلْقِ، بَعیداً مِنَ الْبُخْلِ وَالْمَنْعِ وَالنِّفاقِ، وَالْکِذْبِ وَالْبُهْتِ وَقَوْلِ الزُّورِ،

و دور از بخل و تنگ نظری و دورویی و دروغ و تهمت و سخن باطل قرار ده

وَتُرْسِخَ فی قَلْبی مَحَبَّهَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشیعَتِهِمْ، وَتَحْرُسَنی یا رَبِ

و محبّت محمّد و خاندان محمّد و شیعیانشان را بر دلم راسخ کن، و ای پروردگار من، مرا به رحمت و بخششت

فی نَفْسی وَاهْلی وَمالی وَ وَلَدی وَاهْلِ حُزانَتی وَاخْوانی وَاهْلِ

در جان و خانواده و مال و فرزندان و غمخواران و برادران و دوستان

مَوَدَّتی وَذُرِّیَّتی بِرَحْمَتِکَ وَجُودِکَ، اللهُمَّ هذِهِ حاجاتی عِنْدَکَ، وَ قَدِ

و نسلم محافظت فرما، خدایا اینها حاجت هایم به درگاه توست که

اسْتَکْثَرْتُها لِلُؤْمی وَشُحّی وَ هِیَ عِنْدَکَ صَغیرَهٌ حَقیرَهٌ، وَ عَلَیْکَ سَهْلَهٌ

به خاطر تنگ نظری و طمعم بر آن افزودم، در حالی که آنها نزد تو کوچک و بی مقدار و (انجام آن) بر تو آسان

یَسیرَهٌ، فَاسْئَلُکَ بِجاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ عِنْدَکَ،

و ساده است، پس از تو می خواهم به مقام محمّد و خاندان او- که درود بر او و بر آنان باد- در نزدت

وَبِحَقِّهِمْ عَلَیْکَ، وَبِما اوْجَبْتَ لَهُمْ، وَبِسآئِرِ انْبِیآئِکَ وَرُسُلِکَ، وَ اصْفِیآئِکَ

و به حقّشان بر تو، و به حقّ آنچه بر آنان و بر تمامی پیامبران و فرستادگان و برگزیدگان

وَ اوْلِيآئِكَ الْمُخْلِصينَ مِنْ عِبادِكَ، وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ لَمَّا قَضَيْتَها

و دوستداران خالص از بندگانت واجب نموده ای و به حقّ اسم اعظم اعظمت که تمامی حاجت هایم را

كُلَّها، وَاسْعَفْتَنى بِها، وَ لَمْ تُخَيِّبْ امَلى وَ رَجآئى اللَّهُمَّ وَ شَفِّعْ صاحِبَ

برآورى، و خواسته هايم را اجابت كنى، و اميد و آرزويم را نااميد مگردانى، خدايا شفاعت صاحب

هذَا الْقَبْرِ فِىَّ، يا سَيِّدى يا وَلِىَّ اللَّهِ يا امينَ اللَّهِ، اسْئَلُكَ انْ تَشْفَعَ لى الَى

اين قبر را در موردم بپذير، اى آقاى من اى ولى خدا، اى امين خدا، از تو مى خواهم كه در تمامى

اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فى هذِهِ الْحاجاتِ كُلِّها، بِحَقِّ آبآئِكَ الطَّاهِرينَ، وَ بِحَقِ

حاجت هايم نزد خداوندِ عزيز و گرامى شفيعم باشى، به حقّ پدران پاك نهادت و به حق

اوْلادِكَ الْمُنْتَجَبينَ، فَانَّ لَكَ عِنْدَاللَّهِ تَقَدَّسَتْ اسْمآئُهُ، الْمَنْزِلَةَ الشَّريفَةَ،

فرزندان برگزيده ات، چرا كه براى توست نزد خداوندى كه نام هايش مقدّس است، مقام با شرافت

وَالْمَرْتَبَةَ الْجَليلَةَ، وَالْجاهَ الْعَريضَ، اللهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ مَنْ هُوَ اوْجَهُ

و رتبه اى عالى، و جايگاه وسيع، خدايا اگر كسى را در نزدت آبرومند از اين

عِنْدَكَ مِنْ هذَا الْإِمامِ، وَ مِنْ آبآئِهِ وَابْنآئِهِ الطَّاهِرينَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ

امام و از پدران و فرزندان پاكش- كه درود و سلام بر ايشان باد- مى شناختم

وَالصَّلاةُ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعآئى وَ قَدَّمْتُهُمْ امامَ حاجَتى وَ طَلِباتى هذِهِ،

به یقین آنان را شفیعان خود و پیشاپیش حاجت و خواسته هایم قرار می دادم

فَاسْمَعْ مِنّى وَاسْتَجِبْ لى وَافْعَلْ بى ما انْتَ اهْلُهُ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ،

(خدایا) از من بشنو و اجابت فرما و در مورد من آنچه تو شایسته آنی انجام ده ای مهربان ترین مهربانان.

اللهُمَّ وَ ما قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْئَلَتى وَلَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتى مِنْ صالِحِ دينى

خدایا آنچه درخواستم شامل آن نشد و آنچه از صلاح دین

وَدُنْیایَ وَآخِرَتی فَامْنُنْ بِهِ عَلیَّ، وَاحْفَظْنی وَاحْرُسْنی وَهَبْ لی وَاغْفِرْ

و دنیا و آخرتم به فکرم خطور نکرده است، به اجابتش بر من منّت گذار، و مرا حفظ و پاسداری نما و بر من ببخش و مرا

لی وَ مَنْ ارادَنی بِسُوءٍ اوْ مَکْرُوهٍ، مِنْ شَیْطانٍ مَریدٍ، اوْ سُلْطانٍ عَنیدٍ، اوْ

بیامرز، و هر که مرا به بدی یا زشتی قصد کند چه شیطان نافرمان یا فرمانروای ظالم یا

مُخالِفٍ فی دینٍ، اوْ مُنازِعٍ فی دُنْیا، اوْ حاسِدٍ عَلَیَّ نِعْمَةً، اوْ ظالِمٍ اوْ باغٍ،

مخالف در دین یا ستیزه جوی در (امور) دنیا، یا حسود نسبت به نعمت هایم، یا ستمکار، یا سرکش

ص :559

فَاقْبِضْ عَنّى يَدَهُ، وَاصْرِفْ عَنّى كَيْدَهُ، وَاشْغَلْهُ عَنّى بِنَفْسِهِ، وَاكْفِنى

دستش را از من کوتاه کن و مکرش را از من دور کن و او را به جای من به خودش مشغول ساز، و شرّ او

شَرَّهُ، وَشَرَّ اتْباعِهِ وَشَياطينِهِ، وَاجِرْنى مِنْ كُلِّ ما يَضُرُّنى وَيُجْحِفُ بى

و پیروان و شیاطینش را از من دور کن، و از آنچه به من زیان می رساند و ضرر می زند، پناهم ده

وَاعْطِنى جَميعَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مِمَّا اعْلَمُ وَمِمَّا لا اعْلَمُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى

و تمامی نیکی ها را از آنچه می دانم و نمی دانم عطایم کن، خدایا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْلى وَلِوالِدَىَّ، وَلِإِخْوانى وَاخَواتى وَاعْمامى

محمّد و خاندان پاکش درود فرست و بیامرز مرا و پدر و مادر و برادران و خواهران و عموها

وَعَمَّاتى وَاخْوالى وَخالاتى وَاجْدادى وَجَدَّاتى وَاوْلادِهِمْ وَذَراريهِمْ،

عمه ها و دایی ها و خاله ها و پدربزرگ ها و مادربزرگ ها و فرزندان و نسل آنها

وَازْواجى وَذُرِّيَّاتى وَاقْرِبآئى وَاصْدِقائى وَجيرانى وَاخْوانى فيكَ مِنْ

و همسران و نسلم و نزدیکان و دوستان و همسایه هایم را و برادران دینیم در

اهْلِ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ، وَلِجَميعِ اهْلِ مَوَدَّتى مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ،

شرق و غرب زمین و تمامی دوستانم از مردان و زنان با ایمان

الْاحْيآءِ مِنْهُمْ وَالْامْواتِ، وَلِجَميعِ مَنْ عَلَّمَنى خَيْراً، اوْ تَعَلَّمَ مِنّى

زنده و مرده ایشان و تمامی آنان که به من کار خیری آموخته اند یا از من عملی یاد گرفته اند

عِلّماَ، اللهُمَّ اشْرِکْهُمْ فی صالِحِ دُعآئی وِزِیارَتی لِمَشْهَدِ حُجَّتِکَ

خدایا آنان را در دعای خیرم و زیارتم از بارگاه حجّت

وَوَلِیِّکَ، وَاشْرِکْنی فی صالِحِ ادْعِیَتِهِمْ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ،

و ولیّت شریک گردان و مرا در دعای خیر آنان شریک کن، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

وَبَلِّغْ وَلِیَّکَ مِنْهُمُ السَّلامَ، وَالسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَهُاللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، یا سَیِّدی

و از جانب آنان سلامی به ولیّت برسان، و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای سرور

یا مَوْلایَ، یا فُلانَ بْن فُلان (و به جای کلمه فلان بن فلان نام امامی را که زیارت می کنی با و مولای من ای فلان پسر فلان***************************

نام پدر بزرگوارش می بری و می گویی) صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ وَعَلی رُوحِکَ وَبَدَنِکَ، انْتَ

***************** درود خدا بر تو و بر روح و بدن (مطهّر) تو باد، تویی

وَسيلَتى الَى اللَّهِ، وَذَريعَتى الَيْهِ، وَ لى حَقُّ مُوالاتى وَتَأْميلى فَكُنْ

وسيله و راه رسيدنم به خدا، و براى من است حقّ دوستى و آرزومندى، پس به درگاه

شَفيعى الَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِى الْوُقُوفِ عَلى قِصَّتى هذِهِ، وَصَرْفى عَنْ

خداوند عزيز و گرامى شفيعم باش در آگاهى از خواسته ام و بازگشتن از

مَوْقِفى هذا بِالنُّجْحِ، وَ بِما سَئَلْتُهُ كُلِّهِ، بِرَحْمَتِهِ وَقُدْرَتِهِ، اللهُمَّ ارْزُقْنى

اين مكان، با كاميابى و با تمامى آنچه از تو خواسته ام به واسطه رحمت و قدرت خدا، خدايا روزيم گردان

عَقْلًا كامِلًا، وَلُبّاً راجِحاً، وَ عِزّاً باقِياً، وَ قَلْباً زَكِيّاً، وَ عَمَلًا كَثيراً، وَادَباً

عقل كامل و فكر برتر و عزّت پاينده و قلبى پاک و عمل فراوان و ادب

بارِعاً، وَاجْعَلْ ذلِكَ كُلَّهُ لى وَلاتَجْعَلْهُ عَلَىَّ، بِرَحْمَتِكَ ياارْحَمَ الرَّاحِمينَ.(1)

نيكو، و تمامى اينها را به نفعم قرار ده نه به زيانم، به رحمتت اى مهربان ترين مهربانان.

***

دعاى سوم (دعاى مكارم الاخلاق):

چه نيكوست كه زائر عزيز، فرصت به دست آمده پس از زيارت را غنيمت بشمرد و چنانچه موفّق شود دعاى «مكارم الاخلاق» را كه از دعاهاى بسيار جامع و از حيث محتوا بسيار عالى است بخواند وآن دعايى است كه ازامام سجاد عليه السلام نقل شده و در فصل دعاهاى معروف (صفحه 181) گذشت.

يادآورى: بسيار شايسته است كه زائر محترم وقتى مى خواهد طلب حاجت كند (چه در حرم باشد و يا هر مكان ديگر) عظمت اسلام و مسلمين و درود بر محمّد و آل محمّد صلى الله عليه و آله و سلامتى وجود مقدّس حضرت

ولی عصر- عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف- را بر هر حاجتی مقدّم بدارد که از برکات فراوانی برخوردار است.

صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام:

«شیخ طوسی» در «مصباح المتهجّد» در اعمال روز جمعه نوشته است: یکی از یاران امام حسن عسکری علیه السلام می گوید: از مولای خود امام حسن عسکری علیه السلام در منزل آن حضرت در «سامرا» سال 255 درخواست کردم کیفیّت صلوات بر پیامبر و اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام را بر من املا کند. آن حضرت نیز، با الفاظ مبارک خود بدون آن که در کتابی نگاه کند در حالی که من کاغذ بزرگی را به همراه داشتم، صلوات ذیل را املا فرمود و من نوشتم:

1- [651]مصباح الزائر، صفحه 468 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 169.

صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله:

اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما حَمَلَ وَحْیَکَ، وَبَلَّغَ رِسالاتِکَ، وَصَلِّ عَلی

خدایا بر محمّد درود فرست آن گونه که وحیت را حمل نمود و رسالتت را تبلیغ کرد و بر محمّد درود فرست

مُحَمَّدٍ کَما احَلَّ حَلالَکَ، وَحَرَّمَ حَرامَکَ، وَعَلَّمَ کِتابَکَ، وَصَلِّ عَلی

آن گونه که حلالت را حلال و حرامت را حرام شمرده و کتابت را (به دیگران) آموخت و بر

مُحَمَّدٍ کَما اقامَ الصَّلاهَ، وَ اتَی الزَّکاهَ، وَدَعا الی دینِکَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

محمّد درود فرست آن گونه که نماز را بپا داشته و زکات را پرداخت نموده و به دینت دعوت کرد و بر محمّد درود فرست

کَما صَدَّقَ بِوَعْدِکَ، وَاشْفَقَ مِنْ وَعیدِکَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما غَفَرْتَ

آن گونه که وعده ات را تصدیق نموده و از وعده عذابت بیمناک شد، و بر محمّد درود فرست آن گونه که به واسطه

بِهِ الذُّنُوبَ، وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُیُوبَ، وَفَرَّجْتَ بِهِ الْکُرُوبَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

او گناهان را آمرزیده و عیب ها را پوشانده و غم ها را برطرف نمودی، و بر محمّد درود فرست

کَما دَفَعْتَ بِهِ الشَّقآءَ، وَکَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّآءَ، وَاجَبْتَ بِهِ الدُّعآءَ، وَنَجَّیْتَ

آن گونه که به واسطه او بدبختی را دفع نموده و اندوه را برطرف ساختی و دعا را اجابت نموده،

بِهِ مِنَ الْبَلاءِ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما رَحِمْتَ بِهِ الْعِبادَ، وَاحْیَیْتَ بِهِ

و از گرفتاری نجات دادی، و بر محمّد درود فرست آن گونه که به واسطه او بر بندگان رحم نموده و شهرها را

الْبِلادَ، وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبابِرَةَ، وَاهْلَكْتَ بِهِ الْفَراعِنَةَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

زنده ساختی و گردنکشان را درهم کوبیده و فرعون ها را هلاک کردی و بر محمّد درود فرست

کَما اضْعَفْتَ بِهِ الْأَمْوالَ، وَاحْرَزْتَ بِهِ مِنَ الْأَهْوالِ، وَکَسَرْتَ بِهِ الْأَصْنامَ،

آن گونه که به واسطه او دارایی ها را چند برابر گرداندی و از ترس حفظ نمودی و بت ها را به وسیله او درهم شکستی

وَرَحِمْتَ بِهِ الْأَنامَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما بَعَثْتَهُ بِخَیْرِ الْأَدْیانِ، وَاعْزَزْتَ

و به سبب او بر انسان ها رحم نمودی، و بر محمّد درود فرست آن گونه که او را به بهترین دین مبعوث نمودی

بِهِ الْإِیمانَ، وَتَبَّرْتَ بِهِ الْأَوْثانَ، وَعَظَّمْتَ بِهِ الْبَیْتَ الْحَرامَ، وَ صَلِّ عَلی

و ایمان را به واسطه او تقویت نمودی، و بت ها را به خاک افکنده و بیت الحرام را عظمت بخشیدی، و بر محمّد

مُحَمَّدٍ وَ اهْلِ بَیْتِهِ الطَّاهِرینَ الْأَخْیارِ، وَسَلِّمْ تَسْلیماً.

و خاندان پاک و برگزیده اش درود فرست و سلام فراوان بر آنان باد.

ص: 562

صلوات بر امیرالمؤمنین علیه السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی امیرِ الْمُؤْمِنینَ عَلِیِّ بْنِ ابیطالِبٍ، اخی نَبِیِّکَ، وَوَصِیِّهِ

خدایا بر امیرمؤمنان علی بن ابی طالب درود فرست، همان برادر پیامبرت و جانشین

وَوَلِیِّهِ، وَصَفِیِّهِ وَوَزیرِهِ، وَمُسْتَوْدَعِ عَلْمِهِ، وَمَوْضِعِ سِرِّهِ، وَبابِ حِکْمَتِهِ،

و ولیش و برگزیده و وزیرش، و امانتدار علم و جایگاه اسرارش، و درگاه حکمت

وَالنّاطِقِ بِحُجَّتِهِ، وَالدّاعی الی شَریعَتِهِ، وَخَلیفَتِهِ فی امَّتِهِ، وَمُفَرِّجِ

و گویا به حجتش و دعوت کننده به دین و جانشین در میان امتش، و برطرف کننده

الْکَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، قاصِمِ الْکَفَرَهِ، وَمُرْغِمِ الْفَجَرَهِ، الَّذی جَعَلْتَهُ مِنْ

غم از چهره اش، درهم کوبنده کافران و خوار کننده بدکاران، آن که او را نسبت به

نَبِیِّکَ بِمَنْزِلَهِ هرُونَ مِنْ مُوسی اللهُمَّ والِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ،

پیامبرت همانند هارون نسبت به موسی قرار دادی، خدایا دوستدارانش را دوست و دشمنانش را دشمن بدار

وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْأَوَّلینَ

و یاورانش را یاری کن و رها کنندگانش را خوار گردان، و هر که از پیشینیان و پسینیان با او دشمنی

وَالْأخِرینَ، وَصَلِّ عَلَیْهِ افْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی احَدٍ مِنْ اوْصِیآءِ انْبِیآئِکَ،

ورزید لعنت کن، بر او درود فرست، برترین درودی که بر هر یک از جانشینان پیامبرانت فرستاده ای

یا رَبَّ الّعالَمینَ.

ای پروردگار جهانیان.

صلوات بر سیده زنان فاطمه علیها السلام:

اللهُمَّ صَلِّ عَلَی الصِّدّیقَهِ فاطِمَهَ الزَّکِیَّهِ، حَبیبَهِ حَبیبِکَ وَنَبِیِّکَ، وَامِ

خدایا بر فاطمه راست گفتارِ پاکیزه درود فرست، همان محبوبِ حبیب و (محبوب) پیامبرت، و مادر

احِبَّآئِکَ وَاصْفِیآئِکَ، الَّتِی انْتَجَبْتَها وَفَضَّلْتَها وَاخْتَرْتَها عَلی

دوستداران و برگزیدگانت، بانویی که او را برگزیده و برتری داده

نِسآءِ الْعالَمینَ، اللَّهُمَّ کُنِ الطَّالِبَ لَها مِمَّنْ ظَلَمَها، وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّها، وَکُنِ

و بر بانوان جهانیان اختیار نمودی، خدایا تو خود انتقام او را بگیر از کسانی که به او ستم نموده و حقّش را رعایت نکردند و خدایا

ص: 563

الثَّائِرَ اللهُمَّ بِدَمِ اوْلادِها، اللَّهُمَّ وَكَما جَعَلْتَها امَّ ائِمَّهِ الْهُدى وَحَليلَهَ

تو خود خونخواه فرزندانش باش، خدایا همان گونه که او را مادر امامان هدایتگر و همسر

صاحِبِ اللِّوآءِ، وَالْكَريمَهَ عِنْدَ الْمَلَإِ الْأَعْلى فَصَلِّ عَلَيْها وَعَلى امِّها

صاحب پرچم (هدایت) و گرامی در نزد فرشتگان عالم بالا قرار دادی، پس بر او و مادرش درود فرست

صَلاهً تُكْرِمُ بِها وَجْهَ ابيها مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتُقِرُّ بِها اعْيُنَ

درودی که به واسطه آن پدرش محمّد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- را گرامی داری و مایه چشم روشنی

ذُرِّيَّتِها، وَابْلِغْهُمْ عَنّى فى هذِهِ السَّاعَهِ افْضَلَ التَّحِيَّهِ وَالسَّلامِ.

نسلش را فراهم سازی و از جانب من در این ساعت برترین درود و سلام را به آنان برسان.

صلوات بر امام حسن و امام حسین علیهما السلام:

اللهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ، وَوَلِيَّيْكَ وَابْنَىْ رَسُولِكَ،

خدایا درود فرست بر حسن و حسین دو بنده و ولیّت و فرزندان رسولت

وَسِبْطَىِ الرَّحْمَهِ، وَسَيِّدَىْ شَبابِ اهْلِ الْجَنَّهِ، افْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى

و دو نوه پیامبر رحمت و دو آقای جوانان اهل بهشت، برترین درودی که بر

احَدٍ مِنْ اوْلادِ النَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ سَيِّدِ

هر یک از فرزندان پیامبران و فرستادگانت رسانده ای، خدایا بر حسن فرزند سرور

النَّبِيّينَ، وَوَصِىِّ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ

پیامبران و جانشین امیرمؤمنان درود فرست، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام

عَلَیْکَ یَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ، اشْهَدُ انَّکَ یَابْنَ امیرِ الْمُؤْمِنینَ امینُ اللَّهِ وَابْنُ

بر تو ای فرزند سرور جانشینان، گواهی می دهم که تو به یقین فرزند امیرمؤمنان امین خدا و فرزند

امینِهِ، عِشْتَ مَظْلُوماً وَمَضَیْتَ شَهیداً، وَاشْهَدُ انَّکَ الْإِمامُ الزَّکِیُّ الْهادِی

امینش هستی، مظلومانه زندگی کرده و با شهادت از دنیا رفتی و گواهی می دهم که تو به یقین امام پاک، هدایتگر

الْمَهْدِیُّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ، وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ عَنّی فی هذِهِ السَّاعَهِ

و هدایت یافته ای، خدایا بر او درود فرست و بهترین درود و سلام را در این ساعت از جانب من به روح و بدنش

افْضَلَ التَّحِیَّهِ وَالسَّلامِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ الْمَظْلُومِ

برسان، خدایا بر حسین بن علی درود فرست، آن ستمدیده

ص: 564

الشَّهیدِ، قَتیلِ الْکَفَرَهِ، وَطَریحِ الْفَجَرَهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا اباعَبْدِاللَّهِ،

شهید، کشته شده به دست کافران، و به خاک افتاده به دست بدکاران، سلام بر تو ای اباعبداللّه

السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ امیرِ الْمُؤْمِنینَ، اشْهَدُ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان، از روی یقین گواهی می دهم

مُوقِناً انَّکَ امینُ اللَّهِ وَابْنُ امینِهِ، قُتِلْتَ مَظْلُوماً وَمَضَیْتَ شَهیداً، وَاشْهَدُ انَ

که تو امین خدا و فرزند امینش هستی، مظلومانه کشته شده و با شهادت از دنیا رفتی، و گواهی می دهم که

اللَّهَ تَعالی الطَّالِبُ بِثارِکَ، وَمُنْجِزٌ ما وَعَدَکَ مِنَ النَّصْرِ وَالتَّاْییدِ فی هَلاکِ

خداوند بلندمرتبه خونخواه توست، و به وعده یاری و حمایت در هلاک نمودن دشمنت

عَدُوِّکَ، وَاظْهارِ دَعْوَتِکَ، وَاشْهَدُ انَّکَ وَفَیْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَجاهَدْتَ فی

و آشکار ساختن دعوتت، وفا خواهد نمود، و گواهی می دهم که تو به یقین به پیمان خدا وفا کرده، و در

سَبیلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتّی اتیکَ الْیَقینُ، لَعَنَ اللَّهُ امَّهً قَتَلَتْکَ،

راه خدا جهاد نموده و خدا را خالصانه عبادت نمودی تا زمان شهادتت فرا رسید، خداوند قاتلان تو را لعنت کند

وَلَعَنَ اللَّهُ امَّهً خَذَلَتْکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّهً الَبَّتْ عَلَیْکَ، وَابْرَءُ الَی اللَّهِ تَعالی

و خداوند آنان که تو را یاری نکردند لعنت کند، و خداوند گروهی را که کمر به دشمنیت بستند را لعنت کند، و به درگاه خداوند بلندمرتبه بیزاری می جویم

مِمَّنْ اکْذَبَکَ، وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّکَ، وَاسْتَحَلَّ دَمَکَ، بِابی انْتَ وَامّی یا

از کسانی که تو را تکذیب نموده و حقّت را سبک شمرده و خونت را حلال دانستند، پدر و مادرم به فدای تو ای

اباعَبْدِاللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ قاتِلَکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ خاذِلَکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ واعِیَتَکَ

اباعبداللَّه، خداوند قاتلت را لعنت کند، و خداوند ترک کننده یاریت را لعنت کند و خداوند لعنت کند کسی را که صدای

فَلَمْ یُجِبْکَ وَلَمْ یَنْصُرْکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَبا نِسآئَکَ، ا نَا الَی اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِئٌ،

یاری خواستنت را شنید و پاسخت نداد و یاریت نکرد، و خداوند کسانی را که زنانت را به اسارت بردند لعنت کند، من به درگاه

وَمِمَّنْ والاهُمْ وَمالَأَهُمْ وَاعانَهُمْ عَلَیْهِ، وَاشْهَدُ انَّکَ وَالْأَئِمَّهَ مِنْ وُلْدِکَ

خداوند از آنان و از دوستداران و حامیان و یاورانشان بیزاری می جویم، و گواهی می دهم که تو و امامان از فرزندانت

کَلِمَهُ التَّقْوی وَبابُ الْهُدی وَالْعُرْوَهُ الْوُثْقی وَالْحُجَّهُ عَلی اهْلِ الدُّنْیا،

اساس پرهیزکاری و درگاه هدایت و ریسمان محکم (هدایت) و حجّت (خدا) بر جهانیان هستید

وَاشْهَدُ انّی بِکُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِمَنْزِلَتِکُمْ مُوقِنٌ، وَلَکُمْ تابِعٌ بِذاتِ نَفْسی

و گواهی می دهم که من به شما ایمان دارم و به جایگاهتان یقین دارم و پیرو شمایم با تمام وجودم

ص :565

وَشَرايِعِ دینی وَخَواتیمِ عَمَلی وَمُنْقَلَبی فی دُنْیایَ وَ آخِرَتی

و قوانین دینم و عواقب عملم و سرنوشتم در دنیا و آخرتم.

صلوات بر امام علی بن الحسین علیهما السلام:

اللهُمَّ صَلِّ عَلی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ سَیِّدِ الْعابِدینَ، الَّذِی اسْتَخْلَصْتَهُ

خدایا بر علی بن حسین آقا و سرور عابدان درود فرست، آن که او را برای خودت خالص

لِنَفْسِکَ، وَجَعَلْتَ مِنْهُ ائِمَّهَ الْهُدیَ، الَّذینَ یَهدُونَ بِالْحَقِّ، وَبِهِ یَعْدِلُونَ،

گرداندی و امامان هدایتگر را از نسل او قرار دادی، آنان که به سوی حق هدایت کرده و به آن باز می گردند

الَّذی اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِکَ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ، وَاصْطَفَیْتَهُ وَجَعَلْتَهُ هادِیاً

آن که او را برای خود برگزیده و از پلیدی پاک نمودی، و او را انتخاب کرده و هدایتگر هدایت یافته قرارش

مَهْدِیّاً، اللهُمَّ فَصَلِّ عَلَیْهِ افْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی احَدٍ مِنْ ذُرِّیَهِ انْبِیآئِکَ،

دادی، خدایا بر او درود فرست بهترین درودی را که بر هر یک از فرزندان پیامبرانت فرستاده ای

حَتّی تَبْلُغَ بِهِ ما تَقِرُّ بِهِ عَیْنُهُ فِی الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ، انَّکَ عَزیزٌ حَکیمٌ.

تا به او برسانی آنچه را که به واسطه آن چشمش در دنیا و آخرت روشن شود، زیرا که تو گرامی و با حکمتی.

صلوات بر امام باقر علیه السلام:

اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ باقِرِ الْعِلْمِ، وَ امامِ الْهُدی وَ قآئِدِ اهْلِ

خدایا درود فرست بر محمّد بن علی شکافنده دانش و پیشوای هدایتگر و رهبر

التَّقْوی وَ الْمُنْتَجَبِ مِنْ عِبادِکَ، اللهُمَّ وَ کَما جَعَلْتَهُ عَلَماً لِعِبادِکَ،

پرهیزکاران و برگزیده از میان بندگانت، خدایا همان گونه که او را قرار دادی نشانه ای برای (هدایت) بندگانت

وَمَناراً لِبِلادِکَ، وَ مُسْتَوْدَعاً لِحِکْمَتِکَ، وَ مُتَرْجِماً لِوَحْیِکَ، وَ امَرْتَ

و روشنایی شهرهایت، و ودیعه گاه دانشت و مفسّر وحیت (قرار دادی)، و به اطاعتش

بِطاعَتِهِ، وَحَذَّرْتَ مِنْ مَعْصِیَتِهِ، فَصَلِّ عَلَیْهِ یا رَبِّ افْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی

فرمان داده و از نافرمانیش منع نمودی، پس پروردگارا بر او درود فرست بهترین درودی را که بر

احَدٍ مِنْ ذُرِّیَهِ انْبِیآئِکَ، وَ اصْفِیآئِکَ وَ رُسُلِکَ وَ امَنآئِکَ، یا رَبَّ الْعالَمینَ.

هر یک از فرزندان پیامبران و برگزیدگان و فرستادگان و امینانت فرستاده ای ای پروردگار جهانیان.

ص: 566

صلوات بر امام صادق علیه السلام:

اللهُمَّ صَلِّ عَلى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، خازِنِ الْعِلْمِ، الدَّاعى الَیْکَ

خدایا بر جعفر بن محمّد راست گفتار درود فرست، آن گنجینه دانش، دعوت کننده راستین

بِالْحَقِّ، النُّورِ الْمُبینِ، اللهُمَّ وَکَما جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ کَلامِکَ وَوَحْیِکَ، وَخازِنَ

به سویت و نور آشکار، خدایا همان گونه که او را قرار دادی گنجینه سخنان و وحیت و مخزن

عِلْمِکَ، وَلِسانَ تَوْحیدِکَ، وَوَلِیَّ امْرِکَ، وَمُسْتَحْفِظَ دینِکَ، فَصَلِّ عَلَیْهِ

دانشت و زبان گویا به یگانگیت و سرپرست امورت و حافظ دینت (قرار دادی)، پس بر او درود فرست

افْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلى احَدٍ مِنْ اصْفِیآئِکَ وَحُجَجِکَ، انَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ.

بهترین درودی را که بر هر یک از برگزیدگان و حجّت هایت فرستاده ای، زیرا که تو ستوده و بزرگواری.

صلوات بر امام موسی بن جعفر علیهما السلام:

اللهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَمینِ الْمُؤْتَمَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، الْبَرِّ الْوَفِیِّ، الطَّاهِرِ

خدایا بر امانتدار مورد اعتماد همان موسی بن جعفر درود فرست، آن نیکوکار با وفا، پاک

الزَّکِیِّ، النُّورِ الْمُبینِ، الْمُجْتَهِدِ الْمُحْتَسِبِ، الصَّابِرِ عَلَى الْأَذى فیکَ،

پاکیزه، نور آشکار، تلاش کننده و کسی که اعمالش برای تو بود، و صبر کننده بر اذیّت ها در راه تو

اللهُمَّ وَکَما بَلَّغَ عَنْ ابآئِهِ مَا اسْتُودِعَ مِنْ امْرِکَ وَنَهْیِکَ، وَحَمَلَ عَلَى

خدایا همان گونه که اوامر و نواهی ودیعه گذاشته شده در نزد پدرانش را رسانید و به سوی راه روشن هدایت

الْمَحَجَّهِ، وَكابَدَ اهْلَ الْعِزَّهِ وَالشِّدَّهِ فيما كانَ يَلْقى مِنْ جُهَّالِ قَوْمِهِ، رَبِ

نمود و تحمّل کرد و در برابر زورمندان و سختگیران در آنچه از جاهلان قومش به او می رسید مقاومت کرد، پروردگارا

فَصَلِّ عَلَيْهِ افْضَلَ وَاكْمَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى احَدٍ مِمَّنْ اطاعَكَ، وَنَصَحَ

پس بر او درود فرست بهترین درودی را که بر هر یک از اطاعت کنندگان و خیرخواهان

لِعِبادِكَ، انَّكَ غَفُورٌ رَحيمٌ.

بندگانت فرستاده ای، زیرا که تو بسیار آمرزنده و مهربانی.

ص: 567

صلوات بر امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام:

اللهُمَّ صَلِّ عَلی عَلِیِّ بْنِ مُوسیَ، الَّذِی ارْتَضَیْتَهُ وَرَضَّیْتَ بِهِ مَنْ شِئْتَ

خدایا بر علی بن موسی درود فرست، آن که او را پسندیده و هر یک از آفریدگانت را که خواستی به واسطه او

مِنْ خَلْقِکَ، اللهُمَّ وَکَما جَعَلْتَهُ حُجَّهً عَلی خَلْقِکَ، وَقآئِماً بِامْرِکَ، وَناصِراً

خشنود ساختی، خدایا همان گونه که او را حجّت بر مخلوقات، و به پا دارنده فرامین و یاور

لِدینِکَ، وَشاهِداً عَلی عِبادِکَ، وَ کَما نَصَحَ لَهُمْ فِی السِّرِ وَالْعَلانِیَهِ، وَدَعا

دین و گواه بر بندگانت قرار دادی و همان گونه که در پنهان و آشکار خیرخواه آنان بود و با

الی سَبیلِکَ بِالْحِکْمَهِ وَ الْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ، فَصَلِّ عَلَیْهِ افْضَلَ ما

حکمت و اندرز نیکو به راه تو دعوت نمود، پس بر او درود فرست، بهترین

صَلَّیْتَ عَلی احَدٍ مِنْ اوْلِیآئِکَ، وَ خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، انَّکَ جَوادٌ کَریمٌ.

درودی را که بر هر یک از دوستداران و برگزیدگان از مخلوقاتت فرستاده ای، زیرا که تو بخشنده و بزرگواری.

صلوات بر امام جواد علیه السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مُوسی عَلَمِ التُّقی وَنُورِ الْهُدی

خدایا بر محمّد بن علی بن موسی درود فرست، آن نشانه پرهیزکاری و نور هدایت

وَمَعْدِنِ الْوَفآءِ، وَفَرْعِ الْأَزْکِیآءِ، وَخَلیفَهِ الْأَوْصِیآءِ، وَامینِکَ عَلی

و گنجینه وفاداری، و از نژاد پاکیزگان، جانشین اوصیاء، و امین بر

وَحْیِکَ، اللهُمَّ فَکَما هَدَیْتَ بِهِ مِنَ الضَّلالَهِ، وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْحَیْرَهِ،

وحیت، خدایا همان گونه که به واسطه او (مردمان را) از گمراهی و سرگردانی رهایی بخشیدی

وَارْشَدْتَ بِهِ مَنِ اهْتَدی وَزَکَّیْتَ بِهِ مَنْ تَزَکّی فَصَلِّ عَلَیْهِ افْضَلَ ما

و هدایت یافتگان را به وسیله او پروراندی و پاکیزگان را به واسطه او پاکیزه گرداندی، پس بر او

صَلَّیْتَ عَلی احَدٍ مِنْ اوْلِیآئِکَ، انَّکَ عَزیزٌ حَکیمٌ.

درود فرست بهترین درودی را که بر هر یک از اولیائت فرستاده ای، زیرا که تو گرامی و دانایی.

ص: 568

صلوات بر امام هادی علیه السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَصِیِ الْأَوْصِیآءِ، وَامامِ الْأَتْقِیآءِ،

خدایا بر علی بن محمد درود فرست، آن جانشین اوصیاء، و پیشوای پرهیزکاران

وَخَلَفِ ائِمَّهِ الدّینِ، وَالْحُجَّهِ عَلَی الْخَلائِقِ اجْمَعینَ، اللهُمَّ کَما جَعَلْتَهُ

و جانشین امامان دین، و حجّت بر تمامی مخلوقات، خدایا همان گونه که او را نوری قرار دادی که

نُوراً یَسْتَضیئُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، فَبَشَّرَ بِالْجَزیلِ مِنْ ثَوابِکَ، وَانْذَرَ بِالْأَلیمِ

به واسطه آن مؤمنان روشنایی می گیرند، پس به پاداش عظیمت بشارت داده و از عذاب دردناکت

مِنْ عِقابِکَ، وَحَذَّرَ بَأْسَکَ، وَذَکَّرَ بِایَّامِکَ، وَاحَلَّ حَلالَکَ، وَحَرَّمَ

بیم داد، و از کیفرت برحذر داشته و ایام اللّه را یادآوری نمود و حلالت را حلال و حرامت را

حَرامَکَ، وَبَیَّنَ شَرایِعَکَ وَفَرایِضَکَ، وَحَضَّ عَلی عِبادَتِکَ، وَامَرَ

حرام شمرد، و قوانین و واجباتت را بیان کرد و بر عبادتت ترغیب نمود و به اطاعتت فرمان

بِطاعَتِکَ، وَنَهی عَنْ مَعْصِیَتِکَ، فَصَلِّ عَلَیْهِ افْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی احَدٍ

داده و از نافرمانیت بازداشت، پس بر او درود فرست بهترین درودی را که بر هر یک

مِنْ اوْلِیآئِکَ، وَ ذُرِّیَّهِ انْبِیآئِکَ، یا الهَ الْعالَمینَ.

از اولیائت و نسل پیامبرانت فرستاده ای، ای معبود جهانیان.

راوی این صلوات می گوید: حضرت امام حسن عسکری علیه السلام وقتی از ذکر صلوات بر پدرش فارغ شد و نوبت به خود آن بزرگوار رسید ساکت شد، عرض کردم که کیفیّت صلوات بر بقیّه را بفرمایید، فرمود: اگر نه این بود که ذکر این صلوات از تعلیمات مهمّ دین است و خدا به ما امر فرموده که آن را به اهلش بیاموزیم به یقین دوست می داشتم که در این جا سکوت کنم؛ ولی چون در مقام تعلیم دین هستم، بنویس!

صلوات بر امام حسن عسکری علیه السلام:

اللهُمَّ صَلِّ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ، الْبَرِّ التَّقِیِّ، الصَّادِقِ الْوَفِیِّ،

خدایا بر حسن بن علی بن محمّد درود فرست، آن نیکوکار پرهیزکار، راستگوی وفادار

النُّورِ الْمُضیئِ، خازِنِ عِلْمِکَ، وَالْمُذَکِّرِ بِتَوْحیدِکَ، وَوَلِیِّ امْرِکَ، وَخَلَفِ

نور تابان، گنجینه علمت، و یادآورنده یگانگیت، و ولیّ امرت، و جانشین

اِئِمَّهِ الدّينِ الْهُداهِ الرَّاشِدينَ، وَالْحُجَّهِ عَلى اهْلِ الدُّنْيا، فَصَلِّ عَلَيْهِ يا

امامان دين، آن هدايت گران رشديافته، و حجّت بر اهل دنيا، پس اى پروردگار من بر او درود فرست

رَبِّ افْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى احَدٍ مِنْ اصْفِيآئِکَ، وَحُجَجِکَ وَاوْلادِ

بهترين درودى را که بر هر يک از برگزيدگان و حجّت هايت و فرزندان

رُسُلِکَ، يا الهَ الْعالَمينَ.

رسولانت فرستاده اى، اى معبود جهانيان.

صلوات بر ولى الامر المنتظر

(عجّل اللَّه تعالى فرجه الشريف):

اللهُمَّ صَلِّ عَلى وَلِيِّکَ وَابْنِ اوْلِيآئِکَ، الَّذينَ فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ،

خدايا بر ولى و فرزند اوليائت درود فرست، آنان که اطاعتشان لازم

وَاوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَاذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ، وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهيراً، اللهُمَ

و رعايت حقشان را واجب فرمودى، ناپاکى را از آنها دور ساخته و به شايستگى پاکشان نمودى، خدايا

انْتَصِرْ بِهِ لِدينِکَ، وَانْصُرْ بِهِ اوْلِيآئَکَ وَاوْلِيآئَهُ، وَشيعَتَهُ وَانْصارَهُ، وَاجْعَلْنا

دينت را به وسيله او يارى کن، و اوليائت و دوستداران و شيعيان و ياوران او را يارى کن، و ما را

مِنْهُمْ، اللهُمَّ اعِذْهُ مِنْ شَرِّ کُلِّ باغٍ وَطاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَميعِ خَلْقِکَ،

در زمره آنان قرار ده، خدايا او را از شرّ هر ظالم و طغيان گر و از شرّ تمامى مخلوقات

وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ، وَاحْرُسْهُ

و از پیش رو و پشت سر و از سمت راست و چپ حفظ کن، و نگهدار او باش

وَامْنَعْهُ انْ یُوصَلَ الَیْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فیهِ رَسُولَکَ وَ آلَ رَسُولِکَ، وَاظْهِرْ

و از حوادث ناگوار بازدار، و با حفظ او آثار رسولت و خاندانش را حفظ کن، و به دست او

بِهِ الْعَدْلَ، وَایِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْ ناصِریهِ، وَاخْذُلْ خاذِلیهِ، وَاقْصِمْ بِهِ

عدالت را ظاهر کن و با یاریش او را تأیید کن و یاورانش را یاری کن و مخالفانش را خوار گردان، و به دست او

جَبابِرَةَ الْکُفْرِ، وَاقْتُلْ بِهِ الْکُفَّارَ وَالْمُنافِقینَ، وَجَمیعَ الْمُلْحِدینَ، حَیثُ

گردنکشان کفر را درهم شکن، و به دست او کافران و منافقان و تمامی بی دینان هر زمان

کانُوا وَایْنَ کانُوا، مِنْ مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها، وَبَرِّها وَبَحْرِها، وَامْلَأْ

و هر جا که هستند، در شرق و غرب زمین و در خشکی و دریا نابود کن، و زمین را

ص :570

بِهِ الْأَرْضَ عَدْلاً، وَ اظْهِرْ بِهِ دينَ نَبِيِّکَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلامُ، وَاجْعَلْنِى اللَّهُمَ

به وسیله او از عدل پر کن، و دین پیامبرت- که بر او و خاندانش درود باد- را به دست او ظاهر کن، خدایا مرا

مِنْ انْصارِهِ وَاعْوانِهِ، وَاتْباعِهِ وَشيعَتِهِ وَارِنى فى آلِ مُحَمَّدٍ ما يَاْمُلُونَ،

از یاران و یاوران و پیروان و شیعیانش قرار ده، و آنچه را که خاندان محمّد آرزو داشتند

وَفى عَدُوِّهُمْ ما يَحْذَرُونَ، الهَ الْحَقِّ آمينَ.(1)

و در مورد دشمنانش بیم داشتند به من نشان ده، ای معبود بر حق دعایم را بپذیر.

***

زیارت وداع ائمّه علیهم السلام:

یکی از آداب زیارت وداع کردن زائر هنگام خروج از شهر یا حرم آن بزرگواران است، آن هم به زیارتی که از جانب خود آنها رسیده است. ما در زیارت هر کدام از ائمّه علیهم السلام وداع خاصّی را ذکر کرده ایم ولی در این جا نیز زیارتی را بیان می داریم که در وداع هر یک از ائمّه علیهم السلام می توان آن را خواند و آن زیارتی است که «سیّد بن طاووس» و «شهید اوّل» و دیگران آن را آورده اند به این صورت که هرگاه خواستی برگردی در هر یک از مشاهد مشرّفه که هستی بگو:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّهِ، وَ مَعْدِنَ الرِّسالَهِ، سَلامَ مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ

سلام بر شما ای خاندان نبوت، و گنجینه رسالت، سلام خداحافظی کننده ای که نه ناراحت است

وَ لا قالٍ، وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ عَلَيْكُمْ اهْلَ الْبَيْتِ، انَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ،

و نه دلتنگ، و رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت باد، زیرا که او ستوده و بزرگوار است،

سَلامَ وَلِیٍّ غَیْرَ راغِبٍ عَنْکُمْ، وَ لا مُنْحَرِفٍ عَنْکُمْ، وَ لا مُسْتَبْدِلٍ بِکُمْ،

سلام دوستداری که روی گردان از شما نیست و از (راه) شما منحرف نشده و کسی را جایگزین شما نساخته است

وَلا مُؤْثِرٍ عَلَیْکُمْ، وَلا زاهِدٍ فی قُرْبِکُمْ، لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَهِ

کسی را بر شما ترجیح نداده، و از جوارتان کناره گیری نکرده است، خداوند این زیارتم را آخرین زیارتم از قبورتان

قُبُورِکُمْ، وَ اتْیانِ مَشاهِدِکُمْ، وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ،

و حضور در بارگاهتان قرار ندهد، و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

1- [652]مصباح المتهجّد، صفحه 399.

وَحَشَرَنِیَ اللَّهُ فی زُمْرَتِکُمْ، وَ اوْرَدَنی حَوْضَکُمْ، وَ ارْضاکُمْ عَنّی

و خداوند مرا در گروه شما محشور گردانده و بر حوض کوثرتان داخل کند، و مرا از شما خشنود گردانده

وَمَکَّنَنی فی دَوْلَتِکُمْ، وَ احْیانی فی رَجْعَتِکُمْ، وَ مَلَّکَنی فی ایَّامِکُمْ،

و در حکومتتان قدرتمند ساخته و در بازگشتتان زنده ام گرداند، و در روزگارتان قدرتمندم سازد

وَشَکَرَ سَعْیی بِکُمْ، وَ غَفَرَ ذُنُوبی بِشَفاعَتِکُمْ، وَ اقالَ عَثْرَتی بِحُبِّکُمْ،

و تلاشم را به خاطر شما بپذیرد و با شفاعتتان از گناهانم درگذرد، و به خاطر محبّتتان لغزشم را نادیده گیرد

وَاعْلی کَعْبی بِمُوالاتِکُمْ، وَ شَرَّفَنی بِطاعَتِکُمْ، وَاعَزَّنی بِهُدیکُمْ،

و به واسطه دوستیتان جایگاهم را بالا برد و با اطاعتتان شرافت بخشد، و با هدایتتان عزیزم گرداند

وَجَعَلَنی مِمَّنْ یَنْقَلِبُ مُفْلِحاً مُنْجِحاً، سالِماً غانِماً، مُعافاً غَنِیّاً، فائِزاً

و مرا رستگار و پیروز و سالم و موفّق، تندرست و بی نیاز و دست یافته

بِرِضْوانِ اللَّهِ وَ فَضْلِهِ وَ کِفایَتِهِ، بِافْضَلِ ما یَنْقَلِبُ بِهِ احَدٌ مِنْ زُوَّارِکُمْ،

به خشنودی خدا و لطف و کفایتش بازگرداند، به بهترین وضعی که هر یک از زیارت کنندگان

وَمَوالیکُمْ وَمُحِبّیکُمْ وَشیعَتِکُمْ، وَ رَزَقَنِیَ اللَّهُ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ ما

و دوستداران و علاقمندان و شیعیانتان باز می گرداند و خداوند بازگشت مکرر را مادامی که پروردگارم زنده ام

ابْقانی رَبّی بِنِیَّةٍ صادِقَةٍ، وَ ایمانٍ وَ تَقْوی وَاخْباتٍ، وَ رِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ

بدارد روزیم گرداند با نیّتی صادق و ایمان و پرهیزکاری و خضوع و روزی وسیع و حلال

طَیِّبٍ، اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتِهِمْ وَ ذِکْرِهِمْ، وَالصَّلاهِ

و پاکیزه، خدایا این زیارتم را آخرین زیارت از آنان و یاد و درود

عَلَیْهِمْ، وَ اوْجِبْ لِیَ الْمَغْفِرَهَ وَالرَّحْمَهَ، وَ الْخَیْرَ وَ الْبَرَکَهَ، وَ الفَوْزَ

بر ایشان قرار مده، و آمرزش و رحمت و خیر و برکت و رستگاری

وَالْإِیمانَ، وَ حُسْنَ الْإِجابَهِ، کَما اوْجَبْتَ لِأَوْلِیآئِکَ الْعارِفینَ بِحَقِّهِمْ،

و ایمان و اجابت نیکو را بر من واجب گردان، آن گونه که واجب فرموده ای برای دوستدارانت که آشنای به حق آنان بوده

الْمُوجِبینَ طاعَتَهُمْ، وَ الرَّاغِبینَ فی زِیارَتِهِمُ، الْمُتَقَرِّبینَ الَیْکَ وَ الَیْهِمْ،

و اطاعتشان را لازم دانسته و به زیارتشان مشتاقند و به تو و آنان تقرب می جویند

بِابی انْتُمْ وَ امّی وَ نَفْسی وَ مالی وَ اهْلی اجْعَلُونی مِنْ هَمِّکُمْ،

پدر و مادر و جان و مال و خانواده ام فدای شما باد، مرا از غمخوارانتان

ص :572

وَصَیِّرُونی فی حِزْبِکُمْ، وَادْخِلُونی فی شَفاعَتِکُمْ، وَاذْکُرُونی عِنْدَ

و از گروهتان قرار دهید، و در شفاعتتان داخل گردانید، و مرا در نزد

رَبِّکُمْ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ ابْلِغْ ارْواحَهُمْ وَاجْسادَهُمْ

پروردگارتان یاد کنید، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و به روح و جسم آنان

عَنّی تَحِیَّةً کَثیرَةً وَسَلاماً، وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ.(1)

درود و سلام فراوان مرا برسان و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

ص: 573

1- [653]مصباح الزائر، صفحه 472؛ مزار شهید، صفحه 216؛ مزار کبیر، صفحه 535 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 133(با اندکی تفاوت).

فصل دوازدهم: زیارت انبیای عظام و امام زادگان و قبور مؤمنین

اشاره

این فصل مشتمل بر چهار بخش است:

بخش اوّل: زیارت پیامبران

فضیلت زیارت و محل قبور:

چنان که از آیه

«لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ»(1)

(یعنی ما به همه پیامبران ایمان داریم و بین آنان فرقی نمی گذاریم) به دست می آید، تکریم و تعظیم همه پیامبران الهی امری لازم و زیارت قبور آنها مسأله ای پسندیده و نیکو و مورد تصریح علماست.

شمار انبیا گرچه بسیار است ولی قبور شناخته شده آنان بسیار محدود می باشد، و عبارت است از: قبور حضرات آدم و نوح علیهما السلام در مرقد امیرمؤمنان علیه السلام، قبر حضرت ابراهیم علیه السلام در شهر الخلیل که در نزدیکی بیت المقدّس است، و در جوار آن، قبر همسر مکرّمه اش جناب ساره و قبور سه فرزند و فرزندزاده اش اسحق و یعقوب و یوسف علیهم السلام قرار دارد، و قبور حضرت اسماعیل و مادرش هاجر علیهما السلام در حجر اسماعیل در کنار کعبه، و قبور بسیاری از انبیای دیگر در حجر اسماعیل و مابین رکن و مقام، یا مابین رکن یمانی و حجرالأسود (چنان که از امام باقر علیه السلام نقل شده که مابین رکن و مقام مملوّ از قبور پیامبران است 655] و از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده، مابین رکن یمانی و حجرالأسود هفتاد پیامبر مدفونند)(2) و قبور جمعی از پیامبران دیگر، مانند حضرت داوود و حضرت سلیمان علیهما السلام در بیت المقدّس (چنان که نزد اهالی آن جا معروف است) و قبر زکریّا علیه السلام در حلب؛ و جناب یونس علیه السلام در کوفه نزدیک شطّ فرات بقعه و قبّه ای مشهور دارد، و قبر حضرت هود و صالح علیهما السلام در نجف اشرف مشهور است، و مرقد حضرت ذالکفل علیه السلام در کنار شطّ فرات در نزدیکی کوفه به فاصله چند فرسخ معروف می باشد و قبر جرجیس پیامبر علیه السلام در موصل؛ و در بیرون این شهر قبر شیث (هبهاللّه) فرزند آدم علیهما السلام واقع شده است، در شوش (خوزستان) قبر دانیال پیامبر

علیه السلام و در مسجد براثا در بغداد قبر جناب یوشع علیه السلام، شهرت دارد (سلام و صلوات خداوند بر همه آن بزرگواران).

کیفیّت زیارت پیامبران:

1- [654]سوره بقره، آیه 285.
2- [656]همان مدرک، حدیث 10.

«سيّد بن طاووس» در «مصباح الزائر»، (1) و بعضی دیگر از بزرگان در کتب خود در آداب ورود به شهر کوفه، برای زیارت قبر حضرت یونس علیه السلام اوّلین زیارت جامعه از زیارات پنجگانه جامعه (که ذکرش صفحه 536 گذشت) را ذکر کرده اند، وبعید نیست برای زیارت سایر پیامبران هم بتوان از آن استفاده کرد.

***

بخش دوم: زیارت امامزادگان

فضیلت زیارت امامزادگان:

شکّی نیست که یکی از مکان های کسب فیض و نزول رحمت الهی، قبور امام زادگان والا مقام است، قبوری که علمای اعلام به استحباب زیارات آن، تصریح کرده اند، و بحمداللّه در بسیاری از مناطق شیعه نشین قبورشان شناخته شده است و مورد توجّه همگان می باشد و مردم از این طریق می توانند به خدا نزدیک شوند. پس بر مؤمنان و شیفتگان خاندان عصمت است که قبور این بزرگ زادگان والامقام را زیارت کنند، کسانی که به جهت حاکمیّت فشار و اختناق اموی و عبّاسی بر دو کشور حجاز و عراق (که عرصه را بر عموم شیعه، خصوصاً سادات و ذراری رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله تنگ کرده و انواع ناامنی و خطرهای جانی و سایر مشکلات را برای آنان به وجود آورده بودند) بر اساس

«أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ واسِعَةً فَتُهاجِرُوا فيها» (2)

هجرت از دیار خویش را برمی گزیدند و از زادگاه خود و از آن محیطهای پرخفقان به مکان های ظاهراً امن و شهرها و روستاهای شیعه نشین، پناه می آوردند و آنها مقدمشان را گرامی می داشتند، هر چند عدّه ای از آنان سرانجام به توسّط مأموران خشن و مزدور آن ظالمان و جبّاران به شهادت می رسیدند. (3)

کیفیّت زیارت امام زادگان:

برای کیفیّت زیارت امام زادگان (غیر از حضرت ابوالفضل و حضرت علی اکبر علیهما السلام که گذشت و حضرت معصومه علیها السلام که در ذیل

خواهد آمد) روایت خاصّی نقل نشده است، لذا مرحوم «علّامه مجلسی» می گوید:

ص: 575

1- [657]مصباح الزائر، صفحه 75.
2- [658]سوره نساء، آیه 97.
3- [659]رجوع کنید به: مختصر اخبار الخلفاء، چاپ بولاق مصر، صفحه 25. مرحوم علّامه مجلسی(در بحارالانوار، جلد 99، صفحه 273) غیر از حضرت معصومه و عبدالعظیم حسنی، دو نفر دیگر را نیز در زمره برجستگان ذکر می کند؛ یکی جعفر طیّار که در شهر موته مدفون است و دیگر علی بن جعفر که در شهر مقدّس قم دفن شده و درباره او می نویسد: جلالتش مشهورتر از آن است که نیاز به بیان داشته باشد و گرچه مدفون بودنش در قم در کتب معتبره نیامده است لیکن اثر قبر شریفش از قدیم موجود و اسمش روی آن مکتوب است.(البتّه موارد شناخته شده منحصر به آنچه مرحوم علّامه مجلسی فرموده نیست؛ بلکه در موارد دیگر که به طور قطع شناخته شده نباشد، ولی مورد احترام مردم با ایمان است، می توان به قصد رجاء زیارت کرد).

می توان آنان را با آنچه که سایر مؤمنان با آن زیارت می شوند (و ذکر آن خواهد آمد) زیارت کرد و هم می توان به آنچه از فضل و فضیلتشان بر زبان جاری می شود آنان را مخاطب قرار داد و به ایشان و اجداد طاهرینشان (صلوات فرستاد و) توسّل جست و طلب شفاعت کرد.(1) یادآوری: آنچه را در بیان «علاّمه مجلسی» آمده می توان به سه طریق انجام داد:

الف) پس از طلب مغفرت و علوّ درجه برای امام زاده ای که به زیارتش تشرّف یافته ایم و قرائت فاتحه می توان خدا را به شأن و مقام او قسم داد و حوایج خویش را طلب کرد.

ب) پس از طلب مغفرت و علوّ درجه، می توان اوّلین امام معصومی که پدر یا جدّ آن امام زاده است را مخاطب قرار داد و پس از عرض سلام و ارادت و یا خواندن زیارتی از زیارت های جامعه، او را به این فرزند صاحب قبر، قسم داد و طلب شفاعت در پیشگاه خداوند نمود. ج) نخست فاتحه بخوانند و سپس دو رکعت نماز بجا آورند و ثواب آن را هدیه به آن امام زاده کنند و بعد از آن دعا نمایند.

فضیلت زیارت حضرت معصومه علیها السلام:

سیّده جلیله، حضرت فاطمه علیها السلام دختر موسی بن جعفر علیهما السلام که به حضرت «معصومه» شهرت یافته و قبر شریفش در شهر مقدّس قم معروف و مشهور است، روشنی چشم اهل قم و پناهگاه عامّه مردم است.

در هر سال میلیونها نفر از شهرها و کشورهای دور و نزدیک، رنج سفر بر خود هموار می کنند تا از فیض زیارت آن کریمه اهل بیت علیها السلام بهره مند گردند.

فضیلت و جلالت آن حضرت بسیار است و روایات زیر گواه بر آن است:

1- «شیخ صدوق» و «ابن قولویه» (به سند معتبر) از سعد بن سعد روایت کرده اند که درباره فاطمه دختر موسی بن جعفر علیهم السلام، از امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام سؤال نمود، جواب فرمودند: «هر کس او را زیارت کند بهشت برای او خواهد بود!».(2) 2- از امام جواد علیه السلام روایت شده: «هر کس عمّه ام را در قم زیارت کند بهشت

برای او خواهد بود».(3) 3- حسین بن محمّد قمی در کتاب «تاریخ قم» از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «برای خداوند حرمی است و آن مکّه است، و برای رسولش حرمی است و آن مدینه است، و برای امیرمؤمنان حرمی است و آن کوفه است، و برای ما (اهل بیت) حرمی است و آن قم است، و به زودی در قم بانویی از فرزندان من

1- [660]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 277.

2- [661]عیون اخبار الرضا، جلد 2، صفحه 267 و کامل الزیارات، باب 106، صفحه 324، حدیث 1.

3- [662]کامل الزیارات، باب 106، حدیث 2.

که «فاطمه» نام دارد مدفون می شود؛ هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب می شود. راوی می گوید:

این بیان در حالی بود که هنوز مادر موسی بن جعفر علیهما السلام به آن حضرت (یعنی موسی بن جعفر که پدر حضرت معصومه است) باردار نشده بود». (1) البتّه عارف به حق آن بزرگوار بودن شرط است، همان گونه که در بعضی از روایات آمده است. (2)

کیفیّت زیارت حضرت معصومه علیها السلام:

«علّامه مجلسی» رحمه الله می گوید: در بعضی از کتب زیارات آمده است: حضرت رضا علیه السلام به یکی از یارانش به نام «سعد اشعری» فرمود: نزد شما (اهل قم) قبری از ما هست، سعد می گوید: عرض کردم: فدایت شوم قبر فاطمه دختر امام موسی علیه السلام را می فرمایید؟ فرمود: آری ! «

مَنْ زارَها عارفاً بِحَقِّها فَلَهُ الجَنَّهُ

؛ هر کس با معرفت او را زیارت کند بهشت برای اوست» هنگامی که نزد قبر آن بانو رسیدی بالای سر، رو به قبله بایست و 34 مرتبه اللّه اکبر و 33 مرتبه سبحان اللّه و 33 مرتبه الحمد اللّه بگو سپس این زیارت را بخوان:

السَّلامُ عَلی آدَمَ صَفْوَهِاللَّهِ، السَّلامُ عَلی نُوحٍ نَبِیِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی ابْراهیمَ

سلام بر آدم برگزیده خدا، سلام بر نوح پیامبر خدا، سلام بر ابراهیم

خَلیلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی مُوسی کَلیمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی عیسی رُوحِ اللَّهِ،

خلیل خدا، سلام بر موسی هم صحبت خدا، سلام بر عیسی روح خدا

السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا خَیْرَ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ

سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای بهترین مخلوقات خدا، سلام بر تو

یا صَفِیَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خاتَمَ النَّبِیّینَ، السَّلامُ

ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای محمّد بن عبدالله آخرین پیامبران، سلام

عَلَیْکَ یا امیرَ الْمُؤْمِنینَ عَلِیَّ بْنَ ابیطالِبٍ، وَصِیَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ

بر تو ای امیرمؤمنان علی بن ابی طالب، جانشین رسول خدا، سلام

عَلَیْکِ یا فاطِمَهُ سَیِّدَهَ نِسآءِ الْعالَمینَ، السَّلامُ عَلَیْکُما یا سِبْطَیْ نَبِیِ

بر تو ای فاطمه سرور بانوان جهانیان، سلام بر شما نوه های پیامبر

1- [663]تاریخ قم، طبع ایران سال 1353، صفحه 215 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 267.

2- [664]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 266، حدیث 4.

الرَّحْمَهِ، وَسَيِّدَیْ شَبابِ اهْلِ الْجَّنَهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَلیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ

رحمت، و سروران جوانان اهل بهشت، سلام بر تو ای علی بن حسین

سَیِّدَ الْعابِدینَ، وَقُرَّهَ عَیْنِ النَّاظِرینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ باقِرِ

سرور عابدان، و روشنی چشم بینندگان، سلام بر تو ای محمد بن علی شکافنده

الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِیِّ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبآرَّ الْأَمینَ،

علم بعد از پیامبر، سلام بر تو ای جعفر بن محمد راست گفتارِ نیکوکار و امانتدار

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ الطَّاهِرَ الطُّهْرَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَلِیَّ بْنَ

سلام بر تو ای موسی بن جعفر پاک و پاکیزه، سلام بر تو ای علی بن

مُوسَی الرِّضا الْمُرْتَضی السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ التَّقِیَّ، السَّلامُ

موسی خشنود و پسندیده، سلام بر تو ای محمد بن علی پرهیزکار، سلام

عَلَیْکَ یا عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِیَّ النَّاصِحَ الْأَمینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حَسَنَ

بر تو ای علی بن محمد پاک و خیرخواه و امانتدار، سلام بر تو ای حسن

بْنَ عَلِیٍّ، السَّلامُ عَلَی الْوَصیِّ مِنْ بَعْدِهِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی نُورِکَ

بن علی، سلام بر جانشین بعد از او، خدایا درود فرست بر نور

وَسِراجِکَ، وَوَلِیِّ وَلِیِّکَ، وَوَصِیِّ وَصِیِّکَ، وَحُجَّتِکَ عَلی خَلْقِکَ، السَّلامُ

و چراغ (هدایت) و دوستدار ولیّت و جانشین وصیّت و حجت بر مخلوقاتت، سلام

عَلَیْکِ یا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ فاطِمَهَ و خَدیجَهَ، السَّلامُ

بر تو ای دختر رسول خدا، سلام بر تو ای دختر فاطمه و خدیجه، سلام

عَلَيْکِ يا بِنْتَ اميرِالْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْکِ يا بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ،

بر تو ای دختر امیرمؤمنان، سلام بر تو ای دختر حسن و حسین

السَّلامُ عَلَيْکِ يا بِنْتَ وَلِیِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکِ يا اخْتَ وَلِیِّ اللَّهِ، السَّلامُ

سلام بر تو ای دختر ولی خدا، سلام بر تو ای خواهر ولی خدا، سلام

عَلَيْکِ يا عَمَّهَ وَلِیِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکِ يا بِنْتَ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَرَحْمَهُ اللَّهِ

بر تو ای عمه ولی خدا، سلام بر تو ای دختر موسی بن جعفر و رحمت

وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْکِ عَرَّفَ اللَّهُ بَيْنَنا وَبَيْنَکُمْ فِی الْجَنَّهِ، وَحَشَرَنا فی

و برکات خدا بر تو باد، سلام بر تو، خدا ما را با شما در بهشت در کنار هم قرار دهد، و در گروه شما محشور

زُمْرَتِكُمْ، وَاوْرَدَنا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ، وَسَقانا بِكَاْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِیٍّ بْنِ

گرداند، و بر حوض (کوثر) پیامبرتان وارد کند، و با جام جدتان از دستان علی بن

ابیطالِبٍ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ، اسْئَلُ اللَّهَ انْ یُرِیَنا فیکُمُ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ،

ابی طالب سیراب گرداند، درود خدا بر شما باد، از خدا می خواهم که خشنودی و گشایش کارم را به وسیله شما به من نشان دهد

وَانْ یَجْمَعَنا وِایَّاکُمْ فی زُمْرَهِ جَدِّکُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَانْ لا

و ما را با شما در گروه جدّتان محمد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- گرد هم آورد، و

یَسْلُبَنا مَعْرِفَتَکُمْ، انَّهُ وِلِیٌّ قَدیرٌ، اتَقَرَّبُ الَی اللَّهِ بِحُبِّکُمْ، وَالْبَراَئَهِ مِنْ

معرفت و شناخت شما را از من نگیرد، چرا که او سرپرستی تواناست، به خدا تقرّب می جویم به واسطه محبت شما و بیزاری از

اعْدآئِکُمْ، وَالتَّسْلیمِ الَی اللَّهِ راضِیاً بِهِ غَیْرَ مُنْکِرٍ وَلا مُسْتَکْبِرٍ، و عَلی

دشمنانتان و تسلیم بودن در برابر فرمان خدا، با خشنودی به آن، بدون انکار و تکبّر، و با

یَقینِ ما اتی بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ راضٍ، نَطْلُبُ بِذلِکَ وَجْهَکَ یا سَیِّدی اللَّهُمَ

یقین به آنچه محمد آورده و به آن خشنودم، و با آن توجهت را می طلبم ای سرورم، خدایا

وَرِضاکَ وَالدَّارَ الْاخِرَهَ، یا فاطِمَهُ اشْفَعی لی فیِ الْجَنَّهِ، فَانَّ لَکِ عِنْدَ اللَّهِ

رضایت تو و نجات در سرای آخرت را نیز از تو می خواهم، ای فاطمه مرا در بهشت شفاعت کن چرا که در پیشگاه خدا دارای

شَاْناً مِنَ الشَّاْنِ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ انْ تَخْتِمَ لی بِالسَّعادَهِ، فَلا تَسْلُبْ مِنّی

جایگاه با عظمت هستی، خدایا از تو می خواهم که مرا عاقبت به خیر گردانی، پس ایمانی که دارم

ما انَا فیهِ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ، اللهُمَّ اسْتَجِبْ لَنا،

از من نگیر و توان و نیرویی جز برای خداوند بلندمرتبه و با عظمت نیست، خدایا دعایمان را اجابت کن

وَتَقَبَّلْهُ بِکَرَمِکَ وَعِزَّتِکَ، وَبِرَحْمَتِکَ وَعافِیَتِکَ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ

و به لطف و بزرگواری و رحمت و توانمندیت از ما بپذیر و بر محمد

وَآلِهِ اجْمَعینَ، وَسَلَّمَ تَسْلیماً یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

و تمامی خاندانش درود و سلام فراوان فرست ای مهربان ترین مهربانان.

ص: 579

1- [665]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 266، حدیث 4. در ذیل این زیارت در کتاب تحفه الزائر مرحوم علّامه مجلسی آمده است:« محتمل است که این زیارت از تتمه حدیث امام رضا علیه السلام نباشد، بلکه از تألیف علما بوده باشد». شاید علّامه مجلسی ذکر ائمه بعد از حضرت رضا علیه السلام و سلام بر آنها را قرینه ای بر این مطلب دانسته، در حالی که ظاهر حدیث این است که زیارت، دنباله کلام حضرت امام رضا علیه السلام است و سلام بر ائمه بعد، به وسیله تعلیم امام رضا علیه السلام، امر بعیدی نیست.(همانگونه که در زیارت امام رضا علیه السلام صلوات و درود بر امامان بعد از آن حضرت نیز آمده است).

فضیلت زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام:

نسب شریف او با چند واسطه به امام حسن مجتبی علیه السلام منتهی می شود. قبر شریف او در شهر ری معلوم و مشهور و پناهگاه خاص و عام است. علوّ مقام و جلالت شأن آن حضرت بر کسی پوشیده نیست، چرا که آن جناب علاوه بر آن که از سادات و دودمان والامقام حضرت خاتم النّبیّین است، از محدّثین کبیر و علمای بزرگ و اهل زهد و عبادت و صاحب ورع و تقوا می باشد. او از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهما السلام بود و نهایت توسّل و ارادت را به آن دو بزرگوار داشت، از آنان روایات بسیاری را نقل کرده است. دو کتاب «خُطَب امیرالمؤمنین» و «کتاب یوم و لیله» تألیف اوست. او کسی است که دین خودش را بر امام زمانش حضرت هادی علیه السلام عرضه کرد و آن حضرت تصدیقش نمود و فرمود:

«یا اَبَاالْقاسِمِ! هذا وَاللَّهِ دینُ اللَّهِ الَّذِی ارْتَضاهُ لِعِبادِهِ، فَاثْبُتْ عَلَیْهِ، ثَبَّتَکَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فیِ الدُّنْیا وَالْا خِرَهِ

؛ ای ابوالقاسم، به خدا سوگند این (عقاید و کلمات تو) همان دینی است که خداوند برای بندگانش پسندیده است؛ بر همین عقیده پایدار باش! خداوند تو را به گفتار و اعتقاد ثابت در دنیا و آخرت استوار نگه دارد». (1) نیز صاحب بن عبّاد در وصف علم آن بزرگوار چنین می گوید: «ابوتراب رویانی» مرا روایت کرده که گفت: از ابوحمّاد رازی شنیدم که می گفت: در «سرّ من رأی بر حضرت امام هادی علیه السلام وارد شدم و تعدادی از مسائل حلال و حرام را از آن حضرت پرسیدم و جواب گرفتم، هنگام وداع به من فرمود: ای حمّاد! هرگاه چیزی از امور دینی ات بر تو مشکل شد در ناحیه خود در شهر ری از عبدالعظیم پسر عبدالله حسنی سؤال کن و سلام مرا به او برسان. (2) در اهمّیّت زیارت آن حضرت همین بس که «ابن قولویه»، در «کامل الزیارات» از یکی از اهالی شهر ری نقل می کند که گفت: بر امام هادی علیه السلام وارد شدم، فرمود: کجا بودی؟ عرض کردم: به زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام (در کربلا)، رفته بودم فرمود: «آگاه باش اگر قبر عبدالعظیم که در شهر شماست را زیارت می کردی، مثل کسی بودی که امام حسین علیه السلام را زیارت کرده باشد». (3)

کیفیّت زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام:

مرحوم محدّث قمی (ره) می نویسد: علما برای حضرت عبدالعظیم علیه السلام زیارتی نقل نکرده اند فقط «فخرالمحقّقین آقا جمال الدین» در کتاب «مزار» خود نوشته: زیارت آن حضرت به این نحو مناسب است:

ص: 580

1- [666]اعلام الوری، صفحه 436.
2- [667]مستدرک الوسائل، جلد 17، صفحه 321، حدیث 32.
3- [668]کامل الزیارات، باب 107، صفحه 324، حدیث 1.

السَّلامُ عَلی آدَمَ صَفْوَهِاللَّهِ، السَّلامُ عَلی نُوحٍ نَبِیِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی

سلام بر آدم برگزیده خدا، سلام بر نوح پیامبر خدا، سلام بر

اِبْراهیمَ خَلیلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی مُوسی کَلیمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی عیسی

ابراهیم خلیل خدا، سلام بر موسی هم صحبت خدا، سلام بر عیسی

رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا خَیْرَ خَلْقِ اللَّهِ،

روح خدا، سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای بهترین مخلوقات خدا

السَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفِیَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خاتَمَ

سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای محمّد بن عبداللَّه آخرین

النَّبِیّینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا امیرَ الْمُؤْمِنینَ عَلِیَّ بْنَ ابیطالِبٍ، وَصِیَ

پیامبران، سلام بر تو ای امیرمؤمنان، علی بن ابی طالب، جانشین

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا فاطِمَهُ سَیِّدَهَ نِساۤءِ الْعالَمینَ، السَّلامُ عَلَیْکُما

رسول خدا، سلام بر تو ای فاطمه سرور بانوان جهانیان، سلام بر شما

یا سِبْطَیِ الرَّحْمَهِ، وَسَیَّدَیْ شَبابِ اهْلِ الْجَنَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَلِیَّ بْنَ

نوه های پیامبر رحمت، و سروران جوانان اهل بهشت، سلام بر تو ای علی بن

الْحُسَیْنِ سَیِّدَ الْعابِدینَ، وَقُرَّهَ عَیْنِ النَّاظِرینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَ بْنَ

حسین سرور عابدان، و روشنی چشم بینندگان، سلام بر تو ای محمّد بن

عَلِیٍّ باقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِیِّ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ

علی شکافنده علم بعد از پیامبر، سلام بر تو ای جعفر بن محمّد راست گفتارِ

الْبآرَّ الْأمينَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ الطّاهِرَ الْطّهْرَ، السَّلامُ

نیکوکار و امانتدار، سلام بر تو ای موسی بن جعفر پاک و پاکیزه، سلام

عَلَیْکَ یا عَلِیَّ بْنَ مُوسَی الرِّضَا الْمُرْتَضی السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَ بْنَ

بر تو ای علی بن موسی، خشنود و پسندیده، سلام بر تو ای محمّد بن

عَلِیٍّ التَّقِیَّ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِیَّ النَّاصِحَ الْأَمینَ،

علی پرهیزکار، سلام بر تو ای علی بن محمّد پاک و خیرخواه و امانتدار

السَّلامُ عَلَیْکَ یا حَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ، السَّلامُ عَلَی الْوَصِیِّ مِنْ بَعْدِهِ، اللهُمَ

سلام بر تو ای حسن بن علی، سلام بر جانشین بعد از او، خدایا

صَلِّ عَلی نُورِکَ وَسِراجِکَ، وَوَلِیِّ وَلِیِّکَ، وَوَصِیِّ وَصِیِّکَ، وَحُجَّتِکَ

درود فرست بر نور و چراغ (هدایتت) و دوستدار ولیت و جانشین وصیّت و حجت

عَلی خَلْقِکَ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا السَّیِّدُ الزَّکِیُّ، وَالطَّاهِرُ الصَّفِیُّ، السَّلامُ

بر مخلوقاتت، سلام بر تو ای آقای پاک، پاکیزه و خالص، سلام

عَلَیْکَ یَا بْنَ السَّادَهِ الْأَطْهارِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ الْمُصْطَفَیْنَ الْأَخْیارِ،

بر تو ای فرزند سروران پاکیزه، سلام بر تو ای فرزند بهترین برگزیدگان

السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، و عَلی ذُرِّیَّهِ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ،

سلام بر رسول خدا، و بر نسل رسول خدا و رحمت و برکات خدا بر او باد

السَّلامُ عَلَی الْعَبْدِ الصَّالِحِ، الْمُطیعِ للَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمیرِ

سلام بر بنده شایسته، و فرمانبردار پروردگار جهانیان، و رسول خدا و امیر

الْمُؤْمِنینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا ابَاالْقاسِمِ ابْنَ السِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ الْمُجْتَبی

مؤمنان، سلام بر تو ای اباالقاسم فرزند نوه برگزیده (پیامبر) امام مجتبی

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ بِزِیارَتِهِ ثَوابُ زِیارَهِ سَیِّدِ الْشُّهَدآءِ یُرْتَجی السَّلامُ

سلام بر تو ای که با زیارتت امید ثواب زیارت سیدالشهدا می رود، سلام

عَلَیْکَ عَرَّفَ اللَّهُ بَیْنَنا وَبَیْنَکُمْ فی الْجَنَّهِ، وَحَشَرَنا فی زُمْرَتِکُمْ، وَاوْرَدَنا

بر تو، خداوند ما را با شما در بهشت در کنار هم قرار دهد و در گروه شما محشور گرداند، و بر حوض (کوثر)

حَوْضَ نَبِیِّکُمْ، وَسَقانا بِکَأْسِ جَدِّکُمْ مِنْ یَدِ عَلِیِّ بْنِ ابیطالِبٍ صَلَواتُ

پیامبرتان وارد کند و با جام جدّتان از دستان علی بن ابی طالب سیراب گرداند، درود

اللّهِ عَلَيكُمْ، اسْئَلُ اللّهَ انْ يُرِيَنا فيكُمُ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ، وَانْ يَجْمَعَنا وَايّاكُمْ

خدا بر شما باد، از خدا می خواهم که خشنودی و گشایش کارم را به وسیله شما به من نشان دهد و ما را با شما در

فی زُمْرَهِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَانْ لايَسْلُبَنا مَعْرِفَتَكُمْ، انَّهُ

گروه جدّتان محمّد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- گرد هم آورد و معرفت و شناخت شما را از من نگیرد

وَلِیٌّ قَديرٌ، اتَقَرَّبُ الَی اللَّهِ بِحُبِّكُمْ، وَالْبَرآئَهِ مِنْ اعْدآئِكُمْ، وَالتَّسْليمِ الَی

چرا که او سرپرستی تواناست، به خدا تقرّب می جویم به واسطه محبّت شما و بیزاری از دشمنانتان و تسلیم بودن

اللَّهِ راضِياً بِهِ غَيْرَ مُنْكِرٍ وَلا مُسْتَكْبِرٍ، وَعَلی يَقينِ ماأتی بِهِ مُحَمَّدٌ نَطْلُبُ

در برابر فرمان خدا با خشنودی به آن بدون انکار و تکبّر و با یقین به آنچه محمّد آورده و با آن

ص :582

بِذلِکَ وَجْهَکَ یا سَیِّدی اللَّهُمَّ وَرِضاکَ وَالدَّارَ الْأخِرَهَ، یا سَیِّدی وَابْنَ

توجهت را می طلبم ای سرورم، خدایا رضایت تو و نجات در سرای آخرت را نیز از تو می خواهم، ای سرورم و فرزند

سَیِّدی اشْفَعْ لِی فِی الْجَنَّهِ، فَانَّ لَکَ عِنْدَ اللَّهِ شَاْناً مِنَ الشَّاْنِ، اللهُمَّ انّی

سرورم، مرا در بهشت شفاعت کن، چرا که در پیشگاه خدا دارای جایگاه با عظمت هستی خدایا از تو

اسْئَلُکَ انْ تَخْتِمَ لی بِالسَّعادَهِ، فَلا تَسْلُبْ مِنّی ما انَا فیهِ، وَلا حَوْلَ وَلا

می خواهم که مرا عاقبت به خیر گردانی، پس ایمانی که دارم از من نگیر و توان و نیرویی

قُوَّهَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ، اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنا، وَتَقَبَّلْهُ بِکَرَمِکَ وَعِزَّتِکَ،

جز برای خداوند بلند مرتبه و با عظمت نیست، خدایا دعایمان را اجابت کن و به لطف و بزرگواری

وَبِرَحْمَتِکَ وَعافِیَتِکَ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اجْمَعینَ، وَسَلَّمَ

و رحمت و توانمندیت از ما بپذیر، و بر محمّد و تمامی خاندانش درود و سلام فراوان

تَسْلیماً یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.

بفرست ای مهربان ترین مهربانان.

در ادامه می نویسد: همین زیارت را برای امام زاده حمزه پسر امام موسی علیه السلام (که مزار او نزدیک حضرت عبدالعظیم است) نیز می توان خواند (البتّه با حذف جمله «السلام علیک یا اباالقاسم» و جمله بعد از آن).

یادآوری: در صحن امام زاده حمزه، قبر شیخ جلیل و مفسّر کبیر، ابوالفتوح رازی حسین بن علی خزاعی رحمه الله صاحب تفسیر معروف ابوالفتوح، واقع شده و نیز در شهر ری قبر جناب شیخ صدوق رئیس المحدّثین،

معروف به «ابن بابویه» قرار گرفته، که لازم است از زیارت این دو قبر شریف نیز غفلت نشود.

***

بخش سوم: زیارت قبور مؤمنان

فضیلت زیارت قبور مؤمنان:

1- در «کامل الزیارات» از موسی بن جعفر علیهما السلام روایت شده است که فرمود: هر کس قادر بر زیارت ما نباشد صالحان از دوستان و موالیان ما را از زیارت کند تا ثواب زیارت ما برای او نوشته شود و کسی که قادر بر صله و نیکی به ما نباشد به صالحان از موالیان ما نیکی کند تا ثواب نیکی به ما برایش نوشته شود.(1)

1- [669]کامل الزیارات، باب 105، صفحه 319، حدیث 1.

2- از یکی از یاران امام رضا علیه السلام (محمّد بن احمد بن یحیی اشعری) روایت شده که آن حضرت فرمود:

هر کس نزد قبر برادر مؤمن خود برود و دست بر روی قبر بگذارد و هفت مرتبه سوره «انا انزلناه» بخواند در روز «فزع اکبر» (روز قیامت که روز ترس بزرگ است) ایمن خواهد بود.(1) ظاهر بعضی از روایات این است که همین ثواب برای صاحب قبر نیز خواهد بود.(2) 3- از روایاتی که در بحث «کیفیّت زیارت قبور مؤمنان» خواهد آمد، به دست می آید که با خواندن بعضی از اذکار، گناهان بسیاری از زائر و پدر و مادرش بخشوده می شود و نیز استفاده می شود که عذاب روز قیامت از انسان دور می گردد.(3) 4- از بعضی از روایات به دست می آید که انسان با رفتن به زیارت قبر والدین خود می تواند بعضی از کمبودها را که از جهت عدم رعایت حقوق آنها در زمان حیاتشان از او حاصل شده جبران کند(4) و حتّی به حوایجش برسد به این صورت که اوّل برای والدین استغفار کند و سپس حاجتش را از خداوند بطلبد.(5)

آداب، زمان و کیفیّت زیارت قبور مؤمنان:

1- زائر رو به قبله قرار می گیرد و دست روی قبر می گذارد چنان که از دو روایت عبدالرحمن بن ابی عبداللّه 675] و محمّد بن احمد بن یحیی 676] به دست می آید.

2- هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند چنان که در روایت «اشعری» گذشت. در بعضی از روایات اشاره به سوره حمد نیز شده است و مناسب است در صورتی که توفیق رفیق او گردد از سوره های دیگر قرآن برای شادی روح آن میّت مانند «یس»، «مُلک» و «واقعه» استفاده کند.

3- این دعا را بخواند: السَّلامُ عَلی اهْلِ الدِّیارِ مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُسْلِمینَ،

********** سلام بر اهل این خانه های (خاموش) از مؤمنان و مسلمانان آن

انْتُمْ لَنا فَرَطٌ، وَنَحْنُ ان شآءَ اللَّهُ بِکُمْ لاحِقُونَ، همان گونه که از امام صادق علیه السلام نقل شما بر ما پیشی گرفتید و ما نیز هرگاه خدا بخواهد به شما ملحق می شویم.**************

1- [670]کامل الزیارات، باب 105، صفحه 319، حدیث 3.
2- [671]همان مدرک، حدیث 12.
3- [672]همان مدرک، صفحه 320، حدیث 4.
4- [673]بحارالانوار، جلد 71، صفحه 81، حدیث 85.
5- [674]همان مدرک، جلد 10، صفحه 97.

شده است.(1) 4- بگوید: اللَّهُمَّ رَبَّ هذِهِ الْأَرْواحِ الْفانِیَهِ، وَالْأَجْسادِ الْبالِیَهِ، وَالْعِظامِ

*** خدایا ای پروردگار این ارواح فنا شده و جسم های از هم پاشیده

النَّخِرَهِ الَّتی خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْیا وَهِیَ بِکَ مُؤْمِنَهٌ، ادْخِلْ عَلَیْهِمْ رَوْحاً

و استخوان های پوسیدهای که از دنیا رفته اند در حالی که به تو ایمان دارند، رحمت تازه ای از جانب خود

مِنْکَ، وَسَلاماً مِنّی

و سلامی از جانب من به آنان برسان.

از امام حسین علیه السلام نقل شده که هر کس داخل قبرستان شود و این دعا را بخواند خدای متعال به عدد خلقش، از زمان خلقت آدم تا قیامت برای او حسنه می نویسد.(2) 5- از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده که هر کس داخل قبرستان شود و بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، السَّلامُ عَلی اهْلِ لا الهَ الَّا اللَّهُ، مِنْ اهْلِ لا

به نام خداوند بخشنده مهربان، سلام بر پیروان کلمه «لا اله الا اللَّه»، از جانب پیروان کلمه

الهَ الَّا اللَّهُ، یا اهْلَ لا الهَ الَّا اللَّهُ، بِحَقِّ لا الهَ الَّا اللَّهُ، کَیْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ

«لا اله الا اللَّه»، ای پیروان کلمه «لا اله الا اللَّه»، چگونه یافتید قول

لا الهَ الَّا اللَّهُ، مِنْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، یا لا الهَ الَّا اللَّهُ، بِحَقِّ لا الهَ الَّا اللَّهُ،

«لا اله الا اللَّه» را، از جانب پیروان کلمه «لا اله الا اللَّه»، ای معبودی که جز تو خدایی نیست، به حق کلمه «لا اله الا اللَّه»

اغْفِرْ لِمَنْ قالَ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَاحْشُرْنا فی زُمْرَهِ مَنْ قالَ لا الهَ الَّا اللَّهُ،

گویندگان «لا اله الا اللَّه» را بیامرز، و ما را در گروه گویندگان «لا اله الا اللَّه»

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّهِ، عَلِیٌّ وَلِیُّ اللّهِ. خداوند ثواب بسیاربرای او و پدر و مادرش می نویسد.(3) «محمّد رسول اللّه»، «علی ولی اللّه» قرار ده *****************..

6- زیارت قبور مؤمنان در روز پنجشنبه فضیلت خاصّی دارد(4) و بهترین زمان برای زیارت طبق بعضی از روایات ساعت قبل از طلوع آفتاب است.(5) و زیارت قبور در شب کراهت دارد چنان که در

1- [677]همان مدرک، حدیث 9.
2- [678]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 300، حدیث 31.
3- [679]همان مدرک، صفحه 301، حدیث 31.
4- [680]مصباح الزائر، صفحه 512 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 299، حدیث 25.
5- [681]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 297، حدیث 11.

«دعوات راوندی» از رسول خدا خطاب به ابوذر آمده است.(1) 7- محمّد بن مسلم می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم که مردگان را زیارت کنیم؟ فرمود: آری! گفتم: آیا آنها می فهمند که ما به زیارت آنها رفته ایم؟ فرمود: آری! به خدا قسم که آنها می فهمند و شاد می شوند و با شما انس می گیرند. عرض کردم: وقتی به زیارتشان رفتیم چه بگوییم؟

فرمود: بگو:

اللهُمَّ جافِ الْأَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ، وَصاعِدْ الَیْکَ ارْواحَهُمْ، وَلَقِّهِمْ مِنْکَ

خدایا خالی کن این زمین را از (فشار بر) پهلوهایشان، و ارواح آنان را به سویت بالا بر، و آنان را از خشنودیت

رِضْواناً، وَاسْکِنْ الَیْهِمْ مِنْ رَحْمَتِکَ ما تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ، وَتُونِسُ بِهِ

برخوردار ساز، آن مقدار از رحمتت که تنهاییشان را برطرف ساخته و در وحشت با آن انس گیرند را در جوارشان

وَحْشَتَهُمْ، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.(2)

قرار ده، زیرا که تو بر هر کاری توانایی.

8- «ابن قولویه» از صفوان جمّال از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: رسول اللّه به اتّفاق جمعی از یاران خود، پیوسته عصر روز پنج شنبه وارد قبرستان بقیع می شد و خطاب به اهل قبور سه مرتبه «

السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اهْلَ الدِّیارِ

» و سه بار هم «

رَحِمَکُمُ اللَّهُ

» می فرمود.(3) 9- در روایات وارد شده که اگر برای قبور مؤمنین یک قبرستان یازده بار سوره «قل هو اللّه احد» خوانده شود به عدد اموات آن جا، خداوند به زائر ثواب می دهد.(4) 10- اگر می خواهد قرآن تلاوت کند می تواند سوره «یس» را انتخاب کند که هم باعث تخفیف بر اهل قبور

می شود و هم به عدد آنها برای تلاوت کننده، حسنه نوشته می شود.(5) یادآوری: در بخش دهم این کتاب (بخش احکام و آداب مربوط به مردگان) در ارتباط با «خیرات برای اموات» روایات جالبی آمده است، به آن جا مراجعه شود.

***

بخش چهارم: آداب نیابت در زیارت

اشاره

شکّی نیست که نیابت در زیارت یا اهدای ثواب چه برای انسان زنده و چه اموات و گذشتگان مستحب است و ثوابش به «منوب عنه» (کسی که زائر محترم به نیابت او زیارت می کند) می رسد و به یقین نائب هم از آن بهره مند می گردد، و روایات متعدّدی بر آن دلالت دارد از جمله:

1- [682]دعوات راوندی، صفحه 277، حدیث 801.
2- [683]فقیه، جلد 1، صفحه 180، حدیث 540.
3- [684]کامل الزیارات، باب 105، صفحه 320، حدیث 6.
4- [685]جامع الاخبار، صفحه 168.
5- [686]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 301، حدیث 33.

1- داوود صرمی در حدیث معتبری می گوید: خدمت امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم: من به زیارت پدر بزرگوارت رفتم و ثوابش را به شما هدیه کردم، فرمود: «برای تو از جانب خدا اجر و ثواب عظیم و از جانب ما حمد و ثناست». (1) 2- ابراهیم حضرمی می گوید: در مدینه با امام موسی کاظم علیه السلام که میان منبر و قبر رسول اللّٰه نشسته بودند ملاقات کردم؛ خدمتش عرض کردم: وقتی از وطن عازم سفر حج می شدم بعضی مرا سفارش کرده بودند که هفت دور طواف و دو رکعت نماز به نیابت آنها بجا آورم، ولی من یادم رفت. وقتی برگردم نمی دانم چه به آنها بگویم. فرمود: «هنگامی که به مکّه مشرّف شدی اگر پس از بجا آوردن مناسک حج، هفت دور طواف می کردی و دو رکعت نماز می خواندی ومی گفتی: خدایا من این طواف و دو رکعت را از طرف پدر، مادر، همسر، فرزندان، دوستان و همه همشهریانم بجا آورده ام چنان چه پس از برگشت به هر کدام آنها می گفتی:

من به نیابت شما طواف بجا آوردم و دو رکعت نماز خواندم در گفتارت صادق بودی، همچنین در مدینه پس از انجام وظایف خود، اگر دو رکعت نماز بخوانی سپس بالای سر رسول گرامی صلی الله علیه و آله بایستی و بگویی:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ اللَّهِ مِنْ ابی وَامّی وَزَوْجَتی وَوَلَدی وَحامَّتی

سلام بر تو ای نبی خدا، از جانب پدر و مادر و همسر و فرزند و خویشانم

وَمِنْ جَمیعِ اهْلِ بَلَدی حُرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ، وَابْیَضِهِمْ وَاسْوَدِهِمْ.

و از جانب تمامی هم شهریهایم، آزاد و برده شان و سفید و سیاهشان.

و پس از بازگشت به هر کدام از اهل شهرت بگویی که من به نیابت تو به پیامبر سلام دادم (و دو رکعت نماز خواندم) راست گفته ای». (2) 3- در روایت دیگری می خوانیم که از بعضی از ائمّه طاهرین علیهم السلام سؤال کردند درباره کسی که دو رکعت نماز می خواند یا یک روز روزه می گیرد و یا حج یا عمره ای بجا می آورد یا رسول گرامی و یا یکی از ائمّه علیهم السلام را زیارت می کند و ثواب آن را به پدر و مادر یا برادر دینی خود هدیه می کند، آیا برای خود او نیز ثوابی هست؟ فرمود: ثواب آن عمل به «منوب عنه» (پدر یا مادر یا برادر دینی) می رسد بدون آن که چیزی از ثواب خودش کاسته شود! (3)

کیفیّت نیابت برای کسانی که هزینه سفرشان را دیگری پرداخته است:

«شیخ طوسی» در «تهذیب» می نویسد: کسی که به نیابت از برادر دینی، اجیر شود چون از غسل

ص: 587

1- [687]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 256، حدیث 3.
2- [688]همان مدرک، صفحه 255، حدیث 1.
3- [689]همان مدرک، جلد 85، صفحه 311 و 313.

زیارت (و مطابق بعضی از نسخه ها چون از عمل زیارت) فارغ شود بگوید:

اللهُمَّ ما اصابَنی مِنْ تَعَبٍ اوْ نَصَبٍ، اوْ شَعَثٍ اوْ لُغُوبٍ، فَأْجُرْ فُلانَ بْنَ

خدایا آنچه از سختی یا زحمت، یا پریشانی یا خستگی که به من رسیده است، پس پاداش آن را به فلانی پسر

فُلانٍ فیهِ، وَأْجُرْنی فی قَضآئی عَنْهُ.

فلانی بده، و در انجام آن از جانب او به من هم پاداش ده.

و اگر به امامی که زیارت می کند سلام دهد در آخر سلام بگوید:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ عَنْ فُلانِ بْنِ فُلانٍ، اتَیْتُکَ زائِراً عَنْهُ، فَاشْفَعْ لَهُ

سلام بر تو ای مولای من از جانب فلانی پسر فلانی، از طرف او به زیارتت آمده ام، پس نزد پروردگارت

عِنْدَ رَبِّکَ. و به جای فلان بن فلان اسم «شخص مورد نظر و پدرش» را بیاورد، سپس به آنچه شفیعش باش.*********************************

می خواهد دعا کند(1) و اگر خواست زیارت نامه ای بخواند بگوید: اللهُمَّ انَّ فُلانَ بْنَ فُلانٍ (به جای **************************** خدایا فلانی پسر فلانی*****

فلان بن فلان اسم منوب عنه ونام پدرش را ببرد) اوْفَدَنی الی مَولاهُ وَمَوْلایَ، لِأَزُورَ عَنْهُ

*************************** مرا به سوی مولای خودش و مولایم روانه کرده، تا از جانب او

رَجآءً لِجَزیلِ الثَّوابِ، وَفِراراً مِنْ سُوءِ الْحِسابِ، اللهُمَّ انَّهُ یَتَوَجَّهُ الَیْکَ

به امید پاداش بزرگ و دوری از بدی و سختی حساب، زیارت کنم، خدایا او به واسطه اولیائش که

بِاوْلِیآئِهِ الدَّآلّینَ عَلَیْکَ فی غُفْرانِکَ ذُنُوبَهُ، وَحَطاَ سَیِّئاتِهِ، وَیَتَوَسَّلُ الَیْکَ

به سوی تو راهنمایی می کنند، برای آمرزش و ریزش گناهان به تو توجه نموده است، و به واسطه آنان

بِهِمْ عِنْدَ مَشْهَدِ امامِهِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِ، اللهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنْهُ، وَاقْبَلْ شَفاعَهَ

در شهادتگاه امامش- که درود خدا بر او باد- به تو متوسّل شده است، خدا از او بپذیر، و شفاعت

اوْلِیآئِهِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ فیهِ، اللهُمَّ جازِهِ عَلی حُسْنِ نِیَّتِهِ، وَصَحیحِ

اولیائش- که درود خدا بر آنان باد- را در مورد او قبول کن، خدایا به واسطه حسن نیت و عقیده

عَقیدَتِهِ، وَصِحَّهِ مُوالاتِهِ، احْسَنَ ما جازَیْتَ احَداً مِنْ عَبیدِکَ الْمُؤْمِنینَ،

صحیح و پیروی آگاهانه اش به او پاداش ده، بهترین پاداشی که به هر یک از بندگان مؤمنت داده ای

ص: 588

1- [690]تهذیب، جلد 6، صفحه 105 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 255.

وَادِمْ لَهُ ما خَوَّلْتَهُ، وَاسْتَعْمِلْهُ صالِحاً فیما آتَیْتَهُ، وَلا تَجْعَلْنی آخِرَ وافِدٍ

و آنچه به او ارزانی داشته ای از او مگیر، و او را به شایستگی در آنچه عطا نموده ای به کار گیر، و مرا آخرین نایب

لَهُ یُوفِدُهُ، اللهُمَّ اعْتِقْ رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ، وَاوْسِعْ عَلَیْهِ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ

او قرار مده، خدایا او را از آتش دوزخ رهایی ده و از روزی حلال و پاکیزه ات بر او وسعت

الطَّیِّبِ، وَاجْعَلْهُ مِنْ رُفَقآءِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبارِکْ لَهُ فی وُلْدِهِ وَمالِهِ

بخش، و او را از دوستان محمّد و خاندان محمّد قرار ده، و به فرزندان و اموال

وَاهْلِهِ، وَ ما مَلَکَتْ یَمینُهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَحُلْ

و خاندان و دارابیش برکت ده، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و بین

بَیْنَهُ وَبَیْنَ مَعاصیکَ حَتّی لا یَعْصِیَکَ، وَاعِنْهُ عَلی طاعَتِکَ وَطاعَهِ

او و نافرمانیت فاصله انداز تا نافرمانیت نکند، و او را بر اطاعت خویش و اولیائت یاری

اوْلِیآئِکَ، حَتّی لا تَفْقِدَهُ حَیْثُ امَرْتَهُ، وَلا تَراهُ حَیْثُ نَهَیْتَهُ، اللهُمَّ صَلِ

کن، تا در جایی که فرمان داده ای حاضر شده و در جایی که نهی نموده ای دیده نشود، خدایا

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ، وَاعْفُ عَنْهُ وَعَنْ جَمیعِ

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و او را بیامرز و مورد رحمت خویش قرار ده، و از او و تمامی

الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعِذْهُ مِنْ

مردان و زنان با ایمان درگذر، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و او را از

هَوْلِ الْمُطَّلَعِ، وَمِنْ فَزَعِ یَوْمِ الْقِیمَهِ، وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ، وَمِنْ ظُلْمَهِ الْقَبْرِ

هراس روز جزا و از وحشت قیامت و بازگشتگاه بد و از تاریکی قبر

وَ وَحْشَتِهِ، وَمِنْ مَواقِفِ الْخِزْیِ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی

و وحشت آن و از جایگاه های خفّت و خواری در دنیا و آخرت پناه ده، خدایا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ جآئِزَتَهُ فی مَوْقِفی هذا غُفْرانَکَ، وَتُحْفَتَهُ

محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و پاداش او را در این جایگاهم آمرزشت قرار ده، و هدیه اش

فی مَقامی هذا عِنْدَ امامی صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ انْ تُقیلَ عَثْرَتَهُ، وَ تَقْبَلَ

را در این اقامتم نزد امامم- که درود خدا بر او باد- نادیده گرفتن لغزش هایش قرار ده، و عذرش را

مَعْذِرَتَهُ، وَ تَتَجاوَزَ عَنْ خَطیئَتِهِ، وَ تَجْعَلَ التَّقْوی زادَهُ، وَما عِنْدَکَ خَیْراً

بپذیر، و از خطایش درگذر، و پرهیزکاری را توشه اش قرار ده، که آنچه نزد توست

ص: 589

لَهُ فی مَعادِهِ، وَتَحْشُرَهُ فی زُمْرَهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ

در روز معاد برای او بهتر است، و او را در گروه محمّد و خاندان محمّد محشور گردان، درود خدا بر او و خاندان پاکش

وَآلِهِ، وَتَغْفِرَ لَهُ وَ لِوالِدَیْهِ، فَانَّکَ خَیْرُ مَرْغُوبٍ الَیْهِ، وَاکْرَمُ مَسْئُولٍ

باد، و او و پدر و مادرش را بیامرز، چرا که تو بهترین مطلوب و بهترین درخواست شده هستی

اعْتَمَدَ الْعِبادُ عَلَیْهِ، اللهُمَّ وَلِکُلِّ مُوفِدٍ جآئِزَهٌ، وَلِکُلِّ زآئِرٍ کَرامَهٌ،

که بندگان به او اعتماد کنند، خدایا برای هر نیابت فرستنده ای پاداش و برای هر زیارت کننده ای منزلتی است

فَاجْعَلْ جآئِزَتَهُ فی مَوْقِفی هذا غُفْرانَکَ، وَ الْجَنَّهَ لَهُ وَ لِجَمیعِ الْمُؤْمِنینَ

پس پاداش او را در این اقامتم آمرزشت قرار ده و برای او و تمامی مردان و زنان با ایمان بهشت را مقرّر

وَالْمُؤْمِناتِ، اللَّهُمَّ وَ ا نَا عَبْدُکَ الْخاطِئُ الْمُذْنِبُ، الْمُقِرُّ بِذُنُوبِهِ، فَاسْئَلُکَ

فرما، خدایا من بنده خطاکار و گنهکار توام، که به گناهانش اقرار دارد، پس از تو می خواهم

یا اللَّهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، انْ لا تَحْرِمَنی بَعْدَ ذلِکَ الْأَجْرَ وَالثَّوابَ

ای خدا به حقّ محمّد و خاندان محمّد، مرا بعد از این اجر و پاداشی که

مِنْ فَضْلِ عَطآئِکَ وَکَرَمِ تَفَضُّلِکَ.

از عطا و بخشش فراوانت می باشد محروم مگردانی.

سپس نزد ضریح مقدّس آن امام علیه السلام برود و دست ها را رو به قبله به طرف آسمان بلند کند و بگوید:

يَا مَوْلایَ يَا امامِی عَبْدُکَ فُلانُ بْنُ فُلانٍ (به جای فلان بن فلان، نام آن شخص و پدرش را بگوید) ای مولای من ای پیشوای من، بنده ات فلانی فرزند فلانی************************************

اوْفَدَنی زآئِراً لِمَشْهَدِکَ، يَتَقَرَّبُ الَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِذلِکَ، وَ الی رَسُولِ اللَّهِ

مرا به نیابت برای زیارت شهادتگاهت فرستاده و با این زیارت به خداوند عزیز و گرامی و به رسول خدا

وَ الَيْکَ، يَرْجُو بِذلِکَ فَکاکَ رَقَبَتِهِ مِنَ النَّارِ مِنَ الْعُقُوبَهِ، فَاغْفِرْ لَهُ وَلِجَمِيعِ

و به تو تقرّب می جوید و با آن امید آزادی از آتش و عذاب را دارد، پس او و تمامی

الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، لا الهَ

مردان و زنان با ایمان را بیامرز، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، معبودی

الَّا اللَّهُ الْحَليمُ الْکَريمُ، لا الهَ الَّا اللَّهُ الْعَلِیُّ الْعَظِيمُ، اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی

جز خداوند شکیبای بزرگوار نیست، معبودی جز خداوند بلندمرتبه و با عظمت نیست، از تو می خواهم که بر

ص :590

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَسْتَجیبَ لی فیهِ، وَفی جَمیعِ اخْوانی وَاخَواتی

محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و درخواستم را در مورد او و تمامی برادران و خواهرانم

وَوُلْدی وَ اهْلی بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ، یآ ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

و فرزندان و خانواده ام به بخشش و کرمت بپذیری، ای مهربان ترین مهربانان.

1- [691]تهذیب، جلد 6، صفحه 116 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 256، حدیث 4(با اندکی تفاوت).

بخش چهارم: اعمال ماه های اسلامی (از محرم تا ذی الحجه)

اشاره

ص: 593

مقدّمه

هر ماه را باید با توجّه به خدا و یاد و ذکر او آغاز کرد، و سلامت و موفّقیّت خود را در آن ماه از خداوند متعال طلب نمود.

در همین زمینه اعمالی برای آغاز هر ماه، در کتب دعا نقل شده است که پیوند خلق با خالق را محکم می کند، یاد خدا را در خاطره ها زنده نگه می دارد، و انسان را در پناه قدرت لایزال او قرار می دهد؛ به یقین این توجّه و دعا، سبب حلّ بسیاری از مشکلات و دفع بلاها و آفات خواهد شد.

اعمال مشترک اوّل هر ماه:

1- هنگام رؤیت هلال دعایی را که در «صحیفه سجّادیه»(1) آمده است بخواند که بسیار پرمعناست:

ایهُّا الْخَلْقُ الْمُطیعُ، الدَّائِبُ السَّریعُ، الْمُتَرَدِّدُ فی مَنازِلِ التَّقْدیرِ،

ای مخلوق فرمانبردار، و خستگی ناپذیر شتابان، که در منزلگاه های معین در حرکتی

الْمُتَصَرِّفُ فی فَلَکِ التَّدْبیرِ، امَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِکَ الظُّلَمَ، وَاوْضَحَ بِکَ الْبُهَمَ،

و در مدار حساب شده ای در چرخشی، ایمان دارم به آن که تاریکی ها را به وسیله تو روشن کرد، و تیرگی ها را به تو آشکار ساخت

وجَعَلَکَ ایَةً مِنْ ایاتِ مُلْکِهِ، وَعَلامَةً مِنْ عَلاماتِ سُلْطانِهِ، فَحَدَّ بِکَ

و تو را نشانه ای از نشانه های فرمانرواییش و علامتی از علائم حکومتش قرار داده، و زمان را به وسیله تو

الزَّمانَ، وَامْتَهَنَکَ بِالزِّیادَهِ وَالنُّقْصانِ، وَالطُّلُوعِ والْأُفُولِ، وَالْإِنارَهِ

معیّن کرد، و بزرگی و کوچکی، و طلوع و غروب و آشکاری

1- [692]صحیفه سجادیه، دعای 43.

وَالْکُسُوفِ، فی کُلِّ ذلِکَ انْتَ لَهُ مُطیعٌ، وَالی ارادَتِهِ سَریعٌ، سُبْحانَهُ ما

و پنهانی را پیشینه تو ساخت، در تمام این امور تو فرمانبردار او هستی و به خواسته اش به سرعت پاسخگویی، پاک و منزّه است او

اعْجَبَ ما دَبَّرَ فی امْرِکَ، وَ الْطَفَ ما صَنَعَ فی شَأْنِکَ، جَعَلَک مِفْتاحَ شَهْرٍ

و چه تدبیر اعجاب آوری در کار تو دارد، و چه دقیق است آنچه در مورد تو انجام داده است، تو را کلید آغاز ماه

حادِثٍ لِأَمْرٍ حادِثٍ، فَاسْئَلُ اللَّهَ رَبِّی وَ رَبَّکَ، وَ خالِقی وَ خالِقَکَ،

جدید برای کاری جدید قرار داده است، پس از خداوندی که پروردگار و آفریننده

وَمُقَدِّری وَ مُقَدِّرَکَ، وَ مُصَوِّری وَ مُصَوِّرَکَ، انْ یُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،

و تقدیر کننده، و صورت بخش من و توست می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستد

وَانْ یَجْعَلَکَ هِلالَ بَرَکهٍ لا تَمْحَقُهَا الْأَیَّامُ، وَ طَهارَهٍ لا تُدَنِّسُهَا الْأثامُ،

و تو را قرار دهد هلال با برکتی که روزگار، آن را نابود نکند، و هلال پاکی که پلیدیها آن را آلوده نسازد،

هِلالَ امْنٍ مِنَ الأفاتِ، وَ سَلامَهٍ مِنَ السَّیِّئاتِ، هِلالَ سَعْدٍ لا نَحْسَ فیهِ،

و هلال ایمنی از آفات و سلامت از گناهان و هلال با سعادتی که در آن نحوستی نباشد

وَ یُمْنٍ لا نَکَدَ مَعَهُ، وَ یُسْرٍ لا یُمازِجُهُ عُسْرٌ، وَ خَیْرٍ لا یَشُوبُهُ شَرٌّ، هِلالَ

و هلال با برکتی که بداقبالی نیاورد و هلال آسایشی که سختی با او نباشد، و هلال خیری که شری با آن همراه نشود، (و تو را) هلال

امْنٍ وَ ایمانٍ، وَ نِعْمَهٍ وَ احْسانٍ، وَ سَلامَهٍ وَ اسْلامٍ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی

امنیّت و ایمان و نعمت و لطف و سلامت و اسلام (قرار دهد)، خدایا بر محمّد

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْنا مِنْ ارْضى مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ، وَ ازْكى مَنْ نَظَرَ الَيْهِ،

و خاندان پاکش درود فرست، و مرا از خوشنودترین افرادی که ماه بر آنان طلوع کرده، و پاک ترین کسی که به آن نگاه کرده

وَاسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فيهِ، وَ وَفِّقْنَا فيهِ لِلتَّوْبَهِ وَ اعْصِمْنا فيهِ مِنَ الْحَوْبَهِ،

و از با سعادت ترین کسانی که تو را در آن ماه عبادت کرده اند قرار ده، و ما را در این ماه برای توبه موفّق بدار و از لغزش بازدار

وَاحْفِظْنا فيهِ مِنْ مُباشِرَهِ مَعْصِيَتِكَ، وَ اوْزِعْنا فيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ، وَالْبِسْنا

و از ارتکاب گناهان حفظ کن، و در این ماه شکر نعمت هایت را قسمتمان کن، و لباس

فيهِ جُنَنَ الْعافِيَهِ، وَ اتْمِمْ عَلَيْنا بِاسْتِكْمالِ طاعَتِكَ فيهِ الْمِنَّهَ، انَّكَ انْتَ

عافیت بر اندامان بپوشان، و با نهایت بندگی برای تو نعمتت را بر ما در این ماه تمام کن، زیرا که تو

الْمَنَّانُ الْحَميدُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى مُحَمَّدٍ و الِهِ الطَيِّبينَ الطَّاهِرينَ.

بسیار نعمت بخش و ستوده ای، و درود خدا بر محمّد و خاندان پاک و پاکیزه اش باد.

ص :596

2- خواندن هفت بار سوره «حمد».(1) 3- خواندن نماز اوّل ماه در روز اوّل، و آن دو رکعت است، در رکعت اوّل بعد از «حمد»، سی مرتبه «قل هو اللّه احد» می خواند (به عدد روزهای ماه) و در رکعت دوم سی مرتبه «انّا انزلناه»، و بعد از نماز صدقه ای در راه خدا می دهد؛ (و اگر مستحقّی حاضر نیست، برای او کنار بگذارد) در بعضی از روایات اسلامی آمده است، هر کس چنین کند، سلامت خود را در آن ماه از خداوند متعال گرفته است.(2) در بعضی از احادیث آمده است: بعد از نماز، این دعا را (که پرمعنا و پربرکت و مشتمل بر آیات گرانبها و مناسبی از قرآن مجید است) بخواند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، وَ ما مِنْ دابَّهٍ فِی الْأَرْضِ إِلَّاعَلَی اللَّهِ رِزْقُها،

به نام خداوند بخشنده مهربان، و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر این که روزیِ او بر خداست

وَ یَعْلَمُ مُسْتَقَرَّها وَ مُسْتَوْدَعَها، کُلٌّ فِی کِتابٍ مُبینٍ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ

و او قرارگاه و محلّ نقل و انتقالشان را می داند، همه اینها در کتاب مبین (لوح محفوظ) ثبت است، به نام خداوند بخشنده

الرَّحیمِ، وَ انْ یَمْسَسْکَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلا کاشِفَ لَهُ إِلّاهُوَ، وَ انْ یُرِدْکَ بِخَیْرٍ

مهربان، و اگر خداوند (برای امتحان و مانند آن) زیانی به تو رساند هیچ کس جز او نمی تواند آن را برطرف کند و اگر اراده خیری

فَلا رادَّ لِفَضْلِهِ، یُصیبُ بِهِ مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ، وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ. بِسْمِ

برای تو کند هیچ کس مانع فضل او نخواهد شد، آن را به هر کس از بندگانش بخواهد می رساند و او آمرزنده و مهربان است، به نام

اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، سَیَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ یُسْراً، ما شآءَ اللَّهُ لا قُوَّهَ إِلَّا

خداوند بخشنده مهربان، خداوند به زودی بعد از سختی ها آسانی قرار می دهد، آنچه خدا بخواهد (همان خواهد شد و) توان و نیرویی جز

بِاللَّهِ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکیلُ، وَ افَوِّضُ امْری إِلَی اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ بَصیرٌ

برای خدا نیست، خدا ما را بس است و او بهترین حامی ماست، و من کار خود را به خدا وا می گذارم که خداوند نسبت به بندگانش

بِالْعِبادِ، لا الهَ إلَّاانْتَ، سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمینَ، رَبِّ إِنّی لِما

بیناست، جز تو معبودی نیست منزّهی تو، و من از ستمکاران بودم، پروردگارا به هر

انْزَلْتَ الَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقیرٌ، رَبِّ لا تَذَرْنِی فَرْداً، وَ انْتَ خَیْرُ الْوارِثینَ.(3)

خیر و نیکی که تو بر من فرو فرستی نیازمندم، پروردگارا مرا تنها نگذار و تو بهترین وارثانی.

4- از اموری که بر آن تأکید شده است، سه روز روزه گرفتن در هر ماه است. مرحوم «علّامه

ص: 597

1- [693]زاد المعاد، صفحه 462.
2- [694]همان مدرک، صفحه 463.
3- [695]همان مدرک.

مجلسی» رحمه الله در «زاد المعاد» می گوید: مطابق مشهور، این سه روز، پنجشنبه اوّل ماه و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه اوّل از دهه وسط ماه است.

سنّت است که همه ماه شعبان را روزه بدارد و در ده ماه دیگر، سه روز آن را، روزه بگیرد. و اگر این سنّت از او فوت شد، قضای آن را بجا آورد و حتّی اگر در تابستان انجام آن دشوار باشد، در زمستان قضا نماید.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «کسی که این سه روز را روزه می گیرد، مراقب باشد، با کسی جدال و تندخویی نکند و اگر نسبت به او جسارتی شد، درگذرد. و اگر در این ایّام روزه باشد و به منزل برادر مؤمنی رفت و از او خواسته شد که افطار کند، اجابت دعوت مؤمن و افطار کردن، هفتاد برابر برتر است از روزه داشتن». (1) به هر حال سه روز روزه گرفتن در هر ماه (به نحوی که گذشت) پاداش فراوانی دارد و مورد تأکید قرار گرفته است.

اعمال ویژه هر ماه:

در فرهنگ اسلامی و روایات پیشوایان دین، برای مناسبت های ماههای قمری، آداب و اعمالی نقل شده است که در این بخش به آنها پرداخته می شود، و در آغاز به تقویم آن ماه و حوادث مهمّی که در آن واقع شده است، اشاره می گردد. تا با توجّه به این روزهای تاریخی، اعمال مناسب انجام دهند و با یادآوری این ایّام و تجدید خاطره های مهمّ تاریخی، از آنها بهره گیرند.

ص: 598

1- [696]زاد المعاد، صفحه 464 و 465(با تلخیص).

فصل اوّل: ماه محرّم

تقویم این ماه:

اوّل محرّم: آغاز سال هجری قمری است، گرچه هجرت در ماه ربیع الأوّل صورت گرفت؛ ولی به مناسبت آغاز سال، سزاوار است همه مؤمنان به یاد حادثه عظیم هجرت و آثار مهم آن در تاریخ اسلام و فداکاری های مولای متّقیان علی علیه السلام در لیله المبیت باشند.

دوم محرّم: روز ورود امام حسین علیه السلام و یارانش به سرزمین کربلا (در سال 61 هجری قمری)(1) است که سرآغاز حماسه های عظیم عاشوراست.

هفتم محرّم: روز جلوگیری کردن حرم حسینی علیه السلام از دستیابی به آب است؛ در این روز دستوری از سوی عبیداللّه بن زیاد برای عمر بن سعد رسید که بین حسین علیه السلام و یارانش و آب حایل شوند، تا قطره ای از آب فرات ننوشند!(2) نهم محرّم (تاسوعا): «شیخ کلینی» از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود: «روز تاسوعا، روزی است که امام حسین علیه السلام و یارانش را در کربلا محاصره کردند و دشمنان برای جنگ با آن حضرت اجتماع نمودند، و پسر مرجانه و عمر بن سعد از زیادی لشکر خویش خوشحال شدند، و امام حسین علیه السلام و اصحابش را در آن روز ضعیف شمردند، و یقین کردند که برای امام حسین علیه السلام یاوری نخواهد آمد و مردم عراق وی را کمک نخواهند کرد؛ آنگاه فرمود:

«بِأبی المُسْتَضْعَفُ الغَریبُ؛

پدرم فدای آن ضعیفِ غریب باد».(3) در این روز شمر همراه با نامه ای از سوی عبیداللّه بن زیاد خطاب به عمر بن سعد وارد کربلا شد که بر حسین علیه السلام و یارانش سخت بگیر! تا تسلیم شوند و وادار به بیعت گردند و در صورت امتناع، همه آنها را به قتل برسان. امام حسین علیه السلام حاضر به پذیرش ذلّت بیعت با دشمن نشد؛ ولی از آنان خواست که آن شب را به وی مهلت دهند، تا به عبادت و دعا و نماز بپردازد، و فردا در معرکه نبرد با آنان روبه رو خواهد شد.(4) دهم محرّم (عاشورا): روز پرحماسه و فراموش نشدنی تاریخ اسلام و تشیّع؛ روز فداکاری، جانبازی و

1- [697]بحارالانوار، جلد 44، صفحه 383.
2- [698]همان مدرک، صفحه 389.
3- [699]کافی، جلد 4، صفحه 147، حدیث 7.
4- [700]بحارالانوار، جلد 44، صفحه 392.

شهادت سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبداللَّه الحسین علیه السلام و یاران باوفایش، در سرزمین کربلا (در سال 61 هجری قمری) است.

دوازدهم محرّم: روز شهادت امام زین العابدین علیه السلام (بنابر روایتی در سال 94 یا 95 هجری قمری) است.(1) بیست و پنجم محرّم: روز شهادت امام زین العابدین علیه السلام است بنابر روایتی دیگر.(2)

ماه محرّم، ماه حماسه و ماتم:

ماه محرّم، ماه غم و اندوه اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آنهاست و ماه شهادت و یادآوری دلاوری ها و شجاعت ها و ایثارهای سیّدالشّهدا امام حسین علیه السلام و یاران باوفای او در کربلاست؛ در حدیثی از امام علی بن موسی الرّضا علیهما السلام آمده است که فرمود: «هنگامی که ماه محرّم فرا می رسید، کسی پدرم را خندان نمی دید و همواره محزون و غمگین بود، تا روز دهم یعنی روز عاشورا؛ آن روز روزِ مصیبت و حزن و اندوه و گریه پدرم بود و می فرمود: امروز روزی است که حسین علیه السلام شهید شده است».(3) سزاوار است همه ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام با تشکیل مجالس سوگواری، هرچه باشکوهتر در تعظیم این شعائر بکوشند، و خطبای گرامی فلسفه شهادت آن بزرگواران و آثار مهمّ آن را برای بقای اسلام و تشیّع، شرح دهند؛ مخصوصاً جوانان و نوجوانان خود را با این مراسم آشنا کنند و در انجام این مراسم از آنچه که مایه وهن مذهب در نظر دوست و دشمن می شود، جدّاً بپرهیزند، و توجّه داشته باشند که عاشورا و مراسم حسینی است که اسلام را زنده نگه داشته است، و هر سال خون تازه ای در عروق اسلام جاری می سازد، و تا مراسم حسینی، پرشور و پرشکوه برپاست، آسیبی به اسلام نخواهد رسید.

اعمال ماه محرّم:

1- به هنگام رؤیت هلال محرّم، مستحب است تکبیر بگویی و اگر می توانی دعای مشروحی را که سیّد در «اقبال الاعمال» آورده است، بخوانی.(4)
2- در شب اوّل محرّم صد رکعت نماز بخوان، و در هر رکعت سوره «حمد» و «قل هو اللّه» را می خوانی و هر دو رکعت را به یک سلام پایان می دهی؛ در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: هر کس این نمازها را

1- [701]بحارالانوار، جلد 46، صفحه 151، حديث 11.
2- [702]مصباح المتهجّد، صفحه 787.
3- [703]امالی صدوق، صفحه 128، حديث 2.
4- [704]اقبال الاعمال، صفحه 545.

بخواند و روز اوّل ماه محرّم را روزه بگیرد، مانند کسی است که در طول سال بر انجام خیر مداومت داشته باشد و تا سال آینده از فتنه ها محفوظ خواهد بود. و اگر بمیرد وارد بهشت خواهد شد.(1) 3- مطابق روایت دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب اوّل محرم دو رکعت نماز می خوانی به این نحو: در رکعت اوّل سوره «حمد» و سوره «انعام» و در رکعت دوم سوره «حمد» و سوره «یس».(2) علاوه بر این نمازها، مستحب است نماز اوّل هر ماه نیز خوانده شود که کیفیّت آن در اعمال مشترک ماهها (صفحه 597) گذشت.

4- در روز اوّل محرّم، روزه گرفتن مستحب است، که در روایتی امام رضا علیه السلام فرمود: «هر کس این روز را روزه بگیرد، و حاجت خویش را از خداوند بخواهد، خداوند دعایش را به اجابت خواهد رساند، این روز همان روزی بود که حضرت زکریّا در این روز، از خداوند فرزندی را طلب کرد و خداوند دعایش را به اجابت رساند و یحیی را به وی عنایت فرمود».(3) 5- از امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام نقل شده است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روز اوّل محرّم، دو رکعت نماز می خواند و پس از نماز دست ها را بلند می کرد و این دعا را سه مرتبه قرائت می فرمود:

اللهُمَّ انْتَ الْإِلهُ الْقَدیمُ، وَ هذِهِ سَنَهٌ جَدیدَهٌ، فَاسْئَلُکَ فیهَا الْعِصْمَهَ

خدایا تویی معبود ازلی و این سالی جدید است، پس در این سال از تو می خواهم مصونیت

مِنَ الشَّیْطانِ، وَ الْقُوَّهَ عَلی هذِهِ النَّفْسِ الْأَمَّارَهِ بِالسُّوءِ، وَ الْإِشْتِغالَ بِما

از شرّ شیطان را و توانایی بر (مبارزه با) نفسی که به بدی بر می انگیزد، و انجام دادن آنچه

یُقَرِّبُنی الَیْکَ، یا کَریمُ یا ذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، یا عِمادَ مَنْ لا عِمادَ لَهُ، یا

مرا به تو نزدیک می کند، ای بخشنده، ای صاحب شکوه و بزرگواری، ای تکیه گاه کسی که تکیه گاهی ندارد، ای

ذَخیرَهَ مَنْ لا ذَخیرَهَ لَهُ، یا حِرْزَ مَنْ لا حِرْزَ لَهُ، یا غِیاثَ مَنْ لا غِیاثَ

ذخیره کسی که ذخیره ای ندارد، ای پناه کسی که پناهی ندارد، ای فریادرس کسی که فریادرسی

لَهُ، یا سَنَدَ مَنْ لا سَنَدَ لَهُ، یا کَنْزَ مَنْ لا کَنْزَ لَهُ، یا حَسَنَ الْبَلاءِ، یا عَظیمَ

ندارد، ای پشتیبان کسی که پشتیبانی ندارد، ای گنج کسی که گنجینه ای ندارد، ای صاحب آزمایش های نیکو، ای صاحب

الرَّجآءِ، یا عِزَّ الضُّعَفآءِ، یا مُنْقِذَ الْغَرْقی، یا مُنْجِیَ الْهَلْکی، یا مُنْعِمُ یا

امید بزرگ، ای عزّت بخش ضعیفان، ای نجات دهنده غریقان، ای رهاننده محکومان به فنا، ای نعمت دهنده، ای

1- [705]اقبال الاعمال، صفحه 552.
2- [706]همان مدرک.
3- [707]همان مدرک، صفحه 544 و بحارالانوار، جلد 44، صفحه 285.

مُجْمِلُ، یا مُفْضِلُ یا مُحْسِنُ، انْتَ الَّذی سَجَدَ لَکَ سَوادُ اللَّیْلِ وَنُورُ

زیبایی بخش، ای فضیلت دهنده، ای نیکوکار، تویی آن که تاریکی شب و روشنایی روز

النَّهارِ، وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعاعُ الشَّمْسِ، وَدَوِیُّ الْمآءِ وَحَفیفُ الشَّجَرِ، یا

و نور ماه و پرتو خورشید و صدای آب و به هم خوردن درختان در برابرت فروتن گشته، ای

اللَّهُ لا شَریکَ لَکَ، اللهُمَّ اجْعَلْنا خَیْراً مِمَّا یَظُنُّونَ، وَاغْفِرْلَنا ما لا

خدا شریکی برای تو نیست، خدایا ما را بهتر از آنچه که دیگران می پندارند قرار ده و آنچه از ما نمی دانند

یَعْلَمُونَ، وَلا تُؤاخِذْنا بِما یَقُولُونَ، حَسْبِیَ اللَّهُ لا الهَ الَّا هُوَ، عَلَیْهِ

بیامرز و به آنچه می گویند ما را مؤاخذه مکن، خداوند برای من کافی است، معبودی جز او نیست، بر او

تَوَکَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ، امَنَّا بِهِ، کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا، وَما یَذَّکَّرُ الَّا

توکّل می کنم و او پروردگار عرش با عظمت است، به او ایمان داریم، تمام امور از جانب پروردگار ماست، و جز خردمندان

اولُوا الْألْبابِ، رَبَّنا لاتُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اذْ هَدَیْتَنا، وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ

متذکر نمی شوند، پروردگارا دلهایمان را بعد از آن که ما را هدایت کردی (از راه حق) منحرف مگردان و از سوی خودت

رَحْمَهً، انَّکَ انْتَ الْوَهَّابُ.(1)

رحمتی بر ما ببخش، زیرا تویی بخشنده.

6- مرحوم «شیخ طوسی» فرموده است که مستحب است دهه اوّل محرّم را روزه بگیرد؛ ولی در روز عاشورا از غذا و آب امساک نماید، امّا روزه نگیرد، و چون وقتِ عصر فرا رسید، به مقدار کمی، تربت تناول نماید (زیرا

روزه گرفتن در این روز شیوه بنی امیّه بود که به شکرانه جریان کربلا، روزه می گرفتند!).(2)

اعمال شب عاشورا:

برای شب عاشورا، دعا و نمازهای بسیاری نقل شده است که برخی از آنها به این شرح است:

1- احیای شب عاشورا؛ در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که «هر کس شب عاشورا را بیدار بماند (و به عبادت بپردازد)؛ گویا عبادت فرشتگان را انجام داده است ...».(3) 2- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در شب عاشورا، چهار رکعت نماز می گذاری و در هر رکعت یک مرتبه «حمد» و پنجاه مرتبه سوره «توحید» را می خوانی وقتی که در رکعت چهارم سلام نماز را گفتی، ذکر خدا را

ص: 602

1- [708]اقبال، صفحه 553 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 333.
2- [709]مصباح المتهجّد، صفحه 771.
3- [710]اقبال، صفحه 555.

بسیار بگو و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله صلوات بفرست و تا مقداری که ممکن است بر دشمنان اهل بیت علیهم السلام لعنت کن.(1)
3- صد رکعت نماز بجا می آوری، هر دو رکعت با یک سلام، که در هر رکعت یک مرتبه «حمد» و سه بار سوره «توحید» را می خوانی و پس از پایان این نمازها، هفتاد بار می گویی:

سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا إلهَ إلَّااللَّهُ وَ اللَّهُ اکْبَرُ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إلَّابِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که این نماز را بخواند- از مردان و زنان- وقتی که بمیرد، خداوند قبرش را معطّر و خوشبو می کند و هر روز- تا هنگام دمیدن صور- نوری وارد قبرش می شود ....(2)

اعمال روز عاشورا:

می دانیم روز عاشورا که روز شهادت امام حسین علیه السلام و یاران باوفای اوست، روز اندوه و غم و مصیبت ائمّه اطهار علیهم السلام و شیعیان آنها می باشد، و بر انجام اعمال و رعایت اموری در این روز تأکید شده است، مانند:

1- شایسته است شیعیان در این روز دست از کسب و کار بکشند و نیازهای خانه را امروز تهیّه و ذخیره نکنند و به عزاداری و نوحه سرایی بپردازند و همچون کسانی که عزیزترین افراد خویش را از دست داده اند، غم زده و اندوهگین باشند.

امام علی بن موسی الرّضا علیه السلام فرمود: هر کس در روز عاشورا، دست از تلاش برای دنیا بردارد، خداوند حاجت های دنیوی و اخروی او را برآورده می سازد، و هر کس که روز عاشورا، روز اندوه و غم و گریه اش باشد، خداوند روز قیامت را روز سرور و شادی او قرار دهد و در بهشت با دیدار ما، چشمش روشن می شود، و هر کس که روز عاشورا را برای خود روز برکت بداند و در آن روز برای منزل خویش اموالی را ذخیره سازد، آن اموال برای او برکتی نخواهد داشت.(3) (البته کسانی که با مسائل بسیار ضروری مردم سر و کار دارند مانند اطبای کشیک و امثال آنها از این امر مستثنا هستند).

در روایت دیگری ابن عبّاس می گوید: در منطقه «ذیقار» خدمت امیر مؤمنان علیه السلام رسیدم، صحیفه و نوشته ای را بیرون آورد که به خط مبارک او و املای رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. امام علیه السلام آن صحیفه را بر من خواند

ص: 603

1- [711]اقبال، صفحه 556.
2- [712]همان مدرک، صفحه 555.
3- [713]همان مدرک، صفحه 578.(مرحوم علّامه مجلسی در کتاب« زاد المعاد»، صفحه 372 می گوید: بنی امیّه برای برکت، آذوقه یکساله خودرا در روز عاشورا، ذخیره می کردند).

که در آن نوشته بود، امام حسین علیه السلام چگونه شهید می شود و چه کسی او را می کشد و چه کسانی وی را یاری می کنند و چه کسانی با وی به شهادت می رسند، امام علیه السلام وقتی آن را خواند گریه شدیدی نمود و من هم گریان شدم.(1) همچنین در این روز از لعن و بیزاری جستن از قاتلان آن حضرت غافل نشوند و بر این امر تأکید کنند.

2- امام باقر علیه السلام فرمود: شیعیان در این روز به یکدیگر تسلیت بگویند و چه بهتر که با این جمله ها باشد:

عَظَّمَ اللَّهُ أُجُورَنا بِمُصابِنا بِالْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ، وَ جَعَلَنا وَ إِیَّاکُمْ مِنَ

خداوند پاداش ما را در مصیبت امام حسین- که درود خدا بر او باد- عظیم گرداند، و ما و شما را از

الطَّالِبِینَ بِثارِهِ، مَعَ وَلِیِّهِ الْإِمامِ الْمَهْدِیِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ.(2)

خونخواهانش به همراه ولیّش امام مهدی از خاندان محمّد- که درود خدا بر ایشان باد- قرار دهد.

3- مرحوم «ابن قولویه» رحمه الله مطابق روایتی می گوید: کسی که در روز عاشورا کنار قبر امام حسین علیه السلام باشد و زائران را (کمک کند و) آب دهد، مانند کسی است که لشکر آن حضرت را سیراب کرده باشد و گویا با آن حضرت در کربلا حاضر بوده است.(3) 4- هزار مرتبه بر قاتلان آن حضرت لعنت کند و بگوید:

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَیْنِ علیه السلام.(4)

5- خواندن هزار مرتبه سوره «توحید» در این روز فضیلت فراوانی دارد.

امام صادق علیه السلام فرموده است: هر کس در روز عاشورا هزار مرتبه سوره «توحید» را بخواند، خداوندِ رحمان به وی نظر (رحمت) افکند و هر کس را که خداوندِ رحمان (با دیده رحمت) نظر کند، وی را مجازات نخواهد کرد.(5) 6- در روز عاشورا شایسته است که از خوردن و آشامیدن- بدون قصد روزه- خودداری نمایند تا این که وقت عصر فرا رسد و از غذا و آب مختصری (که مصیبت زدگان استفاده می کنند)، تناول نمایند.(6) مرحوم «علّامه مجلسی» در کتاب «زاد المعاد» گفته است که بهتر است روز نهم

و دهم ماه محرّم را روزه نگیرند، زیرا بنی امیّه این دو روز را برای برکت و شکر بر قتل امام حسین علیه السلام (به عنوان ظاهرسازی) روزه می گرفتند؛ از طریق اهل بیت علیهم السلام احادیث فراوانی در مذمّت روزه این دو روز، مخصوصاً روزه روز

1- [714]بحارالانوار، جلد 28، صفحه 73، حدیث 32 و کتاب سلیم بن قیس، صفحه 916.
2- [715]زاد المعاد، صفحه 374.
3- [716]کامل الزیارات، باب 71، صفحه 174، حدیث 5.
4- [717]زاد المعاد، صفحه 372.
5- [718]اقبال، صفحه 577.
6- [719]زاد المعاد، صفحه 372.

عاشورا نقل شده است.

همچنین در این روز، از مزاح و خنده و دیگر سرگرمی های مسرّت بخش دنیوی خودداری نمایند.(1) 7- سزاوار است هنگام غروب روز عاشورا، به یاد مصائب فرزندان و اطفال و زنان حرم امام حسین علیه السلام باشند، زیرا آن هنگام از سخت ترین لحظات حرم آل پیامبر صلی الله علیه و آله بود. دشمنان سرمست از باده پیروزی، و اجساد شهیدان روی خاک کربلا، و زنان و کودکان نالان و گریان و پریشان بودند؛ در همان زمان دستور غارت و آتش زدن خیمه ها صادر شد. اطفال یتیم، زنان بی سرپرست و کودکان تشنه، هر کدام به سویی می دویدند و در آن میان، زینب و زین العابدین و امّ کلثوم علیهم السلام پناهگاه این مصیبت دیدگان بودند و همه غم ها را به دل و جان می خریدند و همه دشواری ها را بر خویش هموار می ساختند، تا دیگران را آرام کنند.

در آن غروب، مصائبی بر خاندان رسول اللَّه صلی الله علیه و آله رفت که قابل تصوّر نیست و اندوهی بر آنان فرود آمد که قابل بیان کردن نمی باشد؛ مصائبی که اشک ها را از دیده ها سرازیر می سازد و اعماق روح و جان را آزار می دهد.

8- سزاوار است عاشقان و علاقه مندان مکتب سالار شهیدان امام حسین علیه السلام در روز عاشورا برخیزند و بر رسول خدا و علیّ مرتضی و فاطمه زهرا و حسن مجتبی و سایر امامان از ذریّه آن حضرت علیهم السلام سلام کنند و آنان را در این مصیبت های بزرگ، با دلی سوزان و اشکی روان تسلیت گویند و این زیارت را بخوانند:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ ادَمَ صَفْوَهِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ نُوحٍ نَبِیِ

سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر

اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ ابْراهیمَ خَلیلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ

خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث

مُوسی کَلیمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عیسی رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ

موسی هم صحبت خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو

يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا وارِثَ عَلِیٍّ اميرِ الْمُؤْمِنينَ،

ای وارث محمّد حبيب خدا، سلام بر تو ای وارث اميرمؤمنان

السَّلامُ عَلَيْکَ يا وارِثَ الْحَسَنِ الشَّهيدِ سِبْطِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ

سلام بر تو ای وارث امام حسن شهيد و نوه پيامبر خدا، سلام بر تو

1- [720]زاد المعاد، صفحه 372.

يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ الْبَشيرِ النَّذيرِ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ،

ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند بشارت دهنده بیم دهنده، و فرزند آقا و سرور جانشینان

السَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَهِ نِساَءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا ابا

سلام بر تو ای فرزند فاطمه سرور بانوان جهانیان، سلام بر تو ای ابا

عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا خِيَرَهَ اللَّهِ وَابْنَ خِيَرَتِهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يا ثارَ اللَّهِ

عبداللَّه، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده خدا، سلام بر تو ای فرزند کسی

وَابْنَ ثارِهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ ايُّهَا الْوِتْرُ الْمَوْتُورُ، السَّلامُ عَلَيْکَ ايُّهَا الْإِمامُ

که خونخواهتان خداست، سلام بر تو ای یگانه ای که انتقام خونش گرفته نشده است، سلام بر تو ای امام

الْهادِى الزَّکِىُّ، وَعَلَى الْارْواحِ الَّتى حَلَّتْ بِفِنآئِکَ، وَ اقامَتْ فى جِوارِکَ،

هدایتگر پاک، و بر ارواحی که بر آستانت وارد شده، و در جوار تو اقامت گزیده اند

وَ وَفَدَتْ مَعَ زُوَّارِکَ، السَّلامُ عَلَيْکَ مِنّى ما بَقيتُ وَ بَقِىَ اللَّيْلُ وَ النَّهارُ،

و به همراه زائرانت آمده اند، سلام بر تو از جانب من مادامی که زنده ام و شب و روز باقیست

فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِکَ الرَّزِيَّهُ، وَ جَلَّ الْمُصابُ فِى الْمُؤْمِنينَ وَ الْمُسْلِمينَ،

پس به یقین داغ تو سوزناک و مصیبت تو بر مؤمنان و مسلمانان

وَفى اهْلِ السَّمواتِ اجْمَعينَ، وَ فى سُکانِ الْأَرَضينَ، فَانَّا للَّهِ وَانَّا الَيْهِ

و تمامی اهل آسمانها و ساکنان زمین بزرگ است، پس ما از خداییم و به سوی او

راجِعُونَ، وَ صَلَواتُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ وَ تَحِیَّاتُهُ عَلَیْکَ وَ عَلی ابآئِکَ

باز می گردیم، و درود و برکات و سلام های خداوند بر تو و پدران

الطّاهِرینَ الطَّیِّبینَ الْمُنْتَجَبینَ، وَ عَلی ذَراریهِمُ الْهُداهِ الْمَهْدِیّینَ، السَّلامُ

پاک و پاکیزه و برگزیده ات و بر نسل هدایتگر و هدایت یافته ات باد، سلام

عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَ عَلَیْهِمْ، وَ عَلی رُوحِکَ وَ عَلی ارْواحِهِمْ، وَ عَلی

بر تو ای مولای من و بر آنان و بر روح تو و بر ارواح آنان و بر

تُرْبَتِکَ وَ عَلی تُرْبَتِهِمْ، اللهُمَّ لَقِّهِمْ رَحْمَهً وَ رِضْواناً وَ رَوْحاً وَ رَیْحاناً،

تربت تو و آنان، خدایا رحمت و رضوان و لطف و عنایتت را به آنان برسان،

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا ابا عَبْدِاللَّهِ، یَا بْنَ خاتَمِ النَّبِیّینَ، وَ یَا بْنَ سَیِّدِ

سلام بر تو ای مولای من ای اباعبداللَّه، ای فرزند خاتم پیامبران و ای فرزند آقا و سرور

الْوَصِيّينَ، وَ يَا بْنَ سَيِّدَهِ نِسآءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ یا شَهیدُ یَا بْنَ

جانشينان، و اى فرزند سرور بانوان جهانيان، سلام بر تو اى شهيد و اى فرزند

الشَّهيدِ، يا اخَ الشَّهيدِ، يا ابَا الشُّهَدآءِ، اللهُمَّ بَلِّغْهُ عَنّى فى هذِهِ السَّاعَهِ

شهيد، اى برادر شهيد، اى پدر شهيدان، خدايا در اين ساعت

وَ فى هذَا الْيَوْمِ، وَ فى هذَا الْوَقْتِ وَ فى كُلِّ وَقْتٍ، تَحِيَّةً كَثيرَةً وَسَلاماً،

و در اين روز و در اين زمان و در هر زمان ديگر درود و سلام فراوان مرا به او برسان،

سَلامُ اللَّهِ عَلَيْکَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ يَا بْنَ سَيِّدِ الْعالَمينَ، وَ عَلَى

سلام خدا و رحمت و بركاتش بر تو اى فرزند سرور جهانيان و بر

الْمُسْتَشْهَدينَ مَعَکَ سَلاماً مُتَّصِلاً مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَ النَّهارُ، السَّلامُ عَلَى

شهيدان همراهت باد، سلامى پيوسته مادامى كه شب و روز در كنار هم باقيست، سلام بر

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الشَّهيدِ، السَّلامُ عَلى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّهيدِ، السَّلامُ

حسين بن على شهيد (در راه خدا)، سلام بر على بن حسين شهيد (در راه خدا)، سلام

عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ اميرِ الْمُؤْمِنينَ الشَّهيدِ، السَّلامُ عَلَى الشُّهَدآءِ مِنْ وُلْدِ

بر عباس فرزند اميرمؤمنان شهيد (در راه خدا)، سلام بر شهيدان از فرزندان

اَمِيرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَى الشُّهَدآءِ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ، السَّلامُ عَلَى

اميرمؤمنان، سلام بر شهيدان از فرزندان حسن، سلام بر

الشَّهَداۤءِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ، السَّلامُ عَلَی الشَّهَداۤءِ مِنْ وُلْدِ جَعْفَرٍ وَ عَقیلٍ،

شهیدان از فرزندان حسین، سلام بر شهیدان از فرزندان جعفر و عقیل،

السَّلامُ عَلی کُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مَعَهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنینَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

سلام بر تمامی مؤمنان شهید همراه آنان، خدایا بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَلِّغْهُمْ عَنّی تَحِیَّهً کَثیرَهً وَ سَلاماً، السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ

و خاندان محمّد درود فرست و سلام و درود فراوان مرا به آنان برسان، سلام بر تو ای رسول

اللَّهِ، احْسَنَ اللَّهُ لَکَ الْعَزآءَ فی وَلَدِکِ الْحُسَیْنِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا فاطِمَهُ،

خدا، خداوند در عزای فرزندت حسین به نیکوترین وجه تسلّایت دهد، سلام بر تو ای فاطمه،

احْسَنَ اللَّهُ لَکِ الْعَزآءَ فی وَلَدِکِ الْحُسَیْنِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا امیرَ

خداوند در عزای فرزندت حسین به بهترین وجه تسلّایت دهد، سلام بر تو ای امیر

ص :607

الْمُؤْمِنینَ، احْسَنَ اللَّهُ لَکَ الْعَزآءَ فِی وَلَدِکَ الْحُسَیْنِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا ابا

مؤمنان، خداوند در عزای فرزندت حسین به نیکوترین وجه تسلّایت دهد، سلام بر تو ای ابا

مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ، احْسَنَ اللَّهُ لَکَ الْعَزآءَ فی اخیکَ الْحُسَیْنِ، یا مَوْلایَ یا ابا

محمد امام حسن، خداوند در عزای برادرت حسین به بهترین وجه تسلّایت دهد، ای مولای من ای ابا

عَبْدِاللَّهِ، انَا ضَیْفُ اللَّهِ وَضَیْفُکَ، وَجارُ اللَّهِ وَجارُکَ، وَلِکُلِّ ضَیْفٍ وَجارٍ

عبداللَّه، من میهمان خدا و میهمان توام، و همجوار خدا و همجوار توام و برای هر میهمانی و همجواری

قِرىً، وَقِرایَ فی هذَا الْوَقْتِ انْ تَسْئَلَ اللَّهَ سُبْحانَهُ وَتَعالی انْ یَرْزُقَنی

حقّ پذیرایی است و حقّ پذیراییم در این وقت این باشد که از خداوند پاک و منزّه و برتر بخواهی که

فَکاکَ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ، انَّهُ سَمیعُ الدُّعآءِ، قَریبٌ مُجیبٌ.(1)

آزادی از آتش دوزخ را روزیم گرداند، زیرا که او شنوای دعا و نزدیک و اجابت کننده است.

9- خواندن زیارت امام حسین علیه السلام معروف به «زیارت عاشورا» در این روز ثواب فراوانی دارد.

این زیارت را می توان از راه دور یا نزدیک خواند و بسیار بافضیلت و یکی از کیمیاهای سعادت است و در بخش زیارات تحت عنوان «زیارت عاشورا» گذشت (صفحه 392).

1- [721]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 222، حدیث 34.

فصل دوم: ماه صفر

تقویم این ماه:

اوّل ماه صفر: آغاز جنگ صفّین، مطابق نقل مورّخان در سال 37 هجری است.(1) جنگ صفّین از سوی امیرمؤمنان علیه السلام و لشکریانش، در برابر معاویه و سپاه غارتگر شام، آغاز شد و مدّت 110 روز طول کشید، (2) و در آستانه شکست لشکر شام، عمرو عاص خدعه ای به کار زد و قرآن ها را بر سر نیزه کردند و داستان تأسّف بار حکمین پیش آمد.(3) همچنین در این روز در سال 61 هجری (بنا بر روایتی) سر مبارک حضرت سیّدالشّهدا علیه السلام را همراه کاروان اهل بیت علیهم السلام وارد شهر شام کردند.(4) دوم ماه صفر: روز شهادت زید بن علی بن الحسین علیه السلام پس از قیام بر ضدّ بنی امیّه در سال 120 هجری است؛ وی به هنگام شهادت 42 سال داشت.(5) هفتم ماه صفر: بنا بر نقل شیخ مفید و کفعمی، روز شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام است.(6) همچنین ولادت امام کاظم علیه السلام طبق روایتی در سال 128، در این روز در منطقه «ابواء» (محلّی میان مکّه و مدینه) واقع شده است.(7) این روز از جهتی روز حزن و از جهتی روز سرور است.

بیستم ماه صفر: روز اربعین امام حسین علیه السلام است؛ بنابر نقل جمعی از بزرگان مانند شیخ مفید، شیخ طوسی و کفعمی، جابر بن عبداللّه انصاری در این روز برای زیارت امام حسین علیه السلام به کربلا آمد و همین روز، روزی است که اهل بیت امام حسین علیه السلام طبق روایتی از شام به مدینه آمدند.(8) ولی در ارتباط با آمدن اهل بیت حسینی علیه السلام در روز اربعین به کربلا میان مورّخان گفتگوست؛ مرحوم

1- [722]بحارالانوار، جلد 32، صفحه 458 و شرح ابن ابی الحدید، جلد 4، صفحه 29.(البته مطابق نقل دیگر، واقعه صفین در ماه ذی الحجه سال 36 شعله ور شد، بحارالانوار، جلد 32، صفحه 573).
2- [723]مروج الذهب، جلد 2، صفحه 527. ولی مطابق نقل ارشاد القلوب دیلمی(جلد 2، صفحه 248) این جنگ 18 ماه طول کشید.
3- [724]پیام امیرالمؤمنین، جلد 1، صفحه 392.

4- [725]شیخ بهایی در کامل، و کفعمی در مصباح، این روز را روز ورود اهل بیت به شام دانسته اند.(مقتل الحسین مقرّم، 348).
5- [726]ارشاد مفید، جلد 2، صفحه 174.
6- [727]بحارالانوار، جلد 44، صفحه 134.
7- [728]همان مدرک، جلد 48، صفحه 1.
8- [729]همان مدرک، جلد 95، صفحه 195 و منتهی الآمال،(تاریخ زندگی امام حسین علیه السلام).

حاج شیخ عبّاس قمی در «منتهی الآمال» از سیّد بن طاووس نقل می کند که اهل بیت حرم حسینی علیه السلام در مسیر بازگشت به مدینه، نخست به کربلا آمدند و زمانی به آنجا رسیدند که جابربن عبداللّٰه انصاری و گروهی از بنی هاشم به زیارت امام حسین و یارانش آمده بودند (و با توجه به اینکه جابر در بیستم صفر به کربلا آمد، بنابراین اهل بیت نیز ورودشان به کربلا همان روز بود).

اما مرحوم حاج شیخ عباس قمی با توجه به نقل دیگر مورّخان و قرائن و شواهد دیگر، ورود اهل بیت علیهم السلام را در بیستم صفر (اربعین حسینی) به کربلا بسیار بعید می داند و از شیخ مفید و شیخ طوسی نقل می کند که اهل بیت علیهم السلام روز بیستم صفر از شام به مدینه مراجعت کردند.(1) بیست و هشتم ماه صفر: در چنین روزی، در سال یازدهم هجری، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وفات یافت و همه مورّخان اتّفاق دارند که روز وفات آن حضرت، روز دوشنبه بود و آن حضرت به هنگام وفات شصت و سه سال از عمر مبارکشان می گذشت.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در سنّ چهل سالگی به رسالت مبعوث شد و سپس سیزده سال در مکّه مردم را به توحید و خداپرستی دعوت کرد و در سنّ پنجاه و سه سالگی به مدینه هجرت نمود و ده سال نیز در مدینه- با تشکیل حکومت اسلامی و با تلاش پی گیر و مستمرّ- به مبارزه با شرک و کفر و ظلم و ستم پرداخت؛ در این مدّت، مردم زیادی از مناطق مختلف به آن حضرت ایمان آوردند و اسلام روز به روز گسترش یافت، تا آن که در 28 صفر سال یازدهم از این جهان رحلت فرمود.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، آن حضرت را غسل داده و کفن نمود و بر آن حضرت نماز گزارد و آنگاه مردم گروه گروه بر پیکر شریفش نماز گزاردند و سپس علی علیه السلام آن حضرت را در حجره اش در همان محلّی که از دنیا رفته بود دفن فرمود.(2) از «انس بن مالک» روایت شده است که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله را به خاک سپردیم، حضرت فاطمه علیها السلام به سوی من آمد و گفت: ای انس! چگونه راضی شدید که خاک بر چهره رسول خدا بریزید، آنگاه گریست.(3) و مطابق نقل دیگری، آن حضرت مقداری از خاک قبر پدر گرامیش را برداشت و بر دیدگانش نهاد و گفت:

1- [730]رجوع کنید به: منتهی الآمال،(تاریخ زندگی امام حسین علیه السلام).

2- [731]منتهی الآمال، تاریخ زندگی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و بحارالانوار، جلد 22، صفحه 503 به بعد.

3- [732]سنن دارمی، جلد 1، صفحه 40.

ماذا عَلَى الْمُشْتَمِّ تُرْبَةَ احْمَدَانْ لا يَشُمَّ مَدَى الزَّمانِ غَوالِيا

بر چه ملامت شود کسی که تربت پاک احمد را ببویدولی هرگز در طول عمرش عطر دیگری نبوید؟!

صُبَّتْ عَلىَّ مَصآئِبُ لَوْ انَّهاصُبَّتْ عَلَى الْأَيَّامِ صِرْنَ لَيالِيا(1)

مصیبتهایی بر من وارد شد که اگربر روزهای روشن وارد می شد همچون شب های سیاه و ظلمانی می گشت

همچنین بنا بر نقل جمعی از علما و مورّخان، روز بیست و هشتم صفر سال 50 هجری، روز شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام است و این روایت بیشتر در میان شیعیان مشهور است تا روایت هفتم ماه صفر.(2) روز آخر ماه صفر: بنا بر قول «شیخ طبرسی» و «ابن اثیر» آخر ماه صفر سال 203 هجری، روز شهادت امام رضا علیه السلام است که در سنّ پنجاه و پنج سالگی، توسّط مأمون عبّاسی مسموم شده و به فیض شهادت نائل آمدند.(3)

دهه آخر صفر، دهه غم و اندوه:

این ماه نیز یادآورِ فداکاری ها و جانبازی های امام حسین علیه السلام و یارانش می باشد؛ ماه ادامه اسارتِ اهل بیت علیهم السلام و ورود آنها (مطابق روایتی) به شام است.

شام بر اثر خطبه های امام سجّاد و زینب کبری علیهما السلام به کلّی دگرگون گردید و از همان جا بذرِ انقلاب بر ضدِّ بنی امیّه پاشیده شد؛ و در نتیجه همین خطبه ها، بنی امیّه در تمام جهان اسلام رسوا گشت و خطری که از سوی آنان اسلام و قرآن را تهدید می کرد، به برکت خون های شهیدان و خطابه های پیام آورانِ عاشورا، دفع شد.

علاوه بر این، ماه صفر چنان که گفتیم یادآور ضایعه بزرگ و مصیبت عظمی یعنی رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و شهادت فرزندانِ گرامیش امام حسن مجتبی و امام علی بن موسی الرّضا علیهما السلام است؛ آمیخته شدنِ خاطره اربعین حسینی با خاطره جانکاهِ این مصایبِ بزرگ، دهه آخر ماه صفر را، دهه اندوه و غم برای پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام ساخته است.

ولی از آن جا که این ایّام ماتم و غم، سبب مروری مجدّد، بر تاریخ زندگانی آن بزرگواران و تلاش ها، شهامت ها و فداکاری های آنان است، ماهی است پر از شور و عشق و اخلاص و فداکاری؛ به همین دلیل، تاریخ نشان داده است که بسیاری از توطئه های دشمنانِ اسلام، به برکت شوری که در جلسات و دسته جاتِ سوگواریِ آن بزرگواران در این ماه ایجاد شده، درهم شکسته و خنثی گردیده است، که این خود موهبت بزرگی است، و باید همیشه آن را ارج نهاد و از آن پاسداری کرد.

ص: 611

1- [733]بحارالانوار، جلد 79، صفحه 106.
2- [734]همان مدرک، جلد 44، صفحه 135
3- [735]منتهی الآمال، تاریخ زندگانی امام رضا علیه السلام.

اعمالِ ماهِ صفر:

1- «سیّد بن طاووس» نقل کرده است: در روز سوم ماه صفر، دو رکعت نماز بخوان که در رکعت اوّل سوره «حمد» و سوره «انّا فتحنا» (فتح) و در رکعت دوم سوره «حمد» و سوره «توحید» قرائت شود و پس از سلام نماز، صد بار صلوات بفرست و صد بار آل ابی سفیان را لعنت کن و صد مرتبه استغفار نما و آنگاه حاجت خویش را از خداوند بخواه. (ان شاء اللّٰه به هدف اجابت می رسد).(1) 2- در روز اربعین (بیستم ماه صفر) زیارت امام حسین علیه السلام مستحبّ است و مورد تأکید قرار گرفته. در روایتی که «شیخ طوسی» از امام حسن عسکری علیه السلام نقل کرده، چنین آمده است: نشانه های مؤمن پنج چیز است: به جای آوردن پنجاه و یک رکعت نماز (17 رکعت نماز واجب و 34 رکعت نافله) و زیارت اربعین (امام حسین علیه السلام) و انگشتر را بر دستِ راست نهادن، و پیشانی را به هنگام سجده بر خاک گذاردن و بسم اللّٰه الرّحمن الرّحیم را در نماز بلند گفتن.(2) زیارت مخصوصی برای اربعین از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در بخش زیارات (صفحه 400) گذشت.

1- [736]اقبال، صفحه 587.
2- [737]همان مدرک، صفحه 589 و مصباح المتهجّد، صفحه 787،(اهل سنّت یا بسم اللّٰه را در آغاز سوره ها در نماز ترک می کنند یا آهسته می گویند، با این که بسم اللّٰه قطعاً جزء سوره حمد، بلکه سایر سوره های قرآن است).

فصل سوم: ماه ربيع الأوّل

تقويم اين ماه:

شب اوّل: اين شب به نام «ليله المبيت» مزيّن است، در اين شب يک حادثه مهمّ تاريخى واقع شد و آن اين که در سال سيزدهم بعثت، رسول خدا صلى الله عليه و آله از مکّه به قصد هجرت به سوى مدينه، از شهر خارج شد و در «غار ثور» پنهان گرديد و امير مؤمنان على عليه السلام براى اغفال دشمنان، فداکارانه در بستر رسول خدا صلى الله عليه و آله خوابيد و مشرکان قريش که خانه رسول خدا صلى الله عليه و آله را محاصره کرده بودند، به گمان آن که رسول خدا صلى الله عليه و آله در بسترش آرميده است، تا صبح منتظر ماندند و چون صبحگاهان با شمشيرهاى برهنه به منزل آن حضرت هجوم بردند تا رسول اللّٰه صلى الله عليه و آله را بکشند، على عليه السلام را ديدند که از آن بستر برخاست! بدين سان، رسول خدا صلى الله عليه و آله در فرصتى مناسب خود را از چنگال مشرکان قريش نجات داد و على عليه السلام نيز با اين فداکارى، عشق و علاقه و برادرى خود را نسبت به رسول خدا صلى الله عليه و آله نشان داد؛ اين در حالى بود که هر زمان ممکن بود کسى را که در بستر خوابيده به قتل برسانند.

آيه شريفه

« «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبادِ»؛

بعضى از مردم (با ايمان و فداکار) جان خود را در برابر خشنودى خدا مى فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است» (1) در حقّ آن حضرت نازل شد. (2) سال هجرت رسول خدا صلى الله عليه و آله مبدأ تاريخ مسلمانان است و تحوّلى عظيم در جهان اسلام روى داد.

روز هشتم: در روز هشتم ربيع الأوّل، سال 260، شهادت امام حسن عسکرى عليه السلام طبق روايتى واقع شده است و از همان روز، امامت حضرت صاحب الزّمان، حجّه بن الحسن- عجّل اللّٰه تعالى فرجه الشريف- آغاز گرديد. (3) روز دهم: روز ازدواج رسول خدا صلى الله عليه و آله با حضرت خديجه کبرى عليها السلام است در حالى که رسول خدا صلى الله عليه و آله 25 ساله بود و حضرت خديجه عليها السلام 40 ساله. به همين

مناسبت روزه این روز به عنوان شکرگزاری مستحب شمرده شده است. (4)

ص: 613

1- [738]سوره بقره، آیه 207.
2- [739]اقبال الاعمال، صفحه 592 و تفسیر نمونه، جلد 2، ذیل آیه 207 سوره بقره.
3- [740]کافی، جلد 1، صفحه 503.
4- [741]اقبال، صفحه 599.

روز دوازدهم: این روز مطابق نظر مرحوم شیخ کلینی و مسعودی و همچنین مشهور میان اهل سنّت، روز ولادت با سعادت نبیّ مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله است.(1) همچنین در این روز، رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از 12 روز که مسیر راه میان مکّه و مدینه را پیمود وارد مدینه گردید.(2) و نیز روز انقراض دولت بنی مروان در سال 132 است.(3) روز چهاردهم: در سال 64 در چنین روزی، یزید بن معاویه به هلاکت رسید.(4) وی پس از سه سال و نُه ماه خلافت که همراه با جنایات عظیمی بود- که مهمترین آن واقعه کربلا و شهادت ابی عبداللّٰه الحسین علیه السلام و یارانش می باشد- در سنّ سی و هفت سالگی در منطقه «حوران» زندگی ننگینش به پایان رسید؛ جنازه اش را در دمشق دفن کردند؛ ولی اکنون اثری از او نیست.(5) شب هفدهم: طبق روایات مشهور شیعه، شب ولادت حضرت خاتم الانبیا، رسول معظّم اسلام صلی الله علیه و آله است و شب بسیار مبارکی است.(6) همچنین یکسال قبل از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله، در چنین شبی معراج آن حضرت صورت گرفت.(7) روز هفدهم: همان گونه که گفتیم مشهور میان علمای امامیّه آن است که روز هفدهم ربیع الأوّل، روز ولادت با سعادت رسول خدا حضرت محمّد بن عبداللّٰه صلی الله علیه و آله است و معروف آن است که ولادتش در مکّه معظّمه، واقع شده است، و زمان ولادتش هنگام طلوع فجر، روز جمعه، سنه عام الفیل بوده است.(8) (عام الفیل سالی است که ابرهه با لشکرش که بر فیل سوار بودند به قصد تخریب کعبه آمد، ولی همگی نابود شدند).

همچنین در چنین روزی در سال 83 هجری قمری، ولادت امام صادق علیه السلام واقع شده است و از این جهت نیز بر اهمّیّت این روز افزوده شده است.(9) ماه ربیع الأوّل گرچه آغاز آن آمیخته با خاطره غم انگیز و اندوهبار شهادت امام حسن عسکری علیه السلام است، ولی از آن جا که میلاد مبارک حضرت ختمی مرتبت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مطابق روایت معروف، در هفدهم این ماه و طبق روایت غیرمعروف، در دوازدهم آن واقع شده و میلاد حضرت صادق علیه السلام نیز در هفدهم این ماه است، ماه شادی و جشن و سرور است.

ص: 614

1- [742]زاد المعاد، صفحه 412.

2- [743]اقبال، صفحه 599 و کامل ابن اثیر، جلد 2، صفحه 7(حوادث سال اوّل هجرت).
3- [744]مصباح المتهجّد، صفحه 791.
4- [745]اقبال، صفحه 601(سیّد بن طاووس، در همین کتاب از شیخ مفید، استحباب روزه در این روز را به خاطر هلاکت یزید نقل کرده است).
5- [746]تتمه المنتهی، صفحه 64.
6- [747]مصباح المتهجّد، صفحه 791 و اقبال، صفحه 603.
7- [748]اقبال، صفحه 601.
8- [749]مصباح المتهجّد، صفحه 791 و اقبال، صفحه 603.
9- [750]بحارالانوار، جلد 47، صفحه 1، حدیث 2.

از آن جا که هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که سرچشمه دگرگونیِ عمیق در جهانِ اسلام و عزّت و شوکت مسلمین شد، و همچنین داستان «لیله المبیت» در این ماه واقع گردیده، و آغاز امامت پربرکت حضرت بقیهاللّه (ارواحنا فداه) همزمان با شهادتِ پدر بزرگوارش نیز می باشد؛ در مجموع از ماههای بسیار پربرکت و پرخاطره است، که سزاوار است، همه علاقه مندان مکتب اهل بیت علیهم السلام آن را ارج نهند و گرامی بدارند.

اعمال ماه ربیع الاوّل:

روز اوّل این ماه: علما گفته اند مستحب است، به شکرانه هجرت موفّقیت آمیز رسول خدا صلی الله علیه و آله این روز را روزه بگیرند و صدقه و انفاق و احسان نمایند،(1) و همچنین زیارت آن بزرگوار، در این روز مناسب است.

مرحوم «سیّد بن طاووس»، دعایی را برای این روز در کتاب اقبال نقل کرده است.(2) روز دوازدهم: در این روز دو رکعت نماز مستحب است که در رکعت اوّل بعد از حمد، سه مرتبه سوره

«قل یا ایّها الکافرون»

و در رکعت دوم بعد از حمد، سه مرتبه سوره «توحید» خوانده شود.(3) روز هفدهم: همان گونه که قبلاً گفته شد این روز مطابق نظر مشهور علمای امامیّه، روز ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و همچنین میلاد امام صادق علیه السلام است و روز بسیار مبارکی است و دارای اعمالی می باشد:

1- غسل؛ به نیّت روز هفدهم ربیع الاوّل.(4) 2- روزه؛ که برای آن فضیلت بسیار نقل شده است، از جمله در روایاتی از ائمّه معصومین علیهم السلام آمده است: کسی که این روز را روزه بدارد، خداوند برای او ثواب روزه یکسال را مقرّر می فرماید.(5) 3- دادن صدقه، احسان نمودن و خوشحال کردن مؤمنان و به زیارت مشاهد مشرّفه رفتن.(6) 4- زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله از دور و نزدیک؛ در روایتی از آن حضرت آمده است: هر کس بعد از وفات من، قبرم را زیارت کند مانند کسی است که به هنگام حیاتم به سوی من هجرت کرده باشد، اگر نمی توانید مرا از نزدیک زیارت کنید، از همان راه دور به سوی من سلام بفرستید (که به من می

رسد).(7) 5- زیارت امیر مؤمنان، علی علیه السلام نیز در این روز مستحب است با همان زیارتی که امام صادق علیه السلام در چنین روزی کنار ضریح شریف آن حضرت علیه السلام وی را زیارت کرد.(8) (این زیارت در بخش زیارات، صفحه 301 آمده است).

1- [751]اقبال، صفحه 592.
2- [752]همان مدرک، صفحه 596.
3- [753]همان مدرک، صفحه 599.
4- [754]فلاح السائل، صفحه 61.
5- [755]اقبال، صفحه 603.
6- [756]همان مدرک.
7- [757]همان مدرک، صفحه 604.
8- [758]همان مدرک، صفحه 608.

6- تکریم، تعظیم و بزرگداشت این روز بسیار بجاست، مرحوم «سیّد بن طاووس»، در اقبال، در تکریم و تعظیم این روز به خاطر ولادت شخص اوّل عالم امکان و سرور همه ممکنات حضرت نبیّ اکرم صلی الله علیه و آله سفارش بسیار کرده است.(1) بنابراین، سزاوار است مسلمین با برپایی جشن ها و تشکیل جلسات، هرچه بیشتر با شخصیّت نبیّ مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله، سیره و تاریخ زندگی او آشنا شوند و از آن، برای ساختن جامعه ای اسلامی و محمّدی بهره کامل گیرند.

ص: 616

1- [759]اقبال، صفحه 603.

فصل چهارم: ماه ربیع الثّانی

تقویم این ماه:

روز هشتم: طبق مشهور، روز ولادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال 232 است.(1) روز دهم: روز رحلت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در سال 201 (مطابق روایتی) است.(2) روز شانزدهم: بنا بر نقلی، آغاز قیام مختار در کوفه، به خونخواهی شهیدان کربلا در سال 66 می باشد(3) و برخی آغاز قیام او را چهاردهم ربیع الاوّل ذکر کرده اند.(4)

***

گرچه حوادث مهمّ تاریخی این ماه کم است، ولی همین سه حادثه از یکسو یادآور یک روز سرور و شادی است که مایه خیر و برکت می باشد و از سوی دیگر، روز اندوه، به خاطر رحلت کریمه اهل بیت، در سرزمین مقدّس قم است، و از سوی سوم یادآور یک روز عبرت انگیز است که با قیامی خونین، جنایتکاران حادثه کربلا، در مدّت بسیار کوتاهی تار و مار شدند، و نام ننگین آنان، برای همیشه همراه با نفرت و لعن و نفرین در صفحات تاریخ باقی ماند.

اعمال ماه ربیع الثّانی:

در روایات اسلامی و کتب دعا، اعمال زیادی برای این ماه ذکر نشده، فقط مرحوم سیّد بن طاووس، برای روز اوّل این ماه دعایی را ذکر کرده است که می توانید در کتاب اقبال آن را بخوانید.(5)

1- [760]منتهی الآمال، تاریخ زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام و بحارالانوار، جلد 50، صفحه 237، حدیث 8(البتّه برخی نیز روز دهم و برخی روز چهاردهم را روز ولادت آن حضرت دانسته اند.« همان مدرک، صفحه 238، حدیث 12»).

2- [761]فروغی از کوثر(زندگی نامه حضرت فاطمه معصومه) انتشارات زائر، صفحه 32. و مطابق نقل دیگر، روز دوازدهم، روز وفات آن حضرت است، لذا مناسب است مؤمنین این سه روز(دهم تا دوازدهم) را به یاد آن حضرت، گرامی بدارند.

3- [762]بحارالانوار، جلد 45، صفحه 333، حديث 2.
4- [763]تاريخ طبرى، جلد 4، صفحه 496.
5- [764]اقبال، صفحه 616.

فصل پنجم: ماه جمادی الأوّل

تقویم این ماه:

روز پنجم: مطابق بعضی از روایات روز ولادت با سعادت بانوی قهرمان کربلا، حضرت زینب کبری علیها السلام است (سال پنجم یا ششم هجری). (1) روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم: بنا بر روایت معروفی مقارن با ایّام شهادت بانوی اسلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، سیّده نساء العالمین، در سال یازدهم هجری است. زیرا مطابق بعضی از روایات معتبر(2)، آن بانوی بزرگ، هفتاد و پنج روز بعد از رحلت پدر بزرگوارش در قید حیات بود، و با توجّه به این که رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله در 28 صفر واقع شده، باید شهادت آن بانوی عزیز، در یکی از این سه روز باشد (با در نظر گرفتن احتمال تمام یا ناقص بودن ماههای وسط).

به هر حال، باید به همین مناسبت مجالس سوگواری آن حضرت- که طبق فرمایش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برترین زنان جهان از اوّلین و آخرین است- هرچه باشکوهتر برگزار گردد و حالات و فضایل آن بانوی بزرگ اسلام، که می تواند الگوی بسیار خوبی برای زنانِ عصر حاضر باشد، در این مجالس تشریح گردد.

صوصاً آن دو خطبه آموزنده و فراموش نشدنی که از آن حضرت به یادگار مانده و بسیاری از معارف و تعلیمات اسلام و مسایل تاریخی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن جمع است، توسّط گویندگان برای همه مردم تجزیه و تحلیل شود.

خواندن زیارت آن حضرت نیز، در این ایّام مناسب است.

اعمال ماه جمادی الأوّل:

1- دعایی است که در اوّل ماه جمادی الأوّل خوانده می شود؛ مرحوم «سیّد بن طاووس» آن را در «اقبال» نقل کرده است.(3) 2- مطابق برخی از روایات، نیمه این ماه مصادف با ولادت امام زین العابدین علیه السلام است، لذا روزه گرفتن و احسان و خیرات، در آن روز مناسب است.(4)

1- [765]زندگانی زینب کبری، تألیف شهیدآیهاللّه دستغیب، صفحه 13 وکتاب« زینب الکبری» تألیف علاّمه محقق شیخ جعفرالنقدی، صفحه 17.
2- [766]کافی، جلد 1، صفحه 458، حدیث 1 و رجوع کنید به: بحارالانوار، جلد 43، صفحه 215.
3- [767]اقبال، صفحه 618.
4- [768]همان مدرک، صفحه 621.

فصل ششم: ماه جمادی الثّانی

تقویم این ماه:

سوم و چهارم و پنجم: طبق بعضی از روایات مصادف با ایّام شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است،(1) و بزرگان و علما به آن اهمّیّت خاصی می دادند.

روز بیستم: روز ولادت باسعادت حضرت زهرا علیها السلام در سال دوم بعثت [770] یا پنجم بعثت [771] است.

***

از آن جا که ماه جمادی الثّانی بیش از هر ماه دیگر، آمیخته با نام مبارک بزرگترین بانوی جهان، سیده نساء العالمین من الاوّلین و الآخرین حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می باشد، پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام در روزهای آغازین ماه، بساط غم و اندوه می گسترانند، و در روز بیستم، غرق امواج سرور و شادی هستند و غرض از همه این مراسم آگاهی بیشتر از فضایل و مناقب آن بانو و اقتباس از خلق و خو، و رنگ و بوی معنوی آن حضرت است، و چه زیبا و الهام بخش است زندگی این بانوی نمونه، در آن خانواده نمونه برای همه، مخصوصاً بانوان.

سزاوار است همه عاشقان این مکتب، به عنوان عزا و سرور، مجالس باشکوه و پرمحتوایی برگزار کنند؛ مجالسی که امواج تبلیغات دشمنان اسلام و اهل بیت علیهم السلام را خنثی کند و روح تازه ای در کالبد دوستان و علاقه مندان بدمد.

اعمال ماه جمادی الثّانی:

روز اوّل: خواندن دعایی که مرحوم سیّد در «اقبال» نقل کرده است.(2)

1- [769]هر چند مطابق روایت معتبر، سوم این ماه مصادف با ایّام شهادت آن حضرت است(مصباح المتهجّد، صفحه 793 و زاد المعاد، صفحه 456 و بحارالانوار، جلد 43، صفحه 170) ولی با توجه به قول 95 روز و محاسبه ماه ها بر اساس 29 و یا 30 روز، این سه روز به عنوان ایّام

شهادت حضرت زهرا علیها السلام مورد احترام علاقه مندان آن حضرت است.

2- [772] اقبال، صفحه 621.

- چهار رکعت نماز: مرحوم «سیّد بن طاووس» نقل کرده است که در این ماه- هر وقت که باشد؛ هر چند روز اوّل بهتر است- چهار رکعت نماز بخواند (هر دو رکعت به یک سلام)، در رکعت اوّل، پس از سوره «حمد» یک مرتبه «آیهالکرسی» و بیست و پنج مرتبه «انّا انزلناه»؛ در رکعت دوم «حمد» و یک مرتبه سوره «الهیکم التّکاثر» و بیست و پنج مرتبه سوره «توحید»؛ در رکعت سوم «حمد» و یک مرتبه «قل یا ایّها الکافرون» و بیست و پنج مرتبه سوره «فلق»؛ و در رکعت چهارم «حمد» و یک مرتبه سوره «نصر» و بیست و پنج مرتبه سوره «ناس» را بخواند.

پس از پایان نماز، هفتاد مرتبه بگوید:

سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اکْبَرُ

. و هفتاد مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

؛ پس از آن سه مرتبه بگوید:

اللَّهمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤمِنینَ وَ الْمُؤمِناتِ؛

آنگاه سر به سجده بگذارد و سه مرتبه بگوید:

یا حَیُّ یا قَیُّومُ، یا ذَاالْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ، یا اللَّهُ یا رَحْمنُ یا رَحیمُ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ؛

در پایان هر حاجتی که دارد از خداوند عزّوجلّ طلب نماید، (امید است اجابت گردد)، در این روایت آمده است: هر کس این نماز را با این کیفیّت انجام دهد، خداوند خودش و مال و زن و فرزندان او را و همچنین دین و دنیای او را تا سال دیگر حفظ فرماید، و اگر در این سال بمیرد، پاداش شهیدان دارد.(1) روز سوم در این روز به مناسبت شهادت حضرت زهرا علیها السلام زیارت آن حضرت مطلوب و مناسب است.

مرحوم سیّد در «اقبال»، این زیارت را برای آن حضرت ذکر کرده است:

السَّلامُ عَلَیْکِ یا سَیِّدَهَ نِساۤءِ الْعالَمینَ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا والِدَهَ الْحُجَجِ

سلام بر تو ای سرور بانوان جهانیان، سلام بر تو ای مادر حجّت های

عَلَی النَّاسِ اجْمَعینَ، السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا الْمَظْلُومَهُ الْمَمْنُوعَهُ حَقُّها،

بر تمامی مردم، سلام بر تو ای مظلومه ای که از حقّش منع شد،

اللهُمَّ صَلِّ عَلی امَتِکَ وَابْنَهِ نَبِیِّکَ، وَزَوْجَهِ وَصِیِّ نَبِیِّکَ، صَلاهً تُزْلِفُها

خدایا بر کنیزت و دختر پیامبرت و همسر جانشین پیامبرت درود فرست، درودی که

فَوْقَ زُلْفی عِبادِکَ الْمُکَرَّمینَ، مِنْ اهْلِ السَّمواتِ وَاهْلِ الْأَرَضینَ.

منزلتی برتر از منزلت بندگان گرامیت از اهل آسمان و زمین به او بدهد.

1- [773]اقبال، صفحه 622.

سپس مرحوم سیّد اضافه می کند: «روایت شده است، هر کس با این عبارات، آن حضرت را زیارت کند و از خدا طلب آمرزش نماید، خداوند گناهانش را می بخشد و او را داخل بهشت می کند». (1) روز بیستم در این روز که مصادف با ولادت حضرت زهرا علیها السلام است چند عمل مناسب است:

الف) روزه.

ب) خیرات و صدقات بر مؤمنین.

ج) زیارت آن حضرت (که در بخش زیارات، صفحه 235 ذکر شد). (2)

1- [774]اقبال، صفحه 623.
2- [775]همان مدرک.

فصل هفتم: ماه رجب

تقویم این ماه:

اوّل ماه: مطابق بعضی از روایات، این روز، روز ولادت امام محمّد باقر علیه السلام در سال 57 هجری قمری است.(1) دوم ماه: مطابق برخی از روایات روز ولادت امام علی النّقی علیه السلام در سال 212 هجری است.(2) سوم ماه: روز شهادت امام علی النّقی علیه السلام در سال 254 است.(3) دهم ماه: روز ولادت امام محمّد تقی علیه السلام طبق بعضی از روایات است.(4) سیزدهم ماه: روز ولادت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام است؛ بنا بر مشهور این مولودِ عزیزِ جهانِ انسانیّت، 12 سال قبل از بعثتِ رسول خدا صلی الله علیه و آله در داخل خانه کعبه، چشم به جهان گشود.(5) پانزدهم ماه: مطابق برخی از نقل ها، روز وفات حضرت زینب کبرا علیها السلام است در سال 63 هجری.(6) هیجدهم ماه: روز وفات جناب ابراهیم، فرزند رسول خداست.(7) بیست و پنجم ماه: روز شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام در سال 183 هجری است.(8) بیست و ششم ماه: مطابق روایتی، روز وفات حضرت ابوطالب علیه السلام است.(9) بیست و هفتم ماه: بعثت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به نبوّت است.(10)

فضیلت ماه رجب:

ماه رجب و ماههای شعبان و رمضان، از ماههای بسیار پرفضیلت است، و از تعبیرات بعضی از روایات برمی آید که ماه رجب در میان این سه ماه، امتیاز خاصّی دارد، تا آن جا که ماه رجب «ماه خدا» نامیده شده

1- [776]مصباح المتهجّد، صفحه 801.
2- [777]همان مدرک، صفحه 805 و بحارالانوار، جلد 50، صفحه 117، حدیث 9.
3- [778]مصباح المتهجّد، صفحه 805.
4- [779]همان مدرک.
5- [780]همان مدرک، صفحه 805 و زاد المعاد، صفحه 19.
6- [781]زینب الکبری، تألیف علّامه محقّق شیخ جعفر النقدی، صفحه 122.

7- [782]مصباح المتهجّد، صفحه 812.
8- [783]بحارالانوار، جلد 48، صفحه 1، حديث 1 و صفحه 8.
9- [784]همان مدرک.
10- [785] (10). همان مدرک، صفحه 813.

و ماه شعبان «ماه پیامبر» و ماه مبارک رمضان «ماه امّت» !(1) ماه رجب یکی از ماههای حرام است که آغاز و ادامه جنگ در آن، با دشمنان اسلام حرام می باشد (مگر جنگ دفاعی)،(2) و جنایات نیز در این ماهها (ماههای حرام)، دیه سنگین تری دارد.(3) پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله ماه رجب را «ماه اصَبّ» نامیده است، زیرا رحمت خدا در این ماه بر امّت فرو می ریزد.(4) این ماه آمیخته است با یاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (به مناسبت مبعث در بیست و هفتم ماه) و یاد امیر مؤمنان علیه السلام (به مناسبت میلاد مبارک آن حضرت در سیزدهم ماه) و خاطره شهادت موسی بن جعفر علیه السلام (در بیست و پنجم ماه) و روزهای مهمّ تاریخی دیگر؛ و از این نظر یکی از ماههای بسیار پرخاطره اسلامی است.

از روایات متعدّدی که درباره روزه های ماه رجب- حتّی یک روز از آن- وارد شده، اهمّیّت فوق العاده این ماه، و عبادت و خودسازی در آن کاملًا روشن می گردد، که در این جا به گوشه ای از آن اشاره می شود:

1- مرحوم «شیخ صدوق» به سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که یکی از یاران آن حضرت در اواخر ماه رجب خدمتش رسید، چون نظر مبارک امام علیه السلام به او افتاد، فرمود: آیا در این ماه روزه گرفته ای؟

عرض کرد: نه، فرمود: آن قدر ثواب از تو فوت شده که اندازه آن را کسی جز خدا نمی داند؛ این ماهی است که خداوند آن را بر سایر ماهها برتری بخشیده و احترام آن را عظیم شمرده، و برای روزه داشتن آن، پاداش های مهمّی قرار داده است. آن مرد عرض می کند: آیا اگر در بقیّه این ماه روزه بدارم، به بخشی از ثواب می رسم؟ امام علیه السلام فرمود: آری؛ سپس ثواب های مهمّی برای کسی که فقط روز آخر ماه، یا دو روز آخر ماه، یا سه روز آخر ماه را روزه بدارد، بیان فرمودند؛ مانند نجات از سکرات مرگ، عذاب قبر و لغزش بر صراط و شداید قیامت و نایل شدن به برائت و رهایی از آتش دوزخ.(5) 2- در حدیث دیگری آمده است: «رجب» نام نهری است در بهشت، از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر؛ هر کس یک روز از این ماه را روزه بدارد، از آن می نوشد !(6) 3- در حدیث دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم: هر کس یک روز از این ماه را روزه بگیرد، خشنودی

1- [786]اقبال، صفحه 634.
2- [787]مستدرک الوسائل، جلد 11، صفحه 48، حدیث 2 و جواهرالکلام، جلد 21، صفحه 32.
3- [788]کافی، جلد 7، صفحه 281، حدیث 6.
4- [789]مصباح المتهجّد، صفحه 797.
5- [790]امالی صدوق، صفحه 15، حدیث 7 و بحارالانوار، جلد 94، صفحه 32، حدیث 6.
6- [791]اقبال، صفحه 635.

عظیم خدا را به دست آورده، خشم الهی از او دور می شود، و درهای جهنّم به روی او بسته خواهد شد! (1) 4- هر کس سه روز از این ماه را که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد، روزه بگیرد، فضیلت بسیار دارد و همچنین در سایر ماههای حرام.(2) در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: هر گاه کسی نتواند در این ماه روزه بگیرد، هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند، تا ثواب روزه آن را دریابد:

سُبْحانَ الْإِلهِ الْجَلیلِ، سُبْحانَ مَنْ لا یَنْبَغِی التَّسْبیحُ الَّا لَهُ، سُبْحانَ

پاک و منزّه است معبود باشکوه، پاک و منزه است کسی که تسبیح جز برای او شایسته نسیت، پاک و منزه است

الْأَعَزِّ الْأَکْرَمِ، سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّهَ وَهُوَ لَهُ اهْلٌ.(3)

(خداوند) عزیز و گرامی، پاک و منزّه است آن که عزّت ردای اوست و او شایسته آن است.

از مجموع احادیث بالا- و دیگر احادیث- به خوبی استفاده می شود که این ماه، ماه تهذیب نفوس و خودسازی و آغاز یک دوره جدیدِ سیر و سلوک الی اللّه است، که از ماه رجب آغاز و به ماه مبارک رمضان منتهی می شود؛ خوشا به حال آنان که قدر و منزلت این سه ماه را بدانند و از آن بهره کافی بگیرند.

اعمال ماه رجب

اشاره

اعمال این ماه (علاوه بر روزه گرفتن که در بالا گفته شد) بر دو بخش تقسیم می شود:

اوّل- اعمال مشترک این ماه:

اشاره

این اعمال که مخصوص روز معیّنی نیست، بلکه در تمام ماه انجام می شود، بسیار است، از جمله:

1- در تمام ماه رجب، این دعا را بخواند:

یا مَنْ یَمْلِکُ حَوآئِجَ السَّآئِلینَ، ویَعْلَمُ ضَمیرَ الصّامِتینَ، لِکُلِّ مَسْئَلَهٍ

ای مالک درخواست های نیازمندان، و دانای راز دلِ سکوت کنندگان، برای هر درخواستی

مِنْکَ سَمْعٌ حاضِرٌ، وَجَوابٌ عَتیدٌ، اللهُمَّ وَمَواعیدُکَ الصّادِقَهُ، وایادیکَ

از تو گوشی شنوا و جوابی آماده است، ای خدایی که وعده ات راست و نعمت هایت

الفاضِلَهُ، وَ رَحْمَتُکَ الواسِعَهُ، فَاسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ

فراوان و رحمتت گسترده است، پس از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود

ص: 624

1- [792]اقبال، صفحه 634.
2- [793]مقنعه، صفحه 375.
3- [794]اقبال، صفحه 637.

مُحَمَّدٍ، وانْ تَقْضِیَ حَوائِجی لِلدُّنْیا وَالْأخِرَهِ، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.(1)

فرستی و حاجت های دنیوی و اخرویم را برآوری، زیرا که تو بر هر چیز توانایی.

***

2- بخواند دعایی را که امام صادق علیه السلام در هر روز از ماه رجب آن را می خواندند:

خابَ الوافِدُونَ عَلی غَیْرِکَ، وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ الَّا لَکَ، وَضاعَ

وارد شوندگان بر غیر تو ناامید شدند و روکنندگان به غیر تو زیانکار شدند، و گردآمدگان

الْمُلِمُّونَ الَّا بِکَ، وَاجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ الَّا مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَکَ، بابُکَ مَفْتُوحٌ

به غیر درگاه تو نابود گردیدند، متوسّل شدگان به غیر فضل تو دست خالی ماندند، درگاهت به روی مشتاقان

لِلرَّاغِبینَ، وَخَیْرُکَ مَبْذُولٌ لِلطَّالِبینَ، وَ فَضْلُکَ مُباحٌ لِلسَّآئِلینَ، وَ نَیْلُکَ

گشوده، و خیرت به درخواست کنندگان عطا شده، ولطفت برای نیازمندان شامل و عطایت

مُتاحٌ لِلْآمِلینَ، وَ رِزْقُکَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصاکَ، وَ حِلْمُکَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ

برای آرزومندان مهیاست، و روزیت برای نافرمانانت گسترده، و شکیباییت دشمنانت

ناواکَ، عادَتُکَ الْإِحْسانُ الَی الْمُسیئینَ، وَ سَبیلُکَ الإِبْقآءُ عَلَی

را در برگرفته است، نیکی به گنهکاران عادت و مهلت به دشمنان روش

الْمُعْتَدینَ، اللهُمَّ فَاهْدِنی هُدَی الْمُهْتَدینَ، وَ ارْزُقْنِی اجْتِهادَ

توست، خدایا همانند هدایت هدایت یافتگان راهنماییم کن، و جهاد جهادگران را روزیم

الْمُجْتَهِدینَ، وَ لا تَجْعَلْنی مِنَ الْغافِلینَ الْمُبْعَدینَ، وَ اغْفِرْ لی یَوْمَ الدّینِ.(2)

کن، و مرا از غافلانِ دور (از رحمتت) قرار مده، و در روز قیامت مرا بیامرز.

***

3- شیخ در «مصباح» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: در ماه رجب این دعا را بخوان:

اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ صَبْرَ الشّاکِرینَ لَکَ، وَعَمَلَ الْخائِفینَ مِنْکَ، وَیَقینَ

خدایا صبر شکرگزارانت و کردار خائفانت و یقین

1- [795]اقبال، صفحه 643.
2- [796]همان مدرک.

الْعابِدینَ لَکَ، اللهُمَّ انْتَ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ، وَانَا عَبْدُکَ الْبآئِسُ الْفَقیرُ، انْتَ

عبادت کنندگانت را، از تو می خواهم خدایا تویی برتر و با عظمت و منم بنده نیازمند و محتاجت، تویی

الْغَنِیُّ الْحَمیدُ، وَانَا الْعَبْدُ الذَّلیلُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاْمْنُنْ

بی نیاز ستوده و منم بنده فرمانبردار، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

بِغِناکَ عَلی فَقْری وَبِحِلْمِکَ عَلی جَهْلی وَبِقُوَّتِکَ عَلی ضَعْفی یا قَوِیُ

و با بی نیازیت فقرم را و با بردباریت جهلم را و با نیرومندیت ناتوانیم را برطرف کن، ای توانا

یا عَزیزُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَوصیآءِ الْمَرْضیِّینَ، وَاکْفِنی ما

ای با عزّت، خدایا بر محمّد و خاندان پاک او همان جانشینان پسندیده درود فرست، و آنچه از

اهَمَّنی مِنْ امْرِ الدُّنْیا وَالآخِرَهِ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

کارهای دنیا و آخرت که مرا به زحمت انداخته کفایت کن، ای مهربان ترین مهربانان.

«سیّد بن طاووس» نیز این دعا را در «اقبال»، روایت کرده است و از روایت او به دست می آید که این دعا از جامعترین دعاها است که در همه اوقات می توان آن را خواند.(2)

***

4- شیخ طوسی می فرماید: مستحبّ است، هر روز این دعا را بخوانند:

اللهُمَّ یا ذَا الْمِنَنِ السَّابِغَهِ، وَالْألاءِ الْوازِعَهِ، والرَّحْمَهِ الْواسِعَهِ، وَالْقُدْرَهِ

خدایا، ای صاحب خیر و برکت فراوان و نعمت های بی شمار، و رحمت گسترده و توانایی

الْجامِعَهِ، وَالنِّعَمِ الْجَسیمَهِ، وَالْمَواهِبِ الْعَظیمَهِ، وَالْأیادِی الْجَمیلَهِ،

جامع، و نعمت های بزرگ و عطاهای با عظمت، و دستگیری های زیبا

والْعَطایَا الْجَزیلَهِ، یا مَنْ لا یُنْعَتُ بِتَمْثیلٍ، وَلا یُمَثَّلُ بِنَظیرٍ، وَلا یُغْلَبُ

و بخشش های فراوان، ای کسی که با مثال توصیف نشوی و همانند و نظیری نداری، و شکست ناپذیری،

بِظَهیرٍ، یا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ، وَالْهَمَ فَانْطَقَ، وَ ابْتَدَعَ فَشَرَعَ، وَ عَلا فَارْتَفَعَ،

ای که آفریده و روزی داده ای، و الهام نموده و گویا ساخته ای و نوآوری کرده و آغاز نموده ای و برتری داده و بالا برده ای

وَ قَدَّرَ فَاحْسَنَ، وَ صَوَّرَ فَاتْقَنَ، وَاحْتَجَّ فَابْلَغَ، وَ انْعَمَ فَاسْبَغَ، وَ اعْطی

و تقدیر نموده و نیکو ساخته ای، و صورت بخشیده و استوار گردانده ای، دلیل آورده و رسا ساخته ای، و نعمت داده و فراوان گردانده ای، و عطا نموده

1- [797]مصباح المتهجّد، صفحه 802.
2- [798]اقبال، صفحه 643.

فَاجْزَلَ، وَ مَنَحَ فَافْضَلَ، یا مَنْ سَما فِی الْعِزِّ فَفاتَ خَواطِرَ الْأَبْصارِ، وَ دَنا

و افزون ساخته ای، بخشیده و فزونی داده ای، ای که در عزّت چنان ارجمندی که از دیدگان ناپدید گشته ای و در

فِی الُّلطْفِ فَجازَ هَواجِسَ الْأَفْکارِ، یا مَنْ تَوَحَّدَ بالْمُلکِ فَلا نِدَّ لَهُ فی

لطف و احسان چنان نزدیکی که به فکر و گمان خطور نمی کنی، ای که در فرمانروایی‌ت یگانه ای و رقیبی در قلمرو

مَلَکُوتِ سُلْطانِهِ، وَ تفَرَّدَ بِالْألاءِ وَالْکِبرِیآءِ فَلا ضِدَّ لَهُ فی جَبَرُوتِ

حکومتت نداری، و در نعمت ها و بزرگی یکتایی که در عظمتِ مقامت رقیبی نداری،

شَأْنِهِ، یا مَنْ حارَتْ فی کِبْرِیآءِ هَیْبَتِهِ دَقایِقُ لَطایِفِ الْأَوْهامِ،

ای که در بزرگیِ شکوهت ذهن های دقیق و موشکاف حیران است

وَانْحَسَرَتْ دُونَ ادْراکِ عَظَمَتِهِ خَطایِفُ ابْصارِ الْأَنامِ، یا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ

و در برابر درکِ بزرگیت دیدگان تیزبین مردم درمانده است، ای که چهره ها در برابر هیبتش

لِهَیْبَتِهِ، وَ خَضَعَتِ الرِّقابُ لِعَظَمتِهِ، وَ وَجِلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خیفَتِهِ، اسئَلُکَ

فروتن گشته و گردنها در برابر عظمتش خاضع گردیده و دل ها از ترس او لرزان است، از تو می خواهم

بِهذِهِ الْمِدْحَهِ الَّتی لا تَنْبَغی الَّا لَکَ، وَ بِما وَایْتَ بِهِ عَلی نَفْسِکَ لِداعیکَ

به حقّ این ستایشی که جز تو را شایسته نیست و به حقّ آنچه بر خوانندگان مؤمنت بر عهده

مِنَ الْمُؤْمِنینَ، وَ بِما ضَمِنْتَ الْإِجابَهَ فیهِ عَلی نَفْسِکَ لِلدَّاعینَ، یا اسْمَعَ

گرفته ای و به حقّ آنچه اجابتش را بر خوانندگانت ضمانت کرده ای، ای شنواترین

السَّامِعینَ، وَابْصَرَ النَّاظِرینَ، وَ اسْرَعَ الْحاسِبینَ، یا ذَا الْقُوَّهِ الْمَتینِ، صَلِ

شنوایان و بیناترین بینایان، و سریع ترین حسابگران، ای صاحب نیروی استوار،

عَلی مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ عَلی اهْلِ بَیْتِهِ، وَاقْسِمْ لی فی شَهْرِنا هذا

بر محمّد خاتم پیامبران و خاندانش درود فرست، و در این ماه بهترین آنچه قسمت نموده ای

خَیْرَ ما قَسَمْتَ، وَاحْتِمْ لی فی قَضآئِکَ خَیْرَ ما حَتَمْتَ، وَاخْتِمْ لی

روزیم کن، و بهترین آنچه را که در حکمت تعیین نموده ای برایم مقدّر نما، و پایان کارم را

بِالسَّعادَهِ فیمَنْ خَتَمْتَ، وَ احْیِنی ما احْیَیْتَنی مَوْفُوراً، وَامِتْنی مَسْرُوراً

به سعادت ختم نما، مادامی که زنده ام روزیم را فراوان گردان، و مرا خوشحال و آمرزیده

وَمَغْفُوراً، وَ توَلَّ انْتَ نَجاتی مِنْ مُسائَلَهِ الْبَرْزَخِ، وَادْرَأْ عَنّی مُنْکَراً

بمیران، و رهاییم از سؤال های برزخ را بر عهده گیر، و منکر و نکیر را از من

وَنَکیراً، وَ ارِ عَیْنی مُبَشِّراً وَبَشیراً، وَاجْعَلْ لی الی رِضْوانِکَ وَجِنانِکَ

دور کن و مبشّر و بشیر را به من نشان ده، و راهی به سوی خوشنودی و بهشتت

مَصیراً، وَعَیْشاً قَریراً، وَ مُلْکاً کَبیراً، وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ کَثیراً.(1)

و زندگانی خوش و خرم و جایگاهی بزرگ برایم قرار ده و بر محمّد و خاندانش فراوان درود فرست.

***

5- مرحوم «شیخ طوسی» از شیخ کبیر ابوجعفر محمّد بن عثمان بن سعید، که از نوّاب چهارگانه حضرت مهدی علیه السلام است این روایت را از آن حضرت نقل کرده است، که در هر روز از ایّام رجب، این دعا را بخوان:

بسم اللَّه الرّحمن الرّحیم

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ انّی اسئَلُکَ بِمَعانی جَمیعِ ما یَدْعُوکَ بِهِ وُلاهُ امْرِکَ، الْمَاْمُونُونَ عَلی

خدایا از تو می خواهم به محتوای تمامی آنچه پیروان فرمانت تو را به آن می خوانند، آنان که امین بر

سِرِّکَ، الْمُسْتَبْشِرُونَ بِامْرِکَ، الْواصِفُونَ لِقُدْرَتِکَ، الْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِکَ،

اسرارت، مسرور به فرمانت، ستاینده تواناییت و آگاه کننده بر عظمت تواند،

اسْئَلُکَ بِما نَطَقَ فیهِمْ مِنْ مَشِیَّتِکَ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعادِنَ لِکَلِماتِکَ، وَارْکاناً

از تو می خواهم به حقّ خواستت که در مورد آنان جاری شده و آنان را گنجینه کلماتت و پایه های

لِتَوْحیدِکَ وَآیاتِکَ وَمَقاماتِکَ الَّتی لاتَعْطیلَ لَها فی کُلِّ مَکانٍ، یَعْرِفُکَ

یگانگی و نشانه ها و مقاماتت قرارشان داده ای، مقاماتی که در هیچ مکانی تعطیل بردار نیست، هر که تو را

بِها مَنْ عَرَفَکَ، لا فَرْقَ بَیْنَکَ وَبَیْنَها الَّا انَّهُمْ عِبادُکَ وَخَلْقُکَ، فَتْقُها

می شناسد به واسطه آن می شناسد، فرقی میان تو و آنها نیست جز اینکه آنان بنده و مخلوق تو هستند، و اصلاح

وَرَتْقُها بِیَدِکَ، بَدْؤُها مِنْکَ وَعَوْدُها الَیْکَ، اعْضادٌ واشْهادٌ ومُناةٌ واذْوادٌ،

امورشان بدست توست، آغاز آنها از جانب تو و بازگشت آنها به سوی توست، حامیان و گواهان و پشتیبانان و مدافعان

وَحَفَظَةٌ وَرُوَّادٌ، فَبِهِمْ مَلَأْتَ سَمآئَکَ وَارْضَکَ، حَتّی ظَهَرَ انْ لا الهَ إلَّا

و نگهبانان و طلایه داران تواند، پس بواسطه آنها آسمانها و زمینت را پر نمودی تا اینکه کلمه «لا إله الا

ص: 628

1- [799]مصباح المتهجّد، صفحه 802.

انْتَ، فَبِذلِکَ اسْئَلُکَ، وَبِمَواقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِکَ، وَبِمَقاماتِکَ وَعَلاماتِکَ،

أنت» آشکار شد، پس به واسطه آن و جایگاه های رحمت ارجمندت و مقام ها و نشانه هایت از تو می خواهم،

انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وانْ تَزیدَنی ایماناً وَتَثْبیتاً، یا باطِناً

که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و بر ایمان و پایداریم بیافزایی، ای نهان

فی ظُهُورِهِ، وَظاهِراً فی بُطُونِهِ وَمَکْنُونِهِ، یا مُفَرِّقاً بَیْنَ النُّورِ وَالدَّیْجُورِ،

در عین آشکاری، و ای آشکار در عین پوشیدگی و مستوری، ای جداکننده روشنایی و تاریکی،

یا مَوْصُوفاً بِغَیْرِ کُنْهٍ، وَمَعْرُوفاً بِغَیْرِ شِبْهٍ، حآدَّ کُلِّ مَحْدُودٍ، وَشاهِدَ کُلِ

ای ستوده شده ناشناخته و شناخته شده بی نظیر، ای محدودکننده هر محدود، و ای گواه هر

مَشْهُودٍ، وَمُوجِدَ کُلِّ مَوْجُودٍ، وَمُحْصِیَ کُلِّ مَعْدُودٍ، وَفاقِدَ کُلِّ مَفْقُودٍ،

گواهی شده، و ای پدیدآورنده هر موجود، و ای احصا کننده هر شمارش شده، و ای محروم کننده هر گمشده،

لَیْسَ دُونَکَ مِنْ مَعْبُودٍ، اهْلَ الْکِبْرِیآءِ وَالْجُودِ، یا مَنْ لایُکَیَّفُ بِکَیْفٍ،

جز تو معبودی نیست و شایسته بزرگی و بخششی، ای که به چگونگی توصیف نشوی

وَلا یُؤَیَّنُ بِایْنٍ، یا مُحْتَجِباً عَنْ کُلِّ عَیْنٍ، یا دَیْمُومُ یا قَیُّومُ، وَعالِمَ

و مکانی برایت تعیین نشود، ای پوشیده از دیده ها، ای جاوید، ای خداوند پایدار، و دانای

کُلِّ مَعْلُومٍ، صَلِّ عَلی عِبادِکَ الْمُنْتَجَبینَ، وَ بَشَرِکَ الْمُحْتَجِبینَ،

هر معلوم، بر بندگان برگزیده و پرده نشینان

وَمَلائِکَتِکَ الْمُقَرَّبینَ، وَ بُهَمِ الصَّآفّینَ الْحآفّینَ، وَ بارِکْ لَنا فی شَهْرِنا

و فرشتگان مقرّب و خاموشان صف کشیده در گرداگردت درود فرست، و بر ما مبارک گردان این ماه

هذَا الْمُرَجَّبِ الْمُکَرَّمِ، وَما بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرُمِ، وَاسْبِغْ عَلَیْنا فیهِ

رجبِ گرامی و ماه های حرام بعد از آن را، و نعمت هایت را در این ماه بر ما

النِّعَمَ، وَ اجْزِلْ لَنا فیهِ الْقِسَمَ، وَابْرِرْ لَنا فیهِ الْقَسَمَ، بِاسْمِکَ الْأَعْظَمِ

فرو ریز و روزی ما را فراوان گردان، و قسم های ما را در آن ادا کن، به حقّ نام با عظمت

الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَکْرَمِ، الَّذی وَضَعْتَهُ عَلَی النَّهارِ فَاضآءَ، وَ عَلَی اللَّیْلِ

و بزرگ و باشکوه و گرامیت، که با آن روز را روشن و شب

فَاظْلَمَ، وَاغْفِرْ لَنا ما تَعْلَمُ مِنّا وَلا نَعْلَمُ، وَاعْصِمْنا مِنَ الذُّنُوبِ خَیْرَ الْعِصَمِ،

را تاریک ساختی و آنچه از ما می دانی و ما نمی دانیم بیامرز، و ما را به بهترین شکل از گناهان بازدار،

ص :629

وَاکْفِنا کَوافِیَ قَدَرِکَ، وَ امْنُنْ عَلَیْنا بِحُسْنِ نَظَرِکَ، وَ لا تَکِلْنا الی غَیْرِکَ،

ما را در برابر حوادث سخت یاری ده و با حسن نظرت بر ما منّت گذار و ما را به غیر خودت وا مگذار

وَلا تَمْنَعْنا مِنْ خَیْرِکَ، وَ بارِکْ لَنا فیما کَتَبْتَهُ لَنا مِنْ اعْمارِنا، وَاصْلِحْ

و از احسانت محروم مساز، در عمری که برای ما مقرّر داشته ای برکت ده، و اسرار

لَنا خَبیئَهَ اسْرارِنا، واعْطِنا مِنْکَ الْأَمانَ، وَ اْستَعْمِلْنا بِحُسْنِ الْإیمانِ،

پنهانی ما را اصلاح گردان، و ما را از جانب خودت امان ده، و به ما ایمان نیک عطا کن،

وَبَلِّغْنا شَهْرَ الصِّیامِ، وَما بَعْدَهُ مِنَ الْأَیَّامِ وَالْأَعْوامِ، یا ذَاالْجَلالِ والإِکْرامِ.(1)

و ما را به ماه رمضان و روزها و سال های بعد از آن برسان، ای صاحب شکوه و بزرگواری.

***

6- شیخ طوسی در روایت دیگری از ناحیه مقدّسه حضرت مهدی علیه السلام، توسّط شیخ ابوالقاسم حسین بن روح رحمه الله که از نوّاب خاص است این دُعا را برای ایّام ماه رجب نقل کرده است:

اللهُمَّ انّی اسئَلُکَ بِالْمَوْلُودَیْنِ فی رَجَبٍ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الثَّانی وَابْنِهِ

خدایا از تو می خواهم به حقّ دو مولود ماه رجب محمد بن علی دوم (امام جواد) و فرزندش

عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ، وَاتَقَرَّبُ بِهِما الَیْکَ خَیْرَ الْقُرَبِ، یا مَنْ الَیْهِ

علی بن محمّد آن امام برگزیده، و به واسطه آن دو به بهترین شکل به تو تقرّب می جویم، ای کسی که

الْمَعْرُوفُ طُلِبَ، وَفیما لَدَیْهِ رُغِبَ، اسئَلُکَ سُؤالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ، قَدْ

نیکی از او درخواست شود و آنچه نزد اوست آرزو شود، از تو می خواهم همانند درخواست ستم پیشه گناهکاری که

اوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ، وَاوْثَقَتْهُ عُیُوبُهُ، فَطالَ عَلَی الْخَطایا دُئُوبُهُ، وَمِنَ الرَّزایا

گناهانش او را به هلاکت افکنده، و زشتی هایش او را اسیر کرده، و پایداری او بر گناهان طولانی شده و آمیخته شدن کارهایش با مصائب

خُطُوبُهُ، یَسْئَلُکَ التَّوْبَهَ وَحُسْنَ الْأَوْبَهِ، وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَهِ، وَمِنَ النَّارِ

به طول انجامیده و از تو می خواهد توفیق بر توبه و بازگشت نیکو (به سویت)، و جدایی از گناه، و آزادی از آتش

فَکاکَ رَقَبَتِهِ، وَالْعَفْوَ عَمَّا فی رِبْقَتِهِ، فَانْتَ مَوْلایَ اعْظَمُ امَلِهِ وَثِقَتِهِ،

دوزخ را، و بخشش از خطاهایی که بر گردن اوست، پس تو ای مولای من بزرگترین آرزو و تکیه گاه اویی،

ص :630

1- [800]مصباح المتهجّد، صفحه 803 و بلدالامین، صفحه 179(با اندکی تفاوت).

اللهُمَّ واسْئَلُکَ بِمَسآئِلِکَ الشَّریفَهِ، وَ وَسآئِلِکَ الْمُنیفَهِ، انْ تَتَغَمَّدَنی فی

خدایا از تو می خواهم به حقّ درخواست های شرافتمندان و اسباب عالیه ات، که مرا در

هذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَهٍ مِنْکَ واسِعَهٍ، وَنِعْمَهٍ وازِعَهٍ، وَنَفْسٍ بِما رَزَقْتَها قانِعَهٍ،

این ماه در رحمت وسیع و نعمت بازدارنده از گناه غوطه ور سازی و نفسی به من عطا کنی که به آنچه روزیش داده ای

الی نُزُولِ الْحافِرَهِ، وَمَحَلِّ الْآخِرَهِ، وَما هِیَ الَیْهِ صآئِرَهٌ.(1)

تا فرود آمدنِ در قبر و جایگاه ابدی و آنچه سرانجام اوست، قانع باشد.

***

7- همچنین شیخ طوسی روایت کرده است از جناب ابوالقاسم حسین بن روح رحمه الله- که نایب خاصّ حضرت صاحب الأمر علیه السلام است- فرمود: در ماه رجب، به هر یک از مشاهد مشرّفه که رفتی، با این عبارت، آن معصوم را زیارت کن. وقتی که داخل شدی بگو:

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی اشْهَدَنا مَشْهَدَ اوْلِیآئِهِ فی رَجَبٍ، وَاوْجَبَ عَلَیْنا مِنْ

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که ما را در ماه رجب در زیارتگاه دوستانش حاضر نمود، و حقوق واجب آنها را بر ما

حَقِّهِمْ ما قَدْ وَجَبَ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ، وَعَلی اوْصِیآئِهِ

لازم نمود، و درود خدا بر محمّدِ برگزیده و بر جانشینان او که

الْحُجُبِ، اللهُمَّ فَکَما اشْهَدْتَنا مَشْهَدَهُمْ، فَانْجِزْ لَنا مَوْعِدَهُمْ، وَ اوْرِدْنا

حجابها (در برابر آتشند)، خدایا همان گونه که ما را در زیارتگاه آنان حاضر نموده ای، وعده دیدار آنها را برای ما حتمی کن و ما را به محلِّ ورود آنان

مَوْرِدَهُمْ، غَیْرَ مُحَلَّئینَ عَنْ وِرْدٍ فی دارِ الْمُقامَهِ وَ الْخُلْدِ، وَ السَّلامُ

در جایگاه اقامت و بهشت داخل کن بدون ممانعت از داخل شدن، و سلام و درود

عَلَیْکُمْ، انّی قَصَدْتُکُمْ وَاعْتَمَدْتُکُمْ بِمَسْئَلَتی وَ حاجَتی وَ هِیَ فَکاکُ

بر شما باد، به یقین من به شما رو آورده و با خواسته و حاجتم به شما اعتماد نموده ام و خواسته ام رهایی

رَقَبَتی مِنَ النَّارِ، وَ الْمَقَرُّ مَعَکُمْ فی دارِ الْقَرارِ، مَعَ شیعَتِکُمُ الْأَبْرارِ،

از آتش دوزخ و جای گرفتن در سرای باقی به همراه شیعیان نیکوکار شماست،

وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ، انَا سائِلُکُمْ وَ آمِلُکُمْ فیما

و سلام و درود بر شما باد به واسطه صبر و بردباری شما پس (مقام صابران) چه جایگاه نیکوییست، من از شما خواهانم و در آنچه به شما

1- [801]مصباح المتهجّد، صفحه 804. عدم ذکر میلاد مبارک امیرمؤمنان علی علیه السلام در این دعا شاید به خاطر وضوح آن بوده است.

الَيْكُمُ التَّفْويضُ، وَ عَلَيْكُمُ التَّعْويضُ، فَبِكُمْ يُجْبَرُ الْمَهيضُ، وَ يُشْفَى

واگذار شده و پاداش آن با شماست به شما امیدوارم، چرا که با وساطت شما استخوان شکسته پیوند خورده و بیمار شفا

الْمَريضُ، وَ ما تَزْدادُ الْأَرْحامُ وَ ما تَغيضُ، انّی بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ، وَ لِقَوْلِكُمْ

یابد و آنچه در رحمهاست کم و زیاد شود، من به یقین به اسرار شما ایمان دارم و تسلیم گفتار

مُسَلِّمٌ، وَ عَلَى اللَّهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ فی رَجْعی بِحَوائِجی وَ قَضائِها وَ امْضائِها

شمایم و خدا را به شما قسم می دهم در بازگشتم با خواسته های برآورده و تأیید شده

وَ انْجاحِها وَ ابْراحِها، وَ بِشُؤُنی لَدَيْكُمْ وَ صَلاحِها، وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ

و روا و آشکار شده، و با اصلاح کارهایم نزد شما، و سلام و درود بر شما باد

سَلامَ مُوَدِّعٍ، وَ لَكُمْ حَوائِجَهُ مُودِعٌ، يَسْأَلُ اللَّهَ الَيْكُمُ الْمَرْجِعَ، وَ سَعْيُهُ

همانند سلام شخصی که خداحافظی می کند و خواسته هایش را نزد شما به ودیعه می گذارد، و از خداوند درخواست بازگشت

الَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ، وَ انْ يَرْجِعَنی مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ الی جَنابٍ

مرتب به سوی شما را دارد، و (از خدا می خواهم که) مرا به نیکوترین وجه از حضور شما بازگرداند به سوی مکانی

مُمْرِعٍ، وَ خَفْضٍ مُوَسَّعٍ، وَ دَعَةٍ وَ مَهَلٍ الی حينِ الْأَجَلِ، وَ خَيْرِ مَصيرٍ

سرسبز و خرّم و زندگانی وسیع و در خوشی و آسایش تا زمان مرگ و بهترین بازگشت

وَمَحَلٍّ فی النَّعيمِ الْأَزَلِ، وَ الْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ، وَ دَوامِ الْأُكُلِ، وَ شُرْبِ

و جایگاهی در بهشت جاویدان، همراه با زندگی مورد قبول و خوراکی های دائمی و نوشیدن

الرَّحیقِ، وَ السَّلْسَلِ وَ عَلٍّ وَنَهَلٍ، لا سَأَمَ مِنْهُ وَ لا مَلَلَ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ

شربت ناب و آب گوارا و لذّت بخش و دلچسب که دلتنگی و آزردگی از آن نباشد و رحمت

وَبَرَکاتُهُ وَ تَحِیَّاتُهُ [عَلَیْکُمْ (1)]، حَتّیَ الْعَوْدِ الی حَضْرَتِکُمْ، وَ الْفَوزِ فی

و برکات و درودهای خدا [بر شما باد]، تا زمانی که به حضور شما بازگردم و در رجعت شما رستگار شده

کَرَّتِکُمْ، وَ الْحَشْرِ فی زُمْرَتِکُمْ، وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ

و در گروه شما محشور شوم، و سلام و رحمت و برکات

عَلَیْکُمْ، وَ صَلَواتُهُ وَ تَحِیَّاتُهُ، وَ هُوَ حَسْبُنا وَ نِعْمَ الْوَکیلُ.(2)

و درودها و تحیّات خدا بر شما باد که او ما را کافی و بهترین وکیل است.

ص: 632

1- [802]کلمه« علیکم» در اقبال آمده است.
2- [803]مصباح المتهجّد، صفحه 821 و اقبال، صفحه 631(با اندکی تفاوت).

8- «سیّد بن طاووس» از محمّد بن ذکوان (معروف به محمّد سجّاد، که بر اثر سجده های طولانی به این نام، نامیده شده بود) روایت کرده است، که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: این ماه، ماه رجب است، به من دعایی بیاموز که خداوند متعال مرا با آن منفعت بخشد!

امام علیه السلام فرمود: بنویس بسم اللّه الرّحمن الرّحیم و بگو در هر شب و روز از ماه رجب، پس از هر نماز:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

یا مَنْ ارْجُوهُ لِکُلِّ خَیْرٍ، وَ آمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ کُلِّ شَرٍّ، یا مَنْ یُعْطِی

ای کسی که برای هر چیزی به تو امیدوارم، و از هر شرّی از خشمت ایمنی می جویم، ای کسی که در برابر اطاعت

الْکَثیرَ بِالْقَلیلِ، یا مَنْ یُعْطی مَنْ سَئَلَهُ، یا مَنْ یُعْطی مَنْ لَمْ یَسْئَلْهُ وَمَنْ لَمْ

اندکم پاداش فراوان بخشی، ای کسی که هر کس از تو درخواست کند عطا می کنی، ای کسی که از روی

یَعْرِفْهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَ رَحْمَةً، اعْطِنی بِمَسْئَلَتی ایَّاکَ، جَمیعَ خَیْرِ الدُّنْیا

دلسوزی و رحمت به کسی که از تو درخواستی نکرده و تو را نشناسد نیز عطا کنی، به واسطه درخواستم از تو تمامی خیر دنیا

وَجَمیعَ خَیْرِ الْآخِرَهِ، وَ اصْرِفْ عَنّی بِمَسْئَلَتی ایّاکَ، جَمیعَ شَرِّ الدُّنْیا

و آخرت را به من عطا کن و تمامی شرّ دنیا و آخرت را از من

وَ شَرِّ الْآخِرَهِ، فَانَّهُ غَیْرُ مَنْقُوصٍ ما اعْطَیْتَ، وَ زِدْنی مِنْ فَضْلِکَ یا کَریمُ.

باز دار، به یقین آنچه تو عطا کنی بی نقص و کامل است، و از فضلت بر من بیافزا، ای بخشنده،

سپس آن حضرت، محاسن شریف خود را، با دست چپ خود گرفت و در حالی که انگشت سبّابه دستِ راستِ خود را حرکت داد، با حالت تضرّع و التجا این دعا را خواند. سپس گفت:

یاذَا الْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، یاذَا النَّعْماۤءِ وَالْجُودِ، یاذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، حَرِّمْ

ای صاحب شکوه و بزرگواری، ای صاحب نعمتها و بخشش، ای صاحب لطف و کرم، آتش

شَیْبَتی عَلَی النّارِ.(1)

دوزخ را بر من حرام کن.

9- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در ماه رجب صد مرتبه بگوید:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِی لا إلهَ إِلَّا هُوَ، وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ

و در پایان صدقه ای بدهد، خداوند کارش را به رحمت و مغفرت پایان

1- [804]اقبال، صفحه 644 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 390.

دهد و هر کس چهارصد مرتبه آن را بگوید فضیلت شهیدان را دارد.(1) 10- همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که در ماه رجب هزار مرتبه

«لا الهَ الَّا اللَّه»

بگوید، خداوند برای او حسنات فراوانی می نویسد.(2) 11- در روایتی آمده است: «هر کس در ماه رجب، در وقت صبح، هفتاد مرتبه و شبانگاه نیز هفتاد مرتبه بگوید:

«اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ الَیْهِ»

و پس از آن، دستها را بلند کند و بگوید:

«أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لی وَ تُبْ عَلَیَّ»

اگر در همان ماه رجب بمیرد، خداوند از او راضی خواهد بود ...».(3) 12- در طول این ماه هزار مرتبه بگوید:

«اسْتَغْفِرُ اللَّهَ ذَاالْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ مِنْ جَمیعِ الذُّنُوبِ وَالْآثامِ»

تا خداوند رحمان وی را بیامرزد.(4) 13- «سیّد بن طاووس» در «اقبال» فضیلت فراوانی برای خواندن سوره «قل هو اللَّه احد» در ماه رجب نقل کرده است؛ از جمله از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است: هر کس با نیّت پاک در ماه رجب، ده هزار مرتبه سوره «قل هو اللَّه احد» را بخواند، وارد عرصه قیامت شود در حالی که از گناه پاک باشد مانند روزی که از مادر متولّد شده است، و هفتاد فرشته به استقبال او می آیند و به وی بشارت بهشت را می دهند.

همچنین آن حضرت برای هزار بار خواندن سوره «قل هو اللَّه احد» در این ماه و حتّی صد بار نیز پاداش زیادی ذکر کرد.(5) 14- در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت فرمود: «هر کس یک روز از ماه رجب را روزه بدارد، و چهار رکعت نماز بگزارد (هر دو رکعت با یک سلام) و در رکعت اوّل صد مرتبه «آیهالکرسی» بخواند و در رکعت دوم، دویست مرتبه «قل هو اللَّه احد»؛ پیش از مردن جای خود را در بهشت می بیند و یا دیگری جای او را ببیند (و برای او توصیف کند)».(6)

15- در طول ماه رجب شصت رکعت نماز بجا آورد به این نحو که: در هر شب از این ماه، دو رکعت نماز بخواند، در هر رکعت، یک مرتبه «حمد» و سه مرتبه «قل یا ایّها الکافرون» و یک مرتبه «قل هو اللّٰه احد» بخواند و پس از سلام نماز، دستها را بلند کند و بگوید:

لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی

معبودی جز خدا نیست، یگانه ای که شریکی ندارد و فرمانروایی و ستایش از آن اوست، زنده کرده

1- [805]اقبال، صفحه 648.
2- [806]همان مدرک.
3- [807]همان مدرک.
4- [808]مفاتیح الجنان، اعمال ماه رجب.
5- [809]اقبال، صفحه 648.
6- [810]همان مدرک، صفحه 637.

وَیُمیتُ، وَهُوَ حَیٌّ لایَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، وَالَیْهِ

و می میراند، و اوست زنده ای که هرگز نمیرد، خیر و نیکی بدست اوست و بر هر چیز تواناست، و بازگشت (همه)

الْمَصیرُ، وَلا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی

به سوی اوست، و توان و نیرویی جز برای خداوند بلندمرتبه و با عظمت نیست، خدایا بر محمد

مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ الْأُمِّیِّ وَ آلِهِ.

آن پیامبر درس نخوانده و خاندان پاکش درود فرست.

و آنگاه دست ها را به صورت خود بکشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس این عمل را به جا آورد، خداوند دعایش را مستجاب گرداند ...».(1) 16- مرحوم «علّامه مجلسی» در «زاد المعاد» روایتی را از امیر مؤمنان علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که آن حضرت فرمود: هر کس در هر شب و یا در هر روز از ماههای رجب، شعبان و رمضان سوره «حمد»، «آیهالکرسی» و سوره های «قل یا ایّها الکافرون»، «قل هو اللّه احد»، «قل اعوذ برب الفلق» و «قل اعوذ برب النّاس» را سه مرتبه بخواند و سه مرتبه بگوید:

«سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا إلهَ إلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اکْبَرُ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ إلَّابِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ»

و سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»

و سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ»

و چهارصد مرتبه بگوید:

«اسْتَغفِرُ اللّهَ وَ أتُوبُ إلَيْهِ»

خداوند گناهانش را بیامرزد (هر چند زیاد باشد) سپس در ادامه فرمود: اگر کسی در مدّت عمرش یک بار این عمل را بجا آورد، خداوند در برابر هر حرفی پاداش فراوانی به وی عطا کند ...(2)

لیله الرّغائب:

17- لیله الرّغائب: اوّلین شب جمعه ماه رجب را «لیله الرّغائب»(3) گویند؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی که فضیلت ماه رجب را بیان می کرد فرمود: «از اوّلین شب جمعه ماه رجب غافل نشوید که فرشتگان آن را «لیله الرّغائب» نامیدند».

آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله اعمالی را برای آن شب به این کیفیّت بیان فرمود: «روز پنج شنبه اوّل ماه را روزه می گیری، چون شب جمعه فرا رسید، میان نماز مغرب و عشا دوازده رکعت نماز می گذاری (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعت از آن، یک مرتبه سوره «حمد» و سه مرتبه «إنّا انزلناه» و دوازده مرتبه «قل هو

1- [811]اقبال، صفحه 630.
2- [812]زاد المعاد، صفحه 12.
3- [813] (3).« لیله الرّغائب» یعنی شبی که به خاطر پاداش ها و فضیلت های فراوانی که دارد، مورد میل و رغبت فراوان است و یا به معنای« شب پاداش های فراوان» است، زیرا« رغائب» جمع« رغیبه» است که هم به معنای« کار مورد رغبت» آمده است و هم به معنای پاداش و عطای فراوان.

اللَّه احد» را می خوانی؛ پس از اتمام نماز هفتاد مرتبه می گویی:

«أللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ الْامِّیِّ وَ عَلی آلِهِ»

آنگاه به سجده می روی و هفتاد بار می گویی:

«سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِکَهِ وَ الرُّوحِ»

سپس سر از سجده برمی داری و هفتاد بار می گویی:

«رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّکَ أنْتَ العَلِیُّ الْأعْظَمُ»

بار دیگر نیز به سجده می روی و هفتاد مرتبه می گویی:

«سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِکَهِ وَ الرُّوحِ»

آنگاه حاجت خود را می طلبی که ان شاءاللَّه برآورده خواهد شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در فضیلت این اعمال فرمود: «کسی که چنین نمازی را بخواند، خداوند همه گناهانش را بیامرزد ... و در قیامت درباره هفتصد تن از خاندانش شفاعت می کند، و چون شب اوّل قبر فرا رسد، خداوند پاداش این نماز را به نیکوترین چهره، با رویی گشاده و درخشان و زبانی فصیح و گویا، به سوی قبر او می فرستد، آن چهره نیکو به وی گوید: «ای حبیب من! بر تو بشارت باد! که از هر شدّت و سختی نجات یافتی» از آن چهره نورانی می پرسد: «تو کیستی؟ من تاکنون چهره ای از تو زیباتر ندیده ام و بویی از بویت خوشتر به مشامم نرسیده؟ !»

آن چهره نیکو پاسخ دهد: «ای حبیب من! من پاداش آن نمازی هستم که تو در فلان شهر، فلان ماه و در فلان سال به جا آورده ای؛ من امشب به نزد تو آمدم، تا حقّت را ادا کنم و مونس تنهایی تو باشم و وحشت را از تو مرتفع سازم (و همواره در کنارت بمانم) تا زمانی که همگی در روز رستاخیز برخیزند و در عرصه قیامت بر سرت سایه بیفکنم. (خلاصه هیچ زمانی پاداش این کار نیک از تو قطع نخواهد شد)».(1)

***

عمره رجبیّه:

18- عمره رجبیّه: انجام «عمره»، در ماه رجب فضیلت فراوان دارد. طبق روایات اهل بیت علیهم السلام «عمره» در ماه رجب فضیلتی هم ردیف حج دارد.(2) در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«افْضَلُ الْعُمْرَهِ، عُمْرَهُ رَجَبٍ؛

با فضیلت ترین عمره، عمره در ماه رجب است».(3) در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «عمره در ماه رجب افضل است یا ماه رمضان؟» فرمود:

«عمره در ماه رجب افضل است».(4) در روایتی آمده است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در ماه رجب به عمره رفته بود و شبانه روز، در کنار کعبه نماز بجا می آورد و پیوسته در سجده بود، و در حال سجده این ذکر را می گفت:

«عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ

ص: 636

1- [814]اقبال، صفحه 632؛ مرحوم علّامه حلّی در اجازه اش برای« بنی زهره» این روایت را به طور مشروح نقل کرده است(رجوع کنید به: بحارالانوار، جلد 104، صفحه 125).
2- [815]مصباح المتهجّد، صفحه 798.
3- [816]کافی، جلد 4، صفحه 536، حدیث 6.
4- [817]فقیه، جلد 2، صفحه 453، حدیث 2949.

عَبْدِکَ، فَلْیَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِکَ»

و در آن مدّت، چیزی افزون بر این ذکر نمی گفت! (1) همچنین زیارت امام رضا علیه السلام در ماه رجب مستحب است و در روایتی از امام جواد علیه السلام زیارت آن حضرت در ماه رجب مورد تأکید قرار گرفته است. (2)

دوم- اعمال مخصوص شبها و روزهای ماه رجب:

اشاره

شب اوّل ماه انجام اعمالی در این شب با ارزش، مورد سفارش است:

اوّل: از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که به هنگام رؤیت هلال ماه رجب، این دعا را می خواند:

اللهُمَّ اهِلَّهُ عَلَیْنا بِالْأَمْنِ وَ الْإیمانِ، وَ السَّلامَهِ وَ الْإِسْلامِ، رَبّی

خدایا ما را با امنیّت و ایمان و سلامتی و اسلام در این ماه داخل کن، پروردگار من

وَرَبُّکَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ. (3)

و تو (ای ماه رجب) خداوند عزیز و گرامی است.

و همچنین از آن حضرت نقل شده است که وقتی هلال ماه رجب را می دید، می فرمود:

اللهُمَّ بارِکْ لَنا فی رَجَبٍ وَ شَعْبانَ، وَ بَلِّغْنا شَهْرَ رَمَضانَ، وَ اعِنَّا عَلَی

خدایا ماه رجب و شعبان را بر ما مبارک گردان و ما را به ماه رمضان برسان، و بر

الصِّیامِ وَ الْقِیامِ، وَ حِفْظِ اللِّسانِ، وَ غَضِّ الْبَصَرِ، وَ لا تَجْعَلْ حَظَّنا مِنْهُ

روزه و شب زنده داری و حفظ زبان و چشم پوشی یاری ده، و بهره ما را از این ماه

الْجُوعَ وَ الْعَطَشَ.(4)

گرسنگی و تشنگی قرار مده.

دوم: غسل کردن.

مرحوم «سیّد بن طاووس» می گوید در کتب «عبادات» روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله یافتم که آن حضرت فرمود: «هر کس درک کند ماه رجب را و در اوّل، وسط و آخر آن، غسل کند؛ همانند روزی که از مادر متولّد شده، از گناهان خارج گردد (و پاک شود)».(5)

1- [818]مصباح المتهجّد، صفحه 801 و اقبال، صفحه 648.
2- [819]مصباح المتهجّد، صفحه 820 و کافی، جلد 4، صفحه 584، حدیث 2.
3- [820]اقبال، صفحه 627.
4- [821]همان مدرک، صفحه 628.
5- [822]همان مدرک.

سوم: زیارت امام حسین علیه السلام در این شب فضیلت بسیار دارد.(1) چهارم: بعد از نماز مغرب، بیست رکعت نماز بخواند (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعت یک بار سوره «حمد» و یک بار سوره «توحید» بخواند؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاداش این عمل فرمود: هر کس چنین کند، به خدا سوگند! خودش، خانواده اش، مالش و فرزندانش محفوظ بمانند و از عذاب قبر پناه داده شود ...

و در قیامت به سرعت از صراط بگذرد.(2) پنجم: بعد از نماز عشا، دو رکعت نماز بجا آورد، در رکعت اوّل «حمد» و «الم نشرح» را یک مرتبه و سوره «قل هو اللّه احد» را سه مرتبه بخواند و در رکعت دوم، سوره های «حمد»، «الَم نشرح»، «قل هو اللّه احد» و «معوّذتین» (سوره های ناس و فلق) را یکبار بخواند و پس از سلام سی مرتبه بگوید: «لا اله الّا اللّه» و سی مرتبه «صلوات» بفرستد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که این عمل را انجام دهد، خداوند گناهانش را می آمرزد و از گناه پاک می شود.(3) ششم: سی رکعت نماز بخواند، (هر دو رکعت به یک سلام) در هر رکعت یک مرتبه «حمد» و یک مرتبه «قل یا ایّها الکافرون» و سه مرتبه «قل هو اللّه احد» را بخواند؛ در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر مرد و زن مؤمنی چنین کند، خداوند تمام گناهان کوچک و بزرگ وی را می آمرزد و تا سال بعد، خداوند نامش را در فهرست «نمازگزاران» می نویسد و از نفاق پاک می شود.(4)

***

هفتم: احیای شب اوّل ماه «شیخ طوسی» در «مصباح المتهجّد» از امام صادق علیه السلام از جدّش از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت دوست داشت که در چهار شب از شبهای سال، فارغ از هر چیز، به عبادت بپردازد: شب اوّل ماه رجب، شب نیمه شعبان، شب عید فطر و شب عید قربان.(5) در حدیثی دیگر، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «تا می توانی بر احیای شب های عید فطر، عید قربان و ... شب اوّل رجب مراقبت کن».(6)

***

هشتم: خواندن دعایی که از امام جواد علیه السلام نقل شده است که فرمود: مستحب است انسان، در شب اوّل رجب، با این کلمات، دعا کند:

ص: 638

1- [823]زاد المعاد، صفحه 13.
2- [824]اقبال، صفحه 629.
3- [825]همان مدرک.
4- [826]اقبال، صفحه 629.
5- [827]مصباح المتهجّد، صفحه 798.
6- [828]زاد المعاد، صفحه 13.

اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِانَّکَ مَلیکٌ، وَانَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ مُقْتَدِرٌ، وَانَّکَ ما

خدایا از تو می خواهم به خاطر اینکه فرمانروایی و بر هر چیز توانایی، و آنچه بخواهی

تَشآءُ مِنْ أَمْرٍ یَکُونَ، اللهُمَّ انّی اتَوَجَّهُ الَیْکَ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ،

انجام می شود، خدایا به تو رو می کنم، به واسطه پیامبرت محمّد، پیامبر رحمت

صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللَّهِ، انّی اتَوَجَّهُ بِکَ الَی اللَّهِ رَبِّکَ

- که درود خدا بر او و خاندانش باد- ای محمّد، ای رسول خدا، به واسطه تو به خدایی که پروردگار تو

وَرَبِّی لِیُنْجِحَ بِکَ طَلِبَتی اللهُمَّ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ وَالْأَئِمَّهِ مِنْ اهْلِ بَیْتِهِ،

و من است رو می کنم، تا به واسطه تو به خواسته ام برسم، خدایا به حق پیامبرت محمّد و امامان از خاندانش

صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ، انْجِحْ طَلِبَتی

- که درود خدا بر او و بر آنان باد- خواسته ام را اجابت کن.

آنگاه حاجت خود را از خداوند بخواهد.(1) نهم: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که (در شب اوّل ماه رجب) بعد از فراغ از نماز شب، در حال سجده می گفت:

لَکَ الْمَحْمَدَهُ انْ اطَعْتُکَ، وَلَکَ الْحُجَّهُ انْ عَصَیْتُکَ، لا صُنْعَ لی وَلا لِغَیْری

ستایش از آنِ توست اگر اطاعتت کنم، و دلیل و حجّت از آنِ توست اگر مخالفتت کنم، و در احسان و نیکی جز به کمک تو کاری از دست من و غیر من

فی احْسانٍ الَّا بِکَ، یا کائِناً قَبْلَ کُلِّ شَیْ ءٍ، وَیا مُکَوِّنَ کُلِّ شَیْ ءٍ، انَّکَ

ساخته نیست، ای که قبل از هر چیز بوده و همه چیز را به وجود آوردی، به یقین تو

عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، اللَّهُمَّ انّی اعُوذُ بِکَ مِنَ الْعَدیلَهِ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَ مِنْ

بر هر چیز توانایی، خدایا از خروج از حق در هنگام مردن و از

شَرِّ الْمَرْجِعِ فِی الْقُبُورِ، وَ مِنَ النَّدامَهِ یَوْمَ الْا زِفَهِ، فَاسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ

بازگشت بد به گور و از پشیمانی روز قیامت، به تو پناه می برم، پس از تو می خواهم که

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ عَیْشی عیشَهً نَقِیَّهً، وَ مِیتَتی میتَهً

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و زندگانیم را پاکیزه و مرگم را

سَوِیَّهً، وَ مُنْقَلَبی مُنْقَلَباً کَریماً، غَیْرَ مُخْزٍ وَ لا فاضِحٍ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی

آسان و بازگشتم را کریمانه و بدون خواری و رسوایی قرار دهی، خدایا بر

1- [829]مصباح المتهجّد، صفحه 798.

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَئِمَّهِ، یَنابیعِ الْحِکْمَهِ، وَ اولِی النِّعْمَهِ، وَمَعادِنِ الْعِصْمَهِ،

محمّد و خاندانش درود فرست، همان امامانی که سرچشمه های دانش و صاحبان نعمت و گنجینه های عصمتند،

وَاْعصِمْنی بِهِمْ مِنْ کُلِّ سُوءٍ، وَلا تَاْخُذْنی عَلی غِرَّهٍ وَ لا عَلی غَفْلَهٍ، وَ لا

و مرا به واسطه ایشان از هر بدی حفظ کن، و بر غرور و بی خبری مؤاخذه نکن،

تَجْعَلْ عَواقِبَ اعْمالی حَسْرَهً، وَ ارْضَ عَنّی فَانَّ مَغْفِرَتَکَ لِلظّالِمینَ

و سرانجام کارم را افسوس و پشیمانی قرار مده، و از من راضی باش، چرا که آمرزش تو از آنِ گنهکاران است

وَانَا مِنَ الظّالِمینَ، اللهُمَّ اغْفِرْ لی ما لا یَضُرُّکَ، و اعْطِنی ما لا یَنْقُصُکَ،

و من از گنهکارانم، خدایا آنچه زیانی را به تو نرساند از من بیامرز و آنچه از تو نکاهد به من عطا کن،

فَانَّکَ الْوَسیعُ رَحْمَتُهُ، الْبَدیعُ حِکْمَتُهُ، وَ اعْطِنِی السَّعَهَ وَ الدَّعَهَ، وَ الْأَمْنَ

چرا که رحمت تو وسیع و دانشت به روز است، و به من وسعت و آسایش و امنیّت

وَ الصِّحَّهَ، وَ الْبُخُوعَ وَ الْقُنُوعَ، وَ الشُّکْرَ وَ الْمُعافاهَ، وَ التَّقْوی وَ الصَّبْرَ،

و سلامتی و فروتنی و قناعت و شکر و گذشت و پرهیزکاری و صبر

وَالصِّدْقَ عَلَیْکَ وَ عَلی اوْلِیآئِکَ، وَ الْیُسْرَ وَ الشُّکْرَ، وَ اعْمُمْ بِذلِکَ یا رَبِ

و راستگویی نسبت به تو و اولیایت و آسایش و شکر عطا کن، ای پروردگار من شریک کن در این امور

اهْلی وَ وُلْدی وَ اخْوانی فیکَ، وَ مَنْ احْبَبْتُ وَ احَبَّنی وَ وَلَدْتُ وَ وَلَدَنی

خانواده و فرزندان و برادران دینیم و آنان که دوستشان دارم و دوستم دارند و فرزندان و پدرانم،

مِنَ الْمُسْلِمینَ وَ الْمُؤْمِنینَ یا رَبَّ الْعالَمینَ.(1)

از مسلمانان و مؤمنان را، ای پروردگار جهانیان.

در حدیث آمده است که این دعا، بعد از هشت رکعت نماز شب و پیش از نماز وتر است. آنگاه سه رکعت وتر (دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر) را بجا می آوری پس از سلام، در همان حالت نشسته می خوانی:

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی لا تَنْفَدُ خَزآئِنُهُ، وَ لا یَخافُ آمِنُهُ، رَبِّ انِ ارْتَکَبْتُ

حمد و سپاس از آنِ خداوندی است که گنجهایش پایان نپذیرد و پناه آورنده اش ایمن باشد، ای پروردگار من، اگر مرتکب

الْمَعاصِیَ فَذلِکَ ثِقَهٌ مِنّی بِکَرَمِکَ، انَّکَ تَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبادِکَ، وَتَعْفُو

گناهان شدم به خاطر اطمینانم به کرم توست، چرا که توبه بندگانت را می پذیری و گناهانشان را

1- [830]مصباح المتهجّد، صفحه 798.

عَنْ سَیِّئاتِهِمْ، وَ تَغْفِرُ الزَّلَلَ، وَ انَّکَ مُجیبٌ لِداعیکَ وَ مِنْهُ قَریبٌ، وَ انَا

می بخشی، و لغزش هایشان را می آمرزی، و تو به یقین درخواست کننده ات را پاسخ گویی و به او نزدیکی، و من

تائِبٌ الَیْکَ مِنَ الْخَطایا، وَ راغِبٌ الَیْکَ فی تَوْفیرِ حَظّی مِنَ الْعَطایا، یا

از خطاهایم به درگاهت بازگشته و فزونی بهره ام از عطاهایت را خواهانم، ای

خالِقَ الْبَرایا، یا مُنْقِذی مِنْ کُلِّ شَدیدَهٍ، یا مُجیری مِنْ کُلِّ مَحْذُورٍ، وَفِّرْ

آفریدگار مخلوقات، ای نجات دهنده ام از سختی ها، ای پناهم از هر خطر، شادمانیم

عَلَیَّ السُّرُورَ، وَ اکْفِنی شَرَّ عَواقِبِ الْأُمُورِ، فَانْتَ اللَّهُ عَلی نَعْمآئِکَ

را فراوان کن، و از عاقبت های بد کارهایم مرا حفظ کن، پس تویی خدایی که نعمتها

وَ جَزیلِ عَطآئِکَ مَشْکُورٌ، وَلِکُلِّ خَیْرٍ مَذْخُورٌ.(1)

و فراوانی بخششهایت در خور ستایش و برای هر کار خیری ذخیره شده است.

***

روز اوّل ماه این روز نیز اعمالی دارد:

1- روزه گرفتن؛ در روایتی از امام رضا علیه السلام پاداشهای مهمّی برای روزه اوّل ماه رجب ذکر شده است.(2) در روایتی دیگر، امام باقر علیه السلام روز اوّل ماه رجب را، روز سوار شدن حضرت نوح بر کشتی بیان کرده و فرمود: «هنگامی که نوح در این روز، سوار کشتی شد، به همه کسانی که با او بودند دستور داد روزه بگیرند؛ و هر کس این روز را روزه بگیرد، آتش دوزخ به فاصله یک سال راه، از او دور گردد».(3) 2- غسل کردن.(4) 3- زیارت امام حسین علیه السلام؛ «شیخ طوسی» روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «هر کس

امام حسین علیه السلام را در روز اوّل ماه رجب زیارت کند، به یقین خداوند او را می آمرزد».(5) 4- خواندن نماز حضرت سلمان؛ این نماز را که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به وی آموخت، به این نحو است: ده رکعت نماز بجا می آوری (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعت، یک مرتبه «حمد»، سه مرتبه «توحید» و سه مرتبه «قل یا ایّها الکافرون» را می خوانی و بعد از سلامِ نماز، دستها را بلند می کنی و می گویی:

ص: 641

1- [831]مصباح المتهجد، صفحه 799.
2- [832]اقبال، صفحه 634.
3- [833]اقبال، صفحه 635، و مصباح المتهجّد، صفحه 797.
4- [834]اقبال، صفحه 628.
5- [835]مصباح المتهجّد، صفحه 801.

لا إلهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی وَیُمیتُ،

معبودی نیست جز خدای یگانه که شریکی ندارد، فرمانروایی و ستایش از آنِ اوست، زنده کرده و می میراند،

وَهُوَ حَیٌّ لایَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، اللهُمَّ لا مانِعَ

و اوست زنده ای که هرگز نمیرد، و نیکی ها به دست اوست و او بر هر چیز تواناست، خدایا آنچه تو عطا کنی کسی را توانایی

لِما اعْطَیْتَ، وَلا مُعْطِیَ لِما مَنَعْتَ، وَلا یَنْفَعُ ذَاالْجَدِّ مِنْکَ الْجَدُّ.

منعش نباشد و آنچه تو منع کنی کسی را توانایی عطایش نباشد، و تلاش غنیّ (بدون عمل) از تو بی نیازش نکند.

آنگاه دست ها را بر روی صورت خود می کشی.(1) در روز نیمه ماه نیز ده رکعت نماز به همین نحو انجام می دهی و پس از هر دو رکعت، آن دعا را می خوانی ولی پس از جمله

«وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیر»

این جملات را اضافه می کنی:

الهاً واحِداً احَداً فَرْداً صَمَداً، لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً.

معبود یگانه یکتای تنهای بی نیازی که همسر و فرزندی اختیار نکرده است.

آنگاه دستها را به صورت می کشی.(2) و در روز آخر ماه رجب نیز، ده رکعت نماز را به همان نحو، انجام می دهی و پس از سلام نماز، آن دعا را می خوانی، ولی پس از جمله

«وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیر»

می گویی:

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرینَ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ

و درود خدا بر محمّد و خاندان پاکش و توان و نیرویی جز برای خداوند

الْعَلِیِّ الْعَظیمِ.

بلندمرتبه با عظمت نیست.

آنگاه دست ها را بر صورت خود می کشی و حاجتت را می طلبی که به اجابت می رسد.(3) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سلمان فرمود: «هر مرد و زن مؤمنی که این سی رکعت نماز را بجا آورد، خداوند گناهانش را بیامرزد و پاداش کسی که تمام آن ماه را روزه گرفته، به وی عنایت کند و از آتش دوزخ نجات دهد، و این به منزله ورقه عبور از صراط است».

سلمان می گوید: «پس از شنیدن این حدیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله با حالت گریه به سجده افتادم و شکر الهی را بجا آوردم».(4)

ص: 642

1- [836]اقبال، صفحه 637.
2- [837]همان مدرک، صفحه 657.
3- [838]همان مدرک، صفحه 682.
4- [839]همان مدرک، صفحه 637 و 682.

5- نماز دیگری از حضرت سلمان رحمه الله، این نماز نیز ده رکعت است (هر دو رکعت به یک سلام) که در روز اوّل ماه رجب خوانده می شود: در هر رکعت یک مرتبه «حمد» و سه مرتبه «توحید».

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره پاداش این نماز به سلمان نکته هایی را فرمود، از جمله، بخشش گناهان، محفوظ ماندن از وحشت قبر و عذاب روز قیامت و دور ماندن از برخی ازبیماری ها.(1) شب سیزدهم ماه امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند به این امّت سه ماه ارزشمند عطا کرد، که به امّت های قبل نداده بود و آن ماهها، رجب، شعبان و ماه رمضان است و سه شب نیز به این امّت عنایت کرد که به امّت های پیشین نداده بود و آن شب های سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه است و همچنین سه سوره (بافضیلت و پرمحتوا) به این امّت عطا کرد که به امّت های سابق نداده بود و آن سوره های «یس»، «مُلک» و «توحید» است، از این رو هر کس که میان این سه فضیلت جمع کند، میان بهترین عطاهای این امّت جمع کرده است».

از امام علیه السلام سؤال شد: «چگونه می توان میان آنها جمع کرد؟»

فرمود: «در لیالی بیض (سه شب مزبور) در این سه ماه نماز بخواند؛ به این نحو که «در شب سیزدهم، دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعتی پس از سوره «حمد» این سه سوره (یس، ملک و توحید) را بخواند، و در شب چهاردهم، چهار رکعت نماز بگزارد (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعتی «حمد» و «یس» و «ملک» و «توحید» را بخواند و در شب پانزدهم، شش رکعت نماز بگزارد (هر دو رکعت به یک سلام) و همان سوره ها را در هر رکعت بخواند».

امام علیه السلام در فضیلت این نمازها فرمود: «هر کس چنین کند فضیلت این سه ماه را به دست آورده و خداوند همه گناهانش را- جز شرک- می آمرزد».(2) روز سیزدهم ماه روز سیزدهم ماه رجب مصادف با ولادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و اوّلین روز از ایّام البیض است. روزه گرفتن در این روز، و دو روز بعد، ثواب فراوانی دارد.(3) و هر کس که بخواهد عمل «امّ داوود» را بجا آورد باید این روز را روزه بگیرد.

روز چهاردهم ماه روزه گرفتن در این روز پاداش فراوانی دارد. در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم: «هرکس که روز چهاردهم ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند پاداشی به وی عنایت کند که نه چشمی

دیده و نه گوشی شنیده و نه بر قلبی خطور کرده باشد ! ...».(4) شب نیمه ماه این شب، شب ارزشمندی است که چند عمل در آن وارد شده است:

ص: 643

1- [840]اقبال، صفحه 637.
2- [841]همان مدرک، صفحه 655.
3- [842]همان مدرک، صفحه 656.
4- [843]همان مدرک، صفحه 655.

اوّل: غسل.(1) دوم: احیای آن شب به عبادت که فضیلت بسیار دارد.(2) سوم: زیارت امام حسین علیه السلام که زیارت آن حضرت در شب و روز نیمه رجب مورد تأکید قرار گرفته است.(3) چهارم: شش رکعت نماز بگذارد (هر دو رکعت با یک سلام) و در هر رکعتی «حمد» و «یس» و «ملک» و «توحید» را بخواند.

پنجم: بجا آوردن سی رکعت نماز، که در هر رکعت یک مرتبه «حمد» و ده مرتبه سوره «توحید» را بخواند، در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پاداش فراوانی برای این نماز ذکر شده است.(4) ششم: دوازده رکعت نماز (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعت یک بار «حمد» و یک بار «سوره» را می خوانی و پس از پایان نمازها هر یک از سوره های «حمد»، «فلق»، «ناس»، «توحید» و «آیهالکرسی» و همچنین سوره «قدر» را چهار مرتبه می خوانی و پس از آن، چهار مرتبه می گویی:

سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَاالهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ اکْبَر

. سپس می گویی:

أَللَّهُ أَللَّهُ رَبِّی، لا أُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً، ما شاءَ اللَّهُ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ.

این نماز را «سیّد» در «اقبال» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است.(5) روز نیمه رجب روز مبارکی که در آن چند عمل وارد شده است:

1- غسل کردن.(6) 2- زیارت امام حسین علیه السلام؛ در روایتی از محمّد بن ابی نصر نقل شده است که از امام رضا علیه السلام سؤال کردم: «در چه ماهی زیارت امام حسین علیه السلام بهتر است؟» فرمود: «در نیمه رجب و نیمه شعبان».(7) 3- بجا آوردن نماز جناب سلمان (همان گونه که در اعمال روز اوّل ماه رجب، صفحه 641 گذشت).(8) 4- چهار رکعت نماز بگزارد (هر دو رکعت به یک سلام) و پس از سلام دستهای خود را بگشاید و بگوید:

اللَّهُمَّ یا مُذِلَّ کُلِّ جَبَّارٍ، وَ یا مُعِزَّ الْمُؤْمِنینَ، انْتَ کَهْفی حینَ تُعْیینِی

ای خدا، ای خوارکننده ستمگران، و ای عزّت بخش مؤمنان، تویی پناهم به هنگام درماندگی،

1- [844]زاد المعاد، صفحه 19 و 20.
2- [845]همان مدرک.
3- [846]همان مدرک.
4- [847]اقبال، صفحه 656.
5- [848]همان مدرک.
6- [849]مصباح المتهجّد، صفحه 807
7- [850]همان مدرک و اقبال، صفحه 657.
8- [851]اقبال، صفحه 657.

الْمَذاهِبُ، وَانْتَ بارِئُ خَلْقى رَحْمَةً بى وَ قَدْ کُنْتَ عَنْ خَلْقى غَنِیّاً،

و تویى آفریننده من از روى رحمت، در حالى که نیازى به خلقتِ من نداشتى،

وَلَوْلا رَحْمَتُکَ لَکُنْتُ مِنَ الْهالِکینَ، وَ انْتَ مُؤَیِّدى بِالنَّصْرِ عَلى اعْدآئى

و اگر نبود رحمت تو به یقین نابود مى شدم، و تویى یاورم در برابر دشمنان،

وَ لَوْ لا نَصْرُکَ ایَّاىَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحینَ، یا مُرْسِلَ الرَّحْمَهِ مِنْ

و اگر یاریت نبود به یقین از رسواشدگان بودم، اى فرو فرستنده رحمت از

مَعادِنِها، وَ مُنْشِئَ الْبَرَکَهِ مِنْ مَواضِعِها، یا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوخِ

معادن آن، و پدیدآورنده برکت از جایگاه آن، اى کسى که خود را به سربلندى

وَالرَّفْعَهِ، فَاوْلِیآؤُهُ بِعِزِّهِ یَتَعَزَّزُونَ، وَ یا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نیرَ الْمَذَلَّهِ

و بلندمرتبگى مخصوص ساخته، پس دوستانش به عزّت او سرافراز گردند، و اى کسى که پادشاهان در برابرش یوغ ذلّت

عَلى اعْناقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَواتِهِ خآئِفُونَ، اسْئَلُکَ بِکَیْنُونِیَّتِکَ الَّتِى

به گردن نهاده، و از اقتدار او بیمناکند، از تو مى خواهم به حق بودنت که

اشْتَقَقْتَها مِنْ کِبْرِیآئِکَ، وَ اسْئَلُکَ بِکِبْرِیآئِکَ الَّتِى اشْتَقَقْتَها مِنْ عِزَّتِکَ،

از عظمتت برگرفته اى، و از تو مى خواهم به حق عظمتت که از عزّتت برگرفته اى،

وَاسْئَلُکَ بِعِزَّتِکَ الَّتِى اسْتَوَیْتَ بِها عَلى عَرْشِکَ، فَخَلَقْتَ بِها جَمیعَ خَلْقِکَ

و از تو مى خواهم به حق عزّتت که به وسیله آن بر عرشت مستولى گشته اى، و به واسطه آن تمامى مخلوقات را آفریده اى،

فَهُمْ لَکَ مُذْعِنُونَ انْ تُصَلَّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ اهْلِ بَیْتِهِ.

پس همه به خداوندیت اقرار دارند، (از تو می خواهم) که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.

امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل کرده است که: هر غمزده و اندوهگینی این دعا را بخواند، خداوند متعال اندوه و غم او را برطرف می سازد.(1)

***

5- عمل امّ داوود: از مهمترین اعمال روز نیمه رجب، عمل «امّ داوود» است که به گفته علّامه مجلسی: «شیخ صدوق»، «شیخ طوسی» و «سیّد بن طاووس» (ره) به سندهای معتبر آن را نقل کرده اند.(2) این عمل برای برآمدن حاجات و رفع اندوه و غم، حلّ مشکلات و دفع ظلم ستمگران بسیار مؤثّر است. (و به گفته «علّامه مجلسی»، در «زاد المعاد»، بارها تجربه شده است.)

1- [852]اقبال، صفحه 657.
2- [853]زاد المعاد، صفحه 21.

اجمال این روایت و سبب نامگذاری آن به «امّ داوود» چنین است:

جناب فاطمه، مادر داوود بن حسن (نوه پسری امام حسن مجتبی علیه السلام) دایه امام صادق علیه السلام بود، که فاطمه، امام صادق علیه السلام را با شیر داوود، شیر داده بود، هنگامی که «محمّد بن عبداللّٰه بن حسن» در مدینه قیام کرد، «منصور دوانیقی» لشکری را برای نبرد با آنان فرستاد که آنها را شکست دادند و محمّد و برادرش ابراهیم را کشتند، و عبداللّٰه بن حسن و جمعی از سادات را دستگیر نموده و به زندان عراق منتقل کردند، در میان آن گروه «داوود» نیز حضور داشت. مادر داوود می گوید: چون مدّتی از حبس فرزندم گذشت و از او خبری به من نرسید، بسیار پریشان شدم و پیوسته تضرّع و دعا می کردم و از صلحا و نیکان و برادران دینی برای نجات فرزندم طلب دعا می نمودم، ولی نتیجه ای نمی گرفتم و گاهی خبر کشته شدن داوود به من می رسید و گاه می گفتند که وی زنده است. روز به روز اندوه و مصیبت من بیشتر می شد و از دیدار او ناامیدتر می شدم. تا آن که شنیدم، امام صادق علیه السلام بیمار شده است. به عیادت آن حضرت رفتم، وقتی خواستم برخیزم، امام فرمود:

از داوود چه خبر داری؟ من وقتی که نام «داوود» را شنیدم، گریستم و گفتم: فدایت شوم، داوود در عراق زندانی است، من که از دیدار او ناامیدم! از شما التماس دعا دارم، او را دعا کنید، او برادر رضاعی شماست!

امام علیه السلام فرمود: چرا از دعای «استفتاح» و دعای «اجابت» و «نجاح»(1) غافلی! این دعا، دعایی است که درهای اجابت الهی را می گشاید و فرشتگان از آن استقبال می کنند و دعا کننده را به اجابت دعایش، بشارت می دهند و کسی که این دعا را بخواند، پاداش او بهشت است.

پرسیدم: این دعا و عمل به آن چگونه است؟

امام علیه السلام فرمود: ماه رجب نزدیک شده است و این ماه، ماهی ارزشمند است و دعاها در آن به اجابت می رسد، در سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب، روزه بگیر! امام علیه السلام در ادامه نحوه اعمال را بیان کرد و فرمود: این دعا، بسیار شریف و پرارزش است که مشتمل بر اسم اعظم خداست و هر کس آن را بخواند، حاجت او برآورده می شود.

امّ داوود می گوید: آن حضرت، دعا را برای من نوشت، من آن را به خانه بردم و انجام دادم تا آن که در شب شانزدهم، پس از افطار و عبادت به خواب رفتم؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم، آن حضرت، علاوه بر بشارت بهشت و آمرزش گناهان، خبر آزادی و بازگشت فرزندم را به من داد؛ چند روزی نگذشت که پسرم آزاد شد و با عزّت و احترام نزدم بازگشت و جریان آزادی خود و اموری را که سبب آن شد، برای من تعریف کرد.(2)

ص: 646

1- [854] (1).« استفتاح» به معنای طلب نصرت و فتح و یاری است و« نجاح» نیز به معنای ظفر و پیروزی است.(بحارالانوار، جلد 81، صفحه 376).

2- [855]زاد المعاد، صفحه 21- 24(با تلخیص و تصرّف) و اقبال، صفحه 658.

کیفیّت عمل امّ داوود:

چگونگی این عمل، مطابق روایت شیخ در «مصباح المتهجّد»(1) به این نحو است که: روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب را روزه می گیری، در روز پانزدهم، نزدیک ظهر غسل می کنی و چون ظهر شد، نماز ظهر و عصر را بجا می آوری، در حالی که رکوع و سجود را نیکو انجام می دهی. خوب است این عمل در مکان خلوتی باشد که چیزی تو را مشغول نسازد و انسانی با تو سخن نگوید؛ وقتی که نمازت به پایان رسید؛ رو به قبله می نشینی و این سوره ها را می خوانی:

1- سوره حمد، صد مرتبه.

2- سوره اخلاص، (قل هو اللَّه احد)، صد مرتبه.

3- آیهالکرسی، ده مرتبه.

4- سوره های انعام، اسراء، کهف، لقمان، یس، صافّات، حم سجده (فصّلت)، حمعسق (شوری)، دخان، فتح، واقعه، مُلک، ن و القلم و سوره انشقاق تا آخر قرآن، پس از پایان سوره های قرآنی، در همان حال که رو به قبله نشسته ای، این دعا را بخوان:

صَدَقَ اللَّهُ الْعَظیمُ، الَّذی لا الهَ الَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ، ذُو الْجَلالِ

راست گفت خداوند با عظمتی که معبودی جز او زنده و پاینده نیست، صاحب شکوه

وَالْإِکْرامِ، الرَّحْمنُ الرَّحیمُ، الْحَلیمُ الْکَریمُ، الَّذی لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ،

و بزرگواری، بخشنده و مهربان، شکیبا و با کرامتی که چیزی همانندش نیست،

وَهُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ، الْبَصیرُ الْخَبیرُ، شَهِدَ اللَّهُ انَّهُ لا الهَ الَّا هُوَ،

و او شنوا و دانا و بینا و آگاه است، خداوند گواه است که معبودی جز او نیست،

وَالْمَلائِکَهُ وَاولَوا الْعِلْمِ، قآئِماً بِالْقِسْطِ لا الهَ الّا هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ،

و فرشتگان و صاحبان دانش نیز گواهی می دهند که معبوی جز او نیست؛ همواره قائم به عدالت است (آری) هیچ معبودی جز آن خداوند توانا و دانا وجود ندارد،

وَبَلَّغَتْ رُسُلُهُ الْکِرامُ، وَانَا عَلی ذلِکَ مِنَ الشّاهِدینَ، اللهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ

و پیامبران گرامیش این (گواهی) را رسانده اند و من نیز از گواهانم، خدایا حمد و سپاس

وَلَکَ الْمَجْدُ، وَلَکَ الْعِزُّ وَلَکَ الْفَخْرُ، وَلَکَ الْقَهْرُ وَلَکَ النِّعْمَهُ، وَلَکَ الْعَظَمَهُ

و بزرگواری از آنِ توست و عزّت و بزرگ منشی از آنِ توست، و چیرگی و نعمت بخشی از آنِ توست، و بزرگی

وَلَکَ الرَّحْمَهُ، وَلَکَ الْمَهابَهُ وَلَکَ السُّلْطانُ، وَلَکَ الْبَهآءُ وَلَکَ الْإِمْتِنانُ،

و رحمت از آنِ توست، و شکوه و سلطنت از آنِ توست، و جلال و لطف از آنِ توست،

1- [856]مصباح المتهجّد، صفحه 807.

وَلَکَ التَّسْبیحُ وَلَکَ التَّقْدیسُ، وَلَکَ التَّهْلیلُ وَلَکَ التَّکْبیرُ، وَلَکَ ما یُری

و ثنا و تقدیس از آنِ توست، و «لا إله الا اللَّه» و «اللَّه اکبر» مخصوص توست، و تویی مالک

وَلَکَ ما لا یُری وَلَکَ ما فَوْقَ السَّمواتِ الْعُلی وَ لَکَ ما تَحْتَ الثَّری

آنچه پیدا و پنهان است، و تویی مالک آنچه در آسمان بالا و در زیر زمین است،

وَلَکَ الْأَرَضُونَ السُّفْلی وَلَکَ الْأخِرَهُ وَالْأُولی وَلَکَ ما تَرْضی بِهِ مِنَ

و از آنِ توست طبقات زیرین زمین و آخرت و دنیا، و از آنِ توست آنچه از

الثَّنآءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّکرِ وَ النَّعْمآءِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی جَبْرَئیلَ امینِکَ عَلی

ستایش و سپاس و شکر و نعمت بخشی که تو را خشنود سازد، خدایا درود فرست بر جبرئیل، امین بر

وَحْیِکَ، وَالْقَوِیِّ عَلی امْرِکَ، وَالْمُطاعِ فی سَمواتِکَ، وَمَحالِّ کَراماتِکَ،

وحیت، و توانمند بر اطاعت فرمانت و اطاعت شده در آسمانها و جایگاه های بزرگی و منزلتت،

الْمُتَحَمِّلِ لِکَلِماتِکَ، النَّاصِرِ لِانْبِیآئِکَ، الْمُدَمِّرِ لِأَعْدآئِکَ، اللهُمَّ صَلِ

آورنده سخنانت، یاور پیامبرانت، و نابودکننده دشمنانت، خدایا درود فرست

عَلی میکائیلَ مَلَکِ رَحْمَتِکَ، وَالْمَخْلُوقِ لِرَأْفَتِکَ، وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعینِ

بر میکائیل، فرشته رحمت و آفریده شده برای (اظهار) مهربانیت و آمرزش خواه و یاور

لِأَهْلِ طاعَتِکَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی اسْرافیلَ حامِلِ عَرْشِکَ، وَصاحِبِ

بندگان مطیعت، خدایا درود فرست بر اسرافیل حامل عرشت و صاحب

الصُّورِ الّمُنْتَظِرِ لِأمْرِکَ، الّوَجِلِ الّمُشْفِقِ مِنْ خیفَتِکَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی

صور و منتظر فرمانت، و هراسان و نگران از ترست، خدایا درود فرست بر

حَمَلَهِ الْعَرْشِ الطَّاهِرینَ، وَعَلَی السَّفَرَهِ الْکِرامِ الْبَرَرَهِ الطَّیِّبینَ، وَعَلی

حاملان پاک عرشت، و بر سفیران گرامی و نیکوکار و پاکیزه، و بر

مَلائِکَتِکَ الْکِرامِ الْکاتِبینَ، وَ عَلی مَلائِکَهِ الْجِنانِ، وَخَزَنَهِ النّیرانِ،

فرشتگان نگارنده گرامی، و بر فرشتگان بهشت و بر نگهبانان دوزخ،

وَمَلَکِ الْمَوْتِ وَالْأَعْوانِ، یا ذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی ابینا

و فرشته مرگ و یارانش، ای صاحب شکوه و بزرگواری، خدایا بر پدر ما

آدَمَ بَدیعِ فِطْرَتِکَ، الَّذی کَرَّمْتَهُ بِسُجُودِ مَلائِکَتِکَ، وَابَحْتَهُ جَنَّتَکَ، اللهُمَ

آدم، مخلوق جالب تو درود فرست، آن که او را به سجده فرشتگانت گرامی داشته و بهشتت را بر او مباح کردی، خدایا

ص: 648

صَلِّ عَلى امِّنا حَوَّآءَ الْمُطَهَّرَهِ مِنَ الرِّجْسِ، الْمُصَفَّاتِ مِنَ الدَّنَسِ،

درود فرست بر مادر ما حوّاء، همان پاکیزه از پلیدی ها، پاک از آلودگی ها،

الْمُفَضَّلَهِ مِنَ الْإِنْسِ، الْمُتَرَدِّدَهِ بَيْنَ مَحالِّ الْقُدْسِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى

برتری یافته بر انسانها، و رفت وآمد کننده در جایگاه های قدسیان، خدایا درود فرست بر

هابيلَ وَ شَيْثٍ وَ ادْريسَ وَ نُوحٍ، وَ هُودٍ وَ صالِحٍ، وَابْراهيمَ وَاسْماعيلَ،

هابیل و شیث و ادریس و نوح، و هود و صالح، و ابراهیم و اسماعیل،

وَاسْحقَ وَيَعْقُوبَ، وَيُوسُفَ وَالْأَسْباطِ، وَلُوطٍ وَشُعَيْبٍ، وَايُّوبَ

و اسحاق و یعقوب و یوسف و أسباط (پیامبران از فرزندان یعقوب) و لوط و شعیب، و ايّوب

وَمُوسى وَهارُونَ وَيُوشَعَ، وَميشا وَالْخِضْرِ، وَذِى الْقَرْنَيْنِ وَيُونُسَ،

و موسی، و هارون و یوشع، و میشا و خضر، و ذی القرنین و یونس،

وَالْياسَ وَالْيَسَعَ، وَ ذِى الْكِفْلِ وَ طالُوتَ، وَ داوُدَ وَ سُلَيْمانَ، وَ زَكَرِيَّا

و الیاس و یسع، و ذوالکفل و طالوت، و داود و سلیمان، و زکریا

وَشَعْيا، وَ يَحْيى وَ تُورَخَ، وَ مَتّى وَ ارْمِيا، وَ حَيْقُوقَ وَ دانِيالَ، وَ عُزَيْرٍ

و شعیا، و یحیی و تورخ، و متّی و إرمیا، و حیقوق و دانیال، عزیر

وَعيسى وَ شَمْعُونَ وَ جِرْجيسَ، وَ الْحَوارِيّينَ وَ الْأَتْباعِ، وَ خالِدٍ

و عیسی، و شمعون و جرجیس، و یاران و پیروانشان، و خالد

وَحَنْظَلَهَ وَ لُقْمانَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْحَمْ مُحَمَّداً

و حنظله و لقمان، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و بر محمّد

وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَ بارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، کَما صَلّیْتَ وَ رَحِمْتَ

و خاندانش رحمت فرست، و بر محمّد و خاندانش برکت ده، همان گونه که بر ابراهیم و خاندانش درود و رحمت

وَبارَکْتَ عَلی ابْراهیمَ وَ آلِ ابْراهیمَ، انَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ، اللهُمَّ صَلِّ عَلَی

و برکت فرستاده ای، زیرا که تو ستوده و شایسته ستایشی، خدایا بر

الْأَوْصِیآءِ، وَ السُّعَدآءِ وَ الشُّهَدآءِ وَ ائِمَّهِ الْهُدی اللهُمَّ صَلِّ عَلَی الْأَبْدالِ

جانشینان و سعادتمندان و شهیدان و امامان هدایتگر درود فرست، خدایا بر مردان برجسته

وَ الْأَوْتادِ، وَ السُّیَّاحِ وَ الْعُبَّادِ، وَ الْمُخْلِصینَ وَ الزُّهَّادِ، وَ اهْلِ الجِدِّ

و بزرگان وارسته و پارسایانی که در خدمت مردمند و عابدان و مخلصان و زاهدان و کوشش کنندگان

ص: 649

وَالْإِجْتِهادِ، وَ اخْصُصْ مُحَمَّداً وَ اهْلَ بَيْتِهِ بِافْضَلِ صَلَواتِکَ، وَ اجْزَلِ

و تلاشگران درود فرست و محمّد و خاندانش را به برترین درودها و بزرگترین

کَراماتِکَ، وَ بَلِّغْ رُوحَهُ وَ جَسَدَهُ مِنّی تَحِیَّةً وَ سَلاماً، وَ زِدْهُ فَضْلًا وَ شَرَفاً

کرامتت مخصوص گردان، و از جانب من درود و سلامی به روح و بدنش برسان و بر فضیلت و شرافت

وَ کَرَماً، حَتّی تُبَلِّغَهُ اعْلی دَرَجاتِ اهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِیّینَ وَالْمُرْسَلینَ،

و بزرگواریش بیافزا، تا این که او را به برترین درجات شرافتمندان از پیامبران و فرستادگان

وَ الْأَفاضِلِ الْمُقَرَّبینَ، اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلی مَنْ سَمَّیْتُ وَ مَنْ لَمْ اسَمِّ مِنْ

و با فضیلت ترین از مقرّبانت برسانی، خدایا بر فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و عبادت کنندگانت که اسمی از آنها

مَلائِکَتِکَ، وَ انْبِیآئِکَ وَ رُسُلِکَ وَ اهْلِ طاعَتِکَ، وَ اوْصِلْ صَلَواتی الَیْهِمْ

برده و یا نبرده ام، درود فرست، و درودهای مرا به آنان

وَالی ارْواحِهِمْ، وَاجْعَلْهُمْ اخْوانی فیکَ وَاعْوانی عَلی دُعآئِکَ، اللهُمَّ انّی

و ارواحشان برسان، و آنان را برادران دینی و یاورانم در دعا (به درگاهت) قرار ده، خدایا

اسْتَشْفِعُ بِکَ الَیْکَ، وَ بِکَرَمِکَ الی کَرَمِکَ، وَ بِجُودِکَ الی جُودِکَ،

شفیع قرار می دهم تو را به درگاهت و بزرگواریت را برای رسیدن به بزرگواریت و بخششت را برای رسیدن به بخششت،

وَبِرَحْمَتِکَ الی رَحْمَتِکَ، وَ بِاهْلِ طاعَتِکَ الَیْکَ، وَ اسئَلُکَ اللَّهُمَّ بِکُلِّ ما

و رحمتت را برای رسیدن به رحمتت و بندگانت را برای رسیدن به درگاهت (شفیع قرار می دهم)، و خدایا از تو می خواهم تمامی آنچه را که

سَئَلَکَ بِهِ احَدٌ مِنْهُمْ، مِنْ مَسْئَلَهٍ شَریفَهٍ غَیْرِ مَرْدُودَهٍ، وَبِما دَعَوْکَ بِهِ مِنْ

هر یک از آنان از تو خواسته اند، درخواست های با ارزش و برآورده شده، و دعاهای پذیرفته شده

دَعْوَهٍ مُجابَهٍ غَیْرِ مُخَیَّبَهٍ، یا اللَّهُ یا رَحْمنُ یا رَحیمُ، یا حَلیمُ یا کَریمُ، یا

و امیدوارکننده، ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای شکیبا، ای بزرگوار، ای

عَظیمُ یا جَلیلُ، یا مُنیلُ یا جَمیلُ، یا کَفیلُ یا وَکیلُ، یا مُقیلُ یا مُجیرُ، یا

با عظمت ای باشکوه، ای احسان کننده، ای زیبا، ای حمایت کننده، ای سرپرست، ای درگذرنده، ای پناه دهنده، ای

خَبیرُ یا مُنیرُ، یا مُبیرُ یا مَنیعُ، یا مُدیلُ یا مُحیلُ، یا کَبیرُ یا قَدیرُ، یا

آگاه، ای تابناک، ای هلاک کننده، ای دست نایافتنی، ای گرداننده، ای انتقال دهنده، ای خداوند بزرگ، ای توانا، ای

بَصیرُ یا شَکُورُ، یا بَرُّ یا طُهْرُ، یا طاهِرُ یا قاهِرُ، یا ظاهِرُ یا باطِنُ، یا

بینا، ای شکرپذیر، ای نیکوکار، ای پاک، ای پاکیزه، ای پیروز، ای آشکار، ای پنهان، ای

ص: 650

ساتِرُ یا مُحیطُ، یا مُقْتَدِرُ یا حَفیظُ، یا مُتَجَبِّرُ یا قَریبُ، یا وَدُودُ یا

پوشاننده، ای آگاه، ای قدرتمند، ای نگهدارنده، ای بزرگمنش، ای نزدیک، ای مهربان، ای

حَمیدُ، یا مَجیدُ یا مُبْدِئُ، یا مُعیدُ یا شَهیدُ، یا مُحْسِنُ یا مُجْمِلُ، یا مُنْعِمُ

پسندیده، ای بزرگوار، ای آغاز کننده، ای بازگرداننده، ای گواه، ای نیکوکار، ای زیبایی بخش، ای نعمت دهنده،

یا مُفْضِلُ، یا قابِضُ یا باسِطُ، یا هادی یا مُرْسِلُ، یا مُرْشِدُ یا مُسَدِّدُ، یا

ای فزونی بخش، ای دریافت کننده، ای گشایش دهنده، ای هدایتگر، ای فرستنده، ای ارشادکننده، ای محکم کننده، ای

مُعْطی یا مانِعُ، یا دافِعُ یا رافِعُ، یا باقی یا واقی یا خَلّاقُ یا وَهَّابُ، یا

عطا کننده، ای منع کننده، ای دفع کننده، ای بالابرنده، ای پاینده، ای نگاه دارنده، ای آفریننده، ای بخشنده، ای

تَوّابُ یا فَتّاحُ، یا نَفّاحُ یا مُرْتاحُ، یا مَنْ بِیَدِهِ کُلُّ مِفْتاحٍ، یا نَفّاعُ یا رَؤُفُ

توبه پذیر، ای کارگشا، ای نعمت ده، ای فرح بخش، ای که کلیدها به دست توست، ای سودرسان، ای پر محبّت،

یا عَطُوفُ، یا کافی یا شافی یا مُعافی یا مُکافی یا وَفِیُّ یا مُهَیْمِنُ، یا

ای مهربان، ای کفایت کننده، ای شفا دهنده، ای درگذرنده، ای جزا دهنده، ای وفاکننده، ای مقتدر، ای

عَزیزُ یا جَبّارُ یا مُتَکَبِّرُ، یا سَلامُ یا مُؤْمِنُ، یا احَدُ یا صَمَدُ، یا نُورُ یا

گرامی، ای قادر، ای مقتدر، ای مایه سلامتی، ای امان دهنده، ای یگانه، ای بی نیاز، ای روشنایی، ای

مُدَبِّرُ، یا فَرْدُ یا وِتْرُ، یا قُدُّوسُ یا ناصِرُ، یا مُونِسُ یا باعِثُ، یا وارِثُ یا

تدبیر کننده، ای یکتا، ای یگانه، ای پاکیزه، ای یاور، ای همدم، ای برانگیزنده (مردگان)، ای وارث، ای

عالِمُ، یا حاکِمُ یا بادی یا مُتَعالی یا مُصَوِّرُ، یا مُسَلِّمُ یا مُتَحَبِّبُ، یا قآئِمُ

دانا، ای حکمران، ای آشکارکننده، ای برتر، ای شکل دهنده، ای سلامتی بخش، ای دوستدارنده، ای استوار،

یا دآئِمُ، یا عَلیمُ یا حَکیمُ، یا جَوادُ یا بارِی ءُ، یا بآرُّ یا سآرُّ، یا عَدْلُ یا

ای جاویدان، ای دانا، ای خردمند، ای بخشنده، ای پدیدآورنده، ای نیکوکار، ای سرورآفرین، ای عادل، ای

فاصِلُ، یا دَیّانُ یا حَنّانُ، یا مَنّانُ یا سَمیعُ، یا بَدیعُ یا خَفیرُ، یا مُغَیِّرُ یا

جداکننده، ای داور، ای با محبّت، ای گشاده دست، ای شنوا، ای پدیدآورنده، ای پناه دهنده، ای تغییر دهنده، ای

ناشِرُ، یا غافِرُ یا قَدیمُ، یا مُسَهِّلُ یا مُیَسِّرُ، یا مُمیتُ یا مُحْیی یا نافِعُ یا

گسترنده، ای آمرزنده، ای دیرینه، ای آسان کننده، ای هموار کننده، ای میراننده، ای زنده کننده، ای سودرسان، ای

رازِقُ، یا مُقْتَدِرُ یا مُسَبِّبُ، یا مُغیثُ یا مُغْنی یا مُقْنی یا خالِقُ یا راصِدُ،

روزی ده، ای مقتدر، ای سبب ساز، ای فریادرس، ای بی نیاز کننده، ای راضی کننده، ای آفریننده،

ص: 651

يا واحِدُ يا حاضِرُ، يا جابِرُ يا حافِظُ، يا شَديدُ يا غِياثُ، يا عآئِدُ يا

ای یکتا، ای حاضر، ای جبران کننده، ای حفظ کننده، ای سخت گیر، ای فریادرس، ای بخشنده، ای

قابِضُ، يا مَنْ عَلافَاسْتَعْلى فَكانَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلى يا مَنْ قَرُبَ فَدَنا،

دریافت کننده، ای که برتری و شایسته عُلوّ و در جایگاه بالایی، ای که نزدیک و نزدیک تری،

وَبَعُدَ فَنَأى وَ عَلِمَ السِّرَّ وَ اخْفى يا مَنْ اَلَيْهِ التَّدْبيرُ وَ لَهُ الْمَقاديرُ، وَ يا

و (از ذهن ها) دور و دورتری، و اسرار و نهان را می دانی، ای که قضا و قدر به دست توست، و ای

مَنِ الْعَسيرُ عَلَيْهِ [سَهْلٌ يَسيرٌ، يا مَنْ هُوَ عَلى ما يَشآءُ قَديرٌ، يا مُرْسِلَ

که دشواری ها بر تو آسان و هموار است، ای که بر هر چه خواهی توانایی، ای فرستنده

الرِّياحِ، يا فالِقَ الْإِصْباحِ، يا باعِثَ الْأَرْواحِ، يا ذَا الْجُودِ وَالسَّماحِ، يا

بادها، ای شکافنده صبح، ای برانگیزنده ارواح، ای صاحب بخشش و گذشت، ای

رآدَّ ما قَدْ فاتَ، يا ناشِرَ الْأَمْواتِ، يا جامِعَ الشَّتاتِ، يا رازِقَ مَنْ

بازگرداننده از دست رفته ها، ای زنده کننده مردگان، ای گردآورنده پراکندگی ها، ای که [بی حساب به هر که خواهی

يَشآءُ [بِغَيْرِ حِسابٍ ، وَ يا فاعِلَ ما يَشآءُ كَيْفَ يَشآءُ، وَ يا ذَاالْجَلالِ

روزی دهی، ای که هرگونه و هر چه خواهی انجام دهی، ای صاحب شکوه

وَالْإِكْرامِ، يا حَىُّ يا قَيُّومُ، يا حَيّاً حينَ لا حَىَّ، يا حَىُّ يا مُحْيِىَ الْمَوْتى

و بزرگواری، ای زنده، ای پاینده، ای زنده در زمانی که زنده ای نبود، ای زنده، ای زنده کننده مردگان،

یا حَیُّ لا الهَ الَّا انْتَ، بَدیعُ السَّمواتِ وَالْارْضِ، یا الهی وَ سَیِّدی صَلِ

ای زنده ای که معبودی جز تو نیست و پدیدآورنده آسمان و زمینی، ای معبود و ای آقا و سرورم،

عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَبارِکْ عَلی

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و بر محمّد و خاندان محمّد رحمت فرست و بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، کَما صَلَّیْتَ وَ بارَکْتَ وَ رَحِمْتَ عَلی ابْراهیمَ وَآلِ

محمّد و خاندان محمّد برکت ده، همان گونه که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستاده و برکت داده و رحمت

ابْراهیمَ، انَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ، وَارْحَمْ ذُلّی وَ فاقَتی وَ فَقْری وَ انْفِرادی

فرستاده ای، زیرا تو ستوده و بزرگواری، و بر افتادگی و نیاز و تهیدستی و تنهایی

وَوَحْدَتی وَخُضُوعی بَیْنَ یَدَیْکَ، وَ اعْتِمادی عَلَیْکَ، وَ تَضَرُّعی الَیْکَ،

و بی کسی و فروتنیم در برابرت و اعتمادی که به تو دارم و گریه و زاریم به درگاهت رحم کن،

ص :652

ادْعُوکَ دُعآءَ الْخاضِعِ الذَّلیلِ، الْخاشِعِ الْخآئِفِ، الْمُشْفِقِ الْبآئِسِ،

تو را می خوانم همانند فروتنِ افتاده، شکسته دلِ ترسان، نگرانِ بینوا،

الْمَهینِ الْحَقیرِ، الْجائِعِ الْفَقیرِ، الْعآئِذِ الْمُسْتَجیرِ، الْمُقِرِّ بِذَنْبِهِ، الْمُسْتَغْفِرِ

ناچیزِ بی مقدار، گرسنه نیازمند، پناهنده پناه جو، اقرار کننده به گناه، و آمرزش خواه

مِنْهُ، الْمُسْتَکینِ لِرَبِّهِ، دُعآءَ مَنْ اسْلَمَتْهُ ثِقَتُهُ [857]، وَرَفَضَتْهُ احِبَّتُهُ،

از آن، نالان به درگاه پروردگارش، (و تو را می خوانم همانند) کسی که یاران مورد اعتمادش او را رها و دوستدارانش او را ترک نموده اند،

وَ عَظُمَتْ فَجیعَتُهُ، دُعآءَ حَرِقٍ حَزینٍ، ضَعیفٍ مَهینٍ، بآئِسٍ مُسْتَکینٍ

و دردش شدت یافته، (و تو را می خوانم همانند) دلسوخته اندوهگین، ناتوانِ ناچیز، بینوای نالانی که

بِکَ مُسْتَجیرٍ، اللهُمَّ وَاسئَلُکَ بِانَّکَ مَلیکٌ، وَ انَّکَ ما تَشآءُ مِنْ امْرٍ یَکُونُ،

به تو پناهنده است، خدایا از تو می خواهم به حق فرمانرواییت و این که هر چه خواهی انجام شود،

وَانَّکَ عَلی ما تَشآءُ قَدیرٌ، وَاسئَلُکَ بِحُرْمَهِ هذَا الشَّهْرِ الْحَرامِ، وَ الْبَیْتِ

و این که بر هر چه خواهی، توانایی و از تو می خواهم به احترام این ماه حرام و خانه

الْحَرامِ، وَ الْبَلَدِ الْحَرامِ، وَ الرُّکْنِ وَ الْمَقامِ، وَ الْمَشاعِرِ الْعِظامِ، وَ بِحَقِ

کعبه و شهر مکّه و رکن و مقام و جایگاه های با عظمت حجّ (عرفات، مشعر و منی) و به حق

نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَ آلِهِ السَّلامُ، یا مَنْ وَهَبَ لِادَمَ شَیْثاً، وَ لِإِبْراهیمَ

پیامبرت محمّد- که بر او و خاندانش درود باد- ای که شیث را به آدم و اسماعیل و اسحاق را به ابراهیم

اسْماعیلَ وَ اسْحاقَ، وَ یا مَنْ رَدَّ یُوسُفَ عَلی یَعْقُوبَ، وَ یا مَنْ کَشَفَ

عطا کردی، و ای که یوسف را به یعقوب بازگرداندی، و ای که

بَعْدَ الْبَلاءِ ضُرَّ ایُّوبَ، یا رآدَّ مُوسی عَلی امِّهِ، وَ زآئِدَ الْخِضْرِ فی عِلْمِهِ،

گرفتاری ایوب را بعد از امتحان برطرف نمودی، ای بازگرداننده موسی به مادرش، و افزاینده دانش خضر،

وَ یا مَنْ وَهَبَ لِداوُدَ سُلَیْمانَ، وَ لِزَکَرِیَّا یَحْیی وَ لِمَرْیَمَ عیسی یا حافِظَ

و ای که سلیمان را به داود و یحیی را به زکریا و عیسی را به مریم عطا کردی، ای نگهدار

بِنْتِ شُعَیْبٍ، وَ یا کافِلَ وَلَدِ امِّ مُوسی اسئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

دختر شعیب، و ای کفالت کننده موسی (در کودکی و بزرگی)، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود

ص: 653

مُحَمَّدٍ، وَانْ تَغْفِرَ لِی ذُنُوبی کُلَّها، وَ تُجیرَنی مِنْ عَذابِکَ، وَ تُوجِبَ لی

فرستی، و تمام گناهانم را بیامرزی، و از عذابت پناهم دهی، و بر من

رِضْوانَکَ، وَ امانَکَ وَ احْسانَکَ، وَ غُفْرانَکَ وَ جِنانَکَ، وَ اسئَلُکَ انْ تَفُکَ

خشنودی و امنیّت و احسان و آمرزش و بهشتت را مقرّر فرمایی، و از تو می خواهم گره هایی که

عَنّی کُلَّ حَلْقَهٍ بَیْنی وَ بَیْنَ مَنْ یُؤْذینی وَ تَفْتَحَ لی کُلَّ بابٍ، وَ تُلَیِّنَ لی

میان من و آزاردهندگان من است بگشایی، و هر دری را به رویم باز کنی، و هر سختی را

کُلَّ صَعْبٍ، وَ تُسَهِّلَ لی کُلَّ عَسَیرٍ، وَ تُخْرِسَ عَنّی کُلَّ ناطِقٍ بِشَرٍّ،

برایم آسان و هر دشواری را بر من سهل گردانی، و زبان بدگویان را از من بازداری،

وَتَکُفَّ عَنّی کُلَّ باغٍ، وَتَکْبِتَ عَنّی کُلَّ عَدُوٍّ لی وَحاسِدٍ، وَتَمْنَعَ مِنّی کُلَ

و هر ظالمی را از من دور کنی، و دشمنان و حسودانم را سرافکنده سازی، و هر ظالمی را از من

ظالِمٍ، وَتَکْفِیَنی کُلَّ عآئِقٍ یَحُولُ بَیْنی وَ بَیْنَ حاجَتی وَ یُحاوِلُ انْ یُفَرِّقَ

بازداری، و بر طرف کنی از من هر مانعی که میان من و خواسته هایم فاصله می شود و می کوشد میان من و بندگیت

بَیْنی وَبَیْنَ طاعَتِکَ، وَیُثَبِّطَنی عَنْ عِبادَتِکَ، یا مَنْ الْجَمَ الْجِنَّ الْمُتَمَرِّدینَ،

جدایی اندازد، و از پرستشت باز دارد، ای که جنّیان سرکش را مهار نموده،

وَ قَهَرَ عُتاهَ الشَّیاطینِ، وَاذَلَّ رِقابَ الْمُتَجَبِّرینَ، وَ رَدَّ کَیْدَ الْمُتَسَلِّطینَ

و بر شیاطین نافرمان چیره گشتی و گردنکشان زورگو را خوار ساخته و نقشه های پلید مستکبران را

عَنِ الْمُسْتَضْعَفینَ، اسئَلُکَ بِقُدْرَتِکَ عَلی ما تَشآءُ، وَتَسْهیلِکَ لِما

از مستضعفان دور کردی، از تو می خواهم به حق قدرتت بر هر چه خواهی و به حق آسان بودن هرچه اراده کنی

تَشآءُ کَیْفَ تَشآءُ، انْ تَجْعَلَ قَضآءَ حاجَتی فیما تَشآءُ.

به هر گونه که باشد، برآورده شدن حاجتم را از هر طریق که می خواهی قرار دهی.

آنگاه بر زمین سجده کن و دو طرف صورت را روی خاک (روی مهر) بگذار و بگو:

اللهُمَّ لَکَ سَجَدْتُ، وَبِکَ امَنْتُ، فَارْحَمْ ذُلّی وَفاقَتی وَاجْتِهادی

خدایا برای تو سجده نموده و به تو ایمان آورده ام، پس بر فروتنی و احتیاج و کوشش

وَتَضَرُّعی وَمَسْکَنَتی وَفَقْری الَیْکَ یا رَبِّ.

و التماس و درماندگی و نیازم به درگاهت، رحم کن، ای پروردگار من.

ص: 654

و کوشش کن که اشکی از چشمانت سرازیر شود، هرچند اندک باشد که این علامت استجابت دعاست.(1)

***

شب بیست و هفتم ماه رجب (شب مبعث): شب مبعث از شب های مهمّ سال و بسیار ارزشمند است. و اعمالی برای این شب نقل شده است:

اوّل: غسل کردن در این شب مستحب است.(2)

دوم: «شیخ طوسی» در «مصباح المتهجّد» روایتی را از امام جواد علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «در ماه رجب، شبی است که از تمام آنچه که خورشید بر آن می تابد بهتر است و آن شب، شب «بیست و هفتم» ماه رجب است؛ که در صبح این شب، رسول خدا صلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث گردید، و از شیعیان ما هر کس در آن شب عملی را انجام دهد، پاداش آن به اندازه عمل شصت سال خواهد بود!».

از آن حضرت سؤال شد: چه عملی در آن شب بهتر است؟

فرمود: پس از نماز «عشا» وقتی که خوابیدی، پیش از نیمه شب، یا پس از نیمه آن از خواب برمی خیزی و دوازده رکعت نماز می خوانی، در هر رکعتی، سوره «حمد» و یک سوره از سوره های کوچک مفصّل 860] را می خوانی؛ آنگاه در هر دو رکعتی که سلام نماز را دادی، می نشینی و هفت مرتبه سوره «حمد» و هفت مرتبه «معوّذتین» (سوره فلق و ناس) و سوره های «توحید» و «کافرون» و سوره «قدر» و «آیهالکرسی» را هر کدام هفت مرتبه می خوانی؛ پس از آن این دعا را می خوانی:

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فی الْمُلْکِ، وَلَمْ یَکُنْ

ستایش مخصوص خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده و نه شریکی در حکومت دارد و ضعف

لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَکَبِّرْهُ تَکْبیراً، اللهُمَّ انّی اسئَلُکَ بِمَعاقِدِ عِزِّکَ عَلَی

و ذلتی ندارد که حامی و سرپرستی برای او باشد و او را بسیار بزرگ بشمار و از تو می خواهم به حق جایگاه عزّتت بر

ارْکانِ عَرْشِکَ، وَمُنْتَهَی الرَّحْمَهِ مِنْ کِتابِکَ، وَبِاسْمِکَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ

پایه های عرشت و به حق نهایت رحمت از کتابت و به حق نام بزرگِ با عظمتِ

الْأَعْظَمِ، وَذِکْرِکَ الْأَعْلَی الْأَعْلَی الْأَعْلی وَبِکَلِماتِکَ التَّامَّاتِ، انْ

بسیار با شکوهت و به حق نام برترِ والایِ بلندمرتبه ات و به حق کلمات کاملت که

1- [858]از روایتی که در زادالمعاد مرحوم مجلسی آمده، استفاده می شود که خواندن این دعا پس از روزه ایّام البیض هر ماه، یا در سایر ایّام متبرّکه بدون روزه نیز، در استجابت دعا مؤثّر است(زادالمعاد، صفحه 33).
2- [859]مصباح المتهجّد، صفحه 814.

تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَانْ تَفْعَلَ بی ما انْتَ اهْلُهُ.

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و در حقّ من آنچه را که تو شایسته آنی انجام دهی.

آنگاه هر حاجتی که داری از خداوند طلب کن.(1) سوم: دوازده رکعت نماز است که نحوه آن در اعمال شب نیمه رجب، (صفحه 644) بیان شد.

چهارم: زیارت حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام در این شب، از افضل اعمال است. برای آن حضرت، در این شب سه زیارت نقل شده است که در بخش زیارات (زیارت امیرالمؤمنین در مبعث، صفحه 309) گذشت.

کرامات قبر امیر مؤمنان علیه السلام در شب مبعث، به روایت ابن بطوطه 862]:

«ابن بطوطه» در سفرنامه خود، درباره کراماتی که در شب بیست و هفتم رجب، از حرم امیر مؤمنان علیه السلام دیده شده چنین نقل می کند:

همه مردم این شهر (نجف) شیعه اند و از این حرم، کرامت ها ظاهر می شود که منشأ عقیده مردم، به وجود قبر علی علیه السلام در آن جا، همین کرامت هاست. از جمله آن که، در شب بیست و هفتم ماه رجب که آن را «لیله المحیا» می نامند، گروه بسیاری از سراسر عراق و فارس و روم بعد از نماز «عشا» در کنار روضه علی علیه السلام گرد می آیند و بیماران سخت، مثل افراد فلج و زمین گیر را کنار ضریح می گذارند و خود به نماز و ذکر و قرآن و زیارت، مشغول می شوند و چون پاسی از شب بگذرد، مریض ها شفا می یابند و صحیح و سالم می شوند و با ذکر

لا إلهَ الَّا اللَّه، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّه وَ عَلِیٌّ وَلِیُّ اللَّه،

برمی خیزند، این حکایت در میان آنها بسیار معروف است. هرچند من خود، آن شب را درک نکردم، ولی داستان آن را از افراد مورد اعتماد شنیدم، همچنین در مدرسه حرم، سه تن از افراد زمین گیر را دیدم که یکی از «روم» آمده بود و دیگری از «اصفهان» و سوّمی از «خراسان» از حالشان جویا شدم، گفتند امسال به «لیله المحیا» نرسیده اند و منتظرند تا سال آینده، این شب را درک کنند و شفا یابند، در این شب مردم از شهرهای مختلف در نجف جمع می شوند و بازار بزرگی نیز در آن شهر برپاست که

تا ده روز ادامه دارد.(2) البتّه هم اکنون نیز در مناسبت های گوناگون در حرم های ائمّه اطهار علیهم السلام از جمله حرم امیر مؤمنان علیه السلام

1- [861]مصباح المتهجّد، صفحه 813 و اقبال، صفحه 670 و زاد المعاد، صفحه 35.
2- [863]سفرنامه ابن بطوطه، جلد 1، صفحه 185 و انوار البهیّه، صفحه 80(با اندکی تصرّف).

و حرم امام رضا علیه السلام بیمارانی شفا می یابند که به یقین شما خوانندگان گرامی نیز از برخی از این کرامت ها و معجزات آگاهی دارید؛ و اخیراً در دفتر مخصوصی در آستانه های مقدّسه، نام آنها پس از تحقیق کافی با تمام مشخّصات ثبت می شود.

پنجم: مرحوم «کفعمی»، برای شب مبعث این دعا را نقل کرده است:

اللهُمَّ انّی اسئَلُکَ بِالتَّجَلِی الْأَعْظَمِ فی هذِهِ اللَّیْلَهِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُعَظَّمِ،

خدایا از تو می خواهم به حق بزرگترین جلوه این شب از این ماه با عظمت،

وَالْمُرْسَلِ الْمُکَرَّمِ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَانْ تَغْفِرَ لَنا ما انْتَ بِهِ مِنَّا

و به حقّ فرستاده شده گرامیت، که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و آنچه که تو از ما به آن آگاه تری

اعْلَمُ، یا مَنْ یَعْلَمُ وَلا نَعْلَمُ، اللَّهُمَّ بارِکْ لَنا فی لَیْلَتِنا هذِهِ، الَّتی بِشَرَفِ

بیامرزی، ای که (همه چیز را) می دانی و ما نمی دانیم، خدایا بر ما مبارک گردان این شب را که با شرافتِ

الرِّسالَهِ فَضَّلْتَها، وَبِکَرامَتِکَ اجْلَلْتَها، وَبِالْمَحَلِّ الشَّریفِ احْلَلْتَها،

رسالت فضیلت داده و با گرامی داشتنت عظمت بخشیده و در جایگاه با شرافتی قرار دادی،

اللهُمَّ فَانَّا نَسْئَلُکَ بِالْمَبْعَثِ الشَّریفِ، وَالسَّیِّدِ اللَّطیفِ، وَالْعُنْصُرِالْعَفیفِ،

خدایا از تو می خواهیم به حقّ مبعث گرامی، و آقا و سرور مهربان، و عصاره پاکی و عفّت،

انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَانْ تَجْعَلَ اعْمالَنا فی هذِهِ اللَّیْلَهِ وَفی سایِرِ

که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و قرار دهی در این شب و شب های

اللّیالی مَقْبُولَهً، وَ ذُنُوبَنا مَغْفُورَهً، وَ حَسَناتِنا مَشْکُورَهً، وَ سَیِّئاتِنا

دیگر اعمال ما را پذیرفته، و گناهان ما را آمرزیده و نیکی های ما را قدردانی شده، و بدی های ما را

مَسْتُورَهً، وَ قُلُوبَنا بِحُسْنِ الْقَوْلِ مَسْرُورَهً، وَ ارْزاقَنا مِنْ لَدُنْکَ بِالْیُسْرِ

پوشیده، و دل های ما را با گفتار نیک شادمان، و روزی های ما را از جانب خود به آسانی

مَدْرُورَهً، اللهُمَّ انَّکَ تَری وَ لا تُری وَ انْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلی وَ انَّ الَیْکَ

فراوان (قرار دهی)، خدایا تویی که می بینی ولی دیده نمی شوی، و در بلندترین جایگاهی

الرُّجْعی وَ الْمُنْتَهی وَ انَّ لَکَ الْمَماتَ وَالْمَحْیا، وَ انَّ لَکَ الْأخِرَهَ

و بازگشت و سرانجام به سوی توست، و مرگ و زندگی به دست توست و انتها و ابتدا از آنِ

وَالْأُولی اللهُمَّ انَّا نَعُوذُ بِکَ انْ نَذِلَّ وَ نَخْزی وَ انْ نَأتِیَ ما عَنْهُ تَنْهی

توست، خدایا به تو پناه می بریم از خواری و رسوایی و بجا آوردن آنچه از آن نهی نموده ای،

ص: 657

اللَّهُمَّ انَّا نَسْئَلُکَ الْجَنَّهَ بِرَحْمَتِکَ، وَ نَسْتَعیذُ بِکَ مِنَ النَّارِ، فَاعِذْنا مِنْها

خدایا به واسطه رحمتت از تو بهشت را می طلبیم و از آتش دوزخ به تو پناه می بریم، پس به قدرتت ما را از آن

بِقُدْرَتِکَ، وَ نَسْئَلُکَ مِنَ الْحُورِ الْعینِ، فَارْزُقْنا بِعِزَّتِکَ، وَاجْعَلْ اوْسَعَ

پناه ده و از تو حورالعین می طلبیم، پس به عزّتت روزیمان گردد، و وسیع ترین روزیمان

ارْزاقِنا عِنْدَ کِبَرِ سِنِّنا، وَ احْسَنَ اعْمالِنا عِنْدَ اقْتِرابِ اجالِنا، وَ اطِلْ فی

را در زمان پیریمان قرار ده، و بهترین کارهای ما را در نزدیکی اجلمان مقرّر فرما، و (عمر ما را) طولانی گردان در

طاعَتِکَ وَ ما یُقَرِّبُ الَیْکَ، وَ یُحْظی عِنْدَکَ، وَ یُزْلِفُ لَدَیْکَ اعْمارَنا،

بندگیت و آنچه به تو نزدیک می گرداند و نزد تو بهره مند می سازد و عمرهای ما را در تقرّب به درگاهت طولانی گردان،

وَاحْسِنْ فی جَمیعِ احْوالِنا وَ امُورِنا مَعْرِفَتَنا، وَ لا تَکِلْنا الی احَدٍ مِنْ

و معرفت ما را در تمامی احوال و کارهایمان نیکو گردان، و ما را به هیچ یک از مخلوقاتت وامگذار

خَلْقِکَ فَیَمُنَّ عَلَیْنا، وَ تَفَضَّلْ عَلَیْنا بجَمیعِ حَوائِجِنا لِلدُّنْیا وَ الْاخِرَهِ،

تا بر ما منّت گذارند، و با برآوردن حاجت های دنیوی و اخرویمان به ما لطف و عنایت کن،

وَابْدَاْ باباَئِنا وَ ابْناَئِنا، وَ جَمیعِ اخْوانِنَا الْمُؤْمِنینَ فی جَمیعِ ما سَئَلْناکَ

و در تمامی آنچه برای خود خواستیم پدران و فرزندان و تمامی برادران با ایمانمان را بر ما

لِأَنْفُسِنا، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، اللهُمَّ انَّا نَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظیمِ، وَ مُلْکِکَ

مقّدم دار، ای مهربان ترین مهربانان، خدایا از تو می خواهیم به حقّ نام با عظمتت و فرمانروایی

الْقَدیمِ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظیمَ،

دیرینه ات که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و گناهان بزرگ ما را بیامرزی،

انَّهُ لا یَغْفِرُ الْعَظیمَ الَّا الْعَظیمُ، اللهُمَّ وَ هذا رَجَبُ الْمُکَرَّمُ الَّذی اکْرَمْتَنا

چرا که گناهان بزرگ را جز (خالق) با عظمت نیامرزد، خدایا این همان ماه رجب گرامی است که ما را به آن گرامی داشتی،

بِهِ، اوَّلُ اشْهُرِ الْحُرُمِ، اکْرَمْتَنا بِهِ مِنْ بَیْنِ الْأُمَمِ، فَلَکَ الْحَمْدُ یا ذَا الْجُودِ

اوّلین ماه (از ماه های) حرامی که از بین امّت ها ما را به آن گرامی داشتی، پس حمد و سپاس از آنِ توست ای صاحب بخشش

وَالْکَرَمِ، وَ أَسْئَلُکَ بِهِ وَبِاسْمِکَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، الْأَجَلِّ الْأَکْرَمِ،

و بزرگواری و از تو می خواهم به حق این ماه و اسمِ بزرگِ با عظمتِ بسیار باشکوهِ عالی و گرامیت

الَّذی خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فی ظِلِّکَ، فَلا یَخْرُجُ مِنْکَ الی غَیْرِکَ، انْ تُصَلِّیَ

که آن را آفریدی و در سایه (عرشت) قرار گرفت و جز تو کسی شایسته آن نام نیست، که بر

عَلی مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرينَ، وَانْ تَجْعَلَنا مِنَ الْعامِلينَ فيهِ

محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و ما را در این ماه از فرمانبرداران

بِطاعَتِکَ، وَ الْآمِلينَ فيهِ لِشَفاعَتِکَ، اللهُمَّ اهْدِنا الی سَوآءِ السَّبيلِ،

و آرزومندان شفاعتت قرار دهی، خدایا ما را به راه راست هدایت فرما،

وَاجْعَلْ مَقيلَنا عِنْدَکَ خَيْرَ مَقيلٍ، فی ظِلٍّ ظَليلٍ، وَ مُلْکٍ جَزيلٍ، فَانَّکَ

و منزلگاه ما را بهترین منزلگاه قرار ده درسایه گسترده و فرمانروایی وسیعت، چرا که تو

حَسْبُنا وَنِعْمَ الْوَکيلُ، اللهُمَّ اقْلِبْنا مُفْلِحينَ مُنْجِحينَ، غَيْرَ مَغْضُوبٍ

ما را کافی و بهترین وکیلی، خدایا ما را قرار ده از رستگاران نجات یافته ای که مورد غضب تو

عَلَيْنا وَلا ضآلّينَ، بِرَحْمَتِکَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، اللهُمَّ انّی اسئَلُکَ

و از گمراهان نیستند، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان، خدایا از تو می خواهم

بِعَزآئِمِ مَغْفِرَتِکَ، وَ بِواجِبِ رَحْمَتِکَ، السَّلامَةَ مِنْ کُلِّ اثْمٍ، وَالْغَنيمَةَ مِنْ

به حق وسایل آمزرشت و به لازمه رحمتت، سلامت از هر گناه و بهره مندی از

کُلِّ بِرٍّ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّهِ، وَالنَّجاةَ مِنَ النَّارِ، اللهُمَّ دَعاکَ الدَّاعُونَ

هر کار نیک، و رسیدن به بهشت و رهایی از آتش دوزخ را نصیبم گردانی، خدایا دعاکنندگان تو را می خوانند

وَدَعَوْتُکَ، وَ سَئَلَکَ السَّآئِلُونَ وَ سَئَلْتُکَ، وَ طَلَبَ الَيْکَ الطَّالِبُونَ وَ طَلَبْتُ

و من نیز تو را خواندم و درخواست کنندگان از تو خواهند و من نیز از تو خواستم و جویندگان تو را جویند و من نیز تو را جستجو

اَلَیْکَ، اللّٰهُمَّ انْتَ الثِّقَهُ وَالرَّجآءُ، وَ اَلَیْکَ مُنْتَهَی الرَّغْبَهِ وَ الدَّعآءِ، اللّٰهُمَ

کردم، خدایا تویی مورد اطمینان و امید و تویی نهایت اشتیاق و دعا، خدایا

فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْیَقینَ فی قَلْبی وَالنُّورَ فی بَصَری

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و یقین را در دلم و روشنایی را در دیده ام

وَالنَّصیحَهَ فی صَدْری وَذِکْرَکَ بِاللَّیْلِ وَالنَّهارِ عَلی لِسانی وَرِزْقاًواسِعاً

و خیرخواهی را در سینه ام و یادت را در شب و روز بر زبانم قرار ده و روزی وسیعِ

غَیْرَ مَمْنُونٍ، وَ لا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنی وَ بارِکْ لی فیما رَزَقْتَنی وَاجْعَلْ

بی منّت و بدون مانع را عطایم کن، و در آنچه نصیبم گرداندی برکت ده و بی نیازی (از مخلوقاتت) را

غِناىَ فی نَفْسی وَ رَغْبَتی فیما عِنْدَکَ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.

در وجودم و اشتیاقم را به آنچه نزد توست قرار ده، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

ص :659

سپس به سجده برو و صد مرتبه بگو:

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی هَدانا لِمَعْرِفَتِهِ، وَخَصَّنا بِوِلایَتِهِ، وَوَفَّقَنا لِطاعَتِهِ،

حمد و سپاس از آنِ خداوندی است که ما را به شناختش هدایت فرمود و به دوستیش مخصوصمان ساخت و به بندگیش توفیقمان داد،

شُکْراً شُکْراً.

سپاسگزارم، سپاسگزارم.

آنگاه سر از سجده بردار و بگو:

اللهُمَّ انّی قَصَدْتُکَ بِحاجَتی وَاعْتَمَدْتُ عَلَیْکَ بِمَسْئَلَتی وَتَوَجَّهْتُ

خدایا با درخواست هایم تو را قصد نموده و در نیازم به تو امید بسته ام، و به واسطه

الَیْکَ بِائِمَّتی وَسادَتی اللَّهُمَ انْفَعْنا بِحُبِّهِمْ، وَاوْرِدْنا مَوْرِدَهُمْ، وَارْزُقْنا

امامان و سرورانم به تو رو نموده ام، خدایا به واسطه محبّت ایشان ما را بهره مند ساز و در راه آنان داخل کن، و هم نشینی آنان را

مُرافَقَتَهُمْ، وَادْخِلْنَا الْجَنَّهَ فی زُمْرَتِهِمْ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

روزیمان گردان، و در گروه آنان به بهشت داخل کن، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

***

روز بیست و هفتم ماه بیست و هفتم رجب، روز مبعث است که روز بسیار شریف و با ارزشی است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی به رسالت مبعوث شد که مردم در جهالت و گمراهی به سر می بردند؛ آثار توحید از میان رفته و فروغ انسانیّت خاموش گشته بود؛ عقاید مردم دستخوش خرافات و تحریفات گشته و اهداف والای انبیای پیشین، به فراموشی سپرده شده بود و بت

پرستی، جنایت، زنده به گور کردن دختران، ظلم و بیدادگری، غارت و خونریزی، پایمال کردن حقوق ضعیفان و فحشا و منکرات، بر سراسر جزیره العرب حکومت می کرد.

مردم سایر کشورها نیز، هر کدام به نوعی گرفتار چندگانه پرستی بودند و محبّت و عدالت از میانشان رخت بربسته و فضایل و ارزش های انسانی به افول گراییده بود.

خداوند متعال، در چنین عصری، حضرت محمّد صلی الله علیه و آله را برای هدایت بشر، به رسالت برگزید تا مردم را از بت پرستی و شرک، به توحید و خدا پرستی دعوت کند و آنان را از تاریکی گناه، و ظلمت های جهل، رهانیده و به سرچشمه ایمان و دانش، و پاکی و تقوا رهنمون گردد.

ص: 660

1- [864]بلدالامین، صفحه 183.

«مبعث» تحوّلی شگرف در زندگی جامعه بشری و رستاخیزی عظیم در روح انسانها به وجود آورد و جا دارد که روز بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله را روز «توحید» و «احیای ارزشهای انسانی» بنامیم.

گرامی داشتِ این روز و تجلیل از رسول گرامی اسلام و تشکیل مجالس و محافلِ جشن و سرور، در حقیقت تجلیل از اهداف بلند آن معلّم بشریّت و اعلام وفاداری به توحید، نبوّت و همه ارزشهای والایی است که از سوی نبیّ مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله به جامعه بشری عرضه شده است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام روز مبعث به عنوان شریفترین اعیاد یاد شده است.(1) در هر حال بزرگان برای این روز، اعمالی ذکر کرده اند:

اوّل: غسل کردن در این روز مستحب است.(2) دوم: روزه؛ این روز در میان روزهای سال یکی از چهار روزی است که روزه گرفتن آن فضیلت بسیار دارد و پاداش فراوانی برای آن نقل شده است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: «هر کس در روز بیست و هفتم رجب روزه بگیرد، خداوند برای او پاداش روزه هفتاد سال را می نویسد».(3) سوم: زیاد صلوات فرستادن.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «در این روز روزه می گیری و بر محمّد و آلش زیاد صلوات می فرستی».(4) چهارم: زیارت رسول خدا و امیر مؤمنان علیهما السلام است.(5) پنجم: دوازده رکعت نماز است.

از «ریّان بن صلت» نقل شده است که هنگامی که امام محمّد تقی علیه السلام در بغداد بود، روز نیمه رجب و روز بیست و هفتم رجب را روزه می گرفت و همه ملازمان و یاران آن حضرت نیز روزه گرفتند؛ آنگاه به ما فرمودند، دوازده رکعت نماز بجا آوریم (هر دو رکعت به یک سلام) که در هر رکعت، «حمد» و «سوره ای» بخوانیم و هنگامی که نمازها به پایان رسید، هر یک از سوره های حمد، توحید و معوّذتین (فلق و ناس) را چهار مرتبه بخوانیم؛ آنگاه چهار مرتبه گفته شود:

لا الهَ الَّا اللَّهُ واللَّهُ اكْبَرُ، وَسُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ؛

و چهار مرتبه:

اللَّهُ اللَّهُ رَبِّی لا اشْرِکُ بِهِ شَیْئاً

و چهار مرتبه:

لا اشْرِکُ بِرَبّی احَداً.(6)

1- [865]اقبال، صفحه 673.
2- [866]مصباح المتهجّد، صفحه 814.
3- [867]اقبال، صفحه 673.(به همین مضمون چند روایت دیگر را نیز نقل کرده اند).
4- [868]همان مدرک، صفحه 674 و زاد المعاد، صفحه 40.
5- [869]زاد المعاد، صفحه 40.
6- [870]مصباح المتهجّد، صفحه 814، و زاد المعاد، صفحه 40.

ششم: دوازده رکعت نماز دیگر:

«شیخ طوسی»، از حسین بن روح رحمه الله روایت کرده است که: در این روز دوازده رکعت نماز بجا می آوری و در هر رکعت حمد و هر سوره ای که خواستی می خوانی و پس از هر دو رکعت و سلام نماز، می خوانی:

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فی الْمُلْکِ، وَ لَمْ

حمد و سپاس از آنِ خداوندی است که فرزندی برنگزید و شریکی در فرمانروایی ندارد و ضعف و ذلّتی ندارد

یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَکَبِّرْهُ تَکْبیراً، یا عُدَّتی فی مُدَّتی یا صاحِبی فی

که حامی و سرپرستی برای او باشد (و به خدا می گویم) او را بسیار بزرگ بشمار، ای ذخیره ام در تمام عمر، ای همدم من در

شِدَّتی یا وَلیّی فی نِعْمَتی یا غِیاثی فی رَغْبَتی یا نَجاحی فی حاجَتی

سختی، ای صاحبِ نعمت من، ای فریادرس آرزوی من، ای برآورنده خواسته ام،

یاحافِظی فی غَیْبَتی یاکافِیَّ (کافِیَ) فی وَحْدَتی یاانْسی فی وَحْشَتی

و ای نگهدارنده من در سفر، ای پشتیبان من در تنهاییم، ای همدم من به هنگام ترسم،

انْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتی فَلَکَ الْحَمْدُ، وَ انْتَ الْمُقیلُ عَثْرَتی فَلَکَ الْحَمْدُ،

تویی پوشاننده زشتی هایم، پس حمد و سپاس از آنِ توست و تویی چشم پوشی کننده از لغزشم، پس حمد و سپاس از آنِ توست،

وَانْتَ الْمُنْعِشُ صَرْعَتی فَلَکَ الْحَمْدُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْتُرْ

و تویی نیروبخش ناتوانیم، پس حمد و سپاس از آنِ توست، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و زشتیهایم را

عَوْرَتی وَ آمِنْ رَوْعَتی وَ اقِلْنی عَثْرَتی وَ اصْفَحْ عَنْ جُرْمی وَتَجاوَزْ

بپوشان، و ترسم را ایمن گردان، و از لغزشم درگذر و از گناهم چشم پوشی کن و بدیهایم را

عَنْ سَیِّئاتی فی اصْحابِ الْجَنَّهِ، وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذی کانُوا یُوعَدُونَ.

ببخش و در میان بهشتیان جایم ده، به خاطر وعده راستی که به بهشتیان داده شده است.

وقتی که نماز و دعا، پایان یافت، هر یک از سوره های حمد، اخلاص، معوّذتین، کافرون، انّاانزلناه و آیهالکرسی را هفت مرتبه می خوانی. سپس هفت بار می گویی:

لا الهَ الَّا اللَّهُ واللَّهُ اکْبَرُ، وَسُبْحانَ اللَّهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ الَّا بِاللَّهِ

و آنگاه هفت مرتبه می گویی:

اللَّهُ اللَّهُ رَبِّی لا اشْرِکُ بِهِ شَیْئاً

؛ پس از آن، هرچه از خدا می خواهی طلب نما.(1)

ص: 662

1- [871]مصباح المتهجّد، صفحه 816 و اقبال، صفحه 676.(در زادالمعاد، صفحه 40، می گوید: این نماز، به سند معتبر از حضرت صاحب الأمر علیه السلام نقل شده است).

هفتم: دعایی است که وقتی امام موسی بن جعفر علیهما السلام را در روز 27 رجب سال 179 هجری از مدینه به سوی بغداد حرکت دادند، آن را خواند:

یا مَنْ امَرَ بِالْعَفْوِ وَالتَّجاوُزِ، وَضَمَّنَ نَفْسَهُ الْعَفْوَ وَالتَّجاوُزَ، یا مَنْ عَفی

ای که به بخشش و گذشت فرمان داده ای و خودت را به بخشش و گذشت ملزم ساخته ای، ای که ببخشی

وَتَجاوَزَ، اعْفُ عَنّی وَتَجاوَزْ یا کَریمُ، اللهُمَّ وَقَدْ اکْدَی الطَّلَبُ، وَاعْیَتِ

و درگذری، (گناهان) مرا ببخش و از من درگذر ای بخشنده، خدایا جستجو به جایی نرسیده، و درها

الْحیلَهُ وَالْمَذْهَبُ، وَدَرَسَتِ الْأمالُ، وَانْقَطَعَ الرَّجآءُ الَّا مِنْکَ، وَحْدَکَ لا

و راه ها بسته شد، و آرزوها طولانی و امید قطع شد جز از تو، یگانه ای که

شَریکَ لَکَ، اللهُمَّ انّی اجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ الَیْکَ مُشْرَعَهً، وَمناهِلَ

شریکی نداری، خدایا یافتم راه های درخواست را به سوی تو کشیده شده و سرچشمه های

الرَّجآءِ لَدَیْکَ مُتْرَعَهً، وابْوابَ الدُّعآءِ لِمَنْ دَعاکَ مُفتَّحَهً، وَالْإِسْتِعانَهَ

امید را نزد تو لبریز شده، و درهای دعا برای درخواست کنندگانت گشوده شده، و درخواست یاری

لِمَنِ اسْتَعانَ بِکَ مُباحَهً، وَاعْلَمُ انَّکَ لِداعیکَ بِمَوْضِعِ اجابَهٍ، وَلِلصَّارِخِ

یاری طلبان از تو آزاد شده، و می دانم که تو برای درخواست کنندگانت در جایگاه اجابتی، و برای کمک خواهان

الَیْکَ بِمَرْصَدِ اغاثَهٍ، وَانَّ فِی اللَّهْفِ الی جُودِکَ، وَالضَّمانِ بِعِدَتِکَ عِوَضاً

از درگاهت در جایگاه فریادرسی هستی، و به یقین امید به بخششت و اطمینان به وعده هایت جایگزین

مِنْ مَنْعِ الْباخِلینَ، وَمَنْدُوحَهً عَمَّا فی ایْدِی الْمُسْتَأْثِرینَ، وَانَّکَ لا

مضایقه بخیلان و بی نیازیست از آنچه در دست توانگران است و می دانم که به یقین تو

تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِکَ الَّا انْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمالُ دُونَکَ، وَقَدْ عَلِمْتُ انَ

از آفریدگانت پوشیده نیستی مگر این که اعمال (ناشایست) آنها حجاب شود و دانستم که

افْضَلَ زادِ الرَّاحِلِ الَیْکَ عَزْمُ ارادَهٍ یَخْتارُکَ بِها، وَقَدْ ناجاکَ بِعَزْمِ الْإِرادَهِ

بهترین زاد و توشه رهسپار به سوی تو، اراده جدّی است که تو را با آن اختیار کند، و به یقین دلم با چنین اراده ای با تو

قَلْبی وَاسْئَلُکَ بِکُلِّ دَعْوَهٍ دَعاکَ بِها راجٍ بَلَّغْتَهُ امَلَهُ، اوْصارِخٌ الَیْکَ

نجوا می کند، و از تو می خواهم به حقّ هر دعایی که تو را به آن خوانده اند امیدوارانی که به آرزویشان رسانده ای، یا شیون کنندگانی که

اغَثْتَ صَرْخَتَهُ، اوْ مَلْهُوفٌ مَکْرُوبٌ فَرَّجْتَ کَرْبَهُ، اوْ مُذْنِبٌ خاطِئٌ

به فریادشان رسیده ای، یا دلسوختگان گرفتاری که گرفتاریشان را برطرف ساخته ای، یا گناهکاران خطاکاری که

غَفَرْتَ لَهُ، اوْ مُعافیً اتْمَمْتَ نِعْمَتَکَ عَلَیْهِ، اوْ فَقیرٌ اهْدَیْتَ غِناکَ الَیْهِ،

آنها را آمرزیده ای، یا تندرستانی که نعمتت را بر آنها تمام کرده ای، یا نیازمندانی که بی نیازیت را به آنها هدیه نموده ای

وَلِتِلْکَ الدَّعْوَهِ عَلَیْکَ حَقٌّ، وَعِنْدَکَ مَنْزِلَهٌ، الَّا صَلَّیْتَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ

و برای این دعاها بر تو حقّ و نزد تو جایگاهی است، که بر محمّد و خاندان پاکش درود

مُحَمَّدٍ، وَقَضَیْتَ حَوائِجی حَوائِجَ الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ، وَ هذا رَجَبٌ

فرستی و حوائج دنیا و آخرتم را برآوری، و این ماه رجبِ

الْمُرَجَّبُ الْمُکَرَّمُ، الَّذی اکْرَمْتَنا بِهِ، اوَّلُ اشْهُرِ الْحُرُمِ، اکْرَمْتَنا بِهِ مِنْ بَیْنِ

بزرگِ گرامیست، که ما را به آن گرامی داشتی، اوّلین از ماه های حرام، که از میان امّت ها ما را به آن گرامی

الْأُمَمِ، یا ذَاالْجُودِ وَالْکَرَمِ، فَنَسْئَلُکَ بِهِ وَبِاسْمِکَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ

داشتی، ای صاحب بخشش و بزرگواری، پس از تو می خواهیم به حق آن و به حق اسمِ بزرگِ بسیار بزرگ

الْأَعْظَمِ، الْأَجَلِّ الْأَکْرَمِ، الَّذی خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فی ظِلِّکَ، فَلا یَخْرُجُ مِنْکَ

با عظمت و با شکوهِ گرامیت که آن را آفریده و در سایه عرشت قرار دادی، پس فقط شایسته

الی غَیْرِکَ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَیْتِهِ الطَّاهِرینَ، وَتَجْعَلَنا مِنَ

توست، (از تو می خواهیم) که بر محمّد و خاندانِ پاکش درود فرستی و ما را در این ماه از

الْعامِلینَ فیهِ بِطاعَتِکَ، وَالْآمِلینَ فیهِ بِشَفاعَتِکَ، اللهُمَّ وَاهْدِنا الی سَوآءِ

عمل کنندگان به فرامینت و آرزومندان شفاعتت قرار دهی، خدایا ما را به راه راست هدایت

السَّبیلِ، وَاجْعَلْ مَقیلَنا عِنْدَکَ خَیْرَ مَقیلٍ فی ظِلٍّ ظَلیلٍ، فَانَّکَ حَسْبُنا

فرما، و جایگاه ما را در نزدت بهترین جایگاه در سایه گسترده ات قرار ده، چرا که تو ما را کافی

وَنِعْمَ الوَکیلُ، وَالسَّلامُ عَلی عِبادِهِ الْمُصْطَفَیْنَ، وَ صَلاتُهُ عَلَیْهِمْ اجْمَعینَ،

و بهترین سرپرستی و سلام بر بندگانِ برگزیده و درود بر تمامی آنان باد

اللهُمَّ وَ بارِکْ لَنا فی یَوْمِنا هذَا الَّذی فَضَّلْتَهُ، وَ بِکَرامَتِکَ جَلَّلْتَهُ،

خدایا این روز را بر ما مبارک گردان، روزی که آن را فضیلت داده و به بزرگواریت عظمت بخشیده

وَ بِالْمَنْزِلِ الْعَظیمِ الْأَعْلی انْزَلْتَهُ، صَلِّ عَلی مَنْ فیهِ الی عِبادِکَ ارْسَلْتَهُ،

و در جایگاه با عظمت والا قرارش دادی، درود فرست بر کسی که در این ماه بر بندگانت فرستادی

وَبِالْمَحَلِّ الْکَریمِ احْلَلْتَهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ صَلاةً دآئِمَةً تَکُونُ لَکَ شُکْراً،

و در جایگاه بزرگواری قرار دادی، خدایا پیوسته بر او درود فرست تا مایه سپاسگزاری از تو

ص: 664

وَ لَنا ذُخراً، وَاجْعَلْ لَنا مِنْ امْرِنا یُسْراً، وَ اخْتِمْ لَنا بِالسَّعادَهِ الی مُنْتَهی

و ذخیره ای برای ما باشد، و کار ما را آسان قرار ده و عمر ما را به سعادت و نیکبختی ختم

آجالِنا، وَ قَدْ قَبِلْتَ الْیَسیرَ مِنْ اعْمالِنا، وَ بَلِّغْنا بِرَحْمَتِکَ افْضَلَ آمالِنا،

فرما، چرا که تو اعمال ناچیز ما را پذیرفته ای و به رحمتت ما را به برترین آرزوهایمان برسان،

انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ.(1)

زیرا تو بر هر چیز توانایی و بر محمّد و خاندان پاکش درود و سلام فرست.

***

روز آخر ماه در این روز، نماز جناب سلمان را بجا می آوری (که چگونگی آن، در اعمال روز اوّل ماه رجب، صفحه 641 گذشت).

همچنین روزه نیز در این روز پاداش فراوان دارد، امام رضا علیه السلام فرمود: «هر کس روز آخر ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند گناهانش را می آمرزد».(2)

1- [872]اقبال، صفحه 677 و مصباح المتهجّد، صفحه 814 و زاد المعاد، صفحه 41(با اندکی تفاوت).
2- [873]اقبال، صفحه 682.

فصل هشتم: ماه شعبان المعظّم

تقویم این ماه:

سوم ماه: ولادت با سعادت امام حسین علیه السلام است.

به گفته «شیخ طوسی» در «مصباح»، ولادت آن حضرت- طبق روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام- در روز پنج شنبه، سوم شعبان واقع شده است.(1) (سال سوم هجری).

چهارم ماه: بنا بر قولی، ولادت حضرت اباالفضل العبّاس علیه السلام است. (سال 26 هجری).(2) پنجم ماه: بنابر قولی، ولادت امام زین العابدین علی بن الحسین علیهما السلام است. (سال 38 هجری).(3) پانزدهم ماه: میلاد مسعود منجی عالم بشریّت، حضرت حجّه بن الحسن امام زمان (عجّل اللّٰه تعالی فرجه الشّریف) می باشد که در سال 255، در «سامرّا» واقع شد.(4)

فضیلت ماه شعبان:

ماه شعبان یکی از عزیزترین ماه های اسلامی و یادآور خاطره های بزرگ است که از همه مهمتر، خاطره میلاد مبارک سالار شهیدان کربلا، امام حسین علیه السلام (در سوم ماه) و میلاد فرخنده حضرت بقیّهاللّٰه مهدی منتظر علیه السلام (در پانزدهم ماه) است که فضای این ماه را به بوی ولایت عطرآگین ساخته است.

در فضیلت این ماه، همین بس که ماه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نامیده شده و هنگامی که آن حضرت هلال ماه را مشاهده می کرد، دستور می داد، کسی در سراسر مدینه ندا دهد که: ای مردم! این ماه، ماه من است، خدا رحمت کند کسی که مرا بر ماه من یاری دهد، یعنی آن را روزه بدارد!(5) مرحوم محدّث قمی، حدیثی را از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام در فضیلت روز اوّل ماه شعبان نقل فرموده که در واقع مربوط به تمام ماه شعبان است، این حدیث بسیار پرمعنا و در عین حال بسیار مفصّل است که ایشان آن را تلخیص کرده و ما هم به ملاحظه حال خوانندگان بار دیگر، آن را خلاصه می کنیم؛ خلاصه حدیث چنین است:

1- [874]مصباح المتهجّد، صفحه 826.
2- [875]زندگانی حضرت ابوالفضل العباس، صفحه 22.
3- [876]بحارالانوار، جلد 46، صفحه 14. جمعی از علما، ولادت آن حضرت را نیمه ماه جمادی الاول و جمعی نیز نیمه جمادی الثانی ذکر کرده اند. برای آگاهی بیشتر به بحارالانوار، جلد 46، صفحه 12- 15 مراجعه شود.
4- [877]بحارالانوار، جلد 51، صفحه 4 و 19 و 23 و 28.
5- [878]مصباح المتهجّد، صفحه 825.

امیر مؤمنان علی علیه السلام روز اوّل ماه شعبان، گروهی را مشاهده کرد که در مسجد نشسته اند و سخنان بیهوده و ناآگاهانه، درباره قضا و قدر می گویند و صدای جار و جنجالشان فضا را پر کرده؛ فرمود: این گونه سخنان را رها کنید! امروز روز اوّل ماه شعبان است، و از این نظر شعبان نامیده شده، که مرکز شعبه ها و شاخه های خیرات و نیکی هاست، شعبه های خیراتِ نماز، روزه، زکات، امر به معروف و نهی از منکر و نیکی به پدر و مادر و همسایگان و صدقه به نیازمندان و اصلاح در میان مردم و مانند آن است.

سپس امام علیه السلام به حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله اشاره کرد که خلاصه اش چنین است:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: روز اوّل ماه شعبان که می شود، خداوند امر می کند درهای بهشت باز شود و دستور می دهد به درخت «طوبی»(1) که شاخه هایش را به مردم دنیا نزدیک کند، و منادی از سوی پروردگار صدا می زند که این شاخه های درخت «طوبی» در دسترس شماست، به آنها بیاویزید که شما را به سوی بهشت می برد، و از شاخه های درخت «زقّوم» بپرهیزید و به آن چنگ نزنید که شما را به سوی دوزخ می کشاند.

سپس افزود: به خدایی که مرا به رسالت برگزیده سوگند! که هر کس در این روز به سراغ یکی از کارهای خیر برود، به یکی از شاخه های درخت «طوبی» درآویخته و او را به سوی بهشت می کشاند؛ و هر کس به سراغ یکی از کارهای شرّ برود، به یکی از شاخه های درخت «زقّوم» چنگ زده و او را به سوی دوزخ می کشاند.

سپس آن حضرت، نمونه هایی از اسباب چنگ زدن به شاخه های درخت «طوبی» را برشمرد و فرمود:

هر کس (علاوه بر نمازهای واجب) در این روز، نماز مستحبّی بخواند، یا روزه بگیرد، یا میان دو همسر، یا پدر و مادر و فرزند، یا خویشاوندان، یا همسایگان، صلح و صفا ایجاد کند، به یکی از شاخه های درخت «طوبی» درآویخته است!

همچنین کسی که بدهی خود را به مردم ادا کند، یتیمی را کفالت نماید یا سبک مغزی را از تعرّض به آبرو و ناموس مردم بازدارد، و کسی که قرآن

بخواند؛ یا شکر نعمت های او را بجا آورد، بیماری را عیادت کند؛ به پدر و مادر نیکی نماید؛ مؤمنی را تشییع جنازه کند و یا هر کار خیر دیگری انجام دهد؛ به یکی از شاخه های درخت «طوبی» آویخته است.

سپس افزود: قسم به آن کس که مرا به نبوّت مبعوث کرد، هر کس به سراغ دری از درهای شرّ و گناه در این ماه برود، به یکی از شاخه های درخت «زقّوم» آویخته که او را به آتش می کشاند؛ کسی که در نماز

1- [879]طبق برخی از روایات، درخت« طوبی» درختی است که در بهشت می روید و ریشه آن در خانه رسول خداست و شاخه هایی درخانه های مؤمنان دارد و هر چیزی را که بهشتیان میل داشته باشند آن شاخه ها برایشان فراهم می سازند(بحارالانوار، جلد 8، صفحه 117- 118) و درخت« زقّوم» بنا بر تصریح قرآن کریم(سوره صافّات، آیه 62- 66) درختی است که ریشه اش در دوزخ است و خداوند آن را برای ظالمان و ستمگران قرار داده است.

واجب خود کوتاهی نماید، یا نیازمندی نزد او آید، و شرح بیچارگی خود را بدهد و او توان حلّ مشکل آن نیازمند را داشته باشد، ولی کوتاهی کند، و دست او را نگیرد؛ یا عذر بدهکار بیچاره ای را نپذیرد، یا میان دو همسر، یا پدر و فرزند، یا خویشاوندان و همسایگان و دیگر مؤمنان، اختلاف و نفاق بیندازد؛ یا بدهی خود را به مردم انکار کند؛ یا از رسیدگی به کار یتیمان، خودداری نماید؛ یا به سراغ خوانندگی های مجالس لهو و فساد برود؛ یا ظلم ها و گناهان خویش را بشمرد و به آن افتخار کند؛ یا از همسایه بیمارش عیادت نکند، یا پدر و مادرش را از خود، ناخشنود سازد ... همه اینها سبب درآویختن به شاخه های درخت «زقّوم» است که انسان را به جهنّم می برد.(1) این حدیث شریف و پرمعنا، راههای سعادت و شقاوت را با ذکر یک مثال معنوی به روشنی بیان کرده، و طُرُق خودسازی و تهذیب نفس، و خدمت به خلق و عبودیّت خالق را، در این ماه مشخّص نموده است، و همچنین نسبت به اسباب بدبختی و محرومیّت از سعادت هشدار داده است که برای همه ماههای سال راهگشاست؛ به ویژه در ماه شعبان که سرآغاز حرکت جدیدی به سوی نیکی ها و پاکی هاست.

اعمال ماه شعبان

اعمال ماه شعبان نیز بر دو گونه است:

اعمال مشترک این ماه:

1- روزه؛ درباره روزه مستحبّی در این ماه بسیار تأکید شده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله این ماه را روزه می گرفت و آن را به ماه مبارک رمضان وصل می کرد.(2) روایات فراوانی درباره روزه ماه شعبان وارد شده است که مختصری از آنها را نقل می کنیم:

الف) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شعبان ماه من است و رمضان ماه خداست؛ هر کس یک روز از ماه مرا روزه بدارد، من در قیامت شفیع او خواهم بود و هر کس، دو روز از آن را روزه بگیرد، خداوند گناهان گذشته اش را می آمرزد و هر کس که سه روز روزه بدارد، به او گفته می شود (از گناهان پاک شده ای) اعمالت را از ابتدا شروع کن».(3)
ب) از امام صادق علیه السلام روایت شده است که چون ماه شعبان داخل می شد، امام زین العابدین علیه السلام اصحاب خود را جمع می کرد و می فرمود: ای یاران من! می دانید این چه ماهی است؟ این ماه شعبان است،

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: شعبان ماه من است پس برای محبّت به پیامبر صلی الله علیه و آله، و برای تقرّب به

1- [880]تفسیر امام حسن عسکری، صفحه 635 به بعد،(در تفسیر آیه 282 سوره بقره).
2- [881]اقبال، صفحه 684.
3- [882]همان مدرک.

پروردگار خود، این ماه را روزه بدارید، به حقّ آن خدایی که جان علی بن الحسین علیهما السلام در دست اوست سوگند یاد می کنم که از پدرم حسین بن علی علیهما السلام شنیدم فرمود: از امیرمؤمنان علیه السلام شنیدم که: هر کس ماه شعبان را برای محبّت به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و تقرّب به خداوند روزه بگیرد، خداوند او را دوست می دارد و به کرامت خویش در روز قیامت نزدیک می کند، و بهشت را بر او واجب می گرداند.(1) ج) صفوان جمّال می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: کسانی را که در اطراف و نواحی تو هستند به روزه در ماه شعبان وادار کن! گفتم: فدایت شوم آیا در فضیلت آن چیز مهمّی وجود دارد؟ فرمود: آری، رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که هلال ماه شعبان را می دید، فرمان می داد که منادی در مدینه ندا دهد و بگوید:

ای اهل یثرب! من فرستاده خدا به سوی شمایم؛ آگاه باشید که شعبان ماه من است، پس خداوند رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر این ماه (یعنی آن را روزه بدارد) سپس امام علیه السلام در ادامه فرمود: امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمود: از زمانی که این سخن را از منادی رسول اللّه صلی الله علیه و آله شنیدم، هرگز روزه ماه شعبان از من فوت نشد و تا زمانی که زنده ام نیز از من فوت نخواهد شد ان شاءاللّه.(2) (البتّه آنها که نمی توانند همه ماه را روزه بگیرند، خوب است هر مقدار را که می توانند، روزه بگیرند).

2- طبق روایت امام صادق علیه السلام هر روز هفتاد مرتبه بگوید:

اسْتَغْفِرُاللَّهَ وَ اسْأَلُهُ التَّوْبَهَ.(3)

3- هر روز هفتاد مرتبه بگوید:

اسْتَغْفِرُاللَّهَ الَّذی لا الهَ الَّا هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحیمُ، الْحَیُّ الْقَیُّومُ، وَ اتُوبُ الَیْهِ.(4)

از روایات استفاده می شود که بهترین ذکرها در این ماه استغفار است و هر کس هر روز از این ماه هفتاد مرتبه استغفار کند، مثل آن است که در ماههای دیگر هفتادهزار مرتبه استغفار کرده است.(5) 4- صدقه دادن و کمک به نیازمندان در این ماه فضیلت فراوان دارد. راوی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: یابن رسول اللّه! بهترین اعمال در این ماه کدام است؟ فرمود: صدقه دادن و استغفار. هر کس در ماه شعبان صدقه دهد، خداوند متعال، صدقه او را پرورش می دهد همچنان که شما شتربچّه

ای را پرورش می دهید، و در قیامت به صاحبش می رسد، در حالی که به اندازه کوه اُحُد بزرگ شده باشد! (6) در روایت دیگری از امام رضا علیه السلام آمده است که صدقه در این ماه سبب نجات از آتش دوزخ است. (7) 5- صلوات بر پیامبر و آلش علیهم السلام در این ماه ثواب زیادی دارد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شعبان ماه من است، در این ماه بر من و آل من، بسیار صلوات بفرستید. (8)

ص: 669

1- [883]زاد المعاد، صفحه 47.
2- [884]اقبال، صفحه 683 و مصباح المتهجّد، صفحه 825.
3- [885]زادالمعاد، صفحه 49.
4- [886]همان مدرک.
5- [887]همان مدرک.
6- [888]اقبال، صفحه 685.
7- [889]زاد المعاد، صفحه 47.
8- [890]همان مدرک، صفحه 49.

6- در تمام این ماه، هزار بار بگوید:

لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَ لانَعْبُدُ الَّا ایَّاهُ، مُخْلِصینَ لَهُ الدّینَ، وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ

. در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: کسی که چنین کند؛ در قیامت در حالی از قبرش خارج می شود که چهره اش مثل ماه شب بدر (شب چهاردهم) می درخشد.(1) 7- در هر پنجشنبه ماه شعبان، دو رکعت نماز بگزارد؛ در هر رکعت بعد از سوره

«حمد»

صد مرتبه، سوره

«توحید»

را بخواند و پس از سلام، صد بار صلوات بفرستد. در روایتی که امیر مؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده، آمده است که هر کس این نماز را بگزارد خداوند هر حاجتی از حاجت های دینی و دنیوی که داشته باشد، برآورده سازد و هر کس آن روز را روزه بدارد، خداوند جسدش را بر آتش دوزخ حرام کند.

در همین روایت، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در هر روز پنجشنبه از ماه شعبان، آسمانها را زینت می کنند، و فرشتگان عرض می کنند: خداوندا! روزه دارانِ این ماه را بیامرز و دعایشان را مستجاب گردان!(2) 8- در هر روز از ماه شعبان در وقت ظهر و در شب نیمه آن، این صلوات را که از امام سجاد علیه السلام نقل شده بخواند:

اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، شَجَرَهِ النُّبُوَّهِ، وَمَوْضِعِ الرِّسالَهِ،

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، همان درخت نبوّت و جایگاه رسالت

وَمُخْتَلَفِ الْمَلائِکَهِ، وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ، وَاهْلِ بَیْتِ الْوَحْیِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی

و محل رفت و آمد فرشتگان و معدن دانش و خاندان وحی، خدایا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْفُلْکِ الْجارِیَهِ فِی اللُّجَجِ الْغامِرَهِ، یَأْمَنُ مَنْ رَکِبَها،

محمد و خاندان پاكش درود فرست همان كشتى در حال حركت در درياهاى موّاج، كه هر كس بر آن سوار شود در امان است

وَيَغْرَقُ مَنْ تَرَكَهَا، الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مارِقٌ، وَالْمُتَاخِّرُ عَنْهُمْ زاهِقٌ، وَاللّازِمُ

و هر كس آن را ترک كند غرق مى شود و هر كس بر آنان پيشى گيرد، از دين خارج شده و هر كس از آنان عقب بماند هلاک شود و هر كس همراه آنان

لَهُمْ لاحِقٌ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْكَهْفِ الْحَصينِ،

باشد به آنان ملحق شود، خدايا بر محمد و خاندان پاكش درود فرست، همان پناهگاه محكم

وَغِياثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكينِ، وَمَلْجَأِ الْهارِبينَ، وَعِصْمَهِ الْمُعْتَصِمينَ،

و فريادرس درمانده بينوا و پناه گريختگان (از ظلم) و نگهدارنده پناهجويان،

1- [891]اقبال، صفحه 685.
2- [892]همان مدرك، صفحه 688.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلاةً كَثيرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضاً، وَلِحَقِ

خدايا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، درود فراوانى که مايه خشنودى آنها باشد و براى حقّ

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اداۤءً وَقَضاۤءً، بِحَوْلٍ مِنْکَ وَقُوَّهٍ يا رَبَّ الْعالَمينَ، اللَّهُمَ

محمّد و خاندان پاکش اداى وظيفه و انجام تکليف شده باشد با کمک و نيرويى از جانب تو اى پروردگار جهانيان، خدايا

صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الطَّيِّبينَ الْأَبْرارِ الْأَخْيارِ، الَّذينَ اوْجَبْتَ

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، همان پاکان و نيکوکاران برگزيده که (رعايت) حقّشان را واجب

حُقُوقَهُمْ، وَفَرَضْتَ طاعَتَهُمْ وَوِلايَتَهُمْ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ

ساخته و فرمانبردارى و ولايتشان را لازم گردانده اى، خدايا بر محمّد و خاندان پاکش درود

مُحَمَّدٍ، وَاعْمُرْ قَلْبى بِطاعَتِکَ، وَلا تُخْزِنى بِمَعْصِيَتِکَ، وَارْزُقْنى مُواساةَ

فرست و دلم را با بندگيت آباد گردان، و با نافرمانيت رسوا مگردان، و روزيم کن رسيدگى و کمک

مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِکَ، بِما وَسَّعْتَ عَلَىَّ مِنْ فَضْلِکَ، وَنَشَرْتَ عَلَىَ

به کسانى را که روزيت را بر آنها تنگ گردانده اى، با آنچه از فضل و احسانت بر من وسعت داده و از روى عدلت گسترانده اى

مِنْ عَدْلِکَ، وَاحْيَيْتَنى تَحْتَ ظِلِّکَ، وَهذا شَهْرُ نَبِيِّکَ سَيِّدِ رُسُلِکَ، شَعْبانُ

و مرا در سايه (لطف و کرم) خودت زنده بدار، و اين، ماه پيامبر تو، آقا و سرور فرستادگان توست، همان ماه شعبان

الَّذى حَفَفْتَهُ مِنْکَ بِالرَّحْمَهِ وَالرِّضْوانِ، الَّذى کانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

که با رحمت و خشنودیت آن را در برگرفته ای و رسول خدا- که درود و سلام خدا

عَلَیْهِ والِه وَسَلَّمَ، یَدْابُ فی صِیامِهِ وَقِیامِهِ، فی لَیالیهِ وَایَّامِهِ، بُخُوعاً لَکَ

بر او و خاندان پاکش باد- در روزه داری و بپا خواستن (برای عبادت) در شب ها و روزهای آن برای فروتنی در برابر تو

فی اکْرامِهِ وَاعْظامِهِ الی مَحَلِّ حِمامِهِ، اللهُمَّ فَاعِنّا عَلَی الْإِسْتِنانِ

و گرامیداشت و تعظیم آن تا فرارسیدن مرگش کوشش می فرمود، خدایا ما را در عمل به سنّت پیامبرت

بِسُنَّتِهِ فیهِ، وَنَیْلِ الشَّفاعَهِ لَدَیْهِ، اللهُمَّ وَاجْعَلْهُ لی شَفیعاً مُشَفَّعاً،

در این ماه و رسیدن به شفاعتش یاری فرما، خدایا او را برای من شفیعی که شفاعتش پذیرفته شده

وَطَریقاً الَیْکَ مَهْیَعاً، وَاجْعَلْنی لَهُ مُتَّبِعاً، حَتّی الْقاکَ یَوْمَ الْقِیمَهِ عَنّی

و راهی هموار به سوی درگاهت قرار ده، و مرا پیرو او گردان، تا در روز قیامت تو را ملاقات کنم در حالی که تو از من خشنودی

راضِیاً، وَ عَنْ ذُنُوبی غاضِیاً، قَدْ اوْجَبْتَ لی مِنْکَ الرَّحْمَهَ وَالرِّضْوانَ،

و از گناهانم چشم پوشیده ای و رحمت و خشنودیت را بر من واجب فرموده

وَانْزَلْتَنی دارَ الْقَرارِ، وَ مَحَلَّ الْأَخْیارِ.(1)

و در سرای باقی و جایگاه برگزیدگان داخل نموده ای.

9- مناجات شعبانیّه

به گفته عالم بزرگوار مرحوم «سیّد بن طاووس» در کتاب «اقبال» این مناجات را امیرمؤمنان علی علیه السلام و فرزندانش- علیهم آلاف التحیّه و السلام- در ماه شعبان می خواندند.

از این تعبیر به خوبی روشن می شود که این مناجات اهمیّت فراوان دارد که همه ائمّه معصومین علیهم السلام بر آن مداومت داشتند و مطالعه محتوای آن نیز گواه بر اهمیّت فوق العاده آن است و در واقع یک دوره عرفان اسلامی در بالاترین سطح در آن منعکس شده و اگر انسان مفاهیم این مناجات عظیم را در درون قلب و جان خود پیاده کند، مقامات طولانی سیر و سلوک الی اللّه را پیموده است.

آنچه مهم است دقّت در بندبند این مناجات و تعبیرات لطیف و عالی آن و سپس هماهنگ ساختن روح و فکر با این تعبیرات است.

از خدا می خواهیم که همه ما را اهل این مناجات قرار دهد و از متخلّقان آن سازد.

اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْمَعْ دُعائی اذا دَعَوْتُکَ، وَاسْمَعْ

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و هنگامی که تو را می خوانم دعایم را اجابت فرما و هنگامی که

نِدائی اذا نادَیْتُکَ، وَاقْبِلْ عَلیَّ اذا ناجَیْتُکَ، فَقَدْ هَرَبْتُ الَیْکَ، وَوَقَفْتُ بَیْنَ

تو را صدا می زنم صدایم را بشنو، و چون با تو سخن گویم به من توجّه نما، به سوی تو گریخته ام و با حالت فروتنی

یَدَیْکَ مُسْتَکیناً لَکَ، مُتَضرِّعاً الَیْکَ، راجِیاً لِما لَدَیْکَ ثَوابی وَتَعْلَمُ ما فی

در برابرت ایستاده ام و به درگاهت تضرّع کرده و امید پاداش نزد تو را دارم، و آنچه در دل دارم

نَفْسی وَتَخْبُرُ حاجَتی وَتَعْرِفُ ضَمیری وَلا یَخْفی عَلَیْکَ امْرُ مُنْقَلَبی

را می دانی و از حاجتم آگاهی و از نهادم با خبری و چگونگی بازگشت و جایگاهم

وَمَثْوایَ، وَما اریدُ انْ ابْدِئَ بِهِ مِنْ مَنْطِقی واتَفَوَّهُ بِهِ مِنْ طَلِبَتی وَارْجُوهُ

و آنچه که می خواهم بر زبان آورم و از آن سخن گویم و برای سرانجام کارم به آن امیداوارم،

لِعاقِبَتی [894]، وَقَدْ جَرَتْ مَقادیرُکَ عَلَیَّ یا سَیِّدی فیما یَکُونُ مِنّی الی آخِرِ

بر تو پوشیده نیست، ای آقا و سرورم، مقدّرات تو در آنچه تا آخر

1- [893]مصباح المتهجّد، صفحه 828 و اقبال، صفحه 687(با اندکی تفاوت).

عُمْری مِنْ سَریرَتی وَعَلانِیَتی وَبِیَدِکَ لا بِیَدِ غَیْرِکَ زِیادَتی وَنَقْصی

عمر آشکارا و پنهان از من سر زند بر من جاری است، و کم و زیادی (روزیم) و سود و زیانم به دست توست نه

وَنَفْعی وَضَرّی الهی انْ حَرَمْتَنی فَمَنْ ذَا الَّذی یَرْزُقُنی وَانْ خَذَلْتَنی

به دست غیر تو، خدایا اگر مرا محروم کنی چه کسی مرا روزی دهد و اگر مرا رها کنی

فَمَنْ ذَا الَّذی یَنْصُرُنی الهی اعُوذُ بِکَ مِنَ غَضَبِکَ وَحُلُولِ سَخَطِکَ،

چه کسی مرا یاری کند، خدایا از خشم و نزول عذابت به تو پناه می برم،

الهی انْ کُنْتُ غَیْرَ مُسْتَاْهِلٍ لِرَحْمَتِکَ، فَانْتَ اهْلٌ انْ تَجُودَ عَلیَّ بِفَضْلِ

بار خدایا اگر شایسته رحمتت نیستم ولی تو به واسطه فزون بخشی گسترده ات شایسته بخشش

سِعَتِکَ، الهی کَانّی بِنَفْسی واقِفَهٌ بَیْنَ یَدَیْکَ، وَقَدْ اظَلَّها حُسْنُ تَوَکُّلی

بر من هستی، خدایا گویا من خود در مقابلت ایستاده ام، و توکّل نیکویم به تو بر آن سایه افکنده است،

عَلَیْکَ، فَقُلْتَ ما انْتَ اهْلُهُ وَتَغَمَّدْتَنی بِعَفْوِکَ، الهی انْ عَفَوْتَ فَمَنْ اوْلی

پس گفتی آنچه را که تو شایسته آنی، و مرا به عفوت فرا گرفتی. خدایا اگر ببخشی پس چه کسی به آن شاسته تر

مِنْکَ بِذلِکَ، وَانْ کانَ قَدْ دَنا اجَلی وَلَمْ یُدْنِنی مِنْکَ عَمَلی فَقَدْ جَعَلْتُ

از تو است، و اگر مرگم نزدیک شود واعمالم مرا به تو نزدیک نکند، پس اقرار

الْإِقْرارَ بِالذَّنْبِ الَیْکَ وَسیلَتی الهی قَدْ جُرْتُ عَلی نَفْسی فِی النَّظَرِ لَها،

به گناه را وسیله ای برای تقرّب به تو قرار می دهم، خدایا با توجّهی که به نفسم کردم بر خود ستم نمودم،

فَلَهَاالْوَیْلُ انْ لَمْ تَغْفِرْ لَها، الهی لَمْ یَزَلْ بِرُّکَ عَلَیَّ ایَّامَ حَیاتی فَلا تَقْطَعْ

پس وای بر نفسم اگر آن را نبخشی، خدایا احسانت پیوسته در طول زندگانی بر من جاری است، پس احسانت

بِرَّکَ عَنّی فی مَماتی الهی کَیْفَ آیَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِکَ لی بَعْدَ مَماتی

را در زمان مرگ از من قطع مگردان، خدایا چگونه از حسن نظرت بعد از مرگم مأیوس شوم،

وَانْتَ لَمْ تُوَلِّنی الَّا الْجَمیلَ فی حَیاتی الهی تَوَلَّ مِنْ امْری ما انْتَ

در حالی که تو در طول زندگیم به نیکویی سرپرستیم نمودی، خدایا کارهایم را آنچنان که شایسته آنی سرپرستی کن،

اهْلُهُ، وَعُدْ عَلَیَّ بِفَضْلِکَ عَلی مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ، الهی قَدْ سَتَرْتَ

و به فضل خود برگنهکاری که جهلش او را به کام خود کشانده توجّه کن، خدایا گناهانی را از

عَلَیَّ ذُنُوباً فِی الدُّنْیا، وَ ا نَا احْوَجُ الی سَتْرِها عَلَیَّ مِنْکَ فی الْأُخْری

من در دنیا پوشاندی که من به پوشش آنها از جانب تو در آخرت نیازمندترم،

الهی قَدْ احْسَنْتَ الَیَّ اذْ لَمْ تُظْهِرْها لِأَحَدٍ مِنْ عِبادِکَ الصَّالِحینَ،

خدایا با پوشاندن گناهانم از بندگان شایسته ات، بر من احسان نمودی،

فَلاتَفْضَحْنی یَوْمَ الْقِیمَهِ عَلی رُؤُسِ الْأَشْهادِ، الهی جُودُکَ بَسَطَ امَلی

پس در قیامت در حضور همه مرا رسوا مگردان، خدایا بخششت آرزویم را گسترانیده

وَعَفْوُکَ افْضَلُ مِنْ عَمَلی الهی فَسُرَّنی بِلِقآئِکَ یَوْمَ تَقْضی فیهِ بَیْنَ

و گذشتت برتر از عمل من است، خدایا به واسطه ملاقاتت درروزی که بین بندگان حکم می کنی مرا

عِبادِکَ، الهی إِعْتِذاری الَیْکَ اعْتِذارُ مَنْ لَمْ یَسْتَغْنِ عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ،

خشنود ساز، خدایا پوزشم از تو مانند پوزش شخصی است که از پذیرش عذرش بی نیاز نیست،

فَاقْبَلْ عُذْری یا اکْرَمَ مَنِ اعْتَذَرَ الَیْهِ الْمُسیئُونَ، الهی لا تَرُدَّ حاجَتی

پس عذرم را بپذیر ای بزرگوارترین کسی که گنهکاران عذر به درگاهش برند، خدایا درخواستم را رد مکن،

وَلا تُخَیِّبْ طَمَعی وَلا تَقْطَعْ مِنْکَ رَجآئی وَامَلی الهی لَوْ ارَدْتَ

و طمعم را ناامید مگردان، و امید و آرزویم را از خودت قطع مفرما، خدایا اگر خواریم را

هَوانی لَمْ تَهْدِنی وَلَوْ ارَدْتَ فَضیحَتی لَمْ تُعافِنی الهی ما اظُنُّکَ تَرُدُّنی

خواسته بودی هدایتم نمی کردی و اگر رسواییم را خواسته بودی عفوم نمی کردی، خدایا چنین گمانی به تو ندارم که تمام عمر

فی حاجَهٍ قَدْ افْنَیْتُ عُمْری فی طَلَبِها مِنْکَ، الهی فَلَکَ الْحَمْدُ ابَداً ابَداً

در طلب حاجتی باشم و تو مرا مأیوس بازگردانی، خدایا حمد و ستایش از آنِ توست، ستایش همیشگی،

دآئِماً سَرْمَداً، یَزیدُ وَلا یَبیدُ، کَما تُحِبُّ وَتَرْضی الهی انْ اخَذْتَنی

دائمی، جاودان که افزودن شود و نقصان نپذیرد، آنچنان که تو دوست داری و خشنود می شوی، خدایا اگر به جرمم

بِجُرْمی اخَذْتُکَ بِعَفْوِکَ، وَانْ اخَذْتَنی بِذُنُوبی اخَذْتُکَ بِمَغْفِرَتِکَ، وَانْ

مرا مؤاخذه کنی به گذشتت متوسّل می شوم و اگر به گناهم مرا مؤاخذه کنی به آمرزشت متوسّل می شوم، و اگر

ادْخَلْتَنیِ النَّارَ اعْلَمْتُ اهْلَها انّی احِبُّکَ، الهی انْ کانَ صَغُرَ فی جَنْبِ

مرا در آتش داخل کنی اهل آن را آگاه می کنم که تو را دوست دارم، خدایا اگر چه عملم در مقابل

طاعَتِکَ عَمَلی فَقَدْ کَبُرَ فی جَنْبِ رَجآئِکَ امَلی الهی کَیْفَ انْقَلِبُ مِنْ

طاعتت اندک است ولی آرزویم در مقابل امید به کرمت بسیار است، خدایا چگونه از درگاهت

عِنْدِکَ بِالْخَیْبَهِ مَحْرُوماً، وَ قَدْ کانَ حُسْنُ ظَنّی بِجُودِکَ انْ تَقْلِبَنی

محروم برگردم، در حالی که به بخششت حسن ظن دارم که مرا مورد رحمتت قرار داده

ص :674

بِالنَّجاهِ مَرْحُوماً، الهی وَ قَدْ افْنَیْتُ عُمْری فی شِرَّهِ السَّهْوِ عَنْکَ،

و اهل نجات گردانی، در حالی که عمرم را در غفلت از تو سپری کردم

وَابْلَیْتُ شَبابی فی سَکْرَهِ التَّباعُدِ مِنْکَ، الهی فَلَمْ اسْتَیْقِظْ ایّامَ اغْتِراری

و جوانیم را در مستی دوری از تو فنا کردم، پس در روزگاری که مغرور به کرمت بوده

بِکَ، وَرُکُونی الی سَبیلِ سَخَطِکَ، الهی وَا نَا عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ، قائِمٌ بَیْنَ

و در راه خشم و غضب تو حرکت می کردم بیدار نشدم، خدایا من بنده تو و فرزند بنده توام

یَدَیْکَ، مُتَوَسِّلٌ بِکَرَمِکَ الَیْکَ، الهی انَا عَبْدٌ اتَنَصَّلُ الَیْکَ مِمَّا کُنْتُ

در برابرت ایستاده ام و به وسیله کرمت به درگاه تو توسّل می جویم، خدایا من بنده ای هستم که خود را از کمی

اواجِهُکَ بِهِ مِنْ قِلَّهِ اسْتِحْیائی مِنْ نَظَرِکَ، وَاطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْکَ، اذِ الْعَفْوُ

حیا (در ارتکاب گناهان) در مقابل تو، به سویت رها می کنم و از تو طلب گذشت دارم، زیرا که عفو

نَعْتٌ لِکَرَمِکَ، الهی لَمْ یَکُنْ لی حَوْلٌ فَانْتَقِلَ بِهِ عَنْ مَعْصِیَتِکَ الَّا فی

زینت کرم توست، خدایا من نیرویی که به واسطه آن از نافرمانیت چشم پوشی کنم ندارم، مگر این که

وَقْتٍ ایْقَظْتَنی لِمَحَبَّتِکَ، وَکَما ارَدْتَ انْ اکُونَ کُنْتُ، فَشَکَرْتُکَ بِادْخالی

تو، به عشق و محبّتت مرا بیدار کنی، من همان که تو می خواهی شده ام، پس از تو سپاسگزارم که مرا

فی کَرَمِکَ، وَلِتَطْهیرِ قَلْبی مِنْ اوْساخِ الْغَفْلَهِ عَنْکَ، الهی انْظُرْ الَیَّ نَظَرَ

در کرمت داخل کرده و از پلیدیهای غفلت پاکیزه ساختی، خدایا مرا مانند کسی که ندایش کردی

مَنْ نادَیْتَهُ فَاجابَکَ، وَاسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِکَ فَاطاعَکَ، یا قَریباً لا یَبْعُدُ عَنِ

و پاسخت گفت و به یاری خویش به طاعتت واداشتی و او اطاعتت نمود، مورد توجّه قرار ده، ای نزدیکی که از

الْمُغْتَرِّ بِهِ، وَیا جَواداً لایَبْخَلُ عَمَّنْ رَجا ثَوابَهُ، الهی هَبْ لی قَلْباً یُدْنیهِ

فریفته اش دور نیست، و ای بخشنده ای که به امیدوارِ احسانش بخل نورزد. خدایا به من دلی ببخش که

مِنْکَ شَوْقُهُ، وَلِساناً یُرْفَعُ الَیْکَ صِدْقُهُ، وَنَظَراً یُقَرِّبُهُ مِنْکَ حَقُّهُ، الهی إنَ

شوقش مرا به تو نزدیک سازد و زبانی که راستیش مرا به سوی تو بالا برد و نگاهی که حقّش مرا به تو نزدیک سازد، خدایا آن

مَنْ تَعَرَّفَ بِکَ غَیْرُ مَجْهُولٍ، وَمَنْ لاذَ بِکَ غَیْرُ مَخْذُولٍ، وَمَنْ اقْبَلْتَ عَلَیْهِ

که به وسیله تو شناخته شد، ناشناس نماند، و آن که به تو پناهنده شد خوار نگردد و کسی که به او رو کنی

غَیْرُ مَمْلُوکٍ، الهی انَّ مَنِ انْتَهَجَ بِکَ لَمُسْتَنیرٌ، وَانَّ مَنِ اعْتَصَمَ بِکَ

برده نگردد، خدایا همانا کسی که راه تو را پیش گیرد، راهش روشن است و کسی که به تو متوسّل شود

ص: 675

لَمُسْتَجيرٌ، وَقَدْ لُذْتُ بِکَ یا الهی فَلا تُخَیِّبْ ظَنّی مِنْ رَحْمَتِکَ، وَلا

پناه یابد، خدایا به تو پناهنده شده ام، پس گمانی که به رحمتت دارم ناامید مگردان،

تَحْجُبْنی عَنْ رَاْفَتِکَ، الهی اقِمْنی فی اهْلِ وِلایَتِکَ مُقامَ مَنْ رَجَا

و از مهربانیت دورم مگردان، خدایا در میان دوستدارنت مقام کسانی را که امید محبّت بیشتر تو را

الزِّیادَهَ مِنْ مَحَبَّتِکَ، الهی وَالْهِمْنی وَلَهاً بِذِکْرِکَ الی ذِکْرِکَ، وَهِمَّتی فی

دارند به من عطا فرما، خدایا شیفتگی یادت را پیوسته به من الهام کن، و همّتم را

رَوْحِ نَجاحِ اسْمآئِکَ وَمَحَلِّ قُدْسِکَ، الهی بِکَ عَلَیْکَ الَّا الْحَقْتَنی بِمَحَلِ

برای شادمانی دست یابی به اسما و محلّ قدسیت قرار ده، خدایا به حقّ خودت برخودت مرا به جایگاه

اهْلِ طاعَتِکَ، وَالْمَثْوَی الصَّالِحِ مِنْ مَرْضاتِکَ، فَانّی لا اقْدِرُ لِنَفْسی

فرمانبرداران و بندگان شایسته مورد رضایتت ملحق کن، چرا که من قادر بر دفع شر از خود

دَفْعاً، وَلا امْلِکُ لَها نَفْعاً، الهی ا نَا عَبْدُکَ الضَّعیفُ الْمُذْنِبُ، وَمَمْلُوکُکَ

و جلب منفعتی برای خود نیستم، خدایا من بنده ضعیف و گناهکار و بنده

الْمُنیبُ 895]، فَلا تَجْعَلْنی مِمَّنْ صَرَفْتَ عَنْهُ وَجْهَکَ، وَحَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ

توبه کار توام، پس مرا از کسانی که از آنان روی گردانده ای و خطاهایش او را از بخششت دور کرده

عَفْوِکَ، الهی هَبْ لی کَمالَ الْإنْقِطاعِ الَیْکَ، وَانِرْ ابْصارَ قُلُوبِنا بِضِیآءِ

قرار مده، خدایا بریدن کامل از خلق به سوی خودت را به من ببخش، و دیده دلهای ما را با نورانیّت

نَظَرِها اِلَیْکَ، حَتّی تَخْرِقَ ابْصارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ، فَتَصِلَ الی مَعْدِنِ

توجّه به خودت روشن کن، تا این که دیده دلهای ما پرده های مانع نور را پاره کند و به گنج بزرگواری برسد،

الْعَظَمَهِ، وَتَصیرَ ارْواحُنا مُعَلَّقَهً بِعِزِّ قُدْسِکَ، الهی وَاجْعَلْنی مِمَّنْ نادَیْتَهُ

و ارواح ما به بزرگی قداستت متّصل شود، خدایا مرا از کسانی قرار ده که او را خواندی

فَاجابَکَ، وَلاحَظْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلالِکَ، فَناجَیْتَهُ سِرّاً، وَعَمِلَ لَکَ جَهْراً،

و اجابتت نمود، و مورد توجّه قرار دادی و به خاطر شکوه و عظمتت مدهوش شد، سپس با او پنهانی سخن گفتی و او آشکارا عمل کرد،

الهی لَمْ اسَلِّطْ عَلی حُسْنِ ظَنّی قُنُوطَ الْأَیاسِ، وَلَا انْقَطَعَ رَجآئی مِنْ

خدایا ناامیدی را بر خوش بینیم مسلّط نکردم، و امیدم را از کرم

جَميلِ كَرَمِکَ، الهی انْ کانَتِ الْخَطایا قَدْ اسْقَطَتْنی لَدَیْکَ، فَاصْفَحْ عَنّی

نیکویت قطع نکردم، خدایا اگر اشتباهاتم مرا از نظرت انداخته، پس به خاطر اعتماد

بِحُسْنِ تَوَکُّلی عَلَیْکَ، الهی انْ حَطَّتْنِی الذُّنُوبُ مِنْ مَکارِمِ لُطْفِکَ، فَقَدْ

نیکم به تو از من درگذر، خدایا اگر گناهانم مرا از بزرگی لطفت دور ساخته، پس

نَبَّهَنِی الْیَقینُ الی کَرَمِ عَطْفِکَ، الهی انْ انامَتْنِی الْغَفْلَهُ عَنِ الْإِسْتِعْدادِ

یقینم مرا به بزرگی عطوفتت آگاه کرده، خدایا اگر غفلت مرا از آمادگی دیدارت غافل ساخته،

لِلِقآئِکَ، فَقَدْ نَبَّهَتْنِی الْمَعْرِفَهُ بِکَرَمِ آلائِکَ، الهی انْ دَعانی الَی النَّارِ

ولی آگاهی به نعمتهای بزرگت مرا بیدار کرده، خدایا اگر مجازات بزرگت مرا به سوی

عَظِیمُ عِقابِکَ، فَقَدْ دَعانی الَی الْجَنَّهِ جَزیلُ ثَوابِکَ، الهی فَلَکَ اسْئَلُ،

آتش می خواند، ولی پاداش بزرگت مرا به سوی بهشت دعوت می کند، خدایا از تو می خواهم،

وَالَیْکَ ابْتَهِلُ وَارْغَبُ، اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ

و به سوی تو زاری کرده و به تو مشتاقم، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی

تَجْعَلَنی مِمَّنْ یُدیمُ ذِکْرَکَ، وَلا یَنْقُضُ عَهْدَکَ، وَلایَغْفُلُ عَنْ شُکْرِکَ، وَلا

و مرا از کسانی قرار دهی که پیوسته به یاد تو هستند و پیمانت را نمی شکنند و از شکر تو غافل نمی شوند

یَسْتَخِفُّ بِامْرِکَ، الهی وَالْحِقْنی بِنُورِ عِزِّکَ الْأَبْهَجِ، فَاکُونَ لَکَ عارِفاً،

و فرامینت را سبک نمی شمرند، خدایا مرا به نور درخشان عزّتت پیوند ده، تا تو را بشناسم

وَعَنْ سِواکَ مُنْحَرِفاً، وَمِنْکَ خآئِفاً مُراقِباً، یا ذَا الْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، وَصَلَّی

و از غیر تو دوری گزینم و از تو ترسان و مراقب فرمان تو باشم، ای خدای صاحب جلال و بزرگواری، و درود

اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرینَ، وَسَلَّمَ تَسْلیماً کَثیراً.(1)

خدا بر فرستاده اش محمّد و خاندان پاکش و سلام و درود فراوان بر ایشان باد.

این مناجات از مناجات های پرارزش ائمّه علیهم السلام است و دارای مضامین عالیه ای است که در هر وقت حضور قلبی باشد، خواندن آن و فکر کردن در مفاهیم آن، مناسب است.

اعمال مخصوص شب ها و روزهای ماه شعبان:

شب اوّل ماه: برای شب اوّل ماه در کتاب «اقبال» نمازهای زیادی ذکر شده است که از جمله آن،

1- [896]اقبال، صفحه 685 و بحارالانوار، جلد 91، صفحه 97(با اندکی تفاوت).

دوازده رکعت نماز است (هر دو رکعت به یک سلام) که در هر رکعتی یک مرتبه «حمد» و پانزده مرتبه «توحید» خوانده می شود و از رسول خدا صلی الله علیه و آله پاداش فراوانی برای این نماز ذکر شده است.(1)
روز اوّل ماه: روزه این روز فضیلت فراوانی دارد و از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هر کس روز اوّل ماه شعبان را روزه بگیرد، بهشت بر او واجب می شود(2) و «سیّد بن طاووس» در کتاب «اقبال» از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که هر کس سه روز اوّل ماه شعبان را روزه بگیرد و شبهایش را قیام کند و دو رکعت نماز بگزارد که در هر رکعتی یک مرتبه «حمد» و یازده مرتبه «قُل هُوَ اللَّهُ احد» را بخواند، خداوند شرّ اهل آسمان و زمین و شرّ ابلیس و هر سلطه ستمگری را از او برطرف سازد و خداوند گناهان فراوانی را از او می آمرزد.(3)
روز سوم ماه: این روز بنا بر نقل شیخ طوسی در «مصباح»، روز ولادت با سعادت حسین بن علی علیهما السلام است. از «قاسم بن علاء همدانی» وکیل امام حسن عسکری علیه السلام نامه ای رسید که در آن آمده بود: مولای ما امام حسین علیه السلام در روز پنجشنبه، سوم شعبان متولّد شد؛ لذا آن روز را روزه بگیر و این دعا را بخوان:

اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فی هذَا الْیَوْمِ، الْمَوْعُودِ بِشَهادَتِهِ قَبْلَ

خدایا از تو می خواهم به حق فرزندی که در این روز متولّد شده، و قبل از ولادت وعده به شهادتش

اسْتِهْلالِهِ وَ وِلادَتِهِ، بَکَتْهُ السَّمآءُ وَ مَنْ فیها، وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ عَلَیْها، وَ لَمَّا

داده شده و پیش از آن که قدم بر این جهان بگذارد، آسمان و زمین و هر که در آن است بر او گریسته،

یَطَأْ لابَتَیْها، قَتیلِ الْعَبْرَهِ، وَ سَیِّدِ الْأُسْرَهِ، الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَهِ یَوْمَ الْکَرَّهِ،

(و به حق) آن کشته اشک و آقا و سرور خاندانش و یاری شده در روز رجعت (و به حق)،

الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ انَّ الْأَئِمَّهَ مِنْ نَسْلِهِ، وَ الشِّفآءَ فی تُرْبَتِهِ، و الْفَوْزَ مَعَهُ

آن کسی که پاداش کشته شدنش امتداد امامت در نسل او و شفا و درمان در تربت او و پیروزی در

فی اوْبَتِهِ، والاْوصِیآءَ مِنْ عِتْرَتِهِ، بَعْدَ قآئِمِهِمْ وَ غَیْبَتِهِ، حَتّی یُدْرِکُوا

رجعت با اوست و جانشینان بعد از قیام قائم و غیبتش تا زمان گرفتن انتقام

الْأَوْتارَ، وَ یَثْأَرُوا الثّارَ، وَیُرْضُوا الْجَبّارَ، وَیَکُونُوا خَیْرَ انْصارٍ، صَلَّی اللّهُ

و خونخواهی و خشنودی خدا، از خاندان اوست و آنها بهترین یاورانند که با گردش شب و روز درود خدا

ص: 678

1- [897]اقبال، صفحه 683.
2- [898]همان مدرک، صفحه 685.
3- [899]همان مدرک، صفحه 684.

عَلَیْهِمْ، مَعَ اخْتِلافِ اللَّیلِ وَالنَّهارِ، اللهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ الَیْکَ اتَوَسَّلُ، وَاسْئَلُ

بر ایشان باد، خدایا به حق ایشان به تو متوسّل شده و از تو می خواهم

سُؤالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ، مُسیئٍ الی نَفْسِهِ مِمَّا فَرَّطَ فی یَوْمِهِ وَامْسِهِ،

مانند خواستن شخص گناهکار و اعتراف کننده و بدی کرده برخود از کوتاهیهای امروز و دیروز

یَسْئَلُکَ الْعِصْمَهَ الی مَحَلِّ رَمْسِهِ، اللهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ،

که از تو می خواهد عصمت از گناه را تا محلّ دفنش. خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

وَاحْشُرْنا فی زُمْرَتِهِ، وَ بَوِّئْنا مَعَهُ دارَ الْکَرامَهِ، وَ مَحَلَّ الْإِقامَهِ، اللهُمَ

و ما را در جمع یاران او محشور فرما و ما را همراه او در بهشت و سرای ابدی جای ده، خدایا

وَکَما اکْرَمْتَنا بِمَعْرِفَتِهِ فَاکْرِمْنا بِزُلْفَتِهِ، وَارْزُقْنا مُرافَقَتَهُ وَسابِقَتَهُ، وَاجْعَلْنا

همانگونه که ما را به شناخت او گرامی داشتی پس به نزدیکی به او نیز گرامی دار، و دوستی دیرینه او را نصیب ما فرما،

مِمَّنْ یُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ، وَیُکْثِرُ الصَّلاهَ عَلَیْهِ عِنْدَ ذِکْرِهِ، وَعَلی جَمیعِ اوْصِیآئِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که مطیع فرمان اویند و در هنگام ذکر نامش بر او و بر همه جانشینان

وَاهْلِ اصْفِیآئِهِ، الْمَمْدُودینَ مِنْکَ بِالْعَدَدِ الْإِثْنَیْ عَشَرَ، النُّجُومِ الزُّهَرِ،

و دوازده برگزیده یاری شده از خاندانش، آن ستارگان درخشان

وَالْحُجَجِ عَلی جَمیعِ الْبَشَرِ، اللهُمَّ وَهَبْ لَنا فی هذَا الْیَوْمِ خَیْرَ مَوْهِبَهٍ،

و حجّت بر تمامی بشر، بسیار درود می فرستند، خدایا در این روز بهترین بخشش را به ما عطا فرما

وَ انْجِحْ لَنا فيهِ كُلّ طَلِبَهٍ، كَما وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ، وَعاذَ فُطْرُسُ

و هر خواسته ای را بر آور، همان گونه که حسین را به جدّش محمّد عطا فرمودی و فطرس به

بِمَهْدِهِ، فَنَحْنُ عائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ، نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ، وَنَنْتَظِرُ اوْبَتَهُ، آمينَ

گهواره اش پناهنده شد، پس ما نیز بعد از او به قبرش پناهنده ایم، بر سر تربتش حاضر شده و منتظر بازگشت مجدّد او هستیم، قبول فرما

رَبَّ الْعالَمينَ.(1)

ای پروردگار جهانیان

پس از آن، این دعا را که به دعای امام حسین علیه السلام معروف است می خوانی. این دعا آخرین دعایی است که آن حضرت در روز عاشورا (همان روزی که دشمنانش زیاد بودند) خواند:

1- [900]مصباح المتهجّد، صفحه 826 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 347.

اللهُمَّ انْتَ مُتَعالِی الْمَکانِ، عَظیمُ الْجَبَرُوتِ، شَدیدُ الْمِحالِ، غَنِیٌ

خدایا تو والا مکانی، قدرت مطلقی، بسیار مدبّری، از مخلوقات

عَنِ الْخَلایِقِ، عَریضُ الْکِبْرِیآءِ، قادِرٌ عَلی ما تَشآءُ، قَریبُ الرَّحْمَهِ،

بی نیازی، اقتدارت وسیع و به آنچه خواهی توانایی، رحمتت نزدیک و

صادِقُ الْوَعْدِ، سابِغُ النِّعْمَهِ، حَسَنُ الْبَلاءِ، قَریبٌ إذا دُعیتَ، مُحیطٌ بِما

وعده ات راست و نعمتت فراوان و آزمایشت نیکوست، زمانی که خوانده شوی نزدیکی، و به آنچه آفریدی محیطی،

خَلَقْتَ، قابِلُ التَّوْبَهِ لِمَنْ تابَ الَیْکَ، قادِرٌ عَلی ما ارَدْتَ، وَ مُدْرِکٌ ما

توبه پذیر توبه کنندگانی و بر آنچه اراده کنی توانایی، آنچه خواهی بدست

طَلَبْتَ، وَ شَکُورٌ اذا شُکِرْتَ، وَ ذَکُورٌ اذا ذُکِرْتَ، ادْعُوکَ مُحْتاجاً،

آری آن گاه که سپاس شوی سپاس پذیری، آن گاه که یادت کنند یاد کنی، تو را به حال نیاز خوانم،

وَارْغَبُ الَیْکَ فَقیراً، وَ افْزَعُ الَیْکَ خآئِفاً، وَ ابْکی الَیْکَ مَکْرُوباً، وَاسْتَعینُ

و به حال درماندگی به سویت توجّه کنم، و با ترس به درگاهت پناه برم، و با دردمندی به درگاهت گریه کنم، و با ناتوانی از تو

بِکَ ضَعیفاً، وَ اتوَکَّلُ عَلَیْکَ کافِیاً ....

کمک خواهم و بر تو توکّل کنم در حالی که تو کافی هستی.

در ذیل این دعا قسمتی دیده می شود که جنبه خصوصی دارد، زیرا امام علیه السلام عرض می کند: «خدایا بین ما، و قوم ما به حق داوری کن ! آنها به ما نیرنگ زدند (ما را دعوت کردند و اعلام وفاداری نمودند ولی) دست از یاری ما برداشتند و راه مکر و فریب را پیش گرفتند، آماده کشتن ما شدند در حالی که ما عترت پیامبر تو و فرزندان حبیبت محمّد بن عبدالله

صلی الله علیه و آله هستیم همان کسی که او را به نبوّت برگزیدی و امین وحی ساختی» سپس عرضه داشت:

فَاجْعَلْ لَنا مِنْ امْرِنا فَرَجاً وَمَخْرَجاً، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

پس برای کار ما گشایش و راه گریزی قرار ده، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

ابن عیّاش گفت: از حسین بن علیّ بزوفری شنیدم که می گفت حضرت صادق علیه السلام این دعا را در این روز می خواند و فرمود که این دُعا از دعاهای روز سوم شعبان است و آن روز ولادت حسین علیه السلام است. (2)

ص: 680

1- [901]مصباح المتهجّد، صفحه 827 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 348.
2- [902]همان مدرک، صفحه 828.

شب سیزدهم ماه: شب سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم، «لیالی بیض» یعنی شبهای روشن، نامیده می شود. برای این شب ها اعمالی است که در اعمال ماه رجب (صفحه 643) بیان شد.

شب نیمه شعبان: این شب، شب بسیار مبارکی است؛ از امام صادق علیه السلام روایت شده است که از امام محمّد باقر علیه السلام از فضیلت شب نیمه شعبان سؤال شد، فرمود: آن شب، بعد از شب قدر بافضیلت ترین شب های سال است. در این شب، خداوند به بندگانش فضل خود را عطا می فرماید و به کرم خویش، آنان را می آمرزد؛ در این شب، برای تقرّب به خداوند سعی و کوشش نمایید! زیرا این شب، شبی است که خداوند به ذات مقدّس خود قسم یاد کرده است که نیازمندی را دست خالی برنگرداند، مادامی که معصیت و گناهی را نخواهد و شبی است که خدای متعال آن را برای ما اهل البیت علیهم السلام قرار داد، آن گونه که شب قدر را برای پیامبر ما قرار داد. پس در دعا و ثنای الهی در این شب کوشش کنید.(1) از جمله برکات این شب این است که ولادت باسعادت منجی عالم بشریّت، مهدی موعود، امام زمان- عجّل اللّٰه تعالی فرجه الشّریف- در سحر این شب در سال 255، در «سرّ من رأی ، واقع شد، و بر شرافت این شب افزود.

برای این شب چند عمل است:

اوّل: غسل است که طبق روایتی از امام صادق علیه السلام سبب تخفیف گناهان است.(2) دوم: احیای این شب است، به نماز و دعا و استغفار. در روایتی که حضرت امیر مؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند آمده است: «هنگامی که شب نیمه شعبان فرا می رسد آن را به عبادت به سر برید و روزش را روزه بدارید، زیرا از اوّل تا آخر این شب، از جانب خداوند ندا می آید: آیا استغفار کننده ای هست که از گناهان خویش آمرزش طلبد، تا گناهان او را بیامرزم؟ آیا کسی هست که طلب روزی کند و من روزی او را وسعت بخشم؟».(3) همچنین در روایتی آمده است که جبرئیل به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: هر کس این شب را به تسبیح و تکبیر و دعا و نماز و استغفار و ... احیا بدارد، خداوند گناهانش را می آمرزد، و جایگاه و منزل او بهشت خواهد بود ...

ای محمّد! این شب را احیا بدار، و به امّتت فرمان ده آن را احیا دارند.

جبرئیل پس از بیان فضایل دیگری برای این شب، در پایان گفت: محروم واقعی کسی است که از خیر و برکت این شب محروم باشد! (4) از امام زین العابدین علیه السلام نیز احیای این شب نقل شده است. (5)

ص: 681

1- [903]مصباح المتهجّد، صفحه 831 و اقبال، صفحه 695.
2- [904]مصباح المتهجّد، صفحه 853 و زاد المعاد، صفحه 59.
3- [905]بحارالانوار، جلد 95، صفحه 415 و اقبال، صفحه 701.
4- [906]اقبال، صفحه 699.
5- [907]زاد المعاد، صفحه 64.

همچنین در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که هر کس این شب را احیا بدارد، در آن روز که قلبها می میرد، قلبش نخواهد مرد.(1) سوم: زیارت امام حسین علیه السلام در این شب از افضل اعمال است، و باعث آمرزش گناهان است.(2) در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در این شب روایات متعدّدی نقل شده است از جمله:

1- ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: هر کس دوست دارد یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصافحه کند، در نیمه شعبان، قبر حسین علیه السلام را زیارت کند؛ زیرا ارواح پیامبران در این شب به اذن خداوند به زیارت آن حضرت می روند!(3) 2- در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که نیمه شعبان می شود از افق اعلی (از جانب خداوند) به زائر امام حسین علیه السلام ندا می دهند که، اکنون با گناهان آمرزیده برگرد، پاداش تو به عهده پروردگارت و پیامبر خداست!(4) حدّاقلّ زیارت آن حضرت آن است که انسان آن شب، بر روی بام خانه و یا فضای باز دیگری برود و به سمت راست و چپ آسمان نگاه کند، آنگاه به بالای سر نظر افکند و با انگشت به سمت راستِ قبله اشاره کند و بگوید:

السَّلامُ عَلَيْکَ يا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ.(5)

برای شب نیمه شعبان زیارت مخصوصه ای نیز می باشد که در بخش زیارات گذشت. (صفحه 412)

***

چهارم: خواندن این دعاست که جناب «سیّد بن طاووس» و «شیخ طوسی» آن را نقل کرده اند و به منزله زیارت امام زمان علیه السلام است:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنا هذِهِ وَمَوْلُودِها وَحُجَّتِکَ، وَمَوْعُودِهَا الَّتى قَرَنْتَ الى

خدایا به حقّ این شب و مولود آن و حجّتت و شب وعده داده شده ای که بر

فَضْلِها فَضْلًا، فَتَمَّتْ کَلِمَتُکَ صِدْقاً وَعَدْلًا لا مُبَدِّلَ لِکَلِماتِکَ، وَلا مُعَقِّبَ

فضلش فضیلتی همراه نمودی پس کامل شد سخنت به راستی و عدل، در حالی که تغییر دهنده ای برای سخنانت و تعقیب کننده ای

لِأیاتِکَ، نُورُکَ الْمُتَالِّقُ، وَضِیآؤُکَ الْمُشْرِقُ، وَالْعَلَمُ النُّورُ فی طَخْیآءِ

ص: 682

1- [908]اقبال، صفحه 718.
2- [909]مصباح المتهجّد، صفحه 830.
3- [910]همان مدرک و اقبال، صفحه 710.
4- [911]همان مدرک.
5- [912]زاد المعاد، صفحه 60.

برای آیاتت نیست، نورت درخشان و روشناییت تابان است، و تویی نشانه نورانی در تاریکی

الدَّیْجُورِ، الْغائِبُ الْمَسْتُورُ، جَلَّ مَوْلِدُهُ، وَکَرُمَ مَحْتِدُهُ، وَالْمَلائِکَهُ شُهَّدُهُ،

شب ظلمانی، آن پنهان و پوشیده که ولادتش بزرگ و نژادش شریف است و فرشتگان گواهان او،

وَاللَّهُ ناصِرُهُ وَمُؤَیِّدُهُ اذا آنَ میعادُهُ، وَالْمَلائِکَهُ امْدادُهُ، سَیْفُ اللَّهِ الَّذی لا

و خداوند یاور و تأیید کننده اوست، آن گاه که وعده اش فرا رسد و در حالی که فرشتگان یاور اویند، شمشیر برّنده خدا که

یَنْبُو، وَنُورُهُ الَّذی لا یَخْبُو، وَ ذُوالْحِلْمِ الَّذی لا یَصْبُوا، مَدارُ الدَّهْرِ،

کند نشود و نورش که خاموش نگردد، و بردباری که ناشکیب نگردد (او و پدرانش) محور گردش روزگار

وَنَوامیسُ الْعَصْرِ، وَوُلاهُ الْأَمْرِ، وَالْمُنَزَّلُ عَلَیْهِمْ ما یَتَنَزَّلُ فی لَیْلَهِ الْقَدْرِ،

و محرم اسرار هر عصر و زمان و والیان امر خدایند و آنچه در شب قدر نازل شده بر آنها فرود آمده

وَاصْحابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَراجِمَهُ وَحْیِهِ، وَوُلاهُ امْرِهِ وَنَهْیِهِ، اللهُمَ

و آنان صاحبان حشر و نشرِ (رستاخیز) و مفسّران وحی و والیان اوامر و نواهی اویند، خدایا

فَصَلِّ عَلی خاتِمِهِم وَقآئِمِهِمُ، الْمَسْتُورِ عَنْ عَوالِمِهِمْ، وَادْرِکْ بِنا أَیَّامَهُ،

بر آخرین آنها و قائمشان که از جهانیان پنهان است درود فرست، خدایا ما را به روزگار

وَظُهُورَهُ وَقِیامَهُ، وَاجْعَلْنا مِنْ انْصارِهِ، وَاقْرِنْ ثارَنا بِثارِهِ، وَاکْتُبْنا فی

ظهور و قیامش برسان و از یاورانش قرار ده و خون خواهی ما را به خون خواهی او نزدیک کن و در زمره

اعْوانِهِ وَخُلَصآئِهِ، وَاحْيِنا فی دَوْلَتِهِ ناعِمینَ، وَبِصُحْبَتِهِ غانِمینَ، وَبِحَقِّهِ

یاوران خالصش مکتوب فرما، و ما را در حکومتش شادکام و به همنشینی او بهره مند و به انجام حقوقش

قآئِمینَ، وَمِنَ السُّوءِ سالِمینَ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، وَالْحَمْدُللَّهِ رَبِ

پاینده و از بدیها در امان بدار، ای مهربان ترین مهربانان، و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار

الْعالَمینَ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَالْمُرْسَلینَ،

جهانیان است و درود و سلام خدا بر آقا و سرور ما محمّد، خاتم پیامبران و فرستادگان

وَعَلی اهْلِ بَیْتِهِ الصَّادِقینَ، وَعِتْرَتِهَ النَّاطِقینَ، وَالْعَنْ جَمیعَ الظَّالِمینَ،

و بر خاندان راستگو و حقگویش باد، و همه ستمکاران را لعنت کن و

واحْکُمْ بَیْنَنا وَبَیْنَهُمْ یا احْکَمَ الْحاکِمینَ.(1)

بین ما و آنها داوری کن ای عادلترین داوران.

ص: 683

1- [913]اقبال، صفحه 705 و مصباح المتهجّد، صفحه 842(با اندکی تفاوت).

پنجم: «شیخ طوسی» از اسماعیل بن فضل هاشمی روایت کرده که گفت: حضرت صادق علیه السلام این دعا را به من تعلیم داد تا آن را در شب نیمه شعبان بخوانم:

اللهُمَّ انْتَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ، الْعَلِىُّ الْعَظيمُ، الْخالِقُ الرَّازِقُ، الْمُحْيِى

خدایا تویی زنده جاوید و والای با عظمت و آفریننده روزی ده، و زنده کننده

الْمُميتُ، الْبَدى ءُ الْبَديعُ، لَکَ الْجَلالُ وَلَکَ الْفَضْلُ، وَلَکَ الْحَمْدُ وَلَکَ

میراننده، و آغاز کننده نو آفرین، برای توست بزرگی و لطف و کرم، و ستایش و

الْمَنُّ، وَلَکَ الْجُودُ وَلَکَ الْکَرَمُ، وَلَکَ الْأَمْرُ وَلَکَ الْمَجْدُ وَلَکَ الْشُّکْرُ،

خیر و برکت، و برای توست بخشش و سخاوت و فرمان و بزرگی و سپاس،

وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ، یا واحِدُ یا احَدُ، یا صَمَدُ یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ،

یگانه ای که شریکی برای تو نیست، ای یکتای یگانه بی نیاز ای که نه زاده و زاده نشده

وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً احَدٌ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاْغفِرْ لى

و برای او هیچ گاه شبیه و مانندی نبوده است بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و مرا بیامرز

وَارْحَمْنى وَاکْفِنى ما اهَمَّنى وَاقْضِ دَیْنى وَوَسِّعْ عَلَیَّ فى رِزْقى

و بر من رحم کن و آنچه مرا به خود مشغول کرده بر آور و قرضم را ادا کن و در روزیم وسعت ده،

فَانَّکَ فى هذِهِ اللَّیْلَهِ کُلَّ امْرٍ حَکیمٍ تَفْرُقُ، وَمَنْ تَشاۤءُ مِنْ خَلْقِکَ تَرْزُقُ،

چرا که تو در این شب، امور پیچیده را می گشایی، و هر مخلوقت را که خواهی روزی می دهی،

فَارْزُقْنی وَانْتَ خَیْرُ الرَّازِقینَ، فَانَّکَ قُلْتَ وَ انْتَ خَیْرُ الْقآئِلینَ النَّاطِقینَ:

پس روزیم ده که تو بهترین روزی دهی، زیرا تو خود که بهترین گوینده و گویاترینی فرمودی:

وَاسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ. فَمِنْ فَضْلِکَ اسْئَلُ، وَ ایَّاکَ قَصَدْتُ، وَ ابْنَ نَبِیِّکَ

از لطف و کرم خدا بخواهید. پس از لطف و کرمت می خواهم، و تو مقصود منی، و بر فرزند پیامبرت

اعْتَمَدْتُ، وَ لَکَ رَجَوْتُ، فَارْحَمْنی یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

اعتماد کرده و به (رحمت) تو امیدوارم، پس بر من ترحّم کن ای مهربان ترین مهربانان

ص: 684

1- [914]مصباح المتهجّد، صفحه 843 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 412(با مقداری تفاوت).

ششم: این دعا را بخواند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این شب می خواندند:

اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنا مِنْ خَشْیَتِکَ ما یَحُولُ بَیْنَنا وَبَیْنَ مَعْصِیَتِکَ، وَمِنْ

خدایا از ترس خود به آن اندازه نصیبمان کن که میان ما و نافرمانیت فاصله شود، و از

طاعَتِکَ ما تُبَلِّغُنا بِهِ رِضْوانَکَ، وَمِنَ الْیَقینِ ما یَهُونُ عَلَیْنا بِهِ مُصیباتُ

بندگیت به آن اندازه که ما را به خشنودیت رساند، و از یقین به آن اندازه که گرفتاریهای

الدُّنْیا، اللهُمَّ امْتِعْنا بِاسْماعِنا وَابْصارِنا وَقُوَّتِنا ما احْیَیْتَنا، وَاجْعَلْهُ

دنیا بر ما آسان شود، خدایا تا زمانی که زنده ایم ما را از گوشها و چشمها و نیرویمان بهره مند ساز، و آن را

الْوارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ ثارَنا عَلی مَنْ ظَلَمَنا، وَانْصُرنا عَلی مَنْ عادانا، وَلا

وارث ما قرار ده، و خون ما را بر گردن آن که بر ما ظلم کرده قرار ده و ما را بر دشمنانمان پیروز کن،

تَجْعَلْ مُصیبَتَنا فی دینِنا، وَلا تَجْعَلِ الدُّنْیا اکْبَرَ هَمِّنا، وَلا مَبْلَغَ عِلْمِنا،

و گرفتاری ما را در دینمان قرار مده، و دنیا را بزرگترین غصّه ما و نهایت دانش ما قرار مده،

وَلا تُسَلِّطْ عَلَیْنا مَنْ لا یَرْحَمُنا، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

و کسی را که بر ما رحم نمی کند بر ما مسلّط مکن، به مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان.

و این دعای جامع و کاملی است که خواندن آن در اوقات دیگر نیز غنیمت است و از عوالی اللّئالی نقل شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله همیشه این دعا را می خواندند.(2) هفتم: صلوات هر روز ماه شعبان را (صفحه 670) که در وقت ظهر خوانده می شود، بخواند.(3) هشتم: دعای

کمیل (صفحه 98) را که حضرت علی علیه السلام در این شب آن را به کمیل تعلیم داد، بخواند.

نهم: در این شب صد مرتبه بگوید: سبحان اللَّه و صد مرتبه بگوید: الحمد للّٰه و صد مرتبه بگوید: اللَّه اکبر و صد مرتبه بگوید: لا إلهَ إلَّااللَّهُ که طبق روایتی از امام باقر علیه السلام هرکس چنین کند، خداوند گناهان گذشته او را بیامرزد و حاجت های دنیوی و اخروی او را برآورده سازد.(4)

***

دهم: مرحوم «شیخ طوسی» از «ابویحیی» روایتی را نقل می کند که می گوید: به مولایم امام صادق علیه السلام عرض کردم: بهترین دعا، در این شب کدام است؟ فرمود: وقتی که نماز عشا را بجا آوردی، دو

1- [915]بحارالانوار، جلد 95، صفحه 414 و اقبال، صفحه 699(با اندکی تفاوت).
2- [916]عوالی اللئالی، جلد 1، صفحه 159، حدیث 144 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 361، حدیث 18.
3- [917]اقبال، صفحه 687.
4- [918]همان مدرک، صفحه 695 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 409.

رکعت نماز بگزار و در رکعت اوّل سوره «حمد» و سوره «قل یا ایّها الکافرون» و در رکعت دوم، سوره «حمد» و سوره «توحید» را بخوان؛ پس از نماز، سی و سه مرتبه بگو: سبحان اللّٰه سی و سه مرتبه الحمد للّٰه و سی و چهار مرتبه اللّٰه اکبر. آنگاه بگو:

یا مَنْ اِلَیْهِ مَلْجَأُ الْعِبادِ فِی الْمُهِمَّاتِ، وَاِلَیْهِ یَفْزَعُ الْخَلْقُ فِی الْمُلِمَّاتِ،

ای پناه بندگان در گرفتاریها که بندگان در مشکلات به او پناهنده شوند،

یا عالِمَ الْجَهْرِ وَالْخَفِیَّاتِ، وَ یا مَنْ لا تَخْفی عَلَیْهِ خَواطِرُ الْأَوْهامِ،

ای دانای آشکار و نهان، ای که پنهان نشود بر او افکار و رؤیاها،

وَتَصَرُّفُ الْخَطَراتِ، یا رَبَّ الْخَلایِقِ وَالْبَرِیَّاتِ، یا مَنْ بِیَدِهِ مَلَکُوتُ

و تغییر و تصرّف در آنها، ای پروردگار مخلوقات و آفریدگان، ای کسی که پادشاهی

الْأَرَضینَ وَالسَّمواتِ، انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، امُتُّ الَیْکَ بِلا الهَ الَّا انْتَ،

زمین و آسمان ها از آن اوست، تویی خدایی که معبودی جز تو نیست، به وسیله کلمه «لا اله الّاأنت» به تو متوجّه شده ام،

فَبِلا الهَ الَّا انْتَ، اجْعَلْنی فی هِذِهِ اللَّیْلَهِ مِمَّنْ نَظَرْتَ الَیْهِ فَرَحِمْتَهُ،

پس به واسطه آن مرا در این شب از کسانی قرار ده که به او توجّه کرده و ترحّم نموده ای،

وَسَمِعْتَ دُعآئَهُ فَاجَبْتَهُ، وَعَلِمْتَ اسْتِقالَتَهُ فَاقَلْتَهُ، وَتَجاوَزْتَ عَنْ

و دعایش را شنیده و پاسخش فرموده ای و بر طلب آمرزش آگاه شده و او را آمرزیده ای

سالِفِ خَطیئَتِهِ، وَعَظیمِ جَریرَتِهِ، فَقَدِ اسْتَجَرْتُ بِکَ مِنْ ذُنُوبی وَلَجَأْتُ

و گناهان گذشته و خطاهای بزرگش را بخشیده ای، پس از گناهانم به تو پناه آورم

اَلَیْکَ فی سَتْرِ عُیُوبی اللهُمَّ فَجُدْ عَلَیَّ بِکَرَمِکَ وَفَضْلِکَ، وَاحْطَطْ

و در پوشش عیوبم از تو کمک خواهم خدایا ببخش بر من به فضل و کرمت و

خَطایایَ بِحِلْمِکَ وَعَفْوِکَ، وَتَغَمَّدْنی فی هذِهِ اللَّیْلَهِ بِسابِغِ کَرامَتِکَ،

گناهانم را به حلم و گذشت فروریز، و مرا در این شب در فراوانی احسان و کرمت غوطه ور ساز

وَاجْعَلْنی فیها مِنْ اوْلِیآئِکَ الَّذینَ اجْتَبَیْتَهُمْ لِطاعَتِکَ، وَ اخْتَرْتَهُمْ

و مرا در این شب از دوستانی که برای اطاعت و بندگیت انتخاب نموده و از خاصّان و

لِعِبادَتِکَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خالِصَتَکَ وَصَفْوَتَکَ، اللهُمَّ اجْعَلْنی مِمَّنْ سَعَدَ

برگزیدگانت قرار داده ای، مقرّر فرما، خدایا مرا از کسانی قرار ده که سعی و کوشش او به نتیجه رسیده

ص :686

جَدُّهُ، وَ تَوَفَّرَ مِنَ الْخَيْراتِ حَظُّهُ، وَ اجْعَلْنی مِمَّنْ سَلِمَ فَنَعِمَ، وَ فازَ فَغَنِمَ،

و بهره اش از نیکیها فراوان گشته است و قرار ده از کسانی که تندرست گشته و به نعمت رسیده و رستگار شده و بهره مند گردیده است،

وَ اكْفِنی شَرَّ ما اسْلَفْتُ، وَ اعْصِمْنی مِنَ الْإِزدِيادِ فی مَعْصِيَتِکَ، وَ حَبِّبْ

و مرا از شرّ بدیهایی که کرده ام حفظ کن، و مرا از زیاده روی در نافرمانیت بازدار،

الَیَّ طاعَتَکَ، وَ ما يُقَرِّبُنی مِنْکَ، وَ يُزْلِفُنی عِنْدَکَ، سَیِّدی الَيْکَ يَلْجَأُ

و اطاعت و بندگیت و محبوب من گردان آنچه که مرا به تو نزدیک کرده و مقرّب درگاهت سازد، آقای من بنده فراری به

الْهارِبُ، وَ مِنْکَ يَلْتَمِسُ الطَّالِبُ، وَ عَلی كَرَمِکَ يُعَوِّلُ الْمُسْتَقيلُ التَّائِبُ،

سوی تو پناه آورد، و از تو عاجزانه طلب کند و عذر خواه توبه کننده بر کرم و بخشش تو تکیه کند.

ادَّبْتَ عِبادَکَ بالتَّكَرُّمِ، وَ انْتَ اكْرَمُ الْأَكْرَمينَ، وَامَرْتَ بِالْعَفْوِ عِبادَکَ،

بندگانت را به مهرورزی تربیت نمودی و تو گرامی ترین گرامیان هستی و بندگانت را به بخشش و گذشت فرمان دادی

وَانْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ، اللّهُمَّ فَلا تَحْرِمْنی ما رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِکَ، وَ لا

و تویی آمرزنده مهربان، خدایا مرا از امیدی که به بخشش و کرمت دارم محروم مگردان و از

تُؤْيِسْنی مِنْ سابِغِ نِعَمِکَ، وَ لا تُخَيِّبْنی مِنْ جَزيلِ قِسَمِکَ فی هذِهِ

فراوانی نعمتهایت مأیوس مکن، و مرا از فراوانی بهره ات در این شب

اللَّيْلَهِ لِأَهْلِ طاعَتِکَ، وَاجْعَلْنی فی جُنَّهٍ مِنْ شِرارِ بَرِيَّتِکَ، رَبِّ انْ لَمْ اكُنْ

بر بندگان فرمانبردارت بی بهره مساز و از گزند مخلوقاتت در پناهگاهی قرار ده، ای پروردگار من اگر من

مِنْ اهْلِ ذلِکَ، فَانْتَ اهْلُ الْکَرَمِ وَ الْعَفْوِ وَ الْمَغْفِرَهِ، وَ جُدْ عَلَیَّ بِما انْتَ

شایسته آنها نیستم ولی تو شایسته بخشش و گذشت و آمرزشی و به آنچه که تو شایسته آنی بر من ببخش

اهْلُهُ لا بِما اسْتَحِقُّهُ، فَقَدْ حَسُنَ ظَنّی بِکَ، وَ تَحَقَّقَ رَجآئی لَکَ، وَ عَلِقَتْ

نه آنچه که من سزاوار آنم، پس به یقین گمانم به تو نیکوست و امیدم به تو تحقّق یافته، و جانم به کرمت

نَفْسی بِکَرَمِکَ، فَانْتَ ارْحَمُ الرَّاحِمینَ، وَاکْرَمُ الْأَکْرَمینَ، اللهُمَ

تعلّق یافته، و تویی مهربان ترین مهربانان و گرامی ترین گرامیان، خدایا

وَاخْصُصْنی مِنْ کَرَمِکَ بِجَزیلِ قِسَمِکَ، وَاعُوذُ بِعَفْوِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ، وَاغْفِر

از کرم خویش فراوانی بهره ات را نصیبم گردان، و از مجازاتت به گذشتت پناه می برم، و ببخش

لِیَ الذَّنْبَ الَّذی یَحْبِسُ عَلَیَّ الْخُلُقَ، وَیُضَیِّقُ عَلَیَّ الرِّزْقَ، حَتّی اقُومَ

بر من گناهانی را که رفتار (بد) را در من نگه دارد و روزی را بر من تنگ کند، تا به

بِصالِحِ رِضاکَ، وَانْعَمَ بِجَزیلِ عَطآئِکَ، وَاسْعَدَ بِسابِغِ نَعْمآئِکَ، فَقَدْ لُذْتُ

خشنودی شایسته تو اقدام کنم، و از نعمتهای فراوانت بهره مند گردم و از فراوانی نعمتهایت خرسند شدم، زیرا به درگاهت

بِحَرَمِکَ، وَتَعَرَّضْتُ لِکَرَمِکَ، وَاسْتَعَذْتُ بِعَفْوِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ، وَبِحِلْمِکَ

پناه آورده و به بخششت متوسّل شده ام و به عفو و گذشتت از مجازاتت و به حلمت

مِنْ غَضَبِکَ، فَجُدْ بِما سَئَلْتُکَ، وَانِلْ مَا الْتَمَسْتُ مِنْکَ، اسْئَلُکَ بِکَ لا

از غضبت پناهنده شدم، پس آنچه از تو خواستم بر من ببخش و به آنچه در خواست نمودم برسان، از تو به حقّ خودت می خواهم

بِشَیْ ءٍ هُوَ اعْظَمُ مِنْکَ.

چرا که چیزی از تو بزرگتر نیست.

سپس به سجده می روی و بیست مرتبه می گویی: یا رَبِّ و هفت مرتبه یا اللّهُ و هفت مرتبه لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّهِ و ده مرتبه: ما شآءَ اللّهُ و ده مرتبه لا قُوّةَ اِلّا بِاللّهِ. آنگاه صلوات می فرستی بر پیغمبر و آل او علیهم السلام و از خدا حاجت خود را می طلبی.

به خدا سوگند! اگر کسی با انجام این عمل، از خدا حاجت بطلبد، هرچند بسیار فراوان باشد خداوند آن را به کرم و فضل گسترده اش برآورده می سازد.(1)

***

یازدهم: «شیخ طوسی» و «سیّد بن طاووس»، فرموده اند، در این شب این دعا را بخواند.

الهی تَعَرَّضَ لَکَ فی هذَا اللَّیْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ، وَقَصَدَکَ فیهَا الْقاصِدُونَ،

معبود من، خواهندگان، در این شب به درگاهت آمده اند، و قصد کنندگان، تو را قصد کرده اند،

وَامَّلَ فَضْلَکَ وَمَعْرُوفَکَ الطّالِبُونَ، وَلَکَ فی هذَا اللّیْلِ نَفَحاتٌ وَجَوآئِزُ،

و جویندگان، فضل و احسانت را آرزومندند، و تو را در این شب هدایا و پاداشها

وَعَطایا وَمَواهِبُ، تَمُنُّ بِها عَلی مَنْ تَشآءُ مِنْ عِبادِکَ، وَتَمْنَعُها مَنْ لَمْ

و بخششها و نعمتهایی است که به واسطه آن بر هر یک از بندگانت که خواهی منّت گذاری، و از هر که

تَسْبِقْ لَهُ الْعِنایَهُ مِنْکَ، وَها انَا ذا عُبَیْدُکَ الْفَقیرُ الَیْکَ، الْمُؤَمِّلُ فَضْلَکَ

پیش از این به او توجّه نفرموده ای دریغ کنی و اینک من بنده کوچک و نیازمند تو و آرزومند فضل و

وَمَعْرُوفَکَ، فَانْ کُنْتَ یا مَولایَ تَفَضَّلْتَ فی هذِهِ اللَّیْلَهِ عَلی احَدٍ مِنْ

احسان توام، پس ای مولای من اگر خواهی در این شب بر هر یک از

1- [919]مصباح المتهجّد، صفحه 831 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 409(با اندکی تفاوت).

خَلْقِکَ، وَعُدْتَ عَلَیْهِ بِعائِدَهٍ مِنْ عَطْفِکَ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

بندگانت احسان نموده، و پاداشی از مهربانیت عنایت فرمایی، پس بر محمّد و خاندان

الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ، الْخَیِّرینَ الْفاضِلینَ، وَجُدْ عَلَیَّ بِطَوْلِکَ وَ مَعْرُوفِکَ یا

پاک و پاکیزه و نیکوکار و برترش درود فرست، و به فضل و احسانت بر من ببخش ای

رَبَّ الْعالَمینَ، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبیّینَ وَ آلِهِ الطّاهِرینَ،

پروردگار جهانیان درود و سلام فراوان خدا بر محمّد، خاتم پیامبران و خاندان پاکش باد،

وَسَلَّمَ تَسْلیماً، انَّ اللَّهَ حَمیدٌ مَجیدٌ، اللَّهُمَّ انّی ادْعُوکَ کَما امَرْتَ،

همانا خداوند پسندیده و بزرگوار است، خدایا تو را آنچنان که فرمان دادی می خوانم،

فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَ، انَّکَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ.(1)

پس دعایم را آنچنان که وعده فرمودی اجابت کن، که همانا تو خلف وعده نمی کنی

و این دعایی است که در سحرها، پس از نماز شفع خوانده می شود.(2) دوازدهم: بعد از هر دو رکعت از نماز شب و شفع و بعد از دعاهای نماز وتر، دعاهایی را که مرحوم «شیخ طوسی» و «سیّد بن طاووس» نقل کرده اند را بخواند.(3) سیزدهم: سجده ها و دعاهایی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است را بخواند. از جمله، در روایتی که «ابان بن تغلب» از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، چنین آمده:

شب نیمه شعبان داخل شد و آن شب رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد یکی از همسران خود بود؛ وقتی که شب به نیمه رسید آن حضرت از بستر برای عبادت برخاست؛ همسرش در پی آن حضرت روان شد، در حالی که خود را به چادرش پیچیده بود و در جستجوی آن حضرت بود؛ ناگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله را در سجده یافت، که مثل جامه ای به زمین

چسبیده بود. به حضرت نزدیک شد، شنید که آن حضرت در سجده خود می گوید:

سَجَدَ لَکَ سَوادی وَخَیالی وَآمَنَ بِکَ فُؤادی هذِهِ یَدایَ وَماجَنَیْتُهُ عَلی

تمام وجودم بر تو سجده کرد و دلم به تو ایمان آورد، این است دستان من و آنچه بر خود

نَفْسی یا عَظیمُ تُرْجی لِکُلِّ عَظیمٍ، اغْفِرْ لِیَ الْعَظیمَ، فَانَّهُ لایَغْفِرُ الذَّنْبَ

جفا کرده ام، ای بزرگی که در هر گناه بزرگی امید به بخشش توست، ببخش بر من (گناهان) بزرگم را

الْعَظیمَ الَّا الرَّبُّ الْعَظیمُ آنگاه سر خود را بلند کرد و سپس به سجده رفت و عرض کرد:

چرا که نمی آمرزد گناهان بزرگ را مگر پروردگار بزرگ.************************

ص: 689

1- [920]مصباح المتهجّد، صفحه 833 و اقبال، صفحه 697 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 411.
2- [921]مصباح کفعمی، صفحه 51.
3- [922]مصباح المتهجّد، صفحه 833 و اقبال، صفحه 716.

اعُوذُ بُنُورِ وَجْهِکَ الَّذی اضائَتْ لَهُ السَّمواتُ وَالْأَرَضُونَ، وَانْکَشَفَتْ لَهُ

پناه می برم به روشنایی جمالت که آسمانها و زمین ها را روشن کرده و تاریکیها را بر چیده

الظُّلُماتُ، وَصَلَحَ عَلَیْهِ امْرُ الْأَوَّلینَ وَالْأخِرینَ، مِنْ فُجأَهِ نَقِمَتِکَ، وَمِنْ

و به واسطه آن کارهای پیشینیان و پسینیان از عذاب ناگهانیت و از

تَحْویلِ عافِیَتِکَ، وَمِنْ زَوالِ نِعْمَتِکَ، اللهُمَّ ارْزُقْنی قَلْباً تَقِیّاً نَقِیّاً، وَمِنَ

دست رفتن سلامتی و نعمتت اصلاح گردیده است، خدایا دلی خداترس و پاکیزه روزیم کن و از

الشِّرْکِ بَریئاً، لا کافِراً ولا شَقِیّاً. آنگاه دو طرف روی خود را به خاک گذاشت و گفت:

شرک دورم گردان در حالی که نه ناسپاس باشم و نه بدبخت.***

عَفَّرْتُ وَجْهی فِی التُّرابِ، وَحُقَّ لی انْ اسْجُدَ لَکَ.

صورتم را بر خاک نهادم و لازم است که بر تو سجده کنم.

وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله خواست به بستر خویش برگردد، همسرش شتابان به جای خود برگشت؛ هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به نزدش آمد، صدای نفس های بلند او را شنید و فرمود: این نفس زدن ها چیست؟ آیا نمی دانی امشب، چه شبی است؟ امشب نیمه شعبان است که روزی ها در آن تقسیم می شود و اجل ها نوشته می شود و حاجیان نامشان امشب معیّن می گردد و خداوند افراد فراوانی را می آمرزد و فرشتگان خود را از آسمان به سوی مکّه می فرستد! (1)
چهاردهم: نماز جناب جعفر طیّار را بجا آورد، همان گونه که در روایتی از امام رضا علیه السلام در اعمال امشب وارد شده است. (2) (شرح آن در نمازهای مستحب و معروف- صفحه 1081- خواهد آمد)

پانزدهم: نمازهای فراوانی برای شب نیمه شعبان وارد شده است که آنها را بجا آورد از جمله گروهی از افراد مورد وثوق و اعتماد از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده اند که فرمودند: وقتی که شب نیمه

شعبان می شود، چهار رکعت نماز بجا آور (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعت، حمد یک مرتبه و قل هو اللّه احد را صد مرتبه بخوان و پس از پایان چهار رکعت بگو:

اللهُمَّ انّی الَیْکَ فَقیرٌ، وَمِنْ عَذابکَ خائِفٌ مُسْتَجیرٌ، اللهُمَّ لا تُبَدِّلْ

خدایا من به تو نیازمندم و از عذابت ترسان و پناه جویم، خدایا مرا از زمره خداپرستان خارج مکن

اسْمی وَلا تُغَیِّرْ جِسْمی وَلاتَجْهَدْ بَلائی وَلاتُشْمِتْ بی اعْدآئی اعُوذُ

و (سلامت) جسمم را دگرگون مساز، و آزمایشم را سخت مگردان، و مرا دشمن شاد مکن (خدایا)

ص :690

1- [923]اقبال، صفحه 702 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 416.
2- [924]مصباح المتهجّد، صفحه 838.

بِعَفْوِکَ مِنْ عِقابِکَ، وَاعُوذُ بِرَحْمَتِکَ مِنْ عَذابِکَ، وَاعُوذُ بِرِضاکَ مِنْ

از عقوبتت به گذشتت و از عذابت به رحمتت و از خشمت به خشنودیت پناه می برم

سَخَطِکَ، وَاعُوذُبِکَ مِنْکَ، جَلَّ ثَنآؤُکَ، انْتَ کَما اثْنَیْتَ عَلی نَفْسِکَ،

و از تو به خودت پناهنده ام، مدح و ستایشت بزرگ است، تو آن چنانی که خود را ثنا کردی، و

وَفَوْقَ ما یَقُولُ الْقآئِلُونَ.(1)

برتر از توصیف گویندگانی.

روز نیمه شعبان روز ولادت باسعادت امام دوازدهم حضرت مهدی، حجّه بن الحسن صاحب الزمان (عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف) است. بسیار شایسته است که شیعیان، در شب و روز نیمه شعبان، با تشکیل محافل و مجالس، و برپایی سخنرانی ها، درباره عظمت این روز و وجود مقدّس امام زمان علیه السلام و شرایط انتظار آن حضرت، و دعا برای تعجیل در ظهورش و دفع شبهات دشمنان و ناآگاهان، آن را گرامی بدارند؛ ولی در همه این موارد از کارهای نامناسب وخلاف شرع بپرهیزند و عبادت را با گناه آلوده نسازند.

البتّه زیارت آن حضرت در این روز با استفاده از زیارات معتبری که در بخش زیارات آمده بسیار مناسب است.

اعمال پایانی ماه شعبان:

الف) از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هر کس سه روز از آخر ماه شعبان را روزه بگیرد و به ماه مبارک رمضان متّصل سازد، خداوند متعال ثواب روزه دو ماه متوالی را برای او بنویسد.(2) ب) اباصلت هروی می گوید: جمعه آخر ماه شعبان خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. حضرت فرمود: ای اباصلت! اکثر ماه شعبان رفت و امروز جمعه آخر ماه است، پس تقصیرها و کوتاهی های گذشته را در بقیّه این ماه جبران کن، و به آنچه برای تو سودمند است روی آور؛ بسیار دعا کن و استغفار نما و قرآن را بسیار تلاوت کن و از گناهان خود توبه نما، تا وقتی که ماه رمضان

داخل می شود، خود را برای خدا خالص ساخته باشی و هر دَیْن و امانتی بر عهده داری، ادا کن و کینه هر کس که در دل داری بیرون نما و گناهانی را که انجام می دادی ترک کن و از خدا بترس و در امور پنهان و آشکار خود بر خدا توکّل نما، که هر کس بر خدا توکّل کند، خداوند امور او را کفایت می نماید، و در بقیه این ماه این دعا را بسیار بخوان:

ص: 691

1- [925]مصباح المتهجّد، صفحه 830 و بحارالانوار، جلد 94، صفحه 88.
2- [926]اقبال، صفحه 723(این روایت در زادالمعاد، صفحه 81، از امام رضا علیه السلام نقل شده است).

اللهُمَّ انْ لَمْ تَکُنْ غَفَرْتَ لَنا فیما مَضی مِنْ شَعْبانَ، فَاغْفِرْ لَنا فیما

بار خدایا، اگر مرا در روزهای سپری شده از شعبان نیامرزیده ای در باقیمانده آن مرا بیامرز

بَقِیَ مِنْهُ.

امام علیه السلام در ادامه فرمود: خداوند به احترام و عظمت ماه مبارک رمضان، بنده های بسیاری را در ماه شعبان از آتش جهنّم آزاد می گرداند. (1) ج) دعای شب آخر ماه شعبان و اوّل ماه رمضان

حارث بن مغیره نضری از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت در شب آخر ماه شعبان و شب اوّل ماه رمضان این دعا را می خواند:

اللهُمَّ انَّ هذَا الشَّهْرَ الْمُبارَکَ الَّذی انْزِلَ فیهِ الْقُرآنُ، هُدیً لِلنَّاسِ

خدایا، این ماه با برکت که قرآنِ مایه هدایت انسانها و

وَبَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی وَالْفُرْقانِ قَدْ حَضَرَ، فَسَلِّمْنا فیهِ وَسَلِّمْهُ لَنا، وَتَسَلَّمْهُ

دلیل قاطع هدایت و جدا کننده حق از باطل در آن نازل شده، فرا رسیده است، پس ما را در آن سالم بدار و آن را برای ما به سلامت دار

مِنَّا فی یُسْرٍ مِنْکَ وَعافِیَهٍ، یا مَنْ اخَذَ الْقَلیلَ وَشَکَرَ الْکَثیرَ، اقْبَلْ مِنِّی

و به آسانی و سلامت از ما تحویل بگیر ای کسی که کم را پذیرفته و قدردان (اعمال) فراوانی، این مقدار ناچیز را از من بپذیر،

الْیَسیرَ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ انْ تَجْعَلَ لی الی کُلِّ خَیْرٍ سَبیلاً، وَمِنْ کُلِّ ما

خدایا از تو می خواهم که راهی برای انجام کارهای خیر به رویم بگشایی و از آنچه

لا تُحِبُّ مانِعاً، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، یا مَنْ عَفا عَنّی وَعَمّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ

نمی پسندی بازداری، ای مهربان ترین مهربانان، ای که گذشتی از من و

السَّيِّئاتِ، یا مَنْ لَمْ یُؤاخِذْنی بِارْتِکابِ الْمَعاصی عَفْوَکَ عَفْوَکَ عَفْوَکَ

از گناهانی که در خلوت مرتکب شده ام، ای که مرا به واسطه انجام گناهان بازخواست نکردی، بگذر، بگذر بگذر

یاکَریمُ، الهی وَعَظْتَنی فَلَمْ اتَّعِظْ، وَزَجَرْتَنی عَنْ مَحارِمِکَ فلَمْ انْزَجِرْ،

ای بخشنده، خدایا پندم دادی و نپذیرفتم و از انجام حرام بازم داشتی و مرتکب شدم،

ص: 692

1- [927]زاد المعاد، صفحه 81 و 82.

فَما عُذْری فَاعْفُ عَنّی یا کَریمُ، عَفْوَکَ عَفْوَکَ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ الرَّاحَهَ

پس چه عذری آورم، ای بخشنده، از گناهم درگذر، درگذر، درگذر، خدایا از تو می خواهم آسایش در

عِنْدَ الْمَوْتِ، وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسابِ، عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبدِکَ، فَلْیَحْسُنِ

وقت مردن و گذشت در قیامت را، گناه بنده ات بزرگ ولی گذشت از

التَّجاوُزُ مِنْ عِنْدِکَ، یااهْلَ التَّقْوی وَ یا اهْلَ الْمَغْفِرَهِ، عَفْوَکَ عَفْوَکَ،

جانب تو نیکوست، ای شایسته پرهیزکاری و گذشت، بگذر، بگذر،

اللهُمَّ انّی عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ وَ ابْنُ امَتِکَ، ضَعیْفٌ فَقیرٌ الی رَحْمَتِکَ،

خدایا من بنده و فرزند بنده و فرزند کنیزت هستم، ناتوان و نیازمند رحمت توام،

وَانْتَ مُنْزِلُ الْغِنی و الْبَرَکَهِ عَلَی الْعِبادِ، قاهِرٌ مُقْتَدِرٌ، احْصَیْتَ اعْمالَهُمْ،

و تویی که ثروت و برکت را بر بندگانت فرو فرستی و تویی قوی و توانمند، اعمالشان را محاسبه نموده

وَقَسَمْتَ ارْزاقَهُمْ، وَ جَعَلْتَهُمْ مُخْتَلِفَهً الْسِنَتُهُمْ وَ الْوانُهُمْ، خَلْقاً مِنْ

و روزیشان را تقسیم کرده ای، و آنها را با زبانها و رنگهای مختلف آفریده ای، آفرینشی بعد از

بَعْدِ خَلْقٍ، وَ لا یَعْلَمُ الْعِبادُ عِلْمَکَ، وَلا یَقْدِرُ الْعِبادُ قَدْرَکَ، وَ کُلُّنا فَقیرٌ

آفرینش بندگان دانشت را ندانند و مقام و مرتبه ات نشناسند، و همه مانیازمند

الی رَحْمَتِکَ، فَلا تَصْرِفْ عَنّی وَجْهَکَ، وَاجْعَلْنی مِنْ صالِحی خَلْقِکَ

رحمتت هستیم، پس از من روی مگردان و مرا از بندگان صالحت

فِی الْعَمَلِ وَالْأَمَلِ، وَالْقَضآءِ وَالْقَدَرِ، اللّهُمَّ ابْقِنی خَیْرَ الْبَقآءِ، وَافْنِنی خَیْرَ

در رفتار و آرزو و قضا و قدر قرار ده، خدایا مرا به بهترین وضع

الْفَنآءِ عَلی مُوالاهِ اوْلِیآئِکَ، وَ مُعاداهِ اعْدآئِکَ، وَ الرَّغْبَهِ الَیْکَ، وَ الرَّهْبَهِ

بر دوستی دوستانت و دشمنی دشمنانت زنده بدار و بمیران، با اشتیاق به تو و ترس

مِنْکَ، وَالْخُشُوعِ وَ الْوَفاءِ وَ التَّسْلیمِ لَکَ، وَ التَّصْدیقِ بِکِتابِکَ، وَ اتِّباعِ

از تو و فروتنی و وفاداری و تسلیم به تو و پذیرش کتابت و پیروی

سُنَّهِ رَسُولِکَ، اللهُمَّ ما کانَ فی قَلْبی مِنْ شَکٍّ اوْ رَیْبَهٍ، اوْ جُحُودٍ اوْ

از سنّت فرستاده ات (زنده بدار و بمیران)، خدایا آنچه از شک، تردید، انکار،

قُنُوطٍ، اوْ فَرَحٍ اوْ بَذَخٍ اوْ بَطَرٍ، اوْ خُیَلاءَ اوْ رِیآءٍ اوْ سُمْعَهٍ، اوْ شِقاقٍ اوْ

ناامیدی، شادی، تکبّر، گستاخی، خودبینی، خودنمایی، شهرت طلبی، ناسازگاری،

ص: 693

نِفاقٍ، اوْ کُفْرٍ اوْ فُسُوقٍ، اوْ عِصْیانٍ اوْ عَظَمَهٍ، اوْ شَیْ ءٍ لا تُحِبُّ، فَاسْئَلُکَ

دورویی، کفر، فسق، نافرمانی، بزرگ منشی یا چیزی که تو نمی پسندی و در دل من است

یا رَبِّ انْ تُبَدِّلَنی مَکانَهُ ایماناً بِوَعْدِکَ، وَ وَفآءً بِعَهْدِکَ، وَ رِضاً بِقَضآئِکَ،

پس ای پروردگارم از تو می خواهم که تبدیل کنی آن را به تصدیق وعده ات و پایبندی به پیمانت و خشنودی به تقدیرت

وَ زُهْداً فِی الدُّنْیا، وَ رَغْبَهً فیما عِنْدَکَ، وَ اثَرَهً وَ طُمَأْنینَهً وَ تَوْبَهً

و پارسایی در دنیا و اشتیاق به آنچه نزد توست و فضیلت و آرامش

نَصُوحاً، اسْئَلُکَ ذلِکَ یا رَبَّ الْعالَمینَ، الهی انْتَ مِنْ حِلْمِکَ تُعْصی

و توبه خالص، این را از تو می خواهم ای پروردگار جهانیان، خدایا به خاطر حلمت نافرمانیت کنند

وَمِنْ کَرَمِکَ وَجُودِکَ تُطاعُ، فَکَأَنَّکَ لَمْ تُعْصَ، وَ ا نَا وَمَنْ لَمْ یَعْصِکَ سُکَّانُ

و به خاطر بخشش و کرمت اطاعتت کنند، پس گویا نافرمانی نشده ای و من و کسانی که نافرمانیت نکرده اند

ارْضِکَ، فَکُنْ عَلَیْنا بِالْفَضْلِ جَواداً، وَبِالْخَیْرِ عَوَّاداً، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ،

در زمین تو ساکنیم پس به کرمت بر ما بخشنده باش و خیر و نیکی را به ما بازگردان، ای مهربان ترین مهربانان،

وَصَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلاهً دآئِمَهً لا تُحْصی وَلا تُعَدُّ، وَلا یَقْدِرُ

و درود خدا بر محمّد و خاندان پاکش باد درودی همیشگی که به شماره و عدد نیاید و

قَدْرَها غَیْرُکَ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

اندازه آن را غیر تو نداند ای مهربان ترین مهربانان.

1- [928]مصباح المتهجّد، صفحه 850.

فصل نهم: ماه مبارک رمضان

تقویم این ماه:

دهم ماه: مصادف با وفات حضرت خدیجه کبری علیها السلام یکی از بزرگترین زنان جهان (در سال دهم بعثت) است.(1) پانزدهم ماه: روز ولادت سبط اکبر رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام (در سال سوم هجری) است.(2) هفدهم ماه: سال روز پیروزی در جنگ بدر در سال دوم هجری است.(3) نوزدهم ماه: سالروز ضربت خوردن امیر مؤمنان علی علیه السلام به دست ابن ملجم اشقی الآخرین (در سال چهلم هجری) است.(4) بیست و یکم ماه: سالروز شهادت مولای متّقیان، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام (در سال چهلم هجری) است که جهان اسلام را در غم و اندوه عظیمی فرو برد.(5)

فضیلت ماه مبارک رمضان:

در تمام سال، ماهی به عظمت ماه پربرکت رمضان نیست؛ زیرا ماهی است که خداوند آن را جهت اهدای بالاترین هدیه خود به جهان بشریّت، یعنی «قرآن مجید» برگزیده است.

از سوی دیگر، ماهی است که شب قدر در آن واقع شده، شبی که مقدّرات یکسال انسانها- بر حسب شایستگی ها و لیاقت هایشان- تعیین می گردد و عبادت آن برتر از عبادت هزار ماه است!

از سوی سوم، بهار عبادت و ماه تعلیم و تربیت، ماه طهارت و پاکی، و ماه تقوا و خودسازی است؛ ماهی که مراحل قرب الهی و سیر و سلوک الی اللّه را با گام های سریع و استوار می توان پیمود.

در اهمّیّت این ماه همین بس که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در آستانه ماه مبارک رمضان طیّ خطبه ای چنین فرمود:

1- [929]منتهی الآمال، فصل ششم، زندگانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، و بحارالانوار، جلد 19، صفحه 5(البتّه روز آن با آنچه در بالا آمد

تطبیق ندارد).
2- [930]منتهی الآمال، فصل ششم، زندگانی امام حسن علیه السلام.
3- [931]همان مدرک، وقایع سال دوم هجری.
4- [932]همان مدرک، زندگانی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام.
5- [933]همان مدرک.

«ای مردم! ماه خدا با برکت و رحمت و مغفرت به شما روی آورده؛ ماهی که نزد خدا برترین ماه هاست، روزهایش برترین روزها، و شبهایش برترین شبها، و ساعاتش برترین ساعات است.

ماهی است که در آن به میهمانی خدا دعوت شده اید، و مورد کرامت و احترام الهی قرار گرفته اید؛ نفس های شما در آن حکم تسبیح را دارد، خواب شما در آن عبادت، عمل شما مقبولِ (درگاه الهی) و دعای شما در آن مستجاب است!

با نیّت های صادق و قلب های پاک از خدا بخواهید که شما را موفّق به روزه این ماه و تلاوت قرآن در آن کند؛ زیرا شقیّ و دور از سعادت کسی است که در این ماه (که دریای رحمت الهی موّاج است) از رحمت و مغفرت او محروم گردد ...».

سپس دستورهای مؤکّدی درباره صدقه به نیازمندان، احترام به بزرگترها، محبّت به کوچکترها، صله رحم، حفظ زبان و چشم و گوش از گناه، نوازش یتیمان و توبه از گناه، دعا کردن- به ویژه هنگام نمازها- فرمود؛ سپس درباره اهمّیّت افطاری دادنِ روزه داران سخن گفت، تا آن جا که حتّی کسانی که توانایی ندارند، می توانند با دانه ای خرما یا جرعه ای از آب در این کار خیر شرکت جویند!

در پایان خطبه فرمود: «ای مردم! درهای بهشت در این ماه گشوده است، از خداوند بخواهید آن را به روی شما نبندد، و درهای دوزخ بسته است، از پروردگارتان بخواهید آن را به روی شما نگشاید! و شیاطین در این ماه در زنجیرند، از خداوند بخواهید آنها را بر شما مسلّط نکند!» امیر مؤمنان علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول اللَّه! برترین اعمال در این ماه چیست؟ فرمود: پرهیز از گناهان!».(1) خوشبخت و سعادتمند کسانی هستند که ارزش والای این ماه را بشناسند و از برکاتِ بی پایان آن بهره گیرند و مشکلات معنوی و مادّی خود را به برکت روزه ها و عبادات در این ماه حل کنند.

البتّه برای بهره گیری بیشتر از برکات مادّی و معنوی و آثار و ثواب های ماه مبارک رمضان، نباید تنها به روزه گرفتن اکتفا کرد، بلکه باید از گناهان اجتناب نمود و با خودسازی و مراقبت و دوری از آلودگی ها، جان خویش را در معرض وزش نفحات رحمانی و عنایات ویژه سبحانی قرار داد.

بارالها ! همه ما را موفّق بدار، و قرین رحمت و عنایت کن.

اعمال ماه مبارک رمضان:

این اعمال که آثار عمیقی در پرورش روح و جان انسان دارد، به دو بخش تقسیم می شود:

اوّل: اعمال مشترک ماه مبارک رمضان، که مخصوص شب و روز معیّنی نیست، و آن بر چهار قسم است:

ص: 696

1- [934]امالی صدوق، صفحه 93، حدیث 4 و بحارالانوار، جلد 93، صفحه 356.

1- اعمالی که در هر شب و روز ماه مبارک انجام می شود.

2- اعمالی که مخصوص شب های ماه مبارک است.

3- اعمالی که مخصوص سحرگاهان پرفیض این ماه است.

4- اعمالی که مخصوص روزهای ماه مبارک است.

دوم: اعمالی که به روزها یا شب های معیّنی اختصاص دارد و پاداش و ثواب بی شماری برای آنها ذکر شده است.

اعمال مشترک ماه مبارک رمضان

اعمال مشترک هر شب و روز:

اعمال مشترک هر شب و روز ماه رمضان، بسیار است از جمله:

1- «سیّد بن طاووس» از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت کرده است که فرمودند: از اوّل ماه تا آخر ماه مبارک- بعد از هر فریضه- این دعا را می خوانی:

اللهُمَّ ارْزُقْنی حَجَّ بَیْتِکَ الْحَرامِ، فی عامی هذا وَفی کُلِّ عامٍ، ما

خدایا در این سال و سالهای آینده حجّ خانه ات را روزیم گردان، مادامی که

ابْقَیْتَنی فی یُسْرٍ مِنْکَ وَعافِیَهٍ وَسَعَهِ رِزْقٍ، وَلا تُخْلِنی مِنْ تِلْکَ الْمواقِفِ

در آسایش و سلامتی و وسعت روزی از ناحیه تو قرار دارم، و مرا از جایگاههای

الْکَریمَهِ، وَالْمَشاهِدِ الشَّریفَهِ، وَزِیارَهِ قَبْرِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ،

پسندیده و بارگاههای با عظمت و زیارت قبر پیامبرت- که درود تو بر او و خاندانش باد- دور مگردان

وَفی جَمیعِ حَوائِجِ الدُّنْیا وَالأخِرَهِ فَکُنْ لی اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ فیما

و در تمام نیازهای دنیوی و اخروی با من باش خدایا از تو می خواهم در امر

تَقْضی وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ فی لَیْلَهِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضآءِ الَّذی لا یُرَدُّ

حتمی که در شب قدر حکم رانده و مقرّر می فرمایی و قابل بازگشت

وَلا یُبَدَّلُ، انْ تَکْتُبَنی مِنْ حُجَّاجِ بَیْتِکَ الْحَرامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ،

و تغییر نیست، مرا در زمره حجاج خانه ات ثبت نمایی، حاجیانی که حجّشان پذیرفته و

الْمَشْکُورِ سَعْیُهُمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، الْمُکَفَّرِ عَنْهُمْ سَیِّئاتُهُمْ، وَاجْعَلْ

سعیشان مورد تقدیر و گناهانشان آمرزیده و خطاهایشان پوشیده شده است،

ص: 697

فیما تَقْضی وَتُقَدِّرُ انْ تُطیلَ عُمْری وَتُوَسِّعَ عَلَیَّ رِزْقی وَتُؤدِّیَ عَنّی

و در آنچه برای من حکم کرده و مقدّر فرمودی طول عمر و وسعت روزی و ادای امانت

امانَتی وَدَیْنی آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ.

و قرضم را قرار ده، قبول فرمااى پروردگار جهانیان.

و همچنین بعد از هر نماز فریضه ای می گویی:

یا عَلِیُّ یا عَظیمُ، یا غَفُورُ یا رَحیمُ، انْتَ الرَّبُّ الْعَظیمُ، الَّذی لَیْسَ کَمِثْلِهِ

ای برتر و با عظمت، ای آمرزنده و مهربان، تویی پروردگار با عظمتی که چیزی همانندت نیست

شَیْ ءٌ، وَهُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ، وَهذا شَهْرٌ عَظَّمْتَهُ وَکَرَّمْتَهُ، وَشَرَّفْتَهُ

و تویی شنوای بینا، و این ماهی است که عظمت بخشیده و گرامی داشتی و بر

وَفَضَّلْتَهُ عَلَی الشُّهُورِ، وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذی فَرَضْتَ صِیامَهُ عَلَیَّ، وَهُوَ شَهْرُ

ماههای دیگر شرافت و برتری دادی، و ماهی است که روزه اش را بر من واجب فرمودی و این همان ماه

رَمَضانَ، الَّذی انْزَلْتَ فیهِ الْقُرْآنَ، هُدًی لِلنَّاسِ وَبَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی

رمضانی است که قرآن را در آن فرو فرستادی که مایه هدایت انسانها و نشانه هدایت و

وَالْفُرْقانِ، وَجَعَلْتَ فیهِ لَیْلَهَ الْقَدْرِ، وَجَعَلْتَها خَیْراً مِنْ الْفِ شَهْرٍ، فَیا ذَا

جدا کننده حق از باطل است و شب قدر را که بهتر از هزار شب است در آن قرار دادی پس ای صاحب هر

الْمَنِّ وَلا یُمَنُّ عَلَیْکَ، مُنَّ عَلَیَّ بِفَکاکِ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ، فیمَنْ تَمُنُّ عَلَیْهِ،

منّتی که منتی بر تو نیست، با رهاییم از آتش در میان آنان که بر آنها منّت نهاده ای بر من منّت گذار،

وَادْخِلْنِی الْجَنَّهَ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

و در بهشت داخلم کن به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

***

2- «شیخ کفعمی» در «مصباح» و «بلدالامین» از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که آن حضرت فرمود: هر کس این دعا را در ماه رمضان بعد از هر نماز واجب بخواند، خدای متعال گناهان او را بیامرزد:

اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلی اهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ، اللَّهُمَّ اغْنِ کُلَّ فَقیرٍ، اللهُمَّ اشْبِعْ

خدایا شادمانی را بر خفتگان در گورها داخل کن، خدایا نیازمندان را بی نیاز فرما، خدایا گرسنگان

1- [935]اقبال، صفحه 24.

كُلَّ جائِعٍ، اللهُمَّ اكْسُ كُلَّ عُرْيانٍ، اللهُمَّ اقْضِ دَیْنَ كُلِّ مَدينٍ، اللهُمَ

را سیر کن خدایا برهنگان را بپوشان، خدایا قرض بدهکاران را ادا کن، خدایا

فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ، اللهُمَّ رُدَّ كُلَّ غَریبٍ، اللهُمَّ فُکَّ كُلَّ اسیرٍ،

اندوه غمدیدگان را برطرف کن خدایا غریبان را به وطن بازگردان، خدایا اسیران را آزاد کن،

اللهُمَّ اصْلِحْ كُلَّ فاسِدٍ مِنْ امُورِ الْمُسْلِمینَ، اللهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَریضٍ،

خدایا مفاسد امور مسلمانان را اصلاح فرما خدایا بیماران را شفا ده،

اللهُمَّ سُدَّ فَقْرَنا بِغِناکَ، اللهُمَّ غَیِّرْ سُوءَ حالِنا بِحُسْنِ حالِکَ، اللهُمَ

خدایا نیاز ما را به بی نیازیت برطرف کن، خدایا بدحالی ما را به خشنودیت تغییر ده، خدایا

اقْضِ عَنَّا الدَّیْنَ، وَاغْنِنا مِنَ الْفَقْرِ، انَّکَ عَلی كُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.(1).

بدهکاری های ما را ادا کن و ما را بی نیاز گردان، که تو بر هر چیز توانایی.

***

3- مرحوم «شیخ کلینی» در «کافی» از ابوبصیر روایت کرده که امام صادق علیه السلام در ماه رمضان این دعا را می خواند:

اللهُمَّ انّی بِکَ أَتَوَسَّلُ وَمِنْکَ اطْلُبُ حاجَتی مَنْ طَلَبَ حاجَةً الیَ

خدایا به تو متوسّل شده و از تو حاجتم را می خواهم و هر کس نیازش را از مردم بخواهد

النَّاسِ فَانّی لا اطْلُبُ حاجَتی الَّا مِنْکَ، وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ، وَاسْئَلُکَ

ولی من نیازم را فقط از تو می خواهم، که یگانه ای و شریکی برای تو نیست، و به

بِفَضْلِکَ وَرِضْوانِکَ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَیْتِهِ، وَانْ تَجْعَلَ لی فی

لطف و کرم و خشنودیت از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و برای من در این

عامی هذا الی بَیْتِکَ الْحَرامِ سَبیلًا، حَجَّةً مَبْرُورَةً، مُتَقَبَّلَةً زاکِیَةً خالِصَةً

سال، راهی به سوی خانه ات قرار دهی، برای حجّی نیکو، پذیرفته شده، پاکیزه و خالص

لَکَ، تَقِرُّ بِها عَیْنی وَتَرْفَعُ بِها دَرَجَتی وَتَرْزُقُنی انْ اغُضَّ بَصَری وَانْ

برای تو، تا دیده ام به آن روشن شده و رتبه ام (در نزد تو) بالا رود، چشم پوشی از گناه و

احْفَظَ فَرْجی وَانْ اکُفَّ بِها عَنْ جَمیعِ مَحارِمِکَ، حَتّی لایَکُونَ شَیْ ءٌ

حفظ عفّت و پاکدامنی و دوری از همه گناهان را به من عطا فرما، تا چیزی در نزد من مهمتر نباشد

ص: 699

1- [936]مصباح کفعمی، صفحه 617 و بلدالامین، صفحه 222 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 120.

آثَرَ عِنْدی مِنْ طاعَتِکَ وَخَشْیَتِکَ، وَالْعَمَلِ بِما احْبَبْتَ، وَالتَّرْکِ لِما

از بندگی و ترس از (مخالفتِ) تو و انجام آنچه محبوب تو و ترک آنچه

کَرِهْتَ وَنَهَیْتَ عَنْهُ، وَاجْعَلْ ذلِکَ فی یُسْرٍ وَیَسارٍ وَعافِیَهٍ، وَ اوْزِعْنی

ناپسند توست و از آن نهی کرده ای و همه آنچه را که خواستم، در آسایش و توانگری و تندرستی قرار ده، و

شُکْرَ ما انْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ، وَاسْئَلُکَ انْ تَجْعَلَ وَفاتی قَتْلاً فی سَبیلِکَ تَحْتَ

شکر نعمتهایی که به من داده ای روزیم کن و از تو می خواهم که مردنم را شهادت در راه خودت و زیر

رایَهِ نَبِیِّکَ مَعَ اوْلِیآئِکَ، وَاسْئَلُکَ انْ تَقْتُلَ بی اعْدآئَکَ وَاعْدآءَ رَسُولِکَ،

پرچم پیامبرت، به همراه دوستانت قرار دهی و از تو می خواهم که به وسیله من دشمنان خودت و دشمنان رسولت را نابود کنی

وَاسْئَلُکَ انْ تُکْرِمَنی بِهَوانِ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِکَ، وَلا تُهِنّی بِکَرامَهِ احَدٍ

و از تو می خواهم که به واسطه خواری هر یک از مخلوقاتت که خواهی مرا گرامی داری، و مرا با گرامیداشت دوستانت خوار مگردان،

مِنْ اوْلِیآئِکَ، اللهُمَّ اجْعَلْ لی مَعَ الرَّسُولِ سَبیلاً، حَسْبِیَ اللَّهُ ما شآءَ اللَّهُ.(1)

خدایا برای من در همراهی رسولت راهی قرار ده که خدا برای من کافی است و هر آنچه خواهد می شود.

«سیّد بن طاووس» در «اقبال» از ابوبصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: در شب های ماه رمضان بعد از نماز مغرب، با این دعا، برای توفیق زیارت خانه خدا دعا کن.(2) و «کفعمی» در «بلدالامین» گفته است که: مستحبّ است این دعا را در شب اوّل ماه رمضان و هر روز از این ماه بخواند.(3) 4- بهترین اعمال در شبها و روزهای ماه مبارک رمضان تلاوت قرآن است؛ زیرا قرآن در ماه مبارک رمضان نازل شده است و در حدیث آمده است که: هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است و در ماههای دیگر، هر ماهی یک بار

ختم قرآن سنّت است و اقلّ آن هر شش روز است؛ ولی در ماه رمضان، هر سه روز یک ختم قرآن سنّت است و اگر بتواند روزی یک قرآن ختم کند، خوب است.(4) شکّی نیست کسانی که با مفاهیم و محتوای قرآن آشنایی ندارند سزاوار است در محتوای آیات دقت بیشتری کنند و در مکتب قرآن درس فرا گیرند، هر چند مقدار کمتری بخوانند همان گونه که تشکیل جلسات تفسیر برای فهم هدایت های قرآن در این باره بسیار مناسب است.

«علّامه مجلسی» می فرماید: اگر ثواب هر ختم قرآنی به روح مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه

ص: 700

1- [937]کافی، جلد 4، صفحه 74، حدیث 6.
2- [938]اقبال، صفحه 24.
3- [939]بلدالامین، صفحه 222.
4- [940]زاد المعاد، صفحه 109.

زهرا علیها السلام و یا یکی از ائمه هدی علیهم السلام (و یا به محضر حضرت ولی عصر علیه السلام) هدیه شود ثوابش بیشتر می شود.(1) و از روایتی برمی آید که پاداش چنین کسی آن است که در روز قیامت در سایه آن بزرگواران باشد.(2) 5- باید دعا و ذکر صلوات و استغفار از گناهان در این ماه بسیار نمود. و کلمه طیّبه

لا إلهَ الَّا اللَّه

را فراوان گفت.(3) در روایتی می خوانیم: وقتی ماه مبارک رمضان داخل می شد امام زین العابدین علیه السلام جز به دعا و تسبیح و استغفار و تکبیر، سخن نمی گفت.(4) همچنین باید به عبادت و نافله های شب و روز در این ماه اهمّیّت فراوان داد،(5) مخصوصاً کسانی که در غیر این ماه موفّق به انجام نافله ها (مخصوصاً نافله شب) نیستند.

اعمال مشترک شب های ماه مبارک رمضان:

اعمالی که در شب های ماه رمضان بجا آورده می شود چند امر است:

1- افطار کردن به هنگام دخول وقت مغرب شرعی. و مستحبّ است که بعد از نماز مغرب افطار کند، مگر آن که ضعف و ناتوانی بر او غلبه کرده باشد که توجّه و حضور قلب از او سلب شود، و یا آن که جمعی منتظر او باشند.(6) 2- افطار با غذاها و نوشیدنی های پاک و طاهر از حرام و مشتبه به حرام باشد.(7) بهتر آن است که به خرمای حلال افطار کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس با خرمای حلال افطار کند، ثواب نمازش افزون گردد.(8) همچنین امام علی علیه السلام فرمود: مستحب است با شیر افطار کند.(9) افطار کردن به آب و نبات و حلوا و به آب نیم گرم، به هر کدام که باشد، نیز خوب است که رسول خدا صلی الله علیه و آله با اینها افطار می کردند.(10) 3- به هنگام افطار دعاهای کوتاهی که از معصومین علیهم السلام وارد شده است را بخواند مانند:

الف) اللهُمَّ لَکَ صُمْتُ، وَعَلی رِزْقِکَ افْطَرْتُ، وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ.(11)

*** خدایا برای تو روزه گرفته و با روزیت افطار کرده و بر تو توکل می کنم.

1- [941]زاد المعاد، صفحه 109.
2- [942]اقبال، صفحه 110.
3- [943]زاد المعاد، صفحه 109.
4- [944]کافی، جلد 4، صفحه 88، حدیث 8.
5- [945]زادالمعاد، صفحه 109.
6- [946]همان مدرک، صفحه 108.
7- [947]اقبال، صفحه 114.
8- [948]همان مدرک.
9- [949]همان مدرک.
10- [950] (10). زاد المعاد، صفحه 108.
11- [951] (11). اقبال، صفحه 117.

ب) امیرمؤمنان علیه السلام به هنگام افطار کردن، این دعا را می خواند:

بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ لَکَ صُمْنا، وَعَلی رِزْقِکَ افْطَرْنا، فَتَقَبَّلْ مِنَّا، انَّکَ انْتَ

به نام خدا، خدایا برای تو روزه گرفتیم و با روزی تو افطار کردیم پس از ما بپذیر که تو

السَّمیعُ الْعَلیمُ.(1)

شنوا و دانایی.

4- خواندن سوره «انّا انزلناه» به هنگام افطار، پاداش بسیاری دارد.(2) 5- در لقمه اوّل به هنگام افطار، بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرّحَیمِ، یا واسِعَ الْمَغْفِرَهِ، اغْفِرْلی

که امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: کسی که آن را بگوید، خداوند او را بیامرزد.(3) 6- دعا کردن به هنگام افطار نیز بسیار خوب است. در روایتی آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود:

برای روزه دار به هنگام افطارش، یک دعای اجابت شده، می باشد.(4) 7- به هنگام افطار، صدقه دهد و روزه داران را افطار دهد هرچند در صورت عدم توانایی، به تعدادی خرما یا جرعه ای از آب باشد، و افطار دادن از مستحبّات بسیار مؤکّد است که سزاوار است مؤمنان آن را فراموش نکنند، و در بعضی از کشورهای اسلامی هنگام افطار در تمام مساجد سفره های ساده طولانی گسترده می شود.

از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که هر کس در ماه رمضان، مؤمن روزه داری را افطار دهد، پاداش آزاد کردن بنده مؤمنی را دارد و سبب آمرزش گناهان او می شود.

وقتی که اصحاب پرسیدند، توانِ چنین کاری نداریم، فرمود: آن کس که توان ندارد، مقداری شیر یا قدری آب و یا تعدادی خرما هم بدهد، خداوند به او چنین پاداشی را عطا می کند.(5) در روایت دیگری که «مرحوم کلینی» و «شیخ صدوق» و «شیخ طوسی» از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند آمده است: هر کس روزه داری را افطار دهد، همانند پاداش آن

روزه دار ثواب می برد. (بی آن که از ثواب او کاسته شود).(6) 8- هر شب بعد از مغرب، دعای حج را بخواند که در اعمال مشترک هر شب و روز (صفحه 697) ذکر شد.

1- [952]مصباح کفعمی، صفحه 631(همین روایت در اقبال، صفحه 116، با مختصری تفاوت، آمده است).
2- [953]اقبال، صفحه 114.
3- [954]همان مدرک، صفحه 116.
4- [955]همان مدرک و بلدالامین، صفحه 232.
5- [956]اقبال، صفحه 7.
6- [957]کافی، جلد 4، صفحه 68، حدیث 1 و تهذیب، جلد 4، صفحه 201، حدیث 4 و فقیه، جلد 2، صفحه 134، حدیث 1952.

9- «سیّد بن طاووس» در «اقبال» روایت کرده است: هر کس در هر شب از ماه رمضان این دعا را بخواند گناهان بسیاری از او آمرزیده می شود:

اللهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ، الَّذی انْزَلْتَ فیهِ الْقُرْآنَ، وَافْتَرَضْتَ علی

ای خدا، ای پروردگارِ ماه رمضان که قرآن را در آن نازل نمودی و روزه را در آن

عِبادِکَ فیهِ الصِّیامَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنی حَجَّ بَیْتِکَ

بر بندگانت واجب کردی بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و

الْحَرامِ، فی عامی هذا وَفی کُلِّ عامٍ، وَاغْفِرْ لی تِلْکَ الذُّنُوبَ الْعِظامَ، فَانَّهُ

در این سال و همه سال حجّ خانه ات را روزیم گردان و گناهان بزرگم را بیامرز، چرا که آنها

لا یَغْفِرُها غَیْرُکَ یا رَحْمنُ یا عَلّامُ.(1)

را نمی آمرزد جز تو ای بخشنده بسیار دانا.

***

10- در هر شب از ماه رمضان دعای افتتاح را بخواند.

دعای افتتاح 959]:

به سند معتبر از حضرت صاحب الأمر- امام زمان (ارواحنا فداه)- نقل شده است که به شیعیان نوشتند:

در هر شب از ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانید که دعای این ماه را فرشتگان می شنوند و برای صاحبش استغفار می کنند.

متن دعا مطابق نقل «زاد المعاد»(2) چنین است:

اللهُمَّ انّی افْتَتِحُ الثَّناءَ بِحَمْدِکَ، وَانْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ بِمَنِّکَ، وَایْقَنْتُ

خدایا مدح و ثنا را با ستایشت آغاز می کنم که تو با احسان خود بندگانت را به راه راست هدایت می کنی و یقین دارم

انَّکَ انْتَ ارْحَمُ الرَّاحِمینَ فی مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَهِ، وَاشَدُّ الْمُعاقِبینَ

که در مقام گذشت و مهربانی، مهربانترین مهربانانی، ولی در مقام عذاب وانتقام

ص: 703

1- [958]اقبال، صفحه 61.
2- [960]زاد المعاد، صفحه 110 و اقبال، صفحه 58.

فی مَوْضِعِ النَّکالِ وَالنَّقِمَهِ، وَاعْظَمُ الْمُتَجَبِّرینَ فی مَوْضِعِ الْکِبْریآءِ

سخت گیرترین عذاب کنندگانی، و در مقام اقتدار و عظمت، تواناترینی،

وَالْعَظَمَهِ، اللهُمَّ اذِنْتَ لی فی دُعآئِکَ وَمَسْئَلَتِکَ، فَاسْمَعْ یا سَمیعُ

خدایا در خواندن و درخواستِ از خودت به من اجازه داده ای، پس ای شنوا ستایشم را بشنو

مِدْحَتی وَاجِبْ یا رَحیمُ دَعْوَتی وَاقِلْ یا غَفُورُ عَثْرَتی فَکَمْ یآ الهی

و ای مهربان دعایم را اجابت کن و ای آمرزنده از لغزشم در گذر، پس ای معبود من

مِنْ کُرْبَهٍ قَدْ فَرَّجْتَها، وَهُمُومٍ قَدْ کَشَفْتَها، وَعَثْرَهٍ قَدْ اقَلْتَها، وَرَحْمَهٍ قَدْ

چه بسیار غمها که گشودی و اندوهها که بر طرف کردی و لغزشها که در گذشتی و بخشش ها که

نَشَرْتَها، وَحَلْقَهِ بَلاءٍ قَدْ فَکَکْتَها، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَهً وَلا

گستراندی، و گرفتاریها که گشودی، حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که همدم و

وَلَداً، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فی الْمُلْکِ، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَ کَبِّرْهُ

فرزندی ندارد و شریکی در حکومتش نیست و سرپرستی ندارد و او را بسیار بزرگ بشمار.

تَکْبیراً، الْحَمْدُ للَّهِ بِجَمیعِ مَحامِدِهِ کُلِّهَا، عَلی جَمیعِ نِعَمِهِ کُلِّها، الْحَمْدُ للَّهِ

حمد و سپاس مخصوص خداوند است به تمامی ستایش ها بر تمامی نعمتهایش، حمد و سپاس مخصوص خداوندی است

الَّذی لا مُضآدَّ لَهُ فی مُلْکِهِ، وَلا مُنازِعَ لَهُ فی امْرِهِ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی لا

که مخالفی در فرمانرواییش و ستیزه جویی در کارش نیست، حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که

شَریکَ لَهُ فی خَلْقِهِ، وَلا شَبیهَ لَهُ فی عَظَمَتِهِ، الْحَمْدُ للَّهِ الْفاشی فِی

شریکی در آفرینش و نظیری در عظمت و بزرگیش نیست. حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که فرمان و سپاسش

الْخَلْقِ امْرُهُ وَ حَمْدُهُ، الظَّاهِرِ بِالْکَرَمِ مَجْدُهُ، الْباسِطِ بِالْجُودِ یَدَهُ، الَّذی لا

در میان مخلوقات آشکار است و به واسطه سخاوتش بزرگواریش آشکار است و دستانش به بخشش گشوده است، خداوندی که

تَنْقُصُ خَزآئِنُهُ، وَلا تَزیدُهُ کَثْرَهُ الْعَطآءِ الَّا جُوداً وَ کَرَماً، انَّهُ هُوَ الْعَزیزُ

گنجینه (رحمتش) کم نشود، و فراوانی بخششش جز بر گشاده دستی و سخاوتش نیافزاید و اوست گرامی

الْوَهَّابُ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ قَلیلاً مِنْ کَثیرٍ مَعَ حاجَهٍ بی الَیْهِ عَظیمَهٍ،

و بخشنده، خدایا از تو می خواهم مقدار کمی از (کرم) بسیارت را با این که نیاز من به آن بزرگ

وَغِناکَ عَنْهُ قَدیمٌ، وَ هُوَ عِنْدی کَثیرٌ، وَهُوَ عَلَیْکَ سَهْلٌ یَسیرٌ، اللهُمَّ انَ

و بی نیازی تو از آن ازلی است، در حالی که آن مقدار نزد من بسیار ولی بر تو کم و آسان است، خدایا

عَفْوَکَ عَنْ ذَنْبی وَتَجاوُزَکَ عَنْ خَطیئَتی وَصَفْحَکَ عَنْ ظُلْمی

بخشش تو از گناهم و گذشتت از خطایم و چشم پوشیت از ظلمم

وَسَتْرَکَ عَلی قَبیحِ عَمَلی وَحِلْمَکَ عَنْ کَثیرِ جُرْمی عِنْدَ ما کانَ مِنْ

و پرده پوشیت بر زشت کاریم و حلمت از اشتباههای فراوان

خَطَأی وَعَمْدی اطْمَعَنی فی انْ اسْئَلَکَ ما لا اسْتَوْجِبُهُ مِنْکَ الَّذی

عمدی و سهویم، مرا به طمع انداخت که از تو چیزی را که شایسته آن نیستم درخواست کنم، آنچه را که از رحمتت

رَزَقْتَنی مِنْ رَحْمَتِکَ، وَارَیْتَنی مِنْ قُدْرَتِکَ، وَعَرَّفْتَنی مِنْ اجابَتِکَ،

روزیم کردی و از قدرتت نشانم دادی و از پاسخ دادنت به من شناساندی.

فَصِرْتُ ادْعُوکَ آمِناً، وَاسْئَلُکَ مُسْتَأْنِساً لا خآئِفاً وَلا وَجِلاً، مُدِلاًّ عَلَیْکَ

پس با آسودگی خاطر تو را می خوانم و از تو می خواهم در حال انس با تو، بدون ترس و وحشت، در حالی که با

فیما قَصَدْتُ فیهِ الَیْکَ، فَانْ ابْطَا عَنّی عَتَبْتُ بِجَهْلی عَلَیْکَ، وَلَعَلَّ الَّذی

گستاخی مقصودم را به درگاهت آورده ام، پس اگر در برآوردن حاجتم تأخیر کنی به واسطه نادانیم بر تو اعتراض کنم و حال آن که شاید

ابْطَا عَنّی هُوَ خَیْرٌ لی لِعِلْمِکَ بِعاقِبَهِ الْأُمُورِ، فَلَمْ ارَ مَوْلاً کَریماً اصْبَرَ

تأخیر آن برای من بهتر باشد، چرا که به سرانجام کارها دانایی، پس ندیده ام مولا و سرور بخشنده ای، صبر کننده تر

عَلی عَبْدٍ لَئیمٍ مِنْکَ عَلَیَّ یا رَبِّ، انَّکَ تَدْعُونی فَاوَلّی عَنْکَ، وَتَتَحَبَّبُ

از تو بر بنده پستی مثل من، ای پروردگار من، تو مرا می خوانی ولی من از تو روی می گردانم و با

الَیَّ فَاتَبَغَّضُ الَیْکَ، وَتَتَوَدَّدُ الَیَّ فَلا اقْبَلُ مِنْکَ، کَانَّ لِیَ التَّطَوُّلَ عَلَیْکَ،

من دوستی می کنی ولی من با تو دشمنی می کنم، و در حقّ من دلسوزی می کنی ولی من از تو نمی پذیرم، گویا که من بر تو منّت دارم،

فَلَمْ یَمْنَعْکَ ذلِکَ مِنَ الرَّحْمَهِ لی وَالْإِحْسانِ الَیَّ، وَالتَّفَضُّلِ عَلَیَّ بِجُودِکَ

ولی این کار من، تو را از بخشش و نیکی به من و بزرگواری به واسطه جود

وَکَرَمِکَ، فَارْحَمْ عَبْدَکَ الْجاهِلَ، وَجُدْ عَلَیْهِ بِفَضْلِ احْسانِکَ، انَّکَ جَوادٌ

و کرمت در حقّ من باز نداشت، پس بر بنده نادانت رحم کن و با فزونی احسانت بر او ببخش که تو سخاوتمند

کَریمٌ، الْحَمْدُللَّهِ مالِکِ الْمُلْکِ، مُجْرِی الْفُلْکِ، مُسَخِّرِ الرِّیاحِ، فالِقِ

و بخشنده ای، حمد و سپاس خداوندی را که فرمانروای هستی و حرکت دهنده کشتیها و تسخیر کننده بادها و شکافنده

الْإِصْباحِ، دَیَّانِ الدّینِ، رَبِّ الْعَالَمینَ، الْحَمْدُ للَّهِ عَلی حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ،

صبح و داور روز جزا و پروردگار جهانیان است، حمد و سپاس خدای را بر حلم بعد از آگاهیش

ص :705

وَالْحَمْدُ للَّهِ عَلى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ، وَالْحَمْدُ للَّهِ عَلى طُولِ اناتِهِ فی غَضَبِهِ،

و حمد و سپاس خدای را بر عفو با وجود تواناییش و حمد و سپاس خدای را بر صبر و تحمّل در حال خشمش،

وَهُوَ الْقادِرُ عَلى ما يُريدُ، الْحَمْدُ للَّهِ خالِقِ الْخَلْقِ، باسِطِ الرِّزْقِ، فالقِ

در حالی که بر آنچه خواهد تواناست، حمد و سپاس خدای را که آفریننده مخلوقات، گستراننده روزی، شکافنده

الْإِصْباحِ، ذِی الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعامِ، الَّذى بَعُدَ فَلا يُرى

صبح، صاحب جلال و احترام و لطف و کرم است، کسی که چنان دور است که دیده نمی شود

وَقَرُبَ فَشَهِدَ النَّجْوى تَبارَكَ وَتَعالى الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى لَيْسَ لَهُ مُنازِعٌ

و چنان نزدیک است که از گفتگوهای پنهانی آگاه است و بلند مرتبه و برتر است، حمد و سپاس خداوندی را که ستیزه جویی

يُعادِلُهُ، وَلا شَبيهٌ يُشاكِلُهُ، وَلا ظَهيرٌ يُعاضِدُهُ، قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعِزَّآءَ،

در برابر او و مشابهی هم شکل او و پشتوانه ای تقویت کننده او، وجود ندارد، با عزّت و قدرتش قدرتمند را مغلوب ساخته

وَتَواضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَمآءُ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ ما يَشآءُ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى

و بزرگان در برابر عظمتش سر تعظیم فرود آورده اند، و با قدرتش به آنچه خواسته رسیده است، حمد و سپاس خداوندی را

يُجيبُنى حينَ اناديهِ، وَيَسْتُرُ عَلَىَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَانَا اعْصيهِ، وَ يُعَظِّمُ النِّعْمَةَ

که هرگاه بخوانمش پاسخم گوید، و هر کار زشتی را بر من پوشانده با اینکه من نافرمانیش می کنم و نعمتها را

عَلَىَّ فَلا اجازيهِ، فَكَمْ مِنْ مَوْهِبَةٍ هَنيئَةٍ قَدْ اعْطانى وَعَظيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ

بر من تمام کرده با این که من ناسپاسیش می کنم، و چه نعمتهای سودمندی که به من عطا فرمودی و حوادث بزرگِ ترسناکی که از من

کَفانی وَبَهْجَهٍ مُونِقَهٍ قَدْ ارانی فَاثْنی عَلَیْهِ حامِداً، وَاذْکُرُهُ مُسَبِّحاً،

بازداشتی و شادمانی مطبوعی که نشانم دادی، پس ستایش کنان ثنایش گویم و تسبیح گویان یادش کنم،

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی لا یُهْتَکُ حِجابُهُ، وَلا یُغْلَقُ بابُهُ، وَلا یُرَدُّ سآئِلُهُ، وَلا

حمد و سپاس خدایی را که حجابش دریده نشود و باب رحمتش مسدود نگردد و درخواست کننده اش را باز نگرداند

یُخَیَّبُ آمِلُهُ، الْحَمْدُللَّهِ الَّذی یُؤْمِنُ الْخآئِفینَ، وَیُنَجِّی الصَّالِحینَ، وَیَرْفَعُ

و آرزومندش را مأیوس نکند، حمد و سپاس خدایی را که خائفان را ایمنی بخشد و شایستگان را نجات دهد و

الْمُسْتَضْعَفینَ، وَیَضَعُ الْمُسْتَکْبِرینَ، وَیُهْلِکُ مُلُوکاً، وَیَسْتَخْلِفُ آخَرینِ،

مستضعفان را ترقّی داده و گردنکشان را خوار کند و پادشاهان را هلاک کرده و دیگران را جانشین آنان کند،

وَالْحَمْدُ للَّهِ قاصِمِ الْجَبَّارینَ، مُبیرِ الظَّالِمینَ، مُدْرِکِ الْهارِبینَ، نَکالِ

حمد و سپاس خدایی را که در هم شکننده زورگویان، هلاک کننده ستمگران، دریابنده فراریان، عذاب کننده

الظّالِمینَ، صَریخِ الْمُسْتَصْرِخینَ، مَوْضِعِ حاجاتِ الطّالِبینَ، مُعْتَمَدِ

ستمگران، فریادرس یاری خواهان، محلّ نیازهای نیازمندان و تکیه گاه

الْمُؤْمِنینَ، الْحَمْدُ للّهِ الَّذی مِنْ خَشْیَتِهِ تَرْعَدُ السَّمآءُ وَسُکّانُها، وَتَرْجُفُ

مؤمنان است، حمد و سپاس خدایی را که از هیبت او آسمان و زمین

الْأَرْضُ وَعُمّارُها، وَتَمُوجُ الْبِحارُ وَمَنْ یَسْبَحُ فی غَمَراتِها، الْحَمْدُللّهِ

و ساکنانشان می لرزند، و دریاها و آنچه در آن شناور است به حرکت درآید، حمد و سپاس خدایی را که

الَّذی هَدانا لِهذا، وَما کُنّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلا انْ هَدانَا اللّهُ، الْحَمْدُ للّهِ الَّذی

ما را به این امور هدایت نمود، که اگر ما را هدایت نمی فرمود هدایت نمی یافتیم، حمد و سپاس خدایی را که

یَخْلُقُ وَلَمْ یُخْلَقْ، وَیَرْزُقُ وَلا یُرْزَقُ، وَیُطْعِمُ وَلا یُطْعَمُ، وَیُمیتُ

می آفریند و آفریده نشده و روزی می دهد و روزی داده نشده و اطعام می کند و اطعام نشده و زندگان را

الْأَحیآءَ وَیُحْیِی الْمَوْتی وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَهُوَ عَلی کُلِ

می میراند و مردگان را زنده می کند و اوست زنده ای که هرگز نمیرد، خیر و نیکی به دست اوست و بر هر

شَیْ ءٍ قَدیرٌ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ، وَامینِکَ وَصَفِیِّکَ،

چیز تواناست، خدایا بر محمّد بنده و فرستاده و امانتدار و برگزیده

وَحَبیبِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَحافِظِ سِرِّکَ، وَمُبَلِّغِ رِسالاتِکَ، افْضَلَ

و حبیب و انتخاب شده از میان مخلوقاتت و نگهدارنده راز و رساننده پیامهایت درود فرست، برترین،

وَاحْسَنَ وَاجْمَلَ، وَاکْمَلَ وَازْکی وَانْمی وَاطْیَبَ وَاطْهَرَ وَاسْنی وَاکْثَرَ

نیکوترین، زیباترین، کامل ترین، پاکیزه ترین، فزاینده ترین، دلپذیرترین، پاکترین، درخشان ترین و بیشترین

ما صَلَّیْتَ وَبارَکْتَ وَتَرَحَّمْتَ، وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلی احَدٍ مِن عِبادِکَ

درود و برکت و رحمت و دلسوزی و سلامی که فرستادی بر هر یک از بندگان

وَانْبِیآئِکَ وَرُسُلِکَ وَصَفْوَتِکَ، وَاهْلِ الْکَرامَهِ عَلَیْکَ مِن خَلْقِکَ، اللهُمَ

و پیامبران و فرستادگان و برگزیدگان و بزرگمنشان از میان مخلوقاتت، خدایا

وَصَلِّ عَلی عَلیٍّ امیرِ الْمُؤْمِنینَ، وَوَصِیِّ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمینَ، عَبْدِکَ

درود فرست بر حضرت علی امیرالمؤمنین و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان، بنده

وَوَلیِّکَ وَاخی رَسُولِکَ، وَحُجَّتِکَ عَلی خَلْقِکَ، وَآیَتِکَ الْکُبْری وَالنَّبَأِ

و محبوبت و برادر فرستاده ات و دلیل و برهانت بر بندگان و نشانه و خبر

الْعَظیمِ، وَصَلِّ عَلَی الصِّدّیقَهِ الطَّاهِرَهِ، فاطِمَهَ سَیِّدَهِ نِساۤءِ الْعالَمینَ،

بسیار بزرگ، و درود فرست بر راستگوی پاکیزه حضرت فاطمه، سرور بانوان جهان

وَصَلِّ عَلی سِبْطَیِ الرَّحْمَهِ وَامامَیِ الْهُدی الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ، سَیّدَیْ

و درود فرست بر دو فرزندزاده پیامبر رحمت و دو پیشوای هدایت، امام حسن و امام حسین آقا و سرور

شَبابِ اهْلِ الْجَّنَهِ، وَصَلِّ عَلی ائِمَّهِ الْمُسْلِمینَ، عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ،

جوانان اهل بهشت، و درود فرست بر پیشوایان مسلمانان، علی بن حسین

وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِیِّ بْنِ

و محمّد بن علی و جعفربن محمّد و موسی بن جعفر و علی بن

مُوسی وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ، وَعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ، وَالْخَلَفِ

موسی و محمّد بن علی و علی بن محمّد و حسن بن علی و جانشین

الْهادِی الْمَهْدِیِّ، حُجَجِکَ عَلی عِبادِکَ، وَامَنآئِکَ فی بِلادِکَ، صَلاهً کَثیرَهً

راهنمای راه یافته (حضرت مهدی (عج))، حجّت ها و دلایلت بر بندگان و امانتدارانت در زمین، درود فراوان

دآئِمَهً، اللهُمَّ وَصَلِّ عَلی وَلِیِّ امْرِکَ الْقآئِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ،

و همیشگی، خدایا درود فرست بر عهده دار فرمانت و قیام کننده آرزو شده و عدالت گستر مورد انتظار

وَحُفَّهُ بِمَلائِکَتِکَ الْمُقَرَّبینَ، وَایِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ یا رَبَّ الْعالَمینَ، اللَّهُمَ

و او را با فرشتگان مقرّبت در برگیر، و با روح القدس یاریش کن، ای پروردگار جهانیان، خدایا

اجْعَلْهُ الدَّاعِیَ الی کِتابِکَ، وَالْقآئِمَ بِدینِکَ، اسْتَخْلِفْهُ فِی الْأَرْضِ کَمَا

او را دعوت کننده به کتابت و قیام کننده به امر دینت قرار ده، او را در زمین جانشین خود قرار ده همان گونه که

اسْتَخْلَفْتَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِ، مَکِّنْ لَهُ دینَهُ الَّذِی ارْتَضَیْتَهُ لَهُ، ابْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ

پیشینیان او را جانشین خود قرار دادی، دینی که برای او پسندیده ای پابرجا ساز، و بیم و ترس او را به آسودگی خاطر

خَوْفِهِ امْناً، یَعْبُدُکَ لا یُشْرِکُ بِکَ شَیْئاً، اللهُمَّ اعِزَّهُ وَاعْزِزْ بِهِ، وَانْصُرْهُ

و ایمنی تبدیل کن، چرا که تو را عبادت کرده و شریکی برای تو نگیرد، خدایا او را عزّت ده و دیگران را به او عزّت بخش، و یاریش کن

وَانْتَصِرْ بِهِ، وَانْصُرْهُ نَصْراً عَزیزاً، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً یَسیراً، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ

و دیگران را به وسیله او یاری ده و او را کاملاً یاری کن و پیروزی آسان نصیبش فرما، و از جانب خود حکومتی

لَدُنْکَ سُلْطاناً نَصیراً، اللهُمَّ اظْهِرْ بِهِ دینَکَ وَسُنَّةَ نَبِیِّکَ، حَتّی لا

پیروزمند برایش مقرّر فرما، خدایا دین و سنّت پیامبرت را به وسیله او آشکار کن، تا چیزی از

يَسْتَخْفِىَ بِشَىْ ءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخافَهَ احَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، اللهُمَّ انَّا نَرْغَبُ

حق به واسطه ترس از مخلوقاتت مخفی نماند، خدایا ما آرزومند

الَیْکَ فی دَوْلَهٍ کَریمَهٍ، تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلامَ وَاهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وَاهْلَهُ،

دولتی کریمانه هستیم که به واسطه آن اسلام و اهل آن را عزّت بخشیده و نفاق و اهل آن را خوار گردانی

وَتَجْعَلُنا فیها مِنَ الدُّعاهِ الی طاعَتِکَ، وَالْقادَهِ الی سَبیلِکَ، وَتَرْزُقُنا بِها

و ما را در آن حکومت از دعوت کنندگان به بندگی ات و پیشروان راهت قرار ده و به واسطه آن بزرگی در

کَرامَهَ الدُّنْیا وَالْاخِرَهِ، اللَّهُمَّ ما عَرَّفْتَنا مِنَ الْحَقِّ فَحَمِّلْناهُ، وَما قَصُرْنا

دنیا و آخرت را روزیمان گردان، خدایا آنچه از حق به ما شناساندی پس ما را بدان وادار و آنچه کوتاهی کردیم،

عَنْهُ فَبَلِّغْناهُ، اللهُمَّ الْمُمْ بِهِ شَعْثَنا، وَاشْعَبْ بِهِ صَدْعَنا، وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنا،

ما را به آن برسان، خدایا به واسطه او پراکندگی ما را اصلاح کن، و اختلاف میان ما را کم کن، و تفرقه میان ما را پیوند ده،

وَکَثِّرْبِهِ قِلَّتَنا، وَاعْزِزْ بِهِ ذِلَّتَنا، وَاغْنِ بِهِ عآئِلَنا، وَاقْضِ بِهِ عَنْ مُغْرَمِنا،

و کمی (افراد) ما را فزونی بخش، و ما را از خواری به عزّت و از نداری به بی نیازی برسان، و بدهی ما را ادا کن

وَاجْبُرْبِهِ فَقْرَنا، وَسُدَّ بِهِ خَلَّتَنا، وَیَسِّرْ بِهِ عُسْرَنا، وَبَیِّضْ بِهِ وُجُوهَنا،

و فقرمان را جبران کن، و اختلاف میان ما را کم کن، و مشکلات ما را به آسانی تبدیل کن و ما را روسفید گردان،

وَفُکَّ بِهِ اسْرَنا، وَانْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنا، وَانْجِزْ بِهِ مَواعیدَنا، وَاسْتَجِبْ بِهِ

و گرفتاری ما را بگشا، و نیازمان را مرتفع گردان، و وعده های ما را محقّق گردان، و دعاهایمان را مستجاب کن

دَعْوَتَنا، وَاعْطِنا بِهِ سُؤْلَنا، وَبَلِّغْنا بِهِ مِنَ الدُّنْیا وَالْاخِرَهِ آمالَنا، وَاعْطِنا بِهِ

و خواسته های ما را برآور، و ما را به آرزوهای دنیا و آخرت برسان، و بیش از آنچه می خواهیم

فَوْقَ رَغْبَتِنا، یا خَیْرَ الْمَسْئُولینَ وَاوْسَعَ الْمُعْطینَ، اشْفِ بِهِ صُدُورَنا،

به ما عطا کن، ای بهترین درخواست شده و توانگرترین عطاکننده، سینه های ما را به او شفا بخش،

وَاذْهِبْ بِهِ غَیْظَ قُلُوبِنا، وَاهْدِنا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فیهِ مِنَ الْحَقِّ بِاذْنِکَ، انَّکَ

و عقده دلهای ما را بگشا و ما را به جانب حق از آنچه که به اجازه ات در آن اختلاف شده هدایت فرما، زیرا تو

تَهْدی مَنْ تَشآءُ الی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ، وَانْصُرْنا بِهِ عَلی عَدُوِّکَ وَعَدُوِّنآ،

هر که را بخواهی به راه راست هدایت می کنی، و ما را به کمک او بر دشمنان خود و دشمنانمان پیروز گردان،

الهَ الْحَقِّ آمینَ، اللهُمَّ انَّا نَشْکُو الَیْکَ فَقْدَ نَبِیِّنا صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ،

ای معبود به حقّ (دعاهایم را) قبول فرما، خدایا ما از فقدان پیامبرمان- که درود تو بر او و خاندانش باد

ص: 709

وَغَیْبَهَ وَلِیِّنا، وَکَثْرَهَ عَدُوِّنا، وَقِلَّهَ عَدَدِنا، وَشِدّهَ الْفِتَنِ بِنا، وَتَظاهُرَ الزَّمانِ

- و غیبت امامِمان و فراوانی دشمنان و کمی تعداد و فتنه های سخت و خود نمایی روزگار بر ضرر ما به تو شکایت

عَلَیْنا، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِهِ، وَ اعِنَّا عَلی ذلِکَ بِفَتْحٍ مِنْکَ تُعَجِّلُهُ،

می کنیم پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و ما را بر این امور یاری فرما، به پیروزی نزدیک از جانب خودت و

وَبِضُرٍّ تَکْشِفُهُ، وَ نَصْرٍ تُعِزُّهُ، وَ سُلْطانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ، وَ رَحْمَهٍ مِنْکَ

برطرف ساختن رنج و سختی و یاری با عزّت و فرمانروایی آشکار و به حق و رحمت

تَجَلِّلُناها، وَ عافِیَهٍ مِنْکَ تُلْبِسُناها، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.

و سلامتی فراگیر از جانبت، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

***

11- در هر شب بخواند:

اللهُمَّ بِرَحْمَتِکَ فِی الصَّالِحینَ فَادْخِلْنا، وَفی عِلِّیِّینَ فَارْفَعْنا، وِبَکَأْسٍ

خدایا ما را به احسانت در زمره نیکوکاران داخل کن و در درجات بهشت بالا بر و با جامی

مِنْ مَعینٍ مِنْ عَیْنٍ سَلْسَبیلٍ فَاسْقِنا، وَمِنَ الْحُورِ الْعینِ بِرَحْمَتِکَ

از چشمه گوارا سیراب کن و به احسانت از حورالعین به همسری ما درآور،

فَزَوِّجْنا، وَمِنَ الْوِلْدانِ الْمُخَلَّدینَ کَانَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَکْنُونٌ فَاخْدِمْنا، وَمِنْ

و از نوجوانانی جاودان که مانند گوهرهای در صدفند به خدمت ما درآور، و از

ثِمارِ الّجَنَّهِ وَلَحُومِ الطّیْرِ فَاطّعِمْنا، وَ مِنْ ثِیابِ السُّنْدُسِ وَالّحَریرِ

میوه های بهشتی و گوشت پرندگان بهره مند ساز، و از لباسهای ذربافت و ابریشمی

وَالْإِسْتَبْرَقِ فَالْبِسْنا، وَلَیْلَهَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَیْتِکَ الْحرامِ وَقَتْلاً فی سَبیلِکَ

و دیبا به ما بپوشان، و ما را به درک فضیلت شب قدر و حجّ خانه ات و شهادت در راهت

فَوَفِّقْ لَنا، وَصالِحَ الدُّعآءِ وَالْمَسْئَلهِ فَاسْتَجِبْ لَنا، وَاذا جَمَعْتَ الأَوَّلینَ

موفقّ بدار، و دعا و خواسته شایسته ما را اجابت فرما، و در زمانی که پیشینیان و پسینیان

وَالأخِرینَ یَوْمَ الْقِیامَهِ فَارْحَمْنا، وَبَرآئَهً مِنَ النَّارِ فَاکْتُبْ لَنا، وَفی جَهَنَّمَ

را در قیامت گردآوری بر ما رحم کن، رهایی از آتش دوزخ را برای ما مقدّر فرما، و ما را در دوزخ

فَلا تَغُلَّنا، وَ فی عَذابِکَ وَ هَوانِکَ فَلا تَبْتَلِنا، وَ مِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّریعِ فَلا

گرفتار مکن و به عذاب و خواریت مبتلا مگردان، و از گیاه تلخ و بد بوی «زقّوم» و «ضریع» به

ص: 710

تُطْعِمْنا، وَ مَعَ الشَّیاطینِ فَلا تَجْعَلْنا، وَ فِی النَّارِ عَلی وُجُوهِنا فَلا

ما مخوران و ما را همراه شیطانها قرار مده، و به صورت در آتش نیانداز،

تَکْبُبْنا، وَ مِنْ ثِیابِ النَّارِ وَسَرابیلِ الْقَطِرانِ فَلا تُلْبِسْنا، وَمِنْ کُلِّ سُوءٍ یا

و از لباسهای آتشین و پیراهن قیر اندود به ما مپوشان، ای

لا الهَ الَّا انْتَ بِحَقِّ لا الهَ الَّا انْتَ فَنَجِّنا.(1)

که معبودی جز تو نیست، به حق این که معبودی جز تو نیست ما را از هر بدی رهایی بخش.

***

12- از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که در هر شب ماه رمضان این دعا را می خوانی:

اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ انْ تَجْعَلَ فیما تَقْضی وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ فِی

خدایا از تو می خواهم که قرار دهی در آنچه حکم کرده و مقرّر فرمودی از

الْأَمْرِ الْحَکیمِ، مِنَ الْقَضآءِ الَّذی لا یُرَدُّ وَلا یُبَدَّلُ، انْ تَکْتُبَنی مِنْ حُجَّاجِ

فرمان حکیمانه ات، از قضایی که برگشت نداشته و تغییر نمی یابد که مرا از حاجیان

بَیْتِکَ الْحَرامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ، الْمَشْکُورِ سَعْیُهُمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ،

خانه ات قرار دهی، حجّاجی که حجّشان پذیرفته، سعیشان قبول شده، گناهانشان آمرزیده، و

الْمُکَفَّرِ عَنْ سَیِّئاتِهِمْ، وَانْ تَجْعَلَ فیما تَقْضی وَتُقَدِّرُ، انْ تُطیلَ عُمْری

بدیهایشان پوشیده شده است، و قراردهی در آنچه حکم کرده و مقدّر فرمودی، طول عمری همراه

فی خَیْرٍ وَعافِیَهٍ، وَتُوَسِّعَ فی رِزْقی وَتَجْعَلَنی مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدینِکَ،

با خوبی و سلامتی و روزی وسیع و قراردهی مرا از کسانی که دینت را به وسیله آنان یاری کنی

وَلا تَسْتَبْدِلْ بی غَیْری (2)

و مرا با دیگری عوض نکنی.

***

13- مرحوم محدّث قمی نقل کرده است که: در «أنیس الصالحین» آمده است که در هر شب از شبهای ماه رمضان این دعا را بخوان:

ص: 711

1- [961]اقبال، صفحه 61 و زادالمعاد، صفحه 116.
2- [962]اقبال، صفحه 61.

اعُوذُ بِجَلالِ وَجْهِکَ الْکَریمِ، انْ یَنْقَضِیَ عَنّی شَهْرُ رَمَضانَ، اوْ یَطْلُعَ

به بزرگی جمال کریمانه ات پناه می برم که (مبادا) ماه رمضان سپری شود یا امشبم صبح

الْفَجْرُ مِنْ لَیْلَتی هذِهِ، وَلَکَ قِبَلی تَبِعَهٌ اوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنی عَلَیْهِ.(1)

گردد در حالی که از ناحیه من عمل مستوجب بازخواست یا گناهی باشد که مرا به آن عذاب کنی.

***

14- مستحبّ است در هر شب از ماه رمضان دو رکعت نماز خوانده شود، در هر رکعت بعد از حمد، سه مرتبه توحید و پس از سلام بگوید: سُبْحانَ مَنْ هُوَ حَفیظٌ لا یَغْفُلُ، سُبحانَ مَنْ هُوَ

*************** تسبیح می کنم خدای نگاهدارنده ای را که غافل نشود (از حال بندگان) تسبیح می کنم، خدای

رَحیمٌ لا یَعْجَلُ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ قآئِمٌ لا یَسْهُو، سُبْحانَ مَنْ هُوَ دائِمٌ لا

مهربانی را که (در عذاب بندگان) شتاب نکند، تسبیح می کنم خدای پاینده ای را که اشتباه نکند، تسبیح می کنم خدای ابدی را که بیهوده وقت

یَلْهُو. سپس تسبیحات اربعه را هفت مرتبه بخواند و آنگاه بگوید: سُبْحانَکَ سُبْحانَکَ

نمی گذارند.************************************ تو را تسبیح می کنم، تو را تسبیح می کنم،

سُبْحانَکَ، یا عَظیمُ اغْفِرْ لِیَ الذَّنْبَ الْعَظیمَ.

تو را تسبیح می کنم، ای بزرگ مرتبه، گناه بزرگ مرا ببخش.

در پایان نیز ده مرتبه صلوات بفرستد بر پیغمبر و آل او علیهم السلام. کسی که این دو رکعت نماز را بجا آورد خداوند متعال گناهان زیادی را از او بیامرزد.(2) 15- در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که هر

کس در هر شب از ماه رمضان، سوره «إنّا فَتَحْنا» را در نماز مستحبّی بخواند، آن سال از بلاها محفوظ بماند.(3) 16- بجا آوردن هزار رکعت نماز در طول شبهای ماه رمضان.

درباره کیفیّت بجا آوردن آن، روایات مختلف است ولی آنچه که در روایت «علی بن مهران» از امام جواد علیه السلام نقل شده و گروه کثیری از بزرگان آن را پذیرفته اند چنین است:

در دهه اوّل و دهه دوم ماه رمضان، در هر شبی بیست رکعت نماز خوانده شود (هر دو رکعت به یک سلام) به این نحو که هر شب، هشت رکعتِ آن بعد از نماز مغرب و دوازده رکعتِ آن، بعد از نماز عشا و در دهه آخر، در هر شبی سی رکعت خوانده شود؛ هشت رکعت بعد از نماز مغرب و بیست و دو رکعت، بعد از

1- [963]مفاتیح الجنان، اعمال شبهای ماه مبارک رمضان.
2- [964]مستدرک الوسائل، جلد 6، صفحه 215، حدیث 6770.
3- [965]زاد المعاد، صفحه 100.

نماز عشا، که در مجموع هفتصد رکعت می شود و باقیمانده آن که سیصد رکعت است در شب های قدر خوانده شود، یعنی در شب نوزدهم صد رکعت (به اضافه بیست رکعتی که قبلاً می خواند) و در شب بیست و یکم صد رکعت (به اضافه سی رکعت) و در شب بیست و سوم نیز صد رکعت (به علاوه سی رکعت) که در مجموع هزار رکعت می شود.(1) مناسب است که مؤمنان از این نماز (تا آن جا که مقدور است) غفلت نورزند.

اعمال مخصوص سحرگاهان:

در اعمال سحرهای ماه مبارک رمضان اموری مستحب است:

1- خوردن سحری؛ که در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که خوردن سحری را ترک نکنید؛ هرچند یک عدد خرما باشد.(2) در روایت دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فرشتگان برای کسانی که در سحرها، طلب آمرزش می کنند و سحری می خورند، استغفار می کنند.(3) 2- خواندن سوره «إنّا أنزلناه» به هنگام خوردن سحری؛ در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که هر مؤمنی، در وقت افطار و خوردن سحری، این سوره را بخواند، در میان این دو وقت ثواب شهیدان را دارد.(4) 3- خواندن دعای سحر

این دعا که دارای مضامین ارزشمند و بیانگر عظمت اوصاف الهی است، انسان را در مسیر کمال معنوی و سیر و سلوک الی اللّه بسیار کمک می کند و توجّه به معانی آن، معارف توحیدی ناب و خالص را به ما می آموزد.

درباره این دعای باعظمت، از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: این دعا را امام باقر علیه السلام در سحرهای ماه مبارک رمضان می خواند و می فرمود: اسم اعظم الهی در آن است و در سرعت اجابت دعا بسیار مؤثّر است. دعا این است:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ بَهآئِکَ بِابْهاهُ، وَکُلُّ بَهآئِکَ بَهِیٌّ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ

خدایا از تو می خواهم به حق درخشنده ترین درخشنده گیت با اینکه همه درخشندگیت درخشنده است، خدایا از تو می خواهم به

بِبَهآئِکَ کُلِّهِ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ جَمالِکَ بِاجْمَلِهِ، وَکُلُّ جَمالِکَ

حق تمامی درخشندگیت خدایا از تو می خواهم به حق زیباترین زیباییت با این که همه زیباییهایت

ص: 713

1- [966]اقبال، صفحه 11.
2- [967]همان مدرک، صفحه 82.
3- [968]همان مدرک.
4- [969]همان مدرک، صفحه 83.

جَميلٌ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِجَمالِکَ کُلِّهِ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ جَلالِکَ

زیباست، خدایا از تو می خواهم به حق تمامی زیباییت، خدایا از تو می خواهم به حق بزرگترین

بِاجَلِّهِ، وَکُلُّ جَلالِکَ جَلیلٌ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِجَلالِکَ کُلِّهِ، اللهُمَ

بزرگیت با این که همه بزرگیت بزرگ است، خدایا از تو می خواهم به حق تمام بزرگیت، خدایا

انّی اسْئَلُکَ مِنْ عَظَمَتِکَ بِاعْظَمِها، وَکُلُّ عَظَمَتِکَ عَظَیمَهٌ، اللَّهُمَّ انّی

از تو می خواهم به حق باشکوهترین شکوهت با این که همه شکوهت با شکوه است خدایا از

اسْئَلُکَ بِعَظَمَتِکَ کُلِّها، اللَّهُمَّ انّی اسَئَلُکَ مِنْ نُورِکَ بِانْوَرِهِ، وَکُلُّ نُورِکَ

تو می خواهم به حق تمامی شکوهت، خدایا از تو می خواهم به حق روشن ترین روشنیت با اینکه همه روشنیت

نَیِّرٌ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِنُورِکَ کُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ رَحْمَتِکَ

نورانی است خدایا از تو می خواهم به حق تمامی روشنیت، خدایا از تو می خواهم به حق گسترده ترین

بِاوْسَعِها، وَکُلُّ رَحْمَتِکَ واسِعَهٌ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِرَحْمَتِکَ کُلِّها، اللهُمَ

بخششت با اینکه تمام بخششت گسترده است، خدایا از تو می خواهم به حق تمامی بخششت، خدایا از

انّی اسْئَلُکَ مِنْ کَلِماتِکَ بِاتَمِّها، وَکُلُّ کَلِماتِکَ تآمَّهٌ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ

تو می خواهم به حق کاملترین سخنانت با این که تمام سخنانت کامل است، خدایا از تو می خواهم

بِکَلِماتِکَ کُلِّهَا، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ کَمالِکَ بِاکْمَلِهِ، وَکُلُّ کَمالِکَ کامِلٌ،

به حق تمامی سخنانت، خدایا از تو می خواهم به حق کاملترین کمالاتت با این که تمام کمالاتت کامل است،

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِکَمالِکَ کُلِّهِ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ اسمآئِکَ بِاکْبَرِها،

خدایا از تو می خواهم به حق تمامی کمالت، خدایا از تو می خواهم به حق بزرگترین نامهایت

وَکُلُّ اسْمآئِکَ کَبیرَهٌ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاسْمآئِکَ کُلِّها، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ

با این که تمام نامهایت بزرگ است، خدایا از تو می خواهم به حق تمامی نامهایت، خدایا از تو می خواهم

مِنْ عِزَّتِکَ باعَزِّها، وَکُلُّ عِزَّتِکَ عَزیزَهٌ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِعِزَّتِکَ کُلِّها،

به حق بالاترین مقامت با این که تمامی مقاماتت بلند است، خدایا از تو می خواهم به حق تمامی مقامت،

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ مَشِیَّتِکَ بِامْضاها، وَکُلُّ مَشِیَّتِکَ ماضِیَهٌ، اللَّهُمَّ انّی

خدایا از تو می خواهم به حق گذراترین اراده ات با این که تمام اراده ات گذراست، خدایا از

اسْئَلُکَ بِمَشِیَّتِکَ کُلِّها، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ قُدْرَتِکَ بِالْقُدْرَهِ الَّتِی

تو می خواهم به حق تمامی اراده ات، خدایا از تو می خواهم به حق قدرتی که به واسطه

اسْتَطَلْتَ بِها عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ، وَکُلُّ قُدْرَتِکَ مُسْتَطیلَهٌ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ

آن بر هر چیز احاطه داری، با این که تمام قدرتت محیط است خدایا از تو می خواهم به

بِقُدْرَتِکَ کُلِّها، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ عِلْمِکَ بِانْفَذِهِ، وَکُلُّ عِلْمِکَ نافِذٌ،

حق تمامی قدرتت، خدایا از تو می خواهم به حق نافذترین علمت، با اینکه تمام علمت نافذ است،

اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِعِلْمِکَ کُلِّهِ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ قَوْلِکَ بِارْضاهُ،

خدایا از تو می خواهم به حق تمامی علمت، خدایا از تو می خواهم به حق پسندیده ترین گفتارت

وَکُلُّ قَوْلِکَ رَضِیٌّ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِقَوْلِکَ کُلِّهِ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ

با اینکه تمام گفتارهایت پسندیده است، خدایا از تو می خواهم به حق تمامی گفتارهایت، خدایا از تو می خواهم

مَسآئِلِکَ بِاحَبِّها الَیْکَ، وَکُلُّ مَسآئِلِکَ الَیْکَ حَبیبَهٌ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ

به حق محبوبترین خواسته هایت با اینکه تمام خواسته هایت محبوب است، خدایا از تو می خواهم به

بِمَسآئِلِکَ کُلِّها، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ شَرَفِکَ بِاشْرَفِهِ، وَکُلُّ شَرَفِکَ

حق تمامی خواسته هایت، خدایا از تو می خواهم به حق بالاترین درجه ات با اینکه تمام درجاتت

شَریفٌ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِشَرَفِکَ کُلِّهِ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ سُلْطانِکَ

بلند است، خدایا از تو می خواهم به حق تمامی درجاتت. خدایا از تو می خواهم به حق جاودانترین

بِادْوَمِهِ، وَکُلُّ سُلطانِکَ دآئِمٌ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِسُلْطانِکَ کُلِّهِ، اللهُمَ

فرمانروایت با اینکه تمام فرمانروایت جاودانی است، خدایا از تو می خواهم به حق تمام فرمانروایت، خدایا

انّی اسْئَلُکَ مِنْ مُلْکِکَ بِافْخَرِهِ، وَکُلُّ مُلْکِکَ فاخِرٌ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ

از تو می خواهم به حق با شکوهترین پادشاهیت با اینکه تمام پادشاهیت با شکوه است، خدایا از تو می خواهم

بِمُلْکِکَ کُلِّهِ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ عُلُوِّکَ بِاعْلاهُ، وَکُلُّ عُلُوِّکَ عالٍ،

به حق تمامی پادشاهیت، خدایا از تو می خواهم به حق بالاترین مقامت، با اینکه تمام مقاماتت بلند است،

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِعُلُوِّکَ کُلِّهِ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ مَنِّکَ بِاقْدَمِهِ، وَکُلُ

خدایا از تو می خواهم به حق تمام مقاماتت، خدایا از تو می خواهم به حق دیرینه ترین نعمتت،

مَنِّکَ قَدیمٌ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِمَنِّکَ کُلِّهِ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ آیاتِکَ

با اینکه تمام نعمتهایت دیرینه است، خدایا از تو می خواهم به حق تمامی نعمتهایت، خدایا از تو می خواهم به حق

بِاکْرَمِها، وَکُلُّ آیاتِکَ کَریمَهٌ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِآیاتِکَ کُلِّها، اللهُمَّ انّی

گرامی ترین نشانه هایت، با اینکه تمام نشانه هایت گرامی است، خدایا از تو می خواهم به حق تمامی نشانه هایت، خدایا از

اسْئَلُکَ بِما انْتَ فیهِ مِنَ الشَّاْنِ وَالْجَبَرُوتِ، وَاسْئَلُکَ بِکُلِّ شَاْنٍ وَحْدَهُ

تو می خواهم به حق مقام و بزرگیت و از تو می خواهم به حق تمامی

وَجَبَرُوتٍ وَحْدَها، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِما تُجیبُنی [بِهِ حینَ اسْئَلُکَ،

مقامات و بزرگیت، خدایا از تو می خواهم به حق آنچه که مرا [به آن پاسخ می دهی زمانی که تو را می خوانم،

فَاجِبْنی یا اللَّهُ.

پاسخم گویی ای خدا.

آنگاه هر حاجت که داری از خدا طلب کن که برآورده می شود، ان شاءاللَّه تعالی.(1)

4- دعای ابوحمزه ثمالی 971]

دعای ابوحمزه ثمالی که در سحرگاهان ماه رمضان خوانده می شود، از مضامین و محتوای بسیار بلندی برخوردار است که اگر کسی اندکی آمادگی روحی داشته باشد و با توجّه، این دعا را بخواند، به یقین در عمق وجودش نورانیّت خاصّی وارد می شود و در دل و جانش انقلابی ایجاد می کند.

دعای ابوحمزه ثمالی علاوه بر آن که یک دوره درس خداشناسی را در بر دارد، راه و رسم بندگی و طریق انابه و توبه و بازگشت به پروردگار را به ما می آموزد.

ابوحمزه ثمالی می گوید: امام زین العابدین علیه السلام در طول شب های ماه رمضان بیشتر شب را به نماز می ایستاد و چون هنگام سحر فرا می رسید، این دعا را می خواند:(2) الهی لا تُؤَدِّبْنی بِعُقُوبَتِکَ، وَلا تَمْکُرْ بی فی حیلَتِکَ، مِنْ ایْنَ لِیَ الْخَیْرُ یا

ای معبود من، مرا با مجازاتت ادب مکن، و مرا به تدبیر خویش دچار نکن، از کجا خیری بیابم، ای

رَبِّ، وَلا یُوجَدُ الَّا مِنْ عِنْدِکَ، وَمِنْ ایْنَ لِیَ النَّجاهُ، وَلا تُسْتَطاعُ الَّا بِکَ،

پروردگار من، در حالى كه جز در پيشگاه تو يافت نشود، و از كجا راه نجاتى يابم، در حالى كه جز با كمك تو ميسّر نشود،

1- [970]اقبال، صفحه 76.

2- [972]اين دعا را شيخ در مصباح المتهجّد، صفحه 582 و سيّد بن طاووس در اقبال، صفحه 67 آورده اند. مرحوم علّامه مجلسى نيز در بحارالانوار، جلد 95، صفحه 82 آن را نقل كرده است. ما اين دعا را مطابق نسخه مصباح نقل مى كنيم و اگر در نسخه هاى متداول، بر اساس ديگر كتب جملاتى آمده كه در مصباح نيست، در پاورقى متذكّر مى شويم.

لَا الَّذی احْسَنَ اسْتَغْنی عَنْ عَوْنِکَ وَرَحْمَتِکَ، وَلَا الَّذی اسآءَ وَاجْتَرَءَ

نه آنکه نیکی می کند بی نیاز از کمک و بخشش توست و نه آنکه بدی کرده و بر تو

عَلَیْکَ وَلَمْ یُرْضِکَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِکَ، یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِ به اندازه یک نفس جرأت نموده و تو را خشنود نساخته از قدرتت بیرون است، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من***********

بگوید. سپس بگوید: بِکَ عَرَفْتُکَ، وَانْتَ دَلَلْتَنی عَلَیْکَ، وَ دَعَوْتَنی الَیْکَ، وَ لَوْ لا

********* تو را به کمک خودت شناختم و تو مرا به سوی خویش راهنمایی کرده و دعوت نمودی و اگر

انْتَ لَمْ ادْرِ ما انْتَ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی ادْعُوهُ فَیُجیبُنی وَ انْ کُنْتُ بَطیئاً

تو نبودی نمی دانستم که کیستی، حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که می خوانمش و پاسخم می گوید اگر چه در آن هنگام که

حینَ یَدْعُونی وَ الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی اسْئَلُهُ فَیُعْطینی وَ انْ کُنْتُ بَخیلاً حینَ

مرا می خواند سستی کنم، و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که از او می خواهم و عطایم می کند، اگر چه در آن هنگام که از من

یَسْتَقْرِضُنی وَ الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی انادیهِ کُلَّما شِئْتُ لِحاجَتی وَاخْلُو بِهِ

طلب انفاق کند بخل ورزم، و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که برای هر خواسته ام می خوانمش و در هر زمان

حَیْثُ شِئْتُ لِسِرِّی بِغَیْرِ شَفیعٍ فَیَقْضی لی حاجَتی الْحَمْدُللَّهِ الَّذی لا

برای اسرارم بی واسطه با او خلوت می کنم و او خواسته ام را اجابت می کند، حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که

ادْعُو غَیْرَهُ، وَلَوْ دَعَوْتُ غَیْرَهُ لَمْ یَسْتَجِبْ لی دُعآئی وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذی لا

غیر او را نخوانم و اگر غیر او را می خواندم خواسته ام را پاسخ نمی داد، و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است

ارْجُو غَیْرَهُ، وَلَوْ رَجَوْتُ غَیْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجآئی وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذی وَکَلَنی

که به غیر او امید ندارم و اگر به غیر او امید داشتم ناامیدم می کرد، و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که مرا به خودش واگذارده

الَیْهِ فَاکْرَمَنی وَلَمْ یَکِلْنی الَی النَّاسِ فَیُهینُونی وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذی تَحَبَّبَ

تا گرامیم دارد و مرا به مردم وانگذارده تا خوارم کنند، و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که به من مهر ورزد

الَیَّ وَهُوَ غَنِیٌّ عَنّی وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذی یَحْلُمُ عَنّی حَتّی کَانّی لا ذَنْبَ لی

در حالی که بی نیاز از من است، و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که مرا تحمّل کند گویا من گناهی ندارم،

فَرَبّی احْمَدُ شَیْ ءٍ عِنْدی وَاحَقُّ بِحَمْدی اللهُمَّ انّی اجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ

پس پروردگار من شایسته ترین و سزاوارترین است به حمد و سپاس من، خدایا من راههای مقصود را به

الَیْکَ مُشْرَعَةً، وَمَناهِلَ الرَّجآءِ الَیْکَ مُتْرَعَةً، وَالْإِسْتِعانَةَ بِفَضْلِکَ لِمَنْ

سویت گشوده و چشمه های امید را به سویت جاری، و کمک خواستن از احسان و نیکیت را برای کسی که

ص :717

امَّلَکَ مُباحَةً، وَابْوابَ الدُّعآءِ الَیْکَ لِلصّارِخینَ مَفْتُوحَةً، وَاعْلَمُ انَّکَ

آرزویتان دارد مشروع و درهای دعای به سویت را برای فریاد خواهان گشوده می یابم، و می دانم به یقین تو برای

لِلرّاجی بِمَوْضِعِ اجابَهٍ، وَلِلْمَلْهُوفینَ بِمَرْصَدِ اغاثَهٍ، وَانَّ فِی اللَّهْفِ الی

بر آوردن (حاجت) امیدواران و فریادرسی غمزدگان آماده ای و به یقین

جُودِکَ، وَالرِّضا بِقَضآئِکَ عِوَضاً مِنْ مَنْعِ الْباخِلینَ، وَمَنْدُوحَةً عَمّا فی

اشتیاق به جود و کرمت و رضایت به تقدیرت در مقابل منع بخیلان است و رهایی از آنچه در

ایْدِی الْمُسْتَاْثِرینَ، وَانَّ الرّاحِلَ الَیْکَ قَریبُ الْمَسافَهِ، وَانَّکَ لا تَحْتَجِبُ

دست دنیا طلبان است و به یقین مسیر آن که به سویت می آید کوتاه است، و به یقین تو

عَنْ خَلْقِکَ الّا انْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمالُ دُونَکَ، وَقَدْ قَصَدْتُ الَیْکَ بِطَلِبَتی

از مخلوقاتت دور نیستی مگر اینکه اعمال (بد) ایشان میان تو و آنها جدایی اندازد، و من با خواسته ام تو را قصد کرده

وَتَوَجَّهْتُ الَیْکَ بِحاجَتی وَجَعَلْتُ بِکَ اسْتِغاثَتی وَبِدُعآئِکَ تَوَسُّلی

و به درگاهت روی آورده ام، و فریاد خواهیم را به درگاه تو قرار داده ام و با خواندنت به تو متوسّل شده ام

مِنْ غَیْرِ اسْتِحْقاقٍ لِاسْتِماعِکَ مِنّی وَلَا اسْتیجابٍ لِعَفْوِکَ عَنّی بَلْ

بی آنکه مستحقّ شنیدن و عفو تو باشم، بلکه به خاطر

لِثِقَتی بِکَرَمِکَ، وَسُکُونی الی صِدْقِ وَعْدِکَ، وَلَجَأی الَی الْإیمانِ

اطمینان به بخششت و آرامشم به وعده صادقت و روی آوردنم به ایمان بر یگانگیت و باور [واطمینانم بِتَوْحیدِکَ، وَیَقینی [وَ ثِقَتی بِمَعْرِفَتِکَ مِنّی انْ

لا رَبَّ لی غَیْرُکَ، وَلا الهَ

به شناخت تو از من است که پروردگاری جز تو ندارم و معبودی جز

الّا انْتَ، وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ، اللَّهُمَّ انْتَ الْقائِلُ وَقَوْلُکَ حَقٌّ، وَوَعْدُکَ

تو نیست و یگانه بی شریکی، خدایا تو گوینده ای هستی که گفتارت راست و وعده ات

صِدْقٌ: وَاسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ انَّ اللَّهَ کانَ بِکُمْ رَحیماً. وَلَیْسَ مِنْ صِفاتِکَ

صادق است (که فرمودی): و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، (برای رفع تنگناها) طلب کنید و خداوند بر شما مهربان است،

یا سَیِّدی انْ تَاْمُرَ بِالسُّؤالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِیَّهَ، وَانْتَ الْمَنّانُ بِالْعَطِیّاتِ عَلی

ای آقای من از ویژگیهای تو نیست که فرمان به خواستن داده و از بخشش دریغ کنی و تویی بخشنده مواهب بر

اهْلِ مَمْلَکَتِکَ، وَالْعائِدُ عَلَیْهِمْ بِتَحَنُّنِ رَاْفَتِکَ، الهی رَبَّیْتَنی فی نِعَمِکَ

مخلوقاتت و توجّه کنند بر ایشان با مهربانی دلسوزانه ات، معبودا مرا در کودکی در نعمتها

ص: 718

وَاحْسانِکَ صَغیراً، وَنَوَّهْتَ بِاسْمی کَبیراً، فَیا مَنْ رَبَّانی فِی الدُّنْیا

و احسانت پروراندی و در بزرگسالی مرا بلند آوازه کردی، پس ای کسی که مرا در دنیا با

بِاحْسانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ، وَاشارَ لی فِی الْأخِرَهِ الی عَفْوِهِ وَکَرَمِهِ،

لطف و کرم و نعمتهایت پروراندی و در آخرت برای من به بخشش و کرمت اشارت فرمودی،

مَعْرِفَتی یا مَوْلایَ دَلیلی عَلَیْکَ، وَحُبّی لَکَ شَفیعی الَیْکَ، وَانَا واثِقٌ مِنْ

ای آقا و سرورم شناختم (از تو) راهنمایم به سوی توست و محبّتم به تو شفیعم به درگاه توست، و من از راهنمایی یافتنم

دَلیلی بِدَلالَتِکَ، وَساکِنٌ مِنْ شَفیعی الی شَفاعَتِکَ، ادْعُوکَ یا سَیِّدی

به هدایت تو مطمئنّم و از پذیرش شفیعم به شفاعت تو آسوده خاطرم، ای آقای من

بِلِسانٍ قَدْ اخْرَسَهُ ذَنْبُهُ، رَبِّ اناجیکَ بِقَلْبٍ قَدْ اوْبَقَهُ جُرْمُهُ،

تو را با زبانی که گناه، آن را گنگ نموده می خوانم، ای پروردگار من با دلی که گناه آن را هلاک نموده

ادْعُوکَ یا رَبِّ راهِباً راغِباً راجِیاً خآئِفاً، اذا رَایْتُ مَوْلایَ ذُنُوبی

با تو راز و نیاز می کنم ای پروردگار من با حالت ترس و علاقه و امید و وحشت تو را می خوانم، ای آقا و سرورم زمانی که گناهانم را می بینم

فَزِعْتُ، وَاذا رَایْتُ کَرَمَکَ طَمِعْتُ، فَانْ عَفَوْتَ فَخَیْرُ راحِمٍ، وَانْ عَذَّبْتَ

وحشت می کنم و زمانی که لطف و کرم تو را می بینم طمع می کنم، پس اگر از من درگذری پس مهربانترینی و اگر عذاب کنی

فَغَیْرُ ظالِمٍ، حُجَّتی یا اللَّهُ فی جُرْاتی عَلی مَسْئَلَتِکَ مَعَ اتْیانی ما تَکْرَهُ،

ستم نکرده ای، ای خدا دلیل بر گستاخیم برای در خواستن از تو- با اینکه مخالف میل تو رفتار کرده ام-

جُودُکَ وَکَرَمُکَ، وَعُدَّتی فی شِدَّتی مَعَ قِلَّهِ حَیائی رَاْفَتُکَ وَرَحْمَتُکَ،

بخشش و احسان توست، و (دلیل بر درخواست رفع) نیازم در سختیها با وجود بی شرمی ام لطف و مهربانی توست،

وَقَدْ رَجَوْتُ انْ لا تَخیبَ بَیْنَ ذَیْنِ وَذَیْنِ مُنْیَتی فَحَقِّقْ رَجآئی وَاسْمَعْ

و امیدوارم که بین این دو و آن دو ناامیدم نگردانی، پس امیدم را محقّق ساز، و خواسته ام را بپذیر،

دُعآئی یا خَیْرَ مَنْ دَعاهُ داعٍ، وَافْضَلَ مَنْ رَجاهُ راجٍ، عَظُمَ یا سَیِّدی

ای بهترین خوانده شده و برترین مورد امید، ای آقا و سرورم،

امَلی وَسآءَ عَمَلی فَاعْطِنی مِنْ عَفْوِکَ بِمِقْدارِ امَلی وَلا تُؤاخِذْنی

آرزویم بزرگ و عملم زشت است، پس به مقدار آرزویم از بخششت عطایم کن و مرا به عمل

بِاسْوَءِ عَمَلی فَانَّ کَرَمَکَ یَجِلُّ عَنْ مُجازاهِ الْمُذْنِبینَ، وَحِلْمَکَ یَکْبُرُ

زشتم مؤاخذه نکن، چرا که بخشش و کرم تو از مجازات گنهکاران، و حلمت از کیفر

ص :719

عَنْ مُکافاهِ الْمُقَصِّرینَ، وَ ا نَا یاسَیِّدی عائِذٌ بِفَضْلِکَ، هارِبٌ مِنْکَ اَلَیْکَ،

کوتاهی کنندگان بزرگتر است، ای آقای من، به فضل و احسان پناهنده ام و از (عذاب) تو به سوی (رأفت) تو گریزانم،

مُتَنَجِّزٌ ما وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ احْسَنَ بِکَ ظَنّاً، وَما ا نَا یا رَبِّ وَما

محقّق نمودی چشم پوشی را که وعده کرده بودی از کسی که به تو گمان نیک دارد، من که هستم و چه ارزشی دارم ای پروردگار من،

خَطَری هَبْنی بِفَضْلِکَ، وَتَصَدَّقْ عَلَیَّ بِعَفْوِکَ، ایْ رَبِّ جَلِّلْنی بِسَتْرِکَ،

مرا به فضل و احسانت ببخش و با عفو و گذشتت بر من منّت گذار، ای پروردگار من مرا به پرده پوشیت گرامی دار،

وَاعْفُ عَنْ تَوْبیخی بِکَرَمِ وَجْهِکَ، فَلَوِ اطَّلَعَ الْیَوْمَ عَلی ذَنْبی غَیْرُکَ

و با چهره کریمانه ات از ملامت من درگذر، که اگر غیر از تو امروز بر گناهم آگاهی می یافت

ما فَعَلْتُهُ، وَلَوْ خِفْتُ تَعْجیلَ الْعُقُوبَهِ لَاجْتَنَبْتُهُ، لا لِأَنَّکَ اهْوَنُ النَّاظِرینَ،

آن را مرتکب نمی شدم و اگر از سرعت در مجازات می ترسیدم به یقین آن را مرتکب نمی شدم، (و دلیل ارتکاب گناهم)

وَاخَفُّ الْمُطَّلِعینَ [عَلَیَ ، بَلْ لِأَنَّکَ یارَبِّ خَیْرُ السَّاتِرینَ، وَاحْکَمُ

نه به خاطر این است که تو [بر من بی ارزش ترین بینندگان و کمترین آگاهانی، بلکه بدان جهت است که تو ای پروردگار من بهترین عیب پوش و داناترین

الْحاکِمینَ، وَاکْرَمُ الْأَکْرَمینَ، سَتَّارُ الْعُیُوبِ، غَفَّارُ الذُّنُوبِ، عَلّامُ

حکمران و گرامی ترین گرامیان و بسیار پوشاننده عیوب و آمرزنده گناهان و دانای

الْغُیُوبِ، تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِکَرَمِکَ، وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَهَ بِحِلْمِکَ، فَلَکَ الْحَمْدُ

نهانها هستی که گناه را با بزرگواریت می پوشانی و مجازات را با حلمت به تأخیر می اندازی، پس حمد و سپاس از آن توست

عَلی حِلْمِکَ بَعْدَ عِلْمِکَ، وَعَلی عَفْوِکَ بَعْدَ قُدْرَتِکَ، وَیَحْمِلُنی وَیُجَرِّئُنی

بر حلم بعد از آگاهیت و عفو بعد از قدرتت، در حالی که صبر و شکیبایی تو نسبت به من مرا وادار و گستاخ به

عَلی مَعْصِیَتِکَ حِلْمُکَ عَنّی وَیَدْعُونی الی قِلَّهِ الْحَیاءِ سِتْرُکَ عَلَیَّ،

نافرمانیت می نماید و عیب پوشی تو نسبت به من، مرا به بی شرمی فرا می خواند

وَیُسْرِعُنی الَی التَّوَثُّبِ عَلی مَحارِمِکَ مَعْرِفَتی بِسَعَهِ رَحْمَتِکَ، وَعَظیمِ

و آگاهیم به وسعت رحمت و بزرگی بخششت، مرا به ارتکاب کارهای حرام سرعت می بخشد،

عَفْوِکَ، یا حَلیمُ یا کَریمُ، یا حَیُّ یا قَیُّومُ، یا غافِرَ الذَّنْبِ، یا قابِلَ التَّوْبِ،

ای شکیبا، ای بزرگوار، ای زنده، ای پایدار، ای آمرزنده گناه، ای توبه پذیر،

یا عَظیمَ الْمَنِّ، یا قَدیمَ الْإِحسانِ، ایْنَ سَتْرُکَ الْجَمیلُ، ایْنَ عَفْوُکَ

ای بزرگ نعمت، ای دیرینه نیکی، کجاست عیب پوشی زیبایت، کجاست عفو

الْجَليلُ، ایْنَ فَرَجُکَ الْقَریبُ، ایْنَ غِیاثُکَ السَّریعُ، ایْنَ رَحْمَتُکَ الْواسِعَهُ،

بزرگت، کجاست گشایش نزدیکت، کجاست فریادرسی سریعت، کجاست مهربانی گسترده ات،

ایْنَ عَطایاکَ الْفاضِلَهُ، ایْنَ مَواهِبُکَ الْهَنیئَهُ، ایْنَ صَنائِعُکَ السَّنِیَّهُ، ایْنَ

کجاست بخششهای فراوانت، کجاست هدایای دلچسبت، کجاست مهارتهای عالی مرتبه ات، کجاست

فَضْلُکَ الْعَظیمُ، ایْنَ مَنُّکَ الْجَسیمُ، ایْنَ احْسانُکَ الْقَدیمُ، ایْنَ کَرَمُکَ یا

لطف و کرم بزرگت، کجاست نعمت بزرگت، کجاست نیکی دیرینه ات، کجاست بخششت،

کَریمُ، بِهِ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ(1) فَاسْتَنْقِذْنی وَبِرَحْمَتِکَ فَخَلِّصْنی یا

ای بزرگوار، به آنچه که گفتم و به محمّد و خاندان پاکش مرا نجات ده و به رحمت و احسانت مرا رهایی بخش، ای

مُحْسِنُ یا مُجْمِلُ، یا مُنْعِمُ یا مُفْضِلُ، لَسْتُ اتَّکِلُ فِی النَّجاهِ مِنْ عِقابِکَ

نیکوکار ای شایسته، ای نعمت دهنده، ای فزون بخش، در رهایی از مجازات تو تکیه بر اعمالم نکرده ام

عَلی اعْمالِنا، بَلْ بِفَضْلِکَ عَلَیْنا، لِأَنَّکَ اهْلُ التَّقْوی وَاهْلُ الْمَغْفِرَهِ، تُبْدِئُ

بلکه (تکیه ام) بر لطف و کرمی است که بر ما داری، چرا که تو سزاوار پرهیزکاری و آمرزشی، که به

بِالْإِحْسانِ نِعَماً، وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ کَرَماً، فَما نَدْری ما نَشْکُرُ اجَمیلَ ما

احسان، نعمت را آغاز می نمایی و به کرمت از گناه در می گذری، نمی دانم بر چه شکر تو گویم

تَنْشُرُ، امْ قَبیحَ ما تَسْتُرُ، امْ عَظیمَ ما ابْلَیْتَ وَاوْلَیْتَ، امْ کَثیرَ ما مِنْهُ نَجَّیْتَ

آیا بر زیبایی که می گسترانی یا بر زشتی که می پوشانی، یا بزرگی آنچه آزموده و احسان نمودی، یا فراوانی آنچه از آن نجات بخشیده

وَعافَیْتَ، یا حَبیبَ مَنْ تَحَبَّبَ الَیْکَ، وَیا قُرَّهَ عَیْنِ مَنْ لاذَبِکَ وَانْقَطَعَ

و سلامتی دادی، ای دوست کسی که مدّعی دوستی توست، و ای روشنی چشم کسی که به تو پناهنده شده

الَیْکَ، انْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسیئُونَ، فَتَجاوَزْ یا رَبِّ عَنْ قَبیحِ ما

و از دیگران بریده، تویی نیکوکار و ماییم گنهکار، پس ای پروردگار من به واسطه

عِنْدَنا بِجَمیلِ ما عِنْدَکَ، وَایُّ جَهْلٍ یا رَبِّ لا یَسَعُهُ جُودُکَ، اوْ ایُّ زَمانٍ

زیبایی آنچه نزد توست از زشتی آنچه نزد ماست درگذر، و ای پروردگار من کدام جهالت است که وسعت بخششت آن را فرا نگیرد یا کدام زمان

اطْوَلُ مِنْ اناتِکَ، وَما قَدْرُ اعْمالِنا فی جَنْبِ نِعَمِکَ، وَکَیْفَ نَسْتَکْثِرُ

از شکیبایی طولانی تر است، کارهای ما در کنار نعمتهای تو چه ارزشی دارد، و چگونه زیاد بشمریم

ص: 721

1- [973]جمله« بمحمّد و آل محمّد» در مصباح نیامده، ولی در اقبال آمده است.

اعْمالاً نُقابِلُ بِها کَرَمَکَ، بَلْ کَیْفَ یَضیقُ عَلَى الْمُذْنِبینَ ما وَسِعَهُمْ مِنْ

کارهایمان را تا آن را با کرمت برابر کنیم، بلکه چگونه مهربانی گسترده ات بر

رَحْمَتِکَ، یا واسِعَ الْمَغْفِرَهِ، یا باسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَهِ، فَوَ عِزَّتِکَ یا

گنهکاران تنگ آید، ای گسترده آمرزش، ای گشوده دست به بخشش، قسم به عزّت و جلالت ای

سَیِّدی لَوْ نَهَرْتَنی ما بَرِحْتُ مِنْ بابِکَ، وَلا کَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِکَ، لِمَا انْتَهی

آقای من که اگر مرا از درگاهت برانی نخواهم رفت و به خاطر شناختی که از بخشش و کرم تو

الَیَّ مِنَ الْمَعْرِفَهِ بِجُودِکَ وَکَرَمِکَ، وَانْتَ الْفاعِلُ لِما تَشاۤءُ، تُعَذِّبُ مَنْ

به من رسیده دست از تملّقت بر نخواهم داشت، و تویی که هر چه خواهی انجام می دهی، هر کسی را که خواهی

تَشاۤءُ بِما تَشاۤءُ کَیْفَ تَشاۤءُ، وَتَرْحَمُ مَنْ تَشاۤءُ بِما تَشاۤءُ کَیْفَ تَشاۤءُ، لا

و به آنچه خواهی و هرگونه که خواهی عذاب می کنی و هر کسی را که خواهی و به آنچه خواهی و هرگونه که خواهی مورد رحمت قرار می دهی،

تُسْئَلُ عَنْ فِعْلِکَ، وَلا تُنازَعُ فی مُلْکِکَ، وَلا تُشارَکُ فی امْرِکَ، وَلا

در مورد کار تو سؤال نشده و در فرمانرواییت کشمکشی نیست، و در کار تو شریکی نبوده و در

تُضاۤدُّ فی حُکْمِکَ، وَلا یَعْتَرِضُ عَلَیْکَ احَدٌ فی تَدْبیرِکَ، لَکَ الْخَلْقُ

فرمانت دوگانگی نیست، و در اداره کارهایت کسی بر تو خرده نگیرد، آفرینش و

وَالْأَمْرُ، تَبارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمینَ، یا رَبِّ هذا مَقامُ مَنْ لاذَبِکَ وَاسْتَجارَ

فرمان از آن توست، بلند مرتبه است خداوندی که پروردگار جهانیان است، ای پروردگار من، این است جایگاه کسی که به تو متوسّل شده است و به

بِکَرَمِکَ، وَالِفَ احْسانَکَ وَنِعَمَکَ، وَانْتَ الْجَوادُ الَّذی لایَضیقُ عَفْوُکَ،

بخشش و کرمت پناهنده شده و به لطف و احسان و نعمتهایت خو گرفته است، و تویی بخشنده ای که گذشتت محدود نشود

وَلا یَنْقُصُ فَضْلُکَ، وَلا تَقِلُّ رَحْمَتُکَ، وَقَدْ تَوَثَّقْنا مِنْکَ بِالصَّفْحِ الْقَدیمِ،

و لطف و کرمت کاهش نیابد، و مهربانیت کم نگردد، و ما به چشم پوشی دیرینه

وَالْفَضْلِ الْعَظیمِ، وَ الرَّحْمَهِ الْواسِعَهِ، افَتُراکَ یا رَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنا، اوْ

و لطف و کرم بزرگ و مهربانی گسترده ات اطمینان داریم، ای پروردگار من آیا ممکن است بر خلاف گمان ما رفتار نمایی یا

تُخَیِّبُ آمالَنا، کَلّا یا کَریمُ فَلَیْسَ هذا ظَنُّنا بِکَ، وَ لا هذا فیکَ طَمَعُنا، یا

آرزوهای ما را ناامید کنی، هرگز چنین نیست ای بزرگوار، چرا که گمان ما به تو چنین نبوده و امید ما به تو چنین نیست، ای

رَبِّ انَّ لَنا فیکَ امَلاً طَویلاً کَثیراً، انَّ لَنا فیکَ رَجآءً عَظیماً، عَصَیْناکَ

پروردگار من به یقین ما آرزوی طولانی و فراوان و امید بزرگ به تو داریم، نافرمانی تو کرده

وَنَحْنُ نَرْجُو انْ تَسْتُرَ عَلَيْنا، وَ دَعَوْناکَ وَ نَحْنُ نَرْجُو انْ تَسْتَجیبَ لَنا،

و امیدواریم که آن را بر ما بپوشانی، و تو را خوانده و امیدواریم که اجابت فرمایی،

فَحَقِّقْ رَجآئَنا مَوْلانا، فَقَدْ عَلِمْنا ما نَسْتَوْجِبُ بِاعْمالِنا، وَلکِنْ عِلْمُکَ

ای آقا و سرور ما امید ما را محقّق فرما، چرا که می دانیم آنچه را که ما در قبال کارهایمان سزاوار آنیم، ولی نسبت به

فینا وَ عِلْمُنا بِانَّکَ لا تَصْرِفُنا عَنْکَ، وَ انْ کُنَّا غَیْرَ مُسْتَوْجِبینَ لِرَحْمَتِکَ،

ما آگاهی و آگاهی ما به این است که تو ما را از درگاهت دور نسازی اگرچه ما سزاوار لطف و مهربانیت نباشیم

فَانْتَ اهْلٌ انْ تَجُودَ عَلَیْنا، وَ عَلَی الْمُذْنِبینَ بِفَضْلِ سَعَتِکَ، فَامْنُنْ عَلَیْنا

البته تو به واسطه بخشش فراوانت شایستگی داری که ما و تمامی گناهکاران را مورد بخشش قرار دهی،

بِما انْتَ اهْلُهُ، وَجُدْ عَلَیْنا فَانَّا مُحْتاجُونَ الی نَیْلِکَ، یا غَفَّارُ بِنُورِکَ

به آنچه که تو شایسته آنی بر ما کرامت فرما و بر ما ببخش چرا که ما نیازمند بخشش توییم، ای آمرزنده، به نور تو

اهْتَدَیْنا، وَبِفَضْلِکَ اسْتَغْنَیْنا، وَبِنِعْمَتِکَ اصْبَحْنا وَ امْسَیْنا، ذُنُوبُنا بَیْنَ

هدایت یافتیم و به لطف و رحمتت بی نیاز شده و با نعمتهایت صبح و شام کردیم، گناهان ما در

یَدَیْکَ، نَسْتَغْفِرُکَ اللَّهُمَّ مِنْها وَنَتُوبُ الَیْکَ، تَتَحَبَّبُ الَیْنا بِالنِّعَمِ،

مقابل توست، خدایا از گناهان خود آمرزش طلبیده و به درگاهت توبه می کنیم، با نعمتهایت به ما محبّت نمودی

وَنُعارِضُکَ بِالذُّنُوبِ، خَیْرُکَ الَیْنا نازِلٌ، وَشَرُّنا الَیْکَ صاعِدٌ، وَلَمْ یَزَلْ وَ لا

و ما در قبال آن نافرمانی کردیم، خیر تو بر ما فرود آید و بدی ما به درگاهت بالا رود

یَزالُ مَلَکٌ کَریمٌ یَأْتیکَ عَنّا بِعَمَلٍ قَبیحٍ، فَلا یَمْنَعُکَ ذلِکَ مِنْ انْ تَحُوطَنا

و پیوسته فرشته ای بزرگوار عمل زشت ما را به درگاهت آورده، ولی این باعث نمی شود که تو ما را در نعمتهایت غرق نساخته

بِنِعَمِکَ، وَ تَتَفَضَّلَ عَلَیْنا بِآلآئِکَ، فَسُبْحانَکَ ما احْلَمَکَ وَ اعْظَمَکَ

و مورد لطفت قرار ندهی، تسبیح می کنم تو را و چقدر شکیبا و باعظمت

وَاکْرَمَکَ مُبْدِئاً وَ مُعیداً، تَقَدَّسَتْ اسْمآئُکَ، وَجَلَّ ثَناؤُکَ، وَکَرُمَ صَنائِعُکَ

و بزرگواری تو، چه در آغاز و چه در ادامه، نامهایت مقدّس، مدح و ثنایت بزرگ و مهارتها و کارهایت

وَفِعالُکَ، انْتَ الهی اوْسَعُ فَضْلًا، وَاعْظَمُ حِلْماً مِنْ انْ تُقایِسَنی بِفِعْلی

بزرگوارانه است، تو معبود منی و لطف و کرمت وسیعتر و حلمت بزرگتر از آن است که مرا با رفتار

وَخَطیئَتی فَالْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ، سَیِّدی سَیِّدی سَیِّدی اللهُمَّ اشْغَلْنا

و گناهانم بسنجی، پس (از من) درگذر، درگذر، درگذر، ای آقای من، ای آقای من، ای آقای من، خدایا ما را

ص :723

بِذِکْرِکَ، وَ اعِذْنا مِنْ سَخَطِکَ، وَ اجِرْنا مِنْ عَذابِکَ، وَ ارْزُقْنا مِنْ مَواهِبِکَ،

به یاد خود مشغول فرما، و از خشم و غضبت پناه ده و مرا از عذابت رهایی بخش و از عطاهایت روزی ما گردان،

وَ انْعِمْ عَلَیْنا مِنْ فَضْلِکَ، وَ ارْزُقْنا حَجَّ بَیْتِکَ، وَ زِیارَهَ قَبْرِ نَبِیِّکَ،

و از لطف و کرمت بر ما ببخش، و حجّ خانه ات و زیارت قبر پیامبرت-

صَلَواتُکَ وَ رَحْمَتُکَ وَ مَغْفِرَتُکَ وَ رِضْوانُکَ عَلَیْهِ وَ عَلی اهْلِ بَیْتِهِ، انَّکَ

که درود و بخشش و احسان و آمرزش و خشنودیت بر او و بر خاندان پاکش باد- را روزی ما گردان، که همانا تو

قَریبٌ مُجیبٌ، وَ ارْزُقْنا عَمَلاً بِطاعَتِکَ، وَ تَوَفَّنا عَلی مِلَّتِکَ، وَ سُنَّهِ نَبِیِّکَ

نزدیک و اجابت کننده ای، و فرمانبردایت را روزی ما گردان و ما را بر دین خود و روش پیامبرت-

صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، اللهُمَّ اغْفِرْ لی وَ لِوالِدَیَّ وَ ارْحَمْهُما کَما رَبَّیانی

که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- بمیران، خدایا من و پدر و مادرم را بیامرز و بر آن دو ترحّم فرما که مرا در کودکی پرورش دادند،

صَغیراً، اجْزِهِما بِالْإِحسانِ احْساناً، وَ بِالسَّیِّئاتِ غُفْراناً، اللهُمَّ اغْفِرْ

در مقابل نیکیهایشان به نیکی و در مقابل بدیهایشان به آمرزش پاداش ده، خدایا

لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ، الْأَحیآءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمواتِ، وَ تابِعْ بَیْنَنا وَبَیْنَهُمْ

زندگان و مردگان مردان و زنان با ایمان را بیامرز، و میان ما و آنها با نیکیها پیوند ده،

بِالْخَیْراتِ، اللهُمَّ اغْفِرْ لِحَیِّنا وَ مَیِّتِنا، وَ شاهِدِنا وَ غآئِبِنا، ذَکَرِنا وَانْثانا،

خدایا زنده و مرده و حاضر و غایب، مرد و زن،

صَغیرِنا وَکَبیرِنا، حُرِّنا وَ مَمْلَوکِنا، کَذَبَ الّعادِلَونَ بِاللّهِ، وَ ضَلّوا ضَلالاَ

کوچک و بزرگ، آزاد و عبد ما را بیامرز، روی گردانندگان از خداوند دروغ گفتند و به گمراهی دور و

بَعیداً، وَ خَسِرُوا خُسْراناً مُبیناً، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

زیان آشکاری گرفتار شدند، خدایا بر محمّد و خاندان پاک او درود فرست

وَاخْتِمْ لی بِخَیْرٍ، وَ اکْفِنی ما اهَمَّنی مِنْ امْرِ دُنْیایَ وَ آخِرَتی وَ لاتُسَلِّطْ

و عاقبتم را ختم به خیر فرما، و آنچه از امر دنیا و آخرتم مرا اندوهگین ساخته کفایت فرما، و

عَلَیَّ مَنْ لا یَرْحَمُنی وَاجْعَلْ عَلَیَّ مِنْکَ واقِیَهً باقِیَهً، وَلا تَسْلُبْنی صالِحَ

آن که بر من رحم نمی کند بر من مسلّط مکن، و برای من از جانب خود نگهدارنده ای ماندگار قرار ده و نعمتهای شایسته ای که به من داده ای

ما انْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ، وَ ارْزُقْنی مِنْ فَضْلِکَ رِزْقاً واسِعاً حَلالاً طَیِّباً، اللهُمَ

از من نگیر، و از لطف و کرمت روزی وسیع، حلال و پاکیزه به من عنایت فرما، خدایا

ص: 724

احْرُسْنى بِحَراسَتِکَ، وَ احْفَظْنى بِحِفْظِکَ، وَ اکْلَأْنى بِکِلائَتِکَ، وَارْزُقْنى

مرا به پاسداری و حمایت و نگهداریت محافظت فرما، و

حَجَّ بَیْتِکَ الْحَرامِ، فى عامِنا هذا وَ فى کُلِّ عامٍ، وَ زِیارَهَ قَبْرِ نَبِیِّکَ

حجّ خانه ات و زیارت قبر پیامبر و امامان- که درود خدا بر آنان باد- را در این سال و

وَالْأَئِمَّهِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ 974]، وَ لا تُخْلِنى یا رَبِّ مِنْ تِلْکَ الْمَشاهِدِ الشَّریفَهِ،

در هر سال روزیم فرما، ای پروردگار من، مرا از (زیارت) این بارگاههای گرامی

وَالْمَواقِفِ الْکَریمَهِ، اللهُمَّ تُبْ عَلَیَّ حَتّى لا اعْصِیَکَ، وَ الْهِمْنِى الْخَیْرَ

و جایگاههای ارزشمند محروم مگردان، خدایا توفیق توبه ام ده تا نافرمانیت نکنم و نیکی

وَالْعَمَلَ بِهِ، وَ خَشْیَتَکَ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ ما ابْقَیْتَنى یا رَبَّ الْعالَمینَ،

و عمل به آن و ترس از خودت را در شب و روز مادامی که زنده ام در دلم بیانداز، ای پروردگار جهانیان،

اللهُمَّ انّى کُلَّما قُلْتُ قَدْ تَهَیَّأْتُ وَ تَعَبَّأْتُ، وَقُمْتُ لِلصَّلاهِ بَیْنَ یَدَیْکَ

خدایا هر زمانی که گفتم مهیّا و آماده ام و برای خواندن نماز در مقابلت ایستادم

وَناجَیْتُکَ، الْقَیْتَ عَلَیَّ نُعاساً اذا انَا صَلَّیْتُ، وَ سَلَبْتَنى مُناجاتَکَ اذا ا نَا

و با تو راز و نیاز کردم، در آن زمان که نماز می خواندم خواب را بر من مسلّط کردی و در آن زمان که راز و نیاز می کردم توفیق آن را از من گرفتی،

ناجَیْتُ، ما لى کُلَّما قُلْتُ قَدْ صَلُحَتْ سَریرَتى وَ قَرُبَ مِنْ مَجالِسِ

چه شده است که هر وقت با خود گفتم که باطنم اصلاح شده و به توبه کنندگان نزدیک شده ام،

التَّوّابینَ مَجْلِسی عَرَضَتْ لی بَلِیَّهٌ ازالَتْ قَدَمی وَ حالَتْ بَیْنی وَ بَیْنَ

گرفتاری بر من رخ داد که پایم لغزید و بین من و بندگیت فاصله انداخت،

خِدْمَتِکَ، سَیِّدی لَعَلَّکَ عَنْ بابِکَ طَرَدْتَنی وَ عَنْ خِدْمَتِکَ نَحَّیْتَنی اوْ

آقا و سرورم شاید مرا از درگاهت رانده و از بندگیت دور کرده ای یا

لَعَلَّکَ رَایْتَنی مُسْتَخِفّاً بِحَقِّکَ فَاقْصَیْتَنی اوْ لَعَلَّکَ رَایْتَنی مُعْرِضاً عَنْکَ

شاید مرا سبک شمارنده حقّت یافته ای که مرا رانده ای یا شاید مرا روی گرداننده از خودت یافته ای

فَقَلَیْتَنی اوْ لَعَلَّکَ وَجَدْتَنی فی مَقامِ الْکاذِبینَ فَرَفَضْتَنی اوْ لَعَلَّکَ

که بر من غضب نموده ای، یا شاید که مرا در جایگاه دروغگویان یافته ای که مرا رها کرده ای، یا شاید که

ص :725

رَایْتَنی غَیْرَ شاکِرٍ لِنَعْمآئِکَ فَحَرَمْتَنی اوْ لَعَلَّکَ فَقَدْتَنی مِنْ مَجالِسِ

مرا ناسپاس بر نعمتهایت یافته ای که محروومم کرده ای، یا شاید که مرا دور از مجالس

الْعُلَمآءِ فَخَذَلْتَنی اوْ لَعَلَّکَ رَایْتَنی فِی الْغافِلینَ فَمِنْ رَحْمَتِکَ آیَسْتَنی

علما یافته ای که خوارم کرده ای، یا شاید که مرا در میان بی خبران یافته ای که از بخشش و احسانت ناامیدم کرده ای،

اوْ لَعَلَّکَ رَایْتَنی آلِفَ مَجالِسِ الْبَطّالینَ فَبَیْنی وَبَیْنَهُمْ خَلَّیْتَنی اوْ لَعَلَّکَ

یا شاید که مرا همنشین بیکاران یافته ای که مرا در میان آنها رها کرده ای، یا شاید

لَمْ تُحِبَّ انْ تَسْمَعَ دُعآئی فَباعَدْتَنی اوْ لَعَلَّکَ بِجُرْمی وَ جَریرَتی

که دوست نداشتی که دعایم را بشنوی که مرا دور کرده ای، یا شاید که به جرم و جنایتم کیفرم

کافَیْتَنی اوْ لَعَلَّکَ بِقِلَّهِ حَیآئی مِنْکَ جازَیْتَنی فَانْ عَفَوْتَ یا رَبِّ، فَطالَ

نموده ای، یا شاید که به خاطر بی شرمی ام نسبت به تو مجازاتم کرده ای، پس ای پروردگار من اگر از من درگذری (شایسته است)

ما عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبینَ قَبْلی لِأَنَّ کَرَمَکَ ایْ رَبِّ یَجِلُّ عَنْ مُکافاتِ

چون از دیرباز بسیاری از گناهکاران قبل از مرا آمرزیده ای چرا که ای پروردگار من لطف و احسانت بزرگتر ازمجازات کوتاهی کنندگان است

الْمُقَصِّرینَ، وَ ا نَا عائِذٌ بِفَضْلِکَ، هارِبٌ مِنْکَ الَیْکَ، مُتَنَجِّزٌ ما وَعَدْتَ مِنَ

و من به لطف و کرمت پناهنده ام و از ترس تو به سوی خودت گریزانم، چشم پوشی را که وعده فرمودی

الصَّفْحِ عَمَّنْ احْسَنَ بِکَ ظَنّاً، الهی انْتَ اوْسَعُ فَضْلًا، وَ اعْظَمُ حِلْماً مِنْ انْ

از کسی که به تو گمان نیکو دارد خواهانم ای معبود من لطف و کرمت وسیعتر و حلمت بزرگتر از آن است که

تُقایِسَنی بِعَمَلی اوْ انْ تَسْتَزِلَّنی بِخَطیئَتی وَما ا نَا یا سَیِّدی وَ ما

مرا با عملم مقایسه کنی، یا اینکه به واسطه اشتباهم مرا بلغزانی، و ای آقا و سرورم من

خَطَری هَبْنی بِفَضْلِکَ سَیِّدی وَ تَصَدَّقْ عَلَیَّ بِعَفْوِکَ، وَ جَلِّلْنی بِسَتْرِکَ،

که هستم و چه ارزشی دارم، به لطف و کرمت مرا ببخش، ای آقای من، و با گذشتت بر من احسان فرما و با پرده پوشیت مرا ارجمند گردان،

وَاعْفُ عَنْ تَوْبیخی بِکَرَمِ وَجْهِکَ، سَیِّدی ا نَا الصَّغیرُ الَّذی رَبَّیْتَهُ، وَ ا نَا

و با چهره کریمانه ات از سرزنش من درگذر، ای آقا و سرورم من همان بنده کوچکم که او را پرورش دادی و همان

الْجاهِلُ الَّذی عَلَّمْتَهُ، وَ ا نَا الضَّآلُّ الَّذی هَدَیْتَهُ، وَ ا نَا الْوَضیعُ الَّذی

نادانم که دانایش کردی، و همان گمراهم که هدایتش نمودی، و همان افتاده ام که بلندش کردی

رَفَعْتَهُ، وَا نَا الْخآئِفُ الَّذی آمَنْتَهُ، وَالْجائِعُ الَّذی اشْبَعْتَهُ، وَالْعَطْشانُ

و همان ترسانم که امانش دادی و همان گرسنه ام که سیرش کردی و همان تشنه ام

الَّذی ارْوَیْتَهُ، وَالْعارِی الَّذی کَسَوْتَهُ، وَالْفَقیرُ الَّذی اغْنَیْتَهُ، وَالضَّعیفُ

که سیرابش نمودی، و همان عریانم که او را پوشاندی، و همان محتاجم که بی نیازش نمودی و همان ناتوانم

الَّذی قَوَّیْتَهُ، وَالذَّلیلُ الَّذی اعْزَزْتَهُ، وَالسَّقیمُ الَّذی شَفَیْتَهُ، وَالسَّآئِلُ

که نیرویش دادی و همان خوارم که عزیزش گرداندی و همان بیمارم که شفایش دادی و همان گدایم

الَّذی اعْطَیْتَهُ، وَ الْمُذْنِبُ الَّذی سَتَرْتَهُ، وَ الْخاطِئُ الَّذی اقَلْتَهُ، وَ ا نَا

که عطایش نمودی و همان گنهکارم که او را پوشاندی و همان خطاکارم که از او درگذشتی و همان ناچیزم

الْقَلیلُ الَّذی کَثَّرْتَهُ، وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذی نَصَرْتَهُ، وَ ا نَا الطَّریدُ الَّذی

که بزرگم نمودی، و همان ناتوانم که یاریش فرمودی و همان رانده شده ام

آوَیْتَهُ، ا نَا یارَبِّ الَّذی لَمْ اسْتَحْیِکَ فِی الْخَلاءِ، وَلَمْ اراقِبْکَ فِی الْمَلاءِ،

که پناهش دادی، پروردگارا من همانم که در خلوت از تو شرم نکرده و در میان مردم ملاحظه تو ننمودم،

انَا صاحِبُ الدَّواهِی الْعُظْمی ا نَا الَّذی عَلی سَیِّدِهِ اجْتَری ا نَا الَّذی

من دارای گرفتاریهای بزرگم، من همانم که بر آقا و سرورش گستاخی کرده است، من همانم که

عَصَیْتُ جَبَّارَ السَّمآءِ، ا نَا الَّذی اعْطَیْتُ عَلی مَعاصِی الْجَلیلِ الرُّشا، ا نَا

مقتدر آسمان [خدا] را نافرمانی کرده است، من همانم که بر نافرمانیهای بزرگم رشوه دادم، من همانم که

الَّذی حینَ بُشِّرْتُ بِها خَرَجْتُ الَیْها اسْعی، ا نَا الَّذی امْهَلْتَنی فَمَا

وقتی به نافرمانیها بشارت داده می شدم به سوی آنها می شتافتم من همانم که مهلتش دادی

ارْعَوَيْتُ، وَسَتَرْتَ عَلىَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ، وَعَمِلْتُ بِالْمَعاصى فَتَعَدَّيْتُ،

ولی پشیمان نشدم، و مرا پوشاندی پس من شرم نکرده و نافرمانی نموده و از حد گذراندم،

وَاسْقَطْتَنى مِنْ عَيْنِکَ فَما بالَيْتُ، فَبِحِلْمِکَ امْهَلْتَنى وَبِسَتْرِکَ سَتَرْتَنى

و مرا از نظرت انداختی ولی اعتنا نکردم، پس به شکیبابییت مهلتم دادی و به پرده پوشیت پوشاندی،

حَتَّى کَانَّکَ اغْفَلْتَنى وَمِنْ عُقُوباتِ الْمَعاصى جَنَّبْتَنى حَتَّى کَانَّکَ

تا اینکه گویا مرا نادیده گرفتی و از کیفر گناهان دورم ساختی، تا جایی که گویی

اسْتَحْيَيْتَنى الهى لَمْ اعْصِکَ حينَ عَصَيْتُکَ وَا نَا بِرُبُوبِيَّتِکَ جاحِدٌ، وَلا

تو از من شرم داری، ای معبود من در وقت نافرمانی منکر پروردگاریت نبوده و فرمانت را سبک نشمرده

بِامْرِکَ مُسْتَخِفٌّ، وَلا لِعُقُوبَتِکَ مُتَعَرِّضٌ، وَلا لِوَعيدِکَ مُتَهاوِنٌ، لکِنْ

و خود را در معرض کیفرت قرار نداده و به وعده ات بی توجّه نبوده ام، بلکه

ص :727

خَطیئَهٌ عَرَضَتْ وَسَوَّلَتْ لی نَفْسی وَ غَلَبَنی هَوایَ، وَ اعانَنی عَلَیْها

اشتباهی بود که سر زد و دستخوش وسوسه های نفسم شدم و هوای نفسم بر من چیره شد و بیچارگی ام بر انجام آن مرا یاری کرد،

شِقْوَتی وَ غَرَّنی سَتْرُکَ الْمُرْخی عَلَیَّ، فَقَدْ عَصَیْتُکَ وَ خالَفْتُکَ بِجُهْدی

و پرده پوشیت مرا مغرور کرد، و تا می توانستم نافرمانی و مخالفت تو کردم،

فَالْانَ مِنْ عَذابِکَ مَنْ یَسْتَنْقِذُنی وَ مِنْ ایْدِی الْخُصَماۤءِ غَداً مَنْ

پس چه کسی اکنون مرا از عذاب تو و فردا از دست دشمنان نجات خواهد داد؟

یُخَلِّصُنی وَ بِحَبْلِ مَنْ اتَّصِلُ انْ انْتَ قَطَعْتَ حَبْلَکَ عَنّی فَواسَوْاتا عَلی

و به ریسمان چه کسی چنگ زنم اگر تو پیوندت را از من قطع کنی، پس وای از رسوایی

ما احْصی کِتابُکَ مِنْ عَمَلی الَّذی لَوْلا ما ارْجُو مِنْ کَرَمِکَ وَسَعَهِ

آنچه در صحیفه ات از اعمال من ثبت کرده ای، که اگر امیدم به بخشش و وسعت احسانت نبود

رَحْمَتِکَ، وَنَهْیِکَ ایَّایَ عَنِ الْقُنُوطِ، لَقَنَطْتُ عِنْدَما اتَذَکَّرُها، یا خَیْرَ مَنْ

و از ناامیدی منعم نکرده بودی به یقین در هنگام یادآوری آنها ناامید می شدم، ای بهترین

دَعاهُ داعٍ، وَافْضَلَ مَنْ رَجاهُ راجٍ، اللهُمَّ بِذِمَّهِ الْإِسْلامِ اتَوَسَّلُ الَیْکَ،

خوانده شده و ای برترین مایه امید، خدایا در پناه اسلام به تو متوسّل شده

وَبِحُرْمَهِ الْقُرْآنِ اعْتَمِدُ الَیْکَ، وَبِحُبّی النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الْقُرَشِیَّ الْهاشِمِیَ

و به احترام قرآن بر تو توکّل می کنم، و به دوستی پیامبر أمّی قرشی هاشمی

الْعَرَبِیَّ التِّهامِیَّ الْمَکِّیَّ الْمَدَنِیَّ، ارْجُو الزُّلْفَهَ لَدَیْکَ، فَلا تُوحِشِ

عربی تهامی مکّی مدنی، امید جایگاهی نزد تو دارم، انس ایمانی مرا به

اسْتیناسَ ایمانی وَلا تَجْعَلْ ثَوابی ثَوابَ مَنْ عَبَدَ سِواکَ، فَانَّ قَوْماً

وحشت مبدّل نکن، و پاداش مرا پاداش کسی که غیر تو را بندگی کرده قرار مده، چرا که گروهی

آمَنوُا بِالْسِنَتِهِمْ، لِیَحْقِنُوا بِهِ دِمآئَهُمْ، فَادْرَکُوا ما امَّلُوا، وَانَّا آمَنَّا بِکَ

به زبان ایمان آوردند تا به واسطه اسلام خونشان را حفظ کنند پس به آنچه آرزو داشتند رسیدند، ولی ما به

بِالْسِنَتِنا وَقُلُوبِنا لِتَعْفُوَ عَنَّا، فَادْرِکْنا ما امَّلْنا، وَثَبِّتْ رَجائَکَ فی

زبان و دل به تو ایمان آوردیم تا از ما درگذری، پس ما را به آرزویمان برسان و امیدت را در

صُدُورِنا، وَلا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اذْ هَدَیْتَنا، وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَهً، انَّکَ

دل ما پایدار نما و دلهایمان را بعد از آن که ما را هدایت کردی منحرف مگردان و از سوی خود رحمتی بر ما ببخش زیرا تو

ص: 728

انْتَ الْوَهَّابُ، فَوَعِزَّتِکَ لَوِ انْتَهَرْتَنی ما بَرِحْتُ مِنْ بابِکَ، وَلا کَفَفْتُ عَنْ

بخشنده ای، پس به عزّتت سوگند اگر مرا از درگاهت برانی نخواهم رفت، و به خاطر بخشش و وسعت

تَمَلُّقِکَ، لِما الْهِمَ قَلْبی مِنَ الْمَعْرِفَهِ بِکَرَمِکَ، وَسَعَهِ رَحْمَتِکَ، الی مَنْ

احسانت که بر دلم الهام شده از التماس به درگاهت دست بر نخواهم داشت،

یَذْهَبُ الْعَبْدُ الَّا الی مَوْلاهُ، وَالی مَنْ یَلْتَجِئُ الْمَخْلُوقُ الَّا الی خالِقِهِ،

بنده جز آقا و مولایش به سوی که رود و مخلوق جز آفریدگارش به که پناه آورد،

الهی لَوْ قَرَنْتَنی بِالْأَصْفادِ، وَمَنَعْتَنی سَیْبَکَ مِنْ بَیْنِ الْأَشْهادِ، وَدَلَلْتَ

خدایا اگر مرا به غل و زنجیرها گرفتار سازی و عطایت را از میان بندگان، از من منع کنی

عَلی فَضایِحی عُیُونَ الْعِبادِ، وَ امَرْتَ بی الَی النَّارِ، وَ حُلْتَ بَیْنی وَ بَیْنَ

و رسوائیهایم را در مقابل چشم بندگان قرار دهی و مرا امر به دوزخ فرمایی و میان من و نیکوکاران فاصله اندازی،

الْأَبْرارِ، ما قَطَعْتُ رَجآئی مِنْکَ، وَ ما صَرَفْتُ تَأْمیلی لِلْعَفْوِ عَنْکَ، وَ لا

امیدم را از تو قطع نخواهم کرد، و دست از آرزوی عفو تو بر نخواهم داشت و

خَرَجَ حُبُّکَ مِنْ قَلْبی ا نَا لا انْسی ایادِیَکَ عِنْدی وَسَتْرَکَ عَلَیَّ فی دارِ

محبّتت از دلم بیرون نخواهد رفت، من دستگیریها و پرده پوشیهایت را در دنیا نسبت به خود فراموش نخواهم کرد

الدُّنْیا، سَیِّدی اخْرِجْ حُبَّ الدُّنْیا مِنْ قَلْبی وَاجْمَعْ بَیْنی وَبَیْنَ

ای آقا و سرورم دوستی دنیا را از دلم بیرون کن و مرا در جمع

الْمُصْطَفی وَآلِهِ خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ

پیامبر برگزیده و خاندان پاکش که برگزیدگان از آفریدگانت هستند و آخرین پیامبرت حضرت محمّد- که درود خدا

عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَانْقُلْنی الی دَرَجَهِ التَّوْبَهِ الَیْکَ، وَاعِنّی بِالْبُکآءِ عَلی نَفْسی

بر او و خاندانش باد- قرار ده و مرا به درجه بازگشت به سویت منتقل کن و مرا بر گریه به حال خودم یاری کن،

فَقَدْ افْنَیْتُ بِالتَّسْویفِ وَالْأمالِ عُمْری وَقَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَهَ الْأیِسینَ مِنْ

پس با تأخیر انداختن و آرزوهای دور و دراز، عمرم را تباه کردم، و به جایگاه ناامیدان از نیکی خودم تنزّل کردم،

خَیْری فَمَنْ یَکُونُ اسْوَءَ حالاً مِنّی انْ ا نَا نُقِلْتُ عَلی مِثْلِ حالی الی

پس چه کسی بد حال تر از من است، اگر با این حال به سوی گوری برده شوم

قَبْری لَمْ امَهِّدْهُ لِرَقْدَتی وَلَمْ افْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتی وَمالی لا

که آن را برای خوابیدنم آماده نکرده و با اعمال نیک برای آرمیدن مفروش نساخته ام، چرا

ابْكى وَلا ادْرى الى ما يَكُونُ مَصيرى وَارى نَفْسى تُخادِعُنى وَ ايَّامى

گريه نكنم در حالى كه نمى دانم عاقبتم به كجا ختم مى شود و نفسم مرا گول مى زند و روزگار

تُخاتِلُنى وَقَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ رَاْسى اجْنِحَةُ الْمَوْتِ، فَمالى لا ابْكى ابْكى

مرا مى فريبد، و بالهاى مرگ بالاى سرم در حركت است، پس چرا گريه نكنم؟ مى گريم براى

لِخُرُوجِ نَفْسى ابْكى لِظُلْمَهِ قَبْرى ابْكى لِضيقِ لَحَدى ابْكى لِسُؤالِ

جان دادن و تاريكى قبر و تنگى لحدم، مى گريم براى پرسش

مُنْكَرٍ وَنَكيرٍ ايَّاىَ، ابْكى لِخُرُوجى مِنْ قَبْرى عُرْياناً ذَليلاً، حامِلاً ثِقْلى

نكير و منكر از خودم، مى گريم براى بيرون آمدنم از قبر در حالى كه برهنه و خوارم و بار سنگين گناه را

عَلى ظَهْرى انْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَمينى وَاخْرى عَنْ شِمالى اذِ الْخَلائِقُ فى

بر پشتم حمل مى كنم، به چپ و راست مى نگرم و مخلوقات را در

شَاْنٍ غَيْرِ شَاْنى لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَاْنٌ يُغْنيهِ، وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

وضعى غير از وضع خود مى يابم، در آن روز هر يک از آنها وضعى دارد كه او را كاملاً به خود مشغول مى سازد، چهره هايى در آن روز

مُسْفِرَةٌ، ضاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ، وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْها غَبَرَةٌ، تَرْهَقُها قَتَرَةٌ

گشاده و نورانى است، خندان و مسرور است و صورتهايى در آن روز غبارآلود است و دود و تاريكى و

وَذِلَّهٌ، سَيِّدى عَلَيْکَ مُعَوَّلى وَمُعْتَمَدى وَرَجآئى وَتَوَكُّلى وَبِرَحْمَتِکَ

خوارى آنها را پوشانده است، اى آقا و سرورم تكيه گاه، اعتماد، اميد و توكّلم بر توست و به لطف و احسانت

تَعَلّقى تُصیبُ بِرَحْمَتِکَ مَنْ تَشآءُ، وَتَهْدى بِکَرامَتِکَ مَنْ تُحِبَّ، فَلَکَ

دل بسته ام، هر کسی را بخواهی به لطف و احسانت می رسانی و هر کسی را دوست داری به بزرگواریت هدایت می کنی، پس به خاطر اینکه

الْحَمْدُ عَلى ما نَقَّیْتَ مِنَ الشِّرْکِ قَلْبى وَلَکَ الْحَمْدُ عَلى بَسْطِ لِسانى

دلم را از شرک پاک کرده و زبانم را گشودی ستایش از آن توست،

افَبِلِسانى هذَا الْکالِّ اشْکُرُکَ، امْ بِغایَهِ جُهْدى فى عَمَلى ارْضیکَ، وَما

آیا با این زبان کند شکر تو گویم یا با نهایت کوشش در کردارم تو را

قَدْرُ لِسانى یا رَبِّ فى جَنْبِ شُکْرِکَ، وَ ما قَدْرُ عَمَلى فى جَنْبِ نِعَمِکَ

خشنود سازم؟ ای پروردگار من مقابل شکر تو زبانم چه ارزشی دارد و در مقابل نعمت و بخششت بر من عملم

وَاحْسانِکَ الَىَّ، الهى انَّ جُودَکَ بَسَطَ امَلى وَشُکْرَکَ قَبِلَ عَمَلى سَیِّدى

چه ارزشی دارد ای معبود من براستی بخششت آرزویم را فزونی بخشیده و قدردانیت موجب پذیرش عملم گردیده است، ای آقا و سرورم

اَلَیْکَ رَغْبَتى وَاَلَیْکَ رَهْبَتى وَاَلَیْکَ تَاْمیلى وَقَدْ ساقَنى اَلَیْکَ اَمَلى

اشتیاق و هراس و آرزویم به سوی توست و آرزویم مرا به سوی تو کشانده است

وَعَلَیْکَ یا واحِدى عَکَفَتْ هِمَّتى وَفیما عِنْدَکَ انْبَسَطَتْ رَغْبَتى وَلَکَ

و ای یگانه من همّتم به تو روی آورده، و به آنچه نزد توست اشتیاق فراوان یافته ام،

خالِصُ رَجآئى وَخَوْفى وَبِکَ اَنِسَتْ مَحَبَّتى وَاَلَیْکَ اَلْقَیْتُ بِیَدى

و امید خالص و هراسم برای توست و دوستی و محبّتم به تو خو گرفته و خود را به تو سپرده ام

وَبِحَبْلِ طاعَتِکَ مَدَدْتُ رَهْبَتى [یا] مَوْلاىَ بِذِکْرِکَ عاشَ قَلْبى

و به ریسمان بندگیت هراسم را بسته ام ای آقا و سرورم دلم به یاد تو زنده گشته

وَبِمُناجاتِکَ بَرَّدْتُ ا لَمَ الْخَوْفِ عَنّى فَیا مَوْلاىَ وَیا مُؤَمَّلى وَیا

و با راز و نیازت ترسم را تسکین می بخشم، پس ای مولا و آرزویم و ای

مُنْتَهى سُؤْلى فَرِّقْ بَیْنى وَبَیْنَ ذَنْبِىَ الْمانِعِ لى مِنْ لُزُومِ طاعَتِکَ، فَاِنَّما

نهایت خواسته ام، میان من و گناهانی که مانع ملازمت بندگی توست جدایی بیانداز، پس همانا

اَسْئَلُکَ لِقَدیمِ الرَّجآءِ فیکَ، وَعَظیمِ الطَّمَعِ مِنْکَ، الَّذى اَوْجَبْتَهُ عَلى

به خاطر امیدی که از پیش به تو دارم و میل فراوانم به تو می خوانمت، تویی که مهربانی

نَفْسِکَ مِنَ الرَّاْفَهِ وَالرَّحْمَهِ، فَالْأَمْرُ لَکَ، وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ 975]، وَالْخَلْقُ

و بخشش را برخود واجب کرده ای پس فرمان به دست توست، که یگانه ای بی شریکی و همه آفریدگان

کُلُّهُمْ عِیالُکَ وَفی قَبْضَتِکَ، وَکُلُّ شَیْ ءٍ خاضِعٌ لَکَ، تَبارَکْتَ یا رَبَ

روزی خوار تو و در اختیار تواند، و همه چیز در برابرت فروتن است، پاک و منزّهی ای پروردگار

الْعالَمینَ، الهی ارْحَمْنی اذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتی وَکَلَّ عَنْ جَوابِکَ لِسانی

جهانیان، ای معبود من آن هنگام که دلیلم نارسا و زبانم از پاسخت گنگ و

وَطاشَ عِنْدَ سُؤالِکَ ایَّایَ لُبّی فَیا عَظیمَ رَجآئی لا تُخَیِّبْنی اذَا اشْتَدَّتْ

عقلم از جواب پرسشت قاصر است، بر من رحم کن، پس ای امید بزرگ من، در شدت درماندگی مرا ناامید مکن

فاقَتی وَلا تَرُدَّنی لِجَهْلی وَلا تَمْنَعْنی لِقِلَّهِ صَبْری اعْطِنی لِفَقْری

و به خاطر نادانیم مرا (از درگاهت) مران، و به خاطر کم طاقتیم محرومم نکن، بخاطر نیازم بر من ببخش

ص: 731

وَارْحَمْنی لِضَعْفی سَیِّدی عَلَیْکَ مُعْتَمَدی وَمُعَوَّلی وَرَجآئی وَتَوَکُّلی

و به خاطر ناتوانیم بر من ترحّم کن، ای آقای من، اعتماد، تکیه گاه، امید و توکّلم بر توست

وَبِرَحْمَتِکَ تَعَلُّقی وَبِفِنائِکَ احُطُّ رَحْلی وَبِجُودِکَ اقْصِدُ طَلِبَتی

و دلبستگی ام به مهربانی توست، به درگاه تو روی آورده ام و به سبب بخششت حاجتم را عرضه داشته ام

وَبِکَرَمِکَ ایْ رَبِّ اسْتَفْتِحُ دُعآئی وَلَدَیْکَ ارْجُو فاقَتی 976]، وَبِغِناکَ اجْبُرُ

و به بزرگواریت ای پروردگارم دعایم را شروع می کنم، نزد تو امید رفع درماندگی ام را دارم و به توانگریت نیازم

عَیْلَتی وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِکَ قِیامی وَالی جُودِکَ وَکَرَمِکَ ارْفَعُ بَصَری

را جبران می کنم و در سایه گذشتت ایستاده ام و چشم به بخشش و لطف تو دارم،

وَالی مَعْرُوفِکَ ادیمُ نَظَری فَلا تُحْرِقْنی بِالنَّارِ وَانْتَ مَوْضِعُ امَلی وَلا

و به احسانت چشم دوخته ام، پس مرا به آتش مسوزان در حالی که تویی محل آرزوی من،

تُسْکِنِّی الْهاوِیَهَ فَانَّکَ قُرَّهُ عَیْنی یا سَیِّدی لا تُکَذِّبْ ظَنّی بِاحْسانِکَ

و مرا در دوزخ جای مده که تویی روشنی چشم من، ای آقا و سرورم، گمانم را به لطف و احسانت

وَمَعْرُوفِکَ فَانَّکَ ثِقَتی وَلا تَحْرِمْنی ثَوابَکَ فَانَّکَ الْعارِفُ بِفَقْری الهی

دروغ مپندار زیرا که تو مورد اعتماد منی، و مرا از پاداشت محروم مکن که تو به نیازم آگاهی، ای معبود من

انْ کانَ قَدْ دَنا اجَلی وَلَمْ یُقَرِّبْنی مِنْکَ عَمَلی فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِعْتِرافَ

اگر مرگم نزدیک شده و عملم مرا به تو نزدیک نکرده، اعتراف به گناهم را وسیله

الَیْکَ بِذَنْبی وَسآئِلَ عِلَلی الهی انْ عَفَوْتَ فَمَنْ اوْلی مِنْکَ بِالْعَفْوِ(1)، وَانْ

عذرم قرار می دهم ای معبود من، اگردرگذری پس کیست سزاوارتر از تو در عفو و اگر

عَذَّبْتَ فَمَنْ اعْدَلُ مِنْکَ فِی الْحُکْمِ، ارْحَمْ فی هذِهِ الدُّنْیا غُرْبَتی وَعِنْدَ

عذاب کنی پس کیست عادل تر از تو در حکمرانی، در این دنیا بر غریبی ام و در هنگام

الْمَوْتِ کُرْبَتی وَفِی الْقَبْرِ وَحْدَتی وَفِی اللَّحْدِ وَحْشَتی وَاذا نُشِرْتُ

مرگ بر اندوهم و در گور بر تنهاییم و در لحد بر ترسم، و در زمانی که برای حساب در مقابلت

لِلْحِسابِ بَیْنَ یَدَیْکَ ذُلَّ مَوْقِفی وَاغْفِرْ لی ما خَفِیَ عَلَی الْآدَمِیّینَ مِنْ

حاضر شدم بر پستی جایگاهم رحم کن، و ببخش بر من اعمالی را که بر انسانها پوشیده مانده

ص: 732

1- [977]کلمه« بالعفو» در اقبال آمده است.

عَمَلی وَادِمْ لی ما بِهِ سَتَرْتَنی وَارْحَمْنی صَریعاً عَلَی الْفِراشِ تُقَلِّبُنی

و پیوسته مرا بپوشان و در حالی که در بستر افتاده ام و دوستان مرا جابجا می کنند

ایْدی احِبَّتی وَتَفَضَّلْ عَلَیَّ مَمْدُوداً عَلَی الْمُغْتَسَلِ یُقَلِّبُنی صالِحُ

بر من رحم کن، و در حالی که در محلّ غسل دراز کشیده ام و همسایگان نیکم مرا (برای غسل) جابجا می کنند

جیرَتی وَتَحَنَّنْ عَلَیَّ مَحْمُولاً قَدْ تَناوَلَ الْأَقْرِبآءُ اطْرافَ جَنازَتی

بر من لطف نما، و در حالی که دوستان اطراف جنازه ام را گرفته

وَجُدْ عَلَیَّ مَنْقُولاً قَدْ نَزَلْتُ بِکَ وَحیداً فی حُفْرَتی وَارْحَمْ فی ذلِکَ

و حمل می کنند بر من رحم کن، و در حالی که به تنهایی در میان قبر به سوی تو منتقل می شوم بر من ببخش،

الْبَیْتِ الْجَدیدِ غُرْبَتی حَتّی لا اسْتَأْنِسَ بِغَیْرِکَ، یا سَیِّدی انْ وَکَلْتَنی الی

و در این خانه جدید بر غریبیم رحم کن، تا با غیر تو انس نگیرم، ای آقا و سرورم اگر مرا به

نَفْسی هَلَکْتُ، سَیِّدی فَبِمَنْ اسْتَغیثُ انْ لَمْ تُقِلْنی عَثْرَتی فَالی مَنْ افْزَعُ

خودم واگذاری هلاک شوم، ای آقا و سرورم پس اگر تو لغزشم را نادیده نگیری از که کمک گیرم

انْ فَقَدْتُ عِنایَتَکَ فی ضَجْعَتی وَالی مَنْ الْتَجِئُ انْ لَمْ تُنَفِّسْ کُرْبَتی

پس اگر عنایت و توجّهت را در گور از دست دهم به که پناه برم، و اگر گرفتاریم را حل نکنی به که روی آورم،

سَیِّدی مَنْ لی وَمَنْ یَرْحَمُنی انْ لَمْ تَرْحَمْنی وَفَضْلَ مَنْ اؤَمِّلُ انْ

ای آقا و سرورم اگر بر من رحم نکنی من که را دارم و که بر من رحم می کند،

عَدِمْتُ فَضْلَکَ یَوْمَ فاقَتی وَالی مَنِ الْفِرارُ مِنَ الذُّنُوبِ اذَا انْقَضی اجَلی

اگر لطف تو را در روز نیاز از دست دهم لطف چه کسی را آرزو کنم و اگر عمرم به پایان رسد از گناهانم به سوی که بگریزم،

سَیِّدی لا تُعَذِّبْنی وَ ا نَا ارْجُوکَ، الهی حَقِّقْ رَجآئی وَآمِنْ خَوْفی فَانَ

ای آقا و سرورم، در حالی که به تو امید دارم مرا عذاب نکن، ای معبود من امیدم را محقّق و ترسم را ایمن گردان، پس به یقین

کَثْرَهَ ذُنُوبی لا ارْجُو فیها الَّا عَفْوَکَ، سَیِّدی ا نَا اسْئَلُکَ ما لا اسْتَحِقُّ،

جز عفو تو امیدی برای گناهان فراوانم ندارم، ای آقا و سرورم از تو می خواهم چیزی را که شایسته آن نیستم،

وَانْتَ اهْلُ التَّقْوی وَاهْلُ الْمَغْفِرَهِ، فَاغْفِرْ لی وَالْبِسْنی مِنْ نَظَرِکَ

در حالی که تو شایسته پرهیزگاری و آمرزشی، پس مرا بیامرز و از نزد خودت لباسی را که

ثَوْباً یُغَطّی عَلَیَّ التَّبِعاتِ، وَتَغْفِرُها لی وَلا اطالَبُ بِها، انَّکَ ذُو مَنٍّ قَدیمٍ،

بدیها را بپوشاند بر من بپوشان و آنها را بر من بیامرز تا بر آنها مؤاخذه نشوم، چرا که تو صاحب نعمت دیرینه

ص :733

وَصَفْحٍ عَظيمٍ، وَتَجاوُزٍ كَريمٍ، الهى انْتَ الَّذى تُفيضُ سَيْبَکَ عَلى مَنْ لا

و چشم پوشى بزرگ و گذشت بزرگوارانه اى، اى معبود من تويى كه نعمتت بر كسى كه از تو درخواست نكند

يَسْئَلُکَ، وَعَلَى الْجاحِدينَ بِرُبُوبِيَّتِکَ، فَكَيْفَ سَيِّدى بِمَنْ سَئَلَکَ وَايْقَنَ

و بر منكرين پروردگاريت سرازير است، پس چه رسد اى آقاى من به كسى كه از تو درخواست كرده

انَّ الْخَلْقَ لَکَ، وَالْأَمْرَ الَيْکَ، تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ يا رَبَ الْعالَمينَ، سَيِّدى

و يقين دارد كه آفرينش و تدبير امور به دست توست و پاک و منزّهى اى پروردگار جهانيان، اى آقا و سرورم

عَبْدُکَ بِبابِکَ، اقامَتْهُ الْخَصاصَهُ بَيْنَ يَدَيْکَ، يَقْرَعُ بابَ احْسانِکَ

بنده ات به درگاهت آمده و تنگدستى، مرا برابرت نگه داشته باب احسانت را با دعاى خود مى كوبم،

بِدُعآئِهِ 978]، فَلا تُعْرِضْ بِوَجْهِکَ الْكَريمِ عَنّى وَاقْبَلْ مِنّى ما اقُولُ، فَقَدْ

پس نظر بزرگوارانه ات را از من باز نگردان و آنچه مى گويم اجابت فرما

دَعَوْتُکَ بِهذَا الدُّعاءِ، وَا نَا ارْجُو انْ لا تَرُدَّنى مَعْرِفَهً مِنّى بِرَاْفَتِکَ

پس تو را با اين دعا مى خوانم در حالى كه اميداورم به خاطر شناختى كه از مهربانى و لطف تو دارم مرا دست خالى باز نگردانى

وَرَحْمَتِکَ، الهى انْتَ الَّذى لا يُحْفيکَ سآئِلٌ، وَلا يَنْقُصُکَ نآئِلٌ، انْتَ كَما

اى معبود من تويى كه سؤال كننده اى سؤال پيچت نكند و بخشش و احسان چيزى از تو نكاهد، تو آنچنانى

تَقُولُ وَفَوْقَ ما نَقُولُ، اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُکَ صَبْراً جَميلًا، وَفَرَجاً قَريباً،

که می گویی و برتر از آنی که ما می گوییم، خدایا از تو شکیبایی نیکو، گشایش نزدیک،

وَقَوْلًا صادِقاً، وَاجْراً عَظیماً، اسْئَلُکَ یا رَبِّ مِنَ الْخَیْرِ کُلِّهِ، ما عَلِمْتُ

گفتار راست و پاداشی بزرگ می خواهم، ای پروردگار من از تو تمامی نیکیها، آنچه را که می دانم

مِنْهُ وَما لَمْ اعْلَمْ، اسْئَلُکَ اللَّهُمَّ مِنْ خَیْرِ ما سَئَلَکَ مِنْهُ عِبادُکَ الصَّالِحُونَ،

و آنچه را که نمی دانم خواهانم، خدایا از تو می خواهم بهترین چیزی را که بندگان صالحت از تو خواسته اند،

یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ، وَاجْوَدَ مَنْ اعْطی اعْطِنی سُؤْلی فی نَفْسی وَاهْلی

ای بهترین درخواست شده و بخشنده ترین بخشندگان، درخواستم را در مورد خود، خانواده

وَ والِدیَّ وَ وُلْدی وَاهْلِ حُزانَتی وَاخْوانی فیکَ، وَارْغِدْ عَیْشی وَاظْهِرْ

پدر و مادر، بستگان و برادران دینیم برآور، و زندگانیم را شادمان گردان،

مُرُوَّتى وَاصْلِحْ جَميعَ احْوالى وَاجْعَلْنى مِمَّنْ اطَلْتَ عُمْرَهُ، وَحَسَّنْتَ

جوانمرديم را ظاهر كن و تمامى حالاتم را نيكو گردان، و مرا از كسانى قرار ده كه عمرشان را طولانى و كردارشان را نيكو،

عَمَلَهُ، وَاتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، وَرَضيتَ عَنْهُ، وَاحْيَيْتَهُ حَياةً طَيِّبَةً فى

و نعمتت را به آنها كامل كرده و از آنها خشنودى و زندگانى پاكيزه

ادْوَمِ السُّرُورِ، وَاسْبَغِ الْكَرامَهِ، وَاتَمِّ الْعَيْشِ، انَّكَ تَفْعَلُ ما تَشآءُ، وَلا

همراه با شادى پايدار و بزرگوارى گسترده و زندگانى كامل به آنها ارزانى داشته اى، زيرا تويى كه هر چه خواهى انجام دهى

يَفْعَلُ ما يَشآءُ غَيْرُكَ، اللهُمَّ خُصَّنى مِنْكَ بِخاصَّهِ ذِكْرِكَ، وَلا تَجْعَلْ

و آنچه كه ديگران خواهند انجام ندهى، خدايا توجّه خاصّت را مخصوص من گردان، و آنچه را كه به

شَيْئاً مِمَّا اتَقَرَّبُ بِهِ فى آناءِ اللَّيْلِ وَاطْرافِ النَّهارِ رِيآءً وَلا سُمْعَةً، وَلا

وسيله آن در طول شب و روز به تو تقرّب مى جويم، از روى ريا، خودپسندى

اشَراً وَلا بَطَراً، وَاجْعَلْنى لَكَ مِنَ الْخاشِعينَ، اللهُمَّ اعْطِنى السِّعَهَ فِى

خود بزرگ بينى و خودبينى قرار مده، و مرا از فروتنان در برابرت قرار ده، خدايا وسعت روزى،

الرِّزْقِ، وَالْأَمْنَ فِى الْوَطَنِ، وَقُرَّهَ الْعَيْنِ فِى الْأَهْلِ وَالْمالِ وَالْوَلَدِ،

امنيّت در وطن و روشنى چشم در خانواده و مال و فرزند

وَالْمُقامَ فى نِعَمِكَ عِنْدى وَالصِّحَّهَ فِى الْجِسْمِ، وَالْقُوَّهَ فِى الْبَدَنِ،

و ماندگارى نعمتهايت و سلامتى و نيرو در بدن

وَالسَّلامَةَ فِی الدّینِ، وَاسْتَعْمِلْنی بِطاعَتِکَ وَطاعَهِ رَسُولِکَ، مُحَمَّدٍ

و سلامتی دین به من ارزانی دار، و مرا مادامی که زنده ام به پیروی از خود و فرستاده ات حضرت محمّد

صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ ابَداً مَا اسْتَعْمَرْتَنی وَاجْعَلْنی مِنْ اوْفَرِ عِبادِکَ عِنْدَکَ

- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- همیشه مشغول دار، و مرا از بندگانی قرار ده که در

نَصیباً فی کُلِّ خَیْرٍ انْزَلْتَهُ، وَتُنْزِلُهُ فی شَهْرِ رَمَضانَ، فی لَیْلَهِ الْقَدْرِ، وَما

هر خیری که فرو می فرستی بیشترین سهم را دارند، خیرهایی که در ماه رمضان در شب قدر نازل می کنی و آنچه که

انْتَ مُنْزِلُهُ فی کُلِّ سَنَهٍ مِنْ رَحْمَهٍ تَنْشُرُها، وَعافِیَهٍ تُلْبِسُها، وَبَلِیَّهٍ

تو در هر سال از رحمتت می گسترانی و سلامتی که (بر بندگان) می پوشانی و بلاهایی که

تَدْفَعُها، وَحَسَناتٍ تَتَقَبَّلُها، وَسَیِّئاتٍ تَتَجاوَزُ عَنْها، وَارْزُقْنی حَجَّ بَیْتِکَ

دفع می کنی و نیکیهایی که می پذیری و گناهانی که می آمرزی، و حجّ خانه ات را در

ص: 735

الْحَرامِ، فی عامی هذا وَفی کُلِّ عامٍ، وَارْزُقْنی رِزْقاً واسِعاً مِنْ فَضْلِکَ

این سال و در هر سال روزیم گردان و از لطف گسترده ات روزی فراوان نصیبم نما،

الْواسِعِ، وَاصْرِفْ عَنّی یا سَیِّدی الْأَسْوآءَ، وَاقْضِ عَنِّی الدَّیْنَ

و بدیها را از من دور گردان ای آقا و سرورم بدیها و مظالمم را ادا کن

وَالظُّلاماتِ، حَتّی لا اتَاذّی بِشَیْ ءٍ مِنْهُ، وَخُذْ عَنّی بِاسْماعِ

تا به واسطه آنها ناراحت نشوم و گوش

وَابْصارِ اعْدائی وَحُسَّادی وَالْباغینَ عَلَیَّ، وَانْصُرْنی عَلَیْهِمْ، وَاقِرَّ

و چشم دشمنان و حسودان و ظلم کنندگان بر من را بگیر و مرا بر آنها یاری کن

عَیْنی وَفَرِّحْ قَلْبی وَاجْعَلْ لی مِنْ هَمّی وَکَرْبی فَرَجاً وَمَخْرَجاً،

و چشمم را روشن و قلبم را شاد گردان و برای غم و غصّه ام گشایش و محلّ خروجی قرار ده،

وَاجْعَلْ مَنْ ارادَنی بِسُوءٍ مِنْ جَمیعِ خَلْقِکَ تَحْتَ قَدَمَیَّ، وَاکْفِنی شَرَّ

و هر کس از میان آفریدگانت قصد سویی نسبت به من دارد زیر پاهایم قرار ده، و شرّ

الشَّیْطانِ وَشَرَّ السُّلْطانِ وَسَیِّئاتِ عَمَلی وَطَهِّرْنی مِنَ الذُّنُوبِ کُلِّها،

شیطان و سلطان و گناهانم را از من بازگردان، و مرا از تمامی گناهان پاک گردان،

وَاجِرْنی مِنَ النَّارِ بِعَفْوِکَ، وَادْخِلْنِی الْجَنَّهَ بِرَحْمَتِکَ، وَزَوِّجْنی مِنَ

و مرا به گذشتت از آتش دوزخ پناه ده و به لطفت در بهشت داخل کن و به احسانت

الْحُورِ الْعینِ بِفَضْلِکَ، وَالْحِقْنی بِاوْلِیآئِکَ الصَّالِحینَ، مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

از حورالعین به همسریم درآور، و مرا به بندگان شایسته ات ملحق کن، همان محمّد و خاندان

الْأَبْرارِ، الطَّیِّبینَ الطَّاهِرینَ الْأَخْیارِ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِمْ وَعَلی اجْسادِهِمْ

نیک، پاک پاکیزه و برگزیده اش که درود تو بر آنها و بدنها و

وَارْواحِهِمْ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، الهی وَسَیِّدی وَعِزَّتِکَ وَجَلالِکَ لَئِنْ

ارواح پاکشان باد و رحمت و برکات خدا بر آنان باد ای معبود من و ای آقا و سرورم به عزّت و شکوهت سوگند که

طالَبْتَنی بِذُنُوبی لَأُطالِبَنَّکَ بِعَفْوِکَ، وَلَئِنْ طالَبْتَنی بِلُؤْمی لَأُطالِبَنَّکَ

اگر مرا بر گناهانم باز خواست کنی از تو عفوت را می طلبم و اگر مرا به فرومایگیم مؤاخذه کنی، من از تو

بِکَرَمِکَ، وَلَئِنْ ادْخَلْتَنِی النَّارَ لَأُخْبِرَنَّ اهْلَ النَّارِ بِحُبّی لَکَ، الهی

جوانمردیت را می خواهم، و اگر مرا در دوزخ داخل کنی، اهل دوزخ را از محبّتم به تو آگاه می کنم ای معبود من

وَسَيِّدى انْ كُنْتَ لا تَغْفِرُ الَّا لِأَوْلِيآئِکَ وَاهْلِ طاعَتِکَ، فَالى مَنْ يَفْزَعُ

و ای آقا و سرورم اگر تنها دوستان و پیروانت را بیامرزی پس گنهکاران به چه

الْمُذْنِبُونَ، وَانْ كُنْتَ لا تُكْرِمُ الَّا اهْلَ الْوَفآءِ بِکَ، فَبِمَنْ يَسْتَغيثُ

کسی پناه برند و اگر جز وفاداران به خودت راگرامی نداری، پس بدکاران از چه

الْمُسْيئُونَ، الهى انْ ادْخَلْتَنِى النَّارَ فَفى ذلِکَ سُرُورُ عَدُوِّکَ، وَانْ

کسی کمک خواهند، ای معبود من اگر مرا داخل دوزخ کنی موجب خوشحالی دشمن توست و اگر

ادْخَلْتَنِى الْجَنَّهَ فَفى ذلِکَ سُرُورُ نَبِيِّکَ، وَ ا نَا وَاللَّهِ اعْلَمُ انَّ سُرُورَنَبِيِّکَ

مرا داخل بهشت کنی موجب خرسندی پیامبر توست، به خدا سوگند، می دانم که خرسندی پیامبرت را

احَبُّ الَيْکَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّکَ، اللهُمَّ انّى اسْئَلُکَ انْ تَمْلَأَ قَلْبى حُبّاً لَکَ،

بیش از خرسندی دشمنت دوست داری، خدایا از تو می خواهم که دلم را از محبّت

وَخَشْيَهً مِنْکَ، وَتَصْديقاً بِكِتابِکَ 979]، وَايماناً بِکَ، وَفَرَقاً مِنْکَ، وَشَوْقاً الَيْکَ،

و بیم خودت و تصدیق کتابت و ایمان وترس و علاقمندی به خودت پر کنی

يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، حَبِّبْ الَىَّ لِقائَکَ وَاحْبِبْ لِقآئى وَاجْعَلْ لى فى

ای صاحب جلال و بزرگواری، دیدارت را برای من خوشایند گردان و دیدارم را خوشایند بدار و برای من در

لِقآئِکَ الرَّاحَهَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرامَهَ، اللهُمَّ الْحِقْنى بِصالِحِ مَنْ مَضى

دیدارت آسایش و گشایش و بزرگواری قرار ده، خدایا مرا به نیکوکاران از گذشتگان ملحق کن

وَاجْعَلْنی مِنْ صالِحِ مَنْ بَقِیَ، وَخُذْ بی سَبیلَ الصَّالِحینَ، وَاعِنّی عَلی

و مرا از نیکوکارانی که مانده اند قرار ده و مرا به راه شایستگان ببر و مرا بر (غلبه بر)

نَفْسی بِما تُعینُ بِهِ الصَّالِحینَ عَلی انْفُسِهِمْ، وَاخْتِمْ عَمَلی بِاحْسَنِهِ،

نفسم یاری کن همان گونه که نیکوکاران را (بر غلبه) بر نفسشان یاری دادی و عملم را با نیکوترینش پایان ده،

وَاجْعَلْ ثَوابی مِنْهُ الْجَنَّهَ بِرَحْمَتِکَ، وَاعِنّی عَلی صالِحِ ما اعْطَیْتَنی

و پاداشم را از جانب خود به لطف و رحمتت بهشت قرار ده، و مرا بر (بکارگیری) نعمتهای شایسته ات یاری ده

وَثَبِّتْنی یا رَبِّ، وَلا تَرُدَّنی فی سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنی مِنْهُ یا رَبَّ الْعالَمینَ،

و پایدار بدار، ای پروردگار من، و مرا به بدیهایی که از آن رهایی بخشیدی بازمگردان ای پروردگار جهانیان،

ص: 737

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ ایماناً لا اجَلَ لَهُ دُونَ لِقائِکَ، احْیِنی ما احْیَیْتَنی عَلَیْهِ،

خدایا از تو ایمانی می خواهم که پایانش دیدار تو باشد، مادامی که زنده ام با ایمان زنده بدار

وَتَوَفَّنی اذا تَوَفَّیْتَنی عَلَیْهِ، وَابْعَثْنی اذا بَعَثْتَنی عَلَیْهِ، وَابْرِءْ قَلْبی مِنَ

و در زمان مردنم با ایمان بمیران، و در زمان بر انگیختن با ایمان برانگیز و دلم را از

الرِّیآءِ وَالشَّکِّ وَالسُّمْعَهِ فی دینِکَ، حَتّی یَکُونَ عَمَلی خالِصاً لَکَ،

ریا و تردید و سمعه در دین پاک بدار تا عملم فقط برای تو باشد،

اللهُمَّ اعْطِنی بَصیرَهً فی دینِکَ، وَفَهْماً فی حُکْمِکَ، وَفِقْهاً فی عِلْمِکَ،

خدایا به من بینایی در دینت و درک فرمانت و شناخت دانشت

وَکِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِکَ، وَوَرَعاً یَحْجُزُنی عَنْ مَعاصیکَ، وَبَیِّضْ وَجْهی

و رحمت مضاعفت و پرهیزگاری که مرا از نافرمانیت باز دارد عطا فرما و چهره ام را به نور خود نورانی گردان،

بِنُورِکَ، وَاجْعَلْ رَغْبَتی فیما عِنْدَکَ، وَتَوَفَّنی فی سَبیلِکَ، وَعَلی مِلَّهِ

و اشتیاقم را به آنچه نزد توست قرار ده و مرا در راه خود و بر آیین

رَسُولِکَ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، اللهُمَّ انّی اعُوذُ بِکَ مِنَ الْکَسَلِ وَالْفَشَلِ،

فرستاده ات- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- بمیران، خدایا به تو پناه می برم از تنبلی و سستی

وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَالْغَفْلَهِ وَالْقَسْوَهِ(1) وَالْمَسْکَنَهِ، وَالْفَقْرِ وَالْفاقَهِ

و اندوه و ترس و تنگ نظری و بی خبری و سنگدلی و بیچارگی و نداری و درماندگی

وَکُلِّ بَلِیَّهٍ، وَالْفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ، وَاعُوذُ بِکَ مِنْ نَفْسٍ لا

و هر گرفتاری و کارهای زشت آشکار و پنهان، و به تو پناه می برم از نفسی که

تَقْنَعُ، وَبَطْنٍ لا یَشْبَعُ، وَقَلْبٍ لا یَخْشَعُ، وَ دُعاءٍ لا یُسْمَعُ، وَعَمَلٍ لا یَنْفَعُ،

قانع نشود و شکمی که سیر نگردد و دلی که (در برابرت) خاشع نیست و دعایی که پذیرفته نشود و عملی که سود نبخشد

وَاعُوذُ بِکَ یا رَبِّ عَلی نَفْسی وَدینی وَمالی وَعَلی جَمیعِ ما رَزَقْتَنی

و ای پروردگار من از شرّ شیطان رانده شده بر نفس و دین و مال و بر همه آنچه به من روزی کرده ای

مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ، انَّکَ انْتَ السَّمیعُ الْعَلیمُ، اللهُمَّ انَّهُ لا یُجیرُنی مِنْکَ

به تو پناه می برم، چرا که تو شنوا و دانایی؛ خدایا کسی مرا از (عقوبت) تو

ص: 738

1- [980]در مصباح المتهجّد« والقسوهِ و الذِلّه» آمده است.

احَدٌ، وَلا اجِدُ مِنْ دُونِکَ مُلْتَحَداً، فَلا تَجْعَلْ نَفْسی فی شَیْ ءٍ مِنْ عَذابِکَ،

پناه ندهد و جز تو پناهگاهی ندارم، پس در عذابت قرارم نده

وَلا تَرُدَّنی بِهَلَکَهٍ، وَلا تَرُدَّنی بِعَذابٍ الیمٍ، اللهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّی وَاعْلِ

و مرا به نابودی و عقوبت دردناک باز مگردان، خدایا از من بپذیر و یادم را

ذِکْری وَارْفَعْ دَرَجَتی وَحُطَّ وِزْری وَلا تَذْکُرْنی بِخَطیئَتی وَاجْعَلْ

والا گردان و رتبه ام را بالا بر و بار گناهم را فرو ریز، و مرا با اشتباهم یاد مکن، و

ثَوابَ مَجْلِسی وَثَوابَ مَنْطِقی وَ ثَوابَ دُعآئی رِضاکَ وَالْجَنَّهَ،

پاداش این مجلس و گفتار و دعایم را رضایتت و بهشت قرار ده و

وَاعْطِنی یا رَبِّ جَمیعَ ما سَالْتُکَ، وَ زِدْنی مِنْ فَضْلِکَ، انّی الَیْکَ راغِبٌ یا

ای پروردگار من آنچه از تو خواستم به من ارزانی دار واز لطف و کرمت بر من بیافزا چرا که من مشتاق توام ای

رَبَّ الْعالَمینَ، اللَّهُمَّ انَّکَ انْزَلْتَ فی کِتابِکَ انْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنا، وَ قَدْ

پروردگار جهانیان، خدایا به یقین تو در کتابت نازل کردی که از کسانی که به ما ظلم کرده اند درگذریم و

ظَلَمْنا انْفُسَنا فَاعْفُ عَنَّا، فَانَّکَ اوْلی بِذلِکَ مِنَّا، وَامَرْتَنا انْ لا نَرُدَّ سائِلاً

ما به خود ستم کرده ایم پس از ما درگذر چرا که تو از ما به آن سزاوارتری و امر فرمودی به ما که درخواست کننده ای را از

عَنْ ابْوابِنا، وَقَدْ جِئْتُکَ سائِلاً فَلا تَرُدَّنی الَّا بِقَضآءِ حاجَتی وَامَرْتَنا

پیش خود نرانیم من نیز به حال درخواست به درگاهت آمده ام پس مرا جز با حاجت بر آورده شده باز مگردان و ما را

بِالْإِحْسانِ الی ما مَلَكَتْ ايْمانُنا، وَنَحْنُ ارِقّآءُكَ فَاعْتِقْ رِقابَنا مِنَ النَّارِ،

به نیکی در حقّ زیردستان امر فرمودی، ما نیز بندگان توییم، پس ما را از آتش رهایی بخش،

یا مَفْزَعی عِنْدَ كُرْبَتی وَیا غَوْثی عِنْدَ شِدَّتی الَیْکَ فَزِعْتُ، وَبِکَ

ای پناه من به هنگام گرفتاری و ای فریادرس من در هنگام سختی به درگاهت پناه آورده و

اسْتَغَثْتُ وَلُذْتُ، لا الُوذُ بِسِواکَ، وَلا اطْلُبُ الْفَرَجَ الَّا مِنْکَ [981]، فَاغِثْنی

کمک می طلبم و از غیر تو کمک نمی طلبم و جز از تو گشایش نمی خواهم، پس به فریادم برس

وَفَرِّجْ عَنّی یا مَنْ یَفُکُّ الْأَسیرَ(1)، وَیَعْفُو عَنِ الْکَثیرِ، اقْبَلْ مِنِّی الْیَسیرَ،

و مرا رهایی بخش ای کسی که اسیر را آزاد کنی و از گناهان فراوان درگذری، این (اطاعت) کم را از من بپذیر،

ص: 739

1- [982]در مصباح و اقبال« یا مَنْ یَقْبَلُ الْیَسیرَ» آمده است.

وَاعْفُ عَنِّى الْكَثیرَ، انَّکَ انْتَ الرَّحیمُ الْغَفُورُ، اللهُمَّ انّى اسْئَلُکَ ایماناً

و از گناهان فراوانم درگذر، چرا که تو مهربان و آمرزنده اى، خدایا ایمانى از تو مى خواهم که

تُباشِرُ بِهِ قَلْبى وَیَقیناً صادِقاً حَتّى اعْلَمَ انَّهُ لَنْ یُصیبَنى الَّا ما کَتَبْتَ لى

دلم همراه او باشد و یقین صادقى که بدانم جز آنچه تو مقدّر کرده اى به من نخواهد رسید

وَرَضِّنى مِنَ الْعَیْشِ بِما قَسَمْتَ لى یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.

و مرا به آنچه در زندگى برایم مقدّر کرده اى خشنود گردان، اى مهربان ترین مهربانان.

5- مختصرترین دعای سحر (دعای بسیار پرمحتوا)

یا مَفْزَعى عِنْدَ کُرْبَتى وَیا غَوْثى عِنْدَ شِدَّتى الَیْکَ فَزِعْتُ، وَبِکَ

اى پناه من به هنگام گرفتارى، و اى فریادرسم در هنگام سختى، به درگاهت پناه آورده و

اسْتَغَثْتُ، وَبِکَ لُذْتُ، لا الُوذُ بِسِواکَ، وَ لا اطْلُبُ الْفَرَجَ الَّا مِنْکَ، فَاغِثْنى

کمک مى طلبم و به تو متوسّل شده و از غیر تو کمک نمى طلبم و جز از تو گشایش نمى خواهم پس به فریادم برس

وَ فَرِّجْ عَنّى یا مَنْ یَقْبَلُ الْیَسیرَ، وَ یَعْفُو عَنِ الْکَثیرِ، اقْبَلْ مِنِّى الْیَسیرَ،

و مرا رهایى بخش، اى کسى که اعمال کم را پذیرفته و از گناهان فراوان درگذرى، این (طاعت) کم را از من بپذیر

وَاعْفُ عَنِّى الْکَثیرَ، انَّکَ انْتَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ، اللهُمَّ انّى اسْئَلُکَ ایماناً

و از گناهان فراوانم درگذر، چرا که تو آمرزنده و مهربانى، خدایا ایمانى از تو مى خواهم

تُباشِرُ بِهِ قَلْبی وَیَقیناً حَتّی اعْلَمَ انَّهُ لَنْ یُصیبَنی الّا ما کَتَبْتَ لی

که دلم همراه او باشد و یقینی که بدانم جز آنچه تو مقدّر کرده ای به من نخواهد رسید

وَ رَضِّنی مِنَ الْعَیْشِ بِما قَسَمْتَ لی یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، یا عُدَّتی فی

و مرا به آنچه در زندگی برایم مقدّر نموده ای خشنود گردان ای مهربان ترین مهربانان، ای ذخیره من در

کُرْبَتی وَ یا صاحِبی فی شِدَّتی وَ یا وَلِیّی فی نِعْمَتی وَیا غایَتی فی

گرفتاری و ای همدم من در سختی، و ای صاحب نعمت من و ای نهایت

رَغْبَتی انْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتی وَ الْأمِنُ رَوْعَتی وَ الْمُقیلُ عَثْرَتی فَاغْفِرْ

آرزوی من، تویی پوشاننده زشتیهایم و آرامش دهنده پریشانیم و درگذرنده از لغزشم، پس گناهم

لی خَطیئَتی یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

را بیامرز، ای مهربان ترین مهربانان.

ص: 740

1- [983]اقبال، صفحه 82 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 100.

6- خواندن این تسبیحات، که در کتب معتبر آمده است:

سُبْحانَ مَنْ یَعْلَمُ جَوارِحَ الْقُلُوبِ، سُبْحانَ مَنْ یُحْصی عَدَدَ الذُّنُوبِ،

تسبیح می کنم آن کسی را که درد دلها را می داند، تسبیح می کنم آن کسی را که گناهان را می شمارد،

سُبْحانَ مَنْ لا یَخْفی عَلَیْهِ خافِیَهٌ فِی السَّماواتِ وَالْأَرَضینَ، سُبْحانَ

تسبیح می کنم آن کسی را که امر پنهانی در آسمانها و زمین بر او پوشیده نیست، تسبیح می کنم

الرَّبِّ الْوَدُودِ، سُبْحانَ الْفَرْدِ الْوِتْرِ، سُبْحانَ الْعَظیمِ الْأَعْظَمِ، سُبْحانَ

پروردگار بسیار مهربان را، تسبیح می کنم یگانه یکتا را، تسبیح می کنم بزرگترین بزرگ را، تسبیح می کنم

مَنْ لا یَعْتَدی عَلی اهْلِ مَمْلَکَتِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا یُؤاخِذُ اهْلَ الْأَرْضِ

کسی را که بر مردم تحت حکومتش ظلم نمی کند، تسبیح می کنم کسی را که اهل زمین را با عذابهای گوناگون

بِالْوانِ الْعَذابِ، سُبْحانَ الْحَنَّانِ الْمَنَّانِ، سُبْحانَ الرَّؤوفِ الرَّحیمِ،

بازخواست نمی کند، تسبیح می کنم غمخوار سخاوتمند را، تسبیح می کنم پر محبّت مهربان را،

سُبْحانَ الْجَبَّارِ الْجَوادِ، سُبْحانَ الْکَریمِ الْحَلیمِ، سُبْحانَ الْبَصیرِ

تسبیح می کنم قادر بخشنده را، تسبیح می کنم بزرگوار شکیبا را، تسبیح می کنم بینای

الْعَلیمِ، سُبْحانَ الْبَصیرِ الْواسِعِ، سُبْحانَ اللَّهِ عَلی اقْبالِ النَّهارِ،

دانا را، تسبیح می کنم بینای وسعت ده را، تسبیح می کنم خدا را هنگام آمدن روز،

سُبْحانَ اللّهِ عَلی ادْبارِ النَّهارِ، سُبْحانَ اللّهِ عَلی ادْبارِ اللّیْلِ وَاقْبالِ

تسبیح می کنم خدا را هنگام رفتن روز، تسبیح می کنم خدا را هنگام رفتن شب و آمدن

النَّهارِ(1)، وَلَهُ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَالْعَظَمَهُ وَالْکِبرِیآءُ، مَعَ کُلِّ نَفَسٍ وَکُلِّ طَرْفَهِ

روز، سپاس و بزرگی و عظمت و اقتدار مخصوص اوست، همراه با هر نفس و هر چشم

عَیْنٍ، وَکُلِّ لَمْحَهٍ سَبَقَ فی عِلْمِهِ، سُبْحانَکَ مِلْأَ ما احْصی کِتابُکَ،

بر هم زدنی، و هر اشاره ای که در علمش گذشته، تسبیح می کنم تو را به اندازه احصاء کتابت،

سُبْحانَکَ زِنَهَ عَرْشِکَ، سُبْحانَکَ سُبْحانَکَ سُبْحانَکَ.(2)

تسبیح می کنم تو را هم وزن عرشت، تسبیح می کنم تو را، تسبیح می کنم تو را، تسبیح می کنم تو را.

یادآوری: البتّه اگر نیّت روزه را بعد از خوردن سحری کند بهتر است، و از اوّل شب تا به آخر نیز

ص: 741

1- [984]در اقبال این جملات نیز آمده است:« سُبحان اللَّه علی اقبال النّهارِ و ادبار اللّیل، سبحان اللَّه علی اقبال النَّهارِ و اقبالِ اللّیل».
2- [985]اقبال، صفحه 82 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 100.

می توان نیّت کرد؛ بلکه همین مقدار که می داند و قصد دارد فردا از برای خدا روزه بگیرد کافی است و همان طور که قبلاً گفتیم بسیار شایسته است که در سحرها نماز شب را ترک نکند.

اعمال مشترک روزهای ماه مبارک رمضان:

برای روزهای ماه رمضان چند عمل نقل شده است:

1- هر روز این دعا را بخواند که در کتب معتبر نقل شده است:

اللهُمَّ هذا شَهْرُ رَمَضانَ، الَّذی انْزَلْتَ فیهِ الْقُرآنَ، هُدیً لِلنَّاسِ وَبَیِّناتٍ

خدایا این ماه رمضان است که قرآن را در آن برای هدایت مردم و دلایل

مِنَ الْهُدی وَالْفُرقانِ، وَ هذا شَهْرُ الصِّیامِ، وَهذا شَهْرُ الْقِیامِ، وَهذا شَهْرُ

هدایت و جدا کننده حق از باطل نازل کردی، و این ماه روزه و ماه شب زنده داری است، و این ماه

الْإِنابَهِ، وَهذا شَهْرُ التَّوْبَهِ، وَهذا شَهْرُ الْمَغْفِرَهِ وَالرَّحْمَهِ، وَهذا شَهْرُ الْعِتْقِ

بازگشت از گناه و ماه توبه است و این ماه آمرزش و رحمت است، و این ماه رهایی

مِنَ النَّارِ، وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّهِ، وَهذا شَهْرٌ فیهِ لَیْلَهُ الْقَدْرِ، الَّتی هِیَ خَیْرٌ مِنْ

از آتش و رسیدن به بهشت است، و این ماهی است که شب قدر در آن است، شبی که از

الْفِ شَهْرٍ، اللهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاعِنّی عَلی صِیامِهِ

هزار ماه بهتر است، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا بر روزه

وَقِیامِهِ، وَسَلِّمْهُ لی وَسَلِّمْنی فیهِ، وَاعِنّی عَلَیْهِ بِافْضَلِ عَوْنِکَ،

و شب زنده داری در این ماه یاری ده، و آن را برای من و مرا در آن سالم بدار، و مرا بر (انجام وظایف) آن به بهترین یاریت یاری ده

وَوَفِّقْنی فیهِ لِطاعَتِکَ، وَطاعَهِ رَسُولِکَ وَاوْلِیآئِکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمْ،

و مرا در آن بر بندگیت و اطاعت فرستاده و اولیایت- که درود خدا بر آنان باد- موفّق بدار،

وَفَرِّغْنی فیهِ لِعِبادَتِکَ وَدُعآئِکَ، وَتِلاوَهِ کِتابِکَ، وَ عَظِّمْ لی فیهِ الْبَرَکَهَ،

و مرا در این ماه برای بندگی و نیایش و تلاوت قرآن فراغت ده، و برکتم را زیاد گردان،

وَاحْسِنْ لی فیهِ الْعافِیَهَ، وَاصِحَّ فیهِ بَدَنی وَاوْسِعْ لی فیهِ رِزْقی وَاکْفِنی

و سلامتیم را در این ماه نیکو گردان و تنم را سالم بدار، و روزیم را وسعت ده، و آنچه مرا

فیهِ ما اهَمَّنی وَاسْتَجِبْ فیهِ دُعآئی وَبَلِّغْنی فیهِ رَجآئی اللهُمَّ صَلِ

در آن اندوهگین ساخته کفایت کن، و دعایم را بپذیر و مرا به آرزویم برسان، خدایا

ص: 742

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاذْهِبْ عَنّى فيهِ النُّعاسَ وَالْكَسَلَ، وَالسَّاْمَةَ

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و در اين ماه چُرت و خستگى و دلتنگى

وَالْفَتْرَةَ، وَالْقَسْوَةَ وَالْغَفْلَةَ وَالْغِرَّةَ، وَجَنِّبْنى فيهِ الْعِلَلَ وَالْأَسْقامَ،

و سستى و بى رحمى و بى خبرى و سهل انگارى را از من برطرف كن، و مرا در آن از دردها و بيماريها

وَالْهُمُومَ وَالْأَحْزانَ، وَالْأَعْراضَ وَالْأَمْراضَ، وَالْخَطايا وَالذُّنُوبَ،

و غصّه ها و اندوهها و حوادث و ناخوشيها و اشتباهات و گناهان دور گردان،

وَاصْرِفْ عَنّى فيهِ السُّوءَ وَالْفَحشآءَ، وَالْجَهْدَ وَالْبَلاءَ، وَالتَّعَبَ وَالْعَنآءَ،

و بدى و هرزگى و رنج و گرفتارى و خستگى و زحمت را از من باز گردان،

انَّكَ سَميعُ الدُّعآءِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعِذْنى فيهِ مِنَ

كه تو شنونده دعايى، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا در اين ماه از

الشَّيْطانِ الرَّجيمِ، وَهَمْزِهِ وَلَمْزِهِ، وَ نَفْثِهِ وَ نَفْخِهِ، وَ وَسْوَسَتِهِ وَ تَثْبيطِهِ،

(شرّ) شيطان رانده شده پناه ده، و از عيب جويى و بدگوييش و دميدن و نفوذ دادنش، و وسوسه و باز داشتنش و ستم

وَبَطْشِهِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكْرِهِ، وَ حَبآئِلِهِ وَ خُدَعِهِ، وَ امانِيِّهِ وَ غُرُورِهِ، وَ فِتْنَتِهِ

و حيله و نيرنگش، و دامها و فريبهايش و آرزوها و اغفالش و آشوب

وَشَرَكِهِ، وَ احْزابِهِ وَ اتْباعِهِ، و اشْياعِهِ وَ اوْلِيآئِهِ، وَ شُرَكآئِهِ وَ جَميعِ

و دامهايش و گروهها و پيروانش و ياران و دوستدارانش و همدستان و تمامى

مَکائِدِهِ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنا قِیامَهُ وَ صِیامَهُ،

نیرنگهایش پناه ده، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و روزیمان کن شب زنده داری و روزه اش را

وَبُلُوغَ الْأَمَلِ فیهِ وَ فی قِیامِهِ، وَ اسْتِکْمالَ ما یُرْضیکَ عَنّی صَبْراً

و رسیدن به آرزو در این ماه و در شب زنده داریش و کامل کردن بردباری

وَاحْتِساباً، وَ ایماناً وَ یَقیناً، ثُمَّ تَقَبَّلْ ذلِکَ مِنّی بِالْأَضْعافِ الْکَثیرَهِ،

و رضایت و ایمان و یقینم که تو را از من خشنود گرداند، سپس آن را به چند برابر

وَالْأَجْرِ الْعَظیمِ، یا رَبَّ الْعالَمینَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

و پاداش بزرگ از من بپذیر، ای پروردگار جهانیان، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

وَارْزُقْنِی الْحَجَّ وَالْعُمْرَهَ، وَالْإِجْتِهادَ وَالْقُوَّهَ وَالنَّشاطَ، وَ الْإِنابَهَ وَ التَّوْبَهَ،

و روزیم گردان حج و عمره و کوشش و نیرو و شادمانی، و بازگشت از گناه و توبه

وَ الْقُرْبَهَ وَ الْخَیْرَ الْمَقْبُولَ، وَ الرَّهْبَهَ وَ الرَّغْبَهَ، وَ التَّضَرُّعَ وَ الْخُشُوعَ،

و نزدیکی (به تو) و نیکی پذیرفته شده و ترس و اشتیاق و زاری و فروتنی،

وَ الرِّقَّهَ وَ النِّیَّهَ الصّادِقَهَ، وَ صِدْقَ اللِّسانِ، وَ الْوَجَلَ مِنْکَ، وَ الرَّجآءَ لَکَ،

و مهربانی و نیّت درست، و گفتار راست و ترس از خودت و امید

وَ التَّوَکُّلَ عَلَیْکَ، وَ الثِّقَهَ بِکَ، وَ الْوَرَعَ عَنْ مَحارِمِکَ، مَعَ صالِحِ الْقَوْلِ،

و تکیه و اعتماد بر خودت و پرهیز از حرامهایت همراه با گفتار شایسته

وَ مَقْبُولِ السَّعْیِ، وَ مَرْفُوعِ الْعَمَلِ، وَ مُسْتَجابِ الدَّعْوَهِ، وَ لا تَحُلْ بَیْنی

و تلاش پذیرفته و کردار بالا رفته (به درگاهت) و دعای پذیرفته (را روزیم گردان) و بین من

وَ بَیْنَ شَیْ ءٍ مِنْ ذلِکَ بِعَرَضٍ وَ لا مَرَضٍ، وَ لا هَمٍّ وَ لا غَمٍّ وَ لا سُقْمٍ، وَ لا

و چیزی از اینها با حادثه و مرض و اندوه و غصّه و بیماری

غَفْلَهٍ وَ لا نِسْیانٍ، بَلْ بِالتَّعاهُدِ وَ التَّحَفُّظِ لَکَ وَ فیکَ، وَ الرِّعایَهِ لِحَقِّکَ،

و بی خبری و فراموشی جدایی مینداز، بلکه هم پیمانی و خویشتن داری برای تو و در راه تو و مراعات حق تو

وَ الْوَفآءِ بَعَهْدِکَ وَ وَعْدِکَ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرّاحِمینَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی

و وفای به پیمان و وعده ات (را برایم مقرر فرما) به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان، خدایا بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اقْسِمْ لی فیهِ افْضَلَ ما تَقْسِمُهُ لِعبادِکَ الصّالِحینَ،

محمّد و خاندان پاکش درود فرست و در این ماه بهترین چیزی که روزی بندگان شایسته ات نموده ای روزیم گردان،

وَ اعْطِنی فیهِ افْضَلَ ما تُعْطی اوْلِیآئَکَ الْمُقَرَّبینَ، مِنَ الرَّحْمَهِ وَ الْمَغْفِرَهِ،

و در آن به من ببخش بهترین آنچه که به دوستان نزدیکت از رحمت و آمرزش

وَ التَّحَنُّنِ وَ الْإِجابَهِ، وَ الْعَفْوِ وَ الْمَغْفِرَهِ الدَّائِمَهِ، وَ الْعافِیَهِ وَ الْمُعافاهِ،

و دلسوزی و پذیرش و گذشت و آمرزش همیشگی و تندرستی و سلامتی

وَ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَ الْفَوْزِ بِالْجَنَّهِ، وَ خَیْرِ الدُّنْیا وَ الْأخِرَهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی

و رهایی از آتش و رسیدن به بهشت و نیکی دنیا و آخرت عطا نموده ای، خدایا بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْ دُعآئی فیهِ الَیْکَ واصِلًا، وَ رَحْمَتَکَ وَ خَیْرَکَ

محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و دعایم را در آن، رسیده به درگاهت و رحمت و نیکیت را

الَیَّ فیهِ نازِلًا، وَ عَمَلی فیهِ مَقْبُولًا، وَ سَعْیی فیهِ مَشْکُوراً، وَ ذَنْبی فیهِ

در آن، نازل بر من، و کردارم را در آن، پذیرفته و تلاشم را در آن، مورد سپاس و گناهم را در آن،

مَغْفُوراً، حَتّی یَکُونَ نَصیبی فیهِ الْأَکْثَرَ، وَ حَظّی فیهِ الْأَوْفَرَ، اللهُمَّ صَلِ

آمرزیده قرار ده تا بهره ام در آن بیشتر و کامیابیم فراوانتر باشد. خدایا

عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ وَفِّقْنی فیهِ لِلَیْلَهِ الْقَدْرِ عَلی افْضَلِ حالٍ

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا در آن بر (درکِ) شب قدر در بهترین حال موفّق گردان،

تُحِبُّ انْ یَکُونَ عَلَیْها احَدٌ مِنْ اوْلِیآئِکَ، وَ ارْضاها لَکَ، ثُمَّ اجْعَلْها لی

حالی که دوست داری هر یک از دوستانت بر آن باشند و تو را خشنود می کند، پس آن شب را برایم

خَیْراً مِنْ الْفِ شَهْرٍ، وَ ارْزُقْنی فیها افْضَلَ ما رَزَقْتَ احَداً مِمَّنْ بَلَّغْتَهُ

بهتر از هزار ماه قرار ده، و بهترین آنچه در آن شب روزی هر یک از کسانی که به آن رسانده

ایَّاها، وَاکْرَمْتَهُ بِها، وَ اجْعَلْنی فیها مِنْ عُتَقآئِکَ مِنْ جَهَنَّمَ، وَ طُلَقآئِکَ مِنَ

و او را به آن گرامی داشته ای روزیم گردان، و مرا در آن شب به آمرزش و خشنودیت از آزاد شده های از دوزخ و رهایی یافته از

النّارِ، وَ سُعَداءِ خَلْقِکَ، بِمَغْفِرَتِکَ وَرِضْوانِکَ یا ارْحَمَ الرّاحِمینَ، اللهُمَ

آتش و سعادتمندان از مخلوقاتت قرار ده، ای مهربان ترین مهربانان، خدایا

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنا فی شَهْرِنا هذَا الْجِدَّ وَ الْإِجْتِهادَ،

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و در این ماه کوشش و تلاش

وَ الْقُوَّهَ وَ النَّشاطَ، وَ ما تُحِبُّ وَتَرْضی اللهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَ لَیالٍ عَشْرٍ،

و نیرو و شادمانی و آنچه را که دوست داری و خشنود می شوی روزیم گردان، خدایا، ای پروردگار سپیده دم و شبهای ده گانه

وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ، وَ ربَّ شَهْرِ رَمَضانَ، وَ ما انْزَلْتَ فیهِ مِنَ الْقُرآنِ، وَ رَبَ

و زوج و فرد، و ای پروردگار ماه رمضان و آنچه از قرآن در آن نازل نموده ای، و ای پروردگار

جَبْرَئیلَ وَ میکآئیلَ وَ اسْرافیلَ، وَ جَمیعِ الْمَلائِکَهِ الْمُقَرَّبینَ، وَ ربَ

جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و همه فرشتگان مقرّب، و ای پروردگار

ابْراهیمَ وَ اسْماعیلَ، وَ اسْحقَ وَ یَعْقُوبَ، وَ ربَّ مُوسی وَ عیسی

ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب، و ای پروردگار موسی و عیسی

وَجمیعِ النَّبِیّینَ وَالْمُرْسَلینَ، وَ ربَّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیِّینَ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِ

و همه پیامبران و فرستادگان، و ای پروردگار محمّد، آخرین پیامبران- که درود تو بر او

وَعَلَیْهِمْ اجْمَعینَ، وَ اسْئَلُکَ بِحَقِّکَ عَلَیْهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ عَلَیْکَ، وَ بِحَقِّکَ

و بر همه آنها باد- و به حق تو بر آنان و به حقّ آنها بر تو و به حقّ

الْعَظیمِ، لَمَّا صَلَّیْتَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَعَلَیْهِمْ اجْمَعینَ، وَ نَظَرْتَ الَیَّ نَظْرَةً

بزرگت از تو می خواهم هنگامی که بر او و خاندانش و همه آنها درود فرستادی و به من نظری

رَحیمَةً، تَرْضی بِها عَنّی رِضیً لا تَسْخَطُ عَلَیَّ بَعْدَهُ ابَداً، وَاعْطَیْتَنی

مهربانانه نمودی، به واسطه آن از من خشنود شوی، خشنود شدنی که پس از آن هیچگاه بر من غصب نکنی و

جَمیعَ سُؤْلی وَ رَغْبَتی وَ امْنِیَّتی وَ ارادَتی وَ صَرَفْتَ عَنّی ما اکْرَهُ

همه خواسته ها و اشتیاق و آرزو و درخواستم را به من عطا کنی، و آنچه نمی پسندم

وَاحْذَرُ، وَاخافُ عَلی نَفْسی وَما لا اخافُ، وَعَنْ اهْلی وَمالی وَاخْوانی

و از آن دوری می کنم و بر خودم بیم دارم و آنچه نمی ترسم، از خود و خانواده و دارایی و برادران

وَذُرِّیَّتی اللهُمَّ الَیْکَ فَرَرْنا مِنْ ذُنُوبِنا فاوِنا تآئِبینَ، وَتُبْ عَلَیْنا

و نسلم دور گردانی، خدایا از گناهانمان به درگاهت گریخته ایم پس ما توبه کنندگان را پناه ده و توبه ما

مُسْتَغْفِرینَ، وَاغْفِرْ لَنا مُتَعوِّذینَ، وَاعِذْنا مُسْتَجیرینَ، وَاجِرْنا

آمرزش خواهان را بپذیر و ما پناه جویان را بیامرز و پناه ده، و ما فرمانبرداران

مُسْتَسْلِمینَ، وَلا تَخْذُلْنا راهِبینَ، وَآمِنّا راغِبینَ، وَشَفِّعْنا سآئِلینَ،

را نجات ده، و ما وحشت زدگان را خوار مگردان، و ما مشتاقان را ایمن گردان، و ما نیازمندان را شفاعت کن

وَاعْطِنا انَّکَ سَمیعُ الدُّعآءِ، قَریبٌ مُجیبٌ، اللهُمَّ انْتَ رَبّی وَ انَا عَبْدُکَ،

و به ما عطا کن که تو شنوای خواسته ها و نزدیک و اجابت کننده ای، خدایا تویی پروردگار من و منم بنده ات،

وَ احَقُّ مَنْ سَئَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ، وَ لَمْ یَسْئَلِ الْعِبادُ مِثْلَکَ کَرَماً وَ جُوداً، یا

و شایسته ترین کسی که بنده از او درخواست کند پروردگار اوست، و بندگان از کسی مانند تو در کرم و بخشش درخواست نکرده اند، ای

مَوْضِعَ شَکْوَی السَّائِلینَ، وَ یا مُنْتَهی حاجَهِ الرَّاغِبینَ، وَ یا غِیاثَ

محلّ شکایت نیازمندان، و ای نهایت نیاز مشتاقان، و ای فریادرس

الْمُسْتَغیثینَ، وَ یا مُجیبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرّینَ، وَ یا مَلْجَا الْهارِبینَ،

درماندگان و ای اجابت کننده درخواست درماندگان، و ای پناهگاه وحشت زدگان،

وَ یا صَریخَ الْمُسْتَصْرِخینَ، وَیا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفینَ، وَ یا کاشِفَ کَرْبِ

و ای دادرس فریادرس خواهان و ای پروردگار مظلومان و ای برطرف کننده گرفتاری

الْمَکْرُوبینَ، وَ یا فارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومینَ، وَ یا کاشِفَ الْکَرْبِ الْعَظیمِ، یا اللَّهُ

گرفتاران، و ای گشاینده اندوه غمزدگان، و ای برطرف کننده گرفتاری بزرگ، ای خدا،

يا رَحْمنُ يا رَحيمُ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

اى بخشنده اى مهربان، اى مهربان ترين مهربانان، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

وَاغْفِرْ لى ذُنُوبى وَ عُيُوبى وَ اسآئَتى وَظُلْمى وَ جُرْمى وَ اسْرافى عَلى

و گناهان و عيبها و بدى و ستم و گناه و زياده روى بر

نَفْسى وَ ارْزُقْنى مِنْ فَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ، فَانَّهُ لايَمْلِكُها غَيْرُكَ، وَاعْفُ

خودم را بيامرز، و از فضل و رحمتت روزيم ده، که کسى جز تو مالک آنها نيست، و از من

عَنّى وَاغْفِرْ لى كُلَّ ما سَلَفَ مِنْ ذُنُوبى وَاعْصِمْنى فيما بَقِىَ مِنْ

درگذر، و تمامى گناهان گذشته ام را بيامرز، و در باقيمانده عمرم مرا

عُمْرى وَاسْتُرْ عَلَىَّ وَعَلى والِدىَّ وَ وُلْدى وَقَرابَتى وَاهْلِ حُزانَتى

حفظ کن، بر من و پدر و مادر و فرزندان و نزديکان و خانواده ام،

وَمَنْ كانَ مِنّى بِسَبيلٍ مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ فى الدُّنْيا وَالْأخِرَهِ، فَانَ

و هر که از مردان و زنان با ايمان در دنيا و آخرت با من بر يک راه باشد، محافظت کن، که

ذلِكَ كُلَّهُ بِيَدِكَ، وَانْتَ واسِعُ الْمَغْفِرَهِ، فَلا تُخَيِّبْنى يا سَيِّدى وَلا تَرُدَّ

همه اينها به دست توست، و آمرزشت گسترده است، پس اى آقا و سرورم مرا مأيوس نکن، و دعايم را

عَلَىَّ دُعآئى وَلا يَدى الى نَحْرى حَتّى تَفْعَلَ ذلِكَ بى وَتَسْتَجيبَ لى

بر مگردان و دستم را (خالى) به سينه ام بر مگردان، تا اين که آن را برايم انجام داده و تمامى آنچه را که

جَميعَ ما سَئَلْتُکَ، وَتَزيدَنى مِنْ فَضْلِکَ، فَانَّکَ عَلى کُلِّ شَىْ ءٍ قَديرٌ،

از تو خواستم اجابت کنى و از فضلت برایم بیفزایى که تو بر هر چیز توانایى

وَنَحْنُ الَیْکَ راغِبُونَ، اللهُمَّ لَکَ الْأَسْمآءُ الْحُسْنى وَالْأَمْثالُ الْعُلْیا،

و ما به سوى تو مشتاقیم، خدایا نامهاى نیک و الگوهاى والا

وَالْکِبْرِیآءُ وَالْألاءُ، اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، انْ کُنْتَ

و عظمت و نعمتها از آن توست، از تو به حقّ نامت «به نام خداوند بخشنده مهربان» مى خواهم که اگر

قَضَیْتَ فى هذِهِ اللَّیْلَهِ تَنَزُّلَ الْمَلائِکَهِ وَ الرُّوحِ فیها، انْ تُصَلِّىَ عَلى

فرود آمدن فرشتگان و روح را در این شب مقدّر نموده اى، بر محمّد

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ اسْمى فِى السُّعَدآءِ، وَ رُوحى مَعَ

و خاندان پاکش درود فرستى و نامم را در میان سعادتمندان و روحم را همراه

الشُّهَدآءِ، وَ احْسانى فى عِلِّيّينَ، وَ اسآئَتى مَغْفُورَةً، وَ انْ تَهَبَ لى يَقيناً

شهیدان و نیکیم را در جایگاهی والا و گناهم را آمرزیده قرار ده، و ببخش به من یقینی که

تُباشِرُ بِهِ قَلْبى وَ ايماناً لا يَشُوبُهُ شَکٌّ، وَ رِضىً بِما قَسَمْتَ لى وَآتِنى

دلم پیوسته همراه آن باشد و ایمانی که تردید به آن نیامیزد و رضایت به آنچه قسمتم نموده ای

فى الدُّنْيا حَسَنَةً، وَفِى الأخِرَهِ حَسَنَةً، وَقِنى عَذابَ النَّارِ، وَ انْ لَمْ تَکُنْ

و در دنیا و آخرت به من نیکی ده، و مرا از عذاب آتش حفظ کن و اگر

قَضَيْتَ فى هذِهِ اللَّيْلَهِ تَنَزُّلَ الْمَلئِکَهِ وَالرُّوحِ فيها، فَاخِّرْنى الى ذلِکَ،

فرود آمدن فرشتگان و روح را در این شب مقدّر ننموده ای پس مرا تا آن زمان نگاهدار

وَارْزُقْنى فيها ذِکْرَکَ وَشُکْرَکَ، وَ طاعَتَکَ وَ حُسْنَ عِبادَتِکَ، وَ صَلِّ عَلى

و در این شب یاد و سپاس و بندگی و عبادت نیکویت را روزیم گردان و به برترین

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِافْضَلِ صَلَواتِکَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، يا احَدُ يا

درودهایت بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، ای مهربان ترین مهربانان، ای یگانه، ای

صَمَدُ، يا رَبَّ مُحَمَّدٍ اغْضَبِ الْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَلِأَبْرارِ عِتْرَتِهِ، وَ اقْتُلْ

بی نیاز، ای پروردگار محمّد در این روز محمّد و نیکان از خاندانش را حمایت کن و همه

اعْدائَهُمْ بَدَداً، وَ احْصِهِمْ عَدَداً، وَ لا تَدَعْ عَلى ظَهْرِ الأَرْضِ مِنْهُمْ احَداً،

دشمنان آنها را نابود کن و یک به یک بشمار، و هیچ یک از آنها را بر زمین باقی نگذار،

وَ لا تَغْفِرْ لَهُمْ ابَداً، یا حَسَنَ الصُّحْبَهِ، یا خَلیفَهَ النَّبِیّینَ، انْتَ ارْحَمُ

و هرگز آنها را نیامرز، ای نیکو همدم، ای جانشین پیامبران، تو مهربان ترین

الرَّاحِمینَ، الْبَدی ءُ الْبَدیعُ، الَّذی لَیْسَ کَمِثْلِکَ شَیْ ءٌ، وَ الدَّآئِمُ غَیْرُ

مهربانانی، آغاز کننده آفریننده ای که چیزی همانندت نباشد، پاینده ای که

الْغافِلِ، وَ الْحَیُّ الَّذی لا یَمُوتُ، انْتَ کُلَّ یَوْمٍ فی شَأْنٍ، انْتَ خَلیفَهُ

غفلت نکند و زنده ای که نمیرد، تو هر روز در کاری هستی، تویی جانشین

مُحَمَّدٍ، وَ ناصِرُ مُحَمَّدٍ، وَمُفَضِّلُ مُحَمَّدٍ، اسْئَلُکَ انْ تَنْصُرَ وَصِیَّ مُحَمَّدٍ،

و یاور و برتری دهنده محمّد از تو می خواهم که وصیّ و

وَخَلیفَهَ مُحَمَّدٍ، وَ الْقآئِمَ بِالْقِسْطِ مِنْ اوْصِیآءِ مُحَمَّدٍ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِ

جانشین محمّد و قیام کننده به عدل از جانشینان محمّد- که درود تو بر او و بر آنان باد- را

ص: 748

وَعَلَيْهِمْ، اعْطِفْ عَلَيْهِمْ نَصْرَکَ، یا لا الهَ الَّا انْتَ، بِحَقِّ لا الهَ إلَّاانْتَ، صَلِّ

یاری کنی، یاریت را متوجّه ایشان کن، ای که معبودی جز تو نیست به حقّ این که معبودی جز تو نیست،

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنی مَعَهُمْ فِی الدُّنْیا وَ الْأخِرَهِ، وَاجْعَلْ

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا در دنیا و آخرت همراه ایشان قرار ده

عاقِبَهَ امْری الی غُفْرانِکَ وَ رَحْمَتِکَ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، وَ کَذلِکَ نَسَبْتَ

و پایان کارم را آمرزش و رحمتت قرار ده، ای مهربان ترین مهربانان، و همچنین ای آقا

نَفْسَکَ یا سَیِّدی بِاللُّطْفِ، بَلی انَّکَ لَطیفٌ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

و سرورم خودت را به محبّت نسبت داده ای، آری تو براستی با محبّتی، پس بر محمّد و خاندان پاکش درود

مُحَمَّدٍ، وَالْطُفْ بی لِما تَشاءُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

فرست، و در آنچه می خواهی به من محبّت کن، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

وَارْزُقْنِی الْحَجَّ وَ الْعُمْرَهَ فی عامِنا هذا، وَ تَطَوَّلْ عَلَیَّ بِجَمیعِ حَوآئِجی

و حجّ و عمره را در این سال روزیم گردان، و با برآوردن همه حاجتهای دنیوی

لِلْأخِرَهِ وَالدُّنْیا* سپس سه مرتبه می گویی: اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّی وَاتُوبُ الَیْهِ، انَ

و اخرویم بر من منّت گذار،******* از خدایی که پروردگار من است طلب آمرزش کرده و به سوی او توبه می کنم، که

رَبِّی قَریبٌ مُجیبٌ، اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّی وَاتُوبُ الَیْهِ، انَّ رَبّی رَحیمٌ وَدُودٌ،

پروردگار من نزدیک و اجابت کننده است، از خدایی که پروردگار من است طلب آمرزش کرده و به سوی او توبه می کنم، که پروردگارم مهربان و با محبّت است،

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّی وَاتُوبُ الَیْهِ، انَّهُ کانَ غَفَّاراً، اللهُمَّ اغْفِرْ لی انَّکَ ارْحَمُ

از خدایی که پرورگار من است طلب آمرزش کرده و به سوی او توبه می کنم، که او بسیار آمرزنده است، خدایا مرا بیامرز که تو مهربان ترین

الرَّاحِمینَ، رَبِّ انّی عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسی فَاغْفِرْ لی انَّهُ لا یَغْفِرُ

مهربانانی، پروردگارا من بد کرده و به خود ستم نمودم، پس مرا بیامرز که براستی کسی

الذُّنُوبَ الَّا انْتَ، اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذی لا الهَ الَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ، الْحَلیمُ

جز تو گناهان را نیامرزد، طلب آمرزش می کنم از خدایی که معبودی جز او زنده و پاینده نیست، او شکیبا،

الْعَظیمُ الْکَریمُ، الْغَفَّارُ لِلذَّنْبِ الْعَظیمِ، وَاتُوبُ الَیْهِ، اسْتَغْفِرُ اللَّهَ انَّ اللَّهَ

بزرگ، بزرگوار، آمرزنده گناه بزرگ است و به سوی او توبه می کنم، از خدا طلب آمرزش می کنم که خدا

کانَ غَفُوراً رَحیماً.

آمرزنده و مهربان است.

ص :749

پس از آن، این دعا را می خوانی:

اللَّهُمَّ إنّى اسْئَلُکَ انْ تُصلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ فيما

خدايا از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و در آنچه

تَقْضى وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْعَظيمِ الْمَحْتُومِ فى لَيْلَهِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضآءِ الَّذى

حکم کرده و مقدّر فرمودی از فرمان بزرگ حتمی در شب قدر، از حکمی که

لا يُرَدُّ وَلا يُبَدَّلُ، انْ تَكْتُبَنى مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِکَ الْحَرامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ،

تغيير و تبديلی در آن نيست که نام مرا در ميان حجّاج خانه ات ثبت کنی، حجّاجی که حجّشان پذيرفته

الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ، وَانْ تَجْعَلَ

و تلاششان مورد سپاس و گناهانشان آمرزيده و بديهايشان بخشيده شده است، و در آنچه

فيما تَقْضى وَتُقَدِّرُ، انْ تُطيلَ عُمْرى وَتُوَسِّعَ فى رِزْقى وَتُؤَدِّىَ عَنّى

حکم کرده و مقدّر می کنی عمرم را طولانی و روزيم را وسيع و امانت و قرضم را

امانَتى وَدَيْنى آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ، اللهُمَّ اجْعَلْ لى مِنْ امْرى فَرَجاً

ادا شده قرار دهی، دعايم را مستجاب کن ای پروردگار جهانيان، خدايا در کارم گشايش

وَمَخْرَجاً، وَارْزُقْنى مِنْ حَيْثُ احْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لا احْتَسِبُ،

و محل خروجی قرار ده و از جايی که می پندارم و نمی پندارم روزيم ده،

وَاحْرُسْنى مِنْ حَيْثُ احْتَرِسُ وَمِنْ حَيْثُ لا احْتَرِسُ، وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ

و از جایی که خود را حفظ می کنم و جایی که حفظ نمی کنم مرا حفظ کن، و بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَسَلِّمْ کَثیراً.(1)

و خاندان پاکش درود و سلام فراوان فرست.

2- در هر روز از ماه رمضان این تسبیحات را که از امام صادق علیه السلام نقل شده است بخواند. این تسبیحات ده بخش است و هر بخش از آن مشتمل بر ده تسبیح است:

* سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ

منزّه است خدا آفریننده هر دم زنی، منزّه است خدای صورت ده، منزّه است خدا آفریننده

ص: 750

1- [986]مصباح المتهجّد، صفحه 610 و اقبال، صفحه 89، با اندکی تفاوت.(مرحوم سیّد بن طاووس در اقبال نقل می کند که این دعا را امام باقر علیه السلام در هر روز از ماه رمضان می خواند).

الْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ

همه موجودات جُفت، منزّه است خدا مقرّر كننده تاريكيها و روشنى، منزّه است خدا شكافنده

الْحَبِّ وَالنَّوى سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ كُلِّ شَىْ ءٍ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ ما يُرى

دانه و هسته منزّه است خدا آفريننده هر چيز، منزّه است خدا آفريننده آنچه ديده شود

وَما لا يُرى سُبْحانَ اللَّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ،

و آنچه ديده نشود، منزّه است خدا به مقدار كلمات نامنتهايش، منزّه است خدا پروردگار جهانيان،

سُبْحانَ اللَّهِ السَّميعِ الَّذى لَيْسَ شَىْ ءٌ اسْمَعَ مِنْهُ، يَسْمَعُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ

منزّه است خداى شنوايى كه چيزى شنواتر از او نيست، مى شنود از بالاى عرش خود

ما تَحْتَ سَبْعِ ارَضينَ، وَيَسْمَعُ ما فى ظُلُماتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَيَسْمَعُ

آنچه را در زير هفت زمين است و مى شنود آنچه را در تاريكيهاى بيابان و درياست و مى شنود

الْأَنينَ وَالشَّكْوى وَيَسْمَعُ السِّرَّ وَاخْفى وَيَسْمَعُ وَساوِسَ الصُّدُورِ، وَلا

ناله و شكايت را و مى شنود پنهان و پنهان تر از پنهان را و مى شنود وسوسه هاى سينه ها را

يُصِمُّ سَمْعَهُ صَوْتٌ* سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ،

و كر نكند شنواييش را صدايى* منزّه است خدا آفريننده هر دم زنى، منزّه است خداى صورت بخش،

سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ الْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ،

منزّه است خدا آفریننده همه موجودات جُفت، منزّه است خدا مقرر دارنده تاریکیها و روشنی،

سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوی سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ کُلِّ شَیْ ءٍ، سُبْحانَ

منزّه است خدا شکافنده دانه و هسته، منزّه است خدا آفریننده هر چیز، منزّه است

اللَّهِ خالِقِ ما یُری وَما لا یُری سُبْحانَ اللَّهِ مِدادَ کَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ

خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود، منزّه است خدا به مقدار کلمات نامنتهایش، منزّه است خدا

رَبِّ الْعالَمینَ، سُبْحانَ اللَّهِ الْبَصیرِ الَّذی لَیْسَ شَیْ ءٌ ابْصَرَ مِنْهُ، یُبْصِرُ مِنْ

پروردگار جهانیان، منزّه است خدای بینایی که چیزی بیناتر از او نیست می بیند از

فَوْقِ عَرْشِهِ ما تَحْتَ سَبْعِ ارَضینَ، وَیُبْصِرُ ما فی ظُلُماتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ،

بالای عرش خود آنچه در زیر هفت زمین است و می بیند آنچه را در تاریکیهای خشکی و دریاست

لا تُدْرِکُهُ الْأبْصارُ وَهُوَ یُدْرِکُ الْأَبْصارَ، وَهُوَ اللَّطیفُ الْخَبیرُ، لا تُغْشی

دیدگان او را درک نکند ولی او درک کند دیدگان را و اوست دقیق و کاردان دیده اش را

بَصَرَهُ الظُّلْمَهُ، وَلا يُسْتَتَرُ مِنْهُ بِسِتْرٍ، وَلا يُوارى مِنْهُ جِدارٌ، وَلا يَغيبُ

تاریکی نپوشاند و بوسیله پرده چیزی از او مستور نماند و دیوار چیزی را از او پنهان نکند و نادیده نماند

عَنْهُ بَرٌّ وَلا بَحْرٌ، وَلا يَكِنُّ مِنْهُ جَبَلٌ ما فی اصْلِهِ، وَلا قَلْبٌ ما فيهِ، وَلا

از دید او هیچ خشکی و نه دریایی و هیچ کوهی نتواند مخفی کند از او آنچه را در ریشه و در زیر خود دارد و نه دلی آنچه را در خود دارد و نه

جَنْبٌ ما فی قَلْبِهِ، وَلا يَسْتَتِرُ مِنْهُ صَغيرٌ وَلا كَبيرٌ، وَلا يَسْتَخْفی مِنْهُ

پهلویی آنچه را در دل دارد و نتواند بپوشاند خود را از او کوچکی و نه بزرگی، و پنهانی نتواند جست از او

صَغيرٌ لِصِغَرِهِ، وَلا يَخْفی عَلَيْهِ شَیْ ءٌ فِی الْأَرْضِ وَلا فِی السَّمآءِ، هُوَ

کوچکی بخاطر خردیش و مخفی نماند بر اوچیزی در زمین و نه در آسمان اوست

الَّذی يُصَوِّرُكُمْ فِی الْأَرْحامِ كَيْفَ يَشآءُ، لا الهَ الَّا هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ*

که صورت بندد شما را در رحمها هر طور که خواهد معبودی جز او نیست که نیرومند و فرزانه است*

سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ

منزّه است خدا پدیدآرنده هر دم زنی، منزّه است خدای صورت بخش، منزّه است خدا آفریننده

الْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ

همه موجودات جفت، منزّه است خدا مقرّر کننده تاریکیها و روشنی، منزّه است خدا شکافنده

الْحَبِّ وَالنَّوی سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ كُلِّ شَیْ ءٍ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ ما يُری

دانه و هسته، منزّه است خدا آفریننده هر چیز، منزّه است خدا آفریننده آنچه دیدنی

وَما لا يُرى سُبْحانَ اللَّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ،

و آنچه نادیدنی است، منزّه است خدا به مقدار کلمات نامنتهایش، منزّه است خدا پروردگار جهانیان،

سُبْحانَ اللَّهِ الَّذى يُنْشِئُ السَّحابَ الثِّقالَ، وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ،

منزّه است خدایی که بوجود آورد ابرهای سنگین را و تسبیح گوید رعد به حمد او

وَالْمَلائِكَةُ مِنْ خيفَتِهِ، وَيُرْسِلُ الصَّواعِقَ فَيُصيبُ بِها مَنْ يَشآءُ، وَيُرْسِلُ

و فرشتگان از بیم او و بفرستد صاعقه ها را و دچار سازد بدان هر که را خواهد و

الرِّياحَ بُشْراً بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِ، وَيُنَزِّلُ الْمآءَ مِنَ السَّمآءِ بِكَلِمَتِهِ، وَيُنْبِتُ

بادها را نویدی از پیشاپیش رحمت خود فرستد و آب باران را از آسمان بوسیله امر خود فرو فرستد

النَّباتَ بِقُدْرَتِهِ، وَيَسْقُطُ الْوَرَقُ بِعِلْمِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ الَّذى لا يَعْزُبُ عَنْهُ

و گیاه را به قدرت کامله خویش برویاند و برگ درختان را به علم خود فروریزد منزّه است خدایی که پنهان نماند از او

مِثْقالُ ذَرَّهٍ فِی الْأَرْضِ وَلا فِی السَّمآءِ، وَلا اصْغَرُ مِنْ ذلِکَ، وَلا اکْبَرُ الَّا

هموزن ذره ای در زمین و نه در آسمان و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر جز آن که

فی کِتابٍ مُبینٍ* سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ،

در دفتری روشن است* منزّه است خدا پدید آرنده هر دم زنی، منزّه است خدای صورت بخش،

سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ الْأَزْواجِ کُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ،

منزّه است خدا آفریننده همه موجودات جفت، منزّه است خدا مقرر دارنده تاریکیها و روشنی،

سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوی سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ کُلِّ شَیْ ءٍ، سُبْحانَ

منزّه است خدا شکافنده دانه و هسته، منزّه است خدا آفریننده هر چیز، منزّه است

اللَّهِ خالِقِ ما یُری وَما لا یُری سُبْحانَ اللَّهِ مِدادَ کَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ

خدا آفریننده هر چه دیدنی است و هر چه نادیدنی است، منزّه است خدا به مقدار کلمات نامنتهایش، منزّه است خدا

رَبِّ الْعالَمینَ، سُبْحانَ اللَّهِ الَّذی یَعْلَمُ ما تَحْمِلُ کُلُّ انْثی وَما تَغیْضُ

پروردگار جهانیان، منزّه است خدایی که می داند آنچه بار دارد هر حیوان ماده ای و آنچه در

الْأَرْحامُ وَما تَزْدادُ، وَکُلُّ شَیْ ءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدارٍ، عالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهادَهِ،

رحمها کم شود و آنچه بیفزاید و هر چیزی را نزد او اندازه ای است دانای غیب و شهود

الْکَبِیرُ الْمُتَعالُ، سَوآءٌ مِنْکُمْ مَنْ اسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ، وَمَنْ هُوَ

و بزرگ و والاست برای او یکسان است هر که از شما سخن آهسته کند یا بلند کند و هر که به

مُسْتَخْفٍ بِاللَّیْلِ وَسارِبٌ بِالنَّهارِ، لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ،

شب پنهان گردد و یا رهرو شود در روز برای خدا فرشتگانی پیاپی است از جلوی روی انسان و از پشت سرش

یَحْفَظُونَهُ مِنْ امْرِ اللَّهِ، سُبْحانَ اللَّهِ الَّذی یُمیتُ الْأَحْیآءَ وَیُحْیِی الْمَوْتی

که او را به فرمان خدا محافظت کنند منزّه است خدایی که بمیراند زندگان را و زنده کند مردگان را

وَیَعْلَمُ ما تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ، وَیُقِرُّ فِی الْأَرْحامِ ما یَشآءُ الی اجَلٍ

و می داند آنچه را زمین از ایشان بکاهد و مستقر کند در رحمها آنچه را خواهد تا

مُسَمّیً* سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللَّهِ

مدتی معین* منزّه است خدا پدید آرنده هر دم زنی، منزّه است خدای صورت بخش، منزّه است خدا

خالِقِ الْأَزْواجِ کُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللَّهِ

آفریننده موجودات جفت همگی، منزّه است خدا مقرّر دارنده تاریکیها و روشنی، منزّه است خدا

ص :753

فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوی سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ کُلِّ شَیْ ءٍ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ ما

شکافنده دانه و هسته، منزّه است خدا آفریننده هر چیزی، منزّه است خدا آفریننده هر چه

یُری وَما لا یُری سُبْحانَ اللَّهِ مِدادَ کَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ،

دیدنی است و هر چه نادیدنی است، منزّه است خدا به مقدار کلماتش، منزّه است خداپروردگار جهانیان،

سُبْحانَ اللَّهِ مالِکِ الْمُلْکِ، تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشآءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ

منزّه است خدا مالک پادشاهی، بدهی سلطنت را به هر که خواهی و بگیری آن را از

تَشآءُ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشآءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشآءُ، بِیَدِکَ الْخَیْرُ، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ

هرکه خواهی و عزت بخشی هر که را خواهی و خوار کنی هر که را خواهی هر چه خیراست بدست توست و تو بر هر چیز

قَدیرٌ، تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهارِ، وَتُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّیْلِ، تُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ

توانایی درآوری شب را در روز و درآوری روز را در شب بیرون آوری زنده را

الْمَیِّتِ، وَتُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشآءُ بِغَیْرِ حِسابٍ*

از مرده و برون آوری مرده را از زنده و روزی دهی هر که را خواهی بی حساب*

سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ

منزّه است خدا آفریننده هر دم زنی، منزّه است خدای صورت بخش، منزّه است خدا آفریننده

الْأَزْواجِ کُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ

موجودات جفت همگی، منزّه است خدا مقرر کننده تاریکیها و روشنی، منزّه است خدا شکافنده

الْحَبِّ وَالنَّوی سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ کُلِّ شَیْ ءٍ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ ما یُری

دانه و هسته، منزّه است خدا آفریننده هر چیز، منزّه است خدا آفریننده هر دیدنی

وَما لا یُری سُبْحانَ اللَّهِ مِدادَ کَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ،

و نادیدنی، منزّه است خدا به مقدار کلمات نامنتهایش، منزّه است خدا پروردگار جهانیان،

سُبْحانَ اللَّهِ الَّذی عِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَیْبِ لا یَعْلَمُها الَّا هُوَ، وَیَعْلَمُ ما فِی الْبَرِّ

منزّه است خدایی که نزد اوست کلیدهای غیب و نمی داند آنها را جز او و می داند هر چه در خشکی

وَالْبَحْرِ، وَما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَهٍ الَّا یَعْلَمُها، وَلا حَبَّهٍ فی ظُلُماتِ الْأَرْضِ،

و دریاست و نیفتد برگی از درخت جز آن که بداند آن را و نیست دانه ای در تاریکیهای زمین

وَلا رَطْبٍ وَلا یابِسٍ الَّا فی کِتابٍ مُبینٍ* سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ،

و نه تر و نه خشکی جز این که در نامه ای روشن است* منزّه است خدا پدید آرنده هر دم زنی،

ص :754

سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ الْأَزْواجِ کُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ

منزّه است خدای صورت بخش، منزّه است خدا آفریننده هر موجود جفت همگی، منزّه است خدا

جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوی سُبْحانَ اللَّهِ

مقرّر دارنده تاریکیها و روشنی، منزّه است خدا شکافنده دانه و هسته، منزّه است خدا

خالِقِ کُلِّ شَیْ ءٍ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ ما یُری وَما لایُری سُبْحانَ اللَّهِ

آفریننده هر چیز، منزّه است خدا آفریننده هر دیدنی و هر نادیدنی، منزّه است خدا

مِدادَ کَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، سُبْحانَ اللَّهِ الَّذی لا یُحْصی

به مقدار کلمات نامتناهیش، منزّه است خدا پروردگار جهانیان، منزّه است خدایی که شماره نتوانند کرد

مِدْحَتَهُ الْقآئِلُونَ، وَلا یَجْزی بالائِهِ الشَّاکِرُونَ الْعابِدُونَ، وَهُوَ کَما قالَ

مدحش را گویندگان و پاداش ندهند نعمتهایش را سپاسگزاران پرستش کننده و او چنان است که گفته

وَفَوْقَ ما یَقُولُ الْقائلُونَ، وَاللَّهُ سُبْحانَهُ کَما اثْنی عَلی نَفْسِهِ، وَلا

و برتر از آن است که گویندگان گویند و خدای سبحان چنان است که خودش خویشتن را ستوده

یُحیطُونَ بِشَیْ ءٍ مِنْ عِلْمِهِ الَّا بِما شآءَ، وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ، و

رسایی ندارند به چیزی از دانشش جز بدانچه خود او خواهد قلمرو او آسمانهاو زمین را فراگرفته

وَلا یَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ* سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ

و سنگینی نمی کند بر او نگهداشتن آن دو و او والا و بزرگ است* منزّه است خدا پدیدآرنده هر دم زنی منزّه است

اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ الْأَزْواجِ کُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ جاعِلِ

خدای صورت بخش، منزّه است خدا آفریننده هر جفت همگی، منزّه است خدا مقرّر دارنده

الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوی سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ

تاریکیها و روشنی، منزّه است خدا شکافنده دانه و هسته، منزّه است خدا آفریننده

کُلِّ شَیْ ءٍ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ ما یُری وَما لا یُری سُبْحانَ اللَّهِ مِدادَ

هر چیز، منزّه است خدا آفریننده هر دیدنی و هرنادیدنی، منزّه است خدا به مقدار

کَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، سُبْحانَ اللَّهِ الَّذی یَعْلَمُ ما یَلِجُ فِی

کلماتش منزّه است خدا پروردگار جهانیان، منزّه است آن خدایی که می داند آنچه فرو رود در

الْأَرْضِ وَما یَخْرُجُ مِنْها، وَما یَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ وَما یَعْرُجُ فیها، وَلا

زمین و آنچه بیرون آید از آن و آنچه فرو ریزد از آسمان و آنچه بالا رود در آن

يَشْغَلُهُ ما يَلِجُ فِى الْأَرْضِ وَمايَخْرُجُ مِنْها، عَمَّا يَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ وَما

و سرگرمش نكند آنچه فرو رود در زمين و آنچه بيرون آيد از آن از آنچه فرود آيد از آسمان و آنچه

يَعْرُجُ فيها، وَلا يَشْغَلُهُ ما يَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ وَما يَعْرُجُ فيها، عَمَّا يَلِجُ فِى

بالا رود در آن و سرگرمش نكند آنچه فرود آيد از آسمان و آنچه بالا رود در آن از آنچه فرو رود در

الْأَرْضِ وَما يَخْرُجُ مِنْها، وَلا يَشْغَلُهُ عِلْمُ شَىْ ءٍ عَنْ عِلْمِ شَىْ ءٍ، وَلا

زمين و آنچه بيرون آيد از آن و سرگرمش نكند علم به چيزى از علم به چيز ديگر

يَشْغَلُهُ خَلْقُ شَىْ ءٍ عَنْ خَلْقِ شَىْ ءٍ، وَلا حِفْظُ شَىْ ءٍ عَنْ حِفْظِ شَىْ ءٍ، وَلا

و سرگرمش نكند آفريدن چيزى از آفريدن چيز ديگر و نه نگهدارى چيزى از نگهدارى چيز ديگر و چيزى

يُساويهِ شَىْ ءٌ، وَلا يَعْدِلُهُ شَىْ ءٌ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَىْ ءٌ، وَهُوَ السَّميعُ الْبَصيرُ*

با او مساوى نيست و چيزى معادل او نيست و چيزى مانند او نيست و او شنوا و بينا است*

سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ

منزّه است خدا پديد آرنده هر دم زنى، منزّه است خداى صورت بخش، منزّه است خدا آفريننده

الْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ

هر موجود جفت، منزّه است خدا مقرّر دارنده تاريكيها و روشنى، منزّه است خدا شكافنده

الْحَبِّ وَالنَّوى سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ كُلِّ شَىْ ءٍ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ ما يُرى

دانه و هسته، منزّه است خدا آفریننده هر چیز، منزّه است خدا آفریننده هر دیدنی

وَما لا یُری سُبْحانَ اللَّهِ مِدادَ کَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ،

و هر نادیدنی، منزّه است خدا به مقدار کلمات نامتناهیش، منزّه است خدا پروردگار جهانیان،

سُبْحانَ اللَّهِ فاطِرِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ، جاعِلِ الْمَلائِکَهِ رُسُلاً اولی

منزّه است خدا خالق آسمانها و زمین آن که فرشتگان را فرستادگانی مقرر فرمود که آنها دارای

اجْنِحَهٍ، مَثْنی وَثُلاثَ وَرُباعَ، یَزیدُ فِی الْخَلْقِ ما یَشآءُ، انَّ اللَّهَ عَلی کُلِ

بالهایند دوتا دوتا و سه تا سه تا و چهارتا چهارتا و بیفزاید در خلقت هر چه بخواهد و براستی خدابر هر

شَیْ ءٍ قَدیرٌ، ما یَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَهٍ فَلا مُمْسِکَ لَها، وَما یُمْسِکْ فَلا

چیز توانا است هر رحمتی را که خدا گشاید کسی بستن آن نتواند و هر چه را خدا بندد پس

مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ، وَهُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ* سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ،

از او کسی آن را نگشاید و او است نیرومند فرزانه* منزّه است خدا آفریننده هر دم زنی،

ص :756

سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ الْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ

منزّه است خدای صورت بخش، منزّه است خدا آفریننده هر موجود جفت همگی، منزّه است خدا

جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوی سُبْحانَ اللَّهِ

مقرر دارنده تاریکیها و روشنی، منزّه است خدا شکافنده دانه و هسته، منزّه است خدا

خالِقِ کُلِّ شَیْ ءٍ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ ما یُری وَما لا یُری سُبْحانَ اللَّهِ

آفریننده هر چیز، منزّه است خدا آفریننده دیدنیها ونادیدنیها، منزّه است خدا

مِدادَ کَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، سُبْحانَ اللَّهِ الَّذی یَعْلَمُ ما فِی

به مقدار کلمات نامنتهایش، منزّه است خدا پروردگار جهانیان، منزّه است خدایی که می داند آنچه را در

السَّماواتِ وَما فِی الْأَرْضِ، ما یَکوُنُ مِنْ نَجْوی ثَلاثَهٍ الَّا هُوَ رابِعُهُمْ،

آسمانها و آنچه را در زمین است، نباشد گفتگوی سرّی و رازگویی سه نفری جز این که او چهارمین آنهاست

وَلا خَمْسَهٍ الَّا هُوَ سادِسُهُمْ، وَلا ادْنی مِنْ ذلِکَ وَلا اکْثَرَ الَّا هُوَ مَعَهُمْ

و نه پنج نفری جز این که او ششمین آنهاست و نه کمتر از این و نه بیشتر از این جز این که او با آنهاست

ایْنَما کانُوا، ثُمَّ یُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا یَوْمَ الْقِیامَهِ، انَّ اللَّهَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلیمٌ.(1)

هر کجا که باشند سپس آگاهشان کند در روز قیامت بدانچه کرده اند براستی خدا بهر چیز داناست.

***

3- در هر روز از ماه مبارک رمضان، این صلوات خوانده شود که بسیار پرمحتوا و پرارزش است:

انَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ، یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ

همانا خدا و فرشتگانش درود فرستند بر پیامبر ای کسانی که ایمان آورده اید شما هم درود فرستید بر او

وَسَلِّمُوا تَسْلیماً، لَبَّیْکَ یا رَبِّ وَسَعْدَیْکَ وَسُبْحانَکَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی

و سلام کنید سلام کامل، پروردگارا من هم دستورت را اجابت کردم و پی درپی از تو سعادت می خواهم و منزّهی تو خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، کَما صَلَّیْتَ وَبارَکْتَ

محمّد و آل محمّد و برکت ده بر محمّدو آل محمّد چنانچه درود فرستادی و برکت دادی

عَلی ابْراهیمَ وَآلِ ابْراهیمَ، انَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ، اللَّهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ

بر ابراهیم و آل ابراهیم براستی تو ستوده و بزرگواری خدایا مهرورز بر محمّد و آل

ص: 757

1- [987]مصباح المتهجّد، صفحه 616 و اقبال، صفحه 93 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 105.

مُحَمَّدٍ، کَما رَحِمْتَ ابْراهیمَ وآلَ ابْراهیمَ، انَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ، اللَّهُمَّ سَلِّمْ

محمّد چنانچه مهر ورزیدی بر ابراهیم و آل ابراهیم براستی تو ستوده و بزرگواری خدایا تحیت و سلام فرست

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، کَما سَلَّمْتَ عَلی نُوحٍ فِی الْعالَمینَ، [اللَّهُمَّ امْنُنْ

بر محمّد و آل محمّد چنانچه تحیت فرستادی بر حضرت نوح در میان جهانیان خدایا نعمت بخش

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، کَما مَنَنْتَ عَلی مُوسی وَهرُونَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی

بر محمّد و آل محمّد چنانچه نعمت بخشیدی بر موسی و هارون خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، کَما شَرَّفْتَنا بِهِ (1)، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

محمّد و آل محمّد چنانچه ما را بدو شرافت دادی خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد

کَما هَدَیْتَنا بِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً

چنانچه ما را بدو راهنمایی کردی خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و به مقام ستوده ای برانگیزانش

یَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْأخِرُونَ، عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلامُ کُلَّما طَلَعَتْ

که اوّلین و آخرین بر او غبطه خورند، بر محمّد و آلش سلام باد هر زمان که

شَمْسٌ اوْ غَرَبَتْ، عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلامُ کُلَّما طَرَفَتْ عَیْنٌ اوْ بَرَقَتْ،

برآید خورشید یا غروب کند بر محمّد و آلش سلام باد هر زمان که پلک چشمی بهم خورد یابرقی زند،

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلامُ کُلَّما ذُکِرَ السَّلامُ، عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلامُ کُلَّما

بر محمّد و آلش سلام باد هر زمان که ذکر سلامی شود، بر محمّد و آلش سلام باد هر

سَبَّحَ اللَّهَ مَلَکٌ اوْ قَدَّسَهُ، السَّلامُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِی الْأَوَّلینَ، وَالسَّلامُ

زمان که تسبیح خدا کند فرشته ای یا تقدیسش کند سلام بر محمّد و آلش در میان اوّلین و سلام

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِی الْأخِرینَ، وَالسَّلامُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِی الدُّنْیا

بر محمّد و آلش در آخرین و سلام برمحمّد و آلش در دنیا

وَالأخِرَهِ، اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ، وَرَبَّ الرُّکْنِ وَالْمَقامِ، وَرَبَّ الْحِلِ

و آخرت خدایا ای پروردگار شهر محترم مکه و پروردگار رکن و مقام و پروردگار حل

وَالْحَرامِ، ابْلِغْ مُحَمَّداً نَبِیَّکَ عَنَّا السَّلامَ، اللهُمَّ اعْطِ مُحَمَّداً مِنَ الْبَهآءِ

و حرم از ما به محمّد پیامبرت سلام برسان خدایا عطا کن به محمّد از جلوه

ص: 758

1- [988]این جملات در اقبال آمده است.

وَالنَّضْرَهِ، وَالسُّرُورِ وَالْکَرامَهِ، وَالْغِبْطَهِ وَالْوَسیلَهِ، وَالْمَنْزِلَهِ وَالْمَقامِ،

و درخشندگی و شادی و بزرگواری و خوش حالی و وسیله و منزلت و مقام

وَالشَّرَفِ وَالرِّفْعَهِ، وَالشَّفاعَهِ عِنْدَکَ یَوْمَ الْقِیامَهِ، افْضَلَ ما تُعْطی احَداً

و شرافت و بلندی مقام و شفاعت نزد تو در روز رستاخیز بهترین چیزی را که عطا کنی به یکی

مِنْ خَلْقِکَ، وَاعْطِ مُحَمَّداً فَوْقَ ما تُعْطِی الْخَلائِقَ مِنَ الْخَیْرِ، اضْعافاً

از خلق خود و عطا کن به محمّد بالاترین خیری را که به خلایق عطا می کنی به چندین برابر

کَثیرَهً لا یُحْصیها غَیْرُکَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اطْیَبَ

که شماره اش نتواند کسی جز تو خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد پاکترین

وَاطْهَرَ، وَازْکی وَانْمی وَافْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی احَدٍ مِنَ الْأَوَّلینَ

و پاکیزه ترین و نیکوترین و فزاینده ترین و بهترین درودی که بر یکی از اوّلین

وَالْأخِرینَ، وَعَلی احَدٍ مِنْ خَلْقِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی

و آخرین و بطور کلی بر یکی از خلق خود فرستی ای مهربانترین مهربانان خدایا درود فرست بر

عَلیٍّ امیرِ الْمُؤْمِنینَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ الْعَذابَ

علی امیرمؤمنان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت

عَلی مَنْ شَرِکَ فی دَمِهِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی فاطِمَهَ بِنْتِ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ

را بر آن کس که در ریختن خونش شرکت کرد خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت محمّد بر او

وَآلِهِ السَّلامُ، وَالْعَنْ مَنْ آذی نَبِیَّکَ فیها، اللهُمَّ صَلِّ عَلَی الْحَسَنِ

و آلش سلام باد و لعنت کن کسی که پیامبرت را در مورد دخترش آزرده کرد خدایا درود فرست بر حسن

وَالْحُسَیْنِ امامَیِ الْمُسْلِمینَ، وَوالِ مَنْ والاهُما، وَعادِ مَنْ عاداهُما،

و حسین دو پیشوای مسلمانان و دوست بدار هر که دوستشان دارد و دشمن دار هر که دشمنشان دارد

وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلی مَنْ شَرِکَ فی دِمائِهِما، اللهُمَّ صَلِّ عَلی عَلِیِّ بْنِ

و دو چندان کن عذابت را برهرکس که در ریختن خونشان شرکت کرد خدایا درود فرست بر علی بن

الْحُسَیْنِ امامِ الْمُسْلِمینَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ

الحسین پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش داردو دو چندان کن

الْعَذابَ عَلی مَنْ ظَلَمَهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدِ بنِ عَلِیٍّ امامِ

عذابت را بر هر که به او ستم کرد خدایا درود فرست بر محمّد بن علی پیشوای

الْمُسْلِمینَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى مَنْ

مسلمانان و دوست دار هر كه دوستش دارد و دشمن دار هر كه دشمنش دارد و دو چندان كن عذابت را بر هر كه

ظَلَمَهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ امامِ الْمُسْلِمینَ، وَوالِ مَنْ

بدو ستم كرد خدایا درود فرست بر جعفر بن محمّد پیشوای مسلمانان و دوست دار هر كه

والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى مَنْ ظَلَمَهُ، اللهُمَّ صَلِ

دوستش دارد و دشمن دار هر كه دشمنش دارد و دو چندان كن عذابت را بر هر كه به او ستم كرد خدایا درود فرست

عَلى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ امامِ الْمُسْلِمینَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ،

بر موسى بن جعفر پیشوای مسلمانان و دوست دار هر كه دوستش دارد و دشمن دار هر كه دشمنش دارد

وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى مَنْ شَرِكَ فى دَمِهِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى عَلِىِّ بْنِ

و دو چندان كن عذابت را بر هر كس كه در ریختن خونش شركت كرد خدایا درود فرست بر على بن

مُوسى امامِ الْمُسْلِمینَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ

موسى پیشوای مسلمانان و دوست دار هر كه دوستش دارد و دشمن دار هر كه دشمنش دارد و دو چندان كن

الْعَذابَ عَلى مَنْ شَرِكَ فى دَمِهِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ امامِ

عذابت را بر هر كس كه در ریختن خونش شركت كرد خدایا درود فرست بر محمّد بن على پیشوای

الْمُسْلِمینَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى مَنْ

مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر کس

ظَلَمَهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ امامِ الْمُسْلِمینَ، وَوالِ مَنْ والاهُ،

که بدو ستم کرد خدایا درود فرست بر علی بن محمّد پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد

وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلی مَنْ ظَلَمَهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلَی

و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر کس که بدو ستم کرد خدایا درود فرست بر

الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ امامِ الْمُسْلِمینَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ،

حسن بن علی پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد

وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلی مَنْ ظَلَمَهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلَی الْخَلَفِ مِنْ بَعْدِهِ امامِ

و دو چندان کن عذابت را بر هر کس که بدو ستم کرده خدایا درود فرست بر یادگار پس از او پیشوای

الْمُسْلِمینَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، [وَعَجِّلْ فَرَجَهُ (1)، اللهُمَ

مسلمانان و دوست دار هر که دوستش داردو دشمن دار هر که دشمنش دارد و در فرجش شتاب فرما خدایا

ص: 760

1- [989]این جمله در اقبال آمده است.

صَلِّ عَلَی الْقاسِمِ وَالطَّاهِرِ ابْنَیْ نَبِیِّکَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلَی رُقَیَّهَ بِنْتِ نَبِیِّکَ،

درود فرست بر قاسم و طاهر پسران پیامبرت خدایا درود فرست بر رقیه دختر پیامبرت

وَ الْعَنْ مَنْ آذی نَبِیَّکَ فیها، اللهُمَّ صَلِّ عَلَی امِّ کُلْثُومَ بِنْتِ نَبِیِّکَ، وَالْعَنْ

و لعنت کن بر آن کس که پیامبرت را در مورد اوآزرد خدایا درود فرست بر ام کلثوم دختر پیامبرت و لعنت کن

مَنْ آذی نَبِیَّکَ فیها، اللهُمَّ صَلِّ عَلَی ذُرِّیَّهِ نَبِیِّکَ، اللهُمَّ اخْلُفْ نَبِیَّکَ فی

کسی را که پیامبرت را در مورد او آزردخدایا درود فرست بر فرزندان پیغمبرت خدایا بجای پیامبرت سرپرستی

اهْلِ بَیْتِهِ، اللهُمَّ مَکِّنْ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ، اللهُمَّ اجْعَلْنا مِنْ عَدَدِهِمْ

خاندانش را به عهده گیر خدایا پابرجا کن حکومتشان را در زمین خدایا ما را در زمره عدّه

وَمَدَدِهِمْ، وَانْصارِهِمْ عَلیَ الْحَقِّ فِی السِّرِّ وَالْعَلانِیَهِ، اللَّهُمَّ اطْلُبْ بِذَحْلِهِمْ

و کمک کاران و یاران آنها بر حق قرارمان ده چه در پنهانی و چه آشکارا خدایا بِسِتان انتقام

وَ وِتْرِهِمْ وَ دِمآئِهِمْ، وَ کُفَّ عَنَّا وَ عَنْهُمْ وَ عَنْ کُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَهٍ بَأْسَ کُلِ

و قصاص و خونشان را و باز دار از ما و از ایشان و از هر مرد مؤمن و زن با ایمانی شر هر

باغٍ وَ طاغٍ، وَ کُلِّ دآبَّهٍ انْتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها، انَّکَ اشَدُّ بَأْساً وَ اشَدُّ تَنْکیلاً.(1)

ستمگر و سرکش و هر جانوری را که مهارش بدست تو است زیرا تو در سخت گیری از همه سخت تر ومجازات عقوبتت از همه شدیدتر است.

«سیّد بن طاووس» فرموده: آنگاه می گویی: یا عُدَّتی فی کُرْبَتی وَ یا صاحِبی فی

******************* ای ذخیره ام در حال غمزدگی و ای همدمم در

شِدَّتی وَیا وَلِیّی فی نِعْمَتی وَ یا غایَتی فی رَغْبَتی انْتَ السَّاتِرُ

سختی و ای سرپرستم در نعمت و ای منتهای شوق و رغبت من تویی پوشاننده

عَوْرَتی وَ الْمُؤْمِنُ رَوْعَتی وَ الْمُقیلُ عَثْرَتی فَاغْفِرْ لی خَطیئَتی یا

زشتیم و امان بخش ترس و بیمم و نادیده گیر لغزشم بیامرز خطای مرا ای

ارْحَمَ الرَّاحِمینَ* و می گویی: اللهُمَّ انّی ادْعُوکَ لِهَمٍّ لا یُفَرِّجُهُ غَیْرُکَ،

مهربانترین مهربانان********* خدایا تو را بخوانم در مورد اندوهی که برطرفش نکند کسی جز تو

وَلِرَحْمَهٍ لا تُنالُ الَّا بِکَ، وَلِکَرْبٍ لا یَکْشِفُهُ الَّا انْتَ، وَ لِرَغْبَهٍ لا تُبْلَغُ الّا

و در مورد رحمتی که نرسد جز بوسیله تو و برای گرفتگی که برطرفش نکند جز تو و در مورد شوقی که بدان نتوان رسید جز

ص :761

1- [990]مصباح المتهجّد، صفحه 620 و اقبال، صفحه 96 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 108(با مقداری تفاوت).

بِکَ، وَلِحاجَهٍ لا یَقْضیها الَّا انْتَ، اللهُمَّ فَکَما کانَ مِنْ شَاْنِکَ ما اذِنْتَ لی

به توفیق تو و در مورد حاجتی که کسی آن را برنیاورد جز تو خدایا هم چنانکه شأن تو بود که به من اجازه فرمودی

بِهِ مِنْ مَسْئَلَتِکَ، وَ رَحِمْتَنی بِهِ مِنْ ذِکْرِکَ، فَلْیَکُنْ مِنْ شَاْنِکَ سَیِّدِی

از تو درخواست کنم و بوسیله یادآوریت به من مهر ورزیدی پس ای آقای من از شأن تو باید چنین باشد

الْإِجابَهُ لی فیما دَعَوْتُکَ، وَ عَوآئِدُ الْإِفْضالِ فیما رَجَوْتُکَ، وَالنَّجاهُ

که در آنچه تو را خواندم اجابتم فرمایی و در آنچه امید به تو دارم عایدات فزون بخشی باشد و نجاتم دهی

مِمَّا فَزِعْتُ الَیْکَ فیهِ، فَانْ لَمْ اکُنْ اهْلًا انْ ابْلُغَ رَحْمَتَکَ، فَانَّ رَحْمَتَکَ

از آنچه درباره اش به تو پناه آوردم و اگر من شایستگی ندارم که به رحمت و مهر تو برسم مسلّماً رحمت تو

اهْلٌ انْ تَبْلُغَنی وَ تَسَعَنی وَ انْ لَمْ اکُنْ لِلْإِجابَهِ اهْلًا فَانْتَ اهْلُ الْفَضْلِ،

شایسته است که به من برسد و مرا فراگیرد و اگر من شایستگی اجابت دعا را ندارم ولی تو اهل فضلی

وَرَحْمَتُکَ وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ، فَلْتَسَعْنی رَحْمَتُکَ، یا الهی یا کَریمُ، اسْئَلُکَ

و رحمتت همه چیز را شامل گردد پس باید مرا هم شامل شود ای خدای من ای خدای کریم از تو خواهم به

بِوَجْهِکَ الْکَریمِ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ اهْلِ بَیْتِهِ، وَ انْ تُفَرِّجَ

حق ذات بزرگوارت که درود فرستی بر محمّد و خاندانش و این که اندوه دلم را بگشایی

هَمّی وَ تَکْشِفَ کَرْبی وَ غَمّی وَ تَرْحَمَنی بِرَحْمَتِکَ، وَ تَرْزُقَنی مِنْ

و گرفتاری و غصه ام را برطرف کنی و به رحمت خود به من رحم کنی و از فضل خود روزیم گردانی

فَضْلِکَ، انَّکَ سَمیعُ الدُّعآءِ، قَریبٌ مُجیبٌ.(1)

که براستی تو شنوای دعایی و نزدیک و پاسخ دهنده هستی.

***

4- همچنین در کتب معتبر آمده است در هر روز از ماه مبارک رمضان بخوان:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ بِافْضَلِهِ، وَکُلُّ فَضْلِکَ فاضِلٌ، اللَّهُمَّ انّی

خدایا از تو خواهم از فضلت از برترین آن و همه فضل تو برتر است خدایا از

اسْئَلُکَ بِفَضْلِکَ کُلِّه، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ رِزْقِکَ بِاعَمِّهِ، وَکُلُّ رِزْقِکَ

تو خواهم به حق فضل تو همگی خدایا از تو خواهم ازروزیت از عمومی ترین آنها (که شامل همه می شود) گرچه تمام روزی تو

1- [991]اقبال، صفحه 98 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 110.

عآمٌّ، اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُکَ بِرِزْقِکَ کُلِّهِ، اللهُمَّ انّى اسْئَلُکَ مِنْ عَطآئِکَ

عمومى است خدايا از تو خواهم به همه اقسام روزيت خدايا از تو خواهم از عطايت

بِاهْنَأِهِ، وَکُلُّ عَطآئِکَ هَنى ءٌ، اللهُمَّ انّى اسْئَلُکَ بِعَطآئِکَ کُلِّهِ، اللهُمَّ انّى

از گواراترين عطاها با اين که همه انواع عطاى تو گواراست خدايا از تو خواهم به همه اقسام عطاى تو خدايا از

اسْئَلُکَ مِنْ خَيْرِکَ بِاعْجَلِهِ، وَکُلُّ خَيْرِکَ عاجِلٌ، اللهُمَّ انّى اسْئَلُکَ

تو خواهم از خير و نيکيت به زودرس ترين آنها در صورتى که تمام نيکيهايت زودرس است خدايا از تو خواهم

بِخَيْرِکَ کُلِّهِ، اللهُمَّ انّى اسْئَلُکَ مِنْ احْسانِکَ بِاحْسَنِهِ، وَکُلُّ احْسانِکَ

به همه انواع نيکيت خدايا از تو خواهم بهترين احسانت و همه احسان تو

حَسَنٌ، اللهُمَّ انّى اسْئَلُکَ بِاحْسانِکَ کُلِّهِ، اللهُمَّ انّى اسْئَلُکَ بِما تُجيبُنى

نيکوست خدايا از تو خواهم تمام انواع احسانت را خدايا از تو خواهم بدانچه اجابتم کنى

بِهِ حينَ اسْئَلُکَ، فَاجِبْنى يا اللَّهُ، وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ

هنگامى که از تو خواهم پس اجابتم کن اى خدا و درود فرست بر محمّد و آل او بنده

الْمُرْتَضى وَرسُولِکَ الْمُصْطَفى وَامينِکَ وَنَجِيِّکَ دُونَ خَلْقِکَ، وَنَجيبِکَ

پسنديده ات و فرستاده برگزيده ات و امين بر وحيت و محرم رازت از ميان خلق و نيک گوهرت

مِنْ عِبادِکَ، وَنَبِيِّکَ بِالصِّدْقِ وَحَبيبِکَ، وَصَلِّ عَلى رَسُولِکَ، وَخِيَرَتِکَ

از بندگان تو و پیامبرت براستی و دوستت و دورد فرست بر رسول و برگزیده ات

مِنَ الْعالَمینَ، الْبَشیرِ النَّذیرِ، السِّراجِ الْمُنیرِ، وَعلی اهْلِ بَیْتِهِ

از جهانیان نوید دهنده و ترساننده آن چراغ تابناک و بر خاندان

الْأَبْرارِ الطَّاهِرینَ، وَعَلی مَلائِکَتِکَ الَّذینَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِکَ،

نیکو و پاکیزه اش و بر فرشتگانت که خالص گرداندی آنها را برای خویش و آنها را

وَحَجَبْتَهُمْ عَنْ خَلْقِکَ، وَعَلی انْبِیآئِکَ الَّذینَ یُنْبِئُونَ عَنْکَ بِالصِّدْقِ،

از خلق خود مستور داشتی و بر پیامبرانت که از تو براستی خبر دهند

وَعَلی رُسُلِکَ الَّذینَ خَصَصْتَهُمْ بِوَحْیِکَ، وَفَضَّلْتَهُمْ عَلَی الْعالَمینَ

و بر رسولانت که به وحی خویش مخصوصشان داشتی و بوسیله رسالتهای خویش بر جهانیان

بِرِسالاتِکَ، وَعَلی عِبادِکَ الصَّالِحینَ الَّذینَ ادْخَلْتَهُمْ فی رَحْمَتِکَ،

برتریشان دادی و بر بندگان شایسته ات که داخلشان کردی در رحمتت

ص: 763

الْأَئِمَّهِ الْمُهْتَدينَ الرَّاشِدينَ، وَاوْلِیآئِکَ الْمُطَهَّرینَ، وَعَلی جَبْرَئیلَ

آن پیشوایان راهنمایی شده و رهبر و دوستان پاکیزه ات و بر جبرئیل

وَمیکآئیلَ وَاسْرافیلَ وَمَلَکِ الْمَوْتِ، وَ مالِکٍ خازِنِ النَّارِ، وَ رِضْوانَ

و میکائیل و اسرافیل و فرشته مرگ و بر «مالک» خزینه دار دوزخ و بر «رضوان»

خازِنِ الْجِنانِ، وَرُوحِ الْقُدُسِ، وَالرُّوحِ الْأَمینِ، وَحَمَلَهِ عَرْشِکَ

خزینه دار بهشت و روح القدس و روح الامین و حاملین مقرّب عرش تو

الْمُقَرَّبینَ، وَعَلی الْمَلَکَیْنِ الْحافِظَیْنِ عَلَیَّ بِالصَّلاهِ، الَّتی تُحِبُّ انْ یُصَلِّیَ

و بر دو فرشته نگهبان من درودی که دوست داری که درود فرستند

بِها عَلَیْهِمْ اهْلُ السَّماواتِ وَاهْلُ الْأَرَضینَ، صَلاهً طَیِّبَهً کَثیرهً، مُبارَکَهً

بدان آسمانیان و زمینیان بر ایشان درودی پاک و بسیار و مبارک

زاکِیَهً نامِیَهً، ظاهِرَهً باطِنَهً، شَریفَهً فاضِلَهً، تُبَیِّنُ بِها فَضْلَهُمْ عَلَی

و پاکیزه و فزاینده و آشکار و پنهان و شریف و برتری که آشکار سازی بدان درود برتری ایشان را

الْأَوَّلینَ وَالْأخِرینَ، اللهُمَّ وَاعْطِ مُحَمَّداً الْوَسیلَهَ، وَالشَّرَفَ وَالْفَضیلَهَ،

بر اوّلین و آخرین خدایا و عطا کن به محمّد وسیله و شرف و فضیلت را

وَاجْزِهِ خَیْرَ ما جَزَیْتَ نَبِیّاً عَنْ امَّتِهِ، اللهُمَّ وَاعْطِ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ

و پاداشش بده به بهتر چیزی که پاداش دهی پیمبری را از امتش خدایا و عطا کن به محمّد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد-

وَآلِهِ، مَعَ کُلِّ زُلْفَهٍ زُلْفَهً، وَمَعَ کُلِّ وَسیلَهٍ وَسیلَهً، وَمَعَ کُلِّ فَضیلَهٍ فَضیلَهً،

با هر مقام و رتبه ای مقام و رتبه ای دیگر و با هر وسیله ای وسیله ای دیگر و با هر فضیلتی فضیلتی دیگر

وَمَعَ کُلِّ شَرَفٍ شَرَفاً، تُعْطی مُحَمَّداً وَ الَهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ، افْضَلَ ما اعْطَیْتَ

و با هر شرافتی شرافتی دیگر بدهی به محمّد و آلش در روز قیامت بهترین چیزی که عطا کنی

احَداً مِنَ الْأَوَّلینَ وَالْأخِرینَ، اللهُمَّ وَاجْعَلْ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ

به احدی از اوّلین و آخرین خدایا و قرار ده محمّد صلی اللَّه علیه

وَآلِهِ، ادْنَی الْمُرْسَلینَ مِنْکَ مَجْلِساً، وَافْسَحَهُمْ فِی الْجَنَّهِ عِنْدَکَ مَنْزِلاً،

و آله را نزدیکترین رسولان بخود در مجلس و منزلش را در بهشت وسیع ترین منازل در پیش خود گردان

وَاقْرَبَهُمْ الَیْکَ وَسیلَهً، وَاجْعَلْهُ اوَّلَ شافِعٍ، وَ اوَّلَ مُشَفَّعٍ، وَ اوَّلَ

و نزدیکترین افراد از نظر وسیله در نزد خود و قرارش ده نخستین شفیع و هم نخستین کسی که شفاعتش پذیرفته است و نخستین

ص: 764

قآئِلٍ، وَانْجَحَ سائِلٍ، وَابْعَثْهُ الْمَقامَ الْمَحْمُودَ الَّذی یَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ

گوینده و حاجت رواترین خواهنده و برانگیزش به مقامی شایسته که غبطه برند به او اوّلین

وَالْأخِرُونَ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، وَاسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ

و آخرین ای مهربانترین مهربانان و از تو خواهم که درود فرستی بر محمّد و آل

مُحَمَّدٍ، وَانْ تَسْمَعَ صَوْتی وَتُجیبَ دَعْوَتی وَ تَجاوَزَ عَنْ خَطیئَتی

محمّد و این که صدایم بشنوی و دعایم را اجابت کنی و از خطایم بگذری

وَتَصْفَحَ عَنْ ظُلْمی وَتُنْجِحَ طَلِبَتی وَتَقْضِیَ حاجَتی وَتُنْجِزَ لی ما

و از ستمم چشم پوشی کنی و حاجت روایم کنی و خواسته ام بدهی و بدانچه وعده ام

وَعَدْتَنی وَتُقیلَ عَثْرَتی [وَتَقْبَلَ مِنّی (1) وَتَغْفِرَ ذُنُوبی وَتَعْفُوَ عَنْ

کرده ای وفا کنی و لغزشم را نادیده گیری و گناهم را بیامرزی و از

جُرْمی وَ تَقَبَّلَ عَمَلی وَ لا تُعْرِضَ عَنّی وَ تَرْحَمَنی وَ لا تُعَذِّبَنی

جرمم بگذری و عمل مرا بپذیری و رو از من نگردانی و به من رحم کنی و عذابم نکنی

وَتُعافِیَنی وَلاتَبْتَلِیَنی وَتَرْزُقَنی مِنَ الرِّزْقِ اطْیَبَهُ وَاوْسَعَهُ، وَلا تَحْرِمَنی

و تندرستم کنی و مبتلایم نسازی و روزیم ده از پاک ترین و فراخ ترین روزیها و محروممم نکنی

یا رَبِّ، وَاقْضِ عَنّی دَیْنی وَضَعْ عَنّی وِزْری وَلا تُحَمِّلْنی ما لا طاقَةَ

ای پروردگار و قرضم را ادا کنی و بار گناهم را از دوشم برداری و باری بر دوشم ننهی که طاقتش را

لی بِهِ یامَوْلایَ، وَادْخِلْنی فی کُلِّ خَیْرٍ ادْخَلْتَ فیهِ مُحَمَّداً وَ الَ مُحَمَّدٍ،

ندارم ای سرور من و داخل گردانی مرا در هر خیری که داخل کردی در آن محمّد و آل محمّد را

وَاخْرِجْنی مِنْ کُلِّ سُوءٍ اخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَواتُکَ

و بیرونم آوری از هر بدی (و شری) که برون آوردی از آن محمّد و آل محمّد را که درودهای تو

عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ اجْمَعینَ، وَالسَّلامُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ*

بر او و بر ایشان باد همگی و سلام بر او و بر ایشان و رحمت خدا و برکاتش

آنگاه سه مرتبه بگو: اللهُمَّ انّی ادْعُوکَ کَما امَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی

****** خدایا تو را خوانم چنانکه دستورم دادی پس به اجابت رسان دعایم را چنانچه وعده ام فرمودی

1- [992]این جمله در اقبال آمده است.

* سپس بگو: اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ قَلیلاً مِنْ کَثیرٍ، مَعَ حاجَهٍ بی الَیْهِ عَظیمَهٍ،

****** خدایا از تو خواهم اندکی از بسیار با نیاز بس بزرگی که من بدان دارم

وَغِناکَ عَنْهُ قَدیمٌ، وَهُوَ عِنْدی کَثیرٌ، وَهُوَ عَلَیْکَ سَهْلٌ یَسیرٌ، فَامْنُنْ عَلَیَ

ولی تو از قدیم بی نیاز بدان بوده ای و آن حاجت پیش من بسیار ولی برای تو سهل و آسان است پس بر من بدان حاجت منّت نه

بِهِ، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، امینَ رَبَّ الْعالَمینَ.(1)

که تو بر هر چیز توانایی اجابت کن ای پروردگار جهانیان.

***

5- «شیخ مفید» در کتاب «مقنعه» از راوی موثّق و جلیل القدر علیّ بن مهزیار از حضرت امام محمّدتقی علیه السلام روایت کرده است که مستحب است در هر وقت از شب و روز ماه رمضان، از اوّل ماه تا آخر آن، این دعا را بخوانی:

یا ذَا الَّذی کانَ قَبْلَ کُلِّ شَیْ ءٍ، ثُمَّ خَلَقَ کُلَّ شَیْ ءٍ، ثُمَّ یَبْقی وَیَفْنی کُلُ

ای که بوده ای پیش از هر چیز و آفرید هر چیز را و سپس تنها او باقی ماند و هر چه هست

شَیْ ءٍ، یا ذَا الَّذی لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ، وَیا ذَا الَّذی لَیْسَ فِی السَّماواتِ

فانی شود ای که نیست مانندش چیزی ای که معبودی جز او در آسمانهای

الْعُلی وَلا فِی الْأَرَضینَ السُّفْلی وَلا فَوْقَهُنَّ وَلا تَحْتَهُنَّ، وَلا بَیْنَهُنَّ الهٌ

بالا و نه در زمینهای پایین و نه فوق آنها و نه زیر آنها و نه در مابین آنها

یُعْبَدُ غَیْرُهُ، لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً لا یَقْوی عَلی احْصآئِهِ الَّا انْتَ، فَصَلِّ عَلی

نیست خاص توست ستایش آن ستایشی که توانایی ندارد بر شماره اش کسی جز تو درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمِّدٍ، صَلاةً لا یَقْوی عَلی احْصآئِها الّا انْتَ.(2)

محمّد و آل محمّد درودی که توانایی نداشته باشد بر شماره اش کسی جز تو.

***

6- «شیخ کفعمی» در «بلدالامین» و «مصباح» از کتاب «اختیار» «سیّد بن باقی» نقل کرده است که هر کس بخواند این دعا را در هر روز از ماه رمضان، خداوند متعال گناهان بسیاری را از او بیامرزد:

ص: 766

1- [993]مصباح المتهجّد، صفحه 623 و اقبال، صفحه 98 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 111(با اندکی تفاوت).
2- [994]مقنعه، صفحه 320.

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ، الَّذی انْزَلْتَ فیهِ الْقُرْآنَ، وَافْتَرَضْتَ عَلی عِبادِکَ

خدایا ای پروردگار ماه رمضانی که فرود آوردی در آن قرآن را و واجب کردی بر بندگانت

فیهِ الصِّیامَ، وَارْزُقْنی حَجَّ بَیْتِکَ الْحَرامِ فی هذَا الْعامِ وَفی کُلِّ عامٍ،

در این ماه روزه را و روزی من کن حج خانه محترمت (کعبه) را در این سال و در هر سال

وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الْعِظامَ، فَانَّهُ لا یَغْفِرُها غَیْرُکَ یا ذَا الْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ.(1)

و بیامرز برایم گناهان بزرگ را که براستی نیامرزد آنها را کسی جز تو ای صاحب جلالت و بزرگواری.

***

7- «شیخ مفید» در «مقنعه» فرموده: و از مستحبات ماه رمضان صلوات فرستادن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله است در هر روز صد مرتبه، و اگر زیادتر بفرستد فضیلت بیشتری دارد.(2)

اعمال مخصوصِ شب ها یا روزهای معیّنِ ماه مبارک رمضان:

در مورد اعمالی که مخصوص شب ها یا روزهای معیّنی از این ماه شریف است، اموری ذکر شده است.

شب اوّل ماه: برای شب اوّل ماه چند عمل ذکر شده است:

1- به سراغ رؤیت هلال برود که بعضی آن را واجب (کفایی) دانسته اند.

2- وقتی هلال را رؤیت کرد، طبق روایتی از امام صادق علیه السلام رو به قبله نماید و دست ها را به آسمان بلند کند و خطاب به هلال کند و بگوید:

رَبّی وَرَبُّکَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمینَ، اللهُمَّ اهِلَّهُ عَلَیْنا بِالْأَمْنِ

پروردگار من و پروردگار تو خدا پروردگار جهانیان است خدایا این ماه را بر ما نو کن با امنیّت

وَالْإِیمانِ، وَالسَّلامَهِ وَالْإِسْلامِ، وَالْمُسارَعَهِ الی ما تُحِبُّ وَتَرْضی

و ایمان و سلامتی و اسلام و پیشی گرفتن بدانچه تو دوست داری و خشنود شوی

اللهُمَّ بارِکْ لَنا فی شَهْرِنا هذا، وَارْزُقْنا خَیْرَهُ وَعَوْنَهُ، وَاصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهُ

خدایا برکت ده به ما در این ماه و خیر و خوبی و کمک آن را روزی ما کن و بگردان از ما زیان این ماه

وَشَرَّهُ، وَبَلائَهُ وَفِتْنَتَهُ.(3)

و شر و بلا و فتنه اش را.

ص: 767

1- [995]مصباح کفعمی، صفحه 618 و بلدالامین، صفحه 223.
2- [996]مقنعه، صفحه 313.
3- [997]اقبال، صفحه 18.

روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وقتی که هلال ماه رمضان را رؤیت می کرد، روی شریف را به جانب قبله می فرمود و می گفت:

اللهُمَّ اهِلَّهُ عَلَيْنا بِالْأَمْنِ والْإِيمانِ، وَالسَّلامَهِ وَالْإِسْلامِ، وَالْعافِيَهِ

خدایا این ماه را بر ما نو کن به امنیّت و ایمان و تندرستی و اسلام و عافیت کامل

الْمُجَلَّلَهِ، وَدِفاعِ الْأَسْقامِ، وَ الرِّزْقِ الْواسِعِ، وَالْعَوْنِ عَلَى الصَّلاهِ

و دفاع از دردها و روزی وسیع و کمک بر نماز

وَالصِّيامِ وَ الْقِيامِ، وَ تِلاوَهِ الْقُرْآنِ، اللهُمَّ سَلِّمْنا لِشَهْرِ رَمَضانَ، وَ تَسَلَّمْهُ

و روزه و شب زنده داری و تلاوت قرآن خدایا سالم کن ما را برای ماه رمضان و سالم

مِنَّا، وَسَلِّمْنا فيهِ حَتّى يَنْقَضِىَ عَنَّا شَهْرُ رَمَضانَ، وَ قَدْ عَفَوْتَ عَنَّا،

از ما دریافتش کن وما را در آن سالم بدار تا بگذرد از ما ماه رمضان و تو از ما گذشته باشی

وَغَفَرْتَ لَنا وَرَحِمْتَنا.(1)

و ما را آمرزیده و مورد مهر خویش قرار داده باشی.

و از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که چون رؤیت هلال کردی بگو:

اللهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضانَ، وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَيْنا صِيامَهُ، وَانْزَلْتَ

خدایا ماه رمضان آمد و تو واجب کرده ای بر ما روزه این ماه را و فرو فرستادی در آن

فيهِ الْقُرْآنُ، هُدىً لِلنَّاسِ وَبَيِّناتٍ مِنَ الْهُدى وَالْفُرْقانِ، اللَّهُمَّ اعِنَّا عَلى

قرآن را که راهنمای مردم است و حجتهایی از هدایت و تمیز حق و باطل است خدایا کمک بده ما را بر

صِیامِهِ، وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا، وَسَلِّمْنا فیهِ، وَسَلِّمْنا مِنْهُ، وَسَلِّمْهُ لَنا فی یُسْرٍ

روزه آن و آن را از ما بپذیر و سالم بدار ما را در این ماه و از این ماه و آن را نیز برای ما سالم گردان در آسانی

مِنْکَ وَعافِیَهٍ، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، یا رَحْمنُ یا رَحیمُ.(2)

و تندرستی که براستی تو بر هر چیز قادری ای بخشاینده ای مهربان.

***

3- «سیّد بن طاووس» رحمه الله روایت کرده که روزی حضرت امام زین العابدین علیه السلام عبور می کرد که نظرش به هلال ماه رمضان افتاد، ایستاد و گفت:

1- [998]اقبال، صفحه 17.
2- [999]همان مدرک، صفحه 18.

ایُّهَا الْخَلْقُ الْمُطیعُ الدَّائِبُ السَّریعُ، الْمُتَرَدِّدُ فی مَنازِلِ التَّقْدیرِ،

ای مخلوق فرمانبردار پیوسته (در حرکت) و شتابان و رفت و آمد کننده در منزلهای معیّن

الْمُتَصَرِّفُ فی فَلَکِ التَّدْبیرِ، امَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِکَ الظُّلَمَ، وَاوْضَحَ بِکَ الْبُهَمَ،

و گردش کننده در مدار تدبیر ایمان دارم به آن خدایی که تاریکیها را به تو روشن کرد و راههای ناپیدا و مبهم را به تو آشکار کرده

وجَعَلَکَ ایَةً مِنْ ایاتِ مُلْکِهِ، وَعَلامَةً مِنْ عَلاماتِ سُلْطانِهِ، فَحَدَّ بِکَ

و تو را نشانه ای از نشانه های فرمانرواییش و علامتی از علامات سلطنتش قرار داده و زمان را به تو

الزَّمانَ، وَامْتَهَنَکَ بِالْکَمالِ وَالنُّقْصانِ، وَالطُّلُوعِ والْأُفُولِ، وَالْإِنارَهِ

محدود ساخت و تو را واداشت به کمال و نقصان و طلوع و غروب و پرتوافکنی

وَالْکُسُوفِ، فی کُلِّ ذلِکَ انْتَ لَهُ مُطیعٌ، وَالی ارادَتِهِ سَریعٌ، سُبْحانَهُ ما

و گرفتن و در تمام آنها تو در تحت فرمان او فرمانبرداری و بسوی اراده اش شتابان منزّه است خدا که

اعْجَبَ ما دَبَّرَ فی امْرِکَ، وَالْطَفَ ما صَنَعَ فی شَأْنِکَ، جَعَلَک مِفْتاحَ شَهْرٍ

چه شگفت انگیز تدبیری در امر تو بکار برد و چه دقیق است صنعتی که در کار تو انجام داده تو را کلید ماه

حادِثٍ، لِأَمْرٍ حادِثٍ، فَاسْئَلُ اللَّهَ رَبِّی وَرَبَّکَ، وَخالِقی وَخالِقَکَ،

نوی قرار داده برای کاری نو از خدا پروردگار خود و پروردگار تو و آفریدگار خود و آفریدگار تو

وَمُقَدِّری وَمُقَدِّرَکَ، وَمُصَوِّری وَمُصَوِّرَکَ، انْ یُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

و تقدیر کننده خود و تقدیرکننده تو و صورت بخش خودو صورت گر تو خواهم که درود فرستد بر محمّد و آل

مُحَمَّدٍ، وَانْ یَجْعَلَکَ هِلالَ بَرَکهٍ لا تَمْحَقُهَا الْأَیَّامُ، وَطَهارَهٍ لا تُدَنِّسُهَا

محمّد و قرار دهد تو را ماه برکتی که روزگار از بینَش نبرد و ماه پاکیزه ای که آلوده اش نکند

الْأثامُ، هِلالَ امْنٍ مِنَ الأفاتِ، وَسَلامَهٍ مِنَ السَّیِّئاتِ، هِلالَ سَعْدٍ لا

گناهان ماه امنیّت از آفات و سلامتی از بدیها ماه خجسته و مسعودی

نَحْسَ فیهِ، وَیُمْنٍ لا نَکَدَ مَعَهُ، وَیُسْرٍ لا یُمازِجُهُ عُسْرٌ، وَخَیْرٍ لا یَشُوبُهُ

که نحسی در آن نباشد و ماه میمونی که ملالی با آن نباشد و ماه آسانی که با دشواری مخلوط نشود و ماه خیری که

شَرٌّ، هِلالَ امْنٍ وَایمانٍ، وَنِعْمَهٍ وَاحْسانٍ، وَسَلامَهٍ وَاسْلامٍ، اللهُمَّ صَلِ

به شرّی آلوده نگردد ماه امنیّت و ایمان و نعمت و احسان و سلامتی و اسلام خدایا درود فرست بر

عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنا مِنْ ارْضی مَنْ طَلَعَ عَلَیْهِ، وَازْکی مَنْ

محمّد و آل محمّد و قرار ده ما را از خشنودترین مردمی که این ماه بر او طلوع کرده و پاکیزه ترین کسانی

نَظَرَ الَیْهِ، وَاسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فیهِ، وَوَفِّقْنَا اللهُمَّ فیهِ لِلطّاَعَهِ وَالتَّوْبَهِ،

که بدان نگاه کرده و سعادتمندترین کسی که پرستش تو را در آن کرده و موفق دار ما را خدایا در این ماه به فرمانبرداری و توبه

وَاعْصِمْنا فیهِ مِنَ الْاثامِ وَالْحَوْبَهِ، وَاوْزِعْنا فیهِ شُکْرَ النِّعْمَهِ، وَالْبِسْنا فیهِ

و نگاهمان دار در آن از گناهان و خطا و الهام کن به ما در این ماه شکر نعمتت را و بپوشان به ما در

جُنَنَ الْعافِیَهِ، وَاتْمِمْ عَلَیْنا بِاسْتِکْمالِ طاعَتِکَ فیهِ الْمِنَّهَ، انَّکَ انْتَ الْمَنَّانُ

این ماه سپرهای تندرستی و منّت خود را بوسیله انجام کامل اطاعتت بر ما تمام کن که براستی تویی پر نمعت

الْحَمیدُ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ و آلِهِ الطَّیِّبینَ، وَاجْعَلْ لَنا فیهِ عَوْناً مِنْکَ

ستوده و درود خدا بر محمّد و آل پاکش و مقرر دار برای ما در این ماه کمکی از جانب خود

عَلی ما نَدَبْتَنا الَیْهِ مِنْ مُفْتَرَضِ طاعَتِکَ، وَتَقَبَّلْها، انَّکَ الْأَکْرَمُ مِنْ کُلِ

برای انجام آنچه ما را بدان خواندی و طاعت واجب خود و بپذیر آن را که تو کریم ترین همه

کَریمٍ، وَالْأَرْحَمُ مِنْ کُلِّ رَحیمٍ، امینَ امینَ رَبَّ الْعالَمینَ.(1)

کریمانی و مهربانتر از هر مهربانی آمین آمین ای پروردگار جهانیان.

4- غسل شب اوّل ماه طبق بعضی از روایات مستحب است.(2) 5- در شب اوّل ماه امام حسین علیه السلام را زیارت کند، تا گناهانش بخشوده شود.(3) 6- از شب اوّل ماه، شروع به خواندن هزار رکعت نماز ماه رمضان نماید، که شرح آن قبلاً گذشت.

7- دو رکعت نماز بخواند که در هر رکعت سوره حمد و سوره انعام را بخواند و از خدا بخواهد تا امور وی را کفایت کند و از آنچه که می ترسد و از بیماریها او را حفظ نماید.(4) 8- این دعا را بخواند که در اعمال شب آخر ماه شعبان (صفحه 692) نیز آمده است:

اللَّهُمَّ إِنَّ هذَا الشَّهْرُ الْمُبارَکُ ...

. 9- بعد از نماز مغرب دست ها را بلند کند و این دعا را که از امام جواد علیه السلام نقل شده است، بخواند:

اللَّهُمَّ یا مَنْ یَمْلِکُ التَّدْبیرَ، وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، یا مَنْ یَعْلَمُ خائِنَهَ

خدایا ای که تدبیر امور بدست اوست و او بر هر چیز قادر است ای که می داند خیانت

الْأَعْیُنِ وَما تُخْفِی الصُّدُورُ، وَتُجِنُّ الضَّمیرُ، وَهُوَ اللَّطیفُ الْخَبیرُ، اللَّهُمَ

چشمها را و آنچه را سینه ها پنهان کنند و دلها در خویش مستور دارند و اوست دقیق آگاه خدایا

1- [1000]اقبال، صفحه 17.
2- [1001]زاد المعاد، صفحه 99.
3- [1002]همان مدرک.
4- [1003]اقبال، صفحه 22.

اجْعَلْنا مِمَّنْ نَوى فَعَمِلَ، وَلاتَجْعَلْنا مِمَّنْ شَقِىَ فَكَسِلَ، وَلا مِمَّنْ هُوَ

قرار ده ما را از کسانی که نیّت کنند و بدنبالش عمل کنند و قرارمان مده از کسانی که بدبخت شده و تنبلی کرد و نه از کسانی که

عَلی غَیْرِ عَمَلٍ یَتَّکِلُ، اللَّهُمَّ صَحِّحْ ابْدانَنا مِنَ الْعِلَلِ، وَاعِنَّا عَلی مَا

بر غیر کار و کوشش اعتماد کنند خدایا سالم گردان بدنهامان را از بیماریها و کمکمان ده بر آنچه

افْتَرَضْتَ عَلَیْنا مِنَ الْعَمَلِ، حَتّی یَنْقَضِیَ عَنَّا شَهْرُکَ هذا، وَقَدْ ادَّیْنا

واجب کرده ای بر ما از عمل تا بگذرد از ما این ماه تو در حالیکه آنچه را بر ما

مَفْرُوضَکَ فیهِ عَلَیْنا، اللهُمَّ اعِنَّا عَلی صِیامِهِ، وَوَفِّقْنا لِقِیامِهِ، وَنَشِّطْنا

واجب فرموده بودی انجام داده باشیم خدایا ما را بر روزه این ماه کمک ده و به شب زنده داریش موفقمان دار و برای خواندن نماز در این ماه

فیهِ لِلصَّلاهِ، وَلا تَحْجُبْنا مِنَ الْقِرآئَهِ، وَسَهِّلْ لَنا فیهِ ایتآءَ الزَّکاهِ، اللهُمَّ لا

نشاطی بما بده و از قرائت قرآن محروممان مدار و آسان گردان بر ما پرداختن زکات را خدایا

تُسَلِّطْ عَلَیْنا وَصَباً وَلا تَعَباً، وَلا سَقَماً وَلا عَطَباً، اللهُمَّ ارْزُقْنا الْإِفْطارَ

چیره مگردان بر ما خستگی و سستی و نه رنج و نه بیماری و نه هلاکت را خدایا روزی ما کن افطار کردن

مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ، اللَّهُمَّ سَهِّلْ لَنا فیهِ ما قَسَمْتَهُ مِنْ رِزْقِکَ، وَیَسِّرْ ما

از روزی حلال خدایا سهل کن بر ما در این ماه آن سهمی را که از روزیت نصیب ما کرده ای و آسان گردان آنچه را

قَدَّرْتَهُ مِنْ امْرِکَ، وَاجْعَلْهُ حَلالاً طَیِّباً، نَقِیّاً مِنَ الْأثامِ، خالِصاً مِنَ

طبق فرمانت مقرّر داشته ای و قرارش ده حلال و پاک و پاکیزه از گناهان و خالص از

الْأصارِ وَالْأَجْرامِ، اللهُمَّ لا تُطْعِمْنا الَّا طَيِّباً غَيْرَ خَبيثٍ وَلا حَرامٍ،

معاصی و جنایات خدایا بر ما مخوران جز خوراکی پاک که نه پلید باشد و نه حرام

وَاجْعَلْ رِزْقَکَ لَنا حَلَالاً لا يَشُوبُهُ دَنَسٌ وَلا اسْقامٌ، يا مَنْ عِلْمُهُ بِالسِّرِّ

و قرار ده روزیت را برای ما حلال که آلوده به چرکی و بیماریها نباشد ای که داناییش به نهان

کَعِلْمِهِ بالْأَعْلانِ، يا مُتَفَضِّلاً عَلی عِبادِهِ بِالْإِحْسانِ، يا مَنْ هُوَ عَلی کُلِ

همانند داناییش به آشکار است ای که بر بندگانش به احسان تفضل فرموده ای که او بر هر

شَیْ ءٍ قَديرٌ، وَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَليمٌ خَبيرٌ، الْهِمْنا ذِکْرَکَ، وَجَنِّبْنا عُسْرَکَ،

چیز تواناست و به هر چیز دانا و آگاه است ذکر خود را به ما الهام کن واز دشواریت ما را برکنار دار و به

وَانِلْنا يُسْرَکَ، وَ اهْدِنا لِلرَّشادِ، وَ وَفِّقْنا لِلسَّدادِ، وَ اعْصِمْنا مِنَ الْبَلايا،

دستورات آسانت برسانمان و به کارهای صواب راهنماییمان کن و به کارهای محکم و درست موفقمان بدار و از بلاها محفوظمان دار

وَصُنَّا مِنَ الْأَوْزارِ وَالْخَطایا، یا مَنْ لا یَغْفِرُ عَظیمَ الذُّنُوبِ غَیْرُهُ، وَلا

و از گناهان و خطاها نگاهمان دار ای که نیامرزد گناهان بزرگ را جز او

یَکْشِفُ السُّوءَ الَّا هُوَ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، وَاکْرَمَ الْأَکْرَمینَ، صَلِّ عَلی

و برطرف نکند بدیها را جز او ای مهربانترین مهربانان و کریمترین کریمان درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَیْتِهِ الطَّیِّبینَ، وَاجْعَلْ صِیامَنا مَقْبُولًا، وَبِالْبِرِّ وَالتَّقْوی

محمّد و خاندان پاکش و روزه ما را مقبول درگاهت فرما و به نیکی و پرهیزکاری

مَوْصُولًا، وَ کَذلِکَ فَاجْعَلْ سَعْیَنا مَشْکُوراً، [وَ حَوْبَنا مَغْفُوراً] وَ قِیامَنا

پیوندش ده و هم چنین کوشش ما را مورد تقدیر و گناهان ما را مورد بخشش قرار ده و شب زنده داریمان را

مَبْرُوراً، وَ قُرانَنا مَرْفُوعاً، وَدُعآئَنا مَسْمُوعاً، وَاهْدِنا لِلْحُسْنی وَجَنِّبْنَا

نیک پذیرفته و قرآن ما را (که خوانده ایم) بالا رفته و دعامان را مقرون به اجابت فرما و ما را به کار نیک هدایت فرما

الْعُسْری وَیَسِّرْنا لِلْیُسْری وَ اعْلِ لَنَا الدَّرَجاتِ، وَ ضاعِفْ لَنا

و از دشواریها برکنارمان دار و مهیامان بدار برای آسانها و درجات ما را بالابر و حسنات ما را دو

الْحَسَناتِ، وَاقْبَلْ مِنَّا الصَّوْمَ وَالصَّلاهَ، وَاسْمَعْ مِنَّا الدَّعَواتِ، وَاغْفِرْ لَنَا

چندان کن و روزه و نماز ما را بپذیر و دعاهای ما را بشنو و خطاهای ما را بیامرز

الْخَطیئاتِ، وَتَجاوَزْ عَنَّا السَّیِّئاتِ، وَاجْعَلْنا مِنَ الْعامِلینَ الْفائِزینَ،

و از گناهان ما درگذرو قرار ده ما را از عمل کنندگان کامیاب

وَلا تَجْعَلْنا مِنَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّآلّينَ، حَتّى يَنْقَضِیَ شَهْرُ

و قرارمان مده از غضب شدگان و نه ازگمراهان تا بگذرد از ما ماه

رَمَضانَ عَنَّا، وَ قَدْ قَبِلْتَ فيهِ صِيامَنا وَ قِيامَنا، وَ زَكَّيْتَ فيهِ اعْمالَنا،

رمضان و تو روزه و شب زنده داريمان را پذيرفته باشی و اعمال ما را پاک و پاکيزه کرده

وَغَفَرْتَ فيهِ ذُنُوبَنا، وَ اجْزَلْتَ فيهِ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ نَصيبَنا، فَانَّكَ الْإِلهُ

و گناهانمان را آمرزيده باشی و بهره ما را در اين ماه از هر خير و نيکی به حد کامل داده باشی که براستی تويی معبود

الْمُجيبُ، وَالرَّبُّ الْقَريبُ، وَانْتَ بِكُلِّ شَیْ ءٍ مُحيطٌ.(1)

اجابت کننده و پروردگار نزديک و تو بر هر چيز احاطه داری.

1- [1004]اقبال، صفحه 22.

10- در شب اوّل، این دعا را که از امام صادق علیه السلام نقل شده است بخواند:

اللهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ، مُنَزِّلَ الْقُرْآنِ، هذا شَهْرُ رَمَضانَ، الَّذی

خدایا ای پروردگار ماه رمضان و فرو فرستنده قرآن این ماه رمضان است که

انْزَلْتَ فیهِ الْقُرْآنَ، وَانْزَلْتَ فیهِ آیاتٍ بَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی وَالْفُرْقانِ، اللهُمَ

در آن قرآن را نازل فرموده ای و در آن آیه هایی است که آنها حجتهای هدایت و تمیز حق و باطل است خدایا

ارْزُقْنا صِیامَهُ، وَاعِنَّا عَلی قِیامِهِ، اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنا وَسَلِّمْنا فیهِ، وَسَلِّمْهُ مِنَّا

روزه اش را روزی ما گردان و بر شب زنده داریش به ما کمک کن خدایا این ماه را برای ما سالم بدار و ما را در آن به سلامت دار

فی یُسْرٍ مِنْکَ وَمُعافاهٍ، وَاجْعَلْ فیما تَقْضی وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ،

و آن را در آسانی و تندرستی کاملی از جانب خود از ما دریافتش کن و قرار ده در آن قضا و قدر حتمی خود

وَفیما تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَکیمِ فی لَیْلَهِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضآءِ الَّذی لا یُرَدُّ

و در آن دستور حکیمانه که جدا کنی در شب قدر از آن قضا و قدر حتمی و مسلّمی که برگشت ندارد

وَلا یُبَدَّلُ، انْ تَکْتُبَنی مِنْ حُجَّاجِ بَیْتِکَ الْحَرامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ،

و تغییرپذیر نیست که نام ما را بنویسی در زمره حاجیان خانه محترمت (کعبه) آنان که حجشان پذیرفته

الْمَشْکُورِ سَعْیُهُمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، الْمُکَفَّرِ عَنْهُمْ سَیِّئاتُهُمْ، وَ اجْعَلْ

و سعیشان مورد تقدیر و گناهانشان آمرزیده و بدیهاشان جبران شده است و قرار ده

فیما تَقْضی وَتُقَدِّرُ، انْ تُطیلَ عُمْری وَتُوَسِّعَ عَلیَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ.(1)

در آنچه مقدر فرمایی که عمرم را طولانی فرموده و از روزی حلال خود بر من توسعه دهی.

11- دعای بسیار نورانی چهل و چهارم «صحیفه سجّادیّه» نیز مربوط به این شب است.

12- از امور مهمّه در این ماه، تلاوت قرآن مجید است که با شروع ماه رمضان، سزاوار است قرآن بسیار تلاوت شود. روایت شده است که حضرت امام صادق علیه السلام در وقت تلاوت قرآن قبل از قرائت، این دعای بسیار پرمعنا را می خواندند:

اللهُمَّ انّی اشْهَدُ انَّ هذا کِتابُکَ الْمُنْزَلُ مِنْ عِنْدِکَ عَلی رَسُولِکَ، مُحَمَّدِ

خدایا من گواهی دهم که این کتابی است که نازل شده از نزد تو بر فرستاده ات محمّد

بْنِ عَبْدِاللَّهِ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَکَلامُکَ النَّاطِقُ عَلی لِسانِ نَبِیِّکَ،

بن عبداللّه صلی الله علیه و آله و کلام گویای توست که بر زبان پیغمبرت جاری گشته

ص: 773

1- [1005]اقبال، صفحه 23.

جَعَلْتَهُ هادِیاً مِنْکَ الی خَلْقِکَ، وَحَبْلاً مُتَّصِلاً فیما بَیْنَکَ وَبَیْنَ عِبادِکَ،

و آن را راهنمای خود بر خلق خویش قرار دادی و رشته ای پیوسته در مابین خود و مابین بندگانت گردانیدی

اللهُمَّ انّی نَشَرْتُ عَهْدَکَ وَکِتابَکَ، اللهُمَّ فَاجْعَلْ نَظَری فیهِ عِبادَةً،

خدایا من باز کردم (پیش رویم) عهد و کتاب تو را خدایا پس قرار ده نظر مرا در آن عبادت

وَقِرآئَتی فیهِ فِکْراً، وَفِکْری فیهِ اعْتِباراً، وَاجْعَلْنی مِمَّنِ اتَّعَظَ بِبَیانِ

و قرائتم را در آن از روی اندیشه و فکرم را در آن عبرت آور و بگردانم از کسانی که پند گیرد به بیان

مَواعِظِکَ فیهِ، وَاجْتَنَبَ مَعاصیکَ، وَلا تَطْبَعْ عِنْدَ قِرائَتی عَلی سَمْعی

پندهای تو در آن و از معصیتهایت دوری کند و مُهر مَزَن هنگام خواندنم بر گوش من

وَلا تَجْعَلْ عَلی بَصَری غِشاوَةً، وَلا تَجْعَلْ قِرائَتی قِرائَةً لا تَدَبُّرَ فیها،

و مینداز بر دیده ام پرده و مگردان خواندنم را خواندنی که تدبر در آن نباشد

بَلِ اجْعَلْنی اتَدَبَّرُ اٰیاتِهِ وَ احْکامَهُ، آخِذاً بِشَرایِعِ دینِکَ، وَ لا تَجْعَلْ

بلکه چنانم کن که تدبر کنم در آیات و احکامش و در برگیرم دستورات دین تو را و قرار مده

نَظَری فیهِ غَفْلَةً، وَ لا قِرائَتی هَذَراً، انَّکَ انْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحیمُ.

نظر مرا در آن نظر بی خبری و نه قرائتم را بیهوده که براستی تو رؤوف و مهربانی.

و بعد از قرائت قرآن مجید این دعا را می خواندند:

اللّهُمَّ انّی قَدْ قَرَأتُ ما قَضَیْتَ مِنْ کِتابِکَ، الّذی انْزَلْتَهُ عَلی نَبِیِّکَ

خدایا من خواندم آنچه را حکم کرده بودی از کتابت همان کتابی که نازل فرمودی بر پیامبر

الصَّادِقِ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، فَلَکَ الْحَمْدُ رَبَّنا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنی مِمَّنْ یُحِلُ

راستگویت درود تو بر او و آلش پس حمد خاص توست ای پروردگار ما خدایا بگردانم از کسانی که حلال می شمرد

حَلالَهُ، وَیُحَرِّمُ حَرامَهُ، وَیُؤْمِنُ بِمُحْکَمِهِ وَمُتَشابِهِهِ، وَاجْعَلْهُ لی انْساً فی

حلالش را و حرام داند حرامش را و ایمان دارد به محکم و متشابه آن و آن را همدم من در

قَبْری وَانْساً فی حَشْری وَاجْعَلْنی مِمَّنْ تُرْقیهِ بِکُلِّ ایَهٍ قَرَأَها دَرَجَةً

قبرم و همدمم در روز محشرم قرار ده و قرار ده مرا از کسانی که بالا بری او را به هر آیه از آن که بخواند به درجه ای

فی اعْلی عِلِّیّینَ، امینَ رَبَّ الْعالَمینَ.(1)

در بالاترین جایگاههای بهشت اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.

1- [1006]بحارالانوار، جلد 89، صفحه 206، حدیث 2.

روز اوّل ماه برای روز اوّل ماه رمضان اعمالی به شرح زیر نقل شده است:

1- غسل کند.(1) 2- خود را با گلاب خوشبو سازد.(2) 3- دو رکعت نماز بگزارد و در رکعت اوّل سوره حمد و سوره انّا فتحنا و در رکعت دوم حمد و هر سوره ای که خواست، بخواند. در روایتی آمده است هر کس این نماز را بخواند خداوند بدی ها را در آن سال از وی دفع کند و تا سال آینده در پناه حمایت خدا باشد.(3) 4- دو رکعت نماز اوّل ماه را (که در صفحه 597 آمده است) بجا آورد و صدقه بپردازد.(4) 5- بعد از طلوع فجر این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضانَ، وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَیْنا صِیامَهُ، وَانْزَلْتَ فیهِ

خدایا ماه رمضان آمد و تو روزه آن را بر ما واجب کرده ای و نازل فرموده ای در آن

الْقُرآنَ، هُدیً لِلنَّاسِ وَبَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی وَالْفُرْقانِ، اللَّهُمَّ اعِنَّا عَلی

قرآن را که راهنمای مردم و حجتهایی از هدایت و تمیز (میان حق و باطل) است خدایا کمک ده ما را بر گرفتن

صِیامِهِ، وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا، وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا، وَسَلِّمْهُ لَنا فی یُسْرٍ مِنْکَ وَعافِیَهٍ، انَّکَ

روزه اش و آن را از ما بپذیر و بخوبی از ما دریافتش کن و سالمش گردان برای ما در آسودگی و عافیت خودت که همانا تو

عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.(5)

بر هر چیز توانائی.

6- «علّامه مجلسی» در «زادالمعاد» فرموده است: «شیخ کلینی» و «شیخ طوسی» و دیگران به سند صحیح روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: در روز اوّل ماه مبارک رمضان این دعا را بخوان و فرمود: هر کس این دعا را از برای رضای خدا و بدون شائبه اغراض فاسد و ریا، بخواند، در آن سال فتنه و گمراهی به او نرسد و آفتی که به

دین، یا بدن او ضرر رساند، متوجّه او نخواهد شد و خداوند متعال او را از شرّ بلاهای آن سال حفظ کند، و آن دعا این است:

اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی دانَ لَهُ کُلُّ شَیْ ءٍ، وَبِرَحْمَتِکَ الَّتی

خدایا من از تو خواهم به حق آن نامت که گردن نهاد در برابرش هر چیز و بدان رحمتت که

1- [1007]اقبال، صفحه 86.
2- [1008]همان مدرک.
3- [1009]همان مدرک، صفحه 87.
4- [1010]همان مدرک.
5- [1011]بحارالانوار، جلد 94، صفحه 354.

وَسِعَتْ كُلَّ شَىْ ءٍ، وَبِعَظَمَتِکَ الَّتى تَواضَعَ لَها كُلُّ شَىْ ءٍ، وَبِعِزَّتِکَ الَّتى

فراگرفت هر چيز را و بدان بزرگيت كه فروتن شد در برابرش هر چيز و بدان عزتت كه

قَهَرْتَ كُلَّ شَىْ ءٍ، وَبِقُوَّتِکَ الَّتى خَضَعَ لَها كُلُّ شَىْ ءٍ، وَبِجَبَرُوتِکَ الَّتى

مقهور كرد هر چيز را و بدان نيرويت كه خاضع شد در برابرش هر چيز و به جبروتت كه

غَلَبَتْ كُلَّ شَىْ ءٍ، وَبِعِلْمِکَ الَّذى احاطَ بِكُلِّ شَىْ ءٍ، يا نُورُ يا قُدُّوسُ، يا

غالب آمد بر هر چيزو بدانشت كه هر چيز را احاطه كرده اى نور و اى منزّه از هر عيب اى

اوَّلَ قَبْلَ كُلِّ شَىْ ءٍ، وَ باقِىَ بَعْدَ كُلِّ شَىْ ءٍ، يااللَّهُ يارَحْمنُ، صَلِّ عَلى

نخست پيش از هر چيز و باقى پس از هر چيز اى بخشاينده درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى تُغَيِّرُ النِّعَمَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ

محمّد و آل محمّد و بيامرز از من گناهانى را كه نعمتها را تغيير دهد و بيامرز از من گناهانى را

الَّتى تُنْزِلُ النِّقَمَ، وَاغْفِرْلِىَ الذُّنُوبَ الَّتى تَقْطَعُ الرَّجآءَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ

كه رنج و عذاب فرو ريزد و بيامرز از من گناهانى را كه اميد را قطع كند و بيامرز از من گناهانى را

الَّتى تُديلُ الْأَعْدآءَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى تَرُدُّ الدُّعآءَ، وَاغْفِرْ لِىَ

كه دشمنان را چيره كند و بيامرز از من گناهانى را كه دعا را باز گرداند و بيامرز از من

الذُّنُوبَ الَّتى يُسْتَحَقُّ بِها نُزُولُ الْبَلاءِ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى تَحْبِسُ

گناهانی که مردم را مستحق نزول بلا گرداند و بیامرز از من گناهانی را که

غَیْثَ السَّمآءِ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَکْشِفُ الْغِطآءَ، وَاغْفِرْلِیَ الذُّنُوبَ

باران آسمان را جلوگیری کند و بیامرز از من گناهانی را که پرده را بالا زند و بیامرز از من گناهانی را

الَّتی تُعَجِّلُ الْفَنآءَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُورِثُ النَّدَمَ، وَاغْفِرْ لِیَ

که در نابودی شتاب کند و بیامرز از من گناهانی را که پشیمانی آرد و بیامرز از من گناهانی را که

الذُّنُوبَ الَّتی تَهْتِکُ الْعِصَمَ، وَالْبِسْنی دِرْعَکَ الْحَصینَةَ الَّتی لا تُرامُ،

پرده ها را بدرد و زره محکمت را که پاره شدنی نیست بر من بپوشان

وَعافِنی مِنْ شَرِّ ما احاذِرُ بِاللَّیْلِ وَالنَّهارِ فی مُسْتَقْبَلِ سَنَتی هذِهِ، اللهُمَ

و سلامتم بدار از شر آنچه حذر می کنم از آن در شب و روز در روزهای آینده امسال من خدایا

رَبَّ السَّمواتِ السَّبْعِ، وَرَبَّ الْأَرَضینَ السَّبْعِ، وَما فیهِنَّ وَما بَیْنَهُنَّ،

ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و ای پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها و آنچه مابین آنهاست

ص :776

وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ، وَ رَبَّ السَّبْعِ الْمَثانی وَالْقُرْآنِ الْعَظیمِ، وَرَبَ

و ای پروردگار عرش عظیم و پروردگار هفت آیه (یعنی سوره حمد یا هفت سوره) و قرآن بزرگ و پروردگار

اسْرافیلَ وَمیکآئیلَ وَجَبْرَئیلَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، سَیِّدِ

اسرافیل و میکائیل و جبرئیل و پروردگار محمّد صلی الله علیه و آله آقای

الْمُرْسَلینَ، وَخاتَمِ النَّبِیّینَ، اسْئَلُکَ بِکَ وَبِما سَمَّیْتَ بِهِ نَفْسَکَ، یا عَظیمُ

رسولان و خاتم پیمبران از تو خواهم به حق خودت و به حق آنچه خود را بدان نام نهاده ای ای خدای بزرگ

انْتَ الَّذی تَمُنُّ بِالْعَظیمِ، وَتَدْفَعُ کُلَّ مَحْذُورٍ، وَتُعْطی کُلَّ جَزِیلٍ،

تویی که به نعمت عظیم منّت نهی و هر محذور را دفع کنی و هر عطای شایانی را تو عطا کنی

وَتُضاعِفُ الْحَسَناتِ بِالْقَلیلِ وَبِالْکَثیرِ، وَتَفْعَلُ ما تَشآءُ یا قَدیرُ، یا اللَّهُ یا

و دو چندان کنی کارهای نیک را به کم و زیادو می کنی هر کاری را بخواهی ای توانا ای خدا ای

رَحْمنُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَیْتِهِ، وَالْبِسْنی فی مُسْتَقْبَلِ سَنَتی هذِهِ

بخشاینده درود فرست بر محمّد و خاندانش و بپوشان بر من در آینده این سال

سِتْرَکَ، وَنَضِّرْ وَجْهی بِنُورِکَ، وَاحِبَّنی بِمَحَبَّتِکَ، وَبَلِّغْنی رِضْوانَکَ

پرده خویش را و چهره ام را به نور خویش منور گردان و به محبت خویش دوستم بدار و مرا به مقام خشنودی خود

وَشَریفَ کَرامَتِکَ، وَجَسیمَ عَطِیَّتِکَ، وَاعْطِنی مِنْ خَیْرِ ما عِنْدَکَ، وَمِنْ

و بزرگواری شریفت و عطای بزرگت نائل گردان و عطا کن به من از

خَیْرِ ما انْتَ مُعْطیهِ احَداً مِنْ خَلْقِکَ، وَاَلْبِسْنی مَعَ ذلِکَ عافِیَتَکَ، یا

بهترین چیزی که نزد توست و از بهتر چیزی که عطا می کنی بر یکی از خلق خویش و با آنها لباس عافیتت را هم بر من بپوشان ای

مَوْضِعَ کُلِّ شَکْوی وَیا شاهِدَ کُلِّ نَجْوی وَیا عالِمَ کُلِّ خَفِیَّهٍ، وَیا دافِعَ

مرجع هر شکایت و ای گواه بر هر راز و ای دانای هر پنهان و ای جلوگیرنده

ما تَشآءُ مِنْ بَلِیَّهٍ، یا کَریمَ الْعَفْوِ، یا حَسَنَ التَّجاوُزِ، تَوَفَّنی عَلی مِلَّهِ

از هر بلا که خواهی ای بزرگوار گذشت ای نیکو درگذر بمیران مرا بر کیش

ابْراهیمَ وَفِطْرَتِهِ، وَعَلی دینِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ و آلِهِ وَسُنَّتِهِ، وَعَلی

ابراهیم و فطرت او و بر دین محمّد صلی الله علیه و آله و طریقه اش و بر

خَیْرِ الْوَفاهِ، فَتَوَفَّنی مُوالِیاً لِأَوْلِیآئِکَ، وَمُعادِیاً لِأَعْدآئِکَ، اللهُمَ

بهترین مردنها پس بمیرانم در آن حال که دوست دار دوستانت و دشمن دشمنانت باشم خدایا

ص: 777

وَجَنِّبْنى فى هذِهِ السَّنَهِ كُلَّ عَمَلٍ اوْ قَوْلٍ اوْ فِعْلٍ يُباعِدُنى مِنْکَ،

و مرا در این سال از هر کاری یا گفتاری یا عملی که مرا از تو دور کند

وَاجْلُبْنى الَى كُلِّ عَمَلٍ اوْ قَوْلٍ اوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنى مِنْکَ فى هذِهِ السَّنَهِ، يا

دورم بدار و بسوی کار یا گفتار یا عملی که مرا در این سال به تو نزدیک سازد بکشانم ای

ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، وَامْنَعْنى مِنْ كُلِّ عَمَلٍ اوْ قَوْلٍ اوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنّى

مهربانترین مهربانان و بازم دار از هر کاری یا گفتاری یا کرداری که از من سر زند

اخافُ ضَرَرَ عاقِبَتِهِ، وَاخافُ مَقْتَکَ ايَّاىَ عَلَيْهِ حِذارَ انْ تَصْرِفَ وَجْهَکَ

و از سرانجام زیان آورش بیمناک باشم و از خشمت بخاطر آن بر خویش بترسم، بترسم از این که توجه

الْكَريمَ عَنّى فَاسْتَوجِبَ بِهِ نَقْصاً مِنْ حَظٍّ لى عِنْدَکَ، يا رَؤُفُ يا رَحيمُ،

کریمانه ات را از من بگردانی و بدان جهت مستوجب نقصانی از بهره ای که پیش تو دارم گردم ای با عطوفت ای مهربان

اللهُمَّ اجْعَلْنى فى مُسْتَقْبَلِ سَنَتى هذِهِ فى حِفْظِکَ، وَ فى جِوارِکَ وَفى

خدایا در آینده امسال مرا در حفظ و پناه

كَنَفِکَ، وَجَلِّلْنى سِتْرَ عافِيَتِکَ، وَهَبْ لى كَرامَتَکَ، عَزَّ جارُکَ، وَجَلَ

و کنف خودت قرارم ده و پرده عافیت خود را بر من بپوشان و از بزرگواری خویش بر من ببخش عزیز است پناهنده به تو و والاست

ثَنآؤُکَ، وَلا الهَ غَيْرُکَ، اللهُمَّ اجْعَلْنى تابِعاً لِصالِحى مَنْ مَضى مِنْ

ستایشت و معبودی جز تو نیست خدایا مرا پیرو شایستگان از اولیای گذشته ات قرارم ده

اوْلِیآئِکَ، وَالْحِقْنی بِهِمْ، وَاجْعَلْنی مُسَلَماً لِمَنْ قالَ بِالصِّدْقِ عَلَیْکَ مِنْهُمْ،

و بدانها ملحقم کن و چنانم کن که برای آنان که از جانب تو به حقیقت سخن گفتند تسلیم باشم

وَاعُوذُ بِکَ اللهُمَّ انْ تُحیطَ بی خَطیئَتی وَظُلْمی وَاسْرافی عَلی نَفْسی

و پناه می برم به تو خدایا از این که فرا گیردم خطا و ستم و زیاده رویم بر خویشتن

وَاتِّباعی لِهَوایَ، وَ اشْتِغالی بِشَهَواتی فَیَحُولُ ذلِکَ بَیْنی وَبَیْنَ رَحْمَتِکَ

و پیرویم از هوای نفس و سرگرمیم به شهوات و در نتیجه آنها میان من و رحمت

وَرِضْوانِکَ، فَاکُونُ مَنْسِیّاً عِنْدَکَ، مُتَعَرِّضاً لِسَخَطِکَ وَنِقْمَتِکَ، اللهُمَ

و خشنودی تو حائل گردد و کار بدانجا کشد که فراموش درگاهت شوم و بدانچه موجب خشم و عقوبت توست دست زنم خدایا

وَفِّقْنی لِکُلِّ عَمَلٍ صالِحٍ تَرْضی بِهِ عَنّی وَقَرِّبْنی الَیْکَ زُلْفی اللَّهُمَّ کَما

موفقم بدار برای هر عمل شایسته ای که به وسیله آن از من خشنود شوی و مرا به مقام قرب خویش نزدیک کن خدایا چنانچه

كَفَيْتَ نَبِيَّکَ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ،

هراس دشمن را از پیامبرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله کفایت فرمودی و اندوهش را برطرف کردی

وَكَشَفْتَ غَمَّهُ، وَصَدَقْتَهُ وَعْدَکَ، وَانْجَزْتَ لَهُ عَهْدَکَ، اللَّهُمَّ فَبِذلِکَ

و غمش را زدودی و به وعده ات درباره اش وفا کردی و پیمانت را با او به پایان رساندی خدایا به همان

فَاكْفِنی هَوْلَ هذِهِ السَّنَهِ، وَآفاتِها وَاسْقامَها، وَفِتْنَتَها وَشُرُورَها

ترتیب هراس این سال و آفات و امراض و بلاها و شرور

وَاحْزانَها، وَضيقَ الْمَعاشِ فيها، وَبَلِّغْنى بِرَحْمَتِکَ كَمالَ الْعافِيَهِ، بِتَمامِ

و اندوهها و تنگی و فشار زندگی را از من دور فرما و به رحمت خویش برسان مرا به کمال عافیت بوسیله

دَوامِ النِّعْمَهِ عِنْدى الى مُنْتَهى اجَلى اسْئَلُکَ سُؤالَ مَنْ اساءَ وَظَلَمَ،

ادامه نعمتت که پیش من داری تا پایان عمرم، و از تو خواهم خواستن کسی که گناه کرده و بر خویش ستم کرده

وَاسْتَكانَ وَاعْتَرَفَ، وَاسْئَلُکَ انْ تَغْفِرَ لى ما مَضى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتى

و به حال بیچارگی افتاده و به گناه خویش معترف است از تو خواهم که بیامرزی گناهان گذشته مرا آنها را که

حَصَرَتْها حَفَظَتُکَ، وَاحْصَتْها كِرامُ مَلائِكَتِکَ عَلَىَّ، وَانْ تَعْصِمَنى الهى

نگهبانانت ثبت کرده و فرشتگان بزرگوارت شماره کرده اند و نگاهم داری خدایا

مِنَ الذُّنُوبِ فيما بَقِىَ مِنْ عُمْرى الى مُنْتَهى اجَلى يا اللَّهُ يا رَحْمنُ يا

از گناهان در آینده عمرم تا پایان عمرم ای خدا ای بخشاینده ای

رَحیمُ، صَلِّ عَلَی مُحمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ، وَ اتِنی کُلَّ ما

مهربان درود فرست برمحمّد و آل محمّد و خاندان محمّد و بده به من همه آنچه را از

سَئَلْتُکَ وَرَغِبْتُ الَیْکَ فیهِ، فَانَّکَ امَرْتَنی بِالدُّعاءِ، وَتَکَفَّلْتَ لی بِالْإِجابَهِ،

تو خواستم و درباره اش مشتاقانه به درگاهت آمدم زیرا تو خود دستور دعایم دادی و اجابت آن را نیز برایم به عهده گرفتی

یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

ای مهربانترین مهربانان.

مناسب است این دعا در اوّل سال قمری، و اوّل سال شمسی نیز به قصد قربت مطلقه خوانده شود.

ص: 779

1- [1012]زاد المعاد، صفحه 101- 105 و اقبال، صفحه 45(با مقداری تفاوت).

شب سیزدهم ماه این شب، نخستین شب از لیالی بیض (یعنی شب های روشن) است که انجام سه عمل در آن وارد شده است:

1- غسل.(1) 2- چهار رکعت نماز (هر دو رکعت به یک سلام) که در هر رکعت یک مرتبه حمد و بیست و پنج مرتبه سوره توحید را بخواند.(2) 3- دو رکعت نماز که در شب سیزدهم ماه رجب و شعبان نیز خوانده می شود؛ در هر رکعت، بعد از سوره حمد سوره های یس، ملک، و توحید را بخواند.(3) 4- خواندن دعای «مجیر» در شب های سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم که در بخش دعاهای معروف (صفحه 131) گذشت.

شب چهاردهم در این شب، چهار رکعت نماز می خواند (هر دو رکعت به یک سلام)، به صورتی که در شب سیزدهم گذشت.(4) شب پانزدهم این شب، از شب های بافضیلت و ارزشمندی است که برای آن اعمالی وارد شده است:

1- غسل.(5) 2- شش رکعت نماز (هر دو رکعت به یک سلام) که در هر رکعت، سوره های حمد و یس و ملک و توحید را بخواند.(6) 3- صد رکعت نماز، که در هر رکعت بعد از حمد، ده مرتبه سوره «قل هو اللّه احد» را بخواند. از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که هر کس این عمل را بجا آورد خداوند ده فرشته را به سوی او بفرستد تا دشمنان را از او دفع کنند و سی فرشته را به هنگام مرگ نزد او بفرستد تا بهشت را به وی بشارت دهند و سی فرشته دیگر، تا او را از آتش دوزخ ایمن دارند.(7) 4- زیارت امام حسین علیه السلام. از امام صادق علیه السلام سؤال کردند که پاداش کسی که در شب نیمه ماه رمضان کنار قبر امام حسین علیه السلام باشد چیست؟ فرمود: خوشا به حال کسی که در شب نیمه ماه رمضان در کنار قبر امام حسین علیه السلام بعد از نماز عشا ده رکعت نماز بگزارد، در هر رکعتی بعد از سوره حمد ده مرتبه قل هو اللّه احد را بخواند و از آتش دوزخ به خدا پناه ببرد؛ خداوند نیز به پاداش این عمل، نامش را «آزاد شده از

1- [1013]زاد المعاد، صفحه 142.
2- [1014]مصباح کفعمی، صفحه 563.
3- [1015]زاد المعاد، صفحه 178.

4- [1016]همان مدرک، صفحه 179.
5- [1017]همان مدرک.
6- [1018]همان مدرک.
7- [1019]اقبال، صفحه 150.

آتش» ثبت فرماید و قبل از آن که بمیرد، فرشتگان به وی بشارت بهشت می دهند و فرشتگان دیگری، او را از آتش دوزخ ایمن می دارند.(1)

***

روز نیمه ماه رمضان روز پانزدهم ماه رمضان سال سوم هجری، روز ولادت باسعادت امام مجتبی علیه السلام می باشد،(2) و بنابر بعضی از اقوال، تولّد امام محمّد تقی علیه السلام در سال 195 در این روز واقع شده، البتّه این قول غیرمشهور است.(3) به هر حال این روز، روز بسیار بافضیلتی است و دادن صدقه و خیرات و کمک به مستمندان در این روز پاداش زیادی دارد.

شب هفدهم ماه این شب، شب بسیار مبارکی است. در این شب، رسول خدا صلی الله علیه و آله با لشکر کفّار قریش در سرزمین بدر برخورد کرد، و در روز هفدهم، جنگ بدر واقع شد و خداوند متعال لشکریان اسلام را بر مشرکین پیروز گردانید، با آن که مسلمانان از نفرات محدود و ساز و برگ اندک جنگی برخوردار بودند.

این پیروزی از بزرگترین فتوحات اسلام است؛ از این رو علما گفته اند که در این روز، غسل و صدقه و شکر خدا بجا آوردن مستحبّ است و عبادت در شب هفدهم فضیلت فراوانی دارد.(4)

فضیلتی از امیر مؤمنان علیه السلام در شب جنگ بدر:

در روایات فراوانی آمده است که در شب هفدهم که فردای آن جنگ بدر واقع شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحابش فرمود: چه کسی حاضر است برود از چاه آب بکشد و بیاورد؟ اصحاب سکوت کردند و هیچ کدام اعلام آمادگی نکردند (چون کار خطرناکی بود) علی علیه السلام برخاست، و برای آوردن آب بیرون رفت، آن شب، شبی سرد و ظلمانی بود و باد سردی می وزید. حضرت به چاه آب رسید، چاه بسیار عمیق بود. حضرت دلوی نیافت که بتواند از آن آب بکشد، لذا از چاه پایین رفت و مشکی را که با خود داشت پر از آب کرد و بیرون آمد. به هنگام مراجعت ناگاه باد شدیدی وزید، امام علیه السلام نشست تا باد فرو نشیند آنگاه برخاست و حرکت کرد که تندباد دیگری وزیدن گرفت، ناچار امام علیه السلام نشست، پس از آرام شدن، مجدّداً به راه افتاد که در مرتبه سوم نیز تندبادی همانند قبل وزید، آن حضرت نشست، تا هوا آرام شد؛ آنگاه به

راه خود ادامه داد و خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: ای ابوالحسن! چرا دیر آمدی؟ امام جریان را توضیح داد.

1- [1020]اقبال، صفحه 151.
2- [1021]منتهی الآمال، تاریخ زندگانی امام حسن مجتبی علیه السلام(البتّه برخی معتقدند ولادت آن حضرت سال دوم واقع شده است).
3- [1022]همان مدرک، تاریخ زندگانی امام محمّد تقی علیه السلام.
4- [1023]زاد المعاد، صفحه 179.

رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: متوجّه شدی آن بادهای شدید چه بود؟ عرض کرد: نه، فرمود: اوّلی جبرئیل بود همراه با هزار فرشته که بر تو سلام کردند و دوّمی میکائیل بود که با هزار فرشته بر تو سلام کردند و سوّمی نیز اسرافیل بود با هزار فرشته بر تو سلام کردند و آنها برای کمک و یاری ما در جنگ آمدند.(1) و آن کس که گفته است برای امیر مؤمنان علیه السلام در یک شب سه هزار و سه فضیلت است، اشاره به همین جریان دارد که سه هزار فرشته، همراه با سه فرشته مقرّب الهی بر آن حضرت سلام کردند!

سیّد حمیری نیز در شعر خود در مدح آن حضرت به همین داستان اشاره کرده:

اقْسِمُ بِاللَّهِ وَ آلائِهِ وَالْمَرْءُ عَمَّا قالَ مَسْؤُولٌ

سوگند خورم به خدا و نعمتهایش و انسان از هر چه گوید بازخواست شود

انَّ عَلِیَّ بْنَ ابی طالِبٍ عَلَی التُّقی وَالْبِرِّ مَجْبُولٌ

براستی علی بن ابی طالب فطرتش به پرهیزکاری و نیکی سرشته شده

کانَ اذَا الْحَربُ مَرَتْهَا الْقَناوَاحْجَمَتْ عَنْهَا البَهالیلُ

چنان بود که هنگامی که نیزه ها تنور جنگ را می افروخت و دلیران از آن گریزان بودند

یَمْشی الَی الْقِرْنِ وَفی کَفِّهِ ابْیَضُ ماضِی الْحَدِّ مَصْقُولٌ

بسوی هماورد خویش می رفت و در دستش شمشیر بَراق و بُران و صیقلی شده بود

مَشْیَ الْعَفَرْنی بَیْنَ اشْبالِهِ ابْرَزَهُ لِلْقَنَصِ الْغیلُ

چنانچه شیر در میان بچه های خود راه می روددر آن حال که بیشه برای شکار او را بیرون فرستد

ذاکَ الَّذی سَلَّمَ فی لَیْلَهٍعَلَیْهِ میکالٌ وَجِبْریلُ

علی همان کسی است که در یک شب بر اوسلام کرد میکائیل و جبرئیل

میکالُ فی الْفٍ وَجِبْریلُ فی الْفٍ وَیَتْلُوهُمْ سَرافیلُ

میکائیل با هزار فرشته و جبرئیل نیز باهزار فرشته و پشت سر آنها نیز اسرافیل آمد

لَیْلَهَ بَدْرٍ مَدَداً انْزِلُواکَانَّهُمْ طَیْرٌ ابابیلُ [1025]

ص: 782

1- [1024]بحارالانوار، جلد 19، صفحه 286، 293 و 316 و جلد 39، صفحه 95.

در شب بدر که برای کمک فرود آمدندهمانند مرغهای ابابیل (که به مکه آمدند)

شبهای قدر:

شب قدر، شبی است که مقدّرات یک سال انسانها- بر اساس لیاقت ها و شایستگی های آنان- تعیین می گردد؛ در تمام سال، شبی به عظمت و فضیلت آن نمی رسد و عمل در آن از عمل در هزار ماه برتر است.

فرشتگان خداوند و فرشته ای به نام «روح» که اعظم همه فرشتگان است در آن شب، به اذن پروردگار به زمین فرود می آیند و خدمت امام زمان علیه السلام می رسند و آنچه را که برای هر کس در طول سال آینده مقدّر شده است بر آن حضرت عرضه می دارند.(1) خوشا به حال آن کس که از فیض عظیم این شب که شب نزول قرآن است، بهره مند شود و با دعا و مناجات و گریه و توبه، به درگاه حقّ روی آورد و زمینه تقدیرات ارزشمند و سرنوشت معنوی و روحانی والایی را برای خویش فراهم سازد.

معصومین علیهم السلام شب قدر را به طور دقیق، تعیین نکرده اند و آن را مردّد در میان سه شب (نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم) ذکر فرموده اند، تا مؤمنان با انجام اعمال شب های قدر، در هر سه شب و به دست آوردن حال خوشِ معنوی و کسب فیض در این شب ها، به آمادگی کامل، جهت دریافت عنایات ویژه الهی دست یابند.

هرچند علما، با توجّه به روایات، شب های بیست و یکم و بیست و سوم را به شب قدر بودن، نزدیکتر می دانند.(2) شب نوزدهم ماه این شب، اوّلین شب از شب های قدر است و از این شب، انجام اعمال شب های قدر آغاز می شود.

اعمال شب های قدر:

اعمال شب های قدر بر دو قسم است. یک قسم آن مشترک میان هر سه شب است و قسم دیگر اعمالی است که مخصوصِ هر یک از این سه شب می باشد.

اعمال مشترک شب های قدر:

1- غسل شب قدر است، مرحوم «علّامه مجلسی» فرموده: بهتر است غسلِ شب های قدر را مقارن غروب آفتاب انجام دهند که نماز مغرب را با غسل بخوانند.(3)

ص: 783

1- [1026]زاد المعاد، صفحه 180.
2- [1027]رجوع شود به: اقبال، صفحه 167.
3- [1028]زاد المعاد، صفحه 185.

2- دو رکعت نماز بخواند؛ که در هر رکعت بعد از حمد، هفت مرتبه سوره «قُل هُوَ اللّه» را تلاوت کند و بعد از پایان نماز، هفتاد مرتبه بگوید:

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ الَیْهِ

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

کسی که این عمل را بجا آورد، از جای خویش برنخیزد مگر این که خداوند متعال او و پدر و مادرش را بیامرزد و خداوند فرشتگان را مأمور می کند تا سال آینده برای وی حسنات بنویسند ...(1) 3- امام باقر علیه السلام درباره عمل دیگر این شب فرمود: قرآن را بگشاید و در برابر خود قرار دهد وبگوید:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِکِتابِکَ الْمُنْزَلِ وَما فیهِ، وَفیهِ اسْمُکَ [الْأَعْظَمُ الْأَکْبَرُ، وَ

خدایا از تو خواهم به حق کتاب فرستاده شده ات و آنچه در آن است که در آن است نام بزرگت و

اسْماؤُکَ الْحُسْنی وَما یُخافُ وَیُرْجی انْ تَجْعَلَنی مِنْ عُتَقائِکَ مِنَ النَّارِ.

نامهای نیکویت و آنچه بدانها ترس و امید شود که قرارم دهی از زمره آزاد شدگانت از دوزخ.

سپس حاجت خود را از خدا بخواهد.(2)

***

4- مراسم قرآن به سر گرفتن است، به فرموده امام صادق علیه السلام: قرآن مجید را بر سر بگذارد و بگوید:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هذَا الْقُرْآنِ، وَ بِحَقِّ مَنْ ارْسَلْتَهُ بِهِ، وَبِحَقِّ کُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ

خدایا به حق این قرآن و به حق آن کس که او را بدین قرآن فرستادی و هر مؤمنی که در آن مدحش کردی

فیهِ، وَبِحَقِّکَ عَلَیْهِمْ، فَلا احَدَ اعْرَفُ بِحَقِّکَ مِنْکَ.

و به حق تو بر ایشان زیرا هیچ کس به حق تو از خودت آشناتر نیست.

آنگاه ده مرتبه بگوید: بِکَ یا اللَّهُ و ده مرتبه بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و ده مرتبه بعَلِیٍّ علیه السلام و ده مرتبه بِفاطِمَهَ علیها السلام و ده مرتبه بِالْحَسَنِ علیه السلام و ده مرتبه بِالْحُسَیْنِ علیه السلام و ده مرتبه بِعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام و ده مرتبه بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام و ده مرتبه بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام و ده مرتبه بِمُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیهما السلام و ده مرتبه بِعَلِیِّ بْنِ مُوسی علیهما السلام و ده مرتبه بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام و ده مرتبه بِعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام و ده مرتبه بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام و ده مرتبه بِالْحُجَّهِ علیه السلام در پایان هر حاجتی که دارد از خداوند طلب کند(3) و در تمام این اذکار، نهایت حضور قلب و توجّه به درگاه خدا را حفظ کند.

ص: 784

1- [1029]اقبال، صفحه 186.
2- [1030]همان مدرک و زادالمعاد، صفحه 185.
3- [1031]اقبال، صفحه 187.

بهتر است اگر می خواهند توسّل گرفته، یا ذکر مصیبتی کنند قبل یا بعد از دعا باشد و دعا را قطع نکنند.

5- زیارت امام حسین علیه السلام؛ به فرموده علّامه مجلسی، زیارت امام حسین علیه السلام در هر یکی از این سه شب، مستحبّ مؤکّد است،(1) و در روایتی آمده است که سبب آمرزش گناهان می شود(2) و اگر دسترسی به زیارت از نزدیک نداشته باشد، از دور زیارت کند.

6- احیا داشتن شب های قدر است؛ یعنی این شب را تا صبح بیدار باشد و با عبادت و دعا و تلاوت قرآن و جلسات سخنرانی دینی و پرسش و پاسخ های مذهبی و یا مطالعه کتاب های تفسیر و عقاید و مواعظ سپری کند.

در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: هر کس شب قدر را احیا دارد، گناهان او آمرزیده شود، هرچند زیاد باشد،(3) و بهتر است روز قبل مقداری استراحت کند و غذا و نوشیدنی کمتر بخورد تا خواب بر او غلبه نکند و کسانی که توانایی بر احیا ندارند، بهتر است اوّل شب را استراحت کنند و سحرگاهان بیدار باشند و عبادت نمایند.

7- صد رکعت نماز بگزارد (هر دو رکعت به یک سلام) که فضیلت بسیار دارد و افضل آن است که اگر توانایی داشته باشد، در هر رکعت بعد از حمد، ده مرتبه سوره قل هو اللّه را بخواند.(4) 8- مرحوم «شیخ کفعمی» در «مصباح» نقل کرده است که امام زین العابدین علیه السلام این دعا را در شب های نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم در حالت ایستاده و نشسته و در رکوع و سجود می خواندند:

اللّٰهُمَّ انّی امْسَیْتُ لَکَ عَبْداً داخِراً، لا امْلِکُ لِنَفْسی نَفْعاً وَلا ضَرّاً، وَلا

خدایا من شام کردم در حالی که بنده خواری هستم که مالک سود و زیانی برای خویش نیستم

اصْرِفُ عَنْها سُوءاً، اشْهَدُ بِذلِکَ عَلی نَفْسی وَاعْتَرِفُ لَکَ بِضَعْفِ قُوَّتی

و نتوانم از خویشتن پیش آمد ناگواری را بازگردانم و این مطلبی است که من آن را بر خویش گواهی دهم و به ناتوانی خود و بیچارگیم

وَقِلَّهِ حیلَتی فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْجِزْ لی ما وَعَدْتَنی

در برابرت اعتراف دارم پس درود فرست بر محمّد و آل محمّد و وفا کن برایم بدانچه بر من

وَجَمیعَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ مِنَ الْمَغْفِرَهِ فی هذِهِ اللَّیْلَهِ، وَاتْمِمْ عَلَیَّ ما

و همه مؤمنین و مؤمنات وعده فرمودی از آمرزش در این شب و تمام کن بر من آنچه را

ص: 785

1- [1032]زاد المعاد، صفحه 186.
2- [1033]تهذیب، جلد 6، صفحه 49، حدیث 26.
3- [1034]اقبال، صفحه 186.
4- [1035]همان مدرک، صفحه 167.

اتَیْتَنی فَانّی عَبْدُکَ الْمِسْکینُ الْمُسْتَکینُ، الضَّعیفُ الْفَقیرُ الْمَهینُ،

به من دادی زیرا که من بنده بینوای مستمند ناتوان تهیدست خوار توام

اللهُمَّ لا تَجْعَلْنی ناسِیاً لِذِکْرِکَ فیما اوْلَیْتَنی وَلا لِإِحْسانِکَ فیما

خدایا مرا فراموشکار از یاد خویش در آنچه به من انعام فرمودی و از احسانت در آنچه به من

اعْطَیْتَنی وَلا ایِساً مِنْ اجابَتِکَ، وَانْ ابْطَاتْ عَنّی فی سَرَّآءَ اوْ ضَرَّآءَ،

عطا کردی قرار مده و قرارم مده ناامید از اجابت خویش و اگرچه دیرزمانی طول کشد چه در خوشی و چه در سختی

اوْ شِدَّهٍ اوْ رَخآءٍ، اوْ عافِیَهٍ اوْ بَلاءٍ، اوْ بُؤْسٍ اوْ نَعْمآءَ، انَّکَ سَمیعُ الدُّعآءِ.(1)

در دشواری یا در آسایش در تندرستی یا گرفتاری در تنگدستی یا در نعمت براستی تو شنوای دعایی.

9- مرحوم «علّامه مجلسی» می فرماید: بهترین اعمال در این شب ها طلب آمرزش گناهان و دعا برای امور دنیوی و اخروی است، هم برای خود و هم برای پدر و مادر و خویشان و برادران مؤمن؛ چه زنده باشند و چه از دنیا رفته باشند و همچنین ذکرهای مختلف و صلوات بر محمّد و آلش، تا آن جا که مقدور است، انجام دهد و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای «جوشن کبیر» (صفحه 138) را در این سه شب بخوانند.(2) در روایتی آمده است که شخصی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: اگر شب قدر را درک کردم، چه چیزی را از خداوند طلب کنم؟ فرمود: عافیت و سلامتی را بخواه.(3)

اعمال مخصوص هر یک از شب های سه گانه قدر:

اعمال شب نوزدهم:

اعمال شب نوزدهم چند چیز است:

1- صد مرتبه بگوید:

اسْتَغْفِرُ اللّهَ رَبِّی وَ أتُوبُ إلَیْهِ.(4)

2- صد مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَهَ أَمیرِالْمُؤْمِنینَ.(5)

3- دعایی را که در اعمال روزهای ماه رمضان ذکر کردیم (یا ذا الّذی کان ...- صفحه 766-) را بخواند.(6) 4- این دعا را بخواند:

ص: 786

1- [1036]بلدالامین، صفحه 203.
2- [1037]زاد المعاد، صفحه 186(با اندکی تصرّف).
3- [1038]مستدرک الوسائل، جلد 7، صفحه 458، حدیث 12.
4- [1039]اقبال، صفحه 186 و زاد المعاد، صفحه 186.
5- [1040]همان مدرک.
6- [1041]اقبال، صفحه 187.

اللَّهُمَّ اْجْعَلْ فیما تَقْضی وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ، وَفیما تَفْرُقُ مِنَ

خدایا قرار ده در آنچه حکم کرده و مقدر فرموده ای از سرنوشت حتمی و در آنچه جدا کنی از

الْأَمْرِ الحَکیمِ فی لَیْلَهِ الْقَدْرِ، وَفِی الْقَضآءِ الَّذی لا یُرَدُّ وَلا یُبَدَّلُ، انْ

فرمان حکیمانه ات در شب قدر و در آن قضا و قدری که برگشت و تغییر و تبدیلی ندارد

تَکْتُبَنی مِنْ حُجَّاجِ بَیْتِکَ الْحَرامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ، الْمَشْکُورِ سَعْیُهُمْ،

که نام مرا در زمره حاجیان خانه محترمت (کعبه) بنویسی آنان که حجشان مقبول و سعیشان مورد تقدیر

الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، الْمُکَفَّرِ عَنْهُمْ سَیِّئاتُهُمْ، وَاجْعَلْ فیما تَقْضی وَتُقَدِّرُ، انْ

و گناهانشان آمرزیده و کردار بدشان بخشوده شده است و قرار ده در آنچه مقدر فرموده ای

تُطیلَ عُمْری وَتُوَسِّعَ عَلَیَّ فی رِزْقی وَتَفْعَلَ بی کَذا وَکَذا.(1)

که عمر مرا طولانی کرده و روزیم را وسیع گردانی و درباره ام چنین و چنان کنی.

(به جای کلمه کذا و کذا، حاجت خود را عرضه دارد).

شب بیست و یکم: این شب فضیلتش از شب نوزدهم بیشتر است که اعمال مشترک شب های قدر را با توجّه بیشتری انجام دهد. در روایات درباره غسل و احیا و تلاش در عبادت در این شب و شب بیست و سوم تأکید شده و آمده است که شب قدر در میان یکی از این دو شب است،(2) و در چند روایت وقتی که از معصوم علیه السلام خواستند تا معیّن کنند که شب قدر، در میان کدام یک از این دو شب است، معیّن نکردند، بلکه فرمودند:

ما ایْسَرَ لَیْلَتَیْنِ فیما تَطْلُبُ

(احیای هر دو شب برای آنچه می خواهی مشکل نیست).(3) و جالب این که «مرحوم صدوق» در «امالی» می گوید: «

مِنْ دینِ الإمامِیَّهِ ... مَنْ احْیی هاتَیْنِ اللَّیْلَتَیْنِ بِمُذاکَرَهِ الْعِلْمِ فَهُوَ افْضَلُ؛

از دستورات مذهب امامیه است که ... اگر کسی این دو شب را به گفتگوی علمی بپردازد، از هر عبادتی برتر است».(4) اعمال شب بیست و یکم: اعمال این شب بر دو قسم است؛ قسم اوّل دعاهایی که مربوط به دهه آخر ماه رمضان است که خواهد آمد (صفحه 796) و قسم دیگر اعمال مخصوص شب بیست و یکم، که به این شرح است:

1- دعایی است که در «مصباح المتهجّد» و «کافی» نقل شده است که در شب بیست و یکم خوانده می شود(5):

1- [1042]بحارالانوار، جلد 95، صفحه 147.
2- [1043]اقبال، صفحه 194.
3- [1044]بحارالانوار، جلد 94، صفحه 2، حدیث 4.
4- [1045]امالی صدوق، صفحه 649.
5- [1046]مصباح المتهجّد، صفحه 628 و کافی، جلد 4، صفحه 160(با اندکی تفاوت).

يا مُولِجَ اللَّيْلِ فِى النَّهارِ، وَمُولِجَ النَّهارِ فِى اللَّيْلِ، وَمُخْرِجَ الْحَىِّ مِنَ

ای فروبرنده شب در روز و ای فروبرنده روزدر شب و ای بیرون آورنده زنده از

الْمَيِّتِ، وَمُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَىِّ، يا رازِقَ مَنْ يَشآءُ بِغَيْرِ حِسابٍ، يا اللَّهُ

مرده و بیرون آورنده مرده از زنده ای روزی دهنده هرکه را خواهی بی حساب ای خدا،

يا رَحْمنُ، يا اللَّهُ يا رَحيمُ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمآءُ الْحُسْنى

ای بخشاینده، ای خدا ای مهربان ای خدا ای خدا ... از آن توست نامهای نیکو

وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا، وَالْكِبْرِيآءُ وَالْألاءُ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

و نمونه های والا و بزرگی و نعمتها از تو خواهم درود فرستی بر محمّد و آل

مُحَمَّدٍ، وَ انْ تَجْعَلَ اسْمى فى هذِهِ اللَّيْلَهِ فِى السُّعَدآءِ، وَ رُوحى مَعَ

محمّد و نام مرا در این شب در زمره سعادتمندان قرار دهی و روحم را با

الشُّهَدآءِ، وَاحْسانى فى عِلِّيّينَ، وَاسآئَتى مَغْفُورَةً، وَانْ تَهَبَ لى يَقيناً

شهدا مقرون سازی و احسان و نیکوکاریم را در بلندترین درجه بهشت و گناهانم را آمرزیده کنی و به من یقینی عطا کنی که

تُباشِرُ بِهِ قَلْبى وَايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّى وَتُرْضِيَنى بِما قَسَمْتَ لى

همیشه با دلم همراه باشد و ایمانی به من بدهی که شک و تردید را از من دور سازد و بدانچه روزیم کرده ای خشنودم سازی

وَآتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً، وَ فِى الْأخِرَهِ حَسَنَةً، وَ قِنا عَذابَ النَّارِ الْحَريقِ،

و بدهی به من در دنیا نعمت نیک و در آخرت نعمت نیک و نگهداری ما را از عذاب آتش سوزان

وَارْزُقْنی فیها ذِکْرَکَ وَ شُکْرَکَ، وَ الرَّغْبَهَ الَیْکَ وَ الْإِنابَهَ، وَ التَّوْفیقَ لِما

و روزیم کنی در این شب ذکر خود و سپاسگزاریت و اشتیاق و بازگشت بسویت و توفیق برای انجام آنچه را

وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ

موفق داشتی بدان محمّدو آل محمّد را که بر او و بر ایشان سلام باد.

2- مرحوم «شیخ کفعمی» از «سیّد بن باقی» نقل کرده است که در شب بیست و یکم می خوانی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْسِمْ لی حِلْماً یَسُدُّ عَنّی بابَ

خدایا درود فرست برمحمّد و آل محمّد و چنان بردباریی بهره ام کن که ببندد بر من دَرِ

الْجَهْلِ، وَهُدیً تَمُنُّ بِهِ عَلَیَّ مِنْ کُلِّ ضَلالَهٍ، وَغِنیً تَسُدُّ بِهِ عَنّی بابَ کُلِ

نادانی را و هدایتی به من ده که بر من منّت نهد از رهانیدن از هر گمراهی و بی نیازیی به من بده که درهای انواع فقر را به تمامی بر من ببندد

فَقْرٍ، وَقُوَّهً تَرُدُّ بِها عَنّی کُلَّ ضَعْفٍ، وَعِزّاً تُکْرِمُنی بِهِ عَنْ کُلِّ ذِلَّهٍ، وَرِفْعَهً

و نیرویی به من ده که هرگونه سستی را از من بازگرداند و عزتی که از هر خواری مرا گرامی داری و رفعت مقامی

تَرْفَعُنی بِها عَنْ کُلِّ ضَعَهٍ، وَامْناً تَرُدُّ بِهِ عَنّی کُلَّ خَوْفٍ، وَعافِیَهً تَسْتُرُنی

که بدان وسیله مرا از هر پستی بلند کنی و امنیّتی که بوسیله آن هر ترسی را از من دور کنی و تندرستی که بدان وسیله

بِها مِنْ کُلِّ بَلاءٍ، وَعِلْماً تَفْتَحُ لی بِهِ کُلَّ یَقینٍ، وَیَقیناً تُذْهِبُ بِهِ عَنّی کُلَ

مرا از هر بلایی بپوشانی و دانشی که به آن هر یقینی را بر من مفتوح گردانی و یقینی که بدان وسیله هر

شَکٍّ، وَدُعآءً تَبْسُطُ لی بِهِ الْإِجابَهَ فی هذِهِ اللَّیْلَهِ، وَفی هذِهِ السَّاعَهِ

شک و تردیدی را از من دور سازی و دعایی که اجابتش را بر من بگسترانی در همین امشب و در همین ساعت

السَّاعَهِ السَّاعَهِ یا کَریمُ، وَ خَوْفاً تَنْشُرُ لی بِهِ کُلَّ رَحْمَهٍ، وَعِصْمَهً تَحُولُ

... ... ای بزرگوار و ترسی به من بده که هر رحمتی را بدان وسیله بر من بگسترانی و مرا چنان خودنگهدار کن که همان

بِها بَیْنی وَ بَیْنَ الذُّنُوبِ، حَتّی افْلِحَ بِها بَیْنَ الْمَعْصُومینَ عِنْدَکَ، بِرَحْمَتِکَ

حالت میان من و گناهان حائل شود و بدان وسیله در پیشگاه معصومین (و خود نگهداران) درگاهت رستگار باشم

یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

ای مهربانترین مهربانان.

3- به فرموده «شیخ مفید»، در این شب صلوات بسیار فرستد و بر ظالمان و غاصبان حقوق آل محمّد صلی الله علیه و آله و همچنین بر قاتل امیرمؤمنان علیه السلام بسیار لعن و نفرین فرستد و برای خویش و پدر و

مادرش و سایر مؤمنان دعا کند.(2) 4- دعا برای وجود مبارک امام زمان علیه السلام و فرج آن حضرت، یکی دیگر از اعمال این شب است. در روایتی که «سیّد بن طاووس» از حمّاد بن عثمان نقل کرده می خوانیم: در شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، امام علیه السلام از من پرسید که آیا غسل کرده ای؟ گفتم:

آری، امام علیه السلام حصیری طلبید و مرا نیز به کنارش فراخواند. آن حضرت علیه السلام مشغول نماز شد و من نیز نزدیک آن حضرت علیه السلام نماز می خواندم. وقتی که از نمازها فارغ شدیم، آن حضرت دعا کرد و من آمین گفتم، و این کار ادامه داشت تا صبح طلوع کرد. امام علیه السلام اذان و اقامه گفتند و برخی از خدمتکاران را فراخواند و نماز صبح را به امامت آن حضرت علیه السلام بجا آوردیم.

ص: 789

1- [1047]مصباح کفعمی، صفحه 584.
2- [1048]مقنعه، صفحه 167(باب صلاه شهر رمضان).

امام صادق علیه السلام بعد از نماز، به تسبیح و تقدیس پروردگار پرداخت و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستاد و برای مؤمنان دعا کرد؛ آنگاه به سجده رفت و ساعتی در سجده بود، و در آن مدّت جز صدای نَفَس حضرت چیزی را نمی شنیدم، سپس دعایی خواند از جمله در دعایش عرض کرد:

وَ أسْأَلُکَ بِجَمیعِ ما سَأَلْتُکَ وَ ما لَمْ أَسْأَلْکَ مِنْ عَظیمِ جَلالِکَ، ما لَوْ

از تو تقاضا می کنم به جمیع آنچه که تو را با آن خواندم و آنچه را نخواندم، از عظیم جلال تو که اگر

عَلِمْتُهُ لَسَأَلْتُکَ بِهِ، أَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ، وَ أَنْ تَأْذَنَ لِفَرَجِ

می دانستم تو را با آن خواندم. از تو می خواهم بر محمّد و اهل بیتش درود بفرستی و اجازه فرج

مَنْ بِفَرَجِهِ فَرَجُ أَوْلِیائِکَ وَ أَصْفِیائِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَ بِهِ تُبیدُ الظّالِمینَ

و ظهور کسی را بدهی که با ظهور او گشایشی در کار اولیای تو و برگزیدگان از خلقت ظاهر می شود و به وسیله او ظالمان را نابود

وَتُهْلِکُهُمْ، عَجِّلْ ذلِکَ یا رَبَّ الْعالَمینَ.

و هلاک می سازی. ای پروردگار عالمیان، در ظهورش تعجیل فرما.

پس از آن که امام علیه السلام سر از سجده برداشت، عرض کردم: جانم به فدایت! شما برای فرج کسی دعا کردید که با فرج او گشایشی در کار دوستان و اولیای الهی حاصل خواهد شد؛ مگر آن کس شما نیستید؟

امام علیه السلام فرمود: نه! او قائم آل محمّد است!

آنگاه امام صادق علیه السلام نشانه های ظهورش را بیان کرد و در ادامه فرمود: «شب و روز، منتظر ظهور مولایت باش! زیرا خداوند هر روز در شأن و کاری است، و انجام کاری او را از کار دیگر باز نمی دارد».

(وَ تَوَقَّعْ امْرَ صَاحِبِکَ لَیْلَکَ وَ نَهارَکَ، فانَّ اللَّهَ کُلُّ یَوْمٍ هُوَ فی شَأنٍ، لا یَشْغَلُهُ شأنٌ عَنْ شَأنٍ

).(1) نکته:

از شب بیست و یکم، دهه آخر ماه رمضان شروع می شود که بسیار پرارزش و مغتنم است. در هر شب از شب های این دهه، غسل مستحب است و روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر شب از شب های دهه آخر ماه رمضان غسل می کرد.(2) همچنین اعتکاف در مساجد جامع در این دهه مستحب است و فضیلت فراوان دارد و در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان برابر دو حج و دو عمره شمرده شده است.(3)

ص: 790

1- [1049]اقبال، صفحه 200(با تلخیص).
2- [1050]همان مدرک، صفحه 195.
3- [1051]بحارالانوار، جلد 94، صفحه 129، حدیث 7.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در دهه آخر ماه رمضان در مسجد معتکف می شد(1) بسترش را جمع می کرد و آماده و مهیّا و بانشاط به شب زنده داری و عبادت می پرداخت (بسیاری از مسلمانان نیز در این امر به آن حضرت اقتدا می کردند)،(2) برخلاف آنچه بعضی از ناآگاهان می پندارند که با گذشت شب های قدر برنامه ماه مبارک رمضان تمام شده است.

شب بیست و سوم این شب، از دو شب قبل برتر است و از احادیث متعدّدی استفاده می شود که شب قدر همین شب است. در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که مردی به نام «جهنی» در ماه رمضان خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و به آن حضرت عرض کرد: من در بیرون مدینه به سر می برم و شتر و گوسفند دارم که نمی توانم همه شب در مدینه حاضر شوم. دوست دارم شبی را به من معرّفی کنی تا آن شب را به مدینه بیایم و در نماز و عبادت حاضر باشم. حضرت او را به نزد خود فراخواند و به طور درگوشی آن شب را معرّفی کرد.

«جهنی» نیز وقتی شب های بیست و سوم ماه رمضان فرا می رسید، با همه خانواده و فرزندان و غلامان به مدینه می آمد و آن شب را می ماند و صبحگاهان به منزل خویش برمی گشت.(3) همچنین در روایت دیگری نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب بیست و سوم ماه رمضان به سر و روی خانواده اش آب می پاشید تا به خواب نروند (و از فضیلت این شب بهره بگیرند).(4) روایات متعدّد دیگری نیز داریم که می گوید: شب قدر، شب بیست و سوم است.(5) مرحوم «علّامه مجلسی» نیز در «زاد المعاد» می گوید: اکثر احادیث معتبر دلالت دارد که شب بیست و سوم، شب قدر است.(6)

اعمال مخصوص شب بیست و سوم:

در شب بیست و سوم، غیر از اعمال مشترک شب های قدر، اعمال دیگری نیز وارد شده است:

1- سوره عنکبوت و سوره روم را بخواند که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس در شب بیست و سوم، سوره های عنکبوت و روم را بخواند، به خدا سوگند! اهل بهشت است».(7) 2- هزار مرتبه سوره «إنّا أنزلناه» را بخواند.(8)

1- [1052]اقبال، صفحه 195.
2- [1053]بحارالانوار، جلد 94، صفحه 130، حديث 7.
3- [1054]اقبال، صفحه 207.
4- [1055]همان مدرک.
5- [1056]همان مدرک، صفحه 206 و 207.
6- [1057]زاد المعاد، صفحه 187.
7- [1058]مصباح المتهجّد، صفحه 628 و اقبال، صفحه 211.
8- [1059]همان مدرک.

3- سوره «حم دخان» را بخواند.(1) 4- این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ امْدُدْ لی فی عُمْری وَاوْسِعْ لی فی رِزْقی وَاصِحَّ لی جِسْمی

خدایا دراز کن عمرم را و فراخ کن روزیم را و سالم گردان تنم را

وَبَلِّغْنی امَلی وَانْ کُنْتُ مِنَ الْأَشْقِیآءِ فَامْحُنی مِنَ الْأَشْقِیآءِ، وَاْکتُبْنی

و برسانم به آرزویم و اگر در زمره بدبختان هستم تو نامم را ازسلک آنان پاک کن و در زمره

مِنَ السُّعَدآءِ، فَانَّکَ قُلْتَ فی کِتابِکَ الْمُنْزَلِ عَلی نَبِیِّکَ الْمُرْسَلِ، صَلَواتُکَ

سعادتمندانم ثبت کن زیرا تو خودت در کتابی که بر پیامبر مرسلت (ص) نازل فرمودی چنین گفتی:

عَلَیْهِ وَ آلِهِ، یَمْحُو اللَّهُ ما یَشآءُ وَیُثْبِتُ، وَعِنْدَهُ امُّ الْکِتابِ.(2)

«خدا هر چه خواهد محو می کند و ثبت می کند و نزد اوست اصل کتاب».

5- این دعا را که مخصوص شب بیست و سوم است بخواند:

یا رَبَّ لَیْلَهِ الْقَدْرِ وَجاعِلَها خَیْراً مِنْ الْفِ شَهْرٍ، وَرَبَّ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ،

ای پروردگار شب قدر و قرار دهنده آن بهتر از هزار ماه و پروردگار شب و روز

وَالْجِبالِ وَالْبِحارِ، وَالظُّلَمِ والْأَنْوارِ، وَالْأَرْضِ وَالسَّمآءِ، یا بارِئُ یا

و کوهها و دریاها و تاریکی ها و روشنیها و زمین و آسمان ای پدیدآرنده ای

مُصَوِّرُ، یا حَنَّانُ یا مَنَّانُ، یا اللَّهُ یا رَحْمنُ، یا اللَّهُ یا قَیُّومُ، یا اللَّهُ یا بَدیعُ، یا

صورت بخش ای عطابخش ای نعمت ده ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پاینده ای خدا ای نوآفرین ای

اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ، لَکَ الْأَسْمآءُ الْحُسْنی وَالْأَمْثالُ الْعُلْیا، وَالْکِبْرِیآءُ

خدا ای خدا ای خدا از آن توست نامهای نیک و نمونه های والا و بزرگی

وَالْألاءُ، اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ اسْمی فی

و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و قرار دهی نام مرا در

هذِهِ اللَّیْلَهِ فِی السُّعَدآءِ، وَرُوحی مَعَ الشُّهَدآءِ، وَاحْسانی فی عِلِّیّینَ،

ص: 792

1- [1060]اقبال، صفحه 214.

2- [1061]همان مدرک، صفحه 209 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 162.

این شب در زمره سعادتمندان و روحم را با شهیدان و احسان و نیکیم را در بلندترین درجات

وَاسائَتی مَغْفُورَهً، وَانْ تَهَبَ لی یَقیناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبی وَایماناً یُذهِبُ

و گناهم را آمرزیده و یقینی به من ببخشی که همیشه با دلم همراه باشد و ایمانی به من بدهی که

الشَّکَّ عَنّی وَتُرْضِیَنی بِما قَسَمْتَ لی وَ اتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً، وَفِی

یکسره شک و تردید را از من دور کنی و بدانچه نصیبم کرده ای خشنودم سازی و بده به ما در دنیا نیکی و نعمت و در

الْأخِرَهِ حَسَنَهً، وَقِنا عَذابَ النَّارِ(1) الْحَریقِ، وَارْزُقْنی فیها ذِکْرَکَ

آخرت نیز نیکی و نگاهمان دار از عذاب آتش سوزان و روزیم کن در این شب ذکر خود

وَشُکْرَکَ، وَالرَّغْبَهَ الَیْکَ، وَالْإِنابَهَ والتَّوْبَهَ، والتَّوْفیقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً

و سپاسگزاریت و شوق و بازگشت و توبه بسوی خودت را و موفقم بدار بدانچه موفق داشتی بدان محمّد

وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ.(2)

و آل محمّد علیهم السّلام.

***

6- این دعا را که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، بخواند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ فیما تَقْضی وَفیما تُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِالْمَحْتُومِ، وَفیما تَفْرُقُ

خدایا قرار ده در آنچه حکم کرده و مقدر فرموده ای از فرمان حتمی خود و در آنچه جدا کنی

مِنَ الْأَمْرِ الْحَکیمِ، فی لَیْلَهِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضآءِ الَّذی لا یُرَدُّ وَلا یُبَدَّلُ، انْ

از دستور حکیمانه ات در شب قدر از آن حکمی که بازگشت ندارد و تغییر پذیر نیست

تَکْتُبَنی مِنْ حُجَّاجِ بَیْتِکَ الْحَرامِ فی عامی هذَا، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ،

که بنویسی مرا از حاجیان خانه محترم کعبه ات در همین امسال آنان که حجشان مقبول

الْمَشْکُورِ سَعْیُهُمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، الْمُکَفَّرِ عَنْهُمْ سَیِّئَاتُهُمْ، وَاجْعَلْ فیما

و سعیشان مورد تقدیر و گناهانشان آمرزیده و اعمال بدشان بخشوده شده و مقرر فرما

تَقْضی وَتُقَدِّرُ، انْ تُطیلَ عُمْری وَتُوَسِّعَ لی فی رِزْقی (3)

در آنچه حکم کرده و مقدر فرموده ای که عمرم را طولانی کنی و در روزیم وسعت دهی.

1- [1062]کلمه« الثّار» در مصباح آمده است.
2- [1063]کافی، جلد 4، صفحه 161 و مصباح المتهجّد، صفحه 629.
3- [1064]اقبال، صفحه 211.

7- این دعا را که از امام حسن علیه السلام نقل شده است بخواند:

یا باطِناً فی ظُهُورِهِ، وَیا ظاهِراً فی بُطُونِهِ، وَیا باطِناً لَیْسَ یَخْفی وَیا

ای که نهان است در عین آشکاریش و ای که آشکار است در عین نهانیش و ای نهانی که درخفا نیستی و ای

ظاهِراً لَیْسَ یُری یا مَوْصُوفاً لا یَبْلُغُ بِکَیْنُونَتِهِ مَوْصُوفٌ، وَلا حَدٌّ

آشکاری که دیده نشوی ای که توصیفت کنند ولی هیچ وصفی به کنه ذات تو نرسد و هیچ حدی

مَحْدُودٌ، وَیا غآئِباً غَیْرَ مَفْقُودٍ، وَیا شاهِداً غَیْرَ مَشْهُودٍ، یُطْلَبُ

محدودت نکند و ای که پیدا نیستی ولی گم نشده ای و ای که حاضری ولی مشهودنشوی تو را طلب کنند

فَیُصابُ، وَلَمْ یَخْلُ مِنْهُ السَّمواتُ وَالْأَرْضُ وَما بَیْنَهُما طَرْفَةَ عَیْنٍ، لا

و به مقصود نائل گردند، از تو خالی نیست آسمانها و زمین و مابین آن دو یک چشم برهم زدن،

یُدْرَکُ بِکَیْفٍ، وَلا یُؤَیَّنُ بِایْنٍ وَلا بِحَیْثٍ، انْتَ نُورُ النُّورِ، وَرَبُّ الْأَرْبابِ،

به چگونگی در نیایی و به جایی و سویی اندر نشوی تویی روشنی نور و پروردگار همه پروردگاران

احَطْتَ بِجَمیعِ الْأُمُورِ، سُبْحانَ مَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ، وَهُوَالسَّمیعُ

به تمام امور احاطه داری منزّه خدایی که نیست مانندش چیزی و اوست شنوای

الْبَصیرُ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هکَذا، وَلا هکَذا غَیْرُهُ.(1)

بینا منزّه است آن که او چنین است و جز او دیگری چنین نخواهد بود.

سپس هر حاجتی داری از خدا بطلب.

8- همچنین از معصومین علیهم السلام روایت شده است که در شب بیست و سوم ماه رمضان، در سجود و ایستاده و نشسته دعای ذیل را می خواندند، بلکه مناسب است در تمام ماه رمضان، و در زمانهای دیگر پس از تمجید و ستایش خداوند و صلوات بر محمّد و آلش (مثلاً حدّاقل با گفتن

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ الصَّلاهُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرینَ

)، این دعا خوانده شود:

اللهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلی ابآئِهِ، فی

خدایا باش برای ولی خود حضرت حجت فرزند امام حسن عسکری درودهای تو بر او و بر پدرانش باد در

هذِهِ السَّاعَهِ، وَفی کُلِّ ساعَهٍ، وَلِیّاً وَحافِظاً، وَقآئِداً وَناصِراً، وَدَلیلاً

این ساعت و در هر ساعت یار و مددکار و نگهبان و رهبر و یاور و راهنما

ص: 794

1- [1065]اقبال، صفحه 211. در بحارالانوار، جلد 95، صفحه 165 آمده است که این دعا را امام علی بن الحسین علیهما السلام در شب قدر می خواند.

وَعَیْناً، حَتّی تُسْکِنَهُ ارْضَکَ طَوْعاً، وَتُمَتِّعَهُ فیها طَویلاً.(1)

و دیده بان تا او را از روی میل و رغبت مردم در روی زمین سکونت دهی و بهره مندش سازی زمانی دراز.

***

9- همچنین این دعا را در حالی که دستان خود را به سوی آسمان بلند می کند، بخواند:

یا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، یا باعِثَ مَنْ فِی الْقُبُورِ، یا مُجْرِیَ الْبُحُورِ، یا مُلَیِّنَ

ای تدبیر کننده کارها ای برانگیزنده هر که در گورها است ای روان کننده دریاها ای نرم کننده

الْحَدِیدِ لِداوُدَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بی کَذا وَ کَذا. به جای آهن برای حضرت داود درود فرست بر محمّد و آل محمّد و بکن نسبت به من چنین و چنان.***

کلمات

کذا و کذا

حاجات خود را بخواهد و سپس اضافه کند:

اللَّیْلَهَ اللَّیْلَهَ

، السَّاعَهَ السَّاعَهَ

. این دعا را در حال رکوع، سجده، ایستاده و نشسته به طور مکرّر بخوان.(2)

***

10- با توجّه به اهمّیّت شب بیست و سوم، غسل، احیا و زیارت امام حسین علیه السلام در این شب فضیلت بسیار دارد و همچنین خواندن آن صد رکعت نماز که مشترک میان همه شب های قدر است.

«شیخ طوسی» در «تهذیب»، از ابوبصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: در آن شبی که امید می رود شب قدر باشد صد رکعت نماز بخوان؛ در هر رکعت (پس از حمد) ده مرتبه سوره قل هو اللّه را بخوان. ابوبصیر عرض کرد: اگر نتوانستم ایستاده بخوانم، چه کنم؟ فرمود: نشسته بجا آور! گفتم: اگر نتوانم نشسته بخوانم؟ فرمود: در همان حال که در بستر خود دراز کشیده ای، بجا آور.(3)

***

11- مرحوم «علّامه مجلسی»، در «زاد المعاد» فرموده است: در این شب هر مقدار که ممکن باشد، قرآن بخواند، و از دعاهای «صحیفه کامله سجّادیّه» نیز استفاده کند؛ مخصوصاً دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه.

روزهای شب قدر را نیز باید حرمت داشت و به عبادت و دعا به سر برد؛ در احادیث فراوانی آمده است که روز قدر نیز در فضیلت مثل شب قدر است.(4)

1- [1066]مصباح المتهجّد، صفحه 630 و مصباح کفعمی، صفحه 586(با اندکی تفاوت).
2- [1067]فقیه، جلد 2، صفحه 162 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 70.
3- [1068]تهذیب، جلد 3، صفحه 64، حدیث 19.
4- [1069]زاد المعاد، صفحه 190.

دعای شب های دهه آخر ماه مبارک رمضان:

دعاهای این شب ها بر دو قسم است؛ نخست دعاهایی که مشترک میان همه شب های این دهه است که در هر شب از دهه آخر ماه رمضان خوانده می شود و دیگر، دعاهایی که مخصوص هر شب از دهه آخر است.

دعاهای مشترک شب های آخر ماه رمضان:

1- مرحوم «شیخ کلینی» در کتاب شریف «کافی» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: در دهه آخر ماه رمضان، هر شب این دعا را می خوانی:

اعُوذُ بِجَلالِ وَجْهِکَ الْکَریمِ، أنْ یَنْقَضِیَ عَنّی شَهْرُ رَمَضانَ، اوْ یَطْلُعَ

پناه می برم به جلال ذات بزرگوارت از این که ماه رمضان از من بگذرد یا سپیده

الْفَجْرُ مِنْ لَیْلَتی هذِهِ، وَ لَکَ قِبَلی ذَنْبٌ اوْ تَبِعَةٌ تُعَذِّبُنی عَلَیْهِ.(1)

امشب بر من طلوع کند و باز هم از من در پیش تو گناه یا چیزی که پاداشش بد است مانده باشد که بدان عذابم کنی.

2- از مرحوم «کفعمی» در حاشیه «بلدالامین» از امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت در هر شب از دهه آخر ماه رمضان، بعد از نمازهای فریضه و نافله، این دعا را می خواند:

اللَّهُمَّ ادِّ عَنَّا حَقَّ ما مَضی مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ، وَ اغْفِرْلَنا تَقْصیرَنا فیهِ،

خدایا اداء کن از ما حق ایام گذشته ماه رمضان را و بیامرز تقصیر ما را در این ماه

وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا مَقْبُولًا، وَ لا تُؤاخِذْنا بِاسْرافِنا عَلی انْفُسِنا، وَ اجْعَلْنا مِنَ

و آن را پذیرفته از ما دریافت کن و مگیر ما را به زیاده رویهایی که بر نفس خویش کردیم و قرارمان ده از

الْمَرْحُومینَ، وَ لا تَجْعَلْنا مِنَ الْمَحْرُومینَ.(2)

رحمت شدگان و قرارمان مده از محرومان.

3- «سیّد بن طاووس» در «اقبال»، از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت در هر شب از دهه آخر ماه رمضان این دعا را می خواند:

اللَّهُمَّ انَّکَ قُلْتَ فی کِتابِکَ الْمُنْزَلِ، شَهْرُ رَمَضانَ الَّذی انْزِلَ فیهِ الْقُرْآنُ،

ص: 796

1- [1070]کافی، جلد 4، صفحه 160، حدیث 1.
2- [1071]مفاتیح الجنان، اعمال شب های دهه آخر ماه رمضان.

خدایا تو فرمودی در قرآنت که از آسمان نازل گشته «ماه رمضانی که قرآن در آن نازل گشته

هُدیً لِلنَّاسِ وَ بَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی وَ الْفُرْقانِ، فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضانَ

که آن قرآن راهنمای مردم و حجتهایی است از هدایت و تمیز» و بدین ترتیب حرمت ماه رمضان را

بِما انْزَلْتَ فیهِ مِنَ الْقُرْانِ، وَ خَصَصْتَهُ بِلَیْلَهِ الْقَدْرِ، وَ جَعَلْتَها خَیْراً مِنْ

با نازل فرمودن قرآن بزرگ کردی و به شب قدر مخصوصش داشتی و آن شب را بهتر

الْفِ شَهْرٍ، اللهُمَّ وَهذِهِ ایَّامُ شَهْرِ رَمَضانَ قَدِ انْقَضَتْ، وَ لَیالیهِ قَدْ

از هزار ماه گرداندی خدایا این روزهای ماه رمضان بود که بر من گذشت و این شبهای آن است که آن نیز

تَصَرَّمَتْ، وَ قَدْ صِرْتُ یا الهی مِنْهُ الی ما انْتَ اعْلَمُ بِهِ مِنّی وَاحْصی

گذشت و من ای معبودم از این ماه به حالی درآمده ام که تو خود بهتر از من می دانی

لِعَدَدِهِ مِنَ الْخَلْقِ اجْمَعینَ، فَاسْئَلُکَ بِما سَئَلَکَ بِهِ مَلائِکَتُکَ الْمُقَرَّبُونَ،

و شماره اش را از همه مردم بهتر داری پس از تو خواهم بدانچه فرشتگان مقرّبت

وَانْبِیآؤُکَ الْمُرْسَلُونَ، وَعِبادُکَ الصَّالِحُونَ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

و پیامبران فرستاده ات و بندگان شایسته ات تو را بدان خواستند که درود فرستی بر محمّد و آل

مُحَمَّدٍ، وَانْ تَفُکَّ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ، وَ تُدْخِلَنِی الْجَنَّهَ بِرَحْمَتِکَ، وَ انْ

محمّد و این که مرا از آتش دوزخ آزاد کنی و به رحمت خویش به بهشتم ببری و به

تَتَفَضَّلَ عَلىَّ بِعَفْوِکَ وَ کَرَمِکَ، وَتَتَقَبَّلَ تَقَرُّبی وَ تَسْتَجیبَ دُعآئی

عفو و بزرگواری خویش بر من تفضل کنی و تقرّب جویی مرا بپذیری و دعایم را مستجاب گردانی

وَتَمُنَّ عَلَیَّ بِالْأَمْنِ یَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ کُلِّ هَوْلٍ اعْدَدْتَهُ لِیَوْمِ الْقِیامَهِ، الهی

و در آن روز ترس و وحشت با امان دادنم از هر هراسی که برای روز قیامتم آماده کرده ای بر من منت نهی خدایا

وَاعُوذُ بِوَجْهِکَ الْکَریمِ، وَبِجَلالِکَ الْعَظیمِ، انْ یَنْقَضِیَ ایَّامُ شَهْرِ رَمَضانَ

پناه می برم به ذات بزرگوارت و به جلال و شوکت عظیمت که بگذرد روزها

وَلَیالیهِ، وَ لَکَ قِبَلی تَبِعَهٌ اوْ ذَنْبٌ تُؤاخِذُنی بِهِ، اوْ خَطیئَهٌ تُریدُ انْ تَقْتَصَّها

و شبهای ماه رمضان و از تو در نزد من گناه یا پاداش بدی باشد که مرا بدان مؤاخذه کنی یا خطایی باشد که بخواهی آنرا از من تقاص کنی

مِنّی لَمْ تَغْفِرْها لی سَیِّدی سَیِّدی سَیِّدی اسْئَلُکَ یا لا الهَ الَّا انْتَ، اذْ لا

و نیامرزیده باشی ای آقای من آقای من از تو خواهم ای که معبودی جز تو نیست زیرا

الهَ الَّا انْتَ، انْ کُنْتَ رَضیتَ عَنّی فی هذَا الشَّهْرِ، فَازْدَدْ عَنّی رِضاً، وَانْ

معبودی جز تو نیست که اگر در این ماه از من خشنود گشته ای بر خشنودی خویش از من بیفزا و اگر

لَمْ تَكُنْ رَضيتَ عَنّى فَمِنَ الْأنَ فَارْضَ عَنّى يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، يا اللَّهُ

هنوز خشنود نشده ای از هم اكنون از من خشنود شو ای مهربانترين مهربانان ای خدا

يا احَدُ يا صَمَدُ، يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً احَدٌ. و بسيار بگو:

ای يكتا ای بی نياز ای كه فرزند ندارد و فرزند كسی نيست و برای او همتايی نباشد هيچ كس********

يا مُلَيِّنَ الْحَديدِ لِداوُدَ عَلَيْهِ السَّلامُ، يا كاشِفَ الضُّرِّ وَالْكُرَبِ الْعِظامِ عَنْ

ای نرم كننده آهن برای حضرت داوود عليه السلام ای برطرف كننده گرفتاری و ناراحتی بزرگ از

ايُّوبَ عَلَيْهِ السَّلامُ، ایْ مُفَرِّجَ هَمِّ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلامُ، ایْ مُنَفِّسَ غَمِ

ايوب عليه السلام ای گشاينده اندوه يعقوب عليه السلام ای زداينده غم

يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلامُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَما انْتَ اهْلُهُ انْ

يوسف عليه السلام درود فرست بر محمّد و آل محمّد بدانسان كه تو شايسته آنی كه

تُصَلِّیَ عَلَيْهِمْ اجْمَعينَ، وَافْعَلْ بی ما انْتَ اهْلُهُ، وَلا تَفْعَلْ بی ما انَا اهْلُهُ [1072

درود فرستی بر ايشان همگی و انجام ده درباره من آنچه را تو شايسته آنی و انجام مده درباره ام آنچه من سزاوارم

***

دعاهای مخصوص هر شب از دهه آخر ماه رمضان:

دعای مخصوص شب بيست و يكم گذشت.

دعای شب بيست و دوم:

يا سالِخَ النَّهارِ مِنَ اللّيْلِ فَاذا نَحْنُ مُظّلِمُونَ، وَمُجْرِیَ الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّها

ای که روز (روشن) را از شب (تار) برکنی و ناگهان ما در تاریکی فرو رویم و ای روان کننده خورشید روی مدارش

بِتَقْديرِکَ، يا عَزيزُ يا عَليمُ، وَمُقَدِّرَالْقَمَرِ مَنازِلَ حَتّی عادَ کَالْعُرْجُونِ

به تقديری که فرمودی ای نيرومند ای دانا و ای اندازه گيرماه در منزلهای معين تا بازگردد چون شاخه

الْقَديمِ، يا نُورَ کُلِّ نُورٍ، وَمُنْتَهی کُلِّ رَغْبَهٍ، وَوَلِیَّ کُلِّ نِعْمَهٍ، يا اللَّهُ يا

خرمای لاغر خشک ای روشنی هر نور و آخرين سرحدهر شوق و سرپرست هر نعمت ای خدا ای

رَحْمنُ، يا اللَّهُ يا قُدُّوسُ، يا احَدُ يا واحِدُ يا فَرْدُ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، لَکَ

بخشاينده ای خدا ای منزّه از هر عيب ای يگانه ای يکتا ای فرد ای خدا ... از آن توست

ص :798

الْأَسْمآءُ الْحُسْنى وَ الْأَمْثالُ الْعُلْيا، وَ الْکِبْرِیاءُ وَ الْألاءُ، اسْئَلُکَ انْ

نامهای نیک و نمونه های والا و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که درود

تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَیْتِهِ، وَانْ تَجْعَلَ اسْمی فی هذِهِ اللَّیْلَهِ فِی

فرستی بر محمّد و خاندانش و قرار دهی نامم را در این شب در زمره

السُّعَدآءِ، وَ رُوحی مَعَ الشُّهَدآءِ، وَ احْسانی فی عِلِّیّینَ، وَاسآئَتی

سعادتمندان و روحم را با شهیدان و احسان و نیکیم را در بلندترین درجات و گناهم را

مَغْفُورَهً، وَ انْ تَهَبَ لی یَقیناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبی وَایماناً یُذْهِبُ الشَّکَّ عَنّی

آمرزیده و دیگر این که یقینی به من بدهی که همیشه با دلم همراه باشد و ایمانی به من عطا کنی که شک و تردید را یکسره از من دور سازد

وَتُرْضِیَنی بِما قَسَمْتَ لی وَ اتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنهً، وَفِی الْاخِرَهِ حَسَنَهً،

و بدانچه نصیبم کرده ای خشنودم ساز و بده به ما در دنیا نعمت نیک و در آخرت نیز نعمت نیک

وَقِنا عَذابَ النَّارِ(1) الْحَریقِ، وَارْزُقْنی فیها ذِکْرَکَ وَ شُکْرَکَ، وَ الرَّغْبَهَ

و نگهدار ما را از عذاب آتش سوزان و روزیم گردان در این شب ذکر خود و سپاسگزاریت و اشتیاق

الَیْکَ وَالْإِنابَهَ، وَالتَّوْفیقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ.(2)

و بازگشت بسویت را و موفق داری مرا برای انجام آنچه را موفق داشتی بدان محمّد وآل محمّد علیهم السلام را.

دعای شب بیست و سوم قبلاً گذشت.

***

دعای شب بیست و چهارم:

یا فالِقَ الْإِصْباحِ، وَجاعِلَ اللَّیْلِ سَکَناً، وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْباناً، یا

ای شکافنده سپیده صبح و ای قرار دهنده شب را وسیله آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب کردن ای

عَزیزُ یا عَلیمُ، یا ذَاالْمَنِّ وَالطَّوْلِ، وَالْقُوَّهِ وَالْحَوْلِ، وَالْفَضْلِ والْإِنْعامِ،

نیرومند ای دانا ای صاحب نعمت و بخشش و نیرو و جنبش و فضل و نعمت بخشی

وَالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، یا اللَّهُ یا رَحْمنُ، یا اللَّهُ یا فَرْدُ یا وِتْرُ، یا اللَّهُ یا ظاهِرُ

و جلالت و بزرگواری ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای یگانه یکتا ای خدا ای آشکار

1- [1073]کلمه« النّار» در دعای این شب و دعای شب های دیگر در مصباح آمده است.
2- [1074]کافی، جلد 4، صفحه 161 و مصباح المتهجّد، صفحه 629.

یا باطِنُ، یا حَیُّ لا الهَ الَّا انْتَ، لَکَ الْأَسْمآءُ الْحُسْنی وَ الْأَمْثالُ الْعُلْیا،

و ای نهان ای زنده ای که معبودی جز تو نیست از آن توست نامهای نیک و نمونه های والا

وَ الْکِبْرِیآءُ وَ الْألاءُ، اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ

و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و دیگر آن که

تَجْعَلَ اسْمی فی هذِهِ اللَّیْلَهِ فِی السُّعَدآءِ، وَ رُوحی مَعَ الشُّهَدآءِ،

قرار دهی نام مرا در این شب در زمره سعادتمندان و روحم را با شهیدان

وَاحْسانی فی عِلِّیّینَ، وَ اسائَتی مَغْفُورَهً، وَ انْ تَهَبَ لی یَقیناً تُباشِرُ بِهِ

و احسان و نیکیم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و یقینی به من ببخشی که همواره با دلم مقرون باشد

قَلْبی وَ ایماناً یُذْهِبُ الشَّکَّ عَنّی وَ رِضیً بِما قَسَمْتَ لی وَ اتِنا فِی

و ایمانی بدهی که شک و تردید را از من دور سازد و خشنودی بدانچه نصیبم کرده ای و بده به ما در

الدُّنْیا حَسَنَهً، وَ فِی الْأخِرَهِ حَسَنَهً، وَ قِنا عَذابَ النَّارِ الْحَریقِ، وَ ارْزُقْنی

دنیا نیکی و نعمت و در آخرت نیز نیکی و نعمت و بازمان دار از عذاب آتش سوزان و روزیم کن

فیها ذِکْرَکَ وَ شُکْرَکَ، وَ الرَّغْبَهَ الَیْکَ، وَ الْإنابَهَ وَ التَّوْبَهَ، وَ التَّوْفیقَ لِما

در این شب ذکر خود و سپاسگزاریت را و میل و رغبت و بازگشت و توبه کردن بسویت را و موفقم بدار بدانچه

وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ.(1)

موفق داشتی بدان محمّد و آل محمّد را درودهای تو و بر او و بر ایشان باد.

***

دعای شب بیست و پنجم:

یا جاعِلَ اللَّیْلِ لِباساً، وَالنَّهارِ مَعاشاً، وَالْأَرْضِ مِهاداً، وَالْجِبالِ اوْتاداً،

ای که شب را پوشش قراردادی و روز را وسیله درآوردن روزی وزمین را گهواره (یا بستر گسترده) و کوهها را چون میخ قرار دادی

یا اللَّهُ یا قاهِرُ، یا اللَّهُ یا جَبَّارُ، یا اللَّهُ یا سَمیعُ، یا اللَّهُ یا قَریبُ، یا اللَّهُ یا

ای خدا ای چیره ای با جبروت ای خدا ای شنوا ای خدا ای نزدیک ای خدا ای

مُجیبُ، یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ، لَکَ الْأَسْمآءُ الْحُسْنی وَالْأَمْثالُ الْعُلْیا،

پاسخ ده ای خدا ... از آن توست نامهای نیک و نمونه های والا

ص :800

1- [1075]کافی، جلد 4، صفحه 162 و مصباح المتهجّد، صفحه 631.

وَالْكِبْرِياءُ وَالْألاءُ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ

و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و قرار دهی

اسْمى فى هذِهِ اللَّيْلَهِ فِى السُّعَدآءِ، وَرُوحى مَعَ الشُّهَدآءِ، وَاحْسانى فى

نامم را در این شب در زمره سعادتمندان و روحم را با شهیدان و احسان و نیکیم را

عِلِّيِّينَ، وَاسائَتى مَغْفُورَهً، وَانْ تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبى وَايماناً

در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و یقینی به من بدهی که همیشه ملازم دل من باشد و ایمانی

يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّى وَرِضىً بِما قَسَمْتَ لى وَ اتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَهً، وَفِى

به من عطا کنی که شک و تردید را از من دور سازد و خشنودم سازی بدانچه نصیبم کرده ای وبدهی به من در دنیا نیکی و در

الْأخِرَهِ حَسَنَهً، وَقِنا عَذابَ النَّارِ الْحَريقِ، وَارْزُقْنى فيها ذِكْرَكَ

آخرت نیکی و نگاهم داری از آتش سوزان دوزخ و روزیم کنی در این شب ذکر خود

وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَهَ الَيْكَ، وَالْإِنابَهَ وَالتَّوْبَهَ، والتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مَحَمَّداً

و سپاسگزاریت را و شوق و رغبت و بازگشت و توبه به درگاهت و موفقم دار بدانچه موفق داشتی بدان محمّد

وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ.(1)

و آل محمّد علیهم السّلام را.

***

دعای شب بیست و ششم:

یا جاعِلَ اللّیْلِ وَالنَّهارِ ایَتَیْنِ، یا مَنْ مَحا ایَهَ اللّیْلِ وَجَعَلَ ایَهَ النَّهارِ

ای قرار دهنده شب و روز را دو نشانه (بر قدرتت) ای که نشانه شب را سیاه و نشانه روز را

مُبْصِرَهً، لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْهُ وَرِضْواناً، یا مُفَصِّلَ کُلِّ شَیْ ءٍ تَفْصیلًا، یا

روشنی بخش کردی تا فزونی جویند از فضل و خشنودی پروردگار ای جداکننده هر چیز بخوبی ای

ماجِدُ یا وَهّابُ، یا اللّهُ یا جَوادُ، یا اللّهُ یا اللّهُ یا اللّهُ، لَکَ الْأَسْمآءُ الْحُسْنی

صاحب مجد و شوکت ای پربخشش ای خدا ای بخشنده ای خدا ... از آن توست نامهای نیک

وَالْأَمْثالُ الْعُلْیا، وَالْکِبْرِیآءُ وَالْألاءُ، اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

و نمونه های والا و بزرگ و نعمتها از تو خواهم درود فرستی بر محمّد و آل

ص: 801

1- [1076]کافی، جلد 4، صفحه 162 و مصباح المتهجّد، صفحه 631.

مُحَمدٍ، وَانْ تَجْعَلَ اسْمی فی هذِهِ اللَّیْلَهِ فِی السُّعَدآءِ، وَرُوحی مَعَ

محمّد و دیگر آن که نامم را در این شب در زمره سعادتمندان قرار دهی و روحم را با

الشُّهَدآءِ، وَاحْسانی فی عِلِّیّینَ، وَاسآئَتی مَغْفُورَهً، وَانْ تَهَبَ لی یَقیناً

شهیدان و احسان و نیکیم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و ببخشی بر من

تُباشِرُ بِهِ قَلْبی وَ ایماناً یُذْهِبُ الشَّکَّ عَنّی وَ تُرضِیَنی بِما قَسَمْتَ لی

یقینی که همواره ملازم قلبم باشد و ایمانی که یکسره شک و تردید رااز من دور سازد و خشنودم سازی بدانچه نصیبم کرده ای

وَآتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً، وَ فِی الْأخِرَهِ حَسَنَهً، وَ قِنا عَذابَ النَّارِ الْحَریقِ،

و بدهی به من در دنیا نیکی و نعمت و در آخرت نیز نیکی و نگاهمان داری از عذاب آتش سوزان

وَارْزُقْنی فیها ذِکْرَکَ وَ شُکْرَکَ، وَ الرَّغْبَهَ الَیْکَ، وَ الْإِنابَهَ وَ التَّوْبَهَ،

و روزیم کنی در این شب ذکرت و سپاسگزاریت را و شوق و رغبت و بازگشت و توبه بسویت

وَالتَّوْفیقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ.(1)

و موفقم داری بدانچه موفق داشتی بدان محمّدو آل محمّد را که درود تو بر او و برایشان باد.

***

دعای شب بیست و هفتم:

یا مآدَّ الظِّلِّ وَلَوْ شِئْتَ لَجَعَلْتَهُ ساکِناً، وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَیْهِ دَلیلاً، ثُمَ

ای امتداد دهنده سایه که اگر می خواستی آن را در یکجا ساکن می کردی و قراردادی خورشید را بر آن سایه رهبر سپس

قَبَضْتَهُ الَیْکَ قَبْضاً یَسیراً، یا ذَا الْجُودِ وَالطَّوْلِ، وَالْکِبْرِیآءِ وَالْألاءِ، لا

آن را به آسانی تدریجاً دربرگرفتی ای صاحب جود و عطا و کبریا و نعمتها

الهَ إلَّاانْتَ، عالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهادَهِ، الرَّحْمنُ الرَّحیمُ، لا إلهَ إلَّاانْتَ، یا

معبودی جز تو نیست که دانای غیب و شهود و بخشاینده و مهربانی معبودی جز تو نیست ای

قُدُّوسُ یا سَلامُ، یا مُؤْمِنُ یامُهَیْمِنُ، یا عَزیزُ یاجَبَّارُ یا مُتَکَبِّرُ، یا اللَّهُ یا

منزّه از هر عیب ای بی خلل ای ایمنی بخش ای مراقب بندگان ای نیرومند ای مقتدر ای بزرگوار ای خدا ای

خالِقُ، یا بارِئُ یا مُصَوِّرُ، یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ، لَکَ الْأَسْمآءُ الْحُسْنی

آفریننده ای ایجاد کننده ای صورتگر ای خدا ای خدا ای خدا از آن توست نامهای نیکو

ص: 802

1- [1077]کافی، جلد 4، صفحه 162 و مصباح المتهجّد، صفحه 631.

وَالْأَمْثالُ الْعُلْیا، وَالْکِبْرِیاءُ وَالْالاءُ، اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ

و نمونه های والا و کبریا و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ اسْمی فی هذِهِ اللَّیْلَهِ فِی السُّعَداءِ، وَرُوحی مَعَ

وآل محمّد و این که نامم را در این شب در زمره سعادتمندان قرار دهی و روحم را با

الشُّهَداءِ، وَاحْسانی فی عِلِّیّینَ، وَاساَئَتی مَغْفُورَهً، وَانْ تَهَبَ لی یَقیناً

شهیدان و احسان و نیکیم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و ببخشی بر من یقینی

تُباشِرُ بِهِ قَلْبی وَایماناً یُذْهِبُ الشَّکَّ عَنّی وَتُرْضِیَنی بِما قَسَمْتَ لی

که همواره ملازم قلب من باشد و ایمانی که شک و تردید را یکسره از من دور سازد و خشنودم سازی بدانچه نصیبم کرده ای

وَ اتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً، وَفِی الْأخِرَهِ حَسَنَهً، وَقِنا عَذابَ النَّارِ الْحَریقِ،

و بده به من در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهم دار از عذاب آتش سوزان

وَارْزُقْنی فیها ذِکْرَکَ وَشُکْرَکَ، وَالرَّغْبَهَ الَیْکَ وَ الْإِنابَهَ وَ التَّوْبَهَ،

و روزیم گردان در این شب ذکر خود و سپاسگزاریت را و شوق و رغبت بسویت و بازگشت و توبه به درگاهت

وَالتَّوْفیقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مَحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ.(1)

و موفقم بدار بدانچه موفق داشتی بدان محمّد و آل محمّد را درود تو بر او و بر ایشان باد.

***

دعای شب بیست و هشتم:

یا خازِنَ اللّیْلِ فِی الْهَوآءِ، وَخازِنَ النَّورِ فِی السَّمآءِ، وَمانِعَ السَّمآءِ أنْ

ای جا دهنده تاریکی شب را در هوا و جا دهنده روشنی (روز) را در آسمان و جلوگیرنده آسمان از این که

تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ إلَّابِإِذْنِهِ، وَحابِسَهُما انْ تَزُولا، یا عَلیمُ یا غَفُورُ یا

بر زمین افتد مگر به اذن او و نگهدارنده آسمان و زمین از این که از جای خود بدر روند ای دانا ای آمرزنده ای

دائِمُ، یا اللَّهُ یا وارِثُ، یا باعِثَ مَنْ فِی الْقُبُورِ، یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ، لَکَ

جاویدان ای خدا ای ارث برنده ای برانگیزنده مردگان در میان گورها ای خدا ای خدا ای خدا از آن تو است

الْأَسْمآءُ الْحُسْنی وَالْأَمْثالُ الْعُلْیا، وَالْکِبْرِیآءُ وَالْألاءُ، اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ

نامهای نیکو و نمونه های والا و کبریاء و نعمتها از توخواهم که درود فرستی

ص :803

1- [1078]کافی، جلد 4، صفحه 163 و مصباح المتهجّد، صفحه 632.

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ اسْمی فی هذِهِ اللَّیْلَهِ فِی السُّعَدآءِ،

بر محمّد و آل محمّد و این که قرار دهی نامم را در این شب در زمره سعادتمندان

وَرُوحی مَعَ الشُّهَدآءِ، وَاحْسانی فی عِلِّیّینَ، وَاسآئَتی مَغْفُورَهً، وَانْ تَهَبَ

و روحم را با شهیدان و احسانم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و ببخش

لی یَقیناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبی وَایماناً یُذْهِبُ الشَّکَّ عَنّی وَتُرْضِیَنی بِما قَسَمْتَ

بر من یقینی که پیوسته همراه و ملازم دلم باشد و ایمانی به من ده که یکسره شک و تردید را از من دور سازد و خشنودم سازی بدانچه نصیبم کرده ای

لی وَ اتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً، وَفِی الْأخِرَهِ حَسَنَهً، وَقِنا عَذابَ النَّارِ

و بده به ما در دنیا نیکی و درآخرت نیکی و نگاهمان دار از آتش سوزان دوزخ

الْحَریقِ، وَارْزُقْنی فیها ذِکْرَکَ وَشُکْرَکَ، وَالرَّغْبَهَ الَیْکَ، وَالْإِنابَهَ وَالتَّوْبَهَ،

و روزیمان گردان در این شب یاد خود و سپاسگزاریت را و شوق و رغبت و بازگشت و توبه به سویت

وَالتَّوْفیقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مَحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ.(1)

و موفقم دار بدانچه موفق داشتی بدان محمّد و آل محمّد را درود خدا بر او و بر ایشان باد.

***

دعای شب بیست و نهم:

یا مُکَوِّرَ اللَّیْلِ عَلَی النَّهارِ، وَمُکَوِّرَ النَّهارِ عَلَی اللَّیْلِ، یا عَلیمُ یا

ای خدایی که شب را به روز پیچانی و روز را بر شب بپیچانی ای دانا ای

حَکیمُ، یا رَبَّ الْأَرْبابِ، وَ سَیِّدَ السَّاداتِ، لا الهَ إلَّاانْتَ، یا اقْرَبَ الَیَ

فرزانه ای پروردگار همه پروردگاران و آقای همه بزرگان معبودی جز تو نیست ای که نزدیکتری به من

مِنْ حَبْلِ الْوَریدِ، یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ، لَکَ الْأَسْمآءُ الْحُسْنی وَ الْأَمْثالُ

از رگ گردن ای خدا ای خدا از آن توست نامهای نیکو و نمونه های

الْعُلْیا، وَ الْکِبْرِیاءُ وَ الْألاءُ، اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

والا و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد

وَانْ تَجْعَلَ اسْمی فی هذِهِ اللَّیْلَهِ فِی السُّعَدآءِ، وَ رُوحی مَعَ الشُّهَدآءِ،

و قرار دهی نام مرا در این شب در زمره سعادتمندان و روحم را با شهیدان

ص: 804

1- [1079]کافی، جلد 4، صفحه 163 و مصباح المتهجّد، صفحه 633.

وَاحْسانی فی عِلِّیِّینَ، وَ اسآئَتی مَغْفُورَهً، وَ انْ تَهَبَ لی یَقیناً تُباشِرُ بِهِ

و احسان و نیکیم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و ببخشی بر من یقینی که پیوسته ملازم

قَلْبی وَ ایماناً یُذْهِبُ الشَّکَّ عَنّی وَ تُرْضِیَنی بِما قَسَمْتَ لی وَ اتِنا فِی

دل من باشد و ایمانی که یکسره شک و تردید را از من دور سازد و خشنودم سازی بدانچه بهره ام کرده ای و به ماعطا فرما در

الدُّنْیا حَسَنَهً، وَ فِی الأخِرَهِ حَسَنَهً، وَ قِنا عَذابَ النَّارِ الْحَریقِ، وَ ارْزُقْنی

دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهمان دار از عذاب آتش سوزان و روزیم گردان

فیها ذِکْرَکَ وَ شُکْرَکَ، وَ الرَّغْبَهَ الَیْکَ، وَالْإِنابَهَ وَ التَّوْبَهَ، وَ التَّوْفیقَ لِما

در این شب ذکر خود و سپاسگزاریت و شوق و رغبت بسویت و بازگشت و توبه به درگاهت را و موفقم دار بدانچه

وَفَّقْتَ لَهُ مَحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ.(1)

موفق داشتی بدان محمّد و آل محمّد را که درود خدا بر او و بر ایشان باد.

***

دعای شب سی ام:

الْحَمْدُللَّهِ لا شَریکَ لَهُ، الْحَمْدُ للَّهِ کَما یَنْبَغی لِکَرَمِ وَجْهِهِ، وَعِزِّ جَلالِهِ،

ستایش مخصوص خدایی است که شریک ندارد ستایش خاص خدا چنانچه شایسته بزرگواری ذات و شوکت جلال اوست

وَکَما هُوَ اهْلُهُ، یا قُدُّوسُ یا نُورُ، یا نُورَ الْقُدْسِ، یا سُبُّوحُ یا مُنْتَهَی

و چنانچه سزاوار آن است ای منزّه ای روشنی ده ای روشنی مقدّس ای پاکیزه از هر عیب ای آخرین حد

التَّسْبیحِ، یا رَحْمنُ یا فاعِلَ الرَّحْمَهِ، یا اللّهُ یا عَلیمُ یا کَبیرُ، یا اللّهُ یا

پاکیزگی ای بخشاینده ای مهر پیشه ای خدا ای دانا ای بزرگوار ای خدا ای

لَطیفُ یا جَلیلُ، یا اللَّهُ یا سَمیعُ یا بَصیرُ، یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ، لَکَ الْأَسْمآءُ

با لطف ای برجسته ای خدا ای شنوا ای بینا ای خدا ای خدا از آن تو است نامهای

الْحُسْنی وَ الْأَمْثالُ الْعُلْیا، وَالْکِبْرِیآءُ وَ الْألاءُ، اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی

نیکو و نمونه های والا و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَیْتِهِ، وَانْ تَجْعَلَ اسْمی فی هذِهِ اللَّیْلَهِ فِی السُّعَدآءِ، وَرُوحی

محمّد و خاندانش و قرار دهی نامم را در این شب در زمره سعادتمندان و روحم را

ص: 805

1- [1080]کافی، جلد 4، صفحه 163 و مصباح المتهجّد، صفحه 633.

مَعَ الشُّهَدآءِ، وَاحْسانى فى عِلِّيِّينَ، وَ اسآئَتى مَغْفُورَةً، وَ انْ تَهَبَ لى يَقيناً

با شهيدان و احسان و نيكيم را در بلندترين درجات و گناهم را آمرزيده و ببخشى به من يقينى

تُباشِرُ بِهِ قَلْبى وَ ايماناً يُذْهِبُ الشَّکَّ عَنّى وَ تُرْضِيَنى بِما قَسَمْتَ لى

كه پيوسته ملازم دل من باشد و ايمانى كه يكسره شک و ترديد را از من دور سازد و خشنودم سازى بدانچه نصيبم كرده اى

وَ آتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً، وَ فِى الْأخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنا عَذابَ النَّارِ الْحَريقِ،

و بدهى به من در دنيا نيكى و در آخرت نيكى و نگاهم دارى از عذاب آتش سوزان

وَ ارْزُقْنى فيها ذِكْرَکَ وَ شُكْرَکَ، وَ الرَّغْبَةَ الَيْکَ، وَ الْإِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ،

و روزيم كنى در اين شب ذكر خودو سپاسگزاريت و شوق و رغبت بسويت و بازگشت و توبه بدرگاهت

وَ التَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مَحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ.(1)

و موفقم بدارى بدانچه موفق داشتى بدان محمّد و آل محمّد را درود خدا بر او و بر ايشان باد.

***

شب بيست و هفتم ماه رمضان: اين شب، شب مباركى است و بزرگان اعمال زير را براى آن ذكر كرده اند:

1- «غسل» است كه در روايتى از امام صادق عليه السلام به آن تصريح شده است.(2) 2- سى ركعت نماز است كه شرح آن در اعمال شب هاى ماه رمضان (صفحه 713) گذشت.

3- از زيد بن على عليه السلام نقل شده است كه از پدرم على بن الحسين عليهما السلام شنيدم كه در شب بيست و هفتم ماه رمضان از اوّل شب تا آخر، اين دعا را مى خواند:

اللهُمَّ ارْزُقْنِی التَّجافِیَ عَنْ دارِ الْغُرُورِ، وَالْإِنابَهَ الی دارِ الْخُلَودِ،

خدایا روزیم کن دوری گزیدن از خانه فریب (ناپایدار) و بازگشت بسوی خانه جاویدان

وَالْإِسْتِعْدادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ.(3)

و آماده شدن برای مرگ پیش از رسیدن آن.

4- دعای دیگری برای این شب، از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که مجموعه ای از آیات قرآن است:

ص: 806

1- [1081]کافی، جلد 4، صفحه 164 و مصباح المتهجّد، صفحه 634.
2- [1082]اقبال، صفحه 226.
3- [1083]همان مدرک، صفحه 228 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 63.

رَبَّنا آمَنّا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا، وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئاتِنا، وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأبْرارِ؛ رَبَّنا

پروردگارا، ما ایمان آوردیم، گناهان ما را ببخش و بدی های ما را بپوشان و ما را با نیکان بمیران! پروردگارا

وَآتِنا ما وَعَدْتَنا عَلى رُسُلِکَ، وَ لا تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيامَهِ إِنَّکَ لا تُخْلِفُ

آنچه را بوسیله پیامبرانت به ما وعده فرمودی، به ما عطا کن! و ما را در روز رستاخیز، رسوا مگردان، زیرا تو هیچ گاه از وعده خود، تخلّف نمی کنی.

الْميعاد. رَبَّنا امَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ، فَاعْتَرَفْنا بِذُنُوبِنا فَهَل إِلى

پروردگارا! ما را دوبار میراندی و دوبار زنده کردی؛ اکنون به گناهان خود معترفیم، آیا

خُرُوجٍ مِنْ سَبيلٍ. رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذابَ جَهَنَّمَ، إنَّ عَذابَها كانَ غَراماً.

راهی برای خارج شدن وجود دارد. پروردگارا! عذاب جهنّم را از ما برطرف گردان، که عذابش سخت و پردوام است.

رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أزْواجِنا وَ ذُرِّيَّاتِنا قُرَّهَ اعْيُنٍ، وَاجْعَلْنا لِلْمُتَّقينَ اماماً.

پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزگاران، پیشواگردان.

رَبَّنا عَلَيْکَ تَوَكَّلْنا، وَ إِلَيْکَ أَنَبْنا وَ الَيْکَ الْمَصيرُ. رَبَّنا لا تَجْعَلْنَا فِتْنَهً

پروردگارا! ما بر تو توکّل کردیم و به سوی توبازگشتیم و همه فرجام ها به سوی توست. پروردگارا! ما را مایه گمراهی

لِلَّذينَ كَفَرُوا، رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا، وَ لِإِخْوانِنَا الَّذينَ سَبَقُونا بِالْايمانِ،

کافران قرار مده. پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند، بیامرز

وَلاتَجْعَلْ فِى قُلُوبِنا غِلّاً لِلَّذينَ آمَنُوا، رَبَّنا إِنَّکَ رَؤُفٌ رَحيمٌ.(1)

و در دل های ما حسد و کینه ای نسبت به مؤمنان قرار مده. پروردگارا! تو مهربان و رحیمی!

***

شب آخر ماه رمضان شب آخر ماه رمضان، شب مبارکی است که چند عمل در آن وارد شده است:

1- غسل کردن.(2) 2- زیارت امام حسین علیه السلام.(3) 3- خواندن سوره های «انعام»، «کهف» و «یس».(4) 4- صد مرتبه بگوید:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.(5)

5- خواندن این دعا که «شیخ کلینی» رحمه الله از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

1- [1084]بحارالانوار، جلد 95، صفحه 63.
2- [1085]اقبال، صفحه 237.
3- [1086]همان مدرک.
4- [1087]همان مدرک، صفحه 242.
5- [1088]همان مدرک.

اللَّهُمَّ هذا شَهْرُ رَمَضانَ، الَّذى انْزَلْتَ فيهِ الْقُرْآنَ وَقَدْ تَصَرَّمَ، وَاعُوذُ

خدایا این ماه رمضانی است که در آن قرآن را نازل فرمودی و اکنون رو به رفتن است و پناه می برم

بِوَجْهِکَ الْکَریمِ یا رَبِّ انْ یَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَیْلَتی هذِهِ، اوْ یَتَصَرَّمَ شَهْرُ

به ذات بزرگوارت ای پروردگار من که سپیده دم امشب بر من بزند یا ماه

رَمَضانَ، وَلَکَ قِبَلی تَبِعَةٌ اوْ ذَنْبٌ تُریدُ انْ تُعَذِّبَنی بِهِ یَوْمَ الْقاکَ.(1)

رمضان بر من بگذرد و از تو در پیش من پیگرد یا گناهی باشد که بخواهی مرا در روز دیدارت عذاب فرمائی.

6- خواندن دعای

«یا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ»

که در اعمال شب بیست و سوم (صفحه 795) گذشت.(2) 7- با ماه رمضان وداع کند و دعاهای وداع را که علمای بزرگ در کتب خویش نقل کرده اند بخواند و از بهترین آن دعاها، دعای چهل و پنجم «صحیفه کامله سجّادیّه» است.

«سیّد بن طاووس» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که هر کس در شب آخر ماه رمضان، با آن ماه وداع کند و این دعا را بخواند، خداوند او را پیش از طلوع صبح بیامرزد و توفیق توبه و انابه را به او مرحمت فرماید:

اللَّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ اخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیامی لِشَهْرِ رَمَضانَ، وَاعُوذُ بِکَ انْ

خدایا قرارش مده آخرین دیدار از روزه ام در ماه رمضان و پناه می برم به تو از آن که

یَطْلُعَ فَجْرُ هذِهِ اللَّیْلَهِ الَّا وَقَدْ غَفَرْتَ لی (3)

سپیده دم امشب بر من بزند جز آن که مرا آمرزیده باشی.

در روایت دیگری از جابر بن عبداللّه انصاری نقل شده است که در جمعه آخر ماه رمضان به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شدم؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: این روز، جمعه آخر ماه رمضان است، با آن وداع کن و بگو:

اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ اخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیامِنا ایَّاهُ، فَانْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنی

خدایا قرارش مده آخرین دیدار ما از روزه مان در ماه رمضان و اگر چنین کرده ای پس مرا

مَرْحُوماً، وَلا تَجْعَلْنی مَحْرُوماً.

مورد رحمت قرار ده و قرارم مده در زمره محرومان.

ص :808

1- [1089]کافی، جلد 4، صفحه 164، حدیث 5.
2- [1090]فقیه، جلد 2، صفحه 162.
3- [1091]اقبال، صفحه 256 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 181.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ادامه فرمود: هر کس در این روز این دعا را بخواند، به یکی از دو خصلت نیکو دست یابد، یا آن که ماه رمضان آینده را درک می کند و یا به آمرزش و رحمت بی انتهای خداوند می رسد. (1) 8- خواندن ده رکعت نماز (هر دو رکعت به یک سلام).

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که هر کس در شب آخر ماه رمضان، ده رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و ده مرتبه سوره «قل هو اللّه احد» را بخواند و در رکوع و سجود ده مرتبه بگوید:

سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اکْبَرُ

و بعد از هر دو رکعت، تشهّد بخواند و سلام دهد و هنگامی که تمامی ده رکعت به پایان رسید، هزار مرتبه بگوید:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ

و بعد از استغفار سر به سجده بگذارد و بگوید:

یا حَیُّ یا قَیُّومُ، یا ذَا الْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ، یا رَحْمنَ الدُّنْیا وَ الْاخِرَهِ

ای زنده ای پاینده ای صاحب جلالت و بزرگواری ای بخشاینده دنیا و آخرت

وَرَحیمَهُما، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، یا الهَ الْأَوَّلینَ وَالْاخِرینَ، اغْفِرْ لَنا

و مهربان آن دو ای مهربانترین مهربانان ای معبود پیشینان و پسینیان

ذُنُوبَنا، وَتَقَبَّلْ مِنَّا صَلواتَنا وَ صِیامَنا وَ قِیامَنا.

گناهانمان را بیامرز و نمازها و روزه ها و شب زنده داریهامان را بپذیر.

فرمود: هر کس چنین کند، سوگند به حقّ آن کس که مرا به نبوّت مبعوث کرد که جبرئیل مرا خبر داد از اسرافیل و اسرافیل از پروردگار خود، که هنوز این شخص سر از سجده برنداشته است که خداوند او را بیامرزد و ماه رمضان را از او قبول فرماید، و از گناهانش بگذرد ... (2) این نماز و اعمال برای شب عید فطر هم نقل شده است. در آن روایت آمده است:

تسبیحات اربعه را در رکوع و سجود، به جای ذکر رکوع و سجود بخواند و به جای

إغفر لنا ...

بگوید:

إغْفِرْ لی ذُنُوبِی، وَ تَقَبَّلْ صَوْمِی وَ صَلاتِی وَ قِیامِی.(3)

دعای ختم قرآن در روز آخر ماه رمضان:

با توجّه به این که در روز آخر ماه رمضان، غالباً مردم قرآن را ختم می کنند، مناسب است که بعد از ختم قرآن دعای چهل و دوم «صحیفه سجّادیه» را بخوانند.

1- [1092]اقبال، صفحه 243 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 172.
2- [1093]اقبال، صفحه 241 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 73.
3- [1094]اقبال، صفحه 272 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 130.

همچنین می توانند این دعای مختصر را که از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده است بخوانند:

اللهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْری وَاسْتَعْمِلْ بِالْقُرْآنِ بَدَنی وَنَوِّرْ بِالْقُرْآنِ

خدایا سینه ام را بوسیله قرآن بگشا و به کار انداز به دستورات قرآن بدنم را و روشن گردان بوسیله قرآن

بَصَری وَ اطْلِقْ بِالْقُرْآنِ لِسانی وَاعِنّی عَلَیْهِ ما ابْقَیْتَنی فَانَّهُ لا حَوْلَ

دیده ام را و باز کن به قرآن زبانم را و کمکم ده به (عمل) بدان تا زنده ام داری زیرا هیچ

وَلا قُوَّةَ الَّا بِکَ.(1)

جنبش و نیرویی نیست جز به تو.

همچنین دعای دیگری که آن حضرت از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است بخواند:

اللَّهُمَّ انِّی اسْئَلُکَ اخْباتَ الْمُخْبِتینَ، وَاخْلاصَ الْمُوقِنینَ، وَمُرافَقَةَ

خدایا از تو خواهم اطمینان و خشوع خاشعان درگاهت را و اخلاص اهل یقین و رفاقت

الْأَبْرارِ، وَاسْتِحْقاقَ حَقائِقِ الْإیمانِ، وَالْغَنیمَةَ مِنْ کُلِّ بِرٍّ، وَالسَّلامَةَ مِنْ

با نیکان و استحقاق پیدا کردن برای درک حقایق ایمان و نصیبی از هر خیر و سلامتی از

کُلِّ اثْمٍ، وَوُجُوبَ رَحْمَتِکَ وَعَزآئِمَ مَغْفِرَتِکَ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ،

هر گناه و لازم شدن مهر و رحمتت و موجبات آمرزشت و رسیدن به بهشت

وَالنَّجاةَ مِنَ النَّارِ.(2)

و رهایی از دوزخ.

برای شروع در تلاوت قرآن و پایان آن دعایی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که پیش از این گذشت. (صفحه 773)

نمازهای شب های ماه مبارک رمضان:

مرحوم «علّامه مجلسی» در فصل آخر از اعمال ماه رمضان در کتاب «زادالمعاد»، نماز شب های ماه رمضان را چنین بیان می کند: (و با توجّه به این که بهترین اعمال، در ماه مبارک، نماز و قرآن است و این نمازها در بردارنده بسیاری از سوره های قرآن است، هرکس هر چند شب را بخواند غنیمت است).

1- [1095]مصباح المتهجّد، صفحه 323 و بحارالانوار، جلد 89، صفحه 209.
2- [1096]مکارم الاخلاق، صفحه 342 و بحارالانوار، جلد 89، صفحه 206.

شب اوّل: چهار رکعت؛ هر رکعت بعد از سوره حمد پانزده مرتبه سوره توحید.

شب دوم: چهار رکعت؛ در هر رکعت بعد از سوره حمد بیست مرتبه سوره إنَّا أنزلناه.

شب سوم: ده رکعت؛ در هر رکعت بعد از سوره حمد پنجاه مرتبه سوره توحید.

شب چهارم: هشت رکعت؛ در هر رکعت بعد از سوره حمد بیست مرتبه سوره إنّا أنزلناه.

شب پنجم: دو رکعت؛ در هر رکعت، سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید؛ بعد از سلامِ نماز، صد مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

شب ششم: چهار رکعت و در هر رکعت سوره حمد و سوره ملک.

شب هفتم: چهار رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد و سیزده مرتبه سوره إنّا أنزلناه.

شب هشتم: دو رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد و ده مرتبه سوره توحید و پس از سلام نماز، هزار مرتبه بگوید: سبحان اللَّه.

شب نهم: شش رکعت میان نماز مغرب و عشا؛ در هر رکعت سوره حمد و هفت مرتبه آیهالکرسی و پس از اتمام نماز، پنجاه مرتبه بگوید:

اللَّهمّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

شب دهم: بیست رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و سی مرتبه سوره توحید.

شب یازدهم: دو رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و بیست مرتبه سوره کوثر.

شب دوازدهم: هشت رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و سی مرتبه سوره إنّا أنزلناه.

شب سیزدهم: چهار رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و بیست و پنج مرتبه سوره توحید.

شب چهاردهم: شش رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و سی مرتبه سوره إذا زُلزِلَت.

شب پانزدهم: چهار رکعت؛ در دو رکعت اوّل بعد از سوره حمد، صد مرتبه سوره توحید، و در دو رکعت دیگر، بعد از سوره حمد، پنجاه مرتبه سوره توحید.

شب شانزدهم: دوازده رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و دوازده مرتبه سوره تکاثر.

شب هفدهم: دو رکعت؛ در رکعت اوّل، سوره حمد و هر سوره ای که خواست بخواند و در رکعت دوم، سوره حمد و صد مرتبه سوره توحید و بعد از سلام نیز صد مرتبه بگوید:

لا إلهَ الَّا اللَّهُ.

شب هیجدهم: چهار رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و بیست و پنج مرتبه سوره کوثر.

شب نوزدهم: پنجاه رکعت؛ با سوره حمد، و پنجاه مرتبه سوره إذا زلزلت.

مرحوم «علّامه مجلسی» می گوید: ظاهراً مراد آن است که در هر رکعت یک مرتبه این سوره را بخواند؛ زیرا در یک شب خواندن دوهزار و پانصد مرتبه سوره «اذا زلزلت» دشوار خواهد بود.

شبهای بیستم تا بیست و چهارم: در هر یک از این شب ها، هشت رکعت نماز بخواند که پس از حمد،

ص: 811

هر سوره ای خواست می خواند. شب بیست و پنجم: هشت رکعت نماز؛ در هر رکعت سوره حمد، و ده مرتبه سوره توحید را بخواند.

شب بیست و ششم: هشت رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و صد مرتبه سوره توحید را بخواند.

شب بیست و هفتم: چهار رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و سوره ملک را بخواند و اگر نتوانست، بیست و پنج مرتبه سوره توحید را بخواند.

شب بیست و هشتم: شش رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و صد مرتبه آیهالکرسی، صد مرتبه سوره توحید و صد مرتبه سوره کوثر را بخواند و پس از پایان نماز، صد مرتبه صلوات بفرستد.

مرحوم حاج شیخ عباس قمی می نویسد: مطابق آنچه که من یافتم بجای صد مرتبه، ده مرتبه آمده است 1097] (که همین مناسب تر به نظر می رسد).

شب بیست و نهم: دو رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و بیست مرتبه سوره توحید را بخواند.

شب سی ام: دوازده رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و بیست مرتبه سوره توحید را بخواند و پس از پایان نماز، صد مرتبه صلوات بفرستد.

یادآوری: این نمازها هر دو رکعت به یک سلام است.(1) و همان گونه که گفته شد اگر تمام آنها را نتواند بجا آورد، هر مقدار که می تواند بجا آورد، خوب است.

دعاهای مخصوص روزهای ماه رمضان:

از «ابن عبّاس» روایت شده است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای روزه هر روز از ماه مبارک رمضان فضیلت بسیاری را بیان فرمودند و همچنین برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و پاداش فراوان ذکر کردند که ما در این جا آن دعاها را ذکر می کنیم.(2) دعای روز اوّل: اللهُمَّ اجْعَلْ صِیامی فیهِ صِیامَ الصَّآئِمینَ، وَقِیامی فیهِ قیامَ

خدایا در این ماه روزه ام را روزه روزه داران (واقعی) قرار ده، و شب زنده داریم را شب زنده داری (واقعی) قرار ده و مرا از خواب غفلت بیدار

کن، وگناهم را ببخش ای معبود جهانیان، و

الْقآئِمینَ، وَنَبِّهْنی فیهِ عَنْ نَوْمَهِالْغافِلینَ، وَهَبْ لی جُرْمی فیهِ یا الهَ

از من درگذر ای درگذرنده از گنهکاران***** خدایا در این ماه مرا به خشنودیت نزدیک کن، و از خشم و غضبت دورم کن، و بر تلاوت آیاتت موفّقم بدار به مهربانیت ای

الْعالَمینَ، وَاعْفُ عَنّی یا عافِیاً عَنِ الْمُجْرِمینَ روز دوم: اللهُمَّ قَرِّبْنی فیهِ

مهربان ترین مهربانان*** خدایا در این ماه، فهم و آگاهی را روزیم کن، و از کم عقلی و بی اطّلاعی دورم کن، و از هر خیر و نیکی که در این ماه نازل می شود بهره ای برایم قرار

ص: 812

1- [1098]زاد المعاد، صفحه 213- 214.
2- [1099]همان مدرک، صفحه 214- 220؛ همچنین در بلدالامین، صفحه 219، دعاها همراه با ذکر ثواب ها آمده است.

الی مَرْضاتِکَ، وَجَنِّبْنی فیهِ مِنْ سَخَطِکَ وَنَقِماتِکَ، وَوَفِّقْنی فیهِ لِقِرآئَهِ

ده، ای بخشنده ترین بخشندگان**** خدایا در این ماه مرا برای بپاداشتن فرمانت تقویت کن و شیرینی یادت را به من بچشان، و به لطف و کرمت مرا برای ادای شکرت موفّق

ایاتِکَ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ روز سوم: اللهُمَّ ارْزُقْنی فیهِ

بدار، و با حفظ و پوششت محافظتم کن، ای بیناترین بینندگان**** خدایا در این ماه مرا از آمرزش خواهان قرار ده

الذِّهْنَ وَالتَّنْبیهَ، وَباعِدْنی فیهِ مِنَ السَّفاهَهِ وَالتَّمْویهِ، وَاجْعَلْ لی نَصیباً

و در زمره بندگان شایسته و شب زنده دارت داخل کن و مرا از دوستان نزدیکت قرار ده، به مهربانیت

مِنْ کُلِّ خَیْرٍ تُنْزِلُ فیهِ، بِجُودِکَ یا اجْوَدَ الْأَجْوَدینَ روز چهارم: اللهُمَ

ای مهربان ترین مهربانان**** خدایا در این ماه مرا به خاطر نافرمانیت خوار مکن،

قَوِّنی فیهِ عَلی اقامَهِ امْرِکَ، وَاذِقْنی فیهِ حَلاوَهَ ذِکْرِکَ، وَاوْزِعْنی فیهِ

و با تازیانه انتقامت عذاب مکن، و از موجبات خشمت دور کن، به حقّ نعمت های ظاهری

لِأَداٰءِ شُکْرِکَ بِکَرَمِکَ، وَاحْفَظْنی فیهِ بِحِفْظِکَ وَسَتْرِکَ، یا ابْصَرَ

و باطنیت، ای نهایت میل مشتاقان********* خدایا در این ماه مرا بر روزه و شب زنده داری یاری کن

النَّاظِرینَ روز پنجم: اللهُمَّ اجْعَلْنی فیهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرینَ، وَاجْعَلْنی فیهِ

و از لغزش ها و گناهان دور بدار و دوام یاد و ذکرت را روزیم کن، به توفیقت ای هدایت کننده گمراهان**** خدایا

مِنْ عِبادِکَ الصَّالِحینَ اْلقانِتینَ، وَاجْعَلنی فیهِ مِنْ اوْلِیآئِکَ الْمُقَرَّبینَ،

در این ماه مهربانی بر یتیمان و خوراندن طعام، سلام گفتن گسترده، همنشینی بزرگان را روزیم کن،

بِرَأْفَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ روز ششم: اللهُمَّ لا تَخْذُلْنی فیهِ لِتَعَرُّضِ

به قدرتت ای پناه آرزومندان**** خدایا در این ماه بهره ای از رحمت وسیعت برایم قرار ده و با دلایل روشنت هدایتم کن

مَعْصِیَتِکَ، وَلاتَضْرِبْنی بِسِیاطِ نَقِمَتِکَ، وَزَحْزِحْنی فیهِ مِنْ مُوجِباتِ

و به سوی خشنودی فراگیر خود ببر به محبّتت ای آرزوی مشتاقان**** خدایا در این ماه مرا از توکّل کنندگان بر خودت

سَخَطِکَ، بِمَنِّکَ وَایادیکَ، یا مُنْتَهی رَغْبَهِ الرَّاغِبینَ روز هفتم: اللهُمَّ اعِنّی

و از رستگاران در نزدت و از مقرّبان درگاهت قرار ده، به نیکی و احسانت ای نهایت آرزوی طلب کنندگان**********

فیهِ عَلی صِیامِهِ وَقِیامِهِ، وَجَنِّبْنی فیهِ مِنْ هَفَواتِهِ وَ اثامِهِ، وَارْزُقْنی فیهِ

خدایا در این ماه شوق احسان و نیکی را در دلم قرار ده، و میل به فسق و نافرمانی را از من دور کن و خشم و دوزخت را بر من حرام گردان،

ذِکْرَکَ بِدَوامِهِ، بِتَوْفیقِکَ یا هادِیَ الْمُضِلّینَ روز هشتم: اللهُمَّ ارْزُقْنی فیهِ

به یاریت ای فریادرس فریادرس خواهان،**** خدایا در این ماه مرا با پوشش و عفّت زینت ده، و با لباس قناعت و کفاف بپوشان و بر رعایت عدالت

رَحْمَةَ الْأَیْتامِ، وَاطْعامَ الطَّعامِ، وَافْشآءَ السَّلامِ، وَصُحْبَةَ الْکِرامِ، بِطَوْلِکَ

و انصاف وادار کن، و از هر چه می ترسم ایمن گردان به نگهداریت ای نگهدارنده ترسیدگان**** خدایا در این ماه

یا مَلْجَا الْأمِلینَ روز نهم: اللهُمَّ اجْعَلْ لی فیهِ نَصیباً مِنْ رَحْمَتِکَ

مرا از پلیدی ها و آلودگی ها پاک گردان، و در برابر مقدّرات شکیبایم کن، و بر پرهیزگاری و همنشینی نیکان موفّقم بدار،

الْواسِعَهِ، وَاهْدِنی فیهِ لِبَراهینِکَ السَّاطِعَهِ، وَخُذْ بِناصِیَتی الی مَرْضاتِکَ

به یاریت ای روشنی چشم نیازمندان****** خدایا در این ماه مرا بر لغزش هایم مؤاخذه مکن، و از اشتباهات

الْجامِعَهِ، بِمَحَبَّتِکَ یا امَلَ الْمُشْتاقینَ روز دهم: اللهُمَّ اجْعَلْنی فیهِ مِنَ

و لغزش هایم درگذر، و هدف بلاها و آفت ها قرارم مده به عزّتت ای عزّت مسلمانان**** خدایا در این ماه اطاعتی همانند

الْمُتَوَکِّلینَ عَلَیْکَ، وَاجْعَلْنی فیهِ مِنَ الْفآئِزینَ لَدَیْکَ، وَاجْعَلْنی فیهِ مِنَ

فروتنان را روزیم کن، و با توبه خاضعانه سینه ام را گشاده دار، به ایمنیت ای ایمنی بخش ترسیدگان******* خدایا در این ماه

الْمُقَرَّبینَ الَیْکَ، بِاحْسانِکَ یا غایَهَ الطَّالِبینَ روز یازدهم: اللهُمَّ حَبِّبْ الَیَ

مرا بر همراهی نیکان موفّق بدار، و از رفاقت با بدکاران دور بدار و در جوار قربت پناه ده به خداوندیت ای معبود جهانیان****

فیهِ الْإِحْسانَ، وَکَرِّهْ الَیَّ فیهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْیانَ، وَحَرِّمْ عَلَیَّ فیهِ

خدایا در این ماه مرا به سوی کارهای نیک و شایسته هدایت کن، و خواسته ها و آرزوهایم را برآور، ای که به توضیح و سؤال نیاز نداری، ای دانا به آنچه در سینه های جهانیان است

السَّخَطَ وَالنّیرانَ، بِعَوْنِکَ یا غِیاثَ الْمُسْتَغیثینَ روز دوازدهم: اللهُمَّ زَیِّنّی

[بر محمد و خاندان پاکش درود فرست ****** خدایا در این ماه مرا به برکت سحرهای آن آگاه کن، و دلم را با

فیهِ بِالسَّتْرِ وَالْعَفافِ، وَاسْتُرْنی فیهِ بِلِباسِ الْقُنُوعِ وَالْکَفافِ، وَاحْمِلْنی

روشنایی انوار آن نورانی گردان، و تمام اعضا و جوارحم را به پیروی از آثار آن سوق ده به نورانیّت ای روشنایی بخش دلهای عارفان****

فیهِ عَلَی الْعَدْلِ وَالْإِنْصافِ، وَ امِنّی فیهِ مِنْ کُلِّ ما اخافُ، بِعِصْمَتِکَ یا عِصْمَهَ الْخائِفینَ روز سیزدهم: أَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي فیهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْأَقْذارِ، وَصَبِّرْنی فیهِ عَلی کائناتِ الْأَقْدارِ، وَوَفِّقْنی فیهِ لِلتُّقی وَ صُحْبَهِ الْابْرارِ، بِعَوْنِکَ یا قُرَّهَ عَیْنِ الْمَساکین.* روزچهاردهم: اللّٰهُمَّ لا تُؤاخِذْنی فیهِ

ص :814

بِالْعَثَراتِ، وَأَقِلْنِی فیهِ مِنَ الْخَطایا وَالْهَفَواتِ، وَلا تَجْعَلْنی فیهِ غَرَضاً لِلْبَلایا وَالْأفاتِ، بِعِزَّتِکَ یا عِزَّ الْمُسْلِمینَ روز پانزدهم: اللهُمَّ ارْزُقْنی فیهِ

خدایا در این ماه بهره ام را از برکاتش فراوان گردان، و راهم را به نیکی هایش آسان کن، و از پذیرش فضایل آن محروومم مکن، ای هدایت کننده به سوی حقیقت آشکار****

طاعَةَ الْخاشِعینَ، وَاشْرَحْ فیهِ صَدْری بِانابَهِ الْمُخْبِتینَ، بِامانِکَ یا امانَ

خدایا در این ماه درهای بهشت را به رویم بگشا و درهای دوزخ را به رویم ببند، و بر تلاوت قرآن موفّقم بدار،

الْخآئِفینَ روز شانزدهم: اللهُمَّ وَفِّقْنی فیهِ لِمُوافَقَهِ الْأَبْرارِ، وَجَنِّبْنی فیهِ

ای آرامش بخش دلهای مؤمنان.******* خدایا در این ماه راهنمایی برای رسیدنم به خشنودیت قرار ده، و راهی برای

مُرافَقَهَ الْأَشْرارِ، وَآوِنی فیهِ بِرَحْمَتِکَ الی دارِالْقَرارِ، بِالهِیَّتِکَ یا الهَ

تسلّط شیطان بر من قرار مده و بهشت را منزل و محل بازگشتم قرار ده ای برآورنده حاجت های طلب کنندگان****

الْعالَمینَ روز هفدهم: اللهُمَّ اهْدِنی فیهِ لِصالِحِ الْأَعْمالِ، وَاقْضِ لی فیهِ

خدایا در این ماه درهای لطف و کرمت را به رویم بگشا، و برکاتت را بر من نازل کن، و بر اسباب خشنودیت موفّقم بدار

الْحَوآئِجَ وَالْأمالَ، یا مَنْ لا یَحْتاجُ الَی التَّفْسیرِ وَالسُّؤالِ، یا عالِماً بِما

و در میان بهشتت ساکنم کن ای اجابت کننده درخواست درماندگان****
خدایا در این ماه مرا از گناهان شستشو ده و از عیب ها پاک گردان

فی صُدُورِ الْعالَمینَ، [صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرینِ .(1)* روز هیجدهم:

و قلبم را به وسیله پرهیزگاری دلها بیازمای، ای درگذرنده از لغزش های گنهکاران******* خدایا در این ماه اسباب خشنودیت

اللهُمَّ نَبِّهْنی فیهِ لِبَرَکاتِ اسْحارِهِ، وَنَوِّرْفیهِ قَلْبی بِضِیآءِ انْوارِهِ، وَخُذْ

را از تو می خواهم و از آنچه تو را می آزارد به تو پناه می برم و توفیق در اطاعت و عدم نافرمانیت را از تو می خواهم

بِکُلِّ اعْضآئی الَی اتِّباعِ اثارِهِ، بِنُورِکَ یا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعارِفینَ روز ای بخشنده درخواست کنندگان**** خدایا در این ماه مرا دوستدار اولیائت و دشمن دشمنانت و عمل کننده به روش خاتم پیامبرانت،

نوزدهم: اللهُمَّ وَفِّرْ فیهِ حَظّی مِنْ بَرَکاتِهِ، وَسَهِّلْ سَبیلی الی خَیْراتِهِ، وَلا

قرار ده، ای نگهدار دل های پیامبران****** خدایا در این ماه تلاشم را مورد سپاس

تَحْرِمْنی قَبُولَ حَسَناتِهِ، یا هادِیاً الَی الْحَقِّ الْمُبینِ روز بیستم: اللهُمَّ افْتَحْ

و گناهم را آمرزیده و عملم را پذیرفته شده و عیبم را پوشیده قرار ده، ای شنواترین شنوندگان******* خدایا در این ماه

ص: 815

1- [1100]این جمله در بحارالانوار، جلد 95، صفحه 47 آمده است.

لی فیهِ ابْوابَ الْجِنانِ، وَاغْلِقْ عَنّی فیهِ ابْوابَ النّیرانِ، وَوَفِّقْنی فیهِ

درک فضیلت شب قدر را روزیم کن، و کارهایم را از سختی به آسانی مبدّل گردان و عذرم را بپذیر و گناه و جرمم را

لِتلاوَهِ الْقُرْآنِ، یا مُنْزِلَ السَّکینَهِ فی قُلُوبِ الْمُؤْمِنینَ روزبیست و یکم: اللهُمَ

بریز ای مهربان بر بندگان شایسته******* خدایا در این ماه بهره ام را از نافله ها فراوان گردان و با برآوردن

اجْعَلْ لی فیهِ الی مَرْضاتِکَ دَلیلاً، وَلا تَجْعَلْ لِلشَّیْطانِ فیهِ عَلَیَ

خواسته هایم گرامیم دار، و از میان وسائل، وسیله تقرّبم به درگاهت را به من نزدیک گردان ای که پافشاری اصرار کنندگان

سَبیلاً، وَاجْعَلِ الْجَنَّهَ لی مَنْزِلاً وَمَقیلاً، یا قاضِیَ حَوآئِجِ الطَّالِبینَ

تو را به خود مشغول نسازد******** خدایا در این ماه مرا به لطف و رحمتت داخل کن و توفیق عمل و دوری از گناه

* روز بیست و دوم: اللهُمَّ افْتَحْ لی فیهِ ابْوابَ فَضْلِکَ، وَانْزِلْ عَلَیَّ فیهِ

را روزیم گردان، و دلم را از سیاهی های تهمت پاک گردان، ای مهربان بر بندگان با ایمان*** خدایا در این ماه روزه ام

بَرَکاتِکَ، وَوَفِّقْنی فیهِ لِمُوجِباتِ مَرْضاتِکَ، وَاسْکِنّی فیهِ بُحْبُوحاتِ

را مورد سپاس و پذیرش و مطابق آنچه تو و پیامبرت را خشنود می سازد قرار ده در حالی که احکام آن با

جَنَّاتِکَ، یا مُجیبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرّینَ روز بیست و سوم: اللهُمَّ اغْسِلْنی فیهِ

اصول (شرع) محکم شده، به حقّ آقای ما محمّد و خاندان پاکش و حمد و سپاس از آن خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

مِنَ الذُّنُوبِ، وَطَهِّرْنی فیهِ مِنَ الْعُیُوبِ، وَامْتَحِنْ قَلْبی فیهِ بِتَقْوَی الْقُلُوبِ، یا مُقیلَ عَثَراتِ الْمُذْنِبینَ روز بیست و چهارم: اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ فیهِ ما

یُرْضیکَ، وَاعُوذُ بِکَ مِمّا یُؤْذیکَ، وَاسْئَلَکَ التَّوْفیقَ فیهِ لِأَنْ اطیعَکَ وَلا اعْصِیَکَ، یا جَوادَ السّآئِلینَ روز بیست و پنجم: اللهُمَّ اجْعَلْنی فیهِ مُحِبّاً لِأَوْلِیآئِکَ، وَمُعادِیاً لِأَعْدآئِکَ، مُسْتَنّاً بِسُنَّهِ خاتَمِ انْبِیآئِکَ، یا عاصِمَ قُلُوبِ النَّبِیّینَ روز بیست و ششم: اللهُمَّ اجْعَلْ سَعْیی فیهِ مَشْکُوراً، وَذَنْبی

فيهِ مَغْفُوراً، وَعَمَلى فيهِ مَقْبُولاً، وَعَيْبى فيهِ مَسْتُوراً، يا اسْمَعَ السَّامِعينَ

* روز بيست و هفتم: اللهُمَّ ارْزُقْنى فيهِ فَضْلَ لَيْلَهِ الْقَدْرِ، وَصَيِّرْ امُورِى فيهِ مِنَ الْعُسْرِ الَى الْيُسْرِ، وَاقْبَلْ مَعاذيرى وَحُطَّ عَنِّى الذَّنْبَ 1101] وَالْوِزْرَ، يا رَؤُفاً

بِعِبادِهِ الصَّالِحينَ روز بيست و هشتم: اللهُمَّ وَفِّرْ حَظّى فيهِ مِنَ النَّوافِلِ، وَاكْرِمْنى فيهِ بِاحْضارِ الْمَسآئِلِ، وَقَرِّبْ فيهِ وَسيلَتى الَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسآئِلِ، يا مَنْ لا يَشْغَلُهُ الْحاحُ الْمُلِحّينَ روز بيست و نهم: اللهُمَّ غَشِّنى فيهِ بِالرَّحْمَهِ، وَارْزُقْني فيهِ التَّوْفيقَ وَالْعِصْمَهَ، وَطَهِّرْ قَلْبى مِنْ غَياهِبِ التُّهَمَهِ، يا رَحيماً بِعِبادِهِ الْمُؤْمِنينَ روز سى ام: اللهُمَّ اجْعَلْ صِيامى فيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ، عَلى ما تَرْضاهُ وَيَرْضاهُ الرَّسُولُ، مُحْكَمَهً فُرُوعُهُ بِالْاُصُولِ، بِحَقِّ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرينَ، وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ.

ص: 817

فصل دهم: ماه شوّال

تقویم این ماه:

اوّل شوّال: روز اوّل این ماه، روز عید فطر است که از اعیاد بزرگ اسلامی است.

عید روزه داران واقعی است همانها که اعمال آنان پذیرفته شده و گناهانشان بخشوده گردیده؛ لذا باید این روز را عید بگیرند.

هشتم شوّال: روز ویران کردن قبور ائمّه بقیع توسّط گروه متعصّب و گمراه وهّابی در سال 1344 هجری قمری است.

وهّابیّون که گروهی اندک، متعصّب و نادان در میان مسلمانان به شمار می روند دارای عقاید افراطی عجیبی هستند و با همه مذاهب اسلامی در اموری به مخالفت برخاسته اند که از جمله آنها، توسّل به اولیاءاللَّه، ساختن ضریح و گنبد برای آنان و مسأله شفاعت است. از همین رو، بنای قبور امامان بقیع و حمزه سیّدالشّهدا و دیگر بزرگان اسلام و قبور صحابه و حتّی قبر پدر بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله را در مدینه و دیگر شهرها تخریب نمودند، و در پی تخریب ضریح و گنبد رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز بودند که بر اثر واکنش های شدید جهان اسلام، از آن دست کشیدند.

آنان به سبب همین عقاید جاهلانه و خشک، با تأسّف بسیار آثار تاریخی اسلامی فراوانی را در حرمین شریفین تخریب کردند؛ آثار ارزشمندی که می توانست سبب پیوند نسل حاضر با تاریخ گذشته اسلام باشد. متأسّفانه همه آنها از دست رفت.

بیست و پنجم شوّال: روز رحلت امام صادق علیه السلام پیشوای بزرگ مذهب ما (در سال 148 هجری) است.(1)

فضیلت ماه شوّال:

این ماه نخستین ماه از ماههای حج است؛ زیرا «عمره حجّ تمتّع» را می توان در سه ماه، شوّال، ذی القعده و ذی الحجّه انجام داد و قبل از آن جایز نیست (هرچند عمره مفرده را می توان در تمام سال انجام داد) و این خود دلیل بر اهمّیّت و فضیلت این ماه است.

1- [1102]منتهی الآمال، زندگی امام صادق علیه السلام.

ماهی است که خداوند بندگان خویش را به سوی خانه خود دعوت کرده است و آنان نیز با گوش جان ندای او را شنیده و به سوی او از نقاط دور و نزدیک به حرکت در می آیند (این سه ماه را «اشهر الحج» می نامند، ولی ماه شوّال جزء ماههای حرام نیست).

وجود عید بزرگ اسلامی فطر در ابتدای این ماه نیز، فضیلت مهمّ دیگری برای این ماه به شمار می آید.

اعمال ماه شوّال:

برای این ماه اعمال مشترکه خاصّی ذکر نشده است و امّا اعمال مخصوص آن:

شب اوّل ماه (شب عید فطر):

از شب های بسیار مبارک است و در فضیلت و اهمّیّت آن، همین بس که در بعضی از روایات آمده است، اهمّیّت آن کمتر از شب قدر نیست، و در روایات توصیه به عبادت و احیای این شب شده است.(1) برای این شب چند عمل ذکر شده است:

اوّل: غسل است به هنگامی که آفتاب غروب کند.(2) دوم: این شب را به نماز و دعا و استغفار زنده نگه دارد و در مسجد بیتوته کند، یعنی شب را در آن جا سپری نماید و به عبادت مشغول باشد، همانگونه که امام علی بن الحسین علیهما السلام چنین می کرد.(3) سوم: امام صادق علیه السلام فرمود: پس از نماز مغرب و نماز عشا و نماز صبح و نماز عید، این ذکرها را بگوید:

اللَّهُ اکْبَرُ، اللَّهُ اکْبَرُ، لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ اکْبَرُ، اللَّهُ اکْبَرُ، و للَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ

خدا بزرگتر است ... نیست معبودی جز خدا و خدا بزرگتر است ... و ستایش خاص خداست خدا

اکْبَرُ عَلی ما هَدانا، وَ لَهُ الشُّکْرُ عَلی ما أَوْلانا.(4)

بزرگتر است بر آنچه ما را راهنمائی فرمود وبرای اوست سپاس بر آنچه به ما بخشود.

چهارم: طبق روایتی از امام صادق علیه السلام پس از خواندن نماز مغرب و نافله آن، دست ها را به سوی آسمان بلند کند و بگوید:

یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، یا ذَا الْجُودِ، یا مُصْطَفِیَ مُحَمَّدٍ وَناصِرَهُ، صَلِّ عَلی

ای صاحب نعمت و فضل ای صاحب جود و بخشش ای برگزیننده محمّد و یاور او درود فرست بر

ص: 819

1- [1103]اقبال، صفحه 274 و زادالمعاد، صفحه 220.
2- [1104]زادالمعاد، صفحه 220 و کافی، جلد 4، صفحه 167، حدیث 3.
3- [1105]اقبال، صفحه 274.
4- [1106]مصباح المتهجّد، صفحه 648.

مُحَمَّدٍوَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْلی کُلَّ ذَنْبٍ احْصَیْتَهُ، وَهُوَ عِنْدَکَ فی کِتابٍ مُبینٍ.

محمّد و آل محمّد و بیامرز از من هر گناهی را که شماره کرده ای و در کتابی روشن در پیش تو ثبت است.

آنگاه به سجده برود و صد مرتبه بگوید:

أتُوبُ إلَی اللَّهِ

. سپس هر حاجتی که دارد از خداوند طلب کند که ان شاء اللَّه برآورده خواهد شد.(1) پنجم: زیارت امام حسین علیه السلام در این شب فضیلت بسیار دارد (زیارت مخصوصه آن حضرت در شب عید فطر، در بخش زیارات- صفحه 416- گذشت).

ششم: ده رکعت نماز بخواند (که چگونگی آن در اعمال شب آخر ماه رمضان گذشت).

هفتم: این ذکر را که در شب جمعه نیز گفتنش مستحب است، ده بار بگوید:

یا دائِمَ الْفَضْلِ عَلَی الْبَرِیَّهِ، یا باسِطَ الْیَدَیْنِ بِالْعَطِیَّهِ، یا صاحِبَ

ای کسی که فضل و بخششت بر خلق دائمی است و ای آن که دو دست احسانت به عطابخشی باز است ای دارنده

الْمَواهِبِ السَّنیَّهِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَیْرِ الْوَری سَجِیَّهً، وَ اغْفِرْ لَنا

بخششهای ارجمند درود فرست بر محمّد و آلش که بهترین مردمند در سرشت و نهاد، و بیامرز ما را

یا ذَالْعُلی فی هذِهِ الْعَشِیَّهِ.(2)

ای خدای بلندمرتبه در این شب.

***

هشتم: دو رکعت نماز معروف شب عید را بخواند؛ در رکعت اوّل بعد از سوره حمد، هزار مرتبه سوره قل هو اللّه و در رکعت دوم، پس از سوره حمد، یک مرتبه سوره قل هو اللّه را بخواند پس از سلام سر به سجده بگذارد و صد مرتبه بگوید:

أَتُوبُ إِلَی اللَّهِ

. آنگاه بگوید:

یا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ، یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، یا مُصْطَفِیَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ

ای صاحب منّت و جود ای صاحب نعمت و بخشش ای برگزیننده محمّد صلی الله علیه

وَآلِهِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ افْعَلْ بی کَذا وَ کَذا.

و آله درود فرست بر محمّد و آلش و بکن درباره من چنین و چنان.

بجای

افعل بی کذا و کذا

حاجات خود را ذکر کند.

ص: 820

1- [1107]اقبال، صفحه 271.
2- [1108]مصباح کفعمی، صفحه 647.

در روایت است که امیر مؤمنان علیه السلام این نماز را به همین کیفیّت که ذکر شد، انجام می داد وسر از سجده برمی داشت و می فرمود: «به حقّ آن خدایی که جانم به دست اوست، هر کس این نماز را بجا آورد، هر حاجتی که از خداوند طلب کند، به وی عنایت خواهد شد و گناهان زیادی را از او بیامرزد». (1) در روایت دیگری از امیرمؤمنان علیه السلام به جای خواندن هزار مرتبه سوره قل هو اللّه، صد مرتبه آمده است؛ ولی در این روایت آمده است که این نماز را باید بعد از نماز مغرب و نافله آن بجا آورد. (2) (هر دو نماز خوب است).

مرحوم «شیخ طوسی» و «سیّد بن طاووس»، این دعای نورانی را بعد از خواندن این نماز نقل کرده اند:

یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ، یا رَحْمنُ یا اللَّهُ، یا رَحیمُ یا اللَّهُ، یا مَلِکُ یا اللَّهُ، یا

ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای مهربان ای خدا ای پادشاه ای خدا ای

قُدُّوسُ یا اللَّهُ، یا سَلامُ یا اللَّهُ، یا مُؤْمِنُ یا اللَّهُ، یا مُهَیْمِنُ یا اللَّهُ، یا عَزیزُ یا

منزّه از هر عیب ای خدا ای سلامت بخش ای خدا ای ایمنی بخش ای خدا ای مراقب ای خدا ای نیرومند ای

اللَّهُ، یا جَبَّارُ یا اللَّهُ، یا مُتَکَبِّرُ یا اللَّهُ، یا خالِقُ یا اللَّهُ، یا بارِئُ یا اللَّهُ، یا

خدا ای مقتدر ای خدا ای عظیم الشأن ای خدا ای آفریننده ای خدا ای موجد ای خدا ای

مُصَوِّرُ یا اللَّهُ، یا عالِمُ یا اللَّهُ، یا عَظیمُ یا اللَّهُ، یا عَلیمُ یا اللَّهُ، یا کَریمُ یا اللَّهُ،

صورت بخش ای خدا ای دانا ای خدا ای بزرگ ای خدا ای آگاه ای خدا ای بزرگوار ای خدا

یا حَلیمُ یا اللَّهُ، یا حَکیمُ یا اللَّهُ، یا سَمیعُ یا اللَّهُ، یا بَصیرُ یا اللَّهُ، یا قَریبُ یا

ای بردبار ای خدا ای فرزانه ای خدا ای شنوا ای خدا ای بینا ای خدا ای نزدیک ای

اللّهُ، یا مُجیبُ یا اللّهُ، یا جَوادُ یا اللّهُ، یا ماجِدُ یا اللّهُ، یا مَلِیُّ یا اللّهُ، یا

خدا ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای با شوکت ای خدا ای توانگر مقتدر ای خدا ای

وَفِیُّ یا اللَّهُ، یا مَوْلی یا اللَّهُ، یا قاضی یا اللَّهُ، یا سَریعُ یا اللَّهُ، یا شَدیدُ یا اللَّهُ،

وفادار ای خدا ای سرور ای خدا ای داور ای خدا ای سریع ای خدا ای سخت گیر ای خدا

یا رَؤُوفُ یا اللَّهُ، یا رَقیبُ یا اللَّهُ، یا مَجیدُ یا اللَّهُ، یا حَفیظُ یا اللَّهُ، یا مُحیطُ

ای مهربان ای خدا ای نگهبان ای خدا ای شوکتمند ای خدا ای نگهبان ای خدا ای احاطه کننده

یا اللَّهُ، یا سَیِّدَ السَّادَهِ یا اللَّهُ، یا اوَّلُ یا اللَّهُ، یا اخِرُ یا اللَّهُ، یا ظاهِرُ یا اللَّهُ، یا

ای خدا ای بزرگ بزرگان ای خدا ای آغاز ای خدا ای انجام ای خدا ای پیدا ای خدا ای

ص :821

1- [1109]اقبال، صفحه 272 و زادالمعاد، صفحه 221.
2- [1110]اقبال، صفحه 272.

باطِنُ یا اللَّهُ، یا فاخِرُ یا اللَّهُ، یا قاهِرُ یا اللَّهُ، یا رَبَّاهُ یا اللَّهُ، یا رَبَّاهُ یا اللَّهُ، یا

ناپیدا ای خدا ای با فخر ای خدا ای چیره ای خدا ای پروردگار من ای خدا ای

رَبَّاهُ یا اللَّهُ، یا وَدُودُ یا اللَّهُ، یا نُورُ یا اللَّهُ، یا رافِعُ یا اللَّهُ، یا مانِعُ یااللَّهُ، یا

پروردگار من ای خدا ای پروردگار من ای خدا ای دوستدار ای خدا ای نور ای خدا ای رفعت ده ای خدا ای بازدارنده ای خدا ای

دافِعُ یا اللَّهُ، یا فاتِحُ یااللَّهُ، یا نَفَّاعُ یا اللَّهُ، یا جَلیلُ یا اللَّهُ، یا جَمیلُ یا اللَّهُ،

جلوگیرنده ای خدا ای گشاینده ای خدا ای بسیار نفع رسان ای خدا ای با جلالت ای خدا ای زیبا ای خدا

یا شَهیدُ یا اللَّهُ، یا شاهِدُ یا اللَّهُ، یا مُغیثُ یا اللَّهُ، یا حَبیبُ یا اللَّهُ، یا فاطِرُ یا

ای گواه ای خدا ای شاهد ای خدا ای فریادرس ای خدا ای دوست ای خدا ای خالق ای

اللَّهُ، یا مُطَهِّرُ یا اللَّهُ، یا مَلِکُ یا اللَّهُ، یا مُقْتَدِرُ یا اللَّهُ، یا قابِضُ یا اللَّهُ، یا

خدا ای پاک کننده ای خدا ای پادشاه ای خدا ای نیرومند ای خدا ای گیرنده ای خدا ای

باسِطُ یا اللَّهُ، یا مُحْیی یا اللَّهُ، یا مُمیتُ یا اللَّهُ، یا باعِثُ یا اللَّهُ، یا وارِثُ یا

گسترنده ای خدا ای زنده کننده ای خدا ای میراننده ای خدا ای برانگیزنده ای خدا ای ارث برنده ای

اللَّهُ، یا مُعْطی یا اللَّهُ، یا مُفْضِلُ یا اللَّهُ، یا مُنْعِمُ یا اللَّهُ، یا حَقُّ یا اللَّهُ، یا مُبینُ

خدا ای عطا کننده ای خدا ای فزون بخش ای خدا ای نعمت بخش ای خدا ای برحق ای خدا ای آشکار کننده

یا اللَّهُ، یا طَیِّبُ یا اللَّهُ، یا مُحْسِنُ یا اللَّهُ، یا مُجْمِلُ یا اللَّهُ، یا مُبْدِئُ یا اللَّهُ، یا

ای خدا ای پاکیزه ای خدا ای نیکوکننده ای خدا ای زیبا پرور ای خدا ای آغازنده ای خدا

مُعیدُ یا اللَّهُ، یا بارِئُ یا اللَّهُ، یا بَدیعُ یا اللَّهُ، یا هادی یا اللَّهُ، یا کافی یا اللَّهُ، یا

ای بازگرداننده ای خدا ای پدیدآرنده ای خدا ای نوآفرین ای خدا ای راهنما ای خدا ای کفایت کننده ای خدا ای

شافی یا اللَّهُ، یا عَلِیُّ یا اللَّهُ، یا عَظیمُ یا اللَّهُ، یا حَنَّانُ یا اللَّهُ، یا مَنَّانُ یا اللَّهُ،

شفابخش ای خدا ای والا مرتبه ای خدا ای بزرگ ای خدا ای بسیار مهربان ای خدا ای بسیار بخشنده ای خدا

یا ذَاالْطَّوْلِ یا اللَّهُ، یا مُتَعالی یا اللَّهُ، یا عَدْلُ یا اللَّهُ، یا ذَا الْمَعارِجِ یا اللَّهُ، یا

ای صاحب نعمت ای خدا ای برتر ای خدا ای دادگر ای خدا ای دارای مراتب بلند ای خدا ای

صِدْقُ یااللَّهُ، یا دَیَّانُ یا اللَّهُ، یا باقی یا اللَّهُ، یا واقی یا اللَّهُ، یا ذَا الْجَلالِ یا

راستی محض ای خدا ای جزاده ای خدا ای باقی ای خدا ای نگهدارنده ای خدا ای صاحب جلالت ای

اللَّهُ، یا ذَا الْإِکْرامِ یا اللَّهُ، یا مَحْمُودُ یا اللَّهُ، یا مَعْبُودُ یا اللَّهُ، یا صانِعُ یا اللَّهُ،

خدا ای صاحب بزرگواری ای خدا ای پسندیده ای خدا ای معبود ای خدا ای سازنده ای خدا

يا مُعينُ يا اللَّهُ، يا مُكَوِّنُ يا اللَّهُ، يا فَعَّالُ يا اللَّهُ، يا لَطيفُ يا اللَّهُ، يا جَليلُ يا

ای یاور ای خدا ای بوجود آرنده ای خدا ای کننده هر کار ای خدا ای با لطف ای

اللَّهُ، يا غَفُورُ يااللَّهُ، يا شَكُورُ يااللَّهُ، يا نُورُ يا اللَّهُ، يا قَديرُ يااللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا

خدا ای آمرزنده ای خدا ای سپاس دارنده ای خدا ای نور ای خدا ای توانا ای خدا ای پروردگار ای خدا

اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا

ای پروردگار ای خدا، ای پروردگار ای خدا، ای پروردگار ای خدا، ای پروردگار ای

اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، اسْئَلُكَ انْ

خدا، ای پروردگار ای خدا، ای پروردگار ای خدا، ای پروردگار ای خدا، ای پروردگار ای خدا از تو خواهم كه

تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَتَمُنَّ عَلَىَّ بِرِضاكَ، وَتَعْفُوَ عَنّى

درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و به خشنودی خود بر من منّت گذاری و به

بِحِلْمِكَ، وَتُوَسِّعَ عَلَىَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ الطَّيِّبِ، وَمِنْ حَيْثُ

بردباریت از من بگذری و فراخ گردانی بر من از روزی حلال و پاکیزه ات و از جایی که

احْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لا احْتَسِبُ، فَانّى عَبْدُكَ لَيْسَ لى احَدٌ سِواكَ، وَلا

گمان دارم و از جایی که گمان ندارم زیرا من بنده توام و کسی را جز تو ندارم و نه

احَدٌ اسْئَلُهُ غَيْرُكَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، ما شآءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِ

هیچ کس است که از او درخواست کنم جز تو ای مهربانترین مهربانان، آنچه خدا خواهد نیرویی نیست جز به خدای

الْعَظیمِ* سپس به سجده می روی و می گویی: یااللَّهُ یااللَّهُ، یا رَبِّ یا اللَّهُ، یا رَبِّ یا

والای بزرگ****************** ای خدا ای خدا ای پروردگار من ای خدا، ای پروردگار من، ای

اللَّهُ، یا رَبِّ یا اللَّهُ، یا اللَّهُ یا اللَّهُ، یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ، یا مُنْزِلَ الْبَرَکاتِ،

خدا، ای پروردگار من ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من ای فرستنده برکات

بِکَ تُنْزَلُ کُلُّ حاجَهٍ، اسْئَلُکَ بِکُلِّ اسْمٍ فی مَخْزُونِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ،

هر حاجتی بدست تو فرود آید از تو خواهم به هر نامی که در خزینه غیب تو محفوظ است

وَالْأَسْمآءِ الْمَشْهُوراتِ عِنْدَکَ، الْمَکْتُوبَهِ عَلی سُرادِقِ عَرْشِکَ، انْ

و نامهایی که پیش تو آشکار است آنها که بر سراپرده های عرشت نوشته شده که

تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَقْبَلَ مِنّی شَهْرَ رَمَضانَ، وَتَکْتُبَنی

درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و از من بپذیری ماه رمضان را و نامم را

مِنَ الْوافِدینَ الی بَیْتِکَ الْحَرامِ، وَتَصْفَحَ لی عَنِ الذُّنُوبِ الْعِظامِ،

در زمره رفتگان بسوی خانه محترمت (کعبه) بنویسی و از گناهان بزرگم چشم پوشی کنی

وَتَسْتَخْرِجَ یا رَبِّ کُنُوزَکَ یا رَحْمنُ.(1)

و گنجهای خود را برایم بیرون آوری ای خدای بخشاینده.

نهم: چهارده رکعت نماز بخواند (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعتی، سوره حمد و آیهالکرسی و سه مرتبه سوره قل هو اللّٰه را بخواند. در روایت است هر کس چنین کند، خداوند در برابر هر رکعتی ثوابهای بسیار زیادی به او می دهد.(2) دهم: مرحوم «شیخ طوسی» در «مصباح المتهجّد» فرموده است: در پایان شب نیز غسل کن و تا طلوع صبح در مصلّایت (محل خواندن نماز) بنشین (و ذکر خدا بگو).(3)

فضیلت و اعمال روز عید فطر:

روز عید فطر روز بسیار مهمّی برای مسلمانان است؛ زیرا پس از یک ماه روزه و تهجّد و عبادت، برای گرفتن پاداش الهی آماده می شوند؛ لذا این روز، از سویی سبب شادی و سرور است، چراکه هر مسلمانی از انجام وظیفه الهی خوشحال و مسرور است؛ ولی از سویی چون روز دریافت جوائز الهی است، انسان در حالت خوف و دلهره به سر می برد از این که نمی داند اعمال یک ماهه او تا چه اندازه مورد قبول قرار گرفته است؟

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که آن حضرت فرمود: هنگامی که روز اوّل شوّال فرا می رسد، منادی ندا می دهد: ای مؤمنان برای دریافت جوائز و پاداش های خود بشتابید! آنگاه امام علیه السلام فرمود: جایزه های خداوند مانند جایزه های پادشاهان نیست (یعنی جایزه او بسیار بزرگ و معنوی و قبولی طاعات و رضوان الهی است).

در پایان نیز تأکید فرمود: «روز اوّل شوال روز دریافت جایزه هاست!».(4) برای روز اوّل شوّال اعمالی ذکر شده است:

اوّل: تکبیراتی است که در اعمال شب عید فطر ذکر شد، و بعد از نماز صبح و نماز عید فطر آن را بخواند.

ص: 824

1- [1111]مصباح المتهجّد، صفحه 649 و اقبال، صفحه 272 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 120(با اندکی تفاوت).
2- [1112]بحارالانوار، جلد 88، صفحه 122.
3- [1113]مصباح المتهجّد، صفحه 651.
4- [1114]کافی، جلد 4، صفحه 168، حدیث 3.

دوم: پیش از نماز عید، زکات فطره را جدا سازد؛ اگر دسترسی به مستحق دارد بپردازد و الّا کنار بگذارد، برای هر نفر یک صاع (حدود سه کیلو) از گندم یا موادّ غذایی دیگر که در آن شهر غذای غالب مردم محسوب می شود.

زکات فطره واجب مؤکّد است و شرط قبولی روزه ماه رمضان است، و خداوند نیز در قرآن آن را مقدّم بر نماز (عید) شمرده است و می فرماید: »

«قَدْ افْلَحَ مَنْ تَزَکّی وَ ذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّی ؛

به یقین آن کس که زکات دهد و یاد پروردگارش را کند سپس نماز بخواند، رستگار است !».(1)،(2) سوم: غسل کردن است و وقت آن به فرموده «شیخ طوسی» بعد از طلوع فجر است تا زمان بجا آوردن نماز عید.(3) قبل از غسل این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ ایماناً بِکَ، وَتَصْدیقاً بِکِتابِکَ، وَاتِّباعَ سُنَّهِ نَبیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی

خدایا بخاطر ایمان به تو و تصدیق کتاب تو و پیروی از روش پیغمبرت محمّد صلی

اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ.

اللَّه علیه و آله.

آنگاه بسم اللَّه بگوید و غسل کند. پس از پایان غسل بگوید:

اللهُمَّ اجْعَلْهُ کَفَّارَهً لِذُنُوبی وَطَهِّرْ دینی اللهُمَّ اذْهِبْ عَنِّی الدَّنَسَ.(4)

خدایا قرارش ده کفاره گناهانم و دین و مذهبم را پاک گردان خدایا دور کن از من چرکی را.

چهارم: به فرموده «شیخ طوسی» در این روز نیکوترین لباسش را بپوشد و خود را معطّر سازد و با وقار و سکینه به سمت مصلّای عید حرکت کند.(5) پنجم: پیش از نماز عید، در ابتدای روز افطار کند،(6) و بهتر آن است که افطارش با خرما باشد.(7) «شیخ مفید» رحمه الله فرموده است: مستحبّ است مقدار کمی از تربت سیّد الشّهدا، امام حسین علیه السلام

را تناول نماید که شفای هر دردی است.(8) ششم: پس از طلوع آفتاب برای نماز عید حرکت کند (همان گونه که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده

1- [1115]سوره اعلی، آیه 14 و 15.
2- [1116]زاد المعاد، صفحه 224.
3- [1117]مصباح المتهجّد، صفحه 653.
4- [1118]اقبال، صفحه 279.
5- [1119]مصباح المتهجّد، صفحه 653.
6- [1120]اقبال، صفحه 280.
7- [1121]همان مدرک، صفحه 281.
8- [1122]مسار الشیعه، صفحه 31.

است)[(1)] و دعاهایی را که از طریق معصومین علیهم السلام وارد شده است، بخواند؛ از جمله آن که امام باقر علیه السلام فرمود:

در عید فطر و عید قربان و جمعه وقتی که برای رفتن به نماز مهیّا شدی، این دعا را بخوان:

اللهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فی هذَا الْيَوْمِ اوْ تَعَبَّأَ، اوْ اعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفادَهٍ الی مَخْلُوقٍ،

خدایا هر که آماده شده در این روز یا مهیاو مستعد و مجهز گشته برای ورود به یکی از مخلوقاتت

رَجآءَ رِفْدِهِ وَنَوافِلِهِ، وَفَواضِلِهِ وَعَطاياهُ، فَانَّ الَيْکَ يا سَيِّدی

به امید جایزه و صله و بهره هاو عطاهای او ولی ای آقای من

تَهْيِئَتی وَتَعْبِئَتی وَاعْدادی وَاسْتِعْدادی رَجآءَ رِفْدِکَ وَجَوائِزِکَ،

تنها بسوی توست آمادگی و تهیه و استعداد و تجهیز من به امید جایزه

وَنَوافِلِکَ وَفَواضِلِکَ، وَفَضآئِلِکَ وَعَطاياکَ، وَقَدْ غَدَوْتُ الی عيدٍ مِنْ

و صله ها و بهره ها و بخششها و فضلها و عطاهای تو و بامداد کردم در عیدی

اعْيادِ امَّهِ نَبيِّکَ، مُحَمَّدٍ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلی آلِهِ، وَ لَمْ افِدْ الَيْکَ الْيَوْمَ

از عیدهای امت پیامبرت محمّد که درودهای تو بر او و برآلش باد و البتّه ورود من نه به امید

بِعَمَلٍ صالِحٍ اثِقُ بِهِ قَدَّمْتُهُ، وَلا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ امَّلْتُهُ، وَلکِنْ اتَيْتُکَ

کردار شایسته ای است که بدان اطمینان داشته و پیشکش آورده باشم و نه این که به مخلوقی رو کرده و آرزومندش باشم بلکه با حال خضوع به درگاه تو آمده

خاضِعاً، مُقِرّاً بِذُنُوبی وَ اساَئَتی الی نَفْسی فَيا عَظيمُ يا عَظيمُ،

و معترف به گناه و بدی خود بر نفس خویشتنم پس ای خدای بزرگ........

اغْفِرْ لِیَ الْعَظیمَ مِنْ ذُنُوبی فَانَّهُ لایَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظامَ الَّا انْتَ، یا لا الهَ

بیامرز بزرگ گناهانم را زیرا نیامرزد گناهان بزرگ را جزتو ای که معبودی

الَّا انْتَ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(2)

جز تو نیست ای مهربانترین مهربانان.

***

هفتم: نماز عید. خواندن نماز عید در زمان ما مستحب است و آن دو رکعت است؛ در رکعت اوّل سوره حمد و سوره اعلی (یا هر سوره دیگری که مایل باشد) بخواند و بعد از آن پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر این قنوت را بخواند:

1- [1123]اقبال، صفحه 281.
2- [1124]همان مدرک، صفحه 280.

اللهُمَّ اهْلَ الْكِبْرِيآءِ وَ الْعَظَمَهِ، وَاهْلَ الْجُودِ وَ الْجَبَرُوتِ، وَ اهْلَ الْعَفْوِ

خدایا ای اهل بزرگی و عظمت و ای شایسته بخشش و قدرت و سلطنت و ای شایسته عفو

وَ الرَّحْمَهِ، وَاهْلَ التَّقْوى وَالْمَغْفِرَهِ، اسْئَلُکَ بِحَقِّ هذَا الْیَومِ، الَّذى جَعَلْتَهُ

و رحمت و ای شایسته تقوا و آمرزش از تو خواهم به حق این روزی که قرارش دادی

لِلْمُسْلِمینَ عیداً، وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ذُخْراً [وَشَرَفاً] وَمَزِیداً،

برای مسلمانان عید و برای محمّد صلی الله علیه و آله ذخیره و شرف و فزونی مقام

انْ تُصَلِّیَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تُدْخِلَنى فى كُلِّ خَیْرٍ ادْخَلْتَ

که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و درآوری مرا در هر خیری که درآوردی

فیهِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَانْ تُخْرِجَنى مِنْ كُلِّ سُوءٍ اخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً

در آن خیر محمّد و آل محمّد را و برونم آری از هر بدی و شری که برون آوردی از آن محمّد

وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ، اللهُمَّ انّى اسْئَلُکَ خَیْرَ ما سَئَلَکَ

و آل محمّد را- که درودهای تو بر او و بر ایشان باد- خدایا از تو خواهم بهترین چیزی را که درخواست کردند

مِنْهُ عِبادُکَ الصَّالِحُونَ، وَاعُوذُ بِکَ مِمَّا اسْتَعاذَ مِنْهُ عِبادُکَ الصَّالِحُونَ.

از تو بندگان شایسته ات و پناه برم به تو از آنچه پناه بردند ازآن بندگان شایسته ات.

(درصورت عدم توانایی براین قنوت، هرگونه قنوت دیگری نیز می تواند بخواند) سپس تکبیر ششم را بگوید و به رکوع برود و بعد از رکوع و

سجده، برخیزد و رکعت دوم را شروع کند؛ در رکعت دوم، بعد از سوره حمد، سوره والشّمس یا سوره دیگری را بخواند؛ آنگاه چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر همان قنوت را بخواند، سپس تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع و سجود برود و نماز را تمام کند.(1) بعد از نماز، تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را بگوید(2) و آنگاه دعاهایی که نقل شده است را بخواند که یکی از آنها دعای چهل و ششم «صحیفه سجّادیه» است.

مستحب است نماز عید، زیر آسمان باشد(3) و بعد از نماز برای برادران دینی جهت قبولی اعمال دعا کند.

***

هشتم: دعای ندبه را بخواند، که در بخش دعاهای معروف (صفحه 189) آمده است مرحوم محدّث قمی می گوید: به فرموده «سیّد بن طاووس»، پس از دعا به سجده برود و بگوید:

ص: 827

1- [1125]مصباح المتهجّد، صفحه 654.
2- [1126]همان مدرک، صفحه 655.
3- [1127]اقبال، صفحه 285.

اعُوذُ بِکَ مِنْ نارٍ حَرُّها لایُطْفی وَجَدیدُها لایَبْلی وَعَطْشانُها لایُرْوی

پناه می برم به تو از آتشی که حرارتش خاموش نشود و تازه اش کهنه نگردد و تشنه اش سیراب نشود

سپس گونه راست را بر محلّ سجده بگذارد و بگوید: الهی لاتُقَلِّبْ وَجْهی فِی النَّارِ بَعْدَ

********************** خدایا بدست آتش مسپار چهره ام را پس از

سُجُودی وَتَعْفیری لَکَ بِغَیْرِ مَنٍّ مِنّی عَلَیْکَ، بَلْ لَکَ الْمَنُّ عَلَیَّ* آنگاه گونه سجده کردنم و بخاک مالیدنم آن را برای تو بدون این که منّتی بر تو داشته باشم بلکه تو بر من منّت داری********

چپ را بگذارد و بگوید: ارْحَمْ مَنْ اسآءَ وَاقْتَرَفَ وَاسْتَکانَ وَاعْتَرَفَ* سپس به حال *********** رحم کن کسی را که بد کرده و به نافرمانی دست زده و بیچاره گشته و اعتراف بدانها دارد********

سجده برگردد و بگوید: انْ کُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ، فَانْتَ نِعْمَ الرَّبُّ، عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ

****** اگر من بدبنده ای هستم پس تو خوب پروردگاری هستی بزرگ است گناه

عَبْدِکَ، فَلْیَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِکَ یا کَریمُ. در پایان صد مرتبه بگوید: الْعَفْوَ الْعَفْوَ.

بنده ات پس باید گذشت تو نیز نیکو باشد ای خدای کریم************ گذشت خواهم گذشت خواهم.

***

ص :828

فصل یازدهم: ماه ذی القعده

تقویم این ماه:

اوّل ذی القعده: بنا بر نقلی، اوّل ذی القعده سال 173 هجری، روز میلاد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است.(1) یازدهم ذی القعده: روز یازدهم ماه (سال 148 هجری قمری) روز میلاد مسعود امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام است.(2) بیست و سوم ماه ذی القعده: (سال 203) طبق برخی از روایات شهادت همان حضرت است و زیارت آن حضرت در چنین روزی مناسب است. (هرچند معروف در شهادت آن حضرت «آخر ماه صفر» است).(3) بیست و پنجم ماه ذی القعده: طبق روایتی از امام رضا علیه السلام روز دحوالأرض است (روزی است که نخستین خشکی ها از زیر آب- که تمام روی زمین را فراگرفته بود- سربرآورد و مطابق بعضی از روایات، نخستین جایی که از زیر آب بیرون آمد و خشک شد و سپس گسترش یافت، سرزمین «مکّه» و بخصوص محلّ «خانه کعبه» بود و لذا مکّه «امّ القری» [/ مادر همه آبادی ها] نام گرفت).(4) آخر ماه ذی القعده: (سال 220 هجری قمری) روز شهادت امام نهم، امام محمّدتقی علیه السلام است که به زهر «معتصم عبّاسی» در بغداد مسموم و شهید گشت در حالی که بیش از 25 سال از عمر مبارکش نمی گذشت؛ بدن مطهّر آن حضرت را به کاظمین که نزدیک بغداد است آوردند و در کنار جدّ بزرگوارش امام موسی بن جعفر علیهما السلام به خاک سپردند و انتخاب نام کاظمین بر آن شهر به همین مناسبت است (قبلاً آن جا را «مقابر قریش» می نامیدند).(5) در حدیثی آمده است که خود آن حضرت می فرمود: «

الْفَرَجُ بَعْدَ الْمأمُونِ بِثَلاثینَ شَهْراً

؛ آسودگی من بعد از مرگ مأمون به فاصله سی ماه خواهد بود».(6)

ص: 829

1- [1128]فروغی از کوثر،(زندگی نامه حضرت فاطمه معصومه) صفحه 32.
2- [1129]منتهی الآمال، تاریخ زندگانی امام رضا علیه السلام و بحارالانوار، جلد 49، صفحه 9، حدیث 16 و صفحه 10، حدیث 17.
3- [1130]منتهی الآمال، تاریخ زندگانی امام رضا علیه السلام.

4- [1131]بحارالانوار، جلد 11، صفحه 217، حدیث 29.
5- [1132]منتهی الآمال، تاریخ زندگانی امام محمّد تقی علیه السلام.
6- [1133]بحارالانوار، جلد 50، صفحه 64 و کشف الغمّه، جلد 2، صفحه 363.

که این جمله اشاره ای به شهادت آن حضرت بعد از دو سال و نیم (30 ماه) بعد از مرگ مأمون بود.

همچنین نشان می دهد که آن بزرگوار تا چه حد به خاطر فشارهای دستگاه بنی عبّاس در زحمت بودند.

فضیلت ماه ذی القعده:

ماه ذی القعده، نخستین ماه از ماههای حرام است که در آنها جنگ، حتّی با دشمنان اسلام حرام است؛ مگر این که جنگ بر مسلمین تحمیل شود (سه ماه دیگر از ماههای حرام، ذی الحجّه، محرّم و رجب است).

آتش بس در این چهار ماه وسیله ای برای آرامش جامعه و توفیق برای حجّ و عبادت، حلّ مشکلات اقتصادی و بازنگری در امر جنگ و یافتن نقطه پایان برای آن و سپس مرهم نهادن بر زخم های جانکاه ناشی از آن است.

ماهی است که زوّار خانه خدا از اطراف و اکنافِ جهان به سوی خانه خدا حرکت می کنند، گروهی به مدینه می روند و قبر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و قبور ائمّه هدی علیهم السلام را زیارت می کنند و آثار تاریخی که در جای جای این خاستگاه اسلامی وجود دارد را می بینند و غرق لذّات عمیق روحانی می شوند (هرچند نابخردان و جاهلان، بسیاری از این آثار عظیم و گرانقدر را از میان برده اند).

گروه دیگری راهی مکّه می شوند و با انجام مناسک «عمره تمتّع» در انتظار مراسم بزرگ عبادی سیاسی حج می نشینند و با طواف کعبه و شرکت در صفوف پرشکوه جماعت، روح و جانشان را تازه می کنند (خداوند این سفر روحانی را نصیب همه آرزومندان فرماید) تجدید یاد و خاطره آن، برای آنها که به این سفر رفته اند نیز لذّت بخش است.

«سیّد بن طاووس» در فضیلت این ماه می گوید: «ماه ذی القعده ماهی است که به هنگام شدّت و گرفتاری، زمان خوبی برای دعاست، و برای رفع ظلم و ستم و دعا بر ضد ظالم مؤثّر است».(1) همچنین می گوید: «این ماه «ماه اجابت دعاها» نامیده شده است؛ لذا باید اوقاتش را غنیمت شمرد و در آن روزه حاجت گرفت».(2)

اعمال ماه ذی القعده:

نماز در روز یکشنبه این ماه برای نماز در روز یکشنبه این ماه روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده

ص: 830

1- [1134] اقبال، صفحه 306.
2- [1135] همان مدرک، صفحه 307.

است. در فضیلت این نماز، آمده است که هر کس آن را بجا آورد توبه اش پذیرفته می شود و گناهانش آمرزیده می گردد و سبب برکت برای نمازگزار و خانواده اش خواهد بود، و در روز قیامت کسانی که از او طلبی و یا حقّی دارند، از وی راضی گردند و با ایمان از دنیا می رود و قبرش برای او وسیع و نورانی گردد و پدر و مادرش از او راضی شوند، و آنها نیز مورد مغفرت خداوند قرار گیرند، ذریّه او نیز بخشیده شوند و روزی او وسیع گردد. فرشته مرگ به هنگام مردن، با او مدارا کند و به آسانی جانش را بگیرد.(1) رسول خدا صلی الله علیه و آله کیفیّت نماز را این گونه بیان فرمود که، در روز یکشنبه غسل کند و وضو بگیرد و چهار رکعت نماز بخواند (هر دو رکعت به یک سلام) در هر رکعت، سوره «حمد» یک مرتبه، سوره «قل هو اللَّه» سه مرتبه و سوره های «فلق» و «ناس» را یک مرتبه بخواند؛ و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار کند، سپس بگوید: لا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلیِّ الْعَظیمِ آنگاه بگوید: یا عَزیزُ یا غَفَّارُ،

*** و توان و نیرویی جز برای خداوند بلندمرتبه و باعظمت نیست******* ای نیرومند ای بسیار آمرزنده

اغْفِرْ لی ذُ نُوبی وَذُ نُوبَ جَمیعِ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ، فَانَّهُ لا یَغْفِرُ

بیامرز گناهانم را و گناهان همه مردان مؤمن و زنان با ایمان را که نیامرزد کسی

الذُّنُوبَ الَّا انْتَ.(2)

گناهان را جز تو.

از ذیل این روایت استفاده می شود که این اعمال را در غیر این ماه نیز، می توان انجام داد.

سه روز روزه در این ماه: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است، هر کس روزهای پنج شنبه، جمعه و شنبه از ماههای حرام را روزه بگیرد، عبادت یک سال برای او نوشته شود.(3) شب پانزدهم ماه: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که شب پانزدهم ماه ذی القعده، شب مبارکی است و خداوند در این شب، به بندگان مؤمن، نظر رحمت می افکند و آن کس که در این شب به اطاعت خداوند مشغول باشد، پاداش بسیار زیادی دارد.

در ادامه فرمود: چون شب به نیمه رسید، به عبادت خدا و نماز بپرداز و از خداوند حاجت بطلب که در این شب، حاجت کسی بدون پاسخ نخواهد ماند!(4)

روز بیست و پنجم (روز دحوالارض):

همان گونه که پیش از این گفته شد، روز بیست و پنجم ذی القعده، روزی است که نخستین خشکی ها از زیر آب سربرآورد، و سپس گسترش یافت. برای این روز

1- [1136]اقبال، صفحه 308.
2- [1137]همان مدرک.
3- [1138]همان مدرک.
4- [1139]همان مدرک، صفحه 309.

اعمالی نقل شده است:

الف) در روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است: اوّل رحمتی که از آسمان به زمین نازل شد، روز بیست و پنجم ذی القعده بود؛ بنابراین اگر کسی آن روز را روزه بگیرد، و آن شب را به عبادت بپردازد، پاداش عبادت یکصد سال را دارد.

همچنین فرمود: در آن روز، اگر گروهی به ذکر خدا بپردازند، خداوند حاجتشان را پیش از آن که متفرّق شوند برآورده سازد؛ خداوند در این روز هزار هزار رحمت نازل می کند که قسمتی از آن شامل کسانی است که جمع گردند و به ذکر خدا بپردازند و روزش را روزه بدارند و شبش را عبادت کنند.(1) ب) مستحب است در آغاز روز (هنگامی که آفتاب کمی بلند شود) دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت، بعد از سوره حمد پنج مرتبه سوره والشمس را بخواند و پس از سلام نماز، این دعا را بخواند:

لا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلىِّ الْعَظیمِ، یا مُقیلَ الْعَثَراتِ، اقِلْنی عَثْرَتی

پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند بلندمرتبه و باعظمت نیست ای نادیده گیر لغزشها، نادیده گیر لغزشم را

یا مُجیبَ الدَّعَواتِ، اجِبْ دَعْوَتی یا سامِعَ الْأَصْواتِ، اسْمَعْ صَوْتی

ای اجابت کننده دعاها اجابت کن دعایم را ای شنوای صداها بشنو صدایم را

وَارْحَمْنی وَتَجاوَزْ عَنْ سَیِّئاتی وَما عِنْدی یا ذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ.(2)

و به من رحم کن و از گناهانم و آنچه بدی دارم درگذر ای صاحب جلالت و بزرگواری.

ج) «شیخ طوسی» فرمود: مستحب است در این روز، این دعا را بخواند:

اللهُمَّ داحِیَ الْکَعْبَهِ، وَفالِقَ الْحَبَّهِ، وَصارِفَ اللَّزْبَهِ، وَکاشِفَ کُلِ

خدایا ای گسترنده خانه کعبه و شکافنده دانه و برطرف کننده سختی و گشاینده هر

كُرْبَهٍ، اسْئَلَکَ فی هذَا الْیَوْمِ مِنْ ایَّامِکَ الّتی اعْظَمْتَ حَقَّها، وَاقْدَمْتَ

غم و گرفتاری از تو خواهم در این روز از روزهایت که بزرگ گرداندی حقش را و در سبقت

سَبْقَها، وَجَعَلْتَها عِنْدَ الْمُؤْمِنینَ وَدیعَهً، وَ الَیْکَ ذَریعَهً، وَ بِرَحْمَتِکَ

پیشش انداختی و در نزد مؤمنین آن را به ودیعت نهادی و آن را وسیله ای برای آمدن به پیشگاهت و رسیدن برحمت

الْوَسیعَهِ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ الْمُنْتَجَبِ، فِی الْمیثاقِ الْقَریبِ

وسیعت قراردادی که درود فرستی بر محمّد بنده برگزیده ات در روز میثاق نزدیک که

ص: 832

1- [1140]اقبال، صفحه 312.
2- [1141]همان مدرک، صفحه 314.

يَوْمَ التَّلاقِ، فاتِقِ كُلِّ رَتْقٍ، وَداعٍ الى كُلِّ حَقٍّ، وَعَلى اهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْهارِ

روز دیدار و ملاقات است آن بزرگواری که هر در بسته ای را گشود و به هر حقی دعوت فرمود و بر خاندان پاکیزه

الْهُداهِ الْمَنارِ، دَعائِمِ الْجَبَّارِ، وَوُلاهِ الْجَنَّهِ وَالنَّارِ، وَاعْطِنا فی يَوْمِنا هذا

و راهنمایان روشنی بخش و پایه های دین خدا و زمامداران کار بهشت و دوزخند و عطا کن به ما در این روز

مِنْ عَطآئِکَ الْمَخْزُونِ، غَيْرَ مَقْطوُعٍ وَلا مَمْنوُنٍ، تَجْمَعُ لَنا بِهِ التَّوْبَهَ،

از عطای موجود در خزینه ات که نه پایان دارد و نه منّتی در آن است گردآوری بدان برای ما توبه

وَحُسْنَ الْأَوْبَهِ، يا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَاكْرَمَ مَرْجُوٍّ، يا كَفِیُّ يا وَفِیُّ، يا مَنْ لُطْفُهُ

و بازگشت خوبی را بسوی خودت ای بهترین خوانده شدگان و بزرگوارترین مایه امید ای کفایت کننده ای وفادار ای که لطفش در

خَفِیٌّ، الْطُفْ لی بِلُطْفِکَ، وَاسْعِدْنی بِعَفْوِکَ، وَايِّدْنی بِنَصْرِکَ، وَلا تُنْسِنی

نهان و خفاست بلطف خویش بر من لطف فرما و به عفوت سعادتمندم کن و به یاریت کمکم ده و از یاد

كَريمَ ذِكْرِکَ، بِوُلاهِ امْرِکَ، وَحَفَظَهِ سِرِّکَ، وَ احْفَظْنی مِنْ شَوائِبِ الدَّهْرِ،

کریمانه ات فراموشم مکن به حق زمامداران کار خود و نگهبانان رازت و نگاهم دار از آلودگیهای روزگار

الى يَوْمِ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، وَاشْهِدْنی اوْلِيآئَکَ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسی وَحُلُولِ

تا روز حشر و برانگیخته شدن و گواه گیر برایم دوستانت را هنگام جان دادنم و سرازیر

رَمْسی وَانْقِطاعِ عَمَلی وَانْقِضآءِ اجَلی اللَّهُمَّ وَاذْكُرْنی عَلى طُولِ

شدنم در قبر و به پايان رسيدن كردارم و بسر آمدن عمرم خدايا يادم كن در دوران دراز

الْبِلى اذا حَلَلْتُ بَيْنَ اطْباقِ الثَّرى وَنَسِيَنِى النَّاسُونَ مِنَ الْوَرى

پوسيده شدنم در آن هنگام كه ميان توده هاى خاك وارد شوم و مردم فراموشكار يكسره فراموشم كرده اند

وَاحْلِلْنى دارَ الْمُقامَهِ، وَ بَوِّئْنى مَنْزِلَ الْكَرامَهِ، وَاجْعَلْنى مِنْ مُرافِقى

و در خانه ماندنى (بهشت) فرودم آر و در منزل كرامت جايم ده و از رفقاى دوستانت و

اوْلِيآئِكَ، وَاهْلِ اجْتِبآئِكَ وَأصْفِيائِكَ، وَبارِكْ لى فى لِقآئِكَ، وَارْزُقْنى

برگزيدگان و مخصوصانت قرارم ده و ديدارت را بر من مبارک گردان و حسن عمل روزيم كن

حُسْنَ الْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ الْأَجَلِ، بَريئاً مِنَ الزَّلَلِ وَسُوءِ الْخَطَلِ، اللهُمَّ وَ

پيش از آن كه عمرم بسر رسد در حالى كه پاک از لغزش و بد كردارى باشم خدايا

اوْرِدْنى حَوْضَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَاسْقِنى مِنْهُ

مرا به حوض پيامبرت محمّد درود خدا بر او و خاندانش باد (يعنى حوض كوثر) واردم كن و بنوشان مرا از آن

ص :833

مَشْرَباً رَوِيّاً سآئِغاً هَنيئاً، لا اظْمَأُ بَعْدَهُ، وَلا احَلَّأُ وِرْدَهُ، وَ لا عَنْهُ اذادُ،

حوض نوشاندنی سیراب کننده و روان و گوارا که دیگر تشنه نشوم و از ورود بدان جلوگیریم نکنند و بازم ندارند

وَاجْعَلْهُ لی خَیْرَ زادٍ، وَ اوْفی میعادٍ، یَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهادُ، اللَّهُمَّ وَالْعَنْ

و آن را برایم بهترین توشه راه و کاملترین وعده گاه در روز به پا خواستن گواهان قرار ده خدایا دور ساز

جَبابِرَةَ الْأَوَّلینَ وَالْآخِرینَ، وَبِحُقُوقِ اوْلِیآئِکَ الْمُسْتَأْثِرینَ، اللهُمَ

از رحمتت سرکشان اوّلین و آخرین را و آنان که به حقوق دوستان برگزیده ات تجاوز و تعدّی کردند خدایا

وَاقْصِمْ دَعآئِمَهُمْ، وَاهْلِکْ اشْیاعَهُمْ وَ عامِلَهُمْ، وَ عَجِّلْ مَهالِکَهُمْ،

پایه های حکومتشان را در هم شکن و پیروان و عمالشان را نابود گردان و به هلاکتشان تعجیل کن

وَاسْلُبْهُمْ مَمالِکَهُمْ، وَضَیِّقْ عَلَیْهِمْ مَسالِکَهُمْ، وَالْعَنْ مُساهِمَهُمْ

و مملکتهاشان را از ایشان بگیر و راهها را بر ایشان تنگ فرما و آنان که با ایشان سهیم

وَمُشارِکَهُمْ، اللهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ اوْلِیآئِکَ، وَارْدُدْ عَلَیْهِمْ مَظالِمَهُمْ،

و شریک هستند نیز از رحمتت دور کن خدایا شتاب کن در فرج دوستانت و حقوق از دست رفته شان را به آنها باز گردان

وَاظْهِرْ بِالْحَقِّ قآئِمَهُمْ، وَاجْعَلْهُ لِدینِکَ مُنْتَصِراً، وَبِامْرِکَ فی اعْدآئِکَ

و قائمشان را به حق ظاهر گردان و یاری ستاننده دینت و فرمانروای در میان دشمنانت قرارش ده

مُؤْتَمِراً، اللهُمَّ احْفُفْهُ بِمَلائِکَهِ النَّصْرِ، وَبِما الْقَیْتَ الَیْهِ مِنَ الْأَمْرِ فی لَیْلَهِ

خدایا فرشتگان یاری دهنده را گرداگردش قرار ده و بدان دستوری که در شب قدر بر او فرستی وی را

الْقَدْرِ، مُنْتَقِماً لَکَ حَتّی تَرْضی وَیَعُودَ دینُکَ بِهِ وَعَلی یَدَیْهِ جَدیداً

انتقام کشَنده برای خودت قرار ده بدان حد که تو خشنود گردی و دین تو به وسیله او و بدست او بصورت نو و تازه ای

غَضّاً، وَیَمْحَضَ الْحَقَّ مَحْضاً، وَیَرْفِضَ الْباطِلَ رَفْضاً، اللهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ

درآید و حق و کاملاً خالص گردد و باطل یکسره از بین برود خدایا درود فرست بر او و

وَعَلی جَمیعِ آبائِهِ، وَاجْعَلْنا مِنْ صَحْبِهِ وَاسْرَتِهِ، وَابْعَثْنا فی کَرَّتِهِ، حَتّی

بر همه پدرانش و قرار ده ما را از اصحاب و نزدیکانش و در زمان رجعت او ما را برانگیز تا

نَکُونَ فی زَمانِهِ مِنْ اعْوانِهِ، اللَّهُمَّ ادْرِکْ بِنا قِیامَهُ، وَاشْهِدْنا ایَّامَهُ، وَصَلِ

ما در زمان او جزء یارانش باشیم خدایا توفیق درک زمان قیام او را نصیب ما گردان و در روزگار ظهورش ما را حاضر کن و درود فرست

عَلَیْهِ، وَعَلَیْهِ السَّلامُ، وَارْدُدْ الَیْنا سَلامَهُ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ.(1)

بر او و سلام او را بسوی ما بازگردان و سلام و تحیت و رحمت خدا و برکاتش بر او باد.

ص: 834

1- [1142]مصباح المتهجّد، صفحه 669.

فصل دوازدهم: ماه ذی الحجّه

تقویم این ماه:

اوّل ماه ذی الحجّه: روز ولادت حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام، پیامبر بزرگ و بت شکن و بناکننده خانه کعبه است.(1) همچنین بنا بر نقل «شیخ طوسی»، این روز، روز ازدواج امیر مؤمنان علی علیه السلام و حضرت صدّیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام (در سال دوم هجری) است.(2) روز هفتم ماه ذی الحجّه: وفات امام محمّد باقر علیه السلام (در سال 114) در چنین روزی واقع شده است.(3) روز هشتم ماه ذی الحجّه: این روز را روز «ترویه» می نامند. «ترویه در لغت به معنای سیراب کردن، و آب ذخیره نمودن است»، در سابق که در عرفات آب نبود، حجّاج روز هشتم آب برای وقوف در عرفات در روز نهم از مکّه با خود می بردند.(4) روز نهم ذی الحجّه: روز عرفه است که روزی بسیار بافضیلت است و حاجیان آن روز را در صحرای عرفات به یاد خدا هستند، همچنین این روز مصادف است با سال روز شهادت حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام در شهر کوفه (در سال 60 هجری قمری).(5) روز دهم ماه ذی الحجّه: روز عید بزرگ قربان است که از اعیاد مهمّ اسلامی است.

روز پانزدهم ماه ذی الحجّه: در چنین روزی میلاد مسعود حضرت امام علی النّقی علیه السلام در سال 212 هجری قمری واقع شده است.(6) روز هیجدهم ماه ذی الحجّه: روز عید سعید غدیر، عید ولایت و امامت، از اعیاد مهمّ اسلامی است.

آن روز پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به فرمان خداوند، علی علیه السلام را به امامت و جانشینی خود منصوب کرد. این واقعه در سال دهم هجری در سرزمین «خُم» نزدیکی مکّه کنار غدیر (برکه آبی) واقع شد. و لذا آن را عید «غدیر خم» می نامند. مرحوم «علّامه امینی» رحمه الله در کتاب شریف «الغدیر» که در 11 جلد نوشته شده

1- [1143]مصباح المتهجّد، صفحه 671.(البتّه مرحوم سیّد بن طاووس روایتی را نقل می کند که ولادت آن حضرت در شب بیست و پنجم ذی القعده است، اقبال، صفحه 310).

2- [1144]همان مدرک.

3- [1145]بحارالانوار، جلد 46، صفحه 217.
4- [1146]همان مدرک، جلد 96، صفحه 254، حدیث 18.
5- [1147]منتهی الآمال، تاریخ زندگانی امام حسین علیه السلام، فصل چهارم(شهادت حضرت مسلم علیه السلام).
6- [1148]همان مدرک، تاریخ زندگانی امام علی النّقی علیه السلام و بحارالانوار، جلد 50، صفحه 115، حدیث 4.

است، روایات فراوانی را از طرق اهل سنّت راجع به جریان غدیر خم، نقل می کند که جای تردیدی برای هیچ فرد با انصافی باقی نمی گذارد. روز بیست و چهارم ماه ذی الحجّه: روز «مباهله» است، روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله با نصارای نجران «مباهله» کرد، و پیش از آن که مباهله صورت گیرد مسیحیان نجران، پشیمان شده و از مباهله صرف نظر کردند. این جریان در سال دهم هجری واقع شده است.(1) (داستان آن را در ذیل اعمال روز مباهله شرح خواهیم داد).

همچنین در این روز حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حال رکوع انگشتر خود را به سائل داد(2) و آیه

«إنَّما وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ»(3)

در همین رابطه نازل شد.

روز بیست و پنجم ماه ذی الحجّه: روز نزول سوره «هَلْ أَتی است.(4) پس از آن که حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام و جناب فضّه، برای ادای نذر خویش که برای شفای امام حسن و امام حسین علیهما السلام کرده بودند، سه روز روزه گرفتند و در روز اوّل غذای افطار خود را به مسکین دادند و با آب افطار کردند و در روز دوم به یتیم و روز سوم به اسیر دادند این سوره در مدح آنان نازل شد (که بعداً شرحش خواهد آمد).

فضیلت ماه ذی الحجّه:

ماه «ذی الحجّه»، آخرین ماه «سال هجری قمری» است و ماهی است بسیار پربرکت. بزرگان دین هنگامی که این ماه وارد می شد، اهمّیّت ویژه ای به عبادت در آن می دادند. مخصوصاً در دهه اوّل این ماه.(5) در بعضی از روایات آمده است، شب های دهگانه ای که قرآن در سوره «والفجر و لیال عشر» به آن سوگند یاد کرده است، شب های دهه اوّل این ماه شریف است،(6) و این سوگند به خاطر عظمت آن است.

خداوند در سوره حج (آیه 28) ضمن بیان فریضه بزرگ «حج» سخن از «أیّام مَعْلُومات» گفته است که مؤمنان باید در آن به یاد خدا باشند. یکی از تفسیرهای معروفِ «أیّام مَعْلُومات» که در روایات نیز آمده است، ده روز

اوّل ماه ذی الحجّه است.(7) بنابراین، هم شب های آن عزیز است و هم روزهای آن.

ص: 836

1- [1149]منتهی الآمال، تاریخ زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله، وقایع سال دهم هجری.
2- [1150]مصباح المتهجّد، صفحه 758.
3- [1151]سوره مائده، آیه 55.
4- [1152]مصباح المتهجّد، صفحه 767.
5- [1153]زاد المعاد، صفحه 240.
6- [1154]تفسیر قمی، جلد 2، صفحه 419.
7- [1155]مصباح المتهجّد، صفحه 671.

در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم که عبادت و کار نیک در هیچ ایّامی به اندازه این ایّام (ده روز اوّل ماه ذی الحجّه) فضیلت ندارد.(1)

افزون بر اینها، هم صدا شدن با زوّار خانه خدا در این ماه، و یاد و خاطره مراسم باشکوه حج و معنویّت و برکات آن، حال و هوای دیگری به انسان می دهد؛ مخصوصاً برای کسانی که در سلک زوّار سعادتمند خانه خدا قرار گرفته اند، یا با یاد و خاطره آنها همراهند.

وجود دو «عید» مهمّ اسلامی عید قربان (عید اضحی) و عید غدیر (عید ولایت) و روز «عرفه» و خاطره دعای عجیب و بسیار گرانبهای امام حسین علیه السلام در عرفات، شکوه و عظمت خاصّی به این ماه بخشیده، و سزاوار است همه مؤمنان (مخصوصاً جوانان پاکدل) از فضای آکنده از معنویّت این ماه غافل نشوند و در خودسازی و تهذیب نفس بکوشند که به پیشرفت های مهمّی نائل می شوند.

اعمال ماه ذی الحجّه:

اعمال این ماه بر دو قسم است:

اوّل اعمالی که مشترک است میان دهه اوّل. دوم اعمالی که مختصّ به ایّام خاصّی است.

اعمال مشترک دهه اوّل:

1- امام صادق علیه السلام می فرماید: پدرم حضرت امام باقر علیه السلام به من فرمود: پسرم! در دهه نخست از ماه ذی الحجّه، هر شب میان نماز مغرب و عشا این دو رکعت نماز را ترک مکن:

در هر رکعت سوره حمد و سوره قل هو اللَّه را می خوانی، پس از آن این آیه (آیه 142 سوره اعراف) را می خوانی:

وَ واعَدْنا مُوسی ثَلاثینَ لَیْلَةً، وَ أَتْمَمْناها بَعَشْرٍ، فَتَمَّ میقاتُ رَبِّهِ

و ما با موسی سی شب وعده گذاشتیم سپس آن را با ده شب دیگر تکمیل نمودیم به این ترتیب میعاد پروردگارش (با او)

أرْبَعينَ لَيْلَهً، وَ قالَ مُوسی لِأخیهِ هارُونَ اخْلَفْنی فی قَوْمی وَ أصْلِحْ

چهل شب تمام شد و موسی به برادرش هارون گفت: جانشین من در میان قومم باش و (آنها را) اصلاح کن

وَلا تَتَّبِعْ سَبیلَ الْمُفْسِدینَ.

و از روش مفسدان پیروی منما.

ص: 837

1- [1156]اقبال، صفحه 317.

اگر چنین کنی، در ثواب حاجیان، و اعمال حجّ آنها شریک می شوی.(1) 2- روزه گرفتن در نُه روز اوّل. در روایتی از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده است که هر کس نُه روز اوّل ذی الحجّه را روزه بدارد، خداوند ثواب روزه تمام عمر را برای او می نویسد.(2) 3- ابوحمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت، از روز اوّل تا عصر روز عرفه، پس از نماز صبح و قبل از نماز مغرب این دعا را می خواند:

اللهُمَّ هذِهِ الْأَیَّامُ الَّتی فَضَّلْتَها عَلَی الْأَیَّامِ وَشَرَّفْتَها، وَ قَدْ بَلَّغْتَنیها بِمَنِّکَ

خدایا این روزهایی است که برتری و شرافتش دادی بر سایر روزها و به لطف و

وَرَحْمَتِکَ، فَانْزِلْ عَلَیْنا مِنْ بَرَکاتِکَ، وَاوْسِعْ عَلَیْنا فیها مِنْ نَعْمآئِکَ،

رحمتت مرا بدانها رساندی پس برکات خودت را بر ما فرو بار و از نعمتهای خود در این روزها بر ما وسعت ده

اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَهْدِیَنا فیها

خدایا من از تو خواهم که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و نیز خواهم که ما را دراین روزها به

لِسَبیلِ الْهُدی وَالْعَفافِ وَالْغِنی وَالْعَمَلِ فیها بِما تُحِبُّ وَتَرْضی اللَّهُمَ

راه هدایت و پاکدامنی و بی نیازی راهنمایی فرمایی و موفقمان داری به انجام آنچه دوست داری و موجب خشنودی تواست خدایا

انّی اسْئَلُکَ یا مَوْضِعَ کُلِّ شَکْوی وَیا سامِعَ کُلِّ نَجْوی وَیا شاهِدَ کُلِ

از تو خواهم ای جایگاه هر شکایت و ای شنوای هر سخن سِرّی و راز و ای حاضر در هر

مَلَأٍ، وَیا عالِمَ کُلِّ خَفِیَّهٍ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تَکْشِفَ

جمع و ای دانای هر نهان که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و بگشایی

عَنَّا فیهَا الْبَلاءَ، وَ تَسْتَجیبَ لَنا فیهَا الدُّعآءَ، وَ تُقَوِّیَنا فیها وَ تُعینَنا،

در این روزها از ما بلا و گرفتاری را و مستجاب گردانی در آنها دعای ما را و نیرو دهی به ما در این روزها و کمکمان دهی

وَتُوَفِّقَنا فیها لِما تُحِبُّ رَبَّنا وَتَرْضی وَعَلی مَا افْتَرَضْتَ عَلَیْنا مِنْ

و موفقمان داری پروردگارا بدانچه دوست داری و خشنود گردی و بر آنچه واجب کرده ای بر ما از اطاعت خودت

طاعَتِکَ، وَطاعَهِ رَسُولِکَ وَاهْلِ وِلایَتِکَ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ یا ارْحَمَ

و اطاعت پیامبرت و اهل ولایتت خدایا از تو خواهم ای مهربانترین

ص :838

1- [1157]اقبال، صفحه 317.
2- [1158]زاد المعاد، صفحه 240.

الرَّاحِمينَ، انْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَهَبَ لَنا فيهَا الرِّضا،

مهربانان که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و در این ایام خشنودی خویش را به من ببخش

انَّکَ سَميعُ الدُّعآءِ، وَلا تَحْرِمْنا خَيْرَ ما تُنْزِلُ فيها مِنَ السَّمآءِ، وَطَهِّرْنا

که براستی تو شنوای دعایی و محروم مکن ما را از خیری که در این روزها از آسمان فرو باری و پاکمان کن

مِنَ الذُّنُوبِ يا عَلّامَ الْغُيُوبِ، وَاوْجِبْ لَنا فيها دارَ الْخُلُودِ، اللَّهُمَّ صَلِ

از گناهان ای دانای بر نادیدنیها و واجب گردان در این ایّام برای ما خانه جاویدان را خدایا درود فرست

عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تَتْرُكْ لَنا فيها ذَنْباً الَّا غَفَرْتَهُ، وَلا هَمّاً الَّا

بر محمّد و آل محمّد و هیچ گناهی برای ما باقی مگذار جز آن که بیامرزی و نه اندوهی جز

فَرَّجْتَهُ، وَلا دَيْناً الَّا قَضَيْتَهُ، وَلا غائِباً الَّا ادَّيْتَهُ، وَلا حاجَةً مِنْ حَوائِجِ

آن که بگشایی و نه بِدهی جز آن که بپردازی و نه غایبی جز آن که به ما برسانی و نه حاجتی از حاجات

الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ الَّا سَهَّلْتَها وَيَسَّرْتَها، انَّكَ عَلى كُلِّ شَىْ ءٍ قَديرٌ، اللهُمَّ يا

دنیا و آخرت جز آن که آسان و هموارش گردانی که براستی تو بر هر چیز توانایی خدایا ای

عالِمَ الْخَفِيَّاتِ، يا راحِمَ الْعَبَراتِ، يا مُجيبَ الدَّعَواتِ، يا رَبَّ الْأَرَضينَ

دانای اسرار پنهان ای رحم کننده بر اشک دیدگان ای اجابت کننده دعاها ای پروردگار زمینها

وَالسَّمواتِ، يا مَنْ لا تَتَشابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْواتُ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

و آسمانها ای که صداها (ی بیشمار) بر او اشتباه نشود درود فرست بر محمّد و آل

مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنا فیها مِنْ عُتَقآئِکَ وَطُلَقآئِکَ مِنَ النَّارِ، وَالْفائِزینَ بِجَنَّتِکَ،

محمّد و قرار ده ما را در این روزها ازآزادشدگان و رهایی یافتگان از آتش و نائل شوندگان به بهشتت

وَالنَّاجینَ بِرَحْمَتِکَ، یاارْحَمَ الرَّاحِمینَ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ

و نجات یافتگان بوسیله رحمتت ای مهربانترین مهربانان و درود خدا بر آقای ما محمّد و

وَآلِهِ اجْمَعینَ، وَسَلَّمَ عَلَیْهِمْ تَسْلیماً.(1)

آلش همگی و سلام بر همه آنان باد.

***

4- آن پنج دعایی را بخواند که به فرموده امام باقر علیه السلام خداوند آن را بوسیله جبرئیل برای حضرت عیسی علیه السلام هدیه فرستاد، تا در ایّام این دهه، آنها را بخواند. آن پنج دعا چنین است:

1- [1159]مصباح المتهجّد، صفحه 672 و اقبال، صفحه 322(با اندکی تفاوت).

(1) اشْهَدُ انْ لااله الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِیَدِهِ

(1) گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریک ندارد از آن اوست فرمانروایی و خاص اوست ستایش هر چه خیر است

الْخَیْرُ، وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ. (2) اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا

بدست اوست و او بر هر چیز تواناست (2) گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که

شَریکَ لَهُ، احَداً صَمَداً، لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَهً وَلا وَلَداً. (3) اشْهَدُ انْ لا الهَ

شریک ندارد یگانه بی نیازی که همسر و فرزندی برای خود نگیرد (3) گواهی دهم که معبودی

الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، احَداً صَمَداً، لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ

جز خدای یگانه نیست که شریک ندارد یگانه بی نیازی که نزاید و نه زاییده شده و نیست برایش

کُفُواً احَدٌ. (4) اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ

همتایی هیچ کس (4) گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریکی ندارد از آن اوست فرمانروایی و خاص اوست

الْحَمْدُ، یُحْیی وَیُمیتُ، وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَهُوَ عَلی کُلِ

ستایش زنده کند و بمیراند و اوست زنده ای که نمیرد خیر بدست اوست و او بر هر

شَیْ ءٍ قَدیرٌ. (5) حَسْبِیَ اللَّهُ وَکَفی سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعا، لَیْسَ وَرآءَ اللَّهِ

چیز تواناست (5) بس است مرا خدا و کافی است بشنود خدا صدای هر کس که دعا کند ورای خدا

مُنْتَهی اشْهَدُللَّهِ بِما دَعا، وَانَّهُ بَری ءٌ مِمَّنْ تَبَرَّءَ، وَانَّ لِلَّهِ الْأخِرَهَ وَالْأُولی (1)

انتهایی نیست گواهی دهم برای خدا بدانچه خوانده است و این که بیزار است از هر که از او بیزاری جسته و برای خداست آخرت و دنیا.

سپس حضرت عیسی علیه السلام پاداش فراوانی را برای صد مرتبه خواندنِ این پنج دعا ذکر فرمود.(2) مرحوم «علّامه مجلسی» گفته است: اگر کسی هر روز هر یک از این پنج دعا را ده مرتبه بخواند (که در مدّت ده روز هر کدام را صد مرتبه خوانده است) به روایت عمل کرده است. البتّه اگر هر روز هر دعایی را صد مرتبه بخواند بهتر است.(3)

***

5- در هر روز از این دهه، این تهلیلات [

لا اله إلّااللّه

ها] را که از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده است بخواند و اگر روزی ده مرتبه بخواند بهتر است:

ص: 840

1- [1160]ممکن است این دعا به زبان عربی بر حضرت مسیح علیه السلام نازل شده باشد و نیز ممکن است حضرت امام باقر علیه السلام آن را به عربی تبدیل کرده باشد.
2- [1161]اقبال، صفحه 323.
3- [1162]زادالمعاد، صفحه 245.

لا الهَ الَّا اللَّهُ عَدَدَ اللّيَالى وَالدُّهُورِ، لا الهَ الَّا اللَّهُ عَدَدَ امْواجِ الْبُحُورِ، لا

معبودى جز خدا نيست به شماره شبها و روزگاران معبودى جز خدا نيست به شماره موجهاى درياها

الهَ الَّا اللَّهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ، لا الهَ الَّا اللَّهُ عَدَدَ الشَّوْكِ

معبودى جز خدا نيست و رحمت او بهتر است از آنچه مردم جمع كنند معبودى جز خدا نيست به شماره هر خار و

وَالشَّجَرِ، لا الهَ الَّا اللَّهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ، لا الهَ الَّا اللَّهُ عَدَدَ الْحَجَرِ

هر درخت معبودى جز خدا نيست به شماره هر مُو و كُرک معبودى جز خدا نيست به شماره هر سنگ

وَالْمَدَرِ، لا الهَ الَّا اللَّهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُيُونِ، لا الهَ الَّا اللَّهُ فِى اللَّيْلِ اذا

و كلوخ معبودى جز خدا نيست به شماره بهم خوردن چشمها معبودى جز خدا نيست در شب چون

عَسْعَسَ، وَالصُّبْحِ اذا تَنَفَّسَ، لا الهَ الَّا اللَّهُ عَدَدَ الرِّياحِ فِى الْبَرارى

تاريک شود و در صبح چون بدمد معبودى نيست جز خدا به شماره بادها در صحراها

وَالصُّخُورِ، لا الهَ الَّا اللَّهُ مِنَ الْيَوْمِ الى يَوْمِ يُنْفَخُ فِى الصُّورِ.(1)

و كوهها معبودى جز خدا نيست از امروز تا روز نفخ صور.

اعمال مختصّ روزها و شب هاى اين ماه:

روز اوّل ماه: روز اوّل ماه ذى الحجّه روز مباركى است و براى آن اعمالى چند نقل شده است:

1- روزه گرفتن. در روايتى از امام موسى بن جعفر عليهما السلام نقل شده است كه هر كس روز اوّل ماه ذى الحجّه را روزه بگيرد، خداوند براى وى پاداش عظيمى را مى نويسد.(2) 2- خواندن نماز حضرت فاطمه عليها

السلام. مرحوم «شیخ طوسی» فرموده است: مستحب است در این روز، نماز حضرت فاطمه علیها السلام را بخواند و این نماز چهار رکعت است (هر دو رکعت به یک سلام) و همانند نماز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ در هر رکعت، یک مرتبه سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره قل هو اللّه را بخواند و بعد از سلام تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بگوید، آنگاه بخواند:

سُبْحانَ ذِی الْعِزِّ الشّامِخِ الْمُنیفِ، سُبْحانَ ذِی الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظیمِ،

منزّه است خدای صاحب عزت بلند و والا منزّه است صاحب شوکت مرتفع و بزرگ

سُبْحانَ ذِی الْمُلْکِ الْفاخِرِ الْقَدیمِ، سُبْحانَ مَنْ یَری ا ثَرَ النَّمْلَهِ فِی

منزّه است صاحب فرمانروایی گرانمایه و دیرینه منزّه است آن کس که بیند جای پای مور را بر

ص: 841

1- [1163]اقبال، صفحه 324.
2- [1164]مصباح المتهجّد، صفحه 671.

الصَّفا، سُبْحانَ مَنْ يَرى وَقْعَ الطَّيْرِ فِى الْهَوآءِ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هكَذا وَلا

روى سنگ خارا منزّه است آن کس که بیند ردّ عبور پرنده را در هوا منزّه است آن کس که فقط او چنین است

هَكَذا غَيْرُهُ.(1)

و جز او چنین نیست.

3- نیم ساعت قبل از ظهر، دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت، یک مرتبه سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو اللّه و ده مرتبه آیهالکرسی و ده مرتبه سوره إنّا أنزلناه را بخواند.(2) 4- هر کس از ظالمی خوف داشته باشد در این روز بگوید:

«حَسْبى حَسْبى مِنْ سُؤالى عِلْمُکَ بِحالى

»، تا خداوند او را از شرّ آن ظالم حفظ کند.(3) روز هشتم ماه: روز هشتم ذی الحجّه را روز «ترویه» می نامند و به روایت امام صادق علیه السلام روزه در آن، کفّاره گناهان زیادی است.(4) شب نهم (شب عرفه): شب عرفه از شب های مبارک و بافضیلت است که عبادت و توبه و راز و نیاز با حضرت حقّ در آن بسیار پرارزش است.

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: شب عرفه شبی است که دعاها در آن مستجاب است، و کسی که آن شب را به عبادت بپردازد، پاداش سالها عبادت را دارد و این شب، شبِ مناجات و توبه است.(5) برای این شب، اعمالی نقل شده است:

1- این دعا را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است بخواند، و در پاداش آن فرموده هر کس آن را در شب عرفه یا شب های جمعه بخواند، خداوند او را بیامرزد:

اللَّهُمَّ یا شاهِدَ کُلِّ نَجْوى وَمَوْضِعَ کُلِّ شَکْوى وَعالِمَ کُلِّ خَفِیَّهٍ،

خدایا ای آگاه هر رازو مرجع هر شکایت و دانای هر پنهان

وَمُنْتَهى کُلِّ حاجَهٍ، یا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ عَلَى الْعِبادِ، یا کَریمَ الْعَفْوِ، یا حَسَنَ

و منتهای هر حاجت ای آغازنده نعمت ها بر بندگان ای بزرگوار گذشت ای نیکو

التَّجاوُزِ، یا جَوادُ، یا مَنْ لا یُواری مِنْهُ لَیْلٌ داجٍ، وَلا بَحْرٌ عَجَّاجٌ، وَلا

درگذر ای بخشنده ای که نه شب تار چیزی را از تو پنهان کند و نه دریای مواج و نه

1- [1165]مصباح المتهجّد، صفحه 671.
2- [1166]اقبال، صفحه 325.
3- [1167]همان مدرک.
4- [1168]همان مدرک.
5- [1169]همان مدرک.

سَماۤءٌ ذاتُ ابْراجٍ، وَلا ظُلَمٌ ذاتُ ارْتِياجٍ، يا مَنِ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِياۤءٌ،

آسمان برج دار و نه تاريكيهاى پيچيده درهم اى كسى كه تاريكى در پيش او روشن است

اسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَريمِ، الَّذى تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكّاً، وَخَرَّ

از تو خواهم به حق نور ذات بزرگوارت همان كه بدان وسيله بر كوه تجلى فرمودى و آن را متلاشى كردى

مُوسى صَعِقاً، وَبِاسْمِكَ الَّذى رَفَعْتَ بِهِ السَّمواتِ بِلا عَمَدٍ، وَسَطَحْتَ بِهِ

و موسى مدهوش بر زمين افتاد و به همان نامت كه آسمانها را بدون ستون برافراشتى و

الْأَرْضَ عَلى وَجْهِ ماءٍ جَمَدٍ، وَبِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْمَكْتُوبِ

زمين را بر روى آبى منجمد شده پهن كردى و بدان نامت كه پيش تو در گنجينه و در پرده و نوشته

الطَّاهِرِ، الَّذى اذا دُعيتَ بِهِ اجَبْتَ، وَاذا سُئِلْتَ بِهِ اعْطَيْتَ، وَبِاسْمِكَ

و پاكيزه است همانكه هرگاه بدان نام بخوانندت اجابت كنى و هرگاه بدان از تو خواهند عطافرمايى

السُّبُوحِ الْقُدُّوسِ الْبُرْهانِ، الَّذى هُوَ نُورٌ عَلى كُلِّ نُورٍ، وَنُورٌ مِنْ نُورٍ،

و به حق نام منزّه و مقدس و برهان تو كه آن نور است بر هر نورى و نور است از نورى

يُضيئُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ، اذا بَلَغَ الْأَرْضَ انْشَقَّتْ، وَاذا بَلَغَ السَّمواتِ فُتِحَتْ،

كه روشنى گيرد از آن هر نور چون به زمين رسد شكافته شود و چون به آسمانها رسد گشوده شوند

وَاذا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَزَّ، وَبِاسْمِكَ الَّذى تَرْتَعِدُ مِنْهُ فَراۤئِصُ مَلائِكَتِكَ،

و چون به عرش رسد بلرزد و به حق آن نامت كه بلرزد از آن اندام فرشتگانت

وَاسْئَلُكَ بِحَقِّ جَبْرَئيلَ وَميكائيلَ وَاسْرافيلَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفى

و از تو خواهم به حق جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و به حق محمّد مصطفى

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَعَلى جَميعِ الْأَنْبِياءِ وَجَميعِ الْمَلائِكَهِ، وَبِالْاسْمِ

كه درود خدا بر او و آلش و بر جميع پيمبران و همه فرشتگان و به حق آن نامى

الَّذى مَشى بِهِ الْخِضْرُ عَلى قُلَلِ الْماءِ، كَما مَشى بِهِ عَلى جَدَدِ الْأَرْضِ،

كه حضرت خضر بوسيله آن بر روى امواج آب دريا راه مى رفت چنانچه بر روى زمين هموار راه مى رفت

وَبِاسْمِكَ الَّذى فَلَقْتَ بِهِ الْبَحْرَ لِمُوسى وَاغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ،

و به حق آن نامت كه شكافتى بدان دريا را براى موسى و غرق كردى فرعون و قوم او را

وَانْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرانَ وَمَنْ مَعَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ مُوسَى

و نجات دادى بدان موسى بن عمران و همراهانش را و به حق آن نامت كه موسى

ص :843

بْنُ عِمْرانَ مِنْ جانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً

بن عمران بوسیله آن تو را خواند از جانب راست کوه طور و اجابتش کردی و محبّت خود را بر دلش انداختی

مِنْکَ، وَبِاسْمِکَ الَّذی بِهِ احْیی عیسَی بْنُ مَرْیَمَ الْمَوْتی وَتَکَلَّمَ فِی الْمَهْدِ

و به حق آن نامت که عیسی بن مریم بوسیله اش مردگان را زنده کرد و در گهواره در زمان کودکی سخن گفت

صَبِیّاً، وَابْرَءَ الْأَکْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِاذْنِکَ، وَبِاسْمِکَ الَّذی دَعاکَ بِهِ حَمَلَةُ

و کور مادرزاد و مبتلای به مرض برص را به اذن تو شفا دادو بدان نامت که خواند بوسیله آن تو را حاملین

عَرْشِکَ، وَجَبْرَئیلُ وَمیکآئیلُ وَاسْرافیلُ، وَحَبیبُکَ مُحَمَّدٌ صَلَّی اللَّهُ

عرشت و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حبیبت محمّد صلی اللّه

عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَمَلآئِکَتُکَ الْمُقَرَّبُونَ، وَانْبِیآؤُکَ الْمُرْسَلُونَ، وَعِبادُکَ

علیه و آله و فرشتگان مقرّب و پیمبران مرسلت و بندگان

الصَّالِحُونَ مِنْ اهْلِ السَّمواتِ وَالْأَرَضینَ، وَبِاسْمِکَ الَّذی دَعاکَ بِهِ

شایسته ات از اهل آسمانها و زمینها و بدان نامت که یونس تو را بدان نام خواند

ذُوالنُّونِ، اذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ انْ لَنْ تَقْدِرَ عَلَیْهِ، فَنادی فِی الظُّلُماتِ، انْ

در آن هنگام که خشمناک برفت و گمان داشت که بر او سخت نگیری پس ندا کرد در میان تاریکیها که

لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَک انّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمینَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّیْتَهُ

معبودی جز تو نیست منزهی تو و براستی من از ستمکاران هستم پس تو اجابتش کردی و از اندوه نجاتش دادی

مِنَ الْغَمِّ، وَكَذلِکَ تُنْجِی الْمُؤْمِنینَ، وَبِاسْمِکَ الْعَظیمِ الّذی دَعاکَ بِهِ داوُدُ،

و این چنین نجات دهی مؤمنان را و بدان نام عظیمت که داود

وَخَرَّ لَکَ ساجِداً، فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ، وَبِاسْمِکَ الَّذی دَعَتْکَ بِهِ اسِیَهُ امْرَأَهُ

بدان نام تو را خواند و برایت به سجده افتاد پس گناهش آمرزیدی و بدان نامت که آسیه همسر

فِرْعَوْنَ، اذْ قالَتْ رَبِّ ابْنِ لی عِنْدَکَ بَیْتاً فِی الْجَنَّهِ، وَ نَجِّنی مِنْ فِرعَوْنَ

فرعون بدان نام تو را خواند و گفت: پروردگارا برای من نزد خود در بهشت خانه ای بنا کن و نجاتم ده از فرعون و

وَعَمَلِهِ، وَ نَجِّنی مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمینَ، فَاسْتَجَبْتَ لَها دُعائَها، وَ بِاسْمِکَ

کردارش و نجاتم ده از دست مردم ستمکار پس دعایش را اجابت کردی و بدان نامت

الَّذی دَعاکَ بِهِ ایُّوبُ، اذْ حَلَّ بِهِ الْبَلآءُ، فَعافَیْتَهُ وَ اتَیْتَهُ اهْلَهُ، وَمِثْلَهُمْ

که ایوب تو را بدان خواند در آن هنگام که بلا بر او نازل شد پس او را تندرست کرده و کسانش را به او دادی و نظایرشان را

مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِکَ وَذِکْری لِلْعابِدینَ، وَبِاسْمِکَ الَّذی دَعاکَ بِهِ

نیز از رحمت خویش و پندی برای پرستش کنندگان و بدان نامت که

یَعْقُوبُ، فَرَدَدْتَ عَلَیْهِ بَصَرَهُ، وَقُرَّهَ عَیْنِهِ یُوسُفَ، وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ،

یعقوب تو را بدان نام خواند پس بیناییش را و نور دیده اش یوسف را به او بازگرداندی و پریشانیش را برطرف کردی

وَبِاسْمِکَ الَّذی دَعاکَ بِهِ سُلَیْمانُ، فَوَهَبْتَ لَهُ مُلْکاً لا یَنْبَغی لِاحَدٍ مِنْ

و بدان نامت که سلیمان بدان تو را خواند پس بدو سلطنتی دادی که شایسته نبود برای هیچ کس

بَعْدِهِ، انَّکَ انْتَ الْوَهَّابُ، وَبِاسْمِکَ الَّذی سَخَّرْتَ بِهِ الْبُراقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّی

پس از او و براستی تو پربخششی و بدان نامت که براق را برای محمّد صلی

اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ، اذْ قالَ تَعالی سُبْحانَ الَّذی اسْری بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ

اللَّه علیه و آله مسخر کردی آن جا که فرمودی: «منزّه است خدایی که راه برد بنده اش را شبانه از

الْمَسْجِدِ الْحَرامِ الَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصی وَقَوْلُهُ: سُبْحانَ الَّذی سَخَّرَ لَنا

مسجدالحرام تا مسجد اقصی» و گفتار دیگرت: «منزّه است خدایی که مسخر کرد برای ما

هذا وَما کُنَّا لَهُ مُقْرِنینَ، وَانَّا الی رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ. وَبِاسْمِکَ الَّذی تَنَزَّلَ بِهِ

این را وگرنه ما نیروی تسخیرش را نداشتیم و ما بسوی پروردگارمان باز می گردیم» و بدان نامت که نازل می شد بوسیله آن

جَبْرَئیلُ عَلی مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَبِاسْمِکَ الَّذی دَعاکَ بِهِ آدَمُ،

جبرئیل بر محمّد صلی اللّه علیه و آله و بدان نامت که خواند بدان نام تو را آدم

فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ، وَاسْکَنْتَهُ جَنَّتَکَ، وَاسْئَلُکَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظیمِ، وَبِحَقِ

پس گناهش آمرزیدی و در بهشتت جایش دادی و از تو خواهم به حق قرآن عظیم و به حق

مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ، وَبِحَقِّ ابْراهیمَ، وَبِحَقِّ فَصْلِکَ یَوْمَ الْقَضآءِ، وَبِحَقِ

محمّد خاتم پیمبران و به حق ابراهیم و به حق جدا کردنت حق و باطل را در روز داوری و به حق

الْمَوازینِ اذا نُصِبَتْ، وَالصُّحُفِ اذا نُشِرَتْ، وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَما جَری

میزانها هنگامی که نصب گردد و نامه ها آنگاه که گشوده شود و به حق قلم و آنچه بنویسد

وَاللَّوْحِ وَما احْصی وَبِحَقِّ الْاسْمِ الَّذی کَتَبْتَهُ عَلی سُرادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ

و لوح و آنچه بشمارد و به حق آن نامت که نوشتی آن را بر سراپرده های عرش پیش از آن که

خَلْقِکَ الْخَلْقَ وَالدُّنْیا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ بِالْفَیْ عامٍ، وَاشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا

خلق را بیافرینی و دنیا و خورشید و ماه را خلق فرمایی و گواهی دهم که معبودی جز

اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريکَ لَهُ، وَانَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَاسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

خدای یگانه نیست که شریکی ندارد و این که محمّد بنده و رسول او است و از تو خواهم بدان نام

الْمَخْزُونِ فی خَزآئِنِکَ، الَّذِی اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ، لَمْ

محفوظ در خزینه هایت که مخصوص خود ساختی آن را در علم غیب در نزد خویشتن و

یَظْهَرْ عَلَیْهِ احَدٌ مِنْ خَلْقِکَ، لا مَلَکٌ مُقَرَّبٌ، وَلا نَبِیٌّ مُرْسَلٌ، وَلا عَبْدٌ

آگاه نشد بر آن هیچ کس از خلق تو نه فرشته مقربی و نه پیامبر مرسلی و نه بنده

مُصْطَفیً، وَاسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی شَقَقْتَ بِهِ الْبِحارَ، وَقامَتْ بِهِ الْجِبالُ،

برگزیده ای و از تو خواهم بدان نامت که شکافتی بدان دریاها را و برپا شد بدان کوهها

وَاخْتَلَفَ بِهِ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ، وَبِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثانی وَ الْقُرْآنِ الْعَظیمِ،

و در رفت و آمد شد بدان شب و روز و به حق سوره مبارکه حمد و قرآن عظیم و

وَبِحَقِّ الْکِرامِ الْکاتِبینَ، وَبِحَقِّ طه وَ یس، وَکهیعص، وَحمعسق، وَبِحَقِ

به حق نویسندگان ارجمندت و به حق طه و یس و کهیعص و حمعسق و به حق

تَوْراهِ مُوسی وَانْجیلِ عیسی وَزَبُورِ داوُدَ، وَفُرْقانِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ

تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود و قرآن محمّد که درود تو

عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَعَلی جَمیعِ الرُّسُلِ، وَباهِیّاً شَراهِیّاً، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِحَقِ

بر او و آلش و بر جمیع رسولان باد و به حق آهی و شراهی (که دو نام اعظم یا نام دو تن از بزرگان دین است) خدایا از تو خواهم به حق

تِلْکَ الْمُناجاتِ، الَّتی بَیْنَکَ وَبَیْنَ مُوسَی بْنِ عِمْرانَ فَوْقَ جَبَلِ طُورِ

آن مناجاتی که میان تو و موسی بن عمران در بالای کوه طور

سَیْناآءَ، وَاسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی عَلَّمْتَهُ مَلَکَ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْأَرْواحِ،

سینا گذشت و از تو خواهم به آن نامت که آن را برای گرفتن جانها به ملک الموت یاد دادی

وَاسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی کُتِبَ عَلی وَرَقِ الزَّیْتُونِ، فَخَضَعَتِ النّیرانُ لِتِلْکَ

و از تو خواهم بدان نامت که نوشته شد به برگ زیتون و آتشها در مقابل آن نام فروتن گشت

الْوَرَقَهِ، فَقُلْتَ: یا نارُ کُونی بَرْداً وَسَلاماً. وَاسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی کَتَبْتَهُ

و فرمودی «ای آتش سرد و سلامت باش» و از تو خواهم بدان نامت که نوشتی آن را بر

عَلی سُرادِقِ الْمَجْدِ وَالْکَرامَهِ، یا مَنْ لا یُحْفیهِ سآئِلٌ، وَلا یَنْقُصُهُ نآئِلٌ،

سراپرده های مجد و کرامت ای که درمانده اش نکند سائلی و نکاهدش دادن جایزه ای،

يا مَنْ بِهِ يُسْتَغاثُ وَالَيْهِ يُلْجَأُ، اسْئَلُکَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِکَ، وَمُنْتَهَی

ای که به او استغاثه شود و به او پناه برند از تو خواهم به حق آنچه موجب عزت عرشت گشته

الرَّحْمَهِ مِنْ کِتابِکَ، وَبِاسْمِکَ الْأَعْظَمِ، وَجَدِّکَ الْأَعْلی وَکَلِماتِکَ

و به آخرین حد نهایی رحمت از کتاب تو و به اسم اعظمت و مقام والاترت و کلمات

التَّآمَّاتِ الْعُلی اللهُمَّ رَبَّ الرِّیاحِ وَما ذَرَتْ، وَالسَّمآءِ وَما اظَلَّتْ،

کامله و والایت خدایاای پروردگار بادها و آنچه پراکنده کنند و پروردگار آسمان و آنچه را سایه کنند

وَالْأَرْضِ وَما اقَلَّتْ، وَالشَّیاطینِ وَما اضَلَّتْ، وَالْبِحارِ وَما جَرَتْ،

و پروردگار زمین و آنچه برخود دارد و پروردگار شیاطین و آنچه را گمراه کنند و دریاها و آنچه را همراه برند

وَبِحَقِّ کُلِّ حَقٍّ هُوَ عَلَیْکَ حَقٌّ، وَبِحَقِّ الْمَلآئِکَهِ الْمُقَرَّبینَ،

و به حق هر حقی که بر توست و به حق فرشتگان مقربت

وَالرَّوْحانِیّینَ وَالْکَرُوبِیّینَ، وَالْمُسَبِّحینَ لَکَ بِاللَّیْلِ وَالنَّهارِ لا یَفْتُرُونَ،

و روحانیان و کروبیان و آنان که تسبیحت کنند به شب و روز بی آن که سستی کنند

وَبِحَقِّ ابْراهیمَ خَلیلِکَ، وَبِحَقِّ کُلِّ وَلِیٍّ یُنادیکَ بَیْنَ الصَّفا وَالْمَرْوَهِ،

و به حق ابراهیم خلیل توو به حق هر ولی و دوستی که تو را در میان صفا و مروه صدا زند

وَتَسْتَجیبُ لَهُ دُعآئَهُ، یا مُجیبُ اسْئَلُکَ بِحَقِّ هذِهِ الْأَسْماءِ، وَبِهذِهِ

و دعایش را به اجابت رسانی ای اجابت کننده از تو خواهم به حق این نامها و به این

الدَّعَواتِ، انْ تَغْفِرَ لَنا ما قَدَّمْنا وَما اخَّرْنا، وَما اسْرَرْنا وَما اعْلَنَّا، وَما

دعاها که بیامرزی آنچه ازگناهان که از پیش داشته و از این پس داریم و آنچه پنهان کرده و آنچه را آشکار کردیم و آنچه را

ابْدَیْنا وَما اخْفَیْنا، وَما انْتَ اعْلَمُ بِهِ مِنَّا، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ،

ظاهر کرده و آنچه را مخفی کردیم و آنچه را تو بدان آگاهتری از ما که براستی تو بر هر چیز توانایی

بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، یا حافِظَ کُلِّ غَریبٍ، یا مُونِسَ کُلِّ وَحیدٍ،

به رحمتت ای مهربانترین مهربانان ای نگهدار هر غریب ای همدم هر تنها

یا قُوَّةَ کُلِّ ضَعیفٍ، یا ناصِرَ کُلِّ مَظْلُومٍ، یا رازِقَ کُلِّ مَحْرُومٍ، یا مُونِسَ

ای نیروی هر ناتوان ای یاور هر ستمدیده ای روزی ده هر محروم ای مونس

کُلِّ مُسْتَوْحِشٍ، یا صاحِبَ کُلِّ مُسافِرٍ، یا عِمادَ کُلِّ حاضِرٍ، یا غافِرَ کُلِ

هر وحشت زده ای همراه هر مسافر ای تکیه گاه هر حاضر در وطن ای آمرزنده هر

ص :847

ذَنْبٍ وَخَطيئَهٍ، یا غِیاثَ الْمُسْتَغیثینَ، یا صَریخَ الْمُسْتَصْرِخینَ، یا

گناه و خطا ای فریادرس فریادخواهان ای دادرس دادخواهان ای

کاشِفَ کَرْبِ الْمَکْرُوبینَ، یا فارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومینَ، یا بَدیعَ

برطرف کننده محنت محنت زدگان ای غمزدای غمزدگان ای پدید آرنده

السَّمواتِ وَالْأَرَضینَ، یا مُنْتَهی غایَهِ الطَّالِبینَ، یا مُجیبَ دَعْوَهِ

آسمانها و زمینها ای منتهای مقصود جویندگان ای اجابت کننده دعای

الْمُضْطَرّینَ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، یا رَبَّ الْعالَمینَ، یا دَیَّانَ یَوْمِ الدّینِ، یا

درماندگان ای مهربانترین مهربانان ای پروردگار جهانیان ای جزا دهنده روز جزا ای

اجْوَدَ الْأَجْوَدینَ، یا اکْرَمَ الْأَکْرَمینَ، یا اسْمَعَ السَّامِعینَ، یا ابْصَرَ

بخشنده ترین بخشندگان ای با کرمترین کریمان ای شنواترین شنوایان ای بیناترین

النَّاظِرینَ، یا اقْدَرَ الْقادِرینَ، اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُغَیِّرُ النِّعَمَ، وَاغْفِرْ لِیَ

بینایان ای قادرترین قدرتمندان بیامرز از من آن گناهانی را که نعمتها را تغییر دهد و بیامرز از من

الذُّنُوبَ الَّتی تُورِثُ النَّدَمَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُورِثُ السَّقَمَ، وَاغْفِرْ

گناهانی را که پشیمانی به بار آورد و بیامرز از من گناهانی را که موجب بیماریها گردد و بیامرز

لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَهْتِکُ الْعِصَمَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَرُدُّ الدُّعآءَ،

از من گناهانی را که پرده ها بدرد و بیامرز از من گناهانی را که دعا را باز گرداند

وَاغْفِرْ لِیَ الذّنُوبَ الّتی تَحْبِسُ قَطْرَ السَّماۤءِ، وَاغْفِرْ لِیَ الذّنُوبَ الّتی

و بیامرز از من گناهانی را که باران را از آسمان جلوگیری کند و بیامرز از من گناهانی را که

تُعَجِّلُ الْفَناۤءَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَجْلِبُ الشَّقاۤءَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ

شتاب در نابودی کند و بیامرز از من گناهانی راکه بدبختی آرد و بیامرز از من گناهانی

الَّتی تُظْلِمُ الْهَواۤءَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَکْشِفُ الْغِطاۤءَ، وَاغْفِرْ لِیَ

که هوا را تاریک کند و بیامرز از من گناهانی را که پرده را بالا زند و بیامرز از من

الذُّنُوبَ الَّتی لا یَغْفِرُها غَیْرُکَ یا اللَّهُ، وَاحْمِلْ عَنّی کُلَّ تَبِعَهٍ لِأَحَدٍ مِنْ

گناهانی را که جز تو کسی آنها را نیامرزد ای خدا و بردار از دوش من هر حقی که از یکی از

خَلْقِکَ، وَاجْعَلْ لی مِنْ امْری فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَیُسْراً، وَانْزِلْ یَقینَکَ فی

خلق تو بر گردن من است و قرار ده برای من در کارم گشایش و آسانی و وسیله بیرون آمدنی و فرود آر یقینت را در

ص: 848

صَدْری وَرَجآءَکَ فی قَلْبی حَتّی لا ارْجُوَ غَیْرَکَ، اللهُمَّ احْفَظْنی

سینه ام و امیدت رادر دلم تا امیدی به کسی جز تو نداشته باشم خدایا مرا حفظ کن

وَعافِنی فی مَقامی وَاصْحَبْنی فی لَیْلی وَنَهاری وَمِنْ بَیْنِ یَدَیَ

و عافیتم ده در جایگاهم و همراه من باش در شب و روزم و از پیش رو

وَخَلْفی وَعَنْ یَمینی وَعَنْ شِمالی وَمِنْ فَوْقی وَمِنْ تَحْتی وَیَسِّرْ لِیَ

و پشت سرم و از راست و چپم و از بالای سر و زیر پایم و راه را بر من هموار کن

السَّبیلَ، وَاحْسِنْ لِیَ التَّیْسیرَ، وَلا تَخْذُلْنی فِی الْعَسیرِ، وَاهْدِنی یا خَیْرَ

و آسانی خوشی برایم پیش آور و در دشواریها خوارم مکن و راهنماییم کن ای بهترین

دَلیلٍ، وَلا تَکِلْنی الی نَفْسی فِی الْامُورِ، وَلَقِّنی کُلَّ سُرُورٍ، وَاقْلِبْنی الی

راهنما و در کارها مرا به خودم وامگذار و هر سرور و خوشحالی را به دلم انداز و بازگردان مرا بسوی

اهْلی بِالْفَلاحِ وَالنَّجاحِ، مَحْبُوراً فِی الْعاجِلِ وَالْأجِلِ، انَّکَ عَلی کُلِ

خانواده ام به رستگاری و کامیابی و آراسته به شادکامی در دنیا و آخرت که براستی توبر هر چیز

شَیْ ءٍ قَدیرٌ، وَارْزُقْنی مِنْ فَضْلِکَ، وَاوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ طَیِّباتِ رِزْقِکَ،

توانایی و از فضل خویش روزیم کن و فراخ گردان بر من از روزیهای پاکیزه ات

وَاسْتَعْمِلْنی فی طاعَتِکَ، وَاجِرْنی مِنْ عَذابِکَ وَنارِکَ، وَاقْلِبْنی اذا

و وادارم کن به انجام طاعتت و پناهم ده از عذاب و آتش دوزخت و بگردانم به رحمت خود هنگامی

تَوَفَّیْتَنی الی جَنَّتِکَ بِرَحْمَتِکَ، اللهُمَّ انّی اعُوذُ بِکَ مِنْ زَوالِ نِعْمَتِکَ،

که مرا از این جهان بیرون بری بسوی بهشتت خدایا به تو پناه برم از زوال نعمتت

وَمِنْ تَحْویلِ عافِیَتِکَ، وَمِنْ حُلُولِ نَقِمَتِکَ، وَمِنْ نُزُولِ عَذابِکَ، وَاعُوذُ

و از تغییر یافتن عافیتت و از آمدن عقوبتت و از نازل شدن عذابت و به تو پناه برم

بِکَ مِنْ جَهْدِ الْبَلاءِ، وَدَرَکِ الشَّقآءِ، وَمِنْ سُوءِ الْقَضآءِ، وَشَماتَهِ الْأَعْدآءِ،

از سختی بلا و گرفتاری و رسیدن بدبختی و از تقدیر بدو شماتت دشمنان

وَمِنْ شَرِّ ما یَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ، وَمِنْ شَرِّ ما فِی الْکِتابِ الْمُنْزَلِ، اللهُمَّ لا

و از شرّ آنچه از آسمان فرود آید و از شرّ آنچه درکتاب منزل خود (قرآن) بیان فرموده ای خدایا

تَجْعَلْنی مِنَ الْأَشْرارِ، وَلا مِنْ اصْحابِ النَّارِ، وَلا تَحْرِمْنی صُحْبَهَ

مرا از اشرار و از اهل دوزخ قرارم مده و از مصاحبت نیکان محرومم مفرما

الْأَخْيارِ، وَاحْيِنى حَياةً طَيِّبَةً، وَتَوَفَّنى وَفاةً طَيِّبَةً تُلْحِقُنى بِالْأَبْرارِ،

و به زندگى پاكيزه زنده ام بدار و به مرگ پاكيزه اى بميرانم كه به نيكان ملحقم دارى

وَارْزُقْنى مُرافَقَهَ الْأَنْبِياآءِ فى مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَليكٍ مُقْتَدِرٍ، اللهُمَّ لَكَ

و رفاقت پيمبران را روزيم گردانى در جايگاه پسنديده نزد پادشاهى نيرومند خدايا از آن

الْحَمْدُ عَلى حُسْنِ بَلائِكَ وَصُنْعِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْاسْلامِ، وَ [اتِّباعِ توست ستايش بر خوش آزمايشى و خوش رفتاريت و تو راست ستايش بر نعمت دين اسلام و پيروى

السُّنَهِ، يا رَبِّ كَما هَدَيْتَهُمْ لِدينِكَ، وَعَلَّمْتَهُمْ كِتابَكَ، فَاهْدِنا وَعَلِّمْنا،

طريقه (پيمبران) پروردگارا چنانچه آن پيمبران را به دين خود راهنمايى كردى و كتاب خود را به آنان ياد دادى ما را نيز هدايت كرده و يادمان ده

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلى حُسْنِ بَلآئِكَ وَصُنْعِكَ عِنْدى خآصَّةً، كَما خَلَقْتَنى

و تو راست ستايش بر خصوص آزمايش و رفتار نيكت درباره شخص من كه مرا آفريدى

فَاحْسَنْتَ خَلْقى وَعَلَّمْتَنى فَاحْسَنْتَ تَعْليمى وَهَدَيْتَنى فَاحْسَنْتَ

و خلقتم را نيكو كردى و يادم دادى و نيكو ياد دادى و هدايتم كردى و نيكو

هِدايَتى فَلَكَ الْحَمْدُ عَلى انْعامِكَ عَلَىَّ قَديماً وَحَديثاً، فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يا

هدايت كردى پس تو راست ستايش بر نعمت بخشيت نسبت به من از زمان قديم و جديد پس چه بسيار محنتى كه اى

سَيِّدى قَدْ فَرَّجْتَهُ، وَكَمْ مِنْ غَمٍّ يا سَيِّدى قَدْ نَفَّسْتَهُ، وَكَمْ مِنْ هَمٍّ يا

آقاى من تو آن را گشودى و چه بسيار اندوهى كه اى

سَیِّدی قَدْ کَشَفْتَهُ، وَکَمْ مِنْ بَلاءٍ یا سَیِّدی قَدْ صَرَفْتَهُ، وَکَمْ مِنْ عَیْبٍ یا

آقای من تو آن را زدودی و چه بسیار غم و غصه ای که ای آقای من تو آن را برطرف کردی و چه بسیار بلا و گرفتاری ای آقای من که تو آن را باز گرداندی و چه بسیار عیبی ای

سَیِّدی قَدْ سَتَرْتَهُ، فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی کُلِّ حالٍ فی کُلِّ مَثْویً وَزَمانٍ،

آقای من که تو آن را پوشاندی پس تو راست ستایش بر هر حال و در هر جا و هر زمان

وَمُنْقَلَبٍ وَمُقامٍ، وَعَلی هذِهِ الْحالِ وَکُلِّ حالٍ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنی مِنْ افْضَلِ

و هر منزل و هر مقام و بر این حال و هر حال خدایا قرار ده مرا از بهترین

عِبادِکَ نَصیباً فی هذَا الْیَوْمِ [فِی هذِهِ اللَّیْلَهِ] مِنْ خَیْرٍ تَقْسِمُهُ، اوْ ضُرٍّ

بندگانت در بهره مندی این روز از هر خیری که قسمت کنی یا گرفتاری

تَکْشِفُهُ، اوْ سُوءٍ تَصْرِفُهُ، اوْ بَلآءٍ تَدْفَعُهُ، اوْ خَیْرٍ تَسُوقُهُ، اوْ رَحْمَهٍ

که برطرف کنی یا بدی که بازش گردانی یا بلایی که دفعش کنی یا خیری که بفرستی یا رحمتی

ص: 850

تَنْشُرُها، اوْ عافِيَهٍ تُلْبِسُها، فَانَّکَ عَلى کُلِّ شَیْ ءٍ قَديرٌ، وَبِيَدِکَ خَزآئِنُ

که بگسترانی یا جامه تندرستی که بپوشانی که براستی تو بر هر چیز توانایی و خزینه های آسمانها

السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، وَانْتَ الْواحِدُ الْکَريمُ الْمُعْطِى الَّذى لا يُرَدُّ سآئِلُهُ،

و زمین بدست توست و تویی خدای یگانه بزرگوار عطابخشی که خواهنده اش دست خالی بازنگردد

وَلا يُخَيَّبُ آمِلُهُ، وَلا يَنْقُصُ نآئِلُهُ، وَلا يَنْفَدُ ما عِنْدَهُ، بَلْ يَزْدادُ کَثْرَهً

و آرزومندش ناامید نشود و عطاهایش نقصان نپذیرد و خزینه اش پایان ندارد بلکه همواره به زیادی

وَطيباً، وَعَطآءً وَجُوداً، وَارْزُقْنى مِنْ خَزآئِنِکَ الَّتى لا تَفْنى وَمِنْ

و پاکیزگی و عطا و جودش بیفزاید و روزیم کن از خزینه هایت که فنا نپذیرد و از رحمت

رَحْمَتِکَ الْواسِعَهِ، انَّ عَطآئَکَ لَمْ يَکُنْ مَحْظُوراً، وَانْتَ عَلى کُلِّ شَیْ ءٍ

وسیعت که براستی عطای تو از کسی منع نشده و تو بر هر چیز

قَديرٌ، بِرَحْمَتِکَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.(1)

توانایی به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

***

2- مستحب است این تسبیحات رابخواند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس درشب عرفه این تسبیحات ده گانه را هزار مرتبه بخواند، هر حاجتی از خداوند بخواهد، جز خواسته ای که گناه باشد، برآورده می شود:

سُبْحانَ مَنْ فِى السَّماءِ عَرْشُهُ، سُبْحانَ الَّذِى فِى الْأَرْضِ سَطْوَتُهُ،

منزّه است خدایی که در آسمان است عرش او منزّه است خدایی که در زمین است فرمان و حکمش

سُبْحانَ الَّذِی فِی الْبَحْرِ سَبیلُهُ، سُبْحانَ الَّذِی فِی النّارِ سُلْطانُهُ، سُبْحانَ

منزّه است خدایی که در دریا راه دارد منزّه است

الَّذِی فِی الْجَنَّهِ رَحْمَتُهُ، سُبْحانَ الَّذِی فِی الْقُبُورِ قَضاؤُهُ، سُبْحانَ الَّذِی

خدایی که در آتش دوزخ سلطنتش موجود است منزّه است خدایی که در بهشت رحمت اوست منزّه است خدایی که در گورها قضا و فرمانش جاری است منزّه است خدایی که

فِی الْهَواءِ امْرُهُ، سُبْحانَ الَّذِی رَفَعَ السَّماءَ، سُبْحانَ الَّذِی وَضَعَ الْأَرْضَ،

در هوا امر اوست منزّه است خدایی که آسمان را بالا برد منزّه است خدایی که زمین را گسترد

سُبْحانَ مَنْ لا مَنْجا مِنْهُ إلّا إِلَیْهِ.(2)

منزّه است خدایی که ملجأ و پناهی از او نیست جز به سوی خودش.

ص: 851

1- [1170]اقبال، صفحه 325.
2- [1171]همان مدرک، صفحه 329.

3- زیارت امام حسین علیه السلام. در روایتی امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس در شب عرفه امام حسین علیه السلام را زیارت کند و تا روز عید در آن جا بماند، خداوند او را از گرفتاری و مشکلات آن سال محفوظ بدارد.(1) 4- دعایی را که در اعمال شب جمعه و روز عرفه نیز وارد شده است بخواند که در اعمال شب جمعه (صفحه 966) خواهد آمد و ابتدای آن چنین است:

أللَّهُمّ مَن تَعَبَّأَ وَ تَهَیَّأَ وَ أَعَدَّ.(2)

***

روز نهم (روز عرفه):

مرحوم «علّامه مجلسی» می گوید: روز عرفه از اعیاد بزرگ اسلامی است و کسی که بتواند این روز را در «عرفات» باشد، توفیق بزرگی دارد. این روز اعمال و دعاهای فراوانی دارد و بهترین عمل در این روز، دعا است.(3) این روز، برای تقویت معرفت الهی، و رابطه عمیق تر با حضرت حق و شناخت صفات جمال و جلال پروردگار، بسیار مناسب و مغتنم است.

این روز، بویژه برای کسانی که در سرزمین پرخاطره و انسان ساز «عرفات» باشند و در مناسک حج شرکت داشته باشند، سعادت مضاعف خواهد بود؛ آنان که در لباس سفید احرام، با قلبی مملوّ از عشق خداوند، دعای عرفه امام حسین علیه السلام را در سرزمین عرفات زمزمه می کنند، از این زلال معرفت ناب، بیش از دیگران سیراب می شوند.

امام باقر علیه السلام از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت در روز عرفه جمعی را مشاهده کرد که دست نیاز به سوی مردم دراز کرده و کمک می خواستند! حضرت فرمود: وای بر شما! آیا از غیر خدا در این روز حاجت می طلبید در حالی که در این روز امید می رود که فضل خداوند حتّی شامل بچّه هایی شود که در شکم مادرانند.(4) در روز عرفه، مخصوصاً دعا برای مؤمنان و دوستان بسیار سفارش شده است. چه آنان که زنده اند و چه کسانی که از دنیا رفته اند.(5) از ابراهیم بن هاشم که از بزرگان شیعه است چنین نقل شده که: «عبد اللّه بن جندب» را در سرزمین عرفات دیدم که در روز عرفه، غرق در دعا و راز و نیاز بود. دست های خود را به سوی آسمان بلند کرده بود و اشک از

چشمانش سرازیر بود، و فراوان گریه می کرد؛ در پایان نزد او رفتم و گفتم: وقوف و عبادت هیچ

ص: 852

1- [1172]اقبال، صفحه 330.
2- [1173]مصباح المتهجّد، صفحه 269.
3- [1174]زاد المعاد، صفحه 256.
4- [1175]خصال، جلد 2، صفحه 517، حدیث 4.
5- [1176]زادالمعاد، صفحه 256.

کس را مثل تو ندیدم. گفت به خدا سوگند! فقط برای برادران مؤمن دعا کردم، زیرا از امام موسی کاظم علیه السلام شنیدم که فرمود: هر کس برای برادران مؤمن خود دعا کند، از عرش ندا می رسد که صدهزار برابر آن برای خود تو خواهد بود، و من نخواستم از صد هزار برابر دعای فرشتگان که یقیناً مستجاب است، دست بردارم! و برای خودم دعا کنم که نمی دانم مستجاب خواهد شد یا خیر!(1)

***

اعمال روز عرفه:

برای روز عرفه چند عمل وارد شده است:

1- روزه گرفتن؛ که پاداش فراوانی دارد. ولی اگر روزه در آن روز سبب ضعف و ناتوانی جهت دعا و انجام اعمال و عبادات روز عرفه شود ترک آن بهتر است!(2) (البتّه روزه مربوط به کسانی است که در وطن هستند یا قصد اقامت ده روز کرده اند).

2- غسل کردن قبل از غروب آفتاب.(3) 3- زیارت امام حسین علیه السلام، که زیارت آن حضرت در روز عرفه طبق روایتی از امام صادق علیه السلام پاداش حج و عمره بسیار، و جهاد فراوان دارد.(4) در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که خداوند در روز عرفه، توجّه خاصّی به زائران قبر امام حسین علیه السلام دارد، حاجاتشان را برآورده می سازد و گناهانشان را می آمرزد.(5) در حدیث دیگری از سه امام بزرگوار، حضرت امام صادق و امام کاظم و امام رضا علیهم السلام آمده است که هر کس روز عرفه به زیارت امام حسین علیه السلام برود، خداوند او را با ایمان محکم همراه با اطمینان باز می گرداند.(6) به هر حال، همان گونه که «سیّد بن طاووس»، در «اقبال» فرموده است: احادیث در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه، متواتر است.(7) به همین دلیل سیل مشتاقان در این روز به سوی مرقد آن حضرت سرازیر می شود.

زیارت مخصوص امام حسین علیه السلام در روز عرفه، در بخش زیارات (صفحه 423) ذکر شد.

1- [1177]زاد المعاد، صفحه 330.
2- [1178]همان مدرک، صفحه 258 و مصباح کفعمی، صفحه 661.
3- [1179]مصباح کفعمی، صفحه 661.
4- [1180]مصباح المتهجّد، صفحه 715.
5- [1181]همان مدرک.
6- [1182]بحارالانوار، جلد 98، صفحه 86، حدیث 8.
7- [1183]اقبال، صفحه 332.

4- پس از نماز عصر، و قبل از آن که دعاهای روز عرفه را بخواند، دو رکعت نماز در زیر آسمان، بجا آورد و به گناهان و خطاهای خود اعتراف کند، که امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس چنین کند، پاداش کسانی که در سرزمین عرفاتند، را خواهد داشت و گناهانش آمرزیده گردد.(1) مرحوم «شیخ کفعمی» کیفیّت نماز را این گونه آورده است: پس از آن که نماز ظهر و عصر را با رکوع و سجود نیکو، بجا آوردی، دو رکعت نماز بخوان؛ در رکعت اوّل بعد از سوره حمد، سوره توحید (قل هو اللّه احد) و در رکعت دوم، پس از سوره حمد، سوره قُل یا ایُّهَا الْکافِرُون را بخوان. بعد از آن نیز چهار رکعت نماز بگزار (هر دو رکعت به یک سلام). و در هر رکعت بعد از سوره حمد، پنجاه مرتبه سوره توحید را بخوان (که نماز امیرالمؤمنین نیز به همین صورت است) آنگاه این تسبیحات را که از رسول خدا نقل شده است و «سیّدبن طاووس» آن را در «اقبال» آورده، بخوان:

سُبْحانَ مَنْ فِی السَّماءِ عَرْشُهُ ...

(این تسبیحات را در اعمال شب عرفه ذکر کردیم).

آنگاه صد مرتبه بگو: سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اکْبَرُ.

********** منزّه است خدا و حمد از آن خداست و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ تر از توصیف است.

و صد مرتبه سوره قُل هُوَ اللَّهُ أحَد را بخوان.

صد مرتبه آیهالکرسی.

صد مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد.

ده مرتبه لاالهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی

****** معبودی جز خدا نیست یگانه ای که شریک ندارد پادشاهی خاصّ اوست و از آن اوست حمد زنده کند

وَیُمیتُ، وَیُمیتُ وَیُحْیی وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَهُوَ عَلی کُلِ

و بمیراند و بمیراند و زنده کند و اوست زنده ای که نمیرد هر چه خیر است به دست اوست و او بر همه

شَیْ ءٍ قَدیرٌ.

چیز تواناست.

ده مرتبه اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذی لا الهَ الّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ، وَاتُوبُ الَیْهِ.

***** آمرزش خواهم از خدایی که معبود به حقی جز او نیست که زنده و پاینده است و به سویش توبه کنم.

ص :854

1- [1184]زاد المعاد، صفحه 258.

ده مرتبه

یا اللَّهُ

- ده مرتبه

یا رَحْمنُ

- ده مرتبه

یا رَحیمُ

- ده مرتبه

یا بَدیعَ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، یا ذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ

- ده مرتبه

یا حَیُّ یا قَیُّومُ

- ده مرتبه

یا حَنَّانُ یا مَنَّانُ

- ده مرتبه

یا لا الهَ الَّا انْتَ

- ده مرتبه

آمینَ.

پس آنگاه بگو:

اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ یا مَنْ هُوَ اقْرَبُ الَیَّ مِنْ حَبْلِ الْوَریدِ، یا مَنْ یَحُولُ

خدایا از تو خواهم ای کسی که او نزدیکتر است به من از رگ گردن ای که حائل شود

بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ، یا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الاْعْلی وَ بِالاْفُقِ الْمُبینِ، یا مَنْ هُوَ

میان انسان و دلش ای که او در دیدگاه اعلی است و در افق آشکاری است ای که او

الرَّحْمنُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوی یا مَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ، وَ هُوَ السَّمیعُ

بخشاینده است و بر عرش استیلا دارد ای که نیست مانندش چیزی و او شنوا و

الْبَصیرُ، اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

بینا است از تو خواهم که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد.

آنگاه حاجت خود را از خداوند طلب کن که برآورده خواهد شد، ان شاءاللّه. (1) (دعای کوتاه بالا دعای بسیار پرمحتوایی است که سزاوار است انسان هر زمان که حال دعا پیدا کند از آن بهره گیرد و همچنین در قنوت های نماز می توان از آن استفاده کرد؛ دعایی است که جمله های آن غالباً از آیات قرآن گرفته شده و صفات جمال و جلال خداوند در آن منعکس است).

مرحوم «کفعمی» در ادامه می افزاید: پس از آن این صلوات را بخوان؛ امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بخواهد محمّد و آل محمّد را با صلوات بر آنان مسرور و خشنود سازد، این صلوات را بخواند(2):

اللَّهُمَّ یا اجْوَدَ مَنْ اعْطی وَیا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ، وَیا ارْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ،

خدایا ای بخشنده ترین عطابخشان و ای بهترین درخواست شدگان و ای مهربانترین کسی که از او مهربانی جویند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِی الْاوَّلینَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِی

خدایا درود فرست بر محمّد و آلش در زمره پیشینیان و درود فرست بر محمّد و آلش در زمره

الْآخِرینَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِی الْمَلَأِ الْاعْلی وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

پسینیان و درود فرست بر محمّد و آلش در ساکنین عالم بالا و درود فرست بر محمّد

1- [1185]مصباح کفعمی، صفحه 661.
2- [1186]همان مدرک، صفحه 423.

وَآلِهِ فِی الْمُرْسَلینَ، اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّداً وَ آلَهُ الْوَسیلَهَ وَ الْفَضیلَهَ،

و آلش در زمره مرسلین خدایا عطا کن به محمّد و آلش مقام وسیله و فضیلت

وَالشَّرَفَ وَ الرِّفْعَهَ وَ الدَّرَجَهَ الْکَبیرَهَ، اللَّهُمَّ انّی آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ

و شرف و رفعت و درجه بلند خدایا من ایمان آوردم به محمّد صلی اللَّه

عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ لَمْ ارَهُ، فَلا تَحْرِمْنی فِی الْقِیمَهِ رُؤْیَتَهُ، وَ ارْزُقْنی صُحْبَتَهُ،

علیه و آله با این که او را ندیده ام پس در روز قیامت از دیدارش محرومم مفرما و مصاحبت و همنشینی او را روزیم فرما

وَتَوَفَّنی عَلی مِلَّتِهِ، وَ اسْقِنی مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَباً رَوِیّاً سآئِغاً هَنیئاً، لا

و بر کیش او بمیرانم و بنوشانم از حوض او (حوض کوثر) نوشاندنی سیراب و جانبخش و گوارا که

اظْمَأُ بَعْدَهُ ابَداً، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، اللَّهُمَّ انّی آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی

پس از آن هرگز تشنه نشوم که براستی تو بر هر چیز توانایی خدایا من ایمان آورده ام به محمّد صلی

اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَلَمْ ارَهُ، فَعَرِّفْنی فِی الْجِنانِ وَجْهَهُ، اللهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّداً

اللَّه علیه وآله و او را ندیده ام پس در بهشت رویش را به من نشان ده خدایا برسان به محمّد

صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ مِنّی تَحِیَّهً کَثیرَهً وَسَلاماً.

صلی اللَّه علیه و آله از جانب من تحیتی بسیار و سلامی.

آنگاه دعای «امّ داوود» را بخوان (که در اعمال نیمه ماه رجب- صفحه 647- گذشت). سپس این تسبیحات را که پاداش فراوانی دارد، بخوان:

سُبْحانَ اللَّهِ قَبْلَ کُلِّ احَدٍ، وَ سُبْحانَ اللَّهِ بَعْدَ کُلِّ احَدٍ، وَ سُبْحانَ اللَّهِ مَعَ

منزّه باد خدا پیش ازهر کس و منزّه باد خدا پس از هرکس و منزّه باد خدا با

کُلِّ احَدٍ، وَ سُبْحانَ اللَّهِ یَبْقی رَبُّنا و یَفْنی کُلُّ أَحَدٍ، وَ سُبْحانَ اللَّهِ تَسْبیحاً

هرکس و منزّه باد خدا که باقی ماند پروردگار ما و فانی شود هرکس و منزّه باد خدا تنزیهی

یَفْضُلُ تَسْبیحَ الْمُسَبِّحینَ فَضْلاً کَثیراً قَبْلَ کُلِّ احَدٍ، وَ سُبْحانَ اللَّهِ

که فزونی گیرد بر تسبیح تسبیح گویان فزونی بسیاری پیش از هرکس و منزّه باد خدا

تَسْبیحاً یَفْضُلُ تَسْبیحَ الْمُسَبِّحینَ فَضْلاً کَثیراً بَعْدَ کُلِّ احَدٍ، وَ سُبْحانَ

تنزیهی که فزونی گیرد برتسبیح تسبیح گویان فزونی بسیاری پس از هر کس و منزّه باد

اللَّهِ تَسْبیحاً یَفْضُلُ تَسْبیحَ الْمُسَبِّحینَ فَضْلاً کَثیراً مَعَ کُلِّ احَدٍ، وَسُبْحانَ

خدا تنزیهی که فزونی گیرد بر تسبیح تسبیح گویان فزونی بسیار با هر کس، و منزّه باد

اللَّهِ تَسْبيحاً يَفْضُلُ تَسْبيحَ الْمُسَبِّحينَ فَضْلاً كَثيراً لِرَبِّنَا الْباقى وَيَفْنى كُلُ

خدا تنزیهی که فزونی گیرد بر تسبیح تسبیح گویان برتری بسیاری برای پروردگار ما که باقی ماند و جز او فانی شود هر

احَدٍ، وَ سُبْحانَ اللَّهِ تَسْبيحاً لا يُحْصى وَ لا يُدْرى وَ لا يُنْسى وَ لا يَبْلى

کس و منزّه باد خدا تنزیهی که به شماره در نیاید و دانسته نشود و فراموش نگردد و کهنه نشود

وَ لا يَفْنى وَ لَيْسَ لَهُ مُنْتَهى وَ سُبْحانَ اللَّهِ تَسْبيحاً يَدُومُ بِدَوامِهِ، وَ يَبْقى

و فنا نپذیرد و انتهایی برایش نباشد و منزّه باد خدا تنزیهی که دوام داشته باشدبه دوام او و باقی ماند

بِبَقآئِهِ فى سِنِى الْعالَمينَ، وَ شُهُورِ الدُّهُورِ، وَ ايَّامِ الدُّنْيا وَ ساعاتِ اللَّيْلِ

به بقای او در طول سالهای این جهان و سایر جهانیان و ماههای این روزگار و هر روزگار و روزهای دنیا و ساعات شب

وَ النَّهارِ، وَ سُبْحانَ اللَّهِ ابَدَ الْابَدِ، وَمَعَ الْابَدِ مِمَّا لا يُحْصيهِ الْعَدَدُ، وَ لا

و روز و منزّه باد خدا تا جاویدان است جاوید و و همراه با جاوید بد انسان که شماره اش نتوان کرد و

يُفْنيهِ الْامَدُ، وَ لا يَقْطَعُهُ الْابَدُ، وَتَبارَكَ اللَّهُ احْسَنُ الْخالِقينَ.

زمان و مدت آن را به فنا نکشاند و قطعش نکند «هرگز» و بزرگ است خدا بهترین آفریدگان.

بار دیگر همین دعا را بخوان، ولی بجای

سُبْحانَ اللَّهِ قَبْلَ كلِّ أَحَدٍ

، بگو:

وَ الْحَمْدُ لِلَّه قَبْلَ كُلِّ احَدٍ،

و هر جا که کلمه

سُبْحانَ اللَّه

دارد؛ به جای آن

الْحَمدُ لِلَّه

بگو و دعا را تا آخر بخوان.

برای بار سوم از ابتدا شروع کن ولی این بار به جای

سُبْحانَ اللَّهِ،

بگو:

لا إِلهَ إلّااللَّه

. مثلاً بگو:

لا إله إلّا اللَّه قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ ...

در مرتبه چهارم، دعا را از ابتدا شروع کن و تا آخر بخوان، ولی به جای

سبحان اللَّه

بگو

أللَّه اكبر

. مثلاً می گویی:

أللَّه أكبر قَبلَ كلِّ أحد ...

سپس دعای

أللَّهُمَّ مَنْ تَعَبَّأ وَ تَهَيَّأَ

را بخوان (که در اعمال شب جمعه، صفحه 966 خواهد آمد).(1) آنگاه با نهایت خشوع و فروتنی، دعای چهل و هفتم «صحیفه سجّادیّه» را بخوان که بسیار دعای گران قدر و ارزشمندی است.(2)

5- دعای معروف عرفه

از جمله دعاهایی که خواندنش در روز عرفه سفارش شده است دعای معروف و مشهور سالار شهیدان امام حسین علیه السلام است که از محتوای بسیار با ارزش و بی نظیری برخوردار است؛ این دعای پرفیض، گنجینه ای

1- [1187]مصباح کفعمی، صفحه 662.
2- [1188]همان مدرک، صفحه 671.

از معارف اسلامی است که راه خداشناسی و توبه و بازگشت به او را، به هر خداجوی مسلمانی می آموزد، و روح را به بالاترین اوج معرفت، می رساند؛ می توان گفت یک دوره عرفان اسلامی در آن درج است.

بشر و بشیر(1) از فرزندان «غالب اسدی» روایت کرده اند که: عصر روز «عرفه» در سرزمین «عرفات» خدمت امام حسین علیه السلام بودیم که آن حضرت با گروهی از اهل بیت و شیعیان خود، در نهایت خشوع و فروتنی، از خیمه خویش بیرون آمدند و در قسمت چپ کوه [/ جبل الرحمه، کوه معروفی است در وسط عرفات رو به سوی کعبه ایستادند و همانند فقیر و نیازمندی که چیزی طلب کند، دست ها را در برابر صورت گرفتند و این دعا را خواندند:(2) (برای توجّه بیشتر به محتوای این دعا آن را به نه بخش تقسیم کردیم).

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی لَیْسَ لِقَضآئِهِ دافِعٌ، وَلا لِعَطائِهِ مانِعٌ، وَلا کَصُنْعِهِ صُنْعُ

ستایش خاص خدایی است که نیست برای قضا و حکمش جلوگیری و نه برای عطا و بخششش مانعی و نه مانند ساخته اش ساخته هیچ

صانِعٍ، وَهُوَ الْجَوادُ الْواسِعُ، فَطَرَ اجْناسَ الْبَدائِعِ، واتْقَنَ بِحِکْمَتِهِ الصَّنائِعَ،

سازنده ای و اوست بخشنده وسعت ده که آفرید انواع گوناگون پدیده ها را و به حکمت خویش محکم ساخت مصنوعات را طلایه ها (ی عالم وجود)

لا تَخْفی عَلَیْهِ الطَّلایِعُ، وَ لا تَضیعُ عِنْدَهُ الْوَدائِعُ، جازی کُلِّ صانِعٍ،

بر او مخفی نیست و امانتها در نزد او ضایع نشود پاداش دهنده عمل هر سازنده

وَ رائِشُ کُلِّ قانِعٍ، وَ راحِمُ کُلِّ ضارِعٍ، وَ مُنْزِلُ الْمَنافِعِ وَ الْکِتابِ الْجامِعِ

و سامان دهنده زندگی هر قناعت پیشه و مهربان نسبت به هر نالان، فرو فرستنده هر سود و بهره و آن کتاب جامع که

بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَ هُوَ لِلدَّعَواتِ سامِعٌ، وَ لِلْکُرُباتِ دافِعٌ، وَ لِلدَّرَجاتِ

فرستادش بوسیله نور آن نور درخشان و اوست که دعاها را شنواست و گرفتاریها را برطرف کند و درجات

رافِعٌ، وَ لِلْجَبابِرَهِ قامِعٌ، فَلا الهَ غَیْرُهُ، وَلا شَیْ ءَ یَعْدِلَهُ، وَلَیْسَ کَمِثْلِهِ

را بالا برد و گردنکشان را ریشه کن سازد پس معبودی جز او نیست و چیزی با او برابری نکند و چیزی همانندش

شَیْ ءٌ، وَ هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ اللَّطیفُ الْخَبیرُ، وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.

نیست و او شنواست و بینا و دقیق و آگاه و او بر هر چیز تواناست.

ص: 858

1- [1189]این دو تن را از اصحاب امام حسین علیه السلام به شمار آورده اند و برخی از علمای« علم رجال» بشر بن غالب اسدی را از اصحاب امیرمؤمنان، امام حسن، امام حسین و امام سجاد علیهم السلام دانسته اند(معجم رجال الحدیث، جلد 4، صفحه 227).

2- [1190]این دعا را سیّد بن طاووس در اقبال، صفحه 339 و شیخ کفعمی در بلدالامین، صفحه 251 و علّامه مجلسی در بحارالانوار، جلد 95، صفحه 216 آورده اند و ما آن را مطابق نسخه متداول که با آنچه در بلدالامین است، تفاوت اندکی دارد، نقل می کنیم.

اللَّهُمَّ انّى ارْغَبُ إِلَيْکَ، وَاشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّهِ لَکَ، مُقِرّاً بِانَّکَ رَبّى وَ الَيْکَ

خدایا من بسوى تو اشتیاق دارم و به پروردگارى تو گواهى دهم اقرار دارم به این که تو پروردگار منى و بسوى توست

مَرَدّى ابْتَدَأْتَنى بِنِعْمَتِکَ قَبْلَ انْ اکُونَ شَيْئاً مَذْکُوراً، وَخَلَقْتَنى مِنَ

بازگشت من آغاز کردى وجود مرا به رحمت خود پیش از آن که باشم چیز قابل ذکرى و مرا از

التُّرابِ، ثُمَّ اسْکَنْتَنِى الْأَصْلابَ، آمِناً لِرَيْبِ الْمَنُونِ، وَاخْتِلافِ الدُّهُورِ

خاک آفریدى آنگاه در میان صلبها جایم دادى و ایمنم ساختى از حوادث زمانه و تغییرات روزگار

وَالسِّنينَ، فَلَمْ ازَلْ ظاعِناً مِنْ صُلْبٍ الى رَحِمٍ فى تَقادُمٍ مِنَ الْأَيَّامِ

و سالها و همچنان همواره از صلبى به رحمى کوچ کردم در ایّام

الْماضِيَهِ، وَالْقُرُونِ الْخالِيَهِ، لَمْ تُخْرِجْنى لِرَأْفَتِکَ بى وَلُطْفِکَ لى

قدیم و گذشته و قرنهاى پیشین و از روى مهر و رأفتى که به من داشتى

وَاحْسانِکَ الَىَّ فى دَوْلَهِ ائِمَّهِ الْکُفْرِ الَّذينَ نَقَضُوا عَهْدَکَ، وَکَذَّبُوا رُسُلَکَ،

و احسانت نسبت به من مرا به جهان نیاوردى در دوران حکومت پیشوایان کفر آنان که پیمان تو را شکستند و فرستادگانت را تکذیب کردند

لکِنَّکَ اخْرَجْتَنى لِلَّذى سَبَقَ لى مِنَ الْهُدَى الَّذى لَهُ يَسَّرْتَنى وَفيهِ

ولى در زمانى مرا بدنیا آوردى که پیش از آن در علمت گذشته بود از هدایتى که اسبابش را برایم مهیا فرمودى و در آن

انْشَأْتَنى وَمِنْ قَبْلِ ذلِکَ رَؤُفْتَ بى بِجَميلِ صُنْعِکَ، وَسَوابِغِ نِعَمِکَ،

مرا نشو و نما دادى و پیش از این نیز به من مهر ورزیدى بوسیله رفتار نیکویت و نعمتهاى شایانت

فابْتَدَعْتَ خَلْقی مِنْ مَنِیٍّ یُمْنی وَاسْکَنْتَنی فی ظَلَماتٍ ثَلاثٍ، بَیْنَ لَحْمٍ

که پدید آوردی خلقتم را از منی ریخته شده و جایم دادی در سه پرده تاریکی (مشیمه و رحم و شکم) میان گوشت

وَدَمٍ وَجِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنی خَلْقی وَلَمْ تَجْعَلْ الَیَّ شَیْئاً مِنْ امْری ثُمَ

و خون و پوست و گواهم نساختی در خلقتم و واگذار نکردی به من چیزی از کار خودم را سپس

اخْرَجْتَنی لِلَّذی سَبَقَ لی مِنَ الْهُدی الَی الدُّنْیا تآمّاً سَوِیّاً، وَحَفِظْتَنی

بیرونم آوردی بدانچه در علمت گذشته بود از هدایتم بسوی دنیا خلقتی تمام و درست و در حال طفولیت و خردسالی

فِی الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِیّاً، وَرَزَقْتَنی مِنَ الْغِذآءِ لَبَناً مَرِیّاً، وَعَطَفْتَ عَلَیَ

در گهواره محافظتم کردی و روزیم دادی از غذاها شیری گوارا و دل پرستاران رابر من مهربان

قُلُوبَ الْحَواضِنِ، وَکَفَّلْتَنی الْأُمَّهاتِ الرَّواحِمَ، وَکَلَأْتَنی مِنْ طَوارِقِ

کردی و عهده دار پرستاریم کردی مادران مهربان را و از آسیب جنیان نگهداریم کردی

ص :859

الْجآنِّ، وَسَلَّمْتَنى مِنَ الزِّيادَهِ وَالنُّقْصانِ، فَتَعالَيْتَ يا رَحيمُ يا رَحْمنُ،

و از زیادی و نقصان سالمم داشتی پس برتری تو ای مهربان و ای بخشاینده

حتّى اذَا اسْتَهْلَلْتُ ناطِقاً بِالْكَلامِ، اتْمَمْتَ عَلَىَّ سَوابِغَ الْإِنْعامِ، وَرَبَّيْتَنى

تا آنگاه که لب به سخن گشودم و تمام کردی بر من نعمتهای شایانت را و پرورشم دادی

زايِداً فى كُلِّ عامٍ، حَتّى إذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتى وَاعْتَدَلَتْ مِرَّتى اوْجَبْتَ

هر ساله زیادتر از سال پیش تا آنگاه که خلقتم کامل شد و تاب و توانم به حد اعتدال رسید واجب کردی

عَلَىَّ حُجَتَّكَ، بِانْ الْهَمْتَنى مَعْرِفَتَكَ، وَرَوَّعْتَنى بِعَجائِبِ حِكْمَتِكَ،

بر من حجت خود را بدین ترتیب که معرفت خود را به من الهام فرمودی و بوسیله عجایب حکمتت به هراسم انداختی

وَايْقَظْتَنى لِما ذَرَاْتَ فى سَمآئِكَ وَارْضِكَ مِنْ بَدائِعِ خَلْقِكَ، وَنَبَّهْتَنى

و بیدارم کردی بدانچه آفریدی در آسمان و زمینت از پدیده های آفرینشت و آگاهم کردی

لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَاوجَبْتَ عَلَىَّ طاعَتَكَ وَعِبادَتَكَ، وَفَهَّمْتَنى ما جآءَتْ

به سپاسگزاری و ذکر خودت و اطاعت و عبادتت را بر من واجب کردی و آنچه

بِهِ رُسُلُكَ، وَيَسَّرْتَ لى تَقَبُّلَ مَرْضاتِكَ، وَمَنَنْتَ عَلَىَّ فى جَميعِ ذلِكَ

رسولانت آورده بودند به من فهماندی و پذیرفتن موجبات خشنودیت را برایم آسان کردی و در تمام اینها

بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ، ثُمَّ اذْ خَلَقْتَنى مِنْ خَيْرِالثَّرى لَمْ تَرْضَ لى يا الهى نِعْمَةً

به یاری و لطف خود بر من منّت نهادی سپس به این که مرا از بهترین خاکها آفریدی راضی نشدی ای معبود من که تنها از نعمتی

دُونَ اخری وَرَزَقْتَنی مِنْ انواعِ الْمَعاشِ، وَصُنُوفِ الرِّیاشِ، بِمَنِّکَ

برخوردار شوم و از دیگری منع گردم بلکه روزیم دادی از انواع (نعمتهای) زندگی و اقسام لوازم کامرانی و این بواسطه آن نعمت بخشی

الْعَظیمِ الْأَعْظَمِ عَلَیَّ، وَ احْسانِکَ الْقَدیمِ الَیَّ، حَتّی اذا اتْمَمْتَ عَلَیَ

بزرگ و بزرگترت بود بر من و آن احسان دیرینه ات بود نسبت به من تا این که تمام نعمتها را بر من کامل کردی

جَمیعَ النِّعَمِ، وَصَرَفْتَ عَنّی کُلَّ النِّقَمِ، لَمْ یَمْنَعْکَ جَهْلی وَجُرْأَتی عَلَیْکَ،

و تمام رنجها و بلاها را از من دور ساختی باز هم نادانی و دلیری من بر من جلوگیرت نشد

انْ دَلَلْتَنی الی ما یُقَرِّبُنی الَیْکَ، وَوَفَّقْتَنی لِما یُزْلِفُنی لَدَیْکَ، فَانْ دَعَوْتُکَ

از این که راهنماییم کردی بدانچه مرا به تو نزدیک کند و موفقم داشتی بدانچه مرا به درگاهت مقرّب سازد که اگر بخوانمت

اجَبْتَنی وَانْ سَئَلْتُکَ اعْطَیْتَنی وَانْ اطَعْتُکَ شَکَرْتَنی وَانْ شَکَرْتُکَ

پاسخم دهی و اگر بخواهم از توبه من عطا کنی و اگر اطاعتت کنم قدردانی کنی و اگر سپاسگزاریت کنم

زِدْتَنى کُلُّ ذلِکَ اکْمالٌ لِأَنْعُمِکَ عَلَىَّ، وَاحْسانِکَ الَىَّ، فَسُبْحانَکَ

بر من بیفزایی و همه اینها برای کامل ساختن نعمتهای تو است بر من و احسانی که به من داری پس منزهی تو،

سُبْحانَکَ مِنْ مُبْدِئٍ مُعیدٍ حَمیدٍ مَجیدٍ، تَقَدَّسَتْ اسْمآؤُکَ، وَعَظُمَتْ

منزّه که آغازنده نعمتی و بازگرداننده و ستوده و بزرگواری بسی پاکیزه است نامهای تو و بزرگ است

الآؤُکَ، فَأَىُّ نِعَمِکَ یا الهى احْصى عَدَداً وَذِکْراً، أَمْ اىُّ عَطایاکَ أَقُومُ بِها

نعمتهای تو پس ای معبود من کدام یک از نعمتهایت را بشماره درآورده و یاد کنم یا برای کدام یک از عطاهایت به

شُکْراً، وَهِىَ یا رَبِّ اکْثَرُ مِنْ انْ یُحْصِیَهَا الْعآدُّونَ، أَوْ یَبْلُغَ عِلْماً بِهَا

سپاسگزاری اقدام کنم در صورتی که آنها ای پروردگار من بیش از آن است که حسابگران بتوانند آنها را بشمارند یا دانش

الْحافِظُونَ، ثُمَّ ما صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّى اللَّهُمَّ مِنَ الضُرِّ وَالضَّرَّآءِ، أَکْثَرُ

حافظان بدانها رسد سپس ای خدا آنچه را از سختی و گرفتاری از من دور کرده و باز داشتی بیشتر بوده

مِمَّا ظَهَرَ لى مِنَ الْعافِیَهِ وَالسَّرَّآءِ.

از آنچه برایم آشکار شد از تندرستی و خوشی.

***

وَا نَا اشْهَدُ یا الهى بِحَقیقَهِ ایمانى وَعَقْدِ عَزَماتِ یَقینى وَخالِصِ

و من گواهی دهم خدایا به حقیقت ایمان خودم و بدانچه تصمیمات یقینم بدان بسته است و توحید خالص

صَریحِ تَوْحیدى وَباطِنِ مَکْنُونِ ضَمیرى وَعَلائِقِ مَجارى نُورِ

و بی شائبه خود و درون سرپوشیده نهادم و رشته های دید نور

بَصَری وَاساریرِ صَفْحَهِ جَبینی وَ خُرْقِ مَسارِبِ نَفْسی وَ خَذاریفِ

چشمانم و خطوط صفحه پیشانیم و رخنه های راههای تنفسم و پرده های

مارِنِ عِرْنینی وَ مَسارِبِ سِماخِ سَمْعی وَ ما ضُمَّتْ وَ اطْبَقَتْ عَلَیْهِ

نرمه بینیم و راههای پرده گوشم و آنچه بچسبد و روی هم قرار گیرد

شَفَتایَ، وَ حَرَکاتِ لَفْظِ لِسانی وَمَغْرَزِ حَنَکِ فَمی وَفَکّی وَ مَنابِتِ

بر آن دو لبم و حرکتهای تلفظ زبانم و محل پیوست کام (فک بالای) دهان و آرواره ام

اضْراسی وَ مَساغِ مَطْعَمی وَ مَشْرَبی وَحِمالَهِ امِّ رَأْسی وَ بُلُوعِ فارِغِ

و محل بیرون آمدن دندانهایم و محل چشیدن خوراک و آشامیدنیهایم و رشته و عصب مغز سرم و لوله (حلق) متصل به

ص: 861

حَبآئِلِ عُنُقی وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَیْهِ تامُورُ صَدْری وَ حمائِلِ حَبْلِ وَتینی

رگهای گردنم و آنچه در برگرفته آن را قفسه سینه ام و رشته های رگ قلبم

وَ نِیاطِ حِجابِ قَلْبی وَ أَفْلاذِ حَواشی کَبِدی وَ ما حَوَتْهُ شَراسیفُ

و شاهرگ پرده دلم و پاره های گوشه و کنار جگرم و آنچه را در بردارد استخوانهای

اضْلاعی وَ حِقاقُ مَفاصِلی وَقَبْضُ عَوامِلی وَاطْرافُ انامِلی

دنده هایم و سربندهای استخوانهایم و انقباض عضلات بدنم و اطراف سر انگشتانم و

وَلَحْمی وَ دَمی وَشَعْری وَ بَشَری وَ عَصَبی وَ قَصَبی وَ عِظامی وَ مُخّی

گوشتم و خونم و موی بدنم و بشره پوستم و عصبم و ساقم و استخوانم و مغزم

وَ عُرُوقی وَ جَمیعُ جَوارِحی وَ مَا انْتَسَجَ عَلی ذلِکَ ایَّامَ رِضاعی وَ ما

و رگهایم و تمام اعضا و جوارحم و آنچه بر اینها بافته شده از دوران شیرخوارگیم و آنچه را

اقلَّتِ الْأَرْضُ مِنّی وَ نَوْمی وَ یَقْظَتی وَسُکُونی وَ حَرَکاتِ رُکُوعی

زمین از من بر خود گرفته و خوابم و بیداریم و آرمیدنم و حرکتهای رکوع و

وَسُجُودی انْ لَوْ حاوَلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ مَدَی الْأَعصارِ وَ الْأَحْقابِ، لَوْ

سجود من (گواهی دهم) که اگر تصمیم بگیرم و بکوشم در طول قرون و اعصار بر فرض که چنین

عُمِّرْتُها انْ أُؤَدِّیَ شُکْرَ واحِدَهٍ مِنْ أَنْعُمِکَ، مَا اسْتَطَعْتُ ذلِکَ الَّا بِمَنِّکَ

عمری بکنم و بخواهم شکریکی از نعمتهای تو را بجا آورم نخواهم توانست جز به لطف خود که

الْمُوجَبِ عَلَیَّ بِهِ شُکْرُکَ ابَداً جَدیداً، وَ ثَناًءً طارِفاً عَتیداً، اجَلْ، وَ لَوْ

آن خود واجب کند بر من سپاسگزاریت را دوباره از نو و موجب ستایشی تازه و ریشه دار گردد آری و اگر

حَرَصْتُ انَا وَالْعآدُّونَ مِنْ انامِکَ، أَنْ نُحْصِیَ مَدی انْعامِکَ سالِفِهِ وَ انِفِهِ،

حریص باشم من و حسابگران از مخلوقت که بخواهیم اندازه نعمت بخشیهای تو را از گذشته و آینده

ما حَصَرْناهُ عَدَداً، وَ لا احْصَیناهُ امَداً، هَیْهاتَ أنّی ذلِکَ، وَ انْتَ الْمُخْبِرُ

به حساب درآوریم نتوانیم بشماره درآوریم و نه از نظر زمان و اندازه آن را احصا کنیم ! هیهات ! کجا چنین چیزی میسر است و تو خود

فی کِتابِکَ النَّاطِقِ، وَ النَّبَأِ الصَّادِقِ: «وَ انْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لا تُحْصُوها».

در کتاب گویا و خبر راست و درستت خبر داده ای که «اگر بشمارید نعمت خدا را احصا نتوانید کرد»

صَدَقَ کِتابُکَ اللَّهُمَّ وَانْبآؤُکَ، وَ بَلَّغَتْ انْبِیآؤُکَ وَ رُسُلُکَ ما انْزَلْتَ عَلَیْهِمْ

خدایا کتاب تو و خبری که دادی راست است و رساندند پیمبران و رسولانت هرچه را بر ایشان از وحی خویش

ص: 862

مِنْ وَحْیِکَ، وَ شَرَعْتَ لَهُمْ وَ بِهِمْ 1191] مِنْ دینِکَ.

فرو فرستادی و آنچه را تشریع کردی برای آنها و بوسیله آنها از دین و آیین خود.

غَیْرَ أَنّی یا الهی اشْهَدُ بِجَهْدی وَ جِدّی وَ مَبْلَغِ طاعَتی وَ وُسْعی وَ أَقُولُ

جز این که معبودا من گواهی دهم به سعی و کوششم و به اندازه رسایی طاعت و وسعم و از

مُؤْمِناً مُوقِناً، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً فَیَکُونَ مَوْرُوثاً، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ

روی ایمان و یقین می گویم ستایش خدایی را سزاست که نگیرد فرزندی تا از او ارث برند و نیست برایش

شَریکٌ فی مُلْکِهِ فَیُضآدَّهُ فیمَا ابْتَدَعَ، وَ لا وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ فَیُرْفِدَهُ فیما

شریکی در فرمانروایی تا با او ضدّیت کنند در آنچه پدید آوردو نه نگهداری از خواری دارد تا کمکش کند

صَنَعَ، فَسُبْحانَهُ سُبْحانَهُ، لَوْ کانَ فیهِما الِهَهٌ الَّا اللَّهُ لَفَسَدَتا وَ تَفَطَّرَتا،

در آنچه بوجود آورد پس منزّه باد منزّه که اگر بود در آسمان و زمین خدایانی جز او هر دو تباه می شدند و از هم متلاشی می گشتند

سُبْحانَ اللَّهِ الْواحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ، الَّذی لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ

منزّه است خدای یگانه یکتای بی نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست برایش

کُفُواً احَدٌ، الْحَمْدُ للَّهِ حَمْداً یُعادِلُ حَمْدَ مَلآئِکَتِهِ الْمُقَرَّبینَ، وَ انْبِیآئِهِ

همتایی هیچ کس ستایش خدای را است ستایشی که برابر ستایش فرشتگان مقرّب او و پیمبران

الْمُرْسَلینَ، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی خِیَرَتِهِ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ، وَ آلِهِ الطَّیِّبینَ

مرسلش باشد و درود خدا بر بهترین خلقش محمّد خاتم پیمبران و آل پاک و

الطَّاهِرینَ الْمُخلَصینَ، وَسَلَّمَ.

پاکیزه و خالص او باد و سلام.

آنگاه حضرت، پس از ذکر آن همه اوصاف الهی و تسبیح و تقدیس پروردگار حاجت خود را عرضه داشت و در حالی که اشک از چشمان مبارکش سرازیر بود گفت:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنی اخْشاکَ کَانّی اراکَ، وَاسْعِدْنی بِتَقْویکَ، وَلا تُشْقِنی

خدایا چنانم ترسان خودت کن که گویا می بینمت و به پرهیزکاری از خویش خوشبختم گردان و به واسطه نافرمانیت بدبختم

بِمَعْصِیَتِکَ، وَخِرْلی فی قَضآئِکَ، وَبارِکْ لی فی قَدَرِکَ، حَتّی لا اُحِبَ

مکن و در سرنوشت خود خیر برایم مقدر کن و مقدراتت را برایم مبارک گردان تا چنان نباشم که

ص :863

تَعْجيلَ ما اخَّرْتَ، وَلا تَأْخيرَ ما عَجَّلْتَ، اللّهُمَّ اجْعَلْ غِناىَ فى نَفْسى

تعجیل آنچه را تو پس انداخته ای بخواهم و نه تأخیر آنچه را تو پیش انداخته ای خدایا قرار ده بی نیازی در نفس من

وَالْيَقينَ فى قَلْبى وَالْإِخْلاصَ فى عَمَلى وَالنُّورَ فى بَصَرى وَالْبَصيرَةَ

و یقین در دلم و اخلاص در کردارم و روشنی در دیده ام و بینایی

فى دينى وَمَتِّعْنى بِجَوارِحى وَاجْعَلْ سَمْعى وَبَصَرى الْوارِثَيْنِ مِنّى

در دینم و مرا از اعضا و جوارحم بهره مند کن و گوش و چشم مرا وارث من گردان (که تا دم مرگ بسلامت باشند)

وَانْصُرْنى عَلى مَنْ ظَلَمَنى وَارِنى فيهِ ثارى وَ مَآرِبى وَاقِرَّ بِذلِكَ

و یاریم ده بر آن کس که به من ستم کرده و انتقام گیری مرا و آرزویم را درباره اش به من بنمایان و دیده ام را در این باره

عَيْنى اللّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتى وَاسْتُرْ عَوْرَتى وَاغْفِرْ لى خَطيئَتى وَاخْسَأْ

روشن کن خدایا محنتم را برطرف کن و زشتیهایم بپوشان و خطایم بیامرز و شیطان

شَيْطانى وَفُكَّ رِهانى وَاجْعَلْ لى يا الهى الدَّرَجَةَ الْعُلْيا فِى الْأخِرَةِ

و اهریمنم را از من بران و ذمه ام را از گِرو بِرَهان و قرار ده خدایا برای من درجه والا در آخرت

وَالْأُولى اللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَما خَلَقْتَنى فَجَعَلْتَنى سَميعاً بَصيراً، وَلَكَ

و در دنیا خدایا حمد تو راست که مرا آفریدی و شنوا و بینا قرارم دادی

الْحَمْدُ كَما خَلَقْتَنى فَجَعَلْتَنى خَلْقاً سَوِيّاً رَحْمَةً بى وَقَدْ كُنْتَ عَنْ

و ستایش تو راست که مرا آفریدی و از روی مهری که به من داشتی خلقتم را نیکو آراستی در صورتی که تو از

خَلْقی غَنِیّاً، رَبِّ بِما بَرَأتَنْی فَعَدَّلْتَ فِطْرَتی رَبِّ بِما انْشَأتَنی

خلقت من بی نیاز بودی پروردگارا به آن طور که مرا پدیدآوردی و در خلقتم اعتدال بکار بردی پروردگارا به آن طور که بوجودم آوردی و

فَاحْسَنْتَ صُورَتی رَبِّ بِما احْسَنْتَ الَیَّ وَفی نَفْسی عافَیْتَنی رَبِّ بِما

صورتم را نیکو کردی پروردگارا به آن طور که به من احسان کردی وعافیتم دادی پروردگارا آن چنانکه

کَلَأْتَنی وَوَفَّقْتَنی رَبِّ بِما انْعَمْتَ عَلَیَّ فَهَدَیْتَنی رَبِّ بِما اوْلَیْتَنی وَمِنْ

مرا محافظت کردی و موفقم داشتی پروردگارا آن چنانکه بر من انعام کرده و هدایتم فرمودی پروردگارا چنانچه مرا مورد احسان قرار داده و از

کُلِّ خَیْرٍ اعْطَیْتَنی رَبِّ بِما اطْعَمْتَنی وَسَقَیْتَنی رَبِّ بِما اغْنَیْتَنی

هر خیری به من عطا کردی پروردگارا آن چنانکه مرا خوراندی و نوشاندی پروردگارا آن چنانکه بی نیازم کردی

وَاقْنَیْتَنی رَبِّ بِما اعَنْتَنی وَاعْزَزْتَنی رَبِّ بِما الْبَسْتَنی مِنْ سِتْرِکَ

و سرمایه ام دادی پروردگارا آن چنانکه کمکم دادی و عزتم بخشیدی پروردگارا آن چنانکه مرا از خلعت باصفایت پوشاندی

الصَّافى وَ يَسَّرْتَ لى مِنْ صُنْعِکَ الْکافى صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

و از مصنوعاتت به حد کافى در اختيارم گذاردى (چنانکه اين همه انعام کردى) درود فرست بر محمّد و آل محمّد و

وَاعِنّى عَلى بَوآئِقِ الدُّهُورِ، وَ صُرُوفِ اللَّيالى وَ الْأَيَّامِ، وَنَجِّنى مِنْ

کمکم ده بر پيش آمدهاى ناگوار روزگار و کشمکشهاى شبها و روزها و از هراسهاى

اهْوالِ الدُّنْيا وَکُرُباتِ الْأخِرَهِ، وَاکْفِنى شَرَّ ما يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِى

دنيا و اندوههاى آخرت نجاتم ده و از شر آنچه ستمگران در زمين انجام دهند مرا کفايت فرما

الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ ما اخافُ فَاکْفِنى وَما احْذَرُ فَقِنى وَ فى نَفْسى وَ دينى

خدايا از آنچه مى ترسم کفايتم کن و از آنچه برحذرم، نگاهم دار و خودم و دينم

فَاحْرُسْنى وَ فى سَفَرى فَاحْفَظْنى وَ فى اهْلى وَ مالى فَاخْلُفْنى وَ فيما

را حفظ کن و در سفر محافظتم کن و در خانواده و مالم جانشين من باش و در آنچه

رَزَقْتَنى فَبارِکْ لى وَ فى نَفْسى فَذَلِّلْنى وَ فى اعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنى

روزيم کرده اى برکت ده و مرا در پيش خودم خوار کن و در چشم مردم بزرگم کن و

وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ فَسَلِّمْنى وَ بِذُنُوبى فَلا تَفْضَحْنى وَ بِسَريرَتى

از شر جن و انس بسلامتم بدار و به گناهان رسوايم مکن و به انديشه هاى باطنم

فَلا تُخْزِنى وَ بِعَمَلى فَلا تَبْتَلِنى وَ نِعَمَکَ فَلا تَسْلُبْنى وَ الى غَيْرِکَ فَلا

سرافکنده ام مکن و به کردارم دچارم مساز و نعمتهایت را از من مگیر و بجز خودت به دیگری

تَکِلْنی الهی الی مَنْ تَکِلُنی الی قَریبٍ فَیَقْطَعُنی امْ الی بَعیدٍ

واگذارم مکن خدایا به که واگذارم می کنی آیا به خویشاوندی که از من بِبُرَد یا بیگانه ای که مرا از خود دور کند یا

فَیَتَجَهَّمُنی امْ الَی الْمُسْتَضْعَفینَ لی وَانْتَ رَبّی وَمَلیکُ امْری اشْکُو

به کسانی که خوارم شمرند و تویی پروردگار من و زمامدار کار من بسوی

الَیْکَ غُرْبَتی وَ بُعْدَ داری وَهَوانی عَلی مَنْ مَلَّکْتَهُ امْری الهی فَلا

تو شکایت آرم از غربت خود و دوری خانه ام و خواریم نزد کسی که زمامدار کار من کردی خدایا پس

تُحْلِلْ عَلَیَّ غَضَبَکَ، فَانْ لَمْ تَکُنْ غَضِبْتَ عَلَیَّ فَلا ابالی سُبْحانَکَ غَیْرَ

خشم خود را بر من مبار و اگر بر من خشم نکرده باشی باکی ندارم- منزهی تو- جز این که

انَّ عافِیَتَکَ اوْسَعُ لی فَاسْئَلُکَ یا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِکَ الَّذی اشْرَقَتْ لَهُ

در عین حال عافیت تو وسیعتر است برای من پس از تو خواهم پروردگارا به نور ذاتت که روشن شد بدان

ص :865

الْأَرْضُ وَالسَّمواتُ، وَ كُشِفَتْ بِهِ الظُّلُماتُ، وَ صَلُحَ بِهِ امْرُ الْأَوَّلينَ

زمين و آسمانها و برطرف شد بدان تاريكيها و اصلاح شد بدان كار اوّلين

وَالْأخِرينَ، انْ لا تُميتَنى عَلى غَضَبِكَ، وَلا تُنْزِلَ بى سَخَطَكَ، لَكَ

و آخرين كه مرا بر حال غضب خويش نميرانى و خشمت را بر من نازل مفرمايى مؤاخذه

الْعُتْبى لَكَ الْعُتْبى 1192] حَتّى تَرْضى قَبْلَ ذلِك، لا الهَ الَّا انْتَ.

و بازخواست حق توست تا گاهى كه پيش از آن راضى شوى معبودى جز تو نيست.

***

رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ، وَالْمَشْعَرِ الْحَرامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتيقِ الَّذى احْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ،

كه پروردگار شهر محترم و مشعر الحرام و خانه كعبه اى آن خانه اى كه بركت را بدان نازل كردى

وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ امْناً، يا مَنْ عَفا عَنْ عَظيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يا مَنْ اسْبَغَ

و آن را براى مردمان خانه امنى قرار دادى اى كسى كه از گناهان بزرگ به بردبارى خود درگذرى اى كه نعمتها را به

النَّعْمآءَ بِفَضْلِهِ، يا مَنْ اعْطَى الْجَزيلَ بِكَرَمِهِ، يا عُدَّتى فى شِدَّتى يا

فضل خود فراوان گردانى اى كه عطاياى شايان را به كرم خود بدهى اى ذخيره ام در سختى اى

صاحِبى فى وَحْدَتى يا غِياثى فى كُرْبَتى يا وَلِيّى فى نِعْمَتى يا الهى

رفيق و همدمم در تنهايى اى فريادرس من در گرفتارى اى ولى من در نعمتم اى معبود من

وَالهَ آبائى ابْراهيمَ وَاسْماعيلَ، وَاسْحقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبَّ جَبْرَئيلَ

و معبود پدرانم ابراهیم و اسمعیل و (معبود) اسحاق و یعقوب و پروردگار جبرئیل

وَمیکائیلَ وَاسْرافیلَ، وَربَّ مُحَمَّدٍ خاتِمِ النَّبِیّینَ، وَ آلِهِ الْمُنْتَجَبینَ،

و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمّد خاتم پیمبران و آل برگزیده اش

وَمُنْزِلَ التَّوراهِ وَالْإِنْجیلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقانِ، وَمُنَزِّلَ کهیعص، وَطه

و فروفرستنده تورات و انجیل و زبور و قرآن و نازل کننده کهیعص و طه

وَیس، وَالْقُرآنِ الْحَکیمِ، انْتَ کَهْفی حینَ تُعْییِنِی الْمَذاهِبُ فی سَعَتِها،

و «یس و قرآن حکمت آموز» تویی پناه من هنگامی که درمانده ام کنند راهها با همه وسعتی که دارند

وَتَضیقُ بِیَ الْأَرْضُ بِرُحْبِها، وَلَوْلا رَحْمَتُکَ لَکُنْتُ مِنَ الْهالِکینَ، وَانْتَ

و زمین بر من تنگ گیرد با همه پهناوریش و اگر نبود رحمت تو بطور حتم من هلاک شده بودم و تویی

ص: 866

مُقيلُ عَثْرَتى وَلَوْلا سَتْرُکَ ایَّایَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحینَ، وَ انْتَ مُؤَیِّدى

نادیده گیر لغزشم و اگر پرده پوشى تو نبود مسلّماً من از رسواشدگان بودم و تویى که

بِالنَّصْرِ عَلى اعْدآئى وَ لَوْ لا نَصْرُکَ ایَّایَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبینَ، یا مَنْ

به یارى خود مرا بر دشمنانم یارى دهى و اگر نبود یارى تومن مغلوب شده بودم اى که

خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَ الرِّفْعَهِ، فَاوْلِیآئُهُ بِعِزِّهِ یَعْتَزُّونَ، یا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ

مخصوص کرده خود را به بلندى و برترى و دوستانش بوسیله عزت او عزت یابند اى که

الْمُلُوکُ نیرَ الْمَذَلَّهِ عَلى اعْناقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَواتِهِ خائِفُونَ، یَعْلَمُ خائِنَهَ

پادشاهان در برابرش طوق خوارى به گردن گذارند و آنها از سَطَوَتَش ترسانند مى داند حرکت (یا خیانت)

الْأَعْیُنِ وَما تُخْفِى الصُّدُورُ، وَ غَیْبَ ما تَأْتى بِهِ الْأَزْمِنَهُ وَالدُّهُورُ، یا مَنْ

چشمها و آنچه را سینه ها پنهان کنند و حوادثى که در کمون زمانها و روزگارهاست اى که

لا یَعْلَمُ کَیْفَ هُوَ الَّا هُوَ، یا مَنْ لا یَعْلَمُ ما هُوَ الَّا هُوَ، یا مَنْ لا یَعْلَمُهُ الَّا

نداند چگونگى او را جز خود او اى که نداند چیست او جز او اى که نداند او را جز

هُوَ(1)، یا مَنْ کَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْماَءِ، وَسَدَّ الْهَوآءَ بِالسَّماَءِ، یا مَنْ لَهُ

خود او اى که زمین را بر آب فرو بُردى و هوا را به آسمان بستى اى که

اکْرَمُ الْأَسْماَءِ، یا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذى لا یَنْقَطِعُ ابَداً، یا مُقَیِّضَ الرَّکْبِ

گرامی ترین نامها از اوست ای دارنده احسانی که هرگز قطع نشود ای گمارنده کاروان برای نجات

لِیُوسُفَ فِی الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَجاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِیَّهِ

یوسف در آن جای بی آب و علف و بیرون آورنده اش از چاه و رساننده اش به پادشاهی پس از بندگی

مَلِکاً، یا رادَّهُ عَلی یَعْقُوبَ بَعْدَ انِ ابْیَضَّتْ عَیْناهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ کَظیمٌ، یا

ای که او را برگرداندی به یعقوب پس از آن که دیدگانش از اندوه سفید شده بود و آکنده از غم بود ای

کاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلْوی عَنْ ایُّوبَ، وَمُمْسِکَ یَدَیْ ابْراهیمَ عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ،

برطرف کننده سختی و گرفتاری از ایوب و ای نگهدارنده دستهای ابراهیم از ذبح پسرش

بَعْدَ کِبَرِ سِنِّهِ وَفَنآءِ عُمُرِهِ، یا مَنِ اسْتَجابَ لِزَکَرِیّا فَوَهَبَ لَهُ یَحْیی وَلَمْ

پس از سن پیری و بسرآمدن عمرش ای که دعای زکریا را به اجابت رساندی و یحیی را به او بخشیدی و

ص: 867

1- [1193]در بلدالامین آمده است:« یا من لا یعلم ما یعلمهُ الّا هو».

يَدَعْهُ فَرْداً وَحيداً، يا مَنْ اخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يا مَنْ فَلَقَ

او را تنها و بى كس وامگذاردى اى كه بيرون آورد يونس را از شكم ماهى اى كه شكافت

الْبَحْرَ لِبَنى اسْرآئيلَ فَانْجاهُمْ، وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقينَ، يا

دريا را براى بنى اسرائيل و (از فرعونيان) نجاتشان دادو فرعون و لشكريانش را غرق كرد اى

مَنْ ارْسَلَ الرِّياحَ مُبَشِّراتٍ بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِ، يا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلى مَنْ

كه فرستاد بادها را نويد دهندگانى پيشاپيش آمدن رحمتش اى كه شتاب نكند بر (عذاب)

عَصاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يا مَنِ اسْتَنْقَذَ السَّحَرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدْ

نافرمانان از خلق خود اى كه نجات بخشيد ساحران (فرعون) را پس از سالها انكار (و كفر) و چنان

غَدَوْا فى نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ، وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حآدُّوهُ وَنآدُّوهُ،

بودند كه متنعّم به نعمتهاى خدا بودند كه روزيش را مى خوردند ولى پرستش ديگرى را مى كردند و با خدا دشمنى و ضديت داشتند

وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا بَدىُ، يا بَديعاً لا نِدَّ لَكَ، يا دآئِماً لا نَفادَ لَكَ،

و رسولانش را تكذيب مى كردند اى خدا اى خدا اى آغازنده اى پديدآورنده اى كه همتا ندارى اى جاويدانى كه زوال ندارى

يا حَيّاً حينَ لا حَىَّ، يا مُحْيِىَ الْمَوْتى يا مَنْ هُوَ قآئِمٌ عَلى كُلِّ نَفْسٍ بِما

اى زنده در آنگاه كه زنده اى نبوداى زنده كن مردگان اى كه مراقبت دارى بر هركس بدانچه

كَسَبَتْ، يا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرى فَلَمْ يَحْرِمْنى وَعَظُمَتْ خَطيئَتى فَلَمْ

انجام داده ای که سپاسگزاری من برایش اندک است ولی محرومم نکند و خطایم بزرگ است ولی

یَفْضَحْنی وَ رَ انی عَلَی الْمَعاصی فَلَمْ یَشْهَرْنی یا مَنْ حَفِظَنی فی

رسوایم نکند و مرا بر نافرمانی خویش بیند ولی پرده ام ندرد ای که مرا در

صِغَری یا مَنْ رَزَقَنی فی کِبَری یا مَنْ ایادیهِ عِنْدی لا تُحْصی وَنِعَمُهُ

کودکی محافظت کردی ای که در بزرگی روزیم دادی ای که اندازه مرحمت هایی که به من کردی بشماره نیاید و نعمتهایش

لا تُجازی یا مَنْ عارَضَنی بِالْخَیْرِ وَالْإِحْسانِ، وَعارَضْتُهُ بِالْإِساَئهِ

را تلافی ممکن نباشد ای که روبه رو شد با من به نیکی و احسان ولی من با او به بدی

وَالْعِصْیانِ، یا مَنْ هَدانی لِلْإیمانِ مِنْ قَبْلِ انْ اعْرِفَ شُکْرَ الْإِمْتِنانِ، یا

و گناه روبه رو شدم ای که مرا به ایمان هدایت کرد پیش از آن که بشناسم طریقه سپاسگزاری نعمتش را ای که

مَنْ دَعَوْتُهُ مَریضاً فَشَفانی وَعُرْیاناً فَکَسانی وَجائِعاً فَاشْبَعَنی

خواندمش در حال بیماری و او شفایم داد و در برهنگی و او مرا پوشاند و در گرسنگی و او سیرم کرد

وَعَطْشاناً فَارْوانى وَذَليلاً فَاعَزَّنى وَجاهِلاً فَعَرَّفَنى وَوَحيداً

و در تشنگى و او سيرابم كرد و در خوارى و او عزتم بخشيد و در نادانى و او معرفتم بخشيد و در تنهايى

فَكَثَّرَنى وَغائِباً فَرَدَّنى وَمُقِلاّ ًفَاغْنانى وَمُنْتَصِراً فَنَصَرَنى وَغَنِيّاً فَلَمْ

و او فزونى جمعيت داد و در دورى و او بازم گرداند و در ندارى و او دارايم كرد و در كمك خواهى و او ياريم داد و در ثروتمندى و او

يَسْلُبْنى وَامْسَكْتُ عَنْ جَميعِ ذلِكَ فَابْتَدَانى فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ يا

از من سلب نفرمود و (هنگامى كه) از همه اين خواسته ها دم بستم تو آغاز كردى پس از آن توست حمد و سپاس اى

مَنْ اقالَ عَثْرَتى وَ نَفَّسَ كُرْبَتى وَ اجابَ دَعْوَتى وَ سَتَرَ عَوْرَتى

كه لغزشم را ناديده گرفت و گرفتگى را از من دور كرد و دعايم را اجابت فرمود و عيبم را پوشاند و

وَغَفَرَ ذُنُوبى وَ بَلَّغَنى طَلِبَتى وَ نَصَرَنى عَلى عَدُوّى وَ انْ اعُدَّ نِعَمَكَ

گناهانم را آمرزيد و به خواسته ام رسانيد و بر دشمنم يارى داد و اگر بخواهم نعمتها و

وَمِنَنَكَ وَكَرائِمَ مِنَحِكَ لا احْصيها، يا مَوْلاىَ انْتَ الَّذى مَنَنْتَ، انْتَ الَّذى

عطاها و مراحم بزرگ تو را بشمارم نتوانم اى مولاى من اين تويى كه منّت نهادى و اين تويى كه

انْعَمْتَ، انْتَ الَّذى احْسَنْتَ، انْتَ الَّذى اجْمَلْتَ، انْتَ الَّذى افْضَلْتَ، انْتَ

نعمت دادى اين تويى كه احسان فرمودى اين تويى كه نيكى كردى اين تويى كه فزونى بخشيدى اين تويى

الَّذى اكْمَلْتَ، انْتَ الَّذى رَزَقْتَ، انْتَ الَّذى وَفَّقْتَ، انْتَ الَّذى اعْطَيْتَ،

که کامل کردی این تویی که روزی دادی این تویی که توفیق دادی این تویی که عطا کردی

انْتَ الَّذی اغْنَیْتَ، انْتَ الَّذی اقْنَیْتَ، انْتَ الَّذی اوَیْتَ، انْتَ الَّذی کَفَیْتَ،

این تویی که بی نیاز کردی این تویی که ثروت بخشیدی این تویی که مأوی دادی این تویی که کفایت کردی

انْتَ الَّذی هَدَیْتَ، انْتَ الَّذی عَصَمْتَ، انْتَ الَّذی سَتَرْتَ، انْتَ الَّذی

این تویی که هدایت کردی این تویی که نگهداشتی این تویی که پوشاندی این تویی که

غَفَرْتَ، انْتَ الَّذی اقَلْتَ، انْتَ الَّذی مَکَّنْتَ، انْتَ الَّذی اعْزَزْتَ، انْتَ

آمرزیدی این تویی که نادیده گرفتی این تویی که قدرت و چیرگی دادی این تویی که عزت بخشیدی این تویی

الَّذی اعَنْتَ، انْتَ الَّذی عَضَدْتَ، انْتَ الَّذی ایَّدْتَ، انْتَ الَّذی نَصَرْتَ،

که کمک کردی این تویی که پشتیبانی کردی این تویی که تأیید کردی این تویی که یاری کردی

انْتَ الَّذی شَفَیْتَ، انْتَ الَّذی عافَیْتَ، انْتَ الَّذی اکْرَمْتَ، تَبارَکْتَ

این تویی که شفا دادی این تویی که عافیت دادی این تویی که اکرام کردی بزرگی و

ص :869

وَتَعالَیْتَ، فَلَکَ الْحَمْدُ دآئِماً، وَلَکَ الشُّکْرُ واصِباً ابَداً، ثُمَّ انَا یا الهی

برتری از توست و ستایش همیشه مخصوص تو است و سپاسگزاری دائمی و جاوید از آن تواست و اما من ای معبودم

الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبی فَاغْفِرْها لی ا نَا الَّذی اسَاْتُ، ا نَا الَّذی اخْطَاْتُ، ا نَا

کسی هستم که به گناهانم اعتراف دارم پس آنها را بیامرز و این منم که بد کردم این منم که خطا کردم این منم

الَّذی هَمَمْتُ، ا نَا الَّذی جَهِلْتُ، انَا الَّذی غَفَلْتُ، انَا الَّذی سَهَوْتُ، انَا

که (به بدی) همت گماشتم این منم که نادانی کردم این منم که غفلت ورزیدم این منم که فراموش کردم این منم

الَّذِی اعْتَمَدْتُ، انَا الَّذی تَعَمَّدْتُ، ا نَا الَّذی وَعَدْتُ، وَ ا نَاالَّذی اخْلَفْتُ،

که (به غیر یا به خود) اعتماد کردم این منم که (به کاربد) تعمّد کردم این منم که وعده دادم و این منم که خلف وعده کردم

ا نَا الَّذی نَکَثْتُ، ا نَا الَّذی اقْرَرْتُ، ا نَا الَّذِی اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِکَ عَلَیَ

این منم که پیمان شکنی کردم این منم که به بدی اقرار کردم این منم که به نعمت تو بر خود و در پیش خود اعتراف دارم

وَعِنْدی وَابُوءُ بِذُنُوبی فَاغْفِرْها لی یا مَنْ لا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبادِهِ، و هُوَ

و با گناهانم بسویت بازگشته ام پس آنها را بیامرز ای که زیانش نرساند گناهان بندگان و

الْغَنیُّ عَنْ طاعَتِهِمْ، وَالْمُوَفِّقُ مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَ رَحْمَتِهِ،

از اطاعت ایشان بی نیازی و تو آنی که هرکس از بندگان کردار شایسته ای انجام دهد به رحمت خویش توفیقش دهی

فَلَکَ الْحَمْدُ الهی وَسَیِّدی الهی امَرْتَنی فَعَصَیْتُکَ، وَ نَهَیْتَنی فَارْتَکَبْتُ

پس تو راست ستایش ای معبود و آقای من خدایا به من دستور دادی و من نافرمانی کردم و نهی فرمودی ولی من نهی تو را مرتکب شدم

نَهْیَکَ، فَاصْبَحْتُ لا ذا بَرآءَهٍ لی فَاعْتَذِرُ، وَ لا ذا قُوَّهٍ فَانْتَصِرُ، فَبِأَیِّ شَیْ ءٍ

و اکنون به حالی افتاده ام که نه وسیله تبرئه ای دارم که پوزش خواهم و نه نیرویی دارم که بدان یاری گیرم پس به چه وسیله

اسْتَقْبِلُکَ یا مَوْلایَ، ابِسَمْعی امْ بِبَصَری امْ بِلِسانی امْ بِیَدی امْ بِرِجْلی

با تو روبه رو شوم ای مولای من آیا به گوشم یا به چشمم یا به زبانم یا به دستم یا به پایم

الَیْسَ کُلُّها نِعَمَکَ عِندی وَ بِکُلِّها عَصَیْتُکَ یا مَوْلایَ، فَلَکَ الْحُجَّهُ

آیا همه اینها نعمتهای تو نیست که در پیش من بود و با همه آنها تو را معصیت کردم ای مولای من پس تو حجت

وَالسَّبیلُ عَلَیَّ، یا مَنْ سَتَرَنی مِنَ الْأباءِ وَ الْامَّهاتِ انْ یَزْجُرُونی وَ مِنَ

و راه مؤاخذه بر من داری ای که مرا پوشاندی از پدران و مادران که مرا از نزد خود برانند و از

الْعَشائِرِ وَالْإِخْوانِ انْ یُعَیِّرُونی وَمِنَ السَّلاطینِ انْ یُعاقِبُونی وَ لَوِ

فامیل و برادران که مرا سرزنش کنند و از سلاطین و حکومتها که مرا شکنجه کنند و اگر

اطَّلَعُوا یا مَوْلایَ عَلی مَا اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنّی اذاً ما انْظَرُونی وَ لَرَفَضُونی

آنها مطلع بودند ای مولای من بر آنچه تو بر آن مطلعی از کار من در آن هنگام مهلتم نمی دادند و از خود دورم می کردند

وَ قَطَعُونی فَها انَا ذا یا الهی بَیْنَ یَدَیْکَ، یا سَیِّدی خاضِعٌ ذَلیلٌ حَصیرٌ

و از من می بریدند و اینک خدایا این منم که در پیشگاهت ایستاده ای آقای من با حال خضوع و خواری و درماندگی و کوچکی

حَقیرٌ، لا ذُو بَرآئَهٍ فَاعْتَذِرُ، وَ لا ذُو قُوَّهٍ فَانْتَصِرُ، وَلا ذُو حُجَّهٍ فَاحْتَجُ

نه وسیله تبرئه جویی دارم که پوزش طلبم و نه نیرویی که یاری جویم و نه حجت و برهانی که بدان چنگ زنم

بِها، وَلا قائِلٌ لَمْ اجْتَرِحْ وَ لَمْ اعْمَلْ سُوءاً، وَ ما عَسَی الْجُحُودُ وَ لَوْ

و نه می توانم بگویم که گناه نکرده ام و کجا می تواند انکار- فرضاً که

جَحَدْتُ یا مَوْلایَ یَنْفَعُنی کَیْفَ وَ انّی ذلِکَ، وَ جَوارِحی کُلُّها شاهِدَهٌ

انکار کنم ای مولای من- سودم بخشد! چگونه؟ و کجا؟ با این که تمام اعضای من گواهند

عَلَیَّ بِما قَدْ عَمِلْتُ، وَعَلِمْتُ 1194] یَقیناً غَیْرَ ذی شَکٍّ انَّکَ سآئِلی مِنْ عَظایِمِ

بر من به آنچه انجام داده و به یقین می دانم و هیچ گونه شک و تردیدی ندارم که تو از کارهای بزرگ

الْامُورِ، وَ انَّکَ الْحَکَمُ الْعَدْلُ الَّذی لا تَجُورُ، وَ عَدْلُکَ مُهْلِکی وَ مِنْ کُلِ

از من پرسش خواهی کرد و تویی آن داور عادلی که ستم نکند و همان عدالتت مرا هلاک کند و از تمام

عَدْلِکَ مَهْرَبی فَانْ تُعَذِّبْنی یا الهی فَبِذُنُوبی بَعْدَ حُجَّتِکَ عَلَیَّ، وَ انْ

عدالت تو می گریزم اگر عذابم کنی خدایابواسطه گناهان من است پس از آن که حجت بر من داری و اگر

تَعْفُ عَنّی فَبِحِلْمِکَ وَ جُودِکَ وَ کَرَمِکَ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ انّی کُنْتُ

از من درگذری پس به بردباری و بخشندگی و بزرگواری توست معبودی جز تو نیست منزهی تو و من

مِنَ الظَّالِمینَ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ انّی کُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرینَ، لا الهَ

از ستمکارانم معبودی جز تونیست منزهی تو و من از آمرزش خواهانم معبودی

الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ انّی کُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدینَ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ انّی

جز تو نیست منزهی تو و من از یگانه پرستانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و

کُنْتُ مِنَ الْخآئِفینَ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ انّی کُنْتُ مِنَ الْوَجِلینَ، لا الهَ

من از ترسناکانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از هراسناکانم معبودی جز

الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ انّی کُنْتُ مِنَ الرَّاجینَ، لااِلهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ انّی

تو نیست منزهی تو و من از امیدوارانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و من

کُنْتُ مِنَ الرَّاغِبینَ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ انّی کُنْتُ مِنَ الْمُهَلِّلینَ، لا الهَ

از مشتاقانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تهلیل (لااله الااللّه) گویانم معبودی

الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ انّی کُنْتُ مِنَ السآئِلینَ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ انّی

جز تو نیست منزهی تو و من از خواهندگانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از

کُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحینَ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ انّی کُنْتُ مِنَ الْمُکَبِّرینَ،

تسبیح گویانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تکبیر (الله اکبر) گویانم

لااِلهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ رَبّی وَرَبُّ ابآئِیَ الْأَوَّلینَ.

معبودی نیست جز تو منزّهی تو پروردگار من و پروردگار پدران پیشین من.

***

اللّهُمَّ هذا ثَنائی عَلَیْکَ مُمَجِّداً، وَاخْلاصی لِذِکْرِکَ مُوَحِّداً، وَاقْراری

خدایا این است ستایش من بر تو در مقام تمجیدت و این است اخلاص من بذکر در مقام یکتاپرستیت و اقرار من

بالائِکَ مُعَدِّداً، وَانْ کُنْتُ مُقِرّاً انّی لَمْ احْصِها لِکَثْرَتِها وَسُبُوغِها

به نعمتهایت در مقام شماره آنها گرچه من اقرار دارم که آنها را نتوانم بشماره درآورم از بسیاری آنها و فراوانی

وَتَظاهُرِها، وَتَقادُمِها الی حادِثٍ، ما لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنی بِهِ مَعَها مُنْذُ

و آشکاری آنها و پیشی جُستن آنها از زمان پیدایش من که همواره در آن عهد مرا بوسیله آن نعمتها یادآوری می کردی از آن ساعت که مرا آفریدی

خَلَقْتَنی وَبَرَاْتَنی مِنْ اوَّلِ الْعُمْرِ مِنَ الْإِغْنآءِ مِنَ الْفَقْرِ، وَکَشْفِ الضُّرِّ،

از همان ابتدای عمر که از نداری و فقر مرا به توانگری درآوردی و گرفتاریم برطرف کردی

وَتَسْبیبِ الْیُسْرِ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ، وَتَفریجِ الْکَرْبِ، وَالْعافِیَهِ فِی الْبَدَنِ،

و اسباب آسایش مرا فراهم ساختی و سختی را دفع نموده و اندوه را زدودی و تنم را تندرست

وَالسَّلامَهِ فِی الدّینِ، وَلَوْ رَفَدَنی عَلی قَدْرِ ذِکْرِ نِعْمَتِکَ جَمیعُ الْعالَمینَ و

دینم را بسلامت داشتی و اگر یاریم دهند به اندازه ای که نعمتت را ذکر کنم تمام جهانیان

مِنَ الْأَوَّلینَ وَالْأخِرینَ، ما قَدَرْتُ وَلاهُمْ عَلی ذلِکَ، تَقَدَّسْتَ وَتَعالَیْتَ

از اوّلین و آخرین نه من قدرت ذکرش را دارم نه آنها منزهی تو و برتری

مِنْ رَبٍّ کَریمٍ عَظیمٍ رَحیمٍ، لا تُحْصی الآؤُکَ، وَلا یُبْلَغُ ثَنآؤُکَ، وَلا

از این که پروردگاری هستی کریم و بزرگ و مهربان که مهرورزی هایت به شماره درنیاید و ستایشت به آخر نرسد

ص: 872

تُكافى نَعْمآؤُكَ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاتْمِمْ عَلَيْنا نِعَمَكَ،

و نعمتهايت را تلافى نتوان كرد درود فرست بر محمّد و آل محمّد و كامل گردان بر ما نعمتهايت را

وَاسْعِدْنا بِطاعَتِكَ، سُبْحانَكَ لا الهَ الّا انْتَ، اللّهُمَّ انَّكَ تُجيبُ الْمُضْطَرَّ،

و بوسيله اطاعت خويش سعادتمندمان گردان منزهى تو معبودى جز تو نيست خدايا تويى كه اجابت كنى دعاى درمانده را

وَتَكْشِفُ السُّوءَ، وَتُغيثُ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِى السَّقيمَ، وَتُغْنِى الْفَقيرَ،

و برطرف كنى بدى را و فريادرسى كنى از گرفتار و شفا دهى به بيمار و بى نياز كنى فقير را

وَتَجْبُرُ الْكَسيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغيرَ، وَتُعينُ الْكَبيرَ، وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهيرٌ، وَلا

و مرمت كنى شكستگى را و رحم كنى به كودك خردسال و يارى دهى به پير كهنسال و جز تو پشتيبانى نيست و نه

فَوْقَكَ قَديرٌ، وَانْتَ الْعَلِىُّ الْكَبيرُ، يا مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسيرِ، يا رازِقَ

فوق (توانايى) تو توانايى و تويى والاى بزرگ اى رهاكننده اسير در كُند و زنجير اى روزى دهنده

الطِّفْلِ الصَّغيرِ، يا عِصْمَةَ الْخآئِفِ الْمُسْتَجيرِ، يا مَنْ لا شَريكَ لَهُ وَلا

كودك خردسال اى پناه شخص ترسانى كه پناه جويد اى كه شريك و

وَزيرَ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْطِنى فى هذِهِ الْعَشِيَّهِ، افْضَلَ ما

وزيرى براى او نيست درود فرست بر محمّد و آل محمّد و عطا كن به من در اين شام بهترين چيزى را

اعْطَيْتَ وَانَلْتَ احَداً مِنْ عِبادِكَ، مِنْ نِعْمَهٍ تُوليها، وَ الاءٍ تُجَدِّدُها، وَبَلِيَّهٍ

که عطا کردی و دادی به یکی از بندگانت چه آن نعمتی باشد که می بخشی و یا احسانهایی که تازه کنی و بلاهایی که

تَصْرِفُها، وَكُرْبَهٍ تَكْشِفُها، وَدَعْوَهٍ تَسْمَعُها، وَحَسَنَهٍ تَتَقَبَّلُها، وَسَيِّئَهٍ

می گردانی و غم و اندوهی که برطرف کنی و دعایی که اجابت کنی و کار نیکی که بپذیری و گناهانی که

تَتَغَمَّدُها، انَّکَ لَطيفٌ بِما تَشآءُ خَبيرٌ، وَعَلى كُلِّ شَىْ ءٍ قَديرٌ، اللَّهُمَّ انَّکَ

بپوشانی که براستی تو بهر چه خواهی دقیق و آگاهی و بر هرچیز توانایی خدایا تو

اقْرَبُ مَنْ دُعِىَ، وَاسْرَعُ مَنْ اجابَ، وَاكْرَمُ مَنْ عَفى وَاوْسَعُ مَنْ اعْطى

نزدیکترین کسی هستی که خوانندت و از هر کس زودتر اجابت کنی و در گذشت از هر کس بزرگوارتری و در عطابخشی عطایت از همه وسیعتر

وَاسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يا رَحمنَ الدُّنْيا وَالْأخِرَهِ وَرحيمَهُما، لَيْسَ كَمِثْلِکَ

و در اجابت درخواست از همه شنواتری ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهربان آن دو براستی کسی که مانند تو

مَسْئُولٌ، وَلا سِواکَ مَاْمُولٌ، دَعَوْتُکَ فَاجَبْتَنى وَ سَئَلْتُکَ فَاعْطَيْتَنى

از او درخواست شود نیست و جز تو آرزو شده ای نیست خواندمت و تو اجابت کردی و درخواست کردم و تو عطا کردی و

ص :873

وَرَغِبْتُ اَلَيْکَ فَرَحِمْتَنی وَوَثِقْتُ بِکَ فَنَجَّیْتَنی وَفَزِعْتُ اَلَیْکَ فَکَفَیْتَنی

به درگاه تو میل کردم و تو مرا مورد مهر خویش قرار دادی و به تو اعتماد کردم و تو نجاتم دادی و به درگاه تو نالیدم و تو کفایتم کردی

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ، وَعَلی آلِهِ الطَّیِّبینَ

خدایا درود فرست بر محمّد بنده و رسول و پیامبرت و بر آل پاک

الطَّاهِرینَ اجْمَعینَ، وَتَمِّمْ لَنا نَعْمآئَکَ، وَ هَنِّئْنا عَطآئَکَ، وَ اکْتُبْنا لَکَ

و پاکیزه اش همگی و نعمتهای خود را بر ما کامل گردان و عطایت را بر ما گوارا کن و نام ما را در زمره سپاسگزارانت بنویس

شاکِرینَ، وَ لِألآئِکَ ذاکِرینَ، امینَ امینَ رَبَّ الْعالَمینَ، اللَّهُمَّ یا مَنْ مَلَکَ

و هم جزء یادکنندگان نعمتهایت آمین آمین ای پروردگار جهانیان خدایا ای که مالک آمد

فَقَدَرَ، وَ قَدَرَ فَقَهَرَ، وَ عُصِیَ فَسَتَرَ، وَ اسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ، یا غایَهَ الطَّالِبینَ

و توانا، و تواناست و قاهر و نافرمانی شد ولی پوشاند و آمرزشش خواهند و آمرزد ای کمال مطلوب جویندگان

الرَّاغِبینَ، وَ مُنْتَهی امَلِ الرَّاجینَ، یا مَنْ احاطَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عِلْماً، وَوَسِعَ

مشتاق و منتهای آرزوی امیدواران ای که دانشش به هر چیز احاطه دارد

الْمُسْتَقیلینَ رَاْفَهً وَرَحْمَهً وَحِلْماً.

و رأفت و مهر و بردباریش توبه جویان را فرا گرفته.

***

اللَّهُمَّ انَّا نَتَوَجَّهُ الَیْکَ فی هذِهِ الْعَشِیَّهِ الَّتی شَرَّفْتَها وَعَظَّمْتَها، بِمُحَمَّدٍ

خدایا ما رو به درگاه تو آوریم در این شبی که آن را شرافت و بزرگی دادی بوسیله محمّد

نَبِیِّکَ وَرَسُولِکَ، وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَامینِکَ عَلی وَحْیِکَ، الْبَشیرِ

پیامبرت و فرستاده ات و برگزیده ات از آفریدگان و امین تو بر وحیت آن مژده دهنده

النَّذیرِ، السِّراجِ الْمُنیرِ، الَّذی انْعَمْتَ بِهِ عَلَی الْمُسْلِمینَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً

و ترساننده و آن چراغ تابناک آن که بوسیله اش بر مسلمانان نعمت بخشیدی و رحمت

لِلْعالَمینَ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، کَما مُحَمَّدٌ اهْلٌ لِذلِکَ

عالمیان قرارش دادی خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد چنانچه محمّد نزد تو شایسته

مِنْکَ یا عَظیمُ، فَصَلِّ عَلَیْهِ وَعَلی آلِهِ الْمُنْتَجَبینَ الطَّیِّبینَ الطَّاهِرینَ

آن است ای خدای بزرگ پس درود فرست بر او و بر آل برگزیده پاک و پاکیزه اش

ص: 874

اجْمَعينَ، وَتَغَمَّدْنا بِعَفْوِکَ عَنَّا، فَالَیْکَ عَجَّتِ الْأَصْواتُ بِصُنُوفِ اللُّغاتِ،

همگی و بپوشان ما را به گذشت خود زیرا صداها با انواع مختلف لغتهاشان (و هرکس به زبانی ناله اش) بسوی تو بلند است

فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فی هذِهِ الْعَشِیَّهِ، نَصیباً مِنْ کُلِّ خَیْرٍ تَقْسِمُهُ بَیْنَ عِبادِکَ،

پس ای خدا برای ما قرار ده در این شام بهره ای از هر خیری که میان بندگانت تقسیم فرمایی

وَنُورٍ تَهْدی بِهِ، وَرَحْمَهٍ تَنْشُرُها، وَبَرَکَهٍ تُنْزِلُها، وَعافِیَهٍ تُجَلِّلُها، وَرِزْقٍ

و نوری که بدان هدایت فرمایی و رحمتی که بگستری آن را و برکتی که نازلش کنی و عافیتی که بپوشانی و روزی و رزقی که

تَبْسُطُهُ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، اللَّهُمَّ اقْلِبْنا فی هذَا الْوَقْتِ مُنْجِحینَ

پهن کنی ای مهربانترین مهربانان خدایا برگردان ما را در این هنگام پیروزمند و

مُفْلِحینَ، مَبْرُورینَ غانِمینَ، وَلاتَجْعَلْنا مِنَ الْقانِطینَ، وَلا تُخْلِنا مِنْ

رستگار و پذیرفته و بهره مند و از ناامیدان قرارمان مده و از رحمتت دست خالیمان

رَحْمَتِکَ، وَلا تَحْرِمْنا ما نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِکَ، وَلا تَجْعَلْنا مِنْ رَحْمَتِکَ

مفرما و محروممان مکن از آنچه از فضل تو آرزومندیم و جزء محرومان رحمتت قرارمان مده

مَحْرُومینَ، وَلا لِفَضْلِ ما نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطآئِکَ قانِطینَ، وَلا تَرُدَّنا خائِبینَ،

و نه ناامیدمان کن از آن زیادی عطایت که آرزومندیم و ناکام بازِمان مگردان و

وَلا مِنْ بابِکَ مَطْرُودینَ، یا اجْوَدَ الْأَجْوَدینَ، وَاکْرَمَ الْأَکْرَمینَ، الَیْکَ

از درگاهت مطرود و رانده مان مکن ای بخشنده ترین بخشندگان و کریمترین کریمان ما با

اقْبَلْنا مُوقِنینَ، وَ لِبَیْتِکَ الْحَرامِ امّینَ قاصِدینَ، فَاعِنَّا عَلی مَناسِکِنا،

یقین به درگاه تو روآوردیم و به آهنگ (زیارت) خانه محترم تو (کعبه بدین جا) آمدیم پس کمک ده ما را بر انجام مناسک حج

وَاکْمِلْ لَنا حَجَّنا، وَاعْفُ عَنَّا(1) وَعافِنا، فَقَدْ مَدَدْنا الَیْکَ ایْدِیَنا، فَهِیَ بِذِلَّهِ

و حجمان را کامل گردان و از ما درگذر و تندرستمان دار زیرا که مابسوی تو دو دست (نیاز) دراز کرده ایم و آن دستها چنان است که به خواری

الْإِعْتِرافِ مَوْسُومَهٌ، اللَّهُمَّ فَاعْطِنا فی هذِهِ الْعَشِیَّهِ ما سَئَلْناکَ، وَاکْفِنا مَا

اعتراف به گناه نشاندار شده خدایا در این شام به ما عطا کن آنچه را از تو خواسته ایم و کفایت کن از ما آنچه را از تو کفایت آن را خواستیم زیرا

اسْتَکْفَیْناکَ، فَلا کافِیَ لَنا سِواکَ، وَلا رَبَّ لَنا غَیْرُکَ، نافِذٌ فینا حُکْمُکَ،

کفایت کننده ای جز تو نداریم و پروردگاری غیر از تو برای ما نیست تویی که فرمانت درباره ما نافذ و دانشت

1- [1195]بلدالامین: وَاعْفُ اللَّهُمَّ عَنَّا.

مُحیطٌ بِنا عِلْمُکَ، عَدْلٌ فینا قَضاۤؤُکَ، اقْضِ لَنَا الْخَیْرَ، وَاجْعَلْنا مِنْ اهْلِ

به ما احاطه دارد و حکمی که درباره ما فرمایی ازروی عدالت است خدایا خیر و نیکی برای ما مقرر کن و از اهل

الْخَیْرِ، اللَّهُمَّ اوْجِبْ لَنا بِجُودِکَ عَظیمَ الْأَجْرِ، وَکَریمَ الذُّخْرِ، وَدَوامَ

خیر قرارمان ده خدایا واجب گردان برای ما از آن جودی که داری پاداشی بزرگ و ذخیره ای گرامی و آسایشی

الْیُسْرِ، وَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا اجْمَعینَ، وَلا تُهْلِکْنا مَعَ الْهالِکینَ، وَلا تَصْرِفْ

همیشگی و بیامرز گناهان ما را همگی و در زمره هلاک شدگان بدست هلاکتمان مسپار و

عَنَّا رَاْفَتَکَ وَرَحْمَتَکَ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنا فی هذَا الْوَقْتِ

مهر و رأفتت را از ما باز مگردان ای مهربانترین مهربانان خدایا قرارمان ده در این وقت

مِمَّنْ سَئَلَکَ فَاعْطَیْتَهُ، وَشَکَرَکَ فَزِدْتَهُ، وَتابَ الَیْکَ فَقَبِلْتَهُ، وَتَنَصَّلَ الَیْکَ

از کسانی که از تو درخواست کرده و عطا فرموده ای و شکر تو را بجا آورده و نعمتت را بر آنها افزون کرده و بسویت بازگشته و پذیرفته ای

مِنْ ذُنُوبِهِ کُلِّها فَغَفَرْتَها لَهُ، یا ذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، اللَّهُمَّ وَ نَقِّنا(1) وَ سَدِّدْنا،

و از گناهان بسوی تو بیرون آمده و تو همه را آمرزیده ای، ای صاحب جلالت و بزرگواری خدایا ما را پاکیزه و (در دین) محکممان گردان

وَاقْبَلْ تَضَرُّعَنا، یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ، وَیا ارْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ، یا مَنْ لا

و تضرع و زاریمان بپذیر ای بهترین کسی که ازاو درخواست شود و ای مهربانترین کسی که از او مِهر خواهند ای که

یَخْفی عَلَیْهِ اغْماضُ الْجُفُونِ، وَلا لَحْظُالْعُیُونِ، وَلا مَا اسْتَقَرَّ فِی

بر او پوشیده نیست بهم نهادن پلکهای چشم و نه بر هم خوردن دیدگان و نه آنچه در مکنون ضمیر مستقر گردیده

الْمَکْنُونِ، وَلا مَا انْطَوَتْ عَلَیْهِ مُضْمَراتُ الْقُلُوبِ، الا کُلُّ ذلِکَ قَدْ احْصاهُ

و نه آنچه در پرده دلها نهفته است آری تمام آنها رادانش تو شماره کرده

عِلْمُکَ، وَوَسِعَهُ حِلْمُکَ، سُبْحانَکَ وَتَعالَیْتَ عَمَّا یَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوّاً

و بردباریت همه را در برگرفته است منزهی تو و برتری از آنچه ستمکاران گویند

کَبیراً، تُسَبِّحُ لَکَ السَّمواتُ السَّبْعُ وَالْأَرَضُونَ وَمَنْ فیهِنَّ، وَانْ مِنْ شَئْ ءٍ

برتری بسیاری، تنزیه کنند تو را آسمانهای هفتگانه و زمینها و هرکه در آنهاست و چیزی نیست

الَّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ، فَلَکَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ، یا ذَاالْجَلالِ

جز آن که به ستایش تو تسبیح کند پس تو راست ستایش و بزرگواری و بلندی رتبه، ای صاحب جلالت

ص: 876

1- [1196]بلدالامین: وَفِّقنا.

وَالْإِكْرامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعامِ، وَالْأَيادِی الْجِسامِ، وَانْتَ الْجَوادُ

و بزرگواری و فضل و نعمت بخشی و موهبتهای بزرگ و تویی بخشنده

الْكَريمُ الرَّؤُوفُ الرَّحيمُ، اللَّهُمَّ اوْسِعْ عَلَىَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ، وَعافِنی

بزرگوار رؤوف و مهربان خدایا فراخ گردان بر من از روزی حلال خود و عافیتم بخش

فی بَدَنی وَ دینی وَ امِنْ خَوْفی وَ اعْتِقْ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ لا تَمْكُرْ

در تن و هم در دینم و ترسم را امان بخش و از آتش دوزخ آزادم کن خدایا مرا به مکر خود

بی وَلا تَسْتَدْرِجْنی وَلا تَخْدَعْنی وَ ادْرَءْ عَنّی شَرَّ فَسَقَهِ الْجِنِ

دچار مساز و در غفلت تدریجی بسوی نابودی مبر و فریبم مده و شرّ تبهکاران جن و

وَالْإِنْسِ* آنگاه سر خود را به سوی آسمان بلند کرد و در حالی که از دیده های مبارکش اشک فراوان انس را از من دور کن**

سرازیربود، با صدای بلند گفت: یا اسْمَعَ السَّامِعینَ، یا ابْصَرَ النَّاظِرینَ، وَیا اسْرَعَ

************* ای شنواترین شنوندگان ای بیناترین بینایان و ای سریعترین

الْحاسِبینَ، وَیا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ السَّادَهِ

حساب رسان و ای مهربانترین مهربانان درود فرست بر محمّد و آل محمّد آن آقایان

الْمَیامینِ، وَاسْئَلُكَ اللَّهُمَّ حاجَتِیَ الَّتی انْ اعْطَیْتَنیها لَمْ یَضُرَّنی ما

فرخنده و از تو ای خدا درخواست کنم حاجتم را که اگر آن را به من عطا کنی دیگر هر چه را از من

مَنَعْتَنی وَانْ مَنَعْتَنیها لَمْ یَنْفَعْنی ما اعْطَیْتَنی اسْئَلُکَ فَکاکَ رَقَبَتی مِنَ

دریغ کنی زیانم نزند و اگر آنرا از من دریغ داری دیگر سودم ندهد هر چه به من عطا کنی و آن این است که از تو خواهم مرا از

النَّارِ، لااله الَّا انْتَ، وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ، لَکَ الْمُلْکُ وَ لَکَ الْحَمْدُ، وَ انْتَ

آتش دوزخ آزاد گردانی معبودی جز تو نیست یگانه ای که شریک نداری از توست فرمانروایی و از توست ستایش و تویی که

عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، یا رَبِّ یا رَبِّ.

بر هر چیز توانایی ای پروردگار ای پروردگار.

جمله یا ربّ را به طور مکرّر می گفت و کسانی که اطراف آن حضرت بودند، به دعای ایشان گوش می دادند و تنها آمین می گفتند و همراه آن حضرت صداهایشان به گریه بلند بود؛ تا آنگاه که آفتاب غروب کرد و همگی به سوی «مشعرالحرام» حرکت کردند.

***

ص: 877

مرحوم «سیّد بن طاووس» در «اقبال»، پس از جمله «یا ربّ، یا ربّ، یا ربّ»، فراز دیگری را نیز آورده است که چنین است:(1) الهی انَا الْفَقیرُ فی غِناىَ، فَکَیْفَ لا اکُونُ فَقیراً فی فَقْری الهی انَا

خدا من چنانم که در حال توانگری هم فقیرم پس چگونه فقیر نباشم در حال تهیدستیم خدایا من

الْجاهِلُ فی عِلْمی فَکَیْفَ لا اکُونُ جَهُولاً فی جَهْلی الهی انَّ اخْتِلافَ

نادانم در عین دانشمندی پس چگونه نادان نباشم در عین نادانی خدایا براستی اختلاف

تَدْبیرِکَ وَسُرْعَهَ طَوآءِ مَقادیرِکَ، مَنَعا عِبادَکَ الْعارِفینَ بِکَ عَنِ السُّکُونِ

تدبیر تو و سرعت تحول و پیچیدن در تقدیرات تو جلوگیری کنند از بندگان عارف تو که به

الی عَطآءٍ، وَالْیَأْسِ مِنْکَ فی بَلآءٍ، الهی مِنّی ما یَلیقُ بِلُؤْمی وَمِنْکَ ما

عطایت دل آرام و مطمئن باشند و در بلای تو مأیوس و ناامید شوند خدایا از من همان سرزند که شایسته پستی من است و از تو انتظار رود آنچه

یَلیقُ بِکَرَمِکَ، الهی وَصَفْتَ نَفْسَکَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَهِ لی قَبْلَ وُجُودِ

شایسته بزرگواری توست خدایا توخود را به لطف و مهر به من توصیف فرمودی پیش از آن که

ضَعْفی افَتَمْنَعُنی مِنْهُما بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفی الهی انْ ظَهَرَتِ الْمَحاسِنُ

ناتوان باشم آیا پس از ناتوانیم لطف و مهرت را از من دریغ می داری خدایا اگر کارهای نیک

مِنّی فَبِفَضْلِکَ، وَلَکَ الْمِنَّهُ عَلَیَّ، وَانْ ظَهَرَتِ الْمَساوی مِنّی فَبِعَدْلِکَ،

از من سرزند به فضل تو بستگی دارد و تو را منّتی است بر من و اگر کارهای بد از من روی دهد آن هم بستگی به عدل تو دارد

وَلَکَ الّحُجَّهُ عَلَیَّ، الهی کَیْفَ تَکِلَنی وَقَدْ تَکَفَّلْتَ لی وَکَیْفَ اضامُ وَانْتَ

و تو را بر من حجت است خدایا چگونه مرا وا می گذاری در صورتی که کفایتم کردی و چگونه مورد ستم واقع گردم با این که تو

النَّاصِرُ لی امْ کَیْفَ اخیبُ وَانْتَ الْحَفِیُّ بی ها انَا اتَوَسَّلُ الَیْکَ بِفَقْری

یاور منی یا چگونه ناامید گردم در صورتی که تو نسبت به من مهربانی هم اکنون به درگاه تو توسل جویم بوسیله آن نیازی که به درگاهت دارم

الَیْکَ، وَکَیْفَ اتَوَسَّلُ الَیْکَ بِما هُوَ مَحالٌ انْ یَصِلَ الَیْکَ، امْ کَیْفَ اشْکُو

و چگونه توسل جویم بوسیله فقری که محال است پیرامون تو راه یابد یا چگونه از حال خویش به درگاهت شکوه کنم

الَیْکَ حالی وَهُوَ لا یَخْفی عَلَیْکَ، امْ کَیْفَ اتَرْجِمُ بِمَقالی وَهُوَ مِنَکَ بَرَزٌ

با این که حال من بر تو پنهان نیست یا چگونه با زبان (قال) ترجمه حال خود کنم در صورتی که آنهم از پیش تو بُرُوز کرده

ص :878

1- [1197]گرچه بعضی از علما در معتبر بودن این اضافه تردید کرده اند، ولی انصاف این است که این زیادتی نیز مضامین مهمّی دارد و در حال و هوای همان دعای عرفه است و چیزی که نشان دهد از اضافات گروه های منحرف است در آن نیافتیم.

اَلَیْکَ، امْ کَیْفَ تُخَیِّبُ امالی وَهِیَ قَدْ وَفَدَتْ اَلَیْکَ، امْ کَیْفَ لا تُحْسِنُ

به نزد خودت یا چگونه آرزوهایم به نومیدی گراید با این که به آستان تو وارد شده یا چگونه احوالم را نیکو نکنی

احْوالی وَبِکَ قامَتْ، الهی ما اَلْطَفَکَ بی مَعَ عَظیمِ جَهْلی وَما ارْحَمَکَ بی

با این که احوال من به تو قائم است خدایا چه اندازه به من لطف داری با این نادانی عظیم من و چقدر به من مهر داری با

مَعَ قَبیحِ فِعْلی الهی ما اقْرَبَکَ مِنّی وَابْعَدَنی عَنْکَ، وَما ارْاَفَکَ بی فَمَا

این کردار زشت من خدایا چقدر تو به من نزدیکی و در مقابل چقدر من از تو دورم و با این همه که تو نسبت به من مهربانی پس آن چیست

الَّذی یَحْجُبُنی عَنْکَ، الهی عَلِمْتُ بِاخْتِلافِ الْآثارِ وَتَنقُّلاتِ الْأَطْوارِ،

که مرا از تو محجوب دارد خدایا آن طوری که من از روی اختلاف آثار و تغییر و تحول اطوار بدست آورده ام

انَّ مُرادَکَ مِنّی انْ تَتَعَرَّفَ الَیَّ فی کُلِّ شَیْ ءٍ، حَتّی لا اجْهَلَکَ فی شَیْ ءٍ،

مقصود تو از من آن است که خود را در هرچیزی (جداگانه) به من بشناسانی تا من در هیچ چیزی نسبت به تو جاهل نباشم

الهی کُلَّما اخْرَسَنی لُؤْمی انْطَقَنی کَرَمُکَ، وَکُلَّما ایَسَتْنی اوْصافی

خدایا هر اندازه پستی من زبانم را لال می کند کرم تو آن را گویا می کند و هراندازه اوصاف من مرا مأیوس می کند

اطْمَعَتْنی مِنَنُکَ، الهی مَنْ کانَتْ مَحاسِنُهُ مَساوِیَ، فَکَیْفَ لا تَکُونُ

نعمتهای تو به طمعم اندازد خدایا آن کس که کارهای خوبش کار بد باشد پس چگونه کار

مَساویهِ مَساوِیَ، وَمَنْ کانَتْ حَقایِقُهُ دَعاوِیَ، فَکَیْفَ لاتَکُونُ دَعاویهِ

بدش بد نباشد و آن کس که حقیقت گویی هایش ادعایی بیش نباشد پس چگونه ادعاهایش

دَعاوِیَ، الهی حُکْمُکَ النَّافِذُ وَمَشِیَّتُکَ الْقاهِرَهُ لَمْ یَتْرُکا لِذی مَقالٍ

ادعا نباشد خدایا فرمان نافذت و مشیت قاهرت برای هیچ گوینده ای فرصت گفتار

مَقالاً، وَلا لِذی حالٍ حالاً، الهی کَمْ مِنْ طاعَهٍ بَنَیْتُها، وَحالَهٍ شَیَّدْتُها،

نگذارد و برای هیچ صاحب حالی حال به جای ننهد خدایا چه بسیار طاعتی که پایه گذاری کردم و چه بسیار حالتی که بنیادش کردم

هَدَمَ اعْتِمادی عَلَیْها عَدْلُکَ، بَلْ اقالَنی مِنْها فَضْلُکَ، الهی انَّکَ تَعْلَمُ انّی

ولی (یاد) عدل تو اعتمادی را که بر آنها داشتم یکسره فرو ریخت بلکه فضل تو نیز اعتمادم را بهم زد خدایا تو می دانی

وَانْ لَمْ تَدُمِ الطَّاعَهُ مِنّی فِعْلاً جَزْماً، فَقَدْ دامَتْ مَحَبَّهً وَعَزْماً، الهی کَیْفَ

که اگر چه طاعت تو در من بصورت کاری مثبت ادامه ندارد ولی دوستی و تصمیم بر انجام آن در من ادامه دارد خدایا چگونه

اعْزِمُ وَانْتَ الْقاهِرُ، وَکَیْفَ لا اعْزِمُ وَانْتَ الْأمِرُ، الهی تَرَدُّدی فِی الْأثارِ

تصمیم گیرم در صورتی که تحت قهر توام و چگونه تصمیم نگیرم با این که تو دستورم دهی خدایا تفکر (یا گردش) من در آثار تو

يُوجِبُ بُعْدَ الْمَزارِ، فَاجْمَعْنى عَلَيْکَ بِخِدْمَةٍ تُوصِلُنى الَيْکَ، کَيْفَ

راه مرا به ديدارت دور سازد پس کردار مرا با خودت بوسيله خدمتى که مرا به تو برساند چگونه

يُسْتَدَلُّ عَلَيْکَ بِما هُوَ فى وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ الَيْکَ، ايَکُونُ لِغَيْرِکَ مِنَ الظُّهُورِ

استدلال شود بر وجود تو به چيزى که خود آن موجود در هستيش نيازمند به توست و آيا اساساً براى ما سواى تو ظهورى

ما لَيْسَ لَکَ، حَتّى يَکُونَ هُوَ الْمُظْهِرَ لَکَ، مَتى غِبْتَ حَتّى تَحْتاجَ الى

هست که در تو نباشد تا آن وسيله ظهور تو گردد تو کِى پنهان شده اى تا محتاج بدليلى باشيم

دَليلٍ يَدُلُّ عَليْکَ، وَمَتى بَعُدْتَ حَتّى تَکُونَ الْأثارُ هِىَ الَّتى تُوصِلُ

که به تو راهنمايى کند و چه وقت دور مانده اى تاآثار تو ما را به تو واصل گرداند

الَيْکَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ لاتَراکَ عَلَيْها رَقيباً، وَخَسِرَتْ صَفْقَةُ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ

کور باد آن چشمى که تو را نبيند که مراقب او هستى و زيان کار باد سوداى آن بنده که از

مِنْ حُبِّکَ نَصيباً، الهى امَرْتَ بِالرُّجُوعِ الَى الْأثارِ، فَارْجِعْنى الَيْکَ

محبّت خويش به او بهره اى ندادى خدايا فرمان دادى که به آثار تو رجوع کنم پس بازم گردان بسوى خود (پس از مراجعه به آثار)

بِکِسْوَةِ الْأَنْوارِ، وَهِدايَةِ الْإِسْتِبصارِ، حَتّى ارْجِعَ الَيْکَ مِنْها، کَما دَخَلْتُ

به پوششى از انوار و راهنمايى و از بينش جويى تا بازگردم بسويت پس از ديدن آثار هم چنانکه آمدم

الَيْکَ مِنْها مَصُونَ السِّرِّ عَنِ النَّظَرِ الَيْها، وَمَرْفُوعَ الْهِمَّةِ عَنِ الْإِعْتِمادِ

بسویت از آنها که نهادم از نظر به آنها مصون مانده و همتم را از اعتماد بدانها برداشته باشم

عَلَیْها، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیٍ قَدیرٌ، الهی هذا ذُلّی ظاهِرٌ بَیْنَ یَدَیْکَ، وَهذا

که براستی تو بر هر چیز توانایی خدایا این خواری من است که پیش رویت عیان و آشکار است و این

حالی لا یَخْفی عَلَیْکَ، مِنْکَ اطْلُبُ الْوُصُولَ الَیْکَ، وَبِکَ اسْتَدِلُّ عَلَیْکَ،

حال (تباه) من است که بر تو پوشیده نیست از تو خواهم که مرا به خود برسانی و بوسیله ذات تو بر تو دلیل می جویم

فَاهْدِنی بِنُورِکَ الَیْکَ، وَاقِمْنی بِصِدْقِ الْعُبُودِیَّهِ بَیْنَ یَدَیْکَ، الهی عَلِّمْنی

پس به نور خود مرا بر ذاتت راهنمایی فرما و به یادآر مرا با بندگی صادقانه در پیش رویت خدایا بیاموز به

مِنْ عِلْمِکَ الْمَخْزُونِ، وَصُنّی بِسِتْرِکَ الْمَصُونِ، الهی حَقِّقْنی بِحَقائِقِ

من از دانش مخزونت و محفوظم دار به پرده مصونت خدایا مرا به حقائق

اهْلِ الْقُرْبِ، وَاسْلُکْ بی مَسْلَکَ اهْلِ الْجَذْبِ، الهی اغْنِنی بِتَدْبیرِکَ لی

نزدیکان درگاهت بیارای و به راه اهل جذبه و شوقت ببر خدایا بی نیاز کن مرا به تدبیر خودت

عَنْ تَدْبیری وَبِاخْتِیارِکَ 1198] عَنِ اخْتِیاری وَاوْقِفْنی عَلی مَراکِزِ

درباره ام از تدبیر خودم و به اختیار خودت از اختیار خودم و بر جاهای بیچارگی و درماندگیم مرا واقف گردان

اضْطِراری الهی اخْرِجْنی مِنْ ذُلِّ نَفْسی وَطَهِّرْنی مِنْ شَکّی

خدایا مرا از خواری نفسم نجات ده و پاکم کن از شک

وَشِرْکی قَبْلَ حُلُولِ رَمْسی بِکَ انْتَصِرُ فَانْصُرْنی وَعَلَیْکَ اتَوَکَّلُ فَلا

و شرک خودم پیش از آن که داخل گورم گردم به تو یاری جویم پس تو هم یاریم کن و بر تو توکل کنم پس

تَکِلْنی وَایّاکَ اسْئَلُ فَلا تُخَیِّبْنی وَفی فَضْلِکَ ارْغَبُ فَلا تَحْرِمْنی

مرا وامگذار و از تو درخواست کنم پس ناامیدم مگردان و در فضل تو رغبت کرده ام پس محرومم مفرما

وَبِجَنابِکَ انْتَسِبُ فَلا تُبْعِدْنی وَبِبابِکَ اقِفُ فَلا تَطْرُدْنی الهی تَقَدَّسَ

و به حضرت تو خود را بسته ام پس دورم مکن و به درگاه تو ایستاده ام پس طردم مکن خدایا مبرّاست

رِضاکَ انْ یَکُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْکَ، فَکَیْفَ یَکُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنّی الهی انْتَ الْغَنِیُ

خشنودی تو از این که علت و سببی از جانب تو داشته باشد پس چگونه ممکن است من سبب آن گردم خدایا تو به

بِذاتِکَ انْ یَصِلَ الَیْکَ النَّفْعُ مِنْکَ، فَکَیْفَ لا تَکُونُ غَنِیّاً عَنّی الهی

ذات خود بی نیازی از این که سودی از جانب خودت به تو برسد پس چگونه از من بی نیاز نباشی خدایا

انَّ الْقَضآءَ وَالْقَدَرَ یُمَنّینی وَانَّ الْهَوی بِوَثائِقِ الشَّهْوَةِ اسَرَنی فَکُنْ انْتَ

براستی قضا و قدر مرا آرزومند می کنند و از آن سو هوای نفس مرا به بندهای شهوت اسیر کرده پس تو

النَّصیرَ لی حَتّی تَنْصُرَنی وَتُبَصِّرَنی وَاغْنِنی بِفَضْلِکَ حَتّی اسْتَغْنِیَ بِکَ

یاور من باش تا پیروزم کنی و بینایم کنی و بوسیله فضل خویش بی نیازم گردانی تا بوسیله تو

عَنْ طَلَبی انْتَ الَّذی اشْرَقْتَ الْأَنْوارَ فی قُلُوبِ اوْلِیآئِکَ، حَتّی عَرَفُوکَ

از طلب کردن بی نیاز شوم تویی که تاباندی انوار (معرفت) را در دل اولیایت تا این که تو را شناختند

وَوَحَّدُوکَ، وَانْتَ الَّذی ازَلْتَ الْأَغْیارَ عَنْ قُلُوبِ احِبَّائِکَ، حَتّی لَمْ

و یگانه ات دانستند و تویی که اغیار و بیگانگان را از دل دوستانت براندی تا این که کسی را جز

یُحِبُّوا سِواکَ، وَلَمْ یَلْجَئُوا الی غَیْرِکَ، انْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَیْثُ اوْحَشَتْهُمُ

تو دوست نداشته و به غیر تو پناهنده و ملتجی نشوند و تویی مونس ایشان در آن جا که

ص: 881

الْعَوالِمُ، وَانْتَ الَّذى هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبانَتْ لَهُمُ الْمَعالِمُ، ماذا وَجَدَ مَنْ

عوالم وجود آنها را به وحشت اندازد و تویی که راهنماییشان کنی آنگاه که نشانه ها برایشان آشکار گردد چه دارد آن کس که تو را

فَقَدَکَ، وَمَا الَّذى فَقَدَ مَنْ وَجَدَکَ، لَقَدْ خابَ مَنْ رَضِىَ دُونَکَ بَدَلًا، وَلَقَدْ

گم کرده؟ و چه ندارد آن کس که تو را یافته است براستی محروم است آن کس که بجای تو بدیگری راضی شود و بطور حتم

خَسِرَ مَنْ بَغى عَنْکَ مُتَحَوِّلًا، کَيْفَ يُرْجى سِواکَ وَانْتَ ما قَطَعْتَ

زیانکار است کسی که از تو به دیگری روی کند چسان می شود بغیر تو امیدوار بود در صورتی که تو

الْإِحْسانَ، وَکَيْفَ يُطْلَبُ مِنْ غَيْرِکَ وَانْتَ ما بَدَّلْتَ عادَةَ الْإِمْتِنانِ، يا مَنْ

احسانت را قطع نکردی و چگونه از غیر تو می توان طلب کرد با این که تو تغییر نداده ای شیوه عطا بخشیت را ای خدایی که

اذاقَ احِبّآئَهُ حَلاوَةَ الْمُؤانَسَهِ، فَقامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقينَ، وَيا مَنْ الْبَسَ

به دوستانت شیرینی همدمی خود را چشاندی و آنها در برابرت به چاپلوسی برخاستند و ای خدایی که پوشاندی

اوْلِيائَهُ مَلابِسَ هَيْبَتِهِ، فَقامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرينَ، انْتَ الذَّاکِرُ قَبْلَ

بر اولیای خودت خلعتهای هیبت خود را پس آنها در برابرت به آمرزش خواهی بپاخواستند تویی که یاد کنی پیش از آن که

الذَّاکِرينَ، وَانْتَ الْبادى بِالْإِحْسانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعابِدينَ، وَانْتَ الْجَوادُ

یاد کنندگان یادت کنند و تویی آغازنده به احسان قبل از آن که پرستش کنندگان بسویت توجه کنند و توئی بخشنده

بِالْعَطآءِ قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبينَ، وَانْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِما وَهَبْتَ لَنا مِنَ

عطا پیش از آن که خواهندگان از تو خواهند و توئی پربخشش و سپس همان را که به ما بخشیده ای از ما

الْمُسْتَقْرِضینَ، الهی اطْلُبْنی بِرَحْمَتِکَ حَتّی اصِلَ الَیْکَ، وَاجْذِبْنی بِمَنِّکَ

به قرض می خواهی خدایا مرا بوسیله رحمتت بطلب تا من به نعمت وصالت نائل گردم و بوسیله نعمتت مرا جذب کن تا

حَتّی اقْبِلَ عَلَیْکَ، الهی انَّ رَجآئی لا یَنْقَطِعُ عَنْکَ وَانْ عَصَیْتُکَ، کَما انَ

به تو رو کنم خدایا براستی امید من از تو قطع نگردد و اگرچه نافرمانیت کنم چنانکه

خَوْفی لا یُزایِلُنی وَانْ اطَعْتُکَ، فَقَدْ دَفَعَتْنِی الْعَوالِمُ الَیْکَ، وَقَدْ اوْقَعَنی

ترسم و از تو زائل نشود و گرچه فرمانت برم همانا جهانیان مرا بسوی تو رانده اند و

عِلْمی بِکَرَمِکَ عَلَیْکَ، الهی کَیْفَ اخیبُ وَانْتَ امَلی امْ کَیْفَ اهانُ

آن علمی که به کرم تو دارم مرا به درگاه تو آورده خدایا چگونه نومید شوم و تو آرزوی منی و چگونه پست و خوار شوم

وَعَلَیْکَ مُتَّکَلی الهی کَیْفَ اسْتَعِزُّ وَفِی الذِّلَّهِ ارْکَزْتَنی امْ کَیْفَ لا

با این که اعتمادم بر توست خدایا چگونه عزت جویم با این که در خواری جایم دادی و چگونه عزت نجویم با این که

اسْتَعِزُّ وَالَيْکَ نَسَبْتَنی الهی کَیْفَ لا افْتَقِرُ وَانْتَ الَّذی فِی الْفُقَرآءِ

به خود مُنْتَسِبَم کردی خدایا چگونه نیازمند نباشم با این که تو در نیازمندانم

اقَمْتَنی امْ کَیْفَ افْتَقِرُ وَانْتَ الَّذی بِجُودِکَ اغْنَیْتَنی وَانْتَ الَّذی لا الهَ

جای دادی یا چگونه نیازمند باشم و تویی که به جود و بخششت بی نیازم کردی و تویی که معبودی

غَیْرُکَ، تَعَرَّفْتَ لِکُلِّ شَیْ ءٍ، فَما جَهِلَکَ شَیْ ءٌ، وَانْتَ الَّذی تَعَرَّفْتَ الَیَّ فی

جز تو نیست شناساندی خود را به هر چیزو هیچ چیزی نیست که تو را نشناسد و تویی که شناساندی خود را به من در

کُلِّ شَیْ ءٍ، فَرَایْتُکَ ظاهِراً فی کُلِّ شَیْ ءٍ، وَانْتَ الظَّاهِرُ لِکُلِّ شَیْ ءٍ، یا مَنِ

هر چیز و من تو را آشکار در هر چیز دیدم و تویی آشکار بر هر چیز ای که

اسْتَوی بِرَحْمانِیَّتِهِ، فَصارَ الْعَرْشُ غَیْباً فی ذاتِهِ، مَحَقْتَ الْأثارَ بِالْأثارِ،

بوسیله مقام رحمانیت خود (بر همه چیز) احاطه کردی و عرش در ذاتش پنهان شد تویی که آثار را به آثار نابود کردی

وَمَحَوْتَ الْأَغْیارَ بِمُحیطاتِ افْلاکِ الْأَنْوارِ، یا مَنِ احْتَجَبَ فی

و اغیار را به احاطه کننده های افلاک انوار محو کردی ای که در سراپرده های عرشش

سُرادِقاتِ عَرْشِهِ عَنْ انْ تُدْرِکَهُ الْأَبْصارُ، یا مَنْ تَجَلّی بِکَمالِ بَهآئِهِ

محتجب شد از این که دیده ها او را درک کنند ای که تجلی کردی به کمال زیبایی و نورانیت

فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْإِسْتِوآءَ، کَیْفَ تَخْفی وَانْتَ الظَّاهِرُ، امْ کَیْفَ تَغیبُ

و پابرجا شد عظمتش از استواری چگونه پنهان شوی با این که تو آشکاری یا چگونه غایب شوی که

وَانْتَ الرَّقیبُ الْحاضِرُ، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، وَالْحَمْدُ للّهِ وَحْدَهُ.(1)

تو نگهبان و حاضری براستی تو بر هر چیز توانایی و ستایش مخصوص خداست تنها.

***

6- در پایان روز عرفه این دعا را بخوان:

یا رَبِّ إنَّ ذُنُوبی لا تَضُرُّکَ، وَانَّ مَغْفِرَتَکَ لی لا تَنْقُصُکَ، فَاعْطِنی ما لا

پروردگارا همانا گناهان من زیانی به تو نزند و محققاً آمرزش تو از من نقصانی به تو نرساند پس عطا کن به من آنچه را

یَنْقُصُکَ، وَاغْفِرْ لی ما لایَضُرُّکَ.(2)

نقصانت نرساند و بیامرز برایم آنچه را زیانت نزند.

1- [1199]اقبال، صفحه 348.
2- [1200]همان مدرک، صفحه 420.

همچنین بخوان:

اللَّهُمَّ لا تَحْرِمْنی خَیْرَ ما عِنْدَکَ لِشَرِّ ما عِنْدی فَانْ انْتَ لَمْ تَرْحَمْنی

خدایا محرومم مکن از آن خیری که نزد توست بخاطر آن شری که در پیش من است پس اگر تو به

بِتَعَبی وَنَصَبی فَلا تَحْرِمْنی اجْرَ الْمُصابِ عَلی مُصیبَتِهِ.(1)

رنج و خستگیم رحم نمی کنی پس محرومم مدار از پاداش مصیبت دیده ای بر مصیبتش.

7- به هنگام غروب روز عرفه، دعای عشرات را بخوان که در بخش دعاهای معروف (صفحه 108) گذشت. این دعا که خواندنش در هر صبح و شام مستحب است، آن را در پایان روز عرفه نیز بخوان.

مرحوم «سیّد بن طاووس» در اعمال روز عرفه، این دعا را ذکر کرده است.(2)

***

شب دهم: اعمال این شب عبارت است از:

1- احیای شب دهم ذی الحجّه که از شب های بابرکت و ارزشمندی است. نقل شده است که حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام این شب را احیا می داشت.(3) 2- غسل کردن در این شب مستحب است.(4) 3- در این شب زیارت امام حسین علیه السلام مستحب است، و در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که هر کس در چنین شبی امام حسین علیه السلام را زیارت کند، گناهانش آمرزیده می شود.(5) 4- در این شب این دعا را بخواند:

یا دائِمَ الْفَضْلِ عَلَی الْبَرِیَّهِ، یا باسِطَ الْیَدَیْنِ بِالْعَطِیَّهِ، یا صاحِبَ

ای کسی که فضل و بخشش بر خلق دائمی است و ای آن که دو دست احسانت به عطابخشی باز است ای صاحب

الْمَواهِبِ السَّنَیِّهِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَیْرِ الْوَری سَجِیَّهً، وَ اغْفِرْ لَنا

بخششهای ارجمند درود فرست بر محمّد و آلش که بهترین مردمند در سرشت و نهاد، و بیامرز ما را

یا ذَالْعُلی فی هذِهِ الْعَشِیَّهِ.(6)

ای خدای بلند مرتبه در این شب.

ص: 884

1- [1201]اقبال، صفحه 420.
2- [1202]همان مدرک، صفحه 417.
3- [1203]همان مدرک، صفحه 421.
4- [1204]زادالمعاد، صفحه 319.
5- [1205]اقبال، صفحه 421.
6- [1206]مصباح کفعمی، صفحه 647.

روز دهم (روز عید قربان):

روز عید قربان از اعیاد مهمّ اسلامی است. این روز یادآور اخلاص و بندگی حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر پروردگار خویش است، آن جا که فرمان حق برای ذبح اسماعیل صادر شد، و ابراهیم آن بنده فرمانبردار خداوند آماده اجرای این فرمان شد و اسماعیل را به قربانگاه برد و کارد بر حلقومش نهاد، ولی ندایی رسید که ای ابراهیم از عهده این آزمون الهی برآمدی! دست نگهدار که فرمانبرداری خویش را به درستی اثبات کرده ای.

جبرئیل همراه با «قوچی» فرود آمد و ابراهیم آن را قربانی کرد، و سنّت قربانی در منا از آن روز برقرار شد، این روز، روز عید و خوشحالی و سرور است. زیرا علاوه بر این که بنده ای مخلص از آزمونی دشوار، سربلند بیرون آمد و بندگی خویش را در پیشگاه خدای بزرگ ثابت کرد، گروه عظیمی از بندگان مخلص خدا به او تأسّی جسته، به زیارت خانه خدا می شتابند و مراسم منا و از جمله، قربانی را انجام می دهند.

اعمال روز عید قربان:

برای عید قربان اعمالی چند نقل شده است:

1- غسل کردن است که به گفته مرحوم «علّامه مجلسی»، غسل در آن روز سنّت مؤکّد است تا آن جا که بعضی از علما آن را واجب دانسته اند. (1) 2- نماز عید قربان است و نحوه انجام آن، به همان کیفیّتی است که در نماز عید فطر گفته شد، و نماز عید قربان در زمان غیبت امام علیه السلام مطابق مشهور فقهای عظام، سنّت مؤکّد است.(2) (خواه به صورت جماعت خوانده شود یا فرادی .

3- مستحب است دعاهایی را که پیش از نماز عید و قبل از آن وارد شده است بخواند. به فرموده مرحوم «علّامه مجلسی»، بهترین دعاها، دعای چهل و هشتم «صحیفه کامله سجّادیه» است که اوّلش این است:

أللَّهُمَّ هذا یَومٌ مُبارَک

و اگر دعای چهل و ششم را نیز بخواند بهتر است.(3) 4- خواندن دعای ندبه در این روز و سایر اعیاد مستحبّ است.(4) 5- قربانی کردن در این روز برای همه مستحبّ مؤکّد است و بسیار سفارش شده است، تا آن جا

که برخی از علما آن را بر کسانی که توانایی دارند واجب دانسته اند و مستحب است بعد از نماز عید، کمی از گوشت آن بخورد.(5)

1- [1207]زادالمعاد، صفحه 319.
2- [1208]همان مدرک.
3- [1209]همان مدرک.
4- [1210]همان مدرک، صفحه 320.
5- [1211]همان مدرک.

و نیز مستحبّ است هنگام قربانی این دعا را که از امام صادق علیه السلام نقل شده است بخواند:

وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّمواتِ وَ الْأَرْضَ، حَنیفاً مُسْلِماً وَ ما أنَا

من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمان ها و زمین را آفریده؛ من در ایمان خود خالصم و

مِنَ الْمُشْرِكینَ، إنَّ صَلاتی وَ نُسُکی وَ مَحْیایَ وَ مَماتی لِلَّهِ رَبِ

از مشرکان نیستم. نماز و قربانی و زندگی و مرگم برای خداوندی است که پروردگار

الْعالَمینَ، لا شَریکَ لَهُ، وَ بِذلِکَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمینَ. اللَّهُمَّ مِنْکَ

جهانیان است. شریکی برای او نیست. من به این برنامه مأمور شدم و از مسلمانانم. خدایا از تو و

وَلَکَ، بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ اکْبَرُ. اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّی.(1)

برای توست. به نام خدا و خداوند بزرگتر است. خدایا از من قبول فرما.

(البتّه اگر به نیّت چند نفر قربانیِ مستحب انجام شود، بگوید:

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّا)

بسیار مناسب است افراد توانگر، در این روز قربانی نمایند و اکثر آن را به فقرا و نیازمندان انفاق کنند و به همسایگان و آشنایان نیز بدهند.

در روایتی است که امام صادق علیه السلام فرمود: امام علی بن الحسین و امام باقر علیهم السلام گوشت قربانی را سه قسمت می کردند؛ یک قسمت آن را به همسایگان می دادند و یک قسمت آن را به نیازمندان و قسمت سوم را برای اهل خانه نگه می داشتند.(2) 6- تکبیرات مشهور زیر را بگوید؛ برای کسانی که در این ایّام توفیق حضور در مراسم حج و صحرای «منی را دارند، بعد از پانزده نماز این تکبیرها را می خوانند؛ از نماز ظهر روز عید، شروع کرده تا نماز صبح روز سیزدهم؛ ولی کسانی که در آن جا نیستند، بعد از ده نماز آنها را می خوانند، از نماز ظهر روز عید

آغاز نموده، تا نماز صبح روز دوازدهم، و آن تکبیرها مطابق روایت کتاب شریف «کافی» چنین است:

اللَّهُ اکْبَرُ، اللَّهُ اکْبَرُ، لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اکْبَرُ، اللَّهُ اکْبَرُ، و للَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ اکْبَرُ عَلی خدا بزرگتر از توصیف است معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است و ستایش خاص خداست خدا بزرگتر است بر آنچه

ما هَدانا؛ اللَّهُ اکْبَرُ عَلی ما رَزَقَنا مِنْ بَهیمَهِ الْأَنعامِ؛ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلی ما أبْلانا.(3) ما را راهنمایی کرد خدا بزرگتر است بر آنچه روزیمان کرد از چهار پایان انعام (شتر و گاو و گوسفند) و ستایش خاصّ خداست برای آن که آزمود ما را.

حدّاقل این تکبیرها را بعد از نماز در این ایّام، یکبار بگوید ولی اگر تکرار نماید، بهتر است، و حتّی اگر بعد

ص: 886

1- [1212]زاد المعاد، صفحه 321.
2- [1213]اقبال، صفحه 451.
3- [1214]کافی، جلد 4، صفحه 517، حدیث 4.

از نوافل نیز بگوید خوب است.(1)

روز عید غدیر (روز هیجدهم):

فضیلت این روز:

روز هیجدهم ذی الحجّه، یادآور روز مهمّی در تاریخ است. روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از انجام حج در سال دهم هجری به هنگام مراجعت به مدینه، مردم را در وادی «غدیر» جمع کرد و فرمان خدا یعنی نصب علی علیه السلام به امامت و ولایت بر امّت را به آنان ابلاغ کرد. و آن جا بود که آیه

«الْیَوْمَ اکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُم، وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دِیناً»(2)

نازل شد. و خداوند با برگزیدن علی علیه السلام به امامت امّت، دین اسلام را کامل گردانید و دشمنان را ناامید و مأیوس ساخت. این روز را باید به حق از عظیم ترین اعیاد نامید، همان گونه که در روایات بر اهمّیّت فراوان این روز و برتری آن بر سایر اعیاد تأکید شده است.

در روایتی از امام رضا علیه السلام می خوانیم که فرمود: «روز قیامت، چهار روز را که زینت بسته اند به نزد عرش الهی آورند: روز عید اضحی (قربان) روز عید فطر، روز جمعه و روز عید غدیر. ولی در آن میان، روز عید غدیر، از نظر زیبایی، مانند ماه است میان ستارگان».(3) در همان روایت، از این روز، به عنوان «عید اکبر» یاد شده است؛ روزی که گناهان شیعیان (توبه کار) امیر مؤمنان علیه السلام بخشیده می شود و این روز، روز شادی و سرور است، روزی است که در آن تبسّم بر چهره مؤمنان نقش می بندد.(4) در روایت دیگری آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا برای مسلمانان غیر از عید فطر و عید اضحی (قربان) عید دیگری نیز وجود دارد؟ فرمود: آری. عیدی که از آن دو روز، باعظمت تر و شریفتر است، و آن روزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را برای امامت امّت نصب فرمود و در روایت دیگر فرمود: آن روز هیجدهم ذی الحجّه است.(5) بهر حال، شایسته است در این روز مسلمانان با تشکیل مجالس جشن و سرور و مدیحه سرایی و سخنرانی درباره روز عید غدیر و مسأله امامت امّت و مناقب و فضایل امیر مؤمنان علیه السلام، آن را گرامی بدارند و فرزندان و جوانان و

نوجوانان خود را با مسأله ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام و منابع آن از کتاب و سنّت و تاریخ آشناتر سازند.

ص: 887

1- [1215]زادالمعاد، صفحه 323.
2- [1216]سوره مائده، آیه 3.
3- [1217]زادالمعاد، صفحه 323 و اقبال، صفحه 464.
4- [1218]زاد المعاد، صفحه 324 و اقبال، صفحه 464.
5- [1219]مصباح المتهجّد، صفحه 736.

اعمال روز عید غدیر:

برای این روز اعمال متعدّدی روایت شده است:

1- روزه گرفتن است که در روایتی از امام صادق علیه السلام روزه در چنین روزی برابر روزه شصت ماه شمرده شده! و در روایتی روزه روز غدیر خم کفّاره شصت سال است.(1) 2- مرحوم «شیخ کفعمی» در «بلدالامین» غسل این روز را مستحب دانسته است.(2) 3- احسان و نیکی به برادران مؤمن.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: این روز، روز عبادت است و روز اطعام و نیکی کردن و احسان به برادران دینی است.(3) در روایت دیگری امام رضا علیه السلام فرمود: کسی که در این روز، به خانواده و برادران مؤمن خود، توسعه در رزق و بخششها و انفاق ها دهد خداوند روزی او را زیاد می گرداند.(4) 4- زیارت امیر مؤمنان علی علیه السلام در این روز بسیار بافضیلت است.

در روایتی از ابن ابی نصر (یکی از یاران برجسته امام رضا علیه السلام) نقل شده است که حضرت به وی فرمود:

هرجا که هستی سعی کن در روز عید غدیر، خود را به کنار قبر مطهّر امیرمؤنان علیه السلام برسانی، چراکه در این روز خداوند گناهان بسیاری از مردان و زنان مسلمان را می بخشد و دو برابر کسانی که خداوند آنها را در ماه رمضان و شب قدر و شب عید فطر از دوزخ آزاد می کند، در چنین روزی از آتش جهنّم رهایی می دهد!(5) برای امیر مؤمنان علیه السلام در این روز زیارت هایی نقل شده است که معروفترین آن، زیارت معروف «امین اللّٰه» است که در بخش زیارات (صفحه 260) گذشت و می توان آن را از نزدیک و یا از راه دور، خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام خواند و همچنین زیارت مخصوصه امیرمؤمنان در روز عید غدیر که در صفحه 280 گذشت.

***

5- امام رضا علیه السلام فرمود: در چنین روزی که روز عید و تبریک گفتن به یکدیگر است، مناسب است مؤمنان وقتی به یکدیگر می رسند این جملات را بگویند:

1- [1220]اقبال، صفحه 465.
2- [1221]بلدالامین، صفحه 259.
3- [1222]زادالمعاد، صفحه 327.
4- [1223]همان مدرک، صفحه 324.
5- [1224]اقبال، صفحه 468.

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى جَعَلَنا مِنَ الْمُتَمَسِّكينَ بِوِلايَهِ اميرِالْمُؤْمِنينَ وَالْأَئِمَّهِ

ستایش خاص خدایی است که قرار داد ما را از تمسک جویان به ولایت امیرمؤمنان و سایر امامان

عَلَيْهِمُ السَّلامُ.(1)

علیهم السلام.

6- در چنین روزی وقتی برادر مؤمنت را ملاقات کردی بگو:

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى اكْرَمَنا بِهذَا الْيَوْمِ، وَجَعَلَنا مِنَ الْمُؤْمِنينَ، وَجَعَلَنا مِنَ

ستایش خاص خدایی است که گرامی داشت ما را به این روز و قرارمان داد از ایمان آورندگان و قرارمان داد از

الْمُوفينَ بِعَهْدِهِ الَيْنا، وَميثاقِهِ الَّذى واثَقَنا بِهِ، مِنْ وِلايَهِ وُلاهِ امْرِهِ،

وفاکنندگان به عهدی که با ما کرده بود و پیمانی که با ما بسته بود از ولایت سرپرستان امر دین او

وَالْقُوَّامِ بِقِسْطِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنا مِنَ الْجاحِدينَ وَالْمُكَذِّبينَ بِيَوْمِ الدّينِ.(2)

و برپادارندگان عدلش و قرارمان نداد از منکران و تکذیب کنندگان روز جزا.

***

7- دعای ندبه را در این روز بخواند(3)، که در بخش دعاهای معروف (صفحه 189) گذشت.

8- مرحوم «سیّد بن طاووس» به سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل می کند که در روز غدیر، دو رکعت نماز بخوان، پس از نماز به سجده برو و صد مرتبه خدا را شکر کن (مثلاً بگو: شکراً لِلّه) و سر از سجده بردار و این دعا را بخوان:

اللهُمَّ انِّى اسْئَلُكَ بِانَّ لَكَ الْحَمْدَ، وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ، وَانَّكَ واحِدٌ احَدٌ

خدایا از تو درخواست کنم بدان که از برای توست ستایش یگانه ای که شریک نداری و تویی یکتای یگانه ای

صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ، وَلَمْ یَکُنْ لَکَ کُفُواً احَدٌ، وَانَّ مُحَمّداً عَبْدُکَ

بی نیاز که فرزندی نداری و فرزند کسی نیستی و نیست برایت همتایی هیچ کس و براستی محمّد بنده

وَرَسُولُکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ، یا مَنْ هُوَ کُلَّ یَوْمٍ فی شَاْنٍ، کَما کانَ مِنْ

و رسول توست درودهای تو بر او و آلش باد ای که هر روز درکاری هستی چنانچه از

1- [1225]اقبال، صفحه 464.
2- [1226]بلدالامین، صفحه 263. در اقبال(صفحه 476) همین دعا با اندکی تفاوت، از امام صادق علیه السلام نقل شده است.
3- [1227]مرحوم سیّد بن طاووس در اعمال روز عید فطر، دعای ندبه را ذکر کرده و گفته است: این دعا را در عیدهای چهارگانه می خوانند(اقبال، صفحه 295).

شَأْنِکَ انْ تَفَضَّلْتَ عَلَیَّ، بِانْ جَعَلْتَنی مِنْ اهْلِ اجابَتِکَ، وَاهْلِ دِینِکَ

شأن تو بود که بر من تفضل فرمودی به این که مرا از اهل اجابتت و از اهل دینت

وَاهْلِ دَعْوَتِکَ، وَوَفَّقْتَنی لِذلِکَ فی مُبْتَدَءِ خَلْقی تَفَضُّلاً مِنْکَ وَکَرَماً

و اهل دعوتت قرار دادی و موفقم داشتی بدان در آغاز آفرینشم از روی تفضل و کرم

وَجُوداً، ثُمَّ ارْدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلاً، وَالْجُودَ جُوداً، وَالْکَرَمَ کَرَماً، رَاْفَةً

و بخششت سپس دنبال آوردی این فضل را به فضلی دگر و این بخشش را به بخششی دگر و این کرم را به کرمی دگر که آن هم

مِنْکَ وَرَحْمَةً، الی انْ جَدَّدْتَ ذلِکَ الْعَهْدَ لی تَجْدیداً بَعْدَ تَجدیدِکَ

از روی مهر و رحمتت بود تا بدان جا که تازه کردی این عهد را برایم از نو پس از تجدید

خَلْقی وَکُنْتُ نَسْیاً مَنْسِیّاً ناسِیاً ساهِیاً غافِلاً، فَاتْمَمْتَ نِعْمَتَکَ بِانْ

آفرینشم در صورتی که من در فراموشی بودم و فراموشکاری و بی خبری و غفلت پس تو نعمتت را بر من تمام کردی به این که آن را به

ذَکَّرْتَنی ذلِکَ، وَمَنَنْتَ بِهِ عَلَیَّ، وَهَدَیْتَنی لَهُ، فَلْیَکُنْ مِنْ شَاْنِکَ یا الهی

یادم انداختی و بدان بر من منّت نهادی و بر آن راهنماییم کردی پس همچنان باید از شأن تو باشد ای معبود

وَسَیِّدی وَمَولایَ انْ تُتِمَّ لی ذلِکَ، وَلاتَسْلُبَنیهِ حَتّی تَتَوَفّانی عَلی ذلِکَ،

و آقا و مولای من که تمام کنی برایم آن نعمت را و از من سلب نفرمایی آن را تا هنگامی که بمیرانیم بر آن

وَانتَ عَنّی راضٍ، فَانَّکَ احَقُّ الْمُنعِمینَ انْ تُتِمَّ نِعمَتَکَ عَلَیَّ، اللهُمَ

در حالی که تو از من خشنود باشی که براستی تو سزاوارترین نعمت بخشانی که نعمتت را بر من به پایان رسانی خدایا

سَمِعْنا وَاطَعْنا وَاجَبْنا داعِیَکَ بِمَنِّکَ، فَلَکَ الْحَمْدُ غُفْرانَکَ رَبَّنا وَالَیْکَ

شنیدیم و پیروی کردیم و خواننده ات را اجابت کردیم به لطف تو پس از آن توست حمد و آمرزشت را خواهانیم پروردگارا و به سوی توست

الْمَصیرُ، امَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ

بازگشت ایمان داریم به خدای یگانه ای که شریک ندارد و به رسولش محمّد صلی اللّه علیه و

وَآلِهِ، وَصَدَّقْنا وَاجَبْنا داعِیَ اللَّهِ، وَاتَّبَعْنَاالرَّسُولَ فی مُوالاهِ مَوْلینا وَمَوْلَی

آله و تصدیق کردیم و اجابت کردیم داعی خدا را و پیروی کردیم از رسول (او) در مورد دوستی و اطاعت مولایمان و مولای

الْمُؤْمِنینَ، امیرِالْمُؤْمِنینَ عَلِیِّ بْنِ ابیطالِبٍ، عَبْدِاللَّهِ وَاخی رَسُولِهِ،

مؤمنان امیر مؤمنان علی بن ابی طالب بنده خدا و برادر رسول او

وَالصِّدّیقِ الْأَکْبَرِ، وَالْحُجَّهِ عَلی بَرِیَّتِهِ، المُؤَیِّدِ بِهِ نَبِیَّهُ وَدینَهُ الْحَقَ

و صدیق اکبر و حجت او بر آفریدگانش آن که خداوند پیامبرش و دین حق

ص :890

الْمُبینَ، عَلَماً لِدینِ اللَّهِ، وَخازِناً لِعِلْمِهِ، وَعَیْبَهَ غَیْبِ اللَّهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ،

آشکارش را بوسیله او تایید کرد نشانه و پرچم دین خدا و خزینه دار دانش او و گنجینه غیب خدا و جایگاه راز خدا

وَامینَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، وَشاهِدَهُ فی بَرِیَّتِهِ، اللهُمَّ رَبَّنا انَّنا سَمِعْنا مُنادِیاً

و امین خدا بر خلق او و گواه او در آفریدگانش خدایا ای پروردگار ما ما شنیدیم منادی

یُنادی لِلْإیمانِ، انْ امِنُوا بِرَبِّکُمْ فامَنَّا، رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا، وَکَفِّرْ عَنَّا

را که ندا می کرد برای ایمان (و می گفت) ایمان آورید به پروردگارتان پروردگارا ما هم ایمان آوردیم پس بیامرز گناهانمان را و بدیهامان

سَیِّئاتِنا، وَتَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ، رَبَّنا وَ اتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ، وَلا

را پوشیده دار و ما را با نیکان بمیران پروردگارا عطا کن به ما چیزی را که بوسیله فرستادگانت به ما وعده دادی و

تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیمَهِ، انَّکَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ، فَانَّا یا رَبَّنا بِمَنِّکَ وَلُطْفِکَ اجَبْنا

در روز رستاخیز رسوایمان مکن که براستی تو خلف وعده نمی کنی، پس ما ای پروردگار به احسان و لطف تو اجابت کردیم

داعِیَکَ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَصَدَّقْناهُ، وَصَدَّقْنا مَوْلَی الْمُؤْمِنینَ، وَکَفَرْنا

داعی تو را و پیروی کردیم از رسول تو و تصدیقش کردیم و نیز تصدیق کردیم مولای مؤمنان را و کافر شدیم

بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، فَوَلِّنا ما تَوَلَّیْنا، وَاحْشُرْنا مَعَ ائِمَّتِنا، فَانَّا بِهِمْ

به جبت و طاغوت (غاصبان حقوق آن حضرت) پس والی ما گردان آن را که ما به ولایت برگزیدیم و با امامانمان محشورمان کن که براستی ما بدیشان

مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ، وَلَهُمْ مُسَلِّمُونَ، امَنَّا بِسِرِّهِمْ وَعَلانِیَتِهِمْ، وَشاهِدِهِمْ

ایمان و اعتقاد داریم و تسلیم آنانیم ایمان داریم بر نهانشان و آشکارشان و حاضرشان

وَغائِبِهِمْ، وَحَیِّهِمْ وَمَیِّتِهِمْ، وَرَضینا بِهِمْ ائِمَّهً وَقادَهً وَسادَهً، وَ حَسْبُنا بِهِمْ

و غایبشان و زنده شان و مرده شان و خشنودیم به امامتشان و آقاییشان و همانها ما را در

بَیْنَنا وَبَیْنَ اللَّهِ دُونَ خَلْقِهِ، لا نَبْتَغی بِهِمْ بَدَلًا، وَلا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلیجَهً،

مابین خود و خدا از سایر خلق کافی هستند نجوییم بجای ایشان بدلی ونگیریم جز ایشان همدمی (یا معتمدی)

وَبَرِئْنا الَی اللَّهِ مِنْ کُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْباً مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلینَ

و بیزاری جوییم به درگاه خدا از هر که برپا کند در برابرشان جنگی از جن و انس از اوّلین

وَالْأخِرینَ، وَ کَفَرْنا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالأَوْثانِ الأَرْبَعَهِ، وَاشْیاعِهِمْ

و آخرین و کافر شدیم به جبت و طاغوت و بتهای چهارگانه و دنبال روندگان

وَاتْباعِهِمْ، وَکُلِّ مَنْ والاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنْ اوَّلِ الدَّهرِ الی آخِرِهِ،

و پیروانشان و هر که دوستشان دارد از جن و انس از آغاز روزگار تا پایان آن

ص :891

اللهُمَّ انَّا نُشْهِدُکَ انَّا نَدينُ بِما دانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَ الُ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ

خدایا تو را گواه می گیریم که ما متدین هستیم بدانچه متدین شد بدان محمّد و آل محمّد درود خدا بر او

وَعَلَيْهِمْ، وَقَوْلُنا ما قالُوا، وَدينُنا ما دانُوا بِهِ، ما قالُوا بِهِ قُلْنا، وَما دانُوا بِهِ

و برایشان باد و گفتار ما همان است که آنها گفتند و دین ما همان است که آنها متدین بدان بودند هرچه را آنان گفتند ما هم گفتیم و هرچه را آنان متدین شدند

دِنَّا، وَما انْكَرُوا انْكَرْنا، وَمَنْ والَوْا والَيْنا، وَمَنْ عادَوْا عادَيْنا، وَمَنْ لَعَنُوا

ما هم شدیم و هرچه را انکار کردند ما انکار کردیم و هرکه را دوست داشتند دوست داریم و هر که را دشمن دارند دشمن داریم و هر که را لعن کردند

لَعَنَّا، وَمَنْ تَبَرَّؤُا مِنْهُ تَبَرَّاْنا مِنْهُ، وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنا عَلَيْهِ، آمَنَّا وَ

لعن کنیم و از هر که بیزاری جستند بیزاری جوئیم و بر هر که ترحم کردند ترحم کنیم ایمان آوردیم

سَلَّمْنا، وَ رَضينا وَ اتَّبَعْنا مَوالِيَنا صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، اللهُمَّ فَتَمِّمْ لَنا ذلِکَ

و تسلیم و خشنود گشتیم و پیروی کردیم از سرورانمان درودهای خدا بر ایشان باد خدایا پس تو آن را برای ما تکمیل کن

وَلاتَسْلُبْناهُ، وَ اجْعَلْهُ مُسْتَقِرّاً ثابِتاً عِنْدَنا، وَلا تَجْعَلْهُ مُسْتَعاراً، وَاحْيِنا

و از ما سلب مفرما و آن را پایگاهی ثابت در پیش ما قرار ده وپایگاه عاریت و موقتش قرار مده و زنده مان

ما احْيَيْتَنا عَلَيْهِ، وَامِتْنا اذا امَتَّنا عَلَيْهِ، الُ مُحَمَّدٍ ائِمَّتُنا، فَبِهِمْ نَاْتَمُّ وَايَّاهُمْ

دار بر همان تا هرگاه که زنده مان داری و بمیرانمان بر آن هرگاه میراندی مان، آل محمّد پیشوایان مایند به آنها اقتدا کنیم و آنان را

نُوالی وَعَدُوَّهُمْ عَدُوَّ اللّهِ نُعادی فَاجْعَلْنا مَعَهُمْ فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَهِ وَمِنَ

دوست داریم و دشمنشان را که دشمن خداست دشمن داریم پس ما را در دنیا و آخرت با ایشان قرار ده و از

الْمُقَرَّبینَ، فَانَّا بِذلِکَ راضُونَ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.

مقربان درگاهت گردان که براستی ما به همان خشنودیم ای مهربانترین مهربانان.

پس از پایان دعا، بار دیگر به سجده برو و صد مرتبه الحمد للّه و صد مرتبه شکراً للّهِ بگو.

امام علیه السلام در ادامه فرمود: هر کس که این عمل را بجا آورد، پاداش کسی را دارد که در روز غدیر، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و با آن حضرت بیعت کرده است.(1) (مرحوم محدّث قمی می گوید: بهتر است که این نماز نزدیک ظهر انجام شود که مقارن نصب حضرت علی علیه السلام به خلافت بوده است).

***

9- از «شیخ مفید» رحمه الله نقل شده است که این دعا را در روز «غدیر» می خوانی:

1- [1228]اقبال، صفحه 472 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 298.

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ، وَعَلِیٍّ وَلِیِّکَ، وَالشَّاْنِ وَالْقَدْرِ الَّذی

خدایا از تو درخواست کنم به حق محمّد پیامبرت و به حق علی ولی تو و بدان منزلت و مرتبه ای که بدان

خَصَصْتَهُما بِهِ دُونَ خَلْقِکَ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ، وَانْ تَبْدَءَ بِهِما

وسیله آن دو را از سایر مخلوق خود اختصاص دادی که درود فرستی بر محمّد و علی و از آنان شروع کنی

فی کُلِّ خَیْرٍ عاجِلٍ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَئِمَّهِ الْقادَهِ،

در دادن هر خیری که فوری است خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد پیشوایان رهبر

وَالدُّعاهِ السَّادَهِ، وَالنُّجُومِ الزَّاهِرَهِ، وَالْأَعْلامِ الْباهِرَهِ، وَساسَهِ الْعِبادِ،

و خوانندگان بزرگ و سرور و ستارگان درخشان و نشانه های فروزان و تدبیرکنندگان کار بندگان

وَارْکانِ الْبِلادِ، وَالنَّاقَهِ الْمُرْسَلَهِ، وَالسَّفینَهِ النَّاجِیَهِ، الْجارِیَهِ فِی اللُّجَجِ

و پایه های جاهای آباد و ناقه فرستاده شده و کشتی نجات که روان است در دریاهای

الْغامِرَهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، خُزَّانِ عِلْمِکَ، وَارْکانِ

ژرف پرآب خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد گنجینه های دانشت و پایه های

تَوْحِیدِکَ، وَدَعائِمِ دینِکَ، وَمَعادِنِ کَرامَتِکَ، وَصَفْوَتِکَ مِنْ بَرِیَّتِکَ،

محکم توحید تو و ستونهای دین تو و معدنهای کرامتت و برگزیدگان از خلقت

وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، الْأَتْقِیآءِ النُّجَبآءِ الْأَبْرارِ، وَالْبابِ الْمُبْتَلی بِهِ

و بهترین آفریدگانت آن پرهیزکاران و برگزیدگان نیکوکار و درگاهی که مورد ابتلای مردم است

النَّاسُ، مَنْ اتاهُ نَجی وَمَنْ اباهُ هَوی اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

هر که بدان درگاه آمد نجات یافت و هرکه سرباز زد سقوط کرد خدایا درود فرست بر محمّد و آل

مُحَمَّدٍ، اهْلِ الذِّکْرِ الَّذینَ امَرْتَ بِمَسْئَلَتِهِمْ، وَذَوِی الْقُرْبَی الَّذینَ امَرْتَ

محمّد اهل ذکری که دستور فرمودی بپرسش مسائل از آنها و خویشاوندانی که دستور فرمودی

بِمَوَدَّتِهِمْ، وَفَرَضْتَ حَقَّهُمْ، وَجَعَلْتَ الْجَنَّهَ مَعادَ مَنِ اقْتَصَّ اثارَهُمْ، اللَّهُمَ

به دوست داشتنشان و حقشان را واجب کردی و بهشت را بازگشتگاه (و سرمنزل) کسی قرار دادی که آثارشان را پیروی کند خدایا

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، کَما امَرُوا بِطاعَتِکَ، وَنَهَوْا عَنْ مَعْصِیَتِکَ،

درود فرست بر محمّد و آل محمّد چنانچه دستور پیروی تو را دادند و از نافرمانیت نهی کردند

وَدَلُّوا عِبادَکَ عَلی وَحْدانِیَّتِکَ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ

و بندگانت را به یگانگیت راهنمایی کردند خدایامن از تو می خواهم به حق محمّد پیامبرت

ص :893

وَنَجيبِکَ، وَصَفْوَتِکَ وَامينِکَ، وَرَسُولِکَ الی خَلْقِکَ، وَبِحَقِ

و گرامی و برگزیده و امین تو و فرستاده ات بسوی خلق و به حق

اميرِالْمُؤْمِنينَ، وَيَعْسُوبِ الدّينِ، وَقآئِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ، الْوَصِیِّ الْوَفِیِّ،

امیرمؤمنان و پیشوای دین و رهبر سفیدرویان آن وصی با وفا

وَالصِّدّيقِ الْأَكْبَرِ، وَالْفارُوقِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْباطِلِ، وَالشَّاهِدِ لَکَ، وَالدَّالِ

و صدیق اکبر و جداکننده بین حق و باطل و گواه تو و راهنمایی کننده

عَلَيْکَ، وَالصَّادِعِ بِامْرِکَ، وَالْمُجاهِدِ فی سَبيلِکَ، لَمْ تَأْخُذْهُ فيکَ لَوْمَةُ

بر تو و آشکار کننده دستورت و جهادکننده در راهت آن که نگیردش (و ناراحتش نکند) درباره تو ملامت

لائِمٍ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَنی فی هذَا الْيَوْمِ

ملامت کننده ای که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و مرا قرار دهی در این روزی

الَّذی عَقَدْتَ فيهِ لِوَلِيِّکَ الْعَهْدَ فی اعْناقِ خَلْقِکَ، وَاكْمَلْتَ لَهُمُ الدّينَ مِنَ

که بستی برای ولی خود پیمان (امامت) را در گردن خلق خود و کامل گرداندی برای آنها دین را از

الْعارِفينَ بِحُرْمَتِهِ، وَالْمُقِرّينَ بِفَضْلِهِ، مِنْ عُتَقآئِکَ وَطُلَقائِکَ مِنَ النَّارِ،

عارفان به حرمتش و اقرارکنندگان به فضل او و از آزادشدگان و رهاشدگانت از آتش

وَلا تُشْمِتْ بی حاسِدِی النِّعَمِ، اللهُمَّ فَكَما جَعَلْتَهُ عيدَکَ الْأَكْبَرَ،

و شاد مکن نسبت به من حسودانم را در نعمتهایت خدایا چنانچه آن را عید بزرگ خود قرار داده ای

وَسَمَّیْتَهُ فِی السَّمآءِ یَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ، وَفِی الْاَرْضِ یَوْمَ الْمیثاقِ

و نامیدی آن را در آسمان روز عهد معهود و در زمین روز پیمان گرفتن

الْمَأْخُوذِ، وَالْجَمْعِ الْمَسْئُولِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْرِرْ بِهِ

و انجمن بازخواست شده درود فرست بر محمّد و آل محمّد و روشن کن بوسیله اش دیدگان

عُیُونَنا، وَاجْمَعْ بِهِ شَمْلَنا، وَلا تُضِلَّنا بَعْدَ اذْ هَدَیْتَنا، وَاجْعَلْنا لِأَنْعُمِکَ مِنَ

ما را و گردآور بدستش پراکندگی ما را و گمراهمان مکن پس از آن که هدایتمان کردی و قرارمان ده از سپاسگزاران

الشَّاکِرینَ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی عَرَّفَنا فَضْلَ هذَا الْیَوْمِ،

نعمتهایت ای مهربانترین مهربانان ستایش خاص خدایی است که شناساند به ما فضیلت این روز را

وَبَصَّرَنا حُرْمَتَهُ، وَکَرَّمَنا بِهِ، وَشَرَّفَنا بِمَعْرِفَتِهِ، وَهَدانا بِنُورِهِ، یا رَسُولَ

و بینامان کرد به حرمت این روز و گرامیمان داشت بدان و شرافتمان داد به معرفتش و هدایتمان کرد به نورش ای رسول

اللَّهِ یا امیرَالْمُؤمِنینَ، عَلَیْکُما وَعَلی عِتْرَتِکُما وَعَلی مُحِبِّیکُما مِنّی افْضَلُ

خدا ای امیرمؤمنان بر شما و بر عترت شما و بر دوستان شما بهترین

السَّلامِ ما بَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ، وَبِکُما اتَوَجَّهُ الَی اللَّهِ رَبّی وَرَبِّکُما فی

سلام و درود من باد تا برپاست شب و روز و بوسیله او رو کنم بسوی خدا پروردگار من و پروردگارتان در

نَجاحِ طَلِبَتی وَقَضآءِ حَوآئِجی وَتَیْسیرِ امُوری اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ

موفق شدن به مقصودم و برآورده شدن حاجاتم و آسان شدن کارهایم خدایا از تو خواهم

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَلْعَنَ

به حق محمّد و آل محمّد که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و لعنت کنی

مَنْ جَحَدَ حَقَّ هذَا الْیَوْمِ، وَانْکَرَ حُرْمَتَهُ، فَصَدَّ عَنْ سَبیلِکَ لِإِطْفآءِ نُورِکَ،

کسی را که انکار کند حق این روز را و انکار کند حرمتش را وجلوگیری کرد از راه تو برای خاموش کردن نورت

فَابَی اللَّهُ الَّا انْ یُتِمَّ نُورَهُ، اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ اهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ، وَاکْشِفْ

ولی خدا هم نمی خواهد جز آن که نورش را آشکار کند خدایا گشایش ده به کار خاندان محمّد پیامبرت و برطرف کن

عَنْهُمْ وَبِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنینَ الْکُرُباتِ، اللَّهُمَّ امْلَاءِ الْأَرْضَ بِهِمْ عَدْلاً،

از ایشان و بوسیله ایشان از اهل ایمان گرفتاریها و محنتها راخدایا پرکن زمین رابوسیله ایشان از عدل و داد

کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً، وَ انْجِزْلَهُمْ ما وَعَدْتَهُمْ، انَّکَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ.(1)

چنانچه پر شده از ستم و بیداد و وفا کن برای آنها آنچه را وعده دادی به آنها که براستی تو خلف وعده نمی کنی.

***

10- به سبب عظمت روز «غدیر» و مبارکی و میمنت آن، مناسب است که برادران مؤمن، با یکدیگر در این روز، عقد اخوّت و برادری بخوانند و پیوند برادری و همکاری را میان خویش عمیق تر سازند.

مرحوم «حاجی نوری» در «مستدرک الوسائل» می گوید: دست راست خود را بر دست راست برادر مؤمن خود بگذار و بگو:

واخَیْتُکَ فِی اللَّهِ، وَصافَیْتُکَ فِی اللَّهِ، وَصافَحْتُکَ فِی اللَّهِ، وَعاهَدْتُ اللَّهَ

برادر شدم با تو در راه خدا و دوست باصفایت شدم در راه خدا و مصافحه کردم با تو در راه خدا وعهد کردم با خدا

وَمَلائِکَتَهُ وَکُتُبَهُ وَرُسُلَهُ وَانْبِیآئَهُ، وَالْأَئِمَّهَ الْمَعْصُومینَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ،

و فرشتگانش و کتابهایش و رسولانش وپیمبرانش و امامان معصومین علیهم السلام

1- [1229]بحارالانوار، جلد 95، صفحه 319 و اقبال، صفحه 492(با اندکی تفاوت).

عَلی انّی انْ کُنْتُ مِنْ اهْلِ الْجَنَّهِ وَ الشَّفاعَهِ، وَاذِنَ لی بِانْ ادْخُلَ الْجَنَّهَ،

بر این که اگر من از اهل بهشت و اهل شفاعت بودم و اجازه ام دادند که

لا ادْخُلُها الّا وَانْتَ مَعی آنگاه برادر مؤمن می گوید: قَبِلْتُ. آنگاه بگو: اسْقَطْتُ

داخل بهشت گردم داخل نشوم جز با تو****************** قبول کردم******* و ساقط کردم

عَنْکَ جَمیعَ حُقُوقِ الْأُخُوَّهِ، ما خَلَا الشَّفاعَهَ وَ الدُّعآءَ وَ الزِّیارَهَ.(1)

از تو تمامی حقوق برادری را جز شفاعت و دعا و زیارت.

در این صورت، وقتی که طرف مقابل قبول کرد، برادر معنوی یکدیگر خواهند شد و چون وظیفه اخوّت بسیار سنگین است، همه حقوق برادری را جز زیارت، دعا و شفاعت به یکدیگر می بخشند.

***

روز بیست و چهارم (روز خاتم بخشی علی علیه السلام و روز مباهله):

بیست و چهارم ماه ذی الحجّه، یادآورِ دو خاطره مهمّ تاریخی در اسلام است:

1- روزی است که امیر مؤمنان علی علیه السلام در آن روز، در حال رکوع انگشتر خود را به سائل فقیر عنایت کرد؛ این عمل خالصانه و ایثارگرانه امیر مؤمنان علیه السلام بقدری پرارزش بود که آیه 55 سوره مائده در شأن آن نازل شد: «

«إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذینَ آمَنُوا الَّذینَ یُقیمُونَ الصَّلاهَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ راکِعُونَ»؛

سرپرست و ولیّ شما تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همانها که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند!»(2) جا دارد که مؤمنان با یادآوری این خاطره مهم و تفسیر آیه شریفه، و ذکر

مناقب و فضایل امیرمؤمنان علیه السلام این روز را گرامی دارند و خود نیز در تصدّق و انفاق به فقرا و نیازمندان، به آن حضرت تأسّی جویند.

2- واقعه مهمّ دیگر «مباهله» رسول خدا با مسیحیان نجران است.(3) پس از گفتگوی فراوان نصارای نجران با رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حضرت مسیح علیه السلام سرانجام علمای نصارا از پذیرفتن حق خودداری کردند و کار به مباهله کشیده شد. (مباهله یعنی نفرین کردن دو نفر نسبت به یکدیگر که هرکس ناحق می گوید گرفتار مجازات الهی شود).

براین امر توافق شد که در چنین روزی مسیحیان نجران با رسول خدا «مباهله» نمایند و نفرین کنند که هر گروه و جمعیّتی که ناحق می گوید، رسوا و مجازات شود.

1- [1230]مستدرک الوسائل، جلد 6، صفحه 279، حدیث 6843.
2- [1231]اقبال، صفحه 525.
3- [1232]همان مدرک، صفحه 496 و صفحه 515 و مصباح المتهجّد، صفحه 759.

خداوند طبق آیه 61 سوره آل عمران به پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «

«فَمَنْ حاجَّکَ فیهِ مِن بَعدِ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْنائَکُم وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُم وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَهَ اللَّهِ عَلَی الْکاذِبِینَ»؛

هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره حضرت مسیح علیه السلام) به تو رسیده، کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آنگاه مباهله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

پیرو این دستور الهی، رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که فرزندش حسین علیه السلام را در آغوش داشت و دست حسن علیه السلام را در دست گرفته بود و علی و فاطمه علیهما السلام نیز همراه او بودند، به سمت محلّ مباهله حرکت کرد.

نصارا، چون چنین جمعیّتی و نشانه هایی را از نزدیک شدن کیفر الهی دیدند، وحشت کردند و از «مباهله» منصرف شدند و حاضر به پذیرفتن جزیه گردیدند.(1) این داستان نشانه دیگری از عظمت اهل بیت علیهم السلام و حقّانیّت رسول خدا صلی الله علیه و آله و دین اسلام است.

بنابراین، بسیار شایسته است مسلمانان در چنین روزی، با یادآوری و آگاهی بیشتر از این جریان، عظمت و بزرگی رسول خدا و اهل بیت پاکش را به خاطر آورند و بر معرفت خویش نسبت به آنان بیفزایند، و به شکرانه آن به نیازمندان انفاق کنند.

به هر حال، این روز، روز باعظمتی است که چند عمل برای آن نقل شده است:

1- این روز را به شکرانه این برکات بزرگ، روزه بدارد.(2) 2- غسل کند و بهترین لباسش را بپوشد و خود را معطّر نماید.(3) 3- نیم ساعت قبل از ظهر، دو رکعت نماز بخواند؛ در هر رکعتی یک مرتبه سوره «حمد» و ده بار سوره «قل هو اللّه احد»، ده بار «آیهالکرسی» و ده بار سوره «انّا انزلناه» را بخواند.

در روایتی از امام صادق علیه السلام برای این نماز پاداش فراوانی ذکر شده است.(4) 4- دعای روز «مباهله» را بخواند که از امام صادق علیه السلام نقل شده است و آن چنین است:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ بَهآئِکَ بِابْهاهُ، وَ کُلُّ بَهآئِکَ بَهِیٌّ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ

خدایا از تو خواهم از درخشنده ترین مراتب درخشندگیت و همه مراتب آن درخشنده است خدایا از تو خواهم

ص: 897

1- [1233]برای آگاهی بیشتر از داستان مباهله و کتب فراوانی که آن را نقل کرده اند، به تفسیر نمونه، جلد 2، ذیل تفسیر آیه 61 سوره آل عمران مراجعه کنید.
2- [1234]اقبال، صفحه 515.
3- [1235]همان مدرک.
4- [1236]مصباح المتهجّد، صفحه 758.

بِبَهآئِکَ کُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ جَلالِکَ بِاجَلِّهِ، وَ کُلُّ جَلالِکَ جَلیلٌ،

به تمام مراتب درخشندگیت خدایا از تو خواهم از باشوکت ترین مراتب جلالت و تمام مراتب جلال تو شوکتمند است

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِجَلالِکَ کُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ جَمالِکَ بِاجْمَلِهِ،

خدایا از تو خواهم به همه مراتب جلالت خدایا از تو خواهم از زیباترین مراتب جمال تو و

وَکُلُّ جَمالِکَ جَمیلٌ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِجَمالِکَ کُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّی ادْعُوکَ کَما

همه مراتب جمالت زیباست خدایا از تو خواهم به همه مراتب جمالت خدایا تو را خوانم چنانچه

امَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ عَظَمَتِکَ

دستورم دادی پس دعایم را به اجابت رسان چنانچه وعده ام دادی خدایا از تو خواهم از بزرگترین

بِاعْظَمِها، وَ کُلُّ عَظَمَتِکَ عَظَیمَهٌ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِعَظَمَتِکَ کُلِّها، اللهُمَ

مراتب عظمتت و همه مراتب آن بزرگ است خدایا از تو خواهم به همه عظمتت خدایا

انّی اسَئَلُکَ مِنْ نُورِکَ بِانْوَرِهِ، وَ کُلُّ نُورِکَ نَیِّرٌ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِنُورِکَ

از تو خواهم از تابنده ترین مراتب روشنیت و همه مراتب آن تابنده است خدایا از تو خواهم به تمام مراتب روشنیت

کُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ رَحْمَتِکَ بِاوْسَعِها، وَ کُلُّ رَحْمَتِکَ واسِعَهٌ،

خدایا از تو خواهم از وسیع ترین مراتب رحمتت و همه رحمت تو وسیع است

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِرَحْمَتِکَ کُلِّها، اللَّهُمَّ انّی ادْعُوکَ کَما امَرْتَنی

خدایا از تو خواهم به همه مراتب رحمتت خدایا تو را می خوانم همچنانکه دستورم دادی

فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ کَمالِکَ بِاکْمَلِهِ، وَ کُلُ

پس اجابت کن دعایم را چنانچه وعده فرمودی خدایا از تو خواهم از کاملترین مراتب کمالت و تمام

کَمالِکَ کامِلٌ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِکَمالِکَ کُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ

مراتب آن کامل است خدایا از تو خواهم به تمام مراتب کمالت خدایا از تو خواهم از

کَلِماتِکَ بِاتَمِّها، وَ کُلُّ کَلِماتِکَ تآمَّةٌ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِکَلِماتِکَ کُلِّهَا،

تمامترین کلمات و سخنانت و تمام کلماتت تام و تمام است خدایا از تو خواهم به کلماتت همگی

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ اسْمآئِکَ بِاکْبَرِها، وَکُلُّ اسْمآئِکَ کَبیرَةٌ، اللَّهُمَّ انّی

خدایا از تو خواهم به بزرگترین نامهایت و همه نامهایت بزرگ است خدایا از

اسْئَلُکَ بِاسْمآئِکَ کُلِّها، اللَّهُمَّ انّی ادْعُوکَ کَما امَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی کَما

تو خواهم به نامهایت همگی خدایا من تو را می خوانم چنانچه به من دستور دادی پس به اجابت رسان دعایم را

ص :898

وَعَدْتَنی اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ عِزَّتِکَ باعَزِّها، وَ کُلُّ عِزَّتِکَ عَزیزَهٌ،

چنانچه وعده ام فرمودی خدایا از تو خواهم به عزیزترین مراتب عزتت و همه مراتب تو عزیز است

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِعِزَّتِکَ کُلِّها، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ مَشِیَّتِکَ بِامْضاها،

خدایا از تو خواهم به همه مراتب عزتت خدایا از تو خواهم به گذراترین اراده و خواستت

وَکُلُّ مَشِیَّتِکَ ماضِیَهٌ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِمَشِیَّتِکَ کُلِّها، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ

و همه مراتب اراده تو گذراست خدایا از تو خواهم به تمام مراتب اراده و خواستت خدایا از تو خواهم

بِقُدْرَتِکَ الَّتِی اسْتَطَلْتَ بِها عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ، وَ کُلُّ قُدْرَتِکَ مُسْتَطیلَهٌ، اللَّهُمَ

بدان قدرتت که بوسیله آن بر همه چیزبرتری گرفتی گرچه تمام مراتب قدرتت برتری گیرنده است خدایا

انّی اسْئَلُکَ بِقُدْرَتِکَ کُلِّها، اللَّهُمَّ انّی ادْعُوکَ کَما امَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی

از تو خواهم به تمام مراتب قدرتت خدایا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادی تو هم اجابتم کن

کَما وَعَدْتَنی اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ عِلْمِکَ بِانْفَذِهِ وَکُلُّ عِلْمِکَ نافِذٌ،

چنانچه وعده فرمودی خدایا از تو خواهم از نافذترین مراتب دانشت با این که تمام مراتب دانشت نافذ است

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِعِلْمِکَ کُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ قَوْلِکَ بِارْضاهُ، وَکُلُ

خدایا از تو خواهم به مراتب دانشت همگی خدایا از تو خواهم از پسندیده ترین گفتارت و تمام

قَوْلِکَ رَضِیٌّ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِقَوْلِکَ کُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ مَسآئِلِکَ

گفتار تو پسندیده است خدایا از تو خواهم به همه گفتارت خدایا از تو خواهم به محبوبترین چیزی که از تو درخواست شده

بِاحَبِّهاَ، وَكُلُّها الَيْكَ حَبيبَهٌ، اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُكَ بِمَسآئِلِكَ كُلِّها، اللهُمَّ انّى

و همه آنها پیش تو محبوب است خدایا از تو خواهم به تمام آنچه از تو درخواست شده خدایا من

ادْعُوكَ كَما امَرْتَنى فَاسْتَجِبْ لى كَما وَعَدْتَنى اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُكَ مِنْ

تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس اجابتم کن چنانچه وعده ام فرمودی خدایا از تو خواهم به

شَرَفِكَ بِاشْرَفِهِ، وَ كُلُّ شَرَفِكَ شَريفٌ، اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ،

شریفترین مراتب شرفت و تمامی مراتب شرف تو شریف است خدایااز تو خواهم به مراتب شرفت همگی

اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُكَ مِنْ سُلْطانِكَ بِادْوَمِهِ، وَ كُلُّ سُلطانِكَ دآئِمٌ، اللَّهُمَّ انّى

خدایا از تو خواهم به حق بادوامترین مراتب سلطنتت و تمام مراتب آن دائمی است خدایا از تو

اسْئَلُكَ بِسُلْطانِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِافْخَرِهِ، وَ كُلُّ مُلْكِكَ

خواهم به مراتب سلطنتت همگی خدایا از تو خواهم به گرانمایه ترین مراتب فرمانرواییت و تمام مراتب فرمانرواییت

فاخِرٌ، اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُکَ بِمُلْکِکَ کُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّى ادْعُوکَ کَما امَرْتَنى

گرانمایه است خدایا از تو خواهم به تمام مراتب فرمانرواییت خدایا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادى

فَاسْتَجِبْ لى کَما وَعَدْتَنى اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُکَ مِنْ عَلائِکَ بِاعْلاهُ، وَ کُلُ

پس اجابتم کن چنانچه وعده ام فرمودى خدایا از تو خواهم به والاترین مراتب بلندیت و تمام

عَلائِکَ عالٍ، اللهُمَّ انّى اسْئَلُکَ بِعَلائِکَ کُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُکَ مِنْ اياتِکَ

مراتب بلندى تو والاست خدایا از تو خواهم به والاترین مراتب بلندیت همگى خدایا از تو خواهم به

بِاعْجَبِها، وَ کُلُّ اياتِکَ عَجيبَهٌ، اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُکَ باياتِکَ کُلِّها، اللَّهُمَّ انّى

شگفت ترین آیات و نشانه هایت و همه آیات تو شگفت است خدایا از تو خواهم به آیاتت همگى خدایا از

اسْئَلُکَ مِنْ مَنِّکَ بِاقْدَمِهِ، وَ کُلُّ مَنِّکَ قَديمٌ، اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُکَ بِمَنِّکَ کُلِّهِ،

تو خواهم به قدیمترین نعمتت و همه نعمتهایت قدیم است خدایا از تو خواهم به همه اقسام نعمتت

اللَّهُمَّ انّى ادْعُوکَ کَما امَرْتَنى فَاسْتَجِبْ لى کَما وَعَدْتَنى اللَّهُمَّ انّى

خدایا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادى پس اجابت کن دعایم را چنانچه وعده فرمودى خدایا من از

اسْئَلُکَ بِما انْتَ فيهِ مِنَ الشُّؤُونِ وَالْجَبَرُوتِ، اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُکَ بِکُلِّ شَأْنٍ

تو خواهم به آنچه تو در آنى از مقامات و قدرت و عظمتت خدایا از تو خواهم به حق هر مقام

وَکُلِّ جَبَرُوتٍ، اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُکَ بِما تُجيبُنى بِهِ حينَ اسْئَلُکَ، يا اللَّهُ يا لا

و هر قدرت و عظمتی که داری خدایا من از تو خواهم بدانچه اجابتم کنی بدان هنگامی که تورا خوانم ای خدا ای که

الهَ الَّا انْتَ، اسْئَلُکَ بِبَهآءِ لا الهَ الَّا انْتَ، یا لا الهَ الَّا انْتَ، اسْئَلُکَ بِجَلالِ

معبودی جز تو نیست از تو خواهم به درخشندگی (یا ارجمندی) کلمه «لااله الا انت» ای که نیست معبودی جز تو از تو خواهم به جلال

لا الهَ الَّا انْتَ، یا لا الهَ الَّا انْتَ، اسْئَلُکَ بِلا الهَ الَّا انْتَ، اللَّهُمَّ انّی ادْعُوکَ

و کلمه «لا اله الا انت» ای که معبودی جز تو نیست از تو خواهم به کلمه «لااله الاانت» خدایا تو را خوانم

کَما امَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ رِزْقِکَ

چنانچه دستورم دادی پس اجابت کن دعایم را چنانچه وعده ام فرمودی خدایا از تو خواهم از عمومی ترین اقسام روزیت

باعَمِّهِ، وَ کُلُّ رِزْقِکَ عآمٌّ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِرِزْقِکَ کُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ

و تمام اقسام روزی تو عمومی است خدایا از تو خواهم به تمام اقسام روزی تو خدایا از تو خواهم

مِنْ عَطآئِکَ بِاهْنَأِهِ، وَ کُلُّ عَطآئِکَ هَنیئٌ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِعَطآئِکَ کُلِّهِ،

از گواراترین عطایای تو و تمام عطاهایت گواراست خدایا از تو خواهم به تمام عطایایت

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ خَیْرِکَ بِاعْجَلِهِ، وَکُلُّ خَیْرِکَ عاجِلٌ، اللَّهُمَّ انّی

خدایا از تو خواهم به فوری ترین خیر و نیکیت و تمام نیکیهای تو فوری است خدایا از

اسْئَلُکَ بِخَیْرِکَ کُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ بِافْضَلِهِ، وَکُلُّ فَضْلِکَ

تو خواهم به تمام نیکیهایت خدایا از تو خواهم به فزونترین فضل تو و همه فضل تو

فاضِلٌ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِفَضْلِکَ کُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّی ادْعُوکَ کَما امَرْتَنی

فزون است خدایا از تو خواهم به فضل تو همگی خدایا تو را خوانم چنانچه دستورم دادی

فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْنی

پس اجابتم کن چنانچه وعده ام فرمودی خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و برانگیز مرا

عَلَی الْإِیمانِ بِکَ، وَالتَّصْدیقِ بِرَسُولِکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ السَّلامُ، وَالْوِلایَهِ لِعَلِیِ

با داشتن ایمان به خودت و تصدیق به رسولت- که درود بر او و آلش باد- و ولایت علی

بْنِ ابیطالِبٍ، وَ الْبَرائَهِ مِنْ عَدُوِّهِ، وَالْإِیتِمامِ بِالْأَئِمَّهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ

بن ابی طالب و بیزاری از دشمنش و اقتدا به امامان از آل محمّد علیهم

السَّلامُ، فَانّی قَدْ رَضیتُ بِذلِکَ یا رَبِّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ

السلام زیرا که من خشنودم بدین ای پروردگار من خدایا درود فرست بر محمّد بنده

وَرَسُولِکَ فِی الْأَوَّلینَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ فِی الْأخِرینَ، وَصَلِّ عَلی

و رسولت در زمره اوّلین و درود فرست بر محمّد در زمره آخرین و درود فرست

مُحَمَّدٍ فِی الْمَلَاءِ الْأَعْلی وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ فِی الْمُرْسَلینَ، اللهُمَّ اعْطِ

بر محمّد در عالم بالا و درود فرست بر محمّد در زمره مرسلین خدایا عطا کن

مُحَمَّداً الْوَسیلَهَ، وَالشَّرَفَ وَالْفَضیلَهَ وَالدَّرَجَهَ الْکَبیرَهَ، اللهُمَّ صَلِ

به محمّد مقام وسیله و شرف و فضیلت و درجه بزرگ را خدایا درود فرست

عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَقَنِّعْنی بِما رَزَقْتَنی وَبارِکْ لی فیما اتَیْتَنی

بر محمّد و آل محمّد و قانع کن مرا بدانچه روزیم کرده ای و برکت ده به من در آنچه به من داده ای

وَاحْفَظْنی فی غَیْبَتی وَکُلِّ غائِبٍ هُوَ لی اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

و نگهداری کن مرا در غیبتم و هر غایبی که مربوط به من است خدایا درود فرست بر محمّد و آل

مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْنی عَلَی الْإِیمانِ بِکَ، وَالتَّصْدیقِ بِرَسُولِکَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی

محمّد و برانگیزم بر ایمان به خودت و تصدیق به رسولت خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْئَلُکَ خَیْرَ الْخَیْرِ رِضْوانَکَ وَالْجَنَّهَ، وَاعُوذُ بِکَ مِنْ

محمّد و آل محمّد و از تو خواهم خوبترین خوبها را که خشنودی تو و بهشت باشد و پناه برم به تو از

شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِکَ وَالنّارِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنی

بدترین بدها که خشم تو و آتش دوزخ باشد خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و محافظت کن مرا

مِنْ کُلِّ مُصیبَهٍ، وَمِنْ کُلِّ بَلِیَّهٍ، وَمِنْ کُلِّ عُقُوبَهٍ، وَمِنْ کُلِّ فِتْنَهٍ، وَمِنْ کُلِ

از هر پیش آمد ناگوار و از هر گرفتاری و از هر شکنجه و از هر فتنه و از هر

بَلاءٍ، وَمِنْ کُلِّ شَرٍّ، وَمِنْ کُلِّ مَکْرُوهٍ، وَمِنْ کُلِّ مُصیبَهٍ، وَمِنْ کُلِّ افَهٍ،

بلا و از هر بدی و از هر ناراحتی و از هر مصیبت و از هر آفتی

نَزَلَتْ اوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ الَی الْأَرْضِ فی هذِهِ السّاعَهِ، وَفی هذِهِ اللَّیْلَهِ،

که نازل شده یا بعد از این از آسمان بزمین نازل شود در این ساعت و در این شب

وَفی هذَا الْیَومِ، وَفی هذَا الشَّهْرِ، وَفی هذِهِ السَّنَهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

و در این روز و در این ماه و در این سال خدایا درود فرست بر محمّد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْسِمْ لی مِنْ کُلِّ سُرُورٍ، وَمِنْ کُلِّ بَهْجَهٍ، وَمِنْ کُلِّ اسْتِقامَهٍ،

و آل محمّد و نصیبم کن از هر شادی و از هر خوشحالی و از هر پایداری

وَمِنْ کُلِّ فَرَجٍ، وَمِنْ کُلِّ عافِیَهٍ، وَمِنْ کُلِّ سَلامَهٍ، وَمِنْ کُلِّ کَرامَهٍ، وَمِنْ

و از هر گشایشی و از هر تندرستی و از هر سلامتی و از هر کرامت و از

کُلِّ رِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَیِّبٍ، وَمِنْ کُلِّ نِعْمَهٍ، وِمَنْ کُلِّ سَعَهٍ، نَزَلَتْ اوْ

هر روزی فراخ حلال پاکی و از هر نعمتی و از هر وسعتی که نازل شده یا بعد از این نازل شود

تَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ اِلَی الْأَرْضِ فی هذِهِ السَّاعَهِ، وَفی هذِهِ اللَّیْلَهِ، وَفی

از آسمان به زمین در این ساعت و در این شب و در

هذَا الْیَوْمِ، وَفی هذَا الشَّهْرِ، وَفی هذِهِ السَّنَهِ، اللَّهُمَّ انْ کانَتْ ذُنُوبی قَدْ

این روز و در این ماه و در این سال خدایا اگر چنانچه گناهانم

اخْلَقَتْ وَجْهی عِنْدَکَ، وَحالَتْ بَیْنی وَبَیْنَکَ، وَغَیَّرَتْ حالی عِنْدَکَ،

شرمنده کرده است چهره ام را پیش تو و حائل شد میان من و تو و حالم را پیش تو تغییر داده

فَانّی اسْئَلُکَ بِنُورِ وَجْهِکَ الَّذی لا یُطْفَأُ، وَبِوَجْهِ مُحَمَّدٍ حَبیبِکَ

پس از تو خواهم به حق نور ذاتت که خاموش نشود و به آبروی محمّد مصطفی حبیب تو

الْمُصْطَفی، وَبِوَجْهِ وَلِیِّکَ عَلِیٍّ الْمُرْتَضی، وَبِحَقِّ اوْلِیآئِکَ الَّذینَ

و به آبروی ولی تو علی مرتضی و به حق اولیایت که برگزیدی

انْتَجَبْتَهُمْ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَغْفِرَ لی ما مَضی مِنْ

آنها را که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و بیامرزی برایم گذشته های از

ذُنُوبی وَانْ تَعْصِمَنی فیما بَقِیَ مِنْ عُمْری وَاعُوذُ بِکَ اللَّهُمَّ انْ اعُودَ فی

گناهانم را و نگاهم داری در آینده عمرم و پناه می برم به تو خدایا از این که بازگردم

شَیْ ءٍ مِنْ مَعاصیکَ ابَداً ما ابْقَیْتَنی حَتَّی تَتَوَفَّانی وَانَا لَکَ مُطیعٌ، وَانْتَ

به یکی از گناهان و نافرمانیهایت هرگز تا زنده ام (یعنی) تا آنگاه که مرا بمیرانی و من فرمانبردار تو باشم و تو

عَنّی راضٍ، وَانْ تَخْتِمَ لی عَمَلی بِاحْسَنِهِ، وَتَجْعَلَ لی ثَوابَهُ الْجَنَّهَ، وَانْ

از من خشنود باشی و به انجام رسانی عمل مرا به نیکوترین آن و پاداش آن را برایم بهشت مقرّر داری

تَفْعَلَ بی ما انْتَ اهْلُهُ، یا اهْلَ التَّقْوی وَیا اهْلَ الْمَغْفِرَهِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

و انجام دهی درباره من آنچه را تو شایسته آنی ای اهل تقوا و ای شایسته آمرزش درود فرست بر محمّد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْنی بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

و آل محمّد و رحم کن به من به رحمت خویش ای مهربانترین مهربانان.

***

روز بیست و پنجم (روز نزول سوره هل أتی :

روز بیست و پنجم ماه ذی الحجّه، روزی است که سوره «هل اتی» در آن روز نازل شد.(2) در شأن نزول این سوره جمع زیادی از علمای شیعه و سنّی نقل کرده اند که امام حسن و امام حسین علیهما السلام بیمار شدند و پیامبر صلی الله علیه و آله به عیادتشان آمد و به علی علیه السلام فرمود: چه خوب است برای شفای آنان نذری کنی.

حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و فضّه برای شفای آنان سه روز روزه نذر کردند.

وقتی که حسنین علیهما السلام شفا یافتند، آنان برای ادای نذر روزه گرفتند- ومطابق برخی از روایات حسنین علیهما السلام نیز روزه گرفتند- در حالی که از نظر موادّ غذایی در زحمت بودند. به هنگام افطار که مقداری نان را برای افطار آماده کرده بودند، صدای مسکینی را شنیدند که تقاضای کمک داشت. علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فضّه و حسن و حسین علیهما السلام نان خود را به آن مسکین دادند و خود در آن شب جز آب ننوشیدند.

1- [1237]مصباح المتهجّد، صفحه 759.
2- [1238]همان مدرک، صفحه 770 و اقبال صفحه 529.

غروب فردا نیز به هنگام افطار یتیمی اظهار نیاز کرد و بار دیگر جریان شب گذشته تکرار شد و آنان با مقداری آب افطار کردند.

روز سوم نیز به هنگام غروب اسیری به در خانه آنان آمد و آن خانواده کرامت و بزرگواری و ایثار، از سهم نان خود گذشتند و آن را به اسیر دادند.

فردا علی علیه السلام دست حسن و حسین را گرفت و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، چشم پیامبر به بچّه ها افتاد که از شدّت گرسنگی می لرزیدند؛ علّت را جویا شد و علی علیه السلام ماجرا را تعریف کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله ناراحت شد و با هم به منزل حضرت زهرا علیها السلام آمدند، در این حال جبرئیل فرود آمد و سوره هل أتی (انسان) را از جانب خداوند آورد. در این سوره از ایثار توأم با اخلاص اهل بیت علیهم السلام به عظمت و بزرگی زیاد یاد شده است.(1) برای این روز اعمالی ذکر شده است:

1- مرحوم «سیّد بن طاووس» از «شیخ مفید» نقل می کند که مستحب است در چنین روزی روزه بگیرند، زیرا در چنین روزی خداوند فضیلت و برتری اهل بیت رسول خدا را آشکار ساخت.(2) 2- در شب بیست و پنجم و روز بیست و پنجم برای تأسّی به آن بزرگواران انفاق و اطعام و صدقه دادن به فقرا مناسب است.(3) 3- مناسب است در این روز غسل زیارت انجام دهند و ائمّه علیهم السلام را زیارت کنند مخصوصاً خواندن زیارت جامعه در این روز مناسب است.(4)

***

روز آخر ذی الحجّه:

این روز، روز آخر سال اسلامی قمری است. لذا مرحوم «سیّدبن طاووس» نقل کرده است که در این روز، دو رکعت نماز می خوانی و در هر رکعت، یک مرتبه سوره «حمد» و ده مرتبه سوره «قل هو اللَّه» و ده مرتبه «آیهالکرسی» را می خوانی و پس از نماز می گویی:

اللَّهُمَّ ما عَمِلْتُ فی هذِهِ السَّنَهِ مِنْ عَمَلٍ نَهَیْتَنی عَنْهُ وَلَمْ تَرْضَهُ،

خدایا آنچه انجام دادم در این سال از اعمالی که مرا از آن نهی فرمودی و راضی بدان نبودی

وَنَسیتُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ، وَدَعَوْتَنی الَی التَّوْبَهِ بَعْدَ اجْتِرائی عَلَیْکَ، اللَّهُمَّ فَانّی

و من آن را فراموش کردم ولی تو فراموشش نکردی و مرا به بازگشت بسویت خواندی پس از دلیری کردنم بر تو خدایا من از آن

اسْتَغْفِرُکَ مِنْهُ فَاغْفِرْ لی وَما عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ یُقَرِّبُنی الَیْکَ فَاقْبَلْهُ مِنّی

اعمال آمرزش می طلبم پس بیامرز آنها را و هر عملی که انجام دادم از اعمالی که مرا به تو نزدیک گرداند پس آن را از من قبول کن

1- [1239]برای آگاهی بیشتر و تفسیر آیات موردنظر به تفسیر نمونه، جلد 25، ذیل تفسیر سوره انسان مراجعه کنید.
2- [1240]اقبال، صفحه 529.
3- [1241]همان مدرک.
4- [1242]زادالمعاد، صفحه 368.

وَلا تَقْطَعْ رَجآئى مِنْکَ یاکَریمُ.

و قطع مکن امیدم را از خودت ای بزرگوار.

وقتی چنین کردی شیطان می گوید: وای بر من! هرچه در مدّت این سال زحمت کشیدم (و او را وسوسه کردم) با این عمل، همه را از بین برد و سالش را به خیر پایان داد!(1) مناسب است همین عمل، در پایان سال شمسی (روز آخر اسفندماه) نیز به قصد استحباب مطلق انجام شود.

یادآوری:

در پایان این بخش ذکر چند نکته را مفید می دانیم:

1- اعمال ماهها و روزها که در این بخش گذشت بار دیگر یادآور این نکته است که اسلام برای همه امور زندگی، حتّی ایّام و مناسبتها برنامه دارد و برای سازندگی انسان از هیچ امری فروگذار نکرده، و هیچ فرصت و زمانی را نادیده نگرفته است.

2- انجام همه این اعمال و دعاها و نمازها که ذکر شد، برای کسانی است که نشاط لازم و فرصت کافی را برای آن داشته باشند، ولی کسانی که اشتغالات فراوانی دارند و برای زندگی حلال و کسب روزی پاک، یا تحصیل علم و مانند آن در تلاشند، به مقدار فرصت و نشاط و رغبت انجام دهند، و بدانند حتّی اگر مقدار کمی را با توجّه و اخلاص و شور و شوق انجام دهند، فایده زیادی دارد و در راه سازندگی بسیار مؤثّر است.

3- پاداش های عظیمی که در روایات برای این اعمال و عبادات و دعاها و اذکار ذکر شده است به یقین برای کسانی است که دارای تقوا و اخلاص باشند.

1- [1243]اقبال، صفحه 530.

عید نوروز:

در این که اسلام در برابر عید نوروز چه موضعی دارد، میان صاحب نظران گفتگوست. از برخی روایات اهمّیّت این روز به عنوان یکی از روزهای نجات امّت ها استفاده می شود.

مرحوم «علّامه مجلسی» در کتاب «زادالمعاد» می گوید:

به سندهای معتبر از «معلّی بن خنیس» نقل شده است که در روز «نوروز» به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم. حضرت به من فرمود: آیا این روز را می شناسی؟ گفتم: فدایت شوم! این روزی است که ایرانیان آن را بزرگ می شمارند، و در این روز برای یکدیگر هدایا می فرستند.

امام علیه السلام فرمود: این تعظیم و بزرگداشت، به سبب اموری است که از قدیم بوده است که اکنون تفسیر و شرح آن را برای تو بازگو می کنم. (به علاوه حوادث مطلوب دیگری در این روز اتفاق افتاده است).

سپس امام علیه السلام به طور مشروح این امور را ذکر کرد؛ از جمله فرمود: نوروز، روزی است که خداوند متعال، در آن روز، از ارواح بندگانش پیمان گرفت که او را به یگانگی بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند، و به پیغمبران و امامان معصوم علیهم السلام ایمان آورند.

این روز، روزی است که طوفان حضرت نوح علیه السلام فرونشست و کشتی آن حضرت بر کوه «جودی» قرار گرفت.

نوروز روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بت های کافران قریش را در مکّه شکست و پیش از آن حضرت ابراهیم علیه السلام نیز، در این روز بتهای کافران را درهم شکست.

در این روز، رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خود امر کرد که با علی علیه السلام به عنوان امیرمؤمنان بیعت کنند (اشاره به این است که روز عید غدیر مصادف با نوروز بوده است).

نوروز، روزی است که قائم آل محمّد علیه السلام ظاهر خواهد شد.

آنگاه فرمود: هیچ روز نوروزی نیست مگر آن که ما در آن روز انتظار فرج می کشیم؛ زیرا از روزهای ما و شیعیان ما است. آن روز را، مردم عجم حفظ کردند و حرمت آن را نگه داشتند، ولی شما مردم عرب آن را ضایع ساختید.(1) (آنگاه امام اعمالی را برای این روز بیان فرمودند که ذکر خواهد شد).

ص: 906

1- [1244]زادالمعاد، صفحه 528- 530 و بحارالانوار، جلد 56، صفحه 91- 100(با تلخیص و کمی نقل به معنا) ولی در برابر، روایتی در نفی بزرگداشت عید نوروز نقل شده است که مرحوم علّامه مجلسی، روایت معلّی بن خنیس را ترجیح می دهد،(بحارالانوار، جلد 56، صفحه 100).

ولی چون شخص «معلّی بن خنیس» از نظر علمای رجال زیر سؤال است تکیه بر این روایت آسان نیست.

امّا با توجه به اینکه، عید نوروز یک عید طبیعی در جهان آفرینش است؛ فصل زمستان پایان می گیرد، بهار همراه با حیات طبیعت به فرمان خدا شروع می شود، شکوفه ها و برگها و گلها بر شاخسار درختان آشکار می گردد و نشاط و جنبش و حرکت در تمام عالم حیات آغاز می شود، همگام و همراه شدن با این پدیده عالمِ آفرینش، همگامی با سنّت های الهی است.

***

نکته قابل توجّه این که مراسمی در نوروز میان مردم معمول است و به شکل سنّت ملّی در میان ایرانیان و کشورهای دیگری درآمده که قسمت قابل ملاحظه ای از آن، در شمار اموری است که اسلام بر آن، (به صورت کلّی) تأکید نهاده است. مانند: نظافت، خانه تکانی، کمک به ارحام و بستگان و افراد نیازمند و آبرومند برای تهیّه لباس و وسایل اوّلیّه زندگی که در سالهای اخیر در کشور ما ایران به صورت سنّت «هفته نیکوکاری» درآمده است و بسیار پرثمر و مفید است.

دید و بازدید و صله رحم و ملاقات دوستان و رفع کدورتها و بیرون ریختن غم و اندوهها از دل و آماده شدن برای فعّالیّت های مختلف ثمربخش در سال نو، و مانند اینها؛ این امور و مانند آن جنبه های مثبت مراسم نوروزی است.

ولی گاه پاره ای از آداب و رسوم شرک آلود، یا گناه آلود دیده می شود که افراد باایمان و خردمند باید آنها را ترک گویند، مانند آتش افروختن در شب چهارشنبه آخر سال (به نام چهارشنبه سوری) و دست زدن به کارهای خطرناکی که همه سال ضایعه های زیادی برای جوانان و نوجوانان به بار می آورد و امثال آن.

در مجموع، عید نوروز و مراسم آن، هم به خاطر بعضی روایات و هم به خاطر آثار مثبتی که دارد، نباید حذف شود، ولی باید بعضی از مراسم منفی و ناپسندِ آن را کنار گذاشت. این است روش اولوالالباب و صاحبان اندیشه!

***

اعمال عید نوروز:

مرحوم «علّامه مجلسی» در کتاب «زادالمعاد» آورده است که امام صادق علیه السلام برای نوروز، اعمالی را به معلّی بن خنیس آموخت و به او فرمود:

چون روز نوروز شود، غسل کن و بهترین لباس های خود را بپوش و خود را کاملاً خوشبو کن (و اگر

ص: 907

توانستی) آن روز را روزه بدار و پس از نمازهای ظهر و عصر و انجام نافله های آن، چهار رکعت نماز بخوان (هر دو رکعت به یک سلام) و در رکعت اوّل بعد از سوره حمد، ده مرتبه سوره إنّا أنزلناه را بخوان و در رکعت دوم بعد از سوره حمد ده مرتبه سوره قُل یا أیّها الکافرون را؛ در رکعت سوم بعد از سوره حمد ده مرتبه سوره قل هو اللّه را بخوان و در رکعت چهارم بعد از سوره حمد، ده مرتبه سوره های قُل أعوذ بِرَبِّ الْفَلَق و قُل أعُوذ بِرَبِّ النّاس را بخوان. بعد از نماز به سجده شکر برو، و این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِیآءِ الْمَرْضِیِّینَ، وَعَلی جَمِیعِ

خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد آن اوصیای پسندیده و بر همه پیمبران

انْبِیآئِکَ وَرُسُلِکَ بِافْضَلِ صَلَواتِکَ، وَبارِکْ عَلَیْهِمْ بِافْضَلِ بَرَکاتِکَ،

و رسولانت به بهترین درودها و برکت ده بر ایشان به بهترین برکتهایت

وَصَلِّ عَلی ارْواحِهِمْ وَاجْسادِهِمْ، اللهُمَّ بارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و درود فرست بر ارواح و اجسادشان خدایا برکت ده بر محمّد و آل محمّد

وَبارِکْ لَنا فی یَوْمِنا هذَا، الَّذی فَضَّلْتَهُ وَکَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَ خَطَرَهُ،

و برکت ده به ما در این روز که آن را برتری داده و گرامیش کرده و شرافتش دادی و مقامش را بزرگ کردی

اللهُمَّ بارِکْ لی فیما انْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ، حَتَّی لا اشْکُرَ احَداً غَیْرَکَ، وَوَسِّعْ

خدایا برکت ده به من در آنچه به من تفضل کرده ای بد انسان که هیچ کس را جز تو سپاس نگذارم و روزیم را وسیع گردان

عَلَیَّ فی رِزْقِی یا ذَا الْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، اللَّهُمَّ ما غابَ عَنّی فَلا یَغیبَنَ

ای صاحب جلالت و بزرگواری خدایا هر چه از من پنهان شده مبادا کمک و نگهداری تو از من پنهان شود

عَنّی عَوْنُکَ وَحِفْظَکَ، وَما فَقَدْتُ مِنْ شَیْ ءٍ، فَلا تُفْقِدْنِی عَوْنَکَ عَلَیْهِ،

و هر چه را گم کرده ام مبادا یاری خویش را بر آن از من گم کنی تا خود را به

حَتَّی لا اتَکَلَّفَ ما لا احْتاجُ الَیْهِ، یا ذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ.(1)

زحمت نیندازم درباره آنچه را بدان نیازمند نیستم ای صاحب جلالت و بزرگواری.

همچنین در برخی از کتب آمده است که در وقت تحویل سال، این دعا را که مضمون خوب و سازنده ای دارد، بخوانند:

1- [1245] زادالمعاد، صفحه 530.

یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصارِ، یا مُدَبِّرَ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ، یا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ

ای کسی که تحوّل دل ها و گردش چشم ها در دست توست. ای تدبیر کننده شب و روز و ای تغییر دهنده سال و

وَالْأَحْوالِ، حَوِّلْ حالَنا إلی احْسَنِ الْحالِ.(1)

حال؛ حال ما را به بهترین حال، تغییر ده !

مرحوم «علّامه مجلسی» می افزاید: بعضی روایت کرده اند که این دعا را نیز، در روز نوروز، به عدد ایّام سال بخواند:

اللَّهُمَّ هذِهِ سَنَهٌ جَدیدَهٌ، و انْتَ مَلِکُ قَدیمٍ، اسْأَلُکَ خَیْرَها وَ خَیْرَ ما

خداوندا ! این سال نوی است و تو سلطان قدیمی؛ از تو خیر آن و خیر آنچه در آن است را

فیها، وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّها وَ شَرِّ ما فیها، وَ اسْتَکْفیکَ مَؤُونَتَها وَ شُغْلَها،

می خواهم و به تو از شرّ آن و شرّ آنچه در آن است، پناه می برم و حلّ مشکلات آن را از تو می خواهم

یا ذَاالْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ.(2)

ای ذوالجلال و الاکرام.

البتّه اگر نتواند به این مقدار بخواند به هر مقدار که بتواند به قصد قربت مطلقه بخواند، خوب است.

همچنین می توان دعایی که در اوّل ماه رمضان (صفحه 775) نقل شده است را، در اوّل سال شمسی به قصد قربت مطلقه خواند.

ص: 909

1- [1246]زاد المعاد، صفحه 531.
2- [1247]همان مدرک.

ماههای رومی

ماههای رومی، ماههایی است که مانند ماههای خورشیدی ما، بر اساس حرکت خورشید در برجهای مختلف است، ابتدای سال در ماههای رومی، از فصل پاییز است و ماهها به این ترتیب است: ایلول، تشرین اوّل و تشرین آخر (پاییز)

کانون اوّل، کانون آخر و شباط (زمستان)

آذر، نیسان و ایار (بهار)

حریزان، تموز و آب (تابستان)(1) برای هر یک از این ماهها و ایّام آن نکاتی در بعضی از روایات آمده است 1249] که مهمترین آن، خواصی است که برای آب باران در ماه نیسان نقل شده است.

خواصّ آب نیسان:

«نیسان» ماه هشتم رومی است که از بیست و سوم فروردین شروع و تا سی روز ادامه دارد (بنابراین قسمت عمده ماه نیسان، مقارن اردیبهشت ماه است و کمی از آن در آخر ماه فروردین قرار دارد).

از بعضی از روایات استفاده می شود، بارانی که در این ماه از آسمان نازل می گردد، خواص و آثار فراوانی دارد و اگر کسی مقداری از آن را در ظرف پاکی جمع کند و سوره ها و دعاهای زیر را بر آن بخواند، هر کس از آن آب بخورد، از بیماری های گوناگون جسمانی و اخلاقی رهایی می یابد و به قدری در این روایت آثار و برکات، برای آن ذکر شده است که انسان در شگفتی فرو می رود.(2) سوره ها و دعاها از این قرار است:

1- سوره حمد. 2- آیهالکرسی. 3- قل یا أیّها الکافرون. 4- سبّح اسم ربّک الاعلی. 5- قل اعوذ برب الفلق. 6- قل اعوذ بربّ النّاس. 7- قل هو اللَّه احد، هر کدام را هفتاد مرتبه می خوانی.

ص: 910

1- [1248]این دوازده ماه را شاعری چنین به نظم آورده است: دو تشرین و دو کانون و پس آنگه شباط و آذر و نیسان، ایار است حریزان و تموز و

آب و ایلول نگه دارش که از من یادگار است (فرهنگ معین) مرحوم علّامه مجلسی ابتدای ماههای رومی را از تشرین اوّل، شمرده و ایلول را ماه آخر ذکر کرده است(زادالمعاد، صفحه 535) و با شعری که از فرهنگ معین نقل کردیم نیز هماهنگ است.

2- [1250]زادالمعاد، صفحه 532- 534(با تلخیص فراوان).

همچنین ذکرهای:

1- لا اله الّا اللَّه. 2- اللَّه اکبر. 3- اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد. 4- سبحان اللَّه و الحمد للَّه و لا اله الّا اللَّه و اللَّه اکبر هر کدام را هفتاد مرتبه. (1) مرحوم «علّامه مجلسی» می گوید: آب باران به طور کلّی مبارک و نافع است، همان گونه که در حدیث معتبری از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است که فرمود: آبی را که از آسمان فرود می آید بیاشامید که بدنها را پاک می سازد و دردها را دفع می کند، قرآن مجید می فرماید: «

«وَ یُنَزِّلُ عَلَیْکُمْ مِنَ السَّماءِ ماءً لِیُطَهِّرَکُمْ بِهِ وَ یُذْهِبَ عَنْکُمْ رِجْزَ الشَّیْطانِ وَ لِیَرْبِطَ عَلی قُلُوبِکُمْ وَ یُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدامَ»؛

و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند؛ و پلیدی شیطان را از شما دور سازد؛ و دلهایتان را محکم، و گامها را با آن استوار دارد». (2) «علّامه مجلسی» در ادامه می گوید: در عمل مربوط به آب نیسان بهتر آن است که اگر به صورت دسته جمعی می خوانند، هر یک از افراد، مجموع آن سوره ها و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند (یعنی می توانند آن را میان خود تقسیم نمایند و هر کدام سوره ای را هفتاد بار بخواند ولی بهتر است هر یک از آنها، مجموع آن سوره ها و اذکار را هفتاد مرتبه بخواند). (3)

1- [1251]زاد المعاد، صفحه 534.
2- [1252]سوره انفال، آیه 11.
3- [1253]زادالمعاد، صفحه 534 و 535(با تلخیص).

بخش پنجم: اعمال شب و روز و ایام هفته

اشاره

ص: 913

مقدّمه: یاد خدا در همه حال

از آن جا که افراد با ایمان، مخصوصاً سالکان الی اللَّه و بندگان سپاسگزار و ترسان از هوای نفسانی و وسوسه های شیطانی باید پیوسته به یاد خدا باشند؛ در آغاز تلاش روزانه و پس از پایان تکاپوی معاش و بلکه در طول فعّالیّت های روزمرّه، پیوند خویش را با خدای خود حفظ کنند؛ صبح گاهان با یاد او و توجّه به قدرت و علم و رحمتش پا به عرصه تلاش معاش می گذارند و شبانگاهان نیز با ذکر او و استغفار از لغزش های روزانه، به بستر می روند و همواره خود را در پناه او و تحت حمایت آن کریم بنده نواز قرار می دهند، به ویژه شب و روز جمعه که هنگام تعطیلی و فراغت است و مؤمنان از فرصت بیشتری برای انس با خدا و پیوند با اولیای او برخوردارند و می توانند کاستی های روزهای گذشته را جبران کرده، نیروی تازه ای را برای هفته آینده فراهم سازند؛ به خصوص این که شب و روز جمعه بسیار مبارک و نزد خدا عزیز است.

بر همین اساس، در روایات معصومین سلام اللَّه علیهم، دعاها و زیارات و اعمال و وظایفی برای ساعات شب و روز و ایّام هفته به ویژه شب و روز جمعه وارد شده، که بدیهی است انجام همه آن برای همه میسّر نیست و هر کس به مقدار توان و فراغت و ظرفیّت خویش به آن عمل می کند.

این دعاها و اعمال را می توان به ده فصل تقسیم نمود:

1- اعمال هنگام طلوع فجر (طلوع سپیده صبح).

2- اعمالی که اختصاص به بین الطّلوعین (مابین طلوع صبح و طلوع آفتاب) دارد.

3- اعمالی که اختصاص به شامگاهان دارد.

ص: 915

4- اعمال مشترک صبح و شام.

5- اعمال و آداب هنگام خواب.

6- اعمال سحرگاهان و برخاستن از خواب.

7- دعاهای هر روز.

8- دعاهای ایّام هفته.

9- فضیلت و اعمال شب و روز جمعه.

10- زیارات ایّام هفته.

***

فصل اوّل: اعمال هنگام طلوع فجر

برای این ساعت، چند دعا در روایت آمده است:

1- هنگام طلوع فجر صادق (هنگام اذان صبح) این دعا خوانده شود: اللَّهُمَّ انْتَ صاحِبُنا

خدایا تویی همیشه همراه و یاور ما

فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَفَضَّلْ عَلَیْنا، اللَّهُمَّ بِنِعْمَتِکَ تَتِمُ الصَّالِحاتُ،

پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و به ما عطای فراوان کن، خدایا با نعمت تو اعمال نیک پایان پذیرد

فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاتْمِمْها عَلَیْنا، عآئِذاً بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، عآئِذاً

پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و نعمتت را بر ما تمام کن، در حالی که از آتشِ (دوزخ) به خدا پناهنده ایم، در حالی که از آتشِ (دوزخ)

بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، عآئِذاً بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ* سپس می گویی: یا فالِقَهُ مِنْ حَیْثُ

به خدا پناهنده ایم، در حالی که از آتشِ (دوزخ) به خدا پناهنده ایم*** ای شکافنده فجر از جایی که

لااری وَمُخْرِجَهُ مِنْ حَیْثُ اری صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ اوَّلَ

نمی بینم، و خارج کننده آن از جایی که می بینم، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و آغاز

یَوْمِنا هذا صَلاحاً، وَاوْسَطَهُ فَلاحاً، وَآخِرَهُ نَجاحاً.(1)

امروزم را نیکی و وسط آن را رستگاری و پایانش را کامیابی قرار ده.

2- از امام محمّد باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: هر کس هنگام طلوع فجر ده مرتبه بگوید:

لا الهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی وَ یُمیتُ،

معبودی جز خداوند یگانه بی شریک نیست، فرمانروایی و ستایش از آنِ اوست، زنده کرده و می میراند

وَ هُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ. و ده مرتبه بر و او زنده ای است که (هرگز) نمیرد، نیکی به دست اوست و او بر هر چیز تواناست.****

محمّد و آل محمّد صلوات فرستد و 35 مرتبه سبحان اللّه و 35 مرتبه لا اله الّا اللّه و 35 مرتبه الحمد للّه بگوید، اسمش در آن روز در زمره غافلان نوشته نمی شود و اگر آن را در شب بگوید در آن شب در زمره

1- [1254]مصباح المتهجد، صفحه 198 و بحارالانوار، جلد 84، صفحه 356.

غافلان نوشته نخواهد شد.(1) 3- هنگامی که صدای اذان صبح را می شنوی بگو: اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاقْبالِ نَهارِکَ،

خدایا از تو می خواهم به حق آمدن روز ************************

وَادْبارِ لَیْلَتِکَ، وَحُضُورِ صَلَواتِکَ، وَاصْواتِ دُعآئِکَ، وَتَسْبیحِ

و رفتن شبت و رسیدن وقت نمازهایت، و صدای دعاکنندگانت و تسبیح

مَلائِکَتِکَ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَتُوبَ عَلَیَّ انَّکَ انْتَ

فرشتگانت، که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و توبه ام را بپذیری که تو بسیار

التَّوَّابُ الرَّحیمُ. از امام صادق علیه السلام روایت شده که اگر چنین کسی در آن روز و یا آن شب از دنیا برود توبه پذیر و مهربانی.*****************************

به عنوان کسی که توبه کرده (و توبه اش مقبول واقع شده) از دنیا رفته است.(2)

ص: 918

1- [1255]کافی، جلد 2، صفحه 534، حدیث 35.
2- [1256]فلاح السائل، صفحه 227.

فصل دوم: اعمال بین الطّلوعین

(مابین طلوع صبح و طلوع آفتاب)

مقدّمه:

یکی از اوقات بسیار شریف و گرانبها، بین الطّلوعین است و اخبار زیادی از اهل بیت عصمت علیهم السلام در فضیلت این وقت و در ارتباط با عبادت و ذکر و تسبیح خداوند در این مدّت از شب و روز وارد شده است؛ در بعضی از روایات از آن به یکی از دو ساعت غفلت تعبیر شده، چنانکه امام باقر علیه السلام می فرماید: «ابلیس ملعون لشکریان خویش را در دو وقت: هنگام طلوع خورشید و غروب آن، پراکنده می سازد، چراکه این دو ساعت، دو ساعت غفلت است».(1) خواب در این ساعت نیز کراهت دارد. چرا که از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «خواب صبح، شوم و نامیمون است؛ روزی را دور می سازد، رنگ صورت را زرد و متغیّر می کند، خداوند متعال، روزی را بین الطّلوعین تقسیم می کند، از خواب در این زمان بپرهیزید و بدانید که منّ و سلوی (دو غذای لذیذی که برای بنی اسرائیل نازل می شد) در این ساعت بر بنی اسرائیل فرود می آمد». (2) به هر حال برای این وقت شریف، چند عمل وارد شده:

1- از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: هر کس هنگام صبح، هفت بار این دعا را بخواند، در آن روز از بلاها محفوظ باشد: فَاللَّهُ خَیْرٌ حافِظاً وَ هُوَ ارْحَمُ الرَّاحِمینَ، انَّ وَلِیِّیَ

************ پس (در هر حال) خداوند بهترین حافظ و مهربان ترین مهربانان است، ولیّ و سرپرست من

اللَّهُ الَّذی نَزَّلَ الْکِتابَ وَ هُوَ یَتَوَلَّی الصَّالِحینَ، فَانْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ

خدایی است که این کتاب را نازل کرده و او همه صالحان را سرپرستی می کند، پس اگر آنها (از حق) روی بگردانند (نگران مباش) بگو

اللَّهُ لا الهَ الَّا هُوَ، عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ.(3)

خداوند مرا کفایت می کند، هیچ معبودی جز او نیست بر او توکّل کردم و او صاحب عرش بزرگ است.

1- [1257]كافى، جلد 2، صفحه 522، حديث 2.
2- [1258]تهذيب، جلد 2، صفحه 139، حديث 308.
3- [1259]بحارالانوار، جلد 83، صفحه 298، حديث 59.

2- مرحوم «شیخ کلینی» از امام باقر علیه السلام فضیلت فراوانی برای این دعا نقل کرده است که پیش از طلوع آفتاب خوانده شود:

اللَّهُ اکْبَرُ، اللَّهُ اکْبَرُ کَبیراً، وَسُبْحانَ اللَّهِ بُکْرَهً وَ اصیلًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِ

خدا بزرگتر از هر چیز است، خدا بسیار بزرگتر از هر چیز است، تسبیح می گویم خدا را در صبح و شام، و حمد و

الْعالَمینَ کَثیراً، لا شریکَ لَهُ، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.(1)

سپاس فراوان از آن پروردگار جهانیان است، که شریکی ندارد و درود خدا بر محمّد و خاندان پاکش باد.

***

3- «قطب راوندی» از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس که صبح کند و چهار نعمت خدا را یاد نکند، می ترسم که این نعمت های خدا از او زایل گردد؛ آن چهار نعمت و سپاس بر آن، چنین است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی عَرَّفنی نَفْسَهُ، وَ لَمْ یَتْرُکْنی عَمْیانَ الْقَلْبِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که خود را به من شناساند، و مرا کوردل به حال خود رها نکرد، حمد و سپاس مخصوص

الَّذی جَعَلَنی مِنْ امَّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، الْحَمْدُلِلَّهِ الَّذی جَعَلَ

خداوندی است که مرا از پیروان محمّد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- قرار داد، حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که

رِزْقی فی یَدَیْهِ وَ لَمْ یَجْعَلْ رِزْقی فی ایْدی النَّاسِ، الْحَمْدُلِلَّهِ الَّذی سَتَرَ

روزیم را در اختیار خویش قرار داد و آن را به دست مردم نسپرد، حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که

ذُنُوبی وَ عُیُوبی وَلَمْ یَفْضَحْنی بَیْنَ النَّاسِ.(2)

گناهان و عیب هایم را پوشاند و در میان مردم رسوایم نساخت.

***

4- مرحوم «صدوق» با سند معتبری از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «هر کس سوره های توحید و قدر و همچنین آیهالکرسی را یازده بار پیش از طلوع آفتاب بخواند، از خسارتهای مالی محفوظ می ماند و همچنین فرمود: هر کس دو سوره «قل هو اللّه» و «انّا انزلناه» را پیش از طلوع آفتاب بخواند در آن روز گناهی از او سر نخواهد زد هرچند شیطان در این راه تلاش فراوان کند».(3)

1- [1260]کافی، جلد 2، صفحه 526، حدیث 14.
2- [1261]دعوات راوندی، صفحه 81، حدیث 204 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 282، حدیث 45(با اندکی تفاوت).
3- [1262]خصال، جلد 2، صفحه 622 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 249، حدیث 11.

5- بسیار مناسب است که در این وقت مقداری قرآن همراه با تدبّر و اندیشه بخواند و با آیات آن روح و جان خود را تازه کند و نیز مناسب است دعای صباح امیرمؤمنان علی علیه السلام را که در بخش دعاها (صفحه 94) گذشت، در این وقت بخواند.

***

ص: 921

فصل سوم: اعمال مخصوص غروب و شامگاهان

1- قبل از هر چیز باید آماده حضور در مسجد و برگزاری نماز جماعت شد.

2- از امام باقر علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به هنگام کمرنگ شدن آفتاب (هنگام غروب) این دعا را می خواند:

امْسی ظُلْمی مُسْتَجیراً بِعَفْوِکَ، وَامْسَتْ ذُ نُوبی مُسْتَجیرَةً بِمَغْفِرَتِکَ،

با ستمم به امید گذشتت روزم سپری شد و با گناهانم به امید آمرزشت روزم سپری شد

وَامْسی خَوْفی مُسْتَجیراً بِامْنِکَ، وَ امْسی ذُلّی مُسْتَجیراً بِعِزِّکَ، وَ امْسی

و با ترسم به امید ایمنیت روزم سپری شد، با سیه روییم به امید عزّتت روزم سپری شد، و با نداریم به امید

فَقْری مُسْتَجیراً بِغِناکَ، وَ امْسی وَجْهِیَ الْبالِی الْفانی مُسْتَجیراً بِوَجْهِکَ

بی نیازیت روزم سپری شد، و با چهره خسته و فرسوده ام به امید روی جاویدان بزرگوارت روزم سپری شد،

الْباقِی الْکَریمِ، اللَّهُمَّ الْبِسْنی عافِیَتَکَ، وَ جَلِّلْنی کَرامَتَکَ، وَ غَشِّنی

خدایا با لباس عافیتت مرا بپوشان، و با بزرگواریت مرا گرامی دار، و مرا بپوشان و از

وَقِنی شَرَّ خَلْقِکَ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، یا اللَّهُ یا رَحْمنُ یا رَحیمُ.(1)

شر مخلوقاتت از جنّ و انس حفظ کن، ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان.

***

3- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هر کس این کلمات را سه مرتبه در آغاز شب بگوید تحت پوشش بال و پر (حمایت) جبرئیل قرار می گیرد:

اسْتَوْدِعُ اللّهَ الْعَلِیَّ الْأعْلَی الْجَلیلَ الْعَظیمَ نَفْسی وَ مَنْ یَعْنینی امْرُهُ،

خود و هر کس مسئولیّتش به عهده من است را به خدای بلندمرتبه و برتر و بزرگ و با عظمت می سپارم،

اسْتَوْدِعُ اللَّهَ نَفْسِیَ الْمَرْهُوبَ الْمَخُوفَ الْمُتَضَعْضَعَ لِعَظَمَتِهِ کُلُّ شَیْ ءٍ.(2)

نفس مضطرب و ترسانم را به خداوندی می سپارم که در برابر عظمتش همه چیز خوار است.

ص: 922

1- [1263]بحارالانوار، جلد 83، صفحه 266، حدیث 37.
2- [1264]کافی، جلد 2، صفحه 523، حدیث 6.

4- و نیز فرمود: وقتی شب می شود بگو:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ عِنْدَ اقْبالِ لَیْلِکَ، وَ ادْبارِ نَهارِکَ، وَ حُضُورِ صَلَواتِکَ،

خدایا از تو می خواهم به هنگام آمدن شب و رفتن روزت و رسیدن وقت نمازهایت و

وَاصْواتِ دُعآئِکَ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.(1)

صداهای خوانندگانت، که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی.

***

5- مستحب است هنگام غروب به تسبیح وذکر و استغفار مشغول شود؛ چراکه این ساعت در فضیلت و شرف، شبیه صبح است و خدای سبحان در قرآن مجید فرموده است:

«وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ»(2)

و امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگام غروب آفتاب ذکر خدای عزّوجلّ بگو و اگر با کسی به سر می بری که تو را بیهوده از ذکر او باز می دارد پس برخیز و او را رها کن و به دعا مشغول شو».(3) 6- طبق روایت امام صادق علیه السلام این دعا را هر روز هنگام غروب آفتاب بخواند:

یا مَنْ خَتَمَ النُّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، اخْتِمْ لی فی یَوْمی هذا

ای که نبوّت را به محمّد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- ختم نمودی، امروز و این

بِخَیْرٍ، وَشَهْری بِخَیْرٍ، وَسَنَتی بِخَیْرٍ، وَ عُمْری بِخَیْرٍ.(4)

ماه و سال و عمرم را به خیر و نیکی ختم کن.

ص: 923

1- [1265]کافی، جلد 2، صفحه 523، حدیث 7.

2- [1266]سوره قاف، آیه 39.
3- [1267]کافی، جلد 2، صفحه 524، حدیث 9.
4- [1268]فلاح السائل، صفحه 221.

فصل چهارم: اعمال مشترک صبح و شام

1- در هر صبح و شام ذکر زیر را بگوید:

«سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُلِلَّهِ وَلا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أكْبَرُ

» که مطابق بعضی از روایات 1269] همان «الباقیات الصالحات» است که در قرآن آمده است:

«وَ الْباقِیاتُ الصَّالِحاتُ خَیْرٌ عِنْدَ رَبِّکَ ...».(1)

***

2- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس قبل از طلوع آفتاب و پیش از غروب، ده مرتبه بگوید:

لااله الَّااللَّهُ وَحْدَهُ لاشَرِیکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی وَیُمیتُ، وَیُمیتُ

معبودی جز خداوند یگانه بی شریک نیست، فرمانروایی و ستایش از آن اوست، زنده کرده و می میراند و میرانده

وَیُحْیی وَ هُوَ حَیٌّ لایَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.

و زنده می کند، و او زنده ای است که (هرگز) نمی میرد، نیکی به دست اوست و بر هر چیز تواناست.

کفّاره گناهان آن روز او خواهد بود.(2)

***

3- از امام صادق علیه السلام نقل شده که: هفت مرتبه پس از نماز صبح و نماز مغرب بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الّا بِاللَّهِ الْعَلیِّ الْعَظیمِ.

به نام خداوند بخشنده مهربان و پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند بلند مرتبه و باعظمت نیست.

که هر کس آن را بگوید بلاهای بسیاری از او دور می شود.(3)

***

4- و نیز از آن حضرت نقل شده که هر صبح و شام دو مرتبه می گویی:

الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّباحِ، الْحَمْدُ لِفالِقِ الْاصْباحِ. و نیز می گویی: الْحَمْدُ لِلَّهِ

حمد و سپاس از آنِ پروردگار صبح و شکافنده روز است.********* حمد و سپاس از آنِ خداوندی

ص: 924

1- [1270]سوره کهف، آیه 46.
2- [1271]کافی، جلد 2، صفحه 518، حدیث 1.
3- [1272]همان مدرک، صفحه 528، حدیث 20.

الَّذی اذْهَبَ اللَّیْلَ بِقُدْرَتِهِ، وَجاءَ بِالنَّهارِ بِرَحْمَتِهِ، وَ نَحْنُ فی عافِیَهٍ.(1)

است که شب را با قدرتش برده و روز را به لطف و رحمتش می آورد، در حالی که ما در سلامتی کامل هستیم.

و نیز می خوانی: آیهالکرسی و آخر سوره حشر و ده آیه از صافّات را و نیز این آیات و کلمات را:

وَ سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ، وَسَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلینَ،

و منزّه است پروردگار تو پروردگار عزّت (و قدرت) از آنچه آنان توصیف می کنند و سلام بر رسولان

والْحَمْدُللَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، فَسُبْحانَ اللَّهِ حینَ تُمْسُونَ وَ حینَ تُصْبِحُونَ،

و حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. پس تسبیح می گویم خدا را در شبانه روز

وَلَهُ الْحَمْدُ فِی السَّمواتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِیًّا وَحینَ تُظْهِرُونَ، یُخْرِجُ الْحَیَ

و حمد و سپاس در آسمانها و زمین و به هنگام عصر و هنگامی که ظهر می کنید مخصوص اوست، او زنده

مِنَ الْمَیِّتِ، وَ یُخْرِجُ الْمَیِّتَ، مِنَ الْحَیِّ، وَ یُحْیِی الْأَرْضَ بَعْدَمَوْتِها

را از مرده و مرده را از زنده خارج کرده و زمین را بعد از مردن زنده می کند،

وَکَذلِکَ تُخْرَجُونَ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِکَهِ وَ الرُّوحِ، سَبَقَتْ

و شما نیز این چنین خارج می شوید. بسیار منزّه و پاک است پروردگار فرشتگان و روح، لطف و

رَحْمَتُکَ غَضَبَکَ، لا الهَ الَّا انْتَ سُبْحانَکَ انّی عَمِلْتُ سُوءاً، وَظَلَمْتُ

رحمتت بر خشم و غضبت پیشی گرفته است، معبودی جز تو نیست، پاک و منزّهی تو و من بد کرده، و بر خود ستم نمودم،

نَفْسی فَاغْفِرْ لی وَ ارْحَمْنی وَ تُبْ عَلَیَّ انَّکَ انْتَ التَّوَّابُ الرَّحیمُ.(2)

پس مرا بیامرز و بر من رحم کن، و توبه ام را بپذیر که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی.

***

5- یکی از یاران امام نهم علیه السلام برای امام نامه ای نوشت که به من دعایی را بیاموز (که اسباب برآمدن حاجت من گردد) آن حضرت در جواب او نوشتند: صبح و شام می گویی:

«اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّی الرَّحْمنُ الرَّحیمُ، لا أُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً».

خدا، خدا، خدا پروردگار من است که بخشنده و مهربان است و چیزی را برای او شریک قرار نمی دهم.

سپس هر حاجتی را که به نظرت آمد طلب کن؛ چرا که این دعا برای هر چیزی به اذن خداوند تعالی مؤثّر

1- [1273]کافی، جلد 2، صفحه 528، حدیث 20.
2- [1274]همان مدرک.

است، خداوند هرآنچه را بخواهد انجام می دهد.(1) 6- در روایتی آمده است که امام صادق علیه السلام به داوود رقّی فرمود: خواندن این دعا را سه مرتبه در صبح و شام ترک مکن:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنی فی دِرْعِکَ الْحَصینَهِ، الَّتی تَجْعَلُ فیها مَنْ تُریدُ.

خدایا مرا در زره محکمت قرار ده، زرهی که هر کسی را بخواهی (و مورد عنایت تو باشد) در آن قرار می دهی.

چراکه پدرم می فرمود: این از دعاهای اسرارآمیز است.(2)

***

7- از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس که می خواهد خداوند عمر او را طولانی کند و او را بر دشمنانش پیروز گرداند و از مرگهای بد مصونش دارد، در هر صبح و شام در خواندن این دعا مداومت ورزد و سه بار بگوید:

سُبْحانَ اللَّهِ مِلْأَ الْمیزانِ، وَ مُنْتَهَی الْعِلْمِ، وَ مَبْلَغَ الرِّضا، وَزِنَهَ الْعَرْشِ،

تسبیح می گویم خدا را به اندازه میزان پر و نهایت علم و خشنودی و همسنگ عرش

وَسَعَهَالْکُرْسِیِّ. و سه بار بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ مِلْأَ الْمیزانِ، وَ مُنْتَهَی الْعِلْمِ، وَ مَبْلَغَ

و وسعت تخت (حکومت الهی)********* حمد و سپاس از آنِ خداست به اندازه میزان پر و نهایت علم و خشنودی او،

الرِّضا، وَزِنَهَ الْعَرْشِ، وَ سَعَهَ الْکُرْسِیِّ. و سه بار بگوید: لا الهَ الَّا اللَّهُ مِلْأَ

و همسنگ عرش و به وسعت تخت (حکومت الهی)،****** معبودی جز خدا نیست به اندازه

الْمیزانِ، وَ مُنْتَهَی الْعِلْمِ، وَمَبْلَغَ الرِّضا، وَزِنَهَ الْعَرْشِ وَسَعَهَ الْکُرْسِیِّ. و سه میزان پر و نهایت علم و خشنودی، و همسنگ عرش و وسعت تخت (حکومت الهی)***

بار بگوید: اللّهُ اکْبَرُ مِلْأَ الْمیزانِ، وَمُنْتَهَی الْعِلْمِ، وَ مَبْلَغَ الرِّضا، وَزِنَهَ الْعَرْشِ،

*** خدا بزرگتر از هر چیز است به اندازه میزان پر و نهایت علم و خشنودی و همسنگ عرش و به

وَ سَعَهَ الْکُرْسِیِّ.(3)

وسعت تخت (حکومت الهی).

8- مرحوم «شیخ کلینی» و «شیخ صدوق» و دیگران با سندهای معتبری از امام صادق علیه السلام روایت

ص: 926

1- [1275]کافی، جلد 2، صفحه 534، حدیث 36.
2- [1276]همان مدرک، صفحه 534، حدیث 37.
3- [1277]بحارالانوار، جلد 83، صفحه 160، حدیث 39.

کرده اند که آن حضرت فرمود: لازم است بر هر مسلمانی که پیش از طلوع آفتاب ده بار و قبل از غروب آن نیز ده بار بگوید:

لا الهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی وَیُمیتُ،

معبودی جز خداوند یگانه بی شریک نیست، فرمانروایی و ستایش از آنِ اوست، زنده کرده و می میراند

وَ هُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.(1)

و او زنده ای است که (هرگز) نمی میرد، نیکی به دست اوست و او بر هر چیز تواناست.

و در بعضی از این روایات آمده است هرگاه این ذکر از تو فوت شود آن را قضا کن 1279] (اشاره به این است که مستحبّ مؤکّد می باشد) و در برخی از روایات آمده است: این ذکر، کفّاره گناهان است.(2)

***

9- در روایت معتبری از امام باقر علیه السلام نقل شده است که هر کس صد مرتبه پیش از طلوع آفتاب و صد مرتبه پیش از غروب آفتاب

اللَّه اکبر

بگوید، خداوند برای او ثواب آزاد کردن صد برده را می نویسد.(3) 10- مرحوم «صدوق» به سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در بهشت غرفه های زیبایی وجود دارد که از امّت من کسی در آنها ساکن می شود که سخن نیک بگوید و به مردم اطعام کند و به هر کس که رسید، سلام کند، و در هنگام شب که مردم در خوابند، نماز بگزارد. آنگاه فرمود:

سخن نیک آن است که در صبح و شام ده مرتبه بگوید:

سُبْحانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ اکْبَرُ.(4)

تسبیح می گویم خدا را و حمد و سپاس از آنِ خداست و معبودی جز خدا نیست و خداوند بزرگتر از هر چیز است.

***

11- در کتاب «محاسن» به سند صحیح از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردی گذشت که برای خود باغی را آماده می کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاد و فرمود: آیا می خواهی تو را به باغی راهنمایی کنم که ریشه اش از این باغ ثابت تر و میوه اش زودرس تر، بهتر و ماندنی تر است؟ عرض کرد:

آری ای رسول خدا. فرمود: در صبح و شام بگو:

ص: 927

1- [1278]خصال، جلد 2، صفحه 452، حدیث 58.
2- [1280]فقیه، جلد 1، صفحه 335، حدیث 980.
3- [1281]محاسن، جلد 1، صفحه 36، حدیث 33 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 257، حدیث 27.
4- [1282]امالی صدوق، صفحه 328، حدیث 5 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 252، حدیث 18.

سُبْحانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ اكْبَرُ.

تسبیح می گویم خدا را و حمد و سپاس از آنِ خداست و معبودی جز خدا نیست و خداوند بزرگتر از هر چیز است.

که به عوض هر تسبیحی، دربهشت برای تو درخت هایی با انواع میوه ها کاشته می شود، و اینها همان باقیات صالحات است (که خداوند در قرآن فرموده «آنها از مال دنیا بسی بهتر و ماندنی ترند»).(1)

***

12- در کتاب «محاسن» به سند معتبر از امام رضا علیه السلام نقل شده است که هر کس در صبح و شام سه مرتبه بگوید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، لاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ.

*** به نام خداوند بخشنده مهربان، پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند بلندمرتبه و باعظمت نیست.

از شیطان و سلطه های ظالم و همچنین بعضی از بیماریهای خطرناک خوفی نخواهد داشت. آنگاه امام علیه السلام فرمود: البتّه من این دعا را صد بار می گویم !(2)

***

13- در روایت دیگری به سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل شده است که مردی از انصار چند روز به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیامد، حضرت از او پرسید، چرا در این چند روز غایب بودی و به نزد ما نیامدی؟

عرض کرد: به سبب تنگدستی و بیماری طولانی که بر من عارض شده بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود:

آیا می خواهی دعایی به تو بیاموزم که با خواندن آن فقر و بیماری از تو برطرف گردد؟ عرض کرد: آری ای رسول خدا. فرمود: در صبح و شام بخوان:

لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الّا بِاللَّهِ، تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذی لا یَمُوتُ، وَالْحَمْدُ للَّهِ

پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند نیست، بر زنده ای که هرگز نمیرد توکّل می کنم، و ستایش برای خداوندی است

الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ

که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده و نه شریکی در حکومت دارد و نه به خاطر ضعف و ذلّت (حامی و) سرپرستی

الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبیراً.(3) (البتّه تلاش و کوشش شرط استجابت دعاست).

برای اوست و او را بسیار بزرگ بشمار.******************************

14- در روایات معتبر فراوانی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که پیش از طلوع و غروب آفتاب ده

1- [1283]محاسن، جلد 1، صفحه 37 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 257، حدیث 27.
2- [1284]محاسن، جلد 1، صفحه 41، حدیث 51 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 257، حدیث 27.
3- [1285]محاسن، جلد 1، صفحه 42، حدیث 56 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 257، حدیث 27.

مرتبه بگو:

اعُوذُ بِاللَّهِ السَّمیعِ الْعَلیمِ مِنْ هَمَزاتِ الشَّیاطینِ، وَ اعُوذُ بِکَ رَبِّ انْ

از وسوسه های شیاطین به خداوند شنوا و دانا پناه می برم و از این که آنان نزد من حاضر شوند

یَحْضُرُونِ، انَّ اللَّهَ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ.(1)

به او پناه می برم، چرا که فقط خداوند شنوا و داناست.

***

15- در کتاب «فلاح السائل» از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: چه مانعی دارید که هر صبح و شام بخوانید:

اللَّهُمَّ مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصارِ، ثَبِّتْ قَلْبی عَلی دینِکَ، وَلاتُزِغْ قَلْبی بَعْدَ

خدایا ای دگرگون کننده دلها و دیده ها، دلم را بر دینت ثابت دار، و دلم را بعد از آن که مرا

اذْ هَدَیْتَنی وَهَبْ لی مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً، انَّکَ انْتَ الْوَهَّابُ، وَأَجِرْنی مِنَ

هدایت کردی (از راه حق) منحرف مگردان و از سوی خود رحمتی بر من ببخش زیرا تو بخشنده ای و به رحمتت مرا

النَّارِ بِرَحْمَتِکَ، اللَّهُمَّ امْدُدْ لی فی عُمْری وَ اوْسِعْ عَلَیَّ فی رِزْقی

از آتش دوزخ پناه ده، خدایا عمر مرا طولانی و روزیم را وسیع گردان

وَانْشُرْ عَلَیَّ مِنْ رَحْمَتِکَ، وَ انْ کُنْتُ عِنْدَکَ فی امِّ الْکِتابِ شَقِیًّا،

و رحمتت را بر من بگستران و اگر نام من در لوح محفوظت در زمره نگون بختان ثبت شده،

فَاجْعَلْنی سَعیداً، فَانَّکَ تَمْحُوما تَشآءُ وَ تُثْبِتُ، وَ عِنْدَکَ امُّ الْکِتابِ.(2)

پس مرا از سعادتمندان قرار ده زیرا تو هر چه را بخواهی محو کرده و هر چه را بخواهی ثبت می کنی و لوح محفوظ در نزد توست.

***

16- مرحوم «صدوق» به سند معتبر از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود: هر کس این آیه را نزدیک شامگاهان و یا بعد از شامگاهان، سه مرتبه بخواند، در آن شب، انجام خوبیها از او فوت نخواهد شد و بدی ها از او دور می گردد، و همچنین اگر این آیه را صبحگاهان تلاوت کند نیز، همین پاداش را دارد.

ص: 929

1- [1286]تفسیر عیاشی، جلد 2، صفحه 45، حدیث 136 و کافی، جلد 2، صفحه 532، حدیث 31.
2- [1287]فلاح السائل، صفحه 222 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 268، حدیث 38.

فَسُبْحانَ اللَّهِ حینَ تُمْسُونَ و حینَ تُصْبِحُونَ، وَ لَهُ الْحَمْدُ فِی

پس تسبیح می گویم خدا را در شبانه روز و حمد و سپاس در آسمانها و زمین

السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ، وَعَشِیّاً وَ حینَ تُظْهِرُونَ.(1)

مخصوص اوست و به هنگام عصر و هنگامی که ظهر می کنید.

***

17- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: هر کس در صبح سه بار این دعا را بخواند، تا شب به او بلایی نمی رسد و هر کس آن را سه بار در شب بخواند تا صبح به او بلایی نمی رسد:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذی لایَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَیْ ءٌ فِی الْأَرْضِ وَ لا فِی السَّماءِ،

به نام خداوندی که با (بردن) نامش چیزی در زمین و آسمان (به ما) زیان نمی رساند

وَهُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ.(2)

و او شنوا و داناست.

***

18- مرحوم «شیخ کلینی» و «صدوق» و بزرگان دیگر با سندهای موثّق و معتبری از امام باقر علیه السلام روایت کرده اند، که حضرت نوح علیه السلام از آن جهت بنده بسیار شکرگزار نامیده شد که هر صبح و شام می گفت:

اللَّهُمَّ انّی اشْهِدُکَ انَّهُ ما امْسی وَ اصْبَحَ بی مِنْ نِعْمَهٍ، اوْ عافِیَهٍ فی دینٍ اوْ

خدایا تو را گواه می گیرم که در شامگاهان و صبحگاهان هر چه از نعمت و سلامتی در دین و

دُنْیا، فَمِنْکَ وَحْدَکَ لاشَریکَ لَکَ، لَکَ الْحَمْدُ وَ لَکَ الشُّکْرُ بِها عَلَیَّ حَتّی

دنیا، به من رسیده از جانب توست که یگانه ای و شریکی نداری، حمد و سپاس از آنِ توست، و در برابر آن (همه نعمت ها) به آن حد که (از ما)

تَرْضی الهَنا.(3)

خشنود شوی ای معبود ما !

ص: 930

1- [1288]امالی صدوق، صفحه 578، حدیث 14 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 253، حدیث 19.
2- [1289]بحارالانوار، جلد 83، صفحه 298، حدیث 59.
3- [1290]علل الشرایع، جلد 1، صفحه 29، حدیث 1 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 251، حدیث 16 و کافی، جلد 2، صفحه 535،(با اندکی تفاوت).

19- مرحوم «کلینی» به سند معتبر، نقل کرده است که مردی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: به من دعایی بیاموز که هر صبح و شام آن را بخوانم، امام علیه السلام فرمود: بگو:

الْحَمْدُللَّهِ الَّذی یَفْعَلُ ما یَشآءُ، وَلایَفْعَلُ ما یَشآءُ غَیْرُهُ، الْحَمْدُللَّهِ کَما

حمد و سپاس از آن خداوندی است که هر چه خواهد انجام دهد و کسی جز او توانایی انجام هر کاری را که بخواهد ندارد، حمد و سپاس از آنِ خداوند است

یُحِبُّ اللَّهُ انْ یُحْمَدَ، الْحَمْدُللَّهِ کَما هُوَ اهْلُهُ، اللَّهُمَّ ادْخِلْنی فی کُلِّ خَیْرٍ

آن گونه که می پسندد ستایش شود، حمد و سپاس از آنِ خداوند است آن گونه که شایسته آن است، خدایا مرا داخل کن در هر خیری که

ادْخَلْتَ فیهِ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَاخْرِجْنی مِنْ کُلِّ سُوءٍ اخْرَجْتَ مِنْهُ

محمّد و خاندان پاکش را در آن داخل نموده ای، و مرا خارج کن از هر بدی که

مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.(1)

محمّد و خاندان پاکش را از آن خارج نموده ای، درود خدا بر محمّد و خاندان پاکش باد.

***

20- در برخی از کتب معتبر آمده است که هر کس سه مرتبه در بامداد و سه مرتبه در پایان روز این صلوات را بخواند، گناهانش آمرزیده شود و خوشحالی او همیشگی باشد و دعایش مستجاب گردد و روزیش گسترده، و در برابر دشمن یاری شود و در بهشت همنشین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله باشد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی الْأَوَّلینَ، وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش در میان پیشینیان درود فرست، و بر محمّد و خاندان پاکش در

مُحَمَّدٍ فِی الْآخِرینَ، وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی الْمَلَإِ الْأَعْلی

میان پسینیان درود فرست، و بر محمّد و خاندان پاکش در عالم بالا درود فرست،

وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِی الْمُرْسَلینَ، اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّداً الْوَسیلَهَ،

و بر محمّد و خاندان پاکش در میان فرستادگانت درود فرست، خدایا به محمّد (ص) وسیله (شفاعت)

وَ الشَّرَفَ وَالْفَضیلَهَ، وَالدَّرَجَهَ الْکَبیرَهَ، اللَّهُمَّ انّی آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

و شرافت و فضیلت و مقام بزرگ را عطا کن، خدایا به محمّد و خاندان پاکش ایمان آورده ام

وَلَمْ ارَهُ، فَلا تَحْرِمْنی یَوْمَ الْقِیمَهِ رُؤْیَتَهُ، وَارْزُقْنی صُحْبَتَهُ، وَتَوَفَّنی عَلی

با این که او را ندیده ام، پس مرا در روز قیامت از دیدارش محروم مگردان و همنشینی با او را روزیم کن، و مرا بر دین

ص: 931

1- [1291]کافی، جلد 2، صفحه 529، حدیث 22.

مِلَّتِهِ، وَاسْقِنی مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَباً رَوِیّاً سآئِغاً هَنیئاً، لا اظْمَأُ بَعْدَهُ ابَداً،

او بمیران و از حوض کوثر با شرابی فراوان، گوارا و لذیذ سیرابم کن که هیچگاه بعد از آن تشنه نشوم

انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، اللَّهُمَّ کَما آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ

زیرا تو بر هر چیز توانایی، خدایا همان گونه که به محمّد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد-

وَلَمْ ارَهُ، فَارِنی فِی الْجِنانِ وَجْهَهُ، اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنّی تَحِیَّةً

بی آن که او را ببینم ایمان آوردم، پس در بهشت رویش را به من نشان ده، خدایا از جانب من درود و سلامی

کَثیرَةً وَسَلاماً.(1)

فراوان به روح محمّد (ص) برسان.

یادآوری: دعاهایی که در صبح و شام وارد شده، بسیار است که ما در این جا تنها بخشی از آنها را آورده ایم. البتّه هر کس می تواند به مقدار توان و حضور قلب، از آنها انتخاب کند و مضامین آنها را به کار بندد.

ص: 932

1- [1292]بحارالانوار، جلد 83، صفحه 266، حدیث 36.

فصل پنجم: آداب هنگام خواب

سزاوار است هنگام خواب این امور رعایت شود:

1- با طهارت بخوابی.

2- از گناهان توبه نمایی.

3- قلب خویش را از فکر دنیا فارغ سازی.

4- سعی کن چنان باشی که حقِّ کسی در گردنت نباشد.

5- عازم باشی که برای نماز شب برخیزی، زیرا که افتخار مؤمن و زینت او در دنیا و آخرت، نماز در آخر شب است.

6- سوره «قل هو اللّه احد»(1) و «الهیکم التکاثر»(2) و «آیهالکرسی»(3) را می خوانی.

7- تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را می خوانی.(4) 8- بهتر است به طرف راست یا به پشت بخوابی، امّا به سینه خوابیدن در روایات به عنوان خواب شیطانی شمرده شده است.(5) 9- در صورتی که از غلبه خواب نگران باشی که برای نماز شب، یا نماز صبح، یا غیر آن بیدار نشوی، خواندن آیه آخر سوره کهف بسیار مؤثر است:

قُلْ انَّما ا نَا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ یُوحی الَیَّ، انَّما الهُکُمْ الهٌ واحِدٌ، فَمَنْ کانَ

بگو من فقط بشری مثل شما هستم (امتیازم این است که) به من وحی می شود که تنها معبودتان معبود یگانه است پس هر که به

یَرْجُوا لِقآءَ رَبِّهِ فَلْیَعْمَلْ عَمَلاً صالِحاً، وَلایُشْرِکْ بِعِبادَهِ رَبِّهِ احَداً.

لقای پروردگارش امید دارد باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.

در روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده که هیچ کس این آیه را در وقت خوابیدن نمی خواند مگر آن که در ساعت مقصود بیدار می شود.(6)

(کم خوردن غذا و مایعات و به موقع خوابیدن نیز، به بیداری در آخر شب کمک می کند).

1- [1293]بحارالانوار، جلد 73، صفحه 192، حدیث 2.
2- [1294]کافی، جلد 2، صفحه 623، حدیث 14.
3- [1295]بحارالانوار، جلد 73، صفحه 213.
4- [1296]تهذیب، جلد 2، صفحه 116، حدیث 203.
5- [1297]فقیه، جلد 1، صفحه 502، حدیث 1442.
6- [1298]کافی، جلد 2، صفحه 540، حدیث 17.

10- در صورت ترس از حیوانات موذی این دعا را بخوان که از امام باقر علیه السلام روایت شده است:

اعُوذُ بِکَلِماتِ اللَّهِ التَّآمَّاتِ، الَّتی لایُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلا فاجِرٌ مِنْ شَرِّ ما

از شرّ تمامی آفریدگان به کلمات تامّه خدا پناه می برم که نیکوکار و بدکار توان

ذَرَءَ، وَمِنْ شَرِّ ما بَرَءَ، وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دآبَّهٍ هُوَ اخِذٌ بِناصِیَتِها، انَّ رَبّی عَلی

گذر از آن را ندارد و همچنین از شر هر جنبده ای که اختیارش به دست اوست، زیرا که پروردگار من به راه

صِراطٍ مُسْتَقیمٍ.(1)

راست است.

***

11- در صورت خوف از احتلام (جنابت در خواب) این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ انّی اعُوذُ بِکَ مِنَ الْإِحْتِلامِ، وَ مِنْ شَرِّ الْأَحْلامِ، وَ مِنْ انْ یَتَلاعَبَ

خدایا از جنابت و شر خواب ها (ی پریشان) و نیرنگ شیطان با من در

بِیَ الشَّیْطانُ فِی الْیَقْظَهِ وَالْمَنامِ.(2)

خواب و بیداری به تو پناه می برم.

***

12- در صورت خوف از سارق (ضمن رعایت جهات ایمنی) دو آیه آخر سوره اسراء را بخوان:

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ اوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ، ایّاً مَّا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنی وَ لا

بگو «اللّه» را بخوانید یا «رحمن» را، هر کدام را بخوانید (ذات پاکش یکی است و) برای او بهترین نامهاست و

تَجْهَرْ بِصَلاتِکَ وَلا تُخافِتْ بِها، وَابْتَغِ بَیْنَ ذلِکَ سَبیلاً* وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ

نمازت را زیاد بلند یا خیلی آهسته نخوان و در میان آن دو، راهی (معتدل) انتخاب کن و بگو ستایش برای خداوندی است که

الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً، وَ لَمْ یَکُنْ لَّهُ شَریکٌ فیِ الْمُلْکِ، وَ لَمْ یَکُنْ لَّهُ وَلِیٌّ مِنَ

نه فرزندی برای خود انتخاب کرده و نه شریکی در حکومت دارد و نه به خاطر ضعف و ذلّت (حامی و) سرپرستی برای اوست

الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبیراً.(3)

و او را بسیار بزرگ بشمار.

ص: 934

1- [1299]کافی، جلد 2، صفحه 570، حدیث 7.
2- [1300]مفتاح الفلاح، صفحه 284.
3- [1301]بحارالانوار، جلد 73، صفحه 211.

13- خوابِ بین الطلوعین و خواب بعد از عصر (وقت غروب) را ترک کن. (1) 14- در پشت بامی که اطراف آن دیوار ندارد خوابیدن مکروه است. (2) 15- اگر خوابی دیدی برای کسی نقل کن که عالمی ناصح و مهربان باشد (و با تعبیر صحیح تو را امیدوار سازد).(3) 16- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هر کس هنگام رفتن به بستر، سه بار این دعا را بخواند (و توبه کند) از گناه پاک می شود:

الْحَمْدُللَّهِ الَّذی عَلا فَقَهَرَ، وَالْحَمْدُللَّهِ الَّذی بَطَنَ فَخَبَرَ، وَالْحَمْدُللَّهِ الَّذی

حمد و سپاس از آن خداوندی است که در عین برتری غالب است، و حمد و سپاس از آن خداوندی است که در عین پوشیدگی آگاه است و حمد و سپاس از آن خداوندی

مَلَکَ فَقَدَرَ، وَ الْحَمْدُللَّهِ الَّذی یُحْیِی الْمَوْتی وَیُمیتُ الْأَحْیآءَ، وَ هُوَ عَلی

است که مالک و تواناست، و حمد و سپاس از آن خداوندی است که مردگان را زنده کرده و زندگان را می میراند

کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.(4)

و او بر هر چیز تواناست.

***

17- از امام صادق علیه السلام روایت شده است: وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به بستر می رفت، آیهالکرسی می خواند و می گفت:

بِسْمِ اللَّهِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَ کَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ، اللَّهُمَّ احْفَظْنی فی مَنامی

به نام خدا، به خدا ایمان آورده و به طاغوت کفر ورزیدم، خدایا در خواب

وَفی یَقْظَتی (5)

و بیداری مرا حفظ کن.

***

18- مفضّل بن عمر می گوید امام صادق علیه السلام به من فرمود: هنگام خواب با این یازده جمله به خداوند پناه ببر:

اعُوذُ بِعِزَّهِ اللَّهِ، وَ اعُوذُ بِقُدْرَهِ اللَّهِ، وَ اعُوذُ بِجَلالِ اللَّهِ، وَ اعُوذُ بِسُلْطانِ

به شکوه خدا پناه می برم، و به قدرت خدا پناه می برم، و به بزرگی خدا پناه می برم، به فرمانروایی خدا پناه می برم

1- [1302]مکارم الاخلاق، صفحه 305، و بحارالانوار، جلد 73، صفحه 185، حدیث 6.
2- [1303]بحارالانوار، جلد 73، صفحه 187، حدیث 7.
3- [1304]همان مدرک، جلد 58، صفحه 175، حدیث 34.
4- [1305]کافی، جلد 2، صفحه 535، حدیث 1.
5- [1306]همان مدرک، صفحه 536، حدیث 4.

اللَّهِ، وَ اعُوذُ بِجَمالِ اللَّهِ، وَ اعُوذُ بِدَفْعِ اللَّهِ، وَ اعُوذُ بِمَنْعِ اللَّهِ، وَ اعُوذُ

و (نیز) به جمال خدا پناه می برم، به دفاع خدا (از بندگانش) پناه می برم، و به (قدرت) بازدارندگی خدا پناه می برم،

بِجَمْعِ اللَّهِ، وَ اعُوذُ بِمُلْکِ اللَّهِ وَاعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ، وَ اعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّی

و به تمامی (صفات) خدا پناه می برم، و به حاکمیّت خدا پناه می برم، و به ذات خدا پناه می برم، و به فرستاده خدا- که درود

اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ، وَ بَرَأَ وَ ذَرَءَ.(1)

خدا بر او و خاندان پاکش باد- پناه می برم از شرّ تمامی مخلوقات و آفریدگان.

نکته:

در عصر و زمان ما بسیاری از مردم گرفتار بی خوابی هستند و جمعی از آنها پناه به قرص های خواب آور می برند که گاه آنها خود سرچشمه بیماری های دیگری می شود.

عامل اصلی این بی خوابی ها، ناآرامی روح است؛ اگر ما به دستورات اسلام عمل کنیم، ناآرامی روح برچیده می شود و از خواب آسوده ای- به لطف خدا- بهره مند خواهیم شد.

قرآن مجید می گوید: «

«أَلا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»

؛ آگاه باشید یاد خدا مایه آرامش دلهاست».(2) آری؛ هر قدر بیشتر به یاد خدا باشیم، و بر او توکّل نماییم، و در مشکلات به او پناه بریم و بدانیم او غفور و رحیم است و جواد و کریم و بر هر چیز تواناست و این امور را واقعاً باور کنیم، روح ما غرق آرامش می شود.

از سوی دیگر، پریشانی ها و نگرانی ها در غالب موارد از حبّ دنیا سرچشمه می گیرد؛ اگر حبّ دنیا را از دل بیرون کنیم و برای زندگی

کوشش و تلاش لازم را انجام دهیم و بقیه را به خدا واگذار کنیم، نور آرامش بر دل و جان ما پرتوافکن می شود.

ص: 936

1- [1307]کافی، جلد 2، صفحه 537، حدیث 9.
2- [1308]سوره رعد، آیه 28.

فصل ششم: اعمال سحرگاهان

اشاره

برای این موضوع آداب و دعاهای زیاد وارد شده که از آن جمله، این امور است:

1- امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی کسی از شما از خواب برمی خیزد، بگوید:

سُبْحانَ رَبِّ النَّبِیّنَ، وَ الهِ الْمُرْسَلینَ، وَ رَبِّ الْمُسْتَضْعَفینَ، وَالْحَمْدُ للَّهِ

پاک و منزّه است پروردگار پیامبران و معبود فرستادگان و پروردگار مستضعفان و حمد و سپاس

الَّذی یُحْیِی الْمَوْتی وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.

از آنِ خداوندی است که مردگان را زنده کرده و بر هر چیز تواناست.

هنگامی که این جمله ها را بگوید، خداوند می فرماید: بنده من راست گفت و شکر مرا به جای آورده است.(1)

***

2- یکی از یاران خاصّ امام صادق علیه السلام می گوید: هنگامی که امام علیه السلام در پایان شب برمی خاست (به یاد قیامت و رستاخیز می افتاد و) صدایش را بلند می کرد- به گونه ای که اهل خانه بشنوند- و می گفت:

اللَّهُمَّ اعِنّی عَلی هَوْلِ الْمُطَّلَعِ، وَ وَسّعْ عَلَیَّ ضیقَ الْمَضْجَعِ، وَارْزُقْنی

خدایا مرا بر وحشت روز قیامت یاری کن و تنگی قبرم را وسعت ده، و

خَیْرَ ما قَبْلَ الْمَوْتِ، وَ ارْزُقْنی خَیْرَ ما بَعْدَ الْمَوْتِ.(2)

خیر و نیکی قبل و بعد از مردن را روزیم گردان.

***

3- در این هنگام برای نافله شب آماده می شوی.

فضیلت نافله شب:

روایاتی که از معصومان علیهم السلام در فضیلت نماز شب آمده بسیار زیاد و پراهمّیّت است؛ از جمله روایت شده است که: نماز شب مایه شرافت مؤمن است، و سلامتی جسم را در پی دارد، کفّاره گناهان روز است،

1- [1309] کافی، جلد 2، صفحه 538، حدیث 11.
2- [1310] فقیه، جلد 1، صفحه 480، حدیث 1389.

وحشت قبر را از بین می برد، چهره را نورانی می کند، و سبب فراوانی روزی می گردد،(1) و این که: مال و پسران زینت زندگی دنیایند؛ ولی هشت رکعت نماز آخر شب و نماز (شفع و) وتر، زینت آخرت انسانند و گاهی خداوند هردو زینت را برای گروهی جمع می کند.(2) از امام صادق علیه السلام نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سفارش های خویش به علی علیه السلام فرمود: ای علی! من تو را به چند کار سفارش می کنم آنها را به خاطر بسپار. سپس فرمود: خدایا، علی را در این راه کمک کن! آنگاه حضرت خصلت هایی را برشمرد تا آن جا که فرمود:

نماز شب را اهمّیّت بده، نماز شب را اهمّیّت بده، نماز شب را اهمّیّت بده.(3) یکی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله به نام «انس» نقل کرده است که آن حضرت فرمود: دو رکعت نماز، در دل شب، برای من بسی محبوبتر است از دنیا و آنچه در آن است.(4) در روایتی دیگر از امام زین العابدین علیه السلام پرسیدند چرا آنان که در دل شب به تهجّد می پردازند از خوش سیماترین (و نورانی ترین) مردم می باشند؟

فرمود: زیرا باخدای خویش خلوت کرده اند، پس خداوند نیز از نور خویش به آنها بخشیده است.(5) و در روایتی از علی علیه السلام در جواب کسی که علّت بی توفیقی خود نسبت به نماز شب را پرسیده بود، آمده است: «

قَیَّدَتْکَ ذُنُوبُکَ

؛ گناهانت تو را به بند کشیده است».(6) کوتاه سخن این که: نافله شب کیمیای سعادت و اکسیر اعظم است و بسیاری از کسانی که به مقامات عالیه رسیده اند در پرتو نماز شب و مناجات سحر بوده است و در اهمّیّت و فضیلت آن همین بس که قرآن مجید خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «

وَ مِنَ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَهً لَکَ عَسی انْ یَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقاماً مَحْمُوداً

؛ پاسی از شب را از خواب برخیز و قرآن (و نماز) بخوان این یک وظیفه اضافی (واجب) بر توست تا پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برساند».(7) این تعبیر نشان می دهد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مقامات عالیه خود را از پرتو نماز شب و قرآن و مناجات سحر کسب می کرد.

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظاز یمن دعای شب و ورد سحری بود !

«قطب راوندی» از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده است که فرمود: طمع مکن در سه چیز با انجام سه چیز: در بیداری شب با پرخوری؛ در نورانیّت چهره، با خوابیدن در تمامی شب، و در امان از دنیا، با رفاقت و

1- [1311]مستدرک الوسائل، جلد 6، صفحه 327- 335، باب 33.
2- [1312]همان مدرک، صفحه 330، حدیث 10.
3- [1313]بحارالانوار، جلد 74، صفحه 70، حدیث 8.
4- [1314]همان مدرک، جلد 84، صفحه 148، حدیث 23.
5- [1315]همان مدرک، صفحه 159، حدیث 48.
6- [1316]کافی، جلد 3، صفحه 450، حدیث 34.
7- [1317]سوره اسراء، آیه 79.

همراهی فاسقان.(1) همچنین «قطب راوندی» روایت کرده است که عیسی علیه السلام بعد از مرگ مادرش، وی را صدا زد و گفت:

ای مادر با من سخن بگو! آیا دوست داری به دنیا برگردی؟ مادرش پاسخ داد: آری، به این امید که در دل شبهای سرد برای خدا نماز بگزارم و در روزهای گرم روزه بگیرم! پسرم این راه (راه آخرت) بیمناک است!(2) این نکته نیز حائز اهمّیّت است که بعضی از مؤمنین، از نماز شب به خاطر آداب مفصّل آن پرهیز دارند، در حالی که نماز شب را به طور ساده و بدون شاخ و برگ نیز می توان در زمان کوتاهی انجام داد، مهم برخاستن و سحرگاهان به در خانه خدا رفتن است.

وقت نماز شب:

اوّل وقت نماز شب، از نیمه شب است و هرچه به طلوع صبح نزدیک تر شود، فضیلتش بیشتر است و اگر صبح طلوع کرده باشد و او چهار رکعت از نماز شب را به جای آورده باشد، بقیه را با حمد تنها، تمام کند.(3)

کیفیّت نماز شب:

بجا آوردن نماز شب با آداب مخصوص چنین است:

وقتی انسان از خواب برمی خیزد برای خداوند سجده کند و خوب است در سجده و یا هنگام سر برداشتن از سجده بگوید:

الْحَمْدُلِلَّهِ الَّذی احْیانی بَعْدَ ما اماتَنی وَ الَیْهِ النُّشُورُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی رَدَّ

حمد و سپاس از آنِ خداوندی است که بعد از میراندنم زنده ام گردانید، و اجتماع روز رستاخیز به سوی اوست، حمد و سپاس از آنِ خداوندی است که

عَلَیَّ رُوحی لِأَحْمَدَهُ وَاعْبُدَهُ.(4)

روحم را به من بازگردانید تا ستایشش کرده و عبادتش کنم.

و چون برخاست و ایستاد بگوید: اللَّهُمَّ اعِنّی عَلی هَوْلِ الْمُطَّلَعِ، وَ وَسِّعْ عَلَیَ

************ خدایا مرا بر وحشت روز قیامت یاری کن و قبرم را وسعت ده

ص: 939

1- [1318]مستدرک الوسائل، جلد 6، صفحه 340، حدیث 3.
2- [1319]همان مدرک، صفحه 338، حدیث 31.
3- [1320]برای آگاهی بیشتر به بحارالانوار، جلد 84، صفحه 223 و 226 مراجعه شود.
4- [1321]بحارالانوار، جلد 73، صفحه 204، حدیث 20.

الْمَضْجَعَ، وَارْزُقْنى خَيْرَما قَبْلَ الْمَوْتِ، وَارْزُقْنى خَيْرَما بَعْدَ الْمَوْتِ.(1)

و خیر و نیکی قبل و بعد از مردن را روزیم گردان.

وقتی که صدای خروس را شنید بگوید: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلائِکَهِ وَالرُّوحِ،

*************** پاک و منزّه است از هر عیب پروردگار فرشتگان و روح

سَبَقَتْ رَحْمَتُکَ غَضَبَکَ، لا الهَ الّا انْتَ، عَمِلْتُ سُوءً، وَظَلَمْتُ نَفْسى

رحمتت بر خشم و غضبت پیشی گرفته و معبودی جز تو نیست، بد کردم و بر خود ستم نمودم

فَاغْفِرْلى انَّهُ لايَغْفِرُالذُّنُوبَ الّا انْتَ، فَتُبْ عَلَیَّ انَّکَ انْتَ التَّوّابُ الرَّحیمُ.(2)

پس مرا بیامرز، به یقین جز تو کسی گناهان را نیامرزد، و توبه ام را بپذیر که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی.

وقتی که به آسمان نگاه کند بگوید: اللَّهُمَّ انَّهُ لایُوارى مِنْکَ لَیْلٌ ساجٍ، وَلاسَمآءٌ

*************** خدایا به یقین نمی پوشاند از تو (چیزی را) شب تاریک و آسمان

ذاتُ ابْراجٍ، وَلا ارْضٌ ذاتُ مِهادٍ، وَلاظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ،

دارای طبقات، و زمین دارای آرامش و تاریکی های (متراکم) که بعضی روی بعض دیگر است

وَلابَحْرٌ لُجِّیٌّ، یُدْلِجُ بَیْنَ یَدَیِ الْمُدْلِجِ مِنْ خَلْقِکَ، تُدْلِجُ الرَّحْمَهَ عَلى مَنْ

و دریای موّاجی، که در مقابل حرکت کنندگان در شب از مخلوقاتت به حرکت در می آید، رحمتت را شبانگاهان بر هر یک

تَشآءُ مِنْ خَلْقِکَ، تَعْلَمُ خآئِنَهَ الْأَعْیُنِ وَ ما تُخْفِى الصُّدُورُ، غارَتِ

از مخلوقاتت که خواهی (و شایسته بدانی) نازل کنی، خیانت چشم ها و آنچه سینه ها پنهان داشته را می دانی،

النُّجُومُ، وَنامَتِ الْعُيُونُ، وَ انْتَ الْحَیُّ الْقَيُّومُ، لا تَأْخُذُکَ سِنَةٌ وَلانَوْمٌ،

ستاره ها رفتند و چشم ها در خوابند و تویی زنده و قائم به ذات خویش که هیچ گاه خواب سبک و سنگینی تو را فرا نمی گیرد،

سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَ الهِ الْمُرْسَلينَ، وَالْحَمْدُلِلَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ.(3)

تسبیح می گویم خداوندی را که پروردگار جهانیان و معبود فرستادگان است، و حمد و سپاس از آنِ پروردگار جهانیان است.

سپس این پنج آیه از سوره آل عمران را بخواند: انَّ فی خَلْقِ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ

********************** به یقین در آفرینش آسمانها و زمین و آمد

1- [1322]بحارالانوار، جلد 84، صفحه 192، حدیث 6.
2- [1323]مصباح المتهجّد، صفحه 127 و مکارم الاخلاق، صفحه 293(با اندکی تفاوت).
3- [1324]مصباح المتهجد، صفحه 128.

وَاخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ لَأیاتٍ لِأُولِی الْأَلْبابِ* الَّذینَ یَذْکُرُونَ اللَّهَ

و رفت شب و روز نشانه های (روشنی) برای خردمندان است* همانها که خدا را در حال ایستاده

قِیاماً وَ قُعُوداً وَ عَلی جُنُوبِهِمْ وَ یَتَفَکَّرُونَ فی خَلْقِ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ

و نشسته و آنگاه که بر پهلو خوابیده اند یاد می کنند و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند

رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلاً سُبْحانَکَ فَقِنا عَذابَ النَّارِ* رَبَّنا انَّکَ مَنْ

(و می گویند) بار الها اینها را بیهوده نیافریدی منزّهی تو، ما را از عذاب آتش نگهدار* پروردگارا هر که را تو

تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ اخْزَیْتَهُ وَما لِلظَّالِمینَ مِنْ انْصارٍ* رَبَّنا انَّنا سَمِعْنا

(به خاطر اعمالش) به آتش افکنی او را خوار و رسوا ساخته ای و برای افراد ستمگر هیچ یاوری نیست* پروردگارا ما صدای منادی (تو) را شنیدیم

مُنادِیاً یُنادی لِلْإیمانِ انْ امِنُوا بِرَبِّکُمْ فَآمَنَّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُ نُوبَنا وَ کَفِّرْ

که به ایمان دعوت می کرد که به پروردگار خود ایمان بیاورید و ما ایمان آوردیم، پروردگارا گناهان ما را ببخش

عَنَّا سَیِّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ* رَبَّنا وَ اتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ

و بدیهای ما را بپوشان و ما را با نیکان (و در مسیر آنها) بمیران* پروردگارا آنچه را به وسیله پیامبرانت به ما وعده فرمودی به ماعطا کن

وَلاتُخْزِنا یَوْمَ الْقِیمَهِ انَّکَ لاتُخْلِفُ الْمیعادَ.(1)

و ما را در روز رستاخیز رسوا مگردان زیرا تو هیچگاه از وعده خود تخلّف نمی کنی.

هنگامی که برای عبادت بر می خیزد اگر نیازی به تخلّی دارد نخست برای آن برود. بعد هم وضو بگیرد و قبل از وضو، مسواک کند و خود را خوشبو

سازد، آنگاه برای نماز شب آماده شود.(2) نماز شب هشت رکعت است که در هر دو رکعتی سلام می دهد؛ در دو رکعت اوّل در هر رکعت سوره حمد و توحید (قل هو اللّٰه احد) را بخواند و یا آن که در رکعت اوّل سوره توحید را بخواند و در رکعت دوم «قل یا ایّها الکافرون» و در شش رکعت دیگر حمد و هر سوره که بخواهد مثل «قل هو اللّٰه احد» و نیز جایز است به خواندن حمد اکتفا کند.

همان گونه که در نمازهای واجب در رکعت دوم قنوت مستحب است در این نمازها نیز مستحب است و کافی است سه بار بگوید «

سُبْحانَ اللّه»

یا آن که بگوید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْلَنا وَارْحَمْنا، وَ عافِنا وَاعْفُ عَنَّا فِی الدُّنْیا وَ الْأخِرَهِ، اِنَّکَ

خدایا ما را بیامرز و ما را در رحمت خود داخل کن، و به ما عافیت ده و در دنیا و آخرت از ما درگذر، که به یقین تو

ص: 941

1- [1325]مصباح المتهجّد، صفحه 129.
2- [1326]همان مدرک، صفحه 130.

عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ یا آن که بگوید: رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَتَجاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ،

بر هر چیز توانایی**** ای پروردگار من مرا بیامرز و بر من رحم کن و از آنچه (از من) می دانی درگذر

انَّکَ انْتَ الْأَعَزُّ الْأَکْرَمُ.(1)

که به یقین تو محبوبترین و گرامی ترینی.

بعد از هشت رکعت نماز شب، دو رکعت به نیّت نماز «شفع» و یک رکعت به نیّت نماز «وتر» بخوان. در این سه رکعت، بعد از حمد، سوره «قل هو اللّه» می خوانی که پاداش آن بمنزله ختم قرآن می باشد. چراکه سوره «توحید» به منزله ثُلث قرآن است.(2) و یا آن که در رکعت اوّل نماز «شفع» حمد و «قل اعوذ بربّ النّاس» بخوان و در رکعت دوم، حمد و «قل اعوذ بربّ الفلق» و در رکعت سوم (نماز وتر) حمد و قل هو اللّه احد.(3) در نماز «وتر» بعد از حمد و سوره، دست ها را برای قنوت بردار و هرچه می خواهی در قنوت دعا کن و حاجات دنیا و آخرت را از خدا بخواه.(4) در روایتی آمده است که کسی از امام علیه السلام می پرسد: آیا در قنوت «وتر» لازم است که دعای خاصّی خوانده شود؟ چه بگویم؟ فرمود: خیر (هرآنچه که به دلت افتاد و به ذهنت وارد شد می توانی بخوانی و درخواست کنی) ثنا و حمد خدا بجا آور و بر رسول مکرّم صلوات بفرست و برای گناهان بزرگت استغفار کن و بدان که هر گناهی بزرگ است.(5) «شیخ طوسی» نیز در «مصباح المتهجّد» گفته است: در قنوت وتر هر دعایی که دوست داری بخوان و دعاهایی که در این قنوت می توان خواند، به قدری زیاد است که به شمارش در نمی آید.

همچنین می گوید: مستحب است انسان در قنوت از ترس خدا (یا عشق به او) گریه کند و یا حالت گریه به خود بگیرد، و برای برادران مؤمن دعا کند و خوب است نام چهل تن را در دعای خویش ببرد (کافی است که مثلاً بگوید: اللّهمّ اغفر لحسن اللّهم اغفر لمحمّد و ...) چرا که اگر کسی برای چهل مؤمن دعا کند، دعایش مستجاب می شود. ان شاء اللّه.(6) سزاوار است که هفتاد مرتبه بگوید:

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبّی وَ اتُوبُ الَیْهِ.(7)

و برای این کار و همچنین شمردن چهل نفر از مؤمنان دست چپ را بلند می کند و استغفار را به دست راست با تسبیح می شمارد.(8)

ص: 942

1- [1327]بحارالانوار، جلد 82، صفحه 207.
2- [1328]همان مدرک، جلد 84، صفحه 226، حدیث 39.
3- [1329]همان مدرک و مصباح المتهجّد، صفحه 152.
4- [1330]مصباح المتهجّد، صفحه 152
5- [1331]کافی، جلد 3، صفحه 450، حدیث 31.
6- [1332]مصباح المتهجّد، صفحه 152 و 155.
7- [1333]همان مدرک، صفحه 155.
8- [1334]مفتاح الفلاح، صفحه 329

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که آن حضرت در نماز وتر هفتاد مرتبه استغفار می کرد و هفت مرتبه می گفت: هذا مَقامُ الْعائِذِ بِکَ مِنَ النَّارِ(1) و همچنین از امام زین العابدین علیه السلام ******* این است جایگاه کسی که از (ترسِ) آتش دوزخ به تو پناهنده شده است******************

روایت شده است که در نماز وتر سیصد مرتبه می گفت:

الْعَفْوَ، الْعَفْوَ، الْعَفْوَ ...(2)

پس از آن بگوید: رَبِّ اغْفِرْلی وَارْحَمْنی وَتُبْ عَلَیَّ انَّکَ انْتَ التَّوَّابُ الرَّحیمُ.(3)

******** پروردگارا مرا بیامرز و بر من رحم کن و توبه ام را بپذیر زیرا که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی.

بنابراین، دعا به چهل مؤمن (مرد یا زن) و هفتاد مرتبه استغفار و هفت مرتبه «

هذا مقام العائذ بک من النار

» و سیصد مرتبه «

العفو

» از مستحبات قنوت وتر است؛ ولی اگر هیچ کدام را هم نگوید به نماز او ضرر نمی رسد.

شایسته است که قنوت را طول بدهد و پس از آن به رکوع برود و هنگامی که سر از رکوع برداشت این دعا را بخواند که «شیخ طوسی» در «تهذیب» از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده است:

هذا مَقامُ مَنْ حَسَناتُهُ نِعْمَهٌ مِنْکَ، وَ شُکْرُهُ ضَعیفٌ، وَ ذَنْبُهُ عَظیمٌ، وَ لَیْسَ

این جایگاه کسی است که کارهای نیکش نعمتی از جانب توست، و شکر و سپاسش کم و گناهانش بزرگ است

لِذلِکَ الّا رِفْقُکَ وَ رَحْمَتُکَ، فَانَّکَ قُلْتَ فی کِتابِکَ الْمُنْزَلِ عَلی نَبِیِّکَ

و جز مدارا و رحمتت چیزی برای آمرزش گناهش ندارد، زیرا تو در کتابی که بر پیامبر

الْمُرْسَلِ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ: کانُوا قَلیلاً مِنَ اللَّیْلِ ما یَهْجَعُونَ،

مرسلت- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- نازل کردی فرمودی: آنها کمی از شب را می خوابیدند،

وَبِالْأَسْحارِهُمْ یَسْتَغْفِرُونَ. طالَ هُجُوعی وَ قَلَّ قِیامی وَ هذَا السَّحَرُ

و در سحرگاهان استغفار می کردند، خوابم طولانی و شب زنده داریم کم شد و اکنون هنگام سحر است

وَانَا اسْتَغْفِرُکَ لِذُنُوبی اسْتِغْفارَ مَنْ لایَجِدُ لِنَفْسِهِ ضَرّاً وَلا نَفْعَاً، وَلا مَوْتاً

و من برای گناهانم از تو آمرزش می طلبم، آمرزش خواهی کسی که زیان، سود، مرگ، زندگی

ص: 943

1- [1335]فقیه، جلد 1، صفحه 489، حدیث 1406.
2- [1336]همان مدرک، حدیث 1408.
3- [1337]مصباح المتهجّد، صفحه 155.

وَلا حَیاهً وَلا نُشُوراً.(1)

و زنده شدن مجدّدی برای خویش نمی یابد. پس از آن به سجده می رود و نماز را تمام می کند، و پس از سلام تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را می گوید و بعد از آن سه مرتبه بگوید:

سُبْحانَ رَبِّیَ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ الْعَزیزِ الْحَکیمِ 1339]* و پس از آن بگوید: یا حَیُ

تسبیح می گویم پروردگارم را که فرمانروا و پاکیزه از هر عیب و گرامی و داناست**** ای زنده

یا قَیُّومُ، یا بَرُّ یا رَحیمُ، یا غَنِیُّ یا کَریمُ، ارْزُقْنی مِنَ التِّجارَهِ اعْظَمَها

ای قائم به ذات خویش، ای نیکوکار ای مهربان، ای بی نیاز ای بخشنده، از تجارت پرسودترین و

فَضْلًا، وَ اوْسَعَها رِزْقاً، وَخَیْرَها لی عاقِبَهً، فَانَّهُ لا خَیْرَ فیما لا عاقِبَهَلَهُ.(2)

پر روزی ترین و عاقبت بخیرترین آن را روزیم کن، زیرا به یقین آنچه سرانجامی ندارد خیری در آن نیست.

و بعد از آن سه مرتبه بگوید: الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّباحِ، الْحَمْدُ لِفالِقِ الْإِصْباحِ 1341]*

********** حمد و سپاس از آن پروردگار صبح و شکافنده روز است

سپس به سجده می رود (سجده شکر برای این توفیق عظیم) و پنج بار می گوید: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ،

********************************** پاک و منزّه است از هر عیب

رَبُّ الْمَلائِکَهِ وَالرُّوحِ.

پروردگار فرشتگان و روح.

آنگاه می نشیند و آیهالکرسی را می خواند و باز هم برای بار دوم به سجده می رود و همان ذکر را پنج بار دیگر می خواند.(3) یادآوری: این دعاها را می توان از روی نوشته خواند، و بار دیگر تکرار می کنیم: شاخ و برگهای نماز شب بسیار خوب و سازنده است؛ ولی اگر کسی نتواند همه را بجا آورد، هرقدر که می تواند بجا آورد؛ مهم انجام اصل نماز، یعنی هشت رکعت نماز شب، دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر است؛ حتّی اگر کسانی نتوانند تمام یازده رکعت را بجا آورند، می توانند به سه رکعت نماز شفع و وتر اکتفا کنند و از برکات آن بهره مند شوند.

1- [1338]تهذیب، جلد 2، صفحه 132، حدیث 276.
2- [1340]همان مدرک.
3- [1342]بحارالانوار، جلد 84، صفحه 308، حدیث 86.

(دعاهایی که روزانه خوانده می شود و ساعت معیّنی ندارد)

یاد خدا مایه بیداری دل و آرامش روح و دوری شیطان و نجات از چنگال هوای نفس است لذا در روایات معصومین علیهم السلام دعاهای متعدّد و پرمحتوایی برای توجّه قلبها به خدا برای هر روز وارد شده است.

از جمله:

1- به سند معتبری از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: اگر مؤمنی در یک روز گرفتار گناهانی شود سپس از روی ندامت و پشیمانی به در خانه خدا رود و استغفار ذیل را بخواند خدا گناهان او را می بخشد:

اسْتَغْفِرُاللَّهَ الَّذی لا الهَ الّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ، بَدیعُ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ،

آمرزش می طلبم از خدایی که معبودی جز او زنده و قائم به ذات خویش نیست که آسمانها و زمین را پدید آورده،

ذُوالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، وَ اسْئَلُهُ انْ یُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ

و صاحب شکوه و بزرگواری است و از او می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستد و

یَتُوبَ عَلَیَّ.(1)

توبه ام را بپذیرد.

2- و نیز به سند معتبر دیگری از آن حضرت نقل شده که فرمود: هر کس که هر روز هفت مرتبه بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلی کُلِّ نِعْمَهٍ کانَتْ او هِیَ کائِنَهٌ».

حمد و سپاس از آنِ خداوند است بر تمامی نعمتهایی که بوده یا خواهد بود.

شکر نعمتهای گذشته و آینده را بجا آورده است.(2) 3- و نیز به سند معتبر دیگری از آن حضرت علیه السلام روایت شده که: «هر کس هر روز 25

مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤمِنينَ وَ الْمُؤمِناتِ، وَ الْمُسْلِمينَ وَ الْمُسْلِماتِ.

خدایا زنان و مردان با ایمان و مسلمان را بیامرز.

خداوند به عدد هر مؤمنی از مؤمنین گذشته و آینده تا روز قیامت، در نامه اعمالش حسنه می نویسد ...

ص: 945

1- [1343]کافی، جلد 2، صفحه 438، حدیث 7.
2- [1344]ثواب الاعمال، صفحه 9.

و بر درجاتش در بهشت می افزاید». (1) 4- و نیز به سند معتبر دیگری از آن حضرت نقل شده که: «هر کس هر روز صد مرتبه بگوید:

«لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الّا بِاللَّهِ خداوند هفتاد نوع بلا، که کمترین آن همّ و غمّ است را از او پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند نیست.******************************

دفع نماید(2)، و در روایتی دیگر آمده: هرگز دچار فقر نمی شود. (3) 5- مرحوم «کلینی» و بزرگان دیگر از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که: پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز هفتاد مرتبه «

أستغفر اللَّه

» و هفتاد مرتبه «

وَ اتُوبُ الَی اللَّهِ

» می گفت. (4) 6- در «کشف الغمّه» به سند معتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که هر کس در هر روز صد مرتبه «

لا الهَ الَّا اللَّهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبینُ

» بگوید از فقر و از وحشت قبر در امان باشد و بی نیازی را به سوی خود جلب کند و درهای بهشت به رویش باز شود. (5) 7- «قطب راوندی» در کتاب «دعوات» خود، از امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام نقل کرده که هر کس این ذکر را هر روز بگوید حاجتش برآورده شده و بر دشمنش غلبه می کند و هر اندوهی داشته باشد برطرف می گردد:

سُبْحانَ اللَّهِ کَما یَنْبَغی للَّهِ، وَالْحَمْدُللَّهِ کَما یَنْبَغی للَّهِ، وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ کَما

تسبیح می گویم خدا را آنچنان که شایسته اوست، و حمد و سپاس از آنِ خداوند است آنچنان که شایسته اوست و معبودی جز خدا نیست آنچنان که

یَنْبَغی للَّهِ، وَاللَّهُ اکْبَرُ کَما یَنْبَغی للَّهِ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الّا بِاللَّهِ کَما یَنْبَغی

شایسته اوست، و خدا بزرگتر از هر چیز است آنچنان که شایسته اوست، و پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند نیست آن چنان که شایسته اوست

لِلّهِ، وَ صَلّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ عَلی اهْلِ بَیْتِهِ، وَ جَمیعِ الْمُرْسَلینَ

و درود خدا بر پیامبر (ما) محمّد و بر خاندان پاکش و تمامی فرستادگان

وَالنَّبِیّینَ حَتَّی یَرْضَی اللَّهُ.(6)

و پیامبران تا جایی که خدا خشنود شود.

ص: 946

1- [1345]ثواب الاعمال، صفحه 161.
2- [1346]همان مدرک، صفحه 162.
3- [1347]بحارالانوار، جلد 84، صفحه 10.
4- [1348]کافی، جلد 2، صفحه 504، حدیث 5.
5- [1349]کشف الغمّه، جلد 2، صفحه 164.
6- [1350]دعوات راوندی، صفحه 46، حدیث 114.

8- از رسول گرامی صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس کلمات ذیل را هر روز ده بار بگوید علاوه بر پاداشهای مهمّ دیگر، از شرّ ابلیس و لشکریانش در امان می ماند، دین او ادا و همّ و غمّ او زایل می گردد و در مشکلش گشایشی بوجود می آید:

اعْدَدْتُ لِکُلِّ هَوْلٍ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَ لِکُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ ما شاءَاللَّهُ، وَ لِکُلِّ نِعْمَهٍ

برای هر ترسی کلمه «لا اله الّا اللَّه» را آماده کرده ام، و برای هر گرفتاری و اندوه کلمه «ماشاءاللَّه» را و برای هر نعمتی

الْحَمْدُ للَّهِ، وَلِکُلِّ رَخآءٍ الشُّکْرُ للَّهِ، وَ لِکُلِّ اعْجُوبَهٍ سُبْحانَ اللَّهِ، وَ لِکُلِ

کلمه «الحمدللَّه» را و برای هر آسایشی کلمه «الشکر للَّه» را و برای هر امر شگفتی کلمه «سبحان اللَّه» را و برای

ذَنْبٍ اسْتَغْفِرُاللَّهَ، وَ لِکُلِّ مُصیبَهٍ انَّا لِلَّهِ وَ انَّا الَیْهِ راجِعُونَ، وَ لِکُلِّ ضیقٍ

هر گناهی کلمه «استغفراللَّه» را و برای هر مصیبتی کلمه «انّا للَّه وإنّا إلیه راجعون» را و برای هر سختی و تنگی

حَسْبِیَ اللَّهُ، وَ لِکُلِّ قَضآءٍ وَ قَدَرٍ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ، وَ لِکُلِّ عَدُوٍّ اعْتَصَمْتُ

کلمه «حسبی اللَّه» را و برای هر قضا و قدری کلمه «توکّلت علی اللَّه» را و برای هر دشمنی کلمه «اعتصمت باللَّه»

بِاللَّهِ، وَ لِکُلِّ طاعَهٍ وَ مَعْصِیَهٍ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ الّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ.(1)

را و برای هر اطاعت و نافرمانی کلمه «لا حول ولا قوه إلّاباللَّه العلی العظیم» را (آماده کرده ام).

***

9- در «ثواب الاعمال»، «کافی» و کتاب «محاسن» از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: کسی که هر روز پانزده مرتبه بگوید:

لا الهَ الّا اللّهُ حَقّاً حَقّاً، لا الهَ الّا اللّهُ ایماناً وَ تَصْدیقاً، لا الهَ الّا اللّهُ عُبُودِیَّةً وَرِقّاً.

براستی معبودی جز خدا نیست، ایمان دارم و تصدیق می کنم که معبودی جز خدا نیست، و از سر تعظیم و بندگی می گویم جز او معبودی نیست

خداوند با لطف و رحمتش به او توجّه می کند و نظرش را از او برنگرداند تا داخل بهشت شود.(2)

***

10- «قطب راوندی» روایت کرده است که عابدی از بنی اسرائیل از خداوند درخواست کرد که ای پروردگار من، حال من نزد تو چگونه است؛ آیا خیر است تا افزون کنم، یا شرّ است تا از آن توبه نمایم؟

خداوند فرشته ای را به سوی او فرستاد و به او گفت: تو نزد خدا هیچ خیر نداری، گفت ای پروردگار من،

ص: 947

1- [1351]بحارالانوار، جلد 84، صفحه 5، حدیث 8.
2- [1352]ثواب الاعمال، صفحه 9 و کافی، جلد 2، صفحه 519، حدیث 1 و محاسن، جلد 1، صفحه 32(با مقداری تفاوت).

پس کجاست اعمال من؟! در جواب گفت: هرگاه عمل خیری انجام می دادی مردم را از آن آگاه می ساختی و دوست داشتی که در میان مردم به عنوان شخص خوبی به حساب آیی و از تو به نیکی یاد کنند، لذا به آنچه می خواستی رسیدی، این جواب بر آن عابد گران آمد و غمگین شد، خداوند بار دیگر پیکش را فرستاد و به او گفت: خدای تبارک و تعالی می فرماید: (برای جبران گذشته) از همین لحظه خودت را در اختیار من قرار ده با صدقه ای که هر روز به عدد رگهای بدنت پرداخت می کنی. عرض کرد:

ای پروردگار من! آیا کسی توان چنین چیزی را دارد؟ جواب آمد: هر روز 360 مرتبه بگو:

«سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اکْبَرُ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ

تسبیح می گویم خدا را و حمد و سپاس از آنِ خداست و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر از هر چیز است و پناهگاه و نیرویی

الّا بِاللَّهِ».(1)

جز از سوی خداوند بلندمرتبه و باعظمت نیست.

***

11- در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که: هر کس به مدّت دو ماه پی درپی، هر روز چهارصد مرتبه کلمات ذیل را بگوید، خداوند علم و مال فراوان به او روزی می کند:

اسْتَغْفِرُاللَّهَ الَّذی لا الهَ الَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ، الرَّحْمنُ الرَّحیمُ، بَدیعُ

آمرزش می طلبم از خدایی که معبودی جز او زنده و قائم به ذات خویش نیست، بخشنده و مهربان و پدیدآورنده

السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، مِنْ جَمیعِ ظُلْمی وَ جُرْمی وَ اسْرافی عَلی نَفْسی

آسمانها و زمین است (آمرزشی) از تمامی ستم ها و گناه ها و زیاده رَوی بر نفسم و

وَ اتُوبُ الَیْهِ.(2)

به سوی او توبه می کنم.

***

12- «مرحوم کفعمی» و بزرگان دیگر روایت کرده اند که خواندن این دعا در هر روز، مستحب است:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِنُورِ وَجْهِکَ الْمُشْرِقِ الْحَیِّ الْباقِی الْکَریمِ، وَ اسْئَلُکَ

خدایا به حق نور درخشنده ذاتت که زنده و پاینده و بزرگوار است از تو می خواهم

1- [1353]دعوات راوندی، صفحه 135، حدیث 336 و بحارالانوار، جلد 84، صفحه 10، حدیث 18.
2- [1354]بحارالانوار، جلد 84، صفحه 20، حدیث 21.

بِنُورِ وَجْهِکَ الْقُدُّوسِ الَّذی اشْرَقَتْ بِهِ السَّمواتُ، وَانْکَشَفَتْ بِهِ

و به حق نور و ذات پاکت که آسمانها را روشن کرده و پرده های ظلمت را کنار زده

الظُّلُماتُ، وَ صَلُحَ عَلَیْهِ امْرُ الْأَوَّلینَ وَالْأخِرینَ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ

و با آن کار تمامی مخلوقات اصلاح شده، از تو می خواهم که به محمّد و خاندان پاکش درود فرستی

وَآلِهِ، وَ انْ تُصْلِحَ شَأْنی کُلَّهُ.(1)

و تمامی کارهایم را اصلاح کنی.

***

13- از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: کسی که هر روز کلمات ذیل را بگوید خداوند مشکلات دنیا و آخرتش را حل می کند:

بِسْمِ اللَّهِ، حَسْبِیَ اللَّهُ، تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ خَیْرَ امُوری

به نام خدا، خدا برای من کافی است و بر او توکّل کرده ام، خدایا خیر و نیکی تمام کارهایم را از تو می خواهم

کُلِّها، وَ اعُوذُ بِکَ مِنْ خِزْیِ الدُّنْیا وَ عَذابِ الْأخِرَهِ.(2)

و از خواری در دنیا و عذاب آخرت به تو پناهنده ام.

***

14- و نیز روایت شده است که هر کس هر روز هفت مرتبه دعای ذیل را بخواند خداوند مشکلات دنیا و آخرتش را کفایت می کند:

حَسْبِیَ اللَّهُ رَبِّی اللَّهُ لا الهَ الّا هُوَ، عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ.(3)

خداوندی که پروردگار من است برای من کافی است، خدایی که معبودی جز او نیست، بر او توکّل می کنم و او پروردگار عرش با عظمت است.

***

15- همچنین روایت شده است: هر کس در طول یک سال، هر روز این دعا را بخواند، از دنیا نمی رود تا جای خود را در بهشت ببیند:

سُبْحانَ الدَّآئِمِ الْقآئِمِ، سُبْحانَ الْقآئِمِ الدَّآئِمِ، سُبْحانَ الْواحِدِ الْأَحَدِ،

پاک و منزّه است (خدای) پاینده پابرجا، پاک و منزّه است (خدای) پابرجای پاینده، پاک و منزّه است (خدای) یگانه یکتا

ص: 949

1- [1355]بلد الامین، صفحه 146 و بحارالانوار، جلد 84، صفحه 7، حدیث 10.
2- [1356]بحارالانوار، جلد 84، صفحه 6، حدیث 9.
3- [1357]همان مدرک، حدیث 8.

سُبْحانَ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، سُبْحانَ الْحَیِّ الْقَیُّومِ، سُبْحانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ،

پاک و منزّه است (خدای) تنهای بی نیاز، پاک و منزّه است (خدای) زنده قائم به ذات خویش، پاک و منزّه است خدا و به ستایشش مشغولم

سُبْحانَ الْحَیِّ الَّذی لایَمُوتُ، سُبْحانَ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ، سُبْحانَ رَبِ

پاک و منزّه است (خدای) زنده ای که هرگز نمی میرد، پاک و منزّه است (خدای) فرمانروای مقدّس، پاک و منزّه است پروردگار

الْمَلائِکَهِ وَالرُّوحِ، سُبْحانَ الْعَلِیِّ الْأَعْلی سُبْحانَهُ وَ تَعالی (1)

فرشتگان و روح، پاک و منزّه است (خدای) بلند مرتبه برتر، پاک و منزّه و برتر است او.

***

16- هنگام ظهر، نخستین کاری که انجام می دهی خواندن این دعا باشد، که امام باقر علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود: محافظت بر این دعا کن همان گونه که از چشم هایت محافظت می کنی:

سُبْحانَ اللَّهِ وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَهً وَ لاوَلَداً،

تسبیح می گویم خدا را و معبودی جز خدا نیست و ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده

وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَکَبِّرْهُ تَکْبیراً.(2)

و نه شریکی در حکومت دارد و نه بخاطر ضعف و ذلّت (حامی و) سرپرستی برای اوست و او را بسیار بزرگ بشمار.

یادآوری لازم: بدیهی است هدف از خواندن اذکار و دعاهای فوق تنها لقلقه زبان نیست بلکه افراد با ایمان باید در محتوای آنها بیندیشند و روح و جان و خلق و خوی خود را با آن تطبیق دهند، تا شاهد مقصود را در آغوش گیرند.

و نیز روشن است که انجام همه اینها برای همه کس میسّر نیست، هر کس به مقدار توانش می تواند از این خرمن عطرآگینِ اذکار و دعاها خوشه هایی بچیند و مشام جان خود را معطّر سازد، و در مسیر هدایت و خودسازی، هر روز گامهای برجسته تری بردارد.

ص: 950

1- [1358]بحارالانوار، جلد 84، صفحه 6، حدیث 9.

2- [1359]مفتاح الفلاح، صفحه 186 و فقیه، جلد 1، صفحه 225، حدیث 675 و بحارالانوار، جلد 55، صفحه 167، حدیث 28.

فصل هشتم: دعاهای ایّام هفته

اشاره

دعاهای روزهای هفته که از امام سجاد علیه السلام نقل شده در عین فشردگی بسیار پرمحتوا و آموزنده و پرارزش است که هر کس آن را بخواند و روح و جان خود را با آن هماهنگ سازد به یقین سعادتمند خواهد شد و استفاده از این دعاها را به همه- مخصوصاً جوانان- توصیه می کنیم. (1)

دعای روز شنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ کَلِمَهِ الْمُعْتَصِمینَ، وَ مَقالَهِ الْمُتَحَرِّزینَ، وَ اعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ جَوْرِ

به نام خداوندی که سخن پناهجویان و گفتار پناهندگان است و از ستم

الْجآئِرینَ، وَکَیْدِ الْحاسِدینَ، وَ بَغْیِ الظَّالِمینَ 1361]، وَ احْمَدُهُ فَوْقَ حَمْدِ

ستمکاران و مکر حسودان و ظلم ظالمان به خدا پناه می برم، و او را بیش از ستایش

الْحامِدینَ، اللَّهُمَّ انْتَ الْواحِدُ بِلا شَریکٍ، وَالْمَلِکُ بِلا تَمْلیکٍ، لا تُضادُّ

ستایندگان می ستایم، خدایا تویی یگانه بی شریک و فرمانروایی که حکومت به تو واگذار نشده و مخالفی

فی حُکْمِکَ، وَ لا تُنازَعُ فی مُلْکِکَ، اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ

در فرمانت نیست، و در فرمانروایيت منازعی وجود ندارد از تو می خواهم که بر محمّد، بنده

وَ رَسُولِکَ، وَ انْ تُوزِعَنی مِنْ شُکْرِ نَعْمائِکَ ما یَبْلُغَنی فی غایَهِ رِضاکَ،

و فرستاده ات درود فرستی و از شکر نعمتهایت به اندازه ای که مرا به نهایت خشنودیت برساند نصیبم کنی

وَانْ تُعینَنی عَلی طاعَتِکَ، وَلُزُومِ عِبادَتِکَ، وَاسْتِحْقاقِ مَثُوبَتِکَ بِلُطْفِ

و بر بندگی و دوام عبادت و شایستگی پاداشت به واسطه لطف و عنایتت یاریم کنی

عِنایَتِکَ، وَ تَرْحَمَنی بِصَدّی عَنْ مَعاصیکَ ما احْیَیْتَنی وَ تُوَفِّقَنی لِما

و به واسطه منع از نافرمانیت مادامی که زنده ام بر من رحم کنی،

ص: 951

1- [1360]این دعاها در بحارالانوار، جلد 87 آمده است، ولی ما آن را مطابق نسخه های متداول نقل می کنیم و موارد تفاوت را در پاورقی یادآور می شویم.

يَنْفَعُنى ما ابْقَيْتَنى وَ انْ تَشْرَحَ بِكِتابِكَ صَدْرى وَ تَحُطَّ بِتِلاوَتِهِ

و در طول حياتم بر آنچه كه برايم سودمند است موفّقم بدارى، و با كتابت (قرآن)، سينه ام را (براى درک حقايق آن) بگشايى و با تلاوت آن

وِزْرى وَ تَمْنَحَنِى السَّلامَةَ فى دينى وَ نَفْسى وَلاتُوحِشَ بى اهْلَ

گناهم را بزدايى، و سلامت در دين و نفسم را عطايم كنى، و نزديكانم را از من نرنجانى.

انْسى وَ تُتِمَّ احْسانَكَ فيما بَقِىَ مِنْ عُمْرى كَما احْسَنْتَ فيما مَضى

و در باقيمانده عمرم احسانت را بر من تمام كنى، آن گونه كه در طول عمرم به من احسان نموده اى

مِنْهُ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.(1)

اى مهربان ترين مهربانان.

***

دعاى روز يكشنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الَّذى لا ارْجُو الَّا فَضْلَهُ، وَ لا اخْشى الَّا عَدْلَهُ، وَ لا اعْتَمِدُ الَّا

به نام خداوندى كه جز به فضل و احسانش اميد ندارم، و جز از عدلش بيم ندارم، و جز به گفتارش

قَوْلَهُ، وَ لاتَمَسَّكُ الَّا بِحَبْلِهِ، بِكَ اسْتَجيرُ يا ذَا الْعَفْوِ وَ الرِّضْوانِ مِنَ الظُّلْمِ

اعتماد ندارم، و جز به ريسمانش چنگ نزنم، اى صاحب گذشت و رضايت به تو پناهنده ام از ستم و

وَ الْعُدْوانِ، وَمِنْ غِيَرِ الزَّمانِ، وَ تَواتُرِالْأَحْزانِ، وَ طَوارِقِ الْحَدَثانِ، وَ مِنِ

دشمنی (مخلوقات)، و از حوادث روزگار، و غم های پی در پی، و بلاهای ناگهانی، و از

انْقِضآءِ الْمُدَّهِ قَبْلَ التَّأَهُّبِ وَ الْعُدَّهِ، وَ ایَّاکَ اسْتَرْشِدُ لِما فیهِ الصَّلاحُ وَ

پایان یافتن عمر پیش از آمادگی و مهیّا شدنم، و تنها از تو راهنمایی می طلبم برای آنچه مصلحت

الْإِصْلاحُ، وَ بِکَ اسْتَعینُ فیما یَقْتَرِنُ بِهِ النَّجاحُ وَالْإِنْجاحُ، وَ ایَّاکَ ارْغَبُ

و اصلاح (من) در آن است و تنها از تو کمک می گیرم در آنچه رستگاری و موفقیّت من به آن نزدیک است و تنها به تو امیدوارم

فی لِباسِ الْعافِیَهِ وَتَمامِها، وَ شُمُولِ السَّلامَهِ وَ دَوامِها، وَاعُوذُ بِکَ یا رَبِ

در (بدست آوردن) لباس تندرستی و سلامت کامل و فراگیر و دائمی، و ای پروردگار من

ص :952

1- [1362]بحارالانوار، جلد 87، صفحه 152، حدیث 11.

مِنْ هَمَزاتِ الشَّیاطینِ، وَ احْتَرِزُ بِسُلْطانِکَ مِنْ جَوْرِ السَّلاطینِ، فَتَقَبَّلْ

از وسوسه های شیطان ها به تو پناه می برم و از ستم پادشاهان به حکومت تو پناهنده ام، پس نماز

ما کانَ مِنْ صَلاتی وَصَوْمی وَ اجْعَلْ غَدی وَ ما بَعْدَهُ افْضَلَ مِنْ ساعَتی

و روزه ام را بپذیر و فردا و روزهای بعد از آن را، بهتر از این ساعت

وَیَوْمی وَ اعِزَّنی فی عَشیرَتی وَ قَوْمی وَ احْفَظْنی فی یَقْظَتی وَ نَوْمی

و امروزم قرار ده و مرا در میان خانواده و فامیلم عزیز گردان و در خواب و بیداری حفظم کن

فَانْتَ اللَّهُ خَیْرٌحافِظاً، وَ انْتَ ارْحَمُ الرَّاحِمینَ، اللَّهُمَّ انّی ابْرَءُ الَیْکَ فی

پس تویی خدایی که بهترین نگهبانی و تو مهربان ترین مهربانانی، خدایا در این روز و

یَوْمی هذا وَ ما بَعْدَهُ مِنَ الْاحادِ، مِنَ الشِّرْکِ وَ الْإِلْحادِ، وَ اخْلِصُ لَکَ

یکشنبه های بعد، از شرک و بی دینی به درگاهت بیزاری می جویم، و برای اجابت دعایم مخلصانه تو

دُعآئی تَعَرُّضاً لِلْإِجابَهِ، وَ اقیمُ 1363] نَفْسی عَلی طاعَتِکَ رَجآءً لِلْإِثابَهِ، فَصَلِ

را می خوانم، و به امید پاداشت نفسم را بر بندگیت وادار می کنم، پس

عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَیْرِ خَلْقِکَ، الدَّاعی الی حَقِّکَ، وَاعِزَّنی بِعِزِّکَ الَّذی

بر محمّد و خاندان پاکش که بهترین مخلوقات تو و دعوت کنندگان به حقّانیت تو هستند درود فرست، و مرا با عزّت جاودانه ات عزیز گردان،

لایُضامُ، وَ احْفَظْنی بِعَیْنِکَ الَّتی لا تَنامُ، وَ اخْتِمْ بِالْانْقِطاعِ الَیْکَ امْری

و با دیدگانت که هرگز به خواب نمی رود حفظم کن، و کارم را به دست خودت

وَبِالْمَغْفِرَهِ عُمْری انَّکَ انْتَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ.(1)

و عمرم را با آمرزش پایان ده، که تو آمرزنده و مهربانی.

***

دعای روز دوشنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی لَمْ یُشْهِدْ احَداً حینَ فَطَرَ السَّمواتِ وَ الْارْضَ، وَ لَااتَّخَذَ

حمد و سپاس از آنِ خداوندی است که در زمان آفرینش آسمانها و زمین کسی را گواه نگرفت، و در

1- [1364]بحارالانوار، جلد 87، صفحه 164، حدیث 15.

مُعیناً حینَ بَرَءَ النَّسَماتِ، لَمْ یُشارَکْ فِی الْإِلهِیَّهِ، وَ لَمْ یُظاهَرْ فِی

وقت آفرینش مخلوقات یاوری برای خود نگرفت، و در معبودیّتش شریکی ندارد، و در یگانگیش پشتیبانی ندارد،

الْوَحْدانِیَّهِ، کَلَّتِ الْاَلْسُنُ عَنْ غایَهِ صِفَتِهِ، وَ الْعُقُولُ عَنْ کُنْهِ مَعْرِفَتِهِ،

و زبانها از توصیفش و عقل ها از شناخت کنه ذاتش عاجزند،

وَتَواضَعَتِ الْجَبابِرَهُ لِهَیْبَتِهِ، وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِخَشْیَتِهِ، وَ انْقادَ کُلُّ عَظیمٍ

و متکبّران در برابر هیبتش سر تسلیم فرود آورند، و همه صورت ها از ترس او فروتنی کنند، و بزرگان به خاطر

لِعَظَمَتِهِ، فَلَکَ 1365] الْحَمْدُ مُتَواتِراً مُتَّسِقاً، وَ مُتَوالِیاً مُسْتَوْسِقاً، وَصَلَواتُهُ عَلی

عظمتش مطیع گردند، حمد و سپاس پیوسته و مرتّب و پی در پی و هماهنگ از آن توست و درودها و سلام

رَسُولِهِ ابَداً، وَ سَلامُهُ دآئِماً سَرْمَداً، اللهُمَّ اجْعَلْ اوَّلَ یَوْمی هذا

همیشگی و دائمی و ابدی خدا بر رسولش باد، خدایا آغاز امروزم را

صَلاحاً، وَ اوْسَطَهُ فَلاحاً، وَ آخِرَهُ نَجاحاً(1)، وَاعُوذُ بِکَ مِنْ یَوْمٍ اوَّلُهُ فَزَعٌ،

خیر و نیکی و وسط آن را رستگاری و پایانش را موفقیّت قرار ده، و از روزی که آغازش وحشت و

وَ اوْسَطُهُ جَزَعٌ، وَ آخِرُهُ وَجَعٌ، اللهُمَّ انّی اسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ نَذْرٍ نَذَرْتُهُ،

میان آن ناله و پایانش درد است به تو پناه می برم، خدایا از تو آمرزش می طلبم برای هر نذری که کرده ام

وَکُلِّ وَعْدٍ وَعَدْتُهُ، وَ کُلِّ عَهْدٍ عاهَدْتُهُ ثُمَّ لَمْ افِ بِهِ، وَ اسْئَلُکَ فی مَظالِمِ

و هر وعده ای که داده ام و هر عهد و پیمانی که بسته ام و به آن وفا ننموده ام، و از تو می خواهم در مورد ظلم هایی که

عِبادِکَ عِنْدی 1367]، فَایَّما عَبْدٍ مِنْ عَبیدِکَ اوْ امَهٍ مِنْ امآئِکَ، کانَتْ لَهُ قِبَلی

در حقّ بندگانت کرده ام، پس هر بنده ای از بندگانت یا کنیزی از کنیزهایت که از جانب

مَظْلِمَهٌ ظَلَمْتُها ایَّاهُ فی نَفْسِهِ، اوْ فی عِرْضِهِ اوْ فی مالِهِ، اوْ فی اهْلِهِ

من نسبت به او در مورد خود یا آبرو یا مالش یا خانواده

وَوَلَدِهِ، اوْ غیبَهٌ اغْتَبْتُهُ بِها، اوْ تَحامُلٌ عَلَیْهِ بِمَیْلٍ اوْ هَویً، اوْ انَفَهٍ اوْ حَمِیَّهٍ،

و فرزندش ظلمی شده یا او را غیبتی نموده ام یا چیزی را از روی میل یا هوای نفس یا تکبّر یا تعصّب

اوْ رِیآءٍ اوْ عَصَبِیَّهٍ، غآئِباً کانَ اوْ شاهِداً، وَ حَیّاً کانَ اوْ مَیِّتاً، فَقَصُرَتْ

یا ریا یا خشم، چه در پشت سر یا حضورش، و چه در حیات و چه در بعد از مردنش بر او تحمیل نموده ام

1- [1366]بحارالانوار: و أوسطه نجاحاً و آخره فلاحاً.

يَدى وَضاقَ وُسْعى عَنْ رَدِّها الَيْهِ، وَ التَّحَلُّلِ مِنْهُ، فَاسْئَلُکَ یا مَنْ یَمْلِکُ

و دستم کوتاه است و توانایی جبران آن و طلب حلیّت از او را ندارم، پس ای برآورنده

الْحاجاتِ وَ هِیَ مُسْتَجیبَهٌ بِمَشِّیَّتِهِ، وَ مُسْرِعَهٌ الی ارادَتِهِ، انْ تُصَلِّیَ

حاجات که حاجت ها به خواست تو برآورده شده و با اراده ات سرعت پذیرد، از تو می خواهم که

عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تُرْضِیَهُ عَنّی بِما شِئْتَ، وَ تَهَبَ لی مِنْ

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و آن گونه که خواهی او را از من راضی کنی، و از نزدت رحمتی به من ببخشی،

عِنْدِکَ رَحْمَهً، انَّهُ لا تَنْقُصُکَ الْمَغْفِرَهُ، وَ لا تَضُرُّکَ الْمَوْهِبَهُ، یا ارْحَمَ

زیرا که آمرزشت (چیزی) از تو نکاهد و بخششت زیانی به تو نرساند ای مهربان ترین

الرَّاحِمینَ، اللهُمَّ اوْلِنی فی کُلِّ یَوْمِ اثْنَیْنِ نِعْمَتَیْنِ مِنْکَ ثِنْتَیْنِ، سَعادَهً

مهربانان، خدایا در هر روز دوشنبه دو نعمت از نزدت به من ببخش، یکی سعادت

فی اوَّلِهِ بِطاعَتِکَ، وَ نِعْمَهً فی آخِرِهِ بِمَغْفِرَتِکَ، یا مَنْ هُوَ الْإِلهُ، وَ لا یَغْفِرُ

در ابتدای روز به واسطه بندگیت و دیگری نعمت در انتهای روز به واسطه آمرزشت، ای که فقط او معبود است و کسی جز او

الذُّنُوبَ سِواهُ.(1)

گناهان را نیامرزد.

***

دعای روز سه شنبه:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ للَّهِ وَ الْحَمْدُ حَقُّهُ، کَما یَسْتَحِقُّهُ حَمْداً کَثیراً، وَ اعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ

حمد و سپاس از آنِ خداوند است و ستایش فراوان حقّ اوست آن گونه که شایسته اوست و از شرّ

نَفْسی انَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَهٌ بِالسُّوءِ الَّا ما رَحِمَ رَبّی وَ اعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ

نفسم به او پناه می برم، چرا که نفس به بدی فرمان می دهد مگر اینکه پروردگارم رحم کند، و از شر

الشَّیْطانِ الَّذی یَزیدُنی ذَنْباً الی ذَنْبی وَ احْتَرِزُ بِهِ مِنْ کُلِّ جَبَّارٍ فاجِرٍ،

شیطانی که گناهی بر گناهم می افزاید به او پناه می برم، و از (شرّ) هر ستمگر گستاخ و

1- [1368]بحارالانوار، جلد 87، صفحه 176، حدیث 21.

وَسُلْطانٍ جآئِرٍ، وَ عَدُوٍّ قاهِرٍ، اللهُمَّ اجْعَلْنی مِنْ جُنْدِکَ فَانَّ جُنْدَکَ هُمُ

فرمانروای ظالم و دشمن قوی به او پناه می برم، خدایا مرا از سپاهیانت قرار ده زیرا فقط سپاه تو

الْغالِبُونَ، وَ اجْعَلْنی مِنْ حِزْبِکَ، فَانَّ حِزْبَکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، وَاجْعَلْنی مِنْ

پیروز است و مرا از گروه خود قرار ده، زیرا فقط گروه تو رستگار است، و مرا از

اوْلِیآئِکَ، فَانَّ اوْلِیآئَکَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ، اللَّهُمَّ اصْلِحْ لی

دوستانت قرار ده، زیرا دوستان تو ترس و غمی ندارند، خدایا دینم را اصلاح کن که

دینی فَانَّهُ عِصْمَةُ امْری وَ اصْلِحْ لی اخِرَتی فَانَّها دارُ مَقَرّی وَ الَیْها مِنْ

نگهدارنده کار من است، و آخرتم را نیز اصلاح کن که جایگاه اقامت من، و راه فرار من از

مُجاوَرَهِ اللِّئامِ مَفَرّی وَ اجْعَلِ الْحَیاهَ زِیادَهً لی فی کُلِّ خَیْرٍ، وَ الْوَفاهَ

همنشینی فرومایگان است و زندگی را برایم مایه فزونی در انجام کار خیر قرار ده و مرگ

راحَهً لی مِنْ کُلِّ شَرٍّ، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ، وَ تَمامِ عِدَّهِ

مرا مایه آسایش از هر شرّی قرار ده، خدایا بر محمّد خاتم پیامبران و تکمیل کننده عدد

الْمُرْسَلینَ، وَ عَلی آلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ، وَاصْحابِهِ الْمُنْتَجَبینَ، وَ هَبْ

فرستادگان و بر خاندان پاک و پاکیزه اش و یاران برگزیده اش درود فرست، و

لی فِی الثُّلاثاءِ ثَلاثاً، لا تَدَعْ لی ذَنْباً الّا غَفَرْتَهُ، وَ لا غَمّاً الّا اذْهَبْتَهُ، وَ لا

سه چیز را در روز سه شنبه به من عطا کن، گناهانم را بیامرز و اندوهم را برطرف کن

عَدُوّاً الَّا دَفَعْتَهُ، بِبِسْمِ اللَّهِ خَیْرِ الْأَسْمآءِ، بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْارْضِ وَ السَّمآءِ،

و دشمن را از من دور گردان به حق نام خدا که بهترین نامهاست، به نام خداوندی که پروردگار آسمان و زمین است طلب می کنم

اسْتَدْفِعُ کُلَّ مَکْرُوهٍ اوَّلُهُ سَخَطُهُ، وَ اسْتَجْلِبُ کُلَّ مَحْبُوبٍ اوَّلُهُ رِضاهُ،

دفع هر ناپسندی را که اوّلین آن خشم خداست و طلب می کنم بدست آوردن هر کار پسندیده ای که اوّلین آن رضایت اوست

فَاخْتِمْ لی مِنْکَ بِالْغُفْرانِ، یا وَلِیَّ الْإِحْسانِ.(1)

پس با آمرزشت کارم را به پایان رسان ای صاحب نیکی و احسان.

ص: 956

1- [1369]بحارالانوار، جلد 87، صفحه 187، حدیث 27.

دعای روز چهارشنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُللَّهِ الَّذى جَعَلَ اللَّيْلَ لِباساً، وَ النَّوْمَ سُباتاً، وَ جَعَلَ النَّهارَ نُشُوراً،

حمد و سپاس از آنِ خداوندى است كه شب را پوشش و خواب را مايه آسايش و روز را شروع دوباره زندگى قرار داد

لَكَ الْحَمْدُ انْ بَعَثْتَنى مِنْ مَرْقَدى وَ لَوْ شِئْتَ جَعَلْتَهُ سَرْمَداً، حَمْداً دائِماً

حمد و سپاس از آنِ توست كه مرا از بسترم برانگيختى، و اگر مى خواستى خوابم را هميشگى قرار مى دادى، (حمد و سپاس از آنِ توست) حمدى پيوسته

لا يَنْقَطِعُ ابَداً، وَ لا يُحْصى لَهُ الْخَلائِقُ عَدَداً، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ انْ خَلَقْتَ

و هميشگى و جاويدان، كه مخلوقات توان احصاى عدد آن را ندارند، خدايا حمد و سپاس از آنِ توست كه آفريدى

فَسَوَّيْتَ، وَقَدَّرْتَ وَ قَضَيْتَ، وَ امَتَّ وَاحْيَيْتَ، وَ امْرَضْتَ وَ شَفَيْتَ،

سپس منظّم كردى، و تقدير نموده و حكم كردى، و ميرانده و زنده كردى و بيمار نموده و شفا بخشيدى

وَعافَيْتَ وَابْلَيْتَ، وَعَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ، وَ عَلَى الْمُلْكِ احْتَوَيْتَ،

و سلامتى داده و گرفتار نمودى، و بر عرش مسلّط شده و بر آنچه در تصرّف توست احاطه دارى

ادْعُوكَ دُعآءَ مَنْ ضَعُفَتْ وَسيلَتُهُ، وَ انْقَطَعَتْ حيلَتُهُ، وَ اقْتَرَبَ اجَلُهُ،

تو را مى خوانم همانند كسى كه دستاويزش ضعيف است و چاره اش قطع شده و مرگش نزديک است

وَتَدانی فِی الدُّنْیا امَلَهُ، وَ اشْتَدَّتْ الی رَحْمَتِکَ فاقَتُهُ، وَ عَظَمَتْ لِتَفْریطِهِ

و در دنیا آرزویش کم شده، و نیازش به رحمتت زیاد شده، و به خاطر کوتاهی

حَسْرَتُهُ، وَ کَثُرَتْ زَلَّتُهُ وَ عَثْرَتُهُ، وَخَلُصَتْ لِوَجْهِکَ تَوْبَتُهُ، فَصَلِّ عَلی

افسوسش افزون گشته، و لغزش و خطایش بسیار گشته و توبه اش به درگاهت خالص شده، پس بر

مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ، وَ عَلی اهْلِ بَیْتِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ، وَ ارْزُقْنی

محمّد خاتم پیامبران و بر خاندان پاک و پاکیزه اش درود فرست، و

شَفاعَهَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَ لا تَحْرِمْنی صُحْبَتَهُ، انَّکَ انْتَ

شفاعت محمّد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- را روزیم کن و از مصاحبت با او محرومم مکن، زیرا تو

ارْحَمُ الرّاحِمینَ، اللهُمَّ اقْضِ لی فِی الْأَرْبَعآءِ ارْبَعاً، اجْعَلْ قُوَّتی

مهربان ترین مهربانانی، خدایا در روز چهارشنبه چهار خواسته مرا برآور، توانم را

فی طاعَتِکَ، وَ نَشاطی فی عِبادَتِکَ، وَ رَغْبَتی فی ثَوابِکَ، وَزُهْدی فیما

در بندگیت و نشاطم را در عبادتت و اشتیاقم را در پاداشت و چشم پوشیم را در آنچه

ص: 957

يُوجِبُ لى اليمَ عِقابِکَ، انَّکَ لَطيفٌ لِما تَشآءُ.(1)

موجب عذاب سخت توست قرار ده، زيرا تو به آنچه خواهى مهربانى.

***

دعای روز پنج شنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى اذْهَبَ اللَّيْلَ مُظْلِماً بِقُدْرَتِهِ، وَ جآءَ بِالنَّهارِ مُبْصِراً

حمد و سپاس از آنِ خداوندى است كه با قدرتش شب تاريک را بُرده و روز روشن را با رحمتش مى آورد،

بِرَحْمَتِهِ، وَ كَسانى ضِيآئَهُ وَ ا نَا فى نِعْمَتِهِ، اللهُمَّ فَكَما ابْقَيْتَنى لَهُ فَابْقِنى

و نورش مرا فرا گرفته در حالى كه من در ناز و نعمتش بودم، خدايا همان گونه كه مرا تا اين روز نگهداشتى پس براى روزهاى

لِأَمْثالِهِ، وَ صَلِّ عَلَى النَّبِىِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ لا تَفْجَعْنى فيهِ وَ فى غَيْرِهِ مِنَ

مانند آن نيز نگهدار، و بر پيامبرت محمّد و خاندانش درود فرست، و در اين روز و غير آن از

اللَّيالى وَ الْأَيَّامِ، بِارْتِكابِ الْمَحارِمِ وَاكْتِسابِ الْمَأثِمِ، وَ ارْزُقْنى خَيْرَهُ

شبها و روزها به خاطر ارتكاب حرام ها و انجام گناهان غصّه دارم مكن، و خير اين روز و

وَخَيْرَ ما فيهِ وَخَيْرَ ما بَعْدَهُ، وَاصْرِفْ عَنّى شَرَّهُ وَشَرَّ ما فيهِ وَ شَرَّما بَعْدَهُ،

آنچه در آن است و آنچه بعد از آن است را روزيم گردان، و شرّ اين روز و آنچه در آن است و آنچه بعد از آن است را از من دور كن

اللَّهُمَّ انّى بِذِمَّةِ الْإِسْلامِ اتَوَسَّلُ الَيْکَ، وَ بِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ اعْتَمِدُ عَلَيْکَ،

خدایا من در پناه َ اسلاَم به تو متوسّل می شوم و به حرمت قرآن بر تو اعتماد می کنم و به واسطه

وَبِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفی صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ اسْتَشْفِعُ لَدَیْکَ، فَاعْرِفِ اللهُمَ

محمّد برگزیده- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- به درگاهت شفاعت می طلبم، خدایا

ذِمَّتِیَ الَّتی رَجَوْتُ بِها قَضاَءَ حاجَتی یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، اللهُمَّ اقْضِ

پیمانی را که به واسطه آن امید برآورده شدن حاجتم را دارم بپذیر، ای مهربان ترین مهربانان، خدایا

لی فِی الْخَمیسِ خَمْساً، لا یَتَّسِعُ لَها الَّا کَرَمُکَ، وَ لا یُطیقُّها الَّا نِعَمُکَ،

در روز پنج شنبه پنج حاجت مرا برآور که جز کرم تو گنجایش آن را نداشته و جز نعمت بخشیت ظرفیت آن را ندارد

1- [1370]بحارالانوار، جلد 87، صفحه 200، حدیث 33.

سَلامَةً اقْوى بِها عَلى طاعَتِکَ، وَعِبادَةً اسْتَحِقُّ بِها جَزيلَ مَثُوبَتِکَ،

(نعمت) سلامتی که به واسطه آن بر بندگیت قدرت یابم، (توفیق انجام) عبادتی که به واسطه آن مستحق پاداش بزرگت باشم

وَسَعَةً فِی الْحالِ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ، وَ انْ تُؤْمِنَنی فی مَواقِفِ الْخَوْفِ

و گشایشی از راه روزی حلال در حالم، و آرامشی با ایمنیت در مکان های ترسناک و

بِامْنِکَ، وَ تَجْعَلَنی مِنْ طَوارِقِ الْهُمُومِ وَالْغُمُومِ فی حِصْنِکَ، وَصَلِّ عَلی

پناهی از هجوم اندوه ها و غصّه ها در جوارت، و

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ تَوَسُّلی بِهِ شافِعاً، یَوْمَ الْقِیمَهِ نافِعاً(1)، انَّکَ انْتَ

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و توسّلم را به او برای شفاعت در روز قیامت (به حالم) سودمند گردان، زیرا تو

ارْحَمُ الرَّاحِمینَ.(2)

مهربان ترین مهربانانی.

***

دعای روز جمعه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ للَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ الْإِنْشآءِ وَ الْإِحْیآءِ، وَ الْاخِرِ بَعْدَ فَنآءِ الْأَشْیآءِ،

حمد و سپاس از آنِ خداوندی است که اوّل است پیش از آفرینش و زنده کردن، و آخر است بعد از نابود شدن تمام اشیا،

الْعَلیمِ الَّذی لا یَنْسی مَنْ ذَکَرَهُ، وَ لا یَنْقُصُ مَنْ شَکَرَهُ، وَ لا یَخیبُ مَنْ

خداوند دانایی که از یاد نمی برد هر کس او را یاد کند و نکاهد (نعمتش را) از هر کس که او را سپاس گوید، و نا امید نکند آن کس که او را

دَعاهُ، وَ لا یَقْطَعُ رَجآءَ مَنْ رَجاهُ، اللّٰهُمَّ انّی اشْهِدُکَ وَ کَفی بِکَ شَهیداً،

بخواند و قطع نکند امید کسی را که به او امید بندد، خدایا من تو را گواه می گیرم و گواهی تو کافی است

وَاشْهِدُ جَمیعَ مَلائِکَتِکَ وَسُکّانَ سَماواتِکَ وَ حَمَلَهَ عَرْشِکَ، وَ مَنْ بَعَثْتَ

و گواه می گیرم تمامی فرشتگان و ساکنان آسمانها و حاملان عرشت و

مِنْ انْبِیآئِکَ وَرُسُلِکَ، وَ انْشَاْتَ مِنْ اصْنافِ خَلْقِکَ، انّی اشْهَدُ انَّکَ انْتَ

پیامبر و فرستادگانی که مبعوث کرده ای و آنچه از مخلوقاتت آفریده ای (گواه می گیرم) که من گواهی می دهم تو

1- [1371]بحارالانوار: وَاجْعَلهُ لی شافعاً، وَ اجْعَلْ توسُّلی یوم القیامه نافعاً.
2- [1372]بحارالانوار، جلد 87، صفحه 211، حدیث 39.

اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ وَ لا عَدیلَ، وَ لا خُلْفَ لِقَوْلِکَ

خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، یگانه ای که شریک و همتایی نداری، دوگانگی و تغییری در گفتارت

وَ لا تَبْدیلَ، وَ انَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ، ادّی ما

نیست و این که محمّد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- بنده و فرستاده توست، که آنچه برای رساندن

حَمَّلْتَهُ الَی الْعِبادِ، وَ جاهَدَ فِی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَقَّ الْجِهادِ، وَ انَّهُ بَشَّرَ بِما

به بندگان به عهده اش گذاشتی بجا آورده و در راه خداوند عزیز و گرامی به شایستگی جهاد نمود و به پاداشی

هُوَ حَقٌّ مِنَ الثَّوابِ، وَ انْذَرَ بِما هُوَ صِدْقٌ مِنَ الْعِقابِ، اللَّهُمَّ ثَبِّتْنی عَلی

که حق است بشارت داد و از کیفری که حق است ترسانید، خدایا مادامی که زنده ام مرا

دینِکَ ما احْیَیْتَنی وَ لا تُزِغْ قَلْبی بَعْدَ اذْ هَدَیْتَنی وَ هَبْ لی مِنْ لَدُنْکَ

بر دینت ثابت قدم بدار، و بعد از آنکه هدایتم نمودی گمراه مکن، و از جانب خود

رَحْمَةً، انَّکَ انْتَ الْوَهَّابُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلی آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنی

رحمتی به من ببخش زیرا تو بسیار بخشنده ای، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا از

مِنْ اتْباعِهِ وَ شیعَتِهِ، وَ احْشُرْنی فی زُمْرَتِهِ، وَوَفِّقْنی لِأَدآءِ فَرْضِ

پیروان و شیعیانش قرار ده و در گروه او محشورم گردان، و موفّقم بدار بر انجام واجبات در

الْجُمُعاتِ، وَ ما اوْجَبْتَ عَلَیَّ فیها مِنَ الطَّاعاتِ، وَقَسَمْتَ لِأَهْلِها مِنَ

روزهای جمعه و آنچه از طاعات بر من واجب فرموده ای و (موفّقم بدار) بر آن

الْعَطآءِ فی یَوْمِ الْجَزآءِ، انَّکَ انْتَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ.(1)

پاداشی که در روز قیامت به اهل آن قسمت نموده ای زیرا تو گرامی و دانایی.

نکته:

چقدر خوب است که همه اهل ایمان- مخصوصاً جوانان- در این دعاهای کوتاه و پرمحتوای روزهای هفته دقّت کنند که درس های بسیار مهمّی در آنها نهفته است.

هر گاه بعد از نماز صبح این دعاهای کوتاه خوانده شود و کمی در معانی آن دقّت گردد می تواند در تمام روز، روح انسان را سرشار از عشق به خدا و توجّه به مسئولیّت های دینی و اخلاقی و اجتماعی نماید.

1- [1373]بحارالانوار، جلد 87، صفحه 133، حدیث 2.

فصل نهم: فضیلت و اعمال شب و روز جمعه

اشاره

کسی که بخواهد بر اساس روایت «

إِنَّ لِلَّهِ فِی أَیَّامِ دَهْرِکُمْ نَفَحاتٌ ألا فَتَرصَّدُوا لَها»(1)

در انتظار فرصتهای مناسب و مترصّد وزش نسیمهای رحمت باشد، باید بداند که یکی از بهترین فرصتها، فرصت شب و روز جمعه است؛ فرصتی که می تواند در آن، هم مغفرت حضرت حق را به سوی خویش جلب کند و هم رحمتش را؛ با مغفرت، گناهان گذشته را بپوشاند و با رحمت، کمبودها را جبران نموده، و نیروی تازه برای تلاشی جدید در روزهای آینده به دست آورد.

آنچه بر این نکته دلالت دارد، تعبیرات فراوانی است که در روایات اهل بیت علیهم السلام در این زمینه وارد شده که به بعضی از آنها اشاره می شود:

1- از روایتی که امام صادق علیه السلام از پدران خود از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند به دست می آید:

خدایی که در میان انبیا، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را و در میان اوصیا، امیر مؤمنان علی علیه السلام را و در میان ماهها، رمضان را و در میان شبها، لیلهالقدر را برگزید، در میان روزها، روز جمعه را انتخاب کرده است.(2) و در تعبیری دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است: «خداوند در تمام اشیا، چیزی را برگزیده است و از میان ایّام، روز جمعه را».(3) 2- در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام می خوانیم: خورشید بر روزی طلوع نکرد که با فضیلت تر از روز جمعه باشد.(4) 3- به سندهای معتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که: فرشته ای از ابتدا تا انتهای شب جمعه (از سوی پروردگار) ندا می دهد: «آیا تقاضا کننده ای هست تا عطایش کنم؟ آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش را بپذیرم؟ آیا استغفار کننده ای هست تا مورد مغفرتش قرار دهم؟ ای کسی که طالب خیری! به سوی من آی، و ای کسی که طالب شرّی! دست نگه دار» پیوسته این ندا را می دهد تا این که صبح طلوع کند، زمانی که صبح طلوع کرد به جایگاه خودش در ملکوت آسمان برمی گردد.(5) نظیر همین بیان به

سند معتبر دیگر (مطابق روایتی از امام صادق علیه السلام)، در ارتباط با حاجات دنیا و

1- [1374]عوالی اللئالی، جلد 1، صفحه 296، حدیث 195.
2- [1375]کمال الدین، جلد 1، صفحه 281، حدیث 32.
3- [1376]کافی، جلد 3، صفحه 413، حدیث 3.
4- [1377]همان مدرک، حدیث 1.
5- [1378]فقیه، جلد 1، صفحه 421، حدیث 1240.

آخرت، توبه از گناهان، زیاد شدن روزی، شفای بیماران، خلاصی از زندان و نجات از ظلم، از فوق عرش از جانب خداوند سبحان، ندا داده می شود. (1) 4- به سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت یعقوب علیه السلام به فرزندانش وعده داد و فرمود: «به زودی برای شما استغفار می کنم» (

سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّی (2)

و زمانی که برای این استغفار در نظر گرفت تا درخواست او مورد قبول واقع گردد، سحرگاهان شب جمعه بود. (3) 5- مستحب است روز جمعه، خصوصاً جمعه ماه رمضان، زودتر از روزهای دیگر به مسجد رود، چون از روایت امام باقر علیه السلام بدست می آید که ملائکه مقرّبین، روز جمعه فرود می آیند و اسامی واردشوندگان به مسجد را می نویسند. (4) 6- طبق بعضی از روایات قائم آل محمّد- عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف- در روز جمعه ظهور می کند. (5) باید همواره- به خصوص در روزهای جمعه- به یاد آن حضرت باشیم و جلسات خود را با یاد آن منجی جهان بشریت نورانی کنیم و تعجیل در ظهورش را از خداوند قادر متعال بخواهیم.

اعمال شب جمعه:

اعمالی که برای شب جمعه نقل شده، بسیار فراوان است، در این جا به ذکر بعضی از آنها اکتفا می شود:

1- ذکر

لا إلهَ الَّا اللَّهُ، سُبْحانَ اللَّهِ

و

الْحَمْدُ لِلَّهِ

را زیاد بگوید که سبب لطف ویژه خداوند است. (6) 2- قابل توجّه است که از بعضی از روایات استفاده می شود که خوب است از روز پنج شنبه به استقبال شب و روز جمعه رود و چیزی که سبب ضعف او برای انجام عبادات جمعه می شود میل نکند. (7) به سند معتبر از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: به خدا قسم به من خبر داده شد که اصحاب

پیامبر صلی الله علیه و آله از روز پنج شنبه خود را برای روز جمعه آماده می کردند، چون فرصت جمعه برای مسلمین فرصتی محدود است.(8) و نیز مستحب است در آخر روز پنج شنبه به این صورت استغفار کند:

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذی لا الهَ الَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ، وَ اتُوبُ الَیْهِ تَوْبَهَ عَبْدٍ

از خداوندی که معبودی جز او زنده و پاینده نیست آمرزش می طلبم و به درگاهش توبه می کنم، همانند

1- [1379]فقیه، جلد 1، صفحه 420، حدیث 1239.
2- [1380]سوره یوسف، آیه 98.
3- [1381]فقیه، جلد 1، صفحه 422، حدیث 1242.
4- [1382]کافی، جلد 3، صفحه 413، حدیث 2.
5- [1383]خصال، جلد 2، صفحه 394، حدیث 101.
6- [1384]بحارالانوار، جلد 86، صفحه 314، حدیث 21.
7- [1385]فقیه، جلد 1، صفحه 427، حدیث 1261.
8- [1386]کافی، جلد 3، صفحه 415، حدیث 10.

خاضِعٍ مِسْکینٍ مُسْتَکینٍ، لا یَسْتَطیعُ لِنَفْسِهِ صَرْفاً وَ لا عَدْلًا، وَ لا نَفْعاً

توبه بنده فروتن فقیر بینوایی که توانایی دور کردن بدی را از خودش و جلب منفعت و سود

وَلا ضَرّاً، وَ لا حَیاةً وَ لا مَوْتاً وَ لا نُشُوراً، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ

و زیان و زندگی و مرگ و زنده شدن در قیامت را ندارد و درود خدا بر محمّد و

وَعِتْرَتِهِ الطَّیِّبینَ الطَّاهِرینَ الْأَخْیارِ الْأَبْرارِ، وَ سَلَّمَ تَسْلیماً.(1)

خاندان پاک و پاکیزه و برگزیده و نیکوکارش و سلام مخصوص خدا بر آنان باد.

***

3- بر محمّد و آل محمّد زیاد صلوات بفرستد؛ چون به سند معتبر از امام صادق علیه السلام روایت شده: شب و روز جمعه فرشتگانی از آسمان فرود می آیند که کارشان تا غروب جمعه، تنها نوشتن ثواب صلوات بر محمّد و آل محمّد است، سپس فرمود: سنّت است در هر جمعه ای هزار مرتبه صلوات و در روزهای دیگر صد مرتبه.(2) مطابق روایت دیگری رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: در شب غرّا (بسیار درخشنده) و روز أزهر (بسیار روشن) یعنی شب و روز جمعه زیاد بر من صلوات بفرستید، سؤال شد مراد از زیاد چیست؟ فرمود: صد بار و هرچه بیشتر باشد بهتر است.(3) مطابق روایتی مستحب است صلوات به این صورت باشد:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَ أَهْلِکْ عَدُوَّهُمْ

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و فرج آنها را نزدیک گردان و دشمنان آنان را از

مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلینَ وَ الْآخَرینَ».(4)

جنّ و انس، از پیشینیان و پسینیان هلاک کن.

4- قرآن، زیاد تلاوت کند؛ خصوصاً برای تلاوت بعضی از سوره ها مانند سوره های اسراء و شعراء، نمل، قصص، سجده، ص، احقاف، واقعه، جمعه، کهف، یس، حم دخان، بقره و آل عمران سفارش شده است و برای تلاوت هر یک از این سوره ها ثوابهای بسیاری نقل شده که روح را زنده و قلب را امیدوار می کند.

5- امام صادق علیه السلام فرمود: در نماز مغرب شب جمعه، سوره جمعه و سوره توحید خوانده شود و در نماز عشا سوره جمعه و سبّح اسم ربّک الأعلی [1391] بخواند (و مطابق روایت دیگری در نماز عشا سوره های جمعه

1- [1387]مصباح المتهجّد، صفحه 257.
2- [1388]کافی، جلد 3، صفحه 416، حدیث 13.
3- [1389]بحارالانوار، جلد 86، صفحه 313، حدیث 20.
4- [1390]همان مدرک، صفحه 289.

و حشر(1) و مطابق روایت سوّمی جمعه و منافقون 1393] را بخواند و هر کدام را انتخاب کند خوب است)، در روایت دیگری از آن حضرت سؤال شده است: شب جمعه چه چیزی بخوانم؟ جواب فرمودند: «

انّا انزلناه فی لیله القدر»

و

«قل هو اللّٰه احد

».(2) 6- به سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت شده: هر کس شب جمعه بعد از نماز مغرب، چهار رکعت نافله مغرب را بخواند و در آخرین سجده از نوافل هفت مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ انّی أَسْأَلُکَ بِوَجْهِکَ الْکَریمِ، وَ اسْمِکَ الْعَظیمِ، انْ تُصَلِّیَ عَلی

خدایا به حقّ ذات بخشنده و نام با عظمتت از تو می خواهم که بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَغْفِرَ لی ذَنْبِیَ الْعَظیمَ».

محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و گناه بزرگم را بیامرزی.

سر از سجده بر نمی دارد مگر این که گناهانش بخشوده می شود، و بهتر آن است که این عمل را هر شب انجام دهد.(3) 7- بهتر است از خواندن شعر پرهیز داشته باشد؛ زیرا در روایت صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده که برای روزه دار و در حال احرام و داخل حرم مکّه و روز جمعه و در شبها خواندن شعر کراهت دارد، راوی سؤال می کند: اگرچه شعر حقّی باشد؟ فرمود: اگرچه حق باشد.(4) یادآوری لازم: نگاه به مجموع روایاتی که در این زمینه وارد شده، نشان می دهد که مراد از شعر مکروه، اشعار باطلی است که به خصوص در زمانهای جاهلیّت برای هجو و بدنام کردن کسی به کار گرفته می شده و یا خیال پردازی هایی بود که در زمینه عشقهای مجازی و در وصف زیبارویان از زنان و در راستای ارضای شهوترانیهای غیرمجاز سروده و یا خوانده می شد. شاهد این بیان تعبیراتی است که در لابه لای این روایات به چشم می خورد، از جمله تعبیر به «خَنا» در جمله «

مَنْ تَمَثّلَ بِبَیْتِ شِعْرٍ مِنَ الْخَنا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلاهٌ فی ذلِکَ الْیَوْمِ»(5)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است؛ چون «خنا» در لغت به معنای فحش و سخن ناسزاست. دیگر تعبیر به «

انَّ مِنَ الشِّعْرِ لَحِکَماً

» است که بعد از جمله «

الشِّعرُ مِنْ ابْلیسَ

» از رسول گرامی نقل شده است.(6) چون روشن است که این جمله در مقام مدح اشعار حکمت آمیز

ص: 964

1- [1392]بحارالانوار، جلد 86، صفحه 311، حدیث 16.
2- [1394]همان مدرک.
3- [1395]همان مدرک.
4- [1396]تهذیب، جلد 4، صفحه 195، حدیث 6.
5- [1397]همان مدرک، جلد 2، صفحه 240، حدیث 21.
6- [1398]وسائل الشیعه، جلد 5، صفحه 84، حدیث 4.

است که از شیطانی بودن شعر در جمله قبل، استثنا می شود. دیگر روایاتی است که در زمینه شعرخوانی و شعرسرایی امام رضا علیه السلام وارد شده است،(1) و در کلمات منقول از امیرمؤمنان علیه السلام اشعار متعدّدی دیده می شود، حتّی دیوان شعری به آن حضرت منسوب است.

از آنچه گذشت می توان پذیرفت که مقصود از «مکروه بودن شعر حق» در اوّلین روایتی که گذشت، اشعار غیردروغ و مطابق واقع است. یعنی راوی سؤال می کند: اگرچه دروغ نباشد و محتوای شعر واقعیّت داشته باشد؟ حضرت جواب می دهد: آری، شعری که خالی از حکمت باشد و بی هدف سروده یا خوانده شود، مکروه است اگرچه دروغ نباشد، و الّا چگونه می توان پذیرفت خواندن اشعار فراوانی که سراینده آن خود اهل بیت عصمت علیهم السلام هستند در شب یا روز جمعه کراهت داشته باشد؟!

شاهد این سخن روایتی است که فرزند کُمیت (شاعر معروف اهل بیت) از پدرش نقل می کند که گفت:

من روزی خدمت مولایم امام باقر علیه السلام رسیدم؛ عرض کردم که ای فرزند رسول خدا، من ابیاتی درباره شما گفته ام، اجازه می دهید بخوانم؟ فرمود: می دانی که الان ایّام البیض است (و تناسبی با خواندن شعر ندارد).

عرض کردم: این اشعار مخصوص شما اهل بیت علیهم السلام است. فرمود: بخوان و من شروع کردم به خواندن این اشعار:

أضْحَکنِی الدّهر و أبْکانی و الدّهر ذُو صَرف و ألوان ...(2)

روشن است که اهمیّت ایام البیض کمتر از روز جمعه نیست.

8- در حقّ برادران دینی دعا کند و با ذکر نام آنان، در حقّشان استغفار نماید. چرا که امام صادق علیه السلام از پدرش از جدّش از فاطمه صغری از امام حسین علیه السلام از برادرش امام حسن علیه السلام نقل می کند که در شب جمعه مادرم فاطمه علیها السلام را دیدم که در محراب عبادت ایستاده بود، پیوسته رکوع می کرد و سجده بجا می آورد تا این که فجر طالع شد و شنیدم که برای مؤمنین، آن هم با ذکر اسامی آنان، فراوان دعا می کرد، در حالی که برای خودش چیزی طلب نکرد. عرض کردم: مادرم!

چگونه است که برای دیگران دعا می کنی، برای خود دعا نمی کنی؟ فرمود: فرزندم! «

الْجارُ ثُمَّ الدَّار؛

اوّل همسایه، سپس خانه!».(3) مخصوصاً در حقّ اموات از برادران دینی دعا کند، چرا که از امام صادق علیه السلام روایت شده: هر کس برای ده نفر از برادران اموات خود در شب جمعه دعا کند اهل بهشت خواهد بود.(4)

9- «جمال الاسبوع» به سند معتبر از امام صادق علیه السلام روایت کرده: کسی که در شب جمعه، خواست نماز شب بخواند در رکعت اوّل، حمد و قل هو اللّٰه احد و در رکعت دوم حمد و قل یا ایّها الکافرون، رکعت سوم

1- [1399]وسائل الشیعه، جلد 5، صفحه 84، حدیث 6 و 7.
2- [1400]بحارالانوار، جلد 76، صفحه 294.
3- [1401]علل الشرایع، جلد 1، صفحه 182 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 313، حدیث 19.
4- [1402]بحارالانوار، جلد 86، صفحه 312، حدیث 17.

حمد و الم سجده و رکعت چهارم حمد و یا ایّها المدّثّر و رکعت پنجم حمد و حم سجده و یا حمد و نجم و در رکعت ششم حمد و سوره مُلک و در رکعت هفتم حمد و یس و در رکعت هشتم حمد و واقعه و رکعت نهم حمد و فلق و رکعت دهم حمد و ناس و رکعت یازدهم حمد و قل هو اللّه احد بخواند.(1)

***

10- دعاهایی که برای این شب وارد شده را بخواند که ما در این جا به ذکر چند مورد از آنها اکتفا می کنیم:

الف) از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل شده: هر کس این دعا را در شب جمعه یا روز آن هفت مرتبه بخواند اگر در این شب یا روز بمیرد داخل بهشت شود:

اللَّهُمَّ رَبّی لا الهَ الَّا انْتَ، خَلَقْتَنی وَ انَا عَبْدُکَ وَ ابْنُ امَتِکَ، وَ فی

خدایا، ای پروردگار من که معبودی جز تو نیست، مرا آفریدی در حالی که من بنده تو و فرزند کنیز تو، و در

قَبْضَتِکَ وَناصِیَتی بِیَدِکَ، امْسَیْتُ عَلی عَهْدِکَ وَ وَعْدِکَ مَا اسْتَطَعْتُ،

دست قدرت تو و در اختیار توام، تا جایی که توانسته ام بر پیمان و وعده تو، روز را به شب رسانده ام

اعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ ما صَنَعْتُ، ابُوءُ بِنِعْمَتِکَ وَ ابُوءُ بِذَنْبی فَاغْفِرْ لی انَّهُ لا

از شرّ آنچه انجام داده ام به تو پناه می برم، به نعمتت معترف و به گناهم اقرار دارم، پس مرا بیامرز زیرا

یَغْفِرُ الذُّنُوبَ الَّا انْتَ.(2)

جز تو کسی گناهان را نیامرزد.

ب) «شیخ طوسی» و «سیّد بن طاووس» و «کفعمی» و «سیّد بن باقی» نوشته اند: مستحب است شب و روز جمعه و شب و روز عرفه این دعا را بخواند، که مطابق آنچه در «مصباح» شیخ طوسی آمده، چنین است:

اللّهُمَّ مَنْ تَعَبَّأَ وَ تَهَیَّأَ وَ اعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِوِفادَهٍ الی مَخْلَوقٍ رَجآءَ رِفْدِهِ،

خدایا هر کس خود را مجهّز و مهیّا و آماده ساخته و تدارک دیده برای وارد شدن بر مخلوق به امید هدیه

وَطَلَبَ نآئِلِهِ وَجآئِزَتِهِ، فَالَیْکَ یا رَبِّ تَعْبِئَتی وَ اسْتِعْدادی رَجآءَ عَفْوِکَ،

و بهره مندی و پاداشی از او، پس پروردگارا، من خود را برای رسیدن به درگاه تو مجهّز و مهیّا ساخته ام به امید عفوت

ص: 966

1- [1403]جمال الاسبوع، صفحه 200 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 315، حدیث 25.
2- [1404]بحارالانوار، جلد 86، صفحه 313، حدیث 20.

وَ طَلَبَ نآئِلِکَ وَ جآئِزَتِکَ، فَلا تُخَیِّبْ دُعآئی یا مَنْ لا یَخیبُ عَلَیْهِ

و بهره مندی و پاداشت، پس مرا در دعایم مأیوس مکن، ای که هیچ درخواست کننده ای را مأیوس نکنی

سائِلٌ، وَلا یَنْقُصُهُ نآئِلٌ، فَانّی لَمْ آتِکَ ثِقَةً بِعَمَلٍ صالِح عَمِلْتُهُ، وَ لا

و هیچ بخششی از (کرم) تو نکاهد، من به اطمینان عمل شایسته ای که انجام داده ام به درگاهت نیامده ام و نه

لِوِفادَهِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، اتَیْتُکَ مُقِرّاً عَلی نَفْسی بِالْإِسآئَهِ وَالظُّلْمِ،

به مخلوقی وارد شده ام که به او امیدوار باشم بلکه به درگاهت آمده ام در حالی که به بدی و ستم بر خودم اقرار دارم

مُعْتَرِفاً بِانْ لا حُجَّهَ لی وَ لا عُذْرَ، اتَیْتُکَ ارْجُو عَظیمَ عَفْوِکَ الَّذی

و به این که دلیل و عذری ندارم معترفم، به امید عفو بزرگت که با آن از

عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخاطِئینَ، فَلَمْ یَمْنَعْکَ طُولُ عُکُوفِهِمْ عَلی عَظیمِ الْجُرْمِ

خطاکاران درگذری به درگاهت آمده ام، پس اصرار آنها بر (ارتکاب) گناهان بزرگ تو

انْ عُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالرَّحْمَهِ، فَیا مَنْ رَحْمَتُهُ واسِعَهٌ، وَ عَفْوُهُ عَظیمٌ، یا

را از رحمت به آنها بازنداشت، پس ای کسی که رحمتت وسیع و گذشتت بزرگ است، ای

عَظیمُ یا عَظیمُ یا عَظیمُ، لا یَرُدُّ غَضَبَکَ الَّا حِلْمُکَ، وَ لا یُنْجی مِنْ

با عظمت، ای با عظمت، ای با عظمت، خشمت را جز حلمت باز ندارد و چیزی

سَخَطِکَ الَّا التَّضَرُّعُ الَیْکَ، فَهَبْ لی یا الهی فَرَجاً بِالْقُدْرَهِ الَّتی تُحْیی

جز گریه و زاری به درگاهت از خشمت رهایی نبخشد، پس ای معبود من با قدرتی که با آن مردگان را زنده می کنی

بِها مَیْتَ الْبِلادِ، وَ لا تُهْلِکْنی غَمّاً حَتّی تَسْتَجیبَ لی وَ تُعَرِّفَنِی الْإِجابَهَ

گشایشی به من عطا کن، و از غصّه هلاکم مکن تا زمانی که (دعای) من را اجابت کنی و به اجابت دعایم آگاهم کن

فی دُعآئی وَ اذِقْنی طَعْمَ الْعافِیَهِ الی مُنَتَهی اجَلی وَ لا تُشْمِتْ بی

و طعم سلامتی را تا پایان عمر به من بچشان و مرا دشمن شاد مگردان

عَدُوّی وَلا تُسَلِّطْهُ عَلَیَّ، وَ لا تُمَکِّنْهُ مِنْ عُنُقی الهی انْ وَضَعْتَنی فَمَنْ

و او را بر من مسلّط مکن، و او را بر من چیره مگردان، ای معبود من اگر (مقام) مرا پایین بیاوری

ذَا الَّذی یَرْفَعُنی وَ انْ رَفَعْتَنی فَمَنْ ذَا الَّذی یَضَعُنی وَ انْ اهْلَکْتَنی فَمَنْ

کیست که مرا بالا برد و اگر مرا بالا بری کیست که مرا پایین آورد، و اگر هلاکم کنی پس کیست

ذَا الَّذی یَعْرِضُ لَکَ فی عَبْدِکَ، اوْ یَسْئَلُکَ عَنْ امْرِهِ، وَ قَدْ عَلِمْتُ انَّهُ لَیْسَ

که در مورد این بنده ات شکایت کند، یا از کار او سؤال کند، و به یقین دانستم که

ص :967

فی حُکْمِکَ ظُلْمٌ، وَ لا فی نَقِمَتِکَ عَجَلَهٌ، وَ انَّما یَعْجَلُ مَنْ یَخافُ الْفَوْتَ،

در حکمرانیت ستمی و در عذابت شتابی نیست، و عجله و شتاب برای کسی است که از گذشت فرصت می ترسد

وَ انَّما یَحْتاجُ الَی الظُّلْمِ الضَّعیفُ، وَ قَدْ تَعالَیْتَ یا الهی عَنْ ذلِکَ عُلُوّاً

و ناتوان، نیازمند ظلم است، و به یقین ای معبود من تو از این امور بسیار

کَبیراً، اللهُمَّ انّی اعُوذُ بِکَ فَاعِذْنی وَ اسْتَجیرُ بِکَ فَاجِرْنی وَاسْتَرْزِقُکَ

برتری خدایا به تو پناهنده ام پس پناهم ده، و از تو امان می خواهم پس امانم ده، و از تو روزی می طلبم

فَارْزُقْنی وَ اتَوَکَّلُ عَلَیْکَ فَاکْفِنی وَ اسْتَنْصِرُکَ عَلی عَدُوّی فَانْصُرْنی

پس روزیم ده، و بر تو توکّل می کنم پس کفایتم کن، و برای غلبه بر دشمنم از تو یاری می طلبم پس یاریم کن.

وَاسْتَعینُ بِکَ فَاعِنّی وَ اسْتَغْفِرُکَ یا الهی فَاغْفِرْ لی آمینَ آمینَ آمینَ.(1)

و از تو کمک می خواهم پس کمکم کن، و از تو آمرزش می طلبم پس مرا بیامرز، دعایم را بپذیر، دعایم را بپذیر، دعایم را بپذیر.

ج) خواندن دعای کمیل که در بخش دعاهای معروف (بخش دوم، صفحه 98) گذشت.

د) خواندن دعای: «

اللَّهُمَّ یا شاهِدَ کُلِّ نَجْوی ...»(2)

که در شب عرفه نیز خوانده می شود و در بخش چهارم (صفحه 842) گذشت.

ه) ده مرتبه بگوید:

«یا دائِمَ الْفَضْلِ عَلَی الْبَرِیَّهِ، یا باسِطَ الْیَدَیْنِ بِالْعَطِیَّهِ، یا صاحِبَ

ای که همیشه به مخلوقات بخشنده ای، ای که دستانت را به بخشش گشوده ای، ای که صاحب

الْمَواهِبِ السَّنِیَّهِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَیْرِ الْوَری سَجِیَّهً، وَ اغْفِرْ لَنا

بخشش های بزرگی، بر محمّد و خاندان پاکش بهترین مخلوقات در خلق و خوی درود فرست و ما را در

یا ذَا الْعُلی فی هذِهِ الْعَشِیَّهِ».(3)

این شامگاه بیامرز ای بلندمرتبه.

یادآوری: این ذکر شریف در کلیّه شبهای عید نیز خوانده می شود.

و) «شیخ طوسی» و «سیّد بن طاووس» گفته اند: خواندن این دعا در سحر شب جمعه مستحب است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وَهَبْ لِیَ الْغَداهَ رِضاکَ، وَ اسْکِنْ قَلْبی

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و در این صبحگاه خشنودیت را به من ببخش و خوفت را در دلم قرار ده،

1- [1405]مصباح المتهجّد، صفحه 269 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 294، حدیث 6(با اندکی تفاوت).
2- [1406]اقبال، صفحه 325.
3- [1407]مصباح کفعمی، صفحه 647.

خَوْفَکَ، وَاقْطَعْهُ عَمَّنْ سِواکَ، حَتّى لا ارْجُوَ وَ لا اخافَ الَّا ايَّاکَ، اللَّهُمَ

و دلم را از غير خودت جدا کن، تا اينکه به کسى جز تو اميد نبندم و از کسى جز تو نترسم، خدايا

صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ هَبْ لى ثَباتَ الْيَقينِ، وَ مَحْضَ الْإِخْلاصِ،

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و ببخش بر من پايدارى در يقين و اخلاص ناب

وَشَرَفَ التَّوْحيدِ، وَ دَوامَ الْإِسْتِقامَهِ، وَ مَعْدِنَ الصَّبْرِ، وَالرِّضا بِالْقَضآءِ

و شرافت يگانه پرستى و استقامت پايدار و معدن بردبارى و رضايت به قضا

وَالْقَدَرِ، يا قاضِىَ حَوائِجِ السَّآئِلينَ، يا مَنْ يَعْلَمُ ما فى ضَميرِ الصَّامِتينَ،

و قدر (را به من ببخش)، اى برآورنده نيازهاى درخواست كنندگان، اى داناى رازهاى دل سکوت کنندگان

صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وَ اسْتَجِبْ دُعائى وَاغْفِرْ ذَنْبى وَ اوْسِعْ رِزْقى

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و دعايم را اجابت کن و گناهم را بيامرز و روزيم را وسعت ده

وَاقْضِ حَوآئِجى فى نَفْسى وَ اخْوانى فى دينى وَاهْلى الهى طُمُوحُ

و خواسته هاى شخصيم و خواسته هايم در مورد برادران دينى و خانواده ام را برآور، اى معبود من آرزوهاى

الْأمالِ قَدْ خابَتْ الَّا لَدَيْکَ، وَ مَعاکِفُ الْهِمَمِ قَدْ تَعَطَّلَتْ الَّا عَلَيْکَ،

بلندپروازانه جز در درگاهت بر باد رفته، و همّت هاى عالى جز همّتى که متوجّه توست کارساز نيست

وَمَذاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ سَمَتْ الَّا الَيْکَ، فَانْتَ الرَّجآءُ وَ الَيْکَ الْمُلْتَجَأُ، يا

و راه عقلها جز راهی که به سوی توست بسته مانده است، پس تویی امید و پناهندگی به درگاه توست، ای

اکْرَمَ مَقْصُودٍ، وَ اجْوَدَ مَسْئُولٍ، هَرَبْتُ الَیْکَ بِنَفْسی یا مَلْجَأَ الْهارِبینَ

گرامی ترین قصد شده و بخشنده ترین درخواست شده، ای پناه فراریان با سنگینی گناهانی که بر دوش می کشم

بِاثْقالِ الذُّنُوبِ، احْمِلُها عَلی ظَهْری لا اجِدُ لی الَیْکَ شافِعاً سِوی

به درگاه تو گریخته ام، در حالی که شفیعی به درگاهت نمی یابم، جز اینکه

مَعْرِفَتی بِانَّکَ اقْرَبُ مَنْ رَجاهُ الطّالِبُونَ، وَ امَّلَ مالَدَیْهِ الرّاغِبُونَ، یا مَنْ

می دانم تو نزدیک ترین کسی هستی که درخواست کنندگان به تو امید بسته اند، و مشتاقان آنچه را که نزد توست آرزو دارند، ای کسی

فَتَقَ الْعُقُولَ بِمَعْرِفَتِهِ، وَ اطْلَقَ الأَلْسُنَ بِحَمْدِهِ، وَ جَعَلَ مَا امْتَنَّ بِهِ عَلی

که عقل ها را با شناختت گشودی، و زبان ها را به ستایشت گویا ساختی، و آنچه به واسطه آن

عِبادِهِ فی کِفآءٍ لِتَأْدِیَهِ حَقِّهِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ و آلِهِ، وَ لا تَجْعَلْ لِلشَّیْطانِ

بر بندگانت به عنوان پاداش منّت نهاده ای در برابر ادای حقّت قرار دادی بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

عَلی عَقْلی سَبیلًا، وَ لا لِلْباطِلِ علی عَمَلی دَلیلًا.(1)

و راهی برای تسلّط شیعیان بر عقلم و حجّتی برای باطل بر کردارم قرار مده.

نماز و دعایی در شب جمعه برای حفظ قرآن:

کسی که می خواهد توفیق حفظ قرآن را پیدا کند بداند که ابن عبّاس از امیر مؤمنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: آیا دوست داری کلماتی را به تو بیاموزم که خداوند با آن به تو نفع بخشد و شاگردان تو نیز از آن نفع برند و آنچه را می آموزی در سینه ات جای گیرد و ثابت شود؟ عرض کرد: آری یا رسول اللّه، فرمود: شب جمعه وقت سحر در ثلث آخر شب و اگر نتوانستی قبل از آن از خواب برخیز، چهار رکعت نماز (هر دو رکعت به یک سلام) بخوان؛ در رکعت اوّل پس از حمد سوره یس و در رکعت دوم پس از حمد، سوره الم سجده 1409] و در رکعت سوم پس از حمد، دخان و در رکعت چهارم حمد و سوره ملک را بخوان؛ (سوره ها را می توان از روی قرآن خواند) پس از سلام، حمد و ثنای خدا بجا آور و به بهترین وجهی بر محمّد و آل محمّد صلوات بفرست، سپس برای مؤمنان استغفار کن، آنگاه بگو:

اللَّهُمَ ارْحَمْنی بِتَرْکِ الْمَعاصی أَبَداً ما أَبْقَیْتَنی، وَ ارْحَمْنی مِنْ أنْ اتَکَلَّفَ

خدایا بر من رحم کن با توفیق ترک گناهان تا زمانی که زنده ام، و بر من رحم کن از این که برای طلب آنچه به درد من نمی خورد

طَلَبَ ما لا یُعْنینی، وَ ارْزُقْنی حُسْنَ النَّظَرِ فیما یُرْضیکَ عَنّی، اللَّهُمَ

خود را به زحمت اندازم، و تشخیص صحیح در آنچه تو را از من خشنود می سازد روزیم کن، ای خدای

بَدیعَ السَّمواتِ وَالْارْضِ، ذَا الْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ، وَ الْعِزِّ الَّذی لا یُرامُ،

پدیدآورنده آسمانها و زمین، ای صاحب شکوه و بزرگواری و عزّتی که هیچ کس نمی تواند آن را آرزو کند

أَسْأَلُکَ یا اللَّهُ یا رَحْمنُ، بِجَلالِکَ وَ نُورِ وَجْهِکَ، أَنْ تُلْزِمَ قَلْبی حِفْظَ

ای خدا، ای بخشنده، به شکوه و نورانیّت ذاتت از تو می خواهم همان گونه که

کِتابِکَ کَما عَلَّمْتَنیهِ، وَ ارْزُقْنی أَنْ أَتْلُوَهُ عَلَی النَّحْوِ الَّذی یُرْضیکَ عَنّی،

قرآنت را به من آموختی، دلم را به حفظ آن واداری و تلاوتش را آن گونه که تو را از من خشنود می سازد روزیم گردانی.

اللَّهُمَّ بَدیعَ السَّمواتِ وَ الْأَرْضِ، ذَا الْجَلالِ وَ الْاکْرامِ، وَ الْعِزِّ الَّذی لا

ای خدای پدیدآورنده آسمانها و زمین ای صاحب شکوه و بزرگواری و عزّتی که هیچ کس نمی تواند آن را

1- [1408]جمال الاسبوع، صفحه 218 و مصباح المتهجّد، صفحه 279 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 306، حدیث 11.

يُرامُ، اسْأَلُکَ يا اللَّهُ يا رَحْمنُ، بِجَلالِکَ وَ نُورِ وَجْهِکَ، انْ تُنَوِّرَ بِکِتابِکَ

آرزو کند ای خدا، ای بخشنده به شکوه و نورانيّت ذاتت از تو می خواهم ديدگانم را به قرآنت روشن گردانی

بَصَری وَ انْ تَشْرَحَ بِهِ صَدْری وَ انْ تُطْلِقَ بِهِ لِسانی، وَ انْ تُفَرِّجَ بِهِ عَنْ

و سينه ام را به آن گشاده داری و زبانم را به آن گويا کنی و با آن به

قَلْبی، وَ انْ تَسْتَعْمِلَ بِهِ بَدَنی، فَانَّهُ لا يُعْنِينی عَلَی الْخَيْرِ غَيْرُکَ، وَ لا

قلبم آرامش بخشی و بدنم را با آن به کار اندازی، زيرا جز تو کسی مرا به کار خير کمک نکند، و

يُؤْتيهِ إِلَّا أَنْتَ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظيمِ».

جز تو کسی توفيق آن را به من ندهد و پناهگاه و نيرويی جز از سوی خداوند بلندمرتبه و با عظمت نيست.

سپس فرمود: اين عمل را در سه شب جمعه، يا پنج شب، يا هفت شب جمعه بجا آور.(1)

دعا و نمازی از ناحيه مقدّسه حضرت حجّت عليه السلام برای برآورده شدن حاجات:

مرحوم «علّامه مجلسی» از «مهج الدّعوات» از «کنوز النجاح» ابوعلی فضل بن حسن طبرسی نقل می کند: از ناحيه مقدّسه امام عصر (سلام اللّه عليه) اين حديث صادر شد که: هر کسی نزد خدا حاجتی داشته باشد، شب جمعه بعد از نصف شب، غسل کند و در مصلّای خودش (محلّی را که در خانه، محلّ نماز قرار داده است) دو رکعت نماز بخواند، در هر رکعت پس از شروع سوره حمد و رسيدن به جمله «

ايّاک نعبد و ايّاک نستعين

» صد بار آن را تکرار کند و پس از اتمام آن، بقيّه سوره حمد را ادامه دهد و به پايان برساند، سپس يکبار سوره توحيد را بخواند و ذکر رکوع و سجود را هفت بار بگويد، پس از اتمام نماز، دعای ذيل را بخواند که قطعاً حاجتش

هرچه باشد برآورده می شود، مگر این که مربوط به قطع رحم (و مانند آن) باشد:

اللَّهُمَّ انْ اطَعْتُکَ فَالْمَحْمِدَهُ لَکَ، وَ انْ عَصَیْتُکَ فَالْحُجَّهُ لَکَ، مِنْکَ

خدایا اگر اطاعتت کنم پس شایسته ستایشی و اگر نافرمانیت کنم پس دلیل و برهان برای توست،

الرَّوْحُ وَ مِنْکَ الْفَرَجُ، سُبْحانَ مَنْ انْعَمَ وَ شَکَرَ، سُبْحانَ مَنْ قَدَّرَ وَ غَفَرَ،

آسایش و گشایش از جانب توست، پاک و منزّه است آن که نعمت داده و سپاس گزاری شود، پاک ومنزّه است آن که تقدیر نموده و آمرزد،

1- [1410]جمال الاسبوع، صفحه 119 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 320، حدیث 28. قابل توجّه آن که این نماز در مصباح المتهجّد، صفحه 264، نیز نقل شده، بدون مقیّد کردن به وقت سحر و بدون ذکر سه شب، یا پنج، یا هفت شب؛ و با این تفاوت که در رکعت دوم حمد و دخان و در رکعت سوم حمد و الم سجده خوانده شود.(رجوع کنید به: بحارالانوار، جلد 86، صفحه 288، حدیث 3).

اللَّهُمَّ انْ کُنْتُ عَصَیْتُکَ فَانّی قَدْ اطَعْتُکَ فی احَبِّ الْأَشْیآءِ الَیْکَ، وَ هُوَ

خدایا، اگر نافرمانیت نمودم ولی در محبوب ترین امور در درگاهت که همان ایمان به توست اطاعتت نمودم،

الْایمانُ بِکَ، لَمْ اتَّخِذْ لَکَ وَلَداً، وَ لَمْ ادْعُ لَکَ شَریکاً، مَنّاً مِنْکَ بِهِ عَلَیَّ، لا

فرزندی برای تو انتخاب نکرده و همتایی برایت نخواندم که این منّتی است از جانب تو بر من، نه

مَنّاً مِنّی بِهِ عَلَیْکَ، وَ قَدْ عَصَیْتُکَ یا الهی عَلی غَیْرِ وَجْهِ الْمُکابَرَهِ، وَ لَا

منّتی از جانب من بر تو و ای معبود من اگر نافرمانیت نمودم نه از روی تکبّر و نه

الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِیَّتِکَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِیَّتِکَ، وَلکِنْ اطَعْتُ هَوایَ

خارج شدن از بندگیت و نه انکار پروردگاریت بود، بلکه هوای نفسم را اطاعت نمودم

وَازَلَّنِی الشَّیْطانُ، فَلَکَ الْحُجَّهُ عَلَیَّ وَ الْبَیانُ، فَانْ تُعَذِّبْنی فَبِذُنُوبی غَیْرُ

و شیطان مرا گمراه کرد پس دلیل و بیان بر علیه من از آنِ توست، پس اگر مرا به واسطه گناهانم عذاب کنی بر من

ظالِمٍ لی وَ انْ تَغْفِرْ لی وَ تَرْحَمْنی فَانَّکَ جَوادٌ کَریمٌ، یا کریمُ یا کَریمُ

ظلمی نکرده ای و اگر مرا آمرزیده و بر من رحم کنی پس به یقین تو بخشنده و بزرگواری، ای بزرگوار، ای بزرگوار* (به اندازه یک نفس طولانی ادامه دهد)، سپس بگوید:

یا آمِناً مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ، وَکُلُّ شَیْ ءٍ

****************** ای ایمن از هر چیز، در حالی که همه چیز

مِنْکَ خآئِفٌ حَذِرٌ، اسْئَلُکَ بِامْنِکَ مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ، وَ خَوْفِ کُلِّ شَیْ ءٍ مِنْکَ،

از تو ترسان و بیمناک است، به حقّ ایمنیت از همه چیز و ترسی که هر چیز از تو دارد

انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تُعْطِیَنی اماناً لِنَفْسی وَ اهْلی

از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و ایمنی بخشی به من و خانواده

وَوُلْدی وَ سآئِرِ ما انْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ، حَتّی لااخافَ احَداً، وَلا احْذَرَ مِنْ

و فرزندانم و تمام چیزهایی که به واسطه آن به من نعمت دادی، تا از احدی نترسم و هیچگاه از چیزی نهراسم،

شَیْ ءٍ ابَداً، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکیلُ، یا کافِیَ

زیرا به یقین تو بر هر چیز توانایی و خداوند ما را کافی است و بهترین سرپرست است، ای رهایی بخش

ابْراهیمَ نُمْرُودَ، وَ یا کافِیَ مُوسی فِرْعَوْنَ، وَ یا کافِیَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ

ابراهیم از شرّ نمرود، و ای رهایی بخش موسی از شرّ فرعون و ای رهایی بخش محمّد- که درود خدا

عَلَیْهِ و آلِهِ الْاحْزابَ، اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ

بر او و خاندان پاکش باد- از شرّ احزاب (در جنگ خندق) از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و

تَکْفِیَنی شَرَّ فُلانِ بْنِ فُلانٍ.

مرا از شرّ فلان پسر فلان رهایی بخش.

(به جای فلان بن فلان اسم دشمن خویش را بر زبان آورد و اگر دشمن خاصّی ندارد، می تواند نام شیطان را که بزرگترین دشمن است یا نام دشمنان اسلام را ببرد).

سپس به سجده رود و حاجتش را طلب کند و نزد خدا تضرّع نماید چراکه هیچ مرد یا زن مؤمنی نیست که این نماز را بجا آورد و این دعا را بخواند مگر این که درهای آسمان برای اجابت دعا به روی او گشوده می شود ....

آنگاه فرمود: «

ذلِکَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَیْنا وَ عَلَی النَّاسِ؛

این نماز و دعا از فضل خداوند بر ما اهل بیت و بر مردم است». (1)

اعمال روز جمعه:

1- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: هر کس مابین نافله صبح و نماز صبح در روز جمعه صد مرتبه بگوید: «

سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ، اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّی وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ

» خداوند خانه ای در بهشت برایش بنا می کند. (2) 2- کسی که پیش از نماز صبح روز جمعه سه مرتبه (از روی خلوص نیّت) بگوید: «

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذی لا الهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومِ، وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ

» گناهانش آمرزیده می شود، هرچند بسیار زیاد باشد. (3) 3- هیچ عملی در این روز از صلوات بر محمّد و آل محمّد با فضیلت تر نیست، (4) و مطابق حدیثی دیگر: صد بار صلوات در روز جمعه باعث برآورده شدن حوائج می شود، (5) و در روایتی دیگر از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: عبادتی در روز جمعه نزد من از صلوات بر محمّد و آل محمّد محبوب تر نیست. (6) و در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده: هر کس بعد از نماز ظهر و نماز صبح روز جمعه و غیر جمعه بگوید: «

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

» نمیرد تا این که حضرت قائم (عجّل اللّٰه تعالی فرجه الشّریف) را درک کند.(7) و مطابق روایتی دیگر، شیخ جلیل القدر «ابن ادریس» در کتاب «سرائر» از «جامع بزنطی» نقل کرده که ابوبصیر می گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که صلوات بر محمّد و آل محمّد مابین ظهر و عصر معادل

1- [1411]بحارالانوار، جلد 86، صفحه 323، حدیث 30 و مهج الدعوات، صفحه 294.
2- [1412]بحارالانوار، جلد 86، صفحه 313، حدیث 18.
3- [1413]همان مدرک، صفحه 359، حدیث 36.
4- [1414]خصال، جلد 2، صفحه 394، حدیث 101.
5- [1415]ثواب الاعمال، صفحه 156.
6- [1416]کافی، جلد 3، صفحه 429، حدیث 3.
7- [1417]بحارالانوار، جلد 86، صفحه 363، حدیث 51.

هفتاد رکعت نماز است و بعد از عصر روز جمعه نیز بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْأَوْصِیاءِ الْمَرْضِیّینَ بِافْضَلِ

خدایا با بهترین درودهایت بر محمّد و خاندان پاکش همان جانشینان پسندیده درود فرست و با برترین

صَلَواتِکَ، وَبارِکْ عَلَیْهِمْ بِافْضَلِ بَرَکاتِکَ، وَالسَّلامُ عَلَیْهِمْ وَ عَلی

رحمتهایت به آنان برکت ده و درود و رحمت و برکات خدا بر آنان و بر

ارْواحِهِمْ وَ اجْسادِهِمْ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ.(1)

ارواح و جسم هایشان باد.

این صلوات (با مقداری تفاوت) در کتب مشایخ حدیث، با سندهای بسیار معتبر و با فضیلت های بسیار نقل شده است.(2) 4- در نماز صبح در رکعت اوّل سوره جمعه و در رکعت دوم سوره توحید بخواند.(3) 5- بعد از نماز صبح پیش از آن که سخن بگوید این دعا را بخواند تا کفّاره گناهان او از این جمعه تا جمعه دیگر باشد:

اللَّهُمَّ ما قُلْتُ فی جُمُعَتی هذِهِ مِنْ قَوْلٍ، اوْ حَلَفْتُ فیها مِنْ حَلْفٍ، اوْ

خدایا هر سخنی که در این جمعه گفتم یا هر سوگندی که در آن یاد کردم یا

نَذَرْتُ فیها مِنْ نَذْرٍ، فَمَشِیَّتُکَ بَیْنَ یَدَیْ ذلِکَ کُلِّهِ، فَما شِئْتَ مِنْهُ انْ

نذری که در آن نمودم، پس خواست تو در تمام این امور پیش روی من است، که هر کدام از این امور را که خواهی

یَکُونَ کانَ، وَ ما لَمْ تَشَأْ مِنْهُ لَمْ یَکُنْ، اللهُمَّ اغْفِرْ لی وَ تَجاوَزْ عَنّی

انجام می شود و هر کدام را که نخواهی انجام نمی شود، خدایا مرا بیامرز و از (گناه) من درگذر

اللهُمَّ مَنْ صَلَّیْتَ عَلَیْهِ فَصَلواتی عَلَیْهِ، وَ مَنْ لَعَنْتَ فَلَعْنَتی عَلَیْهِ.(4)

خدایا بر هر که درود فرستی درود من نیز بر او باد و بر هر که لعنت کنی، لعنت من نیز بر او باد.

***

6- در روایت است: هر کس بعد از نماز صبح در روز جمعه بنشیند و مشغول تعقیبات گردد تا آفتاب

1- [1418]سرائر، جلد 3، صفحه 577.
2- [1419]کافی، جلد 3، صفحه 429، حدیث 4 و امالی شیخ صدوق، صفحه 399، حدیث 16 و ثواب الاعمال، صفحه 158 و تهذیب، جلد 3، صفحه 19، حدیث 68.
3- [1420]جمال الاسبوع، صفحه 226.
4- [1421]همان مدرک، صفحه 227 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 332.

طلوع کند خداوند در فردوس اعلی (مقامات عالی بهشت) هفتاد درجه برای او قرار دهد.(1) 7- «شیخ طوسی» روایت کرده است: مستحب است که در تعقیب نماز صبح روز جمعه این دعا را بخواند:

اللهُمَّ انّی تَعَمَّدْتُ الَیْکَ بِحاجَتی وَ انْزَلْتُ الَیْکَ الْیَوْمَ فَقْری وَ فاقَتی

خدایا با حاجتم به تو امید بسته ام، و امروز نیاز و احتیاج و درماندگیم را به درگاهت آورده ام،

وَمَسْکَنَتی فَا نَا لِمَغْفِرَتِکَ ارْجی مِنّی لِعَمَلی وَ لَمَغْفِرَتُکَ وَ رَحْمَتُکَ

پس من به آمرزشت از کردار خود امیدوارترم، و به یقین آمرزش و رحمتت

اوْسَعُ مِنْ ذُنُوبی فَتَوَلَّ قَضآءَ کُلِّ حاجَةٍ لی بِقُدْرَتِکَ عَلَیْها، وَ تَیْسیرِ

وسیع تر از گناهان من است، پس بر عهده گیر برآوردن همه حاجت هایم را با قدرتی که بر آن داری و انجام آن برای تو

ذلِکَ عَلَیْکَ، وَ لِفَقْری الَیْکَ، فَانّی لَمْ اصِبْ خَیْراً قَطُّ الَّا مِنْکَ، وَ لَمْ

آسان است و به خاطر نیازمندیم به تو، زیرا من هرگز به خیری نرسیده ام جز از ناحیه تو، و

یَصْرِفْ عَنّی سُوءً قَطُّ احَدٌ سِواکَ، وَ لَسْتُ ارْجُو لِأخِرَتی وَ دُنْیایَ، وَ لا

هرگز کسی بدی را از من بازنگردانده جز تو، و برای آخرت و دنیا و روز نیازم،

لِیَوْمِ فَقْری یَوْمَ یُفْرِدُنِی النَّاسُ فی حُفْرَتی وَ افْضی الَیْکَ بِذَنْبی سِواکَ.(2)

روزی که مردم مرا در قبرم تنها می گذارند و با گناهم بر تو وارد می شوم به کسی امیدی ندارم جز تو.

8- سوره های احقاف و مؤمنون را بخواند که مطابق روایتی از امام صادق علیه السلام، هر کس شب یا روز جمعه سوره احقاف بخواند ترسی در دنیا به او نرسد و از وحشت قیامت ایمن گردد و هر کس در هر جمعه سوره

مؤمنون را بخواند، خداوند اعمال او را به سعادت ختم کند و در فردوس اعلی همراه با پیامبران و رسولان، به او منزل دهد.(3) خواندن سوره های نساء، هود، کهف، صافات نیز توصیه شده 1425] و بعد از نماز صبح سوره الرحمن بخواند و بعد از آیه «

فَبِأیِّ آلاءِ رَبِّکُما تُکَذِّبانِ

» بگوید: «

لا بِشَیْ ءٍ مِنْ آلائِکَ رِبِّ أُکَذِّبُ

».(4)

ص: 975

1- [1422]جمال الاسبوع، صفحه 227، و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 158.
2- [1423]مصباح المتهجّد، صفحه 285 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 331(با اندکی تفاوت).
3- [1424]وسائل الشیعه، جلد 5، باب 54 از ابواب صلاه الجمعه، حدیث 10 و 11 و ثواب الاعمال، صفحه 108 و 114.
4- [1426]وسائل الشیعه، جلد 5، باب 54 از ابواب صلاه الجمعه، حدیث 1 و تهذیب، جلد 3، صفحه 8، حدیث 25.

سوره «قل یا ایّها الکافرون» را ده مرتبه هنگام طلوع آفتاب بخواند و دعا کند تا دعایش مستجاب شود.(1) 9- مطابق روایات فراوانی پرداختن به نظافت در جمعه بسیار خوب است از جمله شستن سر با خطمی سبب رهایی از جذام و برص و جنون می شود،(2) و در روایات متعدّدی از امام صادق علیه السلام آمده است که گرفتن ناخن و شارب در روز جمعه، سبب فزونی روزی می شود.(3) 10- با توجّه به این که بسیاری از مؤمنین در نماز جمعه شرکت می کنند یا به دیدن بستگان و دوستان می روند، مستحب است در این روز از عطر و بوی خوش استفاده کنند. در روایتی از امام موسی بن جعفر علیهما السلام آمده است: سزاوار نیست ترک بوی خوش در هر روز و اگر قادر بر آن نبود، یک روز در میان و اگر بر آن نیز قادر نبود در روز جمعه.(4) 11- غسل جمعه کند که از سنّتهای مؤکّد است و مطابق روایتی، رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: در هر جمعه غسل بجا آور اگرچه هزینه خوراک خود را صرف آن کنی، زیرا سنّتی از این بزرگتر وجود ندارد،(5) و مطابق روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام: هر کس در روز جمعه غسل کند و این دعا را بخواند:

اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَ اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ

گواهی می دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه ای که شریکی ندارد و گواهی می دهم که محمّد بنده

وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنی مِنَ التَّوَّابینَ،

و فرستاده اوست، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و

وَاجْعَلْنی مِنَ المُتَطَهِّرینَ.

مرا از توبه کنندگان و پاکیزگان قرار ده.

برای او طهارتی باشد تا جمعه آینده 1432] (یعنی از گناهان پاک می شود و یا اعمالش از طهارت معنوی برخوردار شده، مورد قبول واقع می شود).

یادآوری: زمان غسل جمعه بعد از طلوع فجر تا ظهر روز جمعه است.

...

12- صدقه در این روز مستحبّ مؤکّد است و مطابق روایتی از امام صادق علیه السلام صدقه در شب جمعه و روز آن، هزار برابر صدقه در اوقات دیگر است.(6)

ص: 976

1- [1427]عده الداعی، صفحه 297.
2- [1428]کافی، جلد 3، صفحه 418، حدیث 7 و 10.
3- [1429]همان مدرک، حدیث 5.
4- [1430]همان مدرک، جلد 6، صفحه 510، حدیث 4.
5- [1431]جمال الاسبوع، صفحه 366.
6- [1433]مقنعه، صفحه 156.

13- با خریدن چیزی نیکو برای خانواده و فرزندان، زمینه شادی آنها را نسبت به آمدن جمعه فراهم کند.(1) 14- خود را از کارهای دنیایی فارغ کند و بخشی از روز را به فراگیری مسائل دینی خود مشغول شود، چنانکه از امام صادق علیه السلام نقل شده است: نفرین بر مسلمانی که در هفته، (بخشی از) روز جمعه را صرف آموختن مسائل دینی خود نگرداند و برای این امر، خود را از کارهای دیگر فارغ نسازد.(2) 15- زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمّه طاهرین صلوات اللَّه علیهم اجمعین را بجا آورد،(3) که در بخش زیارات کیفیّت آن گذشت.

16- به زیارت اموات رود که فضیلت بسیار دارد و از امام باقر علیه السلام نقل شده: زیارت کنید مردگان را در روز جمعه، چراکه آنان در این روز از طلوع فجر تا طلوع خورشید، شخص زیارت کننده را می شناسند و شاد می شوند،(4) و البتّه زیارت پدر و مادر و بستگان نزدیک از احیاء اهمیّتش بیشتر است.

17- دعای ندبه بخواند که از اعمال اعیاد چهارگانه (غدیر، فطر، قربان و جمعه) است،(5) و در بخش دعاهای معروف (صفحه 189) گذشت.

18- نوافل روز جمعه که بیست رکعت است را بجا آورد،(6) و برای کیفیّت بجا آوردن آن به رساله های عملیّه مراجعه شود.

19- نمازهای مستحبّی را که برای روز جمعه نقل شده (نظیر نماز جعفر طیّار، نماز کامله و نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله که با سندهای بسیار معتبر و آثار و برکات فراوان نقل شده اند) بجا آورد که در بخش نمازهای معروف (صفحه 1061) به بعضی از آنها اشاره می شود.

20- چون ظهر شود دعایی را بخواند که محمّد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل می کند و مطابق نقل «شیخ طوسی» در «مصباح المتهجّد» چنین است:

لا الهَ الّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ، وَ سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذى لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً، وَ لَمْ

1- [1434]کافی، جلد 6، صفحه 299، حدیث 19.

2- [1435]محاسن برقی، جلد 1، صفحه 225، حدیث 149.
3- [1436]مصباح المتهجّد، صفحه 288.
4- [1437]امالی طوسی، صفحه 688، حدیث 5.
5- [1438]بحارالانوار، جلد 99، صفحه 104.
6- [1439]همان مدرک، جلد 87، صفحه 24.

معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر از هر چیز است و پاک و منزّه است خدا و حمد و سپاس از آن خداوندی است که هرگز فرزندی برای خود نگرفت

یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبیراً

و نه شریکی در حکومت دارد و نه بخاطر ضعف و ذلّت (حامی و) سرپرستی برای اوست و او را بسیار بزرگ بشمار* سپس بگوید: یا سابِغَ النِّعَمِ، یا دافِعَ النِّقَمِ، یا بارِئَ النَّسَمِ، یا عَلِیَّ الْهِمَمِ،

******** ای فروریزنده نعمت ها، ای دفع کننده بدیها، ای آفریننده انسان، ای صاحب برترین همت،

یا مُغْشِیَ الظُّلَمِ، یا ذَاالْجُودِ وَالْکَرَمِ، یا کاشِفَ الضُّرِّ وَ الأَلَمِ، یا مُونِسَ

ای پوشاننده تاریکی ها، ای صاحب بخشش و کرم، ای برطرف کننده ضرر و درد، ای همدم

الْمُسْتَوْحِشینَ فِی الظُّلَمِ، یا عالِماً لا یُعَلَّمُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

وحشت زدگان در تاریکی، ای دانای بی تعلیم، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست،

مُحَمَّدٍ، وَ افْعَلْ بی ما انْتَ اهْلُهُ، یا مَنِ اسْمُهُ دَوآءٌ، وَ ذِکْرُهُ شِفآءٌ،

و آنچه تو شایسته آنی در مورد من انجام ده، که نامت دارو و یادت درمان

وَ طاعَتُهُ غَنآءٌ، ارْحَمْ مَنْ رَاْسُ مالِهِ الرَّجآءُ، وَ سِلاحُهُ الْبُکاءُ، سُبْحانَکَ

و بندگیت توانگریست، بر کسی که سرمایه اش امید و اسلحه اش گریه است رحم کن، پاک و منزّهی تو

لا الهَ الَّا انْتَ، یا حَنَّانُ یا مَنَّانُ، یا بَدیعَ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، یا

که معبودی جز تو نیست، ای غمخوار، ای سخاوتمند، ای پدیدآورنده آسمانها و زمین، ای

ذَاالْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ.(1)

صاحب شکوه و بزرگواری.

21- شرکت در نماز جمعه بسیار خوب و پراهمیّت، و سبب شکوه و عظمت اسلام است و اگر توفیق شرکت در نماز جمعه را پیدا نکرد، در نماز ظهر سوره جمعه و منافقون و در نماز عصر سوره جمعه و توحید را بخواند(2) و مرحوم صدوق از امام صادق علیه السلام روایت کرده: از چیزهایی که بر هر مؤمنی که شیعه ما باشد لازم است این است که در شب جمعه در نماز (عشا) سوره جمعه و سبّح اسم ربّک الاعلی، و در روز جمعه در نماز ظهر، سوره جمعه و منافقون را بخواند که اگر چنین کند اقتدا به عمل پیامبر صلی الله علیه و آله کرده و جزایش بهشت است.(3)
22- دعای 46 صحیفه سجّادیه (

یا مَنْ یَرْحَمُ مَنْ لا یَرْحَمُهُ الْعِباد

) و 48 آن (

أَللَّهُمَّ هذا یَوْمٌ مُبارَکٌ

) را بخواند.

23- «شیخ طوسی» در «مصباح» روایت کرده: هر کس بعد از نماز ظهر روز جمعه دو رکعت نماز، و در هر رکعت بعد از حمد، هفت مرتبه «

قُلْ هُوَ اللَّه أَحَد

» بخواند و بعد از نماز بگوید:

ص: 978

1- [1440]مصباح المتهجّد، صفحه 360.
2- [1441]بحارالانوار، جلد 86، صفحه 353، حدیث 32.
3- [1442]ثواب الاعمال، صفحه 118.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنی مِنْ اهْلِ الْجَنَّهِ الَّتی حَشْوُهَاالْبَرَکهُ، وَعُمَّارُهَا الْمَلائِکَهُ،

خدایا مرا از بهشتیان قرار ده، بهشتی که مملوّ از برکت است و آبادگرانش فرشتگان هستند

مَعَ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَابینا ابراهیمَ عَلَیْهِ السَّلامُ.

در کنار پیامبر ما محمّد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- و پدر ما ابراهیم- که درود خدا بر او باد-.

تا جمعه دیگر بلا و فتنه ای به او نرسد و حق تعالی میان او و محمّد صلی الله علیه و آله و ابراهیم علیه السلام (در بهشت) جمع کند.(1) 24- بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه «

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ

» بگوید تا خداوند متعال گناهان او را بیامرزد.(2) 25- چنانکه در بخش دعاهای معروف (صفحه 108) گذشت، بهترین زمان برای خواندن دعای عشرات، عصر روز جمعه است.

26- نیز در بخش دعاهای معروف (صفحه 114) گذشت، که مستحب است خواندن دعای «سمات» در ساعتهای آخر روز جمعه.

27- با توجّه به این که روز جمعه از چند جهت تعلّق به امام عصر- عجّل اللّه تعالی فرجه- دارد؛ اوّلاً: از این جهت که ولادت حضرتش در این روز بوده.(3) ثانیاً: ظهور شریف آن جناب طبق بعضی روایات در چنین روزی خواهد بود، چنانکه در بخش اعمال ایّام هفته، ضمن زیارت آن حضرت در روز جمعه خواهد آمد:

«هذا یَوْمُ الْجُمُعَهِ، وَ هُوَ یَوْمُکَ الْمُتَوَقَّعُ فیهِ ظُهُورُکَ، وَ الْفَرَجُ فیهِ

این روز جمعه است، همان روزی که انتظار ظهور تو در آن است و فرج

لِلْمُؤْمِنینَ عَلی یَدِکَ».(4)

مؤمنان در این روز به دست توست.

و حضرت در چنین روزی پاک کردن زمین را از لوث وجود جبّارین و ملحدین و کافرین و منافقین، آغاز می کند و با اظهار کلمه حق، و اعلای دین و شرایع ایمان، چشم و دل مؤمنان را در آن روز روشن و مسرور می نماید، چنانکه آیه «

وَ اشْرَقَتِ الْأرْضُ بِنُورِ رَبِّها

؛ روزی که زمین به نور پروردگارش منوّر می شود» بر این روز «ظهور» تطبیق داده شده است،(5) با توجّه به این نکات، شایسته است که به خواندن چند چیز در این روز مبادرت شود:

1- [1443]مصباح المتهجّد، صفحه 377.
2- [1444]جمال الاسبوع، صفحه 452.
3- [1445]کمال الدین، جلد 2، صفحه 432، حدیث 12.
4- [1446]جمال الاسبوع، صفحه 38.
5- [1447]بحارالانوار، جلد 52، صفحه 330، حدیث 52.

الف) زیارت آل یاسین که در بخش زیارات (صفحه 503) گذشت.

ب) این دعا که «شیخ طوسی» در «مصباح المتهجّد» در خلال اعمال روز جمعه، آن را از امام رضا علیه السلام برای صاحب الامر نقل کرده است؛ به این صورت که یونس بن عبدالرّحمان می گوید: امام رضا علیه السلام پیوسته امر می کرد که با این دعا برای حضرت مهدی علیه السلام دعا کنید:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِیِّکَ وَخَلیفَتِکَ وَحُجَّتِکَ عَلی خَلْقِکَ ...

که در بخش زیارات (صفحه 525) گذشت.

ج) صلواتی را که شیخ طوسی در اعمال عصر روز جمعه آن را ذکر نموده است قرائت کند. مرحوم «سیّد بن طاووس»(1) فرموده: که این صلوات مرویّ از مولای ما حضرت مهدی- صلوات اللّه علیه- است و تأکید شده که هرگز این صلوات را ترک مکن، و طبق نقل شیخ در «مصباح» چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمُرْسَلینَ، وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ، وَ حُجَّهِ رَبِ

خدایا درود فرست بر محمّد آقا و سرور فرستادگان و خاتم پیامبران و حجّت پروردگار

الْعالَمینَ، الْمُنْتَجَبِ فِی الْمیثاقِ، الْمُصْطَفی فِی الظِّلالِ، الْمُطَهَّرِ مِنْ کُلِ

جهانیان، برگزیده در روز عهد و پیمان، انتخاب شده در میان تاریکی ها، پاکیزه از هر

آفَهٍ، الْبَری ءِ مِنْ کُلِّ عَیْبٍ، الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجاهِ، الْمُرْتَجی لِلشَّفاعَهِ،

آفت، مبرّا از هر عیب، آرزو شده برای نجات، امید بسته شده برای شفاعت،

الْمُفَوَّضِ الَیْهِ دینُ اللَّهِ، اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْیانَهُ، وَ عَظِّمْ بُرْهانَهُ، وَ افْلِجْ حُجَّتَهُ،

آن که دین خدا به او واگذار شده، خدایا بنیانش را شرافت بخش، و حجت و دلیلش را بزرگ دار، و حجتش را بنمایان

وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ، وَ اضِئْ نُورَهُ، وَ بَیِّضْ وَجْهَهُ، وَ اعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضیلَهَ،

و رتبه اش را بالا بر، و نورش را تابان کن و چهره اش را نورانی گردان، و به او فضل و مقام

وَالْوَسیلَهَ وَ الدَّرَجَهَ الرَّفیعَهَ، وَ ابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً یَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ

و وسیله شفاعت و رتبه بلند عنایت فرما، و او را به جایگاه پسندیده ای که پیشینیان و

وَالأخِرُونَ، وَ صَلِّ عَلی امیرِالْمُؤْمِنینَ، وَ وارِثِ الْمُرْسَلینَ، وَ قآئِدِ الْغُرِّ

پسینیان به آن غبطه می خورند برسان و درود فرست بر امیرمؤمنان و وارث فرستادگان و پیشوای

1- [1448]جمال الاسبوع، صفحه 494.

الْمُحَجَّلينَ، وَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ

روسفیدان و آقا و سرور جانشینان و حجّت پروردگار جهانیان، و درود فرست بر حسن

بْنِ عَلِیٍّ امامِ الْمُؤْمِنینَ، وَ وارِثِ الْمُرْسَلینَ، وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ،

بن علی پیشوای مؤمنان و وارث فرستادگان و حجّت پروردگار جهانیان

وَصَلِّ عَلَى الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ امامِ الْمُؤْمِنینَ، وَوارِثِ الْمُرْسَلینَ، وَ حُجَّهِ

و درود فرست بر حسین بن علی پیشوای مؤمنان و وارث فرستادگان و حجّت

رَبِّ الْعالَمینَ، وَ صَلِّ عَلى عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ امامِ الْمُؤْمِنینَ، وَ وارِثِ

پروردگار جهانیان، و درود فرست بر علی بن حسین پیشوای مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلینَ، وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، وَ صَلِّ عَلى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ امامِ

فرستادگان و حجّت پروردگار جهانیان، و درود فرست بر محمّد بن علی پیشوای

الْمُؤْمِنینَ، وَ وارِثِ الْمُرْسَلینَ، وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، وَ صَلِّ عَلى جَعْفَرِ

مؤمنان و وارث پیامبران و حجّت پروردگار جهانیان، و درود فرست بر جعفر

بْنِ مُحَمَّدٍ امامِ الْمُؤْمِنینَ، وَ وارِثِ الْمُرْسَلینَ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ،

بن محمّد پیشوای مؤمنان و وارث فرستادگان و حجّت پروردگار جهانیان

وَصَلِّ عَلى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ امامِ الْمُؤْمِنینَ، وَ وارِثِ الْمُرْسَلینَ، وَ حُجَّهِ

و درود فرست بر موسی بن جعفر، پیشوای مؤمنان و وارث فرستادگان، و حجّت

رَبِّ الْعالَمینَ، وَ صَلِّ عَلی عَلِیِّ بْنِ مُوسی امامِ الْمُؤْمِنینَ، وَوارِثِ

پروردگار جهانیان، و درود فرست بر علی بن موسی پیشوای مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلینَ، وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ امامِ

فرستادگان و حجّت پروردگار جهانیان و درود فرست بر محمّد بن علی، پیشوای

الْمُؤْمِنینَ، وَ وارِثِ الْمُرْسَلینَ، وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، وَ صَلِّ عَلی عَلِیِ

مؤمنان، و وارث فرستادگان و حجّت پروردگار جهانیان و درود فرست بر علی

بْنِ مُحَمَّدٍ امامِ الْمُؤْمِنینَ، وَ وارِثِ الْمُرْسَلینَ، وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ،

بن محمّد پیشوای مؤمنان و وارث فرستادگان و حجّت پروردگار جهانیان

وَصَلِّ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ امامِ الْمُؤْمِنینَ، وَ وارِثِ الْمُرْسَلینَ، وَ حُجَّهِ

و درود فرست بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان و وارث فرستادگان و حجّت

رَبِّ الْعالَمينَ، وَصَلِّ عَلَى الْخَلَفِ الْهادِی الْمَهْدِیِّ، امامِ الْمُؤْمِنینَ،

پروردگار جهانیان، و درود فرست بر جانشین هدایتگر هدایت یافته، پیشوای مؤمنان

وَ وارِثِ الْمُرْسَلینَ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ واهْلِ

و وارث فرستادگان و حجّت پروردگار جهانیان، خدایا بر محمّد و خاندانش درود فرست

بَیْتِهِ الْأَئِمَّهِ الْهادینَ، الْعُلَماءِ الصَّادِقینَ، الْأَبْرارِ الْمُتَّقینَ، دَعآئِمِ دینِک،

همان پیشوایان هدایتگر، دانایان راست گفتار، نیکوکاران پرهیزگار، پایه های دینت

وَارْکانِ تَوْحیدِکَ، وَتَراجِمَهِ وَحْیِکَ، وَحُجَجِکَ عَلی خَلْقِکَ، وَ خُلَفآئِکَ

و ستون های یگانه پرستیت و مفسّران وحیت و حجّت هایت بر مخلوقات و جانشینانت

فی ارْضِکَ، الَّذینَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِکَ، وَاصْطَفَیْتَهُمْ عَلی عِبادِکَ،

در زمین، آنان که برای خود برگزیده و بر بندگانت اختیار نمودی

وَارْتَضَیْتَهُمْ لِدینِکَ، وَ خَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِکَ، وَجَلَّلْتَهُمْ بِکَرامَتِکَ،

و برای (یاری) دینت پسندیده و به شناختت مخصوصشان ساختی، و با کرامتت گرامی داشته

وَغَشَّیْتَهُمْ بِرَحْمَتِکَ، وَرَبَّیْتَهُمْ بِنِعْمَتِکَ، وَ غَذَّیْتَهُمْ بِحِکْمَتِکَ، وَ الْبَسْتَهُمْ

و با رحمتت آنان را در برگرفتی و با نعمتت پرورانده و با حکمتت تغذیه نمودی و با نورت پوشانده

نُورَکَ، وَ رَفَعْتَهُمْ فی مَلَکُوتِکَ، وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلائِکَتِکَ، وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِیِّکَ،

و در ملکوتت بالا بردی و با فرشتگانت در برگرفته و با پیامبرت-

صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ عَلَیْهِمْ، صَلاهً زاکِیَهً نامِیَهً

که درود تو بر او و خاندانش باد- شرافتشان بخشیدی، خدایا بر محمّد و بر آنان درود فرست، درودی پاک، بالا رونده

کَثیرَهً، دآئِمَهً طَیِّبَهً، لا یُحیطُ بِها الَّا انْتَ، وَ لا یَسَعُها الَّا عِلْمُکَ، وَ لا

فراوان، همیشگی و پاکیزه، که جز تو کسی بر آن احاطه ندارد و جز علمت چیزی وسعت آن را ندارد و

یُحْصیها احَدٌ غَیْرُکَ، اللهُمَّ وَ صَلِّ عَلی وَلِیِّکَ الْمُحْیی سُنَّتِکَ، الْقآئِمِ

جز تو کسی توان احصای آن را ندارد، خدایا درود فرست بر ولیّت که سنّت تو را زنده کرده و فرمانت

بِامْرِکَ، الدَّاعی الَیْکَ، الدَّلیلِ عَلَیْکَ، حُجَّتِکَ عَلی خَلْقِکَ، وَ خَلیفَتِکَ فی

را بپا داشته و به سویت دعوت کرده و دلیل و حجّتت بر مخلوقات و جانشینت در

ارْضِکَ، وَشاهِدِکَ عَلی عِبادِکَ، اللَّهُمَّ اعِزَّ نَصْرَهُ، وَ مُدَّ فی عُمْرِهِ، وَ زَیِّنِ

زمین و گواه تو بر بندگان است، خدایا پیروزیش را گرامی دار و عمرش را طولانی گردان، و به

الْأَرْضَ بِطُولِ بَقآئِهِ، اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْىَ الْحاسِدينَ، وَ اعِذْهُ مِنْ شَرِّ

طول حياتش زمين را زينت بخش، خدايا او را از شرّ حسودان حفظ كن و از شرّ فريبكاران پناه ده

الْكآئِدينَ، وَازْجُرْ عَنْهُ ارادَهَ الظَّالِمينَ، وَخَلِّصْهُ مِنْ ايْدِى الْجَبَّارِينَ،

و اراده ستمگران را از او بازدار، و از چنگال زورگويان رهايى بخش

اللَّهُمَّ اعْطِهِ فى نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ، وَ شيعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ، وَخاصَّتِهِ وَ عامَّتِهِ

خدايا عطا كن به او در مورد خود و نسل و شيعيان و پيروان و خواص و عوام (از ياران)

وَعَدُوِّهِ، وَ جَميعِ اهْلِ الدُّنْيا، ما تُقِرُّ بِهِ عَيْنَهُ، وَ تَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ، وَ بَلِّغْهُ

و دشمنانش و تمامى اهل دنيا، آنچه را كه مايه چشم روشنى او شده و خوشحالش كند،

افْضَلَ ما امَّلَهُ فِى الدُّنْيا وَ الْأخِرَهِ، انَّكَ عَلى كُلِّ شَىْ ءٍ قَديرٌ، اللَّهُمَّ جَدِّدْ

و او را به برترين آرزوهايش در دنيا و آخرت برسان، زيرا تو بر هر چيز توانايى، خدايا آنچه

بِهِ مَا امْتُحِىَ مِنْ دينِكَ، وَاحْىِ بِهِ ما بُدِّلَ مِنْ كِتابِكَ، وَ اظْهِرْ بِهِ ما غُيِّرَ مِنْ

از دينت از بين رفته به دست او تجديد كن و آنچه از كتابت تغيير يافته به دست او زنده كن، و آنچه از حُكمت تغيير يافته به دست او ظاهر گردان،

حُكْمِكَ، حَتّى يَعُودَ دينُكَ بِهِ، وَ عَلى يَدَيْهِ غَضّاً جَديداً خالِصاً مُخْلَصاً،

تا اينكه دينت به سبب او و با دستان او با طراوت و تازه و خالص و پاك بازگردد

لا شَكَّ فيهِ وَ لا شُبْهَهَ مَعَهُ، وَ لا باطِلَ عِنْدَهُ وَلا بِدْعَهَ لَدَيْهِ، اللَّهُمَّ نَوِّرْ

که شکی در آن نباشد و شبهه ای باقی نماند و باطلی همراهش نباشد و بدعتی باقی نماند، خدایا با نور

بِنُورِهِ کُلَّ ظُلْمَهٍ، وَ هُدَّ بِرُکْنِهِ کُلَّ بِدْعَهٍ، وَاهْدِمْ بِعِزَّتِهِ کُلَّ ضَلالَهٍ، وَ اقْصِمْ

او تمامی ظلمت ها را روشن کن، و با استواری او تمامی بدعت ها را درهم شکن، و با عزّت او تمامی گمراهی ها را نابود کن، و به واسطه او تمامی

بِهِ کُلَّ جَبَّارٍ، وَ اخْمِدْ بِسَیْفِهِ کُلَّ نارٍ، وَ اهْلِکْ بِعَدْلِهِ کُلَّ جَوْرٍ، وَاجْرِ

زورگویان را در هم شکن، و با شمشیر او تمامی آتش ها (ی نفاق) را خاموش کن، و با عدالت او تمامی ستم ها را ریشه کن ساز، و فرمانش را

حُکْمَهُ عَلی کُلِّ حُکْمٍ، وَ اذِلَّ بِسُلْطانِهِ کُلَّ سُلْطانٍ، اللَّهُمَّ اذِلَّ کُلَّ مَنْ

بر تمامی فرمانها چیره ساز، و با حکومتش تمامی حکومت ها را خوار گردان، خدایا هر که او را (به بدی) قصد کرده

ناواهُ، وَ اهْلِکْ کُلَّ مَنْ عاداهُ، وَ امْکُرْ بِمَنْ کادَهُ، وَ اسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَهُ

خوار گردان، و هر که با او دشمنی ورزد به هلاکت رسان، و هر که با او نیرنگ کند به مکر خویش دچار ساز، و ریشه کن ساز هر کس که حق اورا انکار کند

حَقَّهُ، وَاسْتَهانَ بِامْرِهِ، وَ سَعی فی اطْفاءِ نُورِهِ، وَ ارادَ اخْمادَ ذِکْرِهِ، اللَّهُمَ

و فرمانش را کوچک شمارد و برای خاموش کردن نورش در تلاش باشد و از بین بردن یادش را اراده کند، خدایا

ص :983

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفی وَ عَلِیٍّ الْمُرْتَضی، وَ فاطِمَهَ الزَّهْرآءِ،

درود فرست بر محمّد مصطفی، و علی مرتضی و فاطمه زهرا،

وَالْحَسَنِ الرِّضا، وَ الْحُسَیْنِ الْمُصَفّی وَ جَمیعِ الْأَوْصِیاءِ، مَصابیحِ

و حسن خشنود (از حق) و حسین پاک (از هر عیب) و همه جانشینان و چراغ های

الدُّجی، وَ اعْلامِ الْهُدی وَمَنارِ التُّقی وَ الْعُرْوَهِ الْوُثْقی وَالْحَبْلِ الْمَتینِ،

(هدایت گر) در تاریکی، و نشانه های هدایت، در اوج پرهیزکاری، و دستاویز محکم و ریسمان قوی

وَ الصِّراطِ الْمُسْتَقیمِ، وَ صَلِّ عَلی وَلِیِّکَ وَ وُلاهِ عَهْدِکَ، وَ الْأَئِمَّهِ مِنْ

و راه راست (درود فرست) و بر ولیّت و والیان پیمانت و امامان از

وُلْدِهِ، وَ مُدَّ فی اعْمارِهِمْ، وَ زِدْ فی اجالِهِمْ، وَ بَلِّغْهُمْ اقْصی آمالِهِمْ دیناً

فرزندانش درود فرست، و عمرشان را دراز و زندگانیشان را طولانی گردان و آنها را به دورترین آرزوهای

وَدُنْیا وَآخِرَهً، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.(1)

دینی و دنیوی و اخرویشان برسان، زیرا تو بر هر چیز توانایی.

یادآوری لازم:

بی شک همه افراد قادر نیستند این همه اعمال را در شب و روز جمعه بجا آورند و در واقع دستوراتی است که از هر یک از معصومین علیهم السلام به یارانشان داده شده و جمع میان همه آنها آسان نیست و از آن جا که اسلام شریعت سهل و آسان است- مخصوصاً در مورد مستحبّات- هر کس می تواند به اندازه توان خود از میان آنها گزینش کند و یا این که به صورت متناوب در شب ها و روزهای جمعه انجام دهد. مهم آن است که روح اخلاص و حضور قلب در انجام این مستحبّات محفوظ باشد و با خواندن این

اذکار حقیقت آن در وجود انسان تجسّم یابد و متخلّق به آن گردد. البتّه بعضی از آنها اولویّت دارد مانند نماز جمعه، که حتّی المقدور ترک نشود.

ص: 984

1- [1449]مصباح المتهجّد، صفحه 406 و مصباح کفعمی، صفحه 546(با مقداری تفاوت).

فصل دهم: زیارات ایّام هفته

اشاره

مقدّمه:

«سیّد بن طاووس» رحمه الله در کتاب «جمال الاسبوع» می نویسد، مرحوم «صدوق» روایتی نقل می کند که خلاصه اش چنین است:

در زمانی که حضرت امام هادی علیه السلام در «سامرّا» تحت نظر و مراقبت شدید مأموران متوکّل عبّاسی قرار داشتند، یکی از یارانش با استفاده از اعتقادات ولایی یکی از مأموران، به خدمتش شرفیاب می شود و از جمله سؤالاتی که می کند، سؤال از تفسیر این حدیث است که از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

«لا تُعادُوا الْأَیّامَ فَتُعادیکُم؛

با روزها دشمنی نکنید که آنها نیز با شما دشمنی می کنند». فرمود: آری مراد از ایّام (روزها) ما هستیم مادامی که آسمانها و زمین برپاست. پس شنبه نام رسول اللّه صلی الله علیه و آله است، یکشنبه نام امیر مؤمنان علیه السلام و دوشنبه نام حسن و حسین علیهما السلام و سه شنبه نام علی بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد علیهم السلام و چهارشنبه نام موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمّد بن علی و من (علی بن محمّد علیهم السلام) و پنج شنبه نام فرزندم حسن علیه السلام و جمعه نام فرزند فرزندم (حجّه بن الحسن علیه السلام) است، کسی که طرفداران حق، سرانجام گرد او جمع می شوند. سپس فرمود: این است معنای ایّام، پس با آنها در دنیا دشمنی مکنید که آنها در آخرت با شما دشمنی می کنند، آنگاه فرمود: خداحافظی کن و از خانه خارج شو که بر تو ایمن نیستم.(1) آنگاه «سیّد بن طاووس» این روایت را به سند دیگری از «قطب راوندی» نقل می کند،(2) سپس برای هر یک از آن بزرگواران در روز مخصوص خودش زیارتی نقل می کند به این ترتیب:

زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله در روز شنبه:

اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَاشْهَدُ انَّکَ رَسُولُهُ، وَانَّکَ

گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه ای که شریکی ندارد و گواهی می دهم که تو فرستاده او

ص: 985

1- [1450]جمال الاسبوع، صفحه 25.
2- [1451]همان مدرک، صفحه 27.

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِاللَّهِ، وَاشْهَدُ انَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالاتِ رَبِّکَ، وَنَصَحْتَ

و محمّد، فرزند عبداللَّه هستى و گواهى مى دهم كه تو رسالت هاى پروردگارت را رسانده

لِامَّتِکَ، وَجاهَدْتَ فى سَبيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ، وَادَّيْتَ

و براى امّتت خيرخواهى نمودى و در راه خدا با حِكمت و پند نيكو جهاد كرده و

الَّذى عَلَيْکَ مِنَ الْحَقِّ، وَانَّکَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنينَ، وَغَلُظْتَ عَلَى

حقّى كه بر عهده داشتى ادا نمودى، و تو به يقين بر مؤمنان مهربان و بر كافران سخت گير بودى

الْكافِرينَ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتّى اتيکَ الْيَقينُ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِکَ أَشْرَفَ

و با اخلاص تا زمان وفاتت خدا را عبادت نمودى، پس خداوند تو را به شريف ترين

مَحَلِّ الْمُكَرَّمينَ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِى اسْتَنْقَذَنا بِکَ مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلالِ،

مكان گراميان برساند، حمد و سپاس از آنِ خداوندى است كه به واسطه تو ما را از شرك و گمراهى نجات داد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ صَلَواتِکَ وَصَلَواتِ مَلائِكَتِکَ،

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و قرار ده درودهايت و درودهاى فرشتگان و

وَانْبِيآئِکَ وَالْمُرْسَلينَ، وَعِبادِکَ الصَّالِحينَ، وَاهْلِ السَّمواتِ وَالْأَرَضينَ،

پيامبران و فرستادگان و بندگان شايسته ات و ساكنان آسمانها و زمين

وَمَنْ سَبَّحَ لَکَ يا رَبَّ الْعالَمينَ مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْاخِرينَ، عَلى مُحَمَّدٍ

و هر که از پیشینیان و پسینیان تو را ای پروردگار جهانیان تسبیح می گوید همه را بر محمّد

عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ، وَنَبِیِّکَ وَامینِکَ، وَنَجِیبِکَ وَحَبیبِکَ، وَصَفِیِّکَ

بنده و فرستاده و پیامبر و امین و شریف و حبیب و پاک

وَصَفْوَتِکَ، وَخآصَّتِکَ وَخالِصَتِکَ، وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَاعْطِهِ الْفَضْلَ

و برگزیده و (بنده) خاص و خالصت و اختیار شده از میان مخلوقاتت (قرار ده)، و به او فضل و

وَ الْفَضیلَهَ، وَالْوَسیلَهَ وَالدَّرَجَهَ الرَّفیعَهَ، وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً یَغْبِطُهُ

مقام و وسیله شفاعت و رتبه بلند عنایت فرما، و او را به جایگاه پسندیده ای که

بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْاخِرُونَ، اللَّهُمَّ انَّکَ قُلْتَ: وَلَوْ انَّهُمْ اذْ ظَلَمُوا انْفُسَهُمْ

پیشینیان و پسینیان به آن غبطه می خورند برسان، خدایا تو خود فرمودی: و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می کردند

جآؤُکَ، فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ، لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحیماً.

به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند

ص: 986

الهی فَقَدْ اتَیْتُ نَبِیَّکَ مُسْتَغْفِراً تآئِباً مِنْ ذُنُوبی فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

ای معبود من، آمرزش خواه و توبه کنان از گناهان خویش نزد پیامبرت آمده ام، پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

وَ اغْفِرها لی یا سَیِّدَنا اتَوَجَّهُ بِکَ وَبِاهْلِ بَیْتِکَ الَی اللَّهِ تَعالی رَبِّکَ وَرَبّی

و گناهانم را بیامرز، ای آقا و سرور ما، به واسطه تو و خاندانت به خداوند بلندمرتبه ای که پروردگار تو و من است متوسّل می شوم

لِیَغْفِرَ لی سپس سه بار بگو: انَّا للَّهِ وَانَّا الَیْهِ راجِعُونَ* سپس بگو: اصِبْنا بِکَ یا

تا مرا بیامرزد،***** ما از آنِ خداییم و به سوی او باز می گردیم**** ای محبوب دل های

حَبیبَ قُلُوبِنا، فَما اعْظَمَ الْمُصیبَهَ بِکَ حَیْثُ انْقَطَعَ عَنَّا الْوَحْیُ، وَ حَیْثُ

ما بواسطه (از دست دادن) تو مصیبت زده شده ایم، پس مصیبت فقدانت چه بزرگ است چون وحی از ما قطع شد، و

فَقَدْ ناکَ، فَانَّا للَّهِ وَانَّا الَیْهِ راجِعُونَ، یا سَیِّدَنا یا رَسُولَ اللَّهِ، صَلَواتُ

تو را از دست دادیم، پس ما از آنِ خداییم و به سوی او باز می گردیم، ای آقا و سرور ما، ای رسول خدا، درودهای

اللَّهِ عَلَیْکَ وَعَلی آلِ بَیْتِکَ الطَّاهِرینَ، هذا یَوْمُ السَّبْتِ وَهُوَ یَوْمُکَ، وَانَا

خدا بر تو و بر خاندان پاکیزه ات، امروز روز شنبه و روز توست، و من

فیهِ ضَیْفُکَ وَجارُکَ، فَاضِفْنی وَاجِرْنی فَانَّکَ کَریمٌ تُحِبُّ الضِّیافَهَ،

در این روز میهمان و پناهنده توام، پس میهمانم کن و پناهم ده، زیرا تو بزرگوار و میهمان نوازی

وَمَأْمُورٌ بِالْإِجارَهِ، فَاضِفْنی وَاحْسِنْ ضِیافَتی وَاجِرْنا وَاحْسِنْ

و به پناه دادن مأموری، پس میهمانم کن و نیکو پذیراییم کن، و پناهم ده و آن را نیکو گردان

اجارَتَنا، بِمَنْزِلَهِ اللَّهِ عِنْدَکَ وَعِنْدَ آلِ بَیْتِکَ، وَبِمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَهُ، وَبِمَا

به حق جایگاهی که خدا نزد تو و خاندانت دارد و جایگاهی که آنان نزد خدا دارند، و به حق دانشی

اسْتَوْدَعَکُمْ مِنْ عِلْمِهِ، فَانَّهُ اکْرَمُ الْأَکْرَمینَ.(1)

که خدا نزد شما ودیعه گذاشته، زیرا او گرامی ترین گرامیان است.

یادآوری:

همان گونه که مرحوم محدّث قمی گفته است، ممکن است قبل از این زیارت، زیارت کوتاه دیگری که ابن ابی نصر بزنطی به سند صحیح از امام رضا علیه السلام نقل کرده، خوانده شود. او می گوید محضر امام رضا علیه السلام رسیدم و عرض کردم بعد از نماز چگونه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام و صلوات بفرستیم، فرمود می گویی:

1- [1452]جمال الاسبوع، صفحه 29 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 211 (با اندکی تفاوت).

السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

سلام بر تو ای رسول خدا، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، سلام بر تو ای

مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا خِیَرَهَاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبیبَ اللَّهِ،

محمّد فرزند عبداللَّه، سلام بر تو ای اختیار شده خدا، سلام بر تو ای محبوب خدا

السَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفْوَهَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا امینَ اللَّهِ، اشْهَدُ انَّکَ رَسُولُ

سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای امین (وحی) خدا، گواهی می دهم که تو فرستاده

اللَّهِ، وَاشْهَدُ انَّکَ مُحمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَاشْهَدُ انَّکَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِکَ،

خدایی، و گواهی می دهم که تو محمّد فرزند عبداللَّه هستی، و گواهی می دهم که تو برای امّتت خیرخواهی نموده

وَجاهَدْتَ فی سَبیلِ رَبِّکِ، وَعَبَدْتَهُ حَتّی اتیکَ الْیَقینُ، فَجَزاکَ اللَّهُ یا

و در راه پروردگارت جهاد کردی و تا زمان وفاتت او را عبادت نمودی، پس ای

رَسُولَ اللَّهِ، افْضَلَ ما جَزی نَبِیّاً عَنْ امَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مَحَمِّدٍ و آلِ

رسول خدا، خداوند به تو پاداش خیر دهد، بهترین پاداشی که خداوند به پیامبری از جانب امّتش داده است، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش

مُحَمِّدٍ، افْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی ابْراهِیمَ وَ آلِ ابْراهیمَ، انَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ.(1)

درود فرست، برترین درودی که بر ابراهیم و خاندانش فرستاده ای زیرا تو سزاوار ستایش و بزرگواری.

زیارت امیرمؤمنان علی علیه السلام در روز یکشنبه:

السَّلامُ عَلَی الشَّجَرَهِ النَّبَوِیَّهِ، وَالدَّوْحَهِ الْهاشِمِیَّهِ الْمُضیئَهِ، الْمُثْمِرَهِ

سلام بر شجره طیّبه نبوّت، و درخت تنومند هاشمی نورافشان، که ثمره اش

بِالنُّبُوَّهِ، الْمُونِقَهِ بِالْإِمامَهِ، وَ عَلی ضَجیعَیْکَ آدَمَ وَ نُوحٍ عَلَیْهِمَا السَّلامُ،

نبوّت و زیباییش با امامت است و (سلام بر) دو خفته در برت آدم و نوح- که درود بر آن دو باد-

السَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلی اهْلِ بَیْتِکَ الطَّیِّبینَ الطَّاهِرینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی

سلام بر تو و بر خاندان پاک و پاکیزه ات، سلام بر تو و بر

الْمَلائِکَهِ الْمُحْدِقینَ بِکَ، وَالْحآفّینَ بِقَبْرِکَ، یا مَوْلایَ یا امیرَالْمُؤْمِنینَ،

فرشتگان احاطه کننده و گردش کنندگان اطراف قبرت، ای مولا و سرورم، ای امیرمؤمنان

ص: 988

1- [1453]قرب الاسناد، صفحه 169 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 24، حدیث 25.

هذا یَوْمُ الْأَحَدِ وَهُوَ یَوْمُکَ وَبِاسْمِکَ، وَا نَا ضَیْفُکَ فیهِ وَجارُکَ، فَاضِفْنی

امروز یکشنبه است و این روز تو و به نام توست، و من در این روز میهمان وپناهنده توأم، پس ای

یا مَوْلایَ وَ اجِرْنی فَانَّکَ کَریمٌ تُحِبُّ الضِّیافَةَ، وَ مَأْمُورٌ بِالْإِجارَهِ،

مولای من میهمانم کن و پناهم ده، زیرا تو بزرگوار و میهمان نوازی، و به پناه دادن مأموری

فَافْعَلْ ما رَغِبْتُ الَیْکَ فیهِ، وَرَجَوْتُهُ مِنْکَ، بِمَنْزِلَتِکَ وَ آلِ بَیْتِکَ عِنْدَاللَّهِ،

پس آنچه را که از تو انتظار دارم و از تو امید دارم انجام ده، به حق جایگاهی که تو و خاندانت نزد خدا دارید

وَمَنْزِلَتِهِ عِنْدَکُمْ، وَ بِحَقِّ ابْنِ عَمِّکَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ،

و جایگاه خدا نزد شما و به حق پسر عمویت رسول خدا- که درود و سلام خدا بر او و خاندان پاکش

وَعَلَیْهِم اجْمَعینَ.[1]

و تمامی آنان باد-.

یادآوری:

در این جا مناسب است به دو زیارت مربوط به حضرت زهرا، صدّیقه کبری علیها السلام که به دو روایت نقل شده نیز اشاره شود؛ زیرا اگرچه روز یکشنبه به نام آن حضرت ذکر نشده، لکن شایسته است پس از زیارت امیرمؤمنان علیه السلام، زیارت آن حضرت نیز خوانده شود:

زیارت اوّل صدّیقه کبری علیها السلام:

السَّلامُ عَلَیْکِ یا مُمْتَحَنَهُ، امْتَحَنَکِ الَّذی خَلَقَکِ، فَوَجَدَکِ لِمَا امْتَحَنَکِ

سلام بر تو ای بانوی آزمایش شده، آنکه تو را آفرید، امتحانت نمود، پس تو را نسبت به امتحانت

صابِرَهً، ا نَا لَکِ مُصَدِّقٌ، صابِرٌ عَلی ما اتی بِهِ ابُوکِ وَوَصِیُّهُ صَلَواتُ اللّهِ

شکیبا یافت، من تصدیق کننده توام، و در راه آنچه پدرت و جانشینیش- که درود خدا

عَلَیْهِما، وَانَا اسْئَلُکِ انْ کُنْتُ صَدَّقْتُکِ الَّا الْحَقْتِنی بِتَصْدیقی لَهُما لِتُسَرَّ

بر هر دوی آنان باد- آورده شکیبایم، و از تو می خواهم که اگر تصدیقت نمودم مرا به آن دو بزرگوار برسانی تا خشنودم سازی،

نَفْسی فَاشْهَدی انّی ظاهِرٌ بِوِلایَتِکِ، وَ وِلایَهِ آلِ بَیْتِکِ صَلَواتُ اللَّهِ

پس گواه باش که من آشکار کننده ولایت تو و ولایت خاندان تو- که درود خدا

ص: 989

1- [1454]جمال الاسبوع، صفحه 31 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 212(با اندکی تفاوت).

عَلَيْهِمْ اجْمَعينَ.(1)

بر تمامى آنان باد- هستم.

زيارت دوم صدّيقه كبرى عليها السلام:

السَّلامُ عَلَيْكِ يا مُمْتَحَنَهُ، امْتَحَنَكِ الَّذى خَلَقَكِ قَبْلَ انْ يَخْلُقَكِ، وَكُنْتِ

سلام بر تو اى بانوى آزمايش شده، آنكه تو را آفريد پيش از آفرينشت (در اين جهان) امتحانت نمود، و تو نسبت

لِمَا امْتَحَنَكِ بِه صابِرَةً، وَ نَحْنُ لَكِ اوْلِياءٌ مُصَدِّقُونَ، وَ لِكُلِّ ما اتى بِهِ

به امتحانت شكيبا بودى و ما دوستداران تو و تصديق كننده تو ايم، و در برابر تمامى آنچه

ابُوكِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، وَ اتى بِهِ وَصِيُّهُ عَلَيْهِ السَّلامُ مُسَلِّمُونَ،

پدرت- كه درود و سلام خدا بر او و خاندان پاكش باد- و جانشينش- كه بر او درود باد- آورده اند،

وَ نَحْنُ نَسْئَلُكَ اللَّهُمَّ اذْ كُنَّا مُصَدِّقينَ لَهُمْ، انْ تُلْحِقَنا بِتَصْديقِنا بِالدَّرَجَهِ

تسليم هستيم و خدايا از تو مى خواهيم چون ما تصديق كنندگان آنانيم، ما را به واسطه تصديقمان

الْعالِيَهِ، لِنُبَشِّرَ انْفُسَنا بِانَّا قَدْ طَهُرْنا بِوِلايَتِهِمْ عَلَيْهِمُ السَّلامُ.(2)

به رتبه عالى برسانى، تا به خود مژده دهيم كه ما به واسطه ولايت آنان- كه بر آنان درود باد- پاكيزه گشته ايم.

زيارت امام حسن و امام حسين عليهما السلام در روز دوشنبه:

ابتدا خطابش را متوجّه امام حسن مجتبى عليه السلام كند و بگويد:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ

سلام بر تو اى فرزند فرستاده پروردگار جهانيان، سلام بر تو اى فرزند

امیرِالْمُؤْمِنینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ فاطِمَهَالزَّهْرآءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا

امیرمؤمنان، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو ای

حَبیبَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفْوَهَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا امینَ اللَّهِ، السَّلامُ

محبوب خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای امین خدا، سلام

1- [1455]جمال الاسبوع، صفحه 31 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 212(با اندکی تفاوت).

2- [1456]جمال الاسبوع، صفحه 32. این زیارت را علّامه مجلسی با مختصری تفاوت در بحارالانوار، جلد 97، صفحه 194 از امام باقر علیه السلام نقل می کند.

عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا نُورَاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا صِراطَاللَّهِ،

بر تو ای حجّت خدا، سلام بر تو ای نور خدا، سلام بر تو ای راه (رسیدن به) خدا

السَّلامُ عَلَیْکَ یا بَیانَ حُکْمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا ناصِرَ دینِ اللَّهِ، السَّلامُ

سلام بر تو ای روشن کننده فرمان خدا، سلام بر تو ای یاور دین خدا، سلام

عَلَیْکَ ایُّهَا السَّیِدُ الزَّکِیُّ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْبَرُّ الْوَفِیُّ، السَّلامُ عَلَیْکَ

بر تو ای آقای پاکیزه، سلام بر تو ای نیکوکار با وفا، سلام بر تو

ایُّهَا الْقآئِمُ الْأَمینُ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْعالِمُ بِالتَّأْویلِ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا

ای قیام کننده امین، سلام بر تو ای دانای به تأویل قرآن، سلام بر تو ای

الْهادِی الْمَهْدِیُّ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الطَّاهِرُ الزَّکِیُّ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا

هدایتگر هدایت یافته، سلام بر تو ای پاک پاکیزه، سلام بر تو ای

التَّقِیُّ النَّقِیُّ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْحَقُّ الْحَقیقُ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الشَّهیدُ

پرهیزکار پاک، سلام بر تو ای حقیقت شایسته، سلام بر تو ای شهید

الصِّدّیقُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یااباmُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ، وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ.(1)

راست گفتار، سلام بر تو ای ابامحمّد حسن بن علی و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

سپس امام حسین علیه السلام را مخاطب سازد و بگوید:

السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ امیرِ الْمُؤْمِنینَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان

السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ سَیِّدَهِ نِسآءِ الْعالَمینَ، اشْهَدُ انَّکَ اقَمْتَ الصَّلاهَ،

سلام بر تو ای فرزند سرور بانوان جهانیان، گواهی می دهم که تو نماز را بپا داشته

وَآتَیْتَ الزَّکاهَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ

و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کرده و خدا را

مُخْلِصاً، وَجاهَدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ حَتّی اتیکَ الْیَقینُ، فَعَلَیْکَ السَّلامُ

خالصانه عبادت نمودی، و در راه خدا تا زمان وفاتت به شایستگی جهاد کردی، پس تا زمانی

مِنّی ما بَقیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ، وَعَلی آلِ بَیْتِکَ الطَّیِّبینَ الطَّاهِرینَ، ا نَا

که زنده ام و شب و روز باقی است درود من بر تو و خاندان پاک و پاکیزه ات باد،

ص: 991

1- [1457]جمال الاسبوع، صفحه 32 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 213.

يا مَوْلاىَ مَوْلىً لَکَ وَلِآلِ بَيْتِکَ، سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ

ای مولای من تو و خاندانت را دوست دارم، با هر که با تو در صلح است در صلحم و با هر که با تو در جنگ است

حارَبَکُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّکُمْ وَجَهْرِکُمْ، وَظاهِرِکُمْ وَباطِنِکُمْ، لَعَنَ اللَّهُ

در ستيزم به پنهان و آشکار و ظاهر و باطن شما ايمان دارم، خداوند

اعْدآئَکُمْ مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْأخِرينَ، وَانَا ابْرَءُ الَى اللَّهِ تَعالى مِنْهُمْ* آنگاه هر دشمنان شما را از پيشينيان و پسينيان لعنت کند و من از آنها به درگاه خدا بيزاری می جويم*******

دو بزرگوار را مخاطب ساخته، بگوييد: يا مَوْلاىَ يا ابا مُحَمَّدٍ، يا مَوْلاىَ يا ابا عَبْدِاللَّهِ،

************ ای مولای من ای ابامحمّد، ای مولای من ای اباعبداللَّه

هذا يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ وَهُوَ يَوْمُکُما وَبِاسْمِکُما، وَانَا فيهِ ضَيْفُکُما

امروز دوشنبه و روز شما و به نام شماست، و من در اين روز ميهمان شمايم

فَاضيفانى وَاحْسِنا ضِيافَتى فَنِعْمَ مَنِ اسْتُضيفَ بِهِ انْتُما، وَانَا فيهِ مِنْ

پس ميهمانم کرده و نيکو پذيراييم کنيد، پس خوشا به حال آنکه ميهمان شما باشد، و من در اين روز

جِوارِکُما فَاجيرانى فَانَّکُما مَأْمُورانِ بِالضِّيافَهِ وَالْإِجارَهِ، فَصَلَّى اللَّهُ

از پناهندگان شمايم پس پناهم دهيد زيرا شما دو بزرگوار به ميهمان نوازی و پناه دادن مأموريد، پس درود خدا

عَلَيْکُما وَآلِکُمَا الطَّيِّبينَ.(1)

بر شما و بر خاندان پاکتان باد.

زیارت امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام در روز سه شنبه:

السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا خُزَّانَ عِلْمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا تَراجِمَهَ وَحْیِ اللَّهِ،

سلام بر شما ای گنجینه های علم خدا، سلام بر شما ای مفسّران وحی خدا

السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا ائِمَّهَ الْهُدی السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اعْلامَ التُّقی السَّلامُ

سلام بر شما ای پیشوایان هدایت، سلام بر شما ای نشانه های پرهیزکاری، سلام

عَلَیْکُمْ یا اوْلادَ رَسُولِ اللَّهِ، ا نَا عارِفٌ بِحَقِّکُمْ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِکُمْ، مُعادٍ

بر شما ای فرزندان رسول خدا، من به حق شما آشنایم، شأن و جایگاهتان را می شناسم، با

ص: 992

1- [1458]جمال الاسبوع، صفحه 33 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 213.

لِأَعْدآئِکُمْ، مُوالٍ لِأَوْلِیآئِکُمْ، بِابی انْتُمْ وَ امّی صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ، اللَّهُمَ

دشمنانتان دشمن و با دوستانتان دوستم، پدر و مادرم فدای شما و درود خدا بر شما باد، خدایا

انّی اتَوالی آخِرَهُمْ کَما تَوالَیْتُ اوَّلَهُمْ، وَ ابْرَءُ مِنْ کُلِّ وَلیجَهٍ دُونَهُمْ،

همان گونه که اوّلین آنها را دوست دارم آخرینشان را هم دوست دارم، و از هر محرم اسراری غیر آنان بیزاری می جویم

وَاکْفُرُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللّاتِ وَ الْعُزّی صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ یا

و به جبت و طاغوت و لات و عُزّی کافرم، درود خدا بر شما باد ای

مَوالِیَّ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَ الْعابِدینَ، وَسُلالَهَ

سروران من و رحمت و برکات خدا بر شما باد- سلام بر تو ای آقا و سرور عابدان، و از نسل

الْوَصِیّینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا باقِرَ عِلْمِ النَّبِیّینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا صادِقاً

جانشینان، سلام بر تو ای شکافنده علم پیامبران، سلام بر تو ای راست گفتار

مُصَدَّقاً فِی الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ، یا مَوالِیَّ هذا یَوْمُکُمْ وَ هُوَ یَوْمُ الثُّلَثآءِ، وَانَا

تصدیق شده در گفتار و کردار، ای سروران من امروز روز شما و سه شنبه است، و من

فیهِ ضَیْفٌ لَکُمْ وَمُسْتَجیرٌ بِکُمْ، فَاضیفُونی وَ اجیرُونی بِمَنْزِلَهِ اللَّهِ

در این روز میهمان شما و به شما پناهنده ام، پس میهمانم کرده و پناهم دهید به حق جایگاه خدا

عِنْدَکُمْ، وَآلِ بَیْتِکُمُ الطَّیِّبینَ الطَّاهِرینَ.(1)

نزد شما و خاندان پاک و پاکیزه تان.

زیارت امام موسی کاظم، امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام در روز چهارشنبه:

السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اوْلِیآءَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا حُجَجَ اللَّهِ، السَّلامُ

سلام بر شما ای دوستداران خدا، سلام بر شما ای حجّت های خدا، سلام

عَلَیْکُمْ یا نُورَ اللَّهِ فی ظُلُماتِ الْأَرْضِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ، صَلَواتُ اللَّهِ

بر شما ای نور خدا در تاریکی های زمین، سلام بر شما باد، درود خدا

عَلَیْکُمْ وَعَلی آلِ بَیْتِکُمُ الطَّیِّبینَ الطَّاهِرینَ، بِابی انْتُمْ وَامّی لَقَدْ عَبَدْتُمُ

بر شما و خاندان پاک و پاکیزه شما، پدر و مادرم فدای شما باد، به یقین خدا را

ص: 993

1- [1459]جمال الاسبوع، صفحه 34 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 214.

اللَّهَ مُخْلِصينَ، وَجاهَدْتُمْ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ حَتّی اتیکُمُ الْیَقینُ، فَلَعَنَ

خالصانه عبادت نمودید، و در راه خدا تا زمان وفاتتان به شایستگی جهاد نمودید، پس

اللَّهُ اعْدآئَکُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ اجْمَعینَ، وَانَا ابْرَءُ الَی اللَّهِ وَ الَیْکُمْ مِنْهُمْ،

خدا دشمنانتان را از تمامی جنّ و انس لعنت کند، و من به درگاه خدا و شما از آنها بیزاری می جویم،

یا مَوْلایَ یا ابا ابْراهیمَ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ، یا مَوْلایَ یا ابَا الْحَسَنِ عَلِیَّ بْنَ

ای مولای من ای اباابرهیم موسی بن جعفر، ای مولای من ای ابالحسن علی بن

مُوسی، یا مَوْلایَ یا ابا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ، یا مَوْلایَ یا ابَا الْحَسَنِ

موسی، ای مولای من ای اباجعفر محمّد بن علی، ای مولای من ای ابالحسن

عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، ا نَا مَوْلیً لَکُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّکُمْ وَجَهْرِکُمْ، مُتَضَیِّفٌ بِکُمْ فی

علی بن محمّد، من دوستدار شمایم و به نهان و آشکار شما ایمان دارم، و در این روزِ شما،

یَوْمِکُمْ هذا، وَهُوَ یَوْمُ الْأَرْبَعآءِ، وَمُسْتَجیرٌ بِکُمْ، فَاضیفُونی وَ اجیرُونی

میهمان شمایم، و امروز چهارشنبه است، و به شما پناهنده ام، پس میهمانم کنید و پناهم دهید

بِآلِ بَیْتِکُمُ الطَّیِّبینَ الطَّاهِرینَ.(1)

به حق خاندان پاک و پاکیزه تان.

زیارت امام حسن عسکری علیه السلام در روز پنج شنبه:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللَّهِ وَخالِصَتَهُ، السَّلامُ

سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجّت خدا و بنده خالصش، سلام

عَلَیْکَ یا امامَ الْمُؤْمِنینَ، وَوارِثَ الْمُرْسَلینَ، وَحُجَّهَ رَبِّ الْعالَمینَ، صَلَّی

بر تو ای پیشوای مؤمنان، و وارث فرستادگان و حجّت پروردگار جهانیان، درود

اللَّهُ عَلَیْکَ وَعَلی آلِ بَیْتِکَ الطَّیِّبینَ الطَّاهِرینَ، یا مَوْلایَ یا ابا مُحَمَّدٍ

خدا بر تو و بر خاندان پاک و پاکیزه تان باد، ای مولای من، ای ابا محمّد

الْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ، انَا مَوْلیً لَکَ وَلِالِ بَیْتِکَ، وَهذا یَوْمُکَ وَهُوَ یَوْمُ

حسن بن علی، من دوستدار تو و خاندان توام و امروز روز تو و روز

ص: 994

1- [1460]جمال الاسبوع، صفحه 35 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 215.

الْخَميسِ، وَانَا ضَيْفُکَ فيهِ، وَمُسْتَجيرٌ بِکَ فيهِ، فَاحْسِنْ ضِيافَتی

پنج شنبه است و من در این روز میهمان تو و به تو پناهنده ام، پس نیکو میهمانم کن

وَاجارَتی بِحَقِّ آلِ بَیْتِکَ الطَّیِّبینَ الطَّاهِرینَ.(1)

و پناهم ده، به حق خاندان پاک و پاکیزه ات.

زیارت حضرت مهدی، امام زمان علیه السلام در روز جمعه:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ فی ارْضِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَیْنَ اللَّهِ فی خَلْقِهِ،

سلام بر تو ای حجّت خدا در زمین، سلام بر تو ای دیده بینای خدا در میان مخلوقات

السَّلامُ عَلَیْکَ یا نُورَ اللَّهِ الَّذی یَهْتَدی بِهِ الْمُهْتَدُونَ، وَیُفَرَّجُ بِهِ عَنِ

سلام بر تو ای نور خدا که هدایت شدگان به آن هدایت یابند و به وسیله آن در کار مؤمنان گشایشی حاصل شود،

الْمُؤْمِنینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخآئِفُ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْوَلِیُ

سلام بر تو ای تربیت یافته ترسان از خدا، سلام بر تو ای سرپرست خیرخواه،

النَّاصِحُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَفینَهَ النَّجاهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَیْنَ الْحَیاهِ،

سلام بر تو ای کشتی نجات، سلام بر تو ای چشمه حیات

السَّلامُ عَلَیْکَ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ وَعَلی آلِ بَیْتِکَ الطَّیِّبینَ الطَّاهِرینَ،

سلام بر تو باد، درود خدا بر تو و خاندان پاک و پاکیزه ات

السَّلامُ عَلَیْکَ، عَجَّلَ اللَّهُ لَکَ ما وَعَدَکَ مِنَ النَّصْرِ وَظُهُورِ الْأَمْرِ،

سلام بر تو باد، خدا در وعده ای که برای یاری و ظهورت داده تعجیل کند

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ، انَا مَوْلاکَ عارِفٌ بِاولیکَ وَاخْریکَ، اتَقَرَّبُ

سلام بر تو ای مولا و سرورم، من دوستدار تو و به آغاز و پایان کارت آشنایم، و به

الَی اللَّهِ تَعالی بِکَ وَبِآلِ بَیْتِکَ، وَانْتَظِرُ ظُهُورَکَ وَظُهُورَ الْحَقِّ عَلی یَدَیْکَ،

واسطه تو و خاندانت به خداوند بلندمرتبه تقرّب می جویم، و منتظر ظهورت و ظهور حق به دستانت هستم

وَاسْئَلُ اللَّهَ انْ یُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ یَجْعَلَنی مِنَ

و از خدا می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستد و مرا از

1- [1461]جمال الاسبوع، صفحه 36 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 215.

الْمُنْتَظِرینَ لَکَ، وَالتَّابِعینَ وَالنَّاصِرینَ لَکَ عَلی اعْدآئِکَ، وَالْمُسْتَشْهَدینَ

منتظران و پیروان و یاورانت در برابر دشمنان و از شهیدان

بَیْنَ یَدَیْکَ فی جُمْلَهِ اوْلِیآئِکَ، یا مَوْلایَ یا صاحِبَ الزَّمانِ صَلَواتُ اللَّهِ

پیش رویت در میان دوستانت قرار دهد. ای مولا و سرورم ای صاحب زمان- که درود خدا

عَلَیْکَ وَعَلی آلِ بَیْتِکَ، هذا یَوْمُ الْجُمُعَهِ، وَهُوَ یَوْمُکَ الْمُتَوَقَّعُ فیهِ

بر تو و خاندان پاکت باد- امروز جمعه و روز توست که در آن ظهور تو و

ظُهُورُکَ، وَالْفَرَجُ فیهِ لِلْمُؤْمِنینَ عَلی یَدَیْکَ، وَقَتْلُ الْکافِرینَ بِسَیْفِکَ،

گشایش در کار مؤمنان به دستت و هلاکت کافران با شمشیرت انتظار می رود

وَانَا یا مَوْلایَ فیهِ ضَیْفُکَ وَجارُکَ، وَانْتَ یا مَوْلایَ کَریمٌ مِنْ اوْلادِ

و من ای مولا و سرورم در این روز میهمان تو و به تو پناهنده ام، و تو ای مولای من بزرگوار از نسل

الْکِرامِ، وَمَأْمُورٌ بِالضِّیافَهِ وَالْإِجارَهِ، فَاضِفْنی وَ اجِرْنی صَلَواتُ اللَّهِ

بزرگوارانی، و به میهمان نوازی و پناه دادن مأموری، پس میهمانم کن و پناهم ده، درود خدا

عَلَیْکَ وَعَلی اهْلِ بَیْتِکَ الطَّاهِرینَ.(1)

بر تو و بر خاندان پاکیزه ات باد.

یادآوری:

روشن است که توجّه به رسول اللَّه صلی الله علیه و آله و سایر معصومین علیهم السلام در ایّام هفته، روح ولایت و عشق به آن بزرگواران را در انسان زنده نگه می دارد، و او را به تأسّی و اقتدای به آن پیشوایان

معصوم علیهم السلام وامی دارد، و از شرّ شیاطین و مفسدان و هوای نفس حفظ می کند. خوشا به حال آنها که هر روز را با یاد یکی از موالی خود سپری می کنند، و در ایمان و عمل و اخلاق به آنها اقتدا می جویند.

ص: 996

1- [1462]جمال الاسبوع، صفحه 37 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 215.

بخش ششم: آداب، مقدمات و تعقیبات نماز

اشاره

ص: 997

اگر روح انسان، خدایی و از دیار ملکوت است، چنانکه خداوند سبحان پس از آفرینش جسم او فرمود:

«وَ نَفَخْتُ فِیهِ مِنْ رُوحِی

؛ از روح خودم [روحی که به من ارتباط دارد و متعلّق به من است در او دمیدم»(1) و اگر وجودِ انسان غیر از جسم خاکی، جانی دارد که قدسی و از عالم بالاست و بلکه همو، حقیقت انسان را تشکیل می دهد، باید پذیرفت که:

1- همان گونه که جسم انسان نیاز به منزل و مسکنی دارد که اسباب سکون و آرامش اعضا و جوارحش در آن فراهم گردد، و با استراحت در آن، نشاط و شادابی خود را پیوسته حفظ کند، روح انسان نیز نیازمندِ منزل و مأوایی است، تا با آرام گرفتن در آن، غبار خستگی و تیرگی را که از تعلّقات مادّی بر چهره اش نشسته، از خویش بزداید و نشاط و شادابی ملکوتیِ نخستین خویش را، به دست آورد.

2- همان گونه که جسم انسان علاوه بر آرامش، نیازمند به غذایی است که انرژی های از دست رفته اش را برگرداند و کاستی هایش را جبران نماید، جان او نیز نیاز به غذایی معنوی و ملکوتی دارد، تا با جذب آن، قوّت و توانِ از دست داده را، به دست آورد.

3- اگر جسم انسان، هر چند ساعتی، نیاز به آبی دارد که خود را با آن شستشو دهد و چرک و آلودگی را از بدن، دست و پا و صورتش دور نماید، روح آدمی نیز به شستشو نیازمند است که آلودگیِ گناه را با آن، از خود بزداید.

4- همان گونه که جسمِ انسان، به مونس و محبوبی محتاج است که به او عشق ورزد، و با ملاقاتِ با او آرام گیرد، دردهای دلش را نجوا کند، روح ملکوتی انسان نیز، محبوب و انیسی می خواهد که با او انس

1- [1463]سوره حجر، آیه 29.

گیرد و به رَوْح و ریحان برسد.

5- اگر جسم انسان سری دارد که مرکزِ فرماندهی و اداره بدن، و به منزله عمودِ خیمه بدن است و بی آن، لحظه ای نمی تواند به حیاتش ادامه دهد، دینِ انسانِ مؤمن نیز، از سری برخوردار است که با اتّصال به آن، به حیاتش استمرار می بخشد و عمودی دارد که به وسیله آن، خیمه دینش برپا می شود.

آری ! اگر بخواهی به همه اینها برسی:

باید نماز را وسیله پرواز خود به عالم بالا قرار دهی و نردبانی برای عروج به آسمانهای فضیلت و قرب به خدا بشمری، که فرمودند: «

الصَّلاهُ مِعْراجُ الْمُؤمِنِ

».(1) باید غذای روحِ خود را نیایش و نماز و دعا قرار دهی، تا قوّت و قدرتِ از دست رفته را بدان بازگردانی، که در حدیث آمده است: «نماز برای اهل عبادت از غذا برای گرسنگان و آب برای تشنگان لذیذتر و گواراتر است».(2) و باید روح خود را در این نهر زلال نماز، هر شبانه روز پنج نوبت شستشو دهی، تا هرگونه گرد و غبارِ معاصی و غفلت را از آن بزدایی؛ همان گونه که در حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که به علی علیه السلام فرمود:

«به خدا سوگند ! که نمازهای پنج گانه برای امّت من چنین است (مانند نهری است که تمام آلودگی ها را می شوید)».(3) و باید برای تولّدی دیگر به سراغ نماز بروی که رسول معظّم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر بنده ای با حضور قلب به نماز ایستد، هنگامی که نماز را به پایان می برد، گویی تازه از مادر متولّد شده و گذشته او بخشوده خواهد شد».(4) و اگر انیس و مونسی خواهی که دیدارِ آن مایه روشنی چشم تو گردد، به نماز برخیز که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «

وَ قُرَّهُ عَیْنی فِی الصَّلاهِ؛

نور چشمانم نماز است».(5) و اگر می خواهی عمود خیمه دین تو، همیشه برپا باشد، و از هرگونه آسیب معنوی و روحانی در امان بمانی، به سراغ نماز برو ! که پیشوایان ما فرمودند: «

الصَّلاةُ عَمُودُ الدّینِ

».(6) و بالاخره در این دنیای پرغوغا و پر از هیاهوی مادّی و مملوّ از اسباب اندوه و نگرانی، اگر می خواهی

ص: 1000

1- [1464]این جمله را به عنوان روایت در جوامع روایی نیافتیم، بلکه آنچه به عنوان روایت آمده است، جمله« الصلاه قربان کلّ تقی»(کافی، جلد 3، صفحه 265، حدیث 6) و جمله« انّ الصّلاه قربان المؤمن» است(کنز العمّال، جلد 7، صفحه 287، حدیث 18907) که تقریباً همان معنا را می رساند، ولی جمله ای که در متن آمده، بقدری معروف است که مرحوم علّامه مجلسی، در لابه لای بیاناتش به آن استشهاد می کند(بحارالانوار، ج 79، صفحه 248 و 303 وجلد 81، صفحه 255).
2- [1465]مکارم الاخلاق، صفحه 461.
3- [1466]مجمع البیان، جلد 5، صفحه 346 و بحارالانوار، جلد 79، صفحه 220، حدیث 41.
4- [1467]بحارالانوار، جلد 79، صفحه 220، حدیث 41.
5- [1468]مکارم الاخلاق، صفحه 461.
6- [1469]امالی طوسی، صفحه 529.

شادابی روح را حفظ کنی و کدورت ها را از چهره جان بزدایی و با نشاط و سرزنده باشی و در برابر مشکلات زانو نزنی و مانند کوه مقاومت کنی، دست به دامان نماز بزن که طبق روایتی از امام صادق علیه السلام هرگاه برای مولای ما امیر مؤمنان علی علیه السلام، مشکلی پیش می آمد، به نماز می ایستاد (و سپس حرکت می کرد) و آنگاه امام علیه السلام آیه 45 سوره بقره را خواند: «

«وَ اسْتَعینُوا بِالصَّبرِ وَ الصَّلاهِ»

؛ از صبر و نماز کمک بگیرید». (1) کوتاه سخن این که آثار نماز در تربیت افراد و ارتقای جامعه انسانی بیش از آن است که در وصف گنجد.

خدایا! به آن شهید لب تشنه کنار فرات، که ظهر عاشورا، با بدن آغشته به خون خویش و یارانش، نماز را به پا داشت و مخاطب به خطاب «

اشْهَدُ انَّکَ قَدْ اقَمْتَ الصَّلاهَ» (2)

گردید، تو را قسم می دهیم که ما را نیز از برپا دارندگانِ حقیقی نماز قرار بده!

خدایا! ما را شیعه آن بانوی «شهیده» ای قرار ده که وقتی در محراب عبادت می ایستاد، به گونه ای به سوی عالم بالا اوج می گرفت که نور جمالش برای فرشتگانِ آسمان، می درخشید، آن گونه که نورِ ستارگان برای اهل زمین می درخشد، و به گونه ای حضور قلب داشت که خدای عزّوجلّ خطاب به ملائکه اش می فرمود: «به کنیزم فاطمه بنگرید که به درگاهِ من ایستاده و تمام وجودش از خوف من لرزان است و با قلب و جانش به عبادتم روی آورده، گواه باشید پیروانش را از آتش دوزخ، امان داده ام». (3)

فلسفه آداب و تعقیبات نماز:

راه یافتن به پیشگاه مولای کریم، توانا و با عظمت؛ گفتگو با حضرت دوست و بهره مندی از محضرش و اعلامِ عشق و وفاداری به وی، نیاز به آماده ساختن مقدّمات از سویی، و جبرانِ کاستی ها و عذرخواهی از عدم مراعات ادب حضور، از سوی دیگر دارد.

توجّه به این امور، فلسفه آداب و مقدّمات و تعقیبات نماز را روشن می سازد. بنابراین، حکمت این آداب و مقدّمات و تعقیبات را می توان در چند امر یادآور شد:

1- چون انسان نمازگزار به پیشگاه محبوبی ارجمند و مولایی کریم می رود و با او به راز و نیاز می پردازد، برای بهره مندی هرچه بیشتر از این فرصت گرانبها، قبل از ورود به نماز، باید خویشتن را با آداب و مقدّماتی- که در روایات آمده است- آماده کند، و خود را از هر چیزی که سبب پراکندگی اندیشه و حواس اوست، دور سازد؛ و پاک و آراسته، خوشبو(4) و مهیّا با شوق به وصال محبوب و خوف از کوتاهیهای خود، در

ص: 1001

1- [1470]کافی، جلد 3، صفحه 480، حدیث 1.
2- [1471]همان مدرک، جلد 4، صفحه 574.
3- [1472]امالی صدوق، صفحه 113، حدیث 2 و بحارالانوار، جلد 43، صفحه 172، حدیث 13.
4- [1473]از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: دو رکعت نمازی که انسان پس از استعمال عطر، به جای آورد از هفتاد رکعت نمازی که بدون استفاده از عطر باشد، بهتر است(مفتاح الفلاح، صفحه 302 و بحارالانوار، جلد 81، صفحه 330، حدیث 7).

برابر حضرت حق به نماز ایستد.(1) 2- ممکن است پس از انجام نماز، بنده نمازگزار، از این محضرِ عظیم به طور کامل استفاده نکرده باشد، حضور قلب کافی نداشته و انجام فریضه اش با کاستی هایی همراه بوده، از این رو بجا آوردن نوافل و قرائت برخی از تعقیبات، کاستی ها را جبران می کند و بنده از تقصیر خویش، به درگاه الهی پوزش می طلبد.(2) 3- برای توفیقی که نصیب او شده که، این عبادت بزرگ را بجای آورده، پس از نماز، سجده شکر بجا می آورد و خدا را بر این توفیق عظیم، سپاس می گوید.(3) 4- پس از انجام فریضه، آنگاه که هنوز در محضر الهی است و از نورانیّت نماز بهره مند است، موقع استجابت دعاست، لذا در آن لحظات نورانی، بنده نیازمند، بهترین خواسته ها را از مولای کریمش می طلبد و برای معاد و معاش، کرامت و عزّت نفس، کفاف و قناعت، رزق حلال و تبرّی از شیطان و امور مادّی و معنوی دیگر و حلّ مشکلات اجتماعی مردم، خدای را می خواند، و برای خود و دیگران دعا می کند.(4)

5- خواندن تعقیباتی که پس از نمازها وارد شده است و توجّه به معانی ارزشمند و مفاهیم بلند هر یک از آنها، پس از آن معراج روحانی، تأثیری شگرف و اثری عمیق، بر روح و جان نمازگزار خواهد داشت.

در این بخش به چند فصل پرداخته می شود:

فصل اوّل: مقدّمات و آداب نماز

فصل دوم: تعقیبات نماز

فصل سوم: سجده شکر

ص: 1002

1- [1474]درباره امام حسن علیه السلام آمده است که هرگاه آن حضرت، وضو می ساخت، بدنش می لرزید و رنگ از رخسارش می پرید.(مناقب، جلد 4، صفحه 14، و بحارالانوار، جلد 43، صفحه 339، حدیث 13).
2- [1475]این مطلب به خوبی از محتوای برخی از تعقیبات به دست می آید که در فصل تعقیبات آمده است، همچنین در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است که نوافل، برای رفع کاستی های فرائض مؤثّراست.(

امالی طوسی، صفحه 650، حدیث 11 و بحارالانوار، جلد 79، صفحه 293، حدیث 24).

3- [1476]این مطلب مضمون روایتی است از امام رضا علیه السلام.(عیون اخبار الرضا، جلد 1، صفحه 281، حدیث 27 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 198، حدیث 5).

4- [1477]در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:« مَنْ أدّی فَرِیضَهً فَلَهُ عِنْدَ اللّٰهِ دَعْوَهٌ مُسْتَجابَهٌ؛ هر کس نماز واجبی را ادا کند، دعایی مستجاب نزد خدا دارد»(عیون اخبار الرضا، جلد 2، صفحه 28، حدیث 22 و بحارالانوار، جلد 82، صفحه 321، حدیث 7). بدین مضمون چندین روایت وارد شده است؛ در روایت دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:« وقتی که بنده نمازگزار، نمازش را به پایان رسانده و از خدا حاجتی نخواهد، خداوند به فرشتگانش می گوید: به بنده ام نگاه کنید، فریضه ام را انجام داد ولی خواسته ای از من طلب نکرد، گویا از من بی نیاز است ...»(بحارالانوار، جلد 82، صفحه 325، حدیث 18).

فصل اوّل: مقدّمات و آداب نماز

مقدّمات و آداب مشترک:

مقصود از آداب مشترک، مقدّمات و آدابی است که در هر نماز- بویژه نمازهای واجب یومیّه- انجام آن، برای نمازگزار سفارش شده است. (البتّه اگر کسی نتواند تمام این آداب را بجا آورد به مقداری که می تواند انجام دهد).

آداب وضو:

هنگامی که خواستی وضو بگیری، نخست مسواک می کنی که مطابق روایات دهان را خوشبو می کند و حافظه را زیاد می گرداند و بر حسنات انسان می افزاید و مایه خشنودی پروردگار است؛ دو رکعت نماز با مسواک کردن برتر از هفتاد رکعت نماز بی مسواک است 1478]، و اگر مسواک نباشد کافی است انگشتان را بر دندان بکشد (و ماساژ دهد)،.(1) و این دلیل روشنی بر اهمّیّت اسلام به مسأله نظافت است.

بهتر است به هنگام وضو رو به قبله باشی و چون نگاهت به آب افتاد، این دعا را بخوانی:

الْحَمْدُللَّهِ الَّذی جَعَلَ الْماَءَ طَهُوراً وَ لَمْ یَجْعَلْهُ نَجِساً.(2) وقتی خواستی دستان حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که آب را پاک کننده قرار داد و ناپاک قرار نداد.*********

را بشویی بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنی مِنَ التَّوَّابینَ وَاجْعَلْنی مِنَ

******* به نام خدا و به یاری خدا، خدایا مرا از توبه کنندگان و

الْمُتَطَهِّرینَ.(3) سپس آب تمیز را سه بار در دهان کرده و مضمضه می کنی و می گویی: اللهُمَ

پاکیزگان قرار ده،*** خدایا

لَقِّنی حُجَّتی یَوْمَ الْقاکَ وَ اطْلِقْ لِسانی بِذِکْرِکَ.(4) آنگاه سه بار آب تمیز را برای در روز دیدارت حجّتم را به من تلقین کن و زبانم را به ذکرت گویا

گردان.******************

ص: 1003

1- [1479]کافی، جلد 3، صفحه 23، حدیث 5.
2- [1480]همان مدرک، صفحه 70، حدیث 6 و مصباح المتهجّد، صفحه 7.
3- [1481]تهذیب، جلد 1، صفحه 76، حدیث 41.
4- [1482]مصباح المتهجّد، صفحه 7 و 8.

استنشاق در بینی می کنی و می گویی: اللَّهُمَّ لا تُحَرِّمْ عَلَیَّ ریحَ الْجَنَّهِ، وَاجْعَلْنی

****************** خدایا بوی بهشت را بر من حرام مگردان و مرا

مِمَّنْ یَشَمُّ ریحَها وَرَوْحَها وَطیبَها.(1) آنگاه نیّت وضو کرده، شروع می کنی به شستن از آنان که بو و نسیم و عطر خوش آن را استشمام می کنند قرار ده.******************************

صورت برای وضو و می گویی: اللَّهُمَّ بَیِّضْ وَجْهی یَوْمَ تَسْوَدُّ فیهِ الْوُجُوهُ، وَلا

********** خدایا مرا رو سفید کن در روزی که صورتها (ی بدکاران) در آن سیاه است

تُسَوِّدْ وَجْهی یَوْمَ تَبْیَضُّ فیهِ الْوُجُوهُ.(2) پس از آن شروع به شستن دست راست می کنی و مرا رو سیاه مکن در روزی که صورتها (ی نیکوکاران) در آن سفید است.********************************

و در آن هنگام می گویی: اللَّهُمَّ اعْطِنی کِتابی بِیَمینی وَالْخُلْدَ فِی الْجِنانِ

************ خدایا نامه عملم را بدست راستم بده، و برات جاودانگی در بهشت را

بِیَساری وَحاسِبْنی حِساباً یَسیراً.(3) آنگاه دست چپ را می شویی و می گویی: اللَّهُمَ

به دست چپم و اعمالم را به آسانی محاسبه کن.***************** خدایا

لاتُعْطِنی کِتابی بِشِمالی وَلا مِنْ وَرآءِ ظَهْری وَلا تَجْعَلْها مَغْلُولَهً الی

نامه عملم را به دست چپم مده و از پشت سرم نده و دست مرا در گردنم زنجیر مکن

عُنُقی وَاعُوذُ بِکَ مِنْ مُقَطَّعاتِ النّیرانِ.(4) در مرحله بعد با رطوبت دست راست، قسمت (خدایا) از پاره های آتش دوزخ به تو پناه می برم*********************

جلوی سر را مسح می کنی و می گویی: اللّهُمَّ غَشِّنی بِرَحْمَتِکَ وَبَرَکاتِکَ وَ عَفْوِکَ.(5) در************************ خدایا مرا به رحمت و برکت و گذشت خود بپوشان.

پایان نیز دو پا رامسح می کنی و می گویی: اللَّهُمَّ ثَبِّتْنی عَلَی الصِّراطِ یَوْمَ تَزِلُّ فیهِ

**************** خدایا مرا بر پل صراط در روزی که قدمها در آن می لغزد

الْأَقْدامُ، وَاجْعَلْ سَعْیی فیما یُرْضیکَ عنّی یا ذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ.(6) هنگامی ثابت قدم بدار و تلاشم را در آنچه باعث خشنودی تو می گردد قرار ده، ای صاحب جلال و بزرگواری.

ص: 1004

1- [1483]تهذیب، جلد 1، صفحه 53، حدیث 2(استحباب سه بار در مصباح المتهجّد، صفحه 8 آمده است).
2- [1484]همان مدرک.
3- [1485]همان مدرک.
4- [1486]جامع الاخبار، صفحه 64 و بحارالانوار، جلد 77، صفحه 319، حدیث 12.
5- [1487]کافی، جلد 3، صفحه 71، حدیث 6.
6- [1488]فقیه، جلد 1، صفحه 43، حدیث 84.

که وضو به پایان رسید می گویی: اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ تَمامَ الْوُضُوءِ، وَ تَمامَ الصَّلاهِ،

خدایا از تو وضو و نماز مقبول ****************

وَتَمامَ رِضْوانِکَ وَ الْجَنَّهَ.(1) و همچنین می گویی: الْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ. و نیز سوره و خشنودی و بهشت کاملت را خواهانم*********** حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.******

قدر را می خوانی،(2) و پس از آن عطر و بوی خوش استعمال می کنی.

آداب ورود به مسجد برای نماز:

1- پس از وضو اگر می توانی به مسجد برو، هنگامی که به سمت مسجد حرکت می کنی با حالت سکینه و وقار حرکت کن، و آنگاه که از خانه برای رفتن به مسجد خارج می شوی می گویی:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذی خَلَقَنی فَهُوَ یَهْدینِ، وَالَّذی هُوَ یُطْعِمُنی وَیَسْقینِ، وَاذا

به نام خداوندی که مرا آفریده و هدایتم نمود، و آن که مرا اطعام و سیراب می نماید و زمانی

مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفینِ، وَالَّذی یُمیتُنی ثُمَّ یُحْیینِ، وَالَّذی اطْمَعُ انْ یَغْفِرَ لی

که بیمار شوم شفایم دهد، و آن که مرا میرانده سپس زنده می کند، و آن که طمع دارم در روز قیامت

خَطیئَتی یَوْمَ الدّینِ، رَبِّ هَبْ لی حُکْماً وَالْحِقْنی بِالصَّالِحینَ، وَاجْعَلْ لی

گناهم را بیامرزد، ای پروردگار من معرفتم ببخش و به شایستگان ملحقم نما، و برای من در میان امتهای آینده

لِسانَ صِدْقٍ فِی الْاخِرینَ، وَاجْعَلْنی مِنْ وَرَثَهِ جَنَّهِ النَّعیمِ، وَاغْفِرْ لِأَبی (3)

زبان صدق (و ذکر خیری) قرار ده، و مرا از وارثان بهشت پرنعمت قرار ده و پدرم را بیامرز.

***

2- وقتی که خواستی داخل مسجد شوی، نخست ته کفش خود را وارسی کن تا آلودگی در آن نباشد، آنگاه نخست پای راست را مقدّم می داری و در آن هنگام می خوانی: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَمِنَ اللَّهِ

************************************ به نام خدا و به یاری خدا و از جانب خدا

وَالَی اللَّهِ، وَخَیْرُ الْأَسْماءِ کُلِّها للَّهِ، تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الّا

و بسوی خدا، و تمامی اسمهای نیک از آن خداست، بر خدا توکّل می کنم، و پناهگاه و نیرویی جز از سوی

ص: 1005

1- [1489]فقیه، جلد 1، صفحه 51، حدیث 107 و بحارالانوار، جلد 77، صفحه 317(با اندکی تفاوت).
2- [1490]مصباح کفعمی، صفحه 11.
3- [1491]عده الداعی، صفحه 301 و بحارالانوار، جلد 81، صفحه 20، حدیث 6.

بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ افْتَحْ لی ابْوابَ رَحْمَتِکَ وَ تَوْبَتِکَ،

خداوند نیست خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و درهای رحمت و توبه ات را به رویم بگشا

وَاغْلِقْ عَنّی ابْوابَ مَعْصِیَتِکَ، وَاجْعَلْنی مِنْ زُوَّارِکَ وَعُمَّارِ مَساجِدِکَ،

و درهای نافرمانیت را به رویم ببند، و مرا از زیارت کنندگان و آباد کنندگان مساجدت

وَمِمَّنْ یُناجیکَ فی اللَّیْلِ وَالنَّهارِ، وَمِنَ الَّذینَ هُمْ فی صَلاتِهِمْ خاشِعُونَ،

و از آنان که در شب و روز با تو نجوا می کنند و از کسانی که در نمازشان فروتنند قرار ده،

وَادْحَرْ عَنِّی الشَّیْطانَ الرَّجیمَ، وَجُنُودَ ابْلیسَ اجْمَعینَ.(1)

و شیطان رجیم و تمامی لشکریانش را از من دور کن.

آداب و مقدّمات بجا آوردن نماز:

نخست برای نماز، اذان و اقامه می گویی، البتّه میان اذان و اقامه به سجده ای و یا نشستنی، فاصله می اندازی و این دعا را در این میان می خوانی:

اللَّهُمَّ اجْعَل قَلْبی بآرّاً، وَعَیْشی قآرّاً، وَ رِزْقی دآرّاً، وَاجْعَلْ لی عِنْدَ

خدایا دلم را نیکوکار و زندگانیم را پایدار و روزیم را فراوان قرار ده، و برای من نزد

قَبْرِ رَسُولِکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ مُسْتَقَرّاً وَ قَراراً.(2)

قبر فرستاده ات- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- جایگاه و آرامگاهی قرار ده.

و هرچه بخواهی در این وقت دعا می کنی و از خداوند حاجت می طلبی؛ زیرا در حدیث آمده است که میان اذان و اقامه، دعا رد نمی شود،(3) و

بعد از اقامه می گویی:

اللَّهُمَّ الَیْکَ تَوَجَّهْتُ، وَ مَرْضاتَکَ طَلَبْتُ، وَ ثَوابَکَ ابْتَغَیْتُ، وَ بِکَ

خدایا به تو رو کرده و خشنودیت را می طلبم و پاداشت را آرزو دارم و به تو

آمَنْتُ، وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ قَلْبی

ایمان آورده و بر تو توکّل می کنم خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و دلم را

لِذِکْرِکَ، وَثَبِّتْنی عَلی دینِکَ، وَلا تُزِغْ قَلْبی بَعْدَ اذْ هَدَیْتَنی وَهَبْ لی مِنْ

برای یاد خودت بگشا و مرا بر دینت ثابت قدم بدار و دلم را بعد از آن که هدایت نمودی (از راه حق) منحرف مگردان و از سوی خود

ص: 1006

1- [1492]مفتاح الفلاح، صفحه 35.
2- [1493]همان مدرک، صفحه 46.
3- [1494]همان مدرک، صفحه 46.

لَدُنْکَ رَحْمَهً، انَّکَ انْتَ الْوَهَّابُ.(1)

رحمتی بر من ببخش زیرا تو بسیار بخشنده ای.

آنگاه برای نماز مهیّا می شوی و با تمام توجّه بدان روی می آوری، و کوچکی خویش و عظمت و جلال الهی را در نظر می آوری و آن گونه باش که گویا او را می بینی و بپرهیز از این که با او سخن بگویی؛ ولی دلت به جانب دیگر متوجّه باشد. با وقار و خشوع به نماز می ایستی در حالی که دستهایت را بر روی رانهایت، مقابل سر زانو می گذاری و میان قدمهایت به اندازه سه انگشت تا یک وجب فاصله باشد (البتّه این برای مردان است) و به مکان سجده نگاه می کنی، و آنگاه نیّت نماز می کنی قربه الی اللّه و تکبیرهالإحرام را می گویی.

مستحب است شش تکبیر دیگر قبل از آن اضافه کنی؛ در هر تکبیری دستها را بلند می کنی و تا محاذی نرمه گوش می آوری در حالی که کف دستها رو به قبله است. و همه انگشتها به غیر از انگشت بزرگ را به هم می چسبانی، آنگاه دعای تکبیرها را می خوانی، بدین نحو که پس از تکبیر سوم می گویی:

اللَّهُمَّ انْتَ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبینُ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ انّی ظَلَمْتُ

خدایا تویی فرمانروای به حق و روشنگر، معبودی جز تو نیست، پاک و منزّهی تو، به یقین من به خودم

نَفْسی فَاغْفِرْ لی ذَنْبی انَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ الَّا انْتَ.(2) و پس از تکبیر پنجم ستم نمودم، پس گناهم را بیامرز که کسی جز تو گناهان را نیامرزد.***************

می گویی: لَبَّیْکَ وَسَعْدَیْکَ، وَالْخَیْرُ فی یَدَیْکَ، وَالشَّرُّ لَیْسَ الَیْکَ، وَالْمَهْدِیُ

**** فرمانبردارم و در خدمتم و نیکی در دستان توست و بدی به درگاهت راه ندارد و هدایت یافته

مَنْ هَدَیْتَ، عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدَیْکَ، ذَلیلٌ بَیْنَ یَدَیْکَ، مِنْکَ وَبِکَ وَلَکَ

کسی است که تو هدایتش نمودی، بنده و فرزند دو بنده ات، در مقابلت فرمانبردار است، از تو و با تو و برای تو

وَالَیْکَ، لا مَلْجَأَ وَلا مَنْجا وَلا مَفَرَّ مِنْکَ الَّا الَیْکَ، تَبارَکْتَ وَ تَعالَیْتَ،

و به سوی توست، پناهگاه و راه نجات و گریزی جز تو ندارد، بلند مرتبه و برتری،

سُبْحانَکَ وَحَنانَیْکَ، سُبْحانَکَ رَبَّ الْبَیْتِ الْحَرامِ.(3) و بعد از تکبیر هفتم می خوانی:

پاک و منزّهی و مهربانی، پاک و منزّهی تو ای پروردگار بیت الحرام.******************

وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّمواتِ وَالْأَرْضَ، عالِمِ الْغَیْبِ وَالشَّهادَهِ،

من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمانها و زمین را آفریده، دانای نهان و آشکار است

1- [1495]مفتاح الفلاح، صفحه 46.
2- [1496]همان مدرک، صفحه 49.
3- [1497]فقیه، جلد 1، صفحه 304، حدیث 916 و مصباح کفعمی، صفحه 15(با اندکی تفاوت).

حَنيفاً مُسْلِماً وَ ما انَا مِنَ الْمُشْرِكينَ، انَّ صَلاتى وَ نُسُكى وَ مَحْياىَ وَ مَماتى

من در ايمان خود خالصم و از مشركان نيستم، به يقين نماز و تمام عبادتم و زندگى و مرگم همه

للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، لا شَريكَ لَهُ وَبِذلِكَ امِرْتُ وَ ا نَا مِنَ الْمُسْلِمينَ.(1)

براى خداوندِ پروردگار جهانيان است، همتايى براى او نيست و به همين مأمور شده ام و من از مسلمانم.

دعاهای قبل از نماز و در حال نماز:

قبل از نماز، خواندن اين دعاها مستحب است:

1- امام صادق عليه السلام نقل مى كند: امير مؤمنان عليه السلام فرمود: هر كسى كه براى نماز بر مى خيزد، اگر پيش از شروع نماز، اين دعا را بخواند، با محمّد و آل محمّد عليهم السلام خواهد بود:

اللَّهُمَّ انّى اتَوَجَّهُ الَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَىْ صَلاتى

خدايا به واسطه محمّد و خاندان پاكش به تو رو مى كنم و آنها را پيشاپيش نمازم قرار مى دهم

وَ اتَقَرَّبُ بِهِمْ الَيْكَ، فَاجْعَلْنى بِهِمْ وَجيهاً فِى الدُّنْيا وَالْأخِرَهِ وَ مِنَ

و به واسطه آنها به تو نزديک مى شوم، پس به واسطه آنها مرا در دنيا و آخرت آبرومند و از

الْمُقَرَّبينَ، مَنَنْتَ عَلَىَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ، فَاخْتِمْ لى بِطاعَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ

مقرّبان درگاهت قرار ده، با شناختشان بر من منّت گذار و به واسطه اطاعت و شناخت و

وَوِلايَتِهِمْ، فَانَّهَاالسَّعادَهُ وَ اخْتِمْ لى بِها، فَانَّكَ عَلى كُلِّ شَىْ ءٍ قَديرٌ. سپس ولايتشان عاقبتم را ختم (به خير) گردان، كه به يقين اينها مايه سعادتند و عاقبتم را به سعادت ختم كن كه تو بر هر چيز توانايى.***

نماز می گزاری و چون نمازت تمام شد، می خوانی: اللّٰهُمَّ اجْعَلْنی مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

********************** خدایا در هر سلامتی و گرفتاری مرا با محمّد و خاندان پاکش

فی کُلِّ عافِیَهٍ وَ بَلاءٍ، وَاجْعَلْنی مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فی کُلِّ مَثْویً

قرار ده و در هر منزلگاه و محلّ بازگشت مرا با محمّد و خاندان پاکش قرار ده،

وَمُنْقَلَبٍ، اللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَحْیایَ مَحْیاهُمْ، وَمَماتی مَماتَهُمْ، وَاجْعَلْنی مَعَهُمْ

خدایا زندگی و مرگم را همانند زندگی و مرگ آنها قرار ده و مرا در همه

فِی الْمَواطِنِ کُلِّها، وَلاتُفَرِّق بَیْنی وَ بَیْنَهُمْ، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.(2)

جا با آنها همراه کن و میان من و آنها جدایی مینداز که تو بر هر چیز توانایی.

ص: 1008

1- [1498]مفتاح الفلاح، صفحه 50.
2- [1499]کافی، جلد 2، صفحه 544، حدیث 1.

2- از «صفوان جمّال» روایت شده است که امام صادق علیه السلام را دیدم پیش از تکبیره الإحرام نماز، رو به قبله این جملات را می خواند:

اللَّهُمَّ لا تُؤْیِسْنی مِنْ رَوْحِکَ، وَلاتُقَنِّطْنی مِنْ رَحْمَتِکَ، وَلا تُؤْمِنّی

خدایا مرا از لطف و رحمتت مأیوس و ناامید مکن، و مرا از تدبیرت

مَکْرَکَ، فَانَّهُ لا یَأْمَنُ مَکْرَاللَّهِ الَّا الْقَوْمُ الْخاسِرُونَ.(1)

ایمن مگردان که جز گروه زیانکاران کسی از تدبیرت ایمن نباشد.

***

3- وقتی خواستی قرائت نماز را آغاز کنی مستحب است کلمه «

اعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِیعِ الْعَلیمِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیم

» را آهسته بگویی، پس از آن سوره حمد را با حضور قلبِ کامل، و با توجّه به تفکّر در معانی آن می خوانی، چون سوره حمد به پایان رسید، به اندازه یک نفس، ساکت می شوی، سپس سوره ای از قرآن را می خوانی، البتّه بهتر است، سوره نبأ (عمّ یتسائلون ...) یا «هل اتی» و یا سوره قیامت باشد.

وقتی سوره به پایان رسید، باز هم به اندازه یک نفس ساکت می شوی و آنگاه دست را برای تکبیر بلند می کنی و به رکوع می روی، و انگشتان را به هنگامی که دستها را بر روی زانو گذاشتی، باز می کنی، کمر را خم کرده و گردن را کشیده، مساوی با کمر و نظرها را به میان قدمها می افکنی، و یکبار می گویی:

سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظِیمِ وَ بِحَمْدِهِ

(یا سه بار سبحان الله). بهتر است این ذکر را هفت مرتبه، یا پنج مرتبه و یا سه مرتبه بگویی.(2) پیش از گفتن ذکر رکوع سزاوار است این دعا را بخوانی:

اللَّهُمَّ لَکَ رَکَعْتُ، وَلَکَ اسْلَمْتُ، وَبِکَ آمَنْتُ، وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ، وَانْتَ

خدایا برای تو رکوع نمودم و برای تو اسلام آوردم و به تو ایمان آورده و بر تو توکل نمودم و تویی

رَبّی خَشَعَ لَکَ سَمْعی وَبَصَری وَشَعْری وَبَشَری وَلَحْمی وَدَمی

پروردگارم، در برابرت فروتنی می کند گوش و چشم و مو و پوست و گوشت و خون و

وَمُخّی وَعِظامی وَعَصَبی وَما اقَلَّتْهُ قَدَمایَ غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ، وَلا

مغز و استخوانها و عصبم و آنچه پاهایم آن را حمل کرده، بدون سرپیچی و

مُسْتَکْبِرٍ وَلا مُسْتَحْسِرٍ.(3)

خودخواهی و خستگی.

ص: 1009

1- [1500]کافی، جلد 2، صفحه 544، حدیث 3.
2- [1501]مفتاح الفلاح، صفحه 52 و 53.
3- [1502]کافی، جلد 3، صفحه 319، حدیث 1 و مفتاح الفلاح، صفحه 53.

سپس سر را از رکوع برمی داری و می ایستی و می گویی:

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ.(1)

آنگاه تکبیر می گویی و با نهایت خضوع و خشوع به سجده می روی و به هنگام رفتن به سجده، نخست کف دست ها را پهن کرده و بر زمین می گذاری و آنگاه زانوها را می گذاری و بر زمین یا چیزی که از زمین می روید- غیر از خوردنیها و پوشیدنیها- سجده می کنی و بهتر است بر تربت امام حسین علیه السلام سجده کنی و ذکر سجود را می گویی.

بهتر است هفت مرتبه یا پنج مرتبه و یا سه مرتبه بگویی:

سُبْحانَ رَبِّیَ الْاعْلی وَ بِحَمْدِهِ

(یک مرتبه هم کافی است).(2) پیش از ذکر سجود بهتر است این دعا را بخوانی: اللَّهُمَّ لَکَ سَجَدْتُ، وَبِکَ آمَنْتُ، وَلَکَ

************************** خدایا برای تو سجده کردم و به تو ایمان آوردم و برای تو

اسْلَمْتُ، وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ، وَانْتَ رَبّی سَجَدَ وَجْهی لِلَّذی خَلَقَهُ، وَشَقَ

اسلام آورده و بر تو تکیه نمودم و تویی پروردگارم چهره ام در برابر آن که او را آفریده و

سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ، الْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، تَبارَکَ اللَّهُ احْسَنُ الْخالِقینَ.(3) وقتی چشم و گوشش را گشوده، سجده کرد حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است، بلند مرتبه است خدایی که بهترین آفرینندگان است.***

ذکر سجده راگفتی، سر از سجده برمی داری ومی نشینی وپس از گفتن تکبیر می گویی: اسْتَغْفِرُاللَّهَ رَبّی

** از خدایی که پروردگار من است آمرزش می طلبم

وَاتُوبُ الَیْهِ.(4) و همچنین می گویی: اللّهُمَّ اغْفِرْ لی وَ ارْحَمْنی وَ اجْبُرْنی وَادْفَعْ

و به سوی او باز می گردم.********** خدایا مرا بیامرز و به من رحم کن و جبران زیانم کن و از من دفاع کن

عَنّی وَعافِنی انّی لِما انْزَلْتَ الَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقیرٌ، تَبارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمینَ.(5)

و مرا عافیت بخش که من به آنچه از نیکی بر من نازل کنی نیازمندم، بلند مرتبه است خدایی که پروردگار جهانیان است.

آنگاه تکبیر گفته و برای سجده دوم می روی و همانند سجده اوّل عمل می کنی، سپس سر از سجده برمی داری و اندکی می نشینی و بر می خیزی و در همان حال برخاستن می گویی:

بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ اقُومُ وَاقْعُدُ.(6)

به پناه و قدرت خدا ایستاده و می نشینم.

ص: 1010

1- [1503]کافی، جلد 3، صفحه 320، حدیث 1 و مفتاح الفلاح، صفحه 53.
2- [1504]مفتاح الفلاح، صفحه 54 و 55.
3- [1505]کافی، جلد 3، صفحه 321، حدیث 1 و مفتاح الفلاح، صفحه 54.
4- [1506]مفتاح الفلاح، صفحه 55.
5- [1507]تهذیب، جلد 2، صفحه 79، حدیث 63.
6- [1508]همان مدرک، صفحه 325، حدیث 188.

وقتی که ایستادی و بدنت کاملاً آرام گرفت، حمد را می خوانی و سپس سوره ای را قرائت می کنی و بهتر است، سوره توحید باشد و پس از اتمام سوره توحید مستحب است سه بار بگویی:

کَذلِکَ اللَّهُ رَبّی (1)

سپس تکبیر می گویی و دستها را برای قنوت بلند می کنی، تا مقابل صورت می آوری در حالی که کف دستها رو به آسمان باشد، انگشت ها را- به جز انگشت بزرگ- به هم می چسبانی؛ خوب است برای قنوت کلمات فرج را بخوانی: لا الهَ الّا اللَّهُ الْحَلیمُ الْکَریم، لا الهَ الّا اللَّهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ،

******** معبودی جز خدای شکیبا و بزرگوار نیست، معبودی جز خدای برتر و با عظمت نیست

سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمواتِ السَّبْعِ، وَ رَبِّ الْأَرَضِینَ السَّبْعِ، وَ ما فِیهِنَ

پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار آسمانهای هفت گانه و زمینهای هفت گانه و آنچه در آنها

وَما بَیْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ.(2) و پس از آن و میان آنهاست و پروردگار عرش عظیم است و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.********

می گویی: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنا وَارْحَمْنا، وَعافِنا، وَاعْفُ عَنَّا فِی الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ،

***** خدایا ما را بیامرز و بر ما رحم کن و به ما عافیت بخش و در دنیا و آخرت از ما درگذر

انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.(3)

که تو بر هر چیز توانایی.

سپس دعا می کنی و هرچه می خواهی از خدا بخواه.

سزاوار است قنوت نماز را طول داده و دعاهای قنوت را که فراوان است بخوانی.

پس از آن تکبیر گفته به رکوع و سجود می روی و به همان نحو که در رکعت اوّل گفته شد، انجام می دهی و آنگاه برای تشهّد می نشینی. مستحب است که در حال تشهّد متورّکاً بنشینی (یعنی روی ران چپ نشسته و روی پای راست را بر کف پای چپ می گذاری). پیش از تشهد مستحب است بگویی:

بِسْمِ اللّه وَ بِاللَّهِ وَالْأَسْمآءُ الْحُسْنی کُلُّها للَّهِ.(4)

به نام خدا و به یاری خدا و تمام نامهای نیک از آن خداست.

آنگاه تشهّد را شروع می کنی و اگر نماز صبح باشد سلام نماز را داده و نماز را به پایان می رسانی و اگر نماز سه رکعتی و یا چهار رکعتی باشد، برمی خیزی و تسبیحات اربعه را می خوانی و آنگاه رکوع و سجود و تشهّد و سلام بجا می آوری و نماز را به پایان می بری.

1- [1509]بحارالانوار، جلد 82، صفحه 29، حدیث 18.
2- [1510]مفتاح الفلاح، صفحه 56.
3- [1511]کافی، جلد 3، صفحه 340، حدیث 12.
4- [1512]مصباح المتهجّد، صفحه 39.

وقتی که نماز به پایان رسید، به تعقیبات نماز می پردازی که درباره آن تأکید فراوان شده است.

تعقیبات نماز، یعنی اذکار و دعاهایی که بعد از نماز خوانده می شود، در واقع کاستی های نماز را برطرف می سازد و از سوی دیگر آثار نماز را در روح و جان راسخ تر می کند.

درباره تعقیبات در فصل دوم به طور مشروح بحث خواهد شد.

مقدّمات و آداب مخصوص هر نماز:

الف) آداب نماز ظهر

هنگامی که اذان ظهر را شنیدی، وضو می گیری و اگر بتوانی به مسجد رفته، نماز تحیّت مسجد را می خوانی و پس از دخول وقت به این امور می پردازی:

1- با تحقّق زوال، نخست این دعا را می خوانی:

سُبْحانَ اللَّهِ وَ لااِلهَ الَّا اللَّهُ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلاوَلَداً،

پاک و منزّه است خدا و معبودی جز خدا نیست و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که همدم و فرزندی انتخاب نکرده

وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَکَبِّرْهُ تَکْبیراً.

و همتایی در فرمانروایی ندارد و ضعف و ذلّتی ندارد که نیازمند حامی و سرپرستی باشد و (لذا به خود می گویم) او را بسیار بزرگ بشمار.

در روایتی آمده است که امام باقر علیه السلام به یکی از یاران خود به نام محمّد بن مسلم فرمود: «بر این دعا محافظت کن، همچنان که از چشمهای خود محافظت و مراقبت می کنی».(1) 2- آدابی که در همه نمازها وارد شده است، به جای می آوری (که در آداب مشترک گذشت).

3- نوافل ظهر را به جای می آوری که هشت رکعت است (هر دو رکعت به یک سلام).

4- در دو رکعت اوّل نافله ظهر، بهتر است در رکعت اوّل سوره حمد و توحید و در رکعت دوم حمد و سوره «کافرون» را بخوانی و پس از نماز، سه بار تکبیر بگویی و همچنین تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را می خوانی و می گویی: اللَّهُمَّ انّی ضَعیفٌ فَقَوِّ فی رِضاکَ ضَعْفی وَخُذْ الَی الْخَیْرِ

****** خدایا من ناتوانم پس در خشنودیت ناتوانیم را تقویت کن، و مرا به سوی نیکی بکشان

بِناصِیَتی وَاجْعَلِ الْإیمانَ مُنْتَهی رِضایَ، وَبارِکْ لی فیما قَسَمْتَ لی

و ایمان را نهایت خشنودیت از من قرار ده، و در آنچه روزیم نموده ای برکت ده، و

ص: 1012

1- [1513]فقیه، جلد 1، صفحه 225، حدیث 675.

وَبَلِّغْنی بِرَحْمَتِکَ کُلَّ الَّذی ارْجُو مِنْکَ، وَاجْعَلْ لی وُدّاً وَسُرُوراً

مرا به لطف و رحمتت به آنچه از تو امید دارم برسان، و برایم محبّت و خشنود ساختن

لِلْمُؤْمِنینَ، وَعَهْداً عِنْدَکَ.(1)

مؤمنان و پیمانی در نزد خودت قرار ده.

در دو رکعت بعدی نافله، همان اعمال را- جز آن تکبیرات- به جای می آوری و سپس برمی خیزی، دو رکعت دیگر، نافله ظهر، می خوانی و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام و آن دعا را نیز پس از این چهار رکعت می خوانی. دو رکعت آخر این نافله را میان اذان و اقامه به جای می آوری، یعنی برای نماز ظهر اذان می گویی و سپس دو رکعتِ آخر از نوافل ظهر را به جای می آوری و آنگاه اقامه نماز را می گویی.(2) 5- پس از گفتن اقامه می گویی: اللَّهُمَّ رَبَّ هذِهِ الدَّعْوَهِ التَّامَّهِ، وَالصَّلاهِ الْقآئِمَهِ،

*********** خدایا ای پروردگار این دعوت کامل، و نماز برپا شده،

بَلِّغْ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ الدَّرَجَهَ وَالْوَسیلَهَ، وَالْفَضْلَ وَالْفَضیلَهَ،

محمّد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- را به مقام و وسیله و لطف و کرم و برتری برسان،

بِاللَّهِ اسْتَفْتِحُ وَبِاللَّهِ اسْتَنْجِحُ، وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اتَوَجَّهُ، اللَّهُمَ

به نام خدا آغاز کرده و به یاری خدا رستگاری می طلبم و به محمّد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- رو می کنم، خدایا

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنی بِهِمْ عِنْدَکَ وَجیهاً فِی الدُّنْیا

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا به واسطه آنها در دنیا و آخرت آبرومند گردان

وَالْأخِرَهِ وَمِنَ الْمُقَرَّبینَ.(3)

و از مقرّبان درگاهت قرار ده.

6- پس از آن به نماز ظهر مشغول می شوی و آنچه را که در آداب مشترک گفته شد، مراعات می کنی و حمد و سوره- جز بسم اللّه الرّحمن الرّحیم- را آهسته می خوانی و افضل آن است که در رکعت اوّل بعد از سوره حمد، سوره «قدر» را بخوانی و در رکعت دوم سوره توحید را.(4)

در رکعت دوم پس از تشهد و صلوات بر محمّد و آلش مستحب است بگویی: وَ تَقَبَّلْ شَفاعَتَهُ فی امَّتِهِ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ.(5)

****************** و شفاعتش را در میان پیروانش بپذیر و مقامش را والا گردان.

ص: 1013

1- [1514]مفتاح الفلاح، صفحه 187.

2- [1515]همان مدرک، صفحه 188.

3- [1516]مصباح المتهجّد، صفحه 30 و مفتاح الفلاح، صفحه 188.

4- [1517]فقیه، جلد 1، صفحه 315.

5- [1518]بلد الامین، صفحه 8.

آنگاه برمی خیزی و سه بار تسبیحات اربعه را می خوانی: سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

************************************* پاک و منزّه است خدا و حمد و سپاس مخصوص خداوند است

وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ.

و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر (از هر چیز) است.

و خوب است که در پایان استغفاری نیز اضافه کنی، آنگاه به رکوع و سجود می روی و بر می خیزی.

رکعت چهارم را نیز به همان نحو انجام می دهی و تشهّد و سلام می گویی و نماز را به پایان می بری. پس از نماز سه بار تکبیر می گویی و آنگاه تعقیبات نماز را بجا می آوری.

ب) آداب نماز عصر

1- نخست نافله عصر را به جا می آوری که آن هم هشت رکعت است و پس از پایان نوافل، با همان آدابی که گذشت، نماز عصر را می خوانی.

2- در نماز عصر، سزاوار است که در رکعت اوّل پس از حمد، سوره «نصر» را بخوانی و یا سوره «تکاثر» را، و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره «توحید» را می خوانی،(1) در نماز عصر نیز حمد و سوره- جز بسم اللّه الرّحمن الرّحيم- را آهسته و بصورت اخفات می خوانی و در رکعت سوم و چهارم نیز، تسبیحات اربعه را می خوانی و پس از تشهّد و سلام، تعقیبات مشترک و تعقیبات مخصوص نماز عصر را انجام می دهی.

ج) آداب نماز مغرب

در نماز مغرب باید تلاش کرد تا در اوّل وقت انجام شود و در روایات فراوانی بر این امر تأکید شده است که نماز مغرب را از وقتش تأخیر نیندازید.(2) اوّل وقت مغرب بنا بر احتیاط، زمانی است که سرخی که بعد از غروب آفتاب در مشرق پیدا می شود از بالای سر بگذرد.

در آداب نماز مغرب برای نِمازگزار، اموری شایسته ذکر است:

1- آداب مشترک را که قبلاَ بیان شد انجام می دهی و برای نماز، اذان و اقامه می گویی و آن دعاها را (که در بخش آداب مشترک گذشت) می خوانی.

2- علاوه بر آن دعاها، میان اذان و اقامه می گویی: اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاقْبالِ لَیْلِکَ،

******************** خدایا به حقّ روی آوردن شبت

ص: 1014

1- [1519]مفتاح الفلاح، صفحه 198.
2- [1520]همان مدرک، صفحه 234.

وَادْبارِ نَهارِکَ، وَ حُضُورِ صَلَواتِکَ، وَ اصْواتِ دُعاتِکَ، وَ تسْبیحِ

و پشت کردن روزت و رسیدن (وقت) نمازهایت و صداهای دعاکنندگانت و تسبیح

مَلائِکَتِکَ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تَتُوبَ عَلَیَّ انَّکَ انْتَ

فرشتگانت از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و توبه ام را بپذیری که تو

التَّوّابُ الرَّحیمُ.(1)

بسیار توبه پذیر و مهربانی.

3- نماز مغرب را با آداب و شرایط بجا می آوری و پس از نماز سه بار تکبیر می گویی و تعقیبات نماز را می خوانی.

4- نافله مغرب را که چهار رکعت است بجا می آوری که بسیار مهم است و در سفر و حضر ترک نمی شود.(2) (شرح بیشتر آن در تعقیبات نماز مغرب خواهد آمد).

د) آداب نماز عشا

1- پس از آن که شفق پنهان شد و سرخی مغرب محو گردید،(3) برای نماز عشا اذان و سپس اقامه می گویی، با رعایت همه آدابی که گذشت؛ سپس نماز عشا را با آداب و شرایطش شروع می کنی و با توجّه به وسعت وقت عشا سزاوار است که قنوت و تعقیبات آن را طول دهی.(4)
2- پس از اتمام نماز عشا ابتدا تعقیبات آن را انجام می دهی و در پایان نماز وُتَیره (نافله عشا) را می خوانی.

نماز وتیره دو رکعت است و نشسته خوانده می شود، مستحب است در آن نماز، صد آیه از آیات قرآن تلاوت شود و خوب است بعد از حمد در رکعت اوّل سوره واقعه یا سوره مُلک و در رکعت دوم پس از حمد، سوره توحید خوانده شود.(5) پس از نماز نیز برای خود (و سایر مؤمنان) دعا می کنی.

ه) مقدّمات و آداب نماز صبح

با توجّه به این که فریضه صبح، در آغاز تلاش روزانه اقامه می شود، لازم است به آن توجّه و عنایت ویژه ای شود، تا هر مسلمانی، با توشه ای مناسب و پشتوانه مطمئن معنوی، پا به عرصه تلاش گذارد؛ در

1- [1521]مفتاح الفلاح، صفحه 236.
2- [1522]تهذیب، جلد 2، صفحه 14، حدیث 1.
3- [1523]فقیه، جلد 1، صفحه 219، حدیث 657.
4- [1524]مفتاح الفلاح، صفحه 258.
5- [1525]مصباح المتهجّد، صفحه 114.

فضیلت نماز صبح در ذیل آیه 78 سوره اسراء که خداوند فرمود: «

«إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ کانَ مَشْهُوداً»؛

نماز صبح مورد مشاهده است»، روایاتی وارد شده است که می گوید، نماز صبح مشهود ملائکه شب و روز است؛ زیرا در آغاز صبح، فرشتگانی که در شب مراقب بندگان خدایند جای خود را به فرشتگان روز می دهند، و چون نماز صبح در همان آغاز طلوع صبح انجام می گیرد، هر دو گروه فرشتگان آن را مشاهده کرده و بر آن گواهی می دهند.(1) برای نماز صبح نیز نمازگزار، علاوه بر انجام مقدّمات و آداب مشترک، خوب است به این امور نیز عنایت ورزد:

1- پیش از نماز صبح، نافله صبح را به جا آورد که دو رکعت است، در رکعت اوّل شایسته است، پس از حمد، سوره «کافرون»، و در رکعت دوم، پس از حمد، سوره «توحید» را بخواند.(2) 2- پس از پایان نماز تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگوید.(3) 3- صد بار صلوات بفرستد که در روایتی به نقل از «من لا یحضره الفقیه» آمده است: هر کس ما بین نافله صبح و نماز صبح صد بار صلوات بفرستد، خداوند چهره اش را از آتش دوزخ محافظت می کند (او را از آتش جهنّم نجات می دهد).(4) 4- برای نماز صبح، اذان و اقامه بگوید و دعاهای میان اذان و اقامه را بخواند.

5- پس از آن که اذان گفت، به سجده افتد و بگوید: لا الهَ الّا انْتَ رَبِّی سَجَدْتُ لَکَ

************************** معبودی جز تو نیست، ای پروردگار من با

خاضِعاً خاشِعاً. پس از آن سر بردارد و بگوید:

فروتنی و خشوع برایت سجده کردم.*****************.

اللَّهُمَّ انّی اسْأَلُکَ بِاقْبالِ نَهارِکَ، وَ ادْبارِ لَیْلِکَ، وَ حُضُورِ صَلَواتِکَ،

خدایا، به حق روی آوردن روزت و پشت کردن شبت و رسیدن (وقت) نمازهایت

وَاصْواتِ دُعاتِکَ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تَتُوبَ عَلَیَّ،

و صداهای دعا کنندگانت از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و توبه ام را بپذیری

انَّکَ انْتَ التَّوَّابُ الرَّحیمُ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلائِکَهِ وَ الرُّوحِ، سَبَقَتْ

که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی، پاک و منزّه از هر عیبی، پروردگار فرشتگان و روحی، رحمتت

ص: 1016

1- [1526]در کافی، جلد 3، صفحه 282، حدیث 2، روایتی از امام صادق علیه السلام به همین مضمون نقل شده است.
2- [1527]مصباح المتهجّد، صفحه 179.
3- [1528]همان مدرک، صفحه 180.
4- [1529]فقیه، جلد 1، صفحه 495، حدیث 1423.

رَحْمَتُکَ غَضَبَکَ.(1)

بر خشمت پیشی گرفته است.

پس از گفتن اقامه، نماز صبح را با توجّه کامل ادا می کند.

6- در قنوت نماز صبح مستحب است خوانده شود:

لا الهَ الَّا اللَّهُ الْحَلیمُ الْکَریمُ، لا الهَ الَّا اللَّهُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ، سُبْحانَ اللَّهِ

معبودی جز خدای شکیبا و بزرگوار نیست، معبودی جز خدای برتر و با عظیم نیست، پاک و منزّه است خداوندی که

رَبِّ السَّمواتِ السَّبْعِ، وَ رَبِّ الْارَضینَ السَّبْعِ، وَ ما فِیهِنَّ وَ ما بَیْنَهُنَ

پروردگار آسمانهای هفت گانه و زمینهای هفت گانه و آنچه در آنها و میان آنهاست

وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ، وَسَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلینَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ،

و پروردگار عرش عظیم است و درود بر فرستادگان (خدا) و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است،

یا اللَّهُ الَّذی لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ، وَ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ، اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ

ای خدایی که چیزی همانندت نیست و شنوای دانایی، از تو می خواهم که بر محمّد

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تُعَجِّلَ فَرَجَهُمْ، اللَّهُمَّ مَنْ کانَ اصْبَحَ وَ ثِقَتُهُ

و خاندان پاکش درود فرستی و در فرجشان تعجیل فرمایی، خدایا اگر کسی صبح کند در حالی که تکیه گاه

وَ رَجاؤُهُ غَیْرُکَ، فَانْتَ ثِقَتی وَ رَجائی فِی الْامُورِ کُلِّها، یا اجْوَدَ مَنْ

و امیدش غیر توست ولی تو تنها تکیه گاه و امید من در تمام کارها هستی، ای بخشنده ترین کسی

سُئِلَ، وَ یا ارْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ، ارْحَمْ ضَعْفی وَ قِلّهَ حیلَتی وَ امْنُنْ عَلَیَ

که از او درخواست شده و ای مهربان ترین کسی که از او رحمت خواسته شده، بر ناتوانی و بیچارگیم رحم کن و

بِالْجَنَّهِ طَوْلاً مِنْکَ، وَ فُکَّ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ، وَ عافِنی فی نَفْسی وَ فی

با بهشت که نعمتی از جانب توست بر من منّت گذار، و مرا از آتش رهایی ده، و خودم و

جَمیعِ امُوری بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(2)

تمامی کارهایم را عافیت بخش، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

7- پس از نماز نیز دعاها و تعقیبات نماز را بجا می آورد.

ص: 1017

1- [1530]مصباح المتهجّد، صفحه 199.
2- [1531]بحارالانوار، جلد 82، صفحه 260، حدیث 4 و مصباح المتهجّد، صفحه 200(با اندکی تفاوت).

نماز جماعت:

نماز جماعت از مهمترین مستحبّات و از بزرگترین شعائر اسلامی است و در روایات، فوق العاده روی آن تأکید شده است. مخصوصاً برای همسایگان مسجد یا کسی که صدای اذان مسجد را می شنود، بیشتر سفارش شده و سزاوار است انسان تا می تواند نمازش را با جماعت بخواند، حتّی برخی از فقها گفته اند، حاضر نشدن به نماز جماعت اگر از روی بی اعتنایی و سبک شمردن باشد، حرام است.

مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند، و نماز جماعت، از نماز فرادا در اوّل وقت بهتر است و نیز جماعتی که مختصر بخوانند از نماز فرادا که آن را طول دهند برتر است.

چند روایت درباره فضیلت نماز جماعت:

درباره فضیلت نماز جماعت و سرزنش کسانی که از آن روی گردانند روایات بسیاری نقل شده است که به بخشی از آن اکتفا می کنیم:

1- در روایتی آمده است که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند هر رکعت آن، ثواب 150 نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند، هر رکعت ثواب 600 نماز و هر قدر عدد نمازگزاران بیشتر شود، ثواب نمازشان بیشتر خواهد شد و اگر عدد آنان از ده نفر بگذرد، اگر تمام آسمانها کاغذ و دریاها مرکّب و درخت ها قلم و ملائکه و انس و جن نویسنده شوند، نمی توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.(1) 2- از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «هر کس نماز مغرب و عشا و نماز صبح را در مسجد به جماعت بخواند، گویا همه شب را به شب زنده داری سپری کرده است».(2) 3- در روایت دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم: «هر کس که به قصد شرکت در نماز جماعت به سوی مسجد قدم بردارد، در برابر هر گامی که بر می دارد حسنات زیادی برای او نوشته می شود ... و اگر در همان حال بمیرد، خداوند هزاران فرشته را بر او می گمارد که در قبر به سراغش می روند و به او مژده و بشارت می دهند و در تنهایی همدم او می گردند و تا روز قیامت برای او استغفار می کنند».(3) 4- امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «آن کس که بدون علّت (و عذر موجّه) در مسجد با مسلمانان نماز نگذارد، نماز او، نماز نیست».(4) نماز جماعت آداب و شرایطی دارد که برای آگاهی از آنها به رساله های توضیح المسائل مراجعه شود.

1- [1532] بحارالانوار، جلد 85، صفحه 14، حدیث 26.
2- [1533] امالی صدوق، صفحه 329، حدیث 5.
3- [1534] همان مدرک، صفحه 432.
4- [1535] دعائم الاسلام، جلد 1، صفحه 148.

فصل دوم: تعقیبات نماز

اشاره

برابر آنچه از روایات استفاده می شود، تعقیبات (علاوه بر کمال نماز و قبولی آن) سبب فراوانی روزی است.(1) و مؤمن تا هنگامی که پس از نماز، در ذکر خداوند است، گویا در نماز است و ثواب نماز را دارد،(2) و دعا پس از نماز واجب، از نماز مستحب بهتر است.(3) مرحوم علّامه مجلسی فرموده است: تعقیبات نماز، به قرآن و ذکر و دعایی گویند که پس از نماز، متّصل به نماز باشد، و افضل آن است که با وضو و نشسته و رو به قبله باشد، و بهتر آن است که همانند تشهد بنشیند و در اثنای تعقیب سخن نگوید، مخصوصاً در تعقیبات نماز مغرب. و برخی گفته اند همه شرایط نماز را در تعقیبات رعایت کند؛ ولی ظاهراً پس از نماز در هر حالی مشغول خواندن قرآن، ذکر و دعا باشد فی الجمله ثواب تعقیبات نماز را دارد؛ هرچند در حال راه رفتن باشد.(4) از ائمّه اطهار علیهم السلام در تعقیبات نماز، دعاهای فراوانی برای امور دنیا و آخرت وارد شده است، و چون بهترین عبادت جوارحی و بدنی، نماز است و تعقیباتی که وارد شده است در تکمیل نماز و رفع نواقص آن نقشی مؤثّر دارد و همچنین سبب ترفیع درجات و آمرزش خطایا و گناهان است و برای به دست آوردن حاجات نیز مفید است، از این رو قسمی از تعقیبات را این جا ذکر می کنیم.

تعقیبات بر دو گونه است:

1- تعقیبات مشترک.

2- تعقیبات خاص.

تعقیبات مشترک:

منظور از تعقیبات مشترک، تعقیبات و دعاهایی است که پس از هر نمازی خوانده می شود.

1- مستحب است نمازگزار بعد از نماز سه بار تکبیر بگوید، بدین نحو که دست ها را بلند کند تا مقابل صورت بالا آورد آنگاه تا نزدیک زانو برگرداند و با هر مرتبه یک اللّه اکبر بگوید.

1- [1536]خصال، جلد 2، صفحه 504، حدیث 2 و بحارالانوار، جلد 82، صفحه 321، حدیث 6.
2- [1537]مفاتیح الجنان، فصل تعقیبات نماز.
3- [1538]بحارالانوار، جلد 82، صفحه 324، حدیث 17.
4- [1539]همان مدرک، صفحه 314- 317(با تلخیص).

از امام باقر علیه السلام روایت شده است: وقتی که سلام نماز را دادی، سه بار دستانت را برای تکبیر بالا ببر.(1) «ابن بابویه» به سند معتبر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که مفضّل بن عمر از آن حضرت پرسید: به چه علّت نمازگزار، پس از سلام همراه با بالا آوردن دست، سه مرتبه تکبیر می گوید؟ فرمود:

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مکّه را فتح کرد، با اصحابش کنار حجرالاسود، نماز گزارد؛ وقتی سلام نماز را گفت، سه بار دستش را بالا آورد و تکبیر گفت و آنگاه گفت:

لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ [وَحْدَهُ ، انْجَزَ وَعْدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ اعَزَّ

معبودی جز خدا نیست، یگانه یگانه [یگانه است، به وعده اش وفا نمود و بنده اش را یاری کرد و سپاهش را عزّت

جُنْدَهُ، وَ غَلَبَ الْاحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی وَ یُمیتُ،

و قدرت بخشید، و به تنهایی بر همه گروه ها غلبه نموده، پس فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست، زنده کرده و می میراند

وَ یُمیتُ وَ یُحْیی وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.

و می میراند و زنده می کند و او بر هر چیز تواناست.

آنگاه به یارانش رو کرد و فرمود این تکبیر و این ذکر را پس از هر نماز واجب بگویید و آن را ترک نکنید، سپس فرمود: هر کس بعد از سلام نماز، چنین کند و این دعا را بخواند، شکر خداوند را برای تقویت اسلام و لشکر اسلام ادا کرده است.(2) «شیخ طوسی» در کتاب «مصباح المتهجّد» این جملات را کاملتر نقل کرده است: لا الهَ الَّا اللَّهُ

******************************* معبودی جز خدا نیست

الهاً واحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ لا نَعْبُدُ الَّا ایَّاهُ، مُخْلِصینَ

معبودی که یگانه است و ما در برابرش تسلیمیم، معبودی جز خدا نیست و جز او را نمی پرستیم، دینمان را برای او خالص

لَهُ الدّینَ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ، لا الهَ الّا اللّهُ رَبَّنا وَ رَبُّ آبائِنَا الاَوَّلینَ،

کرده ایم اگر چه مشرکان نپسندند، معبودی جز خدا نیست که پروردگار ما و پدران پیشین ماست،

لاإلهَ إلَّااللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، انْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَ اعَزَّ جُنْدَهُ،

معبودی جز خدا نیست یگانه یگانه یگانه است، به وعده اش وفا نمود و بنده اش را یاری کرد و سپاهش را عزت و قدرت بخشید

وَهَزَمَ [1542] الْأَحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی وَیُمیتُ، وَیُمیتُ

و به تنهایی همه گروه ها را شکست داد، پس فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست، زنده کرده و می میراند و می میراند

ص: 1020

1- [1540]بحارالانوار، جلد 83، صفحه 22، حدیث 22.
2- [1541]علل الشرایع، جلد 2، صفحه 360، حدیث 1.

وَیُحْیی وَ هُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.(1)

و زنده می کند و او زنده ای است که (هرگز) نمی میرد، نیکی به دست اوست و او بر هر چیز تواناست.

2- به سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت شده است که آن حضرت وقتی از نماز فارغ می شد دستش را بالای سرش می برد (و دعا می کرد).(2) 3- تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که روایات فراوانی در فضیلت آن وارد شده است:

امام صادق علیه السلام فرمود: «ما همان گونه که کودکانمان را به نماز امر می کنیم، به تسبیح حضرت زهرا علیها السلام نیز دستور می دهیم؛ آن را ترک مکن که هر کس بر آن مداومت ورزد، از سعادت محروم نخواهد شد».(3) در روایات معتبر وارد شده است که مراد از «ذکر کثیر» در آیه «

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اذْکُرُوا اللَّهَ ذِکْراً کَثِیراً»(4)

همین تسبیح است و هر کس بر آن مداومت نماید خدا را بسیار یاد کرده و به این آیه عمل کرده است.(5) به سند معتبر از امام باقر علیه السلام روایت شده است: «هر کس تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگوید و پس از آن استغفار کند، خداوند او را بیامرزد و این تسبیح هرچند بر زبان صد تاست ولی در میزان عمل، هزار تا به حساب می آید و شیطان را از انسان می راند و خدای رحمان را خشنود می سازد».(6) در روایت معتبر دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که: «تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پس از هر فریضه، برای من از هزار رکعت در هر روز محبوبتر است».(7)

کیفیّت تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام:

روایات درباره چگونگی این تسبیح کمی تفاوت دارد، ولی آنچه مشهورتر و روشن تر است، بدین گونه است:

سی و چهار مرتبه

اللَّه اکبر

سی و سِه مرتبه

الحمد للّه

سی و سه مرتبه

سبحان اللَّه

ص :1021

1- [1543]مصباح المتهجّد، صفحه 50 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 43، حدیث 54(با مقداری تفاوت).
2- [1544]فقیه، جلد 1، صفحه 325، حدیث 952.
3- [1545]امالی صدوق، صفحه 579، حدیث 16 و بحارالانوار، جلد 82، صفحه 328، حدیث 3.
4- [1546]سوره احزاب، آیه 41.
5- [1547]معانی الاخبار، صفحه 193، حدیث 5 و بحارالانوار، جلد 82، صفحه 335، حدیث 22.
6- [1548]ثواب الاعمال، صفحه 163 و بحارالانوار، جلد 82، صفحه 332، حدیث 10.
7- [1549]ثواب الاعمال، صفحه 163 و بحارالانوار، جلد 82، صفحه 331، حدیث 9.

همچنین سنّت است که پس از تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام یکبار لا اله الّا اللّه گفته شود،(1) و بهتر است با تسبیحی که از تربت امام حسین علیه السلام است این اذکار را بگوید.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «تسبیح امام حسین علیه السلام در دست انسان ذکر و تسبیح می گوید، بدون آن که آدمی تسبیح و ذکری بر زبان جاری سازد».(2) در روایتی آمده است، حضرت زهرا علیها السلام پیش از شهادت حمزه علیه السلام با رشته ای از پشم تابیده که گره زده بود، تسبیح می گفت؛ پس از شهادت حمزه علیه السلام از تربت آن شهید، تسبیح ساخته و ذکر می گفتند که مردم نیز چنین کردند. پس از شهادت امام حسین علیه السلام سنّت شد که از تربت آن حضرت تسبیح بسازند و با آن ذکر بگویند.(3) از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: «هر کس با تربت امام حسین علیه السلام یکبار استغفار کند، خداوند برای او هفتاد بار می نویسد».(4) 4- مرحوم «کلینی» به سند معتبر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «کسی که بعد از نماز واجب و پیش از آن که پاهایش را (از حالت نمازگزار) برگرداند سه بار این دعا را بخواند، خداوند گناهانش را بیامرزد، هرچند فراوان باشد»:

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذی لا الهَ الَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ، ذُو الْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ،

از خدایی که معبودی جز او زنده و جاودان نیست آمرزش می طلبم، صاحب جلال و بزرگواری است

وَاتُوبُ الَیْهِ.(5)

و به درگاه او توبه می کنم.

و برابر روایت دیگر: «هر کس این کلمات را در هر روز بخواند و با آن استغفار کند، خداوند گناهان فراوانی از او را بیامرزد».(6) 5- مرحوم «شیخ کلینی» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که بعد از هر نماز فریضه، این دعا را ترک مکن:

اعیذُ نَفْسی وَما رَزَقَنی رَبّی بِاللَّهِ الْواحِدِ الصَّمَدِ الَّذی لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ،

خود و آنچه پروردگارم به من روزی کرده به خداوند یگانه بی نیازی که نزاده و زاده نشده

ص: 1022

1- [1550]دعائم الاسلام، جلد 1، صفحه 168.
2- [1551]مکارم الاخلاق، صفحه 281 و بحارالانوار، جلد 82، صفحه 333، حدیث 16.
3- [1552]همان مدرک(با تلخیص).
4- [1553]بحارالانوار، جلد 82، صفحه 334، حدیث 18.
5- [1554]کافی، جلد 2، صفحه 521، حدیث 1.
6- [1555]بحارالانوار، جلد 83، صفحه 5، حدیث 5.

وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً احَدٌ، وَاعیذُ نَفْسی وَما رَزَقَنی رَبّی بِرَبِّ الْفَلَقِ، مِنْ

و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده می سپارم، و خود و آنچه پروردگارم به من روزی کرده به پروردگار سپیده دم می سپارم، از

شَرِّ ما خَلَقَ، وَمِنْ شِرِّ غاسِقٍ اذا وَقَبَ، وَمِنْ شَرِّ النَّفّاثاتِ فِی الْعُقَدِ،

شر تمام آنچه آفریده و از شر هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می شود و از شرّ آنها که با افسون در گره ها می دمند (و هر تصمیمی را سست می کنند)

وَمِنْ شَرِّ حاسِدٍ اذا حَسَدَ، وَاعیذُ نَفْسی وَما رَزَقَنی رَبّی بِرَبِّ النّاسِ،

و از شرّ هر حسود هنگامی که حسد می ورزد خود و آنچه پروردگارم به من روزی کرده به پروردگار مردم،

مَلِکِ النّاسِ، الهِ النّاسِ، مِنْ شَرِّ الْوَسْواسِ الْخَنّاسِ، الَّذی یُوَسْوِسُ فی

به مالک و حاکم مردم، به (خدا و) معبود مردم می سپارم از شرّ وسوسه گر پنهان کار که درون سینه

صُدُورِ النّاسِ، مِنَ الْجِنَّهِ وَالنّاسِ.(1)

انسانها وسوسه می کند، خواه از جن باشد یا انسان.

***

6- مرحوم «کلینی» به سند معتبر از «علی بن مهزیار» روایت کرده است که امام هادی علیه السلام به کسی که تقاضا کرد حضرت دعایی را به او بیاموزد که پس از هر نماز بخواند تا خداوند خیر دنیا و آخرت را به وی عنایت فرماید؛ چنین نوشت:

اعُوذُ بِوَجْهِکَ الْکَریمِ، وَعِزَّتِکَ الَّتی لا تُرامُ، وَقُدْرَتِکَ الَّتی لا یَمْتَنِعُ مِنْها

به ذات بزرگوار و عزّتت که جاودان است و تواناییت که چیزی از آن سرپیچی نکند

شَیْ ءٌ، مِنْ شَرِّ الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ، وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجاعِ کُلِّها.(2) و در برخی روایات در پناه می برم، از شرّ دنیا و آخرت و از شرّ همه دردها.***********

آخر دعا، اضافه شده است: وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها، إنَّ رَبِّی عَلی

************** و از شرّ هر جنبنده ای که در اختیار توست، که به راستی پروردگارم بر

صِراطٍ مُسْتَقیمٍ، وَلا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ.(3)

راه راست است و پناهگاه و نیرویی جز از سوی خدای بلند مرتبه و با عظمت نیست.

***

7- «شیخ کلینی» و «شیخ صدوق»- علیهما الرّحمه- از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل کرده اند که

ص: 1023

1- [1556]کافی، جلد 3، صفحه 346، حدیث 27.
2- [1557]همان مدرک، حدیث 28.
3- [1558]مصباح المتهجّد، صفحه 51.

کمترین دعایی که بعد از نماز واجب می توانی بخوانی این است که بگویی:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ احاطَ بِهِ عِلْمُکَ، وَاعُوذُ بِکَ مِنْ کُلِّ شَرٍّ

خدایا از هر نیکی که علمت به آن احاطه دارد از تو می خواهم و از هر بدی که علمت به آن

احاطَ بِهِ عِلْمُکَ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ عافِیَتَکَ فی امُوری کُلِّها، وَاعُوذُ بِکَ

احاطه دارد به تو پناه می برم، خدایا در تمام کارهاییم از تو عافیت می طلبم و از رسوایی

مِنْ خِزْیِ الدُّنْیا وَعَذابِ الْأخِرَهِ.(1)

دنیا و عذاب آخرت به تو پناه می برم.

***

8- مطابق روایتی از امام صادق علیه السلام مستحب است که پس از نماز بخوانی:

اللَّهُمَّ اعْتِقْنِی مِنَ النَّارِ، وَادْخِلْنِی الْجَنَّهَ، وَزَوِّجْنِی مِنَ الْحُورِ الْعینَ.(2)

خدایا مرا از آتش رهایی بخش و در بهشت داخل کن و از حورالعین به همسریم در آور.

***

9- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند خودش، خانه اش، مالش و فرزندانش محفوظ خواهند بود:

اجیرُ نَفْسی وَ مالی وَ وُلْدی وَ اهْلی وَ داری وَ کُلَّ ما هُوَ مِنّی بِاللَّهِ

خود و مال و فرزند و خانواده و خانه ام و هر آنچه از من است به خدای

الْواحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ، الَّذی لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً احَدٌ،

یگانه یکتای بی نیاز می سپارم، که نزاده و زاده نشده و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است،

وَاجیرُ نَفْسی وَ مالی وَوُلْدی وَ کُلَّ ما هُوَ مِنّی بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما

و خود و مال و فرزندم و هر آنچه از آن من است به پروردگار سپیده دم می سپارم، از شر تمام

خَلَقَ، وَ مِنْ شَرِّ غاسِقٍ اذا وَقَبَ، وَ مِنْ شَرِّ النَّفّاثاتِ فِی الْعُقَدِ، وَ مِنْ شَرِّ

آنچه آفریده و از شر هر موجود شرور، هنگامی که شبانه وارد می شود، و از شرّ آنها که با افسون در گره ها می دمند (و هر تصمیمی را سست می کنند) و از شرّ

حاسِدٍ اذا حَسَدَ، وَ اجیرُ نَفْسی وَ مالی وَ وُلْدی وَکُلَّ ما هُوَ مِنّی بِرَبِ

هر حسود هنگامی که حسد می ورزد، و خود و مال و فرزندم و هر آنچه از آن من است به پروردگار

ص: 1024

1- [1559]کافی، جلد 3، صفحه 343، حدیث 16.(برابر روایت شیخ صدوق ابتدای دعا، این جمله را اضافه دارد: اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد، فقیه، جلد 1، صفحه 323، حدیث 948).
2- [1560]همان مدرک، صفحه 344، حدیث 22.

النَّاسِ، مَلِکِ النَّاسِ، الهِ النَّاسِ، مِنْ شَرِّالْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ، الَّذی یُوَسْوِسُ

مردم، به مالک و حاکم مردم، به (خدا و) معبود مردم می سپارم، از شرّ وسوسه گر پنهان کار که درون

فی صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ، وَ اجیرُ نَفْسی وَ مالی وَوُلْدی

سینه انسانها وسوسه می کند خواه از جن باشد یا انسان، و خود و مال و فرزند

وَکُلَّ ما هُوَ مِنّی بِاللَّهِ لا الهَ الَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ، لا تَأْخُذُهُ سِنَهٌ وَلانَوْمٌ،

و هر آنچه از من است به خدا می سپارم که هیچ معبودی نیست جز خداوند یگانه جاودان، هیچگاه خواب سبک و سنگینی او را فرا نمی گیرد،

لَهُ ما فِی السَّمَواتِ وَ ما فِی الْارْضِ، مَنْ ذَا الَّذی یَشْفَعُ عِنْدَهُ الَّا بِاذْنِهِ،

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست، کیست که در نزد او جز به فرمان او شفاعت کند؟!

یَعْلَمُ ما بَیْنَ ایْدیهِمْ وَما خَلْفَهُمْ، وَلایُحیطُونَ بِشَیْ ءٍ مِنْ عِلْمِهِ الَّا بِماشاءَ،

آنچه در پیش روی آنها [/ بندگان و پشت سرشان است می داند، و کسی از علم او آگاه نمی گردد جز به مقداری که او بخواهد،

وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّمَواتِ وَالْأَرْضَ، وَلایَؤُودُهُ حِفْظُهُما وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظیم.(1)

تخت (حکومت) او آسمانها و زمین را در برگرفته و نگاهداری آن دو، او را خسته نمی کند و بلندی مقام و عظمت از آن اوست.

***

10- خواندن بعضی از سوره ها وآیات: مستحب است پس از نماز، سوره حمد و آیهالکرسی 1562] را بخواند.

و آیه شهادت را؛ یعنی: شَهِدَ اللَّهُ انَّهُ لا الهَ الَّا هُوَ، وَالْمَلائِکَهُ وَاولُوا الْعِلْمِ، قآئِماً

********** خداوند گواهی می دهد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش (هر کدام به گونه ای بر این مطلب) گواهی می دهند در حالیکه (خداوند) قیام

بِالْقِسْطِ، لا الهَ الَّا هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ، انَّ الدّینَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلامُ، وَمَا

به عدالت دارد معبودی جز او نیست که هم توانا و هم حکیم است، دین در نزد خدا اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است وکسانی که

اخْتَلَفَ الَّذینَ اوتُوا الْکِتابَ الَّا مِنْ بَعْدِ ما جآئَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیاً بَیْنَهُمْ، وَمَنْ

کتاب آسمانی به آنها داده شده اختلافی (در آن) ایجاد نکردند مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود و هرکس

یَکْفُرْ بایاتِ اللَّهِ، فَانَّ اللَّهَ سَریعُ الْحِسابِ.(2) و همچنین آیه مُلک یعنی: قُلِ اللَّهُمَ

به آیات خدا کفر ورزد (خدا به حساب او می رسد زیرا) خداوند سریع الحساب است،********** بگو خدایا،

مالِکَ الْمُلْکِ، تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشآءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشآءُ، وَتُعِزُّ مَنْ

ای مالک حکومتها، به هر که بخواهی حکومت می بخشی و از هرکس که بخواهی حکومت را می گیری، هرکس را بخواهی

ص: 1025

1- [1561]کافی، جلد 2، صفحه 549، حدیث 8.
2- [1563]سوره آل عمران، آیه 18 و 19.

تَشآءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشآءُ، بِیَدِکَ الْخَیْرُ، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، تُولِجُ

عزّت می دهی و هر که را بخواهی خوار می کنی، تمام خوبیها به دست توست و بر هر چیز قادری، شب را

اللَّیْلَ فِی النَّهارِ، وَتُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّیْلِ، وَتُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ،

در روز داخل می کنی و روز را در شب، و زنده از مرده بیرون می آوری

وَتُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشآءُ بِغَیْرِ حِسابٍ.(1)

و مرده را از زنده و به هرکس بخواهی بدون حساب روزی می بخشی.

مطابق روایتی از امام صادق علیه السلام این آیات آثار مهمّی در بخشودگی گناهان و جلب رحمت الهی دارد.(2) «شیخ طوسی» در «مصباح المتهجّد»(3) پس از نقل آن آیات، آیات ذیل را نیز اضافه می کند:

الف) آیات 54 تا 56 سوره اعراف، که به «آیه سَخره» معروف است:

انَّ رَبَّکُمُ اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمواتِ وَ الْأَرْضَ فی سِتَّهِ ایَّامٍ ثُمَّ اسْتَوی

پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز [/ دوران آفرید سپس به تدبیر

عَلَی الْعَرْشِ، یُغشِی اللَّیْلَ النَّهارَ، یَطْلُبُهُ حَثیثاً، وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ

جهان هستی پرداخت؛ با (پرده تاریک) شب، روز را می پوشاند و شب به دنبال روز به سرعت در حرکت است و خورشید و ماه و ستارگان

وَالنُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِامْرِهِ، ألا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، تَبارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمینَ

را آفرید که مسخّر فرمان او هستند، آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان) از آن او (و به فرمان او) است، پربرکت (و زوال ناپذیر) است خداوندی که پروردگار جهانیان است،

* ادْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَهً، انَّهُ لا یُحِبُّ الْمُعْتَدینَ* وَ لا تُفْسِدُوا

پروردگار خود را (آشکارا) از روی تضرّع و در پنهانی بخوانید (و از تجاوز دست بردارید که) او متجاوزان را دوست نمی دارد و

فِی الْأرْضِ بَعْدَ اصْلاحِها وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً انَّ رَحْمَهَ اللَّهِ قَریبٌ

در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید و او را با بیم و امید بخوانید (و نیکی کنید) زیرا رحمت خدا به

مِنَ الْمُحْسِنینَ.

نیکوکاران نزدیک است.

ب) سه مرتبه این آیات را بخواند:

سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ* وَسَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلینَ*

منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزت (و قدرت) از آنچه آنان توصیف می کنند، و سلام بر رسولان، و

1- [1564]سوره آل عمران، آیه 26 و 27.
2- [1565]کافی، جلد 2، صفحه 620، حدیث 2.
3- [1566]مصباح المتهجّد، صفحه 52.

وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ.(1)

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

درباره فضیلت قرائت آیهالکرسی پس از نماز، روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که آن حضرت به علی علیه السلام فرمود: «ای علی، خواندن آیهالکرسی را پس از هر نماز واجب ترک مکن چراکه جز پیامبر یا صدّیق و یا شهید، بر خواندنش مراقبت نمی ورزد».(2) در روایت دیگری آمده است: «هر کس پس از هر نماز، آیهالکرسی را بخواند، نمازش قبول می شود و در امان پروردگار و تحت حمایت او خواهد بود». (3) 11- «شیخ صدوق» رحمه الله و دیگران، به سندهای معتبر از امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده اند که: مردی به نام شیبه هُذُلی، به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد (و با ناراحتی) عرض کرد: یا رسول اللَّه، من پیر و ناتوان شده ام و نمی توانم اعمالی که پیش از این، از نمازها و روزه ها و حج و جهاد را انجام می دادم، به جای آورم، کلماتی به من بیاموز که خداوند مرا به آنها سود دهد، و در عین حال سبک و آسان باشد. پیامبر فرمود: بار دیگر سخنت را تکرار کن! او نیز این سخن را تکرار کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به خاطر این سخنت، درخت ها و کلوخ هایی که بر گردت بودند، بر تو گریستند؛ آنگاه فرمود: پس از هر نماز صبح ده بار بگو:

سُبْحانَ اللَّهِ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ إِلَّابِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ.

پاک و منزّه است خداوند با عظمت و او را سپاس می گویم و پناهگاه و نیرویی جز از سوی خدای بلند مرتبه و با عظمت نیست.

با خواندن این دعا، خداوند تو را از بیماری های مختلف حفظ خواهد کرد. شیبه گفت: اینها برای دنیایم، برای آخرتم نیز چیزی بفرما! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس از هر نمازی می گویی:

اللَّهُمَّ اهْدِنی مِنْ عِنْدِکَ، وَ افِضْ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ، وَ انْشُرْ عَلَیَّ مِنْ

خدایا مرا از نزد خود هدایت فرما و از لطف و کرمت بر من فرو ریز و رحمتت را بر

رَحْمَتِکَ، وَ انْزِلْ عَلَیَّ مِنْ بَرَکاتِکَ.

من بگستران و برکاتت را بر من نازل کن.

آنگاه فرمود: هر کس بر این دعا مداومت ورزد و تا وقت مردن عمداً آن را ترک نکند، وقتی که به

1- [1567]سوره صافّات، آیه 180- 182.
2- [1568]قرب الاسناد، صفحه 56 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 24، حدیث 24.
3- [1569]مستدرک الوسائل، جلد 5، صفحه 68، حدیث 5377.

محشر وارد شود، درهای بهشت برای او گشوده شود تا از هر دری که بخواهد وارد بهشت گردد.(1)

12- ذکر تسبیحات اربعه:

مرحوم «شیخ طوسی» و دیگران به سندهای صحیح از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی به اصحاب خویش فرمود: «هر کس از شما پس از نماز سی مرتبه بگوید:

سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ. از وی دفع می شود سوختن، پاک و منزّه است خدا و حمد و سپاس مخصوص خداوند است و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر (از هر چیز) است.*****************

غرق شدن، فرود آمدن خانه، افتادن در چاه، حمله درندگان، مرگ های سوء و هر بلای دیگری که در آن روز از آسمان فرود آید».(2) در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است: کسی که پس از هر نماز، پیش از آن که حرکت کند، چهل مرتبه بگوید: سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لا الهَ إلَّااللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ. سپس از********** پاک و منزّه است خدا و حمد و سپاس مخصوص خداوند است و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر (از هر چیز) است.****

خدا حاجتی را بطلبد، خداوند آن را برآورده سازد.(3) در روایتی دیگر، از همان حضرت علیه السلام نقل شده است که: هر کس پس از نماز واجب، سی مرتبه «سبحان اللّه» بگوید، گناهان او بخشوده می شود.(4)

***

13- مرحوم «کلینی» به سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که: هر کس پس از نماز فریضه، سه بار بگوید: یا مَنْ یَفْعَلُ ما یَشاءُ، وَ لا یَفْعَلُ ما یَشاءُ احَدٌ غَیْرُهُ.

************ ای کسی که هر چه بخواهی انجام می دهی و کسی جز تو نمی تواند هر چه بخواهد انجام دهد.

سپس از خداوند چیزی بخواهد، حاجتش روا شود.(5)

1- [1570]ثواب الاعمال، صفحه 159 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 19.
2- [1571]تهذیب، جلد 2، صفحه 107، حدیث 174.
3- [1572]امالی صدوق، صفحه 182، حدیث 11 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 21، حدیث 19.
4- [1573]امالی صدوق، صفحه 271، حدیث 6 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 21، حدیث 19.
5- [1574]کافی، جلد 2، صفحه 549، حدیث 9.

14- به سند موثّق از امام صادق علیه السلام روایت شده است: هر کس بعد از نماز، قبل از آن که زانوانش را حرکت دهد و برخیزد، ده مرتبه این ذکر را بگوید گناهان زیادی از او بخشوده و حسنات زیادی در نامه عمل او نوشته می شود: اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، الهاً

********** گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست یگانه است و شریکی ندارد معبود یگانه

واحِداً احَداً صَمَداً، لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لا وَلَداً.(1)

یکتای بی نیاز که همسر و فرزندی اختیار نکرده است.

برای این ذکر، فضیلت فراوانی ذکر شده است، مخصوصاً پس از نماز صبح، و نماز عشا و هنگام طلوع و غروب آفتاب.(2)

***

15- مرحوم «شیخ کلینی» و «شیخ صدوق» و دیگران به سندهای صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که: جبرئیل علیه السلام در زندان نزد حضرت یوسف علیه السلام آمد و به او گفت بعد از هرنماز بگو:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً، وَ ارْزُقْنی مِنْ حَیْثُ أَحْتَسِبُ، وَ مِنْ

خدایا گشایش و محلّ خروجی برایم قرار ده و از جایی که می دانم

حَیْثُ لا احْتَسِبُ.(3)

و نمی دانم روزیم ده.

***

16- در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: هر کس می خواهد که خداوند او را در قیامت بر اعمال بدش مطّلع نسازد و دیوان گناهانش را نگشاید، بعد از هرنماز این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ انَّ مَغْفِرَتَکَ ارْجی مِنْ عَمَلی وَانَّ رَحْمَتَکَ اوْسَعُ مِنْ ذَنْبی اللَّهُمَ

خدایا براستی آمرزشت امیدوار کننده تر از عمل من است، و لطف و رحمتت گسترده تر از گناه من است، خدایا

انْ کانَ ذَنْبی عِنْدَکَ عَظیماً، فَعَفْوُکَ اعْظَمُ مِنْ ذَنْبی اللَّهُمَّ انْ لَمْ اکُنْ اهْلًا

اگر گناهم نزد تو بزرگ است، ولی عفو تو بزرگتر از گناه من است، خدایا اگر من شایسته

ص: 1029

1- [1575]محاسن، جلد 1، صفحه 51، حدیث 73 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 27، حدیث 30.

2- [1576]مفاتیح الجنان، فصل تعقیبات مشترکه.

3- [1577]کافی، جلد 2، صفحه 549، حدیث 7 و فقیه، جلد 1، صفحه 324، حدیث 950.

انْ تَرْحَمَنی 1578]، فَرَحْمَتُکَ اهْلٌ انْ تَبْلُغَنی وَ تَسَعَنی لِأَنَّها وَسِعَتْ کُلَ

ترحّم تو نیستم، ولی رحمت تو شایسته آن است که به من رسد و مرا در برگیرد، زیرا رحمت تو همه

شَیْ ءٍ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

چیز را فرا گرفته است، به حق رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

***

17- علّامه مجلسی از مرحوم «کفعمی» نقل کرده است: شخصی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، و از بیماری و تنگدستی و فقر، شکایت کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: پس از هر نماز واجب بخوان:

تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذی لا یَمُوتُ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً

بر زنده ای که هرگز نمی میرد توکل نمودم و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که همدم

وَ لا وَلَداً، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِ

و فرزندی اختیار نکرده و همتایی در فرمانروایی ندارد، و ضعف و ذلّتی ندارد که نیازمند حامی و سرپرست باشد و (لذا به خود می گویم)

وَکَبِّرْهُ تَکْبیراً.(2)

او را بسیار بزرگ بشمار.

و مطابق روایت دیگر، آن حضرت فرمود: هیچ گاه سختی و شدّتی به من رو نیاورد، مگر آنکه جبرئیل بر من ظاهر شد و گفت این دعا را بخوان.(3)

***

18- مرحوم «شیخ مفید» در «مقنعه» این دعا را برای تعقیبات همه نمازها، آورده است:

اللّهُمَّ انْفَعْنا بِالْعِلْمِ، وَزَيِّنّا بِالْحِلْمِ، وَجَمِّلْنا بِالْعافِيَهِ، وَكَرِّمْنا بِالتَّقْوی انَ

خدایا ما را به دانش سودمند گردان و به بردباری زینت ده و به سلامتی زیبا گردان و به تقوا گرامی دار،

وَلِیِّیَ اللَّهُ الَّذی نَزَّلَ الْکِتابَ، وَهُوَ یَتَوَلَّی الصَّالِحینَ.(4)

و به راستی سرپرست من خدایی است که کتاب (قرآن) را فرو فرستاد و او صالحان را دوست دارد.

ص: 1030

1- [1579]بحارالانوار، جلد 83، صفحه 37، حدیث 44.
2- [1580]همان مدرک، صفحه 49، حدیث 54.
3- [1581]همان مدرک.
4- [1582]مقنعه، صفحه 114 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 51، حدیث 55.

19- مرحوم «شیخ صدوق» و «شیخ طوسی» و دیگران با سندهای معتبر از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده اند که آن حضرت فرمود: هر کس دوست دارد ازدنیا بیرون رود، در حالی که از همه گناهان پاک شده باشد، آن گونه که طلا از ناخالصی ها پاک می شود، و کسی از او مظلمه ای را بازخواست نکند، پس از نمازهای پنج گانه، دوازده بار سوره ای که اوصاف خدا را بیان می کند بخواند (یعنی سوره توحید را) سپس دستها را به سوی آسمان بگشاید و این دعا را- که خواهد آمد- بخواند؛ آنگاه آن حضرت فرمود: این دعا از رازهای مکنون و پنهانی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را به من آموخت و به من دستور داد که آن را به حسن و حسین علیهما السلام نیز بیاموزم:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْنُونِ الْمَخْزُونِ، الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبارَکِ،

خدایا به حقّ نام پوشیده و نهان و پاک و پاکیزه و مبارکت از تو می خواهم

وَاسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظیمِ، وَسُلْطانِکَ الْقَدیمِ، یا واهِبَ الْعَطایا، یا مُطْلِقَ

و به حق نام بزرگ و فرمانروایی دیرینه ات از تو می خواهم، ای بخشنده نعمتها، ای آزادکننده

الْأُساری یا فَکَّاکَ الرِّقابِ مِنَ النَّارِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَفُکَ

اسیران و رهایی بخش انسانها از آتش، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا از

رَقَبَتی مِنَ النَّارِ، وَاخْرِجْنی مِنَ الدُّنْیا آمِناً، وَادْخِلْنِی الْجَنَّةَ سالِماً،

آتش رهایی بخش و مرا از دنیا با ایمان خارج کن و با سلامتی در بهشت داخل کن،

وَاجْعَلْ دُعآئی اوَّلَهُ فَلاحاً، وَاوْسَطَهُ نَجاحاً، وَآخِرَهُ صَلاحاً، انَّکَ انْتَ

و ابتدای دعایم را رستگاری و میانش را موفقیّت و انتهایش را شایستگی قرار ده که تو براستی

عَلَّامُ الْغُیُوبِ.(1)

دانای نهان هایی.

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است: هر کس سوره «توحید» را بعد از هر نماز تلاوت کند، خدا خیر دنیا و آخرت را برای او جمع کرده و خودش و پدر و مادرش را بیامرزد.(2)

***

20- مرحوم «شیخ مفید» در کتاب «امالی» از محمّد بن حنفیه نقل کرده است که: روزی پدرم امیر مؤمنان علیه السلام را در حال طواف دیدم، در همان حال مردی را دید که به پرده های کعبه چنگ زده و دعایی را

1- [1583]معانی الاخبار، صفحه 140، حدیث 1 و تهذیب، جلد 2، صفحه 108، حدیث 178.
2- [1584]ثواب الاعمال، صفحه 128 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 27، حدیث 29.

می خواند، آن مرد به امیر مؤمنان علیه السلام گفت: این دعا را بعد از هر نماز بخوان، به خدا سوگند هر مؤمنی که این دعا را پس از نماز بخواند، خداوند متعال، گناهان زیادی را از وی بیامرزد.

امام علیه السلام فرمود: من این دعا را می دانم و آن شخص حضرت خضر بود. آن دعا این است:

یا مَنْ لا یَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، یا مَنْ لا یُغَلِّطُهُ السَّآئِلُونَ، وَیا مَنْ لا

ای کسی که شنیدن سخنی از شنیدن دیگر بازش ندارد، ای کسی که کثرت نیازمندان او را به اشتباه نیندازد، و ای کسی

یُبْرِمُهُ الْحاحُ الْمُلِحّینَ، اذِقْنی بَرْدَ عَفْوِکَ وَمَغْفِرَتِکَ، وَحَلاوَهَ رَحْمَتِکَ.(1)

که پافشاری اصرار کنندگان او را خسته نکند، لذّت عفو و آمرزشت و شیرینی رحمتت را به من بچشان.

***

21- مرحوم «دیلمی» در کتاب «اعلام الدین» از ابن عبّاس نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس سه مرتبه این آیات را بعد از نماز مغرب بخواند، هرچه از ثواب و پاداش که در روز گذشته از او فوت شده است را دریابد و نمازش مورد قبول قرار گیرد و اگر آنها را بعد از هر فریضه و یا نماز مستحب بخواند، برای او ثواب فراوان نوشته می شود، و آیات این است:

فَسُبْحانَ اللَّهِ حینَ تُمْسُونَ وَحینَ تُصْبِحُونَ* وَلَهُ الْحَمْدُ فِی السَّمواتِ

منزّه است خداوند به هنگام شب و روز، و حمد و ستایش مخصوص اوست در آسمانها

وَالْأَرْضِ وَعَشِیّاً وَحینَ تُظْهِرُونَ* یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَیُخْرِجُ

و زمین و به هنگام عصر و ظهر، او زنده را از مرده بیرون می آورد

الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَیُحْیِی الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها، وَکَذلِکَ تُخْرَجُونَ 1586]*

و مرده را از زنده زمین را پس از مردنش حیات می بخشد و به همین گونه روز قیامت (از گورها) بیرون آورده می شوید،

سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ* وَسَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلینَ*

منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزّت (وقدرت) از آنچه آنان توصیف می کنند، و سلام بر رسولان،

وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ.(2)،(3)

و حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

ص: 1032

1- [1585]امالی مفید، صفحه 91، حدیث 8 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 1، حدیث 1.
2- [1587]سوره صافات، آیه 180- 182.
3- [1588]اعلام الدین، صفحه 352، حدیث 7 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 18، حدیث 16.

22- «شيخ طوسى» در «مصباح المتهجّد» در تعقيبات مشترک اين دعا را نقل كرده است:

اللَّهُمَّ اهْدِنى مِنْ عِنْدِکَ، وَ افِضْ عَلَىَّ مِنْ فَضْلِکَ، وَ انْشُرْ عَلَىَّ مِنْ

خدايا مرا از سوى خود هدايت فرما و از لطف و كرمت بر من فرو ريز و رحمتت را بر من بگستران

رَحْمَتِکَ، وَ انْزِلْ عَلَىَّ مِنْ بَرَكاتِکَ، سُبْحانَکَ لا الهَ الَّا انْتَ، اغْفِرْ لى

و بركاتت را بر من نازل كن، پاک و منزّهى تو كه معبودى جز تو نيست، همه گناهانم

ذُنُوبى كُلَّها جَميعاً، فَانَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّها جَميعاً الَّا انْتَ، اللَّهُمَّ انّى

را بيامرز، كه كسى جز تو همه گناهان را نيامرزد، خدايا از

اسْئَلُکَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ احاطَ بِهِ عِلْمُکَ، وَ اعُوذُ بِکَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ احاطَ بِهِ

هر نيكى كه علمت به آن احاطه دارد از تو مى خواهم، و از هر بدى كه علمت به آن احاطه دارد به تو پناه مى برم،

عِلْمُکَ، اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُکَ عافِيَتَکَ فى امُورى كُلِّها، وَ اعُوذُ بِکَ مِنْ خِزْىِ

خدايا در تمام كارهايم از تو عافيت مى طلبم، و از رسوايى در

الدُّنْيا وَعَذابِ الْأخِرَهِ، وَاعُوذُ بِوَجْهِکَ الْكَريمِ، وَ عِزَّتِکَ الَّتى لا تُرامُ،

دنيا و عذاب آخرت به تو پناه مى برم، و به ذات بزرگوار و عزّتت كه جاودان است

وَقُدْرَتِکَ الَّتى لا يَمْتَنِعُ مِنْها شَىْ ءٌ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيا وَ الْاخِرَهِ، وَ [مِنْ شَرِّ

و توانايى‌ات كه چيزى از آن سرپيچى نمى كند به تو پناه مى برم، و همچنين از شرّ دنيا و آخرت و [از] شرّ

الْاوْجاعِ كُلِّها، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّهٍ انْتَ اخِذٌ بِناصِيَتِها، انَّ رَبّى عَلى

همه دردها و از شرّ هر جنبنده ای که در اختیار توست، به یقین پروردگارم بر

صِراطٍ مُسْتَقیمٍ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ، تَوَّکَلْتُ عَلَی

راه راست است و پناهگاه و نیرویی جز از سوی خدای بلند مرتبه و با عظمت نیست، بر

الْحَیِّ الَّذی لا یَمُوتُ، وَ الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ

زنده ای که هرگز نمی میرد توکل نمودم و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که همدم و فرزندی اختیار نکرده

شَریکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبیراً.(1)

و همتایی در فرمانروایی ندارد، و ضعف و ذلّتی ندارد که نیازمند حامی و سرپرستی باشد و (لذا به خود می گویم) او را بسیار بزرگ بشمار.

1- [1589]مصباح المتهجّد، صفحه 50 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 44، حدیث 54.

23- «شیخ طوسی» در «مصباح المتهجّد» در تعقیبات نماز آورده است:

سُبْحانَ اللَّهِ کُلَّما سَبَّحَ اللَّهَ شَیْ ءٌ، وَ کَما یُحِبُّ اللَّهُ انْ یُسَبَّحَ، وَ کَما هُوَ

منزّه است خدا هر زمانی که چیزی خدا را تسبیح گوید، و همان گونه که خدا دوست دارد تسبیح شود و آن گونه که او

اهْلُهُ، وَ کما یَنْبَغی لِکَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلالِهِ، وَ الْحَمْدُ للَّهِ کُلَّما حَمِدَ اللَّهَ

شایسته آن است و آن گونه که سزاوار ذات بزرگوار و عزّت اوست و حمد و سپاس مخصوص خداوند است هر زمانی که چیزی خدا را

شَیْ ءٌ، وَ کَما یُحِبُّ اللَّهُ انْ یُحْمَدَ، وَکَما هُوَ اهْلُهُ، وَ کَما یَنْبَغی لِکَرَمِ وَجْهِهِ

ستایش کند و آن گونه که خدا دوست دارد که ستایش شود و آن گونه که او شایسته آن است و آن گونه که سزاوار ذات بزرگوار

وَ عِزِّ جَلالِهِ، وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ کُلَّما هَلَّلَ اللَّهَ شَیْ ءٌ، وَکَما یُحِبُّ اللَّهُ انْ یُهَلَّلَ،

و عزّت و عظمت اوست، و معبودی جز خدا نیست هر زمانی که چیزی خدا را به یکتایی یاد کند و آن گونه که خدا دوست دارد به یکتایی یاد شود

وَ کَما هُوَ اهْلُهُ، وَ کَما یَنْبَغی لِکَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلالِهِ، وَ اللَّهُ اکْبَرُ کُلَّما کَبَّرَ

و آن گونه که او شایسته آن است و آن گونه که سزاوار ذات بزرگوار و عزّت و عظمت اوست و خدا بزرگتر است هر زمانی که

اللَّهَ شَیْ ءٌ، وَ کَما یُحِبُّ اللَّهُ انْ یُکَبَّرَ، وَ کَما هُوَ اهْلُهُ، وَ کَما یَنْبَغی لِکَرَمِ

چیزی خدا را بزرگ شمارد و آن گونه که خدا دوست دارد که بزرگ داشته شود و آن گونه که او شایسته آن است و آن گونه که سزاوار ذات

وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلالِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ للَّهِ، وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اکْبَرُ

بزرگوار و عزّت و عظمت اوست، پاک و منزّه است خدا و حمد و سپاس مخصوص خداوند است و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر (از هر چیز) است

عَلی کُلِّ نِعْمَهٍ انْعَمَ بِها عَلَیَّ، وَ عَلی کُلِّ احَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ کانَ اوْ

در برابر هر نعمتی که به من وبه هر یک از مخلوقاتش داده است، مخلوقاتی که بوده

یَکُونُ الی یَوْمِ الْقِیمَهِ، اللهُمَّ انّی اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

و تا روز قیامت خواهد بود، خدایا من از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی

مُحَمَّدٍ، وَ اسْئَلُکَ مِنْ خَیْرِ ما ارْجُو، وَ خَیْرِ ما لا ارْجُو، وَ اعُوذُ بِکَ مِنْ

و از بهترین آنچه امید دارم و امید ندارم از تو خواهانم

شَرِّ ما احْذَرُ، وَ مِنْ شَرِّ ما لا احْذَرُ.(1)

و از شرّ آنچه می ترسم و نمی ترسم به تو پناه می برم.

ص: 1034

1- [1590]مصباح المتهجّد، صفحه 52 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 44 (با اندکی تفاوت).

24- امیرمؤمنان، علی علیه السلام فرمود: پس از هر نماز می خوانی:

الهی هذِهِ صَلاتی صَلَّیْتُها لا لِحاجَهٍ مِنْکَ الَیْها، وَ لا رَغْبَهٍ مِنْکَ فیها الَّا

ای معبود من این نماز من است که به جا آوردم نه به خاطر نیاز تو به آن و نه اشتیاق تو به آن،

تَعْظیماً وَطاعَهً وَاجابَهً لَکَ الی ما امَرْتَنی بِهِ، الهی انْ کانَ فیها خَلَلٌ اوْ

بلکه به خاطر بزرگداشت و بندگی و پذیرش آنچه تو مرا به آن فرمان داده ای، ای معبود من اگر در

نَقْصٌ مِنْ رُکُوعِها اوْ سُجُودِها، فَلا تُؤاخِذْنی وَ تَفَضَّلْ عَلَیَّ بِالْقَبُولِ

رکوع یا سجود آن عیب یا کمبودی هست مرا مؤاخذه نکن و با پذیرش آن

وَالْغُفْرانِ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(1)

و آمرزشم، بر من منّت گذار به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

***

25- همچنین در تعقیبات نماز این دعا را می خوانی، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را به علی علیه السلام برای تقویت حافظه تعلیم فرمود:

سُبْحانَ مَنْ لایَعْتَدی عَلی اهْلِ مَمْلَکَتِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا یَأْخُذُ اهْلَ

پاک و منزّه است آن کسی که بر کسانی که تحت فرمان اویند ظلم نمی کند، پاک و منزّه است آن کسی که اهل

الْأَرْضِ بِالْوانِ الْعَذابِ، سُبْحانَ الرَّؤُوفِ الرَّحیمِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لی فی

زمین را با عذابهای گوناگون مجازات نمی کند، پاک و منزّه است (خدای) پر محبّت و مهربان، خدایا در

قَلْبی نُوراً وَ بَصَراً وَ فَهْماً وَعِلْماً، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.(2)

دلم روشنایی و بینایی و فهم و علم را قرار ده که تو بر هر چیز توانایی.

***

26- در کتاب «بلدالامین» آمده است که پس از نماز، سه بار بگو:

اعیذُ نَفْسی وَ دینی وَ اهْلی وَ مالی وَ وُلْدی وَ اخْوانی فی دینی وَ ما

خود و دین و خانواده و دارایی و فرزندان و برادران دینیم و آنچه

ص: 1035

1- [1591]مصباح کفعمی، صفحه 20 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 38، حدیث 45.

2- [1592]فلاح السائل، صفحه 168 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 9، حدیث 8.

رَزَقَنی رَبّی وَ خَواتیمَ عَمَلی وَ مَنْ یَعْنینی امْرُهُ، بِاللَّهِ الْواحِدِ الْأَحَدِ

پروردگارم روزیم نموده و عاقبت کارم و آن کسی که سرنوشتش مورد توجّه من است را به خدای یگانه یکتای

الصَّمَدِ الَّذی لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً احَدٌ، وَ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ

بی نیاز می سپارم که نزاده و زاده نشده و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده و به پروردگار سپیده دم (می سپارم)

شَرِّ ما خَلَقَ، وَ مِنْ شَرِّ غاسِقٍ اذا وَقَبَ، وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثاتِ فِی الْعُقَدِ،

از شرّ تمام آنچه آفریده و از شرّ هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می شود و از شر آنها که با افسون در گره ها می دمند (و هر تصمیمی را سست می کنند)

وَمِنْ شَرِّ حاسِدٍ اذا حَسَدَ، وَبِرَبِّ النَّاسِ، مَلِکِ النَّاسِ، الهِ النَّاسِ، مِنْ شَرِّ

و از شرّ هر حسود هنگامی که حسد می ورزد، و به پروردگار مردم، به مالک و حاکم مردم به (خدا و) معبود مردم (می سپارم) از شرّ

الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ، الَّذی یُوَسْوِسُ فی صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنهِ وَالنَّاسِ.(1)

وسوسه گر پنهان کار که درون سینه انسانها وسوسه می کند، خواه از جن باشد یا انسان.

***

27- «شیخ صدوق» رحمه الله در تعقیبات نماز می گوید: پس از تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگو:

اللَّهُمَّ انْتَ السَّلامُ، وَ مِنْکَ السَّلامُ، وَ لَکَ السَّلامُ، وَ الَیْکَ یَعُودُ السَّلامُ،

خدایا تویی سلام و از جانب توست سلام و برای توست سلام و به سوی تو باز می گردد سلام،

سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ، وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلینَ، وَ الْحَمْدُ

پاک و منزّه است پروردگار تو پروردگار عزّت از آنچه توصیفش کنند، و درود بر همه فرستادگان (خدا)، و حمد و سپاس

للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْکَ ايُّها النَّبِیُّ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ، السَّلامُ

مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است، سلام بر تو ای پیامبر و رحمت و برکات خدا بر تو باد، سلام

عَلَى الْأَئِمَّهِ الْهادينَ الْمَهْدِيّينَ، السَّلامُ عَلى جَميعِ انْبِياءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ

بر امامان هدایت گر هدایت یافته سلام بر همه پیامبران خدا و فرستادگان

وَمَلائِكَتِهِ، السَّلامُ عَلَيْنا وَ عَلى عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحينَ، السَّلامُ عَلى عَلِيٍ

و فرشتگانش، سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا سلام بر علی

اميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَىْ شَبابِ اهْلِ

امیرمؤمنان، سلام بر حسن و حسین آقا و سرور همه جوانان

ص :1036

1- [1593]بلد الامین، صفحه 12 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 47(با اندکی تفاوت).

الْجَنَّهِ اجْمَعینَ، السَّلامُ عَلی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ زَیْنِ الْعابِدینَ، السَّلامُ

بهشت، سلام بر علی بن حسین زینت عابدان، سلام

عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ باقِرِ عِلْمِ النَّبِیّینَ، السَّلامُ عَلی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد بن علی شکافنده علم پیامبران، سلام بر جعفر بن محمّد

الصَّادِقِ، السَّلام عَلی مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ الْکاظِمِ، السَّلامُ عَلی عَلِیِّ بْنِ

صادق، سلام بر موسی بن جعفر کاظم، سلام بر علی بن

مُوسَی الرِّضا، السَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْجَوادِ، السَّلامُ عَلی عَلِیِّ بْنِ

موسی الرضا، سلام بر محمّد بن علی جواد، سلام بر علی بن

مُحَمَّدٍ الْهادی السَّلامُ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍ الزَّکِیِّ الْعَسْکَرِیِّ، السَّلامُ

محمّد هادی، سلام بر حسن بن علی زکیّ عسگری سلام

عَلَی الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ الْقآئِمِ الْمَهْدِیِّ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ اجْمَعینَ.

بر حجّه بن حسنِ قائمِ مهدی، درود خدا بر تمامی ایشان باد.

پس از آن هر حاجتی که داری از خدا طلب کن.(1)

***

28- شیخ «کفعمی» در «مصباح» می گوید: پس از هر نماز می گویی:

رَضیتُ بِاللَّهِ رَبّاً، وبِالْإِسْلامِ دیناً، وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وآلِهِ نَبِیّاً،

خشنودم به پروردگاری خدا و دین اسلام و پیامبری محمّد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد-

وَبِعَلِیٍّ اماماً، وَبِالْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ عَلِیٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسی

و به امامت علی و امامت حسن و حسین و علی و محمّد و جعفر و موسی

وَعَلِیٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَالْحَسَنِ وَالْخَلَفِ الصَّالِحِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ، ائِمَّهً

و علی و محمّد و علی و حسن و جانشین شایسته آنان (حضرت مهدی)- که بر آنها درود باد- همان رهبران

وَسادَهً وَقادَهً، بِهِمْ اتَوَلّی وَمِنْ اعْدآئِهِمْ اتَبَرَّءُ* پس از آن سه بار بگو: اللَّهُمَّ انّی

و بزرگان و پیشوایان دین، آنان را دوست می دارم و از دشمنانشان بیزاری می جویم*************** خدایا

اسْئَلُکَ الْعَفْوَ وَالْعافِیَهَ، وَ الْمُعافاهَ فِی الدُّنْیا وَ الْاخِرَهِ.(2)

عفو و سلامتی و تندرستی در دنیا و آخرت را از تو می طلبم.

ص: 1037

1- [1594]فقیه، جلد 1، صفحه 322، حدیث 947.
2- [1595]مصباح کفعمی، صفحه 25.

29- امام محمّد تقی علیه السلام فرمود: وقتی نماز را به پایان رساندی بگو:

رَضیتُ بِاللَّهِ رَبّاً، وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِیّاً، وَ بِالْإِسْلامِ دیناً، وَ بِالْقُرْآنِ کِتاباً، وَ بِعَلِیٍ

خشنودم به پروردگاری خدا و پیامبری محمّد و دین اسلام و کتاب قرآن و امامت علی

وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَ عَلِیٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسی وَ عَلِیٍّ وَ مُحَمَّد

و حسن و حسین و علی و محمّد و جعفر و موسی و علی و محمّد

وَعَلِیٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّهِ ائِمَّهً، اللَّهُمَّ وَلِیُّکَ الْقائِمُ الحُجَّهُ، فَاحْفَظْهُ مِنْ بَیْنِ

و علی و حسن و حجّت امامان خود، خدایا حضرت حجّت ولیّ قائمت را از مقابل

یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ، وَ عَنْ یَمینِهِ وَ عَنْ شِمالِهِ، وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ،

و پشت سر و از سمت راست و چپ و از بالای سر و پایین پایش حفظ کن و

وَامْدُدْ لَهُ فی عُمُرِهِ، واجْعَلْهُ الْقآئِمَ بِامْرِکَ، وَالْمُنْتَصِرَ لِدینِکَ، وَ ارِهِ ما

عمرش را طولانی گردان و او را به پا دارنده فرمانت و یاور دینت قرار ده و آنچه دوست دارد به او بنمایان

یُحِبُّ، وَ ما تَقِرُّ بِهِ عَیْنُهُ فی نَفْسِهِ وَ ذُرِّیَّتِهِ، وَ فی اهْلِهِ وَ مالِهِ، وَ فی شیعَتِهِ

و در مورد او و نسلش و خانواده و داراییش و شیعیان و دشمنانش آنچه مایه روشنی چشم اوست (به او بنمایان)،

وَ فی عَدُوِّهِ، وَ ارِهِمْ مِنْهُ ما یَحْذَرُونَ، وَ ارِهِ فیهِمْ ما یُحِبُّ، وَ تَقِرُّ بِهِ

و آنچه را از جانب او می ترسند نشانشان ده و در مورد آنها آنچه را دوست دارد و مایه روشنی

عَیْنُهُ، وَاشْفِ صُدُورَنا وَ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنینَ.(1)

چشم اوست نشانش ده و دل های ما و گروه مؤمنان را شفا بخش.

***

30- امام محمّد تقی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از نماز می گفت:

اللَّهُمَّ اغْفِرْلی ما قَدَّمْتُ وَما اخَّرْتُ، وَ ما اسْرَرْتُ وَ ما اعْلَنْتُ، وَ اسْرافی

خدایا بر من ببخش آنچه پیش از این انجام داده و پس از این انجام می دهم و آنچه پنهان و آشکار کرده

عَلی نَفْسی وَ ما انْتَ اعْلَمُ بِهِ مِنّی اللَّهُمَّ انْتَ الْمُقَدِّمُ وَ انْتَ الْمُؤَخِّرُ،

و بر نفسم زیاده روی نمودم و آنچه تو از من به آن داناتری، خدایا تو قادر بر تقدیم و تأخیر حوادثی،

1- [1596]کافی، جلد 2، صفحه 548، حدیث 6.

لااِلهَ اِلَّا اَنْتَ، بِعِلْمِکَ الْغَیْبَ، وَ بِقُدْرَتِکَ عَلَی الْخَلْقِ اَجْمَعینَ، ما عَلِمْتَ

معبودی جز تو نیست، به حقّ علم غیبت و به حقّ قدرتت بر تمام مخلوقات، تا آن زمان که

الْحَیاةَ خَیْراً لی فَاَحْیِنی وَ تَوَفَّنی اِذا عَلِمْتَ الْوَفاةَ خَیْراً لی اَللّٰهُمَّ اِنّی

زندگی را برای من بهتر می دانی پس مرا زنده بدار و در آن زمان که مردنم را بهتر می دانی مرا بمیران، خدایا

اَسْئَلُکَ خَشْیَتَکَ فِی السِّرِّ وَ الْعَلانِیَهِ، وَ کَلِمَهَ الْحَقِّ فِی الْغَضَبِ وَ الرِّضا،

ترس (از مجازات) تو در (اعمال) نهان و آشکارم، و گفتار حق در حال خشم و خشنودی،

وَالْقَصْدَ فِی الْفَقْرِ وَالْغِنا، وَ اَسْئَلُکَ نَعیماً لایَنْفَدُ، وَ قُرَّهَ عَیْنٍ لاتَنْقَطِعُ،

و میانه روی در حال نیاز و بی نیازی را از تو می خواهم و نعمت بی پایان و روشنی چشم همیشگی را از تو خواهانم،

وَاَسْئَلُکَ الرِّضا بِالْقَضآءِ، وَ بَرَکَهَ الْمَوْتِ بَعْدَ الْعَیْشِ، وَ بَرْدَ الْعَیْشِ بَعْدَ

و از تو می خواهم خشنودی بر تقدیر، و مبارک بودن مرگ بعد از زندگانی، و آرامش زندگی بعد از

الْمَوْتِ، وَ لَذَّهَ الْمَنْظَرِ اِلی وَجْهِکَ، وَ شَوْقاً اِلی رُؤْیَتِکَ وَ لِقآئِکَ، مِنْ غَیْرِ

مرگ، و لذّت دیدار رویت، و اشتیاق دیدار و ملاقاتت را، بی آن که

ضَرَّآءَ مُضِرَّهٍ، وَ لافِتْنَهٍ مُضِلَّهٍ، اَللّٰهُمَّ زَیِّنّا بِزینَهِ الْإیمانِ، وَاجْعَلْنا هُداهً

ضررِ زیان بخشی و فتنه گمراه کننده ای داشته باشد، خدایا ما را به زیور ایمان زینت ده، و ما را هدایت کننده

مَهْدیِّینَ، اَللّٰهُمَّ اهْدِنا فیمَنْ هَدَیْتَ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ عَزیمَهَ الرَّشادِ،

هدایت شده قرار ده، خدایا ما را در میان آنان که هدایت نمودی هدایت کن، خدایا استواری معنوی و

وَالثَّباتَ فِی الْأَمْرِ وَ الرُّشْدَ، وَاسْئَلُکَ شُکْرَ نِعْمَتِکَ، وَ حُسْنَ عافِیَتِکَ،

پایداری در کارها و هدایت را از تو می خواهم و شکر بر نعمت و سلامتی نیکو و

وَاداءَ حَقِّکَ، وَاسْئَلُکَ یا رَبِّ قَلْباً سَلیماً، وَ لِساناً صادِقاً، وَاسْتَغْفِرُکَ لِما

ادای حقّ (بندگی) ات را از تو خواهانم و ای پروردگار من دلی مطمئن و زبانی راستگو از تو می خواهم و بر آنچه (از من) می دانی

تَعْلَمُ، وَ اسْئَلُکَ خَیْرَ ما تَعْلَمُ، وَ اعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ ما تَعْلَمُ، فَانَّکَ تَعْلَمُ

آمرزش می طلبم، و بهترین آنچه را می دانی از تو می خواهم و از بدترین آنچه می دانی به تو پناه می برم، که تو می دانی

وَلاتَعْلَمُ، وَ انْتَ عَلّامُ الْغُیُوبِ.(1)

و ما نمی دانیم و تو دانای نهان هایی.

ص: 1039

1- [1597]کافی، جلد 2، صفحه 548، حدیث 6.

یادآوری لازم:

آنچه در بالا آمد 30 روایت درباره تعقیبات مشترک از کتب معتبر بود؛ بدیهی است غالب مردم قادر به انجام همه این تعقیبات نیستند، بلکه اگر انجام همه این تعقیبات آنها را از فعّالیّت های مهمّ زندگی بازدارد کار مطلوبی نیست؛ بنابراین هر کس به فراخور حال، از آنها گزینش می کند و یا به طور متناوب آنها را می خواند. مهم آن است که انسان نشاط عبادت را حفظ کند و محتوای این دعاها را در خود پیاده نماید تا به آن همه فیض و ثواب نائل گردد.

تعقیبات مخصوص هر نماز:

در این بخش از تعقیبات، برای هر یک از نمازها تعقیب خاصّی روایت شده است که هر کدام اهمّیّت بسیاری دارد.

تعقیبات نماز ظهر:

1- در تعقیبات نماز ظهر می خوانی:

لا الهَ الَّا اللَّهُ الْعَظیمُ الْحَلیمُ، لا الهَ الَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْکَریمُ، الْحَمْدُ للَّهِ

معبودی جز خدای بزرگ و شکیبا نیست، معبودی جز پروردگار عرش با عظمت نیست حمد و سپاس مخصوص خداوندی است

رَبِّ الْعالَمینَ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مُوجِباتِ رَحْمَتِکَ، وَ عَزآئِمَ مَغْفِرَتِکَ،

که پروردگار جهانیان است، خدایا موجبات رحمت و وسائل آمرزش

وَالْغَنیمَهَ مِنْ کُلِّ بِرٍّ، وَالسَّلامَهَ مِنْ کُلِّ اثْمٍ، اللَّهُمَّ لاتَدَعْ لی ذَنْباً الَّاغَفَرْتَهُ،

و بهره مندی از هر نیکی و دوری از هر گناه را از تو می خواهم، خدایا هیچ گناهی برای من قرار نده مگر اینکه آن را بیامرزی

وَلا هَمّاً الَّا فَرَّجْتَهُ، وَ لا سُقْماً الَّا شَفَیْتَهُ، وَ لا عَیْباً الَّا سَتَرْتَهُ، وَ لا رِزْقاً

و هیچ گرفتاری مگر اینکه آن را برطرف سازی و هیچ بیماری مگر اینکه آن را شفا دهی و هیچ عیبی مگر اینکه آن را بپوشانی و هیچ روزی

الّا بَسَطّتَهُ، وَ لا خَوْفاً الّا امَنْتَهُ، وَ لا سُوءً الّا صَرَفْتَهُ، وَ لا حاجَةً هِیَ لَکَ

مگر اینکه آن را گسترش دهی و هیچ ترسی مگر اینکه مرا از آن ایمن سازی و هیچ بدی مگر اینکه مرا از آن بازگردانی و هیچ حاجتی که

رِضاً وَلِیَ فیها صَلاحٌ الّاَقَضَیْتَها، یاارْحَمَ الرّاحِمینَ، امینَ رَبَ الْعالَمینَ.(1)

موجب خشنودی تو و صلاح من در آن است مگر اینکه آن را روا کنی ای مهربانترین مهربانان، دعایم را بپذیر ای پروردگار جهانیان.

ص: 1040

1- [1598]مصباح المتهجّد، صفحه 61.

2- و نیز می خوانی:

اللَّهُمَّ انْ عَظُمَتْ ذُنُوبی فَانْتَ اعْظَمُ، وَ انْ کَبُرَ تَفْریطی فَانْتَ اکْبَرُ، وَ انْ

خدایا اگر گناهانم عظیم است تو با عظمت تری واگر کوتاهیم بزرگ است تو بزرگتری، و اگر

دامَ بُخْلی فَانْتَ اجْوَدُ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ [لی عَظیمَ ذُنُوبی بِعَظیمِ عَفْوِکَ،

من پیوسته بخیلم تو بخشنده تری، خدایا از گناهان بزرگم به عظمت عفوت و

وَکَثیرَ تَفْریطی بِظاهِرِ کَرَمِکَ، وَاقْمَعْ بُخْلی بِفَضْلِ جُودِکَ، اللَّهُمَّ ما بِنا مِنْ

از فراوانی کوتاهیم به بخشش آشکارت درگذر، و بخلم را به فراوانی بخششت ریشه کن گردان، خدایا تمام نعمتهای

نِعْمَهٍ فَمِنْکَ، لا الهَ الَّا انْتَ، اسْتَغْفِرُکَ وَ اتُوبُ الَیْکَ.(1)

ما از جانب توست، معبودی جز تو نیست از تو آمرزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم.

***

3- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: امیر مؤمنان علیه السلام بعد از نماز ظهر می گفت:

اللَّهُمَّ انّی اتَقَرَّبُ الَیْکَ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ، وَ اتَقَرَّبُ الَیْکَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِکَ

خدایا به واسطه بخشش و کرمت و به واسطه محمّد، بنده

وَرَسُولِکَ، وَاتَقَرَّبُ الَیْکَ بِمَلائِکَتِکَ الْمُقَرَّبینَ، وَانْبِیآئِکَ الْمُرْسَلینَ، وَبِکَ

و فرستاده ات، و به واسطه فرشتگان مقرّب و پیامبران مرسلت و به واسطه تو به درگاهت تقرب می جویم،

اللَّهُمَّ انْتَ الْغَنِیُّ عَنّی وَبِیَ الْفاقَهُ الَیْکَ، انْتَ الْغَنِیُّ وَ ا نَا الْفَقیرُ الَیْکَ،

خدایا تو از من بی نیازی و من به تو نیازمندم، تویی بی نیاز و منم نیازمند تو،

اقَلْتَنی عَثْرَتی وَ سَتَرْتَ عَلَیَّ ذُ نُوبی فَاقْضِ الْیَوْمَ حاجَتی وَ لا

لغزشم را بخشیدی و گناهانم را بر من پوشاندی پس در این روز حاجتم را برآور و

تُعَذِّبْنی بِقَبیحِ ما تَعْلَمُ مِنّی بَلْ عَفْوُکَ وَ جُودُکَ یَسَعُنی آنگاه حضرت مرا به زشتی آنچه از من می دانی عذاب مکن، بلکه (امیدوارم) گذشت و بخششت مرا فراگیرد.***********

به سجده رفت و می گفت: یا اهْلَ التَّقْوی وَ یا اهْلَ الْمَغْفِرَهِ، یا بَرُّ یا رَحیمُ، انْتَ

************* ای شایسته پرهیزکاری و ای شایسته آمرزش، ای نیکوکار، ای مهربان، تو

ص :1041

1- [1599]مصباح المتهجّد، صفحه 63.

اَبَرُّ بی مِنْ ابی وَ امّی وَ مِنْ جَمیعِ الْخَلائِقِ، اقْبَلْنی بِقَضآءِ حاجَتی

نسبت به من از پدر و مادر و همه مخلوقات مهربان تری، با برآوردن حاجتم مرا بپذیر

مُجاباً دُعائی مَرْحُوماً صَوْتی قَدْ کَشَفْتَ انْواعَ الْبَلاءِ عَنّی (1)

در حالی که خواسته ام را اجابت کرده و صدایم را مورد رحمتت قرار داده و انواع گرفتاریها را از من دور کرده باشی.

***

تعقیبات نماز عصر:

1- اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذی لا الهَ الَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ الرَّحْمنُ الرَّحیمُ،

آمرزش می طلبم از خدایی که معبودی جز او زنده و پاینده و بخشنده و مهربان نیست،

ذُوالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، وَاسْئَلُهُ انْ یَتُوبَ عَلَیَّ تَوْبَهَ عَبْدٍ ذَلیلٍ خاضِعٍ، فَقیرٍ

که صاحب جلال و بزرگواری است و از او می خواهم توبه ام را بپذیرد، توبه ای همانند توبه بنده فرمانبردار و فروتن

بآئِسٍ، مِسْکینٍ مُسْتَکینٍ مُسْتَجیرٍ، لا یَمْلِکُ لِنَفْسِهِ نَفْعاً وَ لا ضَرّاً، وَ لا

و نیازمند و پریشان حال و بیچاره و درمانده و پناهنده ای که مالک سود و زیان و

مَوْتاً وَ لا حَیاهً وَ لا نُشُوراً.(2)

مرگ و زندگی و زنده شدن دوباره اش نمی باشد.

2- اللَّهُمَّ انّی اعُوذُ بِکَ مِنْ نَفْسٍ لا تَشْبَعُ، وَ مِنْ قَلْبٍ لا یَخْشَعُ، وَمِنْ عِلْمٍ

خدایا به تو پناه می برم از نفسی که سیر نشود، و از دلی که خاشع نگردد، و از دانشی که

لا یَنْفَعُ، وَمِنْ صَلاهٍ لا تُرْفَعُ، وَ مِنْ دُعآءٍ لا یُسْمَعُ، اللّهُمَّ انّی اسْئَلَکَ

سود نبخشد، و از نمازی که (به درگاه تو) بالا نرود و از دعایی که پذیرفته نشود، خدایا

الْیُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ، وَالْفَرَجَ بَعْدَ الْکَرْبِ، وَ الرَّخآءَ بَعْدَ الشِّدَّهِ، اللَّهُمَّ ما بِنا

آسانی بعد از دشواری و گشایش پس از گرفتاری و آسایش بعد از سختی را از تو می خواهم، خدایا تمام

مِنْ نِعْمَهٍ فَمِنْکَ، لا الهَ الَّا انْتَ، اسْتَغْفِرُکَ وَ اتُوبُ الِیْکَ.(3)

نعمتهای ما از جانب توست، معبودی جز تو نیست از تو آمرزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم.

1- [1600]کافی، جلد 2، صفحه 545، حدیث 1.
2- [1601]بلد الامین، صفحه 20.
3- [1602]همان مدرک.

3- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هر کس بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار کند، خداوند هفتصد گناه وی را بیامرزد.(1)

***

تعقیبات نماز مغرب:

شیخ در «مصباح المتهجّد» می گوید:

پس از نماز مغرب و بعد از ذکر تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام می گویی:

1- انَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ، یا ایُّهَا الَّذینَ امَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند ای کسانی که ایمان آورده اید بر او درود فرستید و

وَ سَلِّمُوا تَسْلیماً، اللهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ، وَ عَلی ذُرِّیَّتِهِ وَ صَلِ

سلام گویید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید، خدایا بر پیامبر (ما) محمّد و بر

عَلی اهْلِ بَیْتِهِ.(2)

نسل و خانواده اش درود فرست.

2- سپس هفت مرتبه می گویی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ.(3)

به نام خداوند بخشنده مهربان هیچ پناهگاه و قدرتی جز برای خداوند بلند مرتبه و با عظمت نیست.

3- سه مرتبه می گویی: الْحَمْدُلِلَّهِ الَّذی یَفْعَلُ ما یَشآءُ، وَ لا یَفْعَلُ مایَشآءُ غَیْرُهُ.(4)

*************** حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که هر چه بخواهد انجام می دهد و کسی جز او نمی تواند آنچه خواهد انجام دهد.

4- بعد از آن می گویی: سُبْحانَکَ لا الهَ الَّا انْتَ، اغْفِرْ لی ذُنُوبی کُلَّها جَمیعاً،

*************** پاک و منزّهی تو که معبودی جز تو نیست، تمامی گناهانم را بیامرز که

فَانَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ کُلَّها الَّا انْتَ.(5)

کسی جز تو تمامی گناهان را نیامرزد.

ص: 1043

1- [1603]مصباح المتهجّد، صفحه 73.
2- [1604]همان مدرک، صفحه 98.
3- [1605]همان مدرک.
4- [1606]همان مدرک.
5- [1607]همان مدرک.

5- آنگاه نافله مغرب را می خوانی که چهار رکعت است (هر دو رکعت به یک سلام) و میان نماز مغرب و نافله آن، سخن نمی گویی.(1) مرحوم «شیخ طوسی» فرموده، روایت شده است: در رکعت اوّل- بعد از حمد- سوره «قل یا ایّها الکافرون» را بخواند و در رکعت دوم، سوره «قل هو اللّه احد» و در دو رکعت بعدی، هر سوره ای را خواست بخواند و در روایتی آمده است که امام حسن عسکری علیه السلام در رکعت سوم پس از حمد، آیات نخستین سوره حدید تا آیه ششم (و هو علیم بذات الصّدور) را می خواند و در رکعت چهارم پس از حمد، آخر سوره حشر از «لو أنزلنا هذا القرآن علی جبل» را تا آخر سوره تلاوت می کرد.(2) مستحب است در سجده آخر نوافل در هر شب، مخصوصاً در شب جمعه هفت مرتبه بخواند:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِوَجْهِکَ الْکَریمِ، وَ اسْمِکَ الْعَظیمِ، وَ مُلْکِکَ الْقَدیمِ، انْ تُصَلِّیَ

خدایا به حق ذات بزرگوارت و اسم با عظمت و فرمانروایی دیرینه ات از تو می خواهم که بر محمّد

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَانْ تَغْفِرَ لی ذَنْبِیَ الْعَظیمَ، انَّهُ لایَغْفِرُ الْعَظیمَ الَّا الْعَظیمُ.(3)

و خاندان پاکش درود فرستی و گناه بزرگم را بیامرزی که (گناه) بزرگ را جز (پروردگار) با عظمت نیامرزد.

6- پس از انجام نافله، این تعقیبات نیز وارد شده است:

الف) ما شآءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ، اسْتَغْفِرُ اللَّهَ (ده مرتبه).(4) آنچه خدا بخواهد (می شود)، قدرتی جز برای خدا نیست، از خدا آمرزش می طلبم.

ب) اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ مُوجِباتِ رَحْمَتِکَ، وَ عَزآئِمَ مَغْفِرَتِکَ، وَ النَّجاةَ

خدایا موجبات رحمت و وسائل آمرزش و رهایی از آتش

مِنَ النَّارِ وَ مِنْ کُلِّ بِلِیَّهٍ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّهِ وَالرِّضْوانِ فی دارِ السَّلامِ،

و هر گرفتاری و رسیدن به بهشت و خشنودی در جایگاه امن

وَجِوارِ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَآلِهِ السَّلامُ، اللّٰهُمَّ ما بِنا مِنْ نِعْمَهٍ فَمِنْکَ، لا الهَ

و همسایگی پیامبرت محمّد- که بر او و خاندان پاکش درود باد- را از تو می خواهم، خدایا تمام نعمتهای ما از جانب توست، معبودی

الَّا انْتَ، اسْتَغْفِرُکَ وَ اتُوبُ الَیْکَ.(5)

جز تو نیست، از تو آمرزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم.

1- [1608]بحارالانوار، جلد 83، صفحه 99.
2- [1609]مصباح المتهجّد، صفحه 98.
3- [1610]همان مدرک، صفحه 99.
4- [1611]همان مدرک، صفحه 102.
5- [1612]همان مدرک.

7- پس از انجام نوافل و تعقیبات، سجده شکر به جای می آوری و کمترین سجده شکر آن است که سه بار بگویی:

شُکْراً شُکْراً شُکْراً

؛ همان طور که در بخش سجده شکر (صفحه 1056) بیان می شود.

8- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که وقتی نماز مغرب به پایان رسید بر پیشانی خود دست بکش و سه بار بگو: بِسْمِ اللّٰهِ الَّذی لا الهَ الّٰا هُوَ، عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ، الرَّحْمنُ

**** به نام خداوندی که معبودی جز او نیست، دانای نهان و آشکار است، بخشنده و

الرَّحیمُ، اللّٰهُمَّ اذْهِبْ عَنِّی الْهَمَّ وَ الْغَمَّ وَ الْحَزَنَ.(1)

مهربان است، خدایا اندوه و گرفتاری و غم را از ما دور کن.

نماز غفیله:

9- میان نماز مغرب و عشا نماز غفیله را (به نیّت قربت مطلقه) می خوانی که دو رکعت است و در رکعت اوّل پس از حمد، می خوانی:

وَ ذَا النُّونِ اذْ ذَهَبَ مُغاضِباً، فَظَنَّ انْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ، فَنادی فِی

وذاالنون [/ یونس را (به یادآور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت و چنین می پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت (امّا موقعی که در کام نهنگ فرو رفت) در

الظُّلُماتِ انْ لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَکَ انّی کُنْتُ مِنَ الظّٰالِمینَ، فَاسْتَجَبْنا

آن تاریکیها صدا زد (خداوندا) جز تو معبودی نیست منزّهی تو من از ستمکاران بودم، ما دعای او را به اجابت رساندیم

لَهُ وَنَجَّیْناهُ مِنَ الْغَمِّ، وَکَذلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنینَ. و در رکعت دوم پس از حمد می خوانی:

و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم و این گونه مؤمنان را نجات می دهیم.******************

وَ عِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَیْبِ لا یَعْلَمُها الّا هُوَ، وَ یَعْلَمُ ما فِی الْبَّرِ وَ الْبَحْرِ، وَ ما

و کلیدهای غیبت تنها نزد اوست و جز او کسی آنها را نمی داند، او آنچه را در خشکی و دریاست می داند هیچ

تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَهٍ الّا یَعْلَمُها، وَ لا حَبَّهٍ فی ظُلُماتِ الْارْضِ، وَ لا رَطْبٍ

برگی (از درختی) نمی افتد مگر اینکه از آن آگاه است و نه هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین و نه هیچ تر

وَلا یابِسٍ الَّا فِی کِتابٍ مُبینٍ. پس از آن دستها را برای قنوت بالا می بری و در قنوت و خشکی وجود دارد جز این که در کتابی آشکار [/ علم خدا] ثبت است.***************************

می گویی: اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِمَفاتِحِ الْغَیْبِ الَّتی لا یَعْلَمُها الَّا انْتَ، انْ تُصَلِّیَ

**** خدایا به حقّ کلیدهای غیب که کسی جز تو از آنها آگاه نیست از تو می خواهم که

ص :1045

1- [1613]کافی، جلد 2، صفحه 549، حدیث 10.

عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ انْ تَفْعَلَ بی کَذا وَ کَذا. به جای کلمات «کذا و کذا» حاجت خود را بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و درباره ام چنین و چنان کنی**********************

بیان می کنی (مثلاً می گویی:

وَ انْ تَرْزُقَنِی خَیْرَ الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ

) پس از آن می خوانی: اللَّهُمَّ انْتَ

************** (و خیر دنیا و آخرت را روزیم کن)************** خدایا تویی

وَلِیُّ نِعْمَتی وَ الْقادِرُ عَلی طَلِبَتی تَعْلَمُ حاجَتی فَاسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

ولی نعمتم، و توانا بر (بر آوردن) نیازم، حاجتم را می دانی، به حق محمّد و خاندان پاکش- که

وَآلِهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ، لَمَّا قَضَیْتَها لی

بر او و خاندانش درود باد- از تو می خواهم که آنها را برایم اجابت کنی.

مطابق روایتی از امام صادق علیه السلام هر کس چنین کند و حاجت خود را از خدا بخواهد، خداوند حاجتش را برآورده سازد.(1)

***

تعقیبات نماز عشا:

در تعقیب نماز عشا آیات و اذکار زیر وارد شده است:

1- هفت مرتبه سوره قدر.(2) 2- آنگاه می خوانی:

اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمواتِ السَّبْعِ وَ ما اظَلَّتْ، وَ رَبَّ الْأَرَضینَ السَّبْعِ وَ ما

خدایا ای پروردگار آسمانهای هفت گانه و آنچه بر آن سایه انداخته، و ای پروردگار زمینهای هفت گانه و آنچه را

اقَلّتْ، وَرَبَّ الشَّیاطینِ وَ ما اضَلّتْ، وَ رَبَّ الرِّیاحِ وَ ما ذَرَتْ، اللّهُمَّ رَبَ

بر خود حمل کرده، و ای پروردگار شیطانها و کسانی را که گمراه کرده اند، و ای پروردگار بادها و آنچه را پراکنده اند، خدایا ای پروردگار

کُلِّ شَیْ ءٍ، وَ الهَ کُلِّ شَیْ ءٍ، وَ مَلیکَ کُلِّ شَیْ ءٍ، انْتَ اللَّهُ الْمُقْتَدِرُ عَلی کُلِ

همه چیز و معبود هر چیز و فرمانروای همه چیز، تویی خدایی که بر هر چیز توانایی،

شَیْ ءٍ، انْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فَلا شَیْ ءَ قَبْلَکَ، وَانْتَ الْأخِرُ فَلا شَیْ ءَ بَعْدَکَ،

تویی اوّلی که چیزی قبل از تو نبوده و تویی انتهایی که چیزی بعد از تو نخواهد بود،

1- [1614]مصباح المتهجّد، صفحه 106 و مصباح کفعمی، صفحه 398.
2- [1615]مصباح المتهجّد، صفحه 109.

وَانْتَ الظَّاهِرُ فَلا شَیْ ءَ فَوْقَکَ، وَ انْتَ الْباطِنُ فَلا شَیْ ءَ دُونَکَ، رَبَ

و تویی آشکار که چیزی برتر از تو نیست و تویی نهان که چیزی جز تو نیست ای پروردگار

جَبْرَئیلَ وَ میکائیلَ وَ اسْرافیلَ، وَ الِهَ ابْراهیمَ [وَاسْمعیلَ (1)، وَ اسْحقَ

جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و ای معبود ابراهیم [و اسماعیل و اسحاق

وَیَعْقُوبَ [وَالأَسْباطِ](2)، اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ انْ

و یعقوب [و اسباط]، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و به

تَوَلّانی بِرَحْمَتِکَ، وَلا تُسَلِّطَ عَلَیَّ احَداً مِنْ خَلْقِکَ مِمِّنْ لا طاقَةَ لی بِهِ،

رحمتت مرا سرپرستی کنی و هیچ یک از مخلوقاتت را که من توان مقابله با آن را ندارم بر من مسلّط مگردانی،

اللَّهُمَّ الَیْکَ فَحَبِّبْنی وَ فِی النَّاسِ فَعَزِّزْنی وَ مِنْ شَرِّ الشَّیاطینِ الْجِنِ

خدایا نزد خودت مرا دوست بدار و در میان مردم مرا گرامی بدار، و مرا از شرّ شیطانهای جنّی

وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنی، یا رَبَّ الْعالَمینَ، وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. سپس آنچه و انسی حفظ نما، ای پروردگار جهانیان، و بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست.*****

دوست داری از خدا طلب کن.(3) 3- آنگاه سجده شکر به جا می آوری.(4) 4- در پایان، نماز وتیره (نافله عشا) را می خوانی [1620] (چگونگی آن در آداب نماز عشا، صفحه 1015 گذشت).

تعقیبات نماز صبح:

تعقیب نماز صبح از تعقیب سایر نمازها بیشتر و تأکید بر آن فزونتر، واحادیث فراوانی در فضیلت آن وارد شده است؛ ولی همان گونه که قبلاً

هم گفته ایم هر کس به فراخور حال خویش هر مقدار که بتواند به جای می آورد.

1- امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «ذکر خدا، بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب، حتّی از مسافرت تجارتی نیز، در جلب روزی مؤثّرتر است».(5)

1- [1616] (1) و 2. آنچه داخل پرانتز است، در بحارالانوار، جلد 83، صفحه 128 آمده است.
2- [1617] (2)
3- [1618]بلدالامین، صفحه 31.
4- [1619]مصباح المتهجّد، صفحه 113.
5- [1621]مکارم الاخلاق، صفحه 305.

2- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس از طلوع صبح تا طلوع آفتاب در مصلّای خویش بنشیند و به تعقیب نماز مشغول باشد، خداوند او را از آتش دوزخ محفوظ دارد».(1) 3- امام باقر علیه السلام فرمود: «شیطان لشکر خویش را از زمان طلوع صبح تا طلوع آفتاب در زمین پراکنده می کند، و همچنین لشکر شب خود را از غروب آفتاب تا از بین رفتن سرخی مغرب، منتشر می سازد. از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: در این دو وقت خدا را بسیار یاد کنید، چرا که در این دو وقت، شیطان آدمی را از یاد خدا غافل می کند».(2) 4- به سند صحیح از امام رضا علیه السلام روایت شده است، که آن حضرت هنگامی که در خراسان بودند، پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب در مصلّای خویش می نشستند و تعقیبات را به جای می آوردند، سپس مسواک های آن حضرت را می آوردند و آن حضرت با آنها مسواک می کرد آنگاه به تلاوت قرآن مجید می پرداخت.(3) 5- از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که: هر کس پس از نماز صبح، در مصلّای خویش، تا هنگام طلوع آفتاب به تعقیب مشغول باشد و یاد خدا نماید، پاداش حج را دارد.(4) 6- در حدیث قدسی آمده است که خداوند فرمود: «ای فرزند آدم! بعد از صبح ساعتی و بعد از عصر نیز ساعتی مرا یاد کن، تا همه امور تو را کفایت کنم».(5)

دعاها، ذکرها و آیاتی که در تعقیب نماز صبح وارد شده است:

1- «شیخ صدوق» به سند معتبر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که: هر کس بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه استغفار کند و بگوید:

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّی وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ

خداوند او را بیامرزد.(6) 2- «شیخ صدوق» به سند صحیح از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده است که: هر کس بعد از نماز صبح، یازده مرتبه سوره «توحید» را بخواند، در آن روز به گناهی دچار نمی شود هرچند شیطان تلاش کند.(7) 3- مرحوم «شیخ کلینی» به سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که: هر کس بعد از نماز صبح صد بار بگوید:

1- [1622]مکارم الاخلاق، صفحه 305 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 129، حدیث 2.
2- [1623]مفتاح الفلاح، صفحه 252.
3- [1624]فقیه، جلد 1، صفحه 504، حدیث 1451.
4- [1625]تهذیب، جلد 2، صفحه 138، حدیث 303.
5- [1626]همان مدرک، صفحه 329، حدیث 965.
6- [1627]ثواب الاعمال، صفحه 165 و بحارالانوار جلد 83، صفحه 134، حدیث 15.
7- [1628]ثواب الاعمال، صفحه 45 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 135، حدیث 18.

ما شاءَ اللَّهُ كانَ، لا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیم.

آنچه خدا بخواهد (می شود)، و پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند بلند مرتبه و با عظمت نیست.

در آن روز هیچ ناگواری نمی بیند.(1) این روایت را مرحوم «شیخ طوسی» و بزرگان دیگر نیز در کتب دعا ذکر کرده اند.(2) 4- از امام باقر علیه السلام روایت شده است که: هر کس سوره «قدر» را پس از طلوع فجر هفت بار بخواند، هفتاد صف از فرشتگان بر او درود می فرستند و هفتاد مرتبه برای او طلب رحمت می کنند.(3) 5- از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده است که مردی نزد آن حضرت آمد و از شغل و حرفه خویش شکایت کرد و گفت: به هر کاری دست می زنم سودی نمی برم و به هر حاجتی که روی می آورم، برآورده نمی شود (و همه درها به رویم بسته شده است) امام علیه السلام فرمود: پس از نماز صبح ده مرتبه بگو:

سُبْحانَ اللَّهِ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ، اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ اسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ.

پاک و منزّه است خداوند با عظمت و او را سپاس می گویم، از خدا آمرزش می طلبم و از فضل و کرم او خواهانم.

آن مرد می گوید: مدّت اندکی بر این کار مداومت ورزیدم که مشکلات من حل شد.(4) در کتاب «کافی» و «مکارم الاخلاق» روایت شده است که مردی به امام کاظم علیه السلام عرض کرد: دعایی به من بیاموز که جامع دنیا و آخرت باشد و مختصر و آسان نیز باشد، آن حضرت همین دعا را به وی آموخت و فرمود که بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب آن را بخواند؛ آن مرد نیز چنین کرد و بر آن مداومت ورزید، در نتیجه وضعش خوب شد.(5) 6- عبداللَّه بن سنان روایت کرده است که خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، آن حضرت فرمود: آیا می خواهی دعایی به تو بیاموزم که با خواندن آن خداوند دَیْن تو را ادا کند و وضع و حالت خوب شود؟ گفتم:

چه قدر به چنین دعایی نیازمندم. امام علیه السلام فرمود: بعد از نماز صبح بگو:

تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الْقَیُّومِ الَّذی لا یَمُوتُ، وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ

بر زنده پاینده ای که هرگز نمیرد توکل نمودم و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که

وَلَداً، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَ کَبِّرْهُ

فرزندی نگرفت، و شریکی در حکومت ندارد، و ضعف و ذلّتی ندارد که نیازمند حامی و سرپرستی باشد و (لذا به خود می گویم) او را بسیار بزرگ بشمار،

ص: 1049

1- [1629]کافی، جلد 2، صفحه 530، حدیث 24.
2- [1630]مصباح المتهجّد، صفحه 209 و مصباح کفعمی، صفحه 66.
3- [1631]بحارالانوار، جلد 83، صفحه 161، حدیث 40.
4- [1632]عده الداعی، صفحه 266 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 130، حدیث 5.
5- [1633]کافی، جلد 2، صفحه 550، حدیث 12 و مکارم الاخلاق، صفحه 283.

تَکْبیراً، اللَّهُمَّ انّی اعُوذُ بِکَ مِنَ الْبُؤْسِ وَ الْفَقْرِ، وَ مِنْ غَلَبَهِ الدَّیْنِ

خدایا از بدبختی و فقر و فشار بدهکاری و بیماری به تو پناه می برم

وَالسُّقْمِ، وَ اسْئَلُکَ انْ تُعینَنی عَلی ادآءِ حَقِّکَ الَیْکَ وَالَی النَّاسِ.(1)

و از تو می خواهم که در ادای حق خویش و مردم مرا یاری نمایی.

***

7- علّامه مجلسی می نویسد: مرحوم «طبرسی» و «کفعمی» و علمای دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که آن حضرت به اصحاب خود فرمود: آیا نمی توانید هر صبح و شام عهدی را از نزد خداوند بگیرید؟ گفتند: چگونه عهد بگیریم؟ فرمود: هر کس این دعا را بخواند، بر آن دعا مهری می زنند و تحت عرش الهی می گذارند و چون روز قیامت فرا رسد، منادی ندا می دهد: کجایند آنان که نزد خدای رحمان عهدی دارند و هر کس آن دعا را خوانده باشد، آن عهد را به او دهند و با آن عهدنامه، داخل بهشت شود.(2) مرحوم «شیخ طوسی» این دعا (و عهدنامه) را در تعقیب نماز صبح آورده است:

اللَّهُمَّ فاطِرَ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، عالِمَ الْغَیْبِ وَالشَّهادَهِ، الرَّحْمنَ

خدایا ای پدید آورنده آسمانها و زمین، ای دانای نهان و آشکار، بخشنده

الرَّحیمَ، اعْهَدُ الَیْکَ فی هذِهِ الدُّنْیا انَّکَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، وَحْدَکَ لا

و مهربانی، در این دنیا با تو پیمان می بندم که تویی خدایی که معبودی جز تو نیست، یگانه ای

شَریکَ لَکَ، وَانَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ، اللَّهُمَ

که همتایی نداری، و اینکه محمّد، که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- بنده و فرستاده توست، خدایا

فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلا تَکِلْنی الی نَفْسی طَرْفَهَ عَیْنٍ ابَداً، وَلا الی

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا هرگز به اندازه چشم برهم زدن به خودم و

احَدٍ مِنْ خَلْقِکَ، فَانَّکَ انْ وَکَلْتَنی الَیْها تُباعِدْنی مِنَ الْخَیْرِ، وَتُقَرِّبْنی مِنَ

هیچ یک از آفریدگانت وامگذار، که اگر مرا به آنها واگذار کنی مرا از نیکی دور کرده و به

الشَّرِّ، ایْ رَبِّ لا اثِقُ الَّا بِرَحْمَتِکَ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبینَ،

بدی نزدیک نموده ای، ای پروردگار من جز به رحمتت اطمینان ندارم، پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

ص: 1050

1- [1634]تفسیر عیاشی، جلد 2، صفحه 320، حدیث 182 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 132، حدیث 8.
2- [1635]بحارالانوار، جلد 83، صفحه 152، حدیث 35.

وَاجْعَلْ لی عِنْدَکَ عَهْداً تُؤَدّیهِ الَیَّ یَوْمَ الْقِیمَهِ، انَّکَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ.(1)

و برای من در نزد خودت پیمانی قرار ده که روز قیامت به من بازگردانی زیرا تو در وعده ات تخلّف نمی کنی.

8- در روایتی نقل شده است که هر کس بعد از نماز صبح صد بار بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی

************************************ خدایا بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ خداوند او را از آتش جهنم حفظ فرماید.(2) محمّد و خاندان پاکش درود فرست.***************************.

***

در تعقیبات نماز صبح این امور نیز وارد شده است:

1- ده مرتبه می گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْاوْصِیآءِ الرَّاضینَ الْمَرْضِیّینَ

خدایا به بهترین درودهایت بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، آن جانشینانی که از تو خشنودند و تو نیز از آنان خشنودی،

بِافْضَلِ صَلَواتِکَ، وَبارِکْ عَلَیْهِمْ بِافْضَلِ بَرَکاتِکَ، وَالسَّلامُ عَلَیْهِمْ وَ عَلی

و به بهترین برکاتت به ایشان برکت ده، و درود باد بر ایشان و

ارْواحِهِمْ وَاجْسادِهِمْ، وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ.(3)

ارواحشان و بدنهایشان و رحمت و برکات خدا بر ایشان باد.

***

2- خواندن این صلوات که برای خواندنش بعد از نماز ظهر و عصر جمعه، فضیلت فراوانی وارد شده است [1639] و «شیخ طوسی» آن را در تعقیبات نماز صبح آورده است:

اللّٰهُمَّ احْيِنی عَلی ما احْیَیْتَ عَلَیْهِ عَلِیَّ بْنَ ابی طالِبٍ، وَامِتْنی عَلی ما

خدایا بر آنچه که علی بن ابی طالب را بر آن زنده داشتی مرا زنده بدار، و بر آنچه

ماتَ عَلَیْهِ عَلِیُّ بْنُ ابی طالِبٍ عَلَیْهِ السَّلامُ.(4)

که علی بن ابی طالب- که بر او درود باد- را از جهان بردی، مرا بمیران.

1- [1636]مصباح المتهجّد، صفحه 214 و بلدالامین، صفحه 53(با اندکی تفاوت).
2- [1637]بحارالانوار، جلد 83، صفحه 133، حدیث 10.
3- [1638]مصباح المتهجّد، صفحه 207.
4- [1640]مصباح المتهجّد، صفحه 207.

3- پس از آن بگو: اصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمامِکَ الْمَنیعِ، الَّذی لا یُطاوَلُ

******** خدایا صبح نمودم در حالی که به نگهبانی مستحکمت پناهنده ام

وَلایُحاوَلُ، مِنْ [شَرِّ] کُلِّ غاشِمٍ وَطارِقٍ، مِنْ سآئِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَما خَلَقْتَ

که مورد حمله و تجاوز واقع نمی شود. از شرّ هر ستمکار و راهزن، از تمامی مخلوقاتت و

مِنْ خَلْقِکَ الصَّامِتِ وَ النَّاطِقِ، فی جُنَّهٍ مِنْ کُلِّ مَخُوفٍ بِلِباسٍ سابِغَهٍ

آفریدگان خاموش و گویایت، در زیر سپری نگهدارنده از هر ترسناک با جامه ای بلند و افتاده که همان

وَلاءِ اهْلِ بَیْتِ نَبِیِّکَ، مُحْتَجِباً مِنْ کُلِّ قاصِدٍ لی الی اذِیَّهٍ، بِجِدارٍ حَصینٍ

محبّت و دوستی خاندان پیامبر توست، درحالی که از هر کسی که قصد آزار مرا نموده حفظم می کنی، با دیواری محکم که همان

الْإِخْلاصِ فِی الْإِعْتِرافِ بِحَقِّهِمْ، وَ التَّمَسُّکِ بِحَبْلِهِمْ، مُوقِناً انَّ الْحَقَّ لَهُمْ

خلوص در اعتراف به حق آنها و تمسّک به ریسمان (محبّت) آنهاست، درحالی که یقین دارم حق برای ایشان

وَمَعَهُمْ وَفیهِمْ وَبِهِمْ، اوالی مَنْ والَوْا، وَ اجانِبُ مَنْ جانَبُوا، فَاعِذْنِی اللَّهُمَ

و با ایشان و در میان ایشان و به واسطه ایشان است، دوست دارم آن کسی را که آنان دوست دارند و دوری می کنم از آن کسی که آنان دوری می کنند، خدایا

بِهِمْ مِنْ شَرِّ کُلِّ ما اتَّقیهِ، یا عَظیمُ حَجَزْتُ الْأَعادِیَ عَنّی بِبَدیعِ

به حق آنها مرا از شرّ هر چه از آن می پرهیزم حفظ فرما، ای خدای با عظمت به کمک پدیدآورنده

السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، انَّا جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ ایْدیهِمِ سَدّاً وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً

آسمانها و زمین دشمنان را از خود دور ساختم، (که تو فرمودی:) به یقین ما در پیش روی آنان سدّی قرار دادیم و در پشت سرشان سدّی

فَاغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ.(1)

و چشمانشان را پوشانده ایم لذا نمی بینند.

این دعایی است که در هر صبح و شام می توان آن را خواند و این همان دعایی است که امیر مؤمنان علیه السلام در لیله المبیت (شبی که به جای رسول خدا، در بسترش خوابید تا پیامبر از دست مشرکان مکّه نجات یابد) آن را خواند.(2) 4- مطابق روایتی از امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام هر کس بعد از نماز صبح یکصد مرتبه بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، لا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ إلّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیم

» این ذکر به اسم اعظم از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیکتر است.(3)

ص: 1052

1- [1641]مصباح المتهجّد، صفحه 212 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 148، حدیث 31.
2- [1642]بلد الامین، صفحه 27.
3- [1643]مهج الدعوات، صفحه 316 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 162، حدیث 41.

5- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که آن حضرت فرمود: این دعا را برای امور دنیا و آخرت و برطرف شدن درد چشم، بعد از نماز صبح و مغرب بخوانند:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْکَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

خدایا به حقّی که محمّد و خاندانش بر تو دارند از تو می خواهم که بر محمّد و

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلِ النُّورَ فی بَصَری وَ الْبَصیرَهَ فی دینی وَ الْیَقینَ فی

خاندان پاکش درود فرستی و قرار دهی روشنایی را در دیده ام و بینایی را در دینم، و یقین را در

قَلْبی وَ الْإِخْلاصَ فی عَمَلی وَ السَّلامَهَ فی نَفْسی وَ السَّعَهَ فی رِزْقی

دلم، و اخلاص را در کردارم و سلامتی را در وجودم و گشایش را در روزیم

وَ الشُّکْرَ لَکَ ابَداً ما ابْقَیْتَنی (1)

و شکرگزاریت را پیوسته مادامی مرا باقی بداری.

***

6- در روایتی از امام محمّد تقی علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمود: هر کس پس از نماز صبح این دعا را بخواند، خواسته هایش از خداوند به آسانی به دست آید و آنچه را که او بخواهد و آهنگ آن کند، خداوند کفایتش فرماید و آن را برآورده سازد؛ این دعا، مطابق نقل «مفتاح الفلاح» چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وَ افَوِّضُ امْری الَی اللَّهِ، انَّ اللَّهَ

به نام خدا و درودخدا بر محمّدو خاندان پاکش، و کارم را به خدا واگذار می کنم به یقین خداوند

بَصیرٌ بِالْعِبادِ، فَوَقیهُ اللَّهُ سَیِّئاتِ ما مَکَرُوا، لا الهَ إِلَّاانْتَ، سُبْحانَکَ انّی

به (حال) بندگانش آگاه است (تو خود فرمودی آن کس که این سخن را گفت) خداوند او را از بدیهای مکر کنندگان حفظ کرد، معبودی جز تو نیست، منزّهی تو و من از

کُنْتُ مِنَ الظّالِمینَ، فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَ نَجَّیْناهُ مِنَ الْغَمِّ، وَ کَذلِکَ نُنْجِی

ستمکاران بودم (تو خود فرمودی) ما دعای او را به اجابت رساندیم و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم، و این گونه

الْمُؤْمِنینَ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَکیلُ، فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَهٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ

مؤمنان را نجات می دهیم، خداوند ما را کافی است و او بهترین حامی ماست (تو خود فرمودی آنها که این سخن را گفتند) با نعمت و فضل پروردگار بازگشتند

یَمْسَسْهُمْ سُوءٌ، ما شآءَ اللَّهُ، لا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ الّا بِاللَّه، ما شآءَ اللَّهُ لا ما

در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید، آنچه خدا بخواهد (می شود)، پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند نیست، آنچه خدا بخواهد نه آنچه

1- [1644]کافی، جلد 2، صفحه 549، حدیث 11.

شآءَ النَّاسُ، ما شآءَ اللَّهُ وَ انْ كَرِهَ النَّاسُ، حَسْبِىَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبينَ،

مردم بخواهند (مى شود)، آنچه خدا بخواهد و اگر چه مردم نپسندند، پروردگار مرا از مردم بى نياز مى كند،

حَسْبِىَ الْخالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقينَ، حَسْبِىَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقينَ، حَسْبِىَ

آفريدگار مرا از آفريده شدگان بى نياز مى سازد، روزى دهنده مرا از روزى خواران بى نياز مى نمايد،

اللَّهُ رَبُّ الْعالَمينَ، حَسْبى مَنْ هُوَ حَسْبى حَسْبى مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبى

خدايى كه پروردگار جهانيان است مرا كافى است، آن كس كه مرا كافى است فقط او مرا كافى است، آن كس كه مرا كافى است پيوسته مرا كفايت مى كند،

حَسْبى مَنْ كانَ مُذْ كُنْتُ حَسْبى حَسْبِىَ اللَّهُ لا الهَ الَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

آن كس كه مرا كافى است از زمانى كه بود مرا كفايت مى كرد، خداوندى كه معبودى جز او نيست، مرا كفايت مى كند بر او توكل كردم

وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ.(1)

و او پروردگار عرش با عظمت است.

***

7- مرحوم «حاجى نورى» در كتاب «دار السلام» از استاد خود، عالم ربّانى مرحوم جناب حاج ملّا فتحعلى سلطان آبادى نقل كرده است، كه فاضل مقدّس آخوند ملّامحمّد صادق عراقى در دشوارى و پريشان حالى و نهايت سختى بود، به گونه اى كه هرگز براى او گشايشى حاصل نمى شد. شبى در خواب ديد كه در مكانى، خيمه اى بزرگ برپاست. پرسيد اين خيمه از كيست؟ گفتند اين خيمه پناهگاه مطمئن و فريادرس بيچارگان حضرت مهدى امام منتظر- عجّل اللّه تعالى فرجه الشّريف- است. ملّا محمّد صادق عراقى با عجله به خدمت آن حضرت مشرّف گرديد و سختى زندگى و پريشانى حال خويش را به آن حضرت عرض كرد، و از آن بزرگوار خواست دعايى براى رفع مشكلات و اندوه خويش، به او تعليم فرمايد. آن حضرت

وی را به سمت خیمه ای که یکی از سادات در آن جا بود، راهنمایی نمود. آخوند ملّا محمّد صادق از خدمت آن حضرت بیرون آمد و به همان خیمه ای که امام اشاره کرده بود، وارد شد؛ دید سیّد جلیل القدر و عالم بزرگوار، جناب آقا سیّد محمّد سلطان آبادی در آن خیمه روی سجّاده نشسته و مشغول دعا و ذکر است، آخوند بر وی سلام کرد و حکایت حال خویش را برای او نقل کرد. سیّد نیز برای گشایش کار و وسعت رزق، دعایی به وی آموخت.

مرحوم آخوند از خواب بیدار شد، و متوجّه شد که آن دعا را به خوبی می داند، او که پیش از این، با سیّد محمّد سلطان آبادی میانه ای نداشت، بعد از این خواب، به خدمت سیّد رسید، وی را به همان حالتی دید،

1- [1645]مفتاح الفلاح، صفحه 84 و کافی، جلد 2، صفحه 547، حدیث 6(با مقداری تفاوت).

که در خواب مشاهده کرده بود، دید آن بزرگوار در مصلّای خود نشسته، مشغول ذکر و استغفار است، سلام کرد و سیّد پاسخ داد. آنگاه تبسّمی نمود، گویا از جریان باخبر است. آخوند برای رفع مشکلات خویش، دعایی خواست، و سیّد نیز همان دعایی که در خواب به وی تعلیم داده بود را خواند. آخوند ملّا محمّد صادق، آن دعا را خواند، و در مدّت کمی از سختی و مشکلات زندگی بیرون آمد و به آسایش و آسودگی رسید.

آن دعا چنین بود:

اوّل: پس از طلوع فجر دست بر سینه خود بگذارد و هفتاد مرتبه بگوید:

یا فتّاح

(یعنی ای گشاینده امور).

دوم: این دعا را که در کافی برای حلّ مشکلات و شفای بیماران نقل شده است بخواند:

لا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ الَّا بِاللَّهِ العَلِیِّ الْعَظیمِ، تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذی لا

پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند بلندمرتبه و با عظمت نیست، بر آن زنده پاینده ای که

یَمُوتُ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَهً وَلاوَلَداً، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ

هرگز نمیرد توکّل نمودم و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که نه همسری برای خود اختیار کرد و نه فرزندی و نه شریکی

فِی الْمُلْکِ، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبیراً.(1)

در حکومت دارد و ضعف و ذلّتی ندارد که نیازمند حامی و سرپرستی باشد و (لذا به خود می گویم) او را بسیار بزرگ بشمار.

سوم: بعد از نماز صبح بخواند آن دعایی که پیش از این (صفحه 1053) گذشت (

بسم اللَّه و صلّی اللَّه علی محمّد و آله و افوّض امری الی اللَّه

... تا آخر).

ص: 1055

1- [1646] كافى، جلد 2، صفحه 551، حديث 3.

فصل سوم: سجده شکر

اشاره

پس از انجام تعقیبات، سجده شکر به جا آور، که به اتّفاق تمام علمای شیعه، سجده شکر به هنگام یافتن نعمتی یا دفع بلایی سنّت است، و بهترین آن، سجده ای است که پس از نماز برای شکر توفیق ادای نماز به جا آورده می شود!

در این جا بعضی از روایاتی که در اهمّیّت سجده شکر وارد شده است از نظر خوانندگان عزیز می گذرد:

1- به سند معتبر از امام باقر علیه السلام روایت شده است که آن حضرت فرمود: «پدرم، علی بن الحسین علیه السلام هیچ گاه نعمتی را از خدا یاد نکرد، مگر آن که به شکرانه آن سجده کرد، و هیچ آیه ای را نخواند که در آن سجده باشد، مگر آن که سجده کرد؛ و خداوند هیچ بلایی را که از آن می ترسید، از او دفع نکرد، مگر آن که به خاطر آن سجده کرد؛ و از هر نماز واجب که فارغ می شد، پس از آن سجده می کرد، هر وقت توفیق می یافت که میان دو نفر اصلاح کند، برای شکر آن، سجده می کرد»، و در تمامی مواضع سجده آن حضرت، اثر سجود بود و به این سبب آن حضرت را «سجّاد» می نامیدند.(1) 2- به سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «هر مؤمنی که برای شکر نعمتی- در غیر نماز- برای خدا سجده شکر به جای آورد، خداوند، برای او ده حسنه بنویسد و ده گناه را از او محو و پاک گرداند و در بهشت ده درجه وی را بالا می برد». (2) 3- به سند موثّق از امام رضا علیه السلام روایت شده است که: «سجده بعد از نماز واجب، در واقع شکرِ خداوند است، از این که این توفیق را به بنده داد، تا فریضه اش را به جای آورد، و کمترین چیزی که در این سجده گفته می شود، سه مرتبه

«شُکْراً لِلَّهِ»

است ...».(3)

کیفیّت سجده شکر:

در انجام این سجده شرط خاصّی وجود ندارد و به هر صورت که آورده شود، صحیح است. ولی بهتر است مانند سجده نماز، بر هفت عضو سجده

کند و پیشانی را بر چیزی گذارد که در نماز بر آن می گذارد.

ص: 1056

1- [1647]علل الشرایع، جلد 1، صفحه 232، حدیث 1 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 201، حدیث 11.

2- [1648]ثواب الاعمال، صفحه 35 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 201، حدیث 12.

3- [1649]عیون اخبار الرضا، جلد 1، صفحه 281، حدیث 27 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 198، حدیث 5.

و افضل آن است که بر خلاف سجده نماز، آرنج را نیز بر زمین بگذارد،(1) و سنّت است که نخست پیشانی را بر زمین گذارد، سپس طرف راست صورت را و آنگاه طرف چپ صورت را و در نهایت نیز پیشانی را بر زمین بگذارد،(2) و به خاطر این که دو بار پیشانی را بر زمین می گذارد، به آن دو سجده شکر می گویند. سجده شکر می تواند بدون هر ذکر و دعایی نیز باشد ولی سنّت است که ذکری بگوید و بهتر است از ذکرهایی باشد که خواهد آمد.

مطابق روایات، بعضی از معصومین علیهم السلام، این سجده را بسیار طولانی می کردند. امام کاظم علیه السلام (در زندان هارون) بعد از طلوع صبح، سجده می کرد، تا وقت زوال.(3) همچنین از «فضل بن شاذان» نقل شده است که گفت: حسن بن علی بن فضال برای عبادت به صحرا می رفت، و سجده را چنان طول می داد که پرندگان بر پشت او می نشستند به گمان این که جامه ای است افتاده، و همچنین برخی از حیوانات بیابانی برگرد او چرا می کردند و از او وحشت نمی کردند.(4)

برخی از ذکرهای سجده شکر:

1- از امام رضا علیه السلام نقل شده است که: می توانی صد بار در سجده شکر بگویی:

«شکراً»

و می توانی صد بار بگویی

«عفواً».(5)

همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده است که کمترین چیزی که در سجده شکر کفایت می کند آن است که سه بار بگویی:

«شُکراً للَّه».(6)

2- در روایات معتبر بسیاری نقل شده است که امام کاظم علیه السلام در سجده شکر بسیار می گفتند:

اللَّهُمَّ انّی اسْأَلُکَ الرَّاحَهَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِساب.(7)

خدایا از تو آسایش در وقت مرگ و عفو به هنگام حساب را می خواهم.

3- مرحوم «ابن بابویه» به سند معتبر، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه بنده ای در

1- [1650]کافی، جلد 3، صفحه 324، حدیث 14.
2- [1651]همان مدرک، صفحه 325، حدیث 17.
3- [1652]عیون اخبار الرضا، جلد 1، صفحه 95، حدیث 14.
4- [1653]رجال کشی، صفحه 515 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 207، حدیث 21.
5- [1654]فقیه، جلد 1، صفحه 332، حدیث 970(همین حدیث در کافی، جلد 3، صفحه 326، حدیث 18، از امام کاظم علیه السلام نیز نقل شده است).
6- [1655]همان مدرک، صفحه 333، حدیث 978.
7- [1656]کافی، جلد 3، صفحه 323، حدیث 10 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 217، حدیث 31.

سجده سه بار بگوید: یا اللَّهُ، یا رَبَّاهُ، یا سَیِّداهُ، خداوند به وی پاسخ دهد: لبّیک ای بنده ام،************** ای خدا، ای پروردگار من، ای آقا و سرور من**************************

حاجت خویش را بخواه.(1)

***

4- مرحوم «شیخ طوسی» در «مصباح المتهجّد» در بخش سجده شکر فرموده است:

مستحب است در سجده برای برادران مؤمن خویش دعا کند و بگوید:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَاللَّيالِی الْعَشْرِ، وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ، وَاللَّيْلِ اذا يَسْرِ، وَرَبَ

خدایا ای پروردگار سپیده دم و شبهای ده گانه و زوج و فرد، و پروردگار شب هنگامی که (به سوی روشنایی روز) حرکت می کند و پروردگار

كُلِّ شَیْ ءٍ، وَالهَ كُلِّ شَیْ ءٍ، وَ خالِقَ كُلِّ شَیْ ءٍ، وَمَليكَ كُلِّ شَیْ ءٍ، صَلِ

هر چیز و معبود هر چیز، و آفریننده هر چیز و فرمانروای همه چیز،

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْعَلْ بی وَبِفُلانٍ وَفُلانٍ ما انْتَ اهْلُهُ، وَلا تَفْعَلْ بِنا ما

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و در مورد من و فلانی و فلانی (کسانی که مورد نظر من هستند) آنچه تو شایسته آنی انجام ده و آنچه

نَحْنُ اهْلُهُ، فَانَّكَ اهْلُ التَّقْوی وَ اهْلُ الْمَغْفِرَهِ.(2)

ما شایسته آنیم در مورد ما انجام مده، که تو شایسته پرهیزگاری و آمرزشی.

به جای «بِفُلانٍ وَ فُلانٍ» نام افراد مورد نظر را بگوید.

و چون سر از سجده برداشت دست خود را بر موضع سجود خود بکشد و آنگاه به طرف چپ صورت و سپس به پیشانی خویش بکشد و بعد از آن به

جانب راست صورت خود دست بکشد و این کار را سه مرتبه انجام دهد، و در هر مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ لا الهَ الَّا انْتَ، عالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهادَهِ، الرَّحْمنُ الرَّحیمُ،

خدایا حمد و سپاس از آن توست که معبودی جز تو نیست، دانای نهان و آشکار و بخشنده و مهربانی،

اللَّهُمَّ اذْهِبْ عَنِّی الْهَمَّ وَ الْغَمَّ وَالْحَزَنَ وَالْفِتَنَ، ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ.(3)

خدایا اندوه و گرفتاری و غم و حزن و فتنه های آشکار و پنهان را از من دور کن.

ص: 1058

1- [1657]امالی صدوق، صفحه 411، حدیث 6 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 227، حدیث 47.
2- [1658]مصباح المتهجد، صفحه 241.
3- [1659]همان مدرک، صفحه 243.

بخش هفتم: نمازهای مستحب

اشاره

ص: 1059

اقسام نمازهای مستحب

نماز بهترین وسیله ارتباط با خدا، عالی ترین نمود بندگی و روشن ترین نشانه عبودیّت بنده در برابر معبود است. (شرحی درباره اهمّیّت نماز در تربیت انسانها و پرورش فضایل اخلاقی و نظم جامعه انسانی در بحث تعقیبات گذشت).

از این رو در دستورات اسلامی، علاوه بر نمازهای واجب و فرائض یومیّه، نمازهای مستحبّ فراوانی وجود دارد که هر یک از آنها به نوبه خود دارای اهمّیّت زیاد و تأثیر مناسب است.

نمازهای مستحب را در یک نگاه کلّی می توان به چند دسته تقسیم کرد:

1- نوافل یومیّه که پیش از فرائض، یا پس از آنها انجام می شود که وسیله ای برای پذیرش فرائض و رفع کاستیهای آنهاست.(1) (شرح آن در بخش آداب و تعقیبات نماز گذشت).

2- نمازهایی که در برخی از اوقات شبانه روز که زمان مناسبی برای راز و نیاز با خدا و کسب نورانیّت و معنویّت از پیشگاه ربوبی است بجا آورده می شود (مثل نماز شب).

3- نمازهایی که به نام معصومین علیهم السلام وارد شده است؛ این نمازها را آن بزرگواران انجام می دادند و به نام آنها مشهور شده است. از این رو، پیروان آنها نیز با پیروی از سنّت آنان این نمازها را بجا می آورند.

4- نمازهایی که به نام بعضی از اصحاب و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و یاران ائمّه معصومین علیهم السلام مشهور شده است. این نوع نمازها را معصومین با اهداف خاصّی به آنان تعلیم می دادند که به نام آنان شهرت یافته است (مانند نماز جعفر طیّار).

ص: 1061

1- [1660]روایتی از امام رضا علیه السلام مضمون فوق را تأیید می کند(بحارالانوار، جلد 79، صفحه 294، حدیث 24).

تعلیم این گونه نمازها گاه برای بخشش گناهان، یا حلّ مشکلات، یا یک جایزه بزرگ معنوی بوده است.

5- نمازهایی که مربوط به زمان های خاصّی است، مثل نماز ایّام هفته، مخصوصاً روز جمعه و اوّل ماه و نمازهای دیگر، که برای کسب معنویّت از آن ایّام مخصوص است.

6- نمازهایی که مربوط به مکان های خاصّی است که به سبب فضیلت آن مکانها خواندن نماز در آنها توصیه شده است (مثل نماز در مسجد جمکران).

7- نمازهایی که برای حلّ مشکلات روحی و یا مادّی و برآورده شدن حاجات و رفع گرفتاری ها از سوی معصومین علیهم السلام توصیه شده (مانند نمازهای حاجت و نماز برای زیاد شدن رزق و مانند آن)، و خود آن بزرگواران نیز در مشکلات رو به درگاه خدا می آوردند و به نماز پناه می بردند.(1) نکته مهم این جاست که تمام این نمازها- هرچند به نامهای خاصّی مشهور شده- باید به قصد قربت و توجّه به ذات پروردگار انجام شود؛ هرچند نتیجه نهایی، رسیدن به حاجت های دنیوی بوده باشد.

نخست به سراغ نمازهای مشهور به نام معصومین علیهم السلام می رویم.

بار دیگر تأکید می کنیم نمازهایی که به نام معصومین علیهم السلام است نمازهایی است که همه به درگاه خداوند یگانه انجام می شود، ولی چون آن بزرگواران انجام می دادند به نام آنها مشهور شده و به یقین دارای ارزش بسیاری است.

1- [1661] (1).« انّ رسول اللَّه صلی الله علیه و آله کان اذا حَزَبَه امرٌ فَزَعَ الی الصَلاهِ؛ هرگاه رسول خدا دچار سختی و دشواری می شد، به نماز پناه می برد»(بحارالانوار، جلد 79، صفحه 192).

فصل اوّل: نمازهای چهارده معصوم علیهم السلام

1- نماز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

«سیّد بن طاووس» به سند معتبر از امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از آن حضرت سؤال کردند از نماز جعفر طیّار رحمه الله؛ امام علیه السلام فرمود: چرا از نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله غافل هستی؟ !

آن مرد عرض کرد: آن نماز را به من تعلیم فرما. حضرت فرمود:

نماز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دو رکعت است که در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و پانزده مرتبه سوره «قدر» (انّا انزلناه) را می خوانی؛ همچنین در رکوع- پس از ذکر رکوع- و همچنین پس از سر برداشتن از رکوع- آنگاه که ایستاده ای- و در سجده اوّل- پس از ذکر سجده- و همچنین پس از سر برداشتن از سجده- آنگاه که نشسته ای- و در سجده دوم- پس از ذکر سجده- و همچنین پس از سر برداشتن از سجده نیز در هر یک از این موارد، پانزده مرتبه سوره «قدر» را می خوانی. پس از اتمام نماز، خداوند گناهانت را می آمرزد و حاجتت را روا می سازد، و آنگاه این دعا را می خوانی:

لا الهَ الَّا اللَّهُ، رَبُّنا وَ رَبُّ آبآئِنَا الأَوَّلینَ، لا الهَ الَّا اللَّهُ، الهاً واحِداً

معبودی جز خدا نیست، که پروردگار ما و پروردگار پدران پیشین ماست، معبودی جز خدا نیست، معبود یگانه ای

وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لا الهَ الَّا اللَّهُ، لا نَعْبُدُ الَّا ایَّاهُ، مُخْلِصینَ لَهُ الدِّینَ وَ لَوْ

که ما به او ایمان داریم، معبودی جز خدا نیست، ما جز او را نمی پرستیم، دین خود را برای او خالص کرده ایم اگر چه

کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ، لاالهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ [وَحْدَهُ ، انْجَزَ وَعْدَهُ، وَ نَصَرَ

مشرکان نپسندند، معبودی جز خدا نیست، یگانه [یگانه یگانه است، به وعده اش وفا نمود،

عَبْدَهُ، وَ اعَزَّ جُنْدَهُ، وَ هَزَمَ الأَحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، وَ هُوَ

وبنده اش را یاری کرد، سپاهش را گرامی داشت، و به تنهایی گروه های باطل را شکست داد، فرمانروایی و حمد و سپاس از آن اوست و او

عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، اللهُمَّ انْتَ نُورُ السَّمواتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَنْ فیهِنَّ،

بر هر چیز تواناست، خدایا تویی روشنایی بخش آسمانها و زمین و هر چه در آنهاست

فَلَکَ الْحَمْدُ، وَ انْتَ قَیَّامُ السَّمواتِ وَ الْارْضِ وَ مَنْ فیهِنَّ، فَلَکَ الْحَمْدُ،

پس حمد و سپاس از آن توست، و تویی بپا دارنده آسمانها و زمین و هر چه در آنهاست، پس حمد و سپاس از آنِ توست

ص: 1063

وَانْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُکَ الْحَقُّ، فَقَوْلُکَ حَقٌّ، وَانْجازُکَ حَقٌّ، وَالْجَنَّهُحَقٌّ، وَالنَّارُ

و تویی حق و وعده و گفتارت و وفاداری و بهشت و دوزخت همگی راست است،

حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَکَ اسْلَمْتُ، وَ بِکَ آمَنْتُ، وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ، وَ بِکَ خاصَمْتُ،

خدایا تسلیم تو شده و به تو ایمان آورده ام، و بر تو اعتماد نموده و به یاری تو با دشمن مبارزه کرده ام

وَالَیْکَ حاکَمْتُ، یا رَبِّ یا رَبِّ یا ربِّ، اغْفِرْ لی ما قَدَّمْتُ وَمااخَّرْتُ،

و تو را به داوری پذیرفته ام، ای پروردگار من، ای پروردگار من، گناهان پیشین و پسینم

وَ مااسْرَرْتُ وَاعْلَنْتُ، انْتَ الهی لا الهَ الَّا انْتَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

و آنچه در پنهان و آشکار انجام داده ام را بیامرز، تویی معبودم که معبودی جز تو نیست، بر محمّد و

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْ لی وَارْحَمْنی وَ تُبْ عَلَیَّ انَّکَ انْتَ التَّوابُ الرَّحیمُ.(1)

خاندان پاکش درود فرست و مرا بیامرز و بر من رحم کن، و توبه ام را بپذیر زیرا که تو توبه پذیر و مهربانی.

«علّامه مجلسی» پس از ذکر این نماز می گوید: این نماز از نمازهای مشهور است که علمای شیعه در کتب خود روایت کرده اند.(2)

***

2- نماز امیرالمؤمنین علیه السلام

«شیخ طوسی»(3) و «سیّد بن طاووس»(4)، از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که آن حضرت فرمود: هر یک از شما نماز امیر مؤمنان را بجا آورد، مانند روزی که از مادر متولّد شده، از گناهان پاک می گردد و حاجت های وی برآورده می شود.

این نماز چهار رکعت است (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و پنجاه مرتبه سوره «توحید» را بخواند و پس از نماز این تسبیح را بگوید که تسبیح آن حضرت است؛ این تسبیح مطابق نقل علّامه مجلسی چنین است:

سُبْحانَ مَنْ لاتَبیدُ مَعالِمُهُ، سُبْحانَ مَنْ لاتَنْقُصُ خَزآئِنُهُ، سُبْحانَ مَنْ لَا

تسبیح می گویم کسی را که نشانه های روشن و آشکارش نابود شدنی نیست، تسبیح می گویم کسی را که خزانه کرمش کم شدنی نیست، تسبیح می گویم کسی را

اضْمِحْلالَ لِفَخْرِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا یَنْفَدُ ما عِنْدَهُ، سُبحانَ مَنْ لَاانْقِطاعَ

که برای شکوه و عظمتش زوالی نیست، تسبیح می گویم کسی را که برای آنچه نزد اوست پایانی نیست، تسبیح می گویم کسی را که عمرش را پایانی نیست،

1- [1662]جمال الاسبوع، صفحه 246.
2- [1663]بحارالانوار، جلد 88، صفحه 169، حدیث 1.
3- [1664]مصباح المتهجّد، صفحه 292.
4- [1665]جمال الاسبوع، صفحه 248.

لِمُدَّتِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا يُشارِکُ احَداً فی امْرِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا الهَ غَيْرُهُ

تسبيح می گويم کسی را که در کارش مشارکتی نيست، تسبيح می گويم کسی را که معبودی جز او نيست* سپس دعا کند وبگويد: يا مَنْ عَفا عَنِ السَّيِئاتِ وَ لَمْ يُجازِ بِها، ارْحَمْ عَبْدَکَ يا

****** ای که از گناهان درگذری و کيفر نکنی، بر بنده ات رحم کن، ای

اللَّهُ يا اللَّهُ، نَفْسی نَفْسی انَا عَبْدُکَ يا سَيِّداهُ، انَا عَبْدُکَ بَيْنَ يَدَيْکَ ايا

خدا، ای خدا، بر من، بر من (رحم کن) من بنده توام ای آقا و سرورم، من بنده تو و در حضور توام، ای

رَبَّاهُ، الهی بِکَيْنُونَتِکَ يا امَلاهُ، يا رَحْماناهُ يا غِياثاهُ، عَبْدُکَ عَبْدُکَ لا

پروردگار من، ای معبود من به ذاتت سوگند، ای آرزوی من، ای بخشنده من، ای فريادرس من، بنده ات، بنده ات،

حيلَةَ لَهُ، يا مُنْتَهی رَغْبَتاهُ، يا مُجْرِیَ الدَّمِ فی عُرُوقی عَبْدُکَ يا سَيِّداهُ يا

چاره ای ندارد، ای نهايت اشتياقم، ای جاری کننده خون در رگهايم، بنده ات (را درياب) ای آقا و سرورم، ای

مالِکاهُ، ايا هُوَ ايا هُوَ، يا رَبَّاهُ عَبْدُکَ عَبْدُکَ لا حيلَةَ لی وَ لا غِنی بی عَنْ

مالک و صاحب اختيارم، ای خدا، ای خدا، ای پروردگار من بنده توام بنده توام و چاره ای ندارم، و از خود چيزی ندارم

نَفسْی 1666]، وَ لا اسْتَطيعُ لَها ضَرّاً وَ لا نَفْعاً، وَ لا اجِدُ مَنْ اصانِعُهُ، تَقَطَّعَتْ

و توانايی بر زيان و سود خود ندارم، و کسی را که با او همراهی کنم نمی يابم،

اسْبابُ الْخَدايِعِ عَنّی وَاضْمَحَلَّ کُلُّ مَظْنُونٍ عَنِّی افْرَدَنِی الدَّهْرُ

هر راه چاره ای از من بريده شد، و هر گمان (به راه نجاتی) که داشتم از بين رفت، روزگار مرا با تو تنها گذاشت،

الَيْکَ، فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْکَ هذَا الْمَقامَ، يا الهی بِعِلْمِکَ کانَ هذا کُلُّهُ، فَکَيْفَ

پس در برابرت در این جایگاه ایستاده ام، ای معبود من، تو به همه اینها آگاهی، پس چگونه

انْتَ صانِعٌ بی وَلَيْتَ شِعْری کَيْفَ تَقُولُ لِدُعآئی اتَقُولُ نَعَمْ امْ تَقُولُ لا،

با من رفتار می کنی، و ای کاش می دانستم در پاسخ درخواستم چه می گویی، آیا «آری» می گویی یا «نه»؟

فَانْ قُلْتَ لا فَيا وَيْلی يا وَيْلی يا وَيْلی يا عَوْلی يا عَوْلی يا عَوْلی يا

پس اگر «نه» بگویی وای بر من، وای بر من، وای بر من، وای از بیچارگیم، وای از بیچارگیم، وای از بیچگارگیم، وای

شِقْوَتی يا شِقْوَتی يا شِقْوَتی يا ذُلّی يا ذُلّی يا ذُلّی الی مَنْ وَ مِمَّنْ اوْ

از بدبختیم، وای از بدبختیم، وای از بدبختیم، وای از خواریم، وای از خواریم، وای از خواریم، به چه کسی و از چه کسی یا

ص: 1065

عِنْدَ مَنْ، اوْ كَيْفَ اوْ ماذا، اوْ الى اىِّ شَىْ ءٍ الْجَأُ وَ مَنْ ارْجُو، وَ مَنْ يَجُودُ

نزد چه کسی یا چگونه یا چرا یا به چه چیزی پناه برم؟ و به که امید بندم؟ و چه کسی

عَلىَّ بِفَضْلِهِ حينَ تَرْفُضُنى يا واسِعَ الْمَغْفِرَهِ، وَ انْ قُلْتَ نَعَمْ كَما هُوَ الظَّنُ

با لطف و کرمش در وقتی که تو مرا میرانی بر من می بخشد؟ ای گسترده آمرزش، و اگر بگویی «بله» آن گونه که به تو گمان

بِکَ وَ الرَّجآءُ لَکَ، فَطُوبى لى انَا السَّعيدُ وَ ا نَا الْمَسْعُودُ، فَطُوبى لى

و امید هست، پس خوشا به حال من، منم خوشبخت و منم سعادتمند، پس خوشا بحال من،

وَانَا الْمَرْحُومُ، يا مُتَرَحِّمُ يا مُتَرَئِّفُ، يا مُتَعَطِّفُ يا مُتَجَبِّرُ، يا مُتَمَلِّکُ يا

و منم آمرزیده، ای رحم کننده، ای خیرخواه، ای مهرورز ای قدرتمند، ای فرمانروا، ای

مُقْسِطُ، لا عَمَلَ لى ابْلُغُ بِهِ نَجاحَ حاجَتى اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذى جَعَلْتَهُ

دادگر، عملی ندارم که با آن به برآوردن حاجتم برسم، از تو می خواهم به حقّ آن نامت که

فى مَکْنُونِ غَيْبِکَ، وَ اسْتَقَرَّ عِنْدَکَ، فَلا يَخْرُجُ مِنْکَ الى شَىْ ءٍ سِواکَ،

در نهانخانه غیبت قرار داده ای و در نزد تو قرار گرفته، و از تو به غیر تو ظاهر نمی شود.

اسْئَلُکَ بِهِ وَبِکَ وَبِهِ، فَانَّهُ اجَلُّ وَ اشْرَفُ اسْمآئِکَ، لا شَىْ ءَ لى غَيْرُ هذا،

از تو می خواهم به حق آن نام و به حق تو و به حق آن نام، چرا که گرامی ترین و شریفترین نام های توست و چیزی جز آن ندارم

وَلا احَدَ اعْوَدُ عَلىَّ مِنْکَ، يا کَيْنُونُ يا مُکَوِّنُ، يا مَنْ عَرَّفَنى نَفْسَهُ، يا مَنْ

و هیچ کس سود رسان تر از تو بر من نیست، ای هستی مطلق، ای آفریدگار، ای که خودت را به من شناساندی، ای که

امَرَنی بِطاعَتِهِ، یا مَنْ نَهانی عَنْ مَعْصِیَتِهِ، وَ یا مَدْعُوُّ یا مَسْئُولُ، یا

مرا بر بندگیت فرمان دادی، ای که مرا از نافرمانیت منع نمودی، ای خوانده شده، ای درخواست شده، ای

مَطْلُوباً الَیْهِ، رَفَضْتُ وَصِیَّتَکَ الَّتی اوْصَیْتَنی بِها وَ لَمْ اطِعْکَ، وَ لَوْ اطَعْتُکَ

طلب شده، سفارشت را که مرا به آن توصیه نمودی ترک کرده و اطاعتت ننمودم، و اگر

فیما امَرْتَنی لَکَفَیْتَنی ما قُمْتُ الَیْکَ فیهِ، وَ انَا مَعَ مَعْصِیَتی لَکَ راجٍ، فَلا

در آنچه مرا فرمان دادی اطاعتت می نمودم به یقین در آنچه از درگاهت خواستم مرا کفایت می کردی، و من با وجود نافرمانیم امیدوارم، پس

تَحُلْ بَیْنی وَ بَیْنَ ما رَجَوْتُ، یا مُتَرَحِّماً لی اعِذْنی مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ وَ مِنْ

بین من و آنچه امید دارم جدایی مینداز، ای رحم کننده بر من، مرا از روبرو و پشت سر

خَلْفی وَ مِنْ فَوْقی وَ مِنْ تَحْتی وَ مِنْ کُلِّ جِهاتِ الْإِحاطَهِ بی اللهُمَ

و از بالا و پایین و از همه اطرافم پناه ده، خدایا

ص :1066

بِمُحَمَّدٍ سَیِّدی وَ بِعَلِیٍّ وَلِیّی وَبِالْأَئِمَّهِ الرّاشِدینَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ، اجْعَلْ

به حقّ محمّد آقا و سرورم و به حقّ علی سرپرستم، و به حقّ امامان هدایت یافته- که بر آنان درود باد-

عَلَیْنا صَلَواتِکَ وَ رَأْفَتَکَ وَ رَحْمَتَکَ، وَاوْسِعْ عَلَیْنا مِنْ رِزْقِکَ، وَ اقْضِ

درودها و مهربانی و رحمتت را بر ما قرار ده و از روزیت بر ما وسعت ده، و قرضمان

عَنَّا الدَّیْنَ وَجَمیعَ حَوآئِجِنا، یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.

را ادا کن و همه حاجت هایمان را برآور، ای خدا، ای خدا، ای خدا، که تو بر هر چیز توانایی.

امام علیه السلام فرمود: هر کس این نماز را بجا آورد و این دعا را بخواند گناهان او آمرزیده شود.(1)

***

3- نماز حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

در روایتی آمده است، حضرت زهرا علیها السلام دو رکعت نماز می خواند که جبرئیل به وی آموخته بود. کیفیّت این نماز بدین گونه است که در رکعت اوّل بعد از حمد، صد مرتبه سوره «انّاانزلناه» و دررکعت دوم بعد ازحمد، صد مرتبه سوره «توحید» می خواند و پس از سلام این دعا رامی خواند:

سُبحانَ ذِی الْعِزِّ الشّامِخِ الْمُنیفِ، سُبْحانَ ذِی الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظیمِ،

تسبیح می گویم صاحب عزّتِ سربلندِ سرافراز را، تسبیح می گویم صاحب شکوهِ بلند مرتبه بزرگ را،

سُبحانَ ذِی الْمُلْکِ الْفاخِرِ الْقَدیمِ، سُبحانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَهَ وَ الْجَمالَ،

تسبیح می گویم صاحب فرمانرواییِ باشکوه دیرینه را، تسبیح می گویم کسی را که در بر دارد روشنایی و زیبایی را،

سُبحانَ مَنْ تَرَدّی بِالنُّورِ وَالْوَقارِ، سُبحانَ مَنْ یَری اثَرَ النَّمْلِ فِی الصَّفا،

تسبیح می گویم کسی را که با نور و وقار خود را آراسته، تسبیح می گویم کسی را که جای پای مورچه را در سنگ سخت می بیند،

سُبحانَ مَنْ یَری وَقْعَ الطَّیْرِ فِی الْهَواءِ، سُبحانَ مَنْ هُوَ هکَذ الا هکَذا غَیْرُهُ. (2)

تسبیح می گویم کسی را که گذرگاه پرنده را در آسمان می بیند، تسبیح می گویم کسی را که این چنین است و جز او کسی چنین نیست.

در روایت دیگری آمده است که بعد از این نماز، تسبیح مشهور حضرت زهرا علیها السلام را که پس از هر نمازی مستحب است، بگوید و بعد از آن صد مرتبه صلوات بفرستد.(3)

ص: 1067

1- [1667]بحارالانوار، جلد 88، صفحه 172، حدیث 5.
2- [1668]همان مدرک، صفحه 180، حدیث 7.
3- [1669]همان مدرک، صفحه 181، حدیث 8.

نماز دیگری از آن حضرت:

«شیخ طوسی» و «سیّد بن طاووس» روایت کرده اند از صفوان، که محمّد بن علی حلبی در روز جمعه ای، خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از آن حضرت پرسید، از شما می خواهم بهترین اعمال را در امروز، به من تعلیم فرمایی. امام علیه السلام فرمود: من کسی را نمی شناسم که از فاطمه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله با عظمت تر باشد و چیزی برتر از آن عملی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به وی آموخت سراغ ندارم. آن عمل چنین است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت زهرا علیها السلام فرمود: در صبح روز جمعه غسل کند و چهار رکعت نماز بخواند (به دو سلام) در رکعت اوّل بعد از حمد، پنجاه مرتبه سوره «توحید» و در رکعت دوم پس از حمد، پنجاه مرتبه سوره «عادیات» و در رکعت سوم بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره «زلزال» و در رکعت چهارم پس از حمد، پنجاه مرتبه سوره «نصر» را بخواند، و پس از اتمام نماز بگوید:

الهی وَسَیِّدی مَنْ تَهَیَّأَ أوْ تَعَبَّأَ اوْ اعَدَّ اوِ اسْتَعَدَّ لِوِفادَهِ مَخْلُوقٍ رَجآءَ

ای معبود من و ای آقا و سرورم، هر کس خود را آماده و مهیا و مجهّز و حاضر کند، برای رفتن به سوی مخلوقی به امید

رِفْدِهِ، وَفَوائِدِهِ وَ نائِلِهِ، وَ فَواضِلِهِ وَ جَوآئِزِهِ، فَالَیْکَ یا الهی کانَتْ

هدیه ها و بهره ها و عطایا و بخشش ها و پاداش هایش، پس ای معبود من، به سوی توست

تَهْیِئَتی وَتَعْبِئَتی وَاعْدادی وَ اسْتِعْدادی رَجآءَ رِفْدِکَ وَ فَوآئِدِکَ

آمادگی و مهیا شدن و مجهز شدن و حاضر شدنم، به امید هدایا و بهره ها

وَمَعْرُوفِکَ، وَ نآئِلِکَ وَجَوآئِزِکَ، فَلا تُخَیِّبْنی مِنْ ذلِکَ، یا مَنْ لا تَخیبُ

و احسان و عطایا و پاداشهایت، پس مرا از آن ناامید مکن، ای که هیچ

عَلَیْهِ مَسْئَلهُ السَّآئِلِ، وَ لا تَنْقُصُهُ عَطِیَّهُ نآئِلٍ، فَانّی لَمْ آتِکَ بِعَمَلٍ صالِحٍ

سائلی از درِ (خانه) تو نومید بر نمی گردد، و بخشش نیکی چیزی از تو نکاهد، پس به درگاهت نیامده ام با عمل شایسته ای

قَدَّمْتُهُ، وَ لا شَفاعَهِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ اتَقَرَّبُ الَیْکَ بِشَفاعَتِهِ، الّا مُحَمَّداً

که از پیش فرستاده باشم یا شفاعت مخلوقی که به آن امید بسته و با شفاعتش به تو نزدیک شوم جز شفاعت محمّد

وَاهْلَ بَیْتِهِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ، اتَیْتُکَ ارْجُو عَظیمَ عَفْوِکَ، الَّذی

و خاندان پاکش- که درود تو بر او و بر آنها باد- به درگاهت آمده ام به امید عفو بزرگت

عُدْتَ بِهِ عَلَی الْخاطِئینَ عِنْدَ عُکُوفِهِمْ عَلَی الْمَحارِمِ، فَلَمْ یَمْنَعْکَ طُولُ

که به وسیله آن بر گناهکاران وقت ارتکاب حرامها رو کنی، وطولانی شدن

عُکُوفِهِمْ عَلَی الْمَحارِمِ انْ جُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالْمَغْفِرَهِ، وَ انْتَ سَیِّدِی الْعَوَّادُ

ارتکاب حرامها تو را از آمرزش آنها باز نمی دارد، و تویی آقا و سرورم که بسیار به من نعمت بخشی،

بِالنَّعْمآءِ، وَ انَا الْعَوَّادُ بِالْخَطآءِ، اسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطَّاهِرِینَ، انْ

و منم بسیار خطاکار، از تو می خواهم به حقّ محمّد و خاندان پاکش

تَغْفِرَ لی ذَنْبِیَ الْعَظیمَ، فَانَّهُ لا یَغْفِرُ الْعَظیمَ الَّا الْعَظیمُ، یا عَظیمُ یا عَظیمُ

که گناه بزرگم را بیامرزی، چرا که گناه بزرگ را فقط (خدای) بزرگ می آمرزد، ای با عظمت، ای با عظمت

یا عَظیمُ، یا عَظیمُ یا عَظیمُ، یا عَظیمُ یا عَظیمُ.(1)

ای با عظمت، ای با عظمت، ای با عظمت، ای با عظمت، ای با عظمت.

***

4- نماز امام حسن علیه السلام

«سیّد بن طاووس» در «جمال الاسبوع» نمازی برای آن حضرت علیه السلام نقل کرده است که چهار رکعت است (هر دو رکعت با یک سلام) و به همان کیفیّت نماز امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد و در روز جمعه خوانده می شود.

نماز دیگری از آن حضرت نیز نقل کرده که در روز جمعه خوانده می شود و آن هم چهار رکعت است که در هر رکعت یک مرتبه «حمد» و بیست وپنج مرتبه سوره «توحید» رابخواند و پس از آن این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ انّی اتَقَرَّبُ الَیْکَ بِجُودِکَ وَکَرَمِکَ، وَاتَقرَّبُ الَیْکَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِکَ

خدایا بواسطه بخشش و کرمت به درگاهت تقرّب می جویم، و بواسطه محمّد بنده

وَرَسُولِکَ، وَاتَقَرَّبُ الَیْکَ بِمَلائِکَتِکَ الْمُقَرَّبینَ، وَ انْبِیآئِکَ وَ رُسُلِکَ، انْ

و فرستاده ات به درگاهت تقرّب می جویم و بواسطه فرشتگان مقرّب و پیامبران و فرستادگانت به درگاهت تقرب می جویم،

تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ، وَ عَلی آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تُقیلَنی

که بر محمّد، بنده و فرستاده ات و بر خاندان پاکش درود فرستی و از لغزشم درگذری

عَثْرَتی وَ تَسْتُرَ عَلَیَّ ذُنُوبی وَ تَغْفِرَها لی وَتَقْضِیَ لی حَوآئِجی وَ لا

و گناهانم را پوشانده و بیامرزی، و حاجتهایم را برآوری و به

1- [1670]مصباح المتهجّد، صفحه 318 و جمال الاسبوع، صفحه 264 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 368، حدیث 64(با اندکی تفاوت).

تُعَذِّبْنی بِقَبیحٍ کانَ مِنّی فَانَّ عَفْوَکَ وَ جُودَکَ یَسَعُنی انَّکَ عَلی کُلِ

خاطر زشتیهایی که از من سرزده مرا عذاب نکنی، چرا که عفو و بخشش چنان است که مرا فرا خواهد گرفت، که تو

شَیْ ءٍ قَدیرٌ.(1)

بر هر چیز توانایی.

***

5- نماز امام حسین علیه السلام

این نماز چهار رکعت است (به دو سلام) در هر رکعت سوره «حمد» پنجاه مرتبه و سوره «توحید» نیز پنجاه مرتبه خوانده می شود، همچنین در رکوع- پس از ذکر رکوع- سوره های حمد و توحید، هر کدام ده مرتبه و پس از سربرداشتن از رکوع نیز هر کدام را ده مرتبه و در سجده اوّل و میان دو سجده- هنگامی که نشسته ای- و در سجده دوم نیز هر یک از حمد و توحید را ده مرتبه می خوانی، و پس از پایان چهار رکعت نماز؛ این دعا را می خوانی:

اللَّهُمَّ انْتَ الَّذِی اسْتَجَبْتَ لِأدَمَ وَحَوَّا، اذْ قالا رَبَّنا ظَلَمْنا انْفُسَنا وَانْ لَمْ

خدایا تویی که آدم و حوا را پاسخ دادی، در زمانی که گفتند: پروردگارا ما به خویشتن ستم کردیم و اگر

تَغْفِرْ لَنا وَتَرْحَمْنا لَنَکُونَنَّ مِنَ الْخاسِرینَ، وَناداکَ نُوحٌ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ،

ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود، و نوح تو را خواند و پاسخش گفتی

وَنَجَّیْتَهُ وَاهْلَهُ مِنَ الْکَرْبِ الْعَظیمِ، وَاطْفَأْتَ نارَ نُمْرُودَ عَنْ خَلیلِکَ

و او و نزدیکانش را از گرفتاری بزرگ نجات دادی و آتش نمرود را از ابراهیم خلیل باز داشته

ابْراهیمَ، فَجَعَلْتَها بَرْداً وَسَلاماً، وَانْتَ الَّذِی اسْتَجَبْتَ لِأَیُّوبَ، اذْ نادی

و آن را بر او سرد و سالم قرار دادی، و تویی که ایوب را پاسخ گفتی آن گاه که عرضه داشت

رَبِّ مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَانْتَ ارْحَمُ الرَّاحِمینَ، فَکَشَفْتَ ما بِهِ مِنْ ضُرٍّ، وَآتَیْتَهُ

پروردگارا بدحالی و مشکلات به من روی آورده و تو مهربان ترین مهربانانی، پس ناراحتیهایی را که داشت برطرف ساخته

اهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَهً مِنْ عِنْدِکَ، وَذِکْری لِأُولِی الْأَلْبابِ، وَانْتَ

و خاندانش را به او بازگرداندی و همانندشان را بر آنها افزودی تا رحمتی از سوی تو و تذکّری برای خردمندان باشد، و تویی

ص: 1070

1- [1671]جمال الاسبوع، صفحه 270 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 185، حدیث 11.

الَّذِی اسْتَجَبْتَ لِذِی النُّونِ، حینَ ناداکَ فِی الظُّلُماتِ انْ لا الهَ الّا انْتَ،

که یونس را پاسخ گفتی، آن گاه که تو را در تاریکی ها صدا زد که خداوندا جز تو معبودی نیست

سُبْحانَکَ انّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمینَ، فَنَجَّیْتَهُ مِنَ الْغَمِّ، وَانْتَ الَّذِی اسْتَجَبْتَ

تسبیح می گویم تو را که من از ستمکاران بودم، پس، از آن اندوه نجات دادی، و تویی که درخواست

لِمُوسی وَهرُونَ دَعْوَتَهُما، حینَ قُلْتَ: قَدْ اجیبَتْ دَعْوَتُکُما فَاسْتَقیما.

موسی و هارون را پاسخ گفتی، آن گاه که فرمودی: دعای شما پذیرفته شده، پس استقامت به خرج دهید.

وَاغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ، وَغَفَرْتَ لِداوُدَ ذَنْبَهُ، وَتُبْتَ عَلَیْهِ رَحْمَةً مِنْکَ

و فرعون و یارانش را غرق نمودی و ترک اولای داود را به خاطر رحمت خود و برای تذکر (او) بخشیدی

وَذِکْری وَفَدَیْتَ اسْماعیلَ بِذِبْحٍ عَظیمٍ بَعْدَما اسْلَمَ، وَتَلَّهُ لِلْجَبینِ،

و ذبح عظیم را فدای اسماعیل نمودی بعد از آن که خود را تسلیم (خواسته ات) کرد و ابراهیم پیشانیش را بر خاک نهاد

فَنادَیْتَهُ بِالْفَرَجِ وَالرَّوْحِ، وَانْتَ الَّذی ناداکَ زَکَرِیَّا نِدآءً خَفِیّاً، فَقالَ رَبِ

پس به گشایش و آسایش او را خواندی، و تویی که زکریّا تو را در خلوتگاه عبادت پنهانی خواند و گفت: پروردگارا

انّی وَهَنَ الْعَظْمُ مِنّی وَاشْتَعَلَ الرَّاْسُ شَیْباً، وَلَمْ اکُنْ بِدُعآئِکَ رَبِّ شَقِیّاً،

استخوانم سست شده و شعله پیری تمام سرم را فرا گرفته و من هرگز در دعای تو از اجابت محروم نبوده ام

وَقُلْتَ: یَدْعُونَنا رَغَباً وَرَهَباً وَکانُوا لَنا خاشِعینَ، وَانْتَ الَّذِی اسْتَجَبْتَ

و فرمودی: در حال بیم و امید ما را می خوانند و پیوسته برای ما (خاضع و) خاشع بودند، و تویی که

لِلَّذینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ، لِتَزیدَهُمْ مِنْ فَضْلِکَ، فَلا تَجْعَلْنی مِنْ

ایمان آوردگانی را که عمل صالح انجام داده اند، پاسخ گفتی، تا از فضل و کرمت بر آنها بیفزایی، پس مرا از

اهْوَنِ الدَّاعینَ لَکَ، وَالرَّاغِبینَ الَیْکَ، وَاسْتَجِبْ لی کَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُمْ

بی ارزش ترین کسانی که تو را می خوانند و به تو مشتاقند قرار مده، و به حقّ آنان بر تو (دعای) مرا اجابت کن همان گونه که دعای آنان را اجابت نمودی

بِحَقِّهِمْ عَلَیْکَ، فَطَهِّرْنی بِتَطْهیرِکَ، وَتَقَبَّلْ صَلاتی وَدُعآئی بِقَبُولٍ حَسَنٍ،

پس مرا با پاکیزگیت پاک گردان، و نماز و دعایم را به شایستگی بپذیر،

وَطَیِّبْ بَقِیَّهَ حَیاتی وَطَیِّبْ وَفاتی وَاخْلُفْنی فیمَنْ اخْلُفُ، وَاحْفَظْنی

وبقیّه زندگی و مردنم را گوارا گردان، جانشین من باش (و سرپرستی کن) کسانی را که بعد از من می مانند

یا رَبِّ بِدُعآئی وَاجْعَلْ ذُرِّیَّتی ذُرِّیَّهً طَیِّبَهً، تَحُوطُها بِحِیاطَتِکَ، بِکُلِّ ما

و ای پروردگار من مرا به حقّ دعایم حفظ کن، و نسلم را نسلی پاکیزه قرار ده، و به حمایتت آنها را حمایت کن، با هر آنچه که

حُطْتَ بِهِ ذُرِّیَّهَ احَدٍ مِنْ اوْلِیآئِکَ وَاهْلِ طاعَتِکَ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ

نسل هر یک از اولیا و بندگانت را حمایت نموده ای، به رحمتت ای مهربان ترین

الرَّاحِمینَ، یا مَنْ هُوَ عَلى كُلِّ شَىْ ءٍ رَقیبٌ، وَلِكُلِّ داعٍ مِنْ خَلْقِکَ

مهربان، ای که بر هر چیز نگهبانی و به هر خواسته مخلوقاتت

مُجیبٌ، وَمِنْ كُلِّ سآئِلٍ قَریبٌ، اسْئَلُکَ یا لا الهَ الَّا انْتَ، الْحَىُّ الْقَیُّومُ،

پاسخگویی و به هر درخواست کننده ای نزدیکی، از تو می خواهم ای که معبودی جز تو نیست، تو زنده و پاینده

الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذى لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ، وَلَمْ یَكُنْ لَهُ كُفُواً احَدٌ، وَبِكُلِّ اسْمٍ

و یگانه و بی نیازی که هرگز نزاده و زاده نشده ای و برای تو هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است، و به حقّ هر نامی

رَفَعْتَ بِهِ سَمآئَکَ، وَفَرَشْتَ بِهِ ارْضَکَ، وَارْسَیْتَ بِهِ الْجِبالَ، وَاجْرَیْتَ بِهِ

که با آن آسمان را بالا برده و زمین را گسترانیدی و کوه ها را با آن استوار ساخته و آب را جاری نمودی

الْمآءَ، وَسَخَّرْتَ بِهِ السَّحابَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ وَاللَّیْلَ وَالنَّهارَ،

و ابر و خورشید و ماه و ستارگان و شب و روز را با آن به خدمت گرفته

وَخَلَقْتَ الْخَلآئِقَ كُلَّها، اسْئَلُکَ بِعَظَمَهِ وَجْهِکَ الْعَظیمِ، الَّذى اشْرَقَتْ لَهُ

و همه مخلوقات را آفریدی، از تو می خواهم به عظمت ذات بزرگت، که

السَّمواتُ وَالْأَرْضُ، فَاضائَتْ بِهِ الظُّلُماتُ، الّا صَلَّیْتَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ

آسمان و زمین در برابر آن درخشید و به واسطه آن تاریکی ها روشن شد، که بر محمّد و خاندان

مُحَمَّدٍ، وَكَفَیْتَنی امْرَ مَعاشی وَمَعادی وَاصْلَحْتَ لی شَأْنی کُلَّهُ، وَلَمْ

پاکش درود فرستی و دنیا و آخرتم را کفایت کنی و همه کارهایم را اصلاح کنی و

تَکِلْنی الی نَفْسی طَرْفَهَ عَیْنٍ، وَاصْلَحْتَ امْری وَامْرَ عِیالی وَکَفَیْتَنی

مرا چشم بر هم زدنی به خودم وامگذاری، و کار خود و خانواده ام را اصلاح کنی

هَمَّهُمْ، وَاغْنَیْتَنی وَایَّاهُمْ مِنْ کَنْزِکَ وَخَزآئِنِکَ، وَسَعَهِ فَضْلِکَ الَّذی لا

و مرا از مشکلات آنان رهایی بخشی، و من و آنان را از گنج و خزائن و لطف وسیع بی پایانت به

یَنْفَدُ ابَداً، وَاثْبِتْ فی قَلْبی یَنابیعَ الْحِکْمَهِ الَّتی تَنْفَعُنی بِها،

بی نیازی رسانی، و چشمه های حکمت ودانش را که من و بندگان پسندیده ات

وَتَنْفَعُ بِها مَنِ ارْتَضَیْتَ مِنْ عِبادِکَ، وَاجْعَلْ لی مِنَ الْمُتَّقینَ فی آخِرِ

را به آن سود بخشی در دلم قرار دهی، و در آخر

الزَّمانِ اماماً، کَما جَعَلْتَ ابْراهیمَ الْخَلیلَ اماماً، فَانَّ بِتَوْفیقِکَ یَفُوزُ

الزمان از پرهیزگاران امامی برایم قرار دهی، همان گونه که ابراهیم خلیل را امام قرار دادی، پس همانا به توفیق تو رستگاران

الْفآئِزُونَ، وَیَتُوبُ التَّآئِبُونَ، وَیَعْبُدُکَ الْعابِدُونَ، وَبِتَسْدیدِکَ یَصْلُحُ

رستگار شوند و توبه کنندگان توبه کنند و عابدان عبادت کنند و به تأیید تو

الصَّالِحُونَ الْمُحْسِنُونَ الْمُخْبِتُونَ، الْعابِدُونَ لَکَ، الْخائِفُونَ مِنْکَ،

شایستگان نیکوکارِ فروتن پرهیزکار گردند، آنان که تو را عبادت کرده و از تو بترسند

وَبِارْشادِکَ نَجَا النَّاجُونَ مِنْ نارِکَ، وَاشْفَقَ مِنْهَا الْمُشْفِقُونَ مِنْ خَلْقِکَ،

و به هدایت تو نجات یافتگان از آتشت رهایی یافته، و پرهیزکنندگان مخلوقات از آن دوری جستند

وَ بِخِذْلانِکَ خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ، وَهَلَکَ الظَّالِمُونَ، وَغَفَلَ الْغافِلُونَ، اللَّهُمَ

و به واسطه بی توجّهیت، یاوه گویان زیان دیدند و ستمکاران هلاک شدند، و بی خبران غفلت ورزیدند، خدایا

آتِ نَفْسی تَقْویها، فَانْتَ وَلِیُّها وَمَوْلیها، وَانْتَ خَیْرُ مَنْ زَکّیها، اللَّهُمَّ بَیِّنْ

نفسم را تقوا ده، که تو صاحب اختیار و سرپرست و بهترین پاک کننده آنی، خدایا

لَها هُداها، وَالْهِمْها تَقْویها، وَبَشِّرْها بِرَحْمَتِکَ حینَ تَتَوَفَّاها، وَنَزِّلْها مِنَ

راه هدایتش را به او بنما و او را به تقوا وادار، و در هنگام مرگ به لطف و رحمتت بشارتش ده، و او را در بالاترین درجات

الْجِنانِ عُلْیاها، وَطَیِّبْ وَفاتَها وَمَحْیاها، وَاکْرِمْ مُنْقَلَبَها وَمَثْویها،

بهشت فرودآر، مرگ و زندگیش را نیکو گردان، و محل بازگشت و منزلگاه و جایگاه و

وَمُسْتَقَرَّها وَمَاْویها، فَانْتَ وَلِیُّها وَمَوْلیها.(1)

پناهگاهش را گرامی دار، چرا که تو صاحب اختیار و سرپرست آنی.

***

6- نماز امام زین العابدین علیه السلام

این نماز چهار رکعت است (با دو سلام) که در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و صد مرتبه سوره «توحید» خوانده می شود و پس از آن، این دعا خوانده می شود:

یا مَنْ اظْهَرَ الْجَمیلَ، وَ سَتَرَ الْقَبیحَ، یا مَنْ لَمْ یُؤاخِذْ بِالْجَریرَهِ، وَ لَمْ

ای که زیبایی ها را آشکار نموده و زشتی ها را پوشاندی، ای که بر هر بدی مؤاخذه نکردی، و

1- [1672]بحارالانوار، جلد 88، صفحه 186 و جمال الاسبوع، صفحه 271(با اندکی تفاوت).

يَهْتِکِ السِّتْرَ، یا عَظیمَ الْعَفْوِ، یا حَسَنَ التَّجاوُزِ، یا واسِعَ الْمَغْفِرَهِ، یا

پرده دری ننمودی، ای صاحب عفو بزرگ، ای صاحب گذشت نیکو، ای گسترده آمرزش، ای

باسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَهِ، یا صاحِبَ کُلِّ نَجْوی یا مُنْتَهی کُلِّ شَکْوی یا

گشاینده دست به رحمت، ای آگاه هر راز، ای نهایت هر شکایت، ای

کَریمَ الصَّفْحِ، یا عَظیمَ الرَّجآءِ، یا مُبْتَدِءاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقاقِها، یا رَبَّنا

چشم پوش بزرگوار، ای امید بزرگ، ای آغازگر نعمت قبل از درخواست آن، ای پروردگار ما

وَ سَیِّدَنا وَ مَوْلانا، یا غایَهَ رَغْبَتِنا، اسْئَلُکَ اللَّهُمَّ انْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ

و ای آقا و سرور و مولای ما، ای نهایت اشتیاق ما، خدایا از تو می خواهم که بر محمّد و

وآلِ مُحَمَّدٍ.(1)

خاندان پاکش درود فرستی.

***

7- نماز امام باقر علیه السلام

این نماز دو رکعت است، در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و صد مرتبه سُبْحانَ اللَّهِ

******************************** تو را تسبیح می گویم ای خدا

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اکْبَرُ خوانده می شود؛ پس از نماز این دعا را می خوانی:

و حمد و سپاس از آن توست و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر از هر چیز است.*************************

اللّٰهُمَّ انّی اسْئَلَکَ یا حَلیمُ ذُو اناهٍ غَفُورٌ وَدُودٌ، انْ تَتَجاوَزَ عَنْ سَیِّئاتی

خدایا از تو می خواهم ای شکیبای مدارا کننده آمرزنده با محبت، که از گناهانم و از آنچه

وَما عِنْدی بِحُسْنِ ماعِنْدَکَ، وَانْ تُعْطِیَنی مِنْ عَطآئِکَ مایَسَعُنی وَتُلْهِمَنی

نزد من است به زیبایی آنچه نزد توست درگذری، و از بخششت به اندازه ای که مرا در برگیرد به من ببخشی،

فیما اعْطَیْتَنِی الْعَمَلَ فیهِ بِطاعَتِکَ، وَ طاعَهِ رَسُولِکَ، وَ انْ تُعْطِیَنی مِنْ

و عمل به بندگیت و بندگی رسولت را در آنچه به من عطا نموده ای در دلم اندازی،

عَفْوِکَ ما اسْتَوْجِبُ بِهِ کَرامَتَکَ، اللَّهُمَّ اعْطِنی ما انْتَ اهْلُهُ، وَ لاتَفْعَلْ بی

و از گذشتت به اندازه ای که با آن مستوجب بزرگداشتت شوم عطایم کنی، خدایا آنچه تو شایسته آنی عطایم کن نه آنچه

1- [1673]جمال الاسبوع، صفحه 274 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 187.

ما انَا اهْلُهُ، فَانَّما انَا بِکَ، وَلَمْ اصِبْ خَیْراً قَطُّ الَّا مِنْکَ، یا ابْصَرَ الْأَبْصَرینَ،

من شایسته آنم، پس از تو کمک می جویم و خیری جز از جانب تو به من نرسیده است، ای بیناترین بینایان

وَیا اسْمَعَ السَّامِعِینَ، وَیا احْکَمَ الْحاکِمینَ، وَیا جارَ الْمُسْتَجیرینَ،

و ای شنواترین شنوایان، و ای حاکم ترین حاکمان، و ای پناه پناه جویان

وَ یا مُجیبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرّینَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.(1)

و ای اجابت کننده درخواست بیچارگان، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست.

***

8- نماز امام صادق علیه السلام

این نماز نیز دو رکعت است، درهررکعت یک مرتبه سوره «حمد» را می خوانی و صد مرتبه آیه

«شَهِدَ اللَّهُ انَّهُ لا الهَ الَّا هُوَ وَ الْمَلائِکَهُ وَ اولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا

خداوند (با ایجاد نظام واحد جهان هستی) گواهی می دهد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش (هر کدام به گونه ای بر این مطلب) گواهی می دهند در حالی که

الهَ الَّا هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ».(2) پس از نماز، این دعا را بخوان: یا صانِعَ کُلِّ مَصْنُوعٍ،

(خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد، معبودی جز او نیست که هم توانا و هم حکیم است.************ ای سازنده هر ساخته شده

یا جابِرَ کُلِّ کَسیرٍ، وَ یا حاضِرَ کُلِّ مَلَإٍ، وَ یا شاهِدَ کُلِّ نَجْوی وَ یا عالِمَ

ای پیوند دهنده هر استخوان شکسته، و ای حاضر در هر انجمن، و ای گواه هر سخن پنهانی، و ای دانای

كُلِّ خَفِیَّهٍ، وَ یا شاهِدُ غَیْرَ غآئِبٍ، وَ غالِبُ غَیْرَ مَغْلَوبٍ، وَیا قَریبُ غَیْرَ

هر راز، و ای گواه همیشه حاضر، و پیروز شکست ناپذیر، و ای نزدیک بسیار نزدیک

بَعیدٍ، وَ یا مُونِسَ کُلِّ وَحیدٍ، وَ یا حَیُّ مُحْیِیَ الْمَوْتی وَمُمیتَ الْأَحْیآءِ،

و ای همدم هر تنها، و ای زنده ای که مردگان را زنده کنی و زندگان را بمیرانی

الْقآئِمُ عَلی کُلِّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ، وَ یا حَیّاً حینَ لا حَیَّ، لا الهَ الَّا انْتَ،

ای که ناظر بر اعمال همگان هستی و ای زنده در وقتی که زنده ای نبود، معبودی جز تو نیست

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.(3)

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست.

ص: 1075

1- [1674]جمال الاسبوع، صفحه 275 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 188.
2- [1675]سوره آل عمران، آیه 18.
3- [1676]جمال الاسبوع، صفحه 276 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 188.

9- نماز امام کاظم علیه السلام

نماز امام کاظم علیه السلام دو رکعت است که در هر یک رکعت یک مرتبه «حمد» و دوازده مرتبه «توحید» خوانده می شود و پس از آن این دعا را می خوانی:

الهی خَشَعَتِ الْأَصْواتُ لَکَ، وَ ضَلَّتِ الْأَحْلامُ فیکَ، وَ وَجِلَ کُلُّ شَیْ ءٍ

ای معبود من، صداها در برابرت فروتنند، و عقلها درباره تو حیرانند و همه چیز از (عظمت) تو ترسان است

مِنْکَ، وَهَرَبَ کُلُّ شَیْ ءٍ الَیْکَ، وَ ضاقَتِ الْأَشْیآءُ دُونَکَ، وَ مَلَأَ کُلَّ شَیْ ءٍ

و همه چیز به سوی تو گریزان است و در برابر تو همه چیز محدود است، و نور تو همه چیز را فرا گرفته،

نُورُکَ، فَانْتَ الرَّفیعُ فی جَلالِکَ، وَ انْتَ الْبَهِیُّ فی جَمالِکَ، وَ انْتَ الْعَظیمُ

پس در بزرگواریت بلند مرتبه ای، و در زیباییت نیکویی، و در تواناییت با عظمتی،

فی قُدْرَتِکَ، وَ انْتَ الَّذی لا یَؤُدُکَ شَیْ ءٌ، یا مُنْزِلَ نِعْمَتی یا مُفَرِّجَ

و چیزی تو را به زحمت نیندازد، ای فرو فرستنده روزیم، ای گشاینده

کُرْبَتی وَ یا قاضِیَ حاجَتی اعْطِنی مَسْئَلَتی بِلا الهَ الَّا انْتَ، آمَنْتُ بِکَ

اندوهم، ای برآورنده نیازم، به حق آن که معبودی جز تو نیست خواسته ام را عطا کن، به تو ایمان آوردم

مُخْلِصاً لَکَ دینی اصْبَحْتُ عَلی عَهْدِکَ وَ وَعْدِکَ مَا اسْتَطَعْتُ ابُوءُ لَکَ

در حالی که دینم را برای تو خالص نمودم، به اندازه توان و قدرتم بر پیمان و وعده ات صبح کردم،

بِالنِّعْمَهِ، وَ اسْتَغْفِرُکَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتی لا یَغْفِرُها غَیْرُکَ، یا مَنْ هُوَ فی

به فضل تو به جانبت باز می گردم، و از گناهانی که جز تو کسی آنها را نیامرزد از تو آمرزش می طلبم، ای که در عین

عُلُوِّهِ دانٍ، وَفی دُنُوِّهِ عالٍ، وَ فی اشْراقِهِ مُنیرٌ، وَ فی سُلْطانِهِ قَوِیٌّ، صَلِ

بلندمرتبگی نزدیکی و در عین نزدیکی بلند مرتبه ای و در عین درخشش نورافشانی و در فرمانروایت نیرومندی،

عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.(1)

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست.

***

10- نماز امام رضا علیه السلام

این نماز شش رکعت است (به سه سلام) در هر رکعت یک مرتبه حمد و ده مرتبه سوره «هَلْ اتی عَلَی

1- [1677]جمال الاسبوع، صفحه 276 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 188.

الْإِنْسانِ». سپس دعای آن حضرت را پس از پایان شش رکعت نماز می خوانی:

یا صاحِبی فی شِدَّتی وَ یا وَلِیّی فی نِعْمَتی وَ یا الهی وَ الهَ ابْراهیمَ

ای همدم من در سختیم و ای عهده دار روزیم، و ای معبود من و معبود ابراهیم

وَاسْماعیلَ وَاسْحاقَ وَ یَعْقُوبَ، یا رَبَّ کهیعص، وَ یس وَ الْقُرْآنِ

و اسماعیل و اسحاق و یعقوب، ای پروردگار کهیعص و یس و قرآن

الْحَکیمِ، اسْئَلُکَ یا احْسَنَ مَنْ سُئِلَ، وَ یا خَیْرَ مَنْ دُعِیَ، وَ یا اجْوَدَ مَنْ

حکیم، از تو می خواهم ای بهترین درخواست شده، و ای بهترین خوانده شده و ای نیکوترین

اعْطی وَ یا خَیْرَ مُرْتَجی اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ.(1)

بخشنده و ای بهترین آرزو شده، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی.

***

11- نماز امام جواد علیه السلام

نماز آن حضرت دو رکعت است که در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و هفتاد مرتبه سوره «توحید» را می خوانی و پس از پایان نماز می گویی:

اللَّهُمَّ رَبَّ الأَرْواحِ الْفانِیَهِ، وَ الأَجْسادِ الْبالِیَهِ، اسْئَلُکَ بِطاعَهِ الْأَرْواحِ

خدایا ای پروردگار جانهای نابودشونده و جسم های پوسیده، از تو می خواهم به حق بندگی جانهایی

الرَّاجِعَهِ الی اجْسادِها، وَ بِطاعَهِ الْأَجْسادِ الْمُلْتَئِمَهِ بِعُرُوقِها، وَ بِکَلِمَتِکَ

که به بدنها باز می گردند و به حق بندگی جسم هایی که با رگها به هم پیوسته، و به حق فرمانت

النَّافِذَهِ بَیْنَهُمْ، وَاخْذِکَ الْحَقَّ مِنْهُمْ، وَ الْخَلائِقُ بَیْنَ یَدَیْکَ یَنْتَظِرُونَ فَصْلَ

که در میان آنها نفوذ دارد واینکه حق را از آنان می گیری، در حالی که مخلوقات در برابرت منتظر

قَضآئِکَ، وَیَرْجُونَ رَحْمَتَکَ، وَیَخافُونَ عِقابَکَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ

حکم تو هستند و امید به رحمتت دارند و از عذابت می ترسند، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست،

مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلِ النُّورَ فی بَصَری وَالْیَقینَ فی قَلْبی وَ ذِکْرَکَ باللَّیْلِ

و روشنایی را در دیده ام و یقین را در دلم و ذکرت را در شب

1- [1678]جمال الاسبوع، صفحه 277 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 189.

وَالنَّهارِ عَلی لِسانی وَ عَمَلاً صالِحاً فَارْزُقْنی (1)

و روز بر زبانم قرار ده و کردار نیک را روزیم گردان.

***

12- نماز امام هادی علیه السلام

این نماز نیز دو رکعت است، در رکعت اوّل سوره «حمد» و «یس» و در رکعت دوم سوره «حمد» و «الرّحمن» را بخواند (شبیه نماز زیارت حضرت رضا علیه السلام) و بعد از نماز این دعا را بخواند:

یابآرُّ یا وَصُولُ، یا شاهِدَ کُلِّ غآئِبٍ، وَ یا قَریبُ غَیْرَ بَعیدٍ، وَ یا غالِبُ غَیْرَ

ای نیکوکار، ای پیوند دهنده، ای گواه هر پنهان، ای نزدیک بسیار نزدیک و ای پیروز

مَغْلُوبٍ، وَیا مَنْ لایَعْلَمُ کَیْفَ هُوَالَّا هُوَ، یا مَنْ لاتُبْلَغُ قُدْرَتُهُ، اسْئَلُکَ اللَّهُمَ

شکست ناپذیر، و ای که جز تو کسی نداند که چگونه ای، ای که کسی به قدرتت نرسد، خدایا به حق

بِاسْمِکَ الْمَکْنُونِ الْمَخْزُونِ الْمَکْتُومِ عَمَّنْ شِئْتَ، الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ الْمُقَدَّسِ،

نامی که از هر که خواستی، مخفی و پنهان و پوشیده داشتی از تو می خواهم، آن نامی که پاک و پاکیزه و مقدّس است

النُّورِ التَّآمِّ الْحَیِّ الْقَیُّومِ الْعَظیمِ، نُورِ السَّمواتِ وَ نوُرِ الْأَرَضینَ، عالِمِ

نور خالص و کامل (همان) زنده پاینده بزرگ که نور آسمانها و زمین و دانای

الْغَیْبِ وَالشَّهادَهِ الْکَبیرِ الْمُتَعالِ الْعَظیمِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.(2)

آشکار و نهان و بزرگ و بلندمرتبه و با عظمت است، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست.

***

13- نماز امام حسن عسکری علیه السلام

نماز آن حضرت چهار رکعت است، در دو رکعت اوّل بعد از «حمد»، پانزده مرتبه سوره «زلزال» و در دو رکعت دوم، بعد از «حمد» پانزده مرتبه سوره «توحید» را می خواند و آنگاه این دعا را می خواند:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِانَّ لَکَ الْحَمْدَ، لا الهَ الَّا انْتَ، الْبَدی ءُ قَبْلَ کُلِّ شَیْ ءٍ،

خدایا از تو می خواهم به حق آن که حمد و سپاس از آن توست و معبودی جز تو نیست که پیش از هر چیز بوده ای

ص: 1078

1- [1679]جمال الاسبوع، صفحه 278 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 189(با اندکی تفاوت).

2- [1680]همان مدرک.

وَانْتَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ، وَ لا الهَ الَّا انْتَ الَّذی لا یُذِلُّکَ شَیْ ءٌ، وَ انْتَ کُلَّ یَوْمٍ

و تویی زنده پاینده، و معبودی جز تو که چیزی خوارت نکند نیست، و تو هر روز

فی شَأْنٍ، لا الهَ الَّا انْتَ، خالِقُ ما یُری وَ ما لایُری الْعالِمُ بِکُلِّ شَیْ ءٍ

در شأن و کاری هستی، معبودی جز تو نیست که آفریننده پیدا و ناپیدایی و به هر چیز دانای

بِغَیْرِ تَعْلیمٍ، اسْئَلُکَ بِآلائِکَ وَنَعْمآئِکَ، بِانَّکَ اللَّهُ الرَّبُّ الْواحِدُ، لا الهَ الَّا

بی تعلیمی، و از تو می خواهم به حق نعمتهای نهان و آشکارت و به حق این که تویی خدایی که پروردگار یگانه ای که معبودی جز

انْتَ الرَّحْمنُ الرَّحیمُ، وَ اسْئَلُکَ بِانَّکَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، الْوِتْرُ الْفَرْدُ

تو بخشنده و مهربان نیست، و از تو می خواهم به حق آن که تویی خدایی که معبودی جز تو یگانه یکتای

الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذی لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً احَدٌ، وَ اسْئَلُکَ

تنهای بی نیاز نیست، خدایی که (هرگز) نزاد و زاده نشد و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است، و از تو می خواهم

بِانَّکَ [انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، اللَّطیفُ الْخَبیرُ، الْقآئِمُ عَلی کُلِّ نَفْسٍ

به حق آن که تویی خدایی که معبودی جز تو مهربان و آگاه نیست، که بر همه احاطه داشته

بِما کَسَبَتْ، الرَّقیبُ الْحَفیظُ، وَاسْئَلُکَ بِانَّکَ اللَّهُ الأَوَّلُ قَبْلَ کُلِّ شَیْ ءٍ،

و اعمال همه را دیده و مراقب و نگهبانی، و از تو می خواهم به حق آن که تویی خدایی که پیش از همه چیز بوده

وَ الْأخِرُ بَعْدَ کُلِّ شَیْ ءٍ، وَ الْباطِنُ دُونَ کُلِّ شَیْ ءٍ، الضَّآرُّ النَّافِعُ الْحَکیمُ

و بعد از همه چیز خواهی بود و از هر چیز نهان تری، که زیان رسان و سودرسان و آگاه و

الْعَلیمُ، وَ اسْئَلُکَ بِانَّکَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، الْحَیُّ الْقَیُّومُ، الْباعِثُ

دانایی، و از تو می خواهم به حق آن که تویی خدایی که معبودی جز تو زنده و پاینده نیست، که برانگیزنده

الْوارِثُ، الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ، بَدیعُ السَّمواتِ والأَرْضِ، ذُو الْجَلالِ وَالْإِکْرامِ،

و میراث بر خلق و غمخوار و سخاوتمندی، خدایی که پدیدآورنده آسمان و زمین و صاحب شکوه و احترام

وَ ذُو الطَّوْلِ وَ ذُو الْعِزَّهِ وَ ذُو السُّلْطانِ، لا الهَ الَّا انْتَ، احَطْتَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ

و صاحب قدرت و بزرگی و فرمانروایی هستی، معبودی جز تو نیست که دانشت بر همه چیز احاطه دارد

عِلْماً، وَ احْصَیْتَ کُلَّ شَیْ ءٍ عَدَداً، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.(1)

و تعداد همه چیز را می دانی، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست.

ص: 1079

1- [1681]جمال الاسبوع، صفحه 279 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 190(لازم به یادآوری است که در جمال الاسبوع آمده است: در دو رکعت اوّل پس از« حمد» پانزده مرتبه سوره های« توحید» و« زلزال» را بخواند).

14- نماز امام زمان علیه السلام

این نماز دو رکعت است و در هر رکعت وقتی حمد را آغاز کردی و به «ایّاک نعبد وایّاک نستعین» رسیدی، آن را صد مرتبه می گویی سپس سوره «حمد» را کامل می کنی و پس از آن سوره «توحید» را یک بار می خوانی.(1)

ص: 1080

1- [1682]جمال الاسبوع، صفحه 280 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 190.

فصل دوم: نمازهای معروف دیگر

1- نماز جعفر طیّار رحمه الله

این نماز بسیار مهم و ارزشمند است که با سندهای فراوانی نقل شده است و برای آمرزش گناهان و برآمدن حاجات بسیار مؤثّر است 1683] و نام دیگر این نماز «نماز تسبیح» است و شیعه و اهل سنّت آن را با روایات متواتر نقل کرده اند.(1) وجه نام گذاری آن به نماز جعفر این است که در آن هنگام که جعفر بن ابی طالب (برادر امیر مؤمنان علیه السلام) از هجرت حبشه به مدینه بازگشت و به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، آن حضرت بسیار خوشحال شد و میان دو چشمان جعفر را بوسید و فرمود:

ای جعفر! آیا به تو هدیه ای بدهم؟!

عرض کرد: آری یا رسول اللَّه صلی الله علیه و آله!

مردم گمان کردند، که حضرت می خواهد طلا یا نقره به او ببخشد، آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: عملی را به تو بیاموزم که اگر هر روز یا هر ماه و یا هر سالی یک بار به انجامش توفیق یابی، امید است که خداوند گناهانت را ببخشد، سپس این نماز را به وی آموخت.

بهترین وقت انجام این نماز، در ابتدای روز جمعه است، هرچند در دیگر اوقات شب و روز نیز می توان خواند.

این نماز چهار رکعت است با دو سلام، در رکعت اوّل بعد از «حمد» سوره «اذا زلزلت» را می خوانی، و در رکعت دوم بعد از «حمد» سوره «عادیات»، و در رکعت سوم بعد از «حمد» سوره «نصر»، و در رکعت چهارم بعد از حمد، «سوره توحید».

در هر رکعت پس از اتمام حمد و سوره، پانزده مرتبه می گویی:

سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اکْبَرُ

. همین ذکر را پس از ذکر رکوع ده مرتبه و پس از سر برداشتن از رکوع ده مرتبه، در سجده اوّل- پس از ذکر سجده- ده مرتبه، پس از سر برداشتن از سجده اوّل (وقتی که نشسته ای) ده مرتبه، و در

1- [1684]عروه الوثقی، فصل صلاه جعفر.

سجده دوم نیز- بعد از ذکر سجده- ده مرتبه، پس از سر برداشتن از سجده دوم و پیش از برخاستن ده مرتبه (در یک رکعت مجموعاً 75 مرتبه می شود)، در رکعت دوم نیز همین گونه انجام می دهی که ده مرتبه آخر آن بعد از سجده دوم و قبل از تشهد خواهد بود و در دو رکعت بعد نیز همین گونه عمل می کنی (که مجموعاً 300 مرتبه تسبیحات می شود) به اضافه سایر اذکار نماز.(1) مرحوم «شیخ کلینی» از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که در سجده آخر رکعت چهارم پس از ذکر تسبیحات بگو:

سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقارَ، سُبْحانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَ تَکَرَّمَ بِهِ،

تسبیح می کنم کسی را که صاحب عزّت و ابهّت است، تسبیح می کنم کسی را که با بزرگواری مهربانی کرده و گرامی داشته است

سُبْحانَ مَنْ لا یَنْبَغِی التَّسْبیحُ الَّا لَهُ، سُبْحانَ مَنْ احْصی کُلَّ شَیْ ءٍ

تسبیح می کنم کسی را که جز او سزاوار تسبیح نیست، تسبیح می کنم کسی را که دانشش همه چیز را فرا گرفته،

عِلْمُهُ، سُبْحانَ ذِی الْمَنِّ وَ النِّعَمِ، سُبْحانَ ذِی الْقُدْرَهِ وَ الْکَرَمِ، اللهُمَّ انّی

تسبیح می کنم صاحب احسان و نعمت ها را، تسبیح می کنم صاحب قدرت و سخاوت را، خدایا

اسْئَلُکَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِکَ، وَ مُنْتَهَی الرَّحْمَهِ مِنْ کِتابِکَ، وَ اسْمِکَ

از تو می خواهم به حقّ جایگاه های عزّت از عرشت، و نهایت رحمت از کتابت و نام

الْأَعْظَمِ، وَ کَلِماتِکَ التَّآمَّهِ الَّتی تَمَّتْ صِدْقاً وَ عَدْلًا، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

بزرگت و کلمات کاملت که در نهایت راستی و عدالت است بر محمّد و خاندان

وَاهْلِ بَیْتِهِ، وَ افْعَلْ بی کَذا وَ کَذا.(2)

پاکش درود فرست و در مورد من چنین و چنان کن.

(به جای جمله آخر، حاجت خود را به عربی یا فارسی از خدا بخواه، و اگر این دعا را حفظ نمی باشد و کسی نیست برای او بخواند، دعا را نشسته می خواند در حالی که اشاره به سجده کرده است).

علّامه مجلسی می نویسد: مرحوم «شیخ» و «سیّد بن طاووس» از مفضّل بن عمر روایت کرده اند که گفت: روزی امام صادق علیه السلام را دیدم نماز جعفر را بجا آوردند و پس از نماز دست ها را بلند کردند و گفتند:

یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِ

(به اندازه یک نفس) سپس گفت:

یا رَبّاه یا رَبّاه، یا رَبّاه

(به اندازه یک نفس) سپس گفت:

رَبِّ رَبِّ رَبِ

(به اندازه یک نفس)؛

یا اللَّه یا اللَّه یا اللَّه

(به اندازه یک نفس)

یا حَیُّ یا حَیُّ یا

ص: 1082

1- [1685]جمال الاسبوع، صفحه 282 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 193، حدیث 1.
2- [1686]کافی، جلد 3، صفحه 467، حدیث 6.

حَیُ 1687]

(به اندازه یک نفس)

یا رَحیمُ یا رَحیمُ یا رَحیمُ

(به اندازه یک نفس) پس از آن هفت مرتبه

یا

رَحْمنُ

و هفت مرتبه

یا ارْحَمَ الرّاحِمینَ

را گفتند و در پایان خواندند:

اللَّهُمَّ انّی افْتَتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِکَ، وَانْطِقُ بِالثَّنآءِ عَلَیْکَ، وَ امَجِّدُکَ وَ لاغایَةَ

خدایا به ستایش تو کلام خود را آغاز می کنم و به مدح تو سخن می گویم، و تو را به بزرگی یاد می کنم

لِمَدْحِکَ، وَاثْنی عَلَیْکَ وَ مَنْ یَبْلُغُ غایَةَ ثَنآئِکَ، وَ امَدَ مَجْدِکَ، وَ انَّی

و حال آنکه پایانی برای ستایشت نیست، و تو را می ستایم و کیست که به نهایت ثنا و بزرگیت رسیده باشد،

لِخَلیقَتِکَ کُنْهُ مَعْرِفَهِ مَجْدِکَ، وَ ایَّ زَمَنٍ لَمْ تَکُنْ مَمْدُوحاً بِفَضْلِکَ،

و کجا مخلوقاتت توانایی شناخت کنه بزرگواریت را دارند؟! و چه زمانی تو به واسطه فضلت در خور ستایش نبوده ای؟!

مَوْصُوفاً بِمَجْدِکَ، عَوَّاداً عَلَی الْمُذْنِبینَ [الْمُؤْمِنینَ بِحِلْمِکَ، تَخَلَّفَ

و یا توصیف به بزرگواری نگشته ای، و یا به واسطه شکیبابیت پیوسته بر گنهکاران [مؤمنان توجّه نکرده ای؟!

سُكّانُ ارْضِکَ عَنْ طاعَتِکَ، فَکُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطَوفاً بِجُودِکَ، جَواداً

ساکنان زمین از بندگیت سرباز زدند، ولی تو با جود و کرمت بر آنها مهربانی نموده، و با فضل و احسانت آنها را بخشیده

بِفَضْلِکَ، عَوَّاداً بِكَرَمِکَ، يا لا الهَ الَّا انْتَ الْمَنَّانُ ذُوالْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ.

و با بزرگواریت به آنها توجّه نمودی، ای که معبودی جز تو نیست که سخاوتمند و صاحب بزرگی و بزرگواری.

سپس امام علیه السلام فرمود: ای مفضّل! هرگاه سختی و حاجتی شدید به تو روی آورد نماز جعفر رحمه الله را انجام ده و حاجات خود را از خدا بخواه که برآورده می شود ان شاءاللَّه.(1) در فضیلت این نماز و آثار و برکات آن هرچه گفته شود کم است و سزاوار است هنگامی که توفیق حاصل گردد از آن غفلت نشود، که در حلّ مشکلات دنیا و آخرت مؤثّر است.

2- نمازِ هدیه به معصومین علیهم السلام

از معصومین علیهم السلام نمازهایی برای هدیه به آن بزرگواران (منظور هدیه ثواب آن است) نقل شده است که به این صورت است:

1- در روز جمعه هشت رکعت نماز می خوانی (هر دو رکعت به یک سلام) و ثواب چهار رکعت آن را به

1- [1688]بحارالانوار، جلد 88، صفحه 200، حدیث 4. این حدیث و اذکار و دعای آن در مصباح المتهجّد، صفحه 311 و جمال الاسبوع، صفحه 294 با مقداری تفاوت نقل شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و چهار رکعت دیگر را به حضرت فاطمه علیها السلام هدیه می کنی.

2- در روز شنبه چهار رکعت نماز می خوانی و ثواب آن را به امیر مؤمنان علیه السلام هدیه می کنی.

3- در روز یکشنبه به امام حسن علیه السلام، روز دوشنبه به امام حسین، روز سه شنبه به امام زین العابدین، روز چهارشنبه به امام باقر و روز پنجشنبه به امام صادق علیهم السلام هدیه می کنی.

4- در روز جمعه مجدّداً هشت رکعت نماز می خوانی و چهار رکعت آن را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و چهار رکعت دیگر را به حضرت فاطمه علیها السلام هدیه می کنی.

5- روز شنبه چهار رکعت نماز می خوانی و به امام کاظم علیه السلام هدیه می کنی و در روز یکشنبه به امام رضا علیه السلام و روز دوشنبه به امام جواد علیه السلام، روز سه شنبه به امام هادی علیه السلام و روز چهارشنبه به امام حسن عسکری علیه السلام و روز پنج شنبه به امام زمان علیه السلام هدیه می کنی.

میان هر دو رکعت از این نمازها این دعا را می خوانی:

اللَّهُمَّ انْتَ السَّلامُ، وَ مِنْکَ السَّلامُ، وَ الَیْکَ یَعُودُ السَّلامُ، حَیِّنا رَبَّنا مِنْکَ

خدایا سلامت کامل تویی و از جانب توست سلامتی و بسوی تو باز می گردد سلامتی، ای پروردگار ما، ما را با سلامتی از جانب خود زنده بدار،

بِالسَّلامِ، اللَّهُمَّ انَّ هذِهِ الرَّکَعاتِ هَدِیَّهٌ مِنَّا الی وَلِیِّکَ فُلانٍ، (به جای کلمه فلان، خدایا این چند رکعت هدیه ای از جانب ما به ولیّت فلانی است******

نام آن معصوم علیه السلام را می بری) فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ بَلِّغْهُ ایَّاها، وَاعْطِنی

************** پس بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و اینها را به او برسان،

افْضَلَ امَلی وَ رَجآئی فیکَ، وَ فی رَسُولِکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ.

و برترین آرزو و امیدم از تو و رسولت- که درود تو بر او و خاندان پاکش باد- را به من عطا کن.

در این حدیث آمده پس از آن هرچه که بخواهی، از خدا طلب کن و دعا نما.(1)

3- نماز لیله الدّفن

نماز لیله الدفن (شب بعد از دفن میّت) دو رکعت است که در رکعت اوّل «حمد» و «آیه الکرسی» خوانده می شود و در رکعت دوم یک مرتبه «حمد» و ده بار سوره «انّا انزلناه»؛ وقتی که نماز به پایان رسید، می گویی:

1- [1689]مصباح المتهجّد، صفحه 322 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 217.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ابْعَثْ ثَوابَهُما الی قَبْرِ فُلانٍ.

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و ثواب این دو رکعت را به قبر فلانی برسان.

که به جای «فلان» نام میّت را ذکر می کنی.(1) و این یکی از بهترین هدایاست که انسان می تواند برای اموات خود در آن شب پرخوف و خطر بفرستد. این نماز را می توان برای هر مؤمنی خواند و هرچند نفر بخوانند خوب است.

4- نمازی دیگر برای لیلهالدّفن

از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: بر میّت ساعتی سخت تر از شب اوّل قبر نیست، پس با صدقه دادن به اموات خویش رحم کنید، و اگر نتوانستید برای آنان صدقه بدهید، دو رکعت نماز بگذارید بدین گونه که در رکعت اوّل سوره «حمد» یک مرتبه و سوره «توحید» دو بار خوانده شود و در رکعت دوم سوره «حمد» یک بار و سوره «تکاثر» نیز ده بار خوانده شود، پس از سلام نماز گفته شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ابْعَثْ ثَوابَهُما الی قَبْرِ ذلِکَ الْمَیِّتِ،

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و ثواب این دو رکعت را به قبر آن میّت،

فُلانِ بْنِ فُلانٍ.

فلانی پسر فلانی برسان.

(به جای فلان بن فلان نام میّت و پدرش را ببرد) در همان ساعت خداوند پاداش عظیمی به آن میّت و به نمازگزار عطا می کند.(2) مرحوم «علّامه مجلسی» در کتاب «زاد المعاد» گفته است: سزاوار است برای انسان که مردگانش را فراموش نکند، چرا که دستشان از اعمال خیر کوتاه است و به محبّت های فرزندان و خویشان و برادران دینی، چشم دوخته اند، مخصوصاً به هنگام نماز شب بیشتر باید برای آنان دعا کرد و همچنین بعد از نمازهای واجب و در زیارتگاهها و مشاهد مشرّفه به یاد آنان بود، و برای آنها دعا کرد، و برای آنها اعمال خیری را به جا آورد. در روایتی آمده است:

چه بسا فرزندی در حال حیات پدر و مادرش، عاق (مورد نفرت) آنان باشد و آنها از وی ناراضی و ناخشنود باشند؛ ولی پس از فوت پدر و مادر، این فرزند نیکوکار گردد و اعمال خیری را برای آنها بجا آورد و رضایت آنها را فراهم کند و چه بسا که فرزندی در حال حیات پدر و

1- [1690]مصباح کفعمی، صفحه 411؛ بلدالامین، صفحه 164 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 219، حدیث 5.

2- [1691]بحارالانوار، جلد 88، صفحه 219، حدیث 4.

مادر، نیکوکار و خوب بوده و مورد علاقه آنان، ولی پس از فوت پدر و مادر چون کار خیر برای آنها کم انجام می دهد، سبب ناخشنودی پدر و مادر خویش گردد.

عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان آن است که قرض های آنان را ادا کند و ذمّه آنان را از حقوق خدا و خلق خدا، پاک گرداند و اعمالی مانند حجّ و سایر عباداتی که از وی فوت شده است را، یا خود بجا آورد و یا دیگری را برای آن امور اجیر کند.(1)

5- نماز اوّل ماه

نماز اوّل ماه نماز بسیار خوب و با برکتی است که شرح آن در اعمال اوّل هر ماه (صفحه 597) آمده است.

6- نماز اعرابی

«سیّد بن طاووس» در کتاب «جمال الاسبوع» از شیخ تلّ عکبری [1693] نقل کرده است که مردی بادیه نشین به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرّف شد و گفت: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت باد! ما در بادیه زندگی می کنیم که از شهر مدینه دور است، از این رو نمی توانم هرجمعه، برای نماز جمعه حاضر شوم، مرا به عملی راهنمایی فرما که با انجام آن فضیلت نماز جمعه را دریابم، تا وقتی که به میان قبیله و خانواده ام برگشتم، این عمل را به آنان نیز بیاموزم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که روشنایی روز کاملاً بالا آمد، دو رکعت نماز بخوان بدین صورت که:

در رکعت اوّل یک مرتبه سوره «حمد» و هفت مرتبه سوره «قل اعوذ برب الفلق» و در رکعت دوم، پس از «حمد» هفت مرتبه سوره «ناس» و پس از سلام نماز، هفت مرتبه آیه الکرسی را بخوان.

پس از آن هشت رکعت نماز می خوانی که هر چهار رکعت را به یک سلام تمام می کنی [1694] بدین نحو که پس از دو رکعت تشهد می خوانی ولی سلام نمی دهی، بلکه در رکعت چهارم سلام می دهی و چهار رکعت بعد را نیز به همان نحو انجام می دهی.

در این هشت رکعت، در هر رکعتی یک «حمد» و یک بار سوره «اذا جاء نصر اللَّه» و بیست و پنج مرتبه سوره «قل هو اللَّه احد» را می خوانی، پس از تشهّد و سلام نماز هفت مرتبه این دعا را بخوان:

ص: 1086

1- [1692]زاد المعاد، صفحه 573.(با تلخیص و تصرّف).

یا حَیُّ یا قَیّوُمُ، یا ذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، یا الهَ الْأَوَّلینَ وَ الْأخِرینَ، یا

ای زنده ای پاینده، ای صاحب شکوه و بزرگواری، ای معبود پیشینیان و پسینیان، ای

ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، یا رَحْمنَ الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ وَ رَحیمَهُما، یا رَبِّ یا رَبِّ یا

مهربان ترین مهربانان، ای بخشنده و مهربان دنیا و آخرت، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای

رَبِّ، یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ، یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ، یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا

پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای

اللَّهُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَاغْفِرْلی سپس حاجت خود را طلب می کنی و پس از آن خدا، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا بیامرز.******************

هفتاد مرتبه می گویی: لاحَوْلَ وَلاقُوَّهَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ و می گویی: وَسُبْحانَ

********* و پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند بلندمرتبه و با عظمت نیست****** و تسبیح می کنم

اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْکَریمِ.

خدایی را که پروردگار عرش بلندمرتبه است.

آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، هر مرد و زن مؤمنی که این نماز را در روز جمعه بخواند، من بهشت را برای او ضمانت می کنم و از جای خویش برنخیزد جز آن که خداوند گناهانش و گناهان پدر و مادرش را بیامرزد ...(1) این نماز را مرحوم «شیخ طوسی» نیز در «مصباح المتهجّد» نقل کرده است؛ ولی دعای فوق در آن ذکر نشده است، بلکه فرمود: چون از نماز فارغ شدی هفتاد بار بگو:

سُبْحانَ اللّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْکَریمَ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ الّا بِاللّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ.(2)

تسبیح می کنم خدایی را که پروردگار عرش بلندمرتبه است و پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند بلندمرتبه و با عظمت نیست.

7- نماز فرزند برای آمرزش پدر و مادر

این نماز دو رکعت است، در رکعت اوّل پس از سوره «حمد»، ده بار می گویی: رَبِّ اغْفِرْلی

** پروردگارا، من

1- [1695]جمال الاسبوع، صفحه 320 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 382.
2- [1696]مصباح المتهجّد، صفحه 317.

وَلِوالِدَیَّ وَ لِلْمُؤْمِنینَ یَوْمَ یَقُومُ الْحِسابُ. و در رکعت دوم پس از سوره حمد، ده مرتبه و پدر و مادرم و همه مؤمنان را در آن روز که حساب برپا می شود بیامرز.****************

می خوانی: رَبِّ اغْفِرْلی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَیْتِیَ مُؤْمِناً وَ لِلْمُؤْمِنینَ

***** پروردگارا من و پدر و مادرم و تمام کسانی که با ایمان وارد خانه من شدند و همه مردان و زنان

وَالْمُؤْمِناتِ* پس از سلام نماز نیز ده بار می گویی: رَبِّ ارْحَمْهُما کَما رَبَّیانی صَغیراً.(1)

با ایمان را بیامرز.******************** پروردگارا همان گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند مشمول رحمتشان قرار ده.

8- نماز و اعمالی دیگر، برای رفع وسوسه های قلبی

بسیارند کسانی که به وسوسه های فکری در امور اعتقادی و مانند آن گرفتار می شوند و گاه تصوّر می کنند این وسوسه ها موجب تزلزل ایمان آنها می شود، در حالی که چنین نیست.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: هیچ مؤمنی نیست که بر او چهل روز بگذرد، مگر آن که به حدیث نفس دچار شود، وقتی چنین شد دو رکعت نماز بگذارد و از آن به خدا پناه برد.(2) همچنین آن حضرت فرمود: حضرت آدم علیه السلام از حدیث نفس به خدا شکایت کرد، جبرئیل نازل شد و گفت: بگو:

لا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ الَّا بِاللَّهِ

. حضرت آدم علیه السلام این ذکر را گفت و حدیث نفس از او برطرف شد.(3) از این روایات استفاده می شود که همیشه این وسوسه های شیطانی بوده و راه نجات از آنها، پناه بردن به خدا و بی اعتنایی به آن است.

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از وسوسه و فقر و دَیْن سنگینی که داشت شکایت کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مکرّر بگو:

تَوَکّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الّذی لایَمُوتُ، وَ الْحَمْدُلِلّهِ الّذی لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَهً

بر زنده ای که هرگز نمی میرد توکّل می کنم، و ستایش برای خداوندی است که نه همسر

وَ لا وَلَداً، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِ

و نه فرزندی برای خود انتخاب کرده و نه شریکی در حکومت دارد و نه به خاطر ضعف ذلّت (حامی و) سرپرستی برای اوست

وَکَبِّرْهُ تَکْبیراً.

و او را بسیار بزرگ بشمار.

1- [1697]مکارم الاخلاق، صفحه 334 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 220.
2- [1698]مکارم الاخلاق، صفحه 328 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 354، حدیث 17.
3- [1699]امالی صدوق، صفحه 543، حدیث 5 و بحارالانوار، جلد 90، صفحه 186، حدیث 5.

پس از مدّتی آن مرد به نزد رسول خدا بازگشت و گفت: ای رسول خدا! خداوند وسوسه مرا زایل کرد و دَیْنم را ادا نمود و رزقم را زیاد کرد.(1) همچنین روایت شده، برای رفع وسوسه های شیطان- آنگاه که در قلبت شکّی پیدا شد- بگو:

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْأخِرُ، وَالظَّاهِرُ وَالْباطِنُ، وَ هُوَ بِكُلِّ شَىْ ءٍ عَليمٌ.(2)

اوّل و آخر و پیدا و پنهان اوست و او به هر چیز داناست.

همچنین در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: برای رفع وسوسه های شیطان، در حالی که دستت را به سینه ات می کشی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، وَلاحَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِ

به نام خدا و به ذات خدا، محمّد فرستاده خداست و پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند بلندمرتبه

الْعَظيمِ، اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنّى ما احْذَرُ.

و با عظمت نیست، خدایا آنچه را که از آن بیمناکم از من بزُدای.

آنگاه دست به شکم خود می کشی و این ذکر را سه مرتبه می گویی که ان شاءاللَّه آن وسوسه برطرف خواهد شد.(3) همچنین طبق آنچه در روایات آمده برای رفع وسوسه، این امور نیز مؤثّر است:

شستن سر با سدر(4)، مسواک کردن 1704]، خوردن انار(5)، آشامیدن آب نیسان 1706]،(6) و روزه گرفتن به مدّت سه روز از هر ماه؛ که عبارت است از پنج شنبه اوّل ماه و آخر ماه و چهارشنبه از وسط ماه 1708] و همچنین بگوید:

اعُوذُ بِاللَّهِ الْقَوِىِّ مِنَ الشَّيْطانِ الْغَوِىِّ، وَ اعُوذُ بِمُحَمَّدٍ الرَّضِىِّ مِنْ

از شرّ شیطان گمراه کننده به خدای توانا پناه می برم، و از قضا و قدرِ سوء، به محمّد (رسولِ) پسندیده

شَرِّ ما قُدِّرَ وَ قُضِىَ، وَ اعُوذُ بِالهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ اجْمَعينَ.(7)

پناه می برم، و از شرّ تمامی جنّ و انس به خداوند مردم پناه می برم.

ص: 1089

1- [1700]کافی، جلد 2، صفحه 555، حدیث 3.
2- [1701]بحارالانوار، جلد 92، صفحه 137، حدیث 4.
3- [1702]همان مدرک، صفحه 138، حدیث 3.
4- [1703]ثواب الاعمال، صفحه 20 و بحارالانوار، جلد 73، صفحه 87، حدیث 6.
5- [1705]محاسن، جلد 2، صفحه 543، حدیث 845 و بحارالانوار، جلد 63، صفحه 161، حدیث 33.
6- [1707]مهج الدعوات، صفحه 356 و بحارالانوار، جلد 63، صفحه 477.
7- [1709] (10). بشاره المصطفی، صفحه 27 و بحارالانوار، جلد 74، صفحه 273.

باید توجّه داشت که وسوسه ها ریشه های مختلف جسمی و روحی دارد که با پیدا کردن ریشه ها باید در دفع آنها کوشید، و به یقین بی اعتنایی به وسوسه یکی از طرق مهمّ درمان است (البتّه بعد از علم و آگاهی کافی به مسائل اعتقادی و عملی) و کسانی که زیاد به آن اعتنا کنند دائماً در عذاب خواهند بود.

وسواس در مسائل عملی و عبادات مخصوصاً در اموری مانند طهارت و نجاست، بسیار زیاد است، بهترین و مؤثّرترین راه دفع آن (پس از آگاهی بر مسائل شرعی و احکام) این است که به افراد معمولی از مؤمنان نگاه کند و ببیند که آنها (مثلاً) برای آب کشیدن بدن یا لباس خود چه اندازه آب مصرف می کنند به همان اندازه قناعت کند، هرچند شیطان وسوسه می کند و می گوید پاک نشده است. هرگز اعتنا به این شک ها نکند که ما مسئولیّت اعمال او را بر عهده می گیریم!

9- نماز مسجد جمکران

مسجد جمکران در نزدیکی شهر مقدّس قم واقع شده است که به امر امام زمان علیه السلام بنا گردید و دارای آثار و برکات فراوانی است.

مرحوم حاج میرزا «حسین نوری» در کتاب «نجم الثاقب» داستان بنای آن را نقل کرده است و در همان حکایت که در بیداری واقع شده نه در خواب، به نقل از امام زمان علیه السلام خطاب به حسن مُثله جمکرانی آمده است: به مردم بگو به این مکان رغبت نشان دهند و آن را مغتنم بشمارند و در آن جا چهار رکعت نماز بگذارند:

1- دو رکعت نماز تحیّت مسجد که در هر رکعتی یک مرتبه «حمد» و هفت مرتبه سوره «قل هو اللّه احد» بخوانند و هفت بار ذکر رکوع و در هر سجده هفت بار نیز ذکر سجود را بگویند (در رکوع هفت بار بگوید سبحان ربّی الْعظیم و بحمده و در سجده هفت بار بگوید سبحان ربّی الأعلی و بحمده).

2- دو رکعت نماز امام زمان علیه السلام بخواند به این نحو که، در رکعت اوّل سوره «حمد» را آغاز کند و چون به جمله «ایّاک نعبد و ایّاک نستعین» رسید، صد مرتبه آن را تکرار نماید و سپس بقیّه حمد را تا آخر بخواند (آنگاه یک مرتبه سوره «قل هو اللّه احد» را بخواند) و ذکر رکوع و سجود

را هفت مرتبه بگوید و رکعت دوم را نیز به همین صورت انجام دهد. پس از نماز یک بار بگوید:

لا الهَ الَّا اللَّه

و سپس تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگوید؛ آنگاه سر به سجده بگذارد و صد بار صلوات بفرستد.

امام زمان علیه السلام فرمود: «

فَمَنْ صَلّاهُما فَکَاَنَّما صَلّی فِی الْبَیْتِ الْعَتیقِ

؛ هر کس این دو نماز را (به این نحو) انجام دهد گویا در کعبه نماز خوانده است».(1)

ص: 1090

1- [1710]این داستان به طور مشروح در« نجم الثاقب» صفحه 383- 388 آمده است.

10- نماز شب

نماز شب از نمازهای مستحبّی بسیار معروف است که آثار و ارزش زیاد و پاداش فراوانی دارد و انجامش بسیار توصیه شده است (آداب نماز شب، پاداش آن و همچنین کیفیّت انجام آن در بخش پنجم، صفحه 937 گذشت).

11- نماز توسّل به حضرت زهرا علیها السلام

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که هرگاه حاجت مهمّی داشته باشی به گونه ای که از نظر روحی در فشار شدید باشی، دو رکعت نماز بخوان و پس از نماز، سه بار تکبیر و سپس تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگو، آنگاه به سجده برو و صد مرتبه بگو: «

یا مَوْلاتی فاطِمَهُ اغیثینی

سپس سمت راست صورت را بر زمین بگذار و همین جمله را صد بار بگو، بار دیگر به سجده برو و همین جمله را صد و ده مرتبه بگو، (مجموعاً 310 بار می شود) سپس حاجت خود را از خداوند بخواه که ان شاءاللَّه برآورده می سازد. (و حضرت زهرای مرضیّه علیها السلام ان شاءاللَّه در پیشگاه خداوند برای برآمدن آن حاجت، شفاعت خواهد نمود).(1)

12- نماز حاجت

این نماز را بسیاری از علما، مانند «سیّد بن طاووس»، «شیخ صدوق»، «شیخ مفید» و «شیخ طوسی» نقل کرده اند که امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه حاجت مهمّی داری، سه روز متوالی از چهارشنبه تا جمعه را روزه بگیر، در روز جمعه غسل کن و لباسی نو و پاکیزه بپوش و بالای بام خانه ات (یا در فضای باز) برو و دو رکعت نماز بخوان، و پس از نماز، دست ها را به سوی آسمان بلند کن و بگو:

اللَّهُمَّ انّی حَلَلْتُ بِساحَتِکَ لِمَعْرِفَتی بِوَحْدانِیَّتِکَ وَصَمَدانِیَّتِکَ، وَا نَّهُ

خدایا به خاطر شناختم به یگانگی و بی نیازیت به درگاهت اقامت گزیدم، و کسی

لا قادِرَ عَلی قَضاءِ حاجَتی غَیْرُکَ، وَقَدْ عَلِمْتُ یا رَبِّ ا نَّهُ کُلَّما تَظاهَرَتْ

جز تو توانایی بر آوردن حاجتم را ندارد، و به یقین دانستم که ای پروردگار من هر چه

نِعْمَتُکَ عَلَیَّ، اشْتَدَّتْ فاقَتی الَیْکَ، وَقَدْ طَرَقَنِی هَمٌّ کَذا وَ کَذا

نعمتهایت بر من جلوه گر شود، نیازم به تو بیشتر می شود، و اندوه این و آن بر من وارد شده.

* به جای کلمه «کذا و کذا» حاجت خود را ذکر کند و آنگاه ادامه دهد: وَ انْتَ بِکَشْفِهِ عالِمٌ غَیْرُ

*************************** و تو برای برطرف کردن آن دانای

ص: 1091

1- [1711]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 30 و بلد الامین، صفحه 159(با مقداری تفاوت).

مُعَلَّمٍ، واسِعٌ غَیْرُمُتَکَلِّفٍ، فَاسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی وَضَعْتَهُ عَلَی الْجِبالِ

بی تعلیمی، و رحمت گسترده ات تو را به زحمت نیندازد، پس از تو می خواهم به حقّ نامی که بر کوه ها نهادی

فَنُسِفَتْ، وَ وَضَعْتَهُ عَلَی السَّمواتِ فَانْشَقَّتْ، وَ عَلَی النُّجُومِ فَانْتَثَرَتْ،

و متلاشی شدند و بر آسمانها نهادی و شکافته شدند، و بر ستارگان نهادی، پراکنده شدند،

وَعَلَی الْأَرْضِ فَسُطِحَتْ، وَاسْئَلُکَ بِالْحَقِ الَّذی جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ صَلَّی

و بر زمین نهادی و گسترده شد، و از تو می خواهم به حقّی که قرار دادی در نزد محمّد- که درود

اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَ عِنْدَ عَلِیٍّ وَ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ، وَعَلِیٍّ وَمُحَمَّدٍ، وَ جَعْفَرٍ

خدا بر او خاندان پاکش باد- و در نزد علی و حسن و حسین و علی و محمّد و جعفر

وَ مُوسی وَ عَلِیٍّ وَ مُحَمَّدٍ، وَ عَلِیٍّ وَالْحَسَنِ، وَالْحُجَّهِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ، انْ

و موسی و علی و محمّد و علی و حسن و حضرت حجّت- که درود خدا بر ایشان باد-

تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ اهْلِ بَیْتِهِ، وَانْ تَقْضِیَ لی حاجَتی وَتُیَسِّرَلی

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی، و حاجتم را برآوری و دشواریش را بر من

عَسیرَها، وَ تَکْفِیَنی مُهِمَّها، فَانْ فَعَلْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ، وَانْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَکَ

آسان گردانی و ضروری های آن را کفایت کنی، پس اگر چنین کنی یا نکنی،

الْحَمْدُ، غَیْرُ جآئِرٍ فی حُکْمِکَ، وَلا مُتَّهَمٍ فی قَضآئِکَ، وَلاحآئِفٍ فی

حمد و سپاس از آن توست و در فرمانت ظلم و ستمی نکرده ای، و در داوریت متّهم نبوده و از عدالت

عَدْلِکَ* سپس گونه خود رابر زمین می گذاری و می گویی: اللَّهُمَّ انَ یُونُسَ بْنَ مَتّی

روی گردان نیستی*********************** خدایا بنده تو یونس پسر متّی

عَبْدُکَ، دَعاکَ فی بَطْنِ الْحُوتِ وَهُوَ عَبْدُکَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ ا نَا عَبْدُکَ

تو را در شکم ماهی خواند در حالی که بنده تو بود و تو اجابتش نمودی و من نیز بنده توام

ادْعُوکَ فَاسْتَجِبْ لی

و تو را می خوانم پس مرا اجابت فرما.

امام صادق علیه السلام فرمود: بسیار می شود حاجتی دارم، این دعا را می خوانم و خداوند حاجتم را برآورده می سازد.(1)

ص: 1092

1- [1712]جمال الاسبوع، صفحه 330. این دعا در فقیه، جلد 1، صفحه 557، حدیث 1543 و مقنعه، صفحه 220 و مصباح المتهجّد، صفحه 324 با مقداری تفاوت آمده است.

13- نمازی دیگر برای برآورده شدن حاجات

«مرحوم کلینی» به سند معتبر از عبدالرّحیم قصیر روایت کرده است که خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: فدایت شوم، از نزد خودم دعایی ساخته ام! حضرت فرمود: دعای اختراعی خود را رها کن، هرگاه حاجتی داشتی، به رسول خدا پناه ببر و دو رکعت نماز بگذار و آن را به رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه کن. گفتم: چگونه آن را بجا آورم؟ فرمود: غسل می کنی و سپس دو رکعت نماز می خوانی (مثل دو رکعت نماز صبح) وقتی که نماز به پایان رسید می گویی:

اللَّهُمَّ انْتَ السَّلامُ، وَ مِنْکَ السَّلامُ، وَ الَیْکَ یَرْجِعُ السَّلامُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی

خدایا سلامت کامل تویی و از جانبِ توست سلامتی و به سوی تو باز می گردد سلامتی خدایا بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنِّی السَّلامَ، وَ ارْواحَ الْأَئِمَّهِ

محمّد و خاندان پاکش درود فرست و سلام مرا به روح محمّد و ارواح امامان

الصَّادِقینَ سَلامی وَارْدُدْ عَلَیَّ مِنْهُمُ السَّلامَ، وَالسَّلامُ عَلَیْهِمْ وَ رَحْمَهُ

راستین برسان و سلام آنها را به من بازگردان و درود و رحمت

اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، اللَّهُمَّ انَّ هاتَیْنِ الرَّکْعَتَیْنِ هَدِیَّهٌ مِنّی الی رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ

و برکات خدا بر ایشان باد، خدایا این دو رکعت هدیه ای از جانب من به فرستاده خداست- که درود خدا

عَلَیْهِ وَآلِهِ، فَاثِبْنی عَلَیْهِما ما امَّلْتُ وَرَجَوْتُ فیکَ وَ فی رَسُولِکَ، یا وَلِیَ

بر او و خاندان پاکش باد- پس پاداش مرا در این دو رکعت آنچه از تو و فرستاده ات آرزو دارم، قرار ده، ای سرپرست

الْمُؤْمِنینَ* سپس به سجده می روی و چهل مرتبه می گویی: یا حَیُّ یا قَیّومُ، یا حَیّاً

مؤمنان****************************** ای زنده ای پاینده، ای زنده ای

لایَمُوتُ، یا حَیُّ لا الهَ الَّا انْتَ، یا ذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.

که هرگز نمی میری، ای زنده ای که معبودی جز تو نیست، ای صاحب شکوه و بزرگواری، ای مهربان ترین مهربانان.

آنگاه جانب راست صورت را روی زمین می گذاری و این دعا را چهل مرتبه می خوانی، پس از آن جانب چپ صورت را بر زمین می گذاری و چهل مرتبه این دعا را می خوانی. آنگاه سر را بلند می کنی و دستان خود را (به سمت آسمان) برمی داری و چهل مرتبه این دعا را می خوانی؛ سپس دست را به گردن خود می گذاری و انگشت اشاره (دست راست) را به علامت تضرّع تکان می دهی و این دعا را چهل مرتبه می خوانی. در مرحله بعد، محاسن خود را با دست چپ می گیری و با حالت گریه می گویی:

ص: 1093

یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللَّهِ، اشْکُوا الَی اللَّهِ وَ الَیْکَ حاجَتی وَ الی اهْلِ بَیْتِکَ

ای محمّد ای فرستاده خدا، به درگاه خدا شِکوه می کنم و به تو و خاندان

الرَّاشِدینَ حاجَتی وَ بِکُمْ اتَوَجَّهُ الَی اللَّهِ فی حاجَتی سپس به سجده هدایتگرت نیازمندم، و به واسطه شما نیازم را به درگاه خدا می برم.*********

می روی و به قدر یک نفس می گویی: یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ ... سپس می گویی: صَلِّ عَلی

****************** ای خدا، ای خدا، ای خدا********* بر محمّد و خاندان

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بی کَذا وَ کَذا.

پاکش درود فرست و در مورد من چنین و چنان کن.

(و به جای این جمله اخیر، حاجت خود را می گویی). امام صادق علیه السلام فرمود: من از جانب خداوند ضمانت می دهم که از جای خویش حرکت نکنی مگر آن که حاجت تو برآورده شود، ان شاءاللّه.(1)

14- نماز برای رفع سختی ها و دشواری ها

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هرگاه کاری بر تو دشوار شود و به عسرت و سختی افتادی، وقت ظهر دو رکعت نماز بخوان؛ در رکعت اوّل سوره «حمد» و «قل هو اللّه» و سوره «فتح» از ابتدای سوره تا «

وَ یَنْصُرَکَ اللَّهُ نَصْراً عَزیزاً

» (آیه سوم) را بخوان و در رکعت دوم سوره «حمد»، «توحید» و سوره «الم نشرح» را بخوان. تأثیر این نماز به تجربه رسیده است.(2)

15- نماز برای زیاد شدن روزی

در روایتی آمده است مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول اللّٰه من عیالمندم و قرض دارم و زندگی بر من سخت می گذرد، به من دعایی بیاموز تا با خواندنش، خداوند روزیم را زیاد کند، تا بتوانم قرضم را ادا کنم و به خانواده ام برسم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ای بنده خدا وضوی کاملی (از نظر آداب و شرایط) بگیر؛ سپس دو رکعت نماز بخوان و رکوع و سجود آن را به نیکی بجا آور و پس از نماز بگو:

یا ماجِدُ یا واحِدُ یا کَریمُ، اتَوَجَّهُ الَیْکَ بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ

ای ارجمند ای یگانه ای بخشنده، به واسطه پیامبرت محمّد، پیامبر رحمت

ص: 1094

1- [1713]کافی، جلد 3، صفحه 476، حدیث 1 و فقیه، جلد 1، صفحه 559، حدیث 1548.
2- [1714]بحارالانوار، جلد 88، صفحه 358.

صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللَّهِ، انّی اتَوَجَّهُ بِکَ الَی اللَّهِ رَبّی

- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- به تو رو نموده ام، ای محمّد ای فرستاده خدا، به واسطه تو به خدا، پروردگار من

وَرَبِّکَ وَرَبِّ کُلِّ شَیْ ءٍ، وَاسْئَلُکَ اللَّهُمَّ انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ اهْلِ بَیْتِهِ،

و تو و همه چیز رو نموده ام، و خدایا از تو می خواهم که به محمّد و خاندان پاکش درود فرستی

وَ اسْئَلُکَ نَفْحَةً کَریمَةً مِنْ نَفَحاتِکَ، وَفَتْحاً یَسیراً، وَ رِزْقاً واسِعاً، الُمُّ بِهِ

و از تو می خواهم هدیه ای ارزشمند از هدایایت و گشایش آسان و روزی وسیعی که با آن پریشانیم را برطرف نموده

شَعَثی وَ اقْضی بِهِ دَیْنی وَاسْتَعینُ بِهِ عَلی عِیالی [1]

و قرضم را ادا کنم و با آن خانواده ام را یاری نمایم.

البتّه تمام این دستورات بعد از آن است که انسان تلاش و سعی لازم را برای تحصیل روزی انجام دهد و الّا دعای او- طبق روایات- مستجاب نمی شود.

16- نمازی دیگر در طلب روزی

شخصی می گوید خدمت امام صادق علیه السلام آمدم و عرض کردم: آنچه از اموال در دستم بود از بین رفت و در فشار و سختی فراوانی قرار گرفتم. امام علیه السلام فرمود: آیا در بازار دکّانی داری؟ گفتم آری، ولی به خاطر نداشتن سرمایه آن را رها کردم. امام فرمود: وقتی به کوفه برگشتی برو سرِ مغازه ات، آن را جارو کن و آن جا بنشین؛ ولی پیش از آن که از منزل بیرون روی، دو رکعت یا چهار رکعت نماز بگذار و پس از نماز بگو:

تَوَجَّهْتُ بِلا حَوْلٍ مِنّی وَ لا قُوَّةٍ، وَ لکِنْ بِحَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ، ابْرَءُ الَیْکَ

به توان و نیروی تو، نه با توان و نیروی خود به تو توجّه نموده ام، و از هر نیرو و توانی

مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّهِ الّا بِکَ، فَانْتَ حَوْلی وَ مِنْکَ قُوَّتی اللّهُمَّ فَارْزُقْنی مِنْ

جز تو بیزاری می جویم، پس توان من از توست و از جانب توست نیرویم، خدایا از لطف گسترده ات روزی

فَضْلِکَ الْواسِعِ رِزْقاً کَثیراً طَیِّباً، وَ ا نَا خافِضٌ فی عافِیَتِکَ، فَانَّهُ لا

فراوانِ پاکیزه عطایم کن، و من نیازمند سلامتی از جانب توام،

یَمْلِکُها احَدٌ غَیْرُکَ.

چرا که کسی جز تو مالک آن نیست.

ص: 1095

1- [1715]مکارم الاخلاق، صفحه 336.

راوی می گوید: من نیز به دستور امام علیه السلام عمل کردم و خداوند روزی مرا زیاد کرد، تا آن جا که برای خود چهارپایان و اموال دیگری خریدم و برای خود خانه ساختم.(1) آغاز این حدیث شاهد بر چیزی است که در ذیل حدیث قبل گفتیم که شرط قبولی این دعاها، تلاش به مقدار توان خویش در امر معاش است.

ص: 1096

1- [1716]کافی، جلد 3، صفحه 474، حدیث 3(با تلخیص).

بخش هشتم: دعا برای حل مشکلات معنوی و مادی و آداب عقیقه

اشاره

ص: 1097

مقدّمه: اهمیّت دعا و یادآوری چند نکته

همان گونه که پیش از این در مقدّمه کتاب گفته شد، دعا بهترین رابطه خلق با خالق و زیباترین شکل نیایش و از مهم ترین عبادات است.

گاه برکات معنوی که از خودِ دعا نصیب دعاکننده می شود بسیار بیش از حاجاتی است که در دعایش از خداوند بزرگ تقاضا می کند.

دعا انسان را به خدا نزدیک می کند و روح او را تلطیف کرده و نشاط روحانی او را افزایش می دهد؛ امیدِ او را به آینده زیاد کرده، و از سقوط در درّه هولناک یأس و افسردگی رهایی می بخشد. اضافه بر این، دعا دریچه معرفت اللّٰه و عشق به خداست.

اینها همه از یکسو؛ از سوی دیگر، تأثیر دعاها در حلّ مشکلات مادّی و معنوی بسیار تجربه شده و به ثبوت رسیده است، و برای آنها که به خداوند و قدرت و لطف و رحمت او ایمان دارند، جای تردید نمی باشد.

او ما را به دعا کردن دعوت نموده، و اجابت را تضمین فرموده است و بر همین اساس، در روایاتِ معتبری که از معصومین علیهم السلام به ما رسیده دعاهای زیادی برای حلّ مشکلات معنوی و مادّیِ مؤمنان بیان شده است که اگر همه آنها جمع آوری گردد، کتاب بزرگی را تشکیل می دهد.

ما، در این مجموعه بخش مهمّی از آن را که در کتب معتبر یافته ایم از نظر خوانندگان عزیز می گذرانیم و جدّاً از آنها تقاضا می کنیم به هنگامی که حال دعا و تضرّع به درگاه باری تعالی به آنها دست داد و مظانّ استجابت دعا فرا رسید، نویسندگان این سطور را نیز فراموش نکنند و به دعای خیر یاد فرمایند.

ص: 1099

قبل از ورود در بیان دعاها یادآوری چند نکته لازم است:

1- گاه می شود دعاها به اجابت نمی رسد و دعاکنندگان تعجّب می کنند که با آن همه الحاح و اصرار، عدم اجابت دعا چرا؟ در حالی که وقتی دقّت می کنیم، می بینیم شرایط استجابت دعا را فراهم نکرده اند (در زمینه شرایط استجابت دعا، بحثی را در آغاز کتاب داشتیم؛ بار دیگر آن را به دقّت مطالعه فرمایید و به کار بندید).

2- گاه می شود انسان با تمام وجود، چیزی را از خدا می طلبد که در واقع آن چیز به زیان اوست ولی خودِ او از آن بی خبر است. در این جا خداوند رحیم خواسته او را برآورده نمی سازد و او را از خطر نجات می بخشد؛ ولی پاداش دعا را برای او حفظ می کند!

3- گاه می شود انسان به محض اجابت دعا، درِ خانه خدا را رها می کند و در غفلت و بی خبری فرو می رود، خداوندِ رحمان و رحیم، اجابت دعایش را به تأخیر می اندازد، تا بیشتر نیایش کند و درِ خانه او را بیشتر بکوبد تا مشمول عنایات افزون تری گردد.

4- گاهی برخی از افراد، راه ها و اسبابی را که خداوند برای حلّ مشکلات قرار داده رها می کنند و بدون تلاش و کوشش برای رفع نیازها و حلّ دشواری ها، فقط به سراغ دعا می روند، در حالی که خداوندِ «مسبّب الاسباب» اسبابی را برای رفع مشکلات مادّی و معنوی قرار داده و آنها را گاه در دل طبیعت، گاه در مراجعه به افراد کاردان، و گاه در سایه جدّ و جهد قرار داده است؛ امّا گروهی با «رها ساختن این امور»، در گام نخسین سراغ ادعیه و اذکار می روند و چون اثری از اجابت نمی یابند، مأیوس و ناامید، همه را به دیده تردید می نگرند؛ در حالی که مقصود آنها از طریق تلاش و کوشش و مشورت و مانند آن حاصل می شد و باید به سراغ آن می رفتند و همگام با تلاش و کوشش در جهت حلّ مشکلات، باید از این ادعیه نیز بهره می گرفتند، ولی چنین نکردند و به نتیجه نرسیدند.

5- اعتقاد و ایمان به آثار دعا نیز تأثیر مهمّی در اجابت دعاها دارد. اگر کسی بخواهد با تردید یا برای امتحان این دعاها را بخواند، ممکن است کمتر به مقصود برسد.

به هر حال، هرگز نباید به خاطر تأخیر اجابت دعا ناراحت و نگران باشیم و از پیگیری خسته شویم و بدانیم همان گونه که دعا به سود ماست، تأخیر در

اجابت نیز به نفع ما می باشد.

با این مقدّمه کوتاه، به اصل سخن بازمی گردیم و در این بخش از کتاب به ذکر قسمتی از دعاهای پرمحتوا و پرارزش، برای رسیدن به خواسته های مادّی و معنوی که از کتب معتبر گرفته شده است اشاره می کنیم، به ویژه دعاهایی که تأثیر آن در حلّ مشکلات به وسیله بزرگان تجربه شده است.

ص: 1100

1- دعاهایی برای برآمدن حاجات دنیوی و اخروی

در کتاب های روایی ما، دعاهای جالب و ذکرهای پرمحتوایی آمده که خواندن آنها با توجّه به معانی و محتوای آنها، تأثیر مهمّی در روح و جان انسان می گذارد و برای حلّ مشکلات مادّی و معنوی بسیار مؤثّر است. بزرگان علما این روایات را در کتب ادعیه و کتب روایی آورده اند؛ از جمله:

1- دعایی است که از امام صادق علیه السلام (برای برآمدن حاجات) روایت شده است:

اللّهُمَّ اجْعَلْنی اخْشاکَ کَانّی اراکَ، وَ اسْعِدْنی بِتَقْویکَ، وَلاتُشْقِنی

خدایا ترس (از مخالفتت) را در دلم قرار ده گویا که تو را می بینم و مرا با پرهیزگاریت خوشبخت گردان و مرا با شاد شدن

بِنَشْطی لِمَعاصیکَ، وَ خِرْلی فی قَضآئِکَ، وَ بارِکْ لی فی قَدَرِکَ، حَتّی لا

در برابر نافرمانیت بدبخت مگردان و در مقدراتت برایم خیرخواهی کن و تقدیرت را برایم مبارک گردان

احِبَّ تَأْخیرَ ما عَجَّلْتَ، وَلا تَعْجیلَ ما اخَّرْتَ، وَ اجْعَلْ غِناىَ فی

تا تأخیر آنچه را که در وقوعش تعجیل داری و تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته ای نپسندم، غنای مرا در

نَفْسی وَ مَتِّعْنی بِسَمْعی وَ بَصَری وَ اجْعَلْهُمَا الْوارِثَیْنِ مِنّی وَانْصُرْنی

روحم قرار ده و مرا همواره به گوش و چشمم بهره مند ساز، و آن دو را جانشین من قرار ده، و مرا در برابر آن

عَلی مَنْ ظَلَمَنی وَارِنی فیهِ قُدْرَتَکَ یا رَبِّ، وَ اقِرَّ بِذلِکَ عَیْنی (1)

که به من ستم کرده، یاری ده و در این کار تواناییت را به من نشان ده ای پروردگار من و به آن چشمم را روشن کن.

***

2- از همان بزرگوار نقل شده است که این دعا را بخوانید:

اللَّهُمَّ اعِنّى عَلى هَوْلِ يَوْمِ الْقِيمَهِ، وَاخْرِجْنى مِنَ الدُّنْيا سالِماً،

خدایا مرا بر وحشت روز قیامت یاری ده و از دنیا به سلامت خارج کن

وَزَوِّجْنى مِنَ الْحُورِالْعينِ، وَاكْفِنى مَؤُونَتى وَمَؤُونَهَ عِيالى وَ مَؤُونَهَ

و از حورالعین همسری برایم قرار ده، و هزینه زندگی من و خانواده ام و تمام

النَّاسِ، وَادْخِلْنى بِرَحْمَتِكَ فى عِبادِكَ الصَّالِحينَ.(2)

مردم را کفایت کن و به لطف و رحمتت مرا در زمره بندگان شایسته ات داخل کن.

ص: 1101

1- [1717]کافی، جلد 2، صفحه 577، حدیث 1.
2- [1718]همان مدرک، صفحه 578، حدیث 2.

3- دعای دیگر که خیر دنیا و آخرت در آن جمع است و انسان را از گناهان حفظ می کند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، یا مَنْ اظْهَرَ الْجَمیلَ، وَ سَتَرَ الْقَبیحَ، وَ لَمْ

به نام خداوند بخشنده مهربان، ای که زیباییها را آشکار کرده و زشتیها را می پوشانی، و

یَهْتِکِ السِّتْرَ عَنّی یا کَریمَ الْعَفْوِ، یا حَسَنَ التَّجاوُزِ، یا واسِعَ الْمَغْفِرَهِ،

آبرویم را نمی ریزی ای صاحب گذشت بزرگوارانه، ای نیکو در گذشت، ای گسترده آمرزش،

وَیا باسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَهِ، یا صاحِبَ کُلِّ نَجْوی وَ یا مُنْتَهی کُلِ

ای گشاینده دستها به مهربانی، ای همراه هر راز و نیاز، و ای محلّ رجوع هر

شَکْوی یا کَریمَ الصَّفْحِ، یا عَظیمَ الْمَنِّ، یا مُبْتَدِءَ کُلِّ نِعْمَهٍ قَبْلَ

شکایت، ای چشم پوش بزرگوار، ای صاحب نعمت بزرگ، ای آغازگر هر نعمت قبل از

اسْتِحْقاقِها، یا رَبَّاهُ یا سَیِّداهُ، یا مَوْلاهُ یا غایَتاهُ یا غِیاثاهُ، صَلِّ عَلی

شایستگی آن، ای پروردگار من، ای آقا و سرورم، ای مولای من، ای نهایت آرزوها و فریاد رس من بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اسْئَلُکَ انْ لاتَجْعَلَنی فِی النَّارِ.(1)

محمّد و خاندان پاکش درود فرست و از تو می خواهم که جایگاهم را در آتش قرار ندهی.

***

4- دعای پرارزشی است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز جنگ بدر(2) و احزاب 1721] و امام حسین علیه السلام در روز عاشورا(3) آن

را خواندند. این دعا از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است:(4)
اللَّهُمَّ انْتَ ثِقَتی فی کُلِّ کُرْبَهٍ، وَ انْتَ رَجآئی فی کُلِّ شِدَّهٍ، وَ انْتَ لی فی

خدایا تو در هر گرفتاری تکیه گاه منی، و تو در هر سختی امید من هستی، و تویی در

کُلِّ امْرٍ نَزَلَ بی ثِقَهٌ وَعُدَّهٌ، کَمْ مِنْ کَرْبٍ یَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤادُ، وَ تَقِلُّ فیهِ

هر پیش آمد تکیه گاه و یاور من، چه بسیار گرفتاریها که قلب را ضعیف کرده و چاره را کم می کند

الْحیلَهُ، وَ یَخْذُلُ عَنْهُ الْقَریبُ وَ الْبَعیدُ، وَ یَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ، وَ تَعْنِینی فیهِ

و سبب می شود که نزدیکان و بیگانگان انسان را رها کنند، و دشمن بر آن سرزنش کند و انسان را

1- [1719]کافی، جلد 2، صفحه 578، حدیث 4.
2- [1720]مهج الدعوات، صفحه 69.
3- [1722]همان مدرک، جلد 45، صفحه 4(بااندکی تفاوت).
4- [1723]کافی، جلد 2، صفحه 578، حدیث 5.

الْأُمُورُ، انْزَلْتُهُ بِکَ، وَ شَکَوْتُهُ الَیْکَ، راغِباً فیهِ عَمَّنْ سِواکَ، فَفَرَّجْتَهُ

به خود مشغول کند، که آنها را به درگاه تو آوردم و شکوه کرده ام در حالی که در آن از غیر تو رو گردانده ام، پس تو آن را گشودی

وَکَشَفْتَهُ وَ کَفَیْتَنیهِ، فَأَنْتَ وَلِیُّ کُلِّ نِعْمَهٍ، وَ صاحِبُ کُلِّ حاجَهٍ، وَ مُنْتَهی

و بر طرف کردی و کفایت نمودی، پس تویی صاحب هر نعمت و بر آورنده هر نیاز

کُلِّ رَغْبَهٍ، فَلَکَ الْحَمْدُ کَثیراً، وَ لَکَ الْمَنُّ فاضِلاً.

و نهایت آرزوها، پس حمد فراوان از آنِ تو و نعمتهای فراوان از جانب توست.

***

5- این دعا را امام حسین علیه السلام به فرزندش امام سجّاد علیه السلام تعلیم فرمود:

بِحَقِّ یس وَالْقُرْآنِ الْحَکیمِ، وَ بِحَقِّ طه وَ الْقُرْآنِ الْعَظیمِ، یا مَنْ یَقْدِرُ

(خدایا) به حقّ سوره یس و قرآن حکمت آمیز، و به حق سوره طه و قرآن با عظمت، ای که در بر آوردن

عَلی حَوآئِجِ السَّآئِلینَ، یا مَنْ یَعْلَمُ ما فِی الضَّمیرِ، یا مُنَفِّسَ عَنِ

نیاز در خواست کنندگان توانایی، ای که آنچه را که پنهان است می دانی، ای غمزدای

الْمَکْرُوبینَ، یا مُفَرِّجَ عَنِ الْمَغْمُومینَ، یا راحِمَ الشَّیْخِ الْکَبیرِ، یا

گرفتاران، ای رهایی بخش غمزدگان ای مهربان نسبت به پیران کهنسال و ای

رازِقَ الطِّفْلِ الصَّغیرِ، یا مَنْ لایَحْتاجُ الَی التَّفْسیرِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

روزی ده کودکان خردسال، ای که به شرح و بیان نیاز نداری بر محمّد و خاندان

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بی کَذا وَ کَذا (به جای آن، حاجات خود را بگوید).(1)
پاکش درود فرست، و با من چنین و چنان کن.**********************

***

6- ازامام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت دست خود را به سوی آسمان بلند کرد وگفت:

رَبِّ لاتَکِلْنی الی نَفْسی طَرْفَةَ عَیْنٍ ابَدَاً، لا اقَلَّ مِنْ ذلِکَ وَلا اکْثَرَ.

ای پروردگار من، مرا به اندازه یک چشم بر هم زدن و نه کمتر و نه بیشتر به خودم وا مگذار.

(و این دعا بسیار مؤثّر است).(2)

1- [1724]دعوات راوندی، صفحه 54، حدیث 137 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 196.
2- [1725]کافی، جلد 2، صفحه 581، حدیث 15.

7- بخوان این دعا را که امیرالمؤمنین علیه السلام پیوسته آن را می خواند:

اللَّهُمَّ مُنَّ عَلَیَّ بِالتَّوَکُّلِ عَلَیْکَ، وَالتَّفْویضِ إلَیْکَ، وَالرِّضا بِقَدَرِکَ،

خدایا بر من منت گذار به توکّل بر خودت و واگذاری امور به دستت و خشنودی به تقدیرت

وَالتَّسْلیمِ لِأَمْرِکَ، حَتَّی لا أُحِبَّ تَعْجیلَ ما أَخَّرْتَ، وَلا تَأْخیرَ ما

و تسلیم در برابر فرمانت تا شتاب در آنچه که تأخیر انداختی و تأخیر آنچه را

عَجَّلْتَ، یا رَبَّ الْعالَمینَ.(1)

که جلو انداختی، نپسندم، ای پروردگار جهانیان.

***

8- یکی از یاران امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت این دعا را که جامع حاجات دنیا و آخرت است، به من تعلیم فرمود که بعد از حمد و ثنای خداوند عزّوجلّ بگو:

اللَّهُمَّ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْحَلیمُ الْکَریمُ، وَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْعَزیزُ

خدایا، تو خدایی هستی که معبودی جز تو خداوند حلیم و کریم نیست، و تویی خدایی که معبودی جز تو گرانقدر

الْحَکیمُ، وَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْواحِدُ الْقَهَّارُ، وَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ

و دانا نیست و تویی خدایی که معبودی جز تو یگانه و قادر مطلق نیست و تویی خدایی که معبودی جز تو

الْمَلِکُ الْجَبَّارُ، وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الرَّحیمُ الْغَفَّارُ، وَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا

حاکم توانا نیست و تویی خدایی که معبودی جز تو مهربان و آمرزنده نیست، و تویی خدایی که معبودی جز تو

انْتَ الشَّديدُ الْمِحالُ، وَانْتَ اللّهُ لا الهَ الّا انْتَ الْكَبيرُ الْمُتَعالِ، وَ انْتَ اللّهُ لا

پرقدرت و توانا نیست و تویی خدایی که معبودی جز تو بزرگ و بلند مرتبه نیست، و تویی خدایی که

الهَ الَّا انْتَ السَّميعُ الْبَصيرُ، وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْمَنيعُ الْقَديرُ، وَ انْتَ

معبودی جز تو شنوا و بینا نیست و تویی خدایی که معبودی جز تو استوار و توانا نیست، و تویی

اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْغَفُورُ الشَّكُورُ، وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْحَميدُ الْمَجيدُ،

خدایی که معبودی جز تو آمرزنده و سپاس پذیر نیست و تویی خدایی که معبودی جز تو ستوده و بزرگوار نیست،

وَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ، وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْحَنَّانُ

و تویی خدایی که معبودی جز تو آمرزنده و مهربان نیست و تویی خدایی که معبودی جز تو مهربان

1- [1726]کافی، جلد 2، صفحه 580، حدیث 14.

الْمَنَّانُ، وَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْحَليمُ الدَّيَّانُ، وَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ

و بخشنده نیست و تویی خدایی که معبودی جز تو بردبار و پاداش ده نیست و تویی خدایی که معبودی جز تو

الْجَوادُ الْماجِدُ، وَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْواحِدُ الْأَحَدُ، وَ انْتَ اللَّهُ

بخشنده و بزرگوار نیست و تویی خدایی که معبودی جز تو یگانه و یکتا نیست، و تویی خدایی که

لا الهَ الَّا انْتَ الْغائِبُ الشَّاهِدُ، وَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الظَّاهِرُ الْباطِنُ،

معبودی جز تو غایب و حاضر نیست و تویی خدایی که معبودی جز تو آشکار و پنهان نیست،

وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ بِكُلِّ شَیْ ءٍ عَليمٌ، تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ، وَبَسَطْتَ يَدَكَ

و تویی خدایی که معبودی جز تو بر هر چیز دانا نیست، جلوه ات کامل بود و هدایت نمودی، و دستت را به بخشش گشودی،

فَاعْطَيْتَ، رَبَّنا وَجْهُكَ اكْرَمُ الْوُجُوهِ، وَجَهَتُكَ خَيْرُ الْجِهاتِ، وَ عَطِيَّتُكَ

ای پروردگار ما، جمالت گرامی ترین جمالها و سمت و سویت بهترین جهتهاست و بخششت

افْضَلُ الْعَطايا وَ أَهْنَؤُها، تُطاعُ رَبَّنا فَتَشْكُرُ، وَ تُعْصى رَبَّنا فَتَغْفِرُ لِمَنْ

برترین و گواراترین بخششهاست، ای پروردگار ما هرگاه اطاعت شوی قدر دانی کنی و اگر نافرمانی شوی پس هر کس را که خواهی بیامرزی،

شِئْتَ، تُجيبُ الْمُضْطَرّينَ، وَ تَكْشِفُ السُّوءَ، وَ تَقْبَلُ التَّوْبَهَ، وَ تَعْفُو عَنِ

دعای درماندگان را اجابت می کنی و بدیها را برطرف می سازی، و توبه را می پذیری و از گناهان درمی گذری،

الذُّنُوبِ، لا تُجازى اياديكَ، وَلاتُحْصى نِعَمُكَ، وَلايَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلُ

در برابر نعمتهایت پاداش داده نمی شوی، و نعمتهایت بی شمار است، و سخن

قآئلٍ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ رَوْحَهُمْ

هیچ گوینده ای حق ستایشت را ادا نکند، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و فرج و نصرت

وَراحَتَهُمْ وَ سُرُورَهُمْ، وَاذِقْنی طَعْمَ فَرَجِهِمْ، وَ اهْلِکْ اعْدآئَهُمْ مِنَ الْجِنِ

و آسایش و شادمانی آنها را نزدیک گردان، و طعم فرج آنها را به من بچشان، و دشمنان ایشان، را از جنّ

وَالْإِنْسِ، وَ آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً، وَ فِی الْأخِرَهِ حَسَنَهً، وَ قِنا عَذابَ

و انس نابود گردان و خیر دنیا و آخرت را به ما ارزانی دار و ما را از عذاب

النَّارِ، وَاجْعَلْنا مِنَ الَّذینَ لاخَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلاهُمْ یَحْزَنُونَ، وَاجْعَلْنی مِنَ

دوزخ بازدار و ما را از کسانی که ترس و اندوهی ندارند قرار ده، و مرا از

الَّذینَ صَبَرُوا وَ عَلی رَبِّهِمْ یَتَوَکَّلُونَ، وَ ثَبِّتْنی بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِی الْحَیاهِ

کسانی که بردباری کرده و بر پروردگارشان تکیه می کنند محسوب دار، و مرا در زندگی

ص: 1105

الدُّنْیا وَ فِی الْأخِرَهِ، وَ بارِکْ لی فِی الْمَحْیا وَ الْمَماتِ، وَالْمَوْقِفِ

دنیا و آخرت برگفتار، پایدار ثابت قدم بدار، و زندگانی و مرگ و توقّف گاه قیامت

وَالنُّشُورِ، وَ الْحِسابِ وَالْمیزانِ، وَ اهْوالِ یَوْمِ الْقِیمَهِ، وَ سَلِّمْنی عَلَی

و زنده شدن در آن و حسابرسی و ترازوی اعمال و ترس روز رستاخیز را بر من مبارک گردان، و مرا بر پل

الصِّراطِ، وَ اجِزْنی عَلَیْهِ، وَارْزُقْنی عِلْماً نافِعاً، وَ یَقیناً صادِقاً، وَ تُقیً

صراط سالم بدار و از آن بگذران، و دانش سودمند و یقین درست و پرهیزگاری

وَبِرّاً، وَ وَرَعاً وَخَوْفاً مِنْکَ، وَفَرَقاً یُبَلِّغُنی مِنْکَ زُلْفی وَلایُباعِدُنی عَنْکَ،

و نیکوکاری و خویشتن داری و ترس از خودت، و وحشتی که مرا به مقام قرب تو رساند و از تو دورم نکند، روزی ام گردان،

وَاحْبِبْنی وَلاتُبْغِضْنی وَتَوَلَّنی وَلاتَخْذُلْنی وَ اعْطِنی مِنْ جَمیعِ خَیْرِ

و مرا دوست بدار و بر من خشم مگیر و مرا سرپرستی کن و رها مکن، و از همه نیکی های

الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ، ما عَلِمْتُ مِنْهُ وَ ما لَمْ اعْلَمْ، وَ اجِرْنی مِنَ السُّوءِ کُلِّهِ

دنیا و آخرت آنچه که می دانم و نمی دانم به من عطا فرما و مرا از تمام بدیها به تمام

بِحَذافیرِهِ، ما عَلِمْتُ مِنْهُ وَ ما لَمْ اعْلَمْ.(1)

اقسامش آنچه که می دانم و نمی دانم پناه ده.

***

9- یکی از یاران معروف امام صادق علیه السلام این دعای بسیار پرمحتوا را از آن حضرت نقل کرده است:

اللَّهُمَّ امْلَأْ قَلْبی حُبّاً لَکَ، وَ خَشْیَهً مِنْکَ، وَ تَصْدیقاً وَ ایماناً بِکَ، وَ فَرَقاً

خدایا دلم را از محبت و ترس و اعتقاد و ایمان و وحشت (از عذاب)

مِنْکَ، وَ شَوْقاً الَیْکَ، یاذَا الْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، اللَّهُمَّ حَبِّبْ الَیَّ لِقآئَکَ،

و اشتیاق خودت پر کن ای صاحب جلال و بزرگواری، خدایا دیدارت را در نظرم محبوب گردان،

وَاجْعَلْ لی فی لِقآئِکَ خَیْرَ الرَّحْمَهِ وَالْبَرَکَهِ، وَ الْحِقْنی بِالصَّالِحینَ،

و در دیدارت برایم بهترین رحمت و برکت را قرار ده، و مرا به شایستگان ملحق کن،

وَلاتُؤَخِّرْنی مَعَ الْأَشْرارِ، وَ الْحِقنی بِصالِحِ مَنْ مَضی وَاجْعَلْنی مَعَ

و همراه بد کاران قرار مده و مرا به شایستگان از گذشتگان ملحق فرما و همراه

ص: 1106

1- [1727]کافی، جلد 2، صفحه 583، حدیث 18.

صالِحِ مَنْ بَقِیَ، وَ خُذْبی سَبیلَ الصَّالِحینَ، وَ اعِنّی عَلی نَفْسی بِما تُعینُ

شایستگان از موجودین قرار ده و مرا در مسیر صالحان قرار ده و مرا بر نفسم یاری ده همان گونه که

بِهِ الصَّالِحینَ عَلی انْفُسِهِمْ، وَلاتَرُدَّنی فی سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنی مِنْهُ، یا رَبَّ

شایستگان را بر نفسشان، یاری دادی و مرا به بدیهایی که از آن رهایی بخشیدی باز مگردان، ای پروردگار

الْعالَمینَ، اسْئَلُکَ ایماناً لا اجَلَ لَهُ دُونَ لِقآئِکَ، تُحْیینی وَ تُمیتُنی عَلَیْهِ،

جهانیان ! از تو ایمانی می خواهم که پایانش دیدار تو باشد، مرا بر آن زنده بداری و بمیرانی،

وَ تَبْعَثُنی عَلَیْهِ اذا بَعَثْتَنی وَابْرِءْ قَلْبی مِنَ الرِّیآءِ وَالسُّمْعَهِ، وَالشَّکِّ فی

و در وقت زنده شدن بر آن برانگیزانی و دلم را از خودنمایی و شهرت طلبی و تردید در

دینِکَ، اللَّهُمَّ اعْطِنی نَصْراً فی دینِکَ، وَ قُوَّهً فی عِبادَتِکَ، وَ فَهْماً فی

دینت پاک گردان، خدایا یاری در دینت و توان در بندگیت و درک

خَلْقِکَ، وَ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِکَ، وَ بَیِّضْ وَجْهی بِنُورِکَ، وَاجْعَلْ رَغْبَتی

آفرینشت و رحمت مضاعفت را روزیم گردان، و چهره ام را با نورت روشن کن، و اشتیاقم را

فیما عِنْدَکَ، وَ تَوَفَّنی فی سَبیلِکَ عَلی مِلَّتِکَ، وَ مِلَّهِ رَسُولِکَ، اللَّهُمَّ انّی

به آنچه نزد توست قرار ده و مرا در راه و دین خودت و آیین فرستاده ات بمیران خدایا

اعُوذُ بِکَ مِنَ الْکَسَلِ وَ الْهَرَمِ، وَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَ الْغَفْلَهِ وَالْقَسْوَهِ،

از تنبلی و پیری و ترس و بخل و غفلت و سنگدلی

وَالْفَتْرَهِ وَ الْمَسْکَنَهِ، وَ اعُوذُ بِکَ یا رَبِّ مِنْ نَفْسٍ لا تَشْبَعُ، وَ مِنْ قَلْبٍ لا

و سستی و فقر به تو پناه می برم، پروردگارا از نفس سیری ناپذیر و دل خالی از خوف

یَخْشَعُ، وَ مِنْ دُعآءٍ لایُسْمَعُ، وَ مِنْ صَلاهٍ لاتَنْفَعُ، وَ اعیذُ بِکَ نَفْسی

و دعای به اجابت نرسیده و نماز بی فایده به تو پناه می برم، و خود

وَاهْلی وَذُرِّیَّتی مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ، اللَّهُمَّ انَّهُ لایُجیرُنی مِنْکَ احَدٌ، وَلا

و خانواده و نسلم را از شرّ شیطان رجیم به تو می سپارم خدایا به راستی که کسی جز تو پناهم نمی دهد و

اجِدُ مِنْ دُونِکَ مُلْتَحَداً، فَلا تَخْذُلْنی وَلاتَرُدَّنی فی هَلَکَهٍ، وَلاتَرُدَّنی

جز نزد تو پناهگاهی نمی یابم، پس مرا خوار مکن و در هلاکت و عذاب باز مگردان،

بِعَذابٍ، اسْئَلُکَ الثَّباتَ عَلی دینِکَ، وَالتَّصْدیقَ بِکِتابِکَ، وَ اتِّباعَ

پایداری در دین و ایمان به کتاب خود و پیروی

ص: 1107

رَسُولِکَ، اللَّهُمَّ اذْکُرْنی بِرَحْمَتِکَ، وَلاتَذْکُرْنی بِخَطیئَتی وَ تَقَبَّلْ مِنّی

فرستاده ات را از تو می خواهم، خدایا مرا به رحمتت یاد کن نه با گناهانم، و از من بپذیر

وَزِدْنی مِنْ فَضْلِکَ، انّی الَیْکَ راغِبٌ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ ثَوابَ مَنْطِقی وَ ثَوابَ

و به لطف و کرمت بیفزای، که من مشتاق توام، خدایا پاداش گفتار

مَجْلِسی رِضاکَ عَنّی وَاجْعَلْ عَمَلی وَدُعآئی خالِصاً لَکَ، وَاجْعَلْ ثَوابِیَ

و نشستم را خشنودیت، و کردار و دعایم را خالصانه برای خود قرار ده، و پاداشم را به لطف و

الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِکَ، وَاجْمَعْ لی جَمیعَ ما سَئَلْتُکَ، وَ زِدْنی مِنْ فَضْلِکَ، انّی

رحمتت بهشت تعیین کن و تمام آنچه را که از تو خواستم برایم مقرّر فرما، و از لطف و کرمت بر آن بیفزای،

الَیْکَ راغِبٌ، اللَّهُمَّ غارَتِ النُّجُومُ، وَ نامَتِ الْعُیُونُ، وَ انْتَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ،

که من مشتاق توام، خدایا (در این موقع شب) ستاره ها پنهان شده و چشمها به خواب رفته اند و تویی زنده پاینده

لا یُواری مِنْکَ لَیْلٌ ساجٍ، وَ لا سَمآءٌ ذاتُ ابْراجٍ، وَ لا ارْضٌ ذاتُ مِهادٍ،

که شب تاریک چیزی را از تو نپوشاند و آسمان دارای برجها و زمین گسترده

وَلابَحْرٌ لُجِّیٌ، وَلا ظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ، تُدْلِجُ الرَّحْمَةَ عَلی مَنْ

و دریای عمیق، و تاریکیهای متراکم، چیزی را از تو پنهان نمی کند، رحمت خود را شبانه بر هر

تَشآءُ مِنْ خَلْقِکَ، تَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْیُنِ وَما تُخْفِی الصُّدُورُ، اشْهَدُ بِما

یک از مخلوقاتت که خواهی فرو می ریزی، خیانت چشمها و آنچه را سینه ها پنهان کرده می دانی، به آنچه

شَهِدْتَ بِهِ عَلی نَفْسِکَ، وَشَهِدَتْ مَلائِکَتُکَ وَاولُوا الْعِلْمِ، لا الهَ الَّا انْتَ

بر خودت گواهی دادی و فرشتگان و صاحبان علم نیز گواهی دادند گواهی می دهم، معبودی جز تو

الْعَزیزُالْحَکیمُ، وَمَنْ لَمْ یَشْهَدْ بِماشَهِدْتَ عَلی نَفْسِکَ، وَشَهِدَتْ مَلائِکَتُکَ

گرانقدر و دانا نیست و کسی به آنچه که تو بر خودت گواهی داده ای و فرشتگان و

وَ اوُلُواالْعِلْمِ، فَاکْتُبْ شَهادَتی مَکانَ شَهادَتِهِمْ، اللَّهُمَّ انْتَ السَّلامُ،

صاحبان علم نیز به آن گواهی داده اند گواهی نداده است پس گواهی مرا در رتبه گواهی آنان قرار ده، خدایا تویی سلام

وَ مِنْکَ السَّلامُ، اسْئَلُکَ یا ذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، انْ تَفُکَّ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ.(1)

و از جانب توست سلام، ای صاحب جلال و بزرگواری، رهایی از آتش دوزخ را از تو می خواهم.

1- [1728]کافی، جلد 2، صفحه 585، حدیث 24.

«شیخ طوسی» نیز در کتاب «مصباح المتهجّد» بعد از رکعت چهارم نافله شب، این دعا را ذکر فرموده است 1729] و «علّامه مجلسی» روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: این دعا را در نماز «وتر» بخوان.(1)

***

10- روایت شده است که این دعای ابوذر است که جبرئیل، به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد، این دعا نزد اهل آسمان معروف است:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ الْأَمْنَ وَالْإیمانَ، وَ التَّصْدیقَ بِنَبِیِّکَ، وَ الْعافِیَهَ مِنْ

خدایا امنیّت و ایمان و اعتقاد به پیامبرت و سلامتی از تمام بلاها و شکر بر عافیت و

جَمیعِ الْبَلاءِ، وَالشُّکْرَ عَلَی الْعافِیَهِ، وَالْغِنی عَنْ شِرارِ النَّاسِ.(2)

بی نیازی از انسانهای شرور را از تو می خواهم.

11- «ابوحمزه» می گوید: این دعا را از امام محمّدباقر علیه السلام گرفتم و آن حضرت این دعا را «جامع» (جامع حاجات مادّی و معنوی) می نامیدند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لاشَریکَ لَهُ،

به نام خداوند بخشنده مهربان، گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست، یگانه ای که همتایی ندارد

وَاشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِجَمیعِ رُسُلِهِ، وَ بِجَمیعِ ما

و گواهی می دهم که محمّد بنده و فرستاده اوست، به خدا و تمامی فرستادگانش و به تمامی آنچه که

انْزِلَ بِهِ عَلی جَمیعِ الرُّسُلِ، وَ انَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ، وَ لِقآئَهُ حَقٌّ، وَ صَدَقَ اللَّهُ

بر همه فرستادگانش نازل نموده ایمان دارم و این که وعده خدا و قیامت حق است، و خدا راست گفته

وَ بَلّغَ الْمُرْسَلَونَ، وَالْحَمْدُ للّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَ سُبْحانَ اللّهِ كُلّما سَبَّحَ اللّهَ

و فرستادگانش پیام او را رسانده اند، حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است، و تسبیح می گویم خدا را در هر زمان

شَیْ ءٌ، وَ كَما یُحِبُّ اللَّهُ انْ یُسَبَّحَ، وَالْحَمْدُ للَّهِ كُلَّما حَمِدَ اللَّهَ شَیْ ءٌ، وَ كَما

که چیزی او را تسبیح می کند، و همان گونه که می پسندد که تسبیح شود، و حمد و سپاس می گویم او را در هر زمان که چیزی راسپاس می گوید و همان گونه

یُحِبُّ اللَّهُ انْ یُحْمَدَ، وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ كُلَّما هَلَّلَ اللَّهَ شَیْ ءٌ، وَ كَما یُحِبُّ اللَّهُ انْ

که می پسندد که سپاسگزاری شود، و معبودی جز خدا نیست هر زمانی که چیزی او را تهلیل (لاإله الّاالّله) گوید و همان گونه که می پسندد

1- [1730]بحارالانوار، جلد 84، صفحه 271، حدیث 68.
2- [1731]کافی، جلد 2، صفحه 587، حدیث 25.

يُهَلَّلَ، وَاللَّهُ اكْبَرُ كُلَّما كَبَّرَاللَّهَ شَىْ ءٌ، وَ كَما يُحِبُّ اللَّهُ انْ يُكَبَّرَ، اللَّهُمَّ انّى

تهليل گفته شود، وتكبير مى گويم او را در هر زمان كه چيزى او را به بزرگى ياد كند و همان گونه كه مى پسندد بزرگ داشته شود، خدايا

اسْئَلُکَ مَفاتيحَ الْخَيْرِ، وَ خَواتيمَهُ وَ سَوابِغَهُ، وَ فَوائِدَهُ وَ بَرَكاتِهِ، وَ ما بَلَغَ

كليدهاى نيكى، و پايان خير و فراوانى آن و فايده ها و بركتهاى خير و آنچه

عِلْمَهُ عِلْمى وَ ما قَصَرَ عَنْ احْصائِهِ حِفْظى اللَّهُمَّ انْهَجْ الَىَّ اسْبابَ

دانشم به دانستن آن رسيده و آنچه حافظه ام از شمارش آن عاجز مانده، را از تو مى خواهم، خدايا وسايل شناختش را

مَعْرِفَتِهِ، وَافْتَحْ لى ابْوابَهُ، وَغَشِّنى بِبَرَكاتِ رَحْمَتِکَ، وَ مُنَّ عَلَىَّ بِعِصْمَهٍ

برايم روشن نما و درهاى آن را به رويم بگشا و مرا با بركات لطف و مهربانيت بپوشان، و به ممانعت

عَنِ الْإِزالَهِ عَنْ دينِکَ، وَ طَهِّرْ قَلْبى مِنَ الشَّکّ، وَلاتَشْغَلْ قَلْبى بِدُنْياىَ،

از خروج از دينت بر من منّت گذار، و دلم را از ترديد پاک گردان و آن را به دنيا و زندگى

وَ عاجِلِ مَعاشى عَنْ آجِلِ ثَوابِ آخِرَتى وَاشْغَلْ قَلْبى بِحِفْظِ ما لا

زودگذر آن به جاى پاداش آينده آخرت مشغول مدار، و دلم را به حفظ و نگهدارى آنچه را

تَقْبَلُ مِنّى جَهْلَهُ، وَ ذَلِّلْ لِكُلِّ خَيْرٍ لِسانى وَ طَهِّرْ قَلْبى مِنَ الرِّيآءِ،

كه ندانستنش را از من نپذيرى مشغول دار، و زبانم را براى هر نيكى متواضع گردان و دلم را از خودنمايى پاک كن

وَلاتُجْرِهِ فى مَفاصِلى وَاجْعَلْ عَمَلى خالِصاً لَکَ، اللَّهُمَّ انّى اعُوذُبِکَ مِنَ

و آن را در اعضایم به جریان مینداز و عملم را خالص برای خود قرار ده، خدایا به تو پناه می برم از

الشَّرِّ، وَانْواعِ الْفَواحِشِ کُلِّها، ظاهِرِها وَ باطِنِها وَ غَفَلاتِها، وَ جَمیعِ ما

بدی و تمامی زشتیهای ظاهری و باطنی و بی توجّهی (در انجام) آن، و همه آنچه که

یُریدُنی بِهِ الشَّیْطانُ الرَّجیمُ، وَ ما یُریدُنی بِهِ السُّلْطانُ الْعَنیدُ، مِمَّا

شیطان رانده شده مرا به آن قصد کرده و همه آنچه که پادشاه مستبدّ مرا به آن قصد نموده، از آنچه

احَطْتَ بِعِلْمِهِ، وَ انْتَ الْقادِرُ عَلی صَرْفِهِ عَنّی اللَّهُمَّ انّی اعُوذُ بِکَ مِنْ

به دانستن آن احاطه داری و بر بازگرداندن آن از من توانایی، خدایا به تو پناه می برم

طَوارِقِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَ زَوابِعِهِمْ وَ بَوائِقِهِمْ وَمَکائِدِهِمْ، وَ مَشاهِدِ

از بلاهای جنّی و انسی، و خشمها و مصیبتها و نیرنگهایشان و محلّ حضور فاسقان

الْفَسَقَهِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَ انْ اسْتَزَلَّ عَنْ دینی، فَتَفْسُدَ عَلَیَّ آخِرَتی

از جنّ و انس، و این که از دینم منحرف شوم و آخرتم تباه شود

وَ انْ یَکُونَ ذلِکَ مِنْهُمْ ضَرَراً عَلَیَّ فی مَعاشی اوْ یَعْرِضَ بَلاءٌ یُصیبُنی

و این که کارهای ایشان به ضرر زندگانی من باشد یا این که بلایی از ایشان به من رسد

مِنْهُمْ لاقُوَّهَ لی بِهِ، وَلا صَبْرَ لی عَلَی احْتِمالِهِ، فَلا تَبْتَلِنی یا الهی

و من طاقت دفع آن و تحمّلش را نداشته باشم، پس ای خدا مرا به تحمّل آن مبتلا نکن،

بِمُقاساتِهِ، فَیَمْنَعَنی ذلِکَ عَنْ ذِکْرِکَ، وَ یَشْغَلَنی عَنْ عِبادَتِکَ، انْتَ

که مرا از یاد تو باز دارد و مانع بندگیت گردد، تویی

الْعاصِمُ الْمانِعُ الدَّافِعُ الْواقی مِنْ ذلِکَ کُلِّهِ، اسْئَلُکَ اللَّهُمَّ الرَّفاهِیَهَ فی

نگه دارنده و منع کننده و دفع کننده و بازدارنده از همه این امور، خدایا آسایش در

مَعیشَتی ما ابْقَیْتَنی مَعیشَهً اقْوی بِها عَلی طاعَتِکَ، وَابْلُغُ بِها رِضْوانَکَ،

زندگانی را مادامی که زنده ام از تو می خواهم، زندگانیی که به واسطه آن، توان بندگیت را یافته و به خشنودیت دست یابم،

وَاصیرُ بِها الی دارِ الْحَیَوانِ غَداً، وَ لاتَرْزُقْنی رِزْقاً یُطْغینی وَلاتَبْتَلِنی

و به زندگانی آخرت رسم، و روزیی که مرا به طغیان وا دارد نصیبم مکن و به

بِفَقْرٍ اشْقی بِهِ مُضَیَّقاً عَلَیَّ، اعْطِنی حَظّاً وافِراً فی آخِرَتی وَ مَعاشاً

فقری که مرا بدبخت کرده و بر من تنگ گیرد دچارم مکن، و بهره و لذّت فراوان آخرت و روزی

واسِعاً هَنیئاً مَریئاً فی دُنْیایَ، وَ لاتَجْعَلِ الدُّنْیا عَلَیَّ سِجْناً، وَلاتَجْعَلْ

وسیع و گوارای دنیا را به من عطا کن، و دنیا را زندان من و

فِراقَها عَلَیَّ حُزْناً، اجِرْنی مِنْ فِتْنَتِها، وَاجْعَلْ عَمَلی فیها مَقْبُولاً،

جدا شدن از آن را مایه غم و اندوهم قرار مده و مرا از مصیبتهای آن پناه ده و کردارم را در آن بپذیر

وَسَعْیی فیها مَشْکُوراً، اللَّهُمَّ وَمَنْ ارادَنی بِسُوءٍ فَارِدْهُ بِمِثْلِهِ، وَمَنْ کادَنی

و تلاشم را شایسته قدردانی قرار ده، خدایا آن که درباره من قصد سوئی کرده او را به مثل آن گرفتار کن، و آن که مرا فریب دهد

فیها فَکِدْهُ، وَاصْرِفْ عَنّی هَمَّ مَنْ ادْخَلَ عَلَیَّ هَمَّهُ، وَامْکُرْ بِمَنْ مَکَرَ بی

به مکر خویش گرفتارش کن، و اندوه کسی را که اندوهش را بر من وارد کرده از من دور کن، و کسی که مرا بفریبد به تدبیر خویش دچار کن

فَانَّکَ خَیْرُ الْماکِرینَ، وَافْقَأْ عَنّی عُیُونَ الْکَفَرَهِ الظَّلَمَهِ، وَالطُّغاهِ

چرا که تو بهترین تدبیر کننده ای، و ضربه ای کاری از جانب من بر کافران ستمگر و طغیانگران

وَالْحَسَدَهِ، اللَّهُمَّ وَ انْزِلْ عَلَیَّ مِنْکَ السَّکینَهَ، وَ الْبِسْنی دِرْعَکَ الْحَصینَهَ،

حسود وارد نما، خدایا از جانب خود آرامش را بر من فرود آر، و زره محکمت را بر من بپوشان

ص: 1111

وَاحْفَظْنی بِسِتْرِکَ الْواقی وَ جَلِّلْنی عافِیَتَکَ النّافِعَهَ، وَ صَدِّقْ قَوْلی

و با پوشش نگهدارنده ات مرا حفظ کن، و سلامتی سودمندت را بر من بپوشان و گفتار

وَفِعالی وَ بارِکْ لی فی وُلْدی وَ اهْلی وَ مالی اللّهُمَّ ما قَدَّمْتُ وَ ما

و کردارم را تأیید نما، و به فرزندان و خانواده و داراییم برکت ده، خدایا آنچه جلوتر فرستاده وبعداً

اخَّرْتُ، وَ ما اغْفَلْتُ وَما تَعَمَّدْتُ وَ ما تَوانَیْتُ، وَ ما اعْلَنْتُ وَ ما اسْرَرْتُ،

خواهم فرستاد و آنچه از روی غفلت یا عمد مرتکب شده ام و آنچه سستی کرده ام و آنچه آشکارا و پنهان انجام داده ام

فَاغْفِرْهُ لی یا ارْحَمَ الرّاحِمینَ.(1)

بر من ببخش، ای مهربان ترین مهربانان.

***

12- یکی از یاران امام محمّد باقر علیه السلام از آن حضرت نقل می کند که فرمود: این دعا را بخوان:

اللّهُمَّ اوْسِعْ عَلَیَّ فی رِزْقی وَامْدُدْ لی فی عُمُری وَاغْفِرْلی ذَنْبی

خدایا روزیم را وسعت ده، و عمرم را طولانی کن، و گناهم را بیامرز،

وَاجْعَلْنی مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدینِکَ، وَلا تَسْتَبْدِلْ بی غَیْری (2)

و مرا از یاوران دینت قرار ده و دیگری را به جای من قرار مده.

***

13- روایت شده است که امام صادق علیه السلام پیوسته این دعا را می خواندند:

یا مَنْ یَشْکُرُ الْیَسیرَ، وَ یَعْفُو عَنِ الْکَثیرِ، وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ، اغْفِرْلِیَ

ای که عمل کم را می پذیری و از گناهان فراوان درمی گذری و تو آمرزنده و مهربانی،

الذُّنُوبَ الَّتی ذَهَبَتْ لَذَّتُها، وَ بَقِیَتْ تَبِعَتُها.(3)

گناهانی را که لذّتش رفته و عقوبتش باقی است بر من بیامرز.

***

14- همچنین روایت شده است که آن حضرت این دعا را می خواندند:

یا نُورُ یا قُدُّوسُ، یا اوَّلَ الْأَوَّلینَ، وَ یا آخِرَ الْأخِرینَ، یا رَحْمنُ یا

ای نور، ای پاک از هر عیب، ای آغاز همه آغازها و ای نهایت همه پایانها، ای بخشنده، ای

ص: 1112

1- [1732]کافی، جلد 2، صفحه 587، حدیث 26.
2- [1733]همان مدرک، حدیث 27.
3- [1734]همان مدرک، حدیث 28.

رَحیمُ، اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُغَیِّرُ النِّعَمَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُحِلُ

بخشایشگر، گناهانی را که موجب تغییر نعمتها می شود بر من ببخش، و گناهانی که رنج و عذاب را فرود می آورد بر من ببخش،

النِّقَمَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَهْتِکُ الْعِصَمَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُنْزِلُ

و گناهانی را که پرده های عصمت (و موانع گناه) را می درد بر من ببخش، و گناهانی که بلا (و مصیبت)

الْبَلاءَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُدیلُ الْأَعْدآءَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی

را فرود می آورد بر من ببخش، و گناهانی که دشمنان را مسلّط می کند بر من ببخش و گناهانی که نابودی را

تُعَجِّلُ الْفَنآءَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَقْطَعُ الرَّجآءَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ

سرعت می بخشد بر من ببخش، و گناهانی که امید را قطع می کند بر من ببخش و گناهانی که

الَّتی تُظْلِمُ الْهَوآءَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَکْشِفُ الْغِطآءَ، وَاغْفِرْ لِیَ

فضا را تیره و تار می کند بر من ببخش، و گناهانی که پرده را کنار می زند بر من ببخش، و

الذُّنُوبَ الَّتی تَرُدُّ الدُّعآءَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَرُدُّ غَیْثَ السَّمآءِ.(1)

گناهانی که مانع استجابت دعا می شود بر من ببخش و گناهانی که مانع نزول باران از آسمان می شود بر من ببخش.

***

15- در روایات آمده، این دعای امیرالمؤمنین علیه السلام است:

اللَّهُمَّ کَتَبْتَ الْأثارَ، وَ عَلِمْتَ الْأَخْبارَ، وَ اطَّلَعْتَ عَلَی الْأَسْرارِ، فَحُلْتَ

خدایا اعمال را ثبت کرده و خبرها را می دانی و بر رازهای نهان آگاهی، و

بَیْنَنا وَ بَیْنَ الْقُلَوبِ، فَالسِّرُّ عِنْدَکَ عَلانِیَهٌ، وَ الْقُلَوبُ الَیْکَ مُفْضاهٌ، وَ انَّما

میان ما و دلمان حایلی، پنهان در نزد تو آشکار و دلها به تو گرایش دارند، و

امْرُکَ لِشَیْ ءٍ اذا ارَدْتَهُ انْ تَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ، فَقُلْ بِرَحْمَتِکَ لِطاعَتِکَ انْ

فرمان تو در هر چه که اراده کنی این است که بگویی: موجود باش، پس موجود می شود، بنابراین به لطف و رحمتت به اطاعتت بگو

تَدْخُلَ فی کُلِّ عُضْوٍ مِنْ اعْضائی وَلاتُفارِقَنی حَتّی الْقاکَ، وَ قُلْ

که در هر عضوی از اعضای بدنم داخل شود و تا زمان دیدارت از من جدا نشود، و به

بِرَحْمَتِکَ لِمَعْصِیَتِکَ انْ تَخْرُجَ مِنْ کُلِّ عُضْوٍ مِنْ اعْضائی فَلا تَقْرَبَنی

لطف و رحمتت به نافرمانیت بگو که از هر عضوی از اعضای بدنم خارج شود و

1- [1735]کافی، جلد 2، صفحه 587، حدیث 29.

حَتّی الْقاکَ، وَارْزُقْنی مِنَ الدُّنْیا، وَ زَهِّدْنی فیها، وَ لا تَزْوِها عَنّی

تا زمان دیدارت به من نزدیک نشود، و از دنیا روزیم ده و مرا به (زرق و برق) آن بی علاقه گردان، و آن را از من درحالی که من به آن

وَرَغْبَتی فیها یا رَحْمنُ.(1)

مشتاق و نیازمندم برمگردان، ای بخشنده (نعمتها).

***

16- علی بن ابراهیم به سند معتبر از عبدالرّحمن بن سیّابه روایت می کند که امام صادق علیه السلام این دعا را به من مرحمت فرمود (دعایی که مضامین بسیار عالی دارد):

الْحَمْدُ للَّهِ وَلِیِّ الْحَمْدِ وَ اهْلِهِ، وَ مُنْتَهاهُ وَ مَحَلِّهِ، اخْلَصَ مَنْ وَحَّدَهُ،

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که صاحب حمد و شایسته آن و نهایت و جایگاه آن است، آن که او را به یگانگی یاد کرده خالص گرداند

وَاهْتَدی مَنْ عَبَدَهُ، وَ فازَ مَنْ اطاعَهُ، وَ امِنَ الْمُعْتَصِمُ بِهِ، اللَّهُمَّ یا ذَا

و آن که بندگیش نموده هدایت کرده و آن که اطاعتش نموده رستگار شده و آن که به او پناه برده ایمن گشته، خدایا ای صاحب

الْجُودِ وَالْمَجْدِ، وَ الثَّنآءِ الْجَمیلِ وَالْحَمْدِ، اسْئَلُکَ مَسْئَلَهَ مَنْ خَضَعَ لَکَ

بخشش و بزرگواری و ستایش و سپاس، از تو می خواهم مانند کسی که با گردنی کج فروتنی کرده

بِرَقَبَتِهِ، وَ رَغِمَ لَکَ انْفَهُ، وَ عَفَّرَ لَکَ وَجْهَهُ، وَ ذَلَّلَ لَکَ نَفْسَهُ، وَ فاضَتْ مِنْ

و به خاک افتاده و صورتش را در برابرت به خاک مالیده و نفسش را خوار کرده و از ترس تو

خَوْفِکَ دُمُوعُهُ، وَ تَرَدَّدَتْ عَبْرَتُهُ، وَاعْتَرَفَ لَکَ بِذُنُوبِهِ، وَفَضَحَتْهُ عِنْدَکَ

اشکهایش جاری و (بر صورتش) غلطان است و به گناهانش در برابرت معترف است، و اشتباهاتش او را نزد تو

خَطیئَتُهُ، وَ شانَتْهُ عِنْدَکَ جَریرَتُهُ، فَضَعُفَتْ عِنْدَ ذلِکَ قُوَّتُهُ، وَ قَلَّتْ

رسوا کرده، و جرم و جنایتش او را نزد تو بدنام کرده، اکنون، ناتوان شده و چاره اش

حیلَتُهُ، وَ انْقَطَعَتْ عَنْهُ اسْبابُ خَدایِعِهِ، وَاضْمَحَلَّ عَنْهُ کُلُّ باطِلٍ،

کم گشته و وسایل نیرنگش از او جدا شده، و هر باطلی از او دور گردیده،

وَالْجَاتْهُ ذُنُوبُهُ الی ذُلِّ مَقامِهِ بَیْنَ یَدَیْکَ، وَخُضُوعِهِ لَدَیْکَ، وَابْتِهالِهِ الَیْکَ،

و گناهش او را به خوار ایستادن و فروتنی و زاری در برابرت وادار کرده است،

اسْئَلُکَ اللَّهُمَّ سُؤالَ مَنْ هُوَ بِمَنْزِلَتِهِ، ارْغَبُ الَیْکَ کَرَغْبَتِهِ، وَ اتَضَرَّعُ الَیْکَ

خدایا از تو می خواهم مانند کسی که این حالات را دارد اشتیاقم به تو مانند اشتیاق او باشد، و به درگاهت مانند گریه

1- [1736]کافی، جلد 2، صفحه 590، حدیث 30.

كَتَضَرُّعِهِ، وَابْتَهِلُ اَلَيْکَ كَاَشَدِّ ابْتِهالِهِ، اللَّهُمَّ فَارْحَمِ اسْتِكانَةَ مَنْطِقى

او گريه كنم و مانند زارى شديد او زارى نمايم خدايا به لكنت گفتار و خوارى من

وَذُلَّ مَقامى وَ مَجْلِسى وَ خُضُوعى اَلَيْکَ بِرَقَبَتى اسْئَلُکَ اللَّهُمَّ الْهُدى

و جايگاه و محلّ نشيمنم و فروتنى همراه با گردن كجى در برابرت رحم كن خدايا هدايت

مِنَ الضَّلالَهِ، وَالْبَصيرَةَ مِنَ الْعَمى وَالرُّشْدَ مِنَ الْغَوايَهِ، وَاسْئَلُکَ اللَّهُمَ

از گمراهى و بينايى از كور دلى و راه يابى از بيراهه را از تو مى خواهم و خدايا

اكْثَرَ الْحَمْدِ عِنْدَ الرَّخآءِ، وَاجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمُصيبَهِ، وَ افْضَلَ الشُّكْرِ

بيشترين سپاس را در وقت آسايش، و زيباترين بردبارى را در وقت گرفتارى، و كاملترين سپاسگذارى

عِنْدَ مَوْضِعِ الشُّكْرِ، وَ التَّسْليمَ عِنْدَ الشُّبُهاتِ، وَ اسْئَلُکَ الْقُوَّةَ فى

را در جايگاه سپاسگذارى و فرمانبردارى در هنگام ترديد را از تو مى طلبم و توانايى در

طاعَتِکَ، وَالضَّعْفَ عَنْ مَعْصِيَتِکَ، وَالْهَرَبَ اَلَيْکَ مِنْکَ، وَ التَقَرُّبَ اَلَيْکَ

بندگى و ناتوانى در گناه و گريز به (رحمت) تو از (انتقام) تو و نزديكى به خودت را از تو مى خواهم،

رَبِّ لِتَرْضى وَالتَّحَرِّىَ لِكُلِّ ما يُرْضيکَ عَنّى فى اسْخاطِ خَلْقِکَ،

اى پروردگار من تا خشنود شوى و (از تو مى خواهم) جستجوى آنچه كه تو را از من خشنود سازد گر چه مردم ناراحت شوند،

الْتِماساً لِرِضاکَ، رَبِّ مَنْ ارْجُوهُ انْ لَمْ تَرْحَمْنى اوْ مَنْ يَعُودُ عَلَىَّ انْ

به خاطر بدست آوردن رضایتت، ای پروردگار من به که امید بندم گر به من رحم نکنی، یا که بر من توجّه کند گر تو دورم کنی،

اقْصَیْتَنی اوْ مَنْ یَنْفَعُنی عَفْوُهُ انْ عاقَبْتَنی اوْ مَنْ امُلُ عَطایاهُ انْ

یا گذشت که به من سود بخشد گر مجازاتم کنی، یا به بخششهایی که امید بندم گر

حَرَمْتَنی اوْ مَنْ یَمْلِکُ کَرامَتی انْ اهَنْتَنی اوْ مَنْ یَضُرُّنی هَوانُهُ انْ

مرا محروم کنی، یا که مرا گرامی دارد گر تو خوارم کنی و یا که مرا خوار کند گر

اکْرَمْتَنی رَبِّ ما اسْوَءَ فِعْلی وَ اقْبَحَ عَمَلی وَ اقْسی قَلْبی وَ اطْوَلَ

گرامیم داری، ای پروردگار من چه بد کردارم، و چه زشت رفتارم، و چه سنگدلم، و چه بزرگ

امَلی وَ اقْصَرَ اجَلی وَ اجْرَأَنی عَلی عِصْیانِ مَنْ خَلَقَنی رَبِّ وَ ما

آرزویم و چه کوتاه عمرم و چه گستاخم بر نافرمانی آن که مرا آفریده، ای پروردگار من

احْسَنَ بَلائَکَ عِنْدی وَ اظْهَرَ نَعْمآئَکَ عَلَیَّ، کَثُرَتْ عَلَیَّ مِنْکَ النِّعَمُ فَما

آزمایشت در نزد من چه نیکو و نعمتهایت بر من چه آشکار است نعمتهایت بر من بقدری فراوان است که

احْصيها، وَ قَلَّ مِنّىِ الشُّكْرُ فيما اوْلَيْتَنيهِ فَبَطِرْتُ بِالنِّعَمِ، وَتَعَرَّضْتُ

نمى توانم بشمارم، و در آنچه به من عطا فرمودى سپاسگذارى من كم است، پس به نعمتهايت مغرور شدم، و خود را در معرض

لِلنِّقَمِ، وَسَهَوْتُ عَنِ الذِّكْرِ، وَ رَكِبْتُ الْجَهْلَ بَعْدَ الْعِلْمِ، وَ جُزْتُ مِنَ الْعَدْلِ

مجازاتت قرار دادم و از يادت غفلت نمودم و با وجود دانشم، بر مركب جهل سوار شدم و از عدالت به

اَلى الظُّلْمِ، وَ جاوَزْتُ الْبِرَّ اَلى الْإِثْمِ، وَ صِرْتُ اَلى اللَّهْوِ مِنَ الْخَوْفِ

ستم تجاوز نمودم و از نيكى به گناه گذشتم و به جاى ترس و اندوه، به بيهودگى گرايش يافتم،

وَالْحُزْنِ، فَما اصْغَرَ حَسَناتى وَ اقَلَّها فى كَثْرَةِ ذُ نُوبى وَ ما اكْثَرَ ذُنُوبى

پس چه ناچيز است نيكيهايم، و چه كم است در مقابل گناهان فراوانم و چه بسيار است گناهانم،

وَاعْظَمَها عَلى قَدْرِ صِغَرِ خَلْقى وَ ضَعْفِ رُكْنى رَبِّ وَ ما اطْوَلَ امَلى

و چه بزرگ است گناهانم نسبت به كوچكى آفرينش و ناتوانيم، اى پروردگار من، و چه طولانى است آرزويم

فى قِصَرِ اجَلى وَ اقْصَرَ اجَلى فى بُعْدِ امَلى وَ ما اقْبَحَ سَريرَتى

در مقابل كوتاهى عمرم و چه كوتاه است عمرم نسبت به آرزوى دورم و چه زشت است پنهان

وَعَلانِيَتى رَبِّ لا حُجَّةَ لى انِ احْتَجَجْتُ، وَلا عُذْرَلى انِ اعْتَذَرْتُ، وَلا

و آشكارم، اى پروردگار من، در مقام استدلال دليلى ندارم، و در مقام پوزش عذرى ندارم، و اگر

شُكْرَ عِنْدى انِ ابْتَلَيْتُ وَ اوليتُ انْ لَمْ تُعِنّى عَلى شُكْرِ ما اوْلَيْتَ، رَبِّ ما

گرفتار شوم و نعمتی به من رسد سپاسی ندارم اگر تو بر سپاسگزاری آنچه داده ای کمکم نکنی، ای پروردگار من

اخَفَّ میزانی غَداً انْ لَمْ تُرَجِّحْهُ، وَ ازَلَّ لِسانی انْ لَمْ تُثَبِّتْهُ، وَ اسْوَدَ

فردای قیامت ترازوی عملم چقدر سبک خواهد بود، اگر تو به آن بها ندهی، و زبانم خواهد لرزید اگر تو آن را ثابت نکنی، و

وَجْهی انْ لَمْ تُبَیِّضْهُ، رَبِّ کَیْفَ لی بِذُنُوبِیَ الَّتی سَلَفَتْ مِنّی قَدْ هُدَّتْ لَها

رویم سیاه خواهد بود اگر تو آن را سفید نکنی، ای پروردگار من، با گناهانی که از من سرزده و وجودم را در هم شکسته

ارْکانی رَبِّ کَیْفَ اطْلُبُ شَهَواتِ الدُّنْیا، وَ ابْکی عَلی خَیْبَتی فیها، وَ لا

چه کنم؟، ای پروردگار من چگونه شهوتهای دنیا را می طلبم و بر محرومیتم در دنیا می گریم، ولی

ابْکی وَ تَشْتَدُّ حَسَراتی عَلی عِصْیانی وَ تَفْریطی رَبِّ دَعَتْنی دَواعِی

بر نافرمانی و کوتاهیم گریه نکرده و حسرت نمی خورم ای پروردگار من، جاذبه های

الدُّنْیا فَاجَبْتُها سَریعاً، وَ رَکَنْتُ الَیْها طآئِعاً، وَ دَعَتْنی دَواعِی الْأخِرَهِ

دنیا مرا به سوی خود خواند و من به سرعت پذیرفته و به اختیار به آنها اعتماد کردم و جاذبه های آخرت مرا به سوی خود خواند

ص: 1116

فَتَثَبَّطْتُ عَنْها، وَ ابْطَاْتُ فِی الْإِجابَهِ وَالْمُسارَعَهِ الَیْها، کَما سارَعْتُ

و من خودداری کردم و در قبول و سرعت گرفتن به سوی آن سستی نمودم،

الی دَواعِی الدُّنْیا، وَ حُطامِهَا الْهامِدِ، وَ هَشیمِهَا الْبایِدِ، وَ سَرابِهَا

امّا جاذبه های دنیا و مال بی ارزش و شکننده و گذرا و سراب پوچِ آن را به

الذَّاهِبِ، رَبِّ خَوَّفْتَنی وَ شَوَّقْتَنی وَاحْتَجَجْتَ عَلَیَّ بِرِقّی وَ کَفَلْتَ لی

سرعت پذیرفتم، ای پروردگار من مرا هم ترساندی و هم تشویق نمودی، و بربندگیم دلیل آورده و روزیم را

بِرِزْقی فَامِنْتُ خَوْفَکَ، وَتَثَبَّطْتُ عَنْ تَشْویقِکَ، وَ لَمْ اتَّکِلْ عَلی

عهده دار شدی، پس من از ترس تو در امان بودم و با وجود تشویق تو سست شدم، و بر ضمانت تو اعتماد نکرده

ضِمانِکَ، وَ تَهاوَنْتُ بِاحْتِجاجِکَ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ امْنی مِنْکَ فی هذِهِ الدُّنْیا

و دلیلت را سبک شمردم، خدایا ایمنی ام را در این دنیا ترس خود قرار ده

خَوْفاً، وَحَوِّلْ تَثَبُّطی شَوْقاً، وَ تَهاوُنی بِحُجَّتِکَ فَرَقاً مِنْکَ، ثُمَّ رَضِّنی بِما

و سستی ام را به اشتیاقت مبدّل کن و سبک شمردن حجتت را به بی تابی دیدارت تبدیل نما سپس مرا به روزیی که

قَسَمْتَ لی مِنْ رِزْقِکَ یا کَریمُ [یا کَریمُ ، اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظیمِ، رِضاکَ

قسمتم نموده ای خشنود ساز [ای بزرگوار]، از تو به نام بزرگت خشنودیت

عِنْدَ السُّخْطَهِ، وَ الْفَرْجَهَ عِنْدَ الْکُرْبَهِ، وَالنُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَهِ، وَالْبَصیرَهَ عِنْدَ

در هنگام خشم، و گشایش در هنگام گرفتاری، و روشنایی در هنگام تاریکی، و روشن بینی در هنگام

تَشَبَّهِ الْفِتْنَهِ، رَبِّ اجْعَلْ جُنَّتی مِنْ خَطایایَ حَصینَهً، وَ دَرَجاتی فِی

مستبد شدن فتنه ها را خواهانم ای پروردگار من، سپرم را در مقابل اشتباهاتم محکم، و رتبه ام را در

الْجِنانِ رَفیعَهً، وَاعْمالی کُلَّها مُتَقَبَّلَهً، وَ حَسَناتی مُضاعَفَهً زاکِیَهً، اعُوذُ

بهشت بلند، و تمامی کردارم را پذیرفته و حسناتم را چند برابر و پاکیزه قرار ده، از تمامی

بِکَ مِنَ الْفِتَنِ کُلِّها، ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ، وَمِنْ رَفیعِ الْمَطْعَمِ وَالْمَشْرَبِ،

فتنه های آشکار و پنهان، و از خوردنی و آشامیدنی خارج از دست رس و

وَ مِنْ شَرِّ ما اعْلَمُ وَ مِنْ شَرِّ ما لا اعْلَمُ، وَ اعُوذُ بِکَ مِنْ انْ اشْتَرِیَ الْجَهْلَ

از شروری که می دانم و نمی دانم به تو پناه می برم، و از این که نادانی را

بِالْعِلْمِ، وَالْجَفا بِالْحِلْمِ، وَالْجَوْرَ بِالْعَدْلِ، وَالْقَطیعَهَ بِالْبِرِّ، وَالْجَزَعَ بِالصَّبْرِ،

به علم و ظلم را به بردباری و ستم را به عدالت و قطع رحم را به نیکی و بی تابی را به شکیبایی

ص: 1117

وَ الْهُدی بِالضَّلالَهِ، وَ الْکُفْرَ بِالْإِیمانِ.(1)

و هدایت را به گمراهی و کفر را به ایمان معاوضه کنم، به تو پناه می برم.

***

17- از ابن محبوب روایت شده که حضرت امام صادق علیه السلام این دعا را به شخصی تعلیم فرمود:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِرَحْمَتِکَ الَّتی لاتُنالُ مِنْکَ الَّا بِرِضاکَ، وَالْخُرُوجَ مِنْ

خدایا به لطف و رحمتت که کسی بدون رضای تو به آن نمی رسد از تو می خواهم، خارج شدن از

جَمیعِ مَعاصیکَ، وَالدُّخُولَ فی کُلِّ ما یُرْضیکَ، وَالنَّجاهَ مِنْ کُلِّ وَرْطَهٍ،

جمیع گناهان و داخل شدن در آنچه تو را خشنود سازد و رهایی از گرفتاری ها،

وَالْمَخْرَجَ مِنْ کُلِّ کَبیرَهٍ اتی بِها مِنّی عَمْدٌ، اوْ زَلَّ بِها مِنّی خَطَاٌ، اوْ خَطَرَ

و راه خروج از هر گناه کبیره عمدی یا سهوی یا (گناهانی که) به خاطر

بِها عَلَیَّ خَطَراتُ الشَّیْطانِ، اسْئَلُکَ خَوْفاً تُوقِفُنی بِهِ عَلی حُدُودِ

وسوسه های شیطان از من سرزده است. از تو خوفی می خواهم که بواسطه آن مرا

رِضاکَ، وَ تَشَعَّبَ بِهِ عَنّی کُلُّ شَهْوَهٍ خَطَرَ بِها هَوایَ، وَاسْتُزِلَّ بِها رَأْیی

بر خشنودیت نگه داری، و دور کنی از من هر خواهش نفسانی را که هوای نفسم آن را به من نزدیک سازد، و نظرم را بلغزاند

لِیُجاوِزَ حَدَّ حَلالِکَ، اسْئَلُکَ اللَّهُمَّ الْأَخْذَ بِاحْسَنِ ما تَعْلَمُ، وَتَرْکِ سَیِّئِ

تا از مرز حلالت بگذرم، خدایا از تو می خواهم اعمال خوبی که از من می دانی بپذیری و از هر گناهی که

كُلِّ ما تَعْلَمُ، اوْ اخْطَأْ مِنْ حَيْثُ لا اعْلَمُ، اوْمِنْ حَيْثُ اعْلَمُ، اسْئَلَكَ السَّعَةَ

از من می دانی و یا اشتباهاتی که از روی ناآگاهی و با آگاهی از من سرزده صرفِ نظر کنی، از تو می خواهم، گشایش

فِی الرِّزْقِ، وَالزُّهْدَ فِی الْكَفافِ، وَالْمَخْرَجَ بِالْبَیانِ مِنْ كُلِّ شُبْهَهٍ،

در روزی و قناعت به حدّ نیاز، و خروج آگاهانه از شبهات،

وَالصَّوابَ فی كُلِّ حُجَّهٍ، وَالصِّدْقَ فی جَمیعِ الْمَواطِنِ، وَ انْصافَ النَّاسِ

و درستی در هر استدلال و راستگویی در هر جا، و مدارا کردن با مردم

مِنْ نَفْسی فیما عَلَیَّ وَلِی وَالتَّذَلُّلَ فی اعْطاءِ النَّصَفِ مِنْ جَمیعِ مَواطِنِ

در آنچه که به زیان یا سود من است، و فروتنی بر رعایت انصاف در حال

ص: 1118

1- [1737]کافی، جلد 2، صفحه 590، حدیث 31.

السَّخَطِ وَ الرِّضا، وَ تَرْکَ قَلیلِ الْبَغْیِ وَ کَثیرِهِ فِی الْقَوْلِ مِنّی وَالْفِعْلِ،

خشم و خشنودی، و ترک تجاوز و ستم چه کم و زیاد در گفتار و کردارم،

وَتَمامَ نِعْمَتِکَ فی جَمیعِ الْأَشْیآءِ، وَ الشُّکْرَ لَکَ عَلَیْها لِکَیْ تَرْضا وَ بَعْدَ

و کامل کردن نعمتت را در تمام چیزها، و سپاسگزاری نعمتهایت تا خشنود شوی

الرِّضا، وَ اسْئَلُکَ الْخِیَرَةَ فی کُلِّ ما یَکُونُ فیهِ الْخِیَرَةُ، بِمَیْسُورِ الْأُمُورِ

و بالاتر از خشنودی، و از تو نیکی می خواهم از تمام انواع آن از

کُلِّها لا بِمَعْسُورِها، یا کَریمُ یا کَریمُ یا کَریمُ، وَافْتَحْ لی بابَ الْأَمْرِ الَّذی

راه آسان آن نه دشوارش، ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار، و درِ هر کاری که در آن

فیهِ الْعافِیَةُ وَالْفَرَجُ، وَافْتَحْ لی بابَهُ، وَ یَسِّرْلی مَخْرَجَهُ، وَ مَنْ قَدَّرْتَ لَهُ

سلامتی و گشایش است را به رویم باز کن و درِ آن را به رویم بگشا و خروج از آن را برایم آسان گردان، و آن که

عَلَیَّ مَقْدُورَةً مِنْ خَلْقِکَ فَخُذْ عَنّی بِسَمْعِهِ وَ بَصَرِهِ، وَ لِسانِهِ وَ یَدِهِ،

از مخلوقاتت که تسلّطش را بر من مقرّر فرموده ای گوش و چشم و زبان و دستش را

وَخُذْهُ عَنْ یَمینِهِ وَ عَنْ یَسارِهِ، وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ مِنْ قُدّامِهِ، وَامْنَعْهُ انْ یَصِلَ

از جانب من از سمت راست و چپ و پشت سر و مقابلش بگیر، و او را از

الَیَّ بِسُوءٍ، عَزَّ جارُکَ، وَ جَلَّ ثَنآءُ وَجْهِکَ، وَ لا الهَ غَیْرُکَ، انْتَ رَبّی وَ ا نَا

بدی کردن به من بازدار، در پناه تو بودن والاست و ستایش جمالت بزرگ است، و معبودی جز تو نیست، تویی پروردگار من و منم

عَبْدُکَ، اللّهُمَّ انْتَ رَجآئی فی کُلِّ کُرْبَهٍ، وَ انْتَ ثِقَتی فی کُلِّ شِدَّهٍ، وَ انْتَ

بنده ات، خدایا، تویی امیدم در هر گرفتاری، و تویی تکیه گاهم در هر سختی و تویی

لی فی کُلِّ امْرٍ نَزَلَ بی ثِقَهٌ وَ عُدَّهٌ، فَکَمْ مِنْ کَرْبٍ یَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤادُ،

تکیه گاه و ذخیره ام در هر پیش آمدی، پس چه بسیار اندوهی که دلها را ناتوان کرده

وَتَقِلُّ فیهِ الحیلَهُ، وَ یَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ، وَ تُعْیی فیهِ الْأُمُورُ، انْزَلْتُهُ بِکَ،

و چاره را کم می کند و دشمن بر آن سرزنش نموده، و کارها در آن وا می ماند، که من به درگاهت آورده

وَشَکَوْتُهُ الَیْکَ، راغِباً الَیْکَ فیهِ عَمَّنْ سِواکَ، قَدْ فَرَّجْتَهُ وَکَفَیْتَهُ، فَانْتَ وَلِیُ

و از آنها شکایت نمودم در حالی که مشتاق رفع آن از جانب تو بودم نه غیر تو، و تو آنها را گشوده و کفایت نمودی، پس تو صاحب

کُلِّ نِعْمَهٍ، وَ صاحِبُ کُلِّ حاجَهٍ، وَ مُنْتَهی کُلِّ رَغْبَهٍ، فَلَکَ الْحَمْدُ کَثیراً،

هر حاجت و نهایت هر آرزویی، پس حمد و سپاس فراوان و نعمتهای بی شمار

وَلَکَ الْمَنُّ فاضِلاً.(1)

از آنِ توست.

***

18- به سند معتبر روایت شده که حضرت امام صادق علیه السلام این دعا را به ابوبصیر یاد داد:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ قَوْلَ التَّوّابینَ وَ عَمَلَهُمْ، وَ نُورَ الْأَنْبِیآءِ وَ صِدْقَهُمْ،

خدایا از تو می خواهم گفتار و کردار توبه کنندگان، و روشنایی و راستگویی پیامبران

وَنَجاهَ الْمُجاهِدینَ وَ ثَوابَهُمْ، وَ شُکْرَ الْمُصْطَفَیْنَ وَ نَصیحَتَهُمْ، وَ عَمَلَ

و رستگاری و پاداش مجاهدان و سپاس گزاری و خیر خواهی برگزیدگان، و کردار

الذّاکِرینَ وَ یَقینَهُمْ، وَایمانَ الْعُلَمآءِ وَفِقْهَهُمْ، وَ تَعَبُّدَ الخاشِعینَ

و یقین ذاکران، و ایمان و شناخت عالمان و بندگی و فروتنی خاشعان،

وَتَواضُعَهُمْ، وَ حُکْمَ الْفُقَهآءِ وَ سیرَتَهُمْ، وَخَشْیَهَ الْمُتَّقینَ وَ رَغْبَتَهُمْ،

و دانایی و روش فقیهان و ترس و اشتیاق پرهیزکاران،

وَتَصْدیقَ الْمُؤْمِنینَ وَ تَوَکُّلَهُمْ، وَ رَجآءَ الْمُحْسِنینَ وَ بِرَّهُمْ، اللَّهُمَّ انّی

و تأیید و توکّل مؤمنان، و امید و نیکی نیکوکاران. خدایا پاداش

اسْئَلُکَ ثَوابَ الشّاکِرینَ، وَ مَنْزِلَهَ الْمُقَرَّبینَ، وَ مُرافَقَهَ النَّبِیّینَ، اللَّهُمَّ انّی

سپاسگزاران و جایگاه مقرّبان، و دوستی پیامبران را از تو می خواهم، خدایا

اسْئَلُکَ خَوْفَ الْعامِلینَ لَکَ، وَ عَمَلَ الْخآئِفینَ مِنْکَ، وَ خُشُوعَ الْعابِدینَ

ترس عمل کنندگان برای تو، و عمل خائفان از تو، و خشوع عبادت کنندگان

لَکَ، وَیقینَ الْمُتَوَکِّلینَ عَلَیْکَ، وَ تَوَکُّلَ الْمُؤْمِنینَ بِکَ، اللَّهُمَّ انَّکَ بِحاجَتی

برای تو، و یقین متوکّلان بر تو، و توکّل مؤمنان به تو را از تو خواهانم، خدایا تو به حاجتم

عالِمٌ غَیْرُ مُعَلَّمٍ، وَ انْتَ لَها واسِعٌ غَیْرُ مُتَکلِّفٍ، وَ انْتَ الَّذی لایُحْفیکَ

دانای بی تعلیمی، و تویی برآورنده آن بدون سختی، و تویی که نیازمند ناراحتت

سائِلٌ، وَلایَنْقُصُکَ نائِلٌ، وَلا یَبْلُغُ مِدْحَتَکَ قَوْلُ قائِلٍ، انْتَ کَما تَقُولُ

نمی کند و به حاجت رسنده ای از تو نکاهد، و به ستایشت گفتار هیچ گوینده ای نرسد، تو آنچنانی که خود می گویی

ص: 1120

1- [1738]کافی، جلد 2، صفحه 592، حدیث 32.

وَفَوْقَ ما نَقُولُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لی فَرَجاً قَریباً، وَ اجْراً عَظیماً، وَ سِتْراً

و برتر از آنی که ما می گوییم، خدایا گشایش نزدیک و پاداشی بزرگ و پوششی

جَمیلاً، اللَّهُمَّ انَّکَ تَعْلَمُ انّی عَلی ظُلْمی لِنَفْسی وَاسْرافی عَلَیْها، لَمْ

زیبا برایم قرار ده، خدایا به یقین تو می دانی که من با وجود ستم بر خودم و زیاده روی بر آن، برای تو

اتَّخِذْ لَکَ ضِدّاً وَلا نِدّاً، وَلا صاحِبَةً وَلا وَلَداً، یا مَنْ لا تُغَلِّطُهُ الْمَسآئِلُ،

رقیب و همتا و همسر و فرزندی قائل نشدم، ای که خواسته ها او را به اشتباه نیندازد،

وَیا مَنْ لایَشْغَلُهُ شَیْ ءٌ عَنْ شَیْ ءٍ، وَلاسَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، وَلابَصَرٌ عَنْ بَصَرٍ،

و ای که اشتغال به چیزی، او را از چیز دیگر باز ندارد و نه شنیدنی از شنیدن دیگر و نه دیدنی از دیدن دیگر،

وَلایُبْرِمُهُ الْحاحُ الْمُلِحّین، اسْئَلُکَ انْ تُفَرِّجَ عَنّی فی ساعَتی هذِهِ، مِنْ

و پافشاری اصرار کنندگان او را ناراحت نکند، و از تو در این ساعت می خواهم

حَیْثُ احْتَسِبُ، وَ مِنْ حَیْثُ لا احْتَسِبُ، انَّکَ تُحْیِی الْعِظامَ وَ هِیَ رَمیمٌ،

از جایی که امید دارم و ندارم گشایشی فراهم سازی چرا که تو (حتّی) استخوانهای پوسیده را زنده کنی

وَانَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، یا مَنْ قَلَّ شُکْری لَهُ فَلَمْ یَحْرِمْنی وَ عَظُمَتْ

و بر هر چیز توانایی، ای که سپاسگذاریم در مقابلش کم است ولی مرا محروم نمی کند، و گناهم

خَطیئَتی فَلَمْ یَفْضَحْنی وَ رَ انی عَلَی الْمَعاصی فَلَمْ یَجْبَهْنی وَ خَلَقَنی

بزرگ است ولی رسوایم نمی سازد، و مرا در حال گناه می بیند و به رویم نمی آورد، و مرا برای هدفی آفریده

لِلَّذی خَلَقَنی لَهُ، فَصَنَعْتُ غَیْرَ الَّذی خَلَقَنی لَهُ، فَنِعْمَ الْمَوْلی انْتَ یا

ولی من بر خلاف آن رفتار کردم، پس تو چه خوب سرپرستی هستی ای

سَیِّدی وَ بِئْسَ الْعَبْدُ ا نَا وَجَدْتَنی وَ نِعْمَ الطَّالِبُ انْتَ رَبّی وَ بِئسَ

آقا و سرورم، و تو مرا بد بنده ای یافتی، و ای پروردگار من تو نیکو خواهانی، و مرا بد

الْمَطْلُوبُ الْفَیْتَنی عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ وَابْنُ امَتِکَ بَیْنَ یَدَیْکَ، ما

طلب شده ای یافتی، بنده و فرزند بنده و فرزند کنیزت در مقابلت ایستاده، آنچه

شِئْتَ صَنَعْتَ بی اللَّهُمَّ هَدَأَتِ الْأَصْواتُ، وَ سَکَنَتِ الْحَرَکاتُ، وَ خَلا

خواهی در باره ام انجام می دهی خدایا صداها خاموش شده و حرکتها باز ایستاده

کُلُّ حَبیبٍ بِحَبیبِهِ، وَ خَلَوْتُ بِکَ، انْتَ الْمَحْبُوبُ الَیَّ، فَاجْعَلْ خَلْوَتی

و هر محبوبی با حبیبش خلوت کرده و من نیز با تو خلوت کرده ام، تویی محبوب من، پس پاداش خلوتم

ص :1121

مِنْکَ اللَّیْلَهَ الْعِتْقَ مِنَ النَّارِ، یا مَنْ لَیْسَتْ لِعالِمٍ فَوْقَهُ صِفَهٌ، یا مَنْ لَیْسَ

را با خودت، رهایی از آتش قرار ده، ای آن که نیست برای هیچ دانایی صفتی بالاتر از او، ای که نیست

لِمَخْلُوقٍ دُونَهُ مَنَعَهٌ، یا اوَّلُ قَبْلَ کُلِّ شَیْ ءٍ، وَیا آخِرُ بَعْدَ کُلِّ شَیْ ءٍ، یا مَنْ

برای هیچ آفریده ای در برابرش باز دارنده ای، ای آغاز قبل از هر چیز و ای پایان پس از هر چیز، ای که

لَیْسَ لَهُ عُنْصُرٌ، وَ یا مَنْ لَیْسَ لِآخِرِهِ فَنآءٌ، وَ یا اکْمَلَ مَنْعُوتٍ، وَ یا اسْمَحَ

سر چشمه ای نداری و ای که برای پایانش نابودی نیست، ای کاملترین توصیف شده، و ای بخشنده ترین

الْمُعْطینَ، وَ یا مَنْ یَفْقَهُ بِکُلِّ لُغَهٍ یُدْعی بِها، وَ یا مَنْ عَفْوُهُ قَدیمٌ، وَ بَطْشُهُ

بخشندگان، و ای که به هر زبانی خوانده شوی می دانی، و ای که گذشتش دیرینه و قدرتش

شَدیدٌ، وَ مُلْکُهُ مُسْتَقیمٌ، اسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی شافَهْتَ بِهِ مُوسی یا اللَّهُ

زیاد و فرمانروایيش ماندگار است، به حقّ آن نامت که با موسی هم سخن شدی از تو می خواهم، ای خدا

یا رَحْمنُ یا رَحیمُ، یا لا الهَ الَّا انْتَ، اللَّهُمَّ انْتَ الصَّمَدُ، اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ

ای بخشنده مهربان، ای که معبودی جز تو نیست، خدایا تویی بی نیاز، از تو می خواهم که

عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّهَ بِرَحْمَتِکَ.(1)

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و مرا به لطف و رحمتت در بهشت داخل کنی.

***

19- مرحوم «کفعمی» دعایی را از امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده است که برای استجابت دعاها بسیار ارزشمند است:

الهی کَیْفَ ادْعُوکَ وَانَا انَا، وَکَیْفَ اقْطَعُ رَجآئی مِنْکَ وَانْتَ انْتَ، الهی

ای معبود من چگونه تو را بخوانم با این که من همان گنهکارم، و چگونه از تو قطع امید کنم با این که تو همان مهربانی، ای معبود من

اذا لَمْ اسْئَلْکَ فَتُعْطِیَنی فَمَنْ ذَا الَّذی اسْئَلُهُ فَیُعْطینی الهی اذا لَمْ

حتّی زمانی که از تو نخواهم عطایم کنی، پس چرا از دیگری بخواهم که عطایم کند، ای معبود من زمانی که تو را

ادْعُوکَ فَتَسْتَجیبَ لی فَمَنْ ذَا الَّذی ادْعُوهُ فَیَسْتَجیبُ لی الهی اذا لَمْ

نخوانم پاسخم دهی پس چرا دیگری را خوانم که پاسخم دهد، ای معبود من، زمانی که

اتَضرَّعْ الَیْکَ فَتَرْحَمَنی فَمَنْ ذَا الَّذی اتَضرَّعُ الَیْهِ فَیَرْحَمُنی الهی فَکَما

به درگاهت زاری نکنم بر من رحم کنی، پس به درگاه که زاری کنم که بر من رحم کند. ای معبود من، همان گونه که

1- [1739]کافی، جلد 2، صفحه 593، حدیث 33.

فَلَقْتَ الْبَحْرَ لِمُوسى عَلَيْهِ السَّلامُ وَنَجَّيْتَهُ، اسْئَلُکَ انْ تُصَلِّیَ عَلى

دریا را برای موسی- که درود و سلام خدا بر او باد- شکافته و نجاتش دادی از تو می خواهم که بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وانْ تُنَجِّيَنی مِمَّا انَا فيهِ، وَتُفَرِّجَ عَنّی فَرَجاً عاجِلًا

محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و از آنچه در آن (گرفتار) هستم رهاییم بخشی و گشایشی سریع

غَيْرَ آجِلٍ، بِفَضْلِکَ وَرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.(1)

و بی درنگ از لطف و مهربانیت عطایم کنی، ای مهربان ترین مهربانان.

***

20- مرحوم «کفعمی» دعایی را از امام موسی کاظم علیه السلام نقل کرده است و گفته: این دعا، عظیم الشأن و سریع الاجابه است (به زودی به اجابت می رسد) و آن دعا، این است:

اللَّهُمَّ انّی اطَعْتُکَ فی احَبِّ الْأَشْياَءِ الَيْکَ وَهُوَ التَّوْحيدُ، وَلَمْ اعْصِکَ فی

خدایا در محبوبترین چیزها در نزد تو که همان یکتاپرستی است اطاعتت نمودم، و در مبغوضترین

ابْغَضِ الْأَشْياَءِ الَيْکَ وَهُوَ الْكُفْرُ، فَاغْفِرْ لی ما بَيْنَهُما، يا مَنْ الَيْهِ مَفَرّی

چیزها در نزد تو که همان بی ایمانی است نافرمانیت ننمودم، پس آنچه در میان این دو قرار دارد برایم بیامرز، ای کسی که راه گریزم به سوی اوست،

آمِنّی مِمَّا فَزِعْتُ مِنْهُ الَيْکَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الْكَثيرَ مِنْ مَعاصيکَ، وَاقْبَلْ

از آنچه از آن به تو پناه می آورم پناهم ده، خدایا گناهان بسیارم را بیامرز و کوتاهیم

مِنِّی الْيَسيرَ مِنْ طاعَتِکَ، يا عُدَّتی دُونَ الْعُدَدِ، وَيا رَجآئی وَالْمُعْتَمَدَ، وَيا

را در بندگیت بپذیر، ای ذخیره ام در میان ذخیره ها، و ای امید و تکیه گاهم، و ای

کَهْفی وَالسَّنَدَ، وَیا واحِدُ یا احَدُ، یا قُلْ هُوَ اللَّهُ احَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ یَلِدْ

پناهگاه و پشتیبانم، و ای یگانه یکتا، ای که گفتی: «بگو خداوند یکتا و یگانه است، خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می کنند،

وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً احَدٌ، اسْئَلُکَ بِحَقِّ مَنِ اصْطَفَیْتَهُمْ مِنْ خَلْقِکَ،

(هرگز) نزاد و زاده نشد و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است» از تو می خواهم به حق برگزیدگان از آفریدگانت،

وَلَمْ تَجْعَلْ فی خَلْقِکَ مِثْلَهُمْ احَداً، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ انْ

که در میان آنان کسی را مانند ایشان قرار نداده ای، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و

تَفْعَلَ بی ما انْتَ اهْلُهُ، اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِالْوَحْدانِیَّهِ الْکُبْری وَ بِالْمُحَمَّدِیَّهِ

آنچه تو شایسته آنی در مورد من انجام دهی، خدایا از تو می خواهم به حق یگانگی بزرگت و ستودگی

ص: 1123

1- [1740]مصباح کفعمی، صفحه 292.

الْبَیْضآءِ، وَالْعَلَوِیَّهالْعُلْیا، وَبِجَمیعِ مَااحْتَجَجْتَ بِهِ عَلی عِبادِکَ، وَبِالْإِسْمِ

نورانیت و به مقام بسیار والایت و به حق تمام حجّتهایت بر بندگانت و به حقّ نامی

الَّذِی حَجَبْتَهُ عَنْ خَلْقِکَ، فَلَمْ یَخْرُجْ مِنْکَ الَّا الَیْکَ، صَلِّ عَلی

که آن را از مخلوقات خود مخفی داشته ای که جز تو کسی بر آن آگاه نیست، بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لی مِنْ امْری فَرَجاً وَمَخْرَجاً، وَارْزُقْنی مِنْ حَیْثُ

محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و در کارم گشایش و راه نجاتی قرار دهی و از جایی که

احْتَسِبُ وَمِنْ حَیْثُ لا احْتَسِبُ، انَّکَ تَرْزُقُ مَنْ تَشآءُ بِغَیْرِ حِسابٍ.

امید دارم و ندارم روزیم دهی، چرا که تو به هر که خواهی بی حساب روزی می دهی.

آنگاه حاجت خود را بطلب.(1)

***

21- از امام موسی بن جعفر علیهما السلام نقل شده است که آن حضرت به یکی از یاران خود فرمود: هر وقت از خداوند متعال حاجتی را بخواهی، بگو:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ، فَانَّ لَهُما عِنْدَکَ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ،

خدایا به حقّ محمّد و علی که برای ایشان در نزد تو جایگاه و منزلتی ویژه است

وَ قَدْراً مِنَ الْقَدْرِ، فَبِحَقِّ ذلِکَ الشَّأْنِ، وَ بِحَقِّ ذلِکَ الْقَدْرِ، انْ تُصَلِّیَ عَلی

و به حق آن جایگاه و منزلت والا، از تو می خواهم که بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تَفْعَلَ بی کَذا وَ کَذا.(2)

محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و برایم چنین و چنان کنی.

(به جای کذا و کذا، حاجت خود را از خداوند بخواه)

***

22- مرحوم «سیّد بن طاووس» در کتاب «مهج الدعوات» از امام محمّدباقر علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: جبرئیل خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا، من هیچ پیامبری را به قدر تو دوست نداشته ام، لذا این دعا را به تو می آموزم و آن را بسیار بگو:

اللَّهُمَّ انَّکَ تَری وَلا تُری وانْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلی وَانَّ الَیْکَ الْمُنْتَهی

خدایا می بینی و دیده نمی شوی، و تو در برترین دیدگاهی، و به یقین پایان کار و

ص: 1124

1- [1741]مصباح کفعمی، صفحه 291.
2- [1742]کافی، جلد 2، صفحه 562، حدیث 21.

وَالرُّجْعی وانَّ لَکَ الْاخِرَهَ وَالْأُولی وانَّ لَکَ الْمَماتَ وَالْمَحْیا، وَرَبِ

بازگشت به سوی توست و پایان و آغاز و مرگ و زندگی به دست توست، و ای پروردگار

اعُوذُ بِکَ انْ اذَلَّ اوْ اخْزی (1)

من از خواری و رسوایی به تو پناه می برم.

***

23- مرحوم «شیخ کلینی» و دیگران روایت کرده اند که امام صادق علیه السلام به «زراره» (یکی از یاران جلیل القدرش) فرمود: در زمان غیبت و امتحان شیعه، این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنی نَفْسَکَ، فَانَّکَ انْ لَمْ تُعَرِّفْنی نَفْسَکَ لَمْ اعْرِفْ نَبِیَّکَ، اللَّهُمَ

خدایا خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی پیامبرت را نمی شناسم، خدایا

عَرِّفْنی رَسُولَکَ، فَانَّکَ انْ لَمْ تُعَرِّفْنی رَسُولَکَ لَمْ اعْرِفْ حُجَّتَکَ، اللَّهُمَ

فرستاده ات را به من بشناسان که اگر او را به من نشناسانی حجّتت را نمی شناسم، خدایا

عَرِّفْنی حُجَّتَکَ، فَانَّکَ انْ لَمْ تُعَرِّفْنی حُجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دینی (2)

حجّتت را به من بشناسان که اگر او را به من نشناسانی، از دینم گمراه می شوم.

***

24- روایت شده است امیرالمؤمنین علیه السلام مردی را دید که از روی دفتری دعایی طولانی را (به زحمت) می خواند؛ امام علیه السلام به او فرمود: ای مرد خدا! آن خدایی که این دعای طولانی را می شنود، به دعای کم و کوتاه نیز پاسخ می دهد (یعنی نیازی به خواندن این همه دعای

طولانی نیست) آن مرد عرض کرد: ای مولای من، چه کنم؟ فرمود: این کلمات (کوتاه و پرمحتوا) را بخوان:

الْحَمْدُ للَّهِ عَلی کُلِّ نِعْمَهٍ، وَاسْئَلُ اللَّهَ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ، وَ اعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ کُلِ

حمد و سپاس خدای را بر هر نعمتی و هر خیری را از او خواهانم و از هر بدی به او پناه برده

شَرٍّ، وَ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ کُلِّ ذَنْبٍ.(3)

و از هر گناهی از او آمرزش می طلبم.

***

25- گروهی از بزرگان یاران امام صادق علیه السلام دعای پرمحتوای زیر را از آن حضرت نقل کردند.

1- [1743]مهج الدعوات، صفحه 172.
2- [1744]کافی، جلد 1، صفحه 337، حدیث 5.
3- [1745]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 242، حدیث 10.

امام علیه السلام فرمود: در شگفتم از کسی که از چهارچیز می ترسد چرا به چهار ذکر (آیه از قرآن مجید) پناه نمی برد؛ نخست: تعجّب می کنم از کسی که از دشمن می ترسد چرا به این ذکر پناه نمی برد: «

«حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ»؛

خدا ما را کفایت می کند و او بهترین حامی ماست». (1) زیرا خداوند در پی آن می فرماید:

«به خاطر این دعا آن گروه از مؤمنان، با نعمت و فضل پروردگار (از میدان نبرد، سالم) بازگشتند در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید». (2) دیگر این که در شگفتم از کسی که غم و اندوهی به او رسیده چگونه به این ذکر پناه نمی برد: «

«لا الهَ الّا انْتَ، سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ»

؛ خداوندا جز تو معبودی نیست منزّهی، من از ستمکاران بودم (مرا ببخش و از این اندوه رهایی ده)» (3) زیرا خداوند در پی آن می فرماید: «ما او را (اشاره به یونس علیه السلام است) از آن اندوه نجات بخشیدیم و همین گونه مؤمنان را نجات می دهیم». (4) و نیز در شگفتم از کسی که در برابر توطئه خطرناکی قرار گرفته چگونه به این ذکر پناه نمی برد:

« «افَوِّضُ امْرِی الَی اللَّهِ انَّ اللَّهَ بَصِیرٌ بِالْعِبادِ»؛

من کار خود را به خدا واگذار می کنم زیرا خداوند نسبت به بندگانش بیناست». (5) خداوند در پی آن می فرماید: «خداوند او را (اشاره به مؤمن آل فرعون) از نقشه های شوم آنها (فرعونیان) رهایی بخشید». (6) و نیز در شگفتم از کسی که مواهب دنیوی از خدا می خواهد چرا از این ذکر استفاده نمی کند: «

«ماشاءَ اللَّهُ لاقُوَّةَ الّا بِاللَّهِ»

؛ آنچه خدا بخواهد انجام می گیرد هیچ قوّت و قدرتی جز از ناحیه خدا نیست» (7) زیرا خداوند در پی آن می فرماید: «... امید دارم پروردگارم بهتر از باغ تو به من دهد». (8) (اشاره به دو دوستی که یکی با ایمان بود و فقیر و دیگری ثروتمند و ضعیف الایمان). (9) یادآوری: برای طلب حاجات و

حل مشکلات نمازهایی نیز وارد شده است (به بخش هفتم، نمازهای مستحب، صفحه 1061 مراجعه فرمایید).

(به بخش هفتم، نمازهای مستحب، صفحه 1061 مراجعه فرمایید)

2- دعا برای رفع غم و اندوه و گرفتاری ها

1- دعا برای رفع هرگونه غم و اندوه (از صحیفه سجادیه)

یا فارِجَ الْهَمِّ، وَ کاشِفَ الْغَمِّ، یا رَحْمنَ الدُّنْیا وَ الْاخِرَهِ وَ رَحیمَهُما،

ای گشاینده گرفتاری و بر طرف کننده اندوه ای بخشنده و مهربان در دنیا و آخرت،

1- [1746]سوره آل عمران، آیه 173.
2- [1747]سوره آل عمران، آیه 174.
3- [1748]سوره انبیاء، آیه 87.
4- [1749]سوره انبیاء، آیه 88.
5- [1750]سوره غافر، آیه 44.
6- [1751]سوره غافر، آیه 45.
7- [1752]سوره کهف، آیه 39.
8- [1753]سوره کهف، آیه 40.
9- [1754]امالی صدوق، صفحه 6، حدیث 2 و بحارالانوار، جلد 90، صفحه 184، حدیث 1.

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ افْرُجْ هَمّی وَ اكْشِفْ غَمّی یا واحِدُ یَا

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و گرفتاریم را بگشا و اندوهم را برطرف کن، ای یگانه، ای

احَدُ یا صَمَدُ، یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ، وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ كُفُواً احَدٌ، اعْصِمْنی

یکتا و ای توانا، ای که نزاده و زاییده نشده، و برای او مانندی نیست، مرا حفظ کن

وَطَهِّرْنی وَاذْهَبْ بِبَلِیَّتِی «اللَّهُ لَآ إِلهَ إِلَّاهُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ، لَا تَأْخُذُهُ سِنَهٌ

و پاکیزه دار، و بلا را ازمن دور کن، هیچ معبودی جز خداوند یگانه زنده نیست که قائم به ذات خویش است هیچ گاه خواب

وَلَا نَوْمٌ، لَّهُ مَا فِی السَّموتِ وَ مَا فِی الْأَرْضِ، مَن ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِندَهُ

سبک و سنگینی او را فرا نمی گیرد آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست کیست که در نزد او جز به فرمان او شفاعت کند؟ !

إِلَّا بِإِذْنِهِ، یَعْلَمُ مَا بَیْنَ أَیْدِیهِمْ، وَمَا خَلْفَهُمْ، وَ لَایُحِیطُونَ بِشَی ءٍ مِّنْ

آنچه را در پیش روی آنها [/ بندگان و پشت سرشان است می داند و کسی از علم او آگاه نمی گردد

عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَآءَ، وَسِعَ كُرْسِیُّهُ السَّموتِ وَ الْأَرْضَ، وَ لَایَودُهُ حِفْظُهُمَا

جز به مقداری که او بخواهد، تخت (حکومت) او، آسمانها و زمین را در برگرفته و نگهداری آن دو [/ آسمان و زمین او را خسته نمی کند،

وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ، لَآ إِكْرَاهَ فِی الدِّینِ، قَد تَّبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَیِّ، فَمَن

بلندی مقام و عظمت مخصوص اوست، در قبول دین اکراهی نیست (زیرا) راه درست از راه نادرست روشن است بنابراین

یَكْفُرْ بِالطغُوتِ وَ یُؤْمِن بِاللَّهِ، فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقَی لَاانفِصَامَ

کسی که به طاغوت [/ بت و شیطان کافر شود و به خدا ایمان آورد به دستگیره مهمّی چنگ زده است که گسستن برای آن نیست

لَهَا، وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ، اللَّهُ وَلِیُّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ، يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمتِ إِلَی

و خداوند شنوا و داناست، خداوند ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند آنها را از ظلمتها به سوی

النُّورِ، وَالَّذِينَ كَفَرُواْ أَوْلِيَآؤُهُمُ الطغُوتُ، يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَی

نور بیرون می برد، (امّا) کسانی که کافر شدند اولیای آنها طاغوت است که آنها را از نور به سوی

الظُّلُمتِ، أُوْلئِکَ أَصْحبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»* «بِسْمِ اللَّهِ

ظلمتها بیرون می برند آنها اهل آتشند و جاودانه در آن خواهند ماند.* بنام خداوند

الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ، قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، مِن شِرِّ مَا خَلَقَ، وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ

بخشنده مهربان، پناه می برم به پروردگار سپیده صبح از شرّ آنچه آفریده است و از شرّ هر موجود شرور

إِذَا وَقَبَ، وَمِن شَرِّ النَّفثتِ فِی الْعُقَدِ، وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ»*

هنگامی که شبانه وارد می شود، و از شرّ آنها که با افسون در گره ها می دمند (و هر تصمیمی را سست می کنند) و از شرّ هر حسود هنگامی که حسد می ورزد*

ص :1127

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ، قُلْ أَعُوذُ بِرَبِ النَّاسِ، مَلِکِ النَّاسِ، إِلهِ

به نام خداوند بخشنده مهربان، بگو پناه می برم به پروردگار مردم، به مالک و حاکم مردم، به (خدا و) معبود

النَّاسِ مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ، الَّذِی یُوَسْوِسُ فِی صُدُورِ الَّناسِ،

مردم از شرّ وسوسه گر پنهانکار که در درون سینه انسانها وسوسه می کند، خواه

مِن الْجِنَّهِ وَ الَّناسِ»* «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ،

از جن باشد یا از انسان* به نام خداوند بخشنده مهربان، بگو خداوند یکتا و یگانه است،

اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ، وَلَمْ یَکُن لَّهُ کُفُواً أَحَدٌ» اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ

خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می کنند (هرگز) نزاد و زاده نشد و برای او هیچ گاه شبیه و مانندی نبوده است خدایا مانند کسی که

سُؤالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ، وَ ضَعُفَتْ قُوَّتُهُ، وَ کَثُرَتْ ذُنُوبُهُ، سُؤالَ مَنْ لا

نیازش شدید و توانش کم و گناهانش افزون شده و همانند کسی که برای نیازش

یَجِدَ لِفاقَتِهِ مُغیثاً، وَ لا لِضَعْفِهِ مُقَوِّیاً، وَ لا لِذَنْبِهِ غافراً غَیْرَکَ، یا

فریادرس و برای ناتوانیش نیروبخش و برای گناهش بخشنده ای جز تو نمی یابد از تو می خواهم ای

ذَالْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ، اسْئَلُکَ عَمَلاً تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ، وَ یَقیناً تَنْفَعُ بِهِ

صاحب جلال و بزرگواری، (توفیق انجام) عملی را که انجام دهنده آن را دوست داری

مَنِ اسْتَیْقَنَ بِهِ حَقَّ الْیَقینِ فی نَفاذِامْرِکَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

و یقینی که هر کس به عالیترین درجه آن برسد در انجام فرمانت از آن سود برد، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش

مُحَمَّدٍ، وَ اقْبِضْ عَلَی الصِّدْقِ نَفْسی وَ اقْطَعْ مِنَ الدُّنْیا حاجَتی وَاجْعَلْ

درود فرست و بر حال صداقت و راستی جانم را بگیر و نیازم را از دنیا کوتاه کن و

فیما عِنْدَکَ رَغْبَتی شَوْقاً الی لِقائِکَ، وَ هَبْ لی صِدْقَ التَّوَکُّلِ عَلَیْکَ،

اشتیاقم را به آنچه در نزد توست قرار ده در حالی که مشتاق دیدار توام، و اعتماد راستین بر خودت را به من ببخش،

اسْئَلُکَ مِنْ خَیْرِ کِتابٍ قَدْ خَلا، وَاعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ کِتابٍ قَدْ خَلا، اسْئَلُکَ

از بهترین چیزی که در نامه عملم به جای مانده از تو خواهانم و از بدیهای بر جای مانده در آن به تو پناه می برم،

خَوْفَ الْعابِدینَ لَکَ، وَ عِبادَةَ الْخاشِعینَ لَکَ، وَ یَقینَ الْمُتَوَکِّلینَ عَلَیْکَ،

از تو خوف عابدان و بندگی خاشعان و یقین متوکّلان و اعتماد مؤمنان به تو

وَتَوَکُّلَ الْمُؤْمِنینَ عَلَیْکَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتی فی مَسْئَلَتی مِثْلَ رَغْبَهِ

را خواهانم، خدایا اشتیاقم را در خواستن از خودت مانند اشتیاق

اوْلِیآئِکَ فی مَسائِلِهِمْ، وَ رَهْبَتی مِثْلَ رَهْبَهِ اوْلِیائِکَ، وَاسْتَعْمِلْنی فی

دوستانت در خواسته هایشان، و ترسم را مانند ترس دوستانت قرار ده، و مرا به عملی که در

مَرْضاتِکَ عَمَلاً لااتْرُکُ مَعَهُ شَیْئاً مِنْ دینِکَ مَخافَهَ احَدٍ مِنْ خَلْقِکَ، اللَّهُمَ

مسیر خشنودیت قرار دارد وادار، که از ترس مخلوقاتت چیزی از دینت را ترک نکنم، خدایا

هذِهِ حاجَتی فَاعْظِمْ فیها رَغْبَتی وَ اظْهِرْ فیها عُذْری وَلَقِّنی فیها

این خواسته من است پس شوقم را در آن زیاد کن و (در صورت ترک آن) عذرم را ظاهر و دلیلم را به من بیاموز

حُجَّتی وَ عافِ فیها جَسَدی اللَّهُمَّ مَنْ اصْبَحَ لَهُ ثِقَهٌ اوْ رَجاءٌ غَیْرُکَ،

و در رسیدن به آن جسمم را عافیت بخش، خدایا اگر کسی صبح کند در حالی که تکیه گاه یا امیدی جز تو داشته باشد

فَقَدْ اصْبَحْتُ وَ انْتَ ثِقَتی وَ رَجائی فِی الْأُمُورِ کُلِّها، فَاقْضِ لی بِخَیْرِها

ولی من صبح می کنم در حالی که تکیه گاه و امیدم در همه کارها تویی پس به بهترین عاقبت بر من حکم کن

عاقِبَهً، وَ نَجِّنی مِنْ مُضِلّاتِ الْفِتَنِ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ،

و مرا از فتنه های گمراه کننده رهایی بخش، به لطف و رحمتت ای مهربان ترین مهربانان

وَصَلَّی اللَّهُ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفی وَعَلی آلِهِ الطَّاهِرینَ. (1)

و بر آقا و سرور ما محمّد فرستاده برگزیده خدا و بر خاندان پاکش درود فرست.

***

2- امام امیرمؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که هر غمدیده و محزون و گرفتار و خائفی این دعا را بخواند، خداوند برای او گشایشی فراهم سازد:

یا عِمادَ مَنْ لا عِمادَ لَهُ، وَ یا ذُخْرَ مَنْ لا ذُخْرَ لَهُ، وَیا سَنَدَ مَنْ لا سَنَدَ لَهُ،

ای تکیه گاه آن که تکیه گاهی ندارد و ای ذخیره آن که ذخیره ای ندارد و ای پشتیبان کسی که پشتیبانی ندارد

وَیا حِرْزَ مَنْ لا حِرْزَ لَهُ، وَیا غِیاثَ مَنْ لا غِیاثَ لَهُ، وَیا کَنْزَ مَنْ لا کَنْزَ

و ای نگهدار کسی که نگهداری ندارد، و ای فریادرس کسی که فریادرسی ندارد و ای گنج کسی که گنجی ندارد،

لَهُ، وَیا عِزَّ مَنْ لا عِزَّ لَهُ، یا کَریمَ الْعَفْوِ، یا حَسَنَ التَّجاوُزِ، یا عَوْنَ

ای عزّت بخش کسی که عزّت بخشی ندارد، ای در گذرنده بزرگوار، ای نیکو در گذرنده، ای یاور

الضُّعَفآءِ، یا کَنْزَ الْفُقَرآءِ، یا عَظیمَ الرَّجآءِ، یا مُنْقِذَ الْغَرْقی یا مُنْجِیَ

ناتوانان، ای گنج نیازمندان، ای امید بزرگ، ای نجات دهنده غریقان، ای رهایی بخش

1- [1755]صحیفه سجادیه، دعای 54.

الْهَلْکی یا مُحْسِنُ یا مُجْمِلُ، یا مُنْعِمُ یا مُفْضِلُ، انْتَ الَّذی سَجَدَ لَکَ

هلاک شوندگان، ای نیکوکار، ای زیبایی بخش، ای روزی ده، ای فزونی بخش، تویی که

سَوادُ اللَّیْلِ وَنُورُ النَّهارِ، وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعاعُ الشَّمْسِ، وَحَفیفُ الشَّجَرِ

سیاهی شب و روشنی روز و نور خورشید و ماه و همهمه برگ درختان

وَدَوِیُّ الْمآءِ، یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ، لا الهَ إِلَّاانْتَ، وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ، یا

و صدای جریان آب در برابرت سجده و خضوع کرده، ای خدا، ای خدا، ای خدا، معبودی جز تو نیست، یگانه ای که شریکی برایت نیست، ای

رَبَّاهُ یا اللَّهُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِنا ما انْتَ اهْلُهُ، وَنَجِّنا

پروردگار من ای خدا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و آنچه تو شایسته آنی در مورد ما انجام ده و ما را به عفوت

مِنَ النَّارِ بِعَفْوِکَ، وَادْخِلْنَا الْجَنَّهَ بِرَحْمَتِکَ، وَ زَوِّجْنا مِنَ الْحُورِ الْعِینِ

از آتش دوزخ رهایی بخش و به لطف و رحمتت در بهشت داخل کن، و به بخششت از حورالعین به همسری

بِجُودِکَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بی ما انْتَ اهْلُهُ، یا ارْحَمَ

ما درآور و بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و آنچه تو شایسته آنی در مورد من انجام ده، ای مهربان ترین

الرَّاحِمینَ، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.

مهربانان به یقین تو بر انجام هر چیز توانایی.

پس از خواندن دعا، حاجت خود را از خدا طلب کن که ان شاءاللَّه به اجابت می رسد.(1)

***

3- برای گشایش در کارها و رفع گرفتاری و غم، خواندن این ذکر و مواظبت بر آن، که امام جواد علیه السلام آن را تعلیم فرمود، نافع است:

یَا مَنْ یَکْفی مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ، وَلا یَکْفی مِنْهُ شَیْ ءٌ، اکْفِنی ما اهَمَّنی (2)

ای کسی که از هر چیز بی نیازی و چیزی از تو بی نیاز نیست، آنچه فکر مرا به خود مشغول داشته برآور.

***

4- از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است که هر کس را مشکلی، یا اندوهی، یا بلا و شدّتی پیش

1- [1756]بلدالامین، صفحه 332.
2- [1757]عدّه الدّاعی، صفحه 278 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 208، حدیث 39.

آید، بگوید: اللَّهُ رَبّی لا اشْرِکُ بِهِ شَیْئاً، تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذی لایَمُوتُ.(1)

***** خدا پروردگار من است که چیزی را برای او شریک قرار نمی دهم، بر آن زنده ای که (هرگز) نمیرد تکیه می کنم.

***

5- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که چون برادران یوسف آن حضرت را به چاه افکندند، جبرئیل نزد او آمد و گفت: در این جا چه می کنی؟ یوسف گفت: برادرانم مرا در این چاه افکندند و رفتند. جبرئیل گفت:

آیا دوست داری از این جا بیرون آیی؟ گفت: این وابسته به مشیّت خداوند است؛ اگر خواست مرا بیرون می آورد. جبرئیل گفت: خداوند می فرماید: این دعا را بخوان تا تو را رهایی بخشم؛ بگو:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِانَّ لَکَ الْحَمْدَ، لا الهَ الَّا انْتَ الْمَنَّانُ بَدیعُ السَّمواتِ

خدایا به حقّ این که حمد و سپاس مخصوص توست، معبودی جز تو نیست که روزی ده و پدیدآورنده آسمان

وَالْأَرْضِ، ذُوالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، انْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ

و زمینی و صاحب جلال و بزرگواری، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی و از

تَجْعَلَ لی مِمَّا ا نَا فیهِ فَرَجَاً وَ مَخْرَجَاً.(2)

مشکلی که من در آنم گشایش و راه خروجی برایم قرار دهی.

در نتیجه کاروانی آمد و آن گونه که قرآن نقل کرده، او را از چاه نجات داده و با خود به مصر بردند.

***

6- روایت شده که امام باقر علیه السلام در مشکلات چنین دعا می کرد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْلی وَارْحَمْنی وَزَکِّ عَمَلی

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و مرا بیامرز و به من رحم کن و عملم را پاکیزه گردان،

وَیَسِّرْ مُنْقَلَبی وَاهْدِ قَلْبی وَ آمِنْ خَوْفی وَ عافِنی فی عُمُری کُلِّهِ،

و بازگشتم را آسان کن و دلم را (به راه راست) هدایت کن و ترسم را ایمن گردان و در تمام عمر سلامتم بدار،

وَثَبِّتْ حُجَّتی وَ اغْفِرْ خَطایایَ، وَبَیِّضْ وَجْهی وَاعْصِمْنی فی دینی

و دلیلم را محکم گردان، و از اشتباهاتم در گذر و چهره ام را نورانی گردان، ودینم را حفظ کن

وَسَهِّلْ مَطْلَبی وَوَسِّعْ عَلَیَّ فی رِزْقی فَانّی ضَعیفٌ، وَ تَجاوَزْ عَنْ سَیِّئِ

و خواسته ام را آسان گردان، و روزیم را وسعت ده، چرا که من ناتوانم، و از بدی آنچه

ص :1131

1- [1758]عدّه الداعی صفحه 276 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 208، حدیث 39.
2- [1759]کافی، جلد 2، صفحه 556، حدیث 4.

ما عِنْدى بِحُسْنِ ما عِنْدَکَ، وَلاتَفْجَعْنى بِنَفْسى وَلاتَفْجَعْ لى حَميماً،

نزد من است به خوبى آنچه نزد توست درگذر، و مرا به نفسم و خويشاوندانم داغدار مكن،

وَهَبْ لى يا الهى لَحْظَةً مِنْ لَحَظاتِکَ، تَکْشِفُ بِها عَنّى جَميعَ ما بِهِ

و اى معبود من توجّهى از توجّهاتت را به من ببخش كه به واسطه آن تمامى گرفتاريهايم را برطرف كنى،

ابْتَلَيْتَنى وَ تَرُدُّ بِها عَلَىَّ ما هُوَ احْسَنُ عادَتِکَ عِنْدى فَقَدْ ضَعُفَتْ

و بهترين شيوه ات در نزد من را به من بازگردانى، چرا كه نيرويم سست

قُوَّتى وَقَلَّتْ حيلَتى وَانْقَطَعَ مِنْ خَلْقِکَ رَجآئى وَ لَمْ يَبْقَ الَّا رَجآؤُکَ،

و چاره ام كم شده واميدم از آفريدگانت قطع شده و جز اميد و

وَتَوَكُّلى عَلَيْکَ، وَ قُدْرَتُکَ عَلَىَّ يا رَبِّ انْ تَرْحَمَنى وَ تُعافِيَنى كَقُدْرَتِکَ

اعتماد به تو (چيزى برايم) باقى نمانده اى پروردگار من قدرتت بر رحم كردن و عافيت بخشيدن به من همانند قدرتت

عَلَىَّ انْ تُعَذِّبَنى وَ تَبْتَلِيَنى الهى ذِكْرُ عَوآئِدِکَ يُؤْنِسُنى وَ الرَّجآءُ

بر عذاب كردن و گرفتار كردن من است، اى معبود من ياد نعمتهايت با من انس گرفته و اميدم به

لِاِنْعامِکَ يُقَوّينى وَلَمْ اخْلُ مِنْ نِعَمِکَ مُنْذُ خَلَقْتَنى وَانْتَ رَبّى وَسَيّدِى

نعمتهايت مرا تقويت نموده و از زمانى كه مرا آفريدى از نعمتهايت دور نبودم و تو پروردگار و آقا و سرور من،

وَ مَفْزَعى وَ مَلْجَاى وَ الْحافِظُ لى وَالذَّابُّ عَنّى وَالرَّحيمُ بى وَالْمُتَكَفِّلُ

و پناهگاه و مأمن منى، و نگهدار مدافع و مهربان بر من و عهده دار

بِرِزْقی وَ فی قَضآئِکَ وَ قُدْرَتِکَ کُلّ ما ا نَا فیهِ، فَلّیَکُنْ یا سَیِّدی

روزی منی، و آنچه من در آنم در فرمان و قدرت توست، پس ای آقا و سرور

وَ مَوْلایَ، فیما قَضَیْتَ وَ قَدَّرْتَ وَ حَتَمْتَ، تَعْجیلُ خَلاصی مِمَّا انَا فیهِ

و مولای من پس در آنچه حکم کرده و مقرّر فرموده و حتمی نموده ای رهایی سریعم را از تمامی

جَمیعِهِ، وَالْعافِیَهُ لی فَانّی لا اجِدُ لِدَفْعِ ذلِکَ احَداً غَیْرَکَ، وَلا اعْتَمِدُ

مشکلاتی که من در آنم به همراه سلامتیم قرار ده چرا که برای دفع آن کسی را جز تو نمی یابم و بر کسی

فیهِ الَّا عَلَیْکَ، فَکُنْ یاذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ عِنْدَ احْسَنِ ظَنّی بِکَ، وَرَجآئی

جز تو تکیه نمی کنم، ای صاحب جلال و بزرگواری آن گونه که من به تو گمان نیکو و امید دارم با من رفتار کن،

لَکَ، وَارْحَمْ تَضَرُّعی وَاسْتِکانَتی وَ ضَعْفَ رُکْنی وَ امْنُنْ بِذلِکَ عَلَیَّ،

و بر التماس و بیچارگی و ناتوانی جسمیم رحم کن و به آن بر من و هر

وَعَلی کُلِّ داعٍ دَعاکَ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.(1)

آن که تو را می خواند منّت گذار ای مهربان ترین مهربانان و درود خدا بر محمّد و خاندان پاکش باد.

***

7- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: امام علی بن الحسین علیهما السلام می فرمود: هرگاه این دعا را بخوانم، باکی ندارم اگر جنّ وانس برای ضرر زدن به من جمع شوند. (کاری نخواهند کرد):

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَ مِنَ اللَّهِ وَ الَی اللَّهِ، وَ فی سَبیلِ اللَّهِ، وَ عَلی مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ،

به نام خدا و به یاریش و از او به سوی او و در راه خدا و بر دین رسول خدا

صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ الَیْکَ اسْلَمْتُ نَفْسی وَ الَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهی

- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- خدایا خود را به تو تسلیم کرده و به سوی تو روی نمودم،

وَ الَیْکَ الْجَاْتُ ظَهْری وَ الَیْکَ فَوَّضْتُ امْری اللَّهُمَّ احْفَظْنی بِحِفْظِ

و به تو دلگرم شده و کارم را به تو واگذار نمودم، خدایا مرا در پناه

الْإیمانِ مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ، وَ مِنْ خَلْفی وَعَنْ یَمینی وَ عَنْ شِمالی وَ مِنْ

ایمان از پیش رو و پشت سر و از جانب راست و چپ و از

فَوْقی وَ مِنْ تَحْتی وَ مِنْ قِبَلی وَادْفَعْ عَنّی بِحَوْلِکَ وَقُوَّتِکَ، فَانَّهُ لا حَوْلَ

بالا و پایین و از جانب خودم حفظ کن و به قدرت و نیرویت (حوادث تلخ را از من) دفع کن، چرا که پناهگاه

وَلاقُوَّهَ الَّا بِکَ.(2)

و نیرویی جز از سوی تو نیست.

***

8- در حدیثی از امام زین العابدین علیه السلام می خوانیم که به فرزندش فرمود: هرگاه مصیبتی به یکی از شما برسد، یا مشکلی پیش آید، وضوی کامل بگیرد و دو رکعت یا چهار رکعت (به دو سلام) نماز بگذارد و در پایان نماز بگوید:

یا مَوْضِعَ کُلِّ شَکْوی وَ یا سامِعَ کُلِّ نَجْوی وَ یا شاهِدَ کُلِّ مَلَأٍ

ای محلّ هر شکایت و ای شنوای هر سخن سرّی و ای حاضر در هر جمع

وَعالِمَ کُلِّ خَفِیَّهٍ، وَ یا دافِعَ ما یَشآءُ مِنْ بَلِیَّهٍ، یا خَلیلَ ابْراهیمَ، وَ یا نَجِیَ

و دانای هر پنهان و ای دور کننده بلاهایی که خود می خواهی، ای دوست ابراهیم، ای نجات دهنده

1- [1760]کافی، جلد 2، صفحه 558، حدیث 8.
2- [1761]همان مدرک، صفحه 559، حدیث 10.

مُوسی وَ یا مُصْطَفِیَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، ادْعُوکَ دُعآءَ مَنِ

موسی و ای برگزیننده محمّد- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- می خوانمت همانند کسی که

اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ، وَ قَلَّتْ حیلَتُهُ، وَ ضَعُفَتْ قُوَّتُهُ، دُعآءَ الْغَریبِ الْغَریقِ،

نیازش شدید و چاره اش کم و نیرویش ضعیف شده، مانند خواندن بی کس و گرفتار غرقاب شده و

الْمُضْطَرِّ الَّذی لایَجِدُ لِکَشْفِ ما هُوَ فیهِ الَّا انْتَ، یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.

درمانده ای که برای برطرف کردن گرفتاریش کسی را جز تو نمی یابد، ای مهربان ترین مهربانان.

هر کسی این دعا را بخواند، خداوند مشکل او را برطرف می کند(1) (ان شاءاللّه).

***

9- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: برای رفع غم و اندوه (و حلّ مشکل) غسل می کنی و دو رکعت نماز می گذاری و می گویی:

یا فارِجَ الْهَمِّ، وَ یا کاشِفَ الْغَمِّ، یا رَحْمنَ الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ وَ رَحیمَهُما،

ای گشاینده گرفتاری، و ای برطرف کننده اندوه، ای بخشنده و مهربان دنیا و آخرت،

فَرِّجْ هَمّی وَاکْشِفْ غَمّی یا اللَّهُ الْواحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذی لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ

گرفتاریم بگشا و اندوهم برطرف کن، ای خدای یگانه یکتا و بی نیاز که نزاد و

یُولَدْ، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً احَدٌ، اعْصِمْنی وَ طَهِّرْنی وَ اذْهَبْ بِبَلِیَّتی

زاییده نشد و برایش شبیه و مانندی نیست، مرا (از گناه) بازدار و پاکم کن و بلا را از من دور گردان.

و بخوان «آیهالکرسی» و سوره «قل اعوذ بربّ الفلق» و «قل اعوذ بربّ النّاس» را (و حلّ مشکل خود را از خدا بخواه).(2)

***

10- روایت شده است که برای رفع غم و اندوه (وحلّ مشکلات) به سجده می روی وصد مرتبه می گویی:

یا حَیُّ یا قَیُّومُ، یا لا الهَ الَّا انْتَ، بِرَحْمَتِکَ اسْتَغیثُ، فَاکْفِنی ما

ای زنده، ای پاینده، ای که جز تو معبودی نیست، از لطف و رحمتت کمک می طلبم، پس آنچه مرا به

اهَمَّنی وَ لا تَکِلْنی الی نَفْسی (3)

زحمت انداخته کفایت کن، و مرا به خودم وامگذار.

ص: 1134

1- [1762]کافی، جلد 2، صفحه 560، حدیث 15.
2- [1763]همان مدرک، صفحه 557، حدیث 6.
3- [1764]همان مدرک، صفحه 562، حدیث 20.

11- امام صادق علیه السلام به بعضی از اصحاب خود دعایی را برای رفع غم و اندوه و وحشت تعلیم فرمود؛ و آن دعا چنین است:

اعْدَدْتُ لِکُلِّ عَظیمَهٍ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَ لِکُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ الَّا

برای هر کار بزرگی کلمه «لا إله إلّااللّه» و برای هر گرفتاری و اندوه کلمه «لا حول ولا قوّه إلّا

بِاللَّهِ، مُحَمَّدٌ النُّورُ الْأَوَّلُ، وَ عَلِیٌّ النُّورُ الثَّانی وَ الْأَئِمَّهُ الْأَبْرارُ عُدَّهٌ لِلِقآءِ

باللّه» را مهیّا ساخته ام، محمّد نور اوّل و علی نور دوّم و امامان نیکوکار، ذخیره ای برای دیدار

اللَّهِ، وَ حِجابٌ مِنْ اعْدآءِ اللَّهِ، ذَلَّ کُلُّ شَیْ ءٍ لِعَظَمَهِ اللَّهِ، وَ اسْئَلُ اللَّهَ

خدا و مانعی در برابر دشمنان خدا هستند هر چیزی در برابر عظمت خدا خاضع است و از خداوند

عَزَّوَجَلَّ الْکِفایَهَ.(1)

بزرگ و بلند مرتبه کفایت کارم را خواهانم.

3- دعا برای رفع بیماری ها

خواندن دعا برای رفع بیماری ها- مخصوصاً دعاهای معصومین علیهم السلام- هرگاه از روی خلوص نیّت و ایمان انجام شود به یقین مؤثّر است؛ ولی این به آن معنا نیست که از مراجعه به طبیب و مصرف دارو خودداری کنیم، بلکه علاوه بر راه های معمول در میان عقلا، از دعا نیز کمک بگیریم.

با این اشاره، به سراغ دعاهایی می رویم که در منابع معتبر آمده است:

1- مرحوم «سیّدبن طاووس» در کتاب «مهج الدّعوات» روایتی از سلمان رحمه الله نقل کرده است که سلمان می گوید: حضرت فاطمه علیها السلام دعایی را از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به من آموخت که آن را در صبح و شام می خواند و فرمود: مداومت بر این دعا در درمان تب و عدم ابتلای به آن بسیار مؤثّر است و دعا این است:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، بِسْمِ اللّهِ النَّورِ، بِسْمِ اللّهِ نُورِ النَّورِ، بِسْمِ اللّهِ

به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خدای نورانی، به نام خداوند روشنایی بخش نور، به نام خداوندی

نُورٌ عَلی نُورٍ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذی هُوَ مُدَبِّرُ الْامُورِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذی خَلَقَ النُّورَ

که نورش فوق نورهاست به نام خداوندی که تدبیر کننده کارهاست، به نام خداوندی که روشنایی را

مِنَ النُّورِ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ، وَانْزَلَ النُّورَ عَلَی الطُّورِ،

از نور (خود) آفرید، حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که روشنایی را از نور (خود) آفرید، و روشنایی را بر کوه طور فرود آورد،

ص: 1135

1- [1765]بحارالانوار، جلد 91، صفحه 312.

فی کِتابٍ مَسْطُورٍ، فی رَقٍّ مَنْشُورٍ، بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ، عَلی نَبِیٍّ مَحْبُورٍ،

در کتابی که نوشته شده و در صفحه ای گسترده، به اندازه ای مشخص، بر پیامبری دانا.

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی هُوَ بِالْعِزِّ مَذْکُورٌ، وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ، وَعَلَی السَّرَّآءِ

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که به بزرگی یاد می شود و به بزرگی و افتخار شهره است و در هر حال خوشی

وَالضَّرَّآءِ مَشْکُورٌ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرینَ.(1)

و ناخوشی شایسته شکر است، و درود خدا بر آقا و سرور ما محمّد و خاندان پاکش باد.

***

2- همچنین آن بزرگوار، در همان کتاب از «سعید بن ابی الفتح قمّی» نقل کرده است که: من دچار بیماری سختی شدم، به گونه ای که طبیبان از درمان آن ناتوان شدند و گفتند، این بیماری را کسی غیر از خدا نمی تواند درمان کند. از این سخن ناامید کننده، دل شکسته و غمگین شدم. کتابی از کتاب های پدرم را برداشتم که چیزی از آن را مطالعه کنم؛ در پشت آن کتاب دیدم این جمله نوشته شده است: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس را مرضی باشد، بعد از نماز صبح، چهل بار بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، الْحَمُدللَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَکیلُ،

به نام خداوند بخشنده مهربان، حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است، خداوند ما را کافی و بهترین سرپرست است

تَبارَکَ اللَّهُ احْسَنُ الْخالِقینَ، وَلا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ.

بلند مرتبه است خداوندی که بهترین آفرینندگان است و پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند بلند مرتبه و با عظمت نیست.

و آنگاه دست خود را بر محلّ درد بمالد، از آن بیماری شفا یابد. صبر کردم تا صبح شد، فریضه را بجا آوردم و چهل بار این دعا را خواندم و بر محلّ درد دست کشیدم. در نتیجه خداوند متعال آن بیماری را شفا داد؛ من (ناباورانه) نشسته بودم و می ترسیدم که مبادا آن بیماری برگردد. تا سه روز به همین حال ماندم ولی بحمداللّٰه عود نکرد. بعد از آن، پدرم را از ماجرا باخبر ساختم، شکر خدا را بجا آورد و برای برخی از اطبّای معروف که مسلمان نبودند، نقل کرد؛ آن طبیب که از سابقه بیماری من خبر داشت، نزد من آمد و ملاحظه کرد، بیماری کاملاً برطرف شده است! همان جا مسلمان شد و کلمه شهادتین را بر زبان جاری ساخت.(2)

ص: 1136

1- [1766]مهج الدّعوات، صفحه 7.
2- [1767]همان مدرک، صفحه 77 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 64، حدیث 40.

3- مرحوم شیخ «کفعمی» در کتاب «مصباح» فرموده است: هرگاه بیمار شوی، به محلّ سجده خود، دست بمال و آن را هفت بار پس از نماز فریضه، بر موضع درد، بمال، و بگو:

یا مَنْ کَبَسَ الْأَرْضَ عَلَی الْماَءِ، وَ سَدَّ الْهَواَءَ بِالسَّماَءِ، وَاخْتارَ لِنَفْسِهِ

ای که زمین را روی آب قرار داد و آسمان را با هوا پوشاند، و بهترین نامها را

احْسَنَ الْأَسْماَءِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بی کَذا وَ کَذا (به برای خود برگزید بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و درباره من چنین و چنان کن**

جای آن، حاجت خود را بگوید) وَ ارْزُقْنی وَ عافِنی مِنْ کَذا وَ کَذا (نام بیماری را بگوید).(1)****************** و مرا روزی ده و از این (بیماری) و آن (بیماری) سلامتی بخش.************.

***

4- همان بزرگوار نیز نقل کرده است که هر کس، خواهان تندرستی و بهبودی از دردی است که گرفتار آن شده، در سجده دوم، از رکعت اوّلِ نماز شب، این دعا را بخواند:

یا عَلِیُّ یا عَظیمُ، یا رَحْمنُ یا رَحیمُ، یا سامِعَ الدَّعَواتِ، یا مُعْطِیَ

ای برتر و ای با عظمت، ای بخشنده، ای مهربان، ای شنونده درخواستها، ای عطاکننده

الْخَیْراتِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَاعْطِنی مِنْ خَیْرِ الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ ما

نیکیها، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و از خیر دنیا و آخرت آن گونه که

انْتَ اهْلُهُ، وَاصْرِفْ عَنّی مِنْ شَرِّ الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ ما انْتَ اهْلُهُ، وَ اذْهِبْ

تو شایسته آنی به من عطا کن، و از بدی دنیا و آخرت آن گونه که تو شایسته آنی مرا باز دار، و این درد

عَنّی هذَا الْوَجَعَ (و نام آن بیماری را ببرد) فَانَّهُ قَدْ غاظَنی وَ احْزَنَنی و اصرار کند و بیماری را از من دور کن****************** چرا که مرا به خشم آورده و اندوهگین ساخته است.*********.

در دعا، ان شاءاللّٰه تعالی، بهبودی می یابد.(2)

***

5- مرحوم کفعمی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که هنگام بیماری، در حالی که زیر آسمان قرار می گیری، دست ها را بلند کن و بگو:

1- [1768]مصباح کفعمی، صفحه 148.
2- [1769]همان مدرک و کافی، جلد 2، صفحه 259، حدیث 30(با اندکی تفاوت).

اللَّهُمَّ انَّکَ عَیَّرْتَ اقْواماً فی کِتابِکَ، فَقُلْتَ: قُلِ ادْعُوا الَّذینَ زَعَمْتُمْ مِنْ

خدایا براستی تو اقوامی را در قرآنت سرزنش نموده، و (به پیامبرت) گفتی: بگو کسانی را که غیر از خدا

دُونِهِ فَلا یَمْلِکُونَ کَشْفَ الضُّرِّ عَنْکُمْ وَلا تَحْویلًا. فَیا مَنْ لا یَمْلِکُ کَشْفَ

(معبود خود) می پندارید بخوانید آنها نه می توانند مشکلی را از شما بر طرف سازند و نه تغییری در آن ایجاد کنند. پس ای که جز او کسی نمی تواند

ضُرّی وَ لا تَحْویلَهُ عَنّی احَدٌ غَیْرُهُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَاکْشِفْ

مشکلی را از من برطرف کرده و نه تغییری در آن ایجاد کند، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و مشکلم

ضُرّی وَحَوِّلْهُ الی مَنْ یَدْعُو مَعَکَ الهاً آخَرَ، فَانّی اشْهَدُ انْ لا الهَ غَیْرُکَ.(1)

را برطرف کن و آن را بر کسی قرار ده که همراه تو معبود دیگری را می خواند، چرا که من گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست.

***

6- در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که هر فرد باایمانی، هر بیماری پیدا کند و بر موضع درد خود، دست بمالد و با خلوص نیّت بگوید:

وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفآءٌ وَ رَحْمَهٌ لِلْمُؤْمِنینَ، وَلا یَزیدُ الظّالِمینَ

و آنچه مایه شفا و رحمت است برای مؤمنان از قرآن نازل می کنیم و ستمکاران را

الّا خَساراً.

جز خسران (و زیان) نمی افزاید.

از آن درد عافیت یابد و مصداق این سخن در خود آیه آمده است که فرمود: «

شِفآءٌ وَ رَحْمَهٌ لِلْمُؤْمِنینَ

».(2)

***

7- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که دست بگذار بر موضع درد و سه مرتبه بگو:

اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبّی حَقّاً، لا اشْرِکُ بِهِ شَیْئاً، اللَّهُمَّ انْتَ لَها وَ لِکُلِّ عَظیمَهٍ،

خدا، خدا، خدا به حق پروردگار من است، چیزی را برای او شریک قرار نمی دهم، خدایا تویی برای (برطرف کردن) آن (درد) و هر گرفتاری،

فَفَرِّجْها عَنّی (3)

پس آن را از من برطرف کن.

1- [1770]مصباح کفعمی، صفحه 150 و عدّه الدّاعی، صفحه 272(با اندکی تفاوت).
2- [1771]بحارالانوار، جلد 92، صفحه 54، حدیث 18 و طبّ الائمّه، صفحه 28.
3- [1772]مصباح کفعمی، صفحه 151.

8- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که دست بر موضع درد بگذار و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ

، آنگاه دست بر آن بکش و هفت مرتبه بگو:

اعُوذُ بِعِزَّهِ اللَّهِ، وَاعُوذُ بِقُدْرَهِ اللَّهِ، وَاعُوذُ بِجَلالِ اللَّهِ، وَاعُوذُ بِعَظَمَهِ اللَّهِ،

به عزّت خدا پناه می برم، و به قدرت خدا پناه می برم، و به جلال خدا پناه می برم، و به عظمت خدا پناه می برم،

وَاعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ، وَاعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَالِهِ، وَاعُوذُ بِاسْمآءِ

و به تمامی (صفات) خدا پناه می برم، و به فرستاده خدا پناه می برم، درود خدا بر او و خاندانش باد، و به نامهای خدا پناه می برم

اللَّهِ، مِنْ شَرِّ ما احْذَرُ، وَمِنْ شَرِّ ما اخافُ عَلی نَفْسی (1)

از شرّ آنچه بیم دارم و از شر آنچه بر خود می ترسم.

***

9- مرحوم «سیّد بن طاووس» در کتاب «مهج الدّعوات» از «ابن عبّاس» روایت کرده است که گفت:

من نزد امیرمؤمنان علیه السلام نشسته بودم. شخصی از در، وارد شد که رنگش پریده بود؛ گفت: یا امیرمؤمنان! من همیشه بیمارم و دردهای بسیار دارم، پس دعایی به من بیاموز که با آن، بر بیماری هایم استعانت جویم. حضرت فرمود: دعایی به تو می آموزم که جبرئیل به رسول خدا صلی الله علیه و آله آموخت، در آن هنگام که حسن و حسین علیهما السلام بیمار بودند؛ و آن دعا چنین است:

الهی کُلَّما انْعَمْتَ عَلَیَّ نِعْمَهً قَلَّ لَکَ عِنْدَها شُکْری وَ کُلَّمَا ابْتَلَیْتَنی

خدایا هر زمانی که نعمتی به من عطا نمودی شکرم بر آن نعمت در برابرت اندک بوده است، و هر زمانی که مرا به گرفتاری

بِبَلِیَّهٍ قَلّ لَکَ عِنْدَها صَبْری فیا مَنْ قَلّ شُکّری عِنْدَ نِعَمِهِ فَلَمْ یَحْرِمْنی

امتحان کردی بردباریم بر آن گرفتاری در برابرت اندک بوده است، پس ای که با وجود کمی شکرم در برابر نعمتهایش مرا محروم نکرد،

وَ یا مَنْ قَلَّ صَبْری عِنْدَ بَلآئِهِ فَلَمْ یَخْذُلنی وَ یا مَنْ رَ انی عَلَی الْمَعاصی

و ای که با وجود کمی بردباریم در برابر گرفتاریش مرا خوار نگردانید، و ای که مرا در حال ارتکاب گناهان دیده

فَلَمْ یَفْضَحْنی وَ یا مَنْ رَ انی عَلَی الْخَطایا فَلَمْ یُعاقِبْنی عَلَیْها، صَلِ

و رسوایم نکرد، و ای که اشتباهاتم را دیده و بر آن مؤاخذه ام نکرد، بر

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لی ذَنْبی وَ اشْفِنی مِنْ مَرَضی انَّکَ عَلی

محمّد و خاندان پاکش درود فرست و گناهانم را بیامرز و بیماریم را شفا ده چرا که تو

ص: 1139

1- [1773]مصباح کفعمی، صفحه 151.

کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.

بر هر چیز توانایی.

ابن عبّاس می گوید: آن مرد را بعد از یک سال دیدم در حالی که رنگ صورتش گلگون شده بود و اظهار داشت، این دعا را برای هیچ دردی نخواندم، مگر آن که شفا یافتم.(1)

***

10- از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: امیرمؤمنان علی علیه السلام بیمار شده بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله به عیادت وی آمد و فرمود (برای شفای بیماری) این دعا را بخوان: اللّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ تَعْجیلَ

******************************** خدایا از تو سرعت در بهبودی

عافِیَتِکَ، وَصَبْراً عَلی بَلِیَّتِکَ، وَ خُرُوجاً الی رَحْمَتِکَ.(2)

و بردباری بر گرفتاری و رفتن به سوی رحمتت را خواهانم.

***

11- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: دست خود را بر موضع درد بگذار و سه مرتبه بگو:

اللّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظیمِ الَّذی نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمینُ، وَهُوَ

خدایا به حقّ قرآن با عظمت که روح الامین آن را فرود آورد و در

عِنْدَکَ فی امِّ الْکِتابِ عَلِیٌّ حَکیمٌ، انْ تَشْفِیَنی بِشِفائِکَ، وَ تُداوِیَنی

نزد تو در ام الکتاب اصلی والا و استوار است از تو می خواهم که به درمانت شفایم دهی و به دارویت

بِدَوائِکَ، وَتُعافِیَنی مِنْ بَلائِکَ.

درمانم کنی و از بلایت عافیتم بخشی.

و در پایان نیز بر محمّد و آل او، صلوات می فرستی.(3)

***

12- از «ابوحمزه» روایت شده است که گفت: دچار درد زانو شدم، خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و جریان را عرض کردم. امام علیه السلام فرمود: هرگاه نماز گزاردی، پس از آن بگو:

یا اجْوَدَ مَنْ اعْطی وَ یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ یا ارْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ، ارْحَمْ

ای بهترین بخشندگان و ای بهترین درخواست شدگان و ای رحم کننده ترین رحم کنندگان،

1- [1774]مهج الدّعوات، صفحه 8 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 63، حدیث 39.
2- [1775]کافی، جلد 2، صفحه 567، حدیث 16.
3- [1776]همان مدرک، صفحه 568، حدیث 18.

ضَعْفی وَ قِلَّهَ حیلَتی وَعافِنی مِنْ وَجَعی

بر ناتوانی و کمی چاره ام رحم کن و دردم را عافیت ده.

ابوحمزه می گوید: من این عمل را انجام دادم و از آن بیماری شفا یافتم. (1)

***

13- در «بحارالانوار» آمده است: «سیّد بن طاووس» این دعا را برای رفع بیماری ها نقل کرده و آورده است که ما آن را تجربه کردیم. فرمود: این دعا را در رقعه ای می نویسی (و با خود همراه می داری):

یا مَنِ اسْمُهُ دَوآءٌ، وَ ذِکْرُهُ شِفآءٌ، یا مَنْ یَجْعَلُ الشِّفاءَ فیما یَشاءُ مِنَ الْأَشْیاءِ،

ای که نامش دارو و یادش درمان است، ای که درمان را در هر چه که بخواهد قرار می دهد،

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مَحُمَّدٍ، وَاجْعَلْ شِفائی مِنْ هذَا الدَّاءِ فِی اسْمِکَ

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و شفایم را از این درد در این نامت قرار ده.

هذا* آنگاه ده مرتبه می نویسی: یااللَّهُ و ده مرتبه: یارَبِ و ده مرتبه: یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(2)

***************** ای خدا******* ای پروردگار من****** ای مهربانترین مهربانان.

4- دعا برای ادای دَیْن

1- از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که برای ادای دیون بگو:

اللَّهُمَّ ارْدُدْ الی جَمیعِ خَلْقِکَ مَظالِمَهُمُ الَّتی قِبَلی صَغیرَها وَ کَبیرَها فی

خدایا حقوق تمام مخلوقاتت را که از ناحیه من پایمال شده به آنها بازگردان، کوچک و بزرگ آن

یُسْرٍ مِنْکَ وَعافِیَهٍ، وَ مالَمْ تَبْلُغْهُ قُوَّتی وَ لَمْ تَسَعْهُ ذاتُ یَدی وَ لَمْ یَقْوَ

را در آسایش و سلامتی از جانب خودت، و آنچه را که توان و داراییم به آن نمی رسد و

عَلَیْهِ بَدَنی وَ یَقینی وَنَفْسی فَادِّهِ عَنّی مِنْ جَزیلِ ما عِنْدَکَ مِنْ فَضْلِکَ،

بدن و یقین و نفسم توان آن را ندارد آن را به لطف و کرمت از فضل فراوانی که نزد توست از جانب من ادا کن،

ثُمَّ لاتَخْلُفْ عَلَیَّ مِنْهُ شَیْئاً تَقْضیهِ مِنْ حَسَناتی یا ارْحَمَ الرَّاحِمِینَ،

و بعد از آن چیزی از اعمال نیکم را در برابر آن قرار مده، ای مهربان ترین مهربانان،

اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَ اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ

گواهی می دهم معبودی جز خداوند نیست یگانه است و همتایی ندارد و گواهی می دهم که محمّد بنده

ص: 1141

1- [1777]کافی، جلد 2، صفحه 568، حدیث 19.
2- [1778]بحارالانوار، جلد 92، صفحه 67، حدیث 48.

وَرَسُولُهُ، وَ انَّ الدّينَ كَما شَرَعَ، وَ انَّ الْإِسْلامَ كَما وَصَفَ، وَ انَّ الْكِتابَ

و فرستاده اوست، و براستی دین همان است که وضع نمود و اسلام همان گونه است که توصیف کرد و قرآن

كَما انْزَلَ، وَ انَّ الْقَوْلَ كَما حَدَّثَ، وَ انَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبينُ، ذَكَرَ اللَّهُ

همان گونه است که فرود آورد، و سخن همان است که نقل کرد و به یقین خداوند همان حق آشکار است، خداوند

مُحَمَّداً وَاهْلَ بَيْتِهِ بِخَيْرٍ، وَ حَيَّا مُحَمَّداً وَ اهْلَ بَيْتِهِ بِالسَّلامِ.(1)

محمّد و خاندانش را به نیکی یاد کرده و بر محمّد و خاندانش با سلام درود فرستاد.

2- در روایتی آمده است که شخصی نامه ای به محضر امام محمّدتقی علیه السلام نوشت و اظهار داشت که قرض بسیاری دارم (چه کنم؟). امام علیه السلام در پاسخ نوشت: زیاد استغفار کن و سوره «انّا انزلناه» را بسیار بخوان.(2)

5- دعا برای گشایش در کارها

تلاش و کوشش رمز پیروزی و موفّقیّت است و هرگز و در هیچ حال نباید از آن دست برداشت، امّا گاه گره هایی در کارها پیدا می شود که برای گشودن آنها جز این که انسان دست به دامان لطف خدا بزند راهی نیست. برای حلّ این مشکلات دعاهایی از معصومین علیهم السلام در منابع معتبر نقل شده که ان شاءاللّه کارگشاست؛ از جمله:

1- نوزده جمله است که سبب گشایش در کارها و بن بست هاست؛ این کلمات را رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام تعلیم داد، و جناب «شیخ صدوق» آن را در کتاب «خصال» آورده است:

يا عِمادَ مَنْ لاعِمادَ لَهُ، وَ يا ذُخْرَ مَنْ لاذُخْرَ لَهُ، وَ يا سَنَدَ مَنْ لاسَنَدَ لَهُ،

ای تکیه گاه آن که تکیه گاهی ندارد، و ای ذخیره آن که ذخیره ای ندارد، و ای پشتیبان آن که پشتیبانی ندارد،

وَیا حِرْزَ مَنْ لاحِرْزَ لَهُ، وَ یا غِیاثَ مَنْ لاغِیاثَ لَهُ، وَ یا کَریمَ الّعَفْوِ، وَ یا

و ای پناهگاه آن که پناهگاهی ندارد، و ای فریادرس آن که فریادرسی ندارد، و ای عفو کننده بزرگوار، و ای

حَسَنَ الْبَلاءِ، وَ یا عَظیمَ الرَّجاءِ، وَ یا عَوْنَ الضُّعَفاءِ، وَ یا مُنْقِذَ الْغَرْقی

نیکو امتحان، و ای امید بزرگ و ای یاور ناتوانان، و ای نجات دهنده غریقان

وَیا مُنْجِیَ الْهَلْکی یا مُحْسِنُ یا مُجْمِلُ، یا مُنْعِمُ یا مُفْضِلُ، انْتَ الَّذی

و محکومان به فنا، ای نیکوکار، ای زیبایی بخش ای روزیی ده، ای فزونی بخش، تویی که

ص: 1142

1- [1779]کافی، جلد 2، صفحه 555، حدیث 4.
2- [1780]همان مدرک، جلد 5، صفحه 316، حدیث 51.

سَجَدَ لَکَ سَوادُ اللَّیْلِ وَ نُورُ النَّهارِ، وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعاعُ الشَّمْسِ،

سیاهی شب و روشنایی روز و نور ماه و خورشید

وَدَوِیُّ الْماءِ وَحَفیفُ الشَّجَرِ، یااللَّهُ یااللَّهُ یا اللَّهُ، انْتَ وَحْدَکَ لاشَریکَ لَکَ.

و صدای جریان آب و همهمه برگ درختان در برابرت سجده کرد، ای خدا، ای خدا، ای خدا تویی یگانه ایی که شریکی برایت نیست.

آنگاه می گویی: «

اللَّهُمَّ افْعَلْ بی کَذا وَ کَذا؛

خدایا چنین کاری را برایم انجام ده». (به جای این کلمات حاجت خود را ذکر می کنی) پس از خواندن آن، ان شاءاللّه تعالی حاجت شما مستجاب می شود.(1) 2- این دعا نیز برای فَرَج و گشایش در کارها از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

اللَّهُمَّ انْ کانَتْ ذُنُوبی قَدْ اخْلَقَتْ وَجْهی عِنْدَکَ، فَانّی اتَوَجَّهُ الَیْکَ بِنَبِیِّکَ

خدایا اگر گناهانم مرا در نزد تو بی آبرو کرده، پس من به پیامبرت،

نَبِیِّ الرَّحْمَهِ، مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَ عَلِیٍّ وَ فاطِمَهَ، والْحَسَنِ

پیامبر رحمت، حضرت محمّد- که درود خدا بر او و خاندانش باد- و علی و فاطمه و حسن

وَالْحُسَیْنِ، وَالْأَئِمَّهِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ.(2)

و حسین و امامان دیگر- که بر ایشان درود باد- متوسّل می شوم.

6- دعا برای آرامش در برابر عوامل وحشت

1- در روایتی آمده است که شخصی به محضر امام صادق علیه السلام آمد و از وحشت (و ترس) شکایت کرد.

امام علیه السلام فرمود: دعایی به تو می آموزم که اگر آن را بخوانی، نه در شب و نه در روز وحشت نخواهی کرد:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، انَّهُ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ،

به نام خدا و به یاری خدا، بر خدا توکّل کردم، که هر که بر خدا توکّل کند خدا برایش کافی است،

انَّ اللَّهَ بالِغُ امْرِهِ، قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَیْ ءٍ قَدْراً، اللَّهُمَّ اجْعَلْنی فی كَنَفِكَ

به یقین خداوند کارش را به نتیجه می رساند و خدا برای هر چیز اندازه ای قرار داده است، خدایا مرا در حمایت

وَفی جِوارِكَ، وَاجْعَلْنی فی امانِكَ وَ فی مَنْعِكَ.(3)

و در جوار (رحمت) و امان و حفظ خود قرار ده.

ص: 1143

1- [1781]خصال، جلد 2، صفحه 510، حدیث 1 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 155، حدیث 3.
2- [1782]تفسیر قمی، جلد 1، صفحه 345 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 185، حدیث 5.
3- [1783]کافی، جلد 2، صفحه 568، حدیث 1.

2- برای رفع وحشت از تنهایی، «آیهالکرسی» را بخواند و پس از آن بگوید:

اللَّهُمَّ آنِسْ وَحْشَتی وَ آمِنْ رَوْعَتی وَ اعِنّی عَلی وَحْدَتی (1)

خدایا انیس دلتنگی ام باش و ترسم را ایمن گردان و در تنهایی یاورم باش.

3- روایت شده است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله این دعا را برای حفظ فرزندانش حسن و حسین علیهما السلام می خواند:

اعیذُ کُما بِکَلِماتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ، وَاسْمآئِهِ الْحُسْنی کُلِّها عآمَّةً، مِنْ شَرِّ

شما را به کلمات کامل خدا و تمامی نامهای نیکش می سپارم، از شرّ هر

السَّامَّهِ وَالْهامَّهِ، وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ عَیْنٍ لامَّهٍ، وَ مِنْ شَرِّ حاسِدٍ اذا حَسَدَ.

گزنده و خزنده و هر چشم بد و از شرّ هر حسودی هنگامی که حسد می ورزد (دور می دارم).

در همان روایت آمده است که حضرت ابراهیم علیه السلام نیز همین دعا را برای حفظ فرزندانش، اسماعیل و اسحاق علیهما السلام می خواند.(2) 4- روایت شده است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: یا علی! هرگاه احساس خطر کردی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، وَلا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ.

به نام خداوند بخشنده مهربان، و پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند بلند مرتبه و باعظمت نیست.

در این صورت، خداوند آن خطر و بلا را از تو دفع خواهد کرد.(3) 5- از امام محمّدباقر علیه السلام روایت شده است که چون امری پیش آید که از آن می ترسی، رو به سوی قبله کن و دو رکعت نماز بگذار و بگو:

یا ابْصَرَ النَّاظِرینَ، وَ یا اسْمَعَ السَّامِعینَ، وَ یا اسْرَعَ الْحاسِبینَ، وَ یا

ای بیناترین بینندگان و ای شنواترین شنوندگان و ای سریعترین حسابگران و ای

ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

مهربانترين مهربانان.

ص: 1144

1- [1784] كافى، جلد 2، صفحه 573، حديث 13.
2- [1785] همان مدرک، صفحه 569، حديث 3.
3- [1786] همان مدرک، صفحه 573، حديث 14.

این کلمات را هفتاد مرتبه بگو و در هر مرتبه که آن را گفتی حاجت خود را نیز با آن ذکر کن.(1)

7- دعا برای ایمنی از شرّ ستمگران و دشمنان و حوادث سخت

1- مرحوم شیخ «کفعمی» در کتاب «مصباح» دعایی را ذکر کرده و گفته است: «سیّد بن طاووس» این دعا را برای ایمنی از ستمِ حاکم ستمگر و ایمنی از بلا و سلطه دشمن و خوف از فقر و غم واندوه شدید، ذکر کرده است و این دعا، از دعاهای «صحیفه سجّادیّه» است. بنابراین هرگاه از اموری که ذکر شد، بیم داشتی، این دعا را بخوان:

یا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَکارِهِ، وَیا مَنْ یُفْثَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدآئِدِ، وَیا مَنْ یُلْتَمَسُ

ای که گره های مشکلات به واسطه او گشوده می شود، و ای که نهایت سختیها به واسطه او فرو نشیند و ای که راه رسیدن

مِنْهُ الْمَخْرَجُ الی رَوْحِ الْفَرَجِ، ذَلَّتْ لِقُدْرَتِکَ الصِّعابُ، وَتَسَبَّبَتْ بِلُطْفِکَ

به گشایش از او خواسته می شود، سختیها در برابر قدرتت آسان شده و اسباب به لطف

الْأَسْبابُ، وَجَری بِقُدْرَتِکَ الْقَضآءُ، وَمَضَتْ عَلی ارادَتِکَ الْأَشْیآءُ، فَهِیَ

و کرمت مهیّا گشته و قضا به قدرت تو جریان یافته و همه امور به اراده ات گذر کرده، و همه چیز به

بِمَشِیَّتِکَ دُونَ قَوْلِکَ مُؤْتَمِرَةٌ، وَ بِإِرادَتِکَ دُونَ نَهْیِکَ مُنْزَجِرَةٌ، انْتَ

خواست تو بی آنکه چیزی بگویی فرمانبردار است و به اراده تو بی آنکه بازداری باز ایستد، تویی

الْمَدْعُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ، وَ انْتَ الْمَفْزَعُ فِی الْمُلِمَّاتِ، لا یَنْدَفِعُ مِنْها الَّا ما

که برای امور مهم خوانده شوی، و تویی پناهگاه در مصیبتها جز آنچه از این امور که تو دور کنی،

دَفَعْتَ، وَلا یَنْکَشِفُ مِنْها الَّا ما کَشَفْتَ، وَقَدْ نَزَلَ بی یارَبِّ ماقَدْ

دور نشود، و جز آنچه تو برطرف کنی برطرف نشود، و ای پروردگار من، چیزی که

تَکَأَّدَنی ثِقْلُهُ، وَالَمَّ بی ما قَدْ بَهَظَنی حَمْلُهُ، وَبِقُدْرَتِکَ اوْرَدْتَهُ عَلَیَّ،

سنگینی آن مرا به زحمت انداخته بر من فرود آمده، و چیزی که حملش سنگین است بر من وارد شده و تو با قدرتت آن را بر من وارد نمودی

وَبِسُلْطانِکَ وَجَّهْتَهُ الَیَّ، فَلا مُصْدِرَ لِما اوْرَدْتَ، وَلا صارِفَ لِما وَجَّهْتَ،

و با سلطه ات آن را متوجّه من ساختی؛ پس بازگرداننده ای برای آنچه تو وارد کرده ای و بازدارنده ای برای آنچه تو متوجّه ساخته ای

وَلا فاتِحَ لِما اغْلَقْتَ، وَلا مُغْلِقَ لِما فَتَحْتَ، وَلا مُیَسِّرَ لِما عَسَّرْتَ، وَلا

و گشاینده ای برای آنچه تو بسته ای وجود ندارد و آنچه تو گشوده ای کس نبندد و آنچه تو دشوار ساخته ای کس آسانش نکند و آن که

ص: 1145

1- [1787]کافی، جلد 2، صفحه 556، حدیث 1.

ناصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْتَحْ لی یا رَبِّ بابَ الْفَرَجِ

تو رسوایش کنی کس یاریش نکند، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ای پروردگار من به قدرتت باب آسایش را

بِطَوْلِکَ، وَاکْسِرْ عَنّی سُلْطانَ الْهَمِّ بِحَوْلِکَ، وَانِلْنی حُسْنَ النَّظَرِ فیما

به رویم بگشا و سلطه غم و اندوه را به نیرویت بشکن و مرا به حسن ظنم در آنچه

شَکَوْتُ، وَاذِقْنی حَلاوَةَ الصُّنْعِ فیما سَأَلْتُ، وَهَبْ لی مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً

شکایت نمودم برسان، و شیرینی احسانت را در آنچه از تو خواستم به من بچشان، و از جانب خودت رحمت

وَفَرَجاً هَنیئاً، وَاجْعَلْ لی مِنْ عِنْدِکَ مَخْرَجاً وَحِیّاً، وَلا تَشْغَلْنی

و گشایشی گوارا به من عطا فرما، و راه خلاصی سریع از جانب خود برایم قرار ده، و مرا به

بِالْإِهتمامِ عَنْ تَعاهُدِ فُرُوضِکَ، وَاسْتِعْمالِ سُنَّتِکَ، فَقَدْ ضِقْتُ لِما نَزَلَ بی

انحراف از انجام واجبات و انحراف از عمل به سنّتت مشغول مدار،

یا رَبِّ ذَرْعاً، وَامْتَلَأْتُ بِحَمْلِ ما حَدَثَ عَلیَّ هَمّاً، وَانْتَ الْقادِرُ عَلی

ای پروردگار من به خاطر آنچه بر سرم آمده درمانده ام و به خاطر تحمّل آنچه بر من واقع شده، از اندوه پر شده ام، و تویی که تواناییِ

کَشْفِ ما مُنیتُ بِهِ، وَدَفْعِ ما وَقَعْتُ فیهِ، فَافْعَلْ بی ذلِکَ وَانْ لَمْ اسْتَوْجِبْهُ

برطرف کردن گرفتاریم و آنچه در آن واقع شده ام را داری پس برایم چنان کن، اگر چه شایسته آن از جانب تو نیستم،

مِنْکَ، یا ذَا الْعَرْشِ الْعَظیمِ، وَذَا الْمَنِّ الْکَریمِ، فَانْتَ قادِرٌ یا ارْحَمَ

ای صاحب عرش عظیم، و صاحب نعمت بزرگوارانه، تویی توانا، ای مهربان ترین

الرَّاحِمینَ، آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ.(1)

مهربانان، دعایم را به اجابت رسان ای پروردگار جهانیان.

***

2- برای دفع اندوه و ترس از ظلم زمامداران این دعای اهل بیت علیهم السلام را، (که از امام باقر علیه السلام نقل شده است) بخوانید:

یا کائِناً قَبْلَ کُلِّ شَیْ ءٍ، وَ یا مُکَوِّنَ کُلِّ شَیْ ءٍ، وَ یا باقی بَعْدَ کُلِّ شَیْ ءٍ،

ای که قبل از هر چیز بوده ای و ای به وجودآورنده هر چیز، و ای که بعد از هر چیز هستی،

ص: 1146

1- [1788]مصباح کفعمی، صفحه 233 و صحیفه سجادیه، دعای 7(با اندکی تفاوت).

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ افْعَلْ بی کَذا وَ کَذا.

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و با من چنین و چنان کن.

(به جای کذا و کذا، حاجت خود را ذکر می کنی).(1)

***

3- مرحوم «ابن فهد حلّی» روایت کرده است که روزی به جناب «ابودرداء» (از اصحاب رسول خدا) خبر دادند که خانه ات سوخته است. در پاسخ گفت: نسوخته است! دیگری آمد همین خبر را داد، وی نیز اظهار داشت نسوخته است! تا سه مرتبه این جریان تکرار شد، و هر بار «ابودرداء» با قاطعیّت می گفت:

خانه ام نسوخته است. بعداً معلوم شد که همه خانه های اطراف سوخته است ولی خانه او نسوخته است. به او گفتند: تو چگونه فهمیدی خانه ات نسوخته است (با آن که خانه های اطراف همه سوخته بود) گفت: زیرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که هر کس در وقت صبح این دعا را بخواند، در آن روز به وی بدی (و گزندی) نخواهد رسید، و اگر در شب آن را بخواند در آن شب به او بدی و مشکلی نمی رسد، و من آن دعا را در آن روز خوانده بودم، آن دعا چنین است:

اللَّهُمَّ انْتَ رَبّی لا الهَ الَّا انْتَ، عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ، وَ انْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ،

خدایا تویی پروردگار من، معبودی جز تو نیست، بر تو توکّل نمودم و تویی پروردگار عرش با عظمت

وَ لا حَوْلَ وَلاقُوَّهَ الَّابِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ، ما شاءَ اللَّهُ کانَ، وَ مالَمْ یَشَأْ لَمْ

و پناهگاه و نیرویی جز از سوی خداوند بلندمرتبه و باعظمت نیست، آنچه خدا بخواهد خواهد شد و آنچه نخواهد نشود،

یَکُنْ، اعْلَمُ انَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، وَ انَّ اللَّهَ قَدْ احاطَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ

می دانم که خدا بر هر چیز تواناست و علمش بر تمام اشیا احاطه دارد،

عِلْماً، اللَّهُمَّ انّی اعُوذُبِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسی [وَمِنْ شَرِّ قَضاءِ السُّوءِ، وَ مِنْ شَرِّ

خدایا از شرّ نفسم به تو پناه می برم [همچنین از شرّ سرنوشت بد و از شرّ

کُلِّ ذی شَرٍّ، وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ ، وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دابَّهٍ انْتَ آخِذٌ

هر صاحب شرّی از جن و انس و از شرّ هر جنبنده ای که بر آن مسلّطی، به تو پناه می برم،

بِناصِیَتِها، انَّ رَبّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ.(2)

چرا که پروردگار من بر راه راست است.

ص: 1147

1- [1789]کافی، جلد 2، صفحه 560، حدیث 13.
2- [1790]عدّه الداعی، صفحه 271 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 297(با مقداری تفاوت).

8- دعا برای خلاصی از زندان

1- مرحوم «سیّد بن طاووس» در کتاب «مهج الدعوات» نقل کرده است که: روایت شده است، شخصی مدّت زیادی در شام محبوس بود، تا این که شبی حضرت زهرا علیها السلام را در خواب دید که به او فرمود:

این دعا را بخوان، آن شخص نیز آن دعا را فرا گرفت و خواند، به زودی از زندان آزاد شد؛ دعا، این است:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَمَنْ عَلاهُ، وَبِحَقِّ الْوَحْیِ وَمَنْ اوْحاهُ، وَبِحَقِّ النَّبِیِ

خدایا به حقّ عرش و آن کس که مافوق آن است و به حقّ وحی و آنکه آن را فرو فرستاده و به حقّ پیامبر

وَمَنْ نَبَّأَهُ، وَبِحَقِّ الْبَیْتِ وَمَنْ بَناهُ، یا سامِعَ کُلِّ صَوْتٍ، یا جامِعَ کُلِّ فَوْتٍ،

و آنکه او را به نبوّت برگزیده و به حق خانه خدا و آنکه آن را بنا نموده، ای شنوای هر صدا و ای گردآورنده از دست رفته ها،

یا بارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ واهْلِ بَیْتِهِ، وآتِنا وَجَمیعَ

ای زنده کننده انسانها بعد از مرگ، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و به ما

الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ فی مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها، فَرَجاً مِنْ عِنْدِکَ

و همه مردان و زنان با ایمان در شرق و غرب زمین گشایشی سریع از جانب خود عطا فرما،

عاجِلًا، بِشَهادَهِ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وانَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ، صَلَّی

به حق گواهی بر این که معبودی جز خدا نیست و اینکه محمّد بنده و فرستاده توست، که

اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَ عَلی ذُرِّیَّتِهِ الطَّیِّبینَ الطَّاهِرِینَ، وَ سَلَّمَ تَسْلیماً کَثیراً.(1)

درود خدا بر او و خاندانش و بر نسل پاک و پاکیزه اش و سلام کامل فراوان بر ایشان باد.

2- امام موسی بن جعفر علیه السلام برای رهایی از زندان هارون، چهار رکعت نماز گزارد آنگاه این دعا را خواند:

یا سَیِّدی نَجِّنی مِنْ حَبْسِ هارُونَ، وَخَلِّصْنی مِنْ یَدِهِ، یا مُخَلِّصَ

ای آقا و سرورم مرا از زندان هارون رهایی بخش، و از دست او نجاتم ده، ای رهایی بخش

الشَّجَرِ مِنْ بَیْنِ رَمْلٍ وَ طینٍ وَ مآءٍ، وَ یا مُخَلِّصَ اللَّبَنِ مِنْ بَیْنِ فَرْثٍ

درخت از میان شن و گل و آب، و ای رهایی بخش شیر از میان فضولات

وَدَمٍ، وَیا مُخَلِّصَ الْوَلَدِ مِنْ بَیْنِ مَشیمَهٍ وَرَحِمٍ، وَیا مُخَلِّصَ النَّارِ مِنْ بَیْنِ

و خون، و ای رهایی بخش بچّه از میان جفت و رحم، و ای رهایی بخش آتش از میان

1- [1791]مهج الدّعوات، صفحه 142 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 203، حدیث 36.

الْحَدیدِ وَ الْحَجَرِ، وَ یا مُخَلِّصَ الرُّوحِ مِنْ بَیْنَ الْأَحْشآءِ وَالْأَمْعآءِ،

آهن و سنگ، و ای رهایی بخش روح از میان اعضای داخلی بدن،

خَلِّصْنی مِنْ یَدَیْ هارُونَ.

مرا از دست هارون نجات ده.

وقتی که امام علیه السلام در زندان هارون بود و این دعا را خواند، هارون خواب وحشتناکی دید و ترسید؛ از این رو، دستور داد، تا آن حضرت را با احترام و اکرام از زندان آزاد سازند.(1) (و این آخرین زندان آن حضرت که منتهی به شهادت شد، نبود).

9- دعا برای توسعه در رزق

در روایات آمده است کسانی که در خانه بنشینند و دعا برای فزونی روزی کنند، هرگز دعای آنها مستجاب نمی شود و به آنها گفته می شود چرا تلاش نمی کنید(2)، ولی اگر همراه تلاش برای معاش، این دعاها را بخوانند و از لطف خدا استمداد کنند، بسیار مؤثّر است:

1- معاویه بن عمّار می گوید: از امام صادق علیه السلام خواستم که دعایی برای جلب رزق و روزی، به من بیاموزد. آن حضرت این دعا را به من آموخت و من چیزی را برای زیاد شدن روزی بهتر از این دعا ندیدم.

به من فرمود، بگو:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنی مِنْ فَضْلِکَ الْواسِعِ الْحَلالِ الطَّیِّبِ، رِزْقاً واسِعاً حَلالاً

خدایا از لطف و کرم گسترده، حلال و پاکیزه ات، روزی گسترده حلال

طَیِّباً، بَلاغاً لِلدُّنْیا وَالْأخِرَهِ، صَبّاً صَبّاً هَنیئاً مَریئاً، مِنْ غَیْرِ کَدٍّ وَلا مَنٍّ مِنْ

و پاکیزه نصیبم کن، که برای دنیا و آخرتم کافی باشد، فراوانِ فراوان و گوارا، بدون زحمت و بدون منّت از

احَدٍ مِنْ خَلْقِکَ، الَّا سَعَهً مِنْ فَضْلِکَ الْواسِعِ، فَانَّکَ قُلْتَ: وَاسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ

هر یک از مخلوقاتت و فقط از گستردگی لطف و کرم گسترده ات (عطایم کن) چرا که فرمودی: از لطف و کرم خدا بخواهید،

فَضْلِهِ. فَمِنْ فَضْلِکَ اسْئَلُ، وَمِنْ عَطِیَّتِکَ اسْئَلُ، وَمِنْ یَدِکَ الْمَلْأَی اسْئَلُ.(3)

پس از لطف و کرم و بخششها و دستان لبریز (از نعمتت) خواهانم.

1- [1792]عیون اخبار الرضا، جلد 1، صفحه 93، حدیث 13 و بحارالانوار، جلد 48، صفحه 219، حدیث 20.
2- [1793]وسائل الشیعه، جلد 4، صفحه 1159، حدیث 3.
3- [1794]کافی، جلد 2، صفحه 550، حدیث 1.

2- از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله این دعا برای طلب روزی روایت شده است:

یا رازِقَ الْمُقِلّینَ، وَ یا راحِمَ الْمَساکینَ، وَ یا وَلِیَّ الْمُؤْمِنینَ، وَ یا ذَا الْقُوَّهِ

ای روزی ده فقیران، و ای رحم کننده نیازمندان، و ای سرپرست مؤمنان و ای صاحب قدرت

الْمَتینَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَیْتِهِ، وَارْزُقْنی وَعافِنی وَاکْفِنی ماهَمَّنی (1)

استوار، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و مرا روزی ده و عافیت بخش، و آنچه مرا به زحمت انداخته کفایت کن.

***

3- از امام محمّدباقر علیه السلام روایت شده است که آن حضرت به یکی از یاران خود فرمود: برای طلب روزی در سجده نماز فریضه بگو:

یا خَیْرَ الْمَسْئُولینَ، وَ یا خَیْرَ الْمُعْطینَ، ارْزُقْنی وَارْزُقْ عِیالی مِنْ

ای بهترین درخواست شدگان، و ای بهترین عطاکنندگان، مرا و خانواده ام را از

فَضْلِکَ الْواسِعِ، فَاِنَّکَ ذُوالْفَضْلِ الْعَظیمِ.(2)

لطف و کرم وسیعت روزی ده که تو صاحب لطف و کرم عظیمی.

***

4- از «ابوبصیر» (یکی از یاران بزرگوار امام صادق علیه السلام) نقل شده است که از تنگی معیشت به خدمت امام صادق علیه السلام شکایت کردم و از آن حضرت برای رزق، دعایی را خواستم. امام علیه السلام این دعا را به من تعلیم داد و از زمانی که آن را خواندم، نیازمند و محتاج نشدم. آن حضرت به من فرمود: در سجده نماز شب بگو:

یا خَیْرَ مَدْعُوٍّ، وَ یا خَیْرَ مَسْئُولٍ، وَ یا اوْسَعَ مَنْ اعْطی وَ یا خَیْرَ

ای بهترین خوانده شده و ای بهترین درخواست شده، ای صاحب گسترده ترین عطا و ای بهترین

مُرْتَجیً، ارْزُقْنی وَاوسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ، وَ سَبِّبْ لی رِزْقاً مِنْ قِبَلِکَ،

مایه امید، روزیم ده و رزق وسیع نصیبم کن و روزیم را از جانب خود چاره سازی کن که

انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.(3)

تو بر هر چیز توانایی.

ص: 1150

1- [1795]کافی، جلد 2، صفحه 552، حدیث 7.
2- [1796]همان مدرک، صفحه 551، حدیث 4 و مصباح کفعمی، صفحه 170.
3- [1797]کافی، جلد 2، صفحه 551، حدیث 5.

مرحوم «شیخ طوسی» این دعا را در سجده آخرِ رکعت هشتم نافله شب نقل کرده است.(1)

***

5- همچنین «ابوبصیر» این دعا را برای طلب روزی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. آن حضرت فرمود: این دعای امام علیّ بن الحسین، زین العابدین علیه السلام است که خدا را با آن می خواند:

اللَّهُمَّ انّی اسْئَلُکَ حُسْنَ الْمَعیشَهِ، مَعیشَهً اتَقَوّی بِها عَلی جَمیعِ

خدایا از تو زندگانی نیکو می خواهم، زندگانیی که به واسطه آن بر (بدست آوردن) تمام

حَوآئِجی وَ اتَوَصَّلُ بِها فِی الْحَیاهِ الی آخِرَتی مِنْ غَیْرِ انْ تُتْرِفَنی فیها

خواسته هایم نیرو گیرم، و به واسطه آن در زندگی دنیا به آخرتم برسم، نه آنگونه توانگرم کنی که

فَاطْغی اوْ تَقْتُرَ بِها عَلَیَّ فَاشْقی اوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ حَلالِ رِزْقِکَ، وَ افْضِلْ

طغیان کنم و نه آنچنان سخت گیری که بیچاره شوم. از روزی حلالت بر من وسعت ده واز لطف و

عَلَیَّ مِنْ سَیْبِ فَضْلِکَ، نِعْمَهً مِنْکَ سابِغَهً، وَعَطآءً غَیْرَ مَمْنُونٍ، ثُمَ

کرم فراوانت بر من فزونی بخش، نعمت فراوان و بخششی بی منّت از جانب خود نصیبم کن، سپس

لاتَشْغَلْنی عَنْ شُکْرِ نِعْمَتِکَ بِاکْثارٍ مِنْها تُلْهینی بَهْجَتُهُ، وَتَفْتِنّی زَهَراتُ

مرا به جای شکر نعمتت به افزون سازی نعمت مشغول مکن که شادیش مرا غافل کند، و زیبایی درخشندگیش

زَهْوَتِهِ، وَلا بِاقْلالٍ عَلَیَّ مِنْها یَقْصُرُ بِعَمَلی کَدُّهُ، وَ یَمْلَأُ صَدْری هَمُّهُ،

مرا بفریبد، و نه مرا به کاستن آن نعمتها دچار کن که زحمت و مشقّت آن تلاشم را کم کرده و سینه ام را از

اعْطِنی مِنْ ذلِکَ یا الهی غِنیً عَنْ شِرارِ خَلْقِکَ، وَ بَلاغاً انالُ بِهِ

اندوه آن پر کند ای معبود من از نعمتهایت به اندازه بی نیازیم از مخلوقات بدکارت به من عطا فرما، و مرا به واسطه آن به

رِضْوانَکَ، وَ اعُوذُ بِکَ یا الهی مِنْ شَرِّ الدُّنْیا وَ شَرِّ ما فیها، وَ لاتَجْعَلِ

خشنودیت برسان، و ای معبود من از شرّ دنیا و آنچه در آن است به تو پناه می برم و

الدُّنْیا عَلَیَّ سِجْناً، وَلافِراقَها عَلَیَّ حُزْناً، اخْرِجْنی مِنْ فِتْنَتِها مَرْضِیّاً

دنیا را برای من زندان و جدایی از آن را غم و اندوه قرار مده و مرا از فتنه های آن در حالی که از من خشنودی و کردارم

عَنّی مَقْبُولاً فیها عَمَلی الی دارِ الْحَیَوانِ، وَ مَساکِنِ الْأَخْیارِ، وَ ابْدِلْنی

مورد قبول واقع شده به سوی آخرت و جایگاه نیکوکاران ببر، و به جای

1- [1798]مصباح المتهجّد، صفحه 147.

بِالدُّنْيَا الْفانِيَهِ، نَعیمَ الدَّارِ الْباقِیَهِ، اللَّهُمَّ انّی اعُوذُ بِکَ مِنْ ازْلِها وَزِلْزالِها،

دنیای فانی، نعمت های سرای باقی را عطایم کن، خدایا از سختی و لرزشهای دنیا

وَ مِنْ سَطَواتِ شَیاطینِها، وَ سَلاطینِها وَ نَکالِها، وَ مِنْ بَغْیِ مَنْ بَغی عَلَیَ

و از هجوم شیطانها و پادشاهان آن وشکنجه های آن و از ستم آن که بر من ستم کند به تو پناه می برم

فیها، اللَّهُمَّ مَنْ کادَنی فَکِدْهُ، وَ مَنْ ارادَنی فَارِدْهُ، وَ فُلَّ عَنّی حَدَّ مَنْ

خدایا آن که با من مکر کند به تدبیر خویش دچارش کن، و آن که مرا (به بدی) قصد کند تو نیز با او چنان کن، و سلاح کسی را که

نَصَبَ لی حَدَّهُ، وَاطْفِ عَنّی نارَ مَنْ شَبَّ لی وَقُودَهُ، وَاکْفِنی مَکْرَ

سلاحش را برای من تیز کرده بشکن و آتش آنکه شعله هایش را بر من افروخته خاموش کن، و مکر

الْمَکَرَهِ، وَ افْقَأْ عَنّی عُیُونَ الْکَفَرَهِ، وَاکْفِنی هَمَّ مَنْ ادْخَلَ عَلَیَّ هَمَّهُ،

مکّاران را از من برطرف ساز، و دمار از روزگار کافران درآور و غم واندوه آن که اندوهش را به دلم انداخته برطرف کن،

وَادْفَعْ عَنّی شَرَّ الْحَسَدَهِ، وَاعْصِمْنی مِنْ ذلِکَ بِالسَّکینَهِ، وَالْبِسْنی

و شرّ حسودان را از من دفع کن، و مرا از این امور با آرامش محفوظ دار و زره محکمت را

دِرْعَکَ الْحَصینَهَ، وَاخْبَأْنی فی سِتْرِکَ الْواقی وَ اصْلِحْ لی حالی

به من بپوشان و در پوشش نگهدارنده ات مرا پنهان کن و حالم را اصلاح کن

وَصَدِّقْ قَوْلی بِفِعالی وَ بارِکْ لی فی اهْلی وَمالی [(1)]

و گفتارم را با کردارم هماهنگ ساز و به خانواده و اموالم برکت ده.

یادآوری: برای طلب روزی، نمازهایی در بخش «نمازهای مستحب» گذشت (علاقه مندان به آن بخش مراجعه فرمایند). بار دیگر یادآوری می کنیم که هرگز نباید توسّل به این دعاها به معنای عدم تلاش و کوشش، و سستی و تنبلی تفسیر شود؛ چرا که در حدیث داریم دعای این گونه افراد مستجاب نمی شود.

10- دعا برای طلب باران و رفع خشکسالی

(از صحیفه سجادیه)

اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَکَ بِغَيْثِکَ الْمُغْدِقِ، مِنَ السَّحابِ

خدایا ما را از باران (رحمتت) سیراب گردان، و رحمت خود را به همراه باران فراوان از ابری

1- [1799]کافی، جلد 2، صفحه 553، حدیث 13.

الْمُنْساقِ لِنَباتِ ارْضِکَ الْمُونِقِ فی جَمیعِ الْافاقِ، وَ امْنُنْ عَلی عِبادِکَ

که برای رویش زمین زیبایت در همه مناطق به حرکت درآمده بر ما بگستران، و بر بندگانت با

بِایناعِ الثَّمَرَهِ، وَ احْیِ بِلادَکَ بِبُلُوغِ الزَّهَرَهِ، وَ اشْهِدْ مَلآئِکَتَکَ الْکِرامَ

رسیدن میوه ها منّت گذار، و شهرهایت را با شکفتن گلها زنده گردان، و فرشتگان آن فرستادگان بزرگوارت

السَّفَرَهَ بِسَقْیٍ مِنْکَ، نافِعٍ دائِمٍ، غُزْرُهُ واسِعٍ، دِرَرُهُ وابِلٍ، سَریعٍ

را فرمان ده تا از جانب تو باران سودمند و پیوسته، فراوان و گسترده، پربار و تند

عاجِلٍ، تُحْیی بِهِ ما قَدْ ماتَ، وَ تَرُدُّ بِهِ ما قَدْ فاتَ، وَ تُخْرِجُ بِهِ ما هُوَ

و سریع بیاورند، که زمین مرده را زنده و آنچه را از دست رفته بازگردانی و آنچه روییدنی است برویانی،

اتٍ، وَتُوَسِّعُ بِهِ فِی الْأَقْواتِ، سَحاباً مُتَراکِماً، هَنیئاً مَریئاً طَبَقاً مُجَلْجَلاً،

و روزیها را وسعت بخشی، به همراه ابری انبوه، نافع، فراگیر و پرطنین، نه بارانی

غَیْرَ مُلِثٍّ وَدْقُهُ، وَ لا خُلَّبٍ بَرْقُهُ، اللَّهُمَّ اسْقِنا غَیْثاً مُغیثاً مَریعاً مُمْرِعاً،

سیل آسا و رعد و برقی بی باران، خدایا ما را از باران کامل، رویاننده گیاهان، فراگیر،

عَریضاً واسِعاً غَزیراً، تَرُدُّ بِهِ النَّهیضَ، وَ تَجْبُرُ بِهِ الْمَهیضَ، اللَّهُمَّ اسْقِنا

گسترده و فراوان سیراب کن، تا با آن گیاهان را برویانی و شکستگی ها را التیام بخشی، خدایا ما را از

سَقْیاً تُسیلُ مِنْهُ الظِّرابَ، وَتَمْلَأُ مِنْهُ الْجِبابَ، وَ تُفَجِّرُ بِهِ الْأَنْهارَ، وَ تُنْبِتُ

بارانى سيراب كن كه از آن آبها را از بلنديها جارى ساخته و چاهها را پركنى و رودها را با آن به خروش آورده

بِهِ الْأَشْجارَ، وَ تُرْخِصُ بِهِ الْأَسْعارَ فى جَميعِ الْأَمْصارِ، وَ تَنْعَشُ بِهِ

و درختان را برويانى، و (با فراوانى نعمتها) در همه شهرها ارزانى پديدآورى، و

الْبَهائِمَ وَ الْخَلْقَ، وَ تُكْمِلُ لَنا بِهِ طَيِّباتِ الرِّزْقِ، وَ تُنْبِتُ لَنا بِهِ الزَّرْعَ،

حيوانات و مردم را با آن حيات دوباره بخشيده، و روزى پاكيزه را براى ما كامل گردانى، و براى ما كشتزارها را برويانى،

وَتُدِرُّ بِهِ الضَّرْعَ، وَ تَزيدُنا بِهِ قُوَّةً الى قُوَّتِنا، اللَّهُمَّ لا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنا

و پستانها (ى حيوانات) را پرشير گردانى، و به وسيله آن بر نيروى ما بيفزايى، خدايا سايه اش را بر ما گرم

سَمُوماً، وَلا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنا حُسُوماً، وَ لا تَجْعَلْ صَوْبَهُ عَلَيْنا رُجُوماً،

و سوزان و سرمايش را براى ما نابود كننده قرار مده و ريزش آن را همچون سنگ [/ تگرگ وَ لا تَجْعَلْ مَآءَهُ عَلَيْنا اجاجاً، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

و آبش را آب ناگوار قرار مده، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و

ص :1153

وَارْزُقْنا مِنْ بَرَکاتِ السَّمواتِ وَ الْأَرْضِ، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.(1)

ما را از برکات آسمان و زمین روزی ده که تو بر هر چیز توانایی.

11- دعای توبه

(از صحیفه سجّادیه)

حقیقت توبه، بازگشت از گناه و روی آوردن به خداوند است.

با توجّه به این که انسان همیشه در معرض لغزش ها و معصیت قرار دارد؛ باید پیوسته از خدا توفیق ترک گناهان و بازگشت به او را طلب کند، و با آب توبه، زنگارهای دل را شستشو دهد. البتّه توبه واقعی، با پشیمانی حقیقی، عزم بر ترک آن گناه، جبران آنچه را ترک کرده، و ادای حقوق خدا و خلق محقّق می شود؛ ولی به یقین دست عنایت الهی و امدادهای ویژه پروردگار، در این مسیر نقش مؤثّری دارد، و البتّه امداد و عنایتش شامل حال آنها که صداقت در توبه دارند، می شود.

ائمّه اطهار علیهم السلام با آن که پیراسته از هر گناهی بوده اند، ولی با توجّه به عظمت پروردگار و نگاه به جلال و جبروت حق تعالی، خود را در پیشگاه ذات ربوبی، مقصّر می دیدند و معتقد بودند، نمی توانند آن گونه که شایسته خداوندی است، اطاعت و بندگی او را بجا آورند، و لذا از درگاه خدای مهربان عذرخواهی می کردند و استغفار و توبه می نمودند.

علاوه بر آن که، این گونه دعاها و طلب توبه و استغفار از سوی آن بزرگواران برای مردم جنبه سرمشق و آموزشی دارد؛ و راه بازگشت به خداوند و توبه و انابه به درگاه او را، به ما می آموزد، و عظمت گناه و سنگینی نافرمانی حق را به درستی برای ما مجسّم می سازد. باشد که ما- انسانهای گناهکار- به خود آییم و هر چه بیشتر در مسیر تهذیب نفس و پاکی روح و جان بکوشیم و اگر به گناهی آلوده شده ایم، هر چه سریع تر توبه نموده و آن را جبران نماییم.

در این قسمت، یکی از دعاهای امام سجّاد علیه السلام را که درباره توبه و طلب توفیق آن و بازگشت به سوی پروردگار است، ذکر می کنیم:

اللَّهُمَّ یا مَنْ لایَصِفُهُ نَعْتُ الْواصِفینَ، وَ یا مَنْ لایُجاوِزُهُ رَجآءُ

خدایا، ای کسی که توصیف وصف کنندگان توصیفش نکند، و ای کسی که امید امیدواران از

الرَّاجینَ، وَ یا مَنْ لایَضیعُ لَدَیْهِ اجْرُ الْمُحْسِنینَ، وَ یا مَنْ هُوَ مُنْتَهی

او قطع نشود، و ای کسی که پاداش نیکوکاران نزد او تباه نگردد، و ای کسی که اوست نهایت

ص: 1154

1- [1800]صحیفه سجّادیه، دعای 19.

خَوْفِ الْعابِدینَ، وَ یا مَنْ هُوَ غایَهُ خَشْیَهِ الْمُتَّقینَ، هذا مَقامُ مَنْ تَداوَلَتْهُ

ترس عابدان، و ای کسی که اوست نهایت ترس پرهیزگاران، این است جایگاه کسی که

ایْدِی الذُّنُوبِ، وَ قادَتْهُ ازِمَّهُ الْخَطایا، وَاسْتَحْوَذَ عَلَیْهِ الشَّیْطانُ، فَقَصَّرَ

گناهان او را احاطه کرده، و مهارهای خطاها او را می کشاند، و شیطان بر او چیره شده و بدین سبب از

عَمَّا امَرْتَ بِهِ تَفْریطاً، وَ تَعاطی ما نَهَیْتَ عَنْهُ تَغْریراً، کَالْجاهِلِ بِقُدْرَتِکَ

روی کاهلی از دستوراتت کوتاهی کرده و از روی غرور به آنچه نهی کردی اقدام نموده است، مانند کسی که از قدرتی که

عَلَیْهِ، اوْ کَالْمُنْکِرِ فَضْلَ احْسانِکَ الَیْهِ، حَتّی اذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدی

به او داده ای ناآگاه و یا فزونی احسان تو را بر خود منکر است، که اگر چشم بصیرتش گشوده شود

وَتَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحائِبُ الْعَمی احْصی ماظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ، وَفَکَّرَ فیما خالَفَ

و ابرهای گمراهیش برطرف گردد، ستمهای خود را بر خویشتن بر شمارد و در آنچه مخالفت

بِهِ رَبَّهُ، فَرَأی کَبیرَ عِصْیانِهِ کَبیراً، وَ جَلیلَ مُخالَفَتِهِ جَلیلاً، فَاقْبَلَ نَحْوَکَ

پروردگارش نموده، اندیشه کند تا نافرمانی بزرگش را بزرگ و مخالفت عظیم خود را عظیم دیده و در حالی که به تو امیدوار

مُؤَمِّلاً لَکَ، مُسْتَحْیِیاً مِنْکَ، وَ وَجَّهَ رَغْبَتَهُ الَیْکَ ثِقَهً بِکَ، فَامَّکَ بِطَمَعِهِ

و از تو شرمسار است به تو رو کند، و از روی اعتماد به تو، میل و اشتیاقش را به تو متوجّه سازد، پس با اطمینان خاطر با طمعش

یَقیناً، وَ قَصَدَکَ بَخَوْفِهِ اخْلاصاً، قَدْ خَلا طَمَعُهُ مِنْ کُلِّ مَطْمُوعٍ فیهِ

آهنگ تو نموده و از روی اخلاص با ترسش قصد تو کرده است، و طمعش را از هر کسی جز تو بریده

غَیْرِکَ، وَافْرَخَ رَوْعُهُ مِنْ کُلِّ مَحْذُورٍ مِنْهُ سِواکَ، فَمَثَلَ بَیْنَ یَدَیْکَ

و از هیچکس جز تو هراسی ندارد. در برابرت با حال تضرّع

مُتَضَرِّعاً، وَ غَمَّضَ بَصَرَهُ الیَ الْأَرْضِ مُتَخَشِّعاً، وَ طَاْطَا رَأسَهُ لِعِزَّتِکَ

حاضر شده و با حال خشوع چشمش را به زمین دوخته و در برابر عظمتت با خشوع سر به زیر افکنده،

مُتَذَلِّلًا، وَابَثَّکَ مِنْ سِرِّهِ ما انْتَ اعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعاً، وَ عَدَّدَ مِنْ ذُ نُوبِهِ ما

و با حال خضوع راز خود را که تو به آن آگاهتری برایت بازگو نموده است، و با حال خشوع گناهانی

انْتَ احْصی لَها خُشُوعاً، وَاسْتَغاثَ بِکَ مِنْ عَظیمِ ما وَقَعَ بِهِ فی عِلْمِکَ،

را که تو حساب آن را بهتر می دانی برایت برشمرده است، و از گناه بزرگی که در عالم علم تو مرتکب شده

وَقَبیحِ ما فَضَحَهُ فی حُکْمِکَ، مِنْ ذُ نُوبٍ ادْبَرَتْ لَذَّاتُها فَذَهَبَتْ،

و از کار زشتی که حکم تو رسوایش ساخته به تو پناهنده شده، همان گناهانی که لذّتهایش رفته

ص :1155

وَاقامَتْ تَبِعاتُها فَلَزِمَتْ، لايُنْكِرُ یا الهی عَدْلَکَ انْ عاقَبْتَهُ، وَلایَسْتَعْظِمُ

و مسئولیّتش به جا مانده است. ای معبود من اگر عقابش کنی کسی منکر عدلت نیست، واگر از او

عَفْوَکَ انْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَ رَحِمْتَهُ، لِأَنَّکَ الرَّبُّ الْکَریمُ الَّذی لا یَتَعاظَمُهُ

درگذری و رحمش کنی این گذشت را از تو عجیب نمی داند، زیرا تو پروردگار کریمی هستی که

غُفْرانُ الذَّنْبِ الْعَظیمِ، اللَّهُمَّ فَها انَا ذا قَدْ جِئْتُکَ مُطیعاً لِأَمْرِکَ فیما امَرْتَ

آمرزش گناه بزرگ در نظرت بزرگ نباشد، خدایا من اکنون به درگاهت آمده ام و دستور

بِهِ مِنَ الدُّعآءِ، مُتَنَجِّزاً وَعْدَکَ فیما وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجابَهِ، اذْ تَقُولُ:

دعا کردن را که به آن امر کرده ای، اطاعت کردم، و وفای به وعده ات را در اجابتی که وعده داده ای خواهانم چون که فرموده ای:

ادْعُونی اسْتَجِبْ لَکُمْ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَالْقِنی بِمَغْفِرَتِکَ

مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. خدایا بر محمّد و آل پاکش درود فرست و با آمرزشت به من رو کن

کَما لَقیتُکَ بِاقْراری وَارْفَعْنی عَنْ مَصارِعِ الذُّنُوبِ کَما وَضَعْتُ لَکَ

همان گونه که من با اقرارم (به گناه) به تو رو آورده ام، و مرا از محلّ ارتکاب گناهان دور ساز چرا که در برابرت

نَفْسی وَاسْتُرْنی بِسِتْرِکَ کَما تَانَّیْتَنی عَنِ الْإِنْتِقامِ مِنّی اللَّهُمَّ وَ ثَبِّتْ فی

تواضع نموده ام، و به عیب پوشیت مرا بپوشان همان گونه که در انتقامم درنگ نمودی، خدایا نیّتم را در

طاعَتِکَ نِیَّتی وَ احْکِمْ فی عِبادَتِکَ بَصیرَتی وَ وَفِّقْنی مِنَ الْأَعْمالِ لِما

اطاعتت ثابت بدار و بیناییم را در بندگیت محکم کن، و به کارهایی که به واسطه آن

تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطایا عَنّی وَ تَوَفَّنی عَلی مِلَّتِکَ وَ مِلَّهِ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ

آلودگی گناهان را از من بزدایی موفّقم گردان، و در هنگام مرگ مرا بر دین خود و پیامبرت محمّد

عَلَیْهِ السَّلامُ اذا تَوَفَّیْتَنی اللَّهُمَّ انّی اتُوبُ الَیْکَ فی مَقامی هذا مِنْ کَبائِرِ

- که بر او درود باد- بمیران، خدایا من در این جایگاه از گناهان بزرگ

ذُنُوبی وَ صَغائِرها، وَ بَواطِنِ سَیِّئاتی وَ ظَواهِرِها، وَ سَوالِفِ زَلّاتی

و کوچک و از بدیهای پنهانی و آشکارم و از لغزشهای گذشته و

وَحَوادِثِها، تَوْبَهَ مَنْ لایُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِیَهٍ، وَلایُضْمِرُ انْ یَعُودَ فی

جدیدم به درگاهت توبه می کنم، مانند توبه کسی که خیال گناه در دلش خطور نکند، و فکر بازگشت به خطا ندارد،

خَطیئَهٍ، وَقَدْ قُلْتَ یا الهی فی مُحْکَمِ کِتابِکَ، انَّکَ تَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ

و تو ای معبود من در کتاب محکمت فرمودی که توبه بندگانت را می پذیری

ص :1156

عِبادِکَ، وَ تَعْفُو عَنِ السَّیِّئاتِ، وَ تُحِبُّ التَّوّابینَ، فَاقْبَلْ تَوْبَتی کَما

و از گناهان در گذری و توبه کاران را دوست داری، پس همان گونه که وعده فرموده ای توبه ام را بپذیر

وَعَدْتَ، وَاعْفُ عَنْ سَیِّئاتی کَما ضَمِنْتَ، وَ اوْجِبْ لی مَحَبَّتَکَ کَما

و همان گونه که ضمانت کرده ای از بدیهایم درگذر و همان گونه که شرط نموده ای دوستیت را بر من واجب گردان،

شَرَطْتَ، وَ لَکَ یا رَبِّ شَرْطی الّا اعُودَ فی مَکْرُوهِکَ، وَ ضَمانی الّا

و ای پروردگار من با تو شرط می کنم که به آنچه ناپسند نزد توست باز نگردم و به تو ضمانت می دهم

ارْجِعَ فی مَذْمُومِکَ، وَ عَهْدی انْ اهْجُرَ جَمیعَ مَعاصیکَ، اللّٰهُمَّ انَّکَ اعْلَمُ

به آنچه نکوهیده نزد توست باز گشت نکنم و تعهّد می دهم که از تمام معاصی دوری گزینم، خدایا به آنچه کرده ام داناتری

بِما عَمِلْتُ، فَاغْفِرْلی ما عَلِمْتَ، وَ اصْرِفْنی بِقُدْرَتِکَ الی ما احْبَبْتَ،

پس آنچه از من می دانی بیامرز و مرا به قدرتت به آنچه دوست می داری متوجّه ساز،

اللّٰهُمَّ وَ عَلَیَّ تَبِعاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ، وَ تَبِعاتٌ قَدْ نَسیتُهُنَّ، وَ کُلُّهُنَّ بِعَیْنِکَ

خدایا بر من بازخواستهایی است که به یاد دارم و بازخواستهایی است که فراموش کرده ام و همه در برابر دیده توست

الَّتی لا تَنامُ، وَ عِلْمِکَ الَّذی لا یَنْسی فَعَوِّضْ مِنْها اهْلَها، وَاحْطُطْ عَنّی

که خواب ندارد، و در برابر علم توست که فراموشی ندارد پس عوض آنها را به صاحبانش بده

وِزْرَها، وَ خَفِّفْ عَنّی ثِقْلَها، وَاعْصِمْنی مِنْ انْ اقارِفَ مِثْلَها، اللّٰهُمَّ وَ انَّهُ

و سنگینیش را از دوشم برداشته و سبک گردان، و مرا از ارتکاب مانند آن بازدار، خدایا جز به

لا وَفآءَ لی بِالتَّوْبَهِ الَّا بِعِصْمَتِکَ، وَ لَا اسْتِمْساکَ بی عَنِ الْخَطایا الَّا عَنْ

نگهداری تو نتوانم به توبه ام وفا کنم و جز به نیروی تو نتوانم خود را از گناه حفظ کنم،

قُوَّتِکَ، فَقَوِّنی بِقُوَّهٍ کافِیَهٍ، وَ تَوَلَّنی بِعِصْمَهٍ مانِعَهٍ، اللَّهُمَّ ایُّما عَبْدٍ تابَ

پس مرا به نیرویی کافی قوّت ده و به نگهداری بازدارنده ات سرپرستیم کن، خدایا اگر بنده ای به درگاهت توبه کند

الَیْکَ وَ هُوَ فی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ فاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَ عائِدٌ فی ذَنْبِهِ

در حالی که در علم غیبت توبه شکن بوده و به گناه و خطایش بازگردد،

وَخَطیئَتِهِ، فَانّی اعُوذُ بِکَ انْ اکُونَ کَذلِکَ، فَاجْعَلْ تَوْبَتی هذِهِ تَوْبَهً لا

من به تو پناه می برم که چنین باشم، پس توبه ام را چنان کن تا

احْتاجُ بَعْدَها الی تَوْبَهٍ، تَوْبَهً مُوجِبَهً لِمَحْوِما سَلَفَ، وَالسَّلامَهِ فیما بَقِیَ،

نیازمند توبه دیگری نباشم، توبه ای که موجب محو گناهان گذشته و سلامت در آینده باشد،

ص: 1157

اللَّهُمَّ انّى اعْتَذِرُ الَیْکَ مِنْ جَهْلى وَاسْتَوْهِبُکَ سُوءَ فِعْلى فَاضْمُمْنى الى

خدایا از نادانیم به درگاهت عذر آورم و از کار بدم از تو بخشش مى طلبم، پس به احسان خویش مرا

کَنَفِ رَحْمَتِکَ تَطَوُّلًا، وَاسْتُرْنى بِسِتْرِ عافِیَتِکَ تَفَضُّلًا، اللَّهُمَّ وَ انّى اتُوبُ

در رحمتت درآور و به فضل خویش جامه عافیت بر من بپوشان، خدایا من به درگاهت

الَیْکَ مِنْ کُلِّ ما خالَفَ ارادَتَکَ، اوْ زالَ عَنْ مَحَبَّتِکَ مِنْ خَطَراتِ قَلْبى

از هر چه مخالف اراده توست یا دوستى ات را از دلم و

وَلَحَظاتِ عَیْنى وَ حِکایاتِ لِسانى تَوْبَةً تَسْلَمُ بِها کُلُّ جارِحَةٍ عَلى

نگاههاى چشمم وسرگذشت هاى زبانم بیرون کند توبه مى کنم، توبه اى که به واسطه آن هر عضوى جداگانه

حِیالِها مِنْ تَبِعاتِکَ، وَ تَأْمَنُ مِمَّا یَخافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ الیمِ سَطَواتِکَ،

از کیفرهاى تو سالم بماند و از عذاب دردناکت که تجاوزکاران از آن مى ترسند ایمن گردد،

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَحْدَتى بَیْنَ یَدَیْکَ، وَ وَجیبَ قَلْبى مِنْ خَشْیَتِکَ،

خدایا به تنهاییم در برابرت و طپش قلبم از ترست و

وَاضْطِرابَ ارْکانى مِنْ هَیْبَتِکَ، فَقَدْ اقامَتْنى یا رَبِّ ذُنُوبى مَقامَ الْخِزْىِ

لرزش اندامم از هیبتت رحم کن که اى پروردگار من گناهانم مرا به درگاه تو در

بِفِنائِکَ، فَانْ سَکَتُّ لَمْ یَنْطِقْ عَنّى احَدٌ، وَ انْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِاهْلِ

جایگاه رسوایى قرار داده، پس اگر سکوت کنم کسى از جانب من سخن نگوید و اگر شفاعت خواهم شایسته

الشَّفاعَهِ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ شَفِّعْ فی خَطایایَ کَرَمَکَ، وَعُدْ

شفاعت نیستم، خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و در خطاهایم بزرگواریت را شفیع گردان، و به

عَلی سَیِّئاتی بِعَفْوِکَ، وَلاتَجْزِنی جَزآئی مِنْ عُقُوبَتِکَ، وَابْسُطْ عَلَیَ

گذشتت گناهانم را ببخش، و به عذابی که سزاوار آنم جزایم مده، و احسانت را بر من بگستران،

طَوْلَکَ، وَ جَلِّلْنی بِسِتْرِکَ، وَافْعَلْ بی فِعْلَ عَزیزٍ تَضَرَّعَ الَیْهِ عَبْدٌ ذَلیلٌ

و مرا در پرده (عفوت) بپوشان، و با من مانند توانایی که بنده ای ذلیل به درگاهش آمده

فَرَحِمَهُ، اوْ غَنِیٍّ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقیرٌ فَنَعَشَهُ، اللّهُمَّ لاخَفیرَ لی مِنْکَ

و او نیز رحمش کند و یا توانگری که بنده نیازمندی به نزدش رفته و او توانگرش ساخته رفتار کن، خدایا پناه دهنده ای از تو ندارم

فَلْیَخْفُرْنی عِزُّکَ، وَلا شَفیعَ لی الَیْکَ فَلْیَشْفَعْ لی فَضْلُکَ، وَ قَدْ اوْجَلَتْنی

پس قدرت تو باید پناهم دهد و شفیعی به درگاهت ندارم پس فضل تو باید شفیعم گردد، و اشتباهاتم مرا به

ص :1158

خَطایایَ، فَلْیُؤْمِنّی عَفْوُکَ، فَما کُلُّ ما نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنّی بِسُوءِ

سختی ترسانده، پس گذشت تو باید مرا ایمن گرداند، و هر چه گفتم چنان نیست که همه از نادانی به بدکاریم باشد

اثَری وَلانِسْیانٍ لِما سَبَقَ مِنْ ذَمیمِ فِعْلی لکِنْ لِتَسْمَعَ سَماؤُکَ وَ مَنْ

و نه از روی فراموشی کردار زشتم در گذشته، بلکه برای آن است که آسمان و

فیها، وَارْضُکَ وَ مَنْ عَلَیْها، ما اظْهَرْتُ لَکَ مِنَ النَّدَمِ، وَ لَجَأْتُ الَیْکَ فیهِ

زمینت و هر چه در آن است اظهار پشیمانی مرا به درگاهت بشنوند، و پناهندگیم را در توبه به سویت

مِنَ التَّوْبَهِ، فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِکَ یَرْحَمُنی لِسُوءِ مَوْقِفی اوْ تُدْرِکُهُ

ببینند، شاید برخی از آنها به رحمتت بر جایگاه بدم رحم کند، یا برای

الرِّقَّهُ عَلَیَّ لِسُوءِ حالی فَیَنالَنی مِنْهُ بِدَعْوَهٍ هِیَ اسْمَعُ لَدَیْکَ مِنْ دُعآئی

حال بدم دلش بسوزد و دعایی کند که نزد تو پذیرفته تر از دعای من باشد،

اوْ شَفاعَهٍ اوْکَدُ عِنْدَکَ مِنْ شَفاعَتی تَکُونُ بِها نَجاتی مِنْ غَضَبِکَ،

یا شفاعتی کند که مؤثرتر از شفاعت من باشد که همان وسیله نجات من از خشمت و

وَفَوْزَتی بِرِضاکَ، اللَّهُمَّ انْ یَکُنِ النَّدَمُ تَوْبَهً الَیْکَ فَا نَا انْدَمُ النَّادِمینَ، وَ انْ

رسیدنم به خشنودیت گردد، خدایا اگر پشیمانی نزد تو، توبه محسوب شود من پشیمان ترین پشیمانانم، و اگر

یَکُنِ التَّرْکُ لِمَعْصِیَتِکَ انابَهً فَا نَا اوَّلُ الْمُنیبینَ، وَ انْ یَکُنِ الْإِسْتِغْفارُ

ترک گناه بازگشت به حساب آید من نخستین بازگشت کننده ام، واگر آمرزش خواهی سبب

حِطّةً لِلذّنُوبِ فَانّی لَکَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرینَ، اللّهُمَّ فَکَما امَرْتَ بِالتَّوْبَهِ،

ریختن گناهان است من از آمرزش خواهان نزد توام، خدایا همان گونه که به توبه فرمان دادی

وَضَمِنْتَ الْقَبُولَ، وَحَثَثْتَ عَلَی الدُّعآءِ وَ وَعَدْتَ الْإِجابَهَ، فَصَلِّ عَلی

و پذیرش آن را ضمانت کردی و به دعا تشویق نمودی و وعده اجابت دادی، پس بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اقْبَلْ تَوْبَتی وَلاتَرْجِعْنی مَرْجِعَ الْخَیْبَهِ مِنْ رَحْمَتِکَ،

محمّد و خاندان پاکش درود فرست و توبه ام را بپذیر و ناامید از رحمتت بازم مگردان

انَّکَ انْتَ التَّوّابُ عَلَی الْمُذْنِبینَ، وَالرَّحیمُ لِلْخاطِئینَ الْمُنیبینَ، اللَّهُمَ

که تو به یقین توبه پذیر گنهکارانی و بر خطاکاران پشیمان مهربانی، خدایا

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، کَما هَدَیْتَنا بِهِ، وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، کَمَا

بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست همان گونه که به وسیله او هدایتمان نمودی و بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست همان گونه که

اسْتَنْقَذْتَنا بِهِ، وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلاهً تَشْفَعُ لَنا یَوْمَ الْقِیامَهِ،

به وسیله او نجاتمان دادی و بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست درودی که در روز قیامت و

وَیَوْمَ الْفاقَهِ الَیْکَ، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، وَ هُوَ عَلَیْکَ یَسیرٌ.(1)

روز نیازمندی به درگاهت شفیع ما گردد که تو بر هر چیز توانایی و این کار برای تو آسان است.

همچنین، «مناجات تائبان» از امام سجّاد علیه السلام بسیار سازنده و ارزشمند است، که خواندن آن به سالکان راه حق و پویندگان مسیر خودسازی، توصیه می شود (این مناجات، در بخش مناجات ها و دعاهای معروف آمده است).

12- دعا برای حسن عاقبت

(از صحیفه سجادیه)

یا مَنْ ذِکْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاکِرینَ، وَ یا مَنْ شُکْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاکِرینَ، وَ یا مَنْ

ای کسی که یادش برای یادکنندگان افتخار است و ای کسی که شکرش موفقیّتی برای شاکران است، و ای کسی که

طاعَتُهُ نَجاهٌ لِلْمُطیعینَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اشْغَلْ قُلُوبَنا بِذِکْرِکَ

اطاعتش مایه نجات فرمانبران است، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و دلهای ما را با یادت

عَنْ کُلِّ ذِکْرٍ، وَ الْسِنَتَنا بِشُکْرِکَ عَنْ کُلِّ شُکْرٍ، وَ جَوارِحَنا بِطاعَتِکَ عَنْ

از هر یاد دیگری و زبان ما را با شکرت از هر شکر دیگری و اعضایمان را با بندگیت از

کُلِّ طاعَهٍ، فَانْ قَدَّرْتَ لَنا فَراغاً مِنْ شُغُلٍ، فَاجْعَلْهُ فَراغَ سَلامَهٍ، لا

بندگی غیر خود بازدار، پس اگر برای ما فراغتی فراهم ساختی آن را فراغتِ سلامتی قرار ده، که

تُدْرِکُنا فیهِ تَبِعَهٌ، وَ لا تَلْحَقُنا فیهِ سَاْمَهٌ، حَتّی یَنْصَرِفَ عَنَّا کُتَّابُ

به سبب آن ما را گرفتار گناهی نسازد، و خستگی به ما نرسد، به گونه ای که ثبت کنندگان

السَّیِّئاتِ بِصَحیفَهٍ خالِیَهٍ مِنْ ذِکْرِ سَیِّئاتِنا، وَ یَتَوَلّی کُتَّابُ الْحَسَناتِ عَنَّا

گناه با نامه ای خالی از گناهان ما (به سوی تو) باز گردند و ثبت کنندگان کارهای نیک به سبب نگارش

مَسْرُورینَ بِما کَتَبُوا مِنْ حَسَناتِنا، وَ اذَا انْقَضَتْ ایَّامُ حَیاتِنا، وَ تَصَرَّمَتْ

نیکیهای ما خشنود بازگردند، و چون ایّام عمر ما سپری شود و مدّت عمر ما

مُدَدُ اعْمارِنا، وَ اسْتَحْضَرَتْنا دَعْوَتُکَ الَّتی لابُدَّ مِنْها وَ مِنْ اجابَتِها، فَصَلِ

پایان یابد و دعوت تو (برای رفتن) که گریزی از اجابت آن نیست فرا رسد، بر

ص: 1160

1- [1801]صحیفه سجّادیه، دعای 31.

عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَاجْعَلْ خِتامَ ما تُحْصی عَلَیْنا کَتَبَهُ اعْمالِنا، تَوْبَهً

محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و پایان آنچه را که ثبت کنندگان اعمال ما برای ما می نویسند توبه

مَقْبُولَهً لا تُوقِفُنا بَعْدَها عَلی ذَنْبٍ اجْتَرَحْناهُ، وَ لا مَعْصِیَهٍ اقْتَرَفْناها،

پذیرفته قرار ده که بعد از آن ما را برای گناهی که انجام داده ایم و معصیتی که مرتکب شده ایم توبیخ نکنی،

وَلا تَکْشِفْ عَنَّا سِتْراً سَتَرْتَهُ عَلی رُؤُسِ الْاشْهادِ، یَوْمَ تَبْلُو اخْبارَ

و در آن روز که اخبار بندگانت را آشکار می کنی پرده ای را که بر گناه ما انداخته ای در برابر همگان کنار مزن،

عِبادِکَ، انَّکَ رَحیمٌ بِمَنْ دَعاکَ، وَ مُسْتَجیبٌ لِمَنْ ناداکَ.(1)

به یقین تو نسبت به کسی که تو را بخواند، مهربانی و به ندای آنکه تو را می خواند پاسخ می دهی.

13- دعای وقت مطالعه

مرحوم «فیض کاشانی» در «خلاصهالأذکار» این دعا را برای مطالعه نقل کرده است که در عین فشردگی محتوایی عالی دارد:

اللَّهُمَّ اخْرِجْنی مِنْ ظُلُماتِ الْوَهْمِ، وَاکْرِمْنی بِنُورِ الْفَهْمِ، اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَیْنا

خدایا مرا از تاریکی های اشتباه و نادانی خارج کن و با روشنایی فهم، گرامی بدار. خدایا درهای

ابْوابَ رَحْمَتِکَ، وَ انْشُرْ عَلَیْنا خَزائِنَ عُلُومِکَ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.(2)

رحمتت را به روی ما بگشا و از گنجینه های علومت ما را بهره مند ساز، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

14- دعای شب زفاف

با توجّه به این که از نظر اسلام، امر ازدواج، بسیار مقدّس و ارزشمند است و ترغیب فراوانی نسبت به آن شده است، برای مراحل مختلف این کار، آداب، دعاها و نمازهایی در روایات بیان شده است تا جنبه معنوی و روحانی آن حفظ شود و آلوده به انواع گناهان نگردد.

از جمله اموری که در مسأله ازدواج دستور داده شده است، نماز و دعا برای شب «زفاف» است:

1- از امام محمّدباقر علیه السلام نقل شده است که وقتی عروس را به منزل آوردی، به وی بگو، وضو سازد و خودت نیز وضو بساز و دو رکعت نماز بگذارید؛ پس از آن، حمد و ستایش الهی را بجا آورید و بر محمّد و آل

1- [1802]صحیفه سجادیه، دعای 11.
2- [1803]این دعا را مرحوم محدّث قمی در مفاتیح الجنان، باب ششم در خواصّ بعضی سور و آیات و غیره آورده است.

محمّد، صلوات بفرستید، و آنگاه (برای زندگی آسوده و پر معنویت) دعا کن و از زنانی که همراه عروس آمده اند، بخواه، آمین گویند. سپس این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنی الْفَها وَ وُدَّها وَ رِضاها، وَارْضِنی بِها، وَاجْمَعْ بَیْنَنا بِاحْسَنِ

خدایا الفت و محبّت و رضایتش را روزیم کن و ما را از او راضی گردان و ما را به نیکوترین

اجْتِماعٍ، وانَسِ ائْتِلافٍ، فَانَّکَ تُحِبُّ الْحَلالَ، وَ تَکرَهُ الْحَرامَ.(1)

اجتماع و صمیمی ترین معاشرت جمع کن، که تو حلال را دوست داری و حرام را ناپسند می داری.

2- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در شب «زفاف» هنگامی که به نزد عروس می روی، رو به قبله بنشینید و بگو:

اللَّهُمَّ بِامانَتِکَ اخَذْتُها، وَبِکَلِماتِکَ اسْتَحْلَلْتُها، فَانْ قَضَیْتَ لی مِنْها وَلَداً،

خدایا به امانت تو، او را گرفتم و به حکمتت، او را بر خود حلال کردم، اگر از او فرزندی نصیبم کردی

فَاجْعَلْهُ مُبارَکاً تَقِیّاً مِنْ شیعَهِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَلاتَجْعَلْ لِلشَّیْطانِ فیهِ شِرْکاً

پس او را برایم مبارک و پرهیزگار و از شیعیان آل محمّد قرار ده و برای شیطان در او، شرکت

وَلانَصیباً.(2)

و نصیبی قرار مده.

یادآوری: متأسّفانه افراد ناآگاه شب زفاف را که پایه زندگی خانوادگی در آن گذارده می شود چنان آلوده به گناه می سازند که خیر و برکت را از آن خانواده دور می کنند. سزاوار است اهل ایمان از امر به معروف و نهی از منکر توأم با ادب و احترام خودداری نکنند.

***

آداب عقیقه:

از دیدگاه اسلام، کودک از زمان طفولیّت- و حتّی قبل از تولّد- دارای جایگاه ویژه و حقوق خاصّی است و بر والدین لازم است، با مراعات و توجّه به آن، راه سعادت فرزند را هموار سازند.

تربیت فرزند صالح و رساندن او به سعادت و کمال مطلوب، از بدو تولّد آغاز می شود: از اذان و اقامه گفتن در گوش او، نام نیک بر او نهادن و تلاش برای رسیدگی و مراقبت از کودک، تا فراهم ساختن

ص: 1162

1- [1804]کافی، جلد 5، صفحه 500، حدیث 1.
2- [1805]همان مدرک، حدیث 2.

فراگیری صحیح و آموزش های لازم و مفید و رشد و شکوفایی خصلت های پاک انسانی در او.

از جمله اموری که در اسلام، سفارش شده است، عقیقه برای فرزند است؛ منظور از عقیقه، قربانی کردن گوسفندی و مانند آن برای فرزند می باشد.

مرحوم «علّامه مجلسی» در کتاب «حلیهالمتّقین» به طور مشروح و گویا، آداب عقیقه را ذکر کرده است 1806] که ما فشرده ای از آن را در این جا می آوریم:

عقیقه برای فرزند، بر کسی که قادر بر آن باشد، سنّت مؤکّد است، و بعضی از علما آن را واجب می دانند، و بهتر آن است که در روز هفتم واقع شود، و اگر تأخیر افتاد، تا زمان بلوغ فرزند، بر پدر سنّت است؛ ولی بعد از بلوغ- تا آخر عمر- بر خودش سنّت است که عقیقه اش را انجام دهد!

در احادیث زیادی نقل شده است که هر فرزندی در گرو عقیقه است؛ یعنی اگر برای او عقیقه نکنند، ممکن است آن فرزند در معرض حوادث ناگوار قرار گیرد.

در حدیثی آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: ما برای عقیقه، گوسفندی را نیافتیم، آیا اجازه می دهید، قیمتش را صدقه دهیم؟ امام فرمود: جستجو کنید تا گوسفندی بیابید، زیرا خداوند دوست دارد، خوراندن طعام و ریختن خونِ (گوسفند برای این منظور).

در حدیث معتبری نقل شده است که شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: نمی دانم پدرم برای من عقیقه کرده است یا نه؟ فرمود: عقیقه بکن، آن مرد نیز در پیری برای خود عقیقه کرد!

در حدیث دیگری از همان حضرت نقل شده است که «فرزند را در روز هفتم، نام می گذارند و عقیقه می کنند، و سر او را می تراشند و موی سرش را با نقره وزن می کنند و آن نقره را تصدّق می نمایند و ران عقیقه را برای قابله می فرستند و باقی را برای مردم اطعام می کنند و یا به نیازمندان می دهند».

در حدیث دیگری به یکی از یارانش فرمود: «هرگاه پسری، یا دختری برای تو متولّد شود، در روز هفتم گوسفندی یا شتری را عقیقه کن و برای او نامگذاری نما و سرش را بتراش و به وزن موی سرش طلا، یا نقره تصدّق کن».

در حدیث دیگری وارد شده است که لااقل به ده نفر از مسلمانان اطعام کنند و خود آنان (پدر و مادر) از گوشت عقیقه نخورند! (این کار نوعی ایثار است).

مشهور میان علما آن است که عقیقه باید گوسفند یا شتر، و یا بُز باشد. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام در گوش آنها اذان گفتند و حضرت

ص: 1163

فاطمه علیها السلام در روز هفتم، برای آنان عقیقه کرد و پای گوسفند را همراه با یک سکّه طلا، برای قابله فرستادند.

اگر عقیقه شتر است، باید پنج سال یا بیشتر داشته باشد و اگر بز است از یک سال بالاتر باشد. و اگر گوسفند است سنّ او کمتر از شش ماه نباشد، و اگر بیشتر باشد، بهتر است.

عقیقه شرایط دیگر هم دارد، از جمله آن که: نباید بیضه اش را کشیده باشند و شاخ او شکسته و گوشش بریده نباشد و بسیار لاغر و کور نباشد و به گونه ای لنگ نباشد که راه رفتن برای او دشوار باشد (مانند بسیاری از صفات قربانی حجّاج).

ولی در حدیث معتبری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که عقیقه همانند «قربانی» نیست؛ هر گوسفندی که باشد خوب است. (هر چند داشتن آن صفات که در بالا آمد، بهتر است) و گوسفند نر و ماده هر دو کافی است و اگر نر باشد بهتر است.

اگر حیوان برای عقیقه موجود نباشد، صبر کنند تا فراهم گردد.

برای دعوت از مردم، جهت خوردن عقیقه، شرط نیست که فقیر باشند؛ ولی دعوت کردن از فقیران آبرومند و صالحان، بهتر است.(1)

دعای عقیقه:

مرحوم «علّامه مجلسی» در ادامه، دعایی را برای عقیقه نقل کرده و فرموده: «از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این دعا را بخوان»:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ عَقیقَهٌ عَنْ فُلانٍ (نام آن فرزند را بگوید) لَحْمُها بِلَحْمِهِ،

به نام خدا و به یاری خدا، خدایا این عقیقه از جانب فلانی است************* گوشتش در مقابل گوشت او

وَدَمُها بِدَمِهِ، وَ عَظْمُها بِعَظْمِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْها وِقاءً لِآلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

و خونش در مقابل خون او و استخوانش در مقابل استخوان اوست، خدایا آن را نگهدارنده آل محمّد- که بر او و آلش

السَّلامُ* و در حدیث دیگری فرمود که این دعا را بخواند: یا قَوْمِ انّی بَریءٌ مِمَّا

درود باد- قرار ده******************************* ای قوم، من از شریکهایی که شما (برای خدا)

تُشْرِکُونَ، انّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّمواتِ وَالْأَرْضَ، حَنیفاً

قائل می شوید، بیزارم، من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمانها و زمین را آفریده است، من در

1- [1807]حلیهالمتّقین، صفحه 150- 152(با تلخیص و تصرّف).

مُسْلِماً وَ ما ا نَا مِنَ الْمُشْرِكينَ، انَّ صَلاتی وَنُسُکی وَ مَحْیایَ وَ مَماتی للَّهِ

ایمان خود خالص و مسلمانم و از مشرکان نیستم، به یقین نماز و تمام عباداتم و زندگی و مرگم همه برای خداوند،

رَبِّ الْعالَمینَ، لا شَریکَ لَهُ، وَ بِذلِکَ امِرْتُ، وَ ا نَا مِنَ الْمُسْلِمینَ، اللَّهُمَ

پروردگار جهانیان است همتایی برای او نیست و به همین مأمور شده ام و من از مسلمانانم، خدایا

مِنْکَ وَ لَکَ، بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَاللَّهُ اکْبَرُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

از جانب تو و برای توست، به نام خدا و به یاری خدا و خداوند بزرگتر از توصیف است، خدایا بر محمّد و آل پاکش

مُحَمَّدٍ، وَ تَقَبَّلْ مِنْ فُلانِ بْنِ فُلانٍ* و بجای فلان بن فلان نام فرزند و پدرش را ببرد، درود فرست و از فلانی پسر فلانی (این عقیقه را) بپذیر.****************

آنگاه آن را ذبح کند.(1)

ص: 1165

1- [1808]حلیه المتقین، صفحه 153 و 154.

بخش نهم: استخاره و آداب آن

اشاره

ص: 1167

مقدّمه: اهمیّت استخاره وآداب آن

بسیار می شود که انسان برای انجام کار مهمّی متحیّر و سرگردان می شود و مطالعه درباره جوانب آن، رفع تحیّر از او نمی کند؛ با افراد آگاه مشورت می کند، ولی آنها نیز نظرات مختلفی دارند، و او همچنان در کار خود سرگردان می ماند و اگر این سرگردانی ادامه یابد خسارت های سنگینی دامن گیر او خواهد شد. در این گونه موارد، دستور استخاره داده شده است که انسان طبق آداب ساده ای با خداوند بزرگ- به وسیله قرآن مجید، یا تسبیح و مانند آن- مشورت کند و از ذات پاکش هدایت و راهنمایی به آنچه خیر و صلاح اوست، بطلبد؛ به یقین خداوند نیز او را- طبق روایات صریحی که داریم- راهنمایی خواهد کرد.

استخاره، نه تنها انسان را از حال تحیّر و سرگردانی- که بدترین حالات است و مایه تلف شدن وقت و نیروی اوست- نجات می بخشد، و او را با اراده و تصمیم قوی و گام های استوار به سوی مقصد به حرکت وا می دارد؛ بلکه واقعاً نیز راهنما و راهگشا به سوی خیرات است و این حقیقتی است که در روایات اسلامی وارد شده، و ما خود بارها و بارها آزموده ایم که استخاره ها گوئی معجزه می کند.

گاه انسان برای کاری استخاره می کند و مطابق آن، به سوی آن کار می رود و ظاهراً نتیجه ای نمی گیرد؛ امّا بعد از ماه ها، یا سال ها، رمز عجیب آن استخاره را درمی یابد. به هر حال، استخاره را با پیشگویی نباید اشتباه گرفت؛ بلکه استخاره خیر و صلاح کار را از طریق درخواست از خداوند، به انسان نشان می دهد.

نکته:

دو چیز را به هنگام استخاره نباید فراموش کرد:

1- استخاره منحصر به جایی است که مثبت یا منفی بودن کار بر انسان روشن نباشد، و با تفکّر و

اندیشه، و حتّی با مشورت کردن با افراد خبره و صاحب نظر نیز روشن نشود؛ این جا، جای استخاره است و در غیر این صورت استخاره کردن، اشتباه است.

2- از استخاره های مکرّر در یک چیز باید پرهیز کرد (مگر این که فاصله قابل توجّهی بشود و یا این که شرایط تغییر کند.) در استخاره های مکرّر، همان استخاره اوّل معتبر است و بقیّه اعتباری ندارد.

باید انسان بعد از استخاره- با شرایطی که در بالا گفته شد- تردید نکند و به دنبال آن به راه بیفتد و از خدا خیر و صلاح خویش را بطلبد و بر ذات پاک او توکّل کند، و مطمئن باشد نتیجه خواهد گرفت.

***

معنای دیگر استخاره:

استخاره معنای دیگری هم دارد که در روایات اسلامی کراراً به آن اشاره شده است و آن طلب خیر و سعادت از ذات پاک خداست.

یعنی به هنگام شروع در یک کار- حتّی کارهای روشنی که برای آن استخاره نکرده است- انسان از خداوند خیر و سعادت خود را بخواهد (اصولاً استخاره به معنای طلب خیر است) و با گفتن جمله «

أَسْتَخیرُاللَّهَ بِرَحْمَتِهِ»

(از رحمت الهی طلب خیر و سعادت می کنم)، به آن کار اقدام کند و می تواند این مطلب را به فارسی هم بگوید. به هر حال، استخاره به این معنا طبق روایات اسلامی نیز، بسیار مفید و مؤثّر است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

«مَا اسْتَخارَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ إِلّا خارَ لَهُ

؛ هیچ بنده با ایمانی از خداوند طلب خیر نکرد، مگر آن که پروردگار سعادت او را فراهم ساخت». (1) همچنین امیرمؤمنان علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود:

«وَأَكْثِرِ الْإِسْتِخارَهَ

؛ بسیار از خداوند طلب خیر نما».(2) در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود:

در سجده آخر نماز شب، از خداوند طلب خیر نما و صد و یک مرتبه بگو: «

أَسْتَخِیرُاللَّهَ بِرَحْمَتِهِ

؛ از رحمت خداوند طلب خیر و سعادت می کنم».(3) همچنین در سجده آخر نافله صبح نیز، استخاره به همین معنا وارد شده است.(4)

1- [1809]بحارالانوار، جلد 88، صفحه 224، حدیث 4.
2- [1810]نهج البلاغه، نامه 31.
3- [1811]فقیه، جلد 1، صفحه 562، حدیث 1552.
4- [1812]همان مدرک، صفحه 563، حدیث 1553.

آداب استخاره:

در روایات اسلامی آداب ویژه ای برای استخاره به معنای معروف آن، ذکر شده؛ مانند وضو داشتن و رو به قبله بودن و حالت توجّه و ارتباط قلبی با خداوند داشتن و استغفار کردن به هنگام استخاره و مانند آن 1813] و این امور، مطلوب و قطعاً مؤثّر است.

***

انواع استخاره:

اشاره

برای استخاره در روایات اسلامی و کلمات بزرگان علما، طُرقی ذکر شده است که می توان با هر کدام از این شیوه ها استخاره کرد:

1- استخاره با قرآن

یکی از رایج ترین انواع استخاره، استخاره با قرآن است که آن نیز به چند نحوه انجام می شود:

اوّل: از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

«هرگاه خواستی به وسیله کتاب خدا استخاره کنی، ابتدا سه مرتبه سوره «اخلاص» (قل هو اللّه ...) را بخوان، آنگاه سه بار بر محمّد و آلش صلوات بفرست و سپس این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ انّی تَفَأَّلْتُ بِکِتابِکَ، وَ تَوَکَّلْتُ عَلَیْکَ، فَارِنی مِنْ کِتابِکَ ما هُوَ

خدایا من به کتابت استخاره می کنم، و بر تو توکل می کنم، پس امور پوشیده از سِرّ محفوظ در

مَکْتُومٌ مِنْ سِرِّکَ الْمَکْنُونِ فی غَیْبِکَ.

غیبت را از کتابت به من بنما.

سپس قرآن را بگشا و از صفحه اوّل سمت راست، سطر اوّل مقصود خودت را از خدا بخواه.(1)

***

دوم: مرحوم «سیّد بن طاووس» در کتاب «فتح الأبواب» نقل کرده است که برای استخاره، قرآن را برمی داری و نخست این دعا را می خوانی:

اللَّهُمَّ إِنْ کانَ فِی قَضائِکَ وَقَدَرِکَ، أَنْ تَمُنَّ عَلی امَّهِ نَبِیِّکَ، بِظُهُورِ وَلیِّکَ

خدایا اگر در قضا و قدرت مقدّر شده که بر امّت پیامبرت به واسطه ظهور ولیّت و

1- [1814]بحارالانوار، جلد 88، صفحه 241، حدیث 1.

وَابْنِ بِنْتِ نَبِیِّکَ، فَعَجِّلْ ذلِکَ وَسَهِّلْهُ وَیَسِّرْهُ وَکَمِّلْهُ، و اخْرِجْ لِی آیَةً

پسر دختر پیامبرت منت گذاری، پس در آن تعجیل کن و آن را آسان و راحت و کامل قرار ده، و برایم آیه ای

اسْتَدِلُّ بِها عَلی أَمرٍ فَأَئْتَمِرَ، أوْ نَهْیٍ فَأَنْتَهی فِی عافِیَهٍ.

ظاهر کن که مشتمل بر امری باشد که انجام دهم و یا نهیی که از آن خودداری کنم، در عافیت و سلامتی.

سپس حاجت و مشکل خود را عنوان می کنی و آنگاه قرآن را می گشایی، پس از آن هفت ورق می زنی، در ورق هفتم، صفحه سمت چپ، هفت سطر را بشمار و در سطر هفتم مطلب خویش را از آن آیه، دریاب.(1) استخاره با قرآن به شیوه های دیگر نیز نقل شده است که برای رعایت اختصار از ذکر همه آنها صرف نظر می شود.(2)

2- استخاره با تسبیح

این نوع استخاره نیز شایع و معروف است، که به چند شیوه انجام می شود:

اوّل: علّامه مجلسی می نویسد: از «شیخ بهایی» نقل شده است: از بزرگان و اساتیدم شنیدم که این دستورالعمل از حضرت ولیّ عصر علیه السلام درباره استخاره با تسبیح رسیده است. فرمود: «تسبیح را به دست (راست) می گیری و سه بار صلوات می فرستی و آنگاه قسمتی از تسبیح را (با دست چپ) می گیری و دوتا دوتا رد می کنی؛ اگر در پایان یک دانه باقی ماند، به معنای «إفعل» (انجام بده) است و اگر دو دانه باقی ماند، مفهوم آن «لاتفعل» (انجام نده) است.(3)

***

دوم: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: (به هنگام استخاره با تسبیح) نخست یک مرتبه سوره «حمد» را می خوانی و آنگاه سه بار سوره «توحید» (قل هو اللّه ...) را و آنگاه پانزده مرتبه صلوات می فرستی، سپس می گویی:

اللَّهُمَّ إِنّی أسْئَلُکَ بِحَقِّ الْحُسَینِ وَجَدِّهِ وَأَبیه، وَ أُمِّهِ وَ أَخیهِ، وَ الْأَئِمَّهِ مِنْ

خدایا بَه حقّ امام حسین و جدّ َ و پدر و مادر و برادر و امامان از

1- [1815]فتح الابواب، صفحه 278 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 242، حدیث 4.
2- [1816]به کتاب مفاتح الغیب، تألیف مرحوم علّامه مجلسی مراجعه شود.
3- [1817]بحارالانوار، جلد 88، صفحه 250، حدیث 4.

ذُرِّيَّتِهِ، أَنْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أنْ تَجْعَلَ لِىَ الْخِيَرَةَ فى

نسلش از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاک او درود فرستی و در این استخاره با تسبیح برایم خیر

هذِهِ السَّبْحَهِ، وَ أَنْ تُرِيَنى ما هُوَ الْأَصْلَحُ لى فى الدِّينِ وَالدُّنْيا، اللَّهُمَّ إنْ

قرار دهی و آنچه در دین و دنیایم شایسته تر است نشانم دهی، خدایا اگر

كانَ الْأَصْلَحُ فى دينى وَدُنْياىَ، وَ عاجِلِ امْرى وَ آجِلِهِ، فِعْلَ ما انَا عازِمٌ

آنچه تصمیم بر انجام آن دارم به صلاح دین و دنیایم و امروز و فردایم است پس مرا (به انجام آن)

عَلَيْهِ، فَأْمُرْنى، وَإلّا فَانْهَنى، إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىْ ءٍ قَديرٌ.

فرمان ده، و گرنه مرا (از انجام آن) نهی کن، چرا که تو بر هر چیز توانایی.

پس از آن، قسمتی از تسبیح را می گیری و آن را می شماری و با عدد اوّل می گویی «

سُبْحانَ اللَّهِ

» و با عدد دوم می گویی «

أَلْحَمْدُلِلَّهِ

» و با عدد سوم می گویی «

لا إِلهَ الَّا اللَّهُ

» و به همین ترتیب پیش می روی؛ در پایان اگر دانه آخر شمارش،

سُبحان اللّه

بود، مخیّر میان فعل و ترک هستی و اگر

أَلْحَمْدُللَّهِ

بود، نشانه امر است و آن را انجام می دهی و اگر

لا إِلهَ الَّا اللَّهُ

بود، نهی است و آن را ترک می کنی.(1)

3- استخاره ذات الرّقاع

نحوه انجام «استخاره ذات الرّقاع»(2) که از امام صادق علیه السلام نقل شده، به این گونه است که هرگاه برای امور مهمّی بخواهی استخاره کنی، بدین شیوه عمل کن:

نخست شش قطعه کاغذ تهیه می کنی و در سه قطعه آن می نویسی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، خِیَرَهً مِنَ اللَّهِ الْعَزیزِ الحَکیمِ، لِفُلانِ بنِ فُلانَه اَفْعَل

به نام خداوند بخشنده مهربان. اختیار و گزینشی است از جانب خداوند عزیز و حکیم برای فلانی فرزند فلانی

(و به جای این دو کلمه نام شخصی را که برای او استخاره می کنی و اسم مادرش را می نویسی)؛ در سه ورقه دیگر همین را می نویسی، ولی به جای «إفعل» می نویسی «لاتفعل»، آنگاه آن کاغذها را زیر جانماز وسجّاده خود می گذاری و دو رکعت نماز می خوانی؛ پس از نماز به سجده می روی و در سجده، صد مرتبه می گویی:

أَستَخیرُ اللَّهَ برَحْمَتِهِ، خِیَرَهً فی عافِیَهٍ از رحمت الهی طلب خیر و سعادت همراه با عافیت می کنم ،سپس می نشینی و می گویی: أَللَّهُمَّ خِرْ لی وَاخْتَر لی فی جَمیعِ امُوری فی یُسْرٍ وَ عافِیَهٍ

خدایا در

ص: 1173

1- [1818]بحارالانوار، جلد 88، صفحه 250، حدیث 5.
2- [1819] (2).« رقاع» جمع« رُقعه» به معنای ورقه کاغذ است و چون در این نوع استخاره، از نوشتن بر ورقه ها استفاده می شود، لذا به آن«

استخاره ذات الرقاع» می گویند.

همه امور به آسانی و عافیت خودت (آنچه را که صلاح است) برایم اختیار کن. آنگاه دست می بری و آن ورقه ها را به هم مخلوط می کنی و یکی یکی بیرون می آوری؛ اگر سه تا از ورقه ها که در آنها «إفعل» نوشته شده، پشت سر هم بیرون آید، کاری را که نیّت کرده ای انجام می دهی (و بسیار خوب است)؛ و اگر سه تا «لا تفعل» خارج شد آن کار را انجام نمی دهی؛ ولی اگر یک بار «إفعل» و دفعه بعد «لا تفعل» بدست آمد، در این صورت سه ورقه دیگر را بیرون بیاور که در مجموع پنج ورقه خارج شود، در این صورت اگر سه تا «إفعل» بود و دو تا «لا تفعل» آن کار را انجام بده؛ ولی اگر بر عکس شد، انجام نده.(1)

4- استخاره با الهام قلبی

مراد از «استخاره قلبی» آن است که انسان با یک حالت توجّه و تضرّع با خدای خود مشورت می کند و از او می خواهد راه صحیح را به وی نشان دهد و پس از آن، هر چه را که خداوند به قلب وی الهام کرد، انجام می دهد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمود:

اگر به انجام کاری نیاز داری (و نمی دانی انجام آن خوب است، یا بد،) با خداوند مشورت کن. اگر خداوند انجام آن کار را به قلب تو انداخت، پیروی کن وگرنه انجام نده.(2) شیوه این استخاره به این نحوست که پس از نماز واجب، به سجده می روی و صد مرتبه می گویی:

«اللَّهُمَّ خِرْلی

؛ خدایا تو برای من (آنچه را به صلاحم می باشد) اختیار کن» سپس به ما اهل بیت علیهم السلام متوسّل می شوی، و ما را شفیع قرار می دهی؛ پس از آن به قلبت توجّه کن، بنگر چه چیزی به تو الهام می شود؛ همان را انجام بده.(3) همچنین در روایت معتبری می خوانیم که دو نفر از یاران امام علی بن موسی الرّضا علیهما السلام می خواستند به مسافرت «مصر» بروند، از آن حضرت پرسیدند: مصلحت آن است که از راه دریا برویم یا از راه خشکی؟

حضرت فرمود: «در غیر وقت نماز واجب به مسجد می روی، دو رکعت نماز می خوانی، سپس یک صد مرتبه می گویی: «أَسْتَخیرُ اللّٰهَ » آنگاه به قلب خویش می نگری هر چیز به قلبت افتاد، به همان عمل می کنی».(4)

1- [1820]بحارالانوار، جلد 88، صفحه 230، حدیث 5.
2- [1821]وسائل الشیعه، جلد 5، صفحه 213، حدیث 3.
3- [1822]همان مدرک.
4- [1823]وسائل الشیعه، ج 5، صفحه 205، ابواب صلاه الاستخاره، باب 1، حدیث 4.

در این زمینه روایات متعدّد دیگری نیز نقل شده است.

بدیهی است اینگونه استخاره با توجه به مورد روایات- که سؤال از امر مهم و گاه خطرناکی است- مربوط به موضوعات پراهمیّت است، نه برای موضوعات کوچک.

یادآوری ها:

1- «استخاره» را هر کسی می تواند با آداب و شرایطی که بیان شد، برای خودش انجام دهد، که به تصریح برخی از بزرگان همین نیز اولی و انسب است،(1) چرا که هر کس با حالت توجّه و نیازی که دارد، خلوص بیشتری پیدا می کند و ارتباط ویژه ای با حضرت حق- جلّ و علا- برقرار می نماید و خداوند مهربان نیز، راه حل را به وی نشان خواهد داد.

امّا می توان به دیگری نیز نیابت داد که از طرف او استخاره کند؛ به ویژه اگر آن شخص، از برجستگی های علمی و عملی و تقوا نیز برخوردار باشد.

2- مرحوم محدّث قمی در «مفاتیح الجنان» از برخی کتب برای استخاره به قرآن مجید در ایّام هفته ساعاتی را نقل کرده است، ولی چون تصریح دارد که برای این مطلب، حدیثی از اهل بیت علیهم السلام وارد نشده است، ما از ذکر آن خودداری می کنیم؛ هر چند معتقدیم استخاره در ایّام با فضیلت و مکان های مقدّس، بهتر است؛ ولی به هر حال، می توان در هر وقت که انسان نیاز و اضطرار پیدا کرد، با خدای خود مشورت کند و با استخاره، مشکل خویش را حل نماید و از سرگردانی رهایی یابد.

3- «استخاره» را با «فال» نباید اشتباه کرد. بسیار دیده شده که افراد پیشنهاد می کنند که برای ما استخاره کنید آیا در فلان کار موفق خواهیم شد یا نه؟ آیا فلان حاجت ما روا می گردد یا نه؟ آنها استخاره را به پیشگویی از آینده اشتباه می گیرند.

استخاره فقط برای این است که اگر در انجام کاری تردید داریم و با مشورت و مطالعه حل نشد، برای تصمیم گیری استخاره کنیم. گویی با خداوند مشورت می نماییم.

4- بعضی از افراد در استخاره کردن چنان زیاده روی می کنند که برای هر امر کوچک و بزرگی به سراغ استخاره می روند و عملاً گرفتار یک نوع

وسواس و وابستگی شدید می شوند، به گونه ای که اقدام به هیچ کاری بدون استخاره برای آنها میسّر نیست.

این امر سبب می شود که استقلال فکر و اندیشه آنها تضعیف گردد و قدرت انتخاب و اعتماد به نفس را از دست بدهند و عقل و خرد را که یک نعمت بزرگ الهی است و چراغ فروزان پروردگار در درون جان انسان است مورد بی توجّهی قرار دهند.

1- [1824]بحارالانوار، جلد 88، صفحه 285.

از این امر باید جدّاً پرهیز کرد و استخاره را منحصر به مواردی کرد که در بالا گفتیم. یعنی در آنجا که به راستی انسان حیران و سرگردان می شود؛ نه می تواند با اندیشه خود تصمیم بگیرد و نه مشاوران راه روشنی پیش پای او می گذارند.

5- بعضی از ناآگاهان در اعتبار اسناد استخاره تردید می کنند، در حالی که ادلّه معتبری برای آن وجود دارد که برای توضیح بیشتر به کتاب «القواعد الفقهیه» جلد 1، ذیل قاعده قرعه مراجعه کنید.

6- آخرین نکته اینکه: بی شکّ عمل به استخاره واجب نیست، ولی سزاوار است انسان یا استخاره نکند یا هر گاه استخاره کرد با توکّل بر خدا به آن عمل کند و تردید به خود راه ندهد؛ با گام های استوار به سوی هدف پیش رود که مطمئنّاً نتیجه مثبت آن را خواهد دید و همان گونه که در آغاز بحث گفته ایم ما این موضوع را شخصاً بارها و بارها آزموده ایم.

***

بخش دهم: احکام و آداب مربوط به مردگان

اشاره

ص: 1177

احکام و آداب مربوط به مردگان

مقدّمه: پایان زندگی دنیا و سفر به سوی آخرت

انسان- هر که باشد و هر قدر عمر طولانی کند- بالأخره در این جهان مسافر و میهمان است و دیر یا زود باید مرغ روحش این قفس را بشکند و از این جهان پرواز کند و به دیار باقی بشتابد؛ جایی که انسان نتیجه تمام اعمال خود را، در آن جا خواهد یافت و با آن خواهد بود (

فَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَیْراً یَرَهُ* وَ مَنْ یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرّاً یَرَهُ

).(1) امید آن که همه ما با دست پر از حسنات و گناهان آمرزیده شده، از این جهان چشم بربندیم، و در جوار رحمت پروردگار در نهایت آرامش قرار گیریم و بر بساط قرب او گام نهیم.

مرگ برای نیکوکاران و پاکان نه تنها وحشتناک نیست، بلکه دریچه ای است به جهانی مملوّ از نور و روشنایی و خوشبختی؛ ولی برای آلودگان و ستمگران و دنیاپرستان گنهکار، غم انگیز و وحشتناک است، چرا که برای آنان، سرآغاز بدبختی و سیه روزی و گرفتاری در میان آتشی که شعله های آن را با دست خود افروخته اند، می باشد.

بنابراین، بهترین راه برای این که انسان هرگز از مرگ نترسد و شجاعانه با آن روبه رو شود و از آن زیان نبیند، این است که همواره لوح دل را با آب توبه از آلودگی گناه بشوید و با صیقل اعمال صالحه، زنگار معصیت را بزداید و چنان پاک باشد که به گفته مولای متّقیان علی علیه السلام: «

فَوَاللَّهِ ما أُبالِی دَخَلْتُ إِلَی الْمَوْتِ أوْ خَرَجَ الْمَوْتُ إِلَیَّ»(2)

برای او تفاوتی نکند که او به سراغ مرگ برود، یا مرگ به سوی او آید:

1- [1825] (1).« پس هر کس ذرّه ای کار خیر، انجام دهد آن را می بیند و هر کس ذرّه ای کار بد کرده، آن را می بیند»(سوره زلزله، آیات 7 و 8).
2- [1826] (2).« به خدا سوگند! باکی ندارم که من به سوی مرگ روم یا مرگ به سوی من آید.»(نهج البلاغه، خطبه 55).

مرگ اگر مرد است گو نزد من آی تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ !

من از او جانی ستانم جاودان او زمن دلقی ستاند رنگ رنگ !

با این مقدّمه کوتاه و با استمداد از لطف حق به سراغ مطالب این بخش می رویم.

1- عبرت گرفتن از مردگان

این مسأله به تجربه رسیده است که هر زمان غم و اندوه بر قلب انسان چیره شد، زیارت اهل قبور(1) (برای فاتحه و طلب آمرزش آنان) غم را از دل می زداید؛ چرا که غم و اندوه های مردم، غالباً به سبب امور مادّی است، لذا هنگامی که انسان جای آرامگاه ابدی را می بیند و می داند که:

هر که باشی و به هر جا برسی آخرین منزل هستی این است !

و مشاهده می کند خیل عظیمی از پیشینیان از فقیر و ثروتمند، ضعیف و قدرتمند همه آنها، همه چیز را گذاشته، تنها یک کفن با خود برده اند؛ و در زیر خاک ها آرمیده اند، به اشتباه خود پی می برد و درمی یابد که تمام غم و اندوه های وی بیهوده است و با کمی اندیشه و تفکّر، بار اندوه و غم از او برداشته می شود.

چه خوش می گوید آن شاعر باصفا:

زنده دلی در صف افسردگان رفت به همسایگی مردگان

حرفِ فنا خواند ز هر لوح پاک روح بقا جست ز هر روح پاک

کارشناسی پی تفتیش حال کرد از او بر سرِ راهی سؤال

کاین همه از زنده رمیدن چرا؟رخت سوی مرده کشیدن چرا؟

گفت پلیدان به مغاک اندرندپاک نهادان ته خاک اندرند

مرده دلانند به رویِ زمین بهرِ چه با مرده شوم همنشین؟

همدمی مرده دهد مردگی صحبت افسرده دل افسردگی !

زیر گِل آنان که پراکنده اندگرچه به تن مرده، به دل زنده اند

مرده دلی بود مرا پیش از این بسته هر چون و چرا پیش از این

زنده شدم از نظر پاکشان آب حیات است مرا خاکشان !

2- چگونه برای سفر آخرت آماده شویم؟

بر هر مسلمانی لازم است- در عین تلاش و کوشش برای حیات آبرومند- همیشه خود را برای سفر

ص: 1180

1- [1827]کیفیّت و زمان زیارت اهل قبور در بخش زیارات، صفحه 566 آمده است.

آخرت و انتقال به سرای ابدی آماده سازد، چرا که مرگ خبر نمی دهد. بنابراین، باید از گناهان توبه و حقوقی را که بر ذمّه دارد- اعمّ از حقوق خدا و خلق- ادا نماید؛ مخصوصاً کسانی که آثار مرگ را در خود مشاهده می کنند و یا به سنّ پیری می رسند، لازم است بیش از دیگران، این امور را رعایت نمایند.

همچنین اگر کسی را آزار داده، یا حقّ کسی را ضایع ساخته، آبروی مسلمانی را برده و از کسی بدگویی نموده و امثال این امور، لازم است، جبران نماید و از صاحبان حق، حلّیت بطلبد و آنان را راضی نماید؛ زیرا پس از مرگ، راهی برای جبران ندارد و فریاد و التماس او برای بازگشت به دنیا و جبران این امور، بی فایده است.

حتّی سزاوار است کفنش را آماده داشته باشد و بداند که در نهایت آنچه را که از مال دنیا با خود می برد، همین چند قطعه پارچه ساده است! امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس کفنش در خانه اش با او باشد، از غافلان نخواهد بود و هر زمان که به آن کفن نگاه کند، برای او حسنه نوشته می شود!». (1) همچنین مناسب است که وصیّت کند، به خصوص نسبت به ثلث اموالش برای رسیدگی به فقرا و مستمندان- به ویژه خویشان نیازمند- و کارهای خیر دیگر (زیرا اگر وصیّت به ثلث نکند، ورثه در برابر آن مسئول نیستند) و اگر نماز و روزه قضا و یا کفّاراتی بر عهده دارد که نمی تواند انجام دهد، وصیّت نماید که از آن اموال، برای این امور استفاده نمایند.

اگر فرزندان کوچکی دارد، برای آنان سرپرستِ امینی قرار دهد.

مرحوم «شیخ طوسی» فرموده است: مستحب است برای انسان که وصیّت کند و نسبت به آن بی توجّهی ننماید؛ زیرا روایت شده است که «سزاوار است برای انسان شب را به صبح نیاورد، مگر آن که وصیّتش زیر سرش (و کنار بسترش) باشد».

شیخ طوسی می افزاید: از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «هر کس به هنگام مرگش وصیّت خوبی نکند، نشانه کاستی در عقل و مروّت او است». پرسیدند: چگونه باید وصیّت کرد فرمود: «وقتی که نزدیک است مرگش فرا رسد و مردم نزد او جمع شدند (مقدّمتاً)، بگوید:

اللّهُمَّ فاطِرَ السَّمواتِ وَالْأرْضِ، عالِمَ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ، الرَّحْمنَ

ای خدای پدید آورنده آسمانها و زمین و دانای پنهان و آشکار و بخشاینده

الرَّحیمَ، انّی اعْهَدُ الَیْکَ انّی اشْهَدُ انْ لااله الَّا انْتَ، وَحْدَکَ لاشَریکَ لَکَ،

مهربان، من با تو پیمان می بندم و گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست و یگانه ای و همتایی برای تو نمی باشد

ص: 1181

1- [1828]کافی، جلد 3، صفحه 256، حدیث 23.

وَانَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ، وَ انَّ السَّاعَةَ آتِیَةٌ

و همانا محمّد که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- بنده و فرستاده توست، و قیامت

لارَیْبَ فیها، وَ انَّکَ تَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ، وَانَّ الْحِسابَ حَقٌّ، وَ انَّ الْجَنَّةَ

بی شک خواهد آمد و تو مردگان را بر می انگیزانی، و (گواهی می دهم که) محاسبه اعمال و بهشت

حَقٌّ، وَ ما وَعَدْتَ فیها مِنَ النَّعیمِ مِنَ الْمَأْکَلِ وَالْمَشْرَبِ وَ النِّکاحِ حَقٌّ،

حق است و آنچه از خوردنی ها و آشامیدنیها و ازدواج که وعده فرموده ای حق است

وَ انَّ النَّارَ حَقٌّ، وَ انَّ الْإیمانَ حَقٌّ، وَ انَّ الدّینَ کَما وَصَفْتَ، وَانَّ الْإِسْلامَ

و دوزخ و ایمان حق است، و دین همان است که توصیف نمودی. و اسلام همان است که

کَما شَرَعْتَ، وَ انَّ الْقَوْلَ کَما قُلْتَ، وَ انَّ الْقُرآنَ کَما انْزَلْتَ، وَ انَّکَ انْتَ اللَّهُ

تشریع نمودی و سخن همان است که تو گفتی و قرآن همان است که نازل فرمودی و به راستی تو همان خدای

الْحَقُّ الْمُبینُ، وَ انّی اعْهَدُ الَیْکَ فی دارِ الدُّنْیا، انّی رَضیتُ بِکَ رَبّاً،

بر حق و آشکاری و خدایا در دنیا با تو پیمان می بندم که خشنودم به پروردگاریت

وَبِالْإِسْلامِ دیناً، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ نَبِیّاً، وَبِعَلِیٍّ وَلِیّاً، وَبِالْقُرْآنِ

و دین اسلام و پیامبری محمّد- که درود خدا بر او و خاندانش باد- و امامت علی و کتاب (آسمانی) قرآن

کِتاباً، وَ انَّ اهْلَ بَیْتِ نَبِیِّکَ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ ائِمَّتی اللَّهُمَّ انْتَ ثِقَتی

و این که خاندان پیامبرت- که درود خدا بر او و بر ایشان باد- امامان منند، خدایا تویی تکیه گاهم

عِنْدَ شِدَّتی وَ رَجائی عِنْدَ کُرْبَتی وَعُدَّتی عِنْدَ الْأُمُورِ الَّتی تَنْزِلُ بی

در سختی و امیدم در گرفتاری و ذخیره ام در آنچه بر من پیش می آید،

فَانْتَ وَلِیّی فی نِعْمَتی وَ الهی وَ الهُ آبائی صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،

پس تویی صاحب اختیار در نعمتم و معبود من و پدرانم، بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

وَلاتَکِلْنی الی نَفْسی طَرْفَهَ عَیْنٍ ابَداً، وانِسْ فی قَبْری وَحْشَتی وَاجْعَلْ

و به اندازه چشم بر هم زدنی به خودم وامگذار، و در قبرم همنشین وحشتم باش

لی عِنْدَکَ عَهْدَاً یَوْمَ الْقاکَ مَنْشُوراً.

و برایم در روز دیدارت پیمانی گسترده در نزدت قرار ده.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ادامه فرمود: «این عهد و پیمان میّت است با خدا، در روزی که می خواهد، وصیّت کند

ص: 1182

و وصیّت بر هر مسلمانی لازم است». (1) (سپس وصیّت های خود را بگوید).

باید توجّه داشته باشد بیش از ثلث اموال خود وصیّت نکند، زیرا شرعاً نافذ نیست، مگر آن که همه ورثه رضایت دهند که بیش از ثلث وصیّت کند و محروم کردن بعضی از ورثه نیز جایز نمی باشد؛ زیرا دو سوم باقیمانده مال، طبق قانون ارث تقسیم می شود؛ ولی می تواند تا حدّ یک سوم اموالش را برای افرادی که نیاز بیشتری دارند یا مورد توجّه اوست وصیّت کند.

3- بر بالین محتضر

هنگام احتضار و جان دادن، زمانِ بسیار مشکل و در عین حال حسّاسی است. در آن هنگام، باید محتضر را به اموری توجّه داد؛ و او را تنها نگذاشت.

توبه، توجّه به خدا، ایمان به لطف او، ادای حقوق واجبه مردم و خداوند را، به او تذکّر دهند.

مرحوم «علّامه مجلسی» می نویسد: «وقتی که آثار احتضار آشکار شود، محتضر این دعا را به طور مکرّر بخواند: «

اللَّهُمَ اغْفِرْ لِیَ الْکَثیرَ مِنْ مَعْصِیَتِکَ، وَ اقْبَلْ مِنِّی الْیَسیرَ مِنْ طاعَتِکَ

؛ خداوندا ! گناهان زیاد مرا ببخش و طاعت های اندک مرا قبول فرما». تا این که جان دادن بر او آسان گردد.

در این حالت خویشان و فرزندان نباید او را تنها بگذارند، نزد او باشند و دعا و قرآن بخوانند؛ مخصوصاً سوره های «یس» و «صافّات» را.

همچنین، اعتقاد به توحید و صفات جمال و جلال خداوند و اقرار به رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامت ائمّه اطهار علیهم السلام و اعتقاد به معاد و بهشت و دوزخ، و سایر اعتقادات را برای او بازگو نمایند و به وی تلقین کنند ... و کلمه «

لا الهَ الَّا اللَّهُ»

را بسیار به او تلقین نمایند و او نیز بگوید؛ زیرا در حدیث معتبری آمده است که هر کس سخن آخر او «

لا الهَ الَّا اللَّهُ

» باشد، داخل بهشت می شود.

پای محتضر را به سوی قبله برگردانند، تا فرشتگان رحمت، به او روی آورند.

در حدیث معتبری آمده است که اگر بر میّت قبض روح دشوار باشد، او را به مکانی که در آن نماز می گزارد، ببرند و او را در جایگاه نمازش بگذارند، تا قبض روح بر او آسان گردد.

به هنگام احتضار، چیز سنگینی بر بدن محتضر نگذارند.

در حدیث صحیح از امام باقر علیه السلام نقل شده است: هرگاه کسی را در وقت جان دادن، مشاهده کردید، این کلمات فَرَج را به او تلقین کنید:

1- [1829]مصباح المتهجّد، صفحه 15.

لا الهَ الَّا اللَّهُ الْحَلیمُ الْکَریمُ، لا الهَ الَّا اللَّهُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِ

معبودی جز خدای بردبار و بزرگوار نیست، معبودی جز خدای برتر و با عظمت نیست، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار

السَّمواتِ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْأَرَضینَ السَّبْعِ، وَ ما فیهِنَّ وَ ما بَیْنَهُنَّ وَ رَبِ

آسمانهای هفت گانه و زمینهای هفت گانه، و آنچه در آنها و میان آنهاست و پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظیمِ، وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ.

عرش با عظمت است و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

همچنین سنّت است برای آسانی قبض روح، این دعا را به محتضر تلقین نمایند:

یا مَنْ یَقْبَلُ الْیَسیرَ، وَیَعْفُو عَنِ الْکَثیرِ، اقْبَلْ مِنِّی الْیَسیرَ، وَاعْفُ عَنِّی

ای که (عمل) اندک را پذیرفته و از (گناه) فراوان درمی گذری، این (عمل) کم را از من بپذیر و از (گناه)

الْکَثیرَ، انَّکَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ.

فراوانم درگذر چرا که تو بسیار آمرزنده و مهربانی.

مرحوم «علّامه مجلسی» در ادامه می افزاید: «سنّت است وقتی که محتضر جان داد، دهانش را بر هم گذارند و چانه اش را ببندند و چشمهایش را برهم آورند و دستهایش را بر پهلوهایش بکشند (تا منظره چهره و بدن او بدنما نباشد) و او را با پارچه ای بپوشانند و نزد او قرآن بخوانند». (1)

4- آداب کفن و دفن و نماز اموات

اشاره

وقتی مسلمانی از دنیا رفت، مؤمنین برای تجهیز و فراهم ساختن مقدّمات دفن وی اقدام کنند.

نخست مؤمنان را با خبر سازند، تا برای تشییع جنازه و احترام او و نماز بر وی حاضر شوند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «سزاوار است که برادران مؤمن را اطلاع دهند تا بر جنازه وی حاضر شوند و بر او نماز بگزارند و برای او استغفار کنند، تا هم میّت و هم حاضران ثواب ببرند».(2) در این جا توجّه به چند موضوع لازم است:

اوّل: غسل میّت

باید میّت را سه غسل داد:

1- غسل با آب سدر؛ 2- غسل با آب کافور؛ 3- غسل با آب خالص.

ص: 1184

1- [1830]زاد المعاد، صفحه 538- 540.(با تصرّف و تلخیص)
2- [1831]همان مدرک، صفحه 540.

باید برای هر غسلی نیّت قربه الی اللَّه بکنند و به ترتیب، نخست با آب مخلوط به سدر، میّت را غسل می دهند، آنگاه ظرف را می شویند تا اثر سدر برود سپس با آب مخلوط به کافور، وی را غسل می دهند. باز هم ظرف را کاملاً می شویند تا اثر کافور نباشد، آنگاه در مرتبه سوم، میّت را با آب خالص غسل می دهند.

پس از پایان غسل، میّت را با پارچه و حوله ای تمیز، خشک کنند.(1) شخص غسل دهنده نیز، پس از پایان کار، باید غسل «مسّ میّت» کند، مگر این که با دستکش و مانند آن غسل داده باشد.

دوم: کفن کردن

واجب است که میّت را با سه پارچه کفن کنند:

اوّل: لنگ است که از ناف تا زانو را می پوشاند و بهتر است که از سینه تا روی پا برسد

دوم: پیراهن است که از سرِ شانه تا نصف ساق و تمام اطراف بدن را می پوشاند.

سوم: پارچه ای بلند، به نام سرتاسری است که همه بدن را می پوشاند به گونه ای که بستن دو سر آن ممکن باشد و پهنای آن به اندازه ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر قرار گیرد.(2) سوم: حنوط

پس از پایان غسل، واجب است میّت را «حَنوط» کنند؛ یعنی به محل های هفت گانه سجده (پیشانی، کف دست ها، سر زانوها و سرِدو انگشت بزرگ پاها) کافور بمالند، و احتیاط آن است که مقداری کافور روی این اعضا بگذارند.(3) پس از غسل و کفن و حنوط، میّت را برای نماز ببرند.

چهارم: نماز میّت

اشاره

بر مسلمانان لازم است وقتی خبر مرگ مسلمانی را شنیدند، برای نماز او حاضر شوند و این واجب، واجب کفایی است یعنی اگر یک نفر یا گروهی انجام دهند، از بقیّه ساقط می شود. غسل و کفن و دفن او نیز واجب کفایی می باشد.

واجب است بر هر میّت مسلمان و شیعه، که بالغ باشد، نماز میّت بخوانند و بنابر احتیاط واجب، بر بچّه نابالغ که کمتر از شش سال نداشته باشد، نیز نماز بخوانند.

سزاوارترین افراد، برای نماز بر میّت، وارث او است و شوهر نسبت به همسرش از دیگران اولی است (و اگر دیگران می خوانند از آنها اجازه بگیرند). واجب است نمازگزار، نماز را رو به قبله بخواند، و سر جنازه به

1- [1832]زادالمعاد، صفحه 545- 547.(با تلخیص)
2- [1833]همان مدرک، صفحه 548 و 549 و رساله های توضیح المسائل.
3- [1834]همان مدرک، صفحه 550 و رساله های توضیح المسائل.

سمت راست و پای او به سمت چپ نمازگزار باشد، و میّت را بر پشت بخوابانند.

در نماز میّت طهارت شرط نیست؛ یعنی پاک بودن بدن و لباس و داشتن وضو یا غسل و تیمّم، لازم نیست ولی بهتر است این امور رعایت شود.

مستحب است، اگر میّت مرد است، امام جماعت یا کسی که فرادی بر او نماز می خواند روبه روی وسط قامت او بایستد و اگر میّت زن است مقابل سینه اش قرار گیرد، و مستحب است که پابرهنه نماز بخوانند؛ مثلاً پا را از کفش درآورند و روی کفش بگذارند(1) (و امور دیگری که در توضیح المسائل آمده است).

دستور نماز میّت:

نماز میّت پنج تکبیر دارد و اگر نمازگزار پنج تکبیر را به این ترتیب بگوید، کافی است.

بعد از نیّت و گفتن تکبیر اوّل بگوید:

اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَ اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ. و بعد از تکبیر دوم بگوید:

گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست و گواهی می دهم که محمّد فرستاده خداست.****************

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. و بعد از تکبیر سوم بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست.****************** خدایا

لِلْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ. و بعد از تکبیر چهارم بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهذَا الْمَیِّتِ. سپس زنان و مردان با ایمان را بیامرز.***************** خدایا این میّت را بیامرز.**

تکبیر پنجم را بگوید. ولی بهتر آن است که بعد از نیّت و تکبیر اوّل بگوید: اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا

************************************ گواهی می دهم که معبودی جز

اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَ اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، ارْسَلَهُ بِالْحَقِ

خدا نیست، یگانه است و شریکی ندارد و گواهی می دهم که محمّد بنده و فرستاده اوست که او را به حق برای

بَشیراً وَ نَذیراً بَیْنَ یَدَیِ السَّاعَهِ* بعد از تکبیر دوم بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی

بشارت و بیم پیش از قیامت فرستاد.************** خدایا بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّداً

محمّد و خاندان پاکش درود فرست و بر محمّد و خاندان پاکش برکت ده و بر محمّد و خاندانش رحم کن،

1- [1835]زاد المعاد، صفحه 553 و 554،(با تلخیص) و رساله های توضیح المسائل.

وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَافْضَلِ ما صَلَّیْتَ وَ بارَکْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلی ابْراهیمَ وَ آلِ

مانند برترین درود و برکت و رحمتی که بر ابراهیم و خاندانش

ابْراهیمَ، انَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ، وَ صَلِّ عَلی جَمیعِ الْأَنْبِیآءِ وَالْمُرْسَلینَ

فرستاده ای، چرا که تو ستوده و شایسته ستایشی، و بر تمامی پیامبران و فرستادگانت درود فرست

* بعد از تکبیر سوم بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ، وَالْمُسْلِمینَ

************ خدایا مردان و زنان با ایمان و مسلمان را بیامرز،

وَالْمُسْلِماتِ، الْأَحْیآءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْواتِ، تابِعْ بَیْنَنا وَ بَیْنَهُمْ بِالْخَیْراتِ،

زندگان و مردگانشان را، و میان ما و ایشان را به وسیله نیکی ها پیوند ده،

انَّکَ مُجیبُ الدَّعَواتِ، انَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ* بعد از تکبیر چهارم بگوید:

که تو اجابت کننده خواسته هایی و بر هر چیز توانایی.***************

اللَّهُمَّ انَّ هذا عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ، وَابْنُ امَتِکَ، نَزَلَ بِکَ، وَ انْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ

خدایا این بنده تو و فرزند بنده تو و فرزند کنیز توست، که نزد تو آمده، و تو بهترین میزبانی،

بِهِ، اللَّهُمَّ انَّا لا نَعْلَمُ مِنْهُ الَّا خَیْراً، وَ انْتَ اعْلَمُ بِهِ مِنَّا، اللَّهُمَّ انْ کانَ مُحْسِناً

خدایا ما جز خیر و نیکی از او سراغ نداریم و تو از ما به او آگاهتری خدایا اگر نیکوکار است

فَزِدْ فی احْسانِهِ، وَ انْ کانَ مُسیئاً فَتَجاوَزْ عَنْهُ وَاغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ

بر نیکی اش بیافزا و اگر گنهکار است از او درگذر و او را بیامرز، خدایا او را در

عِنْدَکَ فی اعْلا عِلِّیّینَ، وَاخْلُفْ عَلی اهْلِهِ فِی الْغابِرینَ، وَارْحَمْهُ

اعلا علیّین نزد خود جای ده، و در میان بازماندگان برای خانواده اش جانشین باش، و به مهربانیت بر او

بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ* سپس بگوید: اللَّهُ اکْبَرُ و نماز را تمام کند.

رحم کن ای مهربانترین مهربانان********* خدا بزرگتر است (از همه چیز)*********

اگر میّت زن باشد بعد از تکبیر چهارم بگوید: اللَّهُمَّ انَّ هذِهِ امَتُکَ، وَابْنَةُ عَبْدِکَ، وَابْنَةُ

********************* خدایا این کنیز توست و دختر بنده تو

أَمَتِکَ، نَزَلَتْ بِکَ، وَانْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ، اللَّهُمَّ انَّا لا نَعْلَمُ مِنْها الَّا خَیْراً،

و کنیز توست که نزدت آمده، و تو بهترین میزبانی، خدایا ما جز خیر و نیکی از او نمی دانیم،

وَانْتَ اعْلَمُ بِها مِنَّا، اللَّهُمَّ انْ کانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فی احْسانِها، وَ انْ کانَتْ

و تو از ما به او آگاهتری خدایا اگر نیکوکار است در نیکی اش بیافزا و اگر

ص: 1187

مُسیئَهً فَتَجاوَزْ عَنْها وَاغْفِرْ لَها، اللَّهُمَّ اجْعَلْها عِنْدَکَ فی اعْلا عِلِّیّینَ،

گنهکار است از او درگذر و او را بیامرز خدایا او را در اعلا علیّین نزد خود جای ده،

وَاخْلُفْ عَلی اهْلِها فِی الْغابِرینَ، وَارْحَمْها بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.

و برای بازماندگانش در میان خانواده او جانشین باش، و به مهربانیت بر او رحم کن ای مهربانترین مهربانان.

واگر میّت مستضعف است یعنی وضع ایمان او درست معلوم نیست بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ

*********************************** خدایا آنان را که

لِلَّذینَ تابُوا وَاتَّبَعُوا سَبیلَکَ، وَقِهِمْ عَذابَ الْجَحیمِ.

توبه کردند و از راه تو پیروی نمودند بیامرز و آنها را از عذاب دوزخ نگاه دار.

و اگر میّت طفل نابالغ باشد، بگوید: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِأَبَوَیْهِ وَ لَنا سَلَفاً وَ فَرَطاً وَ اجْراً.(1)

****************** خدایا او را برای پدر و مادرش و برای ما از پیش فرستاده و پیشی گیرنده و سبب پاداش قرار ده.

مستحب است که بر جای خود بایستد، تا جنازه را بردارند، خصوصاً امام جماعت 1837] و در روایتی وارد شده است که بعد از فراغت از نماز بگوید: رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً، وَ فِی الْأخِرَهِ

****************** پروردگارا به ما در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما

حَسَنَهً، وَ قِنا عَذابَ النَّارِ.(2)

و ما را از عذاب آتش نگاه دار.

پنجم: دفن میّت

هنگامی که جنازه را به سوی قبر حرکت می دهند، مستحب است آن را در چند قدمی بر زمین بگذارند و تا سه مرتبه او را تدریجاً به قبر نزدیک کنند و در دفعه چهارم وارد قبر کنند (تا روح میّت آمادگی پیدا کند).

میّت را باید طوری دفن کنند که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم به او دسترسی پیدا نکنند و مستحب است قبر را به اندازه قامت انسان متوسط، گود کنند. اگر میّت مرد است مستحب است او را از طرف سر وارد قبر کنند و اگر زن است، از طرف عرض بدن و به هنگام وارد کردن او، پارچه ای روی قبر بگیرند.

1- [1836]زاد المعاد، صفحه 554- 559 و رساله های توضیح المسائل.
2- [1838]زادالمعاد، صفحه 558.

مستحب است وقتی میّت را نزدیک قبر می گذارند گفته شود: اللَّهُمَّ عَبْدُکَ، ابْنُ عَبْدِکَ،

************************************ خدایا بنده و فرزند بنده

وَابْنُ أَمَتِکَ، نَزَلَ بِکَ، وَ أَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ.

و فرزند کنیزت نزدت آمده و تو بهترین میزبانی.

و اگر میّت زن است، بگوید: اللَّهُمَّ أَمَتُکَ، ابْنَهُ عَبْدِکَ، وَ ابْنَهُ أَمَتِکَ، نَزَلَتْ بِکَ،

************* خدایا کنیزت و دختر بنده و دختر کنیزت نزدت آمده

وَانْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ.

و تو بهترین میزبانی.

وقتی که میّت را برمی دارند که به سوی قبر ببرند، بگویند: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ عَلی مِلَّهِ

************************************ به نام خدا و به یاری خدا و بر دین

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ الی رَحْمَتِکَ لاإلی عَذابِکَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ

رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد-، خدایا به سوی رحمتت، نه به سوی عذابت، (او را ببر) خدایا

لَهُ فی قَبْرِهِ، وَ لَقِّنْهُ حُجَّتَهُ، وَ ثَبِّتْهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ، وَ قِنا وَ إِیَّاهُ عَذابَ الْقَبْرِ.

برای او در قبرش گشایش قرار ده و عقائدش را به او تلقین کن و او را بر گفتار ثابت راسخ بدار و ما و او را از عذاب قبر نگهدار.

(در صورتی که میّت زن باشد، ضمیرها را مؤنث آورند).

پس از آن که میّت را داخل قبر گذاشتند، مستحب است گره کفن را باز کنند و صورت میّت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک، زیر سر او قرار دهند، همچنین مستحب است، مقداری از تربت امام حسین علیه السلام همراه او در قبر بگذارند.(1)

5- تلقین میّت

پیش از آن که لحد را بپوشانند، مستحب است دست راست را به شانه میّت بزنند و او را حرکت دهند و سه مرتبه بگویند:

اسْمَعْ افْهَمْ، یا فُلانَ بْنَ فُلانٍ

(به جای فلان بن فلان، نام میّت و نام پدرش را ببرند) و اگر میّت زن است بگویند

اسْمَعی، افْهَمی یا فُلانَهَ بِنْتَ فُلانٍ.

سپس به ترتیب زیر، او را به عقاید حقّه اسلامی تلقین دهند:

ص: 1189

1- [1839]مجموعه این دستورات، در زاد المعاد، صفحه 560- 562 و رساله های توضیح المسائل آمده است.

هَلْ انْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذى فارَقْتَنا عَلَيْهِ مِنْ شَهادَهِ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ

آيا تو بر پيمانى كه بر آن از ما جدا شدى هستى (بر) گواهى اين كه معبودى جز خداى يگانه نيست كه

لا شَريكَ لَهُ، وَ انَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، عَبْدُهُ وَ رسُولُهُ، وَ سَيِّدُ

همتايى ندارد و اين كه محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- بنده و فرستاده او و سرور

النَبِّيّنَ، وَ خاتَمُ الْمُرْسَلينَ، وَ انَّ عَلِيّاً اميرُ الْمُؤْمِنينَ، وَ سَيِّدُ الْوَصِيّينَ،

پيامبران و آخرين فرستادگان است، و اين كه على اميرمؤمنان و سرور اوصيا

وَامامٌ افْتَرَضَ اللَّهُ طاعَتَهُ عَلَى الْعالَمينَ، وَ انَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَ عَلِىَ

و امامى است كه خدا اطاعتش را بر جهانيان واجب نموده است و اين كه امام حسن و امام حسين و على

بْنَ الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ، وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ،

بن حسين و محمّد بن على و جعفر بن محمّد و موسى بن جعفر

وَعَلِىَّ بْنَ مُوسى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ، وَعَلِىَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِىٍّ،

و على بن موسى و محمّد بن على و على بن محمّد و حسن بن على

وَالْقآئِمَ الْحُجَّهَ الْمَهْدِىَّ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ائِمَّهُ الْمُؤْمِنينَ، وَحُجَجُ اللَّهِ

و حضرت مهدى- كه درود خدا بر ايشان باد- پيشوايان مؤمنان و حجّتهاى خدا

عَلَى الْخَلْقِ اجْمَعينَ، وَ ائِمَّتُكَ ائِمَّهُ هُدَىً ابْرارٌ، يا فُلانَ بْنَ فُلانٍ، اذا

بر تمامى مخلوقاتند و پيشوايان تو پيشوايان هدايت و نيكوكارند، اى فلان پسر فلان، زمانى

اتاکَ الْمَلَکانِ الْمُقَرَّبانِ، رَسُولَیْنِ مِنْ عِنْدِاللّٰهِ تَبارَکَ وَ تعالی وَ سَئَلاکَ

که دو فرشته مقرّب، فرستادگان خدای متعال نزد تو آمده و از تو درباره

عَنْ رَبِّکَ، وَ عَنْ نَبِیِّکَ، وَ عَنْ دینِکَ، وَ عَنْ کِتابِکَ، وَ عَنْ قِبْلَتِکَ، وَ عَنْ

خدا و پیامبر و دین و کتاب و قبله و

اِئِمَّتِکَ، فَلا تَخَفْ وَ قُلْ فی جَوابِهِما، اللَّهُ جَلَّ جَلالُهُ رَبّی وَ مُحَمَّدٌ صَلَّی

امامانت پرسیدند، نترس و در جوابشان بگو: خدای با عظمت پروردگارم و محمّد- که درود

اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ نَبِیّی وَالْإِسْلامُ دینی وَالْقُرْآنُ کِتابی وَالْکَعْبَهُ قِبْلَتی

خدا بر او و خاندانش باد- پیامبرم و اسلام دینم و قرآن کتابم و کعبه قبله ام و

وَامیرُالْمُؤْمِنینَ عَلِیُّ بْنُ ابیطالِبٍ امامی وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ الْمُجْتَبی

امیرمؤمنان علی بن ابیطالب امامم و حسن بن علی مجتبی

ص :1190

امامى وَالْحُسَيْنُ بْنُ عَلِیٍّ الشَّهیدُ بِکَرْبَلاءَ امامى وَ عَلِیٌّ زَیْنُ الْعابِدینَ

امامم و حسین بن على شهید در کربلا امامم؛ و على زین العابدین

امامى وَ مُحَمَّدٌ باقِرُ عِلْمِ النَّبِیّینَ امامى وَ جَعْفَرٌ الصَّادِقُ امامى

امامم و محمّد باقر شکافنده علوم پیامبران امامم و جعفر صادق امامم

وَمُوسَى الْکاظِمُ امامى وَ عَلىٌّ الرِّضا امامى وَ مُحَمَّدٌ الْجَوادُ امامى

و موسى کاظم امامم و على الرضا امامم و محمّد جواد امامم

وَعَلِیٌّ الْهادى امامى وَالْحَسَنُ الْعَسْکَرىُّ امامى وَالْحُجَّهُ الْمُنْتَظَرُ

و على الهادى امامم و حسن عسگرى امامم و حجّت منتظر

امامى هؤُلاءِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ اجْمَعینَ ائِمَّتى وَ سادَتى وَقادَتى

امامم است، اینها- که درود خدا بر همه آنان باد- امامان من و آقا و پیشوا

وَشُفَعآئى بِهِمْ اتَوَلّى وَمِنْ اعْدآئِهِمْ اتَبَرَّءُ فِى الدُّنْیا وَالْأخِرَهِ، ثُمَّ اعْلَمْ یا

و شفیعان من هستند، به ایشان رو کرده و در دنیا و آخرت از دشمنان آنها بیزارى مى جویم، سپس بدان اى

فُلانَ بْنَ فُلانٍ، انَّ اللَّهَ تَبارَکَ وَ تَعالى نِعْمَ الرَّبُّ، وَ انَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّه

فلان پسر فلان که خداوند متعال پروردگار خوبى است و این که محمّد- که درود خدا

عَلَیْهِ وَ آلِهِ نِعْمَ الرَّسُولُ، وَ انَّ امیرَ الْمُؤْمِنینَ عَلِیَّ بْنَ ابى طالِبٍ،

بر او و خاندان پاکش باد- پیامبر خوبى است و این که امیرمؤمنان على بن ابى طالب

وَاوْلادَهُ الْأئِمَّهَ الْأَحَدَ عَشَرَ نِعْمَ الْأَئِمَّهُ، وَ انَّ ما جآءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ

و یازده امام از فرزندانش امامانی شایسته اند و این که آنچه محمّد- که درود خدا

عَلَیْهِ وَ آلِهِ حَقٌّ، وَ انَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَ سُؤالَ مُنْکَرٍ وَ نَکیرٍ فِی الْقَبْرِ حَقٌّ،

بر او و خاندان پاکش باد- آورده، حق است و این که مرگ حق است و سؤال منکر و نکیر در قبر حق است

وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَالنُّشُورَ حَقٌّ، وَالصِّراطَ حَقٌّ، وَالْمیزانَ حَقٌّ، وَ تَطایُرَ

و برانگیخته شدن حق است و زنده شدن دوباره حق است، و پل صراط حق است و میزان حق است و پراکنده شدن

الْکُتُبِ حَقٌّ، وَالْجَنَّهَ حَقٌّ، وَ النّارَ حَقٌّ، وَ انَّ السّاعَهَ آتِیَهٌ لارَیْبَ فیها،

نامه های اعمال حق است، و بهشت حق است و دوزخ حق است و این که قیامت خواهد آمد و شکّی در آن نیست

وَانَّ اللَّهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ* سپس بگوید: افَهِمْتَ یا فُلانُ.

و خداوند آنان که در گورند بر می انگیزد********** آیا فهمیدی ای فلان.

ص :1191

در حدیث آمده است که میّت در جواب می گوید: بلی فهمیدم. آنگاه بگوید: ثَبَّتَکَ اللّهُ بِالْقَوْلِ

خدا تو را بر گفتار ***

الثّابِتِ، هَداکَ اللّهُ الی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ، عَرَّفَ اللّهُ بَیْنَکَ وَ بَیْنَ اوْلِیائِکَ فی

ثابت پایدار بدارد، خداوند تو را به راه راست هدایت نماید، خداوند تو را با اولیایت در

مُسْتَقَرّ مِنْ رَحْمَتِهِ* و در پایان بگوید: اللّهُمَّ جافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنْبَیْهِ،

جایگاهی از رحمتش آشنا کند************* خدایا زمین را از دو پهلویش دور کن [/ قبرش را فراخ گردان ،

وَاصْعَدْ بِرُوحِهِ الَیْکَ، وَلَقِّهِ مِنْکَ بُرْهاناً، اللّهُمَّ عَفْوَکَ عَفْوَکَ (و اگر میّت زن و روحش را به درگاهت بالا ببر و از جانب خودت دلیل را به او نشان ده، خدایا عفو تو، عفو تو. (را خواهانم).********

است، در همه این موارد ضمیرها را مؤنّث بیاورد).

پس از آن خشت لحد را بچینند و قبر را به صورت مربع مستطیل بسازند و می توانند به اندازه چهار انگشت از زمین بلند کنند و نشانه ای روی آن بگذارند که شناخته شود و روی قبر آب بپاشند وبعد از پاشیدن آب، کسانی که حاضرند دست ها رابر قبر بگذارند و انگشت ها را باز کرده، در خاک فرو برند و هفت مرتبه سوره «انّا انزلناه» را بخوانند و برای میّت طلب آمرزش کنند.

پس از آن، این دعا را بخوانند:

اللهُمَّ جافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنْبَیْهِ، وَ اصْعَدْ الَیْکَ رُوحَهُ، وَلَقِّهِ مِنْکَ

خدایا زمین را از دو پهلویش دور کن [/ قبرش را فراخ گردان ، و روحش را به درگاهت بالا ببر، و از جانب خودت

رِضْواناً، وَاسْکِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِکَ ما تُغْنِیهِ بِهِ عَنْ رَحْمَهِ مَنْ سِواکَ.

خشنودیت را به او نشان ده و از رحمتت به اندازه ای که از رحمت غیر تو بی نیاز شود در قبرش قرار ده.

(و اگر میّت زن است، ضمیرها را مؤنث بخوانند)

مستحب است که ولیّ میّت، بعد از آن که مردم برگشتند کنار قبر میّت، نزد سر او بنشیند و با صدای بلند آن تلقین را که ذکر شد، بار دیگر بخواند، که در روایات آمده است، وقتی این تلقین را بخوانند فرشتگان مأمور سؤال بر او آسان می گیرند.(1)

6- نماز لیله الدّفن (نماز وحشت)

مستحب است در شب اوّل قبر، دو رکعت نماز وحشت برای میّت بخوانند، به این ترتیب که در رکعت

1- [1840]مجموعه این دستورات و روایات در زاد المعاد، صفحه 564-569 و در رساله های توضیح المسائل، در احکام اموات آمده است.

اوّل بعد از حمد، یک مرتبه «آیهالکرسی» و در رکعت دوم بعد از حمد، ده مرتبه سوره «انّا انزلناه» و بعد از سلامِ نماز بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ابْعَثْ ثَوابَهُما إلی قَبْرِ فُلانٍ»

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و ثواب این دو رکعت را به قبر فلانی برسان.

(و به جای کلمه فلان، اسم میّت را ببرد). (1) «نماز وحشت» را در هر موقع از شب اوّل قبر می توان بجا آورد، ولی مناسبت تر است در اوّل شب، بعد از نماز عشا باشد و اگر دفن میّت به علّتی تأخیر بیفتد، باید نماز وحشت را تا شب اوّل دفن او تأخیر اندازد. (2)

7- تسلیت به بازماندگان

تسلّی بازماندگان و همدردی با صاحبان عزا از اصول انسانی و اسلامی به شمار می رود. کسی که عزیزی را از دست داده، وقتی حضور مردم در مراسم مختلف و تسلیت آنان را ببیند، اندوه و آلامش کاسته می شود؛ به همین دلیل، در روایات اسلامی نسبت به این امر تأکید فراوان شده است.

مرحوم «علّامه مجلسی» می نویسد: مستحب است صاحبان عزا را تسلیت گفته و آنها را به صبر و شکیبایی دعوت کرد، چه قبل از دفن میّت و چه بعد از آن، و بعد از دفن، مورد تأکید بیشتری است؛ کمترین چیز در تسلیت آن است که نزد مصیبت دیده بروند تا آنها را ببیند و آرام گیرد.

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «هر کس اندوهگینی را دعوت به صبر کند، در قیامت خداوند او را از لباس های زیبای بهشتی بپوشاند، و هر کس مصیبت زده ای را به صبر و شکیبایی دعوت کند، خداوند پاداش آن صاحب مصیبت را به وی کرامت کند، بی آن که از اجر صاحب مصیبت چیزی کاسته شود».

همچنین مستحب است تا سه روز، دیگران- مخصوصاً همسایگان- برای اهل خانه میّت که عزادارند، غذا بفرستند. (3) متأسّفانه در عصر ما قضیّه برعکس شده و گروه های زیادی از مردم، انتظار دارند عزاداران از آنها پذیرایی کنند، و گاه مخارج هنگفتی بر آنان تحمیل می شود و مصیبت آنها را افزون می کند؛ چه خوب است این بدعت ها ترک شود.

1- [1841]مصباح كفعمى، صفحه 411 و بلدالامين، صفحه 164 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 219، حديث 5.

2- [1842]توضيح المسائل.

3- [1843]زاد المعاد، صفحه 570 و 571.(با تصرّف و تلخيص)

8- صبر بر مصيبت و مراسم سوگوارى

مرحوم «علاّمه مجلسى» مى نويسد: «لازم است مصيبت ديدگان، در مصيبت صبر كنند، و به قضاى الهى راضى باشند، و بدانند كه خداوند صابران را پاداش فراوانى عنايت مى فرمايد. مستحب است بسيار بگويند:

«إنَّا لِلَّهِ وَإنَّا إلَيْهِ راجِعُونَ»

، تا گناهانش آمرزيده شود» (و مفهوم آيه كه «همه چيز حتّى خود ما، از خداييم و به سوى او باز مى گرديم»، روح را آرامش مى بخشد).

در روايتى با سند معتبر مى خوانيم: هركس مصيبتى را به خاطر آورد- اگر چه مدّتى از آن گذشته باشد- و بگويد:

إنَّا لِلَّهِ وَ إنَّا إلَيْهِ راجِعُونَ، وَ الْحَمدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، اللَّهُمَّ اْجُرْنى عَلى

ما از خداييم و به سوى او باز مى گرديم و ستايش ويژه پروردگار جهانيان است. خدايا بر اين

مُصيبَتى وَ اخْلُفْ عَلَىَّ أفْضَلَ مِنْها، پاداش آن مصيبت به او داده خواهد شد».(1) مصيبت مرا پاداش ده و بهتر از آن را برايم جانشين قرار ده**************************

به خصوص، صبر كردن بر مصيبت از دست دادن فرزند بسيار سفارش شده است و به گفته «علاّمه مجلسى» رحمه الله در حديث معتبرى آمده است: «هر كس فرزندش از دنيا برود و بر آن صبر و شكيبايى كند، براى او بهتر است از آن كه فرزندان زيادى از وى بمانند و در راه خدا جهاد نمايند!».

و روايت شده است: «پاداش مؤمن به خاطر از دست دادن فرزندش بهشت است ...».(2) مناسب است انسان به هنگام مصيبت، به ياد مصائب اهل بيت عليهم السلام و پيشوايان بزرگ بيفتد و به ياد مظلوميّت آنان اشك بريزد كه به يقين پاداشى مضاعف خواهد داشت و در ضمن به آرامش نيز مى رسد.

در احاديث معتبرى آمده است كه: «به هر كس مصيبتى رسد، مصيبت و مشكلات رسول خدا صلى الله عليه و آله را به ياد آورد كه مصيبت هاى او،

از دشوارترین مصائب می باشد»(3) و در هر مصیبتی فکر کند که ممکن بود از آن مهمتر واقع شود، و واقع نشده، و خدا را بر آن شکر گوید.

در روایت معتبری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت به هنگام مصیبت این دعا را می خواندند:

الْحَمْدُللَّهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْ مُصِیبَتِی فِی دِینی، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَوْ

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که مصیبت را در دینم قرار نداد، و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که اگر

1- [1844]زاد المعاد، صفحه 570.
2- [1845]همان مدرک، صفحه 572.
3- [1846]همان مدرک.

شاءَ جَعَلَ مُصِيبَتى أَعْظَمَ مِمَّا كانَتْ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى الْأَمْرِ الَّذِى شاءَ

می خواست مصیبتم را بزرگتر از آن که بود قرار می داد، و حمد و سپاس مخصوص خداوند است بر آنچه اراده

أَنْ يَكُونَ فَكانَ.(1)

انجام آن کرد و انجام شد.

برای عزاداری بر اموات، نباید بازماندگان مرتکب کارهای خلاف شرع گردند و یا در هزینه ها دچار اسراف شوند.

مناسب است، مراسم عزاداری و مجلس فاتحه، ساده برگزار شود و از آن هزینه ها، برای انجام امور خیر و پرداخت کفّارات و دیون میّت و نماز و روزه او- اگر نماز و روزه قضا دارد- مصرف کنند.

همچنین از حرکات ناپسند به هنگام ندبه و گریه و عزاداری برای میّت، پرهیز نمایند و با گذاشتن دستگاه های صوتی قوی، برای مردم و همسایگان مزاحمت ایجاد نکنند.

مرحوم «علّامه مجلسی» می گوید: «مشهور آن است که به هنگام عزاداری- جز در مرگ پدر و برادر- جامه دریدن و پاره کردن یقه، جایز نیست، و همچنین جایز نیست، انسان در مرگ کسی صورت و بدن خود را بخراشد و مو از سر و صورت بکند».(2) اگر مرد در مرگ زن، یا فرزند، لباس خود را پاره کند، یا زن در عزای میّت، صورت خود را بخراشد، به طوری که خون بیاید، یا موی خود را بکند، بنابر احتیاط واجب، باید کفّاره ای مانند کفّاره قسم بدهد، یعنی ده فقیر را اطعام کند و یا آنها را با لباسی بپوشاند و اگر نتواند، سه روز روزه بگیرد؛ بلکه اگر خون هم نیاید نیز، به این دستور عمل نماید.(3) گریه و ندبه برای میّت جایز است، ولی نوحه سرایی او باید بحقّ باشد و در ذکر اوصاف میّت مبالغه نکند و دروغ نگوید. البتّه بجاست که به عیوب میّت اشاره نشود.(4) به هر حال، ندبه و گریه- که از عواطف انسانی سرچشمه می گیرد- جایز، بلکه پسندیده است؛ ولی در هر حال، نباید از اعتدال خارج شود یا به گناه آلوده گردد، بلکه با صبر و شکیبایی و توجّه به مسأله مرگ، که روزی دامان همه ما را خواهد گرفت، و آمادگی برای حسابرسی الهی، علاوه بر دریافت پاداش «صابران»، به

خود سازی و تهذیب نفس بپردازد، و گرد و غبار غفلت را- که سبب انواع گناهان است- از روح و جانش بزداید و توجّه اش را به خدا بیشتر کند.

از خداوند بزرگ می خواهیم که عاقبت همه ما را ختم به خیر فرماید و مرگ را آغاز آرامش و آسایش ما قرار دهد.

ص: 1195

1- [1847]زاد المعاد، صفحه 573.
2- [1848]همان مدرک، صفحه 569.
3- [1849]همان مدرک، صفحه 570 و رساله های توضیح المسائل.
4- [1850]همان مدرک، صفحه 571.

9- خیرات برای اموات

سزاوار است بازماندگان، اموات خویش را فراموش نکنند؛ زیرا آنان دستشان از اعمال خیر کوتاه است و لذا به احسان و دعای فرزندان و خویشان و دوستان مؤمن خود، نیازمندند.

مرحوم «علّامه مجلسی» می فرماید: مخصوصاً دعا کردن برای آنان در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مکان های زیارتی خوب است و برای پدر و مادر باید بیشتر دعا کرد و اعمال خیر برای آنان بجا آورد.

عمده خیرات برای پدر و مادر، ادای قرض آنان و ادای حقوق خدا و خلق از جانب آنان است.(1) در روایتی آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای مردگان خود هدیه بفرستید! گفتند: هدیه برای آنان چیست؟ فرمود: صدقه و دعا.(2) همچنین فرمود: ارواح مؤمنان هر جمعه، به آسمان دنیا در برابر خانه ها و منزل های خود می آیند و با صدای غمناکی ندا می دهند که ای خانواده ما، ای فرزندان ما و ای پدر و مادر و خویشان ما! به ما مهربانی کنید؛ از اموالی که در دست ما بود (و اکنون در اختیار شماست) با دادن درهمی و قرص نانی و جامه ای نسبت به ما ترحّم آورید، که خداوند شما را از جامه بهشت بپوشاند!

رسول خدا صلی الله علیه و آله که این جملات را فرمود گریه کرد و صحابه نیز همراه او گریستند ....(3) همچنین آن حضرت فرمود: هر صدقه ای که برای میّت داده می شود، فرشته ای آن را به مانند طبقی از نور می گیرد و به کنار قبر می آورد و می گوید: «

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اهْلَ الْقُبُورِ

» این هدیه را خانواده شما برای شما فرستاده اند. آنگاه آن میّت این هدیه را تحویل می گیرد و وارد قبرش می کند که همین سبب فراخی قبرش (و آسایش و آسودگی او) می گردد.(4) مرحوم «علّامه مجلسی» می فرماید: «در حدیث صحیحی آمده است که امام صادق علیه السلام در هر شب برای فرزند خود و در هر روز، برای پدر و مادر خود، دو رکعت نماز می خواندند (و به روح آنان هدیه می کردند) در رکعت اوّل سوره «

انّا انزلناه

» و در رکعت دوم سوره «

کوثر

» را می خواندند». (5) نکته قابل توجّه آن است که انجام کارهای خیر، جهت اموات برای کسانی که آن را انجام می دهند نیز ثواب و پاداش فراوان دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود: ثواب اعمال خیر، برای کسی که برای مردگان انجام می دهد، برای او و برای آن مرده، هر دو نوشته می شود. (6)

ص: 1196

1- [1851]زاد المعاد، صفحه 573.
2- [1852]مستدرک الوسائل، جلد 2، صفحه 484، حدیث 23.
3- [1853]همان مدرک، حدیث 24.
4- [1854]همان مدرک، صفحه 114، حدیث 11.
5- [1855]زاد المعاد، صفحه 573.
6- [1856]همان مدرک، صفحه 574.

توضیحی درباره حدیث کِسا

اصل حدیث کِسا میان شیعه و اهل سنّت بسیار مشهور و معروف است و جای هیچ گونه تردیدی نیست که رسول خدا صلی الله علیه و آله در منزل حضرت زهرا علیها السلام، و یا در خانه خودش زیر پارچه ای شبیه عبا قرار گرفت و حضرت علی و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام را زیر آن جای داد و از آنان به عظمت و بزرگی یاد نمود و آن جمع را مصداق آیه:

«انَّما یُریدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً»؛

همانا خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد» معرّفی کرد.(1) آنچه در اینجا به عنوان حدیث کِسا نقل می شود، حدیث مشروح و مفصلی است که برابر روایتی، خواندن آن به این نحو، دارای پاداش و آثار و برکات فراوانی است. و در ذیل آن آمده است: «در هر محفلی که شیعیان و علاقمندان ما این حدیث را بخوانند، رحمت الهی بر آنان نازل می شود، فرشتگان برای آنها استغفار می کنند، اندوهِ غم زدگان برطرف می شود و حاجات روا خواهد شد».

این حدیث نخستین بار در کتاب «منتخب طریحی» (متوفّای 1085) از علمای قرن یازدهم آمده است. محدّث بزرگوار مرحوم حاج شیخ عباس قمی در منتهی الآمال، در شرح زندگانی امام حسین علیه السلام پس از بیان این نکته که «حدیث اجتماع خمسه طیبه علیهم السلام» تحت کِسا از احادیث متواتره است، می نویسد: «اما حدیث معروف به حدیث کسا که در زمان ما شایع است، به این کیفیّت در کتب معتبر و معروف و اصول حدیث و مجامع متقنه محدّثین دیده نشده، می توان گفت از خصایص کتاب «منتخب» است».

از این رو، جناب ایشان آن را در مفاتیح الجنان نیاورده است و ناشران برخلاف میل آن بزرگوار آن را در پایان مفاتیح اضافه کرده اند.

پس از کتاب «منتخب»، این حدیث در کتاب «عوالم» آمده است. صاحب کتاب عوالم (شیخ عبداللَّه بحرانی) از شاگردان مرحوم علّامه مجلسی و از علمای قرن دوازدهم است. در این کتاب برای این حدیث سندی ذکر کرده است که از جهاتی جای تأمل دارد:

1- [1857]سوره احزاب، آیه 33.(برای آگاهی از این حدیث، و شأن نزول آیه تطهیر، به تفسیر نمونه، جلد 17، ذیل آیه 33 سوره احزاب مراجعه فرمایید).

الف) سند این حدیث مطابق نسخه خطی موجود در کتابخانه یزد، در متن کتاب نبوده است، بلکه در حاشیه آن آمده است و خط آن نیز با خطّ متن که دست خطّ صاحب عوالم است، متفاوت می باشد.

ب) برخی از افراد سلسله سند، حدود هشتاد سال با یکدیگر فاصله دارند که قاعدتاً یکی از آنها نمی تواند از دیگری نقل حدیث نماید.

ج) بعضی از افراد این سند در کتب رجالی توثیق نشده اند.

ولی از آنجا که محتوای حدیث اشکال خاصّی ندارد و بعضی از علما به قرائت آن اهمیّت می دادند و با توجه به «احادیث من بلغ» می توان آن را به «قصد رجا» و به امید برآورده شدن حاجات خواند. این حدیث مطابق نقل «عوالم» چنین است:[1858] بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

عَنْ فاطِمَهَ الزَّهْرآءِ عَلَیْهَا السَّلامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ،

(جابر) از فاطمه زهرا- که درود خدا بر او باد- دختر رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- (روایت کرده)

قالَ سَمِعْتُ فاطِمَهَ انَّها قالَتْ: دَخَلَ عَلَیَّ ابی رَسُولُ اللَّهِ فی بَعْضِ الْأَیَّامِ،

و گفت: شنیدم که حضرت فاطمه فرمود: پدرم رسول خدا روزی از روزها بر من وارد شد

فَقالَ السَّلامُ عَلَیْکِ یا فاطِمَهُ، فَقُلْتُ عَلَیْکَ السَّلامُ، قالَ انّی اجِدُ فی

و فرمود: سلام بر تو ای فاطمه، پس گفتم: بر تو سلام باد، فرمود: من در بدنم

بَدَنی ضُعْفاً، فَقُلْتُ لَهُ اعیذُکَ بِاللَّهِ یا ابَتاهُ مِنَ الضُّعْفِ، فَقَالَ یا فاطِمَهُ

احساس ضعف می کنم، به ایشان گفتم، ای پدر! تو را از ضعف در پناه خدا قرار می دهم، پس فرمود: ای فاطمه،

ایتینی بِالْکِساءِ الْیَمانی فَغَطّینی بِهِ، فَاتَیْتُهُ بِالْکِساءِ الْیَمانی فَغَطَّیْتُهُ بِهِ،

کسا و عبای یمنی را برایم بیاور و مرا با آن بپوشان، پس من کسای یمنی را آورده و ایشان را با آن پوشاندم،

وَصِرْتُ انْظُرُ الَیْهِ، وَاذاوَجْهُهُ یَتَلَأْلَؤُ، کَانَّهُ الْبَدْرُفی لَیْلَهِ تَمامِهِ وَکَمالِهِ،

و پیوسته به او نگاه می کردم و در این هنگام صورتش می درخشید همانند قرص ماه کامل در شب چهاردهم،

فَما کانَتْ الَّا ساعَهً، وَاذا بِوَلَدِیَ الْحَسَنِ قَدْاقْبَلَ، وَقالَ السَّلامُ عَلَیْکِ یا

پس ساعتی نگذشته بود که فرزندم حسن داخل شد و گفت سلام بر تو ای

ص: 1198

امَّاهُ، فَقُلْتُ وَعَلَيْکَ السَّلامُ يا قُرَّةَ عَيْنى وَثَمَرَةَ فُؤادى فَقالَ يا امَّاهُ، انّى

مادرم گفتم: و بر تو سلام باد ای نور چشمم و میوه دلم، گفت: ای مادرم، من

اشَمُّ عِنْدَكِ رآئِحَةً طَيِّبَةً، كَانَّها رآئِحَةُ جَدّى رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ نَعَمْ، انَ

نزد تو بوی خوشی استشمام می کنم، گویا بوی جدّم رسول خداست، گفتم: آری،

جَدَّکَ تَحْتَ الْكِساۤءِ، فَاقْبَلَ الْحَسَنُ نَحْوَ الْكِساۤءِ، وَقالَ السَّلامُ عَلَيْکَ يا

جدّت زیر کساست، پس حسن به سوی کسا رفته و گفت: سلام بر تو ای

جَدَّاهُ يا رَسُولَ اللَّهِ، اتَاْذَنُ لى انْ ادْخُلَ مَعَکَ تَحْتَ الْكِساۤءِ، فَقالَ

جدّم، ای رسول خدا، آیا به من اجازه می دهید که همراه تو در زیر کسا باشم، فرمود:

وَعَلَيْکَ السَّلامُ يا وَلَدى وَيا صاحِبَ حَوْضى قَدْ اذِنْتُ لَکَ، فَدَخَلَ مَعَهُ

و بر تو سلام باد ای فرزندم و ای صاحب حوض کوثر من، به تو اجازه دادم حسن همراه او

تَحْتَ الْكِساۤءِ، فَما كانَتْ الَّا ساعَةً وَاذا بِوَلَدِىَ الْحُسَيْنِ قَدْ اقْبَلَ، وَقالَ

زیر کسا داخل شد، ساعتی نگذشته بود که فرزندم حسین داخل شد، و گفت:

السَّلامُ عَلَيْكِ يا امَّاهُ، فَقُلْتُ وَ عَلَيْکَ السَّلامُ يا وَلَدى وَيا قُرَّةَ عَيْنى

سلام بر تو ای مادر، گفتم؛ و بر تو سلام باد ای فرزندم و ای نور چشمم

وَثَمَرَةَ فُؤادى فَقالَ لى يا امَّاهُ، انّى اشَمُّ عِنْدَكِ رآئِحَةً طَيِّبَةً كَانَّها رآئِحَةُ

و میوه دلم گفت: ای مادرم، من نزد تو بوی خوشی استشمام می کنم، گویا بوی

جَدّی رَسُولِ اللّهِ صَلّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، فَقُلْتُ نَعَمْ، انَّ جَدَّکَ وَاخاکَ تَحْتَ

جدم رسول خداست- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- گفتم: آری همانا جدّ و برادرت زیر

الْکِساۤءِ، فَدَنَی الْحُسَیْنُ نَحْوَ الْکِساۤءِ، وَقالَ السَّلامُ عَلَیْکَ یا جَدّاهُ،

کسا هستند، سپس حسین به کسا نزدیک شد و گفت: سلام بر تو ای جدّم،

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنِ اخْتارَهُ اللّهُ، اتَأْذَنُ لی انْ اکُونَ مَعَکُما تَحْتَ الْکِساۤءِ،

سلام بر تو، ای که خدا او را برگزیده است، آیا به من اجازه می دهی که همراه تو در زیر کسا باشم،

فَقالَ وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا وَلَدی وَ یا شافِعَ امَّتی قَدْ اذِنْتُ لَکَ، فَدَخَلَ

فرمود: و بر تو سلام باد ای فرزندم و ای شفاعت کننده امّتم، به تو اجازه دادم

مَعَهُما تَحْتَ الْکِساۤءِ، فَاقْبَلَ عِنْدَ ذلِکَ ابُوالْحَسَنِ عَلِیُّ بْنُ ابی طالِبٍ،

حسین با ایشان در زیر کسا داخل شد، در این هنگام ابوالحسن علی بن ابیطالب وارد شد

ص: 1199

وَقالَ السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ وَعَلَیْکَ السَّلامُ یا

و فرمود سلام بر تو ای دختر رسول خدا گفتم: و بر تو باد سلام ای

اَبَاالْحَسَنِ، وَ یا امیرَالْمُؤْمِنینَ، فَقالَ یا فاطِمَهُ، انّی اَشَمُّ عِنْدَکِ رائِحَهً

ابا الحسن و ای امیر مؤمنان، فرمود: ای فاطمه، من نزد تو بوی خوشی استشمام می کنم،

طَیِّبَهً، کَاَنَّها رآئِحَهُ اخی وَابْنِ عَمّی رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ نَعَمْ، ها هُوَ مَعَ

گویا بوی برادر و پسر عمویم رسول خداست، گفتم: آری او به همراه

وَلَدَیْکَ تَحْتَ الْکِساآءِ، فَاَقْبَلَ عَلِیٌّ نَحْوَ الْکِساآءِ، وَقالَ السَّلامُ عَلَیْکَ یا

دو فرزندت زیر کسا هستند، علی به طرف کسا رفت و گفت: سلام بر تو ای

رَسُولَ اللَّهِ، اَتَأْذَنُ لی اَنْ اَکُونَ مَعَکُمْ تَحْتَ الْکِساآءِ، قالَ لَهُ وَعَلَیْکَ

رسول خدا، آیا اجازه می دهی که همراه شما در زیر کسا باشم به او فرمود: و بر تو

السَّلامُ، یا اخی یا وَصِیّی وَخَلیفَتی وَصاحِبَ لِوآئی قَدْ اَذِنْتُ لَکَ،

سلام باد ای برادرم، ای وصی و جانشین و پرچمدارم، به تو اجازه دادم

فَدَخَلَ عَلِیٌّ تَحْتَ الْکِساآءِ، ثُمَّ اَتَیْتُ نَحْوَ الْکِساآءِ، وَقُلْتُ السَّلامُ عَلَیْکَ

پس علی زیر کسا داخل شد، سپس من به طرف کسا رفتم و گفتم: سلام بر تو

یا اَبَتاهُ یا رَسُولَ اللَّهِ، اَتَأْذَنُ لی اَن اَکُونَ مَعَکُمْ تَحْتَ الْکِساآءِ، قالَ

ای پدرم ای رسول خدا، آیا اجازه می دهی که من نیز همراه شما زیر کسا باشم، فرمود:

وَعَلَيْكِ السَّلامُ يا بِنْتى وَيا بَضْعَتى قَدْ اذِنْتُ لَكِ، فَدَخَلْتُ تَحْتَ

و بر تو سلام باد؛ ای دخترم و ای پاره تنم، به تو اجازه دادم، پس زیر کسا داخل شدم،

الْكِسآءِ، فَلَمَّا اكْتَمَلْنا جَميعاً تَحْتَ الْكِسآءِ، اخَذَ ابى رَسُولُ اللَّهِ بِطَرَفَيِ

هنگامی که همه در زیر کسا جمع شدیم، پدرم رسول خدا دو طرف

الْكِسآءِ، وَ اوْمَئَ بِيَدِهِ الْيُمْنى الَى السَّمآءِ، وَقالَ اللَّهُمَّ انَّ هؤُلاءِ اهْلُ

کسا را گرفته و با دست راستش به آسمان اشاره کرده و فرمود: خدایا اینها خانواده

بَيْتى وَخآصَّتى وَحآمَّتى لَحْمُهُمْ لَحْمى وَدَمُهُمْ دَمى يُؤْلِمُنى ما

و نزدیکان و همنشینان منند، گوشتشان از گوشت من و خونشان از خون من است، آنچه ایشان را آزار دهد

يُؤْلِمُهُمْ، وَيَحْزُنُنى ما يَحْزُنُهُمْ، انَا حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَهُمْ، وَسِلْمٌ لِمَنْ

مرا می آزارد و آنچه ایشان را غمگین می کند، مرا غمگین می کند، در جنگم با آن که با آنان در جنگ است و در صلحم با آن که

ص :1200

سالَمَهُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُمْ، وَ مُحِبٌّ لِمَنْ احَبَّهُمْ، انَّهُمْ مِنّی وَ انَا مِنْهُمْ،

با ایشان در صلح است و دشمنم با آن که با ایشان دشمن است و دوست دارم کسی که آنان را دوست دارد، ایشان از من و من از ایشانم،

فَاجْعَلْ صَلَواتِکَ وَ بَرَکاتِکَ، وَ رَحْمَتَکَ وَ غُفْرانَکَ وَ رِضْوانَکَ، عَلَیَ

پس درود و برکات و رحمتت و آمرزش و خشنودیت را بر من و آنها قرار ده،

وَعَلَیْهِمْ، وَ اذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ، وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهیراً، فَقالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ یا

و پلیدی را از ایشان دور کن و آنها را به طور کامل پاک گردان، خداوند عزیز و گرامی فرمود: ای

مَلائِکَتی وَ یا سُکَّانَ سَمواتی انّی ما خَلَقْتُ سَمآءً مَبْنِیَّةً، وَلا ارْضاً

ملائکه من و ای ساکنان آسمانهایم، من نیافریدم آسمان بر افراشته و زمین

مَدْحِیَّةً، وَ لا قَمَراً مُنیراً، وَلا شَمْساً مُضِیئَةً، وَلا فَلَکاً یَدُورُ، وَلا بَحْراً

گسترده و ماه درخشان و خورشید نورانی و چرخ گردون و دریای

یَجْری وَلا فُلْکاً یَسْری الَّا فی مَحَبَّةِ هؤُلاءِ الْخَمْسَةِ، الَّذینَ هُمْ تَحْتَ

جاری و کشتیهای در حرکت را مگر در دوستی این پنج تن که در زیر

الْکِسآءِ، فَقالَ الْأَمینُ جِبْرآئیلُ، یا رَبِّ، وَ مَنْ تَحْتَ الْکِسآءِ، فَقالَ

کسا هستند، پس جبرئیل امین عرض کرد: ای پروردگار من، چه کسانی زیر کسا هستند؟ خداوند

عَزَّوَجَلَّ، هُمْ اهْلُ بَیْتِ النُّبُوَّهِ، وَمَعْدِنُ الرِّسالَهِ، هُمْ فاطِمَهُ وَابُوها،

عزیز و گرامی فرمود: آنها خاندان نبوّت و گنجینه رسالتند، آنها فاطمه و پدرش

وَبَعْلَها وَ بَنُوها، فَقالَ جِبْرآئیلُ یا رَبِّ، اتَاْذَنُ لی انْ اهْبِطَ الَی الْاَرْضِ

و شوهرش و فرزندانش هستند، سپس جبرئیل عرض کرد: ای پروردگار من آیا به من اجازه می دهی که به زمین فرود آیم

لِأَکُونَ مَعَهُمْ سادِساً، فَقالَ اللَّهُ نَعَمْ قَدْ اذِنْتُ لَکَ، فَهَبَطَ الْأَمینُ جِبْرآئیلُ،

تا ششمین آنها باشم؟ خدا فرمود: بله اجازه می دهم، پس جبرئیل امین فرود آمد

وَ قالَ السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللَّهِ، الْعَلِیُّ الْأَعْلی یُقْرِئُکَ السَّلامَ،

و عرض کرد: سلام بر تو ای رسول خدا، خدای برتر و بلند مرتبه به تو سلام می رساند

وَیَخُصُّکَ بِالتَّحِیَّهِ وَالْإِکْرامِ، وَیَقُولُ لَکَ وَ عِزَّتی وَ جَلالی انّی ما خَلَقْتُ

و تو را به تحیّت و بزرگواری اختصاص داده، می فرماید: به عزّت و جلالم سوگند که نیافریدم

سَماۤءً مَبْنِیَّهً، وَلا ارْضاً مَدْحِیَّهً، وَ لا قَمَراً مُنیراً، وَلا شَمْساً مُضیئَهً، وَ لا

آسمان بر افراشته و زمین گسترده و ماه درخشان و خورشید نورانی و

فَلَکاً یَدُورُ، وَ لا بَحْراً یَجْری وَلا فُلْکاً یَسْری الَّا لِأَجْلِکُمْ وَ مَحَبَّتِکُمْ،

چرخ گردون و دریای جاری و کشتیهای در حرکت را مگر بخاطر شما و دوستی شما

وَ قَدْ اذِنَ لی انْ ادْخُلَ مَعَکُمْ، فَهَلْ تَأْذَنُ لی یا رَسُولَ اللَّهِ، فَقالَ رَسُولُ اللَّهِ

و به من اجازه فرموده که با شما باشم، ای رسول خدا آیا به من اجازه می دهی؟ رسول خدا فرمود:

وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا امینَ وَحْیِ اللَّهِ، انَّهُ نَعَمْ، قَدْ اذِنْتُ لَکَ، فَدَخَلَ جِبْرآئیلُ

و بر تو سلام باد ای امین وحی خدا، بله اجازه می دهم، پس جبرئیل همراه ما

مَعَنا تَحْتَ الْکِساۤءِ، فَقالَ لِأَبی انَّ اللَّهَ قَدْ اوْحی الَیْکُمْ، یَقُولُ انَّما یُریدُ

زیر کسا داخل شد، سپس به پدرم عرض کرد: خداوند به شما وحی کرده و می فرماید: خداوند اراده کرده

اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً، فَقالَ عَلِیٌ

که پلیدی را از شما اهل بیت دور کرده و به طور کامل شما را پاک گرداند، پس علی

لِأَبی صلی الله علیه و آله، یا رَسُولَ اللَّهِ، اخْبِرْنی ما لِجُلُوسِنا هذا تَحْتَ الْکِساۤءِ مِنَ

به پدرم گفت: ای رسول خدا، بگو نشستن ما، در زیر کسا

الْفَضْلِ عِنْدَاللَّهِ، فَقالَ النَّبِیُّ، وَالَّذی بَعَثَنی بِالْحَقِّ نَبِیّاً، وَ اصْطَفانی

نزد خدا چه فضیلتی دارد؟ پیامبرفرمود: قسم به آن که مرا به حق به پیامبری مبعوث کرد و مرا به

بِالرِّسالَهِ نَجِیّاً، ما ذُکِرَ خَبَرُنا هذا فی مَحْفِلٍ مِنْ مَحافِلِ اهْلِ الْأَرْضِ،

رسالت برای نجات خلق برگزید، این خبر ما در هر محفل از محافل اهل زمین

وَفیهِ جَمْعٌ مِنْ شَیعَتِنا وَ مُحِبّینا، الّا وَ نَزَلَتْ عَلَیْهِمُ الرَّحْمَهُ، وَحَفَّتْ بِهِمُ

که در آن گروهی از شیعیان و دوستداران ما هستند ذکر شود، رحمت خدا بر ایشان نازل شده و فرشتگان آنها را در بر گرفته

الْمَلائِکَهُ، وَاسْتَغْفَرَتْ لَهُمْ الی انْ یَتَفَرَّقُوا، فَقالَ عَلِیٌّ اذاً وَاللَّهِ فُزْنا، وَ فازَ

و برای ایشان طلب آمرزش می کنند تا زمانی که متفرّق شوند، علی گفت: به خدا سوگند ما رستگار شدیم

شیعَتُنا وَ رَبِّ الْکَعْبَهِ، فَقالَ النَّبِیُّ ثانِیاً، یا عَلِیُّ وَالَّذی بَعَثَنی بِالْحَقِّ نَبِیّاً،

و قسم به پروردگار کعبه شیعیان ما نیز رستگارند سپس پیامبر دوباره فرمود: ای علی قسم به آن که مرا به حق به پیامبری مبعوث کرد

وَاصْطَفانی بِالرِّسالَهِ نَجِیّاً، ما ذُکِرَ خَبَرُنا هذا فی مَحْفِلٍ مِنْ مَحافِلِ اهْلِ

و مرا به رسالت نجات خلق برگزید، این خبر ما در هر محفل از محافل اهل

الْأَرْضِ، وَ فیهِ جَمْعٌ مِنْ شیعَتِنا وَ مُحِبّینا، وَ فیهِمْ مَهْمُومٌ الّا وَفَرَّجَ اللَّهُ

زمین که در آن گروهی از شیعیان و دوستداران ما هستند ذکر شود و در میان آنها اندوهگینی باشد خدا

ص :1202

هَمَّهُ، وَ لا مَغْمُومٌ الَّا وَ كَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ، وَ لا طالِبُ حاجَهٍ الَّا وَقَضَى

اندوهش را برطرف می کند و غمزده ای باشد خدا غمش را برطرف می کند و حاجتمندی باشد خدا

اللّهُ حاجَتَهُ، فَقالَ عَلِیٌّ اذاً وَاللَّهِ فُزْنا وَ سُعِدْنا، وَ كَذلِکَ شیعَتُنا فازُوا

حاجتش را روا می سازد، علی عرض کرد: پس به خدا سوگند رستگار و سعادتمند شدیم

وَ سُعِدُوا فِی الدُّنْیا وَ الْأخِرَهِ وَ رَبِّ الْكَعْبَهِ.

و همچنین به پروردگار کعبه سوگند شیعیان ما در دنیا و آخرت رستگار و سعادتمند شدند.

آخرین سخن:

در پایان از همه خوانندگان عزیز می خواهیم که مقدّمات و نکاتی را که در هر بخش از این کتاب برای آماده ساختن روح و فکر خوانندگان عزیز نسبت به محتوا و فلسفه دعاها و زیارات و نمازها نوشته شده به دقّت بخوانند و آنها را به کار برند تا به پاداشهای مهمّی که در روایات برای آن آمده است برسند و در روح و جان آنها تحوّل مطلوب حاصل گردد.

و نیز از همه شما عزیزان تقاضا می کنیم که ما را از دعای خیر فراموش نکنید. همیشه در سایه الطاف خداوند موفّق و سعادتمند باشید. آمین یا ربّ العالمین

پایان

خرداد ماه 1383- ربیع الثانی 1425

ص: 1203

1- قرآن کریم.

2- نهج البلاغه.

3- صحیفه سجادیه.

4- ادب الزائر، علّامه عبدالحسین امینی، مؤسّسه البلاغ، چاپ اوّل، 1424 قمری.

5- ارشاد القلوب حسن بن ابی الحسن دیلمی، انتشارات رضی، چاپ اوّل، 1412 قمری.

6- اعلام الدین حسن بن ابی الحسن دیلمی، مؤسسه آل البیت، چاپ اوّل، 1408 قمری.

7- اعلام الوری امین الاسلام طبرسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم.

8- اقبال الاعمال سید بن طاووس، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، 1367 شمسی.

9- امالی صدوق شیخ صدوق، کتابخانه اسلامیه، چاپ چهارم، 1362 شمسی.

10- امالی طوسی شیخ طوسی، دارالثقافه، قم، چاپ اوّل، 1414 قمری.

11- امالی مفید، شیخ مفید، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ دوم، 1413 قمری.

12- انوارالبهیه، شیخ عباس قمی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اوّل، 1417 قمری.

13- بحار الانوار، علّامه محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم، 1403 قمری.

14- بصائر الدرجات محمد بن حسن بن فروخ صفار، کتابخانه آیهاللّٰه مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، 1404 قمری.

15- بشاره المصطفی عماد الدین طبری، کتابخانه حیدریه، نجف، چاپ دوم، 1383 قمری.

16- بلد الامین شیخ تقی الدّین ابراهیم بن علی کفعمی، چاپ سنگی.

17- بیت الاحزان شیخ عباس قمی، دارالحکمه، قم، چاپ اوّل، 1412 قمری.

18- پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام آیه اللّه العظمی مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، 1379 شمسی.

19- تاریخ طبری محمد بن جریر طبری، مؤسّسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ چهارم، 1403 قمری.

20- تتمه المنتهی شیخ عباس قمی، انتشارات داوری، قم، چاپ چهارم، 1417 قمری.

21- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام امام حسن عسکری علیه السلام، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ اوّل، 1409

ص: 1205

قمری.

22- تفسیر عیاشی محمد بن مسعود عیاشی، انتشارات علمیه، تهران، 1380 قمری.

23- تفسیر قمی علی بن ابراهیم قمی، مؤسسه دارالکتاب، تهران، چاپ سوم، 1414 قمری.

24- تفسیر نمونه آیه اللّٰه العظمی مکارم شیرازی و همکاران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و سوم، پائیز 1367.

25- تهذیب الاحکام شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، 1365 شمسی.

26- ثواب الاعمال شیخ صدوق، انتشارات رضی، قم، چاپ دوم، 1368 شمسی.

27- جامع الاخبار، تاج الدین شعیری، انتشارات رضی، قم، چاپ دوم، 1363 شمسی.

28- جمال الاسبوع سیّد بن طاووس، انتشارات رضی، قم.

29- جواهرالکلام شیخ محمد حسن نجفی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، 1365 شمسی.

30- حبل المتین شیخ بهاء الدین عاملی، انتشارات بصیرتی، قم، 1398 قمری.

31- حلیه المتقین علّامه محمد باقر مجلسی، انتشارات هجرت، قم، چاپ نهم، زمستان 1375.

32- خصال شیخ صدوق، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، 1403 قمری.

33- درّالمنثور، جلال الدین سیوطی، دارالمعرفه، جده، چاپ اوّل، 1365 قمری.

34- دروس محمد بن مکّی عاملی (شهید اوّل)، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اوّل، 1414 قمری.

35- دعائم الاسلام نعمان بن محمد، دارالمعارف، مصر، چاپ دوم، 1385 قمری.

36- دعوات قطب الدین راوندی، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ اوّل، 1407 قمری.

37- الذریعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، دارالاضواء، بیروت، چاپ سوم، 1403 قمری.

38- ربع قرن مع العلامه الامینی حسین شاکری، چاپ اوّل، 1417 قمری.

39- رجال کشی محمد بن عمر کشی، انتشارات دانشگاه مشهد، 1348 شمسی.

40- روضه المتقین محمد تقی مجلسی (مجلسی اوّل)، بنیاد فرهنگ اسلامی.

41- زاد المعاد، علّامه محمد باقر مجلسی، دارالکتب اسلامیه، تهران، 1378 قمری.

42- سرائر، ابن ادریس حلی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ دوم، 1411 قمری.

43- سفرنامه ابن بطوطه محمد بن عبداللَّه طنجی (ابن بطوطه)، ترجمه دکتر محمد علی موحد، سپهر نقش، چاپ ششم، پاییز 1376 شمسی.

44- سنن دارمی عبداللَّه بن بهرام دارمی، نشر مطبعه الاعتدال، دمشق.

45- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، کتابخانه آیه اللَّه مرعشی نجفی، قم، 1404 قمری.

46- شرح نهج البلاغه (منهاج البراعه)، علّامه میرزا حبیب اللَّه خویی، دارالکتب اسلامیه، تهران، چاپ سوم،

1386 قمری.

47- صحیفه علویّه مؤسسه امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ اوّل، 1418 قمری.

48- طبّ الائمه عبداللّٰه و حسین ابنا بسطام، انتشارات رضی، چاپ دوم، 1411 قمری.

49- عده الداعی ابن فهد حلی، دارالکتب الاسلامیّه، تهران، چاپ اوّل، 1407 قمری.

50- علل الشرایع شیخ صدوق، مکتبه الداوری، قم.

51- عوالی اللئالی ابن ابی جمهور احسائی، انتشارات سید الشهداء، چاپ اوّل، 1405 قمری.

52- عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق، انتشارات جوان، 1378 قمری.

53- فتح الابواب سیّد بن طاووس، مؤسسه آل البیت، قم، چاپ اوّل، 1409 هجری.

54- الفرج بعد الشده، حسن بن ابی قاسم تنوخی، انتشارات رضی، قم، چاپ دوم، 1364 شمسی.

55- فرحه الغری سیّد بن طاووس، انتشارات رضی.

56- فروغی از کوثر، انتشارات زائر، قم.

57- فصول المختاره شیخ مفید، دارالمفید، بیروت، چاپ دوم، 1414 قمری.

58- فلاح السائل سید بن طاووس، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.

59- فوائد الرضویه، شیخ عباس قمی.

60- قرب الاسناد، عبداللّه بن جعفر حمیری، کتابخانه نینوا، چاپ سنگی، تهران.

61- کامل الزیارات ابن قولویه قمی، انتشارات مرتضویه، نجف، 1356 قمری.

62- کافی محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، 1365 شمسی.

63- الکامل فی التاریخ ابن اثیر جزری، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ سوم، 1418 قمری.

64- کتاب سلیم بن قیس سلیم بن قیس هلالی، انتشارات الهادی، چاپ اوّل، 1415 قمری.

65- کشف المحجه، سید بن طاووس، حیدریه، نجف، 1370 قمری.

66- کشف الغمه، علی بن عیسی اربلی، مکتبه بنی هاشم، تبریز، 1381 قمری.

67- الکلم الطیّب سیّد علی صدر الدین بن معصوم مدنی، مکتبه النجاح، تهران.

68- کمال الدین شیخ صدوق، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، 1395 قمری.

69- کنزالعمال متقی الهندی، مؤسسه الرساله، بیروت.

70- مجمع البیان امین الاسلام طبرسی، مؤسسه اعلمی، بیروت، چاپ اوّل، 1415 قمری.

71- محاسن احمد بن محمد بن خالد برقی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، 1371 قمری.

72- مروج الذهب مسعودی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اوّل، 1422 قمری.

73- مزار، شهید اوّل، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ اوّل، 1410 قمری.

ص: 1207

74- مزار، شيخ مفيد، مدرسه امام مهدى عليه السلام، قم، چاپ اوّل.

75- مزار كبير، محمد بن المشهدى، مؤسسه نشر اسلامى، چاپ اوّل، 1419 قمرى.

76- مسار الشيعه شيخ مفيد، كنگره شيخ مفيد، قم، چاپ اوّل، 1413 قمرى.

77- مستدرک الوسائل ميرزا حسين نورى، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اوّل، 1408 قمرى.

78- مصباح الزائر، سيد بن طاووس، مؤسّسه آل البيت، قم، چاپ اوّل، 1417 قمرى.

79- مصباح كفعمى شيخ تقى الدّين ابراهيم بن على كفعمى، انتشارات رضى، قم، چاپ دوم، 1405 قمرى.

80- مصباح المتهجّد، شيخ طوسى، مؤسسه فقه الشيعه، بيروت، چاپ اوّل، 1411 قمرى.

81- معانى الاخبار، شيخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسين، قم، 1361 شمسى.

82- معجم البلدان ياقوت حموى، دار احياء التراث العربى، بيروت.

83- معجم رجال الحديث آيه اللّه سيد ابوالقاسم خويى، چاپ پنجم، 1413 قمرى.

84- مفاتيح الجنان حاج شيخ عباس قمى.

85- مفتاح الفلاح شيخ بهايى، دارالاضواء، بيروت، چاپ اوّل، 1405 قمرى.

86- مقتل الحسين عبدالرزّاق موسوى المقرّم، دارالثقافه للطباعه و النشر، قم، چاپ دوم، 1411 قمرى.

87- مقتل الحسين عليه السلام ابومخنف، كتابخانه آيه اللّه مرعشى نجفى، قم، 1398 قمرى.

88- مقنعه شیخ مفید، جامعه مدرسین، قم، 1410 قمری.

89- مکارم الاخلاق رضی الدین حسن بن فضل طبرسی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ چهارم، 1412 قمری.

90- مناقب ابن شهر آشوب، مؤسّسه انتشارات علّامه، قم، 1379 قمری.

91- منتهی الامال حاج شیخ عباس قمی.

92- من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق، جامعه مدرسین، قم، چاپ سوم، 1413 قمری.

93- مهج الدعوات سید بن طاوس، دارالذخائر، قم، چاپ اوّل، 1411 قمری.

94- نجم الثاقب حاج میرزا حسین نوری، مسجد مقدس جمکران، قم، چاپ دوم، 1377 شمسی.

95- نورالثقلین عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، 1412 قمری.

96- وسائل الشیعه شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ چهارم، 1391 قمری.

ص: 1208

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109